

ابوالقاسم فردوسی
شاهنامه

پیشش:

جلال خالقی مطلق - محمود امید سالار

پیشش
دوم

طبع انتقادی شاهنامه فردوسی

بکوشش: جلال خالقی مطلق و محمود امید سالار

ناشر: بنیاد میراث ایران، نیویورک

مسئول پخش و توزیع:

Eisenbrauns, Inc.

P.O. Box 275

Winona Lake, Indiana 46590

Tel: (574) 269-2011

Fax: (574) 269-6788

www.eisenbrauns.com

کلیه حقوق برای دکتر جلال خالقی مطلق و حق چاپ برای

ناشر در سراسر جهان محفوظ است.

شابک ISBN: 0933723-85-1

فهرست مطالب دفتر ششم

یازده	دستنویس‌های اساس تصحیح این دفتر
دوازده	مآخذ دیگر
دوازده	برخی نشانه‌ها
سیزده	دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

اسکندر

پادشاهی اسکندر چهارده سال بود

۱۱	گفتار اندر خواب دیدن کید هندی
۲۰	گفتار اندر نامه فرستادن اسکندر بنزدیک کید هند
۲۸	گفتار اندر آزمون اسکندر فیلسوف هند را
۳۱	گفتار اندر آزمون اسکندر بزشک را
۳۵	گفتار اندر آزمون اسکندر جام را
۳۷	گفتار اندر نامه فرستادن اسکندر بنزدیک فور هندی
۴۲	گفتار اندر رزم اسکندر با فور هندی
۴۸	گفتار اندر رفتن اسکندر به خانه‌ی کعبه
۵۲	گفتار اندر نامه فرستادن اسکندر بنزدیک قیدافه
۵۷	گفتار اندر رفتن اسکندر به رسولی بنزد قیدافه
۷۴	گفتار اندر رفتن سکندر به شهر برهمنان
۷۸	گفتار اندر رفتن اسکندر به خاور و دیدن عجایب‌ها

- ۸۰ گفتار اندر رزم اسکندر با حبش
 ۸۱ گفتار اندر رسیدن اسکندر به زمین نرم پایان
 ۸۵ گفتار اندر رسیدن اسکندر به شهر هروم
 ۹۱ گفتار اندر رفتن اسکندر به ظلمات به طلب آب حیوان
 ۹۶ گفتار اندر ساختن اسکندر سدّ یاجوج و مأجوج را
 ۱۰۲ گفتار اندر رسیدن اسکندر به درخت گویا
 ۱۰۶ گفتار اندر رفتن اسکندر به چین
 ۱۰۹ گفتار اندر پاسخ نامه‌ی اسکندر از فغفور چین
 ۱۱۳ گفتار اندر رسیدن اسکندر به شهر یمن
 ۱۱۶ گفتار اندر رسیدن اسکندر در بابل
 ۱۱۹ گفتار اندر اندرز کردن اسکندر
 ۱۲۳ گفتار اندر سپری شدن روزگار اسکندر

اشکانیان

پادشاهی ملوک طوایف دویست و هشتاد و سه سال بود

- ۱۳۵ گفتار اندر ستایش سلطان محمود
 ۱۳۸ آغاز داستان
 ۱۴۰ گفتار اندر به خواب دیدن بابک ساسان را
 ۱۴۲ گفتار اندر زادن اردشیر از مادر
 ۱۴۸ گفتار اندر داستان گلنار با اردشیر بابکان
 ۱۵۲ گفتار اندر گریختن اردشیر از پیش اردوان
 ۱۵۷ گفتار اندر خبر یافتن کشور از اردشیر بابکان
 ۱۶۰ گفتار اندر رزم اردشیر با بهمن اردوان
 ۱۶۲ گفتار اندر جنگ کردن اردشیر با اردوان
 ۱۶۶ گفتار اندر رزم کردن اردشیر با کردان
 ۱۶۸ گفتار اندر شبیخون کردن اردشیر بر کردان
 ۱۷۰ گفتار اندر داستان کرم هفتواد
 ۱۷۵ گفتار اندر لشکر کشیدن اردشیر به رزم هفتواد
 ۱۸۲ گفتار اندر رزم اردشیر با مهرک نوشزاد
 ۱۸۳ گفتار اندر رفتن اردشیر به دز هفتواد به حیلت و کشتن کرم

اردشیر

پادشاهی اردشیر بابکان چهل و دو سال بود

۲۰۷	گفتار اندر داستان شاپور با دختر مهرک نوشزاد
۲۱۴	گفتار اندر بزرگی اردشیر بابکان
۲۲۳	گفتار اندر اندرزکردن شاه اردشیر ایرانیان را
۲۲۹	گفتار اندر عهدنامه‌ی اردشیر بابکان با شاپور

شاپور

پادشاهی شاپور اردشیر سی سال بود

۲۴۳	آغاز داستان
۲۴۵	گفتار اندر رزم شاپور با رومیان

اورمزد شاپور

پادشاهی اورمزد شاپور یک سال و چهار ماه بود

بهرام اورمزد

پادشاهی بهرام اورمزد سه سال و سه ماه بود

بهرام بهرام

پادشاهی بهرام پسر بهرام نوزده سال بود

بهرامِ بهرامیان

۲۷۵ پادشاهی بهرامِ بهرامیان چهار ماه بود

نرسی

۲۸۱ پادشاهی نرسی نه سال بود

اورمزدِ بزرگ

۲۸۵ پادشاهی اورمزدِ نرسی نه سال بود

شاپور ذوالاکتاف

پادشاهی شاپور ذوالاکتاف هفتاد سال بود

- ۲۹۹ گفتار اندر رفتن شاپور به روم به ناشناخت
۳۰۳ گفتار اندر بند کردن قیصر شاپور را
۳۰۷ گفتار اندر گریختن شاپور با کنیزک از روم
۳۱۸ گفتار اندر تاختن شاپور بر سر قیصر روم
۳۲۵ گفتار اندر رزم شاپور با رومیان
۳۳۴ گفتار اندر داستان مانی صورتگر

اردشیر نیکوکار

۳۴۵ پادشاهی اردشیر نیکوکار ده سال بود

شاپورِ شاپور

۳۴۹ پادشاهی شاپور پسر شاپور پنج سال و چهارماه بود

بهرامِ شاپور

۳۵۵

پادشاهی بهرام پسر شاپور چهارده سال بود

یزدگردِ بزه‌گر

پادشاهی یزدگردِ بزه‌گر بیست سال بود

۳۶۳

گفتار اندر زادن بهرام گور

۳۷۳

گفتار اندر داستان بهرام با کنیزک چنگی در شکارگاه

۳۷۹

گفتار اندر رفتن بهرام گور نزدیک پدر

۳۸۳

گفتار اندر خشم راندن یزدگرد بر بهرامشاه

۳۹۱

گفتار اندر دادن ایرانیان پادشاهی به خسرو

۳۹۹

گفتار اندر پذیره شدن ایرانیان و سخن گفتن بهرامشاه با انجمن

۴۰۹

گفتار اندر تاج برگفتن بهرام از میان شیران

بهرام گور

پادشاهی بهرام گور شست سال بود

۴۱۶

آغاز داستان

۴۲۴

گفتار اندر داستان بهرام با لنبک و براهام جهود

۴۳۶

گفتار اندر رفتن بهرام گور به نخچیر و شیران کشتن

۴۴۰

گفتار اندر حرام کردن شراب را

۴۴۵

گفتار اندر دیهی که به یک سخن خراب شد و به یک سخن آبادان

۴۵۲

گفتار اندر به زن کردن بهرام دختران آسیابان را

۴۵۷

گفتار اندر یافتن بهرام گور گنج گاوان که جمشید نهاد

۴۶۳

گفتار اندر داستان بهرام گور با مرد بازارگان و شاگرد

۴۶۸

گفتار اندر داستان بهرام گور با زن پالیزبان

۴۷۶

گفتار اندر به زن کردن بهرام گور دختران برزین را

۴۸۴	گفتار اندر داستان بهرام گور با ماهیار گوهرفروش
۵۰۱	گفتار اندر داستان بهرام گور با فرشیدورد
۵۰۶	گفتار اندر نامه فرستادن بهرام هور بنزد بهرام گور
۵۱۰	گفتار اندر رفتن بهرام گور به شکار بیابان جَزَّ
۵۲۳	گفتار اندر تاختن آوردن لشکر چین و روم بر بهرامشاه
۵۳۳	گفتار اندر نامه‌ی بهرام گور به نرسی
۵۳۸	گفتار اندر نامه نوشتن بهرام به مهتران و باژ افگندن
۵۴۳	گفتار اندر آمدن رسول قیصر بنزد بهرام و سؤالها کردن
۵۵۸	گفتار اندر رفتن بهرام گور به رسولی بر شنگل هند
۵۶۶	گفتار اندر هنر نمودن بهرام گور پیش شنگل
۵۷۲	گفتار اندر کشتن بهرام گور کرگ را در هندوستان
۵۷۵	گفتار اندر کشتن بهرام ازدها را به هندوستان
۵۸۱	گفتار اندر به زن کردن بهرام گور دختر شنگل را
۵۸۶	گفتار اندر بازآمدن بهرام گور از هندوستان
۵۹۵	گفتار اندر داد کردن بهرام گور
۵۹۹	گفتار اندر آمدن شنگل به ایران زمین
۶۰۵	گفتار اندر بخشیدن بهرام گور خراج جهان را
۶۱۱	گفتار اندر آوردن لوریان از هندوستان
۶۱۳	گفتار اندر سپری شدن روزگار شاه بهرام

فهرست‌ها

۶۱۹	فهرست نام کسان
۶۳۱	فهرست نام جای‌ها

دستنویس‌های اساس تصحیح این دفتر

الف - دستنویس‌های اصلی

- ۱-ل دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان 103. 21. Add، مورخ ۱۲۷۶/۶۷۵
- ۲-س دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1479، مورخ ۱۳۳۰/۷۳۱
- ۳-ق دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۶۰۰۶س، مورخ ۱۳۴۱/۷۴۱
- ۴-ک دستنویس موزه ملی کراچی، به نشان N.M. 1957-913/3، مورخ ۱۳۵۱/۷۵۲
- ۵-ل۲ دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Add. 18188، مورخ ۱۴۸۶/۸۹۱
- ۶-س۲ دستنویس کتابخانه طوپقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1510، مورخ ۱۴۹۸/۹۰۳

ب - دستنویس‌های غیراصلی

- ۱-لن دستنویس کتابخانه عمومی دولتی لنینگراد، به نشان کاتالک دُرُن، شماره ۳۱۶-۳۱۷، مورخ ۱۳۳۳/۷۳۳
- ۲-ق۲ دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۷۳ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۹۴/۷۹۶
- ۳-لی دستنویس کتابخانه دانشگاه لیدن، به نشان Or. 494، مورخ ۱۴۳۷/۸۴۰
- ۴-ل۳ دستنویس کتابخانه بریتانیا در لندن، به نشان Or. 1403، مورخ ۱۴۳۸/۸۴۱
- ۵-پ دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 493، مورخ ۱۴۴۱/۸۴۴
- ۶-و دستنویس کتابخانه پاپ در واتیکان، به نشان Ms. Pers. 118، مورخ ۱۴۴۴/۸۴۸
- ۷-لن۲ دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 1654، مورخ ۱۴۴۵/۸۴۹
- ۸-آ دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Pers. C. 4، مورخ ۱۴۴۸/۸۵۲
- ۹-ب دستنویس کتابخانه دولتی برلین، به نشان Or. 2° 4255، مورخ ۱۴۸۹/۸۹۴

مآخذ دیگر

- ۱- بنداری ترجمه شاهنامه به عربی از فتح بن علی بنداری اصفهانی، میان ۶۲۰-۶۲۱/۱۲۲۳-۱۲۲۴، به کوشش عبدالوهاب عزام، چاپ دوم، تهران ۱۹۷۰
- ۲- لغت فرس اسدی طوسی، لغت فرس، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۳۶
- ۳- لغت دری ابومنصور احمد بن علی اسدی طوسی، لغت فرس (لغت دری)، به تصحیح فتح‌الله مجتبیایی-علی اشرف صادقی، تهران ۱۳۶۵
- ۴- معجم شاهنامه محمد بن الرضا بن محمد العلوی الطوسی، معجم شاهنامه، به تصحیح حسین خدیو جم، تهران ۱۳۵۳
- ۵- لغت شهنامه شیخ عبدالقادر بغدادی، گزیده لغت شهنامه، به تصحیح کارلوس زالمان، سن پترزبورگ ۱۸۹۵
- ۶- راوندی محمد بن علی بن سلیمان الراوندی، راحة الصدور و آية السرور، به تصحیح محمد اقبال، لندن ۱۹۲۱
- ۷- اختیارات شاهنامه احمد بن علی قاینی، اختیارات شاهنامه، دستویس کتابخانه گوتا در آلمان

برخی نشانه‌ها

- (!) در جلوی هر واژه یا بیتی که آید، نشان آن است که آن واژه یا بیت مشکوک یا نامفهوم یا فاسد است
- (?) گویا ضبط درست نیست، ولی شاید هم درست و یا راهبر به صورت درست باشد
- [] در متن هر بیتی که به گمان مصحح بر آن ظنّ الحاقی بودن می‌رود و یا در جای خود نیست، در چنگک دو گوشه نشانده شده است. همچنین در بی‌نویس‌ها گاه‌گاه صورت فرضی افتادگی‌های ناشی از سهو کاتب در میان همین نشانه ثبت شده‌اند
- < > هر حرف یا واژه‌ای که در بی‌نویس‌ها در جلوی نشانه دستویسی در چنگک یک گوشه آید، نشان آن است که آن حرف یا واژه در آن دستویس نیست و یا افتاده است
- = برابر است با
- انت یکم بیت
- ب انت دوم بیت

- پ بی نویس (اگر شماره پیش از این حرف آید شماره بیت است و اگر پس از آن آید شماره بی نویس است. مثال: ۱۲ پ،
یعنی بی نویس بیت ۱۲، ولی: پ ۱۲، یعنی بی نویس شماره ۱۲)
- متن ← نگاه کنید به: متن در شماره سپین
- ← نگاه کنید به، نشانه برگشت
- نشانه گشتگی ضبطی از ضبط دیگر

دستنویس‌های دیگری که بررسی شده‌اند

- ۱- دستنویس بنیاد خاورشناسی کاما در بمبئی، بی تاریخ (افتادگی دارد)
- ۲- دستنویس کتابخانه چتریتی در دبلین، به نشان Ms. P. 110، مورخ ۱۳۴۱/۷۴۱ (ناقص)
- ۳- دستنویس کتابخانه طویقا پوسرای در استانبول، به نشان H. 1511، مورخ ۱۳۷۱/۷۷۲
- ۴- دستنویس دارالکتب قاهره، به نشان ۱۸ تاریخ فارسی، مورخ ۱۳۷۲/۷۷۳ یا ۱۳۳۳/۷۳۳ (هر دو تاریخ مشکوک است)
- ۵- دستنویس کتابخانه چتریتی در دبلین، به نشان Ms. P. 114، بی تاریخ (ناقص)
- ۶- دستنویس کتابخانه طویقا پوسرای در استانبول، به نشان H. 1515، مورخ ۱۴۰۰/۸۰۳
- ۷- دستنویس کتابخانه دانشگاه کمبریج، به نشان Or. 420، مورخ ۱۴۳۸/۸۴۱ (نیمه نخستین شاهنامه)
- ۸- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Suppl. Pers. 494، مورخ ۱۴۴۴/۸۴۸
- ۹- دستنویس کتابخانه طویقا پوسرای در استانبول، به نشان H. 1496، مورخ ۱۴۶۴/۸۶۸
- ۱۰- دستنویس انجمن آسائی بنگال در کلکته، به نشان No. 69، مورخ ۱۴۷۸/۸۸۲
- ۱۱- دستنویس کتابخانه ملی اطیش در وین، به نشان Mxi. 378، مورخ ۱۴۷۸/۸۸۲
- ۱۲- دستنویس کتابخانه چتریتی در دبلین، به نشان Ms. P. 157، مورخ ۱۴۸۰/۸۸۵
- ۱۳- دستنویس کتابخانه چتریتی در دبلین، به نشان Ms. P. 158، مورخ ۱۴۸۰/۸۸۵
- ۱۴- دستنویس کتابخانه طویقا پوسرای در استانبول، به نشان H. 1489، مورخ ۱۴۸۲/۸۸۷
- ۱۵- دستنویس کتابخانه طویقا پوسرای در استانبول، به نشان H. 1056، مورخ ۱۴۸۶/۸۹۱
- ۱۶- دستنویس کتابخانه ملی پاریس، به نشان Pers. 228، مورخ ۱۴۹۰/۸۹۵
- ۱۷- دستنویس کتابخانه دانشگاه اکسفورد، به نشان Ms. Elliot, 325، مورخ ۱۴۹۴/۸۹۹
- ۱۸- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1406، مورخ ۱۴۹۴/۸۹۹ (دارای نیمه دوم شاهنامه)
- ۱۹- دستنویس موزه فریتس ویلیام در کمبریج، به نشان Ms. 22-1948، بی تاریخ (سی و چند برگ)
- ۲۰- دستنویس انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی در لنینگراد، به نشان S. 822، بی تاریخ
- ۲۱- دستنویس کتابخانه دانشگاه استانبول، به نشان Fy. 1405، بی تاریخ
- ۲۲- دستنویس کتابخانه طویقا پوسرای در استانبول، به نشان R. 1549، بی تاریخ

- ۲۳- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1507، مورخ ۱۴۹۵/۹۰۰
- ۲۴- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان R. 1542، مورخ ۱۴۹۵/۹۰۰
- ۲۵- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1491، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱
- ۲۶- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان A. 3065، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱ (?)
- ۲۷- دستنویس کتابخانه کاخ پادشاهی مادرید در اسپانیا، به نشان II - 3.218، مورخ ۱۴۹۶/۹۰۱
- ۲۸- دستنویس کتابخانه دولتی باویر در مونیخ، به نشان Pers. 8، مورخ ۱۴۹۷/۹۰۲
- ۲۹- دستنویس کتابخانه طوبقاپوسرای در استانبول، به نشان H. 1508، مورخ ۱۴۹۷/۹۰۲
- ۳۰- دستنویس حاشیه ظفرنامه حمدالله مستوفی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه بریتانیا، به نشان Or. 2833، مورخ ۱۴۰۵/۸۰۷، به کوشش ن. پورجوادی-ن. رستگار، ۲-۱، تهران ۱۳۷۷ (مرکز نشر دانشگاهی)
- ۳۱- دستنویس مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، بی تاریخ، چاپ عکسی، با مقدمه ف. مجتبیائی، تهران ۱۳۷۹
- (برای معرفی این دستنویس‌ها نگاه کنید به: ایران‌نامه، سال سوم، ۱۳۶۴/۳، ص ۳۷۸-۴۰۶؛ سال چهارم، ۱۳۶۴/۱، ص ۱۶-۴۷؛ ۱۳۶۴/۲، ص ۲۲۵-۲۵۵؛ سال هفتم، ۱۳۶۷/۱، ص ۶۳-۹۴)

اسکندر

پادشاهی اسکندر چهارده سال بود^۱

سکندر چو بر تخت بنشست^۲ گفت
 که پیروزگر در جهان ایزدست
 بد و نیک ما^۶ بگذرد بی‌گمان
 هر آنکس که آید بدین بارگاه
 ۵ اگر گاه بار آید، ار^۸ نیم‌شب
 چو پیروزگر فرهی^۹ دادمان
 همه زیردستان بیابند بهر
 نخواهیم باز از جهان پنج سال
 به درویش بخشیم بسیار چیز
 ۱۰ چو اسکندر این^{۱۵} نیکوی‌ها بگفت،
 که با جان شاهان^۳ خرد باد جفت!
 جهاندار کز وی^۴ نترسد بدست^۵
 رهایی نباشد^۷ ز چنگ زمان
 که باشد ز ما سوی ما دادخواه،
 به پاسخ رسد، چون گشاید دولب
 در بخت پیروز^{۱۱} بگشادمان،
 به کوه و بیابان و دریا^{۱۱} و شهر
 جز^{۱۲} آنکس که^{۱۳} گوید که هستم همال
 ز دارنده^{۱۴} چیزی نخواهیم نیز
 دل^{۱۶} پادشا^{۱۷} گشت با داد^{۱۸} جفت،

۱-ل: <بود>؛ ق: بر تخت نشستن اسکندر در اصطخر فارس؛ متن = س، ک، ل، ۲، س؛ برخی از دستنویس‌ها در آغاز پادشاهی اسکندر
 خطبه‌ای دارند که در برخی دیگر از دستنویس‌ها در آغاز پادشاهی شاپور آمده است و چندتایی هم این خطبه را اصلاً ندارند - آغاز
 پادشاهی شاپور؛ در پ اینجا خطبه پادشاهی اشکانیان آمده است ۲- (پ: بنشست بر تخت) ۳- (و: پاکان) ۴- (ل، ن، ل، ۳: گرزو؛ پ: کز
 او؛ ل، ۲: اگرزو) ۵- س، ۲: گرزوی نیک و بدست؛ (ب: کز او نیک و بدست)؛ متن = ل-ل، ۲ (نیز ق، ۲، ل، و، آ) ۶- ل، ن، هم؛ (ل، آ: آن)؛ ق،
 ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، ۲)؛ نیکمان؛ متن = س (نیز ق، ۲، ل، ۳، پ) ۷- ق: که آید؛ (نیز ق، ۲، ل، ۳، ل، ۲)؛ نیابد؛ متن = ل، س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ل، ل،
 پ، آ)؛ و، ب این بیت را ندارند ۸- س: بار خواهد همی؛ ک: بارگه خواندار، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ل، ب)؛ بارگه خواهد از؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، ق، ۲،
 ل، ۳، پ، و، ل، ن، ۲) ۹- س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ۲، ب)؛ فرخی؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، ۱۰- س، ۲: فیروز ۱۱- (و: هامون)؛ بنداری (۷-۱)؛ لما جلس
 الاسکندر علی سریر السلطنة وعظ من حضر، و نصح و قال: إن أبوانا مفتوحة للمنتظمین. ولو أتونا فی جنح الظلام لکتنا بأیدیهم
 آخذین. و اذ توجنا الله بتاج السیادة و فتح لنا أبواب السعادة فحق علينا أن نحسن الی الرعية برًا و بحرا و حزنا و سهلا ۱۲- (ق، ۲:
 هر) ۱۳- ق: مگر زانک؛ بنداری؛ و قد أعفیناهم عن خراج خمس سنین. و لانتعرض إلا لمن یدعی مشارکتنا فی الملك أو کان من
 المارقین ۱۴- ل: کارنده (→ دارنده؟)؛ (ل، آ: داننده)؛ متن = س-س، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ بنداری؛ و سنغنی بأیادینا جمیع
 الفقراء. و لانمد بأیادینا الی ما فی أیدی الأغیاء ۱۵- ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ۳، پ، ل، ۲، ب)؛ آن؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، ن، ق، ۲، ل، و، آ) ۱۶- س، ۲: زبان
 ۱۷- (ل، ن: پارسا) ۱۸- (ل، ن: درد؛ ل، شاد)

از^۱ ایوان^۲ برآمد یکی آفرین
 وُزآن^۴ پس پراکنده گشت^۵ انجمن
 بفرمود تا پیش او شد دبیر
 نویسنده^۷ از کلک چون^۸ خامه کرد
 ۱۵ که یزدان ترا مزد نیکان^۹ دهاد
 نبستم^{۱۴} یکی نامه‌یی پیش از این
 چو^{۱۸} جفت^{۱۹} ترا روز برگشته شد
 بر^{۲۰} آیین شاهان کفن ساختم^{۲۱}
 بسی آشتی خواستم پیش^{۲۴} جنگ
 ۲۰ ز خونش^{۲۵} بیچید هم دشمنش^{۲۶}!
 [وُرا دادگر^{۲۸} جای نیکان دهاد!
 نیابد کسی چاره از چنگ^{۳۰} مرگ
 جهان یکسر اکنون به پیش شماس
 که او روشک را به من^{۳۳} داد و گفت^{۳۴}
 ۲۵ کون با پرستنده و دایگان
 فرستید زودش بنزدیک^{۳۹} من
 بدارید چون پیش بود^{۴۱} اسپهان^{۴۲}

برآن^۳ دادگر شهریار زمین
 جهاندار بنشست با رای زن
 قلم خواست چینی و رومی حریر^۶
 سویی مادر روشک نامه کرد
 پس از درد^{۱۰} او^{۱۱} رامش^{۱۲} جان^{۱۳} دهاد
 نبسته^{۱۵} درو^{۱۶} دردها^{۱۷} بیش ازین
 به دست یکی بنده بر گشته شد
 که^{۲۲} درد دل از دیده پرداختم^{۲۳}
 نکرد آشتی چون نبودش درنگ
 به مینو رساناد^{۲۷} یزدان تنش!
 بداندیش را زهر^{۲۹} پیکان دهاد!
 چو باد خزانست و^{۳۱} ما همچو برگ
 بر^{۳۲} اندرز دارا فراوان گواست
 که چون او بیاید^{۳۵} ترا در نهفت
 از^{۳۶} ایران بزرگان و^{۳۷} پُرمایگان،^{۳۸}
 زداید مگر^{۴۰} جان تاریک من
 به^{۴۳} هر سو پراکنده^{۴۴} کارا گهان

۱-ل، س، ک، س، ۲ (نیز، و، ل، ن، آ، ب)؛ ز: متن = ق، ل، ۲ (نیز، ل، ن، پ، آ) ۲-س، ل، ۲ (نیز، ل، ن، پ، و، ل، ن، آ، ب)؛ ایران (→ ایوان)؛ متن = ل، ق، ک (نیز، ق، ۲، ل، ل، آ، ۳) ۳- (لی، پ، ب، بدان) ۴-ل (نیز، ب)؛ از آن ۵-ل: شد ۶-س، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ)؛ رومی و چینی حریر؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز، ق، ۲، و، آ، ب) ۷-ل، س، ق، ک (نیز، ل، ن، ب)؛ نویسنده؛ متن = ل، آ، س، ۲ ۸- (و: چون کلک را) ۹-ل، ۲ (نیز، ب)؛ نیکی؛ ک: مزدگانی؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز، ل، ن، ب) ۱۰-ک (نیز، ل، ن، لی، ل، ن، آ)؛ مرگ ۱۱- (ل، ن، آ: شه) ۱۲- (ل، و: آرامش) ۱۳-ل: بداندیش را درد پیکان؛ متن = س، ق، ل (نیز، ق، ۲، پ)؛ س ۱۵ تا ۳۰ را ندارد (روی متن تصویر کشیده‌اند) ۱۴-ل، ق (نیز، ل، ن، ق، ۲، ل، آ، و)؛ نوشتم؛ متن = س، ک، ل، ۲ (نیز، ل، ن، آ، ب) ۱۵-ل، ق (نیز، ل، ن، و، ل، ن، آ، ب)؛ نوشته؛ (ل، آ: بگفته)؛ متن = س، ک، ل، ۲ (نیز، ق، ۲، لی، پ، آ) ۱۶-س (نیز، آ)؛ برو؛ (ق، ۲، لی: بدو) ۱۷- (پ: پندها؛ و رازها)؛ س در اینجا سرنویس دارد: نامه اسکندر بنزدیک مادر روشک و روشک ۱۸- (ل، آ: که) ۱۹- (پ: چو بر جفت تو) ۲۰- (لی: به) ۲۱-س، ل، ۲ (نیز، ق، ۲، ب)؛ ساختم ۲۲- (لی، آ: ز)؛ متن = ۲۳-س، ل، ۲ (نیز، ب)؛ پرداختیم؛ ل: ورا زین جهان سر پرداختیم (واژه ماقبل آخر بی نقطه)؛ ق (نیز، ل، ن، ق، ۲، ل، ن، آ)؛ ز درد جهاندار پرداختیم (ق، آ: پرداختیم)؛ متن = ک (نیز، لی، آ) ۲۴- (ل، آ: روز) ۲۵- (ل، ن، آ: مرگش) ۲۶- (ل، ن، آ، پ: چو) (ل، آ: چه) مرگ نیابد مرا کشتش؛ ق، آ: نبودم من آگه خود از کشتش) ۲۷- (لی: فرستاد)؛ ق، و این بیت را ندارند ۲۸- (پ: جایگه) ۲۹-ل، ۲ (نیز، پ)؛ زخم؛ (ق، ۲، ل، ن، آ: زهر و؛ آ: مرگ؛ لی: زان هر دو)؛ متن = ق، ک (نیز، ل، ن، و، ب)؛ ل، س، ل، ۲ این بیت را ندارند ۳۰-س، ک، ل، ۲ (نیز، لی، آ، ب)؛ دست ۳۱-ک (نیز، ق، ل، پ، و، ل، ن، آ، ب)؛ <و> ۳۲-س، ک، ل، ۲ (نیز، لی، ب)؛ به؛ متن = ل، ق (نیز، ل، ن، ق، ۲، ل، آ) ۳۳-س، ک، ل، ۲ (نیز، لی، آ، ب)؛ ما؛ متن = ل، ق (نیز، ل، ن، ق، ۲، ل، ن، آ) ۳۴- (و: جفت) ۳۵-ق: نیاید؛ ک: نیابد؛ (پ، و: نباشد)؛ س: او چون نیاید؛ (آ: که چون بیاید)؛ متن = ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۶-س، ک، ل، ۲ (نیز، لی، و، آ)؛ ز: متن = ل، ق (نیز، ل، ن، ق، ۲، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۳۷-ل: <و> ۳۸-س (نیز، لی، آ)؛ آزادگان ۳۹-س، ک، ل، ۲ (نیز، لی، آ، ب)؛ ورا زود بفرست نزدیک؛ (و: فرستی ورا زود نزدیک)؛ متن = ل، ق (نیز، ل، ن، ق، ۲، ل، آ، پ، ل، ن، آ) ۴۰- (ل، آ: بدارد مگر؛ و: که روشن کند) ۴۱-س، ل، ۲ (نیز، ل، ن، ب)؛ بد؛ (ل، آ: در؛ و: فرستادی مردم)؛ متن = ل، ق، ک (نیز، ق، ۲، لی، پ، ل، ن، آ) ۴۲-ل، س، ۲ (نیز، ل، ن، ق، ۲، لی، پ، ب)؛ اصفهان؛ متن = (ل، آ: → بنداری: اصفهان) ۴۳-ل، ق، ز ۴۴- (ل، ن: دوانید؛ ق، آ: فرستاد؛ و: همان نامداران و)

همیشه دل^۱ شرم جفت^۱ تو باد! شبستان شاهان^۲ نهفت^۲ تو باد!
 بیامد یکی فیلسوفی چو گرد سخن^۳ های شاه جهان^۳ یاد کرد
 دل آرای^۴ چون آن^۵ سخن^۵ ها شنید یکی باد^۶ سرد از جگر برکشید^۶
 ۴۵ ز^۷ دارا ز دیده بیارید^۸ خون که بُد ریخته^۹ زیر خاک اندرون
 نیسنده^{۱۰} نامه را پیش خواند همی^{۱۱} خون ز مژگان^{۱۲} به رخ برفشاند
 مر آن نامه را زود^{۱۳} پاسخ نبشت^{۱۴} سخن^{۱۵} های با مغز^{۱۵} فرخ نبشت^{۱۶}
 نخست آفرین کرد بر دادگر^{۱۷} خداوند آرام و رای و هنر^{۱۸}
 دگر گفت کز کردگار^{۱۹} سپهر کزویست پرخاش و آرام و مهر،
 ۵۰ همه^{۲۰} فر^{۲۱} دارا^{۲۱} همی خواستم^{۲۲} زبان را^{۲۳} به نام وی آراستم^{۲۴}
 کنون چون^{۲۵} زمان^{۲۵} وی اندرگذشت سر^{۲۶} گاه او^{۲۶} چوب^{۲۷} تابوت گشت،
 ترا خواهم اندر جهان نیکوی بزرگی و پیروزی^{۲۸} و خسروی
 به کام^{۲۹} تو خواهم که باشد جهان برین^{۳۰} آشکارا ندارم^{۳۱} نهان

۱-س-س^۲ (نیز ل^۳-ب): دل و: متن = ل (نیز ق^۲-لی) ۲- (ق^۲-ب: شاهی): ل^۳ این بیت را ندارد: س، لی، ل^۲، آ^۲ پس از این بیت و ل^۳ بجای آن افزوده اند:

به کام تو گردد چرخ بلند ز دشمن تبت دور و دور (لی، آ: دور باد) از گزند
 بنداری (۴۲-۱۰): ثم استحضر الکاتب فکتب الی إصبهان الی زوجة دارا کتابا یعزبها فیه، و شحنه بأنواع من التلطف و العطف، و قال فیه أن دارا زوجه ابته روشک. و شهادات الحاضرين بذلک ناطقة. فجهزوها و أرسلوها فی مهدها الی اصطخر فی صحبة موبذ إصبهان و اکابر ایران. و کتب فی هذا المعنی کتابا آخر الی روشک ۳-ل: شاهان همه: متن = س-س^۲ (نیز ل^۳-ب) بنداری: و نفذ الکتاب علی یدی فیلسوف ۴-ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۳، ق^۲-آ، ب): گل آرای (→ کت آرای؟): متن = ل، س، ق (نیز لی-ل^۲) ۵-ک (نیز ق^۲-ب): این ۶-ل^۳: همی خون مژگان برخ برچکید ۷-س، ق (نیز پ): به ۸-ک: بتازید؛ س^۲: بیارید (حرف دوم نقطه ندارد)؛ ل^۳: بیارید از دیده؛ و: هم از بهر دارا بیارید ۹-ق (نیز ق^۲-آ): شد ریخته: ل^۳: بد رفته در؛ و: ز دیده که شد؛ متن = ل، س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لی، ل^۳، پ، ل^۲-آ، ب) ۱۰-ل، س، ق، ک (نیز ل^۳، ق^۲-لی، و، ل^۳-آ، ب): نویسنده: متن = ل^۳، س^۲ (نیز پ) ۱۱-ق: همه: (لی، آ: بسی) ۱۲-ل، س، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲-پ، و): خون مژگان: ل^۳: خون ز دیده؛ متن = ل^۳ (نیز لی، ل^۲-آ، ب): ل^۳ این بیت را ندارند ۱۳-ل: خوب: (و: نغز): متن = س-س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۴-ل، س، ک (نیز ل^۳، ل^۲-ل^۳، ل^۲-آ، ب): نوشت: متن = ق، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲-لی، آ): مغزو ۱۶-ل، س، ک، س^۲ (نیز ل^۳، ل^۲-ل^۳، ل^۲-آ، ب): نوشت: متن = ق، ل^۲ (نیز ق^۲-لی، آ): س، ق در اینجا سرنویس دارند: پاسخ نامه اسکندر از نزد مادر روشک (ق: از مشکوی): بنداری (۴۴-۴۷): فلما وصل أکرمته زوجة دارا فأحسنت الیه. و أحضرت الکاتب و أمرته أن یکتب جواب کتابه ۱۷-ل (نیز ل^۳، ل^۲-ل^۳، و، ل^۳-آ): کردگار: متن = س-س^۲ (نیز ق^۲-لی، پ، آ، ب) ۱۸-ل: جهاندار دادار پروردگار: ق: خداوند و دارای داد و هنر: ل^۳: خداوند آرام و بارای و کار: ل^۳: خداوند فرمانده کامکار: و: خداوند روزی ده مور و مار: ل^۳: خداوند آرام و پروردگار: متن = س، س^۲ (نیز ق^۲-لی، پ، آ، ب) ۱۹-ل (نیز ل^۳، ل^۲-ل^۳): کز کارگردان: متن = س-س^۲ (نیز ق^۲-و، آ، ب) ۲۰-ل (نیز پ، و): همی: متن = س-س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۱-پ: فره او؛ و: مزد دارا) ۲۲-ل، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۳، ل^۲-آ، ب): تیم؛ (ق^۲-تی): متن = س، ق (نیز لی، و، ل^۳-آ) ۲۳-ق: زفان را؛ (ل^۳: زبانها) ۲۴-ل، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۳، ل^۲-آ، ب): تیم؛ (ق^۲-تی): متن = س، ق (نیز لی، و، ل^۳-آ) ۲۵-ل (ل^۳: کان) ۲۶-ل (ل^۳: وی) ۲۷-ق (ل^۳: جفت) ۲۸-س: دانایی: (و: که فرزانه و موبد)؛ ق^۲ این بیت را ندارد ۲۹-ک: بدین ۳۰-لی: بدین) ۳۱-س (نیز ل^۳، ل^۲-ل^۳): ندانم؛ ل^۳: نه اندر؛ (و: نخواهم: آ: بدارم): متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز ل^۳-پ، ب): ق^۲ این بیت را ندارد

۷۰ چو رومی بنزد سکندر رسید
 از آن تخت و آیین^۴ و آن بارگاه
 سکندر ز گفتار او گشت شاد
 ز عموریه مادرش را بخواند
 بدو گفت: نزد دلارای^۹ شو!^{۱۰}
 به پرده‌ندرون^{۱۴} روشک را بین!
 ببر طوق با یاره و^{۱۸} گوشوار
 ۷۵ صد اشتر^{۲۲} ز گسترده‌ها^{۲۳} ببر
 هم^{۲۸} از گنج^{۲۹} دینار چون سی هزار^{۳۰}
 ز رومی^{۳۲} چو سیصد کنیزک^{۳۴} ببر
 یکی جام ده^{۳۷} هر یکی را به دست
 ابا^{۳۹} خویشان خادمان بر به راه
 ۸۰ بشد مادر شاه با ترجمان^{۴۲}
 چو آمد^{۴۵} بنزدیکی^{۴۶} اسپهان^{۴۷}
 همه یاد کرد آنچه دید و شنید^۱
 تو گفتی^۵ که زنده‌ست بر گاه^۶ شاه
 به آرام تاج کیی بر نهاد^۷
 چو آمد سخن‌های دارا^۸ براند
 به چربی^{۱۱} پیوند^{۱۲} گفتار نو^{۱۳}!
 چو دیدی^{۱۵}، ز ما کن^{۱۶} بر او^{۱۷} آفرین!
 یکی^{۱۹} تاج^{۲۰} پر^{۲۱} گوهر شاهوار،
 ده^{۲۴} اشتر^{۲۵} ز دیبای پیکر^{۲۶} به زر^{۲۷}،
 به بدره‌ندرون^{۳۱} کن ز بهر نثار،
 اگر بیشتر بایدت^{۳۵}، بیش بر^{۳۶}،
 بر آیین خوبان خسروپرست،
 ز^{۴۰} راه و ز^{۴۰} آیین شاهان مکاه^{۴۱}!
 ده از^{۴۳} فیلسوفان شیرین‌زبان^{۴۴}
 پذیره شدندش فراوان مهان^{۴۸}

۱-ق این بیت را ندارد ۲-ل (نیز ق ۲، ل ۲): وزان: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ل (لی، آ: <و>) ۴-ل (آ: بیروزه) ۵-ک (نیز و):
 گویی ۶-و: بیدار) ۷-ل (ن، ق ۲، ل ۲، ل ۲): به آرام شد تاج بر سر نهاد): متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری (۶۸-۷۰): و ردوا
 الفيلسوف بجواب الكاتب. فلما عاد الى الاسكندر اخبره بجلالة قدره وروشنك و فخامة شأنها و ما شاهد في دارها من البهاء و الأبهة و الرواء
 و الروعة. فأعجبه ذلك ۸-ک: سخن‌ها فراوان ۹-ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، لی، آ، ب): گل آرای (ک: آرای): (ق: نزدیک آن کار: ل ۲):
 نزدیک آرای): متن = ل، س، ق (نیز پ، و، ل ۲) ۱۰-س ۲: رو ۱۱-ل، س، ک، ل ۲ (نیز ق ۲-پ، ل ۲، آ، ب): به خوبی: ق: بجوش: متن = (ل، و)
 ۱۲-س، ک، ل ۲ (نیز ب): و پیوند و ۱۳-ق ۲، لی، پ: شو): س ۲: خوبی و گفتار و پیوند نو: (پ: خوبی پیوند و بارای شو): متن = یازده
 دستنویس دیگر ۱۴-همه دستنویس‌ها: به پرده درون: متن تصحیح قیاسی است ۱۵-ق ۲: دید: و: بینی) ۱۶-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لی، آ،
 ب): به دانش بی کن ۱۷-لی: بدو: پ: هزار) ۱۸-ل (آ: تاج و با) ۱۹-ک: همان ۲۰-ل (آ: جامه) ۲۱-پ: با): متن = ل-ل (نیز ل-و، آ):
 س ۲، ل ۲، ب این بیت را ندارند ۲۲-و: استر) ۲۳-و: ز گسترده دیبا) ۲۴-ل، س، ق (نیز ق ۲): صد ۲۵-ق، ک (نیز ل، لی، و، ب): استر: متن =
 ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، پ) ۲۶-س: چینی: ق، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ق ۲، لی، پ، ب): رومی: ل: ز هر گونه دیبا: متن = (و) ۲۷-س، ق: بیر: ق ۲،
 لی، ل ۲، آلت دوم بیت ۷۷ را به جای لت دوم این بیت آورده‌اند: متن = ل، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ق ۲، لی، پ، ب): ل این بیت را ندارد
 ۲۸-ق: همان ۲۹-س ۲ (نیز ب): گنج و ۳۰-و، ب: صد هزار) ۳۱-ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز ل-و، ب): درون: ق: فزون: ک: به برده درون: متن
 تصحیح قیاسی است: ل ۲، آ این بیت را ندارند ۳۲-لی: رومیش) ۳۳-ق ۲: تو، ل ۲: دو) ۳۴-ل: کنیزک چو سیصد ۳۵-و: بایدهش)
 ۳۶-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲-ل، آ، ب): تر: ل: دگر هرچ باید همه سر به سر: (ل: همه ماه‌روی و همه پره‌نر): ق ۲، لی، ل ۲، س ۲، ب این بیت ۷۵ را
 در اینجا آورده‌اند: متن = ق (نیز ل): آ این بیت را ندارد: بنداری (۷۷-۷۷): ثم نفذ الى عمورية و استقدم أمه. فلما قدمت عليه أرسلها الى
 إصهان. و أصحابها تاجاً و سواراً و طوقاً مع أحمال من الثياب و غيرها، و ثلاثين ألف دينار برسم الثار، و ثلاثمائة من الجوارى الروميات
 ۳۷-ل، ق: زر: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۸-لی، پ: به) ۳۹-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، لی، ب): تو با: متن = ل، ک (نیز ق ۲) ۴۰-س: به
 ۴۱-س (نیز لی: گاه): ل ۲ (نیز آ): و گاه: (ق ۲، ل ۲: نگاه: ب: نگاه): متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز ل، پ، و، ل ۲) ۴۲-ل (آ: مرزبان) ۴۳-ل، ق: آن:
 متن = سیزده دستنویس دیگر ۴۴-ق ۲: روشن روان): ل این بیت ۸۱ را ندارد اما لت دوم آن را به جای لت دوم این بیت آورده است
 ۴۵-ق ۲: بیامد) ۴۶-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، لی، پ، آ، ب): به نزدیک شهر: متن = ل، ک (نیز ل ۲، و، ل ۲) ۴۷-ل-س ۲ (نیز ق ۲-ب): اصفهان:
 متن تصحیح قیاسی است ۴۸-لی: زمان: آ: زمان (حرف دوم بی نقطه)): ل این بیت را ندارد

بیامد از^۱ ایوان دلارای^۲ پیش
 به دهلیز^۶ کردند چندان^۷ نثار،
 به ایوان نشستند با رای زن
 ۸۵ دلارای^{۱۰} بر ساخت^{۱۱} چندان^{۱۲} جهیز
 شتر در شتر^{۱۶} بافت^{۱۷}، فرسنگ‌ها^{۱۸}،
 ز پوشیدنی‌ها^{۲۱} و^{۲۲} گستردنی،
 از^{۲۷} اسپان تازی، به^{۲۸} زرین ستام
 ز خفتان و از^{۳۱} خود و برگستوان^{۳۲}
 ۹۰ چه جامه^{۳۴} بریده چه از^{۳۵} نابرید،
 از ایوان^{۳۸} پرستندگان خواستند
 خود و^۳ نامداران بر^۴ آیین خویش^۵
 که بر چشم، گنج^۸ درم^۹ گشت خوار
 همه نامداران شدند انجمن
 که شد در جهان^{۱۳} زوی^{۱۴}، بازار^{۱۵} تیز
 ز زرین و سیمین و از^{۱۹} رنگ‌ها^{۲۰}،
 بر^{۲۳} افگندنی^{۲۴} و^{۲۵} پراگندنی^{۲۶}،
 ز شمشیر هندی^{۲۹}، به زرین نیام^{۳۰}
 ز گوپال و ز خنجر هندوان^{۳۳}،
 که کس^{۳۶} در جهان بیشتر ز آن^{۳۷} ندید!
 چهل مهد^{۳۹} زرین بیاراستند^{۴۰}

۱-ل.س.ک.ل.آ.س.۲ (نیز لن-ب): ز؛ متن = ق ۲-س.ل.آ.س.۲ (نیز لن-ل.آ.ب): گل آرای؛ متن = ل.ک (نیز پ.و.لن.آ: ۲-کت آرای)
 ۳-ک: ابا ۴-ل.س.ق.ل.آ.س.۲ (نیز لن، ق.آ.لی.پ.ب): به؛ متن = ک (نیز ل ۳) ۵-ق: آ: کیش؛ لن این بیت را پس از بیت ۷۹ آورده است؛
 بنداری (۸۲-۸۰): و صحبها عشرة من علماء الفلاسفة لیرجموا بین یدیهها. فلما قربت من إصبهان استقبلها أعيان المدينة وأكابرها و
 علماؤها وأمائلها. و تلقتها زوجة دارا ۶-لن: آ: به دروازه) ۷-آ: چندی) ۸-س.ک.ل.آ.س.۲ (نیز لی.پ.آ.ب): مردم؛ ق: گنجی؛ ل: آ.
 و.لن: آ: گنج و؛ متن = ل (نیز لن) ۹-ق: آ: گهر) ۱۰-س.ک (نیز لن-ل.آ.آ): گل آرای؛ متن = ل.ق.ل.آ.س.۲ (نیز پ.و.لن.آ.ب)
 ۱۱-ل: برداشت؛ ل: آ: بر ساخته؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-لن، لن: آ: چندی؛ ل: آ: ده) ۱۳-ل: (و: بر گوهران) ۱۴-ل-ل: آ (نیز لن،
 ق.آ.ل.آ.لن.آ.ب): روی؛ ل: پ.آ.روز؛ متن = س ۲ ۱۵-س: بازار؛ ل: بازار) ۱۶-لن: ستر در ستر) ۱۷-ک (نیز ب): یافت؛ ل: آ: تافت؛
 لن: یافت (حرف یکم بی نقطه))؛ ل: رفت؛ ق: رفته؛ ق: آ: بار؛ متن = س.س.آ (نیز لی-آ) ۱۸-لن، لن: آ: بازارها) ۱۹-ل.ق.ل.آ.س.آ: وز؛
 س: <از>؛ ل: آ: پراز؛ متن = ک (نیز ق.آ.لی.پ.و.آ.ب) ۲۰-ل: آ: زنگ‌ها؛ س: نیرنگ‌ها؛ لن، لن: آ: به خروارها؛ متن = ل.ق-س.آ (نیز
 ق.آ.لی.پ.و.آ.ب)؛ ل.آ.س.آ.پس ازین بیت افزوده اند:

ابا عود و عنبر ابا مشک ناب بیامد ازان بر بداندیش تاب

۲۱-ل.س (نیز لن): وز؛ متن = ک.ل.آ.س.۲ (نیز لن-و.آ.ب): بنداری؛ و الملابس ۲۲-ق: آ: واز؛ لن: آ: پوشیدنی واز (وزن ندارد)؛ متن = ک.
 ل.آ.س.۲ (نیز لی-و.آ.ب) ۲۳-ل.س.س.آ (نیز لن، ق.آ.ل.آ.لن.آ.ب): ز؛ ل: آ: هم؛ متن = ک.ل.آ.س.۲ ۲۴-ل: آ: گستردنی) ۲۵-ل: آ: هم)
 ۲۶-ل: (و: ز آوردنی)؛ بنداری: المفارش؛ ق این بیت را ندارد ۲۷-ل.س.ق (نیز لن، پ.و.لن.آ): ز؛ متن = ک.ل.آ.س.۲ (نیز ق.آ.لی.ل.آ.ب)
 ۲۸-ل: آ (نیز ل ۳) و ۲۹-ق: آ: پ: زرین) ۳۰-ق (نیز ق: آ): به سیمین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱-ل.ق.ل.آ.س.۲ (نیز پ): وز؛ متن =
 س.ک (نیز لن، ق.آ.لی.لن.آ.ب) ۳۲-ل: آ: وز خنجر هندوان) ۳۳-س.ق.ل.آ (نیز لن، ق.آ.لی.پ.آ): زرین و گرز گران؛ ک.س.آ (نیز ب):
 زرین و گرز و کمان؛ ل: آ: و ز خود و برگستوان؛ متن = ل (نیز لن ۳)؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری (۸۹-۸۳): فدخلت بها وأنزلتها فی
 ایوانها. ثم هیأت جهاز ابتها و فیه من الذهبیات و الفضیات و الملابس و المفارش أحمال محملة مع ما انضم الی ذلک من الخیل و
 الأسلحة ۳۴-ل.س (نیز ق: آ): مایه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۵-ق: آ: چه زان؛ ق: همه ۳۶-ل (نیز لن ۳): کس ۳۷-س: اندر جهان
 بیش از آن کس ندید؛ ل: در جهان این شگفتی ندید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل.آ.پس ازین بیت، بیت‌های ۷۶-۸۱ را از
 داستان داراب افزوده است؛ لن، لی، لن: آ.آ.پس از بیت ۹۰ افزوده اند:

ابا عود و عنبر ابا مشک ناب بیامد از آن بر بداندیش تاب

۳۸-ل.س.۲ (نیز لی، و.آ.آ): ز ایوان؛ ک.ل.آ (نیز ب): ز ایران؛ متن = س.ق (نیز لن، ل.آ.پ.لن.آ) ۳۹-ل: (لی: مرد) ۴۰-ک.س.آ (نیز ل ۳): بیاراستند؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ق آلت‌های این بیت پس و پیش شده است؛ بنداری: و رتبت أربعین مهداً لمن یصحب مهدها من
 النساء من الحرائر و الإمام

نشست اندرو^۲ روشک شادمان
گهر^۵ بود و دینار^۶ و اسپ^۷ و کلاه^۸
پر از خنده لبها^{۱۰} و دل پر ز خون
ز بر مشک سارا^{۱۳} همی^{۱۴} بیختند

یکی مهد، با چتر و با^۱ خادمان،
ز کاخ دلارای^۳ تا نیم^۴ راه
بیستند آذین^۹ به شهر اندرون
۹۵ بر آن^{۱۱} چتر دیا^{۱۲} درم ریختند

سکندر بدو^{۱۶} کرد چندی نگاه^{۱۷}؛
تو گفתי خرد پروریدش^{۲۰} به مهر!
سکندر برو^{۲۲} بر همی جان فشاند^{۲۳}!
همی رای زد شاه بر^{۲۶} بیش و کم
خردمندی و شرم و شایستگی^{۲۸}
دلش مهر^{۳۲} و پیوند او برگزید

چو ماه^{۱۵} اندرآمد به مشکوی شاه،
بدان^{۱۸} برز و بالا^{۱۹} و آن خوب چهر
چو مادرش بر تخت زین نشاند^{۲۱}،
نشستند^{۲۴} یک هفته با او^{۲۵} بهم
۱۰۰ بُند^{۲۷} جز بزرگی و آهستگی^{۲۸}
نگه کرد^{۲۹}، بیداد^{۳۰} چیزی^{۳۱} ندید

ز دینار و از^{۳۵} گوهر شاهوار^{۳۶}
به شاهی بر او^{۴۰} خواندند آفرین
به هر جای ویرانی آباد شد^{۴۱}

ببردند از^{۳۳} ایران^{۳۴} فراوان نثار
همه پهلوانان^{۳۷} ایران^{۳۸} زمین^{۳۹}
همه روی گیتی پر از داد شد^{۴۱}

۱-س: و چتری و با؛ ق: با افسرو؛ (ل: ۲: با دختر و)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-س (نیز پ): اندران؛ (لی، ل: ۳، آ: نشسته درو)؛
متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و أعدت لها خاصة مهداً علی رأسه مظلة مرصعة ۳-س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۳، آ: ب):
گل آرای؛ متن = ل: ق (نیز پ، و، ل: ۲) ۴-س (نیز ق: ۲، پ): نیمه ۵-ل: درم؛ ق: کمر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ق (ل: ۲، پ، و):
دیا؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ک (نیز ب): تخت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ل: ق (نیز ل: ۲، ل: ۲، پ، ل: ۲): سپاه؛ متن =
س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز لی، و، آ: ب)؛ پ پس ازین بیت افزوده است:

چو شد روشک سوی شهر سطرخر پذیره شدش هر که بودیش فخر

۹-ب: آذین؛ ل: ۲ (نیز و، ل: ۲): آیین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-ل: ۲: خندگیها ۱۱-لی: بدان ۱۲-ک: فرو ۱۳-ل: س: ساری؛
متن = ق: س: ۲ (نیز ق: ۲-ب) ۱۴-ل: و دینار می ۱۵-لی: مهد ۱۶-ل: در او ۱۷-و: سکندر بیدشاد بر روی ماه ۱۸-ل: ق، ل: ۲،
س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۳): بر آن؛ متن = س، ک (نیز ل: ۲، ل: ۲، پ، ل: ۲، آ: ب) ۱۹-ل: (نیز لی): بالای ۲۰-ک: پروریدت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛
بیت‌های ۹۷-۹۸ را ندارد؛ بنداری: فخرجت مع أم الاسکندر متوجهة الی اصطرخر. فلما وصلت و رأها الاسکندر تعجب من جمالها و
کمالها و حسن سمتها و حیانتها ۲۱-ل: ۲: نشست ۲۲-لی: بدو ۲۳-ل: ۲: به اسکندر او عهد و پیمان بیت ۲۴-ل: ۲، ل: ۲، پ، و: نشسته
به ۲۵-لی: آ: شادان به هم ۲۶-پ: و زد بر همه ۲۷-ق (نیز ل: ۲، ل: ۲، پ، ل: ۲): از او؛ متن = ل: ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز لی، و، آ: ب) ۲۸-ق:
شایستگی-بایستگی ۲۹-س، س: ۲ (نیز لی): کرد؛ متن = ق، ک، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ق: ۲، ل: ۲) ۳۰-ک: پیدا و؛ (ل: ۲، و: بیدار؛ پ: پندار؛ ب: پیدا و)
۳۱-ق: هشیار آهو؛ متن = س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۲، ق: ۲، ل: ۲، ل: ۲، آ: ب) ۳۲-ل: (ل: رای): ل این بیت را ندارد ۳۳-ل: ز؛ متن = چهارده دستنویس
دیگر ۳۴-س، ق (نیز ق: ۲، ل: ۲، پ، و): ایوان؛ متن = ل: ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۲، ل: ۲، آ: ب) ۳۵-ل: ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۲، و، ل: ۲): وز؛ متن = س، ک
(نیز ل: ۲، ل: ۲، پ، آ: ب) ۳۶-ک: تاج گوهرنگار ۳۷-پ: شهریاران ۳۸-ل: ۲: همه شهریران و (حرف یکم از واژه سوم نقطه
ندارد) ۳۹-ل: ق (نیز ل: ۲، و، ل: ۲): همه شهر ایران و توران و چین ۴۰-لی: بدو؛ بنداری (۱۰۲-۱۰۳): و لما تمّت له هذه الوصلة
وطنت ملوک ایران و اکابرها النفوس علی طاعته و ملازمة الإخلاص فی خدمته ۴۱-ک: کرد؛ بنداری: فعمر من تلك الممالک ما خرب
من بلادها، و غمر بالعدل و الإحسان أهل رباعها و دیارها

گفتار اندر خواب دیدن کید هندی^۱

- شگفت آیدت کین سخن بشنوی :-
 نکردی^۴ جز از^۵ دانش و^۶ رای صید^۷
 نشست^۹ کیان افسر^{۱۰} موبدان^{۱۱}
 همی خواب دید، این شگفتی نگر!
 به گفتار و^{۱۴} دانش توانا بُدند
 هر آنکس که دانا بُد و رای زن
 نهفته پدید^{۱۵} آورد از نهفت
 پراندیشه شدشان^{۱۷} دل و^{۱۸} روی زرد
 خردمند و از^{۲۱} بخردان^{۲۲} یادگار!
 به^{۲۴} گیتی ز^{۲۵} دانش رسیده به^{۲۶} کام،
 نشستش بجز^{۲۹} با دد^{۳۰} و دام نیست،
 چو ما را^{۳۲} به مردم همی شمرد،
 از^{۳۵} آرام^{۳۶} مردم^{۳۷} به یک سو بود،
 پرستنده مردی و بختی^{۴۰} بلند،
 مگوی^{۴۳} و ز نادان^{۴۴} گزارش مجوی!

۱۰۵ چنین گفت گوینده‌ی پهلوی
 یکی شاه بُد هند را^۲ نام کید^۳
 دل بخردان داشت و مغز ردان^۸
 دُمادُم به ده شب پس یکدگر^{۱۲}
 به هندوستان هر که^{۱۳} دانا بُدند
 ۱۱۰ بفرمود تا ساختند انجمن
 همه خواب‌ها پیش ایشان بگفت
 کس آن^{۱۶} را گزارش ندانست کرد
 یکی^{۱۹} گفت با کید کای^{۲۰} شهریار!
 یکی نامدارست^{۲۳} مهران به نام
 ۱۱۵ به شهراندرش^{۲۷} خواب^{۲۸} و آرام نیست
 ز تخم گیاهان^{۳۱} کوهی خورد
 نشستش ابا^{۳۳} غرم^{۳۴} و آهو بود
 ز چیزی به گیتی^{۳۸} نیابد^{۳۹} گزند
 مر این^{۴۱} خواب‌ها را بجز پیش اوی^{۴۲}

۱-ل. ک: خواب دیدن کید هندی: ق: خواب کید شاه هند و تعبیر در آن؛ س: گفتار در خواب دیدن کید هندی: متن = س. ل. ۲-۲. (لن: آ: راه هند بد) ۳- (ق: پ: کید نام) ۴- (ق: آ: نبودش) ۵- (لن: آ: بجز) ۶- (لی: < و >) ۷- (ق: آ: دادکام: پ: خردمند و بینادل و شادکام) ۸- (لن: رای کیان، لی: آ: فر کیان): متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- ل: آ: نشسته ۱۰- (لن: لن: آ: فرزه) ۱۱- (آ: بخردان: لی: نشان کیانی و مغز ردان): متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲- ق: یک شب پس از یکدگر: (ل: آ: یک اندر دگر) ۱۳- (ل: آ: هر چه) ۱۴- س: (نیز لن: لی): < و > (ل: آ: به گفتارها بر) ۱۵- س: ک، ل، آ، س: (نیز لی، و، آ، ب): برون: متن = ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن: آ) ۱۶- ک: او ۱۷- س: ک (نیز ق، آ، لن: آ): شان شد: ل: (نیز لی): شاه: (ل: آ: زان): متن = ل، ق، س: (نیز لن، پ، و، آ، ب) ۱۸- ل: (نیز لی): < و > ۱۹- س: آ: همی ۲۰- (لن: ای) ۲۱- ل، ق، ل، آ، س: (نیز لن، ل، آ، لن: آ): وز: متن = س، ک (نیز ق، آ، لی، پ، و، ب) ۲۲- ل، ق (نیز لن، ل، آ، لن: آ): مهتران: متن = س، ک، ل، آ، س: (نیز لی، ب) ۲۳- (لن: لن: آ: یادگارست) ۲۴- ل (نیز لن، لن: آ): ز ۲۵- ل (نیز لن، لن: آ): به ۲۶- (ل: آ: برآورده): آ پس از بیت ۱۱۴ افزوده است: مرین خواب‌ها را بجز پیش او مگوی و ز نادان گزارش مجوی (بی‌پاوند) ۲۷- ک (نیز ل: آ): اندرون ۲۸- (ل: آ: خورد) ۲۹- س، ک، ل، آ، س: (نیز لن، و، لن، آ، ب): نشستش جز: متن = ل، ق (نیز ق، آ، پ، آ) ۳۰- (آ: باد) ۳۱- س، ق، ک، س: (نیز ق، آ، لی، پ، ب): گیاهای: متن = ل، ل، آ (نیز لن، ل، آ) ۳۲- (ل: آ: او) ۳۳- ک، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن: آ، ب): نشستش با: متن = ل، س (نیز لی، آ) ۳۴- (لن: لن، لی، لن: آ: گور): متن = ده دستنویس دیگر ۳۵- ل، س، ک، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ): ز: متن = (ل: آ، ب) ۳۶- (ق: آ، پ، آ: آرام و): ل: آزار: (و: انبوه) ۳۷- ک: مردی: س، ل، آ، س: (نیز ب): و مردی: متن = ل (نیز لن، لی، ل، آ، لن: آ): ق این بیت را ندارد ۳۸- (ق: آ: ز گیتی به چیزی: لن: آ: به گیتی ز چیزی) ۳۹- (پ: نیارد) ۴۰- ل: نحی (نقطه ندارد): س، ل: آ: نام: ک، س: آ (نیز ب): نامی: (ق: آ، ل: آ: بخت: پ: بختش): متن = ق (نیز لن، و، لن: آ): لی، آ این بیت را ندارند ۴۱- (ل: آ: تو این) ۴۲- (لن: آ: او): در آ این بیت پس از بیت ۱۱۴ آمده است ۴۳- ل (نیز ل: آ): مگو: (لن: آ: بگوی) ۴۴- ل: آ: دانش: (و: دانا): متن = ده دستنویس دیگر: ق، لن، ق، آ این بیت را ندارند: ل: آ پس ازین بیت افزوده است:

مر این خواب را زود پاسخ دهد ترا روزگاران فرخ دهد

۱۲۰ چنین گفت با دانشی کید شاه
 کزین^۲ پره‌ر بگذری، نیست راه!
 هم آنکه به اسپ اندر آورد پای
 حکیمان برفتند^۵ با او به هم
 جهاندار^۷ چون نزد مهران رسید
 بدو گفت کای^۹ مرد یزدان پرست
 به ژرفی بدین^{۱۱} خواب من گوش دار^{۱۲}
 چنان دان^{۱۶} که یک شب^{۱۷}، خردمند پاک^{۱۸}،
 یکی خانه دیدم چو کاخی بزرگ^{۲۰}
 در خانه پیدا نه از^{۲۳} کاخ بود
 گذشتی^{۲۵} ز سوراخ پیل^{۲۶} زیان
 ز روزن گذشتی^{۲۹} تن و^{۳۰} بوم اوی^{۳۱}
 دگر شب بدان گونه^{۳۴} دیدم که تخت
 کبی^{۳۷} بر^{۳۸} نشستی بر آن تخت عاج
 سدیگر شب از خوابم آمد^{۴۰} شتاب
 بدو اندر آویخته چار مرد

بد آواز^۳ مهران بیامد^۴ ز جای
 بدان تا نباشد سپهد^۶ دژم
 پرسید داننده را چون سزید^۸
 که در کوه با غرم داری نشست^{۱۰}،
 گزارش کن و^{۱۳} یک به یک^{۱۴} هوش دار^{۱۵}؛
 بخفتم به^{۱۹} آرام بی ترس و باک،
 بدو اندرون زنده پیلی^{۲۱} سترگ^{۲۲}،
 به پیش^{۲۴} اندرون تنگ سوراخ بود،
 تنش را ز^{۲۷} تنگی نکردی^{۲۸} زیان،
 بماندی بدان^{۳۲} خانه^{۳۳} خرطوم اوی^{۳۱}
 تهی ماندی^{۳۵} از یکی^{۳۶} نیک بخت،
 به سر بر نهادی دل افروز تاج
 یکی نغز کریاس دیدم به خواب،
 رخان از کشیدن^{۴۱} شده لاژورد^{۴۲}،

۱- (ق: آ): گفت: ۲- ق: کزان ۳- ل، ق، ل، آ، س ۴- (نیز لن، لی، و-ب): با آواز؛ ک (نیز ق، آ، ل، آ، پ): بر آواز؛ متن تصحیح قیاسی است
 ۴- ق-س ۵- (نیز لی، آ، ب): برآمد؛ (لن: آ): درآمد؛ س: حکیمان برفتند با او؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و) ۵- س: که بودند ۶- ل، س، ک،
 ل: آ: سپهد نباشد؛ (و: نباشد دل شه)؛ متن = ده دستویس دیگر ۷- ق (نیز ق: آ): جهانجوی؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۸- (لن،
 لن: آ: بدید) ۹- ق (نیز ل: آ): ای؛ (لن: یا) ۱۰- (لی، آ: توانا و با دانش و زوردست) ۱۱- (لی، آ: مر این؛ لن: آ: برین) ۱۲- ق: کن؛ (لن، لن: آ:
 هوش دار)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۳- (پ: بکن) ۱۴- (ق: آ: این را و هم) ۱۵- (لن، لن: آ: گوش دار)؛ ق: نمایک زمان هوش کن؛
 متن = ل، س، ک، ل، آ، س ۱۶- (نیز لی، ل، آ، و، آ: کن <، ب) ۱۷- (ل: آ: بد) ۱۸- ل، س، ک، ل، آ، س ۱۹- (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): و پاک؛
 متن = ق (نیز ق: آ، لی، ل، آ، آ) ۲۰- س-س ۲۱- (نیز لن، لی، ب): بی: متن = ل (نیز ق: آ) ۲۲- س، ک، ل، آ، س ۲۳- (نیز ق: آ، لی، آ، ب): بلند؛ متن = ل، ق
 (نیز لن، ل، آ: <ی>، پ، و، لن، آ: <ی>) ۲۴- (ل: آ: پیل؛ ب: زند پیلی) ۲۵- س، ک، ل، آ، س ۲۶- (نیز ق: آ، لی، پ: ب): نژند؛ متن = ل، ق (نیز لن،
 ل، لن: آ) ۲۷- (ل: آ: نه آن): ل: تراز؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۸- (و: بدو) ۲۹- ک: برآمد؛ ل، آ، س ۳۰- (نیز لی، ب): بیامد؛ متن = ده
 دستویس دیگر ۳۱- س: پیلی ۳۲- س: به ۳۳- (پ: بکردی؛ لن، لن: آ: نیامد؛ و: نیودی ز تنگی)؛ ک: ز تنگی تنش را نیامد ۳۴- ل، ک، ل، آ (نیز
 ق، آ، لی، آ، ب): گذشته؛ متن = ل، س، س ۳۵- (نیز لن، ل، آ، لن: آ) ۳۶- س: س (نقطه ندارد)؛ ل: آ: بن ۳۷- ل، س، آ (نیز ق: آ، لی، ل، آ، و-ب): او؛ متن =
 (لن، پ) ۳۸- س (نیز ل، آ، و، لن: آ): در آن: ق (نیز لن): بدین؛ (پ: در این)؛ متن = ل (نیز ق: آ) ۳۹- ل، آ، س ۴۰- (نیز آ، لی): به روزنش؛ ک: بمانده
 به روزنش؛ (ب: نماندی به روزنش)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، لن: آ) ۴۱- ک (نیز پ، و): بر آن گونه؛ (لن: بدان خانه؛ ق، آ، ل، آ: در
 آن خانه)؛ متن = ل، س، ل، آ، س ۴۲- (نیز لی، لن، آ، آ، ب) ۴۳- ق (نیز لی): مانده بد؛ (و: مانده بود)؛ س: پیرداختی؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز هفت
 دستویس دیگر) ۴۴- (لن: آ: از خسرو)؛ س: آ: بازماندی ز یک ۴۵- ل، ک، ل، آ (نیز لن، ب): کبی؛ س، ق، س ۴۶- (نیز ق: آ، لی، ل، آ، پ، و، لن: آ): کسی؛
 (لی، آ: یکی)؛ متن تصحیح قیاسی است ۴۷- ل، ک، آ، س ۴۸- (نیز لی، آ، ب): نو؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، لن: آ) ۴۹- (لی، آ: نشسته)
 ۴۰- س-س ۴۱- (نیز لی، لن، آ، آ، ب): آمد به خوابم؛ (لن، ق، آ، پ، و: آمد ز خوابم)؛ متن = ل (نیز ل: آ) ۴۲- ق: کشنده ۴۳- س-س ۴۴- (نیز لن، ق، آ،
 ب): لاژورد؛ (ب: لاژورد)؛ متن = ل (نیز ل: آ)

۱۳۵ نه کړپاس جایی^۱ درید از^۲ گروه^۳
 چهارم چنان دیدم ای نام دار
 همی آب، ماهی بر او^{۱۰} ریختی
 جهان^{۱۳} مردو^{۱۴} آب از^{۱۵} پس اندر^{۱۶} دمان^{۱۷}
 به پنجم چنان دید جانم به خواب
 ۱۴۰ همه مردمش کور بودی^{۲۴} به چشم
 ز داد و دهش وز^{۲۸} خرید و فروخت
 ششم دیدم ای مهتر ارجمند
 شدندی به پرسیدن تن درست
 همی گفت: چونی به درد اندرون؟
 ۱۴۵ رسیده^{۳۶} به لب جان نا^{۳۷} تن درست
 چو نیمی ز^{۴۰} هفتم شب اندرگذشت
 دو پای^{۴۳} و دودست^{۴۴} و دوسر داشتی

نه مردم^۴ شدی^۵ از^۶ کشیدن^۷ ستوه
 که مردی بدی^۸ تشنه بر^۹ جویبار،
 سر^{۱۱} تشنه از آب^{۱۲} بگریختی،
 چه گوید^{۱۸} بدین^{۱۹} خواب^{۲۰} نیکی^{۲۱} گمان؟^{۲۲}
 که شهری بدی تنگ^{۲۳} نزدیک آب،
 یکی را ازیشان^{۲۵} ندیدی^{۲۶} به چشم^{۲۷}،
 تو گفتی همی^{۲۹} شارستان^{۳۰} برفروخت
 که شهری بدندی همه^{۳۱} دردمند،
 همی^{۳۲} دردمند^{۳۳} آب ایشان^{۳۴} بجست،
 تنی دردمند^{۳۵} و دلی پر ز خون،
 همی چاره^{۳۸} تن درستان^{۳۹} بجست
 چمنده^{۴۱} یکی اسپ^{۴۲} دیدم به دشت،
 به دندان گیا تیز^{۴۵} بگذاشتی^{۴۶}،

۱-ل: جای؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-ک، س، آ (نیز ب): آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-س: ستوه ۴-س، ل، آ، س ۲
 (نیز لی، آب): مردی ۵-س: شده؛ (ب: شدند؛ و: یک تن شدند) ۶-ق، س، آ (نیز لن، پ، لن، آ): زان ۷-ک: مرد از کشیدن بگشتی؛ متن =
 ل (نیز ق، آ): ل این بیت را ندارد ۸-ل (نیز و): شدی ۹-ق (نیز پ): در ۱۰-ل (ن، لی، لن، آ): برون؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۱۱-ل (ن، آ: بسی) ۱۲-ل (ن: خواب) ۱۳-ل، س (نیز پ): دوان؛ س، آ: همان؛ (لی: آ: دمان؛ و: روان)؛ متن = ق، ک، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ل، آ، ب)
 ۱۴-ل (لی، آ: ل: <) ۱۵-ل (لی: آن از: پ: ماهی) ۱۶-ل، ک، ب، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، ب): او؛ متن = س، ق (نیز لی، پ) ۱۷-ل (نیز لن، ل، آ، و،
 لن، آ، ب): دوان؛ (پ: جهان)؛ متن = س، س، س، آ (نیز ق، آ، لی، آ) ۱۸-ل (ق، آ: که جوید) ۱۹-ک: ازین؛ (ل: آ: بر این؛ پ: در این)؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۲۰-س، ک، ل، آ، س، آ (نیز ب): کار؛ متن = ل، ق (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱-س، س، آ (نیز لی، آ): نیکو؛ (ل، آ:
 روشن)؛ متن = ل، ق، ک، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، ب) ۲۲-ل (ن، آ: روان) ۲۳-ل: هم به؛ (و: نک (حرف دوم بی نقطه)؛ ل، آ: نیک)؛ متن =
 دوازده دستنویس دیگر ۲۴-ق: دیدم ۲۵-س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ): ز کوری؛ (لی: آ: ز مردم)؛ متن = ل، آ، س، آ (نیز ب) ۲۶-ل، س، ق،
 (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ): ندیدم؛ ک: مردگر را نسودی؛ متن = ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، آ، آ، ب) ۲۷-ل (نیز لن، ق، آ): بخشم (حرف دوم بی نقطه)؛
 ک (نیز و، آ): بخشم (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ س، ق (نیز پ، لن، آ): بخشم؛ متن = ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، آ، ب) ۲۸-ل (لی: آ: از): ک: بر
 ۲۹-ک (نیز و): همه ۳۰-س (نیز لی، ل، آ، پ): شارسان؛ ل، آ: شهر را؛ س، آ (نیز و، ب): شهرشان؛ متن = ل، ک (نیز ق، آ، لن، آ، آ): ق، لن این بیت را
 ندارند ۳۱-پ: بدی یکسره) ۳۲-ق: همو؛ ل، آ (نیز لی، آ): همه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳-س، ک، ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب):
 چاره؛ ق: خانه؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۳۴-س، ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): تن درستان؛ ق: دردمندان؛ ک: کار ایشان؛ (پ، لن، آ: آب
 ازیشان)؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ) ۳۵-س، ک (نیز لی، آ): پر ز درد؛ درک لت های این بیت پس و پیش شده است؛ ق، لن، ل این بیت را
 ندارند ۳۶-س، آ: رسیدی؛ (لی: رسیدن) ۳۷-ل (ن، آ: و ما) ۳۸-ق، آ: دردمندان؛ س (نیز لی، آ): همی جان بیمار گشتی درست ۳۹-ل (و: ز
 اندیشه تعبیر این کن درست)؛ متن = ل، ل، آ، س، آ (نیز پ، لن، آ، ب): ق، ک، لن، ل این بیت را ندارند ۴۰-ق، آ: چنین نیز) ۴۱-ل، ک، ل، آ (نیز
 لن، ل، آ): جهنده؛ س: چمیده؛ ق، س، آ (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب): جمنده؛ (ل، آ: حمیده)؛ متن = (و) ۴۲-ل: باره؛ متن = چهارده دستنویس
 دیگر ۴۳-ل (نیز لن، آ): پا ۴۴-ل (و: دست و دو پای) ۴۵-ل، س، ل، آ، س، آ (ن، لن، لی، لن، آ، آ، ب): یز (حرف یکم بی نقطه)؛ (ق، آ: نیز: و: هیچ)؛
 متن = ق (نیز ل، آ، پ) ۴۶-ق، آ، ل، آ: برداشتی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر

بُند بر^۳ تنش راه^۴ بیرون شدن^۵
برابر نهاده به روی زمین^۶،
گذشته به^۸ خشکی بر او^۹ سالیان،
همی ریختند اندر او^{۱۰} آب سرد،
نه آن^{۱۲} خشک رادل^{۱۳} پر^{۱۴} از نم شدی
بر آب و گیا خفته در^{۱۵} آفتاب،
تنش لاغر و خشک و^{۱۹} بی آب روی^{۱۸}،
کلان^{۲۱} گاو و^{۲۲} گوساله بی نوش^{۲۳} و تاو
نرنجی به تن^{۲۵} تا بدین^{۲۶} سر نهم^{۲۷}؛
و زو بر زبر راه^{۲۹} ایوان و کاخ^{۳۰}،
ز خشکی لب چشمه گشته^{۳۱} دژم
کزین پس چه خواهد بُدن در جهان

چران^۱ داشتی از دو رویه^۲ دهن
به هشتم سه خُم دیدم ای پاکدین
۱۵۰ دو پر آب و^۷ خُمی تهی در میان
ز دو خُم پر آب دو نیک مرد
نه از ریختن زین کران^{۱۱} کم شدی
نهم شب یکی گاو دیدم به خواب
یکی خرد^{۱۶} گوساله در^{۱۷} پیش اوی^{۱۸}
۱۵۵ همی شیر خوردی از او^{۲۰} ماده گاو
اگر گوش داری به خواب^{۲۴} دهم
یکی چشمه دیدم به دشتی^{۲۸} فراخ
همه دشت یکسر پر از آب و نم
سزد گر به^{۳۲} پاسخ بگویی^{۳۳} نهان^{۳۴}

بدو گفت: از این^{۳۵} خواب^{۳۶} دل بد مکن!
نه آید^{۳۸} بدین^{۳۹} پادشاهی گزند
ز روم و ز ایران گزیده سران

۱۶۰ چو بشنید مهران ز کید این سَخُن
نه کمتر شود بر^{۳۷} تو نام بلند
سکندر بیارد^{۴۰} سپاهی^{۴۱} گران

- ۱- (لن: آ: <ن>؛ ل: آ، و: جزان)؛ س: آ: جوان؛ ق: همان؛ متن = ده دستویس دیگر ۲- ل: آ: آن دو رویه؛ ق: بر دو رویه؛ (لن، ق: آ: از دو گونه)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳- (لی، آ: در) ۴- ل: ق: جای ۵- (لی: شدت (پاوند ندارد)) ۶- متن = س-س: آ (نیز لن-ب)؛ ل این بیت را ندارد ۷- (لی، آ: <و>) ۸- س، ک (نیز پ، و): ز: متن = ده دستویس دیگر ۹- ک: بدو: ل بیت های ۱۵۰-۱۵۱ را ندارد ۱۰- س، ک، ل: آ، س (نیز لی، آ: ب): ریختندی به خُم؛ (ق، آ، ل: آ: ریختندی در او)؛ متن = ق (نیز لن، پ، و، لن آ) ۱۱- ق: دوان؛ (پ: زین بران؛ لن: آ: این دوان؛ و، آ: زان یکی)؛ س: آن دو خُم؛ (ل: آ: این دو خُم)؛ متن = ک، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لی، ب) ۱۲- (آ: زان) ۱۳- س (نیز ق، آ، و): لب: ل: آ: دگر را؛ متن = ل، ق، ک، س (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۴- س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، و): بر (نقطه ندارد)؛ ک، ل، آ، س (نیز آ): بر؛ (لی: خشک دل ز ابر؟)؛ متن = (ل: آ، لن، آ، ب) ۱۵- ل، ق (نیز پ، و): بر؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۶- ل، ق (نیز پ): خوب؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۷- س: از؛ ک (نیز لن آ): بد؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۸- ق، ل: آ (نیز لی، آ): او-رو؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۹- ق، ک، س (نیز ل آ): <و>؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۰- س (نیز ب): از آن؛ ل: آ: ازین؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۱- (لن: آ: همان) ۲۲- ل (نیز لن-ب، لن، آ، آ) <و>؛ متن = س-س: آ (نیز و، ب) ۲۳- ل (نیز پ، و): زور؛ (لن، ق: آ: فر: ل: آ: بر)؛ متن = س-س: آ (نیز لی، لن، آ، آ، ب) ۲۴- (و: نهم؛ لی: بخوابت دهم) ۲۵- ل (نیز ل آ): همی؛ ک: یکی؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۶- ک، ل، آ، س (نیز لن، ق، آ، لن، آ، ب): برین؛ (لی: در آن: پ: یا برین)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل آ، آ) ۲۷- ل: دهم؛ (و: شگفت آیدت بیشتر از نهم)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۸- س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ): بدشت؛ متن = ل، ق-س: آ (نیز و، آ، ب) ۲۹- (لن: بر نبرده (وزن ندارد))؛ ل: فروتر ز بر برده؛ ق: فزون در برش؛ (ل: فزون تر بر آورده؛ و: فرو برده و دور از؛ لن: آ: فرو برده دید) ۳۰- س، ک، ل، آ، س (نیز پ، آ، ب): هر آن چشمه را هر سویی راه و شاخ؛ متن = (ق آ): لی این بیت را ندارد ۳۱- س، ک، ل، آ، س (نیز پ، ب): مانده؛ متن = ل، ق (نیز هفت دستویس دیگر) ۳۲- ل، س (نیز لن آ): تو؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۳- س: آ: نداری؛ (پ: گشایی) ۳۴- (پ: زبان)؛ ب این بیت را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد: خواب گزاردن مهران حکیم خواب کید را ۳۵- ل، آ، س (نیز لن آ): زین ۳۶- ل: آ: هیچ ۳۷- (ل: با) ۳۸- ق (نیز لن): نیاید؛ (ل: نه ایدر) ۳۹- (ل: و: برین) ۴۰- (لی: سبارد) ۴۱- (لن: آ: سپاه)

خرد یار^۱ کن جنگ او^۲ را مجوی^۳!
کسی آن ندید^۴ از کهان و مهان:
کزو تابد^۵ اندر زمین^۶ افسرت^۷
بگوید همه^۹ با تو راز جهان
بداند در سود و راه گزند^{۱۱}
نه ز آتش شود گرم و نه ز آفتاب
بدین چیزها راست کن تاب اوی^{۱۶}
چو خواهی که ایدر ننازد^{۲۱} درنگ
نه با چاره‌ی^{۲۳} جنگ^{۲۴} و با افسرش^{۲۵}

چو خواهی که باشد ترا آب روی
ترا چار چیزست کاندر جهان
یکی چون بهشت برین دخترت
دگر فیلسوفی که داری نهان^۸
سدیگر بزشکی^{۱۰} که هست ارجمند
چهارم قدح کاندر او ریزی آب
ز خوردن نگیرد^{۱۳} کمی^{۱۴} آب اوی^{۱۵}
چُن^{۱۷} آید^{۱۸} برین^{۱۹} باش و مگال^{۲۰} جنگ
بسند^{۲۲} نباشی تو با لشکرش

همان خواب را نیز پاسخ دهیم^{۲۷}
کزو^{۲۹} پیل بیرون شدی بی درنگ
همان پیل شاهی بود نا^{۳۲} سپاس
جز از^{۳۴} نام شاهی نباشد بر اوی

[چو بر کار تو رای فرخ نهیم^{۲۶}
یکی خانه دیدی و^{۲۸} سوراخ تنگ
[تو آن خانه^{۳۰} را همچو گیتی^{۳۱} شناس
۱۷۵ [که بیدادگر باشد و کز^{۳۳} گوی

تهی مانده تخت از کی بدگمان^{۳۵}
شدی آن گپی تخت را ناگزیر
همان^{۳۷} سست و بی سود و ناپارسا^{۳۸}

[دگر تخت دیدی یکی شادمان
[نشستی یکی گپی بی بر سریر
[ازین^{۳۶} پس بیاید یکی پادشا

۱-ق (نیز ق^۲، لی، و): یاد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ل: رزم او ۳-س (نیز لی: چاره این بجوی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
۴-لی: (را نداد) ۵-لن: (که می‌تابد) ۶-س، ک، ل^۲ (نیز لی، پ، آ، ب): جهان؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز لن، ق، ل^۲، و، لن^۲) ۷-لی، آ، ب: اخترت) ۸-و: (هست از مهان) ۹-ق-س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): همی؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ل^۲، لن^۲) ۱۰-ل^۲ (نیز ل^۲، پ): بجشکی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ل، ق (نیز لن، ق، ل^۲، لن^۲): بدانندگی نام کرده بلند؛ متن = س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لی، آ، ب) ۱۲-س: آ: <ز>: ل (نیز ق^۲): کم نه از؛ (لن، لی، و، لن^۲): گرم نر: پ: گرم و نر: ل^۲: کم آید نه از؛ متن = س، ق <و>: ک، ل^۲ (نیز آ، ب <شود> (وزن ندارد))
۱۳-ل^۲: (نگردد) ۱۴-ل^۲: (یکی: آ: کسی) ۱۵-س، ک، ل^۲ (نیز لی): وی: ق (نیز ق^۲، لن^۲): او؛ (و: چو خواهی که باشد ترا آب روی)؛ متن = ل، س^۲ (نیز لن، ل^۲، پ، ب) ۱۶-س، ک، ل^۲ (نیز لی): وی: ق (نیز ق^۲، لن^۲): او؛ س^۲: روی: ل: آب روی: (پ: نه زین کم شود کوشش و تاب اوی)؛ متن = (لن، و، ب) ۱۷-ل-ل^۲ (نیز لن-ب): چو: متن = س^۲ ۱۸-ک: آمد ۱۹-ل، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، پ، آ): بدین؛ متن = س، ک (نیز لن، و، لن^۲، ب) ۲۰-س: آ: ممالک (؟) ۲۱-ق: نیابد؛ (ق: آ: آید نیابد؛ لی: آ: آید ننازد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-لن^۲، آ، ب: پسند (۲۳-ق (نیز لن، ل^۲، پ، لن^۲): چاره و: س: نه بر باره و: متن = ل، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، لی، و، آ، ب) ۲۴-ل، ق (نیز لن، پ): گنج ۲۵-س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لن-ب): کشورش: متن = ل، ق ۲۶-ل: کنیم: (لی: آ: نهیم)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷-ل: کنیم: (لی: آ: دهیم)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ک، ل^۲، س^۲ (نیز لن، لی، آ، ب): ز؛ متن = ل، س، ق (نیز ق^۲، ل^۲، لن^۲) ۲۹-لی، آ: کزان) ۳۰-و: پیل) ۳۱-لی: (کشتی) ۳۲-ل^۲، س^۲ (نیز ب): بی: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳-ق: آ: گو: آ: لی: هرزه) ۳۴-لی: (به جز): این بیت در دستنویس‌های س، ک، ل^۲، لی، آ چندبیتی سپس تر آمده است ۳۵-متن = (پ): ل-س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) بیت‌های ۱۷۶-۱۷۷ را ندارند ۳۶-ل^۲: (از آن) ۳۷-ل، ق (نیز لن-و): چنان: (لن: آ: تنش)؛ متن = س، ل^۲ (نیز لی، آ) ۳۸-ل^۲: بی ساز و ناپارسا؛ پ: و بدروز و ناپارسا)؛ ک: که بی دادگر باشد و بی بها؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز شش دستنویس دیگر)؛ س^۲ (نیز ب) این بیت را ندارند؛ درس این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است

- ۱۸۰ [به دل سفله^۱ باشد به تن ناتوان
کجا^۲ زیردستانش باشند^۳ شاد
به آزاندرن تیز و^۴ تیره روان]
پر از غم دل شاه و لب^۵ پر ز باد^۶]
- [دگر^۷ آنکه دیدی ز^۸ کرپاس نغز
نه کرپاس نغز از کشیدن درید
ازین پس بیاید یکی نام دار
یکی مرد پاکیزه و^{۱۱} نیک خوی
۱۸۵ [تو کرپاس را دین یزدان شناس
یکی دین^{۱۵} دهقان آتش^{۱۶} پرست
دگر دین موسی که خوانی^{۱۹} جهود
دگر دین یونانی آن^{۲۳} پارسا
چهارم بیاید همین^{۲۵} دین پاک^{۲۶}
۱۹۰ [چنان^{۲۹} چارسوی^{۳۰} از پی پاس^{۳۱} را
همی درکشد^{۳۴} این از آن، آن ازین
دگر تشنه‌یی کو شد از^{۳۶} آب خوش
زمانی^{۳۷} بیاید^{۳۸} که پاکیزه^{۳۹} مرد
- گرفته و را چار پاکیزه مغز]
نه آمد ستوه آن که او^۹ را کشید]
ز دشت سواران نیزه گزار^{۱۰}]
بدو دین یزدان^{۱۲} شود چارسوی]
کشنده^{۱۳} چهار آمد^{۱۴} از بهر پاس]
که بر باز^{۱۷} برسم بگیرد^{۱۸} به دست]
که گوید^{۲۰} جزین را^{۲۱} نشاید^{۲۲} ستود]
که داد آورد در دل پادشا^{۲۴}]
سر هوشمندان برآرد^{۲۷} ز خاک^{۲۸}]
کشیدند^{۳۲} از آن^{۳۳} گونه کرپاس را]
شوند آن زمان^{۳۵} دشمن از بهر دین]
گریزان و ماهی و را آب کش]
شود خوار چون آب دانش^{۴۰} بخورد^{۴۱}]

- ۱- (و: تفته) ۲- ل (نیز لن): بیز (حرف یکم بی نقطه)؛ لی، لن، آ: نیز؛ متن = س-س-۲ (نیز ق، ل، آ، پ، ب) ۳- (و: کزو) ۴- ک (نیز ل آ):
باشند و؛ س (نیز لی، و، آ): زیردستان نباشند؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن آ) ۵- ق: سر؛ ک: او و لب ۶- ل (و: شاه دل پر ز داد)؛
س (نیز ب) این بیت را ندارند ۷- (آ: سیم) ۸- س، ق (نیز ل آ): تو؛ (ق: آ: گفتمی ز)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۹- (لن، و، لن آ: آن؛
ل آ: شتر بانگ او)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۰- ل: گذار؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- س، ق، ک (نیز ق، آ،
لی، پ، آ)؛ پاکیزه؛ (لن: پاکیزه و)؛ متن = ل، ل، ل، آ، س (نیز ل، آ، ب) ۱۲- (لن: بدین دین بزرگان) ۱۳- ک، ل (نیز لی، لن، آ: آ: کشیده؛ متن = ده
دستویس دیگر ۱۴- ق: آید؛ (لی: جهان آمد) ۱۵- ل (نیز لن آ): پیر؛ س-س-۲ (نیز ق، آ، لی، پ، ب): نام؛ (لن: ل آ: مرد)؛ متن = (آ) ۱۶- س (نیز
لن، ل آ): و آتش؛ ک: آذر؛ (پ: یزدان)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۷- ل (آ: بی باژ)؛ ل: بر واژ و؛ س (نیز ق، آ، و): او باژ و؛ ق (نیز لی، آ): با
باز و؛ متن = ک، ل، آ، س (نیز لن، پ، ب) ۱۸- (ق، آ، لی، ل، آ، ب: نگیرد؛ لن آ: که پر باز گیرم نگیرد)؛ متن = ل-س-۲ (نیز لن، پ، و) ۱۹- ک، س، آ
(نیز ب): خواند ۲۰- ق (نیز پ): گویی؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۱- ل، ق: آنرا؛ (لن، و، لن آ: دین)؛ متن = س، ک، س (نیز شش
دستویس دیگر) ۲۲- ق: نیاید؛ ل این بیت را ندارد ۲۳- ق: ای؛ (و: حآن)؛ آ: و؛ س: سوم دین عیسی مرآن؛ ل آ: و گر دین تویابی ز آن؛
متن = ل، ک، س (نیز شش دستویس دیگر) ۲۴- بر در پادشا؛ (و: دادار داند ز دل پادشا؛ آ: دادار داند دل پادشا؛ ل آ: کشیدند از آن گونه
کرپاس را)؛ متن = ده دستویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۲۵- ق (نیز ب، آ): یکی؛ ک، ل آ: همی؛ (لن: همان)؛ متن = ل، س، س (نیز ق، آ،
و، لن، آ، ب) ۲۶- ل (نیز لن آ): پاک رای؛ (آ: پاک دین)؛ متن = س-س-۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، ب) ۲۷- ق (نیز و): بر آید ۲۸- ل (نیز لن آ): جای؛ (آ:
کین)؛ متن = ده دستویس دیگر؛ لی، ل این بیت را ندارند ۲۹- (لی: جهان؛ پ: چنین) ۳۰- ل-ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ): چارسو؛ س، آ:
چون شوی؛ متن = (ب) ۳۱- ق، ل آ: پارس ۳۲- ل آ: کشیدن ۳۳- ل (نیز و): زان؛ (پ: ازین)؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ ل این بیت را
ندارد ۳۴- ل: درکشید؛ (لی: درکشند؛ آ: درکشیدند (وزن ندارد))؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۵- ل (آ: همه)؛ متن = دوازده دستویس
دیگر؛ ق این بیت را ندارند ۳۶- ل، آ، س (نیز ب): شود ز؛ (لن، و، لن آ: سر از؛ ق آ: تشنه کو آمد از؛ و: چهارم که شد تشنه از؛ آ: چهارم که
تشنه شد از)؛ ک: (خوانا نیست)؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، پ) ۳۷- (آ: زمانه) ۳۸- (و: در آید) ۳۹- (لن: پاکیزه) ۴۰- (لن: را او؛ ق، آ، ل، آ،
لن آ: او را) ۴۱- ل (آ: نخورد؛ و: و آتش بلرد)؛ ق این بیت را ندارد

بکر دار ماهی به دریا شود
 ۱۹۵ [همی^۳ تشنگان را بخواند بدآب^۴
 [گریزند^۷ از آن^۸ مرد دانش‌پژوه
 [به پنجم که دیدی یکی شارستان^{۱۱}
 [پراز خورد و داد و خرید و فروخت
 [ز^{۱۶} کوری یکی دیگری^{۱۷} را ندید
 ۲۰۰ [زمانی بیاید کزان^{۲۰} سان شود^{۲۱}
 [بر ایشان^{۲۲} بود^{۲۳} دانش‌اومند^{۲۴} خوار
 [ستاینده‌ی مرد نادان شوند^{۲۶}
 [همی داند^{۲۸} آن کس که گوید^{۲۹} دروغ

[ششم آن که دیدی بر^{۳۲} اسپی دو سر
 ۲۰۵ [زمانی بیاید که مردم^{۳۴} به چیز
 [نه درویش یابد از او بهره‌ی

خورش را نبودی بر او بر گذر^{۳۳}
 شود شاد و سیری نیابد بنیز^{۳۵}
 نه دانش‌پژوهی و گر^{۳۶} شهره‌ی

۱-ق (نیز ق^۲): آن؛ (لن، و، لن، آ): که از؛ پ: کزان؛ متن = ل، س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل، آ، ب) ۲- (لی: رسد): ل^۳ بیت ۲۰۱ را پس ازین بیت آورده است ۳- ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، آ، و): همه: ک: همان: متن = ل، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۴- ل، س (نیز ق، ل، آ، و): بر آب؛ ق، ک (نیز ل، آ، پ، و): به آب؛ ل: نه آب؛ (لن، آ: نماید خواب (وزن ندارد))؛ متن = س^۲ (نیز لن، ب) ۵- ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ): ز دانش؛ (ب: گزارش)؛ متن = س-س^۲ (نیز ل، آ، آ) ۶- (لن، لن، آ: نیارد جواب؛ ل: آ: نسا زد به خواب؛ آ: نسا زد خواب)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷- س (نیز ق، ل، آ، و): آ: گریزان؛ (ل: گریزد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸- ل: زان؛ ک: ازین؛ (ل: آ: ازو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- س: گشاینده ۱۰- س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق، ل، آ، ب): هر؛ ق: آن؛ متن = ل (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۱- س، ق، ل، آ (نیز ل، ل، آ، پ، ب): شارسان؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، آ) ۱۲- (ل: آ: بر او) ۱۳- (لی: آ: خاسته)؛ ک: ساخته اندرون؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- س، ق (نیز ل، ل، آ، پ، ب): کارسان؛ ل: آ: کارشان؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ، آ) ۱۵- س، ل، آ (نیز ب): زمین؛ ک: همی؛ س^۲: جهان؛ (ق: آ: که گفתי زمین)؛ متن = ل، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۶- (ب: که) ۱۷- (ق: آ: یکدیگر) ۱۸- (لن، ق، آ، پ، لن، آ: بر آن آن برین؛ ل: آ: برین آن بر آن) ۱۹- ل: نگرید (حرف یکم بی نقطه)؛ س: در کشید؛ ک: نگرید (حرف دوم بی نقطه)؛ (ق: آ: کشید (وزن ندارد)؛ لی: آ: بنگرید؛ پ: ننگرید)؛ متن = ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ، ب)؛ ق: این بیت را ندارد ۲۰- ک (نیز پ، لن، آ): کزین؛ (لن: که زین) ۲۱- (لن، ق، آ، پ، بود)؛ ل^۳ این بیت را ندارد ۲۲- ل، س: بدیشان؛ (لن: آ: بر آن سان؛ ل: آ: برین سان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳- ق (نیز و، ب): شود؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴- س، ک: دانشی مرد؛ (ق: آ: دانش‌اومند؛ لی: دانش‌مرد؛ ل: آ: مرد دانای؛ آ: دانش‌مرد)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۵- س: آ: خروشان ۲۶- (ق: آ: بوند؛ ل: آ: شود) ۲۷- (لن، ق، آ، پ، و، لن، آ: ستایش)؛ متن = ل، س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل، آ، آ، ب)؛ ق: این بیت را ندارد ۲۸- (لی: آ: دید؛ ل: آ: گوید؛ و: روا باشد) ۲۹- س^۲ (نیز ل، آ، آ): داند ۳۰- (لی: آ: آ: از؛ ل: آ: بر) ۳۱- (لن، لن، آ: نجوید)؛ ق: این بیت را ندارد ۳۲- (لی: باسی) ۳۳- س، ل، آ، س^۲ (نیز پ، و، آ): ره گذر؛ (لی: بدو ره گذر؛ ب: بر ره گذر (وزن ندارد))؛ ق (نیز ق^۲): نبودیش راه گذر؛ (لن: نبد از پیش ره گذر؛ لن: آ: نبد از تنش ره گذر؛ ل: آ: گر نبودیش راه گذر)؛ متن = ل، ک ۳۴- س: آ: مردان؛ (ل: آ: زمانی که مردم بیاید) ۳۵- ل، ق، ل، آ (نیز ق، ل، آ، لن، آ): نیابند نیز؛ (لن، پ: نیابند نیز؛ و: نیابند چیز؛ لی: کز چیز خوارست نیز)؛ ک: بود شاد گر چیز خوارست نیز؛ متن = س-س^۲ (نیز ل، آ، آ، ب) ۳۶- ل، س (نیز ق، ل، آ، و، لن، آ): و نه؛ (لی: بدانش‌پژوهی و نه)؛ متن = ق، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، آ، پ، آ، ب)

کسی را نباشند فریادرس] [جز از خویشان را نخواهند و بس^۱
 [به هفتم که^۲ پر^۳ آب دیدی دو^۴ خم
 [دو از^۷ آب روشن^۸ سراسر بدی^۹
 ۲۱۰ [ازین^{۱۳} پس بیاید یکی روزگار
 [که گر ابر گردد^{۱۶} بهاران پُر^{۱۷} آب
 [نبارد بر او^{۱۹} نیز^{۲۰} باران خویش
 [توانگر^{۲۴} ببخشد^{۲۵} همی این بدان^{۲۶}
 [شده^{۲۹} مردِ درویش را^{۳۰} خشک لب
 ۲۱۵ [دگر^{۳۱} آنکه گاوی چنان تن درست
 [چو کیوان به برج ترازو شود،
 [شود^{۳۳} کاربیمار و^{۳۴} درویش^{۳۵} سُست^{۳۶}،
 [نه هرگز^{۳۸} گشاید سر گنج^{۳۹} خویش،
 [دگر^{۴۱} چشمه‌یی دیدی^{۴۲} از آب، خشک
 ۲۲۰ [نه زو بردمیدی یکی روشن^{۴۵} آب^{۴۶}
 [ازین پس یکی^{۴۷} روزگاری^{۴۸} بود
 [که دانش نباشد بنزدیکِ اوی^{۴۹}

کسی را نباشند فریادرس]
 یکی زو تهی^۵ مانده بُد تا به دُم^۶]
 میانه^{۱۰} یکی^{۱۱} خشک و بی بر^{۱۲} بدی]
 که درویش گردد^{۱۴} چنان سست و^{۱۵} خوار،]
 ز درویش پنهان کند^{۱۸} آفتاب]
 دل مرد^{۲۱} درویش از او^{۲۲} گشته^{۲۳} ریش]
 یکی با^{۲۷} دگر چرب^{۲۸} و شیرین زبان]
 همی روز را بگذرانند به شب]
 ز گوساله‌ی لاغر او^{۳۲} شیر جُست]
 جهان زیر نیروی بازو شود،]
 و زو چیز خواهد همی تن درست^{۳۷}]
 نه زو باز دارد به^{۴۰} تن رنج خویش]
 به گرد اندرش آبهای^{۴۳} چو^{۴۴} مُشک]
 نه آن آبها را گرفتی شتاب]
 که اندر جهان شهریاری بود،]
 پر از غم بود جانِ تاریکِ اوی^{۴۹}]

۱-ل.ک.س^۲ (نیز لن.ق.آ.لی.ل.آ.آ.) <و> ق (نیز لن.آ.) کس: متن = س (نیز پ.و.ب.)؛ ل^۲ این بیت را ندارد ۲-ق: دگر آنک ۳- (لی: در: و: هفتم پر از) ۴- (ق: آ: سه) ۵- ق (نیز لن.): زان تهی: (لی: آ: زان میان) ۶- ق: از فوم (؟): س^۲ (نیز ب.): تا قدم؛ (و. لن. آ: مانده سر تا بدم: ق: آ: زان تهی و دو دیگر به نم: آ: زان میان بد تهی تا بدم: پ: دیگر از آب و نم گشته کم): متن = ل.س.ک. ل^۲ (نیز ل^۲) ۷- (لی: آ: زان: پ. و: پر) ۸- ل (نیز لن.ق.آ.ل.آ.و. لن.آ.) دايم: متن = س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز لی.آ.ب) ۹- ل.آ: شدی ۱۰- س^۲ (نیز و.ب.): میان: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- (و: میان تهی) ۱۲- (لی: آ: نم: لن. لن.آ: ناتر): ق این بیت را ندارد ۱۳- س (نیز لی): از آن: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴- (و: ماند) ۱۵- ق (نیز لی): <و> ۱۶- ق: گیرد: ل: آب گیرد: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- ل.س^۲ (نیز لن.ل.آ.آ.ب) بر (نقطه ندارد): متن = (پ. و) ۱۸- ل.س.ک (نیز لی): کنند: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹- ل (نیز لن.لی. لن.آ): بدو: (ب: آن): متن = س-س^۲ (نیز ق.آ.ل.آ.پ. و. آ) ۲۰- ل (نیز لن.): نیز (حرف یکم بی نقطه): س.ک: نر (حرف سوم بی نقطه): ل^۲ (نیز لی): تیر (حرف سوم بی نقطه): س^۲: نیز (حرف سوم بی نقطه): (ل.آ. لن.آ: تیز): متن = ق (نیز ق.آ.پ. و. آ.ب) ۲۱- (و: ساده) ۲۲- ل.ل.آ.س^۲ (نیز لی. لن.آ.آ. ب): زو: متن = س.ق.ک (نیز لن.ق.آ.پ. و) ۲۳- ک (نیز لی): گشت: (ل: آ: از درد: آ: دل مرد درویش گشته از درد ریش (وزن ندارد)) ۲۴- س: تونگر؟ ۲۵- س (نیز لی): ببیند: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶- ل (نیز پ.): بر آن: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷- ل.آ: بر: س^۲ (نیز ب.): از: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸- (ق: آ: خوب) ۲۹- ل.ق (نیز ل^۲): شود: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- س (نیز آ): از او: ک.ل.آ.س^۲ (نیز لن.ق.آ.ل.آ.پ. لن.آ.ب): از آن: (لی: زو): متن = ل.ق (نیز و) ۳۱- (پ: نهم آنکه) ۳۲- (و: لاغری): س: که گوساله لاغر ازو: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳- (پ: بود) ۳۴- ک (نیز لی.ل.آ): <و> ق: کار و بیمار ۳۵- س.س^۲ (نیز و): درویش بیمار ۳۶- (آ: راست) ۳۷- (آ: باز خواست) ۳۸- (و.ب: هر کس) ۳۹- (لی: در گنج: ل: آ: بر و رنج) ۴۰- (آ: ز): ق این بیت را ندارد ۴۱- (پ: دهم) ۴۲- ل.آ: دید ۴۳- ق: سبزه‌های: (لی.پ. آ: چشمه‌های) ۴۴- ل.ل.آ (نیز لن.): همچو: متن = ل.س.س^۲ (نیز ق.آ.ل.آ.و. لن.آ.ب) ۴۵- ق: روز: (و: نوش) ۴۶- س: نوشراب ۴۷- (ق: آ: ترا) ۴۸- ک: از آن پس یکی تاجداری ۴۹- ل.ل.س.ل.آ (نیز ق.آ.لی.آ.ب): او: متن = ق.ک.س^۲ (نیز لن. ل.آ. لن.آ): س-س^۲ (نیز لن.ب) پس ازین بیت افزوده‌اند:

ز نیکی تهی سال و مه گنج او (لن: اوی)

جهان سر به سر تیره از رنج او (لن: اوی)

(- یادداشت‌ها)

که سازند ازو^۱ نامدار افسری^۲
 بیاید نوآیین^۴ یکی پیش‌گاه^۵
 که بر تارک مهتران^۷ افسرست
 برآنم که^{۱۰} چیزی نخواهد بنیز^{۱۱}
 که دانش^{۱۳} پژوهست^{۱۴} و دارد خرد
 بر او^{۱۶} تازه شد روزگار کهن
 دلارام و پیروز برگشت^{۱۹} شاد
 حکیمان برفتند با او به راه^{۲۰}

[همی هر زمان نو کند لشکری
 [سرانجام لشکر نماند به شاه^۳
 ۲۲۵] کتون این زمان روز^۶ اسکندرست
 چن آید^۸، بدو ده تو این^۹ چار چیز!
 چو خوشنود داری ورا^{۱۲}، بگذرد،
 ز مهراں چو بشنید کید این^{۱۵} سخن
 بیامد سر^{۱۷} و چشم او بوسه^{۱۸} داد
 ۲۳۰ ز نزدیک دانا چو برگشت شاه

بدانست کو را شد آن تاج^{۲۲} و گاه^{۲۳}،
 همه^{۲۵} راه و بیراه لشکر کشید
 درِ شارستان‌ها^{۲۶} گشادند باز
 ز ناهید^{۲۸} مغفر همی برگذاشت^{۲۹}

سکندر چو کرد اندر ایران^{۲۱} نگاه،
 سوی کید هندی^{۲۴} سپه برکشید
 به جایی که آمد سکندر فراز
 از آن مرز^{۲۷} کس را به مردم نداشت

۱-ل (نیز ل ۳، ل ن ۲): زو؛ متن = دوازه دستویس دیگر ۲-۲ (ل): مگر سازد از خویشتن مهتری؛ ق این بیت را ندارد ۳-ل، ک، ل، س، س، س، س، ق (نیز ل، پ، ل ن ۲، ب): نه شاه؛ س: شاه (حرف یکم بی نقطه)؛ ق: نشاء؛ (ق، و): نه شاه (حرف یکم بی نقطه)؛ (ل ن): نه باید شاه (حرف یکم در واژه سوم بی نقطه)؛ متن = (ل، ل، آ، آ) ۴-ل ن ۴: بر آیین؛ و: بنوی بیاید (حرف چهارم بی نقطه) ۵-ق: بزبرگاه؛ ل ۳ پس ازین بیت افزوده است:

کزو گردد ایمن جهان از بدی بتابد ازو فزّه ایزدی

۶-ل ن ۴: دور؛ ل ن: کتون روز را روز (۷-آ: خسروان)؛ ل ۳ پس ازین بیت افزوده است:

دل داد با مهر و پاکیزه‌دین جهانی برو بر کنند آفرین
 به گرد جهان گردد او سر به سر به فرمان یزدان پیروزگر
 همه شهریارانش کهر شوند بسی نیز بی نام و بی بر شوند
 خنک آنکه او را به فرمان بود خرد باشد و هم تزانسان بود

۸-ل ن: آمد ۹-س ۹ (نیز آ): آن ۱۰-ک: که دانم که؛ ل ۴: بدانم که؛ س ۲ (نیز ل، آ، ب): ندانم که؛ (و: کزین بیش)؛ متن = ل، س، س، ق (نیز ل ن، ق، ل ۲، پ، ل ن ۲) ۱۱-س ۴: نخواهد بنیز (حرف یکم بی نقطه)؛ (لی، ب): بخواهند نیز؛ ل ۳، و، ل ن ۴، آ: نخواهند نیز؛ پ: نباشد نیز؛ متن = ل-ل (نیز ل ن، ق، آ) ۱۲-ل (ل ۳): خوشنودی رای او ۱۳-ل ۲، س ۲، آ: دانا ۱۴-و: ورا هست)؛ ل ۳ پس ازین بیت افزوده است:

ز شاهان گیتی چو او کس میدان نه از بخردان و نه از موبدان
 به رای و به دانش به رای و هنر؟ به هر کار هر جای پیروزگر

۱۵-ل (ل ۳): آن؛ ق ۴: چو مهراں به کید آورید این ۱۶-لی: بدو ۱۷-ق: آ: بر ۱۸-ل، ق، س ۲ (نیز ل ن، ل ۳، ل ن ۲، آ): بوس؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ق، ل، لی، پ، ب) ۱۹-و: وز آن جای پیروز برگشت (و) ۲۰-متن = ل، ق (نیز ق، ل، ل ۳، پ، و، ب)؛ س، ک، ل ۲، س ۲، ل ن، لی، ل ن، آ، آ پس ازین بیت افزوده‌اند:

بیامد هم آنکه (س: آنگاه) بارام خویش پراگند گرد جهان نام (ک، لی، آ: کام) خویش

۲۱-س ۴: ایوان؛ ل ۴: کردش بدانسان ۲۲-ب: تخت ۲۳-ل (ل ۳): بارگاه ۲۴-ق: هندو ۲۵-ل، ق: همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل ۳ این بیت را ندارد؛ در ل ت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۶-لی، ل، آ، آ، ب: شارسان‌ها؛ و: شهرها را ۲۷-ک: مرد ۲۸-و: خورشید ۲۹-س (نیز لی، ل، ل ن ۳، آ): بفراشت؛ متن = ل، ل ۲، س ۲ (نیز ل ن، ق، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری (۲۲۹-۲۳۳): و لما استبت آموره بایران عزم علی قصد ملک من ملوک الهند یمی کیدا، و جر العاکر الیه، و سار الی أن وصل الی مدبته الی تسمی میلاب

گفتار اندر نامه فرستادن اسکندر بنزدیک کید هند^۱

۲۳۵ چُن^۲ آمد بدان^۳ شارستان^۴ بزرگ
 بر آن^۵ مرز لشکر فرود آورید
 نیسندهی^۶ نامه را خواندند
 یکی نامه بنبشت^۷ نزدیک کید
 از^۸ اسکندرِ راد^۹ پیروزگر
 ۲۴۰ سرِ نامه کرد^{۱۰} آفرین از نخست
 ز کار آن گزیند^{۱۱} که بی رنج تر^{۱۲}
 گرانیده باشد به یزدانِ پاک
 بداند که ما تخت را^{۱۳} مایه ایم^{۱۴}
 نبشتم^{۱۵} یکی نامه نزدیک تو
 ۲۴۵ هم آنگه^{۱۶} که^{۱۷} بر تو بخواند^{۱۸} دبیر
 اگر شب رسد، روشنی را^{۱۹} میای!

که میلاد خواندیش کید سترگ،
 همه بوم ایشان سپه گسترید
 به پیش سِکندرِش نشانند
 - چو^{۲۰} شیری که ارغده گردد به^{۲۱} صید -
 خداوند شمشیر و تاج و کمر
 بد^{۲۲} انکس که دل را به دانش بست^{۲۳}
 چو خواهد که بردارد از رنج^{۲۴} بر^{۲۵}
 بدو^{۲۶} دارد اُفید و^{۲۷} زو ترس و باک
 جهاندارِ پیروز را سایه ایم^{۲۸}
 که روشن کند^{۲۹} جان^{۳۰} تاریک^{۳۱} تو
 مینه^{۳۲} پیش دیر و^{۳۳} سگالش مگیر^{۳۴}!
 هم اندر زمان سوی فرمان^{۳۵} گرای!

۱-ل (کمی بالاتر): رفتن سکندر به رزم کید هندی؛ س: نامه فرستادن اسکندر به نزدیک کید هند؛ ق: نامه اسکندر به کید شاه هند و جواب او؛ ک: نامه اسکندر به نزد کید و پاسخ او؛ ل: آ، س: نامه اسکندر به کید هندی ۲-ل-ل-۲ (نیز ل-ب): چو؛ متن = س ۳-ل (نیز ل-ب): بر آن؛ ق: به آن؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۴-ق، ل-۲ (نیز ل، ل-۳، پ، ب): شارسان؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز ل، ق، و، ل، آ، آ) ۵-س (نیز ل، و، ل، آ، آ): بدان؛ (ل: در آن)؛ متن = ل، س، آ، ق، ک، ل-۲ (نیز ل، ق، آ، پ، ب) این بیت را ندارند ۶-ل-ک (نیز ل-ل-۳، و-ب): نویسنده؛ متن = ل، آ، س، آ؛ پ این بیت را ندارد ۷-ل-ک، س ۲ (نیز ل-ب): بنوشت؛ متن = ل ۸-ک: که ۹-ک، ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، آ، ب): ز؛ س: آهنگ دارد به؛ ق (نیز ل، آ): غرنده گردد ز؛ پ: ارغده گردد ز؛ ل: آزرده گردد ز؛ متن = ل: در ل این بیت بایست پیشین پس و پیش شده است؛ و به جای این بیت آورده است:

یکی نامه زی کید هندی نوشت بدید آورید اندر او خوب و زشت

۱۰-ل، س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ل، آ، آ، ب): ز؛ متن = ق (نیز ل ۳) ۱۱-ل (نیز ل ۳): شاه؛ س: آن شاه؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۲-ل: بود؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۱۳-س، ک (نیز ل، ق، آ، پ، ل، آ، آ، ب): بر؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ل، و) ۱۴-ل (و: جان راز اندیشه شست) ۱۵-ب (گزيند ز کار آن) ۱۶-ل: آ: تن؛ (ل: آ: زرد) ۱۷-ل، ق، س ۲ (نیز ل، ق، آ، پ): گنج تر؛ متن = س، ک (نیز ل، ل، و-ب) ۱۸-ل (ل: وزو) ۱۹-ق: <و>: در ک، ل، آ، ل، این بیت بایست پیشین پس و پیش شده است ۲۰-ق: آ: بر تخت ما) ۲۱-ل: آ: سایه ایم ۲۲-س، س ۲: به شاهی بر آن برترین پایه ایم؛ ک، ل ۲ (نیز ل، پ، آ): به شاهنشهی برترین (بربر این) پایه ایم؛ ب: به شاهنشهی بربرین پایگاه (پساوند ندارد)؛ متن = ل، ق (نیز ل، ق، آ، و، ل، آ) ۲۳-ل، ق (نیز ق، آ، و، ل، آ): نوشتم؛ متن = س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ل، پ، آ، ب) ۲۴-ق: آ: کتم) ۲۵-ک، ل ۲ (نیز ل، آ، ب): رای؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۶-ل (ل: باریک) ۲۷-ل (ل: بدانگه؛ ل: آ: هرانگه) ۲۸-ل، آ، س ۲ (نیز ل، آ، ب): چون؛ (ل: آ: چو) ۲۹-ل، آ، س ۲ (نیز ل، آ، ب): بر تو خواند؛ ک: این بر تو خواند؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، آ، ل-۳) ۳۰-س، ق (نیز ق، آ، پ، ل، آ): بنه ۳۱-ل، س، ق، س ۲ (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ، آ، ب): و این را؛ ل: آ: و آن را؛ (ق: آ: وی را)؛ متن = (و) ۳۲-س: پذیر؛ ق: (نیز ل، ل، آ، ب) بگير؛ ک: نگير؛ متن = ل، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ل، آ، ب) ۳۳-ک، ل ۲ (نیز ل، آ، ب): روشنایی؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۴-س، ک، س ۲ (نیز ل): نیکی؛ متن = یازده دستویس دیگر

و گر بگذری زین سَخُن، بگذرم^۱ سر و تاج و تخت^۲ به پی بسپرم^۴!

چو نامه بر کید هندی^۵ رسید،
 فراوانش^۶ بستود و بنواختش
 ۲۵۰ بدو گفت: شادم به^۹ فرمان اوی^{۱۰}
 ولیکن بدین^{۱۲} گونه^{۱۳} ناساخته
 نباشد^{۱۶} پسند جهان آفرین،
 هم آنگه بفرمود تا شد دبیر
 مر آن نامه را زود پاسخ نبشت^{۲۰}
 ۲۵۵ نخست آفرین کرد بر کردگار
 خداوند بخشنده^{۲۲} دادگر
 دگر گفت کز نامور پادشا
 نشاید که داریم چیزی دریغ
 مرا چار چیزست کاندر جهان
 ۲۶۰ نباشد کسی را پس از من بنیز^{۲۸}

فرستاده‌ی پادشا را بدید،
 به نیکی^۷ بر^۸ خویش بنواختش،
 زمانی نگردم^{۱۱} ز پیمان اوی^{۱۰}
 بیایم^{۱۴} دمان^{۱۵}، گردن افراخته،
 نه نزدیک^{۱۷} آن^{۱۸} پادشاه زمین
 قلم خواست هندی و چینی حریر^{۱۹}
 بیاراست برسان^{۲۱} باغ بهشت
 خداوند پیروز پروردگار^{۲۱}
 خداوند مردی^{۲۳} و هوش^{۲۴} و هنر
 نیچند^{۲۵} سر مردم پارسا
 ز دارنده^{۲۶} لشکر و تاج و تیغ
 کسی را نبود^{۲۷} آشکار و نهان
 بدین^{۲۹} گونه اندر جهان چار چیز

۱-ل (نیز لن آ): بگذرم (حرف یکم بی نقطه): ق، س آ (نیز ق آ، لی، آ): نگذرم: (و: بگذریم (حرف یکم بی نقطه)): متن = س، ک، ل آ (نیز لن آ، ب، پ، ب) ۲-ل: <و> ک، ل آ (نیز لی): سوی: متن = یازده دستنویس دیگر ۳-س آ (نیز ل آ، ب): تخت و تاجت ۴-ق آ: نسپرم: (و: بسپرم): س: مهی بسپرم: (لی: مهی نسپرم: آ: همی بسپرم): متن = ده دستنویس دیگر: بنداری (۲۳۴-۲۴۴): فنزل علیها و کتب الیه کتاباً یا مره فیه بالخروج الی خدمته، و اللدخول تحت طاعته ۵-ق (نیز ب): هندو: لن آ این بیت را ندارد ۶-و: فراوان (لن: تنگی) ۸-ل، آ: نزدیک: لن آ این بیت را ندارد: بنداری (۲۴۵-۲۴۶): فلماً وصل الیه الرسول و وقف علی الکتاب اکرم الرسول و أجلسه بجنبه و أحسن الیه ۹-ل: ز: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۰-ل، ک، س آ (نیز ق آ، ب): او: ل آ (نیز لی، آ): تو: متن = (لن، ل آ، پ، و) ۱۱-ق آ: نگردم زمانی: لن آ این بیت را ندارد ۱۲-س، ک (نیز ق آ، ل آ، ب): برین: متن = ده دستنویس دیگر ۱۳-ل آ: نامه) ۱۴-ک (نیز ق آ): نیایم ۱۵-س (نیز ل آ، و): دوان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ل آ، س آ (نیز لن، ق آ، ل آ، و، لن آ، ب): نیاید: متن = ل، ک (نیز لی، پ، آ) ۱۷-ل آ (نیز ب): بنزدیک: (ل آ: ز نزدیک) ۱۸-ل: نه نزدیک: لن آ: نه شایسته) ۱۹-س، ل آ در اینجا سرنویس دارند: پاسخ نامه اسکندر از نزد (ل آ: <نزد>) کید هند: در ل آ نه‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۰-ل، ک، ل آ (نیز لن، لی، لن آ): نوشت: متن = س، ق، س آ (نیز ق آ، ب) ۲۱-ل (نیز پ): و به روزگار: ق: به روز و به روزگار: (لن، ق آ: پیروزی و روزگار: ل آ: به روز پیروزکار: و: پیروزی پروردگار): متن = س، ک، ل آ، س آ (نیز لی، لن آ، آ، ب) ۲۲-ل، س آ (نیز لن، ق آ، ل آ): و: متن = ده دستنویس دیگر ۲۳-ل آ: <ی> (وزن ندارد): (و: نیرو): متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴-ق آ: رای: ل آ: داد: س، لی، آ پس ازین بیت افزوده‌اند:

همی (س: جو بر) خواند بر کردگار آفرین ازو (س: کزو) گشت آباد روی زمین

۲۵-س (نیز ق آ، و): نیچند: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-و: ز گنج زر و) ۲۷-ل آ: ندارد کسی ز: (لن آ: کس آنرا ندید) ۲۸-لن: کس از من بسی را بنیز: ق آ: پس من کسی را نه (بی نقطه) نیز: لن آ: پس از من کسی را نه نیز: ب: پس از من کسی را بنیز) ۲۹-ق، ک (نیز لن، ق آ، ب، لن آ): برین: (ل آ: بر آن): متن = ل، س، ل آ، س آ (نیز لی، آ، ب): و این بیت را ندارد: بنداری: فکتب جواب کتابه، و ذکر فیه آن له أربعة أشياء لا یملکها أحد غیره، و لا مثل لها فی جمیع العالم

از آن^۳ تازه گردد دل و کیش^۴ اوی^۲
بیایم پرستش کنم بنده وار

فرستم - چو فرمایدم^۱ - پیش اوی^۲
از^۵ آن پس، چو^۶ فرمایدم شهریار^۷،

بگفت آنچه بشنید و نامه بداد^۸
به نزدیک آن نامور باز شو^{۱۱}!
کسی را بُد^{۱۴} آشکار و نهان؟
سپهر آفرینش نخواهد فزود!

فرستاده آمد به کردارِ باد
سکندر^۹ فرستاده را گفت: رَوُ^{۱۰}!
۲۶۵ بگویش که آن چیست^{۱۲} کاندر^{۱۳} جهان
پدیدند^{۱۵} تا بودنی^{۱۶}، هر چه بود!

به کردارِ آتش، بیمود راه
که کس را به گیتی^{۱۹} نبوده ست نیز -
که نادیدنی، پاک^{۲۲} نابودنی ست!
بپرداخت و^{۲۴} بنشست با رهنمای

بیامد فرستاده از نزد^{۱۷} شاه،
چنین گفت با کید کین^{۱۸} چار چیز
همی شاه خواهد بداند^{۲۰} که چیست^{۲۱}؟
۲۷۰ چو بشنید کید آن، ز بیگانه^{۲۳} جای

۱-ل: فرمان دهد؛ متن = س-س-۲ (نیز ل-پ، ل-ن، آ، ب) ۲-ل، س، ق (نیز ق، آ، ل، آ، ب): او؛ متن = ک، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ)
۳-س، ک، ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، ل، آ، ب): وزان؛ ق: که تا؛ (لن: وزین؛ ل: کزان): متن = ل (نیز پ) ۴-ل، آ: دل ریش؛ (ل: کم و بیش)؛
متن = دوازده دستنویس دیگر؛ و به جای این بیت افزوده است:

فرستیم نزد تو بی داوری تو آنکه به هر کار داناتری
۵-ق: وز ۶- (لن، ق، آ، ل، ن، آ، ب): که؛ ک، ل، آ، س (نیز ل، ل، آ، پ، آ، ب): و گر زانک؛ متن = ل، س، ق ۷- (ب: بنده وار) ۸- متن = ل-س (نیز
هشت دستنویس دیگر)؛ و این بیت را ندارد؛ س، ل، آ، پس ازین بیت افزوده اند:

سکندر چو برخواند آن نامه را بدیدش بد و نیک آن خامه را
۹-س (نیز ل، آ): پس آنکه ۱۰- (ب: فرستاده سکندر را گفت رو (وزن ندارد)) ۱۱- (ل، آ: شاه نو)؛ س: پیامی دگر گو مر او را به نو؛
متن = یازده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد ۱۲-ل، آ: چار؛ (ل: کیست) ۱۳- (ل: اندر) ۱۴-ک: ندید؛ (ل، آ: آن ندید)؛ متن = یازده
دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد؛ س، ل، آ، پس ازین بیت افزوده اند:

بدان تا بدانم همه رازشان همان بشنوم نام و آوازشان
بنداری: فبعث الاسکندر الیه یسأله عن الأشياء الأربعة ۱۵-ل، ق (نیز ل، آ، آ): بدیدند؛ س، ک، ل، آ، س (نیز ل-پ، ب): که دیدند؛ متن
تصحیح قیاسی است ۱۶-س: آن بودنی؛ ق (نیز ل، آ): از بودنی؛ ک، ل، آ، س (نیز ب): نادیدنی؛ (لن، ل، آ: خود بودنی؛ ق، آ، ل، آ: خود
دیدنی؛ پ: نابودنی؛ و (شش بیتی پیش تر): کزین خوب تر بودنی)؛ متن = ل ۱۷-س، ک، ل، آ، س (نیز ل، پ، آ، ب): نزدیک؛ (ل: آ:
فرستاده بی نزد)؛ متن = ل، ق (نیز ل، ق، آ، و، ل، آ)؛ س، ل، آ، پس ازین بیت افزوده اند:

چو آمد بر کید هندی بگفت سخن ها همه برگشاد از نهفت
پیام سکندر مر (آ: چو) او را بگفت رخ کید هندی ازو برشکفت
که گوید همی شهریار جهان سخن ها که باشد همی (ل: همه) در نهان

۱۸-ق، س (نیز ل، ل، آ، آ): کان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-ل، آ: نباشد؛ س (نیز آ): چه باشد که کس را؛ ک: چه چیزست و کس را؛
متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-ل (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ل، آ): که داند؛ متن = س، س، آ (نیز آ) ۲۱-س، آ: کیست ۲۲- (و: یاد و آ: همچو؛ ق: آ: ز
نادیدنی یاز؛ ل: که نابودنی هیچ)؛ متن = ل، س، س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ)؛ ق، ک، ل، آ، ب این بیت را ندارند ۲۳- (ل: آ: پردخت) ۲۴-ل، ک،
ل (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، آ): پردخت و؛ (ل: آ: ز بیگانه)؛ متن = س، ق، س (نیز ل، آ، ب)

ز هر در^۳ فراوانش^۴ بناختند^۵
 که من^۹ دختری دارم اندر نهفت،
 شود تیره^{۱۱} از روی آن ارجمند
 همی آید از دو لبش^{۱۴} بوی شیر
 در^{۱۶} افشان کند^{۱۷} چون سُراید^{۱۸} سخن
 همی - داستان را^{۲۱} - خرد پرورد
 چُن^{۲۵} او در زمانه ندیده ست کس
 دل و^{۲۶} شرم و پرهیز دارد^{۲۷} به دست
 وگر^{۳۰} آب سرد اندر او افگنی،
 نشیند^{۳۳} نگردد می از جام کم
 شگفت آنکه کمی نگیرد^{۳۶} ز خورد
 که علت بگوید^{۳۸}، چو بیند سِرِشک
 ز دردی نیچند جهاندار شاه
 یکی فیلسوفست نزدیک من^{۴۲}
 ز گردنده^{۴۳} خورشید و رخشنده^{۴۴} ماه

فرستاده را پیش^۱ بناختند^۲
 از^۶ آن پس فرستاده را^۷ شاه^۸ گفت
 که گر^{۱۰} بیندش آفتاب بلند
 کمندست^{۱۲} گیشوش^{۱۳}، هم رنگ قیر
 ۲۷۵ خم آرد ز^{۱۵} بالای او سروین
 ز دیدار^{۱۹} چهرش خرد بگذرد^{۲۰}
 چوخامش بود^{۲۲} جان^{۲۳} شرمست^{۲۴} و بس
 سپهدنژادست و یزدان پرست
 دگر^{۲۸}، جام دارم^{۲۹} که پر می کنی،
 ۲۸۰ به ده^{۳۱} سال^{۳۲} اگر با ندیمان بهم
 همت^{۳۴} می دهد جام^{۳۵}، هم آب سرد
 سوم آنکه دارم یکی نوبزشک^{۳۷}
 اگر باشد او سالیان پیش^{۳۹} گاه،
 چهارم نهان^{۴۰} دارم از^{۴۱} انجمن
 ۲۸۵ همه بودنیاها بگوید به شاه

۱-۱: گفت؛ و: شاد) ۲-۲: (نیز لن: ۲)؛ بناختش ۳-ک: ز مردم؛ (لن: ق: ۲: به هر در) ۴-س: (نیز لی: آ): مر او را به گفتار ۵-ل: ۲ (نیز لن: ۲): بناختش؛ (پ: سزاوار او پایگه ساختند) ۶-ک، ل: ۲ (نیز پ: ب): وز ۷-ل: (نن: فرستاده را در زمان) ۸-س: (نیز لی: آ): به راز آنگهی با فرستاده؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۹-ل: (ن: ۲: یکی) ۱۰-ب: (اگر) ۱۱-پ: (خیره)؛ س، لی: آپس ازین بیت افزوده اند:

وگر ماه بیند مر او را به گاه ز شرمش رخ ماه گردد سیاه

۱۲-ق: دو؛ (لن: کمندی ست) ۱۳-آ: (گیوی) ۱۴-پ: (و: آیدش از لبان) ۱۵-ک، س: ۲ (نیز لن: لی): آورد؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۶-ل: ق: ک، س: ۲ (نیز لن: ق: ۲، ل: ۲، پ: و، ب): گل: (لن: آ: سر)؛ متن = س، ل: ۲ (نیز لی: و، آ) ۱۷-ل: (نیز لن: ۲): شود؛ ق: (نیز ل: ۲): بود؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۸-ل: (نیز لن: ۲): براند؛ (ق: ۲: بگوید)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۹-ل: (نیز و، لن: آ): دیدار و؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۰-ک: نگذرد؛ (ل: ۲: پرورد)؛ ل: سخن نگذرد؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۱-ل: (ن: آ: ها)؛ س-س: ۲ (نیز لی: آ، ب): دانش او را؛ (ل: ۲: بگذرد با)؛ متن = ل: (نیز لن: ق: ۲، پ: و) ۲۲-ل: (نیز لن: ۲): شود؛ متن = س-س: ۲ (نیز لن: ق: ۲، ل: ۲، پ: و، آ، ب) ۲۳-ک، ل: ۲ (نیز لن: و، لن: آ، ب): جای؛ (ق: ۲: کان)؛ متن = ل، س، ق، س: ۲ (نیز ل: ۲، پ) ۲۴-ک: مهرست ۲۵-ل: (نیز و، آ): چو لی این بیت را ندارد ۲۶-ل: ق: (نیز لن: ق: ۲، ل: ۲، س: ک، ل: ۲، س: ۲)؛ متن = س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز آ، ب) ۲۷-س: (نیز لی: ب): شرم دارد هنرها؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ بنداری: فقال: أحدها بنت وراء ستری لیس لها نظیر فی الحسن و الجمال و کمال الأداب ۲۸-ق، ک، ل: ۲ (نیز لن: ل: ۲، و-ب): یکی؛ متن = ل، س: (نیز پ) ۲۹-ق: ۲: دارد؛ پ: دگر چیز جامی) ۳۰-لی: (دگر) ۳۱-ل: (ن: ق: آ: دو) ۳۲-ل: (روز) ۳۳-س: ز خوردن؛ (پ: نشینی؛ لن: ۲: بنوشد)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۴-ل: (ن: لن: آ: همی) ۳۵-ک: (نیز لی: او و؛ ل: ۲ (نیز ب): می و ۳۶-لی: آ: کم می نگردد؛ ل: ۲: خالی نگردد؛ پ: می کم نگردد؛ ب: آن که نگیرد (وزن ندارد)؛ بنداری: و الثانی جام اذا مألته بالماء أو بالشراب لم ینقصه الشرب منه وإن شربت منه مع الندماء عشر سنین ۳۷-ل: (پ: بجشک) ۳۸-ل: (ن: آ: نگوید)؛ س: آ: بدانند؛ (ب: بیند) ۳۹-ق: نزد؛ س: ۲ (نیز ب): پیش؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: و الثالث طیب إن أقام مع الملك لم یصبه داء مدة حیاته ۴۰-ق: (ن: نهان جهان) ۴۱-ل: (و: داشته ز) ۴۲-ل: ۳: ز گردنده خورشید و رخشنده ماه (پاوند ندارد) ۴۳-س، ک: رخشنده؛ (ق: ۲: تابنده)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۴۴-س، ک: (نیز ق: ۲): گردنده؛ س: ۲ (نیز لن: ب): بخشنده؛ (و: تابنده)؛ متن = ل، ق، ل: ۲ (نیز لی: ل: ۲، پ: لن: آ، آ): بنداری: و الرابع فیلسوف یخبر الملك بجمع ما یکون قبل وقوعه

فرستاده‌ی نامور^۱ بازگشت^۲
 بیامد چو^۵ پیش سکندر، بگفت
 بدو گفت: اگر باشد این گفته^۷ راست
 چو این‌ها فرستد به^{۱۱} نزدیک من
 ۲۹۰ بر و^{۱۶} بوم او را نکوبم به پای
 گزین کرد از آن^{۱۹} رومیان مرد، چند
 یکی نامه بنیشت^{۲۱} پس شهریار
 که نه^{۲۳} نامور ز^{۲۴} استواران^{۲۵} خویش
 خردمند و بارسم^{۲۷} و باشرم و رای^{۲۸}
 ۲۹۵ فرستادم اینک به نزدیک تو^{۳۱}
 تو این چیزها را بدیشان نمای
 چو من نامه^{۳۵} یابم ز پیران^{۳۶} خویش
 که بگذشت^{۳۹} بر چشم^{۴۰} ما چار چیز

پی باره^۳ با باد همباز^۴ گشت
 دل شاه گیتی چو گل^۶ برشکفت
 بدین^۸ چار چیز^۹ این جهان را بهاست^{۱۰}
 درخشان^{۱۲} کند^{۱۳} جان^{۱۴} تاریک^{۱۵} من
 برین^{۱۷} نیکوی بازگردم به^{۱۸} جای
 خردمند و با^{۲۰} دانش و بی‌گزند
 پر از پوزش و رنگ و بوی^{۲۲} و نگار
 جهان‌دیده و^{۲۶} رازداران خویش،
 جهانجوی و پُردانش^{۲۹} و رهنمای^{۳۰}
 نیچند با^{۳۲} رای باریک^{۳۳} تو^{۳۱}
 بمان تا بباشد^{۳۴} همان جا به جای
 ازین^{۳۷} پُره‌نر یادگیران^{۳۸} خویش،
 که کس را به گیتی نبوده‌ست^{۴۱} نیز

۱- (آ: نامه ور) ۲- (و: بازگشت باز (وزن ندارد)) ۳- (ن: بدان راه؛ ق: بی راه؛ پ: به یک باره؛ و: ابی باره) ۴- ل. س. ک. ل. ۲ (نیز ل. ن. و. آ. ب.)؛ انباز: متن = ق. س. ۲ (نیز ل. ن. ۲) ۵- ق (نیز ق. ۲، ل. ن. ۲): به ۶- س. ک. ل. ۲ س. ۲ (نیز ل. آ. ب.): ز نو: متن = ل. ق (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. ۲- ل. ن. ۲) ۷- ک. ل. ۲ (نیز ق. ۲، ل. ن. آ. ب.): گفت: س. سکندر چنین گفت اگر هست: متن = ل. ق. س. ۲ (نیز ل. ل. ۲، و) ۸- (ل. ن. آ. ب. برین) ۹- ل. ۲ (نیز ل. ن.): چیزش؛ (و: همین هر چهار) ۱۰- س. اندر جهان پادشاست ۱۱- ل. ۲ س. آ: فرستاد ۱۲- (ل. ن. ل. آ: درفشان) ۱۳- ل. شود: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۴- س. ل. ۲ (نیز ل. و. آ.): رای: متن = ده دستنویس دیگر ۱۵- (ل. باریک) ۱۶- س. ل. ۲ س. ۲ (نیز ل. ب.): بید: متن = ده دستنویس دیگر ۱۷- ق. ل. ۲ س. ۲ (نیز ق. ۲، و. آ. ب.): بدین: متن = ل. س. ک. (نیز ل. ن. ۲) ۱۸- س. ز ۱۹- ل. ک. زان: ق (نیز ق. ۲): از: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- س. ک. ل. ۲ س. ۲ (نیز ل. و. آ. ب.): پر: متن = ل. ق (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. ن. ۲) ۲۱- ل. س. (نیز ل. ن. ب.): بنوشت: متن تصحیح قیاسی است ۲۲- س. ل. ۲ (نیز ق. ۲، ل. و. ب.): بوی و رنگ: متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ل. ۲، پ.): ک در اینجا سرنویس دارد: نامه اسکندر دیگر باره به نزد کید ۲۳- ل. (نیز ل. ن.): صد: س. زین: ک. با؛ (ل. ن. من؛ پ. و. آ. ده): متن = ل. آ. س. ۲ (ق. آ. ل. آ. ب.) ۲۴- س. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. آ. ب.): <ز>: متن = ل. ل. ۲ (نیز ق. ۲، ل. و. آ.) ۲۵- (ل. آ. از سواران): در ل. ۳ این بیت چهار بیت سپس تر آمده است ۲۶- (ل. آ. ازین پره‌نر): ق این بیت را ندارد؛ بنداری: تسعة أنفس من ثقاته ۲۷- ل. (نیز ل. ن. آ.): دانش: (ل. ن. ق. آ. پاکند: ل. آ. باکبر): متن = س. ل. ۲ س. ۲ (نیز ل. پ. آ. ب.) ۲۸- (ب. داد؛ پ. داد و رای؛ و. شرم و با آفرین) ۲۹- (ل. آ. نام آور) ۳۰- (و: پاک‌دین): ق. ک این بیت را ندارند ۳۱- (ق. آ. او) ۳۲- (پ. از): س. بینند آن: ک. ل. ۲ (نیز و): که بیچند با؛ (ل. آ. نیچند مگر): متن = ل. س. ۲ (نیز ق. ۲، ل. آ. ب.) ۳۳- (ل. ن. ب. تاریخ): ق این بیت را ندارد ۳۴- س. ک. ل. ۲ س. ۲ (نیز ل. آ. ب.): بماند؛ متن = ل. (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. آ. ل. ن. آ.): ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فنذ الیه الاسکندر تسعة أنفس من ثقاته و مشایخ فلاسفته لیوضح ما قال، ویقف علی صحته ۳۵- (پ. باز) ۳۶- س. س. ۲ (نیز ق. ۲، ل. ن. آ.): یاران: (ل. میران): متن = ل. ک. ل. ۲ (نیز ل. ل. آ. و. آ. ب.) ۳۷- ک. (نیز پ. آ.) آن ۳۸- ل. نامداران: ک. کارداران؛ (پ. ب. یادگاران؛ ل. آ. پیشکاران): متن = س. ل. ۲ س. ۲ (نیز ل. ل. آ. و. آ.): ق به جای این بیت آورده است:

که کز؟ نامور استواران ما جهان‌دیده و کارداران ما

۳۹- ق: نویسد که ۴۰- س: چشمشان ۴۱- س. ک. ل. ۲ (نیز ل. آ. ب.): آن در جهان کس ندیدست: س. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. آ. ل. ن. آ.): اندر جهان کس ندیدست: ق: گذر کرد کان را ندیدند

که کیدست تا باشد او^۳ شاه هند^۴
 ز پیش^۷ سکندر سوی کید^۸ تفت^۹
 فراوان بپرسید و پاسخ شنید
 یکی جای شایسته پرداختشان^{۱۲}
 برآهخت^{۱۴} خورشید^{۱۵} تیغ نبرد^{۱۶}،
 -نباید خود آراستن^{۱۸} ماه را!-
 به گرداندر آرایش چین نهاد
 ز ناهید تابنده تر بر^{۲۰} سپهر
 زبان^{۲۲} چرب و^{۲۳} گوینده و یادگیر
 بر آواز^{۲۵} اسکندر فیلقوس
 درفشان^{۲۷} ازو خانه^{۲۸} و تخت^{۲۹} و گاه^{۳۰}،
 ز دیدار او سُست شد پایِ پیر
 زبانها پر از آفرین خدای
 نه زو چشم برداشتند^{۳۵} اندکی
 کس آمد، بر شاهشان خواندند
 که چندین چرا بردتان^{۳۸} روزگار؟

نیسم یکی^۱ نامه‌ی دلپسند^۲
 ۳۰۰ خردمند نه مرد^۵ رومی^۶ برفت
 چو سالار هند آن سران^{۱۰} را بدید
 چنان چون بیایست بنواختشان^{۱۱}
 دگر روز، چون آسمان گشت زرد،^{۱۳}
 بیاراستند^{۱۷} دختر شاه را
 ۳۰۵ به خانه نَدرون^{۱۹} تخت زرین نهاد
 نشست از بر تخت خورشیدچهر
 برفتند بیدار نه^{۲۱} مرد پیر
 فرستادشان شاه سوی^{۲۴} عروس
 چو دیدند^{۲۶} پیران رخ دختِ شاه،
 ۳۱۰ فروماندند اندر او^{۳۱} خیره خیر
 خردمند نه پیر^{۳۲} مانده^{۳۳} به جای
 نه جای گذر دید^{۳۴} از ایشان یکی
 چو فرزندگان دیرتر ماندند
 چنین گفت با رومیان^{۳۶} شهریار^{۳۷}

۱-ل (نیز و): نویسم یکی؛ س: فرستند پس؛ ک (نیز ق): نویسد پس؛ ل: آ: نبشته ز پس؛ س: ۲ (نیز ل، آ): نبشتند پس؛ (لی: بیستند پس؛
 ۲-آ: نوشتند پس؛ پ: نیسند پس؛ ل: آ: ب: نویسم یکی؛ متن تصحیح قیاسی است ۲-س-س: ۲ (نیز ق: ل، آ، پ، و، ب): نامه بر پرند؛
 ن: نامه بربری؛ آ: نامه را بر پرند؛ متن = ل (نیز ل، آ) ۳-ق (آ، ل، آ: تا جاودان) ۴-ل: که از شاهیت جاودان برخوردار؛ آ: ببردش بر
 کید سالار هند؛ س، لی پس ازین بیت افزوده اند:

فرستاد (لی: فرستاده) آن نامه پندمند به نزدیک آن (لی: ببردند بر) کید ناهوشمند
 ۵-ق (نیز ل، پ، و، آ): ده مرد؛ س: آ: نه پیر؛ (ل: آ: صد مرد)؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ق: ل، آ، ل، آ) ۶-ک: هندی ۷-س، ک، ل (نیز ل، پ):
 ۸-ل، ق، س ۸-ل، آ، س (نیز لی): به میلاد؛ (ب: به میلاد و) ۹-ک: به میلاد رفت ۱۰-ل: آن سپه را ۱۱-ک: بنواختشان ۱۲-ل
 ۱۳-لی: بنواختشان؛ (ل، ل، آ: بر ساختشان؛ ق: آ: تر ساختشان؛ ل: آ: مایه و ر جایگه ساختشان)؛ متن = س-س: ۲ (نیز پ، و، آ، ب) ۱۳-لی،
 ۱۴-ب: بیاخت (ب: بیاخت) ۱۵-ل (آ: شمشیر) ۱۶-لی، آ: شب تیره از گرد پرورد شد) ۱۷-ل: بیاراست آن؛ ک: بیاراست مر؛ متن =
 ۱۸-پ، و: آرایشی؛ س، ک، ل، آ، س: آ (نیز لی، آ، ب): نباید بس آرایشی؛ ق: نباید آرایشی؛ (ل: آ: نباشد خود
 ۱۹-ل-س: ۲ (نیز ل، آ) ۲۰-ل: آ: تا جاودان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ س در اینجا سرنویس دارد:
 ۲۱-ق (نیز ل، آ): برتر سپهر) ۲۱-ق (نیز ل، پ-آ): ده ۲۲-ل: زفان) ۲۳-ق (آ: ><
 ۲۴-ق: پیش؛ (و، ب: نزد) ۲۵-ق: آ: بر آیین؛ لی، آ: به آواز؛ و: سزاوار؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۲۶-ل: بدیدند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷-س: درخشان ۲۸-ل: یاره؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-ک (نیز ل، ل، آ):
 ۳۰-ق: خانه و تختگاه ۳۱-س: آ: آن؛ س: فرومانده پیران از او؛ (آ: فروماند اندر آن (وزن ندارد))؛
 ۳۲-ق (نیز ل، و، ل، آ): ده پیر؛ (پ: ده مرد)؛ متن = ل، س، ک، ل، آ، س: ۲ (نیز ق: ل، آ، ل، آ، ب) ۳۳-ل (آ: ><
 ۳۴-ل (آ: بُد) ۳۵-س: آ: برداشتن ۳۶-ک: موبدان ۳۷-ک: تاج دار ۳۸-ل (نیز ل، ق، آ، ل، آ):
 ۳۹-س، ک، ل، آ، س: ۲ (نیز لی، پ، ب): برده شد؛ ق: رفتان؛ متن = (و، ل، آ): در آلت دوم بیت ۳۱۶ به جای لت دوم این بیت آمده است

به خوبی ز هر اختری^۵ بهره^۶ داشت
بر^۸ ایوان چن او^۹ کس نبیند نگار^{۱۰}
سلام^{۱۱} علیکم، علیک السلام^{۱۱}
فرستیم یک نامه^{۱۳} نزدیک شاه
گرفتند قرطاس و قیر^{۱۶} و قلم
که^{۱۹} قرطاس ز^{۲۰} انقاس^{۲۱} شد ناپدید

۳۱۵ هم او^۱ مردمی^۲ بود کان^۳ چهره^۴ داشت
بدو گفت رومی که ای شهریار^۷
ندیدیم کس روی او را تمام
کنون هر یکی از یک^{۱۲} اندام ماه
نشستند^{۱۴} پس^{۱۵} فیلسوفان به هم
۳۲۰ نشستند^{۱۷} هر موبدی زآنکه^{۱۸} دید

به نزد سکندر به^{۲۳} میلاد^{۲۴} تفت
ز گفتارشان در شگفتی^{۲۵} بماند
صفت کرده بودند، لیک^{۲۸} اندکی^{۲۹}
که بخ بخ که^{۳۲} دیدیم^{۳۳} خرم^{۳۴} بهشت^{۳۵}
بر این^{۳۷} بر فزونی مجوید^{۳۸} نیز!
شما با فغانستان^{۴۰} بنه^{۴۱} برنهد!
ازو^{۴۲} در جهان یافتم^{۴۳} داد و^{۴۴} بس
بیامد بنزدیک پیران^{۴۶} روم

ز نزدیک ایشان^{۲۲} سواری برفت
چو شاه جهان نامه‌هاشان بخواند
به نامه هر اندام را زو^{۲۶} یکی^{۲۷}
بدیشان^{۳۰} جهاندار پاسخ نبشت^{۳۱}
۳۲۵ کون بازگردید^{۳۶} با چار چیز!
چو مشور و^{۳۹} عهد من او را دهید
نیازارد او را کسی زین سپس
فرستاده برگشت از آن تازه^{۴۵} بوم

۱- (لن. پ: همان؛ لی: همی) ۲- ل. ل. ۲ (نیز ل ۳): آدمی؛ متن = س. ق. ک. س ۲ (نیز ق ۲. لی. پ. لن. ب) ۳- (ق ل. ل. ۲. لن. آ: اگر؛ لن: همان دخت من نز پری) ۴- (ل. آ: چهره) ۵- (لی: چیز کان) ۶- (ل. آ: بهره)؛ و آ این بیت را ندارند؛ بنداری (۳۱۲-۳۰۹): حتی بقوا عندها زماناً طویلاً و هم لایشعرون. فلماً أبظروا علی الکید أرسل الیهم یتحضرهم. فلماً حضروا قال لهم: قد أطلت من عندها المقام ۷- ک: تاج دار ۸- ل: در؛ (نیز ب): به؛ متن = س. ق. ل. ۲. س ۲ (نیز ق ۲. ل. آ. پ. و) ۹- س: چنین؛ (ب: چنان) ۱۰- ل. آ: بکار؛ (لن: که دیدم من آن خوب چهره نگار؛ لی: آ: سلام علیک و علیک السلام (پساوند ندارد)؛ لن: آ: اگر چه بسی بردمان روزگار)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱- (ل. آ: نباشد چو آدمی والسلام)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و لما تمت رؤیتنا لها، و لالبثا عندها اکثر من سلام و جواب ۱۲- (و: هر؛ ل: آ: یک از ما ز) ۱۳- (لی. ل. آ. پ. آ: نامه به)؛ ل این بیت را ندارد ۱۴- (لی: نبشتند) ۱۵- س ۲ (نیز ب): آن ۱۶- س. ک (نیز لی. و. آ): مشک؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- ل. ق (نیز ق ۲. و. لن. آ): نوشتند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸- س. س. س ۲ (نیز لن. ل. ب): آنکه؛ ک. ل. آ (نیز ق ۲. لی. پ. و. آ): آنچه؛ متن = ل. ق (نیز لن ۲) ۱۹- ق (نیز ق ۲. لی. لن. آ. آ): چو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- ک (نیز لن. ق. آ. لی. پ. ب): از؛ متن = ل. س. ق. ل. آ. س ۲ (نیز ل ۲) ۲۱- (ب: انقاس) ۲۲- (ل. آ: پیران) ۲۳- ق (نیز و. لن. آ): ز ۲۴- (ق. آ: سکندر خرامید)؛ متن = ل. ق. ل. آ (نیز لن. ل. و. لن. آ)؛ س. ک. س. آ. لی. پ. آ. ب به جای این بیت و ل پس ازین بیت افزوده‌اند:

همانکه سواری ز میلاد تفت ز پیران به نزد شهنشاه رفت

۲۵- ک: گفتار ایشان شگفتی ۲۶- س (نیز ب): او را؛ س ۲ (نیز لن. و. لن. آ): را هر؛ ک. ل: هر اندامی را؛ (ق. آ: نه اندام را هر؛ ل: ز اندام این هر؛ پ: هر اندامی از هر؛ لی. آ: بنام هر اندامی را)؛ متن = ل ۲۷- ق: بیان هر اندام او اندکی ۲۸- س. ل. آ (نیز لی. ل. آ. آ): زو؛ ک (نیز لن. ق. آ. پ. و. لن. آ. ب): ازو؛ س ۲: ورا ۲۹- ق: هر یک یکی؛ متن = ل: بنداری؛ ثم إنهم کتبوا الی الاسکندر یعلمونه بصفة البنت ۳۰- ق (نیز و): بایشان ۳۱- ل (نیز و. لن. آ. ب): نوشت؛ ق: نامه نبشت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲- ق: چو ۳۳- س ۲ (نیز ق ۲. پ. و. لن. آ): دیدید ۳۴- س. ق. ک. ل (نیز لن. لی. ل. آ. ب): دیدند پیران؛ متن = ل. س ۲ (نیز ق ۲. پ. و. لن. آ) ۳۵- (ب: شگفت) ۳۶- س: بازگردند ۳۷- ق: بدان ۳۸- س. ق. س ۲ (نیز لن. ق. آ. ل. آ. ب): نخواهید؛ ل: آ: نخواهند؛ (لی: نخواهید)؛ متن = ل. ک ۳۹- (لن. پ. و. لن. آ: < >) ۴۰- ل. آ: شبستان؛ س ۲: مهستان ۴۱- ک: شه؛ (لن: سقششان به سر)؛ بنداری: فأرسل یطلبها مع الجام و الطیب و الحکیم ۴۲- (و. لن: کزو) ۴۳- ک (نیز لن. لی. پ. آ): یافتم در جهان؛ (ق. آ: یافتم از جهان) ۴۴- ق (نیز ب): < > ۴۵- ل. ق (نیز لن ۲): زان مرز و؛ ک. ل. آ: ازین باره؛ (لن: ازین تازه؛ و: فرستاده با عهد آن تازه)؛ متن = س. س. س ۲ (نیز ق ۲. پ. آ. ب) ۴۶- س: ز روم

چُن^۱ آن موبدان^۲ پاسخ شهریار
 ۳۳۰ از ایوان بنزدیک شاه آمدند
 سپهدار هندوستان شاد گشت^۵
 بر او بر بخواندند پس^۷ نامه را
 گزین کرد پیران صد از^{۱۰} هندوان
 در گنج بی رنج بگشاد شاه
 ۳۳۵ همان^{۱۴} گوهر و^{۱۵} جامه‌ی نابرید
 بردند سیصد شتروار بار
 صد^{۲۰} اشتر^{۲۱} همه بار^{۲۲} دینار بود^{۲۳}
 یکی مهد پرمایه از عود تر
 به ده پیل بر تخت زرین نهاد
 ۳۴۰ فغستان بیارید خونین^{۲۹} سرشک
 قدح همچنان نامداری به دست
 فغستان چُن^{۳۴} آمد^{۳۵} به مشکوی^{۳۶} شاه
 بسان زره بر گل^{۳۸} ارغوان
 چو سرو سهی بر سرش گردماه
 بدیدند^۳ با رنج دیده سوار،
 بدان^۴ ناموربارگاه آمدند
 که^۶ از رنج اسکندر آزاد گشت^۵
 چو^۸ پیغام آن شاه^۹ خودکامه را،
 خردمند و^{۱۱} گویا و روشن روان^{۱۲}
 گزین کرد از آن^{۱۳} یاره و تاج و گاه
 ز^{۱۶} چیزی که شایسته تر^{۱۷} برگزید
 همان^{۱۸} جامه و گوهر شاهوار^{۱۹}
 صد اشتر^{۲۴} ز گنج^{۲۵} درم بار بود^{۲۶}
 بر او^{۲۷} بافته زر و چندی گهر
 به پیلی گرانمایه تر^{۲۸} زین نهاد
 همی رفت^{۳۰} با فیلسوف و^{۳۱} بزشک^{۳۲}
 همه سرکشان از می^{۳۳} جام مست
 یکی تاج بر سر ز مشک سیاه^{۳۷}
 ز دیدار او شاد^{۳۹} شد ناتوان^{۴۰}
 نشایست کردن به مه در^{۴۱} نگاه

۱-ل-۲ (نیز لن-ب): چو؛ متن = س ۲-۲-ق: بخردان ۳-س: آ: بدیدند و ۴-ل: بر آن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۵-ل (نیز و، لن ۲): شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-س-س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ): چو؛ متن = ل (نیز لن، ل ۲-لن ۲، ب) ۷-س، ک، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲، پ، آ، ب): خواندند پاسخ؛ ل: خواند آن پاسخ؛ (لی: بدو خواندند پاسخ؛ و: چو بر خواند آن پاسخ)؛ ق: خواندند پس پاسخ (وزن ندارد)؛ متن = ل ۸-ک، س ۲ (نیز لن، و، ب): چه ۹-ق: پیام جهانجوی؛ در لن ۲-ت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۱۰-س-س ۲: صد مرد از؛ (ق: آ: صد پیر از آن؛ ل ۲: صد پیر از؛ و: صد سر از آن؛ آ، ب: صد مرد از آن؛ لی، پ: ازین گونه صد مرد از آن)؛ متن = ل (نیز لن ۲) ۱۱-ق: <و> ۱۲- (پ: شیرین زبان)؛ لن بیت‌های ۳۳۳-۳۳۴ را ندارد ۱۳-س، ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۲، آ): ازو؛ (پ، لن ۲: زو)؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز و، ب) ۱۴-س: هم از؛ (لن: همین) ۱۵- (لی: <و>) ۱۶- (لی: که) ۱۷-ق: بُد ۱۸-س-س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، پ، و، آ): همه؛ متن = ل (نیز لن ۲، لن ۲، ب) ۱۹-س: تابدار ۲۰-ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، و، ب): ده، متن = ل، س، ق (نیز پ) ۲۱-س، ک (نیز پ، لن ۲): استر ۲۲-ک: گنج ۲۳- (پ: کرد) ۲۴-س، ق، ک (نیز لی): استر ۲۵- (ب: گنج و) ۲۶- (پ: کرد)؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۲۷-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لی، آ، ب): در او؛ (و: بر آن)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق ۲، ل ۲، پ، لن ۲) ۲۸- (پ: بر؛ لن، ق ۲، ل ۲، لن ۲: که پرمایه تر)؛ متن = ل-س ۲ (نیز لی، آ): بنداری؛ فبادر کید الامثال و جهاز بته، و نفذها الیه مع الأشياء الآخر؛ س پس از این بیت افزوده است:

فغستان هندی در آن مهد زر نشاندش درو خسرو تاجور

۲۹-ک، س ۲ (نیز لی): همچون؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-س: آ: یافت؛ (ق: آ: بود) ۳۱-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لی، ل ۲، ب): فیلسوفان؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق ۲، پ، آ-آ) ۳۲- (ل: آ: بجشک) ۳۳-س، ک (نیز ق ۲، لن ۲، آ): می و؛ (و: سر سروران از می و)؛ متن = ل، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، ل ۲، ب) ۳۴-ل، س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲، لن ۲، ب): چو؛ متن = س ۲ ۳۵- (لی، آ: بیامد) ۳۶- (لن، لن ۲، ب: بنزدیک) ۳۷- (پ: به جای کلاه)؛ ق این بیت را ندارد، اما بیت ۳۴۸ را به جای این بیت آورده است ۳۸-ل (نیز لن ۲): گل زرد بر؛ س: زره بر گل؛ ک: گره بر گل؛ ل ۲ (نیز لی، پ، و، آ): زره پر گل و؛ (ق: آ: زره بر گل از؛ ب: زره پر گل و)؛ متن = (ل ۲) ۳۹-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لی، و، آ، ب): دیده؛ (ق: آ: تازه؛ لن ۲: شاه)؛ متن = ل؛ لن این بیت را ندارد ۴۰-س: نانوان؛ (لی، و، آ: نانوان (حرف سوم بی نقطه))؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ ق، لن این بیت را ندارند ۴۱-ل: بر؛ ک: بر و بر؛ (ل ۲، پ: بدو در)؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ لی، آ این بیت را ندارند

۳۴۵ دو ابرو کمان و دو نرگس دژم
 دو چشمش چو دو نرگس اندر بهشت^۳
 سکندر نگه کرد بالای اوی^۶
 همی گفت کاین^{۱۰} چراغ جهان^{۱۱}
 بر آن^{۱۴} دادگر کو سپهر آفرید
 ۳۵۰ بفرمود تا هر که بخرد بُدند،^{۱۶}
 نشستند و او را به آیین بخواست^{۱۹}
 برو ریخت دینار چندان^{۲۲} ز گنج

سر زلفکان^۱ تاب داده به خم^۲
 تو^۴ گفتی که از ناز دارد سرشت^۵
 همان^۷ موی و روی^۸ و سر و پای^۹ اوی^۶
 همی آفرین خواند^{۱۲} اندر نهان^{۱۳}
 بر آن^{۱۵} گونه بالا و چهر آفرید
 بر آن^{۱۷} لشکر روم موبد بدند،^{۱۸}
 به رسم^{۲۰} مسیحا و پیوند راست^{۲۱}
 که شد ماه را راه رفتن به رنج

گفتار اندر آزمودن اسکندر فیلسوف هند را^{۳۳}

چو شد کار آن سروین^{۲۴} ساخته،
 پردخت از آن پس^{۲۷} به داننده مرد
 ۳۵۵ پر از^{۲۹} روغن گاو خامی^{۳۰} بزرگ
 که: این را بداندامها^{۳۳} در بمال
 بیاندای^{۳۶} تا ماندگی^{۳۷} بگنی

بدآیین^{۲۵} او جای^{۲۶} پرداخته،
 که چون خیزد از دانش اندر نبرد^{۲۸}
 فرستاد زی^{۳۱} فیلسوف^{۳۲} سترگ
 سرون^{۳۴} و میان و بر و پشت و^{۳۵} یال
 به دانش مرا^{۳۸} مغز و جان^{۳۹} آگنی

۱-ل.ق (نیز ق.۲.ل.۳.ب.لن.آ): زلف را؛ س (نیز آ): زلفشان؛ (و: زلفها): متن = ل.۲.س^۲ (نیز لی.ب) ۲-ک: ستون دو بینی چو تیغ درم
 ۳- (لی: نهفت) ۴- (لن: که) ۵- (لی: دارا نخفت): متن = ل.س.س.س^۲ (نیز لن.ق.۲.ل.۳-آ): ق.ک.ل.۲.ب این بیت را ندارند ۶-ل.ک.س.س^۲
 (نیز لن-ل.۳.آ.ب): او؛ متن = ل.۲ (نیز ب.و.لن.آ) ۷- (و: همه) ۸-ق.ک (نیز ق.۲.لی.آ): روی و موی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹-ق:
 سراپای ۱۰- (ل.۳.و.آ: اینت) ۱۱- (ل.۳.آ: بهشت) ۱۲-ک.ل.۲.س^۲ (نیز لی.ب): کرد؛ متن = ل.س.ق (نیز لن.ق.۲.ب-آ) ۱۳- (ل.۳: بر آن
 سرشت؛ آ: بر... (جای واژه را سفید گذاشته است) ۱۴-ل.ک.ل.۲ (نیز لی-و.آ): بدان؛ متن = س.س.س^۲ (نیز لن.ق.۲.لن.۲.ب) ۱۵-ل.۲ (نیز لن،
 لی.ل.و.لن.۲.ب): بدان؛ (ق: آ: برین؛ پ: بدین)؛ متن = ل.س.ک.س^۲ (نیز آ): ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فنی بالعروس و أعجبه ما رأی
 من جمالها و کمالها ۱۶-ل.۳: هر چه بخرد بدید ۱۷-س.س.س^۲ (نیز لن.ق.۲.لی.ب.لن.۲.آ.ب): بدان؛ متن = ل.ق.ک (نیز ل.۳.و) ۱۸-ل.۳: بدید؛
 س در اینجا سرنویس دارد ۱۹- (لی: بخاست): ل: خویش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-ق (نیز ل.۳): به دین ۲۱-ل: بر دین
 خویش؛ س.ک.ل.۲ (نیز لی.ب): بیودند راست؛ (پ: و به آیین و پیوند راست)؛ متن = ق.س.س^۲ (نیز لن.ق.۲.ل.۳.و.لن.۲.آ): ق در اینجا
 میناتور دارد ۲۲-ک: ببخشد چندان گهرها؛ (ق: آ: و: فروریخت دینار چندان؛ لی: آ: فروریخت دینار چندی)؛ متن = ل.ل.۲.س^۲ (نیز لن.ل.۲.
 پ.لن.۲.ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۳-ل: تجربه کردن اسکندر دانان را؛ س (کمی بالاتر): در آزمودن اسکندر فیلسوف هند را؛ متن = (لن.۲)
 ۲۴-ک.ل.۲.س^۲ (نیز لی.آ.ب): سر به سر؛ متن = ل.س.ق (نیز لن.ق.۲.ل.۲-لن.۲) ۲۵-ل.ق.ل.۲.س^۲ (نیز لن-ل.۳.و.لن.۲.ب): بآیین؛ س.ک (نیز
 ب.آ): بر آیین؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶-س: کار ۲۷- (و: پرداخت زان پس) ۲۸- (و: دانشی کار کرد) ۲۹-ل: هم از؛ متن = س.ق.ل.۲.
 س^۲ (نیز لن-ب) ۳۰-ل.ق.س^۲ (نیز لن-ب): جامی؛ س: جامی (حرف یکم بی نقطه)؛ ک: ز روغن فرستاد جامی؛ ل: چرمی؛ بنداری: جاماً؛
 متن تصحیح قیاسی است ۳۱-ک: بنزدیک آن ۳۲- (ق: آ: فیلسوفی) ۳۳-س: آ: بر اندامها؛ (لی: بداندها (حرف ششم نقطه ندارد))؛ ل-ل.۲
 (نیز لن.ق.۲.ل.۳.ب): به اندامها؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۴-ک (نیز ل.۲-لن.۲): سرین ۳۵-ک: باکفت و؛ ق: میان پشت با هر دو؛ (لی: آ: به
 کفت و سرون تن به پشت و به)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۶-س-س^۲ (نیز لی.آ.ب): بیاسایی و؛ متن = ل (نیز لن.ل.۳-لن.۲) ۳۷- (ق: آ:
 اندکی) ۳۸-ک (نیز لی.آ): همی؛ (ل: آ: مگر) ۳۹-ل.ق.ک.ل.۲ (نیز لن.ق.۲.لی.ب-ب): جان و مغز؛ متن = س.س.س^۲ (نیز ل.۳)

که این بند بر من نشاید^۲ نهفت!
 فرستاد بازش سوی^۴ شهریار^۵
 بیاورد آهنگران را^۶ نهان
 از^۹ آهن یکی مهره‌یی ساختند
 چو دانا نگه کرد و^{۱۰} آهن بسود
 یکی آینه ساخت^{۱۴} روشن ز زنگ^{۱۵}
 و زان^{۱۶} راز بگشاد^{۱۷} بر باد^{۱۸} لب
 همی‌داشت^{۱۹} تا^{۲۰} شد سیاه و دژم
 بر آن کار شد رمز^{۲۲} آهن دراز
 فرستاد بازش هم اندر شتاب^{۲۵}
 نگرده بزودی^{۲۹} سیاه و دژم
 پیرسید و بر^{۳۰} زیرگاهش نشاند
 همی‌دانش نامور بازجست
 که روغن بر^{۳۴} اندام‌ها بگذرد

چو دانا به روغن نگه کرد^۱ گفت
 به خام^۳ اندر افکند سوزن هزار
 به سوزن نگه کرد شاه جهان
 بفرمود^۷ تا گرد^۸ بگداختند
 سوی مرد دانا فرستاد زود
 فرستاده آن^{۱۱} آهن^{۱۲} تیره‌رنگ^{۱۳}
 ببردند نزد سکندر به شب
 ۳۶۵ سکندر نهاد آینه زیر نم
 بر فیلسوفش^{۲۱} فرستاد باز
 خردمند بزود^{۲۳} آهن چو آب^{۲۴}
 زدودش^{۲۶} ز دارو^{۲۷}، کز آن پس^{۲۸} ز نم
 سکندر نگه کرد و او را بخواند
 ۳۷۰ سخن گفتش^{۳۱} از خام^{۳۲} روغن نخست
 چنین گفت با شاه^{۳۳} مرد خرد

۱-ل (نیز ل ن آ): کرد و ۲-ک (نیز ق آ): نماند؛ ل آ. س آ (نیز لی. ل آ. ب): نباید؛ متن = ل. س. ق (نیز ل ن. پ. و. ل ن آ): بنداری: ثم تفرغ
 لتجربة الفيلسوف فنذ اليه جاماً مملؤاً من السم، وأمره أن يطلی به أعضاء حتى يزول عنه تعب الطريق و نصبه ۳-ل: بحام
 (حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند): ق-س آ (نیز ل ن. لی. و): بحام (حرف دوم بی نقطه): (ق آ. ل آ. پ. ل ن آ. ب. و. ل ن آ. ب. به جام): متن = س
 ۴-س. ل آ (نیز ل ن. ق آ. ل آ. پ. ل ن آ. ب. و. ل ن آ. ب.): بر: متن = ل. ق. س آ (نیز لی. و): ۵-ک: بر تاج‌دار: بنداری: فرمی العالم فی الجام ألف ابرة، ورده
 اليه ۶-س. ق. ل آ. س آ (نیز ل ن. ق آ. لی. آ. ب.): آهنگری را؛ ک (نیز ل آ. پ. و.): آهنگری در: متن = ل (نیز ل ن آ) ۷-ک: بیاورد ۸-س. س. آ
 (نیز و): پاک؛ (ل آ): بفرمود گرد (وزن ندارد): متن = یازده دستنویس دیگر ۹-س. س آ (نیز ل ن. ق آ. ل آ. پ.): ز آهن: بنداری: فأمر
 الاسکندر فسبکت الإبر، وجعلت بیضة حديد ۱۰-ک. ل آ. س آ (نیز لی. ل ن آ. ب.): < ۱۱-ق: فرستاد آن؛ ک. ل آ. س آ (نیز آ. ب.): فرستاده
 از: (ل ن. ق آ. ل آ): فرستاد از آن؛ پ: فرستاد وز آن؛ لی: فرستاد از: س: چو داننده زان: (ل ن آ): چو بشناخت آن؛ ل: به ساعت از آن؛ متن
 تصحیح قیاسی است ۱۲- (و: بفرمود تا ز آهن) ۱۳- (آ. ب. زنگ) ۱۴- (ل ن. ل ن آ. کرد) ۱۵-ل (نیز ق آ. ل آ. پ.): چو رنگ؛ س. ک. ل آ. س آ
 (نیز لی. ل ن آ. ب.): به رنگ؛ (ل ن): چو زنگ؛ آ: دورنگ؛ (متن = ق) (و) ۱۶-س آ: وزین ۱۷-ل. س. ق. ل آ. س آ: نگشاد (حرف یکم بی نقطه):
 ل ن. لی. ل ن آ. ب. ب: نگشاد؛ ق آ: بازنگشاد (حرف چهارم بی نقطه): متن = ک ۱۸-ل آ: نگشاد با باده؛ و: بر باد نگشاد؛ بنداری: فعمل
 الحکیم منها مرأة مصقولة و بعثها اليه ۱۹-س آ: ماند؛ (ل ن. ق آ. ل آ. ل ن آ. ب. بود) ۲۰-س. ل آ (نیز لی. آ): همی آینه؛ ک: که تا آینه ۲۱-لی:
 فیلسوف آن آ: فیلسوفان) ۲۲- (ک: رزم؛ آ: برمر (؟): لی: بدان کار شد بر من): ق. ک. ل آ (نیز ل ن. ق آ. و. ل ن آ) بیت‌های ۳۶۸-۳۶۶ را
 ندارند ۲۳- (ل آ: بر دود و) ۲۴-س آ: چو باد؛ (لی: پستود آهن بر آن) ۲۵- (لی: نزدیک شاه جهان) ۲۶- (ل آ. لی. آ: زدوده) ۲۷- (پ. آ: به
 دارو؛ لی: به زانو): س: که این را بدارش؛ متن = ل. س آ (نیز ل آ. ب) ۲۸-س آ: سو ۲۹-س آ: به روزی؛ (لی: برودی؛ ب: زروری): بنداری:
 فأخذها الاسکندر و دفنها تحت الأرض حتى نذیت و صدئت ثم ردها اليه. فأخذها و جلاها و صقلها بأدوية مركبة بحيث لا يعود
 جوهرها يصدأ بعد ذلك، و ردها الي الاسکندر ۳۰- (لی. آ. ب. پیرسید در) ۳۱-ک. ل آ. س آ (نیز لی. پ. آ): گفت؛ متن = ل. س. ق (نیز ل ن.
 ق آ. ل آ. و. ل ن آ. ب) ۳۲-ل. س. ک. ل آ. س آ (نیز لی. پ. آ. ب.): جام؛ ق (نیز ق آ. ل آ. ل ن آ): جام و: (ل ن. و. حام و) (حرف یکم نقطه ندارد): متن
 تصحیح قیاسی است ۳۳-س. ک. س آ (نیز لی. آ. ب.): پس شه به؛ ل آ: شه پس به؛ متن = ل. ق (نیز ل ن. ق آ. ل آ. ل ن آ) ۳۴-س آ (نیز لی. پ.
 آ. ب.): به؛ متن = ل (نیز ل ن. ق آ. ل آ. و. ل ن آ): بنداری: فأحضره الاسکندر و سايله عن مقاصد ماجرى من الرموز. قال: أردت بالقاء الإبر فی
 السم الإشعار بأن السم ينفذ فی المسام و يتغلغل حتى يبلغ اللحم و الدّم و العظم مثل صنيع الإبر

تو گفتمی که^۱ از فیلسوفان شهر^۲
 به پاسخ چنین گفتم^۴ ای^۵ پادشا
 چو^۸ سوزن پی و^۹ استخوان بشمرد^{۱۰}
 ۳۷۵ به پاسخ به دانا چنین گفت شاه
 به بزم و به رزم^{۱۶} و به خون ریختن
 سخن‌های باریک^{۱۷} مرد^{۱۸} خرد
 ترا گفتم: این خوب^{۲۱} گفتار من^{۲۲}
 سخن دارد^{۲۳} از موی^{۲۴} باریک‌تر
 ۳۸۰ تو گفتمی: برین سالیان^{۲۷} برگذشت
 چگونه به راه آید^{۲۹} این تیرگی؟
 ترا گفتم: از دانش آسمان
 از آن پس که چن آب^{۳۶} گردد به رنگ
 پسند آمدش نغز^{۴۰} گفتار اوی^{۴۱}
 ز دانش مرا خود^۳ فزونست بهر
 که دانا دل^۶ مردم^۷ پارسا،
 اگر سنگ^{۱۱} پیش آیدش بگذرد^{۱۲}
 که هر دل که آن^{۱۳} گشته باشد^{۱۴} سیاه^{۱۵}،
 به هر جای با دشمن آویختن،
 چو^{۱۹} دل تیره^{۲۰} باشد کجا بگذرد؟
 روان و دل و رای هشیار من^{۲۲}،
 ترا^{۲۵} دل ز آهن نه تاریک^{۲۶} تر
 ز خون‌ها دلم پر ز^{۲۸} زنگار گشت
 چه پیچم سخن را^{۳۰} بدین^{۳۱} چیرگی^{۳۲}؟
 زدودن^{۳۳} دلت، کی شود^{۳۴} بدگمان^{۳۵}
 کجا کرد یارد^{۳۷} بر او^{۳۸} کار زنگ^{۳۹}؟
 دلش تیزتر^{۴۲} گشت بر^{۴۳} کار اوی^{۴۱}

۱- (آ: < >) ۲- (و: دهر) ۳- س. ق (نیز لن. ق. آ. ل. ۳- آ): مرا خود ز دانش؛ متن = ل. ک. ل. ۲. س. آ؛ لی. ب این بیت را ندارند؛ در س. پ این
 بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- (لن. آ: چنان گفت) ۵- ل. س. ک. ل. س. آ (نیز ق. آ. لی. ل. ۳. و. ب): گفت کای؛ متن = ق
 (نیز لن. لی. لن. آ. پ) ۶- (و: به دانا دلی) ۷- س: خردمند و بینادل و؛ ک: داننده دانا دل؛ ل. آ. س. آ (نیز لن. لی. ب): بدانند دانا دل؛ متن = ل. ق
 (نیز ق. آ. ل. ۳. پ. لن. آ. آ) ۸- (آ: که) ۹- س: < و >؛ ک. س. آ (نیز لی. ب): که سوزن کس از؛ ل. آ: که سوزن کسی ز؛ متن = ل. ق (نیز لن. ق. آ.
 ل. ۳- لن. آ) ۱۰- س. ک. ل. آ. س. آ (نیز لی. ب): نشمرد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱- ق: نیل؛ ک (نیز لی. آ): سک (نقطه ندارد)؛ س. آ (نیز ب):
 تک (حرف دوم بی نقطه)؛ متن = نه دستنویس دیگر ۱۲- ل (نیز لن. ل. ۳. لن. آ): بشکرد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- (ب: او)
 ۱۴- س: تیره گشت و؛ (لی. آ: او گشت مانده؛ و: از کینه باشد) ۱۵- (پ: تباه)؛ لن. لن. آ بیت‌های ۳۷۵-۳۷۷ را ندارند ۱۶- (ق. آ. پ. و: به رزم
 و به بزم) ۱۷- س: باریک و ۱۸- ل: مزد و؛ ک. ل. س. آ (نیز ب): گفت از؛ (لی: اندک؛ آ: هر پر)؛ متن = ق (نیز ق. آ. ل. ۳. پ. و) ۱۹- ق: که ۲۰- ل:
 دلگیر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱- (لن. ق. آ. ل. ۳. و): چرب ۲۲- ل: خویش؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳- ل: دانلد؛ متن =
 س- س- آ (نیز لن- ل- ۳. و- ب) ۲۴- (ق: آ: رای) ۲۵- (ق: آ: بر آن) ۲۶- ل: باریک؛ پ بیت‌های ۳۷۹-۳۸۰ را ندارد ۲۷- س. ک. ل. آ. س. آ (نیز
 ق. آ. ب): سال‌ها؛ (لی. آ: که این سال‌ها)؛ متن = ل (نیز لن. ل. ۳. و. لن. آ) ۲۸- (لی: دل مرد)؛ ق بیت‌های ۳۸۰-۳۸۲ را ندارد ۲۹- (لی: نه
 بزداید؛ آ: زدایی تو) ۳۰- س. ک. ل. آ. س. آ (نیز لی. پ. آ. ب): چرا بود باید؛ متن = ل (نیز لن. ق. آ. ل. ۳. و. لن. آ) ۳۱- (لن. آ: برین) ۳۲- س. آ (نیز
 لی. پ. آ. ب): خیرگی؛ متن = ل. س. ک. ل. آ (نیز لن. ق. آ. ل. ۳. و. لن. آ)؛ در پ این بیت چندبیتی پیش‌تر آمده است؛ بنداری (۳۶۹-۳۸۱): و اما
 سبک الملك الإبر و اتخذها بيضة حديد فهو إشارة منه الى أن قلبه قد صار في هذه الخطوب و الوقائع مثل بيضة الحديد، فهو لا يدرك
 المعاني الدقيقة و الرموز الخفية. فعملت منها مرآة إشارة الى أني بحذقي في صناعتي و مهارتي في علمي أصير قلب الملك كالمرآة في
 الصفاء. و اما رد الملك إياها صدنة فهو إشارة منه الى أن قلبه كان كالمرآة و لكنه صدئ من كثرة إراقته الدماء ۳۳- ل (نیز لن. ق. آ. ل. ۳- آ):
 زدایم؛ (لی: ز خون)؛ متن = س. ک. ل. آ. س. آ (نیز ب) ۳۴- ل (نیز ل. ۳): تاشوی؛ (لن- آ: گر شود)؛ س: رسود (نقطه ندارد) ۳۵- ل (نیز ل. ۳):
 بی گمان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۳۶- ل. س. (نیز لی): خوناب؛ (آ: پس چوناب (وزن ندارد))؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۳۷- ل (نیز لن. آ): باید؛ (لی: یازد) ۳۸- ل. س. ل. آ. س. آ (نیز پ. لن. آ. ب): بدو؛ متن = ق. ک (نیز لن. لی. ل. ۳. و. آ) ۳۹- (ق: آ:
 بزنگار رنگ)؛ بنداری: فصقلتها ثانياً و رددتها اليه إشعاراً مني بأنني سوف أجلبو بالعلم السماوي قلبه، و أنفي عنه كل غين و رين ۴۰- ل: تازه؛
 متن = چهارده دستنویس دیگر ۴۱- ل- س. آ (نیز ق. آ. ل. ۳. و. لن. آ): او؛ متن = (لن. لی. پ) ۴۲- (لن. ق. آ. لی. آ): تیره تر ۴۳- ق (نیز ق. آ. پ): در

۳۸۵ بفرمود تا جامه و^۱ سیم و زر
به دانا سپردند و^۴ داننده گفت
که یابم بدو^۵ چیز و بی^۶ دشمنست
به شب پاسبانان نخواهند مُزد^۸
خرد باید و دانش و راستی
۳۹۰ مرا خورد و پوشیدنی زین^{۱۵} جهان^{۱۶}
که دانش به شب پاسبان منست
به بیشی چرا شادمانی کنم؟^{۱۹}
بفرمای تا این برد باز جای
سکندر بدو^{۲۳} ماند^{۲۴} اندر شگفت
۳۹۵ بدو گفت: ازین پس^{۲۵} مرا بر^{۲۶} گناه
پذیرفتم^{۲۸} این رای^{۲۹} و پند ترا

بیاورد گنجور و^۲ جامی^۳ گهر
که من گوهری دارم اندر نهفت،
نه چون خواسته جفتِ آهرمنست^۷
به راهی که باشم^۹ نترسم^{۱۰} ز دزد^{۱۱}
که^{۱۲} کژی بگوید^{۱۳} در کاستی^{۱۴}
بس از^{۱۷} شهریار^{۱۸}، آشکار و نهان
خرد تاج بیدارجان منست
برین^{۲۰} خواسته پایدانی^{۲۱} کنم؟^{۱۹}
خرد باد جان ترا^{۲۲} رهنمای!
ز هرگونه اندیشه‌ها برگرفت
نگیرد^{۲۷} خداوند خورشید و ماه
سخن گفتنِ سودمندِ ترا

گفتار اندر آزمودن اسکندر بزشک را^{۳۰}

بفرمود تا رفت پیشش^{۳۱} بزشک^{۳۲} که علتِ بگفتی^{۳۳} چو دیدی سرشک

۱- (آ: جامی از) ۲- ل. ک (نیز ق. ۲. لی. ل. ۳): <و> ۳- ق (نیز ق. ۲): جام؛ (پ: و چندی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری: فاستحسن الاسکندر ذلك منه وأمر باحضار جملة من الذهب والفضة والثياب مع جام مملؤاً جوهرأ ۴- (لی. ل. ۳. پ. آ: <و>) ۵- س. ک. س ۲ (نیز لی. پ. آ. ب): یابند ازو: ل ۲ <بدو> (نیز لن. ق. ۲): یابد بدو: (و: ناید برو) ۶- (لن: وی: ق. ۲: چون: ل. ۳: که با بدره و چیز و بی) ۷- (ق. ۲. لن. آ: آهریمنست: لی: خرد تاج بیدار جان منست) ۸- ک: بخواهد نه مزد: (لی: نخوانند مرد: آ. ب: نخواهم به مزد): س. ل. آ. س ۲ (نیز ب): پاسبان را نخواهد به مزد: (و: نخواهد به شب پاسبانان و دزد): متن = ل. ق (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. پ. لن. ۲) ۹- س. ک. ل. ۲. س ۲ (نیز لی. ب): باشد ۱۰- س. ک. ل. ۲. س ۲ (نیز لی. ب): نترسد: متن = ل. ق (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. آ) ۱۱- (لی: درد): بنداری: وأمر بدفع جميع ذلك الى الفيلسوف. فامتنع من قبوله وقال: إنَّ معى جوهرأ مکنونأ لا یحوجنی فی اللیل الى حارس. و لا أخشى علیه فی الطريق من سارق ۱۲- س. ک. ل. ۲ (نیز لی. ب): به کژی: متن = ل. س ۲ (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. آ) ۱۳- ل. ۲ (نیز لی. لن. آ. ب): نکوبد: متن = ل. س. ک. س ۲ (نیز لن. ق. ۲. پ. و. آ) ۱۴- (ل. ۳: بیارد کم و کاستی): ق این بیت را ندارد ۱۵- ل. ۲: در: (لی: خورد پوشیدنش این) ۱۶- ک: کمان ۱۷- س: ای: (ق: آ: است: لی: بسی: ل. ۳. لن. آ. ب: پس از) متن = نه دستنویس دیگر ۱۸- ک: تاج دار: در ل آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند: بنداری: و یکفینی من هذه الدنيا مطعم و ملبس ۱۹- ل. ۲: کنیم: در آ این بیت چند بیتی پیش تر آمده است ۲۰- ک. ل. آ: بدین ۲۱- س. س. ۲ (نیز لن. ب): پاسبانی: متن = ل: بنداری: و لاتسرنی الزیادة علیهما، واکره أن أكون حارساً لغيرهما ۲۲- س ۲ (نیز لن. آ): مرا ۲۳- (لی. پ. و. آ. ب: ازو) ۲۴- ق (نیز ب): مانده: س ۲: خردمند بد مانده: بنداری: فتعجب الاسکندر من ذلك ۲۵- ل (نیز آ): زین پس: ک: این بس: س ۲ (نیز لی. ب): پس این: متن = نه دستنویس دیگر ۲۶- ک: گر: س ۲ (نیز لی. آ. ب): از: (ل. ۳: بی): متن = نه دستنویس دیگر ۲۷- ل. ل. ۲ (نیز لن. آ): بگیرد (حرف یکم بی نقطه): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸- ل. ق (نیز لن. پ. لن. آ): خریدارم: متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- ل: را: متن = چهارده دستنویس دیگر: بنداری: وقال: إنی مؤثر لرأیک الثاقب و کلامک النافع و علمک الوافر ۳۰- ل. س: آزمودن اسکندر بزشک را: متن تصحیح قیاسی است ۳۱- ق: نزدش: (آ: پیش): ک: پیش رفتش: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- (ل. ۳: بجشک) ۳۳- ق (نیز ق. ۲. لی. آ): بدیدی: ک: برفتی: متن = ده دستنویس دیگر

سرِ دردمندی - بدو گفت - چیست؟
 بدو گفت: هر کس که افزون خورد
 ۴۰۰ نباشد فراوان^۴ خورش تندرست
 بیامیزم^۶ اکنون ترا داروی
 که همواره باشی تو زان^۸ تندرست
 همان^{۱۱} آرزوها بیفزایدت^{۱۲}
 همه^{۱۵} یاد داری^{۱۶} سخن‌های نغز
 ۴۰۵ شوی بر تن خویش بر^{۱۸} کامگار
 همان رنگ چهرت^{۱۹} به جای آورد^{۲۰}
 نگردد - پراگنده - مویت سپید^{۲۲}
 سکندر بدو^{۲۵} گفت: نشنیده‌ام
 گر آری تو این نغزدارو بجای
 ۴۱۰ خریدار گردم^{۳۱} ترا من به جان
 ورا خلعت و نیکوی‌ها ساخت

که بر درد آن کس^۱ بیاید گریست
 چو بر^۲ خوان نشیند، خورش نشمرد^۳
 بزرگ آنکه او تندرستی نجست!^۵
 گیاه فرازآرم از^۷ هر سوی
 نباید به دارو ترا دست^۹ شست^{۱۰}
 چو افزون خوری چیز^{۱۳}، نگزایدت^{۱۴}
 بیفزاید^{۱۷} اندر تنت خون و مغز
 دلت شاد گردد چو خرّم بهار
 به هر کار پاکیزه‌رای آورد^{۲۱}
 ز گیتی سپیدی^{۲۳} کند^{۲۴} ناامید
 نه کس را^{۲۶} ز شاهان^{۲۷} چنین^{۲۸} دیده‌ام^{۲۹}
 تو باشی به گیتی^{۳۰} مرا رهنمای
 شوی بی‌گزند^{۳۲} از بد بدگمان
 ز دانا بزشکان^{۳۳} سرش بر فراخت

۱- (ل: بر)؛ ل: زان پس؛ (آ: او را)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل: این بیت را ندارد؛ بنداری: فامر باحضار الطیب، فسأله عن أعظم أسباب الأمراض ۲- (ل: در) ۳- ل: نگردد؛ ق: نگردد (حرف یکم بی نقطه)؛ ک (نیز لی، پ، و، ب): بشمرد؛ ل: آ. س: ۲ (نیز آ): شمرد (حرف یکم بی نقطه)؛ س: خرد نشمرد؛ (ل: ن: نشیند خورش (وزن ندارد))؛ متن = س: ۲ (نیز ل: ق: آ. ل: ۳) ۴- س: (نیز لی > از < آ): فزون از ۵- ق: نباید به دارو ترا روده شست؛ ک: نباید که از وی ترا تن بشت؛ (ل: ۳: باشد ترا علت و درد جست)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال: إن يأكل الرجل فاضلاً عما يحتمله المزاج، ولا يضبط نفسه عند حضور الطعام ۶- س: (نیز لی: ل: ۳: ب): بیاموزم؛ (ل: آ: برآمیزم)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- (ل: ۳: فراز آورم)؛ ق: ک این بیت را ندارند ۸- (ل: ق: آ. ل: ۳: و: زو؛ ل: آ: بدان) ۹- (ل: ق: آ: روده؛ ل: آ: بیاید بدارو ترا روی) ۱۰- س: زود جست؛ (و: چاره جست)؛ ل: آ. س: ۲ (نیز ب): که از وی ترا تن بشت؛ (لی: نیاید ملال تو از او نخست؛ ل: ۳: بزرگ آنکه او تن درستی بجست؛ پ: بیاید بدارو ترا تن بشت؛ آ: نیاید به دارو ترا روده سست)؛ متن = ل: ۱۱- (و: همه) ۱۲- س: آ: نیفزایدت ۱۳- س: نیز؛ ق: هیچ ۱۴- ک: همان رنگ چهره به جای آیدت؛ (لی: آ: به هر کار پاکیزه‌رای آیدت)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- ل: س: (نیز ل: ۳: و): همان؛ متن = ک، ل: آ. س: ۲ (نیز ل: ق: آ. ل: ۲: ب) ۱۶- ک، ل: آ. س: ۲ (نیز ق: آ: ب): یاد دار این ۱۷- ک: که بفزاید؛ ق: لی، پ، آ این بیت را ندارند ۱۸- ل: (نیز و): خویشتن؛ متن = س: س: ۲ (نیز ل: ق: آ. ل: ۲: ب): لی، پ، آ این بیت را ندارند ۱۹- س: و چهره؛ ک، ل: آ (نیز ب): چهره ۲۰- س: ک، ل: آ. س: ۲ (نیز ب): آیدت؛ ل: به جا آورد؛ (ل: ب: به کار آورد)؛ متن = ق: (نیز ق: آ. ل: ۳: ل: ۲) ۲۱- ل: آورد؛ س: ک، س: آ (نیز لی، ب): آیدت؛ متن = ق: (نیز ل: ق: آ. ل: ۳: ل: ۲)؛ لی، آ این بیت را ندارند ۲۲- (پ: ب: سفید) ۲۳- (پ، و، ب: سفیدی) ۲۴- ل: بود؛ ک: سپیدی کند مر ترا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- (پ: چنین) ۲۶- س: ک، ل: آ. س: ۲: هرگز ۲۷- (لی: ز شاهان نه هرگز چنین) ۲۸- ل: آ. س: آ: چنان؛ (ب: نه هرگز نشان؟ شاهان جهان (وزن ندارد)) ۲۹- (آ: ز شاهان نه هرگز شنیده‌ام (وزن ندارد)) ۳۰- ق: (نیز ل: ق: آ. ل: ۳: و: ل: آ: نیکی)؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۱- س: ک، ل: آ. س: ۲ (نیز لی، پ، آ: ب): باشم؛ متن = ل: ق: (نیز ل: ق: آ. ل: ۳: و: ل: ۲) ۳۲- س: ک، ل: آ. س: ۲ (نیز لی، ب): بی‌گمان؛ متن = ل: ق: (نیز ل: ق: آ. ل: ۳: آ)، بنداری: ثم قال: وإني سأركب لك دواء إذا استعملته كنت أبداً صحيح الجسم، قوى النفس، مسرور القلب، مشرق اللون، منجذب الطبع إلى أعمال الخير، ثم لا يعتریک معه الشيب، ولا يضرک كثرة الأكل، ويزيد في شهوتک وحفظک ودمک، ولا تحتاج بعده إلى شرب دواء آخر. فقال الاسکندر: إن فعلت ذلك كنت عندنا الموقر المکرم ۳۳- (ل: آ: بجشکان)؛ س: ترکان (وزن ندارد)؛ بنداری: و خلع عليه وأكرمه، وقدمه على جميع من حضرته من الأطباء

بیاورد با خویشتن زان^۲ گروه
 همی زهر بشناخت^۵ از^۶ پای زهر
 بیفگند^۹ ازو^{۱۰} هر چه بیکار بود
 بیامیخت^{۱۳} دارو چنان چون سزید
 همی داشتش^{۱۴} سالیان^{۱۵} تندرست
 بیامیختی^{۱۹} شاد^{۲۰} با هر کسی
 همی نرم جایی بجستی^{۲۲} برش
 نداشت^{۲۵} اندر^{۲۶} آن هیچ تن^{۲۷} را نگاه
 ز کاهش نشان^{۲۹} یافت^{۳۰} اندر سرشک^{۳۱}
 جوان پیر گردد به تن^{۳۳} بی گمان^{۳۴}
 به من بازگوی^{۳۵} این و بگشای لب!
 از آزار^{۳۶} سستی ندارد^{۳۷} تنم
 نبود اندر آن کار همداستان
 بیامیخت^{۴۲} داروی کاهش درست
 نیامیخت با ماه دیدار جفت

بزشک^۱ سراینده آمد به کوه،
 ز دانا، که^۳ او را^۴ فزون بود بهر
 گیاهای کوهی^۷ فراوان درود^۸
 ۴۱۵ ازو^{۱۱} پاک، تریاکها^{۱۲} برگزید
 تنش را به داروی کوهی بشست
 چنان شد^{۱۶} که او^{۱۷} شب نخفتی^{۱۸} بسی
 به کار زنان تیز^{۲۱} بودی سرش
 از آن، سوی^{۲۳} کاهش گرایید^{۲۴} شاه
 ۴۲۰ چنان بُد که روزی بیامد بزشک^{۲۸}
 بدو گفت کز خفت و^{۳۲} خیز زنان
 برآتم که بی خواب بودی سه شب
 سکندر بدو گفت: من روشنم
 پسندیده دانای هندوستان
 ۴۲۵ چو شب تیره شد^{۳۸} از^{۳۹} نبشته^{۴۰} بجست^{۴۱}
 سکندر همان نیز تنها^{۴۳} بخفت

۱- (ل: ۲): بجشک) ۲- س، ک، س، ۲ (نیز ق: ۲، لی، آ، ب): آن: ق: یک؛ (و: خویش دانا)؛ متن = ل (نیز ل، ن، ۲، پ، ل، ن): ل: ۲ این بیت را ندارد
 ۳- ل- س (نیز ق: ۲، ل، ۲، و، ل، ۲، ب): دانایی؛ متن = (لن) ۴- (پ: که او را ز دانش) ۵- ل: ۲ (نیز ل، ن): نشناخت ۶- ق: با؛ لی، آ این بیت را
 ندارند ۷- ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ب): آن که ۸- (ق: ۲: بیاورد زود) ۹- (ق: ۲: بیاورد) ۱۰- ل: زو؛ س، ک، ل، ۲ (نیز و، ب): از آن: متن = ق، س (نیز
 ل، ن، ق: ۲، ل، ۲، پ، ل، ن): لی، آ این بیت را ندارند ۱۱- (و: ازان) ۱۲- (ق: ۲: را)؛ ق: تر برگها ۱۳- س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ب): بیاورد؛ (لن: ۲:
 بیامخت)؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، ق: ۲، ل، ۲، پ، و): آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فصار الی بعض الجبال و جمع الحشائش الی هی أخلاط ذلک
 الدواء ۱۴- ل، ۲، س، ۲ (نیز لی): داشتی ۱۵- س- س- ۲ (نیز لی، آ، ب): هر زمان: (ق: ۲، ل، ۲: یک زمان: پ: سال و مه؛ و: خرم و)؛ متن = ل (نیز
 ل، ن): ل این بیت را ندارد؛ بنداری: و لما فرغ من عمل الدواء الجبلی غسل به عقب الملك. و كان من بعد یلازمه و یحفظ صحته
 ۱۶- س- س- ۲ (نیز ل، ن، پ، آ، ب): بُد؛ (و: بود)؛ متن = ل (نیز ل، ن، ۲) ۱۷- (ل: ۲: از: و: کو) ۱۸- (ل، ن، ق: ۲: بخفتی) ۱۹- ک (نیز لی): نیامیختی؛ (لن: ۲:
 بر آمیختی) ۲۰- س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، آ، ب): شاه؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، ق: ۲، ل، ۲، ن، ۲) ۲۱- (ل: ۲: تیره) ۲۲- (ل: ۲: بشستی)؛ بنداری: و كان
 الاسکندر کثیر الباه مكثر آمن الاستمتاع بحظایاه ۲۳- (و: پس به) ۲۴- (لی، آ: گراینده؛ ق: ۲: سراینده؛ ل، ن: ۲: سرایید) ۲۵- ل: نکرد ۲۶- (لن:
 نداشتی در؛ ق: ۲: ندارد در؛ ل: ۲: ندانمت از)؛ متن = س- س- ۲ (نیز لی، پ- ب) ۲۷- (و: خود را) ۲۸- (ل: ۲: پ: بجشک) ۲۹- ل: نهان ۳۰- ق،
 ک: دید؛ (لن: ۲: به کاهش چنان)؛ متن = س، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، و، آ، ب) ۳۱- (لی: بزشک)؛ بنداری: فأحس الطیب بضعف فی مزاجه ۳۲- ل
 (نیز ل، پ): (و: ۳۳- (ل: ۲: بدان) ۳۴- (لن: ناتوان)؛ بنداری: و قال: إن مضاجعة النساء تجعل الشبان شیاً ۳۵- ل (نیز ق: ۲): (و: ۳۶- (لن: ۲):
 سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و لا أشک أنها قد أثرت فی الملك ۳۶- ک (نیز ل، ن، ۲): از آن آ: ل: ۲ (نیز ب): ز آزار ۳۷- (پ: نگیرد)؛
 بنداری: فأنکر الاسکندر ما توهمه الطیب من ضعفه، و قال: أنا نشیط النفس قوی المزاج ۳۸- س، ق، ک، س، ۲ (نیز لی، و، آ، ب): گشت؛
 متن = ل، ل (نیز ل، ن، ق: ۲، ل، ن، ۲) ۳۹- ل، س (نیز ل، ن، ق: ۲، و، ل، ن): آن: متن = ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، پ، آ، ب) ۴۰- (ق: ۲: نوشته)؛ ق: او زیشه؛
 در س آ این واژه خوانا نیست ۴۱- س، ۲: نخست ۴۲- (ق: ۲: برآمیخت)؛ ل (نیز ل، ن، ۲): بیاورد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلم
 یقبل الطیب ذلک منه. و رکب دواء یزیل الضعف ۴۳- س- س- ۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب): شب به تنها: ل: همان نیز تنها سکندر؛ متن = (ل، ن،
 ق: ۲، ل، ۲، ل، ن، ۲): بنداری: فنام الاسکندر تلك الليلة وحده و لم یقرب أحداً من نسائه

به شبگیر هورا^۱ اندرآمد بزشک^۲
 بینداخت^۵ دارو به رامش^۶ نشست
 بفرمود تا خوان بیاراستند
 ۴۳۰ بدو گفت شاه: آن^۷ چرا ریختی؟
 ورا^۹ گفت: شاه جهان دوش جُفت
 چو تنها بخُسی^{۱۲} تو ای شهریار
 سکندر بخندید و زو گشت شاد^{۱۶}
 بزشکان^{۱۸} و اخترشناسان همه^{۱۹}
 ۴۳۵ یکی بدره دینار و اسپ^{۲۲} سیاه
 بزشک^{۲۳} خردمند را داد و گفت

نگه کرد و بی بار^۳ دیدش سرشک^۴
 یکی جام بگرفت شادان به دست
 نوازنده‌ی رود و می خواستند
 چو با رنج دارو بیامیختی^۸؟
 نجُست و شب تیره^{۱۱} تنها بخُفت
 نیاید^{۱۳} ترا^{۱۴} هیچ دارو^{۱۵} به کار
 ورا^{۱۷} گفت: بی هند گیتی مباد!
 تو گفتی^{۲۰} به هندوستان شد رمه^{۲۱}
 به هَرای زَرین بفرمود شاه
 که با پاک‌رایت^{۲۴} خرد^{۲۵} باد جفت!

۱-س.ک.س. ۲ (نیز لن، لی.ب): چون؛ ل. ۲: به شب باز چون ۲- (لن: بجنگ؛ ل. ۲: بجشک) ۳-ل (نیز ق. ۲، ل. ۲ < >): و بی بار؛ س. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، پ < >، آ.ب): وی را و؛ ک. او را و؛ (ل. ۲: بیدار)؛ متن = ق (نیز لن) ۴- (لن: پلنگ)؛ بنداری: فلماً أصبح الطیب دخل بالدواء علیه فنظر الی دلیله ۵-ل: بیامیخت؛ س (نیز لی، آ): فروریخت؛ ک. ل. ۲ (نیز ب): بهم ساخت؛ متن = ق، س. ۲ (نیز لن، ق. ۲، ل. ۲-ل. ۲) ۶-ک (نیز لن ۲): بر آتش؛ بنداری: فأراق ذلك الدواء ۷-س (نیز لن، ل. ۲): این ۸-ل، س (نیز ب): بر آمیختی؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ س. ک. ل. ۲، س. ۲، لی، پ، آ. ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بدو و گفت: ای (لی: کای) خسرو دادگر ز دادت شده پست بیدادگر (پ: گوش بیداد کر)

بنداری: و قدم مع ندماء الملك فی مجلس العیش و الطرب. فقال الاسکندر: ما الذى أوجب إرافتك للدواء بعد أن تعبت فی ترکیه؟
 ۹-س (نیز لی، آ): چنین؛ ق (نیز لن، ق. ۲، و، ل. ۲): بدو؛ متن = ل (نیز ل ۲) ۱۰- (پ: بر آنم که) ۱۱- (لی: بیخت شب تیره؟؛ و: بخت و نشد تیز و)؛ متن = ل، س. ق (نیز لن، ق. ۲، ل. ۲، پ، ل. ۲، آ. آ): ک. ل. ۲، س. ۲، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: فقال: إن الملك قد نام البارحة وحده فزال عنه ذلك الضعف ۱۲-س، ق (نیز لن، ق. ۲، ل. ۲): بخفتی؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۳-س، ق (نیز و): نباید ۱۴- (ل. ۲: مرا؛ لن: نیامد مرا) ۱۵- (لی، آ): چنان دان که دارو؛ پ: مرا هیچ دارو نیاید) ۱۶-ل: شاد شد؛ ق (نیز ل ۲): شاد گشت؛ متن = س، ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن، ق. ۲، پ-آ) ۱۷-ق: آزاد گشت؛ ل: ز تیمار وز درد آزاد شد؛ متن = س، ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن، ق. ۲، ل. ۲-آ): لی این بیت را ندارد؛ در ل ۲ این بیت پساوند ندارد؛ در آ این بیت کمی پیش تر آمده است؛ بنداری: فضحک الاسکندر و تعجب من حذقه؛ ل. ق پس از این بیت افزوده‌اند:

و زان پس (ق: سکندر) ز داننده دل کرد شاد ورا گفت: بی هند گیتی مباد!

۱۸-ل، ق: بزرگان؛ (ل. ۲: بجشکان)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۹-س، آ: رمه ۲۰-ل، ل. ۲، س. ۲ (نیز ل ۲، و، ب): گویی؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۱-س، آ: همه؛ ل، س. ۲، ل. ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

وز آنجا بیامد سوی خان خویش همه شب همی ساخت (س: آ: جست) درمان خویش
 چو برزد سر از کوه روشن چراغ چو دریا (لن: آ: دیا) فروزنده شد دشت و راغ
 سکندر بیامد بدان بارگاه دو لب (لن: آ: لیبی) پر ز خنده دل از غم تاه
 فرستاده را دید سالار بار بپرسید و بردش بر (لن: آ: سوی) شهریار

ل در اینجا سرنویس دارد: نهان کردن اسکندر گنجها در کوهسار ۲۲- (ق: آ: اسپ)؛ ک. ل. ۲، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: و بدره من الذهب، و فرس أدهم ذهبی السرج و اللجام؛ س. ۲ پس از این بیت افزوده است:

وزان پس یکی خلعت شاهوار یکی اسپ با طوق و زین و فسار

۲۳- (ل. ۲: بجشک) ۲۴-س (نیز ل ۲): جان پاکت؛ ک. ل. ۲ (نیز لی، آ. ب): رای پاکت؛ (لن: آ: داد یزدان)؛ متن = ل، ق، س. ۲ (نیز لن، ق. ۲، و) ۲۵-ق (نیز لن، ق. ۲): زمان؛ پ این بیت را ندارد

گفتار اندر آزمودن اسکندر جام را^۱

از آن^۲ پس بفرمود کان^۳ جام زرد^۴
 همی خورد از آن^۶ جام زر هر کس آب^۷
 بخوردند آب از پی^۸ خرمی
 ۴۴۰ بدان فیلسوف آن زمان^{۱۰} شاه گفت^{۱۱}
 که افزایش آب این جام چیست؟
 چنین داد پاسخ که ای شهریار
 که این^{۱۷} در بسی سالیان^{۱۸} کرده‌اند
 از^{۲۰} اخترشناسان هر^{۲۱} کشوری،
 ۴۴۵ بر کید بودند^{۲۲} کین^{۲۳} جام کرد
 همه^{۲۶} طبع^{۲۷} اختر نگه داشتند
 تو از مغیاطیس گیر این نشان

بیارند، پر کرده از آب سرد^۵
 ز شبگیر تا بود هنگام خواب
 ز خوردن نیامد بدودر^۹ کمی
 که این دانش از من^{۱۲} نباید نهفت،^{۱۳}
 نجومی ست^{۱۴} گر^{۱۵} آلت هندسی ست؟^{۱۶}
 تو این جام را خوارمایه مدار!
 بدین اندرون^{۱۹} رنج‌ها برده‌اند
 به جایی که بُد نامورمهری،
 به روز سپید^{۲۴} و شب لاژورد^{۲۵}
 فراوان بدین^{۲۸} روز بگذاشتند
 که^{۲۹} او را کسی^{۳۰} کرد آهن^{۳۱} کشان؟

۱-س (نیز آ): آزمودن اسکندر جام را؛ (لی.و: گفتار اندر آزمودن شاه اسکندر جام را)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲-س-س ۲ (نیز لن-ل ۳.و-ب): وزان: متن = ل (نیز پ) ۳-س: تا ۴-ک (نیز ب): زر ۵-ب (ب: زر): ک، ل، آ، س: خام زر: متن = یازده دستویس دیگر: بنداری: ثم إنه أمر باحضار الجام الأصفر فجاؤوا به مملوؤاً من الماء البارد ۶-ل (نیز و، لن ۴): زان: (لی.آ: چو خوردند ازان): متن = ق-س ۲ (نیز لن، ق ۲، ب) ۷-س (نیز ل ۲، ب): هر کس ازان جام آب: (لن: هر کسی آب (پساوند ندارد)): ک (نیز ق ۲، لی.آ): جام هر کس شراب: بنداری: فجعل الحاضرون يشربون منه من أول النهار الى وقت النوم ۸-و: به خوردن فزودی همی خرمی ۹-و: نیامد بدو در ز خوردن ۱۰-ل (ل ۳): ابا فیلسوف این چنین ۱۱-ل (لن ۲): پس آنگاه با فیلسوفان بگفت ۱۲-ل (لن، ق ۲، لن ۲): ما ۱۳-ل (لی.آ): که اندر جهان کید را نیست جفت: لن، ل ۲، و، لن ۲ پس از بیت ۴۴۱ و س، ق پس از بیت ۴۴۲ افزوده‌اند:

بدان فیلسوف آن زمان شاه گفت (و: گفت شاه) که اندر جهان کید را نیست جفت

(و: که هستم به دل کید را نیکخواه؛ س این بیت را ندارد)

به چهر و به دیدار (و، لن ۲: به چهره ندارند) چیزی فزون

ازین پس نخوانیم هندوستان مگر خانه کید جادوستان (و: چون دوستان)

گویا مأخذ بنداری نیز این بیت را داشته است: فتعجب الملك. و قال: إنه لا نظیر للهوند فی الصناعات و العلوم، وإنهم وإن كانوا قد حرموا حسن الوجه فقد رزقوا حسن الأفعال و نحن بعد هذا لا نقول فی بلادهم بلاد الهند بل نقول بلاد البحر ۱۴-و: بخویست ۱۵-س-س ۲ (نیز لن-ب): یا: متن = ل ۱۶-ل س (نیز لن، ق ۲، لی، لن ۲): هندوی ست: (و: جادوی ست): متن = ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل ۲، ب): بنداری: فالتفت الى الفيلسوف وسأله و قال: زیادة الماء فی هذا الجام مستندة الى النجوم أم الهندسة؟ فقال: یا ایها الملك! لا تستصغر شأن هذا الجام ۱۷-س ک (نیز لی، آ، ب): کزین ۱۸-س ک، ل ۲ (نیز لی، ب): سالیان زندگی: متن = ل، ق، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲، لن ۲) ۱۹-ل، ق: در بسی: بنداری: فقد صرفوا فی صنعة زماناً طویلاً و قاسوا منه تعباً کثیراً ۲۰-ل-ل ۲ (نیز لی، ل ۲): ز: متن = س ۲ (نیز لن، ق ۲، ب، ب) ۲۱-و: به هر ۲۲-ک، ل ۲ (نیز ق ۲): بردند: متن = دوازده دستویس دیگر ۲۳-س، ل ۲: و این ۲۴-پ، و: سفید ۲۵-س-س ۲ (نیز لن-ل ۲، آ، ب): لاجورد: متن = ل (نیز پ، و، لن ۲): پ پس از این بیت، بیت ۴۴۴ را دوباره آورده است ۲۶-ل، س (نیز ل ۲، پ، و): همی: متن = ده دستویس دیگر ۲۷-پ (پ: کار اختر) ۲۸-ل: درین: س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، و): برین: متن = ده دستویس دیگر: بنداری: فطبعوه علی طبائع النجوم ۲۹-پ (نه) ۳۰-و: از کشتن ۳۱-ل (نیز پ): ز آهن: س: از آهن: متن = دوازده دستویس دیگر: بنداری: و هو كحجر المغیاطیس فی جذبہ الحديد. فلا يزال مملوؤاً لا یتطرق اليه نقصان

ز گردون پذیردهمی آب خوش
 نبیند^۸ به روشن دو چشم آدمی
 سخن‌های او سودمند آمدش^۹
 که من عهد کید از پی داد را،
 همی^{۱۲} پیش او بود باید به پای
 برین^{۱۶} بر فزونی نجویم^{۱۷} نیز

به^۱ طبع این‌چنین هم^۲ شده‌ست^۳ آبکش^۴
 همی آب یابد^۵ که^۶ گیرد کمی^۷
 ۴۵۰ چو گفتار دانا پسند آمدش
 چنین^{۱۰} گفت پیرانِ میلاد را
 همی‌نشکنم تا بماند^{۱۱} به جای
 چو^{۱۳} من یافتم زو چنین^{۱۴} چار^{۱۵} چیز

کجا داشت با گنج آراسته^{۱۸}،
 صد افسر^{۱۹} ز گوهر برآن سر^{۲۰} نهاد
 ز دینار و از^{۲۲} گوهر نابسود
 کسی چهره‌ی آگنده^{۲۴} ندید
 ندیدند از آن^{۲۷} پس کس اندر^{۲۸} جهان
 بیاورد با خویشان یادگار^{۳۰}
 به قنوج شد، گنجش^{۳۱} آنجا بماند

[و زان پس سکندر همه خواسته
 ۴۵۵ دو صد بارکش خواسته برنهاد
 به کوه‌اندر آگند^{۲۱} چیزی که بود
 چو^{۲۳} در کوه شد گنج‌ها ناپدید
 همه^{۲۵} گنج با آنکه^{۲۶} کردش نهان
 ز گنج نهان کرده در^{۲۹} کوه‌سار
 ۴۶۰ ز میلاد چون باد لشکر براند

۱-ل: ز ۲-س: آن؛ (ق: ۲. و: چنان هم؛ ل: ن. آن چنان هم)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳- (و: بشد) ۴- (ل: شد خود او را بکش)؛ بنداری: فهو يجذب بخاصية الماء من الفلك باذن الله ۵- ل. ل. ل. آ. س. ۲ (نیز ل: لی): باید؛ متن = س، ق، ک (نیز ق: ل. آ. و: ب) ۶- ق-س: ۲ (نیز ل-ل: آ. و: ب): چو؛ (پ: آب گیرد چو)؛ متن = ل. س ۷- ل. آ. س. ۲ (نیز ل: ن): یکی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸- ک (نیز پ): به بیند؛ (لی: نیاید)؛ بنداری: و يستدره من الهواء بحيث لاتدرکه حاسة نظر الانسان ۹- پ پس از این بیت افزوده است:

بدان فیلسوف آن زمان شاه گفت
 به چهره ندارید چیزی فزون
 ازین پس نخوانیم هندوستان
 که اندر جهان کید را نیست جفت
 شگفت اندرین بند و چندین فسون
 مگر خانه کید جادوستان

۱۰- (پ: همی) ۱۱- ق (نیز ل: ق. آ. پ. و): بمانم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- س. ک. ل. آ. س. ۲ (نیز ل: لی. پ. ل: آ): همه؛ متن = ل. ق (نیز ق: ل. آ. و: ب) ۱۳- ل (نیز ق: ل. آ. ل: ن. آ): که؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- ل: چنان؛ (و: کزو یافتم این چنین) ۱۵- (ل: ساز و) ۱۶- ل. ق: برو؛ ل. آ. س. ۲ (نیز ل: ب): بدین؛ (ل: ۳: چنین)؛ متن = س، ک (نیز ل: ق. آ. پ. آ) ۱۷- (ل: آ. آ: نخواهیم)؛ بنداری: فتعجب الاسکندر وقال: انا نکتفی من الکید بهذه الأشياء الأربعة، ولا تنقض عهده أبد الدهر، و لانطالبه بشيء آخر مدة العمر ۱۸- متن = (پ): ل-س: ۲، ل-ل: آ. و: ب این بیت را ندارند ۱۹- (ق: آ. و: اشتر؛ پ: استر) ۲۰- (و: همه بار گوهر نهاد)؛ بنداری: ثم إنه أقر مأتي دابة ذهباً و جوهرأ ۲۱- س. ک. ل. آ. س. ۲ (نیز ل: آ. ب): افگند؛ متن = ل. ق (نیز ل: ق. آ. ل: ن. آ) ۲۲- ل. ق. ل. آ. س. ۲ (نیز ل: آ. و: ل: ن. آ): وز؛ متن = س، ک (نیز ل: ق. آ. ل: ب. آ. ب): بنداری: و صار بها الى بعض تلك الجبال و حفر فيها حفائر كثيرة، و كنز فيها تلك الأموال الوفرة ۲۳- (ل: ۳: <چو> (وزن ندارد)) ۲۴- ل: چهره آن کننده؛ س: ک: چهره آگنده او؛ ل: چهره آگنده او؛ (ل: ۳: چهره آگندگان را؛ ل: آ: چهره آگنده هرگز؛ ل: کس آن گنج آگنده راهم)؛ متن = ق. س. ۲ (نیز ق: آ. پ. و: ل: آ. ب) ۲۵- ق (نیز ل: ۳): همان؛ (ل: همی) ۲۶- س: ها آنچه؛ (ل: ۳: ها پاک) ۲۷- ل: زان؛ در ل: این دو واژه خوانا نیست؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸- (لی: آ: ندیدش از آن پس کسی در)؛ بنداری: وأهلك الذين تولوا حفرها و قاسوا أمرها ۲۹- ل. ق (نیز ل: ن): بر؛ (ق: آ: کرده)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰- س: کارزار ۳۱- س. ک. ل. آ. س. ۲ (نیز ل: لی. آ. ب): گنج؛ متن = ل. ق (نیز ق: ل. آ. ل: ن. آ): بنداری: ثم ارتحل الاسکندر من میلاد و توجه الى قنوج

گفتار اندر نامه فرستادن اسکندر بنزدیک فور هندی^۱

چُن آورد^۲ لشکر بنزدیک فور
 ز شاهنشاه اسکندر فیلقوس
 سوی فور هندی، سپهدارِ هند
 سرِ نامه کرد^۸ آفرینِ خدای
 ۴۶۵ کسی را که او کرد پیروزبخت^{۱۰}
 گرش^{۱۲} خوار گیرد بماند نژند
 شنیدی همانا که یزدان پاک
 ز پیروزی بخت^{۱۶} و از^{۱۷} فرهی^{۱۸}
 بماند^{۲۰} همین^{۲۱}، روزِ ما^{۲۲} بگذرد
 ۴۷۰ همی نام کوشم^{۲۴} که ماند^{۲۵}، نه ننگ
 چُن^{۲۹} این نامه آرند نزدیک تو
 ز تختِ بلندی^{۳۲} به اسپ اندرآی!
 ز ما ایمنی خواه^{۳۴} و چاره مساز!
 ز فرمان اگر یک زمان بگذری

یکی نامه فرمود^۳ پر^۴ جنگ و شور
 فروزنده‌ی آتش و^۵ نُعم و بوس^۶
 بلنداختر و لشکرآرایِ هند^۷
 کجا بود^۹ و باشد همیشه بجای
 بماند بدو کشور و تاج و تخت^{۱۱}
 نتابد برو^{۱۳} آفتاب^{۱۴} بلند
 چه داده‌ست ما را بدین^{۱۵} تیره‌خاک
 ز دیهیم و از^{۱۹} تخت شاهنشهی
 کسی دیگر آید کزو^{۲۳} برخوردار
 بدین^{۲۶} مرکز ماه^{۲۷} و پرگارِ تنگ^{۲۸}
 پر از داد^{۳۰} کن رایِ تاریک^{۳۱} تو!
 مزن رای با موبد و^{۳۳} رهنمای!
 که بر چاره‌گر کار^{۳۵} گردد دراز
 بلندی گزینی و گُندآوری،

۱-ل: نامه اسکندر به فور هندی؛ س: نامه فرستادن اسکندر بنزدیک فور هند؛ ق: نامه اسکندر به فور شاه قنوج و جواب او؛ ک: نامه اسکندر نزد فور و پاسخ فور؛ ل: نامه اسکندر نزد فور هندی؛ س: آ: نامه اسکندر نزد فور؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: ذکر میر الاسکندر الی قنوج و ماجری بین و بین ملکها [فور] ۲-ل. ق. ک. ل. آ (نیز ل. ن. پ. آ. ب): چو آورد؛ س (نیز و): بیاورد؛ متن = س ۲ ۳-س (نیز آ. ب): بنوشت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-ل (آ. با) ۵-ق. س. آ (نیز ل. ن. ق. آ. ب): <و>؛ (و: دانش و) ۶-س (نیز ل. آ): خداوند تاج و خداوند کوس ۷-س ۲ (نیز ق. آ. ل. ن. آ. آ): سند؛ متن = ل-ل. آ (نیز ل. ن. ل. می <و>. ب) ۸-س (نیز ل. آ): نبشت از نخست ۹-ق: که بود او و ۱۰-ل. آ. س ۲ (نیز ب): بخت پیروز داد؛ ک: کجا بخت پیروز داد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ل. آ. س ۲ (نیز ب): بماند بدو (ل: آ. برو) کشور و تخت شاد ۱۲-ل (ن: آ. گر او) ۱۳-ق (نیز ق. آ. ل. آ): بدو ۱۴-ک: بیابد مکافات چرخ ۱۵-ق. ک: درین؛ (ق. آ. پ: برین) ۱۶-ل (لی: از تخت) ۱۷-ل. ق. ل. آ. س ۲ <و> (نیز ل. ن. و. ل. آ): وز؛ متن = س. ک (نیز ق. آ. ل. می. پ. آ. ب) ۱۸-ل (آ. و شاهنشهی) ۱۹-ل. ق. ل. آ. س ۲ (نیز ل. آ. و. ل. آ): وز؛ متن = س. ک (نیز ل. ن. ق. آ. ل. می. پ. آ. ب) ۲۰-ل. ل. آ (نیز ق. آ): بماند (حرف یکم بی نقطه)؛ س. ق. ک. س ۲ (نیز ل. می. ب): بماند؛ متن = (ل. ن) ۲۱-ل. ق. آ. ل. و. ل. آ. ب: همی؛ متن = ل-س ۲ (نیز ل. می. پ. آ. ب): روزمان ۲۲-ق: روزمان ۲۳-س-س ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ل. آ. پ. و. آ. ب): کزین؛ (لی: وزین)؛ متن = ل (نیز ل. آ) ۲۴-س. ل. آ (نیز آ): خواهم؛ (لی: خواهد؛ پ: باید)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-س: آ: که مانم ۲۶-س ۲ (نیز ل. ن. پ. ل. آ): برین ۲۷-ق: درین مرکز تیر ۲۸-ل (لی: برکار جنگ؛ ل: آ: مرکز تیره بر کار تنگ ۲۹-ل-ل. آ (نیز ل. ن. ب): چو؛ متن = س ۲ ۳۰-ل. آ: رای؛ ل: بی آزار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱-ک. س ۲ (نیز ل. آ): باریک؛ ل (نیز ل. ن. آ): تاریک (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = س. ق (نیز ل. ن. ق. آ. ل. پ. و. ب) ۳۲-س. ک. ل. آ. س ۲ (نیز ل. می. پ. آ. ب): بزرگی؛ متن = ل. ق (نیز ل. ن. ق. آ. ل. و. ل. آ) ۳۳-س (نیز ل. ن. ل. می. آ. ب): <و>؛ (و: بز ن رای با نامور)؛ متن = نه دستنویس دیگر ۳۴-س: ساز؛ (و: جوی) ۳۵-ل. آ: راه؛ (ب: دار)؛ بنداری: و کان لها ملک يعرف بفور. فکتب الیه کتاباً قال فیه: و اذا وقفت علی هذا الكتاب فتحوّل من ظهر التخت الی ظهر الفرس، و اقبل الی الخدمة، و لا تشاور أحداً فی ذلك حتّی لا یطول علیک الأمر

۴۷۵ بیارم چُن آتش سپاهی گران
چو من با سواران بیایم به جنگ
گزیده دلیران و گنداوران
پشیمانی آید ترا از درنگ
چو زین باره گفتارها سخته شد
نهادند مَهر سکندر بروی
فرستاده آمد بنزدیک فور
جهان‌دیده را پیش او خواندند
چُن آن نامه برخواند فور سترگ
هم آنکه یکی تُند پاسخ نبشت
سرِ نامه گفت: از خداوند پاک
نگویم چندین سخن بر گزاف
۴۸۵ مرا پیش خوانی؟ ترا شرم نیست؟
اگر فیلقوس این نبستی به فور
ز دارا بدین سان شده‌ستی دلیر

گهی رزم گفتم، گهی بزم و سور
بر تخت نزدیک بشانندند
برآشت از آن نامدار بزرگ
به پالیز کینه درختی بکشت
بباید که باشیم با ترس و باک
که بیچاره باشد خداوند لاف
خرد را بر مغزت آزم نیست؟
تو هم تیز از آن کار بردار شور!
کزو گشته بد چرخ گردنده سیر

۱-ل-۲ (نیز ل. ۳. پ. و. آ. ب.): چو؛ متن = س ۲-۲ (لن: آ: چو آتش بیارم) ۳-س. ک. ل. آ. س ۲ (نیز ل. ۳. و. آ. و. <و>): جنگ اوران؛ متن = ل <و>، ق <و> (نیز پ. لن: آ): لن، ق. آ. می این بیت را ندارند ۴-ل-۴ (چو با من ۵-ق: سوان (؟) ۶-ل: آ: بیایم) ۷-ل. ل. آ: زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ل. آ: گونه؛ س: این گونه؛ (ل: آ: پاره‌یی (وزن ندارد)): متن = ده دستنویس دیگر ۹-ک (نیز لن. ل: آ): سخت؛ (لن: آ: بخته) ۱۰-ل. س. ک (نیز لن-ل-۳. و. آ. ب.): نویسنده؛ متن = ق. ل. آ. س ۲ (نیز پ) ۱۱-ل (لن: آ: نویسنده) ۱۲-ک (نیز لن): پردخت ۱۳-ل-۱۳: نرد ۱۴-ل. ل. آ: بدوی) ۱۵-ل (نیز ق: آ: پیدا؛ ق: دانا؛ (لن: آ: بیدار): متن = س. ک. ل. آ. س ۲ (نیز ل. و. آ. ب) ۱۶-س. ک. ل. آ. س ۲ (نیز ق: آ. ل. پ. آ. ب): راهجوی؛ متن = ل. ق (نیز ل. و. ل. آ): لن این بیت را ندارد ۱۷-ق (نیز لن. پ. لن: آ): به درگاه؛ (ق: آ: فرستاد شاهش به درگاه): متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-س. ل. آ. س ۲ (نیز ل. ل. ب): بزم؛ ک: نرم؛ متن = ل. ق (نیز لن. ق. آ. ل. پ. لن: آ) ۱۹-س. ل. آ. س ۲ (نیز ل. و. <و>): رزم و شور؛ ک: رزم و سور؛ (و: هم از رزم گفتش هم از بزم و سور: آ: یکی نامه بر دست پر جنگ و شور): متن = ل. ق (نیز لن. ق. آ. ل. پ. لن: آ): ل پس ازین بیت افزوده است:

فرستاده آمد به درگه فراز
بگفتند با فور گردن‌فراز

۲۰-ل. لن. آ: بر آن) ۲۱-ل-ل-۲ (نیز لن-ب): چو؛ متن = س ۲-۲۲-ل: زان؛ ق: <از>؛ (ب: ازو): متن دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلماً وصل کتاب الیه استشاط الهندی و حاجت ز برازه و نمر ۲۳-ل. آ: نامه) ۲۴-ل. ک (نیز لن. ل. ل. و. لن: آ. ب): نوشت؛ متن = س. ق. ل. آ. س ۲ (نیز ق: آ. پ. آ) ۲۵-ل. بیالین) ۲۶-ق. ک. ل. آ (نیز ل. لن: آ): نباید؛ متن = ل. س. س ۲ (نیز ق: آ. ل. پ. ب) ۲۷-ل. آ: بی؛ لن. و این بیت را ندارند ۲۸-ل (چیزی) ۲۹-س (نیز ل.): از: (آ: بگویم چندی سخن از) ۳۰-ک: ز دارا شدستی؛ بنداری: فأجاب عن کتابه و قال فیه: الحمد لله الذی لم يجعلنا ممن تتعدى فی کلامه طوره، و لا ممن یتهجم علی أمر لم یسیر غوره ۳۱-ل. (ت: <)>؛ ل: شرم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: کیف تستهنض مثلی الی خدمتک و لا تشاور نفسک و لا تراجع عقلک؟ ۳۲-س: فیلسوف ۳۳-ل (نیز ل. و. لن: آ): نوشتی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-س. ل. آ. س ۲ (نیز ل. آ. ب): نیز از آن کار؛ ل. ق (نیز لن. ق: آ): تو نیز آن (ق: آ: این. ل. آ: از) هم آغاز؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۵-ق: بر جای سور؛ (پ: رزم آغاز و بردار سور)، ک: نیز بردار ازین کار سور؛ (و: همی آن سر آغاز شاید ز سور: لن: آ: به ماتم بدل کردی آغاز سور): متن = ده دستنویس دیگر ۳۶-ل (ل: آ: برین خود) ۳۷-ل. آ: گذشتی) ۳۸-ل (ل: آ: گشت بر)

چو بر تخم‌یی^۱ بگذرد روزگار
همان^۳ نیز بزم آمدت رزم^۴ کید
۴۹۰ برین^۶ گونه عنوان، برین^۷ سان سَخُن
منم فور و از^۹ فور دارم نژاد
بدانگه که دارا مرا^{۱۲} یار خواست
همی^{۱۵} زنده^{۱۶} پیلان فرستادمش
که^{۲۰} بر دستِ آن^{۲۱} بنده بر کشته شد
۴۹۵ ز دارا چو روی زمین پاک شد
گر^{۲۴} او را ز دستور بد بد رسید
تو در جنگ چندین^{۲۷} دلیری مکن!
بینی کنون زنده^{۲۹} پیل و سپاه^{۳۰}
همه^{۳۳} رای تو برتری جستن^{۳۴} است
۵۰۰ به گیتی همه تُخْم زُفتی مکارا!
بدین نامه ما^{۳۹} نیکوی خواستیم^{۴۰}

ن سازند با پند آموزگار^۲
برآنی که شاهانت گشتند^۵ صید
نیامد به ما زان^۸ کیانِ کهن
که از قیصران کس^{۱۰} نکرديم^{۱۱} یاد
دل و بخت با او^{۱۳} ندیدیم^{۱۴} راست
همیدون^{۱۷} به بازی^{۱۸} زبان^{۱۹} دادمش
سرِ بختِ ایرانیان گشته^{۲۲} شد
ترا زهر برنده تریاک شد^{۲۳}
چرا شد خرد در^{۲۵} سرت^{۲۶} ناپدید؟
که با مات جز کو، نباشد^{۲۸} سخن!
که در دشت بندند^{۳۱} بر باد راه^{۳۲}
نهان^{۳۵} تو چون^{۳۶} رنگ^{۳۷} آهرمن^{۳۸} است
بترس از گزند و بد روزگارا
به دانش^{۴۱} دلت را بیاراستیم^{۴۲}

۱- (لی، آ: بر) ۲- ق: چه در جنگ میرد چه در کارزار؛ لن به جای این بیت افزوده است:

ندانی که چون بگذرد روزگار چه باید ترا پند آموزگار

۳- (ق: آ: چنان) ۴- ق: رای ۵- ک: گردند؛ و بیت‌های ۴۸۹-۴۹۰ را ندارد ۶- (لی: بدین) ۷- س، ک، ل، س، ۲، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، پ، آ، ب):
وزین: ق (نیز لن: آ): ازین: متن = ل (نیز ق: آ) ۸- ل، آ: زین: (لن: آ: نیامدت یاد از): لن این بیت را ندارد؛ بنداری: فان کان أبوک تجاسر من
أبی علی مثل ذلک فتجاسر علیه ۹- ل، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، آ، لن: آ): وز: متن = س، ک (نیز ق: آ، لی، پ-ب) ۱۰- (آ: کین) ۱۱- لن: نگیریم؛
متن = سیزده دستنویس دیگر؛ لن این بیت را ندارد؛ بنداری: و کآنک لاتعلم أنی فور بن فور الذی لم يحتفل قط بأحد من القیاصرة
۱۲- (ل، آ: و: ز ما) ۱۳- (لن: وی) ۱۴- ق: نبد بخت ایرانیان نیک: (ق: آ: ندیدم ابا او دل بخت) ۱۵- (و: همان) ۱۶- س (نیز ب): زند: (آ:
زنده): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- (پ: همان من) ۱۸- س، ک: ساری (نقطه ندارد): ق (نیز و): باری (حرف دوم بی نقطه): ل، آ:
یاری (حرف یکم بی نقطه): س، ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب): بیاری: (ق: آ: بکاری): متن = ل ۱۹- (ل، آ: سخن) ۲۰- ق: چو ۲۱- (لن:
این) ۲۲- ک: چنان دوده را روز برگشته ۲۳- متن = س-س، ۲ (نیز لن-ب): ل این بیت را ندارد ۲۴- (لن، آ: که) ۲۵- (لن: آ: از) ۲۶- س، آ: در
سرت شد خرد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۲۷- (آ: جویی) ۲۸- ل: کوتاه باشد؛ (ل، آ: چندین نباشد؛ لن: آ: کوتاه
گردد): ق: ما دگرگونه باشد؛ ک: که جز کونه باشد با ما؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- س (نیز ب): زند: (آ: زنده) ۳۰- (لی: پیل سپاه)
۳۱- ل، ق (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن، آ): پشت بندند؛ (لی: بردشت بندند): متن = س، ل، آ، س، ۲ (نیز پ، آ، ب) ۳۲- س، آ: بابا دارا؛ ک: که گیتی شود
پیش چشمت سپاه؛ ک پس ازین بیت افزوده است:

بر آن گونه پیش تو آرم سپاه که بندند بر دشت و بر کوه راه

۳۳- ل (نیز لن: آ): همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۴- ل: برترین گشتن؛ ق: ترارای بر برتری گشتن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
۳۵- س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، پ، آ، ب): نهاد؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن، آ) ۳۶- س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، آ، ب): هم؛ متن = ل، ق (نیز لن،
ق، ل، آ، لن، آ) ۳۷- (ق: آ: دیو) ۳۸- س، ۲ (نیز و): اهریمن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۹- (و: من) ۴۰- (و: خواستم) ۴۱- ل، ق (نیز لن،
ل، آ، لن، آ): مقش؛ (ق: آ: به نیکی: پ: به خوبی): متن = ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، و، آ، ب) ۴۲- (و: بیاراستیم): س: آن را بیاراستیم (وزن ندارد)

همان‌گه ز لشکر سران^۱ برگزید^۲
 به دانش کهن گشته، در^۵ سال^۶، نو
 که روی زمین جز به دریا نماند
 که^۹ گفتی جز آن^{۱۰} بر زمین نیست راه^{۱۱}
 به دل^{۱۵} آتش جنگجویان بکشت
 از آن راه دشخوار و بیکار^{۱۸} و تند^{۱۹}
 گروهی برفتند نزدیک شاه،
 سپاه ترا برنابند زمین،
 نه^{۲۲} فغفور چینی، نه سالار سند،
 بدین^{۲۳} مرز بی‌ارز^{۲۴} و این^{۲۵} گونه^{۲۶} راه؟
 که شاید به تندی برو^{۲۷} رزم جست
 سوار و پیاده نیابند راه
 به هر جای بر^{۳۱} لشکر بدگمان
 به سیری نیامد^{۳۳} کس از جان^{۳۴} خویش
 نکرده‌ست کس جنگ با آب و سنگ
 برآشت و بشکست بازارشان

چو پاسخ بنزد سکندر رسید
 که باشند^۳ شایسته و^۴ پیشرو
 سوی فور هندی سپاهی براند
 به هر سو همی رفت^۷ زان سان^۸ سپاه
 همه کوه و دریا^{۱۲} و راه^{۱۳} درشت^{۱۴}
 ز رفتن سپه سربر^{۱۶} گشت کند^{۱۷}
 هم آنگه چن^{۲۰} آمد به منزل سپاه
 که ای قیصر روم و سالار چین
 ۵۱۰ نجویدهمی جنگ^{۲۱} تو فور هند
 سپه را چرا کرد باید تباہ؟
 ز لشکر نبینم اسپی درست
 ازین جنگ اگر^{۲۸} بازگردد سپاه
 چو^{۲۹} پیروز بودیم تا این^{۳۰} زمان
 ۵۱۵ کنون سر به سر کوه و دریا به^{۳۲} پیش
 مگردان همه نام ما را به ننگ!
 سکندر غمی^{۳۵} شد ز گفتارشان

۱-س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز لی.پ.آ.ب): یلان؛ (لن.لن.آ: سری)؛ متن = ق (نیز ق.آ.ل.آ.و) ۲-ل: سر اندر کشید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳- (و: بودند) ۴- (لن: باشد به شایستگی) ۵-ق: و؛ (پ: وز) ۶-ل: و ساله؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ک در اینجا سرنویس دارد: رفتن اسکندر به رزم فور هندی؛ بنداری؛ و کآنک اغتررت بنکبة دارا حین انقضت آیامه، وأخیر ذمامه، فأقبلت مدلاً بیاسک و شدّة مراسمک. فلا تظهرن فی الإقدام علینا جسارة، ولا تأمنن فی الجراة علی معاملة الملوک خسارة. فلما وقف الاسکندر علی جوابه استعدّ لقتاله و سار الیه ۷- (آ.ب: راند) ۸-س (نیز لی.ب): سو؛ ک.ل.آ.س^۲ (نیز ق.آ): از آن سو؛ (و: چندان)؛ متن = ل (نیز لن.ل.آ.پ.لن.آ) ۹-ل: تو؛ متن = س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز لن.ب) ۱۰- (و: مگر؛ ب: همی) ۱۱- (ل.آ: شاه)؛ ق این بیت را ندارد ۱۲- (آ: همان کوه و هامون) ۱۳-ق.ک.ل.آ (نیز ب): راهی؛ متن = ل.س.س.س^۲ < و > (نیز لن.ق.آ.ل.آ.لن.آ) ۱۴- (آ: هامون و راه درشت؛ لی: همان کوه و هامون و دریا و دشت) ۱۵-ل (نیز و): به دلش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-س-س.س^۲ (نیز لن.و.آ.ب): سراسر سپه؛ متن = ل (نیز لن.آ) ۱۷- (لی: گسترید) ۱۸-ل.ق < و > (نیز ق.آ): دشوار و بیکار؛ س (نیز ل.آ.پ.لن.آ.آ.ب): بی‌راه دشوار؛ ک.ل.آ: دشوار بی‌راه؛ س.آ: بی‌راه و دشخوار؛ (لن.و: بی‌کار دشوار)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- (لی: بی‌راه لشکر کشید) ۲۰-ل-ل.آ (نیز لن.ب): چو؛ متن = س.آ (نیز لی.آ) پس از این بیت افزوده‌اند:

بزرگان برفتند (آ: چو رفتند) نزدیک شاه زبان برگشادند بر پیش گاه

۲۱- (لن.آ: رزم) ۲۲-س.آ: تو ۲۳-س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز ق.آ.ب): برین؛ متن = ل.ق (نیز لن.لی.ل.آ.پ.لن.آ.آ) ۲۴-ل.آ (نیز ب): راه؛ ک.س.س^۲ (نیز لی): بی‌زاد؛ متن = ل.س.ق (نیز لن.ق.آ.ل.آ.پ.لن.آ.آ) ۲۵-ق (نیز لن.ل.آ.پ.لن.آ.آ): زین؛ (ق.آ.لی: ازین)؛ ل: < این > (وزن ندارد)؛ متن = س.ک.س.س^۲ ۲۶- (و: سوار و پیاده نیابند) ۲۷-س: بدو؛ (لی.آ: همی؛ ل.آ: بسی)؛ ک.ل.آ این بیت را ندارند ۲۸-ل (نیز ل.آ): گر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۲۹- (و: که) ۳۰- (ل.آ: یک) ۳۱-ل (نیز و): با ۳۲-ق.ک (نیز لن.ق.آ.ل.آ.لن.آ): دریاست؛ متن = ل.س.ل.آ.س^۲ (نیز لن.آ.ب) ۳۳- (لن.لن.آ: نیاید)؛ ل.آ.س^۲ (نیز ب): که سیری نیابد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴- (لن.آ: جای) ۳۵- (لی: غمین)؛ لن.ق این بیت را ندارند

ز رومی، کسی را نیامد^۲ زیان^۳
 کسی از^۴ شما باد جسته^۵ ندید
 دل^۷ ازدها را به پی^۸ بسپرم
 نپردازد^{۱۱} از بن^{۱۲} به رزم^{۱۳} و به سور^{۱۴}
 به مردی به زیر^{۱۶} آورم روی بوم
 نخواهم که رومی بود نیک^{۱۷} خواه
 سپه سوی پوزش نهادند روی
 زمین جز به فرمان او نسپریم
 پیاده به جنگ اندرآید سپاه
 نشیبی از^{۲۲} افکنده بالا کنند^{۲۱}،
 اگر چرخ بار آورد^{۲۳} کوه سنگ^{۲۴}
 چه^{۲۵} آزار گیری ز ما؟ جان تراست!
 یکی رزم را دیگر افگند بن
 که بودند با آلت کارزار
 زره دار مردان جنگ آوران،
 پس پشت ایرانیان^{۳۲} چل^{۳۳} هزار
 دلیران^{۳۵} و خنجرگزاران مصر

چنین گفت کز جنگ^۱ ایرانیان
 به دارابر از بندگان بد رسید
 ۵۲۰ برین^۶ راه من بی شما بگذرم
 ببیند^۹ از آن پس که دیجور^{۱۰} فور
 چو زو باز^{۱۵} گردم بیایم به روم
 مرا یار یزدان و ایران سپاه
 چُن^{۱۸} آشفته شد شاه از آن^{۱۹} گفتگوی
 ۵۲۵ که ما سرسر بندهی قیصریم
 بپویم و^{۲۰} چون اسپ گردد تپاه
 گر از خون ما خاک دریا کنند^{۲۱}
 نبیند کسی پشت ما روز جنگ
 همه بندگانیم و فرمان تراست
 ۵۳۰ چو بشنید ازشان^{۲۶} سکندر^{۲۷} سخن
 گزین کرد از ایرانیان صد^{۲۸} هزار
 پس پشت ایشان^{۲۹} ز رومی^{۳۰} سران
 برفتند کارآزموده^{۳۱} سوار
 پس پشت ایشان^{۳۴} سواران مصر

- ۱- (لن: بدو گفت اگر چند از) ۲- (ل: کسی را): س^۲ (نیز لن): نیامد کسی را ز رومی: متن = ل، س، ق (نیز ل، پی، آ) ۳- ل: زمان: ک این بیت را ندارد ۴- ل: س^۲: آ: را ۵- ل (نیز لن): خسته: س (نیز آ): بار جستن: ق: زار خسته: ک (نیز ق): یار خسته: ل: س^۲: (نیز و): یار خسته: (لی، ل: ب: باز جسته: پ: نوز رنجی): متن = (لن) ۶- ق (نیز لن-ب): بدین: س: آ: چنین: متن = ل، س، ک، ل: ۷- س (نیز لی، ل: آ): ده: (و: سر): متن = ده دستنویس دیگر ۸- (لن: همی) ۹- (لن: بگویم) ۱۰- س، ق، ل: س^۲: آ: (نیز لی، آ، ب): از رزم: ک: گنجور: (لن، ق، ل: آ، پ، لن: آ: رنجور: و: سرگشته): متن = ل ۱۱- ل (نیز ل: پ): نبرد ارد: ل (نیز ب): بپردازم: س^۲ (نیز لن، لی، آ): نپردازم: متن = س، ک (نیز ق، و، لن: آ) ۱۲- ل (نیز ل: پ): تن: (ق، و، لن: آ: من: لی: آن: ب: این): س: آن پس ۱۳- س: بزم: (ق: آ: رنج): ق: چو پیداکنم من به بزم: متن = ل، س^۲ (نیز لن، لی، آ): ک: گنج و سرور: ل (نیز ب): بر و بوم شور ۱۵- س: آ: پیروز: (لی، ل: آ، پ، آ: من باز) ۱۶- ل: س^۲: آ: روز: متن = دوازده دستنویس دیگر: ل این بیت را ندارد ۱۷- (ق، ل: لی، آ: کینه خواه): بنداری: حبیبی الله ناصراً، ثم فرسان ایران انصاراً، فارجمعوا انتم فمالی فیکم حاجة ۱۸- ل: ل (نیز لن-ب): چو: متن = س^۲ ۱۹- ل (نیز ق، ل: آ، پ): زان: ق: از: متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- ل، س، و: ق: و: ک، ل: س^۲: آ: و: نیز لی، ل: آ: و: ل: آ: و: ب: بکوشیم و: (لن: بگردیم و: ق: آ: بگویم و): متن = (پ، و) ۲۱- ق (نیز ق): شود ۲۲- ل، س، ق (نیز لن-ب): ز: متن = ک، ل: س^۲: آ: س، ق، ل: س^۲: آ: (نیز ق، ل: پ، لن: آ، ب): جنگ آرد و: ک (نیز و): گنج آرد از: (لن، لی، ل: آ: جنگ آورد: آ: تیغ آورد): متن = ل ۲۴- (ل: آ: روز جنگ) ۲۵- ل (نیز لن، ل: آ: لن: آ): چو: س، ل: س^۲: آ: (نیز لی، آ، ب): گر: متن = ق (نیز ق): ک این بیت را ندارد ۲۶- ل: زیشان: ک (نیز ل: آ): ازین سان ۲۷- س، ل: س^۲: آ: (نیز لی، آ، ب): سکندر چو بشنید ازشان ۲۸- ل، ق، ک (نیز لن، ق، ل: آ: لن: آ): سی: (لی، آ: جل): متن = س، ل: س^۲: آ: (نیز ب): بنداری: ثم إنه قدم مائة ألف فارس من الایرانیین ۲۹- (پ: ایران) ۳۰- ل (نیز لن: آ): برفتند کارآزموده: متن = سیزده دستنویس دیگر: در ل، لن آلت های این بیت و بیت سپین هم پس و پیش شده و هم در هم ریخته است ۳۱- ل (نیز لن: آ): پس پشت ایشان ز رومی: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲- ل: یکی قلب دیگر همان: ق: سواران و جنگ آوران: متن = س، ک، ل: س^۲: آ: (نیز لن، و، آ، ب) ۳۳- (لن: آ: به قلب اندرون نامور سی): بنداری: و أتبعهم بأربعین ألفاً من الروم ۳۴- (پ: رومی: آ: ایران) ۳۵- ق، ک (نیز لن، ق، ل: پ): جهانگیر: متن = ل، س، ل: س^۲: آ: (نیز لی، لن: آ، ب): س^۲: آ: و این بیت را ندارند: بنداری: و رتب خلف الرومیین أربعین ألفاً من فرسان مصر و أسادهم المذكورین

۵۳۵ برفتند شمشیرزن چل هزار
 ز خویشان دارا و^۲ ایرانیان
 ز رومی و^۳ مصری و از^۴ بربری
 گزین کرد^۵ قیصر ده و دوهزار
 بدان تا پس پست^۶ او زین^۶ گروه
 هر آنکس که بود از در کارزار
 هر آنکس که بود از نژاد کیان
 سواران شایسته و لشکری
 همه رزمجوی و همه نامدار
 در و دشت گردد بکردار کوه

گفتار اندر رزم اسکندر با فور هندی^۷

۵۴۰ از اخترشناسان و از^۸ موبدان
 همی برد با خویشتن شست مرد
 چو آگاه شد فور کامد سپاه
 به دشت اندرون لشکر انبوه گشت^{۱۱}
 سپاهی کشیدند بر چار میل
 جهان دیده و نامور بخردان
 پژوهندهی روزگار نبرد
 گزین کرد جای^۹ از در^{۱۰} رزمگاه
 زمین از پی پیل چون کوه گشت^{۱۱}
 پس پشت گردان^{۱۲} و در^{۱۳} پیش پیل
 ۵۴۵ ز هندوستان تیز^{۱۴} کار آگهان
 بگفتند با او بسی^{۱۵} رزم پیل
 سواری نیارد بر^{۱۸} او شدن
 که خرطوم او از هوا برترست
 به قرطاس بر پیل بنگاشتند
 برفتند نزدیک شاه جهان
 که او اسپ را بفگند^{۱۶} از^{۱۷} دو میل
 نه چون شد، بود راه باز آمدن
 ز گردون مر او را^{۱۹} زحل^{۲۰} یا ورست
 به چشم جهانجوی بگذاشتند^{۲۱}

۱- (لن: سی)؛ متن = ل-ل^۲ (نیز لی، پ، آ، ب)؛ س^۲ ق^۲ ل^۲ آ^۲، و این بیت را ندارند ۲- ل^۲ (نیز لی، پ، و، ب)؛ وز؛ س، ک (نیز ل^۲): از؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز لن^۲، آ^۲)؛ لن، ق^۲ این بیت را ندارند؛ لن به جای این بیت آورده است:

پس پشت ایشان ز رومی هزار زره دار و مردانه کارزار

۳- ل^۲ ق^۲ ل^۲ (نیز ل^۲): وز ۴- ل^۲ ق^۲ ل^۲ (نیز ل^۲، و): مصری و؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، لن، آ، ب) ۵- س، ل^۲ س^۲ (نیز لی): گزینان؛ لن بیت های ۵۳۸-۵۳۹ را ندارد ۶- ق: زان ۷- ل: طلسم ساختن رومیان به رزم فور هندی؛ س (کمی پایین تر): رزم اسکندر با فور هند و هزیمت شدن لشکر هند؛ ک (کمی پایین تر): طلسم کردن اسکندر از بهر جنگ؛ ل^۲: جنگ کردن اسکندر با فور هند؛ س^۲: رزم اسکندر با فور و کشتن فور؛ ق (کمی بالاتر): سخن گفتن اسکندر با فور و محاربت ایشان با یکدیگر و کشتن سکندر فور هندی را ۸- ل^۲ ق^۲ ل^۲ س^۲ (نیز ل^۲): وز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- ل: جا؛ متن = ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، آ، پ، و، لن، آ) ۱۰- (ل^۲: جای) < (وزن ندارد)؛ لی، آ: لشکر در آن؛ س، ل^۲ ب این بیت را ندارند ۱۱- (ل^۲: کرد؛ و، لن، آ: شد) ۱۲- (ق^۲ ل^۲: پیلان) ۱۳- (ل^۲: از) ۱۴- ل^۲ س، ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، لن، آ): نیز؛ س، ق (نیز و): نر (حرف دوم بی نقطه)؛ ل^۲: نیر؛ (ل^۲: چند؛ ب: تیر)؛ متن = (لن) ۱۵- ل^۲ س، ک، س^۲ (نیز ب): چندی پس از؛ (لن، ق^۲، لن، آ: او را بسی)؛ متن = ل-ک (نیز لی، و، آ) ۱۶- س، ل^۲ س، ل^۲ س^۲ (نیز لن-ب): بشکند؛ متن = ل، ق، ک ۱۷- (لی، پ، و، آ، ب: بر)؛ ل^۲ پس از این بیت افزوده است:

برفتند جوشوران چل هزار هر آنکس که بود از در کارزار

پس پشت ایشان سواران مصر جهانگیر و خنجرگزاران مصر

۱۸- ل^۲ (نیز لی، آ): پس ۱۹- س، ل^۲ س، ل^۲ س^۲ (نیز لی، آ، ب): مر او را ز گردون؛ ک: ز گردون ورا (وزن ندارد)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق^۲، ل^۲، و، لن، آ) ۲۰- (پ: ز گردونش کیوان ورا) ۲۱- در س، لی، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ق، ل^۲ س، ک، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: و سار بنفسه خلفهم فی اثنی عشر ألفاً من أكابر ایران، وأقارب دارا الممتین الی الشجرة الکیانیة و الدوحة الخروانیة، و معه ستون نفساً من فلاسفة الروم و علمانهم المنجمین. فلما بلغ الخبر بذلک الی فور حشد و احتشد و برز فی جنوده و فیلته

یکی پیل کردند پیشش ز موم^۱
 کی آرد یکی چاره‌ی این بجای؟
 همی^۳ چاره جستند بر^۴ بیش و کم
 هر آنکس که بودند^۶ ازیشان^۷ سران^۸
 فزون بود مرد از^{۱۱} چهل^{۱۲} بار سی
 سوارش^{۱۵} از^{۱۶} آهن، ز^{۱۷} آهنش زین
 سوار و تن باره بفروختند^{۲۰}
 درونش پر از نطف کرده^{۲۲} سیاه
 خردمند را سودمند آمدش
 از^{۲۴} آهن بکردند اسپ^{۲۵} و سوار
 که دیده‌ست شاهی از^{۲۸} آهن^{۲۹} سپاه^{۳۰}
 و زو چاره‌گر گشت^{۳۲} پرداخته
 که جز با سواران جنگی نماند^{۳۳}

۵۵۰ بفرمود تا فیلسوفان روم
 چنین گفت^۲ کاکنون به پاکیزه‌رای
 نشستند دانش‌پژوهان بهم
 یکی انجمن کرد از^۵ آهنگران
 ز رومی و از^۹ مصری و^{۱۰} پارسی
 ۵۵۵ یکی^{۱۳} بارگی^{۱۴} ساختند آهنین
 به میخ و به مس^{۱۸} درزها دوختند^{۱۹}
 به گردون همی‌راندند پیش شاه^{۲۱}
 سکندر بدید آن، پسند آمدش
 بفرمود تا زان^{۲۳} فزون از هزار
 ۵۶۰ از آن^{۲۶} ابرش و خنگ و بور^{۲۷} و سیاه
 سر ماه را کار شد^{۳۱} ساخته
 از آهن سپاهی به گردون براند

بدید آن سپه این سپه را^{۳۵} ز دور،

چُن اسکندر آمد بنزدیک فور

۱-ن.س.لی.آبیت‌های ۵۵۰ و ۵۵۱ پس و پیش شده‌اند: ق این بیت را ندارد ۲-ل.آ: است ۳-ل.س.آ (نیز پ): یکی؛ (ن: همه): متن =
 یرده دستنویس دیگر ۴-س.ک.ل.آ (نیز ل.ن.لی.آ): از؛ متن = ل.ق.س.آ (نیز ق.آ.ل.آ.ن.آ.ب) ۵-ل.ق (نیز ل.لی.آ): ز؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۶-ل.ن.آ (او بود) ۷-ق (نیز لی): زیشان ۸-ل: استاد بود اندر آن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹-ل.ق (نیز ق.آ.
 ل.آ: ز ۱۰-ق: و مصری وز؛ ک.س.آ (نیز ل.ن.لی.پ.ب): و مصری و از؛ متن = ل.س.آ ۱۱-ل.ن.آ: مردان) ۱۲-ل.آ: بود از چارصد
 ۱۳-ل.پ.و: بسی) ۱۴-ل.س.آ.س.آ (نیز لی.آ.ب): باره بی؛ متن = ل.ق.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.ن.آ) ۱۵-س (نیز ل.ن.لی.ل.آ.ن.آ.آ): سواری؛ ک.
 ل.س.آ (نیز ق.آ.و): سواران؛ متن = ل.ق (نیز پ) ۱۶-ل.س.ق (نیز ل.ن.لی.ل.آ.ن.آ.آ): ز؛ متن = ک.ل.س.آ (نیز ق.آ.و.ب) ۱۷-ک (نیز ق.آ.
 ب: وز ۱۸-ق.ک: میخ و پیش: ل.آ: میخ مسین: (ق.آ.ل.آ: مسمارها): متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.و): دوخته: (لی:
 سوختند): متن = ل.س.ل.س.آ (نیز پ.ل.آ.آ.ب) ۲۰-س-س.آ (نیز پ.ل.ن.آ.آ.ب): افروختند؛ ک (نیز ل.ن.ق.آ.و): افروخته: ل.آ:
 فروخته): متن = ل (نیز لی <و>) ۲۱-ل: براندند بر پیش شاه: س.ک.ل.آ (نیز ل.ن.لی.ل.آ.و.ل.ن.آ.آ): راند پیش سپاه: ق: براندند نزدیک؛
 متن = س.آ (نیز ق.آ.پ.ب) ۲۲-ل.ن.آ: بیاکنده (نقط): بنداری: فاجتمع أصحاب الرأي و تفکروا فی الاحتمال لدفع معرفة تلك الفيلة.
 فعملوا صوراً من الحديد مجوّفة علی أشكال الخیل، و علیها رکابها بصفقتها و کیفیتها لکنی يحشوها نطفاً و يطرحوا فیها النار عند
 نملافة. حتی اذا صدمتها الفيلة احترقت خراطیمها و ولت ۲۳-ل.ن.آ: از آن تا) ۲۴-ل.ن.آ: ز؛ متن = ق.ک (نیز ق.آ.پ.و) ۲۵-ک: مرد؛
 س.ل.آ: بکردند اسپان و مرد؛ س.آ: بکردند از اسپ و مرد؛ (ل.ن.آ: بکردند از آهن هم اسپ؛ لی.آ: بکردند بر اسپ مرد؛ ب: بکردند از
 سپ و ز مرد): متن = ل.ق (نیز ق.آ.ل.آ.پ.و) ۲۶-ل.س.آ (نیز ل.ن.ق.آ.لی.ل.ن.آ.آ.ب): از؛ متن = ل.س (نیز ل.آ.پ.و) ۲۷-ل.آ (نیز ق.آ.ب):
 زور و خنگ: ق: از ابرش ز خنگ و ز ۲۸-ل.ن.آ.ل.ن.آ: ز؛ متن = س.ق.ل.س.آ (نیز ل.ن) ۲۹-ق: چنین با؛ س (نیز لی.آ): از آهن که
 دیده‌ست هرگز ۳۰-ب: که دیده سپاهی ز آهن کلاه؛ ک این بیت را ندارد ۳۱-ک: بدکار را ۳۲-س (نیز ل.ن.ق.آ.و): وز آن کار گشتند؛
 متن = ق-س.آ (نیز لی.ل.پ.ل.آ.آ.ب): ل این بیت را ندارد ۳۳-پ این بیت را ندارد؛ بنداری: فارتضى الاسکندر ذلك و استحسن ما
 عملوا. فأمر من كان معه من صناع مصر و الروم و غیرهم فعملوا صوراً كثيرة علی ذلك المنوال و حشوها بالنطف، و اجتروها الی
 لمعترك. و لما كان یوم القتال صف منها الاسکندر صفوفاً مرصوفاً ۳۴-ل.ل.آ (نیز ل.ن.ب): چو؛ متن = س.آ ۳۵-س (نیز ل.ن.لی.آ):
 یز سپه (ل: سپه) آن سپه را: ل.آ: سپه؛ س.آ (نیز پ.ب): سوار و سپه را؛ متن = ل.ق.ک (نیز ق.آ.ل.آ.و.ل.ن.آ)

برفتند گردانِ پرخاشجوی^۱
 همه لشکر فور^۳ سر بر زدند
 نجیبید^۵ از آن کاهنین بُد سپاه
 برفتند با لشکر از جای تیز
 به زخم آوریدند پیلان به کوش^۸
 بماندند از آن^{۱۰} پیل بانان شگفت
 همان^{۱۱} زنده پیلان گردن فراز
 همی تاخت برسانِ بادِ دمان
 سپه را نماند آن زمان جای جنگ
 فرود آمد اندر میان دو کوه^{۱۲}
 همی داشت لشکر ز دشمن نگاه

جهان شد بسان بلور سپید،
 دم نای سرغین^{۱۷} و رویه خم^{۱۸}

خروش آمد و گردِ رزم از دو روی
 ۵۶۵ به اسپ و به^۲ نطف آتش اندرز دند
 از آتش برافروخت نطف سیاه
 چو پیلان ندیدند^۶ ازیشان^۷ گریز
 ز لشکر برآمد سراسر خروش
 چو خرطوم هاشان بر آتش^۹ گرفت
 ۵۷۰ همه لشکر هند گشتند باز
 سکندر پس لشکر بدگمان
 چنین تا هوا نیلگون شد به رنگ
 جهانجوی با رومیان هم گروه
 طلایه فرستاد هر سو به راه

۵۷۵ چو پیدا شد آن شوشه^{۱۳} تاج^{۱۴} شید
 برآمد خروشیدن^{۱۵} گاودم^{۱۶}

۱-ق پس از این بیت افزوده است:

برفتند گردان لشکر ز جای

برآمد خروشیدن کره نای

و پس از این بیت افزوده است:

پر از پیل بد سر به سر رزمگاه
 چو آن دید اسکندر کینه جوی
 کر آهن سواران بیردند پیش

به پیلان بیاراست هندی سپاه
 به روی سپاه اندر آورد روی
 بفرمود با نامداران خویش

۲-ق: به اسپان و ۳- (ب: روم) ۴- (ق: بر سر): ل، س (نیز لی، ل، و، لن، آ): بر هم؛ ق، ک: لشکرش را به هم بر؛ (آ: فور و لشکر بهم بر؛
 پ: هندیان دست بر سر)؛ متن = ل، س، آ (نیز لن)؛ بنداری: فأقبل فور فی جموعه و فیوله، و شیاطین رجاله و خیوله. فأمر الاسکندر
 بالقاء النار فی أجواف الصور فاضطرت ۵-ل، س (بحیید) (حرف های یکم، دوم و سوم بی نقطه)؛ ک (نیز لن، لی): بحیید (حرف های
 یکم و دوم بی نقطه)؛ (ل، آ، و: بحیید)؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۶-ل، س، ل، آ، س (نیز لی، ل، آ، آ): بدیدند؛ ک (نیز لن):
 بدیدند (حرف های یکم و سوم بی نقطه)؛ متن = ق (نیز ق، آ، پ، و) ۷-ل (نیز لن، ق، آ، پ، و): ز آتش: (لن، آ: گرفتند پیلان از آتش)؛ متن =
 س-س، آ (نیز لی، ل، آ، ب) ۸-س-س، آ (نیز لن-و، آ، ب): به جوش؛ ل: و کوش؛ متن = (لن، آ) ۹-س: به آتش؛ ک، ل، آ (نیز لی، و): به آهن؛
 (ل، آ، ب: بر آهن)؛ متن = ل، ق، س، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ)؛ بنداری: فلما وجدت مس النار ۱۰-ل، ق: زان؛ (ل، آ: با پیلانان)؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر: بنداری: فتقدمت الفيلة فأشرعت خرطومها نحوها لتختطفها. فلما وجدت مس النار نکصت علی أعقابها، و قلبت
 ظهر المعجن علی أصحابها، و أنحت علیهم بخراطیمها و أنيابها ۱۱-ک (نیز ق، آ): همه؛ و پس از این بیت افزوده است:

زمین شد به کردار دریای قار

بکشتند از آن هندوان بی شمار

به گردون برآمد سر رومیان

همه دشت سر بود و پای و میان

۱۲-ل، س: گروه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری: فانهزموا و ركب الاسکندر بأصحابه أکافهم، و أتبعهم الی أن غربت الشمس فنزل بین
 الجبلین ۱۳-س، ق، س، آ (نیز لی، آ، ب): شفته؛ ل، آ: سفته؛ (ق: آ: سوسه؛ ل، آ: از شوشه؛ لن، آ: از آسمان)؛ متن = ل (نیز لن، پ، و) ۱۴-ک: از کوه
 تابنده ۱۵-ل: خروش از بر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-ل، آ، س، آ (نیز پ، ب): کره نای؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-س، ک (نیز
 لی، ل، آ، آ): رویین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-ک: سرغینه خم؛ ل، آ، س، آ (نیز پ، ب): و هندی درای؛ متن = ده دستنویس دیگر: بنداری: و بت
 الطلائع و أمر بحفظ الطرق. و لما تنصب حاجب الشمس و تشععت أنوارها ارتجت الأرض بأصوات البوقات و نفخات القرون و النایات

سپه با سپه جنگ بر ساختند
 سکندر بیامد میان دو صف
 سواری فرستاد نزدیک فور
 ۵۸۰ که آمد سکندر به پیش^۲ سپاه
 سخن گوید و گفت تو بشنود
 چو بشنید ازو^۴ فور هندی، برفت
 سکندر بدو گفت کای نامدار
 همی^۶ دام و دد مغز مردم خورد
 ۵۸۵ دو مردیم^۹، هر دو دلیر و جوان
 [دلیران لشکر همه کشته‌اند^{۱۱}
 چرا بهر لشکر همه کشتن است؟
 میانها^{۱۳} بیندیم و جنگ آوریم
 ز ما چون یکی^{۱۵} گشت پیروزیخت
 ۵۹۰ ز رومی سخن‌ها چو بشنید فور
 [تن خویش را دید با زور شیر
 [سکندر سواری بان قلم
 بدو گفت کاینست^{۲۱} آیین و راه
 دو^{۲۴} خنجر گرفتند هر دو به کف

سان‌ها به ابراندر افراختند
 یکی تیغ هندی^۱ گرفته به کف
 که او را بخواند، بگوید ز دور
 به دیدار جویده‌می با تو راه
 اگر داد گویی^۳ بدان بگرود
 به پیش سپاه آمد از قلب،^۵ تفت
 دو لشکر شکسته شد از کارزار
 همان^۷ نعل اسب استخوان بسپرد^۸
 سخنگوی با مغز^{۱۰}، دو پهلوان
 وگر زنده، از رزم برگشته‌اند^{۱۱}
 وگر زنده،^{۱۲} از رزم برگشتن است؟
 چو باید که کشور به جنگ^{۱۴} آوریم
 بدو مانند این لشکر و تاج^{۱۶} و تخت
 خریدار شد رزم^{۱۷} او را به سور
 یکی باره چون ازدهایی به زیر^{۱۸}
 سلیحی^{۱۹} سبک، بادپایی دژم^{۲۰}
 بگردیم یک با دگر^{۲۲} بی‌سپاه^{۲۳}
 بگشتند چندان^{۲۵} میان دو صف

۱-ل،ک (نیز،لن،ق،پ،و): رومی؛ ق: مصری؛ متن = س،ل،آ،س^۲ (نیز،لی،ل،آ،ل،آ،ب) ۲-ل (آ،ب): بنداری؛ واصطفت عساكر الهند كظلمات بعضها فوق بعض. فتلقاهم الاسكندر بصفوفه و جنوده. فلما تقابل الفريقان و توازي الجمعان خرج الاسكندر من الصف و بيده سيف مهند فنفذ فارساً الى فور ۳-ل،ک،ل^۲ (نیز،لن،ق،آ،و): گوید؛ (ب: جویی)؛ متن = ل،س،ق،س^۲ (نیز،لی،ل،آ،پ،لن،آ،آ)؛ س در پنج سرنویس دارد: کشته شدن فور هندی بر دست اسکندر ۴-ل: زو؛ ق: آن؛ ک: از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-لن،ق،آ: آن وقت؛ ل: اندر آمد به ۶-ک: همه ۷-ل،ق،ک (نیز،لن،ق،آ،و،لن،آ): همی؛ متن = س،ل،آ،س^۲ (نیز،لی،ل،آ،پ،آ،ب) ۸-س^۲ (نیز،ب): بسپرد؛ (لن: بشکرد؛ ل: آ: اشمرد) ۹-ل: مردیم و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۰-ل،س،ق (نیز،لن،ق،آ،ب): مغز و؛ ک: و هم؛ متن = ل،آ،س^۲ (نیز،لی،آ) ۱۱-لن،آ: شد؛ متن = ل،س،ل،آ،لن،و،آ،ب این بیت را ندارند ۱۲-ق: خسته؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل،آ،پ،لن،آ،ب این بیت را ندارند؛ یسأله أن يبرز اليه من الصف و يسمع كلامه شفاهاً. فخرج اليه فقال الاسكندر: إنني وإياك ملكان متازعان، وكل واحد مآيمت بشجاعته، ويدل بقوته فلا ينبغي أن يكون القتل و القتال نصيب عساكرنا ۱۳-ل: میان را؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۴-ق: که سور جنگ) ۱۵-ل: هر ک او؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-ق: فر؛ پ: پیل؛ بنداری؛ و الرأي أن نبارز، وكل من غلب منا يكون له الأمر على عساكر صاحبه. ليتريح هذا العدد الكبير و الجسم الغفير من القتل و الفتك ۱۷-ق: جنگ ۱۸-ل،ک: ازدهای دلیر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ س،س،ل،لی پس از این بیت افزوده‌اند:

سکندر سواری بدانش (س: بدیدش) جوان به دست من اندر ندارد توان

۱۹-س،ک،س^۲ (نیز،لی،و): سلاحي؛ (ق: آ،ب: سلیح)؛ متن = ل،ق (نیز،لن،ل،آ،پ،لن،آ) ۲۰-س،س،س^۲ (نیز،ق،آ،لی،آ،ب): بدم؛ متن = ل،ق،ک (نیز،لن،ل،آ،لن،آ)؛ ل این بیت را ندارد ۲۱-ق،ک،س^۲ (نیز،لن،ل،آ،پ،ب): اینست؛ متن = ل،س (نیز،ق،آ،لی) ۲۲-س،س،س^۲ (نیز،لی،آ،ب): بگشتند با یکدگر؛ متن = ل،ق،ک (نیز،لن،ق،آ،ل،آ،پ،لن،آ) ۲۳-ل (و: با یکدگر کینه‌خواه)؛ ل این بیت را ندارد ۲۴-س: آ: چو ۲۵-س،ل،آ،س^۲ (نیز،لن،لی،پ،آ،ب): هر دو؛ (و،لن،آ: چندی)؛ متن = ل،ق،ک (نیز،ق،آ،ل،آ)

۵۹۵ سکندر چو دید آن تن پیلِ مست
به آورد ازو ماند اندر شگفت
همی گشت با او به آوردگاه
دل فور پردرد شد زان خروش
سکندر چو باد اندرآمد ز گرد
۶۰۰ بیزید پی بر^۸ بر و^۹ گردنش
سر لشکر روم شد باسما^{۱۰}
یکی کوس بودش ز چرم هزبر
برآمد دم بوق و آوای کوس
بر آن هم نشان هندوان^{۱۴} رزمجوی^{۱۵}
۶۰۵ خروش آمد از دشت^{۱۶} کای دوستان^{۱۷}
سر فورِ هندی به خاک^{۱۹} اندرست
شما را کنون از پی کیست^{۲۱} جنگ؟
سکندر شما را چنان شد^{۲۲} که فور

یکی کوه زیر، ازدهایی به دست^۱
غمی شد، دل از جان خود^۲ برگرفت
خروشی برآمد ز پشت سپاه
بدان^۳ سو^۴ کشیدش دل و چشم و گوش^۵
بزد تیز، تیغی^۶ بر آن زادمرد^۷
ز بالا به خاک اندرآمد تنش
برفتند گردان ایران^{۱۱} دمان^{۱۲}
که آواز او برگذشتی از ابر
زمین آهنین شد هوا^{۱۳} آبنوس
به تنگی به روی اندرآورده روی
سر مایه‌ی مرز هندوستان^{۱۸}،
تن پیلوارش به چاک^{۲۰} اندرست،
چنین زخم شمشیر و چندین درنگ
ازو جُست بایدهمی^{۲۳} رزم^{۲۴} و سور

احل^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فافکر فور فرای نفسه فی قوته کرکن من علم، و رأی الاسکندر فی نحافته کشفه قلم. و رأی تحته فرسأ کعبان، و رأی تحت الاسکندر فرسأ کفضیب بان. فاغتنم إجابته الی المبارزة، و وثق من نفسه ۲-س.س. ۲ (نیز لن-ب، لن. ۲، آ.ب):
و تن: متن = ل، ق، ک (نیز و)؛ ل بیت‌های ۵۹۸، ۵۹۶ را ندارد؛ بنداری: فتقدم الاسکندر، و کأته خاطبه بما عبر عنه الشاعر حیث یقول:

هلم الی نحیف الجسم منی
لم تر أن طائشة لظاها
ولی جد کواحدة المثنی
لتنظر کیف آثار النحاف
نتیجة هذه القُصْب العجاف
له کبد کثالفة الأثافی

قال: فتنارزاو تصالوا ساعة فأوجس الاسکندر خيفة فی نفسه وندم علی مبارزته إياه ۳-ل.ک (نیز لن، ق. ۲، لن. ۲): بر آن: متن = س.ق. س^۲ (نیز لی-و، آ.ب) ۴-ک (نیز ق. ۲): بر ۵- (و: هوش) ۶-ل (نیز لن، ل. ۲): تیغ تیزی؛ ک: تیغ هندی؛ (لی: تیغ بران): متن = س.ق. س^۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۷-ل، ق، ک (نیز ق. ۲، ل. ۲، ب): شیرمرد؛ (و: سرش را به تیغی ز تن دور کرد)؛ متن = س.ل. ۲، س^۲ (نیز لن، لی، لن. ۲، آ.ب) ۸-س: ناگه؛ ل. ۲ (نیز لی، ل. ۲، ب، آ.ب): تا بر؛ متن = ل، ق، ک (نیز ق. ۲، و) ۹-ل. ۲، س^۲ (نیز ق. ۲، ب): سرو؛ (لن، لن. ۲: پی را ابر)؛ متن = ل. ک (نیز و)؛ بنداری: فاتفق أن سمع الفور جلباً و شغباً من خلفه فالتفت فضربه الاسکندر بیفه ضربة نزلت من عاتقه الی صدره، فخرق قتیلاً ۱۰-س.ل. ۲، س^۲ (نیز لی، پ، آ.ب): شد از لشکرش بانگ تا آسمان؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، ق. ۲، و، لن. ۲) ۱۱-ل: لشکر ۱۲-ق، ک < و > (نیز ق. ۲ < و >)؛ و ایرانیان؛ (لن، لن. ۲: خروشنده گردان ایرانیان)؛ متن = س.ل. ۲، س^۲ (نیز لی-و، آ.ب) ۱۳-س-س^۲ (نیز ق. ۲، لی، ب، و، آ.ب): سپهر؛ متن = ل، ک (نیز لن، ل. ۲، لن. ۲) ۱۴-ل. ۲: هندوان هم نشان ۱۵-ق (نیز و): جنگجوی ۱۶-ل، ق: روم؛ متن = س.ک، ل. ۲، س^۲ (نیز لی، ل. ۲، ب، آ.ب) ۱۷-ق-س^۲ (نیز ل. ۲، ب، آ.ب): راستان؛ (لن، لن. ۲: رسته پاسبان؛ ق. ۲: مرز جادوستان؛ و: دشت آوردگاه) ۱۸- (و: که شد نامور فور هندی پناه) ۱۹-س: بنای؛ س^۲ (نیز ب): ساک (نقطه ندارد)؛ (و: تن پیلوارش به خاک) ۲۰- (لن. ۲: مغاک؛ ق. ۲: پهلوی در مغاک)؛ و: ز گیتی به دام هلاک)؛ لی بیت‌های ۶۰۶، ۶۰۹، ۶۰۹ را ندارد ۲۱- (لن، ق. ۲، ب، لن. ۲: چیست)؛ بنداری: و ماج الهندود بعضهم فی بعض فعزموا علی الثبات للحرب. فنادی منادی الاسکندر: یا اکابر الهند! ما بالکم تقدمون علی إراقة الدماء و تخوضون غمرة الهیجاء؟ ۲۲-ق (نیز ل. ۲): چنان شد شمارا ۲۳-ق (نیز لن، ق. ۲، ب، و، لن. ۲): کنون ۲۴-س^۲ (نیز ق. ۲، ب، آ.ب): بزم؛ بنداری: إعلموا أن الاسکندر قد صار فوراً، فلا تشعروا منه حذراً و لا نفوراً. و استأمنوا الیه، و عولوا فی حفظ نفوسکم علیه

برفتند گردان هندوستان
 ۶۱۰ سر^۲ فور دیدند بر خون و خاک^۳
 خروشی برآمد ز لشکر بزار
 بدان^۶ درد نزدیک قیصر شدند
 سکندر سلیح^۹ گوان باز داد
 چنین گفت کز هند مردی^{۱۱} بمرد
 ۶۱۵ نوازش کنون من^{۱۲} به افزون کنم^{۱۳}
 سراسر ببخشم^{۱۷} همه گنج اوی^{۱۸}
 همه هندوان را توانگر کنم^{۱۹}
 و زان جایگه شد^{۲۱} بر تخت فور
 -چنین ست رسم سرای سپنج^{۲۶}
 ۶۲۰ بخور هر چه داری^{۲۸}، ممان^{۲۹} باز پس

بدآواز^۱ گشتند همداستان
 بر و تنش کرده^۴ به شمشیر چاک^۵
 فروریختند آلت کارزار
 پر از ناله^۷ و خاک بر سر شدند^۸
 به خوبی ز^{۱۰} هرگونه آواز داد
 شما را به غم دل نباید سپرد
 ز دلنات^{۱۴} غم و ترس^{۱۵} بیرون کنم^{۱۶}
 حرامست بر لشکرم رنج اوی^{۱۸}
 بکوشم که با تخت و افسر کنم^{۲۰}
 بر آن جشن^{۲۲} ماتم برین^{۲۴} جشن^{۲۵} سور
 نماند که مانی بدو در، مرنج^{۲۷}!
 تو رنجی، چرا ماند باید به کس؟-

۱-ل-س^۲ (نیز ق^۲ ل^۲ پ^۲، و، آ، ب): به آواز؛ (لن، لن: برین بر): متن تصحیح قیاسی است ۲-ل، ق، ک (نیز لن، ق^۲ ل^۲، و، لن: ۲): تن: ل: ۲:
 -: متن = س، س^۲ (نیز لی، پ، آ، ب) ۳- (ق^۲ ل^۲ آ: خاک و خون (پساوند ندارد)) ۴-س (نیز لی، آ): همه تنش گشته: (لن، ل^۲، لن: آ: همه
 نش کرده) ۵- (و: به شمشیر گشته تنش چاک چاک) ۶-س-س^۲ (نیز لن-ب): پر از؛ متن = ل ۷- (و: شکسته دل) ۸- (آ: زدند)
 ۹-س، ک (نیز لی): سلاح ۱۰-س، ق: به: بنداری: فلما علموا بقتل ملکهم طرحوا الأسلحة فبادروا الی خدمة الاسکندر حاسرین، و
 نمکوا بعصم الأمان مستجیرین. فرد الاسکندر علیهم أسلحتهم ۱۱-س (نیز لی، و، آ): اگر فور هندی: ک: کان مرد هندی: متن = ده
 دستویس دیگر ۱۲-س، ل^۲ (نیز لی، ل^۲، پ، آ، ب): ما؛ س: آ: نوازش گری ما: ک: نوازش شما (وزن ندارد): متن = ل، ق (نیز لن، ق^۲ ل^۲)
 ۱۳-س، ل^۲، س^۲ (نیز لی، ل^۲، پ، آ، ب): کنیم: (و: ز دلها همه ترس بیرون کنید): متن = ل، ق، ک (نیز لن، ق^۲ ل^۲) ۱۴-ل: دامان ۱۵-س، ک،
 - (نیز ق^۲ ل^۲، لی، آ، ب): درد: ل: بکوشم که غم نیز؛ متن = ق، ل^۲ (نیز لن، ل^۲، پ، لن: ۲) ۱۶-س، س^۲ (نیز لی، ل^۲، پ، آ، ب): کنیم: (و: امید
 بر زش بر افزون کنید): متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز لن، ق^۲ ل^۲) ۱۷-ل: ببخشم شمارا؛ متن = س-س^۲ (نیز لن، ق^۲ ل^۲، لی، پ-ب) ۱۸-ل، س، س^۲
 نیز ق^۲ ل^۲، آ، ب): او: متن = ق، ک، ل^۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن: ۲): ل^۲ این بیت را ندارد ۱۹-س (نیز لی): کنیم: س: پساوند ندارد ۲۰-لی: بکوشیم
 - بخت افسر کنیم): متن = دوازده دستویس دیگر: ق^۲ ل^۲ این بیت را ندارند: س: پساوند ندارد: بنداری: و وعدهم و مناهم و قال: إن
 حرین صاحبکم علی حرام، و سافر قها علیکم. فلا تطرقوا الی قلوبکم حزناً، و ثقوا منی بالحسنی. فإنی سأجذب بأضباع الهنود، و
 جمعهم أصحاب الأعلام و البنود ۲۱-ق: رفت ۲۲-ک (نیز لن، ق^۲ ل^۲): پر از؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۳-س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لن،
 ق^۲ ل^۲، پ، لن: ۲، آ، ب): رنج و: ق (نیز ل^۲، و): درد و: متن = ل ۲۴-ل (نیز لی): بدین؛ س: بر آن: (لن، لن: ۲، پ، راز): متن = ده دستویس
 دیگر ۲۵-س-س^۲ (نیز ق^۲ ل^۲، ل^۲، پ، آ، ب): جشن و: (و: بزم و): متن = ل (نیز لن، لی، لن: ۲) ۲۶-ل: نوای: ک (نیز لن، ق^۲ ل^۲):
 سنجی سرای؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۷-ل: نخواهد که مانی بدو در به رنج: ق: نیایی از و هیچ جز درد و رنج: ک (نیز ق^۲): نخواهد
 که ماند بدو در به جای: ل^۲، س^۲ (نیز لی، آ، ب): گهی شاد باشی گهی زو به رنج: (لن، و، ل^۲): نخواهد که مانی بدو در به جای (ل^۲: پای): پ:
 گهی شاد باشی از و گه به رنج: لن: نمانی بدو در که ماند به رنج): متن = س، س، لی، آپس از این بیت افزوده اند:

برین است رسم سپنجی سرای گهی غم بود گاه شادی فرزای

(لی، آ: نماند که مانی بدو در بجای)

۲۸-س: باشد ۲۹-ل، ق، ک (نیز لن، ق^۲ ل^۲، لن: ۲): منه: متن = س، ل^۲، س^۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب): ک پس از این بیت افزوده است:

ترا داد و فرزند را هم دهد درختی که از بیخ تو برجهد

نیینی که گنجش پر از خواسته ست بداد و دهش گیتی آراسته ست

همی بود بر تخت قیصر^۱ دو ماه
یکی باگهر بود، نامش سُوزگ^۲
سرِ تخت شاهی بدو داد و گفت
ببخش و بخور هر چه^۴ آید فراز
۶۲۵ که گاهی سکندر بود، گاه فور
درم داد و دینار لشکرش را
ببخشید گنجش همه بر سپاه
ز هندوستان پهلوانی سُترگ^۳
که دینار هرگز مکن در نهفت!
بدین تاج و تخت^۵ سپنجی^۶ مناز!
گهی درد و خشمست و^۷ گه کام^۸ و سور
بیاراست گردان کشورش را

گفتار اندر رفتن اسکندر به خانه‌ی کعبه^۹

چو لشکر شد از خواسته بی‌نیاز
به شبگیر برخاست آوای^{۱۰} کوس
ز بس نیزه و پرنیانی‌درفش
۶۳۰ سکندر بیامد به سوی^{۱۱} حرم
[ابا ناله‌ی بوق و با کوس^{۱۵} تفت^{۱۶}
که خان حرم را^{۱۹} برآورده بود
بر او ناگذشته زمانی دراز،
هوا شد بکردار چشم خروس
ستاره شده سرخ و زرد و بنفش
گروهی بدو^{۱۲} شاد و بهری^{۱۳} دزم^{۱۴}
به دیدارِ خانِ براهیم^{۱۷} رفت^{۱۸}]
بدوی^{۲۰} اندرون رنج‌ها برده بود^{۲۱}]

۱-س (نیز لی، آ): فور او؛ (و: نشست از بر تخت او بر)؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: ثمّ إنه دخل الی دار ملک فور و جلس علی تخته و
أقام بها شهرین. و فرّق جمیع ذخائره و دفانته علی العسکرین ۲-ل: طورگ؛ (و، آ: تورک)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری:
شورک ۳-س، ک (نیز لن، ق، ل، ن، آ): بزرگ؛ متن = ل، ق، ل، آ، س، ل (نیز لی، و، آ، ب) ۴- (و: هرچت) ۵-ل، آ، س، ل (نیز لن، لی، ل، آ، ب):
گنج؛ (پ: تاج و گاه؛ لن: آ: گاه و تخت) ۶- (پ: سپهری) ۷-س: رنج است ۸-س، ل، آ، س، ل (نیز آ، ب): بزم؛ (لن، لن: آ: جشن؛ لی: گنج؛ پ:
گهت درد و خشم و گهت بزم؛ و: گهی درد و رنج است و گه بزم)؛ متن = ل، ق، و، ک (نیز ق، آ)؛ بنداری: و کان فیهم پهلوان کبیر یسمی
شورک فولاه ممالک الهند، و أقامه فیها مقام نفسه، و أوصاه و قال: إیاک و اکتناز الذهب فإنه للذهاب، و لاتعمر خزائنک فان مصیرها
الی الخراب ۹-ل: رفتن سکندر به خانه کعبه؛ س: رفتن اسکندر به زیارت کعبه معظمه؛ ق: رفتن سکندر به بیت الحرام و بزرگ
گردانیدن نژاد ابراهیم علیه السلام؛ ک: رفتن اسکندر به خانه ابراهیم علیه السلام؛ ل^۲: رفتن اسکندر به جایگاه اسماعیل علیه السلام؛
س^۲: رفتن سکندر به حرم گاه اسماعیل؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: ذکر وصول الاسکندر الی بیت الله الحرام ۱۰-س، ق (نیز
لن، ق، آ): آواز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- (ل: آ: خان) ۱۲-ل، ک: ازو ۱۳-ق: چندی؛ (و: دیگر) ۱۴-ک: به غم؛ بنداری: ثمّ ارتحل
منها موصول الحاجة بالنجاح و سار قاصداً قصد الحجاز ۱۵-س، ک، س، ل (نیز لن، ق، ل، آ، ب): پیل؛ متن = ل، ق، ل، آ، ک (نیز لن):
رفت ۱۷-س، ل، آ، س، ل (نیز لن، ق، ل، آ، ب): پ، و، آ، ب): جای اسماعیل؛ ق: جای براهیم؛ ک (نیز ل): خان سماعیل؛ ل (نیز لن): خان براهیم
آذر؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸-ل (نیز لن): برفت؛ ق: تفت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- (و: او)؛ س: آن خان خرم
۲۰-ل، ق، س، ل (نیز لن، ق، ل، آ، ب): بدو؛ متن = ک ۲۱-س (نیز لی، آ): به امر خدای و به تسلیم بود؛ ل: به امر خدای و تسلیم بود (وزن
ندارد)؛ س، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

که فرزند شهره براهیم بود به امر خدای و به تسلیم بود

[خداوند خواندش^۱ بیت الحرام
 از پاکی ورا خانهی خویش خواند
 ۶۳۵ [خدای جهان را نباشد^۷ نیاز
 پرستشگهی بود تا بود جای
 بدو شد همه راه^۲ یزدان تمام]
 به جایش^۳ مدان^۴ کو^۵ ترا پیش خواند!^۶
 به جای^۸ خور و کام و آرام و ناز]
 بدواندرون یادکرد خدای

پس آمد سکندر سوی قادیسی
 چُن^{۱۱} آگاهی آمد به نصر قتیب^{۱۲}
 پذیره شدش با نبرده سران
 ۶۴۰ سواری بیامد هم اندر زمان
 که این نامداری که آمد ز^{۱۷} راه
 نبیره سماعیل نیک اخترست^{۱۸}
 چو پیش آمدش نصر^{۲۰}، بنواختش
 بدو شاد شد نصر و گوهر بگفت
 ۶۴۵ سکندر چنین داد پاسخ^{۲۲} بدوی
 بدین^{۲۴} دوده اکنون کدامست مه

جهانگیر تا جهرم^۹ پارسی^{۱۰}
 کزو بود مر مکه را فر^{۱۳} و زیب،
 دلاورسواران^{۱۴} نیزه وران
 ز مکه به نزد^{۱۵} سکندر^{۱۶} دمان،
 نجویدهمی تاج و گنج و سپاه
 که پور براهیم پیغمبرست^{۱۹}
 یکی مایه ورجایگه^{۲۱} ساختش
 همه رازها برگشاد از نهفت
 که ای پاک دل مهتر راستگوی^{۲۳}،
 جز از تو، پسندیده و روزبه؟

۱-ک: خواندست؛ (لن: آ: خواندیش؛ ق: آ: که خواند خداوند) ۲-ق: ترا دین؛ ک، ل، س، آ: (نیز لن، ق: ل، آ، پ، و، ب): ترا راه؛ (لن: آ: همی
 ر: آ: متن = ل، س، لی، آ: این بیت را ندارند؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

که فرزند شهره براهیم بود بدو اندرون رنجها برده بود

بناری: قال: فسار الاسكندر مولياً وجهه شطر المسجد الحرام لزيارة بنیة اسماعیل علیه السلام التي أضافها الله المنزه عن المكان الی
 عنه ودعا بیته الحرام ۳-ل، س: نیایش؛ ک، ل، س، آ: (نیز ق: آ، پ، آ، ب): نمایش؛ ق: نیازت؛ متن = (و) ۴-ل، س: (نیز آ): بر آن؛ ق: بدار؛
 ز: س، آ: (نیز پ): بدان؛ (ق: ل، آ: ترا؛ لی: بر از؛ ب: بدو)؛ متن = (و) ۵-س، ق: س، آ: (نیز ق: ل، آ، ب): چون؛ (پ: تا): ک: بدانج؛ متن = ل
 نیز و، آ، ب) ۶-لن، لن: آ: نمایش مرآن را بدانیش خواند؛ لی: بر از خون ورا خواند (وزن ندارد) ۷-لن: نیاید) ۸-ل، س، ق:
 حی: (ق: آ: به خواب و)؛ متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری (۶۳۴-۶۳۶): وإتّمانبه الی نفسه لیعرف الناس طهره، و لکی یولوا
 وجوههم شطره. و یأتوه من کلّ فج عمیق، و یشالوا علیه من کل مرمی سحیق. و لم یزل منذ کان موطناً للطاعات و مهبطاً للخیرات
 ۹-ل: عهرم؛ (لن: کهرم؛ لی: آ: جهره؛ ل: آ: و با خنجر) ۱۰-ل: (و با نامور یارسی)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۱-ل، ل: (نیز لن، لی: ب): چو؛
 متن = س، آ: ق: این بیت را ندارد ۱۲-ق: شعیب؛ ل: آ: قدیب ۱۳-ق: فخر؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: نصر بن قتیب ۱۴-ل، س، ل، س، آ:
 یز پ، لن: آ: سواران و؛ متن = ل، ق، ک: (نیز شش دستنویس دیگر)؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: و لما وصل الاسکندر الی القادسیة بلغ
 حبر الی نصر بن قتیب، و کان ممّن یتزین به الحرم، فرکب فی جماعة من فرسان العرب، و أقبل الی الاسکندر ۱۵-لن، لن: آ: به سوی)
 ۱۶-س: بنزد سکندر ز مکه ۱۷-ک: به؛ ق: این را بدانید کامد به ۱۸-ق: (نیز ل: آ): پیغامبرست؛ (ق: ل، آ: پیغامبرست)؛ متن = ل، س، ک، س، آ:
 یز لی، پ، و، آ، ب) ۱۹-ق: (نیز لن، ق: ل، آ): نیک اخترست؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-لن، لن: آ: دید و) ۲۱-ل، س، آ: (نیز لن، پ،
 ن: آ: پایگه؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و لما قرب من مخیمه تقدّمه فارس و أخبره بوصول نصر، و أعلمه أنّه من أولاد
 سماعیل بن ابراهیم خلیل الرحمن. فاستقبله الاسکندر و أوسعّه تجیلاً و إعظاماً، و تفخیماً و إکراماً ۲۲-ک: چنین و چنین داد پاسخ؛
 لن، ل: آ: چنین داد پاسخ سکندر) ۲۳-ک: (نیز ل: آ): نامجوی؛ بنداری: ایها السید الصادق ۲۴-ل، س، ل، س، آ: (نیز ب): برین؛ لن: بیت های
 ۶۴۶-۶۴۷ را ندارد

خزاعه‌ست مهتر بدین جایگاه
 جهانگیر قحطان بیامد ز^۳ دشت
 به بیداد بگرفت شهر یمن
 بدین^۷ دودمان روز برگشته شد
 برو تیره شد رای چرخ بلند
 بر^۹ رنج بیداد بدرود^{۱۰} پاک^{۱۱}
 به دریای مصراندرون شست اوست
 ز یزدان یکی را^{۱۴} به دل یاد نه
 نژاد سماعیل، دل^{۱۶} پر ز خون
 ز تخم خزاعه هر آنکس که دید^{۱۷}،
 به رای و به مردان شمشیرزن^{۲۰}
 هر آنکس که او مهتری^{۲۱} را سزید
 سماعیلیان^{۲۳} زو شده شادکام
 همی ریخت دینار گنجور^{۲۵} شاه
 ببخشید دینار گنجی^{۲۶} به نصر
 به جدّه درآمد فراوان نماند^{۲۸}
 و گر خوردش از کوشش خویش بود

بدو گفت نصر^۱: ای جهانگیر^۲ شاه
 سماعیل چون زین جهان درگذشت
 ابا لشکری^۴ گشن و شمشیرزن
 بسی مردم^۵ بی‌گنه کشته^۶ شد
 نیامد جهان‌آفرین را پسند
 خزاعه بیامد چن^۸ او گشت خاک
 حرم تا یمن پاک در^{۱۲} دست اوست
 سر از راه^{۱۳} پیچیده و داد نه
 جهانی گرفته به مُشت^{۱۵} اندرون
 سکندر ز نصر این سخن‌ها شنید
 ز بیداد^{۱۸}، بستد حجاز و^{۱۹} یمن
 نژاد سماعیل را برکشید
 پیاده بیامد^{۲۲} به بیت‌الحرام
 به هر پی که برداشت قیصر ز^{۲۴} راه
 چو برگشت و آمد به درگاه قصر
 و زان جایگه شاد^{۲۷} لشکر براند
 توانگر شد آنکس که درویش بود

۱-ک: نصر گفت ۲-(پ: آن جهانگیر)؛ ل: جهان‌دار؛ (ق ۲، ل ۳: جهان‌دیده)؛ متن = س-س ۲ (نیز لی، و-ب) ۳-س، ل ۲ (نیز لن)؛ به؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: جاء قحطان من البادية ۴-ک (نیز ق ۲، لن ۲)؛ لشکر ۵-س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، پ، آ، ب)؛ زان ما؛
 متن = ل، ق، ک (نیز ق ۲، ل ۲، و، لن ۲) ۶-(لن ۲: <کشته> (وزن ندارد)) ۷-س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق ۲، پ، آ، ب)؛ بر آن؛ ق (نیز ب)؛ بسی؛ س ۲
 (نیز لی)؛ بدان؛ متن = ل (نیز ل ۲، و، لن ۲)؛ بنداری: فقال أيها الملك! إن صاحبها رجل يقال له خزاعة، وإن إسماعيل لما توفي جاء قحطان
 من البادية في عسكر كثير فاستولى على ممالك اليمن والحجاز، وانتزعها من أیدی آل إسماعيل فملاها ظلماً وجوراً، و قتل خلائق
 من أهلها صبراً ۸-ل، س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، لن ۲، آ، ب)؛ چو؛ متن = ق (نیز ق ۲، ل ۲، پ، و) ۹-(و: همه) ۱۰-ل: بزود؛ متن = س-س ۲
 (نیز ق ۲-ب) ۱۱-(لن: به رنج و به بیداد بی ترس و باک) ۱۲-ل: بر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۳-ق: رای
 ۱۴-ل ۲، س ۲: یکی را ز یزدان؛ لن، لن ۲ به جای این بیت آورده‌اند:

سر از ره پیچید و از داد روی نیارد ز نیکی به دل یاد اوی

۱۵-س: دست ۱۶-ل: ازو؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: ولما مات قحطان خلفه خزاعة فبقيت البلاد تحت ظلمه و حکمه
 فهي الآن من أقصى اليمن الى بحر مصر في يده وبأمره. و آل إسماعيل مستشكون من جوره و حيفه ۱۷-ل، س پس از این بیت افزوده‌اند:
 به تن (س: <به>) کودکان را نماندش روان نمانند زان تخمه کس در جهان

۱۸-(پ: همه کشت و) ۱۹-(و: بکشت و ز بیداد بستد) ۲۰-ق: به رای و به شمشیر بران و فن ۲۱-ق: مردمی ۲۲-ل: درآمد؛ ق (نیز ق ۲)؛
 بیامد پیاده ۲۳-ق: بر اهیمنان ۲۴-ق، ک (نیز ق ۲، لی، ل ۲، و، آ)؛ به؛ متن = ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، پ، لن ۲، ب) ۲۵-ک: گنجور دینار؛ بنداری:
 فلما سمع الاسكندر ذلك فهر خزاعة و من يتسب إليه فانتزع الملك منهم و قرره في ذرية إسماعيل. ثم قصد الكعبة المعظمة راجلاً
 و طاف بها، و أفرغ على أهل الحرم أموالاً كثيرة حتى أغناهم أجمعين ۲۶-ل، س، ل ۲ (نیز پ)؛ چندی؛ در ل این بیت دو بیتی سپس تر
 آمده است؛ متن = ک، س ۲ (نیز لن-ل ۲، و، ب) ۲۷-(لن، ل ۲، لن ۲: تیز؛ پ: شاه) ۲۸-ل ۲، س ۲ (نیز ل ۲، ب)؛ بماند؛ (لی، آ: دو هفته بماند)

ببازند^۱ کشتی و زورق بسی
ز جدّه سوی مصر بنهاد روی

سپه را بفرمود تا هر کسی
۶۶۵ جهانگیر^۲ با لشکری راهجوی

سپاهش ز راه^۴ گمانی فزون
جهانگیر پیروز با باد و دم
ابا بدره و برده^۷ و تاج و گاه
همان^۹ گفت بدخواه او باد گشت^{۱۰}
بدان^{۱۱} تا برآسود شاه و سپاه

ملک بود قیطون^۳ به مصراندرون
چو بشنید کامد ز^۵ راه حرم
پذیره شدش با^۶ فراوان سپاه
سکندر به دیدار او شاد گشت^۸
۶۷۰ به مصراندرون بود یکسال شاه

خردمند و با لشکری بی‌شمار^{۱۳}
ز^{۱۶} روز بهی^{۱۷} یافته نام و کام^{۱۸}
که مانند صورت نگارد درست
و زین مرز و از ما^{۱۹} مبر هیچ نام!
بگردار^{۲۱} تا چون براندت^{۲۲} دست
یکی صورت آر از^{۲۴} سر و پای اوی^{۲۳}
به فرمان مهتر میان را بیست
بر قیصر اسکندر ارجمند^{۲۷}
بیاورد قرطاس و ارونید^{۲۸} چین

زنی بود در^{۱۲} اندلس شهریار
جهانجوی بخشنده^{۱۴} قیدافه نام^{۱۵}
ز لشکر سواری مصور بجست
بدو گفت: سوی سکندر خرام!
۶۷۵ به ژرفی نگه کن چنان‌چون^{۲۰} که هست
ز رنگ و ز چهر و ز بالای اوی^{۲۳}
نگارنده بشنید ازو^{۲۵}، برنشست
به مصر آمد از اندلس چون نوند^{۲۶}
چه بر گاه دیدش، چه بر پشت زین

۱-ل: بازید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر: ق در اینجا سرنویس دارد: رفتن اسکندر به مصر و مطاوعت نمودن قیظون ۲-ل: (ن.
ن: جهانجوی)؛ بنداری: ثم أعطی نصراً کثراً من الذهب و ارتحل من مكة مشکور السعی موفور الأجر. قال: فجر العساكر الى جدّة، و
مر أصحابه باتخاذ السفن و الزواريق. و ركب البحر و عبر إلى ديار مصر ۳-ل: (ق: قیصر) ۴-ل: (س: سپاه و درم از) ۵-ل: (لی: آ: به)
غ: ل: ۲، س: ۲ (نیز و: ب): شدنش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷-ل: (ن: یاره: ب: پرده)؛ ک: (نیز پ): برده و بدره؛ متن = یازده
دستنویس دیگر: ک در اینجا سرنویس دارد: حدیث ملک اندلس قیدافه با سکندر ۸-س: ل: ۲: شد: ل: گشت شاد؛ متن = دوازده
دستنویس دیگر ۹-س: س: ۲ (نیز ل: ب): همه؛ متن = ل: ۱۰-س: ل: ۲: شد: ل: گشت باد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ک: ل: ۲ (نیز
ق: ۲، ب: ل: ۲): بر آن؛ متن = ده دستنویس دیگر: بنداری: فاستقبله ملکها، و کان یسمى قیطون، بالهدایا و التحف و المبارز و الخدم. فدخل
مصر و أقام بها سنة ۱۲-ق: (ق: آ: بر) ۱۳-ق: (ق: شهریار: ل: ۲، ن: آ: نامدار) ۱۴-و: (و: بیدار و) ۱۵-ل: بود؛ متن = چهارده دستنویس دیگر
۱۶-لی: و: ب: به) ۱۷-ل: (ق: شهی) ۱۸-ل: روی بهی یافته کام و سود؛ متن = چهارده دستنویس دیگر: بنداری: قال: و کان ملک الأندلس
بی مرأة کانت تسمى قیدافه، و کانت ذات شوكة عظيمة و عساكر كثيرة و ممالک فیحة ۱۹-ل: س: ۲ (نیز ل: ۲): وز ما؛ (ل: ن: مارا؛ لی:
ریه: و: باوا؛ آ: مرزها تو)؛ متن = (ق: ل: ۲، پ: ب) ۲۰-ک: ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ب): هم؛ متن = ل: س: ق: ۲۱-س: ک: ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ل: ۲، و: ب):
ه: گفتار: ق: نکودار؛ متن = ل: (نیز پ) ۲۲-س: ک: ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ب): نمایند به: ق: نمایی به؛ متن = ل: ۲۳-ل: س: ۲ (نیز ق: آ: لی: و: آ: ب):
ر: متن = ک: (نیز ل: ل: ۲، پ: ل: ۲): بنداری: و کانت قد نفذت إلى مصر مصوراً و أمرته أن یبصر الاسکندر و یرسم صورته علی حريرة
بحمها الیه ۲۴-ق: (ق: آ: لی: پ: و: آ: ب: آ: ل: ن: آ: صورتی کن) ۲۵-ل: زو: (و: پس): متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶-س: شهریار
۲۷-س: نامدار ۲۸-ل: (نیز ل: ن: آ): دیبای: ک: (نیز ل: ۲، پ: و): اورند؛ متن = س: ق: ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ق: آ: لی: آ: ب)

۶۸۰ نگار سکندر چنان هم که بود
چو قیدافه چهر سکندر بدید

نگارید و از جای^۱ برگشت زود
غمی گشت و بنهفت و دم درکشید^۲

سکندر ز قیطون پرسید و گفت
بدو^۵ گفت قیطون که ای شهریار
شمار سپاهش نداند کسی
ز گنج بزرگی و شایستگی
۶۸۵ به رای و به گفتار و نیکی^۹ گمان
یکی شارستان^{۱۲} کرده دارد ز سنگ
زمین چار فرسنگ بالای اوی^{۱۷}
گر از گنج پرسی^{۱۹}، خود اندازه نیست

که قیدافه را بر^۳ زمین کیست^۴ جفت؟
چنو^۶ نیست اندر جهان کامگار^۷
مگر باز جوید ز دفتر بسی
از^۸ آهستگی، هم ز بایستگی
نبینی همانند^{۱۰} او در جهان^{۱۱}
که بساید^{۱۳} آن هم^{۱۴} ز چنگ^{۱۵} پلنگ^{۱۶}
برین هم‌نشان نیز^{۱۸} پهنای اوی^{۱۷}
سخن‌های او در جهان^{۲۰} تازه نیست

گفتار اندر نامه فرستادن اسکندر بنزدیک قیدافه^{۲۱}

۶۹۰ سکندر چو بشنید از^{۲۲} یادگیر^{۲۳}
نبتند^{۲۴} پس نامه‌یی بر حریر
بنزدیک قیدافه‌ی هوشمند
بفرمود تا پیش او شد دبیر
ز شیراوزن^{۲۵} اسکندر شهرگیر^{۲۶}،
شده نام او در بزرگی بلند

۱-ل (نیز ل ن آ): و ز جای؛ س: و ز آنجا؛ ق: و ز نجای؛ ل: آ. س (نیز ل ی > و): پ. ب: و ز آنجای؛ (آ: از آنجای و؛ ق: نگارنده از جای)؛
متن = ک (نیز ل ن آ. ل. و)؛ بنداری: فجاء المصور و صور صورة الاسکندر قائماً و قاعداً و راکباً، متبدلاً و متجملاً، حاسراً و مسلحاً.
فانصرف به‌الی صاحبه ۲-س، ق، ل، آ. س، ل، ی، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

چنین گفت کاین مرد گیتی به پای
هر آنکس که پیش آید او را به جنگ
بکوبد به رزم و به پاکیزه‌رای
شود در جهان زندگانش تنگ

۳-س (نیز ل ی، آ): در ۴-س (نیز ق، آ، ل، ی، پ، آ): نیست؛ (ل: چیت) ۵-ق: چنین ۶-س، ل، آ: جز او؛ (آ: چو او)؛ متن = دوازده دستنویس
دیگر ۷-س-س (نیز ق ۲-پ، آ، ب): نامدار؛ (ل، ن، ل، آ: یادگار)؛ متن = ل ۸-ل، س، ق، ل، آ. س (نیز ل، ی، و، آ، ب): ز؛ متن = ک (نیز ق، آ،
ل ن آ) ۹-ق، س، آ > و (نیز ق، آ، ل، ی، ل، آ، آ): نیکو؛ متن = ل، س > و، ک، ل (نیز ل، ن، پ، و، ب) ۱۰-ل، ل، آ (نیز ق، آ): به مانند؛ متن = دوازده
دستنویس دیگر ۱۱-س، ک (نیز ق، آ، پ، و): در زمان ۱۲-ق، ل، آ (نیز ل، ی، ل، آ، ب، پ): شارسان ۱۳-س: نبارد؛ ق-س (نیز پ، ب): نساود؛ (ل، ن،
ل ن آ: نستاند)؛ متن = ل (نیز ق، آ) ۱۴-س-س (نیز ل، ن، پ، ب): را؛ متن = ل ۱۵-س، ق، ل، آ. س (نیز پ، ب): بجنگش؛ ک: بجنگ؛ (ل، ن، ل، آ: ز
چنگش)؛ متن = ل ۱۶-ق، آ: او را بجنگل نهنگ؛ ل، آ: بنیاد او را نداند پلنگ؛ ل: بیاساید آترا ز بجنگل پلنگ (وزن ندارد)؛ و: ز بس
استواری همانند گنگ)؛ متن = ل ۱۷-ل، س، ق، ل، آ. س (نیز ق، آ، ل، ی، ل، آ، آ، ب): او؛ متن = ک (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن آ) ۱۸-ل: نشانت؛ متن = چهارده
دستنویس دیگر ۱۹-ل، ل، ن، آ: بینی) ۲۰-ل (ل: بر زمین) ۲۱-ل، ک: نامه اسکندر بنزدیک قیدافه؛ س: نامه اسکندر بنزد قیدافه؛ ق: نامه اسکندر
به قیدافه شاه اندلس و جواب او؛ ل، آ. س: نامه فرستادن اسکندر نزد قیدافه ۲۲-س، ق، س، آ (نیز ل، ل، آ، آ): از آن؛ ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ب): ازین؛
متن = ل، ک (نیز و) ۲۳-ل (ل: این داروگیر)؛ بنداری: فاتفق أنه جرى ذات يوم عند الاسکندر ذکر قیدافه فسأل الاسکندر عن حالها قیطون ملک
مصر. فوصف له ما تخصصت به هذه المرأة من بسطة ملکها و نفاذ حکمها. و ذکر أن لها مدينة من الحجاره طولها أربع فراسخ فی عرض مثلها. و
هی مشحونة بالأموال و الرجال ۲۴-ل (نیز ق، آ، و، ل، ن آ >): نوشتند؛ متن = س-س (نیز شش دستنویس دیگر)
۲۵-ل-س (نیز ل، ل، ی، ل، آ، و، ب): اوژن؛ (ق: شهر اوژن؛ پ: شاهنشاه)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶-ک (نیز ل، ل، ی، ل، آ): شیرگیر

فروزنده‌ی ماه و^۲ گردان سپهر
 فزونی کسی را دهد کش سزاست^۵
 گراینده گشتیم سنگ^۷ ترا
 درخشان شود رای^۸ تاریک تو،
 بدانی^{۱۰} که با ما ترا نیست تاو،
 توانایی و پاک‌دینی بود^{۱۱}،
 نبینی جز از گردش روزگار!^{۱۲}
 خود آموزگارت نباید ز دورا
 نهادند مهری بر او بر^{۱۴} ز مشک
 به فرمان^{۱۶} آن نامبردارشاه
 ز گفتار او در شگفتی بماند
 بر آن^{۱۷} دادگر کو زمین گسترید
 بد و نیک را اندر او^{۱۸} جای کرد
 به دارا و بر نامداران^{۲۰} سند
 از^{۲۲} آن نامداران شمشیرکش
 به سر بر ز پیروزه^{۲۵} افسر نهی
 همان^{۲۷} لشکر و گنج شاهنشهی،
 ز خشم و زلیفش^{۲۹} بیجان شوم

نخست آفرین خداوند^۱ مهر
 خداوند بخشنده و^۳ داد و راست^۴
 ۶۹۵ به تندی نجستیم جنگ^۶ ترا
 چو این نامه آرند نزدیک تو،
 فرستی به فرمان^۹ ما باژ و ساو
 خردمندی و پیش‌بینی بود^{۱۱}
 وگر هیچ تاب اندر آری به کار
 ۷۰۰ چو اندازه‌گیری^{۱۳} ز دارا و فور
 چو از باد عنوان او گشت خشک
 بیامد هیون^{۱۵} تگاور به راه
 چو قیدافه آن نامه‌ی او بخواند
 به پاسخ نخست آفرین گسترید
 ۷۰۵ یکی چرخ گردنده بر پای کرد
 ترا کرد پیروز^{۱۹} بر فور هند
 به پیروزی اندر سرت گشت گش^{۲۱}
 مرا با چُن^{۲۳} ایشان^{۲۴} برابر نهی
 مرا زان^{۲۶} فزونست فرّ و مهی
 ۷۱۰ که من قیصری^{۲۸} را به فرمان شوم

۱-س. ۲ (نیز لن، لی، پ. ب.): بر خداوند؛ متن = ل (نیز ق. ۲، ل. ۲) ۲-س. ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، آ. ب.): کزویست بر پای (س: بر جای)
 ۳-ل. ۲، س. ۲ (نیز ق. ۲، لی، و): بخشنده ۴- (ل: داوراست) ۵- (لن، پ: هواست؛ ل: درخوراست؛ ق: ز هر کس تو راست؛ لن: دهش
 کز هواست) ۶-ل: رزم؛ (لن، لن: آگاه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-ل: بزم؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۸-ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز
 س. ل. آ. ب.): جان؛ متن = ل، س. ک (نیز لن، ق. آ. ب، و، لن ۲) ۹-س. ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن، ق. آ. لی، پ. ب.): بنزدیک؛ متن = ل، ک (نیز ل ۳)
 ۱۰-س. ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، آ. ب.): تو دانی؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق. آ. ل. ۲، لن ۲) ۱۱-ل: کنی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲-ب:
 کز زان ۱۳-ک: داری ۱۴- (لن: بدو بر)؛ ک: بر برش مهری؛ (و: پرو بر نهادند) ۱۵-س. ک (نیز لن، و): هیونی ۱۶- (و، لن: آ: بنزدیک)؛
 -اری: فکتب الیها الاسکندر کتاباً یأمرها فیه بالتزام الخراج له و أدانه الیه، و توعدھا بأنھا إن لوت رأسھا عن ذلک لم یخاطبھا الا
 -سیف. و جعل ینبھا علی الاعتبار بدارا، و فور فان فی الاعتبار بهما ما یغنیھا عن ناصح یرشدها الی سبیل الطاعة ۱۷-ل، ک، س. ۲ (نیز
 س. پ. آ): بدان؛ متن = س، ق. ل. ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۸- (ب: هم دراو)؛ ل این بیت را ندارد ۱۹-ل. ۲، س. ۲ (نیز ق. آ. ب، لن، آ. ب):
 پیروز؛ متن = ل، س. ق. (نیز لن، لی، ل. آ، و، آ) ۲۰- (لی، آ: دارای داراب و گردان)؛ ک این بیت را ندارد ۲۱- (لی: فش؛ پ: خوش) ۲۲-ل: بر؛
 -وز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ل، س. ق. ل. ۲ (نیز ق. آ. لی، پ. آ. ب): چو؛ متن = س ۲ ۲۴- (لن، لن: آ: چون بریشان؛ ل: آ: چون
 -یشان؛ و: چون به ایشان) ۲۵-س. ق. (نیز ق. آ. ل. آ. ب، آ. ب): پیروزی؛ ل. ۲، س. ۲ (لی: فیروز؛ لن: آ: فیروزه)؛ متن = ل (نیز لن)؛ ک
 یں بیت را ندارد ۲۶- (ل: هزاران) ۲۷- (و: هم از)؛ لن این بیت را ندارد ۲۸-ل: قیصران؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-س:
 و رسیدیس (حرف‌های سوم و چهارم بی نقطه)؛ ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، آ. ب): و ز تهدید؛ ل، ک (نیز لن ۲): بیچم ز تهدید و؛ (لن، ق. آ. ب:
 خرسه ز تهدید و؛ ل: برسم به تهدید و؛ و: برنجم ز تهدید و)؛ متن تصحیح قیاسی است (س)

بدو داده قیران^۱ دل و چشم^۲ و گوش
به دستش زن و شوی گشته^۳ اسیر
به سر شد^۴ که درمان آن درد^۵ چیست
بدو داد فرمان و تاج و سریر
یکی رای زن مرد گسترده کام
ترا خوانم^۸ اسکندر فیلقوس
چو من پیشت آیم^{۱۱} کمر بر میان
بیرد دُزآگاه^{۱۲} جنگی ز دوش
نمایم فراوان ترا کھتری
چو خواهش فزایم^{۱۳} ببخشش^{۱۴} به من
ندانست^{۱۵} کان^{۱۶} را چه باشد^{۱۷} نهفت
که این کار باید که مانند نھان
سخنهای قیدافه چندی بران
که رو^{۲۰} نامه بر^{۲۱} زود پاسخ بیار
به فرمان برین چاره افسون کنم

که داماد را نام بُد قیدروش
یکی مرد بُد نام او شهرگیر
سکندر بدانست کان مرد کیست
بفرمود تا پیش او شد وزیر
۷۳۰ خردمند را بیطقون^۶ بود نام
بدو گفت کارند^۷ پیشت عروس
تو بنشین به^۹ آیین به تخت^{۱۰} کیان
بفرمای تا گردن قیدروش
من آیم به پیشت به خواهشگری
۷۳۵ نشستگهی ساز بیانجمن
شد آن مرد دستور با درد جفت
از آن^{۱۸} پس بدو گفت شاه جهان
مرا چون فرستادگان پیش^{۱۹} خوان
مرا شاد بفرست با ده سوار
۷۴۰ بدو بیطقون^{۲۲} گفت کایدون کنم

۱-ل (نیز ق^۲، لی، و، آ): فرمان: ق، ک، ل، آ، س: آ: فریان: (ل: آ: فرقر: پ، ب: قیران: لن، لن: آ: بود او): متن تصحیح قیاسی است ۲-س: داد چشم و دل و جان: و، آپس از این بیت افزوده‌اند:

بد افکنده فرمان به زاری به خاک به تیغ سکندر شده چاک چاک

۳-ق، ل، آ، س: آ (نیز لی، پ، آ): گشتند: متن = ل، س، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، لن، آ، ب) ۴-ل، س: بجتش: (لن: آ: بجست آن): متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-ل (نیز ق^۲): کار: س، ک (نیز لن، ل، آ، ب): این کار: متن = ق (نیز لی، پ، لن، آ، آ): بنداری: و کان صاحب هذه المدينة قد رُج ابنة له من ابن لقيدافه یسمى قیدروش. و کان قد جاء الیه لاقامة رسم العرس فوق هو و زوجته فی ید رجل من أصحاب اسکندر یسمى شهرکیر فبلغ ذلک الاسکندر ۶-ل (نیز ق^۲): بقطون (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): س-س: آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب): سطقون (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): (لن: آ: قیطون): بنداری: بیطقون: متن = بنداری ۷-ل: کاید به: (لی: کیدز به: ل، آ، و: آرند: آ، آر آرنند: لن: آ: بفرمای کاید): متن = س-س: آ (نیز لن، ق، آ، پ، ب) ۸-ل (لن: آ: خوانند) ۹-و، آ: بر) ۱۰-و، آ: < > ل (نیز لن: آ): و رسم: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ق، ل، آ، س: آ (نیز لی، آ، ب): من آیم به پیشت: متن = ل، س، ک (نیز لن، ق، آ، لن: آ): بنداری: فبلغ ذلک الاسکندر، فنج له رأی فاستحضر وزیراً له یسمى بیطقون و أعطاه تاجه و تخته، و أمره أن یقعد فی مکنه من منصب السلطنة فی مجلس خاص لایحضره عامة أصحاب الاسکندر ۱۲-ک: بیرند درگاه: س پس از این بیت افزوده است:

همین پور قیدافه بُد قیدروش بدو داد قیران دل و چشم و گوش

۱۳-ل (لی، و، آ: نمایم) ۱۴-ل: ببخش: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵-ق، ک (نیز لن، لن: آ): بدانست: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-س، ل، آ، س: آ (نیز ب): کین: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-ل (لی: آ: کان چیست اندر) ۱۸-س-س: آ (نیز ق^۲، پ، آ، ب): و زان: متن = ل نیز لن، پ، لن، آ: ک: باز ۲۰-و، آ: شو) ۲۱-ل (پ: را) ۲۲-ل (نیز ق^۲): بیقطون: (لن: آ: قیطون): متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری: و رضاء علی أنه اذا أتوه باین قیدافه، یأمر بضرب رقبته فیشفع الیه الاسکندر و هو واقف علی رسم الخدمة فیهبه له. ثم یدعوه یعنی اسکندر و یرسله الی قیدافه مع عشرة فرسان، و یأمره بأن یوصل رسالته و یجعل الرجوع بجوابها

شب تیره از بیم شد ناپدید،
 پر از شرم رخ، دل^۵ پر از آبخون^۶
 گشاده در^۹ چاره و^{۱۰} بسته در^{۱۱}
 بیاورد گریان، گرفته اسیر
 گرفته جوان^{۱۳} چنگ^{۱۴} او را به چنگ
 کش از درد چندین^{۱۶} بیاید گریست؟
 که من پور قیدافه‌ام، قیدروش^{۱۷}
 که دارد پس پرده‌ی من^{۲۰} نهفت
 برم، تا بدارمش چون جان خویش
 روان خسته از اختر و تن به تیر
 - سرش پر ز گرد^{۲۴} و دلش پر ز خون^{۲۵} -
 که این هر دو را خاک باید نهفت
 به شمیر هندی^{۲۷} بزن گردنش!
 بدو گفت کای شاه قیصر^{۲۹} نژاد
 سرافراز گردم^{۳۱} به هر^{۳۲} انجمن

به^۱ شبگیر چون شید^۲ خنجر کشید
 نشست از بر تخت بر^۳ بیطقون^۴
 سکندر به^۷ پیش‌اندرون با کمر^۸
 چُن^{۱۲} آن پور قیدافه را شهرگیر
 ۷۴۵ زنش همچنان نیز با بوی و رنگ
 سبک بیطقون^{۱۵} گفت کین مرد کیست
 چنین داد پاسخ که باز آر هوش!
 جز این دختِ قریان^{۱۸} مرا^{۱۹} نیست جفت
 برفتم^{۲۱} که او را سوی خانِ خویش
 ۷۵۰ اسیرم کنون در کف شهرگیر
 چو بشنید ازو^{۲۲} این سخن بیطقون^{۲۳}
 برآشت از آن پس به دژخیم^{۲۶} گفت
 چنین هم به بنداندرون با زنش
 سکندر بیامد زمین بوس^{۲۸} داد
 ۷۵۵ چو خون جوانان^{۳۰} بیخشی به من

۱-ک: چو ۲-ل، ک (نیز ق ۲، ل ۲، و): خورشید: (لن: شیر): متن = س. ق. ل ۲، س ۲ (نیز ل. ی. پ، ل. ن ۲، آ. ب) ۳-س (نیز ل ۲، ل. ن ۲): زر: متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-ل (نیز ق ۲): بیطقون: متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ل ۲، س ۲ (نیز آ): دل رخ: (لی: دل چشم: ل ۲: رخسار و لب): ک: ورخ زرد و: متن = ل. س. ق (نیز ل. ن. ق ۲، پ. و. ل. ن ۲، ب) ۶-ق. ل ۲، س ۲: آب و خون: ک (نیز ل ۲): پر ز خون: (و: دیدگان پر ز خون): متن = ل. س (نیز ل. ن. ق ۲، ل. ی. پ، ل. ن ۲، آ. ب) ۷-س ۲: ز ۸- (و: ادب) ۹- (ل. ن. ل ۲، ل. ن ۲: دل: لی: ره) ۱۰- (ق ۲: در: ل ۲: جو) ۱۱- (و: لب): ل: بسته کمر: بنداری: قال: فلما كان الغد لبس وزيره التاج و جلس على التخت و وقف الاسكندر مائلاً فى الخدمة ۱۲-ل ۲ (نیز ل. ن. ل. ن ۲، ب): چو: متن = س ۲ (نیز آ) ۱۳-ک: چنان ۱۴- (و: دست) ۱۵-ل (نیز ق ۲): بیطقون: (ل. ن ۲: قیطنون): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-س: چندی ۱۷- (لی: فیدروس): بنداری: فجاء شهرکیر باین قیدافه مع عروسه. و دخل بهما علیه. فلما رآه قال: من ذا الرجل؟ قال الشاب: أنا ابن قیدافه ۱۸- (ق ۲، ل. ی. آ: فرمان: ل ۲: فرقر) ۱۹- (ل. ن. ل. ن ۲: چو این دخت قرقار را) ۲۰-س: دارم پس پرده اندر: و به جای این بیت و بیت سپین آورده است:

چنو زیر چرخ بلند اندکیست
 شدم تا بدارمش چون جان خویش

۲۱-ل: برآتم: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲-ل ۲، س ۲ (نیز ل. ن. ق ۲، ل. ی. و. ل. ن ۲، ب): زو: متن = (ل ۲، پ. آ) ۲۳-ل (نیز ق ۲): بیطقون (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): (ل. ن ۲: قیطنون): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-ل (نیز ل. ن. ق ۲، ل. ن ۲، ل. ن ۲): گشت پردرد: ک: پر از شرم و رخ زرد: متن = س. ق. ل ۲، س ۲ (نیز ل. ی. آ. ب) ۲۵- (و: سرش گشت پردرد کین کهن): ک پس ازین بیت افزوده است:

سکندر به پیش اندرون با کمر
 گشاده در خانه و بسته در

۲۶- (و: به آواز): آ بیت‌های ۷۵۲-۷۵۳ را ندارد ۲۷-ق: مصری: پ بیت ۷۵۲ را پس از این بیت دوباره آورده است: بنداری: و کنت تزوجت باینه صاحب هذه المدينة فقدتها بسبب العرس فأصبحت أسيراً فى یدی شهرکیر. جریحاً منکوس الطالع. فتغضب علیه بیطقون و أمر بضرب رقبتة مع زوجته ۲۸-س. ق. ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، ل. ی. پ، و. آ. ب): بوسه: متن = ل. ک (نیز ل. ن. ل ۲، ل. ن ۲): ۲۹- (ل ۲: خسرو) ۳۰-ل (نیز ل. ن ۲): اگر خون ایشان: (پ: چه باشد گر او را): متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱-س (نیز ل. ی. آ): باشم: ل ۲: باشی: س ۲ (نیز ب): گشتم: (ل ۲: گردی): متن = ل. ق. ک (نیز ل. ن. ق ۲، ل. ی. و. ل. ن ۲) ۳۲- (ل. ن: برین: و: بر)

که نپسندد از ما^۲ جهان‌آفرین
 که آزاد کردی دو تن را ز^۴ خون
 که بُردی سری دور^۵ مانده^۶ ز دوش
 بخواند به مادرت بر^۷ بیش و کم
 کسی را ندرَد بدین^۸ جنگ^۹ پوست
 که گوید بدو رزم گر^{۱۰} سور من
 به پاداش پیچد^{۱۲} دل زاد^{۱۳} مرد
 به خوبی ورا بازگردان به^{۱۶} راه
 که زو برندارم دل و چشم^{۱۸} و گوش!
 کرو یافتم جفت و جان و^{۲۱} روان^{۲۲}!

سر بی‌گناهان^۱ چه بری به کین؟
 بدو گفت بیداردل بیطقون^۳
 سبک بیطقون^۳ گفت با قیدروش
 فرستم کنون با تو او را به هم
 ۷۶۰ اگر ساو و باژم فرستد نکوست
 نگه کن بدین پاک‌دستور من
 تو آن کن ز^{۱۱} خوبی که او با تو کرد
 چُن این^{۱۴} پاسخ نامه یابی^{۱۵} ز شاه
 چنین گفت با بیطقون^{۱۷} قیدروش
 ۷۶۵ چه گویی^{۱۹} گر^{۲۰} او را ندارم چو جان

گفتار اندر رفتن اسکندر به رسولی بنزد قیدافه^{۲۳}

ز مردان^{۲۴} رومی چنان‌چون سزید
 نگه داشتندی به دل^{۲۸} راز اوی^{۲۷}
 نخوانید ما را جز از^{۲۹} بیطقون^{۱۷}

جهانجوی ده نامور برگزید
 که بودند هر ده^{۲۵} بر آواز^{۲۶} اوی^{۲۷}
 چنین گفت کاکنون به راه‌اندرون

۱- (پ: بی‌گناهی) ۲- (ل: آ: تو) ۳- ل: بیطقون: (لن: آ: قیطون); متن = س-س-۲ (نیز لن، لی-و، آ: ب) ۴- (ل: آ: ب: به); ق: این بیت را نذرَد ۵- (ل: آ: سر دیر) ۶- س، ق، ل، آ، س (نیز ق: آ، لی، و، آ: ب): سیر گشته: متن = ل، ک (ی) < (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ: ی) >; بنداری: فبادر لاسکندر و قبل الأرض بین یدیه و تشفع فیهِ و استوهبه منه فوهبهما له. ثم التفت الملك المعمول الی ابن قیدافه و قال: قد تخلصت برأس کاد یفارق جسدک ۷- (لی: بمادرت خواندهمی) ۸- (و: برین): س، ق، س (نیز لی، آ): ندرند بر: ل (نیز ب): بدرید بر: (ل: آ: نذرَد برین): متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۹- (لن، ل: آ: درد) ۱۰- س-س-۳ (نیز لن-ب): یا: متن = ل ۱۱- (ل: آ: ب: به) ۱۲- س: پیچند: (ل: آ: ب، و: کوشد) ۱۳- ل، س (نیز لن، پ): راد: س: آزاد: (ل: آ: دل آزاد): متن = ق، ک، ل (نیز ق: آ، لی، و-ب): بنداری: و الآن أرسلک مع الشفیع فیک الی أمک کی تبلغها رسالتی، و تخبرها بعظم ملکی و شدّة شوکتی، و تحثها علی التزام الخراج و أدائه. و هو دستوری و صاحب رأیی فاعمل معه ما عمل معک ۱۴- ل، س، ک، ل، آ، س (نیز لن، لی-ب): چو این: ق: چو او: متن = (ق: آ) ۱۵- (ق: نیز لن: آ: یابد: متن = سیزده دستویس دیگر ۱۶- (لن: آ: ب: ز) ۱۷- ل (نیز ق: آ): بیطقون: (لن: آ: قیطون): متن = دوازده دستویس دیگر ۱۸- (ق: آ: جنگ) ۱۹- ل، س: چگونه: ک (نیز لن، ق، آ، ل، لن: آ): چه گویم: متن = ق، ل، آ، س (نیز لی، آ، ب) ۲۰- ل، س، مر: (لن-پ، لن: آ: که: و: ر: متن = ق-س (نیز لی، آ، ب) ۲۱- (آ: را): ل: شیرین: متن = سیزده دستویس دیگر ۲۲- ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن: آ): جهان: متن = ده دستویس دیگر ۲۳- ل: رفتن اسکندربه رسولی بر قیدافه: س: رفتن سکندربه رسولی بنزد قیدافه: ل: رفتن سکندر نزد قیدافه: س: آ: رفتن سکندربه رسولی نزد قیدافه و شناختن: متن تصحیح قیاسی است ۲۴- س، ق، ل، آ، س (نیز لی، آ، ب): گردان: متن = ل، ک (نیز نش دستویس دیگر) ۲۵- ل، ل، آ (نیز لن، لی، لن، آ: آ: دو: (ق: آ: یکسر): متن = س، ق، ک، س (نیز ل، آ، پ، ب) ۲۶- ل-س (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب): هم آواز: متن = (ل: آ) ۲۷- ل، س، ق (نیز آ، ب): او: متن = ک، ل، آ، س (نیز لن-پ، لن: آ) ۲۸- ل: همه: (ل: آ: دل و): متن = دوازده دستویس دیگر: و بیت‌های ۷۶۷-۷۶۸ را ندارد ۲۹- ک (نیز پ، آ): به جز: بنداری: و اذا سمع الجواب من الملكة فسرحة الی کما یلیق ک. فقال: ما حفظ علی حیاتی سواه. و لا أعامله إلا بما عاملنی. فاختر الاسکندر عشرة أنفس من ثقات أصحابه و حفظة سره، و منصحهم و أمرهم الی اسموه إلا بیطقون

همی رفت^۱ پیش اندرون قیدروش^۲
 ۷۷۰ چو^۴ آتش همی راند مهتر ستور
 بر او بر^۶ ز هرگونه بی میوه دار
 برفتند از آن گونه^۹ پویان به راه
 چو قیدافه آگه شد از قیدروش
 پذیره شدش با سپاهی گران
 ۷۷۵ پسر نیز چون روی مادر^{۱۵} بدید
 بفرمود قیدافه تا برنشست
 بدو قیدروش آنچه دید^{۱۷} و شنید
 که بر شهر قریان^{۱۸} چه آمد ز رنج
 مرا این^{۲۰} که آید^{۲۱} همی با عروس
 ۷۸۰ و گرنه بفرمود تا گردنم
 کنون هر چه باید به^{۲۵} خوبی بکن
 چو بشنید قیدافه این از پسر
 از^{۲۹} ایوان فرستاده را^{۳۰} پیش خواند
 فراوان پرسید و بنواختش
 ۷۸۵ فرستاد هرگونه بی خوردنی

سکندر سپرده بدو^۳ چشم و گوش
 به کوهی رسیدند سنگش^۵ بلور
 فراوان کپی^۷ دید^۸ بر کوهسار
 بدان^{۱۰} بوم و بر کاندرا او بود شاه
 ز بهر^{۱۱} پسر پهن بگشاد^{۱۲} گوش
 همه نامداران و^{۱۳} نیک اختران^{۱۴}
 پیاده شد و آفرین گسترد
 همی راند و^{۱۶} دستش گرفته به دست
 همی گفت و رنگ رخس ناپدید،
 نه ماند افسر و تخت و لشکر، نه^{۱۹} گنج
 رها کرد^{۲۲} از^{۲۳} اسکندر فیلقوس
 زنده و به آتش بسوزد^{۲۴} تم
 بر او هیچ مشکن به^{۲۶} خواهش^{۲۷} سخن
 دلش گشت از آن^{۲۸} درد زیر و زبر
 به تخت گرانمایگان^{۳۱} برنشاند
 یکی مایه ور^{۳۲} جایگه ساختش
 ز پوشیدنی هم ز گستردنی

۱-ل: بود ۲- (لی: قیدروش) ۳-س: بدو داده بد: (و: به سوی سکندر دل و) ۴-ل: (نیز لی، آ، ب): بر ۵-ک: سنگی ۶-ل: بدو در؛
 متن = چهارده دستنویس دیگر ۷-ل: س (نیز لن، ل، آ، و، لن: آ): گیا: ل: (نیز ق: آ، آ): کسی: (لی: کبی): متن = ق، ک، س (نیز پ، ب) ۸-ل: ل: آ
 (نیز ق: آ، لی، ل، آ، آ): بود؛ متن = نه دستنویس دیگر؛ بنداری: تقدّمه ابن قیدافه، و سار الرسول مقتضیا اثره فی سیر حثیت فوصلوا فی
 طریقهم الی جبل أحجاره بلور، و علی الجبل ثمار کثیرة من کل نوع، و شاهد علیه فرودا کثیرة ۹-ل: (نیز لن: آ): زانگونه: ق-س: آ (نیز
 ق: آ، ل، ۳، پ، و، ب): از آن کوه: (لی: ازین گونه): متن = س (نیز لن، آ) ۱۰-ل: ک (نیز پ، لن: آ، آ): بر آن؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری:
 فعبروا و ساروا الی قرب المدینة ۱۱- (و: به سوی) ۱۲- (لی: سپردش بدو چشم بینا و) ۱۳-ل: <و> ۱۴- (آ: جنگ آوران) ۱۵-ل: (نیز
 ق: آ): مادرش را؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-س، ق، ل، آ، س: آ (نیز لی، آ، ب): رفت؛ ک (نیز لن، ق: آ، ل، آ، و): راند؛ متن = ل (نیز پ،
 لن: آ) ۱۷- (پ: گفت) ۱۸-ل: (نیز لن، پ): قربان (حرف سوم بی نقطه): س (نیز ق: آ، و): فرمان (حرف سوم بی نقطه): ق-س: آ (نیز آ، ب):
 قریان: (لی: برمان؛ ل: فرق: لن: آ: قرقار): متن تصحیح قیاسی است ۱۹-ک (نیز لن: آ): لشکر و تخت و: (ل: آ: نه تاج و: و: افسر و لشکر
 و تاج و): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- (لن: مر این را) ۲۱-ل: (نیز ق: آ، ب): آمد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ق، س: آ (نیز لی،
 و): رهاشد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ل: س (نیز لن: آ): ز: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-ک (نیز لن: آ): بسوزند از آتش: (لن،
 ق: آ، پ: بسوزد به آتش): متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-س، ک: خواهی ز: ق: ل، آ، س: آ (نیز لن، پ، و، آ، ب): خواهد ز: (ق: آ، لی، ل، آ، لن: آ):
 خواهد به: متن = ل ۲۶-ک (نیز لن، و، لن: آ): ز ۲۷-ق (نیز ق: آ، ب): به پاسخ: (ل: آ: به خوبی) ۲۸-ل: زان: ل: آ (نیز ق: آ): پر؛ بنداری:
 فاستقبلت الملكة ولدها، و لما اجتمع سرد علیها جمیع أحوال الاسکندر و ما عمل فی مدینة فیران من الأسر و النهب، ثم سرد علیها قصة
 أسره مع صاحبته، و ما هم به الاسکندر من قتله و إراقة دمه، و أنه ما خلص إلا بشفاعة هذا الرسول. فارتعدت فرائضها من الفرع
 ۲۹-ق: به: (ل: و، لن: آ: ز) ۳۰-ل: ک: فرستاده بی: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱- (پ، و: گرانمایگی) ۳۲- (ق: آ: نامور)

به پرسش^۲ بیامد به درگاه^۳ شاه
بر اسپش ز درگاه بگذاشتند
ز یاقوت و پیروزه^۶ بر سرش تاج،
فراوان پرستنده گردش^۸ به پای،
نشستگهش^۹ را^{۱۱} ستونها^{۱۱} بلور،
برو بافته^{۱۴} چشمه^{۱۵} های گهر،
به پای اندر آن^{۱۶} گلشن زرنگار^{۱۷}،
فراوان نهران نام یزدان بخواند
نیامد ورا روم و^{۲۲} ایران به چیز
چنان چون بود مردم چابلوس^{۲۴}
پرسید بسیار و بنساختش^{۲۵}

بود^۱ آن شب و بامداد پگاه
پرستندگان^۴ پرده برداشتند
چو قیدافه را دید^۵ بر تخت عاج
ز زربفت پوشیده چینی^۷ قبا،
۷۹۰ رخ شاه تابان بگردار هور،
زیر پوشش^{۱۲} جزع بسته به زر^{۱۳}،
پرستنده با طوق و با گوشوار،
سکندر بدان^{۱۸} در شگفتی بماند
نشستگهی دید^{۱۹} قیصر^{۲۰} که نیز^{۲۱}
۷۹۵ بر مهر آمد، زمین داد بوس^{۲۳}
ورا دید قیدافه، بنواختش

گه بار^{۲۶} بیگانه^{۲۷} اندرگذشت،
پرستنده^{۲۸} رود و می خواستند
همه کوکبش زر و پیکر ز^{۲۹} عاج
می آورد^{۳۱}، چون خوردنی خورده شد
نخستین ز قیدافه کردند یاد

چو خورشید تابان ز گنبد بگشت
بفرمود تا خوان بیاراستند
نهادند یک خانه خوانهای ساج
۸۰۰ خورشها بی اندازه^{۳۰} آورده شد
طبقهای^{۳۲} زرین و سیمین نهاد

۱-ل: بشد؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲- (ق: آ: به پیش) ۳- ق، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، آ، و، آ، ب): نزدیک؛ متن = ل، س، ب (نیز ل، ن، لی، ق، آ، لی، ن، آ): در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- ل: فرستادگان؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ بنداری: ثمّ حضرت الرسول الی ایوانها و سائله و اکرمته ثمّ أنزلته فی موضع یلیق به، و أدرت علیه الأنزال، و نفذت الیه التحف و المبارّ ثمّ به لما أصبح ركب الی خدمة الملكة فرفعت دونه الحجب و أدخلوه راکباً الی الدهلیز ۵- (لی: بنسبت) ۶- ل، آ: فیروزه؛ (لی: بیجاده)؛ بنداری: فدخل و رأى الملكة قاعدة على تخت من العاج معتصبة بتاج من الفیروزج ۷- (ق: آ: رومی: ل، آ: یکى)؛ بنداری: و غیبا قباء صینی منوج بالذهب ۸- (ل، آ، پ: پیش)؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، آ): ق، ل، آ، س، ۲، لی، آ، ب این بیت را ندارند ۹- ل، آ، س، ۲ (نیز لی): نشستگهی ۱۰- ک: بُد ۱۱- ق، ل، آ (نیز آ): <ها>؛ س، آ: ستانها؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ بنداری: و هی کأنها فی إشراق الشمس، فی مجلس سواریه من البلور ۱۲- ل (نیز ب): پوششی؛ ک: پوشش از؛ متن = س، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ن، آ) ۱۳- ق: سه کمر ۱۴- (و: نشانه در او) ۱۵- ل: دانه؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ ق، آ، لی این بیت را ندارند؛ بنداری: و سقفه من الجزع نمرصع بالجواهر ۱۶- ل: از؛ س، س، ۲ (نیز ق، آ، و، آ): اندرون؛ متن = ق، ک، ل، آ (نیز ل، ن، آ، ب) ۱۷- س (نیز ق، آ، پ، و): کفش گوهرنگار؛ بنداری: علی رأسها جواریه فی زیتهنّ ۱۸- س (نیز ق، آ، ب): بدو ۱۹- س: نیز ۲۰- ل: مهر؛ متن = س، س، ۲ (نیز ل، ن، آ، ب) ۲۱- (لی: بُد که قیصر بنیز؛ ق: آ: نشستگه قیصر و آن کنیز) ۲۲- (ل، ن، آ: <بوم) ۲۳- ک: بوس کرد ۲۴- ک: زید زیرک شیرمرد ۲۵- (ق: آ، لی، پ، و، آ، ب: بنواختش)؛ بنداری: فهت الاسکندر لما شاهد إذ لم یکن رأى مثل ما رأى فی بلاد الروم و لافى بلاد ایران. و لما قرب من الملكة قبل الأرض و خدم فأکرمته و أكثرت من مسائله ۲۶- (ل، ن، آ: ز تیمار) ۲۷- (پ: که بیگانه از بار) ۲۸- ق، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، ن، آ، آ، ب): پرستنده و؛ (پ: نوازنده)؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، و) ۲۹- ل: پیکرش زر و کوکبش؛ (ل، ن، آ: پیکرش زر و گوهر)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۰- ل (نیز ق، آ، ل، ن، آ): خورشهای بسیار؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۱- ل: آورد و؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۳۲- (ل، ن، آ: به سر تاج)

به می خوردن اندر^۱ گرانمایه شاه
 به گنجور گفت: آن درخشان^۲ حریر
 به پیش من آور^۳ چنان هم که هست
 ۸۰۵ بیاورد گنجور و بنهاد پیش
 به چهر سکندر نکو بنگرید
 بدانتست قیدافه کو قیصرست
 فرستاده‌یی کرده^{۱۲} از خویشتن
 بدو گفت کای مرد گسترده کام
 ۸۱۰ چنین داد پاسخ که شاه جهان
 که قیدافه‌ی پاک دل را بگوی
 نگر سر نیچی ز فرمان ما^{۱۸}
 و گر هیچ تاب اندر آری^{۲۰} به دل
 نشان^{۲۱} هنرهای تو یافتم
 ۸۱۵ خردمندی^{۲۳} و شرم نزدیک تُست
 کنون گر نتابی سر از باژ و ساو،
 نبینی جز از^{۲۴} خوبی و راستی
 برآشت قیدافه چون این^{۲۷} شنید

فزون کرد سوی سکندر نگاه
 نبشته^۳ برو^۴ صورت^۵ دلپذیر،^۶
 به تندی بر او هیچ مپسای^۸ دست!
 چو دیدش نگه کرد از^۹ اندازه بیش
 از آن صورت او را^{۱۰} جدایی ندید
 بر آن^{۱۱} لشکر نامور مهترست
 دلیر آمده‌ست اندر این^{۱۳} انجمن
 بیا تا چه دادت^{۱۴} سکندر^{۱۵} پیام
 سخن گفت با من^{۱۶} میان مهان
 که جز راستی در زمانه^{۱۷} مجوی!
 نگه‌دار^{۱۹} بیدار پیمان ما^{۱۸}!
 بیارم یکی لشکری دلگسل
 به جنگ آمدن تیز نشافتم^{۲۲}
 جهان ایمن از رای باریک تُست
 بدانی که با ما نداری تو تاو،
 چو پیچی^{۲۵} سر^{۲۶} از کژی و کاستی!
 جز از^{۲۸} خامشی هیچ درمان^{۲۹} ندید

۱-ل: آمد: ل: همی خورد می را؛ متن = سیزده دستویس دیگر: بنداری: ثم مدوا السماط و طعموا و لما خلا المجلس من الأجنب أمرت
 بإحضار الشراب و المغنين. و كان أول شربهم على اسم الملكة و كانت في أثناء الشرب تكثر النظر الى الاسكندر ۲- (ق: ل: ۳: درفشان)
 ۳- ل: (نیز و، ل: ۲): نوشته: متن = س-س ۲ (نیز ل: ق: ۲، ل: پ-ب) ۴- ک (نیز ل: ۱): بدو ۵- س، ق، ک، س ۲ (نیز ل: پ، آ، ب): صورتی: متن =
 ل: ل (نیز ل: ق: ۲، و، ل: ۲) ۶- (ل: ۳): همان چهر اسکندر شهرگیر) ۷- س: من او را: ل: نوشته مر او را: متن = سیزده دستویس دیگر
 ۸- ق، ک، ل ۲ (نیز ل: پ، و، ب): بیساو: (ل: منمای: ل: ۳: مگشای): متن = ل، س، س ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، آ) ۹- ل: ز: متن = چهارده دستویس
 دیگر: ق: پس ازین بیت سرنویس دارد: شناختن قیدافه سکندر را و مباحثه ایشان ۱۰- س ۲ (نیز ل: ل: ۲): <را> ۱۱- ل: ۲، س ۲ (نیز ل: ل: پ، ل: ۲): بدان ۱۲- ل: ک (نیز ق: ۲، ل: ۳): کرد: س، ق، ل: ۲، س ۲ (نیز ل: آ، ب): کردش: (پ: فرستاده کرده‌ست): متن = (ل: و، ل: ۲)
 ۱۳- س-س ۲ (نیز ل: ب): او بدین: متن = ل: بنداری: فأمرت خازنها فجاء بالحريرة التي فيها صورة الاسكندر مصورة. فلما أحضرت
 نشرتها و جعلت تنظر فيها و تنظر الى وجه الاسكندر فعلمت أنه الاسكندر و أنه جاءها في زى رسول ۱۴- ک: دارد ۱۵- ل: بگو تا
 سکندر چه دادت: متن = سیزده دستویس دیگر: بنداری: فقالت له: أيها الرسول المترسل! هات ما حملك الاسكندر ۱۶- س، ق، ل: ۲،
 س ۲ (نیز آ، ب): ما ۱۷- ل: میانه: متن = چهارده دستویس دیگر ۱۸- ل: من: ک: شاه: متن = سیزده دستویس دیگر ۱۹- ل: نگه کرد: (ل: ۳:
 یکی دار): متن = سیزده دستویس دیگر ۲۰- (ل: ل: ۲: آرد) ۲۱- (ق: ۲: به شاهی) ۲۲- ک (نیز ل: ل: ۲، ل: ۲، آ): بشتافتم: بنداری: فقال: إنه
 أمرنى و قال: قل لقيذافه الطاهرة لا تطلبى غير سبيل السداد، و لا تخالفى أمرنا، و لكن يقظك لك نافعة، و اعلمى أنا لما تحققنا من
 عقلك و رأيك و دهائك و حزمك لأطفناك فى المقال و لم نبداك بالقتال ۲۳- ک: هنرمندی ۲۴- ل: بجز: (ق: ۲: بیینی بسی): متن =
 س-س ۲ (نیز ل: ل: پ، آ، ب) ۲۵- س (نیز ل: ۱): چه پیچی: (آ: بیچی) ۲۶- (و: بُود): ل: این بیت را ندارد: بنداری: و الأصوب لك بذل
 الخراج و التزامه لنا. فانه لا يخفى عليك أنه ليس لك بمقاومتا بدان ۲۷- س-س ۲ (نیز ل: پ، ل: ۲، آ، ب): آن: متن = ل (نیز و) ۲۸- ل: س،
 ق: ل: ۲، س ۲ (نیز ل: پ، آ، ب): به جز: متن = ک (نیز ل: ق: ۲، ل: ۳، و، ل: ۲) ۲۹- ک (نیز ل: ۳): چاره: ل: چاره آن: متن = دوازده دستویس دیگر

بیاسای با مردم دلپذیر،
به برگشتت رای فرخ نهیم!^۳
همه شب همی ساخت درمان خویش

بدو گفت کاکنون^۱ ره خانه گیر
۸۲۰ چو فردا بیایی تو^۲ پاسخ دهیم^۳
سکندر بیامد سوی خان خویش

چو دیبا فروزنده شد پشت^۴ راغ،
دو لب پر ز خنده، دل از غم تباه^۶
پرسید و بردش بر شهریار
نشستش بلورین یکی خانه دید^۷
میان اندرون گوهر^۸ شاهوار^۸
ز جزع و ز پیروزه او را عمود
از آن فر و اورنگ^{۱۱} و آن بارگاه^{۱۲}
ببند^{۱۴} چنین جای^{۱۵} یزدان پرست!
نهادند زرین یکی زیرگاه^{۱۶}
چرا خیره ماندی^{۱۸} به جزع^{۱۹} اندرون؟
که^{۲۰} آسیمه گشتی^{۲۱} بدین مایه^{۲۲} بوم؟
تو این خانه را خوارمایه مدار!
که در پای تو^{۲۶} معدن گوهرست
دلش گشت خرم به بازار^{۲۸} اوی^{۲۷}

چو برزد سر از کوه روشن چراغ
سکندر بیامد بدان^۵ بارگاه
فرستاده را دید سالار^۵ بار
۸۲۵ همه کاخ او پُر ز بیگانه دید^۷
عقیق و زبرجد بروبر نگار
زمینش همه صندل^۹ و چوب^۹ عود
سکندر فروماند از آن^{۱۰} جایگاه
همی گفت کاینست سرای^{۱۳} نشست!
۸۳۰ خرامان بیامد بنزدیک شاه
بدو گفت قیدافه: ای بیطقون^{۱۷}!
همانا که چونین نباشد به روم
سکندر بدو^{۲۳} گفت کای شهریار
ازیرا ز^{۲۴} شاهان^{۲۵} سرت برترست
۸۳۵ بخندید قیدافه از کار اوی^{۲۷}

۱-ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز، و. آ. ب.): اکنون ۲-ک: بیاید ۳-ل. ک (نیز ق. ۲. و): دهم: (پ: کنم): متن = ده دستنویس دیگر ۴-ل. ک (نیز پ. و. ل. ۲): دشت و: (ل. آ. آ. روی): متن = س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ق. ۲. ل. ب) ۵-ل. بر آن: ک: سوی ۶-س. ک. ل. آ. س. ۲ (نیز ل. ل. ۲. ل. آ. ب.): سیاه: متن = ل. ق (نیز ق. ۲. ل. ب. و) ۷-ل (نیز ل. ۲. ل. آ): بود: متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ک این بیت را ندارد: بنداری (۸۲۵-۸۱۷): ففاظها ما سمعت منه لکنها أثرت الکتون و الکتوت. و صرفته الی منزله و وعدته بأن تجاوبه غداً عن رسالته. فانصرف الاسکندر و عاد الیهما من الغد فدخل علیها فی مجلس من البلور منجد بالعقیق و الزبرجد ۹-ل: عنبر: (پ: همه پوشش از صندل): متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری: أرضه من العود و الصندل، و سقفه من الجزع و الزبرجد ۱۰-ل (نیز ل. ن): زان ۱۱-ل (ن. ق. آ: ارونند: ل. ۲. پ. و: اورند) ۱۲-ل (نیز ل. ن. پ. و. ل. ۲): دستگاه: (ل. ب: پایگاه: ل. ۳: پیشگاه) متن = س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ق. ۲. آ): ک این بیت را ندارد ۱۳-ک: کاینست جای ۱۴-ل. ل. ۲ (نیز ل. ن): ببند (حرف یکم بی نقطه): س. ق. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. ب): ببند: متن تصحیح قیاسی است ۱۵-س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. آ. ب.): مرد ۱۶-س (نیز پ. ب): پیشگاه ۱۷-ل (نیز ل. ق. آ): بیطقون ۱۸-س-س. ۲ (نیز ل. ن. و. آ. ب.): گشتی: (ل. آ: چه خیره بماندی): متن = ل. ۱۹-س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ب): به کاخ: (آ: به خاک): متن = ل. ک (نیز ل. ق. ۲. ل. ۲. ل. ۲) ۲۰-ق: چو ۲۱-ل (ل. آ: آورد کشتی) ۲۲-ل (ن: سایه: ل. آ: تازه: آ: مرز و): بنداری (۸۳۱-۸۲۷): فادشه ما رأی و بهره ذلك المنظر الأتیق. ثم تقدّم حتی قرب من الملكة فأجلس عند التخت علی کرسی من الذهب. فقالت له: کأنک قد قضیت العجب من هذا المجلس ۲۳-س: چنین ۲۴-ل: ز ایوان: (ل. آ: از ایوان): متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری: فمدحها الاسکندر و قال: إنک أعلى الملوک شرقاً و منصباً و أبهرهم جلاله و رفعة ۲۵-ل (ل. آ: ز شاهان ایران) ۲۶-س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. پ. آ. ب.): دریای تو: ل (نیز و. ل. ۲): ایوان تو: ق: در بای تو: متن تصحیح قیاسی است: بنداری: وإن بحرك لحاول لكل جوهر، وإنک مجتمع کل عز و مفاخر ۲۷-ل. س. ق (نیز ل. آ. ب.): او: متن = ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ل. ۲. پ. ل. ۲) ۲۸-س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ل. ۲. ل. آ. ب.): ز بازار: (ل. آ. آ: به دیدار: پ: ز گفتار): متن = ل. ک: ق. آ: و این بیت را ندارند

فرستاده را تنگ^۲ بنشانند پیش
 همت^۳ بزم و رزمست^۴ و هم^۳ نعم و بوس
 روان^۵ پر ز درد و رخان^۶ لاژورد^۷
 چنین گفتن^۸ از تو نه اندر خورد!
 که با من نبند مهتری^۹ نامدار،
 تنم را ز جان دست^{۱۱} کردی^{۱۲} تهی!
 چنین بجهی فیلقوسم مخوان!
 لب را پرداز کاسکندری^{۱۵}!
 ز چاره^{۱۶} بیاسای^{۱۷} و منمای^{۱۸} خشم!
 نبشته^{۱۹} برو^{۲۰} صورت^{۲۱} دلپذیر
 نبودی جز اسکندر شهریار^{۲۴}
 برو تیره شد روز چون نیم شب^{۲۶}
 مبادا که باشد کس اندر^{۲۸} جهان^{۲۹}!
 حمایل بُدی پیش من بر^{۳۰} برت^{۳۱}،
 نه جای^{۳۲} نبرد و نه جای^{۳۳} گریز!
 به مردی بود خواستار جهان،
 که بددل به گیتی نگردد بلند!
 همه خانه گشتی چو دریای خون!
 بکاویدمی^{۳۶}، پیش بدخواه خویش!

از آن پس گسی^۱ کرد گس های خویش
 بدو گفت کای زاده ی فیلقوس
 سکندر ز گفتار او گشت زرد
 بدو گفت کای مهتر پُر خرد
 سپاسم ز یزدان پروردگار
 که بردی به شاه جهان آگهی^{۱۰}
 منم بیطقون، کدخدای جهان^{۱۳}
 بدو گفت قیدافه کز^{۱۴} داوری
 اگر چهره ی خویش بینی به چشم
 بیاورد و بنهاد پیشش حریر
 که گر^{۲۲} هیچ جنبش^{۲۳} بُدی در نگار
 سکندر چو دید آن^{۲۵}، بخایید لب
 همی^{۲۷} گفت: بی خنجری در نهان
 بدو گفت قیدافه: گر خنجرت
 نه نیروت بودی، نه شمشیر تیز!
 سکندر بدو گفت: هرک از مهان
 نباید که پیچد ز راه گزند
 اگر با منستی سلیم^{۳۴} کنون
 ترا کشتمی، گر^{۳۵} جگرگاه خویش

۱-ل: بدر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-ک: خواند و ۳-س (نیز لی): هم ۴-س، ق، ل (نیز ق، آ، لی، آ، ب): رزم و بزمست؛ بنداری (۸۳۶-۸۳۳): فضحکت لقلوله. ثم انتفض المجلس و خلت به و قالت: یا بن قیلقوس! إن قتالک سرور، و إن نعیمک بؤس؛ ل آدر اینجا سرنویس دارد: حال سکندر با قیدافه ۵-ل، ک: رخان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ل: روان؛ ک (نیز و): لبان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-ک، ل، آ، س (نیز ل، لی، ب): لاجورد ۸-ک: ناخوش؛ (ل: گفت؛ و، ل، ن: آ: گفته) ۹-س: که من بنده مهتر ۱۰-ق (آ: آفرین) ۱۱-ل (نیز ق، آ، پ، ل، ن: آ): زود؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ل (ن: گشتی) ۱۳-س، ق: مهان: در ل (نیز ل، ن) این بیت دو بیت پیش تر آمده است ۱۴-ک (نیز ل، آ): از ۱۵-ل: از لشکری ۱۶-ل: چهره: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷-ک (نیز لی): میاسای ۱۸-آ: نیایی (و) ۱۹-ل (نیز ل، و، ل، ن: آ): نوشته؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-س، ک: بدو ۲۱-ک، س (نیز ل، لی، پ، آ، ب): صورتی ۲۲-ل (نیز ق، آ): اگر ۲۳-ک (نیز ل، ن): پیشش ۲۴-ل (نیز و، آ): نامدار ۲۵-ک (نیز ل، و، ل، ن: آ): بدید آن سکندر؛ (ل، ن، ق، آ، پ: به دندان سکندر)؛ متن = ل، س، ق، ل، آ، س (نیز لی، آ، ب) ۲۶-ل، س، آ: تیره شب؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری (۸۴۵-۸۳۶): فعرفته بذلک آنها عرفته. فاصفر وجهه، و أرب قلبه فأنکر ما ذکرته. فجاءت بصورته فلما رآها تحیر و أظلم فی عینه النهار ۲۷-ل، ک (نیز ق، آ): چنین؛ (و، ل، ن: آ: بدو)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-س، س، آ (نیز ل، ن، ب): کسی در: متن = ل ۲۹-ق: نهان ۳۰-س، س، آ (نیز لی، پ، ب): در: متن = ل (نیز ل، ن، ق، آ): بر درت ۳۲-ق: راه ۳۳-س، س، آ (نیز ل، ن، پ، ل، ن: آ، آ): راه؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز و، ب) ۳۴-س (نیز لی، ل، آ، ل، ن: آ): سلاحم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۵-ق: پس؛ (ل: آ: یا؛ ل، ن: آ: از؛ آ: کز) ۳۶-ق (نیز ل، آ، پ): بدزیدمی؛ س، ک، ل، آ، س (نیز ل، ن، آ، ب): پارفتمی؛ (ل، ن، لی: بیازفتمی؛ ق، آ: باسفتمی (حرف دوم بی نقطه))؛ متن = (و)

۸۵۵ بخندید قیدافه از کار او^۱
 بدو گفت کای خسرو شیر^۲فش
 نه از فرّ تو کشته شد فورِ هند،
 که برگشت روز بزرگان دهر
 به مردی، تو گستاخ گشتی چنین
 ۸۶۰ همه نیکوی‌ها ز یزدان شناس!
 تو گویی که دانش به^۴ گیتی مراست
 کجا آورد دانش تو بها
 بدوزی به روز جوانی کفن
 مرا نیست آیینِ خون ریختن
 ۸۶۵ چو شاهی به کاری توانا بود
 چنان دان که ریزنده‌ی خون شاه
 تو ایمن بباش و به شادی برو!
 کزین پس نیایی^{۱۱} به پیغمبری
 ندانم کسی را ز گردنکشان
 ۸۷۰ نگاریده هم زین نشان بر حریر
 برو رانده^{۱۵} حکم اخترشناس
 چو بخشنده شد^{۱۷} خسرو رای‌زن
 تو تا ایدری بی‌طقون^{۱۹} خوانمت
 بدان تا نداند کسی رازِ تو

۱-ل. س. ق (نیز ق. ۲. لی. آ. ب.): او؛ متن = ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۳-۲) - ۲. (ق. ۲. شیر خورشید) ۳-ل. (نیز ب. و.): ز ۴-ل. (نیز ل. ۲):
 بدانش که؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۵-ک. (نیز لی. ل. ۲): که ۶-ل. ۲: چنین آبی اندر؛ بنداری (۸۶۱-۸۴۷): و قال: لو کان معی
 خنجر لقتلک أو قتلت نفسی لصنعی و تغیری بروحی. فضحکت و قالت: لانتحدأیها الشهريار و لاتغتر بنفک. این صحنه دعواک
 فیما تزعم أنك عالم الأرض؟ و أی قيمة لعلمک و قد حملک علی أن قدّمت بنفک بین أشدّاق الثعبان. و عرضتها لبانقة لانتقی و لاتنذر؟
 ۷-ل. ک. ل. ۲: نبخشايد؛ (و: به بخشایش): متن = س. ۲ (نیز هشت دستویس دیگر) ۸-ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۳. پ. ل. ۲. آ. ب.): داد و ۹- (و):
 خرامش) ۱۰- (ل. ۲): خود او جایگاه): ک: به دشمن سپارد نگین و کلاه: ل. ۲ پس از این بیت افزوده است:

نخواهم که چون تو یکی شهريار
 سپه‌دار و جنگاور روزگار
 که اندر زمین سایه ایزدی
 ز تو دور بادا دو دست بدی

۱۱- (و: نیازی) ۱۲- (ل. ۲): جور) ۱۳- س. س. ۲ (نیز لی. آ. ب.): چهره او: (ق. ۲: چهره تو): متن = ل. (نیز ل. ۳. پ. و. ل. ۲) ۱۴- (ق. ۲: به دست)
 ۱۵- ل. رانده هم: س. ک. (نیز ل. ۲. پ. و. آ.): رانده ام: ل. ۲ (نیز لی.): رانده بر: ل. ۲: رانده هم: ب. رانده: متن = ق. س. ۲ (نیز ل. ۲) ۱۶- س. س. ۲
 (نیز ل. لی. ل. ۲. ب.): یا: (آ. بر): ل. باشد اندر: ک. آیدم یا: متن = (ق. ۲) ۱۷- ک. س. ۲ (نیز ل. و.): بُد: (ق. ۲): تو بخشنده بر: لی: بخشیده شد:
 ل. ۲: رخشنده بد: ل. ۲: بشنیده بد: متن = ل. س. ل. ۲ (نیز پ. آ. ب.) ۱۸- ل. س. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۳. و. ب.): بگوید: (لی): نگوید (حرف یکم
 بی نقطه): متن = ک. (نیز ل. ق. ۲. پ.): ق این بیت را ندارد ۱۹- ل. بی‌طقون: متن = چهارده دستویس دیگر ۲۰- ک. (نیز لی.): بدین ۲۱- ل. س.
 س. راز: متن = سیزده دستویس دیگر

- ۸۷۵ فرستمت بر نیکوی بازِ جای
به پیمان که هرگز به فرزند من،
نباشی بداندیش، اگر^۳ بدسگال
سکندر شنید این سخن شاد گشت^۴
به دادارِ دارنده سوگند خورد
که با بوم و با رُست و^۹ فرزند تو^{۱۰}
نسام^{۱۱} جز از خوبی و راستی!
چو سوگند شد خورده، قیدافه گفت
چنان دان که طینوش فرزند من
یکی بادهارست^{۱۵}، دامادِ فور
که تو با سکندر ز هم^{۱۶} پوستی^{۱۶}
که او از پی فور کین آورد
کنون شاد و ایمن^{۱۹} به ایوان خرام
سکندر بیامد، دلی^{۲۰} همچو^{۲۱} کوه
نه بودش ز قیدافه چین در بروی^{۲۳}
۸۸۵
۸۹۰ بیود آن شب و بامدادِ پگاه
سپهدار در خان پیلسته^{۲۷} بود
- تو باید که^۱ باشی خداوند رای
به شهر من و خویش و پیوند من^۲،
به کشور نخوانی مرا جز همال!
ز تیمارِ برگشتن^۵ آزاد گشت^۴
به دین مسیحا^۶ و گرد^۷ نبرد^۸،
بزرگان که باشند پیوند تو^{۱۰}،
نه اندیشم^{۱۲} از کژی^{۱۳} و کاستی!
که این بند بر تو نشاید^{۱۴} نهفت!
کم اندیشد از دانش و پند من
نباید که داند ز نزدیک و دور
ور^{۱۷} ایدونک با او به دل دوستی
به جنگ^{۱۸} آسمان بر زمین آورد
ز تیمارِ گیتی مبر هیچ نام!
یکی اندیشد از مرگ^{۲۲} دانش پژوه!
نه برداشت هرگز دل^{۲۴} از آرزوی^{۲۵}
از^{۲۶} ایوان بیامد بنزدیک شاه
همه گرد بر گرد او دسته^{۲۸} بود

۱- (ق: ۲) بدانکه که ۲- و این بیت را ندارد: بنداری: و لکنی أعاف إراقة دماء الملوك. فکن أمناً علی نفسک فانی لا أسمىک مادمت هاهنا إلا بیطقون، محافظة علی سَرَک ۳- ل. س. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. لی، آ. ب.): گرگ (نیز ق: ۲. ل. ۳. پ. ن. آ): یا؛ متن = ق؛ و این بیت را ندارد ۴- ل (نیز ل. ن. آ): شد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵- ل (نیز ق: ۲. و. ل. ن. آ): وز کشتن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶- ق. س. ۲ (نیز ل. ن. لی، پ. آ. ب.): مسیح؛ متن = ل. س. ۲ (نیز ق: ۲. ل. ۳) ۷- س (نیز و): روز؛ ق: خاک: ک: و صلیب و به؛ ل. ۲. س. آ: به ننگ؛ و؛ متن = ل. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲. ل. ۳. پ. آ. ب.) ۸- (ل. ن. آ): روز سپید و شب لاژورد؛ س. ۲ (نیز ب) بیت ۹۷۵ را پس ازین بیت افزوده اند:

سکندر نخواهد شد از گنج سیر و گر آسمان را سر آرد به زیر

۹- ل: تا بوم و با رُست و؛ (آ: تا بود و تاهست)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- ک (نیز ل. ن. ق: ۲. ح: <، ل: ۲. ح: <، و: ح: <، ل. ن. آ): اوی ۱۱- ک (نیز ل. ن. ق: ۲. ل. ۳. و): نازد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- ک (نیز ل. ن. ق: ۲. ل. ۳. و. ل. ن. آ): اندیشد؛ متن = ل. س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. پ. آ. ب.) ۱۳- (و: کَمی) ۱۴- ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. ق: ۲. ل. ۳. پ. آ. ب.): نیاید؛ متن = ل. س. ق. ک (نیز ل. ن. و. ل. ن. آ) ۱۵- ک: ساری ست: ل: پادشاهت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- ل (نیز ل. ن. آ): ز یک: (آ: همی؛ ل: ۲: کون چون سکندر همه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- ل: گر ۱۸- (ل: ۲: همی)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۹- (ل. ن. آ: خرم) ۲۰- (پ: به دل) ۲۱- س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. آ. ب.): دل از غم چو؛ متن = ل. ک (نیز ل. ن. ق: ۲. ل. ۳. و. ل. ن. آ) ۲۲- ل: رها گشته از شاه: ک: نوا گشته از شاه؛ (ل. ن. آ: رها گشته از مرگ)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- ک (نیز پ. و): برو ۲۴- ک (نیز آ): دل هرگز ۲۵- ک (نیز ق: ۲. پ. و): آرزو؛ ق: این بیت را ندارد ۲۶- ل (نیز ل. ن. پ. و): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری (۸۸۲-۸۸۷): و لکن لایبغی أن یقف ولدی طینوش علی أنک محبٌ لاسکندر او ناصح له أو قریب منه. و انصرف الآن مسرور القلب منشرح الصدر آمن النفس. فانصرف الاسکندر ۲۷- (ل. ن. آ: خوان بایسته؛ ل: ۲: خوان بیارسته) ۲۸- ل (نیز ل. ن. آ): رسته: (ق: ۲. ب: بسته)؛ متن = یازده دستنویس دیگر

به زراندرون چند گونه گهر
 دو فرزند بایسته^۲ در پیش اوی
 نهاده به گفتار قیدافه گوش
 که ای شاه نیک اختر دادگر،
 شود شاد و خشنود با رهنمون
 ور از^۸ دشمنان نیز شماردش
 برآنم که روشن روان^{۱۱} من اوست!
 که او را^{۱۱} بزرگی به افزون^{۱۲} کنم
 که پیدا کن اکنون^{۱۴} نهان از نهفت!
 چه رانی^{۱۷} تو از شاه و دستور کیست^{۱۸}؟
 بنزد تو شد بودن من دراز
 و گر دیر مانی، بیارم سپاه،
 نه روز^{۲۱} و نه شاهی نه فر و نه بخت^{۲۲}!
 بگردار باد دمان بردمید^{۲۳}،
 ترا بخرد^{۲۵} از مردمان نشمرد!
 بر شاه منشین^{۲۷} و منمای^{۲۸} دست!
 نگویی مرا خود که شاه تو کیست!
 سرت کندی چون ترنجی ز بار!

سر خانه را پیکر از جزع^۱ و زر
 به پیش اندرون^۲ دسته‌ی مشکبوی
 چو طینوش اسپافکن و قیدروش
 به مادر چنین گفت کهتر^۴ پسر
 چنان کن که از پیش تو بیطقون^۵
 به رهبر^۶ کسی تا^۷ نیازاردش
 که زنده کن پاک جان^۹ من اوست!
 بدو گفت مادر که ایدون کنم
 به اسکندر آن^{۱۳} نامور شاه گفت
 چه خواهی^{۱۵} و رای^{۱۶} سکندر به چیست؟
 سکندر بدو گفت کای سرفراز
 مرا گفت: رو^{۱۹} باز مرزش بخواه!
 نمانم بدو^{۲۰} کشور و تاج و تخت!
 چو طینوش گفت سکندر شنید
 بدو گفت کای ناکس بی خرد^{۲۴}
 ندانی^{۲۶} که پیش که داری نشست؟
 سرت پر ز تیزی و گندآور است
 اگر نیستی فرّ این نامدار

۱- (ل. ۲، آ. عا) ۲- ک: به پیش یکی ۳- س-س ۴- (نیز لی، پ-ب): شایسته؛ متن = ل (نیز لن، ق. ۲، ل. ۴) ل: مهتر؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۵- (نیز ق. ۲): بیقطن، متن = سیزده دستویس دیگر ۶- (ل. ۳: به گیتی) ۷- (ق. ۲: نیز) ۸- س-س ۹- (نیز لن، لی، ل. ۳، لن. ۲، آ. ب): وزان؛ (و: از آن)؛ متن = ل (نیز ق. ۲، پ) ۹- ک (نیز ق. ۲، ل. ۳، لن. ۲): جان پاک؛ (و: شادجان)؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۰- س-س ۱۰- (نیز لن، پ، لن. ۲، آ. ب): جهان؛ متن = ل (نیز و) ۱۱- (و: با او) ۱۲- ل (نیز لن): بر افزون؛ (لی: با فسون)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۳- ل (نیز و): <آن>؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۴- س-س ۱۴- (نیز لی، آ): اکنون برآور؛ (ل. ۳، ب: اکنون بیار)؛ بنداری: و لما کان من الغد ركب الى الخدمة فدخل علیها فی مجلس من العاج منجد بألوان الجواهر، و عندها ولداها طینوش و فیذروش. و لما قعد فی مکانه سابلته و قالت له: اکشف لنا عن سرک، و أخبرنا بما یرید منا الاسکندر ۱۵- (ل. ۳: خواهد) ۱۶- ل، ک: راه؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۷- س، ک، ل، آ. س ۱۸- (نیز لن، ل. ۲، آ. ب): دانی؛ ق: گویی؛ (ق. ۲: داری)؛ متن = ل (نیز لی، پ، و) ۱۸- ل (نیز و): چیست (!)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۹- س، ق، ل، آ. س ۲۰- (نیز لن، ق. ۲، لی، پ، و، آ. ب): شو؛ متن = ل، ک (نیز ل. ۳، لن. ۲) ۲۰- ق، ل، آ. س ۲۱- (نیز ق. ۲، آ. ب): برو؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۱- ل، ک، ل، آ. س ۲۲- (نیز لن، آ. ب): زور؛ س: گنج؛ متن = ۲۲- ل، ک، ل، آ. س ۲۳- بخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ (لن. ۲: و فیروز بخت؛ ل. ۳: نه فر و نه شاهی، نه اورند و بخت؛ و: نه فر و نه دیهیم و نه نیک بخت)؛ متن = ق (نیز لن، ق. ۲، لی، پ، آ)؛ بنداری: فقال: أيتها الملكة! قد طال مقامی عندک. والذی أمرنی به الاسکندر أن أدعوك الى طاعته و التزام الخراج له، وإن لم تفعلی ذلك رجعت و أناک بجنوده التي لا قبل لک بها ۲۳- آ این بیت را ندارد ۲۴- س، ق (نیز لی): کم خرد؛ ل. ۳: بد خرد ۲۵- ل، ک (نیز لن، ق. ۲، ل، و، لن. ۲): مردم؛ متن = س، ق، ل، آ. س ۲۶- (نیز لی، پ، ب): آ این بیت را ندارد ۲۶- ل. ۳: ندانم) ۲۷- س، ل، آ (نیز ل. ۳): بنشین ۲۸- (و: بگشای)؛ لی پس از این بیت افزوده است:

نیارم شدن در میان سپاه

فرستاده گوید که من نزد شاه

- ۹۱۰ هم امشب^۱ سرت را من از درد^۲ فور^۳
یکی بانگ برزد بر او مادرش
به طینوش گفت: این نه گفتارِ اوست
بفرمود کو را به بیرون برید^۸
چنین گفت پس با^{۱۱} سکندر به راز
۹۱۵ نباید که اندر نهان^{۱۲} چاره‌یی
تو دانش‌پزوهی و داری خرد
سکندر بدو گفت کین نیست^{۱۳} راست
جهاندار فرزند را بازخواند
سکندر بدو گفت کای نامدار^{۱۶}
۹۲۰ من از تو بدین کین نگیرم همی
مرا این نژندی از^{۱۸} اسکندرست
بدین‌سان فرستد مرا نزد^{۲۰} شاه
بدان تا هر آن بد که خواهد رسید
وُرا من بدین روز^{۲۳} پاسخ دهم
۹۲۵ اگر دست او من بگیرم به دست،
بر آن‌سان که با او^{۲۵} نباشد^{۲۶} سپاه،
- به لشکر نمایم، ز تن کرده دور^۴!
که آسیمه برگشت^۵ جنگی سرش
بر آن در^۶ که او را فرستاد پوست^۷!
ز پیش نشستم^۹ به هامون برید^۸!
که طینوش بی‌دانش دیوساز^{۱۱}،
بسازد گزند و پتیاره‌یی،
نگه کن بدین تا چه اندر خورد!
چو^{۱۴} طینوش را بازخوانی رواست
بر آن نامورزیرگاهش^{۱۵} نشاند
اگر کام دل جویی^{۱۷}، آرام دارا
سخن هر چه گویی پذیرم همی
کجا شاد با تخت و^{۱۹} با افسرست
که از نامورمهری^{۲۱} باز خواه!
برو، بر^{۲۲} من آید ز دشمن پدید
یکی شاه را رای فرخ نهم!
بدست^{۲۴} تو آرم به جای نشست،
نه شمشیر بینی، نه تخت و کلاه،

۱-ل: هم‌اکنون؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-س: فر؛ (لن: دست) ۳-س ۲ (نیز و): ز تن کرده دور ۴-س ۲ (نیز و): من از درد فور؛ بنداری: فلما سمع ذلك طینوش استشاط و التهاب کائنار المحرقة، و قال: کأنک أیها اللئیم الجاهل لاندري عند من تکلم. و لا أشک فی خفة رأسک و امتلائه من العجب. أما تقول من صاحبک، و بماذا يعرف بین الملوک؟ و لولا روعة هذه الحضرة لقطعت رأسک کأترجة تقطف من شجرة ۵-ل ۲ (نیز لی، ل ۲، ل ۲): ترگشت ۶-ل ۲ (نیز ب): درد ۷-ب: دوست؛ س (نیز لن): فرستاده اوست؛ ل ۳: بدان دید کو را فرستاد اوست؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-ل (نیز لن ۲): برند؛ ب: کنید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-ل: نشست؛ (لی، لن ۲، نشستن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ل (نیز ل ۳، آ): با او؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-س، ل ۲ (نیز لن-ل ۳): دیرساز؛ (آ: دیوتاز)؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز ب، و، لن ۲، ب) ۱۲-ک (نیز لی): جهان ۱۳-س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، لی، ب، لن ۲، آ، ب): کاینست؛ متن = ل (نیز ق ۲، ل ۲، و) ۱۴-س، ق، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲-ب): تو؛ متن = ل، ک (نیز لی): ل این بیت را ندارد ۱۵-س، ق، س ۲ (نیز لی، آ، ب): پیشگاهش؛ (ق ۲، ل ۲، ب): بازگاهش؛ متن = ل، ک (نیز لن، و، لن ۲)؛ بنداری: فصاحت علیه‌امه و أمرت یاخراجہ. و قالت: هل هو إلا رسول بلغ ما حمل؟ و من سمع بر رسول قتل؟ ثم لما خرج ابنها قالت: إن هذا صبی نزق، و أخاف أن یصیک منه مکروه. و أنت أعقل الناس فأشر علی برأیک فیه. قال: فردیه الی خدمتک. فأمرت برده الی الحضرة ۱۶-ل، ک (نیز لن، ل ۲، و، لن ۲، آ): کامگار؛ متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ب، ب) ۱۷-ل (نیز لی، و): خواهی؛ ک (نیز لن، ق ۲): یایی؛ (ل ۳: دادی؛ لن ۲: داری)؛ متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ب، آ، ب) ۱۸-ل، ق (نیز لن، ل ۲-آ): ز؛ س: به؛ ک: که؛ متن = ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ب) ۱۹-ل: تاج و؛ ق، ل ۲ (نیز لن، ب): بر تخت؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز ق ۲-آ) ۲۰-ک: بدینم فرستاد نزدیک؛ (ب: بدین سان فرستاده‌ام من ز) ۲۱-ق: پیش هر مهری؛ ل ۲: رواز چنان مهری؛ آ: ای نامورمهر؛ ب: مهری نامور) ۲۲-ل (۲، ب، و: بروی) ۲۳-ل (نیز لن، ق ۲، ل ۲-آ): زود؛ ک: خوب؛ متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لی، ب) ۲۴-ل، ک (نیز لن، ق ۲، ل ۲-ل ۲): بنزد؛ (آ: به پیش)؛ متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لی، ب) ۲۵-ک (نیز ب): وی ۲۶-ل: بینی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

چه^۲ پسندی این^۳ نیکخواهی مرا؟
 شنیدم^۴، نباید که گردد کهن!
 بکوشی و پاکیزه‌رای آوری،
 از^۹ اسپان و مردان خسروپرست،
 تو باشی جهانگیر^{۱۰} و نیکی‌شناس!
 بدین^{۱۱} مرز گنجور باشی^{۱۲} مرا!
 برین^{۱۵} عهد بگرفت دستش به دست
 برین^{۱۶} جادوی بر^{۱۷} چه افسون کنی؟
 تو باید که با من بیایی به راه،
 همه نامدار از در کارزار
 نشانم ترا در کمین‌گاه شاه^{۱۸}
 بینم روان بداندیش اوی^{۱۹}
 کزین^{۲۱} پس نیندیشی از چیز نیز
 نیارم شدن در میان سپاه
 شود پیش^{۲۳} طینوش با بخردان^{۲۲}
 ز هرگونه‌یی^{۲۶} گنج آراسته
 اگر بازگردد، گشاده‌ست راه

چه بخشی تو زین^۱ پادشاهی مرا؟
 چو بشنید طینوش گفت: این سخن
 گر این را^۵ که گفتمی به جای^۶ آوری،
 ۹۳۰ من از گنج و از^۷ بدره و^۸ هر چه هست
 ترا بخشم و نیز دارم سپاس
 یکی پاک‌دستور باشی مرا!
 سکندر برآمد^{۱۳} ز^{۱۴} جای نشست
 بپرسید طینوش کین چون کنی؟
 ۹۳۵ بدو گفت: چون بازگردم ز شاه
 ز لشکر بیاری سواری هزار
 به جایی یکی بیشه دیدم به راه
 شوم من ز پیش تو در پیش اوی^{۱۹}
 بگویم که چندین^{۲۰} فرستاد چیز
 ۹۴۰ فرستاده گوید که من نزد شاه
 اگر شاه بیند که با موبدان^{۲۲}
 چو بیندش، بپذیرد^{۲۴} این^{۲۵} خواسته
 بیاید^{۲۷} چو بیند ترا بی‌سپاه

۱-س: از؛ (ق. آ. لی. و: بخشی ازین) متن = بازده دستویس دیگر ۲-ل. ق-س^۲ (نیز ق. آ. لن. آ. ب): چو؛ متن = س (نیز لن. لی. و)؛
 بنداری: فلما عاد تملق له الرسول و قیل رأی الاسکندر، و سفه عقله فی إنفاذه إلى تلك الحضرة بمثل تلك الرسالة. و أظهر بغضه له و
 کراهته لأمره. ثم قال له: إن أخذت بيد الاسکندر و أضعها فی يدک أعزل فرد الیس معه سلاح و لا عسکر فأی شیء یكون لی عندک؟
 ۳-س، ق. ل. آ. س^۲ (نیز لن. لی. و. آ. ب): از؛ ک: او؛ متن = ل (نیز ق. آ. لن. آ) ۴-ل. آ: شنیده) ۵-ق، س^۲ (نیز ب): مرا این ۶-ل: جا؛ متن =
 چهارده دستویس دیگر ۷-ل. ق. ل. آ. س^۲ (نیز لن. ق. آ. ل. لن. آ. آ): وز؛ متن = (لی. پ. و. ب) ۸-س: بدره ام؛ (و: پرده و)؛ ک: ورزیده و؛
 متن = دوازده دستویس دیگر ۹-ل. س، ق. ل. آ. س^۲ (نیز لن. لی. ب): ز؛ متن = ک (نیز ق. آ) ۱۰-س، ق. ل. آ. س^۲ (نیز ق. آ. ل. آ. ب):
 جهاندار؛ متن = ل، ک (نیز لن. لی. پ. و. لن. آ) ۱۱-س، ل. آ. س^۲ (نیز ق. آ. آ. ب): برین؛ ق: درین؛ متن = ل، ک (نیز لن. ل. آ. لن. آ) ۱۲-ل: (لی: چه
 پسندی از نیک‌خواهی)؛ بنداری: فانخدع بما قال و سز به و قال: إن وفیت بذلک جعلتک علی جمیع عساکر الغرب أمیراً و اتخذتک دستوراً
 ۱۳-ل (نیز ق. آ. لن. آ): بیامد؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۴-س (نیز ل. آ): به ۱۵-ک (نیز لن. لی. ل. آ. لن. آ. ب): بدین ۱۶-ل، ک (نیز لی،
 ل. آ. پ. و): بدین؛ متن = س، ق. ل. آ. س^۲ (نیز لن. ق. آ. لن. آ. آ. ب) ۱۷-ق (آ: جادوی ها) ۱۸-ل (نیز ق. آ > ب): با سپاه؛ متن =
 دوازده دستویس دیگر ۱۹-ل، س، ق. ل. آ. س^۲ (نیز ق. آ. آ. ب): او؛ متن = ک، س (آ: (نیز لن. لی. ل. آ. لن. آ)؛ س: آساوند ندارد ۲۰-ق-س (نیز
 لن. ب): چندان؛ متن = ل، س ۲۱-ل، ک (نیز لن. ل. آ. ب): کز آن؛ متن = ده دستویس دیگر؛ بنداری: ثم قال له: و کیف تقدر علی ذلک؟
 فقال: تنتخب ألف فارس من شجعان أصحابک، و تأتي معی، و معک مال کثیر و تحف فاخرة ۲۲-س، ق. ل. آ. س^۲ (نیز لی، آ. ب):
 خردان-موبدان؛ متن = ل، ک (نیز لن. ق. آ. ل. لن. آ) ۲۳-ل: نزد؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۴-ل (آ: بینش پذیری) ۲۵-س-س^۲
 نیز لن، لی، ل. آ. لن. آ. ب): آن؛ (ق: آ: بپذیردش)؛ متن = ل (نیز آ) ۲۶-ل (آ: گوهری) ۲۷-ل: بیند؛ س، ل. آ. س^۲ (نیز آ. ب): نباید؛ (لی:
 خراهد)؛ متن = ک (نیز لن. ق. آ. ل. لن. آ)؛ ق این بیت را ندارد

چُن^۱ او بشنود چرب^۲ گفتارِ من
 ۹۴۵ بیاید بدان^۶ سایه زیرِ درخت
 تو جنگی سپه گردِ او اندر^۷ آر
 مکافاتِ من باشد و کام^{۱۰} تو
 چُن^{۱۳} او را گرفتی، من آنِ توام
 رونده بود آنگهی^{۱۴} کار من
 ۹۵۰ که آری تو زیدر^{۱۵} بسی خواسته
 چو طینوش بشنید، از آن^{۱۷} شاد گشت^{۱۸}
 چنین داد پاسخ که دارم امید
 به دام من آویزد او^{۲۲} ناگهان
 چو دارایِ داراب و گردانِ سند
 ۹۵۵ چو قیدافه گفتِ سکندر شنید
 بخندید از آن^{۲۵} چاره در زیر لب
 سکندر بیامد ز نزدیک^{۲۹} اوی^{۳۰}
 همی چاره جُست آن شبِ دیرباز
 برافراخت^{۳۴} آن گرد^{۳۵} زرین درفش
 ۹۶۰ سکندر بیامد بنزدیک شاه

نه اندیشد از رنگ^۳ و بازار^۵ من
 ز گنجور می خواهد و تاج و تخت
 برآسای^۸ از گردش روزگار^۹
 نجوید کسی زان پس^{۱۱} آرام^{۱۲} تو
 چو فرماییم، پاسبان توام
 برافروخته تیز، بازار من،
 پرستنده و اسپ^{۱۶} آراسته
 بسان یکی سرو آزاد گشت^{۱۸}
 که گردد^{۱۹} برو^{۲۰} تیره روز^{۲۱} سپید
 به خونها^{۲۳} که او ریخت اندر جهان
 چو فور دلیر آن سرافراز^{۲۴} هند
 به چشم دلش چاره‌ی او بدید،
 دو بُسَد^{۲۶} نهان^{۲۷} کرد^{۲۸} زیر قصب
 پراندیشه بُد^{۳۱} رای^{۳۲} باریک اوی^{۳۰}
 چو خورشید بنمود چینی^{۳۳} طراز،
 نگونسار شد پرنیانی^{۳۶} بنفش،
 پرستنده برخاست از بارگاه،

۱-ل، س، ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، ل^۲، ل^۲)؛ چو؛ متن = ق، ک، س^۲ (نیز ل^۲، پ، و، آ، ب) ۲-ل، س، ک، ل^۲؛ خوب؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۳-س: مکر؛ س^۲؛ رنج؛ (پ: بند) ۴-ل: برافراخته تیز ۵-آ: گفتار؛ ل^۲: رنج تیمار) ۶-ل: بر آن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر
 ۷-س: وی اندر؛ (ل^۲: از دور و اندر)؛ ل، س، آ: سپاهی به گردش در؛ متن = ک (نیز ل^۲، ق^۲، ل^۲، ل^۲) ۸-ل: برآساید؛ س، ک، س^۲ (نیز ل^۲، و، ل^۲)؛ برآسایی؛ متن = (ل^۲، ق^۲، ل^۲، ل^۲) (پ) ۹-ل، ل^۲، ل^۲؛ (پ: کارزار)؛ ق، ل^۲، آ، ب این بیت را ندارند ۱۰-ل، س: کار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۱۱-ق^۲؛ از آن پس کس؛ ل^۲: از آنکه پس) ۱۲-ل: نیندیشد از رنگ و بازار تو؛ (و: برآید به نیک‌اختری نام)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فأتقدمک الیه وأعلمه بمجینک وأحمله علی أن یرکب فی جماعة من فلاسفته الی استقبالک. فخرج الیه من المکمن فتأخذہ وتری فیہ رأیک ۱۳-س، ق، ل^۲؛ چو؛ متن = س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، ب)؛ ل، ک، ق^۲ این بیت را ندارند ۱۴-س^۲ (نیز ل^۲، ب)؛ بدانگه بود؛ (ل^۲: بنزد تو گر)؛ متن = س، ق، ک، ل^۲ (نیز ق^۲)؛ ل این بیت را ندارد ۱۵-ل^۲، ق^۲، ل^۲، و: ایدر)؛ ل: گه آید به دست؛ ک: بیاری ز ایدر؛ (پ: که یابی تو ز ایدر؛ ب: بیاری تو زیدر)؛ متن = س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲) (آ، ب)؛ ل^۲: غلام و کنیزان) ۱۷-ل، ل^۲ (نیز ل^۲)؛ زان؛ س، ق، ک (نیز ق^۲، ل^۲، ل^۲)؛ (ب: از او؛ س^۲: آن؛ ل^۲: زو)؛ متن = (آ) ۱۸-ل: شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۹-ل: گیرد ۲۰-ل (نیز ل^۲)؛ بدو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ل: روزم؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-ل: (و: من او را به دام آورم) ۲۳-ل: خونی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴-ل^۲؛ (ل^۲: سپهدار و؛ و: سواران) ۲۵-ل (نیز ل^۲، ل^۲)؛ زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-ل^۲؛ (ل^۲: پسته؛ آ: بستد) ۲۷-ل^۲؛ (آ: ننگ کرد) ۲۸-ل^۲؛ (ل^۲: کرده) ۲۹-ل، ک، ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲)؛ بنزدیک؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ل، س، ق (نیز ل^۲، ل^۲)، آ، ب؛ او؛ متن = ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، ق^۲، ل^۲، پ، و) ۳۱-س (نیز ل^۲)؛ شد ۳۲-ل، ق، ک، س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، و، آ، ب)؛ جان؛ متن = س، ل^۲ (نیز پ، ل^۲)؛ بنداری: فجعلت قیدافه تعجب من حبله، و تعض علی شفتها و تبسم. فتصافقوا علی ذلک و خرج الاسکندر الی منزله ۳۳-س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، آ، ب)؛ سیمین؛ متن = ل، ک (نیز ل^۲، ق^۲، ل^۲) (آ، ب)؛ برافروخت ۳۵-ل، س، ک (نیز ل^۲، ل^۲)؛ (ل^۲: از کوه؛ ق، ل^۲، س^۲) (نیز آ)؛ از گرد؛ (پ: از خاک)؛ متن = (ل^۲، و) ۳۶-ل^۲؛ (پ: چو گلنار شد روی گیتی)

به رسمی که بودش فرود آورید
 ز بیگانه خانه^۳ پرداختند
 چو قیدافه را دید بر تخت گفت
 به دین مسیحا و فرمان^۵ راست^۶،
 ۹۶۵ به ابرای^۸ و دین و^۹ صلیب^{۱۰} بزرگ،
 به زَنار^{۱۱} شَماَس و روح القدس
 نیند^{۱۳}، نه لشکر فرستم^{۱۴} به جنگ
 نه با پاک فرزند تو بد کنم،
 به جان باز دارم^{۱۶} وفای ترا
 ۹۷۰ برادر بود نیک خواه^{۱۷} مرا
 نگه کرد قیدافه سوگند^{۲۰} اوی^{۲۱}
 همه کاخ کرسی زَرین نهاد
 بزرگان و نیک اختران را بخواند
 از آن^{۲۳} پس گرامی دو فرزند را^{۲۴}
 ۹۷۵ چنین گفت کاندرا سرای سپنج
 نباید کزین گردش روزگار
 سکندر نخواهد شد از گنج^{۲۵} سیر
 همی^{۲۷} رنج ما^{۲۸} خواهد^{۲۹} از بهر گنج

جهانجوی^۱ پیش سپهد چمید^۲
 فرستاده را پیش او تاختند^۴
 که با رای تو مشتری باد جفت!
 به دارنده کو بر زبانم^۷ گواست،
 به جان و سر شهریار سترگ،
 که زین پس مرا خاک در اندلس^{۱۲}،
 نه آمیزم از هر دری نیز رنگ،
 نه فرمان دهم نیز و نه^{۱۵} خود کنم،
 نجویم به چیزی جفای ترا،
 به جای صلیب^{۱۸} است گاهت^{۱۹} مرا!
 یگانه دل و راست^{۲۲} پیوند اوی^{۲۱}،
 به پیشاندر آرایش چین نهاد،
 یکایک برآن کرسی زر نشاند
 بیاورد خویشان و پیوند را^{۲۴}
 سزد گر نباشیم چندین به رنج!
 مرا بهره کین آید و کارزار!
 و گر آسمان را سر^{۲۶} آرد به زیر
 همه گنج گیتی نیززد به رنج!-

۱- (ق: جهاندار) ۲- (ن: آ: خمید) ۳- ل: ایوان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴- (ن: ل: آ: و: آ: بشاختند)؛ بنداری: و لما أصبح عاد الى الخدمة فدخل عليها و خلاها ۵- ل: به فرمان؛ (پ: و گفتار؛ لی: میحای فرمان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶- (لی: رواست) ۷- ک: روانم؛ (ل: زبانها) ۸- س: ک، س: ۲ (نیز ل: لی، ن: آ: ب: ح: ی)؛ ق: بدرا (حرف سوم بی نقطه)؛ ل: ۲ (نیز آ: بایران؛ ق: ۲: و: بابرو؛ ل: ۳: برآورد؛ پ: به رسم)؛ متن = ل: ۹- (ن: آ: آن دو) ۱۰- (پ: به آیین دین) ۱۱- ل: زَنار و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- (ل: آ: این اندلس)؛ ل: <و> (نیز ل: ۲)؛ دارند و بس؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- ل: (نیز ل: ۲)؛ ناسم؛ (ل: ۳: نه بینم)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- (ن: فرستد) ۱۵- ق: ل: ۲: س: ۲ (نیز و: ب: نه بدی؛ ک: (نیز ل: ق: یا بدی)؛ ل: ۳: نی بدی)؛ متن = ل: س: (نیز ل: پ: ل: ۲)؛ بنداری: فحلف بالله و روح القدس، قال: و بدین المسیح و الصلیب الأكبر و سائر الأیمان المغلظة أنه بعد ذلك لا یقصد أرض الأندلس لا بنفسه و لا بعسکره و لا یغدر بولدها ۱۶- ل: یاد دارم؛ ق: ل: ۲: س: ۲ (نیز ل: لی، پ: و: آ: ب: باز بندم)؛ (ن: آ: یار دارم)؛ متن = س: ک: (نیز ق: ل: ۳) ۱۷- س: نیک خواه ۱۸- (ل: آ: طیب) ۱۹- س: گاه؛ متن = ل: ک: س: ۲ (نیز ل: ق: ل: ۲: ل: ۳: آ: ب: این بیت را ندارند ۲۰- ل: ۲: فرزند ۲۱- ل: س: ق: ل: ۲ (نیز ق: آ: آ: ب: او؛ متن = ک: س: ۲ (نیز ل: لی، ل: ۲) ۲۲- ک: رای و؛ بنداری: و أن یعاملها بالوفاء و لا یسلک معها طریق الجفاء، و أن یكون لصدیقها صدیقاً و لعدوها عدواً ۲۳- ق: س: ۲ (نیز ل: ل: ۳: و: ب: وزان؛ متن = ل: س: (نیز پ) ۲۴- ل: ۲ (نیز آ: او؛ بنداری: فلما ظهر للملکه صدقه استحضرت اکابر حضرته و أركان دولتها فجلسوا علی کراسی من الذهب و وضعت لهم فی ایوانها. ثم أحضرت ابنها و جمع أقاربها ۲۵- ک: (نیز پ: آ): جنگ ۲۶- ل: (نیز ل: ۲)؛ اندر: ک: آسمان سر در؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- س: (نیز ق: ل: ۳)؛ همه ۲۸- س: جنگ را؛ ق: ل: ۲: س: ۲ (نیز ل: ق: آ: لی، پ: ب: جنگ ما؛ متن = ل: ک: (نیز ل: ۳) ۲۹- ل: جوید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

نه بر پادشاهی کنم کار تنگ
 سرش بر فرازیم^۱ و پندش دهیم
 ببیند^۲ پس از پند^۳، پیوند^۴ من
 که بخشایش آرد برو چرخ و^۵ ماه
 بماند مگر دوستی در میان
 مرا اندرین رای فرخ نهد!
 همی پاسخ پادشا ساختند،
 ندارد کسی چون تو مهتر به یاد!
 خنک شهرکش^{۱۱} چون تو مهتر^{۱۲} بود!
 چه خواهد جزین مردم پارسا؟
 نه ارزد همه گنجها رنج تو!-
 به شمشیر دریا کند^{۱۵} روی بوم^{۱۶}،
 همه چیز جنگی^{۱۷} نیرزد بنیز^{۱۸}!
 نه والا بود مردم کینه جوی^{۲۱}!
 پسندیده و پاک دل موبدان،
 بیاورد با یاره و طوق زر^{۲۳}
 کسی گوهرش را ندانست ارز
 هر آنکس که دارد جز او ناسزاست^{۲۴}
 ز فرزند پرمایه بگزیدمش^{۲۵}

بر آنم که با او نسازیم جنگ
 یکی پاسخ پندمندش دهیم ۹۸۰
 اگر جنگ جوید پس از پند من
 از آنسان^۵ شوم پیش او با سپاه
 ازین آزمایش ندارد زیان
 چه گوید و این را چه پاسخ دهید؟
 همه مهتران^۷ سر برافراختند ۹۸۵
 بگفتند کای خسرو^۸ داد و راد^۹
 نگویی مگر^{۱۰} آن که بهتر بود
 اگر دوست گردد ترا پادشا
 نه آسیب آید^{۱۳} برین گنج تو
 چن^{۱۴} اسکندری کو بیاید ز روم، ۹۹۰
 همی از درت بازگردد به چیز،
 جز از^{۱۹} آشتی^{۲۰} ما نبینیم روی
 چو بشنید گفتار آن بخردان
 در گنج بگشاد و تاج پدر^{۲۲}
 یکی تاج بُد کاندران شهر و مرز ۹۹۵
 فرستاده را گفت کین بی بهاست
 به تاج مهان چون سزا دیدمش^{۲۵}

۱- (ق: ۲) به پیوند یازیم) ۲- س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق: ۲- پ، آ، ب): نیندیشد؛ ک (نیز و، ل، ن: ۲): نیند؛ متن = ل (نیز ل، ن: ۳- س، ق، ل، ۲، س، ۲) (نیز ق: ۲، ل، >) پ، آ، ب): از پند و ۴- (ل: ۴): جز بند؛ ل: پس از پند من بند؛ بنداری: ثم فاولضتهم و استشارهم فیما جاء به رسول الاسکندر، و ذکرتم لهم ان مصالحته اولی و اجدر. و کف عادیته بالمال احرى و احزم ۵- س (نیز ق: ۲، ل، ۳، پ، ل، ن: ۲): بر آن سان؛ ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، ل، و، آ، ب): بدانسان؛ ک: و گر من؛ متن = ل ۶- ل: < >؛ (ل، ل: ۳: هور و) ۷- (ل: بزرگان همه): ب این بیت را ندارد ۸- ل: سرور؛ (ل: ۲: مهتر): متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، آ، ب): دین و داد؛ ک (نیز ل، ن، ق: ۲): رای و داد؛ متن = ل (نیز ل: ۳- ل، ن: ۲) ۱۰- ل: مرا؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ل، ن: ۲) ۱۱- س: کان؛ (ل: هر که او؛ پ: آن که را) ۱۲- (و: همچو تو سر)؛ ق، ل، ۲، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: فاستصوبوا رایها و استحصفوا عقلها، و دعوا لها بحسن نظرها لهم ۱۳- ک (نیز ل: ۲): یابد؛ (ل: ۲: ماند)؛ س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، آ، ب): نه او دست یابد؛ متن = ل (نیز ل، ن، ق: ۲، و)؛ پ این بیت را ندارد ۱۴- ل- س، ۲ (نیز ل، ن، ل، ن: ۲، آ، ب): چو؛ متن = (آ) ۱۵- (ل: مردی به روز آورد) ۱۶- (ل: ۲: همچو موم) ۱۷- ل: دنی؛ (ق: ۲: گیتی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸- ل، س: پیش؛ (آ: به چیز؛ و، ل، ن: ۲: نیرزد نیز)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- (ل: به جز) ۲۰- ک (نیز ل، ن، ق: ۲، ل، ن: ۲، آ): راستی ۲۱- س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز آ، ب): مرد پر خاشجوی؛ ک (نیز ل، ن، ل، ن: ۲): مردم جنگجوی؛ متن = ل ۲۲- (ل: ۳: بزر (در حاشیه نوشته: و کمر)) ۲۳- (ل: ۲): بیاورد با طوق تاج پدر)؛ ق، ل، ۲، آ، ب این بیت را ندارند ۲۴- ل، ک (نیز ل، ن، ق: ۲، ل، پ، ل، ن: ۲): نارواست؛ (ل: ۳: خرد راه راست)؛ متن = س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز و، آ، ب) ۲۵- س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، ق: ۲، ل، ۲، ل، ن: ۲، آ، ب): بگزیدمت؛ متن = ل، ق (نیز ل، پ، و)؛ بنداری: ثم انفا فتحت ابواب کنوزها، و اخرجت تاج ابیها، و کان مرصعا بجواهر لایعرف قیمتها احد. فقالت للاسکندر: ان هذا لایصلح الالک. و لما رأیتک مستحقا لهذا التاج اثر تک به علی ولدی

بیستی گشایندهی نیکبخت
 به چاره سر شوشه‌ها^۵ تافته^۶
 ندانت کس گوهرش را بها
 همان سرخ‌یاقوت هم^۷ زین شمار
 چو یک^۸ دانه‌ی نار بودی به رنگ
 به سبزی چو قوس قزح، نابسود
 -زنی بود چون^{۱۲} موج دریا به دل^{۱۳}!
 چه دندان، درازیش چون^{۱۵} میل میل
 از آن چارصد پوست بُد بر سری
 همه رنگ و در رنگ همچون^{۱۷} نگار
 که آهو ورا^{۱۹} پیش دیدی ز^{۲۰} تیر
 پرستنده‌ی او همی‌راند^{۲۳} پیش
 همان^{۲۷} تخت‌ها کرده از چوب شیز
 که مهر اندرو گیرد و رنگ زر^{۳۰}
 ز میدان^{۳۲} ببرند با خواسته^{۳۱}

یکی تخت بودش ز^۱ هفتاد لخت
 به پیکر^۲ یک^۳ اندر دگر^۴ بافته
 ۱۰۰۰ سر پای‌ها چون سر اژدها
 ازو چارصد گوهر شاهوار
 دو بودی به مثقال هر یک به سنگ
 زمرّد برو^۹ چارصد پاره^{۱۰} بود
 گشاده، شتروار^{۱۱} بودی چهل
 ۱۰۰۵ دگر چارصد تایی^{۱۴} دندان پیل
 پلنگی که خوانی همی بربری
 ز چرم گوزن^{۱۶} ملّمع هزار
 دگر صد سگ روزه^{۱۸} نخچیرگیر
 بیاورد از آن^{۲۱} پس دو صد^{۲۲} گاومیش
 ۱۰۱۰ ز دیا و^{۲۴} خز هشتصد^{۲۵} تخته^{۲۶} نیز
 دگر چارصد^{۲۸} تخته^{۲۹} از عود تر
 صد اسپ گرانمایه آراسته^{۳۱}

۱-ل.س.۲ (نیز.لن.ق.۲.ل.۲.ل.۲.ل.۲): به:ک:که: متن = س.ق.ل.۲ (نیز.لی.آ.ب) ۲- (ق.آ: به تنگی) ۳- (لی: بُد) ۴- ل.۲ (نیز آ): به یک دیگر
 ۵-س.ق.ل.۲.س.۲ (نیز ب): شفشه‌ها؛ (لی: دسته‌ها): متن = ل.ک (نیز لن.ق.۲.ل.۲.ب. >ها<، و >ها<، لن.۲) ۶- (پ.و: بر تافته؛ آ:
 تخت‌ها بافته) ۷-ل: بُد: متن = چهارده دستویس دیگر ۸-ک: چنان: (ق.آ: یکی) ۹-س.ق.ل.۲.س.۲ (نیز لی.آ.ب): درو: (لن:
 بدو): متن = ل.ک (نیز ل.۲.پ.و.لن.۲) ۱۰- (لن: دانه: لن: پایه): ق.آ این بیت را ندارد ۱۱-ل (نیز لی): بار: ل.آ: چهل وار: متن = س.
 ق.ک.س.۲ (نیز لن.ل.۲.ب.لن.۲.آ.ب) ۱۲-ک (نیز لن.ل.۲): با ۱۳-س: دریای نیل (پساوند ندارد): ق.آ. و این بیت را ندارند ۱۴-س (نیز
 ق.آ.لی): پنج صد پاره: ق.۲.ل.۲.س.۲ (نیز لن.پ.آ.ب): پانصد پاره: ک: چارصد تازه: (ل.۳: دگر باره پانصد ز): متن = ل (نیز و.لن.۲): بنداری:
 و أحضرت تختاً فی سبعین قطعة بعضها یرکب فی البعض عند نصبه، و هو مرصع باللؤلؤ و الیاقوت و الزبرجد یشتمل من کل
 جنس منها علی أربعمائة قطعة و ازنه. و کان حمل أربعین جملاً. و أخرجت أربعمائة قطعة من أنياب الفیلة ۱۵-ل: بد: (لن: آ: درازای
 او): متن = سیزده دستویس دیگر ۱۶- (ل.۳: گوزنان) ۱۷-ل.ک (نیز لن.و): بیرنگ او پر (حرف یکم بی نقطه): (ق.آ: اورنگ او پر: ل.۳: و
 بیرنگ او پر: پ: بر رنگ بد پر: لن: آ: بیرنگ او پر): متن = س.ق.ل.۲.س.۲ (نیز ق.آ.ب): بنداری: و أربعمائة عدد من جلود النمر البربرية،
 و ألف عدد من جلود الأوعال الملمّعة، و من الثیاب ثمانمائة تخت ۱۸-ل.س.۲ (نیز ل.۳.لن.۲): و یوز: س.ق.ل.۲ (نیز آ.ب): تند: (لن:
 روته: ق.آ: زرده: پ: نیک: و: زود): متن = ک ۱۹-ک: و ازو ۲۰-ل: به: ل.آ: چو: (ق.آ: که): متن = دوازده دستویس دیگر: بنداری: و مائة
 کلب سلوقی یسبق السهم المرسل فی الصيد ۲۱- (لن: آ: آنکه) ۲۲-س: صد از ۲۳-س: آ: داشت: (آ.ب: برد): لن.ق.آ. و این بیت را ندارند:
 لی بیت‌های ۱۰۲۵-۱۰۰۹ را ندارد: بنداری: و مائتی جاموس بر عاتقا ۲۴-ل: دیبای ۲۵-ل-س.۲ (نیز لن.ق.آ.ب.لن.۲.آ.ب): چارصد: (و:
 هفت صد: ل.۳: خزها و صد): متن = بنداری: و من أنواع الثیاب ثمانمائة تخت ۲۶-س-س.۲ (نیز ل.۳.پ.لن.۲.آ.ب): تخت: متن = ل (نیز و)
 ۲۷-س-س.۲ (نیز ل.۳.پ): همه: متن = ل: لن.ق.آ این بیت را ندارند ۲۸- (و: هشتصد) ۲۹-س-س.۲ (نیز ق.آ.ب.آ.ب): تخت: متن = ل (نیز
 لن.ل.۳.و.لن.۲): بنداری: و کان بعض التخوت منحوتاً من خشب الشیزی و بعضها منحوتاً من العود الرطب الذی لو طبع بطابع فیه أثره
 ۳۰-س.۲: تر: (ق.آ: اندرو کرد اورنگ زر) ۳۱-س: با خواسته- آراسته ۳۲- (ل.۳: ایوان): و بیت‌های ۱۰۱۲-۱۰۱۳ را ندارد: بنداری: مع مائة
 فرس بالانها

بفرمود^۳ با جوشن کارزار
به گنجور فرمود کاکنون مه‌ایست!
بگوش که شبگیر بر ساز کار

همان تیغ^۱ هندی چو وشی^۲ هزار
همان خود و مغفر هزار و دویست
۱۰۱۵ همه پاک بر بیطقون^۴ بر شمار

چو کافور شد روی چرخ بنفش،
ز درگاه برخاست آوای^۶ کوس
به دستوری بازگشتن^۷ به^۸ جای
از^۹ ایوان به درگاه قیدافه راند
به جان تاره‌ی^{۱۱} چرخ^{۱۲} را پود باش!
همی‌راند تا پیش آن رزمگاه
سکندر که با بخت همراه بود
که آب روان بود و چندی^{۱۵} درخت
چو آسوده گردی^{۱۶} به تن^{۱۷}، جام گیر!
ز هرگونه پاکیزه‌رای^{۱۹} آورم

سپیده چو برزد ز بالا درفش،
زمین تازه شد، کوه چون^۵ سندروس
سکندر به اسپ اندرآورد پای
چو طینوش جنگی سپه برنشاند
۱۰۲۰ به قیدافه گفتند^{۱۰}: پدرود باش!
برین گونه منزل به منزل سپاه
که لشکرگه نامور شاه بود
سکندر برآن^{۱۳} بیشه بنهاد رخت^{۱۴}
به طینوش گفت: ایدر آرام گیر!
۱۰۲۵ شوم، هر چه گفتم^{۱۸} به جای^{۱۹} آورم

سپاهش برفتند یکسر ز جای
کلاه کیانی بییراستند
که دانست کش باز بینند روی؟
یکایک نهادند سر^{۲۴} بر زمین

سکندر بیامد به پرده سرای
ز^{۲۰} شادی خروشیدن آراستند
که^{۲۱} نومید بُد لشکر از^{۲۲} نامجوی
سپه^{۲۳} با زبان‌ها پر از آفرین

۱-ق: تخت ۲-ل، س (نیز لن ۲): و رومی: ق: و وشی: ک: و جوشن: ل ۳: و نیزه: (لن: بزرسی: ق ۴: که بدسی: ل ۳: جوشی: پ: هندی
سی هزار (وزن ندارد): آ: خوشی): متن = س ۲ (نیز ب) ۳-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز آ، ب): ببردند: متن = ل، ک (نیز لن، ق ۲، ل ۳، پ، لن ۲): لی، و
این بیت را ندارند: بنداری: و الف قطعة من السيوف الهندية، و ألف جوشن و مغفر: س در اینجا سرنویس دارد: باز آمدن اسکندر از
پیش قیدافه به لشکرگاه خویش ۴-ل (نیز ق ۲): بیطقون ۵-ل، لن، آ: شد: ق ۴: چرخ شد): ک: تازه ترگشت از: متن = ل، س، ق، ل ۲، س ۲
(نیز ل ۳، پ، و، آ، ب) ۶-س، ق (نیز لن، ق ۲، ل ۳): آواز ۷-ق: بازگشتش ۸-ل ۲، س ۲ (نیز آ): ز: بنداری: ثم أمرت بسلام ذلك كله الى
بيطقون الرسول، و أمرته بالانصراف من الغد. فلما طلع الصبح ركب الاسكندر ۹-س ۲ (نیز لن، پ، و، لن ۲): ز: ل ۳ این بیت را ندارد
۱۰-س: گفتا که: (ل ۳: گفت او که): در ل ۳ بیت‌های ۱۰۲۰-۱۰۳۱ درهم ریخته‌اند ۱۱-ل: یاره: س: یاره و (حرف یکم بی نقطه): (لن: تاره
و: ل ۲، ل ۳: تازه و): متن = ق-س ۲ (نیز ق ۲، و، ب) ۱۲-پ: یاره و تاج) ۱۳-س، ق، ل ۲ (نیز آ، ب): در آن: ک (نیز لن، پ، و): بدان: متن = ل،
س ۲ (نیز ق ۲، ل ۳، لن ۲) ۱۴-س، ل ۲، س ۲ (نیز آ، ب): سخت (حرف یکم بی نقطه): متن = ل، ق، ک (نیز لن، و، لن ۲) ۱۵-ل، س: جای: ق:
چندین: ک (نیز آ): چندان: متن = ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۳، لن ۲، ب): بنداری: و ركب طينوش في فرسانه، و ساروا متوجهين نحو
الاسكندر. و كانوا يحطون و يرحلون الى أن قربوا من المعسكر. و انتهوا الى غيضة كثيرة الماء و الشجر. فأنزل
طينوش ۱۶-س ۲: گیری ۱۷-ل: می و: (ق ۲، ل ۳: به کف): متن = دوازده دستویس دیگر ۱۸-س، ل ۲ (نیز لن، ل ۳، و، لن ۲): گفتی: متن = ل، ق،
ک، س ۲ (نیز ق ۲، پ، آ، ب) ۱۹-ل: <ی>: بنداری: أنا أسبقك الى المعسكر. و أدبر في إنجاز ما سبق به الوعد ۲۰-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن،
ق ۲، ل ۳، ب): به: متن = ل، ک ۲۱-ق: چه ۲۲-ل: <از> ۲۳-س: همه ۲۴-ک: نهادند یک یک سران

از آن نامدارانِ رومی هزار^۱
 برفتند گردان پرخاشجوی
 کشیدند صف با سلیح^۲ نبرد
 همی جنگ^۳ رای^۴ آیدت گر^۵ گریز؟
 پشیمان شد از دانش و رای خویش^۶
 ستایش^۸ گزینی^۹ به از سرزنش!
 نگفتی که از راستی نگذرم؟^{۱۰}
 بزرگی کن و راستی را بکوش!
 چرا سست گشتی بدین مایه کار؟
 نیازارد از من کی زان^{۱۲} تبار!
 نه نیکو بود شاه پیمان‌شکن!
 زمین را ببوسید و زاری نمود
 بر آن^{۱۶} گونه کو گفت پیمان بیست
 من از تو ندارم^{۱۷} به دل هیچ کین
 من اندرندادم به دست تو دست،
 به دست تو اندرندم همچنین
 نه خوب آید از شاه گفتارِ خام!
 به چربی^{۲۱} ترا^{۲۲} داستان‌ها زدم
 که اندر کفت پنجه‌ی شاه بود
 بیارای زیر گل افشان^{۲۳} درخت

۱۰۳۰ ز لشکر گزین کرد پس شهریار
 زره‌دار با گرزهی گاوری
 همه گرد بر گرد آن بیشه مرد
 سکندر خروشید کای مرد تیز
 بلرزید طینوش بر جای خویش
 ۱۰۳۵ بدو گفت کای شاه^۷ برترمنش
 نه این بود پیمانت با مادرم!
 چنان هم که با خویش من قیدروش
 سکندر بدو گفت کای شهریار
 ز من ایمنی، ترس^{۱۱} در دل مدار!
 ۱۰۴۰ نگردم ز پیمان^{۱۳} قیدافه من
 پیاده شد از اسپ^{۱۴} طینوش زود
 جهاندار بگرفت دستش^{۱۵} به دست
 بدو گفت: مندیش و رامش گزین
 چو مادرت بر تخت زرین نشست
 ۱۰۴۵ بگفتم که من دست شاه زمین
 همان^{۱۸} روز پیمان^{۱۹} من شد تمام^{۲۰}
 سکندر منم و آن زمان من بدم
 همان روز قیدافه آگاه بود
 پرستنده را گفت قیصر که تخت

۱-ک این بیت را ندارد؛ بنداری: و سار الی آن وصل الی مخیمه فتلقة الأمراء و الملوك، و استبروا بمقدمه، و قد كانوا أسوامه حين أبطأ عليهم. فانتخب منهم ألف فارس شاکی السلاح ۲-ک (نیز و): سلاح؛ لی بیت‌های ۱۰۳۲-۱۰۴۵ را ندارد ۳-ل: رزم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴-ل (نیز و): یاد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-س-س ۲ (نیز ل: ق ۲، ل ۳-ب): یا؛ متن = ل ۶-س پس از این بیت افزوده است:

بند چاره، ناچار گرمی نمود پشیمان شد از کینه خویش زود

۷-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز آ، ب): مرد؛ متن = ل، ک (نیز ل: ق ۲، ل ۳، ل ۲) ۸-س ۲: سزایش ۹-ل (۳: گزین کن) ۱۰-در ل، س این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ بنداری: و رجع الی تلك الغیضة، و أحدق بمن معه بها. فلما رأى طینوش ذلك ارتعد فزعاً، و عض علی یدیه ندماً. فقال: أیها الشهبان! إنک عاهدت أمی علی غیر ما أری منک ۱۱-ل: بیم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ک: آن؛ (پ: زین) ۱۳-ل (ن، ق ۲، ل ۲: فرمان) ۱۴-ل (نیز ل: ۲): باره؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵-ل (ن، ل: ۲: چنگش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ل (نیز ب): بدان؛ (نیز و): برین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ق (تواز من نداری) ۱۸-ک: کون ۱۹-ق (گفتار) ۲۰-س ۲: ده ز پیرایه باب و مام ۲۱-ل-ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، پ، و): بخوبی؛ متن = س ۲ (نیز ل: ل ۲، آ، ب) ۲۲-ل: بسی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: و قد حلفت أن أضع ید الاسکندر فی یدک. و قد أبررت یعنی حين ضربت یدی علی یدک عند أمک، و قد خرجت عن عهدة القسم فی ذلك الیوم. وأنا الاسکندر و الرسول معا ۲۳-ل: گلستان)

۱۰۵۰ بفرمود تا خوان بیاراستند
 بفرمود پس^۲ خلعت^۳ خسروی
 ببخشید یارانش را سیم و زر
 به طینوش فرمود کایدر مه‌ایست^۵
 به قیدافه گوی^۷: ای هشیوارزن
 ۱۰۵۵ بدارم^۹ وفای تو تا زنده‌ام
 نوازنده‌ی^۱ رود و می خواستند
 ز رومی و چینی و از^۴ پهلوی،
 که را درخور آمد، کلاه و کمر
 که این بیشه دورست و راه تو نیست^۶!
 جهاندار و بینادل و رای‌زن^۸،
 روان را به مهر تو آگنده‌ام!

گفتار اندر رفتن سکندر به شهر برهمنان^{۱۰}

۱۰۶۰ نبشتند^{۱۲} پس نامه‌ی بخردان
 سر نامه بود آفرین مهان^{۱۴}
 که پیروزگر باد همواره شاه
 دگر گفت کای شهریار سترگ
 چه داری بدین مرز بی‌ارز رای^{۲۰}؟
 ۱۰۶۵ گر این آمدنت از پی خواسته‌ست،
 بر ما شکیبایی و دانش‌ست
 دمان^{۱۱} تا به شهر برهمن رسید
 بپرسد ز پرهیزگاران سخن
 که آورد زان روی، لشکر به راه،
 شدند اندر آن آگهی همگروه
 بنزد سکندر، سر^{۱۳} موبدان
 ز دارنده^{۱۵} بر شهریار جهان^{۱۶}،
 بدافزایش و^{۱۷} دانش و دستگاه^{۱۸}!
 ترا داد یزدان^{۱۹} جهان بزرگ،
 نشست پرستندگان^{۲۰} خدای^{۲۱}
 خرد بی‌گمان نزد تو^{۲۱} کاسته‌ست!
 ز دانش روان‌ها پر از رامش‌ست!

۱- (لی: پرستنده) ۲- ل: تا؛ س: بسی دادش از؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- ک: (نیز پ، لی): خلعتی ۴- ل: ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۳، و): ز؛ متن = س: ک (نیز هفت دستنویس دیگر) ۵- ک: بایست ۶- س: (نیز لی): راهش یکیست (?) ۷- ل: (نیز لی، ل: ۳): <ی> ۸- (و): کمر بستم در وفای تو من) ۹- ک: بدارم؛ ل: ۳ پس ازین بیت افزوده است:

جو طینوش را شاه بدرود کرد بیامد بنزدیک لشکر چو گرد

بنداری: و علمت الملكة بذلك و لم يخف عليها. ثم جلس تحت تلك الأشجار و أمر بترتيب المجلس. و مدوا السماط و طعموا و شربوا. ثم خلع عليه خلعة خسروانية تليق به، و أعطى أصحابه عطايا كثيرة و خلع عليهم خلعاً رائقة، و صرفه الى أمه ۱۰- ل: سخن گفتن برهمن با سکندر رومی؛ س: رفتن سکندر به شهر برهمنان و سوال کردن او؛ ق: رسیدن سکندر به شهر برهمنان و بحث او با ایشان؛ ک، س: ۲: رفتن اسکندر (س: ۲: سکندر) به شهر برهمن (س: ۲: برهمنان)؛ ل: ۲: رسیدن اسکندر به شهر برهمنان؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: ذکر تطواف الاسکندر فی أقطار العالم و ما رأی فیها من العجائب ۱۱- ک: دوان؛ بنداری: قال صاحب الكتاب: ثم إن الاسکندر سار فی عساکره الى أن وصل الى مدينة البراهمة ۱۲- ل: (نیز ق: ۲، ل: ۳، و): نوشتند؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- س: (نیز لی، پ): شه ۱۴- ل: ۲، ل: ۲، س: ۲ (نیز پ، ل: ۲): نهان؛ س: ک (نیز ل: ۲): بهان؛ (ل: ۳: خدای)؛ متن = ق (نیز ق: ۲، لی، و، آ، ب) ۱۵- ل: (نیز ل: ۲): داننده؛ (و: دادار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶- (ل: ۳: شاه کشورگشای) ۱۷- ل: س، ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: لی، ب): به افزایش و؛ ک: بر افزایش و؛ (ق: ۲: ابا فر و با)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- (ل: ۳: پیشگاه) ۱۹- س: ایزد ۲۰- ل: را- خدا ۲۱- (ل: ۲: ق: از دلت؛ ل: ۳: بر تو بر)

شکیبایی از ما شاید ستد
نبینی جز از برهنه^۲ یک رمه
اگر بودن ایدر دراز آیدت
نه کس را ز دانش رسد نیز بد^۱!
پراگنده از روزگارِ دمه
به تخم گیاهها نیاز آیدت

۱۰۷۰ فرستاده آمد بر شهریار
سکندر فرستاده و نامه دید
سپه را سراسر^۳ همانجا بماند^۴
پرستنده آگه شد از کار شاه
ببردند بی مایه چیزی که بود
۱۰۷۵ یکایک همی^۶ خواندند^۷ آفرین
سکندر چو روی برهنه بدید،
دوان و برهنه تن و پای و سر
ز برگ گیا پوشش، از تخم^{۱۳} خورد
خور و خواب^{۱۵} و آرام بر^{۱۶} دشت^{۱۷} و کوه
۱۰۸۰ همه^{۱۸} خوردنی شان بر^{۱۹} میوه دار
إزار یکی چرم^{۲۱} نخچیر بود
سکندر پیرسیدش^{۲۵} از^{۲۶} خواب و خورد
ز بیخ گیا بر میانش إزار
بی آزاری و راستی برگزید
خود و فیلسوفان رومی براند
پذیره شدندش یکایک به راه
که نه گنج شان بُد^۵ نه کِشت و درود
بر آن برمنش^۸ شهریار زمین
از آن^۹ گونه^{۱۰} آواز^{۱۱} ایشان شنید،
تنان^{۱۲} بی بر و جان ز دانش به بر،
برآسوده از بزم^{۱۴} و روزِ نبرد،
برهنه به هر جای گشته گروه،
ز تخم گیا رُسته بر کوهسار^{۲۰}،
گیاه^{۲۲} خوردن و پوشش^{۲۳} آذیر^{۲۴} بود،
از آرایش^{۲۷} روز^{۲۸} ننگ و نبرد

۱-س: به سر بد رسد؛ ق^۲ بیت های ۱۰۶۷-۱۰۶۸ را ندارد؛ بنداری: فلما علموا بوصوله خالصوا نجيا، واجتمع رأيهم على أن كتبوا اليه كتابا يقولون فيه: أيها الملك: ماذا تريد من مدينة سكانها عباد الله؟ فإن كنت تريد منهم المال فما أنقص عقلك. و هم قوم ليس عندهم سوى الصبر والعلم. وذلك مما لا يسلبونه ۲- (آ: پر هنر) ۳- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ب): سراسر سپه را؛ متن = ل، ک (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴- (لن: آ: همه بر نشانند): بنداری: و لو أقت هاهنا لاحتجت أن تأكل الحشيش كما يأكلون. و كان الواصل بهذا الكتاب الى الاسكندر رجلاً حافياً حاسراً ملتحفاً بإزار منسوج من الحشيش. فلما قرأ الكتاب ترك العسكر في مكانه، وركب في جماعة من فلاسفته، و صار اليهم الى مدينتهم ۵- ل: گنج بُدشان: ک: گنج بود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶- (نیز ل: آ): برو: (لن، ق، ل، آ: همه)؛ متن = س-س-س^۲ (نیز لی، پ، و، ب) ۷- ک: خواندی ۸- (پ، و، ل، آ، ب: برمنش) ۹- ل: بران: س-س-س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، آ: ب): وزان: متن = (ق، آ، لن، آ، و) ۱۰- س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): کوه: متن = ل، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ) ۱۱- ق: آوای؛ (و: گفتار) ۱۲- ل، آ: میان ۱۳- س (نیز آ): و تخم و؛ ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ب): و تخم: ک: و تخت و؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ-لن، آ) ۱۴- ل: رزم؛ (آ: آسایش): متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- (پ: خفت) ۱۶- ق-س-س^۲ (نیز لن-و، ب): در؛ متن = ل (نیز لن، آ) ۱۷- س: دادست؛ آیت های ۱۰۷۹-۱۰۸۲ را ندارد ۱۸- ک: همی ۱۹- س: بر از ۲۰- (ل: آ: جویبار) ۲۱- (ل: آ: پوست): س، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ب): سراسر همه دشت؛ (لن: آ: از این هایکی تخم): متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، پ، و): بنداری: فاستقبلوه وأحضروه من قوتهم الذي كانوا يزجون به وقتهم، و دعوا له وأثوا عليه. فأهم قوماً حفاة عراة قد ستروا عوراتهم بأزور من الحشيش، و رأى فيهم عابداً قد أنثر بجلده غزال ۲۲- (پ، و: که از) ۲۳- ل: پوشش و خوردن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق: آ این بیت را ندارند ۲۴- (ق، آ، لی: حیر: از زیر: ل: آ: از برگ) ۲۵- س-س-س^۲ (نیز لن-لن، آ، ب): پیرسید؛ متن = ل: آ این بیت را ندارد ۲۶- س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ-لن، آ، ب): کز: متن = ل، ق (نیز لی) ۲۷- ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن-لن، آ، ب): آسایش؛ متن = ل، س، ق ۲۸- (ق: آ: بزم و؛ پ: و گرد؛ آ این بیت را ندارد؛ س، ک، لن، لی، ل، آ، پ، لن: آ پس از این بیت افزوده اند:

ز خوشی به گیتی چه دارید بهر
ز گردون جزین نیست تریاک و زهر

کس از ما نگوید به ننگ^۱ و نبرد
 همه بی‌نیازیم و از^۳ خوردنی
 نباید که نازده^۵ به پوشش بسی!
 همه جای ترس است و تیمار و باک!
 به ره^۷ دیده‌بان^۸ تا کی آید زمان
 که آن^{۱۱} چیز کوشش^{۱۲} نیرزد بنیز^{۱۳}
 ازو بازماند بد و^{۱۶} تاج^{۱۷} و گنج^{۱۸}
 به خاک اندرآید سر و گاه اوی^{۲۰}
 فزون آشکارا بود، گر^{۲۱} نهان؟
 کز آن^{۲۴} پس نیازش نباید به چیز؟
 تو گر^{۲۵} مرده را بشمری صد هزار،
 خنک آنکه در دوزخ افکنده نیست!
 یکی^{۲۷} رفت و نوبت به دیگر سپرد
 که تابد^{۳۰} بروبر همی^{۳۱} آفتاب؟
 که هم آب را خاک دارد نگاه
 به بوم^{۳۴} زمین بر گنه‌کار کیست؟
 ندانند^{۳۸} کاندر^{۳۹} جهان بر چی‌ند^{۴۰}

خرمند گفت: ای جهانگیرمرد
 ز پوشیدنی و^۲ ز گسترده‌نی
 ۱۰۸۵ برهنه چُن آید^۴ ز مادر کسی
 و زاید^۶ برهنه شود باز خاک
 زمین بستر و پوشش از آسمان
 جهانجوی چندین^۹ بکوشد^{۱۰} به چیز
 چُن^{۱۴} او بگذرد زین سرای سبج^{۱۵}
 ۱۰۹۰ چنان دان که^{۱۹} نیکی‌ست همراه اوی^{۲۰}
 سکندر بپرسید کاندر جهان
 همان زنده بیش‌ست اگر^{۲۲} مرده^{۲۳} نیز
 چنین داد پاسخ که ای شهریار
 از آن صد هزاران یکی زنده نیست
 ۱۰۹۵ بیاید همین^{۲۶} زنده را نیز مُرد
 بپرسید^{۲۸}: خشکی فزون‌تر گر^{۲۹} آب؟
 برهمن چنین داد پاسخ^{۳۲} به شاه
 بپرسید کز خواب بیدار^{۳۳} کیست؟
 که جنبندگانند^{۳۵} و چندی^{۳۶} زیند^{۳۷}،

۱-ک: جنگ: متن = س (نیز لن، لی، ل، پ، لن، آ، ل، ق، ل، آ، س، آ، ق، و، آ، ب این بیت را ندارند: ل، آ، س، آ، ب جای این بیت آورده‌اند:

برهمن چنین داد پاسخ بدوی که ای شاه با دانش نیک‌خوی

- ۲-س، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، ب): یا، ل، آ، هم: متن = ل (نیز لی): ل در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن برهمن سکندر را ۳-ل، ک
 (نیز ق، آ، لی، لن، آ، آ): < > از: ل، آ، وز: متن = س، س، آ (نیز لن، ل، پ، و، ب): ق این بیت را ندارد ۴-ل، س، ک، ل، آ، س، آ (نیز لن، پ، لن، آ، آ، ب)
 ب): چو زاید: (و: چو آید): متن = ق ۵- (لن: یازد: پ: یابد: آ: تازد) ۶- (پ: ازیدر: لن، آ: چو ز ایدر) ۷- س: برو ۸- ک: دیدگان: (و: دیده‌مان): بنداری: فخطبههم الاسکندر فی امر ملبوسهم فقال: من ولد عربیاناً فلا یبغی له ان یكون حریصاً علی الملبوس علی انه اذا واره التراب فهو علی خوف من العذاب و البوس ۹- س، ل، آ (نیز ل، آ): چندی ۱۰- (پ: دانا نکوشد) ۱۱- (پ: خود) ۱۲- (ب: از آن چیز چندان) ۱۳- ک: نه ارزد نه چیز: (ل، آ: این چیز و پوشش نیرزد پشیز): ق بیت‌های ۱۰۸۸-۱۰۹۰ را ندارد ۱۴- ک، ل، آ (نیز لی، پ، ب): چو: متن = ل، س، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ، آ) ۱۵- (لن: سپنجی سرای) ۱۶- س: سرو: ک: پی: ل، آ، س، آ (نیز ل، آ، ب): برو: (لن، ق، آ، و، لن، آ، زر و: پ: همان): متن = ل ۱۷- (لی: همه نام) ۱۸- (لن: جای) ۱۹- س، ل، آ: به رفتش: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰- ل، س، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، پ، لن، آ، ب): او: متن = ک (نیز لن، و) ۲۱- س-س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): یا: متن = ل (نیز لن، پ، و) ۲۲- ل، س، ق، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، ب): گر: ل، آ (نیز لی): یا: متن = ک ۲۳- ل: مرده بیش است گر زنده ۲۴- ل، آ: کزین ۲۵- (و: اگر) ۲۶- س، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، پ، آ، ب): همان: ق (نیز و): همی: متن = ل، ک (نیز لن، لن، آ) ۲۷- ک: همی ۲۸- ک: بپرسد که: (و: بدو گفت) ۲۹- ل، آ: ز ۳۰- ل: نابد (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه) ۳۱- (ل، آ، هم مه و) ۳۲- س: چنین داد پاسخ برهمن ۳۳- ل، آ: برکار ۳۴- ل، س، ق، ل، آ، س، آ (نیز لی، پ، ب): به روی: متن = (لن، ق، آ، ل، ب): ک این بیت را ندارد ۳۵- س، آ (نیز و، ب): جنبنده آیند: (ق، آ: جنبنده چندند: لی: چندان بزایند: ل، آ: تا چند مانند) ۳۶- س: چندین که آیند و چندین: ل، آ: چندی بمیرد و چندی: (لن: جمنندگانند و چیزی: پ: جنبنده باشند و چندین): متن = ل (نیز ق، آ، لی < >، ل، آ، و، ب) ۳۷- ل، آ: زبید: (لن، آ: خمیده آیند و چیزی زنند: آ: که چندین بیایند و چندین زنند): متن = ل، س، س، آ (نیز لن، و، ب) ۳۸- س، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ): بدانند: ل، آ: بدانند: متن = ل (نیز لی، ب) ۳۹- (آ: کار) ۴۰- س (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ): چه‌اند: ل، آ: چه‌اید: متن = ل، س، آ (نیز لی، پ، و، آ، ب): ق، ک این بیت را ندارند

۱۱۰۰ برهنم چنین داد پاسخ بدوی
 گنه کارتر چیز، مردم بُود
 چو خواهی که این را بدانی درست
 که روی زمین سر بر پیش توست
 همی رای داری^۵ که افزون کنی
 ۱۱۰۵ روان ترا دوزخست آرزوی^۶
 پیرسید^۸: بر جان ما شاه کیست؟
 چنین داد پاسخ که ازست شاه^۹
 پیرسید: خود گوهر آرز^{۱۴} چیست؟
 چنین داد پاسخ که از و نیاز
 ۱۱۱۰ یکی را ز کمی شده خشک لب
 همان هر دو را^{۲۰} روز بد بشکرد^{۲۱}
 سکندر چو گفتار ایشان شنید
 دو رخ زرد و دیده^{۲۴} پر از آب کرد
 پیرسید پس شاه فرمانروا
 ۱۱۱۵ ندارم دریغ از شما گنج خویش!
 یکی گفت^{۲۷} کای شهریار بلند
 چنین داد پاسخ بدو^{۳۰} شهریار

که ای پاک دل^۱ مهتر رازجوی^۲،
 که از کین و آزش^۳ خرد گم بُود
 تن خویشان را نگه کن^۴ نخست،
 تو گویی سپهر روان خویش توست،
 ز خاک سیه مغز بیرون کنی،
 مگر زین سخن بازگردی به خوی^۷!
 به کژی به هر جای همراه کیست؟
 سر مایه^{۱۰} کین^{۱۱} و جان^{۱۲} گناه^{۱۳}!
 کش از بهر بیشی بیاید گریست!
 دو دیوند^{۱۵} پتیاره^{۱۶} و دیر^{۱۷} ساز،
 یکی از فزونیست^{۱۸} بی^{۱۹} خواب شب،
 خُتک آن که جانش پذیرد خرد^{۲۲}!
 به رخساره شد چون گل^{۲۳} شبلید
 همان چهر خندان پر از^{۲۵} تاب^{۲۶} کرد
 که حاجت چه باشد شما را به ما؟
 نه هرگز براندیشم از رنج خویش!
 در پیری و مرگ^{۲۸} بر ما^{۲۹} بیند!
 که با مرگ خواهش نیاید به کار!

۱- (لی: نامور) ۲- ل (نیز لن، و، لن ۲): راست گوی: س ۲: دادجوی: (ق ۲: راه جوی: لی: نیک خوی): متن = س، ق، ل ۲ (نیز ل ۳، پ، آ، ب): ی
 این بیت را ندارد ۳- (آ: ارزش): ل: کان کس نوازش: متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- ک: خویش را خود بدانی ۵- س: داری آن را
 ۶- ک (نیز پ): آرزو: بنداری (۱۱۰۵-۱۰۹۸): فسأله الاسکندر عن أعظم الذنوب فقال: الحرص على الدنيا. وإن أردت أن تقف على
 حقيقة ذلك فاعتبر بنفسك. فانك مع اخوانك على جميع ممالك الأرض طالب إليها الزيادة غير قانع بعظيم ما أوتيت من الملك والسيادة
 ۷- ک (نیز پ): بخو: (آ: بروی: لن ۲: بازگویی به کوی): لی پس از این بیت افزوده است:

پیرسید بر جان نگهدار کیست به کژی به هر کار بیگار کیست

۸- ل (نیز پ): دگر گفت: ک (نیز ق ۲): پیرسد که: (لی: همان نیز): متن = ده دستنویس دیگر ۹- ل: از زشت شاه: (لن ۲: شاهست آرز: آ: از
 دست شاه): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰- س، س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب): که سرمایه ۱۱- ک: سرمایه کین باشد: متن = ل، ق، ل ۲ (نیز لن،
 ق ۲، پ، و، لن ۲) ۱۲- ل، س، ق، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لن ۲، آ): جای: متن = ک، ل ۲ (نیز لی، و، ب) ۱۳- (لن: نیاز) ۱۴- ل (نیز ق ۲، و، آ): از بهر: (پ:
 گفتا دو گوهر ز): متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، ل، لن ۳، ب): ک بیت های ۱۱۰۸-۱۱۰۹ را ندارد ۱۵- (پ: دیرینه) ۱۶- ل (نیز لن، ق ۲،
 ل ۳، لن ۲): بیچاره: (و: بدگوهر): متن = س، ق، و، ل ۲، س ۲ (نیز لی، و، ب، آ، ب) ۱۷- س، ق، ل ۲ (نیز لی، پ، آ، ب): دیو: (ل ۳: کار):
 متن = ل، س ۲ (نیز لن، ق ۲، و، لن ۲) ۱۸- (آ: افزون نیست) ۱۹- س: از فزونی ابی ۲۰- ل ۲: مرد را ۲۱- ل: بگذرد: (ق ۲: می بشکرد): متن =
 سیزده دستنویس دیگر ۲۲- س (نیز لن، لن ۲، ب): خرد پرورد: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳- ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۳، لن ۲): گل و
 ۲۴- ق، س ۲ (نیز لی، و، ب): و چهره ۲۵- ک: خندانش پر ۲۶- (آ: خواب) ۲۷- ل، س (نیز لن ۲): بگفتند: متن = دوازده دستنویس
 دیگر: بنداری: فقال له احدهم ۲۸- ل: مرگ و پیری تو: متن = س-س ۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب) ۲۹- (ق ۲، لن ۲: مرگ و پیری به ما بر) ۳۰- ل، س:
 ورا: متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری: ثم قال لهم: ارفعوا إلى حوائجكم فلن أذخر عنكم شيئاً. وأسعفكم بمطالبكم عفواً. فقال له
 أحدهم: أيها الملك! أغلق دوننا باب الشيب و الموت

چه^۱ پرهیزی از تیزچنگ‌ازدها؟
 جوانی^۲ که ایدر بماند^۳ دراز
 ۱۱۲۰ برهن بدو گفت کای پادشا
 چو دانی که از مرگ خود چاره نیست،
 جهان^۷ را به کوشش چه جویی^۸ همی
 ز تو بازماندهمی^۹ گنج^{۱۰} تو
 ز بهر کسان رنج بر تن نهی
 ۱۱۲۵ پیامت از مرگ موی سپید
 چنین گفت بیداردل‌شهریار
 گذر یافتی، من گذشتی^{۱۷} همان
 ز فرزانه و مرد پرخاشخ
 دگر هرکه در جنگ من کشته شد،
 ۱۱۳۰ به درد و به خون ریختن بُد سزا
 بدیدند پادافره^{۲۰} ایزدی
 کس از خواست^{۲۱} یزدان کرانه نیافت
 بسی چیز بخشید و نستد کسی

که گر زآهنی زو نیابی رها!
 هم از روز پیری نیابد^۴ جواز!
 جهاندار و دانا^۵ و فرمانروا،
 ز پیری بتر نیز^۶ پتیاره نیست،
 گل زهر خیره چه بویی همی؟
 به دشمن رسد^{۱۱} کوشش و رنج^{۱۲} تو!
 ز کم^{۱۳} دانشی باشد و ابلهی!
 به بودن^{۱۴} چه داری^{۱۵} تو چندین امید؟
 که گر بنده از بخشش کردگار^{۱۶}،
 به تدبیر برگشتن^{۱۸} آسمان!
 ز بخشش به کوشش نیابد گذر!
 گر از اخترش روز برگشته شد،
 که بیدادگرکس نیارد بها^{۱۹}!
 چو گشتند باز از ره بخردی!
 ز کار زمانه بهانه نیافت!
 بُد از نزدیک^{۲۲} ایشان^{۲۳} بسی!

گفتار اندر رفتن اسکندر به خاور و دیدن عجایب‌ها^{۲۴}

بی‌آزار از آن جایگه برگرفت بر آن هم‌نشان راه خاور گرفت

۱-ل (نیز ق^۲): چو؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ در ل^۲ س^۲ لی، آ، ب این بیت کمی سپس تر آمده است ۲-ل، س^۲ (نیز ق^۲، پ، و): چو دانی؛ متن = ده دستویس دیگر ۳-ل، س^۲ (نیز ق^۲، پ، و): نمائی؛ ل: آید به ما بر؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، لی، ل، آ، لن، آ، ب) ۴-س^۲ (نیز ق^۲، پ، و): نیابی؛ بنداری؛ فقال له: کیف تسلّم من الموت و هو لا محالة یهدم بناء عمرک و ان کان من حدید؟ و کیف تنعم بالشباب و مشرعه لا بد ان یکدر برنق المشیب؟؛ پ پس از این بیت افزوده است:

به جز نیکویی در زمانه مکن که هر کس ز تو خوب راند سخن

۵-ل، آ: دارا؛ (و، ب: بیدار؛ لن: آ: بینا) ۶-س (نیز ق^۲): هیچ ۷-ک: جوان ۸-س: خواهی ۹-ل، ق-س^۲ (نیز لن، ق، پ، لن، آ): همین؛ متن = س (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۱۰-ل، ک (نیز لن، ق، آ، لن، آ): رنج؛ متن = س، ق، ل، س^۲ (نیز لی، آ، ب) ۱۱-ک (نیز لن): دهی؛ (ل: دهد)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۲-ل (نیز لن، ق، آ، لن، آ): گنج؛ ک: خود همین گنج؛ متن = س، ق، ل، س^۲ (نیز لی، آ، ب)؛ بنداری؛ فقال له البرهمی: اذا كنت تعلم أنه لا مفر من الموت ولا سلامة من غصة الشیب فما بالك تطلب الاحتواء علی العالم بجهدک، و تعرض للسم القاتل نفاک، و تعب لغیرک، و تجمع لمن یفرقه من بعدک؟ ۱۳-ق (نیز ب): بی ۱۴-ق (نیز لی، آ، ب): بدو در؛ (ق: آ: به یزدان) ۱۵-ک: چه داری به گیتی؛ بنداری؛ و الشیب بین یدی الموت نذیر، و اذا طمعت فی الحیاة بعده فلیس لک عذیر ۱۶-ک: روزگار ۱۷-ل: بودمی من؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۱۸-س-س^۲ (نیز لن-ب): گردش؛ متن = ل ۱۹-ل، س، ق، ل، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، آ، ب): نیابد رها؛ (لی: بیدادگر از کس نیابد رها (وزن ندارد))؛ متن = ک (نیز لن، ل، و، لن، آ) ۲۰-پ: ندیدند خود فزّه) ۲۱-ل، آ: حکم ۲۲-س، ک (نیز ل، آ): آن نزدیک؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۳-ق (آ: نزدیک ایشان نبودش؛ پ: نزدیک ایشان نبود او)؛ بنداری؛ ثم ان الاسکندر وهب لهم هبات کثیرة فما قبلوها، و استعرضهم حوائجهم فما عرضوها. فانصرف عنهم ۲۴-ل: رفتن اسکندر به خاور و دیدن عجایب‌ها؛ س: رسیدن سکندر به دریا و دیدن ماهی بمانند کوهی؛ ک: رسیدن سکندر به دریا و دیدن عجایب‌ها؛ ل: رفتن سکندر به زمین خاور و دیدن شگفتی‌های او

۱۱۳۵ [همی رفت منزل به منزل به راه
 ز شهر برهنم به جایی رسید
 بسان زنان مرد پوشیده روی
 زبان‌شان^۳ نه تازی و نه خسروی^۴
 ز ماهی بُدی‌شان همه^۷ خوردنی
 ۱۱۴۰ سکندر شگفت اندر ایشان^{۱۰} بماند
 هم آنگاه کوهی برآمد ز آب
 سکندر یکی تیزکشتی بچُست
 یکی گفت از آن^{۱۵} فیلسوفان به^{۱۶} شاه
 بمان^{۱۷} تا ببیند^{۱۸} مر او^{۱۹} را کسی
 ۱۱۴۵ ز رومی و از^{۲۱} مردم پارسی
 یکی زرد ماهی بُد آن لخت کوه
 فرو برد کشتی هم‌اندر شتاب
 سپاه و^{۲۴} سکندر از آن^{۲۵} خیره ماند
 بدو گفت موبد^{۲۶} که دانش^{۲۷} بهتست
 ۱۱۵۰ اگر شاه رفتی و گشتی تباہ
 و ز^{۳۰} آن جایگه لشکر اندرکشید
 به گرداندرش نی بسان^{۳۲} درخت

ز ره رنجه و مانده یکسر سپاه^۱
 یکی بیکران ژرف‌دریا پدید^۲
 همی‌رفت با جامه و رنگ و بوی
 نه ترکی، نه چینی^۵ و نه پهلوی^۶
 به^۸ جایی بُد راه^۹ آوردنی
 ز دریا^{۱۱} همی نام یزدان بخواند
 به دو پاره شد^{۱۲} زرد^{۱۳} چون آفتاب
 که آن را به دیده ببیند^{۱۴} درست
 که بر ژرف‌دریا ترا نیست راه
 که بهره ندارد ز مایه^{۲۰} بسی
 بدان کشتی اندر نشستند، سی
 هم آنگه چو تنگ اندرآمد گروه،
 همان^{۲۳} کوه شد ناپدید اندر آب
 همی هر کسی نام یزدان بخواند
 که دانا چنین^{۲۸} بر مهان^{۲۹} بر مهتست
 پر از خون شدی جان چندین سپاه
 یکی آبگیری^{۳۱} نو آمد پدید
 تو گفتی که چوب چنارست^{۳۳} سخت

۱-س-س، ل-و، آ، ب این بیت را ندارند؛ متن = ل (نیز ل ن) ۲-ل-ل-ل (نیز ل ن-پ، ب)؛ بدید؛ (و، ل ن، آ، آ)؛ بدید (حرف یکم بی نقطه)؛
 متن = س ۳-ل-ق، س ۴ (نیز ل ن-ب)؛ زبان‌ها؛ متن = س، ل، ج؛ بنداری؛ لسانهم ۴-ق، آ؛ پهلوی ۵-س، ق، ل، آ، س ۶ (نیز ل ن-ل، آ، ب)؛
 چینی نه ترکی؛ (پ؛ چینی و رومی؛ و؛ هندی نه ترکی)؛ متن = ل (نیز ل ن) ۶-ق، آ؛ خسروی؛ ک این بیت را ندارد ۷-ل؛ همی
 ۸-س، ق، ل، آ، س ۹ (نیز ق، ل، آ، ب)؛ ز؛ متن = ل، ک (نیز ل ن، ل، آ-ل ن) ۹-ک؛ جای؛ (پ؛ بندشان ره) ۱۰-ل (نیز ل ن)؛ شگفت اندر ایشان
 سکندر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-س، ق، س ۱۲ (نیز ل، آ، ب)؛ به رومی؛ ل؛ برو بر؛ (و؛ بر ایشان)؛ متن = ل، ک (نیز ل ن، ق، ل، آ، ب،
 ل ن) ۱۲-ک، ل ۱۳ (نیز آ)؛ تازه شد؛ (پ؛ تر و تازه و) ۱۳-آ؛ روز؛ ق؛ بیت‌های ۱۱۴۱-۱۱۴۲ را ندارد ۱۴-ل (نیز و)؛ ببیند به دیده؛ ک، ل، آ؛
 به دیده نبیند؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و سار حتّی وصل الی بحر عظیم فرای عنده رجلاً متقیین کالنساء لایعرف لسانهم
 عربی و لافهلوی. و کان قوتهم من السمک و حیوان البحر. ثمّ إنه لمح وسط البحر جلاً أصفراً کالشمس فأمر بالقاء سفینة فی الماء
 لیرکبها و یشاهد عجائب ذلک الجبل ۱۵-ل؛ زان؛ ک (نیز و)؛ از؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ک (نیز پ)؛ <به > ۱۷-ل؛ (بین)
 ۱۸-ل ۱۸ (نیز آ)؛ ببیند ۱۹-س-س ۲۰ (نیز ل ن، ق، آ، ب، و، آ)؛ آن؛ متن = ل (نیز ل، ل، آ، ل ن، ب) ۲۰-ل-ک (نیز ل ن، ق، ل، آ، ل ن)؛ دانش؛ (آ، ب)؛
 زمانه)؛ متن = ل ۲۱-ل-ل (نیز ل) ۲۱-ل؛ وز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-س؛ ژرف ۲۳-ق؛ چنان؛ بنداری؛ فمنعه من ذلک بعض
 الفلاسفة و قال: لا تخاطر بنفسک و لیرکبها غیرک ممن یأتی بخیره. فأرکب تلک السفینة ثلاثین شخصاً من الروم و غیرهم. فلما قربت
 السفینة من الجبل تحرک و اذا به حوت فالتقم السفینة بمن فیها ۲۴-ل، س، ک (نیز ل ن-ل ن)؛ <و>؛ متن = ق، ل، آ، س ۲۵ (نیز آ، ب)؛ ۲۵-ک؛
 در آن؛ (ل ن، ل ن)؛ آ؛ بدو؛ ق، ل، آ، ل، و؛ بدان؛ ل؛ ازو؛ پ؛ در او ۲۶-ل، ک (نیز ل ن، ق، ل، آ، ل ن)؛ رومی؛ متن = س، ق، ل، آ، س ۲۷ (نیز آ، ب)؛ ۲۷-ل؛
 دانش ز نادان ۲۸-ق؛ ازین؛ س، ل ۲۹ (نیز ل ن، ب، و، آ)؛ دانای چین؛ متن = س ۳۰ (نیز ق، ل، ل، آ، ب) ۲۹-ل، ک (نیز ل ن)؛ داننده بر هر کسی
 ۳۰-س، ل، آ؛ هم ۳۱-ل ۳۱ (نیز پ، و)؛ <ی> ۳۲-ک (نیز ق، آ، ل)؛ نی‌ستان و ۳۳-ل)؛ هر یک چناریست

یکی بر^۱ فزون بود پهنای^۲ اوی^۳ همه خانه‌ها کرده از چوب^۴ نی ۱۱۵۵ نشایست بُد^۵ در نیستان بسی چو بگذشت از آن^۶ آب^۷، جایی رسید جهان خرم و آب چون^۸ انگبین بخوردند و کردند آهنگِ خواب وُزان بیشه گزدم^{۱۰} چو آتش به رنگ ۱۱۶۰ به هر گوشه‌یی در^{۱۲} فراوان بُمرد ز یک سو فراوان بیامد^{۱۴} گراز ز^{۱۶} دست دگر شیر مهتر ز^{۱۷} گاو سپاهش ز دریا به یکسو شدند بکشتند چندان خراستر^{۲۰} که^{۲۱} راه

چهل رش بیمود بالای اوی^۳ زمینش هم از نی فرو برده پی ز شوری نخورد آب او هر کسی که آمد یکی ژرف دریا پدید همی مشک بویید خاک^۹ زمین بسی مار پیچان برآمد ز آب جهان شد بر آن خفتگان^{۱۱} تار و تنگ بزرگان دانا و مردان گُرد^{۱۳} چو الماس دندان‌های^{۱۵} دراز که با جنگ ایشان بُد توش^{۱۸} و تاو بدان^{۱۹} نیستان آتش اندرزندند به یکبارگی تنگ شد بر سپاه

گفتار اندر رزم اسکندر با حبش^{۲۲}

۱۱۶۵ وُزان جایگه شاه^{۲۳} خورشیدفش سیه‌دیسه و^{۲۵} چشم‌ها چون چراغ

بیامد دمان تا زمین حبش

۱-س: گز؛ (ق: رش)؛ ل (نیز لن: آ)؛ ز پنجه؛ ق، ل، آ، س (نیز لی، آ، ب)؛ ز ده رش؛ متن = ک (نیز لن، ل، آ، لن: آ) ۲-ل (نیز لن: آ)؛ بالای؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز لن، و، آ، ب)؛ او؛ متن = ک (نیز لن: آ) ۴-ل، س، ک (نیز ق، آ، پ، لن: آ)؛ چوب و؛ متن = ق، ل، آ، س (نیز لن، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۵-ک: شد ۶-(لن، پ: زین) ۷-ک (نیز و)؛ آنجا به؛ بنداری؛ فتعجب و قال: العلماء حفظة ارواح الملوك. فطوبى لمن عرف قدرهم و اتبع امرهم. فسار الاسكندر الى ارض قصباء كبيرة القصب كأنها أشجار اللذب عظاما. و فيها غدیر عظیم ماؤه زعاق كأنه سم ذعاف. فعبر منه. و انتهى الى ساحل بحر آخر عظیم ۸-(ق: آ)؛ او) ۹-ل: روی؛ (و: گویی؛ ل: آ: ناف)؛ س (نیز ق: آ)؛ بوید ز خاک؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-ل، س، ک (نیز ق: آ، لی-ب)؛ کزدم؛ ق، س (نیز لن)؛ کزدم؛ ل: آ: کردم؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱-ل (نیز پ، لن)؛ خستگان؛ (ق: آ: جنگیان)؛ بنداری؛ فصادف أرضاً طيبة العرف كأنها تتأرجح بأريج المسك، و ماء عذب المذاق فی حلاوة الشهد. فنزلوا و استراحوا فیناهم فی منزلهم إذ خرجت من الماء أفاع كثيرة، و طلعت من الأجمة عقارب كالنار ملتهبة و أنتهم من جميع جوانبهم ۱۲-س، ق، ک، س (نیز لن-پ، لن، آ، ب)؛ بر؛ متن = ل، ل (نیز و، آ) ۱۳-(پ: خرد) ۱۴-ک (نیز لن، ق، آ، و، لن: آ)؛ بیامد فراوان ز یک سو؛ (ل: آ: ز یک گوشه آمد فراوان؛ پ: فراز آمد از هر سوی صد)؛ متن = ل، س، ق، ل، آ، س (نیز لی، آ، ب) ۱۵-س، ق، ل، آ، س (نیز لن، آ، ب)؛ دندان‌هاشان؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن: آ) ۱۶-ل (نیز ق: آ)؛ به ۱۷-(پ: که؛ ل: آ: چون برز) ۱۸-ل (نیز ل: آ)؛ زور؛ (آ: ترس)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹-ل (نیز ل: آ)؛ بر آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-ل: ز شیران؛ ک: خراشتر؛ (لن، و، لن: آ: ز خوکان؛ ق: آ: ددان را)؛ س، ق، ل، آ، س (نیز لی، آ، ب)؛ از آن شیر چندان؛ متن تصحیح قیاسی است (ک: آ) ۲۱-ل: آ: که از خورش؛ پ: که بگرفت)؛ بنداری؛ فحول من الخنازیر ذو أنياب كالحراب، و صواری سباع ما لأحد بها طاقة، فهلک من الأكابر و الأمراء خلق كثير. فارتحلوا و انحازوا عن ذلك المكان. و طرحوا النار فیما كان هناك من القصب حتى احترق. و قتلوا كثيرا من السباع ۲۲-ل: رزم سکندر با حبش؛ س، ق: رسیدن اسکندر به زمین حبش (ق: حبشه) و جنگ (ق: نبرد) او با حبشیان (ق: آن جایگاه)؛ ک، ل، آ، س (نیز لن: آ)؛ رفت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ک این بیت را ندارد ۲۴-ل (نیز ق: آ، لن: آ، ب)؛ بود؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز ق: آ، لی، پ-ب)؛ گشته و؛ (لن: گشته بر؛ ل: آ: گشته تن)؛ متن = ک

برهنه تن و گست^۲ و بالا بلند
 خروشی برآمد بر^۴ ابر سیاه
 و زان تیره^۵ شد دیده‌ی شهریار
 بکشتند بسیار پرخاشجوی^۶
 همی بر تن مرد^۷ بگذاشتند
 که برداشتند آلت کارزار
 غمی^۸ گست^۹ از آن^{۱۰} لشکر شیرفش
 پیچید^{۱۳} دیگر سر از کارزار
 سراسر بکردار دریای چین
 ز کشته به هر جای بر توده شد^{۱۴}،
 بفرمود تا آتش اندرزند
 سکندر بپوشید خفتان و ترگ
 به سر بر سرو^{۱۹} داشت، هم رنگ نیل^{۲۰}
 بسی حمله بردند و نمود پشت
 -یکی آهنین کوه بُد، پیل گیر-

تن آور^۱ یکی لشکری زورمند
 چُن^۲ از دور دیدند گرد سپاه
 سپاه انجمن شد هزاران هزار
 ۱۱۷۰ به سوی سکندر نهادند روی^۶
 به جای سنان استخوان داشتند
 به لشکر بفرمود پس شهریار
 برهنه به جنگ اندرآمد حبش
 بکشتند ازیشان^{۱۱} فزون از شمار^{۱۲}
 ۱۱۷۵ ز خون ریختن گست روی زمین
 چو از خون در و دشت آلوده شد^{۱۴}
 بر آن^{۱۵} توده^{۱۶} خاشاکها^{۱۷} برزدند
 چو شب تیره شد، آمد^{۱۸} آوازِ کرگ
 یکی پیشرو بود مهتر ز پیل
 ۱۱۸۰ از آن^{۲۱} نامداران فراوان بکشت
 بکشتند فرجام کارش به تیر

گفتار اندر رسیدن اسکندر به زمین نرم پایان^{۲۲}

و زان^{۲۳} جایگه تیز لشکر براند بسی نام دادار^{۲۴} گیهان بخواند

۱-ک (نیز آ): تن او ۲-ل (نیز پ <و>، ل ن آ): پوست؛ س، ل (نیز و): کوس؛ ک، س ۳-ل (نیز ق ۲، ل ۲، آ، ب): گوشت؛ (ل ن: کوش؛ ل ی: موی)؛
 ق: سر و دوش؛ متن تصحیح قیاسی است ۳-ل-ل ۴-ل (نیز ل ن-ب): چو؛ متن = س ۴-ل (نیز آ): ز؛ س، ک (نیز ل ۳-ل ن آ): به؛ (ق ۲: از)؛
 متن = ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل ن، ل ی) ۵-ب (ب: خیره)؛ ق ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فسار من ذلك المكان الى أرض الحبشة فاجتمعت منهم
 آلاف مؤلفة من كل غرابي ترتج الأرض بنعيه؛ و يمتلئ الجوّ بنعيه ۶-ل (نیز ل ن آ): سر-پر خاشخیر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛
 ق ۲ این بیت را ندارد ۷-ل ۲، مرده ۸-س ۲ (نیز ل ی): غمین ۹-ل (ل ن آ): همی کشت ۱۰-ل: زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ آ
 بیت‌های ۱۱۷۳-۱۱۷۴ را ندارد ۱۱-ل (نیز ل ن): زیشان؛ (ل ن آ: از ایران)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ق (نیز ل ی، ب): فراوان سوار
 ۱۳-ل ۲: نه پیچید ۱۴-ق-س ۲ (نیز ل ن، و، آ، ب): گست؛ متن = ل، س (نیز ل ن آ) ۱۵-ل، س، ک (نیز ق ۲، ل ۲، ل ن آ): چو بر؛ (ل ی: بدان)؛ متن =
 ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل ن، آ، ب) ۱۶-آ (جای) ۱۷-ق (ب: بر خانها)؛ بنداری: فقاتلوه برماح أستها من العظام فقتلوا كثيراً من أصحابه. فأمر عند
 ذلك رجاله بالجد في قتالهم فتدججوا و صافوهم فكانت الدبرة على الحبشة فأفناهم القتل ۱۸-ل، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل ی، آ، ب): شب
 گشت بشنید؛ (ل آ: شب شد شنیدند)؛ س، ک (نیز و): شب تیره بشنید؛ (ل ن: چو شب شد آمد (وزن ندارد)؛ ل ن آ: تیره تر گشت از)؛ متن =
 (ق ۲، ب) ۱۹-ل: بسر؛ متن = س-س ۲ (نیز ق ۲، و، آ، ب) ۲۰-ک: هم زنده پیل؛ (ل ن آ: یکی ترگ بر سان نیل)؛ بنداری: و لما جن الليل
 سمعوا صوت الكركدن فتصدى لهم. و هو حيوان أعظم من الفيل له قرن في أم رأسه في لون الليل ۲۱-ل: ازین؛ متن = چهارده
 دستنویس دیگر ۲۲-ل: رسیدن اسکندر به شهر نرم پایان؛ س، ق: کشتن اسکندر ازدها را به حیلت (ق: کفایت)؛ ل آ: رسیدن سکندر به
 نرم پایان و جنگ او با ایشان و دیدن شگفتی‌های آنجا؛ س آ: رسیدن سکندر به زمین نرم پایان؛ ک سرنویس ندارد؛ بنداری (۱۱۸۰-۱۱۸۱):
 فأهلك خلقاً من أصحابه. ثم رشقوه بالسهم فانهك كانه جبل من حديد ۲۳-ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، آ، ب): از آن ۲۴-س، ق، ک (نیز ل ی، آ، ب):
 دارای؛ ل آ: داری؛ متن = ل، س ۲ (نیز ل ن، ق ۲، ل ۲، ل ن آ)

نگه کرد و مردم بی‌اندازه دید
از آن هر یکی^۳ چون یکی سرو^۴ برز
برهنه سپاهی بکردار دیو
چو باد خزان^۶ برزند^۷ بر درخت
تو گفתי که شد روز روشن سپاه
سکندر برآسود^۹ و لشکر براند
که آن را میان و کرانه^{۱۱} ندید
گشاده دل و بی‌نیاز^{۱۳} آمدند
ز پوشیدنی‌ها و از^{۱۴} خوردنی
بر^{۱۵} اندازه بر پایگه^{۱۶} ساخت‌شان
سپاهش^{۱۸} نجست^{۱۹} اندر آن شهر جای
تو^{۲۰} گفתי که گردون بخواهد کشید
شب تیره زیشان نماندی^{۲۳} یکی
کدامست^{۲۵}؟ چون راند باید سپاه؟
که ای نامورشهریار زمین،
اگر برگذشتی بر او^{۲۷} راهبر
که کرگ^{۳۰} آید از رنج زهرش ستوه
همی دود زهرش برآید به ماه

چو نزدیکی نرم‌پایان رسید
نه اسپ^۱ و نه جوشن، نه تیغ^۲ و نه گرز
۱۱۸۵ چو رعد خروشان برآمد غریو
یکی سنگ^۵ باران بکردند سخت
به تیر و به تیغ^۸ اندرآمد سپاه
چو از نرم‌پایان فراوان نماند
بشد تازنان^{۱۰} تا به شهری رسید
۱۱۹۰ بدآیین^{۱۲} همه پیشباز آمدند
ببردند هرگونه گسترده
سکندر بپرسید و بنواخت‌شان
کشیدند^{۱۷} بر دشت پرده‌سرای
سر اندر ستاره یکی کوه دید
۱۱۹۵ بر^{۲۱} آن کوه^{۲۲} مردم بُدی اندکی
بپرسید ازیشان سکندر^{۲۴} که راه
همه یکسره خواندند آفرین
به رفتن برین کوه^{۲۶} بودی گذر
یکی ازدهایست زان^{۲۸} روی^{۲۹} کوه
۱۲۰۰ نیارد گذشتن بر او بر^{۳۱} سپاه

۱-س.ق.ل.آ.س.۲ (نیز لی.آ.ب): تیغ؛ متن = ل.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.۲) ۲-س.ق.ل.آ.س.۲ (نیز لی.آ.ب): اسب؛ متن = ل.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.۲) ۳-ک (پ: گوی) ۴-ک: آیین یکی چوب سر برز؛ (ل: گرد باشد (وزن ندارد)) ۵-س.ل.آ. (نیز لی.ل.آ.و.آ): تیر؛ متن = ل.ق.ک.س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.پ.ل.ن.آ.ب): بنداری؛ ثم لما أصبح رحل و سار حتى وصل الى أرض فيها خلق عراة كأنهم أشجار باسقة. فلما رأوا الاسكندر صاحوا واجتمعوا و قاتلوهم بالحجارة و أمطروها عليهم ۶-ک: و زان ۷-ل.آ.پ.و: بر جهد) ۸-س (نیز ل.۳.و.ل.ن.آ): تیغ و به تیر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹-س-س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.ب.ل.ن.آ.آ): بیاسود؛ متن = ل (نیز لی.و.ب): بنداری؛ فواقهم اصحاب الاسكندر و قتلوهم حتى لم يبق منهم إلا قليل ۱۰-ل.ق.آ.پ.تازیان)؛ س.ل.آ: همی شد دمان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ل: کران و میانه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲-ل.س.ک.ل.آ.ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.آ: بآیین؛ ق.س.آ (نیز آ.ب): بر آیین؛ (لی: بزرگان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳-ل.ک (پ: کارساز) ۱۴-ل.آ.وز ۱۵-ل.ن.به) ۱۶-ک (نیز ل.آ.پ): جایگه؛ ل: بر اندازه جایگه (وزن ندارد) ۱۷-س: بگسترده؛ ل (نیز ب): بدیدند؛ (لی: ببردند؛ آ: ندیدند)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-ک: سپاهی ۱۹-س (نیز لی.آ): بُد؛ ل.آ (نیز ب): نبود؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-ل.آ.س.۲ (نیز ل.ن.لی.و.آ.ب): که؛ متن = ل.س.ق (نیز ق.آ.ل.ن.آ): ک: این بیت را ندارد ۲۱-ک: در ۲۲-ل.آ.گونه) ۲۳-ل.آ.نیز ق.آ): نماند ۲۴-ک: سکندر بپرسید ازیشان ۲۵-س-س.۲ (نیز ق.آ.پ.ب): کدامست و؛ متن = ل (نیز لی.ل.آ): بنداری؛ و سار حتى وصل الى مدينة كبيرة بين يديها جبل عظيم يكاد يمس السماء فاستقبله أهلها بالتحف و المآزر و الخدم فأحسن اليهم. ثم سألهم عن الطريق ۲۶-ل.آ.گونه ۲۷-ل.آ.و.ر.آ.ل: برگذشتن بُدی) ۲۸-ل.آ.بر: ک (نیز ق.آ.لی): ازدهایی از آن ۲۹-س.ق.ل.آ.س.۲ (نیز لی.پ.ل.ن.آ.آ): سوی؛ متن = ل.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.و.ب) ۳۰-ل.نیز ل.ن.آ.آ: مرغ؛ (پ.و.کوه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ل.ن.این؛ و: بر آن ره؛ پ: بر او برگذشتن)؛ بنداری؛ فقالوا: أيها الملك: كان الطريق على هذا الجبل. و قد قطعه الآن ثعبان عظيم لا يتجاسر معه أحد على العبور فيه؛ در ولت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند

همی آتش افروزد از کام او^۱ همه شهر با او نداریم تاو بخزیم^۴ و بر کوه خارا بریم، بدان تا نیاید بدین روی کوه ۱۲۰۵ چو آن ازدها را خورش بود گاه^۶ درم داد^۸ سالار جنگی^۹ ز گنج بکشت و به سرشان^{۱۰} برآهیخت^{۱۱} پوست^{۱۲} بیاگند چرمش به زهر و به نفت به دم^{۱۵} خامها را^{۱۶} پر از باد کرد ۱۲۱۰ بفرمود تا پوست برداشتند [چو نزدیکی ازدها رفت شاه [زبانش کبود و دو چشمش چو خون چو گاو از سر^{۲۱} کوه بنداختند فرو برد چون باد^{۲۳} گاو^{۲۴}، ازدها

دو گیسو بود پیل را^۲ دام او^۱ خورش بایدش هر شی پنج^۳ گاو پُراندیشه و پُرمدارا بریم، نیچاند^۵ از ما گروهها گروه ز مردان لشکر گزین کرد شاه^۷ بیاورد با خویشان گاو پنج بدان جادوی داده^{۱۳} دل مرد دوست سوی ازدها روی بنهاد و^{۱۴} تفت ز دادار^{۱۷} نیکی دهش یاد کرد همی^{۱۸} دست^{۱۹} بر دست بگذاشتند بسان یکی ابر دیدش سیاه^{۲۰}] همی آتش آمد ز کامش برون] بر آن^{۲۲} ازدها دل پرداختند چُن^{۲۵} آمد^{۲۶} ز چنگ دلیران رها

۱-ل. س. ق. ل. آ. س. ۲ (نیز ق. ل. آ. ب.): او؛ متن = ک (نیز ل. ل. پ. و. ل. ن. ۲) ۲-و: نیاید گذر پیل از) ۳-ل. نیم: متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: خمسه تیران ۴-(ل. خرم): ل. ق. ک. س. ۲ (نیز و. ل. ن. ۲): بجویم: متن = س. ل. ۲ (نیز ل. ل. آ. ب. پ. آ. ب.): ق. آ. این بیت را ندارد؛ ق. در اینجا سرنویس دارد: کشتن اسکندر ازدها را به کفایت ۵-ل: بنجامد (حرف یکم بی نقطه)؛ ک (نیز ل. آ. ب.): نرنجانند؛ (ل. ن: بسجاهد (حرف سوم بی نقطه)): متن = س. ق. ل. آ. س. ۲ (نیز ق. ل. ل. و. ب.): بنداری: و له علینا کل یوم وظیفه بخمسه تیران نلقیها الیه فیتلعها و ینکف بذلک عن أن یتقدم الی هذا الجانب؛ ل. س. ۲. ل. ن. ۲ پس از این بیت افزوده اند:

بفرمود	سالار	دیهم جوی	که آن روز ندهند (س. آ: ندهند آن روز) چیزی بدوی
چو گاه	خورش	درگذشت ازدها	بیامد چو آتش بدان تند (ل. ن. آ: چند) جا
سکندر	بفرمود	تا لشکرش	یکی تیرباران کند از برش
بزد یک (س. آ: بزدیک)	دم آن ازدهای (س. آ: ازدها شد)	پلید	تنی چند ازیشان به دم درکشید
بفرمود	اسکندر	فیلقوس	تیره به زخم آوریدند و کوس
همان (ل. ن. آ: همی)	بی کران آتش افروختند		به هر جای مشعل (ل. ن. آ: منقل) همی سوختند
چو کوه از تیره	پر آواز گشت (س. آ. ل. ن. آ: شد)		بترسید از آن (س. آ. ل. ن. آ: آن) ازدها بازگشت (س. آ. ل. ن. آ: شد)
چو خورشید برزد	سر از برج گاو		ز گلزار برخاست بانگ چگاو

بنداری هم این بیتها را ندارد ۶-(ل. ن. آ: گاو) ۷-ل. آ: راه؛ (ل. ن. آ: ساو؛ ل. ن. ز لشکر گزین کرد مردان تاو؟) ۸-(ل. ن. بفرمود) ۹-ل. س: چندی (- چنگی؟)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-ل. س. ق. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. ل. ن. آ. ب.): ز سرشان؛ (و: نشان)؛ متن = ک (نیز ل. آ. ب.) ۱۱-ک: بیاخت ۱۲-ل. آ: پوست ۱۳-س: شاد و ۱۴-س-س. ۲ (نیز ل. ن. ق. ل. ن. آ. ب.): < >؛ متن = ل (نیز ل. آ. ب. و): ل. این بیت را ندارد ۱۵-ل (نیز ل. ن. آ): مرآن؛ متن = س-س. ۲ (نیز ل. ن. آ. و. ب) ۱۶-ل: جامها را؛ س-ل. ۲ (نیز ل. ن. آ. و. آ. ب.): پوستها را؛ س. آ: پوستهاشان؛ (ل. ن. آ: چرمها را)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۷-ک (نیز ق. آ): دارای؛ پ این بیت را ندارد ۱۸-س. ق. ل. آ. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ل. و. ب.): همه؛ متن = ل. ک (نیز ل. آ. ب.) ۱۹-(ل. ن. آ. ب. همه دشت) ۲۰-متن = س-س. ۲ (نیز ل. ن. ب.): ل بیتهای ۱۲۱۱-۱۲۱۲ را ندارد ۲۱-س: گاوآن از آن ۲۲-(ق. آ. و. از آن)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ک: فرون رفت چون دید ۲۴-(و: گاو نر) ۲۵-ل-ل. ۲ (نیز ل. ن. آ. ب.): چو؛ متن = س. ۲ (نیز آ) ۲۶-(و: نیامد)

۱۲۱۵ چو از پوست^۱ پیوندش^۲ آگنده شد، همه رودگانش سوراخ کرد^۴ همی زد سرش را بر آن^۶ کوه و سنگ سپاهی^۸ بر او بر بیارید تیر و زآن جایگه تیز برداشتند^{۱۱}

۱۲۲۰ بیاورد لشکر به کوهی دگر بلندیش بینا همی دیر دید یکی تخت زرین بر آن تیغ کوه یکی پیر^{۱۴} مرده بر آن زر^{۱۵} تخت^{۱۶} ز دیبا^{۱۸} کشیده بر او چادری همه گرد بر گرد او سیم و زر هر آنکس که رفتی بر آن کوهسار، بر آن کوه بی بیم^{۲۵} لرزان شدی^{۲۶} سکندر بیامد^{۲۹} بر آن کوه سر یکی بانگ بشنید کای شهریار، بسی تخت شاهان^{۳۲} پرداختی،

بر اندام زهرش^۳ پراگنده شد، به مغز و به پی^۵ راه گستاخ کرد^۴ چنین تا برآمد زمانی^۷ درنگ پای آمد^۹ آن^{۱۰} کوه نخچیرگیر تن ازدها خوار بگذاشتند^{۱۲} کز آن خیره شد مرد پرخاشختر سر کوه چون تیغ^{۱۳} شمیر دید از انبوه یکسو و دور از گروه همانا که بودش پس از مرگ بخت^{۱۷} ز هر گونه بی^{۱۹} بر سرش افسری کسی^{۲۰} را نبودی بر او^{۲۱} بر^{۲۲} گذر که از^{۲۳} مرده^{۲۴} چیزی کند خواستار، بمردی و بر جای^{۲۷} ریزان^{۲۸} شدی^{۲۶} نظاره بر آن مرده با^{۳۰} سیم و زر بسی بُردی اندر جهان روزگار^{۳۱}، سرت را به گردون برافراختی،

۱-ل.ک (نیز و): گاو؛ متن = س.ق.ل.آ.س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.لی.پ.ل.ن.آ.ب) ۲-ل.آ.آن گوشت و آن پوست) ۳-س.آ. نفش ۴-ک: شد ۵-س.ق.ل.آ.س.۲ (نیز ل.لی.پ.آ.ب): سرش؛ ک: پی و؛ (ل.آ. و تنش؛ و.ل.ن.آ. اندرش)؛ متن = ل.نیز ل.ن.ق.آ. ۶-ق.ل.آ. (نیز ق.آ.لی): بدان ۷-س.ک (نیز ق.آ.لی.آ): زمانی برآمد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-س (نیز پ.و): سپاهش ۹-ل: بیامد از؛ س.آ: ز پای آمد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-ک: از؛ بنداری: فامر الاسکندر بخمسۀ ثیران فذبحت و سلخت جلودها و حشیت سما و نفظاً. فامر بإصعادهالی الجبل وإلقائهاالی الثعبان. فابتلعها فلم یلبث أن تقطعت أمعاؤه من السم. و صعده بخار السم و النفظ الی دماغه فأخذ یضرب برأسه علی الجبل حتی انفلق و تشقق. فقطعوه بالسیوف ۱۱-س: برگاشتند؛ س.آ: بگذاشتند؛ ل: لشکر براند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-ل: راه هم آنجا بماند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ل در اینجا سرنویس دارد: دیدن سکندر مرده را بر تخت زر ۱۳-ل.ق.ل.آ. (نیز ل.ل.آ.و.ل.ن.آ.ب): تیغ و؛ متن = س.ک.س.آ (نیز ق.آ.لی.پ.آ) ۱۴-ل.ن.آ. (مرد؛ ب: نیز) ۱۵-ل.لی: به زرینه) ۱۶-ل.پ.ل.ن.آ.آ: تخت زر؛ ل.آ. بُد خفته بر تخت زر؛ ل: مرده مرد اندر آن تخت بر؛ متن = س.ل.آ (نیز ق.آ.لی): بنداری: شیخ میّت ۱۷-ل.نیز پ.ل.ن.آ.آ: فر؛ متن = س.ل.آ (نیز ق.آ.لی.ل.آ) (پساوند ندارد، ب)؛ س.آ.ل.ن.و.این بیت را ندارند ۱۸-س: دیبه ۱۹-ل.ک (نیز ق.آ.و): گوهری؛ متن = س.ق.ل.آ.س.۲ (نیز ل.ن.آ.ب)؛ بنداری: و عبر الاسکندر بعاکره و سار حتی وصل الی جبل آخر عال فی السماء فأصعدوا فیه فرأوا علی رأس الجبل تختاً من الذهب منصوباً و علیه شیخ میّت مسجی بدیاج علی رأسه تاج مرصع بجواهر تزهّر للعیون ۲۰-ق: یکی ۲۱-ل.آ: بر این ۲۲-س.س.آ: ره ۲۳-ق-س.آ (نیز ل.ن.ب): کز آن؛ متن = ل.س. ۲۴-ل.آ.زر؛ و.ل.ن.آ.آ: مرد) ۲۵-ل.ق. (نیز ل.ن.و.ب): از بیم؛ ل.آ. (نیز ل.لی.آ): بی سیم؛ س.ک: سر از بیم؛ متن = ک.س.آ (نیز ق.آ.ل.پ.ل.ن.آ) ۲۶-س: بدی-بدی ۲۷-ل.ن.آ.آ: بر جاش؛ لی: بدان جای؛ و: وز آن جای) ۲۸-ل.ل.آ.آ. (بیجان)؛ بنداری: فلم یتجاسر أحد علی القرب منه. و کان کل من یقدم الیه تأخذه الرعدة فی مکانه و یموت فی وقته ۲۹-ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ل.ن.آ): برآمد؛ متن = ل.س.ق.ل.آ.س.آ (نیز ل.لی.آ.ب) ۳۰-ل.نیز ل.ن.و.ل.ن.آ: مرد با؛ س.س.آ (نیز ل.ل.آ.ب): مرده و؛ متن = (ق.آ.پ) ۳۱-ک.س.آ: یادگار؛ س: بودی اندر جهان کامگار ۳۲-ل.آ. (نیز آ): شاهی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد

سی دشمن و دوست کردی تباه، ز گیتی کنون بازگشت راه^۱
رخ شاه از^۲ آواز شد چون چراغ از آن کوه برگشت دل پُر ز داغ

گفتار اندر رسیدن اسکندر به شهر هروم^۲

همی رفت با نامداران روم
که آن شهر یکسر زنان داشتند
۱۲۳۵ سوی راست پستان چُن^۵ آن^۶ زنان^۷
سوی چپ بکردار پوینده^{۱۱} مرد
چُن^{۱۲} آمد بنزدیک شهر هروم،
یکی نامه بنیشت^{۱۳} با رسم و داد
به عنوان بر: از شاه ایران و روم
۱۲۴۰ سر نامه از کردگار سپهر
هر آنکس که دارد روانش خرد
شنید آن که ما در زمین^{۱۸} کرده ایم
کسی کو ز فرمان ما سر بتافت
نخواهم^{۲۲} که جایی بود در جهان
بدان شارستان شد که خوانی هروم
کسی بر در شهر^۴ نگذاشتند
چو گشتی دوان^۸ نار^۹ بر بر زنان^{۱۰}
که جوشن بیوشد به روز نبرد
سرافراز با نامداران روم،
چنان چون بود مرد^{۱۴} فرخ نژاد
سوی آن که دارند مرز هروم
کزویست بخشایش و داد^{۱۵} و مهر
جهان را به غمری^{۱۶} همی نسپرد^{۱۷}
سر مهتری بر^{۱۹} کجا برده ایم
نهالی جز از^{۲۰} خاک تیره نیافت^{۲۱}
که دیدار آن باشد از من^{۲۳} نهان

۱- (ق. ۲، و. ب. گاه)؛ س. ل. ۲: بازگشتی به گاه؛ (پ. رفتن آمدت گاه؛ لی: کنون بازگشتت به فرجامگاه)؛ متن = ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ل. ۳، ل. ۲، آ.)
۲- ل. (نیز ل. ن): ز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلما صعد الاسکندر ذلك الجبل ورأى التخت سمع هاتفاً يقول: أيها الملك! قد جهدت زماناً طويلاً وأفتيت من الملوك كثيراً. وقد دنا وقتك وحان حينك. فعظم عليه ذلك وأصفر لونه ۳- ل. ل. ۳، ل. ۲، س. ۲: رسیدن اسکندر به شهر هروم؛ س. رسیدن اسکندر کی به شهر هروم که آن را زنان داشتند؛ ق: رسیدن اسکندر به شهر هروم و نامه او به زنان آنجا و پاسخ زنان؛ ک: رفتن اسکندر به شهر هروم؛ متن تصحیح قیاسی است ۴- ل. ک (نیز ل. ۲): کسی را در آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: لا يمكن أحداً من القرب من المدينة ۵- ل. ک (نیز ق. ۲): چو ۶- س. س (نیز ل. ۲): بسان؛ (لی: حرب (نقطه ندارد)؛ پ. و: چنان چون)؛ متن = ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. آ. ب) ۷- ل. آ: همه نار پستان زنان جوان) ۸- س. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، آ. ب): نوان؛ ق (نیز ق. ۲، و. ل. ۲): روان؛ (پ: رفتی دوان)؛ متن = (ل. ل. ۳) ۹- ل. ۲ (نیز ل. ۲): باد؛ س. ۲ (نیز ل. ن): تار؛ (ق. ل. ۳، آ. باز؛ و: دست)؛ متن = س. ق (نیز لی، پ. ب) ۱۰- س. ل. ۲، س. ۲ (نیز ب): زبان (حرف دوم بی نقطه)؛ (ل. ۳): پرنیان؛ متن = ق (نیز ل. ن، ق. ۲، لی، پ. آ)؛ ل. ک: بسان یکی نار بر پرنیان ۱۱- ل. ک (نیز ق. ل. ۲، ل. ۲): جوینده؛ متن = س. ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. لی، آ. ب)؛ بنداری: و سار قاصداً قصد مدينة هروم. و هي مدينة سكانها بنات أبكار لا يمكن أحداً من القرب من المدينة، لم يخلق للواحدة منهن إلا ثدي واحد وهو الأيمن فحسب، و هن فی الأيسر كالرجال ۱۲- ل. ل. ۲ (نیز ل. ل. ۲، ل. ۲): چو؛ متن = س. ۲ (نیز آ) ۱۳- ل. ک، س. ۲ (نیز ل. ل. ۳، و. ب): بنوشت؛ متن = ل. ۲ (نیز پ) ۱۴- س. شاه ۱۵- لی: آرام و پر خاش)؛ ل. ۲ این بیت را ندارد ۱۶- ل. معمري (نقطه ندارد)؛ س: نیکی؛ ق: کژی؛ ک (نیز ق. آ. ب): معمزی (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ ل. ۲: بغیری؛ س. ۲ (نیز ل. لی، ل. ن): معمري؛ (پ: بغمزی؛ ل. ۳: به غفلت)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۷- س: بسپرد؛ (ق. ۲: بشمرد؛ لی: پ: بشمرد؛ ل. ۲: چنین نسپرد؛ و: به نادانی او نسپرد) ۱۸- ل. جهان؛ ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، آ. ب): بداند هنرها که ما؛ متن = س. ک (نیز ل. ن، ق. ل. ۲، ل. ۲) ۱۹- ک: تا؛ (ل. ۲، و: را؛ لی: سر شهر یاری) ۲۰- ق (نیز لی، پ. ب): بجز؛ ک: نهال خود از؛ متن = س. ل. ۲، س. ۲ (نیز ل. ن، ق. ل. ۲، و. ل. ۲، آ.) ۲۱- ک: بیافت ۲۲- س: نخواهی ۲۳- س (نیز پ، ل. ن): ما

۱۲۴۵ گر آیم، مرا با شما نیست رزم^۱
 اگر هیچ دارید دانده‌یی^۴
 چو برخواند این نامه‌ی پندمند
 ببندید پیش آمدن را میان
 بفرمود تا فیلسوفی ز روم
 ۱۲۵۰ بسی نیز شیرین سخن‌ها بگفت

به دل آشتی^۲ دارم و رای بزم^۳
 خردمند و بیدار خوانده‌یی^۵،
 بر^۶ آنکس که هست از شما ارجمند،
 کزین^۷ آمدن کس^۸ ندارد^۹ زیان
 برد نامه نزدیک شهر هروم
 -فرستاده خود با خرد بود جفت^{۱۰}-

چو دانا^{۱۱} نزدیک ایشان رسید
 همه لشکر از شهر^{۱۲} بیرون شدند
 بر آن نامه‌بر^{۱۳} شد سپاه^{۱۴} انجمن
 چو آن^{۱۵} نامه برخواند دانای شهر،
 ۱۲۵۵ نشستند و پاسخ نداشتند^{۱۷} باز
 فرستاده را پیش^{۲۰} بنشانیدیم^{۲۱}
 نخستین که گفتی ز شاهان^{۲۲} سخن
 اگر لشکر آری به شهر هروم
 بی‌اندازه در^{۲۶} شهر ما برزنست^{۲۷}
 ۱۲۶۰ همه شب به خفتان جنگ اندریم
 ز چندین یکی را نبوده‌ست شوی

همه شهر زن دید و مردی ندید
 به دیدار رومی به هامون شدند
 ازیشان هر آنکس که بُد رای‌زن
 ز رای دل شاه^{۱۶} برداشت بهر،
 که دایم^{۱۸} بدی^{۱۹} شاه گردن‌فراز
 یکایک همه نامه برخواندیم^{۲۱}
 ز پیروزی و^{۲۳} رزم‌های^{۲۴} کهن
 نبینی ز نعل و ز پی جای^{۲۵} بوم
 به هر برزنی در^{۲۸} هزاران زن‌ست
 ز بهر فزونی به تنگ^{۲۹} اندریم
 که دوشیزگانیم^{۳۰} و^{۳۱} پوشیده‌روی^{۳۲}

۱-ک: رزم نیست ۲-(و: راستی) ۳-ک: جز نشاط و می و بزم نیست؛ بنداری: قال: فكتب الاسكندر اليهن كتاباً يدعوهن الى الطاعة، و يذكر أنه ما جاء لقصدهن قتالهن ولا لهب بلادهن، وأنه لم يرد سوى رؤية المدينة والاعتبار بأحوالها ۴-(و: دانید و داننده‌اید) ۵-(و: خواننده‌اید؛ ق: آ: بیدار دل بنده‌یی) ۶-س (نیز و): هر ۷-ک (نیز ل ن آ): بدین ۸-س، ق (نیز لی، آ، ب): آمدن تان؛ ل آ: آمدستان (؟)؛ س آ: آمدنشان؛ متن = ل، ک (نیز ل ن، ق آ، ل ن آ) ۹-س، ل آ: نیاید؛ ق (نیز آ): نباشد؛ س آ: نیاید؛ ق آ: نیند؛ لی: نیامد؛ ل آ: نیارد؛ پ: نیابد؛ متن = ل، ک (نیز ل ن، ل ن آ، پ) ۱۰-پ این بیت را ندارد؛ ل آ پس از این بیت افزوده است:

چو دارا نزدیک ایشان رسید سخن گفت بسیار و پاسخ شنید

۱۱-(ل آ: نامه)؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ بنداری: و نفذ بالكتاب فيلسوفاً وأمره بأن يلاطفهن في الخطاب ويرجع اليه بالجواب. فصادف الرسول أهل المدينة نساء كلهن ليس فيهارجل ۱۲-ک: همه شهر لشکرش ۱۳-(ق آ: نامور؛ ل آ: بدان مرد بر) ۱۴-ل: جهان؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۱۵-ل: این؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۱۶-س، ل آ (نیز لی): از شهر؛ س آ (نیز ب): آن شهر؛ (آ: از شاه)؛ ق: و دل از عقل؛ متن = ل، ک (نیز ل ن، ق آ، ل ن آ) ۱۷-ل (نیز ل آ) <و، ل ن آ>: نوشتند؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۸-س: شادان ۱۹-ل، س، ق (نیز ق آ، پ، و، ب): بزی؛ ک (نیز ل ن آ): بوی؛ (لی: تویی؛ ل آ: به نزدیکی)؛ متن = ل آ، س آ (نیز ل ن، آ): بنداری: فاستقبله على الخيول فى آلات الحرب فقرأن الكتاب و فلن فى جوابه: إنك رجل كبير، و صيتك عال رفيع؛ ک در اینجا سرنویس دارد: پاسخ نامه اسکندر از شهر روم ۲۰-(و: شاد) ۲۱-(ل آ): بنشانند-بر خوانند ۲۲-(ق آ: شاه آن) ۲۳-(آ: ز نیرو و ز) ۲۴-(ل آ: زرهای)؛ ک بیت‌های ۱۲۵۷-۱۲۵۸ را ندارد ۲۵-(ل ن، ق آ، پ، و، ل ن آ): خاک؛ ل: و پی اسپ؛ س (نیز ل آ): ببینی ز نعل از پی خاک؛ (لی: اندر آن جای)؛ متن = ق، ل آ، س آ (نیز آ، ب) ۲۶-س، ک (نیز ل آ، آ): بر ۲۷-(آ: برنشت) ۲۸-ل، ق، ک (نیز ل آ): بر؛ (ل ن، پ، ل ن آ: ده؛ آ: دو)؛ متن = س، ل آ، س آ (نیز ق آ، لی، و، ب) ۲۹-ل آ (نیز لی: تنگ)؛ (ل ن: جنگ؛ ل آ: سنگ) ۳۰-(ل ن آ): پوشیدگانیم ۳۱-س، ل آ، س آ (نیز لی، و، ب): <و>؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل ن، ق آ، ل ن آ، آ) ۳۲-ق (نیز آ): زن آسا و جوینده رنگ و بوی: درق لتهای این بیت پس‌رویش شده است

از آن پس کس او را نینیم^۱ روی
 زن آسا و^۲ جویندهی رنگ و بوی،
 بلند آسمانش هوای ویست^۵
 به سوی هرومش فرستند باز
 بیاشد، نباشد^۸ بر ماش^۹ دست
 جز از^{۱۱} ژرف دریا نبینی گذر
 اگر خوش بود روز، اگر باد و^{۱۳} برف
 نگهبان بود بر لب رودبار^{۱۵}
 از^{۱۶} اسپ اندر آرد یکی شیر مرد،
 همان تخت او بر دویکر نهیم^{۱۷}
 که با تاج زرتند و با گوشوار
 ز چنگال او^{۲۰} خاک شد بی درنگ!
 در نام بر خویشتن بر^{۲۲} مبد!
 و^{۲۴} آویختن نیز بگریختی
 که تا هست گیتی نگرده کهن!
 بیایی، بگردی به مرز^{۲۶} هروم،
 نبینی جز از خوبی و خرمی^{۲۸}
 که تیره شود روی^{۲۹} خورشید و ماه

ز ما هر زنی کو گراید به شوی
 اگر دختر آیدش^۲ چون کرد شوی
 همان خانه جاوید جای ویست^۴
 ۱۲۶۵ وگر مردفش^۶ باشد و سرفراز^۷
 وگر زو پسر زاید، آنجا که هست
 ز هر سو که آیی^{۱۰} بدین بوم و بر
 بیاید^{۱۲} گذشتن به دریای ژرف
 ز دوشیزگان هر شبی ده^{۱۴} هزار
 ۱۲۷۰ ز ما هر که او روزگار نبرد
 یکی تاج زرینش بر سر نهیم
 همانا ز ما زن^{۱۸} بود سی هزار
 که^{۱۹} مردی ز گردنکشان روز جنگ
 تو مردی بزرگی و نامت^{۲۱} بلند
 ۱۲۷۵ که گویند با زن بر آویختی^{۲۳}
 یکی ننگ^{۲۵} باشد ترا زین سخن
 چو خواهی که با نامداران روم
 چو با راستی^{۲۷} باشی و مردمی
 به پیش تو آریم چندان سپاه

۱- (لن: ۲: نینند): ک، لن. آ این بیت را ندارند ۲- (ل: ۲: آید که) ۳- (لی: آسای <و> ل: ۳: تن آسان و) ۴- س: خانه جاودان جای اوست
 ۵- س: آسمان زیر بالای اوست ۶- (نیز ل: ۳): و ش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- ق: تندتاز ۸- ک، ل: ۲: نباشد مر او را ۹- (ب: ابرماش): ق: نباشدش بر هیچ؛ متن = ده دستنویس دیگر: ل این بیت را ندارد ۱۰- ل: ۲: آید ۱۱- ل، س، ق، ل: ۲ (نیز ق: ۲- پ، لن، آ، ب): بجز؛ متن (= و): ک، لن این بیت را ندارند: در ل، ق، ل: ۲، لن: ۲ پیایی بیت های ۱۲۶۲-۱۲۶۸ بدین گونه درهم ریخته است: ۱۲۶۵، ۱۲۶۰، ۱۲۶۶، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۸: پیایی بیت های متن = س، ق، ل: ۲، س، ل: ۲، لی، ب: این بخش در دستنویس ک هم افتادگی دارد و هم آشفته گی
 ۱۲- ل: ۲: نباید ۱۳- ل: اگر خوش و گر نیز باریده: (ل: ۳: اگر روز خوشست یا باد و): ک این بیت را ندارد ۱۴- ک: دو: (و: صد) ۱۵- (ل: ۳: آ: جویبار): متن = دوازده دستنویس دیگر: ل این بیت را ندارد: در ل: ۳ این بیت کمی پیش تر آمده است ۱۶- س، ق، ل: ۲، س، ل: ۲ (نیز لن، لی، و): ز؛ متن = ل، ک (نیز ق: ۲، ل: ۲، پ، لن، آ، ب) ۱۷- (لن: ۲: زرینه پیکر دهیم) ۱۸- ل (نیز ل: ۳): ز مردان: (و: همان نزد ما زن: آ: همی تاز ما زن): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹- ل: ۲: نه ۲۰- ک: ما: (و: چنگالشان: لن: ۲: به چنگال او) ۲۱- ک (نیز ق: ۲، ل: ۳): نام: (لن، پ، و: نامی): متن = ل، س، ق، ل: ۲، س، ل: ۲ (نیز لی، لن، آ، ب) ۲۲- ل (نیز لن، ل: ۳): در: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- (لن، پ: بیاویختی: لی: بر آمیختی: لن: ۲: آ: در آویختی) ۲۴- ل، ل: ۲: از: متن = سیزده دستنویس دیگر: لن: ۲، آپس از این بیت افزوده اند:

همانا ازیشان بود سی هزار نگهبان بود بر لب رودبار

۲۵- ک: نام: بنداری: فلا تفسدنه بأن یقال أنك قاتلت النساء و انهمت منهن. فان ذلك یجر علیک عارا لا یزول أبدا ۲۶- ل: ۲، س، ل: ۲ (نیز لی، آ، ب): به شهر: (لن، ق، ل: ۲، لن: ۲: به گرد): متن = ل، ک- ۲۷- ق (نیز ل: ۳، ب): آشتی ۲۸- ک: مردمی: و پس از این بیت افزوده است:

و گر هیچ تاب اندر آری به دل بیینی سر نیزه ی جان گسل

۲۹- ل: بر تو: متن = چهارده دستنویس دیگر

۱۲۸۰ چو آن پاسخ نامه شد^۱ اسپری
 ابا تاج و با جامه‌ی شهریار^۲
 چو آمد خرامان بنزدیک، شاه
 زن نامبردار نامه بداد
 سکندر چو آن^۳ پاسخ نامه دید
 ۱۲۸۵ بدیشان^۴ پیامی فرستاد و گفت
 به گرد جهان شهریاری نماند
 که نه سربسر پیش من کهترند^۵
 مرا گرد کافور و خاک^۶ سیاه
 نه من جنگ را آدمم با زنان^۷
 ۱۲۹۰ سپاهی برین^۸ سان که هامون و کوه
 مرا رای دیدار^۹ شهر شماس
 چو دیدار باشد^{۱۰} برانم سپاه
 بینیم^{۱۱} تا چیستان^{۱۲} رای^{۱۳} و فرز
 ز کار زهش‌تان^{۱۴} پرسم^{۱۵} نهان^{۱۶}
 ۱۲۹۵ اگر مرگ^{۱۷} باشد، فزونی ز کیست؟

زنی بود گویا^۱ به پیغمبری
 همی رفت با خوبرخ^۲ ده سوار
 پذیره فرستاد چندی سپاه^۳
 پیام دلیران همه^۴ کرد یاد
 خردمند و^۵ بینادلی^۶ برگزید
 که با مغز مردم^۷ خرد باد^۸ جفت!
 همان برمنش^۹ نامداری نماند،
 وگرچه بلندند و نیک‌اخترند^{۱۰}
 همانست، هم بزم و هم^{۱۱} رزمگاه^{۱۲}
 به پیلان^{۱۳} کوس و تیره‌زنان
 همی‌گردد از نعل^{۱۴} اسپان ستوه
 گر^{۱۵} آید نزدیک ما هم رواست
 نباشم فراوان بدین^{۱۶} جایگاه^{۱۷}
 سواری و زیبایی و پای^{۱۸} و پر^{۱۹}
 که بی مرد زن چون بود در جهان^{۲۰}؟
 بینم که فرجام این کار چیست

۱-ق.ک (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲-آ): گشت؛ متن = ل. س. ل. ۲. س. ۲ (نیز لی. ب) ۲- (پ: کوشد) ۳- ل. س. ل. ۲ (نیز لن. لی. پ. لن. ۲. آ): شاهوار؛ ق. پاسخ شهریار؛ (ب: نامه شهریار)؛ متن = ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۲. و) ۴- (پ: خوبرو؛ و: نامور؛ ل. ۳: آن خوب با)؛ بنداری؛ و لکن ان جنت للتطواف فی مدیتنا و النظر الیها و الوقوف علی أحوالها أکرمتنا مقدمک و تلقینا بالجمیل موردک. و ختمن الکتاب و أنفذنه علی یدی امرأة عاقلة فی ملابس الملوک و معها عشرة فوارس منهن ۵- ل (نیز آ): به راه؛ (و: شاهش سپاه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک بیت‌های ۱۲۸۲-۱۲۸۳ را ندارد؛ ل پس ازین بیت افزوده است:

که آمد بنزدیک ما آگهی ز دانایی شاه با فرهی

۶- س. ل. ۲. س. ۲ (نیز لی. و. آ): همی؛ متن = ل. ق (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. پ. لن. ۲. ب) ۷- ک: همان؛ (و: چو اسکندر آن) ۸- ق (نیز ق. ۲. لی. ل. ۲. و. ب): < و > ۹- (ب: زنی) ۱۰- ق: به ایشان ۱۱- (ق: آ: دانا) ۱۲- ل: نیست؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۳- ل. ق- س. ۲ (نیز لن. ق. ۲. لی. پ- ب): بر زمین؛ (ل: آ: به هر بوم و بر)؛ متن = س ۱۴- (لی: بنده‌اند- پاینده‌اند) ۱۵- ق (نیز لی < و > ب): مشک ۱۶- (ق: آ: بزم و همان) ۱۷- ق. ک: رزم و هم رزمگاه؛ س ۲ (نیز ب): رزم و هم بزمگاه؛ س. ل. ۲ (نیز لی < و > آ): و هم خاک آوردگاه؛ متن = ل (نیز لن. ل. ۲- لن. ۲) ۱۸- ل (نیز ق. ۲. لن. ۲): تازنان؛ س: باربان (نقطه ندارد)؛ ل. ۲. س. ۲: باربان (حرف‌های سوم و چهارم بی نقطه)؛ (و: تاربان (حرف چهارم بی نقطه)؛ آ: ماندم باربان (حرف دوم از واژه آخر بی نقطه))؛ متن = ق. ک (نیز لن. لی. ل. ۲. پ. ب) ۱۹- س- س. ۲ (نیز لن- ل. ۲. و. آ. ب): پیلان و: متن = ل (نیز پ. لن. ۲) ۲۰- (لی: بدان؛ ل. ۲. و: بدین؛ آ: برآن) ۲۱- ل: سم؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲- ل: دیدن رای؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳- ق: و ر ۲۴- ک (نیز لی): باشم ۲۵- س. ق. س. ۲ (نیز آ. ب): برین؛ (لی: ل. آ: بدان) ۲۶- س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. ق. ۲. لن. ۲. آ. ب): رزمگاه؛ ق: بزمگاه؛ متن = ل (نیز لی- و) ۲۷- س. ل. ۲: بینم ۲۸- س. ل. ۲: که تان چیست؛ (لن: آ: چیست شان) ۲۹- ق. س. ۲ (نیز لی. پ. آ. ب): آیین و؛ متن = ل. ک (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. و) ۳۰- ل (نیز آ): پا ۳۱- (و: بوم و بر) ۳۲- س. ق. س. ۲ (نیز ب): و زره‌تان؛ ل. آ: و زره‌مان (حرف پنجم بی نقطه)؛ (ل: آ: دهش تان)؛ متن = ل. ک (نیز پ. آ) ۳۳- (لن. ق. ۲. و: زهش باز پرسم؛ لن: آ: دهش باز پرسم) ۳۴- س. آ: نشان؛ (لی: وز رهتان پرسم تمام) ۳۵- (لی: شادکام؛ و: چون زن بود در جهان) ۳۶- ک: مرد؛ ق این بیت را ندارد

همه راز بیرون کشید از نهفت
 ز گفتارها دل^۲ برداختند
 سخن‌گوی و داننده و هوشیار
 بدو درنشاندند فراوان گهر
 که هر یک^۷ جز^۸ اندرخور شاه نیست
 ابا گوهران هر یکی سی^{۱۰} رطل
 یکایک پذیره شویش به راه
 ز دانایی شاه و از^{۱۲} فرهی
 سخن‌ها همه با خرد بود جفت

فرستاده آمد^۱ سخن‌ها بگفت
 بزرگان یکی انجمن ساختند
 که^۳ ما برگزیدیم زن دوهزار
 ابا^۴ هر صدی^۵ بسته ده تاج زر
 ۱۳۰۰ چو گرد آری آن^۶ تاج، باشد دویت
 یکایک بستیم^۹ و کردیم تل
 چو دانیم کامد بنزدیک شاه
 که^{۱۱} آمد بنزدیک ما آگهی
 فرستاده برگشت و پاسخ بگفت

ز کار زنان مانده اندر شگفت
 و زو^{۱۵} برف با کوه سر^{۱۶} گشت^{۱۷} راست
 ز سرما و برف اندر آن روزگار
 چو آمد به نزدیکی شهر تفت^{۱۹}،
 بر آتش همی رفت گفنی سپاه!
 ز نعل سواران زمین برفروخت!
 که مردم بسان شبه^{۲۳} تیره دید

۱۳۰۵ سکندر ز منزل سپه برگرفت
 دو منزل بیامد^{۱۳}، یکی باد^{۱۴} خاست
 تبه شد بسی مردم پایکار^{۱۸}
 بدان سخت‌سرما دو منزل برفت
 برآمد یکی ابر و دودی^{۲۰} سیاه
 ۱۳۱۰ زره کفت^{۲۱} آزادگان را بسوخت
 برین^{۲۲} هم‌نشان تا به شهری رسید

۱-ک: را این؛ بنداری: فلما أتت الاسكندر و وقف على ما صاحبها من الجواب أكرمها و قال: مالي حاجة في مديتكن سوى النظر اليها. و إذا حصل ذلك عبرت و تجاوزت الى طرف آخر. فعاتت و أعلمت صواحبها بما جرى ۲-ل: ز گفتار دل را؛ (ق: ۲)؛ و: ز گفتار دل‌ها؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ک: چو ۴-ق (نیز ب): از آن ۵-ک (نیز ل): سری؛ ل: زنی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-س (نیز ل ن): آید آن؛ ک، ل، س ۲ (نیز ل ن، ق، ل، پ، و، آ): آید این؛ (ل: ۲): آری این؛ ب: آری این؛ ل: کردار آن؛ متن = ق ۷-س: یک یک ۸-ل (خود): ۹-ک (نیز ق ۲): بجستیم ۱۰-ق (نیز ب): گوشوار آن یکی چل (؟)؛ (ق: ۲): هر یکی گوهری زر سه؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ پ این بیت را ندارد ۱۱-ل، س (نیز ل، و، ل ن): چو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲-ل، س، ق، ل، س ۲ (نیز ل ن، ل ن): وز؛ (ل: ۲)؛ و شاهی؛ (و)؛ متن = ک (نیز ق ۲، ل، پ، و، آ، ب)؛ بنداری: فاجتمعن و اتفقن على إعداد تحف برسم الملك، من التيجان المرصعة و الجواهر النفيسة و غير ذلك مما يصلح أن يخدم به الملوك ۱۳-س ۲ (نیز آ): برآمد ۱۴-پ: برف) ۱۵-ق، ک: وز آن ۱۶-ک، ل، س ۲ (نیز ق ۲): بر؛ ل: و در؛ (ل: بر کوه بر)؛ متن = س، ق (نیز ل، پ، آ، ب) ۱۷-ل، و، ل ن، آ: برف‌ها گشت با کوه) ۱۸-ق (ل، و، ل ن): نابکار) ۱۹-متن = س-س ۲ (نیز ل ن-ب): ل این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم رحل الاسكندر من منزله و سار فهاج عليهم بعد مرحلتين هواء شديد و نغيمت السماء و سقط عليهم ثلج أهلك خلقاً من أصحاب الاسكندر. فسار في ذلك الزمهرير منزلين ۲۰-ک (نیز ل ن، ق، ل، آ، ل ن): دود و ابری؛ متن = ل، س، ق، ل، س ۲ (نیز ل، آ، ب) ۲۱-ل-س ۲ (نیز ق ۲، ل، ل، آ، ب): کف؛ متن = (ل ن، پ، و) ۲۲-ل، ک (نیز ل): بدین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳-ل، س، ک، ل، س ۲ (نیز ل ن-ب): شب؛ متن = ق؛ بنداری: ثم شاهدوا دخاناً مرتفعاً في السماء و سحباً أسود كأنه يمطر النار فحمى الهواء و عظم الحر حتى حميت الدروع على أكتاف الرجال فأحرقتها. فسار على ذلك فوصل الى مدينة فيها ناس سود الوجوه كالسج

بکرदार قیر و شبه کفج و لفج^۳
 همی از دهان آتش آمد برون
 همان^۵ هدیه‌ها^۶ مردمان^۷ سیاه
 ز ما بود کامد^{۱۰} شما را زیان^{۱۱}
 بر اسپان^{۱۳} سپاه تو دیدیم^{۱۴} و بس
 چو آسوده گشتند شاه و سپاه^{۱۵}،
 دل آراسته سوی شهر زنان
 همه پاک با افسر و گوشوار
 همه^{۱۸} جای روشن دل و نیک‌بخت
 ز گتردنی‌ها به^{۱۹} رنگ و نگار
 زنان پیش رفتند از^{۲۱} آبادبوم
 همان جامه و^{۲۲} گوهر و رنگ و بوی
 بر آن خرمی^{۲۳} جایگه^{۲۴} ساخت‌شان^{۲۵}
 به^{۲۷} دیدار برداشت ازان^{۲۸} شهر بهر
 همی بود تا رازها شد درست
 وزان روی^{۳۱} لشکر به مغرب کشید

فروشته^۱ لفج و برآورده کفج^۲
 همه دیده‌هاشان^۴ بکرदार خون
 بسی پیل بردند پیشش به راه
 ۱۳۱۵ بگفتند^۸ کین برف و باد زیان^۹
 که هرگز بدین راه^{۱۲} نگذشت کس
 ببود اندر آن شهر یک ماه شاه
 از^{۱۶} آنجا بیامد دمان و دنان
 ز دریا گذر کرد زن دوهزار
 ۱۳۲۰ یکی بیشه بُد پر ز^{۱۷} آب و درخت
 خورش گرد کردند بر مرغزار
 چُن^{۲۰} آمد سکندر به شهر هروم
 بردند پس تاج‌ها پیش اوی
 سکندر پذیرفت و بنواخت‌شان
 ۱۳۲۵ چو شب روز گشت^{۲۶} اندرآمد به شهر
 کم و بیش ایشان همه^{۲۹} بازجست
 پرسید هر چیز^{۳۰} و دریا بدید

۱-ل: برده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-ل: فح (حرف یکم بی نقطه) و برآورده لفح؛ س. ک: لفج و برآورده لفج؛ (پ. و. ل. ن: ۲: لفج و برآورده کنج؛ ق: ۲: کنج و برآورده لفج؛ ل: کنج و برآورده کفج؛ ل: رنج و برآورده کنج)؛ متن = ق. ل. س. ۲: (نیز ل. ن. آ. ب) ۳- (پ. و. ل. ن: ۲: لنج)؛ ق. س. ۲: (نیز ل. ن. ب.) لفج و کفج؛ ک: کفج و کفج؛ ل: شب و فح و فح (دو واژه آخر بی نقطه)؛ (ل: ۲: قیر سیه رنج و کنج)؛ س: همه لفج لفج و همه لفج لفج؛ ل: ۲: (نیز ل. ل. آ.) همه لفج کفج و همه کفج کفج؛ متن تصحیح قیاسی است ۴- س. ل. س. ۲: (نیز ل. ل. آ.) دیدگان‌شان؛ ک: دیده‌ها را؛ متن = ل. ق. (نیز ل. ن. ق. ل. آ. ل. ن. آ. ب) ۵- ک (نیز ل. آ.) هم از ۶- ل (نیز ل. آ.) هدیه؛ ق: نامور؛ (آ: هدیه و؛ ب: همه دیده‌ها)؛ متن = ک. ل. س. ۲: (نیز ل. ل. آ. و) ۷- ق: زنگیان؛ (پ: زشت چهره جهانی) ۸- ل: ۸- ل: نینید ۹- ل. ق. ک (نیز ل. ن. ق. ل. آ. ل. ن. آ. ب.) دمان؛ س: رمان (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ (ل: زبان)؛ متن = ل. س. ۲: (نیز آ) ۱۰- (و. ل. ن: آ: کاید) ۱۱- ل (نیز ل. ن): زمان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲- س (نیز ق. آ. پ. و.) برین راه؛ ل (نیز ل. آ.) بدین شهر؛ متن = ق. س. ۲: (نیز ل. ن. ل. آ. ب) ۱۳- ل. ق (نیز ل. آ. پ. ب.) ترا و؛ س: برین سان؛ (آ: برآسا؟)؛ متن = ک. ل. س. ۲: (نیز ل. ن. ق. ل. آ. ل. و. ل. ن: آ) ۱۴- ق (نیز ل. آ.) ترا دید ۱۵- پ این بیت را ندارد ۱۶- ل. س (نیز پ.) وز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: هذل الشفاه. تتوقد النار من أحداقهم و تخرج من أفواههم. فاستقبلوا الاسکندر و خدموه بفیلة عظيمة و تحف كثيرة و قالوا: إنا لم نر أحدا وصل الی هذه المدينة. و لم نر راكب فرس قط. فأقام الملك فیها شهراً. ثم سار قاصداً قصد مدينة النساء ۱۷- ق (نیز ل. آ.) بودش بر ۱۸- ق: همان ۱۹- ل: گتردنی‌های؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۰- ل. ل. (نیز ل. ن. ل. ن. آ. ب.) چو؛ متن = س. ۲: (نیز آ) ۲۱- ل (نیز ل. ن. پ. آ.) ز؛ س: او رفت از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ک: همه تاج‌ها؛ بنداری: فعبر الیه البحر جلالن أهلها فی ألفین من فوارسهن مستقبلات له فقد من الیه برسم الهدیه تیجاناً مرصعة و جواهر نفیسة و ثياب و شى ۲۳- ق: بر اندازه بر؛ (ل. و. ل. ن: آ. ب.) بدن خرمی ۲۴- ق. ک (نیز آ.) پایگه ۲۵- (ق: آ.) جای بنشاختن ۲۶- ل (نیز ل. ل. ن. آ.) شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- ک: ز ۲۸- ل. س. ک. ل. س. ۲: (نیز ل. ن. ق. آ. پ. آ.) زان؛ متن = ق (نیز ل. ل. آ. ب) ۲۹- ل (نیز ق. آ. ل. ن: آ.) همی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- ق: هر جا ۳۱- س: جای؛ ک: سوی؛ بنداری: ثم ركب الاسکندر و وصل الی المدينة فأکر من مقدمه و نثرن علیه نثارات، و خدمه بتحف و میرات. و لما رأى المدينة و أهلها، و وقف على أحوالها خلع علیهن و أحسن الیهن، و ارتحل. و سار قاصداً قصد مغرب الشمس

گفتار اندر رفتن اسکندر به ظلمات به طلب آب حیوان^۱

یکی شارستان پیش آمد بزرگ همه روی سرخ و همه موی زرد ۱۳۳۰ به فرمان به پیش سکندر شدند سکندر پیرسید از آن^۸ سرکشان چنین گفت با او یکی مرد پیر^{۱۱} یکی آبگیرست از آن^{۱۴} روی^{۱۵} شهر که^{۱۸} خورشید تابان چو آنجا^{۱۹} رسید ۱۳۳۵ پس^{۲۱} چشمه در تیره گردد جهان وُزان جای تاریک چندان^{۲۳} سخن خردیافته^{۲۴} مرد یزدان پرست گشاده سخن مرد با رای و کام چنین گفت روشن دل پُر خرد ۱۳۴۰ ز فردوس بردارد آن^{۲۵} چشمه راه پیرسید قیصر که^{۲۷} تاریک جای

بدوی^۲ اندرون مردمانی^۳ سترگ همه از در^۴ جنگ روز^۵ نبرد دوتا گشته و دست^۶ بر سر شدند^۷ که ایدر چه دارد^۹ شگفتی نشان^{۱۰}؟ که ای شاه نیک اختر^{۱۲} شهرگیر^{۱۳}، کز آن آب^{۱۶} کس را ندیدیم^{۱۷} بهر بدان^{۲۰} ژرف دریا شود ناپدید شود آشکارای^{۲۲} گیتی نهان شنیدم که هرگز نیاید به بُن بدودر یکی چشمه گوید که هست، همی آب حیوانش خواند به نام، که هرک آب حیوان خورد کی مَرَد؟ بشوید بدان^{۲۶} تن، بریزد گناه بدواندرون چون رود چارپای؟

۱-ل.س.ق.س.آ: رفتن اسکندر (س.ق: سکندر) به ظلمات به طلب (س: جستن) آب حیوان: ک.ل.آ: رفتن سکندر به زمین (ل.آ: جانب) مغرب ۲-ل.س.ق.ل.آ.س.آ (نیز ق.آ.ب): بدو؛ متن = ک (نیز ل.ن) ۳-ک (نیز و.ل.ن.آ): مردمان: (آ: نامداری) ۴-ل.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.ل.ن.آ.ب): در خور؛ متن = ل.آ.س.آ (نیز ل.ی.آ) ۵-و: ساز: ل.آ: روز جنگ و: ق.آ: زور و جنگ (و) ۶-ل.ن.آ: سنگ؛ ق (نیز ل.آ.ب، آ): چو دیوانگان دست ۷-ل.س.ل.آ.س.آ (نیز ل.ی): چو دیوانگان دست بر سر زدند؛ (ب: چو دیوان دست بر سر زدند (وزن ندارد))؛ متن = ل.ک (نیز ل.ن.ق.آ.و) ۸-ل.از؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۹-ق: باشد؛ س.ل.آ.س.آ (نیز ق.آ.ل.ی.آ): که داد از: ک: که دادت؛ (ل.ن.ل.آ.و.ل.ن.آ: که دارد)؛ متن = ل (نیز پ) ۱۰-ب: بر آن خرمی جایگه ساختشان ۱۱-ق (نیز ل.آ.ب): پیر مرد ۱۲-ل (نیز ل.ن.آ): اختر و؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۳-ق (نیز ب): اندر نبرد؛ (ل.ن.آ: مردگیر: ل.آ: از شهان جهان گشته فرد) ۱۴-ل.س (نیز ل.ن.ل.ی.پ): زان: (آ: ازین)؛ متن = ق-س.آ (نیز ق.آ.ل.آ.و.ل.ن.آ.ب) ۱۵-ل.ن.آ: سوی ۱۶-ق (نیز ب): پر از آب و ۱۷-س: ندادیم: ک: ندیدند؛ (ل.ی: ندیدست) ۱۸-ل.ق (نیز ق.آ): چو؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۹-ل.ق (نیز ق.آ.ل.ی.ل.آ): بدانجا: ک (نیز ب): که آنجا؛ متن = س.ل.آ.س.آ (نیز ل.ن.و.ب) ۲۰-ل: بر آن؛ س.س.آ (نیز ل.ی.ل.آ.آ.ب): در آن: ل.آ: دل؛ متن = ق.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ب.و.ل.ن.آ): بنداری؛ فوصل الی مدینه فیها ناس حمر الوجوه صفر الشعور فایلهم الاسکندر عمن يعرف عجائبها. فقال له من أهل تلك المدينة شیخ طاعن فی السن: إن وراء مدینتنا عیناً کبیرة فیها تغرب الشمس و تغیب ۲۱-س: بر ۲۲-ک: آشکارا: ل.آ: این بیت را ندارد ۲۳-س: چندی؛ بنداری؛ و وراء هذه العین ظلمات، و فیها من العجائب ما لایحیط به الوصف؛ پ پس از این بیت افزوده است:

خردیافته مرد یزدان پرست بدان در یکی چشمه آید به دست

۲۴-ک: شود یافته ۲۵-ل.ق.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.ل.ن.آ.ب): دارد بدان؛ (پ: دارد مر آن: و دارد یکی)؛ متن = س.ل.آ.س.آ (نیز ل.ی.آ) ۲۶-ق: بدو؛ (ل.آ: بدین)؛ س.س.آ (نیز ل.ی.آ.ب): چو شویی در او؛ ک (نیز ل.ن.ق.آ.ب.ل.ن.آ): بشویی بدو؛ ل.آ: چو شویی بدو؛ متن = ل: بنداری؛ و قد قال بعض عبادنا: إن فیها عیناً یقال لها عین الحیاة من شرب منها یخلد و لایموت. لأن مدد مائنها من أنهار الفردوس. و من اغتسل فیها تساقطت عنه ذنوبه ۲۷-ل: پس شه که؛ (ل.ن.آ: شاهش که)؛ ق: سکندر چنین گفت؛ ک (نیز ق.آ): پیرسید سکندر که؛ (ل.ن.ل.آ.ب: سکندر بدو گفت؛ و: سکندر بگفتش که)؛ متن = س.ل.آ.س.آ (نیز ل.ی.آ.ب)

کز آن^۱ راه بر کُزه باید نشست
 سراسر به لشکرگه آرد^۲ گله
 همه چارسال از درِ کارزار
 وُزان جایگه شاد^۳ لشکر براند
 که آن را میان و کرانه ندید
 پر از باغ و میدان و ایوان^۴ و کاخ
 بنزدیک آن چشمه شد بی سپاه^۵
 چو از بخشش پهلوان^۶ کرد یاد
 فرو شد بدان چشمه‌ی لاژورد^۷
 که رخسند^۸ گشت از جهان ناپدید^۹
 همه بر دل^{۱۰} اندیشه‌های دراز
 پس اندیشه بر آب حیوان نهاد
 بجُست^{۱۱} از میان سپه، برگزید
 بیامد دمان تا چه بیند شگفت
 یکی پیش‌رو چُست^{۱۲} بر پای^{۱۳} کرد
 سر^{۱۴} نامدارانِ آن انجمن
 دل و جان سپرده به پیمان او^{۱۵}

چنین پاسخ آورد یزدان‌پرست
 به چوپان^{۱۶} بفرمود کاسپ یله
 گزین کرد ازو^{۱۷} بارگی ده^{۱۸} هزار
 ۱۳۴۵ بزرگان بیداردل را بخواند
 همی‌رفت تا سوی شهری رسید
 همه هر چه باید بدو در فراخ
 فرود آمد و بامداد^{۱۹} پگاه
 که دهقان ورا نام حیوان نهاد
 ۱۳۵۰ همی‌بود تا گشت خورشید زرد
 ز یزدان پاک آن شگفتی بدید
 بیامد به لشکرگه خویش باز
 شب تیره کرد از جهاندار یاد
 شکیا^{۲۰} ز لشکر هر آنکس که دید
 ۱۳۵۵ چهل روز^{۲۱} افزون خورش بر گرفت
 سپه را بدان^{۲۲} شارستان جای کرد
 وُرا اندر آن^{۲۳} خضر بُد رای‌زن
 سکندر بیامد به فرمان او^{۲۴}

۱-س. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۱. آ): کزین؛ ق: درین؛ (و. ل. ۲: که آن)؛ متن = ل. ک (نیز ل. ۲. ل. ۳. پ. ب) ۲-س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۱. آ. ب): سکندر؛ متن = ل. ک (نیز ل. ۲. ق. آ. ب. و. ل. ۲) ۳-ل. ۳ (ل. ۲: آور)؛ ل: سراسر به لشکر که دارد؛ س (نیز آ. ب): به لشکرگه آرد سراسر؛ ل (نیز ل.): به لشکرگه آرند یکسر؛ س ۲: به لشکرگه آورد چوپان؛ متن = ق. ک (نیز ق. ۲. ل. ۲. پ) ۴-ل (نیز ل. ۲): زو؛ ک (نیز ق. ۲. ب): از آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-ل. ق (نیز ل.): دو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال له الاسکندر: کیف تسلك الدواب طریق هذه الظلمة؟ فقال: من أراد ان یسلک طریقها لا ینبغی ان یرکب إلا مہراً. فأمر الاسکندر بجمع الخیل فاختر منها عشرة آلاف مہر رباع قوی ۶-ق: زود؛ (ل. ل. ۲: شاه)؛ درل. ق. ک. ل. ۲. ق. آ. ل. ۲-ل. ۲. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۱. آ. ب) ۷-س. ل. ۲: ایوان و میدان ۸-ل. (و: با سپاه؛ ل. آمد ز راه) ۹-س (نیز ل. و): پهلوی؛ (ق: آیزدی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ل. ۱. آ. ب): لاجورد؛ متن = ل. ک (نیز پ-آ)؛ ق ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: و سار فی عساکره حتی وصل الی مدینة کبیرة فیها نعم کثیرة و بساتین وسیعة و قصور رفیعة فنزل فیها. و صار وحده الی مغرب الشمس فبقی ینتظر غروبها. فلما کان عند الغروب شاهد قرص الشمس و هی تغیب فی تلك العین ۱۱-ل (نیز و): خورشید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ک: آن جهان آفرید؛ ل ۲ در اینجا سرنویس دارد: رفتن سکندر به ظلمات ۱۳-ل. س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۲. ق. آ. ل. پ. ب-آ): دلی پر؛ (ب: همه دل پر)؛ متن = ق (نیز ل ۳) ۱۴-ل: سکوبا؛ س: سکیا؛ ک (نیز ب): شکوبا؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵-ل. ق. ک (نیز و): حست (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ س (نیز ق. آ. ل. ۲): حست (حرف دوم بی نقطه)؛ ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ل. ۱. پ. آ. ب): نخست؛ متن = (ل ۳) ۱۶-ل. ک (نیز ل. پ. آ. ب): روزه؛ متن = س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز و. ل. ۲) ۱۷-ل (نیز ل. ۲): بر آن؛ ل. ۲. س. ۲ (نیز ب): در آن؛ (آ: سپهداران)؛ متن = س. ق. ک (نیز ل. ۲. ل. ۲. پ. و) ۱۸-ل. ق. ک (نیز ل. ۲. ق. آ. ب): جست؛ س. ل. ۲. س. ۲ (نیز و. ل. ۲. آ): جست و؛ متن = (پ) ۱۹-ل (آ: سوی چشمه آب خود رای کرد)؛ ل. بیت‌های ۱۳۵۶-۱۳۶۱ را ندارد؛ بنداری: فجعل یسبح الله تعالی و یقدسه. ثم انصرف الی معکرة فانتخب من أصحابه من عرفه بالعقل و الصبر. و تزود لأربعین یوماً، و اختار من یصلح أن یتقدم إمامهم و یریر بین أیدیهم ۲۰-س. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. پ. ل. ۲. آ): اندرین ۲۱-ک: سری ۲۲-ل. س. ق. س. ۲ (نیز آ): او؛ متن = ک. ل. ۲ (نیز ل. ۲. ق. آ. ل. ب)

یکی تیز گردان برین کار دل
 بسی بر^۱ پرستش درنگ آوریم
 به یزدان پناهد^۲ ز راه خرد
 بتابد شب تیره، چون بیند^۴ آب^۵
 نگهبان جان و تن خویش باش!
 به تاریکی اندر شوم با سپاه^۷
 بدین^۹ آشکارا چه دارد نهان
 نمایندهی آب و^{۱۲} راه من اوست

بدو گفت کای مرد بیداردل
 ۱۳۶۰ اگر آب حیوان به چنگ آوریم
 نمیرد کسی^۲ کو روان پرورد
 دو مهرهست با من که چون آفتاب
 یکی زان تو برگیر و در پیش باش!
 دگر مهره باشد مرا شمع راه^۶
 ۱۳۶۵ بینیم^۸ تا کردگار جهان
 توی^{۱۰} پیشرو، گر^{۱۱} پناه من اوست

خروش آمد: اللّٰه اکبر، ز دشت
 خورشها ز هرگونه بگذاشتی
 کسی را به خوردن نجنید لب
 پدید آمد و گم شد از خضر، شاه
 سر زندگانی به کیوان کشید^{۱۹}
 نگه دار جز پاک یزدان^{۲۱} نجست
 ستایش همی بآفرین بر فرزند

چو لشکر سوی آب حیوان گذشت
 چو از منزلی خضر^{۱۳} برداشتی
 همی رفت ازین^{۱۴} سان دو روز و دو^{۱۵} شب
 ۱۳۷۰ سدیگر^{۱۶} به تاریکی اندر^{۱۷} دو راه
 پیمبر سوی آب حیوان کشید^{۱۸}
 بر^{۲۰} آن آب روشن سر و تن بشت
 بخورد و بیاسود^{۲۲} و برگشت زود

یکی بر شده^{۲۴} کوه رخشنده دید^{۲۵}

سکندر سوی روشنایی رسید^{۲۳}

۱-ق: در: بنداری: فوق الاختیار علی الخضر فانه كان سيد الجماعة و صاحب الرأي فيما هم بصدده. فقوض الاسكندر اليه أمره، وقال: أيها الرجل المتيقظ! نه قلبك لهذا الأمر. فإننا إن عثرنا على ماء الحياة بقينا نعبد الله تعالى الى آخر الأبد ۲-س: هر آن: ک: پذیرد کسی ۳-(ق: آ: گراید) ۴-(ن: آ: مانند: ل: آ: به شب چون بینند؟) ۵-(و: ماهتاب) ۶-(ل: آ: همچو شمع) ۷-(ل: آ: رویمان به جمع) ۸-ک (نیز لی): بینیم که ۹-س، س: ۲ (نیز پ، ل: آ: آ): برین: ل: ۲ (نیز ب): درین: متن = ل، ق، ک (نیز ل: ل: آ: و) ۱۰-س: توام: (و: تواز) ۱۱-(و: که) ۱۲-ل: رای و: (لی: داد راه): متن = سیزده دستویس دیگر: بنداری: و إن معی خرزتین تتقدان كالشمس فی جنح اللیل. فخذ إحداهما، و سر قدام القوم، و تكون الأخرى معی. و أنا و العسكر نقتفی أثرک و نبصر ماذا قسم الله تبارک و تعالی لنا ۱۳-(ن: ل: آ: منزله خضر: ق: آ: منزل خفته) ۱۴-ل: ۲ (نیز و): از آن: (ن: ل: آ: زین) ۱۵-ق: سه ۱۶-س: ۲ (نیز آ): سکندر ۱۷-(ل: آ: تاریکی آمد): ق: در اینجا سرنویس دارد: گم شدن سکندر از خضر و رسیدن خضر به آب حیات ۱۸-س، ل: آ: س: ۲ (نیز لی، آ): رسید: متن = ده دستویس دیگر ۱۹-(آ، ب: رسید) ۲۰-س، ک، ل: آ: س: ۲ (نیز ل: ل: آ: و ب): از: ق: به: متن = ل ۲۱-(ق: آ: آب حیوان) ۲۲-ل: برآسود: متن = چهارده دستویس دیگر: بنداری: فتقدم الخضر، و سار الاسكندر فی أثره حتى سار فی الظلمات مرحلتین و لما كان المنزل الثالث عرض لهم فی الظلمات طریقان فسار الخضر فی إحدى الطریقین، و وصل الى عين الحياة فشرّب منه و اغتسل و فاز بالمطلوب: ل، س: ۲ پس از این بیت افزوده اند:

چو سیراب شد باره را آب داد	زمانی همان چشم را خواب داد
زمانی چنین بود، بیدار شد	نیایش کنان پیش دادار شد
چو چندی بمالید رخ بر زمین	نیایش کنان اندر آمد به زین

بین بیت‌ها در سیزده دستویس دیگر و در ترجمه بنداری نیامده اند ۲۳-(ق: آ: ل: آ: کشید) ۲۴-(آ: بر شد و) ۲۵-(لی: سر زندگانی به کیوان رسید)

۱۳۷۵ زده بر سر^۱ کوه خارا عمود
 بر آن^۲ هر عمودی کنامی^۳ بزرگ
 به^۵ آواز رومی سخن راندند^۶
 چو آواز بشنید قیصر برفت
 بدو مرغ گفت: ای دلارای^۹ رنج
 ۱۳۸۰ اگر^{۱۰} سر برآری^{۱۱} به چرخ بلند
 کنون کامدی هیچ دیدی ز نا^{۱۴}
 چنین داد پاسخ کزین^{۱۶} هر دو هست
 چو بشنید^{۱۸} پاسخ، فروتر^{۱۹} نشست
 پیرسید کاندر جهان بانگ رود
 ۱۳۸۵ چنین داد پاسخ که هر کو ز دهر
 ورا شاد مردم نخواندهمی^{۲۴}
 به خاک آمد از^{۲۵} برشده چوب عود
 پیرسید^{۲۷}: دانایی و راستی
 چنین داد پاسخ که دانش پزوه
 ۱۳۹۰ به سوی عمود^{۳۲} آمد از تیره خاک

سرش تا به ابراندر از چوب عود
 نشسته بر او سبز^۴ مرغی سترگ
 جهاندار پیروز را خواندند^۶
 بنزدیک مرغان خرامید و^۷ تفت
 چه جویی همی زین سرای سپنج؟
 همان^{۱۲} بازگردی ازو^{۱۳} مستمند
 وگر کرده از خشت پخته بنا^{۱۵}؟
 ز نا و برین^{۱۷} گونه جای نشست
 -دراو^{۲۰} خیره^{۲۱} شد مرد^{۲۲} یزدان پرست-
 شنیدی و آوای^{۲۳} مت و سرود؟
 ز شادی همی برنگیرند بهر،
 وگر جان و دل برفشاندهمی^{۲۴}
 تهی ماند از آن مرغ مشکین^{۲۶} عمود
 فزونست، اگر^{۲۸} کژی^{۲۹} و کاستی؟
 همی سر برافزاد از هر^{۳۰} گروه^{۳۱}
 به منقار چنگالها کرد پاک

۱-ق.ک (نیز ل.۳): بر بر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ل: بر؛ س.۳: بدان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳-ک: که نام ۴-ق: بر آن هر یکی بوده (وزن ندارد)؛ (ب: بر آن هر یکی بود)؛ بنداری: وصل الاسکندر عنه فسلک الآخر فأفضی به الی الضوء، وخرج من الظلمة فرأی جبلاً شاهقاً فی السماء علی رأسه أشجار من العود، و علی کل شجرة طائر أخضر ۵-(لی: بر) ۶-(ن: آ: راندی) ۷-س-س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.لی: پ-ب): <و>؛ متن = ل (نیز ل.۳) ۸-ک (نیز ل.ن.ق.آ.لی: پ-ب): گفت مرغ؛ متن = ل، س، ق، ل.آ.س.۲ (نیز ل.۳) ۹-(و: مرغ دلارا که) ۱۰-س، ک، ل.آ.س.۲ (نیز ل.ن.لی: پ-ب): که گر؛ متن = ل، ق (نیز ل.۳) ۱۱-س، ل.آ.س.۲ (نیز ل.لی: آ): تو برآیی؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل.ن.ل.آ.ب) ۱۲-ک: به من ۱۳-ق (نیز ل.ن.ل.آ.پ.ب): تو زو؛ ق.آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما رأته الطيور نطقن باذن الله باللسان الرومی. فلنما من طائرو أصغی لیسمع کلامه فقال له: ماذا تريد أیها الثعبان من الدنيا الفانية؟ وأنت لو بلغت السماء لم یکن لک بد من الموت ۱۴-س، ق، ل.آ.س.۲ (نیز ل.ن-ب): نی؛ متن = ل، ک ۱۵-س، ق (نیز و): بنی؛ ل.آ: تی (حرف دوم بی نقطه)؛ س.آ: پی (حرف دوم بی نقطه)؛ ل.ن. ق.آ.لی: ل.ن.آ.ب: تنی؛ ل.آ: زنی؛ پ: خشت زرین بنی)؛ متن = ل، ک؛ بنداری: ثم قال للاسکندر: هل حدث الزنا و هل استعمل الأجر فی البناء؟ ۱۶-س، ق، ل.آ.س.۲ (نیز ق.آ.لی، و، آ.ب): که این؛ متن = ل، ک (نیز ل.ن.ل.آ.پ.ل.ن.آ) ۱۷-س، ق، ل.آ.س.۲ (نیز آ): زنی هم برین؛ ک: ز ناوی بدین؛ (ل.ن-پ، ل.ن.آ.ب: زنی و برین)؛ متن = ل (نیز و) ۱۸-ک: نشید ۱۹-(پ: فراتر) ۲۰-س، ک، ل.آ.س.۲ (نیز ق.آ.پ، آ.ب): براو؛ (ل.ن: بدو)؛ متن = ل، ق (نیز و، ل.ن.آ) ۲۱-(ل: چاره: ب: چیره) ۲۲-س، ک، ل.آ.س.۲ (نیز ل.لی، ل.آ): مرغ؛ متن = ل، ق (نیز ل.ن.ق.آ.پ-ب) ۲۳-س-س.۲ (نیز ل.ن-پ، ل.ن.آ.ب): آواز؛ متن = ل (نیز و)؛ بنداری: فقال: و هل قرع سمعک صوت المیزهر، و صیاح السکران و نغم الغناء؟ ۲۴-ل.آ (نیز ل.۳): کسی-بسی ۲۵-ک (نیز ب): آن ۲۶-س، ق، ک: سنگین؛ ل: زان مرغ رنگین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-ک: ترسد که (حرف یکم بی نقطه)؛ ل.آ.س.۲ (نیز ق.آ.ب): پیرسد که؛ (پ: دگر گفت)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل.ن.لی، ل.آ، و، ل.ن.آ) ۲۸-س، ک، ل.آ: یا ۲۹-ل، ق، ک، س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ، آ.ب): کمی؛ متن = س، ل.آ (نیز ل.لی، و، ل.ن.آ)؛ بنداری: فقال نعم. فنزل الیه الطائر عند ذلک و قال: أیما أكثر العلم مع السداد أم الجهل مع الفساد؟ ۳۰-ل، س: سر فرازد ز هر دو؛ (لی: سر فراز آید از هر)؛ متن = ق، ل.آ.س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.ب) ۳۱-ک: بر فرازد سر از هر دو کوه؛ بنداری: فقال العالم بین الناس عزیز ۳۲-(آ: نیاز)

به شهر تو بر کوه دارد^۳ نشست؟
 نگیرد^۴ پرستنده جز کوه^۵ جای
 جهانجوی روشن دل و شادکام
 چو ایمن شد از بخشش^۸ رستخیز
 پیاده^۹ شود بر سر تیغ کوه
 کرو^{۱۲} شادمان را بیاید گریست
 به دیدار بر تیغ^{۱۳} شد بی گروه
 برافراخته سر ز جای^{۱۴} نشست
 که فرمان کی آید ز یزدان^{۱۶} که دم!
 چو رعد خروشان فغان برکشید،
 که روزی به گوش آیدت یک خروش،
 به رفتن بیارای و بر بند رخت^{۲۰}!
 که بهر من این آمد از روزگار،
 نینم همی آشکار و نهان
 همی داد نیکی دهش را درود
 به پیش اندرون مردم راهجوی

ز قیصر پرسید: ^۱ یزدان پرست
 بدو گفت: چون مرد شد پاک‌رای
 از آن چوب بوبنده^۶ شد بر کُنام
 به چنگال می^۷ کرد متقار تیز
 ۱۳۹۵ به قیصر بفرمود تا بی گروه
 ببیند که^{۱۰} تا بر سر کوه چیست^{۱۱}
 سکندر چو بشنید، شد سوی کوه
 سرافیل را دید، صوری به دست
 پر از باد دم^{۱۵} دیدگان پُر ز نم
 ۱۴۰۰ چو بر کوه روی سکندر بدید
 که ای بنده‌ی آژ^{۱۷} چندین مکوش
 که^{۱۸} چندین مرنج از پی تاج و تخت^{۱۹}
 چنین داد پاسخ بدو شهریار
 که جز جنبش و گردش اندر جهان
 ۱۴۰۵ از آن کوه با ناله آمد فرود
 بدان^{۲۱} راه تاریک بنهاد روی

۱-ق (نیز آ.ب): پرسید که: (ل.آ): پرسید باز که: و: پرسید دیگر که: (ل.آ): بدو گفت کای مرد: متن = ل.س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز ل.ن.ق.آ.لی.ب)
 ۲-پ (کایزد) ۳-ک: باید ۴-ل: بیاید (حرف یکم بی نقطه): ق: نیاید: ک: بیاید (حرف چهارم بی نقطه): (ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ.و.ب: نیاید:
 ل.ن.آ: نباشد): متن = ل.س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز ل.آ) ۵-ل: بر کوه: ک: چون کوه: ل.آ: جز پاک: متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری: فرجع
 الطائر الی مکانه و قال له: هل یسکن العباد فی بلادکم الجبال؟ فقال: و هل لهم سکنی الافی الجبال؟ ۶-ل.س: جوینده: (ق.آ: گوینده:
 ل.پ.ل.ن.آ.آ: پوینده): متن = ل.آ.س^۲ (نیز ل.ن.لی.و.ب): ق این بیت را ندارد ۷-ل.س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز ل.آ): چنگش همی: ک (نیز ل.ن.ق.آ.پ.
 و.ل.ن.آ): چنگل همی: متن = ل (نیز ل.آ.ب) ۸-ل: گردش: (پ.و: پیچش: لی: از بیم و از بخشش و): متن = ده دستنویس دیگر: ق این
 بیت را ندارد ۹-ل.آ: بیاید ۱۰-ق.آ: ببیندش) ۱۱-ک.ل.آ.س^۲ (نیز ل.آ.ب): کیست: متن = ل.س.ق (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ) ۱۲-ق.آ:
 کران): بنداری: ثم قال له: اصعد الی رأس هذا الجبل وحدک راجلاً لیس معک أحد فأبصر ما هنالك: لی پس از این بیت افزوده است:

جهانجوی روشن دل و شادکام
 چو آواز آن مرغش آمد به گوش
 چو لختی بود و خرد باز یافت
 به اندیشه افتاد از آن کُنام
 بشد آن جهاندار با تاو و توش
 بیلا شدن نیز بر می‌شتافت

۱۳-ق: آن کوه: ل این بیت را ندارد: لی پس از این بیت افزوده است:

که تا بنگرد آن شگفتی که هست
 پدید آید او را همه هر چه هست

۱۴-برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند: س: رفتن اسکندر به دیدن اسرافیل علیه السلام: ق: دیدن اسکندر اسرافیل را علیه
 سلام با صور ۱۵-ل.ق.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.ل.ن.آ): لب: ل.آ: سم (نقطه ندارد): متن = ل.س.س.س^۲ (نیز ل.آ.ب) ۱۶-ل: یزدان کی آید: متن =
 چهارده دستنویس دیگر: بنداری: فصعد الاسکندر وحده فرأی اسرافیل علیه السلام. علی رأس ذلك الجبل و بیده الصور، و قد نفخ
 تدقیه، و ملأ من الدموع عینه ینتظر متی یأتیه الأمر فینفخ ۱۷-ق: مرد خیره تو ۱۸-ق (نیز ل.ن.آ): تو ۱۹-پ.ب: گنج) ۲۰-پ:
 مفزای رنج): متن = چهارده دستنویس دیگر: بنداری: قال: فلما نظر الی وجه الاسکندر صاح علیه و قال یا عبد الحرص! لا تجهدن هذا
 نجهد فوف یأتیک الأمر بالمسیر. و یقرع سمعک النداء بالرحیل ۲۱-ل: بر آن: متن = چهارده دستنویس دیگر

خروشی برآمد ز کوه سپاه^۱
 پشیمان شود زان که دارد به چنگ
 به هر دو ز دل^۳ سوی درمان شود
 پُر اندیشه شد هر کسی زان خروش
 بی^۴ رنج ناآمده بشمرد^۵؟
 پشیمانی و^۶ سنگ^۷ بردن ز^۸ راه
 مگر درد و رنجش نباید چشید^۹
 سدیگر کس^{۱۱} از کاهلی بُرد^{۱۲} خُرد
 ز تاریکی راه بیرون^{۱۳} شدند،
 پدیدار شد کژی^{۱۵} و کاستی
 یکی را پُر از^{۱۷} گوهر نابسود
 زبرجد چنان^{۲۰} خوار بگذاشت اوی^{۱۹}
 از آن گوهر^{۲۲} بی بها^{۲۳} سر بگاشت^{۲۴}
 چو آسوده تر گشت^{۲۵}، لشکر براند

چو آمد به تاریکی اندر سپاه
 که هر کس که بردارد از پای^۲، سنگ
 وُگر بر ندارد، پشیمان شود
 ۱۴۱۰ سپه سوی آواز بنهاد گوش
 که بردارد آن سنگ، اگر بگذرد؟
 یکی گفت کین رنج هست از گناه
 دگر گفت: لختی نباید کشید
 یکی بُرد از آن^{۱۰} سنگ و دیگر بُرد
 ۱۴۱۵ چو از آب حیوان به هامون شدند،
 بجُستند هر کس بر و آستی^{۱۴}
 کنار یکی پر ز^{۱۶} یاقوت بود
 پشیمان شد آن کس که کم داشت^{۱۸} اوی^{۱۹}
 پشیمان تر آن کس که خود^{۲۱} بر نداشت
 ۱۴۲۰ دو هفته بر آن جایگه بر، بماند

گفتار اندر ساختن اسکندر سدّ یا جوج و مأجوج را^{۲۶}

سوی باختر شد، چو خاور بدید ز گیتی همی رای رفتن گزید

۱-ق: راه سپاه؛ بنداری: فقال الاسکندر: لم يقسم لی غیر الحركة و الطواف فی اقطار الأرض. ثم نزل من الجبل حلیف کآبة و رنین. و عاد القهقری الی الظلمات. فلما توغلها هتف هاتف من الجبل الأسود الذی کان هنالک ۲-ل (نیز لن ۲): کوه؛ س. ق. ل. آ. س. ۲ (نیز لی. ل. آ. ب.)؛ راه؛ متن = ک (نیز لن، ق. آ. ب. و) ۳-ل (نیز ل. و. ل. آ. ب.): درد دل؛ ق: ز هر دو همی؛ (ق. آ. لی: ز هر دو به دل؛ ب: ز هر دو گمان)؛ متن = ک. ل. آ. س. ۲ (نیز لن، پ)؛ س خوانا نیست؛ بنداری: و قال: من یحمل من حجارة هذا المکان یندم و من لا یحمل منها فهو أيضاً یندم ۴-س. ل. آ. ب. گز این؛ س. ۲ (نیز آ): که این؛ (لی: کزین؛ ل. آ. بسی؛ ب: به بی)؛ متن = ل. ق. ک (نیز لن، ق. آ. ب. و. لن ۲) ۵-ل. ق (نیز ق. آ. لی. پ. و. لن ۲. ب): نشمرد؛ ک: بسپرد؛ متن = س. ل. آ. س. ۲ (نیز لن، ل. آ. ب.) ۶-ل (نیز لن، ل. آ. ب.) ۷-لی: رنج) ۸-ل (نیز ق. آ. و. لن ۲. آ): به؛ ق: آید کشیدن به؛ متن = س. ک. ل. آ. س. ۲ (نیز لن، لی. ل. آ. ب.) ۹-ل. آ: کشید؛ (لی: نیاید پدید) ۱۰-ل: زان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱-ل (نیز لن ۲)، یکی دیگر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ل (نیز لن ۲): داشت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-ق: ره به بیرون ۱۴-لی: بدان راستی؛ و: برو راستی؛ آ: برو آشتی؛ ب: برون راستی) ۱۵-ق: کمی ۱۶-ق: ز تاریک جا خورده ۱۷-ل (راه پر)؛ ق: چنین هم همان ۱۸-س: برداشت ۱۹-ل. س. ق. ل. آ. س. ۲ (نیز ق. آ. ب.): او؛ متن = ک (نیز لن) ۲۰-ق (نیز لن ۲. ب): چرا ۲۱-س (نیز لی): کزو؛ (ق. آ: که او) ۲۲-ق: جوهر ۲۳-س. ق (نیز ق. آ. لی. ل. آ. ب.)؛ پربها؛ متن = ل. ک. س. ۲ (نیز لن، پ. و) ۲۴-ل (سر بتافت؛ ب: بر نداشت)؛ ل. آ. آ. این بیت را ندارند؛ بنداری: فحمل منها بعضهم و أعرض عنها بعضهم. فلما خرجوا من تلك الظلمات رأوا تلك الحجارة جواهر و یواقیت فندم من حمل حیث لم یتکثر، و ندم من لم یحمل حیث لم یحمل ۲۵-ق: گشتند؛ ل (نیز ل. آ. ب.): برگشت ۲۶-ل (را)؛ س: ساختن اسکندر سدّ یا جوج و مأجوج را؛ ق: رسیدن اسکندر به سرحدّ یا جوج و مأجوج؛ ل: رفتن سکندر به سوی زمین؛ س: رفتن سکندر به باختر و بستن سدّ یا جوج؛ ک: در اینجا سرنویس ندارد

که نگذشت^۲ گویی^۳ برو^۴ باد و خاک پذیره شدندش بزرگان دو میل به خورشید گردن برافراختشان کز آن^۶ برتر اندازه نتوان^۷ گرفت؟ به نالیدن^۹ از^۹ گردش روزگار بگویم با شاه^{۱۰} پیروز^{۱۰} بخت دل ما پر از رنج و دردست^{۱۲} و خون ز یاجوج و ماجوج مان خواب نیست^{۱۴} غم و رنج^{۱۷} باشد همه بهر ما از آزارشان زندگی مان^{۱۹} بد است زبانها سیه، دیده هاشان^{۲۲} چو خون که یارد شدن نزد ایشان فراز؟ بر و سینه و گوش هاشان^{۲۵} چو پیل

به ره بر یکی شارسدان^۱ دید، پاک چو آواز کوس آمد از پشت پیل جهانجوی^۵ چون دید، بنواختشان ۱۴۲۵ پیرسید کایدن چه باشد شگفت زبان برگشادند با^۸ شهریار که ما را یکی کار پیشست سخت ازین^{۱۱} کوه سر تا به ابراندرون ز چیزی که ما را پی و^{۱۳} تاب نیست ۱۴۳۰ چُن^{۱۵} آیند بهری سوی^{۱۶} شهر ما فزون نیست بالای شان^{۱۸} یک بدست همه روی^{۲۰} هاشان چو روی^{۲۱} هیون سیه روی و دندانها^{۲۳} چون گراز همه تن پر از موی و موی همچو^{۲۴} نیل

۱- (لی. پ. ب. شارسان) ۲- ق. ل. آ. س. ۲ (نیز آ. ب.): نشانند: ک: بگذشت: (لی: بنشانند: ل: نه بگذشت): متن = ل. س. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. و. ل. ن. آ) ۳- ق. ل. آ. س. ۲ (نیز ق. آ. لی. پ. و. آ. ب.): گفتم: متن = ل. س. ک. (نیز ل. ل. آ. ل. ن. آ) ۴- ق. (نیز ب.): بر آن: (لی: بدان) ۵- س: جهاندار: ق. ۲ این بیت را ندارند: بنداری: قال: ثم إن الاسکندر أقام بعد خروجه من الظلمات مقدار أسبوع (یکی از دستویس های بنداری: أسبوعین) ثم ارتحل متوجهاً نحو المشرق فسار حتى انتهى الى مدينة كبيرة فاستقبله أكابر أهلها فأكرمهم الاسکندر وأحسن اليهم ۶- ل. ۲ (نیز ل. ن.): کزین ۷- ل: باید: متن = سیزده دستویس دیگر: ق. ۲ این بیت را ندارد ۸- ل. س. ق. ل. آ. س. ۲ (نیز لی. پ. ب.): بر: متن = ک. (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ۳) ۹- (ق. آ: نالش از آن) ۱۰- ل. آ. س. ۲ (نیز ق. آ. لی. و. ل. ن. آ): بیدار: متن = ل. س. ق. (نیز ل. ن. آ. پ. ب.): ک به جای این بیت آورده است:

که جز جنبش و گردش اندر جهان بگویم با شاه اندر نهران

۱۱- ل: بدین: (لی: کزین): متن = سیزده دستویس دیگر ۱۲- ک. ل. آ. س. ۲ (نیز ل. ن. ب.): درد و رنجست: متن = ل. س. ق: بنداری: ثم سألهم عن عجائب ما هنالك فأجهشوا اليه بالبكاء و قالوا: أيها الملك! إن أماننا أمراً عظيماً لا بد لنا من عرضه على رأيك. ونحن منه في عناء و تعب شديد ۱۳- ل: بدو: متن = ده دستویس دیگر: ق. آ. ل. آ. پ. این بیت را ندارند ۱۴- ل. س. آ. س. ۲. لی. ل. ن. آ. ب. پس از این بیت و ل. آ. پ به جای این بیت افزوده اند:

ز یاجوج و ماجوج خسته دلیم چنان شد که دلهاز تن (ل. ن. آ: که پیوندها) بگسلیم

۱۵- ل. ل. آ. ۲ (نیز ل. ن. لی. ل. ن. آ. ب.): چو: متن = س. ۲ (نیز آ) ۱۶- ل. آ: هر سویی از ۱۷- ق. (نیز لی): درد: (ل. آ: غم شهر): ق. ۲ بیت های ۱۳۴۰-۱۳۴۱ را ندارد ۱۸- ل. آ. ۲ (نیز آ): آن قامت از: س. ۲ (نیز لی): نیست شان قامت از: متن = س. (نیز ل. ن. آ. ب) ۱۹- س. ۲ (نیز لی. ل. ن. آ): زندگانی: متن = س. ل. آ. < (نیز آ >) < (نیز آ >): ل. ق. ک. ل. ن. ق. آ. ل. آ. پ. و این بیت را ندارند: بنداری: و ذلك أن وراء هذا الجبل یاجوج و ماجوج. و هم یفسدون فی أرضنا و یعثون فی بلادنا. و هم فی خلقهم بحيث لا تتجاوز قامة أحدهم شبراً. و مع ذلك فقد ملئوا الأرض فساداً و شرّاً ۲۰- ک. ۲ (نیز آ): ران ۲۱- ک. (نیز آ): ران: ل. آ. (نیز و. ل. ن. آ): به سان: س. ۲ (نیز ل. ن.): چنان: متن = ل. س. ق. (نیز لی. ل. آ. پ. آ. ب) ۲۲- ل. ق: دیده ها پر ز: ک. (نیز پ.): دیده ها همچو: (لی. ب: دیدگان شان چو): متن = ل. س. ل. آ. س. ۲ (نیز ل. ن. آ. و. ل. ن. آ): ق. ۲ این بیت را ندارد ۲۳- ل. ۲: دندان های (وزن ندارد): متن = چهارده دستویس دیگر ۲۴- س: روها چو: ق. س. ۲ (نیز ل. ن. و. آ. ب.): مویی چو: (ق. آ: تن ها چو: لی: دیده چو: ل. آ. پ: روی چو: ل. ن. آ: مویش چو): متن = ل. ۲۵- ک: گوش چون آن: بنداری: ولهم وجوه كوجوه الإبل، و أنياب كأنياب الخنازير. ألسنتهم سود و أعینهم حمر. و علی أبدانهم شعور فی لون النیل، و لهم آذان كأذان الفيلة

۱۴۳۵ بخسبند یکی^۱ گوش بستر کنند^۲
 ز هر ماده‌یی^۳ بچه زاید^۴ هزار
 به گرد آمدن^۵ چون ستوران شوند^۶
 بهاران کز ابر^{۱۰} اندرآید خروش،
 چو^{۱۳} تئین^{۱۴} از آن موج^{۱۵} بردارد^{۱۶} ابر،
 ۱۴۴۰ فرود^{۱۸} افگند^{۱۹} ابر^{۲۰} تئین چو^{۲۱} کوه
 خورش آن بُود سال تا سالشان
 گیاشان بُود زان سپس خوردنی
 چو سرما بُود^{۲۷} سخت^{۲۸}، لاغر شوند
 بهاران، ز تئین^{۳۰} بگردار^{۳۱} گرگ
 ۱۴۴۵ اگر پادشا چاره‌یی سازدی
 بسی آفرین یابد از هر کسی
 [بزرگی، در رنج^{۳۵} ما را^{۳۶} بساز!
 سکندر بماند اندر ایشان شگفت
 چنین داد پاسخ که از ماست گنج،
 ۱۴۵۰ برآرم من این راه ایشان به رای
 همه شهر گفتند^{۴۰} کای شهریار

دگر بر تن خویش چادر کنند^۲
 کم و بیش ایشان که داند^۵ شمار؟-
 تگ آرند^۸، برسانِ گوران شوند^۹
 همان^{۱۱} سبز^{۱۲} دریا برآید به جوش،
 هوا برخروشد^{۱۷} برسانِ هیزبر،
 بیابند از ایشان^{۲۲} گروه‌ها گروه
 که آگنده گردد بر^{۲۳} و یالشان
 بپویند^{۲۴} هر سو^{۲۵} به آوردنی^{۲۶}
 به آواز برسانِ کبتر^{۲۹} شوند
 بفرند باوازه‌های^{۳۲} سترگ
 کزین غم دلِ ما پردازدی،
 و زان^{۳۳} پس به گیتی بماند^{۳۴} بسی
 -هم از^{۳۷} پاک‌یزدان نه‌یی بی‌نیاز[
 غمی گشت و اندیشه اندر^{۳۸} گرفت
 ز شهر شما یارمندی و رنج^{۳۹}،
 به نیروی نیکی‌دهش یک‌خدای!
 ز تو دور بادا بد روزگار،

۱-س. ق. ک. <و>، س^۲ (نیز لن <و>، ق^۲ <و>، لی <و>، ل^۳ پ <و>، و. و. لن^۲، آ <و>، ب.) و یک: ل^۲. بجنید و یک: متن = ل
 ۲-ل^۲. کنید ۳-ک: مادری ۴-س: آید ۵-لن^۲: ندارد؛ بنداری: اذا نام أحدهم افترش إحدى أذنيه و التحف بالأخرى. لايموت
 الأثنى منهم حتى تلد ألف مولود. و هم فى الكثرة بحيث لا يعرف عددهم إلا الله عزوجل ۶-س: اندرون ۷-ق: بوند
 ۸-س. ک. ل. آ. س^۲ (نیز ق^۲ ل. آ. و. ب.): آرند و؛ متن = ل. ق (نیز لن، لی، پ) ۹-ق. ک. دوند ۱۰-س: چو زابر ۱۱-ک: همه ۱۲-ق^۲: روی
 ۱۳-ق^۲: دو) ۱۴-ک: جوشن ۱۵-ق: بادی از آن ابر ۱۶-لی: دارد به) ۱۷-لن^۲: همه برخروشان) ۱۸-ک (نیز ق^۲ لی): فرو ۱۹-لن^۲:
 آید از) ۲۰-س: آ. ز ابر ۲۱-پ: به) ۲۲-ل: زیشان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳-س. ک. ل. آ. س^۲ (نیز لن، آ): تن؛ متن = ل. ق (نیز
 ق^۲ لن^۲، ب.)؛ بنداری: و اذا كان فصل الربيع و جاش البحر و أورد الجوّ احتمال السحاب التئین من البحر فألقاه اليهم. فيجتمعون اليه و
 يأكلون منه حتى تعبل أجسامهم و تمن أبدانهم. و يكون ذلك من السنة الى السنة ۲۴-ل. ک: بیارند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۲۵-ق^۲: هرکس؛ آ. ز هر سو) ۲۶-ل: ز آوردنی؛ ک: از آوردنی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-س-س: س^۲ (نیز لی، ب.)؛ شود؛ متن = ل
 (نیز لن، ق^۲ ل. آ. آ) ۲۸-لن: سرد) ۲۹-ل (نیز لی، پ، و، لن^۲): کفتر؛ ک (نیز ب.): کوتر؛ متن = س. ق. ل. آ. س^۲ (نیز لن، ق^۲ ل. آ. آ)؛ بنداری: و
 فى سائر السنة يجتزون بنات الأرض و بما يختطفونه من كل جانب، و اذا كانت أيام الشتاء اعتراهم الضعف حتى يصير صوت
 أحدهم فى رز صوت الحمام ۳۰-ل: ببینی؛ ق: بفرند؛ ک: و تئین؛ ق^۲: چو آید؛ و: چو تئین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱-ق: بمانند
 ۳۲-ل: برسان پیل؛ س. ق. ل. آ. س^۲ (نیز لی، ل. آ. و. ب.): برسان شیر؛ متن = ک (نیز لن، ق^۲ آ. پ.)؛ بنداری: کالذئاب الضاربه ۳۳-ل: از آن؛ متن =
 چهارده دستنویس دیگر ۳۴-ل^۲ (نیز لی، آ): نماند ۳۵-س. ق. ل. آ. س^۲ (نیز لن، لی، و. ب.): کن و کار؛ ک (نیز ق^۲ آ. پ.): کن و رنج ۳۶-ل: آ:
 کن و چاره‌ما؛ متن = ل ۳۷-س. ک. ل. آ. س^۲ (نیز لی، ل. آ. و. لن^۲): که از؛ متن = ل. ق (نیز لن، ق^۲ آ. پ. ب.) ۳۸-ل: اندیشه‌ها بر؛ و: اندازه
 اندر)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و إذا قبل أيام الربيع عادوا كالذئاب الضارية. فان أنعم الملك بالتدبير فى كفاية شرهم و
 كَفّ معرفتهم شكر سعيه بكل لسان، و دام ذكره الى آخر الزمان. فتعجب الاسكندر مما أوردوا و اهتم لذلك. ثم غاص فى بحر الفكر
 ۳۹-ل^۲: بیت‌های ۱۴۴۹-۱۴۹۴ را ندارد ۴۰-ل: یکایک بگفتند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر

ز ما هر چه خواهی^۱ همه بنده‌ایم
بیاریم چندان که خواهی ز^۲ چیز

سکندر بیامد، نگه کرد کوه
۱۴۵۵ بفرمود کاهنگران آورید!
گچ و سنگ و هیزم فزون از شمار
بی اندازه بردند چیزی که خواست
ز دیوارگر هم ز آهنگران
ز گیتی به پیش سکندر شدند
۱۴۶۰ ز هر کشوری دانشی شد^{۱۱} گروه
ز بُن^{۱۳} تا سر تیغ بالای اوی^{۱۴}
ازو یک رش^{۱۶} انگشت و آهن یکی^{۱۷}
همی ریخت گوگردش اندر میان
همی ریخت هر گوهری^{۲۰} یک رده
۱۴۶۵ بسی نفت و روغن برآمیختند^{۲۳}
به خروار^{۲۴} انگشت بر سر زدند
دم آورد و^{۲۵} آهنگران صد^{۲۶} هزار

بیاورد از آن^۳ فیلسوفان گروه
مس و روی^۴ و پتک^۵ گران آورید!
بیارید چندان که باید به کار!
چو شد^۶ ساخته کار^۷ اندیشه راست،
هر^۸ آن کس که استاد بود اندر آن،
بدان^۹ کار^{۱۰} بایسته^{۱۱} یاور شدند
دو دیوار کرد از دو پهلوی^{۱۲} کوه
چو صد شاه‌رش کرده^{۱۵} پهنای اوی^{۱۴}
پراکنده مس در میان اندکی^{۱۸}
-چنین باشد افسونِ داناکیان^{۱۹}!-
چو از خاک تا تیغ گشت^{۲۱} آزده^{۲۲}،
همی بر سر گوهران ریختند،
بفرمود تا آتش اندرزدند
به فرمانِ پیروزگرشهریار

۱-ل: باید؛ (و: ز هر چه تو خواهی): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ل (نیز و): تو: س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق، ل، ی، پ، ل، ن، آ، ب): خواهید؛ (آ: خواهیم): متن = (ل ۳): بنداری: فقال لهم: إني أعاونكم مني بالأموال والكنوز فعاونوني بنفوسكم حتى أعمل دونهم سداً بقدرة الله الذي لا إله إلا هو سبحانه وتعالى. فدعوا له وقالوا: إنا كلنا عبيدك فيما تأمر به: ل، ن ۲ پس از این بیت افزوده است:
پس آنکه سوی رفتن آغاز کرد به گردان رومی هم آواز کرد
۳-ل (نیز پ): زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-پ: رود و) ۵-ک: سنگ ۶-ک: بشد ۷-ق، ک (نیز ق، آ، ب): کار و؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فجاء الاسكندر في علماء فلاسفته وأصحاب رأيه فنظر الى الجبل فأمر باستدعاء الحدادين والفعلة، وأمر باحضار النحاس والرصاص والجنص والحجارة والخطب ۸-ک: هم؛ درس ۲ روی بیت‌های ۱۴۷۱-۱۴۵۸ میناتور کشیده‌اند ۹-س (نیز ل، ن، آ): بر آن ۱۰-س (نیز پ): شایسته: ق (نیز ب): کار باشاه؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، ل، و، ل، ن، آ) ۱۱-ق (نیز ب): صد ۱۲-ل، ی، آ: پهنای: ق: در او راه کردند بالای؛ ک: در دنوار ذر پهلوی؟ ۱۳-ل، ن، ق، آ: پی) ۱۴-ل، ک (نیز ق، ل، ی، ل، آ، ب): او؛ متن = (ل، ن، پ، و، ل، ن، آ) ۱۵-س، ک (نیز ق، ل، ی، و): کرد؛ (ل، ن، ل، ن، آ: بود: پ: صد ارش کردند): متن = ل، ق (نیز ل، آ، ب): بنداری: فجمعوا من كل واحد ما لا يحيط به الحصر. وحشر صناع الأقاليم فسد ما بين الجليلين بسدين من قرار الأرض الى رأس الجبل. وجعلوا الأساس في عرض مائة ذراع ۱۶-آ: ره؛ ق: به یک رسته؛ (ل ۳: به یک رسته: و: یکی رسته) ۱۷-و: آهن به تیغ) ۱۸-و: بی دریغ) ۱۹-ک: گند آوران؛ (ل ۳: رای کیان؛ پ: والا کیان؛ ل، ن، آ: دانا بیان): متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ق، ل، ی، و، آ، ب) ۲۰-ل: کوره‌یی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-ل (نیز ق، آ): شد؛ ق: قمر با تیغ شد؛ ک: به روی و به مس کوه کرد؛ متن = س (نیز ل، ن، ی، ب) ۲۲-پ: آزده؛ بنداری: فكانوا يصفون من زبر الحديد صفافي مقدار ذراع، و يضعون عليه الفحم والنحاس، و يجعلون الكبريت فوقه، ثم صفوا آخر فوقه كذلك ثم آخر و آخر حتى انتهى الى رأس الجبل ۲۳-پ: بیامیختند) ۲۴-ک: سود از بر (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ (آ: بجز دار؟؛ ل: به چوب از بر) ۲۵-ک (نیز ل، ی، پ): < (ل، ن، ل، ن، آ: آورده) ۲۶-ک (نیز و): سی؛ (پ: آهنگران را): بنداری: و ساوی ما بین الصفین. ثم خلطوا النفط والدهن وأفرغوه على رأس الجميع ثم صبا عليه الفحم ثم ألقوا فيه النار. واجتمع عليه مائة ألف حداد ينفخون فيه

ستاره شد از تَفِ آتش ستوه
 دم آتش و رنج آهنگران
 وُزَانُ آتِش تیز بگداختند
 زمین گشت جای نشیم^۵ و نشست
 چو نزدیک صد باز^۹، پهنای اوی^۸
 جهانی برست از بد^{۱۰} داوری!
 که بی تو مبادا زمان و زمین!
 فراوان بیردند نزدیک شاه
 جهان مانده از کار او در^{۱۴} شگفت
 به رنج آمد^{۱۶} از راه شاه و سپاه
 که جای^{۱۷} دد و دام و ماهی^{۱۸} ندید
 یکی خانه بر سرش^{۲۰}، یاقوتِ زرد،
 میان اندرون چشمه‌ی آب شور،
 به زیر اندرش پایه^{۲۳} چون پَرِ زاغ^{۲۴}،
 ز گوهر همه^{۲۷} خانه چون آفتاب،

خروش دمنده^۱ برآمد ز کوه
 چنین روزگاری برآمد بر آن
 ۱۴۷۰ گهرها یک اندر دگر^۲ تاختند^۳،
 ز یاجوج و ماجوج گیتی پرست
 به رش^۶ پانصد^۷ بود بالای اوی^۸
 از آن نامور سد اسکندری
 بر او مهتران خواندند آفرین
 ۱۴۷۵ ز چیزی که بود اندر آن جایگاه^{۱۱}
 نپذرفت^{۱۲} ازیشان و خود برگرفت^{۱۳}
 همی راند^{۱۵} یک ماه پویان به راه
 چنین تا بنزدیک کوهی رسید
 یکی کوه دید از برش لاژورد^{۱۹}،
 ۱۴۸۰ همه خانه قندیل‌های بلور،
 یکی سرخ^{۲۱} گوهر به جای^{۲۲} چراغ
 فتاده^{۲۵} فروغ چراغ اندر^{۲۶} آب

۱-ق.ک (نیز ب): دمیدن ۲-ل: یک اندر دگر کورها؛ ک: چو گوهر یک اندر دگر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ل.س، ق (نیز ل.ب): ساختند؛ متن = ک ۴-ک: بدان؛ بنداری: فارفع الدخان فی السماء و تمكنت النار فيه و بقیت کذلک تغد زماناً حتی تراصت الأجزاء و تهتمم البناء؛ س، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

سدی گشت برسان کوهی بلند برستند (س: برستید) گیتی ز بیم (س: و بیم) گزند

۵-ل: خرام؛ (ل: شکیب)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در.س، ل.ن، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۶-ق، س، آ (نیز ل.ی، آ، ب): ارش ۷-ل.ی، و: پنج صد؛ ل.ن، ق، آ: پانصدی؛ (س (نیز ل.ن، آ): چو پانصد ارش؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، آ، ب) ۸-ل.س، ق، س ۲ (نیز ق، ل، آ، ب): او؛ متن = ک (نیز ل.ن، ل.ی، پ، و، ل.ن، آ): بنداری: فتخلص العالم بالسد الاسکندری من شرّ یاجوج و ماجوج و عادیتهم ولله الحمد. قال: و طول هذا السدّ خمس خمسمائة ذراع فی عرض خمسمائة ذراع ۹-ل.ن، پ: یاز؛ ل: چو سیصد بدی نیز؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ق، ل.ی، ل، آ، و، ب)؛ بنداری: و جعلوا الأساس فی عرض مائة ذراع ۱۰-س (نیز و): بدو؛ ق (نیز ل): جهان از بدان رست وز ۱۱-ل: رزمگاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-س ۲ (نیز ل.ی، ل.ن، آ، ب): پذیرفت؛ (و: پذیرفت)؛ متن = ل، س، ق، ک (نیز ل.ن، ق، ل، آ، ب) ۱۳-س، س، آ (نیز و، آ، ب): وره؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل.ن، پ) ۱۴-ل: زان کار اندر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ل: رفت؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ل: اندر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-س، ق، ک، س ۲ (نیز ل.ن، ق، ل.ی، ل.ن، آ، ب): جایی؛ متن = ل (نیز ل، آ، پ، و) ۱۸-ق (نیز ل، ل.ن، آ، ب): مردم؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز ل.ن، ق، ل.ی، آ) ۱۹-س، ق، س، آ (نیز ل.ن، ل، آ، ب): لاجورد؛ متن = ل، ک (نیز پ، آ)؛ بنداری: اللازورد ۲۰-ل، س، ق، س ۲ (نیز ق، ل.ی، پ، ل.ن، آ): بر سر ز؛ متن = ک (نیز ل.ن، ل، آ، و، ب)؛ بنداری: و لما حکم الاسکندر ذلک ارتحل من تلك المدينة و سار مسيرة شهر فوصل الى جبل من اللازورد، علی رأسه بیت من الیاقوت الأصفر ۲۱-ل (نیز ل.ن): درج؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: جوهر احمر ۲۲-س، س، آ (نیز ل.ی، آ): به سان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳-س، س، آ (نیز ل.ی، ل.ن، آ، ل): جامه؛ (ق: ناه (بی نقطه)؛ ل.ن: اندرون ناه (واژه دوم بی نقطه) ۲۴-ل): خانه چون کرد باغ؛ (نیز پ، ب): اندرون خانه چون کرد باغ؛ (و: اندرون خانه و باغ و راغ)؛ ل، ک: فروزان شده زو همه بوم و راغ؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵-س، آ: همی زد ۲۶-ل: ستاره در آب؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-س، آ: ز هر گوهری؛ بنداری: فیه قنادیل معلقة من البلور، و فی وسط عین ماء مالح فیه جوهر أحمر له أشعة تنبث أنوارها علی الماء فیمتلئ البیت منه بالأضواء

برو خوابیده یکی شوربخت،
 به بیچارگی مرده بر تختِ ناز،
 کشیده ز دیبا برو چادری،
 وگره^۵ خاکی آن^۶ خانه را بسپرد،
 وزان لرزه هم زنده^۹ ریزان شدی
 که ای آزورمرد^{۱۱} چندین مشورا!
 عنانت^{۱۲} کنون باز باید کشید
 سرِ تختِ شاهیت بی‌شاه^{۱۳} گشت
 به لشکرگه آمد بکردارِ دود^{۱۴}

نهاده بر چشمه^۱ زرین دو تخت^۲
 به تن مردم^۳ و سر چُن آن^۴ گراز
 ۱۴۸۵ ز کافور زیر اندرَش بستری
 هر آن کس که رفتی که چیزی بَرَد،
 همه^۷ تنش بر جای^۸ لرزان شدی
 خروش آمد از چشمه‌ی آبِ شور^{۱۰}
 بسی چیز دیدی که آن کس ندید
 ۱۴۹۰ کنون زندگانیت کوتاه گشت
 سکندر بترسید و برگشت زود

۱- (لن: حوض) ۲- (ل: درخت): س در اینجا سرنویس دارد: رسیدن اسکندر به گورخانه شَداد عاد ۳- س، ک، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، لن ۲، ب): تن مردم؛ ق (نیز و): تنش مردم؛ متن = ل (نیز ب، آ) ۴- ل، ک (نیز لی): چو آن؛ س، ق (نیز ق ۲، پ، و، ب): به سان؛ (ل ۳): تنش همچو مردم سرش چون؛ متن = س ۲ (نیز لن، لن ۲، آ) ۵- (ق ۲، یا) ۶- ک: از آن ۷- ق: همی ۸- ک: پای ۹- ل: آن زنده؛ (ق ۲): بر جای؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ در ل، س، س ۲، لی، لن ۲، آب پیایی بیت‌های ۱۴۸۰-۱۴۸۶ آشفنگی دارد و در بیشتر این دستویس‌ها بدین‌گونه است: ۱۴۸۰، ۱۴۸۳، ۱۴۸۴، ۱۴۸۵، ۱۴۸۱، ۱۴۸۲، ۱۴۸۶؛ ما از پیایی ق، ک، لن، ق ۲، ل ۳، پ، و بیروی کردیم که متن بنداری نیز آن را تأیید می‌کند؛ بنداری (۱۴۸۰-۱۴۸۷): فیه قنادیل معلقة من البلور، و فی وسطه عین ماء مالح فیه جوهر أحمر له أشعة تبت أنوارها علی الماء فیمتلی البیت منه بالأضواء. و عند العین تخت من الذهب منصوب علیه شخص مسجی مضطجع، رأسه کراس خنزیر و بدنه کبدن إنسان، قد فرش تحته الکافور. و کان من قصد أخذ شیء من ذلك البیت تأخذه الرعدة و يموت فی مکانه ۱۰- (ق ۲): شه را بنوش) ۱۱- ل: آرزومند؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۲- ل: عنان را ۱۳- س، ق (نیز آ، ب): گاه؛ ک (نیز لن، و): راه؛ متن = ل، س ۲ (نیز ق ۲، پ، لن ۲) ۱۴- (آ: به نزدیک بود)؛ س، لی پس از این بیت افزوده‌اند:

به دانش ز خورشید برتر بدند
 چو بایست نزدیک خودشان نشاند
 که ماندم از آن اندهان روی زرد
 اگر نیست پوشیده بر بخردان
 چه داند ازین داستان این گروه؟
 بگویم ار ایدون که پرسد شهم
 روان مرا زان (لی: زین) سخن درخورد
 یکی شاه بود اندر آن روزگار
 برآورد پرمایه ذات‌العماد
 نخواندی همی (لی: ورا) جز جهان‌آفرین
 ستایش مر او را بیاراستی
 فگندست، سر چون سر خوک بر
 چو بر وی سرآمد بزودی زمان
 به افسون و نیرنگ‌ها رای کرد
 بازید آن را بدین چاره‌گر
 به گیتی نباشد از او گفت‌وگو (س: او)
 بفرمود تا برنشیند سپاه

ده از فیلسوفان که افسر بدند
 فرستاد و آن زیرکان را بخواند
 ز دیده سخن‌ها بسی یاد کرد
 بخواهم که پیدا کنتم ردان
 ۵ یکی گفت: ای شاه دانش‌پژوه
 ازین پرسش شهریار آگهم
 بدو گفت شاه: ای ستون خرد
 ورا گفت گوینده: ای شهریار
 که در دشت کنعان که (لی: <که>) شداد عاد
 ۱۰ همین شه به شداد گفت: ای بدین (?)
 نبودش پسر (لی: بسی) زو پسر خواستی
 بیرآمدش (س: خوانانیت: ظن: این) که بر تخت زر
 نهانش همی داشت از مردمان
 برین کوه‌سر مر ورا جای کرد
 بسی کیمیاها بر آن کوه‌سر
 ۱۵ که تا کس نیند همی زشت او
 چو زان داستان گشت آگاه شاه

وُزان جایگه تیز لشکر براند خروشان همی^۱ نام یزدان بخواند

گفتار اندر رسیدن اسکندر به درخت گویا^۲

از آن^۳ کوه راه بیابان گرفت
همی‌راند پردرد و^۴ گریان ز جای
۱۴۹۵ ز راه بیابان به شهری رسید
همه بوم^۵ پُر باغ آباد بود
پذیره شدنش بزرگان شهر
برو همگنان آفرین خواندند
همی‌گفت هر کس که ای شهریار
۱۵۰۰ بدین شهر هرگز نیامد سپاه
کنون کامدی^۶ جان ما پیش توست
سکندر دل از مردمان شاد کرد
پیرسید ازیشان که ایدر شگفت
چنین داد پاسخ بدو^۷ رهنمای^۸
۱۵۰۵ شگفتی‌ست ایدر^۹ که اندر جهان
درختی‌ست ایدر، دُو بُن^{۱۰} گشته جُفت
یکی ماده و دیگری نَرِ اوی^{۱۱}

غمی^{۱۲} گشت و اندیشه‌ی جان^{۱۳} گرفت
سپاه از پس و، پیش او^{۱۴} رهنمای
بُئد^{۱۵} شاد کاوازِ مردم شنید
دل مردم از خرمی شاد بود
کسی را که^{۱۶} از مردمی بود بهر
بسی^{۱۷} زَر و گوهر برافشانند
انوشه که کردی به ما بَر گذار
نه هرگز شنیده‌ست کس نام^{۱۸} شاه
که روشن‌روان بادی و تندرست!
ز راه^{۱۹} بیابان تن^{۲۰} آباد^{۲۱} کرد
چه چیزست کاندازه باید گرفت؟
که ای شاهِ پیروز پاکیزه^{۲۲} رای^{۲۳}
کسی آن^{۲۴} ندید آشکار و نهان^{۲۵}
که چونان شگفتی نشاید نهفت
سخن‌گوی و باشاخ و با^{۲۶} رنگ‌وبوی^{۲۷}

۱-ل: بسی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-ل، ق: رسیدن اسکندر به درخت گویا (ق: گوینده)؛ س: رسیدن اسکندر به درخت گویا و سوال کردن او؛ س: دیدن اسکندر درخت گویا را؛ ک در اینجا سرنویس ندارد ۳-س، ق، س: ۲ (نیز ل ۲، ب، و، آ، ب): وزان؛ (لی: بدان)؛ متن = ل، ک (نیز ل، ق، آ، ل، ن ۲) ۴- (لی: غمین) ۵-ک: در جان؛ (ب: اندر) ۶-ل: «و» ۷- (ق، آ، پ، و: پیش در: ل ۳: پست او)؛ ل، آ، لی این بیت را ندارند؛ بنداری: فسمع الاسکندر هاتفاً من تلک العین یقول: ایها الرجل الحریص! لا تحصرن هذا الحرص کله فقد رأیت مالم یره أحد. فالواجب أن تصرف عنانک فقد دنت آیامک، و شارف الانقضاء ملکک. ففزع الاسکندر و أسرع الانصراف الی معسکره ۸- (آ: بشد)؛ ل ۲ بیت‌های ۱۴۹۵-۱۶۴۲ را ندارد ۹-ق: راه؛ (و: کوه) ۱۰- (لی: کش)؛ س ۲ این بیت را ندارد ۱۱-ل: همه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم ارتحل و سار حتی خرج من البرية و انتهى الی مدینة أهلة ففرح حین سمع صوت الإنس و استأنس. فتلقاه أهل المدینة و أظهروا السرور بمقدمه، و نثروا علیه النثار الكثير ۱۲- (لی: ندیده‌ست هرگز کسی روی)؛ بنداری: و قالوا: نحمد الله حین جعل عبورک علینا. فإنه لم یأت هذه المدینة عسکر قط، و لا سمع فیها اسم و لا ذکر لملک ۱۳-س (نیز ب): آمدی ۱۴-س (نیز ب): رنج ۱۵- (لی: آ: روان خود از انده: ل، ن ۲: روان را از اندیشه) ۱۶-ل، ق، ک (نیز لی، ل ۲، ب): آزاد؛ متن = (ل، ن): س، ق ۲ این بیت را ندارند ۱۷-ک: یکی ۱۸- (لی: ترجمان) ۱۹-ک: پیروزگر پاک ۲۰- (لی: نیکی گمان: آ: پاکیزه رهنمای)؛ لی پس از این بیت افزوده است:

بگویم ترا هر چه آنجا شگفت کزان برتر اندازه نتوان گرفت

کنون گوش‌دار ای شه نیک‌رای بگویم ترا سر به سر جای جای

۲۱- (ل، ن: اینجا) ۲۲-س، ک: کسی را ۲۳- (ل، ن: آ: از کهان و مهان) ۲۴-ل، ک (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ): تن؛ س: آ: بن (حرف یکم بی نقطه)؛ (ل ۳: ز تن)؛ متن = س، ق (نیز ل، پ، و، ب) ۲۵-ق (نیز ب): اوست؛ (ل، ن: آ: از اوی) ۲۶- (ل ۳: کام و با)؛ ل: گو بود شاخ با؛ متن = س، ق «و»؛ ک «و»؛ س ۲ (نیز ل، ق، آ، لی «و»؛ پ، و، ل، ن ۲، آ) ۲۷-ق (نیز ب): پوست

چو روشن شود^۲، نر گویا شود
همان^۳ نامداران آن مرز و بوم
سخن کی سُراید به آوازِ سخت؟
که از روز^۵ چون بگذرد نه^۶ زمان،
که آوازِ او بشنود نیک‌بخت
برو برگ چون مشک بویا شود
شگفتی چه پیش آید ای نیک‌بخت؟^۹
ز رفتنت کوتاه شود^{۱۱} داوری
کران^{۱۲} جهان خواندش رهنمای

چُن^{۱۳} آمد بنزدیک گویا درخت،
ز پوستِ ددان خاک پیدا ندید^{۱۵}
ددان را برین گونه^{۱۷} دزنده کیست؟^{۱۸}
که چندین پرستنده دارد درخت

به شب، ماده گویا و بویا^۱ شود،
سکندر بشد با سوارانِ روم
۱۵۱۰ پرسید ازیشان^۴ که اکنون درخت
چنین داد پاسخ بدو ترجمان
سخن‌گوی گردد یکی زین درخت
شب تیره‌گون مایه^۷ گویا شود
پرسید: چون بگذرم^۸ از درخت
۱۵۱۵ چنین داد پاسخ کزو^{۱۰} بگذری
چو زو برگزشتی نمائدت جای

همی‌راند با رومیان نیک‌بخت
زمینش ز گرمی همی‌بردمید^{۱۴}
ز گوینده پرسید کین پوست چیست؟^{۱۶}
۱۵۲۰ چنین داد پاسخ بدو نیک‌بخت

۱-س^۲ (نیز لن، آ): بویا و گویا ۲- (ل^۳: بود): بنداری: فایلهم عن عجائب مدیتهم فقال بعضهم: ایها الملک! إن هاهنا عجبا لا يوجد فی العالم مثله. وذلك أن هاهنا شجرتین ذکرأ و أنثی یطق الذکر بالنهار و الأنثی باللیل: لی پس از این بیت افزوده است:

چو بشنید اسکندر شهرگیر بشد بر سر تیغ برسان تیر

۳-س: بر آن ک: همه؛ س^۲ (نیز لی، لن، آ، ب): بر ۴-ل (نیز لن): زیشان: متن = دوازده دستنویس دیگر ۵- (لن: ۲): کوه ۶-ل (نیز و): یک: متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری: فرکب الاسکندر و استصحب ترجمانا منهم فی جماعه من أصحابه. فآل الترجمان، و قال: متى تکلم الشجرة؟ فقال: اذا عبرت سبع ساعات من النهار تکلم الذکر ۷-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، و، آ، ب): ماده؛ متن = (لن: ۲): ل، ل^۳، پ این بیت را ندارند ۸- (لن، ق، ۲، لی، پ، ب: بگذریم): متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لن ۲) ۹-ک: چه پیش آورد از عجب‌هام بخت: متن = ده دستنویس دیگر: ل، ل^۳، ل^۳، و این بیت را ندارند؛ و به جای این بیت آورده است:

بگفتش که چون درگذشتیم از اوی شگفتی چه پیش است دیگر بگوی

۱۰- (لی: که چون: آ: بدو) ۱۱-ق (نیز پ، و، ب): کوتاه شد ۱۲-ل (نیز ق، ۲، پ، ب): که راز: س: کجا آن؟ (و: که آن آن؟): متن = ق، ک، س^۲ (نیز لن، لی، ل^۳، لن، آ، ب): بنداری: و اذا جنّ اللیل تکلمت الأنثی. فقال له: و اذا تجاوزنا هاتین الشجرتین فما الذی نراه بعدهما؟ قال إن الدنيا تنتهی عند ذلك، و ما بعدهما یسمى طرف العالم: ل، س^۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

بیابان و تاریکی آیدت (ل: آید به) پیش به سیری نیامد کس از جان خویش

نه کس دید از ما نه هرگز شنید که دام و دد و مرغ بر ره پرید

سیزده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری این بیت‌ها را ندارند: لی پس از این بیت افزوده است:

کرین پس نبینی تو آبادبوم مگر بازگردی سوی شهر روم

چو بشنید گفتار آن رهنمای برون رفت با چند مردی ز جای

۱۳-ل-ک (نیز لن-ب): چو: متن = س^۲ ۱۴-ق: بر فروخت: (لن: ۲): بردرید ۱۵-ق: او می‌سوخت: (لی، لن: ۲): شد ناپدید: و: بد ناپدید)

۱۶-س: کیست ۱۷-ق، س، س^۲ (نیز پ، لن، آ، ب): بدین گونه: (لی: ددند اندرین کوه) ۱۸-س: چیست

ز گوشت^۳ ددان‌شان بُود^۴ پرورش

سکندر ز بالا^۶ خروشی^۷ شنید
 خروشی پُر از هول^۹، ناسودمند
 که ای مردِ بیدارِ نیکی^{۱۱} گمان
 - که دل را به خوناب شویده‌می! -
 همی‌گوید این برگ^{۱۳} شاخِ درخت،
 که برداشت از نیکوی‌هاش بهر^{۱۵}،
 ز تختِ بزرگی بیایدش رفت
 دلش گشت پُر درد از^{۱۷} رهنمون
 پُر از^{۲۰} غم همی‌بود تا نیم^{۲۱} شب
 دگر باره^{۲۲} پرسید از آن^{۲۳} نیک‌بخت
 سخنگوی^{۲۶} بگشاد^{۲۷} راز از نهفت
 همی‌گوید: اندر جهانِ فراخ،
 زوان^{۳۱} را چرا^{۳۲} برشکنجی همی؟
 کس^{۳۳} آزدن و^{۳۴} پادشا کُشتن‌ست

چو جویند^۱ گاهِ پرستش^۲ خورش

چو خورشید بر تیغ گنبد کشید^۵
 که آمد ز برگ^۸ درخت بلند
 بترسید و پرسید از آن^{۱۰} ترجمان
 ۱۵۲۵ بگو^{۱۲}! برگِ گویا چه گویده‌می؟
 چنین داد پاسخ که ای نیک‌بخت
 که چندین سکندر چه پوید به دهر^{۱۴}؟
 ز شاهیش چون سال شد بر دو هفت^{۱۶}
 سکندر ز دیده بیارید خون
 ۱۵۳۰ از آن^{۱۸} پس به کس^{۱۹} نیز نگشاد لب
 سخنگوی شد برگ دیگر درخت،
 چه گویده‌می این دگر شاخ^{۲۴}؟ - گفت^{۲۵} -
 چنین داد پاسخ که این مایه^{۲۸} شاخ
 از^{۲۹} آز فراوان نگنجی^{۳۰} همی!
 ۱۵۳۵ ترا آز گردِ جهان گشتن‌ست

۱-ک: گوینده ۲-ل: باید پرستندگان را؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- (لی: کوش) ۴-ل: باشدش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و لما قرب من الشجرتین رأی الأرض ملائی من جلود الباع فأله عن ذلك فقال: إن لهاتین الشجرتین عباداً یعدونهما و اذا جاء وهما للعبادة فلا یأکلون إلا لحوم الباع ۵-ل-ک، س ۲ (نیز ل، ق ۲، لی، آ، ب): رسید؛ متن = (ل ۳-ل ۲) ۶-س، س ۲ (نیز لی، آ): ز بالا سکندر؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، ق ۲، ل ۳، و، ل، آ، ب) ۷- (پ: خروشی ز بالا)؛ بنداری: قال: فلما انتصف النهار سمع الاسکندر من إحدى الشجرتین صوتاً أزعجه ۸-ک: بنزد ۹-ل: سهم؛ ک: بر آن هول؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ل: زان؛ ک (نیز پ): ازین؛ (ل، ل، ن، آ: زین)؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۱-س، ق، ک (نیز لی، آ، ب): نیکو؛ متن = ل، س ۲ (نیز ل، ق، آ، ل ۳-ل ۲) ۱۲-ل، ق، ک (ل، ل، ق، آ، ل ۳-ل ۲، ب): چنین؛ متن = س، س ۲ (نیز لی، آ) ۱۳-ک (نیز ق ۲): برگ و ۱۴-ق (نیز ب): جوید ز دهر؛ (ل ۳): جوید به دهر؛ ب: پویده‌می) ۱۵-س: به گرد جهان و به دشت و به شهر؛ (پ: کنون راه رفتن نجویده‌می)؛ س پس از این بیت افزوده است:
 چنین داد پاسخ که ای نیک‌بخت
 همی‌گوید این برگ شاخ درخت
 که چندین سکندر چه پویده‌می
 بگرد جهان در چه جویده‌می
 ۱۶-ل، ق: هشت؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ س، ل ۲ این بیت را ندارند ۱۷-س، ق، س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب): از آن؛ ک (نیز ق ۲): ازین؛ (ل، ل، ن، آ: زین)؛ متن = ل (نیز و) ۱۸-ک، س ۲ (نیز ل، ن، ب): و زان؛ متن = ل، س، ق ۱۹- (پ: یکی) ۲۰-س ۲: بر آن ۲۱- (لی: تیره‌شب)؛ بنداری: فسأل الترجمان عما قالت فقال: إنها تقول: ما بال الاسکندر یجول فی أقطار الأرض وقد استوفی نصیبه من العیش، و عند استکمال أربع عشرة سنة من سلطانه یحین حین إرتحاله؟ فبکی الاسکندر و امتلاً همأ و حزناً، و بقی واجماً لا یتکلم الی نصف اللیل ۲۲- (لی: شاه) ۲۳-ل: زان؛ ق (نیز ب): زو؛ (ل، ل، ن، آ: زین؛ ق ۲: ازین)؛ متن = س، س ۲ (نیز لی-و): ک بیت‌های ۱۵۳۱-۱۵۳۲ را ندارد ۲۴-ق: باره؛ س ۲: شاه ۲۵- (لی: سخت) ۲۶- (ل ۳: سخن گفت و) ۲۷- (ل، ل، ق، آ، ل ۳: سخن گوی و بگشای) ۲۸-ل-ک (نیز ل، ق ۲، لی، پ، ب): ماده؛ متن = س ۲ (نیز ل ۳) ۲۹-س، ق، س ۲ (نیز ل، ل، ن، آ، ب، ل، آ، و، آ، ب): ز؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲، و) ۳۰-ق (نیز ق ۲، ل ۳، ل، ن، آ): به رنجی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱-ل: زبان؛ س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ب): روان؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۲-ک: برو ۳۳-ک: دل ۳۴-س، ق، س ۲ (نیز لی، ب): که آز جهان؛ متن = ل، ک (نیز ل، ق، آ، ل ۳-ل ۲)؛ آ این بیت را ندارد

مکن کار^۳ بر خویشان تار و تنگ!
 که ای مرد روشن دل^۵ پارسا،
 چو پیش آید آن^۸ گردش روز شوم^۹!
 یکی تا به رخ^{۱۲} برکشد^{۱۳} چادرَم!
 که کوتاه کن روز و^{۱۴} بر بند رخت!
 نه پوشیده رویانِ آن مرز و بوم،
 شود اختر و تاج و تخت^{۱۷} از تو سیر^{۱۸}!
 دلش خسته گشته^{۲۰} به شمشیرِ بخت^{۲۱}
 برفتند گردانِ گردن فراز
 بزرگان بر پادشا تاختند
 به بالا و پهنای یک چرم پیل
 که آن را به برداشتن رنج بود^{۲۶}
 ز زر^{۲۷} کرده^{۲۸} آگنده، صد خایه^{۲۹} بود
 ز زر و ز گوهر یکی کرگدن^{۳۱}
 ز^{۳۴} دیده همی خونِ دل برفشاند

نماندنت ایدر^۱ فراوان^۲ درنگ
 بپرسید از^۴ ترجمان پادشا
 یکی باز پرسش که باشم^۷ به روم
 مگر^{۱۰} زنده بیند^{۱۱} مرا مادرم
 ۱۵۴۰ چنین گفت با شاه گویادرخت
 نه مادرت بیند، نه خویشان به^{۱۵} روم،
 به شهر کسان^{۱۶} مرگت آید نه دیر
 چو بشنید برگشت آزیر^{۱۹} درخت
 چو آمد به لشکرگه خویش باز
 ۱۵۴۵ به شهراندرون هدیه‌ها ساختند
 یکی جوشنی بود^{۲۲} تابان چو نیل
 دو دندانِ پیل و^{۲۳} به رش^{۲۴} پنج بود^{۲۵}
 زره بود و دیبای پرمایه بود
 به سنگِ درم هر یکی شست^{۳۰} من
 ۱۵۵۰ پذیرفت و^{۳۲} زان شهر^{۳۳} لشکر براند

۱-ق.ک (نیز لن، ق.۲، و.لن، ۲.ب): به گیتی؛ س.۲: فراوان؛ س (نیز لی، آ): نماند فراوان؛ (ل.۳.ب: نماند به گیتی)؛ متن = ل ۲-س.س.۲ (نیز لی، آ): به گیتی؛ (ل.۳: ترا پس) ۳-ل.ق.ک، س.۲ (نیز لن-ب): روز؛ متن = س: بنداری: فتكلمت الشجرة الأثی. فسأله عما قالت فقال: إنها تقول: إنك تجول حول الأرض من حرصك، ولم يبق إلا قليل من عمرك. فلا تعب نفسك ولا تضيق عليها أمرک ۴-س.ق (نیز لی، ل.۳، و.آ.ب): از آن؛ ک.س.۲ (نیز ق.۲.ب): ازین؛ (لن: زین)؛ متن = ل (نیز لن ۲) ۵-س.ق.ک، س.۲ (نیز لن، پ.ب): دل؛ متن = ل (نیز ق.۲.لی، ل.۳) ۶-ک: دگر باره؛ س.۲: بکن باز ۷-س: باشد؛ (ل.۳: برسم) ۸-س.ک، س.۲ (نیز لن، ق.۲.لی، پ.و): این؛ (لن: آیدم) ۹-آ: رزم شوم؛ ل.۳: پیش آن گردش روز بوم (وزن ندارد) ۱۰-ل.۳: یکی ۱۱-ب: باشد ۱۲-لی: یکی تاج (وزن ندارد) ۱۳-آ: بر جکد ۱۴-ک (نیز ل.۳): زود؛ (ق.۲: رنج و) ۱۵-س (نیز لی، و): >به<; (ق.۲: نه)؛ بنداری: فقال له الاسكندر: سلها هل تكون أمی حاضرة عند رأسی اذا أتانی أمر ربی؟ فألها عن ذلك. فقالت: شذرحالك وأقصر عن ظنك. فإنه لا تحضرک أمك ولا قرانك ولانساء بلدك ۱۶-ک: کیان ۱۷-ق.ک: تخت و تاج ۱۸-لن، آ: تخت تو زیر؛ ل.۳: و تخت اسیر ۱۹-س.ق، س.۲ (نیز لن-پ، لن، آ.آ.ب): زیر؛ لن: زان دو؛ ک: زرین؛ (و: گرد)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۰-س (نیز و): گشت خسته؛ س.۲ (نیز لن، ق.۲.آ): گشته خسته ۲۱-ل.س: سخت؛ (ل.۳: کشته از غم به شمشیر سخت)؛ ق (نیز ب): دل وی به شمشیر غم لخت لخت؛ (لی: که کوتاه کن روز و بر بند رخت)؛ متن = ک (نیز پ، و): بنداری: ولا تموت إلا غریباً فی بلاد غیرک. فانصرف الاسكندر و قید القلب منخزل النفس نحو معسکره ۲۲-و: دید؛ آ: برد ۲۳-لن: با وی؛ پ: ماهی ۲۴-ق (نیز و): دامان و پهنای او؛ س.ک، س.۲ (نیز لی، و.لن، آ.آ.ب): دامن که پهنای آن؛ (ل.۳: چنان بد که بالای آن)؛ متن = ل ۲۵-س.س.۲ (نیز لی، آ.ب): بود پنج؛ متن = ل، ق.ک (نیز لن، ل.۳، لن، آ): ل.۲، ق.۲ این بیت را ندارند ۲۷-ک (نیز لن، ق.۲، آ): >زه ۲۸-ل: هر خرده؛ (لی: کرد کرده (وزن ندارد))؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹-ق (آ: بیضه) ۳۰-ل: بیست؛ س.ک، س.۲ (نیز لی، ل.۳، پ.آ): شصت؛ متن = ق (نیز لن، ق.۲، و.لن، آ.ب) ۳۱-ل.۳: به دل شاد شد شاه لشکرشکن ۳۲-ک (نیز ق.۲.لی): <و>؛ ل <و> (نیز لن، ب): پذیرفت و؛ متن = س، ق.س.۲ (نیز ل.۳-آ): بنداری: فقدم إليه أهل تلك المدينة جواشن و دروعا و تحفا كثيرة فيها مائة بیضة من الذهب وزن كل بیضة سنون ماء، و صورة کرکدن من الذهب مرصعة بالجواهر. فقبل هداياهم و ارتحل نحو الصين ۳۳-ک (نیز لی): از آن شهر ۳۴-ک (نیز لن، پ): به

گفتار اندر رفتن اسکندر به چین^۱

وُزان روی^۲ لشکر سوی چین کشید
 همی‌راند منزل به منزل به دشت^۵
 ز دیبا سراپرده‌یی برکشید
 یکی نامه فرمود پس تا دیر
 ۱۵۵۵ بفرمود^۹ هر گونه‌یی خوب و زشت
 سکندر بشد چون فرستاده‌یی
 که با او بُدی^{۱۲} یک‌دل و یک‌سخن
 سپه را به سالار لشکر سپرد
 چو آگاهی آمد به فغفور ازین^{۱۶}
 ۱۵۶۰ پذیره فرستاد چندی^{۱۸} سپاه
 چو آمد بدان^{۲۰} بارگاه بزرگ
 بیامد ز^{۲۳} دهلیز تا پیش اوی^{۲۴}
 دوان پیش او رفت و بردش نماز
 پرسید فغفور و بنواختش
 سر نامداران^۳ به پروین کشید^۴
 چهل روز، تا پیش دریا گذشت
 سپه را به منزل فرود آورد^۶
 نیسد از^۷ اسکندر شهرگیر^۸
 نیسنده^{۱۱} چون نامه اندر نوشت^{۱۱}،
 گزین کرد بینادل آزاده‌یی،
 بگفتی^{۱۳} به مهتر^{۱۴} که کن! یا مکن!
 وُزان رومیان پنج دانا^{۱۵} بُرد
 که آمد فرستاده‌یی سوی چین^{۱۷}،
 سکندر گرازان بیامد به راه^{۱۹}
 بدید آن گزیده^{۲۱} سپاه سترگ^{۲۲}،
 -پراندیشه جان بداندیش اوی^{۲۴} -
 نشست اندر ایوان زمانی دراز
 یکی نامور جایگه^{۲۵} ساختش

۱۵۶۵ چو برزد سر از کوه روشن چراغ
 فرستاده‌ی شاه را پیش خواند
 ببرند بالای زرین جُناغ^{۲۶}
 سکندر فراوان سخن‌ها براند

۱-ل: رفتن اسکندر به چین به رسالت؛ س، ق: رفتن اسکندر به رسولی نزد فغفور چین (ق: به ناشناخت)؛ س، آ: رفتن سکندر به چین و نامه نوشتن به فغفور چین؛ متن = ک ۲-ک: سوی ۳-و: نامداری) ۴-(ق، ل، آ: سپه را به منزل فرود آورد) ۵-ک: گذشت؛ ق، آ، ل این بیت را ندارند ۶-ق، ل این بیت را ندارند اما ل دوم این بیت را به جای ل دوم بیت پیشین آورده‌اند ۷-ل، س، س، آ (نیز لی، پ، لن، آ): نویسد ز؛ ق، ک (نیز ق، آ): نویسد از؛ (لن: نبشتند از؛ ل، آ، ب: نویسد از)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸-و: نویسد ز مشک سیه بر حریر) ۹-ل: نوشتند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ل، ک، س، آ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): نویسنده؛ متن = ۱۱-س، آ (نیز لی): نبشت؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و ختمه: و به جای این بیت آورده است:

به فغفور سالار گردان چین
 نویسنده چون نامه اندر نوشت
 ز اسکندر آن شهریار زمین
 همه یاد کرد اندرو خوب و زشت

۱۲-ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ): بود؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، ل، آ، ب) ۱۳-ل، ک (نیز لن، ق، و، لن، آ): بگوید؛ س، آ (نیز ل، آ): نگفتی؛ (پ: نگوید)؛ متن = س، ق (نیز لی، آ، ب) ۱۴-ب: به کهتر) ۱۵-(ق، آ: مهتر)؛ بنداری: فلما قرب منها نزل فی عسکره و استحضر الکاتب فأمره أن یکتب الی بغیور کتاباً مملوءاً بالوعد و الوعد، و ختمه، و استصحب بعض ثقاته و أصحاب رأیه، و رکب منهم فی خمسة فرسان حتی أتى ملک الصين فی زئ رسول ۱۶-س، ق، ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، ب): چین؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۱۷-س، ق، س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): فرستاده بافرین؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۱۸-(ل، و چندین) ۱۹-ق، ک، س، آ (نیز لن، لی، پ، ب): ز راه؛ متن = ل، س (نیز ق، ل، و، لن، آ): آ این بیت را ندارد ۲۰-ل: بر آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ک: ستوده ۲۲-ل، ک (نیز لن، ق، آ، لی، و): بزرگ؛ متن = س، ق، س، آ (نیز ل، آ، ب) ۲۳-س، س، آ (نیز لی، آ، ب): به ۲۴-ل، س، ق (نیز آ، ب): او؛ متن = ک، س، آ (نیز لن، لن، آ) ۲۵-ق: پایگه ۲۶-(ب: کناغ)

بگفت آنچه بایست و نامه بداد
 بر آن^۲ نامه عنوان بُد: از شاه روم،
 سوی کشور آرای فغفور چین
 ۱۵۷۰ سر نامه بود از نخست آفرین
 جهاندار و داننده^۶ و رهنمای
 دگر گفت: فرمان ما سوی چین
 نباید بسیچید ما را^۹ به جنگ
 چو دارا که بُد شهریار جهان
 ۱۵۷۵ ز خاور برو تا درِ باختر
 شمار سپاهم نداند سپهر
 اگر هیچ فرمان ما بشکنی،
 چو نامه بخوانی بیارای ساو!
 گر آبی بینی^{۱۸} مرا با سپاه
 ۱۵۸۰ بداریم بر تو همین تاج و تخت
 وگر کند باشی به پیش آمدن،
 ز چیزی که باشد طرایف^{۲۰} به چین
 هم از^{۲۲} جامه و پرده^{۲۳} و تختِ عاج^{۲۴}،

سخن‌های قیصر همه^۱ کرد یاد
 جهاندار و سالارِ هر مرز و بوم^۳،
 که خوانند شاهان برو آفرین^۴
 ز ما بندگان بر جهان آفرین^۵
 خداوند پاکی و نیکی^۷ فزای
 چنانست کآباد ماند^۸ زمین
 که از جنگ شد روز بر فور تنگ
 چو قریان^{۱۱} تازی و دیگر مهان^{۱۱}
 ز فرمان ما کس نجوید گذر
 وگر^{۱۲} بشمرد تیر و ناهید و مهر
 تن و بوم و^{۱۳} کشور^{۱۴} به رنج افگنی
 مرنجان^{۱۵} تن خویش و بابد^{۱۶} مکاو^{۱۷}!
 بینم ترا یکدل و نیک‌خواه،
 به چیزی گزندت نباید ز بخت!
 ز کشور سوی^{۱۹} شاه خویش آمدن،
 ز زرینه و اسپ و تیغ^{۲۱} و نگین،
 ز دیبای پرمایه و طوق و تاج^{۲۴}،

۱-س، ک، س^۲ (نیز لی، لن، آ): همی؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، پ، و، ب)؛ ق^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما وصل الیه اکرمه و أنزله فی موضع یلیق به. ثم لما کان من غده أنفذ الیه مرکوباً خاصاً بألات الذهب و استحضره. فحضر وأدی الرسالة ۲-ل، ق، ک (نیز ق^۲، لی، پ، آ): بدان؛ متن = س، س^۲ (نیز لن، ل، و، لن، آ، ب) ۳-بیت‌های ۱۵۶۹-۱۵۷۰ در همه دستنویس‌ها بجز پ، و آشفگی دارند ۴-ل، س^۲ (نیز ق^۲ > ب): ز ما بندگان بر جهان آفرین؛ متن = (پ، و)؛ س، ق، ک، لن، لی، ل، لن، آ، ب. آبه جای این بیت افزوده‌اند:

که خوانند شاهان برو آفرین
 ز ما بندگان بر جهان آفرین
 ۵-ک، س^۲ به جای این بیت افزوده است:

ک: سر نامه بود آفرین از نخست
 س^۲: سوی کشور آرای فغفور چین
 بدان کو ره مردمی را بجست
 سر نامه بود از نخست آفرین

متن = س، ق (نیز لن، لی، آ): ل، ل، ق، آ، ب این بیت را ندارند ۶-س، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، و، ب): دارند؛ متن = ل (نیز ل، آ) ۷-ق (نیز آ): نیکی و پاکی؛ لن، لن آ این بیت را ندارند ۸-س، ق، ک (نیز لن، ب): گردد؛ متن = ل، س^۲ ۹-س، ق، س^۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب): با ما؛ متن = ل، ک (نیز ق^۲، ل، آ، پ، لن، آ) ۱۰-ل (نیز لن): فرمان (حرف سوم بی نقطه)؛ س، ک (نیز ق^۲، آ): فرمان؛ ق (نیز لی، و، ب): فریان؛ لن، آ: فرار؛ متن = س^۲ (نیز ل، آ، ب) ۱۱-ک: شهان ۱۲-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): مگر؛ (لی، اگر)؛ متن = ل ۱۳-ل (نیز ق^۲، لی، لن، آ): <و> ک (نیز و): بر و بوم و؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز لن، ل، آ، پ، آ، ب) ۱۴-ب: لشکر) ۱۵-ک: مکن با ۱۶-ق: بد را؛ (ق: آ، با ما)؛ س: تن و با سپاهم؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ، ب) ۱۷-ل (آ: خویش را بده نکاو) ۱۸-ق: و بینی؛ (ق: آ: تو بینی) ۱۹-س، س^۲: بر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-لی، لن، آ، ب: طرایف) ۲۱-س^۲ (نیز ق^۲، و): تیغ و اسپ؛ (آ: زرینه اسپ و تیغ)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-س، ق، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، و، آ، ب): همان؛ متن = ل، ک (نیز لن، ل، آ، لن، آ) ۲۳-ل، ک (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): برده؛ (ق: آ، ل، آ، و: بدره و برده)؛ متن = س^۲ ۲۴- (و: تاج و تخت - فر و بخت)

چو خواهی که از ما نیایدت^۱ رنج
 بباش^۲ ایمن از گنج و تخت و کلاه^۳!
 ز هر مهتری آفرین بر تو باد^۴!
 برآشت^۵، پس خامشی برگزید،
 که شاه ترا آسمانت^۶ جفت!
 ز بالا و مردی و گفتار^{۱۱} اوی^{۱۰}!
 کسی چون سکندر مدان بر^{۱۲} زمین
 از^{۱۴} اندیشه‌ی هر کسی بگذرد
 به بخشش بکردار^{۱۷} دریای نیل
 به چربی عقاب اندرآرد ز میغ
 یکی دیگر اندیشه افگند بن
 به باغ اندر ایوان بیاراستند^{۱۹}
 سر می‌گساران ز می^{۲۱} خیره گشت^{۲۰}
 که با شاه تو مشتری باد جفت!
 به دیدار تو روز فرخ کنیم^{۲۲}
 از^{۲۳} ایوان سالار^{۲۴} چین نیم^{۲۵} مست

ز چیزی که یابی فرستی به گنج
 ۱۵۸۵ سپاه مرا بازگردان ز راه
 درود جهان‌آفرین بر تو باد!
 چو سالار چین زان نشان نامه دید
 بخندید^۶، پس با فرستاده گفت
 بگوی^۸ آنچه دانی ز دیدار^۹ اوی^{۱۰}
 ۱۵۹۰ فرستاده گفت: ای سپهدار چین
 به مردی و رادی و بخش^{۱۳} و خرد
 به بالای سروس^{۱۵} با زور^{۱۶} پیل
 زبانش بکردار برنده تیغ
 چو بشنید^{۱۸} فغفور چین این سخن
 ۱۵۹۵ بفرمود تا خوان و می خواستند
 همی خورد می تا جهان تیره گشت^{۲۰}
 سپهدار چین با فرستاده گفت
 چو روشن شود، نامه پاسخ کنیم^{۲۲}
 سکندر بیامد ترنجی به دست

سپهر^{۲۶} اندرآورد شب^{۲۷} را به زیر

۱۶۰۰ چو خورشید برزد سر از برج شیر

- ۱-س.ق: نیابی تو؛ بنداری؛ و دعاه آن بیادر الی خدمه الاسکندر و یسارع الی حضرته. فإن لم يفعل ذلك فلیفخذ الیه طرائف الصین من خیل و أسلحة و ثياب و ذهب و فضة لیصرفه بذلک عن أذاه ۲-ل.س (نیز ب): مباح؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-(آ: از تخت و گاه) ۴-ق (نیز ل، ن، ق، ل، آ-ل، ن): خم چرخ گردان زمین تو باد؛ ک: خم چرخ دام زمین تو باد؛ متن = س.س، ۲ (نیز ل، آ، ب): ل این بیت را ندارد ۵-ل.ک، س ۲ (نیز ل، ن، پ-آ): برآشت و؛ متن = س، ق (نیز ق، آ، ل، آ، ب) ۶-ل.س، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ-ل، آ): بخندید و؛ متن = ق، ک (نیز ل، ب) ۷-ل: آسمان باد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ل.س، ۲ (نیز ل، آ، ب، آ، ب): بگو؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ) ۹-ل: گفتار؛ س، س، ۲ (نیز ل، ل، ن، آ، ب): کردار؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، پ، و) ۱۰-ل.س، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، ب، آ، ب): او؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ) ۱۱-ل.س، س، ۲ (نیز آ، ب): دیدار؛ ق: کردار؛ (لی: دیدار و گفتار؛ ل: مردی و بالا و دیدار)؛ متن = ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، پ، و)؛ بنداری: فضحک بغیور و سألہ أن یصف له الاسکندر، و ینعت صورته و شکله، و یصف مکارمه و سیرته ۱۲-ق (نیز ق، آ، ب، و، ب): در؛ (آ: بُد اندر) ۱۳-ق: بخت؛ س، ۲ (نیز ب): داد؛ س (نیز ل، ل، ب، و، آ): رای و به بخش ۱۴-ل.ق، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب): ز؛ متن = س، ک (نیز ل، آ) ۱۵-ک، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، آ-ب): سروس و؛ متن = ل، س (نیز ل، ل، آ): این واژه در ق خوانا نیست ۱۶-(و: و بازوی) ۱۷-(لی: بخشندگی همچو) ۱۸-ق (نیز ب): بشنود ۱۹-(آ: بیاراستند): س: اندرون رود و می خواستند ۲۰-ل: شد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ق، ک، س، ۲ (نیز ب): همه؛ (ل: آ): همی ۲۲-ک (نیز پ، ل، ن، آ): کنم؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فاندفع الرسول یورد ذلک و یسرده. ثم إنه استحضر الطعام و الشراب، و لما ثملوا صرف الرسول و قال: سنجیب غداً عن رسالۃ صاحبک ۲۳-ل.س، ق، آ، س، ۲ (نیز ل، ل، ب، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب): ز؛ متن = ک (نیز ق، آ) ۲۴-(و: بیامد به بازار) ۲۵-ک: گشت؛ در ک لتهای این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۶-ل: سپاه؛ ک: سپه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷-ک: شه

اسکندر بنزدیک فغفور شد
پرسید از او، گفت: شب چون بُدی؟
از آن پس بفرمود تا شام شد^۷ دبیر
یکی^۸ نامه را گرم^۹ پاسخ نبشت^{۱۰}
از اندیشه‌ی بدگوش^۱ دور شد
که بیرون شدی دوش میگون^۴ بُدی
بیاورد قرطاس و مشک و عبیر
بیاراست قرطاس را^{۱۱} چون بهشت

گفتار اندر پاسخ نامه‌ی اسکندر از فغفور چین^{۱۲}

۱۶۰۵ نخست آفرین کرد بر دادگر
خداوند فرهنگ و پرهیز^{۱۴} و دین
رسید آن^{۱۷} فرستاده‌ی چرب‌گوی^{۱۸}
سَخُن‌های شاهان^{۲۱} همه خواندم^{۲۲}
ز دارای^{۲۳} داراب و قریان و^{۲۴} فور
۱۶۱۰ که پیروز گشتی بر ایشان همه
تو داد^{۲۷} خداوند خورشید و ماه
چو بر مهتری بگذرد روزگار
چو فرجامشان روز رزم^{۳۱} تو بود،
تو زیشان مکن گشتی^{۳۳} و برتری^{۳۴}
خداوند پیروز^{۱۳} و داد و هنر
از او^{۱۵} باد بر شاه روم^{۱۶} آفرین
هم^{۱۹} آن نامه‌ی شاه فرهنگ‌جوی^{۲۰}
و زان با بزرگان سخن راندم^{۲۲}
سخن هر چه پیدا شد^{۲۵} از رزم و سور
شبان گشتی^{۲۶} و شهریاران رزمه
ز مردی^{۲۸} مدان وز فزونی^{۲۹} سپاه^{۳۰}
چه در سور میرد، چه در کارزار
زمانه نه کاهد، نه خواهد^{۳۲} فزود
که گر ز آهنی، بی‌گمان بشکری^{۳۵}!

- ۱-س. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. آ. و. ب.): دلش: متن = ل (نیز پ) ۲-ل (نیز ل. ن. آ.): زو: متن = ده دستویس دیگر ۳-ل (ن. آ.): و گفتش که
۴-ل. ق. گلگون: متن = دوازده دستویس دیگر ۵-ک. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ی. پ. ل. ن. آ.): وزان: متن = ل. س. ۶-ق: بفرمود تا پیش او
۷-ل (آ. و. ب.): بفرمود تا پیش آمد ۸-ل. س. ق. س. ۲ (نیز ل. ی. آ. ب.): مر آن: متن = ک (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ن. آ.) ۹-ل. س. زود: (پ: نامه
دلگیر): متن = یازده دستویس دیگر ۱۰-ل. ک (نیز ل. ن. ی. ب.): نوشت: متن = س. ق. س. ۲ (نیز ق. آ.) ۱۱-س. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ی.
ل. ن. آ.): قرطاس چین: (و: بیاورد قرطاس را): متن = ل (نیز ل. آ. پ. <را>: ب): بنداری: فانصرف الی منزله و هو بین الصاحی و السکران
و بیده أترجة. و لما طلعت الشمس من غده ركب الی حضرة فغفور فسایله و لاطفه. ثم استحضر الکاتب و أجاب عن کتاب الاسکندر
۱۲-ل. س. ک: پاسخ نامه اسکندر از (س: نزد) فغفور چین: ق: پاسخ نامه اسکندر از فغفور با هدایا و مراجعت اسکندر از چین و
فرستادن فغفور رسولی بنزد اسکندر: س. ۲ (کمی بالاتر): رفتن سکندر به چین و نامه نوشتن به فغفور چین ۱۳-ق (نیز ل. ن. ق. آ.
ل. ن. آ.): مردی: ک (نیز آ. ب.): نیرو: متن = ل. س. س. ۲ (لی خوانا نیست ۱۴-ق (نیز ل. ی.): پرهیز و فرهنگ: (ق. آ.): مردی و فرهنگ)
۱۵-س. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ی. پ. ب.): وزو: متن = ل (نیز ل. آ.) ۱۶-ل (لی: بر پادشا) ۱۷-ل (نیز آ.): این: متن = دوازده دستویس دیگر
۱۸-ل (لی: خوب روی: آ: خوب گوی) ۱۹-ل (و: پس) ۲۰-ل (و: فرخنده خوی) ۲۱-ل (لی: شاهی) ۲۲-س. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. ل. ی. و. ب.): خواندیم-
رانندیم: متن = ل. ق. (نیز ق. آ. ل. آ. پ) ۲۳-س (نیز ل. ی.): داراب ۲۴-ل: قریان و (حرف سوم بی نقطه): س. ک (نیز ل. ن. و.): فرمان و (حرف
سوم بی نقطه): ق: قریان و: (ق. آ. ل. ی.): فرمان: ل. ن. آ.: قرقار و: آ: قریان و: (و): متن = س. ۲ (نیز ل. آ. پ. ب) ۲۵-ل: بُد: متن = سیزده دستویس دیگر
۲۶-ل: بودی: متن = سیزده دستویس دیگر ۲۷-ک: داد این: (پ: دان از) ۲۸-ل (پ: ز مردان) ۲۹-ل: به مردی مدان و فزون: متن = س. ق. س. ۲
(نیز ل. ن. آ. ب) ۳۰-ک (نیز ل. ی.): و فزونی خواه ۳۱-س. س. ۲ (نیز ل. ی. و.): جنگ: (آ: روزی جنگ): متن = ل. ق. ک (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ن. آ.
ب) ۳۲-س. ق. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ب.): هرگز: (لی: شاید): متن = ل. ک (نیز ل. آ.) ۳۳-س. ق. (نیز ل. آ. و. ب.): بیشی: (لی: پُزی): متن = ل. ک.
س. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) ۳۴-س: برتنی: (لی: بر منی) ۳۵-ل. ق. ک (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ن. آ. ب.): بگذری: س. ۲ (نیز ل. ی. آ.): بشکنی: متن = س

فراز آمد از باد و شد باز^۲ دم!
 نه برسان تو باد گیرد سرم^۴
 نه بد کردن^۶ اندر خور دین من^۵
 که یزدان پرستم نه خسرو پرست
 ز بخشش نباشد^{۱۰} مرا سرزنش!
 ز گفتار او بر جگر تیر خورد^{۱۱}
 نیند مرا رفته^{۱۴} جایی نهان
 میان از پی بازگشتن بیست
 ز بخشش نیامد به دلش ایچ^{۱۷} رنج
 به گوهر بیابنده ده^{۱۹} تختِ عاج،
 بفرمود تا بر نهادند بار،
 ز کافور و از^{۲۱} مشک و بوی^{۲۲} عبیر،
 تن آسان شد آن کو درم خوار^{۲۴} کرد!
 ز گستردنی ها و^{۲۶} کیمال بور^{۲۷}،
 خردمند گنجور بر بست بار^{۳۰}،
 ز زرینه^{۳۳} پنجاه بردند نام،

۱۶۱۵ کجا شد فریدون و ضحاک^۱ و جم؟
 من از تو نه ترسم، نه^۳ جنگ آورم،
 که خون ریختن نیست آیین من^۵
 بخوانی^۷ مرا بر^۸ تو، باشد^۹ شکست
 فزون زان فرستم که داری منش
 ۱۶۲۰ سکندر به رخ رنگِ تشویر خورد^{۱۱}
 به دل^{۱۲} گفت: ازین^{۱۳} پس کس اندر جهان
 از^{۱۵} ایوان بیامد به جای^{۱۶} نشست
 سرافراز فغفور بگشاد گنج
 نخستین بفرمود پنجاه^{۱۸} تاج
 ۱۶۲۵ ز سیمین و زرینه اشتر^{۲۰} هزار
 ز دیبای چینی و خز و حریر
 هزار اشتر بارکش^{۲۳} بار کرد
 ز سنجاب و قاقم ز موی^{۲۵} سمور
 بیاورد ازین^{۲۸} هر یکی ده^{۲۹} هزار
 ۱۶۳۰ گرنامه یه صد زین به سیمین^{۳۱} ستام^{۳۲}

۱- (ق: ۲: هوشنگ) ۲- ل: باذ؛ س، ق، ک، س^۲ (نیز ل: ب): سوی؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- (ق: ۴: که) ۴- (ق: ۲: بر دوده خویش ننگ آورم) ۵- ل (نیز ق: ۲: آ): ما؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶- (ل: آ: بیداد) ۷- ل، ق، ک، س^۲ (نیز ل: ب، و، ل: ۲، ب): بخوانی (حرف یکم بی نقطه)؛ س: چو خوانی؛ (لی: نخوانی)؛ متن = (ق: ۲: ل: آ: ۲) ۸- (ق: ۲: ل: آ: ۲) ۹- ک (نیز لی): باید ۱۰- س، ق، س^۲ (نیز لی، ل: ۲، آ): نباشد ز بخشش؛ ک (نیز ق: ۲: ل: ۲، ب، ب): نباشد به بخشش؛ (ل: نیامد به بخشش)؛ متن = ل (نیز و) ۱۱- س، ک، س^۲ (نیز ل: ق: ۲، لی، پ، و، آ، ب): یافت؛ متن = ل، ق (نیز ل: ۲، ل: ۲) ۱۲- ق: چنین؛ (ب: بدو) ۱۳- ک (نیز ل: ب): زین ۱۴- (ب: نیند رفته به) ۱۵- ل، س، ق، س^۲ (نیز ل: لی، پ، ل: ۲، آ، ب): ز؛ متن = ک (نیز ق: ۲: ل: ۲، و) ۱۶- (لی، آ: ایوان) ۱۷- س، ک (نیز ل: ق: ۲، لی، پ- آ): دل برش؛ ق: دل ایچ؛ س: دل درش؛ متن = ل (نیز ل: ۲، ب): درس آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸- (ل: آ: بیجاده) ۱۹- (ل: و؛ ل: آ: یک) ۲۰- س: زرین شتر دو؛ (آ: زرین و اشتر) ۲۱- ل: وز ۲۲- س، ق، س^۲ (نیز لی، و، ل: ۲، ب): عود و؛ ک (نیز ق: ۲): عود و مشک و؛ (ل: کافور و عود و ز مشک و؛ پ: کافور و عنبر ز مشک و؛ آ: کافور و مشک و ز عود و)؛ متن = ل ۲۳- ک: بیاورد و اشتر همه؛ بنداری: و فتح ابواب خزانه و أخرج خمین تاجاً مرصعاً بالجواهر و عشرة تخوت من العاج، وأقر ألف جمل من اللبایح و الخز و الحریر و الکافور و المسک و العیر الی غیر ذلک من الذهبیات و الفضیات ۲۴- ک (نیز آ): بار کرد ۲۵- ک: و موی؛ (لی: چو موی) ۲۶- ل، س (نیز لی، ل: ۲، و- ب): هم از کردنی ها و؛ ق، س: هم از کردنی ها و ز؛ ک: هم از کردنیها و ز (واژه سوم نقطه ندارد)؛ (ق: آ: همان نافه مشک و؛ پ: هم از کرد دریا و)؛ متن = (ل: ۲۷- (ق: ۲: بوز): ل، ق، ک، س^۲ (نیز لی، ل: ۲، و، ل: ۲، ب): از موی بور؛ س (نیز ل: ۲): جام بلور؛ (آ: از موی بور؛ پ: هم از موی بور)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸- ل (نیز ل: ۲): زین؛ س، ق، س^۲ (نیز لی، آ، ب): از آن؛ متن = ک (نیز ل: ق: ۲، ل: ۲، و) ۲۹- س، ق، س^۲ (نیز ل: لی، پ، و): دو ۳۰- (ل: ل: ۲): بر تخت بار؛ ق: پ: در تخت بار؛ ل: بر ساخت کار)؛ (نیز و): دستور بر ساخت کار؛ س^۲ (نیز لی، آ، ب): بفرمود تا بر نهادند بار؛ س: هم از لؤلؤ و گوهر شاهوار؛ متن = ل، ک ۳۱- (ل: ۲: زرین)؛ ل، س، س^۲ (نیز آ: زرین)؛ (ل: ۲: زرین)؛ ک: شد زین زرین؛ (و، ب: زین سیمین)؛ متن = (ل: ق: ۲) ۳۲- (لی: تیغ زرین نیام) ۳۳- س^۲ (نیز آ): سیمینه: ق: بیت های ۱۶۳۰- ۱۶۳۱ را ندارد

طرایف^۱ بدو، دارِ چینی بدوی^۲
گزین کرد از آن^۴ چینیان کهن
بیاید^۵ بر شاه و آرد^۶ پیام^۵،
برو نامداران کنند آفرین
گمانی که بُردی^۹ که اویست^{۱۰} شاه؟-

ببردند سیصد شتر، سرخ‌موی
یکی مردِ باسنگ^۳ شیرین‌سخن
بفرمود تا با درود و خُرام^۵
که یک‌چند باشد بنزدیک^۸ چین
۱۶۳۵ فرستاده شد با سکندر به راه

سبک رومیی^{۱۱} بادبان برکشید
بگفت آنچه آمد ز بازار^{۱۳} خویش
همه برنهادند سر بر زمین^{۱۶}
پیاده بیامد غریوان به راه^{۱۸}
مران پیش فغفور ازین^{۱۹} در سخن!
به آرام بنشست بر تخت^{۲۰} شاه
که با تو روانِ مسیح‌ست^{۲۱} جفت
که نزدیک ما^{۲۲} یافتی آبروی
وگر جای دیگر خرامی، رواست
به تیزی^{۲۴} شاید کشیدن^{۲۵} به راه
به فغفور پیغامِ قیصر بداد^{۲۶}
خنک شد، بجنید و لشکر براند^{۲۷}

چو ملاح روی سکندر بدید
چو دستور با لشکر آمدش^{۱۲} پیش
سپاهش برو^{۱۴} خواندند آفرین^{۱۵}
بدانست چینی که اویست^{۱۷} شاه
۱۶۴۰ سکندر بدو گفت: پوزش مکن!
بود آن شب و بامدادِ پگاه
فرستاده را چیز بخشید و گفت
برو پیش فغفور چینی بگوی
گر ایدر بباشی‌همی^{۲۳}، چین تراست
۱۶۴۵ بیاسایم ایدر که چندین سپاه
[فرستاده برگشت و آمد چو باد
بر آن جایگه شاه ماهی بماند

۱- (لی، ب: طرایف) ۲- ک، س^۲ (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ): بروی؛ س: بار چینی در اوی: (آ: بار چینی بروی؛ لی: بدش بار چینی بروی؛ ب: زهر چیز چینی بروی)؛ متن = ل (نیز ل، پ) ۳- ل (نیز لن، آ): سنگ و: متن = دوازده دستنویس دیگر ۴- ل: زان؛ ق (نیز پ): از؛ (لن: زین)؛ ک (نیز ل، آ): ازین؛ متن = س، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، ب) ۵- س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ب): پیام- خرام؛ متن = ل ۶- ک (نیز ق، آ، ب): بیارد ۷- (ل، آ): بیامد بر شاه او در؛ بنداری: و جلود السنجاب و القاقم و السمور. ثم اختار رجلاً من أكابر الصین موصوفاً بالعقل والرأی، و نفذه بكل ذلك فی صحبة الرسول ۸- (و: در آن بوم) ۹- ک: نبردی ۱۰- س، ق، س^۲ (نیز لی): او هست؛ (پ: او بود؛ ل، آ): همی برد کویست؛ لن، آ: همی برد کونیست؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، و، آ، ب) ۱۱- ل، ک (نیز پ): زورقی؛ (لن، لن، آ: زورق و)؛ س، ق، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): بجنت و سبک؛ متن = (ق، آ): ل بیت‌های ۱۶۳۶-۱۶۴۲ را ندارد ۱۲- ق: آمد به؛ (ل، آ: آمد ز)؛ ک: با زورق آمد به؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳- س، ق، س^۲ (نیز لی، آ): به یاران؛ (ق، آ): بزرگان بیدار و پیوند؛ متن = ل، ک (نیز لن، ل، آ، ب) ۱۴- س: همه؛ (لی: بدو) ۱۵- ک: آفرین خواندند ۱۶- ک: همه روی‌ها بر زمین برزدند؛ (ل، آ): ورا شهریار زمین خواندند (پساوند ندارد)؛ بنداری: فلما انتهى الی ساحل البحر بادر الملاح فحملة فی مرکب و عبر به الی المعسكر. فلما أحس أصحابه بوصوله استقبلوه. و لما رأوه ترجلوا و سجدوا بین یدیه ۱۷- ل: او هست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- ک: به گاه؛ و این بیت را ندارد ۱۹- ل، ک (نیز لن، ل، آ، ب، لن، آ): زین؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز ق، آ، لی، آ، ب)؛ و این بیت را ندارد ۲۰- ق، ک (نیز لن، و، ب): بر تخت بنشست ۲۱- ک: مسیحات؛ (لن، ق، آ، ل، آ، ب): مسیحات؛ لن، آ: سپهر بلندست؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب) ۲۲- ل، آ، س^۲ (نیز آ): من ۲۳- س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب): همه؛ (و: همین؛ لن، آ: نیایی همه)؛ متن = ل؛ ل، آ این بیت را ندارد ۲۴- ل (نیز لی): به تندی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- (لی، و: گذشتن)؛ ک: کشیدن نشاید ۲۶- متن = س، س^۲ (نیز لی، لن، آ، ب)؛ ل، ق، ک، لن، ل، آ، ب: و این بیت را ندارند؛ بنداری: فعلم رسول بغیور أنه هو الاسکندر نفسه فنزل و سجد له. ثم لما أصبح الاسکندر جلس مجله من تخت السلطنة فخلع علی رسول بغیور و أعطاه عطایا کثیرة و صرفه الی صاحبه ۲۷- متن = س، س^۲ (نیز ق، آ، ب)؛ ل، لن این بیت را ندارند؛ بنداری: ثم أقام الاسکندر فی ذلك الموضع شهراً من الزمان. فلما برد الهواء ارتحل

بیابان گرفتند و راه دراز یکی مایه‌ور باره^۲ و شهر دید کسی کش ز^۵ نام و خرد بود^۶ بهر ز جفوان^۷ سران تا در شهریار که ایدر چه بینید^۸ چیزی^۹ شگفت ندانیم چیزی که آید به کار کزین^{۱۳} بگذری، باذ ماند به دست ز جفوان^{۱۴} سوی سند شد با سپاه همان^{۱۶} جنگ^{۱۷} را یاور آمد ز هند^{۱۸} به خون ریختن چنگ‌ها^{۲۰} شسته بود، خروش آمد و ناله‌ی کزه‌نای سواری سرافراز، با نام^{۲۲} و کام زمین شد از^{۲۳} افکنده برسان کوه سکندر سپاه از پس اندر براند همان تاج زرین و شمشیر و^{۲۶} گنج برفتند گریان بنزدیک شاه، مشوراین^{۲۸} برو بوم^{۲۹} و بر بند مکوش^{۳۰}! خُنک آنکه گیتی^{۳۲} به بد نسپرد!

از آن سبزدریا چو گشتند باز چو منزل به منزل به جفوان^۱ رسید ۱۶۵۰ به پیش آمدنش^۳ بزرگان^۴ شهر برفتند با هدیه و با نثار سکندر سبک پرشش اندر گرفت بدو گفت گوینده کای^{۱۰} شهریار بدین^{۱۱} مرز^{۱۲} درویشی و رنج هست ۱۶۵۵ چو گفتار گوینده بشنید شاه پذیره شدندش سواران سند^{۱۵} هر آنکس که از فور^{۱۹} دلخسته بود ببردند پیلان و هندی‌درای سر سندیان بود بنده^{۲۱} نام ۱۶۶۰ یکی رزمشان کرده شد همگروه شب آمد، بر آن دشت سندی^{۲۴} نماند به دست آمدش پیل هشتاد^{۲۵} و پنج زن و کودک و پیرمردان به راه که ای شاه بیدار، بازار هوش^{۲۷}! ۱۶۶۵ که فرجام هم روز تو^{۳۱} بگذرد

۱-ل: حلوان؛ ق: (نیز ب:): جفوان (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): (لن، ل: خفوان؛ لن: خفوان؛ آ: خفران)؛ متن = س، ک، ل، آ، س (نیز ق: ل، پ، و)؛ بنداری: و سار حتی وصل الی مدینه جفوان ۲-ق-س (نیز لن، ق: آ، پ-آ): باره و مایه‌ور؛ (ل: آ، ب: تازه و مایه‌ور؛ لی: باره مایه‌ور)؛ متن = ل، س ۳-ل: آ: آمدش آن ۴-ق: آ: آمدش نامداران ۵-ق: (نیز ب:): را که ۶-ک: کش خرد نام بودی و ۷-ل: حلوان؛ ق: جفوان؛ (لن، ل: آ: خفوان؛ لی: جعفرارس (وزن ندارد)؛ لن: آ: خفوان؛ آ: خفران؛ ب: جفوان)؛ متن = س، ک، ل، آ، س (نیز ق: آ، پ، و) ۸-پ: دانید؛ لی: خیره چه بینید ۹-ل: آ: اندر ۱۰-ق: ک (نیز و، ب): ای ۱۱-ل: (نیز ق: آ): برین؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۲-ق: (نیز ل، آ، ب): جای؛ (لن، لن: آ: شهر)؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۳-ل: لن، لن: آ: ازین؛ ق: آ: کزو ۱۴-ل: حلوان؛ ق: (نیز ب): جفوان؛ (لن، ل: آ: خفوان؛ لن: آ: خفوان؛ آ: خفران)؛ متن = س، ک، ل، آ، س (نیز ق: ل، پ، و) ۱۵-ک: سرارای هند ۱۶-س: آ: همه ۱۷-ل: آ: فیل ۱۸-ک: سند؛ آ: هنگ؛ ق: آ: نامداران هند ۱۹-ل: خون؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۰-س: (نیز ل: آ): را؛ ل: (نیز ق: آ، پ): دست‌ها؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۱-ل: بندام؛ ک: دیدار؛ (ل: آ: پیدا)؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ بنداری: و رحل منها قاصداً قصد السند. فرکب ملکهم و کان یسمى بنده فی رجاله السود، و برزالی قتاله فی أمثال الأسود ۲۲-ل: (نیز ب): رای؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۳-ل، س، ک، ل، آ: (نیز لن-آ): ز؛ متن = ق، س، آ: (نیز ب) ۲۴-ک: ابر دشت هندی؛ ل: بیت‌های ۱۶۶۱-۱۶۷۸ را ندارد ۲۵-ک: هفتاد ۲۶-ق: آ: و شمشیر و هرگونه ۲۷-ل، س: < و>؛ بارای و هوش؛ ق: ک، س، آ: (نیز لن، ق: ل، پ، لن، آ، ب): باز آر هش؛ (و: بارای و هش)؛ متن = (ل، آ، آ) ۲۸-س: (نیز لن، لی، آ، ب): مسوزان؛ ک، س، آ: (نیز و، لن: آ): مسوز این؛ متن = ل، ق: (نیز ل، آ، پ) ۲۹-ک: جوانان؛ ق: آ: مشواین چنین تیز ۳۰-ق: ک، س، آ: (نیز لن، ق: آ، پ، لن، آ، ب): کودک مکش؛ (ل: آ: چندین مکوش)؛ س: (نیز و): بر و پیر و کودک مکش؛ (لی: زن و پیر و کودک مکش)؛ متن = ل ۳۱-ک: (نیز ق: آ): روز تو هم ۳۲-ک: آن کسی کش؛ بنداری: فجرت ملحمة أفنت السودان عن آخرهم و أتى الأسر و النهب علی نسانهم و ذرارهم

سکندر بر ایشان^۱ نیاورد مهر
گرفتند از ایشان^۵ فراوان اسیر
سوی نیمروز آمد از راه بُست

بدان^۲ خستگان^۳ هیچ نمود^۴ چهر
زن و کودکِ خُرد و بُرنا و پیر
همه روی گیتی^۶ ز دشمن بُست

گفتار اندر رسیدنِ اسکندر به شهر یمن^۷

وُزان جایگه شد به شهر یمن
۱۶۷۰ چو بشنید شاه یمن با^۹ مهان
چنان^{۱۱} هدیه‌ها کر^{۱۲} یمن برگزید
ده اشتر^{۱۴} ز بُردِ یمن بار کرد
دگر، ده شتر^{۱۵} بار^{۱۶} کرد از دِرم
دگر، سَلَهی زعفران بُد هزار
۱۶۷۵ زبرجد یکی جام بودش به گنج
یکی جام دیگر بُدش، لاژورد^{۲۲}
ز یاقوتِ سرخ از برش ده^{۲۵} نگین
به پیش سراپرده‌ی شهریار
سکندر پی رسید و بنواخت^{۲۶} شان
۱۶۸۰ برو آفرین کرد^{۲۷} شاه یمن
به تو شادم ار باشی ایدر دو^{۲۹} ماه

جهانگیر^۸ با نامدارانجمن
بیامد بر شهریار^{۱۰} جهان
بهاگیر و^{۱۳} زیبا چنان چون سزید:
دگر، پنج را بار دینار کرد،
-چو باشد دِرم دل نباشد به غم!-
ز دیبا^{۱۷} و هر^{۱۸} جامه‌ی بی‌شمار^{۱۹}،
همان دُرِ ناسفته^{۲۰} هفتاد^{۲۱} و پنج،
نهاد اندرو^{۲۳} شست^{۲۴} یاقوتِ زرد،
به فرمان‌بران داد و کرد آفرین
رسیدند با هدیه و با نثار
بر تخت نزدیک بنواخت^{۲۶} شان
که پیروزگر باش با^{۲۸} انجمن!
بیاساید^{۳۰} از راه^{۳۱} شاه و سپاه

۱-س.ک (نیز ل.ی، ل.ن.آ): بدیشان ۲-ل (نیز ق.آ، پ.ل.ن.آ): بر آن؛ متن = س.ق.ک، س.۲ (نیز ل.ن.لی، ل.آ.ب) ۳- (و: به دلخستگان) ۴- (آ):
نگشاد) ۵-ل (نیز ق.آ): زیشان؛ متن = س.ق.ک (نیز ل.ن.لی، ل.آ.و.ل.ن.آ.ب): ل.آ.س.۲ این بیت را ندارند ۶- (ق.آ: کشور او خود): ل.آ.پ
این بیت را ندارند ۷-ق: کمی بالاتر: رزم سکندر با لشکر سند و هند و ظفر او؛ ک: کمی بالاتر: رسیدن سکندر دیگر باره به
هندوستان؛ متن = ل.س.ل.آ.س.۲ در اینجا سرنویس ندارند ۸-ل: جهاندار و؛ س.س.۲ (نیز آ): جهاندار؛ (لی: جهانجوی)؛ متن = ق.ک
(نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.و.ل.ن.آ.ب): ل.آ.پ این بیت را ندارند ۹-ک: از ۱۰-س.۲ (نیز ل.ی، آ): بنزدیک شاه؛ (ق.آ: سوی شهریار)؛ س: برفتند
نزدیک شاه؛ متن = ل.ق.ک (نیز ل.ن.ل.آ.ل.ن.آ.ب) ۱۱-س.س.۲ (نیز ل.ی، آ.ب): ابا؛ ق: همان؛ (و: بسی)؛ متن = ل.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ.ل.ن.آ)
۱۲- (پ: در) ۱۳-ل (نیز ل.ی، ل.آ): <و> ۱۴- (لی، پ.آ: استر) ۱۵-ق: ده اشتر دگر؛ (ل.آ: ده استر دگر) ۱۶-ک: وار ۱۷- (ق.آ: ب: دینار)
۱۸-ک (نیز ل.آ): ز دینار و از؛ (ل.ن.ل.ن.آ: ز دینار وز) ۱۹-س.س.۲ (نیز ل.ی، ب): و از جامه شاهوار؛ ق: همان تاج و هم جامه شاهوار؛ متن =
ل.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.آ) ۲۰-ک: ناسوده ۲۱-س (نیز ل.ن.لی، پ.ب): هشتاد؛ متن = ل.ق.ک، س (نیز ق.آ.ل.آ) ۲۲-س.ق.ک، س.۲ (نیز ل.ن.ل.آ.
آ.ب): لاجورد؛ متن = ل (نیز پ.و.ل.ن.آ) ۲۳-س: اندر آن؛ ق: ک: نهاده درو؛ (ل.آ: نهاده برو)؛ متن = ل.س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.لی، پ.ب)
۲۴-س.ک، س.۲ (نیز ل.ی، ل.آ.پ.و): شصت؛ (ق.آ: هشت؛ آ: دشت)؛ متن = ل.ق (نیز ل.ن.ل.ن.آ.ب) ۲۵-ق (نیز ل.آ): بر؛ ک: نه ۲۶-س.ق.س.۲
(نیز ل.ن.لی، ل.آ.ب): بنواختش-بنواختش؛ متن = ل.ک، ل.آ (نیز ق.آ): بنداری؛ ثم سار الاسکندر الی نیم روز، و صار منها الی الیمن.
فاستقبله صاحب الیمن بالهدایا الجلیلة و التحف الکثیرة. فأکرمه الاسکندر وأحسن الیه ۲۷-ق.ک (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.ب): خواند؛ متن =
ل.س.ل.آ.س.۲ (نیز ل.ی، و.ب) ۲۸-س.ک، ل.آ.س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.لی، و.ل.ن.آ): بر؛ (پ: در)؛ متن = ل.ق (نیز ل.آ.ب) ۲۹-ق: سه ۳۰-ل (نیز ل.ی،
و.ل.ن.آ): برآساید؛ متن = س-س.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ.آ.ب) ۳۱- (و: رنج)

سکندر برو^۱ آفرین کرد و گفت
 به شبگیر شاه یمن بازگشت
 سکندر سپه سوی^۳ بابل^۴ کشید
 ۱۶۸۵ همی راند یک ماه خود با سپاه
 بدین^۷ گونه تا سوی کوهی رسید
 به سربر یکی ابر تاریک بود
 به^۹ جایی بروبر ندیدند راه
 گذشتند بر^{۱۱} کوه خارا به رنج
 ۱۶۹۰ ز رفتن چو گشتند یکسر ستوه
 پدید آمد و شاد شد زان^{۱۳} سپاه
 سوی ژرف دریا همی راندند
 دد و دام بد^{۱۵} هر سوی بی شمار
 پدید آمد از دور^{۱۷}، مردی سترگ^{۱۸}
 ۱۶۹۵ تنش زیر موی^{۲۰} اندرون همچو نیل
 چو دیدند گردان کسی زان^{۲۲} نشان
 سکندر نگه کرد ازو^{۲۴} خیره ماند^{۲۵}
 چه مردی؟ - بدو گفت^{۲۷} - نام تو چیست؟

که با تو همیشه خرد باد جفت!
 ز لشکر جهانی پر^۲ آواز گشت
 ز گرد سپه شد هوا^۵ ناپدید
 ندیدند ازیشان^۶ کس آرامگاه
 ز دیدار دیده سرش ناپدید
 به کیوان^۸ تو گفתי که نزدیک بود
 فروماند از کار^{۱۰} شاه و سپاه
 و زو خیره شد مرد باریک سنج
 یکی ژرف دریا بر آن روی^{۱۲} کوه،
 که دریا و هامون بدیدند^{۱۴} راه
 جهان آفرین را همی خواندند
 سپه را بُد راهبر^{۱۶} جز شکار
 پر از موی با گوش های بزرگ^{۱۹}
 دو گوشش بگردار^{۲۱} دو گوش پیل
 ببردند پیش^{۲۳} سکندر کشان
 بروبر^{۲۶} همی نام یزدان بخواند
 ز دریا چه یابی^{۲۸} و کام تو چیست؟

۱-ک (نیز لی): بدو ۲-س، ل، آ، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ): جهان پر ز: متن = ل، ق، ک (نیز ل، آ، و، آ، ب) ۳-ل: سپه را به: (لی): سکندر
 سوی (وزن ندارد): متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-ق: سپه را سر اندر ۵-ق (نیز ق، آ، پ، و): جهان: ل ۳ خوانا نیست: متن = ده
 دستنویس دیگر: ل، آ، س ۲ در اینجا سرنویس دارند: رفتن (س: آ: رسیدن) سکندر (س: آ: اسکندر) به زمین بابل ۶-ل (نیز لن): زیشان:
 متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ): برین: (ب: از آن): متن = ل، س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی، و، آ) ۸-ک: به گیتی: ق
 این بیت را ندارد ۹-ق (نیز ل، آ، پ، و، ب): ز ۱۰-ل، ق (نیز لی): راه: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ک: کشیدند بر: (آ: گذشته برو)
 ۱۲-ل: بد از روی: س، ق، س ۲ (نیز لی، آ، ب): از آن سوی: ل: ازین سوی: (لن، لن، آ: بدان روی: ق: آ: بر آن برز: پ، و: از آن روی): متن = ک
 (نیز ل، آ) ۱۳-ل: آ: زین: (لی: شادمان شد) ۱۴-س، ق، ل، آ (نیز ل، آ، لن، آ): بدیدند و: س ۲ (نیز لی، آ، ب): ندیدند و: متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ)
 ۱۵-ق: درم داد از ۱۶-س، س، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): بُد خوردنی: متن = ل: لی این بیت را ندارد: بنداری: ثم ارتحل من الیمن قاصداً
 قصد بابل فوصل فی طریقه الی جبل عظیم فاتعیمهم العبور فیه. فلما قطعوه وأسهلوا أفضلوا الی بحر عظیم ۱۷-س، ل، آ: بدیدند آن
 جای: (لی: بدیدند ناگاه) ۱۸-ک: بزرگ ۱۹-ک: سترگ: ق در اینجا سرنویس دارد: دیدن اسکندر مرد پیل گوش را ۲۰-س، ل، آ، س ۲ (نیز
 آ، ب): گوش: متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۱-ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ): به بالای: (و: به پهنای): ق، لی این بیت را ندارند ۲۲-پ:
 زین: س: یکی زین: ک: بسی زین: ل: آ: یکی زان: س ۲ (نیز ب): تنی زان: (لی: آ: تنی زین): ل (نیز ق، آ، و، لن، آ): گردنکشان زان: متن = (لن، ل، آ)
 ۲۳-س، ل، آ، س ۲ (نیز آ، ب): سوی: (لی، و: نزد): متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ): ق این بیت را ندارد ۲۴-ل (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): زو:
 (لی: بدو در همی): متن = س، ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، آ، ب) ۲۵-ق، ک (نیز و): کرد و خیره بماند ۲۶-س، س، س ۲ (نیز و، آ، ب): به رومی: ق: ازو بر:
 (لی: ب: بدو بر): متن = ل، ک، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۷-ک، ل، آ، س ۲ (نیز پ، و، ب): گفت و: متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، ل، آ)
 ۲۸-س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز آ، ب): جویی: ک: جستی: (لی: چه جویی ز دریا): متن = ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ): بنداری: فعر بعض أصحابه فی
 ساحله علی رجل متسربل البدن بالشعر، له أذنان كأذان الفیلة. فاجتروه الی خدمة الاسکندر. فقال له الاسکندر: ما اسمک و من أنت؟

همان^۲ گوش‌بستر^۳ نهادند نام
 کزان سو برآیدهمی^۴ آفتاب؟
 همیشه بدی^۵ در^۶ جهان نامدار^۱،
 که گویی نه از خاک دارد سرشت
 مگر پوشش از ماهی و^{۱۵} استخوان
 نگاریده^{۱۸} روشن‌تر از آفتاب!
 بزرگی و مردی^{۲۱} و آهنگ^{۲۲} اوی،
 نبینی به شهراندرون گرد و خاک
 ندارند چیزی جزین^{۲۴} پرورش
 روم^{۲۵} من بدان^{۲۶} شارستان بی^{۲۷} سپاه
 بیاور کسی تا چه بینم تو!
 از آن^{۳۲} شارستان^{۳۳} بُرد^{۳۴} مردم دمان^{۳۵}
 خریدافته مردم سالخورده

بدو گفت: شاها مرا باب و^۱ مام
 ۱۷۰۰ پیرسید کین^۴ چیست بمیان^۵ آب
 چنین داد پاسخ که ای^۷ شهریار
 یکی شارستانست این^{۱۱} چون بهشت
 نبینی^{۱۲} بدو^{۱۳} اندر ایوان و خان^{۱۴}
 بر ایوان‌ها^{۱۶} چهر^{۱۷} افراسیاب
 ۱۷۰۵ همان چهر^{۱۹} کیخسرو جنگجوی^{۲۰}
 بر آن استخوان بر^{۲۳} نگاریده پاک
 ز ماهی بُود مردمان را خورش
 چو فرمان دهد نامبردارشاه
 سکندر بدان گوش‌ور^{۲۸} گفت: روم^{۳۰}!
 ۱۷۱۰ بشد گوش‌بستر^{۳۱} هم اندر زمان
 گذشتند بر آب هشتاد^{۳۶} مرد

۱-س. ل. ۲. س. ۲ (نیز ب): شاهنشا باب و؛ (لی: شاهنشانام): متن = ده دستویس دیگر ۲-س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لی. آ. ب): مرا؛ (نیز پ. لن: ۲): همی؛ (لن. ق. ل. ۲. و: چنین): متن = ل. ۳-ق: پیل گوشم؛ (ل. ۲. و: بترافگن) ۴- (لن. لی. پ. ب: کان): متن ← ۵-ک: کان چیست در قعر؛ ق: آن چیست از آن سوی؛ (ق: ۲: ازو چیست زان سوی؛ ل. ۳: او راکه آن اندر): متن = س. ل. ۲. س. ۲ ۶- (لن. لن. آ: همی برزند؛ ل. ۳: چه چیزست روشن‌تر از): متن = یازده دستویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال: أيها الملك إن أبي وأمي سماني بستر كوش يعني لحافي الأذن. فقال له: ما هذا الذي نرى في وسط البحر؟ ۷-ل: از آن پس چنین گفت کای؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۸-ق (نیز ق. ۲-لن: ۲): بزی؛ متن = ل. س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. آ. ب) ۹-ک: بر ۱۰- (ل. ۲. ب: پایدار) ۱۱-ق. ک. س. ۲ (نیز لن. لی. پ. آ): آن؛ س: شهر باشد چنان؛ ل. ۲ (نیز ل. ۳. ب): شارسانست آن؛ متن = ل. (نیز ق. ۲) ۱۲- (آ: بینی) ۱۳-ک: در او ۱۴-ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. ق. لی. و. لن. آ): خوان؛ متن = ل. س. ق. (نیز ل. ۲. پ. آ. ب) ۱۵-س. ق. ل. ۲ (نیز لی. پ): < و >؛ (ق: ۲: پوشش او همه؛ لن: ۲: پوشش او بود): ک: مگر پوشش او ز ماهی (وزن ندارد)؛ متن = ل. س. ۲ (نیز لن. ل. ۲. و. آ. ب) ۱۶- (ق: ۲: بر ایوان او؛ لی: به ایوان‌ها) ۱۷-ق. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. و. آ. ب): جنگ؛ متن = ل. س. (نیز لن: ۲) ۱۸-ل: نگارند؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۱۹-ک: جنگ ۲۰- (پ. ب: و جنگ اوی) ۲۱- (لی: گردی) ۲۲-ل: فرهنگ؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۲۳- (ق: ۲: ها): س: ز پهلوی ماهی؛ (ل: ۲: چنان استخوان‌ها؛ و: به دندان ماهی؛ ب: به ماهی شیخون): ق. ک. س. ۲ (نیز لن. لی. پ. لن: ۲): به ماهی استخوان بر (وزن ندارد)؛ متن = ل. ۲ بیت‌های ۱۷۰۸-۱۷۰۶ را ندارد ۲۴-ق (نیز ب): جز آن؛ (لی: نبینند چیزی جز از): ل این بیت را ندارد ۲۵-ق. ک. (نیز لی): شوم ۲۶-ل: بر آن؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۷-س. ک. س. ۲ (نیز لن. ق. لی. پ. ب): با؛ (ل: ۲: تابدان جایگه بی): متن = ل. ق: بنداری: فقال مدينة طيبة، وفيها خلق طعامهم من السمك وأبنتهم من عظام السمك فإن أمر الملك عبرت اليهم وأخبرتهم بمقدمه وحملت منهم جماعة الي خدمته ۲۸-ل: در؛ (و: نامور) ۲۹- (ل: ۲: مرد گفتاکه)؛ ق (نیز ب): چنین گفت او راکه؛ س. س. ۲ (نیز لی. آ): بدان گوش‌بستر بگفتاکه؛ متن ← ۳۰-ک: گوشوان گفت شو؛ متن = (لن. ق. ۲. پ. لن: ۲): ل بیت‌های ۱۷۰۸-۱۷۰۷ را ندارد ۳۱-ق: بترانگل؛ (ل: ۲. و: بترافگن) ۳۲-س (نیز و. آ): بدان؛ ق: به آن ۳۳-ق (نیز لی. ل. ۲. ب): شارسان ۳۴-ل. س. ق. س. ۲ (نیز لن. پ. و. آ. ب): نزد؛ ک (نیز ق. ۲): بود؛ (لی: خود؛ لن: ۲: برد (بی نقطه)): متن = (ل: ۲) ۳۵-ک (نیز ق. ۲): زمان؛ (لی: زمان): س. س. ۲. لی. آ. پس از این بیت، و ل به جای این بیت افزوده‌اند:

بدیشان بداد او ز قصر پیام که خواند شما را شه نیک‌نام
 چو این گفته بشنید پیر و جوان از آن شارستان نزد خسرو (لی: همچو باد) دمان (ل: آ: دوان)

۳۶-ل. س. ۲ (نیز لن. ل. ۲. و. آ. ب): هفتاد؛ متن = (پ. لن: ۲)؛ بنداری: فأذن له الملك في ذلك فعبر اليهم في ساعة وانصرف معه ثمانون شخصاً

[همه جامه‌هاشان ز خَز و حریر
[ازو^۳ هر که پیری بُد و نام داشت^۴
[کسی کو جوان بود، تاجی^۶ به دست
۱۷۱۵ برفتند و بردند پیشش نماز
بود آن شب و گاه بانگ خروس
ازو چند بُرنا بُد و^۱ چند^۲ پیر]
پر از دَر^۵، زَرین یکی جام داشت^۴
بر قیصر آمد، سر افکنده پست]
بگفتند^۷ با او زمانی دراز
ز درگاه برخاست آوای^۸ کوس

گفتار اندر رسیدن اسکندر در بابل^۹

و ز^{۱۰} آن جایگه سوی بابل کشید
بدانست کش مرگ^{۱۲} نزدیک شد
بر آن^{۱۴} بودش اندیشه کاندرا جهان
۱۷۲۰ که لشکر کشد جنگ را سوی روم
چو مغز^{۱۶} اندرین^{۱۷} کار^{۱۸} خودکامه کرد
هر آنکس کجا بُد^{۲۱} ز تخم^{۲۲} کیان
بفرمودشان تا^{۲۳} بیند میان^{۲۴}

۱-ق: وز او؛ (ل: آ: وز آن؛ و: برنا و یک) ۲-ک: چند است ۳-(ق: آ: پ: آ: از آن) ۴-(پ: یافت) ۵-ل: آ: (نیز آ: ز: ۶-ل: شاخی (پ: با می)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل: این بیت را ندارد؛ بنداری: من عقلاء تلك المدينة في ملابس الخز و الحرير، بعضهم شبان و بعضهم شيوخ، مع كل شيخ منهم جام مملوء من الدر و مع كل شاب تاج من الذهب ۷-ک: بگشتند؛ س: ل: آ: لی، آ: پس از این بیت افزوده‌اند: پذیرفت ازیشان شهنشاه چیز بسی خلعت و پندشان داد نیز

۸-س: ک (نیز لن، ق: آ: ل: آ: آواز؛ متن = ل: ق: ل: آ: س: آ: (نیز لی، پ: ب) ۹-ل: ل: آ: س: آ: رسیدن (ل: رفتن) سکندر (س: آ: اسکندر) به زمین بابل؛ س: نامه اسکندر بارسطاطاليس حکيم و پاسخ ارسطاطاليس سکندر را؛ ق: رسیدن اسکندر به بابل و نامه او به ارسطاطاليس و پاسخ حکيم؛ ک: در اینجا سرنویس ندارد ۱۰-ق: س: آ: (نیز لن، ل: آ: پ: و، آ: ب): از؛ متن = ل: س: (نیز ق: آ: لی، لن: آ) ۱۱-س: ق: ک، س: آ: (نیز لن-پ: لن: آ): گشته؛ متن = ل: ل: آ: (نیز و، آ: ب): لی پس ازین بیت افزوده است:

بدانست کامد بنزدیک مرگ نهد بر سرش بر یکی تیره‌ترگ

۱۲-(و: روز) ۱۳-ل: ق: ک، ل: آ: (نیز لن-ب): تاریک؛ س: تاریک (نقطه ندارد)؛ س: آ: تاریک (حرف یکم بی نقطه)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: فحضروا بين يدي الملك فخدموه و سايههم عن أمور أجابه عنها. وأقاموا في منزله على البحر الى طلوع الفجر من الغد. فارتحل متوجهاً نحو بابل و قد علم أن أجله قد قرب ۱۴-ق: چنان؛ (لی: بدان) ۱۵-ک: بدان؛ لی پس ازین بیت افزوده است:

همی کرد اندیشه از هر دری که تا چون پدید آورد او سری

۱۶-ق: (نیز ل: آ: جان: ک) (نیز لن: آ): نه نیز؛ ل: آ: س: آ: (نیز لی، آ: ب): خرد؛ متن = ل: س: (نیز ق: آ: پ: و) ۱۷-س: ل: آ: س: آ: (نیز لی، آ: ب): اندران؛ متن = ل: ق: ک (نیز لن، ق: آ: پ: و) ۱۸-ک: ل: آ: (نیز پ: لن، آ: آ: ب): رای؛ س: آ: راه ۱۹-ل: هم آنگه سطاليس را؛ ک: همان ارسطاطاليس را؛ (ق: آ: مر ارسطاطاليس را؛ پ: بر آن ارسطاطاليس را؛ لن: بارسطاطاليس یک (وزن ندارد)؛ متن = س: ق: ل: آ: س: آ: (نیز لی، ل: آ: و، لن: آ: ب) ۲۰-آ: ز مژگان تو گفتم سر خامه کرد؛ بنداری: و كان يخاف من الكيانيين على بلاد الروم بعد موته فعزم ألا يلقى منهم أحداً. فكتب كتاباً الى الحكيم أرسطاطاليس، و ذكر فيه حاله و ما هم به ۲۱-ق: س: آ: (نیز لی): که بُد او؛ ک: ل: آ: (نیز لن، ق: آ: ل: آ: ب): که بود او؛ متن = ل: ۲۲-س: که بود از نژاد ۲۳-(لی: بفرموده را) ۲۴-(ب: ز بدها گمانیش کوتاه کنان)؛ آ: این بیت را ندارد

همه روی‌ها^۱ سوی درگه کنند^۲ ز بدها گمانیش کوتاه کنند^۲
 چو نامه بردند^۳ نزد حکیم دل ارسطاليس شد به دو نیم^۴
 ۱۷۲۵ هم اندر زمان پاسخ نامه کرد ز مرگان تو گفתי سر خامه کرد
 که آن نامه‌ی شاه^۵ کیهان رسید ز بدکام دستش^۶ بیاید کشید!
 از آن بد که گفתי^۷ میندیش نیز! و ز^۸ اندیشه درویش را^۹ بخش چیز!
 پرهیز و تن را^{۱۰} به یزدان سپار! به گیتی جز از^{۱۱} تخم نیکی مکار!
 ز گیتی همه مرگ را زاده‌ایم^{۱۲} به بیچارگی دل بدو داده‌ایم^{۱۳}!
 ۱۷۳۰ نه هرکس که شد، پادشاهی ببرد به رفتن^{۱۴} بزرگی کسی را سپرد!
 پرهیز و خون بزرگان مریز! که نفرین بود بر تو تا رستخیز!
 و دیگر که چن اندر^{۱۵} ایران^{۱۶} سپاه نباشد، همان شاه در^{۱۷} پیشگاه^{۱۸}،
 ز ترک و ز هند و ز سقلاب و^{۱۹} چین سپاه آید از هر سوی همچنین،
 به روم آید آن کس^{۲۰} که ایران گرفت اگر کین بسیچد نباشد شگفت!
 ۱۷۳۵ هر آنکس که هست از نژاد کین نباید که از باد یابد زیان^{۲۱}!
 بزرگان^{۲۲} آزادگان را بخوان! به جشن^{۲۳} و به سور و به رای و به خوان^{۲۴}!
 سزاوار هر مهتری کشوری^{۲۵} بیارای و آغاز کن دفتری،
 به نام بزرگان^{۲۶} آزادگان کزیشان جهان یافتی رایگان!

۱-ل: روی را؛ متن = س-س^۲ (نیز ل-ن-ن^۲) ۲-ل^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، ن^۲): کنید؛ آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: و کان یخاف من الکیانین علی بلاد الرّوم بعد موته فعزم ألا یبقی منهم أحدًا. فکتب کتاباً الی الحکیم ارسطاليس. و ذکر فیہ حاله و ما هم به. ثم استقدم جمیع اکابر الکیانیه من اوطانهم و أمرهم بالمبادرة الی حضرتہ ۳-ل: آن نامه بردند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴-ق، ک (نیز ل، ن، ب): بر دو نیم؛ ل^۲ (نیز پ): بر ز بیم؛ متن = ل، س، س^۲ (نیز ق، ل^۲، ل^۲) ۵-ک: نامه‌اش سوی ۶-ق، ل^۲، س^۲ (نیز ل، ن، پ، ل^۲): دست؛ س: کام و دست؛ متن = ل، ک (نیز ق، ل^۲، ل^۲، و، آ، ب): ل^۲ در اینجا سرنویس دارد؛ نامه سکندر نزد ارسطاليس و جواب او ۷-ل: کردی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۸-ل (نیز ل^۲): از؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-پ: دل را خرد) ۱۰-ل: جان را؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱-س، ل^۲ (نیز ل^۲، و): به جز ۱۲-ل، ک (نیز ل، ن، ق، ل^۲، پ، ل^۲): همه مرگ را ایم تا زنده‌ایم (ل^۲: زاده‌ایم)؛ ق (نیز ل^۲، ب): ز مادر همه مرگ را زاده‌ایم؛ متن = س، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، آ): بنداری: فوصل کتاب ارسطاليس و هو یقول فیہ: قد آن لک أن ترتدع عن الشر. فاستلم لأمر الله عزوجل، و فوض الیه أمورک، و لا تزرع فی ملکک غیر الحسنی. و ما أشرت الیه فلا تجزع منه و لا تهتم له. فبانا لم نولد إلا للموت ۱۳-ل: در سر افکنده‌ایم؛ (پ: دیده یا زنده‌ایم)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد ۱۴-ل: برفت و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵-ل^۲ (نیز آ): کز ایدر به؛ س^۲: گر ایدز؛ (ل^۲، ل^۲): ب: که ایدز؛ و: چو ایدز؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، ق، ل^۲، پ، ل^۲) ۱۶-ک: آید ۱۷-س^۲ (نیز ل^۲): بر ۱۸-ک: را دستگاه ۱۹-ل: <س، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲): ز سقلاب و ز هند و؛ (ق: هند و ز ترک و ز سقلاب و)؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، ل^۲، ن^۲) ۲۰-ک: روم آی آنگه ۲۱-ل (آ: زمان)؛ بنداری: و ما استصحب أحد فارق الدنيا مالاً و لا ملکاً. و إیاک أن تمس أحدًا من الکیانیه فإنه لا یحسن غرس العداوة فی القلوب. فاتق الله و لا تسفک دماء الأكابر. فإنه یثمر اللعن الی یوم القیامة، و لا یورث غیر الحرمة و الندامة ۲۲-ل^۲ (نیز ل، ن، ق، ل^۲، ل^۲، پ، ب): بزرگان و؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ل^۲): بنداری: اکابر بیت الملک ۲۳-و: ببخش) ۲۴-ک: نوآیین به رای گوان ۲۵-ل^۲: کهتری ۲۶-س-س^۲ (نیز ل-ن-ب): بزرگان و؛ متن = ل

کسی را مخوان بر^۲ جهان نیز شاه^۳!
چو خواهی که لشکر نیاید به روم^۴!

یکی را مده بر دگر^۱ دستگاه!
۱۷۴۰ سپر کُن کیان را همه پیش بوم^۴

به اندیشه و رایِ دیگر شتافت:
کسی را کش از مردمی بود بَهر،
به جای سزاوار بنشانند^۸
فزونی نجوید^{۱۰} ز دهر اندکی^{۱۱}
ملوکِ طوایف نهادند نام

سکندر چو پاسخ بر آن^۶ گونه یافت
بزرگان و آزادگان را ز دهر^۷
بفرمود تا پیش او خواندند^۸
یکی عهد بنبشت^۹ تا هر یکی
۱۷۴۵ بر آن^{۱۲} نامدارانِ جوینده کام^{۱۳}

مهان را به دیدارِ خود^{۱۴} شاد دید
ازو^{۱۵} ماند-هرکس که دیدش^{۱۶}-عجب
چو مردم بر و کفت و^{۱۸} چون گاو، دُم
-سزد گر نگیرد^{۲۰} از آن زن نژاد!
بدو کرد شاه از شگفتی نگاه
که این تخمه را^{۲۲} خاک باید نهفت!
وُزانِ کودکی مُرده^{۲۶} چندی براند

همان شب سکندر به بابل رسید
یکی کودک آمد زنی را به شب
سرش چون سر شیر و بر پای، سُم^{۱۷}
بمرد آن^{۱۹} شگفتی هم آنگه که زاد
۱۷۵۰ ببردند هم در زمان نزد شاه
به فالش بد آمد^{۲۱}، هم آنگاه گفت
از^{۲۳} اخترشناسان بسی^{۲۴} پیش خواند^{۲۵}

۱-ل: یکی؛ ل: بده بر دگر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ درک این بیت دو بیت پیش تر آمده است ۲-ق، ک، س، ۲ (نیز ق ۲-ب): در؛ متن = ل، س (نیز لن) ۳-ل: در جهان پادشاه ۴-ل، ک (نیز لی): روم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۵-ک (نیز لی): به بوم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ درل مساوند این بیت مکرر شده است: ل این بیت را ندارد؛ بنداری: و الرأی أن تستحضرأ کابر بیت الملک، و تملک کل و احد منهم بلداً أو إقليماً، و لا تجعل لبعضهم علی بعض حکماً و لا بدأ، و لا تسمین منهم للسلطنة أهداً حتی تشتغلهم بحربهم عن بلاد الروم ۶-س، ک (نیز لی، پ): بدان ۷-(ق: ز شهر) ۸-(لی: تاخندند-بنشاختند) ۹-ل، س، ق، س ۲ (نیز لن-ب): نوشت؛ متن = ک، ل ۱۰-ک: نگوید ۱۱-(ل: دیگر کسی؛ پ: هم اندکی): بنداری: فلما قرأ الاسکندر کتاب الحکیم استحضر الأکابر الکیانیه و أجلسهم فی مراتبهم فی خدمته ثم فرّق علیهم الممالک، و أمرهم أن یکتب کل واحد منهم کتاب عهد یعاهد فیهِ علی ألا یطلب الزیادة علی ما فی یده، و لا یتعرض لمملکة غیره، و یجتزی بما فی حکمه و تحت یده؛ ق در اینجا سرنویس دارد: عهدنامه اسکندر با ملوک طوایف ۱۲-س، س ۲ (نیز لن، و، لن، آ): برین؛ ق: مر آن؛ ک، ل ۲ (نیز ق ۲، لی): بدین؛ متن = ل (نیز ل ۲، پ، ب) ۱۳-(لن: نام): بنداری: فاستب منهم ذلک فسموا ملوک الطوائف؛ بنداری در اینجا سرنویس دارد: ذکر وفاة الاسکندر ۱۴-ک (نیز ق ۲، پ، لن، آ): او ۱۵-ل: بدو؛ (ق: کزو): متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-(لی: دیدی؛ لن: دید آن؛ و: همی در) ۱۷-(لی: با پای و سم): ل: شیر بُد پای هم ۱۸-ل، س، ق (نیز ق ۲، لن، آ): کف و؛ ک: تن و دست و؛ ل: بدو گفت و (و: سرو کف و؛ لی: چه مردم بر و کف): متن = س ۲ (نیز لن، پ، ب)؛ ل بیت های ۱۷۴۸-۱۷۵۲ را ندارد ۱۹-ل، س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب): از؛ (و: این؛ ق: نمود آن): متن = ک ۲۰-ل: نباشد؛ س-س ۲ (نیز لن، لی، پ-ب): نگیرند؛ متن = (ق ۲)؛ بنداری: قال صاحب الکتاب: ثم إنه وصل الی بابل فاتفق أنه ولد فی تلك اللیلة مولود له رأس کرأس الأسد، و حافر کحافر اللوَاب، و ذنب کذب الثور، لا یشبہ الإنس إلا فی صدره و کتفه. فلما وضعته أمه مات فی الحال ۲۱-ک: ناله بر آمد ۲۲-ل: بچه در؛ س-س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل، آ، و-ب): بچه را؛ متن = (لن، پ) ۲۳-ل، س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲-ب): ز؛ متن = ق (نیز لی) ۲۴-(لن، لن، آ: کسی) ۲۵-س: بسی را بخواند ۲۶-(لن، آ: خورد): ک: مرده کودک ز

پوشید بر^۲ خسرو نیک‌بخت
 که گر هیچ ماند سخن در نهفت،
 نیاید جز^۶ کام شیران کفن!
 بدو گفت کای نامورپیشگاه،
 بر موبدان و ردان شد درست
 بگردد سر پادشاهیت زیر^۹
 چنین تا نشیند یکی پیشگاه
 همین^{۱۳} گفت و این را^{۱۴} نشان‌ها^{۱۵} نمود^{۱۶}
 به رای و به مغزش درآمد^{۱۹} کمی
 مرا دل بر اندیشه^{۲۰} زین^{۲۱} باره نیست،
 زمانه نه کاهد، نه هرگز^{۲۳} فرود!
 بدانست کامد به تنگی گزند^{۲۴}

ستاره‌شمر زان غمی^۱ گشت سخت
 بر^۳ اخترشناسان بجوشید^۴ و گفت
 ۱۷۵۵ هم اکنون بیزم سران‌تان^۵ ز تن
 ستاره‌شمر-چُن برآشت شاه-
 تو^۷ بر اختر شیر زادی نخست
 سر کودک مرده بینی^۸ چو شیر
 پر آشوب گردد زمین چند گاه
 ۱۷۶۰ ستاره‌شمر پیش ازین^{۱۰} هرکه^{۱۱} بود^{۱۲}
 سکندر چو بشنید از آن^{۱۷} شد غمی^{۱۸}
 چنین گفت کز مرگ، خود چاره نیست
 مرا^{۲۲} بیش ازین زندگانی نبود
 به بابل همان روز شد دردمند

گفتار اندر اندرز کردن اسکندر^{۲۵}

۱۷۶۵ دیر^{۲۶} جهان‌دیده را پیش خواند
 به مادر یکی نامه فرمود و گفت
 هر آنچه به دل بود با او^{۲۷} براند
 که آگاهی^{۲۸} مرگ نتوان نهفت!

۱-س: عجب؛ (لی: غمین) ۲- (ن: پرسید از؛ ق: بترسید بر)؛ آیت‌های ۱۷۵۳-۱۷۵۴ را ندارد؛ بنداری: فحملوه الی حضرة الملك فتطير منه و استحضر المنجمين و سألهم عن طالع ذلك المولود و ما تدل عليه أحكام النجوم فی ولادته. فأظلمت الدنيا فی عيونهم لما فهموه، و كموا الاسكندر ما علموه ۳- ل. ک (نیز ل ۳): ز؛ ق. ل ۲ (نیز ق ۲، لی، پ، و، ب): از؛ (ن، ل، ن: به)؛ متن = س ۴- ل. ق. ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، ب): پرسید؛ (ن: پوشید؛ لی: پوشیده)؛ متن = س، ک (نیز پ، و، ل، ن: ۲)؛ س ۲ خوانا نیست ۵- ل: سرت را؛ ک (نیز آ): سرانشان؛ ل ۲: سر ایشان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶- ک: نباشد مگر؛ (ن، ل، ن: نباشد جز از) ۷- ل ۲، س ۲ (نیز آ): چو؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۸- ق (نیز ب): دیدی؛ (و: بنگر) ۹- س، س ۲ (نیز لی، ل، ن: ۲): پادشاهی دلیر؛ ق، ک (نیز ل، ن، پ، و، ب): پادشاهی به زیر؛ (ق ۲): پادشاه دلیر؛ لی، آ: سراز پادشاهی دلیر؛ ل ۲: نگرده سر پادشاهی دلیر؛ (ل ۲): بکرده سر پادشاهی به زیر؛ متن = ل: بنداری: فأوعدهم و هددهم فقال بعض المنجمين: أيها الملك! إنك ولدت على طالع الأسد. فاذ قد رأيت رأس المولود الميت مثل رأس الأسد فقد دل على زوال ملكك و انتهاء عمرک ۱۰- (لی: آن: پ: او) ۱۱- ل: هر چه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- ل ۲: زاد ۱۳- ل. ک (نیز لی، و، آ): همی؛ ل ۲: چنین؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ل، ن، ق، ل ۲، پ، ل، ن: ب) ۱۴- ل: آن را؛ (لی، آ: گفت این را) ۱۵- ل (نیز ل ۲، ب): نشانه؛ (لی: شاید؛ پ: نشانی)؛ ک (نیز و): این داستان‌ها؛ متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، ق، ل ۲، پ، ل، ن: ۲) ۱۶- ل ۲: بداد؛ (آ: شاید ستود) ۱۷- ل (نیز ل، ن، پ، ل، ن: ۲): زان؛ (ق ۲: زو)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- (لی: غمین) ۱۹- (ب: برآمد)؛ ک (نیز ل، ن، ق، ل ۲، لی (پساوند ندارد)، پ، ل، ن: ۲): به مغز اندر آمد ۲۰- (ق ۲): ز اندیشه؛ ل، ن: در اندیشه؛ س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، لی، پ، آ، ب): بر دل اندیشه؛ متن = ل (نیز ل ۲، و) ۲۱- ک: مرا این نژندی ازین ۲۲- (ق ۲: ترا) ۲۳- ل، س: نخواهد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: و انفتت كلمة سائر المنجمين على ذلك. فاعتم الاسكندر ثم قال: إنه لا بد من الموت، و لست أهتم لذلك ۲۴- ل ۲ آیت‌های ۱۷۶۴-۱۷۶۵ را ندارد ۲۵- ل: اندرز کردن اسکندر؛ س: رسیدن اسکندر به زمین بابل و نامه او بنزد مادر؛ ق: وصیت‌نامه اسکندر به مادرش دختر فیلقوس؛ ک، ل ۲: نامه اسکندر نزد مادر (ل ۲: به روم)؛ س ۲: نامه فرستادن سکندر به مادر و وصیت کردن؛ بنداری (کمی بالاتر): ذکر وفاة الاسكندر؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶- (ق ۲: وزیر) ۲۷- ق (نیز و، ب): وی؛ (لی: سخن هر چه بودش به دل در) ۲۸- (لی: بیماری و)

زمان چون بکاهد^۱، نشاید^۲ فزود!
 که اندر جهان این سخن نیست نو:
 اگر شهریارست، اگر^۵ مرد خُرد!
 که چون بازگردند^۶ ازین^۷ مرزوبوم
 کسی برنگردد^۸ ز پیمان^۹ تو
 کزیشان^{۱۱} بُدی رومیان را زیان،
 که^{۱۲} گردد بران^{۱۳} پادشاهی سری
 برآساید از دشمن آن^{۱۴} مرزوبوم
 ز گفتار من هیچ مپراگند!
 ببخشید بر مردم خویش کار^{۱۶}!
 شود^{۱۸} بی‌گمان زنده نام پدر،
 که او تازه گرداند آن^{۲۰} مرز و بوم!
 بییوند^{۲۱} با کودک^{۲۲} فیلقوس!
 بدو تازه کن در^{۲۳} جهان یاد من!
 فرستید^{۲۴} نزد پدرش^{۲۵} ارجمند!
 عماری بسیچید با او به راه!
 که آورده بود او ز نزد^{۲۸} پدر،

ز گیتی مرا بهره این بُد که بود
 تو از^۳ مرگ من هیچ غمگین مشو^۴
 هر آنکس که زاید بپایدش مُرد
 ۱۷۷۰ بگویم کنون با بزرگانِ روم
 نجویند جز رای و فرمانِ تو
 هر آنکس که بودند از^{۱۰} ایرانیان
 سپردم به هر مهتری کشوری
 همانا نیازش نیاید به روم
 ۱۷۷۵ مرا مُرده در خاک مصر^{۱۵} آگند!
 به سالی ز دینار من صد هزار
 گر آید یکی^{۱۷} روشک را پسر
 نباید که باشد جز او^{۱۹} شاهِ روم
 وُگر دختر آید، به هنگامِ بوس
 ۱۷۸۰ تو فرزند خوانش، نه دامادِ من!
 دگر، دخترِ کید را بی‌گزند
 ابا یاره^{۲۶} و برده^{۲۷} و نیک‌خواه
 همان افسر و گوهر و سیم و زر

۱-ل.س.ل.۲، س.۲: نکاهد (بی نقطه)؛ ق.ک (نیز ل.ن.و.ل.ن.۲، ب): زمانه نکاهد؛ (ق.۲: زمانه همیدون؛ ل.۳، پ: نکاهد زمانه؛ آ: ز ما چون نکاهد)
 ۲-ق (نیز ل.ن.۲، ب): نه هرگز؛ (ل.ن.ق.۲، و: نخواهد) ۳-ل.۲: در ۴-(ل.۳: مباش (پساوند ندارد)) ۵-ل.۵: گر؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ بنداری: ثمّ مرض فی یومه ذلک و هو بیابان فاستحضر کاتبه و کتب الی أمة کتاباً یعزیها فیه عن نفسه، و یوصی الیها و یأمرها بالصبر و الرضاء بما قدر له من قصر العمر، و التسلیم لقضاء الله الناقد فی الخلق ۶-ل.۲: بازگردید ۷-ل (نیز ل.ن.): زین؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۸-ل.۲: نگذرد بر ۹-(ل.۲: فرمان)؛ بنداری: و قال: إنی قد أمرت أكابر الروم اذا انصرفوا من هذه البلاد، بالتمسک بطاعتک و الانقیاد لأمرک ۱۰-ل.۱: ز؛ (ل.۲: <از>)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۱-(پ: ازیشان) ۱۲-س.ک، ل.۲، س.۲ (نیز ل.ن.ل.۲، ب): جو؛ متن = ل.ق (نیز ق.۲، پ) ۱۳-ق.ک (نیز ل.ن.پ.آ): بدان ۱۴-ک (نیز و): این؛ ل: آن کشور و؛ (آ: آن دشمن آن): متن = یازده دستویس دیگر؛ بنداری: و أما أكابر ایران الذین کان یخاف علی بلاد الروم من معرفتهم فقد ملکت کل واحد منهم إقليماً من الأقالیم حتی یمنعه الشغل بما فی یده عن بلاد الروم ۱۵-(ل.ن: مهر)؛ ق.۲ بیت‌های ۱۷۷۵-۱۷۷۶ را ندارد ۱۶-(ل.ن: پیشه‌کار)؛ بنداری: و اذا مت فادفوننی فی تراب مصر، و فرّقوا من خزائنی مائة ألف دینار فی هذه السنة علی المشتغلین بأنفسهم من عباد الله ۱۷-ل: گر ایدونک آن؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۸-ل: بود؛ ل.۲: کند؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ ق.۲ بیت‌های ۱۷۷۷-۱۷۷۹ را ندارد ۱۹-س.ل.۲، س.۲ (نیز ل.ن.آ): به جز؛ متن = ل.ق.ک (نیز ل.ن.ل.۲، ل.ن.۲، ب) ۲۰-(و، ب: این؛ ل.۲: برآساید از دشمنان ۲۱-ک (نیز پ): ببندید ۲۲-ل (نیز ل.ن.): زاده؛ ل.۲: کودکان؛ (ق.۲: بچه؛ ل.۲: دختر)؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۳-ل: گردد؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ بنداری: و روشک - یعنی زوجته - إن ولدت ابناً فهو ملک الروم لا غیر، و إن ولدت بتاً فلتزوِج من ابن فیلقوس، و اتخذه ولدأ، و جددی به ذکر الاسکندر أبداً ۲۴-(ق.۲: فرستش به) ۲۵-ل.س.ق.ل.۲، س.۲ (نیز ق.۲، ل.ن.و.آ، ب): پدر؛ متن = ک (نیز ل.ن.ل.ن.۲) ۲۶-س.ق.ل.۲، س.۲ (نیز ل.ن.ق.۲، پ.ب): بدره؛ ک (نیز ل.ن.ل.۲): برده؛ متن = ل.۲۷-ک (نیز ل.ن.ل.۲): بدره؛ س.۲: پرده ۲۸-ل: پیش؛ متن = چهارده دستویس دیگر

به رفتن چُن او^۱ گشت همداستان
 ۱۷۸۵ من ایدر همه کار کردم به برگ^۳
 نخست آنکه تابوت زرین کنید!
 ز زربفتِ چینی سزاوارِ من
 در و بند^۹ تابوت ما را به قیر
 نخست آگید اندر او انگین!
 ۱۷۹۰ وُزان^{۱۱} پس تن من نهید اندر اوی^{۱۲}!
 تو پندِ من ای مادرِ پرخرد
 ز چیزی که آوردم از هند^{۱۵} و چین،
 بدار و^{۱۷} ببخش آنچه افزون بود
 به تو حاجت آنستم^{۱۹} ای مهربان

فرستید با او به هندوستان!
 به بیچارگی دل^۴ نهادم^۵ به مرگ!
 کفن بر تنم^۶ عنبرآگین کنید!
 کسی کو^۷ پیچد^۸ ز تیمارِ من،
 بگیرد و^{۱۰} کافور و مشک و غیرا!
 زبر انگین، زیر، دیبایِ چین!
 سرآمد سخن چون، پوشید روی^{۱۳}!
 نگه‌دار تا روزِ تو^{۱۴} بگذرد!
 ز توران و ایران و مکران^{۱۶} زمین،
 و زاندازه‌ی خورد^{۱۸} بیرون بود!
 که بیدار باشی و روشن‌روان!

۱-س، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، ل، ن، آ، ب): چو او: ک: چو آن: متن = ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ): در کت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲-ل: به هم داستان: س، آ: هم از راستان (؟): و این بیت را ندارد: بنداری. و اما ابته کید ملک الهند فردوها، این آرادت، الی ایها مع خزانها التي جاءت معها، فی عمارتها، و مع تاجها و تختها ۳-ل، ک، آ: ترک ۴-س، ل، آ (نیز لی، ل، ن، آ): تن ۵-ق، آ: نهاده: پ، ل، ن، آ پس از این بیت افزوده‌اند: پ: پس آنکه به اندرز گفت: ای گوان
 ل، ن، آ: به اندرز من گوش باید شود بدین گفت من در نباید فزود
 ۶-پ: سرم) ۷-س، س، ۲ (نیز لی): تا؛ ل، آ: را ۸-ل، ل، ن، آ: سر نیچد: آ: تا چه پیچد) ۹-ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، آ، ب): همه درز: (ل، آ: همان روز: پ: همه بند): متن = ل، س، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، آ): ۱۰-ق: <و>، ل، ک: بگیرد به: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ل: از آن: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲-ق، آ: آن: آ، او) ۱۳-ل، س: پیچید روی: (آ: پیچید رو: ق، آ: برآمد روان): متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری: و انا قد استلمت للموت عن رأس العجز بعد أن فرغت من أشغالی كلها. و قد أمرت أن يعمل لي تابوت من الذهب، و يملأ من العسل ثم أضجع فيه مكفأ في الديباج و الحرير. و عند الانتهاء الی ذلك انتهى الكلام ۱۴-ل: من: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵-ل: ترک: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-ق، ک (نیز ق، آ، ب): و مکران و ایران: (لی، و: مکران و ایران و توران) ۱۷-س، آ: مدار: (ق، آ: بیاور: ل، آ، ب: برآور) ۱۸-ل: خویش: ک (نیز آ): خود به: متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری: ثم احفظی وصیتی، و لا تخالفی موعظتی، و لا تمسکی من الأموال التي جمعتهما من الهند و الصين و سائر الأقالیم أكثر من القوت ۱۹-ل: اینستم (؟): (ق، آ، ل، آ: حاجتی دارم): متن = یازده دستنویس دیگر: ل، آ این بیت را ندارد: س، آ پس از این بیت افزوده است:

به اندرز دیگر نگه‌دار گوش
 به تابوت من در دو سوراخ کن
 یکی سوی چپ، دیگر از سوی راست
 دو دستم ز سوراخ بیرون کنی
 ۵ دو کف برگشای ای خردمندم
 بدانند یکسر که من در جهان
 بیاراستم تاج و تخت و سپاه
 به دست من آمد ز هر گونه گنج
 به هنگام مرگ این همه باد بود
 ۱۰ ز مادر بزادم تهی‌دست و پاک

به هنگام تابوت و بانگ خروش
 تو دل را بدین پند گستاخ کن
 به تابوت من گر بود این رواست
 چو از خانه آهنگ هامون کنی
 که بیند مردم به شیب و به بام
 فراوان بگشتم چو باد دمان
 برافزودم از شهریاران کلاه
 به مردی کشیدم بسی درد و رنج
 خنک آنکه کارش همه داد بود
 برین‌سان تهی‌دست رفتم به خاک

که اندر جهان نیست جاوید کس!
 ببیند چو^۳ تنگ اندرآید زمان!
 سبکسر بود^۴ هر که او کهترست!^۷
 کنون جانِ پاکم^۸ ز یزدان بخواه!
 که فریاد گیرد مرا دست و بس!^{۱۰}
 که او نیست از مرگ خسته روان!^{۱۲}

۱۷۹۵ نداری تن^۱ خویش را رنجه^۲ بس
 روانم روانِ ترا بی‌گمان
 شکیبایی از مهر^۴ نامی ترست^۵
 ترا مهر بُد بر تنم سال و ماه
 بدین^۹ خواستن، باش فریادرس!
 ۱۸۰۰ نگر تا که^{۱۱} بینی به گردِ جهان

بفرمود تا بر ستورِ نوند،
 که تیره شد آن فرّ شاهنشهی
 جهان گشت بر^{۱۴} نامداران سیاه
 جهان شد سراسر پر از گفت^{۱۵} و گوی
 بدانست کش روز کوتاه شد
 از^{۱۷} ایوانِ شاهی به هامون برند
 که بی‌رنگ دیدند رخسارِ شاه
 چو بر آتشِ تیز جوشان^{۲۱} شدند
 که^{۲۳} از رومیان گم شود^{۲۴} شهریار!^{۲۵}
 که ویران شود زین سپس روی بوم^{۲۷}
 رسیدند جایی که بشتافتند

چو نامه به مهر اندرآورد و بند
 ز بابل به روم آورد^{۱۳} آگهی
 چو آگاه شد لشکر از دردِ شاه
 به تختِ بزرگی نهادند روی
 ۱۸۰۵ سکندر چو از لشکر^{۱۶} آگاه شد
 بفرمود تا تخت بیرون برند
 ز بیماری او^{۱۸} غمی^{۱۹} شد سپاه
 همه دشت یکسر^{۲۰} خروشان شدند
 همی‌گفت هر کس^{۲۲} که بدروزگار
 ۱۸۱۰ فراز آمد آن^{۲۶} گردش بختِ شوم
 همه دشمنان کام دل یافتند

۱-ل. ۲. س. ۲ (نیز آ): ندار این تن ۲-ک: رنجه ز ۳-ک: که ۴-ق: مرد ۵-ل. ۳: بود؛ لی، و: مهربانی برست) ۶-ل: شود ۷-ک. ل. ۲ (نیز لی): مهترست؛ ل. ۳: شکیبا همیشه گرامی بود) ۸-ل. ۳: خاک پاکم؛ س: کنونی گناهم ۹-ل: ازین؛ ق: آ: برین) ۱۰-ل. ۲: آ: گیرد مرا دست رس؛ ل: فریادرس باشدم دست رس؛ ق: آ: که فردا نگیرد مراد دست کس؛ ل. ۳: ب: که تادست گیرد مراد دست رس؛ متن = س. ق <و>؛ ک. ل. ۲. س. ۲ <و> (نیز ل. ۲ <و>؛ لی <و>؛ پ. و) ۱۱-ل: چه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲-ک. س. ۲ (نیز ل. ۲. ق. ۲. و. آ): نهان؛ متن = ل. س. ق. ل. ۲ (نیز لی-ل. ۲. ب)؛ بنداری: ثم حاجتی الیک ألا تجزعی علی و لا تؤذی نفسک، وإشفعی الی الله عزوجل وأغیثینی بدعائک فإنه لا یأخذ بیدی غیر ذلک؛ ل. ۳ پس از این بیت افزوده است:

روانم روان ترا بنده باد همه روزگار تو فرخنده باد

۱۳-ک (نیز لی): آورد؛ ل. ۳: آورد؛ ل. ۳ پس ازین بیت افزوده است:

خروشی برآمد از آن بوم و بر پر از درد گشتند و خسته جگر

۱۴-س. س. ۲ (نیز لی، و-ب): شد بر آن؛ متن = ل. ق. ک (نیز ل. ۲. ق. ۲. ب)؛ ل. ۲ بیت های ۱۸۰۳-۱۸۰۸ را ندارد ۱۵-ل. ق (نیز ل. ۲. ب. ل. ۲): <و>؛ متن = س. ک. س. ۲ (نیز ل. ۲. ق. ۲. و. آ. ب)؛ بنداری: ثم ختم الكتاب و نفذه الی الروم علی یدی بعض المرعین. قال: و لما علم العسکر بمرض الاسکندر تسارعوا الی خدمة تخته و اجتمعوا علی بابہ و ضجوا من وراء حجابہ ۱۶-ل: کارش؛ ق. ک (نیز ل. ۲. ب. و): ز لشکر چو؛ متن = س. س. ۲ (نیز ق. ۲. لی، ل. ۲. آ. ب) ۱۷-س. ک. س. ۲ (نیز ل. ۲. ب): ز؛ متن = ل. ق (نیز ل. ۲. لی) ۱۸-ل. ۱۸ (پ. و: شه) ۱۹-ک (نیز لی): غمین ۲۰-ل. ۲۰ (ل. ۲۰: دست بر سر؛ ل. ۲: یکسر زو) ۲۱-ل. ۲۱ (ل. ۲: بریان) ۲۲-ک: هر یک ۲۳-ل. ۲۳ (ل. ۲۳: نگر) ۲۴-ل. ۲۴ (نیز ل. ۲): کم شود؛ ب: کم شد این؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵-س. ۲: روزگار ۲۶-س. ل. ۲: این؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-ل. ق (نیز ل. ۲. ب): مرز روم؛ س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۲. ق. ۲. لی، پ. و. ل. ۲): بوم روم؛ متن = (آ)

خروشان شویم^۱ آشکار و نهان
 که ترسند^۳ باشید^۴، با رای و شرم!
 چو خواهید کز جان و تن برخوردار!
 نه^{۱۰} با من همی بد کند روزگار
 شد آن نامور شاه لشکرشکن^{۱۱}

به ما بر کنون تلخ گردد جهان
 چنین گفت قیصر به آوای^۲ نرم
 از^۵ اندرز^۶ من سرسبز^۷ مگذرید^۸
 ۱۸۱۵ پس از من^۹ شما را همینست کار
 بگفت این و جانش برآمد ز تن

گفتار اندر سپری شدن روزگار اسکندر^{۱۲}

هوا را بدزید از آواز^{۱۴}، گوش
 ز^{۱۷} مژگان همی خون دل ریختند^{۱۸}
 هزار اسپ را دم بُریدند پست^{۱۹}
 تو گفתי همی خون خروشد^{۲۲} زمین
 همی ناله از آسمان برگذشت
 پراگند بر تنش کافور^{۲۸} ناب^{۲۸}
 خروشان بران نامدار انجمن
 نهادند تا پای^{۳۰} در انگین
 شد آن شاخ گستر^{۳۱} نیازی^{۳۲} درخت^{۳۳}!

ز لشکر سراسر برآمد^{۱۳} خروش
 همه^{۱۵} خاک بر سر همی بیختند^{۱۶}
 زدند آتش اندر سرای نشست
 ۱۸۲۰ نهاده بر اسپان^{۲۰} نگونسار^{۲۱} زین
 بردند صندوق^{۲۳} زرین به دشت^{۲۴}
 سکوبا^{۲۵} بستش^{۲۶} به روشن گلاب^{۲۷}
 ز دیبای زریفت کردش کفن
 تن نامور^{۲۹} زیر دیبای چین
 ۱۸۲۵ سر تنگ تابوت کردند سخت

۱-ل: شدند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: فامر الاسکندر یاخراج تخته من ایوانه الی الفضاء فلما رأوه علی ما به من الضعف أجهشوا الیه بالنحیب و البكاء ۲-س-س ۲-س ۲ (نیز لن-پ، لن ۲، آ، ب): آواز: متن = ل (نیز و) ۳-ک: پرستنده ۴-ل(ن، ق، آ، ب): باشید و) ۵-س، ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۲، لن ۲، آ): ز ۶-ک: ایدر ز ۷-پ: یک نفس) ۸-ل(ی: ایدر مگر سرسبز بگذرید) ۹-ل(ن: پس ما) ۱۰-س ۲: که ۱۱-ل(ی: بدو زار گریان شدند انجمن) ۱۲-ل: وفات یافتن اسکندر؛ ق (کمی بالاتر): گفتار در وفات اسکندر رومی؛ ل ۲: گفتار در مرگ اسکندر فیلقوس؛ س ۲: سپری شدن روزگار سکندر؛ س، ک در اینجا سرنویس ندارند؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳-ک (نیز ق ۲-پ، آ): برآمد سراسر ۱۴-س (نیز ق ۲، ل ۲): بدزید آواز؛ ل: ز فریاد لشکر بدرید؛ ک: هوا بردریده ز آواز و؛ متن = ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ی، پ، ب): بنداری: فقال لهم الاسکندر: استشعروا الخوف، و تسربلوا لباس الحیاء، و لا تعدلوا عن المحجة البيضاء، و احفظوا وصیتی، و لا تخلعوا ریفه طاعنی. فلما فرغ من کلامه خرجت روحه فوقع العویل و النحیب فی العسکر، و قام الصراخ علیه ۱۵-ل: همی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-س، ق (نیز لن، ق، ل ۲، پ، لن ۲، ب): ریختند؛ متن = ل، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، و، آ) ۱۷-ق (نیز لن، ق، ل ۲، پ، ب): به ۱۸-ق (نیز لن، ق، ل ۲، پ، لن ۲، ب): بیختند ۱۹-ک: و بشت؛ آ این بیت را ندارد ۲۰-ق، ک (نیز ب): بریشان؛ ل(ی: به اسپان) ۲۱-ل ۲: نگونسار اسپان نهادند) ۲۲-ل: برخوردار شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳-ق: تابوت ۲۴-س: دست؛ ک (نیز آ): زدشت ۲۵-ل ۲: سرو پا) ۲۶-ک: سروتن بسته ۲۷-س ۲ (نیز پ): مشک و ۲۸-ل ۲، آ: پراگنده بر تنش روشن گلاب؛ بنداری: فأحرقوا داره التي كانت مستقره، و حذفوا من دوابه ألف فرس. ثم جاءوا بتابوت من الذهب مملوء من العسل، و غلله سکوبا بالماورد، و غمره بالكافور ۲۹-ل ۲: پیل را؛ و سر نامور) ۳۰-ک (نیز ق ۲، ب): نا باک؛ ل ۲: با پاک؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ل، س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ی، پ، ب): سایه گستر؛ متن = ک (نیز لن، ق ۲) ۳۲-ل، س ۲ (نیز ق ۲، پ، ب): دلاور؛ ل(ی: باری): متن تصحیح قیاسی است (ل ۲، ی) ۳۳-ل(ن ۲: ز تخت؛ لن: دل افروز تخت؛ ل ۲: نامور خسروانی درخت؛ بنداری: و کفنه فی ثوب دیباج مذهب، و وضعه فی وسط العسل من الرأس الی القدم، و أطبقوا علیه التابوت

چه نازی^۱ به تخت و چه یازی^۱ به گنج-
 همه^۳ دست بر دست^۴ بگذاشتند
 سخن‌شان ز تابوت شد^۵ یک بی
 که او را جز ایدر نباید نهفت!
 چه تازید^۷ تابوت گرد جهان؟
 که ایدر نهفتن ورا^۸ نیست رای^۹!
 سکندر در آن^{۱۱} خاک ریزد که رُست!
 اگر^{۱۵} چند گویی نیاید به بن!
 ز شاهان پیشینگان^{۱۶} یادگار،
 بدوی^{۱۹} اندرون بیشه و آبگیر،
 که کرگس نیابد بروبر گذار^{۲۰}،
 که آواز او بشنود هر گروه^{۲۳}،
 هم ایدر بدارید^{۲۴} تابوت را(؟)،
 شما را بدین رای فرخ نهد^{۲۷}!

-نمانی همی در سرای سپنج
 چو تابوت از آن^۲ دشت برداشتند
 دو آواز شد^۵ رومی و پارسی
 هر آنکس که او پارسی بود گفت
 ۱۸۳۰ چو ایدر بود خاک شاهنشهان
 چنین گفت رومی- یکی رهنمای -
 اگر بشنوید آنچه^{۱۰} گویم درست
 یکی پارسی تیز^{۱۲} گفت^{۱۳}: این^{۱۴} سخن
 نمایم شما را یکی مرغزار
 ۱۸۳۵ ورا خرم^{۱۷} خواند جهان‌دیده^{۱۸} پیر
 یکی کوه بینی در آن مرغزار
 چو پرسی ترا^{۲۱} پاسخ آید ز کوه^{۲۲}
 بیارید مر پیر فرتوت را
 برسید تا^{۲۵} کوه پاسخ دهد^{۲۶}

۱۸۴۰ برفتند پویان بکردارِ غرم بدان بیشه کش نام خوانند^{۲۸} خرم،

۱-ل: تازی-تازی؛ س: نازی-نازی (حرف یکم بی نقطه)؛ ل: ۲، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، آ: ب): نازی-نازی؛ (پ، و: یازی-نازی)؛ متن = ق، ک (نیز ل، ل)؛ ل: این بیت را ندارد؛ س: ۲ پس از این بیت افزوده است:

دو دستش برون کرد هنگام راه چنان چون که گفت آن جهاندار شاه

۲-ل: زان؛ (پ: تابوتش از)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (ل: همی) ۴- (ل: ل، آ: دشت بر دشت)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۵- (پ: بُد)؛ ک: بدژوار شد؛ (آ: در آواز شد) ۶-ل: بُد؛ (ق: سخن‌های تابوت شد) ۷-س، س: ۲ (نیز ل، و، آ): تازیم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸-ل (نیز ل: ۲، پ): مرا؛ (ب: روا؛ ل: اندر نهفتن ترا)؛ متن = س-ل ۲ (نیز ل، ق: ۲، و، ل: ۲، آ) ۹-ل: جای؛ س: ۲: ایدر روا نیست در خاک جای؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلما رفعوه من ذلك المكان اختلفت الفرس و الروم فقالت الفرس: لا یدفن الاسکندر إلا حیث مات. و قالت الروم: لا یدفن إلا حیث ولد ۱۰-س، س: ۲ (نیز ل، آ): آنک؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ق، ل ۲ (نیز ل، ل، و، ل: ۲)؛ بر آن: ک: بدان؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل، پ، آ: ب) ۱۲-ل، ق: نیز (حرف یکم بی نقطه)؛ س: ۲ (نیز ل، پ، ل: ۲، آ): نیز؛ (ب: بود) ۱۳-س: گفت تز (حرف دوم واژه دوم بی نقطه)؛ (ل، و: گفت نز (حرف دوم واژه دوم بی نقطه)؛ ق: ۲: گفت تز (حرف‌های یکم و دوم واژه دوم بی نقطه))؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: فقال شیخ من فارس ۱۴-ل: ۲: بشنو ۱۵-ل، ق: که گر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل، ل، و، ل: ۲، ب): و پیشینگان؛ (ق: شاهان پیشی یکی)؛ متن = ک، س: ۲ (نیز ل، پ، آ) ۱۷-ل (نیز و): حرم؛ (ل: ۲، ل: ۲، ب: جرم؛ آ: خورد)؛ متن = س-س ۲ (نیز ل، ق: ۲، ل، پ) ۱۸- (ل، ق: ۲، ل: ۲، آ: جهاندار) ۱۹-ل، ق-س: ۲ (نیز ق: ۲-ب): بدو؛ س: برو؛ متن = (ل) ۲۰-متن = س (نیز ل)؛ ل، ق-س: ۲، ل، ق: ۲، ل-ب این بیت را ندارند؛ ل: ۲ به جای این بیت آورده است:

یکی کوه رسته در آن مرغزار که گر باد یابد برو بر گذار

بنداری: إن هاهنا موضعاً يقال له جرم ۲۱-ل: ورا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲- (ل: ۲: ترا کوه پاسخ دهد) ۲۳- (ل: ۲: هر کسی بشنود؛ پ: آن را بداند گروه؛ و: او را بداند گروه) ۲۴- (ل: بیارید) ۲۵-ل (نیز و، ب): اگر؛ ک (نیز ل، ق: ۲): گر؛ (پ: کز: ل: ۲: کان)؛ متن = س، ق: ۲، س: ۲ (نیز ل، ل: ۲، آ) ۲۶- (پ: دهند) ۲۷- (پ: نهند) ۲۸-ل: کردند؛ ل: کوش باز خوانند؛ ق (نیز و، ب): کو نامزد کرد؛ (ل، ق: ۲، ل: ۲: کو نامزد کرد؛ پ: کو نامزد شد به؛ ل: ۲: کوه پایه که نامش)؛ متن = س، ک، س: ۲ (نیز ل، آ)

که تابوت شاهان چه داری دراز؟^۲
 کجا^۵ کرده بُد^۶ روزگاری که زیست!^۷
 بردند از آن^۸ بیشه صندوق^۹، تفت
 جهان را دگرگونه شد داوری^{۱۰}
 زمین شد سراسر پر از گفت‌وگوی^{۱۳}
 به تابوتِ او بر^{۱۴} شدند انجمن
 مهندس^{۱۶}، فزون آمدی صد هزار^{۱۷}
 جهانی برو دیدگان پر ز خون
 چنین گفت کای شاه یزدان^{۲۱} پرست،
 که این تنگ‌تابوت شد جای تو؟!
 چرا خاک را^{۲۴} برگزیدی هَمال^{۲۵}؟!
 یکی گفت کای پیل روینه‌تن،
 کجات^{۲۸} آن همه خرم و رای و نشت^{۲۹}!؟

بگفتند و^۱ پاسخ چنین داد باز
 که خاک^۳ سکندر به اسکندری‌ست^۴
 چو آواز بشنید لشکر برفت
 چو آمد سکندر به اسکندری
 ۱۸۴۵ به هامون نهادند صندوق^{۱۱} اوی^{۱۲}
 به اسکندری کودک و مرد و زن
 اگر برگرفتی ز مردم^{۱۵} شمار
 حکیم^{۱۸} ارسطاليس پیش‌اندرون
 بر آن تنگ‌صندوق^{۱۹} بنهاد^{۲۰} دست
 ۱۸۵۰ کجا آن هُش و^{۲۲} دانش و رای تو
 به روز جوانی بدین^{۲۳} مایه سال
 حکیمان رومی شدند انجمن
 ز بایت که افگند و جانت^{۲۶} که خت^{۲۷}!؟

۱-ل (نیز لی، ل): <و> متن = دوازده دستنویس دیگر ۲- (آ: نیاز؛ ب: براز): ل: دارید راز؛ ل: ۲ (نیز ل): آ: دارید باز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و هناک جبل من سألہ عن شیء أجابه عنه یاذن اللہ، فاسألوا الجبل حتی یحکم بینکم. فتوجهوا نحو الجبل فسالوه فأجاب و قال: مالکم تحبون تابوت الملك؟ ۳- ل: جان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴- (آ: اسکندری): ۵- س-س: ۲ (نیز ل-ل: ۳، ب): که او؛ متن = ل ۶- (پ، و: که کرد او بدان): ۷- (آ: جهان را دگرگون شود داوری): ۸- ل: زان ۹- (ب: تابوت): س، ک، س ۲ (نیز لی): از آن بیشه بردند صندوق؛ ل: ۲ (نیز لن، لن): ۲: بردند صندوق زان بیشه؛ (ق: ۲: بردند صندوق از آن بیشه): متن = ق (نیز ل: ۳، پ، و): ل: ۳ پس ازین بیت افزوده است:

چنین تا به اسکندری آمدند خروشان و با داوری آمدند

۱۰- آ این بیت را ندارد امالت دوم این بیت را به جای لت دوم بیت ۱۸۴۲ آورده است ۱۱- ق، ل: ۲ (نیز ل: ۳، و، ب): تابوت ۱۲- ق (نیز لی، آ، ب): او ۱۳- ق (نیز لی، آ، ب): گفت‌وگو ۱۴- ل: ۲: در؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند: س: نوحه حکمای رومی بر اسکندر؛ ق: نوحه حکمای روم و یونان بر اسکندر؛ بنداری: ان تراب الاسکندر فی أرض الاسکندریة التي بناها فی حیاته. فبادروا عند ذلك الی حملة و حملوه الی الاسکندریة. فلما وصلوا إليها خرج الخلائق و اجتمعوا علی تابوته ۱۵- ل: ۱- کس آن را؛ (ق: ۲: مهندس) ۱۶- (ق: ۲: ز مردم): ۱۷- ل: ۲: سی هزار؛ بنداری: فلما وصلوا إليها خرج الخلائق و اجتمعوا علی تابوته حتی لو حسبهم المهندس لو جدهم یزیدون علی مائة ألف ۱۸- ق: ستاد؛ س، ک، س ۲ (نیز لی، پ، آ، ب): همان؛ (ق: ۲: ورا): متن = ل، ل: ۲ (نیز لن، ل، و، لن): بنداری: فجاء الحکیم ارسطاليس؛ در س، ک، س، لی، پ، آ، ب: لت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۱۹- س-س: ۲ (نیز لی، و، آ، ب): تابوت؛ (ق: ۲: زر صندوق): متن = ل (نیز لن، لن): ۲: بنداری: و وضع یدہ علی تابوته ۲۰- ک: بردند ۲۱- ک، س: ۲ (نیز لن، آ): اختر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- ل: منش؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: و قال: این رأیک و عقلک أیها الملك حتی صار مسکنک هذا المكان الضیق؟ ۲۳- ل: برین؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴- س، ک، ل: ۲، س ۲ (نیز لن، لی، لن، آ): بی؛ متن = ل، ق (نیز ق: ۲، ل، پ، و، ب): ۲۵- س، ق (نیز ق: ۲، ب): نهال؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و کیف أفضیت بنضارة الشباب الی مضاجعة التراب؟ ۲۶- ک (نیز ل: ۳، لن، آ، ب): جایب؛ س ۲ (نیز ق: ۲): رایب؛ متن = ل، س، ق، ل: ۲ (نیز لن، لی، آ): ۲۷- ل: حس (حرف یکم بی نقطه)؛ س، ک، ل: ۲، س ۲ (نیز لی، لن، آ، ب): جُست؛ متن = ق (نیز لن، ق: ۲) ۲۸- ل-س: ۲ (نیز لن-ل: ۳، لن، آ، ب): کجا؛ متن = (پ، و) ۲۹- ل: و دست (وزن ندارد)؛ س، ک، ل: ۲ (نیز لی-ب): رای درست؛ س: ۲: حزم‌های درست؛ (ق: ۲: عزم و رای درست)؛ ق: چرا سودی ای شاه با مرگ دست؛ متن = (لن)

کنون زر دارد تنت را به بر^۳!
 چرا سودی ای شاه با مرگ دست؟!
 هم از^۴ جستن پادشاهی و گنج!
 همان^۵ بر که کشتی، همان بدروی!
 که ریزنده‌ی خون شاهان بود!
 که بودی تو چون گوهر نابسود!
 بیاموزد^۶ آن چیز^۷ که ت نیست یاد!
 به بیشی سزد گر نیازیم دست!
 چه پوشی همی زانجمن خوب‌چهر؟!
 بکوشد که چهره بپوشد^۸ به زر،
 ترا از^۹ زر^{۱۰} آوریده‌ست زیرا!
 پوشیده را نیز رخ دیده‌ی^{۱۱}،
 همی جویدت، یاره^{۱۲} و تخت عاج!
 ز چینی و رومی پرستندگان،
 به رسم کیان زر و دیا مدار!
 -چه یاد آیدت^{۱۳} پاسخ رهنمون؟-
 به سختی به گنج اندر آویختی،
 ز^{۱۴} گیتی جز از نیک‌نامی^{۱۵} نبرد!
 زوانت^{۱۶} ز گفتار بیکار^{۱۷} گشت!

دگر^۱ گفت: چندین^۲ نهفتی تو زر
 ۱۸۵۵ دگر گفت کز دست تو کس نرست^۳
 دگر گفت کاسودی^۴ از درد و رنج
 دگر گفت: چون پیش^۵ داور شوی
 دگر گفت: بی‌دستگاه^۶ آن بود
 دگر گفت: ما چون تو باشیم زود
 ۱۸۶۰ دگر گفت: چون بیندت اوستاد^۷
 دگر گفت کز^۸ مرگ چون تو نجست^۹
 دگر گفت کای برتر^{۱۰} از ماه و مهر
 دگر گفت: مرد فراوان هنر
 کنون ای هنرمند مرد دلیر
 ۱۸۶۵ دگر گفت: دیا پوشیده‌ی
 کنون سر ز دیا برآور که^{۱۱} تاج
 دگر گفت کز ماه‌رخ‌بندگان،
 بریدی و زر داری^{۱۲} اندر کنار
 دگر گفت^{۱۳}: پرسنده پرسد کنون
 ۱۸۷۰ که خون بزرگان چرا ریختی
 که دیدی که^{۱۴} چندان^{۱۵} بزرگان بمرد^{۱۶}
 دگر گفت: روز تو اندرگذشت

۱-س: ۲. یکی ۲-س: چندان؛ ل: ۲ (نیز، ل، ب): چندی ۳-پ، و: داری تنت باز خر؛ ل: ۲: داری تنت را بخر؛ س: گنج داری تنت باز خر؛
 متن = ل، ک، ل، س: ۲. ۲ (نیز، ل، ل، آ، ب): ق، ق: ۲ این بیت را ندارند؛ بنداری: و قال آخر: أيها الملك! ما زلت تدفن الذهب حتى دفنت فيه و
 وقعت في خطب لا سبيل الى تلافیه ۴-ک، س: ۲ (نیز، ل، ل، پ، و، ل، آ، ب): نجست؛ متن = ل، س (نیز ل، آ، آ): ق، ل، آ، ق: ۲ این بیت را
 ندارند؛ در ل: ۲ این بیت چند بیت سپس تر آمده است ۵-ق: آسودی؛ (ل: ۲: ناسودی) ۶-ل، ق، آ، پ، و: همان) ۷-ق: آ: نزد) ۸-ق
 (نیز، ل، پ، و، ب): هر آن ۹-ب: بی دست و کام) ۱۰-س: چون او بیندت شاد ۱۱-ک: بیاموز ۱۲-س: بیاموزدت چیز: (و: بیاموزدت آنچه)
 ۱۳-ک (نیز ق: ۲) کر (نقطه ندارد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ل: برست (حرف یکم بی نقطه)؛ ق: (نیز ب): نرست؛ س (نیز آ):
 محت (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ ق: ۲: بخت؛ و: نجست (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = ک، س: ۲ (نیز، ل، ل، پ، ل، آ): ل: ۲ این
 بیت را ندارد ۱۵-ک: مهتر ۱۶-س (نیز و): نوشد (حرف دوم بی نقطه)؛ ک (نیز ل، آ، پ): پوشد؛ ق: ۲: پوشد (حرف دوم بی نقطه)؛
 متن = ل، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، ل، ل، آ، ب) ۱۷-ل، س (نیز، ل، پ): زردی؛ زود؛ ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ق، آ، ل، ل، و، آ، ب): زر زرد؛ (ل: ۲: زر و
 زور)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸-ل: ز ما چهر زیا پوشیده‌ی) ۱۹-ک: بر آورد ۲۰-ق: گرز ۲۱-س: خریدی و داری زر؛ ق: ۲
 بیت‌های ۱۸۶۸-۱۸۷۹ را ندارد ۲۲-ل: دگر ره که؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-س: آمدت؛ س: ۲: چو یاد آمدت ۲۴-ک: ز؛ س (نیز
 ل، ب): چو دیدی که؛ (پ، و: ندیدی که)؛ متن = ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، ل، آ، آ) ۲۵-ک (نیز آ، ب): چندین؛ ل: ۲ (نیز، ل، ل، پ): چند از؛ متن =
 س، س: ۲ (نیز ل، و، ل، آ): ل: خنک آن کسی کز ۲۶-ک (نیز ل، آ، پ): که مرد ۲۷-س، ک، س: ۲ (نیز ل، آ): به ۲۸-ل، آ، س: ۲ (نیز، ل، ل، آ، پ، ل، آ،
 ب): نام نیکی؛ (و: نام نیکو)؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، آ): ق، ق: ۲ این بیت را ندارند ۲۹-ل، س، ک، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب): زبانت؛ (ل:
 زفانت)؛ متن = (ل: ۲) ۳۰-س: ۲: ز بیکار آزاد

عنان^۱ از بزرگی بیاید^۲ کشید!
درخت بزرگی چه باید^۴ نشاندا؟!
سر سرکشان از تو آزاد گشت!
جهانی جدا کرده^۷ از میش^۸ گرگ!
چرا داشتی خویشان را به رنج؟!
یکی تنگ تابوت شد گنج تو!
بسند^{۱۰} آمدت^{۱۱} بند^{۱۲} صندوق را!^{۱۳}
تو تنها بماندی^{۱۴} برین^{۱۵} پهن دشت،
فراوان غم شادمانی^{۱۷} خوری!

فراوان بمالید رخ بر برش^{۲۰}
جهاندار و نیک اختر و پارسا،
هم از اختر^{۲۳} و لشکر^{۲۴} و انجمن،
دل هر که زین شاد شد کنده^{۲۶} باد!

چنین گفت کای شاه آزاد مرد،
کرو داشت گیتی همی^{۲۹} پشت راست!
همان نامور خسرو شهرزور^{۳۳} (?)

هر آنکس که او تاج و تخت تو دید
که بر^۳ کس نماند چو بر تو نماند
۱۸۷۵ دگر گفت: کردار تو باد گشت!
بینی^۵ کنون بارگاهی^۶ بزرگ
دگر گفت کاندرا سرای سپنج
که بهر تو این آمد از رنج تو
نجویی همی ناله ی بوق را^۹
۱۸۸۰ دگر گفت: چون لشکرت بازگشت
همانا پس هر کسی^{۱۶} بنگری

وزان^{۱۸} پس بیامد دمان^{۱۹} مادرش
همی^{۲۱} گفت کای نامور پادشا
به نزدیکی ایدر^{۲۲} تو دوری ز من
۱۸۸۵ روانم روان ترا بنده^{۲۵} باد!

وزان^{۲۷} پس بشد روشک، پر ز درد
جهاندار دارای^{۲۸} دارا کجاست
همان^{۳۰} خسرو اشک^{۳۱} و قریان^{۳۲} و فور

۱- (و: عنانش) ۲- س، س، ۲ (نیز لی، آ): به یک سو: ل: ۲: نباید: (ل: ۳: از بزرگیش باید): متن = ل، ک (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ، ب): ق، ق، آ این بیت را ندارند ۳- ق: ابر: (لی: چو بر) ۴- س (نیز لی، و، آ): نشاید: ق، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ): نباید: (ب: بیاید: ل: ۳: بلا را چه باید): متن = ل ۵- ک (نیز لی): بینی ۶- ل، ک، س ۲ (نیز لی، و، ب): بارگاه: (ل: آ: پایگاهی): متن = ل، آ (نیز ل، ن، پ) ۷- س (نیز لی): گشته ۸- ل، ل، آ، س ۲ (نیز ل، آ، پ، ل، ن، آ): میش و: متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، و، ب) ۹- (و: بوق و ترگ) ۱۰- س ۲ (نیز لی، ل، آ، پ، آ، ب): بسند: متن = ل، س، ک، ل، آ (نیز ل، ن، و) ۱۱- ل: آیدت ۱۲- (ل: آ، ب: تنگ: ل، ن: آ: پسندیدی این تنگ) ۱۳- (و: مرگ): ق، ق، آ این بیت را ندارند ۱۴- ل: نمائی: ل: آ: نمائی (حرف یکم بی نقطه): (ل، ن، لی، پ، و، ل، ن: آ: بمانی: ق: آ: بدانی): ق: بمانی تو تنها: متن = س، ک، س، آ (نیز ل، آ، ب) ۱۵- س ۲: درین: (لی: بدین: ب: بر آن) ۱۶- ق (نیز ل، آ، ب): یکی ۱۷- س- س ۲ (نیز ل، ن، ب): زندگانی: متن = ل: بنداری: و اجتمع علماء الروم فخطبه کل واحد منهم بحکمة، وأبته بموعظة ۱۸- ل: از آن: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۹- ل، س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، لی، و، ل، ن، آ): دوان: متن = ق (نیز ل، آ، پ، آ، ب) ۲۰- س: سرش ۲۱- ق: چنین: (ل: ۳: بدو) ۲۲- ل، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، آ، ب): اندر (حرف دوم بی نقطه): (و، ل، ن، آ: اندر): متن = ل، آ (نیز لی، ل، آ): بنداری: ثم جاءت أمه و وضعت وجهها علی تابوته و هی تبکی تتحب و تقول: ما أبعدک منی مع قربک! ۲۳- ل: دوده: س، ک: لشکر: س ۲ (نیز لی، آ، ب): کشور: (ل: آ: همی زاختر: پ: همان زاختر): متن = ق، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، آ) ۲۴- س، ک: کشور ۲۵- س ۲: تو یابنده ۲۶- س ۲: بنده ۲۷- ل، س: از آن: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸- س، ق: داراب ۲۹- ل، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب): همه: (ل: ۳: کنون گشت گیتی همی): متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، و، ل، ن، آ) ۳۰- ک: همی ۳۱- ل: اسک (نقطه ندارد): متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۲- ل: فریان (حرف یکم بی نقطه): س (نیز و): فریان (نقطه ندارد): ق، ل، آ (نیز ل، آ، آ): فریان: ک (نیز ق، آ): فریان (حرف سوم بی نقطه): س ۲: قربان: (لی: فرنار): متن = (ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب) ۳۳- س (نیز آ): زهر باره (آ: باذه) آن خسرو مهر و زور: ق، ل، آ: زهر باره و (ل: آ، آن) خسرو شهرزور: ک: زهر یاور آن خسرو مهر و زور: س ۲: زهر باوه آن خسرو مهر و زور: (ل، ن، پ، ل، ن، آ): زهر ییل و زرجش از (ل، ن، و) شهر زور: ق، آ: زهر یک ورا جشن و شهری و سور: لی: زهر باره آن خسرو شیرزور: ل، آ: زبویید و از جشن وز شهرزور (حرف های دوم، سوم، پنجم از واژه اول بی نقطه): و: زهرنان و آن خسرو شهرزور: ب: زهر جای و آن خسرو شهرزور: متن = ل: بنداری: و ما أعظم خطبک علی صبحک! ثم جاءت زوجته روشک بنت دارا، و طلفت تبکی و تندبه و تتحب و توح علیه

سران‌شان ز باد اندرآمد به گرد
ترا^۲ - گفتم - ایمن شده‌ستی ز مرگ
چه تنها، چه با لشکر، آویختن
همی‌داری^۵ از مردم خویش راز
بینداختی تاج شاهنشهی
دل^۷ خاک بینم ترا غمگسار!

بزرگان ز گفتار گشتند سیر
ندارد جهان از چنین^{۱۱} ترس و^{۱۲} باک!
نه دادست پیدا، نه پیدا^{۱۴} ستم!
نه کهنتر برین^{۱۶} دست یابد^{۱۷}، نه شاه!
جوانمردی و خوردن و خرمی!
اگر کهنتری‌بی^{۲۰} و گر^{۲۱} شهره‌بی!
نیابی - عفاالله^{۲۲} - خرم‌بهشت!
سکندر شد و ماند ایدر سخُن!
نگر تا چه دارد^{۲۵} ز گیتی^{۲۶} به مشت!
شد آن شارستان‌ها کنون^{۲۹} خارستان!
سخُن ماند ازو^{۳۲} اندر^{۳۳} آفاق و^{۳۴} بس!
چُن از^{۳۵} برف و باران سرای کهن!

دگر شهریاران که روز نبرد
۱۸۹۰ چو ابری بُدی تُندا، بارش نگرگ^۲
ز بس رزم و پیکار و خون ریختن
زمانه ترا داد - گفتم^۴ - جواز
چو کردی جهان از بزرگان^۶ تهی
درختی که کِشتی چو آمد به بار

۱۸۹۵ چو تاج سپهر^۸ اندرآمد به زیر
نهفتند^۹ صندوق^{۱۰} او را به خاک
ز باد اندرآرد، برد^{۱۳} سوی دم
نیابی^{۱۵} به چون و چرا نیز راه
همه نیکوی باید^{۱۸} و مردمی^{۱۹}
۱۹۰۰ جز اینت بینم‌همی بهره‌بی
اگر ماند ایدر ز تو نام زشت
چنین‌ست رسم سرای کهن
چُن او^{۲۳} سی‌وشش^{۲۴} پادشا را بکشت
برآورد پرمایه ده^{۲۷} شارستان^{۲۸}
۱۹۰۵ بجُست آن‌که^{۳۰} هرگز^{۳۱} نجسته‌ست کس
سخن به که ویران نگردد سخُن

۱-ک، ل (نیز لن، پ، لن، آ، ب): تند و؛ (ق: آ: تنگ و): متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ) - ۲- (ل: آ: بادش) - ۳- ل: همی؛ متن = چهارده
دستویس دیگر ۴- (ق: آ: لی، ل: آ: گفتم) - ۵- (ل: آ: دارد؛ آ: دارم) - ۶- ک، ل: آ: بزرگی؛ (لی: راز دشمن) - ۷- ق، ل: آ (نیز ق: آ: ل: آ: لن: آ):
همی؛ متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، آ، ب) - ۸- (پ: شهی) - ۹- ک: سپردند ۱۰- ق (نیز ل: آ، و، ب): تابوت ۱۱- س: آ: کسی ۱۲- (پ: کار؛
ل: و، لن: آ: شرم و؛ لی: از جهاندار: لن: جهان چنین ارژ و): بنداری: تمّ دفنوه و لم تکن آیامه إلا کبرق و مض، و طرف غمض ۱۳- س: شود
۱۴- (لن: ق: آ: ل: آ، ب، لن: آ: خوانم: آ: پنهان؛ لی: و: بدادست و بیداد خوانم) - ۱۵- ق: نداری ۱۶- ک (نیز پ): بدین ۱۷- ق: دارد؛ (لن: ق: آ: ل: آ:
گیرد): ل: آ: راه گیرد؛ (لی: بدین دشت ماند؛ لن: آ: برین دشت ماند): متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز پ، و، آ، ب) - ۱۸- س: باشد؛ ک: یابد ۱۹- ل: آ:
ایمنی ۲۰- ق: تو: ل: کهنتر آیی؛ (ق: آ: نامداری) - ۲۱- (ل: آ: لن: آ: و اگر؛ لی: پ: کهنتری باشی از؛ ب: گراز کهنترانی و گر): متن = ل، س، ک، ل: آ،
س^۲ (نیز لن، و، آ) - ۲۲- ل: آ (نیز ل: آ): عفا الله نیابی و ۲۳- ل: ک (نیز لن، ق: آ: لی، و، لن: آ، ب): چو: ل: آ: صد و؛ متن = س^۲ (نیز ل: آ، ب، آ)
۲۴- (لن: سیه و شش: و: شصت و شش) - ۲۵- ل: داری ۲۶- ق: نگر تا ز گیتی چه دارد ۲۷- س: آ: دو ۲۸- ق، ل: آ (نیز لی، ل: آ، ب، پ): شارسان؛
متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، ق: آ، و، لن: آ، آ) - ۲۹- ل: آ: همه؛ (ل: آ: دگر): س: شارستان سربس؛ س: آ: شارستان همچنان؛ متن = یازده
دستویس دیگر ۳۰- ل: س: آنج ۳۱- ق: بجست آن کو ۳۲- ک (نیز آ): زو ۳۳- (ل: آ: ازوی در) - ۳۴- (لن: ق: آ: لی: و؛ به گیتی دراز
وی سخن ماند و) - ۳۵- ل، س، ک، ل: آ، س^۲ (نیز لن- و، آ): چو از؛ (لن: آ: جز از)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ق: ب این بیت را ندارند؛ س پس
از این بیت افزوده است:

ز شاهیش چون سال شد بر دو هفت ز تخت بزرگی بیاست رفت

گذشتم^۱ ازین سد^۲ اسکندری همه^۳ بهتری^۴ باد و نیک‌اختری!
 دل شهریار جهان^۵ شاد باد ز هر بد^۶ تن پاکش آزاد باد!

۱-ق.س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، و-ب): گذشتیم؛ متن = ل.س، ک، ل^۲ (نیز ل^۳، پ) ۲-س^۲ (نیز آ): بند ۳-ل^۲: همی) ۴-ل^۲، س^۲ (نیز آ): مهتری؛ ک در اینجا جای سرنویس را خالی گذاشته است؛ بنداری: و هذا آخر الخبر عن قصة الاسکندر. و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله أجمعین و صحبه؛ ل پس ازین بیت افزوده است:

و زو بر روان محمد درود به یارانش بر هر یکی برفزود
 اگر چند هم بگذرد روزگار نوشته بماند ز ما یادگار
 اگر صد بعانی و گر صد هزار به خاک اندرآید سرانجام کار

۵-پ: جوان) ۶-ل^۲: ز بدها؛ متن = ل.س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، پ، و، لن^۲): س این بیت را در خطبه پادشاهی ملوک الطوائف آورده است؛ ق، ب این بیت را ندارند؛ ل^۲ پس ازین بیت افزوده است:

ازین پس ملوک طوائف چه کرد بگوی ای سخنگوی هشیار مرد
 نخست آفرین خوان بر شهریار که گردی تو از کار او کامگار

اشکانیان

پادشاهی ملوک طوایف دویست و هشتاد و سه سال بود^۱

الا ای برآورده چرخ^۲ بلند!
 چو بودم جوان^۴، در^۵ بزم داشتی
 همی زرد گردد گل^۷ کامگار
 دوتایی شد^{۱۰} آن سرو یازان^{۱۱} به باغ
 ۵ پر از برف شد کوهسار سیاه
 بکردار مادر بُدی تاکنون^{۱۴}
 وفا و خرد نیست نزدیک تو
 مرا کاج هرگز نپروردی بی^{۱۷}

چه داری به پیری^۳ مرا مستمند؟
 به پیری چرا^۶ خوار بگذاشتی؟
 همی^۸ پرنیان گردد از رنج خار^۹،
 همان^{۱۲} تیره گشت آن گرامی^{۱۳} چراغ،
 همی لشکر از شاه بیند گناه!
 همی ریخت باید ز رنج تو خون!
 پر از رنجم^{۱۵} از رای تاریک^{۱۶} تو!
 چو پرورده بودی، نیازردی بی^{۱۷}!

۱-س: داستان اشکانیان که ایشان را ملوک طوایف گویند؛ ق: گفتار اندر پادشاهی ملوک طوایف؛ ل: آ: پادشاهی ملوک طوایف دویست سال بود؛ س: آ: گفتار اندر شاهی ملوک طوایف؛ متن = ل؛ ک: در اینجا سرنویس ندارد، اما جای سرنویس را خالی گذاشته است؛ در ل این سرنویس ۷۰ بیت پیش تر آمده و در اینجا سرنویس دیگری آورده است: گفتار اندر ستایش سلطان محمود؛ بنداری: قال الفتح بن علی مترجم الكتاب: وحين أنهي الفردوسی أخبار الاسكندر، و انتهى إلى هذه الترجمة أورد في مقدمتها أبياتاً نظمها في وصف حاله، و تخلص منها إلى مدح السلطان السعيد أبي القاسم محمود رضی الله عنه، و ذكر خلاله الحميدة و سيره المرضية، و أطال في ذلك نفسه؛ پس از این جمله بنداری می گوید که او هم مانند فردوسی ابیاتی در ستایش ممدوح خودش سروده که در اینجا می آورد و قصیده مدحیه بی در ۴۴ بیت در میان ترجمه درج می کند ۲-ل: سرو؛ (ق: یا دل آرای چرخ)؛ متن = س-س: آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب) ۳- (لی: به پیری چه داری)؛ ل، ل، ل: آ بیت های ۱-۶۷ و پ بیت های ۱-۲۳ را ندارند؛ ل: آ به جای این خطبه ۲۹ بیت از خطبه پادشاهی شاپور اردشیر بابکان را در اینجا آورده است؛ بیشتر دستنویس هادر تعداد ابیات و پیاپی این خطبه آشفتگی دارند ۴-ق: جوان چون بدم ۵- (ق: آ، و: بر؛ ل: آ: جوان بودم اندر) ۶-س-س: آ (نیز ل، آ): مرا؛ (ب: تیزی چنین)؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، و) ۷- (ل: آ: رخ) ۸-س: بسی ۹- (لی: خوار) ۱۰-ل: دوتا گشت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ل، س، س: آ: ناراز (حرف های یکم و سوم بی نقطه)؛ ک، ل ۲ (نیز ق، آ، س: آ): ناراز؛ (لی: و: ناراز (حرف سوم بی نقطه))؛ متن = (آ، ب) ۱۲-ک، ل ۲ (نیز لی): همی ۱۳- (ل: آ: فروزان)؛ ق بیت های ۴-۵ را ندارد ۱۴- (لی: هم کنون) ۱۵- (ق: آ: در دم) ۱۶-س، س: آ (نیز آ): باربک (حرف چهارم بی نقطه)؛ ل ۲ (نیز لی): باریک؛ (ق: آ، و: باریک (حرف یکم بی نقطه))؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، آ، ب) ۱۷-س، س: آ (نیز لی): نپروردتی-نیازردتی؛ ق: نبردونی-نیازردی (حرف های ۶ و ۷ از واژه یکم بی نقطه)؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ق، ل، آ، و، آ، ب)

هر آنکه کزین^۱ تیرگی بگذرم
 ۱۰ بنالم ز تو پیش یزدان پاک
 چنین داد پاسخ سپهر بلند
 چرا بینی از من همی^۶ نیک و بد؟
 تو از من به هر مایه‌یی^۷ برتری
 خور و خواب و رای^۸ و نشست تو هست^۹
 ۱۵ بدین هرج گفتم^{۱۲}، مرا^{۱۳} راه نیست
 از آن خواه^{۱۷} راهت^{۱۸} که راه^{۱۹} آفرید
 یکی آنکه هستیش را^{۲۱} راز نیست
 چو گوید: بیاش! آنچ خواهد بدهست
 من از داد، چون تو^{۲۸} یکی بندهام
 ۲۰ نگردم همی جز به فرمان اوی^{۳۰}
 به یزدان گرای^{۳۲} و به یزدان پناه!

بگویم جفای تو با داورم^۲
 خروشان به سربر^۳ پراکنده خاک
 که ای مرد^۴ گوینده بر من مَبند^۵!
 چنین ناله از دانشی کی سزد؟
 روان را به دانش همی پروری!
 به نیک و به بد راه^{۱۰} و دست تو هست^{۱۱}!
 خور و ماه^{۱۴} ازین^{۱۵} دانش آگاه نیست^{۱۶}!
 شب و روز و خورشید و ماه^{۲۰} آفرید!
 به کاریش^{۲۲} فرجام^{۲۳} و آغاز^{۲۴} نیست!
 کسی کو جزین^{۲۵} داند آن^{۲۶} بیهدهست^{۲۷}!
 پرستنده‌ی^{۲۹} آفریننده‌ام!
 نیارم گذشتن^{۳۱} ز پیمان اوی^{۳۰}!
 بر اندازه^{۳۳} زو هرج^{۳۴} باید^{۳۵} بخواه!

- ۱-ل: که زین؛ (لی: کزان؛ آ: بدین؛ ب: که از)؛ متن = س-س-۲ (نیز ق. ل. آ. و) ۲-س، ک (نیز لی، ل. آ. ب): یا داورم؛ ل. آ. س: باد آورم؛ (و): یکایک جفای تو یاد آورم؛ متن = ل. ق (نیز ق. آ)؛ ل. پس از این بیت افزوده و سپس رویش را خط زده است:
- ز پیری مرا تنگدل دید دهر
 به من باز داد از گناهِش دو بهر
- ۳-س، ک، س (نیز لی، آ <و>؛ ب): و بر سر؛ متن = ل. ق. ل. آ (نیز ل. و)؛ ق. آ این بیت را ندارد؛ س-س-۲، ق. ل. آ. ب: پس از این بیت افزوده‌اند:
- ز پیری مرا تنگدل دید دهر
 به من باز خورد (س: خواند؛ ل. آ. ق: داد) از
 گناهان (ق. ل. آ. ق. و: گناهِش؛ آ: گیاهان) دو بهر
- ۴- (لی: پیر) ۵-س، ک، س (نیز آ): مخند؛ ل. ق. ل. آ (نیز ق. ل. آ. و. ب): گوینده بی‌گزند؛ متن تصحیح قیاسی است ۶-ل. آ (نیز ق. ل. آ. ب): همه ۷-ل: ماری (نقطه ندارد)؛ ق. ک (نیز ق. آ. لی، و. آ): باره‌یی؛ ل. آ. س: پایه‌یی؛ (ب: بهره‌یی)؛ متن = س (نیز ل. آ) ۸-ل. آ: جای ۹-ل. آ: ترا؛ ق: نشستت بود؛ (ق. آ. ل. آ: نشست بُود؛ لی، و: نشستن تراست)؛ متن = س، ک، س (نیز آ. ب) ۱۰- (ل. آ: کام) ۱۱-ل. آ: ترا؛ ق: تو بود (پساوند ندارد)؛ (ق. ل. آ. ل. آ: دست بُود؛ لی: راه بستن تراست؛ و: راه بستن تراست)؛ متن = س، ک، س (نیز آ. ب)؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۲-ل. س (نیز و. آ): گفتم؛ متن = س-ل. آ (نیز ق. آ. لی، ل. آ. ب) ۱۳-ک، س: ترا ۱۴- (لی: جان) ۱۵-ل: زین؛ متن = س-س (نیز ق. آ. لی، آ. ب) ۱۶- (ل. آ: به کاریش فرجام و آغاز نیست؛ و: ز فرجام کارش دل آگاه نیست) ۱۷-س، ک، س (نیز لی، آ. ب): جوی؛ متن = ل. ق. ل. آ ۱۸- (آ: رازت؛ ق. ل. آ: راه خواه این) ۱۹-ق: که این ۲۰-ق: دین؛ و این بیت را ندارد ۲۱-ل: هستیت را؛ س، ق، ک، س (نیز لی، آ): هستی او؛ (ق: هستی ورا)؛ متن = ل. آ (نیز ل. آ. ب) ۲۲-س، ق، ک، س (نیز آ. ب): به کاروی؛ (ق: ورا نیز)؛ متن = ل. ل. آ (نیز لی) ۲۳-س، ق، ک، س (نیز لی): انجام؛ متن = ل. ل. آ (نیز ق. آ) ۲۴- (ل. آ: بدان کش بدین کار انباز)؛ و این بیت را ندارد ۲۵-ل: چنین؛ ک: گر جزین؛ (ل. آ: کان جزین)؛ متن = س، ق، س (نیز ق. آ. و. آ. ب) ۲۶-ک (نیز ق. آ): او؛ ل. آ: نداند چنین ۲۷- (لی: همی بود تا بود ما (بی نقطه) هست هست؟) ۲۸-س، ک، س (نیز لی، آ. ب): آفرینش؛ متن = ل. ق. ل. آ (نیز ق. آ. و. آ) ۲۹-ل. آ: پرستنده زی؛ (ق: آ: پرستنده و) ۳۰-ل. ک (نیز ق. آ. لی، ل. آ. ب): او-او؛ س: او-اوی (پساوند ندارد)؛ متن = ل. آ (نیز و. ب) ۳۱- (لی: نتایم همی سر) ۳۲-ل. س: گرا؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳-ل. آ: به اندازه؛ (آ: بر آورنده) ۳۴-ک: بر اندازه او چه؛ (لی: بر اندوه ازو هر چه) ۳۵-س-س (نیز ق. آ. لی، ل. آ. ب): خواهی؛ (و: بیابی ازو هر چه خواهی)؛ متن = ل.

جز او را مخوان^۱ کردگار سپهر فروزنده‌ی ماه و ناهید و مهر!

گفتار اندر ستایش سلطان محمود^۲

کنون پادشاه^۳ جهان را ستای^۴ به رزم و به بزم^۵ و به دانش^۶، به رای^۷!
 سرافراز^۸ محمود^۹ فرخنده‌رای^۹ کزویست نام بزرگی پبای^{۱۰}!
 ۲۵ جهاندار ابوالقاسم باخرد که رایش^{۱۱} همی از خرد پرورد^{۱۲}!
 شهنشاه ایران^{۱۳} و زابلستان^{۱۴} ز قنوج تا^{۱۵} مرز کابلستان^{۱۶}!
 بماناد^{۱۷} تا جاودان شاددل! ز رنج و غمان^{۱۸} گشته آزاددل!
 بر او^{۱۹} آفرین باد و بر لشکرش! چه بر خویش و بر دوده و^{۲۰} کشورش!
 جهاندار و^{۲۱} سالار او میر^{۲۲} نصر کزو شادمانست گردنده^{۲۳} عصر،
 ۳۰ سپهدار چون بالمظفر بود سر لشکر^{۲۴} از ماه برتر بود!
 که پیروزنامست و پیروزبخت همی بگذرد کلک^{۲۵} او بر درخت!

۱-س،ک،س^۲ (نیز لی،آ،ب): مدان؛ متن=ل،ق،ل^۲ (نیز ق^۲،ل^۲،و): ق-س،ق^۲،لی،ل^۲،و،آ،ب پس ازین بیت افزوده‌اند:

وزو (ک،س:آ) بر روان محمد درود به یارانش بر (ق،ک: یاران او) هر یکی بر فرود
 (س:۲) دوم میر حیدر که چون او نبود

۲-ق: گفتار در ستایش سلطان محمود؛ ک: نیایش سلطان محمود؛ ل: ستایش سلطان محمود رحمه الله؛ س: آ: ستایش سلطان محمود سبکتکین؛ متن=ل؛ س در اینجا سرنویس ندارد؛ در ل این سرنویس بیت و دو بیت پیش تر آمده است ۳-س،ک،س^۲ (نیز لی،آ): شهریار؛ متن=ل،ق،ل^۲ (نیز ق^۲،ل^۲،پ،و،ب) ۴-ل: ستا؛ متن=دوازده دستنویس دیگر ۵-س،ق،س^۲ (نیز لی،آ،ب): به رای و به بزم؛ ل^۲ (نیز پ): به بزم و به رزم؛ متن=ل،ک (نیز ق^۲،ل^۲،و) ۶-ق (نیز ب): رامش؛ (و: به حزم و) ۷-ل: گرا؛ ل^۲ (نیز ق^۲،ل^۲،پ،ب): گرای؛ متن=س،ق،س^۲ (نیز لی،و،آ) ۸-س،ک،س^۲ (نیز لی،آ): شهنشاه؛ متن=ل،ل^۲ (نیز ق^۲،ل^۲،ب) ۹-ل: را ۱۰-ل: به جا؛ ک: به جای؛ متن=س،ل^۲،س^۲ (نیز ق^۲،ل^۲،آ،ب): ق،پ، و این بیت را ندارد؛ در ک،س،ل^۲،آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۱-ق: دانش) ۱۲-ل-س^۲ (نیز لی،پ،آ،ب): برخوردار؛ متن=(ق^۲،ل^۲،آ): و این بیت را ندارد ۱۳-س،ک،ل^۲،س^۲ (نیز لی،آ): به ایران و توران؛ متن=ل،ق (نیز ق^۲،ل^۲،پ،ب) ۱۴-ق: زاوولستان) ۱۵-آ،و،از) ۱۶-ق: کاولستان؛ و بیت‌های ۲۶-۳۲ را ندارد ۱۷-ل،ق (نیز ق^۲،ل^۲،پ): همی باد؛ س،ک،ل^۲،س^۲ (نیز آ،ب): چنین باد؛ متن=(ل^۲) ۱۸-ل-س^۲ (نیز ق^۲،ل^۲،پ،آ،ب): ز غم؛ متن=(ل^۲)؛ در ل،ق،ل^۲،ق^۲،پ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۹-لی: بدو) ۲۰-س،س^۲ (نیز لی): دوده خویش و بر؛ ک (نیز آ،ب): دوده و خویش و بر؛ متن=ل،ق،ل^۲ (نیز ق^۲،ل^۲،پ) ۲۱-ل،ق (نیز ق^۲): <و>؛ س،ک،س^۲ (نیز لی،آ،ب): سپهدار و؛ (ل^۲: جهانگیر)؛ متن=ل^۲ (نیز پ) ۲۲-لی: بود؛ پ: بافره) ۲۳-ل: گردیده؛ ل پس از این بیت افزوده است (- پنجم ۱۶/۲۲۰-۱۹)

دریغش نیاید ز بخشیدن ایچ
 نه آرام گیرد به روز بسیج
 چو جنگ آیدش پیش، جنگ آورد
 سر شهریاران به چنگ آورد
 بر آن کس که بخشش کند گنج خویش
 ببخشد، نه اندیشد از رنج خویش
 جهان با جهاندار محمود باد
 وزو بخشش و داد موجود باد

۲۴-ل: آ: رایت) ۲۵-ل،س،ک،ل^۲،س^۲ (نیز لی،آ): تیر؛ متن=ق (نیز ق^۲،ل^۲،پ،ب)

نشستش همه^۲ بر سر گنج باد!
دلش روشن و گنجش^۶ آباد باد!
ازین^۷ تخمه هرگز میراد مهرا!
همه تاجور باد و^۹ پیروزگر^{۱۰}
یکی آفرین بود^{۱۱} بر شهریار،
که فرمان بُد از شاه با فرّ و تاج،
ز دیندارِ بیدار و از^{۱۶} مرد^{۱۷} کیش
همه^{۱۸} کار بر دیگر اندازه شد!
همی بگند^{۲۱} چادرِ داد^{۲۲} باز،
که او خلعتی یابد از آسمان،
بماند کلاه^{۲۶} کبی بر سرش!
منش^{۲۹} برگزیده ز چرخ بلند!
کجا بشمرد ماه و سالِ مرا!
درفشی بُود^{۳۱} بر سرِ بخردان!
که خوانند^{۳۵} هر کس بر او^{۳۶} آفرین!

همیشه تن شاه^۱ بی رنج باد!
هم آیدون^۳ سپهدار او^۴ شاد باد!^۵
چنین تا بیایست گردان سپهر
۳۵ پدر بر پدربر^۸، پسر بر پسر
گذشته ز شوال ده با چهار
ازین^{۱۲} مژده‌ی داد و نیم^{۱۳} خراج
که سالی^{۱۴} خراجی نخواهند^{۱۵} بیش
بدین عهدِ نوشین روان تازه شد
۴۰ چو آمد^{۱۹} بر آن^{۲۰} روزگاری دراز
بینی بدین داد و نیکی^{۲۳} گمان^{۲۴}
که هرگز نگرود کهن در برش^{۲۵}
سرش سبز باد و^{۲۷} تنش بی‌گزند^{۲۸}
ندارد کسی خوار فال^{۳۰} مرا
۴۵ نگه کن که این نامه تا جاودان
گیومرثی^{۳۲} تخمه‌ی گردد^{۳۳} این^{۳۴}

۱-ل: آباد و ۲-ل: (نیز لی): نشستن همه: (لی: نشستن همی)؛ س، ک، ل، آ، س، آ، لی، آ، ب پس ازین بیت افزوده‌اند:

که ایزد ورا (س: آ: ترا) داد رادی (س، لی: رای؛
ب: یاری) نخست (لی: درست)
بفرمان او باد چرخ روان (ک، لی، آ: مبادا ز رنج
(لی، آ: چرخ) ایچ گونه نوان)
همه خانه‌ها زو پراز (س: پر زرو) سیم شد (آ: گشت)
به فرمان او باد چرخ روان

جوان باد همواره و تن درست
سرش (س: آ: سرت) سبز بادا و بالا جوان
جهان از بداندیش بی‌بیم شد (آ: گشت)
بماناد جاوید هم زین نشان

۳-ق: همیشه ۴- (لی: ازو) ۵-س: بماناد جاوید و باداد باد ۶-س (نیز ق، آ: ب): گنج ۷- (ل: آ: از آن) ۸- (ق: آ: هم) ۹-ل: تاج دارند
و؛ (ل: آ: تا جهان باد)؛ متن = س، ک، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ: پ، و، آ، ب) ۱۰- (لی: بود و زیبا گهر)؛ ق این بیت را ندارد ۱۱-ل (نیز پ): باد؛ (ق: آ:
کرده)؛ متن = س، س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۱۲-ل: کزین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-س، ق، ک، س، آ (نیز لی: <و>، پ، و، ب): بیم
(حرف یکم بی نقطه)؛ ل: مژده دادیم رسم؛ ل: آ: مرزداران ز بهر؛ (ق: آ: مژده داد و رسم؛ ل: آ: مژده داده ایم و)؛ متن
تصحیح قیاسی است ۱۴-ک: سال ۱۵-س: خواهید؛ (پ: نخواهد ز) ۱۶-ل، ق، س، آ (نیز لی، ل، آ: آ): وز؛ متن = س، ک، ل، آ (نیز ق، آ: پ، و، ب)
۱۷- (و: ز دهقان و از مرد بیدار) ۱۸-ق (نیز ب): همان؛ پ این بیت را ندارد ۱۹- (آ: ب: آید) ۲۰-س (نیز لی، آ: ب): بدین؛ ک، س، آ (نیز ق، آ):
برین؛ (و: بر او)؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ: پ) ۲۱-س، ک، س، آ (نیز لی، پ، آ: ب): گسترده؛ (ق: آ: کند او؛ ل: آ: نو کند)؛ متن = ل، ق (نیز و) ۲۲-ق: آ: از؛
ل بیت‌های ۴۴-۶۰ را ندارد ۲۳-ک: گیتی؛ ق: برین کار نیکو ۲۴-س: بدین داد روشن روان؛ متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز ق، آ: و <و>، آ، ب)
۲۵-ل (نیز لی، آ): بر درش؛ (ل: آ: بر برش)؛ متن = س، ق، ک، س، آ (نیز ق، آ: پ، و، ب) ۲۶-ل: کیان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- (ل: آ: بادا)
۲۸- (ق: آ: ارجمند) ۲۹- (آ: تنش) ۳۰- (ل: آ: خوارمایه)؛ و این بیت را ندارد ۳۱-ق، ک، س، آ (نیز ق، آ: پ، و، آ: ب): شود؛ (لی: شود افسری)؛
متن = ل، س (نیز ل، آ: ق) ۳۲-س: کیومرثی (حرف ششم بی نقطه)؛ ک، س، آ (نیز ل، آ: پ، ب): کیومرثی؛ (آ: کنون بر تری)؛ متن = ل ۳۳- (لی:
کیومرث گردد ز آیین) ۳۴- (ق: آ: بداند بسی روزگاران چنین) ۳۵- (آ: جویند) ۳۶- (ل: آ: برین)؛ ق، ل، آ، ل، ق، و، ل این بیت را ندارند

که چون شاه را دل^۳ بیچد^۴ ز داد،
ستاره نخواند ورا نیز شاه،
چو دردِ دل بی‌گناهان بُود!
هنرمند و بادانش و دادگر^۷!
همه^۹ نام نیکو^{۱۰} بود یادگار!
مهانِ عرب^{۱۱}، خسروانِ عجم!
ز بهرامیان تا به سامانیان^{۱۳}!
که بیدادگر بود و ناباک^{۱۴} بود
بمرد او و جاوید نامش^{۱۵} نمرد!
سخن بهتر از گوهر شاهوار^{۱۷}!
به گنج و به تخت مهی شاد بود^{۱۹}!
نخواند^{۲۲} به گیتی^{۲۳} کسی نام^{۲۴} او!
که بادا همه ساله بر تخت^{۲۷} ناز!
نیایش^{۲۹} همی ز آسمان برگذشت!
خجسته برو گردش^{۳۲} روزگار!
نبشته^{۳۵} بر ایوان‌ها نام خویش!
همان خسروی قامت و منظرش^{۳۸}

چنین گفت نوشین^۱ روانِ قباد^۲
کند چرخ منشورِ او را سیاه^۵
ستم نامه‌ی عزلِ شاهان بُود
۵۰ بماناد تا جاودان این^۶ گهر
نباشد جهان بر^۸ کسی پایدار
کجا آفریدون^{۱۱} و ضحاک و جم
کجا آن بزرگانِ ساسانیان
نکوهیده‌ترشاه ضحاک بود
۵۵ فریدونِ فرخ ستایش بُرد
سخن مانند اندر^{۱۶} جهان یادگار
ستایش بُرد^{۱۸} آنکه بیداد بود^{۱۹}
گسته شد اندر جهان^{۲۰} کام او^{۲۱}
ازین نامه‌ی شاه دشمن‌گداز^{۲۶}
۶۰ همه مردم از خانه‌ها شد^{۲۸} به دشت
که جاوید بادا^{۳۰} سر تاج‌دار^{۳۱}
ز^{۳۳} گیتی میناد جز کام^{۳۴} خویش
همان^{۳۶} دوده و لشکر و کشورش^{۳۷}

۱- (آ: روشن) ۲- (پ: کی قباد) ۳- (نیز ق: پ، و، آ): سر: متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز ل، ل، آ، ب) ۴- (ل: آ، ب: بگردد) ۵- (ق: آ: تباه)
۶- (ل: آ: از) ۷- (ل: آ: باگهر): و بیت‌های ۵۸-۵۰ را ندارد ۸- ل: را: متن = یازده دستنویس دیگر ۹- ک: همی ۱۰- س، س^۲ (نیز ق: آ، ل، ب): نیکی؛ متن = ل، ک (نیز ل، ل، پ، آ): ق بیت‌های ۵۱-۶۱ را ندارد ۱۱- ل: شد فریدون؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- (ل: جهان)
۱۳- (ل: آ: اشکانیان) ۱۴- (ل: آ، ب: ناباک) ۱۵- س: نامش ز گیتی ۱۶- (ل: آ: ازو در) ۱۷- (ل: آ: و گوشوار): س (نیز ل): چو بر جایگه بر
برندش به کار ۱۸- (ل: آ: نجست) ۱۹- (ل: کرد-کرد) ۲۰- ل: شود در جهان: س، ک، س^۲ (نیز ق: آ، ب، آ): شد از تاج‌ها: (ب: شد از تاج‌ها):
متن = ل ۲۱- س (نیز ل، ب): نام او: (ق: آ، ل: آ: کامشان) ۲۲- ک (نیز ب): نخواهد: (ب: نجوید) ۲۳- س (نیز ل): به گیتی نخواند
۲۴- س (نیز ل، ب): کام ۲۵- (ق: آ، ل: آ: نامشان) ۲۶- (پ: نام این شاه مردم‌نواز) ۲۷- (ل: تخت و: ق: آ: با تخت و) ۲۸- (ل: آ: خانه آمد)
۲۹- (ل: آ: ستایش): ل، و این بیت را ندارند ۳۰- (ق: آ: باد آن) ۳۱- ل: شهریار: (ب: نامدار) ۳۲- س، ک، س^۲ (نیز ل): همایون بر و بر همه:
(آ: همایون بود بر همه: ب: همان بروی و بر همه): متن = ل، ل ۳۲- (نیز ق: آ، ب): ل: آ، و این بیت را ندارند ۳۳- س، ک، س^۲ (نیز ق: آ، ل، آ، آ، ب):
ب: به: متن = ل، ق، ل ۳۴- (نیز ب) ۳۴- ل: آ: نام ۳۵- ل، ق، ل ۳۵- (نیز ق: آ، ل، آ): نوشته: متن = س، ک، س^۲ (نیز ل، ب، آ، ب): و بیت‌های ۶۲-۶۳ را ندارد
۳۶- (ل: آ: همه) ۳۷- ق، ل ۳۷- (نیز ب): کشور و لشکرش: س، ک، س^۲ (نیز ل): بدان خسروی قامت و پیکرش: متن = ل (نیز ق: آ، ل، آ، ب)
۳۸- (ب: پیکرش): س: که جاوید بادا سر و افسرش: ک، س^۲ (نیز ل): همه شادمان لشکر و کشورش: س: آ: همه شادمان کشور و
لشکرش: متن = ل، ق، ل ۳۹- (نیز ق: آ، ل، آ، ب): س، س^۲، ل، آ، پس از این بیت افزوده‌اند:

کزین (س: آ: کزان) پس ملوک طوایف چه کرد
بخوان تو (س: آ: ل: هین: آ: پیش) به شبر همه سربس
که گردی تواز کار او (ل: کزو گردی اندر جهان) کامگار

بگوی ای سخنگوی هشیار (ل: سخندان بیدار) مرد
ز ساسان و بابک چه داری خبر
نخست آفرین خوان (ل: کن) تو بر شهریار

بیت سوم درس چنین آمده است:

ازو گشتی اندر جهان کامگار

چو پردختی از آفرین شهریار

آغاز داستان^۱

کنون ای شراینده فرتوت مرد
 ۶۵ چه گفت اندر آن^۳ نامه‌ی راستان^۴
 پس از روزگار سکندر جهان
 چنین گفت داننده^۵ دهقان^۶ چاچ
 بزرگان که از تخم آرش بُدند
 به^۷ گیتی به هر گوشه‌یی بر^۸ یکی
 ۷۰ چو بر تخت‌شان شاد بنشانند
 ازین^۹ گونه بگذشت سالی دویت
 نکردند یاد این از آن، آن ازین^{۱۰}
 -سکندر سگالید ازین^{۱۱} گونه رای
 نخست اشک بود از نژادِ قباد
 ۷۵ ز یک^{۱۲} دست^{۱۳} گودرز^{۱۴} اشکانیان
 چو نرسی و چون اورمزدِ بزرگ
 چو زو^{۱۵} بگذری^{۱۶} نامدار^{۱۷} اردوان

سوی گاه^۱ اشکانیان بازگرد
 که گوینده یاد آرد از^۲ باستان^۳
 چه گوید که را بود تخت مهان^۴
 کزان پس کسی را بُد تخت عاج^۵
 دلیر و سبکسار و سرکش بُدند
 گرفته ز هر کشوری^۶ اندکی
 ملوک طوایف همی خواندند
 تو^۷ گفتی که اندر زمین^۸ شاه نیست
 برآسود^۹ یک‌چند روی زمین^{۱۰}
 که تا روم^{۱۱} آباد ماند به جای-
 دگر گردشاپور^{۱۲} خسرو^{۱۳} نژاد^{۱۴}
 چو بیژن که بود از نژاد کیان
 چو خسرو^{۱۵} که بُد نامدار^{۱۶} سُترگ
 خردمند و با رای^{۱۷} و روشن‌روان

۱-ق: آغاز داستان به فرخی و مبارکی؛ ک: پادشاهی اردوان بزرگ به شهر ری؛ متن = ل، س، ل، آ، س؛ درل این سرنویس کمی بالاتر آمده است ۲-(ب: کار)؛ ل، ل، آ این بیت را ندارند اما ل، آ آن را در حاشیه به خطی دیگر افزوده است ۳-ل، آ (نیز ق ۲-پ، ل، آ): اندرین ۴-س، ل، آ (نیز ل، پ، ل، آ، آ): باستان؛ متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، و، ب) ۵-س، ک، س، آ (نیز آ): برخواند از گفته ۶-س (نیز ل، پ، ل، آ، آ): راستان؛ ل: چه گوید کرا بود تخت مهان (پساوند ندارد)؛ متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، و، ب) ۷-(ل: خرم مهان؛ ق، آ، ل، آ: خرم نهان؛ ل، آ: خرم جهان)؛ ل، آ این بیت را ندارد ۸-ل، آ (نیز ل، و، آ): گوینده؛ (ل، ق، آ: باینده؛ پ: باینده؛ ل، آ: باینده) ۹-(ل، ل، آ: و تاج؛ ق، آ: بدانگه که سیر آمد از تخت و تاج) ۱۰-ل، آ (نیز ق، آ، ل، آ): ز ۱۱-(ل، آ: هر؛ ل، آ: گوشه بر هر) ۱۲-س: مرز و ز حکم ۱۳-ل (نیز ل، آ): برین؛ (ب: از آن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ل، آ: که ۱۵-س، ک، س، آ (نیز ل، ل، پ، آ، ب): جهان؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ق، آ، ل، و، ل، آ)؛ بنداری؛ و هم الذین سموا ملوک الطوائف، و هم الأشغابون، و کانت مدة ملکهم مائتی سنة. و کانت الأدوار تتصرم و کانه لیس فی العالم ملک ۱۶-ق (نیز ل، و): آن ازین این از آن ۱۷-س، ک، س، آ (نیز ل، آ): بی آشوب ۱۸-ق: دور زمان؛ (و: روی جهان؛ ل، آ: تا چندگاه این جهان) ۱۹-ل (نیز ل، آ): زین؛ س (نیز ل، پ، ل، آ): از آن؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب) ۲۰-س: بوم؛ ل، آ بیت‌های ۷۳-۷۴ را ندارد؛ بنداری؛ قد سبق ما اختاره الاسکندر من تفریق الملک و الممالک علی جماعة متفرقة، و قصده بذلک صيانة حوزة الروم عن معرفة الملوک الذین ملکوا بعده علی هذه الصفة ۲۱-ق (نیز پ، و، ب): دهقان؛ (ل، آ: فرخ)؛ ک، س، آ: سهرلو (؟) فرخ؛ (آ: شهری فرخ)؛ متن = ل، س (نیز ل، ق، آ، ل، ل، آ، ل، آ) ۲۲-س، ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، ل، آ): دگر ۲۳-س، ک، س، آ (نیز ل، آ): بود ۲۴-ل: گودرز و؛ (ل، پ، آ: گودرز از)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-ل-ل، آ (نیز ل، پ، ب): آرش؛ (ل، ل، آ: ارحس (نقطه ندارد))؛ متن = (ق، آ): بنداری؛ و کان المقدم اشک بن اشک. و هو من نسل کيقباد. قال صاحب الكتاب: و یله سابور ثم جودرز، ثم بیژن، ثم اورمزد، ثم خسرو ۲۶-س (نیز و، ل، آ): نامدار و؛ ک، س، آ (نیز پ): نامداری؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ل، ل، آ، ب): ل، آ پس از این بیت افزوده است:

همان ریونیز از نژاد پشین
 چو طوس دلاور به گرگان زمین

۲۷-ق، ل، آ (نیز پ، و، ب): کزو ۲۸-س (نیز ل، آ، ل، آ): بگذرد ۲۹-س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ل، آ): خسرو ۳۰-س: باداد؛ (ل، آ: بیدار؛ ل، آ: یارا)؛ آ بیت‌های ۷۸-۷۷ را ندارد

- چو بنشست بهرام از^۱ اشکانیان
 وُرا خواندند اردوانِ بزرگ
 ۸۰ وُرا بود شیراز و^۳ پارس و^۴ سُپهان^۴
 به اسطخر^۶ بُد بابک از دست اوی^۷
 چو کوتاه بُد^{۱۱} شاخ و هم بیخ‌شان
 ازیرا^{۱۴} جز از^{۱۵} نام نشیده‌ام^{۱۶}
- سکندر چو نومید گشت از جهان
 ۸۵ کزان پس^{۲۰} نگیرد کس از روم یاد
 -چو دانا بُود بر زمین شهریار
- چو دارا به رزم‌اندرون کشته شد،
 پسر بُد مر^{۲۴} او را یکی شادکام
 پدر را بر آن^{۲۵} گونه^{۲۶} چون کشته دید
 ۹۰ از آن لشکر روم بگریخت اوی^{۲۸}
 به هندوستان در^{۳۰} به زاری بُمرد
 بدین^{۳۱} هم‌نشان تا چهارم^{۳۲} پسر
- ببخشید گنجی به^۲ ارزانیان
 که از میش بگست چنگالِ گرگ
 که داننده خواندش^۵ مرز مهان
 که تین^۸ خروشان بُد^۹ از شست^{۱۰} اوی^۷
 نگوید^{۱۲} جهان‌دیده^{۱۳} تاریخ‌شان
 نه در^{۱۷} نامه‌ی خسروان دیده‌ام^{۱۶}
- بی افگند^{۱۸} رای^{۱۹} میان مهان،
 بماند مر آن^{۲۱} کشور آباد و شاد
 چنین آورد دانش شاه^{۲۲} بار!
- همه دوده را روز برگشته^{۲۳} شد،
 خردمند و جنگی و ساسان به نام
 سرِ بختِ ایرانیان^{۲۷} گشته دید
 به دام بلا درنیایخت^{۲۹} اوی^{۲۸}
 ز ساسان یکی کودکی ماند خُرد
 همی^{۳۳} نام ساسانش کردی پدر

۱-ل: ز؛ س (نیز ل، ل، پ)؛ <از>: متن = ق-س ۲ (نیز لن، ق، و، لن، ب) ۲-ق: ل، آ، س ۲ (نیز پ)؛ بر: متن = ده دستویس دیگر ۳-ق: <و>
 ۴-ل: تا اصفهان؛ س، ق <و>، ک <و>، س ۲ (نیز ل ۳ <و> - آ <و>، ب)؛ و اصفهان؛ (ن: و صبهان؛ ق: آ با اصفهان)؛ ل: آ؛ و نیز اصفهان؛ (لی: و هم اصفهان)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: ثم اردوان، و کان ذاعقل و رأی، ثم بهرام، و کان یسمی اردوان الکبیر، و کان الیه ملک شیراز و اصفهان
 ۵- (ل، آ، پ: خواندیش) ۶-ل: ک (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ، ب)؛ اصطخر؛ (ل: آ ز اصطخر)؛ متن = ل، آ، س ۲ (نیز آ) ۷-ل: س-س ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ)؛ او؛ متن = (لن، پ، و، لن، آ، ب) ۸- (ق: آ: گیتی) ۹-ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی)؛ شد؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۰- (ب: دست) ۱۱-ل (نیز لی)؛ شد؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۲-ل، ک، ل، آ: نگوید (حرف یکم بی نقطه)؛ (لن: آ: بگوید)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۳-ل (نیز لن، ق، آ، ب)؛ جهاندار؛ ق: جهانجوی؛ (ل: آ: سخنگوی)؛ متن = س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی، پ، آ) ۱۴-ل: س-س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب)؛ ازیشان؛ متن = (لی) ۱۵- (پ: به جز) ۱۶-ک، ل، آ، س ۲: نشیده‌بی - دیده‌بی؛ بنداری: و بابک جد اردشیر کان باصطخر فی عهده. قال: و لقصراً یامهم لم تنقل أحوالهم و لم یذکر إلا أسماؤهم ۱۷- (ق: آ: نه از؛ پ، و: که در)؛ ل در اینجا سر نویس دارد: داستان ساسان بابک ۱۸-ل (نیز ب)؛ بیفکند؛ س، ق، ک (نیز ق، آ، لی، پ، آ)؛ بی افگند؛ متن = ل، آ (نیز و) ۱۹- (ق: آ: راهی؛ ل: آ: بی افگنده‌بی را)؛ س، لن، لن، آ بیت‌های ۸۶-۸۴ را ندارند؛ در ق: آ این بیت بیستی پیش‌تر آمده است ۲۰-ل: بدان تا؛ (ل: آ: کزین پس)؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۱-ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، پ)؛ یکی؛ ل: آ: همی؛ (و: چنان؛ لی، آ: نماند یکی؛ ب: بماناد آن)؛ متن = ل؛ بنداری: قد سبق ما اختاره الاسکندر من تغریق الملک و الممالک علی جماعة متفرقة و قصده بذلك صیانة حوزة الروم عن معرفة الملوک الذین ملکوا بعده علی هذه الصفة ۲۲- (ق: آ: باک؛ پ: دانشی شاخ) ۲۳-ک: دوده زیر و زبر گشته ۲۴-ک، س ۲ (نیز آ)؛ پسر بود ۲۵-س، س، س ۲ (نیز لی)؛ بدان ۲۶-س: کوه ۲۷-ک: از ایران سر بخت بر؛ س ۲ (نیز آ)؛ ز ایران سپه بخت بر ۲۸-ل: س-س ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، آ)؛ او؛ متن = (لن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۹-س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب)؛ بر نیایخت؛ (لن: آ: هم بر آویخت)؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل ۳) ۳۰-س: شد ۳۱-س: بدان؛ ق، ک، س ۲ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، آ، ب)؛ برین؛ متن = ل، ل، آ (نیز ق، آ، لی، و) ۳۲- (ق: آ: به چارم) ۳۳-ک، س ۲ (نیز آ، ب)؛ همه؛ بنداری: قال صاحب الكتاب: لما قتل دارا بن دارا کان له ولد عاقل یسمى ساسان. فلما رأى ما حل بأبيه هرب الی بلاد الهند. و مات بها و خلف ولداً سُمی باسم ساسان، و سُمی بهذا الاسم من وُلد منهم. فلما کان الولد الرابع، و سُمی ایضاً ساسان

شبانان بُدندی، اگر^۱ ساروان
 چو کهنتر^۴ پسر سوی^۵ بابک^۶ رسید،
 ۹۵ بدو گفت: مزدورت^۹ آید به کار
 بپذیرفت^{۱۱} بدبخت را سرشبان
 چو شد کارگر مرد و^{۱۳} آمد پسند
 [در آن روزگاری همی بود مرد
 همه ساله با رنج و کار^۲ گران^۳
 به دشت آمد و^۷ سرشبان را^۸ بدید،
 که ایدر گذارد^{۱۰} به بد روزگار؟
 همی داشت^{۱۲} با رنج روز و شبان
 شبان سرشبان^{۱۴} گشت بر گوسپند^{۱۵}
 پر از غم دل و تن پر از رنج و درد^{۱۶}]

گفتار اندر به خواب دیدنِ بابک ساسان را^{۱۷}

شبی خفته بُد بابکِ زودیاب^{۱۸}
 ۱۰۰ که ساسان به پیل^{۲۰} ژیان برنشست
 هر آنکس که آمد بر او^{۲۲} فراز
 زمی^{۲۳} را به خوبی بیاراستی
 به دیگر شب اندر^{۲۵} چو بابک بخت
 چنان دید در خواب کآتش^{۲۷} پرست
 ۱۰۵ چو آذرگشپ و چو خَراد و^{۳۱} مهر
 چنان دید روشن‌روانش به خواب^{۱۹}،
 یکی^{۲۱} تیغ هندی گرفته به دست
 برو آفرین کرد و بردش نماز
 دل تیره از غم بیاراستی^{۲۴}
 همی بود با مغزش^{۲۶} اندیشه جفت
 سه آتش^{۲۸} ببردی فروزان^{۲۹} به دست^{۳۰}
 فروزان بکردار گردان سپهر^{۳۲}

۱-ل (نیز لی): دگر؛ ق-س^۲ (نیز لن، ق، آ، پ-ب): وگر؛ متن = س (نیز ل^۲) ۲-پ: درد و رنج؛ ک، س^۲ (نیز آ): خسته از رنج و بار؛ (لن، لن^۲): رنجه از رنج و بار؛ متن ← ۳-س: رنج و روز و شبان؛ (ق^۲): رنج بارنج در کاروان؛ لی: یکی ساریان ازین کاروان (وزن ندارد)؛ ل^۲: رخته در رنج در کارتآن؛ و: رخت بارنج در کاروان؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز ب)؛ لی، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

برون شد همی جست کاری به رنج مگر یابد از رنج پاداش گنج

۴- (و: مهتر) ۵-ک، س^۲ (نیز آ، ب): نزد؛ ل^۲: پیش؛ (لی، پ: چو نزد شبانان) ۶- (ق^۲): ساسان) ۷-ل، ق: اندرون؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ک (نیز لی، آ، ب): سرشانش؛ (ق^۲): ساریانش) ۹-س: مرد و زن ۱۰-ک، س^۲ (نیز آ، ب): بیاشد؛ ق این بیت را ندارد ۱۱-ل^۲: پذیرفت ۱۲-ک، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): بود؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ل^۲، پ، ل^۲)؛ بنداری: أقبیل الی اصطخر و کان المملک بهابابک فعرض نفسه علی بعض الرعاة لیستخده فی الرعی فاسترعه ۱۳-ل: مردم؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۴- (ل^۲): چو ساسان (شبان) ۱۵-ل، س، ک (نیز لی-و): گوسفند؛ ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل^۲)؛ گوسپند؛ متن = (ب)؛ بنداری: ولما عرف بحسن الأثر فیما عاناه من ذلک ترقی حتی صار رأس الرعاة الموسومین بخدمة بابک ۱۶-متن = ل، س^۲ (نیز ل^۲)؛ س-ل^۲، لن، ق، آ، لی، پ-ب این بیت را ندارند ۱۷-ل: داستان ساسان بابک؛ س: به خواب دیدن ساسان بابک را که بر پیلی نشسته بود؛ ق: گفتار در خواب دیدن بابک؛ ل^۲، س^۲: خواب دیدن بابک ساسان را؛ ک در اینجا سرنویس ندارد؛ بنداری: ذکر الساسانیة و مبدأ أمر أردشیر ۱۸-ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز ق، ل^۲، آ، ب): رودیاب (؟)؛ (لن: سرشبان)؛ متن = ق، ک (نیز لی، پ، و، لن^۲) ۱۹- (لن: همان) ۲۰-س (نیز لن، لی، و): پیلی ۲۱- (ق^۲): سبک) ۲۲-ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): بنزدش؛ بنداری: فاتفق أن بابک رأه ذلت لیلۃ فی المنام علی قیل هائج و بیده سیف مهند، وکل من رأه یسجد له و یخدمه. فتعجب بابک مما رأی منه ۲۳-ل، س، ق (نیز ق^۲-ب): زمین؛ ک: زبان؛ در س^۲ خوانا نیست؛ متن = ل^۲ (نیز لن) ۲۴-ک، ل^۲، س^۲ (نیز لی، آ): نشستی بر آن (لی: بدان) پیل و برخاستی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- (پ: ایدر)؛ ک، س^۲ (نیز لی <ی>، آ <ی>)؛ شبی دیگر آمد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-ل^۲: مغزش به ۲۷-س: آتش ۲۸-ل: مجمر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-س (نیز ق^۲): فراوان ۳۰- (ل^۲): و: به دشت) ۳۱-ل، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لی، ل^۲، و، آ): <و>؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن^۲، ب) ۳۲-ک، س^۲ (نیز ب): چو بهرام و ناهید و مهر؛ (آ: چو ناهید و بهرام و مهر)

همه پیش ساسان فروزان بُدی^۱
 سرِ بابک از خواب بیدار شد،
 هر آنکس که در خواب دانا بدند
 به ایوان بابک شدند انجمن
 ۱۱۰ چو بابک سخن برگشاد از نهفت،
 پراندیشه شد زان سخن رهنمای
 سرانجام گفت: ای سرافراز^۹ شاه
 کسی را که دیدی ازین^{۱۳} سان به خواب^{۱۴}
 گر ایدونک^{۱۶} این خواب ازو^{۱۷} بگذرد
 ۱۱۵ چو بابک شنید این^{۱۹} سخن گشت شاد^{۲۰}
 بفرمود تا سرشبان از رمه
 بیامد شبان پیش او با گلیم^{۲۶}
 پرداخت^{۳۰} بابک ز بیگانه جای
 ز^{۳۲} ساسان پیرسید و بنواختش
 ۱۲۰ پیرسیدش از گوهر و از^{۳۴} نژاد
 از آن پس بدو^{۳۶} گفت کای شهریار

به هر آتشی^۲ عود سوزان بُدی^۱
 روان^۳ و دلش پر ز تیمار^۴ شد
 به هر دانشی بر توانا بُدند،
 بزرگان فرزانه و^۵ رای زن
 همه خواب یکسر بدیشان^۶ بگفت،
 نهاده بدو^۷ گوش^۸، پاسخ سرای
 به تأویل^{۱۱} این کرد باید^{۱۱} نگاه^{۱۲}!
 به شاهی برآرد سر از آفتاب^{۱۵}
 پسر باشدش^{۱۸} کز جهان برخوردار
 بر اندازه^{۲۱} شان یک به یک هدیه داد^{۲۲}
 بر بابک آید^{۲۳} به^{۲۴} روز^{۲۵} دمه
 پُر از^{۲۷} برف پشمینه^{۲۸}، دل پُر ز بیم^{۲۹}
 به در شد پرستنده و رهنمای^{۳۱}
 بر خویش نزدیک بنشاختش^{۳۳}
 شبان زو بترسید^{۳۵} و پاسخ نداد
 شبان را به جان گر^{۳۷} دهی^{۳۸} زینهار^{۳۹}،

۱-ل: شدی؛ ل: بُدند-بُدند؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲-ک، س: ۲ (نیز آ، ب): بر آن هر یکی؛ بنداری: فلما كانت الليلة الثانية رآه و كان بعض من بعد النار أناه بثلاث نيران من نيرانهم المشهورة، وأوقدوها بين يديه بالعود الرطب ۳-ق: ۲ (زبان) ۴-ق: ۲ (بازار؛ لن: آ: آزار)؛ ق: همچو گلزار؛ ل: ۲ (نیز پ، ب): همچو بازار؛ متن = ل، س، ک، س: ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، آ) ۵-س-ل: ۲ (نیز ق، آ، لی، و، لن، آ، ب): <و>؛ متن = ل، س: ۲ (نیز لن، ل، آ، پ، آ) ۶-ق: به ایشان؛ ک این بیت را ندارد ۷-ل: فرو؛ ل: برو؛ متن = س، ق، س: ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ-ب) ۸-ل: ۲ (دو گوشش به)؛ ک این بیت را ندارد ۹-س (نیز ق، آ-پ): سزاوار؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۰-ک، ل، آ، س: ۲ (نیز لی، آ): به تعبیر؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۱-ل: بابک) ۱۲-ل: ۲ (مانند به گاه ۱۳-س، ق) (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، ب): توزین؛ (و: بدین)؛ ل: بینند زین؛ متن = ک، ل، آ، س: ۲ (نیز لی، لن، آ، آ) ۱۴-ل: ۲ (نشان) ۱۵-ل: ۲ (سرکشان) ۱۶-ل: و ایدونک؛ ل: ۲ (اگر زانک؛ پ: و ایدونک)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۷-ل: (نیز ب): زو؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۸-ل: ۲ (بایدش) ۱۹-ل: ۲ (آن) ۲۰-آ: مژده داد) ۲۱-لی: به اندازه) ۲۲-ل: ۲ (به سان یکی سرو آزاد گشت)؛ بنداری: فاهتم بابک فلما أصبح أحضر العلماء و الموابذة و قص عليهم رؤياه. فقالوا: أيها الملك! من رأيت له هذا المنام يملكك ایران، وإن لم يملكك هو فيملك ولده. فسرى عنه ۲۳-س: ۲ (نیز ق، آ): آمد ۲۴-ق: ز ۲۵-و: آورد یکسر) ۲۶-ل: گویا حکیم؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۷-ل: بر آن؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۸-س-س: ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، لن، آ، آ، ب): پشمین و؛ متن = ل (نیز ل، آ، پ، و) ۲۹-ل: (نیز پ): بدو نیم؛ (لن: آ: بر دو نیم)؛ ک، س: ۲ (نیز لی، آ): دلی پر ز بیم؛ متن = س، ق، ل: ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، ب) ۳۰-ل: (نیز پ): پرداخت؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۱-ل: ۲ (کدخدای ۳۲-ل: به؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۳-ک، س: ۲ (نیز آ، ب): خویشن جایگه ساختش؛ ل: ۲ بیت های ۱۱۹-۱۲۶ را ندارد؛ بنداری: ثم استقدم ساسان فجاء من الصحراء في عبائه و قد ضربه الثلج و الصقيع. فخلابه و استخبره عن حاله و نسه ۳۴-ل، ق) (نیز ق، آ، ل، آ): وز؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۵-ق: بیوشید؛ (آ: پیرسید)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۶-س: چنین ۳۷-ق: آ: اگر تو) ۳۸-س: ۲ (نیز آ، ب): مرا گر دهی توبه جان ۳۹-و: شبان زاده ام بی بر از روزگار)؛ و پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت بابک: سخن راست گوی
 وزان خواب کو دیدش آگاه کرد
 بدو سرشبان گفت کای شهریار
 مبر بیهده نزد ما آبروی
 سخن را به یکباره کوتاه کرد
 شبان را به جان گر دهی زینهار

چو دستم بگیری به پیمان^۴ به دست،
 نه بر آشکارا^۵، نه اندر نهان!
 ز یزدان نیکی دهش کرد یاد،
 بدارمت شادان دل^۹ و ارجمند!
 که من پورِ ساسانم ای پهلوان،
 که بهمنش خواندی همی^{۱۳} یادگیر^{۱۴}،
 ز گشتاسپ اندر^{۱۵} جهان یادگارا!
 از آن چشم روشن که او^{۱۶} دید^{۱۷} خواب
 یکی اسپ^{۱۹} با^{۲۰} آلتِ خسروی^{۲۱}
 همی باش تا خلعت آرند نوا
 از آن سرشانی^{۲۴} سرش بر فراخت
 غلام و پرستنده^{۲۹} بر پای کرد،
 هم از خواسته بی نیازیش داد^{۳۱}،
 پسندیده و^{۳۲} افسر^{۳۳} خویش را!

بگویم^۱ ز گوهر^۲ همه^۳ هر چه هست
 که با من نسازی بدی در جهان
 چو بشنید بابک زبان^۶ برگشاد
 ۱۲۵ که بر تو نسازم به^۷ چیزی گزند^۸
 به بابک چنین گفت از آن^{۱۰} پس جوان^{۱۱}
 نبیره جهاندار شاه^{۱۲} اردشیر
 سرافراز پورِ یل اسفندیار
 چو بشنید بابک فروریخت آب
 ۱۳۰ بیاورد پس جامه‌ی پهلوی^{۱۸}
 بدو گفت بابک: به گرمابه^{۲۲} شو!
 یکی کاخ پرمايه^{۲۳} او را بساخت
 چو^{۲۵} او را بدان^{۲۶} کاخ در^{۲۷} جای^{۲۸} کرد
 به هر آلتی^{۳۰} سرفرازیش داد^{۳۱}،
 ۱۳۵ بدو داد پس دخترِ خویش را

گفتار اندر زادن اردشیر از مادر^{۳۴}

چو نه ماه بگذشت بر^{۳۵} ماه^{۳۶} چهر یکی کودک آمد چو تابنده مهر

۱-ل: بگوید؛ متن = ق، ک، س، ۲ (نیز ل-ب) ۲-ق: ز هر در؛ س: به گوهر بگویم ۳-س ۲ (نیز ل، آ، ب): من از گوهرم ۴- (ل، ق، آ، لی، آ، ب: به پیمان بگیری)؛ در س، س، ۲، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۵-ل، س ۲ (نیز و-ب): آشکارا؛ متن = س، ق، ک (نیز ل-پ) ۶- (ل، ز فان) ۷-س، ۲: ز ۸- (ل، آ: درنگ) ۹-ک: تن؛ بنداری: فقال إن أعطيت الراعي الأمان، وحلفت ألا تناله بسوء أفضى اليك بسره وأطلعك على حاله. فأعطاء الأمان وحلف له ۱۰-ل (نیز ل، ل، آ): زان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ق، ک: شبان؛ (ق، آ: چنان) ۱۲-ک: آن ۱۳-ک، ل ۲ (نیز پ، ل، آ): خوانده‌می؛ (ل، آ: بهمن همی خواندی) ۱۴-ل، آ: شیرگیر؛ (آ: ماه‌گیر) ۱۵-ل: یل در؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-س: که آن؛ س ۲ (نیز آ، ب): کجا؛ (پ: رای روشن که وی) ۱۷- (ل، آ: چشم کو دیده بوده‌ست)؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ل، ق، آ، لی، و، ل، آ)؛ بنداری: فقال: أنا ابن ساسان حافد الملك بهمن بن اسفندیار بن گشتاسب. وأعلمه بالحال. فبکی بابک ۱۸-ک، س ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): پهلوان؛ (پ: خسروی)؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل، ل، آ، و، ل، آ، ب) ۱۹-ل: باره؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۰- (ل، آ: بر) ۲۱-ک، س ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): خسروان؛ (پ: پهلوی)؛ در س، ۲، لی، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۲- (ل، ن: گرمابه) ۲۳-ک: بر سایه ۲۴-ل، س ۲ (نیز ل، آ): سرشبانان؛ ل، آ: سرشبانان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-س، آ: مر ۲۶-ل، س (نیز ق، آ، ل، آ): بر آن؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز ل، ل، پ، ب) ۲۷-ل، س (نیز ق، آ، ل، آ): بر؛ ل، آ: به کاخ اندرون؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، ل، پ، ل، آ، آ، ب) ۲۸- (و: بدان سان دلارای) ۲۹-ق (نیز ب): پرستار ۳۰-س ۲ (نیز ل، آ، ب): همش کام و هم ۳۱- (آ: بود) ۳۲-س ۲ (نیز ل، آ، ب): تر؛ (ل، آ: آن؛ ق، آ: پرستنده) ۳۳-ل ۲ (نیز ق، آ): اختر؛ بنداری: وأحضر له دستاً من الثياب البهلوانية، و مرکوباً من المراكب الخسروانية، و نفده الى الحمام. فطرح العباء و لبس تلك الملابس الفاخرة. وأخلى له قصرأ وأخدمه الغلمان والخدم. ثم زوجه ابته؛ ل، آ پس از این بیت افزوده است:

فرستاد خسرو بنزدیک او درخشان شد آن رای تاریک او

۳۴-ل: اندر مولود اردشیر بابکان؛ ق: گفتار در ولادت اردشیر بابکان؛ ل، آ: زادن اردشیر ساسان که او را اردشیر بابکان خوانند؛ متن = س، ک، س ۲ در اینجا سرنویس ندارند ۳۵-س، ک: آن؛ ل، آ ۲ (نیز ل، ق، آ، پ، و): از آن؛ (ل، آ، ل، آ، ب: ازین)؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز ل، آ) ۳۶-ق، ک، ل ۲ (نیز ل، و، ل، آ): خوب؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ق، آ، ب، آ، ب)

همانده^۱ نامدار^۲ اردشیر
 همان اردشیرش پدر کرد نام^۵
 همی پروریدش به بر بر نیاز^۸
 ۱۴۰- مر او را کنون مردم تیزویر^{۱۰}
 پیاموختندش هنر هرچه بود
 چنان شد به فرهنگ و دیدار^{۱۲} و چهر
 پس^{۱۵} آگاهی آمد سوی اردوان
 که شیر زیانست هنگام^{۱۹} رزم
 ۱۴۵ یکی نامه بنوشت پس^{۲۱} اردوان
 که ای مرد با دانش و رهنمای^{۲۳}
 شنیدم که فرزند تو اردشیر
 چو نامه بخوانی هم اندر زمان
 ز بایست‌ها بی‌نیازش کنم^{۲۹}
 ۱۵۰ چو باشد بنزدیک فرزند^{۳۰} ما

چو آن نامه‌ی شاه، بابک^{۳۴} بخواند
 بسی^{۳۵} خون ز^{۳۶} مژگان به رخ برفشاند

۱-ل (نیز ق^۲): بماننده؛ (ل^۳): همانند و؛ و: همانند شه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ک: شهریار؛ (ق^۲): شاه بد؛ ل^۳: دیدار شاه)
 ۳-ق (نیز ق^۲): فرزند ۴-س: یادگیر ۵-ل^۳: پ، و، آ: نام کرد ۶-س (نیز ل^۳، ق^۲، ل^۳): که باشد؛ ق: که بودی؛ ک: همی بُد؛ ل^۳: بیود او؛ (ب: همیشه؛ آ: نباشد)؛ متن = ل، س ۷-ل^۳: به دیدار او در غم آرام کرد؛ پ: به دیدار او رامش و کام کرد؛ و: به دیدار او رادلارام کرد ۸-ل، ق (نیز پ، ب): بناز؛ س (نیز ل^۳): نیاز؛ (ل^۳): نیاز (حرف دوم بی نقطه)؛ ک: به فر و بناز؛ متن = ل، س ۲ (نیز ق^۲، ل^۳)
 ۹-ل^۳: نیز روزی ۱۰-س ۲ (نیز ق^۲، ل^۳): یادگیر؛ متن = س-ل ۲ (نیز ل^۳، ل^۳، ب) ۱۱-ل^۳: خوانند؛ ل^۳: همان خواندش؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-پ: بالا؛ ل (نیز آ): دیدار و فرهنگ؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-س، ق، س ۲ (نیز ل^۳، ل^۳): بر؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ق^۲) ۱۴-ل^۳: فرستد؛ بنداری؛ فولدت ابنا فسماه اردشیر. و هو الذی یقال له اردشیر بابکان. فترعرع الصبی و کبر و تعلم الفروسية و الآداب الملوکية حتی صار واحد زمانه و أجل أقرانه ۱۵-س ۲ (نیز ل^۳): چو ۱۶-ل، ق، س ۲ (نیز ل^۳، ل^۳): وز؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ق^۲، ل^۳): پ، و، آ، ب) ۱۷-س، ک (نیز ل^۳): این ۱۸-آ: دانش پهلوان؛ س، ل^۳: پس از این بیت افزوده‌اند:

که مانده او کسی در هنر ندیده‌ست با دانش و زیب و فر

۱۹-ل^۳: آ: به مریخ مانده‌می گاه ۲۰-ق، س ۲ (نیز آ، ب): گاه؛ (ل^۳): به هنگام ۲۱-س ۲ (نیز ل^۳): فرمود زود ۲۲-س ۲ (نیز ل^۳): نامور بابک
 ۲۳-س، ق <و>، ک <و> (نیز ل^۳ <و>، ق^۲، ل^۳، پ، و <و>، ل^۳ <و>، ب <و>)؛ و پاک‌رای؛ ل^۳: نیک‌رای؛ متن = ل، س ۲ (نیز ل^۳ <و>، ل^۳، آ)
 ۲۴-ق^۲: و پر چارپای؛ و: و دین خدای؛ ق، ک، ل ۲ (نیز پ، ب): و داننده و رهنمای؛ (ل^۳): و پاکیزه و رهنمای؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ل^۳، ل^۳، آ، ل^۳ <و>) ۲۵-ق (نیز ل^۳، ق^۲، ل^۳): سوارست و ۲۶-س (نیز ل^۳): گردافکن؛ (آ): اسپ‌افکن؛ بنداری؛ فتناهی خیره‌الی اردوان فکتب الیه و قال: بلغنا أن ولدک اردشیر فارس ذوشجاعة، و متکلم صاحب فصاحة ۲۷-ل^۳: فرستی ۲۸-ق، ک، ل ۲ (نیز ل^۳، پ، آ): من؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ل^۳، ق^۲، ل^۳، و، ل^۳، ب) ۲۹-س ۲ (نیز ل^۳، ق^۲، ل^۳): کنیم ۳۰-ل^۳: پیوند ۳۱-پ: نگویم که او؛ و: نگویم که وی؛ متن = ۳۲-ق (نیز ب): بگویم که اویست؛ ک (نیز ل^۳): بگویم که هست؛ متن = ۳۳-ل^۳: بگویم که او نیز فرزند؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ل^۳، ل^۳): بنداری؛ فاذا قرأت الكتاب فأرسله الينا حتى نجذب بضبعه، و ننزه بذکره، و یكون عندنا بمنزلة الولد ۳۴-ل^۳: بابل (ب: بابک)
 ۳۵-س ۲ (نیز ل^۳): همی ۳۶-ل، س ۲: <ز>

همان نورسیده^۱ جوان اردشیر
 بخوان و نگه کن به روشن‌روان!
 نیسم^۳، فرستم یکی نیکخواه
 دلاور جوان^۴ پسندیده را
 چو آید بدان^۷ بارگاه بلند،
 نباید^{۱۰} که بادی برو^{۱۱} بروزد^{۱۲}!
 جوان را ز هر گونه‌یی^{۱۳} کرد شاد^{۱۴}:
 -ز فرزند چیزش^{۱۶} نیامد^{۱۷} دریغ!-،
 ز چینی و زربفت^{۱۹} شاهنشهی،
 جوان شد پرستنده‌ی اردوان^{۲۰}!
 ز دیا و دینار و^{۲۱} مشک و عبیر^{۲۲}!

بفرمود تا پیش او شد دبیر
 بدو گفت کین^۲ نامه‌ی اردوان
 من اینک یکی نامه نزدیک شاه
 ۱۵۵ بگویم که اینک دل و دیده را
 فرستادم و^۵ دادمش نیز^۶ پند
 تو آن کُن که از رسم^۸ شاهان^۹ سزدا!
 در گنج بگشاد بآبک چو باد
 ز زرین^{۱۵} ستام و ز گویال و تیغ
 ۱۶۰ ز دینار و دیا و اسپ و^{۱۸} رهی
 بیاورد و بنهاد پیش جوان
 بسی هدیه‌ها نیز با اردشیر

به درگاه شاه‌اردوان شد به ری
 بگفتند با شاه از آن^{۲۵} بار^{۲۶} خواه^{۲۷}
 ز بابک سخن‌ها فراوان^{۳۰} براند
 به برزن^{۳۲} یکی جایگه^{۳۳} ساختش
 ز پوشیدنی هم ز^{۳۴} گستردنی
 به جایی که فرموده بود^{۳۷} اردوان

ز پیش نیا کودک نیک‌پی
 چو آمد به نزدیکی^{۲۳} بارگاه^{۲۴}
 ۱۶۵ جوان را به مهر^{۲۸} اردوان^{۲۹} پیش خواند
 به نزدیکی تخت^{۳۱} بنشاختش
 فرستاد هر گونه‌یی خوردنی
 خود^{۳۵} و نامداران بیامد جوان^{۳۶}

جهان گشت چون روی رومی سپید^{۴۰}،

چو کرسی نهاد از بر چرخ^{۳۸} شید^{۳۹}،

۱-ل: پور شاه ۲-ق: پس ۳-ل-ل: ۲ (نیز لن-ن: ۲): نویسم؛ س ۲ (نیز آ): نیشتم؛ (ب: نوشتم)؛ متن تصحیح قیاسی است ۴-ق: آ: آ: جوان و؛ و: سوار) ۵-ق: آ: فرستادمش) ۶-پ: و نیز دادمش) ۷-س: بر آن ۸-س ۲ (نیز لی، آ، ب): کز آیین ۹-ق: آ: شاهی؛ و: از پادشاهان) ۱۰-س ۲ (نیز لی، آ): مبادا ۱۱-پ: بدو) ۱۲-ب: بریزد) ۱۳-ک (نیز و): گوهری؛ متن ← ۱۴-ق (نیز پ، ب): هدیه داد؛ س ۲ (نیز لی، آ): سازداد؛ و: بهره داد؛ ق: آ: جوارزان هر گوهری کرد یاد؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز لن، ل، آ، ن) ۱۵-ق، ل ۲ (نیز ل، آ، ب): زرین و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-ق، ک، ل ۲ (نیز ق، ل، آ، ب): چیزی؛ متن = ل، س، س، س ۲ (نیز لن، لی، و-ب) ۱۷-ک: نباشد؛ (پ: نبودش) ۱۸-ل (نیز آ): < و ۱۹-ل: همان افسر و مهر) ۲۰-س ۲ (نیز ب): همان سازگردان و تاج گوان؛ (لن، ن: آ: همان آلت حرب و تاج گوان؛ آ: همان آلت و تخت و تاج کیان) ۲۱-س ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ب): دینار و دیا و؛ س: طبق‌های کافور و ۲۲-ل ۲: فرستاد دیا و خز و حریر؛ (ل: آ: همان هدیه‌هایی که بد ناگزیر)؛ و پس از این بیت افزوده است:

فرستاد نزدیک شاه‌اردوان با آزاد فرخنده‌پور جوان

۲۳-ل: آ: نزدیک آن ۲۴-ک: اردوان ۲۵-ل: زان؛ متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن-ب) ۲۶-ل ۲ (نیز آ): باز ۲۷-ک: کامل جوان؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آمدن اردشیر بابکان نزد اردوان به ری ۲۸-ک: همان گه و را ۲۹-ل (ن: آ: اندرون) ۳۰-ک، س ۲ (نیز ل، آ، ب): فراوان سخن‌ها؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، لی)؛ ق: آ این بیت را ندارد ۳۱-س: آ: شاه ۳۲-ق: زبرتر ۳۳-س ۲ (نیز ب): جای خوش ۳۴-س ۲ (نیز لی، آ): و ز ۳۵-ل: ابا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۶-ل (و: دوان) ۳۷-ل (ن: بُد) ۳۸-ل ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، ن: آ): تخت ۳۹-س ۲ (نیز آ): عاج شید؛ (لی: عاج شاه) ۴۰-لی: زنگی سیاه؛ و: زنگی سفید)

۱۷۰ پرستنده‌یی^۱ پیش خواند اردشیر،
 فرستاد نزدیک شاه اردوان
 بدید^۶ اردوان و^۷ پسند آمدش
 پسروار^۸ مهتر^۹ همی داشتش
 به می خوردن و خوان و نخچیرگاه^{۱۰}
 ۱۷۵ همی داشتش همچو پیوند^{۱۴} خویش
 چنان بُد که روزی به^{۱۶} نخچیرگاه
 همی راند با اردوان اردشیر
 پسر بود شاه^{۲۰} اردوان را چهار
 به هامون بدید آمد از دور^{۲۱}، گور
 ۱۸۰ همه^{۲۳} بادپایان برانگیختند
 همی تاخت^{۲۷} پیش اندرون^{۲۸} اردشیر
 بزد بر سر^{۳۱} یکی گورِ نر
 بیامد هم اندر زمان اردوان^{۳۳}
 به تیری^{۳۷} یکی گور کافگند^{۳۸}؟-گفت-

همان^۲ هدیه‌هایی که^۳ بُد ناگزیر،
 فرستاده‌ی بابک^۴ پهلوان^۵
 جوانمرد را سودمند آمدش
 زمانی به تیمار نگذاشتش
 رفتی^{۱۱} بجز با جوانمرد^{۱۲}، شاه^{۱۳}
 جدایی ندادش ز فرزند^{۱۵} خویش
 پراگنده شد لشکر و پور^{۱۷} شاه
 جوانمرد بُد شاه را^{۱۸} دلپذیر^{۱۹}
 از آن هر یکی چون یکی شهریار
 از آن لشکر گشن برخاست^{۲۲} شور
 همی^{۲۴} گرد^{۲۵} با خوی^{۲۶} برآمیختند
 چو نزدیک^{۲۹} شد در کمان راند^{۳۰} تیر
 گذر کرد بر^{۳۲} گور پیکان و پر
 بدید آن^{۳۴} گشاد^{۳۵} بر^{۳۵} آن جوان^{۳۶}
 که با دستِ آن کس^{۳۹} روان^{۴۰} باد جفت!

۱-ق.ل.س.۲ (نیز.لی.ل.و.ب): پرستنده را؛ (آ: فرستاده را)؛ متن = ل.س.ک (نیز.لن.ق.آ.پ.لن.آ) ۲- (و: از آن) ۳-س.۲ (نیز.لی.آ): همه هدیه‌ها هر چه ۴-ق: فرستاده را با یکی؛ ک (نیز.ب): فرستاده شده با یکی؛ ل.آ: فرستاده‌یی با یکی؛ (و: همه هدیه بابک)؛ متن = ل.س (نیز.لن.ق.آ.ل.ل.ل.آ.آ) ۵- (آ: و آن جوان)؛ س.۲ (نیز.لی.ب): فرستاده بابکان آن جوان؛ بنداری: فلما وصل الی کتاب الی بابک نفذ اردشیر الی الری خدماة اردوان، وأصحابه رسولاً مع جملة من الهدایا و التحف. فلما وصل الی اردوان أكرمه و أجلسه عند تخته ۶- (لی: چو دید) ۷-س (نیز.لن.لی.و.لن.آ): آن ۸-ق.ک.س.۲ (نیز.پ.آ.ب): سزاوار؛ ل.آ (نیز.لی): سزاوار؛ متن = ل.س (نیز.لن.ق.آ.ل.آ.و.لن.آ) ۹-ل: خسرو؛ س.۲ (نیز.ب): نیکو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ل: خواب و نخچیرکار؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱-ل.آ (نیز.و): نبود؛ س.۱۲-س.س.۲ (نیز.لی.آ): خردمند؛ متن = ق.ک.ل.آ (نیز.لن.ق.آ.ل.ل.ل.ب) ۱۳-ل: به پیش خودش داشتی سال و ماه ۱۴-ل (نیز.ل.آ): فرزند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ل (نیز.ل.آ): پیوند؛ (لی: چه پیوند برتر چو فرزند)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم أخذ بریبه تریبه الولد و لا یکاد یصبر عنه؛ برخی از دستنویس‌های فرعی در اینجا سرنویس دارند ۱۶-ل.آ.س.۲ (نیز.لن.ل.آ.آ): ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-س.آ: پور و؛ (لن: یوز و) ۱۸-ل: را شاه بُد؛ س.۲ (نیز.لی.آ): که بود او همی شاه را ۱۹- (ق.آ: چو نزدیک شد در کمان راند تیر)؛ متن = س.ل.آ (نیز.ل.آ.پ.و.ب)؛ لن: آ بیت‌های ۱۷۷-۱۷۸ را ندارد ۲۰-ک.ل.آ (نیز.پ.ب): مر؛ ق.آ بیت‌های ۱۷۸-۱۸۲ را ندارد؛ بنداری: فاتق یوماً مع اردوان فی الصید، ومع اردوان بنوه الأربعة. فرکضوا خلف حمار وحش، و رکض اردشیر ۲۱- (ل.آ: بدیدار شد دشت) ۲۲-س: آن دشت برخاست آواز و ۲۳- (ل.آ.آ: همی؛ لن: آ: همان) ۲۴-ق.ک (نیز.ب): همه ۲۵- (لن: آ: عود) ۲۶-ق.ل.آ (نیز.لی.آ.ب): خون؛ متن = ل.س.ک.س.۲ (نیز.لن.ل.ل.ل.آ) ۲۷- (ل.آ: راند) ۲۸-ک: اردوان ۲۹-ل.آ: درپیش ۳۰-س (نیز.لن): چو شد تنگ بر گور بگشاد؛ (لی: که این گور را من فکندم به)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ک (نیز.پ.و.لن.آ): سرین ۳۲- (و: از آن)؛ لی: بیت‌های ۱۸۲-۱۸۴ را ندارد ۳۳-س: اردشیر ۳۴- (پ: بدیدش) ۳۵-ل.ق.س.۲ (نیز.ق.آ.و.ب): گشاد و بر؛ س (نیز.لن): گشاده بر؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۶-س: دلیر؛ (ل.آ: بدیدار افکنده گور زبان) ۳۷- (آ: بتیزی) ۳۸-س (نیز.لن): یکی گور بکفند؛ ق.ک: یکی افکند یک گور؛ س.۲ (نیز.آ): مر این را که افکند؛ (و: که این گور افکند؛ ق.آ.لن: آ: یکی گور افکند و؛ ل.آ.ب: < یکی گور که افکند و؛ پ: به تیر یکی کوز کافکند)؛ ل: بدید آن یکی گور افکنده؛ متن = ل.آ ۳۹- (و: و شستش) ۴۰-ل.س.۲ (نیز.ب): هنز؛ س.ک (نیز.آ): خرد؛ متن = ق.ل.آ (نیز.لن.ق.آ.ل.ل.ل.آ)

که این^۲ گور را من فگندم به تیر
همان جفت را نیز جوینده‌ام!
که دشتی فراخست و هم گور و تیر^۵،
دروغ از^۷ گناهست بر^۸ سرکشان!
یکی بانگ برزد به مرد^{۱۰} جوان
که پروردن آیین و راه منست!
چرا بُرد بایدهمی با سپاه،
بلندی گزینی^{۱۴} و گندآوری؟
هم آن^{۱۵} جایگه بر^{۱۶} سرایی^{۱۷} گزین^{۱۸}!
به هر کار^{۲۱} با هر کسی^{۲۲} یار باش!
بر آن^{۲۳} آخرِ اسپ شد ناگزیر^{۲۴}

۱۸۵ چنین داد پاسخ به شاه^۱، اردشیر
پسر گفت کین را^۳ من افگنده‌ام
چنین گفت با شاهزاد^۴ اردشیر
یکی دیگر افگن برین هم^۶ نشان
پُر از خشم شد زان سر^۹ اردوان
۱۹۰ بدو گفت تند^{۱۱}: این^{۱۲} گناه منست!
ترا خود به بزم^{۱۳} و به نخچیرگاه
بدان تا ز فرزند من بگذری
برو تازی اسپان ما را ببین!
بر آن^{۱۹} آخرِ اسپ^{۲۰} سالار باش!
۱۹۵ بیامد پُر از آب چشم اردشیر

پر از غم دل و سر پر از کیمیا
- که درد تشش باد و رنج روان^{۲۶}!

یکی نامه بنوشت نزد^{۲۵} نیا
که ما را چه پیش آمد از اردوان

۱-ک: ورا؛ (لی: پاسخ آورد باز) ۲- (آ: آن)؛ بنداری: و لما قرب منه رماه بشابۀ مرت فيه الی فوقها. فحضر اردوان فرأی النشابۀ فأعجبته الرمیة. فسال عن رامیها فقال اردشیر: أنا صاحبها؛ ق. ب به جای بیت‌های ۱۸۷-۱۸۵ آورده‌اند:

کای نامور شاه دانش‌پذیر	به شاه اردوان گفت شاه اردشیر
به فر تو ای شاه پیروزگر	من افکندم آن (ب: این) جایگه گور نر
بگفت ای شهشاه روشن‌روان	هم آنگاه پور گزین اردوان
ایا نامور شاه، نه اردشیر (ب ندارد)	من افکندم این گور ایدر به تیر
شنید این چنین گفت با اردوان (ب ندارد)	۵ چو گفتار او اردشیر جوان
بگویش ایا شهریار بلند	که این گور ازین سان اگر وی فکند

۳- (لن: نی این؛ ق: نی کین؛ ل: نه این)؛ ق. ب این بیت را ندارند ۴- ل: زان پس به شاه؛ س، ل ۲ (نیز لن، ق، ل، آ- لن ۲)؛ داد پاسخ بدو؛
س ۲ (نیز لی، آ)؛ پاسخ آورد پیش (لی: باز؛ آ: با)؛ متن = ک ۵- (لی: که این گور را من فگندم به تیر) ۶- ل، ک: بدین هم؛ س ۲ (نیز لی)؛
بدین زین؛ (آ: گور دیگر فکن زین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- (لی: آن) ۸- ل ۲ (نیز ق، آ، پ، و، لن ۲)؛ با؛ (ل ۳)؛ دروغی نگویند
خود؛ متن = ل- ک، س ۲ (نیز لن، آ، ب) ۹- ل: جوان؛ س، س ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و- ب)؛ سخن؛ ک، ل ۲ (نیز ب)؛ ز اردشیر؛ متن = ق (نیز ق ۲)
۱۰- س ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ روی؛ بنداری؛ و زعم ابن اردوان انی صاحبها. فقال اردشیر: ان هذه الصحراء ملأی من الیعافیر. فارم آخر ان کنت
صادقاً. فغصب اردوان حین رفع صوته علی صوت ولده ۱۱- ل: گفت شاه؛ س: شاه گفت؛ ک (نیز لن، پ، و، لن ۲)؛ تند گفت؛ (ل ۳)؛ گفت
شه؛ متن ← ۱۲- ق (نیز ب)؛ گفت کین خود؛ س ۲ (نیز لی، آ)؛ گفت کین از؛ (ق ۲)؛ گفت این هم؛ متن = ل ۱۳- س: رزم؛ برخی از
دستنویس‌های فرعی در اینجا سرنویس دارند ۱۴- ق، س ۲ (نیز آ)؛ نمایی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- ل: بدان ۱۶- ق: تو؛ (لی،
آ، ب: کن؛ پ: رو) ۱۷- س (نیز لن)؛ سواری؛ س ۲: کن سواری ۱۸- ک: نشین ۱۹- ق: ابر؛ ک، ل ۲ (نیز لی)؛ بدان ۲۰- (ق ۲)؛ بدان آخر اسپان تو)
۲۱- (ق ۲)؛ جای ۲۲- (پ، و، ب: یکی)؛ ل ۲ در اینجا سرنویس دارد: خشم گرفتن اردوان با اردشیر ۲۳- ل: بر؛ ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، لی،
پ- آ)؛ بدان؛ متن = س، س ۲ (نیز ل ۳، ب) ۲۴- س: تازی اسب دلیر؛ ق: تازی اسبان بزیر؛ ک (نیز لی، آ، ب)؛ تازی اسبان امیر؛ ل ۲ (نیز لن، ق، آ، و،
لن ۲)؛ تازی اسبان پیر؛ س ۲: تازی اسبان امیر؛ (ل ۳)؛ تازی اسبان زیر؛ ب: تازی اسبان اسیر؛ متن = ل ۲۵- ل: پیش؛ (ق ۲: سوی)؛ س ۲: کرد او
بنزد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- س ۲، لی این بیت را ندارند

همه یاد کرد آن کجا رفته بود که شاه اردوان از^۲ چه آشفته^۳ بود

نکرد آن سخن هیچ^۴ بر کس پدید
 بیاورد دینار چندی ز^۷ گنج
 هیونی برافگند و مردی^۹ سوار
 یکی نامه فرمود^{۱۱} زی اردشیر،
 چو رفتی به نخچیر با^{۱۴} اردوان،
 پرستدهیی تو^{۱۶}، نه پیوند اوی^{۱۵}!
 که خود کردهیی تو^{۱۸} به^{۱۹} نابخردی!
 مگردان ز فرمان^{۲۳} او هیچ^{۲۴} روی!
 به نامه درون پندها دادمت،
 دگر خواه^{۲۷}، تا بگذرد روزگار!

چو آن نامه نزدیک بابک رسید
 ۲۰۰ دلش گشت^۵ از آن^۶ کار پر درد و رنج
 فرستاد نزدیک او ده^۸ هزار
 بفرمود تا پیش^{۱۰} او شد دبیر
 که ای بر خرد^{۱۲} نورسیده^{۱۳} جوان
 چرا تاختی پیش فرزند اوی^{۱۵}؟
 ۲۰۵ نکردی به تو دشمنی آن^{۱۷} بدی
 کنون کام و^{۲۰} خشنودی او^{۲۱} بجوی^{۲۲}!
 ز دینار لختی فرستادمت،
 هر آنکه که این مایه^{۲۵} بُردی^{۲۶} به کار

بیامد دمان تا^{۳۰} بر اردشیر
 دلش سوی نیرنگ^{۳۵} و اروند^{۳۶} گشت^{۳۷}
 نه اندرخور^{۴۰} کار^{۴۰}، جایی گزید

تگاور هیون^{۲۸} جهاندیده^{۲۹} پیر
 ۲۱۰ جوان^{۳۱} نامه بر خواند^{۳۲}، خرسند^{۳۳} گشت^{۳۴}
 بنزدیک اسپان^{۳۸} سراپی^{۳۹} گزید

۱- (ق ۲: با)؛ ل: کجا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (آ: را) ۳- ل: آ: جهان از کجا رفته؛ بنداری: و صرفه عن مکانه ذلک، و فؤض الیه سالاریه الاصلطیل و الخیل. فرجع الشاب منکر القلب و لازم خدمه خیل الملک. و کتب الی جدّه کاباً یعلمه فیہ بحاله ۴- ل: نیز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ک در اینجا سرنویس دارد: نامه اردشیر به بابک و پاسخ بابک به اردشیر ۵- س، ق (نیز ق ۲: پ)؛ شد؛ س ۲ (نیز آ:): کرد؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۶- ل (نیز لن، لن ۲): زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- ل (آ: و دینا ز): س (نیز لن، لن ۲): چندی ز دینار؛ س ۲ (نیز لی < و > آ): یک بدره دینار و؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ق ۲: پ، و، ب) ۸- ق: سی ۹- ل: گرد و؛ (ق ۲: مرد و)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- س ۲ (نیز لی، آ): نزد ۱۱- س ۲ (نیز لی، آ): بنوشت ۱۲- س- ل ۲ (نیز لن، ق ۲: ل- ب): کم خرد؛ س ۲ (نیز آ:): چنین گفت کای؛ متن = ل (نیز لی) ۱۳- ل ۲: نارسیده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۴- ل (آ: نزدیک) ۱۵- ل، س، ق، س ۲ (نیز ق ۲: آ:): او؛ متن = ک، ل ۲ (نیز لن، لی، ل ۳- لن ۲، ب) ۱۶- ق، ک، ل ۲ (نیز پ، ب): که از چاکرانی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷- ل: از؛ ک: یا؛ س ۲ (نیز لی): آن؛ (ب: این؛ و: دشمن این)؛ ق: نیامد ز دشمن به تو بر؛ (پ: نکرد او به تو هیچ گونه؛ آ: بکرد او به تو دشمنی از)؛ متن = س (نیز لن، ق ۲: لن ۲) ۱۸- ل: که خو کرده ای تو؛ ق: که با خود تو کردی؛ س ۲ (نیز ق ۲: لی، آ): که تو کرده ای خود؛ (و: که کردی تو با خود)؛ متن = س، ک (نیز لن، پ، لن ۲، ب) ۱۹- ک (نیز پ، و): ز؛ ل ۲، ل ۳ این بیت را ندارند ۲۰- س ۲: راه و؛ (لی: تو به) ۲۱- (آ: ب: راه خشنودی وی) ۲۲- ق: بجو (پساوند ندارد) ۲۳- ل: فرزند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴- (آ: رای و)؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۲۵- ل (آ: را تو) ۲۶- ل ۲: کردی؛ (لی: بودی) ۲۷- ل ۲: خوانده؛ بنداری: فلما وصل الی بابک اهتم فکتب الیه یعیره و یعنه و یسفه عقله حین راکض ولد الملک و جاره فی الصید. و نفذ الیه قدراً من الذهب لیستعین به فی نفقته ۲۸- س، ک (نیز لن، لن ۲): هیون با؛ س ۲ (نیز ق ۲: لی، آ، ب): ز پیش؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ل ۲، پ، و) ۲۹- (لی: پرستده) ۳۰- ل، ک (نیز ق ۲: پ): دوان تا؛ (لی: گزازان بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲: پ- ب): جوان؛ متن = ل، ق (نیز لی) ۳۲- (ب: بر کند؛ ل: نشستن بدان خانه) ۳۳- ک، ل ۲: دل تنگ ۳۴- (پ: و دل تنگ شد) ۳۵- ل، س، ق (نیز لن، ق ۲: لن ۲، ب): اورند؛ ک (نیز ل ۲، پ): اورنگ؛ ل ۲: ترفند؛ (ق ۲: نیکی و)؛ متن = س ۲ (نیز و) ۳۶- ل ۲: نیرنگ؛ (لی: آ: پند خردمند) ۳۷- (پ: شد) ۳۸- س: ناکه (نقطه ندارد)؛ (لن ۲: ایشان) ۳۹- (ب: سواری) ۴۰- ق، ک (نیز پ، ب): خویش؛ در ل این بیت با بیت ۲۱۲ پس و پیش شده است

بگسترده هر گونه^۱ گستردنی شب و روز خوردن بُدی کارِ او^۳ می و رود^۴ و رامشگری^۵ بارِ او^۳ ز نوشیدنی‌ها و از^۲ خوردنی

گفتار اندر داستان گلنار با اردشیر بابکان^۶

یکی کاخ بود^۷ اردوان را، بلند ۲۱۵ که گلنار بُد نام آن ماهروی بر اردوان همچو دستور بود بروبر^{۱۲} گرامی‌تر از جان بُدی چنان بُد که روزی برآمد به^{۱۴} بام^{۱۵} نگه کرد خندان لب^{۱۷} اردشیر ۲۲۰ همی بود تا روز تاریک^{۱۹} شد کمندی بدان کنگره‌ندر^{۲۲} بیست به گستاخی از باره آمد^{۲۶} فرود بیامد^{۲۷} خرامان بر اردشیر ز بالینِ دیبا^{۲۹} سرش برگرفت

به کاخ‌اندرون بنده‌یی^۸ ارجمند، -نگاری پر از گوهر و رنگ^۹ و بوی!- بر آن^{۱۰} خواسته^{۱۱} نیز گنجور بود به دیدار او شاد و^{۱۳} خندان بُدی دلش گشت از آن^{۱۶} خرّمی شادکام جوان بر^{۱۸} دل ماه شد جای‌گیر همان تابشِ شید^{۲۰} باریک^{۲۱} شد، گره زد برو^{۲۳} چند و^{۲۴} بپسود^{۲۵} دست، -همی داد نیکی‌دهش را درود-، پر از گوهر و بوی و مشک و^{۲۸} عبیر، چو بیدار شد، تنگ در بر گرفت!

۱-ل: هر جای ۲-(لن: ۲: وز): ک (نیز ب): پوشیدنی و هم از: س^۲ (نیز لی، آ): پوشیدنی و همان: متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ل، پ، و): ق^۲ این بیت را ندارد ۳-ل-ک، س^۲ (نیز لی، ل، پ، آ): او: متن = ل^۲ (نیز لن، و، لن، آ، ب) ۴-ل، س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، لی، ب): جام: متن = ک ۵-ل، ق-س^۲ <و> (نیز لن، لی، لن، آ): و رامشگران: متن = س (نیز آ، ب): ق^۲ این بیت را ندارد: بنداری: فاتخذ داراً عند اصطبل الملک و لازم بیته. و لم یکن شغل له غیر الأکل و الشرب ۶-ل: داستان گلنار با اردشیر بابکان: ق: عاشق شدن گلنار محبوب اردوان بر اردشیر بابکان: ل: عاشق شدن گلنار بر اردشیر: س، ک، س^۲ در اینجا سرنویس ندارند ۷-ق، ک، ل^۲ (نیز ق^۲، ل، آ، و): بُد: متن = ل، س، س^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۸-ق: گلرخی: ک، ل^۲ (نیز ل، آ، پ): برده‌یی: متن = ده دستنویس دیگر ۹-ل، آ: مشک ۱۰-ق (نیز ب): بدان ۱۱-(ل: خسته): س^۲ (نیز لی، آ): بگنجش برو: بنداری: و کان هذا البیت تحت قصر الملک اردوان. و کان له فی القصر جاریة تسمى الجلنار. و کانت خازنه و دستوره ۱۲-ق (نیز ب): بر او: (لی: بدو بر) ۱۳-ق (نیز ب): شاه: ب بیت ۲۱۴ را یکبار دیگر پس از این بیت آورده است ۱۴-(پ: یک روز دیدش ز) ۱۵-(ل: آ: به شام) ۱۶-ل (نیز لن): زان: (لی: از آن خرّمی گشته دل): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-(و: به لب) ۱۸-ل، ق: در: متن = سیزده دستنویس دیگر: و پس از این بیت افزوده است:

کنیزک بدو گفت ای شاه‌فش
ترا ما به دل هیچ آیم خوش؟
به گلنار گفت اردشیر جوان
که بایسته‌ام مر ترا چون روان
چو بشنید ازو این سخن ماه‌روی
ببفزود بر دلش تیمار او

۱۹-س^۲: نزدیک ۲۰-ل، ک (نیز ق^۲، ل، آ، پ): همانا به شب روز: ق: همانا شب و روز: ل^۲ (نیز لن، لی، آ، ب): سیه گشت شب روز: س^۲: سیه گشت شه ماه: (و: همانا به شب نیز: لن، آ: همانا به شب راه): متن = س ۲۱-ل، ق، ک، ل^۲ (نیز لن، ب): نزدیک: س^۲: تاریک: متن = س ۲۲-ل (نیز و): بر آن کنگره بر (و: در): س، ق، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، آ، ب): بدان کنگره در: ک: بدان کنگره بر: (لن، ل، آ، لن): بدان کنگره اندر: متن تصحیح قیاسی است (-لن) ۲۳-ق: بدان ۲۴-س: بست و ۲۵-ل: بنمود ۲۶-ق (لی، آ: آمد ز باره) ۲۷-س-س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): چو آمد: متن = ل (نیز و) ۲۸-ک (نیز ق^۲، ل، آ، پ، و): و مشک و بوی: (لی: رنگ و): بنداری: فأشرفت یوماً علی اردشیر فعشفته. ولما أمست أخذت جبلاً و عقدت فيه عقداً و ربطته فی بعض شرفات القصر و نزلت منه الی منزل اردشیر ۲۹-(ب: درآمد)

۲۲۵ ننگه کرد برنا بدان^۱ خوب روی^۲
بدان ماه گفت: از کجا خاستی؟
چنین داد پاسخ که من بندهام
دلارام^۸ گنجور شاه اردوان^۹
کنون گر پذیری، ترا^{۱۱} بندهام
۲۳۰ بیایم چو^{۱۳} خواهی بنزدیک تو

چو لختی^{۱۶} برآمد^{۱۷} برین روزگار
جهان دیده^{۱۹} بیدار بابک^{۲۰} بمرد
چو آگاهی آمد سوی اردوان
گرفتند هر مهتری^{۲۳} یادِ پارس
۲۳۵ بفرمود تا کوس بیرون ببرد^{۲۴}
جهان تیره شد بر دل اردشیر
دل از لشکر اردوان برگرفت

شکست اندر آمد به^{۱۸} آموزگار
سرای کهن دیگری را سپرد
پر از غم شد و تیره^{۲۱} گشتش^{۲۲} روان
سپهبد به مهتر پسر داد پارس
ز درگاه لشکر به هامون ببرد^{۲۴}
از آن پیر^{۲۵} روشن دل دستگیر^{۲۶}
وزان^{۲۷} آگهی رای^{۲۸} دیگر گرفت

۱- ل: بر آن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲- ق: رو ۳- س: ل ۴ (نیز ق ۲، ل ۳، و، ب): روی و آن موی ۴- (آ: بوی و آن رنگ و بو (پساوند ندارد))؛ ق: موی و آن رنگ و آن رو و بو؛ (لی: برز بالا و آن روی و موی) ۵- س: از غم؛ س ۲ (نیز لی، آ): در غم؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فسادفته و هو فی غمار النوم ممتلئاً من الأسف والهم، فرفعت رأسه ووضعته فی حجرها. فلما استيقظ ضمته الی صدرها وألصقت خده بخدها. ثم شغف کل واحد منهما بصاحبه. وجعلت تختلف هكذا الی اردشیر ۶- ل، ک (نیز ق ۲): ز؛ متن = ۷- س (نیز ل ۲): دل و جان به مهر تو آکندهام؛ (و: بیدار تو جاودان زندهام)؛ متن = ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، پ، لن ۲، آ، ب) ۸- ک، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، پ، و، لن ۲، ب): دلارام و؛ س: که گلنار؛ (لی: تو گلنار)؛ متن = ل، ق (نیز ل ۳، آ) ۹- ل، آ: شاه جهان ۱۰- ق (نیز ق ۲، لی، و): شاه؛ (آ: باد شاد (وزن ندارد))؛ لن بیت های ۲۲۸-۲۲۹ را ندارد ۱۱- س، ق (نیز ق ۲): مرا؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- س: بفرمان و رایت سرافکندهام؛ ک (نیز لی): همانا به پشت سرافکندهام؛ س ۲ (نیز آ): همانا ز پشت سرافکندهام؛ (ل ۳): به گیتی به دیدار تو زندهام؛ پ: ز دیدار تو لب پر از خندهام؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ق ۲، و، لن ۲، ب) ۱۳- (ل ۳: بیارم چه) ۱۴- (پ: درخشان) ۱۵- ق (نیز ب): جان؛ (و، آ: رای)؛ ل ۲، س ۲، لی، آپس از این بیت افزوده اند:

بی بودند با هم زمانی دراز پس آنکه سوی کاخ شد ماه باز

ل ۳ پس از این بیت افزوده است:

از آن شادمان شد دل اردشیر به دیدار آن دلیر دلپذیر

در ل ۲، س ۲، لی، آ این بیت با بیت ۲۲۸ پس و پیش شده است ۱۶- س ۲ (نیز لی، آ): چندی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- (و: بسی بر نیامد) ۱۸- (و: که آمد شکست اندر) ۱۹- (ل ۳، لن ۲: جهاندار) ۲۰- (ق ۲: بابک پس آنکه)؛ س در اینجا سرنویس دارد: آگاهی یافتن اردوان از مرگ بابک ۲۱- س: تیز ۲۲- س ۲ (نیز لی، آ): درم گشت و شد تیره او را؛ (ل ۳): پر از غم شدش دل تن از غم ۲۳- ل ۲: موبدی؛ در ل ۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۴- ل، س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، لن ۲، آ، ب): برند؛ متن = ک (نیز ق ۲، ل ۳، پ، و)؛ بنداری: و نغذه الیها ۲۵- ل: بیره: ک: مرد؛ (پ: شاه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- ل (نیز لن، ق ۲، و): دستگیر؛ ق- س ۲ (نیز لی، ل ۳، پ، ب): دل یادگیر؛ متن = س (نیز لن ۲، آ)؛ بنداری: ثم اتفق موت بابک باصطخر. و امتدت أطماع الأكابر الی ملک فارس. فعین اردوان لذلك ولده الأكبر، و نغذه الیها. فلما بلغ ذلك اردشیر أظلمت الدنيا فی عینه ۲۷- (لی، و، آ: از آن) ۲۸- س ۲ (نیز آ): یاد؛ (ق ۲: جای)؛ س ۲ بیت ۲۴۱ را پس از این بیت آورده است

که از درد او بُد^۱ دلش^۲ پُرسیتیز^۳ به^۴ هر سو همی جست^۴ راه گریز^۵

از آن^۶ پس چنان بُد^۷ که شاه اردوان
 ۲۴۰ بیاورد چندی به درگاه خویش
 همان نیز^{۱۱} تا گردش روزگار
 فرستادشان نزد گلنار شاه
 سه روز اندر آن^{۱۴} کار شد روزگار
 چو گنجور^{۱۷} بشنید آوازشان،
 ۲۴۵ [سیم^{۱۹} روز، تا^{۲۰} شب گذشته سه پاس
 پر از آروز دل^{۲۳}، لبان پُر ز باد
 چهارم بشد مرد روشن روان
 برفتند با زیجها بر کنار
 بگفتند راز سپهر بلند
 ۲۵۰ کزین^{۳۲} پس-کنون تا نه بس روزگار-
 که بگریزد از مهتری^{۳۵} کهتری^{۳۶}،
 وُزان پس شود^{۳۷} شهریاری بلند

از^۸ اخترشانا سان روشن روان،
 همی^۹ باز جست اختر و راه^{۱۰} خویش
 از آن پس کرا باشد آموزگار^{۱۲}
 بدان تا کنند^{۱۳} اختران را نگاه
 نگه کرده شد^{۱۵} اختر^{۱۶} شهریار
 سخن گفتن از طالع^{۱۸} و رازشان،
 کنیزک پردخت^{۲۱} از^{۲۲} اخترشناس]
 همی داشت گفتار ایشان^{۲۴} به یاد
 که بگشاید^{۲۵} آن راز بر^{۲۶} اردوان
 ز کاخ کنیزک بر شهریار
 همان^{۲۷} حکم^{۲۸} او بر چه و^{۲۹} چون^{۳۰} و چند^{۳۱}
 ز چیزی بیچد^{۳۳} دل شهریار^{۳۴}،
 سپهدنژادی و گندآوری،
 جهاندار و نیک اختر و سودمند^{۳۸}!

۱-ل-۲ (نیز ل): شد ۲-س-۲ (نیز لی، آ): داشت دل ۳-ک، ل-۲، س-۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب): ز ۴-س-۴: گشت؛ (ق: آ: به هر گوشه می جست)
 ۵-س: برو هر زمان بُد همی رستخیز؛ ق در اینجا سرنویس دارد: باز جستن اردوان حال خود را از اخترشناس ۶-س-۶-ل-۲ (نیز لن،
 ق-۲، ل-۲، پ، لن، آ، ب): وزان: متن = ل (نیز و) ۷-س-۲ (نیز لی، آ): چنان بود از آن پس ۸-ل، س، ک، ل-۲ (نیز لن، ل، پ، لن، آ): ز: متن = ق،
 س-۲ (نیز ق-۲، لی، و، آ، ب) ۹- (لی: همان) ۱۰- (لی: رای: دل: ماه) ۱۱-ل-۲: بیند ۱۲-ک: نگه کرده شد اختر شهریار؛ لی این بیت را ندارد
 ۱۳-س-۲ (نیز لی، لن، آ): کند؛ متن = ل، س، ق، ل-۲ (نیز لن، و، آ، ب): ک، ل-۲، پ این بیت را ندارند؛ بنداری: و عزم علی آن بهرب من عند اردوان.
 فاتفق أن الملك أحضر جميع من كان عنده من المنجمين و نغذهم الى قصر الجلنار لينظروا في طالع الملك، و يفتشوا عن أسرار الفلك
 فی ملکه و فیمن يتولى بعده ۱۴-س (نیز لی): اندرین ۱۵-ل (نیز لی): کرد و شد؛ س: کرد آن؛ (و: کردن)؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۱۶-ل، س، ق، ل-۲، س-۲ (نیز لن، ق، ل-۲، لن، آ): طالع؛ متن = ک (نیز لی، آ، ب)؛ ک این بیت را ندارد اما ل دوم آن را به جای ل دوم بیت ۲۴۱
 آورده است: نگه کرده شد اختر شهریار ۱۷-س-۲ (نیز لی، پ، آ): گلنار ۱۸-س-۲ (نیز لی، پ، آ): اختر؛ متن = ل، س، ق، ل-۲ (نیز لن، ق، ل-۲،
 لن، آ، ب)؛ ک، و این بیت را ندارند ۱۹-س-ل-۲ (نیز ق-۲، ل-۲، و، لن، آ، ب): به سه؛ ک، س-۲: سوم؛ متن = ل (نیز لی، پ، آ) ۲۰-ک: از؛ ل-۲ (نیز آ): با؛
 س-۲: تا؛ (ل: آ: وز: پ: از)؛ متن = ل، س (نیز ق-۲، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۲۱-ل-۲ (نیز ل): پرداخت؛ (لی، و، آ): پرداخت ۲۲-ل، ک، ل-۲، س-۲ (نیز
 لی، ل-۲، لن، آ): ز: متن = س (نیز ق-۲، پ، و، ب)؛ ق، لن این بیت را ندارند ۲۳-س: پر آزار دل بُد؛ ک: پر از درد دل بُد؛ س-۲: پر آزار دل زو؛
 لن، آ: پر آزار زودل)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴-س-۲ (نیز لی، آ): گفتارهاشان ۲۵- (ل: آ: گرد آرد؛ آ: بگشاد) ۲۶-ل، س (نیز لن): با؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقعدوا ثلاثة أيام يطالعون الزيجات و يبحثون عن قضایا النجوم. و لما كان اليوم الرابع حضروا
 عند اردوان ۲۷-ق: چه از؛ (ق: آ: پ: هم از) ۲۸- (پ: کار) ۲۹-ل-۲: هم از حکم او کرده بر ۳۰-س-۲ (نیز آ: ز: <، پ: <، ب: <، ز: <)؛ ز اختر وی که
 چونست؛ (لی: اختر او که چونست) ۳۱- (لن: آ: جهاندار و نیک اختر و سودمند)؛ ک بیت های ۲۴۹-۲۵۰ را ندارد ۳۲- (ق: آ: ازین)
 ۳۳-س-۲ (نیز لی، آ): بیچد ز چیزی ۳۴-ل، س (نیز لن، و، لن، آ): نامدار؛ متن = ق، ل-۲، س-۲ (نیز ق-۲، پ، آ، ب)؛ بنداری: خاطر الملك
 ۳۵- (ل: آ: نزد او) ۳۶-س: از مهتری مهتری ۳۷- (لی: بود) ۳۸-س-۲ (نیز آ): فره مند؛ (لن: آ: جهان را بگیرد به خم کمند)؛ بنداری: و قالوا إنه سينز
 عج خاطر الملك فی هذا القرب، و يهرب صغير من كبير، و يكون الهارب من المتعين الى عرق كريم فيصير منك الأرض و صاحب التاج و التخت

دلِ نامورمهتر ^۱ نیک‌بخت	ز گفتار ایشان غمی ^۲ گشت سخت
چو شد روی کشور بکردارِ قیر	کنیزک بیامد ^۳ بر اردشیر
۲۵۵ چو دریا برآشت مردِ جوان	که یک روز ^۴ نشکیبی ^۵ از اردوان!
کنیزک بگفت آنچ ^۶ روشن‌روان	همی‌گفت ^۷ با نامدار ^۸ اردوان
سخن چون ز گلنار ^۹ از آن ^{۱۰} سان شنید	شکیبایی و خامشی برگزید
دلِ مردِ بُرنا ^{۱۱} شد از ماه ^{۱۲} تیز	و زان ^{۱۳} پس فزون ^{۱۴} جُست راهِ گریز
بدو گفت: اگر ^{۱۵} من به ^{۱۶} ایران شوم،	ز ری ^{۱۷} سوی شهرِ دلیران شوم،
۲۶۰ تو با من سگالی که آیی به راه؟	گر ^{۱۸} ایدر بیاشی بنزدیکِ شاه؟
اگر با من آیی، توانگر شوی!	همان بر سر کشور افسر شوی! ^{۱۹}
چنین داد پاسخ که من بنده‌ام	نباشم جدا از تو ^{۲۰} تا زنده‌ام!
-همی‌گفت و با لب ^{۲۱} پر از بادِ سرد	فروریخت از دیدگانِ آب ^{۲۲} زرد-
چنین گفت با ماهروی ^{۲۳} اردشیر	که فردا بیاید شدن ناگزیر! ^{۲۴}
۲۶۵ کنیزک بیامد به ایوانِ خویش	به کف بر نهاده تن ^{۲۵} و جان خویش
چو شد رویِ گیتی ز خورشید زرد ^{۲۶} ،	به خمِ اندرآمد شب لاژورد ^{۲۷} ،
کنیزک در گنج‌ها باز کرد	ز هر گونه‌یی ^{۲۸} جستن آغاز کرد:
ز یاقوت و از ^{۲۹} گوهرِ شاهوار،	ز دینار چندان که ^{۳۰} بودش ^{۳۱} به کار،

۱-س ۲ (نیز لی، آ، ب): خسرو ۲- (لی: غمین): بنداری: فعظم ذلک علی اردوان و امتلاً هماً و حزناً ۳-س ۲ (نیز لی، آ): درآمد ۴- (آ): یکی روز) ۵- (ق: ۲: روز شبگیر) ۶-ک (نیز ق: ۲، لی، پ، و): آن که: س ۲ (نیز ل: ۳، ب): یکایک بگفت آن که (ل: ۳، ب): (ن: ۲: آنچه از وزن ندارد) ۷- (ل: ۲: که گفتند) ۸- (ق: ۲، ل: ۳، پ: نامور: و: چه می‌گفت با نامور): ق، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بدو گفت گلنار احوال خویش
همان (ب: همه) گفت اخترشناسان بگفت
که چون بود و او را چه آمد به پیش
همه (ب: همان) رازها برگشاد از نهفت

۹- (ل: ۳: هنرمند) ۱۰- ل، ل، ل ۲ (نیز لن، لن: ۲): زان: س (نیز ب): ازین: (لی، آ: چونکه برنا بدان (آ: برین)): س ۲ خوانا نیست: متن = ق، ک (نیز ق: ۲، ل، پ، و) ۱۱- ق: دانا ۱۲- (پ: گفته: ب: درد) ۱۳- ل: از آن: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۴- ل (نیز لی، آ): همی: س: ۲: چنین: (لن: ۲: فرو): متن = ده دستنویس دیگر: بنداری: ولماکان اللیل نزلت الجاریة الی اردشیر و أخبرته بما سمعت من قول المنجمین. فصم عند ذلک عزمه علی الفرار ۱۵- ل، ک (نیز لن، لن: ۲): گر: متن = س، ق، ل ۲ (نیز ق: ۲، ل، پ، و، ب) ۱۶- (لی: اگر زانک من سوی) ۱۷- ل: ز تو: متن = دوازده دستنویس دیگر: س ۲، آ این بیت را ندارند ۱۸- ق، س: ۲: ور: (ق: ۲: که): آ این بیت را ندارد ۱۹- ک: توی ۲۰- (ق: ۲: جز آن تو: ل: ۳: نباشیم جز با تو) ۲۱- ل (نیز لی: < و: و یک لب: (ل: ۳: لب‌ها): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲- (لی، و: ز دیده فروریخت خوناب) ۲۳- س ۲ (نیز لی، آ): چهر: (ق: ۲: رخ): درس ۲، لی، آ این بیت بابیت ۲۵۹ پس ویش شده است ۲۴- (ل: ۳: یادگیر) ۲۵- س (نیز و): دل: ک، ل ۲ (نیز پ): سر: متن = ل، ق (نیز لن، ق: ۲، ل، ۳، لن، آ، ب): س ۲، لی، آ این بیت را ندارند: لی به جای این بیت افزوده است:

وز آنجا بیامد به ایوان خویش
همی ساخت هرگونه درمان خویش

۲۶- س ۲: بکردار قیر: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷- س- ل ۲ (نیز لن- ل، آ، ب): لاجورد: س: ۲: به خم اندرآرد سر ماه و تیر: متن = ل (نیز پ، و لن: ۲) ۲۸- ل، ق (نیز لن، ق: ۲، و لن: ۲، ب): گوهری: متن = س، ک، ل، س ۲ (نیز لی، ل، پ، آ) ۲۹- ل، ق، س ۲ (نیز لن، ل، ۳، لن، آ): وز: متن = س، ک، ل ۲ (نیز ق: ۲، لی، پ، و، ب) ۳۰- ق، ل: ۲: چندی که ۳۱- (لی: چندان کش آید): بنداری: و عرض ذلک علی الجاریة فوافقه علیه. فرجعت و أخذت من خزانه الملك ما احتاجت الیه من الجواهر النفیسة، و أخذت قدراً من الذهب

گرفت و بیامد به جای^۱ نشست
 ۲۷۰ همی بود تا شب برآمد ز کوه
 از^۵ ایوان بیامد^۶ بکردار تیر^۷
 جهانجوی را^۹ دید جامی^{۱۰} به دست
 کجا مستشان کرده بود^{۱۳} اردشیر
 دو اسپ گرانمایه کرده گزین^{۱۷}
 ۲۷۵ جهانجوی چون روی^{۱۹} گلنار دید،
 هم اندر زمان پیش بنهاد جام،

بدان^۲ خانه بنهاد گوهر ز دست^۳
 بنخت^۴ اردوان، جای شد بی گروه
 بیاورد گوهر بر اردشیر^۸
 نگهبان اسپان^{۱۱} همه خفته^{۱۲} مست
 که می خواست^{۱۴} رفتن همی^{۱۵} ناگزیر^{۱۶}
 بر آخر چمان و چران زیر زین^{۱۸}
 همان گوهر و سرخ^{۲۰} دینار دید،
 بزد بر سر تازی اسپان^{۲۱} لگام!

گفتار اندر گریختن اردشیر از پیش اردوان^{۲۲}

پوشید خفتان و خود^{۲۳} بر نشست
 همان ماه رخ بر دگر بارگی
 از^{۲۶} ایوان^{۲۷} سوی پارس بنهاد روی
 یکی تیغ زهرآب داده به دست
 نشست^{۲۴} و برفتند^{۲۵} یکبارگی
 همی رفت شادان^{۲۸} دل و راهجوی^{۲۹}

۱-ل، ق-س^۲ (نیز لن، لی-ب): بیامد به جایی که بودش؛ (ق:آ): به جایی بیامد که بودش؛ متن = س ۲-س: ۲-س: ۳-س، ک، ل، ۲ (نیز لن، لی، پ-آ): به دست؛ س: ۲: و گوهر به دست؛ متن = ل، ق (نیز ق ۲، ل ۳، ب): ک، پ پس از این بیت افزوده اند:
 همی بود از آن کار با رنج و درد
 ز هر گونه اندیشه ها یاد کرد
 که تا چون گریزد ز شاه اردوان
 چگونه بود کار او با جوان

۴-آ: برفت) ۵-س، ک، ل، ۲، س^۲ (نیز پ): ز؛ متن = ل (نیز لن-ل ۳، و، لن ۲، آ) ۶-ک (نیز آ): برآمد؛ ق: برآمد از ایوان؛ (ب: بر ایوان ز ایوان) ۷-و: (و: بر اردشیر) ۸-و: (و: که می خواست رفتن بدو ناگزیر) ۹-س: جوان چون ورا ۱۰-ق: (ق: آ: را جام می بُد) ۱۱-لن: آ: ایشان) ۱۲-ل: ۱۳-ک، ل، ۲ (نیز ل ۳، آ، ب): بُد؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، پ، و) ۱۴-ل: وی خواست؛ ق-س: ۲ (نیز ل ۳، پ، آ، ب): او خواست؛ س: بایست؛ متن = (لی) ۱۵-پ: به شب) ۱۶-و: بر اندیشه رفتن آن شب چو تیر؛ لن، ق، ۲، لن^۲ این بیت را ندارند ۱۷-ل، ق، س^۲ (نیز لن، پ، و، ب): به زین؛ س (نیز ل ۳، لن ۲): کردند زین؛ ک: را کرد زین؛ (ق: آ: کردش گزین)؛ متن = (لی، آ) ۱۸-ل: چنان بود در زیر زین؛ ق (نیز ب): بسته بدش پیش ازین؛ ک: چنان هم که بد پیش ازین؛ س^۲ (نیز لن، لی، لن ۲): چران همچنان زیر زین؛ (ل ۳: چنان هر دو ان برگزین؛ پ: نهاده همان پیش ازین؛ و: چنان هم حران زیر زین)؛ س: چنان چون بود ساز آیین و کین؛ (ق: آ: چنان چون سزاوار باشد به زین)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ س، لی پس از این بیت افزوده اند:

بر آخر چمان و چران تا به روز
 چو بزد سر از کوه گیتی فروز

۱۹-س: نگه کرد و بالای ۲۰-س-س^۲ (نیز لن-ب): گوهر سرخ و؛ متن = ل، ک، پ پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفت کاکتون بیاید شدن
 نباید به انده فزون زین بدن

مگر یابم از چنگ این ازدها
 بدین روزگار جوانی رها

۲۱-س: اسپ ۲۲-ل: گریختن اردشیر از پیش اردوان؛ س: آگاهی یافتن اردوان از مرگ بابک؛ ق: گریختن اردشیر بابکان با گلنار از ری؛ ک، س: ۲: گریختن اردشیر با گلنار؛ ل: ۲: گریختن اردشیر از اردوان و رفتن اردوان از پی او؛ در س، ق، ک، س^۲ این سرنویس کمی بالاتر و درل ۲ کمی پایین تر آمده است ۲۳-لی، آ: پس) ۲۴-ل (نیز و): نشستند؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۵-و: (و: راندند)؛ بنداری؛ و لما كانت اللیلة الثانية نزلت الی اردشیر فاسرج فرسین أشهب و أدهم فرکب هو أحدهما و رکبت الجاریة الآخر. فطار بهما الرکض ۲۶-س، ک، س^۲ (نیز لن، پ): ز ۲۷-س^۲ (نیز لی، آ، ب): آنجا ۲۸-ق: (ق: آ: روشن) ۲۹-ل: ۲: رزمجوی؛ س^۲ (نیز لی، آ): تاخت (لی: بود) شادان دل و پوی پوی

نبودی شب و روز روشن روان
مگر چهر^۴ گلنار دیدی به فال
به دیبا سر^۶ گاهش آراستن،
برآشت و پیچان شد از کین^۷ اوی
بیاراسته تخت و تاج^۸ و سرای
بیامد بر نامورشهریار
هر آنکس کجا مهتر کشورند^۹
که گلنار چون راه^{۱۱} و آیین، نگاه^{۱۲}،
که^{۱۴} داند برین^{۱۵} داستان دین^{۱۶} من-
که رفته ست بیگاه^{۱۸} دوش اردشیر
که بُد باره ی نامبردارشاه^{۲۴}
که گنجور او رفت^{۲۶} با اردشیر
به بالای زود^{۲۸} اندرآورد پای^{۲۹}
تو گفتمی همی^{۳۱} باره^{۳۲} آتش^{۳۳} سپرد

۲۸۰ چنان بُد که بی ماهروی^۱ اردوان
ز دیبا^۲ نه برداشتی دوش^۳ و یال
چو آمدش^۵ هنگام برخاستن،
کنیزک نیامد به بالین^۷ اوی
به دربر سپاه ایستاده به پای
۲۸۵ ز درگاه برخاست سالار^۱ بار
بدو گفت: گردنکشان بر درند
پرستندگان را چنین گفت^{۱۰} شاه
ندارد، نیاید^{۱۳} به بالین^{۱۳} من؟
بیامد همان گاه مهتردبیر^{۱۷}
۲۹۰ وُز^{۱۹} آخر^{۲۰} بیُرده ست^{۲۱} خنگ^{۲۲} و سیاه^{۲۳}
هم آنگاه شد^{۲۵} شاه را دلپذیر
دلِ مرد^{۲۷} جنگی برآمد ز جای
سواران جنگی فراوان^{۳۰} بیُرَد

فراوان در او^{۳۵} مردم و چارپای^{۳۶}
شنیدی شما^{۳۹} بانگ^{۴۰} نعلِ ستور؟

به رهبر یکی مایه ور^{۳۴} دید جای
۲۹۵ بپرسید ازیشان^{۳۷} که شبگیر^{۳۸} هور

۱- (پ: رخ): ق: که مهر روی بی ۲- (لی، آ، ب: بالین) ۳- ۲ (نیز لی، آ): کف: (پ: روی) ۴- (ق: آ: روی) ۵- (ق: آ: آمد به) ۶- ل، ق، ک، س، آ (نیز لی، و، آ): سرو؛ متن = س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لن، ب) ۷- ل، س، ق، ل، آ، س، آ (نیز آ): او؛ متن = ک (نیز لن، لن، ب) ۸- س، ل، آ (نیز ق، آ، پ، و، آ، ب): تاج و تخت؛ (لی: گاه و کاخ)؛ متن = ل، س، آ (نیز لن، ل، آ، لن، آ) ۹- (لی: فرود آورم شان اگر بگذرند)؛ ق: آ بیت های ۲۸۷-۲۸۶ را ندارد ۱۰- س، آ (نیز لی، آ، ب): را بپرسید ۱۱- (پ: رسم) ۱۲- (ن: و گاه: لن: آ: دید آیین و راه)؛ س، آ (نیز لی، آ، ب): را از چه بسته ست راه؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، آ، پ، و < >) ۱۳- س، آ: چرا او نیامد؛ (لی: ب: چرا او نیاید: آ: خرامی نیامد) ۱۴- ق: جو ۱۵- ل، ق: بدین ۱۶- س، آ (نیز لی، آ، ب): مگر باشد (ب: هست) اندر دلش کین (آ: دین) من: متن = س، ک، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ) ۱۷- ق، س، آ (نیز لی، ب، ب): مرد دبیر: ک: مه مرد پیر: ل: آ: مه مرد پیر: (ق: آ: بهمن دبیر: و: مردی دبیر: آ: مرد دلیر): متن = ل، س، آ (نیز لن، ل، آ، لن، آ) ۱۸- س، آ (نیز لی، و، آ): ناگاه ۱۹- س، آ (نیز ق، آ، و): < > (ل: آ: از) ۲۰- ل، آ (نیز پ): ابا خود ۲۱- (ل: آ: ببرد اسب (واژه دوم بی نقطه)) ۲۲- (و: < >) ۲۳- آ: و راجز نبردست جنگ سپاه؛ بنداری: اشهب و ادهم ۲۴- ق: نامور یادشاه ۲۵- ق (نیز ب): هم آنگه بشد ۲۶- س: رفت: درک این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۲۷- س، آ (نیز لی، آ، ب): شاه ۲۸- س (نیز ل، آ، لن، آ): اسب؛ س، آ (نیز ب): شتابان ز (ب: به) اسب؛ (لی، و، آ: همانگه به اسب) ۲۹- ل: برآشت و زود اندرآمد به پای: متن = ق، ک، ل، آ (نیز لن، ق، آ): پ این بیت را ندارد ۳۰- لن، آ: فراوان سواران جنگی) ۳۱- س، ل، آ: همه: ق: که گفتمی همی ۳۲- (آ: باده: ل: آ: همه راه) ۳۳- (و: عنان باره تیز تگ را)؛ بنداری: ولما أصبح اردوان و وقف علی الحال توقد مثل النار من فعل الجلنار. و أحضر الوزير و المدبر و المشیر و فاوضحهم فی أمر اردشیر. فرکب فی جماعه من فرسانه و أطلق من عنانه ۳۴- ل- ل، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ): نامور؛ متن = س، آ (نیز لی، آ) ۳۵- ل- ل، آ (نیز لن، لن، آ): بسی اندرو؛ متن = س، آ (نیز آ، ب) ۳۶- (لی: همانگه به اسب اندرآورد پای) ۳۷- ل (نیز لن، آ): زیشان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۸- (لی: کایدرب به شبگیر و) ۳۹- س: شنیدید کس ۴۰- س، آ (نیز ل، آ): شنیدید آواز؛ (و: شنیدید آوای)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

یکی باره‌ی خنگ و دیگر سیاه؟
 دو تن بر دو اسپ اندرآمد ز^۵ دشت،
 چو اسپ^۸ همی^۹ برپراگند^{۱۰} خاک!
 که این غرم-باری-چرا شد^{۱۱} دوان^{۱۲}؟
 به شاهی و نیک‌اختری پر^{۱۵} اوست،
 که این^{۱۹} کار گردد به ما بر^{۲۰} درازا
 بخورد و^{۲۳} برآسود^{۲۴} و آمد دوان^{۲۵}
 به پیش اندرون اردوان و^{۲۸} وزیر
 نپرداخت^{۲۹} از تاختن یک زمان
 بروبر ز دشمن نیاید^{۳۰} گزند!-
 بدید از بلندی^{۳۳} یکی آ بگیر،
 که اکنون که با رنج گشتیم^{۳۵} جفت،
 که شد باره و مرد بی‌تار و پود،
 از آن^{۳۹} پس بدآسودگی^{۴۰} بگذریم!
 به زردی دو رخساره چون^{۴۱} آفتاب،
 دو مرد جوان دید بر آ بگیر

دو تن^۱ برگزشتند پویان^۲ به راه؟
 یکی گفت ازیشان که^۳ ایدر^۴ گذشت
 به دُم^۶ سواران^۷ یکی غرم پاک
 به دستور گفت آن زمان اردوان
 ۳۰۰ چنین داد پاسخ که آن^{۱۳} فر^{۱۴} اوست،
 گر این^{۱۶} غرم دریابد^{۱۷} او را، متاز^{۱۸}!
 فرود آمد آن^{۲۱} جایگه^{۲۲} اردوان
 همی‌تاختند^{۲۶} از پس^{۲۷} اردشیر
 جوان با کنیزک چو باد دمان
 ۳۰۵ -کرا یار باشد سپهر بلند
 از آن^{۳۱} تاختن رنجه شد^{۳۲} اردشیر
 جوانمرد-پویان^{۳۴} به گلنار گفت
 بیاید بدین^{۳۶} چشمه آمد فرود
 بیاشیم^{۳۷} بر آب و چیزی^{۳۸} خوریم
 ۳۱۰ چو هر دو رسیدند نزدیکِ آب،
 همی‌خواست آمد^{۴۲} فرود اردشیر

۱-ل: همی؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲-ل (نیز ب): بر ما؛ ک، ل این بیت را ندارند؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳-ل: زیشان که؛ س: ازین سان که؛ ق (نیز ب): چنین گفت مردی کز؛ متن = ک، ل (نیز ق، ل، پ، ن، ۲) ۴-س (نیز ن، ل، آ): کاید به ره بر؛ (و: چون پاسی از شب) ۵-ل: باره در آمد به؛ (لی: را سوار اندر آمد ز)؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ بنداری: و طار فی اثره مسرعاً حتی انتهى الی مدینة. فاستقبله أهلها فاسألهم عن الهاربین فقیل له: قد عبر علینا وقت المغرب فارسان ۶-ق (ب: بدیدم) ۷-ل، ۲، س: سواری؛ (و: به دنبال ایشان) ۸-ل (نیز ن، ۲): اسبان؛ (و: آتش)؛ س: بر اسبان ۹-ک: بی اسب را ۱۰-لی: همی باسماں برفشانید؛ بنداری: أحدهما علی فرس أدهم، و الآخر علی فرس أشهب. و فی أثر أحد الفارسیین أیل یجری کالریح المرسلۃ ۱۱-ب: چباشد) ۱۲-ک: دمان ۱۳-ق (آ: آزال: آ: این) ۱۴-ق: بخت ۱۵-ل-س (نیز ن، ق، لی، آ): بر؛ متن = (ل-ن، ۲، ب) ۱۶-ل (نیز ن، ق، ل، ۳، و، ن، ۲، آ): آن؛ متن = ل-ک، س (نیز لی، پ، ب) ۱۷-ق (درماند) ۱۸-ل: ماز (حرف دوم بی نقطه)؛ ق، ک (نیز ب): ناز (حرف دوم بی نقطه)؛ ل: نیاز؛ متن = س، س (نیز ن-آ) ۱۹-ق (نیز ب): که بس؛ ک، ل، آ: همه ۲۰-ب: آبر ما) ۲۱-ق (آ: از) ۲۲-ب: جایگاه) ۲۳-ل (آ: به خوردن) ۲۴-س، ل، آ: یاسود؛ ق (نیز ب): برآسود و خوردند؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۵-آ: زیان؛ ب: دمان؛ و این بیت را ندارد ۲۶-ق (آ: تاخت اسب) ۲۷-لی: بی؛ ب: تاختند از اسب (وزن ندارد) ۲۸-ل: < >؛ ک (نیز ل، ۲، پ): با؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۹-ل، س: نپرداخت؛ (آ: برداخت)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۰-ق (شمشیر ناید) ۳۱-س: آ: در آن؛ (لی، و، آ: وزان؛ پ: ازین) ۳۲-س، س (نیز ن، ق، لی، و، ل، ن، آ): گشت؛ (ل: مانده شد)؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز پ، ب) ۳۳-س (نیز لی، آ): او به ره بر ۳۴-س (نیز آ): خندان ۳۵-س (نیز آ): که گشتیم بارنج؛ لی بیت‌های ۳۰۷-۳۱۲ را ندارد ۳۶-ک (نیز پ): بر؛ (ق، ل، ۳: برین؛ آ: بدان) ۳۷-ل (نیز ق، ۲، و): بیاشیم و ۳۸-س (نیز آ): وزین آب لختی ۳۹-ل (نیز ن-ل، ۲): وزان؛ متن = ل-ک، س (نیز ب) ۴۰-ل، ق، ک، ل (نیز ن، ق، ۲، ل، ۳، ن، ۲، ب): برآسودگی؛ س، س (نیز پ، و، آ): به آسودگی؛ متن تصحیح قیاسی است ۴۱-ل (آ: رسیده بدش) ۴۲-ل: کاید؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد

جوانان به آواز گفتند: زود!
 که رستی^۲ ز کام و دم^۳ ازدها،
 نباید که آبی به خوردن فرود
 ۳۱۵ چو از پندگوی آن^۷ شنید اردشیر
 رکیش^۸ گران شد، سبک شد عنان
 پس اندر چو بادِ دمان^{۱۲} اردوان
 بدان گه^{۱۶} که بگذشت نیمی ز روز،
 یکی شارستان^{۱۸} دید با رنگ و بوی،
 ۳۲۰ چنین گفت با موبد آن^{۲۰} نامدار^{۲۱}
 چنین داد پاسخ بدو رهنمای
 بدان گه که خورشید برگشت^{۲۵} زرد،
 بدین شهر^{۲۷} بگذشت پویان دو تن
 یکی غرم بود^{۳۰} از پس یک^{۳۱} سوار
 ۳۲۵ چنین گفت با اردوان کدخدای^{۳۵}
 سپه سازی و ساز^{۳۹} جنگ آوری،

عنان و رکیت^۱ بیاید بسود،
 کنون آب خوردن^۴ نیارد^۵ بها!
 تن خویش را داد باید درود^۶!
 به گلنار گفت: این سخن یادگیر!
 به گردون^{۱۰} برآورد رخشان سنان^{۱۱}
 همی تاخت^{۱۳} با رنج و^{۱۴} تیره روان^{۱۵}
 فلک را پیمود^{۱۷} گیتی فروز،
 بسی مردم آمد^{۱۹} به نزدیکِ اوی،
 که کی برگذشت آن^{۲۲} دلاور^{۲۳} سوار^{۲۱}؟
 که ای شاه نیک اختر پاک رای^{۲۴}!
 بگسترد شب چادر لاژورد^{۲۶}،
 پر از گرد^{۲۸} و بی آب^{۲۹} گشته دهن،
 که چون او^{۳۲} ندیدم^{۳۳} بر ایوان^{۳۴} نگارا!
 کز ایدر^{۳۶} مگر^{۳۷} بازگردی به^{۳۸} جای،
 که اکنون دگرگونه شد داوری،

۱-س، ق، ک (نیز لن، ل، پ، ن، آ، ب): رکابت؛ س^۲ (نیز و): رکاب و عنانت؛ (ق، آ، لی: عنان نکاور؛ آ: رکب و عنانت)؛ متن = ل، ل، آ؛ ق، ب پس از این بیت افزوده اند:

سخن گفت هر یک بکردار شیر کای نامورشهریار اردشیر

۲-س: چو رستی؛ ق (نیز ب): برستی ۳-ل، آ: بد ۴-(ل، آ: ایستادن) ۵-(پ: نیابد) ۶-ل، آ بیت های ۳۱۴، ۳۱۷ را ندارد ۷-ل: پندگو آن؛ ق (نیز ب): پندگویان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-س، ک، س، آ (نیز ق، آ، ب، ن، آ، ب): رکابش؛ متن = ل، ق (نیز لن، لی، و) ۹-(ل، آ: گران شد رکاب و) ۱۰-ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و-ب): گردن؛ متن = س، ک، س، آ (نیز لی، پ) ۱۱-(ق، آ: گرز گران) ۱۲-ق: بزبان؛ (ق، آ: روان؛ لی، ل، آ، پ: دوان) ۱۳-ق: راند ۱۴-ق: <و> (ن، ن، آ: هموار و) ۱۵-(لی: روز و شبان؛ آ: رنج دیده گوان) ۱۶-(لی: پس آنگه) ۱۷-(ل، آ: بفرمود) ۱۸-ل: باری (حرف های چهارم و پنجم بی نقطه)؛ ق (نیز لن، لی، ل، آ، ب، ب): شارسان؛ متن = س، ک، س، آ (نیز ق، آ، و، ن، آ) ۱۹-ل: مردمانی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-ل، ک، س، آ (نیز لن، و، آ، ب): موبدان؛ متن = (ل، آ) ۲۱-(ل، آ: نامور-دوسر) ۲۲-س (نیز لن، ن، آ): این ۲۳-ق (نیز پ، ب): نبرده ۲۴-ک: نیک رای ۲۵-(ق، آ: برگشت خورشید) ۲۶-س، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، آ، ب): لاچورد؛ متن = ل (نیز ل، ن، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۲۷-(ق، آ: برین دشت؛ ل، آ، و، ن، آ: برین شهر) ۲۸-س: درد ۲۹-ق (نیز ب): پر خاک ۳۰-س: بُد ۳۱-(پ: غرم تازان زدم) ۳۲-ق، س، آ (نیز لی، آ، ب): چونان ۳۳-(لی، و: نباشد؛ لن، آ، ب: ندیدیم) ۳۴-ل: بایوان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، آ پس از این بیت افزوده است:

چو سیمرغ بال و چو طاوس دم چو رخس دلاور سر و گوش و سم

به رنگ ارغوان و به تگ تندباد ندارد بر آن سان کسی غرم یاد

۳۵-(و: رهنمای) ۳۶-س، آ (نیز لی): که اکنون؛ (ل، آ: که ایدر) ۳۷-ق: نگر ۳۸-(ل، آ: ز) ۳۹-ل: باز؛ س: رای؛ ق: سان؛ متن = یازده دستنویس دیگر

ازین تاختن باد باشد^۳ به دست^۴!
 به نامه بگوی^۷ این سخن^۸ در به در^۹!
 نباید^{۱۳} که او دوشد از غُرم شیر^{۱۴}!
 بدانست کآواز^{۱۷} او شد کهن^{۱۶}
 همی داد نیکی دهش را درود
 بفرمود تا بازگردد سپاه
 چو شب تیره گشت^{۲۰} اندر آمد^{۲۱} به ری،
 که کزّی به باغ^{۲۳} اندر آورد بر^{۲۴}،
 کزان سان نرفت^{۲۵} از کمان^{۲۶} هیچ تیر!
 مگوی^{۲۷} این سخن باکس اندر^{۲۸} جهان^{۲۹}!

که بخت از^۱ پس پشت^۲ او برنشست^۲
 یکی نامه بنویس^۵ نزد^۶ پسر!
 نشانی^{۱۰} مگر یابد^{۱۱} از^{۱۲} اردشیر
 ۳۳۰ چو بشنید ازو^{۱۵} اردوان این سخن^{۱۶}
 بدان شارستان^{۱۸} اندر آمد فرود
 چو شب روز شد، بامداد^{۱۹} پگاه
 بیامد، دو رخساره^{۱۹} هم رنگِ نی،
 یکی نامه بنوشت^{۲۲} نزد پسر
 ۳۳۵ چنان شد ز بالین^{۲۵} ما اردشیر،
 سوی پارس آمد، بجویش نهان!

به یزدان چنین گفت کای^{۳۰} دستگیر،
 که هرگز میناد نیکی تنش^{۳۱}!
 ز کار گذشته فراوان براند
 به بالا و چهر^{۳۲} و بر^{۳۳} اردشیر،
 ز فرّ و ز^{۳۴} اورنگ^{۳۵} او گشت شاد،
 به هر سو برافگند^{۳۸} زورق^{۳۹} بر^{۴۰} آب^{۴۱}

و زین سو به دریا رسید اردشیر
 تو کردی مرا ایمن از بدکُش
 برآسود و ملاح را پیش خواند
 ۳۴۰ نگه کرد فرزانه ملاح پیر
 بدانست کو نیست جز کی نژاد
 بیامد به دریا هم اندر شتاب^{۳۶}

۱-ل، س (نیز ل، ن، ق، ل، ۲-ل، ۳-ل، ۲-ل): بختش؛ متن = ک، س، ۲ (نیز ل، ل، آ) ۲-ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ل، ۲-ل، ۳-ل، ۲-ل): درنشست؛ متن = ل، س (نیز ل، ۳)؛ ق: کنونی که بخت از پس پشت اوست؛ (ب: کنونی که بخت از پس او نشست) ۳-ل (نیز ق، ل، ۲-ل، پ، و، آ): مانند؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز ل، ل، ۳-ل، ۲-ل، ب) ۴-ق: بیاسایی از تاختن آن نکوست؛ بنداری: فقال له الوزير عند ذلك: الرأى أن تثنى عنانك فتستعد لقتال أردشير. فانه قد فاتك و السعادة تجرى في أثره ۵-آ: بنوشت) ۶-ق (ل، ۲-ل، آ: سوی) ۷-ل (نیز ب): بگو؛ متن = س، ق (نیز ل، ن، ق، ل، ۲-ل، پ، و، ل، ۲) ۸-ک، س، ۲ (نیز ل، آ): به نامه سخن یاد کن؛ (ل: بگویی به نامه درون) ۹-ق، ک (نیز ب): سر به سر ۱۰-ق (آ: زمانی) ۱۱-آ: یابی؛ پ، ب: بیابد مگر) ۱۲-ق: بیابی مگر ز ۱۳-س، ۲ (نیز ل، آ، ب): مبادا ۱۴-ق: که باشد وی از عزم سیر؛ (ق: که اندیشد او عزم شیر؛ ل: که یابد مر او عزم شیر؛ پ: که گردد همان غُرم شیر)؛ متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز ل، ل، و، ب) ۱۵-ل: زو؛ س: زود؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ل (ن: آ: این سخن اردوان-کو را سرآمد زمان) ۱۷-س، ۲ (نیز ل، آ): کان کار او ۱۸-ل (ل، ل، ۳-ل، ب: شارسان) ۱۹-ل (ن، ل، و، ب: رخسار) ۲۰-ق (ل، ل، شد) ۲۱-پ: آید؛ (ب: برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ ق: نامه اردوان بنزدیک پسر به آگاهی حال اردشیر؛ ک: نامه اردوان بنزد پسر به گرفتن اردشیر ۲۲-ک، س، ۲ (نیز ل، آ): فرمود ۲۳-ق، ک، س، ۲ (نیز ل، آ، ب): به کار؛ (ل، ۳-ل، پ، ب: تاج)؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، ق، ل، و، ل، ۲) ۲۴-س، ق، س، ۲ (نیز ل، ل، ب): سر؛ متن = ل (نیز ق، ۲) ۲۵-ل: نجست؛ متن = س، ق، ک (نیز ق، ۲-ل، ب)؛ این واژه در س، ۲ خوانا نیست ۲۶-ل (ن: که نجهد از آن گونه بر) ۲۷-ل (نیز آ): مگو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل (نیز ل، ۳): با کسی در؛ (ق: آ: با کسی از)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹-ق (آ: مهان)؛ بنداری: فرجع اردوان و كتب الى ولده الذي أرسله الى اصطخر، و كان يسمي بهمن، وأعلمه بالحال، وأمره بالتيقظ و ألا يطلع أحدا على ذلك الأمر ۳۰-ک، س، ۲ (نیز ل، آ): همی گفت کای داور؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و أما اردشیر فانه مرّ حتى انتهى الى ساحل البحر فأمن عند ذلك من الطلب ۳۱-ل بیت های ۳۳۸-۳۴۴ را ندارد ۳۲-ب: نگه کرد چهر) ۳۳-ق (آ: تن)؛ ک، س، ۲ (نیز ل، آ): و بر چهره؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، ۳-ل، ۲-ل، ب) ۳۴-ل (ل: ز بالا و) ۳۵-س (نیز ل، ن، ق، ل، ۲-ل، ۳-ل، ۲): اورند؛ (و: اروند)؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل، پ، آ، ب)؛ ق: این بیت را ندارد ۳۶-ق (و: زمان) ۳۷-س، ۲ (نیز آ، ب): ز ۳۸-ق (ل، ۲، و: پراگند) ۳۹-ق (ل، ل، کشتی) ۴۰-ل، ک (نیز ل، ل): به؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۱-ق (و: زورق دمان)

گفتار اندر خبر یافتن کشور از اردشیر بابکان^۱

از^۲ آگاهی نامدار اردشیر
هر آنکس که بُد بابکی^۴ در سطر^۵
۳۴۵ دگر هرک^۶ از تخم دارا^۷ بُدند،
چو آگاهی آمد ز^۹ شاه اردشیر
همی رفت مردم ز دریا و کوه^{۱۰}
ز هر شهر^{۱۲} فرزانه^{۱۳} رای زن

که ای نامدارانِ روشن روان،
ز فرزانه و مردم^{۱۶} رای زن،
چه کرد از فرومایگی در جهان^{۱۸}،
به بیدادی آورد^{۲۰} گیتی به مشت!
به مرزاندرون اردوان شهریار^{۲۱}،
و زین داستان کس^{۲۴} نگیریم یاد!
نمانم به کس^{۲۶} نام^{۲۷} و تخت^{۲۸} بلند!

۱-ل: خبر یافتن کشور از اردشیر بابکان؛ س: خبر یافتن بهمن اردوان از کار اردشیر؛ ق، ک، س: در اینجا سرنویس ندارند؛ ل: این بخش را ندارد ۲-ل، س، ق (نیز ل، ل، و، ل، ۲)؛ ز: متن = ک، س: ۲ (نیز ق، ل، پ، آ، ب) ۳-ک، س: ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ بدان؛ ق: در آن؛ متن = ل، س (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، ۲) ۴-س: ۲ (نیز ل)؛ با یکی ۵-ل، ق، ک، س: ۲ (نیز ل، ل، ل، آ، ب)؛ سطر؛ متن = س (نیز ق، آ، ۲) ۶-ق، آ، ل، ۲؛ ب: هر چه ۷-ک، س: ۲؛ داران ۸-ل (نیز ق، آ، پ)؛ نامدارا؛ ق (نیز ب)؛ برمدارا؛ ک، س: ۲؛ نامداران؛ (ل، و)؛ نامدارا (نقطه ندارد)؛ آ: بی مدارا؛ متن = س (نیز ل، ل، آ، ل، ۲)؛ و پس از این بیت افزوده است:

ز شادی همه سر برافراختند هم اندر زمان پیش او تاختند

۹-ل، ۲؛ (به)؛ ک، س: ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ آگاه گشتند از؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ق، آ، ل، آ، پ، و) ۱۰-ک، س: ۲ (نیز ل، و)؛ گروه‌ها گروه-ز دریا و کوه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ل، آ، و، بر) ۱۲-ک، س: ۲ (نیز آ)؛ جای ۱۳-ک، س: ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، آ، و، ب)؛ فرزانه و؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، پ، ب) ۱۴-ک، س: ۲ (نیز ق، ل، آ)؛ شد؛ بنداری؛ و بٹ الزواریق الی اطراف فارس، فانسوی الیه کل من کان من أصحاب جدّه بابک حتی کتف سواده و کثر جنده و هو عند ذلک البحر ۱۵-ل، ن: زفان) ۱۶-ل، و: موبد) ۱۷-س، ک، س: ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، و، آ)؛ بدنهان؛ ل، آ، ل، ۲؛ اندر نهان؛ پ: اندر جهان؛ ق (نیز ب)؛ شنیدی که اسکندر اندر جهان؛ متن = ل ۱۸-ل، آ: فرومایگان جهان؛ پ: فرومایگان بامهان؛ ب: فرومایگان و مهان؛ ق: نماند از بزرگان و فرخ مهان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-س (نیز ل، آ)؛ ما (لی، آ: من) یک به یک او ۲۰-لی: بیداد بگرفت)؛ و پس از این بیت افزوده است:

همه کار بُردی به نیرنگ پیش ز دارا به چیزی بُد نیز بیش

۲۱-ل، و: را چه کار)؛ و پس از این بیت افزوده است:

چو تخم کیان شد ز من آشکار نزیبید که باشد چنو شهریار

چو من کهتر او نیز مهتر بود به گیتی درون شاه کشور بود

۲۲-ل، آ: کین سخن) ۲۳-ک، س: ۲؛ نخوانیم این را به ۲۴-ل، ۲؛ هم؛ لی: به بیداد بردل) ۲۵-س: بامهند؟ ۲۶-ل، آ: بدو؛ ل، ۲؛ بکین؛ ل: بمانم مگر؛ متن = س، ق (نیز ل، ق، آ، ل، پ، و، آ، ب) ۲۷-ب: تاج)؛ ک، س: ۲؛ بگردانم این تاج ۲۸-ق، آ: تخت و نام)

که پاسخ به^۱ آواز^۲ فرخ نهید^۳!
 ز شمشیرزن مرد و از^۵ رای زن،
 همه رازِ دل بازگفتند راست^۷،
 به دیدار و^۸ چهر تو گشتیم^۹ شادا!
 ببندیم کین را کمر بر میان!
 غم و شادمانی به کم بیش^{۱۲} تست!
 سزد بر^{۱۵} تو شاهی و^{۱۶} گندآوری!
 به تیغ آب دریا همه^{۱۷} خون کنیم!
 سرش برتر آمد ز ناهید و تیرا
 به دل در به^{۲۲} اندیشه کین گسترید!
 پی افگند^{۲۴} و شد شارستان کارستان^{۲۵}
 که ای شاه نیک اختر^{۲۶} دلپذیر^{۲۷}،
 بر^{۲۹} پارس باید که بی خو کُنی!
 که اختر جوانست و خسرو جوان،
 فرونست، ازو^{۳۲} بینی^{۳۳} از رزم^{۳۴} رنج!
 ندارد کسی زان^{۳۵} سپس^{۳۶} با تو پای^{۳۷}!
 سخن های بایسته و^{۳۸} دلپذیر،

چه گوید و این را چه پاسخ دهید؟
 هر آنکس که بود اندران انجمن^۴،
 چو آواز بشنید بر پای خاست^۶
 که هر کس که هستیم بابک نژاد
 ۳۶۰ و دیگر که^{۱۰} هستیم ساسانیان
 تن و جان ما سربسر^{۱۱} پیش تُست
 به دو^{۱۳} گوهر^{۱۴} از هر کسی برتری
 به فرمان تو کوه هامون کنیم!
 چو پاسخ بدان^{۱۸} سان شنید^{۱۹} اردشیر
 ۳۶۵ بر آن^{۲۰} مهتران^{۲۱} آفرین گسترید!
 بنزدیک دریا یکی شارستان^{۲۳}
 یکی موبدی گفت با اردشیر
 سر شهریاری^{۲۸} همی تو کُنی
 و زان^{۳۰} پس کنی رزم با اردوان
 ۳۷۰ که او از ملوک^{۳۱} طوایف به گنج
 چو برداشتی گاه او را ز جای
 چو بشنید گردن فراز اردشیر

- ۱- (لن: ۲) بر ۲- (پ: مرا اندرین رای؛ و: پاسخ مرا رای) ۳- ک، س ۲ (نیز لن، آ): دهید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴- (لی: رای فن)
 ۵- ق، ک، س ۲ (نیز ل، آ، لن: ۲): وز: ل: شمشیرزن مردم؛ (آ: ز شمشیر و از مردم)؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب) ۶- ک، س ۲ (نیز لی، آ): بشنید آواز آن رزمساز ۷- ک، س ۲: پاک گفتند باز؛ (آ: برگشادند باز؛ لی: همه نامداران گشادند راز)؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۸- س، س ۲ (نیز لن، ق، آ، پ): <و>؛ متن = ل، ق، ک (نیز لی، ل، آ، و- ب) ۹- (لی: باشیم) ۱۰- ک، س ۲ (نیز آ): دگر هر که؛ (لی: دگر هر چه)
 ۱۱- س، ک، س ۲ (نیز لی، آ): یک به یک؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، ب) ۱۲- ل: کم و بیش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳- ل: بدین؛
 ق: هر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- (و: به گوهر تو) ۱۵- (آ: ب: گر) ۱۶- ک: که ۱۷- ک، س ۲: پر از ۱۸- س: برین؛ ق (نیز لن، ق، آ، لن، آ، ب): بر آن؛ (لی: بدین)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ل، آ، پ، و) ۱۹- ل: گونه دید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰- (لی: بدان)
 ۲۱- ک: مردمان؛ س ۲: همی پهلوان ۲۲- ل، س (نیز و، لن، آ): ز؛ س ۲: بر؛ متن = ق، ک، ل ۲ (نیز لن، پ، آ، ب) ۲۳- ق، ل ۲ (نیز لی، پ، ب):
 شارسان؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۴- ک (نیز آ): بازند؛ س ۲: بسازید ۲۵- ل ۲ (نیز لی، پ، ب): کارسان؛ ق (نیز و):
 خارسان؛ ق (آ: داستان)؛ متن = ل، س، ک (نیز لن، ل، آ، و، <، لن، آ) ۲۶- ل، س (نیز ل، آ): اختر و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- ک، س ۲
 (نیز لی، و): یادگیر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸- ل ۲: شهریاران ۲۹- ق (نیز پ، ب): تن؛ ل: بی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰- ل، س
 از آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱- (ق: آ: شهان) ۳۲- س، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب): وزو؛ متن = ل (نیز ل، آ) ۳۳- ل: بیشی؛
 (لن: آ: دیدی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۴- ل (نیز ق، آ): از رزم و؛ ق، ل ۲ (نیز ل، آ، لن، و، ب): آزر و؛ (پ: اندوه و)؛ متن = س، ک، س ۲
 (نیز لن، آ): بنداری؛ فقال له بعض الموايذة: إن كنت تريد الملك فالرأى أن تتولى على ممالك فارس ثم تقصد الرى وتقاتل
 أردوان. فإنه أعظم ملوك الطوائف قدراً، وأعلاهم أمراً، وأكثرهم جنوداً وكنوزاً ۳۵- ل: زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۶- (ق: آ):
 از آن پس کسی ۳۷- س ۲ (نیز لن): تا و (پساوند ندارد)؛ (و: نیز پای)؛ ل: این بیت را ندارد ۳۸- ق، ل ۲ (نیز ق، آ، پ، و، لن، آ): <و>؛ ک، س ۲
 (نیز لی): شایسته؛ (آ: گوینده)؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، آ، پ)

۳۷۵ نکرد ایچ^۴ بر تختِ شاهی^۵ درنگ
 یکی نامور بود نامش^۸ بُناک^۹
 که بر^{۱۲} شهر جهرم^{۱۳} بُد او پادشا
 مر او را خجسته پسر بود هفت
 ز جهرم بیامد^{۱۶} سوی^{۱۷} اردشیر
 ۳۸۰ چو^{۱۹} چشمش به روی سپهد^{۲۰} رسید
 بیامد^{۲۳} دوان^{۲۴} پای او بوس^{۲۵} داد
 فراوان جهانجوی بنواختش
 پر اندیشه شد نامجوی^{۲۹} از بُناک^{۳۰}
 به راه‌اندر از^{۳۳} پیر^{۳۴} آژیر^{۳۵} بود
 ۳۸۵ جهاندیده^{۳۷} بیداردل بود^{۳۸} پیر
 بیامد، بیاورد^{۴۰} استا و زند
 به سویِ سطر^۱ آمد از پیش^۲ آب
 دلش گشت پر درد^۳ و تیره روان
 سپاهی بیاورد با^۶ سازِ جنگ^۷
 ابا آلت و لشکر^{۱۰} و رای^{۱۱} پاک،
 جهاندیده با داد^{۱۴} و فرمان‌روا
 چو آگه شد^{۱۵} از پیشِ بهمن برفت
 ابا لشکر و کوس و با داروگیر^{۱۸}
 از^{۲۱} اسپ اندر^{۲۲} آمد چنان‌چون سزید
 ز ساسانیان بیشتر^{۲۶} کرد یاد
 به زود آمدن ارج^{۲۷} بشناختش^{۲۸}
 دلش گشت از آن^{۳۱} پیر پر ترس^{۳۲} و باک
 که با او سپاهی^{۳۶} جهانگیر بود
 بدانست^{۳۹} اندیشه‌ی اردشیر
 چنین گفت کز کردگار بلند،

۱-ل، ق، ک (نیز لن، لی-لن، آ، ب): صطرخ؛ متن = س، ل، آ، س (نیز ق، آ، ا، ب، ک: سوی؛ ل: روی)؛ س، ق، ل، آ، و، لن، آ، ب سرنویس جنگ
 اردشیر و بهمن اردوان را در اینجا آورده‌اند؛ بنداری: فاذا قهرته و ملکت خزائنه لم یبق أحد یقاومک فی جمیع الممالک. فاستصوب
 اردشیر رأی الموبذ، و رکب فی أصحابه و صار نحو اصطخر ۳-ل: آ، بییم ۴-لی: (از) ۵-ق: (آ: شاهان) ۶-س: بی؛ (ق: آ: بر) ۷-لی:
 بی مر به جنگ) ۸-ب: (پیش) ۹-ل: سباک؛ س، س: آ: نیاک؛ ق، ک، ل، آ (نیز لی، ل، آ، پ، لن، آ، ا، ب): نیاک؛ (ق: آ: ناک (حرف دوم بی نقطه)؛
 و: ناک (حرف دوم بی نقطه))؛ متن = (لن، ب): بنداری: بیاک ۱۰-ق، ک، س، آ (نیز ب): لشکر و آلت ۱۱-ل: (آ: جای) ۱۲-ل: در؛ متن =
 چهارده دستویس دیگر ۱۳-لن، لی، آ: خرّم) ۱۴-ک، س، آ (نیز لن، لی، آ): رای؛ س، و: پاک؛ (ل، آ، و: دانا؛ ق، آ، لن: آ: جهاندیده و راد)؛ متن =
 ل، ق، ل، آ (نیز ب، ب) ۱۵-ق: (آ: بُد)؛ ک، س، آ (نیز لی): بشنید ۱۶-ک، س، ک، س، آ (نیز لن، آ): بیامد ز جهرم؛ (لن، لی: بیامد ز خرّم) ۱۷-لی: (بر)؛
 ق (نیز ب): بیامد سوی نامجوی؛ (پ: بیامد سوی نامور) ۱۸-لی: (تیر)؛ ل، آ، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: فلما علم بهمن بن اردوان
 یا قبالة رکب فی عساکره، و تاهب لقتاله. و کان فی جملته بهلوان کبیر یسمی بیاک و هو صاحب مدینة جهرم، و له سبع بنین، و کان
 صاحب شوکة و قوّة. فانحاز الی اردشیر و انضم الی جملته بجمیع أصحابه و عساکره ۱۹-لن: (دو) ۲۰-ل: (آ: تهمت) ۲۱-ل، س، ک، س، آ
 (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ، ا، ب، لن، آ، ا، ب): ز؛ متن = ق (نیز ق، آ، ب) ۲۲-ل: باره در؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ ل، آ، و این بیت را ندارند ۲۳-س: پیاده
 ۲۴-ل، ق (نیز لی، پ، ب): دمان؛ متن = س، ک، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ، ا، ب) ۲۵-س-ل: (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب): بوسه؛ متن = ل، س، آ (نیز
 لی، ل، آ، لن، آ) ۲۶-ق، ل، آ (نیز پ، لن، آ): ساسان پیشین همی؛ (ق، آ، ب: ساسان به پیش همی)؛ متن = ل، س، ک، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، ا، ب) و این
 بیت را ندارد ۲۷-س: اندر آمد چو؛ (ق: آ: به زود آمد و زود) ۲۸-ل: آ: نشناختش؛ (لن، آ: آمدن زود بشناختش) ۲۹-ق: آ: نامدار؛ آ:
 تاجور) ۳۰-ل: سباک؛ س: ناک (نقطه ندارد)؛ ق (نیز لن، ب): نیاک؛ ک، ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، آ، پ، لن، آ، ا، ب): نیاک؛ و: ناک (حرف
 دوم بی نقطه))؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۱-ل، س (نیز لن): زان؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۲-ل: پیر بییم؛ ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، آ، و،
 لن، آ، ا، ب) ۳۳-ل (نیز لی، ب): اندرون؛ س، آ (نیز ق، آ): اندر آن؛ (لی: از بر پیر)؛ ک: اندر آن بر آژیر
 (وزن ندارد)؛ متن = س، ق (نیز لن، ل، آ، لن، آ، ا، ب) ۳۴-پ: آن مرد؛ و: اندر از پیش) ۳۵-ب: اندرون مرد را چیره؛ (ل، آ: که آن مرد پیری به
 تدبیر ۳۶-ل (نیز ق، آ، ل، آ، و): سپاه؛ ل، آ: ابا او سپاهی؛ (ق: آ: که با او سپاه)؛ متن = س، ق، ک، س، آ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ا، ب)؛ بنداری: فأکرمه
 اردشیر و قبله اتم قبول غیر أنه توهم أنه انما انحاز الیه لاحتیال و اغتیال فأوجس منه خفیه فی نفسه. فکان یحترز منه ولا یسترسل الیه
 ۳۷-ل، آ: جهانجوی ۳۸-س (نیز لن، آ): مرد ۳۹-س (نیز لن، آ): بدانست از ۴۰-لن، آ: بیاورد و بنهاد)

بریده‌ست^۱ پرمایه‌جان^۲ بُناک^۳
 چو آگاهی آمد ز شاه‌اردشیر
 چنان سیر گشتم سر^۴ از اردوان^۵
 ۳۹۰ مرا نیک‌پی^{۱۰} مهربان‌بنده دان^{۱۱}!
 چو بشنید ازو^{۱۴} اردشیر این^{۱۵} سخن
 مر او را به جای پدر داشتی
 دل شاه از^{۱۷} اندیشه آزاد شد^{۱۸}
 نیایش همی^{۲۱} کرد نزد خدای
 ۳۹۵ به هر کار پیروزگر دارَدش^{۲۳}
 و ز^{۲۵} آن جایگه شد به پرده‌سرای
 سپه را درم داد و آباد کرد

گفتار اندر رزم اردشیر با بهمن اردوان^{۲۶}

چو شد لشکرش^{۲۷} چون دلاورپلنگ^{۲۸} سوی بهمن اردوان شد به جنگ

۱-ل: نژدست؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-س، ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۲-ب): بی مایه جان؛ ک، س، آ: بی باک جان؛ (لی: بی مابجان (حرف سوم بی نقطه))؛ متن = ل ۳-ل: سبک؛ س، ق: نیاک؛ ک، ل، ۲، س (نیز ل، ل، ۲، پ، ل، ۲، آ): تباک؛ (لن: باک (حرف یکم بی نقطه))؛ ق، ۲: ناک (حرف دوم بی نقطه)؛ و: ناک؛ ب: نباک؛ متن تصحیح قیاسی است ۴-س (نیز ق، ۲): در دلم رنگ و کین است و ناک (واژه پسین بی نقطه)؛ (لی: در دلم رنگ چینیست خاک؛ پ: نیست از بد دلش با تو پاک؛ لن، ۲: نی دلم دنگ چینیست و خاک؛ و: در دلش رنگ حیلست و ناک (واژه پسین بی نقطه)؛ ق (نیز ب): که گر در دلم رنگ برشت خاک؛ ک، س، ۲ (نیز لن): و گر در دلم رنگ و زنگست و خاک؛ (ل، ۲): که اندر دلم نیست چیزی ز باک؛ آ: و گر در دلم زنگ و چین است و خاک)؛ متن = ل، ل، ۲، ۵-ق: از آن؛ ک، ل، ۲، س (نیز پ، آ): بدان؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ۲، لی، و، لن، ۲، ب)؛ ل ۳ این بیت را ندارد ۶-س (نیز ق، ۲، لی، لن، ۲): من؛ ل (نیز و): سرگشتم؛ ق، ل، ۲ (نیز ب): گشتم؛ (پ: برگشتم)؛ متن = ک، س، ۲ (نیز لن، آ) ۷-ل (ن: کارزار) ۸-س: گشته؛ (پ: طبع) ۹-ل (ن: که از شیر ترسان شود مرد کار)؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۱۰-ق (نیز ل، ۲): دل؛ ل ۲ (نیز ب): نیک تر ۱۱-ق (۲): من ای نیک‌پی مهربان بنده‌ام)؛ متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۲-ک: شکیبایی ۱۳-ل (نیز و، لن، ۲، آ): داننده؛ (ل، ۲: گوینده)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فأحس البهلوان المحنک بما هجس فی ضمیر اردشیر فأخذ کتاب الزند، ودخل علیه وحلف له أنه لم یضمر سؤا، ولم یبطن له مکروها، وأنه لم یحمله علی قصده إلا خلوص الطویة ومحض المحبة ۱۴-ل، س (نیز لن، لن، ۲): زو؛ (لی: شاه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ک، س، ۲ (نیز لن): آن ۱۶-س، س، ۲ (نیز آ): بدان؛ (ب: بدین)؛ متن = ل (نیز لن، لن، ۲) ۱۷-ل: ز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-س، ک، س، ۲ (نیز لن، آ): گشت؛ متن = ل، ق، ل، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۹-ل (ن: و رام؛ ق، ۲، لن، ۲: آرام؛ لی، و: زاد و؛ آ: رام و؛ ب: آنک زونام)؛ متن = ۲۰-س، ک، و رام و خزاد گشت؛ س، ۲: رام و خزاد گشت؛ ل، ۲: به دیدار آن شیر دل شاد شد؛ متن = ل، ق (نیز ل، ۲، پ) ۲۱-ل: بسی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-ق (۲): ش < (وزن ندارد))؛ ل، ۲: باشد بدین؛ (لی: باشد ابر؛ ل، ۲: باشد بر آن؛ آ: باشد برین)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳-ق (نیز ب): داشتش ۲۴-ق (نیز ب): داشتش؛ ک، س، ۲ (نیز لی، آ): بیار آردش؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۵-س، ۲: از ۲۶-س: جنگ اردشیر با اردوان و کشته شدن اردوان؛ ق: لشکر کشیدن بهمن اردوان به جنگ اردشیر و محاربت ایشان؛ ی: گریختن بهمن بن اردوان از اردشیر؛ ل، ۲: رزم اردشیر با بهمن اردوان؛ س، ۲: جنگ کردن اردشیر با اردوان؛ متن = ل، در، س، ق، ل، ۲ این سرنویس کمی بالاتر آمده است و در ک، س، ۲ کمی سپس تر ۲۷-ل (ب: لشکری) ۲۸-ل (ب: نهنگ)؛ لی، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بیامد برش (ب: پس) بهمن اردوان
 مر او را سپاهی ز پیر و جوان

چو گشتند نزدیک یک با دگر^۱
 ۴۰۰ سپاه^۲ از دو رویه کشیدند صف
 چو شیران جنگی برآویختند
 برین^۸ گونه^۹ تا گشت خورشید زرد
 چو شد^{۱۱} چادر چرخ^{۱۲} پیروزه رنگ
 برآمد یکی باد و گردی^{۱۵} چو قیر
 ۴۰۵ [بیفگند ازیشان^{۱۹} فراوان به گرز
 گریزان بشد بهمن اردوان
 پس اندر^{۲۳} همی تاخت^{۲۴} شاه اردشیر
 برین هم نشان تا به شهر سطر^{۲۶}
 ز^{۲۸} گیتی چو برخاست آواز شاه
 ۴۱۰ مر او را فراوان نمودند گنج^{۳۱}
 درم های آگنده را برفشاند

برفتند گردان پرخاشگر^۲
 همه نیزه و تیغ هندی^۴ به کف
 چو جوی^۵ روان خون همی^۶ ریختند^۷
 هوا پُر ز گرد و زمین پُر ز مرد^{۱۰}
 سپاه بُناک^{۱۳} اندرآمد^{۱۴} به جنگ
 بیامد^{۱۶} ز^{۱۷} قلب سپاه^{۱۸} اردشیر
 که با زور و دل بود و با فر و بُرز
 تنش خسته از^{۲۰} تیر^{۲۱} و تیره^{۲۲} روان
 ابا ناله ی بوق^{۲۵} و باران تیر
 که بهمن بدو داشت آواز و^{۲۷} فخر
 ز هر سو بیبوست^{۲۹} بی مر^{۳۰} سپاه
 کجا بهمن آگنده^{۳۲} بود آن^{۳۳} به رنج
 به نیرو شد، از پارس^{۳۴} لشکر براند

۱-ل. س. ک. ل. س. ۲. س. ۲ (نیز ق. ۲. پ. آ). با یکدگر؛ (ب. اندر نبرد)؛ متن = ق (نیز لن. و. لن. ۲) - ۲. (ب. ز دادار نیکی دهش یاد کرد)؛ بنداری:
 فلما علم منه ذلك استنام اليه، و عول في جميع اموره عليه، و اتخذها ابا شفيقا و ناصحا امينا. فسار في جموعه حتى قرب من بهمن
 فالتقوا و دارت بينهم رحى الحرب ۳. (ب. سپه) - ۴. ل. ۴. آ. روین؛ س. ک. س. ۲. آ. پس از این بیت افزوده اند:

بیامد برش (ک. س. ۲. آ. ز پس) بهمن اردوان سپاهی مراورا (ک. س. ۲. آ. مراورا سپاهی) زیرو جوان

۵-س (نیز آ): رود؛ (ق. آ. آب) - ۶. (لن. آ. ز تن ها همی جوی خون) - ۷. (لی. همی خاک با خون برآمیختند)؛ متن = ل. ق. ل. ۲ (نیز لن. ل. ۲. پ. و. ب.)؛ ک. س. ۲. به جای این بیت آورده اند:

برآمیختند و برآویختند همی خاک با خون بیامیختند

۸-ل. س. ق. ل. ۲ (نیز لی. لن. آ. ب): بدین؛ متن = ک. س. ۲ (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. پ. و. آ) - ۹. ک. س. ۲. بود - ۱۰. (و. درد)؛ ک. پ. نبرد؛ ل. ۲. لاجورد؛
 س. ۲. پرز نبرد (وزن ندارد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-س. از ۱۲-ل. سرخ؛ متن = س. ل. ۲ (نیز لن. ب) - ۱۳-ل. سبک؛ س. ق. ک.
 (نیز لی. آ): تباک؛ ل. آ. تبا؛ متن = (لن. ب) - ۱۴. (ق. آ. اندرآمد ز هر سو)؛ س. ۲. بیت های ۴۰۳-۴۰۶ را ندارد - ۱۵-ل. ۲ (نیز پ): ابری
 ۱۶-ل. ۲ (درآمد) - ۱۷. (ق. آ. به) - ۱۸. (و. سپه)؛ ک. (نیز لی. آ): در افتاد در قلبگه (لی. قلبگاه) - ۱۹-ل. زیشان؛ متن = س. ک. ل. ۲ (نیز لی. آ)؛ ق.
 س. ۲. لن. ق. ۲. ل. ۲. ب این بیت را ندارند - ۲۰-ل. خسته؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- (ق. آ. درد) - ۲۲. (لی. خسته) - ۲۳. (پ. او)
 ۲۴. (ق. آ. رفت) - ۲۵. ک. س. ۲ (نیز لی. آ. ب): کوس؛ متن = ل. س. ل. ۲ (نیز شش دستنویس دیگر)؛ بنداری: و جرت وقعة عظيمة انكشفت
 عن هزيمة بهمن. فهرب في خف من عدده، و نجا بجريعة اللذن؛ ق این بیت را ندارد - ۲۶-ل. ق. ک. (نیز لن. لی. لن. آ. ب): سطر؛ متن =
 س. ل. ۲. س. ۲ (نیز ق. ۲. آ. ب) - ۲۷. س. ک. س. ۲ (نیز لی. آ): آیین و؛ ق. آغاز؛ (و. آرام و؛ پ. دشتی تاج)؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. لن. آ. ب)؛
 برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ ک. گریختن بهمن اردوان از اردشیر؛ ل. ۲. رزم کردن اردشیر با اردوان - ۲۸. (آ. به)
 ۲۹-ک. سوی بیبوست - ۳۰. (و. بر او انجمن شد) - ۳۱. (ب. رنج) - ۳۲. (آ. بابک افگنده)؛ ل. آ. که بابک بیانگنده - ۳۳. (لی. بابک آگنده بودش)
 ۳۴-ل. ق. ل. ۲ (نیز لن. آ. ب): پارس و؛ ک. س. ۲ (نیز لی. و. آ): برون آمد از پارس و؛ متن = س. (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. پ. و.)؛ بنداری: فسار اردشیر
 الى اصطخر، و ملكها و ملك بملكها فارس. فاجتمع اليه اهل تلك الممالك فدلوه على خبايا بهمن و ذخائره فاستولى عليها و فرقها
 على عساكره

گفتار اندر جنگ کردن اردشیر با اردوان^۱

چو آگاهی آمد سوی اردوان
چنین گفت کین^۵ را ز^۶ چرخ بلند
هر آن بد^۸ کز اندیشه بیرون بود^۹
گمانی نبردم که از اردشیر^{۱۲}
در گنج بگشاد و روزی بداد
ز گیل و ز دیلم بیامد سپاه^{۱۶}
و زان روی لشکر بیاورد^{۱۷} شاه
میان دو لشکر دو پرتاب ماند
۴۲۰ ز بس ناله‌ی بوق^{۱۹} با کزه‌نای
خروشان سپاه^{۲۲} و درفشان درفش
چهل روز ازین^{۲۵} سان همی جنگ بود
ز هر گونه‌ی تنگ شد خوردنی
ز بس کشته، شد روی هامون چو کوه
۴۲۵ سرانجام^{۳۲} ابری برآمد سیاه

دلش گشت پر بیم^۲ و تیره^۳ روان^۴
همی گفت با من^۷ خداوند پند:
ز بخشش به کوشش^{۱۰} گذر چون بود^{۱۱}؟!
یکی نامجوی آید^{۱۳} و شهر^{۱۴} گیر
سپه برگرفت و بینه برنهاد^{۱۵}
همی گرد لشکر برآمد به ماه!
سپاهی که بر باد بر بست راه!
به خاک اندرون مار بی خواب^{۱۸} ماند!
جرنگیدن^{۲۰} زنگ^{۲۱} و هندی درای،
برافشان^{۲۳} دل از^{۲۴} تیغ‌های بنفش!
بر آن زیردستان^{۲۶} جهان^{۲۷} تنگ بود
همان تنگ^{۲۸} شد^{۲۹} راه آوردنی
شده^{۳۰} خسته از زندگانی^{۳۱} ستوه!
بشد کوشش^{۳۳} رزم را^{۳۴} دستگاه

۱-ل (کمی پایین تر): کشته شدن اردوان بر دست اردشیر؛ س (کمی بالاتر): جنگ اردشیر با اردوان و کشته شدن اردوان؛ ق (کمی پایین تر): رزم اردشیر بابکان با اردوان و گرفتاری اردوان؛ ک: گرفتار شدن اردوان بر دست خُرّاد؛ ل: رزم کردن اردشیر با اردوان؛ س: جنگ کردن اردشیر با اردوان ۲-س، ل: (نیز ق: آ، و): درد؛ متن = ل، ق، ک، س: (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۳-ک، س: آ: خسته ۴-ل: (که پیروز شد اردشیر جوان) ۵-ک، س: (نیز لی، آ): کز ۶-س: آ: راه ۷-ل: آ: نامش ۸-ق، ل: (نیز پ): هر آنکس؛ (ق: آ: همان بد؛ لن: آ: همان به) ۹-ق، ل: (نیز پ): شود؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ق: (ز کاهش)؛ ک، س: (نیز آ): به کوشش ز بخشش؛ (لی: به کوشش ز بختش؛ ب: ز کوشش به بخشش)؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز لن، ل، لن، آ) ۱۱-ل: (نیز پ): شود؛ ق: دگرگون شود؛ (ب: برو چون بود) ۱۲-ل: (این اردشیر)؛ ل: کجا ز اردشیر ۱۳-ل: آ: آمد؛ ل: نامجو زاید؛ ق: نامجو آید؛ (ل: چنین نامجوی آید) ۱۴-ل: (شیرگیر) ۱۵-ک این بیت را ندارد ۱۶-ک، س: (نیز لی، آ): سپه کرد شاه؛ و این بیت را ندارد ۱۷-ک (نیز آ): بر آورد؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

چو آگاهی آمد بر اردشیر که آورد لشکر بر آبگیر

بنداری: و لما انتهى الخبر بذلك الى اردوان ضاقت عليه الأرض بما رحبت. فحشد الجموع و جند الجنود و سار من الری قاصدا قصد اصطخر. فلتقاء اردشیر ۱۸-ل: مار بی تاب؛ ک: ماه بی خواب؛ (لی: خار بی خار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ ق در اینجا سرنویس دارد: رزم اردشیر بابکان با اردوان و گرفتاری اردوان ۱۹-ق-س: (نیز لن، ب): کوس؛ متن = ل، س ۲۰-ل: ترنگیدن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۱-و: (گرز) ۲۲-ک، س: (نیز آ): سوار؛ (ل: خروش سپاه) ۲۳-س-س: (نیز لن، ب): سرافشان؛ متن = ل ۲۴-س، ق: (نیز لن، پ، و، لن، آ): >از<؛ ک، س: (نیز لی، آ، ب): سر؛ ل: (نیز ق: آ): دل و؛ (ل: شد آن)؛ متن = ل ۲۵-ل: (نیز لن، آ): زین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶-ک، س: (نیز لی، آ، ب): نامداران؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷-ک، س: (نیز آ): زمین؛ بنداری: و اتصلت الحرب بينهما أربعين يوما متواليه ۲۸-س، ک، س: (نیز لی، آ، ب): بسته ۲۹-ق: بد؛ لن این بیت را ندارد ۳۰-ل، س: بشد؛ متن = ق-س: (نیز لن-لن، آ، ب) ۳۱-آ: شد از زندگان مانا (وزن ندارد) ۳۲-ک، س: (نیز لی، آ): به فرجام؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳-ل، ل، آ، س: (نیز آ): کوشش و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۴-س: با

دل جنگیان گشت از آن^۲ پُرشکن
 خروشش همی از هوا برگذشت!^۳
 شدند اندرین یک سخن هم‌زبان^۴،
 برین^۵ لشکر اکنون بیاید گریست!
 همه^۶ بخردان خواستند^۷ زینهار
 چکاچاک^۸ برخاست و باران^۹ تیر
 -بداد از پی تاج شیرین‌روان!-
 چو بگرفت، بردش گرفته لگام^{۱۰}،
 ز دور اردوان را^{۱۱} بدید^{۱۲} اردشیر،
 تنش خسته^{۱۳} تیر و تیره^{۱۴} روان^{۱۵}
 که رو^{۱۶} دشمن پادشا^{۱۷} را بگیر،
 دل بدسگالان پُر از بیم^{۱۸} کن^{۱۹}!
 شد آن نامدار از^{۲۰} جهان ناپدید

یکی باد برخاست با بومهن^۱
 بنوفید^۲ کوه و بلرزید^۳ دشت
 بترسید از آن^۴ لشکر اردوان
 که^۵ این کار بر اردوان ایزدیست!
 به روزی^۶ کجا سخت^۷ شد کارزار
 بیامد^۸ ز قلب سپاه اردشیر
 گرفتار شد در میان^۹ اردوان^{۱۰}
 به دست یکی مرد خردانام؛
 به پیش جهانجوی^{۱۱} بردش اسیر؛
 فرود آمد از اسپ^{۱۲} شاه اردوان
 به دژخیم^{۱۳} فرمود شاه^{۱۴} اردشیر
 به خنجر میانش به دو نیم کن^{۱۵}!
 بیامد دژآگاه^{۱۶} و فرمان گزید^{۱۷}

۱-ل: از انجمن؛ س، ک، س، آ (نیز لی، و، آ): بس سهمگن؛ ق (نیز ق، آ، ب): زان انجمن؛ ل، آ: بس هولگن؛ (ب: چون اهرمن؛ ل: آ: یکی برخاست بانو مهن (وزن ندارد))؛ متن = (لن) ۲-ل، س، ق (نیز لی، ق، آ، لی): زان: ک: گشته شد؛ ل، آ: شد از آن؛ (ب: جنگجو گشت از آن)؛ متن = س، آ (نیز پ-آ): ل این بیت را ندارد ۳-ل، س، آ: بتفید؛ س: بنوفد (حرف‌های چهارم و پنجم بی نقطه)؛ ل، آ (نیز لن، لی، و-ب): بتوفید؛ ق، آ: بدید؛ متن = ق (نیز پ) ۴-ل، س، آ (نیز لن، لی، پ-آ): بدید؛ ق، آ: بتوفید؛ متن = ل، ق، س، آ (نیز ب) ۵-س، آ: درگذشت؛ (لی: خروش سپاه از هوا درگذشت)؛ ک، ل این بیت را ندارند ۶-ل (نیز لن): زان؛ ل، آ: پس؛ (آ: ازو)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۷-ل (نیز زفان): ق: اندر آن بی دل و بی روان؛ ک، ل، آ، س، آ (نیز لی، پ، آ، ب): اندر آن یک دل و یک زبان؛ (ق، آ: بشد اندر آن یک سخن یک زمان)؛ ق در بالای خط افزوده است: شدند اندر آن یک دل و یک زبان ۸-ق: چه ۹-ل، ل، آ (نیز لی، لن، آ): بدین؛ متن = ده دستویس دیگر؛ لی پس از این بیت افزوده است:

یکی باد برخاست از رزمگاه که گفتی جهان گشت یکر سپاه

۱۰-لی: به جایی؛ آ: بزودی) ۱۱-س، آ: خسته ۱۲-ق، آ: همی) ۱۳-ل: خواستند آنگهی؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ بنداری: ثم نبدت مبادی الدبره علی أصحاب اردوان، و عصفت فی وجوهم ریح کادت منها الجبال تعور موراً، فأصبح ماء اردوان غوراً، و استامن جمیع أصحابه الی اردشیر ۱۴-ک (نیز لی، آ): برآمد ۱۵-ل (نیز ل، آ، ل): کجا خاک) ۱۶-ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، ب): آواز؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۷-س (نیز لن، لن، آ): اردوان؛ ق (نیز ب): در زمان؛ ک، س، آ (نیز لی، آ): گشت از میان؛ متن = ل، ل، آ (نیز ق، آ، ب، و) ۱۸-س (نیز لن، لن، آ): در میان ۱۹-لی: لجام)؛ ک در اینجا سرنویس دارد: گرفتار شدن اردوان بر دست خزاد ۲۰-ل، آ: جهانگیر؛ (ق، آ: جهاندار) ۲۱-لی: ز دوران دون را) ۲۲-ل، آ: چو دید ۲۳-ل: باره؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۴-ق، ل، آ (نیز پ، و، ب): خسته از؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ل) ۲۵-لی: پر از درد تیره مر او را) ۲۶-ک، س، آ (نیز آ): شده (س، آ: بشد) ست از بیم و گشته نوان؛ و پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت کای اهرمن را ندیم ز بیدادی تو جهان پر ز بیم
 بسی کرده‌ی اندر ایران بدی بیایی تو پادافره ایزدی

۲۷-آ: پدژخیم) ۲۸-لی: پس) ۲۹-س (نیز لن، آ): شو؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۰-ق، آ: شاه خود) ۳۱-س، آ: کرد ۳۲-ل، آ: بدسگالش بدو نیم ۳۳-ل: به درگاه؛ ق، آ: درآگاه؛ لی: همان گاه؛ ل، آ: ز درگاه؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۴-س: کنید ۳۵-ل، ق، ل، آ: از؛ متن = دوازده دستویس دیگر

چه با اردوان و چه با اردشیر!
 سپارد هم آخر^۳ به خاک نژند!
 بدو^۴ تخمهی آرشى خوار شد!
 به زندان فرستاد شاه بلند
 به دام بلا در^۹ نیاویختند:
 -سزد گر کنى زین یکی^{۱۱} داستان!
 پر از آلت^{۱۳} لشکر و سیم و زر^{۱۴}
 ببخشید از آن^{۱۵} پس همه^{۱۶} بر سپاه
 تن اردوان را ز خون کرد پاک
 بر آیین^{۱۹} شاهان یکی دخمه کرد
 ز کافور کرد افسرى بر سرش
 ز لشکر هر آنکس که شد سوي ری
 چنین گفت کای شاه دانش پذیر،
 که با فرّ و بُرزست^{۲۷} و با تاج و گاه^{۲۸}!
 کجا اردوان گرد کرد آن به رنج!
 هم اندر زمان دختر او^{۳۳} بخواست!

-چنین است کردار این چرخ پیر
 ۴۴۰ اگر تا^۱ ستاره برآرد^۲ بلند
 دو فرزند او هم گرفتار شد
 مر آن هر دو را پای کرده به^۵ بند
 دو بُد مهتر^۶، از^۷ رزم^۸ بگریختند
 برفتند گریان^{۱۰} به هندوستان
 ۴۴۵ همه رزمگه^{۱۲} پر ستام و کمر
 بفرمود تا گرد کردند شاه
 برفت از میان بزرگان بُناک^{۱۷}
 خروشان بشستش^{۱۸} ز خاک نبرد
 به دیبا بپوشید خسته^{۲۰} برش
 ۴۵۰ بیمود پس^{۲۱} خاکگاهش^{۲۲} به پی
 وُزان پس بیامد^{۲۳} بر^{۲۴} اردشیر
 تو فرمان کن^{۲۵} و دختر او^{۲۶} بخواه
 به دست آیدت افسر^{۲۹} و تاج^{۳۰} و گنج
 ازو پند بشنید و^{۳۱} گفتا: رواست^{۳۲}!

۱- (لن، ل. ۳: با) ۲- (لی: برآمد)؛ س: نگر تا که را بر فرزند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- س، ک، س. ۲ (نیز ق. ۲، لی، آ، ب): هم او را؛ ق. ل ۲ (نیز لن، پ، لن، ۲): مر او را؛ (ل. ۳: همانا؛ و: همان را)؛ متن = ل: برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ ل: کشته شدن اردوان بر دست اردشیر؛ س (کمی بالاتر): جنگ اردشیر با اردوان و کشته شدن اردوان؛ ق (کمی بالاتر): رزم اردشیر بابکان با اردوان و گرفتاری اردوان؛ ک (کمی بالاتر): گرفتار شدن اردوان بر دست خرداد؛ ل. ۲، س. ۲ در اینجا سرنویس ندارند ۴- ل: برو؛ س، ق، ک، س. ۲ (نیز لن، لی-ب): وزو؛ (ق. ۲: ازو)؛ متن = ل ۲- ۵- ق (نیز پ، ب): کردند؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ک بیت های ۴۴۲-۴۴۳ را ندارد ۶- (ل. ۲: دوی دیگر) ۷- س. ۲ (نیز لی، آ): دو مهتر کزین ۸- س: جنگ ۹- س، ق، س. ۲ (نیز لی، پ، و، لن، ۲، ب): بر ۱۰- ک: گردان؛ (ل. ۳: پویان؛ لی: دو مهتر برفتند) ۱۱- ل: سخن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: و حُمَل اَرْدَوَان اِلَیْهِ اَسِیْرًا فَأَمْرًا بِه فَوْسَطًا بِالسَّیْفِ فِی ذَلِکَ الْمَعْتَرِکَ. وَأَسْرَ مِنْ بِنِیْهِ اِثْنِیْنِ، وَفَرَّ اَخْرَانِ اِلَیْ بِلَادِ الْهِنْدِ ۱۲- (لی: بزمگه) ۱۳- ل، ق (نیز لن، ۲): آلت و: متن = س، ل. ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل. ۳، پ، و، ب) ۱۴- ک: جوشن و تیر و تیغ و سپر؛ س. ۲ (نیز آ): جوشن و ساز و تیغ و تیر؛ (لی: جوشن و تیغ و ساز و سپر) ۱۵- ل، س، ک، ل. ۲ (نیز لی): زان؛ متن = ق، س. ۲ (نیز لن، ق، ۲، پ-ب) ۱۶- (ل. ۳: آن خواسته؛ لن: همه) < وزن ندارد > ۱۷- ل: ستاک؛ س، ل. ۲، س. ۲ (نیز لن-پ): تباک؛ ق، ک (نیز ب): بُناک؛ (و: ساک) (نقطه ندارد)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸- ل. ۲: ببردش ۱۹- س. ۲ (نیز لی): به آیین؛ ک این بیت را ندارد ۲۰- (لی: روشن) ۲۱- ل: به بیمود از؛ س (نیز لن، ق، ۲، پ، و، لن، ۲): بیمود کس؛ ق: بیمود پس؛ (ل. ۳: نه بنمود کس؛ ب: بفرمود پس)؛ متن = ک، س. ۲ (نیز لی، آ) ۲۲- ل، س (نیز لن، ل. ۳، پ، و): کاخش؛ ق، ک، س. ۲ (نیز لی، آ، ب): خاک او را؛ (ق. ۲: خاک پایش)؛ متن = (لن، ۲): ل این بیت را ندارد ۲۳- ک، س. ۲ (نیز لی، آ): یکی موبد آمد؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فاستعلی أمر اردشیر، و حصل من عساکر اردوان علی نعم وافرة و اُنْقَالَ کَثِیْرَة، ففرقها علی جیوشه. و اُتاه بیاک ۲۴- (ق. ۲، و: سوی) ۲۵- ل، ق، ل. ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل. ۲-لن، ۲، ب): بر و: متن = س، ک، س. ۲ (نیز لی، آ) ۲۶- ک، س. ۲ (نیز لی، آ): دخترش را ۲۷- س، ق، ک، س. ۲ (نیز ل. ۳، و-ب): زیست؛ متن = ل، ل. ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ) ۲۸- ک، س. ۲ (نیز آ): دستگاه ۲۹- ق، ل. ۲ (نیز ب): گوهر ۳۰- (پ: گاه) ۳۱- (لی، ل. ۳: < و >) ۳۲- ق: گفتار راست ۳۳- ک، س. ۲ (نیز لی، آ): دخترش را؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد

۴۵۵ به^۱ ایوانِ او بود تنگ^۲ دو ماه
توانگر سپهبد، توانگر سپاه!

سوی پارس آمد ز ری نامجوی^۳
یکی شارستان^۴ کرد پر کاخ و باغ^۵
که اکنون گرانمایه^۶ دهقانِ پیر
یکی چشمه بر یک کران^۷ اندروی
۴۶۰ برآورد از آن^۸ چشمه آشکده
به گرداندرش^۹ باغ و میدان^{۱۰} و کاخ
چو شد شهر با آتش^{۱۱} و فرّ و زور
به گرداندرش^{۱۲} روستاها بساخت
به جایی یکی ژرف دریا بدید

برآسوده^۴ از رنج^۵ و از^۶ گفتگوی^۷
بدوی^۸ اندرون چشمه و دشت و راغ^۹
همی خواندش خزّه‌ی اردشیر
فراوان ازو^{۱۰} رود بگشاد و^{۱۱} جوی^{۱۲}
بدو^{۱۳} تازه شد مهر جشن و^{۱۴} سده
برآورده^{۱۵} شد جایگاه^{۱۶} فراخ
همی خواندش مرزبان^{۱۷} شهر گور^{۱۸}
چو آباد کردش کس اندر^{۱۹} نشاخت
همی کوه بایست پیشش^{۲۰} برید:

۱-س (نیز لن^۱): در ۲-س: خسرو؛ ک، س^۲ (نیز لی، آ): بیش از؛ ل^۳: قرب؛ (و: تا یک)؛ ل: بُد همی یک؛ (لن: بُد به تنگ)؛ متن = ق (نیز ق^۴، ل^۵، پ، لن^۶، آ، ب)؛ بنداری: و قال له: الرأی أن تزوج بابتة أردوان حتی تدلک علی کنوزه و دفانته، و یکون ذلک سببا لکمال السلطنة لک. فاستصوب رأیه و سار الی الری و تزوج بها، و أقام فی ایوانها شهرین ۳-ق: رزمجوی؛ (ق^۴: نامخواه؛ لی: چو از پارس آمد به ری نامجوی) ۴-س-س^۵ (نیز ق^۶-پ، لن^۷، آ، ب): برآسود؛ متن = ل (نیز لن، و) ۵-ل (نیز ق^۶): رزم؛ ل^۷: جنگ؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۶-ل، س، ق، ل^۸ (نیز ل^۹، لن^{۱۰}): وز؛ متن = ک، س^{۱۱} (نیز لن، ق^{۱۲}، لی، پ، و، آ، ب) ۷-ق (نیز ق^{۱۳}): از رنج راه ۸-ق، ل^۹ (نیز لی، ل^{۱۰}، پ، ب): شارسان؛ متن = ل، س، ک، س^{۱۱} (نیز لن، ق^{۱۲}، و، لن^{۱۳}، آ) ۹-ک، س^{۱۴}: گاه و باغ؛ (لی، آ: پر کار و راغ؛ ل^{۱۵}: کرد بر گرد باغ) ۱۰-ل-س^{۱۶} (نیز ق^{۱۷}-و، آ، ب): بدو؛ متن = (لن، لن^{۱۸}) ۱۱-ک: کوشک و ایوان و راغ؛ س^{۱۹}: کوشک و ایوان فراخ؛ (ق^{۲۰}: خیمه و کشت و راغ؛ لی، آ، ب: کوشک و ایوان و باغ؛ ل^{۲۱}: خیمه و دشت و راغ) ۱۲-ک، س^{۲۲} (نیز لی، آ، ب): جهان‌دیده؛ متن = ل، س، ق (نیز شش دستویس دیگر)؛ ل^{۲۳} به جای این بیت آورده است:

چو شد شاه با دانش و فرّ و زور همی خواندش مرزبان شهر گور (ب ۴۶۲)

۱۳-ل، س (نیز لن، ق^{۱۴}، ل^{۱۵}، و، لن^{۱۶}): بُد بی کران؛ ک: بُد یک کران؛ ق (نیز ب): چشمه‌یی بود گرد؛ ل^{۱۷}: چشمه‌یی بُد گران؛ (پ: چشمه بی کران)؛ متن = س^{۱۸} (نیز لی، آ) ۱۴-ق (ل^{۱۹}، ب: از آن) ۱۵-ک، س^{۲۰} (نیز لی، آ): گشاده فراوان ازو (لی: از آن) آب و؛ (پ: فراوان ازان چشمه بگشاد) ۱۶-لی: روی؛ آ: جو)؛ بنداری: ثم انصرف الی اصطخر فبنی بها مدینة تسمى اردشیر خزّه، و أجرى الیها الاودية و الانیهار ۱۷-ل: زان؛ س (نیز ل^{۱۸}): بر؛ متن = ق-س^{۱۹} (نیز لن، لی، پ-ب) ۱۸-ب، لن^{۲۰}: برو) ۱۹-ل، س، ق (نیز لن، ل^{۲۱}-لن^{۲۲}): مهر و جشن و؛ ک، س^{۲۳}: جشن و مهر و؛ (لی: جشن مهر و؛ آ، ب: جشن و مهر)؛ متن = ل^{۲۴}: ق^{۲۵} این بیت را ندارد ۲۰-ق (نیز ب): اندرو ۲۱-س، ک، ل^{۲۲}، س^{۲۳} (نیز لی، پ-ب): ایوان؛ متن = ل (نیز لن، ل^{۲۴}) ۲۲-ک، س^{۲۵} (نیز لن، و، ب): برآورد و؛ متن = ل، س، ل^{۲۶} (نیز لی، ل^{۲۷}، پ، لن^{۲۸}) ۲۳-ق: ساها و (نقطه ندارد)؛ ک، ل^{۲۹}، س^{۳۰} (نیز لن، لی، لن^{۳۱}): جایگاهی؛ (ب: جای‌های)؛ متن = ل، س (نیز آ)؛ ق^{۳۲} این بیت را ندارد ۲۴-ل-س^{۳۳} (نیز لن، لی، ل^{۳۴}، و، لن^{۳۵}): شاه بادانش؛ (ب: چو شد پر دانش و فرّ و زور (وزن ندارد))؛ متن = (پ) ۲۵-ک، س^{۳۶} (نیز آ، ب): هر کسی؛ (لن، ل^{۳۷}): برزنان؛ لی: خواندندش کسان؛ متن = ل، س، ق، ل^{۳۸} (نیز ب، و، لن^{۳۹}) ۲۶-ل، س، ک، ل^{۴۰}، س^{۴۱} (نیز پ-ب): زور؛ ق: روز؛ (لن: جور)؛ متن = (لی، ل^{۴۲})؛ ق^{۴۳} این بیت را ندارد ۲۷-ک، س^{۴۴} (نیز لی، آ): پس از گرداو؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۸-ب: ایدر)؛ ک، س^{۴۵} (نیز لی، آ، ب): شد مردم اندر؛ (ل^{۴۶}: کردش در اندر)؛ متن = ل، س، ق، ل^{۴۷} (نیز لن، ق^{۴۸}، و، لن^{۴۹}) ۲۹-ل، ق (نیز لن، ق^{۵۰}): بس (نقطه ندارد)؛ س: زانپس؛ متن = ده دستویس دیگر

۴۶۵ بُردند میتین و^۱ مردانِ کار
همی‌راند از کوه تا شهرِ گور^۴
وُزان^۲ کوه بُترید صد^۳ جویبار،
شد آن شارستان^۵ پُر سرای و ستور^۶

گفتار اندر رزم کردنِ اردشیر با کردان^۷

سپاهی از^۸ اسطخر^۹ بی‌مر بُرد
به نیکی ز یزدان همی‌جُست مُزد
چو شاه‌اردشیر اندر آمد به تنگ
یکی کار بُد خوار، دُشخوار^{۱۲} گشت
۴۷۰ یکی لشکری کُرد بُد^{۱۵} پارسی^{۱۶}
یکی^{۱۸} روز تا شب^{۱۹} برآویختند
ز بس کشته و خسته^{۲۱} بردشت^{۲۲} جنگ
جُز از^{۲۴} شاه با خوارمایه^{۲۵} سپاه
۴۷۵ ز خورشیدِ تابان و از^{۲۸} گرد و خاک
همان‌گه^{۲۹} درفتی برآورد شب

بشد ساخته تا کُند^{۱۰} رزمِ کُرد
که ریزد بر آن بوم و بر خونِ دزد^{۱۱}
پذیره شدش کُرد بی‌مر به جنگ
آبا^{۱۳} کُرد کشور^{۱۴} همه یار گشت
فزون‌تر ز گردانِ او یک به سی^{۱۷}
سپاهِ جهاندار^{۲۰} بگریختند
شد آوردگه را همه^{۲۳} جای تنگ
بُند نامداری^{۲۶} بر آن^{۲۷} رزمگاه
زبان‌ها شد از تشنگی چاک‌چاک
که بنشانند آن جنگ و جوش^{۳۰} و جَلَب

۱- (لی: در حال؛ و: ز هر پیشه‌ای خواند) ۲- ک، س ۳ (نیز لی، ل، آ، ا): از آن ۳- ق (نیز ب): برید و شد؛ ل: برید و شد؛ ق: آ: گه بریدند
۴- س (نیز لن): جور؛ ک، س ۵ (نیز ب): زور؛ (آ: آب؛ لی: دشت آب)؛ ق: ازین گونه تا شهر زور؛ (پ: از آن کوه تا شهر زور)؛ متن =
ل، ل ۲ (نیز ق، ل، آ، و، لن) ۵- س، ل ۲ (نیز ل، آ، پ، ب): شارسان ۶- ق: داستان پر سرای و قصور؛ (لی: آباد آن جای شهر خراب؛ آ: آباد
ازو شهر و جای خراب)؛ بنداری؛ و عمر حوالی المدینة رستاقاً أجرى إليها الأنهار أيضاً. و أنشأ بها بيوت نار، و وكل بها الهرا بذة و
الموابذة ۷- ل (کمی پایین‌تر): رزم اردشیر با کرد و هزیمت؛ ق: رزم کردن اردشیر با کردان و ظفر یافتن؛ ک: جنگ کردن اردشیر با
کردان پارسی؛ ل ۲ (کمی پایین‌تر): رزم کردن اردشیر با کردان؛ س، س ۲ در اینجا سرنویس ندارند ۸- ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ-ب):
ز؛ متن = ک، س ۲ (نیز لی) ۹- ل، ک، س ۲ (نیز لن، لی، لن، آ، ب): اسطخر؛ متن = ل ۲ (نیز ق، آ، ا) ۱۰- ک، س ۲ (نیز لی، آ): بدان تا کند ساخته؛
متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- (آ: خاک دزد؛ ل: از آن بوم و بر خون دزد)؛ ق: که بودند آن بوم بر خون و دزد؛ ک: دلش بود از آن مرز
پر خون و درد؛ (ق: آ: که یزدان بر آن بوم و بر چون دزد؟)؛ لن، لن ۲ این بیت را ندارند ۱۲- ل، ق (نیز لی، و، آ، ب): دشوار؛ ک (نیز ق، آ):
بدخواه دشوار؛ متن = س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ل، آ، پ، لن) ۱۳- (لی: که با؛ ب: چو با) ۱۴- ک (نیز لی، ل، آ): لشکر؛ متن = دوازده دستنویس
دیگر ۱۵- ل، ق-س ۲ (نیز لی، ل، آ، پ، ب): کرده بُد؛ س: برده بُد؛ (لن: آ: لشکر کرد بُد)؛ متن = (لن، ق، آ، و) ۱۶- (آ: کرده بار سی) ۱۷- ل: ز
کردان چهل بار سی؛ ق (نیز ل، آ، ب): ز کردان به سد بار سی؛ ک: ز کردان به یک بار سی؛ ل ۲: ز کردان بده بار سی؛ س ۲ (نیز آ): ز کردان ز
دو یک بسی؛ (لی: ز کردان یکی دو به سی؛ پ: ز کردان نه یکبار سی)؛ س: که بودند مردان او یک بسی؛ متن = (لن، ق، آ، و، لن، آ)؛ بنداری؛ ثم
إنه عزم على قتال الأكراد، و كانوا يعيشون في أطراف البلاد، فاجتمع منهم عساكر عظيمة بحيث كان بازاء كل فارس فارسي ثلثون منهم
۱۸- س، س ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ، ا): به یک؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز لن، پ، و، ب) ۱۹- (ل: آ: روز و شب چون) ۲۰- (ل: آ: جهانجوی)؛ س
(نیز لن، لن، آ): ز دست سپهدار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱- ک: خسته و کشته ۲۲- (لن: آ: در روز) ۲۳- (ق، آ، ل، آ، پ، و، همی؛ لن، آ:
شهنشاه کرده بد جای (وزن ندارد)) ۲۴- س: جز آن؛ س ۲ (نیز لن، لی، لن، آ، ا): چو آن ۲۵- س ۲ (نیز لی، آ): شاه رازان دلاور ۲۶- ک:
پایداری؛ ل ۲: رزم‌داری؛ (لی، آ: نیک‌نامی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- ل، ق، ک، ل ۲ (نیز لی، ق، آ، و، آ، ب): بدان؛ متن = س، س ۲ (نیز
لن، لن، آ) ۲۸- ل، ق، س ۲ (نیز ل، آ، لن، آ، ا): وز؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، ب) ۲۹- (ل: آ: همانا) ۳۰- (ل: آ، و: جوش و جنگ)؛ ل ۲
(نیز آ): از آن جنگ جوش و

بیامد جهاندار^۳ با آن^۴ گروه
همان^۵ اندکی مرد^۶ بُرنا و پیر
بر آن میش^۸ بر^۷ پاسبانان بُدند^۷
دهانشان^{۱۰} پُر از خاکی آوردگاه
چمانه^{۱۱} ببردند^{۱۲} با آب، ماست^{۱۳}
شب تیره خفتان به سر^{۱۶} درکشید^{۱۷}
به بالین نهاد آن کیی^{۲۰} مغفرش

یکی آتشی دید^۱ بر سوی^۲ کوه
سوی آتش آورد روی اردشیر
چو تنگ اندرآمد، شبانان بُدند^۷
۴۸۰ فرود آمد از اسپ^۹ شاه و سپاه
ازیشان سبک اردشیر آب خواست
بیاسود^{۱۴}، لختی چرید^{۱۵} آنچ دید
ز خفتان^{۱۸} ناسته^{۱۸} بُد بسترش^{۱۹}

سر شاه ایران برآمد ز خواب
که پدرام^{۲۲} باد از تو^{۲۳} روز و شبان!
بد آرام^{۲۵} را^{۲۵} خوابگاه^{۲۶} تو بود؟
کز ایدر کجا یابم آرامگاه؟
نیابی مگر باشدت رهنمای^{۳۰}
چو رفتی، پدید آید آرامگاه
به ده در^{۳۳} یکی نامبردار^{۳۴} مه

سپیده چو برزد ز دریای آب
۴۸۵ بیامد به بالین^{۲۱} او سرشبان
[چه آمد که این جای^{۲۴} راه تو بود؟
پرسید از آن^{۲۷} سرشبان راه شاه
چنین داد پاسخ که آباد^{۲۸} جای^{۲۹}
از ایدر کنون^{۳۱} چار فرسنگ راه
۴۹۰ وُزان^{۳۲} روی پیوسته شد ده به ده

- ۱-ل: ۲. بود (ب: برسان) ۳-س (نیز لی، آ): جهاندیده؛ (ل: جهانجوی) ۴-س، ق (نیز ل ۳-ل، ب): این؛ متن = ل، ک، ل، آ، س (نیز ل، ق، لی)؛ در ولت‌های این بیت پس و پیش شده است ۵- (ق: آ) ابا) ۶- (ل: آ) ابا آنکه بودند؛ بنداری: فالتقوا و جرت بینهم وقعة عظيمة، و کثر القتل فی أصحاب اردشیر. فعلم أنه لا یطیق مقاومتهم فاتخذ اللیل جملاً و انهمزم. فرأی فی ظلمة اللیل ناراً من بعید فقصدها ۷-ل: ۲ (نیز پ، ل، آ): بدید ۸-ل، ک (نیز ق، آ، و، ل، آ): میش و بز؛ س: بز و میش را؛ س (نیز لی، ب): همه میش را؛ (پ: ابر میش و بز؛ آ: همان میش را)؛ متن = ق، ل، آ (نیز ل، ل، آ) این بیت را ندارد ۹-ل: باره؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-ل، ک: دهانش؛ (ق: آ: زبانشان؛ ل: آ: دهانشان؛ و: دهان‌ها)؛ متن = س، ق، ل، آ، س (نیز ل، پ، ل، ب، آ): ل این بیت را ندارد ۱۱-ل: همانگه؛ س-ل: ۲ (نیز پ، و، ب): یکایک؛ س (نیز لی، آ): بکاسه؛ (ل، ق: آ: یکانه؛ ل: آ: جفانه)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۲- (ل: آ): به پیش آوریدند) ۱۳- (ل: آ): بااسب راست) ۱۴-س، ق، ک، س (نیز ل، ق، آ، پ، و، آ): بیاسود و؛ (ل: آ): برآسود)؛ متن = ل، ل، آ (نیز لی، ل، آ، ب) ۱۵-ل، س: جرید (حرف سوم بی نقطه)؛ (ق، ک (نیز ل، آ): خرید؛ ل، آ، س (نیز لی، ل، آ، ب): بخورد؛ (ل: خرد (حرف سوم بی نقطه))؛ متن = (ق، آ، پ، و) ۱۶-ق: به تن؛ ک (نیز ل، آ): ز سر؛ (ب: وزین؛ ل: آ: چادر به سر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ل، ق (نیز پ، ب): برکشید؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل، س، ق، س (نیز ل، پ، ل، آ، ب): شایسته؛ ک: شاهسته؛ متن = ل، آ ۱۹-ق: مغفرش؛ س (نیز آ): شد بسترش؛ (ل: آ): بُد بر سرش) ۲۰-س (نیز لی، آ): آنگهی؛ (ب: آن کیان)؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری: فلما أتاه صائف جماعة من الرعاة و قد نال منه العطش. فاستقاهم فأتوه بماء و حلیب و نزل عندهم ۲۱-ل: ۲: پالود ۲۲-ل: آ: بد دور ۲۳-س، ق، ک، س (نیز لی، پ، ل، آ): پدرام بادات؛ (ب: پدرام باداد)؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، ق، آ، ل، آ، و) ۲۴-ک: دشت؛ (ق: نیز ب): بر آن بود کین دشت؛ (پ: بد آن بود کین دشت)؛ متن = ل، ل، آ، س (نیز ل، ق، ل، آ، و، ل، آ، ب، ل، آ) این بیت را ندارند ۲۷-ل: زان؛ (ل، ق: آ: ازین؛ پ: از)؛ متن = س-س (نیز لی، و، ب)؛ س (نیز ل، آ) این بیت را ندارند ۲۸-س: آرام ۲۹-س (نیز لی، آ): پاسخ آورد کز چارسوی (آ: سو) ۳۰-س (نیز آ): بود راهت آباد ای نیکخوی (آ: نیکخو)؛ (لی: برد راه آبادن ای نیکخوی) ۳۱- (ل: آ: چنین)؛ آ این بیت را ندارد ۳۲-س (نیز آ): همه ۳۳-ق-س (نیز پ، ل، آ، ب): به هر ده؛ متن = س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، و) ۳۴-س (نیز آ، ب): نامدارست؛ ل: از آن ده سبک پیش او رفت؛ لی این بیت را ندارد

چو بشنید از آن^۱ سرشبان اردشیر
 سپهد ز کوه اندرآمد به ده
 سواران فرستاد^۵ بُرنا و پیر^۶
 سپه را چو آگاهی آمد ز شاه
 ۴۹۵ به گردان فرستاد کارآگهان
 برفتند پویان^{۱۳} و باز آمدند
 که ایشان همه نامجویند و^{۱۴} شاد
 برآند کاندر^{۱۶} سطر^{۱۷} اردشیر
 چو بشنید شاه این سخن شاد گشت^{۱۹}
 ۵۰۰ گزین کرد از آن^{۲۱} لشکر^{۲۲} نامدار
 کماندار با تیر و ترکش هزار^{۲۴}
 چو خورشید شد زرد، لشکر براند

بُرد از رمه راهبر^۲ چند تیر^۳
 از آن ده سبک پیش او رفت مه^۴
 از آن^۷ شهر^۸ تا خرّه‌ی اردشیر^۹
 همه شاددل^{۱۰} برگرفتند راه
 کجا^{۱۱} کار^{۱۲} ایشان بجوید نهان
 بر شاه ایران فرازآمدند،
 ندارد کسی بر^{۱۵} دل از شاه یاد
 گهن گشته^{۱۸} شد بخت برنانش پیر
 گذشته سخن بر^{۲۰} دلش باد گشت^{۱۹}
 سواران^{۲۳} شمشیرزن سه هزار
 بیاورد با خویشتن شهریار
 کسی را که نابردنی^{۲۵} بُد بماند^{۲۶}

گفتار اندر شبیخون کردن اردشیر بر کردان^{۲۷}

چو شب نیمه^{۲۸} بگذشت^{۲۹}، تاریک شد
 همه دشت از ایشان^{۳۱} پُر از خفته^{۳۲} دید

جهاندار^{۳۰} با گرد نزدیک شد
 یکایک^{۳۳} دل^{۳۴} لشکر آشفته^{۳۵} دید

۱-ل: زان؛ (پ: از)؛ متن = س-س-۲ (نیز ق ۲، ب) ۲-س: مرد بر؛ ل: راه را؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ق ۲، پ، ب) ۳-ل (نیز ق ۲): سر (نقطه ندارد)؛ س: تر (حرف دوم بی نقطه)؛ ق-س: پیر (حرف یکم بی نقطه)؛ (پ، ب: پیر)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ل، ن، ل، ل، و، ل، ن، آ، این بیت را ندارند ۴-متن = ل-ک، س، ۲ (نیز ق ۲، پ، ب)؛ ل: آ، ل، ل، ل، ل، و، ل، ن، آ، این بیت را ندارند؛ بنداری: فلما أصبح سألهم عن الطريق فدلوه على ضياع و قری متصله على أربعة فراسخ من مكانه ذلك. فجاء اليها و نزل فيها ۵-ق: برفتند) ۶-ل: کارآگهان) ۷-ل، ق، ۲، پ، ل، ن: آ، ازین) ۸-ک (نیز ل ۲، پ): جای ۹-ل (اردوان)؛ ل: آ این بیت را ندارد ۱۰-ل: آ، بزرگان همه) ۱۱-س-ل: ۲ (نیز ل، ن، ب): که تا؛ س: آ، که از؛ متن = ل ۱۲-ل (و: راز)؛ بنداری: و نفذ جماعة الى مدينة المصاة أردشيرخره. فأقبل اليه العاكر ففرق الجواسيس ليأتوه بخبر حلال الأكراد و منازلهم ۱۳-ل: ۲ (نیز ب): جویان؛ (ل: و دیدند؛ پ: یاران)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ل: (ل: بزم جویند) ۱۵-ل: ۲ (نیز ل ۲، ب): در؛ (ب: را)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-ل: بدان اندکی در؛ متن = س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ن، آ، ب) ۱۷-ل: ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ل، ل، ن، آ، ب): صطر؛ متن = س، ل، ۲ (نیز ق ۲) ۱۸-ل، س، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): گشت و؛ (ل: کشت ار؛ پ: کسی کشت)؛ متن = ک؛ بنداری: فجاءته الأخبار بأنهم نازلون فی بیوتهم و أنهم مسترسلون غیر متحفظین و لا محتفلین بأردشير. وبلغه أنهم يزعمون أنها دولة عرضت فأعرضت، و أيام قضت بالسعادة ثم انقضت؛ ق، آ این بیت را ندارند ۱۹-ل، س، ۲ (نیز و): شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-ک: در ۲۱-ل (نیز ل ۲): زان ۲۲-س: آ از لشکرش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳-ل، س، ک، س، ۲ (نیز ق ۲، ل، ل، ن، آ، ب) ۲۴-ق: سوار؛ و، آ این بیت را ندارد ۲۵-ک: نارفتنی ۲۶-آ: بود ماند)؛ بنداری: فانتهد أردشير الفرصة، و اهتبل غرتهم، و سر بما أتاه عنهم، و انتخب من أصحابه ثلاثين ألف فارس و سار اليهم ۲۷-ل: شبیخون کردن اردشیر بر کردان؛ ل: رزم کردن اردشیر با کردان؛ س، ق، ک، س، آ در اینجا سرنویس ندارند ۲۸-ل: آ، چو یک نامه) ۲۹-س، ۲ (نیز پ، ل، ن، آ): یک نیمه بگذشت و؛ (ق: آ، شب تیره و سیاه و (وزن ندارد)) ۳۰-س: جهانجوی؛ (ل: جهاننیده) ۳۱-ل: زیشان)؛ ل: آ، راه ازیشان)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-ق (نیز ب): خیمه ۳۳-س، ۲ (نیز ل، آ): و زیشان ۳۴-ک: سر از ۳۵-ق، ل، ۲ (نیز ب): آسیمه

عنان باره‌ی تیزتگ را سپرد
 گیا راه^۵ ز خون بر سر افسر^۶ نهاد!
 به روی زمین دشت پُر گشت گشت^۸
 سُترگی و نابخردی خوار شد!
 سپه را همه^{۱۰} بدره و تاج داد!
 اگر پیرمردی بُردی^{۱۴} به دشت^{۱۵}،
 ز نیک‌اختر و روز^{۱۷} و از^{۱۸} دادِ شاه!
 گرازان بیامد^{۲۲} به شهر^{۲۳} سطر^{۲۴}
 سلیح سواران^{۲۷} بی‌آهو^{۲۸} کنید^{۲۶}!
 که زود آید^{۳۲} اندیشه‌ی روز رزم!
 چو آسوده شد گرده‌گاه^{۳۳} از^{۳۴} کمر،
 چو این داستان بشنوی یادگیر!

۵۰۵ چو آمد^۱ سپهد به بالین^۲ کُرد
 برآهیخت^۳ شمشیر و اندر^۴ نهاد
 همه دشت ازیشان سر و دست گشت^۷
 بی‌اندازه زیشان گرفتار شد
 همه کومه‌هاشان^۹ به تاراج داد
 ۵۱۰ چنان شد^{۱۱} که دینار بر^{۱۲} سر به تشت^{۱۳}
 نکردی به دینار او کس^{۱۶} نگاه
 ز مردی^{۱۹} نکردی^{۲۰} بدان جنگ^{۲۱} فخر
 بفرمود کاسپان به نیرو^{۲۵} کنید^{۲۶}!
 چُن^{۲۹} آسوده گردید یکسر^{۳۰} به بزم^{۳۱}
 ۵۱۵ دلیران به خوردن نهادند سر
 پُراندیشه‌ی رزم گشت^{۳۵} اردشیر

۱- (و: بیامد) ۲- ک، ل، آ: بنزدیک ۳- ل، س (نیز ل: ن-پ): برآهخت ۴- ل، آ، س ۵ (نیز و): برآهخت و شمشیر اندر: متن = ق، ک ۵- ل (نیز ل آ): کارا (نقطه ندارد)؛ ک، ل آ: گوان را؛ س ۲ (نیز ل، آ): یلان را؛ متن ← ۶- ل، آ: خاک بر سر: (ق آ: ز باران خون بر سر افسر)؛ متن = س، ق (نیز ل، پ، و، ل، ن، آ، ب) ۷- س (نیز ل آ): و پشت: ل: زیشان سر و سینه شد؛ (لی، پ، آ: زیشان سر و دست بود؛ و: زیشان سر و دست و پای)؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب) ۸- ل: کشته بر کشته شد؛ س: کشته بر پشته گشت؛ ق: ز روی زمین کرد بر کست گشت؛ ک: ز روی زمین کرد پر کرد دشت؛ (ل، ن، ق، آ: ز روی زمین کشت بر کست گشت؛ لی، آ: تن کشتگان شصت در شصت بود؛ ل آ: ز روی زمین کرد بر کرد پست؛ پ: ز روی زمین کرد بر پست بود؛ و: نماندند از کرد چیزی به جای؛ ل، آ: ز انبوه کشته زمین پست گشت؛ ب: ز روی زمین کرد بر کرد گشت)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ل، آ، س ۲ این بیت را ندارند ۹- س: بوماسان (نقطه ندارد)؛ ق، ل، آ: خانهاشان؛ ک (نیز ب): کوههاشان؛ س ۲ (نیز ل- ل، آ، و، ب): بومهاشان؛ متن = ل ۱۰- س ۲ (نیز آ): از آن؛ بنداری: فکبهم و وطنهم و طاة قهر، فانقسموا قسمین مابین قتل و أسر، و استباح جمیع حللهم ۱۱- ک: بُد ۱۲- (ل آ: تا؛ ب: ز دینار بر) ۱۳- س، ق، س ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): طشت؛ (ل، ن: دشت)؛ متن = ل، ک، ل، آ، س ۲ (نیز پ) ۱۴- ل: برفتی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- (ل، ن: تشت)؛ لی این بیت را ندارد ۱۶- ل: به دینار او کس نکردی؛ (لی: به دینار بر کس)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- ل: اختر و تخت؛ س، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، پ، ل، ن، آ): اختر روز؛ ق: اختر و فر؛ س ۲ (نیز لی): اختر شاه؛ (آ: اخترشاسان)؛ متن = ک (نیز و، ب) ۱۸- ل، س، ق، س ۲ (نیز ل، ن، آ، ل، ن، آ، و، ل، آ، ب، و، آ، ب): بنداری: فخلص العالم من عبثهم، و سلم الناس من عادیتهم، و أمنت الجواد و الطروق، و ترددت السابله و الرفق ۱۹- س ۲: به مردی ۲۰- ق: نبودش؛ س ۲ (نیز لی، پ، آ، ب): نکرد او؛ (ق آ، ل آ: نکردش) ۲۱- س (نیز ل، ن): شهر؛ س ۲ (نیز ب): رزم؛ (لی: مرز؛ ل آ: جای؛ آ: بدین مرز)؛ (و: نکرد اندر آن جنگ)؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۲۲- ک، س ۲ (نیز ق، آ، لی): بیامد گرازان ۲۳- ل، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، لی، ل، آ، و، ب): صطرخ؛ (ل، ن آ: نحصر؟)؛ متن = س، ل ۲ (نیز ق، آ، پ، آ) ۲۴- س ۲ (نیز آ): راه ۲۵- (ل آ: همه زین) ۲۶- ل آ: کنند ۲۷- ک (نیز ق آ): سواری ۲۸- (ل آ: برافزون (پساوند ندارد)؛ ل، آ: سلاح و سواری بی آهو)؛ ل آ در اینجا سرنویس دارد: آگاهی یافتن اردشیر از هفتواد و فرستادن لشکر ۲۹- ل، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، پ، ل، ن، آ): چو؛ (لی، آ، ب: تن؛ و: پس)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳۰- س ۲ (نیز لی، آ، ب): دارید هر کس؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- (ل، ن: رزم) ۳۲- (پ: کنید آنگه (وزن ندارد))؛ ل آ بیت‌های ۵۱۳-۶۰۰ را ندارد ۳۳- ل، ق، ک (نیز ل، ن، آ): گردگاه؛ متن = س، س ۲ (نیز ل، ن، و، ب) ۳۴- ل، س، س ۲ (نیز لی، ل، ن، آ): و؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، پ، و، ب) ۳۵- ل، ک (نیز ق، آ، ل، آ): شد؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم إنه انصرف إلى اصطخر فأمر أصحابه بالإراحة و الاستراحة، و التزود من الراحة لیوم شدة و عناء، و الاستظهار لما سوف يعرض من یوم کرهیه و لقاء

گفتار اندر داستان کرم هفتواد^۱

بین این^۲ شگفتی که دهقان چه گفت
 ز شهر گجاران^۳ به دریای پارس
 یکی شهر بُد تنگ و مردم^۴ بسی
 ۵۲۰ بدان^۵ شهر دختر^۶ فراوان بُدی
 به یک روی^۸ نزدیک تر^۹ بود^{۱۰} کوه
 از آن هر یکی پنبه بُردی^{۱۳} به سنگ
 به دروازه دختر شدی هم گروه^{۱۵}
 بر آمیختندی خورش ها^{۱۸} به هم
 ۵۲۵ رفتی^{۲۱} سخن گفتن از خواب و خورد
 شدند شبانگه^{۲۳} سوی^{۲۴} خانه^{۲۵} باز
 بدین^{۲۶} شهر بی چیز^{۲۷} چونان^{۲۸} نهاد
 برین گونه بر^{۲۹} نام او از چه^{۳۰} رفت؟
 گرامی یکی دخترش بود و بس
 ۵۳۰ چنان بُد که روزی همه^{۳۳} هم گروه

بدانگه که بگشاد راز از نهفت:
 چه گوید ز بالا و پهنای پارس،
 ز کوشش بُدی خوردنِ هر کسی
 که بی کام^۷ جوینده ی نان بُدی
 شدند همه دختران هم^{۱۱} گروه^{۱۲}
 یکی دوکدانی ز چوب^{۱۴} خدنگ
 خرامان ازین^{۱۶} شهر تا پیش^{۱۷} کوه
 نبود به خورد^{۱۹} اندرون^{۲۰} بیش و کم
 از آن^{۲۲} پنبه شان بود ننگ و نبرد
 شده پنبه شان ریسمانِ طراز
 یکی مرد بُد نام او هفتواد
 ازیرا که او^{۳۱} را پسر بود هفت
 که نشمردی او مهتران^{۳۲} را به کس
 نشستند با دوک در پیش کوه

۱-ل: اندر داستان هفتواد؛ س. ک. س. ۲: داستان کرم هفتواد؛ ق: داستان کرم هفتواد در عهد اردشیر؛ متن = (و، ل ن) ۲ [+ گوید]؛ بنداری: ذکر
 الخبر عن دودة هفتواد ۲- (ق: ۲: بیینی)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

عجب های گیتی بیاید شود ز هر دانشی نیز باید نمود

۳- ق: کخاران؛ س ۲ (نیز لی): تخاران؛ (آ: تخارا)؛ ل: ک: شهری کجا آن؛ (ق: ۲: شهری کجازان؛ و: به شهر کوخوران)؛ متن = س (نیز ل ن،
 ل ۲، پ، ب)؛ بنداری: قال صاحب الكتاب: كان في بلاد فارس مدينة تسمى كخاران على ساحل البحر؛ ل ن ۲ این بیت را ندارد ۴- ل:
 نزدیک و مردم؛ (ق: ۲، پ: نیک و مردم)؛ ک: که شهری بد و نیک مردم؛ (لی، پ: ز شهر بد نیک مردم)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل ن، ل ۲،
 و، ل ن ۲، ب)؛ آ این بیت را ندارد ۵- ل: بر آن؛ (ق: ۲، لی، و: در آن؛ ل ۳: بدین)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل ن، پ، ل ن ۲، آ، ب) ۶- (لی، و: مردم)
 ۷- (ق: ۲: بی گاه؛ ب: بی کام و) ۸- ک: روز؛ س ۲ (نیز لی، آ): یکی ژرف ۹- ل: او؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل ن، ق: ۲، پ، ب) ۱۰- (ل ۳: یکی
 روز نزدیک بُد آن به) ۱۱- (آ: را) ۱۲- (و: ز دختر بر آن کوه انبوه بود (پساوند ندارد)) ۱۳- (ل ۳: کردی) ۱۴- ک: و چوبی؛ بنداری: و
 كانت كثيرة الخلق ضيقة الساحة. من عادة بنات أهلها أنهن يوافين باب المدينة كل صبيحة، فإذا اجتمعن توجهن نحو سفح جبل هناك
 قريب، ومعهن مغازلهن ۱۵- ل: شدندی گروه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- س (نیز و): از آن ۱۷- (پ: پیش هامون به) ۱۸- (ل ن ۲:
 بر آمیختند خورش را (وزن ندارد)) ۱۹- (ل ن ۲: دوک) ۲۰- س: اندرش؛ س ۲ (نیز لی، آ): در آن خوردنی؛ (و: به خوردن درون)؛ متن = ل،
 ق، ک (نیز ل ن، ق: ۲، ل ۲، پ، ب) ۲۱- س ۲ (نیز لی، آ): نبودی؛ (ق: ۲: به وقت) ۲۲- ق: ازین ۲۳- (ل ن: شبنگه؛ آ، ب: شبانگه شدندی) ۲۴- (و:
 شبانگه زی) ۲۵- (ل ن ۲: شدندی سوی خانه خویش) ۲۶- س (نیز ل ن): بدان؛ ق: برین؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): در آن؛ (ل ۳: درین)؛ متن = ل، ک
 (نیز ق ۲، پ، و، ل ن ۲) ۲۷- ل (نیز ل ۳): حمر (نقطه ندارد)؛ س، س ۲ (نیز ل ن، ق: ۲): خیر؛ ق: بر چیز؛ متن = ک (نیز لی، پ، ب) ۲۸- ل- ک (نیز
 ق ۲، ل ۳، پ، و، ب): خرم؛ متن = س ۲ (نیز ل ن، لی، آ) ۲۹- (ق: ۲: آن) ۳۰- س ۲ (نیز لی < و >، آ): نام و آواز؛ (ل ۳: نام و آوازه)؛ متن =
 ل- ک (نیز ل ن، ق: ۲، پ، ل ن ۲، ب) ۳۱- س (نیز ل ن): از آن رفت کو ۳۲- ل (نیز ق ۲، پ): او دختران؛ ک، س ۲ (نیز لی): آن دختران؛ (و، ب: آن
 مهتران؛ آ: آن دخترش)؛ متن = س، ق (نیز ل ن، ل ۳، ل ن ۲)؛ بنداری: فيقبلن على الغزل ثم ينصرفن بالعشى إلى مساكنهن. وكان في هذه المدينة
 رجل يسمى هفتواد. وإنما سمي بذلك لأنه كان له سبعة بنين. وكانت له بنت تخرج كل يوم مع البنات إلى الجبل المذكور ۳۳- (و: همی)

به گاه خورش دوک بگذاشتند
 یکی سیب افکنده باد^۲ از درخت،
 کنون^۴ بشنو این داستان^۵ شگفت:
 یکی در^۸ میان کرم^۹ آکنده دید
 بدان^{۱۱} دوکدان نرم^{۱۲} بگذاشتش
 به نام خداوند بی یار و جفت،
 به رشتن^{۱۷} نمایم شما را^{۱۸} نهیب!
 گشاده رخ^{۱۹} و سیم^{۲۰} دندان شدند!
 شمارش^{۲۲} همی^{۲۳} بر زمین برنوشت
 به مادر نمود آن کجا رشته^{۲۵} بود
 که بر خوردی از اخترای^{۲۷} خوب چهره!
 دو چندان که هر بار^{۲۸} بُردی^{۲۹} بُرد
 به رشتن نهاده دل و کوش^{۳۱} و تن^{۳۲}،
 که ای ماه رویان^{۳۴} نیک اختران،
 بریسم که نیزم نباشد^{۳۵} نیاز!

برآمیختند آن کجا داشتند
 چنان بُد که این^۱ دختر نیک بخت
 به رهبر بدید و^۳ سبک برگرفت؛
 چُن آن^۶ خوب رخ^۷ میوه اندرگزید
 ۵۳۵ به انگشت از آن^{۱۰} سیب برداشتش
 چو برداشت از آن^{۱۳} دوکدان پنه^{۱۴}، گفت: ۱۵
 من امروز بر^{۱۶} اختر کرم سیب
 همه دختران شاد و خندان شدند!
 دو چندان که رشتی به^{۲۱} روزی، برشت
 ۵۴۰ و زانجا^{۲۴} بیامد بکردار دود
 برو^{۲۶} آفرین کرد مادر به مهر
 به شبگیر چون ریسمان برشمرد
 چو آمد بدان^{۳۰} چاره جوی انجمن،
 چنین گفت با نامور^{۳۳} دختران
 ۵۴۵ من از اختر کرم، چندان طراز

۱-ق (نیز لن ۲): آن س ۲ (نیز لی، آ، ب): بود کین؛ (ل ۳: بُد برین)؛ متن = ل، س، ک (نیز لن، ق، آ، پ، و) ۲-ل (نیز لی): دید؛ ق (نیز آ، ب): بود؛
 ک (نیز ل، ۳، لن ۲): افگند باد؛ متن = س، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، و) ۳-ل، ک: دوید و؛ (ل ۳: بدید او)؛ متن = ده دستویس دیگر ۴-ل، س: ز
 من؛ متن = یازده دستویس دیگر ۵-ک، س ۲ (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب): تا بمانی؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، ۳، و، لن ۲)؛ ق این بیت را ندارد
 ۶-ل، ک، س ۲ (نیز ق، آ، پ، و، آ، ب): چو آن؛ متن = (لن، لن ۲) ۷-س: دخترک ۸-ل: بر؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۹-ک: افکنده
 ۱۰-ل، س، ک (نیز لن ۲): زان؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۱-ل (نیز ق، آ، لن ۲، آ): بر آن؛ ق، ک، س ۲ (نیز پ، ب): در آن؛ متن = س (نیز لن، ل، ۳، و)
 ۱۲-ل: خوار؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ بنداری: فحضرت المکان یوماً فقطت من بعض الاشجار التي کانت هناك فی حجرها
 تفاحة. فعضتها فوجدت فی وسطها دودة فأخذتها و وضعتها فی وعاء برسم المغزل من الخلیج؛ لی پس از بیت ۵۳۵ افزوده است:

چنان بود کین دختر نیکبخت یکی سیب افکنده دید از درخت (ب ۵۳۲)

به رهبر بدید و سبک برگرفت به نام خداوند بی یار و جفت (ب ۵۳۳)

۱۳-ل (لن، لن ۲: زان) ۱۴-ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، پ، آ، ب): آن دوک و آن پنه؛ (ل ۳: از دوکدان نیز) ۱۵-ل: از دوکدان را بگفت؛ متن = س (نیز و)؛
 لی این بیت را ندارد (ب ۵۳۵ پ) ۱۶-ل (لن: ازین؛ آ: از) ۱۷-ل (ل ۳: برفتن؛ لن ۲: برستش) ۱۸-ک: کنم بر شما بر؛ (ب: شما را نمایم)؛ س ۲
 (نیز آ): شمارا برشتن نمایم؛ (لی: نمایم شما را برشتن)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، و)؛ بنداری: و قالت: سأغزل الیوم علی سعادة هذه
 الدودة ۱۹-س ۲ (نیز لن ۲، آ): لب؛ متن = ل-ک (نیز لن، ق، آ، ل، ۳، پ، و، ب) ۲۰-ل (ل ۳: سیب)؛ لی این بیت را ندارد ۲۱-ق (ل ۳): که
 می رشت (لن ۲: شماری) ۲۲-ل، س، س ۲ (نیز لی، آ، ب): همه؛ (ل ۳: همان؛ پ: همی) < (وزن ندارد)؛ متن = ق، ک (نیز لن، ق، آ، و،
 لن ۲) ۲۴-ک: وزان پس ۲۵-ق (ل ۲: لی: رفته) ۲۶-س (نیز لی): بدو ۲۷-ل (نیز لن، ق، آ، ل، ۳، لن ۲): از مادرای؛ س، ک: از مادر؛ ق: از عمرای؛
 س ۲ (نیز لی، ب): از دولت ای؛ (و: ای دختر؛ آ: از دولپ)؛ متن = (پ) ۲۸-س ۲ (نیز لی، ل، ۳، آ، ب): روز ۲۹-ک: بودی؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب):
 پنه؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، ۳، لن ۲) ۳۰-ل (نیز ل، ۳، و): بر آن؛ س: از آن؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۱-س ۲ (نیز ق، آ، لی، آ، ب): جان؛
 (پ: هوش؛ و: کوس)؛ متن = ل-ک (نیز لن، لن ۲) ۳۲-ل (ل ۳: دل و چشم و کوش (پاوند ندارد)) ۳۳-س ۲ (نیز لی، آ): ماهوش ۳۴-ل، س، ک
 (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن ۲): ماه رویان و؛ (لی، آ، ب: خوب رویان)؛ متن = ق (نیز ل ۳) ۳۵-ل (لن: برستم که نیزم نباید؛ ق: برستم که نیزم نیامد)

برشت آن کجا رشته بُد^۱ پیش از آن^۲
 سوي خانه بُرد آن^۳ طرازی که رشت
 همی لختکی^۴ سيب^۵ هر بامداد
 وُزآن^۷ پنبه هر چند^۸ کردی^۹ فزون
 ۵۵۰ چنان بُد که یک^{۱۲} روز مام و پدر
 که چندین بریسی^{۱۳}، مگر با پری^{۱۴}
 سبک سیم تن^{۱۷} پیش^{۱۸} مادر بگفت
 همان^{۲۰} کرم فرخ بدیشان نمود
 به فالی^{۲۲} گرفت این^{۲۳} سخن هفتواد
 ۵۵۵ همه زاختر^{۲۶} کرم گفتی^{۲۷} سخن
 چنین تا برآمد برین روزگار
 مرین^{۳۰} کرم را خوار نگذاشتند^{۳۱}
 تن آور شد آن^{۳۴} کرم و نیرو گرفت
 همی تنگ شد دوکدان از^{۳۶} برش
 ۵۶۰ به مشک اندرون پیکر و زعفران^{۳۹}
 یکی نغز^{۴۱} صندوق کردش سیاه^{۴۲}

به کار آمدی، گر بُدی بیش از آن!^۲
 دلِ مام او شد چو خرم بهشت!
 پری روی دختر بدان^۶ کرم داد
 برشتی همی^{۱۰} دختر پرفسون^{۱۱}
 بگفتند با دختر پُرهنر،
 گرفته سستی ای^{۱۵} پاک تن^{۱۶} خواهری؟!
 از آن سيب و آن کرم کاندرا^{۱۹} نهفت
 زن و شوی را^{۲۱} روشنایی فزود
 ز^{۲۴} کاری که کردی^{۲۵} به دل نیز یاد،
 برو^{۲۸} نو شدی روزگار کهن!
 فرزندتر گشت هر روز، کار^{۲۹}
 به خوردنش نیکو^{۳۲} همی داشتند^{۳۳}
 سر و پشت او رنگ نیکو^{۳۵} گرفت
 چو مشک^{۳۷} سیه گشت پیرانش^{۳۸}
 سر^{۴۰} و پشت او از کران تا کران
 بدوی^{۴۳} اندرون ساخته^{۴۴} جایگاه^{۴۵}

۱-س، ق، س ۲ (نیز ل، ن، آ، ب، ل، آ، ب): برده بُد؛ متن = ل، ک (نیز و) ۲-ل (نیز ل، ن، آ): ازین؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق ۲، ل، ی این بیت را ندارند ۳-(ل، آ: خانه بردی) ۴-ک، س ۲ (نیز ل، آ): اندکی ۵-(و: چو لختی ز سبیش به): متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، پ، ل، آ، ب) ۶-ک، س ۲ (نیز ل، ن، پ، آ): بدین؛ بنداری: فغرلت شیئاً کثیراً من القطن فوق المعهود منها، و غلبت أترابها. ولم یزل ذلک دأبها حتی استغنت بکثرة غزلها. و کانت تطعم الدودة کل یوم قطعة تفاح ۷-ل (نیز ق، آ، ل، آ، ب): از آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸-ک، س ۲ (نیز ل، ی، ب): چندان که ۹-(ق: آ: بردی) ۱۰-ک، س ۲: همان؛ (ق: آ-پ: همه)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، و-ب) ۱۱-(ل، ی: بر فزون) ۱۲-(آ: هر) ۱۳-ل، ک (نیز ق، آ، ل، ی، ب): برستی (حرف سوم نقطه ندارد)؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ل، ن، آ-آ) ۱۴-(ل، آ: پدر (پساوند ندارد)) ۱۵-(ق: آ: گرفست این) ۱۶-ل: دل؛ (ب: ماه رخ)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-(ق، آ، ل، آ، ل، ن، آ: رخ)؛ س: خوب رخ ۱۸-(ل، ن: راز دختر به) ۱۹-ق (نیز ل، ن، ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): کرمک اندر؛ (ل، ی، آ: کرم اندر؛ ل: از کرمک اندر)؛ متن = ل، س، ک، س ۲ ۲۰-ک، س ۲ (نیز آ، ب): پس آن؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-ک: ازو؛ بنداری: فقالت لها أمها يوماً: كان الجن معک حتی تهبأ لک هذا الغزل الكثير. فأخبرتها بحال الدودة، و علم بذلک أبوها أيضاً ۲۲-س: به فالش ۲۳-س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ل، ی، ب): آن؛ متن = ل (نیز ق، آ) ۲۴-ل، س (نیز ل، ی): به؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): نکردی؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، ل، ی) ۲۶-ق (نیز ل، ن، ل، ی، ق، آ، ل، آ، ب): مگر زاختر؛ ک: هم از اختر؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ل، ی، آ، ب) ۲۷-(آ: کردی) ۲۸-ق (نیز ل، ی): بدو؛ (ب: بدان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ در ل این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۲۹-ل: آموزگار؛ س: شد بدو روزگار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-ل، ق (نیز ق، آ، ل، ی، پ، و، آ، ب): مر آن؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ل، آ، ل، ن، آ) ۳۱-س (نیز و): نگذاشتی ۳۲-(ق: از خوردنش نیکو؛ ل: ز خوردش به نیکی) ۳۳-س (نیز و): داشتی ۳۴-(ل: آ: شد و) ۳۵-(ل، آ: آهو) ۳۶-ق، ک، س ۲ (نیز ل، ی، پ، ب): بر؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب) ۳۷-(ل، ی: سنگ) ۳۸-ل، س، ق: پیرانش؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۹-س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ب): پیکر زعفران؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب): برو؛ متن = ل، س، ق، ک، ل، ی، آ این بیت را ندارند ۴۱-ل، س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب): پاک؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، ی، آ، ب) ۴۲-(پ: نگاه) ۴۳-ل، ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، و-ب): بدو؛ متن = (ل، ن) ۴۴-س (نیز پ): ساختش ۴۵-(ق: آ: خوابگاه)؛ بنداری: فتمنوا بالدودة و جعلوا یعتنون بأمرها و یربونها حتی کبرت و ضاق علیها و عاء المغزل. فعملوا لها صندوقاً و وضعوها فيه

نگفتی سخن کس ز^۲ بیداد و داد^۳
 توانگر شد آن^۴ هفت فرزند نیز
 سرافراز با^۵ لشکر و آب روی^{۱۱}
 که دینار بستاند از^{۱۳} بد نژاد^{۱۴}
 بر آن^{۱۶} هفت فرزند پیکارجوی^{۱۷}
 برفتند با نیزه و تیغ و تیر
 به جنگ آمد و^{۲۰} دادِ مردی بداد
 بسی گوهر از جنگش^{۲۳} آمد به مشت
 ز شهر گجاران^{۲۶} سوی کوه شد^{۲۵}
 شد آن^{۲۸} شهر با او همه هم گروه
 هم آرامگه بود^{۳۱}، هم جای کین

چنان شد که در شهر بی^۱ هفتواد
 فراز آمدش ارز و^۴ آرم^۵ و چیز
 یکی میر^۷ بُد^۸ اندر آن^۹ شهر اوی
 ۵۶۵ بهانه همی ساخت بر^{۱۲} هفتواد
 بسی نامدار انجمن شد بر اوی^{۱۵}
 ز شهر^{۱۸} گجاران^{۱۹} برآمد نفیر
 همی رفت پیش اندرون هفتواد
 همه^{۲۱} شهر بگرفت و او^{۲۲} را بکشت
 ۵۷۰ بنزدیک او مردم^{۲۴} انبوه شد^{۲۵}
 یکی دز بکرد از^{۲۷} بر تیغ کوه
 نهاد اندر آن^{۲۹} دز دری^{۳۰} آهنین

۱- (لن: جز) ۲-ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، پ، آ، ب): به؛ (لن: آ: جز به؛ لی: سخن کس نگفتی به)؛ متن = ل، ق (نیز، و، ب) ۳-س (نیز لن): به بند و به داد ۴-س <و> (نیز لن، لی-آ): ارج ۵-ق: آرزو رزم؛ (ق: آ: آرزوها)؛ متن = ۶-ق (آ: از)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ب)؛ بنداری: و ظهرت آثار برکها علی حال هفتواد و اولاده فکانوا یزدادون کل یوم ثروة و نماء و ترفعاً و اعتلاء حتی استظهر بکنز غمر و مال دثر ۷-ل: پیر ۸- (پ، و، ب: بود) ۹-ک، س ۲ (نیز آ): پادشا بود در؛ متن = س، ق (نیز لن-ل ۲، ب) ۱۰-ق: را؛ ک، س ۲ (نیز لن، پ، و): و با ۱۱-ل: رنگ و بوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ق (نیز ل ۲، لن: آ): با؛ ل، ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ): جست بر؛ (ب: خواست با)؛ متن = س (نیز لن، پ، و) ۱۳-س، ک (نیز ل ۲، و): آن؛ (آ: بستد از آن)؛ متن = ل، س ۲ (نیز ق ۲، لی، پ، لن: آ) ۱۴-ق (نیز ب): به جنگ آمد و داد مردی بداد؛ (لن: نگفتی سخن خود ببند و بداد)؛ برخی از دستنویس ها پس از این بیت افزوده اند (این بیت ها در یازده دستنویس دیگر و ترجمه بنداری نیست):

ل، ک، س ۲: از آن آگهی مرد شد در نهیب	بیامد ازین (س: آ: از آن) شهر دل ناشکیب
همان هفت فرزند پیش اندرون	یر از درد دل دیدگان پر ز خون
ز هر سو برافکند (ل: برانگیخت) بانگ و نفیر	برو انجمن گشت برنا و پیر
هر آنجا (ک: هم آنجا) که بایست دینار داد	به گنداوران چیز بسیار داد
یکی لشکری شد برو انجمن	همه نامداران شمشیرزن
لن: بدی روز و شب او به بیداد شاد	که دینار بستاند از هفتواد

۱۵-ل، ک، س ۲: همه یکسره پیش فرزند اوی (ل: او)؛ متن = س (نیز لن-آ)؛ بنداری: فاجتمع أهل المدينة مع الهفتواد ۱۶- (لی، ل: آ: بدان) ۱۷-ل، ک، س ۲: برفتند گردان پیکارجوی (ل: جو)؛ ق، ل ۲، ب این بیت را ندارند ۱۸-ل: شهری؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-ل (نیز ق: آ): کجازان؛ ک، س ۲ (نیز لی): تخاران؛ (ل: کخارا؛ و: کوخوران؛ لن: کخاران؛ آ: بخارا)؛ متن = س (نیز لن، پ)؛ ق، ل ۲، ب این بیت را ندارند ۲۰-ل (نیز لی، ل: آ): اندرون؛ ک، س ۲ (نیز آ): رزم اندرون؛ ق، ب این بیت را ندارند (۵۶۵ پ)؛ ل ۲ این بخش را ندارد ۲۱-ل: همان؛ (پ: همی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- (ل: آ: شه را) ۲۳-س، ک، س ۲ (نیز لن، ل ۲، ب): و گنجش؛ (ق: آ: و زرش؛ لی: و چیزش)؛ متن = ل، ق؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و خرجوا علی الأمير و تصدوا لقتاله فوقعت بینهم وقعة عظيمة إفضت إلى قتل الأمير و استبد هفتواد بذخائره و أمواله ۲۴-ق (نیز ب): لشکر ۲۵- (و: گشت) ۲۶-ق (نیز ل ۲، ب): کخارا؛ ک، س ۲ (نیز لی): تخاران؛ (و: کوخوران؛ لن: کخاران؛ آ: بخارا)؛ ل (نیز ق ۲، <ی>)؛ شهری کجازان؛ متن = س (نیز لن، پ) ۲۷- (ق: آ: بکردند)؛ ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): دزی را بر آورد؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل ۲، لن: آ) ۲۸-ک، س ۲ (نیز لن، و، آ): شده ۲۹-س، ق (نیز ل ۲، ب): نهادش بر آن؛ ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): نهاد او بر آن (لی: بدان)؛ (لن: ق: آ، و، لن: آ: نهاده بر آن)؛ متن = ل ۳۰-س، ق (نیز ق ۲، ل ۲، لن: آ)؛ <ی> ۳۱-ک، س ۲ (نیز لن، ق، ل ۲، پ، لن: آ، ب): بود؛ ق: او را مکان بود؛ متن = ل، س (نیز لی، و)؛ بنداری: و خرج من تلك المدينة، و بنی علی رأس بعض جبالها قلعة حصينة و تحوّل إليها بخيله و رجله و أهله و ولده و دودته. و حصن القلعة حتی عمل لها سوراً من حديد

ز بخت^۲ اندرآمد میان حصار
 که بینا به دیده ندیدی^۴ سرش^۵
 یکی حوض کردند^۷ بر کوه^۸ سنگ
 نهادند کرم اندرو^{۱۱} نرم نرم^{۱۲}
 برفتی دوان از در^{۱۵} هفتواد
 بر آگنده^{۱۹} کرم آن پیرداختی^{۲۰}
 چو پیلی شد آن کرم با شاخ و^{۲۲} یال
 بر آواز آن کرم کرمان نهاد
 پدر گشته جنگی سپهدار^{۲۶} کرم
 گرنجش^{۲۹} بدی خوردن و^{۳۰} شهد و شیر

همان پرسش از کار^{۳۲} بیداد و داد،^{۳۳}
 همه روی کشور^{۳۵} سپه گستریدا!

یکی چشمه‌یی بود بر^۱ کوهسار
 یکی باره‌یی کرد^۳، گرد اندرش
 ۵۷۵ چُن آن^۶ کرم را گشت صندوق تنگ
 چو ساروج و سنگ^۹ از هوا گشت گرم^{۱۰}
 چنان شد^{۱۳} که دارنده^{۱۴} هر بامداد
 لویدی^{۱۶} گرنجش^{۱۷} علف^{۱۸} ساختی
 برآمد برین کاربرد پنج^{۲۱} سال
 ۵۸۰ [چو یک چند بگذشت^{۲۳} بر هفتواد
 همان^{۲۴} دخت خرم^{۲۵} نگه‌دار کرم
 بیاراستندش^{۲۷} دبیر و وزیر^{۲۸}

سپهد بدی بر دز^{۳۱} هفتواد
 ز دریای چین تا به مکران^{۳۴} رسید

۱-س (نیز لن آ): چشمه بُد بر سر؛ (ق آ، لی: چشمه بود از بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- (لی، ب: تخت؟؛ پ: تیغ) ۳- (ق آ: باره کردند) ۴- (ق آ: ندیدی به دیده) ۵- ک، س آ: درش ۶- ل، س، ق (نیز لن، ق آ، ل آ- لن آ، ب): چو آن؛ س آ (نیز آ): پس آن؛ (لی: پس از)؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- ک، س آ (نیز لی): کردش؛ (و: کنند؛ آ: کردندش)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق آ، ل آ، پ، لن آ، ب) ۸- (ق آ، لی، آ: کوه؛ و: ل آ: در کوه) ۹- (لی: ساروج سنگ؛ ل آ: کاروج سنگ) ۱۰- (و: خشک) ۱۱- س: اندران ۱۲- (و: همچو مشک) ۱۳- ل، ق (نیز ق آ، لی، ب): بُد؛ متن = س، ک، س آ (نیز لن، ل آ- آ) ۱۴- (لی: داننده) ۱۵- ل، ک، س آ (نیز ق آ، لی، آ، ب): بر؛ (پ، و: تا بر)؛ متن = (ل، ل آ، لن آ): بنداری؛ ثم إن الصندوق ضاق على الدودة فحفروا لها في الصخر حوضاً في القلعة، و وضعوها فيه، و وكلوا بها خدماً و مستحفظین ۱۶- ل: کرندی؛ س (نیز لن): لویدی (حرف سوم بی نقطه)؛ ک، س آ (نیز آ، ب): خریدی؛ (ق آ، ل آ: ببردی؛ لی: کزیدی)؛ متن = ق (نیز پ، لن آ) ۱۷- ل، س (نیز ق آ، لی، ل آ، و): برنجش؛ ک، س آ (نیز آ، ب): کرنج؛ و: متن = ق (نیز لن، پ، لن آ) ۱۸- ک، س آ (نیز آ، ب): خورش ۱۹- ل: تن آگنده؛ ک، س آ (نیز لی، آ، ب): ببردی؛ و: متن = س، ق (نیز لن، ق آ، ل آ، پ، لن آ) ۲۰- (و: ببردی به کامش در انداختی) ۲۱- ل، ق (نیز لن، ل آ، پ، و، ب): چند؛ متن = س، ک، س آ (نیز ق آ، لی، لن آ، آ)؛ بنداری: خمس سنین ۲۲- ک، س آ (نیز آ): توش؛ و: (ق آ: قد و؛ ل آ: فزو؛ لن آ: شیر زیان کرد آن کرم)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، لی، پ، و، ب) ۲۳- ق (نیز پ، ب): بگذشت یک چند؛ س، لن آ، و، لن آ، آ این بیت را ندارند؛ درک این بیت چند بیتی پیش تر آمده است؛ بنداری: و كانوا يطعمونها كل يوم قدرأ من الأرز، و يغذونها بالشهد و اللبن حتى أتت عليها خمس سنين فصارت من الكبر و الضخامة كالقيل. و استفاض خبرها بين الناس فسميت تلك الناحية کرمان ۲۴- (و: بُد آن) ۲۵- ک، س آ (نیز لی، آ، ب): فرخ؛ (ق آ، پ: او بُد)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل آ، لن آ، و) ۲۶- (لن آ: نگهدار) ۲۷- ق: بیاراستندی ۲۸- ل (نیز و): وزیر و دبیر؛ ک، س آ (نیز لی، آ، ب): به چینی حریر؛ متن = س، ق (نیز لن، ق آ، ل آ، پ، لن آ) ۲۹- ل، س (نیز ق آ، و): برنجش؛ متن = ق (نیز لن، ل آ، پ، لن آ، ب) ۳۰- ک، س آ (نیز آ): مراورا همی داد از؛ (لی: مراورا بدی خوردنش) ۳۱- ق، ک، س آ (نیز ق آ، لی، پ، آ، ب): درش؛ متن = ل، س (نیز لن، ل آ، و، لن آ) ۳۲- ل: پرسش کار ۳۳- (لی: آ: دل مرد نادان (آ: جنگی) بدان کرم شاد)؛ متن = س، ق، ک، س آ (نیز لن، ق آ، ل آ- لن آ، ب): ل، ک، س آ پس از این بیت افزوده‌اند:

هر آن چیز کاید شهان را به کار
 چنان (ک: همه) چون شهان را پیراستند
 همین (ل، س آ: همه) گشت آراسته کشورش

سپاهی و دستور و سالارِ بار
 همه هر چه بایستش آراستند
 به کشور پراگنده شد لشکرش

س، ق (نیز لن-ب): این بیت‌ها را ندارند ۲۴- ل، ق، س آ (نیز لن، ق آ، ل آ- ب): کرمان؛ متن = س (نیز لی) ۲۵- ق (نیز ب): گیتی؛ ک این بیت را ندارد

همان گنج^۱ و هم^۲ آلت کارزار،
چو رفتی سپاهش بر کرم تنگ،
چو آواز این داستان بشندی^۶،
که گردش نیارست جنید^۸ باد!
ندیدی^{۱۱} بر آن بارهبر باد راه!

۵۸۵ پسر هفت با تیغ زن ده هزار
هر آن^۳ پادشا کو کشیدی به جنگ
شکسته شدی لشکری^۴ کامدی^۵؛
چنان شد دز نامور^۷ هفتواد
حصاری شد آن^۹ پُر ز گنج و سپاه^{۱۰}

گفتار اندر لشکر کشیدن اردشیر به رزم هفتواد^{۱۲}

نمود آن^{۱۳} سخن‌های او^{۱۴} دلپذیر^{۱۵}
سپاهی بلنداختر و^{۱۸} جنگجوی^{۱۹}
ازیشان به دلبر^{۲۲} نیامدش^{۲۳} یاد
بیامد سوی رزم خود با^{۲۴} گروه
به گرز و تبرزین^{۲۵} همی^{۲۶} کوفتند،
سپه شد بر آن نامداران زمین^{۲۸}

۵۹۰ چو آگه شد از هفتواد اردشیر
سپهد^{۱۶} فرستاد نزدیکِ اوی^{۱۷}
چو آگه شد زان^{۲۰} سخن^{۲۱} هفتواد
کمین‌گاه کرد اندر آن کُنج کوه
چو لشکر سراسر برآشوفتند،
۵۹۵ سپاه اندرآمد ز جای^{۲۷} کمین

۱-س: جنگ ۲-ل، ک، س، ۲ (نیز لی، آ): با؛ (لن: ۲ و با) ۳-ل، و: همان) ۴-س، ۲ (نیز پ): لشکرش ۵-و: لشکرش بی‌گمان) ۶-و: بشندی آواز این داستان) ۷-لی، آ: گشت آن (آ: از) کرم با) ۸-س: گردید؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق، لن این بیت را ندارند؛ ل، ک، س، ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

همی‌گشت هر روز برترش بخت
همی خواندندی وزا شهریار
سپهد که بودی به مرز اندرون
نناید با کسی بر (ک، س، ۲: نیامد همی چیر با او) به جنگ
یکی خویشن را بیاراست سخت
سر مرد بخرد ازو در (ک، س، ۲: بر) خمار
به یک جنگ در چنگ کردش زبون
برآمد برین نیز چندی درنگ

س، ق، لن = ب این بیت‌ها را ندارند ۹-ل: شدش؛ (ق: ۲: بد آن)؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۰-ل: خیل سپاه) ۱۱-س (نیز لی، آ، ب): نبود؛ ک، س، ۲ (نیز پ): نبرد؛ متن = ل (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، و، لن، ۲)؛ بنداری: قال: واجتمع لهفتواد جيش عظیم حتی کان بنوه السبعة یرکبون فی عشرة آلاف فارس. و كانوا مظفرین علی جمیع من ینهض لقتالهم من الملوك ۱۲-س: آگاهی یافتن اردشیر از حال کرم و هفتواد؛ ق: نبرد اردشیر با هفتواد و حیلت مهرک نوشزاد؛ ل: آگاهی یافتن اردشیر از هفتواد و فرستادن لشکر؛ متن = [گفتار اندر+] ل؛ ک، س، ۲ در اینجا سرنویس ندارند ۱۳-و: نبودش) ۱۴-ق، ل، ۲ (نیز لن، پ، ب): سخن‌ها ورا ۱۵-لی: وزان کرم و آن جنگ و آن داروگیر)؛ متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، لن، ۲، آ، ۲) ۱۶-ل: سپاهی ۱۷-ق (نیز ل، آ، ب): او ۱۸-س، ک (نیز و، لن، ۲، ب): < ۱۹-ق: جنگجوی؛ ل (نیز و): رزمجوی؛ ل (نیز لی): کینه‌جوی؛ (ق: ۲: نیکجوی؛ پ: نامجوی)؛ متن = س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، لن، ۲، آ، ب)؛ بنداری: فلما وقف اردشیر علی حال هفتواد، و أنه لایفکر فی بیت کیقباد نفذ الیه بعض الإصبهذین فی عسکر عظیم کثیف ۲۰-ق: ۲: زین؛ لن، لی، پ، آ: آگه از آن شد) ۲۱-ک: شاه از آن ۲۲-ل، س، ک، س، ۲ (نیز لی، لن، ۲، آ): در؛ متن = ق (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و، ب) ۲۳-پ: نیاورد)؛ ل این بیت را ندارد؛ ک، س، ۲، لی، آ بیت ۶۰۲ را پس از این بیت آورده‌اند ۲۴-ل: با خود؛ (لی: خود و نامداران بیامد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۲۵-و: به زوبین) ۲۶-لی: همی بر سر یکدگر)؛ ق این بیت را ندارد ۲۷-ق: ز راه؛ ل: به جای؛ (ب: به راه) ۲۸-لی: بجوشید لشکر ز دریای چین)

کسی^۱ باز^۲ نشناخت از پای^۳ دست
 ز کشته چنان شد در و دشت و کوه
 هر آنکس که بُد زنده زآن^۸ رزمگاه
 چو آگاه شد نامدار^{۱۱} اردشیر
 ۶۰۰ غمی^{۱۳} گشت و لشکر همه باز^{۱۴} خواند؛
 به تندی بیامد سوی^{۱۷} هفتواد
 بیاورد گنج و سلیح^{۱۹} از حصار
 جدا بود از دور^{۲۲} مهترپسر
 برآمد از آرام^{۲۶} و از خورد و خواب
 ۶۰۵ جهانجوی را نام شاهوی^{۳۱} بود
 ز کشتی^{۳۵} بیامد بر هفتواد
 بیاراست بر میمنه جای خویش
 دو لشکر بشد^{۳۶} هر دو^{۳۷} آراسته
 بدیشان^{۳۹} نگه کرد شاه اردشیر
 ۶۱۰ سپه بر^{۴۲} کشید از دو رویه دو صف
 تو گفتی^۴ زمین^۵ پای ایشان^۶ بیست^۷
 که پیروزگر شد ز کشتن ستوه
 سبک^۹ بازگشتند^{۱۰} نزدیک شاه
 از آن کشتن و غارت و داروگیر^{۱۲}،
 به روزی^{۱۵} سلیح^{۱۶} و درم برفشاند،
 به گردون برآمد سر بدنزاد^{۱۸}!
 برو خوار شد^{۲۰} لشکر و کارزار^{۲۱}
 چو آگاه گشت^{۲۳} او^{۲۴} ز رزم^{۲۵} پدر،
 به کشتی بیامد^{۲۸} برین روی^{۲۹} آب^{۳۰}
 یکی شوخ^{۳۲} بدساز^{۳۳} بدگوی^{۳۴} بود
 دل هفتواد از پسر گشت شاد
 سپهد بُد و لشکر آرای خویش
 پُر از کینه و گنج و پُر^{۳۸} خواسته
 دل مرد بُرنا^{۴۰} شد از رنج پیر^{۴۱}!
 ز خورشید و شمشیر برخاست^{۴۳} تف^{۴۴}!

۱-ک، ل، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، پ، و، ب): که کس ۲- (لی: چنان شد که؛ آ: بر آن سان که) ۳- ق: چو کس پای نشناختی خود ز؛ متن = ل، س (نیز لن، لن، ۲) ۴- (ل: که گفتم) ۵- س، ق (نیز لن، ۲، ب): ز (س: که) خون: متن = ل، ک، س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، و، آ): دست ایشان؛ (پ: پای اسبان) ۷- ل: سراسیمه گشتند بر سان مست؛ (لی: نگون اندرافتاد بر سان مست) ۸- ل: آ: از؛ (و: جان برد از آن) ۹- (ق: آ: همه؛ لی: همان) ۱۰- ل، س، ۲: رفتند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فکرمهم هفتواد کسراً، و أوسعهم قتلاً و أسراً، فعاد من سلم من الوقعة الی اردشیر فأعلمه بما جرى علی أصحابه؛ در س، ۲، لن آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۱- (لی: از سپاه)؛ ق، ل (نیز ب): آگه شد آن نامور؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- ق: جنگ و تیر ۱۳- ک، س، ۲ (نیز آ): دژم ۱۴- ل (نیز لن، ب): همی باز؛ ل: همه پیش؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵- ل، س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، ب): بزودی؛ متن = ک (نیز لی، آ) ۱۶- س، ک (نیز پ، لن، ۲): سلاح؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- س، ل، ۲ (نیز ق، ل، ۲، ب): بر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- ک: که گفتمی بجنید دریا ز باد ۱۹- س (نیز لی، لن، ۲): سلاح؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- س: بُد ۲۱- ک: کینه کارزار؛ (و: لشکر شهریار)؛ در ک، س، ۲، لی، آ این بیت پس از بیت ۵۹۲ آمده است ۲۲- ل: از وی دو؛ س: از او آن دو؛ (ق: از او خود دو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- ک (نیز ق، ل، ۲، و، لن، آ): شد ۲۴- ل: گشتند آگه؛ ل: آگه شداورا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- ک (نیز آ): کار ۲۶- ل، س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، ب): ز؛ متن = ق (نیز لن) ۲۷- ل، س، ق، س، ۲ (نیز لن، ل، لن، آ، آ): وز؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز ق، ل، ۲، پ، و، ب) ۲۸- (ق: آ: برآمد) ۲۹- ق (نیز ب): ازین روی؛ ک: بدین سوی؛ ل، ۲ (نیز لن، پ، و، آ): بدین روی؛ متن = ل، س، س، ۲ (نیز ق، ل، ۲، لن، ۲) ۳۰- (لی: سوی هفتواد) ۳۱- (و: هیشوی) ۳۲- ل، س، ک، س، ۲ (نیز لی، آ): مرد؛ ق: تند؛ ل: که بدشاخ و؛ (ق: آ: خرخ؛ ل: ب: سرخ)؛ متن = (لن، پ، لن، ۲) ۳۳- ق (نیز پ، ب): بدخواه؛ ل: آ: بدساز و ۳۴- ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): بدخوی؛ (ق: ل، ۲: بدروی)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ۲) ۳۵- س: به بیشی (حرف یکم بی نقطه)؛ (ق: ل، ۲، پ، لن، ۲: به کشتی)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶- س، ق (نیز لن، ۲، ب): شده؛ ل: بُد و؛ (لن: بید؛ ق: شد از)؛ متن = ۳۷- ک، س، ۲ (نیز لی، آ): برفتند؛ متن = ل (نیز ل، ۲، پ) ۳۸- س: پر گنج پر؛ ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، پ، لن، ۲، ب): سر گنج پر؛ ک، س، ۲ (نیز لی، آ): کین سرو گنج پر؛ (و: پراکنده از گنج و از)؛ متن = ل ۳۹- ق: به ایشان ۴۰- (ل: آ: دانا)؛ ق (نیز ب): شاه برنا؛ ک، س، ۲ (نیز آ): شاه دانا؛ (لی: شاه نادان)؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز لن، ق، ل، ۲، پ، و، لن، ۲) ۴۱- (لن: آ: جنگ سیر) ۴۲- ک: سپهد ۴۳- ل: آ: خورشید شمشیر برداشت ۴۴- (آ: کف)

چو آواز^۱ کوس^۲ آمد از پشتِ پیل
 برآمد خروشدنِ گاودُم
 زمین جنب‌جنبان^۶ شد از میخ^۷ نعل
 از^{۱۰} آوازِ گوپال بر^{۱۱} ترگ و خود^{۱۲}
 ۶۱۵ تگ^{۱۴} بادپایان زمین را کنان
 برآنگونه شد لشکر^{۱۷} هفتواد
 بیابان چنان شد ز هر دو^{۲۰} سپاه
 برین گونه^{۲۱} تا روز^{۲۲} برگشت^{۲۳} زرد
 ز هر سو سپه بازچید^{۲۶} اردشیر
 ۶۲۰ چو دریای^{۲۹} زنگارگون شد سپاه
 خورش تنگ بُد^{۳۲} لشکر شاه را^{۳۳}

به جهرم یکی مرد بُد کی نژاد^{۳۶}
 چو آگه شد از رفتن^{۳۸} اردشیر،
 کجا نام او مهرکِ نوشزاد^{۳۷}
 و زان ماندن^{۳۹} بر لب^{۴۰} آبگیر،

۱-ق (نیز ب): آوای ۲-ل (ن: آ: پیل) ۳-ل (ی: جهان شد بگردار دریای نیل) ۴-س: بانگ شد از (وزن ندارد): ل (ن: آ: شد پر از) ۵-ق (نیز ل: <ب> <و>): جهان شد پر از نای و: ل: جهان پر ز آواز: ل (ی: دم نای روین و): متن = ل، ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، پ، و) ۶-ل، س، آ: جنب و جنبان: ق (آ: جم جنبان): متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ق: اسب و: س، آ (نیز ل، و، ل، ن: آ: میخ و: ق: آ: گرد: ب: سنب): متن = ل، س، ل، آ (نیز ل، ل، آ، پ، آ) ۸-ا (و: و سنان) ۹-ل (نیز ل: آ: گشته): ل (ی: بر و دست گردان به خون گشته): متن = یازده دستنویس دیگر: ک این بیت را ندارد ۱۰-س (نیز و، ل، ن: آ): ز ۱۱-ل، س، آ (نیز ل، و، ل، ن: آ): وز: ک، ل، آ (نیز آ): و از: متن = س، ق (نیز ق، آ، ل، پ، ب) ۱۲-ل (ی: کوپال و زخم تیر) ۱۳-آ: نیکی دهش را درود: ل (ی: کسی را ندانست از پای سر) ۱۴-ل، آ (نیز ل، ل، آ، ل، ن: آ): به تگ: متن = ل، ک، س، آ (نیز ق، آ، پ، و، ب) ۱۵-ل، آ (نیز ب): پر از: ل (ی: همه دشت یکسر) ۱۶-ق: پر از تن بی سران: ق (آ: <و>: پر سر و پر تنان: ل: آ: بی سر و بی تنان: و: پر دست و پای و میان) ۱۷-ل، آ: لشکر از ۱۸-ل (ل، آ، ل، ن: آ، ب: تو گفتی) ۱۹-ل (ی: دریای): درک این بیت پس از بیت ۶۱۰ آمده است و لت دوم آن هم یکبار به جای لت دوم بیت ۶۰۱ آمده است ۲۰-س، آ (نیز ل، ل، آ): ز گرد: ک این بیت را ندارد: درل ۳ این بیت پنج بیت سپس تر آمده است: بنداری: فالتهب غیظاً و سار فی عساکره قاصدا قاصد هفتواد. فلما دنا بعضهم من بعض کادت الأرض تمور من کثرة العساکر فقامت الحرب بینهم علی ساق، و جرت بینهم وقعة عظيمة ۲۱-ک، س، آ: بود: ل (ن: بدین گونه: ل: چنین بود: آ: بر آن گونه) ۲۲-ل، آ: کوه ۲۳-ق (آ: روز شد رنگ) ۲۴-ک، س، آ (نیز آ، ب): بگسترده: ل (آ: براندد): متن = ده دستنویس دیگر ۲۵-س، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، پ، آ، ب): لا جورود: متن = ل (نیز ل، و، ل، ن: آ) ۲۶-ل، ق (نیز ق، آ، ب): خواند: ل، آ: جُست: (و: گشت): ک، س، آ: ز هر دو سپه باز گشت: ل (ی: آ: به لشکر (آ: بدیشان) نگه کرد شاه): متن = س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ن: آ) ۲۷-ل، آ: در یکی: ل (آ: شد یکی: ق: آ: پشتشان بد یکی): س، آ: وزو ماندنش بر لب ۲۸-ک (نیز ل، آ، ب): سپه خسته گشته به زوین و تیر: متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن: آ) ۲۹-ل، آ (نیز ل، ل، آ، ب، ل، ن: آ): دیبای: ق (آ: دینار): متن = ل، ک، س، آ (نیز ل، و، آ، ب) ۳۰-س، ق (نیز ق، آ، ل، پ، ب): بر آمد ۳۱-ک، س، آ (نیز آ): برون آمد از: متن = ل، ل، آ (نیز ل، ل، آ، ل، ن: آ) ۳۲-ل (ی: و، آ: شد) ۳۳-ک، س، آ: شد بر دلیران شاه ۳۴-ل، آ: بدخواه بر بسته ۳۵-ک: راه راه: س، آ: شاه راه: بنداری: و لما اسی اردشیر تأخر و نزل. ثم إن هفتواد أخذ علیه الطرق من جمیع جوانبه، و ضاق علی عسکره الطعام حتی جهدوا ۳۶-ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ل، و، ل، ن: آ): بدنژاد: متن = ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، پ، آ، ب) ۳۷-ل، ن: نوشک مهرزاد: متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۸-ق (آ: ل: لشکر: ب: جستن): س، آ: آگاه شد رفتن ۳۹-ق، ک، س، آ (نیز ل، پ، ل، ن: آ، ب): ماندنش: ل: پر اندیشه شد: ل (ن: ماندن او (وزن ندارد)) ۴۰-ل (نیز و): ماندن او بر آن (و: بدان): متن = س (نیز ق، آ، ل، آ): درل ۳ بیت ۶۲۱ پس از این بیت آمده است

ز تنگی که بُد^۱ اندر^۲ آن رزمگاه،
 ۶۲۵ ز جهرم بیامد^۴ به ایوان شاه
 همه^۵ گنج او را به تاراج داد
 چو آگاهی آمد به شاه^۷ اردشیر
 همی گفت: ناساخته خانه را
 بزرگان لشکرش را^{۱۱} پیش خواند
 ۶۳۰ چه بینید-گفت-ای^{۱۲} سران سپاه
 چشیدم^{۱۳} بسی تلخی^{۱۴} روزگار
 به آواز^{۱۷} گفتند^{۱۸} کای شهریار
 چو مهرک بود دشمن^{۲۰} اندر^{۲۱} نهان^{۲۲}
 تو داری بزرگی و گیهان تراست!

۶۳۵ بفرمود تا خوان بیاراستند
 به خوان بر نهادند چندی^{۲۴} بره^{۲۵}
 چونان را به خوردن گرفت^{۲۶} اردشیر
 نشست اندر آن یال^{۲۸} فربی^{۲۹} بره
 بزرگان^{۳۲} فرزانهی رزمساز
 می و جام^{۳۳} و رامشگران خواستند
 به خوردن نهادند سر یکسره
 بیامد هم آنکه^{۲۷} یکی تیزتیر،
 که تیر اندرو^{۳۰} غرقه^{۳۱} شد یکسره!
 ز نان داشتند آن زمان^{۳۳} دست باز

۱- (ن، و، ل، آ، ب: بود)، س: جنگی که بود ۲- (پ: همان نیز تنگی در) ۳- س، ق (نیز، و، ب): بست؛ ک، س، ل، آ این بیت را ندارند
 ۴- س: بیامد ز جهرم؛ ق این بیت را ندارد ۵- ک، س، آ: همان ۶- س، ک، س، آ (نیز آ): گوهر؛ (ل: هدیه)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛
 بنداری: و بلغ اردشیر آن صاحب جهرم المسمى مهرک هجم علی مدینته المتحدثة الی تسمى اردشیرخره فنهها و استولی علی
 ذخائره و خزائنه بها ۷- ک، س، آ (نیز لی، آ): سوی ۸- (ب: از آن لشکر و غارت و دار و گیر) ۹- (ق: آ: خواستم؛ ب: خاستم) ۱۰- ق، ک،
 ل (نیز، و، ب): جنگ؛ متن = ل، س، س، آ (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۱- ق (نیز لی، و): لشکر همه ۱۲- (آ: ببینید گفتا) ۱۳- (و: کشیدم)
 ۱۴- ک، س، آ: تلخ از؛ ل (نیز پ، آ): تلخی از؛ (ق: تنگی از)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، لی، ل، آ، و، ل، آ، ب) ۱۵- ل، آ: هیچ ۱۶- (ق: آ: همی)؛
 بنداری: فضاقت اردشیر بذلک ذرعاً، و استحضر أصحابه و شاورهم فی حاله، و فإوضحهم فیما داهاه من مهرک؛ و پس از بیت ۶۳۱ افزوده است:
 که دانست کو نامداری بود همی با منش کارزاری بود

۱۷- (ق: آ: گوان جمله) ۱۸- س: چنین داد پاسخ؛ (ل: آ: به پاسخ بگفتند)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- ک، س، آ (نیز ق: آ): چشم تو
 ۲۰- (ب: مهر) ۲۱- ل (نیز پ): دشمنی در؛ ق: بُدی دشمنی در ۲۲- ل، آ: جهان؛ متن = ل، س، ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، و، ل، آ، ب) ۲۳- ق (نیز ب):
 رود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴- ک: چندین ۲۵- (و: تره)؛ ق پس از این بیت افزوده است:
 بزرگان فرزانه رزمساز نشستند با شاه گردنفرافز
 س در اینجا سرنویس دارد: آمدن تیر و نشستن بر بره در خوان اردشیر ۲۶- (ل: آ: نهاد) ۲۷- ل، ق، س، آ: همانکه بیامد؛ متن = س، ک (نیز
 نه دستنویس دیگر)؛ ل این بیت را ندارد ۲۸- ل، س، ق (نیز پ، ل، آ): پاک؛ (ل: پاک و؛ لی: بال؛ ل: نان و؛ آ: کار)؛ متن = ک، س، آ (نیز ق: آ،
 و، ب) ۲۹- ل، ق، ک، س، آ (نیز ل، ب): فربه؛ متن = س ۳۰- (ل: تا پر در آن) ۳۱- س، س، آ (نیز لی، و، ب): غرق؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، ق، آ،
 ل، آ)؛ بنداری: ثم أمر بمد السماط فوضع بین یدی اردشیر حمل مشوی. فلما اشتغل الحاضرون بالأكل جاءت نشابة حتی وقعت فی
 الحمل الذی بین یدی اردشیر؛ ل این بیت را ندارد ۳۲- ل: بزرگان و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۳- ک، س، آ (نیز لی، آ): از غمان؛
 متن = یازده دستنویس دیگر

۶۴۰ ز غم هر کسی از جگر خون کشید،
 بدیدند نقشی^۲ بر آن تیز^۳ تیر
 نبشته^۴ بر آن تیر بُد^۷ پهلوی
 چنین^۹ تیز تیر آمد^{۱۰} از بام دز
 گر انداختیمی^{۱۱} سوی^{۱۲} اردشیر
 ۶۴۵ نباید که چون او^{۱۴} یکی شهریار
 ز دز تا بر او دو^{۱۷} فرسنگ بود
 همی هر کسی خواندند^{۱۹} آفرین

پر اندیشه بود^{۲۱} آن شب از کرم^{۲۲} شاه
 سپه برگرفت از لبِ آبگیر
 ۶۵۰ پس لشکر او^{۲۵} بیامد سپاه
 بکشتند هر کس که بُد نامدار
 خروش آمد از پس^{۲۸} که ای^{۲۹} بختِ کرم!

چو بنشست خورشید بر جای ماه^{۲۳}،
 سوی پارس^{۲۴} آمد دمان اردشیر
 ز هر سو گرفتند بر شاه راه
 همی تاخت^{۲۶} با ویزگان^{۲۷} شهریار
 که رخشنده^{۳۰} بادا سر^{۳۱} تختِ کرم!

۱-درل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲-(پ: خطی) ۳-ق: فاق؛ (آ: ب: پز) ۴-ل: بُد زان؛ (ل: ۳، ن: ۲: بُد از) ۵-و: آن زمان آنکه بودش؛ متن = س = س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، لی، پ، آ، ب) ۶-ل، ۶-ل، ۲ (نیز ق، آ، و): نوشته؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ل، ۲ (نیز و): بر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ق (نیز ب): تا؛ بنداری: فاستعظموا ذلك و كفوا أیدیهم عن الطعام. فقام بعضهم و نزع النشاب من الحمل فوجدوا علیها كتابه فهلویة فقرئت ۹-ل، ۹-ق: چو این؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-ک، س: ۲: تیر انداخت؛ (لی: تیر آمد خود)؛ بنداری: فاذا فيها ذكر أن النشاب رمی بها من القلعة، ولو أراد رامیها أن یصیب بها اردشیر لتیسر له. و فی الکتابه: اعلم ایها الملك العالم! أن ثبات هذه القلعة من سعادة الدودة ۱۱-ق: انداختی من؛ ک: انداختم من؛ س: ۲ (نیز لی، آ): انداختی بر؛ متن ← ۱۲-ل: بر؛ ل: ۲: انداختی تیر بر؛ (پ، ب: انداختی سوی من)؛ متن = س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ) ۱۳-آ: تیز تیر) ۱۴-س: ۲ (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب): تو؛ متن = ل، س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، ل، آ، پ، ن، آ) ۱۵-س (نیز لی، آ، ب): پشت کوز؛ ک، ل: آ: کرم پست؛ (ق: ۲: مت پنج؛ پ: جنگ کرم؛ و: ست کرم)؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ل، ن، ل، ن، آ) ۱۶-آ: اندران)؛ ق: این بیت را ندارد؛ همه دستنویس ها بجز ق پس از این بیت افزوده اند:

بدان (ل: بران) موبدان شهریار (ل: نامدار) اردشیر
 نبشته همی خواند از چوب تیر
 (س، س، آ، لی، آ: برنا و پیر؛ ل: ۲: از تیز تیر)

۱۷-ل: تا بر آورد؛ س: ۲ (نیز آ): بروی دو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸-س: ۲ (نیز لی، آ، ب): بخردان؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۱۹-س: ۲: خواندند هر کسی ۲۰-س: شهریار؛ س: ۲ (نیز لی، ل، آ): شاه ایران؛ (آ: شهر ایران)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: و لا ینبغی لشهاریار مثلک أن یکون من قتلاها. قال: و کان ما بین القلعة و منزل اردشیر مسافة فرسخین. ففرح اردشیر و حمد الله تعالی و شکر مرسل تلك النشاب ۲۱-ق، ک (نیز و، ب): بُد؛ (پ: شد) ۲۲-ق (نیز ب): شب تار ۲۳-ل: جایگاه؛ س: گاه ماه؛ س: ۲ (نیز لی): تخت گاه؛ (و: بر جای خورشید و ماه؛ آ: ز هر سو گرفتند بر شاه راه)؛ متن = ق، ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ۳، پ، ن، آ، ب) ۲۴-ق: به سوی دز؛ آ: این بیت را ندارد
 ۲۵-ل: ۲: اندر؛ س: ۲ (نیز ب): وی؛ آ: ت دوم این بیت را به جای لت دوم بیت ۶۴۸ آورده است ۲۶-ل: تاختند؛ ک: خواند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-ل: از پس؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸-لی، آ: دز؛ ب: از پس آمد) ۲۹-س، ک، ل، ۲، س: ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب): از؛ (ل، ن: آ: این)؛ متن = ل، ق، ۳۰-ل (ن: آ: فرخنده) ۳۱-ل: سر از ل ۲ (نیز ق، آ): سرو؛ س، س: ۲ (نیز لی، و، آ، ب): باد افسرو؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، پ، ل، آ)؛ ل: ۳: این بیت را ندارد؛ بنداری: فارتحل راجعاً الی فارس فاتبعه عسکر هفتواد، و قتلوا من أصحابه خلقاً کثیراً، و تفرق الباقون آخذین نحو بلادهم

کزین^۲ هر کس^۳ اندازه باید^۴ گرفت!
 همی تاخت اندر فراز و نشیب
 بردند با پویه اسپان^۷ چو گرگ^۸
 به دربر دو بُرنای بیگانه^۹ دید
 برسید ازو^{۱۱} این دو پاکیزه‌رای^{۱۲}،
 که با^{۱۴} گردِ راهید و آشفته‌اید^{۱۵}!
 ازو^{۱۸} بازماندیم^{۱۹} بر خیره‌خیر^{۲۰}،
 وُزآن^{۲۲} بی‌هنر^{۲۳} لشکر^{۲۴} بدنزادا!
 پر از درد^{۲۶} گشتند و تیره‌روان
 بر آن^{۲۷} مهتران خواندند^{۲۸} آفرین
 پسندیده‌خوانی^{۳۱} بیاراستند^{۳۲}
 پرستش گرفتند هر دو جوان
 غم و شادمانی نماند دراز!
 چه آورد از آن^{۳۵} تختِ شاهی به سر،
 کزو بُد دلِ شهریاران به درد،
 بکشت آن که^{۳۷} بُد در جهان^{۳۸} شهریار^{۳۹}،

همی هر کسی گفت کاین^۱ شگفت
 بیامد گریزان^۵ و دل پُرنهیب
 یکی شارستان دید^۶، جایی بزرگ
 چو تنگ اندرآمد، یکی خانه دید
 بودند بر دَر زمانی به پای^{۱۰}
 که بیگه چُنین از کجا رفته‌اید^{۱۳}؟
 بدو^{۱۶} گفت: ازین سو^{۱۷} گذشت اردشیر
 که بگریخت از کرم و از^{۲۱} هفتواد
 بیچید بر جای^{۲۵} هر دو جوان
 فرود آوردندش از پُشتِ زین
 یکی جای^{۲۹} خرم پیراستند^{۳۰}
 نشستند با شاه گردان^{۳۳} به خوان
 ۶۶۵ به آواز گفتند کای سرفراز
 نگه کن^{۳۴} که ضحاکِ بیدادگر
 هم افراسیاب، آن بداندیش مرد
 سکندر که آمد بدین^{۳۶} روزگار

۱-س.ک (نیز لن، و): گفت اینت؛ ق (نیز ق، ۲، لی، پ، لن، ۲، ب): گفت هر کس که اینت؛ متن = ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ۳، آ)، ۲-س: همی ۳- (لی):
 ازین برتر) ۴- (ل، ۳، اندر)؛ ق، ک، ل، ۲ (نیز پ، ب): هرگز اندازه نتوان؛ (و) برتر اندازه نتوان؛ آ: هر کس اندیشه باید؛ س، ۲: ازین هرگز
 اندیشه شاید؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ۲، لن، ۲) ۵- (و: گرازان) ۶- ک، ل، ۲: بود؛ (لن، ق، ۲، و، لن، ۲: دید) و ۷- ل: از آن سو برانند گردان؛ س،
 س، ۲ (نیز لی، آ): در او (آ: ز در) پاسبانان خروشان؛ ک: از آن سان برانند پویان؛ ل، ۲: از آن سو برفتند پویان ۸- (ق، ۲: بیامد بدان جای
 شاه سترگ)؛ متن = ق (نیز لن، ل، ۳، لن، ۲، ب) ۹- ل، ۲: فرزانه ۱۰- س، ۲: دراز ۱۱- لن: زو؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- س، ۲: راز؛
 (ق، ۲: شاه پاکیزه‌رای (پساوند ندارد)) ۱۳- ک، ل، ۲: رفته‌ای؛ (لی، آ: از ایدر کجا رفته‌اید)؛ ق (نیز ب): که تو این چنین از کجا رفته‌ای؛ متن =
 ل، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۴- س، ۲: در ۱۵- ق، ک، ل، ۲ (نیز ب): راهی و آشفته‌ای؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶- ق: چنین
 ۱۷- ل، ک: زین سو؛ (و: ازین ده)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- س، ۲ (نیز ق، ۲، ب): کزو ۱۹- س: بازماندند ۲۰- س، ق، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲،
 آ، ب): خیرخیر؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز لی، لن، ۲) ۲۱- ل، ق (نیز لن، ل، ۳): وز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- ک، ل، ۲ (نیز ب): از آن
 ۲۳- ق: پرهز ۲۴- (ل، ۳: لشکر بی‌هنر)؛ بنداری؛ و وقع اردشیر فی جماعة من خواصه الی قریة فصادف رجلین من أهل تلك القریة فقال
 لهما: فی ای طریق أخذ اردشیر؟ و کیف عبر؟ و قصد بذلک التعمية علیهما ۲۵- ل: ببخشود جان؛ ق، ل، ۲ (نیز لن، لن، ۲): بجستند از
 جای؛ ک: بجستندش از جای؛ (ل، ۳: ببخشید بر جای)؛ متن = س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، و، آ، ب)؛ س این بیت را ندارد ۲۶- س، ۲ (نیز لی، آ): پر
 اندیشه ۲۷- س (نیز پ): برو ۲۸- (پ: هر دو خواندند)؛ ق: مهتر از داد خواند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹- س، س، ۲ (نیز پ):
 جام؛ ک، ل، ۲: خانه؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق، ۲، لی، و، لن، ۲، آ) ۳۰- س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، و، آ): بیاراستند ۳۱- ل، ک (نیز و): جایی؛ متن = س، ق، س، ۲
 (نیز هفت دستنویس دیگر) ۳۲- س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، و، آ): پیراستند؛ ل این بیت را ندارد ۳۳- (لن، ۲: هر دو؛ ق، ۲: گردان از آن پس)؛
 بنداری؛ و استرشد هماغن الطريق فأرشداه الیه، و دعواه الی ضیافتها. فنزل اردشیر و دخل الی منزلها فقدما الیه طعاماً ۳۴- (و: تودانی)
 ۳۵- ل: زان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۶- ل: برین؛ ق: بدان؛ (و: به بد)؛ س: بیامد بدین؛ (ق، ۲: چو آمد بدین)؛ متن = ک، س، ۲ (نیز لن،
 لی، ل، ۲، پ، لن، ۲، آ، ب) ۳۷- ک: آنچه ۳۸- ق: از جهان آن که بُد ۳۹- س: نامدار

نماند و نیابد خرم بهشت!
 بیچد به فرجام ازین^۳ بدنژاد!^۴
 چنان تازه شد، چون گل اندر بهار^۵!
 بکرد آشکارا و بنمود^۶ راز،
 یکی پند باید مرا دلپذیر^۸!
 که نام و نژادش^۹ به گیتی مباد^{۱۰}!
 جوانانش بُردند^{۱۱} هر دو نماز
 همیشه ز تو دور^{۱۵} دستِ بدی!
 همیشه روانِ تو تابنده^{۱۶} باد!
 بگویم، تا چاره سازی نخست^{۱۸}؛
 بسنده نهی، گر نیچی^{۲۰} ز داد
 بدواندرون کرم و گنج و^{۲۳} گروه
 دزی بر سرِ کوه و^{۲۴} راهی درشت
 جهان آفریننده را^{۲۸} دشمن ست
 یکی دیو^{۳۰} جنگیست^{۳۱} ریزنده خون!
 همه^{۳۳} مهرجوینده و^{۳۴} دلپذیر^{۳۵}،

برفتند و زیشان جز از^۱ نام زشت
 ۶۷۰ نماند همین نیز^۲ بر هفتواد
 ز گفتار ایشان دلِ شهریار
 خوش آمدش آن گفتن^۶ دلتواز
 که فرزندِ ساسان منم اردشیر
 چه سازیم با کرم و با هفتواد
 ۶۷۵ سپهدارِ ایران چو بگشاد^{۱۱} راز
 بگفتند هر دو کانشه^{۱۳} بدی^{۱۴}!
 تن و جانِ ما پیش تو بنده باد!
 سخن‌ها که پرسیدی از ما درست^{۱۷}
 تو^{۱۹} در جنگ با کرم و با هفتواد
 ۶۸۰ یکی جای دارند^{۲۱} بر تیغِ کوه
 به پیش‌اندرون شهر و دریا به پشت
 همان^{۲۵} کرم کز مغز^{۲۶} آهرمن ست^{۲۷}
 همی کرم خوانی به چرم^{۲۹} اندرون؟
 سخن‌ها چو بشنید ازو^{۳۲} اردشیر

۱-ل.ق.س^۲ (نیز ق^۲.لی.پ.و.آ.ب): بجز؛ متن = س.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.ل.آ.ن^۲) - ۲-ل.لی.آ.ب: چنین نیز؛ ل^۳: همین روز) - ۳-ل: زین؛ ق (نیز و): آن؛ (ق^۲.ل.آ.این؛ لی.ن.آ.از آن؛ آ: ازین؛ پ: فرمان ازین) - ۴-ک.ل.آ: که نام و نشان (ل: نژادش) به گیتی مباد؛ متن = س.س.آ (نیز ل.ن.ب) - ۵-لی بیت‌های ۶۷۱-۶۷۴ را ندارد - ۶-ک.س.آ (نیز ل.ن.آ.ب): گفتار آن؛ متن = ل^۲ (نیز ق^۲) - ۷-س.ق <و>.ک.ل.آ <و>.س.آ <و> (نیز ق^۲.پ.آ.ب): دلش بود پر درد و بگشاد راز؛ متن = ل (نیز ل.ن.ل.و.ل.ن.آ): بنداری؛ و طلفقا یحدثانه و یلاطفانه و یهونان علیه امر هفتواد، و آنه سوف یخمد جمره و ترکد ریحه. فعلق کلامها بقلبه و استحسه فأخبرهما بنفسه - ۸-ق بیت‌های ۶۷۳-۶۷۵ را ندارد - ۹-و: نشان) - ۱۰-ک.ل.آ: که بیچد به فرجام آن بدنژاد - ۱۱-ل: سپهد که بگشاد ازین گونه) - ۱۲-ب: چنانش بردند) - ۱۳-ل.ل.آ (نیز ل.ن.ل.آ.و.ب): که نوشته؛ س^۲ (نیز لی.آ.ب): همی هر دو گفتند که نوشته؛ متن = (پ) - ۱۴-ل.لی.آ: بزی) - ۱۵-س.آ: همه ساله دور از تو - ۱۶-ل.س.ل.آ.س^۲ (نیز ل.ن.ل.آ.آ): پاینده؛ متن = ق.ک (نیز ق^۲.لی.ب) - ۱۷-س^۲ (نیز ق^۲.لی.و): نخست؛ متن = ل.ل.آ (نیز ل.ن.ل.آ.آ.ب) - ۱۸-ل.پ.و: درست؛ س: بکشیم تا چاره سازیم جست (جست؟)؛ س^۲ (نیز ق^۲.لی.آ): بکشیم تا چاره سازی درست؛ متن = ل.ق.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.ل.آ.ب)؛ بنداری؛ فوثبا و قبلا الأرض بین یدیه. فخاضوا فی حدیث هفتواد و استیلانه علی ذلک الطرف و استظهاره بالعدد و العدد - ۱۹-ب: چو) - ۲۰-س.آ: نیایی چه بیچی؛ (ق^۲: نباشی و بیچی؛ لی.و: نباشی چه بیچی؛ ل: آ: نکردی نه بیچی؛ آ: نیایی تو بیچی؛ ب: نباشی چه رنجی)؛ متن = ل.ل.آ (نیز ل.ن.پ.ل.ن^۲) - ۲۱-آ: جام دارید) - ۲۲-س: دارد سر؛ ق: دارد بر آن؛ ک: دارد بر؛ ل^۲ (نیز ب): دارد بدان؛ متن = ل.س.آ (نیز شش دستویس دیگر) - ۲۳-ق (نیز ب): گنج و کرم و؛ ل^۲ (نیز ل.آ): کرم و چندی (ل: چندین)؛ (لی: کرم و رنج و)؛ متن = ده دستویس دیگر - ۲۴-ک: زدی بر سر کوه - ۲۵-س^۲ (نیز لی.آ): چنان - ۲۶-ب: مرز) - ۲۷-س^۲ (نیز لی.و): اهریمنست؛ متن = دوازده دستویس دیگر - ۲۸-ل.ن.ق.لی.آ.ب: جهان آفرین را به دل) - ۲۹-لی: جنگ؛ و: گرش کرم خوانی به جنگ) - ۳۰-آ: بود) - ۳۱-لی: جنگی؛ بنداری؛ فقالا: أيها الملك! إن الدودة التي استعلی بها أمر هفتواد شیطان لا یقاومه أحد و لا یمکن الظفر بها الا بالحیلة - ۳۲-ل: زو؛ س^۲ (نیز لی.آ.ب): شاه؛ ک: سخن هاش بشنید زو؛ ل: سخن هاش بشنید ازو؛ متن = س.ق (نیز ل.ن.ق.ل.آ.ن^۲) - ۳۳-ق: که بُد؛ (ق^۲: یکی؛ پ: وزان) - ۳۴-ک: نکوچهر جوینده؛ ل: بدش جای گیرنده و - ۳۵-لی: یادگیر)

۶۸۵ بدیشان چنین گفت کآری^۱ رواست!
 جوانان وُرا پاسخ آراستند
 که ما بندگانیم پیشت به پای!
 ز گفتار^۲ ایشان دلش^۵ گشت شاد
 چو برداشت از آنجا^۷ جهاندار^۸ شاه
 ۶۹۰ همی رفت^۹ روشن دل و یادگیر

بد و نیک ایشان مرا با شماست!
 دل هوشمندش^۲ بیراستند^۳،
 همیشه به نیکی ترا رهنمای!
 همی رفت پیروزدل،^۶ پُر ز داد
 جوانان برفتند با او به راه
 سرافراز^{۱۱} تا خرّه‌ی اردشیر

گفتار اندر رزم اردشیر با مهرک نوشزاد^{۱۲}

چو بر شاهبر شد سپاه انجمن،
 برآسود یک چند و^{۱۴} روزی بداد
 چو مهرک نیارست^{۱۷} رفتن^{۱۸} به جنگ
 به جهرم چو نزدیک شد پادشا
 ۶۹۵ دل پادشا پُر ز پیکار^{۲۰} شد
 به شمشر هندی بزد گردنش
 هر آنکس که از تخمش^{۲۳} آمد به مُشت

بزرگان فرازانه و^{۱۳} رای زن،
 بیامد سوی^{۱۵} مهرک نوشزاد^{۱۶}
 جهان کرد بر خویشتن تار و تنگ
 نهان گشت ازو^{۱۹} مهرک بی وفا
 همی بود تا او گرفتار شد
 به آتش در^{۲۱} انداخت بی بر تنش^{۲۲}!
 به خنجر هم اندر^{۲۴} زمانش بکشت،

۱-س. ک (نیز ل. ۳، ب): آری ۲-ق (نیز لن، ق. ۲): هوشمندان؛ (ل. ۳: متمدش): متن = یازده دستنویس دیگر ۳-ل، س، ق: بیاراستند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-س. ۲: به گفتار ۵-س: چنان؛ (ب: همی) ۶-س، ل. ۲ (نیز لن، ق. ۲، و، لن. ۲): پیروز و دل، ک، ل. ۲: برون رفت پیروزدل؛ س. ۲ (نیز لی، آ): همی شد شتابان دلی (آ: دلش): (پ: همی بود هر روز دل): متن = ل، ق (نیز ل. ۳، ب): ق پس از این بیت افزوده است:

همی رفت پیروز و دل پر ز داد ز گفتار ایشان دلش گشت شاد

۷-ل. ۲ (نیز لن، لی، ل. ۳، و، لن. ۲، آ): زانجا؛ ق، ک (نیز پ، ب): خندان؛ (ق. ۲: لشکر)؛ ل. ۲: برخاست خندان؛ متن = س ۸-ل (جوانان) ۹-ک: یکی ۱۰-ق (آ: راند) ۱۱-س. ۲ (نیز لی، آ، ب): شتابنده؛ بنداری: فلیفکر الملک فی ذلک، فرکب الملک من تلک الضیعة و توجه نحو اردشیر خرّه، و استصحاب الرجلین؛ و این بیت را ندارد ۱۲-ل: رزم اردشیر با مهرک نوشزاد؛ ق: گفتار در نبرد اردشیر با مهرک نوشزاد؛ ل. ۲: گرفتن اردشیر مهرک را و هلاک کردن؛ س، ک، س. ۲ در اینجا سرنویس ندارند ۱۳-س، ق (نیز لن، لی، پ، و، لن. ۲، ب): فرزانه؛ متن = ل، ک، ل. ۲، س. ۲ (نیز ق. ۲، ل. ۳، آ): ۱۴-ک: و یک چند ۱۵-س، ک، ل. ۲: بر ۱۶-لی: سوی مهرک آمد بیامد به داد؛ بنداری: فلما وصل إليها جمع عسکره، وأطلق أرزاقهم، و ركب و سار نحو مدینة جهرم قاصداً قصد مهرک الغادر ۱۷-ل (نیز ق. ۲): ناراست (حرف دوم بی نقطه)؛ س، ک، ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، پ، لن. ۲، آ): بیاراست؛ (و: بیاراست (حرف یکم بی نقطه))؛ متن = (ل، لن. ۳) ۱۸-س، ک، ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، لن. ۲، آ): لشکر؛ متن = ل (نیز لن، ق. ۲، ل. ۳، پ، و): ق (نیز ب): چو لشکر بیاراست مهرک ۱۹-ل (نیز لن، ل. ۳، لن. ۲): زو؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد ۲۰-ل. ۲، س. ۲ (نیز لی، آ): تیمار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-ل (نیز آ): بر آتش بر ۲۲-ل، س، ک، س. ۲ (نیز ق. ۲، لی، پ، و، ب): بی سرتش؛ ق: بی تن سرش؛ متن = (ل، لن. ۳، لن. ۲) ۲۳-ل (آ: جهرم): ل: کزان تخمه؛ س. ۲ (نیز ق. ۲، و، آ، ب): کزان تخمش؛ س: ز تخمش هر آنکس که؛ متن = ق، ک، ل. ۲ (نیز لن، لی، پ، لن. ۲) ۲۴-و: بیارورد و هم در؛ بنداری: فلم یقدر علی الثبات بین یدیه فهرب. فنزل اردشیر فی جهرم وأرسل وراءه الطلبة حتی ظفر به فقتله و قتل جمیع من کان یتسب الیه من اولاده و أقاربه

مگر دختری کو نھان گشت ازوی^۱ همه شهر ازو شد پُر از^۲ جُست و جوی^۳
 وُزان جایگه شد^۴ سوی جنگِ کرم^۵ سپاهش همه کرده^۶ آهنگِ کرم

گفتار اندر رفتن اردشیر به دز هفتواد به حیلت و کشتن کرم^۷

۷۰۰ بیاورد لشکر ده و دو هزار
 پراگنده لشکر چو شد^۹ همگروه
 یکی مرد بُد نام او شهرگیر
 چنین گفت پس شاه با^{۱۲} پهلوان
 شب و روز کرده طلایه به پای
 همان دیدبان دار و هم^{۱۵} پاسبان
 من^{۱۷} اکنون بسازم یکی کیمیا
 اگر دیدبان^{۲۰} دود بیند به روز،
 بدانید کآمد به سر^{۲۳} کارِ کرم،
 ۷۰۵
 گزین کرد از آن^{۲۴} مهتران هفت مرد^{۲۵}
 هر آنکس^{۲۷} که بودی هم آوازِ اوی^{۲۸}

جهان‌دیده و کارکرده^۸ سوار
 بیاوردشان^{۱۰} تا^{۱۱} میانِ دو کوه
 خردمند و سالار شاه اردشیر
 که ایدر همی باش^{۱۳} روشن روان
 سوارانِ با دانش و رهنمای^{۱۴}
 نگه‌دار^{۱۶} لشکر به روز و شبان!
 چو اسفندیار آنکه^{۱۸} بودم^{۱۹} نیا
 شب آتش چو^{۲۱} خورشیدِ گیتی فروز^{۲۲}،
 گذشت اختر و روزِ بازارِ کرم
 دلیران و شیرانِ روز^{۲۴} نبرد
 نگفتی به بادِ هوا رازِ اوی^{۲۸}

۱-ل: کان نھان گشت زوی؛ ک (نیز لن، ق، پ، و، لن، ق): کان نھان گشت ازوی؛ ل: کو نھان کرد روی؛ (لی: کو نھان ماند ازوی؛ ل: کان نھان شد ازوی)؛ متن = س، ق، س، آ (نیز آ، ی، ب) ۲-ل، س، آ: گشت پر؛ (لن، ق، آ: زو شد پر از)؛ س: هم از او شدند پر از؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ق، ل، آ، س، آ (نیز لی، آ، ب): گفتگوی؛ متن = ل، س، ک (نیز شش دستنویس دیگر)؛ بنداری: ولم یهرب منهم سوی بنت له، فانھا نجت ولم یظفر بها ۴- (لی: وزان پس بشد او) ۵- (آ: کنج) ۶-ق (نیز و، ب): >؛ ل، ک: همی کرد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷-ل (کمی بالاتر): رفتن اردشیر به بازارگانی به قلعه کرم؛ س (کمی پایین تر): رفتن اردشیر به شکل بازارگانان به کشتن کرم هفتواد؛ ل ۲ (کمی پایین تر): رفتن اردشیر به قلعه هفتواد و کشتن کرم را؛ س، آ: رزم دوم اردشیر با هفتواد؛ متن = ق؛ ک در اینجا سرنویس ندارد ۸- (ق، آ: کار دیده) ۹-ل، آ، شب؛ س، آ: شده؛ (آ: همه؛ لی: پراگنده شد لشکر) ۱۰-س، ق: بیاوردشان ۱۱- (ل، آ: در) ۱۲-ق: را؛ (ل، آ: مر شاه با) ۱۳-س، آ: شادان همی باش و ۱۴-س، آ: پاک‌رای؛ س، ق (نیز لی، لن، آ): بادانش رهنمای؛ متن = دستنویس دیگر ۱۵-س: باش و هم؛ ل: دیده‌بان بود و هم؛ ق، ل، آ، س، آ (نیز لی، ق، آ، ل، آ-ب): دیده‌بان دار و هم؛ ک: دیده‌بانان و هم؛ (لی: همان دیده دارد همان)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: الدیدبان ۱۶-ل، ق-س، آ (نیز ل، آ، ب، و، ب): نگهبان؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، لی، لن، آ، آ): بنداری: ثم انه سار من ذلک المكان فی اثنی عشر ألف فارس حتی نزل علی منزل من قلعة هفتواد. و سلم العسکر الی بعض أمرائه وأوصاه بحفظهم و بأن یث الطلائع و یفرق الجواسیس ۱۷-س (نیز لی): هم ۱۸- (و: اسفندیاری که) ۱۹-س، آ (نیز آ): هم؛ س: اسفندیارم که او بُد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز لن-ب): دیده‌بان؛ متن = س، ق، ۲۱-س: شبان همچو؛ ق: شبانش چو ۲۲-ل: آید چو خورشید آتش فروز؛ ل، آ: چو تیره‌شبان آتش دلفروز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ق: سرو؛ بنداری: و قال: انی آرید ان أحتال حيلة لقتل هذه الدودة اقتداء بجدی أسفندیار فی قتل أرجاسب علی ما سبق - فاذا أخیرک الدیدبان بأنه شاهد بالنهار من القلعة دخانا و باللیل ناراً فانھض فی العسکر حتی تنتھی الی باب القلعة؛ ک بیت‌های ۷۰۸-۷۰۹ را ندارد ۲۴-ل (نیز لن): زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-س، آ: گرد؛ (لی: هشت مرد) ۲۶-س، آ (نیز لی، آ): رزم و سران ۲۷-ک (نیز لن، لی، آ): همان کس؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸-ل، س، ق، س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): او؛ متن = ک، ل، آ (نیز لن، پ، و، لن، آ)

چو دیبا و دینار^۴ و هر گونه چیز
 دو صندوق پُر^۵ سرب و^۶ ارزیز کرد
 - که استاد بُد او^۷ به کاراندرون!
 ز سالارِ آخرِ خری^{۱۱} ده بخواست
 بیوشید و^{۱۲} بارش^{۱۳} همه زر و سیم
 ز لشکر سوی دز نهادند^{۱۵} روی
 که بودند روزی وُرا^{۱۴} میزبان،
 که هم دوست بودند و هم^{۱۸} رایزن
 بودند بر کوه و دم برزدند^{۲۰}

بسی^۱ گوهر از گنج^۲ بگزید^۳ نیز
 به چشم خرد چیز ناچیز کرد
 یکی دیگرِ روین به باراندرون
 چو از بردنی^۸ جامه‌ها^۹ کرد^{۱۰} راست
 ۷۱۵ چو خربندگان جامه‌های گلیم
 همی شد خلیده دل و راه جوی^{۱۴}
 همان روستایی دو مرد جوان
 از آن^{۱۷} انجمن برد با خویشان
 چو از راه نزدیک آن دز شدند^{۱۹}

نیرداختندی کس^{۲۲} از کارکرد
 که صندوق را چیست اندر نهفت؟
 که هر گونه‌یی چیز^{۲۶} دارم به بار
 ز دینار و دیبا و خز^{۲۸} و گهر^{۲۹}
 به رنج‌اندرون بی^{۳۲} تن‌آسانیم^{۳۳}

۷۲۰ پرستنده‌ی کرم بُد شست^{۲۱} مرد
 نگه کرد یک تن^{۲۳}، به آواز^{۲۴} گفت
 چنین داد پاسخ بدو^{۲۵} شهریار
 ز پیرایه و جامه و^{۲۷} سیم و زر
 به بازارگانی^{۳۰} خراسانیم^{۳۱}

۱-س: دگر؛ (پ: یکی) ۲-ک: رنج ۳-(و: بگشاد) ۴-ل: ز دیبا و دینار؛ ق-س ۲ (نیز ل ن آ): چه دینار و دیبا؛ (ل ن ل ۳): چه دیبا و دینار؛
 ب: چو دینار و دیبا؛ متن = س (نیز ق ۲، ل، پ، و، آ) ۵-(ل ن آ: از) ۶-(ل ۳: تاسر پر) ۷-ق-س ۲ (نیز ل ن، ل، پ، و-ب): بود او؛ (ل ۳: او
 بُد)؛ متن = ل، س (نیز ق ۲)؛ بنداری: ثم استحضرو دواب و أقرها بالثياب و الجواهر و الذهب و الفضة، و حمل قدرأكبيرة من الحديد مع
 جملة من الرصاص و النحاس ۸-ل: بردلی؛ ک (نیز و): بودنی؛ س، ق (نیز ق ۲، پ): آن بردنی؛ متن = ۹-س ۲ (نیز ل، آ، ب): از آن پس
 که این (ل، آ: آن) کارها؛ (ل ۳: چو زان گونه نیرنگ‌ها)؛ متن = ل ۲ (نیز ل ن، ل ن ۲) ۱۰-(ق ۲: گشت) ۱۱-ک: نخر (حرف یکم بی نقطه)
 ۱۲-ل (نیز ل، آ): < و > ۱۳-ل: بازش؛ (ل: تارش)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴-س ۲ (نیز آ، ب): چاره جوی؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۱۵-ل ۲: چو بنهاد؛ س ۲ (نیز ل، آ): پراندیشه بنهاد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-ک: بران؛ در پ این بیت چهار بیت
 پس تر آمده است ۱۷-ق، ک (نیز ل ن، پ): ازین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-(آ: با)؛ ل، س ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

همی رفت همراه آن (س ۲: با) کاروان به رسم یکی مرد بازارگان

۱۹-ک، ل ۲ (نیز ل ن): رسید؛ (و: دزبان شدند)؛ ل: نزدیکی دز رسید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-(ل ن: آن دز بدید)؛ س: در کوه و دم
 برزدند؛ ل: دز و باره و شهر از دور دید؛ ک، ل ۲: دز و باره و شهر نیکو بدید؛ متن = ق، س ۲ (نیز ق ۲، ب): بنداری؛ و استصح طائفة من
 ثقاة و فیهم الفلاحان اللذان أضافه و لبسوا ملابس الصوف، و توجهوا نحو القلعة فی زئی التجار؛ ک، ل ۲ پس از بیت ۷۱۹ افزوده‌اند:

بیامد به درگاه دز در زمان به رسم یکی مرد بازارگان

۲۱-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز و، آ، ب): شصت؛ (ل ۳: بیست)؛ متن = ل، ق (نیز ل ن، ق، آ، پ، ل ن ۲) ۲۲-س-س ۲ (نیز ل ن، ق، آ، ل، پ، ب): نیرداختی
 یک تن؛ (ل ۳: نیرداختند ایچ)؛ متن = ل ۲۳-س ۲ (نیز ل، ب): نگهبان بدیدش ۲۴-ک، ل ۲: بدو آن پرستنده کرم؛ متن = ل، س، ق (نیز هفت
 دستنویس دیگر) ۲۵-س (نیز ل ن آ): ورا؛ ک: برو ۲۶-(ل ۳: رخت) ۲۷-س: خرده ۲۸-ل، ل ۲: زر؛ س: خرد؛ ک: دز؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۲۹-(ل ۲: گرز و کمر؛ آ: خود و کمر) ۳۰-(ق ۲، ل ۲: که بازارگان) ۳۱-ق (نیز پ، ب): خران خواستم؛ ک: چنان ساختم؛
 ل ۲: جوان ساختم؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ اینی تاجر خراسانی ۳۲-س (نیز ل ن آ): بر؛ (و: بین) ۳۳-ق: تن پیراستم؛ ک، ل ۲: تن
 برافراختم؛ (ل ۳: مرد آسانیم؛ پ، ب: تن بیاراستم؛ ل ن آ: تن آسان نیم)؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ل ن، ق، آ، ل، و، آ)

کنون آمدم شاد تا تخت^۳ کرم
که از بخت^۶ او^۶ کار من گشت راست

۷۲۵ بسی خواسته کردم^۱ از بخت^۲ کرم
اگر بر پرستش فزایم^۴ رواست^۵

هم‌آنکه در دز گشادند باز
بیاراست کار از در^{۱۰} نامدار^{۱۱}
بینخشید چیزی که بُد زو^{۱۳} گزیر
بگسترد و برخاست^{۱۴} چون بندگان^{۱۵}
بر آورد و پُر کرد^{۱۶} جام^{۱۷} نیند
ز شیر و گرنج^{۱۹} آنچه بُد^{۲۰} پرورش،
که نوبت بُدش، جای^{۲۱} مستی ندید^{۲۲}!
که با من فراوان گرنجست^{۲۴} و شیر،
مر او را به خوردن منم^{۲۶} دلفروز^{۲۷}،
مرا باشد از اخترش بهره‌یی!
چهارم چو خورشید گیتی فروز^{۳۱}،

پرستنده‌ی کرم^۷ بگشاد راز
جوان^۸ بار او راند^۹ اندر حصار
سرِ بار بگشاد زود^{۱۲} اردشیر
۷۳۰ یکی سفره پیش پرستندگان
ز صندوق بگشاد بند و کلید
هر آنکس که زی کرم بردی^{۱۸} خورش،
پیچید گردن ز جام نیند
چو بشنید^{۲۳} بر پای جست اردشیر
۷۳۵ به دستوری سرپرستان^{۲۵} سه روز
مگر^{۲۸} من^{۲۹} شوم در جهان شهره‌یی
شما می گسارید با^{۳۰} من سه روز،

۱- (لن، لن: خوردم؛ و: دارم) ۲- (ب: رنج) ۳- س، ق (نیز، لن، پ، و، آ): با رخت (حرف یکم بی نقطه): ک، س ۴ (نیز ق ۲): با تخت: (لن: ۲: با رخت: ب: با گنج): متن = ل، ل ۲ (نیز ل ۳): لی بیت‌های ۷۲۵-۷۲۶ را ندارد ۴- ل: فزاید: متن = سیزده دستنویس دیگر ۵- ک، س ۲ (نیز، لن، و، آ): سزاست: متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، پ، لن، آ، ب) ۶- س ۲ (نیز لن): وی؛ بنداری: فصعد الیها بأحماله و رجاله. و تیسر له النزول عند حرس الدودة و متحفظیها. و قال: ابنی تاجر خراسانی قد آتیت بجملة من القماش و الذهب و الفضة و الجواهر لأبیع و أبتاع فی مدیتکم هذه علی سعادة الدودة ۷- ل ۲: چو او بر پرستنده ۸- (لن: چنان: ق ۲: چو او: و: چو از): متن ← ۹- (لن: آ: برد: ق ۲: را برد: و: باره آوردش): ق، ل ۲ (نیز ب): خر و بار او راند: ک (نیز ب): خر و بار (پ: بارش) آورد: س ۲ (نیز لی، آ): چنو بارها راند: (ل: آ: ز بیرون درون رفت): متن = ل، س ۱۰- ق، ک، ل، آ: آن شه: (ل: ۳: دکان همی: و: جای از در: لن: آ: پس کار دز): متن ← ۱۱- (ق: آ: کارزار): س ۲ (نیز لی، آ): نیارست کردن کسی یاد بار: متن = ل، س (نیز لن، ب): در پ این لت خوانا نیست ۱۲- ل ۱۲: شاه اردشیر ۱۳- ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ق ۲، پ، و، لن، آ، ب): کزو بُد: س ۲ (نیز لی، ل، آ): که بُد نا: متن = ل، س ۱۴- (ل: آ: پاکیزه: لن: آ: و بگشاد) ۱۵- (پ: برسان خربندگان) ۱۶- ل: برداشت: س ۲ (نیز لی، آ): بنهاد: (لن: بستر د: لن: آ: بشکرد): س: بر آورد سیکي و: (ق: آ: بر آورد از بار: و: بر آورد از آنجای): متن = ق، ک، ل ۲ (نیز ل ۳، پ > و، ب) ۱۷- ق (نیز آ، ب): جامی: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- ک: بودی: (پ: کردی: ل ۳: کزین کرم دارد) ۱۹- ل، س، ک (نیز ق ۲، و): برنج: متن = ق، س ۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۰- (پ: آمدش: و: آنک بُد: ل: آ: کرنجی که بُد: ل: آ: و کرنجش بدی): در لی این بیت دو بار پشت سر هم آمده است ۲۱- ک: جای و: (پ: جام): ل: پیوندش از جای: س ۲ (نیز آ): نوشیدنش جای: متن = س، ل ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۲- ق: چو نوبت بدش جام مستی گزید: (ق: آ: چنان شد ز مستی که کس را ندید) ۲۳- س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ): چُن (لی، آ: چو) آن دید: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- ل، ق، ک (نیز ق ۲): برنجست: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵- س، ق (نیز لن ۲): سروران: ل ۲: دزپرستان: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶- ق: بوم: ک: کنم: ل: آ: من او را به خوردن کنم: متن = س، س ۲ (نیز لن- لن، آ، ب) ۲۷- ل: چهارم چو خورشید گیتی فروز (۷۳۵- ب- ۷۳۷) را انداخته و از ۷۳۵ و ۷۳۷ ب یک بیت ساخته است: (و: بسازم خورش کرم را جان سپوز) ۲۸- ک: یکی ۲۹- ق: زین ۳۰- س، ق، س ۲ (نیز لن، ق ۲): ما (نقطه ندارد): ل ۲ (نیز لی، ل، آ، و، ب): تا: متن = (پ، لن، آ، آ) ۳۱- (و: بر آید شما راست نوبت چو روز): ک این بیت را ندارد: ک، ل ۲ پس از این بیت افزوده اند:

بیارایم آیین و بازار خویش

پس آنکه بسازم همه کار خویش

برآید^۱، یکی کلبه^۲ سازم فراخ
 فروشنده^۳ هم^۴ خریدارجوی
 ۷۴۰ برآمد همه کام او زین^۵ سخن
 برآورد^۶ جوینده^۷ هر گونه رنگ
 بخوردند چیزی^۸ و مستان شدند
 چو از جام می سستشان شد^۹ زوان^{۱۰}
 بیاورد ارزیز و رویین لوید^{۱۱}
 ۷۴۵ چو آن^{۱۲} کرم را بود گاه^{۱۳} خورش
 زبانش بدیدند^{۱۴} هم رنگ سنج^{۱۵}
 فروریخت ارزیز مرد جوان
 تراکی^{۱۶} برآمد ز حلقوم^{۱۷} اوی^{۱۸}
 بشد با جوانان چو باد^{۱۹} اردشیر

سر طاق برتر ز دیوار^{۲۰} کاخ!
 فزاید مرا نزد^{۲۱} کرم آبروی!
 بگفتند کو را^{۲۲} پرستش تو کن^{۲۳}!
 پرستنده بنشست با می^{۲۴} به^{۲۵} چنگ
 پرستندگان می پرستان شدند!
 بیامد جهاندار^{۲۶} با میزبان^{۲۷}
 برافروخت آتش به روز سپید
 از^{۲۸} ارزیز^{۲۹} جوشان بدش^{۳۰} پرورش
 برآنان^{۳۱} که از پیش خوردی گرنج^{۳۲}
 به کنده ندرن^{۳۳} کرم شد ناتوان
 که لرزان شد آن کنده و بوم اوی^{۳۴}
 بردند شمیر و^{۳۵} گویال و تیر^{۳۶}،

۱-س: برآمد؛ ک: به آیین؛ ل: آ: بر آیین؛ (لی: بر آیدون؛ ل: آ: و: چهارم؛ ب: برابر)؛ متن = ل، ق، س: آ (نیز ل، ق، آ، ب، ل، ن، آ، آ): ۲-ک: گاه ۳-ل (نیز ق، آ): ایوان و؛ س: طاق او بر ز دیا (وزن ندارد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-ل: تو؛ (ق: آ: من)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۵-س: آ (نیز لی): پیش ۶-س-ل: آ (نیز ب، ل، ن، آ): زان؛ (ق: آ: من زین)؛ متن = ل، س: آ (نیز ل، ن، لی، ل، و، آ، ب): ۷-ق، ک (نیز ق، ل، آ، ب): او را؛ س: آ (نیز لی): بدو گفت هر کس؛ متن = ل، س، ل: آ (نیز ل، ن، ب، و، ل، ن، آ)؛ بنداری: ثم قال لهم: انی أريد أن أفتح البيع و الشری بضیافتکم. فکونوا أضيافی ثلاثة أيام. ففعل ذلك و أضافهم ۸-آ: هرگز پرستش مکن) ۹-س: در آورد ۱۰-ل، ق، ل: آ (نیز ل، ن، آ، ب): خربنده؛ متن = س، ک، س: آ (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۱-س: آ (نیز لی)، نشسته پرستنده با رود و؛ (آ: نشسته پرستند تار و (وزن ندارد))
 ۱۲-ل: می چند؛ ق (نیز ب): چندی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-ل (نیز ل: آ): سست شدشان؛ ک (نیز لی): مت شدشان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ک، س: آ (نیز لی، و، آ): روان؛ متن = ل، س، ق، ل: آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب): زبان ۱۵-لی: جهانجوی
 ۱۶-س: دودمان؛ ک، ل: آ: مهران؛ س: آ (نیز لی، آ، ب): نو میزبان؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ن، آ)؛ بنداری: و قال لهم دعونی أتبرک بخدمة الدودة و إطعامها. قال: فأطعمهم يوما و سقاهم حتى سکروا و غمرهم السكر أجمعين ۱۷-ل: آ: بدید؛ آ: نونذ (حرف سوم بی نقطه))؛ ل: روی سپید؛ ک: اروند و رویین لوید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸-ک: از آن ۱۹-آ: راه) ۲۰-ل، س (نیز ق، آ، و، ل، ن، آ): ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-ک: اوریز ۲۲-ل: آ: بدی؛ س: آ: شدش؛ بنداری: فنصب قدر الحديد و أذاب فيها ما كان معه من الرصاص و النحاس، و قدمها الى حوض الدودة علی مثل عادتهم فی تقديم قدر الأرز اذا أرادوا إطعامها؛ ک، ل: آ. و پس از این بیت افزوده اند:
 ک، ل: آ: سوی کنده آورد ارزیز گرم سر از کنده برداشت آن کرم گرم (ل: آ: نرم)
 و: چو بر کرم گاه خورش درگذشت گرسنه شد و بس سرآسیمه گشت
 ق در اینجا سرنویس دارد: کشته شدن کرم و هفتواذ با پسر به دست اردشیر ۲۳-س: بدید او؛ ل: آ: بدید؛ (ب: برون کرد)؛ س: آ (نیز آ، ب): زبان را برون کرد؛ (و: دهان باز می کرد)؛ متن = ل، ق، ک (ل، ن، ق، آ، ل، آ، ل، ن، آ): ۲۴-ک: منج؛ س: به مانند سنج؛ (و: برسان سنج)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-ل: آ (نیز و): بدان سان؛ (ق: آ: بدانگه) ۲۶-ل، س، ک (نیز ق: آ): برنج؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۲۷-ل: آ (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، آ، ب): کنده درون؛ س: آ: جوش اندرون؛ (لی، ب، آ: حوض اندرون؛ ل: آ: کام اندرون)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۸-س-ل: آ (نیز ق، آ-ب): طراقی؛ متن = ل، س، آ (نیز ل، ن) ۲۹-ل: آ، س: آ: خرطوم؛ ک: بیامد ز خرطوم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: حلقومها ۳۰-ل: ک (نیز ق، آ): او؛ متن = ل، س: آ (نیز ل، ن، لی، ل، ن، آ، ب): ۳۱-ل: ک، س: آ (نیز ق، آ): او؛ ل: آ: از بوم اوی؛ متن = (ل، ن، لی، ل، ن، آ، ب): س: آ: پاوند ندارد ۳۲-ل: جوان؛ متن = س-س: آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ب): ۳۳-ل: آبا گرز ۳۴-ک: بنزدیک گویال و شمیر تیز؛ ل: آ (نیز ق: آ): بنزدیک گویال و شمیر و تیر؛ متن = س، ق، س: آ (نیز ل، ن، آ-ب): لی این بیت را ندارد

۷۵۰ پرستندگان را که^۱ بودند^۲ مست
برانگیخت از بام^۵ تیره دود
دوان دیدبان شد بر شهرگیر
بیامد سبک پهلوان با^۷ سپاه

دش گشت پر درد و لب^۸ پر ز باد
بر آن باره بر شد دمان^۹ شهریار،
که بر باره‌ی دز پی^{۱۲} شیر بود!
بماندند با^{۱۴} داغ و درد^{۱۵} این^{۱۶} گروه
که نزدیک جنگ آی ای^{۱۹} شهرگیر^{۲۰}!
نماند به چنگ^{۲۲} تو جز رنج و^{۲۳} باد^{۲۴}!
شد آن رفتن دولت^{۲۵} تیز نرم!
به سر برنهادند از آهن^{۲۷} کلاه

چو آگاه شد زآن سخن هفتواد
۷۵۵ بیامد که دز را کند خواستار
بکوشید چندی^{۱۰} نیامدش^{۱۱} سود
و زآن روی لشکر بیامد^{۱۳} چو کوه
چنین گفت از آن^{۱۷} باره شاه^{۱۸} اردشیر
اگر گم شود زین میان^{۲۱} هفتواد
۷۶۰ که من کرم را دادم ارزیز گرم
شنید آن همه^{۲۴} لشکر آواز شاه

۱-ق،ک،ل (نیز پ،ب): آن که؛ س^۲ (نیز لی،آ): پرستدگانی که؛ متن ← ۲- (و: چو دیدند؛ ق^۲: پرستدگانش همه بود)؛ متن = ل،س
(نیز لن،ل،آ،ن) ۳-ل،س^۲ (نیز لی،آ،ب): تیغ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-ک،ل،س^۲ (نیز لن،ل،ن،آ،ب): نرست؛ متن = ل،س،ق (نیز
ق^۲،لی،ل،آ،پ،و)؛ بنداری: ففغرت فاها فافرف ما فی القدر فی حلقها فانشق حلقومها، و سمع منه صوت عظیم ارتج منه الجبل. و بادر
الی السکاری فی أصحابه بالسیوف فقتلوه من آخرهم ۵-س: از آن بوم و بر؛ س^۲ (نیز ق^۲،لی،پ،آ،ب): زان بوم و بر (لی: در؛ آ: دز)؛
ق،ل^۲ (نیز ب): از آن دز سرانگیخت او (ق^۲: پس)؛ ک: از آن دز برانگیختند؛ متن = ل (نیز لن،ل،آ،و،ن) ۶-ل،س^۲: پیروز گشت اندران؛
(لی: پیروز برگشت شاه) ۷-ک،ل،س^۲ (نیز ق^۲،لی،پ،و،آ،ب): <با>; متن = ل،س،ق (نیز لن،ل،آ،ن)؛ بنداری: و کان الیدیدبان قد
شاهد ارتفاع الدخان بالنهار حین أوقد نار الضیافة فأخبر سالار عسکره فرکب و سار بهم الی القلعة. فوافق وصولهم الیها طلوع الصبح
۸-ل،ک،ل،س^۲ (نیز لن،ق،لی،ل،آ،آ): سر؛ متن = س،ق (نیز پ،و،ل،ن،آ،ب) ۹- (ق^۲: باره شد در زمان؛ لی: برآمد بدان باره بر) ۱۰-س:
چندین؛ س^۲ (نیز لی،آ): لختی؛ (ل: چندان)؛ متن = ل،ق،ک،ل^۲ (نیز لن،ق،آ،پ،ل،ن،آ،ب) ۱۱- (و: بیامد بکوشید و نامدش) ۱۲-س (نیز
لن^۲): یکی؛ (لن: در باره در بر نی؟)؛ بنداری: فلما علم هفتواد بمجیء العسکر بادر الی باب القلعة فرأی أردشیر علیه كأسد هصور
فأحس بالشیر ۱۳-ک: برآمد ۱۴-ک،ل،س^۲: پر ۱۵-ل،س^۲: درد و داغ؛ (و: بماننده زاغ و دزد) ۱۶-ل،س^۲ (نیز لی،ل،آ،پ،آ): آن؛ متن = س،ل،س^۲
(نیز لن،و،ل،ن،آ،ب)؛ ق^۲ این بیت را ندارد ۱۷-ل (نیز لن،ل،ن،آ): زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- (لی: گفت لشکر به شاه) ۱۹-س،
ک (نیز لن): بفزای جنگ ای یل؛ ق،ل^۲ (نیز پ،و،ب): بفراز چنگ ای یل؛ س^۲ (نیز آ): بگشای (آ: بگشاد) یال ای یل؛ (لن: بفروز جنگ ای
یل؛ ق^۲: ای پهلوان زاده؛ لی: بگشای یال و بر؛ آ: ای مرد جنگاور)؛ متن = ل ۲۰- (لن-ل،ن،آ،ب: شیرگیر)؛ متن = ل،س^۲ (نیز آ) ۲۱-ل،ک: کم
شود از میان؛ س (نیز لن^۲): مگر کم شود زین میان؛ ک،س^۲ (نیز آ،ب): که گر کم شود زین میان؛ (آ: گر آگه شود زین سخن)؛ متن = ق،ل،س^۲
(نیز لن-پ) ۲۲-س^۲ (نیز لی،ب): دست؛ (آ: اسب) ۲۳- (لن: دلش گشت پر درد و سر پر ز) ۲۴-ق: درد و یاد؛ س: چنگش بجز سرد باد
۲۵-ل (نیز لی،ل،آ،آ): دولت رفتن تیز (آ: تیز و)؛ ق،ک،ل^۲ (نیز پ،ب): دولت تیزش امروز؛ (ق^۲: دولت و رفتن کار؛ و: دولت دشمن تیز)؛
متن = س،س^۲ (نیز لن،ل،ن،آ) ۲۶-س^۲: سر (لن: شنید از سخن) ۲۷-ل،س^۲ (نیز لی،ل،ن،آ،ب): زاهن؛ (ق^۲: گردان؛ ل: زان پس)؛ متن = س،
ق،ک،س^۲ (نیز لن،پ،و،آ)

از آن دل گرفتند ایرانیان
 سوی لشکر کرم برگشت باد^۳
 همان نیز شاهوی^۴ عیارِ اوی^۵
 ۷۶۵ فرود آمد از دز دوان^۶ اردشیر
 ببردند بالای زَرین لگام^۹
 بفرمود پس شهریارِ بلند
 دو^{۱۲} بدخواه را زنده بر دار کرد
 بیامد ز قلب سپه شهرگیر^{۱۴}
 ۷۷۰ به تاراج داد آن همه خواسته
 به دز هر چه بود از کران تا کران
 ز پرمایه^{۱۷} چیزی^{۱۸} که بُد دلپذیر؛
 بکرد اندر آن کشور^{۲۰} آتشکده
 سپرد آن زمان کشور و تاج و تخت
 ۷۷۵ وُزآن جایگه رفت پیروز و شاد
 چو آسوده تر گشت^{۲۵} مرد و ستور

ببستند با درد^۱ کین را^۲ میان
 گرفتار شد در میان هفتواد
 که مهتر پسر بود و سالارِ اوی^۵
 پیاده بُد^۷ پیش او^۸ شهرگیر
 نشست از برش مهتر^{۱۰} شادکام
 زدن پیش دریا^{۱۱} دو دارِ بلند
 دل دشمن^{۱۳} از خواب بیدار کرد!
 بگشت آن دو تن را به باران تیر
 شد^{۱۵} از خواسته لشکر آراسته
 فرود آوردند فرمان بران^{۱۶}،
 همی تاخت^{۱۹} تا خزّه ی اردشیر،
 بدو^{۲۱} تازه شد مهرگان و^{۲۲} سده!
 بدان میزبانان^{۲۳} بیدار^{۲۴} بخت
 بگسترد بر کشورِ پارس دادا!
 بیاورد لشکر سوی شهرِ گور^{۲۶}

۱-س، ق، ل: ۲. درد و؛ (و: برفتند و بستند) ۲- (ل: ۳. از بهر کینه)؛ و، ل: ۲. پس از این بیت افزوده‌اند:

و: برابر شدند از دو رویه سپاه
 ل: ۲. همان گه یکی لشکری هفتواد
 دو لشکر برابر رده برکشید
 برآمد یکی باد و گردی سپاه
 بیاراست و آمد به کردار باد
 تو گفتی که خورشید شد ناپدید
 که پوشیده شد روی خورشید و ماه

۳- (پ: باز) ۴- س: ۲. شاپور؛ (ق: ۲. شاپور و)؛ متن = ل- ل: ۲ (نیز ل، ل: ۲. ب: بنداری: سابور ۵- ل، س، ق (نیز ق: ۲)؛ او: متن = ده
 دستوی دیگر؛ آ این بیت را ندارد ۶- ک (نیز ل: ۳)؛ دمان؛ (ل: ۲. ب: روان)؛ ل: باره شاه؛ ل: از اردوان؛ متن = س، ق، س: ۲ (نیز ل، ق: ۲، ل: پ، و، آ) ۷- س: ۲ (نیز ق: ۲، پ، آ)؛ شد از؛ (ل: بشد)؛ متن = ل، س، ک، ل: ۲ (نیز ل، ل: ۳، و، ل: ۲، ب) ۸- ق: بیامد چنان تا بر؛ ل: این بیت را دو
 بار پشت سر هم نوشته است ۹- ل: ۲ (نیز ل: ۳)؛ (و: ستام؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۰- (ل: آ، ب: خسرو) ۱۱- (ل: ۳. بر در دز)
 ۱۲- (ل: ۳. چو) ۱۳- (ل: آ، روشن) ۱۴- (ل، ق: ۲، ل: اردشیر؛ ل: ۳. شیرگیر)؛ س (نیز ل: ۲)؛ سپاه اردشیر؛ متن = ل، ق- س: ۲ (نیز پ، و، آ، ب)؛
 بنداری: و نزل اردشیر و انضم الی أصحابه، و تناوشوا الحرب ساعة فأسروا هفتواد و ولده الأكبر سابور. فأمر بهما فصلبا و رشقا
 بالسهام ۱۵- (ل: ۳. هم) ۱۶- (ل: آن یل پهلوان)؛ ک، ل: ۲. پس از این بیت افزوده‌اند:

به گرد اندرش آتش اندرزند همه موبدان پیش شاه آمدند

۱۷- ق: برکسته؟؛ (پ: ببردند) ۱۸- س: ۲ (نیز ل، آ، ب)؛ ز پرمایه تر هرچه؛ متن = ک، س (نیز ل، ق، ل: ۳، و، ل: ۲) ۱۹- (ق: ۲. برد؛ پ: رفت)؛
 س: ۲ (نیز ل، آ، ب)؛ ببردند؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، < تا، ل: ۳، و، ل: ۲)؛ ک، ل: ۲ این بیت را ندارند ۲۰- ک، ل: ۲. جای؛ (و: شهر) ۲۱- س، ک (نیز
 پ)؛ برو؛ س: ۲ (نیز آ)؛ بدان؛ (و: وزو)؛ متن = ق، ل: ۲ (نیز ل- ل: ۳، ل: ۲، ب) ۲۲- س: مهر و جشن؛ ل: ۲ (نیز ل: ۲)؛ مهرجان و؛ متن = دوازده
 دستویس دیگر ۲۳- ل: ۲ (نیز ل: ۲)؛ مرزبانان؛ س: ۲. مهربانان؛ (و: نامبردار؛ آ: مهر تابان) ۲۴- ق (نیز ب)؛ میزبان آن دو ۲۵- (ل، ل: ۳، پ:
 برگشت) ۲۶- س (نیز ل)؛ جور؛ ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل، پ، ل: ۲، آ، ب)؛ زور؛ ک: مرز زور؛ متن = ل (نیز ق: ۲، ل: ۳، و)؛ بنداری: شهر زور

به کرمان فرستاد چندی سپاه
وُزآن جایگه شد^۲ سوی طیسفون^۳
یکی مرد شایسته‌ی تاج^۱ و گاه
سرِ تختِ بدخواه کرده^۴ نگون

چنین‌ست رسم جهان^۵ جهان
۷۸۰ نسازد، تو ناچار^۶ با او^۷ بساز!
همی^۸ رازِ خویش از تو دارد نهان!
که روزی نشیب است و روزی فرازا!
[چو از گفته‌ی کرم پرداختم^۹
دری دیگر از اردشیر آختم^{۱۰}]

۱-ل: ۲. با تاج ۳. (آ: گرازان بیامد) ۳-ل. ک. ل. ۲ (نیز ق ۲): طیسفون؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-ک. ل: ۲. گشته؛ بنداری؛ و استولی
على القلعة و ذخائرها و دفائنها فاصطفی البعض لنفسه و فرق الباقي على عساكره. ثم سلم ذلك الاقليم الى الفلاحين المذكورين، و
عاد الى بلاد فارس. ثم ارتحل و سار منها الى شهر زور و منها الى مدينة طيسفون و قعد مقعد السلطنة ۵-ک. ل: ۲ (نیز لی، ل: ۳): سرای؛
متن = یازده دستنویس دیگر ۶-س-ل: ۲ (نیز لن، ل: ۳، و، لن، ۲، ب): همه؛ متن = ل، س ۲ (نیز ق ۲، لی، پ، آ) ۷-ل: ۳: نسازد چه چاره تو)
۸- (و: تو یا چاره او) ۹-س: ۲: پرداختیم؛ (ل: ۳: دشمنان گشت پرداخته)؛ متن = ل، ق ۱۰-س: ۲: آختم؛ (ل: ۳: به کام دلش کارها ساخته)؛
س، ک، ل، ۲، لن، ق، ۲، لی، پ-ب این بیت را ندارند؛ و به جای آن آورده است:

کنون پادشاهی شاه‌اردشیر
بگویم به پیش خردمندپیر

اردشير

پادشاهی اردشیر بابکان چهل و دو سال بود^۱

به بغداد بنشست بر تخت عاج
 کمر بسته و^۲ گرز شاهان^۴ به دست
 شهنشاه خواندند از آن^۶ پس ورا
 چو تاج بزرگی به سر برنهاد
 ۵ که اندر جهان داد گنج^۹ منست!
 کس این گنج نتواند از من^{۱۲} ستدا!
 چو خشنود باشد جهاندار پاک
 جهان سربه‌سر در پناه منست!
 به سر برنهاد آن دل‌افروز^۲ تاج
 بیارسته^۵ جایگاه نشست،
 ز گشتاسپ نشاختی کس ورا!
 چنین کرد بر تخت پیروزه^۷ یاد،^۸
 جهان^{۱۱} زنده از بخت و رنج^{۱۱} منست!
 بد آید به مردم ز^{۱۳} کردار^{۱۴} بد!
 ندارد دریغ از من این تیره^{۱۵} خاک!
 پسندیدن^{۱۶} داد راه منست!

۱-ل: پادشاهی اردشیر بهمن چهل و چهار سال؛ س: پادشاهی اردشیر بابک چهل و دو سال بود؛ ق: پادشاهی اردشیر بابکان چهل سال و دو ماه بود؛ ک: پادشاهی اردشیر بابکان چهل سال بود؛ ل: پادشاهی اردشیر چهل سال بود؛ متن = س: پنداری؛ ذکر نوبه اردشیر بابکان، و کانت مدة ملکه اثنتین و اربعین سنة و هو الذی یقال له اردشیر بن بابک. و هو اردشیر بن ساسان. و بابک جدّه لامه کما سبق ۲-س، ق (نیز ل، ق، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): نهاده به سر بر ز پیروزه (ل: آ: فیروزه)؛ ک: نهاده ز پیروزه بر سرش؛ متن = ل، ل، آ، س: (نیز ل، و، آ)؛ س پس از این بیت افزوده است:

چو از دشمنان گشت پرداخته به کام دلش کارها ساخته

۳-ل (نیز و): بت و؛ (لی، آ: بر میان) ۴-ل (نیز و): شهنه ۵-ل: بیاراستش؛ (و: بیاراست بر) ۶-س: (نیز ل، ل، آ، ن، آ): زان؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: قال: فجاء اردشیر بن ساسان الی بغداد. و اعتصب بالتاج و جلس علی تخت العاج محیا معالم الملوک الماضین، و سادامد آبائه الأولین، کانه گشتاسب روعه و بهاء و رفعة و سناء. و تقلب بشاهنشاه ۷-ل (نیز ل): پیروز ۸-ک، ل، آ، س: (نیز ق، آ، لی، آ، ب): گفت بر تخت پیروز و شاد؛ متن = س، ق (نیز ل، پ، و، ل، آ)؛ در ل: این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۹-ل (نیز ل، ب): و گنج؛ (ق: آ: و رنج)؛ ل: آ: و تخت؛ (پ، و: تاج و گنج؛ ل، ن، آ: تاج و گاه)؛ متن = س، ق، ک، س: (نیز ل، ل، آ، آ) ۱۰-س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، پ، و): همان؛ متن = ل، ق-س: (نیز ل، آ، ب) ۱۱-ل (ق: آ: گنج)؛ ل: آ: تاج و تخت؛ س: (نیز ل، آ، ب): تازه از دست رنج؛ (ل، آ: پسندیدن داد راه = ۸)؛ متن = ل-ک (نیز ل، ل، آ، پ، و) ۱۲-ک: از من نداند؛ (پ: از من نیارد)؛ ق: کسی را که این گنج از من؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-ل (نیز ل، آ، آ): به ۱۴-ق: بر از کار؛ و بیت‌های ۸-۶ را ندارد ۱۵-س: آ: پاره ۱۶-ق (نیز ب): پسندیده زو؛ (لی: پسندیده داد؛ ل، آ، آ: پسندیده و)؛ در ل: این بیت بایست سپین پس و پیش شده است؛ ل، آ: این بیت را ندارد

- ز سرهنگ و^۱ جنگی سواران من،
 گر از بنده گر^۴ مردم نیک‌خوی!
 ز بدخواه و از^۶ مردم نیک‌خواه!
 که آباد بادا بدادت^۹ زمین!
- نبايد که از کارداران من،
 ۱۰ بخسبد کسی^۲ دل پر از آرزوی^۳
 گشاده‌ست بر هر کس^۵ این بارگاه
 همه^۷ انجمن^۸ خواندند آفرین
- فرستاد بر هر سوی لشکری
 سر کینه‌ورشان به راه آورند^{۱۱}
- که تا هر که^{۱۰} باشد ز دشمن سری،
 گر^{۱۲} آیین شمشیر و چاه^{۱۳} آورند^{۱۱}!
- ز خون^{۱۴} وی آورد گیتی به مشت،
 بدان تا بگوید که گنجش^{۱۶} کجاست
 به هر نیک و بد^{۱۹} گشته همداستان
 دو دیده پر از آب و دل^{۲۱} پر ز خون
 که بهمن بدی^{۲۲} نام آن نامور^{۲۳}
 جوانی که دارد به گفتار گوش
 بدو داد بیکار^{۲۴} یک پاره^{۲۵} زهر
 که از^{۲۶} دشمن این^{۲۷} مهربانی^{۲۸} مجوی!
- ۱۵ بدانگه که شاه‌اردوان را بکشت،
 چن او^{۱۵} کشته شد دخترش را بخواست
 دو^{۱۷} فرزند او شد^{۱۸} به هندوستان
 دو ایدر^{۲۰} به زندان شاه‌اندرون
 به هندوستان بود مهترپسر
 ۲۰ فرستاده‌یی جست با رای و هوش
 چو از پادشاهی ندید ایچ بهر
 بدو گفت: رو پیش خواهر بگوی

۱-س^۲ (نیز لی <و>، آ <و>، ب): گردان و؛ ک، ل آ بیت‌های ۹-۱۰ را ندارند ۲- (ق: آ: یکی) ۳- (پ، و: پر آزار ازو (و: ازوی)) ۴- (ن: یا): ل: گرانذ گر (حرف‌های چهارم و پنجم بی نقطه)؛ س (نیز ل: ۳، پ): کراسنده یا (حرف‌های چهارم و پنجم بی نقطه)؛ ق: کراسنده (نقطه ندارد)؛ س^۲ (نیز لی، آ): کزاینده کر؛ (ق: آ: کزاینده با؛ و: کزاینده یا؛ ل: آ: گزاینده با؛ ب: کزاینده و)؛ متن تصحیح قیاسی است ۵- (ل: آ: همیشه گشادست) ۶- ل، س^۲ (نیز ل، و، ل، آ: آ): وز؛ ق: و بر؛ (ل: آ: بیدخواه وز)؛ متن = س، ک، ل^۲ (نیز ق: آ، لی، پ، ب) ۷- س^۲ (نیز لی، آ، ب): برو ۸- (ل: آ: مردمان) ۹- (ل: آ: بدین شه؛ و: به خسرو) ۱۰- ل: که هر جا؛ (ل، ن: ل: آ: که هر کس)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- ل، س^۲ (نیز ل، ق: آ، ل، ن: آ): آورید؛ ق: آورد؛ متن = س، ک، ل^۲ (نیز لی، ل، پ، آ، ب): آ، ب: (و: وگر نیز شمشیر و چاه)؛ متن = س، س^۲ (نیز ق: آ، ل، آ، ل، ن: آ): جور؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، ک، ل^۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

بدان فر و اورند (ک، ل: آ: اروند) شاه‌اردشیر
 که بنوشت (ک: پیوست) بیدادی اردوان
 شده شادمان (ک، ل: آ: شاددل) مرد برنا و پیر
 زد ادوی آبادتر شد جهان (ل: آ: یکی نامه نزدیک پیر و جوان)

دستنویس‌های دیگر این بیت‌ها را ندارند؛ این بخش را بنداری نیز ترجمه نکرده است ۱۵- س- ل^۲ (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب): چو او؛ متن = ل، س^۲ (نیز ق: آ، ل، آ، و) ۱۶- (پ: دشمن) ۱۷- س: آ: چو ۱۸- (ب: اورا) ۱۹- ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ل، آ): رنج و بلا؛ متن = ل، س، ق (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۰- (پ: دو آنجا؛ و: دو دیگر؛ آ: ورایدون)؛ این واژه در ل خوانا نیست؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱- ق: رخ؛ پ بیت ۲۴ را در اینجا آورده است؛ ل^۲ پس از این بیت افزوده است:

برادر که او بد به هندوستان
 چنین گفت با خواهر داستان (!)

۲۲- (لی: بدش) ۲۲- (ق: آ، لی، پ: پرهنر)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: پیغام بهمن اردوان به خواهرش و غدر او با شوهرش اردشیر ۲۴- س، ق (نیز و): ناگاه؛ ل: آ: بیگانه؛ (ل، ن، ق: آ، ل، پ، ل، ن: آ: بیکاه) ۲۵- ل: ناگه یکی پاره؛ ک: بیکار یکبار؛ س^۲ (نیز لی، ب): پنهان یکی پاره؛ (لی: پنهان یکی تازه)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: و ممّا جری له أن بهمن بن اردوان الذی هرب عند مقتل ایبه دس الی أخته الی کانت تحت اردشیر قطعه سم علی يد بعض ثقاته ۲۶- (و: با) ۲۷- س، ق (نیز ل: آ، آ): از دشمنان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- (ل: آ: شهر یاری)

برادر دو داری^۱ به هندوستان
 دو در بند و زندان شاه اردشیر
 ۲۵ تو از ما گسته^۵ بدین گونه مهر^۶
 چو خواهی که بانوی ایران شوی،
 هلاهل چنین زهر هندی بگیر
 فرستاده آمد به هنگام شام
 ورا جان و دل بر برادر بسوخت
 ۳۰ از^{۱۲} اندوه^{۱۳} بستد گرانمایه زهر
 چنان بُد که یک روز شاه اردشیر
 چو بگذشت نیمی^{۱۶} ز روزِ دراز
 سوی دختر اردوان شد ز راه
 بیاورد جامی ز یاقوتِ زرد
 ۳۵ پیامیخت^{۲۲} با شکر و پست زهر
 چو بگرفت شاه اردشیر آن به دست
 شد آن پادشاهیجه^{۲۵} لرزان^{۲۶} ز بیم^{۲۷}،
 جهاندار از آن^{۲۹} لرزه^{۳۰} شد بدگمان
 بفرمود تا خانگی مرغ چار
 به رنج و بلا^۲ گشته همداستان
 پدر کشته و زنده خسته^۳ به تیر^۴
 پسندد چنین کردگار سپهر!
 به گیتی پسند^۷ دلیران شوی،
 به کار آر یکباره^۸ بر^۹ اردشیر!
 به دختِ گرامی بداد آن^{۱۰} پیام
 به کردارِ آتش رخس^{۱۱} برفروخت
 بر آن^{۱۴} بُد که بردارد از کام بهر!
 به نخچیر بر گور بگشاد^{۱۵} تیر
 سپهد ز نخچیرگه گشت^{۱۷} باز
 دوان^{۱۸} ماه چهره بشد نزد شاه
 پر از شکر و پست^{۱۹} با^{۲۰} آب سرد^{۲۱}
 که بهمن مگر یابد از کام^{۲۳} بهر
 ز دستش بیفتاد^{۲۴} و بشکست پست
 هم اندر زمان شد دلش به دو^{۲۸} نیم
 پُر اندیشه^{۳۱} از گردش آسمان
 پرستنده آرد بر شهریار

۱-ق: بخواری؛ ک، ل، آ: دو رفته؛ (ب: بزاری؛ پ: تو را دو برادر) ۲-ل، آ: هر نیک و بد؛ س، آ: (نیز آ): بیگانگی؛ لی این بیت را ندارد ۳-ک: خسته دیده؛ س، آ: (نیز لی، آ، ب): پور خسته؛ (و: خسته زنده) ۴-ق: (مانده اسیر)؛ س: زار کشته به شمشیر و تیر ۵-و: (بیریده از ما) ۶-س: برین گونه چهر ۷-س، آ: (نیز لی، آ): نشان ۸-ل، س، ق، ل، آ، س، آ: (نیز ق، ل، آ، و، ل، آ، ب): یکبار؛ (آ: یکباره)؛ متن = ک (نیز ل، لی، پ) ۹-ل، ن، ق، آ: (با)؛ بنداری. و امره ان يقول لها: لا تشفقی علی عدوک و قاتل ائیک، و لا تقطعی حنوک علی ائیک، و اذا امکتک الفرصة فی زوجک فانهزیهما و اطعمیه من هذه الهلاهل ۱۰-ک (نیز ل، آ، پ، و): این؛ س: به دختر سراسر بدادش؛ ق، آ: این بیت را ندارد ۱۱-ک (نیز پ): دلش؛ ل، ن، ق، آ: این بیت را ندارند ۱۲-ل، ک، ل، آ، س، آ: (نیز پ، آ): ز؛ متن = ق (لی، ب) ۱۳-پ: دارنده) ۱۴-ل، س، آ: (نیز لی): بدان؛ متن = ق، ک، ل، آ: (نیز پ، آ، ب): بران؛ س، ل، ن، ق، ل، آ، و، ل، آ: این بیت را ندارند؛ بنداری: فلما اتاها الرسول برسالة ائیکها تحرفت علیه و علی سائر ائوتها اللذین قسمتهم ید الأسر و النهب. فأخذت السم الذی اتاها به الرسول ۱۵-ق: گورانش بنهاد؛ ل، آ: گورانش بگشاد؛ (ق، آ، پ: بگشاد بر گور) ۱۶-س، آ: (نیز لی، آ): بهری؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: وقت الظهر ۱۷-ق: (نیز ل، آ): نخچیر برگشت) ۱۸-س: دمان؛ (ل: جوان؛ آ: روان) ۱۹-س: بسته ۲۰-ل، آ، ب: و پر؛ لی: بدان شکر بست (با) ۲۱-ق: و پر آب کرد ۲۲-س، آ: (نیز لی): برآمیخت ۲۳-ق (نیز ب): دهر؛ (ق، ل، آ، زهر)؛ بنداری: فاتق ان اردشیر ركب يوماً إلى الصید، و عاد وقت الظهر و قد نال منه العطش و الحر. فأخذت جاماً من الیاقوت الأصفر، و جعلت فیهِ سويقاً و سكرًا، و دست فیهِ شیناً من ذلك السم، و ناولته الملك ۲۴-س، آ: (نیز لی، و، ل، آ): درافتاد؛ ل، آ: در اینجا سرنویس دارد: زهر دادن اردشیر را دختر اردوان ۲۵-س، ک (نیز ب): پادشازاده؛ ق: پادشاه زاده؛ ل، آ: پارسازاده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-ق، ل، آ: ترسان ۲۷-آ: (ز و هم) ۲۸-ق، ک (نیز ل، ل، آ، ب): بردو؛ س، آ: (نیز آ): دلش گشت از آن کار پر ترس و؛ (لی: هم اندر زمان شد بر دو (وزن ندارد))؛ متن = ل، س، ل، آ: (نیز ق، آ، پ، و) ۲۹-ل، زان: متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۰-س، آ: (نیز لی): کار ۳۱-ل، ن: (باندیشه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، آ: این بیت را ندارد

۴۰ چو آن مرغ بر پست^۱ بگذاشتند^۲
 هم آنگاه مرغ آن بخورد و بمرد
 بفرمود تا موبد و کدخدای
 ز دستور ایران^۸ پرسید شاه
 شود در^{۱۰} نوازش برآنگونه^{۱۱} مست^{۱۲}
 ۴۵ چه بادافرهست^{۱۴} این برآورده^{۱۵} را؟
 چنین داد پاسخ که مهترپرست
 سرش بر گنه^{۱۹} برید! باید
 بفرمود کز دختر اردوان

۵۰ بشد موبد و پیش او^{۲۴} دخت شاه
 به موبد چنین گفت کای پرخرد
 اگر کشت^{۲۶} خواهی مرا ناگزیر
 اگر من سزایم^{۲۸} به خون ریختن،
 همی رفت لرزان و دل^{۲۵} پر گناه
 مرا و ترا روز هم بگذرد،
 یکی کودکی دارم^{۲۷} از اردشیر،
 ز^{۲۹} دار بلند اندر آویختن،

۱-ل: بسته؛ (لی: کشت)؛ ق، ک، ل، ۲ (نیز ب): ببردند مرغان؛ متن = س، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲-آ) ۲- (ق: ۲: بگماشتند) ۳- (آ: گمان را) ۴- (و: بد؛ آ: گمان برد و) ۵- (ق: ۲: آب) ۶- (آ: نبرد)؛ ق: آن را سنجی سپرد (در واژه سوم حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ بنداری: فلما تناوله وقع من یده و انکسر و تبدد ما فيه. فانزعجت المرأة من ذلک و ارتعدت. فنظر الملك فی وجهها فاتهمها و ساء ظنه، و استحضر أربع دجاجات فأرسلها علی ذلک السویق. فلما تناولن منه متن للوقت و الساعة ۷- (و، آ: بیامد)؛ درل خوانا نیست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فتعجب الملك من تلك الحالة، و جعل يقول: من ربی الکاشح حتی یسکر من النعمة و الترف لم یر منه غیر الهلاک و التلف ۸- ق، ک، ل، ۲ (نیز ب): خود آن؛ (ل، ۳: آن را؛ پ: خویش آن؛ و: دانا)؛ متن = ل، س، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، لن، ۲، آ) ۹- س، ۲ (نیز لی، آ): بر نشانند ۱۰- ق (نیز ق، ۲): از؛ (لن، و: >از<)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱- س، ق، ل، ۲ (نیز لی، ل، ۳): بدان گونه؛ (لن، ۲، آ: بدین گونه)؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، پ، و، ب) ۱۲- (آ: دست) ۱۳- (آ: همواره یازد بخاک) ۱۴- ل (نیز لن، ۲): بادافرهست؛ (و: پاداشتست)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- (ل، ۳: به پرورده) ۱۶- (ب: این) ۱۷- ق-س، ۲ (نیز آ، ب): کی؛ متن = ل، س، (نیز لن، لی، لن، ۲) ۱۸- (ل، ۳: آرد)؛ ق، ۲ این بیت را ندارد ۱۹- س (نیز ل، ۲): سر پر گنه را؛ ق-س، ۲ (نیز لن، لی، پ-ب): سر پر گناهش؛ متن = ل (نیز ق، ۲) ۲۰- (و: بسی پند گویا) ۲۱- ل، س، ۲: چنان کن؛ متن = س-ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ، و، لن، ۲) ۲۲- (لن: او را) ۲۳- (ل، ۳: تهی کن روایتش هم اندر زمان)؛ آ، ب این بیت را ندارند؛ س، ۲، لی، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

به موبد چنین گفت شاه اردشیر
 که این دخت ناپاک را دست گیر
 نگون اندر انداز در ژرف چاه
 که پاداش او این سزد بر گناه

بنداری نیز این بیت ها را داشته و یا از منابع دیگر گرفته است: و قال له: ما جزاء هذه الغدارة؟ فقال: أن یقطع رأسها حتی یعتبر بها غیرها. فأمره أن یرمیها فی بئر و یطمها علیها ۲۴- ق: بر ۲۵- (و: تن)؛ لی، آ پس از این بیت افزوده اند:

چو موبد برون رفت از پیش شاه
 همان دخت لرزان ز بیم (آ: و دل پر) گناه

۲۶- (آ: کشته) ۲۷- ک، ل، ۲: بچه دارم من ۲۸- ل، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، لن، ۲، آ، ب): سزایم؛ متن = س، ک (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، پ، و) ۲۹- (لن، ۲: به)؛ و پس از این بیت افزوده است:

چنین بیگناهی که دارم نهران
 چه کرده ست باری به شاه جهان

بکن هر چه فرمان دهد^۴ پادشا!
 بگفت آنچه بشنید با اردشیر
 کمند آر و بادافره^۸ او^۹ بکن!
 که فرمان چنین آمد^{۱۱} از شهریار!
 ندارد پسر^{۱۲} شهریار^{۱۳} اردشیر،
 به دشمن رسد تخت، چون^{۱۸} بگذرد
 به مردی یکی رای^{۲۱} سازم بلند^{۲۲}:
 مگر زین پشیمان شود^{۲۳} شاه را
 بجای آرم این گفته‌ی^{۲۶} پادشا
 خردمند باشم^{۲۸} به از^{۲۹} بی‌خرد!
 که دارد ورا چون تن و جان خویش
 ببیند ورا^{۳۲}، من^{۳۳} ندارم روا!
 گمان بد و نیک^{۳۶} با هر کیست^{۳۷}،
 نراند به زشت^{۳۸} آب در جوی من!

چو این^۱ گردد^۲ از پاک‌مادر^۳ جدا،
 ز ره^۵ باز شد موبد تیزویر^۶
 ۵۵ بدو گفت: رو! نیز^۷ مشنو سخن!
 به دل^{۱۰} گفت موبد که بد روزگار
 همه مرگ راییم برنا و پیر
 گر او بی^{۱۴} شمر^{۱۵} سالیان^{۱۶} بشمرد^{۱۷}
 همان به^{۱۹} کزین^{۲۰} کار ناسودمند
 ۶۰ ز کشتن رهانم من این ماه را
 هر آنکه^{۲۴} کزو^{۲۵} بچه گردد جدا
 نه کاریست کز دل همی^{۲۷} بگذرد
 بیاراست جایی^{۳۰} به ایوان خویش
 به زن^{۳۱} گفت: اگر هیچ باد هوا
 ۶۵ پس اندیشه کرد آنکه^{۳۴} دشمن بسیست^{۳۵}
 یکی چاره سازم که بدگوی من

۱-ق (نیز ق ۲): او ۲-س، ل ۲: کودک؛ ک: آن کودک؛ (لن: شد کودک)؛ متن ← ۳-س ۲ (نیز لی، آ، ب): بمان تا شود کودک از من؛ متن = ل (نیز ل ۳-لن ۲) ۴-ک، ل ۴: شود پس بکن گفته؛ بنداری: فأقبل الموبد بها ليمضي فيها أمر الملك. فلما خرج بها قالت له: إني مشتملة على حمل من الملك. وإن أكن مستحقة للقتل فما جرم هذا الجنين؟ فأهلني حتى الدثم امتثل ما أمرت به ۵- (لی: ز در) ۶- (پ: تیز پیر) ۷-ل (نیز پ): زو نیز؛ س، ل ۲، س ۲ (نیز لن <و>، ق ۲، لی <و>): رو تیزو؛ ق: روزو نیز (وزن ندارد)؛ (و: ازو هیچ)؛ متن = ک (نیز ل ۲، لن ۲، آ، ب) ۸-ل: بادافر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹-س ۲ (نیز لی): ری؛ ک، ل ۲: بدان سان که گفتمت فرمان ۱۰-ک: بدو ۱۱- (ق ۲، لی: آید) ۱۲- (لی، آ، کس این: ل ۲: نگر نشود) ۱۳- (لی: نامدار) ۱۴- (ب: این: ل ۲: نیز و): اگر بی؛ (ل ۲: اگر او) ۱۵-ل-س ۲ (نیز لن-ل ۲، و، لن ۲، ب): عدد؛ متن = (پ) ۱۶- (آ: سالیان بی عدد) ۱۷-ل ۲: بگذرد ۱۸-ق (نیز پ، ب): کو؛ بنداری: فعاد الموبد الى الملك وأخبره بذلك. فقال له: لاتسمع كلامها وافرغ منها سريعاً. فعظم ذلك على الموبد وقال في نفسه: إن الملك ليس له ولد، وإنه وأن طال عمره فمصيره إلى الموت، ومهما لم يكن له ابن انتقل ملكه إلى عدوه ۱۹-ل ۲: همانا ۲۰-ق: که این؛ ک: چنین بد کزان ۲۱-ک، ل ۲ (نیز لن، لن ۲): کار؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ق ۲-پ، آ، ب) ۲۲- (و: بسازم یکی رای و فند) ۲۳-ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲-ب): کم؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز لن) ۲۴-ک: همانکه ۲۵-س ۲ (نیز لی، آ، ب): وگرنه چو زو ۲۶-ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ل ۲، و، لن ۲): آورم کینه؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): آورم گفته؛ متن = ل، س (نیز ق ۲)؛ پ این بیت را ندارد؛ بنداری: فالاولی أن أستعمل الرفق فی أمر هذه المرأة وأستانی بها حتى تضع حملها ثم أمتثل فیها أمر الملك ۲۷-س، س ۲ (نیز لن، لی، آ، ب): دست من؛ ک: دست می؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، لن ۲)؛ این واژه در ق خوانا نیست ۲۸-ک: باشد ۲۹-ل (نیز لن ۲): نه از؛ س (نیز و): نه از (حرف یکم نقطه ندارد)؛ س ۲ (نیز آ): نه چون؛ متن = ق، ک، ل ۲ (نیز لن-پ، ب): بنداری: فإن ذلك أمر لا يفوتني. و لأن أتبع العقل خير من أن أتبع الجهل ۳۰-س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ): جایش؛ متن = ل-ک (نیز شش دستنویس دیگر)؛ ل آیت‌های ۶۳-۶۴ را ندارد ۳۱-س: بدو؛ (ل ۲: چنین)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲-س، ق، ک (نیز ب): ترا؛ متن = ل، س ۲ (نیز لن، لی-آ) ۳۳- (ق ۲: بویند من او را)؛ بنداری: فحملها الى بيته وأخلى لها موضعاً. وأمر زوجته بخدمتها والقيام بأمرها وإخفاء سرها ۳۴-س ۲: این که ۳۵-ل ۲ (نیز لن، ق ۲): بس است؛ (لن ۲: آن که دیگر کس است) ۳۶-ق، ک (نیز پ، ب): رشک؛ ل ۲: که جان بدو رشک؛ (ق ۲: گمان را بدو رشک)؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز لن، لی، و، لن ۲، آ) ۳۷-ل ۲ (نیز لن، ق ۲، لن ۲): هر کس است؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۳۸-ل، ل ۲، س ۲: بدشت؛ (پ: بید)؛ ک (نیز لی): ندارد بدست؛ (آ: براند بدشت)؛ متن = س، ق (نیز لن، ق ۲، ل ۲، و، لن ۲، ب)؛ بنداری: ثم إنه تدبر وقال في نفسه: إن هذا الأمر يطلق في السنة الأعداء، و يوقفني في مواقف التهم. و الأولى أن أتحرز من ذلك

به خانه^۱ شد و خایه ببرید پست^۲
 به خایه^۴ نمک برپراگند زود
 هم اندر زمان حقه را مهر کرد
 ۷۰ چو آمد بنزدیک^۸ تخت بلند
 چنین گفت با شاه کین زینهار
 نبشته^{۱۲} بر آن^{۱۳} حقه تاریخ آن^{۱۴}
 چو هنگامی زادن^{۱۷} آمد فراز
 پسر زاد این^{۲۰} دختر^{۲۱} اردوان
 ۷۵ از^{۲۳} ایوان خویش انجمن دور کرد
 نهانش همی داشت تا هفت سال
 چنان بُد که روزی بیامد وزیر
 ندید^{۲۶} آب در چهره‌ی اردشیر

۱-ق، ک، ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲-ن، ۲، ب): جایی؛ متن = ل، س، س، ۲ (نیز لی، آ) ۲-ک (نیز ل، ۲): و بست ۳-س (نیز لی): بدو ۴-(لن، و: دو خایه) ۵-س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، پ، ب): درافکند؛ ک: برافکند؛ متن = ل (نیز لن، ق، ۲، و، لن، ۲، آ) ۶-س، ۲ (نیز لی، آ): شتابان ۷-(ل، ۲: و بس روی؛ ل، ۲: دو رخساره)؛ بنداری: فانفرد و جب نفسه متأسلاً آنشیه و صاحبهما، و نثر علیها الملح، و وضعها فی حقه و ختمها و کتب علیها تاریخ یومه. ثم کوی موضع الجب. فضعف و اصفر لونه: س، ق، ک، لی، ل، ۲، پ، ب پس از این بیت و لن ۲ پس از بیت ۷۰ افزوده‌اند:

به فرمان‌بران گفت: مهد آورید
 چنان هم ورا زار (ک: راست) برداشتند
 به موبد چنین گفت شاه اردشیر
 چنین داد پاسخ کزان کارکرد
 چو تیره شود نزد شاهم برید
 به مهداندرون تیز بگذاشتند
 که چهره چرا کرده‌یی چون زریر
 دلم گشت پر درد و رخساره زرد

ل ۲ بیت یکم این افزودگی‌ها را ندارد؛ بنداری نیز این بیت‌ها را داشته است: و أراد الدخول علی الملک فأمر فحمل فی مهد، و أقبل حتی دخل علی الملک. فلما رآه و رأى ما به من الضعف سأله عن حاله. فقال: إني لم أمضيت ما أمرني به الملک هالتي ذلک و غمرتني الرقة فضعت، و حال لونی ۸-ق، ک، ل، ۲ (نیز پ): نهادند در (ق: بر) پیش؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹-س، ۲ (نیز لی، ب): مرآن؛ (آ: و آن) ۱۰-ق، ک، ل، ۲ (نیز پ): در (ق: بر؛ ل، ۲: از) دست ۱۱-ق، ک، ل، ۲، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

اگر من شوم (ل، ۲: شدم) زین جهان شهریار
 مگر باشد این حقه را خواستار

۱۲-ل، ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، ب): نوشته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳-ک، ل، ۲: درین ۱۴-س، ۲: تاریخشان ۱۵-ل، ۲: بُن؛ ک: که دینار گردد؛ ل، ۲: که دیدار گردد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-س، ۲: بیخشان؛ بنداری: ثم قال: و هذه الحقة و ديعتی. فليأمر الملک الخازن بحفظها. فسلمها اليه؛ ق در اینجا سرنویس دارد: ولادت شاپور پسر اردشیر از دختر اردوان ۱۷-ق، ک (نیز ب): هنگام زادنش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸-ق (نیز لن): وزان؛ س، ۲: ازین؛ (لی: بدان؛ لن، ۲: بران) ۱۹-ک، ل، ۲: بگشاد ۲۰-ل، ۲: پس؛ س، ۲: ازو؛ ک، س، ۲ (نیز لی، پ، آ): ازین؛ (لن، لن، ۲: زین؛ و، ب: از)؛ متن = ق، ل، ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۲) ۲۱-(لی: تخمه) ۲۲-ک (نیز پ): آیین و؛ (آ: که خسرو نوآیین) ۲۳-ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، و، لن، ۲): ز؛ برخی از دستنویس‌های فرعی در اینجا سرنویس دارند ۲۴-ل، ل، ۲: نو؛ ق: بی (نقطه ندارد)؛ (لن، ل، ۲، ل، ۲: رخ)؛ ک: شاخ نو؛ س، ۲ (نیز لی، آ، ب): شیرفش (لی: نر)؛ متن = س (نیز ق، ۲، پ، و) ۲۵-ک: گشته؛ بنداری: قال: ثم هذه المرأة وضعت ابنا كأنه ملک قاعد علی تخته. فأخفاه عن الناس و رباها حتى شب و ترعرع و أنت علیہ سبع سنين ۲۶-ل، ۲: بدید (تنها حرف چهارم نقطه دارد)؛ س، ک (نیز لن): بدید (حرف سوم بی نقطه)؛ س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، پ، آ، ب): بدید؛ (ق، ۲: سد (بی نقطه))؛ متن = ق، ل، ۲ (نیز و، لن، ۲)

بدو گفت: شاهانوشه بدی! ز گیتی همه کام دل یافتی، کنون گاه شادی^۴ و می خوردنست ۸۰ زمین هفت کشور به شاهی^۶ تراست! چنین داد پاسخ ورا^{۱۰} شهریار زمانه به شمشیر ما^{۱۳} راست گشت^{۱۴} مرا سال بر پنجه و یک رسید^{۱۷} ۸۵ پسر بایدی^{۲۰} پیشم اکنون^{۲۱} به پای^{۲۲} پدر بی پسر چون پسر بی پدر^{۲۵} پس از من به دشمن رسد تاج و گنج به دل^{۲۸} گفت بیدارمرد کهن بدو گفت کای شاه کهنتر^{۳۰} نواز^{۳۱} ۹۰ گر^{۳۳} ایدون که یابم به جان زینهار بدو گفت شاه^{۳۴}: ای خردمندمرد! بگوی^{۳۸} آنچه دانی و بفزای^{۳۹} نیز^{۴۰}

جهان را بداندیشه^۲ توشه بدی! سر دشمن از تخت برتافتی^۳ نه هنگام اندیشه آوردنست^۵ سپاهی^۷ و گاهی و راهی^۸ تراست! که ای پاک دل^{۱۱} موبد رازدار^{۱۲}، غم و رنج و ناخوبی^{۱۵} اندرگذشت^{۱۶} ز کافور شد مشک و گل^{۱۸} ناپدید^{۱۹}، دل آرای^{۲۳} و نیروده^{۲۴} و رهنمای! که بیگانه او را نگیرد^{۲۶} به برا مرا خاک سود آید و گرم و رنج! که آمد کنون^{۲۹} روزگار سخن! جوانمرد و روشن دل و سرفراز^{۳۲}، من این رنج بردارم از شهریار! چرا بیم^{۳۵} جان^{۳۶} ترا^{۳۷} رنجه کرد؟ ز گفت خردمند برتر^{۴۱} چه چیز!

۱- (لی: بزى) ۲- س، س، ۲ (نیز آ، ب): باندیشه؛ ک: بر اندیشه؛ ل: ۲: بیدار؛ ل: مهانرا از اندیشه؛ ق (نیز ل، ن، آ، و): نهانرا باندیشه؛ (ق: آ: روانرا بیدار؛ لی: جهاندار اندیشه؛ پ، ل، ن، آ: روانرا باندیشه)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳- و بیت های ۷۹-۸۰ را ندارد ۴- ق: شاهی ۵- ل: اندیشه کردند؛ س: ۲ (نیز ق، آ، ب): اندیشه پروردنست؛ (لی: تیمار و پژمردنست)؛ متن = س- ل: ۲ (نیز ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ): درک، ل: ۲ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۶- ل: سراسر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۷- ک: بشاهی ۸- (ق: آ: ماهی؛ و: راهی و گاهی) ۹- ل: جهان یکسر از داد تو گشت راست؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فانفق أنه دخل ذات یوم علی الملک فصادفه و اجما مهموما. فقال: أيها الملک! ما هذا اللهم؟ و هذا أوان نشاطک و سرورک حین ملکة الأقالیم و بلغت من الملک غایة السؤل ۱۰- س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، لی، ب): بدو؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز ق، آ) ۱۱- س، ۲ (نیز آ): مهربان ۱۲- (ق: آ: نیک دل موبد نامدار؛ لی: مهربان موبد بختیار) ۱۳- (لی، پ، آ: من) ۱۴- (لی، پ: گشت راست) ۱۵- س: ناخوردن؛ (ل، ن، آ: با خوردن؛ ل، آ: و گاه ناخوانی) ۱۶- (لی: ایدر بکاست؛ پ: از ما بکاست) ۱۷- (ق: آ: کشید) ۱۸- (و: من)؛ ک: به کافور شد مشک و بُد ۱۹- س، ل، ۲: چو کافور شد مشک و گل شنلید (ل، آ: ناپدید)؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: فقال: أيها الناصح! إن ملک العالم قد استقام لی، و قد أتى علی من العمر إحدى و خمسون سنة، و اشتعل رأسی شیبا و صار ممک عارضی کافورا ۲۰- (ق: آ: گر بدی) ۲۱- (ل، ن، آ: باید اکنون به پیشم) ۲۲- س، ۲ (نیز آ): بایدم نیست اکنون به جای؛ (لی: بایدم اکنون بجای (وزن ندارد)) ۲۳- (ق: آ: دلارام) ۲۴- س، ۲ (نیز لی، و، آ، ب): پرورده؛ (ل، آ: و پرورده)؛ ق، ک، ل، آ: دلای من باشد؛ (پ: که دلجوی من بودی)؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، آ) ۲۵- ق (نیز ب): پسر بی پدر چون پدر بی پسر ۲۶- ل، س: نکرد (نقطه ندارد)؛ ک: بکزد (حرف سوم بی نقطه)؛ س، ۲ (نیز ل، ن، و، ل، ن، آ): بگیرد؛ (ق: آ: بگیر)؛ متن = ق، ل، ۲ (نیز ل، ل، آ، پ، آ، ب) ۲۷- ل- ل- ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): درد و؛ (و: و تاج)؛ متن = س، ۲ (نیز لی، آ): بنداری: و لیس لی ابن یخلفنی و یرثنی الملک. فانا أتأسف علی الملک و أخاف انتقاله بعدی إلى العدو، و الأیقی معی غیر الحررة و التعب ۲۸- ل، آ: چنین؛ (ل، ن، آ: بدو) ۲۹- (لی: مرا) ۳۰- (ل، ن: لشکر) ۳۱- س، ۲ (نیز لی، و، آ، ب): گردنفرز ۳۲- (لی: پاکباز؛ آ: بی نیاز؛ و: دانا و کهنتر نواز) ۳۳- ل، آ: ار ۳۴- س: شاه گفت ۳۵- (ق: آ: دیو)؛ ک، ل، آ: نخواهیم ۳۶- ق: بیم جانم ۳۷- س، ۲ (نیز لی، و، آ): مر ترا؛ (پ: بایدم جان تو) ۳۸- ل، س (نیز پ): بگو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۹- س، ۲ (نیز ل، آ، آ): مفزای؛ (لی، و: بفرمای) ۴۰- (لی: چیز) ۴۱- (و: بهتر)؛ بنداری: فانهز الوزير فرصة الکلام و قال: إن وجدت الأمان علی روحی أرحمت الملک من هذا اللهم. فقال: أي شیء یكون أنفع من رأی حکماء؟ فأعرب عما فی ضمیرک و لا تخف

که ای شاه روشن دل^۱ پاک رای^۲،
سزد گر بخواهد کنون^۴ پیش^۵ گاه^۶!
ترا داد، آمد کنون خواستار^۹
مگرمان نباید به اندیشه زیست^{۱۱}!
سپرد آنکه بستند ز^{۱۴} دستور اوی^{۱۳}
نهاده برین^{۱۶} بند^{۱۷} بر مهر کیست^{۱۸}؟
بریده ز تن باز^{۲۱} شرم منست:
که تا بازخواهی تن^{۲۳} بی روان^{۲۴}
بترسیدم از کردگار جهان
بریدم هم اندر زمان شرم خویش،
به^{۲۸} دریای تهمت نشوید^{۲۹} مرا
که زبید بدان^{۳۱} سال^{۳۲} دستور تو
نماند مگر بر^{۳۵} فلک ماه را!
که از بخت تو^{۳۷} شاد بادا سپهر!
جهانجوی^{۳۹} فرزند را^{۴۰} رهنمای!

چنین داد پاسخ بدو کدخدای
یکی حقّه بُد نزد^۳ گنجور شاه
به گنجور گفت: آنک^۷ او^۸ زینهار
بدو^{۱۰} بازده تا بینم که چیست
بیاورد پس^{۱۲} حقّه گنجور اوی^{۱۳}
بدو گفت شاه^{۱۵}: اندرین حقّه چیست؟
بدو^{۱۹} گفت کان^{۲۰} خون گرم منست،
۱۰۰ سپردی مرا^{۲۲} دختر اردوان
نکشتم^{۲۵} که فرزند بُد در نهان
بجستم^{۲۶} ز^{۲۷} فرمانت آرم خویش
بدان تا کسی بد نگوید مرا
کنون هفت سالهست^{۳۰} شاپور تو
۱۰۵ چن او^{۳۳} نیست فرزند یک^{۳۴} شاه را!
وُرا نام شاپور کردم ز^{۳۶} مهر
همان مادرش نیز^{۳۸} با او به جای

۱-ل (نیز ق ۲، ل ۲، پ ۲، ب): دل و؛ ل ۲: نیک اختر؛ (لی: مهربان موبد)؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ل، و، ل، ن ۲، آ) ۲-ل ۲: نیک رای؛ ک: شاه روشن نیک رای (وزن ندارد) ۳-س: بردست ۴-س ۲ (نیز ل، آ، ب): بدین؛ (و: ورا) ۵-ق ۲: کنونست) ۶-ل (ن: باز شاه) ۷-س، س ۲ (نیز ل، ل، ن ۲، آ): آنچه؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۸-ل (و: آن)؛ ق: او که این ۹-ق: ترا داد اکنون خواستار (وزن ندارد) ۱۰-ق: برو ۱۱-ق، ل ۲ (نیز ل، ن ۲، ب): نهاده برین (ل ۲: بر آن) بند بر مهر کیست (= ۹۸-ب)؛ (لی: سر حقّه با بند و با مهر کیست؛ ل ۲: نگر تا نباید نیز (وزن و پساوند ندارد))؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق ۲، و، آ) ۱۲-ل: آن؛ متن = س-س ۲ (نیز ل، ل، ب ۳) ۱۳-ل، س، ق (نیز ق ۲، ل ۲، آ، ب): او؛ متن = ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن ۲) ۱۴-ل (ن، ل، ن ۲، آ: به)؛ لی این بیت را ندارد ۱۵-ل (ن، ق ۲: شاه گفت) ۱۶-ق (ل ۲: برو) ۱۷-ل (ل ۲: چند؛ پ: حقّه) ۱۸-ق (نیز ب): مگرمان به انده نباید گریست (= ۹۶-ب)؛ (ل ۲: مگرمان نباید باندیشه زیست = ۹۶-ب) ۱۹-ل ۲: چنین؛ س ۲ (نیز ل، آ): به شه ۲۰-ق، س ۲ (نیز ق ۲، ل، آ، ب): کین؛ (ل: آن؛ ل ۲: کز؛ و، ل، ن ۲: این)؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ب) ۲۱-ل (نیز و): ز بُن پاک؛ س: ز من بار؛ ل ۲: ز بُن باد و؛ س ۲: ز تن بار؛ (ق ۲: ز من باز؛ ل ۲: ز بُن بار و؛ آ: ز تن ناز و)؛ متن = ق، ک (نیز ل، ل، ل، آ، ب)؛ بنداری؛ فقال إن لی عند الخازن امانة فأشر اليه باحضارها. فأحضر الحقّة. فسأل الملك عما فيها فقال: إن الذي فيها مادة حياتي ۲۲-ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، پ، آ): به من ۲۳-ل ۲ (نیز ل، ن، آ): تنی؛ (پ: تنش؛ آ: تا) ۲۴-ک: بی توان؛ (ل ۲: ناتوان) ۲۵-ل ۲: بگشتم؛ (ق ۲: بگشتم) ۲۶-ل: بجستم (حرف یکم بی نقطه)؛ س (نیز لی): بجستم (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ ق (نیز ب): بجستم؛ ل ۲: بگشتم؛ (ق ۲: بگشتم؛ و، ل، ن ۲: بجستم (حرف دوم بی نقطه))؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، ل، پ، آ) ۲۷-س-س ۲ (نیز ل ۲، پ، آ، ب): به؛ متن = ل (نیز و، ل، ن ۲) ۲۸-ل (نیز ل، ن، ق ۲): ز؛ ق: که ۲۹-ک، ل ۲: که دریا ز تهمت بشوید؛ بنداری؛ وانی لما أمرتنی بقتل ابنة اردوان أطعت الله و خالفت أمرک لمكان حملها. فجبيت نفسی حتى لا یسوظن العدو بی، و لا أقع فی بحر الریبة و التهمة ۳۰-ل-س ۲ (نیز ل، ل، آ): هفت سالست؛ متن = (ل، ن، ق ۲، و، ل، ن ۲، ب) ۳۱-ک، ل ۲: برین؛ (ل، ل ۲: بدین؛ و: بده)؛ متن ← ۳۲-ق: همی پاک؛ س ۲ (نیز ل، آ، ب): بدین کار؛ ل: دایم خرد باد؛ (ل ۲: شاید بدین سال و)؛ متن = س (نیز ق ۲، پ)؛ ل ۲ در اینجا سرتنویس دارد: شنیدن اردشیر از دستور خود حال شاپور ۳۳-ک، ل ۲: جز او؛ (پ: چو او؛ ب: چو تو) ۳۴-ل ۲: مر ۳۵-ک: کز؛ ل، ن این بیت را ندارد ۳۶-ق-س ۲ (نیز ل، و، ب): به؛ متن = ل، س (نیز ق ۲، ل، ن ۲، آ) ۳۷-ق، ک، ل ۲ (نیز ل، و، ب): او؛ س: جان او؛ (ق ۲: جان تو)؛ متن = ل، س ۲ (نیز ل ۲، پ)؛ ل، ن این بیت را ندارد ۳۸-ل (ن ۲: نیز مادرش) ۳۹-س ۲ (نیز ل، آ، ب): خردمند؛ (ل، ن ۲: جهانجوی و) ۴۰-ق: او؛ بنداری؛ و قد رزقک الله أيها الملك! ابنا، و هو الآن ابن سبع سنین، سمیته سابور. و أمه بعد باقیة تربیه

۲ وُزان ۲ کودک اندیشه‌ها ۲ درگرفت ۴
 که ای مرد ۶ روشن دل ۷ پاک‌رای ۸،
 نمانم که رنج تو گردد کهن!
 به بالا و گوشت ۱۳ و بر و یال ۱۴ اوی ۱۲،
 -نباید که چیزی ۱۷ بُوَد بیش و کم!-،
 بیارای گوی و ۲۰ به میدان ۲۱ فرست،
 بیچد ۲۴ ز ۲۵ فرزند جانم به ۲۶ مهرا
 مرا با پسر آشنایی دهد!
 همی‌کرد کودک به میدان سپاه ۲۸
 که پیدا بُد ۳۱ این از آن ۳۲ اندکی
 میان اندرون شاه‌شاپور بود ۳۳
 فزونی همی‌جست هر یک بدوی ۳۵،

بدو ۱ ماند شاه جهان در شگفت
 از آن ۵ پس چنین گفت با کدخدای
 ۱۱۰ بسی رنج برداشتی ۹ زین سخن
 کنون صد پسر گیر ۱۰ همسال ۱۱ اوی ۱۲،
 همان ۱۵ جامه پوشیده با ۱۶ او به هم،
 همه ۱۸ کودکان را به چوگان ۱۹ فرست،
 چویک ۲۲ دشت کودک بُوَد ۲۳ خوب‌چهر
 ۱۱۵ بر آن ۲۷ راستی، دل گویایی دهد
 بیامد به شبگیر دستور شاه
 به یک ۲۹ جامه و چهر و ۳۰ بالا یکی
 به میدان- تو گفتی-یکی سور بود
 چو کودک به زخم اندرآورد گوی ۳۴

۱-س ۲ (نیز لی، آ، ب): از ۲-ل (نیز لن ۲، ب): از آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- (و: اندازه‌ها) ۴-ل، ق، ل ۲ (نیز لن، ل ۲-ل، ب): برگرفت؛ س ۲ (نیز لی، آ): اندیشه اندرگرفت؛ متن = س، ک (نیز ق ۲) ۵-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، پ-ب): وُزان؛ متن = ل، ک (نیز ل ۲) ۶-س ۲ (نیز آ): پیر ۷-ل (نیز پ): دل و؛ (لی: پیر پاکیزه) ۸-ک، ل ۲ <و>: دل و رهنمای ۹-س ۲ (نیز لی، آ، ب): رنج‌ها یافتی؛ بنداری: فتعجب الملك من ذلك وقال: أيها الناصح الشفيق! تحملت عناء عظيما. و ستجد ثمرته ۱۰- (و: جوی) ۱۱-س: هم به بالای؛ س ۲ (نیز لی، آ): هم برین سال؛ ک: شد پسر گیر همتای؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۲-ل، س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۲، آ، ب): او؛ متن = ک (نیز لن، پ، و، لن ۲) ۱۳-ل: دوش؛ س (نیز ق ۲): کف؛ ل ۲: پوست؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): چهر؛ (لن، و، لن ۲): کفت؛ ل ۲: کوش؛ متن = ق، ک (نیز پ) ۱۴-س: پای ۱۵-ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۲، ب): همه؛ (و: یکی) ۱۶-س ۲ (نیز آ، ب): چون ۱۷- (آ: چهری) ۱۸- (ل ۲: همان) ۱۹-ل: میدان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۰- (لن: و گویی)؛ ق (نیز ب): به بازی گویش؛ س ۲ (نیز پ، آ): به بازی گوی و؛ (ق ۲: بزاری گوی و)؛ متن ← ۲۱-ل: با بازیدن گوی و چوگان؛ متن = س، ک (نیز لی، ل ۲، و، لن ۲) ۲۲- (لن، و، لن ۲): بر؛ ق ۲: در) ۲۳-ک، ل ۲: بینیم صد کودک ۲۴-س ۲ (نیز لی، آ، ب): بجنبد ۲۵-س، ق (نیز ب): به؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- (ق ۲: ز) ۲۷-ل، ق، ل ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۲، آ): بدان؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز شش دستنویس دیگر)؛ بنداری: فأخرج هذا الصبي إلى الميدان ما بين مائة غلام يساوونه في القُدو السنّ والزيّ، و مرهم باللعب بالكرة و الصولجان حتى أخرج أنا إلى الميدان و أنظر هل أعرف ولدی من بين هؤلاء الصبيان؛ برخی از دستنویس‌های فرعی در اینجا سرنویس دارند ۲۸- (ل ۲: نگاه)؛ ق (نیز ب): کودکان گرد کرد او براه؛ س ۲ (نیز لی، آ): برد کودک به میدان پگاه؛ (ق ۲): داشت کودک به میدان نگاه؛ و: بسی کودکان خواست چون پور شاه؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز لن، پ، لن ۲)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

بیاورد صد کودک خوبروی به بالا یکی و به موی و به روی

۲۹- (ق ۲: زیک؛ ل ۲: یکی) ۳۰- (و: ز یک چهر و یک جامه) ۳۱-ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن-ب): نبود؛ متن = ل، س، ق ۳۲-ق: آن ازین؛ و پس از این بیت افزوده است:

به میدان فرستاد و چوگان و گوی به مردی و فرزانیگی راه‌جوی

۳۳-ق در اینجا سرنویس دارد: شناختن اردشیر پسر خود را ۳۴-ل: گو؛ ق (نیز لن، لی، ل ۲-ب): روی؛ متن = س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲) ۳۵-ل: بدو؛ ق، س ۲ (نیز لی-و، آ): به گوی؛ (لن، ق ۲: بروی)؛ س: کودک بر اوی؛ ل ۲: بر هر کس اوی؛ متن = ک (نیز لن ۲، ب)

تنی چند از آن^۲ ویزگان ناگزیر
یکی بادِ سرد از جگر برکشید،
که آنک یکی^۴ اردشیری به جای^۵!
دلت شد به فرزندِ خودبر^۹ گواه^{۱۰}

۱۲۰ بیامد به میدان پگاه^۱ اردشیر
نگه کرد^۳، چون کودکان را بدید،
به انگشت بنمود با کدخدای
بدو^۶ راهبر^۷ گفت کای پادشاه^۸

که رو^{۱۱} گوی ایشان به چوگان بگیر،
به چوگان^{۱۳} به پیش من انداز^{۱۴} گوی^{۱۵}،
میان سواران^{۱۷} بکردارِ شیر،
ازین^{۱۸} انجمن کس به کس نشمرد،
ز تخم و بر و^{۱۹} پاک^{۲۰} پیوندِ من!
بزد گوی^{۲۱} و افگند^{۲۲} پیش سوار
چو گشتند نزدیک با اردشیر،
چو شاپورِ نیو^{۲۸} اندرآمد به^{۲۹} پیش،
چو شد دورتر^{۳۱} کودکان را سپرد
که گردد جوان مردم گشته پیر
همی^{۳۴} دست بر دست بگذاشتند

یکی بنده را گفت شاه اردشیر
۱۲۵ همی باش با^{۱۲} کودکان تازه روی،
از آن کودکان تا که^{۱۶} آید دلیر،
ز دیدار من گوی بیرون برد،
بود بی گمان پاک فرزندِ من
به فرمان بشد بندهی شهریار
دوان کودکان از پس^{۲۳} او^{۲۴} چو تیر^{۲۵}
بماندند ناکام^{۲۶} بر جای خویش^{۲۷}
ز پیش پدر گوی بر بود و بُرد^{۳۰}
ز^{۳۲} شادی چنان شد دلِ اردشیر
سوارانش از خاک^{۳۳} برداشتند

۱-س، ق (نیز لن، ق، ل، آ، پ، لن، آ، ب): خورش؛ ک، ل، آ: شاه؛ س، آ (نیز لی، و، آ): به میدان برون رفت شاه؛ متن = ل، ۲-ل، ک: از؛ ق: با؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ل، ک (نیز پ): کرد و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴-پ: مگر؛ ل: آمد یکی؛ س (نیز لی، آ): اینک یکی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-ل، آ: به پای؛ بنداری: ففعل الوزیر ذلک. ولما دخل اردشیر الميدان ورأی الصبیان يتلاعبون عرف ولده سابور، و تنفس الصعداء، وأشار الیه بیده وقال للوزیر هذا ولدی ۶-س، آ: برو ۷-ق، ک (نیز ل، آ): یکی زان بدو ۸-ک، ل، آ (نیز لن، لی، ب): پادشا؛ ق، آ: ای کدخدای؛ لن، آ: بدو گفت موبد که ای پادشا؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیز ل، آ، پ، و، آ) ۹-س (نیز لی، پ-آ): فرزندى او ۱۰-ک، ل، آ (نیز لن، ب): گوا؛ ق، آ: خود رهنمای) ۱۱-ک، ل، آ: شو ۱۲-ق: باز با؛ ق، آ: برو نزد آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-ل، آ: از آن پس ۱۴-ل، آ: سوی من بینداز؛ آ: به من اندر آرند) ۱۵-آ: گو؛ بنداری: ثم أمر بعض غلمانہ أن يتوسط الصبیان ويلعب معهم ثم یلب منهم الكرة ويرميها الی مابین یدی الملک ۱۶-ل، ق (نیز لن): کی؛ س، آ (نیز ق، آ): آنک؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-لی: دلیران) ۱۸-س (نیز ق، آ، ب): وزین؛ ل، آ: از آن؛ لی: بدین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-س، ق، س، آ (نیز ق، آ، و، آ، ب): من و؛ لی: پشت من و؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۰-ک، ل، آ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۱-ل، ک، ل، آ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۲-س، آ: بفکند؛ ک: بیفکند و افکند ۲۳-ل، پی ۲۴-ک، ل، آ (نیز ق، ل، آ، ب): کودک از پس بیامد؛ متن = س، ق، س، آ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۲۵-ل، آ، س (نیز آ): شیر ۲۶-س، آ: ناچار؛ ق، آ: ناگاه) ۲۷-در لی لت های این بیت پس و پیش شده است ۲۸-ل، س، آ: گردد؛ س، ل، آ (نیز آ): تنگ؛ لن: پیش؛ ق، ل، آ، و، لن، آ: تیز) ۲۹-پ: بیامد همانگاه شاپور؛ لی: از آن کودکان کس نیامد به؛ ق، ب این بیت را ندارند؛ متن = ک، ۳۰-آ: بیرون ببرد؛ لی: بشد از پس گوی شاپور خرد) ۳۱-ل (نیز ق، آ، و): مر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در لی لت های این بیت پس و پیش شده است؛ بنداری: ففعل الغلام ذلک، فلما حصلت الكرة فی موبه لم يتجاسر أحد من الصبیان علی التقدّم لأخذها سوی سابور. فانه هجم ولم یحجم، و تقدّم غیر مفکر، و أخذ الكرة من بین یدی اردشیر و عاد بها إلى أترابه ۳۲-س، آ: به ۳۳-س (نیز لی، ل، و): جای؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فاخذوه من الارض ۳۴-ق، ل، آ، س، آ (نیز آ، ب): همه؛ بنداری: فتهلل وجه اردشیر حتی كأنه عاد إلى عوده ماء الشباب. فبادره الفرسان فأخذوه من الأرض وجاءوا به إلى اردشیر

همی آفرین خواند بر دادگر
 که چونین^۴ شگفتی نشاید نهفت!
 من^۶ این^۷ را همی^۸ کشته پنداشتم
 ز من در جهان^{۱۰} یادگاری فرود^{۱۱}
 وگر^{۱۳} برتر آری ز^{۱۴} خورشید سرا!
 گرنامه یاقوت^{۱۶} بسیار^{۱۶} خواست
 ز بر^{۱۷} مشک و عنبر همی^{۱۷} بیختند
 ز گوهر کسی چهره ی او^{۱۹} ندید
 به کرسی زرپیکرش برنشاند
 که شد کاخ و ایوانش آراسته
 به ایوان شود شاد و روشن روان
 ز زنگار بزود ماه ورا!
 کسی کش ز فرزاتگی بود^{۲۲} بهر،
 نشست^{۲۴} سرافرازی و خسروی^{۲۵}،
 ز بالا به دشمن نمودن^{۲۸} سنان^{۲۹}،
 سپه جستن و کوشش و ساز^{۳۲} رزم
 همان میخ^{۳۵} دینار و هر^{۳۶} بیش و کم

۱۳۵ شهنشاه از آن^۱ پس گرفت^۲ به بر
 سر و چشم و رویش^۳ ببوسید و گفت
 به دل هرگز این یاد نگذاشتم^۵
 چو یزدان مرا^۹ شهریاری فرود
 ز^{۱۲} فرمان او برنیابی گذر
 ۱۴۰ گهر خواست از گنج و دینار^{۱۵} خواست
 برو زرز و گوهر همی^{۱۷} ریختند
 ز دینار^{۱۸} شد تارکش ناپدید
 به دستوربر نیز گوهر فشاند
 ببخشید چندان ورا^{۲۰} خواسته
 ۱۴۵ بفرمود تا دختر^{۲۱} اردوان
 ببخشید کرده گناه ورا!
 بیاورد فرهنگیان را ز^{۲۱} شهر
 نشستن^{۲۳} بیاموختن پهلوی،
 همان^{۲۶} جنگ را گرد کرده^{۲۷} عنان
 ۱۵۰ ز می خوردن و بخشش و کار^{۳۰} بزم
 وزان پس دگر کرد^{۳۳} میخ^{۳۴} درم

۱-ل (نیز لن): زان ۲-س ۲ (نیز لی): همانگه گرفت او پسر را؛ متن = س-ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، ب، لن ۲، آ، ب) ۳-ق، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، ب): روی و چشمش؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۴-ک (نیز ق ۲، ل ۲، ب): چندین؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۵-ک (نیز ل ۲، ب): نگماشتم؛ (ق ۲: نگذاشتم)؛ ل ۲: یاد هرگز بنگذاشتم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-س: مر، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، پ، لن ۲، آ): که ۷-س ۲: که او ۸-ل: که شاپور را؛ متن = ق (نیز لن، و، ب) ۹-س-ل ۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن ۲، ب): همی؛ س ۲: کنون؛ (ق ۲: همه)؛ متن = ل ۱۰-س: زمین ۱۱-ق (نیز ب): بیود؛ ک، ل ۲ (نیز پ، و، لن ۲): نمود؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی): ل ۲، آ این بیت را ندارند ۱۲-ل (نیز لن، لن ۲): به؛ متن = س-س ۲ (نیز ق ۲، پ، و، آ، ب) ۱۳-س (نیز و): اگر ۱۴-ق: بر فرازی به؛ لی، ل ۲ این بیت را ندارند ۱۵-و: بسیار؛ لی: کمر خواست از گنج زنهار) ۱۶-و: دینار؛ لن: و اسبان بیار) ۱۷-ل: بسی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ س این بیت را ندارد ۱۸-ل ۱: دیدار ۱۹-ل ۲: چهر او را)؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): همی چهر او کس؛ س این بیت را ندارد؛ بنداری: فاعتقه و ضمه إلى صدره، و قبل ما بین عینیه، و عاد به إلى ایوانه. ثم أمر فثروا علیه الدرّ و الیاقوت ما غمر الصبی و علاه حتی غطی وجهه ۲۰-ک: از آن؛ (و بدو)؛ س ۲: چندانش از؛ در س ۲ این بیت دو بیت سپس تر آمده است؛ ق بیت های ۱۴۵-۱۷۵ را ندارد ۲۱-و: به؛ ل (نیز لی): فرزاتگان را به؛ متن = س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲، پ، لن ۲، آ) ۲۲-ل ۲: فرهنگیان بود؛ ل: کوز فرزاتگی داشت؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ب بیت های ۱۴۷-۱۵۰ را ندارد ۲۳-ل، ل ۲: نوشتن؛ س، س ۲ (نیز لن، لن ۲، آ): نبشته؛ (و: نوشته)؛ متن = ک (نیز ق ۲، ب) ۲۴-س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۲): نشست و؛ متن = ل (نیز لن، پ-آ) ۲۵-لی: پهلوی) ۲۶-س: همه ۲۷-ل ۲، پ، و: کردن؛ متن = ل، س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، لن ۲، آ) ۲۸-ل ۲: نموده) ۲۹-ل: ستان ۳۰-و: کام) ۳۱-ل <و>؛ متن = س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، پ-آ) ۳۲-ل، س ۲: روز؛ ک: هم ز؛ (لن، ق ۲، پ-آ: کار؛ لی: رای؛ ل ۲: ساختن کوشش و کار)؛ متن = س، ل ۲: بنداری؛ و عفا عن ابنة اردوان و أمر بردها إلى مکانها. ثم سلم سابور إلى المعلمین فعلموه الآداب الشاهنشاهیة و المراسم السلطانیة ۳۳-س ۲ (نیز آ، ب): بزده شاه؛ (لی: بفرمود) ۳۴-ق ۲: کار دژ؛ لن ۲: مهر درم؛ آ: سیخ درم) ۳۵-س ۲ (نیز لی، لن ۲، آ، ب): مهر؛ (ق ۲: همی مهر) ۳۶-ل: وز؛ ک: و هم؛ (ب: زهر (وزن ندارد))

به روی دگر نام فرخ وزیر
جهان‌دیده^۴ مردی نماینده‌راه^۵
بدو داد فرمان و مهر^۸ نگین
که خوردش نبودی جز از^۹ کارکرد
ازو^{۱۲} کرد خرم یکی شارستان^{۱۳}
جزین نام نامی نراندی ورا^{۱۶}
ز چشم بدش بود^{۱۷} بیم گزند
ورا-همچو دستور-بودی^{۱۹} وزیر^{۲۰}

به یک روی بر نام شاه‌اردشیر
گران^۱ خوار^۲ بُد نام^۳ دستور شاه
نبشتند^۶ بر نامه‌ها^۷ هم چنین
۱۵۵ ببخشید گنجی به درویش مرد
نگه^{۱۰} کرد جایی که بُد خارستان^{۱۱}
کجا گند^{۱۴} شاپور خواندی ورا^{۱۵}
چو شاپور شد همچو سرو بلند
نبودی جدا یک زمان ز^{۱۸} اردشیر

به شادی نبودیش^{۲۱} جایی درنگ
دگر^{۲۳} بدگُش سر برافراختی
بخواهم‌همی^{۲۴} آشکار و نهان،
نباشم مگر پاک^{۲۶} و یزدان‌پرست^{۲۷}!
که ای شاه روشن دل و راه‌جوی^{۳۰}
که دانش‌پژوهست و فریادرس^{۳۲}

۱۶۰ نپرداختی شاه روزی ز جنگ
چو جایی ز دشمن^{۲۲} پرداختی
همی‌گفت کز کردگار جهان
که بی دشمن آرم جهان را به دست^{۲۵}
بدو^{۲۸} گفت فرخنده‌دستور اوی^{۲۹}
۱۶۵ سوی^{۳۱} کید هندی فرستیم کس

۱-س: ۲؛ بران؛ (ق: ۲؛ که آن) ۲- (لی: کران خفته؛ پ: گرنامه) ۳- پیر ۴- (لی: گرنامه) ۵- س: ۲؛ مردی بُد و پاک راه؛؛ (ق: ۲؛ جهان‌دیده و مرد و نماینده‌راه (وزن ندارد))؛ ل: ۲؛ ب این بیت را ندارند؛ بنداری؛ و عمل مثل ذلک مع الوزير، و أكرمه إكراماً عظيماً حتى بلغ به إلى أن أمر أن يتقش اسمه على إحدى صفحاتي الدينار والدرهم واسم الملك على الصفحة الأخرى ۶- ل: ۲؛ (نیز و): نوشتند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- ک: ل: ۲؛ (نیز ق: ۲؛ و): جامها ۸- س: ک، س: ۲؛ (نیز ل: ۲، ق: ۲، ل: ۳، و: ل: ۲، آ: مهر و؛ متن = ل: ل: ۲؛ (نیز پ): ب این بیت را ندارد ۹- ل: ک؛ (نیز لی، پ، ل: ۲؛ به جز: متن = س: ل: ۲، س: ۲؛ (نیز ل: ۲، ق: ۲، ل: ۳، و: آ: ب بیت‌های ۱۵۵-۱۵۷ را ندارد ۱۰- س: (نیز ل: لی): نکو ۱۱- ل: ۲؛ (نیز لی، ل: ۲، پ، ل: ۲): خارسان ۱۲- ک؛ (نیز و): از آن ۱۳- ل: ۲؛ (نیز لی، ل: ۲، پ، ل: ۲): شارسان؛ س: ۲؛ بدان کرد خرم یکی کارستان؛ متن = ل: س: ک؛ (نیز ل: ۲، ق: ۲، و: آ: ب) ۱۴- س: (نیز ل: ۲، و: ل: ۲): جند؛ (ل: ۳؛ چند): س: ۲؛ کنک؛ (لی: نام): متن = ل: ک؛ (نیز ق: ۲، ل: ۳، آ: ۱۵- ل: ۲، س: ۲؛ (نیز پ، و: آ: خوانی همی ۱۶- س: ک؛ (نیز ل: ۲): ندانی ورا؛ ل: ۲، س: ۲؛ (نیز ق: ۲- و: آ: نیز نامش ندانی همی؛ (ل: ۲): نیز نامی ندانی ورا)؛ متن = ل: بنداری؛ ثم أمر ببناء مدينة على اسم ولده سابور. وهي التي تسمى جندیسابور ۱۷- (ل: ۲): رخس زرد بوده (ز) ۱۸- س: (نیز ق: ۲): < ز > ۱۹- س: ل: ۲؛ (نیز ل: ۲، ق: ۲، پ، ل: ۲، آ: گشت و؛ س: ۲؛ (نیز ل: ۲، و: بود و؛ (لی: گنجور گشت و): متن = ل: ک؛ ق: ب بیت‌های ۱۵۹-۱۶۱ را ندارند ۲۰- ل: ۲؛ و دیر؛ بنداری؛ فکبر سابور وکان لا یفارق خدمة أردشیر ساعة، و صار له وزیراً و دستورا و مدبراً و مشیراً ۲۱- (لی: بسالی نبودیش؛ و: ل: ۲؛ ز شادی نبودیش؛ آ: نبودی به شادیش) ۲۲- ک: س: ۲؛ (نیز لی، آ: ز دشمن چو جایی؛ متن = ل: س: ل: ۲؛ (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۳- ل: و گر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق: ب این بیت را ندارند؛ بنداری؛ وکان هو و أبوه لا یستریحان ساعة من مقاتلة الأعداء و الركض إلى أطراف البلاد فی حسم مادتهم و دفع عادیتهم. وکان کلمادفع عدو من جانب ظهر له عدو من جانب آخر ۲۴- ک: س: ۲؛ (نیز ب): همی خواستم؛ (و: همی خواهم از) ۲۵- ل: ۲؛ به چنگ ۲۶- ل: (نیز ق: ۲): شاد؛ ک: س: ۲؛ (نیز لی < و >، آ: ب): به جز پاک؛ متن = س: (نیز ل: ۲ < و >، و: ل: ۲) ۲۷- ل: ۲؛ کتم بر بدان روز تاریک و تنگ؛ بنداری؛ فقال أردشیر ذات یوم لوزیره: إني أسأل الله تعالی أن یملکنی الأقالیم و یطهر ساحة الأرض ممن ینازعنی فی الملک حتی أتفرغ لعبادته تعالی و تقدس ۲۸- (ق: ۲؛ چنین) ۲۹- (ق: ۲، ل: ۲، آ: و) ۳۰- س: < و >؛ ل: ۲؛ (نیز ل: ۲): و راستگوی؛ ک: < و >؛ س: ۲؛ (لی، و < و >، آ: ب): و نامجوی (آپساوند ندارد)؛ (ل: ۲): دل راستگو؛ ق: ۲؛ به هر جای دستور و گنجور او؛ متن = ل: (نیز ل: ۲، پ) ۳۱- (لی: بر) ۳۲- ک: س: ۲؛ (نیز لی، آ: ب): بادستر؛ متن = ل: س: ل: ۲؛ (نیز شش دستنویس دیگر)

بداند شمار سپهر بلند
 اگر هفت^۲ کشور ترا بی همال
 یکایک بگوید، ندارد به رنج
 چو بشنید بگزید شاه اردشیر
 ۱۷۰ فرستاد نزدیک دانا به هند^۷
 بدو گفت: رو پیش دانا بگوی
 به^{۱۲} اختر نگه کن که تا من ز جنگ
 [اگر بود خواهد بدین^{۱۴} دستگاه
 وگر نیست این تا^{۱۵} نباشم به رنج

در پادشاهی^۱ و راه گزند
 بخواهد بُدن، باز یابد^۳ به فال^۴
 نخواهد بدین پاسخ از شاه گنج^۵
 جوانی گرنامه و تیزویر^۶
 بسی اسپ و دینار و چندی^۸ پرند^۹
 که ای مرد نیک اختر^{۱۰} راه جوی^{۱۱}،
 کی آسایم و کشور^{۱۳} آرم به چنگ؟
 به تدبیر آن زود بنمای راه!]
 برین^{۱۶} گونه نپراگم^{۱۷} نیز گنج

بر کید با هدیه و با نثار
 همه رازها برگشاد از نهفت
 ز پرسش^{۲۲} سوی دانش و چاره^{۲۳} شد^{۲۱}
 یکی زیج رومی^{۲۵} به بر^{۲۶} درگرفت
 از^{۲۹} آسانی و سود^{۳۰} و درد و گزند
 از ایران و از^{۳۲} اختر شهریار
 برآمیزد این تخمه با آن نژاد،
 نباید فرستاد هر سو سپاه^{۳۶}!

بیامد^{۱۸} فرستاده‌ی شهریار
 بگفت آن که با او شهنشاه گفت
 پرسید^{۱۹} ازو^{۲۰} کید و غم خواره شد^{۲۱}
 بیاورد صلاب^{۲۴} و اختر گرفت
 نگه کرد بر^{۲۷} کار^{۲۸} چرخ بلند
 ۱۸۰ فرستاده را گفت^{۳۱}: کردم شمار
 گر از^{۳۳} گوهر مهرک^{۳۴} نوش زاد
 نشیند به آرام بر تخت شاه^{۳۵}

۱-ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ، ب): ره رستگاری ۲- (و: زانک) ۳- ل: ماند؛ س (نیز ق^۲): ماند (نقطه ندارد)؛ ک، س^۲ (نیز لی، ب): همی بود خواهد بداند (لی: بماند)؛ (آ: همی بود و خواهد بد آید)؛ متن = ل^۲ (نیز لن، ل^۳، لن^۲) ۴- ل: زوال؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۵- پ، ب این بیت را ندارند ۶- (ق^۲: یادگیر) ۷- ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، پ-ب): دانای هند؛ ل^۲: دانا نهنگ؛ متن = ل، س (نیز ل^۲) ۸- س، س^۲ (نیز لن، ق^۲، لن^۲): چینی؛ متن = ل، ک، ل^۲ (نیز لی، و، ب) ۹- ل^۲: درنگ ۱۰- ل: اختر و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱- س^۲ (نیز لی، <ی>، آ، ب): راستگوی ۱۲- (و: در) ۱۳- ک، س^۲ (نیز لی، ب): گیتی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- ل^۲: برین؛ متن = ل، ک، س^۲؛ ل، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: فقال له الوزير: أرسل إلى كيد صاحب الهند فانه رجل عالم يخبر عن الأحوال الكائنة، و سله متى تحصل لك هذه السعادة. فكتب إليه و سأله عن ذلك ۱۵- ل^۲ (نیز ق^۲): تا خود ۱۶- س (نیز لی، و): بدین؛ ک: وزین؛ (لن^۲: بر آن)؛ متن = ل، ل^۲، س^۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۷- ل: نپراگند؛ ک: پپراگم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): چو آمد؛ ل^۲ در اینجا سرنویس دارد: فرستادن اردشیر پیش کید هندی ۱۹- ک (نیز ق^۲، لی، آ، ب): چو بشنید؛ (لن^۲: بترسید)؛ متن = ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ل^۲، ب، و) ۲۰- ل: زو؛ (و: از آن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱- س (نیز لن، ق^۲، لن^۲): گشت؛ متن = ل، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لی، آ، ب) ۲۲- س^۲: بزمش؛ (ب: برین راه) ۲۳- (ل^۲: چاره و کار (پساوند ندارد)) ۲۴- ک: صطرباب؛ (ل^۲: سطرلاب) ۲۵- ک، س^۲ (نیز ق^۲، ب، و، آ، ب): هندی؛ (لی: سندی)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ل^۲، لن^۲) ۲۶- س: بکف ۲۷- ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، لن^۲، آ، ب): در ۲۸- ل^۲: در کاخ؛ (پ: کردار؛ و: پرگار)؛ متن = ل، س (نیز لن، ل^۲) ۲۹- ل، س، ل^۲ (نیز لن، و، لن^۲): ز؛ متن = ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، ب) ۳۰- ک (لی، آ): رنج ۳۱- ق: منجم بگفتا که ۳۲- ل^۲، س^۲ (نیز لن^۲): وز ۳۳- ق: چو با؛ (ق^۲، لی، لن^۲): ب: که از ۳۴- (ق^۲، لی، آ: مهرک و گوهر) ۳۵- (ب: تخت ناز؛ ق^۲: بدانگه نشیند ابر تخت شاه) ۳۶- (ب: نباید شد او را سوی جنگ باز)؛ بنداری: فأجاب و قال: إذا حصل امتزاج بين نسل الملك و نسل مهرک بن نوش زاد استراح الملك حيثذ و اطمأن فی مستقر الملك

تو شو کینه با^۱ این دو گوهر^۲ مسنج^۳!
بیابد همه کام دل هر چه^۴ خواست!
کزین هر چه گفتم نباید نهفت^۵!
کند این که گفتم، برو ارجمند^۶!

بگفت آنچه بشنید از آن^{۱۱} نامدار^{۱۱}
دلش گشت پُر درد و رخ چون^{۱۲} زریز
که من بینم^{۱۵} از تخم مهرک نژاد!
شود با بر و بوم من کینه^{۱۷} جوی
فرستادن مردم^{۲۰} و رنج من^{۱۹}
که او را به چهره^{۲۲} ندیده ست کس
ز روم^{۲۵} و ز چین^{۲۶} و ز هند^{۲۷} طراز
برو خاک را زار و گریان کنم

یکی مرد جوینده^{۳۰} کینه دار
سوی خان مهتر^{۳۲} به کنجی نشست^{۳۳}

بیفزایدش گنج و کاهدش رنج
گر^۴ این کرد، ایران و را^۵ گشت راست
۱۸۵ فرستاده را چیز بخشید و گفت
گر او زین بیچد^۸ سپهر بلند

فرستاده آمد بر شهریار
چو بشنید گفتار او اردشیر
فرستاده را گفت^{۱۳}: هرگز^{۱۴} مباد
۱۹۰ به خانه ندرون^{۱۶} دشمن آرم ز کوی
دریغ آن^{۱۸} پراگندن گنج من^{۱۹}
ز مهرک یکی دختری ماند و^{۲۱} بس
بفرمایم^{۲۳} اکنون که جویند باز^{۲۴}
بر آتش-چو یابمش^{۲۸}-بریان کنم

۱۹۵ به جهرم فرستاد چندی سوار^{۲۹}
چو آگاه^{۳۱} شد دخت مهرک بجست

۱-ل: کینه؛ (ل: ۳: منه کینه با)؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لن، لی، پ-ب) ۲-س (نیز لی، آ): کشور ۳-ل (نیز لی): بسنج؛ ل: ۲: نسج؛ (لن: برنج؛ ل: ۳: نسج (حرف یکم بی نقطه))؛ متن = س، ق (نیز پ-ب)؛ ک، س، ق ۲، ق ۲ این بیت را ندارند ۴-ق-س ۲ (نیز ق ۲-ب): چو؛ متن = ل، س (نیز لن) ۵-ک (نیز آ): برو؛ س ۲ (نیز لی): بدو ۶-ق، ک، س ۲ (نیز ب): آنچه؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فینقص تعب و عناوّه و تنموکنوزه و أمواله، و لایحتاج الی تجهیز جیش، و یفرغ لکل لهو و عیش ۷-ک، س ۲، آ، ب این بیت را و ق بیت های ۱۸۷-۱۸۵ را ندارند ۸-ل ۲ (نیز ل ۳، لن ۲): نه بیچد؛ (ق ۲: کزین پس برو بر)؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، پ، و، آ) ۹-ق ۲: این چه گفتم بدو بر گزند؛ ک، س، آ، ب این بیت را ندارند ۱۰-ل: زان؛ (آ: ازو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-(پ: از آموزگار) ۱۲-س ۲ (نیز ل ۳): پر ۱۳-ق: بگفتا که این نوع ۱۴-(لی: کین خود) ۱۵-ق (نیز لی): بینم من؛ (و: گیرم من؛ آ: من بیچم؛ ل: آ: بینیم) ۱۶-ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن-لن ۲، ب): به خانه درون؛ (آ: بخان اندرون)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۷-(و: شوم با بر و بوم خون کنده جوی)؛ ک، س ۲ این بیت را ندارند؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

فراموش بود آنچه از پیش رفت
مرا از غمش پوست بر تن بگفت

۱۸-(لن، لی، ل ۳، و: این) ۱۹-(ق ۲: ما) ۲۰-ک، س ۲: لشکر؛ ق این بیت را ندارد ۲۱-ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، پ، آ، ب): < ۲۲-ل (نیز ق ۲): جهرم؛ ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): دیده؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز ل ۳-لن ۲) ۲۳-ک: نفرمایم ۲۴-ک: باز؛ س ۲: بجوینده باز ۲۵-ق (نیز و): هند ۲۶-ک، س ۲ (نیز لی، آ): به ۲۷-(و: روم و ز چین و) ۲۸-(لی: بدو آتش تیز) ۲۹-س ۲ (نیز لی، آ): سپاه؛ ک: چندین سپاه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ل: جوینده و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ل ۳ پس از این بیت افزوده است:

به هر سوی جستن گرفت اردشیر
خیر زو بگسترد برنا و پیر

۳۱-(آ: آواز) ۳۲-ق (نیز ب): مه در؛ ل ۲: مه ده؛ (ل ۳: دهقان؛ و: مهرک)؛ ک (نیز لی): شد از خان مهرک؛ (پ: به خان مه ده؛ آ: شد از خان مهتر)؛ متن ← ۳۳-ق ۲: مه رفت و آذرگشپ (پساوند ندارد)؛ متن = ل، س (نیز لن، لن ۲)؛ بیت های ۱۹۶-۲۴۶ در س ۲ خوانا نیست؛ بنداری: فعظم ذلک علی اردشیر و قال: لا کان یوم أحتاج فیه الی مواصلة العدو. و نفذ عند ذلک الی جهرم فی طلب ابنة مهرک التي هربت. فلم یقدر علیها، و التجأت الی بعض الضیاع و اختفت

چو بنشست^۱ آواز^۲ مهرک^۳ به ده^۴
 بیالید^۷ برسانِ سروِ سهی
 مر او را در آن^۸ بوم^۹ همتا نبود
 ۲۰۰ [کنون بشنو از دختِ مهرک سخن
 مر او را گرمی همی داشت^۵ مه^۶
 خردمند با زیب و با فرهی
 به کشور چن او^{۱۰} سرو بالا نبود
 ابا گرد شاپورِ شمشیرزن^{۱۱}]

گفتار اندر داستان شاپور با دختر مهرک نوش زاد^{۱۲}

چو لختی برآمد برین روزگار
 به نخچیر شد شاه روزی پگاه
 به هر سو سواران همی تاختند
 پدید آمد از دور^{۱۶} جایی^{۱۷} فراخ^{۱۸}
 ۲۰۵ همی تاخت^{۲۱} شاپور تا پیش ده
 یکی باغ بُد گش در اندر^{۲۲} سرای
 یکی دختری دید برسانِ ماه
 چو آن ماه رخ روی شاپور دید
 که شادان بدی^{۲۴} شاد^{۲۵} و خندان بدی^{۲۶}!
 ۲۱۰ کنون بی گمان تشنه باشد^{۲۷} ستور
 فروزنده شد دولت^{۱۳} شهریار
 خرامید^{۱۴} شاپور با او به راه
 ز نخچیر، دشتی پرداختند^{۱۵}
 پر از باغ و میدان و ایوان^{۱۹} و کاخ^{۲۰}
 فرود آمد از راه در خانِ مه
 جوان اندر آمد بدان سبز جای
 فروهشته از چرخ دلوی^{۲۳} به چاه
 بیامد برو آفرین گسترد،
 همه ساله از بی گزندان بدی!
 بدین ده زود^{۲۸} آب یکرویه^{۲۹} شور،

۱- (و: بشید) ۲- ل: آن دخت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- ل: ۲؛ در خانه مه ۴- س، ک (نیز لی، ل، ۲، پ، ل، ۲، آ): ز ده؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، ۲، و، ب) ۵- ل: کرد؛ متن = س-ل ۲ (نیز نه دستنویس دیگر) ۶- ل: ۲؛ به ۷- ل: بیالیز؛ متن = س-ل ۲ (نیز نه دستنویس دیگر) ۸- ک، ل ۲ (نیز ق ۲، و، آ، ب): بدان؛ (لن، ل، ۲، بر آن)؛ متن = ل، س، ق ۹- ک (نیز لی، آ، ب): مرز؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۰- (ق ۲، آ: چنان) ۱۱- س، لن، لی، ل، ۲، لن ۲ این بیت را ندارند؛ درک این بیت پس از بیت ۲۰۳ آمده است ۱۲- ل: داستان شاپور با دخت مهرک نوش زاد؛ س: داستان شاپور با دختر مهرک نوش زاد؛ ل: احوال دختر مهرک نوش زاد؛ س: داستان شاپور با دختر مهرک؛ ک این سرنویس را ندارد اما جای آنرا خالی گذاشته است؛ بنداری: ذکر قصه سابور بن اردشیر مع ابنة مهرک بن نوش زاد المذكورة ۱۳- (پ: اختر) ۱۴- ل-ل ۲ (نیز لن-پ، لن-۲، آ، ب): خردمند؛ (لی: گرنامه)؛ متن = (و) ۱۵- (ق ۲، و: کردن پرداختند)؛ بنداری: قال: ثم بعد مدة من الزمان اتفق أن ركب أردشير إلى الصيد، ومعه ولده سابور. فصاروا إلى متصيدهم فأجروا خيولهم في طلب الصيد وتفروا في الصحراء ۱۶- س: دشت ۱۷- ل: دشتی؛ متن = س-ل ۲ (نیز نه دستنویس دیگر) ۱۸- (و: بلند) ۱۹- ل ۲ (نیز آ): ایوان و میدان ۲۰- (و: کاخ و ایوان همه از جمند) ۲۱- ک (نیز لی، آ، ب): راند ۲۲- ل: و خرم؛ س: بر در؛ ق: گشن اندر؛ ل: در اندر؛ ک (نیز آ): خوش دید در در؛ (لن، پ، و: گشن در در؛ ق: بودش در اندر؛ لی، ب: خوش دید در در؛ ل: ککش اندر؛ لن: گشن در در)؛ متن = ل ۲؛ بنداری: فوقت عين سابور على ضيعة كثيرة الماء و الشجر، و كان عطشان فيمهما. و لما انتهى إليها رأى بستاناً عند منزل رئيس الضيعة فدخله يطلب الماء ۲۳- ق (نیز لن، پ): دولی ۲۴- س، ق: بزى ۲۵- ل، ق (نیز لن، ق، ل، ۲، پ، ب): شاه؛ متن = ۲۶- ک (نیز و): شاد آمدی شاد و خندان بزى؛ (لی: شادان شو و شاد و خندان بزى)؛ متن = س (نیز لن، آ): ل این بیت را ندارد و در س این بخش خوانا نیست ۲۷- (آ: بسته باید) ۲۸- س، ق (نیز لن، ق، ل، ۲، پ، لن، ۲، ب): بود؛ ک (نیز لی، آ): درین ده بود؛ متن = ل ۲۹- (ل: یکروزه)؛ س (نیز لن، ق، ل، ۲): بی گمان آب؛ ک (نیز لی، آ): آبها سخت؛ (و: به جوی اندرون)؛ ل: آ: که هست آب اینجا همه تلخ و؛ متن = ق (نیز پ، ب)

به چاه‌اندرون آب سردست و خوش^۱ -
 بدو گفت شاپور کای ماه‌روی
 که باشند^۵ با من^۶ پرستنده‌مرد
 ز بُرنا کنیزک^۸ بیچید^۹ روی
 ۲۱۵ پرستنده‌یی را بفرمود^{۱۱} شاه
 پرستنده بشنید و آمد دوان
 چو دلو^{۱۵} گران‌سنگ پر^{۱۶} آب گشت
 چو دلو^{۱۷} گران^{۱۸} برنیامد ز چاه^{۱۹}
 پرستنده را گفت کای^{۲۳} نیم‌زن^{۲۴}
 ۲۲۰ همی برکشید آب چندین^{۲۷} ز چاه
 بیامد^{۲۹} رَسَن بستد از پیشکار
 کنیزک-چُن او^{۳۲} دلو^{۳۳} را برکشید^{۳۴} -
 که نوشه بدی^{۳۶} تا بُود روزگارا!

فرود آی تا من بُوم^۲ آب‌کش^۳!
 چرا رنجه داری^۴ بدین گفت‌وگوی،
 کزین چاه بی‌بُن کشند^۷ آبِ سرد
 بشد دور^{۱۰}، بنشست بر پیش جوی
 که تشت آور و^{۱۲} آب برکش ز چاه!
 -رَسَن بود بر دلو^{۱۳} و چرخِ روان^{۱۴} -
 پرستنده را روی پُرتاب گشت
 بیامد ژکان^{۲۰} زود^{۲۱} شاپورشاه^{۲۲}
 نه زن داشت این دلو^{۲۵} و چرخ و^{۲۶} رَسَن؟
 تو گشتی بر از رنج و^{۲۸} فریادخواه
 شد آن کارِ دشخوار^{۳۰} بر شاه خوار^{۳۱}
 بیامد به مهر^{۳۵} آفرین گسترید،
 همیشه خرد بادت آموزگارا!

۱- (پ: و بس؛ و: بود نیز در خانه زین آب خوش) ۲- (نیز لی، آ، ب): شوم؛ ق: به فرمان شوم من همی؛ (ق^۲: به فرمای تا من بوم)؛
 متن = ل، س، ل (نیز لن، ل، و، لن، آ) ۳- (پ: ازین اسب را آب خوردست و بس) ۴- (نیز پ، لن، آ، ب): گشتی؛ ق: گردی؛ (لن، ق، ل، آ،
 و: بودی؛ لی: مرا رنجه گشتی)؛ متن = س، ک؛ ل^۲ لت دوم بیت ۲۱۴ را به جای لت دوم بیت ۲۱۲ آورده و بیت ۲۱۳ را جا انداخته است
 ۵- (نیز لی، آ، ب): هستند ۶- (و: ما)؛ ق: باشد ابا من ۷- ق، ک (نیز و): کشد؛ (ق^۲: خود برکشند؛ پ: چاه بُن برکشند)؛ ل^۲ این بیت را
 ندارد ۸- ق (نیز لن، ق، ل، آ، لن، آ): کنیزک ز برنا؛ ک (نیز لی، آ، ب): کنیزک هم آنکه؛ متن = ل، س ۹- (پ، و: بیوشید) ۱۰- ک (نیز لن، لی،
 لن، آ، ب): دور و؛ (ل^۲: زود)؛ ل^۲ این بیت را ندارد اما لت دومش را به جای لت دوم بیت ۲۱۲ آورده است؛ بنداری: فرای جاریه کالقم
 لیلۃ البدر تستقی من بئر هناك. فلما رأته وجه ابن الملک جاءته لتستقی له ماء بارداً. فمنعها فانصرفت و جلست علی حافة نهر هناك
 ۱۱- ک: فرستاد ۱۲- ل: دلو آور و؛ ک (نیز لی، آ): پیش آی و این؛ (ق^۲: دلو آر و این)؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، ل، آ، لن، آ، ب)؛ ل^۲ این بیت را
 ندارد ۱۳- (لن: دول؛ ل، آ، لن، آ: چرخ؛ پ: با دول)؛ ل: برد بر چرخ؛ ک (نیز آ، ب): دید با چرخ؛ (لی: دید با دلو)؛ س: رسن بر دلو (وزن
 ندارد)؛ متن = ق، ل (نیز ق، آ، و) ۱۴- ل (نیز ل، آ، لن، آ): دلو گران؛ ق، ل (نیز ق، آ، لی، پ، و): چرخ روان؛ ک (نیز آ، ب): دلو روان؛ (لن: دول
 روان)؛ متن = س ۱۵- س (نیز لن، لن، آ): دول ۱۶- ق (نیز پ): دولش گران و پر از؛ ل (نیز ق، آ، ب): دولش گران شد پر از؛ متن = ل (نیز ل، آ،
 و، آ)؛ ک، لی این بیت را ندارند ۱۷- س (نیز لن، پ): که دول ۱۸- ک (نیز لی): روان ۱۹- ل: دولش گران شد نیامد ز شاه ۲۰- ق (نیز ق، آ، لی،
 ل، آ، ب): دوان؛ (آ: دمان) ۲۱- ل (نیز لن، آ): روی؛ (لی، آ: تیز) ۲۲- ل: تو گشتی پر از رنج و فریادخواه؛ ک: تو گشتی خروشان و
 فریادخواه؛ متن = (و) ۲۳- ل (نیز و): ای ۲۴- (آ: نیک‌زن) ۲۵- س، ل (نیز لی، آ): دول ۲۶- ق (نیز لن، ق، ل، آ، پ، لن، آ، ب): و چندین؛ ل، آ:
 با آن؛ (آ: ساز و دلو و)؛ متن = س (نیز لی، و)؛ ل، ک بیت‌های ۲۱۹-۲۲۰ را ندارند ۲۷- ق (نیز و): خندان؛ ل (نیز ق، آ، پ، آ، ب): چندان؛
 متن = س (نیز لن، لن، آ) ۲۸- (ل^۲: ازین رنج؛ لی، آ، ب: خروشان و) ۲۹- ک (نیز لی، آ): همانکه ۳۰- ل، ل (نیز لی، ل، و، آ): دشوار؛ متن =
 س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۳۱- ق، ل (نیز ق، آ، لی، پ، ب): شهریار؛ درل بیت‌های ۲۱۷-۲۲۰ آشفنگی دارند و از لت یکم بیت ۲۱۷
 و لت دوم بیت ۲۲۰ یک بیت ساخته است و بیت‌های ۲۱۸-۲۱۹ را جا انداخته است؛ بنداری: فامر سابور بعض غلمانہ ان یبزغ له ذنوباً
 فوجدها غربا فلم یقدر. فجاءت الجاریة و نزعته له ذنوباً او ذنوبین ۳۲- س، ل (نیز ق، آ، و، لن، آ، ب): چو آن؛ (لن، لی: چو او؛ پ: چو
 شه)؛ متن = (ل، آ، ب) ۳۳- س (نیز لن، لی، پ): دول ۳۴- ل: ز دلو گران شاه چون رنج دید ۳۵- س، ق، ل (نیز لن، ق، ل، آ، لن، آ، ب): بر آن
 خویرخ؛ ک: بر آن خویروی؛ (لی: بدان ماهروی؛ آ: بر آن ماهروی)؛ متن = ل ۳۶- س، ک (نیز لی، لن، آ): بزوی؛ (آ: خرم بدی)؛ متن = ل، ق،
 ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، ب)؛ ل^۲ این بیت را ندارد

به نیروی شاپور شاه اردشیر
 ۲۲۵ جوان^۱ گفت با دختر چرب گوی^۲:
 چنین داد پاسخ که این داستان
 که شاپور گردست^۵ با زور پیل
 به بالای^۶ سروست و روین تنست
 بدو گفت شاپور کای ماهروی
 ۲۳۰ پدیدار کن تا نژاد تو چیست^{۱۰}
 بدو گفت: من دختر^{۱۳} مهترم
 بدو گفت شاپور^{۱۵}: هرگز دروغ
 کشاورز را دختر^{۱۷} ماهروی
 کنیزک بدو گفت کای^{۱۹} شهریار
 ۲۳۵ بگویم همه پیش تو از^{۲۱} نژاد
 بدو گفت شاپور کز بوستان
 بگوی و^{۲۴} ز من بیم^{۲۵} در دل مدار
 کنیزک بدو گفت کز راه داد^{۲۷}
 مرا پارسایی^{۲۸} بیاور خرد

شود بی گمان آب در چاه شیر^۱
 چه دانی که شاپورم، ای ماهروی^۴؟
 شنیدم بسی از لب راستان،
 به بخشندگی همچو دریای نیل،
 به هر چیز^۷ مانده‌ی بهمنست^۸!
 سخن هر چه پرسم ترا^۹ راست گوی!
 که بر^{۱۱} چهره‌ی تو نشان کیست^{۱۲}!
 ازیرا چنین گش^{۱۴} و گندآورم
 بر شهریاران نگیرد^{۱۶} فروغ
 نباشد بدین روی و این رنگ و بوی^{۱۸}
 هر آنکه که یابم^{۲۰} به جان زینهار،
 چو یابم ز خشم شهنشاه^{۲۲} داد
 نرست از چمن^{۲۳} کینه‌ی دوستان
 نه از ناموردادگر^{۲۶} شهریار!
 منم دختر^{۲۹} مهرک^{۳۰} نوش‌زاد
 بدین^{۲۹} پرهیز مهتر^{۳۰} ده سپرد

۱-ک: از در چاه سیر ۲-ل: ۳-چنین ۳-ک: ل: ۴- (نیز ل: ۳، پ: ۱): خوبروی: (لی، و: ب: خوب گوی): (ق: نیز ق: ۲): ای دختر خوبروی: متن =
 ل: س: (نیز ل: ن: ۲) ۴-ق: مشکبوی: ل: ۵- (نیز ق: ۲، و): گردیست ۶- (ق: ۲: به بالا چو)
 ۷-ق: حال ۸-ل: رستم: ق: ۳ پس از این بیت افزوده است:

اگر همبردش بود زنده پیل به سر بگند سوی دریای نیل

۹-س: ک: (نیز ل: لی، ل: ن: ۲، ب: همه: (ق: ۳: مرا): متن = ل: ق: ل: ۲ (نیز ل: ۴، پ: و، آ) ۱۰-ک: کیست ۱۱-ل: برین: متن = س-ل: ۲ (نیز نه
 دستویس دیگر) ۱۲-ل: ۱۳- (نیز ل: ن: پرست: (لی: فزو و چهره کیست: ق: ۳: چهرهات فزّه ایزدیست) ۱۳-ل: دخت مه ۱۴-ل: ق: ل: ۲ (نیز
 پ: ب: خوب: (لی، ل: ۳، و: ل: ن: آ: گشن): متن = س: ک: (نیز ل: ن: ق: ۲) ۱۵-ل: چنین داد پاسخ که: متن = س-ل: ۲ (نیز نه دستویس دیگر)
 ۱۶- (پ: ب: نگیرد بر شهریاران) ۱۷-ل: ۱۸- (آ: موی): ق: گفتگوی: ل: سان همی روی و موی: (ق: ۲، ل: ۳، پ: و: زور و این رنگ
 و بوی: ب: زور و این گفت و گوی): متن = س: ک: ل: ۲ (نیز ل: لی، ل: ن: ۲): ق: ۳ پس از این بیت افزوده است:

تو از سرورانی بهانه میار بگو از نژاد و میر روزگار

۱۹- (و: ای) ۲۰-ک: (نیز لی، آ): گر از شاه یابم: ل: اگر یابم از تو: متن = ل: س: ق: (نیز هفت دستویس دیگر) ۲۱-ل: (نیز پ: من: (ل: ن: در):
 ک: (نیز لی، آ): سخن پیش تو از: متن = س: ق: ل: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۳، و: ل: ن: ۲، ب) ۲۲-ل: ۲۳- (ق: ۲: جهاندار: بنداری: فتعجب ساپور من قوتها و بهت من
 حسنها فألها عن أصلها فقالت: إن أعطيتي الأمان أعلمتك بذلك ۲۳- (ق: ۲: انجمن: و: نرویدهمی) ۲۴-ل: (نیز ق: ۲): بگو و: (ل: ۳: به
 کزای: متن = س-ل: ۲ (نیز ل: لی، پ: ل: ن: آ، آ، ب) ۲۵-ق: (نیز ب: راز: ل: ۲: خشم: (ق: ۲: آزار: ل: ۳: من و بیم: و: با من و بیم): متن = ل: س: ک
 (نیز ل: لی، پ: ل: ن: آ، آ) ۲۶- (لی: دادگر نامور: و: نه از من نه از دادگر): ق: ۳ پس از این بیت افزوده است:

ز من ایمنی گر همه دشمنی شتابنده در خون جان منی

هم اندر زمان خاک رفتش به روی به رخ برگشاده ز دیده دو جوی

۲۷- (ق: ۲: کای شاه‌زاد): بنداری: فأعطاها الأمان فأخبرته بأنها ابنة مهرک طلبة الملك أردشیر ۲۸-ل: با سپاهی: متن = س-ل: ۲ (نیز نه
 دستویس دیگر) ۲۹-ق: به این ۳۰- (ق: ۲: دختر: پ: نامور مهتر: و: پر خرد مهتر: لی: بدان نامور مهتر)

۲۴۰ من از بیم آن^۱ نامورشهریار
بیامد پردخت^۲ شاپور جای
بدو گفت کین دختر^۴ خوب چهر^۵
بدو داد مهتر به فرمان اوی^۸

بسی برنیامد برین^{۱۰} روزگار
۲۴۵ چو نه ماه^{۱۱} بگذشت بر^{۱۲} ماه روی
تو گفתי که باز آمد اسفندیار
و را نام شاپور کرد^{۱۵} اورمزد
چنین تا برآمد برین هفت سال
ز هر کس نهانش همی داشتند

۲۵۰ به نخچیر شد هفت روز اردشیر
نهان^{۲۳} اورمزد از میان گروه
[دوان شد^{۲۴} به میدان شاه اردشیر

چنین آبکش گشتم و پیشکار
همی بود مهتر به^۳ پیشش به پای
به من ده و^۶ بر من^۷ گوا کن سپهر
بر آیین آتش پرستان^۹ اوی^۸

که سرو سهی چون گل آمد به بار
یکی کودک آمد به بالای^{۱۳} اوی
و گر نامدار^{۱۴} اردشیر سوار
که سروی^{۱۶} بُد اندر^{۱۷} میان فرزند
بیود^{۱۸} اورمزد از جهان بی همال
به جایی^{۱۹} به بازیش^{۲۰} نگذاشتند

بشد نیز^{۲۱} شاپور نخچیرگیر^{۲۲}
بیامد کز آموختن شد ستوه
کمائی به یک دست و دیگر دو^{۲۵} تیر]

۱-ق: کی؛ (ب: این)؛ ل بیت های ۲۴۰-۲۴۱ را ندارد ۲-ک (نیز لن، ق، ل، لی، لن، آ، ب): پرداخت؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، آ، پ، و)
۳-لی: مهتر ده به؛ و: مه ده باسناد؛ ک: ز؛ ق در اینجا سرنویس دارد: زن کردن شاپور دختر مهرک نوش زاد را بی خبر اردشیر ۴-ک:
این دختر؛ ق: بدهقان چنین گفت کین؛ ل: آ: به مه ده چنین گفت کای؛ (ق: آ: بدیشان چنین گفت کین؛ ب: به مهتر چنین گفت کین)
۵-لی: شاپور در برز مهر؛ متن = ل، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۶-ل: <و>؛ ل: آ: تو؛ (لن: آ: بخش و) ۷-س (نیز آ): تو او را؛ ک
(نیز ل، آ، ب): به من بر؛ (لی: تو دختر)؛ متن = ل، ق، ل (نیز پنج دستنویس دیگر) ۸-ل، ق (نیز ق، ل، لی، آ): او؛ متن = س، ک، ل (نیز شش
دستنویس دیگر) ۹-ل: آ: بردش از آنجا سوی خان؛ بنداری؛ و ذکر آنها من خوفها منه وقعت الی تلك الضیعة. فأمناها سابور، و
خطبها الی زعیم الضیعة فزوجه منهن؛ ق، ل، آ، پس از بیت ۲۴۳ افزوده اند:

ق: آ: همانجا بماندش بدان خوب ده
از آن پس که با ماه شاپور شاه
ل: آ: به ایوان خود بردش از خان مه
همی داشتش چون یکی تازه به

۱۰-لن، لی، پ: بدین؛ ق: آ: برین برنیامد بسی) ۱۱-ل (آ: یک سال) ۱۲-س (نیز لن، لن، آ): زین؛ ق (نیز ق، آ، ب): ازین؛ ل (نیز و): از آن؛ (پ:
آن)؛ متن = ل، ک (نیز لی، ل، آ) ۱۳-ل (آ: آورد همتای) ۱۴-ل: آ: نامور؛ (لی: و یا نامدار؛ لن: آ: سر نامدار) ۱۵-س، ق (نیز لن، ل، لن، آ):
پادشاه نام کرد؛ س: آ (نیز آ، ب): کرد شاپور نام؛ متن = ل، ل (نیز ق، ل، لی) ۱۶-ل: سرو؛ (و: چون سروی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
۱۷-لن: آ: او در) ۱۸-ک، س: آ (نیز آ): که گشت؛ (ب: بید)؛ بنداری؛ ثم إن الجاریة حملت من سابور فوضعت ابنا كأنه اسفندیار قذا و شکلا
فسماه أورمزد. فشب و نما و لما بلغ سبع سنین صار كأنه لیس له نظیر فی العالم ۱۹-ل: آ: زمانی ۲۰-ق: آ: جای نیا هیچ؛ لن: آ: جای
نیازیش) ۲۱- (و: همان گرد) ۲۲-ل: آ: کمائی به یک دست و یک دست تیر؛ ل بیت های ۲۵۱-۲۵۴ را ندارد ۲۳- (و: دوان) ۲۴-ک، س: آ
(نیز لی، آ، ب): در آمد؛ (و: روان شد) ۲۵-ک، س: آ (نیز لی، آ، ب): کمان داشت در دست و دو چوبه؛ (و: کمائی به دست و به دیگر دو)؛
متن = س، ق، (نیز لن، ق، ل، آ، پ، لن، آ): ل بیت های ۲۵۲-۲۵۴ را ندارد، امالت دوم بیت ۲۵۲ را به جای لت دوم بیت ۲۵۰ آورده است؛
ق: آ در اینجا افزوده است:

برون برد از ایوان جهانجوی گرد
که چوگان و میدان و مردی مراست
هم از ویژگان چار کس را ببرد
ابا جنگیان هم نبردی مراست

ابا کودکی چند و^۱ چوگان و گوی
 جهاندار هم در زمان با سپاه
 ۲۵۵ ابا موبدان موبد تیزویر
 بزده^۶ کودکی تیز چوگان ز^۷ راه
 نرفتند ازیشان^۸ پس گوی کس
 دوان^{۱۱} اورمزد از میانه برفت
 ز پیش نیا تیز^{۱۳} برگاشت^{۱۴} گوی^{۱۵}
 ۲۶۰ و زان^{۱۸} جا^{۱۹} خروشی بر آورد سخت
 به موبد چنین گفت کین^{۲۲} پاکزاد
 پرسید موبد، ندانست کس
 به موبد چنین گفت^{۲۴} پس شهریار
 بشد موبد و برگرفش ز گرد
 ۲۶۵ بدو گفت شاه: ای گرنامه خرد
 نرسید^{۲۷} کودک، به آواز گفت:
 منم پور شاپور کو پور تُست

به میدان شاه اندر آمد ز کوی^۲
 به میدان بیامد^۳ ز نخچیرگاه
 به^۴ نزدیک ایوان^۵ رسید اردشیر
 بشد گوی گردان به نزدیک شاه
 بماندند بر جای ناکام^۹ پس^{۱۰}!
 به^{۱۲} پیش جهاندار چون باد تفت!
 ازو^{۱۶} گشت لشکر^{۱۷} پر از گفت و گوی
 کرو^{۲۰} خیره شد شاه پیروز^{۲۱} بخت
 نگه کن که تا از که دارد نژاد؟
 همه خامشی برگزیدند و بس^{۲۳}!
 که بردارش از خاک و نزد^{۲۵} من آرا!
 بردش بر شاه آزاد مرد^{۲۶}
 ترا از نژاد که باید شمرد؟
 که نام و نژاد نباید^{۲۸} نهفت،
 ز فرزندی مهرک، نژاد^{۲۹} درست

۱-س، ق (نیز لن، ل، آ، ب)؛ کودکان چند؛ متن = ک، س، آ (نیز ق، آ، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۲-ک، س، آ (نیز لی، آ)؛ آمد آن نامجوی؛ (ق، آ)؛ اندرون نامجوی؛ بنداری؛ و کاتوا یکتومونه و لا یخلونه أن یخرج من البیت. فاتفق أن اردشیر خرج الی الصید ذات یوم و معه ولده سابور. فانسل الصبی و خرج الی المیدان و أخذ یلعب بالکرة مع الصبیان ۳-ق (نیز ل، آ، و، ب)؛ بیامد به میدان؛ ک، س، آ (نیز آ)؛ در آمد به میدان؛ (پ)؛ بیامد ز میدان؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، لی، لن، آ) ۴-ک، س، آ (نیز آ)؛ چو ۵-ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، آ، ب، آ، ب)؛ میدان؛ (ق، آ)؛ ایشان؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، و، لن، آ)؛ لی این بیت را ندارد؛ ل در اینجا سرنویس دارد؛ شناختن اردشیر اورمز (?) بن شاپور را ۶-س (نیز لن)؛ یکی ۷-ق (نیز ق، آ، ل، آ، و، ب)؛ به؛ متن = ل، س، ک، ل، آ، س، آ (نیز پ، لن، آ، آ، ب)؛ لی این بیت را ندارد ۸-ل، س (نیز لن، ل، آ، پ، و)؛ زیشان؛ متن = ق-س، آ (نیز ق، آ، لی، لن، آ، آ، ب) ۹-ق (نیز پ، و، ب)؛ ناکام بر جای ۱۰-ک، س، آ (نیز ل، آ)؛ و بس ۱۱-ل (آ، ب)؛ دمان ۱۲-ل، آ؛ ز؛ بنداری؛ فاتفق أن اردشیر انصرف من طریقہ لحاجة فدخل المیدان، و الصبیان غائصون فی غمرة اللعب، ف وقعت الكرة الی قریب منه فلم یتجاسر الصبیان علی التقدّم لأخذها سوی اورمزد ۱۳-ل، س (نیز لن)؛ زود ۱۴-ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، و، ب)؛ برداشت؛ متن = ک، س، آ (نیز لن، آ) ۱۵-ک، س، آ؛ روی ۱۶-ق-س، آ (نیز لی، و، ب)؛ وزو؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، لن، آ) ۱۷-ل؛ میدان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ل، س (نیز ل، آ، و)؛ از آن؛ متن = ق-س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، ب) ۱۹-ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، لن، آ)؛ پس؛ متن = ک، س، آ (نیز آ، ب) ۲۰-ل، آ؛ کران؛ (لن، آ)؛ وزو ۲۱-ک، س، آ (نیز لی، آ)؛ بیدار؛ بنداری؛ فانه تقدّم واستلب الكرة من بین یدی جده غیر محتفل بخيله و رجله، و صاح فی أثر الكرة ۲۲-ل، لن، لی، لن، آ؛ کای)؛ ل بیت های ۲۶۱-۲۶۲ را ندارد ۲۳-ق-بیت های ۲۶۲-۲۶۳ را ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد؛ آگاهی یافتن اردشیر از اورمزد پسر شاپور ۲۴-ک، س، آ (نیز لی، ب)؛ بفرمود ۲۵-ل، آ (نیز ق، آ)؛ پیش ۲۶-ک، س، آ (نیز لی، آ)؛ بر خسرو آوردش آن نیک مرد (لی؛ بخت)؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و، ب)؛ لن، لن، آ این بیت را ندارند ۲۷-س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ)؛ چو پرسید؛ ق، ل، آ؛ چو بشنید؛ ک، س، آ (نیز لی، آ، ب)؛ همان گاه؛ متن = ل (نیز و) ۲۸-ل، آ (نیز ل، آ، پ، ب)؛ نشاید ۲۹-س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، و)؛ نژادی؛ ک (نیز لی، آ، ب)؛ نژادم؛ متن = ل، س، آ (نیز ل، آ، لن، آ)؛ بنداری؛ فتعجب الملک و سأل عن اسم الصبی. فسکتوا من حیث لم یکن فیهم أحد یعرفه فأمر بأن یحمل الیه فسأله عن آبیہ فقال بصوت رفیع: أنا ابن ولدک سابور بالنسب الصحیح، من بنت مهرک

فروماند زان^۱ شاه^۲ گیتی شگفت
 بفرمود تا رفت شاپور^۳ پیش
 ۲۷۰ بترسید^۵ شاپور^۶ آزادمرد^۴
 بخندید ازو^۷ نامورشهریار
 پسر باید، از هر که باشد رواست
 بدو گفت شاپور: انوشه بدی^{۱۲}!
 ز پشتِ منست این و نام^{۱۶} اورمزد
 ۲۷۵ نهان داشتم چندش^{۱۷} از شهریار
 گرانمایه از دخترِ مهرکست
 از^{۲۳} آب و ز چاه آن کجا^{۲۴} رفته بود
 ز گفتارِ او شاد شد^{۲۷} اردشیر
 گرفته دل‌آویز را^{۲۹} بر^{۳۰} کنار
 ۲۸۰ بیاراست زرین یکی زیرگاه^{۳۳}
 سرِ خردکودک بیاراستند
 همی ریخت تا شد سرش ناپدید

بخندید و اندیشه اندرگرفت
 به پرسش گرفتنش از اندازه^۴ بیش
 دلش گشت پردرد و رخساره زرد
 بدو گفت: فرزند^۸ پنهان مدار!
 که گویند^۹ کین^{۱۰} بچه‌ی^{۱۱} پادشاست!
 جهان^{۱۳} را به^{۱۴} دیدار توشه بدی^{۱۵}!
 درخشنده چون لاله اندر فرزند!
 بدان^{۱۸} تا برآید^{۱۹} بر از^{۲۰} میوه‌دار^{۲۱}
 ز پشتِ منست این، مرا بی شکست^{۲۲}
 پسر گفت و پرسید و^{۲۵} چندی شنود^{۲۶}
 به ایوان خرامید خود با^{۲۸} وزیر
 از^{۳۱} ایوان سوی^{۳۲} تخت شد شهریار
 یکی طوق فرمود و زرین کلاه
 پس از گنج دُر^{۳۴} و گهر^{۳۵} خواستند
 تنش^{۳۶} پس نیا از^{۳۷} میان^{۳۸} برکشید^{۳۹}

۱-ق.ک، س^۲ (نیز لن-و، ب): ازو؛ ل^۲ (نیز آ): زو؛ (لن: آ: ازین)؛ متن = ل، س ۲-ل: کار؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

به دل گفت کین بودنی کار بود مرا در دل انده نباید فزود

۳-ک: شاپور تا رفت ۴-ل (نیز لن، لی، آ): ز اندازه؛ س^۲: باندازه ۵-ق: چو پرسید ۶-ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): از آن کارکرد؛ (ق^۲: از آزادمرد)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، پ، و، لن، آ): ل^۲ این بیت را ندارد ۷-ل، س (نیز لن): زو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۸-ک، س^۲ (نیز آ): کین راز؛ (لی: کین زا به) ۹-ل (ل، آ، لن: آ: بگویند؛ و: که گویی) ۱۰-ل: کس؛ (ق^۲: لن، آ: این؛ و: که این)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ک: تخمه؛ بنداری: فتعجب اردشیر و ضحک، و استحضار ساپور فایله و ضحک الیه ۱۲-ل، ک، ل، س^۲ (نیز ل، و، آ): نوشه بدی؛ (لی: نوشه بزی)؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۳-ق (و: روان) ۱۴-ک: ز ۱۵-لی: بزی) ۱۶-ق (آ: نام او؛ لی: من و نام او؛ و این بنام) ۱۷-س، ق (نیز لی، ب): چند؛ (لن: داشتمش چند)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-ک (نیز پ، لن، آ، ب): بر آن؛ (ل: آ: برین) ۱۹-و: بروید) ۲۰-ق (آ: از آن) ۲۱-لی: سرآید بد روزگار) ۲۲-ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، و): بی شک است؛ ق، ک، ل، س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): منست و مرا بی شکست؛ متن = (لن: آ) ۲۳-ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب): ز؛ متن = ق، ل (نیز ل، آ) ۲۴-ق (آ: آنج خود) ۲۵-ل (ل، آ، پ، و، ب: پرسنده؛ لن: آ: گوینده) ۲۶-ق: برخنده شه می شنود؛ ک، س^۲ (نیز لی، آ): بدو گفت و پرسید و یکسر شنود؛ (ق^۲: پدر گفت و پرسید و دیگر شنود)؛ متن = ل، س، ل (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۷-س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ، و، آ): گشت؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، آ، ل، لن، آ، ب) ۲۸-ل: با او؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-س، ک، س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): دلفروز را؛ ق، ل (نیز لن، ل، آ): دلاور و را؛ متن = ل (نیز و) ۳۰-ل (نیز لن، ق، آ، و): بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ، ب): ز؛ (لی: به)؛ متن = ک، س^۲ (نیز آ) ۳۲-ل: میدان بر ۳۳-ک، س^۲ (نیز لی، آ): تخت شاه ۳۴-ق (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و، ب): زَر ۳۵-ک، س^۲ (نیز لی): گوهر برون؛ (آ: گوهر فزون) ۳۶-ق (نیز ب): برش؛ (و: پسر) ۳۷-س (نیز لن، پ، لن، آ): بناز از؛ ل: را بناز از؛ (ق: آ: را همان گه)؛ ک، س^۲ (نیز آ): پس آنگه تنش زان؛ متن = ق، ل (نیز ل، آ، ب) ۳۸-ق (آ: از آن)؛ ک، س^۲ (نیز و، ب): زان میان ۳۹-لی: پس از گنج گوهر برون آورید؛ بنداری: فاعترف بانه ولده، و اخیره بقصه مع امه. فاستبشر الملك و امتلا سرورا. و عاد به إلى إيوانه و أمر فثروا عليه الجوهر حتى انغمر لصبى فيه. ثم تناول الملك بيده و استخرجه من وسط الثار

بسی^۱ زر و گوهر به درویش داد
 به دیبا بیاراست آتشکده
 ۲۸۵ یکی بزمگه ساخت با مهتران
 چنین گفت با نامداران شهر^۴
 که از گفتِ داناستاره شمر
 چنین^۹ گفته بُد کید هندی که تخت^{۱۰}
 نه کشور، نه افسر^{۱۳}، نه گنج و سپاه^{۱۴}،
 ۲۹۰ مگر تخمهی مهرکِ نوشزاد
 کنون سالیان اندرآمد به هشت^{۱۷}
 چو رفت اورمزد^{۱۹} اندر آرام خویش
 زمین هفت کشور مرا^{۲۱} گشت راست^{۲۲}
 خردمند را خواسته بیش داد
 هم ایوانِ نوروز و کاخ^۲ سده
 نشستند هر جای^۳ رامشگران
 هر آنکس^۵ که او از خرد داشت بهر^۶،
 نباید^۷ که هرگز کند کس^۸ گذرا
 نگردد تن آسان^{۱۱} و خرّم، نه بخت^{۱۲}،
 نه دیهیم شاهی، نه فرّ کلاه^{۱۵}،
 بیامیزد آن دوده^{۱۶} با این نژاد!
 که جز بآرزو چرخ بر ما^{۱۸} نگشت
 ز گیتی ندیدم جز از^{۲۰} کام خویش
 دلم^{۲۳} یافت از بخت چیزی که خواست

۱-ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): پس آن ۲-ل، ق (نیز پ، و، ب): جشن؛ ل: آ: گاه؛ و: (ق، ل، آ: گاه)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ، آ): ۳-ک، س^۲ (نیز لی، آ): بر بزم؛ (ق، آ: بر جای)؛ بنداری؛ و فرّق اموالاً کثیرة علی الفقراء، و زین ایوان بیت النار بالدیباچ و ألوان الثياب. و جلس مع أركان دولته و خواص حضرته فی مجلس الأناس ۴-ل: نامور شهریار؛ س^۲: نامداران شهریار (وزن و پساوند ندارد)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ل: (که هر کس) ۶-ل: با خرد داشت کار؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۷-ک، س^۲ (نیز لی، آ): مبادا ۸-ل، آ: دانا کند زین ۹-ق: مرا ۱۰-ل، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، آ): سحت (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ (ب: ز بخت)؛ متن = (ق، آ، پ) ۱۱-ق، ل، آ (نیز ل، آ، پ): ترا شاد ۱۲-ق: سحت (حرف های یکم، دوم و سوم بی نقطه)؛ (لن، و: ز بخت؛ ل، آ: نه تخت؛ لن، آ: بخت)؛ ک، س^۲ (نیز آ، ب): دلارام و پدram بخت؛ (لی: بگیرد دلارام پدram بخت)؛ متن = ل، س، ل، س^۲ (نیز ق، آ، پ)؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

نباشد تن آسان و خوش روزگار
 نه بیند به دیده جهان شهریار
 نگردد بدو راست گیتی نه تخت
 نه ایوان شاهی نه فرخنده بخت

۱۳-پ، آ: نه افسر نه کشور) ۱۴-ق، آ، لی: کلاه) ۱۵-ک، س^۲ (نیز آ): و کلاه؛ س (نیز لن، ل، آ، و): و نه جاه؛ ق، ل، آ (نیز لی، پ، ب): و نه گاه؛ ق: تخت و سپاه؛ (لن، آ: فرزند و جاه)؛ متن = ل ۱۶-س (نیز لی، ب): تخمه؛ (آ: تخم)؛ ک، س^۲: از تخمه؛ ل، آ (نیز و): این دوده؛ (ق، آ: بیامیزی این دوده)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ)؛ بنداری؛ و قال: إن العاقل لا یبغی له أن یعدل عن قول عالم الهند. فإنه أخیر أنه لا یتقر تخت سلطنتا، ولا تستمر سعادة أيامنا، ولا تنظم أحوال ملکنا ولا تلثم مصالح دولتنا إلا حین یختلط نسبنا بنبس مهرک؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

مرا گفتِ دانا نیامد پسند
 کشیده سر از گشتِ چرخ بلند

۱۷-آ: شت) ۱۸-ک، و ۱۹-ک، س^۲ (نیز لی، آ): آرزو؛ ل: شاپور رفت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰-ل، آ (نیز ق، آ): بجز؛ ل: ندیده بجز؛ ق: ندید او جز از؛ (و: نبینم مگر)؛ ک، س^۲ (نیز لی، پ، آ): به (پ: ز) گیتی ندیدیم جز؛ متن = س (نیز لن، ل، آ، لن، آ، ب)؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

چو در بوستانِ بزرگی نهال
 فروگشت شاپورِ فرخنده فال
 ز دشمن ندیدم بجز نوش و خاک (؟)
 برستم ز تیمار و اندیشه پاک
 بدین کودک خُرد پشتم قویست
 که او را دل شیر و فکر گوئیست
 مرا اورمزدست از فال و روز
 ازو تا بدم روزِ گیتی فروز

۲۱-ق: ورا ۲۲-لی: به شاهی مراست) ۲۳-ق: دلش؛ ق^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و قد صح الأن ذلک. فإنه منذ ثمان سنین، من حیث ولد اورمزد، لم یدر علینا الفلک إلا بما نرید. و قد استتب لنا ملک الأقالیم السبعة، و أدركنا قساری البغیة و نهاية المنیة

۲۹۵ کنون از^۲ خردمندی^۳ اردشیر
 ۱ شهنشاه کردند عنوانِ اوی^۱
 سَخُن بشنو و یک‌به‌یک یاد گیر

گفتار اندر بزرگی اردشیر بابکان^۴

بکشید و آیین نیکو نهاد
 به درگاه چون خواست^۶ لشکر فزون
 که تا هر کسی را که دارد پسر
 سواری بیاموزد و رسم^۹ جنگ
 ۳۰۰ چو کودک ز کوشش^{۱۱} به نیرو^{۱۲} شدی،
 ز کشور به درگاه شاه آمدی^{۱۵}
 نبستی^{۱۷} عَرَضِ نام^{۱۸} دیوانِ اوی^{۱۹}
 چو جنگ آمدی نورسیده^{۲۱} جوان
 یکی موبدی را ز کاراگهان
 ۳۰۵ - ابا^{۲۴} هر هزاری یکی کارجوی-
 هر آنکس که در جنگ^{۲۵} سُست آمدی،

بگسترده بر هر سوی^۵ مهر و داد
 فرستاد بر هر سوی رهنمون،
 نماند^۷ که بالا کند^۸ بی‌هنر
 به گرز و کمان و به تیرِ خدنگ^{۱۰}
 به هر تَخُششی^{۱۳} در^{۱۴} بی‌آهو شدی،
 بدان نامور^{۱۶} بارگاه آمدی^{۱۵}
 بیاراستی کاخ و ایوان^{۲۰} اوی^{۱۹}
 برفتی ز درگاه با^{۲۲} پهلوان
 که بودی خریدارِ کار^{۲۳} جهان،
 برفتی، نگه داشتی کارِ اوی
 به آورد^{۲۶} ناتن درست^{۲۷} آمدی،

۱-ل، ق، ک (نیز ق، ل، آ، ب): او؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، و، لن^۲): ق، ل، آ، ق، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

کنون بشنو از داد و فرهنگ او به نیکی به هر جای آهنگ او

۲- (پ: ز فر و) ۳- (ل: ۳: هنرمندی) ۴- ل: اندر داد کردن اردشیر؛ س: داستان فرهنگ و داد کردن شاه اردشیر؛ س^۲: گفتار در عدل و تدبیر پادشاهی اردشیر بابکان؛ ک جای سرنویس را خالی گذاشته است؛ ل^۲ در اینجا سرنویس ندارد؛ متن = ق: بنداری: ذکر نبد من سیر اردشیر ۵- (نیز پ): کسی؛ بنداری: حکمی آن اردشیر جد و اجتهد، فأس مبانی العدل و مهد، و رفع قواعد السیاسة و شید. قال: فاسمع الآن ما نورد من سیره و مستحسن تدبیره و نتاج رایه و عقله ۶- ق، ل، آ (نیز ب): گشت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- (و: نباید) ۸- ل، آ (نیز پ): کشت؛ این واژه درس^۲ خوانا نیست ۹- ک، س^۲ (نیز ق، ل، آ، آ): راه؛ (لی: او را و): متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۱۰- (لن: تیر و خدنگ)؛ بنداری: فمن ذلك أنه أحب أن تتكاثر جنوده و تتضاعف جيوشه فنفض إلى أطراف بلاده و أقطار ممالک، و ألزم كل من رزق ابنا أن يعلمه آداب الفروسية و مراسمها ۱۱- (لی: پیشتر) ۱۲- ل: مردی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۳- ل (نیز آ): بخششی (حرف یکم بی نقطه)؛ س (نیز لن): بخششی (حرف‌های یکم، دوم و سوم بی نقطه)؛ ق، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): بخششی ۱۴- (پ: بیچش اندر؛ و: بخشش اندر)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵- ل: آمدند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶- (و: تاجور) ۱۷- ل، ق، ل، آ (نیز ق، آ، پ، و، ب): نوشتی؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، لن، آ، آ) ۱۸- ل، آ (نیز لن): نام و ۱۹- ل، ق، ک، ل، آ (نیز ق، آ): او؛ متن = س (نیز لن، لی، لن، آ، ب)؛ درس^۲ واژه آخر در هر دولت بیت خوانا نیست ۲۰- ل، آ (نیز لی، پ): میدان؛ بنداری: حتی اذا استكمل اسباب ذلك و أحکمها و استوفی أقسامها و استوعبها صار إلى باب الملك فكتب العارض في جريدة الجيش اسمه و يعطيه من المعيشة رسمه ۲۱- ق: نارسیده ۲۲- ق، ک، س^۲ (نیز آ): به درگاه با؛ (لی: به درگاه رفتی ابا) ۲۳- (ل: آ: راز)؛ لن بیت‌های ۳۰۴-۳۰۵ را ندارد ۲۴- ل: آبر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فاذا عرض حرب أو حدث خطب سار تحت رایه پهلوان الجيش. و وكل على كل ألف منهم موبدا خبيراً بالامور عازفاً باحوال الجمهور ۲۵- (لی، آ: رزم)؛ این واژه در س^۲ خوانا نیست ۲۶- (ق: آ: گه جنگ) ۲۷- ک (نیز لی، آ): باوردگه نادرست؛ (و: باورد بر نادرست)

شهنشاه^۱ را نامه کردی بر آن^۲
 جهاندار چون نامه بر خواندی،
 هنرمند را خلعت آراستی
 ۳۱۰ چو کردی نگاه اندر آن^۶ بی^۷ هنر
 چنین تا سپاهش بدانجا^۹ رسید
 ازیشان کسی کو بُدی^{۱۱} رای زن
 که هر کس^{۱۳} که خشنودی شاه جُست
 بیابد ز من خلعتِ شهریار
 ۳۱۵ به لشکر بیاراست گیتی همه
 به دیوانش^{۱۷} کارآگهان^{۱۸} داشتی
 بلاغت نگه داشتندی و خط
 چو برداشتی آن سخن رهنمون^{۲۲}
 کسی را که کمتر^{۲۴} بُدی خط و ویر^{۲۵}
 هم از بی هنر^۳ هم ز جنگ آوران^۴
 فرستاده را پیش^۵ بنشاندی،
 ز گنج آنج پرمایه تر خواستی
 بیستی میان جنگ را^۸ بیشتر
 که پهنای ایشان^{۱۰} ستاره ندید
 برافراختندی سرش ز^{۱۲} انجمن،
 زمین را به خون دلیران بشت،
 بود^{۱۴} در جهان نام او^{۱۵} یادگار!
 شبان گشت و پرخاش جویان رمه^{۱۶}
 به بی دانشان^{۱۹} کار نگذاشتی^{۱۸}
 کسی کو بُدی چیره تر^{۲۰} یک نقط^{۲۱}،
 شهنشاه کردیش روزی فزون^{۲۳}
 نرفتی^{۲۶} به دیوان شاه اردشیر^{۲۷}

- ۱- (و: جهاندار) ۲- ک. س ۲ (نیز پ. آ): بدان: ل: آ: کمان ۳- س. ل ۲ (نیز ل. ن- ل ۳، و. ب): بدهنر: (آ: پرهنر): متن = ل، س ۲ (نیز پ. ل. ن ۲)
 ۴- ل: آ: گند آوران: ک. س ۲ (نیز لی): مرد و از پهلوان: متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری: و جعله علیهم کالقریب یخبره بما یری من
 غنائهم، و یطلعه علی شجاعهم و جبانهم ۵- ک. س ۲ (نیز آ): به پیش آن فرستاده ۶- ل (نیز و): او: متن = س- س ۲ (ل. ن- پ. ل. ن ۲، ب)
 ۷- (پ. ل. ن: آ: بد) ۸- ک. س ۲ (نیز لی): رزم را: (ق: آ: میان راهمی): آ این بیت را ندارد: ل ۳ پس از این بیت افزوده است:
 ز درگاه خویشش برون راندی ز دفتر برو نام کی خواندی
 ۹- س ۲ (نیز ق: آ: لی، آ. ب): بجایی: متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- (ق: آ: او را): بنداری: فیأمر الملك حیئتذ یا کرام الشجاع و إثباته فی
 دیوان الجیش، و باسقاط الجبان و تعریضه لما یتأتی منه من الحرف و الأشغال. و لم یزل ذلک دأبه حتی جمع جنودا کاد یغص بهم
 فضاء الأرض و لایسعهم نطاق العدو و الحصر ۱۱- ل: راکه بُد: ل ۲ (نیز ل. ن ۲): گر بُدی: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲- (ق: ل. ن ۲):
 سر از: ک. س ۲ (نیز آ): برافراختی سرش را ز: (ق: آ: برافراختی او سر از: لی: سرش را برافراختی ز: پ: برافراختی تن ز آن: و: برافراشتی
 سر از آن: ل. ن: آ: بر انداختندی سرش ز: متن = ل، س. ل ۲ (نیز ل. ن. ب): ک. س ۲، لی، آ. ب پس از این بیت افزوده اند:
 بگشتی منادی گری در سپاه که ای ناجداران (س ۲، آ. ب: نامداران) و گردان شاه
 ل. ن ۲ در حاشیه به خطی بسیار همانند خط متن افزوده است:
 منادی گری را بفرمود شاه که تا برزند بانگ در بارگاه
 ۱۳- ک. س ۲ (نیز لی، و. آ. ب): هر آنکس: متن = ل، س. ق، ل ۲ (نیز ل. ن، ق: آ: ل ۲، پ. ل. ن ۲) ۱۴- ک. س ۲ (نیز لی، آ. ب): شود ۱۵- (ق: آ: نام او در
 جهان): ل ۲ بیت های ۳۱۴-۳۱۵ را ندارد ۱۶- ق، ل ۲، پ، ب پس از این بیت، و ل ۳ به جای این بیت افزوده اند:
 نگه کن به تدبیر شاه اردشیر به دیوان چه کرد و (ل: آ: که کردی) به کار وزیر
 ۱۷- ک. س ۲ (نیز لی، آ): به دیوان چو ۱۸- (ل. ن: داشتند): بنداری: و من سیرته انه کان لا یتخدم فی دیوانه جاهلا و لا یتعمل فیه إلا من
 کان عالما ۱۹- ل: دانشی: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۰- ل- ک. س ۲ (نیز ق: آ: پ، و، ل. ن ۲، ب): چیره بر: (لی: خیره در: ل: آ: چیره از: ل. ن:
 گر بدی چیره بر): متن = ل ۲ ۲۱- (پ: نمط: ل. ن: آ: نقط): در ل ۳ لت های این بیت پس و پیش شده است ۲۲- (لی: نامجوی) ۲۳- (آ:
 فسون: لی: بنزد شهنش بیشتر آبروی): بنداری: و کان ذا عنایة بمن یکون حسن الخط فصیح القلم بارعا فی البلاغة. فمن کان حظه من
 الأدب و الفضل أوفر کان بنیل أفضاله أحرى و أجدر ۲۴- ق: بهتر ۲۵- ل (نیز ل ۳): خط دبیر: (آ: بُدی و وزیر) ۲۶- ک (نیز لی، آ): نگشتی
 ۲۷- (ل. ن: چو دیدی به درگاه مردی دبیر)

قلمزن بماندی بر^۳ شهریار
 چو^۵ دیدی به درگاه مرد دبیر^۶
 هم از رای او گنج پیراگنید^۹!
 همان^{۱۲} زیردستان فریادخواه!
 همه^{۱۵} پادشا بر نهان^{۱۶} من اند^{۱۴}!
 بدو شاه گفתי: درم خوار دار^{۱۹}!
 که بر کس نماند سرای سپنج!
 ز تو دور باد آز و^{۲۲} دیوانگی!
 سپاه آن که^{۲۴} من دادمت یار بس!
 مده چیز^{۲۶} مرد بداندیش را!
 بمانی^{۲۷} تو آباد و از^{۲۸} داد^{۲۹} شادا!
 همی جان فروشی^{۳۱} به زر و به سیم!
 به شایسته^{۳۲} کاری و گر دادخواه،
 به پرسیدن^{۳۵} از کارداران^{۳۶} اوی^{۳۴}،
 و زیشان^{۳۸} که خسبد^{۳۹} به تیمار نیز؟

۳۲۰ سوی کارداران^۱ شدند^۲ به کار
 ستاینده^۴ بُد شهریار اردشیر
 نبیسنده^۷، گفתי که: گنج آگنید!
 بدو^{۱۰} باشد^{۱۱} آباد شهر و سپاه
 دبیران چو پیوند جان^{۱۳} من اند^{۱۴}!
 ۳۲۵ چو رفتی سوی کشوری^{۱۷} کاردار^{۱۸}
 نباید که مردم فروشی به گنج
 همه راستی جوی^{۲۰} و فرزانی^{۲۱}
 ز پیوند و خویشان مبر^{۲۳} هیچ کس
 درم بخش هر ماه^{۲۵} درویش را!
 ۳۳۰ اگر کشور آباد داری به داد
 و گر هیچ^{۳۰} درویش خسبد به بیم
 هر آنکس که رفتی به درگاه شاه
 شدند^{۳۳} برش استواران اوی^{۳۴}
 که دادست ازیشان، اگر آز^{۳۷} چیز؟

۱-ق: کاردانان ۲-ل: ۲: نماندی؛ (ق: ۲: کاردارانش روزی) ۳-ک: سوی؛ لن بیت های ۳۲۰-۳۲۱ را ندارد ۴-ل: (نیز پ): شناسنده؛ (لی: آ: شتابنده؛ ل: ۳: ستاینده)؛ متن = س-ل ۲ (نیز ق ۲، و، لن ۲، ب): س ۲ در اینجا خوانا نیست ۵-ک (نیز آ): که ۶-ق: بر مرد پیر ۷-ل-ل ۲ (نیز لن-ل ۲، و، لن ۲، ب): نویسنده؛ متن = س ۲ (نیز پ، آ) ۸-س-س ۲ (نیز لن، لی، لن ۲): آگند؛ متن = ل (نیز ق ۲، آ، ب) ۹-س-ق (نیز ل ۲، پ): پیراگند؛ (لن، و، لن ۲، ب: رنج پیراگند)؛ ک، س ۲ (نیز لی، آ): راه و از رنج پیراگند؛ ل: تن رنج پیراگند؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۱۰-ل ۱: کزو ۱۱- (و: تا شد) ۱۲-س (نیز لن): هم این: ل: هم از ۱۳- (پ: پیوندگان) ۱۴-ل: ۲: منید-منید ۱۵-ق، ل ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۲، لن ۲): همان؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز لن، پ، آ، ب) ۱۶-ق: در نهان؛ (ب: بندگان؛ ق ۲، ل ۲: پاسبان بر نهان)؛ بنداری؛ و کان يعظم الکتابه و یکر مهم و یقول: اینهم خزنه سری، و انساب روحی؛ و این بیت را ندارد ۱۷-ل (نیز لی، لن ۲): کشور؛ (آ: دشمنی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- (و: کاردان) ۱۹- (و: دان) ۲۰-ل: جو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- (لی: مردانگی) ۲۲-ل: بادات؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و کان إذا أنفذ منهم واحدا الی طرف من أطراف المملكة أوصاه و قال: لاتبع جواهر الرجال بأعراض الأموال، و لایکن لک مطلوب سوی الصلاح و السداد، و تجنب عن مظان الحرص و الفساد ۲۳-ل: من؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴-ل (نیز ب): آنج؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ برخی از دستنویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ س: تدبیر شاه اردشیر اندر کار موبدان ۲۵- (و: پیوسته) ۲۶-ل (نیز ق ۲): خیره؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و لاتستصحب من أولادک و أقاربک أحدا، و حسبک بمن نظم الیک عونوا و ملتحداء، و اجعل علیک للفقراء کل شهر راتبا لاتخل به. و من یحسدک فاحرمه معروفک و لاتعتن بأمره ۲۷- (ق: آ: بدانی) ۲۸-ل، س (نیز لن، ل ۲، پ، لن ۲): وز ۲۹-ق، ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): تو از داد آباد؛ متن = ل ۲ (نیز ق ۲، و) ۳۰-س: نباید که ۳۱- (و: فروشد) ۳۲-ک (نیز لی، آ): بیایسته؛ س ۲: بیایسته؛ ب بیت های ۳۳۲-۳۳۳ را ندارد ۳۳-ل: بدبذی سر (حرف های یکم، دوم و سوم از واژه یکم و همه واژه دوم نقطه ندارند)؛ ق: شدندش به پیش؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز لن-آ): این واژه درس ۲ خوانا نیست ۳۴-ل، ک، ق (نیز ق ۲، لی، لن ۲، آ): او؛ متن = س، ل ۲ (نیز لن، ل ۲، پ، و)؛ س ۲ خوانا نیست ۳۵-ل، ک، س ۲ (نیز لی-و): پرسیدی؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق ۲، لن ۲، آ) ۳۶- (لن ۲: کاردانان)؛ ب این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و من سیرته أنه کان اذا حضر بابه مظلم أو ذو حاجة من طرف من الأطراف بادره جماعة من ثقافته و قدر تبهم لذلك فسیلوه عن ولاة ناحيته و عمالها ۳۷-ل: و بگرفت؛ س (نیز ل ۳): و گر آزو؛ ق: و گر آب و؛ ک، س ۲ (نیز ب): و گونه چه؛ (لن، ق ۲، لن ۲: و گر آزی؛ لی: و گر نه چه: آ: و گر نه به)؛ متن = (پ، و) ۳۸-ک، س ۲ (نیز لی، آ): و گر نه ۳۹- (لی: جنبد)؛ ل این بیت را ندارد

بدان تا نباشند یک تن^۱ دزم
 خردمند و بیدار و آرام جوی^۲
 که دارد ز بیداد^۵ لشکر نگاه
 نشستی که رفتی^۶ خروشش دو میل
 هر آنکس که دارد دل^۸ نام و ننگ،
 رسد، گر بر آن کس بود نام و گنج!
 بر آن زبردستان سپاسی^{۱۲} نهید!
 هر آنکس که او هست یزدان پرست!
 شود زان سپس^{۱۵} روزگارش درشت!
 وگر بند ساید برو یال اوی^{۱۷}!
 خورش خوار^{۲۰} و خفتش بر^{۲۱} تیره^{۲۲} خاک!
 همان تیزی^{۲۴} و پیش دستی مکن!
 طلایه پراکنده بر^{۲۶} چار میل!
 چو پیش آیدت روز ننگ و^{۲۸} نبرد!
 بدین^{۳۰} رزمگاه^{۳۱} اندرون بر چیند؟

سپه را بدادی سراسر درم
 یکی پهلوان خواستی^۲ نامجوی
 ۳۵۰ دبیری به آیین^۴ و با دستگاه
 و زان پس یکی مرد بر پشت پیل
 زدی بانگ کای^۷ نامداران جنگ
 نباید که بر هیچ درویش رنج
 به هر منزلی در^{۱۰} خورید^{۱۱} و دهید
 ۳۵۵ به چیز کسان کس^{۱۳} میازید دست
 به دشمن دگر هر که^{۱۴} بنمود پشت
 اگر دخمه^{۱۶} باشد به چنگال اوی^{۱۷}!
 ز دیوان دگر^{۱۸} نام او کرده^{۱۹} پاک!
 به سالار گفتی که سستی^{۲۳} مکن!
 ۳۶۰ همیشه به پیش سپه^{۲۵} دار پیل
 نخستین یکی گرد^{۲۷} لشکر بگرد
 به لشکر چنین گوی کین^{۲۹} خود کیند؟

۱-س: ۲: در کین؛ (لی: ازین کس؛ لن: ۲: یکی زین؛ آ: زین کس)؛ ک: نباشد درین کین؛ ل: ۲: نباشد یکی کین؛ (ق: ۲: نبودی کسی زان؛ ل: ۲: نباشد بگیتی؛ پ: نباشد یکی تن؛ ب: نباشد بدین کین)؛ متن = ل، س (نیز لن، و) ۲-س، ک، س ۲ (نیز لن، لی، لن، آ، ب): داشتی؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز ق، آ، پ، و) ۳-ل، ۲ (نیز آ): آزرم جوی؛ (لی: و آزاده خوی)؛ بنداری: و ان کان غیر ذلک أعطی عسکره الأرزاق و أطلق لهم العطايا و الصلات و جهزهم الیه تحت رایة پهلوان عاقل موصوف بالکون و التؤدة راغب فی حسن الحدوثة ۴-ک: هنرمند؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): خردمند با؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-آ: بیگانه)؛ بنداری: و نفذ معه کاتباً معروفاً ذا غنی و غناء و سنا و سناء، یکون ضابطاً للجیش حافظاً لهم من النرق و الطیش، کافاً إیاهم عن الظلم و العشم ۶-ل (نیز پ، لن، آ): کرفتی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-و): با؛ آ: بر) ۸-ل، ل، ۲، س ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، ۳، و، آ، ب): دل و؛ متن = س، ک (نیز لن، پ، لن، آ)؛ بنداری: ثم یأمر منادیا فیرکب ظهر فیل و ینادی فی العسکر بصوت جهیر و یقول: یا وجوه العسکر! ۹-ل، س ۲ (نیز لن، پ، لن، آ) ۱۰-ل، ل، ۲: بر ۱۱-ل، ل، ۳، لن، آ: خرید؛ آ: بخرید و آنگه خرید؛ ب: بخرید و آنگه خورید) ۱۲-ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): سپاسی بر آن زبردستان؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، و) ۱۳-ل، ۲: کین؛ (ل: ۲: بر؛ لن: آ: در؛ آ: خود)؛ بنداری: لا تحاملوا علی أحد، و أحسنوا الی الرعیة، و لا تمدوا أیدیکم الی ما فی یدی غیرکم ۱۴-ک، س ۲ (نیز لی، ل، ۳، پ، آ، ب): هر آنکس که؛ ل: به دل در هر آنکس که؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ) ۱۵-و: بعد از آن) ۱۶-ل، ۲: زخم) ۱۷-ل، ک، س ۲ (نیز ق، آ، لی، آ، ب): او؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، ل، ۲، لن، آ) ۱۸-س، ک، س ۲ (نیز لن، لی، پ، ب): اگر؛ (ق: ۲: ز دیوانش اگر)؛ متن = ل، ل، ۱۹-ل، ل، ۲: کرد ۲۰-ل، س، ل، ۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ): خاک؛ متن = ک، س ۲ (نیز آ، ب) ۲۱-س: بر خفتش؛ ل: رفتش بر؛ ل: آ: خفتش در؛ (ق: ۲: خور و خفتش بر سر)؛ متن = (لن، لی، پ، آ) ۲۲-ل، ل، ۲: زیر؛ ق، ل، ۳: این بیت را ندارند؛ بنداری: و اعملوا ان کل من أحجم منکم فی القتال عن عدوّه لا یری الخیر من بعد؛ فاما ان یلقى فی القید و الحبس و إماناً ینقل الی الناوس و الرمس ۲۳-و: پستی) ۲۴-ل: ششی (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق، ل، ۳: این بیت را ندارند ۲۵-ل، ۲: به جنگ اندرون ۲۶-ل، ۲: و؛ بنداری: ثم یوصی مقدم الجیش و یقول: لا تکن فی أمرک متوانیا و لا نرقا و لا بادنا بالقتال. و اذا عیبت الصفوف فلا تجعل الفیلة إلا امام الكل. و فرق الطلائع الی أربعة أمیال ۲۷-و: پیش) ۲۸-ق، آ، و: روزگار)؛ آ، ب: بیت های ۳۶۱-۳۶۳ را ندارند ۲۹-ک: بگویی که این؛ (ق، لن، آ: چنین گفت کین) ۳۰-س (نیز لن، آ): برین ۳۱-ک: رزمها

همان صد به پیش یکی اندکی!
 ستانم یکی^۲ خلعت از اردشیر!
 نباید که^۳ گردان پرخاشجوی،
 وگر چند بسیار باشد^۴ سپاه!
 بکوشند^۵ جنگاوران^۶ یکسره!^۷
 بکوشند^۸ دل‌ها همه^۹ بر بُنه!^{۱۰}
 کس^{۱۱} از قلبگه نگسلد پای پیش!^{۱۲}
 تو با لشکر از قلبگاه^{۱۳} اندر^{۱۴} آی!
 که^{۱۵} شد دشمن^{۱۶} بدکنش در گریز!^{۱۷}
 تو زنهاده باش^{۱۸} و کینه مدار!^{۱۹}
 میاز^{۲۰} و مپرداز هم^{۲۱} جای نیز!^{۲۲}
 سپه باشد اندر در و دشت^{۲۳} کین!^{۲۴}
 سخن گفتن کس^{۲۵} نگر^{۲۶} نشنوی!

ازیشان^۱ صد اسپ‌افکن، از ما یکی!
 شما را همه پاک، برنا و پیر،
 ۳۶۵ چو اسپ افگند لشکر از هر دو روی
 بیایند و^۲ ماند^۳ تهی قلبگاه
 چنان کن که با میمنه میسر^۴
 همان نیز با میسر میمنه
 بود لشکر^۵ قلب بر جای خویش
 ۳۷۰ وگر قلب ایشان^۶ بجنبد ز جای
 چو پیروز گردی، ز بُن^۷ خون مریز
 چو خواهد ز دشمن^۸ کسی زینهار
 چو تو پشت دشمن بینی^۹، به چیز
 نباید که ایمن شوی^{۱۰} از کمین
 ۳۷۵ هر آنکه که از دشمن ایمن شوی

۱-ل: ۲. از آن سو ۲-ل (نیز ل: ۲). همه: (ل: ۲. نکو); متن = س، ک، ل، ۲. س (نیز هفت دستنویس دیگر): بنداری: و اذا قامت الحرب فطف بنفسك على العسكر، و صغر أمر العدو في أعينهم، و قو قلوبهم و عدهم بعواطفنا و مبارزنا، و منهم بأعطينا و صلاتنا ۳-ل (نیز ل: ۲. پ، و): بیایند: ک، س (نیز ل: ۲. آ، ب): درآیند: متن = ل، س (نیز ل: ۲. ق، ۲. ل: ۲) ۴-ک، س (نیز ل: ۲. ب، و، آ، ب): نباید: ل (نیز ل: ۲. که < >): بیاید: که: متن = س (نیز ل: ۲. ق، ۲. ل: ۲) ۵-ل: ۲. نیاید از ما ۶-ل (۲. مانند) ۷-ل: میسر میمنه: متن = س، ک، ل، ۲. س (نیز نه دستنویس دیگر): بنداری: و احفظ قلب العسكر عند اللقاء و اثبت مكانك. و اياك ان يخرج منهم احد و ان كثر العسكر و كثف الجمع ۸-ل (نیز ل: ۲. بکوشید ۹-ل: در جنگ او: ل: ۲. دل‌ها همه: و: تن‌ها همه) ۱۰-ل: دل‌ها همه بر بنه: متن = س، ک، ل، ۲. س (نیز ل: ۲. ب): بکوشید و ۱۲-پ: دیده همان) ۱۳-ق: ۲. یک تنه: ل: ۲. جنگاوران یک تنه: متن = س، ل (نیز ل: ۲. ل، ق، ک، س، ل: ۲. ب، و، آ، ب): این بیت را ندارند، ولی بنداری آنرا داشته است: و اجهد ان تحمل ميمتك على مسرة العدو و سعهم و يذلوا جهدهم، ثم تحمل مسرتك على ميمتهم بقلوب متحدة و قوى متعاضدة ۱۴-س، ک، ل، ۲. س (نیز ل: ۲. آ، ب): لشکر: متن = ل (نیز ل: ۲. ق، ۲. ل: ۲. ب، و، ل: ۲) ۱۵-ل (نیز پ): که ۱۶-ل، ک، س (نیز ل: ۲. پ، آ): خویش: متن = س، ل (نیز و، ل: ۲. ب) ۱۷-ک، س (نیز ل: ۲. آ، ب): لشکر: متن = ل، س، ل (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۸-ق (۲. ل: ۲. قلبگه) ۱۹-س: ایدر: بنداری: و لا يزال قلب العسكر مكانه و يكون شبه البنيان المرصوص لا يتحرك منهم احد إلا أن يتحرك قلب العدو. فحينئذ تزحف بقلبك اليهم ۲۰-ل، ک، س (نیز ل: ۲. آ، ب): ز کس: ل (نیز ق، ۲. ل: ۲. ب، ل: ۲): ز تن: (ل: ۲. بدین): متن = س، ل (نیز ق، ۲. ب): چو ۲۲-پ: (ب: باشد ز تو) ۲۳-ل: بدین بارگاه آورش ناگزیر: و به جای این بیت آورده است:

چو شد دشمن بدکنش در گریز تو پیروز گشتی، ز کس خون مریز!

۲۴-ق (لشکر) ۲۵-ک، س (نیز ل: ۲. آ، ب): نیز: ل (بیت‌های ۳۷۲-۳۷۳ را ندارد ۲۶-ل: نمایی: ل: ۲. نه بینی: ل: راه دشمن بیستی): متن = س، ک، س (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۷-ل، ک، س (نیز ل: ۲. آ، ب): مناز: (و: مناز) ۲۸-ق: میاور مپرداز هر: ل: ۲. مپرداز و مگذر هم از: متن = س، ل (نیز ل: ۲. پ) ۲۹-س: تیز: بنداری: و اذا رزقت الظفر و انهزم العدو فلا تسفك الدماء. و من استامنك منهم فأعطه الأمان. و اذا ولاك العدو ظهره فلا تمكن عسكرك من النهب و الغارة ۳۰-ل، س، ک، س (نیز ل: ۲. ل، ۲. ل: ۲. ب): شوید: آ: دشمن شوند: متن = ل (نیز ق، ۲. ب، و): بنداری: و لا تأمن أن يخرج العدو عليك من المكمن ۳۱-ل: ۲. اگر چند دشمن گریزد ز ۳۲-پ: (او) ۳۳-ل: همی: (ل: ۲. ل: ۲. دگر: و: مگر): متن = س (نیز ل: ۲. ق، ۲. ب): ک، ل، ۲. س، ل: ۲. ب، و، آ، ب): این بیت را ندارند

به مردی دل از جان شیرین بُست!
 بدین بارگاه . آورش ناگزیر!
 برآرم به بومی^۴ که بُد خارستان^۳
 چو خواهی که مانی تو بی^۷ رنج^۸ و درد!
 که او باشدت بی گمان^{۱۰} رهنمای!

غنیمت بدان^۱ بخش کو^۲ جنگ جُست
 هر آنکس که گردد به دست اسیر
 من از بهر ایشان یکی شارستان^۳
 ازین^۵ پندها^۶ هیچ گونه مگرد
 ۳۸۰ به پیروزی^۹ اندر به یزدان گرای

ز ترکی^{۱۲} و رومی^{۱۳} و^{۱۴} آزاده بی،
 چنین کارها^{۱۶} خوار نگذاشتی!
 کنارنگ^{۱۹} از آن^{۲۰} کار^{۲۱} پرداخته
 نیازش نبودى به گستردنی^{۲۲}
 که او بر چه آمد بر شهریار
 برفتی به نزدیک شاه اردشیر
 بیاراستی تخت پیروزه^{۲۶} شاه
 همه جامه هاشان به زر آزده
 به نزدیکی تخت^{۲۸} بنشاندی

ز جایی که آمد^{۱۱} فرستاده بی
 ازو مرزبان^{۱۵} آگهی داشتی
 به رهبر بدی جای^{۱۷} او ساخته^{۱۸}
 ز پوشیدنیها و از خوردنی
 ۳۸۵ چو آگه شدی زآن سخن کاردار^{۲۳}
 هیونی سرافراز و مردی دبیر^{۲۴}
 بدان^{۲۵} تا پذیره شدندى سپاه
 کشیدی پرستنده^{۲۷} هر سو رده
 فرستاده را پیش خود خواندی

۱-س (نیز لن، ق ۲، ل ۲، پ، لن ۲): بران؛ (آ، ب: بدو)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز لی، و) ۲-ک: ده که او؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم اجمع، بعد ان تأمن العدو، المغانم و اقسامها علی من باشر الحرب بنفسه، و عرض للهلاک مهجته ۳-ل: شارسان-خارسان ۴-ک، س ۲ (نیز لی، ل ۲، آ، ب): مرزی؛ ل ۲ (نیز ق ۲): جایی؛ متن = ل، س (نیز لن، پ، و، لن ۲) ۵-س (نیز لن، ق ۲، پ): وزین؛ ل ۲: تو زین ۶-و: پند من) ۷-س، ل ۲ (نیز لن): مانی ابی؛ ک (نیز آ): که مانند بی؛ س ۲ (نیز لن آ): که مانید بی؛ متن = ل (نیز ق ۲، لی، پ، و، ب) ۸-ل: که بی رنج مانی؛ ق، ل ۲، پ، ب پس از این بیت افزوده اند:

رسولان نگه کن که نزدیک اوی
 به تدبیرشان چون بدی (پ: آمده؛
 ل: و ساز آمد از) راهجوی

دستنویس س در اینجا سرنویس دارد: تدبیر شاه اردشیر در کار رسولان ۹-آ: بنیروی) ۱۰-ک، س ۲ (نیز لی، آ): اویست بر نیک و بد؛ (ق ۲: چو خواهی که او باشدت)؛ بنداری: ثم من حصل فی یدک أسیرا فجهزهم الی حتی أبتنی لهم مدینة و أسکنهم إیابها. و احفظ هذه الوصیة، و لا تعدل عن مقتضاها حتی تسلّم و تغنم ۱۱-لن: آ: آید)؛ ق (نیز پ، ب): ز هر جا که آمد؛ ل ۲: ز هر جای کامد ۱۲-ل ۲ (نیز ل ۲-لن ۲، ب): ترک ۱۳-ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ): ترک و ز روم ۱۴-ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ): وز؛ (پ: گر)؛ متن = ل، س (نیز لن) ۱۵-ک، س ۲ (نیز لی، آ): مرزدار ۱۶-ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): چنان کار را؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ل: خان؛ ل ۲: کار ۱۸-لی: جای آراسته)؛ ک، س ۲ (نیز آ): همه رای کارش بدی ساخته؛ متن = س، ق (نیز لن، ق ۲، ل ۲-لن ۲، ب) ۱۹-ک، س ۲ (نیز لی): به هر روی ۲۰-ل، س (نیز لن، ل ۲): زان؛ ل ۲ (نیز پ): ازو؛ (و: کنارنگ آن)؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۲، آ، ب) ۲۱-پ: جای) ۲۲-ق: آوردنی)؛ بنداری: و من سیرته الموصوفة سیرته فی ترتیب الرسل الواردة علیه من الأطراف: فكان الرسول إذا وصل الی طرف بلاده رتب له الأنزال منزلا منزلا الی أن یصل الی الحضرة، بعد تقدّم إنهاء أمره الیها قبل ۲۳-ل (نیز لن): کاردان (پساوند ندارد) ۲۴-ک، س ۲ (نیز لی، آ): شتابان و مردی دلیر؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق ۲ این بیت را ندارد ۲۵-ل (نیز ل ۲، بدین) ۲۶-ل (نیز ل ۲، ب): پیروز؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: تخت الفیروزج ۲۷-ق (نیز ب): سپاهش ز؛ ل ۲: ز لشکر به ۲۸-ل (نیز پ: بر تخت ز زینش)؛ بنداری: و یأمر باستقباله و یجلس علی تخت الفیروزج فی ایوانه، و یصطف الملوک و الرؤساء علی رأسه سماطین، فی الملابس المنسوجة بالذهب. فاذا وصل الی الباب أمر بإدخاله علیه. فاذا حضر أجلسه عند تخته؛ س در اینجا سرنویس دارد: تدبیر شاه اردشیر در آباد کردن جهان

ز نیک و بد و نام و آوازِ اوی^۱
 ز آیین و از^۴ ساز^۵ و از لشکرش^۶
 بیاراستی هرچه بودی به کار^۸
 بر^{۱۰} تخت زرینش بنشاندی
 شدی لشکر^{۱۱} بی‌شمار^{۱۲} انجمن
 بیاراستی خلعت^{۱۴} شهریار^{۱۴}

بی‌آزار^{۱۷} و بیدار دل بخردان^{۱۶}،
 بدین نیز گنجی بپرداختند،
 نبودش نوا^{۲۰}، بخت بیگانه بود،
 خورش ساخت با^{۲۲} جایگاه نشست
 چه بر آشکار و چه^{۲۵} اندر نهان!
 پس از مرگ او^{۲۸} یادگاری نبود^{۲۷}!
 مبادا جز از^{۳۲} نیک فرجام^{۳۳} اوی^{۳۱}!

۳۹۰ به پرشش گفتمی همه رازِ اوی^۱
 ز داد و ز بیداد و از^۲ کشورش^۳
 به ایوانش بردی فرستاده‌دار^۷
 و زان پس به خوان و میس^۹ خواندی
 به نخچیر بردیش با خویشتن
 گسی کردنش را^{۱۳} فرستاده‌دار

به هر سو فرستاد پس^{۱۵} موبدان^{۱۶}
 که تا هر سوی^{۱۸} شهرها ساختند
 بدان تا کسی را که بی‌خانه بود^{۱۹}،
 همان^{۲۱} تا فراوان شود زبردست-
 ۴۰۰ ازو^{۲۳} نام نیکی^{۲۴} بود در جهان
 چُن او^{۲۶} در جهان شهریاری نبود^{۲۷}
 منم ویژه^{۲۹} زنده‌کن^{۳۰} نام اوی^{۳۱}!

۱-ل.ق (نیز ق.آ.لی.آ.ب): او؛ متن = س.س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز ل.ل.آ.ل.ن.آ) ۲-ل.س.ق.ل.آ.س (نیز ل.آ.ب): وز؛ ک (نیز لی): ز بیداد و ازداد و ز؛ س^۲: ز بیداد و ز دار در؛ متن = (ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ.و) ۳-ل.آ: لشکرش ۴-ل.ق.ل.آ.س (نیز ل.آ): وز؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۵-ل.س.ق.ل.آ.س (نیز ل.ق.آ.ل.آ.ب): شاه؛ متن = ک.س^۲ (نیز و.ل.ن.آ): وار؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۸-ل.ک.س^۲ (نیز و.ل.ن.آ.آ): خلعت شهریار؛ متن = ل.ق.ل.آ.س (نیز شش دستنویس دیگر) ۹-ق.آ.لی: پیش خودش؛ ل.آ:
 می خوردنش) ۱۰-ل.آ (نیز ل.آ.پ): اَبَر؛ متن = س.ق.ک (نیز ل.ق.آ.لی.و.ل.ن.آ.ب): ل.س.آ.آ.بیت‌های ۳۹۳-۳۹۵ را ندارند ۱۱-ق (نیز ق.آ.ل.آ.ب): لشکری؛ ک (نیز و): لشکرش؛ متن = س.ل.آ (نیز ل.ق.لی.ل.ن.آ) ۱۲-ق (نیز ب): بی‌کران؛ (پ: شده لشکر بی‌شمار)؛ بنداری:
 فسیله عن سرّه و جهره و خیره و شرّه. ثم يحضره في مجلس أنسه، و يخرج به الى متصيده، و هو راكب في العدد اللهم من عسكرة؛
 ک.ل.آ.پس از بیت ۳۹۴ افزوده‌اند:

نمودی هنرها به تیر و کمان فرستاده‌یی (ل.آ: را) تا شدی بدگمان

۱۳-ل.آ: کردیش زی ۱۴-ک (نیز ل.ن.آ): هرچه بودی بکار؛ ق.آ.این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم يجاب عما صحه من الرسالة، و يأمر أن
 يخلع عليه، و يتقدم الى الرسول دار بحمل ذلك اليه و صرفه؛ ق.ل.آ.پ.ب.پس از بیت ۳۹۵ افزوده‌اند:

نگه کن به تدبیر شه (ل.آ: کای) اردشیر فرستادن موبد تیزویر

۱۵-ل.آ: فرستادیش ۱۶-ق (نیز لی.ب): موبدی-بخردی؛ (ل.ن.آ: بخردان-موبدان)؛ بنداری: و من سيرته أنه فرق جماعة من الموابذة في
 أقطار المملكة بأن يبحثوا عن أحوال الرعية في السرّ ۱۷-ک.س^۲: ز دانا ۱۸-ق (هر کسی)؛ ل.آ.این بیت را ندارد ۱۹-س (نیز ل.ن): خانه
 نبود؛ ق.آ: فرزانه بود؛ متن = ل.ق.س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰-ل.جوان؛ س^۲ (نیز لی.آ): توان؛ متن = س.ق (نیز هفت
 دستنویس دیگر)؛ ک.ل.آ.این بیت را ندارند ۲۱-ک.س^۲ (نیز ق.آ.آ.ب): بدان ۲۲-ل.آ.را؛ ک (نیز آ): دادش و؛ لی به جای این بیت آورده است:
 خورش دادش و جایگاه نشست بدان تا شود او بدان زبردست

در س.آ.ق.آ.آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۳-ق: از آن؛ (ق.آ: وزو؛ و: کزو) ۲۴-ک.ل.آ.س^۲ (نیز لی.آ): نیکو؛ متن = ده دستنویس
 دیگر ۲۵-ق (آ.پ: آشکارا چه)؛ ق (نیز لی): در آشکارا چه ۲۶-ل.ق.ل.آ.س (نیز لی): چو او؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-س.ق.ل.آ
 (نیز ل.ن.ق.آ.ل.و.ل.ن.آ): بود؛ متن = ل.ک.س^۲ (نیز لی.پ.آ.ب) ۲۸-س^۲: ازو ۲۹-ق (نیز) ۳۰-آ.ب: کنم) ۳۱-ل.ق.ک.س^۲ (نیز ق.آ.آ.
 ب): او؛ (ل.ن: نامجوی -اوی)؛ متن = س.ل.آ (نیز لی-ل.ن.آ) ۳۲-ل.آ.پ.ب.ب.به جز) ۳۳-ل: نیکی انجام؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

فراوان سخن در^۱ نهران داشتی
 چو بی‌مایه گشتی یکی مایه‌دار^۳
 چو بایست^۵ بر ساختی کارِ اوی^۶ ۴۰۵
 زمین برومند و جای نشست
 بیاراستی چون بیایست^{۱۱} کار
 همان^{۱۴} کودکش را^{۱۵} به فرهنگیان^{۱۶}
 به هر برزنی در^{۱۸} دبستان^{۱۹} بُدی
 نماندی که بودی کسی را^{۲۲} نیاز ۴۱۰
 به میدان شدی^{۲۶} بامدادِ پگاه
 نجستی^{۲۸} به داداندر آزم^{۲۹} کس
 ز دادش^{۳۱} جهان یکسر آباد بود^{۳۲}
 جهاندار چون گشت با داد جُفت
 به هر جای^۲ کارآگهان داشتی
 و زان^۴ آگهی یافتی شهریار،
 نماندی^۷ چنان تیره^۸ بازارِ اوی^۶؛
 پرستنده^۹ و مردم زیردست،
 نگشتی نهانش^{۱۱} به شهر^{۱۲} آشکار^{۱۳}
 سپردی چو بودی و را هنگِ آن^{۱۷}
 همان^{۲۰} خان^{۲۱} آتش‌پرستان بُدی
 مگر^{۲۳} داشتی سختی^{۲۴} خویش راز^{۲۵}
 برفتی کسی کو بُدی دادخواه^{۲۷}
 چه کهنتر، چه فرزند^{۳۰} فریادرس
 دل زیردستان بدو شاد بود^{۳۳}
 زمانه پی او^{۳۴} نیارد^{۳۵} نهفت!

۱- (ل: ۳) (ها: ۲) (ل: ۳) (کار: ۳) - ق: کاردار ۴- (نیز ل: ۲): از آن: ل: ۲؛ و زو: متن = دوازده دستنویس دیگر ۵- ل: ۲: بیایست ۶- ل: ک
 (نیز ق: ۲، ل: ۲، ل: ۲، آ: ۲): او: س: ۲: او-اوی (پساوند ندارد): متن = س، ق، ل: ۲ (نیز ل: ۲، پ، و، ل: ۲) ۷- ل: بماندی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر
 ۸- ل: س: ۲ (نیز ل: ۳): نیز (حرف یکم بی نقطه): متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فاذا عثروا منهم علی غنی قوم غاضت جمه ماله،
 و صاحب ثروة تغیر وجه حاله آنهاو اذک الی الملك فجبر کسره و لم شعثه بحيث لا یرتفع ستر الحشمة عن وجهه، و لا یطلع أحد من
 اهل بلده علی سرّه ۹- ل: پرستیدن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۰- (و: چند بایست): ل: ۲: نیاراستی جز بیایست ۱۱- (ق: ۲): نهانش
 نگشتی ۱۲- ل: بکس: س (نیز ل: ۲، ن: ۲): بهر: ک، س (نیز ل: ۲، آ): بچشم: (ل: ۲: برو: و: نهران سپهر): متن = ق، ل: ۲ (نیز ق: ۲، پ، ب): بنداری: و لا
 یطلع احد من اهل بلده علی سرّه ۱۳- ل: ک، س: ۲، ل: ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

تهی دست را مایه دادی بسی بدو شاد کردی (ک، س: ۲: بودی) دل هر کسی

این بیت در یازده دستنویس دیگر نیامده است و گویا بنداری هم آنرا نداشته است ۱۴- س: ۲: همه ۱۵- ل: ک، س: ۲ (نیز پ، و): کودکان را؛
 متن = س، ق، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ل: ۲، ب): فرهنگدان؛ ک، س: ۲: فرهنگ داد؛ متن = س، ق، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ب): هنگ‌دان؛ س: ۲:
 هنگ داد؛ ق (نیز ب): بر آهنگ آن: (پ: از آهنگیان): ک: بردی و رانک داد (حرف دوم از واژه سوم بی نقطه): (و: بودیش آهنگ آن):
 متن = س، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ل: ۲، ن: ۲): آ این بیت را ندارد ۱۸- س: ۲ (نیز ل: ۳): بر: (پ: اندر) ۱۹- ل: ۲ (نیز ل: ۲): دوستان؛ متن = سیزده دستنویس
 دیگر ۲۰- ک (نیز و): همه ۲۱- س: ۲ (نیز ل: ۲، ب): جای؛ متن = ل: ۲۲- (ق: ۲: کسی را که بودی) ۲۳- ل: ۲ (نیز ق: ۲): و گر ۲۴- ل: نگه
 داشتی سخت بر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- (ل: ۲: او سخن خویش راز؟): بنداری: فلم یبق فی دولته ذو خلة إلا من طوی حاله فی
 تضاعیف الکتمان و رضی لنفسه بالحرمان ۲۶- ق: بدی ۲۷- ل: ۲ (نیز ل: ۲): نیک خواه ۲۸- ل: س، ق (نیز ل: ۲): نحستی (حرف‌های یکم و
 دوم بی نقطه): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹- (ل: ۲: اسنگ) ۳۰- ل: ۲: چه کهنتر چه مهتر چه: ل: ک، س: ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

چه کهنتر چه مهتر بنزدیک اوی (ل: او) نحستی همی زای باریک اوی (ل: تاریک او)

۳۱- ل: (نیز ل: ۲): دانش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲- ل: (نیز ل: ۲): کرد؛ ل: ۲: شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۳- ل: به خودشاد
 کرد؛ ک، س: ۲ (نیز ل: ۲، آ، ب): از و شاد بود؛ ل: ۲: بدو شاد شد؛ (ل: ۲: بدو شاد کرد): متن = س، ق (نیز ل: ۲، ل: ۲، پ، و) ۳۴- (آ: وی: ق: ۲: پی او
 زمانه) ۳۵- (ل: ۲: نباید): ق، ل: ۲، پ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

نگه کن به تدبیر آن زاد (پ: آزاد) مرد که گویی همه نیک‌نامی بکرد (ل: ۲: که از بخت و
 از نیک‌نامی چه کرد؛ پ: که در نیک‌نامی چه بنیاد کرد)

خردمند و^۱ بیدار کارآگهان
 وگر تنگ بودی به رود^۳ اندر آب،
 زمین کسان^۶ خوار بگذاشتی^۷
 سوی نیستی گشته^۹ کارش ز هست^{۱۰}،
 نماندی^{۱۲} که پایش^{۱۳} برفتی ز جای!

۴۱۵ فرستاده بودی به گردِ جهان
 به جایی که بودی ز مُستی^۲ خراب،
 خراج اندر آن بوم^۴ برداشتی^۵
 گر^۸ ایدون که دهقان بُدی تنگ‌دست،
 بدادی ز گنج^{۱۱} آلت و چارپای

جهان را برین^{۱۴} گونه آباد دار!
 بی آزار و آگنده بی‌رنج^{۱۶} گنج^{۱۷}،
 بیابی^{۱۹} ز هر کس^{۲۰} به داد آفرین!

۴۲۰ ز دانا سخن بشنو ای شهریار
 چو خواهی که آزاد^{۱۵} باشی ز رنج
 بی‌آزاری زیردستان^{۱۸} گزین

گفتار اندر اندرزکردن شاه اردشیر ایرانیان را^{۲۱}

جهان شد مر او را چو رومی‌پرند،
 کسی را بُد با جهاندار تاو،
 سزاوار بر تختِ شاهی نشاند
 به خوبی^{۲۵} بیاراست گفتار راست
 ز رای و خرد هر که دارید^{۲۷} بهر،
 نیازد به داد و نیازد^{۲۹} به مهر!

چو از روم و از چین و از ترک و هند
 ز هر مرز پیوسته شد باژ و ساو،
 ۴۲۵ همه مهتران را از ایران^{۲۲} بخواند
 از^{۲۳} آن پس شهنشاه^{۲۴} بر پای خاست
 چنین گفت کای نامدارانِ شهر^{۲۶}
 بدانید کین^{۲۸} تیزگردان سپهر

- ۱-ق.ک (نیز ل.آ): < ۲-ل.س.ک.س.س^۲ (نیز ل.لی.ب): زمینی: (ق.آ: رمسی (نقطه ندارد)): ق: چو جایی که بودی به چیزی: متن = ل^۲
 ۳-س.ق.ک.س.س^۲ (نیز آ.ب): به جوی: (لی: به جای): متن = ل.ل.آ (نیز ل.ق.آ.ل.آ-ل.ن.۲) ۴-ک.س.س^۲ (نیز لی.آ): بر و بوم: (پ: چنان جای)
 ۵-ق: بگذاشتی ۶-ک.س.س^۲ (نیز لی.آ.ب): را چنان: (پ: بر کسان): متن = ل.س.ق.ل.آ (نیز ل.ق.آ.ل.آ.و.ل.ن.۲) ۷-ل.ن.آ.ب: نگذاشتی: بنداری: و من سیرته آنه کان یفرق ثقاته فی أقطار ممالکه حتی إن رأوا ضیعة متشعة أمر یلقساط خراجها و النظر فی حال أهلها ۸-ق: ور
 ۹-ق: نیست برگشته ۱۰-ل.آ: دست): ق: که هست ۱۱-ل.آ: ورا): ق: ز گنج او بدادی ۱۲-ل.لی: نه هشتی) ۱۳-ل.نیز ل.آ: آتش: متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری: و إن رأوا دهقاناً يتقاعد حاله عن الإنفاق علی عمارة ضیاعة عاونه بالمال و اللواب لیرتاش و یتعش
 ۱۴-س.ق.ل.آ (نیز ل.لی.پ.و.ب): بدین: متن = ل.ک.س.س^۲ (نیز ق.آ.ل.آ.ل.ن.آ) ۱۵-ل.ن.آ: آباد) ۱۶-ل.و: از رنج) ۱۷-ل.ب: از گنج رنج: ل: بی رنج و آگنده گنج: متن = س.س.ک.س.س^۲ (نیز ل.ق.آ.و.ل.لی.ل.آ) ۱۸-ق: (نیز ب): و بردباری
 ۱۹-ک.س.س^۲ (نیز پ.و.آ.ب): که یابی: (لی: که بینی) ۲۰-ل.آ: (نیز ق.آ): چو خواهی که یابی: متن = ل.س.ق. (نیز ل.ل.آ.ل.ن.آ): بنداری: قال صاحب الکتاب مخاطباً لمحمود أو غیره: فالآن أيها الشہریار! إن كنت تريد انتظام أحوالک فانسج علی هذا المنوال، و لا تؤثر غیر راحة الرعية لتکون مشکورا عند الباری و البرية ۲۱-ل: پند دادن شاه اردشیر: ق: سخن گفتن اردشیر: س^۲ (کمی سپس تر): اندرز کردن شاه اردشیر: متن = [گفتار اندر +] س: ک جای سرنویس را خالی گذاشته است: ل^۲ این سرنویس را ندارد ۲۲-ل: به ایوان: متن = سیزده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد ۲۳-ق.ک.س.س^۲ (نیز ق.آ.لی.پ.آ.ب): و ز: متن = ل.س.س (نیز ل.ل.آ.و.ل.ن.۲) ۲۴-ک.س.س^۲: جهاندار
 ۲۵-ل.آ: به چربی): ل^۲ بیت‌های ۴۲۶-۵۲۴ را ندارد ۲۶-ل.آ: دهر) ۲۷-ل.و: را بود) ۲۸-ل.لی: کو: آ: کز): ق: نباید که این ۲۹-ل.س.ک.س.س^۲ (نیز ق.آ.لی): بازد-سازد (حرف‌های یکم و دوم در هر دو واژه نقطه ندارند): ق (نیز ب): تنازد-تنازد (حرف یکم در هر دو واژه نقطه ندارد): ل: نیازد-نیازد: ل^۲: نیازد-ندارد: پ: بازد-نیازد (حرف‌های یکم و دوم در واژه یکم نقطه ندارند): و: نیازد-نیازد: آ: نیازد-نیازد: متن = ل.ن.آ

هر آن را که^۱ خواهد، برآرد بلند
 ۴۳۰ نماند^۴ جز از نام او^۵ در جهان
 به گیتی ممانید^۷ جز نام نیک
 ترا روزگار اورمزد آن بُود
 به یزدان گرای^۹ و به^{۱۰} یزدان گشای^۹
 ز هر بد^{۱۲} به دادار^{۱۳} گیهان^{۱۴} پناه
 ۴۳۵ کند بر تو آسان همه کارِ سخت
 نخستین ز کارِ من اندازه گیر
 که کردم^{۱۹} به دادارِ گیهان^{۲۰} پناه
 زمین-هفت کشور-به شاهی مراست
 همی باز یابم^{۲۴} ز روم و ز هند
 ۴۴۰ سپاسم ز یزدان که او داد زور
 ستایش که داند سزاوارِ اوی^{۲۸}!
 مگر کو^{۳۰} دهد یادمان بندگی^{۳۱}
 کنون هرچه خواهیم کردن ز^{۳۴} داد
 ز ده یک مرا چند بر شهرهاست

هم او را^۲ سپارد به خاک^۳ نژند!
 همه رنج با او شود^۴ در نهان!
 هر آنکس که خواهد سرانجام نیک!
 که خشنودی پاک یزدان بُود^۸!
 که دارنده اویست و نیکی فزای^{۱۱}!
 که او راست نیک و بد و^{۱۵} دستگاه^{۱۶}!
 و زویی^{۱۷} دل افروز و پیروزبخت!
 گذشته بد و نیک من^{۱۸} تازه گیر!
 به دل شادمان گشتم^{۲۱} از تاج و گاه^{۲۲}!
 چنان کز خداوندی او^{۲۳} سزاست!
 جهان شد مرا همچو^{۲۵} روی^{۲۶} پرند!
 بلند اختر و بخش^{۲۷} کیوان و هورا
 نیایش^{۲۹} بر آیین و کردارِ اوی^{۲۸}!
 بماند^{۳۲} بزرگی و دانندگی^{۳۳}!
 بگویم^{۳۵} و از^{۳۶} داد باشیم شاد:
 که دهقان و موبد بر آن کرد راست^{۳۷}،

۱-ل: یکی را چو؛ (ل، و: هر آنکس که)؛ متن = س، ق، ک، س، ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲-ل: آخر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛
 در ق این بیت سی بیستی پس تر آمده است؛ بنداری اندرز اردشیر را ترجمه نکرده است ۳-ق: کند خوار و زار (و) ۴-ق: نداند)
 ۵-ل: بجز نام زو؛ س، ۲ (نیز ل، پ، و، آ): بجز نام او؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ق، ل، ل، ن، آ، ب) ۶-و: با سود او) ۷-س (نیز ل، ن، آ): نماند
 بجز ۸-ک، ل این بیت را ندارند ۹-ل: گشای فزا؛ متن ← ۱۰-ل (و: ز) ۱۱-ل: فزا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-و: ز موبد)
 ۱۳-ق، ک، س، ۲ (نیز پ، آ، ب): به دارای؛ متن = ل، س (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ) ۱۴-ق، ک، س، ۲ (نیز ل، آ، پ، آ، ب): گیتی؛ متن = ل، س (نیز ل، ق، آ، ل، ل، و، ل، ن، آ، ب): کزویست بر نیک و بد ۱۶-ل: بود شادمان گشتم از تخم شاه؛ ب: اویست بر نیک و بد رهنمای؛ آ: کزو شادمان
 گشتم و تخت و گاه)؛ متن = ل، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۷-ل، ک، س، ۲: ز رای و؛ (ق: و زو بین)؛ متن = س، ق (نیز هفت
 دستنویس دیگر)؛ آ بیت های ۴۳۵-۴۳۷ را ندارد ۱۸-ق: آ: را)؛ ک: جهان نیک و بد ۱۹-س (نیز ل، ن): که بردم؛ ق (نیز ق، آ، پ، و، ب): چو
 کردم؛ ل، ن: چو دادم)؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ل، آ) ۲۰-ل: یزدان) ۲۱-ق: شاد گشتم من ۲۲-ل، ک، س، ۲: مراداد بر نیک و بد دستگاه؛
 متن = س (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ، ب): ل: این بیت را ندارد ۲۳-ک، س، ۲ (نیز آ): وی ۲۴-ل، ک، س، ۲ (نیز ق، آ): خواهم؛ متن = س، ق (نیز ل، ل، ن، آ، ب) ۲۵-ل: مر او را چو)؛ ک: مر مر شد چو ۲۶-ک (نیز ل، ل، و، ب): رومی؛ (ق: ل، ل، جینی)؛ متن = ل، س، ق، س، ۲ (نیز پ،
 ل، ن، آ)؛ آ این بیت را ندارد ۲۷-ق (نیز ب): بخت ۲۸-ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ل، آ، و، آ): او؛ متن = س (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۹-ق: ستایش
 ۳۰-ل (ن: نگر گر) ۳۱-ل: بازمان زندگی؛ س (نیز ل، ل، ن، آ): یار در ماندگی؛ ق، ک، س، ۲ (نیز آ، ب): یار ما بندگان؛ (ل: باشد او یار با بندگان)؛
 متن = (ق: آ، ل، پ، و، ن) < ۳۲-س (نیز ل، آ، پ، ل، ن، آ): نماید؛ (ل، ن، ق: آ: بدانند)؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب) ۳۳-ل (نیز ق، آ،
 ل، آ، پ، و): پابندگی؛ (ل، ن، آ: دارندگی)؛ ق: به ما بندگان؛ ک، س، ۲ (نیز ل، ل، ب): به ما زندگان؛ (آ: نمایندگان)؛ متن = س (نیز ل، ن) ۳۴-و: به)
 ۳۵-ل (نیز ل): بکوشیم؛ (ق: آ: ببخشیم)؛ متن = س، ق (نیز ل، ل، آ، ب) ۳۶-ل، س، س، ۲ (نیز ل، آ، پ، ل، ن، آ): وز؛ متن = ق (نیز ل، ق، آ، ل، ل، و، ب)؛ آ این بیت را ندارند ۳۷-س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ب): بر آن بر گواست؛ (ل: مرا بر گواست)؛ متن = ل

همان^۳ ده یک بوم^۴ و باز^۵ رمه،
 بیارد^۸ سوی گنج ما^۹ رهنمون
 ز باز^{۱۰} آنچه کم بود، اگر^{۱۱} بیش ازین،
 به در داشتن^{۱۴} لشکر^{۱۵} بی شمار
 نهان کردن^{۱۶} کیش^{۱۷} آهرمنی^{۱۸}
 بکوشید و پیمان^{۱۹} او^{۱۹} مشکند!
 بلند آسمان را نگارنده او^{۲۰}!
 منازید^{۲۲} با نازش او به کس!
 که پیش فراز اندر آید^{۲۴} نشیب!
 کجا آن که بودی شکارش^{۲۷} هزبر؟!
 خُک آن^{۳۰} که جز تخم نیکی نکشت!
 کجا^{۳۴} گوش دارید^{۳۵} اندرز من،
 که سودش فزون آید^{۳۷} از تاج و گنج،
 همه گوش دارید برنا و پیر:
 نباشد مگر^{۳۹} پاک و یزدان پرست!^{۴۰}
 اگر زیر دستی^{۴۳}، اگر^{۴۴} شهریار!

۴۴۵ نخواهم، بیخشم^۱ شما را^۲ همه
 مگر آنچه^۶ آید^۷ شما را فزون
 ز ده یک که من بستدم پیش ازین،
 همی^{۱۲} از بی سود بُردم^{۱۳} به کار
 بزرگی شما^{۱۶} جستم و ایمنی
 ۴۵۰ شما دست یکسر به یزدان زنید!
 که بخشنده اویست و دارنده او^{۲۰}
 ستم دیده را اوست^{۲۱} فریادرس
 نباید نهادن دل اندر فریب^{۲۳}
 کجا آن که برسود^{۲۵} تاجش^{۲۶} به ابر؟!
 ۴۵۵ نهالی همه^{۲۸} خاک دارند^{۲۹} و خشت
 همه هر که آید^{۳۱} اندرین^{۳۲} مرز من^{۳۳}
 نمایم شما را کنون راه پنج^{۳۶}
 به گفتار این نامدار اردشیر
 هر آنکس که داند که دادار^{۳۸} هست
 ۴۶۰ دگر آن که دانش^{۴۱} نگیرد^{۴۲} خوار

۱- (لی، ل، آ: بخوام که بخشم) ۲- ل: چو باید شما را بیخشم؛ متن = س، ق، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، ق، ۲، پ، ب) ۳- ق (نیز، ب): همه ۴- ک (نیز و، آ): روم؛ (ق، آ: دیده یک بوم؛ ل، آ: بکره بوم) ۵- ل: و بوم بار و (واژه سوم بی نقطه)؛ متن = س، ق، س، ۲ (نیز، ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب) ۶- ل، ق (نیز، ل، ن، آ): آن که؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ) ۷- ک (نیز، ل، آ، ب): باشد ۸- ق (نیز، ب): بیارید؛ ک، س، ۲ (نیز، ل، آ): که آرد؛ (پ: نیارد)؛ متن = ل، س (نیز، ل، ن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ) ۹- (ل، آ، با)؛ ق: در گنج با؛ (ب: با گنج با) ۱۰- (و: زیاد) ۱۱- ل (نیز، آ): گر؛ س، ق (نیز، ل، ن، آ، ب): یا؛ متن = ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ): بیت های ۴۴۷-۴۴۹ را ندارد ۱۲- س (نیز، آ): همان؛ (لی، پ، ل، ن، آ، ب: همه)؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ، و) ۱۳- ق: بودم؛ (آ: مردم؛ لی: رنج بردم) ۱۴- (لی، و: داشتم؛ ل، آ، پ: بدو داشتم) ۱۵- س، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ، آ): لشکری؛ متن = ل، ق (نیز، ل، و، ب) ۱۶- س (نیز، ل، ن، آ): همی ۱۷- ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ): داشتن؛ (آ: نهان از شما داشت) ۱۸- ک (نیز، و، ل، ن، آ): آهریمنی ۱۹- (ل، آ، ما)؛ س، ۲ (نیز، ل، آ): فرمان او؛ متن = ل، ک (نیز شش دستویس دیگر) ۲۰- (لی، پ، و: اوست - اوست)؛ ق: آرنده او - نگارنده او ۲۱- (آ: او راست) ۲۲- س: میارند (حرف پنجم بی نقطه)؛ ق: متازید؛ ک: میازید؛ متن = ل، س، ۲ (نیز نه دستویس دیگر) ۲۳- (ل، آ: نهیب) ۲۴- (ل، آ: آید اندر (حرف دوم از واژه دوم بی نقطه))؛ ق: پشت فراز آید اندر؛ ک، س، ۲ (نیز، ل، آ، ب): که است از پس (آ: بی) هر فرازی؛ متن = ل، س (نیز، ل، ن، ق، آ، پ، و، ل، ن، آ) ۲۵- (ق، آ: برزفت؛ و: می سود) ۲۶- ک: نامش بر آید؛ س، ۲ (نیز، آ): نامش بر آید؛ (ل، آ: تاجش بسودی) ۲۷- (ل، آ: شمارش)؛ لی این بیت را ندارد ۲۸- ک، س، ۲ (نیز، ب): همه بستر از؛ (ق، آ: نهالین همه) ۲۹- (لی: همه بستر از خاک دارید؛ آ: همه خاک دارند بالین) ۳۰- (ل، آ، او) ۳۱- (ق، آ، ل، آ: هست)؛ س: هر چه بُد ۳۲- ک، س، ۲ (نیز، ل، آ، ب): باشد درین؛ (و: هتید در)؛ ق (نیز، ل، ن): هر چه آید بدین (ل، ن: درین) ۳۳- ل: همه مرده اند اندرین مردوزن؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۴- س، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ب): همه؛ متن = ل، ق (نیز، ل، ن، آ) ۳۵- (ل، آ، پ، ل، ن، آ: دارد به) ۳۶- ل: ره بسنج؛ متن = س، ق، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، لی، ب) ۳۷- ق (نیز، ل، ن، ب): فراوان تر از؛ ق، آ این بیت را ندارد ۳۸- (ل، آ: دارد سزاوار) ۳۹- ک: جز از؛ (لی: بجز) ۴۰- ق: بداند مگر پاک یزدان که هست ۴۱- ل: پندم؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۴۲- ل: نگیرند (حرف های یکم و پنجم بی نقطه)؛ ق (نیز، ب): نگیرند؛ س، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ، و، ل، ن، آ): نگیری تو؛ (پ: مگیرید)؛ متن تصحیحی قیاسی است ۴۳- (پ: زیر دستید) ۴۴- ق، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ، آ، ب): و گر؛ ل: زیر دستست و گر؛ متن = س (نیز، ب، و)

سدیگر^۱ بدانی که هرگز سخن
چهارم چنان دان که بیم گناه
به پنجم سخن^۵، مردم زشت‌گوی^۶
نگردد بر مرد دانا^۲ کهن!
فزون باشد^۳ از بند و از دار و چاه^۴!
نگیرد بنزد کسان^۷ آب^۸ روی!

که آن^{۱۰} برتر از دیده و جان و چیز^{۱۱}؛
بود آشکارای^{۱۳} او^{۱۴} چون^{۱۵} نهان!
خرد دارد و شرم و گفتار گرم!
به بیهوده بپراگند بر^{۱۷} گزاف،
نه بیسندد آن مرد^{۲۰} یزدان^{۲۱} شناس
خردمند خواندت^{۲۲} پاکیزه^{۲۳} رای!
کجا تازه گردد ترا^{۲۵} دین و کیش،
که با^{۲۷} شهید او زهر نگزایدت^{۲۸}؛
به آز و^{۲۹} به کوشش^{۳۰} نیابی^{۳۱} گذر،
گل^{۳۲} نوبهارش^{۳۳} برومند گشت!
نگویی به پیش زنان راز را!
که ننگ و نبرد آورد رنج و درد!
ز ناآمده^{۳۵} بد^{۳۶} نباشی^{۳۷} دژم!
نتازی^{۳۸}، بدان کو شکار تو نیست!
سخن گفتن سودمند مرا!

بگویم یکی تازه‌اندرز نیز^۹
۴۶۵ خنک آن که آباد دارد^{۱۲} جهان
دگر آن که دارند^{۱۵} آواز نرم
هزینه، سدیگر، که از^{۱۶} بهر لاف
نه مزد و^{۱۸} نه دارد کسی ز آن^{۱۹} سپاس
میانه گزینی، بمانی به جای
۴۷۰ کزین بگذری پنج رایست^{۲۴} پیش
تن^{۲۶} آسانی و شادی افزایش
یکی آن که از بخشش دادگر
توانگر شود هر که خرسند گشت
دگر بشکنی گردن از را:
۴۷۵ سدیگر نتازی^{۳۴} به ننگ و نبرد
چهارم که دل دور داری ز غم
به پنجم^{۳۷} به کاری که کار تو نیست
همه گوش دارید پند مرا!

۱-ق: و دیگر ۲- (آ: بر مرد دانا نگردد) ۳-س (نیز آ): آمد؛ (لی: ب: آید) ۴-ل (نیز پ): و زندان شاه؛ س: س: ۲: وز دار و چاه؛ ق (نیز ل: و: لن: آ: ب): و زندان و چاه؛ (ق: آ: بند و از چاه (وزن ندارد)): متن = ک (نیز لن: لی) ۵-س (نیز لن: لن: آ): سر ۶-ل (نیز لن: آ): زشت‌گوی؛ (ق: آ: غیب‌گوی)؛ متن = س: ق: ک، س (نیز لی: لن: آ: ب) ۷-ک (نیز ل: آ): کسی؛ س (نیز آ): بنزدیک کس ۸-ل: (لی: نباید که آرد بسوی تو) ۹-ق: اوی ۱۰-ل: کجا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-ق: دیده و آرزوی ۱۲-س: آ: گردد؛ (و: با داد دارد) ۱۳-ک، س (نیز لی): آشکارا برو (لی: بدو) ۱۴-ق: در؛ (آ: آشکارا برو بر) ۱۵-ک: دارید؛ (ق: آ: دارد هم) ۱۶-س (نیز لن: لن: آ): شمرسیم کز: ل: به پیش کسان سیم از؛ متن = ک، س (نیز آ: ب) ۱۷-س (نیز لن: لی: ل: لن: آ): از؛ (ق: آ: که بپراگند بیهوده؛ و: آ: بیمود و بپراگند)؛ متن = ل: ک، س (نیز پ: ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۸-ل (نیز آ): ز مردم؛ س: نه مردد؟؛ (و: بمرد و (حرف یکم بی نقطه))؛ متن = ک، س (نیز لن: پ: لن: آ: ب) ۱۹- (و: ندارد کسی را) ۲۰-ک: نیز ۲۱- (ق: آ: نیکی) ۲۲-ل: خوانند و؛ س: خواندت و؛ متن = ق: ک، س (نیز لن: لی: ب) ۲۳- (ق: آ: خواند ترا پاک) ۲۴-س: ق: ک، س (نیز لن: ب): راهست؛ متن = ل ۲۵- (و: لن: آ: دارد ترا)؛ ق: که تازه شود آن بر؛ (آ: ب: که تازه کند مر ترا) ۲۶-س (لن): که ۲۷- (ل: آ: کجا) ۲۸-ل: نغزایدت (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹-ل: بناز و؛ (ب: از و تو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- (پ: فزونی؛ آ: آواز و کوشش) ۳۱- (ل: آ: نجویی؛ ق: آ: داد و به بخشش نجویی)؛ و این بیت را ندارد ۳۲- (لی: بر) ۳۳-ک: نوبهاری؛ (پ: بی بهارش) ۳۴-ل: ک (نیز لی: ل: لن: آ): نتازی (حرف یکم بی نقطه)؛ س: ناری (نقطه ندارد)؛ ق: س (نیز لن: و): نازی (حرف دوم بی نقطه)؛ (ق: آ: نیازی)؛ متن = (پ: آ: ب) ۳۵- (ل: آ: هم؛ پ: ب: غم)؛ ق: به ناآمده غم ۳۶-ل: دل نداری؛ متن = س: ک، س (نیز لن: ق: آ: لی: و: لن: آ: آ) ۳۷-ل (نیز پ): نه بیچی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۸-ک (نیز لن: پ: و: ب): نیازی

بود بر^۱ دل هر کسی ارجمند^۲
 ۴۸۰ زمانی میاسای از^۵ آموختن
 چو فرزند باشد، به فرهنگ دار
 همه یاد دارید گفتار^۷ ما^۷
 هر آنکس که با داد و روشن‌دلید
 دل ارمیده^{۱۲} دارید^{۱۳} بر چار^{۱۴} چیز
 ۴۸۵ یکی بیم و آرم و شرم^{۱۶} خدای
 دگر داد دادن تن^{۱۸} خویش را
 به فرمان یزدان دل^{۲۰} آراستن
 سدیگر که پیدا کنی راستی
 چهارم که از رای شاه جهان
 ۴۹۰ ورا چون تن خویش خواهی^{۲۴} به مهر
 دلت^{۲۶} بسته داری به پیمان^{۲۷} اوی^{۲۸}
 برو مهر داری چو بر جان خویش
 غم پادشاهی جهانجوی راست
 گر از کارداران و از^{۳۴} لشکرش
 ۴۹۵ نیازد به داد، او^{۳۵} جهاندار نیست

که یابند ازو^۳ ایمنی از^۴ گزند
 اگر جان همی^۶ خواهی افروختن!
 زمانه ز بازی بر او تنگ دار!
 کشیدن بدین کار^۸ تیمار ما!^۷
 از^۹ آمیزش^{۱۰} یکدگر^{۱۱} مگسلید!
 کزو^{۱۵} خوبی و سودمندیت نیز:
 که تا باشدت^{۱۷} یاور و رهنمای!
 نگه داشتن دامن کیش^{۱۹} را!
 مرا چون تن خویشتن خواستن!^{۲۱}
 به دور افگنی^{۲۲} کژی و کاستی!
 نیچی دل از^{۲۳} آشکار و نهان!
 به فرمان او تازه گرددت^{۲۵} چهر!
 روان^{۲۹} را نیچی ز فرمان^{۳۰} اوی!^{۲۸}
 چو با داد بینی نگهبان خویش!^{۳۱}
 ز گیتی فزونی سگالده^{۳۲}، نه^{۳۳} کاست!
 بدانند که رنجست بر کشورش،
 برو^{۳۶} تاج شاهی سزاوار نیست!

۱-ک: در ۲- (ل: آ: این سخن بر کسی سودمند) ۳-ک، س ۲ (نیز لی، آ): یابد کسی ۴-ل: گر؛ (و: یابید ازو ایمنی از؛ ب: یابی ازو ایمنی بی)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز لن-ل، آ، لن ۲، آ): پ این بیت را ندارد ۵-ل، ق (نیز ل، آ، و): ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ق (آ: و دل) ۷- (و، لن، آ: من-من) ۸-ق (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب): گونه؛ ک، س ۲ (نیز ل، آ، پ، لن، آ): برین گونه؛ متن = ل، س (نیز لن) ۹-ق (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ، ب): ز؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز لی، آ) ۱۰-ل، س: آویزش؛ (پ، و: آموزش)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱- (و: نیک‌دل)؛ و پس از این بیت افزوده است:

همه یکدگر را کنید میهمان بره شیر مست و خوارست نان

۱۲-ل: آرام؛ (پ: آرمده؛ لن: آ: آرنده؛ ق: و دل شاد)؛ متن = ۱۳- (ل: آ: آنده مدارید)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب) ۱۴- (و: جان و) ۱۵-ک، س ۲ (نیز لی، آ): کزان ۱۶- (لن، ق، آ، لن: شرم از) ۱۷-ل: باشد ترا؛ ک، س ۲ (نیز لی، آ): او باشدت؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ، ب) ۱۸-ک، س ۲ (نیز لی، آ): دادن داد مر؛ (ب: داد مر مردم)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ) ۱۹-ل، س (نیز لن، ق، آ، و): خویش؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز لی، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۲۰- (و: تن) ۲۱- (لی: داشتن)؛ ق، س ۲ این بیت را ندارند ۲۲-ک (نیز لی، آ): کنی دور ازو؛ س ۲ این بیت را ندارد ۲۳-ل، ک، س ۲ (نیز لی، پ، آ، ب): دلت؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، و، لن، آ) ۲۴-ق، ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): داری؛ متن = ل، س (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۵-ل: گردد سپهر؛ (ق: آ: داری تو چهر؛ ل: آ: کرده دو چهر)؛ ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): ز فرمان او تاب ناری به چهر؛ متن = س، ق (نیز لن، پ، و، لن، آ) ۲۶-ل: دلم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-س: تیمار؛ ک، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ): فرمان؛ متن = ل، ق (نیز ل، آ، و، ب) ۲۸-ل، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، آ): او؛ متن = س (نیز ل، آ، ب) ۲۹- (و: زبان) ۳۰-س: کردار؛ ک، س ۲ (نیز لی، پ، آ): پیمان؛ متن = ل، ق (نیز شش دستنویس دیگر) ۳۱-ک: یابیش و با مهر و کیش؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): یابیش و با دین و کیش ۳۲-ق: نکاهد ۳۳- (پ: سگالش بگیرد ز) ۳۴-ل، ق، س ۲ (نیز لن، ل، آ): وز؛ (لی: کارداران ازین)؛ متن = س، ک (نیز ق، آ، لی، پ، ب) ۳۵- (لن: به دارو؛ لی، ل: به دادو)؛ ق: بنازد بر آن؛ (ق: آ: بنازد بناز؛ لن: آ: نیازت به داد)؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز پ، و، آ، ب) ۳۶-ک، س ۲ (نیز لی، آ): بدو

از آن^۱ پس نباشد ورا فرهی!
 بُود شیرِ دزنده^۲ در مرغزار!
 به رنج و به کوشش ندارد نگاه،
 نگردد کهن در سرای سپنج!
 نیابی^۹ به زُفتی و گندآوری!
 هم از دادِ ما گیتی آباد باد!

سیه کرد منشورِ شاهنشهی
 چنان دان که بیدادگر شهریار
 همان زیردستی^۳ که فرمانِ شاه^۴
 بُود زندگانش با درد^۵ و رنج
 ۵۰۰ اگر مهتری^۶ باید^۷ و بهتری^۸
 دل^{۱۰} زیردستانِ ما شاد باد!

بشد پیشِ گاهش^{۱۲} یکی مردِ پیر،
 زبان و روانش^{۱۴} پُر از داد بود،
 انوشه بدی^{۱۶} تا بُود روزگار!
 به تو شادمان کشور و تاج و تخت!
 زند^{۱۸} از پس و پیشِ تخت^{۱۹} رده!
 سرافراز بر تاجور^{۲۱} مهتران!
 که داد^{۲۴} بزرگیست بنیاد^{۲۵} تو!
 خدای جهان^{۲۹} را نیایش^{۳۰} کنیم،
 به هر کار نیکی^{۳۱} گمان^{۳۲} تویم!
 همان خوب^{۳۵} گفتار و مهر ترا^{۳۴}!

چو از پای بنشست^{۱۱} شاه اردشیر
 کجا نام آن پیر^{۱۳} خرد بود
 چنین داد پاسخ^{۱۵} که ای شهریار
 ۵۰۵ همیشه بدی^{۱۷} شاد و پیروزبخت!
 به جایی رسیدی که مرغ و دده
 بزرگی^{۲۰} جهان از کران تا کران
 که داند صفت کردن^{۲۲} از داد^{۲۳} تو
 همه^{۲۶} آفرین در^{۲۷} فزایش^{۲۸} کنیم،
 ۵۱۰ که ما زنده اندر زمان تویم!
 خریدار دیدار^{۳۳} چهرِ ترا^{۳۴}!

۱-س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، لی، ل، ۳، پ، لن، ۲، آ، ب)؛ وزان؛ (ق، ۲، کزان)؛ متن = ل (نیز و) ۲-ق: غرنده؛ ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ چو درنده
 شیرست؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، لن، ۲) ۳-ک، س، ۲ (نیز لی، آ)؛ زیردستان ۴-لی: فرزند ۵-ک، س، ۲ (نیز لی، آ)؛ گرم؛ متن = ل، س،
 ق (نیز هفت دستویس دیگر) ۶-س (نیز لن، ۲)؛ برتری؛ ق، ک، س، ۲ (نیز لن، پ، آ، ب)؛ بهتری؛ متن = ل (نیز ق، ۲، لی، ل، ۳، و) ۷-ل، ک، س، ۲
 (نیز ق، ۲، لی، و، لن، ۲، ب)؛ یابد؛ (لن)؛ نابد (نقطه ندارد)؛ ل، ۲، جویی)؛ متن = س، ق، (نیز پ، آ) ۸-س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، پ، لن، ۲، آ، ب)؛
 مهتری؛ (ل، ۳، بهتری؛ و از کهتری)؛ متن = ل (نیز ق، ۲، لی) ۹-ل: نابد (نقطه ندارد)؛ (ق، ۲: نازد (حرف دوم بی نقطه)؛ لی: نتابی؛ پ:
 نتابد؛ و: نیابد)؛ متن = س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، لن، ۲، آ، ب) ۱۰-ک، س، ۲ (نیز لی، آ)؛ همه؛ ق در اینجا سرنویس دارد؛ پاسخ دادن خرد
 اردشیر بابکان را ۱۱-ل، س، ق (نیز لن، ق، ۲، پ، و، لن، ۲)؛ بر تخت؛ (ل، ۳: بنشست بر تخت)؛ متن = ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب) ۱۲-ک، س، ۲ (نیز لی،
 آ، ب)؛ تختش ۱۳-س (نیز لن، لن، ۲)؛ مرد؛ ک، س، ۲ (نیز لی، آ)؛ که نام (لی: نامش) جهاننیده؛ متن = ل، ق (نیز ق، ۲، ل، ۲، پ، و، ب) ۱۴-س، ک (نیز
 ق، ۲-آ)؛ روان و زبانش؛ (لن: روان و زفانش)؛ متن = ل، ق، س، ۲ (نیز ب) ۱۵-پ: گفت خرد؛ ک، س، ۲ (نیز لی، آ)؛ مر او را چنین گفت؛
 متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، و، لن، ۲، ب) ۱۶-ق (نیز ق، ۲، لی، و، لن، ۲، ب)؛ بزی؛ متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، پ، آ) ۱۷-ل، ک: بوی؛ ق
 (نیز لی، پ، و، لن، ۲)؛ بزی؛ (ق، ۲: تویی)؛ متن = س، س، ۲ (نیز لن، ل، ۲، آ، ب) ۱۸-ق (شوند) ۱۹-ک، س، ۲ (نیز لی)؛ کشیدند در پیش گاهت؛
 پ: از بر تخت پشت؛ آ: کشیدند در پادشاهی)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، و، لن، ۲، ب) ۲۰-ق (نیز و)؛ بزرگ؛ ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب)؛
 گرفتگی؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، پ، لن، ۲) ۲۱-ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ گشتی تو بر؛ (ل، ۳: از تاج وز؛ و: تراز همه)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن،
 ق، ۲، پ، لن، ۲) ۲۲-ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ سخن گفتن؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، ۲، ل، ۲، لن، ۲) ۲۳-ق: تاج ۲۴-س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی،
 پ، آ، ب)؛ داد؛ متن = ل (نیز ل، ۲، و، لن، ۲) ۲۵-ق: معراج ۲۶-ل: همان؛ (ق، ۲: آ: همی) ۲۷-ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، آ)؛ را ۲۸-پ: بر فزایش)؛
 ق: همیشه به تو بر ستایش؛ متن = س (نیز لن، ل، ۲، پ، لن، ۲) ۲۹-ک، س، ۲ (نیز لی، آ)؛ خداوند خود ۳۰-ل، ۳، لن، ۲: ستایش)
 ۳۱-ق: نیکو ۳۲-ل، ۳، نیک و بد در امان) ۳۳-ق (نیز ق، ۲، ل، ۲، لن، ۲)؛ دیدار؛ متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز لن، لی، آ، ب) ۳۴-پ: تویم)
 ۳۵-ق (نیز لن، لن، ۲، ب)؛ چرب؛ متن = ده دستویس دیگر

تو ایمن بدی^۱ کز تو ما ایمنیم!
 تو بستی رو بد سگالانِ ما
 پراگنده شد غارت^۶ و جنگ و^۷ جوش
 ۵۱۵ بمانی چنین شاد^{۱۰} تا^{۱۱} جاودان^{۱۲}!
 نه کس چون تو دارد ز شاهان خرد
 پیی در^{۱۵} فگندی به ایران^{۱۶} ز داد
 به جایی رسیدی^{۱۸} هم اندر^{۱۹} سخن
 بدین انجمن هر که دارد نژاد
 ۵۲۰ خردها فزون تر شد از کار^{۲۲} تو
 نوی خلعت ایزدی بخت^{۲۴} را
 بمانی^{۲۶} چنین شاد^{۲۷} با مهر و داد!
 جهان ایمن از بُرز^{۲۹} و از^{۳۰} فرُست
 همیشه سر تخت جای تو باد!

مبادا^۲ که پیمان تو بشکنیم^۳!
 ز هند و ز چین^۴ و هَمالان^۵ ما!
 نیاید همی کرس^۸ دشمن^۹ به گوش!
 همیشه سر و کار با موبدان^{۱۳}!
 نه اندیشه از رای^{۱۴} تو بگذرد!
 که فرزند ما^{۱۷} باشد از داد شادا!
 که نوشد ز رای تو^{۲۰} مردِ کهن!
 به تو شادمانند و از^{۲۱} داد شادا!
 جهان گشت روشن به دیدار تو^{۲۳}!
 کلاه و کمر بستن و تخت^{۲۵} را!
 ندارد جهان چون تو خسرو^{۲۸} به یاد!
 خُک آن که در سایه‌ی پَرِ تُست!
 جهان زیر فرمان و رای تو باد!

گفتار اندر عهدنامه‌ی اردشیر بابکان با شاپور^{۳۱}

۵۲۵ الا ای^{۳۲} خریدار^{۳۳} مغزِ سخن
 کجا^{۳۵} چون من و چون تو بسیار دید
 اگر شهریاری و گر پیشکار^{۳۶}
 دلت برگسل^{۳۴} زین سرای کهن!
 نخواهد همی با کسی آرمید!
 تو اندر گذاری^{۳۷} و او پایدار^{۳۸}!

۱-ل. س (نیز ل. و): بوی؛ ق. ک. س ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۲. پ. ل. ۲. آ): بزی؛ (لی: تری): متن = (ب) ۲- (ب: نباید) ۳- (و: برآسوده از مکر هر دشمنیم) ۴- ک: ز چین و ز هند ۵- (ل. ۳. پ. و: چین ناهمالان) ۶- (ق: ۲: کشتن) ۷- ق (نیز لی): < ۸- ل: جوش؛ ک. س ۲ (نیز لی. آ. ب): بانگ؛ متن = س. ق (نیز ل. ل. ۳. پ. ل. ۲) ۹- (ق: ۲: هم آواز دشمن نباید) ۱۰- ل: بماناد این شاه ۱۱- ک. س ۲ (نیز لی): شادمان ۱۲- (پ: بماناد جاوید روشن روان): متن = س. ق (نیز ل. ق. ۲. ل. ۳. و. ب) ۱۳- ق (نیز ب): بخردان ۱۴- ل: راه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- ل: بر؛ ک. س ۲ (نیز لی. آ): زا؛ (و: بنایی): متن = س. ق (نیز ل. ق. ۲. ل. ۳. پ. ب) ۱۶- (ق: ۲: بایوان؛ ل. ۲: بایران فگندی بایران!) ۱۷- (ل. ۲: تو) ۱۸- ل (نیز ل. ۲): رسیدم؛ (لی: رسیدش): متن = س. ق (نیز ل. ق. ۲. و. ل. ۲. ب) ۱۹- (لی: هم آنگه) ۲۰- (لی: هم از رای؛ ل. ۲: ز تورای؛ ک. س ۲. آ این بیت را ندارند ۲۱- ل. س. ق (نیز لی- ل. ۲): وز؛ ق: و بر؛ متن = (ل. ق. ۲. ب): ک. س ۲. آ این بیت را ندارند؛ در ل بیت های ۱۹- ۵۲۰ پس و پیش شده اند ۲۲- ل. ق. ک. س ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۳- ب): فزون شد ز گفتار؛ (لی: فزون شد ز دیدار): متن = س (نیز ل. ۲۳- (و: که داد و بزرگیست کردار تو) ۲۴- ق (نیز لی. ل. ۲): تخت ۲۵- س: رخت؛ (لی: ل. ۲: بخت): متن = ل. ک. س ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۶- س (نیز ل. ۲. ب): بماندی؛ متن = ۲۷- ل: بماناد این شاه؛ متن = ق. ک. س ۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۸- (و: که دارد جهاندار چون تو) ۲۹- (ق: ۲: لی: زور؛ ل. ۲: داد): ل: یکسر از رای؛ متن = س. ق (نیز ل. پ. و. ل. ۲. ب) ۳۰- ل. س. ق (نیز ل. ل. ۲- ل. ۲): وز؛ متن = (ق. ۲. لی. ب): ک. س ۲. آ این بیت را ندارند ۳۱- ل: عهدنامه اردشیر شاپور را؛ س: عهدنامه اردشیر شاپور را و سپردن پادشاهی بدوی؛ ق: گفتار در وصیت اردشیر شاپور را؛ ل. ۲: عهدنامه اردشیر شاپور را؛ ۲: آغاز داستان؛ ک جای سرنویس را خالی گذاشته است؛ متن = (ل. ۲) ۳۲- ک. ل. ۲. س ۲ (نیز ل. لی. ل. ۳. و): یا؛ متن = ل. س. ق (نیز ق. ۲. پ. ل. ۲. آ. ب) ۳۳- (ب: خردمند) ۳۴- ل. ۲: سیرکن؛ (لی. آ: سرد کن) ۳۵- س. ق. ک. س ۲ (نیز ل. ب): که او؛ متن = ل. ۳۶- ک (نیز لی): پیشه کار ۳۷- ل. ق. ک. س ۲ (نیز ق. ۲. لی. ل. ۲. و. آ. ب): ناپایداری؛ متن = س. ل. ۲ (نیز ل. پ. ل. ۲) ۳۸- (ل. ۲: این یاددار؛ آ: و او ناپایدار (وزن ندارد))

ببایدت بستن^۲ به فرجام رخت^۳!
 چو گشتی کهن نیز نوازدت^۵!
 خروشان شود نرگسانِ دژم،
 سبک^۷ مردم شاد گردد^۸ گران^۹!
 تو تنها نمائی چو^{۱۳} همراه رفت (؟)
 جز از^{۱۴} خاک تیره نیابی^{۱۵} نشست!
 کجا آن سوارانِ پیروزبخت؟
 کجا آن سرافراز و^{۱۶} جنگی سران؟
 خُتک آن که جز تخمِ نیکی نکشت^{۱۸}!
 چو از من سخن بشنوی یادگیر!
 جهاندارِ بیدار بیمار^{۲۴} گشت
 همی زرد^{۲۵} خواهد شدن سبز^{۲۶} برگ
 وُرا پندها داد از^{۲۷} اندازه بیش
 همه گفت بدگوی را^{۳۰} باد دار^{۳۱}!
 مگر^{۳۳} باز دانی ز نازز ارزا
 نگه داشتیم ارجِ مرد^{۳۵} نژاد،

چه با رنج باشی چه با تاج^۱ و تخت
 اگر زآهنی چرخ بگذاردت^۴
 ۵۳۰ چو سرو دلارای گردد بخم،
 همان^۶ چهره‌ی ارغوان زعفران،
 بخسبد^{۱۰} روان هر که^{۱۱} بالا بخفت^{۱۲}
 اگر شهریاری و گر زبردست
 کجا آن بزرگانِ با تاج و تخت؟
 کجا آن خردمندگندآوران؟
 ۵۳۵ همه خاک دارند بالین و^{۱۷} خشت
 نشان^{۱۹} بس بود^{۲۰} شهریار^{۲۱} اردشیر
 چو سال اندرآمد^{۲۲} به هفتاد و هشت^{۲۳}
 بدانست کآمد بنزدیک مرگ
 ۵۴۰ بفرمود تا رفت شاپور پیش
 بدو گفت: این^{۲۸} عهد من یاد دار^{۲۹}!
 سخن‌های من چون شنودی^{۳۲} بورزا!
 جهان راست کردم به شمشیر^{۳۴} داد

ا-س: گنج؛ ق: تخت ۲- (ل: ۳): بیاید بیستن ۳- ق (نیز ب): نمائی هم اندر سرای سپنج ۴- ل: بگازردت؛ ک: بگذازدت؛ ل ۲ (نیز لی، ل ۳، پ، آ): بگزایدت؛ (لن، لن ۲: بگذازدت؛ و: بگذاردت (تنها حرف آخر نقطه دارد))؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ق ۲، ب) ۵- ل ۲ (نیز ل ۳، پ): نغزایدت؛ (آ: بنوازدت) ۶- ک، س ۲ (نیز لی، آ): شود؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷- (ل: ۳، سر) ۸- (لی، و): از <: پس از زعفران رنج‌های) ۹- س ۲ (نیز آ): جوان ۱۰- ک (نیز آ): نخفتند؛ س ۲: نخفتند؛ (پ، لن ۲: نخسبد؛ و: نخسبد (حرف یکم بی نقطه))؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، ل ۲، ب) ۱۱- (پ: هر چه) ۱۲- س، ک، س ۲ (نیز لن، ق، آ): نخفت؛ (لن ۲: گرفت؛ و: محمت (سه حرف نخستین بی نقطه))؛ ق: بی راه رفت؛ متن = ل ۲ (نیز ل ۳، پ، آ، ب) ۱۳- س (نیز پ): ممان چون که؛ ق، ک، س ۲ (نیز آ): بمانی چو؛ ل ۲: بمانی و؛ (لی: ممان هم که؛ ق ۲: ممان زان که؛ ل ۲: مران چون که؛ و: چه مانی که؛ لن ۲: ممان هر که)؛ متن = (ب: ل، لی این بیت را ندارند ۱۴- ل (نیز پ): بجز: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- ک (نیز ق ۲): نداری ۱۶- ق، ک (نیز لن، ل ۳، پ، ب): < و >؛ (ق ۲: هنرمند و؛ لن ۲: سواران و)؛ متن = ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، لی، و، آ): ل پس از این بیت افزوده است:

کجا آن گزیده‌نیاکان ما کجا آن دلیران و پاکان ما

۱۷- (آ: و بالین ز) ۱۸- ق (نیز پ): نام نیکی نهشت؛ (ق ۲: که او تخم نیکی بکشت)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- (ب: سخن) ۲۰- (و: نشانِ سر) ۲۱- ک (نیز آ): به سال کهن بود شاه؛ (لی: کهن بود در سال شاه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ل ۲: سالش درآمد ۲۳- (ل ۲: هشتاد و هفت؛ ب: هفتاد و هفت)؛ بنداری: قال: ثم إن اردشیر مرض بعد أن أتت علیه ثمان و سبعون سنة ۲۴- ک، س ۲ (نیز لی < و >): آ: بارنج و تیمار ۲۵- ک: سبز ۲۶- ق، ل ۲ (نیز ق ۲): باز و؛ (لی، ل ۳: نیز؛ پ: شد آن سرخ؛ و: زرد گردد همان سبز)؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز لن، لن ۲، آ، ب) ۲۷- ل (نیز لن، ل ۳): ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در همه دستنویس‌ها بجز ل ۲ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۲۸- س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، پ، لن ۲، آ): کین؛ متن = ق (نیز لن، و، ب) ۲۹- (و: گیر) ۳۰- (لی: من) ۳۱- (و: گیر؛ ل ۳: خوار دار)؛ ل بیت‌های ۵۴۱-۵۴۲ را ندارد ۳۲- ک، س ۲ (نیز پ، لن ۲، آ، ب): شنیدی؛ متن = س، ق (نیز لن، ل ۳، و) ۳۳- ک، س ۲ (نیز لی، آ): اگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۳۴- ق، ک، س ۲ (نیز لی): شمشیر و؛ متن = ل، س (نیز لن، ق ۲، پ، ب) ۳۵- (ق ۲: ب: مردم؛ لی: درج مرد)؛ ل ۲ این بیت را اول ۲ بیت‌های ۵۶۸-۵۴۳ را ندارند

فزون شد زمین^۱، زندگانی^۲ بکاست!
 بیالود خوی^۴، هم^۵ بیآگند^۶ گنج!
 زمانی نشیب و زمانی^{۱۰} فرازا
 گهی درد پیش آردت^{۱۱}، گاه مهرا
 به نغم^{۱۴} اندرون زُفتی آردت و^{۱۵} بوس^{۱۶}،
 ز فرهنگگی^{۱۸} سر بر^{۱۹} افراخته!
 ندارد ترا شادمان بی نهیب^{۲۱}!
 چو خواهی که روزت به بد نگذرد!
 برادر شود^{۲۴} شهریاری^{۲۵} و دین]
 نه بی دین بود شهریاری به جای^{۲۷}
 برآورده^{۳۱} پیش خردیافته^{۳۲}
 نه بی دین بود شاه را آفرین
 تو گویی که در زیر یک چادرند
 دو انباز دیدیم شان^{۳۵} نیک ساز
 دو گیتی همی^{۳۶} مرد دینی برَد

چو کار جهان مرا گشت راست
 ۵۴۵ از آن پس که بسیار بردیم^۳ رنج،
 شما را هم از^۷ رنج پیش‌ست و^۸ ناز^۹
 چنین‌ست کردار گردان‌سپهر
 گهی بخت^{۱۲} گردد چو اسپه^{۱۳} شمس
 زمانی یکی باره‌ی ساخته^{۱۷}
 ۵۵۰ بدان ای پسر کین سرای فریب^{۲۰}
 نگهدار تن^{۲۲} باش و آن^{۲۳} خرد
 [چو بر دین کند شهریار آفرین
 نه بی تخت شاهی‌ست دینی^{۲۶} به پای^{۲۷}
 دو بُن تاره^{۲۸}، یک در دگر^{۲۹} بافته^{۳۰}
 ۵۵۵ نه از پادشا بی^{۳۳} نیازست دین
 چنین پاسبانان یکدیگرند^{۳۴}
 نه آن زین، نه این زآن بود بی‌نیاز
 چو باشد خداوند رای و خرد

۱- (لن: آ: جهان: آ: ز من: ل: فروشد ز من: ل: آ: فزونی بشد): متن = ده دستنویس دیگر ۲- (لی: پادشاهی) ۳- (ق: ل: آ: دیدیم)
 ۴- (ق: آ: رنج: ب: گنج): ق: بیالید رنج ۵- س: ک: س: آ: (نیز ق: آ: ب: آ: ب): و: (و: لن: آ: چون): متن = (لن: ل: آ) ۶- س: ق: ک: س: آ: (نیز لن: ق: آ،
 لی: پ: ب): بیفزود: ل: به رنج اندرون گرد کردیم: متن = (ل: آ) ۷- ل: س: ق: (نیز لن: ق: آ، و: لن: آ: ب): همان: (پ: همه): متن = ک: س: آ: (نیز
 لی: ل: آ: آ) ۸- ق: ک: س: آ: (نیز ق: آ: لی: آ): < ۹- ق: (نیز ق: آ: لن: آ): باز: (و: ز: آ): متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- ک: س: آ: (نیز لی: پ
 > از): به هر جا نشیب است پیش از: (آ: به هر جا نشیب است جای): متن = ل: س: ق: (نیز لن: ق: آ، و: لن: آ: ب) ۱۱- س: (نیز لن: و):
 آورد: ق: آ: پس از این بیت افزوده است:

نماند کسی جاودان در جهان بگیردش مرگ آشکار و نهان

۱۲- ق: سخت: (لی: تخت): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- ق: ک: س: آ: (نیز لی: ل: آ: ب): اسب: متن = س: (نیز لن: ق: آ: و: ب) ۱۴- ک: س: آ:
 (نیز آ): نعیم ۱۵- ق: (نیز لن: آ): < ۱۶- ک: س: آ: (نیز لی: ل: آ: آ): آرد بیوس: (ق: آ: گهی خوشی یابی ازو گاه بوس): متن = س: ق: (نیز لن،
 پ، و: لن: آ: ب): ل: ل: این بیت را ندارند ۱۷- ل: (نیز ق: آ: لی: پ، لن: آ: آ): تاخته: (و: تازی آخته): متن = ل: س: س: آ: (نیز لن: ل: آ: ب) ۱۸- ق:
 فرهنگگی: (ق: آ: فرهنگگی: و: فرخندگی): متن = س: (نیز لن: لن: آ) ۱۹- ل: ز نیکی دلش را بر: س: آ: (نیز لی: پ، آ: ب): به (پ: ز) نیکی
 سرش را بر: (ل: آ: ز فر و خجستی سر): ک: بیت‌های ۵۴۹-۵۵۸ را ندارد ۲۰- (ب: نهیب) ۲۱- (ل: آ: از نهیب: ب: بی فریب) ۲۲- (ل: آ: پ،
 ب: دین) ۲۳- (آ: با روان و) ۲۴- (و: بیاید برو) ۲۵- ق: (نیز ل: پ، لن: آ: ب): پادشاهی: متن = ل: س: آ: (نیز آ): س: ک: ل: آ: لن: این بیت را
 ندارند ۲۶- (لن: لی: ل: آ: دنیا): ق: شاهت دینی: (پ: شاهی بود دین) ۲۷- س: (نیز لن): جای پای: متن = یازده دستنویس دیگر: ک: ل: آ:
 این بیت را ندارند ۲۸- ل: تیاره (حرف یکم بی نقطه): س: ساست (سه حرف نخستین بی نقطه): ق: بندست: (لن: بی‌ناست: ق: آ: لن: آ:
 دیاست: و: چودیاست): متن تصحیح قیاسی است ۲۹- ل: ق: در یکدگر: (ل: آ: بر یکدگر: ب: با یکدگر): متن = س: (نیز لن: ق: آ: پ، و: لن: آ)
 ۳۰- (ب: تافته) ۳۱- (ب: بیاورده) ۳۲- ل: تافه (نقطه ندارد): س: (نیز لن: ق: آ: ب): تافته (حرف یکم بی نقطه): ق: (نیز ل: پ): تافته: متن =
 (و: لن: آ): ک: ل: آ: س: آ: لی: آ: این بیت را ندارند ۳۳- (لی: شهریاری (وزن ندارد)): متن = ده دستنویس دیگر: ک: ل: آ: س: آ: این بیت را
 ندارند ۳۴- ل: یکدیگر (وزن و پساوند ندارد): ک: ل: آ: این بیت را ندارند ۳۵- (و: دانیشان: لی: انباشان بود بر): ک: ل: آ: این بیت را
 ندارند ۳۶- س: س: آ: (نیز لن: ل: آ: پ): همه: متن = ل: ق: (نیز ق: آ: و: ب): ک: ل: آ: لی: این بیت را ندارند

تو این^۱ هر دو را جز برادر مخوان!
 نگر^۳ تا نخوانی وُرا^۴ پارسا!
 گشاید زبان^۵ مردِ دینش مدارا!
 که چون بنگری مغزِ دادست دین!
 نخستین ز بیدادگرشهریار،
 ز مرد^۸ هنرمند برتر کشد^۹،
 به دینار کوشد که^{۱۰} بیشی کند
 دروغ ایچ^{۱۲} تا بر^{۱۳} تو برنگذرد^{۱۴}!
 بلندیش^{۱۶} هرگز نگیرد فروغ!
 که مردم ز دینار یازد^{۱۸} به رنج!
 تن^{۲۰} زبردستان به رنج آورد!
 وُگر چند نَز^{۲۳} کوشش و رنج اوست!
 به بار آورد شاخ^{۲۵} رنج وُرا!
 به مردی بخواب^{۲۸} از گنه کار^{۲۹} چشم!
 به پوزش نگهبانِ درمان شوی!
 سبک مایه^{۳۳} خواند وُرا پارسا!
 بیاید^{۳۶} به خوبی^{۳۷} دل آراستن!
 شود خیره^{۳۹} رای^{۴۰} دلِ بد^{۴۱} گمان!

جو دین را بود پادشا پاسبان
 ۵۶۰ جو دین دار^۲ کین دارد از پادشا
 هر آنکس که بر دادگرشهریار
 چه گفت آن سخن گوی با آفرین
 سر تختِ شاهان^۶ بیچد سه کار:
 دگر آنکه بی سود^۷ را برکشد
 ۵۶۵ سدیگر که با گنج خویشی کند
 به بخشندگی یاز و^{۱۱} دین و خرد
 رخ پادشا تیره دارد^{۱۵} دروغ
 نگر تا نباشی نگهبان^{۱۷} گنج
 اگر پادشا از^{۱۹} گنج آورد
 ۵۷۰ کجا گنج^{۲۱} دهقان^{۲۲} بود، گنج اوست
 نگهبان بود شاه^{۲۴} گنج وُرا
 بدان کوش^{۲۶} تا دور باشی^{۲۷} ز خشم
 چو^{۳۰} خشم آوری، هم^{۳۱} پشیمان شوی
 هر آنکه^{۳۲} که خشم آورد پادشا
 ۵۷۵ چو^{۳۴} بر شاه عیبت^{۳۵} بد خواستن
 وُگر^{۳۸} بیم داری به دل یک زمان

۱- (ق: و، آن) ۲- ل: دین دارد؛ (ن: دین دارد از) (وزن ندارند)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳- ل: مخوان؛ متن = س، ق، ک، س ۲
 (نیز ل، ل ۲ ب) ۴- (ق: ۲) بود ناخرمند و نا؛ ل: ۲، لی این بیت را ندارند ۵- (و: روان → زوان؟)؛ ل: ۲، ل، پ این بیت را ندارند ۶- ل:
 شاهی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- ق (نیز ب): مایه ۸- ک: مهر ۹- ل: سر درکشد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- س: آ:
 بکوشد که دینار ۱۱- ل: کرز؛ ک: یاز؛ س ۲ (نیز لی، ل ۲، پ، ن: ۲)؛ ناز و؛ (ق: ۲: داد؛ آ: بیخشد گه بار)؛ متن = س، ق (نیز ل، و، ب) ۱۲- (ا:
 آنچه) ۱۳- ل: با؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز ل، ق، ل ۲، آ) ۱۴- (لی: با تونه اندر خورد)؛ ق (نیز ب): دو گیتی همی مرد دینی برد ۱۵- ل: گردد؛
 متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ل ۲، و، ب) ۱۶- (ق: ۲: بداندیش)؛ ل: ۲، پ این بیت را ندارند ۱۷- ک، س ۲ (نیز آ، ب): نگهدار؛ متن = ده
 دستنویس دیگر ۱۸- (ل: ۲، ن: ۲: باشد) ۱۹- ل: زاده؛ س (نیز ل، ن): آنک؛ (ق: ۲: روز؛ ل: ۲: یاد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- س: ۲ (نیز لی،
 ل ۲، آ): سر ۲۱- ل: آنچ؛ ق: رنج؛ (پ: مرد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲- ک: دستان ۲۳- ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ل ۲، پ، آ، ب): بر؛ س (نیز ل،
 ن: ۲)؛ بی؛ (ق: ۲: از؛ لی: تن)؛ متن = س ۲؛ و این بیت را ندارد ۲۴- (ب: تاج و) ۲۵- ک (نیز و): شاه؛ ل: ۲: شاخ و؛ (پ: نیز ب): و یاد آورد شاخ
 و؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز شش دستنویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد ۲۶- (ب: باش) ۲۷- س ۲ (نیز لی، پ): مانی؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۲۸- (ق: ۲: بدار) ۲۹- ق: گنه ها تو؛ (لی: جهاندار) ۳۰- (ل: ۲: تو) ۳۱- (ق: ۲: زو) ۳۲- (لی: بدانگه) ۳۳- (ق: ۲: سبکسار)
 ۳۴- (لی: که) ۳۵- ل: زشتست؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۶- ل (نیز ل، ن): شاید (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ س، ق: نیابد
 (حرف چهارم بی نقطه)؛ ک: بیاید (حرف یکم بی نقطه)؛ (آ: نیابد)؛ متن = ل، آ، س ۲ (نیز ق ۲- ل، ن: ۲، ب) ۳۷- ک: به خون (وزن ندارد)
 ۳۸- ق: اگر ۳۹- ل: حیره (نقطه ندارد)؛ ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی، آ): چاره؛ (ل: ۲: و: چیره)؛ متن = س، ق (نیز ل، ق، آ، پ، ن: ۲، ب) ۴۰- ق (نیز ب):
 رای و؛ (پ: رای آن) ۴۱- ل: را از بد بد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

مَدان^۲ ای پسر تا توان^۳ ارج چیز!
 که دور^۶ فلک را ببخشید راست^۷
 خود و^{۱۰} موبدش^{۱۱} رای پیش^{۱۲} آورد^{۱۳}
 کند^{۱۶} این^{۱۷} سخن بر دل شاه یاد
 چو گیرنده بازان^{۱۹} به کار آیدت^{۲۰}،
 می و بزم و نخچیر و^{۲۲} بیرون شدن!
 نگه داشتند این سخن مهتران!
 ازین کارها دل نباید کشید^{۲۶}؛
 ز^{۲۸} هر پادشاهی سپه خواستن

ز بخشش منه بر دل اندازه^۱ نیز
 چنان دان که شاهی بدان بر^۴ سزاست^۵
 زمانی غم^۸ پادشاهی برد^۹
 ۵۸۰ بپرسد هم از کار^{۱۴} بیداد و^{۱۵} داد
 به روزی که رای^{۱۸} شکار آیدت،
 دو بازی به هم در نباید^{۲۱} زدن:
 که تن گردد از جنبش^{۲۳} می گران^{۲۴}
 وگر دشمن آید به^{۲۵} جایی پدید
 ۵۸۵ درم دادن^{۲۷} و تیغ پیراستن

بر تخت منشان بدآموز را!
 که از^{۳۰} جست و جوی^{۳۱} آیدت کاستی!
 تو مشن^{۳۲} ز بدگوی و انده مخور^{۳۳}!
 اگر پای گیری، سر آید به دست!
 ترا جاودان از خرد باد بهرا!
 که بر بدنهان تنگ بادا^{۳۵} جهان!

به فردا ممان کار امروز را!
 مجوی^{۲۹} از دل عامیان راستی!
 و زیشان ترا گر بد آید خبر
 نه خسروپرست و نه یزدانپرست
 ۵۹۰ چنین باشد اندازه^{۳۴} عام شهر
 بترس از بد مردم بدنهان!

۱-ل، ۲-س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، و، آ، ب): اندوه؛ ق: انبوه؛ س، ک (نیز لن، پ، لن، ۲) - ۲-ل (نیز ق، ۲، ل، و، ب): بدان؛ متن = ک، س، ۲ (نیز لی): مدار؛ (آ، ب: بدار)؛ متن = س، ق، ل، ۲ (نیز لن، لن، ۲) - ۳-ل (نیز و): تا توان ای پسر؛ ق (نیز ب): تا توانی پسر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-س پادشاست؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۵- (پ: گشت) ۶-ق: ببخشد رواست؛ ک: ببخشش راست (حرف یکم از واژه دوم بی نقطه)؛ س، آ: سرسزد راست (حرف های یکم تا پنجم بی نقطه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-ک: جای دو واژه آغازین این لت را سفید گذاشته است ۸-ک: بری؛ (لی: بود؛ پ، و: خورد) ۹- (ل: ز در) ۱۰-ک: موبدت ۱۱-س، ۲ (نیز لی، آ): نیک؛ ل: رد و موبدش را به پیش؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ل، ۳-ل، ب)؛ ق، ۲ این بیت را ندارد ۱۲-ل، آ: ابا موبدان رای پیش آوری ۱۳- (ل: آنگه ز) ۱۴-ک، ل، ۲ > و: که موبد بدانند ز بیداد و ۱۵- (لن، لی، آ: کنند) ۱۶-س، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، ل، ۳، پ، ب): آن؛ متن = ل (نیز لی، و، لن، آ، ۲) ۱۷-ک: وگر هیچ یاد ۱۸-ل: یوز درنده؛ ق: ارزنده باز این؛ (و: که پرنده باران)؛ متن = س، ک > ل، ۲، س، ۲ > (نیز لن-ل، ۲، لن، ۲، آ، ب) ۱۹- (پ: اگر می خوری بیش بگزایدت) ۲۰-ک (نیز پ): بر نشاید؛ ل: بازو به هم بر نباید ۲۱-ق (نیز ق، ۲، لی، آ، ب): > و: ک: بزم و شادی و؛ متن = ل، س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ل، ۳-ل، ۲) - ۲۲-ل: جستن؛ (ق: کی برگردد از جنبش)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، لی، لن، ۲، ب) ۲۳-س، ق: بی کران؛ متن = ل، ک، ل، ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ س، ۲، آ این بیت را ندارند ۲۴-س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ۲، و، آ، ب): ز؛ متن = ل، ق (نیز لن، لن، ۲) - ۲۵-ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ۲، ب): بیاید برید؛ ق: نباید برید؛ ک (نیز لن، لی، پ، آ): بیاید کشید؛ متن = س (نیز ل، ۲، و، لن، ۲) - ۲۶- (پ: باید) ۲۷-س (نیز لن): به؛ پ پس از این بیت افزوده است:

چو گیرنده باران به کار آیدت به پیش اندرون کارزار آیدت

۲۸-ل (نیز پ): مجو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹- (پ: کران) ۳۰-ل، ق، ک (نیز ل، ۳، پ، ب): جو؛ متن = س، ل، ۲، س، ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۳۱-ل، آ: بشنو ۳۲-ق: مبر ۳۳-ک: اندازه بر ۳۴-ل: گردد؛ ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، پ، آ): باشد؛ متن = س، ق (نیز شش دستنویس دیگر)

که او را بود نیز همباز و^۲ یارا!
 ز^۴ گیتی پراگنده خوانی^۵ همی!
 دلِ بخردت^۶ بی‌مدارا شود،
 خردمند کز جوش^۹ بنشاندت^{۱۰}!
 که عیب آورد بر تو بر عیب‌جوی^{۱۲}!
 خردمندت^{۱۴} از مردمان نشمرد!
 کجا هر کسی را بود نیک‌خواه
 نییچد^{۱۷} ز پیغاره و سرزنش،
 چنین مرد کز^{۱۸} باشدت رهنمای!
 بنه خشم و کین چون شوی^{۲۰} پادشا^{۲۱}!
 نباشی^{۲۲} خردمند و یزدان‌پرست!
 به روی کسان نارسایی^{۲۵} مکن!
 نگر تا کدام آیدت دلدیر!
 به هر کس^{۲۷} نوازنده و تازه‌روی^{۲۸}!
 بر تخت منشان بداندیش^{۲۹} را!
 تو بپذیر و کین^{۳۰} گذشته خواه!
 خنک مردِ بخشنده و بردبار!
 تو لشکر بیارای و بر بند کوس!
 پرهیزد و سست گرددش چنگ^{۳۴}!

سخن هیچ مسرای با^۱ رازدار!
 سخن را تو آگنده^۳ دانی همی
 چو رازت به شهر آشکارا شود،
 بر آشوبی^۷ و سر سبک خواندت^۸ ۵۹۵
 تو عیب کسان هیچ گونه^{۱۱} مجوی
 وگر چیره^{۱۳} گردد هوا بر خرد
 خردمند باشد^{۱۵} جهاندار شاه
 کسی کو بود تیز و^{۱۶} برتر منش
 مبادا که گیرد بنزد تو جای!
 چو خواهی که بستایدت پارسا^{۱۹}
 هوا چن که^{۲۲} بر تختِ خشم^{۲۳} نشست
 نباید که باشی فراوان سخن
 سخن بشنو و^{۲۶} بهترین یادگیر!
 سخن پیش فرهنگیان سخته گوی!
 مکن خوار خواهنده درویش را!
 هر آنکس که پوزش کند بر گناه
 همه دادده^{۳۱} باش و پروردگار^{۳۲}!
 چو دشمن بترسد شود^{۳۳} چابلوس
 به جنگ آنگهی شو که دشمن ز جنگ ۶۱۰

۱-ل: مگشای با؛ (ق: آ: مشنو تواز)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-ل-۲ (نیز ق: آ: لی، پ، و، ل، ن، آ: ب): انباز و؛ (ل: آ: همتا و؛ آ: هفتاد)؛
 متن = س: آ (نیز ل: ن) ۳-س: آ (نیز لی، و، آ): برکنده ۴-ک، ل: آ: به ۵-ل: آ: دانی؛ (ق: آ: این بیت را ندارد ۶-ل، ک، ل: آ: (نیز ق: آ)، بخردان؛
 متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ک، ل: آ: (نیز پ، آ): پراز شومی ۸-ل: آ: داردت ۹-ل: کز خویش؛ ق: اگر پیش؛ س: آ (نیز ق: آ): گرو
 پیش؛ (پ: کان جوش؛ و: چون پیش؛ ل: ن: آ: در پیش)؛ متن = س: (نیز ل، ل، آ: ب) ۱۰-ک، ل: آ: همان بددل و تنگ‌دل خواندت (ل: آ: داردت)؛
 لی این بیت را ندارد ۱۱-ق: آ: تا توانی) ۱۲-س: آ (نیز پ، و، آ: ب): گوی؛ ق: جز آنکه که برتابی از عیب روی ۱۳-ل: (نیز ق: آ: لی، ل، ن، آ: آ،
 ب): خیره؛ متن = س: س: آ (نیز ل، ل، آ: پ، و) ۱۴-ل: خردمندش؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵-ل: آ (نیز ق: آ: و): باید؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۱۶-ل: (نیز و، ل، ن: آ): نیز؛ ق: (نیز ق: آ): تیر و؛ متن = س: ک، س: آ (نیز ل، ل، لی، ل، آ: ب) ۱۷-ل: ک (نیز ل، ن، ق: آ: لی، ب):
 سیچد (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ (ل: آ: و، ل، ن، آ: آ: بیچد)؛ متن = ل: آ: س: آ (نیز پ) ۱۸-ل: ل: آ: (نیز لی، پ، آ): گر؛ س: ق، ک،
 س: آ (نیز ل، ل، آ: ب): اگر؛ (ق: آ: کی؛ و: مردم ار)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹-ل: پادشا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۰-س: آ:
 شود؛ (ل: آ: تاشوی)؛ ق: منه خشم و کین جز بر ۲۱-ل: پارسا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-س: ک، س: آ (نیز ل، ن، ق: آ: پ، آ: ب): هر
 که؛ ق: هر چه؛ (ل: آ: هر آنکس که) ۲۳-پ: خشمش؛ این واژه در لی خوانا نیست ۲۴-ق: آ: ل: آ: پ: نباشد) ۲۵-ل: (نیز لی، و): نارسایی
 (حرف ششم بی نقطه)؛ س: نارسایی؛ ق: س: آ (نیز ق: آ: ل، ن، آ: آ): نارسایی؛ (ل: ن: نارسایی (حرف یکم بی نقطه)؛ پ، ب: نارسایی)؛ متن =
 (ل: آ) ۲۶-ق: (نیز پ، ب): بشوی ۲۷-ل: س: (نیز ق: آ: ل، آ: ب): که باشی؛ (ل: ن: گه می؛ و: نه پیش؛ ل: ن: آ: گه خور)؛ متن = ق: س: آ (نیز پ، آ)
 ۲۸-ل: آ: خوب روی؛ ب: پخته‌گوی؛ لی: توان تازه و زنده روی) ۲۹-ل: آ: نکه دار مردم خویش) ۳۰-س: آ (نیز لی، آ): عذر ۳۱-پ: (ب:
 دادگر) ۳۲-ل: آ: همان دادده باش و به روزگار ۳۳-ق: آ: هر آنکه که دشمن بود) ۳۴-ل: گردد بنک (حرف سوم بی نقطه)؛ ک، ل: آ: گردد
 بجنگ؛ (ق: آ: گردد ز جنگ؛ و: دست گرددش تنگ)؛ متن = س: ق، س: آ (نیز هفت دستنویس دیگر)

نبینی به دلش اندرون کاستی،
 چنین دار^۴ نزدیک^۵ او آب روی^۶!
 به دانش بود، چون بدانی^۸ بورز^۹!
 به^{۱۰} دانایی و داد^{۱۱} نامی شوی!
 به فرزند مان همچین یادگارا
 کسی را به^{۱۴} گیتی نیازاردم
 نفس-داستان را^{۱۶} به بد^{۱۷} مشمرید!
 به نیکی گرای و بدی باد^{۱۹} دار^{۲۰}!
 بدآتش^{۲۲} تن ناتوان مرا!
 مجوی^{۲۵} ای پسر درد و تیمار کس!

بزرگی شما را^{۲۷} به پایان رسد!
 هم آنکس^{۲۸} که باشند^{۲۹} پیوند تو!
 همان پند دانندگان نشوندا
 به بیداد یازند و^{۳۱} جور و جفا!
 بریشان^{۳۲} شود خوار یزدان پرست!
 بیالند^{۳۵} با کیش آهرمنی^{۳۶}!

وگرا^۱ آشتی جوید^۲ و راستی،
 ازو باز^۳ بستان و کینه مجوی!
 بیارای دل را به دانش که ارز^۷
 چو بخشنده باشی، گرامی شوی
 ۶۱۵ تو عهد پدر با روانت بدارا!
 چو^{۱۲} من حق^{۱۳} فرزند بگزاردم،
 شما هم برین عهد من بگذرید^{۱۵}!
 تو پند^{۱۸} پدر همچین یاد دارا!
 به خیره مرنجان^{۲۱} روان مرا!
 ۶۲۰ به بد کردن خویش^{۲۳}، بازار^{۲۴} کس،

برین بگذرد سالیان پانصد^{۲۶}
 بیچد سر از عهد فرزند تو
 ز رای و ز دانش به یکسو شوند
 بگردند^{۳۰} یکسر ز عهد وفا
 ۶۲۵ جهان تنگ دارند بر زبردست
 بپوشند^{۳۳} پیراهن برتنی^{۳۴}!

۱-ل (نیز و): اگر ۲-ل: خواهد؛ س: آ: گوید ۳-ق: آ: تاج) ۴-ک، ل، آ، س ۲ (نیز، ل، پ، ل، آ، آ): آر؛ متن ← ۵-ق: آ: چو بینی
 نزدیک؛ و: بدان تا بود نزد او؛ متن ← ۶-ق: وگر پیش آیدت درشتی مگوی؛ (پ: وگر پیشت آید درشتی مگوی)؛ متن = ل، س (نیز لی)
 ۷-ل: نواز) ۸-ل: بداری؛ (و: تا بدانی؛ ل: آ: تا توانی) ۹-ل: ز دانش بود گر بدانی تو راز) ۱۰-ل: ز ۱۱-س ۲ (نیز لی): بدانا و
 دادار؛ متن = س-ل ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۱۲-س ۲ (نیز آ): که ۱۳-ل: آ: عهد) ۱۴-ل: ق (نیز و، ب): ز؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۱۵-ل، س ۲ (نیز ق ۲): ازین عهد من مگذرید؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ل (نیز آ، ب): راستانرا؛ ک: تا تواند؛ (و: داستانها؛ ق: آ:
 بفردا شبانرا)؛ متن ← ۱۷-ل: آ: نفس را به بد تا توان؛ متن = س، ق (نیز ل، لی، ل، پ، ل، آ): درک، ل این بیت با بیت سپین پس و پیش
 شده است ۱۸-ک، ل ۲ (نیز ق ۲، آ، ب): حق؛ (ل: آ: عهد)؛ متن = ل، س، ق، س ۲ (نیز ل، ل، آ، پ، و) ۱۹-ل: به دل شاد؛ (آ: بید پای)؛ متن ←
 ۲۰-ق: آ: بدی را مکار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۲۱-ق (نیز ب): مسوزان ۲۲-ل، س، ک، س ۲ (نیز ل، آ): به
 آتش؛ ق (نیز ب): بر آتش؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۳-ق: آ: منه گردن خود) ۲۴-ل (نیز لی، ل، آ: پ، و، ب): و آزار؛ ق (نیز ل):
 از آزار؛ متن = س (نیز ل ۲) ۲۵-ل: مجو؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ک، ل، آ، آ این بیت را ندارند ۲۶-ق: آ، لی، پ، ل، آ: پنج صد؛ ل: آ:
 پنج و صد) ۲۷-س ۲ (نیز ب): شمارا بزرگی؛ (آ: شمار بزرگی) ۲۸-ک (نیز لی): همانا؛ ل، آ، س ۲ (نیز آ): هم آنرا؛ (ق: آ، و، ل، آ: هر آن کس)
 ۲۹-ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، و، آ، ب): باشد؛ ز؛ متن = س، س ۲ (نیز ل، ل، آ) ۳۰-ل: مگردید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۱-ل: مارید؛ ک:
 بیدادی آرند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در ق ۲ این واژه خوانا نیست ۳۲-ل (نیز و): کزیشان؛ (ل: آ: ازیشان)؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۳۳-ل: بپوشید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۴-ل، ق-س ۲ (نیز ق ۲، ب، آ): بدتنی؛ متن = س (نیز ل، و، ل، آ، آ)
 ۳۵-ل: بنالید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۶-س ۲ (نیز ق ۲، و، ل، آ): آهرمنی

بیالاید آن دین^۲ که ما شسته‌ایم!
به ویرانی آرد رُخ این^۴ مرز^۵ من!
شناسنده‌ی آشکار و نهان،
همه^۶ نیک‌نامی بود بارتان^۷!
که تارش خرد باشد و داد پود^۹!
نکوشد که حنظل کند^{۱۰} شهید من!

گشاده شود هرچه^۱ ما بسته‌ایم!
تبه گردد این پند^۳ و اندرز من!
همی‌خواهم از کردگار جهان،
۶۳۰ که باشد ز هر بد نگهدارتان!
ز یزدان و از^۸ ما بر آنکس درود
نیارد شکست اندرین عهد من!

که تا برنهادم به شاهی^{۱۱} کلاه
هواخوش‌گسار^{۱۳} و به زیر^{۱۴} آب خوش:
هوا مشک‌بوی^{۱۶} و به جوی آب شیر^{۱۷}
پر از مردم و آب و سود و زیان
که گردد ز بادش جوان مرد پیر^{۱۹}
کزو^{۲۱} بر سوی^{۲۲} پارس^{۲۳} کردم^{۲۴} گذر
پر از باغ و پر^{۲۶} گلشن و^{۲۷} آبگیر^{۲۸}
پر از چشمه^{۳۲} و چارپای^{۳۳} و نبات

برآمد چهل سال و بر سر دو ماه
به گیتی مرا شارستانست^{۱۲} شش
۶۳۵ یکی خواندم^{۱۵} خزهی اردشیر
کزو تازه شد کشور^{۱۸} خوزیان
دگر شارستان اورمزداردشیر
چو رام^{۲۰} اردشیرست شهری دگر
دگر^{۲۵} شارستان برکه‌ی اردشیر
۶۴۰ دو بر^{۲۹} بوم میشان^{۳۰} و رود^{۳۱} فرات

۱-ک: آن که؛ ل: آ: هرکه؛ (پ: این که) ۲- (ق: آ: نداند همین دین؛ ل: آ: بیالاید آن کین) ۳-ک، ل: آ: (نیز ق: آ): دین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴- ل: و؛ ک: <این>؛ س: آ: (نیز آ: ب): همه؛ (ق: آ: آید همین؛ ل: ی: همی به ویرانی آید (وزن ندارد))؛ متن = س، ل: آ: (نیز ل: ل: آ: ل: ۵- ق: همان کوشش و بحسش و ارز (سه حرف نخستین از واژه چهارم بی نقطه)؛ ق: بیت‌های ۶۲۹-۶۳۰ را ندارد ۶- س: همان ۷- ک، ل: آ: (نیز ق: آ): کارتار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸- ل، ق، س: آ: وز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- (ق: آ: پودش خرد باشد و تار جود؛ ل: ی: داد و خرد باشدش تار و پود) ۱۰- ل: آ: (نیز ق: آ، ل: و): شود؛ س: آ: (نیز ل: ی، آ): نخواهد که حنظل بود؛ متن = ل-ک (نیز ل: ن، پ، ل: آ، ب) ۱۱- ل: آ: مردی؛ (ل: ن، ق: آ، ل: ی: شادی) ۱۲- ک، ل: آ: (نیز ل: ل، آ، پ، ب): شارسانست ۱۳- ل، س، ک، ل: آ، س: آ: (نیز ل: ن، ق: آ، ل: ی، پ، ل: آ، ب): خوش‌گوار؛ (ل: آ: خشکسار؛ و: هوا خشکال)؛ متن = ق ۱۴- س (نیز ل: ن، ل: آ): زمین؛ ک: پر از؛ ل: آ: (نیز ق: آ: به جوی؛ (و: ابر پر)؛ متن = ل، ق، س: آ: (نیز ل: ی، پ، آ، ب)؛ بنداری؛ فاستحضر ولده سابور و عهد الیه و اوصاه وصیه قال فی آخرها؛ و: ابی ملکث اثنتین و اربعین سنة، و بنیت ست مدائن کالجنان المزخرفة ۱۵- ل: آ: (نیز ل: ی، ل: و، ل: آ): خوانده‌ام؛ متن = ل-ک، س: آ: (نیز ل: ن، ق: آ، پ، آ، ب) ۱۶- (پ: خوش‌گوار) ۱۷- (ل: ی: خوش (پساوند ندارد))؛ ل، ل: آ: (نیز و): که گردد ز بادش جوان مرد پیر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- س: آ: (نیز ل: ی، آ): چهره؛ ک: این بیت را ندارد؛ ل، ل: آ: پس از این بیت افزوده‌اند:

دگر شارستان گندشاپور نام که موبد از آن شهر شد شادکام

۱۹- ل: هوا مشک‌بوی و به جوی آب شیر؛ ک: پر از باغ و از گلشن و آبگیر؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل: آ، و این بیت را ندارند؛ در ق، پ بیت ۶۴۱ پس از این بیت آمده است ۲۰- ک: راز؛ ل: آ: خور؛ (ل: ی: خورام؛ ل: آ: خورم) ۲۱- (ل: ی: کزان) ۲۲- (ق: آ، ل: ی: سر؛ آ: بگذری) ۲۳- (ق: آ: آب) ۲۴- (ل: آ: دارد؛ ل: آ: کردی)؛ و این بیت را ندارد ۲۵- (پ: سوم) ۲۶- (ق: آ، و، ب: واز؛ پ: وز) ۲۷- (ل: ن: گلشن و باغ و پر) ۲۸- (ل: ی: چواز من سخن بشنوی یادگیر) ۲۹- ل: دگر؛ س (نیز ق: آ، ل: و): بر؛ و: متن = ق-س: آ: (نیز ل: ن، پ، ل: آ، ب) ۳۰- ل، ک، س: آ: (نیز پ، آ): میان؛ س (نیز ل: ن): می‌سار؛ ق: نیسار؛ (ق: آ، ل: آ، و، ل: آ: میسار؛ ب: نیسان)؛ متن = ل: آ: بنداری؛ و مدیتان عند میسان و الفرات ۳۱- (ل: آ، پ، آ، ب: آب) ۳۲- (و: خیمه) ۳۳- ل، ل: آ: (نیز ل: آ): چارپا؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل: این بیت را ندارد

چن^۲ از من سخن بشنوی یادگیر!
 تو بسپار تابوت و بردار تخت^۳!
 چه بر^۴ آشکار و^۵ چه اندر نهان!
 که پیروز بادی و بر تخت شاد^۷!
 دریغ آن سر و افسر و تخت^۹ اوی^۸!

که خوانی ستاباد^۱ شاه اردشیر
 کنون دخمه را برنهادیم رخت
 بسی رنجها بردم اندر جهان
 روان مرا^۶ شاد گردان به داد!
 ۶۴۵ بگفت این و تاریک شد بخت اوی^۸

نخواهد گشادن به ما^{۱۰}بر نهان!
 نبایستش از تخت شد^{۱۱} ناپدید!
 نه مردم، نه آن چیز ماند بنیز^{۱۴}!
 دو رخ را به چادر^{۱۵} بیاید^{۱۶} نهفت!
 جهان جهان را به بد نسپریم^{۱۷}!
 کرین نام یابیم بر انجمن^{۱۸}]
 خورد^{۲۰} یاد^{۲۱} شاهان یزدان پرست!

چنینست آیین خرم جهان
 انوشه کسی کو بزرگی ندید
 بکوشی و ورزی^{۱۲} ز هر گونه^{۱۳} چیز
 سرانجام با خاک باشیم جُفت
 ۶۵۰ بیا تا همه دست نیکی بریم
 [بکوشیم بر نیک نامی به تن
 خُنگ آن که جامی^{۱۹} بگیرد به دست

۱-س: سانااد (نقطه ندارد); ک، س ۲ (نیز لن، ق، ل، آ، پ): سناباد; (لن: شتاپاد; و، آ: شناپاد; ب: سناپاد); ق: کخوانیش ناماد (حرف سوم بی نقطه); متن تصحیح قیاسی است ۲-س، ق، ک (نیز لن، ق، ل، آ، ب): چو؛ متن = س ۲، ل، آ، لی این بیت را ندارند؛ بنداری: و المدائن إحداهما اردشیر خزّه، و هی جور. و الثانية أورمزد اردشیر، و هی سوق الأهواز. و الثالثة رام اردشیر. و مدیتان عند میسان و الفرات. و السادسة مدينة أخرى و هی علی غریب المدائن علی ماقال غیر صاحب الکتاب؛ بیت های ۶۳۵-۶۴۱ در بیشتر دستنویس ها افتادگی و درهم ریختگی دارند. در یبایی ابیات از دستنویس های س ۲، آ پیروی شد که در کلیات با بنداری همخوانی دارند ۳-ل: رخت؛ درل بیت های ۶۴۲-۶۴۶ درهم ریختگی دارند: ۶۴۴، ۶۴۳، ۶۴۲، (۶۴۵ را ندارد)، ۶۴۶-۴-ق (نیز ق، آ، و، ب): در ۵-ل ۲ (نیز ب): آشکارا ۶-آ: پدر) ۷-ل: تو بر تخت داد؛ س، ل ۲ (نیز پ، و، لن ۲): تو بر تخت و شاد؛ ک (نیز لن، ل ۲): تو بر تخت شاد؛ (ق: باشی تواز بخت شاد؛ لی: باشی و بر تخت شاد؛ متن = ق، س ۲ (نیز آ، ب) ۸-س، ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل، آ، ب): او؛ متن = ل ۲ (نیز لن، پ، و، لن ۲) ۹-لی: به خاک اندر آمد سر بخت؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: و هانا أرتحل الی الناوروس ثم إلی نعیم و إلی بوس. فعلیک بالعدل بین الرعیة. و الإحسان الی الخلیفة. ثم مضی الی سیله ۱۰-ل، س ۲ (نیز آ): به ما بر گشادن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ل ۳: نبایست گشتن چنین؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ ق ۲ پس از این بیت آورده است:

به یکباره برتابد از تن روان چه با اردشیر و چه با اردوان

۱۲-ل: آری؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): بکوشیم و ورزیم؛ (ق: بکوشند روزی)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ل، آ، و، لن ۲) ۱۳-پ: بکوشند و هرگونه ورزند) ۱۴-ق: مانند نیز؛ (لی: باشد بنیز؛ ق، آ، و: بماند نه آن چیز نیز)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۱۵-لی: زیر چادر؛ ق ۲: به خاک اندرون رخ) ۱۶-آ: بجان در نباید) ۱۷-ل، ل ۲: نشمریم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸-س، ل، آ، لن، ب این بیت را ندارند؛ لی به جای این بیت افزوده است:

که گیتی نماند همی پایدار چه بر پیشه کار و چه بر شهریار
 پس آن به که نیکی بورزیم و بس که گیتی نماند همیشه به کس
 بیا تا جهان را به شادی خوریم چو وقت گذشتن بود بگذریم

۱۹-ک (نیز ل ۲، ب): آن کجامی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰-س، ق (نیز لن، ل، آ، و، لن ۲): برد؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): کند؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، ب) ۲۱-ل، آ: نام)

چو جام^۱ نبیدش دمادم شود بخشید^۲ بدانگه^۳ که خرم^۴ شود!
 کنون پادشاهی شاپور گوی^۵! زبان برگشای از می و سور گوی!

۱-س، س^۲ (نیز لن-ل، ل^۳، آ، ب): جام از؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز پ، و) ۲-ل (نیز و): بیخشد؛ (لن: نخسبد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ک، ل: هر آنکه ۴-لی: بی غم؛ ل^۳ پس از این بیت افزوده است:

کنون داستانهای شاه اردشیر به پایان شد این داستان یاد گیر
 ۵-ل، ک، ل: گو؛ متن = س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب)؛ س، ق، لن، ل^۳، و، لن^۲ این بیت را ندارند؛ و به جای این بیت آورده است:
 بگویم کنون کار شاپور نیز که آخر برآمدش تا سر قفیز

شاپور

پادشاهی شاپورِ اردشیر سی سال بود^۱

مکان و زمان و زمین آفرید ^۲	بر آن آفرین کافرین آفرید
هم انجام از اویست و فرجام ^۴ ازوی ^۵	هم آرام از اویست و هم کام ازوی ^۳
کم و بیش گیتی برآورده‌اند ^۷	سپهر و ستاره، زمین ^۶ کرده‌اند ^۷
سراسر به هستی یزدان گواست ^{۱۰}	ز خاشاک ^۸ ناچیز تا عرش راست ^۹
شناسنده‌ی آشکار و نهان!	۵ جز او را مخوان کردگارِ جهان
به یارانش بر هر یکی ^{۱۲} برفرود!	و زو ^{۱۱} بر روانِ محمد درود
که شیعیش خواند ^{۱۳} علی ولی!	[سرِ انجمن بُد ز یاران علی
سخن‌های او ^{۱۴} برگذشت از شمار]] همه پاک بودند و پرهیزگار

۱-ل: پادشاهی شاپور پسر اردشیر سی سال و یک (!)؛ س: پادشاهی شاپور پسر اردشیر سی و دو سال بود؛ ق: پادشاهی شاپور اردشیر سی سال و دو ماه؛ ک: پادشاهی شاپور اردشیر سی سال و یک ماه بود؛ ل: پادشاهی شاپور سی سال بود؛ متن = س؛ ب: بنداری؛ ذکر نوبه شاپور بن اردشیر. و کانت مدة ملکه نلازین سنة ۲-ق، ق: بیت‌های ۱-۳۰ و ۲-۳۰ را ندارند؛ خطبه پادشاهی شاپور و مدح محمود در ل، لن، پ تنها در آغاز پادشاهی شاپور و در س، ک، ل، س، آ، ب هم در آغاز پادشاهی شاپور و هم در آغاز پادشاهی اسکندر و در دستویس لی تنها در آغاز پادشاهی اسکندر آمده است و در دستویس‌های ق، ق، و، ل، آ (به جز بیت یکم آن) اصلاً نیامده است؛ بنداری هم این خطبه را ندارد اما معلوم است که این بخش را به خلاصه ترجمه کرده است ۳-ل، ل، آ (نیز پ، آ، ب): او؛ س (نیز لی): اوست؛ متن = ک، س، آ (نیز لن، ۴-س (نیز آ): انجام؛ ک، ل، آ (نیز آ، ب): آغاز ازویست و فرجام (آ: انجام) ۵-ل، ل، آ (نیز پ، آ، ب): او؛ س (نیز لی): اوست؛ متن = ک، س، آ (نیز لن، لن، ۶-س، ک، لی، آ (در آغاز اسکندر): همه؛ ل: زمان و زمین؛ ک، ل، آ: زمین و زمان؛ ل، آ (در آغاز اسکندر): کمین؛ متن = لن، پ، ل، آ، ب، س، س، آ (در آغاز اسکندر) ۷-ل: است؛ متن = ده دستویس دیگر [لی، آ تنها در آغاز اسکندر] ۸-پ: که از خاک) ۹-ل، آ: چونان که خواست؛ ل = متن در آغاز اسکندر ۱۰-ل، آ: کم و بیش گیتی بر آورد راست؛ ل = متن در آغاز اسکندر ۱۱-ل: ازو؛ متن = س، ل، آ (نیز لن، پ، لن، آ)، ک، س، آ (نیز لی، آ، ب) تنها در آغاز اسکندر [۱۲-لن: هر کسی) ۱۳-ل: خوانند او را؛ متن = س، ل، آ (نیز لن، پ، لن، آ)، ک، س، آ (نیز لی، آ، ب): تنها در آغاز اسکندر؛ س، ل، آ، لن، پ، لن، آ در اینجا و ک، س، آ، لی، آ، ب در آغاز اسکندر، پس از این بیت افزوده‌اند:

نباشد جز از بی‌پدر دشمنش که یزدان با آتش بسوزد تش

کنون بر سَخُن‌ها فزایش کنیم
 ۱۰ ستاییم تاج^۲ شهنشاه را
 خداوند^۳ با بخش و با فر^۴ و داد^۵
 خداوند گوپال و شمشیر^۷ و رنج^۸
 جهاندار با فر^{۱۰} و نیکی‌شناس
 خردمند^{۱۲} و زیبا و چیره‌سَخُن
 ۱۵ همی مشتری بارد^{۱۴} از فر^{۱۵} اوی^{۱۶}
 به رزم آسمان را خروشان کند!
 چو خشم آورد^{۲۰} کوه ریزان^{۲۱} شود^{۲۲}
 پدر بر پدر شهریارست^{۲۳} و شاه
 بماناد تا جاودان نام اوی^{۲۵}
 ۲۰ سر نامه کردم ثنای^{۲۷} ورا
 ازو دیدم اندر جهان نام نیک
 جهان‌آفرین را نیایش^۱ کنیم
 که تختش درفشان کند ماه را!
 زمانه به فرمان او گشت^۶ شادا!
 خداوند آسانی و تاج و گنج^۹!
 که از تاج دارد ز یزدان^{۱۱} سپاس!
 جوانی^{۱۳} به سال و به دانش کهن!
 بنازیم در سایه‌ی پر^{۱۷} اوی^{۱۶}!
 چو بزم آیدش^{۱۸} گوهرافشان^{۱۹} کند!
 سپهر از بر خاک لرزان شود^{۲۲}!
 بنازد^{۲۴} بدو گنبد هور و ماه!
 همه بهتری^{۲۶} باد فرجام اوی^{۲۵}!
 بزرگی و آیین و رای^{۲۷} ورا
 ز گیتی^{۲۸} ورا باد^{۲۹} فرجام نیک!

۱-ل.س.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.لی.ل.ن.۲.ب)، [س^۲ (نیز آ) تنها در آغاز اسکندر]: ستایش؛ متن = س^۲ (نیز پ) ۲-ب: (پ: زانپس)؛ ل^۲، س^۲، ل.لی.آ.ب
 این بیت را تنها در آغاز اسکندر آورده‌اند؛ س^۲ در آنجا پس از این بیت افزوده است:

ابوالقاسم آن شاه محمود نام
 که از نام او فخر جویند و کام

۳-س (نیز ل.ن): جهاندار؛ س = متن در آغاز اسکندر ۴-ل.ک.ل^۲ (نیز پ، ل.ن.۲): با فر و بخش؛ س: بخش و فر؛ (لی.آ.ب) [تنها در آغاز اسکندر]: بخشش و فر) ۵-س: نژاد ۶-س (نیز ل.ن.پ.ل.ن.۲)، [ل^۲، س^۲ (نیز ل.ب) در آغاز اسکندر]: گشته؛ متن = ل.ک.ل^۲ (نیز آ) در آغاز اسکندر [۷-ب: (پ: شمشیر و گوپال) ۸-ل.س^۲ (نیز ب) در آغاز اسکندر]: گنج؛ متن = س.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.پ.ل.ن.۲)، (لی.آ.ب) تنها در آغاز اسکندر [۹-ل: درد و رنج؛ س: خداوند تاج و خداوند گنج؛ س = متن در آغاز اسکندر ۱۰-ک: <و> ۱۱-ل: به یزدان؛ (لی: تنها در آغاز اسکندر): به سر بر؛ متن = س.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.پ.ل.ن.۲)، [س^۲ (نیز آ.ب) در آغاز اسکندر] ۱۲-ک: خردورز؛ ک = متن در آغاز اسکندر ۱۳-ب: (پ: جوانه) ۱۴-ک (نیز ل.ن.ل.ن.۲): نازد؛ (پ: تابد) ۱۵-ل: ابر ۱۶-ل.س (نیز پ): او ۱۷-ل: فر؛ متن = س.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.پ.ل.ن.۲)، [س^۲ (نیز ل.ب) تنها در آغاز اسکندر]: س.لی.آ.ب در آغاز اسکندر پس از این بیت افزوده‌اند:

شهنشاه محمود بخشنده زر
 فلک ناوریده چن او تاجور

۱۸-ک [در آغاز اسکندر]: به بزم اندرون ۱۹-لی [در آغاز اسکندر]: سپهر از بر خاک لرزان؛ این بیت در ک.ل^۲، س^۲، ل.لی.آ.ب تنها در آغاز اسکندر و در هر دو جا آمده است ۲۰-س: آیدش؛ س [در آغاز اسکندر] = متن ۲۱-ل [در آغاز اسکندر]: بیران؛ س^۲ (نیز پ.ب) [در آغاز اسکندر]: ویران؛ متن = ل (نیز ل.ن.پ.ل.ن.۲)؛ س.ک (نیز ل.ب) [در آغاز اسکندر]: ک.ل^۲ در اینجا این بیت را ندارند؛ ق.ق.و.ل^۲ اصلاً این بیت را ندارند ۲۲-س (نیز پ)؛ ک.ل^۲، س^۲ (نیز ل.ب) [در آغاز اسکندر]: کند؛ متن = ل؛ س [در آغاز اسکندر] (نیز ل.ن.۲) ۲۳-ک: تاجدارست [در آغاز اسکندر] ۲۴-آ [در آغاز اسکندر]: نیازد؛ س^۲، ل.لی.آ.ب این بیت را تنها در آغاز اسکندر آورده‌اند ۲۵-ل.س.ک.ل^۲ (نیز ل.ب) [در آغاز اسکندر]: او؛ متن = ک.ل^۲ [در اینجا] (نیز ل.ن.پ.ل.ن.۲) ۲۶-ل.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.۲)؛ س^۲ (نیز ل.ب) [در آغاز اسکندر]: مهتری؛ متن = س [در هر دو جا]؛ او؛ متن = ک.ل^۲ [در اینجا] (نیز ل.ن.پ.ل.ن.۲) ۲۷-ک: راه؛ س.ک.ل^۲ این بیت را در هر دو جا آورده‌اند؛ س^۲، ل.لی.آ.ب این بیت را تنها در آغاز اسکندر آورده‌اند ۲۸-س [در اینجا]؛ ک.ل^۲، س^۲ (نیز ب) [در آغاز اسکندر]: به گیتی؛ (لی.آ) [در آغاز اسکندر]: بنیکی؛ متن = ل.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.ل.ن.۲) [در اینجا]؛ س [در آغاز اسکندر] ۲۹-ل: بود؛ (پ: ازو باد آغاز و؛ ب [در آغاز اسکندر]: مراباد)؛ متن = س.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.ل.ن.۲)؛ س^۲ (نیز ل.ب) [در آغاز اسکندر]؛ س.ک.ل^۲ این بیت را در هر دو جا، س^۲، ل.لی.آ.ب تنها در آغاز اسکندر آورده‌اند

ز دیدارِ او تاج روشن شده‌ست!
 بنازد بدو مردم پارسا
 هوا روشن از بارور^۴ بخت اوست!^۵
 به رزم‌اندرون زنده‌پیل بلاست!^{۲۵}
 چو در بزم^۸ رخشان^۹ شود رایِ اوی^{۱۰}
 به نخچیر شیران^{۱۲} شکارِ وی‌اندا!
 از^{۱۳} آوازِ گرزش همی روزِ جنگ
 سرش سبز باد و دلش پر ز داد
 ز بدها^۱ و را بخت^۲ جوشن شده‌ست!
 هم آنکس^۳ که شد بر زمین پادشا!
 زمین پایه‌ی نامور^۶ تخت اوست!^۵
 به بزم‌اندرون آسمان^۷ وفاست!
 همی^{۱۱} موج خیزد ز دریای اوی^{۱۰}!
 دد و دام در زینهارِ وی‌اندا!
 بدرَد دلِ شیر و چرم^{۱۴} پلنگ!
 جهان بی سر و^{۱۵} افسرِ او مبادا!

آغاز داستان^{۱۶}

۳۰ چو شاپور بنشت^{۱۷} بر تختِ داد^{۱۸}،
 شدند انجمن پیش او بخردان
 چنین گفت کای^{۲۰} نامدار^{۲۱} انجمن
 منم پاک^{۲۵} فرزندِ شاه‌اردشیر
 همه گوش دارید فرمانِ من!
 کلاه دل‌افروز بر سر^{۱۹} نهاد،
 بزرگانِ فرزانه و موبدان
 بزرگان پر^{۲۲} دانش و^{۲۳} رای‌زن^{۲۴}،
 سراینده‌ی^{۲۶} دانش و یادگیر،
 مگردید یکسر^{۲۷} ز پیمانِ من!

۱-ل: بدی‌ها؛ متن = س، ک، ل^۲ (نیز ل، ن، پ، ل^۲)؛ س^۲ (نیز ل، آ، ب) [در آغاز اسکندر] ۲-ل، س^۲ [در آغاز اسکندر]: تخت؛ س [در اینجا]: بخت (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ س، ک، ل^۲ (نیز ل، آ، ب) [در آغاز اسکندر]: تاج؛ متن = ک، ل^۲ (نیز ل، ن، پ، ل^۲)؛ س، ک، ل^۲ این بیت را در هر دو جا، س^۲، ل^۲، آ، ب تنها در آغاز اسکندر آورده‌اند ۳-ک، س^۲ (نیز ل، آ) [در آغاز اسکندر]: هر آنکس ۴-ک: داد و از: ل^۲: باره و؛ (ل، آ، ب [در آغاز اسکندر]: ل^۲: بار و ز؛ پ: تاج و ز)؛ متن = ل، س (نیز ل، ن)؛ س^۲ [در آغاز اسکندر] ۵-ل: او ۶-س [در اینجا]: ک، ل^۲ (نیز ل، آ) [در آغاز اسکندر]: نامور پایه؛ ک [در اینجا]: سایه نامور؛ (ب [در آغاز اسکندر]: مایه‌ور پایه)؛ متن = ل، ل^۲ (نیز ل، ن، پ، ل^۲) [در اینجا]: س، س^۲ [در آغاز اسکندر]: س، ک، ل^۲ این بیت را در هر دو جا، س^۲، ل^۲، آ، ب تنها در آغاز اسکندر آورده‌اند ۷-ک، س^۲ (نیز ب) [در آغاز اسکندر]: آفتاب ۸-ل: رزم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۹- (پ: خرم) ۱۰-ل، س، ک، ل^۲ (نیز ل، ن، پ، ل^۲) [در اینجا]: (ل، آ، ب [در آغاز اسکندر]): او؛ س^۲ [در آغاز اسکندر]: جای او؛ متن = (پ) ۱۱-س [در آغاز اسکندر]: همان؛ ک (نیز ل، ن، ل^۲) [در اینجا]: ل^۲، س^۲ (نیز ب) [در آغاز اسکندر]: همه؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز ب) [در اینجا]: (ل، آ) [در آغاز اسکندر] ۱۲- (پ: شاهان)؛ س این بیت را در هر دو جا، ل^۲، س^۲، ل^۲، آ، ب تنها در آغاز اسکندر دارند ۱۳-س (نیز ل، ن، ل^۲): ز؛ ل^۲: کز؛ متن = ل (نیز ب)؛ س^۲ (نیز ل) [در آغاز اسکندر] ۱۴-س [در آغاز اسکندر] (نیز ل، ن، ل^۲): گوش؛ ل^۲: دم شیر و چنگ؛ متن = ل، س (نیز ب)؛ س^۲ (نیز ل، آ) [در آغاز اسکندر]؛ ک، ب این بیت را ندارند؛ ل^۲، س^۲، ل^۲، آ این بیت را تنها در آغاز اسکندر دارند ۱۵- (ل) [در آغاز اسکندر]: جهان نیز بی؛ س تنها در اینجا، س^۲، ل^۲، آ، ب تنها در آغاز اسکندر افزوده‌اند:

کنون بازگردم سوی داستان به نظم آورم (ل: آرم از) گفته باستان (س^۲: ب: راستان)

۱۶-ک: نشستن شاپور بر تخت پدر؛ متن = ل، س، ل^۲؛ ق، س^۲ این سرنویس را ندارند ۱۷- (ل: بنشت شاپور) ۱۸-ک: شاد ۱۹-ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): بزرگی به سر بر؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ق، ل^۲، آ، ب، ل^۲) ۲۰-س (نیز ل، و، ل^۲): با ۲۱- (ل: نامور) ۲۲-ق، س^۲ (نیز ق، ل^۲، پ، آ، ب): با؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، ل^۲) ۲۳-س، ق (نیز ل، و): < ۲۴- (ل: یادگیر (پساوند ندارد)) ۲۵- (ق: گفت) ۲۶-س (نیز ل، آ): و؛ ل^۲ این بیت را ندارد ۲۷-ق، س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): بکتن؛ متن = ل، س، ک، ل^۲ (نیز ل، ن، ق، ل^۲)

۳۵ و زین هرچه گویم^۱ پژوهش کنید
 چو من دیدم^۲ اکنون به^۴ سود و زیان
 یکی پادشا پاسبان جهان
 و گری^۶ شاه با داد و فرخ پی است^۷
 خرد پاسبان باشد و نیکخواه
 ۴۰ همه جستش داد و دانش بود
 دگر آن که او^{۱۰} آزمون^{۱۱} خرد
 به دانش ز یزدان^{۱۳} شناسد سپاس
 به شاهی خردمند باشد سزا
 توانگر شود هر که خشنود گشت!
 ۴۵ که را^{۱۸} آرزو بیش^{۱۹}، تیمار بیش
 به آسایش و نیک نامی گرای
 به چیز کسان دست یازد^{۲۴} کسی
 مرا بر^{۲۸} شما زان^{۲۹} فزونست مهر
 همان^{۳۱} رسم^{۳۲} شاه بلند اردشیر^{۳۳}

اگر خام باشد^۲ نکوهش کنید!
 دو بخشش نهاده شد اندر میان:
 نگهبان گنج کهان و مهان^۵،
 خرد بی گمان پاسبان وی است
 سرش برگذارد^۸ ز ابر سیاه
 ز دانش روانش^۹ به رامش بود-
 بکوشد به مردی و گرد آورد^{۱۲}
 -خنک مرد دانای^{۱۴} یزدان شناس!-
 به جای خرد زر شود^{۱۵} بی بها^{۱۶}!
 دل آزر^{۱۷} خانه‌ی دود گشت!
 بکوش و بپوش^{۲۰} و منه^{۲۱} آرز پیش^{۲۲}!
 گریزان شو از^{۲۳} مرد ناپاک رای!
 که^{۲۵} فرهنگ بهره‌ش^{۲۶} نباشد^{۲۷} بسی!
 که اختر نمایده می بر^{۳۰} سپهر
 به جای^{۳۴} آورم با^{۳۵} شما ناگزیر

۱-ل:گفتم؛ (آ: من این هرچه گویم) ۲-ل، ک، ج:گفتم؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ل:بودم) ۴-پ: چو دیدم کنون راه) ۵-ب پس از این بیت افزوده است:

که بخشنده اویست و دارنده او
 بلند آسمان را نگارنده او
 ستم دیده را اوست فریادرس
 منازید با نازش او به کس

۶-ک، ل، س: ۲ (نیز لی، آ، ب): اگر؛ متن = ل، س، ق (نیز شش دستنویس دیگر) ۷-ل: با فرهیست؛ س: آ بیست و یک بیت از متن اندرز اردشیر را با اختلافاتی پس از این بیت آورده است (= اردشیر ۴۵۳ بجلو)؛ در ق: آ پس از این بیت، بیت‌های ۴۶ و ۴۷ آمده‌اند. ۸-ک: برتر آید؛ ل: برتر آمد ۹-ل: (لی: روان‌ها)؛ س: روانش ز دانش ۱۰-ق، ل، س: آ: وی؛ ک: روز؛ پ: بی؛ و: از؛ ل: آ: با) ۱۱-س: (نیز لی، ل، آ: آزمون و؛ ق: آ: کزو بازمون)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۲-ل: آ: کردار بد؛ لی: مردی که با دادگر) ۱۳-ق: آ: به یزدان ز دانش) ۱۴-ل، ق، ل، س: ۲ (نیز ق، ل، آ، ب): دانا و؛ متن = س، ک (نیز ل، لی، و-ب) ۱۵-ل: آ: آزد) ۱۶-ل: (ن: پادشا) ۱۷-ل: آرزوی؛ س: ۲ (نیز ق، آ، ل: آ: آرزو؛ لی: دلش آرزو؛ پ: ب: دل از آرزو)؛ متن = س-ل: ۲ (نیز ل، و، ل، آ) ۱۸-ق: آ: اگر) ۱۹-ل: آ: اگر آرزوی ز) ۲۰-س: ۲ (نیز آ: بیوی؛ ب: بیوی) ۲۱-س: (نیز ل، ل، آ: ل: آ: و منه میوه ۲۲-ق: آ: و منه آرزو پیش خویش)؛ متن = ل، ق، ک، ل، آ: (نیز لی) ۲۳-ل، س: (نیز ل: کریزان شود؛ س: ۲ (نیز لی، ل، آ، ب، آ): که ریزان شود؛ متن = ق، ک، ل، آ: (نیز ق، آ، و، ل، آ، ب)؛ بنداری؛ و هو الذی تسمیه العرب سابور الجنود. قال: ثم اعتصب سابور بتاج السلطنة، و اجتمع اليه عظماء المملكة فوعد الناس خيراً ۲۴-ل: (تازد) ۲۵-س: (نیز ل، آ: ل: ز ۲۶-ل، س: (نیز ل، و، ل، آ: ل: بهره‌ش؛ ق: آ: بهره‌ش ز دانش)؛ متن = ۲۷-ق-س: آ: بهره‌ش نباشد ز دانش؛ لی، پ، ب: بهره ندارد ز دانش؛ آ: بهره نباشد ز دانش)؛ متن = (ل: آ: ۲۸-ق: (نیز لی، و، ل، آ: ل: زین ۲۹-ل: زین ۳۰-ق: آ: اختر همان چون نماید) ۳۱-س: ۲ (نیز لی، آ: ل: هم از ۳۲-ک: رزم ۳۳-ل: آ: چو من گفته و عده دلپذیر) ۳۴-ل، ق: ب: جا؛ متن = س، ک، ل، آ: س: ۲ (نیز ل، و-ب) ۳۵-ق-س: ۲ (نیز لی، آ، ب): بر؛ متن = ل، س (نیز پنج دستنویس دیگر)؛ پ بیت‌های ۴۹ و ۵۰ را ندارد

درم، تا به لشکر دهم^۳ اندکی
دلیری و مردی و بنیاد^۵ هست^۶
که دشمن شود دوست^۸ از بهر^۹ چیز!
به مهریم بر^{۱۱} مردم دادخواه^{۱۲}!
بجویم بیدار^{۱۳} کار جهان^{۱۴}!
که بر ما کنند از جهان آفرین^{۱۶}!

۵۰ ز دهقان نخواهم جز از سی^۱ یکی^۲
ما خوبی و گنج آباد هست
ز چیز کسان بی نیازیم نیز^۷
بر ما شما را گشادهست^{۱۰} راه
به هر سو فرستیم کاراگهان
نخواهیم هرگز جز از^{۱۵} آفرین ۵۵

زبانها^{۱۹} به خوبی^{۲۰} بیاراستند
زبرجد به تاجش برافشاندند
بدو شاد^{۲۳} گشتند برنا و پیر
که بیکار شد تخت شاهنشهی
به شاپور بسپرد گنج^{۲۷} و سپاه^{۲۸}

مهان و کهان^{۱۷} پاک^{۱۸} برخاستند
به شاپور بر آفرین خواندند
همان^{۲۱} تازه شده رسم^{۲۲} شاه اردشیر
و زان پس پراگنده گشت^{۲۴} آگهی
۶۰ بمرد اردشیر^{۲۵} خردمندشاه^{۲۶}

گفتار اندر رزم شاپور با رومیان^{۲۹}

ز^{۳۱} قیدافه برگاشتند^{۳۲} باز^{۳۳} روم
بیاراست کوس و درفش و سپاه^{۳۶}

خروشی برآمد^{۳۰} ز هر مرز و بوم
چُن^{۳۴} آگاهی آمد^{۳۵} به شاپور شاه

۱-ل: (نیز لی، آ، ب): صد؛ (ق: آ: مگر ده؛ و: بجز ده): ک: (نیز لن: آ): نخواهم جز از صد (لن: آ: ده): ۲-ل: (نخواهیم پاژ از کسی): متن = ل، س، ق، س، آ (نیز لن): بنداری: و التزم لهم أن يتقبل أباه في الاحسان الى الرعية و الترفرف عليهم بجناح العاطفة و الرأفة، و ألا يتوخی فيهم إلا ما يتضمن مصالحهم و ألا يأخذ من الدهاقین اکثر من الثلث، و لا یغلق علی متظلم باب العدل ۳-ک: دهد: ل: ۲: دهند ۴-ق: آ: خود بی: ل: آ: مرا شهر و هم) ۵-ل: (نی: دینار) ۶-س: دست ۷-ب: بی نیازم بنیز) ۸-ل: مردم: متن = چهارده دستنویس دیگر ۹-ق: بییم ۱۰-ل: آ: و گر دادخواهی درآید ز) ۱۱-ل: (نیز ب): با: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ل، س، آ: نیکخواه؛ (و: کینه خواه): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-ل: (لن: آ: بیداد) ۱۴-ک: نهان: ق: بیت های ۵۴ و ۵۵ را ندارد ۱۵-ل: (نیز ق: آ): بجز: (ل: آ: جز آن): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-ل، ک، ل، آ، س: ۲ (نیز لی، پ، آ، ب): کند موبد پاکدین: متن = ل، س (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ): ۱۷-ل: آ: کهان و مهان ۱۸-ک: جمله ۱۹-ل: زبان را؛ (و: روان را) ۲۰-ل: (ن: آ: به خوبی زبانها): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-ل: همی: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-ل: آ: راه ۲۳-ل: (آ: تازه): بنداری: فقام اکابر الحاضرين و دعواله و اثنواعلیه، و نثروا علیه الجواهر، و انقض المجلس ۲۴-ل، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ق: آ، لی، آ، ب): شد: متن = س، ک (نیز لن، ل، آ، لن، آ) ۲۵-ل، ق، ک، س: ۲ (نیز و، آ، ب): اردشیر آن: متن = ۲۶-ل: آن خردمند شاه اردشیر: متن = س، ل، آ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۷-ق، ل، آ، س: ۲ (نیز پ، آ، ب): تخت: متن = ۲۸-س، ق، س: ۲ (نیز لن، پ، آ، ب): کلاه: ک: تاج و کلاه؛ (لی: تاج و سریر: ق: آ: تبه گشت کوش و درفش و سپاه): متن = ل، ل، آ (نیز ل، آ، و، لن، آ): بنداری: ثم سارت الأخبار فی اطراف الأقالیم بموت اردشیر و قعود شاپور فی مکانه من الملک ۲۹-س: جنگ شاپور با رومیان و هزیمت شدن لشکر روم: ق: لشکر کشیدن شاپور به جنگ قیصر روم: ل: آ: رفتن شاپور به جنگ رومیان: متن = [گفتار اندر +] ل: ک، س: ۲ در اینجا سرنویس ندارند ۳۰-ق: آ: خروشیدن آمد) ۳۱-ق: به ۳۲-س، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ق: آ، لی، پ، لن، آ، ب): برداشتند ۳۳-ل: برگاشته تابه: ک: برگاشتند تابه: (ل: آ: برداشتندش به): متن = (و) ۳۴-ل: ک (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، لن، آ، ب): چو: متن = س: ۲ (نیز آ) ۳۵-ل: آ: سپردند شاهی) ۳۶-س: ۲ (نیز لن، ق، آ، آ): (و) ۳۷-ق، ل، آ، ل: آ: سپاه: ل: آ: این بیت را ندارد

همی راند تا پیش التونیه^۱ سپاهی ز قیدافه آمد برون
 ۶۵ ز التونیه^۵ همچین لشکری^۶ برانوش^۹ بُد نام آن پهلوان
 که بودی^{۱۱} بر قیصران ارجمند چو برخاست آواز^{۱۴} کوس از دو روی
 و زین^{۱۶} سو بشد نامداری دلیر برآمد ز هر دو سپه کوس و عو^{۱۸}
 ۷۰ ز بس ناله‌ی بوق و هندی‌درای تیره بیستند بر پشت پیل
 زمین جنب^{۲۴} جنبان شد و پُر ز^{۲۵} گرد سپاهی سبک بی‌کیار از^۲ بُنه
 که^۳ از گرد خورشید شد تیره‌گون^۴ بیامد، سپهدارشان^۷ مهتری^۸
 سواری سرافراز و^{۱۰} روشن‌روان کمندافگنی^{۱۲}، نامداری^{۱۳} بلند
 ز قلب اندرآمد گو^{۱۵} نامجوی کجا نام او بود کرزسپ^{۱۷} شیر
 بجنید در قلب شاپور گو^{۱۹} همی چرخ^{۲۰} ماه اندرآمد^{۲۱} ز جای
 همی برشد آوازشان^{۲۲} بر^{۲۳} دو میل چو آتش درخشان^{۲۶} سنان^{۲۷} نبرد^{۲۸}

۱-س. ل. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲، پ. و. ل. ۲): بالونیه (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ق (نیز ب): عموریه؛ ک: تاکوبنه؛ س ۲ (نیز ل. آ): قالونیه؛ متن = ل؛ بنداری: فاطاع بعض واستعصی بعض. وأنهی الخبر بأن أهل قیدافه عصوا و امتنعوا من أداء الخراج فسارفی عساكره الی أن نزل علی التونیه
 ۲-ل. ک. ل. ۲: بی نیاز از؛ س. ق: بی نیاز و؛ س ۲: بی نیاز و؛ (ل. ن. آ، ب: بی تار و؛ پ: بی هیون و؛ ل. ۲: بی تبار و؛ و: نی بار و) (حرف سوم بی نقطه)؛ ق ۲: گران با سلیح و؛ ل: سبک پی به نان و)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ل ۳ این بیت را ندارد؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

همه پاک با جوشن و تیغ و تیر به کف بر نهاده روان ناگزیر

۳- (ل. ن. پ. ر) ۴- (ل. ۳: سرنگون)؛ س ۲ بیت‌های ۶۴ و ۶۵ را ندارد ۵-س. ل. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲، پ. و. ل. ۲): بالونیه (حرف‌های یکم و پنجم بی نقطه)؛ ق (نیز ب): عموریه؛ ک: تاکوبنه؛ (ل. آ: قالونیه؛ و: پالونیه؛ ل ۳: بیامد گران)؛ متن = ل ۶-ق: لشکری همچین؛ (ل: همچنان لشکری) ۷- (و: سپهدار او) ۸-ق: بارزین؛ (ق ۲: سروری؛ ل ۳: سپهدارشان پهلوان سروری) ۹-س ۲ (نیز آ، ب): نیانوش؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فخرج عسکر عظیم من قیدافه و انضم الیهم عساكر التونیه. و كان بهلوان الكل رجل یسمى برانوش
 ۱۰-س. ل. ۲، س ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲، ل. پ. و): < و >؛ متن = ل. ک (نیز ل. ۳، ل. ۲، آ، ب): ق این بیت را ندارد ۱۱- (و: بودش)؛ ل: کجا بود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ق-س ۲ (نیز ق ۲، ل. پ. آ، ب): افگن و؛ متن = ل. س (نیز ل. ن. ل. ۲، و. ل. ۲) ۱۳- (ل. ل. آ، ب: نامدار و) ۱۴-ق. ک: آوای
 ۱۵- (ل. ۳: شه)؛ در ل ۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۶-ک. س ۲ (نیز آ): و زان ۱۷-س: کردست؛ ک: کرزاب؛ (ل. ن: کردسب؛ ق ۲: کرساب؛ ل: کوزسب؛ ل ۳: ب: کرزاسب؛ پ: کرشاسب؛ و: کرازسب)؛ متن = ل. ق. ل. ۲، س ۲ (نیز ل. ن. آ، ب) ۱۸-ق (نیز ق ۲، ل. ل. ۳، ب): عو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- (ق ۲، پ: نو)؛ ل: قلبگه شاه نو؛ (ل: بر قلب سالار نو؛ ل ۳: سالار شاپور نو)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

دلاورسواری که گاه نبرد
 به آورد هر دو برآویختند
 فراوان ز هر گونه جستند کین
 سرانجام لشکر همه همگروه
 ۵ برآمد ز هر دو سپه گرد رزم
 چه همکوش او زنده پیل و چه مرد
 همی خاک بر اختران بیختند
 نه این زان سته شد نه نیز آن ازین
 به هم برشکستند چون کوه کوه
 چه رزمی که مانده بود آن به بزم

۲۰-ل. ک (نیز ق ۲، ل. و. ل. ۲): چرخ و؛ متن = س ۲ (نیز ل. ل. پ. آ، ب) ۲۱- (ل. ۳: آید)؛ ل ۲ بیت‌های ۷۱ و ۷۲ را ندارد ۲۲-ک: آوایشان
 ۲۳-س: تا؛ ق (نیز ب): آوازاسب از؛ س ۲ (نیز ل. آ): آواز کوس از؛ (ل. ن. پ: آواز اسبان؛ ق ۲: آواز ایشان؛ و: آواز او بر؛ متن = ل (نیز ل. ۳، ل. ۲)
 ۲۴-ل: جنب و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-ق. ک < و > (نیز ب < و >، و. ب): ابر و ۲۶-ق. ک (نیز ق ۲، ل. ۳، ب): درفشان؛ متن = ل. س، س ۲ (نیز ل. ل. پ. و. ل. ۲) ۲۷-س ۲: بسان ۲۸- (و: بس لاژورد (حرف یکم بی نقطه))؛ ل ۲، آ این بیت را ندارند

زوانی^۱ کجا با خرد بود^۲ جفت
 ۷۵ برانوش^۵ جنگی به قلب اندرون
 و زان رومیان کشته شد سی هزار^۷
 هزار و دو سیصد گرفتار شد
 فرستاد قیصر یکی یادگیر
 که چندین تو^{۱۰} از بهر^{۱۱} دینار خون
 ۸۰ چه گویی، چو^{۱۳} پرسدت^{۱۴} روز شمار؟
 فرستیم^{۱۶} باژی چنان^{۱۷} هم که بود
 همان نیز با باز^{۱۹} فرمان کنیم^{۲۰}
 ز التونیه^{۲۲} بازگردی رواست
 همی بود شاپور تا باز و ساو
 ۸۵ غلام و پرستار رومی هزار
 به التونیه^{۳۰} در بید^{۳۱} روز هفت^{۳۲}
 یکی شارسنان نام شاپورگرد^{۳۴}
 - «ستاره همی بارد از^۳ چرخ» - گفت^۴
 گرفتار شد با دلی پر ز خون
 به التونیه^۸ در صف کارزار
 دل جنگیان^۹ پر ز تیمار شد
 به نزدیک شاپور شاه اردشیر،
 بریزی، تو با داور^{۱۲} رهنمون،
 چه پوزش کنی^{۱۵} پیش پروردگار؟
 برین^{۱۸} نیز دردی نباید فرود!
 ز خویشان^{۲۱} فراوان گروگان کنیم^{۲۰}!
 فرستیم با باز هر چت^{۲۳} هواست^{۲۴}!
 فرستاد قیصر^{۲۵} ده انبان^{۲۶} گاو^{۲۷}
 گر انمایه دیبا^{۲۸} نه اندر^{۲۹} شمار
 ز روم اندر آمد به اهواز رفت^{۳۳}
 بر آورد و پردخته شد^{۳۵} روز ارد^{۳۶}

۱-ل، ق-س^۲ (نیز لی، پ، آ، ب): روانی؛ س (نیز ق، و، ل، ن، آ): زبانی؛ (لن: زفانی؛ ل: زبانی)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲-ک: کجا بود با عقل
 ۳- (لی: آن) ۴- (ق: بجز نام دادار کیهان نه گفت؛ و: همی از خرد نام یزدان بگفت) ۵- س^۲ (نیز آ، ب): نیاوش ۶- ل، ک، ل^۲ (نیز لی، ل^۲، و): ده؛ س (نیز لن، پ): سه؛ متن = ق، س^۲ (نیز لن^۲، آ، ب): بنداری: ثلاثون الف ۷- (ق: بی شمار) ۸- س، ل^۲ (نیز لن، پ، و): بیالونه (بی نقطه)؛ ق (نیز ب): بعموریه؛ ک: باکونه (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ س^۲ (نیز لی، آ): بقالونیه؛ (ق: ل^۲، آ: بیالونیه)؛ متن = ل؛ بنداری: التونیه ۹- (پ: رومیان)؛ بنداری: فلقی سابور و جرت بینهم علی باب المدینه وقعة عظيمة أسر فیها برانوس مع ألف و ستمائة نفس، و قتل منهم ثلاثون ألفا ۱۰- ل (نیز ق^۲): تن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱- (لی: مکر) ۱۲- ک: بادادم و؛ (ق: داورای)؛ ل^۲، س^۲: یادآور از؛ (پ: نه دار را؛ آ: تو باداد او چون کنی)؛ متن = ل، س، ق (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۳- ک، ل^۲، س^۲ (نیز آ): که؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، لی-لن^۲، ب) ۱۴- ل، ق: پرسند؛ (ق: پوزش کنی توبه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- (ق: عذر آوری) ۱۶- ل: فرستاد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷- (لی: کنون) ۱۸- س، ق، ل^۲ (نیز لی): بدین ۱۹- ک: باج؛ (ق: تاج با باج) ۲۰- ق: بریم ۲۱- (ق: وزیشان) ۲۲- س، ل^۲ (نیز لن، ق: ل^۲، ل^۲، ن^۲): بالونیه؛ ق (نیز ب): عموریه؛ ک: باکونه؛ س^۲ (نیز آ): قالونیه؛ (لی: قالویه گر)؛ متن = ل ۲۳- ک: هرکت ۲۴- ل: رواست؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: فأرسل قیصر عند ذلك الی سابور، و نضرع الیه و طلب الصلح، و التزم الخراج علی أن ینصرف عن باب التونیه ۲۵- ک: گوهر ۲۶- (ق: انبار؛ ل: بانبار)؛ ل^۲، س^۲ (نیز آ، ب): ده از چرم ۲۷- (لی: از چرم بار)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

پر از زَر و دینارها قیصری فزوده برو چیزها برسی

۲۸- ق (نیز ب): هدیه؛ (ل: دیدار) ۲۹- (ق: بسی در؛ و، ل، ن، آ: فزون از)؛ بنداری: فأجابه سابور الی ذلك. فنقد الیه ملء عشرة من جلود البقر ذهباً من الدنانیر القیصریه و ألف و صیفة و أنواعاً کثیرة من الثیاب ۳۰- س: بالونه (تنها حرف ششم نقطه دارد)؛ ق (نیز ب): بعموریه؛ ک: باکونه؛ ل^۲ (نیز لن، ق: ل^۲، ل^۲، ن^۲): بیالونیه؛ س^۲: بقالونیه؛ متن = ل ۳۱- (لی: ز قالویه در بند) ۳۲- (لن، ق: و: هفت روز) ۳۳- (لن، ق: آ: باهواز روز؛ و: به هشتم چو بفروخت گیتی فروز)؛ و پس از این بیت افزوده است:

ز روم اندر آمد به اهواز رفت ابا لشکر گشن و با ساز رفت

۳۴- ک، ل^۲: بود (پساوند ندارد) ۳۵- ل، س، ق: پرداخت در؛ ک: پرداخت شد؛ ل^۲ (نیز لن، لی، پ، ل، ن، آ، ب): پرداخت از؛ و: پرداخت از؛ (و: پرداخت در)؛ متن = (ل^۲) ۳۶- (ل: کرد؛ ق: آ: که گویند با داد شاپور کرد)

همی بُرد یک سال^۱ از آن^۲ شهر^۳ رنج^۴
 یکی^۵ شارستان کرد^۶ آبادبوم
 ۹۰ در خوزیان^{۱۱} دارد آن^{۱۲} بوم و بر^{۱۳}
 به پارس اندرون شارستانی^{۱۴} بلند
 کهن دز به شهر نشابور کرد^{۱۷}
 همی برد هر سو^{۱۹} برانوش^{۲۰} را
 یکی رود بُد پهن در شوشتر^{۲۲}
 ۹۵ برانوش^{۲۶} را گفت کز^{۲۷} هندسی
 [که ما باز گردیم و این^{۳۱} پُل به جای
 به رش^{۳۴} کرده بالای این^{۳۵} پل هزار
 تو از دانشی^{۳۸} فیلسوفان روم
 برداخت^۵ بسیار با رنج^۶ گنج^۷
 برآورد^{۱۰} بهر اسیران روم
 که دارند هر کس برو^{۱۴} بر گذر^{۱۵}
 برآورد پاکیزه و سودمند
 که گویند با داد شاپور کرد^{۱۸}
 بدو داشتی در^{۲۱} سَخُن گوش را
 که ماهی^{۲۳} نکردی بروبر^{۲۴} گذر^{۲۵}
 پُلی ساز آن جا^{۲۸} چنان^{۲۹} چون رسی^{۳۰}،
 بماند^{۳۲} به دانایی^{۳۳} رهنمای!
 بخواهی^{۳۶} ز گنج آنچه باید^{۳۷} به کار!
 فراز آر و خندان کن این^{۳۹} مرز و بوم!

۱-ل: سالار ۲-ل، س: زان ۳-ک: از آن کار یک سال؛ (ل ۳): از آن شاه یک سال؛ (ن ۲): بود یک سال آنجا به (۴-ل: گنج؛ متن = ق، ل ۲) (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب) ۵-ل، ق (نیز ل ۲، پ): پردخت؛ متن = یازده دستویس دیگر ۶-ک، س ۲ (نیز ل، پ، آ، ب): بارنج بسیار؛ (ن: زان رنج) ۷-ل: با گنج رنج؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ بنداری: فارتحل سابور و عاد و راء حتی وصل الی الأهواز فامر ببناء مدینة تسمى سابور کرد، و أنفق فی بنائها أموالاً کثیرة حتی فرغ منها ۸-ل، س ۲: دگر؛ متن = س-ل ۲ (نیز ل-ل ۲، و-ب) ۹-ل، س (نیز ل، ق، ل ۲، ل ۲، ل ۱): بود؛ متن = ق-س ۲ (نیز و-ب) ۱۰-ل: پردخت؛ س ۲ (نیز ب): برآورده؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ پ این بیت را ندارد ۱۱-س: خورسان؛ (ن: خوزستان؛ ل ۲: که در خورشان)؛ متن = ق-س ۲ (نیز ق ۲، پ، آ، ب): بنداری: بلاد الخوز ۱۲-س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ل، پ، آ): این؛ متن = ک (نیز ق ۲) ۱۳-ک: بود بر؛ ل: چنان ساخت آن شارستان سربر ۱۴-ل، ق: بدو بر؛ س ۲ (نیز ل، آ، ب): دارد برو هر کسی؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ل، ق، ل ۲، پ، ل ۲) ۱۵-ل ۲: رهگذر؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم بنی مدینة أخرى و أسکنها أساری الروم، و هی علی رأس الطريق المملوک من بلاد الخوز ۱۶-ل، ک (نیز و): شارستان؛ س، ق (نیز ل، پ، ل ۲، آ، ب): شارسانی؛ ل ۲: شارسان؛ متن = س ۲ (نیز ل، ق، ل ۲، آ، ب): پس از این بیت افزوده اند:

یکی شارستان کرد در سیستان در آنجای بسیار خرماستان
 که یک نیم او (س ۲: نیمی از آن) کرده بود اردشیر دگر نیم (س ۲: نیمه) شاپور گرد دلیر

۱۷-ل: بود؛ متن = س-س ۲ (نیز ل، ق، ل، پ، ب) ۱۸-ل: بود؛ (ق ۲): برآورد و پردخت از روز کرد؟؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۱۹-ق (آ: جا) ۲۰-س ۲ (نیز ل، آ، ب): نیاوش ۲۱-ک: بر؛ بنداری: و بنی بفارس مدینة أخرى کبيرة. و بنی فُهَنْدُز نیاپور. و کان برانوس أسیراً یحمله معه و هو مع ذلک بصفی الی کلامه و یشاوره ۲۲-آ: سوی شهر) ۲۳-پ: پیلی) ۲۴-ک: بدو در؛ (ب: درودر) ۲۵-آ: برور هگذر) ۲۶-س ۲: نیاوش ۲۷-ل، س ۲ (نیز و): گر؛ س، ک، ل ۲ (نیز ل، ل ۲، پ، ل ۲، آ): اگر؛ متن = ق (نیز ق ۲، ل، آ) ۲۸-س ۲ (نیز آ): ازین جا؛ (ل: از آن جا)؛ س: سازی این را؛ ل ۲: سازی آن جا؛ ک: یکی ساز این را؛ متن = ۲۹-پ: بسازی پلی این چنین)؛ متن = ۳۰-س: یک بسی؛ (ل: پلی سازی این رود را طاق سی)؛ متن = ل (نیز ل ۲، و، ل ۲) ۳۱-ل (نیز ل ۲): وان؛ س (نیز پ): وین؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۲-ق (آ: بلداند) ۳۳-ق: برآسایی ای؛ ک، ل ۲، س ۲ (نیز ل، آ، ب): به آسانی؛ متن = ل، س (نیز ل، ق، ل ۲-ل ۲)؛ ل ۲ در اینجا سرنویس دارد: بنیاد نهادن شاپور شادروان و پول شوشتر را ۳۴-س ۲ (نیز ل، آ، ب): ارش؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۵-ک، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲): آن ۳۶-ق: بخواهد؛ ک، ل ۲: نخواهم؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۷-ل، ک (نیز ق ۲، ل، آ): آید؛ (پ: خواهی)؛ متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، و، ب) ۳۸-ق، ک (نیز ق ۲، ل ۲): دانش؛ (و: آن دانش)؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۹-ل: فراز آر چندی بران؛ ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، پ، آ): فراز آر چندان کزین؛ ل ۲ (نیز و): فراز آر چندی ازین؛ (ل: فراز آر چندین بدین؛ ل ۲: فراز آر چیزی بدین؛ ب: فراز آر چندی درین)؛ متن = س (نیز ل، ل ۲)

برو، تازیی^۴ باش مهمان^۵ خویش،
 ز بد دور و از^۷ دست^۸ آهرمنی^۹!
 فراز آوریدش بر آن^{۱۲} کارکرد^{۱۳}]
 که زان باشد آسانی مردمان]
 سوی خان خود روی بنهاد و^{۱۷} تفت

چُن^۱ این پل^۲ برآمد^۳ سوی خان خویش
 ۱۰۰ ابا شادمانی و با ایمنی^۶
 [به تدبیر آن پل باستاد^{۱۰} مرد^{۱۱}
 [پردخت^{۱۴} شاپور گنجی بر آن
 چو شد پل^{۱۵} تمام او ز ششتر^{۱۶} برفت

بلنداختر و تخت شاهی به جای
 پراکنده شد فر و اورنگ^{۲۱} شاه^{۲۲}

همی بود شاپور با داد و رای
 ۱۰۵ چوسی^{۱۸} سال بگذشت^{۱۹} بر سر دو ماه^{۲۰}

۱-ل-۲ (نیز نه دستنویس دیگر): چو؛ متن = س ۲-۲-۲: آن یک ۳-ک، س ۲ (نیز ل، ل ۳، و): برآید؛ (ق ۲: بر آری) ۴-ل: تازه می؛
 (پ: تابوی؛ و، ل: ۲: تازنان؛ ق ۲: تو بر تازی): متن = س-س ۲ (نیز ل، لی) ۵-ق (نیز ب): شاد و نازان بیمان؛ (ل ۳: بزی شاد چون جان؛ آ:
 باش آسوده مهمان) ۶-ل: اهنی (؟)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۷-ل، س، ق، س ۲ (نیز ل، پ، و، ل: ۲): وز؛ متن = ک، ل ۲ (نیز ق ۲، لی،
 آ، ب) ۸- (پ: کیش؛ ل ۲: دور دست ز) ۹-س ۲ (نیز ل، ق، لی، و، ل: ۲): اهریمنی؛ بنداری: قال: و کان بستر واد کثیر الماء عمیق جداً
 فقال لبرانوس: إن كنت مهندساً فاعقد قنطرة فی طول ألف ذراع علی هذا الماء. و اذا فرغت فارجع الی بلادک؛ س، ق، ل: ب بیت های
 ۱۰۱ و ۱۰۲ را ندارند؛ س ۲ پس از بیت ۱۰۲ و لی، آ، ب به جای بیت های ۱۰۱ و ۱۰۲ افزوده اند:

به رنج فراوان و زر و گهر

نیانوش بست آن پل شوشر

ل ۳، پ به جای بیت های ۱۰۱ و ۱۰۲ آورده اند:

فرستاده پاک و روشن روان
 ردان و مهندس سران بخردان (پ: مهتران)
 مگر دور گردد ز گردش غل
 همان نیز مردان کاریگران
 بر آن پل گذر کرد و جمله سپاه (پ: برو بر کنده راه و باو سپاه)

برانوش بر کرده هر سو دوان
 بدان تا بیایند کاریگران
 بسازند یکر همه ساز (پ: کار) پل
 فرستاده (پ: فرستادگان) رفت و آمد دوان
 ۵ یکی پل بکردند چونان که شاه

بنداری هم مضمون این ابیات الحاقی را دارد: فجذ برانوس و اجتهد و جمع الصناع من جميع البلاد و أحضر لها المهندسين ففرغ من
 بنائها. و عاد الملك من وجهه و عبر علی تلك القنطرة مع جنوده؛ و به جای بیت های ۱۰۱ و ۱۰۲ آورده است:

ببخشمت چندان من از خواسته
 برانوش در کار پیوست کار
 که گردد بدان جان آراسته
 بران نامور آفرین گترید

۱۰-ک: استاد ۱۱-س ۲: کرد ۱۲-ل ۲: بدان ۱۳-ک: ز هر جای مرد؛ ق ۲ به جای این بیت آورده است:

به کار اندر آمد برانوش مرد
 به سه سال آن پل تمامی بکرد

۱۴-ک، ل ۲: پرداخت؛ متن = ل، س ۲؛ بنداری: فاشتغل برانوس بذلك طلباً للخلاص، بعد أن حکمه الملك فی خزائنه ليفتق علی العمارة
 ما یرید؛ ل، س ۲ پس از این بیت افزوده اند:

چو شد شه برانوش (س ۲: بر آن نوش) کرد آن تمام
 یکی کرد بالا هزارانش گام

۱۵-ق، ل ۲: آن ۱۶-ل ۲: ز پیش؛ ک: آن پل تمام او بیستش؛ (و: برانوش از آن پس ز ششتر) ۱۷-س-س ۲ (نیز ل، ق ۲، پ-آ): <و>؛
 متن = ل (نیز لی، ل ۲، ب)؛ بنداری: و أطلق برانوس فعاد الی بلاده ۱۸- (و: شش) ۱۹-س، ل ۲ (نیز پ، ل، آ، ب): بگذشت و؛ س ۲: بگذشت
 ۲۰- (لی: سه سال) ۲۱- (ل، پ، ل، آ، ب: اورند؛ و: اروند)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- (لی: و مال)؛ بنداری: قال الفردوسی: فبقی سابور
 مستقراً علی سریر الملك موطناً للرعية أکناف العدل و الأمن حتی أنت علیه من ملکه ثلاثون سنة فطلعت علیه طلائع المنية

بدو گفت: شد زرد روی^۲ فرزند^۳!
جهانديدگان را خريدار^۵ باش!
بخوان روز و شب دفتر جمشيد!
پناه كهان^۸ باش و فر^۹ مهان!
همان^{۱۱} داده باش و فرخنده باش!
چو خواهی كه بخت بود يارمند^{۱۳}!
چنان هم كه من دارم^{۱۵} از اردشير^{۱۶}!
دلِ مرد بُرنا^{۱۷} پُر از درد گشت!

بفرمود تا رفت پيش^۱ اورمزد
تو بيدار باش و جهاندار^۴ باش!
نگر تا به شاهی نداری^۶ اميد
بجز داد و خوبی^۷ مكن در جهان!
به دينار كم ياز^{۱۰} و بخشنده باش!
مزن بر كم آواز^{۱۲} بانگِ بلند
همه^{۱۴} پند من سربسر يادگير
بگفت اين و رنگِ رخس زرد گشت

چه نازی به نام^{۲۱} و چه نازی به گنج؟
خورد رنج^{۲۴} تو ناسزاواركس!
نه نزديك خويشان و پيوند تو!
همه زهر شد پاسخ پای زهر!
كه اويست روزی ده و^{۲۷} رهنمای!
كه صلوات^{۳۱} تاجست بر منبرش!

چه سازی^{۱۸} همی زين^{۱۹} سرای سپنج؟^{۲۰}
ترا تنگ تابوت بهرست و^{۲۲} بس^{۲۳}!
نگيرد ز تو ياد فرزند تو
ز ميراث دشنام يابی تو^{۲۵} بهر
به يزدان گرای^{۲۶} و سخن زو فزای
[درود تو^{۲۸} بر گور^{۲۹} پيغامبرش^{۳۰}

۱- (لی، آ: پيش رفت) ۲- ل: کای چون گل اندر؛ متن = س، ق، ل، ۲، س^۲ (نيز نه دستنويس ديگر) ۳- ک به جای اين بيت افزوده است:

بخواند اورمزد او و بنشاند پيش فراوان بگفتش نکويند خویش

۴- (ب: جهانجوی (پساوند ندارد)) ۵- ق، ک، ل، ۲ (نيز پ، ب): آبر (ک، ل، ۲: ابا) داد همواره سالار؛ (ق: ۲: جهانديده را مر خريدار): متن = ل، س، ۲ (نيز لن، لی، ل، ۳، و، لن، آ، ۶- آ: ندارد)؛ ل: آ: نداری به شاهی ۷- ق-س ۲ (نيز ق ۲، لی، پ، آ، ب): نيکی؛ متن = ل، س (نيز لن، ل، ۳، و، لن، ۲) ۸- ل ۲ (نيز ل ۳): کيان ۹- س: آن، ک، ل، ۲ (نيز و): تاج؛ س ۲ (نيز لی، لن، آ، ب): پشت؛ متن = ل، ق (نيز لن، ق، ۲، ل، ۳، پ) ۱۰- ل، س، ق (نيز لن، لی، پ): ناز (حرف يکم بی نقطه)؛ ک، س ۲ (نيز ل ۲، لن، ۲): ناز؛ (آ: ناز)؛ متن = ل ۲ (نيز و، ب): ق ۲ از ۱۰۷ اب و ۱۱۰ آيک بيت ساخته است:

جهانديده را مر خريدار باش به دينار كم ناز و بيدار باش

۱۱- ل: ۲: همه ۱۲- ل، س، ل، ۲، س ۲ (نيز لن، لی، ل، ۳، آ، ب): آزار؛ (ق: ۲: کس آواز)؛ متن = ق، ک (نيز پ، و، لن، ۲): بنداری: فاستحضر ولده اورمزد، و هو هر مز. فعهديه و اوصاه بان يعدل الى الرعية و الأيرفع صوته فوق كل ذي صوت خافض ۱۳- (لی: سودمند) ۱۴- س: همی؛ ق: همين ۱۵- ک، ل، ۲: چنان دان كه من دانم (ل: دارم) ۱۶- (ب: جمشيد) ۱۷- ک، س ۲ (نيز آ): دانا؛ بنداری: ولا يسلک غير طريق العدل، ولا يحرص على جمع الكنوز و اقتناء الأموال، و أن يكون متيقظاً في جميع الامور. ثم قضى نجه و سلک سبيل الذاهبين، و ورد موارد الأولين ۱۸- (و: نازی؛ ب: خواهی) ۱۹- (ل: ۳: اين) ۲۰- ق: خواهی همی زين سپنجی سرای ۲۱- ق: رای ۲۲- ق (نيز لن، لی): < ۲۳- (لن، لی: پس) ۲۴- ل، ق، ک، ل، ۲، س ۲ (نيز لی، آ، ب): گنج؛ متن = س (نيز لن، ل، ۳- لن، ۲)؛ ق ۲ بيت های ۱۱۵-۱۱۷ را ندارد ۲۵- (لی: دو): ل: باشدت؛ متن = سيزده دستنويس ديگر ۲۶- ل: گرا؛ متن = سيزده دستنويس ديگر ۲۷- (لی: پ: نيکی ده؛ و: بر نيك و بد) ۲۸- (پ: از تو) ۲۹- ق: قير؛ (ق: ۲: روح؛ و: جان) ۳۰- ل، ق، س ۲ (نيز لن، لی، پ، و، ب): پيغمبرش؛ متن = س، ل ۲ (نيز ق ۲، ل، ۳، لن، آ، ۳۱- س ۲ (نيز لی، آ، ب): نامش چو؛ ک اين بيت را ندارد؛ بنداری: و صلى الله على محمد و آله الطاهرين أجمعين؛ ق ۲، پ پس از اين بيت افزوده اند:

ق: ۲: گذشتم ز شاپور شاه اردشير ز گفتار داننده يادگير

در اورمزدی به پيش آورم سخن بدره دين و کيش آورم

پ: محمد رسول خدای و امين كه راه مسلمانی آورد و دين

۱۲۰ سرِ گاه و دیهیم شاه اورمزد بیارایم اکنون چو ماه اورمزد^۳
ز شاهی^۴ برو هیچ تاوان نبود بد آن^۵ بد که عهدش فراوان نبود

۱- ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ۳. پ): سرو؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- (ق. ۲: که؛ ل. ۳: چون) ۳- (و: از فرزد)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر
۴- (ق. ۲: شاهان) ۵- ک. س. ۲ (نیز ل. ۲): بر آن؛ س در اینجا سرنویس دارد: آغاز داستان؛ بنداری با ذکر عبارت «و ممّا أغفل الفردوسی
رحمه الله» روایتی از داستان عاشق شدن مالکه بر شاپور ذوالاکتاف را از منابع عربی در اینجا آورده و سپس روایت فردوسی را نیز
از آن داستان سر جای خودش ترجمه کرده است

اور مزدِ شاپور

پادشاهی اورمزد شاپور یک سال و چهار ماه بود^۱

چو بنشست شاه^۲ اورمزد بزرگ
چنین گفت کای^۵ نامور بخردان
بکوشیم تا نیکی آریم و داد
چو یزدان نیکی^{۱۰} دهش نیکوی
به نیکی کنم^{۱۳} ویژه همبازتان^{۱۴}
بدانید کان^{۱۵} کو منی فش^{۱۶} بود
ستیزه بود مر ورا^{۱۸} پیش رو
همان^{۲۱} رشک شمشیر نادان^{۲۲} بود
دگر هر که دارد ز هر کار ننگ^{۲۴}

به آبشخور آمد^۳ همی^۴ میث و گرگ!
جهان دیده^۶ و کار کرده^۷ ردان،
خُک آن که^۸ پند پدر کرد یاد!
به ما داد و^{۱۱} تاج^{۱۲} سر خسروی،
نخواهم که بی من بود رازتان!
بر مهتران^{۱۷} سخت ناخوش بود!
بماند^{۱۹} نیازش همه ساله^{۲۰} نوا
همیشه برو تخت^{۲۳} خندان بود (؟)
بود زندگانی^{۲۵} و روزیش تنگ^{۲۶}!

۱-ل: پادشاهی اورمزد یک سال و دو ماه بود؛ س: پادشاهی اورمزد شاپور یک سال و دو ماه بود؛ ق: پادشاهی اورمزد بزرگ یک سال و یک ماه بود؛ ل: پادشاهی اورمزد پسر شاپور؛ س: پادشاهی اورمزد بزرگ یک سال بود؛ متن = ک: بنداری؛ ذکر ملک هرمز بن سابور بن اردشیر. و لم یملک سوی سنة و اربعة اشهر ۲- (ق: آ: برگاه رفت) ۳- ل: (نیز آ): آید ۴- ک، س: آ: همه؛ بنداری؛ و کان یلقب بالجرى. و لم یحصل له روعة الملك لقصر مدته. و لما جلس فی مقام السلطنة مهد قواعد المعدلة، و بسط ظل الرفاعة علی الرعية حتی اتفق الذئب و الشاة فی المورد ۵- (و، ل: آ: با) ۶- ل، ق، س: آ: (نیز پ، و، آ، ب): گشته؛ متن = س، ک، ل: آ: (نیز ل: ل، ۳، ل: ۲) ۷- ل، ق، س: آ: (نیز پ، آ، ب): دیده؛ متن = س، ک، ل: آ: (نیز شش دستنویس دیگر) ۸- س: آ: (نیز ل: آ): هر که ۹- ل: آ: که بپذیرد از تندباد (حرف یکم از واژه دوم بی نقطه)؛ ق: این بیت را ندارد؛ در س: آ: این بیت بایست ۵ و در ل: ب بایست سپسین پس و پیش شده است ۱۰- س: آ: نیکو ۱۱- ل: (نیز ق: ل: آ: < >؛ س: (نیز و): بماناد و ۱۲- ل: آ: تاج و ۱۳- ق: منم ۱۴- ل: س: آ: (نیز ق: ل: آ، ل: پ، ب): انبازتان؛ متن = (ل: ل: آ) ۱۵- س: آ: (نیز آ): آن؛ (ق: ل: آ: هر) ۱۶- (ل: آ: منش و ش)؛ ک، ل: آ: کونه سرکش؛ ق: کس که طمعش؛ (پ: کس که سرکش)؛ متن = ل، س: (نیز ل: ل: و، ب) ۱۷- (پ، آ: بخردان) ۱۸- س، ق، ک، س: آ: (نیز ق: ل: ل: آ، ل: ل: ب): مرد را؛ (و: هر کرا)؛ متن = ل، ل: آ: (نیز ل: ل: پ، آ) ۱۹- ل: ک: بماند (نقطه ندارد)؛ س: نماند؛ (آ: نماید)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- ل: س: آ: (نیز ق: ل: پ، آ، ب): سال؛ متن = (ل: و، ل: ۲) ۲۱- (ل: آ: همه) ۲۲- (ق: آ: نالان) ۲۳- ل: ک، س: آ: (نیز ل: ل: آ، آ، ب): بخت (حرف یکم بی نقطه)؛ ل: آ: (نیز ق: ل: پ، و): بخت؛ متن = (ل: آ) ۲۴- (ل: آ: کردار نیک) ۲۵- س: آ: زندگانش و ۲۶- (ل: آ: نیک؛ ل: و روز بتنگ)

۱۰ در آزا^۱ باشد دل^۲ سفله مرد
 هر آنکس که دانش نیابی برش
 به مرد خردمند و فرهنگ و رای
 دلت^۵ زنده باشد^۶ به فرهنگ و هوش
 خرد همچو آبست و دانش^۸ زمین
 ۱۵ دل شاه کز مهر دوری^{۱۲} گرفت
 هر آنکس^{۱۴} که باشد مرا^{۱۵} زبردست
 بخشنودی کردگار جهان
 خردمند با^{۲۰} مردم پارسا
 همه سخنه باید که راند^{۲۲} سخن
 ۲۰ نباید که گویی جز از^{۲۵} نیکوی
 ببند دل پادشا راز تو
 چه گفت آن سخن گوی پاسخ^{۳۰} نبوش
 همه انجمن خواندند آفرین
 پراگنده گشت آن بزرگانجمن
 ۲۵ همان^{۳۷} رسم^{۳۸} شاپور شاه اردشیر
 جهانی سراسر بدو^{۴۰} گشت شاد^{۴۱}

بر سفلگان تا توانی مگرد!
 مکن رهگذر تا زبیبی^۳ بر درش!
 بود جاودان تخت شاهی به پای^۴!
 به بد در جهان تا توانی^۷ مکوش!
 بدان کین^۹ جدا، و آن^{۱۰} جدا نیست زین^{۱۱}!
 اگر باز گردد^{۱۳} نباشد شگفت!
 همه^{۱۶} شادمان باد^{۱۷} و یزدان^{۱۸} پرست!
 خرد یاد باد^{۱۹} آشکار و نهان!
 چو جایی^{۲۱} سخن راند از پادشا،
 که^{۲۳} گفتار نیکو نگرده^{۲۴} کهن!
 وگر^{۲۶} بد سراید کسی^{۲۷}، نشوی!
 همان بشنود^{۲۸} گوش^{۲۹} آواز تو!
 که دیوار^{۳۱} دارد به گفتار^{۳۲} گوش!
 بر آن شاه بیناد^{۳۳} پاک دین^{۳۴}!
 همه شاد از آن^{۳۵} سرو سایه فگن^{۳۶}!
 همی داشت آن^{۳۹} شاه دانش پذیر
 چه نیکو بود شاه با بخش و داد^{۴۲}!

۱- (ل: ۳) دل آزار؛ آ: پر آزار) ۲- ق (نیز ق: ۲): در ۳- ل، س، ک، ل، ۲ (نیز لن، پ، لن، ۲): تا زید؛ س ۲ (نیز لی): تا زیبی رهگذر؛ (ق: ۲): تا زید ره گذر؛ و، آ: تا توانی گذر؛ (ق: ۲): بده ره گذر تا زنی؛ متن = (ل: ۳، ب) ۴- س (نیز لن، ل، ۳، و، لن، ۲): به جای ۵- ل، ۳: دل ۶- (پ: دار زنده) ۷- س (نیز لن، و، لن، ۲): تا توانی به گیتی ۸- ق: آتش ۹- س ۲ (نیز ل: ۳): کان ۱۰- ل، ۱۰: ق: آن؛ (لی: کو جدا وین؛ ق: ۲): ازین آن جدا آن) ۱۱- ق: ک: ازین؛ (ب: نه این زان جدا آن جداست ازین)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز لن، پ، آ): بنداری؛ و مما یؤثر من کلامه ما قال: إن ثبات أسرة السلاطین لا یحصل إلا بأصحاب العقل و الرأی و الدین، و إن العقل ماء و العلم أرض لا ینبغی لأحدهما أن یفارق الآخر ۱۲- (ق: ۲): گر مهرورزی ۱۳- (ق: ۲): یار باشد؛ ل: تیره باشد؛ پ: تیره گردد) ۱۴- ل، ۲: هر آنگه ۱۵- ل، س، ۲: ترا ۱۶- (ق: ۲): همی؛ و: همان) ۱۷- (ل: ۳): باش) ۱۸- س، ۲: ایزد؛ ل: همه ساله باد اندرو دین؛ ک، آ این بیت را و ب بیت های ۱۶- ۱۹ را ندارند ۱۹- ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لن، ق، ۲، پ، و، آ): یار باد؛ (لن: ۲) باد با؛ ل: ۳: خردمند باش؛ متن = ل، س، ق (نیز لی) ۲۰- ل: گر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ اذا ذكرت الملوک عند العاقل ۲۱- (ل: ۳): جويا) ۲۲- س ۲ (نیز لی، آ): رانی ۲۳- ل، ۲: ز ۲۴- ل: بیهوده گردد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- ل (نیز ق: ۲، ل، ۳، پ): بجز؛ (آ: جزین)؛ متن = س- س- س ۲ (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب) ۲۶- (ب: اگر) ۲۷- ل: نگر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸- (ق: ۲، لی، ل، ۳، و، ب: نشنود) ۲۹- ک، س ۲ (نیز ق: ۲، ل، ۳، پ، و، آ، ب): گوشش؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز لن، لی، لن، ۲)؛ بنداری؛ فلا ینبغی إلا أن یكون کلامه بمعيار العقل موزوناً فإن ما یقولہ لا یبقی مکنوناً، فإن نطق فی حقهم فلینطق بالحسن و إن أسمع فیهم قیحا فلیزم سمعه بالصمم. فإن قلب الملك یری سره و یسمع رزه ۳۰- (و: لن: ۲): دانش) ۳۱- (ق: ۲): دینار) ۳۲- (ل: ۳): حدیث تو) ۳۳- ل: دل و؛ ک (نیز ل: ۳): بیدار دل ۳۴- (ق: ۲): راه بین؛ س ۲ (نیز لی، آ): بافرین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۵- ل، س (نیز لن، لن، ۲): زان؛ (ب: از)؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۳۶- ل: سایه سرو بن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۳۷- ک: همه؛ (ق: ۲): همی؛ و: که هم) ۳۸- (ب: رزم) ۳۹- س، ق (نیز لن، و، ب): این؛ (لن: ۲): ازین؛ متن = ل، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لی، ل، ۳، پ، آ) ۴۰- ک (نیز ب): برو ۴۱- (ل: ۳): شاد گشت) ۴۲- (ل: ۳): از آن نیکویی هادل آزاد گشت)

همی‌راند با شرم و با داد کار^۱
 بگسترد^۲ کافور بر جای مشک
 چو دانست کز مرگ نتوان گریخت
 ۳۰ بگسترد فرش اندر ایوان خویش
 بدو گفت کای^۶ پاک‌زاده پسر
 به^۷ من پادشاهی نهاده‌ست روی
 خم آورد بالای سرو سهی
 چو روز^۹ تو آمد^{۱۰} جهاندار باش!
 ۳۵ نگر تا نیچی سر از دادخواه!
 زبان^{۱۳} را مگردان به گرد دروغ
 روانت^{۱۵} خرد باد و دستور^{۱۶} شرم!
 خداوند پیروز یار تو^{۱۹} باد!
 ینہ کینہ و دور باش از هوا!
 ۴۰ سخن‌چین و بی‌دانش و چاره‌گر^{۲۱}
 ز نادان نیابی جز از^{۲۴} بتری^{۲۵}
 چنان دان که بی‌شرم و^{۲۸} بسیارگوی
 خرد را مه و خشم را^{۳۱} بنده دار!

چنین تا برآمد برین روزگار،
 گل^۳ ارغوان شد به پالیز خشک!
 بسی آب خونین ز نرگس^۴ بریخت!
 بفرمود کآیدش بهرام^۵ پیش
 به مردی و دانش برآورده سر،
 که رنگِ رخم کرد^۸ هم‌رنگِ موی!
 گلِ سرخ را داد رنگِ بهی!
 خردمند باش و بی‌آزار باش!
 نبخشی^{۱۱} ستمکارگان را گناه^{۱۲}!
 چو خواهی که تاج از^{۱۴} تو گیرد فروغ!
 سخن گفتنت چرب^{۱۷} و آواز^{۱۸} نرم!
 دلِ زیردستان شکار تو^{۲۰} باد!
 مبادا هوا بر تو فرمانروا!
 نباید که یابد به پیشت^{۲۲} گذر^{۲۳}!
 نگر سوی^{۲۶} بی‌دانشان^{۲۷} ننگری!
 نبیند^{۲۹} بنزد کسی^{۳۰} آبِ روی!
 مشو تیز^{۳۲} با مرد پرهیزگار^{۳۳}!

۱- (ق: ۲): کردگار: آ: داد و با شرم کار: ل: ۳: بود با شرم و با داد و کار) ۲- (ل: ۲): بگسترد (۳- ل: س: ۲ (نیز ل: ۲): گل و: متن = دوازده دستنویس دیگر: ل: س: ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

سهی سرو او گشت همچون کمان
 نبود از جهان شاد بس روزگار
 نه آن بود کان شاه را بُد گمان
 سرآمد بر آن (س: ۲: بدان) دادگرشهریار

۴- ل: دیده؛ (ل: ۲: مزگان)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵- ل: س: (نیز و): بهمین: ق (نیز پ، ب): تا رفت بهرام؛ س: ۲ (نیز ق: ۲، ل): کامدش بهرام؛ (ل: ۲: بهمین آمد به: ل: ۳: بهرام کامد به)؛ متن = ل: ۲ (نیز ل: ۲): ک این بیت را ندارد: ق در اینجا سرنویس دارد: اندرز کردن اورمزد بهرام را؛ بنداری: و لمادنت وفاته استحضار ولده، و کان یسمی بهرام ۶- (و: ایا): ق: بگفتا که ای: ل: ۲: چنین گفت کای؛ س: ۲ (نیز ل: ۱، آ، ب): بگفتش که ای؛ متن = ل: س: (نیز ل: ۲، ق: ۲، ل: ۲، پ، ل: ۲): ک این بیت را ندارد ۷- ل: ۲ (نیز ق: ۲): ز ۸- (ق: ۲، ل: ۲، ل: ۲): گشت) ۹- ل: دور؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۰- ل: ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ۲، آ، ب): آید ۱۱- (ل: ۲، آ: بیخی) ۱۲- (ق: ۲: نباشی ستمکاره را تو پناه) ۱۳- (ل: زفان) ۱۴- ل: (نیز ل: ۳، پ، و): <از>؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و عهد الیه وأوصاه و قال: أيها الولد الطاهر المتعلی علی الخلق بالرجولية والعلم! اصغ الی المتظلمین، و اصغ عن المینین، و اباک الحقد و الکذب ۱۵- ک: زیانت؛ (و: که رایت) ۱۶- (ق: ۲: روان خرد باد و دستور و) ۱۷- ک، ل: ۲ (نیز پ): خوب: ل: (نیز ق: ۲، و): گفتن خوب؛ متن = س: ق، س: ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۱۸- (ق: ۲، ل: ۲، و، ل: ۲: آوای) ۱۹- (ل: خداوند پیروزگر یار) ۲۰- (ل: ما شاد (پساوند ندارد)) ۲۱- (ق: ۲: بی هنر) ۲۲- س: ک (نیز ل: ۲، ل: ۲، پ، و، ل: ۲): یابند پیشت؛ متن = ل: ق، ل: ۲، س: ۲ (نیز ق: ۲، آ، ب) ۲۳- (ل: بندد به پیشت کمر) ۲۴- (ق: ۲، ل: ۲، پ، ب: جز) ۲۵- ل: ۲: تیریی (۹): (ل: بدتنی؛ ل: ۲: برتری) ۲۶- (ل: بکزی) ۲۷- ل: ۲: بیدادشان؛ (ل: ۲: بی دانشی) ۲۸- (نیز ل: ۲): <و> ۲۹- ق، س: ۲ (نیز پ، آ، ب): ندارد: ک، ل: ۲ (نیز و): نیابد؛ (ل: ۲: نگیرد)؛ متن = ل: س: (نیز ل: ۲، ق: ۲، ل: ۲) ۳۰- ک (نیز ل: ۲، پ، و، ل: ۲): کسان؛ بنداری: و من یکن نما ما او جاهلا او محتالا فلا یجدن له عندک مجالا. و اعلم أن قلة الحیاء و کثرة الکلام یؤدان وجه صاحبهما بین الأنام ۳۱- ک، ل: ۲: شرم را؛ (ق: ۲: خویشتن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- ک: تیره؛ (ل: ۲: مشو خشم) ۳۳- (ل: ۲: مردم هوشیار)

نگر تا نگرده به گردا تو آز
 ۴۵ همه^۵ بردباری کن و راستی
 پرهیز تا بد نگرده نام^۸
 ز راه خرد هیچ گونه متاب!
 درنگ آورد راستی^{۱۳} پدید
 سر بُردباران^{۱۶} نتابد^{۱۷} به خشم
 ۵۰ وگر^{۱۹} بردباری^{۲۰} ز حد بگذرد
 هر آنکس که باشد خداوند گاه
 نه تیزی، نه سُستی^{۲۴} به کاراندرن
 نگه دار تا مردمِ عیبجوی
 ز دشمن مکن دوستی خواستار
 ۵۵ درختی بود سبز و^{۲۸} بارش کبست^{۲۹}
 اگر بر^{۳۱} فرازی وگر^{۳۲} در نشیب
 به دل نیز^{۳۴} اندیشهی بد مدار
 سپهد کجا گشت^{۳۸} پیمان شکن^{۳۹}

که آز آورد خشم^۲ و بیم^۳ و نیاز^۴!
 جدا کن دل از^۶ کژی^۷ و کاستی!
 که بدنام^۹ گیتی نبیند^{۱۰} به کام!
 پشیمانی آرد دلت را^{۱۱} شتاب^{۱۲}!
 ز راه خرد^{۱۴} سر نباید کشید^{۱۵}!
 ز نابودنی ها بخواید^{۱۸} چشم!
 دلاور^{۲۱} گمانی^{۲۲} به سُستی برد!
 میانجی خرد را کند بر دو راه^{۲۳}:
 خرد باد جان ترا رهنمون!
 نجوید ز کردار^{۲۵} شاه^{۲۶} آب روی!
 وگر^{۲۷} چند خواند ترا شهریار!
 وگر^{۳۰} پای گیری، سر آید به دست!
 نباید نهادن سر اندر فریب^{۳۳}!
 بداندیش بددل^{۳۵} کند^{۳۶} روزگار^{۳۷}!
 بخندد برو^{۴۰} نامدارانجمن!

۱-ق: نازد بنزد ۲-(لن: کین؛ ل: ۳: که خشم آورد آز) ۳-(و: او آورد بیم و خشم) ۴-(ق: ۲: گداز) ۵-(ق: ۲: همی) ۶-ل (نیز ق: ۲، ل ۳-آ): ز دل؛ س ۲ (نیز لی): ز دل دور کن؛ متن = س-ل ۲ (نیز لن، ب) ۷-(ق: ۲: کمی): بنداری: و اتخذ العقل سیدا و الغضب عبدا، و لاتحتد علی المتقين. و تجنب الحرص فانه يورث الجبن و الغيظ. و أثر الحلم و السداد، و تجنب الاتواء و الفساد؛ س در اینجا سرنویس دارد: اندرز کردن اورمزد شاپور بهرام را ۸-(ق: ۲: نگردي بنام؛ ل: ۳: نگرده بنام) ۹-ق: نیز؛ ک: کام ۱۰-(ق: ۲: نگیرد؛ پ: نباشد) ۱۱-ق (نیز ب): بر؛ (آ: با) ۱۲-(لی: بتاب) ۱۳-(ق: ۲: کارها را؛ ل: ۳: روشنی ها) ۱۴-س-ل ۲ (نیز لن، ل، پ، لن ۲): هنر؛ متن = ل، س ۲ (نیز لی، و، آ، ب) ۱۵-(ق: ۲: همه بندها را یابد کلید) ۱۶-ق، ک، ل ۲ (نیز ب): مرد دانا؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن ۲) ۱۷-ک، ل ۲ (نیز ب): نیاید؛ (ق: ۲: نیارید؛ و: بتازی؛ لن: ۲: نباید)؛ متن = ل، س، ق، س ۲ (نیز لن، ب) ۱۸-(ق: ۲: نتابند؛ پ: بتابند)؛ لی، ل ۳، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: و ایاک و ما یورث قبح الأحداث. و ایاک و العجلة فانها تورث الندامة. و علیک بالرفق فهو مادة الاستقامة ۱۹-(لن: مگر) ۲۰-(لی: بسر بردباری؟) ۲۱-س (نیز لن، لن ۲): دل او ۲۲-(ق: ۲: گمانش) ۲۳-ق این بیت را ندارد ۲۴-ل: سُستی نه تیزی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: و لانکن نرقا حدیدا و لا متوانیا بلیدا و لیکن عقلک بین هاتین الحالتین و سیطاً ۲۵-س، س ۲ (نیز لن، ق: ۲، لی، لن ۲، ب): بنزدیک؛ (ل: ۳، و: بکردار)؛ متن = ق، ک، ل ۲ (نیز ب) ۲۶-(لن: تو؛ ل: ۳، و: شاد؛ ب: شه)؛ ل: نریزد بخیره ترا؛ آ این بیت را ندارد ۲۷-(ق، ب: اگر)؛ آ این بیت را ندارد ۲۸-ق (نیز لی، آ): <و>؛ س: ۲: کز و ۲۹-ل: که بست ۳۰-س ۲ (نیز ق: ۲، لی، پ-ب): اگر؛ بنداری: و لا تقربن طالبا للمثالب و المعایب و لا تطمع فی صداقة العدو الموارب ۳۱-ل (نیز و): در؛ س (نیز ل، آ، ب): وگر بر؛ متن = ق-س ۲ (نیز لن، ق: ۲، لی، پ، لن ۲) ۳۲-(و: اگر) ۳۳-(لی: نهیب)؛ ق: ۲ پس از این بیت افزوده است:

به سیزی او هیچ خرم مشو
 مکن جان شیرین به زهرش گرو
 ز نادان مکن مردمی آرزو
 میر آبرو را ز بهر گلو
 بر اندیشه و مهتری روزگار
 ابا زیردستان به خوبی گذار

۳۴-س ۲ (نیز لی، آ): اندر ۳۵-(لن: ۲: زابد) ۳۶-ل، ک، ل ۲ (نیز ل، و، لن ۲): بود؛ ق: زید؛ (پ: برد)؛ متن = س ۲ (نیز لی، آ، ب) ۳۷-س ۲ (نیز لی، آ، ب): کارزار؛ س: ناپاک و بددل شمار؛ (لن، ق: ۲: را پاک بددل شمار)؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ل ۳-لن ۲) ۳۸-(و: هست) ۳۹-(آ: من) ۴۰-ل، ک (نیز لی): بدو؛ س: بران؛ متن = یازده دستنویس دیگر

خرد گیر کارایش^۱ جان^۲ تست^۳
 ۶۰ هم آرایش تاج^۶ و گنج^۷ و سپاه^۸
 نگر تا نسازی ز ناروی^{۱۰} گنج
 مزن رای جز با خردمندمردا!
 به^{۱۴} لشکر بترسان بداندیش را!
 ستاینده^{۱۵} بی کو ز بهر هوا
 ۶۵ شکست تو جویدهمی زان سَخُن
 کسی کش^{۱۷} ستایش^{۱۸} نیاید به کار
 که یزدان ستایش نخواهد^{۲۱} همی
 هر آنکس^{۲۳} که او از^{۲۴} گنه کار چشم
 فرونیش هر روز بَفزون^{۲۸} شود^{۲۹}
 ۷۰ هر آنکس که با^{۳۴} آب دریا^{۳۵} نبرد
 کمان دار دل را^{۳۶}، زبانت^{۳۷} چو تیرا!
 گشاد^{۴۰} برت^{۴۱} باشد و دستِ راست:
 زبان^{۴۲} و دلت با خرد^{۴۳} راست کن:
 هر آنکس که اندر سرش مغز بود
 ۷۵ هر آنگه که باشی تو^{۴۸} با رای زن
 گرت رای با^{۵۰} آزمایش بود

نگهدارِ گفتار^۴ و پیمان^۵ تست^۳!
 نماینده‌ی گردشِ هور و ماه^۹!
 که بر تو سرآید^{۱۱} سرای سپنج!
 از^{۱۲} آیین شاهان پیشین^{۱۳} مگردا!
 به ژرفی نگه کن پس و پیش را!
 ستاید کسی را همی ناسزا،
 ممان^{۱۶} تا به پیش تو گردد کهن!
 تو او را ز^{۱۹} گیتی به مردم^{۲۰} مدارا!
 نکوهیده را دل نکاهد^{۲۲} همی (۹)
 بخواید و^{۲۵} آسان^{۲۶} فروخورد^{۲۷} خشم،
 شتاب آورد^{۳۰}، دل پُراز^{۳۱} خون^{۳۲} شود^{۳۳}!
 بجوید، نباشد خردمندمردا!
 -تو این داستان^{۳۸} من^{۳۹} آسان مگیرا-
 نشانه بنه زان نشان کت هواست!
 همی ران از آن سان^{۴۴} که خواهی^{۴۵} سَخُن!
 همه رای^{۴۶} و گفتار^{۴۷} او نغز بودا
 سَخُن‌ها بیارای بی^{۴۹} انجمن!
 همه روزت^{۵۱} اندر فزایش بودا

۱-ک، س: آ: کان آتش ۲- (لی، پ، آ، ب: کار) ۳-س (نیز، لن، لن): بود؛ ل: آ: ماست؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴-ل (نیز ل): <و>
 ۵-ق: بگردار (؟)؛ (لی، پ، آ: کردار؛ ب: کردار و گفتار) ۶- (لی: گاه) ۷- (آ، ب: گنج و تاج) ۸-ق، ک، ل: لشکر و تاج و گنج ۹-ق، ک، ل: که بر تو سرآید سرای سپنج؛ (و: که بر تو سرآید سرانجام راه) ۱۰-ل (نیز لن): بازوی؛ (لی: ز نیروی؛ لن: آ: و ناروی)؛ س: نسازی بتاج
 و به؛ س: (نیز ب): نسازی بنیرو و؛ (ق: نسازی بناز و به؛ پ: نسازی تو با ناز و؛ آ: نیازی به نیروی)؛ متن = (ل) ۱۱- (ق: آ: گزاید) ۱۲-س، ق، ل، س: (نیز لن، و-ب): ز؛ متن = ل، ک (نیز ق ۲-ب) ۱۳-ل: پیشی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۴-ک، ل: آ: ز ۱۵- (آ: شناسنده)؛ ق: آ
 بیت‌های ۶۴، ۶۵، ۶۶ را ندارد ۱۶- (لی: همان) ۱۷- (و: کو) ۱۸-ق: ستاید ۱۹-س (نیز لن، و، لن): آ: به ۲۰- (لی: مر او را تو باداد و دانا؛ ل: آ: به
 گیتی تو او را ز مردم) ۲۱-ل، س، ق، ل، س: آ: س (نیز لن، لی، آ، ب): نخواهد (حرف یکم بی نقطه)؛ (ل: آ: نخواهد؛ و: نخواهد (نقطه
 ندارد))؛ متن = ک (نیز ب، لن) ۲۲-ل، س، ک (نیز لن، و): نکاهد (نقطه ندارد)؛ (لی، ل، آ، پ، ب: بکاهد)؛ ق: دلها بکاهد؛ ل: دارا بکاهد؛
 س: آ: را این بکاهد؛ (آ: راتن بکاهد)؛ متن = (لن): آ: ق: این بیت را ندارد ۲۳-ل: آ: (نیز ق ۲): هر آنگه ۲۴-ک: را ۲۵-ق: بخوابد وی؛ (لی:
 نخواهد به؛ آ: نخواهد و) ۲۶-ک: او را؛ (و: زیشان) ۲۷-ل، ل، آ: (نیز لی، ل، آ، و): برد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-ل، س: آ: (نیز ق ۲-و، آ،
 ب): افزون؛ متن = (ق: لن، آ) ۲۹-ق، ک (نیز ق ۲، لی، و): بود؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- (پ: آیدش) ۳۱- (لی: دلش بر) ۳۲- (ق: آ: کین)
 ۳۳-ق، ک (نیز ق ۲، و): بود؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لی: ساوند ندارد ۳۴- (ب: از) ۳۵- (ق: آ: زریا) ۳۶-ل: دارد ارا (؟) ۳۷- (لن: زفانت)
 ۳۸-ل: گفتنهای؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۹-ق: بردل؛ (ل: از من) ۴۰-س (نیز لن-ل، لن، آ، آ، ب): گشاده؛ متن = ل، ق، س: آ: (نیز ب، و)
 ۴۱-ک: گشادت زیر؛ ل: آ: بیت‌های ۷۲، ۸۴ را ندارد ۴۲- (لن: زفان) ۴۳-ل (نیز ق ۲، و): و خرد بادلت؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۴۴-ک: در ۴۵- (ل: آ: بکژی مگردان تو هرگز) ۴۶- (ل: آ: روی) ۴۷- (ق: آ: کردار) ۴۸-س: نه ۴۹-ک، س: آ: (نیز ق ۲، لن، آ): با؛ (ل: آ: بر؛ لی، و:
 میارای بی)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، لی، پ، ب) ۵۰- (لی، آ: باز) ۵۱- (لی: کارت)؛ و این بیت را ندارد

دل و مغز و رایت جهانگیرتر^۴!
چنان دان که رایش^۵ نگیرد نوا!^۶
بیفزایدش^۸ نازش^۹ و رنگ و بوی!
بداندیش را چهره بی رنگ^{۱۳} دارا!
که گنج تو ارزانیان را سزاست!^{۱۵}
که رشک آورد گرم و^{۱۶} خونین^{۱۷} سرشک!
نکوهش کند مردم پارسا!

شود جانت^۱ از دشمن^۲ آزرتر^۳!
کسی را کجا پیش رو شد هوا
اگر دوست یابد^۷ ترا تازه روی
تو با دشمنت^{۱۰} رخ^{۱۱} پُرآزنگ^{۱۲} دارا!
به ارزانیان بخش هر چت^{۱۴} هواست
بخش جان و دل تا توانی ز رشک
هر آنکه که رشک آورد پادشا

بیاورد و بنهاد پیش وزیر^{۲۰}،
شد آن^{۲۳} لعل رخسار^{۲۴} چون^{۲۵} برگ^{۲۶} زرد
به زاریش^{۳۱} بهرام یل^{۳۲} خیره^{۳۳} شد^{۳۰}
پُر از گرد^{۳۴} و بیکار^{۳۵} تخت بلند

چُن^{۱۸} اندرز بنیشت^{۱۹} فرخ دیر،
جهاندار^{۲۱} برزد یکی باد^{۲۲} سرد
چو رنگین^{۲۷} رخ تاجور^{۲۸} تیره^{۲۹} شد^{۳۰}
چهل روز بُد سوگوار و نژند

گهی پُر ز درد^{۳۶} و گهی پُر ز مهر!
کجا^{۳۸} دست یابد^{۳۹} بدرذت پوست!

چنین بود تا بود گردان سپهر
تو گر باهشی^{۳۷} مشمر او را به دوست

ز گفتن بیاسای^{۴۱} و بردار می^{۴۲}!
که در پادشاهی نماند^{۴۵} دراز!

شب اورمزد آمد از^{۴۰} ماه دی
کنون کار^{۴۳} دیهم بهرام^{۴۴} ساز

۱-س^۲ (نیز لی، آ): رایت ۲-ق: دشمن از جانت؛ ل: دشمن از رایت) ۳-لی: آزریر تر؛ و، لن: آ: تن و جانت از دشمن آزریر دار) ۴-و، لن: آ: دار) ۵-ک: کارش؛ (لن: آ: کارت؛ آ: رایت) ۶-ق: آ: روا؛ لی، آ: بها) ۷-آ: ب: باید) ۸-پ: بیفزایدت) ۹-ق: ک: (نیز ب): نام از آن؛ ل: بیفزاید این نام را؛ متن = س، س، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۰-و: دشمنش) ۱۱-ل: روی؛ (لی: ابا دوست رخ را؛ آ: دوستان رخ)؛ متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ل، آ، ب) ۱۲-لی، آ: از رنگ؛ ل، آ: بازننگ) ۱۳-ق، س^۲ (نیز آ، ب): بر رنگ؛ (لی: پر از رنگ)؛ متن = ل، س، ک (نیز لن، ل، آ، ب)؛ ق: آ: این بیت را ندارد ۱۴-لی: آنچه) ۱۵-ق: (نیز ل: رواست؛ آ: هواست (پساوند ندارد)) ۱۶-س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): < ۱۷-ک، س^۲ (نیز و): خونی ۱۸-ل، س^۲ (نیز لن، لن، آ، ب): چو؛ متن = (آ) ۱۹-ل، ق، س^۲ (نیز لن، ل، آ، و، ب): بنوشت؛ متن = س (نیز پ) ۲۰-ب: دیر (پساوند ندارد)) ۲۱-ق: جهانجوی ۲۲-ق: آ: آه) ۲۳-ک: بید ۲۴-ک، س^۲ (نیز لی): رخساره ۲۵-و: او) ۲۶-ل، ز: ل: پس آن لعل رخسارگان کرد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-س (نیز لن، ق، آ، ب): رنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-ق: آ: لعل او) ۲۹-لی: خیره) ۳۰-س، ق، ل، آ: (نیز ق، ل، آ، ب، لن، آ، ب): گشت؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز لی، و، آ) ۳۱-ل، آ: از آن درد ۳۲-ل: دل؛ س (نیز لن، ق، آ): خود؛ ل، آ: او؛ ق: به زاری همی گرد بهرام یل؛ (و: وزان دیده بهرام را)؛ متن = ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب) ۳۳-ل، آ، لن: آ: جهان پیش بهرام شه)؛ ل، آ: پس از این بیت افزوده است:

به زاری همی کند بهرام گوشت برون آمد از پادشاهی چو غوست

۳۴-ق: آ: درد) ۳۵-ق: بالای ک، س^۲ (نیز لی: بیدار)؛ (ب: دیدار) ۳۶-ق: (نیز لن: آ): گرد؛ (و: کین) ۳۷-ق: (نیز ب): بخردی ۳۸-س، س^۲ (نیز لن، ب): که چون؛ متن = ل ۳۹-و: دوست باشد) ۴۰-ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ل، آ، ب): و؛ متن = س، ک (نیز هفت دستنویس دیگر) ۴۱-ل: میاسای؛ (لن، لی: بپرداز؛ ل: برآسای)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۲-آ: نی) ۴۳-ل: کام و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴۴-لی، ب: بهرام و دیهم) ۴۵-ل (نیز لن: آ): بماند؛ س، س^۲ (نیز لی، ب، آ، ب): نماند او؛ ک، ل، آ: (نیز و): نماند (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ)؛ بنداری: ثم قضی نجه فقعد بهرام فی مجلس العزاء اربعین یوما ثم قعد بعد ذلك مقعد ابیه من السلطنة

بہرام اور مزد

پادشاهی بهرام اورمزد سه سال و سه ماه بود^۱

چو بهرام بنشست^۲ بر تخت زر، همه نامداران ایرانیان
 برو خواندند آفرین خدای که تاج کیی^۷ تارکت را^۸ سزااست
 ۵ رخ بدسگالان تو زرد بادا! چنین داد پاسخ که ای مهتران
 ز دهقان و از^{۱۲} مرد^{۱۳} خسروپرست نبینید^{۱۵} کین چرخ ناپایدار
 دل و مغز جوشان ز^۳ مرگ^۴ پدر، برفتند پیشش^۵ کمر بر میان،
 که تا جای باشد، تو بادی^۶ به جای! پدر بر پدر پادشاهی^۹ تراست!
 و زان رفته جان^{۱۰} تو بی درد بادا! سرافراز^{۱۱} جنگی و گنداوران،
 به^{۱۴} گیتی سوی بد میازید دست! نه پرورده داند نه پروردگار!

۱-ل: پادشاهی بهرام اورمزد نه سال؛ س، س: ۲: پادشاهی بهرام اورمزد سه سال و سه ماه و سه روز بود؛ ک: پادشاهی بهرام بن شاپور؛ ل: ۲: پادشاهی اورمزد
 پسر شاپور سه سال و سه ماه بود؛ متن = ق (نیز لن) <اورمزد>، ب <و سه ماه>؛ بنداری: ثم ملک بهرام بن هرمز بن سائور بن اردشیر. و کانت مدة ملکه
 ثلاث سنين و ثلاثة أشهر ۲-ک، س: ۲ (نیز ق: ۲): بنشست بهرام ۳-ل، ل، ق، ۲، ل، ۳، ل، ۳، ل، ۳: پر درد) ۴-(پ: ز درد؛ ب: بمرگ)؛ س، ق، ک، س: ۲،
 لن-پ، لن، ۲، آ، ب بیت ۳۴ را در اینجا آورده اند ۵-س، ق، ک، س: ۲ (نیز لن، ق، ۲، لی، پ-ب): گریان؛ (ل: گردان)؛ متن = ل، ل، ۲، ۶-ل، ق، س: ۲
 (نیز ق، ۲، پ، لن، ۲، آ، ب): مانی؛ (لی، ل، ۳: باشی؛ و: بمانی)؛ متن = س (نیز لن) ۷-(و: کیان) ۸-(ق: آ: بر تارکت تاج شاهی) ۹-س، ک، ل، ۲،
 س: ۲ (نیز لن، پ، لن، ۲، آ): تاج شاهی؛ متن = ل، ق (نیز ق، ۲، لی، و، ب) ۱۰-(لی: روز) ۱۱-ل، ل، ۲، س: ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۳، پ): سواران؛ ق، ک (نیز لن، و،
 آ، ب): سزاوار؛ متن = س (نیز لی، لن، ۲) ۱۲-ل، ق، س: ۲ (نیز لن، ل، ۳، لن، آ): و؛ متن = س، ک (نیز ق، ۲، لی، پ، و، ب) ۱۳-ل، آ: و اورمزد ۱۴-س،
 ق، ک، س: ۲ (نیز نه دستویس دیگر): ز؛ متن = ل، ل، ۲؛ پ پس از این بیت افزوده است:

مبادا که روزی شما بد کنید	که آن بد همه نیز با خود کنید
بدی را مسازید مرد و چه زن	بدی دور دارید از خویشان
که بدره سوی بدکننده برد	همی بدکش را بدی خون خورد
بدی هیچ کار نکویان مباد	بدی را کسی نیز پویان مباد

۱۵-ل (نیز لی): بدانید؛ ل: ۲ (نیز ق، ۲، ل، ۲، و، آ): به ببینید؛ (پ، ب: ببینید)؛ متن = س، ق، ک، س: ۲ (نیز لن، لن، ۲)؛ پ پس از این بیت افزوده
 است:

به پرورده خود جفا گترد بزودی همی روز او بشمرد

سراسر ببندید دست^۱ هوا!
 ۱۰ کسی کو پرهیزد^۲ از بدکنش^۳،
 بدین گیتی اندر^۴ش خرم^۵ بود
 پناهی بود گنج را پادشا
 تن شاه دین را پناهی بود
 خُنگ آنکه در خشم هشیارتر^{۱۱}!
 ۱۵ [گه^{۱۴} تنگ دستی^{۱۵} دلش^{۱۶} شاد و^{۱۷} راد
 چو بر دشمنی بر توانا بود^{۱۸}
 ستیزه نه خوب^{۲۲} آید از نامجوی^{۲۳}
 سپاهی و دهقان بی کار^{۲۵} و شاه
 به خواب^{۲۷} اندرست^{۲۸} آنکه بی کار گشت^{۲۹}
 ۲۰ ز گفتار نیکو^{۳۲} و کردار زشت

هوا را مدارید فرمانروا!
 نیالاید^۴ اندر بدی ها منش^۵،
 گه رفتن از خصم^۷ بی غم^۸ بود
 نوازنده ی مردم پارسا^۹
 که دین بر سر او^{۱۴} کلاهی بود
 همان بر زمین^{۱۲} او بی آزارتر^{۱۳}!
 جهان بی تن مرد دانا مباد!
 به بی^{۱۹} نسپرد^{۲۰}، ویژه دانا^{۲۱} بود^{۱۸}!
 پرهیز و گرد ستیزه میوی^{۲۴}!
 چنان دان که هر سه ندارند^{۲۶} راه!
 پشیمان شود هر که^{۳۰} بیدار^{۳۱} گشت^{۲۹}!
 سپاسی^{۳۳} نیابی، نه^{۳۴} خرم بهشت!

۱-ل: دست از؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ پ پس از این بیت افزوده است:

هوا مرد را خوار و بی بر کند به گیتیش چون مرغ بی پر کند

۲-آ: هر آنکس که پرهیزد ۳- (و: به پرهیز دارد منش) ۴- (آ: نیالاید؛ ب: بیالاید) ۵- ک، ل، آ (نیز ل، آ، پ، و، آ، ب): تنش؛ متن = ل، س، ق، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ) ۶- (ق: زندگانش)؛ ل: سوی همواره؛ س (نیز ل، ن): گیتیش بزم؛ (ل، و، ل، ن، آ): گیتیش روز؛ پ: به گیتی درون شاد (و)؛ متن = ق-س، آ (نیز ل، آ، ب) ۷- ل: آیدش؛ ق: خشم؛ ل: اندر^۸ (پ: بر رفتن ز دشمن ابی)؛ متن = س، ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، و-ب) ۹- ل: این بیت را ندارد؛ پ پس از این بیت افزوده است:

ابر زبردستان بیاشدهمی ازو کس غمی دل نباشدهمی

۱۰- (ب: شه)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

پناهی به از دین نباشدهمی ابی دین شاید ترا زد دمی

۱۱- ک: چشم هشیار تو ۱۲- ک (نیز آ): زمی ۱۳- ک: تو؛ (لی: سزاوارتر) ۱۴- ل: گهی ۱۵- ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، آ): دست تنگی؛ (ل، ن): تن درستی؛ متن = س، ق (نیز ق، آ، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۶- ل: دل و؛ ل: دل؛ ک، س، آ (نیز ل، ق، آ): دلی؛ متن = س، ق (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۷- ل: شاه؛ و این بیت را ندارد ۱۸- (و: شوی) ۱۹- ل: سد (نقطه ندارد)؛ متن = س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، ب) ۲۰- ل-س، آ (نیز ل، ن، آ): نسپرد (حرف یکم بی نقطه)؛ (ق: بشمرد؛ و: بسپری؛ آ: بسپرد)؛ متن = (لی، پ، ب) ۲۱- س، ق، ک، س، آ (نیز ل، آ، ب): کانا؛ (ل، ن، آ: مرد دانا)؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، ق، آ، و)؛ ل: این بیت را ندارد؛ پ پس از این بیت افزوده است:

به دانایی اندر جهان بسپرد همه سوی دانش همی بگذرد

۲۲- ل: نیک؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۳- س، آ: کامجوی ۲۴- ل: مجوی؛ پ پس از این بیت افزوده است:

ستیزه کند مرد را زشت نام مجو از ستیزه همی نام و کام

نشد کامران هر که شد پرستیز همی بادر کس مبادا و تیز

۲۵- (و: بیدار؛ ق: ز دهقان و بی کاو؟) ۲۶- (ق، آ، ل، آ: ندانند) ۲۷- (ل، ن، آ: نه خوب) ۲۸- (لی: اندرید) ۲۹- ل: بود؛ (ق: آ: بیدار گشت)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۰- ل: پس چو؛ ل: آنکه؛ (پ: چون که)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۱- (ق: بیمار) ۳۲- (آ: نیکی) ۳۳- ل، س، ل، آ (نیز ق، آ، ل، ن، آ): ستایش؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، ب) ۳۴- ق: به؛ (ق، آ، و: لی: ز)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

چو گفتار و کردار هر دو نکوست کننده همه مغز باشد نه پوست

همه نام جوید^۱ و نیکی کنید!
 مرا گنج دینار^۳ بسیار هست
 خورید آنکه دارید و آن را که نیست
 سر بدره‌ی ما گشاده‌ست باز

۲۵ برو نیز نگذشت روزی^۷ دراز
 یکی پور بودش دلارام بود
 بیاورد و بشاندش^۹ زیر^{۱۰} تخت
 نبودم فراوان من از تاج^{۱۳} شاد
 سراینده باش^{۱۴} و فراینده باش!

۳۰ چنان رو^{۱۶} که پرسدت^{۱۷} روز شمار^{۱۸}
 به داد و دهش گیتی آباد دار^{۲۰}
 که بر کس نماند جهان^{۲۲} جاودان

دلِ نیک‌پی مردمان^۲ مشکند!
 بزرگی و شاهی و نیروی دست!
 بدانید کز گنج‌داران^۴ یکیست!
 نباید نشستن^۵ کس اندر نیاز^۶!

سرِ تاجدار^۸ اندرآمد به گزا!
 ورا نام بهرام بهرام بود،
 بدو گفت کای^{۱۱} سبزشاخ^{۱۲} درخت!
 همه روزگارِ تو فرخنده باد!
 شب و روز با رامش^{۱۵} و خنده باش!
 نیچی سر از شرم پروردگار^{۱۹}!
 دلِ زبردستانِ خود^{۲۱} شاد دار^{۲۰}!
 نه بر تاج‌دار و نه^{۲۳} بر موبدان!

۱- (پ: راست گوید؛ ق: همان نام جوید) ۲- (و: مردان ما) ۳- ل-س ۴- (نیز ق: آ، ل، آ، ب): گنج و دینار؛ (ل: پر از گنج دینار)؛ متن = (ل، لی، پ، و) ۴- ق: کاران؛ (و: کین گنج با آن)؛ ل، ل: بدانند که با گنج ما او؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد ۵- ق، ل: که باشد؛ (پ: که ماند) ۶- (ق: سر تاج او اندرآمد به گزا)؛ بنداری: کان رجلاً ذا حلم و تودة فاستبشر الناس بولایتہ. و أحسن السیرة فیہم و اتبع فی ملکہ و سیاسة الناس آثار آبائہ: ک، س، آ، لی، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

درد فراوان ز ما وز (لی، ب: بر) خدای بر آن کو به نیکی بود رهنمای

۷- ل: سال؛ س: (نیز ل، لی، و، آ): روز؛ متن = س-ل ۸- (نیز ل، پ، ل، آ، ب): بنداری: ولم تطل مدته؛ ق: از ۲۴ و ۲۵ اب یک بیت ساخته است ۸- ل: تاجور؛ (ق: تاج او)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- (ل، آ، ل، آ، ب): بشاند در ۱۰- ق، ک، س: (نیز لی، و، آ، ب): پیش؛ متن = ل، س، ل ۱۱- (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ل، آ، ب): (و: ایا) ۱۲- (ق: بارور خوش) ۱۳- ل، ل، آ، ل، آ، ب): تخت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ پ پس از این بیت افزوده است:

نکرد ایچ با من وفا تاج و تخت تو فرخنده بادی و پیروزبخت

۱۴- ق: زی ۱۵- ل، ق، ک، س: (نیز آ، ب): دانش؛ متن = س، ل ۱۶- (نیز شش دستنویس دیگر)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۶- (لی: دان؛ آ: کن) ۱۷- ل، ل، آ، ل، آ، ب): پرسند؛ (ق: گر پرسدت)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- (ق: کردگار) ۱۹- (ق: روز شمار)؛ ق: آ، پ پس از این بیت افزوده‌اند:

ق: آ: چو در پادشاهی بود گرشه نه تاج و نه تخت و نه بار و بنه

جهان را ز بهر خورش ساختند ز بهر ای بیشی نپرداختند
 خورید و دهید و روان پرورید به دست خرد پای بد بشکرید

پ که فردا چو رفتی سوی دادگر چه باشد از شرم‌ساری بتر؟

۲۰- (لی: کرد؛ و: کن) ۲۱- (ل، آ، ما): ک: ز خود؛ پ پس از این بیت افزوده است:

به داد اندرون گر نیاری کمی دل زبردستان نباشد غمی
 تو جز داد و بخشش مکن پیشه هیچ سر از دانش و رادمردی میبچ

۲۲- (ل، آ: نماندست این) ۲۳- ل، آ، ل، آ، ب): تاجداران نه؛ س، ق، ک، س: (نیز ل، لی، و، آ، ب): چه بر تاجدار و چه؛ (ق، آ، ل، آ: چه بر تاجداران چه؛ پ: چه بر شهریار و چه)؛ متن = ل، پ پس از این بیت افزوده است:

همه هر که باشد بود خاک پا که گیتی نکرده‌ست با کس وفا

چُن از باد خیزی، گذاری^۱ به دم!
تهی ماند ازو^۴ تختِ گیتی فروز
پسر مر وُرا دخمه آرام داد

تو از چرخ گردانِ مدان این ستم
به سه سال و سه ماه^۲ و بر سر^۳ سه روز
چو بهرام گیتی به بهرام داد ۳۵

به اندیشه رنجه چه داری روان؟^۶
برین^۷ داستانی^۸ نشاید زدن!
نشیم^{۱۱} تو جز^{۱۲} تنگ تابوت نیست^{۱۰}!
پر از می یکی جام^{۱۳} خواهم بزرگ!
کهن، پر گهر^{۱۷}، هنگ^{۱۸} او شست^{۱۹} من!

چنین بود تا بود چرخ روان^۵
چه گویی؟ چه جویی چه شاید بدن؟
روانت گر از آز^۹ فرتوت نیست^{۱۰}
اگر مرگ دارد چنین طبعِ گرگ
یکی تور^{۱۴} ترکی^{۱۵} چو گوری^{۱۶} به تن ۴۰

چهل روز نهاد بر سر کلاه،
پُر از درد، با ناله و با خروش،
دو رُخ زرد و لب‌ها شده^{۲۱} لاژورد^{۲۲}!
که گیرد مگر شاه بر گاه^{۲۳} جای،
همی بود تا برنشست او^{۲۴} به تخت

چو بهرام در سوگِ بهرام شاه
برفتند گردانِ بسیار هوش،
نشستند با او بدان سوگ و^{۲۰} درد
وُزان پس بشد موبدِ پاک‌رای
به یک هفته با او بکوشید سخت ۴۵

۱-ل: چو از باد چندی گذاری؛ س (نیز، ل، ن): جز از باد چیزی ندارد؛ ق، ل: جز از باد چیزی که داری (ل: نداری)؛ ک، س: (نیز ق، آ، لی، آ، ب): که از باد چیزی نیاید؛ (ل: آ: که از باد چیزی گذاری؛ و: جز از باد چیزی نداری)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ پ این بیت را ندارد
۲-س، ق: <و>، ک، س: (نیز ق، آ، لی، <و>، آ، ب): سه سال و سه ماه بود؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، ن، ل: <به سه سال>، و، ل، ن: ۲) - ۳-پ: سه سال و سه ماه و به سر بر)؛ ل: وزن ندارد ۴-ل (نیز ل، آ، ب): زو؛ ک، ل، آ، س: (نیز آ): ماند آن (آ: این)؛ (ل، ن، لی، از: ل، ن: آ: بر؛ و: همی ماند بر)؛ متن = س، ق (نیز ق، آ، ب): این بیت در س، ق، ک، س، آ، ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب با بیت ۲ پس و پیش شده است ۵-ل: بلند؛ (لی: زمان)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۶-ل: به انده چه داری دلت را نژند؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۷-ل: بدل؛ س: (نیز لی، ب): بدین ۸-ق: آ: پیرهیز یکدم) ۹-ق (نیز ق، آ، ل، و، ب): کم آزار و؛ ک: که آن هیچ؛ س: (نیز لی، آ): روا نیست کان هیچ؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ل، ن، پ، ل، ن: ۲) - ۱۰-ق: (ق: آ: شد) ۱۱-ل، ق، ل، آ، س: (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب): نشست؛ س: روان؛ متن = (ل، ن، آ، و، ل، ن: ۲) - ۱۲-ق: (ق: آ: در) - ۱۳-ل: (ل: خانه) - ۱۴-ل، س، ق (نیز و): نور (نقطه ندارد)؛ ک، ل، آ، س: (نیز ل، ن، لی، ل، ن، آ، ب): بور ۱۵-پ: ترک پوری)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۶-لی: کرکی؛ ق: آ: یکی ترک خواهم چو کوهی) ۱۷-ل، ل، آ (نیز لی، پ، آ): کهن بر کهن؛ س (نیز پ): گهی بر کسی (واژه سوم نقطه ندارد)؛ ق: یکی پر گهر؛ ک: گهی بر کهن؛ س: آ: یکی بر کهن؛ (ل: ن: کهی بر کهی)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۸-ل (نیز لی): حک (نقطه ندارد)؛ (آ، ب: سنگ)؛ متن = س-س: (نیز ل، ن، پ-ب) ۱۹-ق: (ق: آ: که باشد سرین و برش هشت)؛ ل: این بیت را ندارد؛ ق، آ، و، ل، ن: آ پس از این بیت افزوده‌اند:

ق: آ: سمن بوی و سیمین بر و ماه روی
چو خورشید تابان و چون مشک موی
که با او درست روزگار دمه
گل و مل شود ویژه اندر دمه
کنون کار بهرام بهرام گوی
به میدان بسر بر ازین یار گوی

و، ل، ن: آ: کنون کار بهرام بهرام گوی
که این چراغ گردانست برسان گوی

بنداری: و لما قربت وفاته أحضر ولده، و كان یسمى بهرام أيضاً، فأقعده عند تختة فعهد الیه و مضی لسبيله ۲۰-ل (نیز ق، آ): به سوگ و به؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۱-آ: (آ: پراز؛ ب: دلها شده) ۲۲-س-س: (نیز ل، ن، ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب): لا جوردد؛ متن = ل (نیز ل، ن، پ، و)؛ بنداری: قال: فجلس فی ماتم آیه اربعین یوما و حضرته أكابر المملکة و جلسوا معه علی التراب یبکون و یضحون ۲۳-س-س: (نیز ل، ن، آ): نخت؛ متن = ل ۲۴-و: (و: برنشند)؛ بنداری: ثم اتاه الموبد لیجلسه علی تخت السلطنة فما انشرح صدره لذلك. و لم یزل به حتی أجاب بعد تسعة ایام

بهرامِ بهرام

پادشاهی بهرام پسر بهرام نوزده سال بود^۱

چو بنشست بهرام بر تخت^۲ داد^۳ به رسم کیی^۴ تاج بر سر نهاد،
 نخست آفرین کرد بر کردگار فروزندهی گردش روزگار!
 فزایندهی^۵ دانش^۶ و راستی! گزایندهی کژی و کاستی!
 خداوند کیوان و گردان سپهر ز بنده نخواهد جز از^۷ داد و مهر!
 ۵ از آن^۸ پس چنین گفت کای^۹ بخردان^{۱۰} جهاندیده و پاک دل^{۱۱} موبدان^{۱۲}،
 کسی را که یزدان فزونی دهد سخن دانی^{۱۳} و رهنمونی دهد
 شما هرک^{۱۴} دارید^{۱۵} دانش بزرگ مباحثید با شهریاران سترگ!
 به فرهنگ یازد^{۱۶} کسی کش^{۱۷} خرد بود روشن و^{۱۸} مردمی پرورد^{۱۹}!

۱-ل: پادشاهی بهرام هفده سال بود؛ ق، ل، آ: پادشاهی بهرام بن بهرام نوزده سال بود؛ ک: پادشاهی بهرام بن بهرام؛ متن = س، س، آ؛
 بنداری: ثم ملک بهرام بن بهرام بن هرمز بن سابور بن اردشیر تسع عشرة سنة ۲- (پ: بر تخت بهرام) ۳- س-س-آ (نیز لن، ل، آ، پ، و، آ،
 ب): شاد؛ متن = ل (نیز ق، آ، لی، لن، آ) ۴- ل، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، ب): کیان؛ (آ: کهن)؛ متن = س، ک، ل، آ، س ۵- (نیز لن، پ، لن، آ) ۵-ل:
 فروزنده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۶- (ق: آ: خوشی) ۷- ل (نیز ق، آ، لی): بجز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فاستوی
 علی تخته و عقد التاج علی رأسه، و حمد الله تعالی وأثنی علیه ۸- س (نیز لن، ق، آ، پ-آ): وزان؛ متن = ل، ق-س ۹- (نیز لی، ل، آ) ۹- (ق، آ،
 ل، آ، و: با؛ آ: کز) ۱۰- (ق: آ: موبدان) ۱۱- (لی، آ: تن) ۱۲- (ق: آ: بخردان) ۱۳- ک، س، آ: رانی؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، ق، ل این بیت را ندارند
 ۱۴- س-س-آ (نیز لن-ب): نیز؛ متن = ل ۱۵- ق، ک (نیز آ): دانید؛ پ پس از این بیت افزوده است:

همی شادی شاه ایران خورید	بکشید و نیکی به جای آورید
همه گیتی از داد آباد باد	همه کار ما بخشش و داد باد
وگر از پی آز گنج آکنیم	مبادا که بی داد دم برزیم
که شه راز بخشش درخشش بود	مرا گنج از بهر بخشش بود

۱۶- (ل، آ، پ، آ، ب: نازد) ۱۷- ق: کز ۱۸- س-س-آ (نیز لن، لی، ل، آ-ب): درسرو؛ (ق: آ: چو درد سرو)؛ متن = ل ۱۹- (ل: آ: بدرود)

سر مردمی بردباری بود
 ۱۰ هر آنکس^۵ که گشت^۶ ایمن، او^۷ شاد گشت^۸
 توانگرتر آن کو^{۱۱} دلی^{۱۲} داشت^{۱۳}
 اگر نیستت چیز^{۱۵}، لختی بورزا!
 مروّت نیاید^{۱۸}، که را^{۱۹} چیز^{۲۰} نیست^{۲۱}!
 چو^{۲۴} خشنود باشی^{۲۵}، تن آسان شوی!
 ۱۵ نه کوشیدنی کو تن^{۲۷} آرد به رنج
 ز کار زمانه میانه^{۳۰} گزین
 چو خشنود داری جهان را^{۳۲} به داد
 همه ایمنی باید^{۳۴} و راستی
 چو تیزی^۱ کند^۲، تن^۳ به خواری بود^۴!
 غم و رنج با^۹ ایمنی باد گشت^۸!
 درم گرد کردن به دل باد داشت^{۱۴}!
 که بی چیزکس را ندارند^{۱۶} ارز^{۱۷}!
 همان چاره^{۲۲} نزد کشش نیز نیست^{۲۳}!
 وگر آز ورزی^{۲۶}، هراسان شوی!
 روان را بیچانی^{۲۸} از آز^{۲۹} گنج!
 چو خواهی که یابی به داد^{۳۱} آفرین!
 توانگر بمانی و از^{۳۳} داد شادا!
 نباید^{۳۵} به داداندرون کاستی!

۱-ل: تندى؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-ق، ل ۲ (نیز پ، ب): کنى؛ ک: بود؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ق، ک: سر ۴-ل، آ: کند؛ پ پس از این بیت افزوده است:

ز تیزی نگردد ترا بخت رام
 سر مردمی مهر و آهستگیست
 ز تندى و تیزی نیابی تو کام
 همان نیک‌خویی و شایستگی‌یست

۵-ل، ن: ۲؛ هر آنکه ۶-آ: شد ۷-س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ن، پ، ل، آ، ب): ایمن و؛ متن = ل، ق (نیز و) ۸-ل: شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹-س، س، ۲: نا؛ پ پس از این بیت افزوده است:

نشد بددل از کار خود کام‌یاب
 اگر ایمنی کام‌گاری همی
 نشد بیم‌ناک ایچ آرام‌یاب
 که از گیتی آرام داری همی

۱۰-ق: ۲؛ (مدان کان) ۱۱-س (نیز ل): بدان کودکی؛ ق، ل ۲ (نیز ب): توانگرتر آن کس که دل ۱۲-ک: راست؛ (لی: شاد) ۱۳-و: بود کودک
 واد راست ۱۴-ق: ۲؛ یاد داشت؛ و: باد راست؛ آ این بیت را ندارد ۱۵-ل: چیزی (وزن ندارد)؛ ق (نیز ل، ن): نیست چیزی تو؛ ل، آ:
 نیست چیزیت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-لی: ندانند؛ س: نو را بداری تو (تنها واژه آخر نقطه دارد)؛ ل: نو اندر آری تو
 (واژه یکم بی نقطه)؛ ل، آ: بودن نداری تو؛ و، ل، ن: نه رای دارد (ل، ن: داری) نه؛ متن = ل، ق-س ۲ (نیز پ، آ، ب) ۱۷-ق: ۲؛ اندازه ورزه بورز)
 ۱۸-ل ۲ (نیز پ، و): نباشد ۱۹-س (نیز ل، ن، آ): اگر؛ ل، آ: گرت ۲۰-لی: فروتن شود هر که چیزیش ۲۱-ک: فروتر بود هر کزانیست
 چیز؛ س ۲ (نیز آ، ب): فروتر شود هر کزانیست چیز؛ ق: ۲؛ مروّت نباشد کسی را که چیز ۲۲-ل، ل، آ: (نیز ل، و، ب): جاه؛ ک، س ۲ (نیز ل، آ): جای؛ (پ: ارز)؛ متن = س، ق (نیز ق، ل، آ، ن، ۲) ۲۳-ک، س ۲ (نیز آ): نیست نیز؛ ق: ۲؛ باید بجتتش نیز؛ پ پس از این بیت افزوده است:

چو چیزش نباشد که بخشش کند
 سرافراز باشد کرا چیز هست
 ابی فر بود چون درخشش کند
 که با چیز نام نکو نیز هست
 مبادا که بی چیز مردم بود
 که شادی همی از دلش کم بود
 وگر تنگ‌دستی ستیزه مجوی
 که نرمی درت برگشاید به روی

۲۴-ل، ن: ۲؛ (تو) ۲۵-ل، آ: گردی ۲۶-ل: برزی؛ ق: ۲؛ بدسگالی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-ل: کان بر؛ ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، پ، آ):
 کان تن؛ متن = س (نیز ل، و، ل، ن، آ، ب) ۲۸-ل: (نیز و): نه بیچاند (واژه یکم بی نقطه)؛ ق، ک، س ۲ (نیز ل، آ، ب): بپردازد؛ متن = س (نیز ل، ن، آ، ل، ۲، پ، ل، ن، آ): (آ، ب: آز و)؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

مروّت نباشد که چون چیز نیست
 چو من هم زبان خوشت نیز نیست

۳۰-س: میانی ۳۱-س، ق، ل ۲ (نیز ل، و، ل، ن، آ): ز خلق؛ ل، آ: ز حق؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ل، پ، آ، ب)؛ ق ۲ این بیت را ندارد ۳۲-ق: ۲:
 خرسند کردی زبان را ۳۳-ل، ق، س ۲ (نیز ل، ن، آ): وز؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ پ بیت‌های ۱۷-۱۸ را ندارد ۳۴-ب: بادت ۳۵-ب: مبادت)

خرد گردد اندر میان ناتوان!^۳
 بماند روانت به کام نهنگ!^۴
 تواناست او گر توی ناتوان!^۵
 یکی کم، برو زندگانی گریست!^۹
 ز خرم جهان^{۱۱} دخمه بودش نهفت!
 همیشه به ما راز او نارسان!^{۱۳}
 که بهرام بهرامیان داشت نام^{۱۵}
 کلاه کیانی^{۱۷} به سر برنهاد
 بگویم، تو بشنو به جان و روان!^{۱۸}

چو شاهی^۱ به گاهی^۲ بکاهد روان
 ۲۰ وگر آز گیرد دلت را به چنگ^۴
 چنینست آیین چرخِ روان^۶
 چو شد پادشاهیش بر سال بیست^۸
 شد آن تاجور شاه با خاک^{۱۰} جفت
 جهان را چنینست آیین و سان^{۱۲}
 ۲۵ پسر بود او را یکی شادکام^{۱۴}
 پیامد^{۱۶}، نشست از بر تخت شاد
 [کنون کارِ بهرامِ بهرامیان]

۱-ل (نیز لن، ق ۲، ل ۲، ل ۲): شادی؛ ق: تو شاهی؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ بیت‌های ۱۸-۲۳ در بیشتر دستنویس‌ها آشفته‌گی دارند، پیاپی بیت‌ها = ق، ب ۲-ک، ل ۲، س ۲ (نیز پ، آ): بکاهد؛ (لی: خرد را)؛ متن = ل، س، ق (نیز شش دستنویس دیگر) ۳-ق: تواناست گر تونهی با توان؛ (و: تواناست او گر تویی ناتوان) ۴-ک، س ۲ (نیز آ): رنگ؛ (پ: کنج)؛ متن = ق (نیز ق ۲، ل ۲، و، لن ۲، ب) ۵-پ: درد و به رنج)؛ ل، س، ل ۲، لن، لی این بیت را ندارند؛ ک، س ۲، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

همی‌راند شاهی به آیین و داد دل زبردستانش از داد شاد

۶- (و: خرم جهان) ۷- متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز لن-ب)؛ ل، ل ۲ این بیت را ندارند؛ در ک، س ۲، آ این بیت چند بیتی سپس‌تر آمده است؛ ق، ق ۲ لت دوم این بیت را به جای لت دوم بیت ۱۸ آورده‌اند؛ بنداری: فاستوی علی تخته و عقد التاج علی رأسه، و حمد الله تعالی و اثنی علیه، و دعا له الحاضرون بمثل ماکانوا يدعون لآبائه فردّ علیهم مردّاً حسناً. و لم يتقل صاحب الكتاب شيئاً من أخباره أيضاً
 ۸-ق: بیست راست ۹-ق: بکاست ۱۰- (لی: باد) ۱۱-ق-س ۲ (نیز لی، آ، ب): چرخ روان ۱۲-ل، ک، س ۲: ساز؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لن-ل ۳، و-ب) ۱۳- (لن: ناید رسان؛ و: بازار او نارسان)؛ ق، ل ۲ (نیز آ، ب): ز (ق: به) ماراز دارد نهان؛ لی: ز ماراز دارد جهان)؛ ل، ک، س ۲: ندارد به مرگ از کسی چنگ باز؛ متن = س (نیز ق ۲، ل ۲، لن ۲)؛ پ این بیت را ندارد؛ و پس از این بیت افزوده است:

نباید که بندی به مهرش تو دل که دانا نبندد به دل مهر گل
 همیشه نکویی کن و راستی که جان و خرد را بیاراستی

۱۴- (پ: نیک‌رای) ۱۵- (پ: چون شد پدر بازماند او به جای)؛ س، ق، ل ۲، لن-ل ۳، و-ب این بیت را ندارند؛ متن = ل، ک، س ۲؛ پ پس از این بیت افزوده است:

همان نام بهرام خواندش پدر بگفتش که ای خوب‌چهره پسر
 مرا روز بگذشت تو شاد زی همی نیک‌دل باش و با داد زی

۱۶-ک: برآمد ۱۷-س ۲: بزرگی؛ متن = ل، ک، س، ق، ل ۲، لن-ب این بیت را ندارند؛ بنداری: قال و مات بعد استكماله تسع عشرة سنة و خلفه ولده، و کان یسمى بهرام بهرامیان؛ پ پس از این بیت افزوده است:

چو خوشنود داری جهان را به داد توانگر بمانی و از داد شاد
 هر آن شاه کش پیشه بیداد شد همه رنج او در جهان باد شد
 اگر آز گیرد دلت را به گنج بماند روانت به درد و به رنج
 اگر آز گیری که گنج آکنی همی مردم از خویش بی‌راکنی
 ۵ براه پدر باش و آیین اوئی پدیدار کن فرزه و دین اوئی
 بگفت این و مزگان به هم برنهاد پس از آنکه برزد یکی باد سرد

۱۸- (ق ۲: سود و زیان)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ق ۲، و)؛ س، ق، ل ۲، لن، لی، ل ۲، پ، لن ۲، آ، ب این بیت را ندارند

بهرامِ بهرامیان

پادشاهی بهرام بهرامیان چهار ماه بود^۱

چو بنشست^۲ بهرام بهرامیان^۳ به تاجش زبرجد^۴ برافشانند
 چنین گفت کز^۵ دادگریک خدای سرای سپنجی نماند به کس
 به نیکی گراییم^{۱۲} و پیمان^{۱۳} کنیم^{۱۴} که^{۱۶} خوبی و زشتی^{۱۷} ز ما یادگار
 بیست از پی داد^۴ و بخشش^۵ میان همی نام کرمان شَهَش^۷ خواندند
 خرد بادمان^۹ بهره و داد و^{۱۰} رای! ترا^{۱۱} نیکوی باد فریادرس!
 به داد و دهش دل^{۱۵} گروگان کنیم^{۱۴}! بماند، تو جز تخم نیکی مکار!
 برو زار بگریست تخت^{۲۰} و کلاه! پیش^{۲۲} مردم آزور^{۲۳} بسپرد^{۲۴}!

۱-ل: پادشاهی بهرام بهرامیان چهار سال؛ ک: پادشاهی بهرام بهرامیان؛ متن = س، ق، ل، آ، س^۲ <بود>؛ بنداری: ثم ملک بهرام بن بهرام بن بهرام بن هرمز بن سابور بن اردشیر و کان ملکه اربعة أشهر ۲- (ق: آ: بشنید) ۳- (و: بر تخت فرخ پدر) ۴- س^۲ (نیز لی، آ، ب): تاج ۵- (نیز آ، ب): تختش؛ (لن: آ: داد جستن) ۶- (و: زمرد) ۷- (و: کردان شهنش؛ ب: یزدان برو)؛ بنداری: و لما جلس علی تخت الملک و عقد التاج علی رأسه آتته الموابذة و نثروا الجواهر علی رأسه و لقبوه کرمان شاه و اجتمع الیه اکابر المملكة و دعواله بالبركة و طول العمر ۸- (ل: آ: با) ۹- (ل: آ: دادمان) ۱۰- س-س^۲ (نیز لی): <و>؛ متن = ل (نیز لن، ق: آ: ب)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

چو فرخ پدر کرد نیکی همه	که او چون شبان بود و شاهان رمه
مرا نیز هم نیکوی پیشه باد	همه خوبی و دادم اندیشه باد
مبادا که کژی درآرم به کار	که شرمندگی یابم از کردگار
همه راستی باشد آیین من	همه نیکوی فرّه دین من

۱۱- (پ: مرا) ۱۲- (ق: آ: گرایید) ۱۳- ل، ق، س-س^۲ (نیز ق: آ: لی، و، آ، ب): فرمان؛ متن = س (نیز لن، ل، آ، پ، لن^۲) ۱۴- (ق: آ: کنید) ۱۵- (پ: تن) ۱۶- (ل: آ، و: چو) ۱۷- (ق: آ: نیکی)؛ بنداری: فردّ علیهم أحسن ردّ، و عدلهم من نفعه بكلّ خیر ۱۸- ق: پادشاهی او ۱۹- (آ: پنج) ۲۰- (ق: آ: تاج) ۲۱- (لی: بدین) ۲۲- (لن: تنش؛ و: دم مردم) ۲۳- ق (نیز ب): تو گویی دم مردمان؛ ل: دم ما به هر ساعتی؛ (ق: آ: دم مرد دانا همی) ۲۴- ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی، ل، آ، آ): شمرد (حرف بکم بی نقطه)؛ ق (نیز ق: آ، و، ب): بشمرد؛ (پ: نفس مردم آزور نشمرد)؛ متن = س (نیز لن، لن^۲)

[می لعل پیش‌آور^۱ ای روزبه! چو^۲ شد سال^۳ گوینده^۳ بر شست^۴ و سه!]

۱۰ چو بهرام دانست کامدش مرگ جهان را به فرزند^۶ بسپرد و گفت
-نهنگی کجا بشکرده^۵ پیل و کرگ!،
که با مهتریت^۷ آفرین باد جفت!

۱-ق (نیز پ): آر ۲-ق-س ۲ (نیز لی، پ، ب): که؛ متن = ل، س (نیز ل، ل، ل، آ، آ) ۳-ق: که گویند شد سال) ۴-ل، ل، س ۲ (نیز لی، آ، ب): شست؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ق، ل، آ، ب، ل، آ)؛ و این بیت را ندارد؛ لی، ل، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

لی: همه دانش او را و ما بنده‌ایم جهاندار یزدان بود داد راست کسی کو به جستن توانا بود نباید که بندد در گنج سخت و گر چند بخشی ز گنج سخن ز نیک و بدی‌ها به یزدان گرای وگر زو ستانی همی خوب و زشت وگر برگزینی ز گیتی هوا چنینست امیدم به یزدان پاک جهاندار پیروز دارد مرا که اندر جهان داد بپراکنیم که ایدر نماند همی رنج تو بد و نیک ماند ز ما یادگار چو شد سال آن پادشا بر دو هفت همی چنگه در ز بیمار شد نبودش پسر ایچ دخترش بود بدو داد ناکام گنج و سپاه جهاندار بر باد گیتی برفت

لن: ۲: سه جام می خسروانی بخورد پراکنده گشتند یاران همه بخت او و از دشت برخاست باد فروبرده چوب ستاده (→ ستاره) بکند ۵ جهانجوی شاپور جنگی بمرد

۵-ل ۲ (نیز ق، ل، لی): بشکند؛ (آ: بشمرد)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

همه خوبی و کامرانی باد به داد و دهش زندگانیت باد
نباشی تو با شرم مانده به جای چنان زی که فردا به نزد خدای
کزین هر سه یابد همی شاه ارز به داد و دهش کوش و دانش بورز

۶- (لی: نر سیش) ۷-ل: مهتران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ لن ۲ این بیت را ندارد

بنوش و بیاز و بیاز^۱ و ببخش^۲! مکن روز بر تاج و بر^۳ تخت رخس^۴!
 چو برگشت بهرام را روز و^۵ بخت به نرسی سپرد آن زمان تاج و^۶ تخت
 چنینست و این را بی اندازه دان!
 [کنون کارِ نرسی بگویم همی^۷ ز دل زنگ و زنگار^۸ شویم همی^۷]

۱- (لن: بناز)؛ ل، ک (نیز ل^۳، و: ناز و ساز (حرف یکم واژه یکم و حرف های یکم و دوم واژه دوم بی نقطه))؛ س: ساز و ساز (نقطه ندارد)؛ ق: بناز و بناز؛ ل^۲: بار و بار (حرف یکم در هر دو واژه بی نقطه)؛ س^۲: بناز و بیاز؛ (لی: بناز و بناز؛ پ: بیاز و بناز؛ ق^۲: بیاز و بناز؛ لن^۲: ساز و ساز و بیاز؛ آ: بنوش و ناز و بساز؛ ب: پوش و بناز و بناز)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲-ق: بخور؛ (لن^۲: مرنج) ۳-ل^۲ (نیز لن، ل^۳): با تاج و با ۴-ق (نیز لی، آ): بخش؛ (لن^۲: چه تازی به کین و چه نازی به گنج)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لن^۲ پس از این بیت افزوده است:

چو بهر تو اینست ازین تیره گوی همی جوی و راز جهان را مجوی
 که گر بازیابی بیچی ز درد پژوهش مکن گردِ رازش مگرد
 خردمند و شایسته بهرام شاه همی داشت سوگ پدر چند گاه

۵-ل (نیز و): < و >؛ ق-س^۲ (نیز لی، پ، آ، ب): فرّ و؛ متن = س (نیز لن، ق^۲، ل^۳) ۶-ل^۲ (نیز ق^۲): آن گرانمایه؛ لن^۲ بیت های ۱۳-۱۵ را ندارد؛ پ پس از این بیت افزوده است:

برآورد بادی و ناچیز شد بدخمه درون جای او نیز شد

و بیت های ۸-۹ را نیز پس ازین افزودگی آورده است ۷- (ق^۲، و: همه) ۸- (ق^۲: زنگ اندیشه)؛ متن = ل (نیز و)؛ س-س^۲، لن، لی، ل^۳، پ، لن^۲، آ، ب این بیت را ندارند؛ بنداری: ثم انه لما علم ان وقته قرب عهد الی نرسی - و هو آخر بهرام الثالث علی ما قال غیر صاحب الكتاب فانه لم یکن له ولد - وأوصاه. فصرم الأجل حبله ولحق بمن مضی قبله

نرسی

پادشاهی نرسی نه سال بود^۱

چو نرسی نشست از بر تخت عاج
 همه مهتران با نثار آمدند
 بریشان^۴ سپهدار کرد آفرین
 بدانید کز کردگار جهان
 ۵ که ما را مروّت^۶ خرد داد و شرم
 همان^۸ ایمنی، شادمانی^۹ بود
 خردمندمرد ار^{۱۲} ترا دوست گشت
 تو کردارِ خوب از توانا شناس!
 دلیری ز هشیار بودن بود
 ۱۰ هر آنکس که بگریزد از کارکرد
 همان^{۱۹} کاهلی مردم از بددلیست
 به سر برنهاد آن سزاوار^۲ تاج،
 ز درد پدر^۳ سوگوار آمدند
 که ای مهربانان^۵ داد و دین،
 چنین رفت کار، آشکار و نهان،
 جوانمردی و رای^۷ و آوازِ نرم!
 گر از اخترت^{۱۰} بی‌زیانی^{۱۱} بود،
 چنان دان که با تو ز هم^{۱۳} پوست گشت!
 خرد نیز^{۱۴} نزدیک دانا شناس!
 دلاور به جای^{۱۵} ستودن^{۱۶} بود!
 ازو دور شد نام^{۱۷} و ننگ^{۱۸} و نبرد!
 هم‌آواز با^{۲۰} بد^{۲۱} دلی^{۲۲} کاهلیست!

۱-س: پادشاهی نرسی پُسر بهران نه سال بود؛ ق: پادشاهی نرسی بن بهرام بن بهرامیان نه سال بود؛ ک: پادشاهی نرسی بن بهرام؛ س: آ:
 پادشاهی نرسی سی و نه سال بود؛ متن = ل، ل، آ؛ بنداری: ثم ملک نرسی بن هرمز بن سابور بن اردشیر و کانت مدّة ملکه تسع سنين
 ۲-ک، س: آ (نیز پ، آ): سرافراز؛ (ق: آ، ل، لی، و، ل، آ: دلفروز)؛ متن = ل، س، ق، ل: آ (نیز ل، ب) ۳-س: درد و پدر ۴-ل: آ: بدیشان ۵-ک:
 مهتران ابا؛ (ق: آ: پهلوانان با) ۶-ک، س: آ (نیز لی، آ): فرونی؛ متن = ل، س، ق، ل: آ (نیز ل، ل، آ: ب) ۷-ل: داد؛ (لی: راد)؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر؛ ق: آ این بیت را ندارد ۸-ک، س: آ (نیز لی، آ): گراز؛ (ق: آ، ل، آ: و: هم از)؛ متن = ل، س، ق، ل: آ (نیز ل، ب، پ، ل، آ: ب) ۹-ک:
 اختر بی‌زیانی؛ س: آ (نیز لی، آ): اخترم بی‌زیانی ۱۰-ل: آ (نیز ق: آ): اخترش؛ متن = س، ق (نیز ل، ل، آ: ب) ۱۱-ل: ق، ل: آ (نیز پ،
 ب): مهربانی؛ (ل: آ: کامرانی؛ و: اختر بد زیانی)؛ ک، س: آ (نیز لی، آ): شما راز من شادمانی؛ متن = س (نیز ل، ق، آ: ل، آ: ب، ل، آ، آ
 لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۲-ق: س: آ (نیز لی، ل، آ: ب، آ: ب): مردم؛ متن = ل، س (نیز ل، و، ل، آ: <مرد>) ۱۳-ل: س: آ (نیز ل،
 لی، ل، آ: ب، ل، آ: ب): یک؛ متن = (و)؛ ق: آ بیت‌های ۷-۸ را ندارد ۱۴-س: گیر ۱۵-ل: آ: بجان؛ (ل: آ: دل او بجای) ۱۶-ک، س: آ: شنودن
 ۱۷-ل: آ: تاج) ۱۸-س: تاج ننگ؛ ق: ل، آ: س: آ (نیز لی، آ): ننگ و نام؛ (و: دور شو توبه ننگ)؛ متن = ل، ک (نیز ق: آ، ل: آ: ب، ل، آ: ب)؛ ک
 این بیت را دوبار آورده است ۱۹-ل: آ: همه) ۲۰-ل: آن ۲۱-ل: آ: باید ۲۲-ل: آ: دلان؛ آ: یابد بدل؛ ق: آ: همان از از کاهلان؛ ل: آ: سر
 بی‌نوائی دگر)؛ متن = س، ق، ک، س: آ (نیز ل، لی، پ، و، ل، آ: ب)

جهان را سخن گفتنش سودمند!
 شد آن ترگی بولاد برسان^۴ موم!
 به رخشانی^۷ لاله اندر فرزند!
 فروزان^۸ چو در تیره^۹ شب^{۱۰} ماه بود!
 مبر دست سوی بدی تا توان!
 سزاوار تاجی^{۱۴} و زیبای تخت!
 به هر دانش از هر کسی^{۱۶} بی^{۱۷} همال!
 دل انجمن بر^{۱۸} تو بریان شود!
 چن^{۲۱} امختی از پاک^{۲۲} پروردگار!
 سپهر^{۲۴} روانت به پی^{۲۵} بسپرد!
 به پاسخ‌گری، روز فرخ کنی!
 یکی باد سرد از جگر برکشید!
 همان^{۳۰} تخت و دیهیم و کرسی نبود!
 ترا بهره جز گرم و تیمار نیست!

همی زیست نه سال^۱ با رای و پند
 چو روزش^۲ فراز آمد و^۳ بخت شوم
 دوان شد به بالین^۵ شاه^۶ اورمزد
 ۱۵ که فرزند آن نامور شاه بود
 بدو^{۱۱} گفت کای نازدیده جوان
 تو از جای^{۱۲} بهرام و نرسی به بخت^{۱۳}
 بدین برز^{۱۵} بالا و این فر و یال
 مبادا که تاج از تو گریان شود
 ۲۰ جهان را بدآیین^{۱۹} شاهان^{۲۰} بدار
 به فرجام هم روز تو^{۲۳} بگذرد
 چنان رُو^{۲۶} که پرسدت^{۲۷} پاسخ کنی
 بگفت این و چادر به سر^{۲۸} در^{۲۹} کشید
 همان روز گفתי که نرسی نبود
 ۲۵ چنین ست و رازش پدیدار^{۳۱} نیست

۱-س: ماه؛ بنداری: قال: و لما فرغ من ماتم بهرام تسنم سریر الملک و عقد التاج علی رأسه فدخلت علیه العظماء و الأشراف و نثروا علیه الجواهر و دعوا له و أثنوا علیه فوعدهم الخیر ۲-(آ: روشن) ۳-(ل: آ: از) ۴-(پ: بر سر چو) ۵-ل (نیز ل: آ): بالینش ۶-ق (نیز پ): او؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-(ل: آ: رخسار چون) ۸-ک، س ۹-(نیز ل: آ): رخ وی ۹-ل: آ: خود تیره ۱۰-ق، ک (نیز ل: آ، ب): شبان؛ س: آ: چو تیره شب؛ متن = ل، س، ل ۱۱-(نیز ل: ق، آ، ل: آ: ل: آ) ۱۱-(ل: ن: پدر) ۱۲-س، ک، ل، آ، س ۱۳-(نیز ل: و، آ، ب): چار؛ متن = ل، ق (نیز ب) ۱۳-(ل: ن: ای جان نرسی و بهرام بخت (حرف یکم در واژه آخر بی نقطه)) ۱۴-ق، ک، س ۱۵-(نیز آ، ب): شاهی؛ ل: آ: فرونی بشاهی؛ متن = ل، س (نیز ل: ل: و)؛ ق، آ، ل: آ: این بیت را ندارند ۱۵-ل (نیز ق: آ): زور؛ ک (نیز ل: آ): برز و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-ل: آ: دانشی از کسی؛ (ق: آ: دانشی گشته‌ای؛ آ: دانشی هر کسی) ۱۷-(ل: ن: آ: دانشی هر کسی را) ۱۸-(ل: ل: آ: از) ۱۹-ل: س ۲۰-(نیز ل: ق، آ، ل: پ، ب): به آیین؛ (ل: آ: بر آیین)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۰-س، ک، س ۲۱-(نیز ل: ق، آ، پ، ل: آ): شاهی؛ متن = ل، ق، ل ۲۱-(و، ب) ۲۱-ل، س، ق، ل ۲۲-(نیز ق، آ، ل: آ، ب): چو؛ متن = ک، س ۲۲-ل: آموختی پاک؛ (ل: آ: آموختت پاک؛ و: آموختی تو ز؛ ل: آ: جوان بختی از پاک)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-س، ل ۲۴-(نیز ل: ق، آ، ل: آ): روز تو هم؛ متن = ل، ق، ک، س ۲۴-(نیز ل: آ، ب) ۲۴-(ل: ن: آ: سپهر این) ۲۵-(آ: همی) ۲۶-(ل: ل: دان) ۲۷-ل، س: آ: پرسند؛ (پ: چو پرسند)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل: آ: پس از این بیت افزوده است:

همیشه روان و دلت شاد باد بزرگی و گنج تو آباد باد

۲۸-ل: ز سر ۲۹-ل: آ: به رخ بر؛ (پ: برخ در)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-(ل: آ: ورا) ۳۱-ق-س ۳۲-(نیز ل: پ، آ، ب): این راز دیدار؛ متن = (نیز ل: ق، آ، ل: و، ل: آ): ل: این بیت را ندارد؛ ق: آ: و پس از این بیت افزوده‌اند:

بگویم کتون نامه (و: کار این) اورمزد که رخشان شود (و: شوی) چون گل اندر فرزد

بنداری: و سار فیهم مدة ملکه بأحسن سیره و أعدل طریقة. ثم لما حان حینه عهد الی ولده هرمز، و ولاه الملک و أوصا ثم سلک سبیل الغابرین و لحق بآبانه الأولین

اور مزدِ بزرگ

پادشاهی اورمزد نرسی نه سال بود^۱

۵ چو بر گاه رفت^۲ اورمزدِ بزرگ
 جهان را همی داشت با ایمنی
 نخست آفرین کرد بر کردگار
 شب و روز و گردان سپهر آفرید
 ازویست^۸ پیروزی و فرهی
 همیشه^{۱۱} دل^{۱۲} ما پر از داد باد!
 ستایش نیابد سر^{۱۴} سفله مرد
 همان نیست^{۱۵} با مردِ بدخواه رای
 ز بخشش^{۱۶} هر آنکس که جوید^{۱۷} سپاس^{۱۸}
 ۱۰ ستانده کو^{۲۲} ناسپاست^{۲۳} نیز
 هراسان بود مردم سخت^{۲۴} کار
 وگر^{۲۵} سستی آرد به کاراندرون
 ز نخچیر کوتاه شد چنگِ گرگ^۳!
 نهان گشت^۴ کردارِ آهرمنی^۵!
 توانا و دانا و پروردگار،
 چو بهرام و کیوان^۷ و مهر آفرید،
 دل و^۹ داد^{۱۰} و دیهیم شاهنشهی،
 دلِ زبردستان به^{۱۳} ما شاد باد!
 برِ سفلگان تا توانی مگرد!
 اگر پندگیری به نیکی گرای!
 نخواندش^{۱۹} بخشنده^{۲۰} یزدان^{۲۱} شناس!
 سزد گر ندارد کس او را به چیز!
 که او را نباشد کسی دوستدار!
 نخواند^{۲۶} ورا رای زن^{۲۷} رهنمون!

۱-ل: پادشاهی اورمزد هفتاد سال و پنج ماه؛ س، ل، آ، س، ۲ <بزرگ>: پادشاهی اورمزد بزرگ نه سال بود؛ متن = ق؛ ک جای سرنویس را خالی گذاشته است؛ بنداری: ثم ملک هرمز بن نرسی بن هرمز بن سابور بن اردشیر و کان ملکه تع سین ایضاً ۲-س، ک، س، آ (نیز لی، و، آ): شد؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز شش دستنویس دیگر) ۳- (لن: دست گرگ؛ ب: دست مرگ) ۴- (ق: کرد؛ ل، آ، ل: داشت؛ پ، و: گشته) ۵- (و، آ: اهریمنی) ۶- ق، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، ل، آ): < > ۷- (لی، پ، آ، ب: کیوان و بهرام) ۸- س (نیز لن، پ، و، لن، آ): و زویست؛ ق: کزویست؛ متن = ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب) ۹- س (نیز لن، پ، لن، آ): < > ۱۰- س (نیز لن، لی): راد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- (ق: خجسته) ۱۲- (و: سر) ۱۳- س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب): <به>؛ ک: ز؛ متن = ل، ق، س، آ (نیز ل، آ، ل، آ، ل، آ، و): دل؛ ک، س، آ (نیز آ): بسی؛ (لن، آ: نباید بر؛ ق، آ: نیایش نباشد دل)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز پ، ب) ۱۵- ل: نیز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶- س (نیز لن، ق، آ، و، لن، آ): نخستین؛ س، آ: بیخشش؛ متن = ل، ق، ک، ل، آ (نیز لی، ل، آ، ب) ۱۷- ک، س، آ (نیز آ): گیرد؛ (لی: دارد) ۱۸- (لن، آ: شناس) ۱۹- ل، س: نخواندش (حرف یکم بی نقطه)؛ ل، آ (نیز ل، آ): نخواندش (حرف پنجم بی نقطه)؛ (لی: نخواندیش)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۰- (و: جوینده؛ ب: خواننده) ۲۱- (لن، آ: یزدان نیکی) ۲۲- ل، ک، س، آ (نیز ق، آ، و، آ): ساسده گر (نقطه ندارد)؛ س، ل، آ (نیز لن): ستانده کو؛ متن = (لن، آ، ب) ۲۳- (لی: پاسبانست)؛ ق این بیت را ندارد ۲۴- ک: زشت ۲۵- (ق، آ: مگر؛ ل، آ: اگر) ۲۶- ک: نخواهد؛ (ل، آ: بخواند) ۲۷- ق (نیز آ): رای بر؛ (ل، آ: راه زن)

نباشی^۴ جهانجوی و^۵ مردم شمار^۶!
 وگر گاه^۸ یابی، نگردی^۹ سترگ!
 همی^{۱۱} بیند آن از بد^{۱۲} روزگار،
 نه رای و نه دانش، نه زیبای تخت^{۱۴}،
 شود جان^{۱۷} و مغز و دلش^{۱۸} کاسته،
 ندارد خرد، گردن افرازد اوی^{۲۰}!
 نه دین و نه خشنودی^{۲۳} دادگرا!
 بداندیش را جان^{۲۴} پراگنده^{۲۵} بادا!
 خود^{۲۸} از سوگ شاهان^{۲۹} برداختند^{۳۰}

گر از کاهلان^۱ یار^۲ خواهی به کار^۳
 نگر^۷ خویشان را نداری بزرگ
 ۱۵ چو بدخو شود مرد درویش^{۱۰} خوار
 همه ساله بیکار و نالان ز بخت^{۱۳}
 وگر باز گیرند^{۱۵} ازو^{۱۶} خواسته
 به پی خیزی و بدخوی یازد^{۱۹} اوی^{۲۰}
 نه چیز و نه دانش^{۲۱}، نه رای^{۲۲} و هنر
 ۲۰ شما را شب و روز فرخنده بادا!
 برو^{۲۶} مهتران آفرین ساختند^{۲۷}

گل زرد گشت^{۳۲} آن چو گلنار چهار
 بمرد و به بالین^{۳۵} نبودش پسر
 به نوی^{۳۷} بشد زین سرای کهن
 توانا به هر کار و ما ناتوان^{۳۹}!
 سر گاه او خوار بگذاشتند^{۴۰}
 سر مهتران پر ز تیمار بود
 یکی لاله رخ دید^{۴۱} تابان چو ماه

چو نه سال^{۳۱} بگذشت بر سر سپهر
 غمی^{۳۳} شد ز مرگ آن سر^{۳۴} تاجور
 چنان^{۳۶} نامور مرد شیرین سخن
 ۲۵ -چنین بود تا بود چرخ روان^{۳۸}
 چهل روز سوگش همی داشتند
 به چندین زمان تخت بیکار بود
 نگه کرد موبد شبستان شاه

- ۱- (و، آ: کاهلی) ۲- (لی، و: باز) ۳- (ق: آ: تو کار) ۴- (ب: نخواهی) ۵- (نیز لی، ل: آ): <و> متن = یازده دستنویس دیگر ۶- ل: آ: شکار؛ (آ: همان خوی بدبینی از روزگار) ۷- ل: وگر؛ (لی، ب: مگر): متن = س، ک، ل، آ، س (نیز لن، ق: آ، ل: آ- لن: آ) ۸- ل: کار؛ ل: آ: کام؛ (ق: آ: جاه) ۹- ل: نداری؛ (ق: آ: نباشی): متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: آ این بیت را ندارند ۱۰- ل: ۲ (نیز ل: آ، پ، لن: آ): درویش و؛ (و: روسن مدار (تنها حرف چهارم نقطه دارد)) ۱۱- (ق: آ، لی: همان) ۱۲- ق: آ: بد ز بد؛ ک، س، آ (نیز لی، ب): خوی بد بیند از؛ متن = ل، س (نیز شش دستنویس دیگر): آ این بیت را ندارد ۱۳- (لی: بود) ۱۴- (لی: همه کار پیشش نه آسان بود): ل: آ این بیت را ندارد ۱۵- ل: س، آ (نیز لن، لی، ب): باز گیرند؛ (ق: آ: باز گیرد): متن تصحیح قیاسی است ۱۶- س، س، آ: زو ۱۷- (و: جاه) ۱۸- (ق: آ: تنش) ۱۹- ل، س، ک، س، آ (نیز لن- ل، و، لن: آ): بی چیزی و بدخوی یازد؛ ق: زبی چیزی او بدخوی سازد؛ ل: ۲ (نیز آ): همی چیزی و بدخویی سازد؛ (پ: بی چیزی و بدخویی سازد؛ ب: به بی چیزی و بدخویی سازد): متن تصحیح قیاسی است ۲۰- ل، ق- س، آ (نیز لن، ق: آ، ل: آ، پ، آ، ب): او؛ متن = س (نیز لی، و، لن: آ) ۲۱- (لی: رای و؛ و: فر و) ۲۲- (آ: نه رای و نه دانش نه شرم) ۲۳- ک، س، آ (نیز پ، ب): خشنود ازو ۲۴- (و: دل) ۲۵- ق: ل، آ (نیز ب): و تن کنده؛ ک، س، آ (نیز لی، ل: آ، پ، لن: آ): ز تن کنده؛ متن = ل، س (نیز لن، ق: آ): بنداری: قال: ثم إنه جلس علی تخته و عقد التاج علی رأسه فحمد الله تعالی و أثنی علیه ثم نصح الحاضرين و وعظهم و وعدهم بكل خیر: بنداری در اینجا با عبارت «علی ماقال غیر صاحب الکتاب» چند سطر از منابع دیگر افزوده است ۲۶- ل: ۲ (نیز لن، لی): بدو ۲۷- (ق: آ: خواندند) ۲۸- ق: ل، آ (نیز و، لن: آ): چو ۲۹- ل: آ: شاهی ۳۰- (پ: فروماندند): ک، س، آ (نیز لی، آ، ب): ز گفتار او سر برافراختند؛ (ق: آ: و را شهریار زمین خواندند): متن = ل، س (نیز لن، ل: آ) ۳۱- ل: هفتاد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۲- ل: شد؛ (ق: آ: چو دینار گشت): متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳- ک (نیز لی، ب): غمین ۳۴- ک، س، آ (نیز لی، ب): شه؛ (آ: غمی شد ز هر که آن سر (وزن ندارد)) ۳۵- ل: به شاهی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۶- س، س، آ (نیز لن- پ، لن، آ، آ، ب): شد آن؛ متن = ل (نیز و) ۳۷- ل- س، آ (نیز لن- لن، آ، ب): بنوی (حرف چهارم بی نقطه): (آ: بنوی (حرف چهارم بی نقطه)): متن تصحیح قیاسی است ۳۸- (لی: گردان سپهر) ۳۹- (لی: نباشد به هر کار مهر) ۴۰- ل، س، ق، س، آ (نیز لن، ل، و، ب): بگذاشتند (حرف یکم بی نقطه): ک (نیز لی): نگذاشتند؛ متن = ل، آ (نیز ق: آ، پ، لن: آ، آ) ۴۱- (ب: بود)

سر مژه چون خنجر کابلی
 ۳۰ مسلسل یک اندر دگر بافته
 پری چهره را بچه بُد در^۲ نهان
 به سر بزّش تاجی برآویختند^۵
 چهل روز بگذشت ازین^۸ خوب چهر
 وُرا موبدش^۹ نام شاپور کرد
 ۳۵ تو گفתי همه^{۱۱} فرهی ایزدیست!
 چهل روزه^{۱۴} شد^{۱۵}، رودومی خواستند^{۱۶}
 برفتند گردان زرین کمر
 چو آن خُرد را^{۲۰} سیر دادند شیر
 چهل روزه را زیر آن تاج زر
 ۴۰ به شاهی^{۲۴} برو آفرین خواندند!

دو زلفش چو بیجان خطِ مَعْقِلی^۱
 گره برزده، سرش برتافته
 از آن خوبرخ^۳ شادمان شد^۴ جهان
 بر آن تاج زرّ و^۶ و درم^۷ ریختند
 یکی کودک آمد چو تابنده مهر
 بر آن^{۱۰} شادمانی یکی سور کرد
 برو سایه^{۱۲} رایب^{۱۳} بخردیست!
 یکی^{۱۷} تخت شاهی بیاراستند^{۱۸}
 بیاویختند از برش تاج زر^{۱۹}
 نوشتندش^{۲۱} اندر^{۲۲} میان حریر
 نهادند بر تخت^{۲۳} فرخ پدر
 همه مهتران گوهر افشاندند!

۱- (ق: ۲؛ مغولی؛ لی، پ: بابلی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲- ل: بچه اندر؛ (لی: بجهی در)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- ک، س ۲ (نیز ق: ۲، لی، آ، ب): ماهرخ؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز ل، ل ۲- ل ۲) ۴- ل ۲ (نیز ق: ۲): شاد شد در؛ ق: بچه شد شادمانه؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

از آن هر کسی را دلی شاد شد
 که آن شاه ازو تازه بنیاد شد
 به درویش دادند هر گونه چیز
 همان هر کس از خویشان داد نیز

۵- ک، س ۲ (نیز ل، لی، پ، و، آ، ب): بیاویختند؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ق: ۲، ل، آ، ل، ن ۲) ۶- س (نیز ل، ق، آ، و، ل، ن ۲): زرین؛ متن = ل، ق- س ۲ (نیز لی، پ، آ، ب) ۷- ل ۲: گهر؛ بنداری: قال: فهلك و لم یكن له ولد. فجلس أشراف المملكة فی عزائه أربعین يوماً. ثم وجدوا فی جواریه جاریه حبلی فعقدوا التاج علی رأسها ۸- ل، ل ۲ (نیز لی): بر؛ س (نیز ل، ل، ن ۲): زین؛ ق، ک، س ۲ (نیز ق: ۲، و، آ، ب): از آن؛ (پ: بسی برنیامد کزان)؛ متن = (ل ۳)؛ ق: ۲، و پس از این بیت افزوده اند:

ق: ۲: بر آن خرد هر کس که کردش نگاه
 همی گفت: نرسی ست با تاج و گاه
 بیاراستندش از آن تاج و تخت
 که آن کودکی بود بیروزبخت

و: ورا نام شاپور کردند روان
 کون کار شاپور گویم ترا
 و زو شاد گشتند پیر و جوان
 بدین آب حکمت بشویم ترا

۹- (پ: که موبد ورا؛ و: چو موبد ورا) ۱۰- س- س ۲ (نیز ل، ق، آ، پ، آ، ب): بدان؛ متن = ل (نیز و، ل، ن ۲)؛ بنداری: فلما أتت علیها أربعون يوماً وضعت ابناً كالشمس الزاهرة. فمأه الموبد سابور فاستبشر الناس وفرحوا بمولده ۱۱- ل: همی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- ل، س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی- ب): سایه و؛ (ق: شاهی و)؛ متن = ق (نیز ل، ن) ۱۳- (ل ۳): و فره؛ و: و آیت)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

سراینده دهقان موبد نژاد
 ازین داستانم چنین داد یاد

۱۴- س، ق، ک (نیز لی، ل، آ، ل، ن ۲، ب): >؛ متن = ل، ل ۲ (نیز ل، ق، آ، پ، آ) ۱۵- (لی: را) ۱۶- (و: چهل روز شادی بیاراستند) ۱۷- ک: همی ۱۸- (ل ۳، آ: بیاراستند؛ ق: شاهی بیاراستند؛ و: سر تخت شاهان بیاراستند) ۱۹- (آ: تاجور)؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۲۰- (ق: جوانرا همی) ۲۱- (ق: نوشتند؛ ل، ن ۲: ببوشیدش) ۲۲- ل: نوشتند پس در؛ متن = س- س ۲ (نیز شش دستنویس دیگر)؛ ل ۲ بیت های ۳۸-۳۹ را ندارد؛ بیت های ۳۲-۳۸ در ل و چند دستنویس دیگر آشفگی دارند؛ پایی بیت های متن = س، ق، ل، ن، لی، پ- ب ۲۳- ل: جای ۲۴- س: سپاهی؛ بنداری: ولما أتت علی سابور أربعون يوماً من ولادته نصبوا له تختاً فی ایوانه وجاء به ملفوفاً فی حریره، و وضعوه علی التخت، و عقدوا علیه التاج فحیوه بتحیه الملوك و دعوا له و نثروا علیه الجواهر، كما جرت عادتهم عند قعود الملوك مقاعد السلطنة

شاپور ذوالاكتاف

پادشاهی شاپور ذوالاکتاف هفتاد سال بود^۱

یکی موبدی^۲ بود شهروی^۳ نام^۴
 بیامد به کرسی زربین^۵ نشست
 جهان را همی داشت با داد و رای
 بیالید^۹ گنج و سپاه ورا
 ۵ چنین تا برآمد برین پنج^{۱۱} سال
 خردمند و شایسته و شادکام
 میان پیش او^۶ بندگی^۷ را بیست
 سپه را به هر نیکی بی^۸ رهنمای
 بیاراست^{۱۰} ایوان و گاه ورا
 برافراخت از کبدک خرد^{۱۲} یال^{۱۲}

نشسته شبی شاه^{۱۳} در طیسفون^{۱۴}
 بدانگه^{۱۶} که خورشید برگشت زرد،
 خروش آمد از راه اروندرود
 چنین گفت موبد بدان شاه خرد
 خردمند موبد با پیش^{۱۵} اندرون
 پدید آمد آن چادر لاژورد^{۱۷}،
 به موبد چنین گفت: هست این درود؟
 که ای پاکدل نیک بی شاه گرد^{۱۸}،

۱-ل: پادشاهی شاپور ذوالاکتاف هفتاد و دو سال بود؛ ک: پادشاهی شاپور بن نرسی؛ ل: پادشاهی شاپور پنجاه سال بود؛ متن = س، ق
 <بود>، س: <بود>؛ بنداری: ذکر نوبه سابور بن هرمز بن نرسی، و هو سابور ذوالاکتاف، و کانت، مدة ملکه ثمانین سنة ۲-ق، ک (نیز
 آ، ب): موبدش؛ (ق: ل: می: مهتری) ۳-ل، ل: آ: شهرو؛ ک، س: ۲ (نیز ق: ۲) <ی>؛ ل: آ، آ، ب): مهروی؛ ب: شاهوی؛ متن = س، ق (نیز ل، و،
 ل، ل، ۴-ل، ل: آ: (نیز ق: ۲): بنام؛ متن = س، ق، ک، س: ۲ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ بنداری: و کان فی ارکان دولته موبد یقال له شهرویه
 ۵- (ب، و: زر بر) ۶- (ل: میان یلی) ۷- (ل: ل: بندگی پیش او) ۸- ل: نیک و بد؛ س (نیز ل، ن، پ: نیکویی؛ ل: نیکی بود)؛ متن = ده
 دستنویس دیگر ۹- (نیز ق: ۲): پراکنده؛ ک، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، و، آ، ب): بیآکنده؛ (ل: ۲: بیالید حرف یکم بی نقطه)؛ متن = س (نیز ل، ن)
 ۱۰- ل: آ: برآراست؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- (ل: آ: هفت؛ ب: چند) ۱۲- (ل: سال) ۱۳- ک، س: آ: شده شاد؛ (ل: آ: شده شاه)؛ ق: نشست
 شهنشاه؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- ل، ک، ل، ۱۴- (نیز ق: ۲، ب): طیسفون؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: طیسفون ۱۵- ک، س: ۲ (نیز
 ل، ن، ل، آ، ل: آ): موبدش پیش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- ک: برآنگه؛ (ق: آ: چنان بُد که) ۱۷- س، س-س: ۲ (نیز ل، ن، ق: ۲، ل: ل، آ، آ، ب):
 لاجورد؛ متن = ل (نیز ل، آ، ب، و) ۱۸- ق: که ای شیردل خرد گرد (وزن ندارد)؛ بنداری: فتوی التابیر، و تقلد التقدیم و التأخیر، و قام
 بیااسة الملك فملاً كنوزه و كثر جنوده حتى نشأ الصبی. فما بلغ خمس سنين كان ذات يوم خالسا في مكانه من مدينة طیسفون
 صياحا و شغباً و لفظاً كبيراً

۱۰ کنون مردِ بازاری و چاره‌اجوی
 چو بر دجله یک، بر دگر^۳ بگذرند،
 بترسد چنین هر کس از بیم^۶ لوس^۷
 چنین گفت شاپور با موبدان
 یکی پولِ دیگر^{۱۲} بیاید^{۱۳} زدن
 ۱۵ بدان تا چنین زبردستانِ ما،
 به رفتن نباشند^{۱۷} ازین^{۱۸} سان به^{۱۹} رنج
 همه موبدان شاد گشتند سخت
 یکی پول فرود^{۲۲} موبد دگر
 و زو^{۲۵} شادمان شد دلِ مادرش
 ۲۰ به زودی به فردنگ جایی^{۲۷} رسید
 چو بر هفت^{۲۹} شد رسم^{۳۰} میدان نهاد^{۳۱}
 به هشتم شد، بین تخت و کلاه
 تن خویش را از در^{۳۴} فخر کرد

ز کلبه سوی خانه دارند^۲ روی
 چنین تنگ‌پل^۴ را به پی بسپرد^۵،
 چنین برخروشد چون^۸ زخم^۹ کوس^{۱۰}
 که ای راهبر نامور^{۱۱} بخردان،
 شدن را، یکی راه^{۱۴} باز آمدن^{۱۵}
 گر از لشکری^{۱۶} در پَرستانِ ما،
 درم داد باید فراوان ز گنج
 که سبز آمد آن^{۲۰} نارسیده^{۲۱} درخت
 به فرمان^{۲۳} آن کودک^{۲۴} تاجور
 بیاورد فرهنگ‌جویان^{۲۶} برش
 کز آموزگاران سر اندر^{۲۸} کشید
 هم آورد و هم^{۳۲} رسم چوگان نهاد^{۳۱}
 تو گفתי کزو داشت بهرام راه^{۳۳}
 نشستن‌گه شاه باسطرخ^{۳۵} کرد،

۱- (و: جنگ) ۲- ل: بنهاد؛ (ل: آرنه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- ل: ق: س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و: آ، ب)، بر یکدگر؛ متن = س (نیز ل: پ، ل: ن) ۴- (ق: ۲، ره: ل: ل: دل)؛ ل: یک بیک؛ (آ: نیک‌دل)؛ متن = س: س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۳، پ، و: ب) ۵- (ل: نسیرند؛ ل: ۲: راه را نسیرند) ۶- ل: ک، س: ۲ (نیز ل: ل، ل: ۳، آ)؛ زخم؛ متن = س: ق: ل: ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۷- ل: س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ن- ل: ۲، ل: ۲، آ، ب)؛ کوس؛ (پ: آب؛ و: بوس (نقطه ندارد))؛ متن = ق: ۸- ل: از؛ (و: همی برخروشد چون)؛ متن = س: س: ۲ (نیز ل: ن، ق: ۲، و: ب) ۹- (ل: برخروشد چنین زخمه) ۱۰- (ل: ل: ق: ۲، لوس؛ پ: برخروشد چو گیرد شتاب؛ ل: ۳: همی برخروشد همچون خروس) ۱۱- ل: پ: هنر نامور؛ ل: ۲: نامور راهبر؛ (ل: ۳: نامور پرهتر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲- ل: پلی دیگر اکنون؛ (ل: ۲: یکی با دگر کر؛ و: بر اینجا دگر پل؛ متن ← ۱۳- (ل: ۳: پل دگر باید اکنون)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- ل: ل: ۲ (نیز پ): راه و: ق: پول و: ک، س: ۲ (نیز آ، ب): یک به؛ (ل: پل به باز)؛ متن ← ۱۵- (ق: ۲: باز باز آمدن)؛ متن = س (نیز ل: ن، ل: ۲، و: ل: ۲) ۱۶- س: س: ۲ (نیز ل: ل، پ، ل: ۲، آ، ب): لشکر و: (ق: ۲: گر آن لشکر و)؛ متن = ل (نیز ل: ل، و: ۲) ۱۷- (پ: نیبند)؛ ق: از این پس نباشد؛ متن ← ۱۸- ل: زین؛ متن ← ۱۹- (ق: ۲، ل: ۳: پس به)؛ ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: آ، ب): ازین پس نیبند؛ (و: نباشند ازین سان ز رفتن به)؛ متن = س (نیز ل: ن، ل: ۲)؛ بنداری: فسأل عن ذلك فأخبر بأن ذلك من عبور الناس على جسر دجلة و ازدحامهم فی رواح و المجيء، فأقبل على موابذة و قال: ليعقد على دجلة جسر آخر ليكون أحدهما معبراً لمن أقبل و الآخر معبراً لمن أدر حتى لا يتزاحموا ولا يتأذى أجنادنا و رعایانا ۲۰- (ل: ۳، پ، و: این) ۲۱- (ل: ۲، آ: نو رسیده) ۲۲- ل: ق: س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ب)؛ پل بفرمود؛ متن = س (بیر ق: ۲) ۲۳- (آ: بفرمود) ۲۴- (ل: خسرو) ۲۵- ل: (نیز ق: ۲، ل: ۳)؛ ازو: ک، ل: ۲ (نیز ل: آ)؛ و: زان؛ متن = س، ق: س: ۲ (نیز ل: ن، پ، و: ل: ن، آ، ب) ۲۶- (ق: ۲: فرهنگیان را) ۲۷- ل: جویی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸- (و: سرش بر)؛ بنداری: فتعجب الموابذة من قوله و استدوابه على نجابه و ذكائه. ففقدوا جسراً آخر كما أمر. ثم إنه تعلم آداب الملوك و ترعوع و لم يزل روعة و استعداد للسلطنة ۲۹- (ل: آ: پردخته) ۳۰- ک: ساز؛ (و: راه) ۳۱- (و: گرفت) ۳۲- ل: هم آورد او؛ متن = س: س: ۲ (نیز ل: ن، ل: ۲، ل: ۲، ل: ۳، ب) ۳۳- ل: شاه؛ ل: کمر بست بهرام شاه؛ س: ازو داست بهرام شاه (!)؛ ق: ل: ۲ (نیز پ): کزو زاد بهرام شاه؛ ک، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ل، آ، ب): که او بست بهرام شاه؛ (و: که زنده بست بهرام شاه)؛ متن = (ل: ن) ۳۴- (ل: اندر آن) ۳۵- (ل: باسطرخ)؛ ل: (نیز ل: ۲، ل: ۲)؛ خود باسطرخ؛ س، ق: س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: پ، و: آ، ب): خویش باسطرخ؛ ل: ۲: خویش باسطرخ؛ ک: او در باسطرخ؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: قال: و أثر المقام باسطرخ لأنه كان مستقر أسرة السلاطين فتحول إليها

بر آیین فرخ‌نیاگانِ خویش گزیده سرافرا پاکانِ خویش

۲۵ چو یک‌چند بگذشت بر شاه^۳ روز،
 ز غسانیان طایرِ شیردل^۵
 سپاهی ز رومی و از^۸ قادسی^۹،
 بیامد به پیرامن^{۱۳} طیسفون^{۱۴}
 به تاراج داد آن همه بوم و بر
 چو آگه شد از^{۲۳} عمت^{۲۴} شهریار^{۲۵}
 بیامد به ایوانِ آن ماهروی^{۲۷}
 از^{۳۰} ایوانش^{۳۱} بردند و کردند اسیر
 چو یک سال نزدیک طایر بماند
 ز طایر یکی دختش^{۳۳} آمد چو ماه

فروزنده شد تاج^۴ گیتی فروز،
 که دادی فلک^۶ را به شمشیر دل^۷،
 ز بحرین و از^{۱۱} کرد^{۱۱} و از^{۳۰} پارسی^{۱۲}،
 سپاهش^{۱۵} از اندز^{۱۶} دانش فروز^{۱۷}،
 که را بود با^{۱۸} از^{۱۹} پی و پای^{۲۱} و پر^{۲۲}!
 کجا نوشته بُد نامِ آن نوبهار^{۲۶}،
 همه طیسفون^{۲۸} گشت پرگفت و گوی^{۲۹}،
 که دانا بودند و دانش‌پذیر!
 از^{۳۲} اندیشگان دل به خون درنشانند،
 که گفتی^{۳۴} که نرس است^{۳۵} با تاج و گاه

۱-ق-س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ، ب): به: متن = ل، س (نیز ل، ل-ل^۲، ل^۲) ۲-ل، ک (نیز ق^۲، ل^۲، آ): سرافرا و دل: سوزان و: (ب: سزاوار و):
 متن = س، ق، س^۲ (نیز ل، ل، لی، پ، و، ل^۲) ۳-ق: آ: گاه) ۴-ق: آ: شاه) ۵-ل: آ: مرد ۶-ل: ملک: متن = چهارده دستنویس دیگر
 ۷-ل: آ: کرد: (لن: ذل؟): ل^۲ در اینجا سرنویس دارد: آمدن طایر غسانی و طیسفون را غارت کردن ۸-ل: ق: و: ز: س: آ: و وز ۹-ک:
 قالی: ل^۲ (نیز ق^۲): پارسی: (لی، ب: فارسی: ل^۲، ل^۲، ل^۲): پارسی) ۱۰-ل، ق، س^۲ (نیز ل، ل^۲، ل^۲): وز: متن = س، ک، ل^۲ (نیز شش
 دستنویس دیگر) ۱۱-ل: (لی: کیش) ۱۲-ل^۲ (نیز ب): پارسی: (ق^۲، لی، و: فارسی: ل^۲: قادسی ۱۳. (لن: ایوان آن) ۱۴-ل، ک، ل^۲ (نیز ق^۲،
 ل^۲، پ، و): طیسفون: (لی: بیستون): متن = س، ق، س^۲ (نیز ل، ل، ل^۲، آ، ب): بنداری: طیسفون ۱۵-ل، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل، ل، ق^۲، لی، پ، آ، ب):
 سپاهی: متن = س، ق (نیز ل^۲، و، ل^۲) ۱۶-س^۲ (نیز ل، ل، آ، ب): اندازه: (آ: انداز و): ل، ل^۲ ز اندازه: س، ق (نیز و، ل^۲): ز اندازه: (ق: آ:
 بی اندازه: لی: ز اندیشه: پ: ز اندای و): متن = ک ۱۷-ل: (لی، و: برون): ل: بیش اندرون: ل: رسته برون: (ق: آ: بود اندرون: ل: آ: و حد برون:
 پ: و از مر برون): متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز ل، ل، ل^۲، آ، ب) ۱۸-س: بی ۱۹-ل: آ: وی ۲۰-ک، س^۲ (نیز لی، آ): بیم او: (ق^۲، ل^۲): جنگ او
 ۲۱-ل (نیز پ، ل^۲): پا: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ق: آ: (لی، ل^۲: سر): بنداری: ثم خرج ملک من العرب من آل غسان فی عساکر
 کثیرة فشن الغارات علی أطراف ممالک فارس، و أخذ مدینة طیسفون و نهب ماکان فیها من نذخا، و الخزائن ۲۳-س (نیز ل^۲): آگاه شد
 ۲۴-س، ق (نیز ق^۲، پ، آ، ب): عمه: ک، س: آ: تخمه: (لی: غشمة: و: کیزک بدانجا یکی): متن = ل، ل^۲: آ: ز پیوند نرسی یکی یادگار:
 متن = (ل، ل^۲): بنداری: عمه نسبور ۲۶- (و: نامدار: آ: شهریار): ل^۲، ل^۲: آ: پس از این بیت فرود آمد:

ل^۲: یکی دخت پاکیزه مشکبوی در ایوان نشسته بُد آن ماهروی

ل^۲: در آنجا یکی بچه بُد شاه را
 انوشه بُدش نام و چون ماه بود همه گیتی از حالش آگاه بود

۲۷-ل: آ: یکی دخت پاکیزه مشکبوی ۲۸-ل، ک (نیز ق^۲، ل^۲، ل^۲): طیسفون: متن = ۲۹-ل: آ: در ایوان نشسته بُد آن ماهروی: (لن: آ:
 کشیدش از آنجا برهنه بروی): متن = س، ق، س^۲ (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب) ۳۰-ل، ق (نیز لی، پ، و، ب): ز: ل: آ: به: متن = س، ک، س^۲ (نیز ل، ل، ق، آ،
 ل^۲، ل^۲، آ) ۳۱-ک، س: آ: ایرانش ۳۲-ل (نیز و): ز: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳-ق-س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل^۲، آ، ب): دختر: (و: طایرش
 یک دختر): متن = ل، س (نیز ل، ل، آ، ب) ۳۴-ل، ل^۲ (نیز ق^۲، لی، و، ل^۲): تو گفتی: (ل: آ: تو کویی): متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز ل، ل، پ، آ، ب)
 ۳۵- (لی: نرسی)

- ۳۵ پدر مالکه^۱ نام کردش^۲ چو دید که دختش^۳ همی مملکت را سزید
- چو شاپور را سا، شد بر سه شش^۴ به دشت آمد و لشکرش^۸ را بدید^۹ ابا هر یکی بادپایی هیون هیون برنشستند و سپان به دست از آن^{۱۴} پس خود^{۱۵} و یزگان برنشست برفت از پس^{۱۷} شاه غسانیان فراوان کس از لشکر او بکشت برآمد خروشید، دار و گیر [که اندازه‌ی آن ندانست کس حصارى شدند آن سپه^{۲۳} در یمن بیاورد شاپور چندان^{۲۴} سپاه ورا با سپاهش ه دز در^{۲۶} بیافت شب و روز، یک ماه‌شان، جنگ بود به شبگیر شاپور یل برنشست
- ۴۰ سیه جوشنی^{۳۱} خسروی در^{۳۲} برش
- ۴۵ منیفش^۵ کی بی^۶ گشت^۷ خورشیدفش ده و دو هزار از یلان برگزید^{۱۰} به پیش‌اندرون مرد صد^{۱۱} رهنمون ببردند^{۱۲} گردان خسروپرست^{۱۳} میان کی بی^{۱۶} تاختن را بیست سرافراز طایر هزبر زیان^{۱۸} چو طایر چنان دید، بنمود پشت و زیشان^{۱۹} گرفتند^{۲۰} چندی^{۲۱} اسیر، برفتند آن ماندگان زان سپس^{۲۲} خروش آمد از کودک و مرد و زن که بر مور و بر پشه بریست^{۲۵} راه در جنگ^{۲۷} و راه گریزش نیافت^{۲۸} سپه را به دز بر^{۲۹} علف تنگ بود همی رفت جوشان کمانی^{۳۰} به دست درفشان درفشى^{۳۳} سیه^{۳۴} بر سرش

۱- (لی: ملکه را) ۲- ک (نیز ق^۲): کر: نامت ۳- (ق^۲: دختر): بنداری: و سبی منها عمه لسابور، و تسری بها، و رزق منها بتأمن صفتها و جمالها کیت و کیت، و سماها مالانة ۴- ل (نیز و، لن، آ): بست (دو حرف نخستین بی نقطه): س، ق، ک، س^۲ (نیز لن [به خطی نو تر در حاشیه]، لی، پ، ب): بیست و شش: لن^۲ (نیز ق^۲): سی و شش: متن = ل (ق^۳): بنداری: ثلاثون سنة ۵- ل: بهیوش (واژه یکم نقطه ندارد): (ق^۲: منیوش): ق، ک، س^۲ (نیز لن در حاشیه، آ): منقش مہی: (لی: منقش همی: ب: منقش کنی): متن = ۶- ل (ق^۲: جوان خسروی: پ: یکی ماهرخ): متن = ۷- (و: چو سر و روان بود): متن = س، ل (نیز لن^۲) ۸- (ق^۲: بدید آمد و لشکری) ۹- ق (نیز ب): بخواند: (و: آن شاه لشکر بدید) ۱۰- ق (نیز ب): نام زند ۱۱- س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق، و، لن، آ): شد (→ سد = صد): (لی: <صد>): پ در اینجا خوانا نیست: متن = ل، ل (نیز ل، ب): ق در اینجا سرنویس دارد: رفتن شاپور برزم طایر شاه یمن و حجاز ۱۲- ل: برفتند: (لی: ببرد آن (!) ق^۲: آ: بنزدیک): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- ق: میان کنی تاختن را بیست: بنداری: ثم إن سابور لما أتى عليه ثلاثون سنة من ملکه و عمره تشر للركض الى بلاد العرب. فاختر اثني عشر ألف فارس من أعيان أبطاله، وأمرهم بأن يتجرّدوا و یرکبوا النّجب و الهجن، و یجنّبوا الخیل ۱۴- س (نیز لن، ق، لن، آ): وزان ۱۵- ل: ابا: ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): از (آ: ز) اصطخر با: متن = س، ل (نیز لن، ق، ل، ل) ۱۶- (لی: آ: یلی): ق، پ، و، ان بیت را ندارند ۱۷- (ق^۲: لن، آ: بی): ق، ل (نیز ب): بشد تا بر: متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- س: دمان ۱۹- ل، ل (نیز ق، و): ازیشان متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- ق: گرفته ۲۱- ل: چندان ۲۲- متن = ل، ل، ک، ل، س^۲: س، ق، لن، ب این بیت را ندارند ۲۳- ق: زمان: بنداری: فركض بهم الى الملك الغسانی فقتل منهم مقتلة عظيمة حتى نل عروشهم و نهب أموالهم و سبی نساءهم و قتل رجالهم. و هرب غسانی الى قلعة باليمن ۲۴- (ق^۲: چندی) ۲۵- س (نیز لی، آ، ب): بستند: ک: و پشه بیستند ۲۶- س، ق: بر ۲۷- (ل: گنج) ۲۸- (آ: شافت) ۲۹- ک، ل، س^۲ (نیز لن، لی، ب): در: متن = ل، س، ق (نیز ق^۲) ۳۰- ک: کمندی: ل این بیت ندارد ۳۱- ل (نیز و، لن، آ): جوشن: متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق، لی، پ، ب) ۳۲- س: بر ۳۳- ل، ق، ک (نیز لن، آ): درفش: (و: درفشى درفشان): متن = س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، ب) ۳۴- ک (نیز آ): درفش کیان: س^۲ (نیز لی): درفش کنی: ل، ل این بیت را ندارند

درفش و^۱ سر^۲ نامداران بدید
 به رنگِ طبرخون و چون^۵ مشک بوی
 بر دایه شد با دلی پر ز مهر
 که ایدر بیامد چنین کینه کش،
 جهان^{۱۰} خوانمش^{۱۱} کو جهانِ منست!
 به رزم آمدهست و ز من^{۱۲} سور بُرا!
 هم^{۱۴} از تخم نرسی گندآورم^{۱۵}،
 که خویشِ تُوَم، دختر نوشه‌ام،
 چو ایوان بیابی نگار آن تست!
 زبان^{۱۹} بزرگی^{۲۰} گروگان کنی!
 بگویم، بیازمت ازو^{۲۱} آگهی^{۲۲}

ز دیوارِ دز مالکه بنگرید
 چو گلبرگ^۳ رخسار و^۴ چون مشک موی
 بشد خواب و آرام از آن^۶ خوب چهر
 بدو گفت کین شاه خورشیدفش
 ۵۵ بزرگی^۷ ز خون^۸ نهان^۹ منست
 پیامی ز من نزدِ شاپور برا!
 بگویش که با تو ز هم^{۱۳} گوهرم
 همان نیز با کین ز هم^{۱۶} گوشه‌ام
 مرا گر بخواهی، حصار آن تست
 ۶۰ برین^{۱۷} کار با دایه^{۱۸} پیمان کنی
 بدو دایه گفت: آنچه فرمان دهی

ز دریا به دریا سیاهی گرفت،
 ستاره به کردرِ قندیل شد^{۲۶}،
 بیاویخته ز آسمان^{۲۸} حصار^{۲۹}،
 ز طایر همی شد دلش به دو^{۳۲} نیم،

چو شب بر زمین^{۲۳} پادشاهی گرفت،
 زمین فیرگون^{۲۴}، کوه چون نیل شد^{۲۵}،
 تو گفتی^{۲۷} که شمعست سیصد هزار
 ۶۵ بشد دایه لرزان^{۳۰} پر از ترس و^{۳۱} بیم

۱-س.ق.ل (نیز ل.ن.ل-ل.ن.ب): <و> ۲-ک.س (نیز ق.آ.لی.آ): از پس؛ متن = ل ۳-ل: گل ینگ: متن = چهارده دستویس دیگر
 ۴-ل (نیز لی): <و> (ق.آ.ب: رخساره) ۵-ل.س.ک.س (نیز ل.ن.ق.آ.ل.پ.ن.آ.ب): گن: ق. و گل: ل: آ: چو گل: (لی: گل و): متن =
 (و) ۶-ل: زان: س (نیز ل.ن.ل.ن.آ): ازین؛ متن = یازده دستویس دیگر ۷-ق.ل (نیز ل.ن.ق.آ.پ.و.د): بزرگست: متن = ل.س.ک.س (نیز
 ل) ۸-ل.ق.ل (نیز ل.ن.پ.و.ب): و خون: ک.س.آ: او چون؛ (ق.آ: و همچون)؛ متن = س ۹-ق.آ: مهان: ل: آ: همچو جان: ل.ن: آ: بر من
 گرامی چون جان) ۱۰-ل.آ: چنان ۱۱-س: خوانیش؛ آ این بیت را ندارند: لی به جای این بیت آورده است:

دل من بیردهست ای دایه اوی برآمدش وین کاز را چاره جوی

۱۲-ل (نیز ق.آ.ل.ن.آ): از منش ۱۳-ل.ک (نیز لی.ب): زیک؛ متن = ل.س.آ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ-آ ۱۴-ق.آ: که) ۱۵-ک.س (نیز لی.آ):
 نام آورم ۱۶-ل.س.ک.س (نیز ل.ن.ق.آ.ل.و): نه هم: ق.نهم: (لی: کینه هم: آ: تا کین نه هم: ب: بالین و هم: ل.ن: آ: باکیش ز هم (وزن
 ندارد)): متن = ل (نیز ب) ۱۷-ق.ک.س (نیز ق.آ.لی.پ.آ): بدین: ل: آ: بدان؛ متن = ل.س (نیز ل.ن.آ): ب خوانا نیست ۱۸-ل (آ: داد)
 ۱۹-ل.س.ق.ل (نیز ل.ن.ق.آ.پ.ل.ن.آ.ب): زبان در: (ل.ن: زفان در: و روان در): متن = ک.س (نیز لی.ل.آ) ۲۰-آ: به پیمان روان را) ۲۱-ل
 (نیز ل.ن.آ): زو: ک: بیارم ازوت: (ل.ن.آ: بیارم ازو: لی: بیارم از آن: آ: بیازمت از آن): ل: آ: بیازمت و گویمت از آن: (و: بیویم بیارم ازو)
 ۲۲-ق.آ: با فرهی: بنداری: و تحصن بها فتبعه سابور و حاصره فیها شهراً. فاتفق أن ابنة لملک التي هی من عمه سابور رآته فعشقته
 فراسلته ۲۳-ل.آ: زمی: (ل.ن: آ: چو پرسید شب): برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند ل: پیام فرستادن مالکه نزد شاپور: س
 (کمی بالاتر): رفتن شاپور بجنگ طایر اعرابی: ق (کمی بالاتر): رفتن شاپور برزم طایر شاه یمن و حجاز ۲۴-ل: تیره گون: (ق.آ: قیر
 شد): متن = س-س (نیز ل.ن.لی.پ.ب) ۲۵-ق.ل (نیز ب): گشت: (ل: آ: قیر گشت و هو: یل شد) ۲۶-ق.ل (نیز ب): گشت ۲۷-ل:
 گوئی: متن = چهارده دستویس دیگر ۲۸-ل (آ: از میان) ۲۹-ل: آ: گوشوار ۳۰-س.ک (نیز ق.آ.و: ترسان: ل: آ: زانجا) ۳۱-ک (نیز ق.آ):
 لرزو: ل.آ: پر شرم و ترسان ز ۳۲-ق.س (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب): بر دو: (و: دلش شد همی بر): متن = ل.س.ک.ل (نیز لی.ل.آ.پ)

چو آمد بنزیک پرده سرای
 بدو گفت: اگر^۳ نزد^۴ شاهم بری
 هشیوارسالار^۵ بارش^۵ ببرد^۶
 بیامد، زمین را به مژگان^۷ برفت
 ۷۰ ز گفتار او شاد شد شهریار
 دو یاره، یکی طرُق^۹ با افسری^{۱۰}
 چنین داد پاسخ که با ماهروی^{۱۲}
 بگویش که گفت او^{۱۵}: به خورشید و ماه،
 که هر چیز کز من بخواهی همی
 ۷۵ ز من بد سخن^{۱۹} نشنود گوش تو!
 خریدارم او را به تخت و کلاه
 چو بشنید پاسخ هم اندر زمان
 شنیده بدان^{۲۵} سرو سیمین بگفت
 ز بالا و دینار^{۲۷} شاپور شاه
 خرامید^۱ نزدیکی^۲ پاکرای،
 بیابی ز من تاج و انگشتری!
 ز دهلیز پرده بر شاه گرد
 سخن هر چه بشنید با او بگفت^۸
 بخندید و دینار دادش هزار
 ز دیبای چین بافته چادری^{۱۱}
 به چربی^{۱۳} فراوان سخنها بگویی^{۱۴}!
 به زنار^{۱۶} زردشت و فرخ^{۱۷} کلاه،
 -گر از^{۱۸} پادشاهی بکاهی همی-
 نجویم جدایی از^{۲۰} آغوش تو!
 به فرمان یزدان، به گنج^{۲۱} و سپاه!
 ز پرده بیامد بر^{۲۲} دز^{۲۳} دمان^{۲۴}،
 که خورشید و ناهید گشتند^{۲۶} جفت!
 بگفت آنچه آمد^{۲۸} به^{۲۹} تابنده ماه
 ۸۰ ز خاور چو خورشید بنمود تاج^{۳۰}
 گل زرد شد بر زمین رنگ^{۳۱} ساج^{۳۲}،

۱-ل (نیز و): خردمند ۲-ل، ۲-ل (نیز ۳، ۲، ۱)؛ نزدیک آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

چو سالار بار اندرو بنگرید یکی کهنه جادوزنی زال دید

۳-ل: <اگر> (وزن ندارد)؛ ک، س ۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب)؛ گر؛ متن = ۴-ق (نیز ق ۲)؛ گفت نزدیک؛ متن = س (نیز، ل، ل، ۳، ل، ۲)؛ ل ۲ این
 بیت را ندارد ۵-س، ق، س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ب)؛ بینادل او را؛ ک (نیز ل، ل، ن، آ) و بینادل او را؛ متن = ل، ل، ۲ ۶-ل (لی، ل، ۳)؛ او را سپرد
 ۷-س، ل ۲ (نیز ل، ل، ۳، ل، ۲، ب)؛ به مژگان زمین را؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ) ۸-ل: شاه گفت؛ (ق ۲: وی بگفت)؛ متن = سیزده
 دستنویس دیگر ۹-ل (لی: یکی باره با طوق و) ۱۰-ل (نیز و): انگشتری؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-ل (نیز و): چنین وز (و از)
 بربری؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-ک، س ۲ <ی> (نیز لی، آ، ی)؛ و زان پس بدو گفت کای نیک خوی؛ (ق ۲: پس آنکه بگفتش
 که ای ماهروی) ۱۳-ل، ق، ک (نیز پ)؛ خوبی؛ (ل ۳: تو بروی)؛ متن = س، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، ق، آ، لی، ل، ۲، ب) ۱۴-س ۲: بگو؛ ل (نیز ل، ق، آ،
 لی): سخنها فراوان؛ (آ: گر از پادشاهی بکاهی بگو)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ل: او گفت؛ س (نیز ل، ن): گفتش؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۱۶-ل: زنار و؛ ل ۲: ریار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-ل: گنج؛ ک: زرین؛ (پ: فرو؛ ب: تخت و؛ لی: زردشت
 فرخ)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-ل: کزان؛ (و: جز از؛ ل، ن، آ: و راز)؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

ترا بخشم و گر همه جان بود بدین گونه ام با تو پیمان بود

۱۹-ل: هیچ بد؛ متن = س، س ۲ (نیز ل، ق، آ، لی، پ، ب) ۲۰-ل، ق، س ۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب)؛ ز؛ (ق ۲: بجز مهر از)؛ متن = س (نیز ل، ل، ۲)؛ ل ۲
 این بیت را ندارند ۲۱-ل، ل ۲ (نیز ق ۲، لی، و)؛ و گنج؛ (ل ۳: و تخت و)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، آ، ب) ۲۲-ک، س ۲ (نیز آ، ب)؛
 سوی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ل (او) ۲۴-ل، ق (نیز ق ۲، لی، ل، ۲، و، ب)؛ دوان؛ س ۲: دودمان؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، آ، ب) ۲۵-ل، ل ۲
 (نیز ل ۲)؛ بر آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-ل (آ: گشت)؛ ل: ناهید را گشت؛ ل ۲ (نیز پ)؛ را گشت ناهید؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۲۷-ق: دیدار و بالای ۲۸-ل (آ: مانند)؛ ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، و، آ)؛ آنک مانند؛ (پ: دیدار) ۲۹-س (نیز ل، ن): ز ۳۰-ق (نیز ب)؛
 چهر؛ (ق ۲: روی) ۳۱-ل (لی: تخت) ۳۲-ک، س ۲ (نیز ق ۲، آ)؛ عاج؛ ق (نیز ب)؛ بر به مهر؛ (ق ۲: مشکبوی)؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز ل، ل، ۳، ل، ۲)

خورش‌خانه و خم‌های^۲ نیند^۳
 و زان جنگیان^۴ رنج‌دیده^۵ سری،
 همان^۹ بوی‌ها نرگس و شنبلیله،
 به چربی^{۱۱} فراون سخن‌ها^{۱۲} براند،
 به طایر همه^{۱۴} باده‌ی ساده ده!
 بدان تا بخسبند چو^{۱۸} گردند مست!
 به فرمان تو در جهان زنده‌ام!

ز گنجور و^۱ دستور بستد کلید
 به دز در^۴ هر آنکس که بُد مهتری،
 خورش‌ها فرستاد^۷ و چندی^۸ نیند
 پرستنده‌ی باده را^{۱۱} پیش خواند،
 ۸۵ بدو گفت کامشب تُوئی^{۱۳} باده‌ده
 ممان^{۱۵} تا بدارند^{۱۶} باده به^{۱۷} دست!
 بدو گفت ساقی که من بنده‌ام!

شب تیره گفتش که^{۲۱} از راه بُرد^{۲۲}،
 نخستین^{۲۴} ز سَنانیا^{۲۵} بُرد نام
 بیاسود طایر. نشست آن^{۲۷} جَلَب^{۲۸}،
 پرستندگان را بفرمود ماه^{۳۰}،
 نهانی در دز گشادند باز!
 از^{۳۲} آوازِ مستان^{۳۳} به دل خشم داشت
 که گشتیم با بهتِ بیدار^{۳۵} جفت!
 بفرمود تا خراب کردند جای
 گزین کرد مردان^{۳۸} ننگ و نبرد]

چو خورشید بر^{۱۹} باختر گشت زرد^{۲۰}،
 مِی خسروی خواست طایر^{۲۳} به جام
 ۹۰ چو بگذشت یک پاس از آن^{۲۶} تیره‌شب،
 برفتند بکسر سوی خوابگاه^{۲۹}؛
 که تا کس نگوید سخن جز به راز؛
 بدان شاه^{۳۱} شاپور خود چشم داشت
 چو شمع از در دز بیفروخت^{۳۴}، گفت
 ۹۵ مر آن ماه^{۳۶} رخ را به پرده‌سرای
 [سپه را سراسر همه^{۳۷} گرد کرد

۱-ل (نیز ل، ن، ا، ب): <و> متن = یازده دستنویس دیگر ۲-س، ک، س، ۲ <و> (نیز ل، ن، ق، ا، و، <): حکمهای (نقطه ندارد): ق (نیز ب):
 خنهای: (ل: ۳: خنهای را): متن = ل، ل، ۲ (نیز ب، و، ل، ن، ۲) ۳-ل (لی: هم از بوی‌ها نرگس و شنبلیله) ۴-ل: <در> (وزن ندارد) ۵-پ: گوی
 جنگی (نی) ۶-ل (آ: جنگ دیده: آ: رنج برده): ل، ۲، لی بیت‌های ۸۲-۸۳ را ندارد ۷-س: فرستید ۸-ک، س، ۲ (نیز ق، ا، آ): لختی: متن =
 ل، س، ق (نیز ل، ن، ل، ا، ن، ۲) ۹-ل، ک، س، ۲ (نیز ق، ا، ل، ۲، پ، و، آ، ب): هم از: متن = س، ق (نیز ل، ن، ل، ن، ۲) در ب بخشی از این لت خوانا نیست:
 در این بیت بابت ۸۲ پس و پیش شده است ۱۰-ل (آ: پاک را): ل (نیز و): پرستنده و دایه را: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ل، ک،
 ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ا): خوبی: متن = س (نیز ل، ن، لی، ب) ۱۲-ل: سخن‌ها فراوان: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۳-ل: بدو: س، ق، س، ۲ (نیز
 آ، ب): توای: متن = ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، ل، ن، ۲) ۱۴-ق (نیز ق، ا، لی): همی ۱۵-لی: همی: ل، ن: همان ۱۶-پ: که دارند) ۱۷-ل (آ: نماند باده ز)
 ۱۸-ل، ق، س، ۲ (نیز ق، ا، لی، پ، ب): بخسبند و: ل، ن: بخسبند چو: متن = س (نیز ل، ن، ۲) ۱۹-ل (و، در) ۲۰-ل: اختران گشت زرد: ق (نیز ب):
 با اختران گشت جفت: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-ک: گفتش: (ل: ۳: گفتن که) ۲۲-ق (نیز ب): با او یکی راز گفت ۲۳-لی:
 خسرو) ۲۴-ل، ۲: (بجستن) ۲۵-لی: غسانیان) ۲۶-ل، ل، ۲ (نیز ق، ا): از: (ل: ۳، ل، ن، ۲: زان): ک، س، ۲ (نیز لی <آن>): یک پاس بگذشت از
 آن: متن = س، ق (نیز ل، ن، ب، و، ب) ۲۷-ک، س، ۲ (نیز ق، ا، ل، ۲): از: ل، ل، ۲: ز بانگ و: ل (لی: ز جنگ و): متن = س (نیز ل، ن، و،
 ل، ن، ۲) ۲۸-پ: ز بانگ و شغب) ۲۹-ک، س، ۲ (نیز لی، آ): بازگاه ۳۰-ل، س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، ن، ل، و، ل، ن، ۲): شاه: (آ: راه): متن = ک (نیز ب،
 ب) ۳۱-ل (و: ماه) ۳۲-س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، ا، پ، آ، ز): و: متن = ل، ل، ۲ (نیز لی، ل، و، ل، ن، ۲، ب) ۳۳-ق (نیز ب): اسپان ۳۴-ل، ۲ (نیز ق، ا،
 و): برافروخت: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۵-ل (آ: با بخت بیدار گشتیم) ۳۶-ق (نیز ب): خوبرخ: ل در اینجا سرنویس دارد:
 گرفتن شاپور طایر را و رفتن به حصار او ۳۷-ل، ک، ل، ۲، س، ۲: همه سر به سر: متن = ق (نیز ق، ا، پ، ب) ۳۸-پ: گردان: س، ل، ن، لی، ل، آ، و،
 ل، آ، آ بیت‌های ۹۶-۹۷ را ندارند

[پیاده بیاورد^۱ و چندی^۲ سوار
به دز درشد و کشتن اندرگرفت^۳
سپه بود با طایر اندر حصار
۱۰۰ دگر^۹ خفته سیمه برخاستند
ازیشان کس از بیم نمود پُشت
چو شد^{۱۳} طایر اندر کفِ او^{۱۴} اسیر
به چنگِ وی آما. ^{۱۶} حصار و بُنه
بود آن شب و بامدادِ پگاه^{۱۹}
۱۰۵ یکی تختِ پیر، زه اندر حصار
چو از بار^{۲۳} پردخه^{۲۴} شد^{۲۵} شهریار
ز یاقوتِ سرخِ افسری بر سرش
برابرش^{۳۲} بر تختِ شاهی^{۳۳} نشاند
چو طایر بیامد، برهنه سرش^{۳۶}،
۱۱۰ بدانست کان^{۴۰} جا: وی^{۴۱} کارِ اوست،
هر آنکس که بود از درِ کارزار]
همان^۴ گنج‌های کهن برگرفت^۵
همان مست^۶ خفته^۷ فزون از هزار^۸
به^{۱۰} هر جای جنگی بیاراستند^{۱۱}
بسی نامور شاهِ ایران^{۱۲} بکشت
بیامد برهنه^{۱۵} دوان ناگزیر،
بسی مایه وز^{۱۷} مردم بدتنه^{۱۸}
چو^{۲۰} خورشید بنمود زرین^{۲۱} کلاه،
بدآیین^{۲۲} نهادند و دادند بار
بنزدیکِ او شد گل^{۲۶} نوبهار^{۲۷}
درفشان ز^{۲۸} زربفت^{۲۹} چینی^{۳۰} برش^{۳۱}
سبک طایر خسته^{۳۴} را پیش خواند^{۳۵}
بدید آن سر^{۳۷} تاجور^{۳۸} دخترش^{۳۹}،
بدو^{۴۲} بد رسیدن ز بازار^{۴۳} اوست،

۱-ل، ک، س: آ: بیاره بر آورد؛ متن = ل، ج، آ (نیز ق، آ، پ، ب) ۲-ک: چندین؛ ل: آ: چندان؛ ق در اینجا سرنویس دارد: کشتن شاپور
ذوالاکتاف طایر غسانی را ۳- (ل: نهاد) ۴- ل، ک، ج، آ، س ۵- (نیز ل، ج، پ، آ): همه؛ متن = س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، آ، ب) ۵- (ل: آ:
برگشاد) ۶- ک، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ): مست و ۷- (آ: خفتان) ۸- ق (نیز پ): شمار: س در اینجا سرنویس دارد: گرفتار شدن طایر اعرابی
بر دست شاپور ۹- ق: وگر: ل: آ: هم ۱۰- (ق: آ: ز) ۱۱- ک (نیز ق، آ، ل، آ): بر آراستند؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- س، ک، س: آ (نیز
ق، آ، ل، و، آ): ازیشان، (ل: آ: ازیشان 'وزن ندارد)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ل، ن، آ، پ، ب): بیت‌های ۱۰۱-۱۰۵ را ندارد؛ بنداری: و راسلها، و
احتالت وسقت الحرس تلك الليلة اذ خمر حتى ثملوا، و نفذت إلی سابور و أشارت علیه بالهجوم علیهم. فهجم سابور علیهم و قتلهم و
أخذ القلعة و نهبا ۱۳- ل: آ: بید ۱۴- س، ک، س: آ (نیز ل، ن، آ، آ): وی؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ق، آ، و) ۱۵- (و: بر هر)؛ در ق‌لت‌های این بیت
پس و پیش شده است ۱۶- (ق، آ، ل، ل، آ: اندر) ۱۷- ل، ل، آ: نامور؛ س، ق، ک، س: آ (نیز ل، آ): مایه‌ور؛ متن = (ل: ن) ۱۸- (و: یک‌تنه؛ ق: آ:
گرفتار شد مردم یک‌تنه) ۱۹- (ق: آ: ل: پگاه) ۲۰- س: آ (نیز ل، آ): که ۲۱- ک، س: آ (نیز ل، آ): رخشان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ل، ک،
س: آ (نیز ل، ن، آ): به آیین؛ ل: آ: بر آیین؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۳- س (نیز ل، ن، آ): باژ: ل (نیز ل، ن، آ): باره؛ متن = ۲۴- ق: پردخت ۲۵- ک،
س: آ (نیز ل، آ، ب): از آن چون پیرداخت دل؛ (ق: آ: چوزان بار برداشت دل)؛ متن = ل (نیز ل، ن، آ، پ، و) ۲۶- ک، س: آ (نیز ل، آ): شاه آمد آن
۲۷- ل: آ: بر شهریار؛ (ق: آ: شد دختر شهریار؛ ب: شاه آمد آن نابکار)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، آ، ل، ن، آ) ۲۸- ق (نیز ل، آ): به؛ س: آ: و
۲۹- (ق: آ: دیبای) ۳۰- ل: آ: ز زربفت - یعنی درفشان؛ (ل: آ: به دیبا بیاراسته آن)؛ متن = ۳۱- س (نیز ل، ن، آ): بدید آن سر تاجور دخترش؛
متن = ل، ک، (نیز پ، و، آ، ب) ۳۲- (ق: آ: برابر) ۳۳- (ق: آ: شاهش؛ پ: زرین) ۳۴- ک، س: آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): بسته؛ متن = ق، ل، آ (نیز ل، آ،
پ، و) ۳۵- (پ: برنشاند)؛ ل، س، ل، ن، آ این بیت را ندارند ۳۶- (ق: آ، ل، و: برش) ۳۷- (ل: آ: بدید آمد آن) ۳۸- (پ، ب: نامور) ۳۹- (ق: آ:
تش خسته و نانهفته سرش)؛ ل، س، ن، ل، ن، آ این بیت را ندارند، اما س، ل، ن، آ ل‌ت دوم آن را به جای ل‌ت دوم بیت ۱۰۷ آورده‌اند؛ بنداری
این بخش را بسیار خلاصه ترجمه کرده است: و أسر الغسانی و قتله ۴۰- (ق: آ: کین) ۴۱- ل: آ: چاره‌ها ۴۲- ک، س: آ: برو ۴۳- ل (نیز ل، آ):
ز کردار؛ (پ: بازار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ و این بیت را ندارد؛ ق: آ پس از این بیت افزوده است:

نکو گفت آنکسر که گفت این سخن زنان را نبایست دیدن ز بُن

چنین گفت کای^۱ شاه آزادمرد
 چنین هم تو از مهر او^۳ چشم^۴ دارا
 چنین گفت شاپور بدنام را
 بیاری و رسوا کنی دوده را؟!
 ۱۱۵ به دژخیم فرمود تا گردش
 سر طایر از ننگ^{۱۳} در^{۱۴} خون کشید
 هر آنکس کجا^{۱۸} یافتی از عرب
 ز دو دست او دور کردی دو کفت^{۲۱}
 ۱۲۰ عربی^{۲۳} ذوالاکتاف گردش لقب
 و زان جایگه شد سوی پارس باز
 هر آنکس که با کفت^{۲۸} ز نهار یافت
 برین^{۳۰} نیز بگذشت چندی سپهر
 نگه کن که فرزند با من چه کرد^۲،
 ز بیگانگان زان^۵ پس^۶ خشم^۷ دارا
 که از پرده چون^۸ دخت بهرام را،
 برانگیزی^۹ این کین آسوده را؟!
 زند، باثر ندر^{۱۱} بسوزد^{۱۲} تنش
 دو کفت^{۱۵} وی از پشت^{۱۶} بیرون^{۱۷} کشید
 نماندی که با کس^{۱۹} گشادی^{۲۰} دولب
 جهان مانده^{۲۲} از کار او در شگفت
 چن^{۲۴} از مهر^{۲۵} بگشاد کفت^{۲۶} عرب
 جهانی همی^{۲۷} برد پیشش نماز
 ز ساو و ز بازش^{۲۹} همی سر نتافت
 و زان^{۳۱} پس^{۳۲} دگرگونه بنمود چهر^{۳۳}

گفتار اندر رفتن شاپور به روم به ناشناخت^{۳۴}

چنان بُد که یک روز با تاج و گنج همی داشت از ودنی دل به رنج

۱- (و: با: آ: کین) ۲- (و: که بنگر به پیکار و ننگ و نبرد) ۳- (لی: که از مهر من: لن: آ: تو از مهر او: همچنین) ۴- ق: گوش: (و: بین هم تو از مهر او خشم) ۵- ل: (نیز پ:): زین ۶- (ق: بیگانگان را بشب؟) ۷- ق: هوش: (و: خشم) متن = ده دستویس دیگر ۸- ک: س: آ (نیز ق: آ: لی: آ): خود: متن = ده دستویس دیگر ۹- ک: س: آ (نیز لی: آ): بشورانی ۱۰- ل: ق: ل: آ (نیز لی: ل: آ: ب): آن: متن = س: ک: س: آ (نیز شش دستویس دیگر) ۱۱- س: ک: پس باتش: ل: آ: س: آ (نیز لی: ل: آ: پ: آ): زند و باتش: (و: زند نیز و باتش): متن ← ۱۲- (ق: آ: تا باتش نماید: لن: آ: زند و بسوزند از آتش): متن = ل: ق: (نیز لن) ۱۳- ک: س: آ (نیز لی: آ: ب): کینه: آ: رشک: متن = ل: س: ق: (نیز شش دستویس دیگر) ۱۴- س: آ (نیز آ: آ): بر ۱۵- ل: کفت ۱۶- س: (نیز لن: ل: آ: لن: آ): رفیقانش را کفت (ل: آ: کفت): س: آ (نیز لی: آ: ب): سوارانش را کفت: (ق: آ: هم از پشت او کفت: پ: حریفانش را کفت: و: دو دستش به دو کفت): متن ← ۱۷- (لی: در خون): ق: رفیقان او کفت هاشان: متن = ل: آ ۱۸- ق: هر آنجا کسی ۱۹- ق: ل: (نیز پ: ب): کزان پس: ک: س: آ (نیز لی: آ: آ: که پیشش: لن: آ: که کس بر): متن ← ۲۰- (لی: و: گشاید): متن = ل: س: (نیز لن: ق: آ: ل: آ) ۲۱- (آ: کفت) ۲۲- ل: س: آ (نیز آ: آ): ماند: متن = ده ازده دستویس دیگر ۲۳- س: آ: عرب ۲۴- ل: ل: آ (نیز لن: و: آ: ب): چو: س: آ: جز: متن تصحیح قیاسی است ۲۵- ل: س: آ (نیز لی: ل: آ: مهر: متن = س: ل: آ (نیز لن: ق: آ: پ: و: آ: ب) ۲۶- س: ک: (نیز ق: آ: لی: ل: آ: آ: ب): کفت: متن = ل: ق: ل: آ: س: آ (نیز لن: پ: و): لن: آ این بیت را ندارد ۲۷- ل: همه: متن = چهارده دستویس دیگر ۲۸- س: ق: ک: س: آ (نیز لن: ق: آ: و: لن: آ: آ): کفت: متن = (لی: ل: آ: پ: ب) ۲۹- (ق: آ: لی: ب: باز: ز ساوش: لن: آ: شاپور وز پارس: ب: پرستار وارش: و: شاپور دیگر ازو): متن = س: ق: ک: س: آ (نیز لن: ل: آ: پ: آ): ل: ل: آ این بیت را ندارند: بنداری: و امر بوضع السیف فی العرب فقتلوا منهم خلقاً كثيراً. ثم قال: من وجدتموه منهم فاقطعوا یدیه و انزعوا کتفیه. ففقه نوا ذلک فلقبه العرب من أجل ذلک ذالاکتاف. ثم إنه عطف عنانه و عاد إلى بلاد فارس، و استقر علی سریره ۳۰- (لی: بدین) ۳۱- (ل: آ: و: از آن) ۳۲- س: سو: (لن: سر) ۳۳- (لن: آ: دگرگونه تر شد به مهر) ۳۴- ل: (بیست و یک بیت سپس تر): رفتن شاپور به روم به شکل بازارگانان: س: (شانزده بیت سپس تر): رفتن شاپور ببازرگانی به روم و در بند افتادن: ک: (بیست و دو بیت سپس تر): رفتن شاپور به روم: س: آ (بیست و سه بیت سپس تر): رفتن شاپور به روم و گرفتار شدن: متن و جای سرنویس = ق: ل: آ این بخش را این سرنویس را ندارد

ز تیره شب اندر گذشته سه^۱ پاس.
 ۱۲۵ پرسیدش از خت^۲ شاهنشهی
 منجم^۶ بیاورد^۷ صلاب^۸ را
 نگه کرد روشن به قلب اسد^{۱۱}
 بدان تا رسد پادشا^{۱۳} را بدی؟
 چو دیدند، گفتناش: ای^{۱۵} پادشا
 یکی کار پیش است با رنج و درد^{۱۶}
 ۱۳۰ چنین داد شاپور پاسخ^{۱۹} بدوی
 چه چارهست تا این^{۲۱} ز من بگذرد؟
 ستاره شمر گفت کای^{۲۵} شهریار
 به مردی و داش نیابد^{۲۸} گذر
 ۱۳۵ بیاشد همه بودنی بی گمان
 چنین داد پاسخ گرانمایه شاه
 که گردان^{۳۳} نند آسمان آفرید

بفرمود تا شد ستاره شناس
 هم از رنج^۳ و از^۴ روزگار بهی^۵
 بینداخت از آتش و^۹ آب^{۱۰} را
 که هست او نماینده ی فتح و جد^{۱۲}
 فراید بدو^{۱۴} فره ایزدی؟
 جهان گیر و روشن دل و پارسا،
 نیارد کس آن بر تو بر^{۱۷} یاد کرد^{۱۸}
 که ای مرد داننده ی^{۲۰} راهجوی،
 تنم^{۲۲} اختر بد به پی^{۲۳} نسپرد^{۲۴}؟
 ازین^{۲۶} گردش^{۲۷} چرخ ناپایدار،
 خردمند، اگر^{۲۹} مرد^{۳۰} پر خاشخار
 نتابیم با گردش آسمان
 که دادار باشد^{۳۱} ز هر بد نگاه^{۳۲}
 توانایی و ناتوان آفرید

۱-س (نیز لن، لن، آ): دو پاس؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ل (نیز لن، لن، آ): بخت (حرف های یکم و دوم بی نقطه) س: بخت (حرف یکم بی نقطه)؛ ق-س^۲ (نیز ل، پ، و، آ): تخت؛ (ق، آ، ب: بخت (حرف یکم بی نقطه))؛ متن تصحیح قیاسی است: بنداری: فاتفق أنه تفکر ذات لیلۃ فی عاقبۃ أمره و ما از ملکه فاستحضر بعض المنجمین، و أمره أن ینظر فی طالعه و یخبره بما یزول الیه علی ما نقتضیه أحكام النجوم ۳- (ق: آ: رنگ: ل: آ: تاج) ۴- ل، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، آ، لن، آ، آ): وز؛ متن = س، ک (نیز ق، آ، لی، پ، و، ب) ۵- (ل، آ، ب: مهی) ۶- ل: پنجم ۷- ک، س^۲ (نیز لی، آ، بیاید داننده ۸- (ق، آ، ل: سطرلاب) ۹- ل-ک (نیز لن-لن، آ، ب): آرامش و؛ س: آ: آرایش؛ آ: آسایش؛ متن = ل ۱۰- ل-س^۲ (نیز ن-ب: خواب؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن-پ، لن، آ، آ): الاسد؛ متن = ل، س، ق (نیز و، ب) ۱۲- س، ک، س^۲ (نیز آ): مایند؛ فتح الابد؛ (لن، آ، ب: فتح ابد؛ لی: نماینده فتح الادب)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، و، ب) ۱۳- ک: پادشه ۱۴- (لن، ق، آ، و، و، بیرو ل: آ: ورا) ۱۵- ک (نیز ق، آ، ل، و، لن، آ): گفتند ای؛ ل، آ، س^۲ (نیز لی، آ): گفتند کای؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ب، ب) ۱۶- (ق: آ: گرم و در؛ آ: درد و رنج)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷- ک: را برت ۱۸- ل (نیز لن): ماذ (حرف یکم بی نقطه)؛ س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ل-ب): یاد کرد؛ (لی: راهمی یاد گنج)؛ متن = ق: بنداری: فنظر نه و قال: أيها الملک! إن أمامک امرأ صعباً لا أستطیع أن أذکره لک: ل پس از این بیت افزوده است:

بمانی تو یک چند اندر بلا به سختی و زان پس بیایی رها

۱۹- ل: پاسخ هم آنگه ۲۰- ل، ل، آ (نیز لن): دنده و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱- (آ: آن): س: این تا ۲۲- ک، س، آ (نیز آ): پیم؛ (لی: ز بیم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳- س، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لن، آ، ب) مگر؛ (لی: به من)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ل، آ، پ، و) ۲۴- س (نیز لن): نشمرد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- ق (نیز لن، آ): ای؛ (و: ای) ۲۶- س (نیز لن): کس از ۲۷- ک، س، آ (نیز لی، آ): اختر ۲۸- ل، ق، ل، آ (نیز لی): نیایی؛ (پ: که یابد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- ل: گر؛ س (نیز ل، پ، و): یا؛ ق (نیز لن، ق، آ، لن، آ): با؛ متن = ک، س، آ (نیز لی، آ، ب) ۳۰- ل: نه مرد خردمند و؛ پ پس از این بیت دوباره بیت های ۱۳۳-۱۳۴ را آورده است ۳۱- ک، س، آ (نیز لی، آ، ب): بادا؛ (و: دارنده دارد) ۳۲- س، ک، س^۲ (نیز لن-پ، آ، ب): پند؛ ق: به هر کس پناه؛ متن = ل (نیز و، لن، آ): بنداری: فقال أيها العالم! فهل شیء یدفع ذلک عنی؟ و کیف الطریق الی صرف هذا النحر عن عالمی؟ فقال المنجم: إن الکائن لا محائنه کائن. فقال شاپور: إنا باللّه نستعین فهو الحافظ من کل سوء، و المجیر من کل مکروه؛ ل آ بیت های ۱۳۶-۱۳۸ را ندارد ۳۳- (و: یزدان)

بگسترده بر^۱ پادشاهیش داد
 چو آباد^۴ شد زو همه مرز و بوم
 ۱۴۰ بیند که قیصر سرافراز^۵ هست؟
 همان^۷ راز بگشاد با کدخدای
 همه^۹ راز و اندیشه با او^{۱۰} بگفت
 چنین^{۱۴} گفت کین پادشاهی به داد^{۱۵}
 شتر خواست پرمایه ده کاروان
 ۱۴۵ ز دینار و از^{۲۰} گوهران بار کرد
 بیامد پرناندهی زاد^{۲۳} بوم
 یکی روستا بود^{۲۵} نزدیک شهر
 بیامد به خان یکی کدخدای
 برو^{۲۹} آفرین کرد مهتر بسی
 ۱۵۰ بود آن شب و خورد و بخشید چیز
 سپیده برآمد^{۳۳} بُنه برنهاد
 بیامد بنزدیک سالار بار
 پرسید و گفتش: چه مردی؟ بگوی!
 چنین^{۳۸} داد پاسخ که ای پادشا

همی بود بی رنج یکچند^۲ شاد^۳
 چنان آرزو کرد کاید به روم
 ابا لشکر و گنج و نیروی^۶ دست؟
 - یکی پهلوان، گرد^۸ با داد و رای -
 همی داشت از^{۱۱} هرکس اندر^{۱۲} نهفت^{۱۳}
 بدارید^{۱۶}، کز^{۱۷} داد باشید^{۱۸} شادا
 به هر کاروان^{۱۹} یکی ساروان
 از آن^{۲۱} سی^{۲۲} شتر بار دینار کرد
 همی رفت هم زین نشان سوی^{۲۴} روم
 که^{۲۶} دهقان و شهری بدی زو^{۲۷} دوبهر^{۲۸}
 پرسید کایر مرا هست جای؟
 که چون تر نیبیم مهمان^{۳۰} کسی!
 ز دهقان بسی آفرین یافت^{۳۱} نیز^{۳۲}
 سوی خانهی قصر آمد چو باد^{۳۴}
 برو آفرین کرد و کردش^{۳۵} نثار
 که هم شاهشاخی^{۳۶} و هم شاه^{۳۷} روی!
 یکی پیسی مردم^{۳۹}، پارسا

۱-ق (نیز لی، پ، ب): در ۲-ل (نیز و <و>): یک چند بی رنج و؛ ق: بارنج و یک چند: متن = ده دستنویس دیگر ۳-ق: یک چند با رنج و داد) ۴-پ: آگاه) ۵-ل (نیز ق، ل، آ، و): سزاوار؛ متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۶-ل (آ: با زور)؛ ک (نیز آ): چه مایه مر او راست نیرو و؛ س^۲ (نیز لی): چه مایه مر اوراست نیروی؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): ل^۲ بیت‌های ۱۳۹-۱۵۵ را ندارد؛ بنداری؛ ثم انه بعد سنين عذة دعته نفسه إلى دخول بلاد الروم و مشاهدتها و دعایته أحوال قیصر ۷-ک، س^۲ (نیز ق، آ، لی، لن، آ): همه؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۸-ک، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): بود؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ) ۹-س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ، آ، ب): همان؛ ق (نیز پ): همین؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، و) ۱۰-ک، ما؛ لی و را ۱۱-ل (ق، آ، ل، آ، لن، آ، با) ۱۲-ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): دیگران در؛ (و؛ هر کسی در) ۱۳-ک: شگفت؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، پ) ۱۴-ق (آ: بدو؛ لن: همی) ۱۵-ک: و داد؛ ق (آ: بدار) ۱۶-ق (آ: بدادید) ۱۷-ب: و از) ۱۸-ک، س^۲ (نیز آ): گردید؛ ق: و باشید از داد ۱۹-ق (آ: در؛ ل: کاروانی یکی) ۲۰-ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، ب): و وز؛ س^۲: و وز؛ ک: دیبا و از؛ متن = (ق، آ، لی) ۲۱-س (نیز لن، لن، آ): ازین؛ ک، س^۲ (نیز لی ب): و زان؛ ق (آ: ازو): متن = ل، ق (نیز ل، آ، پ، و، آ) ۲۲-ق: سه؛ ل (آ: ده) ۲۳-ل، ک، س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ، لن، آ، آ، ب): زآباد؛ ل (آ: باندیشه زآباد): متن = (لن، و) ۲۴-ل: زین سان سوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فخلا ببعض أمرائه وأصلعه علی سره، و جمعه پهلوان جیشه، ثم استحضر جمالا وأقرها بالذهب و الجواهر و الثياب و سائر الأمتعة و الأقمشة، و خرج بهافی زی التجار إلى بلاد الروم ۱۵-ق (آ: پ: دید) ۲۶-ق (آ: ز) ۲۷-س^۲ (نیز لی، آ): زان؛ ل (آ: بدو در؛ و؛ دهقان شهری بندندی)؛ ک: بدان دو بهر (وزن ندارد)؛ متر ← ۲۸-ق (نیز پ، ب): بیهر؛ ل: بدو بود بهر؛ متن = س (نیز لن، لن، آ) ۲۹-ل (نیز لی): بدو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-لی: مهتر ۳۱-ل (آ: زفت؛ پ: بود؛ ق: به دهقان بسی آفرین خواند) ۳۲-ک: نیست ۳۳-ل: بیامد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل، آ، و این بیت را نازند ۳۴-لی: به داد؛ س^۲: آمدش یاد ۳۵-ل (نیز ل، آ، ب): بردش؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۶-لی: بازی) ۳۷-ل (آ: ماد) ۳۸-لی: بدو) ۳۹-ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب): مردم و؛ ق (نیز و، لن، آ): مردم؛ متن = (ل، آ)

۱۵۵ به بازارگانی برفتم ز جز^۱
کنون آمده‌ستم بدین بارگاه
ازین بار چیزی کش^۲ اندر^۳ خورست،
پذیرد، به گهبد^۴ سیارد به^۵ گنج
دگر تا^۶ فروشم^۷ به زر و به سیم
۱۶۰ بخرم هر آنچه باید ز روم
ز درگاه برخامت مرد^۸ گهن
بفرمود تا پرده برداشتند
چو شاپور نزدیکی^۹ قیصر رسید
نگه کرد قیصر به شاپور گرد
۱۶۵ بفرمود تا خوان و می ساختند^{۱۰}
جفادیده^{۱۱} ایرانی بی بُد به روم
به قیصر چنین گفت کای سرفراز
که این ناورمرد بازارگان
شهنشاه شاپور نوبه^{۱۲} که هست
۱۷۰ چو بشنید قیصر سخن^{۱۳} خیره^{۱۴} شد^{۱۵}
نگهبانش برکرد و با کس نگفت

یکی کاروان دارم از خز و بز^{۱۶}
مگر نزد قیصر گشایند راه^{۱۷}
همه^{۱۸} گوهر^{۱۹} و آلت لشکرست،
بدان شاد باشم، ندارم^{۲۰} به رنج
به قیصر پناهم^{۲۱}، نیچم^{۲۲} ز بیم
برم^{۲۳} سوی ایران ز^{۲۴} آبادبوم
بر قیصر آمد، بگفت این^{۲۵} سخن
ز در سوی^{۲۶} قیصرش بگذاشتند
بکرد آفرینی چنان چون^{۲۷} سزید^{۲۸}
ز خوبی^{۲۹} دل و دیده او را سپرد
ز بیگانه ایوان^{۳۰} برداختند^{۳۱}
چنان چون بود مرد بیداد^{۳۲} شوم
یکی نو سخن بشنو از من به راز،
که دیبا فروشد به دینارگان،
به گفتار و دیدار و فر و نشست!
همی^{۳۳} چشمش از روی او تیره^{۳۴} شد^{۳۵}
همی داشت آن^{۳۶} راز را در^{۳۷} نهفت

۱-ل (نیز ق ۲، آ): خز؛ (و، ل، ن، آ): حر (نقطه ندرت)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ل، ل، آ، پ، ب) ۲-ق: بز و خز؛ (ل، آ: جز و بز)؛ بنداری: فلما وصل إلى مدينة قیصر حضر بابه. فآله حاجب الباب عن حاله فقال: أنا رجل تاجر من بلاد فارس. ومعى أحمال من الخز والبز ۳-ل ۲ بیت‌های ۱۵۶-۲۹۴ را ندارد ۴-ق، ب، س ۲ (نیز ق ۲، پ، آ، ب)؛ که؛ متن = ل، س (نیز و، ل، ن، آ) ۵-ل: (نیز ازین تازی اسبان ترا) ۶-ق، آ: همان ۷-ل (آ: باره) ۸-س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق، ل، ل، پ، ل، ن، آ، آ، ب)؛ ز چاکر؛ (ل، آ: ز خازن؛ و بدین در بکهر (حرف چهارم واژه آخر بی نقطه)؛ متن ← ۹-آ: سپارم به)؛ ل: سیارد به گنجور؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰-ک (نیز ق ۲)؛ نباشم؛ (ل، و: نمانم)؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۱-ل: را؛ (پ، و: ه)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۲-ل: (فرود شد) ۱۳-ل (آ: نمایم) ۱۴-ب: نه نالم؛ ق در اینجا سرنویس دارد: شناختن قیصر شاپور را و گرفتن و بند کردن؛ بنداری: و حضرت باب الملك أريد الوصول إليه. فإن معى جواهر لا تصلح إلا له، وأرجو أن يقبلها منى. حينئذ أتصرف وأبيع وأبتاع بمعاده ۱۵-ل: بروم (وزن ندارد)؛ (و: شوم) ۱۶-ک (نیز ل، ل، ن، آ، و، آ، ب)؛ <ز>؛ س ۲ (نیز پ)؛ به؛ متن = ل، س، ق (نیز ق ۲، ل)؛ ل ۳ بیت‌های ۱۶۰-۱۶۱ را ندارد ۱۷-ک، س ۲: مردی ۱۸-س (نیز و، ل، ن، آ، ب)؛ آن ۱۹-ل (آ: پیش)؛ ق این بیت را ندارد ۲۰-ل (آ: یک) <وزن ندارد> ۲۱-ک، س ۲ (نیز ل، آ)؛ یکی آفرین کرد همچون؛ بنداری: فدخل الحاجب وأنهى حاله إلى الملك. فرفع دونه الحجاب فدخل وخدم. فنظر إليه قیصر وأعجبه شكله وبهاؤه فأكرمه ۲۲-ل: برکشید (وزن ندارد) ۲۳-س: خون ۲۴-ل (پ، و، آ: خواستند) ۲۵-ل: (ل: خانه) ۲۶-پ: همه کاخ و ایوان بیاراستند ۲۷-ک، س ۲ (نیز ل، آ)؛ پیشه؛ (ل، ن، پ، و، ل، ن، آ: جهان‌دیده)؛ متن = ل، س، ق (نیز ق ۲، ل، آ، ب)؛ بنداری: وأمر بإحضار الطعام والشراب. قال: وكان فى خدمة قیصر رجل من أرض ایران فنظر إلى سابور فعرفه. فسار قیصر وقال: إن هذا التاجر هو سابور ملك فارس ۲۸-ل (نیز ق ۲، ل، آ، پ، ب)؛ بیداد و؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ، آ) ۲۹-ل (و، ل، ن، آ: دانم)؛ س در اینجا سرنویس دارد: گرفتن قیصر شاپور را و در چرم خر دوختن ۳۰-ل: (ل: سرش) ۳۱-ل: تیره؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۲-ل: (ل: ماند؛ ل: گشت) ۳۳-س (نیز ل، ن، ق، ل، آ)؛ همه؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، و، ب) ۳۴-ل: خیره؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۳۵-ق: این ۳۶-پ: راز او در؛ ل، آ: راز اندر؛ ق: داشت راز وی اندر)

گفتار اندر بند کردن قیصر شاپور را^۱

چو شد مست برخاست شاپور شاه
 بیامد نگهبان و او را گرفت^۳
 به خان^۴ زنان برد^۵ و دستش بیست؛
 ۱۷۵ چو زین باره^۷ دانش نیاید^۸ به بر
 بر مست شمعی همی سوختند^{۱۰}
 همی گفت هرکس که این شوربخت
 یکی خانه‌یی بود^{۱۳} تاریک و تنگ
 بدان خان^{۱۴} تنگ اندر^{۱۵} انداختند^{۱۶}
 ۱۸۰ کلیدش به کدبانوی خانه داد
 به زن گفت: چندان دهش نان و آب
 اگر زنده ماند به یک چندگاه
 همان^{۲۲} تخت قیصر نیایدش یاد
 زن قیصر آن^{۲۵} خانه را در بیست
 ۱۸۵ یکی ماهرخ بود گنجور اوی^{۲۶}

همی داشت قیصر مر او را نگاه^۲
 که: شاپور نرسی توی؟ ای شگفت!
 به مردی ز دام بلا کس نجست^۴!
 چه باید شمار^۹ ستاره‌شمر؟!
 به زاریش در چرم خر دوختند
 همی پوست^{۱۱} خر^{۱۲} بگذاشت تخت
 بردند بدبخ، را بی درنگ
 در خانه را قفل بر ساختند^{۱۷}
 تنش را بدان خام^{۱۸} بیگانه^{۱۹} داد
 که از داشتن زو نگیرد^{۲۰} شتاب
 بداند مگر ارج تخت^{۲۱} و کلاه
 کسی را^{۲۳} کجا نیست^{۲۴} قیصر نژاد!
 به ایوان دگر - نای بودش نشست
 گزیده به هر کز^{۲۷} دستور اوی^{۲۶}،

۱-س: گرفتن قیصر شاپور را و در چرم خر دوختن؛ ق (پس از بیت ۱۵۹): شناختن قیصر شاپور را و گرفتن و بند کردن؛ متن = [گفتار اندر +] ل (پس از بیت ۱۸۶): ک، ل، آ، س، آ این سرنویس را ندارند ۲-ک، س، آ (نیز لی، آ، ب): بدان تا بیاید سوی خوابگاه (لی: بارگاه) ۳-ق (نیز ق، آ): بگفت: ک، و را در گرفت ۴-ل، ک (نیز ل، آ): بجای؛ ق، س، آ: بسان؛ ق، آ: خانه؛ لی: بخوان؛ متن = س (نیز لن، و، لن، آ) ۵- (لی: زبان بود) ۶- (لن، ق، آ، ل، و، لن، آ: نرست)؛ متن = ل، ک، س، آ (نیز لی، آ، ب): بند ری؛ و استمروا علی حالهم حتی ثمل ساپور فقام لیصرف لی منزله. فعدلوا به الی بعض حجر قیصر [در دو دستنویس بنداری: حجر نساء قیصر]؛ پ این بیت را ندارد؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷-ل: بار؛ (لی: گونه؛ ل: آ: باب)؛ ک، س، آ (نیز و، آ، ب): این مایه؛ متن = س، ق (نیز لن، پ، و، لن، آ) ۸- (لی: بیامد) ۹-ق، ک، س، آ (نیز آ، ب): شمارا؛ (لی: شمارا چه باشد)؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ) ۱۰-ک، س، آ (نیز ق، آ، لی، آ، ب): برافروختند؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، لن، آ، و، لن، آ) ۱۱-ک، س، آ (نیز لی، پ، آ، ب): چرم؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، لن، آ، و، لن، آ) ۱۲-س، آ (نیز ل، و، آ): < و >؛ ق این بیت را ندارد ۱۳- (لن، آ: دید) ۱۴-ل، ک، س، آ (نیز ق، آ، لی، و، لن، آ): جای؛ س، ق (نیز ل، آ): خانه؛ متن = (لن) ۱۵-ک، س، آ (نیز لی، آ، ب): تنگش در ۱۶- (لی: آویختند) ۱۷- (لی: بیختند) ۱۸-ل، س، ق (نیز لن، ل، لن، آ): چرم؛ ک، س، آ (نیز لی، ب): بدانجای؛ ق، آ، آ: بدان خانه؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹- (لن: خرانه) ۲۰-ل: نیزی و آ: بگیرد (حرف یکم بی نقطه)؛ ل، آ: زودگیرد؛ لن، آ: روزگیرد؛ ق (نیز آ، ب): جانش بماند نگیرد؛ ک: داشتش او بگیرد؛ س، آ: داشتش برنگیرد؛ (لی: جانش برفتن نگیرد)؛ متن = س (نیز لن، پ، و): بنداری: فشدوا یدیه، و جعلوه فی جوف جلد حمار، و أودعوه بیناً مظماً فی تنک الدار، و أغلقوا بابیه علیه، و سلموا مفتاحه الی صاحبة الدار ۲۱- (لی: تاج) ۲۲- (ق، آ، لی، لن، آ، ب: هم از) ۲۳-ک: به گینی ۲۴- (لن: هست؛ ق، آ، لی، آ: که او نیست)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فأمرها الملك بأن تعطیه کل یوم من الخبز [یکی از دستنویسهای بنداری: من الخبز و الماء] ما یسد رفقہ حتی یعرف قدر التاج و التخت إن عاش، و ليعتبر به من بعده فلا یطمع فی ملک الروم ۲۵- (لی: یز) ۲۶-ل، ق، ک، س، آ (نیز آ): او؛ متن = س (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۷-ک: بدان پاک؛ (لی: بدان کار؛ ل، آ: بهنگام؛ آ: بدین کار)

پدر بر پدربر^۳ همی داشت یاد
به چرم اندرون بسته^۴ شاپور^۵ گرد
ورا بسته در پوست آنجا^۷ بماند

کز^۱ ایرانیان دشتی او^۲ نژاد
کلید در خانه او را سپرد
همان روز از آن مرز^۶ لشکر براند

سپه^۸ یک به یک تیغ کین^۹ برکشید^{۱۰}
نبود آن یلان را^{۱۳} کسی دستگیر
همان چیز بسیار و اندک نماند^{۱۵}
نه مرده، نه زنده^{۱۶} ز شاپور شاه
ز مردم تهی شد همه مرز و بوم
همه مرز^{۲۱} پیش^{۲۲} سکوبا^{۲۳} شدند
از^{۲۶} ایران پراکنده گشته^{۲۷} سپاه

چو قیصر به نزدیک ایران رسید
۱۹۰ از^{۱۱} ایران همی برد رومی^{۱۲} اسیر
به ایران زن و مرد و کودک نماند^{۱۴}
نبود آگهی در میان سپاه
گریزان همه شهر^{۱۷} ایران ز^{۱۸} روم
از ایران^{۱۹} بی انداه ترسا^{۲۰} شدند
۱۹۵ چنین تا برآمد رین^{۲۴} چندگاه^{۲۵}

شب و روز تنه اش^{۲۹} نگذاشتی
از آن کش ز ایرانیان بد^{۳۱} نژاد
دل او^{۳۳} ز شاپور بریان بدی
چه مردی؟ مترس ایچ^{۳۵}، بامن بگوی^{۳۶}،
همی بگسلد خواب و آرام تو

به روم^{۲۸} آن که شاپور را داشتی
کنیزک نبودى ز شاپور^{۳۰} شاد
شب و روز از آن^{۳۲} چرم گریان بدی
بدو گفت روزی که ای^{۳۴} خوب روی
۲۰۰ که در چرم خر^۳ نازک اندام تو

۱-ل: که ز؛ (و: از) ۲-(ق: زن)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز ل-پ، ل، ن، آ، ب) ۳-(ل: او؛ آ: پدر در پدر در)؛ بنداری: فأغلقت امرأة قیصر باب ذلك البيت و سلمت مفتاحه إلی جارية لها كانت خازنتها، و كانت كالدستور بین یدیها، ذات عقل و رأی، و كان أبوها من الإیرانيين ۴-(آ: ب: بود) ۵-ک، س^۲ (نیز ل)؛ سالار ۶-ک، س^۲؛ از روم ۷-ق: آن خر؛ (و: در چرم آنجا)؛ برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند؛ س: آمدن قیصر روم به غارت کردن به ایران زمین؛ ق: غارت کردن قیصر ایران زمین را ۸-(ب: سبک) ۹-س^۲؛ را؛ (ل: سبک تیغ کین از میاد) ۱۰-ق: بکشت او از ایران هر آنکس که دید؛ ل: بیت های ۱۸۹-۱۹۱ را ندارد ۱۱-س، ق، س^۲ (نیز ل، و، ب)؛ ز: متن = ل، ک (نیز ل، ن، و، آ، پ، ن، آ) ۱۲-(ق: آ: چندی) ۱۳-(ق: آ: از بلار) ۱۴-(آ: شمار) ۱۵-(آ: بیار) ۱۶-ک، س^۲ (نیز آ)؛ نه زنده نه مرده ۱۷-(ل: آ: مرز) ۱۸-(ق: آ: به) ۱۹-(پ: دلیران؛ و: آ: از ایران) ۲۰-(ل: ل: ترسان) ۲۱-ق: ازین مرز ۲۲-س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ)؛ یکسر؛ ک، س^۲ (نیز ل، آ، ب) به پیش صلیب و ۲۳-(ل: شکیا؛ ل: سکوبان؛ و، ل، ن، آ: شکوبا)؛ بنداری: قال: ولما حصل سابور فی أسر قیصر جمع عاکره و سارا إلی بلاد الفرس فاستولی علیها و قتل رجائها و سبی نساءها، و أکره من نجا و من اهلها من القتل علی الدخول فی دین النصرانية ۲۴-ل: بدین) ۲۵-(و: ماه؛ ل: پنج ماه) ۲۶-ل، ق: به؛ س (نیز پ، و، ب)؛ ز: متن = ک، س^۲ (نیز ل-ل، آ، ل، ن، آ) ۲۷-س (نیز ل، ن، ق، آ)؛ شد آن؛ و، ک، س^۲ (نیز ل-ب)؛ گشت آن؛ متن = ل؛ بنداری: فشدوا الزنانبیر و دخلوا فیها و لم یبق علی الملة الفهلویة سوی من كان یخفیها. و أقام ستویاً علی تلك الممالک سنین عدّة، و سابور مقیم فی حبسه علی حالة ۲۸-ک، س^۲ (نیز ق، آ)؛ بند؛ (آ: بید) ۲۹-ک، بی بزم؛ (آ: بی بند)؛ در س بیایی بیت های ۱۹۱-۱۹۶ چنین است: ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۳۰-ک، س^۲ (نیز ل، آ، ب)؛ بشاپور شه بود؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ) ۳۱-ک، س^۲ (نیز ل، آ)؛ ازیرا کز ایرانش بودی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲-ل، س، زان؛ متن = دوازده د. سنویس دیگر ۳۳-ک، س^۲ (نیز آ)؛ وی ۳۴-ک، س^۲ (نیز ل، آ، ب)؛ یک روز کای ۳۵-ک (نیز پ)؛ ایچ و؛ (ق: آ: میندیش و) ۳۶-(و: مترس و به من راز گوی)؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز ل، ن، ل، آ، ب)؛ ل: بیت های ۱۹۹-۲۰۴ را ندارد ۳۷-ل: چون؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

بر آن^۳ ماه کرسی ز^۴ مشک سیاه
 تن پیل وارت به کردارِ غرو^۵
 دو چشم شب و روز گریان شود^۶
 که راز تو با من نگویی همی
 گرت هیچ بر من بجنید^{۱۰} مهر^{۱۱}
 کزان نگذری جاودان اندکی^{۱۲}
 کنی یاد^{۱۳} درد و گداز^{۱۴} مرا
 به گفتار پیا کنم راستی^{۱۶}
 به زنارِ شمائس هفتاد^{۱۷} گرد،
 بدایء و برای^{۱۸} کشته مصیب^{۲۰}،
 نجویم همی بتری^{۲۱} زین سخن!
 نماند آن^{۲۳} سخن نیک و^{۲۴} بد در نهفت
 بدین راز^{۲۸} من دل گروگان کنی^{۲۷}،
 جهان زیر پای^{۳۰} اندر آید^{۳۱} تو را:
 پوشی^{۳۳} سخن نرم نرم^{۳۴} آوری،

چو سروی بُدی^۱ بر سرش^۲ گردماه
 کنون چنبری گشت بالای سرو
 دل من همی بر تو بریان شود
 بدین سختی اندر^۷ چه جویی^۸ همی؟
 ۲۰۵ بدو گفت شاپور کای خوب چهر^۹
 به سوگند پیمانت خواهم یکی
 نگویی به بدخواه راز مرا
 بگویم ترا آنچه^{۱۵} درخواستی
 کنیزک به دادار سوگند خورد،
 ۲۱۰ به جان مسیحا و سوگ^{۱۸} صلیب،
 که راز تو با کس نگویم ز بُن
 همه راز شاپور با او^{۲۲} بگفت
 بدو گفت کاکنون^{۲۵} چو^{۲۶} فرمان کنی^{۲۷}
 سر از بانوان برتر آید^{۲۹} تو را
 ۲۱۵ به هنگام نان^{۳۲} شیر گرم آوری

۱-ل: بد این: متن = س. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ق. ۲. لی. پ. ب) ۲-ق: سرت ۳-ل (نیز ق. ۲. آ): د. ن. ا. پ. همان: متن = س. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. و. ل. آ. ب) ۴-س (نیز ل. ن.): گیسو چو: ق. پوشی ز: ک. س. ۲ (نیز لی. آ. ب): خطی ز: (ق. ۲. ل. ن. آ: نجی ز: پ. در زیر: و: جعلی ز): متن = ل ۵-ل (ن: دو تا گشت بالای آن سرو غرو: ل. آ: میانی چو عرعر برفتن نذرو) ۶- (و: بود ایسا بند ندارد): ق. ۲ پس از این بیت افزوده است:

زوانه همی بر تو مهر آورد همی آپ شرمه به چهر آورد

۷- (لی. ب: ایدر) ۸- (ب: پویی) ۹- (ل. ن. آ: خوب روی) ۱۰- (ق. ۲: اگر هیچ با من بجنبت ل. آ: گر هیچ بر منت جنید) ۱۱- (آ: زمهر: ل. ن. آ: بگویم بتو آنچه گفتم بگویی) ۱۲- ل. ن. آ این بیت را ندارد ۱۳- (ق. ۲: تازه) ۱۴- (آ: کند: ل. ن. آ: آنک) ۱۶- (ق. ۲: کم آراستی) ۱۷- (ل. آ: شماس و) ۱۸- (ق. ۲: مسیح و سواک) ۱۹- س. س. ۲ < و > (نیز پ < و > و واری (حرف سوم بی نقطه): ل. (نیز ق. ۲. لی. آ): بدارای ایران: ک < و > (نیز ل. ن.): بدارای و ایرای: (ل. آ: بابا و اجداد و: ل. ن. آ: بابا و برای: ب: بدارای ابناء): متن تصحیح قیاسی است (؟): در ق این دو واژه خوانا نیست ۲۰- ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. پ. آ. ب): مشیب: (لی: نهیب: ل. آ: کیش مهیب): متن = ل. س (نیز ق. ۲. و. ل. ن. آ): در ل. ن. آ این بیت سپین پس و پیش شده است ۲۱- (ل. ن. ق. ۲. آ: برتری: ل. آ. و. ل. ن. آ: بدتری): لی پس از این بیت دوباره افزوده است:

همه راز با کس نگویم ز بُن نجویم همی بتری زین سخن

۲۲- (لی: او را) ۲۳- ک. س. ۲ (نیز لی. ب): از: (ب: از: ل. آ: نماند) ۲۴- (لی: هیچ): ق. ب پس از این بیت افزوده اند:

بدو گفت شاپور کای ماهروی ترا بینم اندر جهان مهرجوی

۲۵- ل. س. ک. ل. آ (نیز ل. ن. آ): اکنون: متن = س. ۲ (نیز ق. ۲. لی) ۲۶- ک (نیز ل. ن. ق. ۲. لی): حه: ق. نیز ب): و گر آنک گویم تو: متن = ل. س. ۲ (نیز ل. آ) ۲۷- ل: دهی: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸- ق (نیز ب): بیمان ۲۹- (ب: آرم: ق. ۲: بانوانم بر آرم): ق. سرت را تا بکیوان بر آرم (وزن ندارد) ۳۰- ل (نیز ل. ن. آ): < ح > ۳۱- (ق. ۲: همان زیر دست اندر آرد: متر = یازده دستنویس دیگر: بنداری: فائقه آنه حصل بینه و بین الجاریة الموکلة به نوائف و توافق فالتمس منها أن تدبر فی خاصه ۳۲- ل: نانی (وزن ندارد): متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳- (ل. ن: نیوشی) ۳۴- (ل. ن: سخن را و نرم)

که این چرم گردد به گیتی ^۲ سَمَر ^۳،
بگویدهمی ^۵ هر که دارد خرد

به شیراندر آغار ^۱ این چرم خر؛
پس از من ^۴ بسی سالیان بگذرد

نهانی ز ^۷ هر کس به آواز ^۸ نرم
ابر آتش تیز ^{۱۰} بگذاشتی
نگفتی سخن ^{۱۱} با کس اندر جهان ^{۱۲}
به فرجام چرم خر آغشته شد
همه دل پر از درد و تن ^{۱۵} پر ز خون ^{۱۶}
که ای پاکِ بینادل نیک‌ساز ^{۱۷}،
ز هر گونه ^{۱۸} اندیشه انداختن،
مباد آفرین ^{۱۹} بر چنین مرز ^{۲۰} و بوم!
شوند این بزرگان سوی جشنگاه
که مرد و زن و کودک آید برون
بدان جشنِ خرم به هامون شود،
بسازم، نترسم ز پتیاره‌یی ^{۲۵}،
به پیش تو آرم به روشن‌روان ^{۲۶}

کنیزک همی‌خواستنی ^۶ شیر گرم
چو گشتی یکی جام برداشتی ^۹
۲۲۰ به نزدیکِ شاپور بردی نهان
دو هفته سپهر از‌رین گشته شد
چو شاپور از آن ^{۱۳} پرست ^{۱۴} آمد برون
چنین گفت پس ^{۱۰} کنیزک به راز
یکی چاره باید کنین ساختن
۲۲۵ که ما را گذر باشد از شهر روم
کنیزک بدو گفت: فردا پگاه
یکی جشن باشد به روم‌اندرون
چو کدبانوی ^{۲۱} از شهر ^{۲۲} بیرون شود
شود جای ^{۲۳} خالی و من چاره‌یی ^{۲۴}
۲۳۰ دو اسپ و دو گویین و تیر و کمان

۱-ل (نیز ق ^۲): آغازم؛ س (نیز آ): آغاز؛ س، س (نیز پ، ب): آغازی؛ (لی، ل، آ، ل، ن، آ): آغازم؛ متن = ق (نیز ل ن) ۲-ل: بنیکی؛ ک، س ^۲ (نیز لی، آ): شیر گردد بعالم؛ متن = س، ق (نیز ل ن، و، آ، ل، ل، ن، آ، ب) ۳-آ: ثمر) ۴-ک: ما ۵-ق، ک، س ^۲ (نیز لی، پ، آ): همین؛ ل ن ^۲ این بیت ندارد؛ بنداری؛ و سألها أن تأتيه كل يوم بقدر حليب ليصبه على مخارز تلك الجلدة فلعلها تلين فيتمكن من فقها و الخروج منها ۶-ق (آ: داشتی) ۷-آ: به) ۸-ق (آ، ل، ل، ن، آ، ب: آوای) ۹-ل (ن: می‌داشتی؛ ق ^۲: کنیزک چو آن شیر را داشتی) ۱۰-ل: بر آتش همی؛ ق، ک، س ^۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب): بر آن (لی: بدن) آتش تیز؛ (ل، آ: و بر آتش تیز؛ ل: که بر آتش تیز)؛ متن = س (نیز ل ن، ق ^۲) ۱۱-ل: نهان با؛ ق: نگفتی با (وزن ندارد)؛ متن = س، ک، س ^۲ (نیز ل ن-ب) ۱۲-پ: نهان؛ ل: کسی در نهان؛ ل ^۲ پس از این بیت متن را برابر س دوباره افزوده است ۱۳-ل، س (نیز ل ن): زان ۱۴-ک: چرم؛ (لی: از آن چرم چون شاه) ۱۵-س (نیز ل ن، ق، ل، ن، آ): تن پر از درد و دل؛ ق (نیز ب): همی دل پر از درد و رخ؛ متن = ل، ک، س، آ (نیز ل، آ، پ، و، آ) ۱۶-لی: که مرد و زن و کودک آید برون؛ بنداری: فلبث أسبوعين تأتيه كل يوم بقدر لبن حار فيفعل به ذلك فانتهت تهبأله الخروج منه ۱۷-ل: نیک‌راز؛ (ل: کارساز)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لی بیت‌های ۲۲۲-۲۲۷ را ندارد ۱۸-ل: گدشه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹-ل (که نفرین سزد) ۲۰-ق (آ: شهر و بوم) ۲۱-ل-ک، س ^۲ (نیز ل ن، لی، پ، ب): کدبانو؛ متن = ق (آ، ل، آ) ۲۲-ک، س ^۲ (نیز لی): جشن؛ (آ: خانه) ۲۳-ق (آ: شهر) ۲۴-ل، ق، ک، س ^۲ (نیز ق، آ، ل، آ، ل، ن، آ، ب): چاره‌جوی؛ متن = (ل ن، لی، پ، و، آ) ۲۵-ل: گوی؛ ک، س، آ: آوی؛ (ق ^۲: بجارحوی (حرف‌های دوم و ششم بی نقطه)؛ و: چو پتیاره‌ای؛ ل: تا بم ز تیمار روی؛ ل ^۲ نیازم بیکاره روی؛ ب: نترسم ز دیدار اوی)؛ متن = س، ق (نیز ل ن، لی، پ، آ): ق پساوند ندارد؛ بنداری: ثم سأل الجارية عن طريق الخلاص فقالت له: إن للنصاري غذا عيداً يخرجون فيه النى الصحراء و لا يبقی فی المدینة منهم أحدأ، و أنا أدبر أمرک ان شاء الله ۲۶-ک، س، آ (نیز پ، و، آ): گمان

بیست اندر اندیشه دل را نخست
همان تیغ و گویال و برگستوان
به اندیشه دل را^۳ به جای^۴ آورید

چو از باختر چشمه اندرکشید
پراندیشه شد^{۱۰} جانِ شاپور شاه
شب آن^۷ چادر قر^۸ بر^۹ سر کشید،
که فردا چه سزد کنیزک پگاه^{۱۱}

گفتار اندر گریختن شاپور با کنیزک از روم^{۱۲}

چو برزد سر از برج شیر^{۱۳} آفتاب،
به جشن آمدند^{۱۴} آنک بودی به^{۱۷} شهر
کنیزک سوی چاره^{۲۰} بنهاد^{۲۱} روی
چو ایوان خالی به چنگ آمدش
۲۴۰ دو اسپ گرانمایه ز آخر ببرد^{۲۴}
ز دینار چندانک بایست نیز

بیالید^{۱۴} روز و بیالود^{۱۵} خواب،
بزرگان جوینده^{۱۸} از جشن^{۱۹} بهر
چنان چون بزد مردم چاره جوی^{۲۲}
دل شیر و چنگ^{۲۳} پلنگ آمدش
گریده سلیح^{۲۵} سواران گرد^{۲۶}
ز خوشاب و یاقوت^{۲۷} و هرگونه چیز^{۲۸}

۱-س، ق (نیز پ-ب): ز؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز لن-ل-آ): ق؛ ۲ پس از این بیت افزوده است:

چو بشنید شاپور کرد آفرین بر آن پرهیز دختر پیشین

۲-ل: هندوان؛ ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب): خسروان؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، ل-لن-آ) ۳-آ: او دن؛ و، ک، س، ۲ (نیز لن): باندیشه دل؛ متن = ل، س (نیز ق-آ-لن-آ، ب) ۴-ل: بجا؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۵-س (نیز لن، لن، آ، ب): برین؛ الی: بدان ۶-ل: رهنما؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۷-س: شبان ۸-ک، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، لن، آ، آ): قیر؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، ب، ب) ۹-س، ک، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): در؛ متن = ل، ق (نیز شش دستویس دیگر) ۱۰-و: بد ۱۱-س، ک (نیز لی): براه؛ متن = ده دستویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد ۱۲-ل: گریختن شاپور و کنیز از روم؛ س: گریختن شاپور با کنیزک از روم و آمدن بایران زمین؛ ق: گریختن شاپور از روم و باز آمدن بایران؛ ک: گریختن شاپور از روم و رفتن بایران زمین؛ س، ۲: گریختن شاپور با گلنار از روم و آمدن بایران زمین؛ ل، آ این بخش را ندارد ۱۳-آ: شید ۱۴-ل: بیالیز؛ س، ق، ک (نیز لن، و): بیالید (حرف های یک و پنجم بی نقطه)؛ س، ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): بیالود (حرف یکم بی نقطه)؛ ل، آ: بیالود؛ لن، آ: بیالید (حرف یکم بی نقطه)؛ ب: بیالود (نقطه ندارد)؛ متن = (پ) ۱۵-ل، ک، س، ۲ (نیز لن-ل، آ، و، آ، ب): بیالود (حرف دوم بی نقطه)؛ متن = (پ، لن) ۱۶-آ: ز جشن آمدی ۱۷-ک، س، ۲ (نیز لی): بودند؛ ل: بودند ز؛ ب: بوده به؛ ق، ۲: آمد آنکس که بود او به؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، پ-آ) ۱۸-ل: که دارند؛ س، ق (نیز لن، و، لن، آ): بزرگ آنک بردارد؛ پ: خنک آنک بردارد؛ ز: متن = ل، ۱۹-ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب): که از نام دارند (آ: بردند)؛ ق، ۲: داننده از شهر ۲۰-ق، آ، ل، پ: خانه ۲۱-ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب): آورد ۲۲-ق: جنگجوی ۲۳-ب: چرم ۲۴-ل: خوب نیز ۲۵-س، ق، ک، س، ۲ (نیز پ، لی، آ): سلاح؛ متن = ل (نیز لن، ق، آ، ل، و، آ، ب) ۲۶-ل: ز دینار چندانکه بایست نیز؛ بنداری؛ قان: فخرج الناس إلى عیدهم، و خرجت صانبة الحجره فی نسانها و جواربها و خدمها، علی عادتهم فی الاعیاد. ولم یبق فی الدار الا هذه الجارية الموکلة بحفظه. فمضت إلى الاصطبل و أخرجت فرسین، و جاءت بعدة و سلاح ۲۷-ل، آ: < > ۲۸-ق: < > ۲۹-لی به جای این بیت آورده است:

ز خوشاب و یاقوت و هرگونه چیز چو آمد همه ساز رفتن بنیز

چو آمد همه ساز رفتن به جای
سوی شهر^۲ ایراد نهادند روی
شب و روز یکسر^۵ همی تاختند
۲۴۵ برین^۶ گونه از^۷ نهر برخوردارستان^۸
چو اسپ و تن از تاختن گشت سست
دهی خرم آمد به^{۱۰} پیشش به راه
تن از رنج رخته^{۱۱} گریزان ز بد
بیامد دمان^{۱۷} مرد پالیزبان
۲۵۰ دو تن دید با نیزه^{۱۹} و درع و خود
بدین بیگهی از کجا خاستی^{۲۳}؟
بدو گفت شاپور کای^{۲۵} نیکخواه

شب آمد دو تن راست کردند رای^۱
دو خرم نهران شاد^۳ و آرامجوی^۴
به خواب و به خوردن پرداختند
همی راند^۹ تا^{۱۰} کشور سورستان^{۱۱}
فرود آمدن را همی جای^{۱۲} جست
پر از باغ و میدان و پر^{۱۴} جشنگاه
بیامد در باغبانی^{۱۶} بزد
که هم نیک^{۱۸} دل بود و هم میزبان
ز شاپور پرسید^{۲۰}: هست^{۲۱} این^{۲۲} درود؟
چنین تاختن را بیاراستی^{۲۴}؟
سخن چند پرسى ز گم^{۲۶} کرده راه؟

۱- در لیلت‌های این بیت پس و پیش شده؛ پ، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

پ: دو از روز بانان نگهبان بدند
بی پی بر رفتند هر دو سوار
عنائش گرفتند هر دو بدست
گرفت آن سر هردوان را بدست
۵ چو هر دو زدند و بی جان شدند
از آن رفتن شاه آگه شدند
رسیدند زی هردوان نامدار
بزیین اندرون شاه از جای جست
سبک بر زمین خوار بگنجد پست
شه و همراهش هر دو پویان شدند

بنداری نیز این بیتها را ترجمه کرده است: فأحس بالحال شخصان من الحرس فأتبعاه حتى لحقاه. فأخذها بعنانه فتناول سابور رأس أحدهما بيمينه ورأس الآخر بيساره، واقتنعهما من مغرز رقابهما، واستمر في طريقة

آ: بیود آن شب و خورد و گفت و شنید سپیده چو از کوه سر برکشید

۲-ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): مرز ۳- (لی: شاه ۴- (ل: آ: آزر مجوی) ۵- (پ: یکسان): ق^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: و لما جن الليل أخرج سابور من محبسه فخرج خروبي الفدح قدح ابن مقبل، وركب مع الجارية في ليل لستر الدجّة مسبل، وأخذ اليرطردا و ركضا ۶-ک، س^۲ (نیز لی، پ، آ): ازین: (ل: آ: بدین ۷-ک، س^۲ (نیز و، آ): بر: (لی: شد؛ پ: زان) ۸-ق، ک، س^۲ (نیز آ، ب): برسوزیان: (لی: برسوزیان؛ ل: آ: بر خورسان؛ پ: برسوزیان؛ و: شهر و بر خورسان (حرف پنجم واژه پسین بی نقطه))؛ متن = ل، س (نیز لن، ق^۲) ۹- (ل: آ: تاخت؛ ب: رفت) ۱۰-ک، بر ۱۱-ق، ک، س^۲ (نیز لی، پ، آ، ب): خوزیان: (ق: آ: کورستان؛ ل: آ: شورسان)؛ متن = ل، س (نیز لن، و)؛ بنداری: فلم يزالا يركضان ليلاً و بهاراً حتى انتهيا إلى إحدى مدن خوزستان ۱۲-س (نیز لن، ل: آ: چاره؛ ک: رای؛ س^۲ (نیز ق: آ، لی، آ): راه؛ متن = ل، ق (نیز پ، و، ب) ۱۳-ک، س^۲ (نیز لی، پ، آ): ز؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق: آ، ل: آ، و، لن، آ، ب) ۱۴-ک (نیز لی، آ): ایوان و هم؛ س^۲ (نیز پ، و): ایوان و پر؛ ق (نیز ب): همان باغ و ایوان بدو؛ متن = ل، س (نیز لن، ق: آ، ل: آ، لن، آ) ۱۵-ل (نیز و): خسته؛ ق، س^۲ (نیز لی، پ، آ، ب): رنجه؛ (لن: آ: رخنه؛ ق: آ: لرزان)؛ ک: رنجه گریزان (وزان ندارد)؛ متن = س (نیز لن، ل: آ) ۱۶- (ق: آ: باغبان را؛ آ: باغبان) ۱۷-س، ک (نیز لن، ق: آ، لی، پ، و، آ): دوان؛ س: آ: دلان؛؟؛ متن = ل، ق (نیز ل: آ، لن، آ، ب) ۱۸- (آ: تنگ)؛ بنداری: فوقا على باب بستان و قد بلغ منهما الجهد كل مبلغ وأعبت دوابهما، ففرع باب ابستان فجاء الباغیان ۱۹-ق: جوشن ۲۰-س (نیز لن، لن، آ): ز شاپور بهرام؛ متن = ۲۱-ل: گفت؛ متن = ۲۲-ق: بشاپور نرسی بکردش ک، س^۲ (نیز لی > و، آ، ب): بترسید و گفتا که هست این (ک: از)؛ متن = (ق: آ، ل: آ، پ، و) ۲۳-س، ق (نیز لن، لن، آ): خاستید؛ (لی: خواستی؛ ل: آ: تاختید)؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ق: آ، پ، و، آ، ب)؛ بنداری: فرأى فارسین مدججین قد لَوْحهما السفر، و سفح وجوهما النصب. ففتح لهما نياپ و استبشر بهما و تهلل فى وجوههما فقال سابور: من أين جئت؟ و هل عندك من سابور ملك فارس خبر؟ ۲۴- (ب: ساخته بر که آراستی) ۲۵- (ق: آ، ل: آ: ای) ۲۶-ک: گوییم از

گریزان^۲ نهاده^۳ بدین^۴ مرز^۵ روی،
 مبادا که بینم^۷ سر و افسرش!
 هشیواری و مرزبانی کنی^۸،
 درختی که کشتی^۱ به بار آیدت^{۱۱}]
 تن باغبان نیز مهمان^{۱۵} تست
 بکوشم، بیارم، بگویم^{۱۹} به کس^{۲۰}
 کنیزک همی رفت با او به راه
 ز هر گونه چندنک^{۲۳} بودش توان
 سبک مایه جایی^{۲۵} بپرداختند^{۲۶}

یکی مرد ایرانیم راه^۱ جوی
 پر از دردم^۶ از قیصر و لشکرش
 ۲۵۵ گر امشب مرا میزبانی کنی
 [برآنم که روزی به کار آیدت^۹
 بدو باغبان^{۱۲} گفت کین^{۱۳} خان^{۱۴} تست
 بدان^{۱۶} چیز کآید^{۱۷} مرا دسترس^{۱۸}
 فرود آمد از اسپ^{۲۱} شاپور شاه
 ۲۶۰ خورش ساخت خندان^{۲۲} زن باغبان
 چونان خورده شد کار می ساختند^{۲۴}

۱- (لی، ل، آ، ب: چاره) ۲- س: ازیران؛ (لی: کز ایران) ۳- (لی: نهادم) ۴- (ق: برین)؛ متن ← ۵- ل، ک، س: بدین مرز بنهاده؛ متن = س، ق (نیز هفت دستویس دیگر)؛ آ بیتهای ۲۵۳-۲۵۴ را ندارد ۶- (ق: <م>) ۷- (ق: بینی) ۸- لی پس از این بیت افزوده است:

سپاسی بود از تو بر جان من
 همان پیش هر نامدر انجمن
 سپاسی بود من که تا جاودان
 کنم شکرهای تو پیش ردان

۹- س: (نیز پ): آیمت ۱۰- ک، س: (نیز لی، آ، ب): کاری؛ (پ: درخت همایون) ۱۱- س: (نیز پ): آیمت؛ متن = ل، ک (نیز لی، آ، ب): س، ق، ل، آ، لن، ق، ل، آ، لن، آ این بیت را ندارند ۱۲- (ل: میزبان) ۱۳- (لن، ق، آ، لن: این) ۱۴- ک، س: (نیز ق، آ، آ): جای؛ (لی: رای؛ لن: آ: جان)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، ب، و، ب) ۱۵- س: قربان؛ ک، س: (نیز ق، آ، لی، آ): دل باغبان نیز هم ری (س: همراه)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، آ، لن، آ، ب) ۱۶- (ق: بران) ۱۷- ک، س: (نیز لی، لن، آ، آ، ب): به چیزی که باشد؛ متن = ل، س، و (نیز لن، ل، آ، ب، و) ۱۸- (آ: دستگیر) ۱۹- ک، س: بسازم نخواهم؛ (لی: نیازت نیاید؛ و: نیازت نیارم) ۲۰- (آ: نخواهم نسازم به کس) ۲۱- ل: باره؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۲- ل، س، ق (نیز لن، ق، آ): خندان (حرف یکم بی نقطه)؛ ک، س: (نیز لی، آ، ب): لختی؛ (ل: آ، لن: آ: چندان؛ پ: چندی)؛ متن = (و)؛ بنداری: فقال: انا رجل من ارض ایران موجه القلب من قیصر. وقد هربت منه متوجها الي هذ المدينة. وانا الليلة ضيفك. فأكرمه الباغبان وأنزله وأحضره ماعنده من الطعام ۲۳- (ل: چیزی که) ۲۴- (ل: جام میخواستند؛ ب: مجلس آراستند) ۲۵- (ق: چیزی؛ و، آ: جامی)؛ س (نیز لن، لن، آ): باده جامی؛ متن = ل، ق، ک، س: (نیز لی، ل، آ، ب، ب) ۲۶- (ل: بپیراستند) پ پس از این بیت افزوده است:

سبک باغبان با کدویی به در
 چو دیر آمد او باز فرخنده شاه
 یکی کودکی خرد دید او دوان
 شهنشاہ گفتش که بابت کجاست
 ۵ به کاری برون رفت او پرشتاب
 گر آن چیز یابد شود شادمان
 و گر بس بیابد بجمله خوریم
 همه با تو زان چیز گردیم شاد
 زمانی بیود آمد آن میزبان
 ۱۰ می آورد و بنهاد و برداشت جام
 برون شد که جوید می چون گهر
 همی کرد در باغ هر سو نگاه
 کجا بود و پور آن باغبان
 بگفتا بگویم به پیش تو راست
 که پیش تو جوید بدان قدر و آب
 خورید انک یابد شما هر دو ان
 من و مادر ز باب از آن نگذریم
 از آن خورد شه در شگت افتاد (وزن ندارد)
 سخن گوی و پرمایه پالیزبان
 ز مهمان شده خرم و شادکام

این بیتها در بنداری نیز ترجمه شده اند: ثم اخذ يقطينة كانت عنده و خرج يطلب له الشراب فأبدا. فرأى سابور صيافي البستان فقال له: أين أبوك؟ فقال: خرج يطلب نك شيان و جده سربه و تناولته أنت و هو معا، وإن لم يأت به تناولت أنا و أمي و أبي معك جميعا. فتعجب سابور من كلام الصبي ولم يفهم معناه

سبک باغبان می به شاپور داد
بدو گفت شاپو نای میزبان
کسی کو می آرد خست او خورد
۲۶۵ تو از من به سال اندکی برتری^۵
بدو باغبان گفت، نای پرهز
تو باید که باشی بدین^{۱۱} پیشرو
همی بوی تاج آید از موی^{۱۲} تو
بخندید شاپور^{۱۵} و بستد نبید
که بردار از آن کس که آیدت^۱ یاد!
سخن گوی^۲ پرمايه^۳ پالیزبان،
چو بیشش بود سالیان و خرد^۴،
تو باید^۶ که چون می دهی می خوری^۷!
نخست آن^۸ خورد می که با زیب تر^۹،
که پیری به فرهنگ و در سال^{۱۱} نوا
همی^{۱۳} رنگ عاج آید از روی^{۱۴} تو!
یکی باد سرد از جگر برکشید،

۱- (پ: بایدت؛ لن: آید به)؛ س (نیز ل^۳)؛ کت بد به؛ (لن: آ: بنیوش از آنکس که داری به)؛ متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، و، آ، ب) ۲- س، ک (نیز لن^۲، ب): گوی و؛ (لی: سخندان - آ: سخندان و) ۳- ک، س، آ: هشیار و؛ (ق: با مرد؛ لی، آ: هشیار؛ پ: هشیوار و بیدار)؛ متن = ل، ق (نیز لن، ل، و) ۴- (ق: بر خورد)؛ بنداری: فحاء الباغیان یقطیته، و صب منها فی الجام شرابا، و قدّمه ائی سابور. فقال له: یبده، بانشراب من جاء به ۵- (ب: مهتری) ۶- (و: نباید) ۷- (ق: می خوری می دهی) ۸- س (نیز لی): او؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- (ق: زیب و فر: پ: پیش آورد) ۱۰- ل: برین؛ (پ: و یکن نو باشی بدین)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز لن- ل، و- ب) ۱۱- ل: بر سال؛ (لی، و: سالار نو)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر)؛ این بیت را ندارد ۱۲- (لی: زیب تاج آید از روی) ۱۳- (ب: همان) ۱۴- (لن: موی؛ لی: بوی مشک آید از موی؛ پ: بخورشید مانده می روی؛ لن: داین بیت را ندارد ۱۵- (ل: بسیار)؛ بنداری: فقال الباغیان: من کان ابی منظرًا فهو الشارب أولاً، و ینبغی أن تكون المقدم لبهائک و ابهتک فضحک سابور فتناول القدر فشربه و رده آیه: پ پس از این بیت افزوده است:

بخورد آن می و جام را باز داد	پالیزبان بر همه کرد یاد
از آن چیز کز کودک او شنید	بگفتش که معنی آن کن بدید
بدو گفت پرمايه پالیزبان	که ای فرخجسته مه و میهمان
بگویم ز آغاز آنرا سمر	از آن گفت کودک ترا در بدر
یکی خم می کده دارم کهن	سرش را بگل دترم از یک سخن
بخوردم یکی سخت سوگند من	همی با دل خویش بی انجمن
که این مهر آنکه گشایم ز خم	کجا بشنوم بانگ پولاد سه
همی شاه شور با کوس و پیل	رونده سپاهش چو دریای نیل
ببینم شهنشاه شاپور را	همان مرزبانرا و دستور را
۱۰ شهنشاه گفتن سخن شد تمام	بیر سوی خمت درود و سلام
می آور تو تا شادمانی کنیم	همه دل سوی نیک نامی کنیم
چو می را بشادی دهیم و خوریم	پی روز ناآمده نشمریم
سر خم چو پالیزبان برگشاد	همه خانه گشتند از آن پاده شاد

این بیتها را بنداری هم ترجمه کرده است: ثم سأله عن معنى كلام الصبي. فقال له أيها الضيف المبارك: اعلم أن لي خابية من الشراب مثل الذهب المذاب قد خبأتها تحت ثوب. و نذرت أن لا أفص ختامها ولا أحط لتامها إلا إذا رأيت وجه الملك سابور طالعا في كوساته الراجعة و بوقاته الناعقة. فخرجت لأطلب من جيرانتي من الشراب ما يكفيني و يكفيك عازما على أنه إن لم يتسر ذلك أخرجت من السر المكتوم، و فضضت عن حريق المختوم. و لا يحملني على ذلك إلا بهاؤك و لطفك و فتوتك. فقال سابور: فض الختام، و أقر ذلك المدام عنى السلام. و أحضرها على يمينا فانا سنكفر عن يمينا. فشرنا ما حضر ثم سعى نحو سره المكنون فكشف قناعه، و نبش رمه، و أطلع شمس. فصار بيته بالطرب و اللهو أهلا

چه آگاهی نستت. ^۲ از ^۳ ایران زمین؟
 - ز تو دور بادا بد بدکنش!
 که از قیصر آمد بدایرانیان!^۷
 نماند اندر آن ^{۱۰} بوم ^{۱۱} کشت و درود،
 پراگنده گشت ن بزرگ ^{۱۳} انجمن،
 به زنار پیش سکویا ^{۱۵} شدند،
 به دور از بر و ^{۱۸} بوم و ^{۱۹} آرامگاه ^{۲۰}
 که رخشان بدی چرن زما ^{۲۱} اورمزد ^{۲۲}،
 ز بخت آب ایرایان ^{۲۵} تیره شد ^{۲۴}؟
 ترا جاودان مهتبی باد و ناز ^{۲۶}،
 نیامد به ایران بدین ^{۲۹} سرکشان
 اسیرند سرتسر اکنون ^{۳۱} به روم
 که بود آن ^{۳۳} زمان ^{۳۴} شاه را میزبان

۲۷۰ به پالیزبان گفت کای ^۱ پاکدین
 چنین داد پاسخ ^۴ که ای برمنش ^۵
 به بدخواه ما ^۶ باد چندان زیان
 از ^۸ ایران پراگنده شد هرک ^۹ بود
 ز بس ^{۱۲} غارت و کشتن مرد و زن
 ۲۷۵ و زیشان بسی نیز ترسا ^{۱۴} شدند
 بسی ^{۱۶} جاثلیقی ^{۱۷} به سربر کلاه
 بدو گفت: شاپور شاه اورمزد
 کجا شد که قیصر چنین چیره ^{۲۳} شد ^{۲۴}
 بدو باغبان گفت کای سرفراز
 ۲۸۰ ازو مرده و زنده ^{۲۷} جایی ^{۲۸} نشان
 هر آنکس که بود اندر ^{۳۰} آبادبوم
 برین ^{۳۲} زار بگریست پالیزبان

۱-ک (نیز و): ای ۲-ق: آید ۳-ل-ک (نیز لن-ب): ز: متن = س ۴-ک، س ۲ (نیز لی، آ): بسخت داد ۵-(لن، پ، لن: کی منش): ک، س ۲: کای کی منش: (ق: گومش: ب: ترمش): متن = ل، س (نیز لی، ل، آ، و، آ): ق این بیت ندارد ۶-(ق: ل، آ، پ، لن: آ: تو) ۷-ل، س، ک، س ۲ (نیز لن-ب): بایرانیان: ق: بر ایرانیان: متن تصحیح قیاسی است ۸-س (نیز لن، و، لن: آ): ز ۹-(ل: آ): پراگنده شد هر که در مرز ۱۰-(آ: این) ۱۱-ک، س ۲ (نیز لی، آ): مرز: بنداری: و لما دارت الکووس و طابت النفوس اقبل ساید علی الباغیان و قال: هات ما عندک من اخبار ایران. فأخبره الباغیان بما جرى علی أهلها من القتل والأسر والنهب ۱۲-(ق: آ: هم از) ۱۳-ق: گشتند آن ۱۴-(ل: آ): ترسان ۱۵-(ل: آ): سکویان: و: شکویا: بنداری: و قال: إن أكثر من بقى منهم ترک الملة الفهلویة وأصفأ نرها، و دخل فی دین النصرانیة و شد زنارها. و قد رأوا مطر العذاب سکویا فتمسکوا بدین المطران و اعتصموا بملة سکویا ۱۶-پ: با: ۱۷-(ب: جاثلیقان) ۱۸-(ق: آ): بدو داده از: ل: آ: برو زار(تر) ۱۹-ق: بسی نو در بوم آرامگاه؟ (واژه چهارم نقطه ندارد): (پ: برین از رو بوم): متن = ۲۰-ک، س ۲ (نیز آ): بدو داد و آن بوم و آن جایگاه: متن = ل، س (نیز لن، پ، و، لن: آ) ۲۱-ک، س ۲ (نیز لی، آ): بسده: ل: همچو ماه: متن = س، ق (نیز لن، ق: آ، ل: ب) ۲۲-(ل: آ): فرزد) ۲۳-ل، س: حیره (حرف یکم بی نقطه): ق: جیره: ک، س ۲ (نیز ق: آ، و: حبه (نقطه ندارد): (لن، لی، ل، آ، لن: آ، ب): خیره: پ: چیره (حرف دوم بی نقطه): متن تصحیح قیاسی است ۲۴-ق: گشت ۲۵-س (نیز لن، لن: آ): ایران چنین: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶-(آ: راز) ۲۷-ک، س ۲ (نیز و، ب): زنده و مرده: متن = ۲۸-ل: مرده زنده به جایی: متن = س، ق (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن: آ) ۲۹-ل، ک: بدان: (ب: به این): ق: نشانی بر: متن = س، س ۲ (نیز لن، لی، آ): بنداری: فقل له: غی ای مطار طار سابورین هرمز؟ و إلى ای مصیر صار؟ فبکی بالأربعة الحجام علی الأبریق والحجام، و قال: إنه غاب فلم نسمع نه خیرا، و لم نر نه عینا و لا أثر: ق این بیت را ندارد ۳۰-ل: بودند ز: (لن: بودند از: ل: هست اندر): متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ق: در دست مردان: (ب: اکنون سراسر) ۳۲-ل: بدو: ک (نیز لن، لی، ب): بدین: (ل: بدان: و: برو): متن = س، ق، س ۲ (نیز ق: ل، آ، ب) ۳۳-س (نیز لن، ب): این ۳۴-(ق: آ): اندرین: آ: اندر آن: ک، س ۲، لی، آپس از این بیت افزوده اند:

همان رادی (آ: رازی) و تازگی چهر او
 رهاند شما راز شمار (لی: ترا از غم و درد) و باک
 شنیدم همان نام و (لی: نیز) آواز تو
 مگر یابم آنجا ز خویش (لی: بیابم من از نیکویهاش) بهر

چو شاپور دیدش (لی، آ: دید آن) چنان مهر او
 بدو گفت: مگری که یزدان پاک
 من اکنون چو دیدم چنین راز تو
 من (آ: هم) امشب ازینجا سوه سوی (لی: ازیدر روم باز) شهر

بیاشی، بود^۲ خانه گیتی فروز
که هر کس که آزم^۴ مهمان نجست،
نه بار آورد^۷ بخت تاریک اوی^۶!
چو گردد دلت رام^{۱۱}، برگوی^{۱۲} نام!
به مابر کنون میزبان^{۱۵} پادشاست!

سپیده چُن^{۱۷} از کوه سر بردمید^{۱۸}،
بر میهمان^{۱۹} شد خداوند^{۲۰} باغ
سرت^{۲۱} برتر از ابر بارنده باد!
بد آرام^{۲۳} شایسته گاهی نبود
نیابی نه پوشیدن و^{۲۵} پرورش]

بدو میزبان گفت کاید^۱ سه روز
که دانا زد این دستان از نخست^۳
نه باشد خرد هیچ^۵ نزدیک اوی^۶
بیاش و بیاسای^۸ و می خور^۹ به کام^{۱۰}
بدو گفت شاپور ناری^{۱۳} رواست^{۱۴}

بیود آن شب و خورده و کفت و شنید^{۱۶}
چو زرین درفشی بر آورد راغ
بدو گفت: روز تو فرخنده باد!
سزای تو^{۲۲} جایگاهی نبود
[چو مهمان درویش پای^{۲۴} خورش

۱-س: گفت میزبان کاید (وزن ندرد): ق: باغیان گفت ایدر) ۲-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن-ب): شود: متن = ل ۳-ق: داستان درست: لی: داستان را نخست) ۴-ق کی و آزم (وزن ندارد) ۵-ق: خردمند) ۶-ل، ق، ک، س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): او: متن = س (نیز لن، ق، پ، لن، آ) ۷-ل، س (نیز ل، ق، آ: بیاز آورد: ق: بیاز آید آن: ک: نیاز آورد: س^۲ (نیز لی-آ): نیاز آورد: ب: بیاز آورد: متن تصحیح قیاسی است ۸-ل: <ی>: متن = سیزده دستویس دیگر ۹-ل: آ: میخور) ۱۰-س، ک، س^۲ (نیز لن-ب): جام: متن = ل، ق ۱۱- (و: راد) ۱۲-ق: که گردد دلت راه گویی به) ۱۳-ق: آ، ل، آ: آری: و: کاکنون) ۱۴-لی: برگوی راست) ۱۵-ل: میزبان: متن = سیزده دستویس دیگر: ک، س، آ، لی، پ، آ، ب، س: از این بیت افزوده اند:

سخن پرس اگر مرترا این هوست

لی: بگویم بتو هر چه پرسی رواست

ک، س، آ، لی، پ، آ، ب:

میر دلت را (لی، ب: دلت را میر) جز بنیکی فراز
کچون لاله رخشان بود: پ: بده: لی: بدی: در: لی: بر: فوزه
سبک برد پیشش ز (لی، پ: به) شادی نماز
رسیده ازین من بدانکم (لی، آ: بدان کت: ب: بران که) هوست
ز راه (لی: برای: آ: ززای) هشیوار وز (لی، پ، آ:
و از: ب: ز هشیار زایی و از) بخردی

نگر تا نداری (آ: ندانی) سخن جز بر باز
مرا نام شاپور بن (لی: شاه) اورمزد
چو بشنید پالیزبان جمله راز (ب: جز بر باز)
بگفتا که سوگند من گشت است (ب: پادشاست)
نمود آنکھی فوزه ایزدی

۵

بنداری این بیتها را داشته است: ثم إن شاپور أعلمه بنفسه فکاد یظیر سروروا قام و سجده و قال: الآن بر قسمی. و حمد الله تعالی و اثنی علیه ۱۶- (و: شنود) ۱۷-ل-ک (نیز لن-پ، لن، آ، ب): چو: متن = س^۲ (نیز آ) ۱۸-ل، ق، ک (نیز ق، آ، لی، پ، آ): سر برکشید: (و: رو نمود): متن = س (نیز لن، ل، لن، آ، ب) ۱۹-ل، لن، آ: میزبان) ۲۰-ک، س^۲ (نیز لی، آ): سرت (لی: آ: سرش) برتر آمد ز افراز: س^۲، لی، آپس از این بیت افزوده اند:

بیامد بنزدیک نه (نی: او) باغبان
سایبرکنان پیش او شد زبان (لی: جوان: آ: نوان)

۲۱- (لی: سرش) ۲۲-ل: تومان: متن = سزده دستویس دیگر ۲۳-ل-ک، س^۲ (نیز لن-ل، و-ب): بآرام: (پ: بآرام و): متن تصحیح قیاسی است ۲۴-ل: نامی (نقطه ندرد): ک، س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب): باشی: متن تصحیح قیاسی است ۲۵-ک: نه پوشیدنی: (ب: ببوشیدن و: لی: ز پوشیدن و): متن = ل، س^۲ (نیز ق، آ، ب): س، ق، لن، ل، و، لن، آ: این بیت ندارند

بدو گفت شاپور کای^۱ نیکبخت
 یکی زند و اُست آر با^۴ برسمت^۵
 ۲۹۵ بیاورد هرچش^۷ بفرمود شاه
 به زَمَزَم بدو گفت: ^۹برگوی راست
 چنین داد پاسخ ورا^{۱۲} باغبان^{۱۳}
 دو چشم ز جایی^{۱۶} که دارم^{۱۷} نشست^{۱۸}
 نهانی به پالیزبان گفت شاه
 ۳۰۰ چو بشنید ازو^{۲۴} این سخن باغبان
 جهاندار بنهاد^{۳۰} بر گل^{۳۱} نگین
 بدو گفت^{۳۲} کین^{۳۳} گل به موبد سپار
 سیده^{۳۵} دمان مرد با^{۳۶} مَهر شاه
 چو نزدیک درگاه موبد رسید
 ۳۰۵ به آواز از آن^{۴۰} بارگه بارخواست
 چو آمد به نزدیک موبد فراز

من این خانه بگزیم^۲ از گاه و^۳ تخت
 به زَمَزَم یکی پاسخی پرسمت^۶
 بیارسته برسم و بارگاه^۸
 کجا^{۱۱} موبدان موبد^{۱۱} اکنون کجاست؟
 که ای پاک دل مرد^{۱۴} شیرین زبان^{۱۵}،
 بدان^{۱۹} خانه ی موبدان^{۲۰} موبدست
 که از^{۲۱} مهتر ده^{۲۲} گِلِ مَهر^{۲۳} خواه
 گِل و مُشک و^{۲۶} می^{۲۷} خواست و^{۲۸} آمد دمان^{۲۹}
 بدان باغبان داد و کرد آفرین،
 نگر تا چه گوید همه^{۳۴} گوش دارا!
 بر موبدان موبد^{۳۷} آمد^{۳۸} پگاه
 پراکنده گردان^{۳۹} و در بسته دید
 چو بگشاد در، باغبان رفت راست
 بدو^{۴۱} مَهر^{۴۲} بنمود^{۴۳} و بردش نماز

۱- (ق: آ: ای) ۲- ل. ک. س. ۳- (نیز ق: آ: ب): بگزیدم: متن = س. ق. (نیز لن) ۳- ل. ق. ک. س. ۴- (نیز لی. و. آ: ب): تاج و: (لن: آ: بهر): متن = س. (نیز لن، ق: آ) ۴- ل. تا: ک: است است با: (پ: استا و با: آ: استا با): متن = (ب) ۵- س. ۶- (ب) ۶- ل. برسمت (نقطه ندارد): ک. س. ۷- برسمت: (پ: گویمت): متن = (آ: ب): س. ق. لن. ل. و. لن. آ. این بیت را ندارند. ۷- س. ۸- جشن: متن = سیزده دستنویس دیگر ۸- (لی. و. بارگاه: آ: تاج و گاه): ق: ز خوان بارگاه (وزن ندارد): ک. س. ۹- برسم بارگاه: (ل: آ: یک بارسم و راه): ل. بفرود نزدیک شه پایگاه: س. (نیز لن، لن: آ): بیاراست بر رسم وی بارگاه: (ق: آ: ناسب (نقطه ندارد) بر رسم این جایگاه: ب: من این خانه بگزیدم از تاج و تخت (پساوند ندارد)): متن = (پ) ۹- (ق: آ: بدو گفت شاپور) ۱۰- ک. س. ۱۱- (نیز لی. آ): که تا: متن = ل. س. ق. (نیز لن، ق: آ: ب) ۱۱- ل. ک. س. ۱۲- (نیز لی. ل. و. لن. آ): موبد موبد: متن = س. ق. (نیز لن، ق: آ: ب. پ. ب) ۱۲- ک. ل. آ. س. ۱۳- (نیز پ. آ): میزبان: متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- ک. س. ۱۵- (نیز لی. آ): نامور گرد ۱۵- (ب: روان): ک: شیرزبان ۱۶- (ب بر آنجا) ۱۷- ل. آ. س. ۱۸- (نیز ق: ل. آ. آ): دارد ۱۸- س. بدست: (لن: بس است) ۱۹- س. س. ۲۰- (نیز پ. لن. آ): بر آن: (و: ابر) ۲۰- (آ: مرید): نداری: ثم قال: و هل تدری این منزل موبد الموبدان؟ فقال نعم ۲۱- (آ: ای) ۲۲- (لن: آ: دل) ۲۳- ل. ک. ل. <و>: س. <ه> (نیز ق: <و>): و مهره: (ل: آ: و مهره: (ه) بخواه: ب: تو گل مهره): متن = س. ق. (نیز لن، لی. پ. آ) ۲۴- ل. س. (نیز لن، ق: آ): زو: متن = ق. ک. س. ۲۵- (نیز لی. و. ب) ۲۵- (ل: آ: آن) ۲۶- ک. س. ۲۷- (نیز آ): گل مهر ۲۷- (لی. و مهر را) ۲۸- ک: <و>: (لن. ل. و. لن. آ: ب: جست و: پ: آورد و) ۲۹- ل. و. لن. آ: ب: دوان: ل: آ. این بیت را ندارد ۳۰- ل. آ: بنهاد ۳۱- (لی. آنرا به گل بر): ک. س. آ: بجای این بیت آورده اند:

چو گل یافت آن خسرو تاجور نهاد از بر گل یکی مهر زر

ق: آ: لی: پس از این بیت ۳۰۱ افزوده اند:

بیاورد شاپور از آن گشت شاد نگین از بر گل یکی بر نهاد

۳۲- (لی: داد) ۳۳- ک. س. ۳۴- (نیز لن. آ): این ۳۴- (ق: آ: همی) ۳۵- (آ: شنیده) ۳۶- (ب: بردگ) ۳۷- ل. (نیز ق: آ: و. لن. آ): موبد موبد: (لی: موبد موبدان): متن = س. س. ۳۸- (نیز لن، ل. آ: ب. پ. ب) ۳۸- (لی: شد): برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند: ل: آمدن موبد (یک واژه ناخواناست) پیش شاه شاپور: س. پیغام فرستادن شاپور بنزد موبد موبدان ۳۹- ک. س. ۴۰- (نیز آ: ب): مردان: متن = بازده دستنویس دیگر ۴۰- ل. زان: متن = چهارده دستنویس دیگر ۴۱- س. (نیز ل: آ): برو ۴۲- (ق: آ: مهره) ۴۳- ل. آ: داد آن مهر: (ب: داد گل مهر)

ز شادی دل رایزن^۳ بردمید
 بدان^۶ باغبان گفت کین مهر^۷ کیست^۸؟
 نشسته به خان منست این^{۱۱} سوار،
 خردمند^{۱۲}، با زیب و با فرهی!
 نشان که دارد به بالا و روی^{۱۵}؟
 دمیدست^{۱۸} سرو از بر^{۱۹} جویبار
 برش چون بر شیر و چهرش^{۲۰} چو خون
 همی زیب^{۲۳} تاج آید از چهر^{۲۴} اوی^{۲۲}
 به روشن روان مرد دانا بدید،
 همان^{۲۸} چهره جز درخور^{۲۹} گاه نیست!
 فرستاد موبد بر^{۳۱} پهلوان،

چو موبد نگه کر: و آن مهر^۱ دید^۲
 و زان پس بر آن^۴ ام چندی^۵ گریست
 چنین داد پاسخ که ای^۹ نامدار
 ۳۱۰ یکی ماه با او^{۱۱} چو سرو سهی
 بدو گفت موبد ک: این^{۱۳} نامجوی^{۱۴}
 بدو باغبان گفت^{۱۶}: هر کو^{۱۷} بهار
 دو بازو به آردار ران هیون
 همی رنگ شرم آید از مهر^{۲۱} اوی^{۲۲}
 ۳۱۵ چو پالیزبان گفت و^{۲۵} موبد شنید
 که این^{۲۶} شیردل مرد^{۲۷} جز شاه نیست
 فرستاده بی جست^{۳۰} روشن روان

۱-ل.س (نیز لن): مهره؛ (لی: چهره) ل: آ: کل مهره ۲-ق: مهرش بدید) ۳-لن: اندر برش؛ آ: و رای او) ۴-ل: (نیز لی، آ): بدان
 ۵-ق: چندان؛ ک، س ۲ (نیز لی، آ): اختی ۶-س (نیز ق ۲، لی): بدو ۷-ل: مرد؛ (ب: برد این مرد؟) ۸-پ: چیست؛ ق: آ: این مهر
 چیست؛ در ک، س ۲: لت های این بیس و پیش شده اند؛ بنداری: فطلب مه طینه و طبع علیها خاتمه، و اعطاء ایها، و قال له: اذهب
 بها الی موبد الموبدان. فحمل الباغین ذک الی داره. فلما رأی الختم علیه علم أنه علامة سابور فتعجب و سأله عنه ۹-ک، س ۲ (نیز
 لی، آ): پاسخ آورد کای ۱۰-ب: آن؛ ک، س ۲، لی، پ، آپس از این بیت و ب پس از بیت ۳۰۶ افزوده اند:

درستست کو (پ: کین) نیست جز شهریار تو این کار را برگمانی مدار

در لن ۲ بیت های ۳۱۱-۳۱۳ پیش از بیت ۳۰۹ آمده اند و پیاپی شان بدین گونه است: ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۱-۱۱-ل، ۲ (نیز لن ۲): وی: ق (نیز
 ق ۲): روی؛ (آ: باد با او): متن = س، ک، س ۲ (نیز لن، لی، و، ب) ۱۲-ل، ک، ل ۲ (نیز لن، لی، و، آ): خردمند و؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ق ۲، ل، آ، پ،
 لن ۲، ب) ۱۳-ل، س، ق (نیز لن، ق ۲، ب، و، لن، آ، ب): که ای؛ ک، س ۲ (نیز آ): پنهان که ای (آ: این): متن = (لی، ل، آ) ۱۴-ک، س ۲ (نیز لی، آ):
 ماه روی؛ (پ: کامجوی): متن = ل، س، ق (نیز شش دستویس دیگر) ۱۵-لی: خوی؛ پ: نشانی چه داری ازین نامجوی؛ ل ۲ این بیت
 را ندارد ۱۶-ک: چنین گفت پاسخ؛ س ۲ (نیز لی، آ): چنین داد پاسخ ۱۷-ک (نیز لی، آ): هرگز؛ س ۲: هرگز (لن: هر لول؛ ل: کاندرا): متن = ل،
 س، ق (نیز ق ۲، ب، و، لن ۲، ب) ۱۸-ل، ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، لن، آ، ب): ندیدست؛ س (نیز ب، و): ندیدست و؛ (لن: بدیدست و): متن = (ل ۲)
 ۱۹-ل (نیز ق ۲): لب؛ ق: سروی ابر؛ ه = یزده دستویس دیگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۲۰-ق-س ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، لن، آ، ب): چهره؛
 (ل ۲: چشمش): متن = ل، س (نیز ب، و) ۲۱-ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، لن، آ، ب): چهره؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ل، آ، ب، و، ب) ۲۲-ل، ک، ل، آ، س ۲
 (نیز ق ۲، لی، ب، او؛ متن = س، ق (نیز شش دستویس دیگر) ۲۳-ک، س ۲ (نیز لی، آ، ب): فر؛ (و: بوی) ۲۴-ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، لن، آ): مهر؛
 بنداری: فقال: إنه ضیفی، و هو نازل فیربستی مع جاریة کالشمس البازغة. فسأله عن حلیته و شکنه و قدّه و قاله فرسد علیه الباغیان
 ذلک کما هو؛ ل ۲ پس از این بیت افزوده است:

تو گویی مگر ناه شاپور اوست و گر قیصر و رای و فغفور اوست

۲۵-لن، لی، آ: < >؛ ل: نالیر (حرف یکم ی نقطه) گفت و چو؛ متن = ده دستویس دیگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۲۶-ل، ک، س ۲ (نیز
 لن-ل ۲، و-ب): آن؛ متن = س، ق (نیز د، ۲۷-ب: ماه) ۲۸-ق: چنان؛ (لی: چنین) ۲۹-ل: چهر او جز در گاه؛ متن = سیزده دستویس
 دیگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد ۳۰-ل: جست و؛ ب: دید) ۳۱-ک، س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ): سوی؛ (لن: زجایی که بد تا در؛ ز جایی که بد آن
 زمان؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ ک، س ۲، ی، آپس از این بیت و ب پس از بیت ۳۱۸ افزوده اند:

بگفت این همه را با او (ک: وی) تمام ز موبد ببردش درود و سلام

که پیدا شد آن فرّ شاپور شاه
 فرستاده‌ی موبد آمد دوان^۲
 ۳۲۰ [بگفت آنک در باغ شادی و بخت
 سپهبد ز گفتار او گشت شاد^۵
 به دادار گفت: ای جهاندار راست
 که دانست هرگز^{۱۳} که شاپور شاه
 سپاس از تو ای دادگر یک‌خدای
 ۳۲۵ چو شب برکشید آن درفش سپاه
 فراز آمد از هر سوی^{۱۸} لشکری^{۱۹}
 سوی سورستان^{۲۱} سر برافراختند
 به درگاه پالیزبان آمدند
 تو از هر سوی^۱ انجمن کن سپاه!
 ز جایی^۳ که بُد تا در پهلوان،
 شکفته شد^۴ آن خسروانی درخت!
 دلش^۶ پر ز کین کرد^۷ و لب^۸ پر زیاد^۹
 پرستش کسی^{۱۰} جرّ ترا^{۱۱} ناسزاست!^{۱۲}
 ببیند سپه نیز و^۱ او را سپاه^{۱۵}؟!
 جهاندار و بر یکوی^{۱۶} رهنمای!
 ستاره پدید آمد از گرد^{۱۷} ماه
 به جایی که بد در نهان^{۲۰} مهتری^{۱۹}
 یگان و^{۲۲} دوگانه همی تاختند
 به شادی بر میزبان آمدند^{۲۳}

۱- (و: کسی): ق: بهر سور: ل: آ. لی. ل: آ. این بیت را نذارند؛ بنداری: فعلم الموبد بخلاصه فکت فی حال کتاباً الی پهلوان عساکر شاپور و کان قد هرب مع نسانه و رجائه الی مرو و امره بالمبادرة الی ایران فی جمیع من عنده من الاسکر؛ ق: به جای بیت ۳۱۸ آورده است:

همان مهر شاپور بر دست اوی فرستاد نزدیک آن نامجوی

۲- (ق: آ. ب: دمان) ۳- (ب: به): ق: ل: آ. لی. ل: آ. این بیت را نذارند، اما ل: آ. دوم آنرا به جای ل: آ. دوم بیت ۳۱۷ آورده است؛ ک: س. آ. پ. آ. ب. پس از این بیت افزوده‌اند:

سپهبد به مرو اندرون بد نهان شبستان اباوی بر میزبان پ: مرزبان: ب: بانوی بر مرزبان

۴- ک: شکفت آمد؛ متن = ل. س. آ: دوازده دستنویس دیگر این بیت را نذارند ۵- (ق: آ. ل: آ. شاه شد) ۶- (پ: سرش) ۷- ل: گشت؛ متن = س. ق. (نیز ل. ل. آ. پ. و) ۸- س. (نیز ل. و): رخ: ک. س. آ (نیز ل. آ): که دل داشت پر درد و لب ۹- (ق: آ: روانش ز اندیشه آزاد شد؛ ل: آ: دل او پر از کین و پر باد شد): ل: آ. بیتهای ۳۲۱-۳۲۴ را ندارد ۱۰- ل. ق. ک. س. آ (نیز ق: آ. ل. آ. ب): کنی: س. (نیز ل. ن): کتم؛ متن = ۱۱- (پ: بجز مر ترا): متن = (و. ل. ن: آ) ۱۲- (ل: آ. نارواست) ۱۳- ک: هر کس ۱۴- س. (نیز ن): <و> ک. س. آ (نیز ق: آ. لی. ب): را و؛ (آ: ز امر): متن = ل. ق. <و> (نیز ل. آ. و) ۱۵- (ل: آ: سپه کز بنهد کلاه: ب: و پر مایه دستور را (ل: آ. و. وزن نذارند)) ۱۶- ق: نیکوان: (ق: آ: نیکی ده و) ۱۷- س. (نیز ل. ن. پ. و. ل. ن: آ): و کرد: ک. س. آ (نیز ل. آ. ب): چرخ و؛ متن = ل. ق. (نیز ق: آ. ل: آ: ل: آ. بیت‌های ۳۲۵-۳۴۰ را ندارد؛ ق: در اینجا سرنویس دارد: گرد شدن لشکر ایران بر شاپور ذی لاکتاف (!) ۱۸- س. ک. س. آ (نیز ل. ن. لی. و. آ. ب): سویی ۱۹- ق: مهتری- لشکری ۲۰- ل. ق. (نیز ل. ن: آ): جهان: (ق: آ: نامور): متن = س. ک. س. آ (نیز هفت دستنویس دیگر): ک. س. آ. لی. پ. آ. پس از این بیت افزوده‌اند (بیت سوم تنهادر پ):

ابا مرزبان جمله گرد آمدند به یکبار سوی سپهبد شدند

ز مرد او بیاورد مردان مرد که شایسته بودند روز (لی: بد روزگار) نبرد

ز طیل و ز بوق آن کجا مانده بود که روز هریمت برافشانده بود

۲۱- ق: بوستان: ک. س. آ (نیز ل. ن. و. ل. ن: آ): شورستان: (لی: آ: خوزیان: ل: آ: شورسان: ب: سوریان: پ: هر سو گوان): متن = ل. س. (نیز ق: آ) ۲۲- ک. س. آ (نیز ل. ل. آ. آ): یکانه دوکانه: متن = ل. س. ق. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. و. ل. ن: آ. ب): بنداری: فلما. صل کتابه ائیه اقبل ائی فارس. فلما وصل الی المکان الذی فیه شاپور ظهر لهم ۲۳- ق: آ. ل: آ. پس از این بیت افزوده‌اند:

ق: آ: سبک باغبان رفت و بردش نماز بدو گفت کای شاه گردنفرز

ل: آ: چنین گفت شاپور را باغبان که ای شاه‌وشر مهتر کامران

چو لشکر شد انبوده بر در^۱ سرای
 ۳۳۰ به شاه جهان گشت: ای مرزبان^۴
 سپاه انجمن شد برین^۷ در سرای^۸
 بفرمود تا برگشادند^{۱۰} راه
 چو رفتند^{۱۳} نزدیک آن نامجوی^{۱۴}
 مهان را همه شا:^{۱۵} در بر گرفت
 ۳۳۵ بگفت آنک^{۱۶} از جرم خر دیده بود
 هم آزادی بردی^{۱۹} خوب چهر
 کزو^{۲۱} یافتم جاز و از^{۲۲} کردگار
 وگر^{۲۴} شهریاری و^{۲۵} فرخنده‌یی
 منم بنده این^{۲۷} مهربان^{۲۸} بنده را
 ۳۴۰ ز هر سو که اکذرن^{۳۱} سپاه منست
 به نزدیک شاه آمد این^۲ پاکرای^۳
 خجسته‌ست^۵ بر تو پی میزبان^۶
 نگه کن کنون تا چه آیدت^۹ رای!
 اگر چه^{۱۱} فرومایه بُد جایگاه^{۱۲}
 یکایک نهادند بر خاک روی
 ز بدها خروشیدن اندرگرفت
 سخن‌های^{۱۷} قیصر که بشنیده^{۱۸} بود
 بگفت آنج^{۲۰} او کرد پیدا ز مهر،
 که فرخنده بادا برو^{۲۳} روزگارا
 شود بنده‌ی پرهز^{۲۶} بنده‌یی،
 گشاده‌دل و راز^{۲۹} دارنده^{۳۰} را!
 وگر^{۳۲} پادشاهی و راه منست،

۱- (ب: گرد): ل: آسوده بر در: متن = س، ق (نیز لن، ق: ل، لی، ل: آ، و) ۲- ل، ق (نیز لن، و، ب): آن: متن = س (نیز لی) ۳- (ب: نیک‌رای: ق: آ، ل: آ: نگه کن چنین (ل: کنون) تا چه آیدت رای): ک، س، آ، پ، لن، آ، آ این بیت را ندارند: ک، س، آ به جای این بیت، لی پس از این بیت افزوده‌اند:

سیک باغان رفت و بردش نماز بنزدیک آن شاه گردنفرز

۴- ل (نیز لن، آ): پس میزبان: ق (نیز ب): کای مهربان: ک، س، آ (نیز لی، آ): پس باغان: (ق: کای مرزبان): متن = س (نیز لن) ۵- ل: نخستست: متن = س، ق، ک، س، آ (نیز لن، ق: ل، لی، لن، آ، ب) ۶- ل: ماه پالیزبان: ق (نیز ب): فال تو بر میزبان: (ق: آ: همی میزبان: لن: بر تو یکی میزبان: لن: آ: بر شاه > پالیزبان): متن = س، ک، س، آ (نیز لی، آ): ب، و این بیت را ندارند ۷- ل، ق (نیز لی): بدین: متن = س (نیز لن، لن، آ، ب) ۸- ک، س، آ: سپاهت شد انبوه بر در پای (س: آ: سرای) ۹- س، آ (نیز لی): بینی تو: ک، همی تا چه بینی تو: (آ: ترا اندر ایشان کنون چیست): ق: ل، آ، ب، و این بیت را ندارند، اما ق: ل، آ لت دوم آن را به جای لت دوم بیت ۳۲۹ آورده‌اند: ک، س، آ، لی، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو بشنید از باغان شهریار دلش گشت خرم از آن نامدار

۱۰- (ق: آ: کشیدند) ۱۱- س (نیز لن، ق: آ، و، لن، آ، ب): وگر چه ۱۲- س، ق، س، آ (نیز لن، ل، لن، آ): بازگاه: متن = ل، ک (نیز ق: ل، لی، آ، ب): در ق: آ این بیت پس از بیت ۳۳۰ آمده است ۱۳- (ق: آ: برفتند) ۱۴- (لن: آ: ماه روی) ۱۵- (ق: ل، آ، و: شاذ): پ پس از این بیت افزوده است:

بشد مرزبان نزد خسرو فرزاز بکرد آفرینی و بردش نماز
 بریشان همان شهریار گزین یکی خلعت آراست از آفرین

۱۶- ق (نیز ل، و، ب): آنچه: (ق: آ: آنچه): آنکه ۱۷- (لن، پ، لن، آ: ز) ۱۸- (ق: آ: و: ز قیصر که شنیده) ۱۹- ل: آن بیت: (لن، آ: پرده: ب: آزادی آن دختر): متن = س، ق، ک، س، آ (نیز ن، و) ۲۰- س، ک، س، آ (نیز لی): آنک: (ل، پ، و، ب: آنچه: لن، آ: آنکه): متن = ل، ق (نیز لن، ق: آ) ۲۱- س (نیز لن، لن، آ): ازو: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- ل، ق، س، آ (نیز ل، آ): وز: متن = س، ک (نیز لن، ق: ل، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۲۳- س، ک، س، آ (نیز ق: آ، ب): بدو: (لی: بدو: پ بادم بدو): متن = ل، ق (نیز لن، ل، و، لن، آ) ۲۴- س، ک، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، و، لن، آ، ب): اگر: متن = ل، ق (نیز ق: آ، و) ۲۵- (ب: وگر فرخند: (وزن ندارد)) ۲۶- ک، س، آ (نیز لی، آ): در جهان بنده: ل: بود پرهز بنده: متن = س، ق (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۷- (ق: ل، لی: > این <) ۲۸- (پ: پرهز) ۲۹- (ق: ل، آ: داد: لی: رادو): متن = ۳۰- ل (نیز لن، پ، لن، آ): ناز پرورده: (و: و فرخنده: ب: نام جوینده: ق: آ: خوش زبان بنده): متن = س، ک، س، آ (نیز آ) ۳۱- (ل: آ: ایلر) ۳۲- (ل: آ: کجا)

همه^۱ کس فرستید و آگه کنید! / بیدید^۲ ویژه^۳ ره طیسفون^۴!
 چو قیصر بیاید ز ما آگهی / بیاید سپاه^۶ مرا برکند^۷!
 ۳۴۵ کون ما نداریم پایاب^۹ اوی^{۱۰}!
 چو موبد بیاید^{۱۲}، بیارد سپاه / بسازیم و آرایش^{۱۶} نو کنیم^{۱۷}
 بیاید به هر گوشه‌یی^{۱۹} دیدبان^{۲۰} / ازین^{۲۲} پس نمانم که^{۲۳} از رومیان^{۲۴}

۳۵۰ بسی برنیامد برین^{۲۷} روزگار / فرستاد شاپور کارآگهان
 بدان تا ز قیصر دهند آگهی / برفتند کارآگهان ناگهان
 چو دیدند^{۳۶} هر گونه، باز آمدند / بر شاه گدِ دنفراز آمدند،
 که شد مردم لشکری^{۲۸} شش^{۲۹} هزار / سوی طیسفون^{۳۰} کاردیده^{۳۱} مهان^{۳۲}،
 بدین سر ز^{۳۳} نرگاه شاهنشهی^{۳۴} / نهفته بجمتند کار جهان^{۳۵}
 بر شاه گدِ دنفراز آمدند،

۱-ک، س^۲ (نیز لی، آ): شما؛ متن = ده دستویس دیگر: ل^۲ بیت‌های ۳۴۱-۳۵۵ را ندارد ۲-ق^۲ (چو بیند؟) ۳-ک، س^۲ (نیز لی، آ):
 یکسر؛ متن = ده دستویس دیگر ۴-ل، ک (نیز ق^۲): طیسفون: (لی، آ: طیسفون): متن = س، ق، س (نیز لن، لی، لن، آ، ب) ۵-س (نیز لن،
 پ، لن، آ، ب): آن: ل: بیدار شد فر: متن = ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل، آ، و) ۶-ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ): بیارد سپاه و: متن ← ۷-س: برکشد: ق:
 مرا و سپاه مرا برکشد: متن = دوازده دستویس دیگر ۸-ق: بشکنند ۹-ک، س^۲ (نیز لی، آ): که اکنون نداریم ما تاب: متن =
 ل، س (نیز هفت دستویس دیگر) ۱۰-ل، س، ک، س^۲ (نیز پ، آ، ب): او: متن = (لن-ل، و، لن، آ) ۱۱-ل (نیز پ، و، لن، آ): نه سجم (تنها حرف
 ششم نقطه دارد): س (نیز لن): سجم (تنها حرف‌های چهارم و پنجم نقطه دارند): ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل، آ): نتابیم: متن = (ب): ق این
 بیت را ندارد ۱۲-آ: بدیبا؟) ۱۳-ق: به لشکر: (لی: ز کشته) ۱۴-س (نیز لن): بیدیم بر مور و ۱۵-ک، س^۲ (نیز آ): کشته: (ب: کینه: ق^۲:
 که لشکر بیدند بر مرد): متن = ل، ق، ک (نیز ل-ل، آ) ۱۶-ق (نیز ق^۲، و، لن، آ): <دی> ۱۷-آ: بی‌زی و آرایش نو کنی) ۱۸-آ: کنی)
 ۱۹-س (نیز لن): کشوری ۲۰-ل، ق، ک (نیز لن، لی، لن، آ، ب): دیده‌بان: متن = س، س^۲ (نیز ل، آ، پ، و) ۲۱-ق: بود روز و شب: ق^۲ به جای
 این بیت آورده است:

طلایه بروز و بشب پاسبان / از آن پس نمانم که ا. رومیان

۲۲-ل (نیز ل، آ): از آن: ک، س^۲ (نیز لی، آ): کزین: متن = س، ق (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۲۳-ل: نتابیم (-حرف چهارم بی نقطه): (پ: نباید که):
 متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب) ۲۴-ق: از روزگار ۲۵-ل، و: گشاید) ۲۶-س (نیز لی): زبان: ق: که شد مردم لشکرش شش
 هزار: ق^۲ این بیت را ندارد، امالت یکم آنرا به جای لت دوم بیت ۳۴۸ آورده است ۲۷-ل (آ: بدیز) ۲۸-س^۲: و لشکری: (پ: لشکری
 پیش او) ۲۹-ل (نیز آ: لشکرش دو): ق، لی این بیت را ندارند، اما ق لت دوم آن را به جای لت دوم بیت ۳۴۹ آورده است ۳۰-ل، ک (نیز
 ق^۲): طیسفون: (لی، آ: طیسفون) ۳۱-ل (لی: کرده) ۳۲-ل (نیز ق^۲): نهان: س^۲ (نیز آ): جهان: متن = س، ق، ک (نیز هفت دستویس دیگر)
 ۳۳-ل: از آن برز: س، ق (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): بدین برز: ک، س^۲ <و> (نیز لی <و>): بدان بررو: (ق^۲: که بیدار شد این فر: ل: برین برز)
 متن تصحیح قیاسی است ۳۴-ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ، ب): با فرهی: متن = ق (نیز ق^۲): آ این بیت را ندارد ۳۵-پ، آ این بیت را
 ندارند ۳۶-ل، ک، س^۲ (نیز لی، آ): بیدیدند: متن = س، ق (نیز لن، ق، ل، آ، ب)

۳۵۵ که قیصر ز می خوردن و از^۱ شکار
سپاهش پراکنده بر^۳ هر سوی^۴
نه روزش^۵ طلای، نه شب پاسبان
نبیند^۸ همی دشمن از هیچ روی^۹
همی هیچ ندیشد از کارزار^۲
به تاراج کردن به هر پهلوی^۴
سپاهست^۶ همچون^۷ رمه بی شبان
پسند آمدش^{۱۰} زیستن^{۱۱} بارزوی^{۱۲}

گفتار اندر تاختن شاپور بر سر قیصر روم^{۱۳}

چو بشنید شاپور ز آن شاد گشت^{۱۴}
۳۶۰ گزین کرد از^{۱۶} یرانیان سه^{۱۷} هزار
شب تیره جوش به بر درکشید
به تیره شبان تیز بشتافتی^{۲۱}
همی راندی در بیابان و^{۲۲} کوه
فزون از دو^{۲۴} فرسنگ پیش^{۲۵} سپاه
۳۶۵ چنین تا به ندیکی طیسفون^{۲۹}
همه رنجها پیش او باد گشت^{۱۵}
زره دار و برگستوان^{۱۸} سوار
سپه را سوی طیسفون^{۱۹} بر^{۲۰} کشید
چو روشن شدی، روی برتافتی^{۲۱}
بدان راه^{۲۳} بی راه خود با گروه
همه^{۲۶} دیدبان^{۲۷} بود^{۲۸} بی راه و راه
طلایه همی راند پیش اندرون

۱-ل.ق (نیز ق.ل.۳): وز: (آ: و وز نکار: متن = س.ک.س.۲ (نیز لن.لی.پ.و.لن.۲.ب) ۲-س.ق.ک.س.۲ (نیز لن.ق.۲.لی.و.آ): روزگار؛
متن = ل (نیز ل.۳.پ.لن.۲.ب): بندار: و کن قد فرق الجواسیس یتعزف حال قیصر و عسکره فأتوه و أعلموه بانه نازل علی ظهر
طیسفون. و أنه مکب علی الصید و لطرده و اللهو و اللعب ۳-ل (نیز ل.۳): از: (لن: ۲.ب): متن = س.ق.ک.س.۲ (نیز لن.ق.۲.لی.پ.و.آ.ب)
۴-س.ق.ک.س.۲ (نیز لن.ب): سوی = پهنویی؛ متن = ل.ل. بیت های ۳۵۸-۳۵۶ را ندارد ۵-آ: (روشن): ۶-ل: سپاهش؛ س.۲ (نیز
ق.۲): سپاهست؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ل: همه چون؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ل.ک.س.۲ (نیز ق.۲.آ): نه بیند؛
متن = س.ق (نیز لن.ل.۲.لن.۲.ب) ۹-س (نیز ل.۲.ب): سوی: (نیز لن.پ.و.لن.۲): سوی؛ متن = ل.ک.س.۲ (نیز ق.۲.آ) ۱۰-ک.س.۲ (نیز آ):
آیدش ۱۱-ل: رفتن؛ متن = س.ق.ک.س.۲ (نیز لن.ق.۲.ل.۲.ب) ۱۲-س (نیز ل.۳): بارزو: ک.س.۲ (نیز آ): تازه روی؛ (ب: آرزو): متن = ل.ق
(نیز لن.ق.۲.پ.و.لن.۲): ل.لی این بیت را ندارند ۱۳-ل: رزم شاپور با قیصر روم؛ س. گرفتن شاپور قیصر را و مهار در بینی کردن؛ ق:
شیخون شاپور بر قیصر و گرفتاری قیصر؛ متن = [گفتار اندر] + ل.۲.ک.س.۲ سرنویس ندارند ۱۴-ل.۳: زان شاد گشت؛ ل: شاپور
بشنید زان شاد شد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ل: بر دلش باد شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-ل.س (نیز لن.لی): ز:
متن = ک.ل.۲.س.۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۱۷-س: دو؛ (لن: ده؛ پ: سی) ۱۸-ل: (لن: وز): ک (نیز ل.۳): برگستوان و؛ متن = یازده
دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارند؛ بنداری: ماله ریخته بالنهار و لا طلیعة باللیل، و ان عاکره متفرقه فی أقطار الممالک مقبلین علی
أشغالهم و أعمالهم. فاتتخب ثلاثة آلاف فارس من المراوزة و غیرهم ۱۹-ل.ک.ل.۲ (نیز ق.۲): طیسفون؛ (لی.آ: طیسفون)؛ متن = س.
س.۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۰-ک: دو؛ ق این بیت را ندارد ۲۱-ق.آ: بشتافتند-برتافتند ۲۲-س (نیز لن.ل.۲.ب): برسوی غار و؛
(و: برسوی تیغ)؛ ق: راند سوی بیابان؛ و.ک.س.۲ (نیز ق.۲.لی.آ): تاخت (ق: رفت) برسوی هامون و؛ متن = ل.ل.۲ (نیز لن.۲.ب) ۲۳-ق:
در آن راه؛ ک.س.۲ (نیز ق.۲.لی.آ: و) < > چه لی: (جو) بر راه و؛ (و.ب: بر آن راه)؛ متن = ل.س.ل.۲ (نیز لن.ل.۲.ب.لن.۲) ۲۴-ق: سه ۲۵-ب:
پیش از) ۲۶-ل.ک.س.۲ (نیز ق.۲.لی.ل.۲.ب.ب.آ): همی؛ متن = س (نیز لن.و.لن.۲) ۲۷-ل.ق.ل.۲.س.۲ (نیز لن.ق.۲.لی.و.ب): دیده بان؛
متن = س (نیز ب) ۲۸-س.۲ (نیز لی.آ.ب): ندبه؛ (ق: بد به)؛ ک (نیز ل.۳): دیده کردی (ل: بودی)؛ متن = ل.س.ق.ل.۲ (نیز لن.پ.و.لن.۲)؛
در آلت دوم بیت ۳۶۴ و لت دوم بیت ۳۶۵ جایجا شده اند ۲۹-ل.ک.ل.۲ (نیز ق.۲): طیسفون؛ (لی: سطقون (حرف یکم و دوم نقطه
ندارد)؛ آ: طیسفون)؛ متن = س.ق.س.۲ (نیز شش دستنویس دیگر)

به لشکرگه آمد گذشته دو^۱ پاس
 از آن مرز نشید^۲ آواز کس^۳
 پر از خیمه بد^۴ دشت و^۵ خرگاه بود
 ز می مست^۶ قیصر به پرده سرای
 ۳۷۰ چو گیتی چنان دید^۷ شاپور گرد
 سپه را به لشکرگه اندر کشید
 به ابر اندر آمد دم کره نای^۸
 دهاده بر آمد ز هر پهلوی^۹
 تو گفتی همی^{۱۰} آسمان بترکید^{۱۱}
 ۳۷۵ درفشیدن^{۱۲} کاویانی درفش
 تو گفتی هوا تیغ باردهمی!
 ز گرد^{۱۳} سپه کوه شد ناپدید!
 سرا پردهی قیصر بی هنر^{۱۴}
 به هر گوشه یی آتش اندرز دند
 ۳۸۰ سرانجام^{۱۵} قیصر گرفتار شد

ز قیصر نبودش به دل در هراس
 عو^{۱۶} پاسبانان^{۱۷} بانگ جرس^{۱۸}
 از آن تاختن خود که^{۱۹} آگاه بود
 ز لشکر نبود اندر آن مرز جای
 عنان کیی باگی^{۲۰} را سپرد
 بزد دست و گز گران^{۲۱} برکشید
 جرنگیدن گرز^{۲۲} و هندی درای
 چکاچک برحاست از هر سوی^{۲۳}
 ز خورشید خون بر هوا^{۲۴} برچکید^{۲۵}
 شب تیره و تیغ های بنفش
 جهان یکسره میغ دارد^{۲۶} همی!
 ستاره همی دامن اندر کشید!
 همی^{۲۷} کرد شاپور زیر و زیر
 همی آسمان بر زمین برزدند!^{۲۸}
 و زو^{۲۹} اختر نیک بیزار^{۳۰} شد

۱- (ل، آ، پ، آ، سه)؛ پ این بیت را پس از بیت ۳۶۷ آورده است ۲- ل، ل، آ (نیز لن)؛ شنید / حرف یکم بی نقطه؛ (ل، آ: بشید)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳- ل (نیز ل، آ)؛ کوس؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- (ق، آ، لی، ب، غو) ۵- ل؛ چو؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۶- (آ: حرس)؛ ل (ل، آ)؛ بانگ خروس؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- ل، ل، ب (نیز لن، لن، آ)؛ یک، ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، پ، آ، ب)؛ آن؛ (ق، آ: بر؛ و؛ و)؛ ل؛ آ: خیمها؛ متن = ق ۸- ل (نیز ق، آ)؛ < ۹- ل، آ: نه؛ (آ: کی)؛ ۱۰- (آ: مست و؛ ب: سست) ۱۱- (پ: دید آن چنان کار) ۱۲- (ب: بارکش) ۱۳- ق (ل، آ)؛ از میان؛ (ب: تیغ از میان) ۱۴- ل، س، س، آ: کرنای؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- س: زنگ؛ (ل، آ: تیغ)؛ لی پس از این بیت افزوده است:

دهاده برآمد ز هر دو سپاه برفتند لشکر بفرمان شاه

۱۶- ل، آ، س، آ (نیز لن، پ، لن، آ، ب)؛ پهلویی؛ (لی: برآمد دهاده ز هر پهلوی)؛ متن = ل، س، و (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ) ۱۷- ک، ل، آ، س، آ (نیز لن، لی، و، آ، ب)؛ سویی؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، آ، لن، آ) ۱۸- س، ک، س، آ (نیز لن، لی، آ، ب)؛ دل؛ متن = ل، و، ل، آ (نیز ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ) ۱۹- ک (نیز ل، آ)؛ بطرکید؛ (لن: بطریقید؛ ق، آ: برطپد؛ لن، آ: بردرید) ۲۰- ق، ک، س، آ (نیز ب)؛ زمین؛ ل، آ: بحر شد؛ خون از هوا؛ (لی: ز جوشیدن خون زمین)؛ ۲۱- (آ: زمی می چکید)؛ و این بیت را ندارد ۲۲- س (نیز لی، پ)؛ درخشیدن؛ درک، س، آ، لی، آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۳- (لی: بارد)؛ بنداری؛ و رکض بهم الی مخیم قیصر فهجم علی معکره لیلا فلم حسوا إلا برواعد الطبول و صواعق السیوف محیطة بهم ۲۴- ل، آ (نیز لن، آ)؛ هر دو ۲۵- (ق، آ: پر؛ ل، آ: بد) ۲۶- ل، آ (نیز پ، لن، آ)؛ همه؛ لن پس از این بیت افزوده است:

بی اندازه کشتند رومی سوار فزون از دو و دو هزاران شمار

۲۷- س، لی، پ پس از این بیت افزوده اند:

س، لی: بی اندازه کشتند رومی سوار

پ: بکشتند بیاز از آن رومیان

۲۸- ک، س، آ (نیز لی، آ)؛ بفرجام؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹- (و: وزان) ۳۰- (لن: اختر نیکیی خوار)

وُزان خیمه‌دا^۱ نامداران اوی^۲ دلیر و گزیده^۳ سواران^۴ اوی^۲،
گرفتند بسیار^۵ و کردند^۶ بند^۷
گهی زو فراز آید و گه^{۱۰} نشیب
بی آزاری و مردمی بهترست

۳۸۵ چو شد روز و شب^{۱۲} دامن^{۱۴} اندر کشید
بفرمود شاپور ت شد^{۱۶} دبیر^{۱۷}
نباشند^{۲۰} نامه به هر کشوری^{۲۱}
سر نامه کرد^{۲۳} آفرین مهان^{۲۴}
که او راست^{۲۶} بر نیکوی^{۲۷} دسترس
۳۹۰ هم او آفریننده^{۳۰} روزگار
چو قیصر که فرمان یزدان بهشت
به زاری همی^{۳۲} بند سایه کنون^{۳۵}

درفش خور^{۱۵} آمد ز بالا پدید،
قلم خواست و انقاس و^{۱۸} مشک و حریر^{۱۹}
به هر پادشاهی و هر مهتری^{۲۲}
ز ما باد^{۲۵} بر کردگار جهان
به نیرو^{۲۸} نیازش نیاید^{۲۹} به کس
به نیکی هم او باشد^{۳۱} آموزگار
به ایران جز از^{۳۲} تخم زفتی^{۳۳} نکشت
چو جان را^{۳۶} نبودش^{۳۷} خرد رهنمون^{۳۸}

۱-س (نیز لن، ق، آ، لن، آ): خیمه، ک، س، آ (نیز آ): لشکر و؛ (ل، آ): از آن خیمه‌ها؛ لی: از آن لشکر و) ۲-ل، ل-۲ (نیز آ، ب): او؛ متن = (لن-لن، آ) ۳-ک، س، آ (نیز لی، ب): دلبران و جنگی ۴-آ: دلبران و خنجرگزاران) ۵-ک، س، آ (نیز لی، آ، ب): فراوان گرفتند ۶-ق، آ: و کردند بسیار) ۷-ل، آ: اسیر) ۸-ک، س، آ (نیز لی، آ): برین ۹-ل، آ: این چرخ پیر؛ بنداری: فلم یزل السیف یعمل فیهم حتی طلع الفجر. وأخذوا قیصر أسیراً مع جماعة من عظماء الروم و اشرافهم، و سلبوهم و قیدوهم ۱۰-ک، س، آ (نیز لی، آ، ب): فراز و گهی زو؛ ل، آ (نیز ق، آ، ل، آ، لن، آ): در فراز و گهی در متن = ل، س، ق (نیز لن، پ، و) ۱۱-ل، آ: روزی؛ س (نیز لی، ل، آ): گهی با؛ ل، آ (نیز لن، آ): شادمان و گهی با (لن، آ، در): متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، ب، آ، ب)؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند؛ ل: نامه نوشتن شاپور بکارداران خود ۱۲-ق (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ): < و >؛ متن = ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز لی، پ، آ، ب) ۱۳-س: شب روز شد؛ (ق، آ: شب روز را)؛ ۱۴-ل: شب دامن روز ۱۵-ک، س، آ (نیز لی، آ): درخشنده ۱۶-ق: تا شد پیشش؛ (ل، آ: تارفت پیشش) ۱۷-ب: وزیر) ۱۸-س: ز انقاس و؛ س، آ: وانکاس و؛ (ق، آ، ل، آ، ب: و قرطاس و)؛ (ق، آ: نیلی)؛ حواست انقاس؛ (ب: قلم و انقاس و (وزن ندارد))؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز لن، و، لن، آ، آ) ۱۹-س، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، لی، پ، آ، ب): عبیر؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ) ۲۰-ل، ق، ک، ل، آ (نیز ق، آ، و، لن، آ، ب): نوشتند؛ متن = س، س، آ (نیز لن، لی، پ، آ) ۲۱-ل: مهتری؛ متن = س، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب) ۲۲-ل: کشوری؛ س، ق (نیز و): نامداری و هر مهتری؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ل، آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و سامع النهار قعد سابور و استحضر کاتبه فکتب کتب البشائر مخبرة بظهوره و عوده الی سلطانه ۲۳-ک، س، آ (نیز ل، آ، ب): گفت؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لی) ۲۴-س (نیز لن): بهان (حرف یکم بی نقطه)؛ ق: جهان؛ ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، آ، پ، آ، ب): نهان؛ (لی: خدای)؛ متن = ل (نیز ق، آ، و، لن، آ) ۲۵-ل: بنده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۶-ل، آ: کزویست؛ (لن، آ: کرا اوست؛ آ: هم او راست) ۲۷-ق، آ: برداد بر) ۲۸-آ: نییره) ۲۹-ل، آ: نیارد؛ ق، آ: نیاید نیازش) ۳۰-آ: آفریننده) ۳۱-ل، آ (نیز پ، لن، آ): جزو نیست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲-ل، ک، س، آ (نیز لن، لی، ب): بجز؛ متن = ل، آ (نیز ق، آ) ۳۳-ل (نیز و، لن، آ، ب): زشتی؛ (ق، آ: کینه؛ ل، آ، آ: نیکی)؛ متن = س، س، آ (نیز لن، لی، پ) ۳۴-ق، آ: همه) ۳۵-ل، آ: سایه همی) ۳۶-ق، آ: او را) ۳۷-ک، س، آ (نیز لی، آ): نبودست وی را ۳۸-ل، آ: تن و جان او غم گزاید همی)؛ ق بیت‌های ۳۹۲-۴۰۰ را ندارد

همان تاج ایران به حقور سپرد^۱
 گسسته شد آن لشکر و بارگاه
 ۳۹۵ هر آن کس که یابید^۸ رومی به شهر
 همه^۱ داد جوید و فرمان کنید!
 هیونی بیامد^{۱۲} به^{۱۳} هر سو دوان^{۱۴}

ز لشکرگه آمد^{۱۵} سوی طیسفون^{۱۶}
 چو تاج^{۱۸} نیاگانش بر سر^{۱۹} نهاد
 ۴۰۰ بفرمود تا شد به زندان^{۲۱} دبیر
 هزار و صد و ده بر^{۲۵} آمد شمار
 همه خویش و پیوند قیصر بُدند
 جهاندار^{۲۸} ببریدشان دست و پای

بی آزار^{۱۷} بنشست با رهنمون
 ز دادار^{۲۰} نیکی دهش کرد یاد
 به قرطاس^{۲۲} بنشست^{۲۳} نام اسیر^{۲۴}
 بزرگان روم آنک^{۲۶} بُد نامدار
 به روم^{۲۷} اندرون ویژه مهتر بُدند
 هر^{۲۹} آن را^{۳۰} که بُا بر بدی^{۳۱} رهنمای

۱-ل: بدو در سپرد: ل. ۲: بحق در سپرد: س. ۲ (نیز لی، آ): سزا را سپرد: س. ز من در سپرد: ل. بن بدل بر شمرد: ک. سزاوار (واژه پستین خوانا نیست): (پ. ب. به: حقور سپرد): متن = (ق. ل. ۲، و. ل. ۲) ۲-۲ (ق. آ: به) ۳-ل. س. ک. ل. ۲. سو^۲ (نیز ل. لی. ب): بجز: متن = (ق. ۲) ۴-س (نیز پ): تخم ۵- (ق. آ: نیکی: ل. ۳: زفتی): بنداری: و ان الله تعالی قدر دبه حق الملك ابي صابه، و ملکه نواصي اعدائه، و بلغه اقصی آماله، و جعل قیصر فی یده اسیرا، و یسرله من الأمر ما كان عسیراً ۶- (ل. ن: ز) ۷-س (نیز ل. ق. ل. ۲، و): چو: متن = ل. ک. ل. ۲. س^۲ (نیز لی، پ. ل. ۲، آ. ب) ۸-ل. ل. ۲ (نیز ل. ۲): باشد ز: متن = س. ک. س^۲ (نیز ل. و. آ. ب) ۹- (ق. ل. لی. ل. آ: به): ق. ۲ پس از این بیت افزوده است:

اگر بند و زندان و تاریک چاه نه خورشید باید که بند نه ماه

۱۰- (ق. آ: همان) ۱۱-ل. ل. ۲ (نیز پ. ل. ۲): بخوبی: ک. ز نوئی: (لی: بنیرو): متن = س. س^۲ (نیز ل. ل. ۲، و. آ. ب) ۱۲-ل. ل. ۲: بر آمد: ک. س^۲ (نیز لی، آ. ب): همی شد: متن = س (نیز ل. ق. ل. ۲، پ. و) ۱۳-س. ل. ۲ (نیز ق. ۲، و): ز ۱۴-ل. دما: (ل. ن: ز هر سو بیامد روان): متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری: و قال لهم: ألا من وجدتموه من الروم فی بلادکم فاقتلوه و لا تقبوا علیهم، و بادروا الی الحضرة، و استأنفوا مراسم الخدمه. و طیر الکتب علی ایدی التجابین الی أقطار الممالک و أطراف المشارق و المغارب ۱۵-ک. س^۲ (نیز ق. ل. لی، آ): لشکر بیامد: ۱۶-ل. ل. ۲: طیسفون: (لی، آ: طیسفون): متن = ده دستنویس دیگر ۱۷- (آ: بی از (ورن ندارد)) ۱۸- (و: کاخ) ۱۹-ک. س^۲ (نیز ق. ۲، پ. ل. ۲، آ): نیاکان بسر: (ب: بزرگی بسر بر): متن = ل. س. ل. ۲ (نیز ل. و): بنداری: و نما فغ من ذلك دخل الی مدینه طیسفون فاستقر علی تخت السلطنه، و اعتصب بتاجها ۲۰-ک. س^۲ (نیز لی، آ): یزدان: پ پس از این بیت افزوده است:

یکی خلعت از بهر پالیزبان بیاراست و زان شاد کرش روان

این بیت در متن بنداری هم بوده است: و استحضر الباغیان و خلع علیه علی رؤس الأشهاد، و أبل الخراج عن ضیعته، و جعله أعظم أهل ناحيته ۲۱-ک (نیز ق. ۲): رفت پیش: (لی، آ: به پیش: ل. ۲: به نزدش: ب: پیش او شد: متن = ل. س. ل. ۲ (نیز ل. پ. و. ل. ۲) ۲۲-ل: بانقاس: ک. س^۲ (نیز ق. ل. لی > و. آ): قلم خواست و: متن = س. ل. ۲ (نیز شش دستنویس دیگر) ۲۲-ل. ل. ۲. س^۲ (نیز ل. ق. ل. لی، و. ب): بنوشت: متن = س. ک. (نیز پ) ۲۴- (ل. آ: بشمرد برنا و پیر) ۲۵-س (نیز ل. پ. ل. ۲، ب): تن: متن = ل. ک. ل. ۲. س^۲ (نیز ق. ل. لی، ل. ۲، و. آ) ۲۶- (لی: آنچه: ل. ۲، ل. ۲، آ: آنکه): ق. بیت های ۴۰۱-۴۱۶ را ندارد ۲۷- (ل. ۳: رزم): بنداری: و کان عدد اکابرهم المذكورین ألفا و مائة و عشرة أنفس، کلهم من أقارب قیصر و أركان دولته و أعیان مملکته ۲۸- (و: جهاننیده) ۲۹- (آ: ر) ۳۰-ل. ل. ۲ (نیز پ. ب): هر آنکس: متن = س. ک. س^۲ (نیز ل. ل. ۲، و. ل. ۲) ۳۱- (ل. آ: موبدو)

بفرمود تا قیصر روم را
 ۴۰۵ بشد روزبان^۲ دست^۳ قیصر کشان^۴
 جفایشه^۷ چون روی^۸ شاپور دید^۹
 بمالید رنگین^{۱۱}؛ خشر^{۱۲} بر زمین
 زمین را سراسر^{۱۴} به مژگان برفت
 بدو گفت شاه^{۱۷}: ای سرشت^{۱۸} بدی
 ۴۱۰ پسر گویی آن^{۱۹} ز کش^{۲۰} انباز نیست
 ندانید^{۲۳} گفتن سخن^{۲۲} جز دروغ
 اگر قیصری شرم و رایت^{۲۷} کجاست؟
 چرا بندم از خا^{۳۰} خر ساختی^{۳۱}؟
 چو بازارگانان به بزم آمدم
 ۴۱۵ تو مهمان به خام^{۳۳} خر اندر کنی^{۳۴}

بیارند^۱ سالار آن بوم را
 ز زندان بیاورد^۵ چون بی هشان^۶
 سرشکش ز دیده^{۱۰} به رخ برچکید
 همی کرد بر تاج و تخت^{۱۳} آفرین
 به موی و به روی^{۱۵} گشت^{۱۶} با خاک جفت
 که ترسایی و دشمن ایزدی،
 ز^{۲۱} گیتی ش فرجام^{۲۲} و آغاز نیست
 دروغ آتشی^{۲۵} بد بود^{۲۶} بی فروغ
 به خوبی^{۲۸} دل^{۲۹} رهنمایت کجاست؟
 بزرگی^{۳۲} به خاک اندر انداختی؟
 نه با کوس و لشکر به رزم آمدم
 به ایران گرایی و لشکر کنی

۱-س. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. لی. پ. و. آ): بیارند و؛ متن = ل. ک (نیز ق. ۲. ل. ۲. ل. ۲. ب) ۲-ل: در زمان ۳-ل: روزبانان؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۴-س. س. ۴ (نیز ق. ۲-پ. آ): گرفت؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز ل. ن. و. ل. ن. آ. ب) ۵-س. ۵: بر آورد ۶-ک. س. ۲ (نیز لی. آ): خوار ای
 شگفت؛ (ق. ۲. ل. ۲. پ: زار ای شگفت)؛ س: بر شاه را ای شگفت؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز ل. ن. و. ل. ن. آ. ب) ۷-ل: دیده؛ س. ک. س. ۲ (نیز ل. ن.
 لی. ل. ۲. و. آ): کرده؛ متن = ل. ۲ (نیز پ. ل. ن. آ. ب) ۸-س. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. و. آ. ب): تاج؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز ل. ن. آ): بنداری؛ وجه الملك ۹-لی:
 کرد) ۱۰-ل. و. ل. ن. آ: مژگان) ۱۱-ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز لی. ب): رنگ؛ (لی. آ: ریش و) ۱۲-پ: رخساره را؛ متن = ل. س (نیز ل. ن. ل. ۲. و. ل. ن. آ)
 ۱۳-ل. ن. وی: ل. ۲: شهریار؛ ک: خود بر تاج شه؛ س. ۲ (نیز لی. آ. ب): خواند بر تاج شاه؛ متن = ل. س. ل. ۲ (نیز ق. ۲. پ. و. ل. ن. آ) ۱۴-ق. آ:
 سراسر زمین را) ۱۵-س (نیز ل. ل. ۲. ل. ن. آ. ب): بریش و بتن؛ (ق. آ: تن سرورش؛ پ. و. بروی و بتن) ۱۶-ک. س. ۲ (نیز لی. آ): تن سرو بن
 گشت (س. آ: گشته)؛ بنداری؛ ثم امر باحضار قیصر فبادره الحرس و جاء وابه. فلما وقعت عینه علی وجه الملك بکی و أهوی بوجهه
 الی الأرض؛ درک، س. ۲. لی. آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۷-ک: شاه گفت ۱۸-ل: سراسر؛ (ق. ۲. لی: سرشک)؛ متن = یازده
 دستنویس دیگر ۱۹-ل. آ. و. آ: (ار) ۲۰-ل. آ. س. ۲ (نیز آ): که ۲۱-ک. س. ۲ (نیز ل. ن. آ): به ۲۲-ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. و): انجام؛ (لی: بکاریش انجام؛ و:
 یکی را کش انجام؛ آ: بکشتنش انجام)؛ بنداری؛ فقال له سابور: یا مادة الشر و یا عدو الله، الذی یثبت الولد لمن لا شریک له و لیس
 لملکه بدایه و لا نهایه؛ س. ل. ن. ق. ۲. ل. و. آ. ب. پس از بیت ۴۱۰ و ک. س. ۲ پس از بیت ۴۱۱ آورده اند؛ س. ک. س. ۲: فرینده بود (ک. س. آ:
 سخت و) دیوانه (س: نه ایرانی) فرستاده بدنه ارزانی (ک. س. آ: بدی بد نژادی نه فرزانه) ل. ن. ق. ۲. لی. آ. و. آ. ب: فرینده بود (و: تو) نه
 (ق. آ: هستی و؛ لی. آ: سخت و) جانی (ل: یونانی؛ و: فرزانه) بد بدنژادی (ل: فرستاده نه) نه فرزانه ۲۳-س (نیز ل. ن. آ): ندانست؛
 (لی: ندانند)؛ ل. ک. س. آ: ندانی تو؛ متن = ل. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۲. پ. ب) ۲۴-و: نباشد سخن گفتت) ۲۵-ل. آ: <ی> ۲۶-ب: باشدش؛ آ این
 بیت را ندارد؛ س. ل. ن. لی. ل. ن. آ پس از این بیت افزوده اند:

بدو (لی: دگر) گفت شاه ای بد بدهنر مش پست و بدناه (لی: گشت بدرام) و بی پی (ل. ن. آ: پا) و سر

۲۷-ل: شیر راست (حرف سوم از واژه دود بی نقطه)؛ متن = س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲-ب) ۲۸-ل. آ: بجرمی) ۲۹-ب: دل و؛ لی این
 بیت را ندارد ۳۰-ل. س (نیز ل. ۲. و): چرم؛ (لی: آن خام)؛ ک. س. ۲ (نیز آ): در (ک: بر) تنم پوست؛ متن = ل. ۲ (نیز ل. ن. پ. ل. ن. آ. ب) ۳۱-ق. آ:
 تنم را کجا پوست خر یافتی) ۳۲-پ: بجواری) ۳۳-ل (نیز ق. ۲. لی. ل. آ): بچرم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-آ: کشی)

ببینی کنون چنگ^۱ مردان^۲ مرد
 بدو گفت قیصر که ای شهریار
 ز من بخت^۷ - شاهان^۸ - خرد دور کرد
 مکافات بد^{۱۱} گر کنی نیکوی
 ۴۲۰ که هرگز نگرودد کهن^{۱۳} نام تو^{۱۴}!
 اگر یابم از تو به جان^{۱۷} زینهار
 یکی بنده باشم به درگاه تو^{۲۰}
 بدو شاه گفت: ای^{۲۲} بد^{۲۳} بدهنر^{۲۴}
 کنون هرک^{۲۵} بردی از^{۲۶} ایران اسیر
 ۴۲۵ دگر^{۲۷} خواسته هرچ^{۲۸} بردی به روم
 همه یکسر از خانه^{۳۲} باز آوری
 از^{۳۵} ایران دگر هرچ^{۳۶} ویران^{۳۷} شده است

کرآن^۳ پس نجویم به ایران^۴ نبرد^۵
 ز فرمان یزدن^۶ که یابد^۶ گذار؟!
 روانم^۹ بر دیو مزدور^{۱۰} کرد!
 به گیتی درون استانی شوی^{۱۲}،
 برآید به^{۱۵} مردی همه^{۱۶} کام تو!
 به چشم^{۱۸} شود گنج^{۱۹} دینار خوار
 نجویم جز آرایش^{۲۱} گاه تو^{۲۰}!
 چرا کردی این وم زیر و زبر؟
 همه باز خواهم ز تو ناگزیر
 مبادا که بینی تو^{۲۹} آن بوم^{۳۰} شوم^{۳۱}!
 بدین^{۳۳} لشکر سرفراز^{۳۴} آوری
 کنام^{۳۸} پلنگان و شیران شده است،

۱-ل.س (نیز لن، ق.آ.ل.و): حنک (حرف یکم بی نقطه)؛ ک.س^۲ (نیز لی، آ.ب): کار؛ ل^۲ (نیز پ.لم، آ): بند؛ متن تصحیح قیاسی است
 ۲-پ: کین) ۳-ک.س^۲ (نیز لی، پ.آ.ب): کزین ۴-ل (ن: بایران نجویی) ۵-پ: نیویی بایران زمین؛ بنداری: إن کنت من القیاصرة
 فاین ذهب عقلک ورایک حین حضرت فی زئی تاجر بین یدیک غیر جالب الیک شرافت حو وفادتی علیک یاخفار الذمار، و أدر
 جتنی فی جلد الحمار. فوف تذوق و بال امرک، و تصلی بما أوقدت من جمرک ۶-ل (نیز آ): دارد؛ ق بیت های ۴۱۷-۴۳۴ را
 ندارد ۷-ل (نیز و): نحت (حرف یکم و دوم بی نقطه)؛ س: نخت (حرف یکم بی نقطه)؛ ک.ل.آ.س^۲: نحت؛ ل: نحت (نقطه ندارد)؛ ق.آ.
 ل: نخت (حرف یکم نقطه ندارد)؛ ل.آ.پ.ل.آ.آ: نخت؛ ب: نحت (نقطه ندارد)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸-س (نیز لن، لی، ل.آ):
 شاهان؛ ک.س^۲ (نیز آ): ایران؛ ل^۲ (نیز ق.آ.پ.ل.ن.آ): شاهی؛ (ب: و شاهی)؛ متن = ل (نیز و) ۹-پ: شم را) ۱۰-ل (آ: بدین دیو رنجور)؛
 ل^۲ در اینجا سرنویس دارد: خواندن شاه شاپور قیصر را ۱۱-ل (و: من) ۱۲-ق (آ: بوی؛ ل: آ: دستان شوی) ۱۳-ل (ن: نهان) ۱۴-ک (نیز
 لی): او (!) ۱۵-ل (نیز پ): ز ۱۶-ک.س^۲ (نیز آ): نجویم جز آرایش؛ (ق.آ.لی: بخوبی جز آرایش و بنداری: فقال: أيها الملک! من الذی
 یقدر علی مخالفة القدر المقدر، و ینجو من القضاء المحتوم؟ و الآن إن قابلت الإساءة بالحسن حصلت ذکرا لاینسی، و أدرکت ما
 ترید و تهوی ۱۷-ل (ن: ب: بدو گفت قیصر بنده) ۱۸-ل (نیز ق.آ): چشم ۱۹-ل.س.ل.س.آ.س^۲ (نیز ن.آ.ب): گنج و؛ متن = ک (نیز لن، ق.آ.
 پ.و)؛ ق.ل.آ.آ این بیت را ندارند؛ در ل.آ.ل.ن.لی این بیت دو بیت سپس تر آمده است ۲۰-پ: شاه)؛ بنداری: و إنک اذا أمتتی و استبقتی
 سلمت الیک مقالید کنوزی و أصبحت لک عبدا لا أخالف لک أمرا ۲۱-ل: جز از آتش؛ ق.آ.ل.آ.آ این بیت را ندارند ۲۲-ل (ن: گفت
 شاپور کای) ۲۳-ک.س^۲ (نیز ق.آ.لی، ل.آ.آ): گفت کای (ک: ای) ناکس ۲۴-ل.ک.س^۲ (نیز لن، لی): برهنر؛ (ق.آ.ل.آ: گهر؛ آ: برهنر)؛ متن =
 س.ل.آ (نیز لن، پ.و.ل.ن.آ.ب)؛ ق.آ.پس از این بیت افزوده است:

کنون هر چه بردی تو از خواسته هم از خو برویان آراسته

۲۵-ک: هرکی؛ ل.آ.س^۲: هرکه؛ (لی، پ.ب: هرچه؛ ق.آ.ل.ن: دگر هر چه)؛ متن = ل ۲۶-ل.ک.ل.س^۲ (نیز لی، پ.ب): ز؛ متن = (ق.آ.ل.ن.آ)؛
 س.ل.ن.ل.آ.و.آ این بیت را ندارند ۲۷-پ: اگر) ۲۸-ک.ل.س^۲ (نیز ق.آ.ل.ن.آ.ب): هر چه؛ متن = ل.س (نیز لن) ۲۹-ل (لی: از) ۳۰-ل.آ: مرز
 ۳۱-ل.پ.و.ب: شوم بوم)؛ آ این بیت را ندارد؛ در ق.آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ س.آ.لی پس از این بیت افزوده اند:
 کنون (لی: دگر) هر چه بردی تو از خواسته هم از خو بروین نخواست
 ۳۲-ک.س^۲ (نیز لی): روم ۳۳-ک: برین ۳۴-ک.س^۲ (نیز لی <لشکر>): لشکر رزماساز؛ (ب: لشکر مز فراز) ۳۵-ل (نیز و): ز ۳۶-س.ک.
 س^۲ (نیز ق.آ.پ.ل.ن.آ.ب): هر چه؛ ل: هر آنجا که؛ ل: همه هر چه؛ متن = ل (ن) ۳۷-ل (آ: بیران) ۳۸-ل (آ: که نام)

سراسر برآری^۱ به دینار خویش
 دگر هرک^۲ نشستی^۳ از^۴ ایرانیان
 ۴۳۰ به یک تن^۷ ده از روم تاوان دهی؛
 نخواهم جز ز^۹ مرد قیصر نژاد
 دگر هرج از^{۱۲} ایران بریدی درخت
 بکاری و دیوارها برکنی^{۱۵}
 کنون من به بندم^{۱۹} ببندم ترا
 ۴۳۵ گر این^{۲۲} هرج^{۲۳} گفتم^{۲۴}. نیاری^{۲۵} به جای^{۲۶}
 دو گوشش به خجری به دو^{۲۸} شاخ کرد
 مهاری به بیی او^{۳۰} بر نهاد^{۳۱}
 دو بند گران بر نهادش^{۳۵} به پای
 عرض گاه و^{۳۸} دیوان^{۳۹} بیاراستند

بیابی^۲ مکافات کردار خویش!
 بجویی به^۵ روم از نژاد^۶ کیان،
 و زان پس فراوان گروگان^۸ دهی،
 که باشند با ما بدین^{۱۰} بوم^{۱۱} شاد!
 -نبرد درخت گشن^{۱۳} نیک^{۱۴} بخت!-
 ز دلها مگر^{۱۶} خشم کمتر^{۱۷} کنی^{۱۸}!
 ز^{۲۰} چرم خران کی^{۲۱} پسندم ترا؟!
 بدرند^{۲۷} چرمت ز سر تا به پای^{۲۶}!
 به یک جای بیش^{۲۹} سوراخ کرد
 چو شاپور^{۳۲} از آن^{۳۳} خام^{۳۴} خر کرد یاد
 ببردش همان^{۳۶} روزبان باز^{۳۷} جای
 کلید در گنجها خواستند

۱- (آ: بزاری) ۲-ک، س (نیز لی، آ): بیینی؛ (و: که یابی)؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب) ۳- س، ل (نیز لن-ل، آ، لن، آ): هرچه؛ (پ، و، آ، ب: هرکه)؛ متن = ک، س، آ ۴- س، ک، ل، س (نیز لن-ل، آ، و، آ، ب): ز؛ متن = ل (نیز پ، لن، آ) ۵- ل، ک، س (نیز لن، لی): ز؛ متن = س، ل (نیز ق، آ، ل، آ، ب) ۶- ل: نژاده ۷- (آ: تو؛ لی، و: هر یک) ۸- ل: روانرا به پیمان گروگان؛ س: روانرا ز هر کار نانا (حرف سوم بی نقطه)؛ ل (نیز پ، لن، آ) ۹- روانرا ز (لن: به) هر کار برهان؛ (ق: ز هر کار باید که تاوان؛ ل: روانرا ز هر کار درمان؛ و: روانرا ز سر باز مرگان؛ متن = ک، س (نیز لی، آ، ب)؛ لن این بیت را ندارد ۹- ل: بجز؛ (لی: من از)؛ متن = س، ک، ل، س (نیز ق، آ، ل، آ، ب) ۱۰- ک، س (نیز لی، آ): یا سر بر آن (لی: بدان؛ آ: برین)؛ متن = ل، س، ل (نیز ق، آ، ل، آ، ب) ۱۱- (ق: برین دشت)؛ لن این بیت را ندارد؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

دگر در چه بردی ز ایرانیان
 بجویی بروم و ببندی میان
 بهر یک صد از روم تاوان دهی
 چو خواهی کزین داوری هارهی

۱۲- ل: ز؛ ک (نیز لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): هر چه ز؛ س (نیز پ): هر چه از (وزن ندارد)؛ متن = س، ل ۱۳- س، ل (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ): کسان؛ ک (نیز لی، آ): کیان؛ (ل: کس از)؛ متن = ل، ل ۱۴- (ب: بدان کردن اندر شوی شوم) ۱۵- (لن، ق، آ: نو)؛ ک، س (نیز لی، آ، ب): برآری (ب: بکاری) و دیوارش از سر کنی؛ متن = ل، س، ل (نیز ل، آ، لن، آ) ۱۶- ک، س (نیز لی): همه ۱۷- (لن، ق، آ: بی خو) ۱۸- (ب: شوی (!)) ۱۹- ل، س، ک، س (نیز لن، ق، آ: بیاری)؛ (لی: ب: بندی؛ متن = ل، آ، ب) ۲۰- (ب: به) ۲۱- س، ک، س (نیز ق، آ، لی، آ، ب): به؛ متن = ل، ل (نیز لن، ل، آ، لن، آ)؛ بنداری؛ فاترح سابور علیه آن یرد جمیع آساری ایران، و جمیع ما أخذ منها من مال و غیره، و آن یعمر البلاد التي خربها و یغرس الأشجار التي قلهها، و آن یسلم الیه عن عوض کل رجل قتل من الإبرائین عشرة من رجال الروم ۲۲- (لی: کنون؛ آ: کزان) ۲۳- س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): هر چه؛ متن = ل، ک، ل، س (نیز و، ب) ۲۴- س (نیز لن، لی، لن، آ): گفتی؛ متن = ل، ک، ل، س (نیز شش دستویس دیگر) ۲۵- (ق: بیاری)؛ (لی: جا-پا)؛ ق بیت های ۴۳۴-۴۳۵ را ندارد ۲۷- ک، س (نیز لی، آ، ب): بدریم؛ ل: بیزند؛ (ق: بدریم)؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، آ، ب) ۲۸- (لن: دو بر) ۲۹- (پ: همان بیش نیز) ۳۰- ک، س (نیز لی، آ، ب): وی ۳۱- ک، ل، س (نیز لی، آ، ب): در نهاد ۳۲- ک، س (نیز لی، آ): که هرگاه ۳۳- ل، س (نیز لن): زان، متن = یازده دستویس دیگر ۳۴- ل، س، ک، ل، س (نیز لن، پ، لن، آ): چرم؛ متن = (و، ب) ۳۵- (ی: نهاده)؛ ک: گرانش نهادش ۳۶- (ق: بیزند هم) ۳۷- ل: روز تابان ز؛ (ل: روزبانان به)؛ بنداری؛ ثم أمر به فشق أذناه و ثقب أنفه و خزم بخزام و قید بقیدین ثقلین و أودع الجبس ۳۸- ک (نیز لی، پ، و، ب): (ق: عرض خواست و) ۳۹- س (نیز لن): دیا

۴۴۰ سپاه انجمن کرد و^۱ روزی بداد
از^۲ ایران همی راند تا مرز روم
بکشتند و خانش^۷ همی^۸ سوختند
سرش پر ز کین و دلش^۲ پر ز داد^۳
هر آنکس که بود اندر^۵ آن رُست و^۶ بوم
جهانی بد^۹ آتش برافروختند

گفتار اندر رزم شاپور با رومیان^{۱۰}

چو آگاهی آمد ز ایران^{۱۱} به روم^{۱۲}
گرفتار شد قیصر نامدار
۴۴۵ سراسر همه روم گریان شدند
همی گفت هر کس که این بد که کرد^{۱۸}
ز قیصر یکی که برادرش^{۲۰} بود
جوانی کجا یائسش بود^{۲۲} نام
شدند انجمن لشکری بر درش
۴۵۰ بدو گفت: کین برادر بخواه!
چو بشنید یائس بجوشید و^{۲۶} گفت
بزد کوس و آورد بیرون صلیب
سپه را چو روی^{۲۹} اندر آمد به روی
رده برکشیدند و برخاست عو^{۳۱}

که ویران^{۱۳} شدن مرز آباد^{۱۴} بوم^{۱۵}،
شب تیره اندر^{۱۶} صف کارزار،
و ز آواز^{۱۷} شاپور بریان شدند!
مگر قیصر از^{۱۹} ناجوانمرد مرد!
پدر مرده و^{۲۱} زنده مادرش بود،
جهانجوی و بخشنده و شادکام^{۲۳}،
درم داد پرخاشخ^{۲۴} مادرش،
نبینی که آمد از^{۲۵} ایران سپاه؟!
که کین برادر شاید نهفت!
صلیبی^{۲۷} بزرگ و سپاهی^{۲۸} مهیب
بی آرام شد مردم کینه جوی^{۳۰}
بیامد دمان^{۳۲} یائس پیش رو

۱-ل: شد چو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-س.ل (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب): بود و دل: ک.س.آ (نیز لی <و>.آ): دلش پر ز کین بود و سر؛
متن = ل (نیز ل.آ.پ.و) ۳-ل: باد (نقطه ندارد): ک.س.آ (نیز لی.آ): باد؛ متن = س.ل (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب) ۴-س.ل (نیز ل.ن.آ): ز
۵-ل.آ: بودند از ۶-(ب: شوم): ل.ل (نیز لی.پ.ل.ن.آ): <و>: مرز و؛ س.ک <و> (نیز ل.آ): دشت: (آ: دشت.آباد (وزن ندارد)): متن =
س.آ <و> (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب): و این بیت را ندارد ۷-س (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب): گاهش؛ س.آ: کاخش؛ (پ: خانه: ل.ن.جانش؛ آ: خاکش)؛
متن = ل.ل.آ (نیز ب) ۸-(ق: بسیار و می) ۹-ل.ل.س.ل (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب): باتش؛ ک.س.آ (نیز لی): از آتش؛ (پ: ز آتش؛ ب: بر آتش)؛
متن تصحیح قیاسی است: ل.آ. و این بیت را ندارند ۱۰-س: رفتن شاپور بتاختن روم و غارت. کردن؛ ق: رزم برادر قیصر با شاپور
ذی الاکتاف؛ ل.آ: رفتن شاپور بروم برزم قیصر و آمدن برادر او؛ ک.س.آ سرنویس ندارند؛ متن = [گفتار اندر +] ل.۱۱-ک.س.آ (نیز لی.
آ): ازیشان چو آگاهی آمد ۱۲-(و: به آباد بوم) ۱۳-(آ: بیران) ۱۴-ل.آ: آباد و؛ (ق: آباد آن مرز و؛ پ: در شهر ایران و آباد)؛ متن = ل.
س.س.آ (نیز ل.ن.ل.آ.ل.ن.آ.ب) ۱۵-(و: روم) ۱۶-(لی: تیره از در) ۱۷-(و: ز آزار) ۱۸-(ق: آ.ل.آ: کرد) ۱۹-(ق: آ: آن <): بنداری؛ ثم إنه
أمر کتاب الجیوش بجمع العاکر و إطلاق أرزاقهم. ثم سار فیهم قاصدا قاصدا بلاد الروم کالنار المحرقة لا یبقی ولا یذر. فلما بلغ
الروم أظلمت الدنیا فی عیونهم إذ لم یجدوا من یقوم بأمرهم ۲۰-(آ: بر آذرش) ۲۱-س (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب): بُد؛ ل.آ: برده و ۲۲-ل.آ: پابش
نام بود؛ (ب: که یانوش بودیش) ۲۳-ل.آ: با بخشش و کام بود ۲۴-ل: پرخاشجوی؛ متن = چهاره دستنویس دیگر ۲۵-ل.ک.س.آ.س.آ
(نیز لی-و.آ.ب): ز؛ متن = س.ق (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب) ۲۶-(و: بر آشت و؛ آ: پابش بخورشید؛ ب: یابش جوشید و) ۲۷-ل (نیز ل.آ.ل.ن.آ):
<ی>؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ق.ل.آ (نیز پ): سواری؛ بنداری؛ فاجتمعوا علی أخ لیصر أصغر منه یسمى یانس فملکوه
علیهم فخرج بالصلیب الکبیر، و العدد الکثیر مستعدا للقاء سابور ۲۹-(ق: بروی!) ۳۰-ق: جن جوی ۳۱-(ق: لی.ب: غو) ۳۲-ل.ک.
(نیز ق.آ.آ): دوان؛ متن = یازده دستنویس دیگر

۴۵۵ برآمد یکی ابر و گردی^۱ سیاه
سپه را به یک^۲ روی بر کوه بود
برین^۳ گونه تا شست خورشید زرد
بکشتند چندان^۴ روی زمین^۵
چو از قلب ناپور لشکر براند
۴۶۰ چو با مهتران^۶ گره کرد اسپ شاه
سوی لشکر رومین حمله برد
بدانست یانس که یایاب^۷ شاه^۸
پس اندر همی تخت^۹ شاپور گرد
به هر جایگه بر^{۱۰} یکی توده کرد^{۱۱}
۴۶۵ از آن لشکر روم چندان بکشت
به هامون سپاه^{۱۲} و چلیپا نماند!
ز^{۱۳} هر جای چندان غنیمت^{۱۴} گرفت

کز آن تیرگی دیده گم کرد^{۱۵} راه
دگر آب از آن^{۱۶} سو که^{۱۷} انبوه بود
ز هر سو همی گشت باد^{۱۸} نبرد
شد از جوشن^{۱۹} کشتگان آهنین^{۲۰}
چپ و راستش^{۲۱} ویزگان را بخواند
زمین گشت جنان ز پیچان^{۲۲} سپاه^{۲۳}!
بزرگش همان و همان مرد^{۲۴} خرد!
ندارد، گریزان بشد با سپاه^{۲۵}
به گرد از هوا روشنایی ببرد^{۲۶}!
گیاها^{۲۷} به^{۲۸} مغز سر آلوده کرد^{۲۹}!
که یک دشت سر بود با^{۳۰} پای^{۳۱} و پشت^{۳۲}!
به دزها^{۳۳} صلیب^{۳۴} و سکوبا نماند!
که لشکر همی ماند اندر^{۳۵} شگفت!

۱- (و: باد و گردی: ب: گرد و ابری: ۲- ل: یکی: ۳- ق: نیز ب): یکی: (ل: ۳: یک: ق: ۲: یک به یک) ۴- ل: س (نیز ل: ل: ۲: ل: ۲): زان: متن = ده دستنویس دیگر ۵- (پ: سوی ۶- ل: ۶- ل: ۲ (نیز ل: و): بدین: متن = یازده دستنویس دیگر ۷- ل: خاست گرد: متن = چهارده دستنویس دیگر ۸- (آ: زمی- آهنی) ۹- ق: ل: ۹: خون آن: پیاپی بیت‌های ۴۵۷-۴۶۱ در ل: ۲ آفتگی دارد: ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۵۸، ۴۵۹: پیاپی بیت‌های متن = س: ق: ۱۰: س (نیز ل: ب) ۱۰- ک: س (نیز ل: آ): ز راست و ز چپ: متن = یازده دستنویس دیگر: ل: پس از این بیت افزوده است:

برآمد یکی باد و گردی سیاه کزان تیرگی اندر آمد به ماه

۱۱- ک: س (نیز ل: آ: ب): سرکشان: متن = ده دستنویس دیگر ۱۲- ل: س (نیز ل: پ: و: ل: ۲: ب): و پیچان: ک (نیز ل: آ): و چندان: س: ۲: ز چندان: (ق: ل: ۲: و جنان): متن = ۱۳- ل: ۱۳- ل: ۱۳: زمی گشت جنان و گیتی سیاه ۱۴- ل: س: ک: ل: ۱۴- ل: ۱۴: (نیز ل: ق: ۲: پ: و: ل: ۲: ب): یکی بود با: (ل: ۲: همان بد همان بود): متن = ق: ل: آ این بیت را ندارند ۱۵- ک: س (نیز ل: ل: ۲: ل: ۲): با تاب: متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- ک: س (۲: <ی> (نیز ل: پ: و: <ی> <آ> <ل>): وی: متن = ل: س: ق: ل: ۲ (نیز ل: ق: ل: ۲: ل: ۲: ب) ۱۷- (پ: بیچید روی: و: شد از تاب او: آ: از ایوان ز پس کرد رو): ک: س (نیز ل: ل: ۲: شد گریزان ز (ل: به) پس کرد روی: بنداری: فلما التقوا جرت بینهم وقعة عظيمة فغلبت الروم و أصبح يانس من الظفر يانس و صر غرس سعادته يابساً و انهزم بمن معه: س در اینجا سرنویس دارد: هزیمت شدن رومیان از لشکر شاپور شاه ۱۸- ل: ۱۸- ل: ۱۸: (نیز ق: ۲): زانند ۱۹- ق: ۲: همی کرد لشکر به هر سو نگاه: ل: پس از این بیت افزوده است:

همی رفت شاپور برسان شیر کمانی بدست ازدهانی بزیز

۲۰- ق: جای در بر: (ق: ۲: زکشته به در سو ۲۱- س (نیز ل: ۲): بود ۲۲- س: ک: ل: ۲: س (نیز ل: پ: ل: ۲: آ): زمینها: ق (نیز و: ب): زمین را: متن = ل: ۲۳- س: ۲۴- س (نیز ل: ۲): بود: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- ل: (نیز ق: ل: ۲: پ: و: ب): بی: متن = ۲۶- (ل: و: <ی>): ک: س (نیز ل: ل: ۲): بردشت سر بود ب (ل: بی) یال و: متن = س: ق: ل: ۲ (نیز ل: ل: ۲): ۲۷- (آ: لشکر همه ماند اندر شگفت) ۲۸- ق: صلیب ۲۹- (ل: ب: درها: ل: ۲: دزها) ۳۰- ق: حبیب: آ بیت‌های ۴۶۶-۴۶۷ را ندارد ۳۱- ک (نیز ل: ۲): به ۳۲- ک: س (نیز ل: ل: ۲): گنجی دگر بر ۳۳- ل: س: ز و در: ک: س (نیز و: ب): همه مانند ای: مانده) اندر: (ل: بدو مانده اندر): متن = ق: ل: ۲ (نیز ل: ق: ل: ۲: پ: ل: ۲): بنداری: فتبعهم س: بورد و وضع فیهم السیف و قتل نهم حلقا کثیرا و غنم غنائم لا یأتی علیها العاد و الحصر

جز از^۲ گنج قیصر بند^۳ بهر^۴ شاه،
نه^۹ هم گوشه بد^{۱۰} گنج با^{۱۱} رنج اوی^۸!
ز قیصر همی^{۱۱} داستانها زدند،
به روم اندرون نیز^{۱۴} قیصر مباد^{۱۳}!
صلیب^{۱۶} مسیح^{۱۷} - موشح^{۱۸} نماندا!
چلیپای^{۲۰} مطران^{۲۱} برافروخته^{۲۲}،
چو آواز کیش^{۲۵} مسیح اندکی ست!

هم^{۲۷} از تخمهی نامور قیصران^{۲۸}،
زبان و روانش^{۳۱} پر از پند بود،
بدین لشکر^{۳۲} امروز^{۳۳} مهتر تو باش!
بفروز تاج و بیارای^{۳۶} گاه^{۳۵}!
برانوش بنشست بر سرش تاج^{۳۹}
همه رومیان قیصرش^{۴۰} خواندند

ببخشید یکسر همه^۱ بر سپاه
کجا^۵ دیده بُد رنج از آن^۶ گنج^۷ اوی^۸
۴۷۰ همه لشکر روم گرد آمدند
که ما را چن او^{۱۲} نیز مهتر مباد^{۱۳}!
به روم اندرون خان و مذبج^{۱۵} نماندا!
چو زَنار^{۱۹} قیسس شد سوخته
کنون روم و قَنوج^{۲۳} ما را^{۲۴} یکی ست

۴۷۵ یکی مرد بود از نژاد کیان^{۲۶}
برانوش^{۲۹} نام و^{۳۰} خردمند بود
بدو گفت لشکر که قیصر تو باش!
به گفتار تو^{۳۴} گوش دارد سپاه^{۳۵}
بیاراستند از درش^{۳۷} تخت عاج^{۳۸}
۴۸۰ به جای بزرگیش بنشانند

۱-ک: همه یکسر ۲-ک: ل (نیز ل): چو از: (ل: بجز): متن = یازده دستویس دیگر ۳- (و: که بد): متن = چهارده دستویس دیگر ۴-ک: س ۲ (نیز لی): بخش: (آ: تخت): متن = یازده دستویس دیگر ۵-س: س (ل: ب): که او: متن = ل ۶-ل (نیز لی): <آن>: س (نیز ق: ل: ن: آ: ب: پ: ب: دید رنجی از آن): متن = ۷- (ل: زان گنج هم رنج): متن = ق: س ۲ (نیز ل: و: آ) ۸-ل: ق: ک: ل: ۲ (نیز ق: ل: لی: ل: و: آ: ب): او: متن = س (نیز ل: ب: ل: ن: آ) ۹- (ل: ز): ۱۰-ک: گوشه گنج با: ل ۱۱- (نیز ب): گوشه گنج بد: (ق: آ): همه گوشه بد گنج با: ب: گوشه گنجی بد از) ۱۱-ل: ۲ (نیز ل: ن: آ: ب): همه: (ب: بسی): متن = ده دستویس دیگر ۱۲-ک: س ۲ (نیز لی: آ): چنین: ل: آ: جز او: (ب: چنان): متن = ل: س: ق (نیز ل: ن: ق: آ: ل: ن: آ) ۱۳-ل: آ: نماندا ۱۴-ک: س ۲ (نیز ل: ن: ق: آ: ل: ن: آ: ب): نام ۱۵-ل: جای مدح (وزن ندارد): ک: س ۲ (نیز ل: ن: لی): (خان و مطبخ: ل: آ: ب: جای مذبج: و: جای مذبج) ۱۶-ل: س: س ۲ (نیز لی: و: آ): صلیب و: متن = ک (نیز ل: ن: ل: آ: ب: ل: ن: آ: ب): ل: ن: آ و او را خط زده است ۱۷-ک (نیز لی): <و>: س ۲ (نیز آ): مشیح و: (ل: ن: میحی و) متن = ل: س (نیز ل: ن: آ: ب) ۱۸-ک (نیز لی): موشح: س ۲ (نیز آ): موشح: (ل: ن: موشح: ب: موشح): متن = ل: س (نیز ل: ن: آ: ب): ق: آ: ق: آ: این بیت را ندارند ۱۹-ق: زَنار و ۲۰-ل: س (نیز ق: ل: لی: ل: و: آ: ب): چلیپا: (ل: ن: آ: چلیپای و) متن = ق: ک: س ۲ (نیز ل: ن: ب: و) ۲۱- (ق: آ: قطران) ۲۲-ق (نیز ل: و): شد افروخته: ل: آ: این بیت را ندارد ۲۳- (آ: روم شوج (حرف یکم از واژه دوم بی نقطه)) ۲۴- (لی: ما) ۲۵-ل: ق: ل: ۲ (نیز آ): دین: (ق: آ: کیش و): متن = ده دستویس دیگر ۲۶-ل: آ: کیان ۲۷-ک: همه ۲۸-س: آ: مهتران: متن = ل: ک: ل: آ: س: ق: ل: ن: ب: این بیت را ندارند ۲۹- (لی: برانوش) ۳۰-س: ق: ک: س ۲ (نیز ل: ن: و: ل: ن: آ: ب): مردی: متن = ل: ل: ۲ ۳۱-ق: ک: س ۲ (نیز ق: ل: لی: و: آ): روان و زبانش: (ل: ن: زفان و روانش): متن = ل: س: ل: ۲ (نیز ل: ن: آ: ب) ۳۲-س ۲ (نیز ق: ل: آ: و: ب): برین لشکر: (ن: برین کشور) ۳۳-ل: برین لشکر و بوم: متن = چهارده دستویس دیگر ۳۴-ک: س: آ: بفرمود تا: (لی: آ: به فرمان تو) ۳۵- (ل: آ: سپهر-مهتر) ۳۶- (ل: ن: آ: بر آری): برخی از دستویسها درین جا سرنویس دارند: ل: نشست برانوش بر تخت روم بیادشاهی: س (پنج بیت سپس تر): نامه رومیان بنزد شاپور و زَنهار خواستن: ق (هفت بیت سپس تر): نامه برانوش رومی بشاپور شاه و پاسخ او: ل: نامه نو: متن = شاپور شاه ۳۷-ل: س: ق (نیز ل: ن: ل: و: ل: ن: آ): از برش: متن = ل: ۲ (نیز ب) ۳۸- (ق: آ: تاج و گاه: ل: آ: خوب تاج): ک: س ۲ (نیز لی: آ: ب): برانوش بنشست بر تخت عاج ۳۹- (ل: آ: تخت عاج): س: ق (نیز ل: ن: ب: و: ل: ن: آ): با فز و تاج: (ق: آ: بنهاد بر سر کلاه): ک: س ۲ (نیز آ: ب): بیاویختند از برش نیز (آ: زَر و) تاج: (لی: بیاویختند از بر عاج تاج) ۴۰-ل: آفرین: متن = چهارده دستویس دیگر: بندهای: فلما رأت الروم ما ابتلوا به من شر سابور اجتمعوا علی برانوس و قالوا: انه رجل عاقل قد جرب الامور و مارس الدهور، و جعلوا یبص

ز روم و ز آوردگاه^۱ نبرد
 ز رزم^۴ و ز آویزش^۵ آید^۶ گزند
 که دانش سراید به آواز^۷ نرم
 خردمند و دانا پسندیده‌ی
 بگفت آن^{۱۰} سخن‌های باریک خویش
 ز دادار بر شهریار^{۱۳} زمین^{۱۴}،
 همه^{۱۷} مهتران پیش تو بنده باد!
 چه با بی‌گنه^{۱۹} مردم آویختن
 چه با شهر^{۲۱} ایران چه با مرز روم^{۲۲}
 منوچهر کرد آن^{۲۵} به مردی درست^{۲۶}
 هم از تور^{۳۰} روی زمین پاک شد^{۲۹}
 که نو شد^{۳۲} به روم‌اندرون^{۳۳} داوری،
 و دیگر کزو^{۳۵} بخت^{۳۶} برگشته بود!
 به زندان تو بند سایدهمی
 که چون روم هرگز^{۴۰} نبوده‌ست بوم!
 همه روم^{۴۱} گشتند بی پر^{۴۲} و پای!
 دگر خسته‌ی^{۴۴} تیغ و تیر تواند!

برانوش بنشست و اندیشه کرد
 بدانت کور ر ز^۲ شاه^۳ بلند
 فرستاده‌ی جسن، با رای و شرم
 دبیری بزرگ و^۸ جهان‌دیده‌ی
 ۴۸۵ بی‌ورد و بنشانند نزدیک^۹ خویش
 یکی نامه بنیشت^{۱۱} پر^{۱۲} آفرین
 که جاوید تاج تو^{۱۵} پاینده^{۱۶} باد!
 تو دانی^{۱۸} که تاج و خون ریختن
 مهان سرافراز درند شوم^{۲۰}
 ۴۹۰ گر این کین از^{۲۳} ایرج^{۲۴} بده‌ست از نخست
 تن سلم از آن^{۲۷} کین کنون^{۲۸} خاک شد^{۲۹}
 و گر کین دارست^{۳۱} اسکندری
 مر او را دو دستور بد^{۳۴} کشته بود
 گرت^{۳۷} کین^{۳۸} قیصر فرایدهمی
 ۴۹۵ نباید که ویران شود بوم^{۳۹} روم
 و گر غارت و کشتنت بود رای
 زن و کودکانش^{۴۳} اسیر تواند

۱- (لی، پ، و: آوردگاه و) ۲- (ن: آواز) ۳- ق: چرخ ۴- ل، ل-۴ (نیز ل-۳، آ، ب): روم؛ متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز پ، ل، ن^۲) ۵- (ب: آسایش) ۶- س: اندر؛ ق: آرد؛ متن = ل، ک، ل، س^۲ (نیز ل-ن، پ، ل، ن، آ، ب)؛ و این بیت را ندارد؛ لی این بیت را دوباره آورده است ۷- ل-۲ (نیز ق، و): آوای ۸- س، ق، ل^۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ)؛ بلیغی، ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): بزرگی؛ (ل: آ: فصیحی؛ و: حریفی؛ ق: آ: دلیری سخنگو)؛ متن = ل ۹- (ق: آ: بنشانندش پیش) ۱۰- (ق: آ: این) ۱۱- ل، ل-۱۱، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ): بنوشت؛ ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): فرمود؛ متن = (پ) ۱۲- ل-۱۲ (نیز ق، آ، ل، و، ب): باد؛ س^۲ (نیز لی، آ): پر ز ۱۳- (ن: شهر ایران؛ ل: شاه ایران) ۱۴- (لی: شهریار زمین بود (وزن و پساوند ندارد)) ۱۵- (لی: تاج تو جاوید) ۱۶- (آ: پوینده) ۱۷- ک، س^۲ (نیز لی، آ): تن ۱۸- ل-۱۸، آ: ندانی ۱۹- ق: بی‌کینه با؛ ک، س^۲ (نیز لی، آ): ابایی گنه؛ ل: باکینه ور؛ متن = ل، س^۲ (نیز هفت دستنویس دیگر) ۲۰- (آ: شرم)؛ ل: دارنده بوم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- (و: مرز)؛ ک، س^۲ (نیز آ): شهریاران ۲۲- ق: ه لک روم؛ ک، س^۲: مرز و بوم؛ ل: آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): شهر روم؛ متن = ل، س^۲ (نیز ل، ن، لی، پ، و، ل، ن، آ، آ) ۲۳- ل: <از>؛ ق: ل، س^۲ (نیز لی، پ، و، ب) ز (ق: آ: <گر>؛ کزین کین گر)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز ل، ن، آ) ۲۴- (ل: آ: کینه آید) ۲۵- (ل، ن، آ: این) ۲۶- (ل: آن کین بمردی بجست) ۲۷- (ل: آ: زان) ۲۸- (ل: آ: کینه چون) ۲۹- ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ): گشت ۳۰- ک، س^۲: توژ؛ (و: ترک) ۳۱- ل-۳۱، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب): داراست و؛ (آ: دارا و)؛ متن = (ل، ن، پ، و) ۳۲- (و: برسد (نقطه ندارد)؛ ب: کوشد) ق: کنون شد؛ ل^۲ (نیز ل، آ، پ): کهن شد؛ متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، لی، ل، ن، آ) ۳۳- ل-۳۳، آ: اندرین؛ ل: روی زمین؛ متن = س، ق، ک، ل، س^۲ (نیز نه دستنویس دیگر) ۳۴- ل-۳۴ (نیز ق، آ): خورد ۳۵- ق: ازو ۳۶- ک، س^۲ (نیز لی، آ): کزو بخت فرخنده ۳۷- ل-۳۷، آ: ورت؛ (پ: وگر) ۳۸- (ل، ن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب: کین ز) ۳۹- ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): مرز؛ (ق: آ: بود بوم) ۴۰- ل: دیگر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴۱- ل-۴۱ (نیز ق، آ): بوم ۴۲- ل، س، ک، ل، س^۲ (نیز ل، ن، لی، پ، ل، ن، آ، ب): دست؛ ق: (نیز ق، آ): بر؛ (آ: بادست)؛ متن = (ل، آ، و) ۴۳- ق: کودکانش ۴۴- ل: جگر خسته از؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

گه آمد که کمتر کنی کین و خشم!
 فدای^۳ تو بادا^۴ همه خواسته
 ۵۰۰ تو دل خوش کن و شهر^۷ چندین مسوزا!
 نباشد^{۱۰} پسند جهان آفرین
 درود جهاندار بر شاه بادا!
 نیسنده^{۱۳} بنهاد پس خامه را
 نهادند پس^{۱۶} مهر قیصر^{۱۷} بر او^{۱۸}
 ۵۰۵ بیامد خردمند^{۲۰} نامه بداد
 چو آن نامور نامه بر^{۲۱} خواندند
 ببخشد و^{۲۲} دیده پر از آب کرد
 هم اندر زمان نامه^{۲۵} پاسخ نبشت^{۲۶}
 که مهمان به چرم خراندر^{۲۹} که دوخت
 ۵۱۰ تو گر بخردی خیز^{۳۰} پیش من آی
 چو زنهار دادم نیازم به^{۳۲} جنگ

فروخوابنی ز نُدشته دو^۱ چشم^۲!
 کزین کین همی^۳ جان شود^۶ کاسته!
 نباید که روز^۸ اندر آید^۹ به روزا!
 که بی داد جوید جهاندار^{۱۱} کین!
 بلند اخترش افسر ماه باد^{۱۲}!
 چو^{۱۴} اندر نوشت آن کیی^{۱۵} نامه را
 فرستاده بنهاد زی شاه روی^{۱۹}
 ز قیصر به شاپور فرخ نژاد
 سخن های نغیش برافشاندند،
 بروهای جنگی^{۲۳} پر از^{۲۴} تاب کرد
 بگفت آن کجا رفته بُ^{۲۷} خوب و^{۲۸} زشت،
 که بازار کین کهن بر فروخت؟
 خود و^{۳۱} فیسوفان پاکیزه رای!
 جهان نیست بر مرد هشیار^{۳۳} تنگ!

۱-ل: گنه کار؛ متن ← ۲-س، ق، ک، س^۲ (نیز ل-آ): که هرگز نیاید (لن: نیامد؛ ب: نباشد؛ بهم: دین و خشم؛ متن: ل؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

وگر خواسته چشم داری همی همی از پیش خشم داری همی

۳-س: برای؟ ۴-ک، س: باد آن ۵-پ، ل، ن: همه؛ ل: که از این همی؛ آ: که از این همی؛ متن: ۶-ق: شود جان ما؛ ک، س: ۲ (نیز ل): که از تن همی جان (لی: روانرا) کند؛ متن: ل، س، ق، ل: ۲ (نیز ل، و، ب) ۷-ک، س: ۲ (نیز ل، آ، ب)؛ مرز ۸-ک: کت آب؛ س: ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ که تاب؛ متن ← ۹-ق: بد آید؛ لی: آری؛ متن: سیزده دستنویس دیگر ۱۰-ل: ۲ (ناید) ۱۱-ق: خداوند؛ (لی: جهاندار و) ۱۲-و، ل، ن: این بیت را ندارند؛ بنداری: فتولی امور هم و تقلد تدبیر هم. و علم آنه لا یقدر علی مقامة سابور فکتب الیه کتاب ذی عجز و ضراعة یذکر فیہ أنهم مطیعون قائمون بتلافی خلل بلاد ایران و جبره. و شحوا الکتاب بأنواع من الاستعتاب و الاستعطاف ۱۳-ل-س: ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، آ): نویسنده؛ (لی: جهاندار)؛ متن: (پ، ب) ۱۴-ل: ۲ (نیز ب)؛ خود؛ متن: سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ک، س: ۲ (نیز ل، آ، ب)؛ زمان؛ ل: آنکهی؛ متن: ل، س، ق (نیز شش دستنویس دیگر)؛ در ک، س: ۲، لی: لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۶-ک، س: ۲ (نیز ل، آ، ب)؛ نهاد آنکهی ۱۷-س: ۲ مهتر ۱۸-ق: برو؛ س: ۲ (نیز ل، ل، ن، آ)؛ بدوی؛ متن: ده دستنویس دیگر ۱۹-ق: رو ۲۰-ل، س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ، آ): خردمند و؛ متن: (نیز و، ب) ۲۱-س: (نیز ق، آ، پ، و، ل، ن، آ، ن)؛ آن نامه بر نامور؛ ق، ل: ۲ (نیز ب)؛ آن نامه نامور؛ متن: ل، ک، س: ۲ (نیز ل، ل، ن، آ، آ) ۲۲-ق: <و>; (لی: ببخشید و) ۲۳-ل: ۲؛ چینی ۲۴. (پ: جنگیش بی) ۲۵-ک، س: ۲ (نیز ل، آ): بفرمود تا زود؛ متن: یازده دستنویس دیگر ۲۶-ل، س، ک، ل: ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب)؛ نوشت؛ متن: ق، س: ۲ (نیز ل، آ) ۲۷-ق: آ: رفت از) ۲۸-س: آ: خوی ۲۹-ل: خرنند (وزن ندارد) ۳۰-س، ق، ک، س: ۲ (نیز ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب)؛ خیز و؛ متن: ل، ل: ۲ (نیز ل، و) ۳۱-ل: (نیز ل، ن، آ)؛ <و>; برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند؛ ل: آمدن بر انوش پیش شاپور؛ ل: خواندن شاپور شاه قیصر را و جواب او ۳۲-ل: ۲ (نیز ب)؛ سازمت؛ س: ۲ (نیز ق، آ، آ)؛ نیایم به؛ (ل: ۳: سازم به؛ پ: سازیم؛ و: نیاره به)؛ متن: س، ق، ک (نیز ل، ل، ن، آ) ۳۳-ل: ۲ (مردم هوش)؛ ل: گشاده کنم بر تو این راه؛ متن: سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلما وصل الکتاب الی سابور اثر فیہ و خفض منه. و اجاب عنه و قال: ان کنت سبیل العقل فأقبل الی الخدمة مع أساقفة الروم و فلاستها. و قد أمتکم فکونوا آمین؛ در ل، ل: ۲، ق: ۲، لی: بیت ۵۱۰ با بیت سپین پس و پیش شده است

فرستاده برگشت و پاسخ ببرد
 برانوش چون پاسخ نامه دید
 بفرمود تا نامداران روم
 ۵۱۵ درم بار کردن. خروار شست
 ز دینار گنجی ز بهر نثار
 همه مهتران نزد شاه آمدند
 چو دینار بیشش فروریختند
 بیخشود شاپور و بنواختشان
 ۵۲۰ برانوش را گفت کز شهر روم
 به ایران زمین آید بد شارستان
 عوض خواهم آراکه ویران شده است
 برانوش گفتا: چه باید بگویی!
 چنین داد پاسخ گرانمایه شاه
 ۵۲۵ ز دینار رومی به سالی سه بار

سخن‌ها یکایک بر او^۱ برشمرد
 ز شادی دل پاکتن^۲ بردمید
 برفتند صد مرد از آن^۴ مرز و^۵ بوم
 همان^۷ گوهر و جامه‌ی^۸ برنشت
 فراز آمد از هر سوی^{۱۰} سی هزار^{۱۱}
 برهنه سر و بی‌گناه^{۱۲} آمدند
 به گسترده زر و گهر^{۱۳} بیختند^{۱۴}
 به خوبی براندازه^{۱۶} بنشاختشان^{۱۷}
 بیامد بسی^{۱۹} مرد بیداد^{۲۰} شوم
 کنون گشت^{۲۳} یکسر همه^{۲۴} خارستان^{۲۲}
 کنام پلنگان و شیران شده است
 چو زنهار دادی، مبرتاب روی!
 که خواهی^{۲۹} که از بُن^{۳۰} بیخشم گناه،
 همی باز باید^{۳۱} هزاران^{۳۲} هزار،

۱-ل: همه؛ (لی، ل، آ، بدو)؛ ک: یکایک سخنها برو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ نازکش؛ (پ: پاک او)؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، ۲) - ۳-ق: برفتند با؛ لی: برفتند پس) ۴-ل، ق (نیز لن، لن، آ)؛ زان: آ؛ چندی از آن؛ (لی: دو صد مرد از آن)؛ متن = س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ب، و، آ، ب) ۵-ل، ل، آ، لن، آ؛ تازه؛ ق: بفرمود تا فیلسوفان) ۶-ک، س، ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ شصت ۷-ل، ق، ل، ۲ (نیز پ، ب)؛ هم از؛ متر = ده دستنویس دیگر ۸-ق، آ، پ: جامه و؛ ل، آ؛ جامه‌های؛ لن، آ؛ باره) ۹-ق: فزون از شمار ۱۰-ق، آ: بیاورد گنجور او) ۱۱-ق، ک، س، ۲ (یزق، لی، آ، ب)؛ بی شمار؛ ل، آ؛ شش هزار؛ متن = ل، س (نیز لن، ل، آ، لن، ۲)؛ بنداری؛ فلما وقف برانوش علی جواب سابور اوقر ستین جدلا من الجواهر و الثیاب، و استصحب ثلاثین ألف دینار برسم النثار ۱۲-ل، ک، س، ۲ (نیز لی، لن، آ، آ، ب)؛ بی کلاه؛ ق (نیز ق، آ)؛ نیکخواه؛ ل، آ؛ برگناه؛ متن = س (نیز لن، ل، آ، ب، و)؛ بنداری؛ و ركب فی مائة نفس من الأساقفة و الفلاسفة، و حضروا باب سابور کاشفین و متصلین عن ذنوبهم ۱۳-ل: کهن؛ ق (نیز پ)؛ بر گوه‌ران؛ (لن، ق، آ، و، لن، آ؛ زر بر گهر؛ ب: زرین گهر)؛ متن = س، ل، ۲، ۱۴-ک، س، ۲ (نیز لی، آ)؛ گوهر بر آمیختند؛ (ل، آ)؛ و درم ریختند) ۱۵-ق، آ، ل، آ، لن، آ، آ؛ بیخشد) ۱۶-س، ک، س، ۲ (نیز آ، ب)؛ باندازه؛ متن = ل، ق (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، ۲) ۱۷-ل، آ؛ همی ارج بنشاختشان؛ (لی: سر از نامداران برافراختشان)؛ و این بیت را ندارد ۱۸-ق: از ۱۹-ل، ۲ (نیز پ، و)؛ یکی ۲۰-ل، ک (نیز پ، لن، آ)؛ بیداد و؛ (ل، آ؛ بیدار و)؛ متن = س، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، آ، ب) ۲۱-س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، ب، و، ب)؛ آنک؛ ل، آ؛ آنچه؛ (لی، ل، آ، لن، آ، آنکه)؛ متن = ل، ۲۲-ق، ل، ۲ (نیز لی، ل، آ، ب)؛ شارسان-خارسان ۲۳-ل، آ؛ هست) ۲۴-ک، س، ۲ (نیز لی، آ)؛ همت بیرون (لی: ویران؛ آ: پزان) شده؛ (ب: هست ویرانه و)؛ ل، ۲ (نیز لن، آ)؛ همه گشت اکنون پراز (پ: همه کرد اکنون پراز)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، و) ۲۵-ک، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، آ)؛ بدل؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-آ: ویران)؛ بنداری: فأحسن اليهم سابور و أكرمهم. ثم شكوا اليهم سوء صنيع قيصر في ممالك ايران و ما خرب منها و أفسد. و قال: اني أريد منكم الآن عوضا عن ذلك ۲۷-س (نیز لن، پ، و، ب)؛ گفتش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-س، س، ۲ (نیز لن، ب)؛ خواهی؛ متن = ل، ۲۹-ل، ک، ل، ۲ (نیز ل، ۳)؛ چو خواهی؛ س: که خواهم؛ متن = ق، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب) ۳۰-ل، س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن، ب)؛ یکسر؛ متن = ق، ۳۱-ل: داد باید؛ ق: باز خواهم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-ک، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، آ)؛ چو سیصد؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال له برانوس: ما الذي تلتمس؟ قال: ان نلتزموا كل سنة ثلاثة آلاف ألف دینار

دگر آنک^۱ باشد نصیبین^۲ مرا
 برانوش گفتا^۵ که ایران^۶ تراست^۷
 پذیرفتم این مایه‌ور^{۱۰} باز و ساو
 نبشتند^{۱۲} عهدی ز شاپور شاه
 ۵۳۰ مگر^{۱۶} با سزاواری و^{۱۷} خرّمی
 و زان^{۱۹} پس گسی^{۲۰} کرد و بنواختشان^{۲۱}
 چو ایشان^{۲۳} برفتند لشکر براند
 همی رفت^{۲۴} شادان^{۲۵} به اسطخر^{۲۶} پارس^{۲۷}
 چو اندر^{۲۹} نصیبین خبر یافتند
 ۵۳۵ که ما را نباید که شاپور شاه
 که دین مسیحا ندارد^{۳۲} درست^{۳۳}
 چو آید، ز^{۳۷} ما برنگیرد سَخُن
 زبردست شد مردم^{۳۹} زبردست
 چن^{۴۳} آگاهی آمد به شاپور شاه
 ۵۴۰ ز دین مسیحا برآشت شاه
 چو خواهی که کز ته شود^۳ کین مرا!^۴
 نصیبین و دشت^۸ دلیران^۹ تراست^۷،
 که با خشم و کینت^{۱۱} نداریم تاوا!
 کز^{۱۳} آن پس نرازد^{۱۴} از ایران^{۱۵} سپاه،
 کجا روم را زو نباید^{۱۸} کمی!
 سر از نامداران^{۲۲} برافراختشان^{۲۱}
 جهان آفرین را فراوان بخواند
 که اسطخر^{۲۶} بدیرمین^{۲۸} فخر پارس!^{۲۷}
 همه جنگ^{۳۰} را تیز بشتافتند،
 نصیبین بگیرد بیارد^{۳۱} سپاه،
 همی گبرگی ورد^{۳۵} و زند^{۳۶} و اُست
 نخواهیم استا^{۳۸} و دین کهن!
 به کین^{۴۰} مرد شهری^{۴۱} به زین^{۴۲} برنشت
 که اندر نصیبین ندادند^{۴۴} راه،
 سپاهی فرستاد بی مر به^{۴۵} راه

۱- (ل. ۳، ل. ۲، آ. آنکه) ۲- (ل. ۳، ل. ۲، نصیبی؛ آ. نصیب این) ۳- ل. ۳؛ بدین چیز نشان تو از ۴- ق. کیش بیخشم ترا (!)؛ (ق. ۲: کوتاه کنم کین ترا (!) ۵- س (نیز، ل. و)؛ گفتش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶- ق. نصیبین ۷- (لی: مر و: ترا) ۸- ک، س ۲ (نیز ق. ۲، لی، ل. ۳، آ، ب)؛ شهر ۹- ق. چو ایران و روی زمین مر ۱۰- ل. مایه و؛ ق. ای نامور؛ ل. آن مایه‌ور؛ (ب: این نامور؛ پ: از بهرت این)؛ ک، س ۲ (نیز ق. ۲، لی، ل. ۳، آ)؛ پذیرفتم (ق. ۲: پذیرفت) این مایه از؛ متن = س (نیز، ل. و، ل. ۲) ۱۱- ل. کین و خشم تو ما؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲- ل. ۲ (نیز ل. ۳، ل. ۲)؛ نوشتند؛ (و: بیستند)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- (و: از) ۱۴- ک: نیارده؛ (لی: نیاید) ۱۵- س، ل. ۲ (نیز ق. ۲- آ)؛ ز ایران؛ ل. نصیبین نکرد سارد (واژه‌های دوم و سوم بی نقطه؛ متن = س ۲ (نیز، ل. ب) ۱۶- (آ: نگر) ۱۷- ل. ۲ (نیز ل. ۳)؛ سرافرازی و؛ (ق. ۲: سرآوری و؛ ل. ۲: باشد او از بی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- ک، س ۲ (نیز ق. ۲، لی، ل. ۳، آ)؛ نباشد؛ ق. زان نباشد؛ متن = ل، س، ل. ۲ (نیز، ل. ب، و، ل. ۲، ب) ۱۹- ل. ازان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۰- (آ: گزین) ۲۱- ق. بنواختش برافراختش ۲۲- (پ: سران گرامی؛ و: سر نامداری) ۲۳- (آ: ایران) ۲۴- ک، س ۲ (نیز، ل. ۲، ب)؛ براند ۲۵- (لی: شاپور) ۲۶- ل. س، ق، س ۲ (نیز، ل. ب)؛ اسطخر؛ متن = ک، ل. ۲۷- ل. ۲؛ فارس-پارس؛ (و، ل. ۲: فارس-فارس)؛ نداری؛ و آن تفرجواغن مدینه نصیبین عوضا عما خربه قیصر، فالترم برانوش ذلک، فتعاهدوا و تعاهدوا و انصرف سابور الی بلاد فارس ۲۸- (ق. ۲: بدان زمان؛ ل. ۲: در زمین؛ و: دیهیم شاهان بد و) ۲۹- (ل. ن: آمد) ۳۰- ک، س ۲ (نیز ق. ۲، لی، آ، ب)؛ رزم؛ س در اینجا سرخویس دارد؛ بازگشتن شاپور از روم و آمدن بایران زمین ۳۱- (و: به گنج و)؛ ق. ۲، آ، این بیت را ندارند ۳۲- (لی: بگیرد) ۳۳- ل. ۲؛ درشت ۳۴- ل. ۲ (نیز، ل. آ، ب)؛ همه ۳۵- س: بزرده؛ (و: جوید)؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز، ل. لی، ل. ۳، آ، ب) ۳۶- ل. ۲ (نیز، ل. ۲)؛ همش (ل. ۲، ل. ۲: همه) کین (ل. ۲: دین) زردشت و زندست؛ ق. ۲ بیت‌های ۵۳۸، ۵۳۵ را ندارند ۳۷- (آ: اندرز) ۳۸- ل. ۲؛ استاد؛ (ل. و: ستا) ۳۹- (ل. ۲: مردم نبود) ۴۰- ل. ۲ (نیز، ل. ۲)؛ یکی ۴۱- س (نیز، ل. ب)؛ دینی ۴۲- (ل. ۲: همه) ۴۳- ل. ۲- س ۲ (نیز، ل. ب)؛ چو؛ متن = (ل. ۲) ۴۴- (ل. ۲: ندارند)؛ ک س ۲ (نیز، ل. ل. ۳، آ، ب)؛ سپاهی فرستادی مر به؛ متن = ل، س، ق، ل. ۲ (نیز، ل. و) ۴۵- (و: ز)؛ ک، س ۲ (نیز ق. ۲، لی، ل. ۳، آ، ب)؛ که اندر نصیبین ندادند (ق. ۲: ندارند) راه (لی: ندارد براه)

همی گفت^۱: پیغامبری^۲ کش^۳ جهود
 بکشتند ازیشان^۴ فراوان سران
 همی^۹ خواستند ن زمان زینهار
 بیخشدشان^{۱۲} نامبردار شاه

کُشد، دین^۴ او را نشاید^۵ ستودا
 نهادند بر زنده^۷ بند^۸ گران
 نبشتند^{۱۰} نامه بر^{۱۱} شهریار
 بفرمود تا بازگردد سپاه^{۱۳}

۵۴۵ به^{۱۴} هر کشوری نامداری^{۱۵} گرفت
 همی^{۱۸} خواندیش پیروز شاه
 کنیزک که او را رهانیده بود
 دل افروز و^{۱۹} فرخ پیش^{۲۰} نام کرد
 همان باغبان ر بسی خواسته
 ۵۵۰ همی بود قیصر ه ندان و بند
 به روم اندرون هر^{۲۳} بردش ز^{۲۴} گنج
 بیاورد^{۲۵} یکسر به شاپور داد

همان^{۱۶} بر جهان کامگاری^{۱۷} گرفت
 همی بود یک چند با تاج و گاه
 بدان کامگاری رسانیده بود،
 ز خوبان مر او را دلارام کرد
 بداد و گسی کردش آراسته
 به زاری و خواری^{۲۱} و زخم گزند^{۲۲}
 فراز آوریده ز هر سو به رنج،
 همی زیست^{۲۶} یکچند لب^{۲۷} پر ز باد

۱-ک، س^۲ (نیز ق^۲): که گفتند؛ (لی: گفتند: آ: بدل گفت) ۲-ل، ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، پ، و، آ، ب): پیغمبری؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز ل^۲، لن^۲) ۳-ق: کو؛ (لن، ل^۲، لن^۲، آ، ب: کار: آ: کین): متن = ل، س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، و) ۴-ق: بیازرد؛ (ب: بود دین) ۵-ل^۲: نباید؛ پس از این بیت ل، س^۲ دو بیت ول^۲، لی، ب، لن^۲، ب، تنها بیت دوم را افزوده اند:

برفتند لشکر بر کردار گرد
 سواران و شیران روز نبرد
 بیک هفته آنجا همی (بر آ: آن جایگه) جنگ بود
 در آن شهر از جنگ بس (ل^۲: آن پس جهان) تنگ بود

۶-ل، س: زیشان؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۷-ل^۲: و بردند) ۸-آ: باز؛ بنداری: ثم إن اهل نصیبین لم یرضوا بسلطان سابور فنفذ الیها عسکرا عظیما، وأخذها نوة فقتل من أهلها خلق عظیم، وأسر مثلهم ۹-ل، ل^۲ (نیز لن، ق^۲، و، لن^۲): همه؛ متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لی، ل^۲، پ، آ، ب) ۱۰-ل، ل^۲ (نیز ل^۲، لن^۲، آ، ب): نوشتند؛ متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، آ) ۱۱-ل^۲: سوی؛ بنداری: فکتبوا حیثذالی سابور و بذلواله السمع و الطاعة و سألوه أن تنصرف عنهم العسکر ففعل. و انضمت نصیبین الی ممالک فارس ۱۲-ک، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، پ، ب): بیخشدشان؛ (ل: بیخشدش پس)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، و، لن^۲، آ) ۱۳-ل^۲: تا باز گردند ز راه؛ ل^۲: بفرمودشان بازگشتن براه؛ بنداری: و قد قال غیرا نمودوسی: إن اهل نصیبین لما بلغهم أن مدبتهم صارت الی سابور کرهوه لمخالفته لدینهم فجلوا عنها و تحولوا الی مدن الروم. فحشد الیه سابور اثنی عشر ألف اهل بیت من اهل إصبهان و اصطخر و سائر کور ممالک، و نفذهم الیها و أسکنهم إیها ۱۴-ک، س^۲ (نیز لی، آ: ز؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۵-لی: نامداران) ۱۶-پ: همی) ۱۷-س^۲ (نیز آ): زمین شهریاری؛ (لی: زمین شهریاران)؛ ک: به هر کشوری شهریاری؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۸-ل^۲: همان) ۱۹-ک، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، پ، آ، ب): <و>؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (و) ۲۰-ل^۲: خود فرخش) ۲۱-ک، س^۲ (نیز ق^۲، پ، لن^۲، آ، ب): بخواری و زاری ۲۲-ل، س (نیز لن^۲): کمند؛ ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، لن^۲): به خیم کمند؛ (ب: بید کمند)؛ ل^۲: بید و بخواری و خشم و گزند؛ (و: بزخم و بخواری و زاری نژند)؛ متن = ق (نیز لن، ل^۲، پ، آ) ۲۳-س (نیز لن، لن^۲): هر که؛ ق-س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب): هر چه؛ متن = ل ۲۴-لی: به؛ ل^۲: بودی ز ۲۵-ل، ق-س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، پ، آ) بیاورد؛ و؛ متن = س (نیز لی، و، لن^۲، آ، ب) ۲۶-ل (نیز ق^۲، ل^۲، لن^۲): بود؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۷-ق: دل)

سرانجام^۱ در بند و زندان^۲ ببرد
 به رومش^۵ فرستاد شاپور شاه
 ۵۵۵ چنین^۷ گفت کاینست فرجام ما
 یکی را همه زفتی^۸ و ابله‌یست
 برین و بر آن^{۱۱} روز هم بگذرد^{۱۲}
 به تخت کیان^{۱۴} اندر آورد^{۱۵} پای
 وزان پس بر^{۱۶} کشور خوزیان
 ۵۶۰ ز بهر اسیران یکی شهر کرد
 کجا خرم^{۲۰} آباد بُد نام شهر
 کسی را که از تنش^{۲۳} بیرید دست^{۲۴}
 بر و بوم آن^{۲۸} یکسر او را بدی
 یکی شارستان^{۲۹} کرد دیگر^{۳۰} به شام

کلاه کیی^۳ دیگری^۴ را سپرد
 به تابوت و از^۶ مشک بر سر کلاه
 ندانم کجا باشد آرام ما!
 یکی با^۹ خردمندی و فرهیست^{۱۰}،
 خُنگ آنک گیتی به بد نسپرد^{۱۳}!
 همی بود چندن جهان‌کدخدای
 فرستاد بسبار^{۱۷} سود و زیان
 جهان را از آن بوم^{۱۸} بی^{۱۹} بهر کرد
 وزان^{۲۱} بوم خَره که را^{۲۲} بود بهر؟
 بدین^{۲۵} مرز^{۲۶} بویش جای^{۲۷} نشست
 سر سال نو خلعتی بستدی
 که پیروزشاپور گفتیش نام^{۳۱}

۱-ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ): بفرجام؛ متن = ده دستویس دیگر ۲-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، و، آ): با (ق: در) بند گریان؛ متن = ل، ل، آ
 (نیز لی، پ، لن، آ، ب) ۳-س، ق، ل، آ (نیز لن، ل، پ، و): مهی؛ (لن: آ: شهی)؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ، ب) ۴-ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، پ):
 قیصری؛ متن = ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل، آ، و، ب) ۵- (لی: برامش) ۶-ل، ق، س^۲ (لن: لی، و، ل، آ) ۷-وز: متن = س، ک، ل، آ (نیز ق^۲، ل، آ، پ،
 ب): بنداری؛ قال: وبقی قیصر فی أسر سابور حتی مات فی الحبس. فأمر فحمل تابوته إلی بلاد الروم ۷- (ق: آ: همی)؛ ک به جای این
 بیت و س^۲، ق^۲، لی، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

یکی در جهان (ب: راهمه) سالیانها (ب: سالیان بی) غمیت یکی را همه شادی (ب: دوری از) خرمیت
 ۸- (و: زشتی) ۹- (لی، پ، و، ب: را)؛ متن = ل، س (نیز لن^۲) ۱۰- (ل: آ: راهمه عقل و داندگست)؛ ق-س^۲، لن، ق^۲، آ این بیت را ندارند؛
 در لیلت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۱۱- (آ: بران و برین) ۱۲-س، ک، ل، آ س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، و، ب): بگذرد روزگار؛ متن = ل
 (نیز ل، آ، پ) ۱۳-س، ک، ل، آ س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، و، ب): مردم پاک (ل: آ: پاک) و پرهیزکار؛ (ل: آ: بادین و دانش رود؛ ب: خردمند مردم چرا
 غم خورد)؛ ق این بیت را ندارد؛ ب پس از این بیت افزوده است:

چو شاپور شه کارها کرد راست همه کین ایرانیان ازخواست

۱۴-ق: چو شاپور بتخت (وزن ندارد) ۱۵-س^۲: آورده؛ (ب: چو شاپور آورد بر تخت)؛ ل-های بین بیت در ک، ق^۲ پس و پیش شده اند
 ۱۶-ق: ابر: ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، و، آ، ب): سوی؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۱۷-ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ، ب): فراوان فرستاد؛ متن =
 ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ل، آ، و، ب) ۱۸-ق: شهر؛ (ق: آ: ازین بوم) ۱۹-ل، س (نیز پ، لن، آ): بوم پر: ل، آ (نیز لن، ل، آ، ب): بوم و بر: متن = ک،
 س^۲ (نیز ق^۲، لی، لن، آ، ل، آ) ۲۰-ل، آ: مردم ۲۱-ق، ک، س^۲: ز آن؛ (ق: آ: لی، ل، آ، ب: از آن)؛ متن = ل، ل، آ (نیز پ، لن، آ) ۲۲- (لی: کجا)؛ س، لن، و
 این بیت را ندارند ۲۳-ل: بش (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ (لن: بش؛ ق: آ: بش - حرف - و م بی نقطه)؛ ق، ک، ل، آ (نیز لی، پ، آ):
 پیش؛ متن = س، س^۲ (نیز لن^۲) ۲۴- (ل: آ: از روم برد و بیست) ۲۵-ق: بران؛ ک، ل، آ س^۲ (پ: ق: آ: لی، ل، آ) ۲۶- (لن: آ: بوم) ۲۷-ل:
 جای و؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ و این بیت را ندارد ۲۸-ل (نیز ب): او؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۹-ق، ل، آ (نیز لی، ل، آ، پ،
 ب): شارسان ۳۰- (و: یکسر) ۳۱- (لی: گفتند)؛ ل، ق (نیز لن، ق^۲، ل، آ): کردش بنام؛ س، ک، ل، آ س^۲ (نیز و، لن، آ): گفتش بنام؛ (ب: اسیر
 اندرو یافتی خواب و کام)؛ متن = (پ): بنداری؛ ثم إن سابور بنی بأرض الخوز مدینة سمها خرم آباد، وأسکنها الأساری. و بنی فیما
 یلی الشام مدینة أخرى و سماها فیروز سابور. و ذکر غیر صاحب الکتاب أنها الانبار. و به ساها برزخ سابور

۵۶۵ به اهواز کرد آد^۱ سیم^۲ شارسطان^۳ بدواندرون کاخ و بیمارستان^۴
کنام اسیرانشر کردند نام اسیر اندر او یافتی خواب و کام^۵

گفتار اندر داستان مانی صورتگر^۶

ز شامیش بگذشت پنجاه^۷ سال که^۸ اندر زمانه نبودش همال
بیامد یکی مر: کویا ز چین که چون او مصور نبند بر^۹ زمین
بدان^{۱۰} چربدستی رسیده به کام یکی برمنش^{۱۱} مرد^{۱۲}، مانی به نام
۵۷۰ به صورتگری گفت پیغامبر^{۱۳} ز دین آوران جهان برترم^{۱۴}
ز چین نزد شاپور شد بار خواست به پیغامبری^{۱۵} شاه را یار^{۱۶} خواست
سخن^{۱۷} گفت مرد گشاده زبان^{۱۸} جهاندار شد ز آن سخن بد^{۱۹} گمان^{۲۰}
سرش تیره^{۲۱} شد، موبدان را بخواند ز مانی فراوان^{۲۲} سخن ها براند
کزین مرد چنی^{۲۳} چیره^{۲۴} زبان

۱-ق: او؛ س^۲ (نیز لن، ق^۲، آ): این س^۲ نیز ل^۲، پ: سوم؛ (لن، و، لن: سیوم): ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ): دگر؛ متن = ل، ق، ل^۲، ۳-ق، ل^۲
(نیز لی، لن، آ): شارسان؛ متن = ل، بر، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، پ، و، آ) ۴-ق، ل^۲ (نیز لی، ل^۲، و، پ، لن، آ): بیمارسان؛ متن = ل، س، ک، س^۲
(نیز لن، ق^۲، و، آ): ب این بیت را ندارد ۵-ق: کام و نام؛ ک، س^۲ (نیز لی، آ): نام و کام؛ (ل^۲: خرد و کام): متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق^۲، آ، پ، و، لن، آ): ب این بیت را ندارد؛ بنداری: بنی بالأهواز مدینه آخری و أسکنها أساری الروم خاصة و هی التي سمتها العرب السوس. و هی مدینه الی جانب الحصن الذی فیہ تابوت فیہ جثة دانیال النبی صلعم. و هو الذی بنی بأرض خراسان مدینه و سماها نیابور ۶-س: داستان مانی صورتگر بدعوی پیغامبری؛ ق: داستان مانی صورتگر؛ ک: داستان مانی که دعوی پیغامبری کرد؛ ل^۲: اندر حال مانی صورتگر و دعوی پیغامبی؛ س^۲: داستان مانی صورتگر؛ متن = ل <داستان> (نیز لن ۲) ۷-ل: هفتاد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۸-س^۲ (نیز ق^۲، ان، آ): کس؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹-(لن-آ: در): ل، ق، ک، ل^۲ (نیز پ، و، لن، آ): نبیند؛ متن = س، س^۲ (نیز آ، ب) ۱۰-س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ: از ان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-(ل، آ، پ، لن، آ، آ، ب: برمنش) ۱۲-ک (نیز و): برمنش بود ۱۳-ل، ک، س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ، ب): پیغامبر؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز ق^۲، آ) ۱۴-ق: بگذرد؛ ل پس ازین بیت، س^۲ پس از بیت سپین و ل^۲ به جای بیت سپین افزوده اند:

همی کرد دعوی در (ل^۲: زهر) برتری به صورتگری هم (ل^۲: و) به پیغامبری (ل^۲: پیغامبری)

۱۵-ل، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب): پیغامبری؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز ق^۲، آ) ۱۶-(لی: باز): بنداری؛ ثم إنه بعد خمین سنة من ملکه
ظهر مانی المصور من أرض الصین، و دعی النبوة. فجاء الی سابور و استعان به فی إظهار دینه ۱۷-(ق^۲: چنین) ۱۸-(لن: زفان)
۱۹-(لن: فتادند از دین او در) ۲۰-لی: زین سخن بر غمان) ۲۱-ل، س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب): تیز؛ متن = ق (نیز ق^۲، لن، آ)
۲۲-ک: باباشان؛ ل^۲: زمانی زمانی؛ س^۲ = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ل (نیز لن، ق^۲، ل^۲، آ): چینی و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-ل
(نیز لن، پ): حیره (حرف یکم بی نقطه)؛ س (نیز و): حره (نقطه ندارد)؛ ق: حیره؛ ل^۲: خیره؛ ک، س^۲ (نیز ق^۲، لی، لن، آ): شیرین؛ متن =
(ل^۲، ب) ۲۵-(ل^۲: خود؛ ق^۲، لی، آ: فتادم من از دین او) ۲۶-س: بر؛ بنداری: و کان رجلا عذب الکلام حلو الیابن یخلب القلوب و یسحر
العیون. فساء ظن سابور و أحضر الموردة و قال: انظروا فی أمر هذا المصور. فإنی قد وقعت من شأنه فی شک؛ س، لی پس از این بیت افزوده اند:

س: جهاندار شد زان سخن بدگمان سخن گفت مردی گشاده زبان
لی: دگر گفت کان مرد دانای پیر بیاید شدن نزد او ناگزیر

۵۷۵ بگوید^۱ و هم زو^۲ سخن بشنود
 بگفتند^۵ کین مرد صورت پرست^۶
 زمانی-سخن بشنو^۹- او را بخوان^{۱۰}
 بفرمود تا موبد آمدش^{۱۳} پیش
 فروماند مانی میان سخن
 ۵۸۰ بدو گفت کای^{۱۹} مرد صورت پرست
 کسی^{۲۲} کو بلند آسمان آفرید،
 کجا نور و ظلمت بدوی^{۲۴} اندرست؟
 شب و روز و^{۲۶} گردان سپهر بلند^{۲۷}
 همه^{۳۱} کرده ی کردگارست و^{۳۲} بس
 ۵۸۵ به برهان صورت چرا بگروی
 همه جفت و همتا و یزدان^{۳۷} یکیست

مگر خود به^۳ گفتار او بگروید^۴
 نه بر مایه^۷ موبدان موبدست^۸
 چو بیند و^{۱۱} کی گشاید زبان^{۱۲}
 سخن گفت^{۱۴} با^{۱۵} از^{۱۶} اندازه بیش
 ز^{۱۷} گفتار موبد ز دین^{۱۸} کهن
 به یزدان چرا یاخی^{۲۰} خیره^{۲۱} دست؟
 بدو در مکان و زمان^{۲۳} آفرید،
 ز هر گوهری گوهرش^{۲۵} برترست!
 کزویت^{۲۸} پناهست و هم زو^{۲۹} گزند^{۳۰}!
 جز او^{۳۳} کرد نتواند این کرده^{۳۴} کس!
 همی پند^{۳۵} دیرگستران^{۳۶} نشنوی؟
 جز از بندگی کیدنت راه^{۳۸} نیست!

۱- (ن: بکشید) ۲- (و: ازو هم؛ آ: بگوئید و هم زین) ۳- (ل: خوب) ۴- (ق: نگرید) ۵- س ۲ (نیز ق: لی، آ): یکی گفت ۶- ق: بدست؛ ل ۲ (نیز ل: آ): گریست ۷- ق: بر باره؛ (ن، ب، ل، ن): بر پایه؛ لی: که بر پایه؛ آ: پر مایه؛ ۸- ل: برترست؛ (ل: مهترست)؛ ل: آ: مرد دینی برست؛ (ق: آ: به یزدان چرا آختی خیره دست)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، لی، پ، ب) ۹- ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی، و، آ): مشنو؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، ب، ل، ن، آ، ب) ۱۰- ک، ل، آ (نیز آ): مخوان ۱۱- ل: مرا؛ (لی: ترا؛ آ: که بیند و را) ۱۲- آ: نباید که باشد گشاده زبان؛ ق: آ این بیت را ندارد ۱۳- ق: آندش (حرف دوم بی نقطه)؛ (و، ل، ن: آ: آمده به؛ ب: آردش) ۱۴- (ل: آ: راند) ۱۵- ل، آ: وی ۱۶- ل، س، ل، آ (نیز لی، ل، آ، و، ل، ن، آ): ز: متن = ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ب، ب) ۱۷- ل، ل، آ: به؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ل، آ، ب) ۱۸- س، ق، و: دین؛ (و: زکین)؛ ق: آ این بیت را ندارد ۱۹- (آ: ای؛ ق: آ: یکی گفت کین) ۲۰- ل، ل، آ، س ۲ (نیز ق: لی، و، ل، ن، آ): آختی؛ س، ک، آخر (حرف های یکم و چهارم بی نقطه)؛ ق: تاختی؛ (ل، آ): ساختی؛ متن = (ل، ن، ب، ب) ۲۱- (ل: آ: چیره)؛ در ل آ این بیت دو بیت سپس تر آمده است ۲۲- ل، آ (نیز و): یکی ۲۳- ق، ل، آ: زمان و مکان؛ س ۲ (نیز لی): زمین و مکان و زمان؛ (ق: آ: ب: زمین و مکان؛ آ: مکان و زمین و زمان؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، ل، آ، ب، و، ل، ن، آ) ۲۴- ل، بد (وزن ندارد)؛ س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی، آ): بدو؛ (ق: نیز ب): بوی؛ متن = (ل، ن) ۲۵- ل، آ (نیز): گوهری گوهری؛ در پلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۶- س، ق، س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب، آ): <و>؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، و، ب) ۲۷- ل، آ: آفرید ۲۸- (ل، ن): آ: ازویت؛ و: کزویم) ۲۹- ل، آ (نیز ل، ن، آ): زویت؛ (لی: پناه و وزو هم؛ ل: پناه و زویت (وزن ندارد)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، آ، ب) ۳۰- ل، آ: درشتی و تندی و مهر آفرید ۳۱- س، آ: همو ۳۲- (لی: <و>) ۳۳- ک، ل، آ (نیز لی): چو او؛ (ل، ن، آ: تنو)؛ متن = ل، س، آ ۳۴- ل، آ: نتوان دگر کرد؛ س، آ: کرده نتواند این کرده؛ (لی: کرده نبود بدو کرده؛ متن = ل، ک، <ه>) (نیز ل، ن، آ)؛ س، ق، ل، آ، ل، آ، ب، و، آ، ب این بیت را ندارند ۳۵- ق (نیز ب): گفت؛ متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز ل، ن، آ) ۳۶- ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب): وزان؛ ک (نیز ب): دین را؛ متن = س ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): ل این بیت را ندارد ۳۷- س، ق (نیز ل، ل، آ، و، ب): که گویند پاکیزه یزدان؛ س ۲ (نیز ق، آ): که گویند پاکست و یزدان؛ (لی: که گویند دادار کیهان؛ ب: که گوینده گوید که یزدان)؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز ل، ن، آ) ۳۸- ل، س، آ (نیز لی، آ): رای؛ ل، آ (نیز ق، آ): کار؛ (ب: چاره)؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ل، آ، و، ل، ن، آ، ب)؛ در ل آ این بیت سه بیت پیش تر آمده است

سزد گر ز جنبنده^۴ برهان^۵ کنی^۳!
 ندارد کسی این سخن^۹ استوار^{۱۰}؟
 شب تیره چون روز رخشان^{۱۱} بدی
 به گردش فزونی نبود^{۱۲} نه کاست
 که او برترست از زمان و مکان^{۱۴}
 بدین بر^{۱۶} نباشد ترا یار کس^{۱۷}
 که با دانش و مردمی بود^{۱۹} جفت
 بیژمرد شاداب بازار^{۲۱} اوی^{۲۰}
 برو^{۲۲} تنگ^{۲۳} شد گردش روزگار
 به خواری ز درگاه^{۲۵} بگذاشتند
 ننگد^{۲۶} همی در سرای نشست
 بیاید کشیدش^{۳۰} سراپای^{۳۱} پوست،
 بدان تا نجوید کس این پایگاه^{۳۵}!

گر این صورت کرده^۱ جنبان^۲ کنی^۳
 ندانی^۶ که برهان^۷ نباشد^۸ نگار^۴
 [اگر اهرمن جفت یزدان بدی
 ۵۹۰] همه ساله بودی شب و روز راست
 [نگنجد جهان آفرین در گمان^{۱۳}
 [سخن های دیوانگانست و بس^{۱۵}
 سخن ها جزین یز بسیار^{۱۸} گفت
 فروماند مانی ز گفتار اوی^{۲۰}
 ۵۹۵] ز مانی برآشفست پس شهریار
 بفرمود پس تاش^{۲۲} برداشتند
 چنین گفت کین مرد صورت پرست
 چو آشوب ارمیده^{۱۷} گیتی^{۲۸} بدوست^{۲۹}
 همان خامش^{۳۲} آگنده^{۳۳} باید^{۳۴} به کاه

۱-س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ): نغز؛ متن = ل-ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن، ب) ۲-ک: جنان (وزن ندارد)؛ (ل: کرده را جان) ۳-ق^۲: بدی) ۴-ل (نیز ل^۲، لن، آ): جنبیده؛ متن = س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق^۲، لی، پ، و، ب) ۵-ک: کز جمنده بیرهان ۶-س: بدانی (حرف یکم بی نقطه) که؛ ق، ل^۲: بدانی که؛ س^۲ (نیز ق^۲، ل، آ): حنان دان که؛ متن = ل، ک (نیز لن، ل^۲، لن، ب) ۷-ل: باید (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ ق-س^۲ (نیز لی، آ): نیاید؛ متن = س نیز لن، ل^۲، لن، ب) ۸-ل، ک (نیز لن): بکار (نقطه ندارد)؛ س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل، آ، و، ب): بکار؛ متن = (پ) ۹-س، ق (نیز لن، ل^۲، لن، آ): حدیث؛ متن = ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ، ب) ۱۰-ک: آشکار ۱۱-ل، ل، آ، س^۲ (نیز لی، لن، آ، ب): خندان؛ متن = ک (نیز پ)؛ س، ق، لن، ق، آ، ل، و، آ، بیت های ۵۸۹-۵۹۳ را ندارند ۱۲-ل: نبود فزونی؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز لی، پ، لن، آ، ب) ۱۳-پ: مکان؛ متن = ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی، لن، آ، ب) ۱۴-ک، ل، آ، س^۲ (نیز پ، ب): مکان و زمان؛ (لن: گمان و زمان)؛ متن = ل (نیز لی) ۱۵-لن: راست؛ متن = ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی > و، پ، ب) ۱۶-ل، ل، آ، س^۲ (نیز لی): بدین بر؛ ک: برین سر؛ متن = س^۲ (نیز پ، لن، آ، ب) ۱۷-لن: بار خواست) ۱۸-ک نیز پ: ز محدث جزین نیز؛ ل: محدث چنین نیز؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ) ۱۹-ک: باد؛ س^۲ (نیز آ): و بخردی بود؛ (ق: بخردان گشت)؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ل، آ، ب)؛ در لن^۲ این بیت دو بیت پیش تر آمده است ۲۰-ل، ق، س^۲ (نیز آ): او؛ متن = س، س، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۱-س: بازار شاداب؛ (پ: بیژمرد شد آب بازار)؛ بنداری: فناظروه و باحشوه فانقطع المصور الزور و ظهر للملک أنه من حلیة الصدق عاظل وأن کلامه زور و باطل ۲۲-ل: بدو) ۲۳-ک: کند؛ س^۲ پس از این بیت افزوده است:

که هرگز کسی مرد از اینسان ندید نه از نامداران پیشین شنید

۲۴-س (نیز لن، لن، آ): تا سرش؛ ق: نادش (حرف های یکم و سوم بی نقطه)؛ س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ): نازود؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز ل^۲، پ، و، ب) ۲۵-ق: بدرگاه ۲۶-آ: جنبید؛ و این بیت را ندارد ۲۷-ل: و آرام؛ س^۲: آرمنده؛ ق: آرام و آشوب؛ متن = س (نیز لن، ق^۲، لی، و، آ، ب) ۲۸-ک، ل^۲ (نیز پ، لن، آ): که آشوب گیتی سر سر ۲۹-س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ، ب): ازوست؛ (ل: این شور و آشوب گیتی ازوست) ۳۰-ل، س^۲ (نیز ق^۲، لی، پ، لن، آ): کشیدن؛ متن = س-ل^۲ نیز لن، ل، آ، و، ب) ۳۱-ل (نیز پ): سراپاش؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-ک (نیز پ): چرمش؛ س^۲ (نیز لی، آ): پوستش؛ (ق^۲: پوست)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، و، ب) ۳۳-ق (نیز و): آگند؛ ل^۲ (نیز لن، آ): آنجاش آگند (لن: آ: آگنده) ۳۴-ق^۲: بینی؛ ل: آید) ۲۵-ق (نیز لی): جایگاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر

۶۰۰ بیاویزید^۱ از^۲ در^۳ شارستان^۴!
 جهانی بر او^۶ آفرین خواندند
 ز شاپور از آن^۸ گونه شد روزگار
 ز داد و ز رای^{۱۱} و ز آهنگ^{۱۲} اوی^{۱۳}
 مر او را به هر بوم دشمن نماند
 ۶۰۵ چو^{۱۶} نومید گشت^{۱۷} او ز چرخ بلند
 بفرمود تا پیش او شد دبیر^{۲۰}
 جوانی که کهنتر برادرش بود
 پسر بُد یکی^{۲۳} خرد شاپورنام
 چنین گفت پس شاه^{۲۶} با اردشیر
 ۶۱۰ که گر^{۲۹} با من از داد پیمان کنی

وگر پیش دیوان^۵ و بیمارستان^۴!
 همی^۷ خاک بر کشته افشاندند
 که در باغ با لیل^۹ ندیدند^{۱۰} خارا!
 ز بس کوشش و تخش و جنگ^{۱۴} اوی^{۱۳}،
 بدی^{۱۵} را به آیتی نشیمن نماند!
 که شد^{۱۸} سانیانش به هفتاد و اند^{۱۹}،
 ابا موبدان موبد^{۲۱} و اردشیر
 به داد^{۲۲} و خرد بر سر افرش بود
 هُنز^{۲۴} نارسیده ز اختر به^{۲۵} کام
 به پیش بزرگان و پیش^{۲۷} دبیر^{۲۸}،
 زبان را^{۳۰} به پیمان گروگان کنی،

۱-ل: بیاویختند؛ س: بیاویز بند (حرف یکم از واژه دوم بی نقطه)؛ (لن: بیاویز لد (حرف دوم از واژه دوم بی نقطه)؛ و: بیاویز تند (حرف دوم از واژه دوم بی نقطه)؛ ق: ل. ل. ل. آ: بیاویختش)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲-ل (نیز لن ۲): بیاویز بر دار؛ س ۲ (نیز پ، ب): بیاویختن بر ۳-ل ۲ (نیز لن ۲): بر ۴-ل ۲ (نیز ل. ل. پ. ب): شارسان ۵-ل. س. س ۲ (نیز لن. ل. پ. و): وگر پیش دیوار؛ ل ۲ (نیز لن ۲): وگر نه ز دیوار؛ (ق: ل. ل. آ: دگر پیش دیوار)؛ متن = (ب): ق. ک. این بیت را ندارند؛ ب پس - این بیت افزوده است:

بگردند چونانک فرمود شاه برآویختنش بدان جایگاه

۶-ل (لی: بدو) ۷-ق. ل ۲ (نیز ق. ل. آ. ب): همه؛ بنداری: فامر به فسلخ جنده وحشی تیناد صلح علی باب المدينة. فأصبح للمبطلین قاطبة عبرة صامته ناطقة ۸-ل. س (نیز لن): زان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-ل. س. ل. س ۲ (نیز لن-ل. آ. و. ب): بر گل؛ ق: باغها بر؛ متن = ل. ک (نیز پ) ۱۰-س. آ: بخندید ۱۱-ق (نیز لن ۲ <ح>): رادی ۱۲-ک. س ۲ (نیز ق. آ. ب. آ. ب): فرهنگ؛ متن = ل. س. ق. ل ۲ (نیز لن. و. لن ۲) ۱۳-ل. ق. ک. س ۲ (نیز ق. آ. ب): او؛ متن = س. ل ۲ (نیز لن. ل. لن ۲) ۱۴-ل: جنگ و بیرنگ س. ک. ل ۲ (نیز ق. آ. پ. لن ۲): بخشش و جنگ؛ ق: س ۲ (نیز ل. ل. آ. ب): ز بس (س ۲. ل. ل. آ. و. زان: ل ۲: هم از) بخشش و کوشش و سنگ؛ و: بخشش؛ متن = (لن) ۱۵-ق (نیز و. ب): بدان؛ س ۲ در اینجا سرنویس دارد؛ ولی عهد کردن شاپور اردشیر را ۱۶-ک: چه ۱۷-ل. تند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ل: بشد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۹-ق: چند؛ بنداری: واتقت أمور ممالک سابور، ز لم یق له عدو فی جمیع الأطراف. وکانت أحواله مستمرة علی وفق الثمرام متفة فی سنک النظام الی أن شارف سبعین سنة، و حان وقت رحيله؛ ق در اینجا سرنویس دارد: اندرز کردن شاپور برادرش اردشیر را ۲۰-و: وزیر) ۲۱-ل. ل ۲ (نیز پ، و. لن ۲): موبد موبدان؛ س (نیز ل ۲): نامور موبد؛ ق: موبدان موبدش؛ (لن: نامور موبدش)؛ س ۲ (نیز آ. ب): همان دانشی موبد؛ (ق: ل. ل. و): همان دانش و موبد؛ متن = ک ۲۲-ق: رای؛ ل ۲. س ۲ (نیز ق. ل. ل.): ز داد؛ ل. س ۲ پس از این بیت افزوده اند:

ورا نام بود اردشیر جوان توانا و دانا سود و زیان

۲۳-س ۲ (نیز ق. ل. ل. آ. ب): یکی کودکش؛ متن = ل. س. ک. ل ۲ (نیز لن. ل. لن ۲) ۲۴-ل (نیز و): هوز؛ س (نیز ل. ل. لن ۲): هنر؛ ک: هنو؛ (لن: بند؛ ب: همان)؛ متن = (پ): هُنز (به پیش دوم) ۲۵-و: ز گیتی به؛ ل: از جهان نارسیده به؛ ل ۲: هنوزش ز اختر نبد هیچ؛ س ۲: ز اختر همان نارسیده به؛ متن = س. ک (نیز لن. ل. آ. ب): ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: فامتحصر أخاه المسمی اردشیر، وکان أصغر منه، و کان لسابور ولد صغير یسمى سابور ایضا. و دعا بموبد الموبدان؛ س در اینجا سرنویس دار: عهدنامه شاپور اردشیر را و سپردن شاپور بدو ۲۶-ل (لی: آ: شاپور) ۲۷-ق. ک: نزد ۲۸-ل: که ای گرد و چابک سوار دلیر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-ل: اگر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۰-س: روانرا؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

پذیری ز دادار خورشید و ماه به پیش بزرگان بن بارگاه

که فرزند من^۱ چون به مردی رسد
 سپاری بدو تخت و گنج^۴ و سپاه^۵
 من^۹ این تاج ناهی سپارم به تو!
 پذیرفت^{۱۲} ازو^{۱۳} این سخن^{۱۴} اردشیر
 ۶۱۵ که چون کودک او^{۱۶} به مردی رسد
 سپارد^{۱۸} همه پادشاهی ورا^{۱۹}
 چو بشنید شاپور، پیش مهان
 چنین گفت پس شاه با اردشیر
 بدان ای برار که بی دادشاه
 ۶۲۰ به آگندن گنج بازان^{۲۶} بود^{۲۷}
 خنک شاه با داد^{۳۰} یزدان پرست
 به داد و به بخشش فزونی کند
 نگه دارد از دشمنان کشورش^{۳۵}
 که باد بزرگی بر او^۲ بریزد^۳،
 تو^۶ دستور باشی ورا^۷ نیکخواه^۸،
 همین^{۱۰} گنج و لشکر گذارم^{۱۱} به تو!
 به پیش بزرگان و پیش دبیر^{۱۵}،
 که دیهیم و تخت^{۱۷} کبی را سزد،
 نسازد^{۲۰} جز از نیک خواهی^{۲۱} ورا^{۱۹}!
 بدو داد دیهیم و مهر جهان^{۲۲}
 که کار جهان بر دل آسان مگیر^{۲۳}!
 بی پادشاهی ندارد^{۲۴} به گاه^{۲۵}!
 به زفتی^{۲۸} همان^{۲۹} سرفرازان بود^{۲۷}!
 کزو شاد باشد^{۳۱} دل زیر دست!
 جهان را^{۳۲} به دین^{۳۳} رهنمونی^{۳۴} کند!
 به ابر اندر آرد^{۳۶} سر و افرش!^{۳۵}

۱- (پ: تو) ۲- س، ک (نیز و): بدو؛ متن = ل، ن، ل، پ، ل، ن (۲) ۳- ک (نیز ل، ل، پ، ل، ن (۲): وزد؛ ل: بگاه دئیری و گردی رسد؛ ل، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): که دیهیم و تخت کبی (آ: مبی) را سزد؛ متن = س (نیز و): ق این بیت را ندارد ۴- س (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن (۲): گنج و تخت؛ س (نیز ق، آ، ل، ل، ن (۲): تاج و گنج؛ متن = ل، ک (نیز ب) ۵- (ب: کلاه)؛ ل، آ: همه پادشاهی ورا؛ (آ: سپارم همه پادشاهی ورا) ۶- (ب: چو) ۷- (ق، آ: و او) ۸- ل، آ (نیز آ): نسازم (آ: سازم) جز از نیکخواهی (آ: نیکرایی) ورا؛ متن = ل، س، ک، س، آ (نیز هشت دستنویس دیگر)؛ ق این بیت را ندارد ۹- (ق، آ: چو) ۱۰- ل، ل، س، ک، س، آ (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن (۲): همان؛ متن = ق (نیز ل، ل، ن (۲) ۱۱- س، آ (نیز ق، آ، ل، ن (۲): که دارم؛ (پ: گزارم)؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، ل، و، ن، آ، ب): ل، آ، آ این بیت را ندارند؛ بندهای: فقال لأخيه: إني أسلم إليك تاج السلطنة على أن تعاهدني على أن تسلّمه إلى ولدي عند موغة مبلغ الرجال، و تكون له دستوراً ومدبراً ومثيراً ۱۲- ق (نیز و، ل، ن، آ، ب): پذیرفت ۱۳- ل، س (نیز ل، ن): زو؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، ن، آ، ب) ۱۴- س (نیز ل، ن، و): حدیث ۱۵- (ب: وزیر)؛ س (نیز ل، ن، ل، ن (۲): دانش پذیر؛ ک، س، آ (نیز ق، آ، ب): برنا و پیر؛ (ل، آ: تو کار چون بر دل آسان مگیر)؛ متن = ل، ق (نیز ل، و): آ این بیت را ندارد؛ ل، آ بجای این بیت افزوده است:

چو بشنید کریان بشد اردشیر
 گوا کرد بر خویش برنا و پیر

۱۶- (ق: وی؛ ل، آ: تو؛ و: فرزند او چون) ۱۷- ل: تاج؛ (ل: با تاج و تخت)؛ متن = س، ک، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب): ق، ل، آ این بیت را ندارند ۱۸- ل (نیز ل، آ، ل، ن، آ، ب): سپارم؛ متن = س، ک، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، پ، و، ب) ۱۹- (ب: به او بدو) ۲۰- ل (نیز ل، آ، ل، ن، آ، ب): نسازم؛ (پ: نخواهد)؛ متن = س، ک، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ب) ۲۱- س (نیز آ): نیکرایی؛ ق، ل، آ این بیت را ندارند ۲۲- ل: شهان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ب این بیت را ندارد ۲۳- (و: که ای نامور نامدار هژیر)؛ ل، آ، ب این بیت را ندارند؛ ک، س، آ، پ پس از این بیت افزوده اند:

ک، پ: سپردم بتو تاج و تخت مبی
 س، آ: بگفت من سر بر سر گوش دار
 چنین گفت: فرمان برم چون رهی
 روان و خرد را بدان هوش دار

۲۴- س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): که او پادشاهی ندارد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- ل: بگاه (نقطه ندارد)؛ س، س، آ (نیز ل، ن، ب): نگاه؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶- ل: شادان؛ س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، ل، آ): نازان؛ (ق، آ: نازان (حرف یکم بی نقطه)؛ ل، آ: تازان)؛ متن = ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، پ، و، آ، ب) ۲۷- س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب): سزد ۲۸- ل، آ (نیز ل، ن، آ): برفتن ۲۹- ل، س، ق، س، آ (نیز ل، ن، ل، آ، و، آ، ب) سر؛ ک: همی؛ متن = (پ) ۳۰- ل، ل، آ، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ل، ن، آ): داد و؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، آ، پ، و، آ، ب) ۳۱- ق: مانند ۳۲- (ل، آ: جهانی) ۳۳- (و: کنون) ۳۴- (ل، ن، ب: بخشش ز دل رنج بیرون) ۳۵- (ل، آ: افرش؛ ل، آ: لشکرش) ۳۶- س، آ (نیز ق، آ): آید؛ ل، ن این بیت را ندارند

به داد و به آرام^۱ گنج آگند
 ۶۲۵ گناه از گنه‌کار بگذاشتن
 هر آن کس که او این هنرها بجست
 بیاید خرد شاه را ناگزیر
 دل پادشا چون گراید به مهر
 گنه‌کار باشد^۹ تن^{۱۰} زیر دست
 ۶۳۰ دل و مغز مردم دو شاه تزانند
 چو مغز و^{۱۴} دل مردم^{۱۵} آلوده^{۱۶} گشت
 بدان تن در آسیمه^{۱۹} گردد روان
 چو روشن نباشد^{۲۱} پیراگند^{۲۲}
 چنین هم چو^{۲۴} شد شاه بیدادگر
 ۶۳۵ برو^{۲۶} بر پس از مرگ نفرین بود
 به بخشش ز^۲ دل^۲ رنج پیراگند!
 پی^۳ مردمی با^۴ نگه داشتن،
 خرد باید و^۵ حیم و رای درست!
 هم آموزش^۶ مرد برنا^۷ و پیرا
 برو کامها تازه^۸ دارد سپهر!
 مگر مردم پان^{۱۱} یزدان پرست!
 دگر آلت تن^{۱۲} سپاه تزانند^{۱۳}،
 به نومیدی از ران^{۱۷} پالوده^{۱۸} گشت،
 سپه چون زید شاد^{۲۰} بی پهلوان!
 تن^{۲۳} بی روان را به خاک افکنند^{۲۲}!
 جهان زو شرد^{۲۵} اک^{۲۵} زیر و زبرا
 همان^{۲۷} نام او شاه بی‌دین بود!

۱- (لی: دهش نیز) ۲- ل: بیخشش گل؛ (ل: غم و؛ ل: دل) <زدل> (وزن ندارد)؛ متن = یزده دستنویس دیگر؛ ل: این بیت را ندارد
 ۳- س: ۲ (نیز ق: آ، لی: آ)؛ ره: ۴- ل: ۲؛ مردمیها: ل: ۳؛ این بیت را ندارند ۵- ق: یابد و؛ س: ۲ (نیز ق: آ، لی: آ، ب)؛ یافت با؛ ل: ۳؛ این بیت را ندارد
 ۶- ق: ل: ۲ (نیز ل: ن)؛ آموزش؛ (و: همان نازش) ۷- س: ۲؛ دانا ۸- ل: (لی: بدو کامها باز دارد)؛ متن = ل: ک، س: ۲ (نیز پ: ل، ن)؛ س: ق، ل: آ، ل: ن، ق: آ، ل: ۲، و، آ، ب این بیت را ندارند؛ لی: پ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو فرزند باشد ورا زیر دست وزو شاددل مرد یزدان پرست

در ک، لی: پ این بیت دو بیت سپس تر و در ل: ۲ پنج بیت سپس تر آمده است ۹- ک: باید ۱۰- (لو: همه) ۱۱- ل: ک (نیز ل: ن، ق: آ، لی: پ)؛ پاک و؛ ل: آ؛ بود شاد و آباد؛ متن = س: ق، س: ۲ (نیز ل: آ، و-ب)؛ پس از این بیت ک، پ، ب سه بیت... ل: آ تنهایی یکم و لی تنهایی چهارم را افزوده‌اند:

اگر زو دل شاه کین آورد همه رخته دردد و بین آورد
 دل پادشا چون گراید به مهر برو کامها تازه داد سپهر
 چو فرزند باشد ورا زیر دست وزو شاددل مرد یزدان پرست
 لی: اگر پشه با پیل کین آورد همه رخته داد و دین آورد

۱۲- (ل: ن، آ، و، ل: آ؛ از تن: ب؛ از ل: ن)؛ متن = ل: ک، س: ۲ (نیز ق: آ، لی: پ، آ) ۱۳- (ل: ن، ل: ن؛ وید:!)؛ ل: آ این بیت را ندارد ۱۴- ک: <و>
 ۱۵- (لی: مرد) ۱۶- ق: آسوده ۱۷- ل: ک، س: ۲ (نیز و، ل: ن، آ، ب)؛ راه؛ متن = ل: ۲ (نیز ل: ن، لی: ل، آ، ب) ۱۷- ق: آلوده؛ (ق: آ؛ خردمندی از شاه آلوده) ۱۹- ل: س: ۲ (نیز ق: آ، آ، ب)؛ سراسیمه؛ ق: در آسوده؛ متن = س: ک، ل: ۲ (نیز ل: ن، ل: آ، ن، آ) ۲۰- س: (نیز ل: ن، ق: آ، آ، ب)؛ شاه؛ ل: آ؛ بود شاه؛ ک: بود شادی؛ (پ: بود شاد) متن = ق: س: ۲ (نیز ل: آ، و، ل: ن)؛ لی: این بیت را ندارد؛ ل: ن پس از این بیت افزوده است:

دل پادشا چون گراید به مهر برو کامها تازه دارد سپهر
 چو فرزند باشد ورا زیر دست وزو شاددل مرد یزدان پرست

۲۱- س: ۲ (نیز ل: آ، پ، و، آ)؛ نباشند؛ (ق: آ؛ شود زود؛ لی: ل: ن؛ نباشدش؛ ب: مهتر نیابند) ۲۲- ل: ک، ل: ۲ (نیز ق: آ، لی: ل: ن، آ)؛ پیرا کند؛ افکند؛ متن = س: س: ۲ (نیز ل: ن، ل: آ، پ، و، آ، ب) ۲۳- س: بی (نقطه ندارد)؛ ق: این بیت را ندارد ۲۴- ل: آ، چنان، همچو؛ (ل: آ؛ چنین هم که) ۲۵- ل: زود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد ۲۶- ل: بدو؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷- (ل: آ، آ، همه)؛ در س: آ، ق: آ، لی: آ، ب؛ ل: های این بیت پس و پیش شده‌اند

به دین دار چشم و به دین^۱ دار^۲ خشم
 هر آن پادشا کو جزین^۵ راه جست^۶
 ز کشورش پراگند^۹ زیر دست
 نبینی که دانا چه گویدهمی
 ۶۴۰ که هر^{۱۲} شاه که را ستایش بود^{۱۳}
 نکوهیده باشد جفایشه^{۱۶} مرد
 بدان ای برادر که از^{۱۸} شهریار
 یکی آنک^{۲۰} پیروزگر باشد اوی^{۲۱}
 دگر آنک^{۲۳} لشکر بدارد به داد
 ۶۴۵ - کسی کز بر پادشاهی بود
 [سدیگر که دارد به دل راستی
 چهارم که با^{۲۸} زبردستان خویش
 ندارد در گنج ر^{۳۱} بسته سخت^{۳۲}
 نباید^{۳۵} در پادشا بی^{۳۶} سپاه

که اویست دارنده^۳ چشم و خشم^۴!
 ز نیکیش باید^۷ دل و دست^۸ شست!
 همان از درش مرد خسرو^{۱۰} پرست!
 دلت را ز کژی^{۱۱} بشویدهمی،
 همه^{۱۴} کارش اندر^{۱۵} فزایش بود^{۱۳}!
 به گرد در آزداران^{۱۷} مگرد!
 بجوید^{۱۹} خردمند هرگونه کار:
 ز دشمن نتابد که جنگ^{۲۲} روی!
 بداند فزون^{۲۴} مرد^{۲۴} نژاد!
 بخواهد^{۲۵} که مهتر سپاهی^{۲۶} بود -
 نیارد به داد^{۲۷} اندرون کاستی!
 همان با گهر^{۲۹} درپرستان خویش^{۳۰}،
 همی بارد از شاخ^{۳۳} بار^{۳۳} درخت^{۳۴}!
 سپه را در^{۳۷} گنج دارد نگاه!

۱-ل،ک (نیز ل): بدان: ق: ز دین؛ م: ن ← ۲-ل ۲ (نیز ل): آ: (لی: بزیر آ): متن = س (نیز ل، پ، و، ب) ۳- (لی: داننده) ۴-س: دین و خشم؛ ک (نیز ل، پ): خشم و چش؛ متن = ل، ق، ل ۲ (نیز ل، و، ل، آ، ب): س، آ، ق، آ، این بیت را ندارند ۵- (لی: آ، چنین؛ ل: آ، زین؛ ق: آ: جزان پادشا کو چنین) ۶- (ن: آ: ر بجست): ل: آ: بدی را بجست ۷- (ل: آ: نیکی بیاید) ۸- (پ: گیتی دل و دست بایش) ۹-ل: پیدا کند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۰-س ۲ (نیز لی، آ، ب): یزدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ل: بکژی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- (ق: آ: گر) ۱۳-ل: آ: کند بود (!) ۱۴- (آ: همان) ۱۵- (ل: آ: کار او در) ۱۶-ل: جهانندیده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷-س ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): آ: ز جابان؛ ل: آ: آزداران بر (وزن ندارد): ق: جفاییشگان تا توانی (وزن ندارد): متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ل، ل، آ، پ، و، ب) ۱۸-ق: مر ۱۹-ل، س، ق، س ۲ (نیز ل): بجوید (حرف یکم بی نقطه): (ق، آ، لی، و، ل، آ: نجوید)؛ متن = ک (نیز ل، آ، ب)؛ لی پس از این بیت افزوده است:

بدان ای برادر که بیدادشاه
 که او پادشاهی ندارد نگاه
 نخواند خردمند او را به شاه
 چو او راه شاهی ندارد نگاه

۲۰- (ل: آ: آنکه) ۲۱-ق (نیز ب): او ۲۲-س: چاره؛ س ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): رزم؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- (ل: آ: آنکه) ۲۴-ل (نیز ق، آ: ل، و، ب): مردم؛ ل: آ: مردم؛ س ۲ (نیز پ: ز مردم): (لی: ز مرد و: آ: ز مردم): س: فزون ارج مرد؛ متن = ق، ک (نیز ل، ل، آ) ۲۵-ل، س، ل، آ، س ۲ (نیز ل): بخواهد (حرف یکم بی نقطه): ک (نیز ل، ل، آ، ب): نخواهد؛ متن تصحیح قیاسی است: ق، آ، لی، آ، این بیت را ندارند ۲۶-ق: کهنتر بخواری ۲۷- (ق: آ: بکار)؛ متن = س ۲ (نیز لی، آ، ب): ل، ل، آ، ل، آ، ل، آ، این بیت را ندارند ۲۸- (ق: آ: از: لی: بر): ل: آ: دگر آنک با؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹-س، ک، ل، آ (نیز ل، پ، و، ل، آ، ب): کهن؛ س ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): نامور؛ متن ← ۳۰- (ل: آ: ندارد در گنج را بسته سخت (!))؛ متن = ل، ق ۳۱- (ل، آ: در) ۳۲- (ل: آ: همی بارد از بار شاخ درخت) ۳۳-س ۲: بار شاخ؛ ل: آ: بار برگ؛ (لی: پادشاهی؛ پ: نازد از بار شاخ؛ آ: یازد از بار شاخ؛ ب: همه ز بار بار چو برگ از)؛ متن = ل، ک (نیز ل، ق، آ، و، ل، آ) ۳۴- (ل: آ: همان بر گهر درپرستان خویش) ۳۵-ل: شاید (حرف های کم و دوم بی نقطه): س: ندارد (نقطه ندارد)؛ ق: نباشد؛ ک: نیابد؛ ل: آ: نباید (حرف یکم بی نقطه)؛ س ۲ (نیز ق، آ، و): ندارد؛ (ل، ل، آ، ل، آ: نباشد؛ لی: نیابد که؛ ب: که باشند)؛ متن = (پ) ۳۶-ل، ق: پادشاهی؛ س، ک، ل، آ (نیز لی، ل، آ، ل، آ، ب): پادشاهی (حرف ششم بی نقطه)؛ متن = (ل، ل، پ): س، آ، ق، آ، و، آ، این بیت را ندارند ۳۷-س: ابر؛ ل: آ: دگر

تو از گنج شاد سپاه از تو شادا
 سزد کت^۳ سب تیره آید به کارا
 چو ایمن بُدی^۵ راست کن کار خویش،
 اگر تیره‌یی گب^۷ چراغ جهان^۸!
 چن^۹ اندرز بنیشت^{۱۰}، سالی بزیست^{۱۱}،
 تو اندر جهان نخم زفتی^{۱۴} مکارا!
 چنین برده رنج تر^{۱۷} دشمن خورد!
 برین^{۲۰} کار^{۲۱} ترخ نشیمن بود!
 ز بیشی که^{۲۴} خُبش^{۲۵} نگیرد^{۲۶} کمی^{۲۷}
 ز گیتی^{۳۰} چرا عویم آیین و فر؟
 بگویم ز^{۳۲} گفتار من یاد گیر!

۶۵۰ اگر گنجت^۱ آباد داری به داد
 سلیحت در^۲ آرایش خویش دار
 بس ایمن مشو بر^۴ نگهدار خویش
 سرانجام^۶ مرگ آیدت بی گمان
 برادر چو بشنید چندی گریست
 ۶۵۵ برفت و^{۱۲} بماند این^{۱۳} سخن یادگار
 که هم^{۱۵} یک زمان^{۱۶} روز تو بگذرد
 چو آدینه^{۱۸} هرمزد^{۱۹} بهمن بود
 می لعل پیش آورم^{۲۲}، هاشمی^{۲۳}
 چوشت^{۲۸} و سه شش سال و شد^{۲۹} گوش کر
 ۶۶۰ کنون داستانهای^{۳۱} شاه اردشیر

۱- (ق ۲، آ: ح)؛ ۱: (نیز پ، و، ب)؛ تخت ۲-س (نیز لی، لن، آ)؛ سلاح و دل؛ ق (نیز لن، ل، آ)؛ «و»؛ ب، و، ب)؛ سلیح و دل؛ ۱: سلیحت دل؛
 ۲ (نیز ق ۲، آ)؛ سلیح تن؛ متن = ل ۳- (ل: ۳: گر)؛ ۱: مگر کان؛ س ۲ (نیز ق ۲، آ)؛ بود کت؛ (لی: پ: مگر کو)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، و، لن، آ،
 ب)؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ لی پس از این بیت افزوده است:

نظر کردن پادشاهی بود بخواهد که مهر ساهی بود

۴- (ل: آ: از من مشو در) ۵- ل، ل: شدی؛ ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ)؛ بوی؛ ۱: س ۲ (نیز لی، و، آ، شون)؛ (ب: کنی؛ ل: که چون من شوی)؛
 متن = س ۶- س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ)؛ که فرجام ۷- س ۲ (نیز لن، لی، ل، لن، آ)؛ تیره گردد؛ متن = ل، س ۲ (نیز ق ۲، پ، و، آ، ب) ۸- س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ)؛ زمان؛ متن = ل، س ۲ (نیز لی، پ، آ، ب) ۹- ل، س ۲ (نیز ق ۲، ب)؛ چو؛ متن = (لن) ۱۰- ل، س، ق، س ۲ (نیز لن، ل، و،
 ب)؛ بنوشت؛ ل: برگفت؛ (لن: آ: پیوست)؛ متن = ۱: (نیز پ، آ) ۱۱- ل: برست (حرف‌های دیم و سوم بی نقطه)؛ (و: بر سب (بی نقطه))؛
 ل: یکدم نزیست؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۲- (ل: آ: او) ۱۳- (آ: آن) ۱۴- (لن: آ: رستی)؛ بنداری؛ فعاعده اردشیر علی ذلک
 بمحضر من العلماء و الاکابر، و أبرموا العهود و الموائیق. ثم قضی سابور نجبه و صار لامر بی آخیه اردشیر ۱۵- س ۲ (نیز لی، آ)؛
 همان؛ (ق: آ: همی)؛ (لن: آ: هم) (وزن ندارد) ۱۶- (و: بیگمان) ۱۷- ق: تویی مرده از رنج و ۱۸- س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل، آ، ب)؛ آیین؛ متن =
 ل- ل ۲ (نیز لن، پ، لن، آ) ۱۹- (ب: هرمزدو) ۲۰- س ۲؛ بدین ۲۱- س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب)؛ کاخ؛ متن = ل (نیز ل، آ)؛ و این بیت
 را ندارد ۲۲- ل، س، س ۲ (نیز لی، و، آ)؛ آوری؛ (ق: آ: آرای؛ لن: آ: آوری)؛ متن = ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ل، آ، پ، ب) ۲۳- ق: همنشین ۲۴- ل:
 رسی که (نقطه ندارد)؛ س: ز نشی که (حرف دوم از واژه دوم بی نقطه)؛ ۱: ز جامی که؛ ل: که خمش؛ (ق: آ: ز خمی که؛ ل: آ: به پیش
 آنکه؛ پ: ز جایی که؛ و، آ: ز پیشی که؛ لن: آ: به پیشی که)؛ متن = س ۲ (نیز لن، لی، ب) ۲۵- ل: جنبش؛ س (نیز لی)؛ حشمش؛ ۱: س ۲ (نیز لن،
 پ، و، آ)؛ خمش؛ ل: ز خشتی؛ (ق: آ: هرگز؛ ل: سوشم (حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ لن: آ: جشمش؛ ب: خشم)؛ متن تصحیح
 قیاسی است ۲۶- ل (نیز و)؛ نگیرد (حرف یکم بی نقطه)؛ (لن: بگیرد)؛ متن = س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ق ۲، پ، لن، آ، ب) ۲۷- ق: ز پیشی و
 خشمند نداری کمین ۲۸- ک، س، آ: شصت ۲۹- ل: بدسال شد؛ س (نیز لن، لن، آ)؛ سالم شد؛ (ق: آ: شد شصت و سه سال شد؛ ب: شصت
 و دو شد سال شد)؛ متن = ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل، آ، پ، و)؛ ق، لی، آ این بیت را ندارند ۳۰- س، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب)؛ پیشی؛ متن = ل، ل، آ،
 س، ق، لی، آ این بیت را ندارند ۳۱- (ب: داستانی ز) ۳۲- س، س، س ۲ (نیز لن، لی، آ)؛ تو؛ متن = ل (نیز ق ۲، ب)

اردشير نيكوکار

پادشاهی اردشیر نیکوکار ده سال بود^۱

چو بنیست بر گاه^۲ شاه اردشیر
 کمر بست و^۴ ایرانیان را بخواند
 چنین گفت کز دور چرخ بلند
 جهان^۸ گر شود رام با^۹ کام من
 ۵ ور ایدونک^{۱۲} با ما^{۱۳} نسازد جهان
 برادر جهان ویژه ما را سپرد
 فرستیم جان ورا^{۲۰} آفرین
 چو شاپور شاپور گردد بلند
 سپارم بدو گاه و تاج و سپاه^{۲۴}
 بیاراست آن تخت^۳ شاپور پیر
 بر پایه^۵ تخت زرین^۶ نشاند
 نخواهم که باشد^۷ کسی را گزند!
 نبیند^{۱۰} تیزی ز آرام^{۱۱} من!
 بسازیم ما^{۱۴} جهان^{۱۵} جهان!
 چن^{۱۶} از باغ^{۱۷} برکت- و با^{۱۸} دخمه برد^{۱۹}!
 که از بدسگالان^{۲۱} بست او^{۲۲} زمین!
 شود نزد او گاه و تاج^{۲۳} ارجمند!
 که پیمان چنین کرد^{۲۵} شاپور شاه!

۱-ل. ک: پادشاهی اردشیر نیکوکار ده سال بود: ل. ۲: پادشاهی اردشیر نیکوکار دوازده سال بود: س. ۲: پادشاهی اردشیر ده سال بود: متن = س. ق (نیز ل. ل. ۲. و. ل. ۲): بنداری: ذکر نوبه اردشیر آخی سابور ذی الأکتاف، الملقب بالمحسن. و کانت مدّة ولايته عشر سنين
 ۲- (و: برگاه بنیست) ۳- ک (نیز پ): گاه: (ل. ۲: تاج): درک این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۴- (پ. و: بسته) ۵- (ق. ۲: نامور: آ: مایه ور): ک. ل. ۲ (نیز پ. ب): آن پایه ۶- (لی: تخت پرمایه اندر) ۷- ک: بگیتی: و. که آید) ۸- (ل. ۲: همان) ۹- ک. ل. ۲ (نیز ل. ۲. پ. ب): بر: متن = ده دستنویس دیگر ۱۰- ل. ک (نیز ل. ل. ۲): به بیند: س (نیز ل. ۲. و): نبیند: ق. س. ۲: نبیند (حرف های چهارم و پنجم بی نقطه): (ل. ۲: بنسند (حرف های دوم، چهارم و پنجم بی نقطه): ق. ۲: پسند (حرف چهارم بی نقطه): پ: پسند: آ. ب: به بیند)
 ۱۱- ل. ۲: نه بیند چیزی جز از نام: متن تصحیح قیاسی است ۱۲- (لی: گر ایدون که: ل. ۲: ور ایدونکه ۱۳- ل. ۲ (نیز ل. ۲. آ): من ۱۴- (ل. ۲: بر) ۱۵- ق: بر کار و کرد: بنداری: قال: ولما جلس أردشیر علی تخت الملک واعتصب بتاج السلطنة ستحضر أكابر الايرانيين ونصحهم وعظهم ۱۶- ل. ل. ۲ (نیز ل. ۲. و. ل. ۲): چو: س. ۲ (نیز ق. ۲. لی. آ): دل: متن = (ل. ۲) ۱۷- س. ۲ (نیز ل. ۲. ل. ۲. آ): تاج ۱۸- س. ۲ (نیز ق. ۲. لی. و): و: (و. آ): وزی: ق: بر بهره: متن = س (نیز ل. ل. ۲) (و. ل. ۲) ۱۹- ل. ک. ل. ۲ (نیز پ. ب): ازیر که فزند او بود خرد ۲۰- ل. ۲: فرستم روان: (آ: فرستیم بر جان او): متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- (ل. ۲: بدسگالان (وزن ندارد)) ۲۲- و (نی لی): این ۲۳- س: کاخ و تاج: ق: تاج و گاه: ک: تخت و تاج: س. ۲ (نیز ل. ل. ۲. آ): تاج و گاه: (ق. ۲: پ: تاج و تخت): متن = ل (نیز ل. و. س. ۲. ل): این بیت را ندارد ۲۴- ل. ۲: کلاه: س. ق. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. و. آ. ب): تاج و گنج و سپاه (ل. ل. ۲: تاج و گاه و سپاه): متن = ل ۲۵- س. ۲ (نیز ق. ۲. لی. آ): بست

- ۱۰ من این تخت را^۱ پایکار^۲ ویام
[شما یکسره داد یاد آورید
چنان دان که خوردیم و بر ما^۴ گذشت
همان از پدر یادگار ویام
بکوشید و آیین^۳ داد آورید!
چو مردی^۵ همه رنج تن^۶ باد گشت!
- چو ده سال گیتی همی داشت راست
نجست از کسی بژ و ساو^۹ و خراج
۱۵ مر او را نیکوکار از تن^{۱۲} خواندند
چو شاپور گشت از در تاج و گاه
نگشت آن دلاور ز^{۱۵} بیمان خویش^{۱۶}
بخورد و ببخشید چندانک^۷ خواست^۸
همی رایگان داشت آن^{۱۱} گاه و تاج^{۱۱}
که هر کس تن آسان^{۱۳} ازو ماندند
مر او را سپرد آن خجسته کلاه^{۱۴}
به مردی نگه داشت سامان^{۱۷} خویش^{۱۶}

۱-ک: وی؛ بنداری: ثم قال: إن سابور قد سمى الملك لأقوم بتدبيره وأنهى بأعباء أموره الى أن يترعرع ولده سابور و يصلح لأن يتقلد أمر التاج و التخت فأفوضه عد ذلك اليه، وأقر حقه من ذلك عليه. فأنا اليوم كالثائب بين يديه ۲- (ل: ۳: پایدار؛ ب: سازگار) ۳-ل: آیین و؛ متن = ک. ل: ۲ (نیز لی، ر، ب): س. ق. س. ۲. ل. ن. ق. ۲. ل. و. ل. ن. ۲. آ. این بیت را ندارند ۴-ل: ۵-ق: مردم؛ س: ۲ (نیز ق: ۲. لی، آ. ب): رفتی؛ متن = ل. س. ک. ل: ۲ (نیز ل. ن. ۲. ل. ن. ۲) ۶-ل. ک. ما؛ ل: ۲. رنجه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-ل: چیزی که؛ س: ۲ (نیز ب): از آسان که؛ (لی، آ: ز آسان که ل: ۲. ن: ۲: چندانکه؛ و: چندی که؛ ق: ۲: بیخود از آسوکه)؛ متن = س. ک. ل: ۲ (نیز ل. ن. پ) ۸-ق: بیخود انکس هوست ۹-س (نیز ن. ل. ۲. ل. ن. ۲. آ): ساو و باژ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-ل (نیز لی): از؛ س: ۲ (نیز ق: ۲. آ): او؛ (و: داد تا داشت آن)؛ متن = س. ق. ک. ی. <و>. ل: ۲ (ب: ل. ن. ۲. پ. ل. ن. ۲. ب) ۱۱-س: ۲ (نیز ق: ۲. آ. ب): تخت و تاج؛ (لی: تخت عاج)؛ بنداری: ثم إنه سار فيهم بأحسن سيرة وأعدل طريقة. أسفط عنهم الخراج وقال: لا أخذ منكم شيئا وإنما أقوم بسياسة أموركم تبرعا ۱۲-ل (نیز ب): زان؛ س: ۲: ازو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- (ل: هراسان) ۱۴-ل: این بیت را ندارد ۱۵-س (نیز ل. ن. ۲): دل او ز؛ ی: دلاور به؛ ل: ۲: از دل و رای و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- (آ: او-او) ۱۷- (ل: فرمان؛ ل: ۲. آ: بیمان)؛ بنداری: فسموه أردشير نیکوکار. و معناه ذوالأفعال الحسنة الرضية. ثم إنه بعد عشر سنين من ملكه سلم التاج و التخت الى ابن أخيه سابور بن سابور و صار له وزيراً و مشيراً

شاپورِ شاپور

پادشاهی شاپور پسر شاپور پنج سال و چهار ماه بود^۱

چو شاپور بنشست بر جای^۲ عم^۳
 چنین گفت کای^۴ نامور بخردان
 بدانید کآن کس که گوید دروغ
 دروغ آزمایی^۵ نباشد ز^۶ رای
 ۵ همان مر تن^۷ سفته را دوستدار
 کسی^۸ را کجا مغز^۹ باشد بسی^{۱۰}
 زبان را^{۱۱} نگهدار باید بدن
 که بر انجمن مرد بسیارگوی
 اگر دانشی مرد راند^{۱۲} سخن
 از ایران^{۱۳} بسی شاد و بهری^{۱۴} دژم،
 جهان دیده و رای زن موبدان،
 نگیرد از آن پس^{۱۵} بر ما فروغ!
 که از رای باشد^{۱۶} بزرگی به جای^{۱۷}!
 نیایی، به باء اندون^{۱۸} خو مکار^{۱۹}!
 گوازه نباید رین بر کسی!
 نباید روان را^{۲۰} به زهر آزدن^{۲۱}!
 بکاهد به^{۲۲} گفتار خویش^{۲۳} آبروی!
 تو بشنو که داش نگردهد کهن!

۱-ل: پادشاهی شاپور سی سال و یک ماه بود؛ ق: پادشاهی شاپور بن شاپور پنج سال و چهار ماه بود؛ ل: پادشاهی پسر شاپور پنج سال بود؛ س: پادشاهی شاپور بن شاپور پنج سال؛ ک جای سرنویس را خالی گذاشته است؛ متن = س (نیز ل: ۲)؛ بنداری: ثم ملک سابور بن سابور ذی الأکاف ۲-ق، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل، آ، ب)؛ تخت؛ متن = ل، س، ک، ل: ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ ۳-ل: ۳-آ، غم؛ بنداری: قال: فقعده مقعد عمه ۴-س، ق (نیز پ، و، ل، ن: ۲)؛ ز ایران؛ ک، ل: ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ ۵-پ، و، جندی؛ ق، ل: ۲؛ شاد بهری ۶-س، ل: ۲ (نیز ل، ل، آ، ب)؛ با؛ متن = ده دستویس دیگر ۷-ل: ازین پس؛ ک، س: ۲ (نیز ق: ۲، پ، آ، ب)؛ از آ، پس نگیرد؛ متن = س، ق، ل: ۲ (نیز ل، و، ل، ن: ۲)؛ ۸-ل: از بر ما؛ ک: آزمایش؛ (پ: آزما را)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۹-ل: به؛ ل: ۲؛ نماند؛ (پ: نباشدش)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۰-ک (نیز پ)؛ مانند ۱۱-ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل، آ، ب)؛ بیای؛ متن = ل، و، ن، ک (نیز ل، پ، و)؛ ۱۲-ل: ۲ (نیز ل: ۳)؛ مردم؛ س: ۲ (نیز ق: ۲)؛ بد تن و؛ (لی: بد تن؛ آ: همه بد تن و)؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، پ، و، ل، ن: ۲)؛ ۱۳-ل: جز نکار (حرف یکم از واژه دوم بی نقطه)؛ (ل، ن، آ: جو مکار؛ لی: حو نکار (نقطه ندارد)؛ ق: ۲؛ جو ب کار؛ ب: جز نکار)؛ ل: ۲؛ بکاخ اندرون جز نکار؛ (ل: ۲)؛ نیابد بکاخ اندرون خوبکار)؛ متن = س، ک، س: ۲ (نیز پ، و)؛ ق این بیت را ندارد ۱۴-ل: سری؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۱۵-لی: مغز)؛ ۱۶-س: بجای (پساوند ندارد)؛ ۱۷-ل: ۲ (نیز ل، ن)؛ ز فلترا؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۸-ل: ۲ (نیز ق: ۲، ل، آ، ب)؛ ز بانرا؛ متن = ل، ک، س: ۲ (نیز ل، پ، و)؛ ۱۹-ک (نیز پ)؛ آزدن؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۰-س: ۲ (نیز پ، آ، ب)؛ ز ۲۱-ل: (نیز ل: ۲)؛ خود؛ (لی: نماندش نزد کسی)؛ متن = س، س-س: ۲ (نیز ل، ق، آ، پ-ب)؛ ۲۲-ل: ۲ (نیز پ)؛ گوید

۱۰ دل آزورمرد باشد به^۱ درد^۲
 مکن^۵ دوستی با^۶ دروغ‌آزمای
 سرشت تن از چار^۸ گوهر بود
 اگر^{۱۱} سفله، گر^{۱۲} مرد با شرم و راد^{۱۳}
 سیم^{۱۶} کو^{۱۷} میانه گزیند^{۱۸} ز کار^{۱۹}
 ۱۵ چهارم که بپراگند^{۲۳} بر گزاف
 دو گیتی بیابد^۶ دل مرد راد^{۲۷}
 بدین گیتی اندر^{۲۹} بود نام زشت
 ز تنگی^{۳۲} بماند همان^{۳۳} مرد لاف^{۳۴}
 ستوده کسی کو میانه گزید
 ۲۰ شما را جهان‌آفرین یار^{۳۵} باد!
 جهاندارمان^{۳۷} باد فریادرس
 بگفت این و از^{۳۸} بیش برخاستند

۱-۱-۲ (نیز لن، ل-۲، لن-۲، ب): مرد نامع ال، ق، ل: مطمع) بود پر ز (ل، ق، ل: زیر): متن = س^۲ (نیز ق، آ، ۲) -۲- (ل: دست) ۳-ل-۲
 (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): طمع تا توانی: متن = س^۲ (نیز ق، آ، ۲) -۴- (ل: که مطمع ز خواریش هرگز نرسد): لی این بیت را ندارد ۵-ک:
 مکر ۶- (ل: بر) ۷-ل، ک: پاکیزه: متن = سیزده دستویس دیگر ۸-ق: جای: (ق: خاک) ۹-س: جهان نیز: ک، ل (نیز پ، لن، آ): که
 آتش درین (پ: ازین) چار: متن = ل (نیز لن، و) ۱۰-ق، س^۲ (نیز ق، آ، ل، ل، آ، ب): که با مرد هر جای (لی، ل، آ: هر چار) در خور: متن = ل،
 س، ک، ل (نیز لن، پ، و، لن، آ) ۱۱-س^۲ (نیز ق، آ، لی، آ): دگر ۱۲-ل، آ: سفله ۱۳-س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن-ب): داد: ق: رای: متن = ل ۱۴-لن، آ:
 و گر پر خرد: آ: بازادی و) ۱۵- (ق: آ: بدل ز بدنهاد): ق: بازادی وی بر آید ز جای ۱۶-س، ق، ک، س^۲ (نیز ق، آ، پ، و): سوم: ل (نیز لن، لی،
 ل، لن، آ، ب): سیوم: (آ: سوم): متن = ۱۷-ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ۲): گر ۱۸-س^۲ (نیز ق، آ، لی، آ): گزینی ۱۹- (لی: نکار) ۲۰-ل: بسند
 (حرف یکم بی نقطه): س^۲ (نیز ل-۲، ب): پسند: متن = س-ل (نیز لن، ق، آ، لی) ۲۱-س^۲ (نیز ق، آ، لی، آ): آید از ۲۲-س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن،
 ق، آ، ل، و، لن، آ، ۲): روزگار: متن = ل، ک، (نیز لی، پ، ب) ۲۳-ق: پیدا کند: ک، ل (نیز پ، لن، آ): نیرو کند: (و: نبراکند): متن = ل، س، س^۲ (نیز
 لن-ل، آ، ب) ۲۴-ل: همی: س، ک، ل، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): بی: (آ: نه بی): متن = ق (نیز ل، و) ۲۵-ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ،
 لی، پ-ب): ز: ل: آ: نه: (ل: مرد جوینده): متن = ق ۲۶- (لی: نیابد) ۲۷- (ل: آ: داد) ۲۸-ل، ل، آ (نیز لن، آ): یک روز: (ق، آ، ب: از داد: لی، آ: از
 رود): ک (نیز پ): مردم سفله: متن = س، ق، س^۲ (نیز لن، ل، آ، و) ۲۹-ل: او را: ق (نیز ل، آ، و): گیش در: متن = یازده دستویس دیگر
 ۳۰-ک، ل (نیز لن، آ): او خود ۳۱- (ل: نباشد): ق: نیابد در آن گیتی اندر ۳۲-ل، ل، آ، س^۲: دو گیتی: س (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب): ز سکی
 (واژه دوم بی نقطه): ک: ز گیتی: متن تصحیح قیاسی است ۳۳-ل: ساند دل (واژه اول بی نقطه): س^۲: نیابد دل: (ب: نماند همان): ق:
 ز نیکی بماند همی: متن = س، ک، ل (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب) ۳۴-ق: سطف: (حرف‌های سوم و چهارم بی نقطه): ق، آ، لی، و، آ این بیت
 را ندارند ۳۵-ل: یاد: متن = چهارده دستویس دیگر ۳۶-ل، س: تحت (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): ک (نیز لن، ق، آ، و): تحت
 (حرف یکم بی نقطه): (ل، آ، لن، آ، تحت): متن = ق، ل، آ، س^۲ (نیز لی، پ، ب) ۳۷-ل، آ (نیز ل، و): دن: س^۲ (نیز ق، آ، لی): جهان‌آفرین
 ۳۸-ل: تحت (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): س: تحت (حرف‌های دوم و سوم بی نقطه): ق: تحت (حرف‌های یکم و سوم بی نقطه):
 ل (نیز ق، آ، و): تحت (حرف دوم بی نقطه): (لن: تحت (حرف یکم بی نقطه): لی: تحت و): متن = ک، س^۲ (نیز ل، آ، پ، لن، آ، ب): در و
 لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند. ۳۹-ق، ل، آ: وز ۴۰- (لی: بدو) ۴۱-ل، آ: خامتند

بشد شاه روزی به نخچیرگاه،
چه پرنده و چند تازان^۵ به تگ^۶،
چو چیزی بخورد و بیاسود^۹ شاه،
پر اندیشه شد، سر سوی خواب کرد،
چو در خواب ندید شهریار رمه^{۱۳}،
که کس باد از آن سان^{۱۵} ندارد به یاد،
بزد بر سر شهریار بلند،
کلاه کیی دیگری را سپرد!

چو شد سالیان پنج با^۱ چار ماه
جهان شد پر^۲ از یوز و بازان و^۳ سگ^۴
ستاره^۷ زدند از پی^۸ خوابگاه
سه جام^{۱۰} می^{۱۱} خسروانی بخورد
پراگنده گشتند یاران^{۱۲} همه
بخفت او و از^{۱۴} دشت برخاست باد
فرورده^{۱۶} چوب^{۱۷} ستاره^{۱۷} بکند
جهانجوی^{۱۸} شاپور جنگی بمرد

چه یازی^{۲۱} به کین^{۲۱} چه نازی به گنج^{۲۲}!
هنر جوی و راز جهان را مجوی!
پژوهش^{۲۷} مکن^{۲۸}، گرد رازش^{۲۹} مگرد!

مباز و متاز و مناز و^{۱۹} مرنج^{۲۰}
که^{۲۳} بهر تو اینست ازین^{۲۴} تیره گوی
که گر بازیابی^{۲۵}، بیچی^{۲۶} ز^{۲۶} درد

۱-ل (نیز آ): بر؛ ق: ابر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری؛ و عقد التاج علی رأسه؛ حضرت اکیابر الفرس فخطبهم بخطاب
نصحبهم فيه و وعظهم و وعدهم من نفسه الخیر. فدعواله و تفرقوا من ذلك المجلس. ثم إنه قام بأمر الملك خمس سنين وأربعة أشهر
۲-س، ق، ل، آ، س، ق (نیز ل، ب، ل، ن، آ، ب): پر شد؛ متن = ل، ک، ۳-ک (نیز ب): باز و یوزان و؛ س، آ: باز و یوز و؛ ق، آ: باز و از یوز و؛ آ: باز
و یوز و ز) ۴-ل: باز و از یوز تک (حرف دوم از واژه پین بی نقطه)؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ل، ن، آ، ب) ۵-س، ق (نیز ل، ن،
ق، آ): تازان (حرف یکم بی نقطه)؛ ک: یازان؛ (ب: چه دونده؛ ل، آ: چنگ یازان؛ ل، آ: پوینده و چند بویان)؛ متن = ل، ل، آ، س، آ (نیز آ، ب)
۶-ل: چو پرنده چند یازان به تنک)؛ و این بیت را ندارد ۷-ق: شراعی ۸-س، ک، س، آ (نیز ل، ب، ل، ن، آ، آ): از بر؛ ل، آ (نیز ب): ستاره ز
دیدار بر؛ متن = ل، ق (نیز و) ۹-ق، ل، آ، ل، آ، ب، بر آسود) ۱۰-ل: خام؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱-ک، ل، آ (نیز ل، آ): از می
۱۲-ل: لشکر؛ (ل: گردان؛ ق: بازان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳-ق: رفتند یاران همه؛ س، آ (نیز ق، آ، ل، آ): دلبران و هم پیشکاران
همه ۱۴-ق، ل، آ، و ز ۱۵-ل، ل، ن، آ، ل، ن، آ، ز انسان)؛ ل، آ: ماه ازیشان ۱۶-ل، ک: فرو برد و؛ ق: وزان زود؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
۱۷-ل، آ (نیز ل، آ): ستاده؛ ق: شراعی؛ متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری؛ فاتق أنه ذات یوم خرج الی انصید فصار الی متصیده فضربت
خیمه و مذلسماط بین یدیه. فلما طعموا وانتشروا أنزاد أن یقیل ساعة فنام فعصفت الريح و هو قائم فیرقع علیه عمود الخیمه فمات ۱۸-ق:
بدان چوب ۱۹-ل: مباز و مناز و متاز و؛ س: نو زافزونی گنج و بیسی؛ ق (نیز ل، ن): بساز و بنار و بنار (حرف یکم بی نقطه) و؛ ک: ماز و
میاز و مناز و؛ ق، آ: بتاز و بناز و بساز و؛ ل: بساز و بیاز و مناز و؛ ل، آ: بساز و نیاز و بیاز و؛ ب: ماز و مناز و میاز و؛ و: بساز و بیاز و بنار
و؛ ل، ن، آ: مناز و متاز و میاز و؛ آ: بساز و بیاز و متاز و؛ ب: بناز و بیاز و بتاز و؛ متن = ل، آ، س، آ، ۲۰-ل، آ، ب: برنج) ۲۱-ل، ک: تازی؛ ل، آ:
یاری؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ق (نیز ل، ن، و): به رنج؛ (ب: یازی به گنج) ۲۳-ل، آ، ب: جو) ۲۴-ل، س، ق (نیز ل، ل، آ): زین؛
متن = ک، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، ب) ۲۵-ق، ک: باز مانی؛ س، آ: باز جویی؛ (ل، ب: اگر باز جویی ل، آ: گر نازیابی؛ و: وگر باز جویی؛ آ: چون
باز جویی)؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ل، ن، ق، ل، آ، ب) ۲۶-ل: به پیچد؛ (آ: نه پیچی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-ل، ن، آ: نکوهش)
۲۸-ل، ک، ن، و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-ق، ک (نیز ل، آ، ب): آزش؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل، ک، س، آ، ب پس از این بیت
افزوده اند:

چه با مرد برنا چه با مرد پیر
ز کارش نباشد (ب نباشد ز کارش) خردمندشاد

ل، س، آ: چنین است کردار این چرخ پیر
ک، ب: جهان را چنین است رسم و نهاد

بہرامِ شاپور

پادشاهی بهرام پسر شاپور چهارده سال بود^۱

خردمند^۲ شایسته بهرام شاه^۳
 چو بنشست بر جایگاه مهی
 که هر^۶ شاه کز داد^۷ گنج آگند^۸
 ز ما ایزد پاک خشنود بادا!
 همه دانش اوراست^{۱۱}، ما بنده بیم
 جهانداریزدان بود داد و^{۱۳} راست
 کسی کو به^{۱۶} بخشش توانا بود
 نباید که بندد^{۱۸} در گنج سخت
 وگر^{۱۹} چند^{۲۰} بخشی ز^{۲۱} گنج سخن
 ز نیک^{۲۳} و بدی‌ها به یزان گرای
 اگر زو شناسی همه^{۲۵} خوب و زشت

همی داشت سوگ پدر چنگاه^۴
 چنین گفت بی^۵ تخت شاهنشاهی،
 بدانید کان گنج نپراگند^۹!
 بداندیش^{۱۰} را دل پر از دود بادا!
 که کاهنده^{۱۲} بی هم^{۱۲} فزاینده بیم!
 که نه فزود در^۴ پادشاهی، نه کاست^{۱۵}!
 خردمند و بدار و دانا^{۱۷} بود،
 بویژه خداوند دیهیم و تخت!
 برافشان^{۲۲} که دانش نیاید به بن!
 چو خواهی که یکی ماند به جای^{۲۴}!
 بیابی به پاداش خرم بهشت!

۱-ل: پادشاهی بهرام چهارده سال بود؛ س: پادشاهی بهرام پسر شاپور چهار ماه بود؛ ک: پادشاهی بهرام شاپور چهل سال بود؛ س: آ.
 پادشاهی بهرام شاپور پانجده سال بود؛ متن = ل: آ؛ بنداری: ثم ملک ابنه بهرام بن سابور بن سابور ۲-س، ک، س: آ (نیز ل، ق، آ، پ، ن، آ، آ، ب): خردمند و؛ متن = ل، ق (نیز ل، ل، آ، و) ۳-ل: آ؛ بهرام شایسته مرد ۴-ق: آ؛ سال؛ ق: چارماه؛ ل: آ؛ پر ز درد ۵-ل، ی، پ: با) ۶-ل: آ؛ همان) ۷-س: آ؛ مال ۸-آ: آورد) ۹-س: آ؛ پیراگند؛ ک: کو گنج پیراگند ۱۰-س (نیز ل، ل، ی، ن، آ، ب): دو؛ ل: بدو داد؛ ل: آ؛ باداد و؛ متن = س، ک، ل: آ.
 را و) ۱۲-ک: کاهنده بیم و؛ س: که هم کاهنده (وزن ندارد) ۱۳-ق (نیز ل، ل، ی، ن، آ، ب): دو؛ ل: بدو داد؛ ل: آ؛ باداد و؛ متن = س، ک، ل: آ.
 س: آ (نیز ق، آ، پ، و، آ) ۱۴-ل: ک، س: آ (نیز ل، و، ب): نفروذ (حرف یکم بی نقطه)؛ ل: آ؛ به نفزرد؛ آ: نفروزد از؛ متن تصحیح قیاسی
 است ۱۵-ل، ق (نیز ل، ل، آ): نکاست؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶-س: آ؛ ز ۱۷-ق: ک؛ د ما و بینا؛ ب: گویا و دانا؛ متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۱۸-پ: یابد) ۱۹-س: آ (نیز ق، آ، ل، ی، آ، ب): اگر ۲۰-ک، ل: آ (نیز پ): گنج؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-ق: آ؛ که)
 ۲۲-س (نیز آ): بر آن سان ۲۳-و: بنیک) ۲۴-ل: آ؛ نیکی بود رهنمای؛ ق: آ، ل، آ؛ این بیت را نذرند ۲۵-ل: روش اسی چنین (واژه دوم
 بی نقطه)؛ ل، ی، آ: روشایی همه)

وگر برگزینی ز^۱ گیتی هوا
 چو داردت^۳ یزدن، بدو دست یاز^۴
 چنینست امیدم به یزدان^۶ پاک
 ۱۵ جهاندار پیروز دارد مرا
 گر اندر جهان داد پیراکنیم^۹
 که^{۱۲} ایدر بماند^{۱۱} همی^{۱۴} رنج ما^{۱۵}
 بد و نیک ماند ز ما^{۱۶} یادگار
 چو شد سال آن پادشا بر دو هفت
 ۲۰ به یک^{۲۰} چند گه دیر بیمار بود
 نبودش پسر، پنج^{۲۲} دخترش بود
 بدو داد ناکام^۴ گنج و سپاه^{۲۵}
 به پالیز^{۱۷} آن سرو یازان^{۱۸} بخفت^{۱۹}
 دل کهتران^{۲۱} پر ز تیمار بود
 یکی کهتر از وی^{۲۳} برادرش بود
 همان^{۲۶} مهر شاهی^{۲۷} و تخت و کلاه^{۲۸}

۱-س^۲ (نیز لی، آ): به ۲-ق: تو مانی ۳-ل: دادست) ۴-ل: (لی، لن، آ: باز): ۵-ل: (ب: ز بد دست باز) ۵-س، ک، ل، آ: س^۲
 (نیز لن، ق، آ: ل، لن، آ: ب): همیشه بمانی: ق: هلا تا نمایی: (لی: بمانی همیشه): متن = ل: پ، و این بیت را ندارند ۶-ل: امید یزدان: ق:
 امیدم چنینست یزدان: متن = س: سیده دستنویس دیگر ۷-ل: سازی (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): س: سارم (بی نقطه): ق: بازم
 (حرف دوم بی نقطه): ک، ل، آ: یارم (تهجا حرف دوم نقطه دارد): (لن: نیارم: ق: آ: بتازم: پ: نیارم: و: بازم (حرف یکم بی نقطه): لن: آ:
 ییارم): س^۲ (نیز لی): متن نتازم: (ل^۲ بس سازم: آ: ب: من بیازم): متن تصحیح قیاسی است ۸-ل، س، ک، ل، آ: س^۲ (نیز لن، ق، آ: لی، ل، آ: ب،
 و، لن: آ): بدین: متن = ق: (نیز آ: ب) ۹-س، ل، آ: (نیز لن، لن، آ: ب): پیراکنم: ل: پیداکنم: متن = ق: ک (نیز ل، آ: ب، و) ۱۰-ل، آ: پس ۱۱-ل، آ:
 پیوسته): س^۲، ق، آ: لی، آ این بیت را ندارند: درل این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۲-ل: گر: (و: چو): متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۱۳-ل: (و: نماند: آ: بمانی) ۱۴-ل، س، آ: همه: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵-ل، آ: (من): ل: آ این بیت را ندارند: ل پس از
 این بیت افزوده است:

که تخت، بزرگی نماند به کس جهاندار باشد ترا یار بس

بنداری: فلما فرغ من عزاء ابیه تنم سریر الملک. و حضرته اکابر الفرس فوعدهم من نفسه العدل وأنه یسير فیهم بأحسن سیره

۱۶-ل، آ: همی: و: مابس ز ما): ل پس ز این بیت افزوده است:

ز بیداد باشی تو دانی بغم ز بیداد باشی تو دانی بغم

ز داد و بانس جهان شادمان ز تو داد ماند همه شادمان

۱۷-س، ک، ل، آ: س^۲ (نیز ق، آ: لی، ل، آ: و): بیالیدو: ق: < و > (نیز لن، پ، آ: ب): بنالیدو: (و: بیالیده): متن = ل ۱۸-س، ل، آ: (نیز لن،
 و، لن: آ): شادان: (لی: نازان: ب: بالال: آ: س: شاداب): متن = ل، ق، ک، س^۲ (نیز ق، آ: ب، آ): ۱۹-ق: بتخت ۲۰-ق: آ: ب: همی ۲۱-ک، ل، آ: س^۲
 (نیز ق، آ: لی، پ، آ: ب): مهتران: متن = ل، س، و (نیز لن، ل، آ: و، لن، آ): ۲۲-ل، س، آ: (نیز پ): هیچ: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳-ل، آ: که کهتر
 ازو یک) ۲۴-ل: ناگاه: ل: باکام: (ل: شاهی و): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-ق: کلاه ۲۶-ل: هم از) ۲۷-ل: (ل: شادی): ک: تخت
 شاهی ۲۸-س: آ: تخت زرین و ایرا، سپاه، (لی: تخت زرین و زرین کلاه): بنداری: مقام بالملک أربع عشرة سنة، ثم مرض ولم یکن له ابن،
 و کانت له خمس بنات، وأخ أصغر س منه یسمی یزدجرد، فعهده الیه و مات: ک، س، آ: ب، آ: پس از این بیت با اختلافات کوچکی افزوده‌اند:

کجا نام او یزدگردش نهاد پدر چون بدانگه که او می یزداد

بفرمود تا شد برش یزدگرد سپه را سراسر همه کرد گرد

بدو داد شاهی و گنج و کلاه همان تخت زرین و ایران سپاه

جهاندار برنا^۱ ز گیتی برفت برو سالیان برگزیده دو هفت

ایا شست و سه ساله^۲ مرد کهن همان^۵ روز تو ناگهان بگذرد
 ۲۵ جهاندار ازین^۸ پیر^۹ خشنود بادا! اگر در^{۱۲} سخن موی کافد^{۱۳} همی
 گر او^{۱۶} این سخن‌ها که اندرگرفت^{۱۷} به نام^{۲۰} شهنشاه شمشیرزن
 ۳۰ زمانه به کام^{۲۲} شهنشاه بادا! که زویست کام و بدویست نام^{۲۵}
 بزرگی و دانش ورا راه^{۲۹} بادا! تو از باد^۳ تا چند رانی^۴ سخن!
 در^۶ توبه بگزین^۷ و راه خرد! خرد مایه باد و^{۱۱} سخن سود^{۱۱} بادا!
 به باریکی^{۱۴} اندر شکافد^{۱۵} همی! به پیری سر آرد^{۱۹}، نباشد^{۱۹} شگفت!
 به بالا سرش برتر از^{۲۱} انجمن! سر تخت او^{۲۳} افسر^{۲۴} ماه^{۲۴} بادا!
 وزو باد^{۲۶} تخت^{۲۷} کیی شادکام^{۲۸}! وزو دست بدخواه کوتاه^{۳۰} بادا!

۱-ل: بر باد: ک: با ناز: متن = دوازده دستنویس دیگر: ل این بیت را ندارد ۲- (آ: سال) ۳- س: ۲ (نیز ل، لی، لن، آ، ب): باده: متن = ل، س ۲ (نیز ق، آ، آ) ۴- ل: آ: داری ۵- ق (نیز ق، آ): همین: ل (نیز ب): همی: متن = یازده دستنویس دیگر ۶- ق: تن ۷- (ق: آ: برگیر) ۸- ل: زین: متن = چهارده دستنویس دیگر ۹- س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل، لی، پ، لن، آ، آ): بنده: متن = ل، ق (نیز ق، آ، ل، آ، و، ب) ۱۰- (ق: آ: بادش) ۱۱- (لی: تار باد و سخن بود: آ: یار باد و سخن بود) ۱۲- (ق: آ: که اندر: لی: وگر بر ۱۳-: خواهد: (ق: آ، و: مو شکافد) ۱۴- ل: باریکی (بی نقطه): س، ق، ل، آ، س ۲ (نیز لن-آ): بتاریکی: ک: باریکی (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): متن = (ب) ۱۵- (ق: آ، ل، آ، و: بیافد) ۱۶- (لی، ل، آ: کزو) ۱۷- ل: ایدر بگفت: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸- ل، آ، س ۲ (نیز لی، ل، آ، آ، ب): سراید: (ق: آ: بر آرد) ۱۹- (ل: آ: ندارد) ۲۰- ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی، آ): بفر: متن = ل، س، ق (نیز ل، ق، آ، ل، آ، لن، آ، ب) ۲۱- (ق: آ: بر فرار): ل، آ پس از این بیت افزوده است:

ابوالقاسم آن نام با داد و دین	خداوند دیهیم و تخت و نگین
جهاندار محمود گیتی‌گشای	خداوند شمشیر و فرهنگ و زای
خداوند ایران و توران و هند	همان قلزم و نین و دریای سند

۲۲- (ل: آ: بگاه) ۲۳- (ل، لن، آ: وی) ۲۴- (ب: وزو دست بدخواه کوتاه) ۲۵- ک، س، آ (نیز لی، پ، آ، ب): ازو باد تخت کیی (ب: مهی) شادکام
 ۲۶- ل: وزاباد: متن = س، ق، ل، آ (نیز ل، ل، آ، و، لن، آ) ۲۷- (ق: آ: بدویست تاج) ۲۸- ک، س، آ (نیز لی، پ، آ، ب): کزویست کام و ازو نان و نام
 ۲۹- ل: یاد: (لی، آ: یار): متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- (ب: سر تخت او افر ماه): ک، لی، د، پس از این بیت افزوده‌اند:

بمین دول (ب: همی دولت) شاه محمود باد سر تخت او افر جود باد

بنداری بیت‌های ۲۴-۳۲ را ندارد

یزدگرد بزه‌گر

پادشاهی یزدگرد بزه‌گر بیست سال بود^۱

چو شد پادشا بر جهان یزدگرد
کلاه برادر به سر برنهاد
چنین گفت با نامداران شهر
نخست از^۸ نیایش^۹ به یزدان^{۱۰} کنید!
۵ بدان را نمائم^{۱۲} که دارند^{۱۳} هوش
کسی کو بجوید^{۱۴} ز ما راستی
به هر جای جاه وی^{۱۸} افزون کنیم!
سگالش نگوییم^{۲۰} جز با ردان
کسی را کجا دل بر^{۲۳} آهو بود
سپه را ز^۲ شیر^۳ اندر آورد^۴ گرد
همی بود از آن^۵ مرگِ ناشاد^۶ شاد
که هر کس که از داد یابید^۷ بهر،
دل از داد ما^{۱۱} شاد و خندان کنید!
وگر دست یازند^{۱۱} بد را به کوش^{۱۵}!
بیار آمد از^{۱۷} کژی و کاستی،
ز دل کینه با آ^{۱۹} بیرون کنیم!
خردمند^{۲۱} بیداردل موبدان^{۲۲}!
روانش ز منن^{۲۴} بنیرو^{۲۵} بود،

۱-س: پادشاهی یزدگرد شاپور بیست و یک سال بود؛ ق. ل: پادشاهی یزدگرد بزه‌گر سی سال بود؛ ک: پادشاهی یزدگرد سی سال بود؛
س: پادشاهی یزدگرد بزرگ سی سال بود؛ بندهاری: ذکر نوبه یزدگرد بن سابور بن سابور ذی لاکتاف و کانت مدة ملکه سبعین سنة
۲-ق. ک: (نیز ق. ۲): به ۳-ل: دشت ۴- (و: هر سو در آورد)؛ س: سپاه پراکنده را کرد؛ (ل: ۳: سپاه پراکنده آورد)؛ متن = ق. ک، ل: ۲ (نیز لن،
ق. ۲، ل، پ، ل، ن: ۲، آ، ب: <اندر>)؛ ب: وزن ندارد ۵- (ق: ۲: بودش از) ۶- (ل، ل، ل: ناشاد و) ۷- ل، ل، س، ل: ۲ (نیز ل، ل، ن: ۲، آ): یابید (حرف
چهارم بی نقطه)؛ ق: بایند؛ س: ۲ (نیز لن): یابید (حرف‌های یکم و سوم بی نقطه)؛ (ق: ۲: یابید فقط - حرف یکم نقطه دارد)؛ ب: دارید؛ ب: که
از هر کسی که از داد یابید (وزن ندارد)؛ متن = ک ۸- س: ۲ (نیز ل، ل، آ): آن ۹- س، ل: ۲: آزمایش؛ (ق: ۲: نخستین ستایش؛ ل: ۲، پ، و، ب:
نخستین نیایش)؛ متن = ل (نیز لن، ل، ن: ۲) ۱۰- ک: نخستین یزدان نیایش ۱۱- (ل: ۲: دادها)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۲- ک: نمایم؛ س: ۲: نماند
۱۳- (آ: نباید که دارید) ۱۴- ک: (نیز ل: ۲): یابید ۱۵- (آ: بکش (پساوند ندارد)؛ ق: ۲: یابی تویدر مکوس)؛ ل: ۲: همه سانه باشیه نیکی نبوش؛
(ل: ۲: مگر آنکه اندرز دارند گوش) ۱۶- (ل، ل، ل، ن: ۲: نجوید؛ ق: ۲: هر آنکس که جوید) ۱۷- ق: نیز زارد از؛ (ق: ۲: بیار آورد؛ ل: بشوید دل
از؛ آ: بیار آمد از) ۱۸- ق: راه تو؛ (ل: ۲، آ: جای جای وی) ۱۹- ل، ل، ک، س: ۲ (نیز پ، آ، ب): کینه و آ: ق (بزو): آزا کینه؛ (ل: ۲: دل از باروز کینه)؛
متن = س (نیز لن، ق: ۲، ل، ن: ۲)؛ ل: این بیت را ندارد ۲۰- (و: نجویم؛ ب: نگیریم) ۲۱- ق: <و> ۲۲- س: ۲ (نیز ل، پ، ب): بخردان؛ آ: این بیت
را ندارد ۲۳- ک، س: ۲ (نیز پ، ب): بر تن؛ (ل: تن بر): ل: کجا پر ز؛ ق: که او پر ز؛ ل: که جا بی ز متن = س (نیز لن، ق: ۲، ل، ن: ۲) ۲۴- ل،
ک، س: ۲ (نیز لن، ق: ۲، آ، ب): هستی؛ ق: سستی؛ ل: ۲ (نیز پ، و، ل، ن: ۲: سنی (حرف‌های یکم و دوم نقطه ندارند و می توان میم هم خواند)؛
متن = س (نیز ل، ل، ن: ۲) ۲۵- (ل: ۲: بی آهو)؛ آ: این بیت را ندارد

۱۰ به بیچارگان بر ستم سازد اوی^۱
 بکوشیم^۵ و نیروش بیرون کنیم!
 کسی کو نپرهید^۷ از خشم ما
 همی بستر از خاک جوید تنش!
 به فرمان ما چشم روشن کنید!
 تن^{۱۲} هر کسی^{۱۳} گشت لرزان چو بید
 ۱۵ گر از خیره^۲ گردن برافرازد^۳ اوی^۴
 به درویش ما نازش^۶ افزون کنیم!
 همی بگذرد تیز^۸ بر چشم ما
 همان^۹ خنجر هندوی گردنش!
 خرد را برین^{۱۱} رزم^{۱۱} جوشن کنید!
 که گوپال و شمشیرشان^{۱۴} بد امید^{۱۵}!

بزرگی فزون گشت و^{۱۶} مهرش^{۱۷} بکاست!
 همه رسم^{۱۹} شاهیش^{۲۰} بی کار گشت^{۱۸}!
 همان دانشی پر خرد^{۲۲} موبدان^{۲۳}،
 جفایشه شد^{۲۶} جان تاریک اوی^{۲۵}!
 به هیچ آرزو نیز^{۲۸} پاسخ نداد!
 به ژرفی^{۳۰} مکافات کردی^{۳۱} گناه^{۳۲}!
 فزایندهی اختر و کشورش^{۳۴}،
 که هرگز نجویند^{۳۷} از آن^{۳۸} بوم^{۳۹} برا!
 ز هول شهنشاہ بی جان^{۴۱} شدند!

چو شد بر جهان پادشاهیش راست
 خردمند نزدیک و خوار گشت^{۱۸}!
 کنارنگ با پهوان^{۲۱} و ردان
 یکی گشت با با:^{۲۴} نزدیک اوی^{۲۵}
 ۲۰ سترده شد از جان او مهر و^{۲۷} داد
 کسی را نبد^{۲۹} نزد او پایگاه
 هرآنکس^{۳۳} که دستور بد بر درش
 همه^{۳۵} عهد کردد یک با دگر^{۳۶}
 همه یکسر از بیم پیچان^{۴۰} شدند

۱-ل-س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، و، ل ۲، ن ۲): ا: متن = (ل، ن، پ) ۲-س، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ن، ل، ن ۲): چیز ۳-ل: چیز درویش بفرآزد: ک: چیز کردن سرافرازد: (ق: آ: سر از گرد کرده برافرازد): متن = ق ۴-ل-س ۲ (نیز ق ۲-و): او: متن = (ل، ن، پ، ل، ن ۲ (پساوند ندارد))، آ، ب این بیت را ندارند ۵- (ق: آ: بتازیم) ۶-ل ۲: بر نایش: آ، ب این بیت را ندارند ۷-ل: پرهیزد: (ل: به پرهیزد): متن = سیزده دستویس دیگر ۸-ل، ق: نیز: متن = سیزده دستویس دیگر ۹-ق: هم از: (ق: آ: سر) ۱۰-ل ۲ (نیز ل): بدین: متن ← (۱۱-ق: کار: ل: بتن بر چو: متن = سیزده دستویس دیگر ۱۲- (ق: آ: ل، و: آ: تری) ۱۳- (و: سرکشی) ۱۴- (ل: شمشیر و کویالشان) ۱۵- (ل: شمشیر و کویال بد بردمید): بنداری: و هو یزدجرد الملقب بالأئید. و كان فظا غليظا يستعظم في الثواب رد الجواب. و يستصغر في العقاب ضرب الرقاب ۱۶-ل ۲ (نیز ل، ن ۲): <و>: ل: کرد و: ق: فزون شد بزرگی و: متن = س، ک، س ۲ (نیز ق ۲-ب) ۱۷- (ق: آ: قرش): ل: ن این بیت را ندارد ۱۸- (آ: شد) ۱۹- (ل: آ: رزم) ۲۰- (ب: شادیش): ل: ن این بیت را ندارند ۲۱-س ۲ (نیز ل، آ، ب): بخردان: (ق: آ: از آن بخردان) ۲۲-س، ل ۲ (نیز ل، ن ۲، ب): پرهیز: (ل: آ: باهنر): س ۲ (نیز ق ۲، ل، ی، <ی>، آ): دانشی پاک دل: متن = ل، ک (نیز و، ب) ۲۳- (ل، ن، پ، و، ل، ن ۲: بخردان): ق این بیت را ندارد ۲۴-ل ۲ (نیز ق ۲): داد: س ۲: باد و ۲۵-ل (نیز ل، آ، ب): او: متن = ده دستویس دیگر ۲۶- (ق: آ: بد): ق این بیت را ندارد: بنداری: و لما استوی أمره و انتظم ملكه زاد ظلمه و نقص عدله فعطل مراسم الملوك، و استهان بذوی الألباب و العقول، و استوی عنده العالم و الجاهل، و البر و الفاجر ۲۷-ق: <و>: س ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، ن ۲، آ): سترگی گرفت او نه مهر و نه: (ق: آ: سترگی گرفت آن نه مهر و وزن ندارد) ۲۸- (ق: آ: آ: هیچ: و: بیش) ۲۹-س ۲ (نیز ق ۲، ل، ی): که بد ۳۰-ل ۲: برفتی: س ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، ل، ن ۲، آ: بزودی: آ: فزودی): متن = ل-ک (نیز پ، و، ب) ۳۱-ک (نیز ب): کردن: ل ۲: کرده ۳۲-س (نیز ب): نگاه ۳۳- (ل: آ: همانکس) ۳۴-ق: اختر کشورش: ک (نیز ل، آ، ب): افسرو اخترش ۳۵-ق: همان ۳۶-ل-س ۲ (نیز ق ۲، ل، ی، پ، آ): با یکدگر: متن = (ل، ن، ل، آ، و، ل، ن ۲، ب) ۳۷-س (نیز ب): نخوانند: ل ۲: نجویند: س ۲: نجویم: متن = یازده: دستویس دیگر ۳۸-ل: زن: ق (نیز و، ل، ن ۲): آن: (آ: ازین): متن = ده دستویس دیگر ۳۹-ل-س ۲ (نیز ق ۲، ل، ل، آ، و، ب): بوم و: متن = (ل، ن، ب) ۴۰-ق، ل ۲ (نیز آ): بی جان: (ق: آ: گریان: ل: لرزان) ۴۱- (ق: آ: جهاندار پیچان: ل: آ: شهنشه گریزان)

۲۵ فرستادگان کآمدندی^۱ ز^۲ راه
 چو دستور از آن^۳ آگهی یافتی^۴
 به گفتار گرم و به آواز نرم^۵
 بگفتی که شاه از در کار^{۱۱} نیست
 نمودم^{۱۴} بدو هرچ^{۱۵} درخواستی
 همان زیردستان فریادخواه،
 بدان کارها^۵ تیز بشتافتی^۴،
 فرستاده^۷ را راه دادی^۸ به^۹ شرم^{۱۰}،
 شما^{۱۲} را بدو راه دیدار^{۱۳} نیست،
 به فرمانش^{۱۶} پید شد آن^{۱۷} راستی^{۱۸}!

گفتار اندر زادن بهرام گور^{۱۹}

۳۰ ز شاهیش بگذشت چون هفت^{۲۰} سال
 سر سال هشتم^{۲۳} مه^{۲۴} فوردین^{۲۵}
 یکی کودک آمدش^{۲۹} هر مزد^{۳۰} روز
 هم آنکه^{۳۲} پدر کرد^{۳۳} بهرام نام^{۳۴}
 به دربر^{۳۸} ستاره شمر هرک^{۳۹} بود
 ۳۵ یکی مایه‌ور بود^{۴۰} با فرّ و هوش
 یکی پارسی بود^{۴۲} هشیار^{۴۳} نام
 بفرمود تا^{۴۵} پیش شاه آمدند
 همه موبدان زو^{۱۱} به رنج و^{۲۲} وبال،
 که پیدا کند^{۲۶} در^{۳۷} جهان هور^{۳۸} دین،
 به نیک‌اختر و فال^{۳۱} گیتی فروزا!
 و زان^{۳۵} کودک خرد^{۳۶} شد شادکام^{۳۷}!
 که شایست گفتار ایشان شنود
 سر هندوان بو، نامش پرورش^{۴۱}
 که بر چرخ کردی^{۴۴} به دانش لگام
 هشیوار و جوینده راه آمدند

۱-ل.س.ل.س. ۲ (نیز ل.ن.ل. ۲.ن. ۲.آ.ب): آمدندی: متن = ق.ک (نیز ب. و) ۲-ق: به ۳-ل.ز.ن: متن = چهارده دستنویس دیگر ۴-ک: یافتند-بشتافتند ۵-س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ.ب): بر ۶-(و: آوای نرم): ل.آ: نرم و به آوای گرم: س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ.ب): شیرین و آواز نرم؛ متن = ل.ک (نیز ل.ن.ل. ۳.پ. ل.ن. ۲) ۷-آ: فرستاده ۸-ق: بار دادی: س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ): ر. ندای: متن = ده دستنویس دیگر ۹-س. ل. ۲.س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ): ز ۱۰-(ق. ۲.غم (پساوند ندارد)) ۱۱-(ق. ۲.لی. و. ل.ن. ۲.آ. بار: ب. گاه) ۱۲-س. ۲ (نیز ل. ۲.آ): کسی ۱۳-(ب. بیدار از راه) ۱۴-(ل. ۲.پ. و. نمودی) ۱۵-س. س. ۲ (نیز ق. ۲.ب): هر چه: متن = ل (نیز ل.ن) ۱۶-ق: فرمان و ۱۷-س. ۱ (نیز ل.ن. ق. ۲. و): شدی: س. ۲ (نیز ل. ۲.آ): شده: (ل. ۲.آ: شود): متن = ل. ق. ک (نیز ب. ب) ۱۸-ل. ۲.لب. رایباراستی: (ل. ۲): فرمان از آنه اش برگاشتی: (بنداری: فانتسخت فی عهده شریعة الاحسان، واستطالت يد الظلم والعدوان. وكان اصحابه ووزراؤه و اعدائه خائفين من سوء عشرته و بانفة سطوته. فلا يعرضون عليه لمظلم قصة، ولا يستقضون لذی حاجة حاجة ۱۹-ل: اندر مولود بهرام گور: س. ۲: زادن بهرام گور از مادر: ق: در مولود بهرام یزدگرد کی بهرام گور معروف شد: ل. ۲: مولود بهرام گور پسر یزدگرد: س. ۲ (س. بیت. پیش تر): آغاز داستان: ک. س. نویسی ندارد ۲۰-ل. ۲ (نیز ب): هشت: (ق. ۲. پنج: و. آ: سب (بی نقطه)): ق: چون رفت دو هشت: (ل. ۲: نگذشت جز هشت): متن = ل. س. ک. س. ۲ (نیز ل.ن. ل. ۲.پ. ل.ن. ۲) ۲۱-س. موبدانش ۲۲-ل. (نیز ل.ن. ۲.آ): < ۲۳-ق: دیگر: ک: هفتم: (ق. ۲: همی سال ششم: ب. پس سال هشتم) ۲۴-س. ۲: سرساله مه هشتم ۲۵-(لی: فوردین) ۲۶-ق (نیز ب): بیرا کند ۲۷-س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ) اندر ۲۸-س. ۲: هور و ۲۹-ق: آمد به ۳۰-(لی: هر مز به) ۳۱-ق: سال ۳۲-س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ.ب): مر اورا ۳۳-(ب. پدر کردش از مه) ۳۴-ل. ۲: نام بهرام کرد ۳۵-ل. از آن: متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۶-(لی: خرد فرزند) ۳۷-ل. ۲: دل رام کرد: بنداری: قال: و لما استكمل من ملكه سبع سنين ولد له ابن علی ایمن طالع و أسعد طائر فر بولادته و سماه بهرام ۳۸-س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ.ب): بیامد: (ل. ۲: پدر بر) ۳۹-س. ۲ (نیز ل.ن): هر کی: ک. ل. ۲.س. ۲ (نیز ق. ۲.ب): هر که: متن = ل. ۴۰-س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ): نامور مرد ۴۱-ل. س. س. ۲ (نیز ل.ن. ۲.ن. ۲.آ): سروش: ک (نیز و): بروش (حرف یکم نقطه ندارد) ل. ۲ (نیز ب. ب): بروش: ق: بود و دانش فروش: متن تصحیح نبی ست ۴۲-س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. آ): نیز: ق: تازی بود: متن = ده دستنویس دیگر ۴۳-س. س. همباز ۴۴-(ق. ۲: کردان) ۴۵-س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. ب): بیکایک همه

هم^۳ از زیج رومی^۴ بجستند راه^۵
 که او شهریاری بود در^۸ جهان
 گوی^{۱۱} شاددل^{۱۲} باشد و پارسا
 همان^{۱۳} زیج و صلاب‌ها بر^{۱۴} کنار
 که دانش ز^{۱۵} هرگونه کردیم گرد،
 که دارد بدین^{۱۸} کودک خرد^{۱۹} مهر
 گرانمایه‌شاهی بود بآفرین^{۲۰}
 بیخشدشان گوهر شاهوار[
 رد و موبد و پاک^{۲۴} دستور شاه،
 که تا چاره‌ی آن^{۲۵} چه آید^{۲۶} به جای،
 نگیرد، شود خسروی دادگر^{۲۹}!
 همه بوم زیر و^{۳۳} زبر دارد اوی^{۳۲}!
 نه او در جهان شاد و روشن‌روان!
 گشاده‌دل و نیکخواه آمدند^{۳۶}،
 ز پیغاره دورست و از^{۳۸} سرزنش.

به صلاب کردند از اختر^۱ نگاه^۲
 از اختر^۶ چنان دید خرم^۷ نهان
 ۴۰ ابر^۹ هفت کثیر بود^{۱۰} پادشا
 برفتند پویان بر شهریار
 بگفتند با تاجوریزدگرد
 چنین^{۱۶} آمد اندر^{۱۷} شمار سپهر
 مر او را بود هفت‌کشور زمین
 ۴۵ [ز^{۲۱} گفتارشان شاد شد شهریار
 چو ایشان برفتند از آن^{۲۲} بارگاه^{۲۳}
 نشستند و جسند هرگونه رای
 که^{۲۷} این^{۲۸} کودک، خرد خوی پدر
 گر^{۳۰} ایدونک خوی پد، دارد^{۳۱} اوی^{۳۲}
 ۵۰ نه موبد بود^{۳۴} شاد^{۳۵} و نه پهلوان
 همه موبدان زد شاه آمدند
 بگفتند کین^{۳۷} کودک برمنش

۱-ل، س، ل، آ: زاختر؛ ق (نیز لی): اختر؛ س^۲ (نیز ق^۲): و اختر؛ متن = ک (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب) ۲-ل: هم از زیج بستند هرگونه راه)
 ۳-س^۲ (نیز ق^۲، لی، آ): بس ۴-ق: دندی ۵-ل: سطرلاب کردند زاختر نگاه) ۶-س، ق، ل: (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب): زاختر؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز ق^۲، پ، لن، آ، آ) ۷-ل: جویا) ۸-ک: پادشاهی بود بر ۹-س^۲ (نیز ق^۲، آ، ب): که بر: (و: برین) ۱۰-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل، لن، آ، ب): شود؛ متن = ل، ل: (نیز لی، آ) ۱۱-س-س^۲ (نیز لن-ب): یکی؛ متن = ل ۱۲-س^۲ (نیز ق^۲، لی، ل، آ، آ): پادشا ۱۳-ک، س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب): همه؛ متن = ل، س، ق، ل: (نیز لن، لن، آ) ۱۴-ق، ل، آ: در ۱۵-ق: به ۱۶-ل، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، لی، پ، لن، آ، آ): چنان؛ متن = ق، ک (نیز ل، آ، و، ب) ۱۷-ق، ل: دیده اندر؛ ک، س^۲ (نیز ق^۲، پ، آ، ب): یافتیم از: (و: بود اندر): متن = ل، س (نیز لن، لن، آ) ۱۸-ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲، ل، آ، و): برین: (لن، آ، برا،) ۱۹-ل: (و: خوب) ۲۰-لی: ابا آفرین: ل: این بیت را ندارد؛ بنداری: و کان علی بابه منجم هندی و آخر فارسی، و هما اربع اهل زمانها فی صناعة التنجیم، فاستحضر هما و امرهما فنظرا فی طالع بهرام فیشره بانه سیصیر ملکا کبیرا و سلطانا جلیلا، و یملک الأقالیم السبعة ۲۱-س: به؛ متن = ل، ک، ل: (نیز پ، ب): س، ق، لن-ل، آ، و، لن، آ، آ: این بیت را ندارند؛ بنداری: فسر الملک بذلک و خلع علیهما و أحسن الیهما ۲۲-ل: (نیز لن، لن، آ): زان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-لی: جایگاه) ۲۴-ل، آ، و: شاه و؛ ل: این بیت را ندارد ۲۵-ل: (و، لن، آ: بن) ۲۶-ق: (آ: باید): ق: این بیاید ۲۷-ل، ل، آ: (نیز لن، آ): گر؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، و، آ، ب) ۲۸-ق: (نیز لی): آن ۲۹-ق: آ: بگیرد شود زفت و بیدادگر؛ ک، پ: این بیت را ندارند ۳۰-ق، ل، آ: و ۳۱-ق: (ق، لی، ل، آ: گیرد) ۳۲-ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲، پ، آ): ا؛ متن = ق، ک (نیز لن، و، لن، آ، ب) ۳۳-ق: (آ: و بر را) ۳۴-ق: (آ: شود؛ ل، آ: ازو) ۳۵-ل: شاه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۶-ق: این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم إن الموأبذة و العلماء و أكابر الحضرة اجتمعوا و قالوا إن نشأ هذا الصبی فی حجر ابیه و تخلق بأخلاقه لم یتر من هذه المماتک عین و لا اثر، و لا حجر و لا مدر ۳۷-ک: کان ۳۸-ل، س، ق، س^۲ (نیز ل، و، لن، آ، آ): وز؛ متن = ک، ل: (نیز لن، ق، لی، پ، ب، لی، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

مر او را بود هفت کشور زمین ز یزدان مر او را بود آفرین

جهان سربسر زیر^۱ فرمان تست^۲ به هر کشوری بژ و^۳ پیمان تست^۴،
نگه کن به^۴ جایی که دانش بود
۵۵ ز پرمایگان دایگانی^۶ گزین^۷
هنر گیرد این شاخ^۹ خرّم نهان^{۱۰}!

چو بشنید از آن^{۱۳} موبدان^{۱۴} یزدگرد
همانگه فرستاد کسها^{۱۶} به روم
همان نامداری^{۱۹} سوی تازیان
۶۰ به^{۲۱} هر سو همی رفت خواننده‌یی^{۲۲}
بجوید^{۲۳} سخنگوی و^{۲۴} دانش پذیر^{۲۵}
بیامد ز هر کشوری موبدی^{۲۸}
چو یکسر بدان^{۳۱} بارگاه آمدند
پرسید بسیار و^{۳۴} بنواختشان

ز^{۱۵} کشور فرستادگان کرد گرد
به هند و به چین^{۱۷} و به^{۱۸} آدابوم
بشد تا ببیند^{۲۰} سود و زیان
که بهراه را پروراننده‌یی،
خردمند^{۲۶} ز هر دانشی^{۲۷} یادگیر
جهان‌دیده و نیک‌پی^{۲۹} بخردی^{۳۰}
پژوهیده^{۳۲} نزدیک شاه^{۳۳} آمدند،
به هر برزنی جایگه^{۳۵} ساختشان

۱- (پ: پیش) ۲- ل: اوست؛ متن = س-ل-۲ (نیز لن، لی-لن-۲) ۳- (لی: باز)؛ بنداری: و الرأی ان يعد عنه، و یشار علیه بأن یکفله غیره
لنأمن شره و ضره، فدخلوا علیه و کلموه کلام رجل واحد و قالوا: أیها الملک! إن ممالک الشرق و المغرب تحت حکمک، و ملوک
الأقالیم کلهم فی رق امرک: س-۲، ق-۲، آ-به جای بیت ۵۳ افزوده‌اند:

مر او را بود هفت کشور زمین یزدان مرا و را سزد (ن: بود) آفرین

۴- ل: ۲ که ۵- ق: فزاینده ۶- ق (نیز ل): دایگان بر: س-۲ (نیز ق، لی، و، آ، ب): دایه بر متن = ل، س، ک، ل (نیز پ، لن-۲) ۷- (لن: پرمایگانی بروی زمین) ۸- (لی: بدو) ۹- ل، س، ق، ل-۲، س-۲ (نیز لن-لن-۲، ب): شاه؛ (آ آن شاه)؛ متن = ک ۱۰- (ل: فرمان زمان؟)
۱۱- (لی: بفرمان) ۱۲- ک: روان؛ بنداری: فاختر منهم من یصلح لحضانه ولدک و کفاله حتی یقوم بها و یعلمه الأداب الملوکیه و المراسم
الشاهیه فیخرج منه ملک یفتخر به الزمان، و یتشر به الأمن و الأمان؛ س-۲ پس از بیت ۵۶ افزوده است:

جهان سربسر زیر فرمان تست بهر کشوری یاد پیمان تست

۱۳- ل، س، ق (نیز لن، ل-۲، لن-۲): زان؛ متن = ک، ل-۲، س-۲ (نیز ق، آ، ب، و، آ، ب) ۱۴- (لی: ازیشان سخن ۱۵- ق: به ۱۶- (لی: را) ۱۷- (ل: چین
و به هند) ۱۸- ل-۲ نه ۱۹- ل: نامداران؛ س (نیز لن، لن-۲): هم از نامداران؛ متن = ل، ک، س-۲ (نیز ق، آ، و، آ، ب): ق ناخواناست ۲۰- ق: ز:
س-۲ (نیز لی، آ، ب): ببیندش؛ در لی این بیت دو بیت سپس تر آمده است ۲۱- س-۲: ز ۲۲- ک (بیز ق): داننده؛ (لی: خواهند)؛ متن =
دوازده دستنویس دیگر ۲۳- ل: بگوید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴- س (نیز ل): <و>؛ سخنهای؛ س-۲ (نیز ق، لی، آ، و) <ب
>: خردمندو؛ متن = ق، ک، ل-۲ (نیز لن، پ، و، لن-۲) ۲۵- (لن: رامش) ۲۶- ل، س: سخنگوی؛ س-۲ (نیز لن، ق، آ): سخن دان؛ متن = ق
(نیز ل-۲) ۲۷- ق: پردانش و؛ ک، ل-۲ (نیز پ، ب): پژوهنده اختر و؛ (لی: هشیوار داننده؛ و: دیر و هر دانشی)؛ متن = ل، س، س-۲ (نیز لن،
ق، ل-۲، لن-۲، آ) ۲۸- ق: بخردی ۲۹- ل-۲: خو؛ (لی: ل، آ، ب: دل)؛ س-۲ (نیز ق، آ): دیده نیک‌دل؛ متن = ل، س، ک (نیز لن، پ، و، لن-۲) ۳۰- ق: و
نیکوی موبدی؟ ۳۱- س، ک، س-۲ (نیز لن، لی، پ، لن-۲، آ، ب): بدین؛ متن = ل، ل-۲ (نیز ق، آ، و) ۳۲- ل، ک، ل-۲ (نیز لن، لی، پ): پژوهنده
(حرف پنجم بی نقطه)؛ س-۲ (نیز ق، آ، ب): پژوهنده؛ متن = س (نیز ل، و، لن-۲، آ) ۳۳- ل: نیکه‌وا؛ ق این بیت را ندارد ۳۴- س-۲ (نیز
ق، آ، و) <و>؛ هرگونه ۳۵- س (نیز لن، ل-۲، لن-۲): مایگه (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد

۶۵ برفتند نَعْمَان و مُذِر به شب
 بزرگان چو در پارس گرد آمدند
 همی‌گفت^۳ هر کس که ما بنده‌ییم
 که یابد^۶ چنین روزگار از مهان^۷
 به بر گیرد^۹ و دانش آموزدش
 ۷۰ ز رومی و هندن و از^{۱۱} پارسی
 همان^{۱۴} فیلسوفان بسیار دان
 همه سربسرهاک پای تویم
 نگر^{۱۷} تا پسندت که آیدهمی!
 چنین گفت منذر که ما بنده‌ییم
 ۷۵ هنرهای ما ناه داند همه
 سواریم و گردیم و اسب‌افکنیم
 ستاره‌شمر نیست چن^{۲۳} ما کسی^{۲۴}
 پر از مهر شاهست ما را روان
 بسی نامور نیزه‌دار^۱ عرب
 بر تاجور^۲ یزدگرد آمدند
 سخن بشنویم، از^۴ سراینده‌ییم^۵،
 که بایسته^۸ فرزند شاه جهان،
 دل از تیرگی‌ها بی‌فروزدش!^{۱۰}
 نجومی و گر^{۱۲} مردم هندسی^{۱۳}،
 سخنگوی^{۱۵} و از^{۱۶} مردم کاردان،
 به دانش همه رهنمای تویم،
 وگر^{۱۸} سودمندت چه^{۱۹} آیدهمی!
 خود اندر جهان شاه را زنده‌ییم^{۲۰}،
 که او چون شبانست و^{۲۱} ما چون رمه،
 کسی را که دانا بود نشکنیم^{۲۲}،
 که از هندسه بهره دارد بسی^{۲۵}،
 به زیراندرون تازی‌اسپان دمان^{۲۶}،

۱-ل: آ: نامدار از؛ س: ۲ (نیز، ن: پ-ب: نیزه‌دار از؛ ل: نامداران گرد از؛ س: نیزه‌ور نامدار از؛ ل: آ: نامدار و سران)؛ متن = ق، ک (نیز ق: ۲)؛
 لی این بیت را ندارد؛ بنداری: فقبل ذک منیم، و فرق الرسل فی أطراف الممالک فی التماس أهل الدربة و الدرایة. فأقبلوا من أقطارهم
 متوجهین الی بابہ. و وفد علیہ المنذر بن النعمان ملک العرب. و ولده النعمان صاحب الخورنق فی جماعة من أمراء العرب و
 فرسانهم و أبطالهم؛ ل: بیت ۶۸ را پس از بیت ۶۵ آورده است ۲-ل: ۲ (نیز پ): نامور؛ لی این بیت را ندارد ۳- (و: بگفتند) ۴- ل، ق، ک،
 ل: ۲ (نیز، ل، آ، پ، و، ل: ۲)؛ و: متن = س ۵- ق: سرافکنده‌ایم؛ س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، آ، ب): بفرمان خسرو شتابنده‌ایم؛ لی بیت ۷۵ را پس از این
 بیت افزوده است ۶- (لی: چو نانا (حرف سوم از واژه دوم بی نقطه)) ۷- ک، س: ۲ (نیز ق: ۲، آ): جهان؛ متن = یازده دستنویس
 دیگر ۸- س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، آ، ب): یبند ۹- (ل: ندارد) ۱۰- س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، آ، ب): برافروزدش؛ متن = ل-ل: ۲ (نیز، ل، آ، پ، و)
 ۱۱- ل: و ز: ک: گر؛ ل: و از هندی و؛ س: و: هند و ز؛ (ق: لی: و از هند و از؛ ل: و ز هندی و)؛ متن = س (نیز، ل، پ-ب) ۱۲- (و، ل: آ: از)؛
 ل: آ: ز چینی و از؛ س: آ: بجوینده گر؛ ق: آ: بجویند از؛ لی: بجویند و از؛ متن = ل، س، ک (نیز، ل، آ، پ، ب) ۱۳- (ا: بجویند و گر مردم
 پارسی)؛ ق این بیت را ندارد ۱۴- (نیز ل: آ): همه؛ ک، س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، پ، و، ب): هم از؛ متن = س، ل: ۲ (نیز، ل، ن: آ) ۱۵- (ب: ب:
 سخندان) ۱۶- ل، س، س: ۲ (نیز و، ل: آ): و ز؛ متن = ک، ل: ۲ (نیز، ل، پ-ب): بیت‌های ۷۱-۷۲ را ندارد؛ آ این بیت را ندارد؛ ل، س: ۲ پس از این
 بیت افزوده‌اند:

بگفتند هر یک ه آوار (س: آ: باوای) نرم که ای شاه با داد و با رای و شرم

۱۷- (ق: آ: بین) ۱۸- (ل: آ: دگر) ۱۹- ل، س، ق، س: ۲ (نیز، ل، پ، آ، ب): که؛ متن = ک، ل: ۲ (نیز و، ل: ۲)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: سپردن
 یزدگرد بهرام را بمنذر عرب ۲۰- (ل: بفرمان و رایت سرافکنده‌ایم) ۲۱- ل: ۲ (نیز لی): <و> ۲۲- ل-ل: ۲ (نیز ل: آ): نشکنیم (حرف یکم
 بی نقطه)؛ (ق: آ، پ، ب: بشکنیم)؛ متن = س: ۲ (نیز، ل، لی، آ، و، آ) ۲۳- س، ک، ل: ۲ (نیز، ل، آ-ل: آ): از؛ متن = ل ۲۴- (ب: کیست)؛ س: ۲
 (نیز ق: ۲، لی، آ): نیز ما را کس است ۲۵- (ب: بیست)؛ س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، آ): در هندسه دانش وی (ق: آ، لی: او) بست؛ ق این بیت را
 ندارد؛ بنداری: فقال المنذر: نحن عباد المنک مخلصین له فی المشایعة و العبودیة. و لا یخفی علیہ ما خصصنا به من آداب الفروسیة.
 و عندنا جماعة من المتبحرین فی العلوم النجومیة و الهندسیة ۲۶- س، ک، ل: ۲ (نیز، ل، پ، و، ب): اسبی دوان؛ (ل: آ: اسب روان)؛ ق: اسب
 تازی دوان؛ س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، آ): بدی (لی: برین) کار داریم شاهاتوان؛ متن = ل: ۲ بیت‌های ۷۸-۷۹ را ندارد

همه پیش فرزند او^۱ بنده‌ییم
 ۸۰ چو بشنید از او^۴ این سخن یزدگرد^۵
 نگه کرد^۷ از آغاز^۸ فرجام را
 بفرمود تا خلعتش ساختند
 تنش را به دیبا^{۱۰} بیاراستند
 از^{۱۱} ایوان شاه جهان^{۱۲} تا به دشت
 ۸۵ پرستنده و دایه‌ی^{۱۶} بی‌شمار
 [به^{۱۸} بازارگه بسته آیین^{۱۹} به راه^{۲۰}

چو منذر بیامد به شهر^{۲۲} یمن
 چن^{۲۳} آمد به آرامگاه^{۲۴} از نخست
 ز دهقان و^{۲۶} تازی و پرمایگان
 ۹۰ ازین^{۲۹} مهتران چار زن^{۳۰} برگزید^{۳۱}
 دو تازی، دو^{۳۵} دهقان ز تخم کیان^{۳۶}
 همی داشتندش^{۳۹} چنین چار سال

بزرگی او^۲ را ستاینده‌ییم^۳
 روان و خرد را برآورد گرد^۶
 بدو داد پرمایه‌بهرام را
 سرش را به گردون برافراختند^۹
 ز در اسب شاه یمن خواستند
 همی^{۱۳} اشتر^{۱۴} واسپ و هودج^{۱۵} گذشت
 ز بازارگه^{۱۷} تا در شهریار
 ز دروازه تا پیش درگاه شاه^{۲۱}]

پذیره شدنش همه مرد و زن
 فراوان زنان نژادی بجست^{۲۵}
 توانگر^{۲۷} گزبیه گران‌سایگان^{۲۸}
 که آمد^{۳۲} هنر^{۳۳} نژادش^{۳۴} پدید
 که بستند^{۳۷} بی دایگانی^{۳۸} میان
 چو شد سیرشیر^{۴۰} و بیاگند^{۴۱} یال،

۱-ل.ک. ل.آ.س. ۲ (نیز ق.آ.لی. ل.آ.آ.ب): تو؛ متن = س. ق. (نیز ل.ن. پ. و) ۲-ل. وی؛ متن = ب. ق. ک. س. ۳ (نیز ل.ن. ق. آ. لی. پ. ب) ۳-ق. (سراینده‌ایم): ل. آ. فرمان اویم تا زنده‌ایم ۴-ل. س. (نیز ل.ن.): زو؛ متن = دوازده دست یس دیگر ۵-ق. یزدگرد این سخن ۶-ق. در افکند بن؛ (لی. بدو دید کرده و بدو داد کرد) ۷-ک. کن؛ (ق. آ. پله کرد) ۸-ل. ن. ب. ز. آ. از؛ آ. آن غار؛ ل. ن. آ. ز. آغاز و؛ (ل. آ. نیز لی.) کرد آغاز و؛ س. ۲ (نیز ل. ن.): از آغاز و؛ متن = ل. س. ک. (نیز ق. آ. و. ب): ق. این بیت را ندارد ۹-ل. آ. ز. در اسب شاه یمن خواستند ۱۰-ل. ک. س. ۲ (نیز ق. آ. ب): خلعت؛ متن = (ل. ن.): ل. آ. این بیت را ندارد؛ در س. آ. ق. آ. لی. ل. آ. آ. ن. ت. هی این بیت پس و پیش شده‌اند؛ س. در اینجا سرنویس دارد: سپردن یزدگرد بهرام گور را بمنذر عرب ۱۱-ل. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. آ. آ. ب): ز؛ (لی. وز)؛ متن = (ل. آ. و) ۱۲-ق. (و. یمن) ۱۳-ق. ک. ل. آ. همه ۱۴-ل. (ل. آ. ل. ن. آ. ب. استر) ۱۵-س. ۲ (نیز ق. آ. لی.): استر؛ (آ. بر تر) ۱۶-س. ۲ (نیز لی. ب): دایه بد؛ (آ. پرستنده دایه بد) ۱۷-ل. آ. دروازه بد؛ (آ. دربارگه) ۱۸-ق. ز ۱۹-ل. (ن. آذین؛ ل. آ. بست آذین) ۲۰-س. ۲ (نیز ق. آ. لی. پ. آ. ب): ز دروازه تا پیش درگاه شاه؛ متن = ل. س. ق. ک. (نیز ل. ن. ل. آ. و. ل. ن. آ.) ۲۱-س. ۲ (نیز ق. آ. لی. آ. ب): همه بسته آیین (ق. آ. لی. ب. آذین) بیازارگه؛ (پ. بیازارگه بسته آذین براه)؛ ل. آ. این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و سأل الملک أن یکفله بهرام ففعل و سعه إليه. فحملة و انصرف به إلى بلاد الیمن ۲۲-ق. بسوی ۲۳-ل. س. ۲ (نیز ق. آ. ب. ل. ن. آ. آ. ب): چو؛ متن = (ل. ن.) ۲۴-ق. (درآمد باراماه و) ۲۵-ق. گوان از نژاد درست؛ (پ. گزیده سواران بجست)؛ و این بیت را ندارد ۲۶-ل. س. ق. (نیز ق. آ. لی. ل. آ. ل. ن. آ. آ. ب): < متن = ک. ل. آ. س. ۲ (نیز ل. ن. پ. و) ۲۷-س. (نیز ل. ن.): تونگر ۲۸-ل. آ. شایگان؛ س. ۲ (نیز ق. آ. لی. آ. ب): زنان بزرگان و آزادگان؛ متن = ل. ک. نیز ل. ل. آ. ل. ن. آ.) ۲۹-ل. ۲ (نیز ق. آ. پ. آ. ب): از ان ۳۰-ل. (ل. آ. جهان) ۳۱-ق. ز زن مهتران هم چهاری گزید ۳۲-ل. ق. (نیز و): آید؛ متن = ۳۳-ق. اندر کئی بد؛ ل. آ. (نیز ل. ن.): اندر هنر بد؛ (پ. اندر گهر بد)؛ متن = س. (نیز ل. ن. آ.) ۳۴-س. ۲ (نیز ق. آ. لی. آ. ب): اندر نژادش هنر بد ۳۵-ک. (نیز ل. ن.): تازی و ۳۶-ل. آ. مهان ۳۷-ل. س. س. ۲ (نیز ل. ن. ل. آ. ل. ن. آ. ب): بیستند؛ متن = ک. ل. آ. (پ. و) ۳۸-ل. س. س. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ن. آ. ب): مر دایگی راه؛ ک. مر دایگانی؛ ل. آ. بر دایگی راه؛ (لی. ل. آ. آ. مردانگی راه)؛ متن = (پ. و)؛ ق. این بیت را ندارد ۳۹-ل. آ. داشتند این ۴۰-ق. (شیروار) ۴۱-س. برآورد؛ ک. بیفکند
 به دشخواری^۱ از شیر کردند^۲ باز
 همی داشتندش^۳ بربر به ناز^۴

چو شد هفت ساله به منذر چه گفت^۴ ۹۵ چنین^۷ گفت کی مهتر سرفراز
 به داندۀ فرهنگیانم^{۱۱} سپار بدو گفت منذر^{۱۵} که ای سرفراز
 چو هنگام فرهنگ باشد ترا به ایوان نمانم^{۲۲} که بازی کنی
 ۱۰۰ چنین^{۲۴} پاسخ آورد بهرام باز مرا بخردی هست^{۱۶}، اگر^{۲۷} سال نیست
 ترا سال هست و خرد کمترست^{۳۰} ندانی که هر کس^{۳۴} که هنگام جست
 تو گر بای^{۳۸} هنگام^{۳۹} جویی همی که از^۵ رای با مهتری بود^۶ جفت؟
 ز من^۸ کودک^۹ شیرخواره ماز^{۱۰}! چو کارست^{۱۲}، بیکار خوارم^{۱۳} مدار^{۱۴}!
 به^{۱۶} فرهنگ نوزت^{۱۷} نیامد^{۱۸} نیاز^{۱۹}! به دانایی^{۲۰} آهنگ^{۲۱} باشد ترا،
 به بازی همی^{۲۳} سرفرازی کنی! که از من تو بیکار^{۲۵} خردی مساز!
 بسان^{۲۸} گوانم^{۲۹} بر و یال نیست! نهاد^{۳۱} من از رای^{۳۲} تو دیگرست^{۳۳}!
 ز^{۳۵} کار آن گزیند^{۳۶} که باید^{۳۷} نخست؟! دل از نیکوی‌ها بشویی همی!

۱-ل (نیز ق ۲-لن ۲، ب): دشواری؛ (آ بدسوری)؛ متن = س-س ۲ (نیز لن) ۲-ل: گردید؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳-ل (لی، لن ۲: نیاز؛ آ: در براز)؛ بنداری؛ و اختار له أبع نسوة ذوات أجسام صحيحة و أنساب صريحة و أذهان ذكية و آداب مرضية. اثنتان منهن من بنات أشرف العرب، و اثنتان من بنات أكرم العجم. فكنن يرضعه ولم يفطمه إلا بعد أربع سنين ۴-ک (نیز ل ۲، و): بگفت ۵-ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز لن-ب): آن؛ متن = ق، ۴، ۶-س ۲: باد ۷-ل (لی، ل ۲: بدو) ۸-ق (آ: مرا) ۹-ق: کودکی ۱۰-س، ل ۲ (نیز لن): بفرهنگ نوزت نیامد نیاز ۱۱-ل: فرهنگیان (وزن ندارد)؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز لن-ب) ۱۲-ل (نیز ق ۲ <و>): گاهست و؛ متن = ق، ک، س ۲ (نیز لن، لی، پ-ب) ۱۳-ل: خواهم؛ ک، س ۲ <و> (ق ۲، لی <و>، پ، آ): بیکار و کاهل؛ متن = ق (نیز لن، و، لن ۲، ب) ۱۴-ل (آ: که آمد کون گاه آموزگار)؛ س، ل ۲ این بیت را ندارند بنداری؛ و لما طعن في السنة السابعة قال للمنذر: لا تعدني صباري صعبا، و سلمني إني من يعلمني الأدب و العلم، و لا تتركني منهمكافي البصالة و الكسل ۱۵- (و: منعم) ۱۶-س ۲ (نیز آ): ز ۱۷-ل (لی: هنوزت؛ ل ۲: بفرهنگیان) ۱۸-ق: زودت نیامد ۱۹-ل (ن: تونی کودک نیز خوره بساز)؛ س، ل ۲ از این بیت تنهالت دوم را دارند که آنرا به جای لت دوم بیت ۹۴ آورده‌اند ۲۰-ل (لی: توانایی؛ ب: نادانی) ۲۱-ق: توانایی و سنگ ۲۲-ق: بایوانت خواهم ۲۳-ق: همه؛ ل ۲: همان؛ س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ): چنین؛ بنداری؛ فقال له المنذر: إنك بعد صغير السن، و لم بأن لك ذلك. و إذا بلغت سنا تطبق فيه التعلم و التأدب أحضرتك من يعلمك ذلك ۲۴- (و: چنان) ۲۵-ل: یکباره؛ ق: همی کار؛ پ: یکبار)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶-ل: هست دانش؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷-س، ق، س ۲ (نیز لن، ل ۲، لن ۲، آ): گ: متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، لی، پ، و، ب) ۲۸-ک (نیز لی، ل ۲): بسال؛ (و: میان) ۲۹-س ۲ (نیز ق ۲، لی، آ، ب): یلانم؛ متن = ده دستنویس دیگر بنداری؛ فقال: أيها الرجل لا تستصغرنی، و انظر إلى بعين الكبر. فالذنب للعین لا للنجم في الصغر. فإني وإن كنت صغير السن فعقلي إفر ۳۰-ل (لی، ل ۲: اندکست) ۳۱-ل (نیز ل ۲): نهان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲-ق: روی ۳۳-ل (لی: کمترست؛ ل ۲، لن ۲: برترست)؛ بنداری؛ و أنت و إن كنت طاعنا في السن فعقلك ناقص. و غريزتي مبينة لغريزتك. فلا تنظر إلى نظرك إلى نفسك ۳۴-ق (آ: آنکس)؛ ک: هر آنکس ۳۵-ق (نیز لن، و، ب): که؛ (ق ۲: به) ۳۶-ل: گزید (وزن ندارد)؛ (ل ۲: کنداو)؛ س ۲ (نیز لی، ق ۲، آ): کندکش؛ متن = س-س ۲ (نیز لن، پ، و، لن ۲، ب) ۳۷-ل، ل ۲: یابد؛ س: بیند؛ س ۲ (نیز لی): شاید (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ (ق ۲: نباید (حرف دوم بی نقطه)؛ پ: یابد؛ و: باشد؛ آ: نباید)؛ متن = ق، ک (نیز لن، ل ۲، لن ۲، ب) ۳۸-ل، ک، ل ۲ (نیز پ): باز؛ س: مای (نقطه ندارد)؛ س ۲ (نیز لی، آ): ریز؛ (ل ۲، و، لن ۲: پای؛ ب: یاز؛ ق ۲: کوروز و)؛ متن = (لن) ۳۹-ق (آ: فرهنگ)؛ ق این بیت را ندارد

بهین از تن زندگان^۳ سر بود!
 بیاموزیم تا بدانم^۵ سزاست!^۴
 خنک آنک^{۱۰} از آغاز^{۱۱} فرجام^{۱۲} جست!^{۱۳}
 به زیر لبان^{۱۵} نام یزدان بخواند!
 سوی شورستان^{۱۶} سرکشی^{۱۷} بر^{۱۸} هیون
 که در شورستان بودشان^{۲۱} آب روی
 دل از تیرگرها برافروزدش!^{۲۳}
 بیاموزدش کاز بود دلفروز!
 همان گردش و پیچ^{۲۸} با بدگمان،
 میان یلان گردن افراشتن^{۳۰}،
 سخن هر چه دار. ز گردی^{۳۲} به یاد!

۱۰۵ همه^۱ کار بی گاه^۲ بی بر بود
 هر آن چیز کآن در^۴ خور پادشاست
 سر^۷ راستی دانش آرد^۸ درست^۹
 نگه کرد مندر بدو^{۱۴} خیره ماند
 فرستاد هم درزمان رهنمون
 ۱۱۰ سه موبد نگه کرد^{۱۹} فرهنگجوی^{۲۰}
 یکی تا^{۲۲} دبیری بیاموزدش
 دگر^{۲۴} آنک^{۲۵} نخچیر بازان^{۲۶} و یوز
 و دیگر که^{۲۷} چوگان و تیر و کمان
 چپ و راست پیچان عنان داشتند^{۲۹}
 ۱۱۵ [بگوید به بهرام خسرو^{۳۱} نژاد

۱- (ل. ۳: همان) ۲- ل. ۲. س. ۲ (نیز پ. آ. ب): بی گاه و: ل. ۱: بی کام و: (ل. ۳: ل. ۲: بی کار و: و: شه بی هنر گاه): متن = س. ق. ک (نیز ل. ۲: ق. ل. ۱)
 ۳- ک. س. ۲ (نیز ق. ۲: ل. ۱. پ. آ. ب): مردمان: (و: بندگان): ل. ۱: زندگانی ز تن: ل. ۲: متن بر بهین آتی: متن = س. ق. (نیز ل. ۲: ل. ۲: س. ۴-۳
 (نیز ق. ۲: ل. ۱. آ. ب): هنرها که اندر: (پ: کزان چیز کاندن): متن = ل-ل. ۲ (نیز ل. ۲: ل. ۳: و. ل. ۲) ۵- (ل. ۲: آنچنان کم): ق. بیاموز آنرا که ما را
 ۶- ل. ۲: بدانیم راست: س. ۲ (نیز ق. ۲: ل. ۱. آ): بیاموزیم تا بدانیم رواست ۷- س. ۸- ک. س. ۱ (نیز ل. ۱. پ. و. آ): آید: (ق. ۲: ل. ۳: ل. ۲: ل. ۱)
 آمد: متن = (نیز ل. ۱) ۹- (پ. ل. ۲: نخست): ل. ۱: ایزدیت: ل. ۲: داستان دانش ایزدست: متن = س. ک. س. ۲ (نیز ل. ۲: و. آ) ۱۰- س. ۲
 (نیز ق. ۲: آ): هر که: (ل. ۲: آنکه) ۱۱- ک. س. ۲ (نیز ل. ۱: ق. ۲: ل. ۳: و. ل. ۲: آ): ز آغاز: متن = س. (نیز ل. ۲: و. آ) ۱۲- (ق. ۲: هنگام) ۱۳- ل. ۱: بادانش و
 بخردیت: متن = دوازده دستویس دیگر: ق. ب این بیت را ندارند: بنداری: و اینک إذا نظرت زمانا آخر لتعلمنی و تودبنی فات
 الوقت و لم یثمر عند ذلك الجهد و الجهد فعلمنی ما یلیق بالملوک من الآداب. فإن التعلیم رأس مال ذوی الألباب. و طوبی لمن عنی
 بخاتمة أمره فی ریعان عمره ۱۴- س. ۲ (ق. ۲: ل. ۱. آ): چو بشنید منذر درو: متن = ل-ل. ۲ (نیز ل. ۲: ل. ۳: ل. ۲) ۱۵- س. ۲ (نیز ق. ۲: ل. ۱. آ): برو: ل. ۱:
 بدو) زیر لب: متن = ده دستویس دیگر: ب این بیت را ندارد ۱۶- س. ۱ (نیز پ): سورسان: ق. سیستان: ک (نیز و. ب): سوریان: س. ۲:
 موبدان: (ل. ۲: ق. ۲: سورستان: ل. ۳: شارسان: آ: مهتران): متن = ل (نیز ل. ۲) ۱۷- س. ۲ (نیز ق. ۲) مهتر: (آ: موبدی) ۱۸- (ل. ۲: ب. با: ل. ۱: این
 بیت را ندارد ۱۹- س. ۲ (نیز ق. ۲: ل. ۱. آ): بیاورد ۲۰- ق. اوی ۲۱- س. سورسانس بود: ق. سیان بودشان: ک: سوریان بود: ل. ۲:
 سورسان بود: با: س. ۲ (نیز ل. ۱. آ): که اندر هنر بودشان: (ل. ۲: ل. ۳: شورستانش بود: ل. ۳: شورسان بود: با: پ: سورسان بود: با: و: سوریان
 بود: ب: سوریا بودشان): متن = ل (نیز ق. ۲): بنداری: فتعجب المنذر من کلامه، و سمی الله علیه، و نفذ الی بلاد ایران من آناه بأربعة من
 الموابذة ۲۲- ک: که تا و ۲۳- ل. ۲: ق. ک. ل. ۲ (نیز ل. ۲: پ. و. ب): بیفروزدش: متن = س. س. ۲ (نیز ل. ۲: ل. ۳: ل. ۲)
 پ. ل. ۲: یکی: متن = ل (نیز ق. ۲: ل. ۱. آ. ب) ۲۵- (ل. ۳: ل. ۲: آنکه) ۲۶- (ل. ۳: و. بازان): ل. ۲ (بیر پ) دانستن باز: متن = ده دستویس دیگر: و
 این بیت را ندارد ۲۷- ل. ۲: ق. چو: س. ۲ (نیز ق. ۲: ل. ۱. آ. ب): سدیگر که: (ل. ۲: دگر آنکه): متن = س. ک. ل. ۲ (نیز ل. ۲: و. ل. ۲) ۲۸- ل. ۲: ل. ۲ (نیز ل. ۲:
 و. ل. ۲): گردش تیغ: س. ۲ (نیز ق. ۲: ل. ۱. آ. ب): گردش رزم: متن = (پ) ۲۹- س. ۲: یاختن (حرف ی بم بی نقطه): (ق. ۲: یاختن: ل. ۱: یاختن:
 آ: یاختن): متن = یازده دستویس دیگر ۳۰- س. ۲ (نیز ق. ۲: ل. ۱. آ): افراختن: ل. ۱: به آوردگه با: بر دشتن: متن = س. ل. ۲ (نیز ل. ۲: ل. ۱. آ. ب):
 بنداری: أحدهم لیعلمه الخط و الكتابة. و الثانی لیعلمه الصيد و الطرد. و الثالث من یعلمه الرماية و اللعب بالكرة و التصولجان و مطاردة
 الأقران فی الضراب و الطعان، و تصریف الأعنة و عطفها یمنه و یسرة فی المعترك و المیدان: س. ۲: ل. ۱. آ. ب. پس از بیت ۱۱۴ افزوده اند:

چهارم که از کار شاهنشاهان ز گفتار و کردار و راز جهان

۳۱- س. ۲ (نیز ل. ۱. آ. ب): فرخ: متن = س. ل. ۲ (نیز ل. ۲: ق. ۲: ل. ۳: ل. ۲) ۳۲- س. کسری: س. ۲ (نیز ل. ۱. آ. ل. ۲): گیتی: (ل. ۲: کزی: پ: گردان: آ:
 داری ز گیتی): متن = ق. ک. ل. ۲ (نیز و): ل. ۱: این بیت را ندارند

چن این^۱ موبدار پیس منذر شدند
تن شاهزاده بدیشان^۲ سپرد؛
ز هر دانشی داستان‌ها زدند،
فزاینده خود^۳ دانشی بود^۴ خرد^۵!

چنان گشت بهرام^۶ خسرو^۷ نژاد
هنر هرچ^۹ بگذشت بر گوش اوی^{۱۰}
۱۲۰ چو شد سال آن مامور بر سه^{۱۴} شش
به موبد نبودش به چیزی نیاز
بد^{۱۸} آوردگه بر عنان تافتن
به منذر چنین گفت کای پاکرای
از^{۲۳} آن هر یکی^{۲۰} ز بسی هدیه داد

۱۲۵ وُزان^{۲۶} پس به منذر چنین گفت شاه
بگو تا بیچند^{۲۸} پیشم عنان
بهایی کنند^{۲۹} آنچه^{۳۰} آید خوشم
چنین پاسخ آورد منذر بدوی^{۳۳}
که اسپان^{۲۷} این نیزه‌داران بخواه!
به چشم اندر آرند نوک سنان!
درم پیش^{۳۱} خواهم^{۳۲} بر ایشان کشم!
که ای پره‌رخسرو نامجوی،

۱-ل: چنین؛ س-س: ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، ب): چو این؛ (لی، ل، آ، پ، آ: چو آن)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲-ک: بایشان ۳-ق: پس
۴-س، ک (نیز ل، ن، پ، و، آ): بود؛ متن = ل، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ل، ن، ب) ۵-ل، س، ک (نیز ل، ن، آ، ل، ن، آ): گرد؛ (ق، آ: مرد)؛ متن = ق،
ل، آ، س: ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ بنداری؛ و الرابع من یسرد علیه سیر الملوک و تواریخهم و یخبره عن أفعالهم الحمیده و أوقانهم السدیة. قال:
فلما حصلوا عند المنذر سلم بهرا الیهم فأخذوا فی تعلیمه حتی برع فی جمیع ما قصدوا لتعلیمه إیاه ۶-ق: آن شاه ۷-س: ۲: فرخ
۸-و: کز آموختن داد دانش ۹-س: ۲ (نیز ق، آ، ب): هر چه؛ متن = ل (نیز ل، ن) ۱۰-ل، س، ق، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ن، ل، آ، ب): او؛ متن = ک
(نیز پ، و، ل، ن، آ) ۱۱-ق، آ، ل، ن، آ: تازان ۱۲-ک (نیز پ): بدی؛ (ل، آ: شده) ۱۳-ق، آ: کوس؛ لی: جوش؛ آ: کوش ۱۴-ق، آ، ب: دو) ۱۵-ک،
ل، آ: کتی؛ (لی: منقش همی) ۱۶-س: ۲ (نیز ق، آ، و، ل، ن، آ): بود؛ متن = ل-ل (نیز ل، ن، لی، پ، ب)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۷-س: ۲ (نیز ق، آ، لی،
آ): اگر؛ ل: جویان و آن؛ ل (نیز ب): جویان و هم؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۸-ل، س: ۲ (نیز ل، ن، ل، آ، ل، ن، آ،
آ، ب): به؛ (پ، و: بر)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹-ل: برافکنند (وزن ندارد)؛ ل، آ، س: ۲ (نیز ل، آ، پ، آ، ب): برافکنند؛ (لی: بافکنند)؛
متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، و، ل، ن، آ) ۲۰-ل، س، ک، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ن، ب): اسپ؛ متن = ق؛ بنداری: طرد ۲۱-ل، س، ن: تاختن؛ ل: تافتن؛ س: ۲
(نیز ق، آ، لی): بشافتن؛ (ل: بر تافتن؛ آ: بشاختن؛ ب: نشافتن)؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ) ۲۲-س: ۲ (نیز ق، آ، لی، آ، ب): همه موبدان
را به ۲۳-س: ۲ (نیز ق، آ، لی، آ): پس ۲۴-ق، آ، ل، ن، آ: کسی؛ لی: موبدان ۲۵-ل، ن: منذر بسی هدیه؛ بنداری: و لما بلغ سنه ثمانی عشرة سنة
استغنی عن المعلمین فأشار علی المنذر بأن یردّهم فخلع علیهم المنذر و أعطاهم أموالا و افره. و ردّهم الی بلادهم مسرورین
مغبوطین ۲۶-ک: ازین؛ ل (نیز ق، آ، پ، و، ب): از آن ۲۷-ل، آ: اسپان و ۲۸-پ: بیچند به؛ و: نگر تا چه بیچند ۲۹-ل، ن: کید؛ ق، آ: کند؛
لی: کنم ۳۰-ق، ک (نیز ل، آ، پ، ن، آ، ب): آنچه؛ ل (نیز ق، آ): آنک؛ (و: بها دادن آنرا که)؛ متن = ل، س، س: ۲ (نیز ل، ن، لی)
۳۱-ل، آ، ل، ن، آ: چند؛ پ، و: بیش؛ ق، آ: در بیس؛ آ: در پیش ۳۲-ل، آ، و: خواهد؛ ل، ن، آ: خواهی؛ بنداری: قال: فسأل بهرام المنذر أن یأمر
فرسان العرب بأن یجروا بین یدیہ خیونیم العراب لیشتري منها ما یرید ۳۳-س (نیز ل، آ، پ، ل، ن، آ): بر اوی؛ (ب: به اوی)؛ متن = ل،
ق-س: ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، لی، و)

خداوند اسپان^۲ به دل^۳ خویش تست،
 مرا رنج و سختی چه باید^۷ کشید؟!
 به نیکیت^۹ بدامه ساله^{۱۰} کام^{۱۱}،
 بتازم، نینم^{۱۴} عنان از نهیب^{۱۵}!
 به نوروز^{۱۸} با باد یارش کنم!
 نشاید به تندی رو^{۱۹} کرد زور^{۲۰}!
 فسیله گزین^{۲۱} از گله دار نو^{۲۲}!
 نگر تا که ز^{۲۵} یابی اسپ نبرد!
 از اسپ آن^{۲۸} جنگاوران^{۲۹} برگزید!
 چپ و راست پیمود^{۳۲} و چندی^{۳۳} بگشت
 همه^{۳۵} زیر بهرم^{۳۶} بی بر شدی
 یکی^{۴۰} بد پایو^{۴۱} گشاده بری
 تو^{۴۴} گفتی ز دریا برآمد^{۴۵} نهنگ!
 همی خون^{۴۷} جکید از بر^{۴۸} لعل او^{۴۶}!

گله دار^۱ اسپان من پیش تست
 ۱۳۰ گر^۴ از تازیان^۵ اسپ خواهی^۶ خرید
 بدو گفت بهرام کای نیک نام^۸
 من اسپ آن^{۱۲} گزینم که اندر نشیب^{۱۳}
 چو با تگ^{۱۶} چنان پایدارش^{۱۷} کنم
 وگر آزموده نباشد ستور
 ۱۳۵ به نعمان بفرمود مُنذر که رو
 همه دشت نیزه^{۲۳} سواران^{۲۴} بگرد
 بشد تیز نعمان صد^{۲۶} اسپ^{۲۷} آورید
 چو بهرام دید آن^{۳۰} بیامد به^{۳۱} دشت
 هر اسپ که با باد همبر شدی^{۳۴}
 ۱۴۰ برین^{۳۷} گونه تا برگزید^{۳۸} اشقری^{۳۹}
 هم از^{۴۲} داغ دیگر^{۴۳} کمیتی به رنگ
 همی آتش افروخت از نعل او^{۴۶}

۱-س: گله دار و؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲-ل: او هم؛ متن = چهارده دستویس - بگر ۳-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز لن-ل-آ، و، لن، آ، ب): بتن: (آ: اسپان من): متن = ک (نیز پ) ۴-آ: که) ۵-ل: (نی: آن تازیان) ۶-ب: (خواهم) ۷-آ: (باید): بنداری: فقال: أیها الشهریار! إذا كنت تشتري الخيل فلمن أعددت الجرد العتاق والحصن العرب؟ هل هي إلا لك وصاحبها بين يديك؟ ۸-آ: نامدار؛ (آ: نامجوی) ۹-ک (نیز پ): گیت ۱۰-ق: (سال): س (نیز آ): به نیکی همه سال بادات: الی: همه ساله بادا به نیکیت: ب: به نیکی همه ساله بادات) ۱۱-ل: همه روزگار: (ل: همه کام جوی) ۱۲-ل: (آ: آنرا) ۱۳-ق: نهیب: (و: آ: رکیب): متن = سیزده دستویس دیگر ۱۴-س (نیز لن): نیچم: ک: ل: بیبیم: متن = یازده دستویس دیگر ۱۵-ق، س: آ: رکیب: متر = سیزده دستویس دیگر ۱۶-ل، ق، س (نیز لی، آ): باید: (ق: ماند): متن = س، ک، ل (نیز لن، ل، لن، آ، ب) ۱۷-آ: (نامدارش) ۱۸-ل: که در جنگ: (لی: چو نوروز) ۱۹-ل: (لی: بدو) ۲۰-ل: کور: متن = چهارده دستویس دیگر: بنداری: فقال: إني ما أريد من الخيل ما أعد به في المهابط ثم أضمره حتى يصير والريح طليقي عنان، و شريكی زهان. وإذالم يكن المركوب مجربا فلا ينبغي أن يعتمد عليه إلا كبح ۲۱-ق: فرس برگزین ۲۲-ل: سپهدار گو ۲۳-ل: پیش: متن = چهارده دستویس دیگر ۲۴-ک: گزاران: س (نیز لی): نیز زران (و: لی: شو) ۲۵-ل، س: آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): کجا: (پ: تا که دارند): آ این بیت را ندارد ۲۶-ق: (ب: نعمان و) ۲۷-ل: (چو نعمان بشد کره صد) ۲۸-ل، ل، آ (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): ز اسپان: س (نیز ق، آ، لی، آ): از اسپان: (ل: از آن اسپ): متن تصحیح قیاسی است ۲۹-ل: جنگی بسی: متن = چهارده دستویس دیگر: بنداری: قال: فنفاذ المنذر ولده النعمان الی قبائل العرب ليختار له الخيل. فاختار مائة فرس وجاء بها الی بهرام ۳۰-ق: دید و ۳۱-ل، آ، لن، آ: نعمان یاورد اسپان به) ۳۲-ل، س، ک، س، آ (نیز لن-ب): بیچید: متن = ق ۳۳-ل: (بهرام و): آ این بیت را ندارد ۳۴-ل: بدی: متن = چهارده دستویس دیگر ۳۵-ل (نیز لن، آ، ب): همی: (پ: همان): متن = ۳۶-س (نیز ق، آ، لی، آ): بزریش چوبی پای: متن = یازده دستویس دیگر ۳۷-ل (نیز و): بدین: (ق: آ، لی، آ: ازین) ۳۸-ب: برکشید ۳۹-ل: (اشقری) ۴۰-س (نیز ق، آ، لی، آ): سبک ۴۱-ل: بد پای: متن = چهارده دستویس دیگر ۴۲-ل، آ، س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب): هسان: ه-ن-ل-ک (نیز لن، پ، و، لن، آ) ۴۳-ق: بازگیران: (لی: دیگر اسپ: آ: زاغ دیگر) ۴۴-س (نیز ق، آ، لی، آ، ب): که ۴۵-ل: (برآرد) ۴۶-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز ق، آ، ب، آ، و، او: متن = ک (نیز لن، و، لن، آ) ۴۷-ل: خوی: متن = چهارده دستویس دیگر ۴۸-ل: (بر و)

که در^۲ بیشه‌ی کوفه^۳ بد مرزشان
فروزنده برسان آذرگشسپ!

بها داد منذر چو بود^۱ ارزشان
بپذرفت بهرام او^۴ این^۵ دو اسپ

که از باد نامد^۶ بروبر^۷ نهیب!
که ای مرد باهنگ^۹ روشن‌روان^{۱۰}،
زمانی به تیمار نگذاریم^{۱۱}
دلی نیست اندر^{۱۵} جهان بی^{۱۶} نهان
به^{۱۸} رامش^{۱۹} فزاید تن زاد^{۲۰} مرد
که باشد ز هر^{۲۲} درد فریادرس
اگر^{۲۴} تاجدارست، اگر^{۲۵} پهلوان
جوان را به نیکی^{۲۸} بود رهنمای^{۲۷}
بیارند بازیب^{۳۰} خورشیدفش
هم اندیشه‌ی بافرین^{۳۲} آیدم
که آرام دل باشدم^{۳۶} اندکی^{۳۷}

۱۴۵ همی داشتش چون یکی تازه‌سیب
به منذر چنین نقت روزی^۸ جوان
چنین بی‌بهانه همی داریم
همی^{۱۲} هرک^{۱۳} بنی^{۱۴} تو اندر جهان
از^{۱۷} اندوه باشد رخ مرد زرد
۱۵۰ برین بر یکی خوبی افزای پس^{۲۱}
به زن^{۲۳} گیرد آرام مرد جوان
همان زو بود^{۲۶} بین یزدان به پای^{۲۷}
کنیزک بفرمای تا پنج^{۲۹} شش
مگر زان یکی دو^{۳۱} گزین آیدم
۱۵۵ مگر^{۳۳} نیز فرزند بینم^{۳۴} یکی^{۳۵}

۱-ق (نیز ق. ۲. ج. ۲): بد ۲-ق: از ۳. ج. کینه؟؛ (و: کوده)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری: فخرج الی میدان المنذر، و أجرهن فاختر منها فرسین: کمبنا و أشقر قد حنبا من أرض الكوفة. فاشترهما نه المنذر و وهبهما نه ۴-ل. س (نیز لن): زو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-ک (نیز پ): آن متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ل. س ۲ (نیز لی. ل. ۲. لن. آ): ناید؛ متن = س ۱-ل (نیز لن. ق. ۲. پ. و. ب) ۷-لی: بدو در؛ آ این بیت را ندارد ۸-س ۲ (نیز لی. آ): مرد ۹-ل: باهنگ و؛ س ۲ (نیز ق. ۲. آ): بیدار؛ (ل: فرهنگ و؛ ب: با سنگ؛ لن: باخرد مرد)؛ متن = س ۱-ل (نیز پ. و) ۱۰-لن: دلی نیست اندر جهان بی نهان؛ لی: اگر تاجدارست اگر پهلوان ۱۱-لن: زمانه به تیمار بگذاریم؛ لی این بیت را ندارد ۱۲-س. ق (نیز لن. ق. ۲. ل. ب): همه؛ متن = ل. ک. ل. آ. س ۱۳-س. ل. آ. س ۲ (نیز لن. ل. ب): هر که؛ ق: هرکی؛ ک (نیز ق. ۲): هر چه؛ متن = ۱۴-ک: گویی ۱۵-ل: ندارد دلی در؛ (آ: دلت نیست اندر) ۱۶-ق: نهان بی؛ ل: ندارد زد دل در نهان بی؛ لن: بود مرورا جفتی اندر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۱۷-ل. س. ک. ل. آ (نیز لن. ب. ب): ز؛ ق (نیز و): به؛ متن = س ۲ (نیز ق. ۲. ل. لن. آ) ۱۸-ک. ل. آ. س ۲ (نیز ق. ۲. ل. پ. لن. آ. ب): ز؛ متن = ل. س. ق (نیز لن. و) ۱۹-ل (آ: دانش) ۲۰-ل. س (نیز لن. ب): راز؛ (ل: دل آسای)؛ متن = ق. ک. ل. آ. س ۲ (نیز ق. ۲. ب): لی این بیت را ندارد ۲۱-ل: بس؛ س. ق. ک. س ۲ (نیز لن. ق. ۲. ل. ب): تن (ل: رخ؛ ب: زن) خوبرخ رامش افزای (س: رامش افزای و) بس؛ متن = ل ۲۲-س. ق. ک (نیز لن. ق. ۲. ل. لن. آ. ب): زن باشد از؛ س ۲ (نیز آ): او باشد از؛ متن = ل. ل. آ؛ لی این بیت را ندارد؛ بنداری: ثم انه قال ذات يوم للمنذر: إن وجه الرجال تُصفر من ضيق الصدور، و إنما تحسن مناظرهم بالنشاط و السرور. و ليس شيء أجلب للفرح و الانشراح من النظر الی الوجوه الصباح ۲۳-ل: برین ۲۴-ل: که گر ۲۵-س. ل (نیز ل. آ): و کتر؛ در ل، ل آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۶-آ: بدی) ۲۷-ل: یا-رهنما؛ ل: بجای-رهنمای؛ متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری: و المرأة سكن الرجل مالكا كان أو مملوكا. و هي التي تلجم الشباب بشکيمة العقل، و تصونهم عن الغباوة و الجبل ۲۸-ق: همان زو ۲۹-ل. س ۲ (نیز ل. لن. آ): پنج و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ل. ق. ک. س ۲ (نیز لن. پ. آ): زیب و؛ متن = س. ل (نیز ق. ۲. لی. ل. و. لن. آ. ب) ۳۱-ق: راز؛ (ب: زان دو یکی) ۳۲-ل (نیز ق. ۲): آفرین؛ ق (نیز لن): با آفرین؛ س ۲ (نیز لی، آ): هم (لی: گر آ: کز: اندیشه پیشین؛ متن = س. ک. ل. آ (نیز ل. لن. آ. ب) ۳۳-ل: آ. و زو ۳۴-ق (آ: من زن بینم) ۳۵-ق (نیز لی، و. آ): باشد ز من؛ متر = ده دستنویس دیگر ۳۶-س. ق (نیز لن. ب): باشد او ۳۷-لی، و. آ: ستوده بنزدیک (و: بماند به) هر انجمن

جهاندار خوشنود باشد ز من
 چو بشنید منذر ز بُرنا^۲ سَخُن
 بفرمود تا سعد گوینده^۴ تفت^۵
 بیاورد رومی^۶ کنیزک چهل
 ۱۶۰ دو بگزید بهرام از آن^۸ گلرخان
 به بالا^{۱۱} بکردار سرو سهی
 از آن دو ستاره^{۱۴} یکی چنگزن
 به بالا^{۱۵} چو سرو و^{۱۶} به گیسو کمند
 بخنیدید بهرام و کرد آفرین
 ۱۶۵ جز از^{۱۹} گوی و میدان نبودیش کار

ستوده بمانم^۱ به هر انجمن
 برو^۳ آفرین کرد مرد کهن
 سوی کلبه‌ی مرد نخاس رفت^۵،
 همه از درِ کام^۱ و آرام دل!
 که در پوستشان^۹ عاج بود^{۱۰} استخوان!
 همه کام و^{۱۲} بیبایی و^{۱۳} فره‌ی
 دگر لاله‌رخ چون سهیل یمن!
 بها داد منذر، چن^{۱۷} آمد پسند
 رخس گشت همچون بدخشی^{۱۸} نگین
 گهی زخم چو گار و گاهی^{۲۰} شکار

گفتار اندر داستان بهرام با کنیزک چنگی در شکرگاه^{۲۱}

چنان بُد که^{۲۲} یک روز بی انجمن
 کجا نام آن^{۲۳} رومی آزاده بود
 به نخچیرگه رفت با چنگزن،
 که رنگ رخانش به می داده^{۲۴} بود!

۱-س: آ: بنزدیک: و، آ این بیت را ندارند ۲-ل: خسرو: (لن: آ: برنا ز منذر): متن = سیزده دستنویس دیگر ۳- (لی: بلدو) ۴-ق: تازنده: ل ۲ (نیز پ): جوینده: (آ: پوینده): ک (نیز ب): مرد جوینده: س ۲ (نیز ق: آ: لی): مرد بوینده: متن = ل: س (نیز لن: ل: و، لن: آ) ۵-ق: ک (نیز لی: آ): رفت-تفت ۶- (و: او را) ۷-ق: کار: س ۲ (نیز ق: آ: لی: آ): در خور کام: متن = ده دستنویس دیگر: بنداری: فمر بعرض الجواری علی لأختار منهن واحدة أو اثنتين لیكون الرب عنی راضیا، و أكون بین الناس محمودا. فأمر الملك فجاءوا بأربعین من الوصائف الرومیات: ق: آ: ل: ۳ پس از بیت ۱۵۹ افزوده‌اند:

همه ماده‌دیدار و بادام چشم
 بر ایشان چو افکند بهرام چشم

۸-ل: س (نیز لن): زان: ق: گلرخ گزید از چنان: متن = ده دستنویس دیگر ۹-ل: ۱۰-ل: بُد: س ۲ (نیز ب): گل پوستشان بود و عاج: (لی: گل بوستان بود عاج): متن = ده دستنویس دیگر: آ بیت‌های ۱۶۰-۱۶۱ را ندارد: در س، لن این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۱- (ق: آ: یکایک) ۱۲-ل: (نیز لن: لی، ل: پ، لن: آ: ب): <و>: متن = س، ک، ل: آ: س ۲ (نیز ق: آ: و) ۱۳-ق: نام زیبای بر؟: بنداری: و عرضهن علیه فاختار منهن جاریتین أحسن ما یكون من البشر ۱۴-ل: پرستاران: (ل: ازین دوستان (وزن ندارد)): متن = دوازده دستنویس دیگر: آ این بیت را ندارد ۱۵-س، ق: آ: ک، س ۲ (نیز لن، و، لن: آ): بی‌الای: متن = ل: ل: آ ۲ (نیز ق: آ: پ، ب) ۱۶-ل: <و>: (ق: آ: بلندو): متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-ل: س ۲ (نیز ق: آ: ب): چو: متن = (لن) ۱۸-ل: (نیز لن: آ): بدخش: س، ل: آ ۲ (نیز ق: آ: لی، آ، ب): بدخشان: متن = ق: ک، س ۲ (نیز لن: ل: آ: پ، و) ۱۹-س ۲ (نیز لی: آ): بجز ۲۰- (لی: همی زخم چو گان و گاه): بنداری: و عرضهن علیه فاختار منهن جاریتین أحسن ما یكون من البشر، إحداهما جنکیه، فشعف بهما بهرام فلم یکن لاشغل سوی مطاردة الأقران و اللعب بالكرة و الصولجان و مداعبة النسوان: ق: آ پس از بیت ۱۶۵ افزوده است:

به تیر و کمان کس چو بهرام گور
 نبود و نباشد به نام زور

۲۱-ل: رفتن کنیزک با بهرام گور بشکار: س: رفتن بهرام گور بشکارگاه با کنیزک چنگ‌زرد: ق: دستان بهرام گور با کنیزک چنگی در شکارگاه: ک: رفتن بهرام گور بشکار با کنیزک: ل: آ: داستان بهرام گور در شکارگاه با کنیزک: متن = (ل: آ): س ۲ سرنویس ندارد ۲۲- (آ: کن که: و: چو آن دید) ۲۳-ک: او ۲۴- (پ: چنان باده)

ابا سرو^۳ آزاده^۴ چنگی به دست
همیشه به لب داشتی نام اوی^۸
که پشتش به دیبا بیاراستی
همی تاختی در فراز و نشیب
همان^{۱۲} هر یکی گوهرآگین بدی
دلور ز هر^{۱۵} دانشی بهره داشت^{۱۶}!
جوانمرد خندان به آزاده^{۱۷} گفت،
برآرم^{۱۹}، به شست اندرآرم گره،
- که ماده جوانست و همتاش^{۲۱} پیر^{۲۲} -
بدآهو^{۲۶} نجویند^{۲۷} مردان^{۲۸} نبرد!
شود^{۳۱} ماده از تیر تو نر^{۳۲} پیر!
چو آهو^{۳۵} ز چنگ^{۳۶} تو گیرد گریز،

به پشت هیونی^۱ چمان^۲ برنشست
دلارام^۵ او بود^۶ و همکام^۷ اوی^۸
۱۷۰ به روز شکارش هیون خواستی
فروشته زو چز بودی رکیب^۹
رکیش^{۱۰} دو زرین دو سیمین^{۱۱} بدی
همان زیر^{۱۳} ترکش کمان^{۱۴} مهره داشت
به پیش اندرآمدش آهو دو جفت
۱۷۵ که ای ماه، چون من^{۱۸} کمان را به زه
کدام آهو افکنده خواهی^{۲۰} به تیر؟
چنین^{۲۳} گفت آزاده، کای^{۲۴} شیر^{۲۵} مرد
تو آن ماده را نر^{۲۱} گدان^{۳۰} به تیر
وزان^{۳۳} پس هیون را^{۳۴} برانگیز تیز

۱-ل (نیز ق ۲، آ): هیون؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ در س ۲، لی، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲-س، ق، ک (نیز لن، ق ۲، ل ۲، لن ۲، ب): دمان؛ ل ۲، س ۲ (نیز نی): دوان؛ (آ: روان؛ و: دمنده هیون)؛ متن = ل ۳-س ۲ (نیز لی، آ): ماه ۴-ق (نیز لن): آزاده ۵-ل ۲: دلارای ۶-ق: بودیش ۷- (ق: هخام) ۸-ل، ق، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۳، و، آ، ب): او؛ متن = س، ک (نیز لن، پ، لن ۲) ۹-س (نیز ل ۳): رکاب (پساوند ندارند) ۱۰-ل، س ق (نیز ق ۲، ل ۳، پ، و): رکابش؛ متن = ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، لن ۲، آ، ب) ۱۱- (پ: و سیمین)؛ س، ق (نیز لن، و، لن ۲): دو سیمین دو زرین؛ متن = ل، ک، ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۳، آ، ب) ۱۲-ک: میان؛ (و: همی)؛ بنداری: فخرج یوماالی الصید و معه الجارية المغنیه و كان له هجیر مخرج بسرج مغضی بالذبیاج، له أربعة رُكْب: رُكْبان من الذهب و رُكْبان من انفضة ۱۳-ق: نهان نز (حرف دوم از واژه دوم بی نقطه ۱۴-س ۲ (نیز آ): بسی؛ (ق: همان) ۱۵- (ق: به هر)؛ ل، س، ق (نیز لن ۲): دل او ز هر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-ق: راست ۱۷- بی زار؛ (ق: بگلناز؛ آ: باواز)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر، بنداری: فیرکه و یرتدف الجارية و فی حجرها الجنک، و معه العدة، و تحت رکابها قوس البندق. فیینا هو یعدی الهجین فی الصحراء إذ عن له غزالان ذکر و أنثی فقال للجارية ۱۸-ل، س ۲: من چون (ق ۲، آ: رح چون)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹-ق: بدارم؛ ک: بمالم؛ (ب: درآرم) ۲۰- (لن ۲): آرم؛ ق ۲، لی، و: افگند خواهی) ۲۱-س ۲ (نیز لی، ب): هم جفت ۲۲- (آ: شود ماده از تیر تو نیز پیر) ۲۳-ل: بدو؛ متن = س-س ۲ (نیز لن-لن ۲، ب) ۲۴- (ل ۲): با) ۲۵-ق: شاه ۲۶-ل، ق-ل ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲-لن ۲): باهو؛ س: برآهو؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۷- (ق: نگویند) ۲۸-س ۲ (نیز لی، ب): خردمند از آهو نجوید؛ این بیت را ندارد؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

ز مردان اگر کین فزایی رواست
که مردی بمردان نمودن سزاست
ولیکن ترا نر - نین است کام
نتابم ز زای تو هرگز نگام
بزن ماده آهو - ان و سرین
تو بازن چه جویی همی خشم و کین

۲۹-ق (نیز ل ۳): نرم؛ (آ: زیر) ۳۰- (ل: بگ زبان) ۳۱- (پ: همان) ۳۲-ل (نیز ق ۲): دربر (تنها حرف چهارم نقطه دارد)؛ س: تیز ویر؛ ق-س ۲ (نیز لی): نیز پیر؛ (و: که از تو بود این هنر دلپذیر؛ آ: که ماده جوانست و هم جفت پیر)؛ متن = (لن ۲، ل ۳، پ، لن ۲، ب): بنداری: ای الغزالین أرمی؟ فقالت: إن رمی الغزال، أمر مین. ولكن اجعل بنشابک الأثنی منهما ذکرا و الذکر أنثی ۳۳-ل (نیز لی): ازان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-ک: هیونان ۳۵-ل ۲: هنک (وزن ندارد) ۳۶-ل، س (نیز لن): حنک (حرف یکم بی نقطه)؛ ق، ک، س ۲ (نیز لی، ل ۲، ب، آ، ب): جنک؛ ل ۲: جنک (حرف دوم بی نقطه)؛ (ق: زخم)؛ متن = (لن ۲)؛ و این بیت را ندارد

نهد همچنان خوار بر دوش خویش،
 بدآزار^۵ پایش رآرد به^۶ دوش،
 چو خواهی که خوانمت گیتی فروز!

برانگیخت از^۹ دشت ارمیده^{۱۰} شور!
 به دشت اندر از بر^{۱۲} نخچیر داشت
 سپهد سروهای آن نر^{۱۵} تیز،
 کنیزک بدو ماند^{۱۷} اندر شگفت!
 سرش زان سروی^{۱۹} سیه^{۲۰} ساده گشت
 بزد همچنان^{۲۴} مرد^{۲۵} نخچیر گیر
 به خون اندرون لعل گشته برش
 به خم کمان منبره در^{۳۲} مهره ساخت^{۳۳}

۱۸۰ کمان^۱ مهره^۲ انداز تا گوش خویش
 همان که^۳ ز مهره بخاردش^۴ گوش،
 به پیکان سر و پای^۷ و گوشش بدوز

کمان را به زه کرد بهرام گور
 دو پیکان به ترکش یکی^{۱۱} تیر داشت
 ۱۸۵ هم آنگه چن^{۱۳} آهو شد^{۱۴} اندر گریز
 به تیر دو پیکان ز سر^{۱۶} برگرفت
 هم اندر زمان^{۱۸} نر چون ماده گشت
 همان در^{۲۱} سروگاه^{۲۲} ماده^{۲۳} دو تیر
 دو^{۲۶} پیکان به جای سرو^{۲۷} در^{۲۸} سرش^{۲۹}
 ۱۹۰ هیون را سوی^{۳۰} جفت دیگر بتاخت^{۳۱}

۱-ک (نیز پ): همان ۲-ل(ی: کهره): متن = چهارده دستنویس دیگر ۳-ل-ک (نیز ق ۲، ل ۳): هم آنکه: ل ۲، س ۲ (نیز لن، لی، پ، لن ۲): همانکه: متن تصحیح قیاسی است ۴-س (نیز لن ۲): بخارد دو: (لی: بخوارش بکوش: ق ۲، ل ۳، ا ۳: چو از مهره خاردش): متن = ده دستنویس دیگر ۵-ل-س ۲ (نیز لن-ب): بی آزار: متن تصحیح قیاسی است ۶-ل: بدآرد ز: ک: برآید به: متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-ل: پا: (و: سراپای): متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-س ۲ (نیز لی، آ): لشکر فروز: بنداری: ثم ارم الذکر و هو یعدو بیندقه فی إحدى أذنيه فانه یرفع رجله فیحک بها أذنه. فارمه عند ذلک بشابهة أخرى تخیط بها رجله الی أنه الی رأسه: ق ۲، ل ۳ پس از این بیت ۱۸۲ افزوده‌اند:

ق ۲: بیچید بهرام یل زین سخن دل مرد برنا شد ز غم کهن

ل ۳: چو بشنید بهرام ازو این سخن بیاد آمدش گفهای کهن

۹-ک (نیز لن، لی، ل ۳): از آن: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-ل: آرام: ل ۲: آنگاه: س ۲: آو: د: (ق ۲: اسب و برآورد: پ، لن ۲: زان دشت آورده): متن = س، ق، ک (نیز لن، لی، ل ۳، و، آ، ب) ۱۱-ل: یکی ترکش و ۱۲-ق: آن بهر: س ۲: بترک: در از تیر: (لی، آ: بترکش در از بهر) ۱۳-ل-س ۲ (نیز لی، پ، ب): چو: متن = (لن) ۱۴-ل: هم آنگاه آمد چو ۱۵-ل، س: نزه تیز: ل ۲: بیر تیز: س ۲ (نیز لی، آ): آهو بتیر: (ل ۳: پیر تیز): متن = ق، ک (نیز لن، لی، ل ۳، و، ب): در پ این واژه خوانا نیست، ق ۲ این بیت را ندارد ۱۶-ل: سرش: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷-س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، لی، ل ۳، پ، لن ۲، آ، ب): مانده: متن = ل، ل ۲ (نیز و): ق ۲ این بیت را ندارد ۱۸-ل(ی: جهان: و: همانگاه آن) ۱۹-ق: و اسرین: ک: را سروی: (ل ۳: سرون): متن = ل، س (نیز لن، ق ۲، پ، ب) ۲۰-ل(ن: سردها هدی): ل ۲: را سروها بشد: س ۲ (نیز لی، آ): سرو یک بیک: بنداری: قال: فوتر قوسه و استخراج نشابه ذات مشقص برأسین فسدده، نحو لذكر فاخطف قرنيه من رأسه فصار بذلک أنثی ائی أجم ۲۱-ک، ل ۲ (نیز لن ۲، آ): بر: س ۲: هم اندر ۲۲-ق: سرون ۲۳-ل(ی: بر سر آهو ماده: ل ۳: سرون کمان ماده: آ: بر سر ماده آهو) ۲۴-س ۲ (نیز آ): تیر پس: (لی: نیزه آن) ۲۵-س، س ۲ (نیز لی، آ، ب): شاه ۲۶-ل(ز ۳: ز) ۲۷-ل(ی: سرون) ۲۸-ک (نیز لی، پ، آ): بر: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-ق(آ: برش): بنداری: ثم أخرج نشابهة أخرى فأصاب بها ررک لأنثی ففقدت النشابهة فیها حتی خرج نصلها من أم رأسها، و أعقبها بأخری مثلها. فصارا فی رأسها كالقرنین لها. فعادت بذلک الأخی ذرا، ائی ذات قرنین كالذکر ۳۰-ل(ن: از بی: ق ۲: از بر: و: بر آن) ۳۱-ل(ی: بداشت) ۳۲-ق(آ: کمان در کمان مهره) ۳۳-س: اندر نشابهت: ه ۲ (نیز آ): بر گوش ساخت: (لی: زخم کمان گهره بر گوش داشت)

به گوش یکی آهوی^۱ اندر^۲ فگند
 بخارید گوش آهوی^۴ اندر زمان
 سر و گوش و پایشر به بیکان^۷ بدوخت
 بزد دست بهرام^۹ و او را ز زین
 هیون از بر ماه چهره براند
 ۱۹۵ چنین^{۱۵} گفت کای سی خرد^{۱۶} چنگزن^{۱۷}
 اگر کند^{۱۹} بودی گشاد^{۲۰} برم
 چن^{۲۲} او زیر^{۲۵} پای هیون در بمرد^{۲۶}
 پسند آمد و^۳ بود جای پسند
 به تیراندرون راند^۵ جادو^۶ کمان
 بر آن^۸ آهو آزاده را دل بسوخت
 نگوسار^{۱۰} برزد به روی^{۱۱} زمین
 برو دست و چنگش^{۱۲} به خون^{۱۳} در نشاند^{۱۴}
 چه بایست جستن به من بر^{۱۸} شکن؟
 ازین^{۲۱} زخم، ننگی شدی^{۲۲} گوهرم^{۲۳}
 به نخچیر از آن^{۲۷} پس کنیزک نبرد
 دگر هفته با شکر^{۲۸} سرفراز^{۲۹}
 به نخچیرگه رفت با یوز و باز

۱-ل. ق-س^۲ (نیز لن. پ. و لن. آ. ب): هو؛ متن = س ۲-ل. آ: آهویی در: ق^۲: بینداخت و در گوش آهو) ۳-ک (ل. آ. پ. و): آمدش؛ آ این بیت را ندارد ۴-ل-س^۲ (نیز لن-ل. ا. و-ب): آهو؛ متن = (پ) ۵-ل. س^۲ (نیز لی. ل. آ): اندر آورد؛ متن = س-ل^۲ (نیز لن. ق. آ. و لن. آ. ب) ۶-آ: چاچی؛ پ: خدنگی نهاد ن زمان در) ۷-س. ک. ل^۲ (نیز لن. پ. لن. آ. ب): بیکجا؛ (ق: آ. به هم بر)؛ متن = ل. ق. س^۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ) ۸-ل (نیز لی. پ): بدان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ ثم رمی الغزالی الأول فی أذنه بیندقة فخرت فرغ ظلفه بحکیها به فرماه حینند آخری خاط بها رحله و أذنه و رأسه جمیعا فرقت الجاریة عند ذلک للغزالیین، ق^۲. ل. آ. و پس از این بیت ۱۹۳ افزوده اند:

ق^۲: بدو گفت جونست ای ماه روی
 ابا شاه گفت این نه مردانگیست
 ل^۲: چنین گفت آزاده کان مستمند
 ... (؟) ان تر آوردی این کار کرد
 و: سزاوار بر شه نکرد آفرین
 نگفت آنچه بر دن پسند آیدش
 چو ناری بیان با دلیران دلیر
 شه از کینه - شه خرد را بدوخت
 روان کرد آزاده از دیده جوی
 ز مردی ترا خوی دیوانگیست
 بیامد بجانت ازینسان گزند
 که آهو از آن کار شد جفت درد
 دلش گشت از آن آهو اندوهگین
 همان گفت او سودمند آیدش
 سرت را ز بالا درآرد بزیر
 چو آتش ز گفتار او بر فروخت

۹- (و: ناگاه) ۱۰-ل-ک. س^۲ (نیز لن-پ. و. ا. ب): نگوسار؛ متن = ل^۲ ۱۱-لی: کرد و بزد بر: لن^۲: بر آورد و آسان بزد بر) ۱۲-ق. آ. ل. آ: جنکی) ۱۳-لن^۲: بهم) ۱۴-س^۲ (نیز لی. ا. ب): سر و پای و دستش (ب: دوشش) بخون در (آ: بر) فشاند (لی: نشاند) ۱۵-لن^۲: بدو) ۱۶-ک: بهرام کای ۱۷-لی: جنگجو؛ (آ) ۱۸-لن^۲: ب. در؛ ک (نیز پ): بما بر: ق این بیت را ندارد ۱۹-ل^۲: کنده) ۲۰-ک (نیز لی. لن. آ): گشاد؛ س^۲ (نیز ق. آ. ل. آ. ب): گشاده- متن = ل. س. ل^۲ (نیز لن. پ. و. آ) ۲۱- (و: آن) ۲۲-ک: شود؛ ل^۲: بدی؛ (لی: کار ننگی بدی) ۲۳-ل. آ: بر سرم؛ (لن. ق. آ. لن^۲: کشورم)؛ ق این بیت را ندارد ۲۴-ل. س. ق. ل^۲ (نیز ق. آ. ل. آ. پ. لن. آ. ب): چو؛ متن = ک (نیز لن. و) ۲۵-س^۲ (نیز لی. آ): به خواری به ۲۶-ل: سپرد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷-ل: زان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ فمد یدها الیها فألقاها من خلفه الی الأرض، و أوطأها الیجین فداسها بأخفافه حتی ماتت. و أنکر اقتراحها علیه مثل ذلک مع صعوبته و قال: لو لم أصب کما قلت لضاعت علی الأرض برحبها، و کدت أهلک أسفا. ثم لم یستصحب بعد ذلک جاریة الی الصيد ۲۸-ل. ک. ل. آ (نیز ق. آ. ل. آ. پ. و): لشکری؛ متن = س. ق. س^۲ (نیز لن. لی. لن. آ. ا. ب) ۲۹-ل. آ: رزم ساز

۲۰۰ برابر ز^۱ کوهی^۲ یکی شیر دید^۳
برآورد^۷ زاغ^۸ سیه^۹ را به زه
دل گور بردوخت^{۱۱} با^{۱۲} پشت شیر

دگر هفته نَعمان و مُنذر به راه
بسی نامور بُرده از^{۱۶} تازیان
۲۰۵ همی خواست منذر که بهرام گور
شتر مرغ دیدند جایی^{۲۰} گله
چو بهرام گور آن شتر مرغ^{۲۳} دید
کمان را بمالید خندان^{۲۷} به چنگ
یکایک همی راند اندر^{۳۰} کمان
۲۱۰ همی پز بشکافت^{۳۳} بر تیر^{۳۴} تیر^{۳۵}
به یک سوزن^{۳۹} این زان فزون تر^{۴۰} نبود
برفت و بدید آنک^{۴۴} بد^{۴۵} نامدار

همی رفت با او به نخچیرگاه^{۱۵}
کزیشان بدی راه سود و^{۱۷} زیان
بدیشان^{۱۸} نماید سواری و زور^{۱۹}
دوان^{۲۱} هر یکی - تون هیونی^{۲۲} یله
به کردار باد^{۲۴} هوا^{۲۵} بردمید^{۲۶}
بزد بر کمر چا^{۲۸} تیر^{۲۹} خدنگ
بدآن تا^{۳۱} سرآرد بریشان^{۳۲} زمان
برین^{۳۶} سان زند^{۳۷} مرد نخچیرگیر^{۳۸}!
همان تیر^{۴۱} ارین^{۴۲} تیر^{۴۳} برتر نبود!
به یک موی بر بود^{۴۶} زخم سوار!

۱- (ب: به)؛ س. س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ): بنزدیک؛ ق. ک (نیز پ): بر برز؛ متن = ل. ل^۲ ۲- (لی، آ: زوه او) ۳- (ق: آ: یکی شیر در پست گوری بدید؛ ل: آ: یکی شیر در زیر کوهی بدید) ۴- س^۲ (نیز لی، آ): که او ۵- (ق: آ: او را) ۶- ل: آ: بشکرید؛ و این بیت را ندارد ۷- س^۲ (نیز لی، آ: ب): در آورد ۸- ل. ل^۲ ۹- س^۲ (نیز ق: آ: لی، آ): کمان؛ متن = ل. ک (نیز لن، ل. پ. ل. ب. لن، ب): ۹- ل: <و>؛ ل. آ: س^۲ (نیز پ): شست و (حرف یکم بی نقطه)؛ (لن، لی، ل. آ: نشست و)؛ متن = ۱۰- س: به: ک: نشسته به؛ (و: آ: بر آن هشت)؛ متن = ق (نیز ل: آ: ب)؛ و این بیت را ندارد ۱۱- س: بردخت ۱۲- ل. ل^۲ (نیز لی، آ): برز؛ (ق: آ: دگر گور بردوخت بر) ۱۳- (ل: آ: و از) ۱۴- س^۲ (نیز آ: <و>)؛ خون و شیر؛ (لی: بر از خون شیر از بر گور زیر)؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری: قال: و بعد أسبوع آخر خرج الی الصید بالیزاة والفهود فرأی فی سفح بعض الجبال أسدا قد افترس حماز وحش فرماه بنشابة أنفذا فیهما حتی مرقت؛ ل. س^۲ س از بیت ۲۰۲ افزوده اند:

چو او گور و شیر دلاور بکشت
بایوان خرامید جعی ه مش

برخی از دستنویسها درین جا سرنویس دارند؛ ل: رفتن منذر با بهرام گور به نخچیر؛ ق: هنر نمودن بهرام گور نزد منذر و نعمان ۱۵- و این بیت را ندارد ۱۶- ق: مرد از؛ (آ: مرد از آن)؛ ل: آ: مایه و مردم از؛ س^۲ (نیز ق: آ: لی، ل. پ. ب. ب): موز مردم از؛ متن = ل. س. ک (نیز لن، لن^۲) ۱۷- ل: <و>؛ و این بیت را ندارد ۱۸- (لن، ب: بایشان) ۱۹- (ل: آ: شور) ۲۰- ل: جای ۲۱- (پ: وزان) ۲۲- (ل: آ: هیونان؛ لن، آ: آ: هیون) ۲۳- (ل: آ: بناگه از آن سونگه کرد و) ۲۴- ک: باد از ۲۵- (ل: آ: دمان) ۲۶- ق: چو شیر زیاد او فغان برکشید ۲۷- (پ: ب: بمالید جنگی کمان را) ۲۸- ل. ک (نیز لن، آ): کمرگاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹- (آ: چوب) ۳۰- ق: تیر از ۳۱- (ل: آ: که تا خود) ۳۲- س^۲ (نیز لی، ل. آ: لن، آ): بدیشان؛ (و: بریشان سرآرد) ۳۳- ل (نیز آ): بر شکافت؛ ل (نیز ق: آ: ب. لن، ب): بر شکافید؛ س^۲: تیر بشکافت؛ متن = س. ق. ک (نیز لن، لی، ل. آ: و) ۳۴- ل. آ: س^۲: بر پز؛ (لن: نیز ق: آ: از تیر؛ لن: آ: پرشان به) ۳۵- (ل: آ: تیز) ۳۶- ل. ل^۲ (نیز لی، آ: ب): بدین؛ س^۲: بدان؛ متن = س. ق. ک. ل (نیز لن، ق: آ: پ. و، لن^۲) ۳۷- (و: رانده بد؛ لن: آ: که بد) ۳۸- (ل: آ: بر ورد ازیشان دم رستخیز) ۳۹- (ق: آ: همی یک سوی (وزن ندارد)) ۴۰- (و: فروتر؛ آ: آن زو فروتر) ۴۱- (لی، آ: نیز؛ و: هم این تیر) ۴۱- ل. س (نیز لن): زین؛ ل (نیز ق: آ: لن: آ: از؛ ق: نیز ل: آ: و)؛ از آن؛ متن = ک. س^۲ (نیز لی، پ. ب. ب، آ) ۴۳- (لی، آ: نیز) ۴۴- س^۲ (بر لی، آ: آن یل: ل: آنکه)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۵- س^۲ (نیز لی، آ): آن یک ۴۶- (لی: موبود (وزن ندارد)؛ ل: آ: زمین گشت جان ز)

همی آفرین خوند منذر بر او^۱
بدو گفت منذر که ای شهریار
۲۱۵ مبادا که خم^۳ آورد ماه تو!

همان نیزه داران پرخاشجوی!
به تو شادمانم چو گلبن به بار^۲!
وگر^۴ سست گردد^۵ کمرگاه تو!

همانگه چو^۶ منذر به ایوان^۷ رسید
فراوان مصور بجست از یمن
بفرمود تا زخم^۱ از را به تیر
سواری چو بهراه با یال و کفت^{۱۴}
۲۲۰ کمان مهره و شیر و هو^{۱۷} و گور^{۱۸}
شتر مرغ و^{۲۳} هامون و^{۲۴} آن زخم تیر
سواری برافگند زی شهریار
فرستاده چون سد^{۲۷} بر یزدگرد
همه نامداران^{۳۰} فروماندند^{۳۱}

ز بهرام رایش^۸ به کیوان رسید!
شدند این^۹ سران^{۱۰} بر درش^{۱۱} انجمن
مصور نگاری کند بر^{۱۳} حریر:
بلنداشتری زیر و^{۱۵} زخمی شگفت^{۱۶}،
گشادبر و^{۱۹} چرب^{۲۰} دستی^{۲۱} و زور^{۲۲}،
ز قیر سیه تاخته^{۲۵} بر حریر،
فرستاد نزدیک او^{۲۶} آن نگار
همه لشکر آمد بر آن^{۲۸} نامه^{۲۹} گرد
به بهرام بر^{۳۲} آفرین خواندند

۲۲۵ وزن پس هنرها چو کردی، نگار^{۳۳}
پدر^{۳۵} آرزو^{۳۶} کرد بهرام را
به منذر چنین گفت بهرام شیر

همی^{۳۴} تاختندی بر شهریار
چه بهرام؟ خورشید خودکام را!
که هر چند مانم بنزد^{۳۷} تو دیر،

۱-ل.س.ک (نیزلی.پ.ن.آ.آ) <ی> بدون؛ متن = ق.ل.آ.س.آ (نیزلن.ق.آ.ل.آ.و.ب) ۲-ق (نیزل ۳): گل در بهار؛ ب این بیت را ندارد
۳-ل.لی.آ.خشم؛ ل.آ. چشم) ۴-ل.آ. اگر ۵-آ: گیرد؛ ل.آ. نیست گردد؛ ل.آ. نیست آورد (وزن ندارد)؛ ب این بیت را ندارد ۶-س.آ (نیزلی.آ): که؛ (و: همانگاه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ق (آ: میدان) ۸-ک: ایوانش آتش؛ (ل.آ: سر شاه از ایوان) ۹-س.س.آ (نیزلی.پ.ن.آ.آ.ب): آن؛ متن = ل.نیزلی.و) ۱۰-س.آ (نیزلی.آ.ب): همه ۱۱-ل.لی.آ: سرش) ۱۲-آ: باز؛ ل.آ. چو دیدند چنان زخم
۱۳-ل.آ: بکنند از؛ در ل.آ. این بیت چهار بیت سپس تر آمده است ۱۴-ل.آ. (نیزب): پشت؛ ل.لی: کفت؛ ق.آ. این بیت را ندارند ۱۵-ل.لی.و.ن.آ: <و> ۱۶-ل.آ: زیرا او بردرشت؛ (ب: اشقری زیر و حربی درشت)؛ بنداری: فتعجب المنذر من قوته و اشتداد یده و أمر باحضار المصور فآمره فأخذ ثوب حریر و صور عنیه صورة بهرام را کبا علی الهجین ۱۷-س.ل.آ. (نیزب.پ.ب): آهو و شیر؛ (لی.و: تیر و آهو)؛ ق.آ: همان چهره شیر و آهو؛ متن = ل.ک.س.آ (نیزلن.ق.آ.ل.آ) ۱۸-ل.آ: برداشت بهرام زود) ۱۹-ل.س.ل.آ.س.آ (نیزلن.ق.آ.لی.ب): گشاده برو؛ ک: گشاده بدو؛ متن = (پ.و.ل.ن.آ) ۲۰-ل.حرب (حرف یکم بی نقطه)؛ س: خوب؛ ل.آ: خوب؛ ق: گشاد و بر خوب و ۲۱-ب: دست چربی و) ۲۲-ل.ق (نیزق.آ.ل.ن.آ): ب و ز؛ متن = س.س.ک.ل.آ.س.آ (نیزلن.لی.پ.و)؛ (ل.آ: گشاد و بر آن چرب دستی نمود)؛ آ این بیت را ندارد ۲۳-ل.لی.آ: <و> ۲۴-ل.لی: <و>؛ (ق.آ.ب: آهو و) ۲۵-ل.ن.لی.ل.ن.آ: ساخته؛ ل.ق.س.آ (نیزق.آ.پ.و): تازه شد؛ (ب: ساره شده (وزن ندارد)؛ متن = س (نیزل)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: و صورة الغزالیين المذكورين علی هیتهما، و صورة الأسد و حمار الوحش و النشابة النافذة فیهما، الی غیر دیک من أفعاله العجیبة فی صید النعام و السباع و الوحوش ۲۶-ل.آ.وی؛ (ق.آ: شاه)؛ ق: بر سوی او ۲۷-ل.آ: آمد؛ ک: شد چون ۲۸-ق (نیزلی): بدان ۲۹-ل.تیر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۰-س.آ (نیزلی.آ.ب): از آن زخم خیره؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱-ل.آ: چو گرد آمدند (پساوند ندارد) ۳۲-ق: گور ۳۳-ل.س.آ (نیزلن.و.آ): نکار (حرف یکم بی نقطه)؛ (لی.ل.آ.ن.آ.ب: بکار؛ ق.آ: که کرد آشکار)؛ متن = (پ.آ) ۳۴-ک (نیزق.آ): همه ۳۵-ل.آ: بدید) ۳۶-ل.آرزوی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۷-ل: مانم نزد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

همان^۱ آرزوی پدر خیزدم
 برآراست^۳ مندر چو^۴ بایست کار
 ۲۳۰ از^۷ اسپان تازی به زرین‌ستام
 ز برد^{۱۰} یمانی و تیغ یمن
 چو نعمان^{۱۴} که با شاه همراه بود
 چنین تا به شهر سطر^{۱۶} آمدند
 چو ایمن شو^۲، دل برانگیزدم!
 ز شهر یمن هدیه^۵ شهریار^۶
 ز چیزی که رمایه بردند^۸ نام^۹
 دگر هرچ^{۱۱} معدش بد^{۱۲} در عدن^{۱۳}
 به نزدیک او افسر^{۱۵} ماه^{۱۵} بود
 ز شاهان^{۱۷} همی^{۱۷} داستان‌ها زدند^{۱۹}

گفتار اندر رفتن بهرام گور نزدیک پدر^{۲۰}

وُزان پس^{۲۱} چو آگاهی آمد به شاه^{۲۲}
 ۲۳۵ پذیره شدندش^{۲۵} همه موبدان^{۲۶}
 چو از دور بهرام را دید^{۲۸} شاه
 شگفتی فروماند از^{۳۲} کار او^{۳۳}
 ز^{۲۳} فرزند و نعمان تازی به راه^{۲۴}،
 ز درگاه^{۲۷} بیدار دل‌بخردان
 بدان^{۲۹} فرّ و آن شاخ^{۳۰} و آن گرده‌گاه^{۳۱}،
 ز بالا و فرهنگ و دیدار^{۳۴} او^{۳۵}

۱-ل. ۲. س. ۲ (نیز لی. ل. ۲. آ. ب.): همی؛ متن = ل. ک (نیز لن. ق. ۲. پ. و. لن. ۲) ۲-ق. ک (نیز ق. ۲. ب. : شود؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم نغذها الى ابيه يزدجرد. و كان كلما رأى منه شيئاً عجباً أمر المصور بتصويره و نقده الصورة الى الملك. ثم إن بهرام قال للمنذر ذات يوم: قد اشتقت الى لقاء الملك فردني اليه ۳- (ل. ۳: بياراست) ۴- (و: چونان که) ۵-س. ۲ (نیز لی. ب.): هدیه‌ها؛ (ل. ۳: تا در)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶-س. ۶. س. ۲ (نیز لن. لی. لن. ۲. ب.): بی شمار ۷-ل. ق. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲. ل. ۳. پ. و. ب.): ز؛ متن = س. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. لی. لن. ۲. آ. ا) ۸-ل. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۲. لن. ۲) تر بود؛ (و: بُد برد) ۹- (لی: شمشیر هندن بزرین‌نیام) ۱۰- (و: یزد؟: آ. ویر) ۱۱-س. ل. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۲. لن. ۲. ب.): هرچه؛ س. ۲ (نیز لی. آ.): ز چیزی که؛ متن = ۱۲-س. ل. ۲ (نیز لن. ب.): بد معدش؛ متن = ل. (نیز لن) ۱۳- (لن. آ: یمن) ۱۴- (و: جوانان) ۱۵-ق. (نیز و): گاه؛ ل. ۲ (نیز ل. ۳. ب.): افسر و گاه؛ س. ۲ (نیز آ. ب.): مر او را بنزد پدر جاه؛ متن = ل. س. ک (نیز لن. ق. ۲. لن. ۲) ۱۶-ل. ک. س. ۲ (نیز لن. لی. پ. و. لن. ۲. ب.): سطر؛ متن = ل. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۲. آ) ۱۷-س. (نیز لن. لن. آ): شادی ۱۸-ق. (نیز لن. آ): همه؛ ک. بسی؛ متن = س. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. لی. و. آ. ب) ۱۹-ل. ک: از شاهزاده بفخر آمدند؛ (ق. آ: همه با بزرگی و فخر آمدند)؛ در و این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۲۰-ل. آمدن بهرام گور با نعمان پیش پدر؛ س. رفتن بهرام گور بدیدن پدر بایران زمین؛ س. آ: آمدن بهرام گور نزد پدر؛ متن = [گفتار اندر +] ل. ۲. ق. ک سرنویس ندارد ۲۱-ل. ک (نیز ق. ۲): از آن؛ س. ۲ (نیز لی. آ): ازیشان؛ متن = س. ق. ل. ۲ (نیز لن. ل. ۲. لن. ۲. ب) ۲۲-س. ق. ک (نیز و. لن. ۲): ز راه؛ (لن. ق. آ: راه)؛ متن = ل. ل. ۲. س. ۲ (نیز لی. ل. ۲. پ. آ. ب) ۲۳-ق. ک: که ۲۴-س. ق. ک (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. و. لن. ۲): نعمان تازی و فرزند شاه؛ س. ۲ (نیز آ. ب.): نعمان ز بهرام کاملد براه؛ (لی: بهرام و نعمان که آمد براه)؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز پ) ۲۵-س. آ: شدش با ۲۶-ل. آ: مهتران ۲۷- (ل. آ: کموروز و؟): ل. ل. ۲. س. ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:
 بیامد همانگاه نزد پدر چو دیدش (س. آ: دب. او) پدر را برآورد سر
 پیش کئی تخت او سرفراز بیامد شتابان و بردش نماز
 بنداری: فهياً أسبابه و جهزه الى ابيه، و نفذ في خدمته ولده نعمان. فلما أتى الخبر يزدجرد. بوصول بهرام و النعمان أمر أكابر الدولة و أعيان الحضرة باستقبالهما فتلقوه ۲۸-ل. ل. ۲. بهرام را دید بیدار؛ متن = سیزده دستنویس دبتر ۲۹- (پ: وزان) ۳۰- (ق. ۲. ل. ۲: یال) ۳۱-ل. گردگاه؛ (ل. ۳: دستگاه)؛ س. ۲ (نیز لی. آ): شاخ و آن یال و آن فرّ و جاه؛ (لن. آ: فرّ و یال و جنان: دستگاه)؛ متن = س. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲. پ. و. ب) ۳۲-ک: در ۳۳-ل. ق. س. ۲ (نیز ق. ۲. لی. و. آ. ب): او؛ متن = س. ک. ل. ۲ (نیز لن. ل. ۳. پ. لن. ۲) ۳۴-ل. آ: دیدار و رفتار) ۳۵-ل. ق. س. ۲ (نیز ق. ۲. لی. آ): او؛ متن = س. ک. ل. ۲ (نیز لن. ل. ۲. لن. ۲. ب)

فراوان پیرسید^۱ و بنواختش^۲ به برزن^۴ درون جای نعمان گزید
 ۲۴۰ فرستاد نزدیک او بندگان شب و روز بهرم پیش پدر
 چو یک ماه نعمان بید نزد^۹ شاه به شب^{۱۲} کس فرستاد و او را بخواند
 بدو گفت: منذر بسی رنج دید ۲۴۵ بدین کار پاداش^{۱۶} نزد من است
 پسندیدم این^{۱۸} ری باهنگ^{۱۹} اوی^{۲۰} تو چون^{۲۳} دیر^{۲۴} باندی^{۲۵} بدین بارگاه
 ز دینار گنجی^{۲۷} پنجه هزار از^{۳۰} آخر به زرین و سیمین^{۳۱} لگام^{۳۲}
 ۲۵۰ ز گستردنی‌ها از بنده^{۳۴} نیز

به نزدیک خود جایگه ساختش^۳ یکی کاخ بهرام را چون سزید
 چن^۵ اندرخور آمد^۶ پرستندگان همی^۷ از پرستش نخارید^۸ سرا
 همی ساخت^{۱۰} تا باز گردد ز^{۱۱} راه برابرش بر^{۱۳} تخت شاهی^{۱۴} نشاند
 که تا زاده^{۱۵} بهرام را پرورید شمار شما^{۱۷} اورمزد منست!
 که سوی^{۲۱} خرد بینم آهنگ^{۲۲} اوی^{۲۰} پدر چشم دارد همانا^{۲۶} به راه
 بدادند با جامه‌ی^{۲۸} شهریار^{۲۹} ده^{۳۳} اسپ گرنامه‌ی بردند نام
 ز رنگ و ز بوی و ز هرگونه چیز

۱- (آ: بیوسید) ۲- ل: آ: بشاختش: (و: بساختشان) ۳- (و: ساختشان): بنداری: و لما دخل علی الملک تعجب من شکله و قدّه و
 قابله، و بهت لجمالها و بهانه و روزه. فسایله و سایل النعمان، و اکثر مسایله و أکرهما ۴- ل: آ: (نیز آ): بیده ۵- ل: ق: س: ۲ (نیز لن،
 ق: آ: لی، پ: ب) چو: متن = س ۶- ل: او: ق: ک: آید: متن = س، ل: آ: س ۲ (نیز لن، ق: آ: لی، پ: ب): ل: این بیت را ندارد ۷- (ق: آ: همه)
 ۸- (آ: نخوارید) ۹- (لن: آ: بنزدیک) ۱۰- ل: ک: ل: آ: س ۲ (نیز لی، ل: آ: آ: ب): خواست: متن = س، ق: (نیز لن، ق: آ: ب، و، لن: آ) ۱۱- ل: س، ق،
 س ۲ (نیز ق: آ: لی، ل: آ: و، آ: ب): به: متر = ک: ل: آ: (نیز لن، پ، لن: آ) ۱۲- س ۲ (نیز لی، ل: آ: آ): بدو: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- (لی: برابر
 ابر) ۱۴- س (نیز ل: آ): زرین: بنداری: فأنزل بهرام فی قصره و أنزل النعمان فی منزل بلیق به. فصار بهرام یلازم أباه و یقف فی خدمته
 لیلا و نهارا حتی لا یقدر أن یحک رسه. ثم استحضر الملک النعمان بعد شهر و أقعده علی التخت عنده ۱۵- ل: س، ک: س ۲ (نیز لن، ق: آ،
 ل: ب): که آزاده: (لی: آزاده): متن = ق: ل: ۱۶- ک: پاداشت: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷- ل: بدین روزتان: ق: سپاس شما: ل: آ:
 بهی روزتان: س ۲ (نیز لی، آ: ب): بهار شما: (ق: آ: سروش شما: پ: سان شما: و: همان از شما): متن = س، ک: (نیز لن، ل: آ، لن: آ): بنداری: و
 قال له: إن المنذر قد تحمل فی تریة بهرم عناء کبیرا، و علی مجازاته ۱۸- ل: آ: آن ۱۹- ل: ق: ل: آ: س ۲ (نیز ق: آ: لی، و: ب): رای و
 فرهنگ: (لن: رای و آهنگ): متن = س، ک: (نیز لن) ۲۰- ل: ق: ل: آ: س ۲ (نیز ق: آ: لی، پ: آ: ب): او: ک: تو: متن = س (نیز لن، ل: آ، و، لن: آ)
 ۲۱- (لی: هرسو) ۲۲- (لن: آ: ز بالا و دیدار و فرهنگ): ق: ل: آ: پس از این بیت افزوده‌اند:

ق: آ: بدین نار پاداش سازم همی سرش بر فلک برفرازم همی

ل: آ: پاداش این کار سازم همی به چونین پسر سرفرازم همی

۲۳- س ۲ (نیز لی، پ: آ): خود ۲۴- ق: سم (بی نقطه) ۲۵- ک: ل: آ: مانی ۲۶- (لی: شمارا): ق: همانا پدر چشم دارد: ل: این بیت را ندارد
 ۲۷- (ق: آ: صلیش؟) ۲۸- (پ: نامه) ۲۹- (ق: آ: طوق گوهرنگار) ۳۰- ل: س، ق: ل: آ: (نیز لن، ق: آ: ب، و، لن: آ: ب): ز: متن = ک: س ۲ (نیز لی، ل: آ: آ)
 ۳۱- ل: (نیز و): سیمین و زرین: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲- ل: آ: (نیز ق: آ: ب): ستام ۳۳- (پ: دو): در بئت‌های این بیت پس و
 پیش شده‌اند ۳۴- س، ک: ل: آ: (نیز ل: پ): و هم بنده: ق: س: آ: و بنده: (آ: و آکنده): ل: گستردنی‌های زینده: متن = (ق: آ: لی، ل: آ، لن: آ):
 بنداری: فأعطاء خمین ألف دینار، و خلعة من ملابسه الخاصة، و عشرة أفراس بالآت الذهب، و عدة من الجوازی و الغلمان

ز گنج جهاندار گهبد ببرد^۱
 ز^۵ شادی در^۶ بخشش^۷ اندرگشاد
 به منذر یکی نامه بنیشت^{۱۱} شاه
 به آزادی از کار^{۱۲} فرزند اوی^{۱۳}
 ۲۵۵ به پاداش این کار یازم^{۱۶} همی

یکی نامه بنیشت^{۱۸} بهرام گور
 نه این بود چشم امیدم به^{۲۰} شاه
 نه فرزندم ایدر، نه چون چاکری^{۲۲}
 به نعمان بگفت آنچ^{۲۶} بودش نهان

۲۶۰ چو نعمان برفت از در^{۲۷} شهریار
 بدو نامه‌ی شاه گیتی بداد
 و زان^{۳۰} هدیه‌ها شادمانی^{۳۱} نمود^{۳۲}
 و زان^{۳۴} پس^{۳۵} فرستاده^{۳۶} اندر نهفت
 پس^{۳۸} آن^{۳۹} نامه برخواند پیشش^{۴۰} دبیر

بیامد بر^{۲۸} منذر نامدار
 بیوسید منذر^{۲۹} به سر برنهاد
 بر آن^{۳۳} آفرین آفرین بر فرزند
 ز بهرام چندی ه منذر^{۳۷} بگفت
 رخ نامور^{۴۱} گشت همچون زریر

۱-ل: ایران ببرد؛ س. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ل. ل. پ. ل. ۲. آ. ب): مهران ببرد؛ ل: گنجور برد؛ ا. ق: نعمان ببرد؛ و: آوریدند و مهتر ببرد؛ متن تصحیح قیاسی است ۲-س. ک. (نیز پ): نعمان و ۳-ل: به گنجور نعمان) ۴-ق: گنجور خود بر شمرد؛ در ق‌لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۵-ل. س. آ: به؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-س. آ: ره؛ (ل. ن. و از) ۷-ل. آ: در گنجش ۸-ق: بی اندازه ۹-س. ۲ (نیز آ): بر اندازه تازیان؛ (لی: باندازه تازیان؛ ل: بر اندازه کارشان) ۱۰-ل. ل. ۲ (نیز ل. ل. و. ل. آ): بنوشت؛ س. ۲ (نیز ق. آ. لی. آ. ب): فرمود؛ متن = (پ) ۱۱-لی: جشنگاه؛ ل: دستگاه) ۱۲-ق: بازادی از کارو) ۱۳-ل. ل. ۲ (نیز . آ. ب): او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴-ل. ل. ۲ (نیز ق. آ. ل. آ): گشت؛ ل: گشاده بمن گشت؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵-ل. ل. ۲ (نیز آ. ب): او؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ س سرنویس دارد: نامه یزدگرد و بهرام گور بنزد منذر عرب ۱۶-ل. ل. ۲. ل. ۳. آ: سازم؛ لی: آن کار نازم. آن کار یازم؛ ک: بیاداشت این کار یازم ۱۷-ق: بخوبی؛ ل: نخستین؛ ل. س. ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

که از مهر (س. آ: بهر) فرزند من او چکرد بکارش شب و روز تیمار خورد

۱۸-ل. س. ق. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ل. ۲. و. ب): بنوشت؛ متن = ک (نیز پ) ۱۹-ل. س. ق. ل. ۲ (نیز ل. ل. ۲. ب): شور؛ (آ: بور): متن = ک. س. ۲ ۲۰-ل. ل. ۲. آ: ز؛ ق. ل. ۲ (نیز پ): امید من نزد؛ ک: او مید و چشمم به ۲۱-ل. آ: بنده؛ س. آ: سو کند سوی. بنده ۲۲-س: چاکران؛ (ق: کهرتم) ۲۳-ق: چاکری؛ ل: کهرتان) ۲۴-ل. آ: ساده دل ۲۵-ق: آ: درم؛ س: نیز از در شاه چون کهرتان؛ ل: این بیت را ندارد ۲۶-ل. ک. ل. ۲ (نیز لی. پ. ب): آنچه؛ متن = ل. س. ق. س. ۲ (نیز ل. ق. آ. ل. ۳) ۲۷-لی: ل. ۳: بر) ۲۸-ک: برومند زی: بنده؛ و: صرفه‌الی آیه و کتب الیه کتابا یشکره فیه. ثم لما انصرف النعمان شیعه بهرام، و شکا الیه سوء أخلاق آیه، و سأله أن یبلغ ذنک ای المنذر. فسار النعمان و بقی بهرام یخدم أباه لیلا و نهارا ۲۹-ک: بیوسید و نامه؛ (ق: بیوسید و منذر) ۳۰-لی: بدان) ۳۱-س. ک. س. ۲ (نیز ل. ل. ل. و. ل. آ): شادکامی؛ متن = ل. ق. ل. ۲ (نیز ق. آ. پ. ب) ۳۲-ق: ل. ۲ (فرود) ۳۳-لی: بدان) ۳۴-ک. س. آ: از آن ۳۵-ق: آ: سو) ۳۶-لی: ل. ۲ (فرستاد) ۳۷-آ: بمردی) ۳۸-ق. ل. ۲ (نیز پ. ب): چو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۹-ک (نیز ق. آ): این ۴۰-ل. ۲ فرخ؛ (ل. ل. ۲. ل. ۲. آ: پیش) ۴۱-ل. ۲: تاجور؛ س سرنویس دارد: پاسخ نامه بهرام گور از نزد منذر عرب

۲۶۵ هم اندر زمان رود پاسخ نبشت^۲
 چنین گفت کی مهتر^۴ نامور^۵
 به نیک و بد^۷ شاه خرسند^۸ باش!
 بدی‌ها به صبر از مهان^{۱۰} بگذرد
 سپهر روان را چنین است رای^{۱۲}
 ۲۷۰ دلی را پر از^۷ مهر دارد سپهر
 جهاندار گیتی چنین آفرید
 ازین^{۲۱} پس ترا درج^{۲۲} باید^{۲۳} به کار
 فرستم، نگر دل ندازی به رنج^{۲۷}
 ز دینار گنجی^{۳۰} کنون ده هزار
 ۲۷۵ پرستار کو رهنمای^{۳۳} تو بود،
 فرستادم اینک^{۳۵} به نزدیک تو
 هر آنکه^{۳۶} که دثار بردی^{۳۷} به کار
 که دیگر فرستمت^{۳۹} بسیار نیز^{۴۰}
 پرستنده باش و ستاینده^{۴۳} باش!

سخن‌های بایند^۳ فرخ نبشت^۲
 نگر سر نیچی ز راه پدر^۴!
 پرستنده باش و^۹ خردمند باش!
 سر مرد^{۱۱} باید که دارد خرد!
 تو با^{۱۳} رای او^{۱۴} هیچ مفزای^{۱۵} بای^{۱۶}!
 دلی پر ز کین و پر آژنگ^{۱۸} چهر!
 چنان کو^{۱۹} چماند ببايد چمید^{۲۰}!
 ز دینار و از^{۲۴} گوهر^{۲۵} شاهوار^{۲۶}،
 نیززد^{۲۸} پُرآکنده رنج تو گنج^{۲۹}!
 فرستادم اینک ز بهر^{۳۱} نثار^{۳۲}
 به پرده‌ندرون^{۳۴} دلگشای تو بود،
 که روشن کند جان تاریک تو!
 گرانی مکن هیچ^{۳۸} بر شهریار،
 و زین^{۴۱} پادشاهی ز هرگونه^{۴۲} چیز!
 به کار^{۴۴} پرستش فزاینده^{۴۵} باش!

۱-ک: چو ۲-ل.س.ل. ۲ (نیز.لن.ل. ۲.لن. ۲.ب): نوشت: متن = ق.ک، س. ۲ (نیز ق. ۲.لی. ۱.آ) ۳-ل: بامغر و؛ س (نیز.لن.ق. ۲): بایند: ک: بایسته؛
 ل: زیبا و؛ (لی: بیدار: ل. ۲.ب، و <و>، لن <و>، آ <و>، ب: بایند و؛ متن = ق.س. ۲ ۴-س. ۲ (نیز.لی. ۱.آ): خسرو ۵-س (نیز.لی): تاجور؛
 (ق. ۲: نامدار) ۶- (ق. ۲: تواز شهرار) ۷-س. ۲ (نیز.لی. ۱.آ): بد از ۸- (لن. ۲: خورسند) ۹-ق: پرستنده تو ۱۰-س. ۲ (نیز.لی. ۱.آ): هم از
 مردمان: (ب: هم از مهتران): متن = یازده دستنویس دیگر: ق. ۲ بیت ۲۷۱ را پس از این بیت آورده است ۱۱- (و: شاه) ۱۲-ک: بای؛ (و:
 آی) ۱۳-ق. ل. ۲: بر ۱۴-س (نیز.لن: تو بازنده ۱۵-س. ۲ (نیز.پ): نداری تو بارای او هیچ؛ (لی: نداریم بارای او هیچ) ۱۶-ل.س. ۲ (نیز
 ب): بای (حرف یکم بی نقطه): س. ک. ل. ۲ (نیز.لن.ل. ۲.و.لن. ۲.آ): رای؛ (پ: جای): (آ: نداریم بارای او هیچ تا و (پساوند ندارد)): متن = ق
 (نیز.لی. ق. ۲) ۱۷- (لن: دلی پر ز بد ۱۸-ل. ۲: اورنگ): (لی: پر از آزا: پر از رنگ: پ: ز پر از کین و آژنگ) ۱۹-ک: جهان چون ۲۰-ل. ۲
 (نیز.پ): چراند ببايد چرید؛ س. لن. ۱-ن بیت را ندارند ۲۱-ک: وزان ۲۲-س. ۲ (نیز.لن.ب): هرچه: متن = ل. ۲۳-ل. ۲-ک (نیز.لن.ل. ۲.و.
 لن. ۲.ب): آید؛ متن = ل. ۲.س. ۲ (نیز.پ. آ) ۲۴-ل.س. ق (نیز.لن.ل. ۲.و.لن. ۲.آ): وز؛ متن = ک. ل. ۲.س. ۲ (نیز.ق. ۲.لی. ۱.ب) ۲۵-س. ۲ (نیز.لی. ۱.آ):
 جامه ۲۶- (آ: شهریار) ۲۷-س. ۲ (نیز.لی. ۱.ب. آ): تاننداری بگنج (پ: برنج) ۲۸- (لن.ل. ۲.لن. ۲.آ: نه ارزد) ۲۹-س. ۲ (نیز.لن.لن. ۲): پراکندن
 رنج گنج؛ (ل. ۲: پراکنده رنجت بگن: ق. ۲: پراکندی رنج گنج؛ لی. ۱.آ: پراکندن گنج رنج؛ و: پراکند گنج تو رنج): ق: که نازک دلت بهتر آمد
 ز گنج؛ متن = ل. ک. ل. ۲ (نیز.پ. ب) ۳۰-ل. ۲: گنجم) ۳۱-ل. ۲ (نیز.ل. ۲.پ. لن. ۲): برسم ۳۲-ل. ۲ (نیز.لن. ۲): شمار: س. ۲ (نیز.لی. ۱.آ): بر
 شهریار؛ متن = ل. ک. ل. ۲ (نیز.ق. ۲.پ. و. لن. ۲.ب) ۳۳-س. ۲ (نیز.آ): کینزک که او پیشوای ۳۴-ل.س. ۲ (نیز.ق. ۲.ل. ۲.ب): پیرده درون: لن: پیرده
 کنون): متن تصحیح قیاسی است لی این بیت را ندارد ۳۵-س. ۲ (نیز.آ): او را لی این بیت را ندارد ۳۶- (ل. ۲: هم آنکه) ۳۷- (لن. ۲:
 دیگر (باشد) ۳۸- (ق. ۲: ایچ) ۳۹- (ل. ۲: فرستم ازین بیش) ۴۰-ق: چیز؛ س. ۲ (نیز.لی): دینار نیز؛ (آ: دینار و چیز): متن = یازده
 دستنویس دیگر ۴۱-س. ۲ (نیز.لی. ل. ۲.پ. آ. ب): ازین؛ (ق. ۲: بدین؛ و: جزین) ۴۲-س. ۲ (نیز.ل. ۲.آ): و هرگونه؛ متن = یازده دستنویس
 دیگر ۴۳-ق (نیز.ب): سراینده؛ ل. ۲ (نیز.لی): شتابنده؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۴-س. ۲ (نیز.لن.لی. ۱.ب. آ. ب): بگاه؛ متن = ده دستنویس
 دیگر ۴۵- (ب: ورا بنده)

۲۸۰ تو آن^۱ بدخوی را^۲ ز شاه جهان
 جدا کرد نتوای اندر نهان!
 فرستاد از آن^۳ تازیان ده سوار
 سخنگوی^۴ و بیندل و دوستدار^۵!
 رسیدند نزدیک بهرامشاه
 ابا بدره و برنه و^۶ نیکخواه
 خردمند^۷ بهرام از آن^۸ شاد شد^۹
 همه دردها^{۱۰} بر دلش باد شد^{۱۱}
 و زان پس بدان^{۱۲} پند شاه عرب
 پرستش همی کرد روز و به شب^{۱۳}

گفتار اندر خشم راندن یزدگرد بر بهرامشاه^۴

۲۸۵ چنان بُد که یک روز در^{۱۵} بزمگاه
 چو شد تیره^{۱۷} بر پای خواب آمدش
 پدر چون بیدش به هم بر^{۱۹} دو^{۲۰} چشم
 به دژخیم فرمود: کین را^{۲۴} بیر
 بدو^{۲۶} خانه زندان کن و باز گرد^{۲۷}
 ۲۹۰ به ایوان^{۳۰} همی بود خسته جگر
 مگر مهر و نوروز^{۳۱} و جشن سده

۱- (ق. ۲. ل. ۳. این)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- ل. ۳. س. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۳. ل. ۲. آ. ب.)؛ خوی بد؛ س. ک. (نیز ل. ۳. پ. و.)؛ بدخویی را؛
 ل. ۲. بدخویها؛ متن = ق. ۳- ل. ۳. س. (نیز ل. ۳. ل. ۲. زان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴- (لی. خر: مند) ۵- س. ۲ (نیز ل. ۳. آ. ب.)؛ نامدار
 ۶- س. ۲ (نیز ل. ۳. و. ب.)؛ برده؛ (ق. ۲. برده و بدره؛ لی. ل. ۳. آ. ب. برده و بدره و)؛ متن = ل. ۳. ق. ک. ل. ۲ (نیز پ. آ.)؛ ل. ۳. این بیت را ندارد ۷- (لی. جهاندار) ۸- ل. ۳. س. زان؛ (و. ازو)؛ متن = ق. ۳- س. ۲ (نیز ق. ۲. پ. ل. ۳. آ. ب.) ۹- س. ۲؛ گشت شاد؛ (ب. شاد گشت) ۱۰- ک. دودها؛ (لی. ب. رنجها) ۱۱- س. ۲؛ گشت باد؛ (ب. باد گشت)؛ ل. ۳. این بیت را ندارد ۱۲- س. ۳. ق. ک. (نیز ل. ۳. ق. ۲. پ. و. ل. ۳.)؛ بران؛ متن = ل. ۳. ل. ۲ (نیز ل. ۳. آ. ب.)
 ۱۳- س. ۳. بر روز و شب؛ (نیز ل. ۳. هر روز و شب؛ ل. ۳. آ. ب. او روز و شب؛ (ق. ۲. ل. ۳. پ. و. در روز و شب)؛ ل. ۳. بدی کار او روز و شب؛ (لی. آ. نمود او همی روز و شب)؛ متن = ک. (نیز ل. ۳. س. ۲. ب. این بیت را ندارند ۱۴- ل. ۳. ق. خشم کردن یزدگرد بر بهرام گور؛ س. هفده بیت سپس تر)؛ بازگشتن بهرام گور بزدیک منذر عرب؛ ل. ۳. خشم گرفتن یزدگرد بر بهرام و حس نمودن؛ س. ۲. خشم گرفتن یزدگرد بر بهرام و بند کردن؛ متن = (و. ک. سرنویس ندارد ۱۵- ک. روزی بر؛ (پ. ل. ۳. روز بر) ۱۶- (آ. در پان) ۱۷- (ق. ۲. و. خیره؛ ل. ۳. مانده؛ پ. دیر)؛ ک. شب خیره؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- (لی. ل. ۳. ل. ۲. آ. ب. همی زیستادن)؛ پ. پس تازیان بیت افزوده است:

ستاده دو چشمش بهم بر نهاد غمی شد دلش چون بس ایستاد

۱۹- س. ۲ (نیز ل. ۳. هر: ل. ۳. در)؛ (ق. نیز ب.)؛ ابر هم دو؛ متن = ۲۰- ل. ۳. بهم برده؛ متن = س. ک. ل. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۳. آ. ب.) ۲۱- ک. بتنگی ۲۲- ل. ۳. ل. ۲ (نیز ل. ۳. پ. و. ل. ۳. ب. یکی؛ متن = س. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۳. آ. ب.) ۲۳- ک. (نیز پ. و.)؛ ز. بنداری فاتمه آنه ذات لیلۃ کان واقفا علی رأسه فغلبه النوم. فالتفت الیه فرأه قد غمض عینیه فصاح علیه ۲۴- ل. ۳. (نیز ق. ۲. ل. ۳. پ.)؛ کوزا؛ متن = برده دستنویس دیگر ۲۵- (ل. ۳. که دیگر) ۲۶- ق. ک. (نیز ل. ۳. بدین؛ ل. ۳. برین؛ س. ۲ (نیز ق. ۲. پ. ب.)؛ برو؛ (ل. ۳. بدان)؛ متن = ل. ۳. س. (نیز ل. ۳. ل. ۳. آ. ب. در بند ۲۸- ق. نیز؛ ل. ۳. کار)؛ ل. ۳. بروگاه و؛ (لی. بدین گاه)؛ متن = س. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. و. آ. ب.) ۲۹- ل. ۳. گرز و کمند ۳۰- ک. بایران ۳۱- ل. ۳. ک. ل. ۳. (نیز و)؛ مهر نوروز؛ س. ق. س. ۲ (نیز ل. ۳. ق. ۲. ل. ۳. آ. ب.)؛ روز نوروز؛ متن = (پ. ۳۲- ل. ۳. س. ۲ (نیز ل. ۳. ق. ۲. ل. ۳. پ. و. آ. ب.)؛ او پیش؛ متن = (ل. ۳. ۳۳- س. دده؛ (ل. ۳. میان برزده)؛ لی. این بیت را ندارد؛ بنداری؛ و. امر بعض الحرس بأن یلزمه فی بیته. و لایدعه أن یخرج بعد ذلک. فاحتبس بهرام فی ایوانه لا یخرج الی صید و لانی میدان

فرستاده آمد^۳ به نزدیک شاه
 فرستاده^۵ قیصر بدین مرز و^۶ بوم
 سزاوار او^۸ جایگه ساختش
 که ای مرد بیدار گسترده‌کام،
 وُزو^{۱۱} دور گشتم^{۱۲} چنین^{۱۳} بی گناه،
 مگر بخت پزمرده^{۱۶} بدرخشم^{۱۷}!
 که منذر مرا به ز مام و پدر!
 برآورد از آن آرزو کام^{۱۹} اوی^{۱۸}!
 وُزان بند بی‌مایه^{۲۳} آزاد گشت^{۲۲}!
 وُزان جایگه رفتن آراست تیز^{۲۴}
 شب تیره چون باد لشکر براند^{۲۶}
 که رفتیم و ایمن شدیم از هراس!

چنان بُد که طینش رومی^۱ ز راه^۲
 ابا بدره و بده^۴ و باز روم
 چو آمد شهنشاه^۷ بنواختش
 ۲۹۵ فرستاد بهرام زی او^۹ پیام
 ز کهنتر^{۱۰} به چیزی بیازرد شاه
 تو خواهش کنی^{۱۴} ر^{۱۴} تو را^{۱۵} بخشدم
 سوی دایگانم فرستد مگر
 چو طینوش بنسید پیغام اوی^{۱۸}
 ۳۰۰ دل آزار^{۲۰} بهرام از آن^{۲۱} شاد گشت^{۲۲}
 به درویش بخشید بسیار چیز
 همه درپرستان^{۲۵} خود را بخواند^{۲۶}
 به یاران همی^{۲۷} گشت: یزدان سپاس^{۲۸}

پذیره شدش کودک و مرد و زن
 همان^{۳۰} نیزه‌داران^{۳۱} پاکیزه‌رای
 ز گرد سپه^{۳۲} روز تاریک شد!
 همی‌گفت بهرام تیمار و درد
 پرسید و گفت^{۳۴}: اختر شاه چیست،

چو آمد به نزدیک شهر یمن
 ۳۰۵ برفتند نُعمان و مُنذر ز جای^{۲۹}
 چو منذر به همراه نزدیک شد
 پیاده شدند آن دو آزاد^{۳۳} مرد
 ز گفتار او چند منذر گریست

۱-ل: جنگی ۲- (ق: آ: براه) ۳-ک: فرستاد هدیه: (لی: ز قیصر پیامد) ۴-س.ک (نیز لن، لی، ل: آ): برده و بدره؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-ل.س.ک.ل.آ.س.آ (نیز لن، ل.آ.و.آ.ب): فرستاد؛ متن = ق (نیز پ، لن ۲) ۶-ل: به آباد؛ ل: بدان مرز و؛ (ل: از آن مرز و)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-س.آ (نیز لی، آ.ب): جهاندار؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-ل.۸-س: سزاوارتر ۹-ق.ل: او را؛ س.آ (نیز لی، آ.ب): نزدش؛ متن = ل.س.ک (نیز لن، و.آ.ل.آ.لن ۲) ۱۰-س.آ (نیز لی، آ): بنده ۱۱-ل.س (نیز پ): ازو؛ متن = ق-س.آ (نیز لن-ل: آ.و.ب) ۱۲- (آ: ماندم) ۱۳- (پ: همی) ۱۴- (ل: آ: نا)؛ ق، س.آ (نیز ق، آ، لی، ب): خواهشگری کن؛ (آ: خواهشگری کری (وزن ندارد))؛ متن = ل.س.ک.ل.آ (نیز لن، پ، و، لن ۱) ۱۵- (ق: آ: بتو) ۱۶- (لی: یک لخت: و: پیروز) ۱۷- (ل: آ: بر رخشم): بنداری: فاتق آن ورد علی یزدجرد رسول من الروم فأرسل بهرام الیه و سأله أن يخاطب أباه فيه و يستأذن له فی الرجوع الی المنذر و معاودة بلاد العرب ۱۸-ل.ق.ل.آ (نیز ق، آ، لی، ل.آ.و.آ.ب): او؛ متن = س.ک.س.آ (نیز لن، پ، و) ۱۹- (ل: آ: زان آرزو کار) ۲۰-ل.س: دلارای؛ س.آ (نیز لی، لن، آ.ب): دل آزرده؛ (ل: آ: دل آزاد)؛ متن = ق.ک.ل.آ (نیز لن، ق، آ، پ، و) ۲۱-ل: زان؛ س (نیز لن): زو؛ ل.آ (نیز لی، لن، آ.ب): ازو؛ متن = ق.ک.س.آ (نیز ق.آ.ل.آ.پ.و.آ) ۲۲-ق.ک.ل.آ (نیزان، ق، آ، پ، و): شد ۲۳-ل.ل.آ: مرد بی‌مایه؛ (لی: بندگی مایه: آ: پند بی مایه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-ل.آ (نیز لن، لی، ل.آ.پ.لن، آ.ب): نیز؛ متن = ل-ک.س.آ (نیز ق، آ، و) ۲۵-ل-ل.آ (نیز لن، ق، آ.ل.آ.لن، آ.ب): زیردستان؛ (آ: دز پرستان)؛ متن = س.آ (نیز لی) ۲۶- (و: آ: ببرد) ۲۷- (پ.آ: چنین) ۲۸-ک.ل.آ (نیز ل.آ.لن، آ): شناس؛ س.آ در فیلم خوانا نیست؛ برخی از دستنویس‌ها درین جا سرنویس دارند: ل: رفتن بهرام گور یمن پیش منذر؛ س: بازگشتن بهرام گور نزدیک منذر عرب ۲۹- (ل: آ): بجای) ۳۰- (ل: آ: همه) ۳۱-ک: نام‌آاران ۳۲- (ل: آ، و: سیه) ۳۳- (لی: آزاده؛ ل: آ: سپاهی شدند آن دو داننده) ۳۴-س.آ (نیز لی، آ): همی‌گفت کین

ز کردار^۳ ترسه که کیفر برد!
که گیرم^۵ ز شو-اخترش نیز^۶ یاد!

برآن^۸ نیکوی نیکوی‌ها فرود!
وگر بخشش^{۱۰} و کوشش^{۱۱} کارزار^{۱۲}!
چنان شد^{۱۳} که بر وریا^{۱۴} باد^{۱۵} ارد^{۱۶}!
به ایران^{۲۰} پدر، پور^{۲۱} فرخ^{۲۲} به دشت!

ز هر کشوری موبدان^{۲۳} کرد گرد^{۲۴}
که تا کرد هر یک^{۲۵} به^{۲۶} اختر نگاه،
کجا تیره گردد سر و ترگ اوی^{۲۷}؟
که پژمرده گرد: رخ^{۲۹} شهریار!
که شاه جهان گیرد^{۳۱} از مرگ یاد!
از^{۳۴} ایدر سوی جشمه‌ی سو شود،
به شادی نظاره شرد سوی^{۳۶} طوس،

که هرگز نراند به^۱ راه^۲ خرد؟
۳۱۰ بدو گفت بهرام کین خود^۴ مباد

فرود آوردش هم آنجا^۷ که بود
بجز بزم^۹ و میدان نبودیش کار
وژان پس غم و شادی یزدگرد
برین^{۱۷} نیز چندی^{۱۸} زمان برگذشت^{۱۹}

۳۱۵ ز شاهی پراندیشه شد یزدگرد
به اخترشناسان بفرمود شاه
که تا کی بود در جهان مرگ اوی^{۲۷}؟
چو باشد^{۲۸}، کجا باشد آن روزگار؟
ستاره‌شمر گفت کین^{۳۰} خود مباد
۳۲۰ چو بخت شهنشاه^{۳۲} بدرو^{۳۳} شود
فراز آورد لشکر و بوق^{۳۵} و کوس

۱-ق: تابد به؛ (پ: نیاید به؛ ل: نداند ز؛ ل: ل (نیز ب)؛ هر کو نیاید به؛ (لی: آ: نیایدش رای و)؛ تن = س، ک (نیز لن، ق، آ، ل، ن) ۲- (و: سخن بر) ۳- (لن: گفتار)؛ س: خوانا نیست؛ در ل، ق، ل، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴- ل، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، ن): کو خود؛ (ل: هرگز)؛ متن = ل (نیز لی، پ، و، آ، ب) ۵- ل، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، ن): نیرد؛ متن = (لی، آ، ب) ۶- ق، ل، آ (نیز ق، آ، ب): اختر شاه؛ (و، لن: شرم اخترش نیز) ۷- س (نیز لن): همانا ۸- ل، آ (نیز لی): بدان؛ بداری؛ فعل الرسول ذلک فاذن له. فرکب و لحق بمن رباہ لاعتاباہ. فأعادہ المنذر الی ما کان علیہ من الکرامۃ و الإعزاز ۹- (ل: جشن) ۱۰- ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، لی، و): بخشش (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۱۱- ق: پیچش ۱۲- (ل: گرش روزگار؛ ق، آ، ب: خورد و زای شکار؛ لی: خورد و روی و شکار؛ آ: خورد و زای و شکار) ۱۳- (لن: بُد) ۱۴- (لن: بوریا (بی نقطه))؛ س: بر بور بر (واژه دوم بی نقطه)؛ ل: گشت بر مور چون؛ (پ: گشت بر پور چون)؛ متن = ۱۵- ک: بر پور چون روز؛ آ: چون باد نبروز؛ متن = (لن) ۱۶- (لی: بنمود با باد گرد؛ ب: بر و بوم چون باذکرد؛ ق: سرآمد همی ز اختر تیز گرد)؛ در س، آ این بیت خوانا نیست؛ ق، ل، آ، و، آ این بیت را ندارند؛ در س لت دوم این بیت با لت دوم بیت ۳۱۴ پس و پیش شده است ۱۷- ک (نیز لی): بدین ۱۸- (آ: چندین ۱۹- ک: زمانه بگشت ۲۰- ق، ک، س، آ (نیز لن، لی، و-ب): بایوان؛ متن = ل، س (نیز ق، آ، ب) ۲۱- ل، ق، ک، س، آ (نیز آ): بود؛ (ق: و؛ بود و)؛ متن = س (نیز لن، لی، پ، ب) ۲۲- (لن: خرامید فرخ ز؛ ل، آ، ل این بیت را ندارند ۲۳- (ل: موبدی) ۲۴- س: حمان سد بر پور بر (و ژه‌های یکم و دوم بی نقطه) باذ ارد (۳۱۳ ب) ۲۵- ل: تا هریک (وزن ندارد)؛ (ل: هر کس؛ ق: هریکی کرد؛ لی: آ: کردند هریک) ۲۶- س، آ: در؛ ل: بیت‌های ۳۱۶-۳۳۱ را ندارند؛ در ل ۵۴۳ بیت از آغاز پادشاهی بهرام‌گور در اینجا آمده است ۲۷- ل، ق، ک (نیز ق، و، آ، ب): او؛ متن = س، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن) ۲۸- ل: چباشد؛ س، آ (نیز و، ب): چه باشد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۹- ل: گل؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بداری: ثم ان یزدجرد سأل بعض المنجمین عن عاقبة منکة و خاتمة امره، و عن أمارات تدل علی فتراب أمله ۳۰- (لن: آ: این) ۳۱- (و: گیرد شهنشاه) ۳۲- س، آ (نیز لی): ولیکن اگر بخت؛ (آ: ولیکن که از بخت) ۳۳- (ق: یکسو؛ لی: خود رو) ۳۴- (ب: ز) ۳۵- (لی: آ: نای)؛ ک: از بوم ۳۶- (لی: نظاره سوی شهر)

چنین^۳ روز^۴ بگذشت^۵ برگوش^۶ اوی^۲!
که این^۹ راز در پرده‌ی ایزد است!
به خرداد^{۱۱} برزین و خورشید زرد^{۱۲}،
نه هنگام شادی، نه هنگام خشم!

بر آن^۱ جایگه بر بود هوش اوی^۲
-ازین دانش ار^۷ یادگیری^۸ بد است
چو بشنید ازو^{۱۰} شاه سوگند خورد
۳۲۵ که من چشمه‌ی سو نینم به چشم

زمانه به جوش آمد^{۱۵} از خون شاه
بدو بازگردد^{۱۷} بدی‌ها همه!
بزشک^{۱۹} آمد از هر سوی^{۲۰} رهنمون
دگر هفته خون آمدی چون سرشک
بگشتی تو از راه پروردگار^{۲۳}!
چو باد خزان بارد از^{۲۵} شاخ برگ^{۲۶}
سوی چشمه‌ی سو گرای^{۲۹} به مهد^{۳۰}
بگردی به زاری^{۳۲} بر آن^{۳۳} گرم خاک
زده^{۳۴} دام سوگند پیش روان^{۳۵}
به پیش تو ای داور داد و^{۳۷} راست!
همان درد را سودمند^{۳۹} آمدش
گذر کرد بر سوی دریای شهد

برین^{۱۳} نیز برگشت^{۱۴} گردون سه ماه
-چو بیدادگر شد شبان با^{۱۶} رمه
ز بینش بگشاد یک روز^{۱۸} خون
به دارو چو یک^۱ هفته بستی بزشک^{۲۲}
۳۳۰ بدو گفت موبد که ای شهریار
چو^{۲۴} گفتی که بگریزم از جنگ مرگ
ترا چاره اینست^{۲۷} کز راه شهد^{۲۸}
نیایش^{۳۱} کنی پیش یزدان پاک
بگویی که من بنده‌ی ناتوان
۳۳۵ کنون آمدم تا زمانم^{۳۶} کجاست
چو بشنید شاه این^{۳۸} پسند آمدش
بیاورد سیصد عماری و مهد

۱-ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): بدان: متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن) ۲-ل، ق، ک (نیز ق، آ، و، آ، ب): او؛ متن = س، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن) ۳-ل، ک (نیز ق، آ، ل، آ): چو این (آ: چنان)؛ متن = س، ق، س، آ (نیز شش دستنویس دیگر) ۴-ل: راز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-(پ: نگذشت؛ آ: بگذشت) ۶-لن: آ: دوش)؛ بنداری: فقال: اذا حصل الملك عند عين الماء المعروفة بعين السوء -وهي عند بيت نار لهم في خراسان عند مدينة طوس- فقد فرب أجله ۷-(آ: راز اگر؛ ب: بدین دانش از) ۸-(لی: باز اگر باز گیرد) ۹-(آ: آن) ۱۰-ل، س: زو؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-(لی: بخرداد) ۱۲-ک: شمشیر زرد؛ س^۲ (نیز لی، آ): فرشیدورد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۳-(لی، پ، ب: بدین) ۱۴-ل، ق، ک، س، آ (نیز لن، و، آ، ب): بگذشت؛ متن = ل (نیز لن) ۱۵-(لن: آ: <آمد> (وزن ندارد)) ۱۶-ک: بر؛ (ق: آ: <با>) ۱۷-ک: باز گردید ۱۸-س^۲ (نیز آ): یکبار؛ (لی: یکباره) ۱۹-س (نیز ل): بجشک ۲۰-س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب): سویی؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، لن) ۲۱-ک: <یک> (وزن ندارد) ۲۲-ک (نیز ل): بجشک؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فحلف ألا يأتي تلك العين أبدا. فلما كان بعد مدأ آخری مرض وابتلى بالرعاف الكثير المتواتر فعالجه الطيب فلم ينجع فيه ۲۳-(ق: آ: آموزگار) ۲۴-ل (نیز پ): تو؛ (لی، آ، ب: که؛ و: که)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ل، لن) ۲۵-(ق: آ: <ز>)؛ ل (نیز لن): آمد از؛ س، ق، ک (نیز ل، لن، آ): آید از؛ س^۲ (نیز لی، ب): باشد و؛ (و ریزد ز؛ آ: باشد از)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۶-(ب: شاخ و؛ پ: چگونه گریزی ز آهنگ مرگ)؛ س^۲ در این جا خوانا نیست ۲۷-ق، ک، س^۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب): آنست؛ متن = ل، س (نیز لن، و، آ، ب) ۲۸-ل: شهر؛ (لن: آ: شهر)؛ متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز هشت دستنویس دیگر) ۲۹-س^۲: بر آیی؛ (ق: آ: گذاری؛ آ: درآمد؛ لی: زود رانی) ۳۰-(لن: آ: بمهر)؛ ل آ بیت‌های ۳۴۸-۳۳۲ را ندارد ۳۱-(ل: آ: ست بش) ۳۲-(پ: بزاری بگردی) ۳۳-(لی: بدان) ۳۴-(ق: آ: زدم) ۳۵-(لی: نام سوگند پیش زنان) ۳۶-(لی: زمانه) ۳۷-س، ق، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): <و>؛ متن = ل، ک (نیز ق، آ، پ، آ) ۳۸-ل، ک، س^۲ (نیز لن، ل، آ، و، ب): آن؛ متن = (پ) ۳۹-(لن: آ: سود را دردمند)

شب و روز تازان^۱ به مهداندرون
 ز بینی‌ش گه گه^۲ همی‌رفت^۳ خون
 چو نزدیکی^۴ چشمه‌ی سو رسید
 از آن^۵ آب لختی به سر برنهاد
 ۳۴۰ زمانی^۸ ز بینی نیامدش^۹ خون
 منی کرد و گفت: اینت آیین و رای!
 چو گردنکشی کرد^{۱۵} شاه رمه
 ز دریا برآمد یکی اسپ خنگ^{۱۸}
 ۳۴۵ دنان و^{۲۲} چو شیر^{۲۳} زیان پر ز خشم
 کشان دم در پای، با^{۲۵} یال^{۲۶} و بُش^{۲۷}
 چنین گفت با مهتران یزدگرد
 بشد^{۳۴} گرد^{۳۵} چوپان و ده^{۳۶} کره تاز^{۳۷}
 چه^{۴۰} دانست راز جهاندار شاه^{۴۱}
 برون آمد^۵ از مه- و دریا^۶ بدید
 ز یزدان نیکی دهش کرد یاد
 بخورد^{۱۱} و بیاسد^{۱۱} با^{۱۱} رهنمون
 نشستم^{۱۲} چو بایست^{۱۳} چندین به جای^{۱۴}!
 که از خویشتن^{۱۶} دید نیکی^{۱۷} همه،
 سرین^{۱۹} گرد^{۲۰} چون گورو^{۲۱} کوتاه‌لنگ،
 بلند^{۲۴} و سیه‌خابه و زاغ‌چشم،
 سیه^{۲۸} سم و کفک^{۲۹}؛ فگن و شیرکُش^{۳۰}!
 که این را سپاه^{۳۱} اذر آرید^{۳۲} گرد^{۳۳}!
 یکی زین و پیچاز^{۳۸} کمندی^{۳۹} دراز
 که آوردی^{۴۲} آن^{۴۳} ژدها را به راه^{۴۴}!

۱-ل: بودی؛ س (نیز، ل، آ). بازان (حرف یکم بی نقطه)؛ ق (نیز ب). نالان: ک: یاران؛ (ق، ل، آ، ن، ا، ز، ان، می: تابان)؛ متن = س (نیز ل، آ، پ، و).
 ۲-س (نیز لی، آ). هرگه؛ (ب: یکر) ۳- (ق، آ): می‌رفت پیوسته؛ ل: روان از دو بینی همی حوی: بنداری: فاشار علیه بان بصیر الی
 عین السوء و یقتل فیها لیسکن رعافه. فاضطر عند ذلک الی المصیر الیها. فسار فی العماریات لی تلک العین ۴- (ل: نزدیک آن)
 ۵-ک: رفت ۶- (لی: مهد دریا؛ ل: فرود آمد و چشمه سو) ۷- (پ: وزان) ۸- (ل: که دکر) ۹- ل (نیز و): نیامد ز بینش؛ (پ: ز
 بینش کم رفت)؛ ک: نیامد زمانی ز بینش؛ متن = س، ق، س (نیز ل-ل، ل، آ، آ، ب) ۱۰- (پ: بخت) ۱۱- (ل: چنین بود بخت توای)؛
 برخی از دستویهای اصلی و فرعی درین جا سرنویس دارند؛ ق: گفتار در سبب مرگ یزدگرد؛ س: کشتن اسپ آبی یزدگرد را
 ۱۲-ل، س (نیز ق، ل، آ، ب): نشستن؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ل، آ، ل، آ، ب) ۱۳- (و، ل، آ): چه بایست ۱۴-ک: براه ۱۵-س (نیز لی، آ): از
 خویشتن دید ۱۶-س (نیز لی، آ): ز گردنکشی ۱۷-ک (نیز ق، آ): گیتی ۱۸- (آ: سوی آب خنک (وین ندارد)) ۱۹-س، ق، ک (نیز ل، آ):
 سرون؛ س: سرو؛ (ل: سری)؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۲۰- (آ: کرده) ۲۱-ق، س (نیز ل، آ، ل، آ): دو ۲۲-ل (نیز آ، ب): دوان
 و؛ س، ق، س (نیز لی، ل، آ، ب): دمان و؛ (ل، آ: بمانند)؛ متن = (ل، و) ۲۳-ک: دزان و چو شیران ۲۴-س، آ: پلنگ ۲۵-ک: و تا؛ س: خاک و
 در؛ (لی: ابر خاک و بر)؛ متن = ل، س (نیز پ، و، ب) ۲۶- (ل، آ: تا پای؛ ل، ن: دنب با یال در پای) ۲۷- (ل: کش؛ ق: گشاده دم و پای با یال و
 خوش) ۲۸-ل: سیم (وزن ندارد) ۲۹-ک (نیز لی): کف ۳۰-س، س (نیز ق، ل، آ، و): فش؛ (ل: وشر؛ متن = ل، ک (نیز ل، ب، ل، آ، ب، ق،
 ل، آ، آیین بیت را ندارند؛ بنداری: فضح من ذلک الماء علی رأسه فسکن الرعاف و عوفی، و أفم عند تلک العین مسرورا. فلما کان ذات
 یوم خرج من ذلک الماء فرس أشهب نهذا کالأسد، یسهل، فی أحسن صورة و أجمل هیئة ۳۱- (ل: اسب را) ۳۲- (لی: آید) ۳۳- (آ:
 آید بگرد) ۳۴- (ق: بصد) ۳۵-ل: کرد و؛ س (نیز لی، و، آ، ب): تیز؛ (ل، آ: زود)؛ متن = س، ق، ک (نیز ن، ق، ل، آ، ب) ۳۶- (پ: دو) ۳۷-ل
 (نیز ل، آ): باز؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۸-س (نیز لی، آ، ب): ابا هر یکی بد؛ (ل، آ: تنگ و چان؛ ق: ابازین و پیچان) ۳۹-ل:
 کمد؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۴۰- (لی: چو) ۴۱-ک (نیز ل، آ): جهان پادشاه؛ (ق، آ: جهان آیین؛ ل، آ: خدای جهان)؛ متن = ده
 دستویس دیگر ۴۲-ک، س (نیز پ، آ): آورد ۴۳-س (نیز آ): این ۴۴- (ق، آ: برین)؛ (ل، آ: ورد آن ازدهای دمان؛ ب: او آورد ازدها را
 براه)؛ ل: بیتهای ۳۴۹-۳۶۶ را ندارد؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

بدین بد نمی‌کرد هرگز گمان کجا شاه را زو سرآمد زمان

برآشت از آن^۱ شهریار رمه
به نزدیک^۴ آن اسپ شد شادکام^۵
که نهاد دست از پس و پای پیش^۷
به زین برنهادن همان^{۱۰} گشت رام^{۱۱}
نجنید^{۱۴} بر جای یازان^{۱۵} نهنگ
خروشان^{۱۷} شد آن باره‌ی سنگ‌سم،
به خاک اندرآمد سر و افسرش!

۳۵۰ فروماند چوپان و لشکر همه
هم آنگاه^۲ برداشت زین و^۳ لگام
چنان رام شد خنگ^۶ بر جای خویش
ز^۸ شاه جهاندار^۹ بستد لگام
چو زین برنهادن برآخت^{۱۲} تنگ^{۱۳}
۳۵۵ پس پای او^{۱۶} شد که بنددش دم
بغرید^{۱۸} و یک جفته زد بر برش^{۱۹}

چه جویی^{۲۰} تو زین^{۲۱} بر شده هفت گرد؟!
پرستیدن او^{۲۴} نیارد^{۲۵} بها!
خداوند گردنده^{۲۸} خورشید و^{۲۹} ماه!

ز خاک آمد و خاک شد یزدگرد
چو^{۲۲} از گردن و^{۲۳} نیابی رها!
به یزدان گرای^{۲۶} و بدو کن^{۲۷} پناه

بیامد^{۳۳} بدان^{۳۴} چشمه‌ی لآزورد^{۳۵}،
کس اندر^{۳۷} جهان این^{۳۸} شگفتی ندید!
که شاها زمان^{۳۹} آوریدت به طوس!
همی^{۴۱} ریختند از بر یال^{۴۲} خاک!

۳۶۰ چن^{۳۰} او کشته‌شا^{۳۱} اسپ آبی^{۳۲} چو گرد
به آب اندرون شد تنش^{۳۶} ناپدید
ز لشکر خروشی برآمد چو کوس
همه جامه‌ها بردردند پاک^{۴۰}

- ۱- (ق: آ: زان: لن: آ: ازو): س در اینجا سرنویس دارد: کشته شدن یزدگرد بزخم اسب آبی ۲- ق: پس آنگاه: س ۲ (نیز لی، آ): دژم گشت ۳- (آ: ززین) ۴- ک: ورا گشت ۵- س ۵ (نیز ب): تیزگام: (آ: بزین برنهادن همه گشت رام): و پس از این بیت افزوده است:
چو مد بر بارگی شهریار
بزمی و آهنگی خوار خوار
- ۶- (لن: آ: اسب): س (نیز لن): خت شد رام: متن = ده دستنویس دیگر ۷- (پ: بی پای خویش: آ: پس پای خویش): ک این بیت را ندارد: در و این بیت دو بیت پس تر آمده است ۸- ق (نیز ل: آ): چو ۹- س ۲ (نیز لی): سرافراز: (آ: سیاه سرافراز) ۱۰- س ۲ (نیز ق: آ، لی): همی ۱۱- (پ: همی بود رام: ل: آ: همان گشت در زین نهادن برام: آ: نزدیک آن اسب شد شادکام): ک این بیت را ندارد ۱۲- (لی: ب: برآهیخت): متن = ل، س، ک، س ۲ (نیز لن، ق: آ) ۱۳- ق: نجنید خنگ ۱۴- (آ: بجنید) ۱۵- ل، ک (نیز ق: آ): تازان: س، س ۲: یازان (حرف یکم بی نقطه): ق (نیز لی): یازان: لن: آ: تازی: ب: باز آن): متن = (لن، ل، پ، و، آ): بنداری: فامر اصحابه بأن یحدقوا به و یاخذوه فلم یقدروا علیه. فوثب بنفسه واتبعه فوقف له فالجمه و وضع علی ظهره السرج، و شد حزامه و لبیه، و هو واقف بین یدیه مستکیناله کالحمار الدبر ۱۶- ک: وی ۱۷- ک: درفشان ۱۸- (لی: بجنید) ۱۹- (ل: آ: سرش): بنداری: فاستدار من خلفه و رفع من ذنبه لیفره فرقه فی صدره برجلیه فخر فی الحال بنا. و عد الفرس ای الماء. وانغمس فیه حتی غاب ۲۰- (لی، ل، آ، لن: آ: گویی: ب: خواهی) ۲۱- ک: ازین ۲۲- س: گر ۲۳- س ۲ (نیز آ): وی ۲۴- س ۲ (نیز آ، ب): وی (و: او را) ۲۵- (آ: نیابد) ۲۶- ل (نیز ق: آ): گرا: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- س: و یزدان ۲۸- س، ق، ک (نیز لن، ق: آ، ل، و، لن: آ): گردون و: س ۲ (نیز لی، آ، ب): کیوان و: متن = ل ۲۹- (پ: خورشید و گردنده) ۳۰- ل- ک (نیز ل، پ، لن، آ، ب): چو متن = (لن، ق: آ، و) ۳۱- س ۲ (نیز لی، آ): چو شد کشته او ۳۲- (لن: آ: اسب از آنجا) ۳۳- س ۲ (نیز لی، آ): در آمد ۳۴- ک: بر: ق: بران ۳۵- ک: س ۲ (نیز لن، ق: آ، ل، آ): لاجورد ۳۶- (پ: همی) ۳۷- (پ: کسی در) ۳۸- س، ق، ک (نیز لن، ق: آ، ل، آ، لن، آ، آ): آن: متن = ل، س ۲ (نیز لی، پ، و، ب) ۳۹- (لن: آ: اجل: آ: شاه زمان) ۴۰- (لی: چاک): ل: را بکردند چاک: (ق: آ: موبدان جامه کردند چاک): متن = یازده دستنویس دیگر ۴۱- (ل، آ، لن: آ: همه) ۴۲- س ۲ (نیز لی، آ): تاج: بنداری: فوق الضجیع فی العسکر و هم ما بین شامت یظهر الجزع، و متباک یضمر الفریح

میان و^۴ نهیگا، و مغز سرش،
به دیبا تن شه، بستند^۵ خشک،
سوی پارس شد^۶ آن خداوند تاج^۸
چو آرام یابی^{۱۰}، بترس از گزند^{۱۱}!
چونان خورده آید^{۱۲}، به از جام نیست!
چو باشد کسی! بدین^{۱۳} پایگاه^{۱۴}!

از^{۱۷} ایران^{۱۸} برفتند گریان^{۱۹} مهان
هشیوار^{۲۰} دستور^{۲۱} روشن‌روان
بر^{۲۲} دخمه‌ی یزدگرد آمدند
دگر قارن^{۲۳} گرد پور^{۲۴} گشپ
چو پیروز اسپانگن^{۲۸} از^{۲۸} گرزبان^{۲۹}
بزرگان و آندآوران^{۳۳} جهان

از آن^۱ پس بکافید^۲ موبد برش^۳
۳۶۵ بیاگد یکسر به کافور و مشک
به تابوت زرین و در مهد ساج^۶
چنینست رسم سرای بلند^۹
تو رامی و با تو جهان رام نیست
پرستیدن دین بهست از گناه

۳۷۰ چو در^{۱۵} دخمه شد شهریار^{۱۶} جهان
کنارنگ با موبد و پهلوان
همه پاک در پارس گرد آمدند
چو گسته^{۲۲} کو^{۲۲} پیل کشتی^{۲۳} بر اسپ^{۲۴}
چو میلاد^{۲۵} و چون پارس^{۲۶} مرزبان^{۲۷}
۳۷۵ دگر هرک^{۳۰} بودند از ایران^{۳۱} مهان^{۳۲}

۱-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ، ب): وزان: متن = ل (نیز ق، ل، آ، ب) - ۲- (لی: بکافید) - ۳- لن: بکافور روشن برش) - ۴- ل، س، ک، س^۲ (نیز لی، ل، و، آ): <رو>: متن = ق (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب): بنداری: قال: ثم جاء الموبد و شق عن صدر یزدگرد و خاصرته و رأسه
۵- ل: تنش را بگردند: (لی، آ، ب: تنش را بیستند): متن = س (نیز لن، لن، آ): ق، ق، آ، ل، آ، ب، و به جای این بیت آورده‌اند:
سرش را بکافور کردند خشک
بدان جای خون اندر اکند مشک
بدیبا بیوشید روشن‌برش
نهاده (ق: نهاد او؛ ز مسک افسری بر سرش
۶- (ق: آ: عاج؛ و بر تخت ساج) - ۷- س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): رفت: متن = ل (نیز لی) - ۸- (لی: عاج): درس^۲ این بیت زیر مینیاتور
رفته است: بنداری: و وضعوه فی تابوت من الذهب. و حملوه فی مهد من الساج. و نقلوه الی بلا فارس. و عملوا له ناووسا و وضعوه
فیه: پ پس از این بیت افزوده است:

چنینست رسم سرای سپنج یکی شادمان دیگری زو برنج

۹- س (نیز لن، لن، آ): گزند: ک: بسند: (ق: آ، آ: سپهر بلند: ل: این هم سرای گزند: پ: درین تیره خاک اسپهر بلند): متن = ل، ق (نیز لی، و، ب)
۱۰- (ب: گیری) - ۱۱- (لن: کمند: لن: نژند): ل: آ: بیتهای ۳۶۷-۳۸۳ را ندارد: درس^۲ بیت‌های ۳۶۷-۳۸۳ زیر مینیاتور رفته است - ۱۲- (ق: آ، ل، آ، پ: باشی: لی، آ: آمد) - ۱۳- س: برین: ق (نیز لن): کسی را که باشد برین - ۱۴- س (نیز لی، ب، آ، ب): دستگاه: متن = ل، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ل، و، لن، آ) - ۱۵- ق: بر - ۱۶- (لن: آ: پادشاه) - ۱۷- ل (نیز ق، آ، ب): ز: متن = ده دستنویس دیگر - ۱۸- ق (بیل، لن، آ): ایوان - ۱۹- (ق: آ: ز پیش
برفتند یکسر) - ۲۰- (ق: آ: هشیوار و) - ۲۱- ک: هشیوار و بیدار و - ۲۲- (ق: آ: گسته و کو) - ۲۳- (لی، آ: بستی) - ۲۴- (لن: آ: پور شهر بورست)
۲۵- ل: بیلار (دو حرف نخست بی نقطه): (آ: پولاد): متن = یازده دستنویس دیگر - ۲۶- ل، س (نیز و): نارس (بی نقطه): ق (نیز ق، آ، لی، آ):
بارسی: ک (نیز لن، لن، آ: <رو>: ب): آرش و: (ل: آ: ارزش: پ: با آرش): متن تصحیح قیاسی است - ۱۷- (و: پهلوان: لن: آ: میزبان) - ۲۸- (لن: آ:
<از>: و، ب: و: ق، آ، لی، آ: <از>: گردافکن از): ک: بر پور؟ (واژه نخست و حرف یکم واژه دوم بی نقطه) اسپ افکن از - ۲۹- ل: کوربان
(حرف چهارم بی نقطه): س، ق: کوزبان: ک: کردنان: (لن: کوزبان (حرف چهارم بی نقطه): ق: آ: کوزبان: لی: کوزبان: ل: کوزبان: و، آ: و: کوزبان
(حرف چهارم از واژه دوم بی نقطه): لن: آ: مرزبان): متن = (ب، ب) - ۳۰- س، ک (نیز لن، ب): هر که: ق: هر کی: متن = ل - ۳۱- ل، س (نیز و): ز
ایران: (ق: آ: ازیشان) متن = ق (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن، آ، ب) - ۳۲- ک: مهتران: (ل: آ: زمین) - ۳۳- (ل: آ: متین): لی پس از این بیت افزوده است:

نشستند با هم یکایک برآز
همان سرفرازان و نام‌آوران

کجا خوارشان دشتی یزدگرد
 چنین گفت گویا کُشسپ^۱ دبیر
 جهانبان^۲ ما^۳ تا جهان آفرید
 که جز^۴ کشتن و -خواری و^۴ درد و رنج
 ۳۸۰ ازین شاه ناپاک^۵ تر^۶ کس ندید
 نخواهیم بر تخت زین^۷ تخمه^۸ کس!
 سرافراز بهرام فرزند اوست
 ز منذر گشاید^۹ سخن سربه سر^{۱۰}
 بخوردند سرگندهای گران
 ۳۸۵ کزین^{۱۱} تخمه کس را^{۱۲} به شاهنشهی
 برین^{۱۳} برنهادند و برخاستند
 چن^{۱۴} آگاهی^{۱۵} مرگ شاه جهان
 پراکنده شد در میان مهان،

۱- (ل: آ: موبد به پیش) ۲- ل: جهانداران: س، ق، ک (نیز ل، ل: ۲- ل: آ: جهاندار ما: (لی، آ، ب: جهان آفرین): متن = (ق: ۲) ۳- س (نیز ل، ل: ۲): بجز: (پ: ابر): متن = ل، ن، ک (نیز ق: ۲، لی، و، آ، ب) ۴- ک: خواری و کشتن و: (پ: ابر کشتن و: ل: نبودیش جز کشتن و) ۵- ق: داشتن: (لی، آ: نبودش نهان داشتن) ۶- ل: بیاکندن از چیز درویش گنج: ک: ندیدیم از او در سرای سپنج: (ق: آ: ندیدیم زین پادشاهی و گنج): متن = س (نیز ل، لی- ب): ق: آ پس از این بیت افزوده است:

بشاهی خود زرم کس را نداشت همی این بران آن برین برگماشت

۷- ق: بی باک تر: (پ، ل: آ، ب: ناپاک بر: شاه ما پاک تر: آ: از آن شاه ناپاک تر): متن = ل، س، ک (نیز ل، ق: ۲، لی، و) ۸- ل: نامداران: (ل: آ: پادشاهان): متن = ۹- س: کسی زین نشان شهریاری ندید: متن = ق، ک (نیز ل، و، آ، ب) ۱۰- ل، س (نیز ل، ل: زین: متن = ک (نیز پ، و) ۱۱- ق، س (نیز ق: ۲: زین: آ، ب: ازین تخمه بر تخت: ل: ۳: زین پس ابر تخت: ل: آ: ازین تخم بر تخت) ۱۲- ل: بناهیم و: متن = س، ق: و، ک: و، س: آ: و، ل: آ، ب، و، و: و، آ، ب: و، و: لی به جای این بیت آورده است:

نخواه بر تخت او را زین ز منذر گشاید سراسر سخن

۱۳- س، ق: و، ۱۴- ق (نیز ل، و، ل، آ: زین و: ک، س: آ: (نیز ل، آ، ب): راه و: (پ: که مغز و دل و رای و): متن = ل، س (نیز ق: ۲): لی این بیت را ندارد ۱۵- (ل: آ: شنیدن) ۱۶- ک: در بند: لی این بیت را ندارد ۱۷- ک (نیز ل، آ، ب): از ایرانیان: ل: بودند ایرانیان: (ق: آ: بود اندر ایران سران): متن = س، ق، س: آ: (نیز ل، ل، و، آ، ب، و، آ): ل: آ: بیتهای ۳۸۴-۴۰۰ را ندارد: س: آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

برین کار در پارس گرد آمدند همی (آ: همه) زین (س: آ: بدین) سخن داستانشا زدند

که این تخت شاهی سزاوار کیست بینید تا از در کار کیست

۱۸- ک: ازین ۱۹- (ل: آ: که این تخمه را ما: ۲۰- ک، س: آ: (نیز لی، آ): بدین ۲۱- ل، ق (نیز لی، و، ب): همی: متن = س، ک، س: آ: (نیز ل، ق: ۲، ل، آ، پ، آ) ۲۲- (ل: آ: سی): بنداری: و اما فرخوامن ذلک کله اجتمعت اکابر الفرس و علماؤهم و موابدتهم، و تشاوروا فیمن یقوم مقامه. فصاروا یدا واحده علی ألا یولوا- نداس شجرة یزدجرد لما نالهم من ظلمه و جوره ۲۳- ل، ک، س: آ: (نیز ق: ۲- ب): چو: متن = (ل: ۲۴- ک، س: آ: (نیز ل، و، آ): آگاهی از: متن = ل، س، ق (نیز ل، ق: ۲، لی، پ، ل، آ، ب)

الانشاه^۱ و چون پارس پهلو^۲ سپاه
 همی^۵ هریکی^۶ گفت: شاه^۷ی مراست!
 ۳۹۰ جهانی پر آشوب شد سربسر
 به^{۱۰} ایران رد و موبد و پهلوان
 بدین کار^{۱۲} در پارس گرد آمدند
 که این تخت^{۱۵} شاه^{۱۵}ی سزاوار کیست؟
 بینیم^{۱۶} بخشنده^{۱۷}ی دادگر
 ۳۹۵ که آشوب بنشاند از روزگار

چو بیورد و^۳ شگنان^۴ زرین کلاه،
 هم از^۸ خاک تا برج ماهی مراست!
 چو از تخت^۹ نم شد سر تاجور
 هر آنکس^{۱۱} که بودند روشن روان،
 همی^{۱۳} زرین سخن^{۱۴} داستان‌ها زدند،
 بینید تا از در کار کیست؟
 که بندد برین^{۱۸} تخت زرین^{۱۹} کمر!
 جهان مرغزارست^{۲۰} بی شهریار!

گفتار اندر دادن ایرانیان پادشاهی به خسرو:^{۲۱}

یکی مرد بد پیر^{۲۲} خسرو به نام
 هم از تخمهی سرفرازان بد اوی^{۲۳}
 سپردند گردان بدو تاج و گاه
 جوانمرد و روشن دل و شادکام
 به مرزاندز از بی‌نیازان بد اوی^{۲۳}
 برو^{۲۴} انجمن شد ز هر سو سپاه
 پس آگاهی آمد به بهرام گور
 که از چرخ شد بخت را^{۲۵} آب^{۲۶} شور^{۲۷}!

۱-ل. ق (نیز و): <و> س^۲ (نیز لی. آ): الانان و؛ متن = س (نیز لن. ق. ل. پ. لن. آ. ب) ۲-ل. ۳: پ. پهلوان: لن. آ: ناس پهلو (واژه یکم بی نقطه): ی: شاه‌نی؟ (حرف چهارم بدون نقطه) شاه ایران: متن = ده دستنویس دیگر ۳-ل. ۳ و. آ. ب: <و>؛ ل. س: بورد و (حرف دوم بی نقطه): ق: نیورد؛ ی: برود و (بی نقطه): (لی: بی ورده: پ: باورد و): متن = س^۲ (نیز لن. ق. ل. آ) ۴-ق: شکان: ی: سکنان: (لی: شکان: لن. آ: سکان (نقطه ندارد)) ۵-س (نیز لن. لن. آ): همه ۶-لی: هر کسی (۷-ق (نیز ق^۲): گفت هر کس که: (ل. ۳: گفت هر یک) ۸-ق: همی: (ق. ل. آ: همان) ۹-س^۲ (نیز لی. آ. ب): تاج: (ل. ۳: تخم) ۱۰-ق (آ: از) ۱۱-ب: هم آنکس: ق این بیت را ندارد؛ ق. آ. لی. آ پس از این بیت افزوده‌اند:

ق. آ: همان پاک دستور با موبدان بزرگان و بیدار دل بخردان

لی. آ: بجستند (آ: بجویند) بخشنده دادگر که بر تخت شاهی بیند کمر

۱۲-ل. ۳: آ. برین کار: و: یکبار:؛ در لی. آ: این بیت کمی پیش تر آمده است ۱۳-ل. ۳: آ. ب: همه) ۱۴-ل: بی زرین نشان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ل: تاج: (ق. ۲: و: بر تخت): متن = یازده دستنویس دیگر: در س^۲ لی. آ: این بیت شش بیتی پیش تر آمده است ۱۶-ل: بجوسد (حرف‌های چهارم و پنجم بی نقطه): ی: (نیز لن. آ): نه بینیم: س^۲ (نیز آ. ب): بجویند: (لن: پنجم (حرف‌های سوم و چهارم بی نقطه): لی: بجستند): متن = س. ق (نیز ق. ل. آ. ب. و) ۱۷-ل. ۳: بخشنده (و) ۱۸-ق: بدین ۱۹-س^۲ (نیز لی. آ. ب): بر تخت شاهی بیند ۲۰-ق. س^۲ (نیز لن. ق. ل. پ. ب): مرغزاریست: ی: شهریاری و: (ل. ۳: پر سپاهت): متن = ل. س. ۲۱-س: آگاهی یافتن بهرام گور از مرگ پدرش بزدگرد: ق: آگاهی یافتن بهرام از مرگ پدرش و لشکر انگیختن منذر و نعمان: ی: (کمی بالاتر): آشوب ایرانیان: ل. آ. س^۲ <ش> آگاهی یافتن بهرام از مرگ پدرش: متن = [گفتار اندر +] ل ۲۲-س: پیرو: (ل. ۳: نیز: آ: نی) ۲۳-ل. س^۲ (نیز لی. ل. آ): او: (لن. آ. ب: بدی): متن = س. ی: ک (نیز لن. ق. آ. ب. و): ق این بیت را ندارد ۲۴-لی: بدو: ق. و این بیت را نند: بند: بنداری: و کان فیهم رجل کبیر من الشجرة الکیایة یسمی خسرو. فاتفقوا علیه و أقعدوه علی تخت السلطنة، و حیوه بتحیة مخلوک ۲۵-ل. آ: یا: (ل. ۳: آن) ۲۶-لی: تخت رازای: پ: تخت را بخت ۲۷-لن. آ: ابروی (پساوند ندارد)

۴۰۰ پذیرت^۱ آن سرافرازشاهان بمرد
یکی مرد بر گاه بشاندند
بخوردند سوگد یکسر سپاه
که^۹ بهرام فرزند او همچن^{۱۱} اوست
چو بشنید بهرم زخ را بکند
۴۰۵ برآمد دو هفت ز شهر یمن
چو یک ماه بنشست با^{۱۳} سوگ شاه
برفتند نَعمان و مُنذر بهم
همه زار با ساه گریان شدند
زبان^{۱۷} برگشاندند آن پس^{۱۸} به پند^{۱۹}
۴۱۰ همه در جهان خاک را آمدیم
بمیرد^{۲۳} کسی دو^{۲۴} ز مادر بزاد
به منذر^{۲۸} چنین گفت بهرام گور
ازین تخمه^{۳۱} تر نام شاهنشهی

بمرد و هم او^۲ نام شاهی^۳ ببرد!^۴
به شاهی همی خسروش خواندند^۵
کزین تخمه^۶ هرگز^۷ نخواهیم^۸ شاه،
از^{۱۱} آب پدر یافت او مغز و پوست!
ز مرگ پدر شد چنین^{۱۲} مستمند!
خروشیدن کودک و مرد و زن!
سر ماه نو را بیاراست گاه،
همه تازیان از یمن^{۱۴} بیش و کم،
ابی^{۱۵} آتش از درد^{۱۶} بریان شدند!
که ای پرهز شهریار بلند^{۲۰}،
نه جویای^{۲۱} تریاک را آمدیم^{۲۲}!
زهش چون^{۲۵} ستم بینم و^{۲۶} مرگ داد^{۲۷}!
که اکنون که^{۲۹} شد روز ما تار و تور^{۳۰}،
گسته شود بگسلد فرهی،

۱-ل^۲ (نیز ل^۲): پدرش ۲-ل (نیز ل^۲): همه: س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): همان: ک: ببرد او هم آن: (ل^۳: مرد او هم (وزن ندارد)) متن = س، ل^۲ (نیز لن، ق^۲، پ) ۳-ک: شاهان: (لن: آب شاهان) ۴-ل: نبرد: ق این بیت را ندارد: پ پس از این بیت افزوده است:
پس از مرگ، آن شاه با جاه و آب که بر چشمه سو درآمدش خواب
۵-ل: خوانند (وزن ندارد): ق^۲، پ: یمن بیت را ندارند: دل^۲ این بیت دو بیت سپس تر آمده است ۶-ل: تخم: ل: کزان تخمه ۷-س:
یکسر: ق (نیز و): یکتا: ک، ل^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۳): کس را: متن = ل، س^۲ (نیز پ-ب) ۸-ا: (ق^۲: نخواهیم: لی: که هرگز نخواهیم ازین
تخمه) ۹-س، ک: (نیز لن، ل^۲): چو متن = ل، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب) ۱۰-ل، س، ک، ل^۲ (نیز لن، لی، ل^۲، و-ب): همچو: متن = س^۲ (نیز
ق^۲، پ): ق این بیت را ندارد ۱۱-س (نیز لن، ق^۲، ل^۲، لن^۲): ز ۱۲-ل: دلش: ق: همی: ل^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲): چنان: س^۲ (نیز لی، آ، ب): بدل:
متن = س، ک (نیز و، لن^۲) ۱۳-س^۲ (نیز لی، ل^۲): بگذشت با (لی: بر) ۱۴-ل، ل^۲، س^۲ (نیز لی، پ، لن^۲): تازیان یمن: (ل^۲: تازیان از
پش: ب: تازنان یمن): متن = س، ک (نیز لن، ق^۲، و): بنداری: فیلع الخیر بهرام فأخذہ المقیم المقعد فجلس فی عزاء ابيه، و حضره
المنذر و النعمان فی جمیع امراء العرب ۱۵-ل: به بی: (ق^۲: ز بی) ۱۶-لی: ابر آتش درد: پ: بی آتش از آن درد) ۱۷-لن: زفان)
۱۸-ل، س، س^۲ (نیز لن، لی، ل^۲، و، لن^۲): زان: ل^۲: یکسر: متن = ق، ک (نیز ق^۲، آ، ب، آ، ب) ۱۹-ک (نیز ل^۲): بلند: (پ، لن^۲: ز بند) ۲۰-ق^۲، ل^۲:
ارجمند) ۲۱-ل: جویان ۲۲-لن: زهر و تریاک را آمدیم (وزن ندارد)) ۲۳-ک: بذیرد ۲۴-ل: هرا نکو ۲۵-ک: هم ۲۶-ق: چون بینم
جز از؟ ۲۷-ل^۲، آ، یاد: ل^۲: بداد حدادل بیاید نهاد ۲۸-ک: بایشان ۲۹-ل: چو: متن = چهارده دستویس دیگر ۳۰-ل (نیز و): نور
(بی نقطه): س (نیز ل^۲): کور: ق (نیز لن): نار و نور: ل^۲ (نیز ق^۲): شور: س^۲ (نیز لی، آ، ب): آب در جوی شور: متن = ک (نیز پ، لن^۲): ک،
ل^۲، ق^۲، پ، ب پس از این بیت افزوده است:

اگر تند و (ق^۲: اگر چه) بی رسم بد شهریار بد این شهر (ل^۲، پ، ب: دشت) را سربس
(ق^۲: بدین مرز بد هر کی) دوستدار
ق^۲: بیاد شما برگشادی دو لب چه رخشنده روز و چه در تیره شب

۳۱-ل^۲: تخم: لی، آ این بیت را ندرند: س^۲ بیت ۴۱۶ را پس از این بیت آورده است

ز دشت سواران برآرند^۱ خاک
 ۴۱۵ پر اندیشه باشید و یاری^۳ کنید
 شود جای بر تازیان بر خباک^۲!
 به مرگ پدر سوگواری کنید!

ز بهرام بشنید منذر سخن
 چنین گفت کین روز کارِ منست!
 تو بر تخت بنشین و نظاره^۶ باش!
 همه نامداران برین^۸ همسخن
 ۴۲۰ ز پیش جهانجوی برخاستند
 بفرمود منذر به نعمان^{۱۰} که زو
 ز شیان و غسانیان^{۱۳} ده هزار^{۱۴}
 من ایرانیان را نمایم^{۱۷} که شاه
 به مردی یکی پاسخ^۴ افگند بن
 برین^۵ دشت روزِ شکار منست!
 همه ساله با تاج^۷ و با یاره باش!
 که نعمان و منذر فگندند^۹ بن
 همه تاختن را بیاراستند
 یکی لشکری ساز^{۱۱} شیران نو^{۱۲}،
 فراز آر گرد^{۱۵} از در^{۱۶} کارزار،
 کدامست با تاج و گنج و کلاه^{۱۸}!

بیاورد نعمان سپاهی گران
 ۴۲۵ بفرمود تا تاختن‌ها برند^{۲۰}
 ره^{۲۳} شورستان^{۲۴} تا در^{۲۵} طیسفون^{۲۶}
 زن و کودک خرد^{۲۸} بردند اسیر
 پر از غارت و سوختن شد جهان^{۳۰}
 همه تیغ‌داران^{۱۹} نیزه‌وران!
 همه روی کشور^۲ به پی بسپرند^{۲۲}!
 زمین^{۲۷} خیره شد زیر نعل اندرون!
 کس از رنج‌ها را^{۲۹} نبند دستگیر!
 چو^{۳۱} بیکار شد تخت شاهنشهان!

۱- (لی: برآریم) ۲- ل. س (نیز ق ۲، ل ۲، پ): مفاک: ل ۲، س ۲ (نیز لی، آ، ب): چون مفاک: (پ: برز پاک (واژه یکم بی نقطه): و: بر زباک (حرف دوم از واژه دوم بی نقطه): لن: بر جناک): ق: خاک بر تازیان بر جو خاک: متن = ک ۳- س ۲ (نیز لی): زاری: (آ: شادی): بنداری: فقال بهرام: إنه أن استمر حال الإیرانیین علی ما هم علیه قصدوا ممالک العرب، و نالوهم بکل سوء و مکروه. فعاونونی علیهم حتی أخلص منهم حقی وأخلص الی سریر أبی ۴- (پ: نگر تا پاسخ چه) ۵- (لی، ب: بدین: آ: یمن ۶- (لی: بنظاره) ۷- ل ۷: طوق: آ این بیت را ندارد ۸- (لی: بدین) ۹- (پ: منذر بمردی فگندست) ۱۰- (لی: نعمان به منذر: ل ۳: به نعمان بفرمود منذر) ۱۱- (ق: آ: ساز و) ۱۲- س: گو: س ۲ (نیز لی، آ): لشکر آراز سواران گو: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- ل ۱۳: ق: رز قیسیان: ک (نیز لن، و): و از قیسیان: (لن: آ: و ز روسیان: لی: سنان و غسانیان: آ: شبان و غسانیان: ب: شعبان و غسانیان): متن = س، س ۲ (نیز ل ۲) ۱۴- (پ: و قیسان ده و دو هزار): ل ۲: زسان و فسان برده و دو هزار ۱۵- س ۲ (نیز آ، ب): سواران گزین: (لی: سواران گرد) ۱۶- (لن: فراز آور اندر خور): ق ۲ این بیت را ندارد: ل ۳ پس از این بیت افزوده است:

هم از دشت فرطان دلیران جنگ خزاعه که هشد شیران جنگ

۱۷- س ۲ (نیز لی، آ): بگویم ۱۸- ل ۱۸: تخت و کلاه: س ۲ (نیز لی، آ): گنج و تخت و کلاه: (ل ۳: با تاج در پیشگاه: لن: آ: با نام و گنج و سپاه): متن = ل-ک (نیز لن، پ، و، ب): ق ۲ این بیت را ندارد: ل در اینجا سرنویس دارد: لشکر کشید - منذر - برزم ایرانیان ۱۹- ق- س ۲ (نیز لن، لی، پ-ب): داران و: (ق ۲، ل ۳ < و >: گرز داران و): متن = ل، س ۲۰- ل ۲۰: خانها برکنند ۲۱- لی، آ، ب: مرز ایران) ۲۲- ل ۲: همی بسپرند ۲۳- س ۲ (نیز لی، آ، ب): در ۲۴- ل ۲۴: سورشان: (لی، ل ۳: پ: سورشان: و: سوریان: ب: سورسان) ۲۵- ق: زارض نجف تادری: ک: ز سوتان بغداد تا: (لن: آ: ز بغداد و اهواز تا): متن = ل، س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، و، آ، ب) ۲۶- ل ۲۶: ک، ق، ک، ل ۲: نیز ق ۲، لن: آ: طیسفون: متن = س، س ۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب) ۲۷- ک: همه ۲۸- ل: و مردی: ک: و خرد ۲۹- س- س ۲ (نیز لن-ب): آن رنجها را: متن = ۳۰- (لن: خار و خاشاک شد گلستان) ۳۱- (لن: که): بنداری: فجمع المنذر ثلاثین أنف فارس، و ساز مع بهرام متوجهالی طیسفون، و خذ یعیث فی أطراف ممالک الفرس

به ترک و به هند^۲ و به مکران زمین،
کسی نیست زیبای شاهنشاهی!
به بیدادی^۴ از جای^۵ برخاستند!
که یارست تخت کیی^۹ را بسود^{۱۰}،
به شاهنشهی نیز گردن فراخت!
یکایک^{۱۳} سوی چاره^{۱۴} بشتافتند
نشستند یک با دگر^{۱۷} هم گروه^{۱۸}،
ز روم و ز هند^{۲۲} و سواران دشت،
دل و جان ازین رنج^{۲۳} پرداختن^{۲۴}!
سخنگوی و^{۲۶} بینادل آزاده‌یی،
دبیری^{۲۹} بزرگ و^{۳۰} سخنگوی بود^{۳۱}،
سخن گوید و گفت او^{۳۴} بشنود،
جهان را به نام^{۳۵} تو بادا^{۳۶} نیازا
به هر جای^{۴۰} پشت دلیران توی^{۳۹}!

پس آگاهی آمد به روم^۱ و به چین
۴۳۰ که شد تخت ایران ز خسرو^۳ تهی
همه تاختن را بیاراستند
چن^۶ از تخم^۷ شاهنشهان^۸ کس نبود
به ایران همی هر^{۱۱} کسی دست یاخت^{۱۲}
چو ایرانیان آگهی یافتند
۴۳۵ چو گشتند از آن^{۱۵} رنج^{۱۶} یکسر ستوه
که^{۱۹} این کار^{۲۰} از^{۲۱} اندازه اندرگذشت!
یکی چاره باد کنون ساختن
بجستند موب^{۲۵} فرستاده‌یی
کجا نام آن گو^{۲۷} جوانوی بود^{۲۸}
۴۴۰ بدان^{۳۲} تا به نزدیک منذر^{۳۳} شود
به منذر بگوید که ای سرفراز
نگهدار^{۳۷} ایران و نیران^{۳۸} توی^{۳۹}

۱- (لن: آ: هند) ۲- (لن: آ: روم: لن: ب: هند و به ترک)؛ ق این بیت را ندارد ۳- (ب: شاهی)؛ ق این بیت را ندارد ۴- (ق: ل: آ: <ی>) ۵- س: (نیز لی <و>، آ: ب): تاراج و بیداد: ل: آ: پس از این بیت افزوده است:

چو گشتند از رنج یکسر ستوه نشستند یکبادگر هم گروه

۶- ل، س، ق، ل: آ: س: (نیز ق: آ: پ، ل، آ: آ: ب): چو: ک: که: (و: جز): متن = (لن) ۷- (لی: تخت) ۸- س: (نیز لن، لن: آ): شاهنشهی: متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- س: (نیز لی، لن، آ: آ): کیان: ل: بخت کسی ۱۰- (ق: آ: تخم کیی را ستود) ۱۱- ک: به ایران به شاهی ۱۲- ل، ق، ل: (نیز لی، آ): اخت: متن = س: ک، س: (نیز لن، ق: آ: ل، آ: ب): و این بیت را ندارد ۱۳- س: (نیز لی، آ: ب): سراسر: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- (لن: آ: خانه): ت های این بیت در س: آ: پس و پیش شده اند: ق درین جا سرنویس دارد: پیغام ایرانیان نزد منذر و پاسخ او ۱۵- ل، س: (نیز لن): زان: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶- س: (نیز لی، آ): کار: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- ل، آ: س: (نیز لی، آ): با یکدگر ۱۸- ق: بی گروه: در ل: آ: این بیت سه بیت پیش تر آمده است ۱۹- (ب: چو) ۲۰- (ق: آ: بد) ۲۱- ل، س: (نیز لن، ق: آ: ل، آ): ز: متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ل: (نیز ق: آ: و، لن: آ): هند و روم: آ جای لت دوم را سفید گذاشته است ۲۳- ل: کار: متن = س: ل: آ: (نیز لن، ق: آ: ل، آ: ب) ۲۴- س: (نیز ل، آ): غم پرداختن: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- (ب: آنگه) ۲۶- ل: آ: (نیز ل، آ: ب): <و>: لی: به جای این آورده است:

یکی مید بد اندران روزگار ازین فیلسوفی عجب نامدار

۲۷- (آ: یل: لن، ق: آ: او گو: لی: او خود) ۲۸- (لن: بدی) ۲۹- ل: آ: <ی>: س: ق: (نیز لن، و): دبیری: (ق: آ: دبیری: ل: آ: دبیر و): متن = ل، ک، س: آ: (نیز لن، لی، پ، لن، آ: آ: ب) ۳۰- ق: رسیده ۳۱- (لن: بدی: ل: آ: و با کام بود (پساوند ندارد)) ۳۲- (ل: آ: بدین) ۳۳- (ق: آ: موبد) ۳۴- س: آ: (نیز لی، آ: ب): پاسخش ۳۵- س: (نیز لی، ن: آ): مهر: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۶- س: (نیز لی، پ، آ: ب): آمد ۳۷- ل: آ: که دارای ۳۸- ل: (نیز لی، و): سزان (حرف های یکم و دوم سی نقطه): ق- س: آ: (نیز ق: آ: ب): و توران: (لن، لن: آ: ببران (حرف یکم نقطه ندارد)): (آ: ویران: ل: آ: مکران): متن = س: (نیز پ) ۳۹- س: س: (نیز لن- ب): تویی: متن = ل ۴۰- ق: کار

ز خون مرز چو، پَر دُرَاج^۴ گشت^۳،
 که این مرز را از تو دیدیم^۵ ارزا
 به هر جای تاراج و آویختن^۷!
 ز نفرین بترسیدی و^۹ سرزنش^{۱۰}!
 به پیران سر این^{۱۲} سودمند آیدت؟!
 کز اندیشه‌ی برتران برترست!
 سخن نیز^{۱۴} کز کاردانا^{۱۵} شنید

بیامد سوی دشت نیزه‌وران
 سخن‌های ایرانیان^{۱۹} کرد یاد
 به پاسخ برو^{۲۱} هیچ نگشاد لب
 سخن زین نشان با شهنشاہ گوی^{۲۴}،
 چو پاسخ بجویی^{۲۹}، نمایندت راه!
 جوانوی شدت در^{۳۱} شهریار^{۳۲}
 برو^{۳۵} آفریننده را یاد کرد
 فروماند بینادل اندر شگفت!
 همی بوی مشک آید^{۳۹} از موی اوی^{۳۸}!

چن این^۱ تخت بی شاه و بی تاج^۲ گشت^۳
 تو -گفتیم- باشی خداوند مرز
 ۴۴۵ کنون غارت از تست و خون ریختن^۶
 نبودى چنین پیش ازین^۸ بدکش
 نگه کن بدین^{۱۱} تا پسند آیدت؟!
 جز از تو زیر^{۱۳} داوری دیگرست
 بگوید فرستاده چیزی که دید

۴۵۰ جوانوی دانا^{۱۶} ز پیش سران
 به مندر سخن^{۱۷} گفت و نامه بداد^{۱۸}
 سخن هاش^{۲۰} بشنید شاه عرب
 چنین^{۲۲} گفت کای دانشی راه‌جوی^{۲۳}
 بگوی^{۲۵} اینک^{۲۶} گفتی به^{۲۷} بهرامشاه^{۲۸}
 ۴۵۵ فرستاد با او یکی نامدار^{۳۰}
 چو بهرام^{۳۳} را دید داندۀمرد^{۳۴}
 از آن برز و^{۳۶} بالا و آن یال و کفت
 همی می چکد گفتی^{۳۷} از روی اوی^{۳۸}!

۱-ل، س، ق (نیز لن، ق، ل، آ، ن، آ): چو این: متن = ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی، آ، ب) ۲- (و، ب: بی تاج و بی شاه) ۳-ل: شد: متن = چهارده
 دستنویس دیگر ۴- (ل، آ): مرز چون مرز دُرَاج: لی: ریختن مرز بی تاج) ۵-ک (نیز ل، آ، ن، آ): داریم: (ق، آ: دانیم: لی: مرز از آن تو
 داریم): ق: که تا مرز را از تو یابیم: متن = ل، س، ل، آ (نیز لن، پ، و، آ، ب) ۶- (لی: تست آویختن) ۷- (لی: تاراج خون ریختن): ک: چه بر
 بی گناهان بر آویختن ۸- ل: ازین پیش تو: متن = چهارده دستنویس دیگر ۹-ک (نیز آ): رسیدی و: (پ: ترسی و از) ۱۰-ل، آ: چنین
 پیش ازین بدکش ۱۱- (ق، ل، آ، ن، آ): کنون: (ن، آ: بین) ۱۲- (آ: سران) ۱۳- (پ: یکی): ل: چو ر تو زیر: ک این بیت را ندارد: متن = دوازده
 دستنویس دیگر ۱۴-س، آ: <نیز> ۱۵-ق: پیشکاران: (آ: کارداران): ک این بیت را ندارد: ل: در پ، جا سرنویس دارد: خواستن ایرانیان
 بهرام گور را بیادشاهی ۱۶- (ق، آ: فرستاده پویان: ل، آ: چو رانوی دانا): ل آیت‌های ۴۵۰-۵۳ را ندارد ۱۷-ک (نیز لی، ل، آ): چنین
 ۱۸- (ب: سخن گفتن آمد بداد) ۱۹- (ق، آ: ایران همی) ۲۰- (ق، آ: و سخن ها چو) ۲۱- (لی، پ، ب: بدی) ۲۲-س، آ (نیز آ، ب): بدو ۲۳-ل (نیز
 لی، و): چاره جوی: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- (لی، و: ی): <شهنشاہ بگوی) ۲۵-ل (نیز ل، پ، آ): بگو: متن = س، ق، ک، س، آ (نیز
 لن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۲۶-ل، س، ق (نیز لن، لی، ل، ن، آ، ب): این که: ک: آنچه: س، آ: آنک: (ق، آ: آنچه: ل، آ: آنکه): متن = (پ، و) ۲۷-س: که
 ۲۸- (لی: بهرام ماه) ۲۹-ک (نیز ق، آ): بیابی: س، آ: بخواهی: (ل، ن، آ: شنیدی): ل آیت‌های ۴۵۴-۷۴ را ندارد ۳۰- (ل، آ: نامجوی) ۳۱-س
 (نیز لن، ق، آ، ن، آ): بر ۳۲- (ل، آ: را تا در شاه پوی): ل، آ پس از این بیت افزوده است:

بگوی آنچه دانی به بهرام گور که آن شاه شادست به کام شور

۳۳- (ل، آ: جوانوی) ۳۴- (لی: دل شاد کرد) ۳۵- (لی، ب: بدو) ۳۶-ق، س، آ (نیز لن، لی، و، ب): <: س: بر آن برز: متن = ل، ک (نیز ق، آ،
 لن، آ): بنداری: فأرسلوا الیه رسولاً. فلما وصل الیه الرسول أمره بأن یصیر الی مخیم بهراء فلم رأی الرسول بهرام و شکله و بهاءه و
 أبهته تعجب منه ۳۷-ل، ق، س، آ (نیز لی، آ): گویی: متن = س، ک (نیز لن، ق، آ، ل، ن، آ، ب) ۳۸- (ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): او:
 متن = (ل، ن، پ، ل، ن، آ) ۳۹-س (نیز لن): آمد: (لی: زیب تاج آید)

پیامش سراسر فراموش گشت!
 ز دیدار چشم و دلش تیره شد^۲
 به خوبی بر تخت^۵ بنشاختش
 کز ایران چرا رنجه گشتی براه؟
 هم آگندن^۸ گنج یابی ز ما!
 که او را به نزدیک مندر برد،
 به پاسخ سخن‌های فرخ نیس^{۱۱}!
 ازو بشنو و پاسخش ده^{۱۵} به کام!^{۱۶}
 رخ مندر از رای او^{۱۸} برشکفت!
 مر آن نامه را پاسخ افگند بُن
 هرآنکس که بد کرد کیفر برد!
 وُزان نامداران که کردی^{۲۴} سلام^{۲۵}
 که^{۲۸} بیهوده پیکار بایست جست؟
 که با فرّ و برزست و با لشکرست!
 همی^{۳۳} دامن خویش در خون کشید^{۳۲}!
 بر ایرانیان^{۳۴} بر نبودی شکن!

سخنگوی بی فرّ و بی هوش^۱ گشت!
 ۴۶۰ بدانت بهرام کو خیره شد^۲
 پیرسید بسیار^۴ و بنواختش
 چو گستاخ شد، زو^۶ پیرسید شاه
 ازین^۷ پس بر نیج یابی ز ما!
 فرستاد با او یکی پرخرد
 ۴۶۵ بگوید^۹ که این^{۱۰} نامه پاسخ نیس^{۱۱}
 وُزان^{۱۲} پس نگر^{۱۳} تا چه دارد^{۱۴} پیام
 بیامد جوانو^{۱۷} سخن‌ها بگفت
 چو بشنید از آن^{۱۹} مرد بینا^{۲۰} سخن
 جوانوی را گفت کای پرخرد
 شنیدم همه^{۲۱} هرج^{۲۲} دادی^{۲۳} پیام
 ۴۷۰ چنین گوی^{۲۶} کین بد که کرد^{۲۷} از نخست
 شهشاه بهرام گور^{۲۹} ایدرست
 ز سوراخ^{۳۰} چون مر^{۳۱} بیرون کشید^{۳۲}
 گر ایدونک مز $\bar{\bar{e}}$ دمی رایزن

۱-ک (نیز ق ۲، ل ۳): توش؛ (پ: بی دنش ز هوش) ۲- (ق ۲: گشت) ۳-ک: < ۴-س ۲ (نیز لی، آ، ب): فراوان پیرسید؛ متن = ده دستویس دیگر ۵- (لن: آ: خویش) ۶- (ق ۲: کردش؛ ل ۳: گستاخ تر شد) ۷- (ل ۳: ازان) ۸-ق (نیز ل ۳): آکنده؛ (ق ۲: براگندن)؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ س ۲، لی، پ، آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

س ۲، لی، آ، ب: جوانوی پیغام و نامه بداد همی (لی: بسی) آفرین کرد بر شاه باد

پ: سخنها همه گفت و نامه بداد پیامی که آورد بد کرد یاد

۹- (لن، ب: بگوش) ۱۰- ل-ک (نیز پ و): کان؛ س ۲ (نیز لی، آ): بگویدش کان؛ متن = (لن، ق ۲، ل ۲، آ، ب) ۱۱- ل-ک، س ۲ (نیز لن-لن ۲، ب): نویس؛ متن = (آ) ۱۲- (ل ۳: ازان) ۱۳- و: بگو) ۱۴- (آ: دارم) ۱۵- ل: بشنود پاسخ او؛ (لی: بشنود پاسخش را)؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲، آ، ب) ۱۶- ل، س، ق، س ۲ (نیز لن، آ، ب): تمام؛ ک: وُزان نامداران که کردی سلام؛ متن = (لن ۲): ک پس از این بیت افزوده است: چنین گفت کین بدانه کرد از نخست که بیهوده پیکار بایست جست

۱۷- س، ک (نیز و): جوان آن؛ (لن: جوا و بیامد؛ ق ۲: فرستاده آمد؛ ل ۳: بیامد رسول آن؛ لن ۲: بیامد جوان (وزن ندارد))؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز لی، پ، آ، ب) ۱۸- ک: مرد تازی از ۱۹- (نیز لن، لن ۲): زان؛ س: زو؛ ق (نیز ب): ازو؛ متن = ک، س ۲ (نیز ق ۲، و، آ) ۲۰- س ۲ (نیز آ، ب): گویا؛ (ق ۲: دانا) ۲۱- (لی: ز تو) ۲۲- س، ک، س ۲ (نیز ق ۲-آ): هر چه؛ (لن: <هرج> (وزن ندارد))؛ متن = ل، ق ۲۳- ق: گفتی؛ (ق ۲، ب: داری) ۲۴- (لی: درودو)؛ ق: بران نام ازان که گفتی ۲۵- ک: ز من بشنو و پاسخش ده تمام ۲۶- ک (نیز ق ۲، ل ۲، آ، ب): گفت؛ متن = ل، س، ق، س ۲ (نیز لن، لی، و، لن ۲، آ) ۲۷- ق ۲: حست) ۲۸- ق: چه؛ در ک این بیت پنج بیت بیشتر آمده است؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ دادن مندر عرب و بهرام گور ایرانیان را ۲۹- (لی: گو؛ لن ۲: گرد)؛ متن = دوایزه دستویس دیگر ۳۰- ک: سولاخ؛ (پ: شوراج) ۳۱- س، س ۲ (نیز لن، ق ۲، آ، ب): شاه؛ (لن ۲: ساخ) متن = ل، ک (نیز لی، ل، و) ۳۲- ک: کشد- کشد ۳۳- (لن ۲، آ: همه) ۳۴- ل (نیز لی، آ): بایرانیان؛ متن = یازده دستویس دیگر

وُزو نیز چندی سخن‌ها شنید
 بزرگی و پیروی^۴ و بخت را؟
 یکی روشن‌اندیشه افگند بُن
 به دانایی ز هر کسی^۷ بی‌نیاز^۸،
 فراوان از آزادگان^{۱۱} کشته شد،
 اگر بشنوی^{۱۳} ما بگویم^{۱۴} سخن:
 به شادی زمین را^{۱۷} بیاید سپرد^{۱۸}،
 چنان^{۲۱} چون بود شاه گیتی فروز^{۲۲}،
 همانا ز جنبش ندارد^{۲۵} زیان!،
 خردمندی و دوری^{۲۸} از بی‌خرد!
 بیچی^{۳۱} ز پیغاره و سرزنش!
 گسی کردش^{۳۲}! شهر آباد و^{۳۳} شاد
 نشستند و گمشتند بی انجمن
 به ایران خراسند با^{۳۶} انجمن

۴۷۵ جوانوی^۱ روی شهنشاه دید
 پیرسید^۲: تا شاید او^۳ تخت را؟
 ز منذر چو بشنید از آن^۵ سان سخن
 چنین داد پاسخ که ای سرفراز^۶
 از^۹ ایرانیان گر خرد^{۱۰} گشته شد
 ۴۸۰ کنون من یکی نامجویم^{۱۲} کهن
 تو را با شهنشاه^{۱۵} بهرام گرد^{۱۶}
 به ایران خرامید با^{۱۹} باز و یوز^{۲۰}
 شنیدن^{۲۳} سخن‌های^{۲۴} ایرانیان
 بگویی تو نیز آنچه^{۲۶} اندر خورد^{۲۷}
 ۴۸۵ ز رای بدان^{۳۰} دور داری منش!
 چو بشنید منذر وُرا هدیه داد
 خود و شاه بهرام با رایزن
 سخن‌شان^{۳۴} بر آن^{۳۵} راست شد کز یمن

گزین کرد از^{۳۷} تازیان سی^{۳۸} هزار
 همه نیزه‌دار از در^{۳۹} کارزار

۱-س: ۲: چو وانوی: (ل: ۳: چو رانوی): ل: ۲ بیت‌های ۴۷۵-۴۹۴ را ندارد: ل: ۲ پس از این بیت افزوده است:

بدید اندرو نیکویی و خرد که شاهی ایران مر و زاسزد

- ۲- (ل: ۲: بدانست) ۳- (ق: ۲: شاهی و) ۴- (ل: ۲: فیروزی) ۵- ل: س (نیز: ل: ق: ۲: ل: ۲: ل: ۲: زان: س: ۲ (نیز: ل: پ: آ): ازین: متن = ق: ک (نیز: و: ب) ۶- ک (نیز: ل: ۳): شهریار ۷- س: ۲ (نیز: ل: آ): بدانش ز هر کس تویی ۸- (ل: ۳ بی‌شمار) ۹- (ل: ۲: کز) ۱۰- س: ۲ (نیز: ل: آ): سخن ۱۱- (ل: ۱: ازان مهتران: پ: ز ایرانیان: و: ل: ۲: ز آزادگان) ۱۲- س: ۲ (نیز: ل: آ: ب): مهر-نام: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- (ق: ۲: بشنود) ۱۴- (و: با تو گویم) ۱۵- س: ۲ (نیز: آ): جهانجوی ۱۶- ل: گور: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- س: ۲ (نیز: آ): زمین را بشادی ۱۸- ل: خرامید بایدابی جنگ و شور: متن = دوازده دستنویس دیگر: و این بیت را ندارد ۱۹- ق: حرامی ابا ۲۰- ل: زمین در ابا یوز و باز: ک: خرامد ابا یوز و باز: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱- (آ: جهان) ۲۲- ل: ک: گردن-یراز: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- ل: شنیدن: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴- ک: سخنها ز: (آ: سخنها که) ۲۵- س: ق: ک (نیز: ل: و: ل: ۲: ل: ۳: پ): نیاید: س: ۲ (نیز: ب): نباشد: (ل: آ: ز رفتن نباشد: و: ل: ۲: همان تا ز جنبش نیاید): متن = ل ۲۶- (پ: و: ل: ۲: آنچه: ل: ۲: آنکه): س: ۲: سخن آنچه: (آ: بگوید سخن آنچه): متن = ل-ک (نیز: ل: ق: ۲) ۲۷- (ل: سخن ارج اندرز خورد) ۲۸- س: س: ۲ (نیز: ل: لی: تو، آ: ب): سخن در گذاری تو: ق: ک (نیز: ق: ۲: و: ل: ۲): خردمندی آموزی: (ل: ۲: خردمند هم بهتر): متن = ل (نیز: پ) ۲۹- ق: ای پر ۳۰- س: ک (نیز: ل: و: ل: ۲): کردار او: ق: س: ۲ (نیز: ق: ۲: ل: ۳: پ: آ): کردار بد: متن = ل (نیز: ب) ۳۱- ق: (نیز: ب): بیچی: ل: این بیت را ندارد ۳۲- ک: کز: ۳۳- ل: ق: ک (نیز: ل: ق: ۲: پ: و: آ: ب): < و: (ل: ۲: آنگاه از آن شهر): متن = س: س: ۲ (نیز: ل: ۲): ل: این بیت را ندارد: بنداری: و فل: دن یصلح نلملک غیره: ثم اذی عنده الرسالة فأحال بالجواب علی المنذر فأجاب المنذر وردّه ۳۴- (ق: ۲: سخنها) ۳۵- (ل: پ: ب: ن) ۳- (ل: و: بی): ق: ک: س: ۲: پ: آ: ب: این بیت را ندارند ۳۷- س: ق: ک (نیز: ل: ق: ۲: ل: ۳: و: ل: ۲: ب): از آن: (پ: کردش از): متن = ل-س: ۲ (نیز: ل: آ): ۳۸- (ل: ده: آ: سه) ۳۹- ل: نیزه‌داران خنجرگزار: (ل: نیزه‌داران در کارزار): متن = دوازده دستنویس دیگر

سر نامداران پر از باد^۲ کرد
 جوانوی نزد دلیران رسید،
 بر^۴ آذر پاک^۵ بُرزین^۵ شدند
 مگر باز گردد به شادی و بزم!

۴۹۰ به^۱ دینارشان یکسر آباد کرد
 چو آگاهی این به^۳ ایران رسید،
 بزرگان از آن کار غمگین شدند
 ز یزدان همی-خواستند آنک^۶ رزم

بر آن^۹ دشت بی-آب^{۱۰} لشکر کشید^{۱۱}،
 به گرد اندرآمد ز هر سو سپاه
 به جهرم کشیدی^{۱۴} ز شهر یمن^{۱۵}،
 چو لشکر بروی اندرآورد^{۱۹} روی؟
 چو آیند پشت برآرای خوان،
 کسی^{۲۱} تیز گردد^{۲۲}، تو تیزی مکن!
 که را خواند^{۲۴} خواهند شاه^{۲۵} جهان؟
 گر آسان بود، کینه^{۲۶} پنهان^{۲۷} کنیم!
 بیچند^{۳۰} و خوی^{۳۱} پلنگ آورند،
 ز^{۳۲} خورشید تابان^{۳۳} ثریا کنم!
 چنین برز^{۳۴} بالا و مهر تو را،
 شکیبایی و دانش و سنگ تو^{۳۶}،

چو منذر به^۷ نزدیک جهرم^۸ رسید
 ۴۹۵ سرآورده زد راد^{۱۲} بهرامشاه
 به منذر چنین گفت کای رایزن^{۱۳}
 کون جنگ سازیم^{۱۶}، گر^{۱۷} گفت و گوی^{۱۸}
 بدو گفت منذر: مهان را بخوان
 سخن گوی و بنو زیشان^{۲۰} سخن
 ۵۰۰ بجوییم^{۲۳} تا چبستان در نهان
 چو دانسته شد. چاره‌ی آن کنیم
 ور^{۲۸} ایدون کجا دین و جنگ^{۲۹} آورند؛
 من این دشت - نهرم چو دریا کنم!
 بر آنم که بیند چهر تو را
 ۵۰۵ خردمندی و ران و آهنگ^{۳۵} تو

۱- (ل: ۲، ز) ۲- س: یاد؛ ق: ۲ پس از این بیت افزوده است:

بفرمود تا برنهادند زین
 سوی سهر بران نهادند روی
 بران بادپایان با آفرین
 دلی پر ز کین و سری جنگجوی

۳- ق: او به؛ (پ: آن به)؛ س: ۲ (نیز لی، آ، ب)؛ س: ۴ (نیز لی، آ، ب)؛ س: ۵- (و: رام برزین)؛ س: در اینجا سرنویس دارد: آمدن بهرام گور و منذر عرب بایران زمین ۶- (لی، ل: ۳، پ، آ: آنکه) ۷- ی: خردمند ۸- (لی: ایران) ۹- (ب: بدان) ۱۰- ق: بر آب ۱۱- ای: جوانوی نزد دلیران رسید؛ لی: در بالای سطر افزوده است:

بزرگان ازان کار غمگین شدند
 سوی آذر پاک برزین شدند

۱۲- ق: س: ۲ (نیز لی، ل: ۲، آ، ب)؛ س: ۲ (نیز لی، ل: ۲، آ، ب)؛ س: ۴ (نیز لی، ل: ۲، آ، ب)؛ س: ۵- (لی: نیکرای)
 ۱۴- ل: رسیدی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵- (لی: ز بهر سرای) ۱۶- (و: جوییم) ۱۷- س: ق، ک، س: ۲ (نیز لی، ل: ۲، آ، ب)؛ یا: (ق: ۲، ل: ۲، ب: بی)؛ متن = ل: ۱۸- ل: گفت گوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- (ق: ۲، پ: آرند) ۲۰- (پ: سخنهایشان بشنو و گو) ۲۱- (ل: ۳: گراو؛ آ: اگر) ۲۲- (پ: گوید) ۲۳- ل: بخوانیم؛ س: بجوید (حرف چهارم بی نقطه)؛ (و: بینیم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- ق: کرد
 ۲۵- (ق: ۲: شاه خواهند اندر) ۲۶- ک: چاره؛ (ل: ۲: اگر بخردند کینه) ۲۷- س: ۲ (نیز لی، و، آ: کار آسان؛ در ل: آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۸- (و: گر) ۲۹- (ب: جنگ و کین؛ پ: ورایدونکه در کینه جنگ) ۳۰- س: نشینند ۳۱- (ب: روی) ۳۲- س: به ۳۳- (لی: رخشان)
 ۳۴- ل: ک (نیز ل: ۲)؛ برزو؛ س: ۲ (نیز لی، آ: آ: فرو؛ متن = س: ق (نیز ل: ۲، ل: ۲، آ، ب، و، ب) ۳۵- ل: س (نیز لی، پ، آ، ب)؛ فرهنگ؛ س: آ: رای فرهنگ؛ متن = ق: ک (نیز ل: ۲، ل: ۲، و، ل: ۲) ۳۶- ق: حنک (حرف یکم بی نقطه)؛ (آ: آنک)

کله را^۲ و بیایی تخت^۳ را!
 بخواهند^۶ بردن^۷ همی از تو گاه^۸،
 برانگیزم اندر جهان رستخیز!
 فدای تو بذا من و جان^{۱۰} من!
 همان^{۱۲} رسه و آیین و راه^{۱۳} مرا^{۱۱}،
 پدر بر پدر، کدب شاید^{۱۵} درست!
 همان ایزد دادگر یار ماست^{۱۶}!
 که زیبای^{۱۹} تاجی و زیبای^{۲۰} گاه^{۲۱}!
 بخندید و شان دلش بردمید!

نخواهند جز تو کسی بخت^۱ را-
 و را^۴ ایدونک گم کرده دارند^۵ راه،
 من و این سواران و شمشیر تیز
 بینی بروهای پیچان^۹ من
 ۵۱۰ چو بیند بی مر سپاه مرا^{۱۱}
 همین^{۱۴} پادشاهی که میراث تست
 سدیگر که خون ریختن کار ماست!
 کسی را جز از تو^{۱۷} نخوانند^{۱۸} شاه
 ز مندر چو شاه این^{۲۲} سخن‌ها شنید

گفتار اندر پذیره شدن ایرانیان و سخن گفتن بهرامشاه با انجمن^{۲۳}

ردان و بزرگان ایران‌گروه،
 یکی دانسی ازجمن خواستند^{۲۷}
 به سر برنهاد آن^{۲۸} بهاگیر^{۲۹} تاج
 بیاراست، کو بود شاه^{۳۲} جهان
 دگر^{۳۴} دست نعمن و تیغی به دست

۵۱۵ چو خورشید برزد سر^{۲۴} از تیغ^{۲۵} کوه
 پذیره شدن را بیاراستند^{۲۶}
 نهادند بهرام را تخت عاج
 نشستی بدآیین^{۳۰} شاهنشهان^{۳۱}
 ز^{۳۳} یک دست بهرام مندر نشست

۱-ل (نیز ق^۲): تحت (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): س، ق، س^۲ (نیز ل، ن، لی-ب): تخت: ک: تخت (حرف یکم بی نقطه): متن تصحیح
 قیاسی است ۲- (آ: کله دار و) ۳-ل. س (نیز ق^۲، و، آ): تخت (حرف یکم بی نقطه): ق: تحت (نقشه ندارد): ل: تحت (حرف‌های یکم و
 دوم بی نقطه): ل، پ، ن، آ، ب: بخت: لی: زیبایی و بخت): متن = ک، س، ۴-ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب، و، آ): گر: متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ق، آ،
 پ، ل، ن) ۵-س^۲ (نیز لی، آ): باشند ۶- (لی، ل، آ، آ: نخواهند) ۷- (لی، ل، آ: بردل) ۸- (ق^۲ در همی از تو راه) ۹-ل، ک، س^۲ (نیز لی،
 آ، ب): پرچین: (ل، ن: عنان‌های پیچان): متن = س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب، و) ۱۰-ل: دین: ک: دز و دین: س^۲ (نیز لی، آ): دارم (آ: بادا)
 جهان‌بین: متن = س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ): در ل، ن آلت‌های این بیت پس و پیش سده: ۱۱-ک: ترا ۱۲-س^۲ (نیز لی): همین
 ۱۳- (ق^۲، ل، آ: گاه): ق این بیت را ندارد ۱۴- (ق^۲، و، آ، و، همان: آ: همه) ۱۵- (و: باید) ۱۶-ل آیت‌ها: ۵۱۲-۵۲۹ را ندارد ۱۷- (ل، آ: بجز تو:
 ق^۲: جز از تو کسی را) ۱۸-ق (نیز ل، ن، آ): نخواهند: ک: ندانند: متن = ل، س، س^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب، و، آ): ۱۹- (پ: شایان) ۲۰-ک: در
 خورد ۲۱- (ل، ن، آ: تخت و کلاه): لی این بیت را ندارد ۲۲-ق (نیز ل، آ، و): آن: متن = یازده دستویس دیگر: و بیت‌های ۴۷۹-۴۸۰ را پس
 از این بیت آورده است ۲۳-ل: رفتن بهرام گور با مندر برزم ایرانیان: س (۱۵ بیت سپس تر): مناظره بهرام گور و مندر عرب با ایرانیان:
 ق: استقبال ایرانیان بهرام گور را و مناظره بهرام با ایرانیان: س^۲ (۲۸ بیت سپس تر): نخواستن ایرانیان بهرام را پادشاهی: ک، ل، آ درین
 جا سرنویس ندارند: متن = ([گفتار اندر +]) ۲۴- (ل، ن: سر برزد) ۲۵- (لی: تیره) ۲۶- و: هه نگه پذیره شدن ساختند) ۲۷-ق (نیز
 ل، و، ل، ن، آ، آ): ساختند: س: از در شان باواز بگذاشتند: متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، لی، پ، ب، و، آ): پس از این بیت افزوده است:

به شاه جهان آفرین خوانند به مرگان همی خون رافشانند

۲۸-ل، ق (نیز ق^۲): نهاده: متن = یازده دستویس دیگر ۲۹- (ق^۲: از بیروزه: لی: دلفروز) ۳۰-ل- (نیز ل، ن، ب، ب): بآیین: س^۲ (نیز لی، و):
 بآرام: (ق^۲: بآیین: ل، آ، ل، ن، آ: نشست او بآیین: آ: نشستن بآیین): متن تصحیح قیاسی است ۳۱- (ل، ن، آ: شاهنشهی) ۳۲- (ل، ن، آ: او تاج و
 تخت): در ل، ن آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳۳- (لی، و، ل، آ، آ: به) ۳۴- (ق^۲: از یک): این بیت در س^۲ خوانا نیست

۵۲۰ همه^۱ گرد بر کرد پرده‌سرای
از^۵ ایرانیان نک بد پاکرای^۶
بفرمود تا پرده برداشتند
رسیدند نزدیک بهرامشاه
به آواز گفتند نوشه^{۱۰} بدی^{۱۱}!
۵۲۵ شهنشاه پرسید^{۱۰} و بنواخت‌شان
چنین گفت بهرام^{۱۶} کای مهتران
پدر بر پدر پادشاهی مراست
به آواز گفتند ایرانیان
نخواهیم یکسر^۲ به شاهی ترا،
۵۳۰ کزین^{۲۳} تخمه پر اغ و دودیم^{۲۴} و دردا!
چنین گفت بهرام کاری رواست
مرا گر نخواهید^{۲۹}، بی رای من^{۳۰}
چنین گفت موبد که از^{۳۱} راه داد^{۳۲}
تو از^{۳۶} ما یکی بش و شاهی^{۳۷} گزین

نبد جز^۲ بزرگان تازی^۳ به پای^۴
بیامد به دهلیز پرده‌سرای
ز درشان بدآواز^۷ بگذاشتند
بدیدند^۸ زیبا یکی تاج و گاه^۹
همیشه ز تو دور دست^{۱۲} بدی!
بداندازه^{۱۴} بر پایگه^{۱۵} ساخت‌شان
جهان‌دیده و سالخورده‌سران^{۱۷}،
چرا بخشش اکنون به رای^{۱۸} شماس^{۱۹}؟
که ما را شکیا مکن بر زبان^{۲۰}!
بر و بوم ما را سپاهی^{۲۲} ترا،
شب و روز با^{۲۵} پیچش و^{۲۶} باد سرد^{۲۷}!
هوا بر^{۲۸} دل هر کسی پادشاست!
چرا کس نشاید بر جای من؟
نه کهنتر گریزد^{۳۳}، نه خسرو^{۳۴} نژاد^{۳۵}،
که خوانند هر کس برو^{۳۸} آفرین!

- ۱-ل، ک: همان؛ (لی: همی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ل: ستاده؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب) ۳-س (نیز لن): ایران؛ س^۲ (نیز لی، و، آ): بزرگان ایران و گردان؛ متن = ل، ق، ک (نیز ل، آ، ب، لن، آ، ب) ۴-ق: پاکیزه رای؛ لی پس از این بیت افزوده است:
- نشسته جهانجوی بر تخت عاج
بزرگان ایرانیان را براه
ببر بر نهاده دلفروز تاج
برفتند یکسر بنزدیک شاه
- ۵-س (نیز لن، لن، آ، ب): ز ۶-ل: ای زن؛ لی، و، آ این بیت را ندارند؛ ل: دوم این بیت در ل و همه آن درس^۲ خوانا نیست ۷-ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، و، آ، ب): با آواز؛ ق: بی آواز؛ (لن: بر شاه)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ل پس از این بیت افزوده است:
- به شاه جهان آفرین خواندند
بمژگان همی خون برافشانند
- ۸-س: چو دیدند ۹-و: پیشگاه) ۱۰-ک (نیز لی، و، آ): نوشته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ق: لی: بزی) ۱۲-ک، س^۲ (نیز ل): چشم ۱۳-پ: شهنشه پرسید) ۱۴-ل، س، س^۲ (نیز لن، لی، آ): باندازه؛ ق، ک (نیز ق، آ، ل، لن، آ، ب): بر اندازه؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵-ب: جایگه) ۱۶-ق: مهتر ۱۷-لی: میان؛ ب: ردان) ۱۸-ل، س، ق، س^۲ (نیز لی-ب): برای؛ متن = (لن) ۱۹-ک: ز خورشید تا برج ماهی مراست؛ ق: آ: خردمندی و نیک‌خوایی مراست؛ ک پس از این بیت افزوده است:
- درین کار دستی بدی بای خواست
مرا بخشش اکنون برای شماس
- ۲۰-ل، س، س^۲ (نیز ل، آ، پ، لن، آ): زین؛ ق: نیز و؛ زبان (حرف دوم بی نقطه)؛ (لن: زفان؛ لی: زنان)؛ متن = ک (نیز ق، آ، ب) ۲۱-س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): هرگز؛ متن = ل-ک (نیز ن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۲-لن: آ: تباہی) ۲۳-لی: ازین) ۲۴-لن: آ: گرمیم)؛ ق: بادود و داغیم؛ ق: آ: با داغ بودیم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-ق: بر ۲۶-لی: <و> ل: باناناه و) ۲۷-و: داغ و درد)؛ ل: آ بیت‌های ۵۴۸، ۵۳۰ را ندارد ۲۸-ق: آ: هوای) ۲۹-لی: بخواند) ۳۰-ک: رایزن ۳۱-آ: بهرام کز) ۳۲-ق: آ، ل: خسرو نژاد؛ پ: رای داد) ۳۳-س^۲ (نیز و، آ): گزیند؛ ل: خسرو گزیند؛ ق: آ: کهنتر شناسد؛ لی: مهتر گزیند)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۳۴-ل: کهنتر؛ س: ق: آ: و؛ مهتر؛ (لن: موبد)؛ ک: ز خسرو؛ متن = ق، س^۲ (نیز ب، لن، آ، آ، ب) ۳۵-ق: آ: بداد؛ ل: نگردد ز بند و نگردد ز داد) ۳۶-ق: آ: با) ۳۷-ک: خسرو ۳۸-س^۲ (نیز لی): بدو

که جویند ز^۲ ایران یکی شهریار
 فروزنده‌ی تاج و تخت^۶ و کمر
 که در پادشاهی^۸ دلارام بود
 - پیر از چاره و پیر^{۱۰} نیاز آمدند -
 - اگر جست حای بدر، گر^{۱۱} نجست^{۱۲} -
 از آن^{۱۵} انجمن تازی و پارسی^{۱۶}
 که هم تاجور بود و هم شاه^{۱۷} نو
 وزین^{۲۰} چار^{۲۱} بهرام بد^{۲۲} شهریار^{۲۳}
 از^{۲۶} ایرانیان هرک بود از کهن^{۲۷}،
 دلیر و سبکساز و خودکام را^{۲۸}!
 دل^{۳۰} هر کسی^{۳۱} تاز^{۳۲} گشت اندر آن^{۳۳}!
 بخوادم^{۳۴} که دانه به^{۳۵} سود و زیان،
 چرایید پردرد^{۳۹} و خسته‌روان^{۴۰}؟
 بسی خسته‌ی^{۴۱} پارسی خواستند^{۴۲}
 یکایک بر آن^{۴۴} دشت^{۴۵} کردند گرد

سه روز اندرین^۱ کار شد روزگار
 نبشتند^۳ پس نام صد^۴ نامور^۵
 از آن^۷ صد یکی نام بهرام بود
 ازین^۹ صد به پنجاه باز آمدند
 ز پنجاه بهرام بود از نخست
 ۵۴۰ ز پنجاه باز آوردند^{۱۳} سی^{۱۴}
 ز سی نیز بهرام بد پیشرو
 ز سی کرد بیننده^{۱۸} موبد به چار^{۱۹}
 چو تنگ اندر آمد ز^{۲۴} شاهی^{۲۵} سخن
 نخواهیم - گفتند - بهرام را^{۲۸}
 ۵۴۵ خروشی بر آمد میان سران^{۲۹}
 چنین گفت منذر به ایرانیان:
 کزین^{۳۶} شاه ناسالخورده^{۳۷} جوان^{۳۸}
 بزرگان به پاسخ بیاراستند
 از^{۴۳} ایران که را خسته بُد یزدگرد

۱- (نیز لی، ب): اندران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲- ل: ز؛ (ق: خوانند از): متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- ل: ق (نیز ل: آ، و، لن: آ، ب): نوشتند؛ متن = س، ک، س، آ (نیز لن، ق: آ، لی، ب، آ) ۴- (ق: آ، یک) ۵- (ل: تاجور) ۶- س، آ (نیز لی، و، آ): گاه؛ (لن: آ: تخت و تاج) ۷- ق، ک، س، آ (نیز ق، آ، ب): ازین؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب) ۸- س، آ (نیز لی، و، آ): پادشاه (آ: پادشاهی) ۹- ق، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن: آ، ب): از آن؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، آ، ب، آ) ۱۰- (لن: آ، ب): ق: بدان چاره بر پیر ۱۱- (ق: آ، ل: آ، و، ر): ق: جای بزرگی؛ (لی: جست و جوی پدر و ر) ۱۲- ل: داد جست؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل: به جای این بیت آورده است:

ز پنجاه بگذشت تا سی رسید / ز سی هم به بهرام نرسی رسید

۱۳- (ب: باز آوریده به) ۱۴- ق (نیز ب): به سی ۱۵- ق: همه ۱۶- ق: رومی و پارسی؛ ل (نیز ب): ایرانی و رومی و پارسی؛ ک: گزینان ایران بانام و کام؛ (ق: ز چینی و از رومی و پارسی): متن = س، آ (نیز لی، و، آ، ب): س، لن، ل، آ، لن: آ بین بیت را ندارند ۱۷- ل: شیر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل: و این بیت را ندارند ۱۸- ل، س، آ (نیز لی، و، آ، ب): داننده؛ ق: ببیود؛ ک: مایند (حرف یکم بی نقطه): (ب: نیز کردند): متن = س (نیز لن، ق: آ، لن: آ) ۱۹- ل، س، ق، س، آ (نیز ق، آ، لی، ب، ب): چهار؛ (ل: گزین کرد موبد به بیننده چار): متن = ک (نیز لن) ۲۰- س، آ (نیز لی، ل، آ، و، لن: آ، آ): وزان؛ (ب: از آن): متن = ل، ک (نیز لن) ۲۱- (ل: آ، نیز) ۲۲- و، آ: شد) ۲۳- (ق: آ: در شمار) ۲۴- ک (نیز ق، آ، ل: آ): به ۲۵- (لن: آ: ز شاهی چو تنگ اندر آمد آمد) ۲۶- ل، ک (نیز ب، ب): ز؛ متن = س، آ (نیز لن، ل، آ، و، لن: آ، آ) ۲۷- ل، ق: او بد کهن؛ س: بد او کهن؛ س، آ (نیز لن، لی، و، آ، ب): بود او کهن؛ (ب: ایرا هر آنکس که بود او کهن): متن = ک؛ س، آ درین جا سرنویس دارد: نخواستن ایرانیان بهرام را بیادشاهی ۲۸- (لی: شاه) ۲۹- (لی: از ایرانیان) ۳۰- ک: بدل ۳۱- (لن: آ: هر یکی) ۳۲- ق: خیره؛ (ل: آ: تیره) ۳۳- (لی: که ما را بگویند سود و زیان): ق: این بیت را ندارد ۳۴- ل، ق (نیز ق، آ، ل، آ، ب): که خواهم متن ← ۳۵- ق: ز؛ س، آ (نیز و، آ، ب): که ما را بگویند؛ متن = س، ک (نیز لن): لی این بیت را ندارد ۳۶- س، آ (نیز لی، و، آ): ازین ۳۷- ل: سال ناخورده شاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۸- (ق: آ، ل: آ، جهان) ۳۹- ق: با دارد ۴۰- (ق: آ: نهان): ل (نیز ل، آ، لن: آ): تیره‌روان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۱- ل، ک، س، آ (نیز ب، ب): خسته دل؛ (لن: آ: بسته): متن = س (نیز لن، ل، آ، و، آ) ۴۲- (لن: خاستند): ق: خسته از حای رخواستند ۴۳- ل، ق: ز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴۴- (ل: آ: بدان): س، آ (نیز لی، و، آ): سراسر در آن ۴۵- (و: در آن شهر): ل: بیت های ۵۴۹-۵۵۲ را ندارد

یکی را بند جای چالش^۲ به جای بریده، شده چن تنی^۴ بی‌روان از آن خستگان^۷ ماند منذر^۸ شگفت چو نعمان^{۱۰} بدید آن^{۱۱}، برآورد خشم به خاک پدر^{۱۶} گفت کای شوربخت، روان را^{۱۹} به آتش چرا^{۲۰} سوختی؟! که این بد بریشان نشاید^{۲۲} نهفت! که گندی^{۲۳} نه خوب آید از شهریار! جهان‌دیده^{۲۴} و کارکرده^{۲۵} سران، پدر را نکوهش کنم^{۲۸} درخورست! کزان^{۳۰} تیره شد رای باریک^{۳۱} من! چو بخشایش آورد یزدان من، نشد^{۳۵} خسته کام من^{۳۶} از شست او^{۳۷}!

۵۵۰ بریده یکی را^۱ دست و دو پای یکی را دو دست و دو گوش^۳ و زبان یکی را ز تن دور کرده^۵ دو گفت^۶ یکی را به سما^۹ کنده دو چشم غمی^{۱۲} گشت^{۱۳} از آ^{۱۴} کز بهرام^{۱۵} سخت ۵۵۵ اگر چشم^{۱۷} شادیت^{۱۸} بردوختی جهانجوی^{۲۱} مند به بهرام گفت سخن‌ها شنیدی تو پاسخ گزار چنین گفت بهرام کای مهتران همه راست گفتید و زین^{۲۶} بترست^{۲۷} ۵۶۰ ازین چاشنی^{۲۹} نست نزدیک من که ایوان من^{۳۲} بود زندان من رهانید طینوشم^{۳۳} از دست او^{۳۴}

۱- (آ: یکی را بریده) ۲- (لی، و، آ: جش، ن، س، ک (نیز لن، پ، ب): مانده بر جای و جانش؛ ق: یکی بد (حرف یکم بی نقطه) هوش و (؟): (ق: مانده بی دست و پایش؛ ل: مانده بر جای و دانش؛ ن: آ: تهی مانده بر جای و جانش): متن = س ۳- س، ک، س ۴- (نیز لن، لی، ل، و): گوش و دو دست؛ ق: گوش و دو چشم؛ متن = ل (نیز ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۴- ل، ک (نیز ق، آ، لی، ل، و، آ): تن؛ متن = س، ق، س ۵- (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۵- (ل: آ: مانده) ۶- (نی: کتف؛ ن: آ: ز گفت) ۷- ل: مردمان؛ متن = س، ک (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ، ب) ۸- س، ک (نیز لن، پ، لن، آ، ب): نعمان؛ ق: که این بد بر آنها نیودی؛ س ۹- (نیز و، آ): ازیشان همی (و، آ: همه) مانده اندر؛ (لی: فروماند منذر از آن در)؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۹- (پ: بدیدند) ۱۰- ک (نیز لن، پ، لن، آ، ب): منذر؛ متن = ل، س ۱۱- س ۱۱- (نیز و، آ): بخندید منذر؛ ق، ل ۱۲- (لی: غمین) ۱۳- (ل: آ: شد) ۱۴- س، س ۱۵- (نیز لن): زان؛ متن = (ل: آ، پ، و، آ، ب) ۱۵- ل، ک، ل ۱۶- (نیز ق، آ، لی، لن، آ): بهرام از آن کار ۱۷- ل: اندر (وزن ندارد)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۱۷- ل، س (نیز و، آ): حشم (حرف یکم بی نقطه) ۱۸- (پ: اگر رای خشت نه)؛ متن = ک، ل، آ، س ۱۹- (نیز لن، ل، لن، آ، ب) ۱۹- ل ۲۰- (نیز لی، پ، و، آ، ب): روانت ۲۰- (لی: همی)؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- ل، آ: جهان‌دیده ۲۲- ل، ک، س ۲۳- (نیز ل، ل، و، آ): برید؛ (ق: آ: شاید (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه))؛ متن = س، ل ۲۴- (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب): ق این بیت را ندارد ۲۳- ل: تندی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ ق ۲۴- پس از این بیت افزوده است:

ز منذر چو شنید بهرام گفت برآورد رازی که بد در نهفت

۲۴- (پ: جهان گشته) ۲۵- (ق: آ، پ، کار دیده) ۲۶- س (نیز ل ۲) <>؛ و این؛ ق: ازین؛ (ن: گفتید زین؛ ب: گفتند کین)؛ متن = ل، ک، ل، آ، س ۲۷- (و: بدترست؛ ن: آ: برترست) ۲۸- س ۲۹- (نیز لی، و، ب): همی؛ (ن: آ: کنون؛ آ: همین) ۲۹- (ق: آ، ل: دانشی)؛ ل: آ: ازینها بسی ۳۰- س: کزین؛ ق، ل، آ، س ۳۱- (نیز لن، ق، آ، ل، لن، آ، ب): وزین؛ ک: ازین؛ (لی: از و)؛ متن = ل ۳۱- ل، ل ۳۲- (نیز لن، ق، آ، ب): تاریک؛ س: باریک (حرف یکم بی نقطه)؛ ک: کار شد رای تاریک؛ متن = ق، س ۳۳- (نیز لی، ل، لن، آ): پ، و، آ این بیت را ندارند ۳۴- س، ل ۳۵- (نیز ق، آ، لی، پ، و، لن، آ): او؛ ل: چو ایوان (وزن ندارد)؛ متن = س، ق، ل ۳۶- (نیز لن، ل، آ، ب): درل آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ در لن آ این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است ۳۳- س (نیز لن): کی باشم؛ ک، ل ۳۴- (نیز لی): طینوشم ۳۴- ل، ق، ک، س ۳۵- (نیز ق، آ، ل، آ، ب): او؛ (لی: من)؛ متن = س، ل ۳۶- (نیز ل، پ، و، لن، آ) ۳۵- ک (نیز ق، آ، لی، و، ب): بشد؛ ل: آ: بند ۳۶- ک (نیز و): جان من؛ س (نیز ق، آ): کام من خسته؛ (ل: آ: کار من خسته)؛ متن = ل، ق، ل، آ، س ۳۷- (نیز لن، لی، پ، آ، ب) ۳۷- ق، ک، س ۳۸- (نیز ق، آ، ل، آ، ب): او؛ ل: دست او؛ (ل: آ: بشد کام من از دست او) (وزن ندارد)؛ متن = س، ل ۳۹- (نیز لن، لی، پ، و)

از آن کردهام دشت^۲ مندر پناه
 بدان خو^۴ مبادا که مردم بود!
 ۵۶۵ سپاسم ز^۶ یزدان که دارم^۷ خرد
 ز^۹ یزدان همی خواستم^{۱۰} تاکنون
 که تا هرج^{۱۱} با^{۱۲} مردمان کرد شاه
 به کام دل زبردستان زبیم^{۱۵}!
 تن آسانی و داد جویم همه!
 ۵۷۰ منش هست^{۱۷} و فرهنگ و رای^{۱۸} و هنر^{۱۹}
 لثیمی و کژی ز^{۲۲} بی چارگیست
 پدر بر پدر پادشاهی^{۲۵} مراست!
 ز شاپور و^{۲۷} بهرام تا اردشیر
 پدر بر پدر بر نیای من اند!
 ۵۷۵ ز^{۲۸} مادر نبیره شمیران شهم
 هنر، هم خرد^{۳۱}، هم بزرگیم هست
 کسی را ندارم^{۳۳} ز مردان به مرد
 نهفته مرا گنج آگنده^{۳۵} هست

که هرگز ندیدم نوازش^۳ ز شاه!
 چو باشد، پی مردمی^۵ کم بود!
 روانم همی از خرد برخوردار!
 که باشد به خوبی مرا رهنمون،
 بشویم ما حان او^{۱۳} از^{۱۴} گناه!
 بر آیین یزدان، پرستان زبیم^{۱۵}!
 شبان باشم و زبردستان رمه^{۱۶}!
 ندارد هنر شاه^{۲۰} بیدادگر^{۲۱}!
 به بیدادگر^{۲۳} بر بیاید^{۲۴} گریست!
 خردمندی و نیکخواهی^{۲۶} مراست!
 همه شهریان برنا و پیر،
 به دین و خرد رهنمای من اند!
 ز هر گوهری^{۲۹} خرد^{۳۰} هم رهم!
 سواری و مرئی نیروی دست^{۳۲}!
 به رزم و به بیم^{۳۴} و به هر کار کرد!
 همان^{۳۶} نامدازان^{۳۷} خسروپرست^{۳۸}!

۱- (ل: آ، کرو) ۲- ل: (نیز، آ، ب): نرد ۳- س: آ، نوازش ندیدم ۴- (لی: جز: ل: آ، خود): ک: ترا خود: ، آ: چو او خود: (لن: و زان خو: لن: آ، آ: بدان سان) ۵- س: یکی مردم: س: آ (نیز، لی، و، آ): درو مردمی: (لن: یکی مردمی) ۶- (و: آ: به ۷- ق: (نیز ق: آ، لی، پ): دادم: (لن: آ: دارد) ۸- ق: س: آ (نیز ق: آ، ل: آ، پ): پرورد: متن = ده دستنویس دیگر ۹- س: (نیز لن): که ۱۰- س: خواندم ۱۱- س: س: آ (نیز ق: آ، ب): هرچه: متن = ل: (نیز لن) ۱۲- س: آ: بر ۱۳- ل: ل: آ (نیز لن، ق: آ، ل: آ، ب، لن، آ، ب): جان و دل: متن = س: آ (نیز لی، و، آ) ۱۴- ل: س، ق: ل: آ (نیز لن، ق: آ، پ، لن، آ): زان: ک: زین: متن = س: آ (نیز لی، ل: آ، و، آ، ب) ۱۵- ل: منم: ل: آ، س: آ (نیز ق: آ، ب: آ: زید: س: (نیز لن): بکار اندرین داستانی زبیم: متن = ک: ق: این بیت را ندارد: در ل: آ، س: آ، ق: آ، ب: این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۱۶- ق: آ: این بیت را ندارد: در ل، س، ک، لن، ل: آ: تهای این بیت پس و پیش شده اند ۱۷- (لن: همم جنگ) ۱۸- س: جنگ: س: آ (یز لی، و، آ، ب): دارم و هوش و رای: متن = ل، ق: ک، ل: آ (نیز لن، ل: آ، پ، لن، آ) ۱۹- ل: آ (نیز ب): خرد ۲۰- (و: شاد) ۲۱- ل: آ: ز مرد خرد بدخویی کسی سزد: ق: آ: این بیت را ندارد ۲۲- س: آ (نیز لی، آ): ز کژی و ک: ز لثیمی و کژی ز (وزن ندارد) ۲۳- (و: بیچارگان) ۲۴- ک: هم بیاید: ل: آ: بر نیاید: (ل: آ: می بیاید): ق: آ: این بیت را ندارد ۲۵- س: (نیز لن، لن، آ): بزرگی و فرهنگ و شاهی ۲۶- ل: آ: نیکویی: در ق: آ: بیت های ۵۷۷-۵۸۲ نیم صفحه بالاتر آمده است ۲۷- ل: ک، س: آ (نیز لن، ب): < و: متن = ل: آ ۲۸- ل: آ: به ۲۹- ل: آ، س: آ (نیز لی، و، آ): گونه: (پ: هم گوهری) ۳۰- (ق: آ، لی، و، آ: هنر): ق: بیت های ۵۷۵-۵۷۸ را ندارد ۳۱- س: آ (نیز ق: آ، لی، ل: آ، و، آ): خرد همه هنر: متن = ل، س، ک، ل: آ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۳۲- ک: (نیز لن، آ، آ): همان (آ: همم) نامدازان خسروپرست ۳۳- (ق: آ: ندانم) ۳۴- ل: آ: بیه و: رزم: ق: آ: این بیت را ندارند: در ب این بیت دو بیت پیش تر آمده است: ق: آ: ل: آ: پس از این بیت افزوده اند:

کم گرد بر تخت بر (ل: آ: خود) پای خویش نعمتم سپردن بکس ل: آ: نمی نیز بر جای خویش

۳۵- (لی: آباد) ۳۶- س: آ (نیز لی، و، ب): همم: (ق: آ: و آن) ۳۷- ل: نامداری و: متن = س، ل: آ، س: آ (نیز لن، و، ب) ۳۸- ک: سواری و مردی و نیروی دست: (لن: آ: که کس را نبوده بر آن گنج دست): ق: آ: این بیت را ندارند

جهان یکسر آباد دارم^۱ به داد^۲
 ۵۸۰ یکی با شما یز پیمان کنم
 بیاریم شاهنشهی تخت عاج
 ز بیشه دو شیر ژیان آوریم^۸
 ببندیم شیر ژیان بر دو سوی^{۱۱}؛
 شود تاج برگیرد از^{۱۲} تخت عاج
 ۵۸۵ به شاهی نشیند میان دو شیر
 جز او را نخوانم^{۱۶} کس پادشا
 وُگر زین که گفم تا بید^{۱۹} یال،
 به جایی که چون من بود^{۲۲} پیش‌رو
 من و منذر و گر و شمشیر تیز!

شما یکسر آباد باشید و^۳ شادا!
 زوان^۴ را به یزدان^۵ گروگان کنم!
 برش تنگ، بمیانش^۶ بنهیم^۷ تاج،
 همان^۹ تاج را در میان آوریم^{۱۰}،
 کسی را که شاهی کند آرزوی^{۱۱}،
 به سر برنهد نامبردار^{۱۳} تاج،
 میان شاه^{۱۴}، تاج از بر و^{۱۵} تخت زیر،
 اگر^{۱۷} دادگر باشد^{۱۸} و پارسا!
 گزینید گردنکشی^{۲۰} ناهمال^{۲۱}،
 سنان سواران شود^{۲۳} خار و خوا!
 ندانند گردان تازی گریز^{۲۴}!

۱- (لی: را بدارم سراسر) ۲- (ب: من آید گردانم آنرا بداد) ۳- س ۲ (نیز لی): گردید و؛ (آ: دارید و)؛ ل ۲ (نیز پ، ل ن آ): از داد باشید؛ س، ق، ک (نیز ل ن، ل آ، ب): همه زبردستان بماند (ک، ب: بمانید)؛ ق ۲: دل زبردستان کنم نیز؛ متن = ل: ل، ل آ، س ۲، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

هران (س ۲: همان) بوم کز رنج س ۲ گنج ویران شدت
 من (ل آ: تن) آباد گدانم آن را به داد
 ز (س ۲: به) بیدادی شاه ایران شدت
 شما یکسر از داد باشید (س ۲: مانید) شاد

۴- ل-ک، س ۲ (نیز ق ۲-ب): زبانرا؛ ل: روان را؛ (ل ن: زفانرا)؛ متن تصحیح قیاسی است ۵- س ۲ (نیز لی، و، آ، ب): پیمان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶- ق: و همتاش؛ س (نیز ب): و بمیانش؛ ل آ: و بهنانش؛ ل: در میان تنگ؛ (ل آ: میان اندرش تنگ)؛ متن = (ل ن) ۷- ک (نیز ق ۲): تنگ بنهیم پیروزه؛ س ۲: در میان نامبردار؛ (لی: نهیمش میان این گرانمایه؛ و: بر سر همان نامبردار؛ ل ن آ: بازیم دیهیم و بر سرش؛ همان یاره و افسر و طوق و ده: بر آن بر نهیم آن دلفروز)؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل ن، ل آ، ب) ۸- س ۲ (نیز آ): آورید ۹- ق، ل ۲ (نیز لی، ب): همین ۱۰- (آ: جفایشه نیز زین آورید)؛ بنداری؛ و لم تزل الرسل متردده حتی استقر الأمر بین اکابر فارس و بهرام و المنذر علی أن یصبوا تختا و یضعوا علیه تاج و زینة الملك، و یثدوا الی قائمتی التخت سبعین ضاریین مجوعین؛ و به جای بیت ۵۸۲ آورده است:

همان تاج را در میان دو شیر
 بمانیم تا هر که باشد دلیر

۱۱- س، ق، ل ۲ (نیز ل ن، ق ۲، ل آ، ل ن، آ، ب) سه: متن = ل، ک، س ۲ (نیز لی، پ)؛ و به جای این بیت آورده است:

رباید ز شیر ژیان تاج را
 سزد پادشاهی و تاراج را

۱۲- (آ: کسی کو بر آید بران) ۱۳- (آ: از دلفروز)؛ و این بیت را ندارد ۱۴- ل، س، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، پ، ب): شاه و؛ (ل ن آ: شیر و)؛ متن = س ۲ (نیز ل ن، ل آ) ۱۵- ق: شاه با تاج و بر؛ (تاج شاه از بر؛ ب: شاه و تاج و زیر)؛ لی، و این بیت را ندارند ۱۶- ل (نیز پ): نخواهیم؛ متن = س-س ۲ (نیز ل ن، ق ۲، ل آ، ل ن، آ، ب) ۱۷- ب: چو و ۱۸- (ق آ: باشی)؛ لی، و، آ این بیت را ندارند؛ بنداری؛ ثم یتلدب لهما بهرام و خسرو، فمن قهر السبعین منهما، و تناول التاج من تخت فهو الملك ۱۹- س ۲ (نیز لی، و، آ): اگر نیک گفتم متایید (لی: ستانند) ۲۰- ک: گردنکش و؛ (ل آ: گردان شب) ۲۱- ل (نیز پ): راهمال؛ س، ل آ: ناهمال (واژه یکم بی نقطه)؛ ق، س ۲ (نیز لی، و، آ، ب): بی همال؛ (ق آ: بر من کسی را همال)؛ متن = ک (نیز ل ن، ل آ، ل ن آ) ۲۲- س، ق، ل آ، س ۲ (نیز و، آ): بوم؛ متن = ل، ک (نیز ل ن، پ، ل ن آ، ب) ۲۳- ل، س ۲ (نیز ق ۲، لی، پ، ل ن آ): بود؛ (و: میان سواران بود)؛ متن = س-س ۲ (نیز ل ن، ل آ، ب)؛ و پس از این بیت افزوده است:

وگر مر شمار جزینت زای
 نجوید دستوری رهنمای

۲۴- (لی: برانگیزم اندر جهان رستخیز

سرافشان کنیم از بر^۱ گاهتان!^۲
بدین^۶ داوری^۷ رای فرخ نهید!^۵

۵۹۰ برآریم گرد از شهنشاهتان!
کنون اینک^۳ گفتیم^۴ پاسخ دهید!^۵

جهانی ز گفتارش^۹ آسیمه شد!
که^{۱۱} گفتار آن شاه^{۱۲} دانا شنود،
نه از راه^{۱۴} کژی و نابخردیت!
سزد گر دل از^{۱۷} داریم^{۱۸} شادا!
یکی تاج و تخت^{۲۲} کی در^{۲۳} میان،
ز خویش نبرسد^{۲۵} ز ما^{۲۶} دادگرا!
همان^{۳۰} گر به مرگش^{۳۱} نباشیم شادا!
به فر از فریدون گذر دارد اوی^{۳۳}،
ز گفتارها داد دادیم^{۳۵} و بس!
بیامد نشست از بر گاه^{۳۶} شاه
ز روز گذشته فراوان براند^{۳۸}
که ای راد و^{۳۹} انا تر^{۴۰} از بخردان،
چو گیری بسدی^{۴۲} و گندآوری^{۴۳}؟
کز آن کم^{۴۵} شود کژی^{۴۶} و کاستی؟

بگفت این و برخاست و^۸ در خیمه شد
به ایران رد و موبد و هر که^{۱۰} بود
بگفتند^{۱۳} کین فرهی ایزدیت
۵۹۵ نگویدهمی^{۱۵} یک^{۱۶} سخن جز به داد
کنون^{۱۹} آنک^{۲۰} گفت او^{۲۱} ز شیر ژیان
گر^{۲۴} او را بذرند شیران نر
چو^{۲۷} خودگفت و این رسم بد^{۲۸} خود^{۲۹} نهاد
ور ایدون کجا تاج بردارد اوی^{۳۲}
۶۰۰ جز^{۳۴} از شهریارش نخوانیم کس!
گذشت آن شب و بامداد پگاه
فرستاد و^{۳۷} ایرانیان را بخواند
به آواز گفتند پس موبدان
به شاهنشهی در^{۴۱} چه پیش آوری
۶۰۵ چه پیش آری از داد و از^{۴۴} راستی

- ۱- همان از بر و بوم وز: (ق: سرافشان کنیم بر سر)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-۲-۲، س ۲ (نیز و، ل ن، آ، آ): ماهتان؛ (لی: ماهشان)؛ متن = ل-ک (نیز ل ن، ق، ل، آ، ب، ب) ۳-ل: آنج، ل: ازین که؛ (لی: آنچه: ل: آنک: متن = ده دستنویس دیگر ۴-پ: بگفتم شما نیز) ۵- (لی: دهیم) ۶-س، ق (نیز ل ن، ل ن، آ): برین؛ (ل: ازین)؛ متن = ل، ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، ب، و، آ، ب) ۷- (لی: پاسخ مرا) ۸- (ل: < >) ۹-ک: بگفتار؛ (ب: ز گفتار)؛ س ۲ (نیز لی، و، آ): همه شب ز گفتار ۱۰-ل: موبدان برک؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱- (ل ن، آ: چو) ۱۲- (ق: آ: مرد) ۱۳-س ۲ (نیز و، آ): همی گفت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-س (نیز ق، آ): رای؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-س: آ: همه ۱۶-ق: او ۱۷- (لی: شاه) ۱۸- (آ: آزاده داریم و)؛ این لت در ب خوانا نیست؛ ل پس از این بیت، بیت ۵۸۶ را افزوده است ۱۹-ق: دگر ۲۰-س، س ۲ (نیز ق، آ): آنج: ک (نیز لی، ل، آ، ل ن، آ، ب): آنچه: ل: آنکه؛ متن = ل، ق (نیز ل ن، و) ۲۱-ق (نیز ل): او گفت ۲۲- (ل ن، ب: تخت و تاج) ۲۳-ل: ز تخت و ز تاج کنی بر؛ این بیت در ب خوانا نیست ۲۱- (آ: که) ۲۲- (آ: که) ۲۳-ل: ببرد؛ ق (نیز لی): ببرد (حرف یکم بی نقطه)؛ (آ: ببرد)؛ متن = س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل ن، ق، ل، آ، و، ل ن، آ، ب) ۲۴-ق: همی؛ این بیت در ب خوانا نیست ۲۷- (ق، ل، آ: که) ۲۸-ک: این گفت و این رسم بر ۲۹- (ل ن: بر ما) ۳۰-ل (نیز ل ن، آ): سزد ۳۱-س (نیز ل ن): بمیرد؛ (ق: ز مرگش)؛ س ۲ (نیز و، آ): پس از مرگ او کس؛ (ب: که از مرگ او کس؛ ل: همان گویم کس (وزن ندارد))؛ متن = ل، ق، ک، ل، آ، لی این بیت را ندارد؛ این بیت در ب خوانا نیست ۳۲-ل-س ۲ (نیز ل ن-ل، آ، ب): او؛ متن = (و، ل ن، آ) ۳۳-ل-س ۲ (نیز ل ن، ل، آ، ب): او؛ (ق: آ: اگر دارد او)؛ متن = (و، ل ن، آ): این بیت در ب خوانا نیست ۳۴- (لی: چو) ۳۵-س، س ۲ (نیز ل ن، و، ل ن، آ، ب): داریم؛ (ق، آ، لی: < > و، آ: دانیم و؛ ل: داریم (وزن ندارد))؛ متن = ل، ق، ک، ل، آ (نیز پ < >) ۳۶- (لی: بزرگان) ۳۷-ق (نیز لی، ل ن، آ): < > ۳۸-س: آ: بماند ۳۹-ق، ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، و، آ، ب): شاه: ل: که هستی تو؛ متن = س (نیز ل ن، ل ن، آ) ۴۰- (آ: دانا تو)؛ ک: پیش رو برتر ۴۱-ک (نیز ق، آ): بر ۴۲- (پ: بمردی: آ: و ندی؛ ق: آ: چو کژی گزینی) ۴۳-ل: آ: نیک اختر ۴۴-ق، ل، آ، س ۲ (نیز ل ن، ل، آ، ل ن، آ): و؛ ل: دور؛ متن = س، ک (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ، ب) ۴۵- (ل ن، آ: گم (روی گاف را ضمه گذاشته است)) ۴۶-ق (نیز ب): کمی

چنین داد پاسخ به فرزندگان^۱
 که بخشش بیفزایم از^۴ گفت و گوی^۵!
 کسی را کجا پادشاهی سزاست
 جهان را^{۱۰} بدارم به^۱ روی و به داد^{۱۲}
 ۶۱۰ کسی را که درویش باشد بنیز^{۱۷}
 گنه کرده را پند^{۱۱} بیش آوریم
 سپه را به هنگام روزی دهیم
 همان^{۲۱} راست دارد دلم^{۲۲} با زبان
 کسی کو بمیرد، نباشدش خویش
 ۶۱۵ به درویش بخشم، نیادم به^{۲۷} گنج
 همه رای با^{۲۸} دارندن^{۲۸} زلم^{۲۹}
 ز دستور پرسیم یکسر^{۳۱} سخن
 کسی کو^{۳۲} همی دا، خواهد^{۳۵} ز من

بدان نامداران و^۲ مردانگان^۳،
 بکاهم^۶ ز بیدادی و^۷ جستجوی!
 زمین را بدیشان^۸ ببخشیم راست^۹!
 چن^{۱۳} ایمن کنم^{۱۴} باشم^{۱۵} از داد شاد^{۱۶}!
 ز گنج نهاده ببخشیم چیز^{۱۸}!
 چو دیگر^{۲۰} کند بند پیش آوریم!
 خردمند را دلفروزی دهیم!
 ز کژی و تازی^{۲۳} نیچم^{۲۴} روان^{۲۵}!
 و زو چیز ماند از^{۲۶} اندازه بیش،
 بندم دل اندر سرای سپنج!
 به تدبیر کام^{۳۰} هوا بشکنم^{۲۹}!
 چو کاری نو افگند^{۳۲} خواهیم^{۳۳} بن^{۳۳}!
 نجویم^{۳۶} پراگندن^{۳۶} انجمن!

۱-س:۲: بفرزانگی: (ل:۳: که فرزندگان) ۲-ل: نیز لی، آ: <و>: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- (ل:۳: پرمایگان): لی پس از این بیت افزوده است:

بدانید یانسر سخنهاى من همان دانش و کوشش و رای من

۴-ل: بیفزایم و: (ل:۳: آ: فزاییم از): متن = س-س:۲ (نیز لن، ق:۲، لی، پ، و، لن، آ، ب) ۵-ل، ق: گفت گوی: متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۶- (ق:۲: بارم (حرف یکم بی نقطه)) ۷- (لو:۲: بیداد وز) ۸-س، ق، ک (نیز لن، ب، لن، آ، ب): بریشان: ل: به ایشان: (لی، و، آ: ابا او):
 متن = ل، س:۲ (نیز ق:۲) ۹-ق: ببخشیم، و: است: (ق:۲: سپاریم راست): ل: این بیت را ندارد ۱۰-ق (نیز ق:۲، ب): کهان را ۱۱-ل:۲ (نیز ب):
 بداریم با ۱۲- (و: بداد و برای) ۱۳-ل-س:۲ (نیز ق:۲، لی، پ، لن، آ، ب): چو: متن = (لن) ۱۴-ل:۲: کند: (ب: شوم) ۱۵-ک، ل: آ: باشد
 ۱۶- (و: پس آرم همه نیکویی ها بجای: ل: این بیت را ندارد: و پس از این بیت افزوده است:

نگویم سخن جز برای و بداد چو ایمن کنم باشم از داد شاد

۱۷- (لن:۲: بیچیز): ق: باشند نیز ۱۸- (لو:۲: نیز) ۱۹-ل-ل:۲ (نیز لن، ق:۲، لی): بند: س:۲ (نیز ل:۲، و): گنه کار را پند: (آ: گنه کار آید): متن =
 (پ، لن، آ، ب) ۲۰- (ل:۲: بیش) ۲۱-ک، س:۲ (ب: لی، ل:۲، آ): همه ۲۲-ل، ک، ل، آ، س:۲ (نیز ل:۲، و، آ، ب): داریم دل: متن = س، ق (نیز لن، ق:۲، ب،
 لن) ۲۳- (ق:۲، ل:۲: تیزی: لی: ساری (و نقطه): و، لن، آ: آ: تازی) ۲۴-س، ق: سچم (حرف های یکم و دوم نقطه ندارند): ک، ل:۲ (نیز لن،
 ق:۲، ب، لن، آ، ب): بیچم: س:۲ (و، آ): بیچد: (لی چه بیچد): متن = ل (نیز ل:۲) ۲۵-ک (نیز لن): عنان: (آ: زوان) ۲۶-ل، س، ق، ل: آ، س:۲ (نیز
 لن-ل:۲): ز: (آ: خیره مانند ز): متن = ک (نیز ب): ق: آ پس از این بیت افزوده است:

بدرویش بخش همه زنج او نگیرم همی یاد از گنج او

۲۷- (لی: ببخشیم بسیار) ۲۸- (ل:۲: کار داران) ۲۹-ل (نیز ل:۲، لن، آ، ب): زیم: متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ل-س:۲ (نیز لن، و، آ، ب):
 پشت: متن = (لن) ۳۱- (ق:۲، لی، و، آ: پرسه سراسر) ۳۲-ل:۲ در افگند: (لن: کار نو افگند) ۳۳-ل (نیز ق:۲): زین: (آ: به بن): (ل:۲: همان
 نیز از نامدار انجمن): متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-س:۲ را ۳۵- (لی: جوید) ۳۶-ک (نیز و): نخواهم: (ق:۲: نجویم (حرف یکم
 نقطه ندارد)): متن = دوازده دستنویس دیگر

دهم داد آنکس که او^۱ داد خواست!
 ۶۲۰ مکافات سازم بدان را به^۵ بد
 برین^۷ پاک^۸ یزدان گوی^۹ منست!
 همان^{۱۲} موبدان موبد و بخردان^{۱۳}
 برین^{۱۶} کار یک^{۱۷} سال اگر^{۱۸} بگذرد
 ز میراث بیزارم و تاج و تخت!
 ۶۲۵ چو پاسخ شنیدند آن^{۲۳} بخردان^{۲۴}
 ز گفت گذشته^{۲۷} پشیمان شدند^{۲۸}
 به آواز گفتند یک با دگر^{۳۱}
 به مردی و گفتار و رای و نژاد^{۳۵}
 ز داد آفریدست ایزد ورا^{۳۷}
 به چیزی^۲ نرانم^۳ بدان^۴ جز به راست!
 چنان کز ره^۶ شهرباران سزدا
 خرد بر زیار^{۱۱} کدخدای^{۱۱} منست!
 پسندیده و کردیده^{۱۴} ردان^{۱۵}،
 بیچم^{۱۹} ز گفتار جان^{۲۰} و خرد،
 وزان پس^{۲۱} بسیچیم با^{۲۲} شوربخت!
 بزرگان و بیداردل^{۲۵} موبدان^{۲۶}،
 گنهکارگان^{۲۹} سوی درمان^{۳۰} شدند^{۲۸}
 که شاهی بود^{۳۲}؛ بین^{۳۳} سزاوارتر^{۳۴}!
 از این پاکتر در جهان کس نژاد^{۳۶}!
 مبادا^{۳۸} که کاری رسد بد^{۳۹} ورا!

۱-ق: آنرا که او؛ (ل: آ: داد را پیش کو) ۲-س: ۲ (نیز لی، و، آ، ب): بکژی ۳-ل: ندانم؛ متن = س-س: ۲ (نیز لن، لی، ب، پ) ۴-ل: ق، س: ۲ (نیز و): سخن؛ (ن: زفان: ق: آ: زبانم مگر: ل: آ: زبانرا نگر دانی): متن = س، ک، ل: ۲ (نیز لی، پ، ل، آ، ب) ۵- (پ: ز) ۶-ل: آ: کرده ۷-ل: تن؛ (لی، پ: بدین): متن = دوازده دستنویس دیگر ۸- (ق: آ: کار) ۹-ل: ک (نیز لن: آ) گواه: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-س (نیز لن، ل، آ: با زبان: ل: آ: بر زفان: ب: بر روان): متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ل: س: ۲ (نیز ق: آ، لی، و، آ، ب): رهنمای: متن = س-ل: ۲ (نیز لن، ل، آ، ب، لن: آ) ۱۲-ق (نیز لی، لن، آ، آ): همه ۱۳-ل: موبد موبد موبدان: ل: آ: موبدان موبد رهنمای: (لی، و، لن، آ، آ: موبدان آنک (و، لن، آ: وانک: آ: آنکه) بد بخردان: ل: آ: موبد از موبد بخردان): متن = س، ق، ک (نیز لن، ب، ب) ۱۴-ق (نیز لن: آ): کار کرده: (پ: بزرگان و کار آزموده) ۱۵-ل: آ: بزرگان که باشند با داد و رای: (لی، و، آ: بزرگان و فرزانهگان: و ران: ل: آ: بزرگان و فرزانه و موبدان): متن = ده دستنویس دیگر: س: ۲، ق: آ این بیت را ندارند: ب پس از این بیت افزوده است:

ببیند ز ما این و باشد شاد همه راستی خواهیم و . بین و داد

۱۶-س: آ: درین؛ (لی: بدین) ۱۷- (پ: صد) ۱۸-ل (نیز ل: آ): گر: متن = س-س: ۲ (نیز لن، ق: آ، لی، پ، ل، آ، ب) ۱۹- (پ: لن: آ: بیچم) ۲۰- (لی، ل: آ: بیچم ز گفتار و راه): و، آ این بیت را ندارند ۲۱-ل: س: آزان پس: س: آزان کر: متن = ق، ک، ل: ۲ (نیز لن-پ، لن، آ، ب) ۲۲-ل: س: ۲ (نیز لن، ل، آ، ب): نشینم بر: (ق: آ: نشینم با: لی: بیچم بر): و، آ این بیت را ندارند: متن تصحیح قیاس است ۲۳-س: آ: از و: س (نیز لن): زو بشندند این سخن: ق، ک (نیز ق: آ-پ): شنیدند از و این (ک: چون) سخن: ل: آ: چو گفت این سخن را بر: (و: همه موبدان آنک بد: ب: چو بشنید از و این سخن: لن: آ: سخن چون شنیدند از و): متن = ل ۲۴- (پ: موبدان) ۲۵- (لی: بزرگان فرزانه و) ۲۶- (ل: آ، ب: پسندیده و کار کرده (ب: دیده) ردان) ۲۷-ق: کار گذشته: ل: آ: بزرگان ز گفته ۲۸- (لی: شوید) ۲۹-س-س: ۲ (نیز لن-پ، لن، آ، ب): گنه کردگان: متن = ل ۳۰-ق: پیمان: و، آ این بیت را ندارند: در لی این بیت دو بیت پیشتر آمده است ۳۱-س: ۲ (نیز آ) ما بنده ایم: (لی: با یکدگر) ۳۲- (ل: آ: کجا) ۳۳- (پ: زو: ق: آ: برین سان) ۳۴-ک: سرافراز تر: س: ۲ (نیز آ): بفرمان و رای سرافک: بایم و این بیت را ندارد ۳۵- (پ: بر رای و داد: و، آ: داد و نژاد) ۳۶-س: ل: ۲ (نیز لن-پ، آ، ب): مباد: متن = ل، ق، ک، س: ۲ (نیز و، لن: آ) ۳۷-س: ۲ (نیز لی، و، آ، ب): ترا: متن = ده دستنویس دیگر ۳۸- (ق: آ: نباید) ۳۹-ق: که هرگز مبادا غمی مرد: و، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

کنارنگ گفتند با یکدگر که گشیم با ریش و کا، و فر (آ: کارگر: ب: ددگر)

به خورد^۲ و به داد اندر آریم^۳ زوی^۴!
 خرد را همی سر به خواب آوریم^۷!
 به گیتی کسی نیست او^{۱۱} را همال!
 چو مندرش یاور^{۱۴} به سود و زیان!
 - به گیتی که باشد ز بهرام پیش^{۱۷}!
 چه ما پیش او در^{۲۰}، چه یک مشت خاک!
 به شاهی توی^{۲۲} جان ما را پسند!
 نه پاکی تن و دانش^{۲۵} و رای تو!
 به شاهی برو^{۲۸} خواندیم^{۲۹} آفرین،
 که گوید که اندر^{۳۲} گزند و بیم^{۳۳}،
 همه مرز در جنگ ویران^{۳۶} بود^{۳۵}،

۶۳۰ همه نیکوی ها بیایم از اوی^۱
 به گفتار اگر^۵ هیچ تاب آوریم^۶
 بدین برز بالا^۸ و ابن^۹ شاخ و یال^{۱۰}
 پس^{۱۲} پشت او^{۱۲} لشکر تازیان
 اگر خود بگیرد^{۱۵} سر گاه^{۱۶} خویش
 ۶۳۵ از آن^{۱۸} پس از^{۱۹} ایرانیانش چه باک
 به بهرام گفتند کای فره مند^{۲۱}
 ندانست کس در^{۲۲} هنرهای^{۲۴} تو
 چو خسرو که بود از^{۲۶} نژاد پشین^{۲۷}
 همه زیر سوگند^{۳۰} و بند و بیم^{۳۱}
 ۶۴۰ گر^{۳۴} او زین سپس شاه ایران بود^{۳۵}

۱- (ق^۲، ل^۲، آ: ازو؛ لن: به مردی بیان نیکوی اوی) ۲- ل: بحررد (بی نقطه)؛ ک: بجود؛ (لن: بخور)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۳- س^۲ (نیز لی، و، آ): بشادی در آریم (ل^۳: ندر آورد) ۴- (ق^۲: وزین پس همی سر نتابم ازو)؛ درل، س^۲ این بیت با بیت سپسین پس
 و پیش شده است؛ س، س^۲، لی پس، این ست دوباره افزوده اند:

خرد را همی سر بخواب آوریم

بگفتار اگر هیچ تاب (س^۲ ماشتاب) آوریم

لی پس از افزودگی افزوده است:

با نیک و بدها که آمد پدید

که تا - الما ما جهان آفرید

بگردار نازند <ه> سر بلند

ندیدیم شاهی چنین فرزند

۵- س: گر ۶- (پ: آورد؛ لی، و، آ: ماشتاب آوریم) ۷- (پ: بخواب آورد)؛ س^۲، لی پس از این بیت افزوده اند:

که گشتم با رامش و کام گر (لی: کام و فر)

کنارنگ گفتند (لی: رفتند) با یکدگر

۸- (لن: برز و؛ لی: بدان برز)؛ ک (نیز آ): برین برز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹- (لی، آ: آن) ۱۰- (لی: یال و شاخ) ۱۱- (پ: وی)؛
 ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

فرود آرد از اسب و بالای برز

از ایرانیان نیست این را بگرز

۱۲- (لی: همان) ۱۳- (لن: وی) ۱۴- بر آ: با آ؛ پ، و، آ: این بیت را ندارند ۱۵- ل: نگیرد؛ س- س^۲ (نیز لن): نکیرد (حرف یکم بی نقطه)؛
 متن = (نیز ق^۲، ب) ۱۶- ل^۲ (نیز ل^۲): تخت ۱۷- ل، س (نیز لن): بش (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ (لن، ق^۲: بش (حرف دوم
 بی نقطه)؛ ل^۲: نباشد ز بهرام پیش)؛ س^۲ (نیز و، آ، ب): که باشد که او را نه پای پیش؛ (لی: که یارده نهادن و راپای پیش) متن = ق، ک، ل^۲ (نیز
 پ) ۱۸- س، س^۲ (نیز لن، لن، آ): وزان (پ: زین) ۱۹- ل، س، ق (نیز لن، لی، لن، آ): ز؛ متن = ک، ل، س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب) ۲۰- (لی، ل، آ: و)
 ۲۱- ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل^۲، پ): فرمند؛ ک (پ: لن): فرمند؛ س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): ارجمند؛ متن = (لن^۲) ۲۲- س- س^۲ (نیز لن، لی، ب):
 تویی؛ متن = ل؛ ق^۲ این بیت را ندارد ۲۳- س^۲ (نیز لی، و، آ): ندانست مردم ۲۴- (ل^۲: نژادست کس در هنر مثل) ۲۵- ل، س (نیز لن^۲):
 پیاکی تن و؛ ق، ل^۲ (نیز لن): باکی تن و (حرف یکم بی نقطه)؛ ک: پیاکی و با؛ س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): نه گفتار و نه؛ (ل^۲: پیاکی و ز)؛ متن =
 (پ)؛ ق^۲ این بیت را ندارد ۲۶- (ل^۲: آن) ۲۷- (ل^۲: بش ساکی نشین (واژه دوم بی نقطه)) ۲۸- (لی: بدو) ۲۹- ل، س، ک (نیز لن، ل، آ):
 لن^۲: خواندند؛ ل^۲: خواندیم؛ متن = ق س^۲ (نیز لی، پ، و، آ: ندند)؛ ب؛ ق^۲ این بیت را ندارد ۳۰- ق: پیوند ۳۱- ل^۲ (نیز لن^۲): و پند و بیم؛
 (و: و بند اندریم)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۲- ک: ایذر؛ س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): بسوگند زیر؛ (ق^۲: همان در امید و)؛ متن = ل، س، ق،
 ل^۲ (نیز لن، ل، آ، پ، لن^۲) ۳۳- (و: اندریم) ۳۴- (لی: که) ۳۵- (پ: شود) ۳۶- ل: چنگ شیران؛ (لی: از داد بیران)؛ ل^۲ (نیز ب): کشور از
 جنگ ویران؛ س^۲ (نیز و): کشور از رزم ویران؛ (ق^۲: بوم و بر پاک ویران؛ آ: کشور از روم ویران)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ل، آ، پ، لن^۲)

ز خسرو دگر باره^۲ گیرند^۳ یاد،
از آن^۴ پس جهان یر فرمان^۷ تست^۵!
و زان^{۱۰} پس بزرگی نجویند کس!
که خود پیشر او زد این^{۱۱} داستان

گروهی به بهرام باشند^۱ شاد
ز داد آن چنان به^۴ که پیمان تست^۵
بهانه همان^۸ شیرجنگست و^۹ بس
بدان گشت بهرام همداستان

که چون نو بدی^{۱۵} شاه فرخ نژاد،
بردی سه سیناد^{۱۷} از بخردان^{۱۸}،
بر آن^{۲۰} تاج بر^{۲۱} آفرین خواندی،
بسودی به شادی دو رخ بر برش،
به خواهنده دادن همه^{۲۵} شهریار
به هامون شد از شهر بیدار بخت^{۲۷}

۶۴۵ چنان^{۱۲} بود^{۱۳} آیین شاهان و داد^{۱۴}
بر او^{۱۶} شدی موبد موبدان
هم^{۱۹} او شاه بر گاه بنشاندی
نهادی به نام^{۲۲} کیان بر سرش
و زان^{۲۳} پس هر آنکس که بردی^{۲۴} نثار
۶۵۰ به موبد سپردند پس^{۲۶} تاج و تخت

گفتار اندر تاج برگرفتن بهرام از میان شیران^{۲۸}

دو شیر ژبان داشت^{۲۹} گستم^{۳۰} گرد به زنجیر بسنه^{۳۱} به موبد^{۳۲} سپرد

۱-س^۲ (نیز ب): بودند ۲-ل، س، ق: ناره (بی نقطه): ک (نیز لن^۲): تازه: ل^۲: بهره: (ل^۲: ره: د: نیمه): متن تصحیح قیاسی است
۳- (لن: گروهی بگیرند: ق^۲: بخسرو دگر قوم): س^۲ (نیز لی، و. آ): گروهی که آرند (و: بیارند): (د: دگر بهره را بود): متن = ل-ل^۲ (نیز
ل^۲، پ، لن^۲) ۴-ل: بد: ل^۲: کن: ق: کجا به: متن = دوازده دستنویس دیگر ۵-ل: او: متن = چهارده دستنویس دیگر ۶-س، ک، ل^۲: س^۲
(نیز لن-ب): وزان: ق: کزین: متن = ل ۷- (آ: پیمان) ۸- (لن، لی، ل^۲: لن^۲: همی) ۹-ل، ق، ک، ل^۲: نیز ل^۲، پ، ب): شیر جنگست: س^۲
(نیز ق^۲، و): شیر جنگست و: (لی: جنگ شیرست): متن = س (نیز لن، لن^۲: آ) ۱۰-ل: ازین: س^۲ (ل^۲: لی، و، آ، ب): کزان: (ق^۲: ازان): متن =
س-ل^۲ (نیز لن، ل^۲، پ، لن^۲) ۱۱- (لن^۲: آورد این (وزن ندارد): ب: پیش او دارد این): ل: آو: او پیش ازین: ق: پیش آورد او همان: ک:
خود پیشش آورد این: ل^۲: آورده بد پیش ازین: (ق^۲: او خود زد از پیش این: لی: از پیش خود گت ای: آ: او پیشتر خود زد این): متن = س،
س^۲ (نیز لن، ل^۲، و): این بیت در پ خوانا نیست: این بیت در ک هفت بیت سپس تر آمده است ۱۲-ق، ک (نیز ق^۲، لی، و، آ، ب): چنین:
متن = ل، س، ل^۲: س^۲ (نیز لن، ل^۲) ۱۳- (لن^۲: چنان بد که) ۱۴-ق: بداد: ل، س، ل^۲: س^۲ (نیز لن-لن^۲: شاهان داد: ب: شاه جهان): متن = ک
(نیز آ) ۱۵-س (نیز لن، لن^۲): او بود: ک: تو شدی: (ق^۲: ل^۲: آ: تو بدی): متن = ل، ق، ل^۲: س^۲ (نیز لی، و، ب): این بیت در پ خوانا
نست ۱۶-س^۲ (نیز آ): سوی وی: (لی، و: سوی او) ۱۷-س^۲ (نیز لی، و، آ): روشن دل ۱۸-ق: بردی مدی یکسر از مهتران: این بیت در پ
خوانا نیست ۱۹-س^۲ (نیز لی، و، آ): پس ۲۰-ل: بدان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- (ق^۲: تاجور: آ: تخت بر): این بیت در پ خوانا
نست ۲۲- (آ، ب: برسم): ک، س^۲ این بیت را ندارند و در پ این بیت خوانا نیست ۲۳-ل: ازان: متن = س-س^۲ (نیز لن-ل^۲: و، ب) ۲۴-ق،
ک: کردی ۲۵-ل (نیز ق^۲): همی: متن = س-س^۲ (نیز لن، لی، ل^۲: و، ب): این بیت در پ خوانا نیست ۲۶-ل: سپردی پس آن ۲۷-ل: شدی
شاه پیروز بخت: (ل^۲: ببردند شاهان دل و نیک بخت): متن = ل، س، ق، ک (نیز لن، ق^۲: لن^۲): س^۲: لی، و، آ، ب به جای این بیت آورده اند:

به هامون شد آن شاه فرخنده بخت بیامورد موبد پس و پس موبد آن تاج و تخت

این بیت در پ خوانا نیست ۲۸-س (هشت بیت سپس تر): کشتن بهرام گور شیران را و نشستن پادشاهی: ق: کشتن بهرام شیر را و بر
تخت ایران نشستن: ل، ک، ل^۲: س^۲: لن، پ درین جا سرنویس ندارند: ق^۲: لی، ل^۲: و، ل^۲: آ، ک در اینجا یا کمی پیش تر یا پس تر
سرنویس دارند: متن = (لن^۲) ۲۹-ک: راست ۳۰- (ق^۲: کزدهم) ۳۱-ل: پیش بزرگان ۳۲-ق: آ: بردان: ک پس از این بیت افزوده است:

بدان گشت بهرام هم داستان که خود پیشش برد آن داستان

-کشنده شد^۱ از بیم چون بیهشان!-
 نهادند بر^۳ گوشه‌ی عاج^۴ تاج
 که تا چون بود کار آن نیکبخت^۶
 بر شیر^۷ با دل پر از خون شدند
 نهاده یکی افسر اندر میان،
 مر آن را سزاتر^۸ که شاهی بجست
 به چنگال^۹ شیر ژیان ناتوان
 به^{۱۱} برنایی^{۱۲} و تندرستی^{۱۳} کند
 نهانی نداریم^{۱۵} گفتار راست!
 جهانی بدو مانده اندر شگفت!
 خردمند^{۱۸} و با دانش و پارسا،
 جز از^{۱۹} تاج شاهی^{۲۰} چه افزایش^{۲۱}؟
 خورش بی بهانه به ماهی^{۲۲} مده!
 جهان^{۲۵} را همه^{۲۶} دل به بازار^{۲۷} تست!
 تو زین بی‌گناهی و دیگر گروه،
 خریدار جنگ دلیران منم!
 چو رفتی دلت را بشوی^{۳۰} از گناه!

ببردند شیران جگی کشان
 بیستند بر پایه^۲ تخت عاج
 جهانی نظاره بر ن^۵ تاج و تخت
 ۶۵۵ [چو بهرام و خسرو به هامون شدند
 چو خسرو بدید آن دو شیر ژیان
 بدان موبدان گفت: تاج از نخست
 و دیگر که من پیرم و او جوان
 برین بر گر او^{۱۰} پین دستی کند
 ۶۶۰ بدو گفت بهرام کاری^{۱۴} رواست
 یکی گزه‌ی گوسر بر^{۱۶} گرفت
 بدو گفت موبد^۷ که ای پادشا
 همی جنگ شیران که فرمایدت؟
 تو جان از پی پادشاهی مده!
 ۶۶۵ همه بی‌گناهی^{۲۳} و این^{۲۲} کار تست
 بدو گفت بهرام کای^{۲۸} دین‌پژوه
 همورد این^{۲۹} نرّه‌شیران منم!
 بدو گفت موبد: به یزدان پناه!

۱- (لی: بد) ۲- (آ: پرمایه) ۳- (پ: نهاده بر آن) ۴- س. س. ۲ (نیز لی. و. آ): تخت (آ: تخت و) ۵- (لی: بدان) ۶- (پ: به هامون شد آن شاه پیروزبخت)، ل. س. ۲ پس از این بت آورده‌اند:

که گر شاه بیروز گردد برین برو شهریاران کنند آفرین

۷- ک: گذشتند؛ متن = چهارده دست‌ویس دیگر ۸- ک: سزا این؛ س. ۲ (نیز و): سزا بد؛ (لی: سزاید؛ آ: سرآید؛ ب: ستاند؛ پ: سزاوار آن شد)؛ متن = ل. س. ق. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲)؛ دست‌ویس آ در این جا به اندازه ۲۲ بیت برای میناتور و سرنویس جای خالی گذاشته است ۹- (پ: بهنگام) ۱۰- س. ق. (نیز لن. ل. ۲): بد گر او؛ ل. بران بد که او؛ ک: بدین بد گر او؛ س. ۲ (نیز آ): برین کار او؛ (ق: بدین کار گر؛ لی: بدان کار او؛ و: بدین کار او؛ ب: بدین بد که او؛ که او؛ متن = ل. ۲ (نیز ل. ۲. پ) ۱۱- (پ: ز) ۱۲- ل. ۲: بیداری ۱۳- ق: برنایی او تین درستی؛ بنداری: ففعلوا ذلک. و حضر بهرام فر عدنه. و حضر خسرو، و اجتمع جمیع اکابر المملکه. فقال بهرام لخسرو: تقدم. فقال: أنا بیدی الأمر، و معی التاج و الطوق، و أنت انطالب فتقدم أنت ۱۴- س (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲): آری؛ متن = یازده دست‌ویس دیگر ۱۵- (ل: ۲: نرانیم) ۱۶- ق: گاو پیکر؛ لی: این بیت را ندارد ۱۱- (ب: مندر) ۱۸- س. ۲ (نیز لی. و. آ): هنرمند ۱۹- ک: خود از؛ (پ: بجز) ۲۰- س. ق. ک (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. ب): پادشاهی؛ متن = ل. ل. ۲ (بزل ۲. ۲۱- س. ۲ (نیز لی. و. آ): همی تاج و تخت (و. آ: تخت و تاج) آرزو آیدت ۲۲- (پ: تنت را بخیره تباهی) ۲۳- ل. س. ۲: بر گناهی؛ متن = سیزده دست‌ویس دیگر ۲۴- (ل. ۲: وین) ۲۵- ق: مهان ۲۶- (و. آ: همی) ۲۷- ق (نیز ق. ۲): بر آزار؛ (ل: ۲: پر آزار) ۲۸- (آ: کین) ۲۹- لی: آن؛ بنداری: فتناول الجزر فقال له الموبد الموبدان: إنا برأء من دمک أیها الشهريار. فقال نعم! وأقدم علی السبعین؛ ق. ۲ پس از این بت آورده است:

دگر گفت بهره کاری رواست خورد بر دل هر کسی پادشاست

۳۰- ل: بشو؛ متن = چهارده دست‌ویس دیگر

[چنان کرد کو گفت بهرامشاه دلش پاک شد تیه کرد^۱ از گناه]

۶۷۰ همی رفت با گرزهی گاوری
یکی زود^۳ زنجیر بگست^۴ و بند
بزد بر سرش گرز^۵ بهرام^۶ گرد
بر دیگر آمد بزد بر سرش

جهاندار بنشت^{۱۱} بر تخت عاج
۶۷۵ به یزدان پناهد^{۱۲} کو بد پناه
بشد^{۱۴} خسرو و برد پیشش نماز
نشست تو بر گاه فرخنده باد!
تو شاهی و ما بندگان تویم!
بزرگان برو^{۲۰} گوهر افشانند
۶۸۰ ز گیتی^{۲۲} برآمد سراسر خروش

به سر برنهاد آن دل‌افروز تاج
نماینده‌ی راه^{۱۱} گم‌کرده راه!
چنین گفت کای شاه گردن‌فراز^{۱۵}،
یلان جهان^{۱۶} پیش تو بنده باد!^{۱۷}
بخوبی^{۱۸} فزایندگان^{۱۹} تویم!
بر آن تاج نو^{۱۹} آفرین خواندند
بدآذر^{۲۳} بد این جشن، روز^{۲۴} سروش

۱- (لی: <کرد> (وزن ندارد)): متن = ل. ل. ۲. س. ۲ (نیز لی. ل. ۳. پ.) س. ق. ک. ل. ن. ق. ۲، و-ب این بیت را ندارند؛ بنداری: فقال له الموبذ: تب الى الله تعالى. وانو الخیر حتی یصرک الله علی السبعین ۲- ق. ۲. لی این بیت را ندارند ۳- ک: رد ۴- ل. ۲ (نیز لی): بگست زنجیر ۵- (لی: گرز بر سرش) ۶- ق: گرز بهرام بر سرش ۷- ل. ک. ل. ۲ (نیز ق. ۲. لی. آ. ب.): همی: متن = س. ق. س. ۲ (نیز ل. ل. ۳. پ. و. ل. ن. ۲) ۸- ل. ۲: روی شاهی؛ بنداری: فتقدم كأنه رکن من جبل. فوثب الیه أحد السبعین فلقاه بجزیه و سربه علی أم رأسه فرضه و خر كأنه خباء مقوض ۹- ل. ک. س. ۲ (نیز لی. و. آ.): از دیده: ل. ۲: جوشنده: (ل. ۲: از دو دیده (وزن ندارد)): متن = س. ق. (نیز ل. ن. ق. ۲. ب. ل. ن. ۲. ب) ۱۰- ک: تا: (لی: بر) ۱۱- (ل. ۳: برآمد جهاندار): ق. لی این بیت را ندارند: در ل. ۳ این بیت بایست سپن پس و پیش شده است؛ بنداری: ثم أقبل الى السبع الآخر و ضرب جبهته بذئک الجزر فأئخنه فخر أيضا کجلمود صخر حطه السیل من عل. فتناول عند ذلک التاج و عقده علی رأسه و تسنم التخت ۱۲- س. ۲ (نیز لی. پ. و. آ.): پناهم ۱۳- (لی. و. داد: آ. داد و): در س. ۲. لی. پ. و. آ این بیت را پس از بیت ۶۷۷ آورده‌اند ۱۴- (ل. ن. ۲: بزد) ۱۵- ق: برکام و ناز ۱۶- (ل. ن. زمان و زمین) ۱۷- (ق. ۲: دل بدسگالار تو که به باد): لی این بیت را ندارد ۱۸- (لی: بچربی) ۱۹- (ق. ۲: پرستندگان): بنداری: فکان خسرو أول من حياه بتحية الملك، و دعاه و أذی علیه، و قال: أنت الملك و نحن عبيدک، و أنت السلطان و نحن جنودک ۲۰- ک (نیز لی): بدو ۲۱- ک: بر: (لی: بدان تاج نو: آ. تاج-ار): بنداری: و نثرت علیه الجواهر و ضربت البشائر و قبل ما معناه قول الشاعر:

قد رجع الحق الي نصابه و أنت من دون نوری أولى به

۲۲- (لی: ایران) ۲۳- ل. در آذر: س. ۲ (نیز ل. ب.): بآذر: متن تصحیح قیاسی است ۲۴- ل. روز و: (لی: آیین جشن و: ل. آ. ب. جشن و روز): متن = ده دستویس دیگر: برخی از دستویسها پس از این بیت افزوده‌اند:

ل. س. ۲. ل. ۲: چنین است کردار گردنده داد ز یک دست بسند بدیگر بداد

س. ل. ن. و. ل. ن. ۲. آ:

که بهرام بنشت شاهنشهی
همی جست زان (ن. و. زان) بخت و فرّ و مهی
بنا: چو بهرام را گشت شاهنشهی
همی جست از آن بخت با فرهی
ق. ک. ل. ۲. ق. ۲ این بیت‌ها را ندارند

بہرامِ گور

پادشاهی بهرام گور شست سال بود^۱

برآمد یکی ابر و شد تیره^۲ ماه
 نه دریا پدید و نه دشت و نه^۴ راغ^۵
 حواصل فشاند^۷ هوا^۸ هر^۹ زمان
 نه ماندم نمکسود و^{۱۱} هیزم، نه جو
 ۵ بدین^{۱۳} تیرگی روز و هول^{۱۴} خراج
 همه کارها را^{۱۷} سر اندر نشیب
 همی تیر بارید از^۳ ابر سیاه
 نه بینم همی ر^۶ هوا پر زاغ
 چه سازدهمی زین^{۱۰} بلند آسمان؟
 نه چیزی پدیدست^{۱۲} تا جودرو!
 زمین گشته^{۱۵} ز بر^{۱۶} چون کوه عاج،
 مگر دست گیرد حی^{۱۸} قیب^{۱۹}!

۱-ل: پادشاهی بهرام گور شست سال؛ س، ل. > گفتار اندر<: گفتار اندر پادشاهی بهرام گور شست سال بود؛ ق: پادشاهی بهرام گور شست و سه سال بود؛ س. ۲: پادشاهی بهرام شست و دو سال؛ ک در اینجا سرنویس ندارد؛ بناری: ک نوبه بهرام بن یزدجرد المعروف بهرام جور. و کانت مدة ملکه ستین سنة ۲-س. ۳: تیر ۳-ل، س. ۴: (نیز ل. ۲، آ). ز ابر؛ ل. ۵: شیب بارید ابر؛ (ل. ۲: ز) ابر؛ متن = س. ک (نیز ل. ق. ۲، پ. و. ل. ۲، ب)؛ ق بیتهای ۱-۶ را ندارد ۴-س، ل. ۵: (نیز ل. ن): پدیدست و نه دشت و؛ (پ: شدی دید و نه دشت و؛ ب: پدیدند و نه دشت و)؛ متن = ل. ک، س. ۶: (نیز ق. ۲، ل. ۲، و. ل. ۲، آ). ۵- (ل. ۲: زاغ) ۶- ک، در؛ (ل. ۲: از؛ ب: ندیدند هم بر)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷- (ل. ۲: فشاندی) ۸- س، س. ۹: (نیز ل. ق. ۲، ل. ۲، و. ل. ۲، آ). همی: متن = ل. ک، ل. ۲: (نیز ل. ب) ۹- (ل. ۲: در) ۱۰- س. ۱۱: (نیز ل. و. آ، ب)؛ این: (ل. ۲: <زین>، وزن ندارد)؛ پ این بیت را ندارد ۱۱- ل. ۱۲: <و>؛ ل. ۱۳: آ. نمکسود (نه) ۱۲- س: دمارست (بی نقطه)؛ (ل. ۲: پدیدار؛ ل. ۲: و بارست (حرف دوم بی نقطه))؛ س. ۲: پس از این بیت افزوده است:

در هیزم و گندم و گوسفند پستی برآورده چرخ بلند

۱۳- س (نیز ل. ل. ۲): برین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- ل: بیم؛ ک (نیز ل. ۲): هول و؛ س. هول و روز؛ (ل. ۲: روز هول)؛ متن = ل. ۲، س. ۱۵: (نیز ل. ق. ۲، پ. و. ل. ۲، ب) ۱۵- (ل. ۲: گشت) ۱۶- (ل. ۲: گشت از ابر)؛ ق. ۲، ل. ۲، و. آ. پس از این بیت افزوده اند:
 ق. ۲، ل. ۲: من اندر چنین روز و چندین نیاز باندیشه در شد بس دراز

ل. و. آ: در هیزم و گندم و گوسفند به پستی برآورد آ. برآورده) چرخ بلند

۱۷- س (نیز ل. ب. ل. ۲): شد؛ (ل. ۲: همی کارها را)؛ متن = ل. ک، ل. ۲، س. ۱۸- ل: علی؛ س (نیز ق. ۲، ل. ۲): حسین؛ س. ۱۹: (نیز ل. و. آ، ب): بجیزی؛ (ل. ۲: حیب)؛ ک (نیز ب): گیردم حیی؛ (ل. ۲: گیرد حیی)؛ متن = ل. ۱۹: سب (حرفهای یکم و دوم نقطه ندارند)؛ س (نیز ق. ۲، و): سب (حرفهای دوم و سوم نقطه ندارند)؛ ل. ۲: سب (سه حرف نخستین بی نقطه)؛ (ل. ۲: قیب (حرفهای دوم و چهارم نقطه ندارند)؛ ل. ۲: نهیب؛ ل. ۲: فس (نقطه ندارد)؛ متن = ک، س. ۲: (نیز ل. ۲، پ. آ، ب)

کنون داستانی بگردیم شگفت^۱ کزان برتر اندازه نتوان گرفت!

آغاز داستان^۲

چو بر تخت بهشت بهرام گور
پرستش گرفت آفریننده را
۱۰ خداوند پیروزی و برتری
خداوند داد^۳ و خداوند رای
از آن^۹ پس چنین گشت کین تاج و تخت
بدویستم اومید و^{۱۲} زویم^{۱۳} هراس!
شما هم بدو^{۱۵} نیز نازش^{۱۶} کنید!
۱۵ زبان برگش دند ایرانیان
که این تاج بر شاه فرخنده باد!
و زان^{۲۰} پس کجا^۲ آفرین خواندند،
چنین گفت بهرم کای سرکشان
همه بندگانیم و ایزد یکیست
۲۰ ز بدر روز بی بیم داریم تان!
بگفت این و از پیش^{۲۵} برخاستند
شب تیره بودند ما گفت و^{۲۸} گوی
به آرام بنشست بر گاه شاه
چنین گفت بهرام با مهتران

به شاهی برو آفرین خواند^۳ هورا!
جهاندار بیدار بیننده^۴ را!
خداوند افزونی و کمتری^۵!
خداوند روزی ده^۷ رهنمای^۸!
ازو^{۱۰} یافتم کافریده ست^{۱۱} بخت
و زو^{۱۴} دارم از نیکوی ها سپاس!
بکوشید تا عهد او^{۱۷} نشکنید!
که بستیم ما بندگی را میان،
همیشه دل و بخت او^{۱۸} زنده^{۱۹} باد!
همه پیش او^{۲۲} گوهر^{۲۳} افشانند،
ز نیک و بد روز^{۲۴} دیده نشان،
پرستش جز او را سزاوار نیست!
به بدخواه حاجت نیاریم تان!
برو^{۲۶} آفرینی^{۲۷} نو آراستند
چو خورشید بر چرخ بنمود^{۲۹} روی،
برفتند ایرانیان بارخواه^{۳۰}
که ای نامداران و^{۳۱} نیک اختران،

۱- (لی: نخست) ۲- ل، ق، ک، ق، ۳- ک: کرد؛ ل: برو آفرین کرد بهرام و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- ل، ک (نیز ل^۳): و بیدار و بیننده؛ س^۴: دادا بیننده؛ (لی: بیدار داننده؛ پ: بیدار فرخنده)؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز ل، ق، آ، و، ب) ۵- (ل: آ: مهتری؛ ل: آ: پیروزی و کمتری (کهتری)؟) ۶- س^۲ (نیز لی، و، آ): نام ۷- (ل: پیروزی و) ۸- ل، س^۲: کزویست گیتی سراسر پیای؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹- ق، ک، ل، س^۲ (نیز پ، و، آ، ب): وزان؛ متن = ل، س (نیز ل، ل، آ، ل، آ) ۱۰- ک، ل، س^۲ (نیز ق، ل، آ): از آن؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ب) ۱۱- (لی: ن: بیند جز مردم نیک) ۱۲- س (نیز ل، و، ل^۲ <و>، ل^۲ <و>، آ، ب <و>): امید و؛ ل: هشتم امید و؛ ق، ل، س^۲ (نیز ق^۲): بدویم امید و؛ (لی: بدویست امید و؛ پ: بدو دارم امید و)؛ متن = ک ۱۳- (لی: بدویم)؛ ل (نیز ب): هم زو؛ (ل: آ: زویم)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- ل: ازو؛ (لی: بدو) ۱۵- (لی: بدین) ۱۶- س (نیز ل): بدین نازش افزون؛ (ل: آ: برین نازش افزون)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- (ل: آ: را) ۱۸- ل: آ: تو ۱۹- ق (نیز ل^۲): و رابخت پاینده ۲۰- ق: آ: ازان) ۲۱- ل: همه؛ (ل: آ: برو)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲- ل (نیز ب): بر سرش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۳- ق: آ: زبرجد بتاجش بر) ۲۴- ک (نیز ل^۲): زبند روز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- (ل: آ: جای)؛ ق، ل: آ: وز پیش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- ل (نیز لی): بدو ۲۷- ل، ک، ل، س^۲ (نیز لی، و): آ: متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- ل، ق: و؛ متن = س، ک، ل، س^۲ (نیز ل، ق، آ، ب) ۲۹- س^۲ (نیز آ): بنمود بر چرخ؛ (ل: آ: بر تخت بنمود)؛ لی این بیت ندارد ۳۰- ل: آ: بازخواه؛ (لی: بازخواه) ۳۱- ل: نیک نامان؛ متن = س، ق، ک <و> (نیز ل، ق، آ، لی <و>، ل، آ، ب)؛ در لی پس از این بیت ۴۴ آمده است

۲۵ به یزدان گراییم^۱ و رامش^۲ کنیم!
 بگفت این و^۴ اسپ گوان^۵ خواستند
 سدیگر چو^۸ بنشست بر تخت،^۹ گفت
 به هستی یزدان گواهی دهیم!
 بهشتست و هم دوزخ و رستخیز
 کسی^{۱۴} کو نگرود^{۱۵} به روز شمار^{۱۶}
 به روز چهارم چو بر تخت عاج
 چنین گفت کز گنج من یک زمان
 نیم^{۲۱} خواستار سرای سبج!
 که آنست جاوید، این ره گذار^{۲۲}
 به پنجم چنین^{۲۵} گفت کز رنج کس
 بیازیم^۳ و دژ زین جهان برکنیم!
 که بر بارگانش^۶ بیاراستند^۷
 که رسم پرستش نباید^{۱۰} نهفت!
 روان^{۱۱} را به دیس^{۱۲} آشنایی دهیم!
 ز نیک و ز بد نیست راه^{۱۳} گریز!
 مر او را تو با دین و دانا^{۱۷} مدار^{۱۸}!
 به سر بر نهادن پسندیده^{۱۹} تاج،
 نیم شاد کز مردم^{۲۰} شادمان!
 نه از بازگشتن ه تیمار و رنج!
 تو از آز پرهیز و^{۲۳} انده مدار^{۲۴}!
 نیم^{۲۶} شاد تا^{۲۷} باشدم دسترس!

۱-س، ک، س، آ: (نیز لی، آ): بگرویم: (لن، و، پناهیم): متن = ل، ق، ل، آ: (نیز ق، ل، آ، پ، لن، آ، ب): ۲-ق نازش ۳-ل، ق (نیز پ): بتازیم: س، ل، آ: ساریم (تها حرف پنجم نقطه دارد): س، آ: بتازیم: (لن: ساریم) (دو حرف نخستین بی نقطه): و، آ، لی، و، لن، آ، آ: بتازیم: ل، آ: بتازیم: ب: بیاریم: متن = ک، ق، آ، لی پس از این بیت افزوده اند:

ق: آ: نباید که داریم جز وی پناه
 نه بندیم دل در سرای سبج
 خداوند گردنده حورنید و ماه
 که بر کس نماند همی اج و گنج

لی: یکی نامه کن بمهر و بداد
 که بهرام بر تخت بنشست شاد

۴- (لن، آ: و این (وزن ندارد)) ۵-ل، ق: کیان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ل، س، آ: (نیز ق، آ، و، ب): کتی بازگاش: ق: همی بازگاش: ک: کتا بازگاش: (آ: کهی بازگاش): متن = س (نیز لن، لن، آ): کتی بر بازگاش ۷- (لن، آ: پیاداشتند:؛ پاوند ندارد): در لی پس از این بیت، بیت ۴۶ آمده است ۸-س، آ: که ۹- (لی: گاه): ق، ل، آ: (نیز و): بر تخت بنشست ۱۰-ل، آ: (نیز ب): شاید ۱۱-ل: زوانرا: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- (لن، آ: بدان): در لی پس از این بیت، بیت های ۴۷ و ۴۸ آمده اند: ۱۳-ق، س، آ: (نیز لن، لی، پ، آ): مارا: ل، آ: جای: (ب: روی: ل، آ: کزین هر دوره نیست مارا): متن = ل، س، ک (نیز ق، آ) ۱۴- (ق، آ: هر زن) ۱۵-س: بگردد: (لن: نگرود کو) ۱۶- (ب: یزدان پاک) ۱۷-س (نیز لن، لن، آ): دانش: (ق، آ: دنیا و دینی: لی: دین دنیا): متن = ل، ق، و، ک، ل، آ، س، آ: (نیز ل، آ، پ، و، آ) ۱۸- (ب: ورا جای باشد بزیر مفاک): در لی پس از این بیت، بیت ۵۰ آمده و ب افزوده است:

همان کو نرمد ز روز شمار
 مر او را تو با دین و دانا مدار

۱۹- (لی، و، ب: فروزنده: آ: دلفروز): س، آ: چو بر سر نهاد آن فروزنده: متن = ده دستنویس دیگر: در لی پس از این بیت، بیت ۵۱ آمده است ۲۰-ل، آ: (نیز ب): کز مردم: س، آ: (نیز لی، و، آ، ب): چون مردم: (ل، آ، لن، آ: وز مردم): متن = ل، س، ق، ک (نیز لن، ق، آ): لی پس از این بیت افزوده است:

بدین دشت زردشت پیغمبرم
 ز راه نیاکان خود نگذر: (ع ۵۲)

۲۱-ق: نه من: لی این بیت را ندارد: در لن، آ: این بیت با بیت ۳۶ پس و پیش شده است ۲۲-لن، آ: زین رهگذر: (س، ق (نیز لن، ل، آ، پ): جاوید و این ره گذر: ک: کزانت روز و شب این ره گذر: ل، آ: که گیتی سپنجت و ما بر گذر: س، آ: (نیز و، آ، ب): که اینست جاوید راه گذر: (ق، آ: بیاید گذشتن ازین ره گذر): متن = ل ۲۳- (ق، آ: < و >: لن، لن، آ: زان بر خورای راد و) ۲۴-ق، س، آ: (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): مخور: س: تو زان مخورای راد و انده مخور (!): متن = ل، لی این بیت را ندارد ۲۵-س، آ: (نیز آ، ب) سخن ۲۶-ق: نه ام ۲۷-ک: شادمان: لی این بیت را ندارد: در ل، آ: این بیت با بیت سپمین پس و پیش شده است

خُنک آنک^۲ جز تخم نیکی نکشت!^۳
 مبادا که جویم هرگز شکست!^۴
 بداندیشگان را هراسان کنیم!^۵
 خردمند و^۸ بیدار و^۹ دیده جهان،
 همی^{۱۲} با خردمند جفتی^{۱۳} کنیم!^{۱۱}
 بدی بیش بیند از آن^{۱۶} کز پدرم!^{۱۷}
 غم و درد^{۱۸} رنجش نباید کشید!^{۱۹}
 جوانوی را خواندن از^{۲۱} بارگاه^{۲۲}
 به هر نامداری و هر^{۲۳} کشوری،
 که بهرام بنشست بر تخت^{۲۶} شاد^{۲۷}
 گریزنده از کژی^{۲۹} و کاستی!

به کوشش بجویم^۱ خرم بهشت
 ششم گفت: بر^۴ مردم زبردست
 سپه^۶ را ز دشمن تن آسان کنیم!^۷
 به هفتم چو بنشست. گفت: ای مهان
 چو با مردم زت زفتی^{۱۰} کنیم!^{۱۱}
 هر آنکس که با^{۱۲} ما نسازند گرم^{۱۵}
 هر آنکس که فرمان ما برگزید
 به هشتم چو بنشست، فرمود^{۲۰} شاه
 بدو گفت: نزدیک هر مهتری
 یکی نامه بنویس با^{۲۴} مهر و داد^{۲۵}
 خداوند بخشایش^{۲۸} و راستی

۱- (ن: بخوشی بجویم؛ ل: <و>. ن: بکوشیم و جویم و) ۲- ۲- ل (نیز ل- ۲): آنکه؛ س: ۲ (نیز آ): هر که ۳- ل (او تخم نیکی بکشت)؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

نهم دین زردشت پیشین بروی
 براهیم پیغمبر راستگوی (ع ۵۳)

۴- (ن: کز؛ ق: ل، آ: با) ۵- ل (ن: نشست؛ ل: که هرگز بجویم نشست؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل: پس از این بیت افزوده است: چنین نخت کای نامداران شهر

ز گیتی همه کام جوید بهر

۶- ل: جهان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۷- ل: کنم؛ در ل: پس از این بیت، بیت ۵۴ آمده است ۸- ک (نیز ل): <و>؛ ق (نیز ق: ۲): خرد و (وزن ندارد) ۹- ق (نیز ق: ۲): <و>؛ س: ۲ (نیز و، آ: <و>، ب): و هشیار و؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

نه فرزند و زن نیز هم پادشا
 خنک مردم زیرک پارسا

در ق ۲ این بیت پس از بیت ۴۱ آمده است ۱۰- س: ۲ (نیز و، ل، آ: آ، ب): همه (ن: آ: همی) با خردمند جفتی؛ (ل: همه با خردمند خویشی)؛ متن = ل- ل (نیز ل، ق: ل، آ: ب) ۱۱- ل: کنم ۱۲- ل: همان؛ (ق: آ: ب: همه) ۱۳- س: ۲ (نیز ل، و، ل، آ: آ، ب): آبا (ن: آ: چوبا) مردم زفت زفتی؛ در ل: پس از این بیت، بیت ۵۶ آمده است ۱۴- ل (ن: بر) ۱۵- (ق: آ: نسازد گرم) ۱۶- ل: ک (نیز ق: آ: ب): از آن بیند او؛ ل: آ، س: ۲ (نیز ل): بیند از آن؛ متن = س (یز ل، ل، آ، و، ل، آ: ب) ۱۷- س (نیز ل، ل، ن: آ): گرم نرم؛ ق: آ این بیت را ندارند؛ در ل: پس از این بیت، بیت ۵۷ آمده است ۱۸- س، ک، س: ۲ (نیز ل، ل، ن: آ، ب): درد و؛ متن = ل، ل: ۱۹- ک: نیابد کلید؛ ق: آ این بیت را ندارند؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

یکی رستی نامه خوانید نیز
 کزان جادوان (!) ارز یابند نیز

بنداری: قال صاحب الکتاب: فجلس بهراه للناس سبعة أيام متوالية يعدهم النخیر من نفسه، ویامرهم بتقوی الله و طاعته ۲۰- س: ۲ (نیز ل، و، آ: ب): برگاه ۲۱- س: ق (نیز ل، ل، ن: آ): خواند از آن؛ ک (نیز ب): خواند زان؛ ل: آ، س: ۲ (نیز ل، آ، و، آ: ب): خواند از؛ (ق: آ: خواندی بر؛ ل: خواند بر)؛ متن = ل ۲۲- (ق: آ: پیشگاه)؛ ل: پس از این بیت افزوده است:

نهادند بر نامها بر نگین
 فرستادگان خواست با آفرین

۲۳- ک، ل: نامداری بهر؛ در ل: این بیت پس از بیت ۲۴ آمده است ۲۴- س: ۲ (نیز و، آ): نامه کن سر بر ۲۵- (ق: آ: از مهر و شاد؛ ل: نامه کن بهمر و بداد) ۲۶- ل، آ: س: ۲ (نیز ی، ب، و، ب): بر تخت بنشست؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ق: آ، ل، آ، ل، آ: آ) ۲۷- (ق: آ: داد)؛ ک: نگیرد جز از پاک دادار یاد؛ ل: این بیت را پس از بیت ۲۵ آورده است ۲۸- (ل: بخشنده؛ ب: بخشاینده (وزن ندارد)) ۲۹- س، ق (نیز ل، ل، ن: آ): کمی؛ (آ: کزو دیده از و (وزن ندارد)؛ ک: این بیت را ندارد؛ ل: این بیت را پس از بیت ۲۶ آورده است

که با فرّ و برزست و با مهر و داد
 پذیرفتم آن را که فرمان برد
 نشستم برین^۴ تخت فرّخ پدر
 به داد از^۶ نیاگان فزونی کنم!^{۵۰}
 جز از راستی نیست با^۹ هر کسی
 بدآیین^{۱۲} زردشت^{۱۳} پیغامبرم!^{۱۴}
 نهم گفت^{۱۶} زردشت پیشین به روی^{۱۷}
 همه پادشاهید بر^{۱۱} چیز^{۲۲} خویش
 به فرزند و زنبور همان^{۲۴} پادشا
 نخواهیم آگندن^{۲۶} زر به^{۲۷} گنج
 گر^{۲۸} ایزد مرا زندگانی دهد

نگیرد جز از^۱ پاک‌دادار یاد!^۲
 گناه آن بسیجد^۳ که درمان برد!
 بر آیین طهمورت^۵ دادگر!
 شما را به دین^۱ رهنمونی کنم!^۷
 اگر چند^{۱۰} ازو نژی آید^{۱۱} بسی!
 ز راه نیاگان خود نگذرم!^{۱۵}
 نهم پور^{۱۸} پیغامبر^{۱۹} راست‌گوی!^{۲۰}
 نگهبان مرز^{۲۳} و نگهبان کیش!
 خنک مردم زیرک^{۲۵} پارسا!
 که از گنج درویش ماند به رنج!
 و زین^{۲۹} اختران بی‌زیانی^{۳۰} دهد،

۱- (لی: بجز) ۲- ق: چنانکش خردمند گیرد بیاد: ک این بیت را ندارد امالت دوم آنرا به حای! ات دوم بیت ۴۵ آورده است ۳- ل: سکالد: ل^۲ (نیز ل^۲ ب): پسندد: س^۴: بسنجد: متن = س. ق. ک (نیز ل. ن. ق. ل. پ. آ): لی این بیت ز پس از بیت ۲۸ آورده است ۴- ق: س^۲ (نیز ق. آ. پ. و. آ. ب): نشتم بر: ک: نشتم بر: (لی: نشتم بر): متن = ل. س. ل^۲ (نیز ل. ن. ل. آ. ن. آ) ۵- ق- س^۲ (نیز ل^۲ ب): طهمورت: (لن: طهمورت (نقطه ندارد): ق^۲: کیخرو): متن = ل. س (نیز لی): بنداری: و لماکان الیم الثامن استحضار الکاتب و امره ان یکتب الی کل واحد من ملوک الأقالیم. و أصحاب الأطراف کتابا یخبره فیه بان بهرام قعد متعده ایه. من تخت السلطنة: در لی این بیت پس از بیت ۲۹ آمده است ۶- ک: برادر: (و: <از>) ۷- ق. ک. س^۲ (نیز لی. ل. آ. و. ل. ن. آ. ب. ک: ک: متن = ل. س. ل^۲ (نیز ل. ن. ق. آ. پ. آ) ۸- (آ: بدان): در س. ل. ن. ل. ن. آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است: در لی این بیت س از بیت ۳۰ آمده است ۹- (ق^۲: بر) ۱۰- س (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ن. آ): اگر چه ۱۱- (ل: آ: زو کژی آمد) ۱۲- ل. ق. ک. ل^۲ (نیز پ): بران دین: س. س^۲ (نیز ل. ن. و. آ. ب): برین دین: (ق^۲: ل. آ: بر آیین: لی: بدین دشت: ل. ن. آ: ابر دین): متن تصحیح قیاسی است ۱۳- (ل: آ: زرتشت) ۱۴- ل. ک. س^۲ (نیز ل. ن. ل. پ. ل. ن. آ. آ. ب): پیغمبر: متن = س. ق. ل^۲ (نیز ق. آ. ل. آ. و) ۱۵- ل: آ: بگذرم: ل^۲ پس از این بیت افزوده است:

شما را بدین رهنمونی کنم
 بخیرات و احسان فردنی کنم

در لی این بیت پس از بیت ۳۲ آمده است ۱۶- س. س^۲ (نیز ل. ن. ل. و): دین: ک (نیز ل^۲): روز: پ: پ: پ: ق: کجا بود: ل. ن. آ: ابر دین: آ: تو هم دین: ب: بهم بود): متن = ل. ل. ل^۲ ۱۷- ل: خوانا نیست: س: بر او: ک: بدوی: ل: آ: بد او: (لی: بدو: ب. و. ل. ن. آ: بد او: ق: آ: را خویش او: ل: آ: بنشست بد پیش او): متن = س^۲ (نیز ل. ن. آ. ب) ۱۸- ل. س^۲ (نیز ل. ن. ب): براهیم: متن صحیح قیاسی است ۱۹- ل. ک. ل. آ. س^۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ل. پ. ب): پیغمبر: متن = س (نیز ل^۲) ۲۰- ل: آ: <ی>: (ل: ن: راه جوی): ق این بیت را ندارد: در لی این بیت پس از بیت ۳۶ آمده است: س^۲. و. آ. ب پس از این بیت افزوده اند:

چنین گفت کای نامدازان شهر
 ز گیتی همه نام جوید بهر

۲۱- س (نیز ل. ن. ل. آ): پادشاهان ابر: (پ: پادشاهانیم بر): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- س. ق (نیز ل. ن. ل. آ. پ): دین: (لی: خیل: ل^۲: جان): متن = ل. ک. ل. آ. س^۲ (نیز ق. آ. و. آ. ب) ۲۳- س^۲ (نیز لی. و. آ): چیز: (ب: دین): در لی این بیت پس از بیت ۲۸ آمده است ۲۴- ل. ل. آ. س^۲ (نیز لی. و. آ): نیز هم: (ل: ن: همه: ب: هم بود): متن = س. ق. ک (نیز ق. آ. ل. آ. ل. ن. آ) ۲۵- ل. ل. آ. ل. ن. ل. آ: زیرک و: متن = یازده دستنویس دیگر: در لی این بیت پس از بیت ۳۹ آمده است ۲۶- (لی: نخواهم بر آگندن) ۲۷- ک. آ: کنان به: ل^۲ (نیز ب): از رنج: (پ: آگند مازر به): ل^۲ این بیت را ندارد: در لی این بیت پس از بیت ۴۰ آمده است ۲۸- (لی: آ: که) ۲۹- ل. ل. ن. ل. ن. آ: برن: (لی: آ: بدین: ب: وزان): متن = ده دستنویس دیگر ۳۰- ل. ل. آ: کامرانی: (لی: بی‌زیانی: آ: بی‌زمانی: آ): متن = ده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد

یکی رامشی‌نامه^۱ خوانید^۲ نیز
ز ما بر همه پادشاهی^۵ درود
کزان^۳ جاودان ارج^۴ یابید و چیز!
بویژه که مهرش^۶ بود تار و پود!

۶۰ نهادند بر نامه‌ها^۷ نگین
برفتند با نامه‌ها موبدان
دگر^۹ روز چوین بردمید آفتاب
بزدیک مُنذر شدند آن^{۱۲} گروه
که خواهشگری کن به نزدیک شاه
۶۵ که چونان^{۱۵} شدیم^{۱۶} از بد بزدگرد
زبس^{۱۹} زشت^{۲۰} گفتار و کردار^{۲۱} اوی^{۲۲}،
دل ما ز بهرام ز آن^{۲۴} بود سرد^{۲۵}
بشد مُنذر و شاه را کرد نرم
ببخشید، اگر چندشان بد^{۲۷} گناه
۷۰ بیاراست ابوان شاهنشهی
چو جای بزرگی^{۳۰} پرداختند^{۳۱}
فرستادگان خواست با آفرین
سواران بینادل و^۸ بخردان
بیالید^{۱۰} کوه و بیالود^{۱۱} خواب،
که بهرام ازیشان چنان بد^{۱۳} ستوه،
ز کردار ما^{۱۴} تا ببخشد گناه،
که خون در دل^{۱۷} نامداران فسرده^{۱۸}!
ز بیدادی و^{۲۳} درد و آزار اوی^{۲۲}،
کزان^{۲۶} شاه بودیم یکسر به دردا
بگسترده پیشش سخن‌های گرم
که باگوهر و دادگر بود شاه
برفت آنک^{۲۸} بودش مهی و بهی^{۲۹}
که را بود شایسته بنشاختند^{۳۲}

۱- (لی: راستی‌نامه: لن: ۴: رامش جحش): ق: مرا رامشی شاه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲- ل: ۲ (نیز ب): خوانیم ۳- ق: کزین: (ق: ۴: که تا: ل: ۴: کراز) ۴- ل: تاج: (و: ب: ارز): متن = دوازده دستنویس دیگر ۵- س: س: ۲ (نیز لن: ق: ۲، و: لن: آ، ب): پادشاهان: متن = ل، ق، ک، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ب) ۶- ق: مهر ۷- (ل: ۳: نامه مهر): در لی این بیت ز بابا بیت سپین پس و پیش شده است ۸- (لی: آ: بیدار دل): بنداری: و أن الناس قد دخلوا له فی ربة الطعة، وأن الخلائق قد استظلموا بظلال معدته و استمسکوا بحبل خدمته. فکتب الکتب و نفذت علی أیدی الرسل الیهم ۹- س: ۳: دهم ۱۰- ل: ۲ (نیز ق: ۲، لی: ب): بیالود: س، ق، ک، س: ۲ (نیز لن: ل: ۲، پ، و): بیالید: (لن: ۲: بمالید): متن = (آ) ۱۱- ل، س، ق، س: ۲ (نیز لن: ق: ۲، لی: ل: ۲، ب): سالود (نقطه ندارد): ک: سالیذ (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): ل: ۲ (نیز و، لن: ۲): پالود (حرف یکم بی نقطه): (پ: پالید: متن = (آ) ۱۲- ل، ک: این: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳- ق، ک، ل: ۲ (نیز ق: ۲، ب): همی بد: (لی: شد: ل: ۳: همی شد: لن: ۳: بجان بد): ل: ۳: شد بود زیشان: متن = س، س: ۲ (نیز لن: و، آ، ب) ۱۴- (لی: گفتار او) ۱۵- ل: ۱۵: چنان ۱۶- ل: بدیم: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷- ل: تن: ک، ل: ۲: خون دل: (آ: بر دل): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- (ب: فسرده) ۱۹- (ل: ازان) ۲۰- (آ: زشت و) ۲۱- ق: (نیز پ، ب) کردار و گفتار ۲۲- ل: س: ۲ (نیز ق: ۲، لی: و، آ، ب): او: متن = (ل: ۲، لن: ۲) ۲۳- (ل: ۲: < و: لن: ۲: بیداری): لن بیت‌های ۶۶-۶۷ را ندارد ۲۴- ب: بهرام زان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- ک: بد بدرد ۲۶- ل: (نیز لی): که از: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- ق، ل: ۲: بدش ن: (ب: اگرشان بسی بد: و: ببخشیدشان گرچه بود آن): متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری: و اجتمعت اکابر الفرس الذین تخانوا و تعاهدوا علی مخالفة بهرام فدخلوا علی المنذر بن النعمان و سألوه مخاطبة الملك فی حقهم حتی يتجاوز عما بدر منهم من سوء الأدب، و یغفر لهم تلك الزلة: ق پس از این بیت افزوده است:

کرا بد شایسته بنشاندند
بهر جای خوانی بیاراستند

۲۸- ل: ۲ (نیز لی: آ): آنکه: متن = ل، ک، س: ۲ (نیز ق: ۲، ب) ۲۹- ق، ک: (نیز آ، ب): بهی و مهی: (لی: مهی و کهی): ل: بودند یکسر مهی: متن = س، ل: ۲ (نیز ق: ۲، لن: ۲): لن بیست‌های ۷۰-۷۱ را ندارد ۳۰- (ق: ۲: بزرگان) ۳۱- ق: بیاراستند ۳۲- (و: بنواختند): ق: می و رود و رامشگران خواستند: لی این بیت ندارد

به هر جای خوانی بیاراستند^۱
 دوم^۴ روز رفتند دیگر^۵ گروه
 به سه روز^۷ جشن و می و^۸ سور بود
 ۷۵ بگفت آنک^۹ نعمان و^{۱۰} منذر چه کرد^{۱۱}
 همه مهتران خواندند آفرین
 و زان^{۱۶} پس در گنج بگشاد شاه
 ز اسپ و ستام و ز^{۱۹} خفتان جنگ
 سراسر به نعمان و منذر سپرد
 ۸۰ کس اندازه‌ی بخشش او نداشت
 همان^{۲۴} تازیان را بسی هدیه داد
 بیاورد پس خلعت^{۲۶} خسروی
 به خسرو سپردند^{۲۸} و بنواختش

می و رود ز راشگران^۲ خواستند^۳
 سپهد ز خوردن نیامد^۶ ستوه
 غم از کاخ شاه جهان دور بود
 ز بهر من این^{۱۲} پاکزاده دو مرد^{۱۳}!
 بر آن^{۱۴} دشت^{۱۵} آباد و مردان کین!
 به دینار و دیبا^{۱۱} بیاراست گاه^{۱۸}
 ز بوی و ز هر گونه‌یی^{۲۰} رنگ‌رنگ
 جوانوی رفت آن بر ایشان^{۲۱} شمرد^{۲۲}
 همان تاو^{۲۳} با دوشش او نداشت!
 از^{۲۵} ایوان شامی برفتند شاد
 همان اسپ و هر^{۲۷} جامه‌ی پهلوی
 بر گاه^{۲۹} فرخنده بنشاختش

۱-ق: کرا بود شایسته بنشاختند ۲- (لی: چونان خورده شد رود می) ۳-ق: بهر جای خوانی بیاراستند؛ بنداری: فدخل المنذر علی بهرام و کلمه فی حقهم، ولم یزل به حتی عفا عنهم. ثم جلس من الغد و أذن لهم فی الدخول علیہ. فأقعد کل واحد منهم فی مرتبه من خدمة السریر، ثم مَدَّ السَّماط. و لما طعموا جلس للشراب ۴- (ل: دگر) ۵-س، س: ۲ (نیز ن، و، ل، آ، ا): بکسر؛ متن: ل، ق، ک، ل، ۲ (نیز ق، آ، ل، ۲، پ) ۶-ل: نیامد ز خوردن؛ (ل: ز خوردن نیامد)؛ ق: (نیز ل، آ، پ): زمانی ز خوردن نیامد؛ متن: س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ق، آ، و، آ) ۷-ل: سیم روز؛ ق: بسی روز؛ س: ۲ (نیز و، آ): همه روز؛ متن: س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، آ، ب) ۸. (لی: جشن همه)؛ ق: آ، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

ق: چهارم جو پیش آمدند آن مهان
 بزبانرا بخوبی بیاراست شاه
 بنزدیکی تخت ناه جهان
 بزر و بدیا بیاست گاه

ب: بروز چهارم بیامد بگاه
 نشست از بر تخت بر پیشگاه

۹-ل، ۲ (نیز ل، ل، ۲، پ، ل، آ): آنکه؛ (و: این که) ۱۰-ل (نیز لی): <و>؛ متن: سیزده دستنویس دیگر ۱۱- (ل: جگفت) ۱۲-ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، ل، ۲، و، ب): آن ۱۳- (ل: نهفت)؛ در ق: این بیت بابیت ۷۷ پس و پیش شده است ۱۴-ق: (نی لی): بدان ۱۵- (ل: جشن)؛ بنداری: و بقی کذلک ثلاثة أيام. ثم ذکر للحاضرين حسن صنع المنذر و ولده النعمان، و شکرهما علی رؤس الأَشهاد، و قام الحاضرون فأثنوا علی المنذر و شکروه و دعوا له ۱۶-ل (نیز ل، آ): ازان؛ متن: سیزده دستنویس دیگر ۱۷-ق: گوهر؛ (ب: و بدیا (وزن ندارد)) ۱۸- (ق: بیاورد و بنهاد در پیش گاه) ۱۹-ل: باسب و ستان و به؛ س: باستام و تیغ و به؛ ق، ک، س، ۲ (نیز لی-ب): به اسب و ستام و به؛ (ل: باسب و باستام و)؛ متن: ل = (نیز ق، آ) ۲۰-ق: (نیز ل، ن، پ، ل، آ): گوهری؛ ل، ک: ز خود و ز هر گوهری؛ (ق: ز خود و زره گوهر؛ ل، ۲: بیوی و بهر گوهر از)؛ متن: س، ل، ۲، س، ۲ (نیز لی، و، آ، ب) ۲۱-ل (نیز لی): بدیشان؛ متن: سیزده دستنویس دیگر ۲۲-ل: سپرد؛ متن: چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم أمر بإحضار جملة و افره من نفائس الجواهر و الخیل و الأسلحة و الذهب و النفضة و الملابس و المفارش و الجوارى و العلمان فأمر بتسليم ذلك كله الى المنذر و النعمان ۲۳-ک (نیز پ): تاب س، ۲ (نیز لی، و، آ): جهان تاو؛ ل، ۲ این بیت را ندارد ۲۴-س، ۲ (نیز ب): همه ۲۵-ل، ۲ (نیز لی): ز؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: و خضع علی جمیع أمراء العرب الذین کانوا فی خدمتهما، و خص کل واحد منهم بعطية سنیه. ثم صرفهم الى بلادهم شاکرین غانمین ۲۶-ق، ک، ۲ (نیز ب): خلعتی؛ (ل: آ: حاجب؛ ب: بیاراست پس خلعت) ۲۷-س (نیز ل، ن): آن ۲۸-ل، ۲ (نیز ب): سپرد او ۲۹-ق: (نیز ل، آ): بدرگاه؛ ک: این بیت را ندارد

ز تخت اندرآمد به کرسی رسید
ازو کهنتر آن نامدار^۴ جوان^۵
بدان تا بدآیین^۷ بود کشورش
به بخشش همه^۸ پادشاهی ببرد
سپاهش^۹ به^{۱۰} دینار^{۱۱} گشتند^{۱۲} شاد
بیامد بر شاه مردم^{۱۴} پذیر
شمار^{۱۶} جهان داشت اندر کنار
که نزدیک او بُد شمارِ درم
بفرمود تا بگسلند^{۱۸} از میان
ز بهر درم پیش دیوان^{۲۰} شدند
همه برگرفتند یک با دگر
بر ایران^{۲۳} درم بُد هزاران هزار
همه شهر ایران^{۲۵} بدان^{۲۶} گشت^{۲۷} شاد

شهنشه ز خسر^۱ به نرسی رسید
۸۵ برادرش بُد^۲ یکدژ^۳ و یکزبان
وُرا پهلوان کرد بر لشکرش^۶
سپه را سراسر به نرسی سپرد
در گنج بگشاد و روزی بداد
بفرمود پس ت کشسپ^{۱۳} دبیر
۹۰ کجا^{۱۵} بود دنا بدان روزگار
جوانوی بیدار با او به هم
ز باقی^{۱۷} که بُد نزد ایرانیان
دبیران دانا ب ایوان^{۱۹} شدند
ز باقی که بُد ر^{۲۱} جهان سربسر
۹۵ نود بار و سه بار^{۲۲} کرده شمار
بخشید و دیوان^{۲۴} بر آتش نهاد

۱-ل. ۲، س. ۲ (نیز ق. ۲): شهنشاه - خسرو - متن = یازده دستنویس دیگر ۲- (آ: خود)؛ س. ۲ (نیز لی، و. ب): برادر بدش ۳- س. (نیز لن، لن ۲): یک دل بد؛ ق. هم یک دل؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴- (ق. ۲، ل. ۲): کهنتر و نامدار و؛ آ: از آن کهنتران نامدار) ۵- ق. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی): جهان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶- ل. ۲: کشورش ۷- ل. س. ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز ق. ۲، ل. ۲- ب): بآیین؛ ق. بر آیین؛ (لن، لی: به آیین)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- ل. ل. ۲: همی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- ق. سپاهی ۱۰- س. ۲ (نیز لن، ق. ۲، لی، پ): ز ۱۱- (ل. ۲: جهانی بدو باز) ۱۲- ل. ۲: گشتند؛ بنداری؛ ثم خلع علی خسرو و أعطاه عطایا کثیرة و تحفا نفیسة، و جعله ملک حجابیه و سالار بابه. و قلداً آخاه نرسی بن یزدجرد قیادة لجیوش و تدبیرهم، و جعله پهلوان العساکر. ثم أمر للجنند بأرزاقهم حتی صلحت أحوالهم ۱۳- (ل. ۲: تا آن گشسب)؛ ک: بفرمود آتش گشسب ۱۴- س. ق. س. ۲ (نیز لی، و. آ. ب): دانش؛ (ل. ۲: رامش)؛ متن = ل. ک. ل. ۲ (نیز لن، ق. ۲، پ، لن ۲) ۱۵- س. ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن- د): که و؛ متن = ل. ۱۶- (ق. ۲: حساب)؛ ق. این بیت را ندارد؛ در س. ک. س. ۲، لن، لی، ل. ۲، و- ب: این بیت پس از بیت ۹۲ آمده است؛ در ق. ۲ این بیت بابت سپسین پس و پیش شده است؛ بیایی ایات = ل. ل. ۲ (نیز پ) ۱۷- (لی: زمانی؛ ل. ۲: از تازی؛ لن ۲: زبانی) ۱۸- ل. س. ل. ۲ (نیز لن، لن ۲): بگسلند؛ (لی: بترند)؛ متن = ک. س. ۲ (نیز ل. ۲، پ): ق. ق. ۲، و. آ. ب: این بیت را ندارند ۱۹- ل. ق. س. ۲ (نیز لن- پ، آ. ب): بدو؛ ان؛ متن = س. (نیز و، لن ۲) ۲۰- ل. س. ک. س. ۲ (نیز لن، ل. ۲، پ، لن ۲، ب): کیوان؛ ل. ۲ (نیز ق. ۲، لی، آ): ایوان؛ ق. نزد ایوان؛ متن = (و)، س. ک. س. ۲، لن، لی- ب: بیت ۹۸ را پس از این بیت آورده اند ۲۱- ل. ۲ (نیز لن- پ، لن ۲، آ): در؛ (لن ۲: زبانی که بد در)؛ متن = ل. س. ق. س. ۲ (نیز و، ب) ک این بیت را ندارد ۲۲- ق. نه باز؛ (لن: سی باز؛ ق. ۲، ل. ۲: شش باز؛ لن ۲: باد و سه بار) ۲۳- ل. س. ق. س. ۲ (نیز لن- پ): بایران؛ متن = ل. ۲ (نیز و، آ. ب)؛ ک این بیت را ندارد؛ بنداری؛ ثم استحضر الکاتب و الدستور و أمرهما بالکشف عن البقایا الواجبة علی رعایا ایران، و إحصانها و عرضها لدهیه. ففعلوا فکان المجموع ثلاثة و تسعین ألف ألف دینار؛ ق. ۲ پس از این بیت افزوده است:

بگفتند ما شهریار جهان
بدان تا بماند در آبادم
بهر کس رسیده بود بخشش
چنین گفت با خویشان در نهان
کسی کو بداند ز نالرز ارز
به نیکی گراید همه کوششش

۲۴- ق. (نیز ق. ۲، ل. ۲): دفتر؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- س. ۲ (نیز لی، و. آ. ب): مرز ایران؛ (ق. ۲: شهریاران)؛ متن = ل. ل. ۲ (نیز لن، ل. ۲، پ، لن ۲) ۲۶- ل. (نیز لی، پ، و. آ. ب): بدو؛ ک: بران؛ (لن ۲: از آن)؛ متن = س. ق. ل. ۲ (نیز لن، ق. ۲، ل. ۲) ۲۷- (پ: بود)

همی آفرین خونند هر کس^۱ بسی
 به ایوان نرروز و جشن^۲ سده
 به بهرام بر^۵ آفرین خواندند!
 یکی^۷ تا بگرند گرد^۸ جهان
 بجست و به یک شهرشان کرد گرد
 که آزادگان را کند خواستار^{۱۱}
 ببخشید^{۱۲} باندازه شان^{۱۳} کشوری^{۱۴}
 که آواز بهرام ازان سان^{۱۷} شنود^{۱۸}،
 گشاده دل و تازه روی^{۲۰} آمدند
 سوی موبد مویا^{۲۳} آرند^{۲۴} روی^{۲۵}
 منادی گری کرد بر در^{۲۸} به پای،
 ز غم دور باشید^{۳۰} و دور از گناه!
 که از داد^{۳۳} باد دارد^{۳۴} زمین!
 که دارنده^{۳۶} نوی ست و^{۳۷} فریادرس!

چو آگاه شد زان سخن هر کسی
 برفتند یکسر به آتشد
 همی^۳ مشک بر آتش افشانند^۴
 ۱۰۰ وُزان پس فرستاد^۶ کارآگهان
 کسی را کجا رانده^۹ بُد یزدگرد
 بدان تا شود^{۱۰} نامه‌ی شهریار
 فرستاد خلعت به هر مهتری
 رد و موبد و مرزبان^{۱۵} هرکه^{۱۶} بود
 ۱۰۵ سراسر به درگاه اوی^{۱۹} آمدند
 بفرمود تا هرکه^{۲۱} بُد دادجوی^{۲۲}
 چو فرمانش آمد ز هر در^{۲۶} به جای^{۲۷}
 که ای زبردستان بیدار^{۲۹} شاه
 وُزان^{۳۱} پس بر آن^{۳۲} کس کنید آفرین
 ۱۱۰ ز گیتی به یزدان پناهِید و^{۳۵} بس

۱-س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، و، آ، ب): بر وی؛ متن = ل-ل^۲ (نیز ل^۲، پ، ل^۲) (ق^۲، ل-۲: جشن و ۳، ق، ک (نیز ل^۲، ل^۲): همه ۴-ل^۲):
 بفشانند؛ س^۲ (نیز و، آ، ب): بر آتش همی مشک بفشانند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۵-س (نیز ل^۲، ل^۲): شاه؛ بنداری؛ فامر یاسقاطها
 کلها عنهم، و أحرق الجرائد الناطقة ببقائنا عليهم. فاستفاضت هذه المکرمة الجلیلة، واستبشر بها جميع أهل المملکة فدخلوا بیوت النار
 و نثروا المسک علیها، و سألو الله تعالی ثبات ملکه و دوام دولته ۶-ل: بفرمود؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۷-ق^۲، پ، آ: بدان
 ۸-ق، ک، ل^۲ (نیز ل^۲): بگردد بگرد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹-ل (نیز زنده) ۱۰-س^۲ (نیز ل^۲، آ): نامور؛ ق: همان بود آن؛ (و: بران
 نامور)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۱-ل (و: جهانی گرفتند یکسر نثار)؛ بنداری؛ ثم أمر بتفریق تقاه فی أقطار الممالک حتی یسترجعوا
 الذین تفرقوا فی أيام ابيه من عسفه و جوره الی اوطانهم. فعادوا آمینین و ادعین ۱۲-ک، بیخشد ۱۳-ل: باندازشان؛ ل^۲ (نیز پ): با
 بدره شان؛ س^۲ (نیز ل^۲، آ، ب): باندازه بخشیدشان؛ (و: بر اندازه بخشیدشان)؛ متن = س، ق، ک (نیز ل^۲، ق، آ، ل^۲) ۱۴-ل: بهر نامداری و
 هر سروری) ۱۵-س (نیز ل^۲): موبدان موبد و؛ (ل^۲): موبد موبدان)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ل: هرک؛ ق، ک: هر کی؛ متن =
 دوازده دستنویس دیگر ۱۷-ل (نیز ل^۲، پ): زان؛ (ق^۲): ازیشان؛ (و: اوزار از انسان)؛ ق: چو آواز بهراه زانسان؛ متن = س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲،
 ل^۲، آ، ب) ۱۸-ل (و: آواز بهرام ازان سان ستود) ۱۹-ل (نیز ق^۲): شاه؛ س، ک، ل^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، آ، ب): او؛ ق: خان؛ (ل^۲): باز؛ متن =
 س^۲ (نیز و) ۲۰-ل^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، پ، آ): <ی>؛ (ق^۲): راه؛ ل: نیک خواه؛ (ل^۲): راه جوی؛ (ل^۲): روی بیا؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز و، ب)؛ س، ک،
 ل^۲، آ، ب: پس او ندانند ۲۱-ل: هرک؛ ق: هر کی؛ ک: هر چه؛ (ل^۲): هر یکی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ل: دادخواه؛ ل^۲، آ:
 چاره جوی) ۲۳-س، ق، ک (نیز پ، ل^۲): موبدان موبد؛ ل^۲، س^۲ (نیز و، آ، ب): موبد موبدان؛ متن = ل (نیز ل^۲، ق، آ، ل^۲) ۲۴-ل، ک (نیز
 ق، آ، ب): آورد؛ ل^۲، س^۲ (نیز و، آ، ب): کرد؛ متن = س، ق (نیز ل^۲، ل^۲، آ، ل^۲) ۲۵-ل: آید ز راه) ۲۶-ل، ل^۲ (نیز ل^۲، پ، ل^۲): ز گیتی؛ (ق^۲): آ:
 بگیتی؛ ل: ز هر دو)؛ متن = س^۲ (نیز و، آ، ب) ۲۷-ک: برای؛ (ل^۲): ز جای) ۲۸-ل (و: دیگر) ۲۹-ل: بهرام) ۳۰-ل (و: باشی) ۳۱-ل، ک:
 وزین؛ س^۲ (نیز و، آ): ازین؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز ل^۲، ق، آ، ل^۲، پ، ل^۲) ۳۲-ق: بدان ۳۳-س (نیز ل^۲، پ): دانش؛ ق، ک (نیز ل^۲، آ): دادش؛
 متن = ل، ل^۲ (نیز ق^۲، آ، ل^۲) ۳۴-ق، ک (نیز ل^۲): باشد؛ س^۲ (نیز و): آباد دارد بداد این؛ (و: آباد دارد آذین)؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز ل^۲، ق، آ،
 پ، ل^۲): ل^۲ این بیت را ندارد ۳۵-ل^۲ (نیز ل^۲، ق، آ، ل^۲): <و> ۳۶-ق^۲، ل^۲: داننده) ۳۷-ل: <و>

نیچد سر از داد و^۲ پیمان ما،
 ز دل کینه و آزه^۵ بیرون کنیم!
 به پادافره^۷ بدو بیاویزد^۸ اوی^۹!
 به کام دل ما رود^{۱۱} روزگار،
 شما را بر ما^{۱۴} ستایش بود^{۱۵}!
 برفتند^{۱۸} شادان و با آب روی^{۱۹}!
 فزون گشت شادی^{۲۱} و انده بکاست،
 وگر^{۲۴} اسپ و میدان و چوگان^{۲۵} و گوی^{۲۳}

هر آن کس که بگزید^۱ فرمان ما
 بدو^۳ نیکوی‌ها بر افزون^۴ کنیم!
 هر آن کس که ز ده^۶ بگریزد اوی^۶
 گر ایدونک^{۱۰} نیرو دهد کردگار
 ۱۱۵ برین^{۱۲} نیکوی ما فزایش بود^{۱۳}!
 همه شهر ایران به^{۱۶} گفتار اوی^{۱۷}
 بدانگه^{۲۰} که شد پادشاهیش راست
 همه بزم و^{۲۲} نخچیر بُد کار اوی^{۲۳}

گفتار اندر داستان بهرام با لنبک و براهام جهود^{۲۶}

همی رفت با چند گرد دلیر^{۲۸}
 بدو^{۲۹} گفت کای شاه یزدان پرست،

چنان بُد که روزی به نخچیر شیر^{۲۷}
 ۱۲۰ بشد پیرمردی عصبی به دست

۱- (ق: ۲) هر آنکو نگردد ز) ۲- ل، س، س، ۲ (نیز لی، و، لن، ۲، ب): رای و؛ (لن، ق، ۲، پ، براه): ک: دل از راه و؛ ق (نیز ل ۳): نیچید گردن ز؛ متن = ل: آ: این بیت را ندارد ۳- س، ل، ۲ (نیز ل، ۲، پ، لن، ۲، ب): برو؛ س ۴ (نیز لی): برین؛ (ق: ۲، و: بران): متن = ل (نیز لن) ۴- ق، ل، ۲ (نیز لی، پ، و، ب): به افزون ۵- ک: خشم؛ آ این بیت را ندارد ۶- ل، س، ۲ (نیز لن- ل، ۳، و، آ، ب): او؛ متن = (پ، لن، ۲) ۷- ل: در؛ س، ک، س، ۲ (نیز لن- و، آ، ب): ما؛ ق: داد؛ ل: بر؛ (لن: ۲، تا): متن تصحیح قیاسی است ۸- ل، ک (نیز ل ۳): نیاویزد؛ (لی، پ، و، آ، ب: آویزد): متن = س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ق، ۲، لن، ۲) ۹- ل، س، ۲ (نیز ق، ۲، ل، و، آ، ب): او؛ متن = (لن، ل، ۳، پ، لن، ۲) ۱۰- (ل: ۳) گر ایدونکه (۱۱- ل، ق (نیز ل ۲): شود؛ س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، و، آ، ب): بود؛ متن = (لن، لن، ۲) ۱۲- ل: برو؛ س ۲ (نیز لی، آ، ب): بدین؛ (ل، ۳، و: بران): متن = س، ل، ۲ (نیز لن، ق، ۲، پ، لن، ۲) ۱۳- س، ۲ (نیز آ، ب): کنیم؛ (و: ستایش کنیم) ۱۴- ل: من؛ ک: بتیمار بر ما ۱۵- س، ۲ (نیز و، آ، ب): بآتش نیایش کنیم ۱۶- (ق: ۲، ز) ۱۷- ق (نیز آ): او ۱۸- (آ: بیودند؛ ل: ۲، برفتند و) ۱۹- ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز آ <ی>): دل و تازه روی؛ ق: بر آب رو؛ (و، ب: دل و راه جوی؛ پ: شاداب و با آب روی): متن = س، ک (نیز لن- ل، ۲، لن، ۲) ۲۰- ق (نیز ل ۳): برانگه ۲۱- ل: شادیش ۲۲- ل: روز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳- ق (نیز آ): (ی < ۲۴- ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ۲، لی، پ، و، لن، ۲): دگر؛ ل: اگر؛ متن = س (نیز لن، ل، ۲، آ، ب) ۲۵- س (نیز لن، ل، ۲، لن، ۲): چوگان و میدان؛ (ق: ۲): تاختن اسپ و چوگان؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: ثم إنه لما استتب أمره، و استقام ملکه، و شمل البر و البحر حکمه تفرغ للصيد و الطرد و اللهب و الضرب؛ فیوما فی الميدان للعب بالکرة و الصولجان، و یوما فی البستان بین انزاح و الريحان، و مرة خلف غزلان الإنس، و آونة خف غزلان الوحش ۲۶- ل: داستان بهرام گور با براهام جهود؛ س: داستان بهرام گور با لنبک سقا و براهام جهود؛ ق: گفتار در داستان لنبک سقا و براهام جهود؛ ک: داستان بهرام گور با لنبک آبکش؛ ل، ۲، س، ۲: داستان بهرام گور با لنبک سقا؛ متن = (گفتار اندر + لن) ۲۷. (ل: ۳، شاه) ۲۸- ل: گرد و دلیر؛ (ل: ۲): گرد و سپاه؛ ک: این بیت را ندارد ۲۹- س، ۲ (نیز و): چنین؛ آپس از این بیت افزوده است:

به کام تو بادا زمین و زمان
 بگویم سخن‌ها همه سودمند

سرت سبز بادا دلت شادمان
 اگر گوی دزی بدین دردمند

بهرام زُفتست با^۱ سیم و زر^۲
 بدآزادگی^۵ لنبک^۶ آبکش
 [پرسید از آن^۸ مهتران^۹ کین کیند^{۱۰}؟
 [چنین گفت با او یکی پارسا^{۱۳}
 ۱۲۵ [سفایست این^{۱۶} لنبک آبکش
 به یک نیمروز^{۱۹} آب دارد نگاه
 نماند به فردا^{۲۳} از امروز چیز
 بهرام^{۲۵} بی بر جهودیست زُفت
 درم دارد و گنج^{۲۷} دینار نیز^{۲۸}

جهودی فرینده بی^۳ بدگهر^۴
 بدآرایش^۶ خوان^۱ و گفتار خوش
 ز^{۱۱} گفتار بین بیرسر بر چیند^{۱۲}؟
 که ای نامور باگهر^{۱۴} پادشا^{۱۵}،
 جوانمرد^{۱۷} ب خون و گفتار خوش^{۱۸}،
 دگر نیمه^{۲۰} مهمان بجوید^{۲۱} ز راه^{۲۲}
 نخواهد که در خانه باشد بنیز^{۲۴}!
 کجا زُفتی^{۲۶} او نشاید نهفت
 همان فرش و^{۲۹} دیبا و هر گونه چیز^{۳۰}

۱-ل (نیز پ): مردیست پرس (نیز لن، لن^۲): مردی پر از؛ ق: دارد بسی؛ (لی: ابراهام مردی پر از)؛ متن = س^۲ (نیز و، آ، ب) ۲-ک: بادی بسیم و بزر؛ ل: بودی بسیم و بزر؛ ل: ^۲مردی بسیم و بزر؛ ق: ^۲یکی مردی بسیم و بزر؛ (منن = دیده دستنویس دیگر ۳-ل، ل^۲ (نیز پ، آ، ی) <): جهودی فرینده و؛ ک: جهود فرینده؛ (ل: ^۲جهودی فرینده و)؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز لن، و، آ، لی، و، لن، آ، ب) ۴-ک (نیز لن، ق، ل، آ، لن): هنر؛ ل: بی هنر؛ متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب)؛ بنداری: فاتفق أنه خرج ذات يوم الى نصيد فعبر عليه شيخ بيده عصا فذكر له أنه هاهنا يهودى ذو ثروة واسعة وأموال جمعة، وهو مع ذلك لثيم جاهل، وعن حلية المروءة: عاطق؛ ق: ^۲پس از این بیت افزوده است:

نه بیند کسی زو یکی تائی نان

ازو نیست خود سود و چندین زیان

۵-ل: بدآزاده؛ س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب): بازادگی؛ ق: نه آزاد آن؛ (ل: ^۲یکی با آن؛ لن، آ، آ: بازادی)؛ متن تصحیح قیاسی است ۶-ل، س، ق، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب): برآرایش؛ ک: برآرایش؛ متن تصحیح قیاسی است ۷-ل: خواب؛ (لی: جوانمرد با خوب) ۸-ل (نیز لن): زان؛ ک: از؛ ل: ^۲ (نیز پ): ازین؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، ب) ۹-ل، س (نیز لن، پ، لن <): کهران؛ متن = س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، ب) ۱۰-س (نیز لی، پ، و، ب): که اند؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز لن، و، آ) ۱۱-ل: به؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-س، س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): چه اند؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز لن): ل^۲ این بیت را ندارد؛ ل، س^۲ پس از این بیت افزوده اند:

باواز گفتند کای شهریار

ز تو دور بدآب روزگار

۱۳-ل: نامدار؛ ک: یلی پارسا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴-س^۲ (نیز و، آ): مهتر؛ (ق: ^۲پر گهی)؛ ل، ل^۲: باگهر نامور؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، لی، لن، آ، ب) ۱۵-ل: شهریار؛ (لن: پارسا)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ل (آ، آن) ۱۷-ل (و، لن، آ): جوانمرد و ۱۸-ل: که آزادگانرا شود شیرفش؛ (لی: برآرایش خوان و گفتار خوش) ۱۹-ل (پ، لن): نیمروز؛ ل: روز و نیم؛ و، آ: نیمه روز؛ ق: ز یک روز نیم ۲۰-ب: نیم) ۲۱-س (نیز لن، لن، آ): بخواند ۲۲-ل^۲ (نیز پ): براه؛ لی این بیت را ندارد؛ ق: ^۲پس از این بیت افزوده است:

زمانه نیارود همتای اوی

همان نام جوید بخت و سبوی

۲۳-آ: بفردا نماند) ۲۴-س، ق، ک، ل، آ (نیز ق): باشدش نیز؛ س^۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب): ماندس نیز (لن: ماند پیش؛ لن: ماندش چیز؛ ل: ^۲ همان فرش دیبا و هر گونه چیز)؛ متن = ل: بنداری؛ و قیل: هاهنا رجل آخر سقاء فقير يطعمه الأدياف ولا يخشى الإسراف. فسأل عنه الملك فقيل: إن من عادته أن يدور بقرب الماء على الأبواب الى نصف النهار. ثم يطلب الخيف، ويحملة الى بيته وينفق عليه كسب يومه ولا يترك شيئاً من غده ۲۵-لی: بهرام) ۲۶-ق (آ: رفتن)؛ ق: ^۲پس از این بیت افزوده است:

نبیند کسی باز او را بچشم

همیشه ز مهمان بود پر ز خشم

۲۷-ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ب): گنج و؛ متن = س، ق (نیز لن) ۲۸-ل (آ: و چیز) ۲۹-ل، ق، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ، آ، ب): <؛ متن = س، ل، آ (نیز ق، آ، و، لن، آ) ۳۰-ل: نخواهد که در خانه ماندش نیز؛ ق: ^۲پس از این بیت افزوده است:

چو بشنید بهرام آمدش خوش

ز کردار آن لنبک آبکش

که شو^۱ بانگ زن^۲ پیش بازارگاه،
 خرد^۴ آب، خوردن نباشدش^۵ خوش!
 نشست از بر باره^۷ زودیاب^۸،
 بزد حلقه بر چوب و^۹ آواز داد،
 چو شب تیره شد^{۱۱} باز ماندم^{۱۲} ز شاه^{۱۳}،
 همه^{۱۶} مردمی^{۱۷} باشد و فرهی!
 و زان^{۲۱} چرب^{۲۲} گفتار^{۲۳} دمساز^{۲۴} اوی^{۲۵}!
 که خشنود بادا^{۲۵} ز تو شهریار!
 همه یک به یک بر سرم^{۲۷} مه بُدی!

۱۳۰ منادیگری را بفرمود شاه
 که هر کس که از^۳ لنبک آبکش
 همی بود تا زرد^۶ گشت آفتاب
 سوی خانه‌ی لبک آمد چو باد
 منم سرکشی-گت-ز^{۱۰} ایران سپاه
 ۱۳۵ بدین^{۱۴} خانه امشب^{۱۵} درنگم دهی
 بید^{۱۸} شاد لنبک از^{۱۹} آواز اوی^{۲۰}
 بدو^{۲۴} گفت: زو اندرآی ای سوار
 اگر با تو ده تب^{۲۶} بُدی، به بُدی!

همی داشت آن باره^{۲۹} لنبک نگاه
 یکی رشته^{۳۱} بنهاد بر گردنش
 یکی مهره^{۳۳} شطرنج پیش^{۳۴} آورد
 بیاورد هرگونه آوردنی

فرود آمد از اسب^{۲۸} بهرام شاه
 ۱۴۰ بمالید شادان^{۳۰} به چیزی تنش
 چو بنشست بهرام، لنبک دوید^{۳۲}
 یکی چاره‌یی ساخت از^{۳۵} خوردنی

۱-ک: شد؛ ل^۲ (نیز ق^۲-پ، ل^۲): ر؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز ل^۲، و، آ، ب) ۲-ک: زد؛ ل این بیت را ندارد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۳- (پ: کزین) ۴- (ل^۲، آ: خورد؛ ل^۲، ق این بیت را ندارند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-س (نیز ل^۲، ل^۲، آ، ب): نیایدش؛ متن =
 ق-س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، پ، و): ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فأمر الملك بأن ينادى فى السوق أن من اشترى ماء من لنبك السقاء لم يلق خيرا
 ۶-س^۲ (نیز و، آ): تیره ۷-ل: باره بی؛ ق-س^۲ (نیز پ، آ، ب): تازی؛ (لی، و): تازی؛ ل^۲: اسب بی؛ متن = س (نیز ل^۲، ق^۲، ل^۲) ۸- (لی):
 ناب؛ ل (نیز ل^۲): زور و تاب؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-ل: درش؛ ل^۲: حلقه چوب و؛ (ق^۲): حلقه رازود و؛ ک: بزد بر حلقه بر
 چوب و (ل): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-ل-ک (نیز ل^۲، ق^۲، ل^۲، ل^۲): که من سرکشی ام از (ل، ق، ل^۲): (ز): متن = ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، پ،
 و، آ، ب) ۱۱-س (نیز ل^۲، ل^۲): شد تیره شب؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-س (نیز ل^۲، ل^۲): دور ماندم؛ متن = یازده دستنویس
 دیگر ۱۳-ق، ک (نیز پ): راه ۱۴-ل: درین؛ متن ← ۱۵- (ق^۲): یک امشب اگر خود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- (ق^۲): همی
 ۱۷-ل^۲: خزمی؛ بنداری: ولما تورب الشمس زكب متكرا وجاء الى بيت السقاء و قرع الباب و قال: أنا من ممالیک السلطان و قد
 تخلفت عنه و أمسیت، و أريد أن أبيت، اللينة فى هذا البيت حتى اذا أصبحت لحقت به ۱۸- (پ، و، ب: بشد) ۱۹-ل، ک، ل^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب):
 ز؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲) ۲۰-ل، ق، ک (نیز ق^۲-پ، آ): او؛ متن = س، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، و، ل^۲، آ، ب) ۲۱-س^۲ (نیز ل^۲، و، ل^۲، آ، ب): ازان
 ۲۲-ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، پ، و): خوب؛ متن = ق، ک (نیز ق^۲، ل^۲) ۲۳- (ق^۲): و آن راز؛ ک: بیت ۱۳۵ را اینجا دوباره آورده است
 ۲۴-ل، ک، ل^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، آ، ب): ورا؛ متر = ده دستنویس دیگر ۲۵- (آ: باشد) ۲۶- (ل^۲): کس ۲۷-ق، س^۲ (نیز ل^۲، پ، آ): بر سرم یک یک؛
 (ل^۲): سر بر سرم؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز ل^۲، ق^۲، آ، ب)؛ بنداری: قال: فرحب به السقاء و قال: انزل مع الله بك الملك، و یا طوبی لو
 كان معك عشرة آخرون فكت أ-نملهم على رأسی و عینی ۲۸-ل: باره؛ متن ← ۲۹-ق: امب؛ و این بیت را ندارد؛ متن = سیزده
 دستنویس دیگر؛ س در اینجا سرنامه دارد: رفتن بهرام گور بخانه لنبک آبکش ۳۰- (ب: لنبک) ۳۱- (آ: بند)؛ و این بیت را ندارد
 ۳۲- (ل^۲): بدید ۳۳-ل، س، ل^۲، س^۲ (نیز ل^۲، پ، ب): شهره؛ ق (نیز ل^۲): نرد و؛ (ق^۲): بهره؛ لی: نغز؛ متن = ک ۳۴-ل^۲: خوانی فراز؛ و
 این بیت را ندارد ۳۵-ق، س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، پ، آ، ب): در؛ (ق^۲): بر؛ ک: جست در؛ ل: کاسه آورد بر؛ و این بیت را ندارد؛ متن = س، ل^۲ (نیز
 ل^۲)

به بهرام گفت: ای گرانبایه^۱ مرد
 بدید^۳ آنک لبیک بدو داد^۴ شاه
 ۱۴۵ چونان خورده شد، میزبان در زمان^۷
 شگفت آمد او را از آن^{۱۰} جشن اوی^{۱۱}
 بخفت آن شب و بامداد پگاه
 چنین گفت لبیک به بهرام گور
 یک امروز مهمان من باش و^{۱۷} بس!
 ۱۵۰ بیاریم^{۲۰} چیزی که باید^{۲۱} به جای^{۲۲}
 چنین گفت با آبکش شهریار
 بشد لبیک و مشک^{۲۷} چندی کشید
 غمی^{۳۰} گشت و پیراهنش برکشید^{۳۱}
 بنه مهری بازی^۲ از بهر خورد!
 ببخشید^۵ و بهاد بر^۶ پیشگاه
 بیاورد یک چم می^۸ شادمان^۹
 و زان^{۱۲} چرب^{۱۳} گتار و آن تازه روی^{۱۴}!
 از آواز او چشم بگشاد شاه^{۱۵}
 که شب بی نوا بُد همانا به سور^{۱۶}،
 اگر^{۱۸} یار حواهی بخوانیم^{۱۹} کس!
 یک امروز ب ما^{۲۳} به شادی بیای^{۲۴}!
 که امروز چندان^{۲۵} نداریم کار^{۲۶}
 خریدار آبش^{۲۸} نیامد بدید^{۲۹}
 یکی آبکش را به بر درکشید^{۳۲}

۱-س^۲ (نیز لی، و): سرافراز ۲-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، لی، و، لن): مهره بازی کن؛ (پ، آ، ب: مبره یا ی کن)؛ ل: زمانی مساعد شو؛ (ق: همه مهره بازی کن)؛ متن = ل (نیز ل^۳) ۳- (لن: برید) ۴-س^۲ (نیز و، آ، ب): بیاورد؛ متن = ل، س، ک، (نیز ق^۲، لی، ل، آ، لن) ۵-س (نیز لی، لن): سجید (سه حرف نخستین بی نقطه)؛ س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب): بخندید؛ (لن: سنجید دو - حرف نخستین بی نقطه)؛ متن = ل، ک (نیز ل^۳) ۶- (لی، ب: در)؛ ق، ل، آ، پ این بیت را ندارند؛ بنداری: فنزل الملك، وأخذ السقاء بعنان و سه، و نقض عنه الغبار و حط سرجه و مسح ظهره. ثم عدا و سعی فی إصلاح طعام له فقدمه بین یدیه. فلما رأی بهرام ذلك صحك، ثم اشتغل بالأكل ۷- (ق: در زمان میزبان) ۸-ل: جامی زمی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹-ل: میزبان؛ ل، آ، س: پس از این بیت افزوده اند:

همی خورد بهرام تا گشت مست بخوردنش آنکه (ل) بخوردنش پس آنکه) بیازید دست

۱۰-س (نیز لن، لن): عجب مانند شاه از چنان؛ ق: عجب مانند شاه از خوشی؛ ک، ل: عجب مانند شاه از انان؛ س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): شگفتی شده شاه در؛ (پ: عجب مانند بهرام از انان)؛ متن = ل ۱۱- (ق: نیز آ): او؛ ل: بزم اوی؛ لی: جشن گاه؛ ق، آ، ل: عجب مانند شاه اندر آیین اوی) ۱۲- (ق: لی، پ: از انان) ۱۳-ل، ق، ک (نیز ل، آ، ب): خوب؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- (آ: ی)؛ و: گفتار آن ماه روی؛ لی: پساوند ندارند؛ بنداری: و لما فرغ جاء بالشراب فكان الملك يشرب و يقضى العجب من سعة صدره مع ضيق یدیه ۱۵-ل: دارد سپاه ۱۶-ل، ک، س^۲ (نیز لن، ب): ستور؛ ل: امشب نوانی همانا ستور؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۷-س^۲ (نیز لن، لی، پ): < و >؛ متن = ل، س (نیز ق^۲، آ، و، ب) ۱۸-ل، س: وگر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- (آ: نخوانیم؛ ب: بجویید) ۲۰- (لی: بسازیم) ۲۱-ق-س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب): کخواهی؛ متن = ل، س (نیز لن، لن) ۲۲-س (نیز لن، لن) ۲۳-س (نیز لن، لن)؛ بکار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-س (نیز لن، لن)؛ گذار؛ ل (نیز لی، ل، و) گرای ۲۵- (لی: جز آن؛ ل: ما خود) ۲۶-س (نیز لن، لن)؛ دیگر ببندیم کار؛ (ب: نکاریم کار)؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز ق^۲، و، آ)؛ بنداری: م نام و لما أصبح جاء السقاء و اعتذر اليه و سأله أن يقيم عنده ذلك اليوم ليقوم بحق ضيفته. فأجابته الى ذلك؛ ل، آ، س: پس از این بیت افزوده اند:

که ناچار زیدر بیاید شدن هم اینجا بنزد ما خراهم بدن
 بسی آفرین کرد لبیک بر اوی ز گفتار او تازه تر برد روی

این بیت هادرس، ق، ک، لن، ب، بنداری نیامده است ۲۷-ل: آب؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸- (ل: او کس) ۲۹- (ق: چنان آبکش را ببر درکشید) ۳۰- (ب: همی) ۳۱-ل: درکشید؛ (لی: پیراهن اندرکشید)؛ متن = س-س^۲ (نیز لن، ل) < و > (ب) ۳۲-ل: برکشید؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق^۲ این بیت را ندارد، امالت دوم آنرا به جای لت دوم بیت ۱۵۲ برده است؛ ل پس از این بیت و ل پس از بیت ۱۵۴ افزوده اند:

بیامد سوری خانه چون باد و دود بها بستد و گوشت بترید زود

که دستار بودیش در زیر^۱ مَشک
 ۱۵۵ به اندام کالرشه^۴ برنهاد^۵
 پخت و بخوردنا^۷ و می خواستند
 بیود آن شب تیر^۹ با می به دست
 چو شب روز شد نیز^{۱۱} لنبک برفت
 بدو گفت: روز سیم^{۱۳} شاد باش!
 ۱۶۰ بزَن دست با من^{۱۵} یک امروز^{۱۶} نیز
 بدو گفت بهرام کین خود مباد
 برو^{۲۰} آبکش آفرن ترد^{۲۱} و گفت
 به بازار شد، مَنک و آلت ببرد
 خرید آنج^{۲۴} بایست و آمد دمان^{۲۵}
 ۱۶۵ بدو گفت: یاری ده^{۲۷} اندر خورش
 ازو بستد آن گوشت بهرام زود

به بازار شد، گوشت آورد^۲ و کشک^۳
 و زان^۶ رنج مهمان همی کرد یاد
 یکی مجلسی دیگر^۸ آراستند
 همان^{۱۰} لنبک آبکش می پرست
 بیامد به^{۱۲} نزدیک بهرام تفت
 ز رنج و غم و کوشش^{۱۴} آزاد باش!
 چنان دان که بخشیدی ام^{۱۷} زَر و^{۱۸} چیز!
 که روز سدیگر^{۱۹} نباشیم شاد!
 که بیدار دل باش و^{۲۲} با بخت جفت!
 گروگان به پرمایه مردی^{۲۳} سپرد
 به نزدیک بهرام شد شادمان^{۲۶}
 که مرد از خورش ها کند پرورش!
 برید^{۲۸} و بر آتش^{۲۹} خورش ها فزود

۱-س: بردیش درام (۴)؛ (ل:آ)؛ یکی بد دسار در زیر؛ ب: دو دستار بودیش در زیر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-س: (نیز لی، و، آ، ب): بخريد؛ متن = س-ل (نیز لن، ل، آ، ل، پ، لن، آ) ۳-س: کار (پساوند ندارد)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد؛ بنداری: فأخذ قربته أذاته، و دار بالما. ساعة فلم يشر أحد منه. فغمه ذلك فخلع قميصه، وأتزر بمنزركان يلبسه تحت القرية، فباعه و اشتری لحمًا وكشكًا؛ س: پس از این بیت افزوده است:

بیامد بر نامور شهریار فروخت و خرید آنج آمد بکار

۴-ک: بالوش (حرف یکم بی نقطه)؛ (پ، ب: کانونه؛ آ: کادوشه)؛ س: (نیز لی <و>)؛ بیاورد و کالوشه؛ متن = س، ل (نیز لن، ل، آ) ۵- (ق:آ)؛ بیامد یکی دیگر بر سر نباد) ۶- (ق:آ)؛ ازان؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل، ق، ل، آ این بیت را ندارند ۷- (و: بیاورد و خوردند) ۸- ل، ل، آ (نیز ق:آ)؛ مجلس دیگر؛ س: (نیز لی، و، آ <ی>)؛ ب: (یکی (لی: همی) بز مگاهی نو؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۹- ل، <ه> ۱۰- ل، آ: همه الی (نیز لن)؛ بیز (حرف یکم بی نقطه)؛ س: تز (حرف دوم بی نقطه)؛ ل: س (نقطه ندارد)؛ س: (نیز ل، آ، پ، لن، آ، ب): تیز؛ (و: نیمه؛ ق: چو شد شب که روز)؛ متن = ق، ک (نیز لی) ۱۲- (آ: بیام و به) ۱۳- ل، آ (نیز لی، و، آ، ب): سیوم؛ ق، س: سوم؛ س (نیز لن، پ، لن، آ)؛ رز و سان؛ متن = ل، ک (نیز ق، آ، ل، آ) ۱۴- ل، آ: درد؛ (ب: غم گیتی)؛ س: (نیز لی، و): برنج از غم رفتن؛ (آ: برنج غم از کوشش)؛ متن = ل، ک، (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ) ۱۵- س (نیز لن، ل، آ)؛ با می؛ (لی: بید دست باقی)؛ متن = ل، ل، آ، س: (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و، آ، ب) ۱۶- ک: بزَن با من امروز یکدم تو ۱۷- ل، س، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ)؛ بخشیده بی ۱۸- س (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ)؛ جان و؛ س: (نیز لی، آ): بخشیدی امروز؛ متن = ل، آ؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: وأصلحهما له ثم قدّمه الیه فطعم. فأحضره الشراب وأخذ يسقيه حتى ثمل ونام. ولما أصبح -ساءه و سأله أن یقیم عنده الیوم الثالث أيضاً، وقال: إن أقمت عندی الیوم فقد أحنت الی و أنعمت علی ۱۹- (ب: سیوم ما) ۲۰- (لن، لن: بران) ۲۱- ل: خواند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲- ل، ق، ک (نیز ق، آ، لی)؛ <و>؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- ک: پیری ۲۴- س، س: (نیز لن، ب): آنک؛ ق، ک، ل (نیز لی، و، آ): آنچه؛ (لن: آنکه)؛ متن = ل (نیز ق، آ) ۲۵- ل، س، ق، ل، آ، س: (نیز لی، و، آ، ب): دون؛ ک: بایست آمد زمان؛ متن = (لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ) ۲۶- ل، آ: روشن روان؛ (و: شاه جوان) ۲۷- (ق:آ، ب: کن)؛ بنداری: فأجاب به إم الی ذلک فأخذ قربته و سائر أذاته، و رهنها علی ما احتاج الیه و دخل الیبت فرحان مرورا و وضع اللحم و قال لبهرام علوی: إصاح الطعام ۲۸- ل، آ: پخت؛ (و: ببرد) ۲۹- س، ک (نیز لی، آ): بانث

نخست از شهنشاه^۲ بردند نام
به بالین و شمع برپای کرد
شد از خوب بیدار بهرام گور،
بیودی بدین^۸ خانه^۹ تنگ و تار،
گر^{۱۲} از شاه یران هراسان نیی،
بیاشی، گر آید دلت را هوا
که شادان و حرم بدی^{۱۶} سال و ماه^{۱۷}،
ز شاهان گیت^{۱۸} گرفتیم یاد،
که روشن شید زان^{۲۰} دل و رای تو^{۲۱}!
چو افزون کسی^{۲۳} تخت و افسر دهد!
به نخچیرگه رفت از آن^{۲۶} خانه^{۲۷} شاد

چونان خورده شد، می گرفتند و^۱ جام
چومی^۳ خورده شد، خواب را جای^۴ کرد
به روز چهارم، چو بفروخت^۵ هور
۱۷۰ بشد میزبان، گفت کای^۶ نامدار^۷
بدین^{۱۰} خانه اندر^{۱۱} تن آسان نیی؛
دو هفته بدین^{۱۳} خانه^{۱۴} بی نوا^{۱۴}
برو^{۱۵} آفرین کرد بهرامشاه
سه روز اندرین خانه بودیم شاد
۱۷۵ به جایی بگویم سخن های تو^{۱۹}
که این^{۲۲} میزبانی تو را بر دهد
بیامد چو گرد^{۲۴} اسب را زین نهاد^{۲۵}

برآمد، سبک باز گشت از^{۲۸} گروه

همی کرد نخچیر تا شب ز کوه

۱-ق (نیز پ): < > (ق ۲، آ: برگرفتند)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ل: جهاندار ۳- (و: نان) ۴-ل ۲، س ۲ (نیز لی، و، ب): رای؛
متن = ل ک (نیز لن، ق ۲، ل ۲، پ، لن ۲)؛ آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فأخذ بهرام یقطع اللحم، ولما اتوى طیخهم أكلا و اشتغلا بالشرب
حتى نام بهرام؛ لی پس از این بیت افزوده است:

دل میزبان پر ز بازار شد چو بهرام از آن خوب بیدار شد

۵- (ق ۲: چو روز چهارم برافروخت؛ ل ۳: چو روز چهارم بیفروخت) ۶-س، ق، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲)؛ ای: س ۲ (نیز لی، و، آ): گفتش ای؛
متن = ل، ک (نیز لن، ل ۲، پ، ب) ۷- (و، آ: شهریار) ۸-ل، س (نیز لن، ق ۲، لی، پ، لن ۲): درین؛ متن = ق-س ۲ (نیز ل ۲، و، آ، ب) ۹- (ق ۲،
جایگه) ۱۰-س (نیز ب): درین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-ق-س ۲ (نیز لن، لی، ب) بی شک؛ س: س: نک (تنها حرف سوم نقطه
دارد)؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۱۲-ق (نیز ل ۲): که ۱۳-س (نیز لن، پ، لن ۲): درین؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-س: بی بها؛ بنداری: ولما
أصبح أتاه السقاء و اعتذر اليه و قال: إن كنت نصبر عن الملك فأقم عندی أسوعاً أو أسوعین فی هذا المنزل الرث وان كان لا یلیق بک
۱۵-ق (نیز لی): بدو ۱۶-س (نیز لن، لی، پ، و، لن ۲، ب): بزی؛ ق: بوی؛ (ق ۲: بمان)؛ س ۲ (نیز و، آ): ش دان بوی (و: بزی) تا بود؛ متن = ل، ک،
ل ۲ (نیز ل ۲) ۱۷- (ل ۲: سالها) ۱۸- (آ: پیشین) ۱۹-س: نغر ۲۰-ل: زود، ق، ل ۲: این؛ (آ: جان؛ ق: کند آن)؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز لن،
لی-لن ۲، ب) ۲۱-س: رای و مغز ۲۲-س (نیز لن): آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ل: دهی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر
۲۴-ک: بر؛ ل ۲، س ۲ (نیز لی، و، آ، ب): باد؛ (ق ۲: سبک)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل ۲، پ، لن ۲) ۲۵-ک (نیز لن، ق ۲، پ): اسب زین بر نهاد؛ (لن ۲،
اسب و زین بر نهاد)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶-ل (نیز لی): زان؛ ک: ازین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- (و، آ: شهر)؛ ل ۲، س ۲،
و، آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

سپه رفت و (و: جمله) بردند پیش نماز بخندید بسیار؛ س ۲، ب: فراوان بخندید؛

و: برو آفریر کد) و بگشاد راز

۲۸-س، ل ۲ (نیز لن): آن؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فشکره بهرام اثنی علیه و قال: سأ نحدث بحدیثک حیث یفعلک، فأسرح
فرسه و ركب مغلماً و صار الی متصیده و أقام فی معسکره

به راه^۱ سوارن بهرام رفت^۲
 ۱۸۰ بزد در، چنین گفت کز^۶ شهریار
 شب آمد، ندانم همی راه را
 گر امشب بدین^{۱۰} خانه یابم^{۱۱} سپنج^{۱۲}
 به پیش برآه، شد پیشکار^{۱۴}
 بهرام^{۱۷} گفت: ایچ ازین^{۱۸} در مرنج!
 ۱۸۵ بیامد فرستاده^{۲۰} با او بگفت
 بدو گفت بهراه با او^{۲۲} بگوی
 همی از تو من خانه خواهم^{۲۵} سپنج
 چو بشنید، پوین^{۲۷} بشد پیشکار
 همی زیدر^{۳۰} امشب نخواهد^{۳۱} گذشت
 ۱۹۰ بهرام گفتش^{۳۳} که رو^{۳۴} بی درنگ

سوی خان^۳ بی بر بهرام^۴ رفت^۵
 بماندم، چو باز آمد او^۷ از شکار
 نیابم همی^۸ لشکر و^۹ شاه را
 نباشد کسی را ز من هیچ رنج^{۱۳}
 بگفت آنج^{۱۵} بشنید از آن نامدار^{۱۶}
 بگوش که ایدر نیابی^{۱۹} سپنج!
 که ایدر ترا نیست^{۲۱} جای نهفت!
 کز^{۲۳} ایدر گذشتن مرا^{۲۴} نیست روی،
 نیارم به چیزیت از آن پس^{۲۶} به رنج!
 بزد بهرام^{۲۸} شد کین^{۲۹} سوار،
 سخن گفتن و رای^{۳۲} بسیار گشت
 بگوش که این جایگاهیست تنگ،

۱-ل: برای؛ ک: برای (۹) ۲-ل: ز پیش سواران چوره برگرفت؛ ق: ز لشکر جداگشت بر کام رفت؛ س: ۳ (نیز لی، و، آ): سوی ده بخان
 بهرام (لی: ابراهام) رفت؛ (ق: ل، آ، ب: ز لشکر جداگشت بهرام تفت (ب: و رفت)؛ پ: پس از لشکر خویش بهرام تفت)؛ متن = س، ک،
 ل ۳ (نیز لن، لن، آ) ۳-ق، ل ۲ (نیز ق: ۲: خانه ۴-ل: بد بهرام؛ (ب: ده به خان بهرام)؛ س: ۲ (نیز لی، و، آ): بان سواران بهرام؛ (پ: سبک
 سوی خان بهرام) ۵-ل (نیز لن): تفت؛ برخی از دستویس ها در اینجا سرنویس دارند؛ س: رفتن بهرام بخانه بهرام جهود؛ ک، ل: آ:
 داستان بهرام گور با بهرام جهود: (آ: خود)؛ ل: بگفتا که بی؛ س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ): بدو گفت کز: متن = ل، س، آ (نیز لی،
 و، ب) ۷-ل: او باز ماند؛ متن = چها ده دستویس دیگر ۸- (و: همان) ۹-ق، ل، آ، س ۲ (نیز ق: ۲-پ، آ، ب): < و >؛ متن = ل، س، ک (نیز لن،
 و، لن، آ): بنداری؛ و لما امسی ركب و جاء الی بیت اليهودی و قد جنّ اللیل، فقرع بابه و قال: إني تأخرت عن السلطان، و عد هجم اللیل، و
 عد أضلت الطریق ۱۰-ق (نیز لی، ل، آ): درین ۱۱- (لی: باشم؛ آ: مانم) ۱۲- (لن: بیچ؛ پ: گرین خانه یابم من امشب سپنج) ۱۳- (لن:
 رنج هیچ؛ ق: آ: درد و رنج)؛ ل: آ: ز من از سماکس برنج؛ (ل: آ: ز من کس بدرد و برنج) ۱۴-ل: آ: پایکار؛ ل: چو بشنید پویان بشد پیش
 کار؛ (ق: آ: سبک پیش بهرام شد پیشکار؛ و: بزد بهرام شد پیشکار)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۵-ل: آ (نیز لی، پ، لن، آ، ب، آ): آنچه؛
 متن = ۱۶- (آ: ازو شهریار)؛ ل: بنز: بهرام گفت این سوار؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، و) ۱۷- (لی: ابراهام) ۱۸-س (نیز ب):
 گفتش ازین؛ ق: هیچ ازین؛ ل: آ: گفت ازین؛ س ۲ (نیز لی، و، آ): گفتش کزین؛ (پ: گفتا کزین؛ لن: آ: گفت ازین (وزن ندارد))؛ متن = ل، ک
 (نیز لن، ق، آ، ل، آ) ۱۹- (لی: نداری؛ ب: نباشد)؛ بنداری؛ فان أویتمونی اللیلة لم أحملکم کلفة، و تقلدت لکم منه فجاء الغلام و أخبر
 اليهودی بالطارق الذی طرق و بقوه فصاح علیه و قال له: قل لیس عندنا موضع ۲۰- (ب: بهرام) ۲۱-س ۲ (نیز لی، و، آ): نیابی تو؛
 متن = یازده دستویس دیگر ۲۲-ل: آ: بی راه؛ س ۲ (نیز لی، و، آ، ب): کورا؛ متن = س، ک (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ) ۲۳- (آ: که) ۲۴-ل: آ:
 ترا؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ ل بیت های ۱۸۸-۱۸۶ را ندارد و پیاپی بیت ها نیز در آن آشفگی دارد: ۱۸۲، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۸۴، ۱۸۵،
 ۱۹۱ ۲۵- (ق: آ: خواهم من امشب) ق (نیز ل، آ): من از تو همی خواهم امشب؛ (ب: من از تو همی خواهم ایدر) ۲۶-س (نیز ب): زان؛
 ک: ازان پس ز چیزت؛ ل ۲ (نیز ل، آ): به چیزی ازان پس؛ س ۲ (نیز و، آ): نیارم از انپس (آ: ازین پس) به چیزی؛ (ق: آ: ندارم ازان
 پس بچیزی؛ لی: ز خوردن نیارم ترا من)؛ متن = ق (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۷-س ۲ (نیز لی، و، آ): چونان؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۸- (لی:
 پیش ابراهام) ۲۹- (ق: لن، آ: گفت این) ۳۰- (آ: همیراند) ۳۱- (ب: نخواهد از ایدر همی در) ۳۲-س ۲ (نیز و، آ، ب): سخن گفتش
 سخت و ۳۳-ل: آ: گفتا؛ (لن: آ: برآه) را گفتش (وزن ندارد) ۳۴-ق (نیز ل، آ): گفتش برو؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ ل این بیت را
 ندارد

جهودیست درویش و شب^۱ گرسنه
 بگفتند و^۲ بهرام گفت از^۳ سبج
 بدین^۴ در بخسیم،^۵ نخواهم^۶ سرای
 براهام^۷ گفت: ای نبرده سوار
 ۱۹۵ بخسبی^۸ و چیزیت بدزدد^۹ کسی
 به خان اندرآی^{۱۰} -ار جهان تنگ شد
 به پیمان که چیزی نخواهی ز من
 هم اسپ ترا، برنشست^{۱۱} ترا
 گر این اسپ سرگین و آب^{۱۲} افگند

بخسبدهمی بی زمین برهنه
 نیابم^{۱۳} بدین خانه کایدت رنج^{۱۴}،
 ندارم^{۱۵} به چیزی دگر نیز^{۱۶} رای
 همی رنجه داری مرا خوار خوار^{۱۷}،
 ازان در^{۱۸} مرا رنجه داری^{۱۹} بسی
 همه کار بی برگ^{۲۰} بی رنگ^{۲۱} شد،
 ندارم^{۲۲} به مرگ آبچین و^{۲۳} کفن!
 خورش باید ایر^{۲۴} زبردست ترا^{۲۵}
 وگر خشت ایر خانه را بشکند،

۱-س^۲ (نیز و آب <و>) و هم: (لی: بیکار هم): بنداری: فبلغه الغلام ذلک. فقال بهرام: لاند مر ذلک. فأخبر اليهودی فقال: قل له إن موضعنا موضع ضیق. و صاحبه یهودی فقیر جائع لا یقعدا إلا علی الأرض، و هذا الموضع لا یصلح لمثلک ۲-ل، ق، س^۲ (نیز ق^۲، پ، ل، ن^۲، ب): <و> (و: بگفت این و): متن = س، ک، ل^۲ (نیز ل، ن، آ) ۳-ق: بگفتند بهرام را از ۴-ق^۲: نخواهم: ل^۲: نخوانی: آ: بیابم) ۵-ل: کارت مرنج: س (نیز ل، ن، لی، ل^۲، و، آ، ب): آیدت رنج: ک، س: آ: خانه اندرت رنج: ق: بخواهی که بی بدین خانه رنج: متن = ل^۲ (نیز ق^۲، پ، ل، ن^۲) ۶-ق، ل^۲، س^۲: برین: متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-ل: (ن: بخشتم) ۸-ل: جویم: س^۲ (نیز آ): نیابم: متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-ل، ل^۲: نخواهم: ق^۲، لی، و: نیارم: آ: نیابم: متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز ل، ن، ق^۲، پ، ل، ن^۲، ب): ل^۲: کرد: س (نیز ل، ن، پ، ل، ن^۲): هیچ: (لی: نیست): متن = ق-س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، و، آ، ب) ۱۱-ل: (لی: ابراهام) ۱۲-س^۲ (نیز لی، و، آ): سوگوار: متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری: فذکر له الغلام ذلک فقال بهرام: اینی بیت خلف الباب و لا اکلککم شیئا، و اصحت خرجت. فأتاه اليهودی بنفسه و قال: أیها الفارس! قد صدعتنی اثلیثة ۱۳-ل^۲ (نیز ل، ن^۲): بختی: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-ق، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، و، آ، ب): چیزی بدزدد: (پ: چیزیت دزدد): متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز ل، ن، لی، ل^۲) ۱۵-ل^۲: مر: ق: وزان در: س^۲ (نیز لی، ل^۲، و، آ، ب): وزان پس: (ق^۲، پ، ل، ن^۲: ازین در): متن = س، ک (نیز ل، ن) ۱۶-ل: ازان رنجه داری مرا تو: ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

بجانم رسانیدی از رنج خویش نه این رسم شامست ز آیین و کیش

۱۷-ل، س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ل، ن، ق^۲، لی، پ-ب): بخانه درآی: متن = ق (نیز ل^۲) ۱۸-ق: وی برگ ک: بی رنج و: (ق^۲: بی آب و): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹-پ: سنگ: ل^۲: ننگ: ۲۰-ق: نخواهی ۲۱-ق: به مرگ اندرون خود: ل^۲: این بیت را ندارد: ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت بهرام کای نیکمرد بدرد ترا بیج گونه بدرد
 ز تو بس کم این در خانه جای زخم پاس تو بی خوش و درای
 براهام ازان پس پر اندیشه شد وز اندیشه جانش یکی بیشه شد
 که این شوخمرد از درم نگذرد که دارم که شمار سبش خورد
 ۵ دگر باره گفت ای سرافرازمرد ز بس گفتن تو مرا خسته کرد

۲۲-س (نیز ل، ن، ق^۲، لی، پ، ل، ن^۲، ب): هم نشست: ک: با نشست: (ل^۲): و نشست: ل، ل^۲ هم اشب ترا و نشست: (و: همان بازیگری برنشست): متن = س^۲ (نیز آ) ۲۳-ق^۲، ل^۲: باید و) ۲۴-ل، ل^۲: و نیست چیزی مرا: ل^۲: تر: متن = دوازده دستنویس دیگر: این بیت را ندارد: بنداری: و کان الدنيا ضاقت علیک حتی جئت الی بیتی. فعاهدنی الآن علی ک! دخلت الی بیت لا تضرب منی شیئا و لا تحملنی مؤونة ۲۵-ق (نیز ب <د>): فرود: س^۲ (نیز لی، و، آ): بخاک: متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، ق^۲، ل^۲، پ، ل، ن^۲): ل^۲: بیت های ۱۹۹-۲۱۱ را ندارد

۲۰۰ به شبگیر سرگینش بیرون کنی^۱
همان خشت را پخته^۳ تاوان دهی
بدو گفت بهرام: پیمان کنم^۵
فرود آمد و سپ را با لگام^۸
نمدزین بگسترد و بالینش^{۱۱} زین

برویی و خاکش به هامون کنی^۲
چو بیدار گردی ز خواب آن دهی^۴
برین^۶ رنجها سر^۷ گروگان کنم^۵
بیست و برآهیخت^۹ تیغ از نیام^{۱۰}
بخفت و دو پایش کشان بر^{۱۲} زمین

۲۰۵ جهود آن در خنه از^{۱۳} پس بیست
از آن^{۱۴} پس به بهرام^{۱۵} گفت: ای سوار
ز گیتی^{۱۷} هر آنکس که دارد، خورد^{۱۸}
بدو گفت بهرام کین داستان
شنیده^{۲۰} به دیار دیدم^{۲۱} کنون
۲۱۰ می آورد^{۲۳} - چون - نورد: شدنان^{۲۴} - جهود

بیاورد خوان و به خوردن نشست
چو این داستان بشنوی یاد دار^{۱۶}:
چو خوردش نباشد، همی بنگرد^{۱۹}!
شنیده‌ستم از گفته‌ی باستان،
که برخواندی^{۲۲} از گفته‌ی رهنمون!
از آن می ورا^{۲۵} شادمانی فرود^{۲۶}،

۱-س، ق، ک (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ، ب: بری: س: ۲ (نیز ق، آ، لی، و، آ): بیرون بری: متن = ل ۲-س، ق، ک، س، آ (نیز لن، ب): بری: متن = ل ۳-ل: نیز: س، س، آ (نیز لن، لی، پ، و لن، آ: خشت پخته تو: ل، آ: همه پخته خشت: آ: خشت را زرز: متن = ق، ک (نیز ق، آ، ب) ۴-ق، آ: اردهی؟) ۵-ق (نیز ب): کنیم: س، آ (نیز لی، و، آ، ب): فرمان کنم: متن = ل، س، ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۶-س، ق، س، آ (نیز لن، لی، پ، ب): بدین: متن = ل، ک ۷-س، آ (نیز لی، و، آ، ب): تن: ق، آ، ل، آ: زیانرا به پیمان: بنداری: و ان کسر فرسک بحافره شینا من الأجر أعطیتی عوضه، و أنك تکنس غذا زبله و رمیه نئی خارج. فحلف له بهرام علی ذلك ۸- (و: همچنان: ل، آ: و زین و ستام) ۹-ل، س، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب): برآهخت: متن = ق، ک (نیز ل، آ، آ) ۱۰- (و: فروبت و بگشود تیغ از میان) ۱۱-ق: بالین ز: (و: بالش ز): س، آ (نیز لن): بترش و بالینش: (لی: بیفکد. و بالش ز: ل، آ: بگسترد بالین: لن، آ: نمدزینش بتر بالینش): متن = ل، ک، س، آ (نیز ق، آ، پ، آ، ب) ۱۲-ق، آ: بروی: ب: دو پایش بر (و: ن ندارد): بنداری: ففتح الباب و أدخل فرسه فحط عنه سرجه و وضعه تحت رأسه، و فرش لیده تحته و نام علیه. و بقی الفرس بلج مه صافنا خلف الباب ۱۳-ک: را ۱۴-س، ک (نیز لن، لی، پ، ب): وزان ۱۵-س، ق، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، و، ب): براهام: (لی: ابرهام: ل، آ: زانجا براهام): متن = ل (نیز پ) ۱۶-س، آ (نیز و، آ): گوش دار: در لی این بخش آشفتگی دارد ۱۷-ل، ک (نیز ق، آ، لن، آ): بگیتی: متن = ده: دستویس دیگر ۱۸-ق، ک (نیز لی، آ): خرد ۱۹-ک: ننگرد: (لن: بسی ننگرد): ل، س، آ (نیز و، آ): سوی مردم بی نوا ننگرد: (لی: سر مایه کاها بکرد): متن = س، ق (نیز ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب): بنداری: و أغلق اليهودی الباب، و قعد فی مجلس له، و أحضر طعامه و أخذ يأکل و حه و زایدعو ضیفه. فقال له: أيها الفارس! احفظ عنی هذا الکلام: إنه قیل کل من کان له شیء یاأکل، و من لم یکن له شیء ینظر ۲۰-ق (نیز آ): سنیدم: متن = ۲۱- (لی: ب: کردم): ل، س، آ: شنیدم بگفتار و: متن = س، ک (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ) ۲۲- (لی: بر خوردی): ک (نیز ق، آ): چو برخواندی: بنداری: فقال بهرام: قد بلغنی ذنک سماعا، و رأیته انلیلة عیانا ۲۳-ل، س (نیز لن): آورد و: متن = یازده دستویس دیگر ۲۴- (لی: یا): س، آ (نیز ق، آ، و، آ): بدان: س (نیز لن): خورد سیر آن: (لن، آ: سیر خورد آن): متن = ل، ق، ک (نیز ل، آ، پ، ب) ۲۵-س (نیز لن): بس: ق (نیز ق، آ، ل، آ): وزان می ورا: ک: وزان مر ورا: س، آ (نیز و، آ، ب): وزان می همی: (لی: از انپس بسی) ۲۶- (لن، آ: بسی شادمانی نمود: پ: رامی ورا روشنایی فرود): ک پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت بهرام سه جام می
بهایش زر سرخ نیکو ستان
چنین ده پاسخ [سفید گذاشته]
بهمان من خانه هست نغز
۵ بیوی و بخور بادۀ تاک مغز

فروش و بها گیر ای نیک‌پی
نخواهم همی می ز تو رایگان
[سفید گذاشته است]
بدو اندرون بادۀ پاک مغز
ازان خانه کت ما نمودیم نغز

بدین^۱ داستان کهن گوش دار:
 درم پیش او^۲ چون، یکی جوشنست^۳،
 چنان چون توی^۴ گرسنه نیم شب!
 بدان تا^۵ به یادت^۶ نباید^۷ گرفت:
 خنک میگسار و^۹ بی و جام^{۱۰} و یک^{۱۱}!

خروشید کای رنج دیده سوار
 که هر کس که دارد، دلش روشنست
 کسی کو ندارد، بود خشک لب
 بدو گفت بهرام کین بس شگفت
 ۲۱۵ گر از^۸ جام یابی سرانجام نیک

گریزان^{۱۲} شد از خواب^{۱۳} بهرام گور،
 چه زین^{۱۷}، از برش خشک بالین نهاد^{۱۸}!
 به گفتار^{۲۰} خود بر نهی^{۲۱} پایدار:
 به جاروب روبم به یکبارگی؟
 به رنجم ز مهمان بیدادگر!
 بیاور که سرگین کشد^{۲۵} بی کیار^{۲۶}
 و زین^{۲۹} خانه^{۳۰} تو به هامون برد^{۲۸}
 بروید، برد ریزد^{۳۱} اندر مفاک،

چو از کوه خنجر برآورد هور
 بر آن^{۱۴} چرمی ناچران^{۱۵} زین نهاد^{۱۶}
 بیامد براهام^{۱۹} گفت: ای سوار
 نگفتی^{۲۲} که سرگین این بارگی
 ۲۲۰ کنون آنج^{۲۳} گفتی، بروب و بیرا!
 بدو گفت بهرام: شو پایکار^{۲۴}
 دهم زر که تا خاک^{۲۷} بیرون برد^{۲۸}
 بدو گفت: من کس ندارم که خاک

۱-ل، ق (نیز ل، ب): برین؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲- (ق: آ: وی) ۳- متن = ل، س ۴- (نیز ل، ل، و، آ، ب): ل بیت های ۲۱۲-۲۳۳ را ندارد؛ س، ق، ک، ل، ب، ل، ن ۵- به جای این بیت و ق ۲ پس از این بیت افزوده اند:

هرآنکس که دارد خورید و دهید سپاسی بدان (ق، و، آ، ل، ن: آ: بران) داشتن برنهد

ک: چنین گفت هر کس که دارد خورد سوی مردم بی نوا ننگرد

۴- س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ل، و، ب): تویی؛ (پ: تو ای)؛ متن = ل: بنداری؛ ثم لما فرغ من الطعام جاء بالشراب وأخذ يشرب. فلما تمكن منه السكر قال: أيها الفارس التعبان! اسمع هذا المثل الآخر: قد قيل من كان يملك شيئاً فليأكل. ومن لم يكن له شيء، فليتب جائعاً ناعماً مثلك ۵- ق: بدان را (حرف یکم بی نقطه)؛ ک: بمان تا؛ س: آ: بدان تا ۶- (ق: بدانند؛ ل: تا نیازی) ۷- (آ: نبایدت شاید)؛ ل: بگیتی مرین یاد باید؛ س (نیز ل، ل، ن): بدیدم همان (ل، ن، آ: همی) یاد باید؛ متن = ق، ک، س ۲ (پ، و، آ، ب) ۸- ل: نی از؛ ک: بر از؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ل، ل، ق، آ، ل، ب) ۹- ک: می گسارم ۱۰- (ل: می جام؛ ب: و خنک جام) ۱۱- ل، ک، س ۲ (نیز ل، ق، آ، ل، ب، آ): نیک؛ متن = (ب)؛ ل، آ، ل ۲ این بیت را ندارند ۱۲- (ل: گریزان) ۱۳- ل: خانه؛ (ل: آن شاه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- (ل: بدان) ۱۵- س (نیز ل، ل، ن): تیزرو؛ (ل: ناچرا) ۱۶- ل: برنشست؛ (ل: بر نهاد (وزن ندارد))؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز ل، و، ب) ۱۷- س (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ب): چو زین؛ (ق: نمود)؛ متن = ک، س ۲ (نیز پ، آ) ۱۸- ل: همی خواست کاید ز خانه بدشت؛ ق، ل: این بیت را ندارند ۱۹- (ل: ابراهام)؛ ک (نیز ل، ل، پ، آ): ابراهام و؛ (ل: برآمد براهام)؛ متن = ل، س، ق، س ۲ (نیز ق، آ، ب) ۲۰- (ل: پیمان) ۲۱- ل: کنون؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲- ل، ق (نیز ل، آ): تو گفتی؛ س: نگفتی (حرف یکم بی نقطه)؛ (ق: بگفتی)؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، ل، ب، ب): بنداری؛ قال: فلما طلع الفجر أسرج بهرام فرسه ليركب فجاهه اليهودی وقال: أيها الفارس! أما تفي بقولك؟ ۲۳- س، ک (بزل، ل، ن): آنچه؛ س ۲ (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): آنک؛ متن = ل، ق (نیز ل، ن) ۲۴- (ق: رو پیش کار) ۲۵- ق: برد ۲۶- س: بر کار (بی غظه) ق (نیز ل، ق، آ، ل، و، آ، ب): برکنار؛ ک، س ۲ (نیز ل، ن): بی کنار؛ متن = (پ)؛ ل، آ، ل، آ این بیت را ندارند ۲۷- س: با خاک؛ ق: چو او خاک (ق: چو سرگین به؛ پ: که تا این به)؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، ل، و، ب) ۲۸- (ل: برند-برند) ۲۹- س: وزان ۳۰- ق، ک، س ۲ (نیز و، آ، ل، و، آ، ب): حجره؛ متن = س (نیز ل، ل، ن) ۳۱- ل، آ، ل، آ این بیت را ندارند ۳۱- ق: ز ایدر؛ (ل: بریزد هم؛ آ: بروید ریزد (وزن ندارد))؛ ل، ل، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: ألم تشرط أنك تكس زبل الدابة؟ فلم تخالف؟ فقال بهرام: اطلب لي أجيرا يفعل ذلك، وأعضيه أ- رته. فلم يفعل

نباید که خوانمت بیدادگر!
 یکی تازه‌اندیشه افگند بن:
 به موزه‌درون پر ز مشک و عبیر،
 بینداخت با خاک^۸ اندر مفاک
 گر آزادیم^{۱۱} بشنود پادشا،
 برین مهتران^{۱۳} سرفرازی دهد!
 همه شب^{۱۶} همی ساخت درمان خویش

تو پیمان که کردی به کژی مبر
 ۲۲۵ چو بشنید بهرم ازو این^۲ سخن
 یکی خوب‌دسار^۳ بودش حریر^۴
 برون کرد و^۶ سرگین بدو^۷ کرد پاک
 براهام^۹ را گت کای^{۱۰} پارسا
 ترا زین^{۱۲} جان بی‌نیازی دهد!
 ۲۳۰ بگفت^{۱۴} و بیاما^{۱۵} ه ایوان خویش

بخندید و آن راز با^{۱۷} کس نگفت
 سپه را سراسر همه^{۱۸} بار داد
 بشد پیش او^{۱۹} دست کرده به کش
 جهود بدانندیش بدرام^{۲۲} را
 یکی پاکدل‌مرد را خواندند
 نگر تا نباشی جز از^{۲۵} دادگر^{۲۶}،
 نگر تا چه بینی^{۲۹} نهاده، بیار^{۳۰}!

پر اندیشه آن شب به ایوان بخت
 به شبگیر چوز تاح بر سر نهاد
 بفرمود تا تئبک آبکش
 ببرند پویان^۲ براهام^{۲۱} را
 ۲۳۵ چو در بارگ رفت بنشانند
 بدو گفت: رو بازگیران^{۲۳} بیر^{۲۴}
 به خان براهام^{۲۷} شو بی‌کیار^{۲۸}

۱- (ق:۲: برنجم ز مهمان بیدادگر): متن: س.ک.س^۲ (نیز: ل.ن.لی.پ.ب): ل.ق.ل.آ.ل.آ.ن.بیت را ندارند ۲-ک: آن: ق: این بیت را ندارد
 ۳-ق: سربند ۴-ق: بزر ۵-ق: چن چون بود درخور تاجور ۶-ک: <و>.س^۲ (نیز: ق^۲ <و>.لی.ل.آ.و.آ.ب): بیاورد و: متن = ل.س.
 ق (نیز: ل.پ.ن.آ) ۷-ک: ازو ۸-ل: آن: ک: یک (نیز: ق^۲): باجامه: (ل: آن: جامه: و: باخاکش): متن = س.ق.س^۲ (نیز: ل.ن.لی.پ.ن.آ.ب)
 ۹- (لی: ابرهام) ۱۰-ق (نیز: ق^۲): از: (ل: ن.ن.آ: ایا): س: گفتا ایا: ک: گفتا که ای: متن = ل.س^۲ (نیز: لی.و.آ.ب) ۱۱-ک: س^۲ (نیز: ق^۲: ل.لی.پ.
 ب): آزادیت: (ل: گر از دین تو): متن = ل.س.ق (نیز: ل.ن.و.ل.آ.آ) ۱۲-ل: س^۲ (نیز: و.آ): از: (لی: در): متن = س.ق.ک (نیز: ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ.
 ل.ن.آ.ب) ۱۳-ل: بر مهتران: ک: بدین میزانی (وزن ندارد): س^۲ (نیز: و.آ): میان یلان: (لی: میان مهان): متن = س.ق (نیز: ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ.
 ل.ن.آ.ب) ۱۴-ل: س.س^۲ (نیز: ل.ن.پ.ب): رفت: متن = ق (نیز: ل.آ) ۱۵- (ق: آ: وزان جایگه شد) ۱۶-ق: وزانجا: ک: این بیت را ندارد:
 بنداری: فلم یفعل فأخرج بهرام متدل: ح: برکان معه فحمل فيه الزبل ورماء الی خارج. وركب وعاد الی ایوانه ۱۷- (لی: این راز با): ق:
 بخشید آن شب ایا: س در اینجا سرسرس دارد: بخشیدن بهرام گور مال براهام جهود بئبک آبکش ۱۸-س.ک (نیز: و.ب): همه
 سرسرس: متن = ل.ق.س^۲ (نیز: ل.ن.د.آ) ۱۹-س^۲ (نیز: لی.و.): بیامد برش: (آ.ب: بیامد برش) ۲۰-ل: از ایوان: س^۲ (نیز: و.آ): از ایوان: (ل.ن.آ:
 بی بر): ق: برفتند و بردند: متن = س.ک (نیز: ل.ن.پ.ب) ۲۱- (لی: ابرهام: ل.ن.آ: براهیم) ۲۲-س: بدزام: ق.ک.س^۲ (نیز: ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ):
 بدنام: ل: و بدکام: س^۲ (نیز: لی.و.آ: بد این بدنام: متن = ل.ن.آ.ب): ل: بیت‌های ۲۳۴-۲۵۲ را ندارد ۲۳-ل: ک (نیز: ل.ن.پ.ل.آ.ب):
 بارگیها: (ق: آ: بارگی را): متن = س^۲ (نیز: لی.و.آ) ۲۴-ک: بدید ۲۵-ل: س^۲ (نیز: ق^۲: لی.و.آ.ب): بجز: متن = س.ق.ک (نیز: ل.ن.پ.ل.آ.ب):
 ۲۶-ک: دادگیر (پساوند ندارد) ۲۷- (لی: ابرهام) ۲۸-ل: برگذار: س: بی‌کیار (نقطه ندارد): ق: برکنار: س^۲ (نیز: لی.و.): باکیار: (ق: آ: بی سوار:
 ل: آ: بی کیار (بی کنار هم می‌شود و: واند: ل.ن.آ: ره گزار: آ: باکیار): متن = ک (نیز: ل.ن.پ.ب) ۲۹-س (نیز: ل.ن.پ.ل.آ.ب): یابی: س^۲ (نیز: آ):
 همه هر چه بینی: (لی: همه هر چه یابی: و: همه هر چه دارد): متن = ل.ق.ک (نیز: ق^۲: ل.آ) ۳۰-ق (نیز: ل.آ): بیار: بنداری: و: لما أصبح
 استحضر السقاء و اليهودی و نفذ ی بیت اليهودی بعض ثقاته، وأمره بأن یحمل الیه کل مافی بیته علی الجمال و البغال

همه خانه^۲ دیب و دینار^۳ بود،
 ز افگندنی^۵ و پراگندنی^۶،
 نبد کاله را بر زمین^۸ نیز جای^۹،
 کهن^{۱۱} بدره‌بی بر سرش افسری
 شتر خواست^{۱۳} دشتِ جهرم هزار^{۱۴}
 همی شاددل^{۱۴} کاروان را^{۱۷} براند
 بشد مرد بینا^{۲۰} بگت این^{۲۱} به شاه^{۲۲}،
 همان مانده، حرور^{۲۳} باشد دویست!
 وز آز دل انا، ازه‌ها بر^{۲۵} گرفت،
 چو روزی نبودش: ورزش^{۲۶} چه سود؟
 ز گستردنی^{۲۹} ه و از^{۲۹} بیش و کم،
 بشد لنبک از یاه^{۳۲} گنجی بیردا!

بشد پاکدل تا به خان^۱ جهود
 ز پوشیدنی، هم ز گستردنی^۴
 یکی کاروان‌خانه در دسر^۷سرای
 ز دَر و ز یاقوت و^{۱۰} هر گوهری
 ندانست موبد^{۱۲} مر آن را شمار
 همه بار کردند و دیگر بماند^{۱۵}
 چو بانگ درای^{۱۸} آمد از بارگاه^{۱۹}
 ۲۴۵ که گوهر فزون زین به گنج تو نیست!
 بماند اندران شاه ایران^{۲۴} شگفت
 که چندین بورزید مرد جهود
 ازو^{۲۷} صد شتروار زَر و^{۲۸} درم
 جهاندارشاه^{۳۰} آبکش را^{۳۱} سپرد

۱-ق (لی، آ، بخوان)؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز، ل، ق، آ، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ)
 ۳- (آ، دینار و دیبای)؛ ل این بیت را ندارد ۴-ک، س، ۲ (نیز، ل، ل، آ، و-ب)؛ افگندنی؛ س؛ ز افگندنی؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، پ) ۵-ق (نیز پ)؛ هم؛ س، ک (نیز، ل، ق، آ، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ)؛ گستردنی هم؛ متن = ل ۶-س، ۲ (نیز، ل، و، آ، ب)؛ ز کستر زینها و از خوردنی؛ بنداری؛ فرای بیته ممنوء من الجواهر و الرغائب من الذهب و الفضة و الثياب و الحلی و الخلل ۷-ل: بود و سر؛ ق (نیز ل)؛ اندر سرای؛ ک: در دو سرای؛ ق: بُد در سرای؛ پ، ل، ن، آ: بر در سرای؛ ب: را در سرای؛ س، ۲ (نیز، ل، و، آ)؛ کاروان = د بر در سرای؛ متن = س (نیز ل، ن، آ) ۸-س، ۲ (نیز، ل، و، آ، ب)؛ ز کاله نبد بر (لی: در) زمین؛ (ل: نبد بر زمین کاله را)؛ متن = س، ق، ک (س، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ) ۹-ل: کزین خانه بیرون نبودیش جای ۱۰- (لی، ل، ن، آ)؛ <و>؛ س، ۲؛ و ز (وزن ندارد) ۱۱-ل (نیز، پ، آ)؛ ز هر؛ س (نیز، ل، ق، آ، ل، ن، آ)؛ کی هر؛ ق، س، ۲ (نیز، ل، و، ب)؛ بهر؛ متن = ک (نیز ل) ۱۲- (لی، و، مردم؛ آ: کردن)؛ ل، س، ۲؛ کی داننده موبد؛ متن = س، ق، ک (نیز، ل، ق، آ، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ) ۱۳- (لی: در) ۱۴- (و؛ چهار)؛ ل، س، ۲؛ ندانست کردن بیس روزگار؛ بنداری؛ فاستعظم ذلک و استکثره، و جا، بآلف جمل؛ ل پس از این بیت افزوده است:

فرستاد موبد بدانجا سوار شتر خواست از دشت، جهرم هزار

۱۵-س، ق <و>؛ ک، س، ۲ <و>؛ (نیز، ل، ق، آ، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ)؛ و چیزی نماند؛ متن = ل ۱۶-س، ۱۶-ک (نیز، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ)؛ همین ساده‌دل؛ ق (نیز ل)؛ همان ساده‌دل؛ س، ۲ (نیز، و، آ، ب)؛ همان شاددل؛ (ق: همه ساده‌دل)؛ متن = ل (نیز ل) ۱۷-س، ق، ک (نیز، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ)؛ کاروانها؛ متن = ل، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، ل، ن، آ، و، آ، ب) ۱۸-ل (نیز، پ، آ)؛ <حی>؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۹- (و؛ کاروان) ۲۰-س، ۲ (نیز، ل، و، آ، ب)؛ بیدار؛ (ق: دانا)؛ متن = ل، ک (نیز، ل، آ، ب، ل، ن، آ، و، آ، ب) ۲۱-ل، ق، ک، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ)؛ آز؛ متن = س (نیز، ل، ن، آ) ۲۲- (و؛ و گفتش به شاه جهان) ۲۳-ق (نیز، ب)؛ همانا که خروار؛ (ق: همانا شتروار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴-س، ۲ (نیز، و، آ)؛ گیتی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۵-س، ۲؛ اندیشه‌ها بر؛ (آ: و دل اندیشه‌ها بر)؛ ل، ق (نیز ق)؛ ز راز دل ندیشه‌ها بر؛ س، ک (نیز، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ)؛ و زان؛ ک: ازان) در دل اندیشه‌ها بر؛ (لی: و زان کار اندیشه‌ها بر؛ ل: ز آزد دل اندیشه‌ها بر؛ پ: ز آزد دل ندیشه‌ها بر)؛ متن = (و) ۲۶-ل: بورزش؛ ک: زرش را؛ (ل: ز بودن؛ ق: ازان زرد؛ لی: درودن؛ ل: ز ورزش)؛ متن = س، س، ۲ (نیز، ل، آ، ب، و، آ، ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۷-س (نیز، ل، ن، آ)؛ ازین؛ ق، ک، س، ۲ (نیز ق، آ، ب)؛ ازان؛ متن = ل ۲۸-ق: گنجی؛ ک، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، ب)؛ گنج؛ (آ: گنج و؛ لی: شتر بار گنج و)؛ متن = ل، س (نیز، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ) ۲۹- (ل، ن، آ، و ز) ۳۰- (پ: آن) ۳۱- (ق: آن بلبیک) ۳۲-س، ق، س، ۲ (نیز، ل، ن، آ، پ، ل، ن، آ)؛ راه و؛ (آ: از شاه و)؛ متن = ل، ک (نیز، ل، ل، ن، آ)؛ بنداری؛ فآو قرها من بیته بأمواله و ذخائره، و عادائی حنصرة الملك فامر الملك، بتسليم مائة حمل منها الى السماء

۲۵۰ ازان^۱ پس براهاه را خواند و گفت
 چه گویی که پیغابرت^۴ چند^۵ زیست
 سوار آمد و گت با من^۹ سخن
 که هر کس که دارد. فزونی خورد
 کنون دست یازان به خوردن^{۱۲} بکش
 ۲۵۵ ز سرگین و زربفت دستار^{۱۳} و خشت
 درم داد ناپک دل را چهار
 سزا نیست زین^{۱۸} بیشتر مر ترا!
 به ارزانیان^{۲۰} دد چیزی که بود
 به تاراج داد آنک^{۲۱} در خانه بود

گفتار اندر رفتن بهرام گور به نخچیر و شیران کشتن^{۲۳}

۲۶۰ چو یوز^{۲۴} شکای به کار آمدش
 یکی باره ی تیزنگ^{۲۵} برنشست
 بجنید و زای شکار آمدش،
 به هامون خرامید و^{۲۶} بازی به دست

۱-س.ق.ک (نیز لن، لی، پ-ب): وزا؛ متن = ل.س^۲ (نیز ق.ل.آ) ۲-ق: تلی؛ (ل: از کمی) ۳-س^۲ (نیز لی، و.آ.ب): که بادی همه ساله
 ۴-ل.ق.ک (نیز لن، پ، لن، آ.ب): پیغابرت: متن = س (نیز ق.ل.آ) ۵-س^۲ (نیز لی، و.آ.): پیغمبر تو چه ۶-س.س^۲ (نیز لن، لی، پ-آ): که؛
 متن = ل.ق.ک (نیز ق.ل.آ.ب) ۷-ل.ک.س^۲ (نیز ب): چندی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸-ل: بزشتی؛ س^۲: پیشین؛ (لن: زکیسی
 (حرف دوم بی نقطه))؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۹-(ق: آ.ما) ۱۰-ل: مرد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-س^۲ (نیز ق.آ.و.آ):
 بنگرد؛ (لی: سوی مردم بی نواننگر-): ل^۲ بیت های ۲۵۳-۲۶۹ را ندارد؛ س^۲، لی، و.آ.ب پس از این بیت افزوده اند:

تو گر خوردی این نبودی ترا
 چنین درد دل کی نمودی ترا

۱۲-س.ق.ک (نیز لن، ل.پ، لن، آ): ز خوردن؛ (ق: خود راز خوردن؛ لی، آ.از آن کار خوردن؛ و.ب: از آن کار و خوردن)؛ س^۲: دست را؟ و
 خوردن (بخشی از این لت خوانانیت)؛ متن = ل ۱۳-س.ک.س^۲ (نیز لن، ق.ل.آ.پ، لن، آ.ب): دستار زربفت؛ (نیز و): زربفت و دستار؛
 (لی: دستار و زربفت)؛ متن = ل ۴-(ق: آ.ب، لن، آ: همی) ۱۵-(ل: ازان سفله)؛ س (نیز لن): سفله زان سفله؛ متن = یازده دستنویس
 دیگر ۱۶-(ق: آ: مرد سفله) ۱۷-ل: تدمر مایه؛ ق.ک (نیز لی، و): بسر مایه؛ متن = س.س^۲ (نیز لن، ق.ل.آ.پ، لن، آ: درآ، آ.ب) ۱۸-(ب: ازین)
 ۱۹-(لن: داده) ۲۰-ق.ک: ایرانیان ۲۱-س (نیز لن، آ): آنج؛ (لی، پ، لن، آ: آنچه: آ: آنکه)؛ متن = ق.ک، س^۲ (نیز ق.ل.آ.و.ب) ۲۲-ق: سزاوار؛ س:
 از آنرا مرد(؟)؛ س^۲ (نیز لن، و.آ.ب): س: امرد؛ (لن: سر مرد)؛ متن تصحیح قیاسی است؛ بنداری: و أعطی اليهودی أربعة دراهم و قال:
 یکفیک هذا رأس مال. ثم فرق الباقي لمی ثغراء و المحتاجین. و أصبح اليهودی من أخصر الخاسرین ۲۳-ل: گفتار اندر حرام کردن شراب را؛
 س: رفتن بهرام گور بشکار و کشتن، شیران را؛ ق: رفتن بهرام گور به شکار شیران؛ ک: رفتن بهرام گور به شکار و کشتن شیر نر و ماده؛ س^۲:
 داستان بهرام با کبروی و کودک؛ متن = [گفتار اندر+] (لی)؛ بنداری این داستان را ندارد ۲۴-س^۲ (نیز و.آ.ب): باز؛ متن = ده دستنویس دیگر
 ۲۵-ل-ک (نیز لن، ق.ل.آ.پ، لن، آ.ب): تیزر؛ متن = س^۲ (نیز لی، و.آ) ۲۶-ل-ک، س^۲ (نیز لی-ب): <و>؛ ک، لی، ل^۲ پس از این بیت افزوده اند:

ک: همی رفت شادان و زاد و دلیر
 یکی بیش دید و آب روان
 ل: به بیشه دیون گرد برگشت شاه
 بدان بیش اندر بی شیر بود
 یکی بیشه دید جانی دو شیر
 کزو پیرسر تازه گشتی جوان
 همی کرد هر جای لختی نگاه
 در چاره شیر شمیر بود

یکی بیشه پیش آمدش پردرخت
 بسان بهشتی یکی سبز^۲ جای
 چُنین^۵ گفت کین جای شیران بود
 ۲۶۵ کمان را به زه کرد مرد دلیر^۷
 بزد تیر^۹، پهلوش با دل بدوخت
 همان ماده آهنگ بهرام کرد
 یکی تیغ زد بر میانش سوار
 برون آمد از بیشه مردی^{۱۵} کهن
 ۲۷۰ کجا نام او مهربنداد^{۱۷} بود
 یکی مرد دهقان^{۲۰} یزدان^{۲۱} پرست
 نشستگاه مردم نیک‌بخت^۱
 ندید^۳ اندرو^۴ مردم و چارپای
 که بر در بر ابانش ویران^۶ بود
 پدید آمد اندر زمان نزه شیر^۸
 دل شیر ماده^{۱۰} برو^{۱۱} بر بسوخت
 بغزید و چنگش^{۱۲} به اندام^{۱۳} کرد
 فروماند جنگی د از^{۱۴} کارزار
 زیانش گشاده به^{۱۶} شیرین سَخُن،
 بدان^{۱۸} زخم شمیر^{۱۹} او شاد بود
 بدان^{۲۲} بیشه^{۲۳} بودیش جای^{۲۴} نشست

۱- متن = ل. س. س. ۲ (نیز لن. لی. پ. ب.)؛ ق. ک. ل. ۲. این بیت را ندارند؛ ق. ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

بداشت اندرون بیشه آمد پدید
 یکی بیشه دید و آب روان
 شهنشاه لشکر با آنجا کشید
 کزو پیرسر نزه کشتی جوان

۲- (ق. ۲: تازه) ۳- ل. س. س. پدید ۴- (آ. پدید آمد و)؛ متن = س. ۲ (نیز لن. ق. ۲. لی. پ. و. لن. ۲. ب.)؛ ق. ک. ل. ۲ این بیت را ندارند؛ ق. ۲ پس از این بیت افزوده است:

بیشه درون گرد برگشت شاه
 همی کرد هر جای لختی نگاه

۵- (و: بدل) ۶- ل. همان رزمگاه دلیران؛ س. ۲ (نیز لی. و. آ. ب.)؛ کنام بدان و دلیران؛ (ق. ۲: هشیر جای دلیران؛ پ. چنین بیشه جای دلیران)؛ متن = س. (نیز لن. ۲)؛ ق. ک. ل. ۲ این بیت را ندارند؛ س. ۲. لن. ق. ۲. لی. پ. و. لن. ۲. ب. پس از این بیت افزوده‌اند:

به بیشه درون گرد برگشت شاه
 بدان بیشه اندر یکی شیر دید
 همی کرد هر جای لختی نگاه
 در چاره شیر شمیر دید
 یکی بانگ برزد بران نزه شیر
 ز بیشه بیکو جهانید اسب
 همی کرد هر جای لختی نگاه
 در چاره شیر شمیر دید
 چو آهنگ او کر شیر دلیر
 برافروخت بسان آذرگشپ

۷- س. ۲. پ. ب. بیت‌های سوم و چهارم و لی بیت چهارم را ندارند ۷- س. ۲ (نیز لی. و. آ. ب.)؛ شاه دیر؛ س. (نیز لن. ۲)؛ همانگاه بیرون خرامید شیر؛ ق. ک. (نیز ق. ۲. ل. ۲)؛ چو از بیشه بیرون خرامید شیر؛ (پ. یکی بانگ برزد بران نزه شیر)؛ متن = ل. ۸- س. ق. ک. (نیز لن. ق. ۲. ل. ۲. پ. لن. ۲)؛ کمانرا بزه کرد مرد (ق. شاه) دلیر؛ س. ۲ (نیز لی. و. آ. ب.)؛ یکی بانگ برزد بران لی. بدن نزه شیر؛ متن = ل. ل. ق. ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: یکی نعره زد شیر چون در رسید
 بزد دست شاه و آمان در کشید

ق. ۲: یکی بانگ برزد بران نزه شیر
 چو آهنگ او کر شیر دلیر

۹- ل. ک. س. ۲ (نیز لن. پ. ب.)؛ تیر و؛ متن = (ق. ۲. لی. ل. ۲) ۱۰- (لن. ۲: مادر) ۱۱- ل. (نیز ق. ۲. لی. بدو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- ل. ک. س. ۲ (نیز لن. لی. و. آ. ب.)؛ جنگش؛ (ق. ۲. ل. ۲: جنگی)؛ متن = (پ. لن. ۲) ۱۳- ل. بی از؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴- ل. ک. دران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- (ق. ۲. ل. ۲. لن. ۲: مرد) ۱۶- ل. بگفتار ۱۷- ل. س. (نیز لن. مهرسداد (بی نقطه)؛ ق. (نیز ب.)؛ مهر بی داد؛ ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ق. ۲. و. لن. ۲)؛ مهرسداد (حرف چهارم بی نقطه)؛ (لی. آ. مهرسداد (حرف پنجم بی نقطه))؛ متن = (ل. ۲. پ.) ۱۸- ل. ازان؛ ک. بران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- ل. شیران؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۰- (لن. پ. دهقان و) ۲۱- ل. ۲: دهقان و آتش ۲۲- (ل. ۲: بران) ۲۳- (ب. جای) ۲۴- ل. جای و؛ متن = چهارده دستنویس - بگر

چُن^۱ آمد بر شاه ایران فراز
بدو گفت کای^۳ مهتر نامدار
یکی مرد ده‌تنام ای پاکرای
۲۷۵ خداوند گاو و خر و گوسپند^۷
کنون ایزد این کار بر دست تو
زمانی بدین^{۱۲} بیشه‌ی نارچین^{۱۳}
بره هست چندانک^{۱۵} باید^{۱۶} به کار
فرود آمد از پایه^{۱۸} بهرامشاه
۲۸۰ که باشد^{۲۱} زمین سبز^{۲۲} و آب^{۲۳} روان
بشد مهربنداد^{۲۶} و رامشگران
بسی گوسپندان^{۲۹} فیبی^{۳۰} بکشت
چو نان خورده شد. جام‌های نیند

برو^۲ آفرین کرد و بردش نماز
به کام^۴ تو باد اختر و^۵ روزگار!
خداوند این مرز^۶ و کشت و سرای
ز شیران شده بددل و^۸ مستمند
برآورد و^۹ بر قبضه و^{۱۰} شست تو^{۱۱}
بیاشی به شیر^{۱۴} و می و انگبین
درختان بارآور^{۱۷} سایه‌دار
همی کرد ازان^{۱۹} بیشه جایی^{۲۰} نگاه،
چنان‌چون بود^{۲۴} جای مرد^{۲۵} جوان؟
بیاورد و^{۲۷} چندی ز ده^{۲۸} مهتران
بیامد^{۳۱} یکی جام زرین^{۳۲} به مشت
نهادند پیش^{۳۳} گل و^{۳۴} شنبلیله

ادل-ل^۲ (نیز لن-ب): چو؛ متن = س^۲ ۲- (لی: بدو) ۳-ق: ای ۴-ک: بنام ۵-ل-س^۲ (نیز ق^۲-و. آ. ب): <و>: (لن: آ: بادا همه):
متن = (لن) ۶-ل: جا: ک: برز: متن = سبده دستنویس دیگر ۷-ل-س^۲ (نیز لن-لن-آ. ب): گوسفند: متن = (آ) ۸-ل: شدم بددل و:
(ق^۲: بیشه دلم: لی: ل: آ: بد دلم: آ. ب: بدل ۹-ل-س^۲ (نیز لن-ل-لن-آ. ب): <و>: متن = (پ. و. آ) ۱۰-ل-س. ق: (نیز ب): قبضه: (ق: آ: از
قبضه): متن = ک. ل. آ. س^۲ (نیز لن-لن-آ. ب) ۱۱- (لی: اوی) ۱۲-ل: ق: (نیز لی: ل: آ): درین: س. ک: (نیز لن-لن-آ. ب): برین: متن = ل. آ. س^۲ (نیز
ق^۲: پ. و. ب) ۱۳-ل: (نیز لی): ایی-نین حرف پنجم بی نقطه): س. ک. س^۲ (نیز پ. ب): نارحین (حرف چهارم بی نقطه): (ق: نیز و):
نارزین: ل: آ: اندر نشین: (لن، لن: آ: و بارحین: ق: مانشین: ل: آ: ایی چنین: آ: نارحین): متن تصحیح قیاسی است ۱۴-ل: آ: بیاریم شیر:
س^۲ (نیز لی، و. آ): بسازی به شیر: (ق: آ: که زمت شیر): متن = ل-ک (نیز لن، ل. آ. ب. لن، آ. ب) ۱۵- (لی: ل. آ. ب. لن، آ. ب): چندانکه ۱۶-س (نیز
ق^۲: ل. آ): آید: ق: خواهی: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-ل: ک (نیز لن): بارآور و: (آ: درخت برآور همه): متن = س. ق. ل. آ. س^۲ (نیز
ق^۲: لن، آ. ب) ۱۸-س-س^۲ (نیز لن، ل. آ. ب. لی: پ. ب): اسب: متن = ل (نیز ل) ۱۹-ل: زان: متن = س-س^۲ (نیز لن، ل. آ. ب. لن، آ) ۲۰- (ل: آ: هر
جا: لن: آ: چندی): س^۲ (نیز ق^۲: و. آ. ب): کرد در بیشه هر سو (ق: آ: جا): (لی: کرد هر سو به بیشه): متن = ل-ل (نیز لن، پ) ۲۱- (ق: آ: کجا
بد: و: که بود آن) ۲۲-ل: آ: سیر ۲۳-ک: ای ۲۴-ل: آ: همه بیشه بد ۲۵-ل: پدید آمد از دور مردی: (ق: نیز ل. آ. ب): پدیدار شد جای مرد:
ک: پدید آمد از جای مردی: متن = س. س^۲ (نیز لن، لی، پ. آ): ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

بیالای سو و بدیدار ماه
اگر برنهد ماه زرین کلاه
بیامد بر شه مین بوسه داد
چنین گفت کای شاه فرخ‌نژاد
فراوان برین سر لشکر گذشت
دلیران کوه و سواران دشت
کسی را بدید رای و درنگ
برین دشت با نره شیران جنگ
تو دادی مرین بیشه را زیب و فر
که یار تو بادا همی دادگر

۲۶-ل: (نیز لن): سداذ (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): س. ک: (نیز لن، آ. ب): بیداد (حرف یکم بی نقطه): ق: س^۲ (نیز لی، آ): بیداد (حرف
یکم بی نقطه): ل: آ: بیرون: متن = (ق: ل. آ. ب) ۲۷-ل: ق: س^۲ (نیز ق^۲: لی: ل. آ. و. ب): <و>: متن = س (نیز لن، پ) ۲۸-ل: زره: (لی: زدو)
۲۹-ل-ک: س^۲ (نیز ق^۲: لن، آ. ب): گوسفند: متن = ل (نیز لن، آ) ۳۰-ل-س^۲ (نیز لن، ق: آ. لی، پ. ب): فربه: (ل: آ: فزونی): متن تصحیح
قیاسی است ۳۱- (لن: آ: بیام) ۳۲- (ق: آ: بیاشی جام زرین گرفته) ۳۳-ل: ق: (نیز ق^۲: ل. آ): پیش: ک: پیش و: س^۲ (نیز لی، و. آ): بیاورد
همچون: متن = س. ل. آ (نیز لن، پ. ل. آ. ب) ۳۴- (و. آ: <و>)

یکی خورد و دیگر به بهرام داد
 ۲۸۵ چو شد مهربنداد^۳ شادان ز می^۴
 چنان دان که^۷ مانده بی^۸ شاه را!
 بدو گفت بهرام کاری^{۱۲} رواست
 چنان آفریند که خواهد همی!
 اگر من همی^{۱۶} نیک مانم به شاه
 ۲۹۰ بگفت این و زان^{۱۹} جایگه برنشست
 بخت آن شب تیره در بوستان
 بکشید^۱ و بر خوانش^۲ آرام داد
 به بهرام گفت: ای گو^۵ نیک بی^۶،
 همان تیره شب^۹ نیمه ی^{۱۰} ماه را!^{۱۱}
 نگارنده بر چهره ها^{۱۳} پادشاست!^{۱۴}
 هر آنک او فایده نگاهد^{۱۵} همی!
 ترا دادم ایر بیشه و^{۱۷} جایگاه^{۱۸}
 به ایوان خرم خرامید^{۲۰} مست^{۲۱}
 همی یاد کرد ز^{۲۲} لب دوستان!

۱- (ق: آ: بیوشید) ۲- ک: ل: آ: جایش: (ن: حالش: ق: آ: خوابش: لی: و: آ: ب: در خوانش): من = س: ق: س: ۳- (نیز ل: آ: پ: ل: ن: آ): ل: س: آ این بیت را ندارند: درک این بیت با بیت پیشین پس و پیش شده است: در س: آ این بیت دو بیت س: س: تر آمده است: ل: آ: پس از این بیت افزوده است:

چومی خورده شد شاد شد میزبان بهرام بگشاد شیرین زبان

۳- س: ق: س: آ (نیز لی: و: ل: ن: آ: آ): بیداد: (ن: بنداد (حرف یکم بی نقطه): ب: مست بیداد): من = (پ: آ: ۴- (آ: زوی): ل: آ: میزبان شاد و خرم: ک: (نیز ق: آ): چومی خورده شد شاد شد میزبان ۵- ق: شه ۶- ک: (نیز ق: آ): بگشاد: شیرین زبان: ق: آ این بیت را دو بار آورده است. یکبار برابر متن ما و یکبار چنان که اختلافاتش نوشته آمد: ب: پس از این بیت افزوده است:

چومی خورده شد شاد شد میزبان بهرام بگشاد شیرین زبان

۷- س: دانک: ک: که ای شیر: متن = سیزده دستنویس دیگر ۸- ل: مانده (وزن ندارد): ق: ماده (حرف سوم بی نقطه): (ق: آ: ل: آ: مابنده): متن = س: ک: ل: آ: س: آ (نیز لی: و: ل: ن: آ: آ): ب: نیم شب: متن = ک: ل: آ: س: آ ۱۰- ک: تیر مر: (ب: مانده): ق: در شب چارده: (ق: آ: شب نماینده): متن = س: ل: آ: س: آ (نیز لی: و: ل: ن: آ: آ): ل: تخت زرین و هم گه را ۱۲- ق: ل: آ: آری: متن = ق: ک: س: آ (نیز ق: آ: لی: و: آ: ب) ۱۳- ق: ک: ل: آ: س: آ (نیز ب): (لی: چهره ما: لی: چهره هم: ق: آ: ل: آ: نگارنده چهره: و: نگارنده بر چهره ما: آ: نگارنده بر چهره): متن = ل: (نیز ب) ۱۴- س: ل: ن: آ: ل: ن: آ این بیت را ندارند: ل: ن: آ که درین بخش آشفته ای دارند به جای این بیت آورده اند:

بدو گفت پس شاه بهرام گور که ای مرد با دانش و فر و زور

چومی خورده شد شاد شد میزبان تویی گفت در مر ما میزبان

۱۵- ل: مر آنرا گزیند که خواهد: س: ق: (نیز ل: ن: آ: ب): نه بفرود (ل: ن: نه بفرود و) هرگز نکند: ک: (نیز ق: آ): که نفروود هرگز نگاهد: س: آ (نیز لی: و: پ: و): نیفرود و هرگز نگاهد: (ل: ن: نه افروود هرگز نه نگاهد: آ: بیفرود و هرگز نگاهد: متن = ل: آ: برخی از دستنویسها پس از این بیت افزوده اند:

س: ل: ن: بدو گفت پس شاه بهرام گور که ای مرد با دانش و فر و زور

چومی خورده شد شاد شد میزبان تویی گفت در مر ما میزبان

ک: س: آ: ق: آ: ل: آ: ب:

بدو گفت بهرام کای میزبان تویی اندرین مردان (ق: آ: ب: مرزها: ل: آ: بوم و بر)

۱۶- (لی: همان) ۱۷- س: (نیز ل: ن: آ): مرز و این ۱۸- ل: جایگاه: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۹- ک: و از ۲۰- ل: (نیز ل: آ): خرامید و: ک: گذارید: (ق: آ: گر آید): متن = س: ق: ل: آ: س: آ (نیز لی: و: پ: ب) ۲۱- ل: س: آ (نیز ل: آ): تفت: متن = دوازده دستنویس دیگر: درک این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۲- س: آ: کرد یاد از: (ق: آ: یاد کردش): ب: پس از این بیت افزوده است:

همی بود با دوستان بکدله لب و بوس را حواه ر مشکین کله

چنین تا بیک هفته با کام او همی موج بر خاست: از کام او

گفتار اندر حرام کردن شراب را^۱

چو بنشست^۲ می خراست^۳ از بامداد
بیامد همانگه یکی^۴ مرد مه^۵
شتروارها^۶ نار و سیب^۸ و بهی
۲۹۵ جهاندار چون دید بنواختش
بزرگان لشکر برفتند شاد
وُرا میوه آورد لختی^۶ ز ده
ز گل دسته‌ها کرده^۹ شاهنشهی
میان یلان جایگه^{۱۰} ساختش

همین^{۱۱} مه که ما میوه و بوی بود
چو شد مرد^{۱۴} خرم به^{۱۵} دیدار شاه
یکی جام دیدش^{۱۸} بر از می^{۱۹} بلور
ز پیش بزرگان بیازید دست
۳۰۰ به یاد شهنشاہ بگرفت جام
به زوی شهشاہ جام^{۲۶} نبید
به جام‌اندرون می^{۳۰} پَنج من
وُرا پهلوی^{۱۲} نام گیروی^{۱۳} بود
وُزان^{۱۶} نامداران و آن جشنگاه^{۱۷}،
به دلش اندرافتاد از آن^{۲۰} جام شور^{۲۱}
بدان^{۲۲} جام می یاخت و^{۲۳} بر پای جست
منم-گفت^{۲۴} -میخواره گیروی^{۲۵} نام
چو من^{۲۷} درکشم، باز^{۲۸} خواهم گزید^{۲۹}
خورم هفت^{۳۱} ازین بر سر انجمن،

۱-س (پس از بیت ۲۹۵): داستان بهرام با گیروی میخواره و حرام کردن شراب؛ ق: گفتار در حال گیروی و مستی او و حکم بهرام؛ ک: صفت حرام کردن بهرام شراب را؛ ل^۱ (پس از بیت ۲۹۵): داستان گیروی میخواره و برکندن زاغ چشمها؛ س^۲ در اینجا سرنویس ندارد؛ متن = ل: بنداری (در حاشیه دستنویس اصل): قصه تحریم الخمر؛ این سرنویس درل بیش از ۲۵۰ بیت پس تر آمده است؛ در ق^۱، ل^۲، ب: پیایی داستانها آشفتگی دارد و این داستان با داستانهای دیگر پس و پیش شده است ۲- (لی: برخاست) ۳- (و: میخواره) ۴- (لی: هم آنگاه یک) ۵- ل: آ: به ۶- ل: ق، ل: آ، س^۲ (نیز ق^۱، ل: آ، و، آ، ب): چندی؛ ک: چندین؛ متن = س (نیز ل، ب، ل، ن) ۷- ل (نیز لی): شتربارها؛ متن = س-س^۲ (نیز ل، ن، و، آ، ل-ب) ۸- ک، س^۲ (نیز لی، و): سیب و نار؛ (ق: آ: باز سیب) ۹- (ق: آ، ل، ب: بسته) ۱۰- ل: پایگه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ در ب این بیت بابت سپین پس و پیش شده است؛ بنداری: ذکر صاحب الکتاب آن بهرام کان ذات یوم جالسین ندماه و جلاسه فد-ل علیه بعض اکابر أهل القرى بأحمال من الفواکه. فأکرمه بهرام وأجلسه بین أصحابه ۱۱- ق (نیز ل): همان ۱۲- ل (نیز ل): پهلو؛ ۱۳- س-س^۲ (نیز ل، ق، آ، پ، و، آ): گیروی؛ متن = ل (نیز لی، ل، آ، ل، ب): ل، ک، س^۲ پس از این بیت و ل^۳ پس از بیت سپین افزوده‌اند

بروی جاندار جام نبید
دو من را (چو دو من) بیکبار اندر
(ک، س: آ: رطل گران را بیکدم) کشید

۱۴- س: مردم (وزن ندارد) ۱۵- ل، ب، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۱، ل: ب، و، آ، ب): ز؛ متن = س، ق (نیز ل، ل، آ، ل، ن) ۱۶- ل: ازان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷- س: جشن ه: (لن وُزان جشنگاه) ۱۸- ل: جام دیگر؛ س: جامه دید؛ ق (نیز ل): جام را دید؛ (ق: آ: جام می دید؛ پ: جام دید او؛ ل: آ: جام دیدند؛ ل: آ: دید جام دیدش)؛ متن = ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب) ۱۹- س، ق (نیز ل، ق، آ، ل، ن): پرمی؛ متن = ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب) ۲۰- ل (نیز لی، ل، آ): ان؛ متن = ک، س^۲: بخورد آفرین کرد بهرام گور؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۲- ق (نیز ل، آ): بران ۲۳- ل، ق <و>، ل، آ (نیز ل، ق <و>، ل، آ، ب، و، آ، ل، ن): تاخت و؛ س: ناخت (حرف یکم بی نقطه)؛ ک، س^۲ (نیز و، آ، و، <و>، ب): آخت و؛ متن = (پ) ۲۴- ق: هس خورد؛ ل (نیز ل): همی گفت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- س، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۱، ل: ب، آ): گیروی؛ (و: گیروی (بی نقطه))؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل، ل، آ، ب) ۲۶- (پ: چون من) ۲۷- (پ: همی) ۲۸- ل، ق، س^۲ (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ، ب): یار؛ س (نیز و): یار (بی نقطه)؛ متن = (آ) ۲۹- (آ: کشید؛ ل: بیکدم همانگه اندر کشید) ۳۰- ل، ک، ل (نیز ل، ق، آ، ل، ب، ل، ن): بود می؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب) ۳۱- س (نیز ل، ل، ن، آ): هشت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر

ز من نشود کس ^۴مستی خروش!^۴
 و زان ^۷می پرستان بر آورد گرد!
 که داند که در تر ^۸موش^۸ چون گذشت!^۹
 چو در سینه‌ی مر. می گرم گشت!^{۱۱}
 ز هامون ^{۱۲}هسی تاخت تا پیش ^{۱۳}کوه،
 نگه کرد و ^{۱۵}در سایه‌ی او بخت^{۱۶}

دو چشمش بکند اندر آن خوابگاه^{۱۸}
 و را مرده دیدند در ^{۲۰}پیش کوه
 برش اسپ ^{۲۲}و ایستاده به راه^{۲۳}
 و زان مجلس و ^{۲۵}جام جوشان شدند
 بیامد بر و یکی نیکخواه^{۲۶}،
 ز ^{۲۹}مستی بکنده‌ست ^{۳۰}در پیش راغ^{۳۱}
 ز تیمار کیروی ^{۲۷}پر ^{۳۲}درد شد!

و زایدرا^۱ خرامم سوی ده^۲ به هوش
 بگفت این^۵ و زان هفت بر هم^۶ بخورد
 ۳۰۵ به دستوری شاه بیرون گذشت
 و زان جای^{۱۰} خرم بیامد به دشت
 برانگیخت اسپ از میان گروه
 فرود آمد از اسپ^{۱۴} جایی نهفت

ز کوه اندر آمد کلاغ^{۱۷} سیاه
 ۳۱۰ همی تاختند از پس اندر^{۱۹} گروه
 دو چشمش ز سر کنده زاغ^{۲۱} سیاه
 برو^{۲۴} کهترانش خروشان شدند
 چو بهرام برخاست از خوابگاه
 که کیروی^{۲۷} را چشم روشن کلاغ^{۲۸}
 ۳۱۵ رخ شهریار جهان زرد شد

۱-ل.س.ق.ل^۲ (نیز ل.ن.ق.ل.آ^۳): پس آنکه؛ (ب. و رایدون)؛ متن = ک.س.آ^۲ (نیز لی) ۲-ل.س.ن.ده روم من؛ (ب. سوی ده خرامم)؛
 متن = سیزده دستویس دیگر ۳-ق.ز ۴- (آ. و جوش) ۵-ل.آ. بخورد آن ۶-ک.س.آ. با هم؛ آ. پر هم؛ ل. چنان هفت جام پر از
 می؛ متن = یازده دستویس دیگر ۷-ل.ل.آ^۲ (نیز ق.آ^۲)؛ از آن؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ بند ری؛ فرای قدحا فیه خمسة امانه من
 الشراب فأخذها وقال: أشرب سبعة أفداح من هذه ولا أسکر، وأرجع صاحباً الى ضیعتی. ففعل ذلك، غیر مکرث بکثرته ۸-ل.س.آ^۲ (نیز
 ق.آ.لی.و.آ.)؛ می در تنش؛ ق. (نیز ل.آ.ب.)؛ می بر تنش؛ ل.آ. می در پیش؛ متن = س. (نیز ل.ن.ب. ل.ن.آ^۲) ۹-ک. و زان جای خرم بیامد بدشت
 ۱۰-س.ق.ل^۲ (نیز ل.ن.ب.)؛ از ان شهر؛ (ق.آ. ز ایوان؛ لی. و زان جام؛ ل. از ایوان)؛ متن = ل.س.آ^۲ (نیز و.آ.ب.) ۱۱-ل.ن.آ^۲ این بیت را ندارد و در
 ک چنین آمده است:

چو در سینه مرد می گرم گشت که داند که می در تنش چون گذشت

بنداری؛ ثم استأذن الملك و خرج منصرفاً الى ضیعته و سار فی طریقہ فغلی الشراب فی صدر فلم یطق الركوب ۱۲- (ب. بهامون)
 ۱۳-س. (نیز ل.ن.ب. ل.ن.آ^۲)؛ سوی؛ ق.ل^۲ این بیت را ندارد ۱۴-ل.ب.اره؛ ل.آ^۲ (نیز و. ل.ن.آ^۲)؛ اسپ؛ ز. متن = یازده دستویس دیگر ۱۵-ق. (نیز
 ل.ن.لی.ب. ل.ن.آ^۲)؛ <و> ۱۶-ل. کوه خفت؛ س. جایی بخت؛ ق. (نیز ل.ن.ق.ل.آ^۲، ل.پ. ل.ن.آ^۲)؛ داری بخت؛ (و.آ. وی بخت)؛ ک. بر سایه وی
 بخت؛ (ب. و بر سایه آن بخت)؛ متن = ل.آ.س.آ^۲ (نیز لی)؛ بنداری؛ فعلد عن الطریق فی ظل شجرة فنام و عمره انوم و السكر
 ۱۷-س.س.آ^۲ (نیز ل.ن.لی.ل.آ^۲، ب.آ.ب.)؛ کلاغی؛ متن = ل. (نیز ق.آ.ب.) ۱۸- (ق.ل.آ^۲، ل.ن.آ^۲)؛ جایگاه) ۱۹-س.ق. (نیز ل.ن.ب. ل.ن.آ^۲)؛ او؛ (ب. تاختندش
 از پس او (وزن ندارد))؛ متن = ل.ک.ل.آ^۲ (نیز و.آ^۲) ۲۰-ل. بر؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲-ل.آ^۲؛ زاغی ۲۲-ل. باره بر؛ ق. <او>
 (وزن ندارد)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۳- (لی. ز راه؛ ل.آ^۲ پای)؛ بنداری؛ فنزلت علیه غرباً. سود من الجبل فاقطن عینه. و اتاه
 أصحابه فوجدوه ميتاً مقفوء العینین، و فرسه مربوطاً بین یدیه ۲۴-ق. و زو؛ (لی. بدو) ۲۵-ک.س.آ^۲ (نیز لی.و.آ^۲)؛ بزم و آن؛ متن = ده
 دستویس دیگر ۲۶-ک.س.آ^۲؛ نامخواه ۲۷-س. کیروی (نقطه ندارد)؛ ق.س.آ^۲ (نیز ق.آ.لی.ب.و.آ^۲)؛ کیروی؛ متن = ل. (نیز ل.ن.ل.آ^۲، ل.ن.آ^۲، ب.)
 ۲۸- (و. چراغ؛ ل.آ.ب. در پیش راغ) ۲۹- (ب. به) ۳۰- (ق.آ. فکندست) ۳۱-س. (نیز ل.ن.ب. ل.ن.آ^۲)؛ ب. پیش راغ؛ ک.س.آ^۲ (نیز لی) <و>؛ (آ. بر
 دشت و راغ؛ ل.آ.ب. تیره کلاغ؛ و. در دشت زاغ) ۳۲- (لی. و.آ.ب.)

هم آنگه برآمد ز درگه^۱ خروش
حرامست می ر^۲ جهان سربسر

که ای نامدازان با فرّ و هوش،
اگر پهلوانست، اگر^۳ پیشه‌ور!^۴

برین گونه^۵ بدذشت سالی تمام
همان شاه چور مجلس آراستی^۷
۳۲۰ چنین تا یکی کودکی^{۱۰} کفشگر
فزارش^{۱۲} نیامد بدان کار^{۱۳} سخت
به خانه^{۱۵} نهان داشت^{۱۶} لختی نبید
به پور جوان گفت: ازین^{۱۸} هفت جام
مگر بشکنی امشب آن^{۲۰} مهر^{۲۱} تنگ!

همی داشتی هر کسی^۶ می حرام
همه^۸ نامه‌ی باستان^۹ خواستی
زنی خواست با چیز و نام و گهر^{۱۱}
همی^{۱۴} زار بگریست مامش ز بخت
پسر را بدان خانه^{۱۷} اندرکشید
بخور تا شوی خرم^{۱۹} و شادکام،
کُند^{۲۲} از نمد کی کند کاره سنگ^{۲۳}!

۱- (لی: ز درگه برآمد) ۲- ل، ق (نیز لی): در: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- ق: گر؛ (ن: یا؛ لی: وگر): ل: زبردستست گر؛ (ق: ل: ۲، ب: پهلوان باشد از): متن = س، ک، ل، آ، س (نیز پ-آ) ۴- ل: نامور: متن = چهارده دستنویس دیگر: بنداری: فأنهوا خبره الی الملک فعظم ذلک علیه فحرم الخمر عند ذلک: قال: لایشربها وضع و لاشریف: ک، س، آ پس از بیت ۳۱۷ افزوده‌اند:

نبید که (س: آ: نشایست) دیگر کسی می خورد وگر سوی میخوارگان بنگرد

برخی از دستنویسها درین جا سرریس دارند: س: داستان بهرام با کودک کفشگر و حلال کردن شراب: ق: داستان پسر کفشگر با شیر و حکم بهرام گور: ل: داستان کودک کفشگر که بر شیر نشست ۵- ک، س، آ (نیز و، آ): گفته: (ق: آ: نیز): (لی، پ، آ، ب: بدین گونه): متن = س، ق، ل، آ (نیز ل، ل، آ، ل، آ) ۶- ک (ب: لی، و، آ): همه کس همی داشتی: س، آ: همه هر کسی داشتی: (ل، آ، ب: همی داشت هر کس همی): متن = س، ق، ل، آ (نیز ل، ق، آ، پ، ل، آ): ل این بیت را ندارد: بنداری: فمضت سنة علی ذلک ۷- س، ل، آ، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، آ، ب): شاه مجلس نیاراستی: ک (نیز لی، و، آ): زناه بزدهش نیاراستی: متن = (پ) ۸- س، ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، ل، آ): همان: متن = ل، آ (نیز ق، آ، لی، پ، و، آ، ب) ۹- (ب: پاسبان): ل، ق این بیت را ندارند: بنداری: و صار الملک اذا جلس فی مجلس الأئیس یحضر عنده کتب الملوک و تواریحهم و سیرهم فیشتغل بذلک عوضا عن الشرب: پ پس از بیت ۳۱۹ افزوده است:

نخوردی من و دور بودی ازوی نبودی ز می در میان رنگ و بوی

برخی از دستنویسهای فرعی در اینجاست سرریس دارند ۱۰- (ل، پ، ل، ن: آ: کودک): ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز لی، و، ی: < آ): چنین بود تا کودکی: متن = س، ق (نیز ق، آ، ل، آ، ب) ۱۱- ق، س، آ (نیز ل، لی، پ، و، آ، ب): هنر: (ق: آ: نامش گهر: آ: نام پدر): متن = ل، س (نیز ل، آ): بنداری: فاتفق أن تزوج ابن إسکاف بامرأة ذات مال و جمال ۱۲- ل: فرازش: س، آ (نیز لی، ب): قرارش: (و: زوارش): ق: چو عضوش: متن = س، ک (نیز ل، ق، آ، پ، ل، آ، آ) ۱۳- س، ک (ب: ل، آ): بران: س، آ: در آن: ل (نیز ل، آ): نبودش دران (ل: بدان) کارافزار: (و: همانا بیایست): متن = ق، ل، آ (نیز ل، ق، آ، لی، پ، آ، ب) ۱۴- (ب: برو) ۱۵- ل، س، آ (نیز ل، لی، ل، آ، پ، ل، آ، ب): همانا: متن = (ق: آ) ۱۶- (و: نهان داشت در خانه) ۱۷- ل: بران خانه: ل: بداد آن و: متن = سیرده دستنویس دیگر ۱۸- ل (نیز ل، ل، آ): کین: (لی: می: ب: این): متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- ل، ل، آ (نیز ل، ق، آ، ل، آ، پ، ل، آ، ب): ایمن: (لی: روشن): متن = س، ق، ک، س، آ (نیز و، آ) ۲۰- س، س، آ (نیز ل، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب): این: متن = ل (نیز ل، آ، ل، آ) ۲۱- ل، آ: در ۲۲- ل، س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، آ): کلنگ: ق (نیز ق، آ): کلید: متن = ۲۳- ل، س (نیز پ): کارسنگ: (ل، ل، آ، ل، آ: کان سنگ: ق: آ: کار سخت): ق: مردکان سنگ: ک، س، آ (نیز لی، و، آ، ب): نیازی بدین دوده اندر (ب: ایدر) تو ننگ: ل: ز ما بفکنی نام زشتی و ننگ: متن تصحیح قیاسی است: بنداری: فلما کانت لیلة الزفاف أخرجت أمه قطعة شراب کانت قد خبأتها. و قالت لابنها: اشرب من هذه سبعة جامات فلعلک، تفض لیلة الختم. و لاتعرف بین عشیرتک

همانا پی و پوست او^۳ سخت گشت
 بیامد^۵ در خا به سوراخ کرد
 شده^۷ شاددل^۸، یاتمه راه^۹ خویش^{۱۰}
 یکی شیر بگسست^{۱۳} و آمد به راه
 به دریا ده^{۱۴} انگشت او شست^{۱۷} بود!-
 بیازید و بگرفت گوشش به دست
 غلام^{۲۱} از بر و شیر در زیر بود
 به یک دست زنتیر و دیگر کمند
 نشسته چو بر خر سوار^{۲۵} دلیر
 دلیر اندر آمد بنزدیک^{۲۹} شاه^{۳۰}
 به دیده بدید آنک^{۳۲} بشنیده^{۳۳} بود!-

۳۲۵ بزد کفشگر زان می^۱ هفت^۲ هشت
 جوانمرد را^۴ جام گستاخ کرد
 و زان^۶ جایگه شد به درگاه خویش
 چنان بُد^{۱۱} که از خان^{۱۲} شیران شاه
 از آن می همی^{۱۴} کفشگر مست^{۱۵} بود
 ۳۳۰ بشد تیز^{۱۸} بر شیر غزان نشست
 بدان گاه^{۱۹} شیر یله سیر^{۲۰} بود
 همی شد دوان^{۲۲} شیروان^{۲۳} چون نوند
 یکی کفشگر دید^{۲۴} بر پشت شیر
 بیامد دوان^{۲۶} تا در^{۲۷} بارگاه^{۲۸}
 ۳۳۵ بگفت آن شگفتی کجا^{۳۱} دیده بود

۱-س: همی؛ س: نیید؛ (ل: منی)؛ ل: جام می؛ (آ: آن می)؛ ق: ک: خورد کفشگر زان می: متن = ل: (نیز لن، ق: آ، لی، پ، و، لن، آ، ب)
 ۲-ل، س: (نیز لن، ق: آ، لی، لن، آ)؛ هفت و: متن = س-ل: (نیز ل، پ، و، آ، ب) ۳- (ق: آ، ل، آ، پ، ب، پ، یوسنش)؛ ک: کی آن بومتین: ل: (نیز لی، و، آ)؛ کی آن پوستش؛ س: آ: پس آن پوستین؛ ل: هم اندر زمان آتشش؛ ق: همان نرم اعصاب بر؛ م: س (نیز لن، لن، آ)؛ بنداری؛ فشراب
 الإسکاف منها سبعة أو ثمانية فاشتدت عروقه وأعصابه ۴- (ل: آ، با) ۵- ل: بیامد و (وزن ندارد) ۶- (ق: آ، ل: آ، از ان) ۷- س، ق: ک: بشد
 ۸- (ق: آ، ل: آ: شادمان) ۹- ل: گاه؛ متن = س-س: (نیز ق: آ، ب) ۱۰- (لن: چنان بد که از خان شیران پیش) ۱۱- (لن: همانا که) ۱۲- ل: ک
 (نیز ق: آ، و، ب)؛ خانه؛ متن = ل: آ، س: (نیز لن، لی، ل، آ، پ) ۱۳- س: (نیز لی، و، آ، ب)؛ بگشاد ۱۴- س: (نیز لن، لن، آ)؛ هشت (؟)؛ (لی، و، همین)؛
 ق (نیز ق: آ، ل: آ)؛ هنوز از می آن؛ متن = ل: ک، ل: آ، س: (نیز آ، ب) ۱۵- س: سست (؟)؛ (لن: مست؛ لن: آ: سش (حرف های یکم و دوم
 بی نقطه)؛ پ: زباده هنوز آن پسر) ۱۶- س، ک: (نیز لن)؛ بدریاده؛ متن ← ۱۷- ل: بدیده بدید آنچه بایست؛ ق: بدریاده بنشت و او
 شست؛ متن = ل: آ، س: (نیز ق: آ، ب) ۱۸- ل، س، ک، س: (نیز لن، ق: آ، پ، آ)؛ تیز و: متن = ق: ل: (نیز لی، ل، آ، ب)؛ بنداری؛ و: لما أسبل علیه
 حجابہ فتفتح دون مراده بابه. فخرج الی باب داره و هو سکران فرأی أسدا قد قطع اللاسل، أفلت فوثب علی ظهره، و علاه و
 استمسک بأذنیه؛ در ل: آلت های بیت ۳۳۰ پس و پیش شده اند و ق: آ پس از آن افزوده است.

چه آتش به پیش چه پیل و چه شیر
 بدو خیره ماندند بازار و کوی
 یکی بی هنر بود و بی زوردست
 به تیزی بران سیر غزان نشست
 بهر چیز در دست دزد دلیر
 که او را ندان چنان آب روی

۱۹- ق (نیز ق: آ، لی، ل: آ)؛ بدانگه که؛ ل: آ: که هر چند؛ متن = س، ک، س: آ (نیز لن، پ، ب) ۲۰- ل: بران شیر غزان پسر شیر؛ متن = چهارده
 دستنویس دیگر ۲۱- ل (نیز و)؛ جوان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲- (ق: آ، ل: آ، پ: پیش؛ لی: مان؛ ب: گرم شد) ۲۳- س، ک: (نیز لن،
 لی، پ، ب)؛ شیربان؛ ل: (نیز ق: آ) شیر و آن؛ متن = ل، س: آ (نیز ل: آ)؛ ق: این بیت را ندارد؛ ل، ک، س: آ پس از این بیت افزوده اند:
 چو آن (ک، س: آ: همان) شیربان جهاندار شاه بیامد ز خانه بدان جایگاه
 ۲۴- (ل: آ: بود) ۲۵- ل، ک: (نیز لن، ق: آ، لی، پ)؛ سواری؛ متن = س، ل: آ، س: آ (نیز ل، و، ب)؛ و این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فجاء السباع و
 باحدی یدیه السلسله و یدیه الأخری الحبل یرید؛ اسماکه فرأی الإسکاف علی ظهره کراکب حملا؛ ۲۶- (ل: آ، ب: دمان) ۲۷- س: بادر؛
 (ق: آ: تا بدان) ۲۸- (آ: بنزدیک شاه) ۲۹- ل: آ: بدرگاه ۳۰- (آ: بدان بارگاه)؛ ق: این بیت را ندارد ۳۱- س: (نیز لن، ق: آ، ل: آ، پ)؛ که خود؛ ل:
 دلیری کزو؛ ل: آ: دلیری که خود؛ (لن: آ: بگفتی آن شگفتی که خود (وزن ندارد))؛ متن = ک، س: آ (نیز لی، و، آ، ب) ۳۲- ل: آنچ؛ (ل: آ، پ، لن، آ،
 آ: آنکه؛ و: بدید آنچه)؛ متن = س، ک، ل: آ، س: آ (نیز لن، ق: آ، لی، ب) ۳۳- (ق: آ، ل: آ، پ: نشنیده)؛ ق: این بیت را ندارد

ز در موبدان و ردان^۳ را بخواند
نگه کن که تا از که دارد گهر^۴
که بر^۶ پهلوانان^۷ دلیری سزاست!
فزاید مگر بر هنر گوهرش^۸
ازین^{۱۰} پیشه^{۱۱} برتر نیامد گهر^{۱۲}
دوان رفت و بر شاه^{۱۳} بگشاد راز^{۱۴}
که شادان بدی^{۱۵} تا بود روزگارا!
یکی زن گزین کرد و^{۱۸} شد کدخدای
زنش گفت کان^{۲۱} ست خودزست^{۲۲} بود
[ندانست کس راز^{۲۳} او در جهان]
نمد سر بر آورد^{۲۴} و گشت^{۲۵} استخوان!
که دانست کین^{۲۶} شاه خواهد شنید؟
که این داستان را شاید نهفت!

جهاندار از آن^۱ در^۲ شگفتی بماند
به موبد چنین گفت کین کفشگر
اگر پهلوان زاده^۱ باشد رواست
بجستند و گفتند با مادرش
۳۴۰ نیا کفشگر با، پدر^۹ کفشگر
همان مادرش چن سخن شد دراز
نخست آفرین کرد بر شهریار
چنین کودک^{۱۶} ارسیده^{۱۷} به جای
به کاراندرش^{۱۹} ایژه^{۲۰} ست بود
۳۴۵ بدادم سه جم نیدش نهان
[هم اندر زمان لیل گشتش رخان]
نژادش نبد جز سه جام نبد
بخندید از آن^{۲۷} پیرزن^{۲۸} شاه و^{۲۹} گفت

۱-ل: زان: (ب: ازو): متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (پ: <در> (وزن ندارد)) ۳-ل: ردو موبدان و ردان: س (نیز ق^۲): ردو موبد و
بخردان: ل^۲ (نیز لن^۲): همه موبدان و ردان: (لی: و: ردو موبدان و بلان): متن = ق: ک: س^۲ (نیز لن: ل: آ: ب: آ: ب) ۴-ل: آ (نیز لن: آ): هنر
۵-ک: س^۲ (نیز و: آ): بچه ۶-ل: آ (نی: پ): ۷- (پ: پهلوان این): ل: بیت های ۳۳۸-۳۴۰ را ندارد ۸-ق^۲: پس از این بیت افزوده است:
بخواندند و ر و گفتند راز شد آن کار کوتاه بر وی دراز

۹-س: ق (نیز لن: ق: ل: آ: ب: لن: آ): بود و او: ل: آ: پدر کفشگر بود و او: متن = ک: س^۲ (نیز لی: و: آ: ب) ۱۰-ک: س^۲ (نیز لی: پ: و: ب): وزان:
(لن: ل: لن: آ: ازان: آ: وزین): متن = س: ق: ل: آ (نیز ق^۲) ۱۱- (ل: آ: نیز) ۱۲- (لن: آ: گذر): بنداری: قضی بهرام منه العجب فقال لبعض
موابذته: کان هذا الإسکاف یتسب لی اصیل کریم. ففتش عن نسه وأخبرنی به. ففتش عنه فاذا به قد ورث صناعته أباه عن جد، وکل
آبانه أساکفة: ق^۲ پس از بیت ۳۴۰ افزوده است:

چو چاره ندید اندران کار زن فروماند خیره دران انجمن

۱۳-س: آ: باشاه: ل (نیز آ: ب): شد بر شاه و: لی: رفت باشاه: متن = س: ل: آ (نیز لن: ق: آ: ب: و: لن: آ) ۱۴- (ب: بردش نماز): ل: این بیت را
ندارد ۱۵-ل: ق: ک: س^۲ (نیز لن: ق: آ: بی: پ: ب): بزی: متن = س: ل: آ: این بیت را ندارد: ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

بگفتش همه رز در پیش شاه ازان شیر کو بر نشستش براه

۱۶-ل: آ: گفت کین: (ق: آ: از آن کودک): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-ل: ق: ل: آ (نیز ق^۲): نورسیده: متن = یازده دستنویس دیگر
۱۸- (لی: آ: ب: خوب زن کرده: و: آرزو کرده) ۱۹-ل: ک: ل: آ (نیز ق^۲: لی: ل: آ: ب): اندرون: (لن: آ: ز کار اندرش): متن = س: ق: س^۲ (نیز لن:
پ: و: آ) ۲۰- (لی: ناتره: ل: آ: ایر او: لن: آ: تابره: آ: نامره) ۲۱- (ب: کین): ل (نیز ل: آ): دلش گفتی از: (ق: آ: ز بس گفت کین: لی: و: تو گفتی که
آن): متن = س: س^۲ (نیز لن: پ: لن: آ: آ) ۲۲- (آ: زشت) ۲۳-ل: که ماند کس از تخم: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴-ل: آ: بر سر آورد
۲۵- (ق: آ: شد): ق^۲ پس از این بیت بزوده است:

وزان پس برآمد همه کام او همی شیر غرنده شد نام او

۲۶- (ق: آ: کش) ۲۷-ل: ل: آ: زان: متن = سیده دستنویس دیگر ۲۸- (ب: پیره زن) ۲۹-ل: س: ل: آ: س^۲ (نیز لن: ق: آ: ل: و: لن: آ): <و>:
متن = ق: ک: (نیز لی: پ: ب)

به موبد چنین گفت کاکنون نبید
 ۳۵۰ که چندان خورد می که بر نزه شیر
 نه چندانک^۳ چشمش کلاغ سیاه
 خروشی برآمد همانگه ز در
 براندازه^۶ بر هر کسی می خورید!
 چو می‌تان به شادی شود^۹ رهنمون
 حلالست^۱، میخواره باید گزید،
 نشیند، نیارد^۲ وُرا شیر زیر؛
 همی^۴ بر کند رفته از پیش^۵ شاه!
 که ای پهلوانان زرین‌کمر،
 به آغاز و فرجا، خود^۷ بنگرید!
 بخشید^{۱۰} تا تن نگردد زبون!

گفتار اندر دیهی که به یک سخن خراب شد و به یک سخن آبادان^{۱۱}

۳۵۵ بیامد سیم^{۱۲} روز شبگیر شاه
 به دست چیش هرمز کدخدای
 برو^{۱۵} داستان‌ها همی خواندند^{۱۶}
 سگ و یوز در پیش^{۱۸} و شاهین و باز
 چو خورشید تابان به گنبد رسید^{۲۰}
 ۳۶۰ ز خورشید تابان^{۲۳} درم‌ساز^{۲۴} گشت
 سوی دشت نخچیرگان^{۱۳} با سپاه
 سوی راستس موبد پاکرای^{۱۴}
 ز جم و فریدون، سخن راندند^{۱۷}
 همی تا به سر برد روز^{۱۹} دراز
 به جایی پی^{۲۱} گور و آهو ندید^{۲۲}،
 ز نخچیرگه تنگدل بازگشت

۱- (ل: ۳: مباحث): ک (نیز: لن، ق، پ، لن، ۲): حلالست و: بنداری: فلما طال فی بابہ الحدیث حضرت العجوز و أعلمت الملک بما جرى. فضحک و حلل الخمر ۲- (لن: ۲: بتازد): در ب این بیت چهار بیت سپس تر آمده است: ل بیت‌های ۳۵۷-۳۵۰ را ندارد ۳- ل، ک، ل، ۲، س (نیز: لن، ق، آ، لی، پ، آ): چندان که: متن = س، ق (نیز ب) ۴- س، ق (نیز ق، آ، و، ب): ز سر: متن = ل، ک، ل، آ، س (نیز: لن، لی، پ، لن، ۲، آ) ۵- ل (نیز: لن، لن، ۲): نزد: (ب: دست): متن = ده دستویس دیگر: در ب این بیت پس از بیت ۳۵۵ آمده است: بنداری: و اذن ان یشرب منها مقدار ما یقفوی به شاربہ حتی یصیر بحیث یقاوم السباع، و لایسرف حتی یصیر شاربیا عرۃ للغربان و أشباهها ۶- ل (نیز: لی): باندازه: متن = دوازده دستویس دیگر ۷- ل، آ: فرجام را: (لی: فرجام او): ق (نیز ب): از آغاز فرجام را: ک، س (نیز: لن، پ، و، لن، ۲): بانجام و فرجام خود: (ق: آ: از آغاز فرجامتان): متن = ل، س (نیز آ) ۸- (لن: بگذرید) ۹- ل، ق (نیز ق، آ، پ، و): بود: متن = س، ک، ل، آ، س (نیز: لن، لی، لن، آ، ب) ۱۰- ل، ل، آ: بکوشید: (لن: بجنید): متن = یازده دستویس دیگر: بنداری: فار نعت أصوات البشائر بتحلیل الراح و الترخص فی إدارة الأقداح و جلب السرور و الأفراح ۱۱- ل: داستان بهرام گور با روزبه وزیر: س: داستان بهرام گور با موبد موبدان: ق: داستان آن دبه که بیک سخن خراب شد: ک: رفتن بهرام بشکار و بدی بدیه خواستن: ل: گفتار اندر دیهی که بیک سخن خراب شد: س: آ: داستان این دبه که بیک سخن خراب شد: بنداری این داستان را ندارد ۱۲- ل، س، ل (نیز: لن، لی، و، ب): سیوم: ق، س (نیز ق، آ): سوم: (پ: دگر): متن = ک ۱۳- ل: نخچیرگه: ک، س (نیز: لی، و، آ، ب): نخچیر خود: (ق: آ: نخچیر شد): متن = س، ق، ل (نیز: لن، پ، لن، ۲) ۱۴- (ق: آ: رهنمای) ۱۵- (لی: بدو) ۱۶- (ق: آ: راندند) ۱۷- (ق: آ: خواندند) ۱۸- س: چندیش ۱۹- س، ق (نیز: لن، ق، آ، ل، پ، لن، ۲): راند در (ق، ق، آ، ل، پ، آ): بر) دشت روز: ک، س (نیز: لی، و، آ، ب): راند شادان بروز: متن = ل، ل، ۲۰- ک، س (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب): ز گنبد بگشت ۲۱- ل، آ: یکی ۲۲- ک، س (نیز: لی، و، آ): ندید ایچ آهو بدان (س، آ، و، بران) پهن دشت: (ق، آ، ب: ز نخچیرگه تنگدل بازگشت): متن = ل، س، ق (نیز: لن، ل، پ، لن، ۲) ۲۳- ک، س (نیز: آ): گردان: (آ: رخشان): ل، ل، آ: جو خورشید تابان: متن = س، ق (نیز: لن، لی، لن، ۲) ۲۴- ل، س، ل (نیز: و): درم‌ساز: متن = ق، ک، س (نیز: لن، لی، لن، آ، پ، لن، آ): ق، آ، ب بین بیت را ندارند

بسی اندر او^۲ مردم و چارپای^۳
 نظاره به پیش سپاه آمدند^۴
 همی خواست کاید بدان ده^۵ فرود
 تو گفתי بیست^۷ آن خران^۸ را زمین!
 به خوبی نکرد اندر ایشان^{۱۰} نگاه^{۱۱}
 پر از خانه و مردم^{۱۴} و چارپای^{۱۵}
 به جوی اندرون آب چون^{۱۸} قیر باد^{۱۹}!
 چه بود اندران^{۲۰}، پیش ده شد ز راه^{۲۱}
 همین^{۲۳} خانه^{۲۴} و مردم و چارپای^{۲۵}
 یکی تازه کرد اندرین^{۲۶} کام^{۲۷} را

به پیش اندرآم، یکی سبز جای
 از آن ده فراهان به راه آمدند
 جهاندار پرخش و پرتاب بود
 نکردند ازیشان^۶ کسی آفرین
 از آن مردمان ننگدن گشت^۹ شاه
 به موبد^{۱۲} چنین گفت کین سبز جای^{۱۳}
 کُنام دد و دام^{۱۶} و نخچیر باد^{۱۷}!
 بدانست موبد که فرمان شاه
 بدیشان چنین گفت کین نغز^{۲۲} جای
 خوش آمد نهنشه بهرام را

۱-س: آ. سبزه ۲-س: ق (نیز لن، ق، پ، لن، آ): پر از خانه و؛ ک، س: آ (نیز لی، و، آ، ب): فراوان درو (آ: بدو): متن = ل، ل، ۳-ل: آ: خانه مردم و سبز جای؛ برخی از دست‌نویس‌ها پس از این بیت افزوده‌اند: س، ک، س: آ، پ، و، آ:

کُنام دد و دام و نخچیر و باز بجوی اندرون آبشان رود (و: زود) تاز
 ق: آ، لی، ل، ۳: ب:

یکی جای آبا: ب با خرمی همه جای آرامش و بی‌غمی
 لی: ب: به موبد چنین گفت بهرام شاه که چونین بد از اخترش (ب: بد اختر یکی) جایگاه
 کُنام دد و دام و نخچیر و باز بجوی اندرون آبشان زود تاز

ل: ۳: بموبد چنین گفت بهرامشاه بجوی اندرون آب چون شیر راه

۴-ق بیت‌های ۳۶۵-۳۶۸ را ندارد؛ بر س، لن، لن، آ پس از این بیت، بیت ۳۶۸ آمده است ۵-ل: آ: ره ۶-ل: زیشان؛ (لی، ل، آ، پ، ب: از آن ده): متن = س، ک، ل، آ، س: آ (نیز لن، و، آ، و، لن، آ، آ): ۷- (لی: که نیست) ۸- (ل: گوان؛ آ: ددان؛ ب: جوان) ۹-ل: آ: پس برنجید ۱۰-ل: آ: در ایشان نکرد او ۱۱-س، لن، لن، آ: که چونین بد اختر یکی جایگاه؛ متن = ل، ک، س: آ (نیز ق: آ، ل، ۳: پ، و، آ، ب): ق، لی، این بیت را ندارند ۱۲-س (نیز لن): بدیشان ۱۳-ق (نیز لی، پ): بهرامشاه ۱۴-ل: آ: مردم و خانه؛ (لن: میوه و مردم؛ ق: آ: مباد اندرو مردم) ۱۵-ق (نیز لی، پ): که چونین بد اختر یکی (لی: بد از اخترش) جایگاه؛ لن این بیت را ندارد؛ در س، لن این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۱۶-ق: شیر ۱۷- (لی: و باز): ل: آ (نیز ل: ۳): و جای رشیر (ل: نخچیر) باد ۱۸-س، ق، ک، س: آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، لن، آ، ب): آبشان؛ متن = ل، ل، آ (نیز ل: ۳) ۱۹- (لی: زود تاز): آ این بیت را ندارد ۲۰-س: آ: اندرین؛ (ل: نبود اندرین) ۲۱- (آ: براه): ل، ل، آ (نیز ل: ۳): سوی ده شد ز راه؛ متن = دو از ده دستنویس دیگر؛ در س، لن، لن، آ این بیت شش بیت پیشتر آمده است؛ ک، س، آ، لن، لی، ب پس از این بیت و س پس از بیت سپین افزوده‌اند: پیامد هم از نگاه موبد بده بخواند آن کسی را که و (لن: کجا) بود (آ: که بودند) مه

لن، پ، لن، آ: بگفتا پیام ملک (پ: که پغام شه) بشنوید ز گفت ملک (پ: گفتار شه) هیچ بر مگذرید
 ۲۲-ل، س، ک، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ): سب: ق: رشت (؟): متن = س: آ (نیز لی، و، آ، ب) ۲۳-ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، پ): پر از؛ متن = ک، س: آ (نیز لی، و) < آ، ب) ۲۴-س (نیز لن، پ): میره ۲۵- (ق: آ: دلارام و پاکیزه و پاک جانی): ل، آ، لن، آ این بیت را ندارند ۲۶- (ق: آ، لی: اندران) ۲۷-ل: آ: نام؛ ل، ک، س: آ، ق: آ پس از این بیت افزوده‌اند:

ل، ک، س: آ: دگر گفت موبد بدان مردمان که جاوید دارید دل شادمان
 ق: آ: بسی کرد بر هر یکی آفرین پسندید این مرز ایران زمین

بدان تا کند شهر ازین^۱ خوب^۲ ده
کسی را نبید که فرمان برند^۴!
به یک راه^۷ باید که زاینده رای^۸!
یکایک همه کدخدای ده^{۱۱}!
ز شادی که^{۱۲} گشتند همواره^{۱۳} مه
پرستار و مزدور با کدخدای
بریدند ناگه^{۱۸} سر مرد مه
به هر جای^{۲۰} بی راه^{۲۱} خون ریختند
گرفتند ناگاه راه^{۲۳} گریز
بشد^{۲۶} آلت ورزش و ساز و بر^{۲۷}
درختان شده خشک^{۳۰} و بی آب جوی^{۳۲}
رمیده ازو^{۳۶} مردم و چارپای

شما را همه یکسره کرد مه
بدین ده زن و کودکان مهتراند^۳
ازین^۵ ده چه مزدور و چه^۶ کدخدای
زن و مرد و کودک سراسر^۹ مه^{۱۰}اید
۳۷۵ خروشی برآمد ز پرمایه ده
زن و مرد از آن پس^{۱۴} یکی شد به رای^{۱۵}
چو ناباک^{۱۶} شد مرد برنا^{۱۷} به ده
همه یک به دیگر برآمیختند^{۱۹}
چو برخاست از آن^{۲۲} روستا رستخیز
۳۸۰ بماندند پیران^{۲۴} بی پای^{۲۵} و پر
همه ده به ویرانی^{۲۸} آورد روی^{۲۹}
شده دشت ویران^{۳۳} و ویران^{۳۴} سرای^{۳۵}

از آن سو^{۳۸} به خنجیر شد شهریار
نگه کرد و^{۴۱} بر پای جایی^{۴۲} ندید

چو یک سال بگذشت و^{۳۷} آمد بهار
بدان^{۳۹} جای آباد^{۴۰} خرم رسید

۱-س: آن؛ (پ: این)؛ ل: شهره این؛ متن = س-ل: (نیز ل، ق، آ، ل، و، ب) ۲- (لی: شهر ویران چو) ۳-ک، س: (نیز ل، ق، آ، ل، ن: آ)؛ مهترید؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، و، آ، ب) ۴-ک (نیز ل، ق، آ، ل، ن: آ)؛ برید؛ متن = ل، س، ق، س: (نیز لی، و، آ، ب)؛ س: (پساوند ندارد؛ ل: این بیت را ندارد ۵-ل، س: بدین؛ متن = ک، ل، آ، س: (نیز ل، ن، ب) ۶- (لی: ب: مرد و زن و؛ ل: جوی مرد و زن و) ۷-ک (نیز و، آ)؛ روی؛ (ق: آ: جای)؛ متن = ل، س، ل، آ، س: (نیز ل، ن، لی، ل، آ، پ، ب) ۸-ل (نیز ل، ن، پ)؛ دارند جای؛ س: ک (نیز و)؛ دارید جای؛ ل: (نیز آ)؛ بای؛ س: آ (نیز ق، آ، لی، ب)؛ دارند رای؛ (ل: آ: پرستار و مزدور با کدخدای)؛ متن = (ل: آ)؛ ق این بیت را ندارد ۹-ل، س: آ؛ و کودک و مرد جمله (س: آ: سراسر)؛ متن = س-ل: (نیز ل، ن، و، آ، ب) ۱۰-س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، پ، آ)؛ معاند؛ متن = ل، ک، ن، آ، س: (نیز لی، و، ب) ۱۱-س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، پ، آ)؛ دهند؛ متن = ل، ک، ل، آ، س: (نیز لی، و، ب)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۲- (ل: آ: جو) ۱۳- (ق: آ: شادیش گشتند یکباره)؛ ل: آ این بیت را ندارد ۱۴-ک، س: (نیز و)؛ مرد آن ده ۱۵-ق: بد براه؛ ل، ل، آ: آیت های ۲۷۶-۲۷۷ را نداشتند ۱۶-ق: بی باک؛ متن = س، ک، س: آ (نیز ل، ن، و، ب) ۱۷-ک، س: آ؛ دانا ۱۸-ق: برکه؛ (ق: آ: ناگاه؛ ل: در ده) ۱۹-ک: در آمیختند ۲۰-ک، س: آ (نیز آ)؛ راه و؛ (و: همه راه و)؛ متن = س، ق، ل: (ل، ن، پ، ل، آ، ب) ۲۱- (ق: آ: پ: رای) ۲۲-ک، ل، آ، س: آ (نیز ق، آ، ل، ن: آ)؛ زان؛ متن = س، ق (نیز ل، ن، آ، ب) ۲۳-س (نیز ل، ن، آ)؛ ازان ده؛ (پ: زان ده؛ ق: آ: مردم ازان ده)؛ ک، س: آ (نیز و، آ)؛ ازان ده گرفتند راه؛ متن = ق، ل: آ (نیز لی، ل، آ، ب)؛ ل: بیت های ۳۷۹-۳۸۲ را ندارد ۲۴-ک، س: آ؛ ویران و ۲۵- (پ، و، ل، ن: آ: بی پای؛ ل، ن، لی، ابی پای) ۲۶- (ق: آ: نماند) ۲۷- (لی: زر؛ ل، آ، ب: سازبر؛ ل، آ: ورزش ساز و بر)؛ ل: آ: و ریزش ساز و بر؛ ق: آلت و ورزش و جای بر؛ ک: همه ده بویرانی آورد سر؛ متن = س، س: آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، و، آ) ۲۸- (آ: بیرانی) ۲۹-ک: بشد آلت ورزش و ساز روی ۳۰-ل: آ: بید؛ (لی: ب: شدش) ۳۱- (ل: آ: جو) ۳۲-ک: همه ده بویرانی آورد روی ۳۳- (آ: بیران؛ لی، ب: باغ ویران) ۳۴-ل: آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ)؛ جو؛ ۳۵- (آ: بیران) ۳۶-ک، س: آ (نیز و، آ)؛ همه؛ ل: آ (نیز ل، آ)؛ همه مرزبانی؛ متن = س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب) ۳۷- (لی: جو)؛ ب: یک چند بگذشت و) ۳۸-ل: بران ره؛ ق (نیز ب)؛ بران سوال؛ پ: ان ده؛ (لی: بدان سان؛ ل: آ: ازان سان)؛ ک این بیت را ندارد ۳۹-ل: (نیز آ)؛ بران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴۰-س، س: آ (نیز لی، ق، آ)؛ آباد و ۴۱-ل، آ، س: آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ل، ن، آ، ب)؛ جو؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، و، آ) ۴۲-ل، ل، آ: بر جای برده؛ متن = س، ق، س: آ (نیز ل، ن، و، ب)؛ ک این بیت را ندارد

۳۸۵ درختان همه^۱ خشک و^۲ ویران سرای
دل شاه بهراه^۳ اشاد^۴ گشت
به موبد چنین گفت کای روزبه
برو نیز^۶ آباد گردان ز^۷ گنج!

بدان^{۱۱} جای ویران^{۱۲} خرامید و^{۱۳} تفت
به فرجام بیکار پیری بیافت
بر خویش نزدیک بشاخش
چنین جای آباد ویران^{۱۶} که کرد؟
گذر کرد بر بوم ما^{۱۹} شهریار،
ازان^{۲۲} نامداران^{۲۳} بی بر^{۲۴} بدی،
نگر تا کسی را به کس مشرید^{۲۶}،
زن و مرد بر مهتران بر مهید^{۲۸}،
پراز غارت و کشتن^{۳۱} و چوب گشت^{۳۲}،
غم و رنج^{۳۴} و سختی برو^{۳۵} تازه باد!
چنان شد که بر ما بیاید^{۳۸} گریست!
پرسید کایدر کنون^{۴۰} کیست مه؟

ز پیش شهنماه موبد برفت
۳۹۰ ز برزن همی سوی برزن شتافت
فرود آمد از باره^{۱۴} بنواختش
بدو گفت کای^{۱۵} خواهی سالخورد
چنین داد پاسخ^{۱۷} که یک^{۱۸} روزگار
بیامد یکی^{۲۰} بی خرد^{۲۱} موبدی
۳۹۵ به ما گفت: یکم همه مهترید^{۲۵}
همه یکسره^{۲۷} کدخدای دهید
بگفت این و این ده^{۲۹} پرتوب گشت^{۳۰}
که یزدان ورا یار^{۳۳} باندازه باد!
همه کار این جای بر^{۳۶} بتریست^{۳۷}
۴۰۰ از آن پیر^{۳۹} پر درد شد روزبه

- ۱-س (نیز لن، پ، لن، آ، ب): شده؛ متن = ل، ف، س، آ (نیز ق، آ، لی، و، آ) - ۲-ل، ق، س، آ (نیز لی): <و>؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، پ-ب)؛ ک، ل، آ، ل، آ
این بیت را ندارند - ۳-س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): رخ شاه بهرام ازان زرد؛ (لی، ل، آ، و، ب): رخ شاه بهرام ازان شاد؛ متن = ل، ک، ل، آ، س، آ
۴-س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): پر درد؛ ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، ب): باداد؛ (آ): پرسید و بادرد؛ متن = ل، ل، آ - ۵- (آ): بیران - ۶-ل، ل، آ، ل، آ، ل، آ، ل، آ؛
س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، و، آ، پ، لن، آ): تیز و؛ ک، س، آ <و> (نیز ل، آ، و، آ)؛ <و>؛ متن = (ب) ۷-ل، ب، به ۸-س، آ (نیز ب): چنین
۹- (ق): کزان - ۱۰- (ب): بیش (وزن ندارد)؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آباد کردن موبده را بیک سخن - ۱۱- (ل): بیران - ۱۲-س، آ (نیز ل، آ، آ):
بیران - ۱۳-س، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، ب، و، آ، ب): <و>؛ متن = ل (نیز ل، آ، لن، آ) - ۱۴-س، س، آ (نیز لن، پ، و، و، آ، ب): اسب و؛ متن = ل
۱۵-ق: ای ۱۶- (آ): بیران - ۱۷- (لی): گفت دان - ۱۸-ق: بد - ۱۹- (ب): بوم و بر - ۲۰- (ل): ازان؛ ق: گذر کرد یک - ۲۱-س (نیز لن، لن، آ): برخرد
۲۲- (ب): ازین - ۲۳-ق: بمازان بزرگ - ۲۴- (ب): بر ما - ۲۵-ق: مه شوی؛ ل، آ (نیز لن، آ): مهترند؛ (ب): شاهنشاه گوید همه مهترند؛ متن =
یازده دستنویس دیگر - ۲۶-ل، آ (نیز ن، آ): شمردند؛ (لی): شمرد (پساوند ندارد)؛ ب: کسی را نباید که فرمان برند - ۲۷-ق: ک، س، آ (نیز
لی، ل، آ، و، آ، ب): یک به یک؛ متن = س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) - ۲۸- (لی، ب): مهترید؛ ل این بیت را ندارد؛ در ل^۳ الت های این بیت پس و
پیش شده اند - ۲۹-س، آ: وده زو؛ (لی): نده؛ ق: این همه ده - ۳۰- (لن): کرد - ۳۱-ک، س، آ (نیز ق، آ، لی، ب): کشتن و غارت - ۳۲- (لن): کرد؛
لی: وجوش (وزن و پساوند ندارد) - ۳۳- (ب): مراورا - ۳۴-ل، س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لن، آ): مرگ؛ متن = ک، س، آ (نیز لی، و، آ، ب) - ۳۵- (لی، ب):
بدو؛ ق: این بیت را ندارد - ۳۶-ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): ده کنون؛ ل: آ، ده ابر؛ (لی، ب): کنون کار این ده همه؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ)
۳۷- (ق): اول، لن، آ: بدتریست؛ ل: همه نار این بر از تیره گیست (وزن ندارد)؛ متن = ده دستنویس دیگر - ۳۸-ل: بر چاره باید؛ متن = سیزده
دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد - ۳۹-ل، ل، آ: ازین گفته؛ ک، س، آ (نیز لی، ش، ل، آ، و، آ، ب): از نفرینش؛ متن = س، ق (نیز لن،
ق، آ، پ، لن، آ) - ۴۰-ل، س، ک، و، آ، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، لی، و، آ، ب): و گفت از شما؛ متن = ق

چنین داد پاسخ که مهتر بود^۱
 بدو روزبه گفت: مهتر تو باش!^۳
 ز گنج جهاندار^۵ دینار خواه،
 بکش هرک^۸ بی کار بینی^۹ به^{۱۰} ده!
 ۴۰۵ بر آن^{۱۳} موبد پیر^{۱۴} نفرین مکن!
 اگر یار^{۱۶} خواهی، ز^{۱۷} درگاه شاه

از^{۲۳} اندوه دیرینه آزاد گشت^{۲۲}!
 بیاورد مردم سوی آ بگیر،
 همه مرزها را سپردن گرفت،
 همه^{۲۷} دشت یکسر بیاراستند،
 بکشتند هر جای^{۲۱} چندی^{۳۰} درخت
 دل هرک^{۳۳} دیدند: آن^{۳۴}، شاد گشت^{۳۲}!
 به^{۳۷} مزگان همی خون دل ریختند^{۳۸}،
 هم از^{۴۰} رنج این^{۴۰} پیرسر کدخدای،
 چو بشنید پیر این^{۲۱} سخن، شاد گشت^{۲۲}
 همانگه سوی خانه شد^{۲۴} مرد پیر
 زمین را^{۲۵} به آباد کردن گرفت،
 ۴۱۰ ز همسایگان گاو و^{۲۶} خر خواستند،
 خود و مرزداران^{۲۸} بکشید سخت
 چو یک مرز ازین ورزش^{۳۱} آباد گشت^{۳۲}
 از آن^{۳۵} جای هر کس که بگریختند^{۳۶}
 چو آگاهی آمد ز^{۳۹} آباد جای

۱- (ق: آ، نه بود) ۲- ل: تخم گیاه تر؛ س، ک، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): تخم گیاه؛ (و: آب و گیاه؛ ب: تخم و گیاه پر)؛ متن = ق، س، آ (نیز ل، ل، آ، ا) ۳- (و: گفت موبد که) ۴- س (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ): بهر کار چون بر سر افسر؛ (ق: نیز ل، ل، ب): برین بوم بدبخت بر سر؛ ک، س، آ (نیز ل، ل، و، آ): برین (آ: بدین) چند بدبخت بر سر؛ (ق: آ: بهر کار بر سر چو افسر)؛ متن = ل ۵- (لی: ههشاه) ۶- ق- س، آ (نیز ل، ن، و، آ، ب): همان؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، آ) ۷- ل: تخم گاو و؛ ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): گاو و تخم و؛ متن = س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۸- س- س، آ (نیز ل، ن، ب): هر که؛ متن = ل ۹- س- س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب): یابی؛ (لی: باشد)؛ متن = ل (نیز آ) ۱۰- (ل، ن، آ: ز) ۱۱- س (نیز ل، ن، آ، ب): و یکسر؛ ک، س، آ (نیز ل، ل، و، آ، و): و هستی؛ (آ: مهترانند و هستی)؛ متن = ل، ق، آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ) ۱۲- س: به ۱۳- ل، س، ق (نیز ل، ن، آ): بدان؛ متن = ک، ل، آ، س، آ (نیز آ، ب) ۱۴- (آ: نیز) ۱۵- ک، س، آ (نیز ل، آ): پیر آن؛ (و: پیر این) ۱۶- س: نار (نقطه ندارد)؛ (لی: ل، آ، آ، بار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- (ق: آ، به) ۱۸- ل، آ (نیز ل، ل، آ، پ، آ): چندانکه ۱۹- (ق: آ، ب: باید) ۲۰- (ل، ن، آ: سپاه) ۲۱- س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، آ، ب): آن؛ متن = ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، ل، پ، و) ۲۲- ل: شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳- ق (نیز ل، ن، آ): ز؛ ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): وز ۲۴- ق، ل، آ (نیز ل، ل): خانه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- س، آ (نیز ل، آ، و، آ): زمینها؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- ل (نیز ل، ن، آ): و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷- ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): در و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- (لی: ب: مرزبانان) ۲۹- ل: و؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۰- (پ، ل، ن، آ): چندین ۳۱- ل: برزن سک (واژه دوم بی نقطه)؛ س: ورزش ازین ورزش؛ ق (نیز ل، ل، ب): مرز از آن (لی: ازین) برزن؛ ک، س، آ (نیز و، آ): برزن از کوشش؛ ل: برزن از ورزش؛ (ق: آ: برزن از ورزش؛ ل: یکی برزن از کوشش)؛ متن = (ل، ن، پ، ل، ن، آ) ۳۲- ل: شد؛ س (نیز ل، ل، ن، آ): کرد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳- ک، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، و، آ، ب): هر که؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، ن، آ) ۳۴- س، ق، ل، آ (نیز ل، ل، ن، ل، پ، ل، ن، آ، ب): بود انا ران؛ ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): بشید ازان؛ (ق: آ: بدانند ران)؛ متن = ل ۳۵- س، ک، س، آ (نیز ل، ل، ن، آ، آ، ل، ن، آ، آ): ازین؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ق، آ، ل، پ، و، ب) ۳۶- ل: بگریختی؛ ک، س، آ (نیز ل، آ، و): هر چند بگریختند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۷- ک، ل، آ، س، آ (نیز پ، و، آ): ز؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، ل، ن، آ، ب) ۳۸- ل: خون فرو ریختی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۹- ل: به؛ ک، س، آ (نیز و، آ): آگاه گشتند ز (و: آ: آ: ل: آباد گشتند از)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴۰- (ل، آ: همه) ۴۱- ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): آن

به هر برزن آباد کردند جوی^۲،
یکایک برافزود بر^۴ کشتمند،
شد آن جای ویران^۷ چو خرم^۸ بهشت!
برآمد ز ورزش^{۱۰} همه کام^{۱۱} مه^{۱۲}!

۴۱۵ یکایک سوی ده^۱ نهادند روی
همان مرغ و گاو و خر و گوسپند^۳
درختی^۵ به هر جی هر کس^۶ بکشت
به سال سدیتر^۹ بیاراست ده

سوی دشت نخچیر شد شهریار،
چو هر دو رسیدند نزدیک ده،
جهان^{۱۶} دید پر کشتمند و ستور،
همه^{۱۹} زاغ و هامون پراز^{۲۰} گوسپند^{۲۱}،
همه کوه پر لاله و شنبلید^{۲۳}،
بهشتی شده بوم^{۲۵} او یکسره!
چه کردی^{۲۶} که ویران شد^{۲۷} این خوب ده^{۲۸}؟
چه دادی^{۳۰} که آمد کنون باز^{۳۱} جای؟
به پای^{۳۲} آمد این^{۳۵} شارسنان^{۳۶} کهن!

چو آمد به هنگام^{۱۳} خرم بهار
۴۲۰ ابا موبدش، نام او^{۱۴} روزبه
نگه کرد یابنده^{۱۵} بهرام گور
برآورده زو^{۱۷} کاخهای^{۱۸} بلند
همه باغ آب و نمه دشت خوید^{۲۲}
پراکنده بر کود میش و^{۲۴} بره
۴۲۵ به موبد چنین گفت کای روزبه
پراکنده زو^{۲۹} مردم و چارپای
بدو گفت موبد^{۳۲} که از یک^{۳۳} سخن

۱- (آ: دز) ۲- ل (نیز ب): روی؛ ک، س، ۲ (نیز ل، و، آ): همه برزن آباد کردند و کوی؛ متن = س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ): ق، ۲ این بیت را ندارد ۳- ل، س، ق، س، ۲ (نیز ل، ل، ن، آ): ب، آ: گوسفند؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز ل، ن، آ) ۴- ل، ۴: با؛ (ل، ن، آ: سرافزود بر)؛ ق، ۲ این بیت را ندارد ۵- ق (نیز ل، ل، ب): درختان ۶- ق: لختی ۷- ل (خالصی: آ: ویران): ل، آ: مرز ویران ۸- س، ق (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ): بان؛ متن = ل، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): ق، ۲ این بیت را ندارد ۹- ل: بسالی سدیگر؛ (ق، آ: بسال دگر چون): متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰- ق: درآمد بوزرش؛ ک، س، ۲ (نیز و، آ): ز ورزش برآمد؛ (ل، ب: بوزرش برآمد؛ ل: ز ورزش نیامد) ۱۱- ل (نیز ل، آ، آ): کار؛ ق: بهنگام؛ (ل، ب: بهر سال): متن = س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ل، ن، آ، ب، و، ل، ن، آ) ۱۲- س: ده؛ (ب: به) ۱۳- ل (ل: ایوان): ق: آمدش هنگام؛ ک، و، <: س، ۲ (نیز ل، و، آ): سر سال و؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ) ۱۴- ل، ۱۴: ک، س، ۲ (نیز ل، و، آ، ب): نامور؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ) ۱۵- ل، ل، آ: فرخنده؛ س، ق: ناننده (حرف های یکم و سوم بی نقطه)؛ ک، س، ۲ (نیز ل، و، آ): داننده؛ (ق، آ، ب: بده در نگه کرد؛ ل، ل، ن، آ: تابنده): متن = (ل، ن، پ) ۱۶- ک، س، ۲ (نیز ل، و، آ: زمین ۱۷- ل (ل: برآورد ازو) ۱۸- س: برآورده درگاههای؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۹- ل، آ: همان ۲۰- س (نیز ل، ل، پ، ل، ن، آ): ده راز گاو و پر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱- ل، ک، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، ن، آ، ب): گوسفند؛ ل، آ: کشتمند؛ متن = (ل، ن، آ) ۲۲- ل (آ: بید): ل: زاغ آب و همه دشت جوی؛ س (نیز ل، ل، پ، آ): آب و باغ و همه کشت و خوید؛ ق: دشت پر آب و باغ و خوید؛ ک، س، ۲: آب باغ و همه دشت خوید؛ (ق، آ: دشت آب و همه باغ خوید): متن = ل، ۲ (نیز ل، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۲۳- ل: همه ده پراز مردم خو بروی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴- ل: ودشتش؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۵- ل (ل: ازو): س (نیز ل، ن، آ: کوه او؛ ل، ۲ (نیز ب): بوم و بر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۶- ل، آ: دانی ۲۷- ل، ل، ۲ (نیز ل، ن، آ): بد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸- ق (نیز ق، آ): سبزه؛ ل، آ: این جای ده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹- ق: پراکنده ازو؛ ک، س، ۲ (نیز ل، و، آ): پراکنده شد؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ، ب) ۳۰- ق، ک، س، ۲ (نیز ل، و، آ، ب): کردی؛ متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ) ۳۱- ل: که آباد کردند؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، این بیت را ندارد ۳۲- ک، س، ۲ (نیز ل، و، آ): چنین داد پاسخ؛ (ل، ب: چنین گفت موبد): متن = ل، س، ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ) ۳۳- ق: کزان یک ۲۴- ل، و (نیز پ): <: ۳۵- ق (ل، ن، آ: آن) ۳۶- ق (نیز ل، ل، پ، ب): شارسنان؛ متن = ده دستنویس دیگر

دل شاه ایران^۳ از آن^۴ شاد گشت^۵؛
 به دینار گنج^۶ اندرآور ز پای^۷
 نکوهیدن^۸ کهنترن و مهان^۹
 ز هر دو برآورد ناگاه گرد^{۱۱}
 بود^{۱۳}، بوم ایشان نماند^{۱۴} به جای
 که ای مردمان^{۱۶} بر شما نیست^{۱۷} مه!
 پرستار و مزدبر با ایرمان^{۲۱}!
 به خاک^{۲۴} اندرآید سر مرد مه^{۲۳}!
 نکوهش ز من دور^{۲۸} ترس^{۲۹} خدای!
 برفتم نمودم دگرگونه راه:
 سخن‌گوی و^{۳۳} با دانش و رهنمای
 دل زبردستان بزنان^{۳۶} شاد کرد
 بیفزود خوبی و کژی^{۳۹} بکاست
 وزان پس گشام در^{۴۰} ایزدی

همان از یک اندیشه^۱ آباد گشت^۲
 مرا شاه فرمود کین سبزجای
 ۴۳۰ بترسیدم از کردگار جهان
 بدیدم^{۱۰} که یک دل دو اندیشه کرد
 همان چون به یک شهر دو^{۱۲} کدخدای
 برفتم، بگفتم به مردان^{۱۵} ده
 زنان^{۱۸} کدخدایند و^{۱۹} کودک همان^{۲۰}
 ۴۳۵ چو مهتر شدند آنک^{۲۲} بودند که^{۲۳}
 به گفتار^{۲۵} ویران^{۲۶} شد این پاک^{۲۷} جای
 وزان^{۳۰} پس بریشان^{۳۱} ببخشود^{۳۲} شاه
 یکی باخرد پیر کردم به پای
 بکوشید و^{۳۴} ویرانی^{۳۵} آباد کرد
 ۴۴۰ چو مهتریکی گشت، شد^{۳۷} رای^{۳۸} راست
 نهانی بدیشان نمودم بدی

۱-س: هم از این سخن نیز؛ (لن: هم از این سخن ده خود؛ ل: جهان از یک اندیشه؛ لن: هم از یک سخن این ده)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-ل: شد؛ (لی: آزاد گشت)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳-ک، س ۴ (نیز ل و آ)؛ که شاه جهاندار ۴-ل، س، ل ۲ (نیز لن)؛ ازین متن = یازده دستنویس دیگر ۵-ل: شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۶-ک، ل، س ۲ (نیز و، آ، ب)؛ دینار و گنج؛ (ب: دینار و مرد)؛ متن = ل، س (نیز لن-پ، لن ۲) ۷-ل، س، ک، س ۲ (نیز لن، لی، و-ب)؛ بیای؛ متن = ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، پ)؛ ق این بیت را ندارد ۸-ل: نکوهیدن از؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-ق: نکوهیدن کهنتر و مهتران؛ ق این بیت را ندارد ۱۰-ل: ندیدم؛ (ق: نه بینم؛ ل: ندانم) ۱۱-ق: ازان خرد ماند خردمند مرد؛ لی، ب: برآورد ناگاه زین (ب: ازین) هر دو آورد؛ ق این بیت را ندارد ۱۲-ک: زو؛ س ۱۳-ک، س ۲ (نیز لن، لی، لن-آ، ب)؛ برو؛ متن = ل، ل ۲ (نیز آ) ۱۴-ک (نیز ل)؛ بماند؛ ق، آ این بیت را ندارند؛ س، ک، س ۲، لن، ل ۲، پ، و، لن ۲، آپس از این بیت افزوده‌اند:

دو تن نیز یک روی شوید ز گرد (ل: از یک روی اگر کار کرد) از آن خیره ماند خردمند مرد

۱۵-ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن ۲)؛ پیران؛ متن = ک، س ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۶-ل، ق، ل ۲ (نیز و)؛ مهتران؛ ک، س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب)؛ کهنتران؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، لن ۲) ۱۷-ل: از شما کیست؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-س: زن ۱۹-لی: < > ۲۰-ق: آ: مهان؛ لی: جهان) ۲۱-ق: ناگهان؛ لن: و پالیزبان؛ ل: مزدورتان این زمان؛ س: مزدور با این زمان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ل ۲ (نیز ل ۲، پ، لن ۲، آ، ب)؛ آنکه ۲۲-ل: مه-که) ۲۴-س-س ۲ (نیز لن-ب)؛ بیای؛ متن = ل، ل ۲ بیت ۴۳۴ را در اینجا دوباره افزوده است ۲۵-ک، س ۲ (نیز و، آ)؛ بدین گفته؛ (ل: برین گونه) ۲۶-آ: ایران) ۲۷-ل، س ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب، لن ۲)؛ آن پاک؛ (ق: شد آباد)؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز و، آ)؛ < >؛ ک، س ۲ (نیز لی < >، ل، آ، و، آ)؛ بود و؛ (ب: مرابود و)؛ متن = س ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن ۲) ۲۹-ل، س، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ل، آ، لن ۲)؛ ترس از؛ متن = ق (نیز ق ۲، لی، ب) ۳۰-ل: ازان؛ متن = ۳۱-لی: بدیش؛ و: بریشان از انیس)؛ متن = دو یازده دستنویس دیگر ۳۲-ق: ببخشید) ۳۳-ق (نیز ق ۲)؛ < >؛ ل: سخن گو و بنداری این داستان را دارد ۳۴-ل، ق، ل ۲ (نیز لی)؛ < >؛ س (نیز لن، لن ۲)؛ بگشتند و؛ متن = ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل، آ، پ، و، آ، ب) ۳۵-آ: ایرانی) ۳۶-ل، س ۲ (نیز ل ۲)؛ بماند؛ (پ: ازان؛ ب: بدو)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۷-ب: با؛ لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، و شد؛ ق: یکی شد شدش؛ در ل ۲ خوانا نیست ۳۸-س (نیز لن، لن ۲)؛ راه ۳۹-ق (نیز لی، ب)؛ زشتی ۴۰-ک، ل، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ ره؛ متن = ل، س (نیز لن، پ، لن ۲)؛ ق این بیت را ندارد

سخن بهتر از گوهر نامدار^۱
 خرد شاه بای، زبان^۳ پهلوان
 دل شاه تا جاودان شاد باد!
 ۴۴۵ چو بشنید شاه این^۶ سخن گفت: زه!
 ببخشید یک بدره^۸ دینار زرد
 ورا خلعت جشندی^{۱۱} ساختند
 چو بر جایگه بر بردش^۲ به کار!
 چو خواهی که بی رنج باشد جهان!^۴
 ز کژی و بی‌راهی^۵ آزاد باد!
 سزاوار کاری تو ای^۷ روزبه!
 بر آن^۹ پرهیز پیش‌بیننده^{۱۰} مرد!
 سرش را به ابر اندر افراختند!

گفتار اندر به زن کردن بهرام دختران آسیابان را^{۱۲}

دگر هفته با موبدان و مهان^{۱۳}
 چنان شد^{۱۴} که ماهی به نخچیرگاه
 ۴۵۰ ز نخچیر کوه^{۱۶} و ز نخچیر دشت
 سوی شهر شد شاددل^{۱۹} با سپاه
 بزرگان لشکر همی راندند
 یکی^{۲۳} آتشی دی، رخشان ز^{۲۴} دور
 شهشه بدان^{۲۸} روشنی بنگرید
 ۴۵۵ یکی آسیا دید در^{۲۹} پیش ده
 به نخچیر شد شهریار جهان
 همی باشد و می خورد^{۱۵} با سپاه
 گرفتن^{۱۷} از^{۱۸} اندازه اندر گذشت
 شب آمد به ره، گشت گیتی سپاه^{۲۰}
 سخن‌های شاهان همی^{۲۱} خواندند^{۲۲}
 بر آن سان^{۲۵} که بهمن^{۲۶} کند شاه سور^{۲۷}
 به یک سو دهی خرم آمد پدید
 نشسته پراگنده مردان مه،

۱- (ق. ۲، پ: شاهوار)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (لن. ۲، آ: بردیش) ۳- (لن. ۲: روان) ۴- ق-س ۲ (نیز ق. ۲، لی. پ. آ. ب): روان: ل (نیز ل. ۲، و): ماند روان؛ متن = س (نیز لن. ۲) ۵- ل-د <و>، ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لی <و>، ل. ۲، و. آ. ب): و ویرانی؛ متن = س (نیز لن. ق. ۲، پ. لن. ۲)؛ ق این بیت را ندارد ۶- ل. ۲، آن ۷- ل. س، ق. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲، لی. پ. لن. ۲): تاجی تو ای: (آ: گاهی تو ای: ب: هر کاری ای)؛ متن = ک، س. ۲ (نیز ل. ۲، و) ۸- ک. س. ۲ (نیز آ): بهره ۹- س. ک (نیز ق. ۲، لی. پ. ب): بدان: ق: بآن: متن = ل. ل. ۱۰- ل: مرد بیننده: س (نیز لن. لن. ۲): تیز بیننده: (لی: مرد داننده: ب: پیر داننده)؛ متن = ق-س ۲ (نیز ق. ۲، ل. پ. و. آ) ۱۱- ل. ق (نیز ق. ۲، پ): خسروی: (لی: خستودی: آ: جشندی)؛ متن = س، ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن. ل. ۲، و. لن. آ. ب) ۱۲- ل: داستان بهرام گور با آسیابان: س: بز کردن بهرام گور دختر آسیابان را: ق: داستان دختران آسیابان با بهرام گور: ک: داستان بهرام گور با مرد آسیابان: ل: خواستن بهرام گور دختر آسیابان: س: داستان بهرام با دختر آسیابان و آتش: متن = [گفتار اندر + لن]؛ بنداری این داستان را ندارد ۱۳- ل-س ۲ (نیز لی. ب): ردان: (ل: موبد موبدان)؛ متن = (لن. ق. ۲، پ. آ) ۱۴- ل: بد: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵- ل: بود میخواره و: ک، س. ۲ (نیز لی. ل. ۲، و. آ): بیاشد همی می خورد: متن = س، ق. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲، پ. لن. آ. ب) ۱۶- ب: گور) ۱۷- ک. س. ۲ (نیز لی. ل. ۲، و. آ. ب): فکندن: متن = ل، س، ق. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲، پ. لن. آ) ۱۸- ل. ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز ق. ۲، ب): ز: متن = س، ق (نیز لن) ۱۹- (ل: شادمان) ۲۰- س: تپاه: ک (نیز ب): بره بر همی راند راه: س. ۲ (نیز لی. ل. ۲، و. آ): بره بر (لی: در) همی راند شاه: (پ: جهان گشت یکسر سپاه): ل: تیره آمد بره با سپاه: ق: شب تیره گشت گیتی سپاه (وزن ندارد)؛ متن = ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲، لن. ۲) ۲۱- ل: ناهنشان: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲- ک: راندند ۲۳- ک. س. ۲ (نیز ل. ۲، و. آ. ب): بلند ۲۴- ق: دید بهرام ۲۵- (ق: آ: سو): ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن. آ): بدان سان: (لی: بدان سو) ۲۶- (ب: که بهمن بدان سان) ۲۷- ق: شاه سوار (سور) ۲۸- ل. ۲ (نیز ل. ۲): بران: ل: شهشه: ر: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹- ق-س ۲ (نیز ق. ۲، لن. ۲): بر: متن = ل، س (نیز لن. آ. ب)

یکی جشنگه ساخته بر^۴ کران،
 نشانده^۶ به هر جای رامشگری،
 وُزان هر یکی^۸ بر زمان^۹ نو زدند،
 همه چامه گوی و^{۱۰} همه مشک بوی^{۱۱}!
 به رامش کشید، نخعی بر^{۱۲} گیا
 ز شادی و از^{۱۴} می^{۱۵} شده نیم^{۱۶} مست
 یکی گفت^{۱۹} کین یاد^{۲۰} بهرامشاه،
 بدوی است^{۲۲} بر برای^{۲۳} گردان سپهر^{۲۴}!
 همی بوی مشک^۸ آید از موی اوی^{۲۹}!
 ازیراش حواند. بهرام گورا
 عنان را بیجید و زان سو کشید
 نگه کرد^{۳۳} جای^{۳۴} از کران تا کران
 به شهر آمدن^{۳۵}، راه کوتاه دید
 می آرند و می خواره^{۳۶} نزدیک شاه
 نهادند بر دست بهرام گور

وُزان^۱ روی^۲ آتش همه^۳ دختران
 به سربر ز گل هر یکی^۵ افسری
 همی^۷ چامه ی رزم خسرو زدند
 همه ماه روی و همه جعدموی!
 ۴۶۰ به نزدیک پیش در آسیا
 وُزان^{۱۳} هر یکی دسته ی گل به دست
 از آن^{۱۷} پس خروش آمد از جشنگاه^{۱۸}
 که با فرّ و برزست و با چهر و مهر^{۲۱}!
 همی می^{۲۵} چکد گویی از روی^{۲۶} اوی^{۲۷}!
 ۴۶۵ شکارش نباشد مگر^{۳۰} شیر و گورا
 جهاندار کاواز ایشان شنید
 چُن^{۳۱} آمد به^{۳۲} نزدیکی دختران
 همه دشت یکسر پر از ماه دید
 بفرمود تا می گساران ز راه
 ۴۷۰ گسارنده آورد جام^{۳۷} بلور

۱-س (نیز لن، لن، آ): بدان؛ (ق: آ، بران؛ و: ازان) ۲-ل: سوی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳-ل: همی؛ ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، ب): بسی؛ (آ: آبش بسی)؛ متن = س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۴-ل، ق، ل، آ: زان؛ (لن: آ: ساختند ب): ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ): بگردش نشسته کران تا؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۵-ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): زگل هر یک بر سرش؛ ل: زگل بر سر هر یکی؛ متن = ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۶-ل، ق (نیز ل، آ، و): نشسته؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-س، س، آ (نیز لن، ب): همه؛ متن = ل ۸-ل: جایگه؛ (پ: در آن هر یکی) ۹-ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): زمان تا زمان هر یکی؛ متن = س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لن، آ) ۱۰-ل (نیز ل، آ): جامه گوهر؛ س (نیز لن، لن، آ): چرب گوی و؛ ل: سازگویی و؛ ک، س، آ: پای کوب و؛ (ق: آ: شه رگویی و): متن = ق (نیز لی، پ، و، آ، ب) ۱۱-ل (نیز لن، پ): مشک موی؛ (و: نیکخوی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ل: از؛ (ب: بر؛ لن: کشیدند شخی؛ لن: آ: کشیدند نخعی)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد ۱۳-ل: آن؛ (وزن ندارد) ۱۴-ل، ق: وز؛ متن = س، ل، آ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۱۵-ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): و باده ۱۶- (و: نیمه؛ ق: آ: بشادی ز می هر یکی نیم) ۱۷-س، س، آ (نیز لن، لی، ب): و زان؛ متن = ل (نیز ق، آ) ۱۸-ق: بز مگاه ۱۹-ق، ک، ل، آ: بگفتند ۲۰-ل: کی جاوید مانادا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۱-ل (نی: لی): مهر و چهر؛ (ق: آ: مهر و داد؛ ل: آ: ماه چهر)؛ ق: و بس خوب چهر؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ل: برویست؛ ق: وزویست؛ متن = ۲۳-ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ): ز مهرش پایست؛ متن = س، ل، آ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۲۴- (ق: آ: ندارد چو او چرخ گردان بیاد) ۲۵- (و: کل) ۲۶-ل، آ: بوی ۲۷-ل، س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، ب): او؛ متن = (لن، پ، و): و پساوند ندارد ۳۰-ل: جز از؛ ق (نیز ق، آ): بجز؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱-ل، س، ک، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، ب): چو؛ متن = (ن: ن) ۳۲-ق: خرامید ۳۳- (آ: یکی کرد) ۳۴-ل: جا؛ ک: شاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۵-ل (نیز ل، آ): آمد و؛ س: اندرون؛ ل: آ: مد آ؛ (پ: براه آمدن)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۶-ل، آ: می خواه ۳۷-س، ک، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، و، آ، ب): جامی؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ق، آ، پ، لن، آ): ل، ب پس از این بیت افزوده اند:
 برسید بهرام گردن فراز از آن ماه رویان با فرّ و ناز
 که این خوب رخ (ب: گلرخان) دختران که آید وزین آتش افروختن بر چه آید

برون آمدند از میانه^۳ چهار:
یکی ناردانک^۶ دگر سوسنک^۷،
به رخ چون بهار و به بالا بلند!
شهنشاه با دانش و کام^{۱۱} را!
کز ایشان به دلش اندرافتاد^{۱۳} شور-
و زین آتش افروختن بر چه اید^{۱۶}؟
به هر چیز ماندهی شهریار،
بدین کوه^{۱۸} نخچیر گیرد به تیر^{۱۹}،
و را دیده از تیرگی خیره گشت^{۲۱}
بیاورد نخچیر^{۲۲} خود با^{۲۳} گروه
بمالید و شد پیش با ترس و^{۲۴} باک
بدان پیر دادن که^{۲۵} آمد ز راه
چه داری چنین؟ نیست^{۲۶} هنگام شوی؟
که این دختران مرا نیست جفت
به دوشیزگی نیز پاکیزه اند
ز زر و ز سیم و ز گوهر بنیز^{۳۲}

از آن^۱ دختران^۲ بُد نامدار
یکی مشکناز^۴ و یکی مشکنک^۵
بر شاه راستند با دستبند
همی^۸ جامه گفتند^۹ بهرام را^{۱۰}
۴۷۵ ز هر چار^{۱۲} پرسید بهرام گور
که ای^{۱۴} گلرخاز^{۱۵} دختران که اید^{۱۶}؟
یکی گفت کی^{۱۷} سروبالاسوار
پدرمان یکی آسیابان پیر
بیاید هم اکنون که شب تیره گشت^{۲۰}
۴۸۰ هم اندر زمان آسیابان ز کوه
چو بهرام را دید، رخ را به خاک
یکی جام زرین بفرمود شاه
بدو گفت کین چار خورشیدروی
بر او^{۲۷} پیرمرد^{۲۸} آفرین کرد و گفت
۴۸۵ رسیده بدین^{۲۹} ساز دوشیزه اند^{۳۰}
ولیکن ندارند بهره ز چیز^{۳۱}

۱- (لی: ازین) ۲- ل ۲ (نیز ل ۲، پ، ن، آ، آنکه؛ متن = ل-ک، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، و، ب) ۳- (پ: از میان هر) ۴- ل: مشک نام؛ س: مشک باز؛ ل ۲ (نیز ل ۲): مشک نار؛ س ۲: مشک باز (واژه دوم بی نقطه)؛ (و: مهرناز)؛ متن = ق، ک (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۵- ل: دگر سنگ (تنها حرف چهارم از واژه دوم بخطه دارد)؛ س: درم روشک؛ ق، ک (نیز ل ۲، و، آ، ب)؛ دگر روشک؛ ل ۲: دگر سوسنک؛ س ۲ (نیز لی): یکی روشک؛ (لن: دگر مشک، نک، لن، آ: دگر مشک)؛ متن = (پ) ۶- ل: نام نازو؛ س (نیز آ): نازیاب و (تنها حرف سوم نقطه دارد)؛ ق، ک (نیز ل ۲، پ، و): نازیاب؛ ل ۲: ناربانک (حرف چهارم بی نقطه)؛ س ۲ (نیز لن، ب): نازیاب و (لی: نازیاب و؛ لن، آ: باریاب و)؛ متن تصحیح قیاسی است ۷- ل ۲: سوسنک؛ ق ۲ این بیت را ندارد ۸- ل: یکی؛ (ق ۲- پ، آ: همه)؛ متن = س-س ۲ (نیز لن، و، ب) ۹- (لن، آ: نیایش گرفتند) ۱۰- (ق، آ: مرشد را) ۱۱- ل، ل ۱۱: نام؛ (ق، آ: گاه)؛ ک، س ۲ (نیز ل ۲، و، ب): داد بانام؛ (لی: آ: داد و بانام)؛ متن = س، ق (نیز لن، پ، لن، آ) ۱۲- (ل، آ: جای) ۱۳- ل ۲: بدلش اندرون ۱۴- س، ل ۲ (نیز لن، ل، آ: این) ۱۵- (آ: مهرخان) ۱۶- س (نیز ق، آ، لی، ل، آ، لن، آ): که اند-چه اند؛ ل ۲ (نیز لن): کید-چند ۱۷- س: کین؛ (لن، آ: کان) ۱۸- س (نیز لن، لن، آ): گونه؛ ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، و): برین کوه؛ (ل، آ: بران کوه؛ ب: برین گونه)؛ متن = ل، ل ۲ (نیز لی، آ) ۱۹- (پ: درین دامن کوه نخچیر گیر) ۲۰- (لی: شد)؛ ل: همانا چو شب تیره شد ۲۱- ل (نیز لی): شد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲- (پ: بیامد ز نخچیر) ۲۳- ک، س ۲ (نیز آ، ب): بی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- ل: بمالید آن پیر آزاده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۵- س (نیز لن): داد آنک؛ ک: دادش که؛ (لن، آ: داد آنکه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶- ق: هست؛ ل: چو هستند؛ س ۲: اکنون نیست؛ (پ: که شان هست؛ آ: که داری چنین نیست)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- س، ق، ل ۲ (نیز لن، لی، لن، آ): بدو؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ق، آ، ل، پ، و، آ، ب) ۲۸- ک، س ۲ (نیز ل ۲، و، آ، ب): مرد پیر ۲۹- (ل، آ: برین) ۳۰- ل: دوشیده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۱- ل، ق، ل ۲ (نیز ق، آ): چیزی فرون ۳۲- (پ: ز هر گونه نیز؛ آ: ز هر گونه چیز)؛ ل، ق، ل ۲ (نیز ق، آ): نگوییم زین (ق، ل، آ: ازین) بیش چیزی (ل، آ: دیگر) کنون (ق، آ: فرون)؛ (لی: و ز گوهر ز سیم و بنیز؛ وانه از زر و گوهر نه از سیم نیز)؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، آ، ب)؛ س، ن، لن، آ این بیت را ندارند

به من ده و زین بیش دختر مدارا!
 کزین در که گفتمی سوارا بگرد!
 نه سیم و سرای و نه گاو و نه خرا!
 که بی چیز یشان برآید مرا!
 پرستار^۱ خاک^۱ نهفت تواند!
 بدان^{۱۳} سان که دیش^{۱۴} پسندیدشان؟
 پذیرفتم از بار و^{۱۷} پروردگارا!
 به دشت اندر آوای^{۱۹} بالای خاست^{۲۰}!
 برند آن بتان ر به مشکوی شاه

بدو گفت بهرام کین هر چهار
 چنین داد پاسخ^۲ ورا^۲ پیرمرد^۳
 نه جامه است^۵ ما را، نه بوم و نه بر
 ۴۹۰ بدو گفت^۸ بهرام: شاید مرا
 بدو گفت: هر چار جفت تواند
 به^{۱۲} عیب و هنر چشم تو دیدشان؟
 بدو^{۱۵} گفت بهرام کین^{۱۶} هر چهار
 بگفت این و از جای^{۱۸} بر پای خاست
 ۴۹۵ بفرمود تا خادمان سپاه^{۲۱}

همه شب همی^{۲۵} دشت لشکر گذشت^{۲۶}
 شب تیره ادیشه اندرگرفت
 بدین^{۳۰} برزبلا^{۳۱} و این^{۳۲} دستگاه،
 زنش گفت: ز^{۳۴} دور آتش^{۳۵} بدید،
 ز مستی^{۳۸} می آورد و رامشگران
 که ای زن، مرا داستانی بزن،

سپاه^{۲۲} اندرآمد یکایک^{۲۳} ز^{۲۴} دشت
 فروماند از آن^{۲۷}، آسیابان شگفت
 به زن گفت کین^{۲۸} نامداری^{۲۹} چو ماه
 شب تیره بین آسیا^{۳۳} چون رسید؟
 ۵۰۰ بر آواز^{۳۶} این رامشی^{۳۷} دختران
 چنین گفت پس^{۳۹} آسیابان به زن

۱-ل-۲ (نیز، ن، ق، آ، ل، آ، و، ل، ن، آ، آ): مکاره؛ متن = س، ۲ (نیز، ل، ی، پ، ب) ۲-ک، س، ۲ (نیز، ل، ی، و، آ، ب): دو؛ (ل: بدو داد پاسخ چنین) ۳-آ): شیرمرد) ۴-ل، س، ک، س، ۲ (نیز، ن، ب، ل، ن، آ، آ، ب): مگرده؛ متن = ق، ل، ۲ (نیز و) ۵-ل، ق، ل، ۲: جا دست؛ س: خانه است؛ (ق: جایست)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ق: نه رسم ۷-ق: آ: و نه زرممان) ۸-پ: چنین گفت) ۹-ل (نیز، ل، ی): براند (حرف چهارم بی نقطه)؛ س، ق، ل، ۲ (نیز، ن، ق، آ، ل، ن، آ): بیاید؛ (ل: آ، آ، آ: از یشان به آید؛ پ: که خود چیز ایشان نباید) متن = ک، س، ۲ (نیز و، ب) ۱۰-پ: پرستار و) ۱۱-ل (لی: جان) ۱۲-ب: ز) ۱۳-ل (نیز آ): بدین؛ س، س، ۲ (نیز، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): بران؛ متن = ق، ک، ل، ۲ (نیز، ل، ی) ۱۴-ل (نیز، ل، ی): دیدی؛ س، ق، ک، س، ۲ (نیز، ن، ق، آ، ل، ی، پ، آ): دید او؛ (و، ل، ن، آ: دید و)؛ متن = ل، ۲: این لت در ب خوانا نیست؛ ل، ۲: س از این بیت افزوده است:

بدو گفت بهرام من دیدمش برینسان که دینم پسندیدمش

۱۵-ق: آ: چنین) ۱۶-و، آ: خسرو که این) ۱۷-ک، س، ۲ (نیز، ن، پ، و، آ): <و>؛ ل، س، ل، ۲ (نیز، ل، ی، ن، آ، ب): از پاک؛ متن = ق (نیز، ق، آ): ل، ۲ این بیت را ندارد ۱۸-ل، ق، ل، ۲، س، ۲: وز جای؛ (ل، ن، آ: وز انجای)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-س (نیز، ق، آ، پ، آ): آواز؛ متن = ۲۰-ل، ک، س، ۲: آورد بالای راست؛ (لی: اندرآمد ز بالا چو خواست)؛ متن = ق، ل، ۲ (نیز، ن، ل، آ، ب) ۲۱-ق (ق، آ، ل، آ: سپاه؛ ل، ن، آ: خادمان و سپاه) ۲۲-ل (آ: سپه) ۲۳-ک، س، ۲ (نیز، ل، و، آ، ب): همانگه؛ (پ: همه شب)؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز، ن، ی، آ، ل، ی، ن، آ) ۲۴-ق (ق، آ، ل، ی: به) ۲۵-ک، س، ۲ (نیز، ل، و، آ): بران؛ (پ: آ: بدان)؛ ق: همی هر یکی ۲۶-س، ق، ل، ۲ (نیز، ن، ق، آ، ل، ی، ن، آ): کرد لشکر بگشت؛ (ب: گرد لشکر گذشت)؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز، ل، آ، پ، و، آ) ۲۷-ل، س، ۲ (نیز آ): زان؛ س (نیز، ن): آن؛ (ق: آ: زو؛ ل، ی: ازو)؛ متن = ق، ک، ل، ۲ (نیز، ل، آ، ل، ن، آ، ب) ۲۸-ق: این ۲۹-ل، ق (نیز، ق، آ، ل، ی، پ، ب): <حی>؛ متن = س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز، ل، ل، و، ل، ن، آ، آ) ۳۰-ک (نیز، ل، ی، ن، آ، ب): برین ۳۱-ک (نیز، ل، ی، ن، آ، ب): برزو بالا؛ ق: زور و بالا؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲-ب: آن)؛ در ب این بیت بایست سپسین پس و پیش شده است ۳۳-ل: بر آسیا؛ ق، ک، س، ۲ (نیز، ل، ی، ل، و، آ): زی آسیا؛ ل، ۲ (نیز، پ): این جایگه؛ (ق، آ، ب: زین آسیا؛ ل، ن، آ: باین آسیا) متن = س (نیز، ن) ۳۴-ل، س، ۲ (نیز، ل، ی، ن، آ، ب): کز: متن = (پ) ۳۵-ل (آ: رامش) ۳۶-ق (ق، آ، ل، ی: باواز) ۳۷-ل، س، ۲ (نیز، ن، ق، آ، ب، آ): رامش؛ (ل: آ: رامش و)؛ متن = (لی، ب) ۳۸-ق (ق: آ: نشست و) ۳۹-ق (نیز، ن، پ، ل، ن، آ): آن؛ ل، ۲: این؛ متن = ده دستنویس دیگر

زنش گفت: کاری بود^۴ ایزدی!
نه از خواسته بر دلش بود یاد!
نه دینار و نه^۸ دختر^۹ شاه جست!
گسته شود بر^{۱۲} بتان آفرین!
برآمد، جهان شد چو روشن چراغ،
چه از بدنزاد و^{۱۶} چه از راستان

که نیکست^۱ فرجام^۲ این^۳، گر^۴ بدی؟
نیرسید^۵، چون دید. مرد از نژاد
به روی^۶ زمین بر همی^۷ ماه جست
۵۰۵ بت آرای بیند^{۱۰} چُن^{۱۱} ایشان به چین
برین^{۱۳} گونه تا شد بر^{۱۴} پشت راغ^{۱۵}
همی رفت هر گدنه یی داستان

بدین^{۱۸} پیر گفت: ای گو^{۱۹} روزبه،
به باز آمد آن سبزشاخ^{۲۱} درخت
همی آمد از دشت نخچیرگاه
عنان را بیچید^{۲۳} و زان^{۲۴} سو کشید
به آرام اندر^{۲۵} نهفت وی اند
همی^{۲۷} شاه را دختر^{۲۸} آراستی!
به هر کشوری زین^{۲۹} سپس یاد تست!
میر غم که رستی ز اندوه و^{۳۰} باک^{۳۱}!

چو شب روز شد، مهتر آمد ز^{۱۷} ده
به بالینت آمد^{۲۰} شب تیره بخت
۵۱۰ شب تیره گون دوش بهرامشاه
نگه کرد و آن^{۲۲} جشن و آتش بدید
کنون دختران نو جفت وی اند
بدان روی و آن سوی و آن^{۲۶} راستی
شهنشاه بهرام داماد تست
۵۱۵ [ترا داد این کسور و مرز پاک

۱-ک، س (نیز ق ۲-ل، ن، آ، ب): نیکت؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ن، آ) ۲-ل (ن، ل، آ) ۳-س (نیز ل، ن، ل، آ): یا؛ ل ۲: کر؛ متن = یازده دستویس دیگر ۴-ق (آ، پ، بداین ل: رنش کاری بداین (وزن ندارد)) ۵-ل: نرسید (حرف دوم بی نقطه): س (نیز ل، آ): بیرسید؛ ل (نیز ق ۲): بیرسید (حرف یکم بی نقطه): (ب: بترسید)؛ متن = ق، ک، س (نیز ل، ن، ل، آ) ۶-ل، ق: نه او بر؛ ک، س (نیز ل، ل، آ، و، آ): که او بر؛ متن = س (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، آ، ب، ۷-ب: همه) ۸-ق (نیز ل، ن، ل، آ، پ، ل، ن، آ): دینار یا؛ متن = س، ک، س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، آ، ب) ۹-ل: اندر میان دختری؛ ل این بیت را ندارد ۱۰-ل، ق، ل: نیند؛ (ب: شمن گر بیند)؛ متن = س، ک، س (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، ل، ن، آ، ب) ۱۱-ل، س، ق، ل (نیز ق ۲، ل، آ، ل، آ، ل، آ، ب): چو؛ ک، س (نیز و): گر؛ (لی: شد کرد؛ آ: گر بیند)؛ متن = (ل، ن) ۱۲-ب: از؛ لی: بود بر) ۱۳-ل، ل، پ، و: بدین) ۱۴-ک، س (نیز پ، ب): از؛ و: تا چو خورشید بر؛ (ق: گونه شب دیر بر) ۱۵-ق (آ: زاغ؛ لی: برگشت راغ) ۱۶-ک، س (نیز ل، ل، آ، و، آ): نیک نامان؛ (ب: نیک نامی)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۱۷-ل (نیز ق ۲): به؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۸-ل (نیز آ): برین؛ (ق: آ، ل، و، آ، ب، آ، پ، ل، ن، آ، و، آ، ب): یل؛ ل: گفتا که ای؛ متن = س، ق، ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۲۰-ل: بیالیزت امشب؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۱-ل: شاه؛ (لی: برگ)؛ ل: بیار آمدت سبزشاخی؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۲-ل: این؛ ل: کرد این؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۳-ک، س (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): گران کرد؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۲۴-ل، ق، ک، زین؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۵-س (نیز ل، ن، ل، آ): آرام و اندر؛ ک، س (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): در آرامگاه و؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق ۲، پ) ۲۶-ل: ان؛ ل (نیز پ): موی و آن روی و آن؛ (و: روی و آن قد و آن؛ ب: روی و موی و بدان)؛ متن = س، ک، س (نیز ل، ن، ل، آ، و، آ، ب): در خور؛ متن = ل، ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): ق این بیت را ندارد ۲۹-ل (لی: زان) ۳۰-آ: <و>؛ ل: گشی از ندوه) ۳۱-ق (آ: زین تیره خاک)؛ س، ق، ل، ن، پ، ل، ن، آ این بیت را ندارند؛ ل، آ، ک، س، آ، ق، آ، ل، و، آ، ب، پس از این بیت افزوده اند (در ل پس و پیش):

چه کهنر، همه چاکرن (ق: آ، ب، جان و به دل) بندگان تویم
همه کهنر نیم و پیمان (ل: بندگانیم و فرمان) تراست

کنون ما همه کهنران (ق: آ) ما پرستندگان تویم
بفرمای فرمان که فرمان (ل: پیمان) تراست

بدو^۱ آسیابان و زن خیره ماند
چنین^۳ گفت مهتر^۴ که آن^۵ موی و روی^۶
همی هر یکی^۲ نام یزدان بخواند!
ز چرخ چهارم خور^۷ آورد^۸ شوی!

گفتار اندر یافتن بهرام گور گنج گاوان که جمشید نهاد^۹

دگر هفته آمد به نخچیرگاه^{۱۰}
بیامد^{۱۲} یکی مرد مهترپرست
۵۲۰ ز لشکر پیرسید^{۱۴}: بهرام شاه
بدو گفت موبد چه باید؟^{۱۵} بگوی!
چنین^{۱۶} داد پاسخ که تا زوی شاه
بر شاه بردند جوینده را
بیامد، چو بهرام را دید، گفت
۵۲۵ عنان را بیچید بهرام گور
بدو گفت مرد: ای جهاندار^{۲۰} شاه،
برین^{۲۲} مرز دهقانم و کدخدای^{۲۳}
خود و موبد و ویژگان با^{۱۱} سپاه
چو باد دمان با گرازی^{۱۳} به دست،
کجا باشد ادر میان سپاه؟
تو شاه جهنم یا ندانی به روی!
نبینم، نگویم سخن با^{۱۷} سپاه!
چنان^{۱۸} دشمنی مرد گوینده را
که با تو سخن دارم اندر نهفت
ز دیدار لستگر برون راند بور^{۱۹}
به گفتار من^{۲۱} کرد باید نگاه:
خداوند این بوم و کشت^{۲۴} و سرای

۱-ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): همی؛ (ق: ازو: ل: آ: همان: و: درین) ۲-ق-س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): هر کسی؛ متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، لن) ۲) ۳-ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ): همی ۴- (و، آ: کهنتر) ۵- (لی: هر کس کزان: ب: هر کس که این: ل: آ: هر کسی گفت کان): متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، پ، و، لن) ۲) ۶-ک، س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ، آ): روی و موی ۷-ل، ق-س^۲ (نیز و، آ، پ، آ): خود؛ متن = س (نیز لن، لی، ل، آ، ب) ۸- (لی: آورده: لن: آ: آردت: ب: آیدش): ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

کنون بشنو ای مرد دانش پذیر
که آمد پایان سخنهای پیر

۹-ل: اندر یافتن بهرام گور گنج جمشید: س: یافتن بهرام گور گنج جمشید که آنرا گنج گوان گشندی: ق: یافتن بهرام گنج جمشید را و بخشیدن آن: ک: رفتن بهرام بشکار و آمدن دهقان و نشان گنج: ل: آ: در یافتن بهرام گور گنج گوان که جمشید نهاد: س: آ: یافتن بهرام گنج جمشید: بنداری (در حاشیه دستنویس): قصه فتح الکندر ۱۰- (ل: آ: شاه) ۱۱- (ق: آ: زیر کتان): ل، ق، ل: آ: موبدان و ردان: ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): موبدان و یلان: متن = س (نیز لن، پ، و، لن: آ) ۱۲- (ل: آ: برآمد) ۱۳-ل (نیز ل: آ): گرازی: ل: آ، س: آ: گرازی (نقطه ندارد): (لن، ق، آ، لن: آ: دمان و گرازی: ب: دمان و عصایی): متن = س، ق، ک (نیز لی، و، آ، ب) ۱۴-ق، ک، س^۲ (نیز لی، آ، ب): پیرسید که: ل، ل: آ: پیرسید مهتر که: (پ: پیرسید گفتا که): متن = س (نیز لن، ق، آ، و، لن: آ): ل: آ: این بیت را ندارد: ل: پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت هر کس که تو شاه را
چه جویی نگویی ما راه را

۱۵-س-س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ب): چه خواهی؛ متن = ل: ل: آ: این بیت را ندارد: در ل این بیت - بیت سپین پس و پیش شده است: بنداری: قال صاحب الكتاب: و خرج بهرام ذات يوم الى متصيده و معه جماعة من مواذته و وزراء و خواص حضرته. فاعترض الموكب فلاح و بيده مسحاة، و سأل عن الملك فآله موبد عن حاله ۱۶- (لی: چنان) ۱۷-ل: آ: به بنم منویم سخن بی: ل: آ: این بیت را ندارد ۱۸-ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، آ): مران: (و: وزان) ۱۹-ل: دور: متن = چهارده دستنویس دیگر: بنداری: فقال: لست أتكلم حتى أرى وجه الملك. فأتوا به الملك فقال: إن معي سرأريد أن أبوح به إليك. فثنى بهرام عنانه، و عدل عن التصيق و خلا بالفلاح ۲۰-ل: جهانندیده: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۱- (آ: ما) ۲۲-ل-ک، س^۲ (نیز لن-ب): بدین: متن = ل ۲۳-ل: کدخدا: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴-ل: آ: مرز و بوم و: (و: کشت و بوم): ق: بر بوم و کشت: ل: خدای بر و بوم و ورز: متن = یازده دستنویس دیگر: ل: پساوند ندارد

که در کار پیدا کنم ارز^۳ خویش
 میان یکی مرز^۵ سوراخ^۶ شد
 کران^۷ سهم^۷ جای خروش آمدم
 خروشش همی^{۱۰} ره نماید به گنج
 همه دشت پر سبزه و^{۱۲} آب دید
 بیارند^{۱۳} چندی ز راه دراز
 شرعی زدند از بر^{۱۵} کشتند
 به هر جای آتش همی^{۱۷} سوختند
 چو مصقول گشت آن^{۱۸} سرای^{۱۹} بنفش،
 شدند انجمن چون سپاهی گران^{۲۰}
 شد آن جای هامون سراسر مفاک^{۲۲}
 پدید آمد از خاک جایی^{۲۴} چو کوه
 به ساروح^{۲۵} کرده بسان بهشت
 پدید آمد از دور جای درش^{۲۶}
 ابا او یکی ایرمانی^{۲۸} دگر
 برآورده بالای او چند^{۳۰} باز^{۳۱}

همی آب بردم بدین^۱ مرز^۲ خویش
 چو بسیار گشت آب و^۴ گستاخ شد
 ۵۳۰ شگفتی خروشی به گوش آمدم
 همی آید از آب^۸ آواز سنج^۹
 چو بشنید بهرام از آن سو^{۱۱} کشید
 بفرمود تا نارگر با گراز
 فرود آمد از نسپ^{۱۴} شاه بلند
 ۵۳۵ شب آمد، گران شمعی افروختند^{۱۶}
 ز دریا چو خورشید برزد درفش
 ز هر سو برفتند کاریگران
 زمین^{۲۱} را به کندن گرفتند پاک
 ز کندن چو گشتند مردان^{۲۳} ستوه
 ۵۴۰ یکی خانه‌یی کرده ز پخته‌خشت
 کننده تبر زده‌می از برش
 چو موبد بدید، اندر آمد به^{۲۷} در
 یکی خانه‌یی دی-^{۲۹} پهن و دراز

- ۱-ل: آ: من از ۲-ک: سوی کشت؛ س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ): سوی دشت؛ (ق: آ: بدین ورز) ۳-ک (نیز ل: آ): که تا سیر گردانم آن دشت؛ س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): که تا سیر گردانم بن کنت؛ ب پساوند ندارد ۴-ل، ق، ل^۲ (نیز ق: آ، لی، ب): <و> متن = س، ک، س، آ (نیز لن، ل، آ-آ)
 ۵- (لن: برز؛ ق: آ، لی، ورز؛ ل: آ: کرز؛ آ: موس) ۶-ک: سولاخ ۷-ل، ل: آ: بیم: متن = سیزده دستنویس دیگر ۸-ق (نیز لی): آنجای؛ س^۲ (نیز ل: آ، و): از جای؛ ل: اندران جای ک (نیر آ): آمد از جای؛ (ق: آ، لن، آ، ب: آمد از آب)؛ ل: آ: از آنجا همی آید؛ متن = س (نیز لن، ب) ۹-ق، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ب): صبح؛ متن = ل، س (نیز ق: آ) ۱۰- (ق: آ: خروشی که آن): بنداری: فقال له: أيها الملك! إنني كنت أسقى زرعاً في هذه الأرض فامتلاً القراح ماء فاذا بآفة في وسط الأرض ينزل فيها الماء ويسمع منه صوت يشبه صوت الصنج. وكان المكان فيه كنز ۱۱-ل: آنجا؛ ک، س^۲ (نیز ل: آ): زانوس: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ک، س^۲ (نیز ل: آ، آ): پرکشت و پر؛ ل: آ: پر شیر و؛ (ب: پر کشته و) ۱۳- (لن: بیارید؛ آ: بتازند) ۱۴-ل: با؛ ه: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵-ک: بهر (وزن ندارد)؛ ل: شرعی ز دیدار بر ۱۶-س (نیز لن، ق: آ، ب، لن، آ): گوان شمع بفروختند؛ ق: چنان شمع بفروختند؛ ک، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): یلان شمع بفروختند؛ ل: سبک شمع بفروختند؛ متن = ل ۱۷- (ب: بجای آتش و شمع می) ل^۲ این بیت را ندارد ۱۸-ل: کرد این؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق: آ، ب، لن، آ) ۱۹-س، ق (نیز لن، ق: آ، ب، لن، آ): هوای؛ ک، س^۲ (نیز ل: آ، و، آ، ب): آسمان؛ (لی: شد آسمان)؛ متن = ل، ل^۲ ۲۰-ق: این بیت را ندارد ۲۱-ل: چیزی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲- (لی: ز خاک) ۲۳-ل، ق: مردم؛ متن = س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لن، آ، ب) ۲۴-ل: چیزی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ آ این بیت را ندارد ۲۵-ق، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، لن، آ، ب): صاروج؛ (ق: آ: ز صاروج)؛ متن = ل، س (نیز ب): آ این بیت را ندارد؛ بنداری: فمضى معه الملك الى ذلك المكان، و ضربت له خيمة هناك فنزل. وأحضر الفعلة فأمرهم بحفر ذلك المكان فانتهاوا الى أجز مبنى بالأجر و النورة ۲۶-س، س^۲ (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ): جایی درش؛ متن = ل (نیز ب): آ این بیت را ندارد؛ این بخش درس آ خوانا نیست ۲۷-ق: ز ۲۸-ک (نیز لی، ل، آ، و، ب): مرزبان؛ (ق: آ: کارداری؛ ب: ایرمان؛ آ: مرزبانی)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن)؛ این واژه در لن آ زیر لکه رفته است ۲۹-ل، س، ق (نیز لن، لی، ب، لن، آ): خانه دیدند؛ متن = ک، ل^۲ (نیز ق: آ، ل، آ، و، آ، ب) ۳۰- (ق: آ، لی، ل، آ، و، آ: شست؛ ب: شست) ۳۱- (ب: یاز)

ز زر^۱ کرده بر پای دو^۲ گاو میش^۳
 ۵۴۵ زبرجد به آخر^۵ درون ریخته
 چو دو^۷ گاو گردون^۸ میانشان^۹ تهی
 میان بهی^{۱۲} در خوشاب بود
 [همان گاو را چشم یاقوت بود
 همه^{۱۴} گرد بر گرد او^{۱۵} شیر و گور
 ۵۵۰ تذروان زرین و طاووس نر^{۱۶}
 چو دستور دید آن، بر شاه شد
 به تیزی^{۱۹} به شاه جهان گفت-خیز!
 یکی خانه^{۲۲} گوهر آمد پدید
 بدو گفت مهتر که^{۲۴} بر گنج نام
 ۵۵۵ نگه کن بدین^{۲۷} گنج تا^{۲۸} نام کیست؟
 بیامد سر موبدان چون^{۳۱} شنید
 به شاه جهان گفت: کردم نگاه
 بدو گفت شاه: ای سر موبدان
 ز گنجی که جمشید بنهاد پیش

یکی آخری کرده زرینش پیش^۴
 به یاقوت سرخ اندر آمیخته^۶
 شکمشان^{۱۱} پر از نار و سیب^{۱۱} و بهی
 که هر دانه‌ی قطره‌ی آب بود
 ز پیری سر گو فرتوت بود^{۱۳}
 یکی دیده یاقوت و دیگر بلور
 همه سینه و چشم‌هاشان^{۱۷} گهر
 به رای بلند ز بر^{۱۸} ماه شد!
 که آمد همه^{۲۰} گنج‌ها را جهیز^{۲۱}!
 که چرخ فلک دشت^{۲۳} آن را کلید!
 نیسد^{۲۵} کسی کس بود گنج^{۲۶} کام
 گر آگندن او^{۲۹} ه هنگام^{۳۰} کیست؟
 بر آن گاو^{۳۲} بر مهر جمشید دید
 نبسته‌ست^{۳۳} بر گاو: جمشیدشاه
 به هر کار دنا تر از بخردان،
 چرا کرد بید مرا گنج خویش؟

۱- (آ: ز ره) ۲- ل: ده؛ ق: بس؛ متن = س، ل: ۲ (نیز ل: ب) ۳- ک: کرده دو گاو بر پای پیش ۴- س، (نیز ل: و، ل: آ، ب): زرین پیش؛ ک
 (نیز ل: ل، آ، ب): زرین ز پیش؛ متن = ل، ق، ل: ۲ (نیز ق: آ، آ) ۵- ل: باتش) ۶- (ل: آ، آویخته)؛ بدار: فظهر له باب ففتح و دخل فیه
 موبذ مع شخص آخر فرأیا بیتا واسعا و اذا بجاموسین مصوغین من الذهب الأحمر مربوعین علی معلق کبیر من الذهب مملوء من
 الزبرجد و یاقوت مخلوطا بعضه بالبعض ۷- (آ: خود و) ۸- س (نیز ل: ل، ن: آ): زرین ۹- ل- س- ۲ (نیز ق: آ، و، آ، ب): میانش؛ متن =
 (ل: ل، ن: آ) ۱۰- ک (نیز و، ب): میانها: (آ: میانرا) ۱۱- (ق: آ: سیب و نار؛ ل: میانرا ز نار و ز سیب؛ ل: آ: یانرا پر از سیب و نار) ۱۲- (ق: آ: میان
 اندرون) ۱۳- متن = ل، س، ک، س، ۲ (نیز ل: ب)؛ ق: ل: آ این بیت را ندارند؛ بدار: و قد رکبت فی عیون الجاموسین یواقیت تنقد
 کالحجر، و الجاموسان مجوفان مملوءة أجوافهما بالآلی الشاهیة ۱۴- س (نیز ل: ل، ن: آ): همان ۵- ل- آ: آن؛ (ب: کردور کرد) ۱۶- ل- ل: زر؛
 متن = چهارده دستویس دیگر ۱۷- ک: چشمها را ۱۸- ل، س، ق، ل: ۲ (نیز ل: ق، آ، ب، ل، ن: آ، و، آ، ف)؛ (ب: از در)؛ متن = ک (نیز ل: ل، آ، آ)؛
 بدار: و حوالیها تمایل کثیره قد صیغت علی صور السباع و الیعافیر و التذاریج و الطوریس مرصعة بالجواهر و الیواقیت، فخرج
 الموبذ و هو مملئ فرحا و سرورا ۱۹- ل: بزمی؛ س، ق، ل: ۲ (نیز ل: ق، آ، ب، ل، ن: آ)؛ بتندی؛ متن: ک (نیز ل: ل، آ، و، آ، ب) ۲۰- ل: همی؛
 متن = چهارده دستویس دیگر ۲۱- (آ: گریز)؛ درس ۲ بیت‌های ۵۵۲-۵۹۳ خوانا نیست ۲۲- س (نیز ل: ق، آ، ب): خانه پر؛ (ل: آ: خانه پر
 (وزن ندارد))؛ متن = ل، ق، ک، ل: ۲ (نیز ل: ل، آ، و، آ، ب) ۲۳- (آ: گشت) ۲۴- ل: بنگر که؛ ک: بیز ل، و، آ، ب): خسرو که؛ (ل: آ: بدو گفت
 بهرام)؛ متن = س، ق، ل: ۲ (نیز ل: ق، آ، ل، ب) ۲۵- ل- ل- ل: ۲ (نیز ل: ل، آ، و، ب): نویسد؛ متن = (ب) ۲۶- ل- ل: آ: گنج و ۲۷- ل- ل: ۲ (نیز ل: و، ب)؛
 بدان؛ س: برین؛ ک: بران؛ متن = ق (نیز ل: ق، آ، ل، آ، ب، ل، ن: آ، آ) ۲۸- ل: آ: با ۲۹- ک (نیز ل: و، ب): هم کندن آن؛ ل: آ: چه آگندن آن؛ (ق: آ: هم
 آگندن او؛ ل: آ: هم آگندن این؛ آ: همه آن کندان)؛ متن = ل، س (نیز ل: ب) ۳۰- ل- ل: ۲ (نیز ق: آ، ب): بیام؛ ق: کی آگندن وی بارام؛ متن = س،
 ک (نیز ل: ل، ل، آ، و، ب)؛ بدار: فقال لبهرام: أیها الملک! قد أعطیت کترامن الجواهر لم یزیر لم یسمع بمثله. فقال له بهرام: من کتر کترا
 فلا بدان یکتب علیه اسمه. ففتش فلعلک تجد اسم صاحب هذا الکتر مکتوبا فی شیء ۳۱- ق: آ: کان) ۳۲- (ق: آ: گنج؛ ل: ب: بدان گاو)
 ۳۳- ل، ق، ک، ل: ۲ (نیز و، ل: آ): نوشتست؛ متن = س (نیز ل: ب، آ، ب)

فراز آید، آن پادشاهی^۲ مبادا
 مبادا که آید به ما بر شکست^۵!
 به داد و به شمشیر گنج آگنیم^۶!
 نه تنگست بر ما^۸ به مردی^۹ زمین!
 زن بیوه و کودکان یتیم،
 بیاید شمردن به رسم کیان^{۱۲}،
 گسته دل از نام و^{۱۴} آرام و کام^{۱۵}،
 و زان^{۱۷} پس یکایک همه بشمرید^{۱۸}!
 به مزد روان^{۲۱} جهاندارجم!
 چرا بایدیم^{۲۲} گنج جمشید^{۲۳} جست؟! -
 همی شاه^{۲۶} جست از میان سپاه
 به گیتی^{۲۹} مبادش به نیکی^{۳۰} امید!
 ز روم^{۳۲} و ز چین نام و^{۳۳} گنج آورم^{۳۱}!

۵۶۰ هر آن گنج کان جز به شمشیر^۱ داد
 به ارزانیان^۳ ده همه هرچ^۴ هست
 اگر نام باید که پیدا کنیم^۶
 نباید سپاه^۷ مرا بهره زین
 فروشید گوهر به زَر و به سیم
 ۵۶۵ سر^{۱۱} خواسته خردگان^{۱۱} همچنان
 تهی دست مردم نه دارند وام^{۱۳}
 ز ویران و^{۱۶} آباد گرد آورید
 ببخشید دینار^{۱۹} گنج و^{۲۰} درم
 مرا تا جوان اشم و تن درست
 ۵۷۰ ازین^{۲۴} ده یک از راه^{۲۵} که بنمود راه
 کفن هر که^{۲۷} بستاند از جمشید^{۲۸}
 چو با لشکر تن به رنج آورم^{۳۱}

۱-ل.س (نیز لن، ل.آ، ب.ب): <و>: متن = ق.ک، ل.آ (نیز ق.آ، ل.ی، و.لن، آ.آ)، ۲-ک، ل.آ (نیز ل.ی، ل.آ، و.آ، ب): گنج هرگز: (ق.آ: آید پادشاهی (وزن ندارد)): متن = ل.س، ق. (نیز لن، ب.ب، ن.آ) ۳- (ق.آ: بیازاریان) ۴-س، ل.آ (نیز ق.آ، ب): هر چه: متن = ل. (نیز لن) ۵-ک (نیز ل.آ، و.آ، ب): یازی بدان (ل.آ: بران) گنج دست ۶-ل.آ (نیز ق.آ): کتم - آگنم: متن = ل.ک (نیز لن، ل.ی، ب) ۷-س: نیابد بشاهی ۸-ق: ننگست از ما: ک، ل.آ (نیز ق.آ، و): که تنگست بر ما: متن = ل.س (نیز لن، ل.ی، ل.آ، ب، لن، آ.آ، ب) ۹-ل. (نیز ل.آ): زمان و: ق. بمردم: (ق.آ، ل.ی: سراسر): متن = س.ک، ل.آ (نیز لن، ب.ب) ۱۰-ق. ل.آ (نیز ل.ی، ل.آ، و.آ): سوی: متن = س.ک (نیز لن، ب.ب، لن، آ.آ، ب) ۱۱-ق: کودکان: (ل.ی: خوارگان: ق.آ: سراسر همه خواسته): متن = ده دستویس دیگر ۱۲-ل.آ: بدان: ک: بمرز کیان: (ل.آ، و.آ: بمزد کیان): متن = س.ق (نیز لن، ق.آ، ب، لن، آ.آ، ب) ۱۳-ل. این بیت را ندارد ۱۴-ل.ت (نیز لن، ق.آ، ل.ی، ب، لن، آ.آ، ب): نام: ل.آ: نام (نقطه ندارد): متن = (ل.آ، و) ۱۴-ق: کام و: (ل.ی: ناز و: ب: جای) ۱۵-ق: جام: (گسته ز آرام و از نام و کام): بنداری: والمدینین و الفارمین ۱۶-ق: ز ایران: (آ: ز بیران) ۱۷-ل. ازان: متن = سیزده دستویس دیگر ۱۸-ک (نیز ل.ی، ل.آ، و.ب): بنگرید: ل.آ: همه یک یک بشمرید ۱۹-س-ل.آ (نیز ل.ی، ل.آ، و.آ، ب): دینار و: (آ: ببخشد ز دینار و): متن = ل. (نیز لن، و.آ، لن، آ.آ) ۲۰-ل.ن: <و> ۲۱-ق: مرد و زنان: پ. این بیت را ندارد ۲۲-ب: نیابد مرا) ۲۳-ل.آ: درویش ۲۴-ل.ق، ک، ل.آ (نیز ق.آ، ل.آ، و.آ، ب): ازان: (ل.ی: وزان): متن = س. (نیز لن، ب، لن، آ.آ) ۲۵-ل. ده یکی را: (ل.ی: ده یک آنک): متن = دوازده دستویس دیگر ۲۶-ل. (ل.ی: را): بداری: فدخل الموبد فرأی ختم جمشید علیهما. فخرج وأعلم بهرام بذلک. فقال للموبذ: أیها العالم العاقل! مالی أفرح بکنز کنزه - جمشید. من قبل! لا کان مال لم یعن بجمعه السیف و العدل. وأمره أن یفرق جمیعه علی الفقراء و المحتاجین و المدینین و الفارمین، عد أن یسلم عشره الی الفلاح الذی دل علیه: این بیت در ق.آ بابت ۵۶۹ و در ب.ب بابت ۵۶۸ پس و پیش شده است ۲۷-ل. گهر هرک: متن = سیزده دستویس دیگر ۲۸-ل. (ل.ی: جام شید: ل.آ: جبه و شید) ۲۹-س-ل.آ (نیز لن، ل.ی-آ): بشادی: (ق.آ: ز شادی): متن = ل.آ-ق: شاید ز گیتی: ک (نیز ق.آ، ل.ی، ل.آ، و.آ): مبادش بگیتی: (ب: مبادش ز کیهان: ب: بشادی بگیتی مبادش): متن = ل.س، ل.آ (نیز لن، ان، آ.آ) ۳۰-ل. آوریم: متن = سیزده دستویس دیگر ۳۱-ل. آوریم: متن = س.ق، ل.آ (نیز لن، ق.آ، ب، لن، آ.آ، ب): بنداری: و قال: لا حاجة لعسکرنا الی تفرقة هذا المال علیهم. فان الجواهر لیمكن تحصيلها و ابتیاعها من الأرامل و عجزه النرجال. و ینبغی أن یکنز الملوک ذکرا جمیلا، و یدخروا أجزا جزیلا

من و^۱ اسپ^۲ شبدیز و شمشیر تیز
 و زان جایگه شد سوی گنج خویش
 ۵۷۵ بیاورد گردان کشورش را^۵
 یکی بزمگه^۶ ساخت در^۷ نوبهار
 می لعل رخشان به^۸ جام بلور
 به یاران چنین گفت کای سرکشان
 ز هوشنگ تا نوذر نامدار
 ۵۸۰ برین هم نشان^{۱۲} تا سر کیقباد
 ببینید تا زان^{۱۳} بزرگان که ماند
 چو کوتاه شد گردش روزگار
 که این را منش بود و آن^{۱۶} را نبود
 یکایک به نوبت همه^{۱۹} بگذریم^{۲۰}
 ۵۸۵ چرا گنج آن^{۲۲} رفتگان بایدم^{۲۳}!
 نبندم دل اندر سرای سپنج!
 چو روزی^{۲۹} به شادی همی بگذرد
 هر آنکه^{۳۰} کزین^{۳۱} زیردستان ما

نگیرم فریب و ندانم^۴ گریزا
 که گرد آورید از خوی^۴ رنج خویش!
 درم داد یک ساله لشکرش را^۵
 بیاراست ایوان گوهرنگار
 چو شد خزم و شاد بهرام گور،
 شنیده ز نخت^۹ بزرگی^{۱۱} نشان،
 کجا ز آفریدون^{۱۱} بُد او یادگار،
 که تاج فریدون به سر بر نهاد،
 بریشان به داد فرینی^{۱۴} که خواند
 سخن ماند از آد^{۱۵} مهتران یادگار،
 یکی شان^{۱۷} نکوهد و دیگر^{۱۸} ستود
 سزد گر جهان ا به بد نسپریم^{۲۱}!
 و گر^{۲۴} دل ه دینار^{۲۵} بگشایدیم^{۲۶}!
 ننازم^{۲۷} به ناج و نیازم^{۲۸} به گنج!
 خردمند مردم چرا غم خورد؟!
 ز دهقان و ا درپرستان^{۳۲} ما

۱-ل: مرا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (لی، پ: اسب و) ۳-س (نیز لن، لی، لن: ۲): ندره: ک (نیز و، آ): ندانم فریب و نگیرم؛ (ل: ۳): ندانم فریب و ندانم؛ متن = ل، ق، ل (نیز ق، آ، پ، ب) ۴-ق، ک، ل (نیز لن، ق، آ، ل، ن، آ، ب: خون و؛ (لی: برو): متن = ل، س (نیز آ): بیت ۵۷۷ و پس از این بیت آورده است ۵- (ب: لشکرش را- کشورش را): بنداری: ثم رجع و فتح أبواب کنوزه و دفاتنه التي أخذها من الأعداء بيفه، و جمعها بعدله، فقرتها على عساكره حتى أغناهم أجمعين ۶- (لی: بزمگاه ۷-ل: چون: متن = سیزده دستنویس دیگر: ق در اینجا سرنویس دارد: سخن گفتن بهرام گور در بزمگاه با ایرانیان ۸-ک (نیز ل، و، آ، و): (پ: ز) ۹- (لی: ل، آ: بخت و؛ لن: ۲): تخت و) ۱۰-ق، ک، ل (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و، آ، ب): بزرگان؛ متن = ل، س (نیز لن، لی، لن: ۲) ۱۱-س-ل (نیز لن-ب): که از آفریدون؛ متن = ل ۱۲-ک (نیز لی، ل، و، آ، ب): همی رو چنین: متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن: ۲) ۱۳-س، ک، ل (نیز لن، لی، و-ب): زین: متن = ل، ق، ل (نیز ق، آ، ل، پ) ۱۴-ل: بجز آفرین را؛ ک (نیز ل، و، آ، ب): جز از آفرینی: ل: به از آفرینی؛ (ق: بجز آفرینی: لی: بدیشان جز از آفرینی): متن = س، ق (نیز لن، پ، لن: ۲) ۱۵-ل، س، ل (نیز لی، ل، آ): زان: (ق: مانداز): متن = ق، ک (نیز لن، پ، ب) ۱۶-س: او: (لی: بودان) ۱۷-ل، ق، ک، ل (نیز ل، و، آ): یکی را؛ متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۱۸-ل: نکوهش دگر را؛ ل: نکوهید دیگر؛ متن = س، ق، ک (نیز لن-ل، و، ب) ۱۹-ک، ل (نیز لن-ل، آ، ب): همی؛ متن = ل، س، ق (نیز آ ۲۰-ل: بگذرید (حرف پنجم بی نقطه)) ۲۱- (ل: نسپرید (حرف پنجم بی نقطه): پ: شمریم) ۲۲- (ق: آ: از: پ: رنج آن: آ: از آن) ۲۳-ل: آوریم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴- (لی: و یا: ب: اگر) ۲۵- (ق: آ: به: بسیار) ۲۶-ل: بدینارشان گستریم؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-ل: نارم (بی نقطه): ل: نیارم؛ (آ: ننازم): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸-ل: نارم (بی نقطه): س (نیز ل، آ، ل، ن، آ، ب): ننازم: ل: نیارم؛ (لی: نیازم: آ: ننازم: ق: بناز و نیازم): متن = ق، ک (نیز لن، پ، و) ۲۹- (ب: روزم): در ق این بیت سه بیت پیش تر آمده است ۳۰-ل (نیز آ): هر آنکس: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱-س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب): که از: متن = ل، ق، ک، ل (نیز لی، ل، و، آ) ۳۲-ل: وز دین پرستان: ک: و ز زیردستان؛ ل: و از ده پرستان؛ (ل: و ز درپرستان: لی: و آذرپرستان): متن = س (نیز ق، آ، ل، آ، ب)

بنالدا^۱ یکی کهنر نژ رنج^۲ من^۳ مبادا سر و افسر و گنج من^۴!

شده سال او بر صد^۴ و شست^۵ و چار
چنین گفت کای مهتر^۷ داد و^۸ راست^۹،
وزان^{۱۲} نامداران به هر^{۱۳} بیش و کم،
امید کهنانی و فر^{۱۵} مهان!
ز دریا گهر^{۱۷} موج برخاستی
که آن کس ندید از کهان و^{۱۹} مهان!
وُرا گنج گاوان همی خواندند
به خاکست، اگر^{۲۱} در دم ازدهاست
که ننگ آمدت زین^{۲۲} سرای سپنج!
نبیندهمی دیدهی جانور^{۲۴}!
همان گاو و گور^{۲۶} از کران تا کران
تو^{۲۷} آباد و پیروز و تخت از تو^{۲۸} شاد!

۵۹۰ یکی پیر بُد نام او ماهیار
چو آواز^۶ بشنیا بر پای خاست
خبر^{۱۰} یافتم ز فریدون^{۱۱} و جم
چو تو شاه نشست^{۱۴} کس در جهان
[دلت گر به پهنای^{۱۶} دریاستی
۵۹۵ تو گنجی پراگندی اندر^{۱۸} جهان
به هنگام جم چرن^{۲۰} سخن راندند
ندانست کس در جهان کان کجاست
تو چون یافتی، ننگیدی به گنج
[به دریا همانا که چندین^{۲۳} گهر
۶۰۰ به درویش بخشیدی آن^{۲۵} گوهران
که تاج و کمری تو هرگز مباد!

۱-ل: آ: بیاید ۲- (ب: گنج) ۳-ق: ما بشاری: و قال: معاذ الله أن أکثر دفائن الماضین. و أفرح بما خلق للفناء أو أفتخر إلا باکساب
المجد و السناء ۴-ل: سال بر پانصد: متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ک: ل: ۲ (نیز ل: ل: ۳، و: آ: ب): شست: متن = ل: س: ق (نیز ق: ۲،
ل: ل: ۲) ۶-ک (نیز ل: ل: ۲، و: آ: ب): چو شاه: متن = ل: س: ق: ل: ۲ (نیز ل: ق: ۲، پ: ل: ۲) ۷- (ب: خسرو: آ: کز خسرو) ۸-ق: ک: (نیز ل: ل: ۳،
و: ل: ۲، ب): <و>: متن = ل: س: ل: ۲ (نیز ق: ۲، پ: آ) ۹- (ل: خرد در دل مرد دانا بکاست) ۱۰-ل: چنین: متن = س: ل: ۲ (نیز
ق: ۲، ب) ۱۱-ل: س: ل: ۲ (نیز ق: ۲، پ: ل: ۲): ز فریدون: متن = ق: ک: (نیز ل: ل: ۲، و: آ: ب) ۱۲- (ل: از ان) ۱۳-س: (نیز ل: ۳، و): و هر: ک: (نیز ل: ل: ۲،
ب): ز هر: ل: نامداران هر: ل: آ: نام از ان: متن = ق: (نیز ق: ۲، پ: ل: ۲): ل: ن: این بیت را ندارد: ق: ۲ پس از این بیت و پ: ل: ۲، ب: پس از بیت
۵۹۴ افزوده اند:

که روز (ل: ۲، دود) سروش از روز تو خاست (ق: ۲: برخاست)

۱۴-س: ق: ک: (نیز ل: ل: ۲، پ: ب): نشنید: متن = ل: ل: ۲ (نیز ل: ۲) ۱۵-س: (نیز ل: ۲): فرخ: ل: نه کس این شنید از کهان و: ق: ک: ل: ۲ (نیز ل: ل: ۲، و):
میان کهان و میان: (آ: که این کس ندید از کهان و): متن = (ب: ب): ل: ق: ۲ این بیت را ندارند ۱۶-ل: بدرهای: (ب: پهناش): متن =
س: س: ۲ (نیز ل: ل: ۲، و: ل: ۲، ب) ۱۷-س: (نیز پ: ل: ۲): چنان: متن = ل: ق: ک: ل: ۲، س: ۲ (نیز ل: ل: ۲، و: ب): ل: ق: ۲ این بیت را ندارند: در: ک:
ل: این بیت سه بیت پیش تر آمده است ۱۸-ل: چو گنجی پراگنده بی در: متن = س: س: ۲ (نیز ل: ل: ۲، ب) ۱۹-ل: ل: ۲: میان کهان و میان:
متن = س: س: ۲ (نیز ل: ل: ۲، ب): آ: این بیت را ندارد ۲۰-ق: گر ۲۱-ل: گر: ل: آ: کان: (ل: ل: ۲، پ: ل: ۲، ب: یا): س: ق: بجایست یا: متن = ک:
س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۳، و: آ) ۲۲- (و: آیدت: زین: ل: تک آمدت این (واژه یکم بی نقطه): ل: آ: نیک آمدت زین: متن = دوازده دستنویس
دیگر ۲۳-س: ق: ک: س: ۲ (نیز ل: ل: ۲، و: ل: ۲، ب): چندان: (آ: که بخشید چندان): متن = ل: ل: ۲ (نیز پ) ۲۴-ل: ل: ۲: بدیده ندیدت کس
بیشتر: س: (نیز پ: ل: ۲، ب): ندید و: بیند صد تاجور: ک: س: ۲ (نیز ل: ۳، و: آ): بیند بیننده صد تاجور: (ل: ن: ندید و: بیند سر تاجور: ل: ل: ۲،
ب): بیند و: بیند دو صد تاجور: (متن = ق: ۲: بیت های ۵۹۳-۵۹۷ در ل: آشفنگی دارند: ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۲۵-ل: این: (آ: آن
همه (وزن ندارد)): متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶-ل: گاو گوهر: س: (نیز ل: ل: ۲، پ: ل: ۲، ب): گاو زر: ک: س: ۲ (نیز ل: ۳، و: آ): گاو و شیر:
ل: ۲: همه گاو و گور: متن = ق: (نیز ق: ۲) ۲۷-س: (نیز ل: ل: ۲): تن: متن = ق: ک: س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، ب) ۲۸-ل: آ: توانا و پیروز و از بخت: (ل: ترا
باد پیروز و تخت از تو): ل: این بیت را ندارد: مال: دوم آن را به همین نصّ به جای لت دوم بیت ۶۰۲ آورده است

[پس از رفتن نام تو زنده ماند^۱ / چو گوینده تاریخ روز^۲ تو خواند^۳]
 بسی دفتر^۴ خسروان زین سخن^۵ / سیه گردد و هم نیاید به بُن^۶!

گفتار اندر داستان بهرام گور با مرد بازارگان و شاگرد^۷

دگر هفته تنها^۸ به نخچیر شد / دژم بود^۹ تا تکش و^{۱۰} تیر شد
 ۶۰۵ ز خورشید تابنده شد دشت^{۱۱} گرم / سپهد^{۱۲} ز^{۱۳} نخچیر برگشت نرم^{۱۴}
 سوی کاخ بازارگانی رسید / به^{۱۵} هر سو نگه کرد و^{۱۶} کس را ندید
 به بازارگان گفت: ما را^{۱۷} سپنج / توان داد کز ما نبیند^{۱۸} رنج
 چو بازارگانش فرود آورد / بگشت و^{۱۹} یکر خوابگه بر^{۲۰} گزید
 همی بود نالان ز^{۲۱} درد شکم / به بازارگان داد لختی^{۲۲} درم
 ۶۱۰ بدو گفت: لختی پیر^{۲۳} کهن / ابا مغز بادم بریان بکن!
 [وگر^{۲۴} خایگی^{۲۵} مرغ باشد رواست / کزین آرزوها نم^{۲۶} را هواست!]

۱-ل.س.ل (نیز ل.ن.لی.پ): باد؛ متن = ق.ک.س^۱ (نیز ق.آ.ل.و.ل.ن.آ.ب) ۲- (ق.آ.ل.و.ر.ن.ج): ق. که گوینده روز رنج؛ متن = ده دستویس دیگر ۳-ل: تو آباد و پیروز و تخت از تو شاد؛ (ل.ن: ز گوینده روزت فروزنده باد) ۴- (ل.ن: دفتر از) ۵-ک: خسروانی سخن ۶- (آ: نیاید گذر (پساوند ندارد)): ل^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فدعا به الحد ضرورن و قرظوه و شکروه و حمدوه؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

که جاوید باد این خردمندشاه / میان بی او کس تاج و گاه
 خدایا روان چنان شهریار / روان کن بفر دوسر ای کردگار
 ز روح محمد درودش نثار / بهر ساعتی در هزاران هزار
 بیخشای و جایش ده اندر بهشت / برش ده ز نخسی ک. اینجا بگشت

۷-ل: داستان بهرام گور با مرد بازارگان؛ ق: داستان بهرام گور با بازارگان بخیل و شاگرد جوان مرد؛ ک: حدیث بهرام گور با بازارگان؛ ل^۲: رفتن بهرام گور به مهمانی بازارگان؛ س^۱: داستان بهرام با بازارگان؛ متن = [گفتار بندر] س: بنداری این داستان را ندارد؛ این داستان در ل.ق.ک.ل.لی.ل.و.آ.یش از ۶۰۰ بیت پس تر آمده است و در دستویسهای ق^۲ ب نیز بیایی داستانهای بهرام آشفنگی دارد؛ در بیایی داستانها از دستویسهای س.ل.ن.پ.ل^۲ پیروی شد ۸-س (نیز ل.ن.ق.آ.ل.پ.ل.ن.ب): روزی؛ متن = ل.ق.س^۲ (نیز ل.ی.و.آ) ۹-ک: بود و ۱۰-ل: <و>؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۱۱- (ل: روز) ۱۲-ک.س^۲ (نیز و.آ): شتابان؛ (لی: شبانگه)؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۳- (ق: به) ۱۴- (ل: گرم)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

ز ره چون بایوان خود روی داشت / چو چندی ز راه یابان گذاشت

۱۵-ک (نیز ق.آ.لی.ل.و.آ.ب): ز؛ متن = ل.س.ق.ل.آ.س^۲ (نیز ل.ن.پ.ل.ن.آ) ۱۶-ق: <و> ۱۷- (ل: کز ما) ۱۸-ل.ک.ل.آ.س^۲ (نیز ل.ی.و.آ): نه بینی؛ (ل.ن.ب: نبیند؛ پ.ل.ن: نبیند)؛ متن = س.ق (نیز ق.آ.ل.آ) ۱۹-ل.ک.ل.آ.س^۲ (نیز ل.ی.و.آ): مرا و را؛ متن = س.ق (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ.ل.ن.آ.ب) ۲۰- (ل.ن: خوابگاهی؛ پ: یکی شاه راجا) ۲۱-ل.آ.و: (ق: بیجان ز؛ آ: تا آن ز) ۲۲-لی: مثنی ۲۳-ل: نه بد (بی نقطه)؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۴-ل: اگر؛ متن = ک.س^۲ ۲۵-ک: خانگی؛ متن = ل.س^۲ ۲۶-ک: نم؛ متن = ل.س^۲ آ.س.ق.ل.آ.ل.ن.ب.این بیت را ندارند

نیاورد^۱ بازارگاد^۲ آنچ^۳ گفت
 چو تاریک شد، میزبان رفت^۴ نرم
 بیاراست^۶ خوان، پیش^۷ بهرام برد؛
 ۶۱۵ که از تو پنیر^۸ کهن خواستم^۹
 نیاوردی و داه بودم^{۱۱} درم
 چنین داد پاسخ نه ای^{۱۲} بی خرد^{۱۳}
 چو آوردم این مرغ^{۱۵} بریان گرم
 چو بشنید بهرام ازو^{۱۹} این سخن
 ۶۲۰ پشیمان شد ازگفت خود^{۲۲}، نان نخورد^{۲۳}
 چو هنگامه‌ی خواب^{۲۵} بودش^{۲۴} بخت

شد آن چادر قیرگون ناپدید،
 به شاگرد کای مرد ناکاردان،
 خریدی به افزون^{۳۰} و کردی ستم^{۳۱}؟
 نبودى مرا تیره شب^{۳۴} کارزار!
 بدی با من امروز چون آب^{۳۷} و شیر!

ز دریای جوشان چو خور بردمید،
 همی گفت^{۲۷} پرمایه بازارگان
 چرا^{۲۸} مرغ کارزش نبد^{۲۹} یک درم
 ۶۲۵ گر ارزان بدی مرغ، با^{۳۲} این^{۳۳} سوار
 خریدی مر^{۳۵} او^{۳۴} به دانگی^{۳۶} پنیر

- ۱-ل.س:آ. نیاورد (نقطه ندارد):س. نیاورد (حرف یکم بی نقطه):ل.آ (نیز لن، پ، آ، ب): نیاورد؛ متن = ق.ک (نیز ق.آ، لی، ل.آ، و.لن.آ)
 ۲-ک.ل.آ (نیز لی.آ): آنچه؛ متن = ل.س.ق.س.آ (نیز لن، ق.آ، ب) ۳-ل:س.د (حرف های یکم و دوم بی نقطه):س.س.آ (نیز لن.آ): نبد؛
 متن = (ب) ۴-ک:گفت ۵-ل.آ: بر آورد) ۶-ق.آ: نیاورد) ۷-ل.آ: نزد؛ ل این بیت را ندارد ۸-ل: نبد (حرف دوم بی نقطه): متن =
 چهارده دستنویس دیگر ۹-س:آ: خواستیم-بیاراستیم ۱۰-ک (نیز لی، و.آ): بدین گفته: س:آ: بدین گونه؛ متن = ده دستنویس
 دیگر ۱۱-ک، س:آ (نیز لی، آ): آنرا و داه: ل: نیاورده بودی بداهم ۱۲-ک: پاسخش داد کای ۱۳-س، ک، س:آ (نیز لن، لی، پ، ب): بر خورد؛
 (ق:آ: کم خورد؛ ل: ناخرد)؛ متن = ل.ن.ل.آ ۱۴-س (نیز لن، پ، لن.آ): بر خورد؛ ل: کو خورد پرورد؛ ک، ل.آ، س:آ (نیز لی، آ): خورد کز روان
 بر خورد؛ (ق:آ، ل.آ، و: خورد کو روان پرورد؛ ب: روان کت خورد پرورد)؛ ق: خردمندت از مردمان نشمرد؛ متن تصحیح قیاسی است
 ۱۵-لی: مرغ و) ۱۶-ق:آ: خواستم) ۱۷-لن، پ، لن.آ: (و)؛ ق: از رای و؛ ک، س:آ (نیز و): خواهی از من ترانیست؛ متن = ل.س.ل.آ (نیز
 ق.آ) ۱۸-لی، ل.آ، ب: باشد از تو ست؛ آ این بیت را ندارد ۱۹-ل، س (نیز لن): زو: (لی، ب: بهرام گور این) ۲۰-ل (نیز لی، ل.آ، ب): بشد
 آرزوی؛ س (نیز لن، لن.آ): بشد ز آرزوی؛ ل:آ (نیز پ): بشد ز آرزوی؛ س:آ: شدش آرزوی؛ متن = ک (نیز ق.آ، و) ۲۱-ق: پسندش نیامد ز
 پیر؛ آ این بیت را ندارد ۲۲-ک، س:آ (نیز لی، ن.آ، آ، ب): گفته و ۲۳-ب: بخورد) ۲۴-ب: نکشته) ۲۵-ل: خوابش آمد؛ ک، س:آ (نیز لی، و،
 آ): آرام بودش؛ متن = س.ق.ل.آ (نیز ل، ق.آ، ل.آ، پ، لن.آ، ب) ۲۶-ق.آ، ل.آ: چندی؛ س (نیز لن، پ، لن.آ، ب): چیز دیگر؛ متن = ل.ق.س.آ
 (نیز لی، و) ۲۷-پ: بود) ۲۸-ل: مر آن؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹-ل.آ، ب: مرغش امروز بر؛ آ: چرا مرغ کارزش بد (وزن
 ندارد) ۳۰-ل.آ، ب: فزونى؛ س (نیز لن، ب، لن.آ): با فزون خریدی؛ متن = ل.ک، ل.آ، س:آ (نیز ق.آ، لی، آ) ۳۱-ل: (و: دادی دل من به غم)؛ ق
 این بیت را ندارد ۳۲-ل: خریدی ابا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳-ک: آن ۳۴-لی: مگر باوی؛ ل: آ این بیت را ندارد ۳۵-پ: (من)
 ۳۶-لی: بدانگ؛ ل: آ: بدانگی مر اور) ۳۷-ق (نیز ق.آ، لی، ل.آ، ب): شهد؛ متن = ده دستنویس دیگر

چنان دان که^۲ مرغ از شمار من است!
 بدین مایه^۳ با من^۴ مکن^۵ کارزار!
 بشد پیش^۶ آن^۷ باره‌ی دستکش،
 کلاهش از ایوان^۹ به کیوان شود!
 که امروز^{۱۰} بمان^{۱۱} به بد باش^{۱۲} جفت!
 شگفتی فروماند از بخت اوی^{۱۴}!
 به استاد^{۱۶} گفت: ای^{۱۷} گرامی مه‌ایست^{۱۸}،
 پنیر کهن ساز با نان^{۲۱} نرم،
 بیر نان و خوانی^{۲۳} بیارای راست!
 همی خایه نردی تو دی خواستار،
 دگر تا رسد خوردنی نرم نرم^{۲۶}!
 به ساز^{۲۹} دگرگین^{۳۰} خریدار شد:
 که آرایش خون^{۳۳} کند یکسره،
 سوی خانه شد با دلی پرشتاب^{۳۴}،
 جوان برمنش^{۳۶} بود و پاکیزه مغز!

بدو گفت: اگر این ز کار من^۱ است
 تو مهمان من باش با این سوار
 چو بهرام برخاست از خواب خوش
 که^{۶۳۰} زین برنهد تا به ایوان شود
 چو شاگرد دیدش، به بهرام گفت
 بشد شاه و بنشت بر رخت^{۱۳} اوی^{۱۴}
 جوان^{۱۵} رفت و آورد خایه دویست
 یکی مرغ^{۱۹} بادام بریان و^{۲۰} گرم
 که این آرزوها همی دی^{۲۲} بخواست
 ۶۳۵ بشد پیش بهرام و^{۲۴} گفت: ای سوار
 کنون آرزوها^{۲۵} بیاریم گرم
 بگفت این و زان پس^{۲۷} به بازار^{۲۸} شد
 شکر جست^{۳۱} و بادام و مرغ و^{۳۲} بره
 ۶۴۰ می و زعفران برد و مشک و گلاب
 بیاورد خوان با^{۳۵} خورش‌های نغز

۱-ل. آ: نه کار من: س. ق. ک. س. آ (نیز ل. ب): چنین گفت شاگرد کین یک تن: متن تصحیح یاسی است ۲- (لی: چنین دان که: ب: چناندانک) ۳- ل. س. آ (نیز ل. لی: ب): مرغ: متن = (ق. آ) ۴- ل. آ: <من> (وزن ندارد: ۵- لی: <مکن> (وزن ندارد)) ۶- ل. ق: نزد: متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- (ق. آ: او) ۸- (آ: چو) ۹- ل. ک. ل. آ. س. آ (نیز ل. پ. و. آ) ز ایوان: ق (نیز لی): ز ایوان کلاهش: متن = س (نیز ل. ق. آ. ل. ب) ۱۰- ک: امروزه ۱۱- ل (نیز ل. ق. آ. ل. ب): من: متن = س. ک. ل. س. آ (نیز لی. پ. آ) ۱۲- (ل. ن: بند پاس): ق: با بندگان باش ۱۳- ل. س. ک. ل. آ. س. آ (نیز ل. ب): تخت: متن = ق ۱۴- ل. ق. ک. س. آ (نیز ق. آ. لی. ل. آ. ب): او: متن = س. ل. آ (نیز ل. پ. و. ل. ن) ۱۵- (آ: چو او) ۱۶- (لی: بایستاد و: ل. ن: آ: با استاد و) ۱۷- ل: او: ق: این: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸- س (نیز پ. آ): بایست: ق: گویست: ل: آ: گرانمایه بیست: متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- ل. ک. ل. آ. س. آ (نیز ق. آ. لی. ل. آ. و. آ. ب): مرغ: س. ق: مغز: (ل. ن. پ. ل. ن: آ: بکن مغز): متن تصحیح قیاسی است ۲۰- ل: بریان بانان: ک. ل. آ. س. آ (نیز ق. آ. لی. ل. آ. و. آ. ب): بریان و بادام: (آ: بریان باذکرم (وزن ندارد)): متن = س. ق (نیز ل. پ. ل. ن) ۲۱- ل: نیند کهن آرز و بادام: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲- س. دین: (ق. آ: زو): متن = ک. ل. آ. س. آ (نیز ل. ن. و. آ. ب) ۲۳- ک. س. آ: خوانرا: ل. آ: خوان و: (لی: بنیر و زنان خوان): متن = س (نیز ل. ق. آ. ل. ب. و. آ. ب): ل. ق. آ. ل. ن: این بیت را ندارند ۲۴- ل. <و> (نیز پ): نزد بهرام و: ک. س. آ (نیز لی. و. آ): بیامد بر شاه و: (ب: بشدش، بهرا. و): متن = س. ل. آ (نیز ل. ق. آ. ل. آ): ق. ل. ن: این بیت را ندارند: در ق. آ این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۲۵- ک. س. آ (نیز لی. و. آ): آنچه (س. آ: آنچه) گفتی: متن = ل. س. ل. آ (نیز ل. ق. آ. ل. آ. پ. ب) ۲۶- ک: گرم گرم: (و: گرم و نرم): س (نیز ل. ن): تازه شد خوردنی نرم نرم: (لی: خوردنی تا رسد نرم نرم: آ: باشد خوردنی گرم و نرم (وزن ندارد)): ل: هم از چند گونه خورش‌های نرم: س. آ: پنیر کهن ساز: نان نرم: متن = ل. آ (نیز ق. آ. ل. آ. پ. ب): ق. ل. ن: این بیت را ندارند ۲۷- ک. س. آ (نیز لی. و. آ): آنگه: س (نیز ل. ن. پ. ل. ن. آ. ب): این سخن پس: متن = ل. ق. ل. آ (نیز ق. آ. ل. آ) ۲۸- (ل. آ: بران کار) ۲۹- س. ک. س. آ (نیز ل. ن. ق. آ. ل. آ. ل. ن. آ. ب): بسان: متن = ل. ق. ل. آ (نیز لی. پ. و) ۳۰- (لی: دگر چون) ۳۱- (ل. آ: هست) ۳۲- ق (نیز ل. آ): مغز ۳۳- (ل. ن: خان) ۳۴- س: ز آب: ل. آ: بر شتاب: (ل. ن: آ: پر ز تاب): متن = یازده دستنویس دیگر ۳۵- ک. س. آ (نیز و. آ): بیاراست خوان و: (لی: بیاراست خوان از): متن = ده دستنویس دیگر ۳۶- (ل. آ. پ. ل. ن. آ. آ. ب: پر منش): متن = ده دستنویس دیگر

چو نان خورده شد، حامه‌ی می برد^۱
 بدین^۲ گونه^۳ تا شاد و خرّم شدند
 چنین گفت: میزبان شهریار
 ۶۴۵ شما می گسارید، و مستان شوید
 بمالید شب‌دیز^۷ و زین برنهاد^۸
 به بازارگان گفتم: چندین مکوش
 به دانگی مرا دوش بفروختی
 که مرغی خریدی فزون از بها
 ۶۵۰ بگفت این به بازارگان و برفت

نخستین به بهرام خسرو سپرد!
 ز خردک^۴ به جام دمادم شدند!
 که بهرام ما را کند^۵ خواستار!
 مجنبد تا^۶ می پرستان شوید!
 سوی گلشن آمد^۹، ز می گشته^{۱۰} شادا
 به افزونی، ای^{۱۱} مرد ارزان فروش!
 همی چشم شاگرد بردوختی^{۱۲}،
 نهادی مرا در دم ازدها!
 سوی گاه^{۱۳} شاهی^{۱۴} گرازید و^{۱۵} تفت!

چو خورشید بر چرخ^{۱۶} بنمود تاج
 بفرمود خسرو به سالار^{۱۸} بار
 بیاورد و^{۱۹} شادرد با او به هم
 چو شاگرد ز دید، بنواختش
 ۶۵۵ یکی بدره بردند^{۲۴} نزدیک او^{۲۵}
 به بازارگان گفتم: تا زنده‌یی

جهانبان نشست از بر^{۱۷} تخت عاج
 که بازارگان را کند خواستار
 یکی شاد ازیشان^{۲۰} و دیگر دژم^{۲۱}!
 بر مهتران^{۲۲} شاد^{۲۳} بشاختش!
 که چون ماه شد جان^{۲۶} تاریک او^{۲۵}!
 چنان دان که^{۲۷} شاگرد را^{۲۸} بنده‌یی!

۱-ل. ۲ (نیز، ب. ب): جام پر می بی: د. س. ق. (نیز ق. ۲): جام می را ببرد: ک. س. ۲ (نیز لی. ل. ۲. و. آ): جام می پیش برد: متن = (ل. ن. ل. ۲)
 ۲-ل. ۲ (برین) ۳-ک. س. ۲ (نیز لی. ل. آ): دمی خورد: متن = ل. س. ل. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲. ب. ل. ن. ۲. ب) ۴-ل. ۲ (خوردن): ق. این بیت را ندارد
 ۵-ک. س. ۲ (نیز لی. و. آ): شود ۶-ق. مخسید: ک. س. ۲ (نیز لی. و. آ): برامش همه: (ق. ۲: بخشید چون): متن = ل. س. ل. ۲ (نیز ل. ن. ل. ۲. ب. ل. ن. ۲. ب): ق. ۲ پس از این بیت افزود است

وزانجاو برحاست پیروزشاه بیازاست رومی قبا و کلاه

۷-ل. ۲: شیرنگ ۸-ل. پس باره رازن نهاد: ک. بشد میزبان و بر او زین نهاد: س. ۲ (نیز لی. و. آ): بشد میزبان زین او برنهاد: متن = س. ق.
 ۲ ل. ۲ (نیز ل. ن. ق. ۲. ل. ۲. ب. ل. ن. ۲. ب) ۹-که ز گلشن آید: ل. ۲: که زی گلشن آمد: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-ل. ۲ (گشت): در لی
 لت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۱۱-س. ۲ (نیز لی. و. آ): <ای>: ل. از افزونی: ق. بازرانی ای: ل. ۲: بر افزونی: (ق. ۲: در افزونی ای:
 ل. ۲: در افزونی): متن = س. ک. (نیز ن. پ. ن. ۲. ب) ۱۲-ل. زادوختی: متن = سیزده دستنویس دیگر: ل. ۲ بیت‌های ۶۴۸-۶۵۷ را ندارد
 ۱۳-ق. ۲: کاخ: لی. آ: تخت ۱۴-ق. ۱: یزل: شادی: (ق. ۲: ب: شادان) ۱۵-س. ق. (نیز ل. ن. پ. ل. ن. ۲. ب): <و>: ل. ک. <و>: س. ۲ <و>: (نیز لی
 <و>: <و>: آ <و>: خرامید و: (ن. ۲: گ: آید): متن = (ل. ۳) ۱۶-ل. (نیز ق. ۲. ب. ب): تخت: متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ک. س. ۲ (نیز
 لی. و. آ): جهاندار بنشست بر: متن = ل. س. ق. (نیز ل. ن. ق. ۲. ل. ۲. ب. ل. ن. ۲. ب) ۱۸-آ: بر (پساوند نداشت) ۱۹-س. ک. س. ۲ (نیز ل. ن. ل. ل. ۲. آ):
 <و>: ل. (نیز ب): بیازند: ق. (نیز ق. ۲. ۲. ب: بیارید: متن = (و) ۲۰-ک. س. ۲ (نیز لی. و. آ): ازیشان یکی شاد ۲۱-ل. ۲: بغم): ل. ک. س. ۲ پس
 از این بیت افزوده‌اند:

چو شادرد و استاد رفتند زود به پیش شهنشاه ایران چو دود

۲۲-ق: کهتران ۲۳-(وانیک) ۲۴-(ب: بدر: برد) ۲۵-ل. ق. ک. س. ۲ (نیز ق. ۲. ل. ۲. ب. آ): او: متن = س. (نیز ل. ن. ل. پ. و. ل. ن. ۲) ۲۶-(ب: روی: آ:
 یکی تازه شد جان) ۲۷-(ب: دانک: لی: ک: که: آ: چنین گفت) ۲۸-(ل: این)

درم شست^۲ گنج برو بر شمار^۳!
بدین^۴ باشد ز داد^۵ فرمان^۶ کند!
چو کار جهان را ندارد نگاه،
چگونه شناسد کبان^{۱۳} را ز مه؟^۹

همان نیز هر^۱ ماهیانی دو بار
به چیز تو تا^۴ ساز^۵ مهمان کند
[به موبد چنین گفت ازان^۹ پس که شاه
۶۶۰ [چه^۱ داند^{۱۱} که مردم کدامست به^{۱۲}؟

می روشن و جا^{۱۴} و رامشگران]
به خاک سیه بر فلای^{۱۵} لاله کشت!]
به جوی آبها جوی می و شیر گشت!]
کشیدند بر سبزه هر جای نخ!]
بسان گل نارون^{۱۹} می به خم!]
که شد دیر هنگام^{۲۰} نخچیر گور!]
گزین کرد بید ز لشکر سوار!]
همان چرخ^{۲۲} و ساهین گردن فرازا!]
به نخچیر و یک ماه آنجا^{۲۴} بُدن!]

[همی بود یک چند با مهتران
[بهار آمد و شد جهان چون بهشت
[همه بومها^{۱۶} بر ز نخچیر گشت
[گرازیدن^{۱۷} گوز و آهو به^{۱۸} شیخ
۶۶۵ [همه جویباران پر از مُشک دُم
[بگفتند با شاه بهرام گور
[چنین داد پاسخ که مردی هزار
[بیارید با^{۲۱} خویشتن یوز و باز
[از ایدر^{۲۳} سوی تور باید شدن

۱- (ق: آ: در) ۲- (پ، و، ب: شصت) ۳- س: آ: نثار؛ (ل: آ: بیر بی شمار)؛ ل: آ: این بیت را ندارد: ۴-،،، س: آ: (نیز لی، و، آ): او ۵-، ل: آ: شاگرد؛ متن = س، ق، ک، س: آ: (نیز ل: ل- آ: ل: آ: ب: برین) ۷- (ق: آ: ل: آ: ل: آ: ب: داد و)؛ ک، س: آ: (نیز لی، و، آ): زید شاد و خندان چو ل: آ: زید شاد و خندان و: متن = س، ق: (نیز ل: ن) ۸- ل: دل مرد آرزو خندان؛ ک، س: آ: ل: ل: آ:، و، آ: ب: پس از این بیت افزوده اند: لی، ل: آ: ب:

ازیشان یکی شاد و دیگر بغم (ل: آ: دژم)

برفتند از آنجای هر دو بهم

ک، س: آ: لی، ل: آ: پ، و، آ:

اگر بایدت یک سخن یاد گیر
ممان تا (لی: ممانا کم از تو کند
مردمی (پ: تا زت کم کند خرمی)

کنون ای خردمند (س: آ: خردمند و) دانش پذیر
بخیلی مکن هیچ اگر (س: آ: گر: آ: کز) مردمی

۹- ل: آ: زان: متن = ق، ک، س: آ: (نیز ق: آ، و، آ): س، ل: ل: آ: ب، ل: آ: ب: این بیت را ندارند؛ ل: آ: داستان کیروی میخواره را پس از این داستان آورده اند ۱۰- ک، س: آ: (نیز و، آ): که: متن = ل: ق: (نیز ق: آ) ۱۱- ق: دانی ۱۲- (و: مه): ل: آ: ک: امت مردم کدامست به ۱۳- (آ: شناسند که)؛ س، ل: ل: آ: ب، ل: آ: ب: این بیت را ندارند ۱۴- (لی: همی شاه بهرام و)؛ س، ل: ل: آ: ب: این بیت های ۶۶۱-۶۷۱ را ندارند؛ جای این بیت ها در بیشتر دستنویس هایی که آنها را دارند با دستنویس اساس فرق می کند ۱۵- ق: جهان ۱۶- ک، س: آ: (نیز لی، ل: آ، و، آ: ب): مرزها؛ متن = ل: ق: (نیز ق: آ): ل: آ: این بیت را ندارد ۱۷- (لی: گر ائیدن) ۱۸- (لی: ز) ۱۹- ق: ل: آ: س: آ: ز: شد؛ ک، س: آ: (نیز ق: آ، و، آ: ب): تازه شد؛ متن = ل: لی: این بیت را ندارد ۲۰- ل: هر جای: متن = ق- س: آ: (نیز ق: آ، ل: آ، و، آ: ب) ۲۱- (ق: آ: ب: آ: ل: آ: ب: آ: س: آ: (نیز لی، ل: آ): چرخ: متن = ک (نیز ق: آ، و، آ: ب): ل: آ: این بیت را ندارد ۲۳- ل: آ: ازین جا؛ (ب: از آنجا) ۲۴- ق: س: آ: (نیز ق: آ، ل: آ): همانا (ق: آ: همانجا) بنخچیر ماهی: متن = ک، ل: آ: (نیز و، آ: ب): ل: آ: این بیت را ندارد

۶۷۰ [سوی تور شد شاه نخچیرجوی جهان گشت^۱ یکسر پر از گفت و گوی!]
[ز گور و ز غم^۲ ز آهو جهان برداختند آن دلاورمهان!]

گفتار اندر داستان بهرام گور با زن پالیزبان^۳

سدیگر چو بفروخت خورشید تاج^۴ زمین زرد شد، کوه و دریا چو^۵ عاج^۶،
به نخچیر^۷ شد شهریار دلیر^۸ یکی ازدها دید چون نزه^۹ شیر^{۱۰}
به بالای او^{۱۱}، هوی بُد بر^{۱۲} سرش دو پستان چن آن^{۱۳} زنان بر برش^{۱۴}
۶۷۵ کمان را^{۱۵} به زه کرد و تیری^{۱۶} خدنگ بزد بر بر ازدها بی درنگ
دگر تیر زد بر میان سرش فروریخت خوناب و^{۱۷} زهر^{۱۸} از برش
فرود آمد و خنجری^{۱۹} برکشید سراسر بر^{۲۰} ازدها بردرید
یکی مرد برنا فروبرده بود به خون و به زهراندر افسرده^{۲۱} بود

۱-ق-س^۲ (نیز ق^۲، لی، و): دید؛ (ق^۲: بوده؛ ب: دیده)؛ متن = ل: در ق، ق^۲ لتهای این بیت پس و پیش شده اند ۲-ل: آ: مرغ ۳-س: داستان بهرام با زن و مرد پالیزبان و کشتن ازدها؛ ق: داستان بهرام با زن روستائی و سخن گفتن ایشان؛ ک: بیرون رفتن بهرام به شکار و کشتن ازدها؛ ل: رفتن بهرام بمهمن روستائی و زن جوانمرد؛ س: داستان بهرام و کشتن ازدها؛ بنداری (در حاشیه): قصه قتل الثعبان و نزوله بیت صاحب ضیعة؛ این داستان در دستنویس های ل، ق، ک، ل، آ، س، آ، ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب در جای اصلی خود نیست، ولی س، ل، پ، ل، آن را در جای خود آورده؛ ۴-ب پیش از این بیت افزوده است:

سدیگر چو بفروخت گیتی فروز شب تیره بگریخت از بیم روز

سپس لت یکم بیت را بدین صورت آورده است: برافراخت خورشید رخشنده تاج ۵-ق، ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): کوه دریای؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۶-س (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ): ساج؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ب پس از این بیت افزوده است:

سپهد به نخچیر شد بی سپاه یکی ازدها دید خفته براه

۷-ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): سوز دشت؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ) ۸-ق: سپهد بنخچیر شد بی سپاه ۹-ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): غزان چو ۱۰-ق (خفته براه) ۱۱-ق: بیلاسه گز ۱۲-ل: موی زیر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۳-ل، س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): بسان؛ ن (نیز پ، ل، ن، آ): چو آن؛ متن = (ل، ن) ۱۴-ل (نیز ل^۲): از برش؛ س، ک، س^۲ (نیز لی، و، آ): در برش؛ (ق: آ: فروریخت چون آب زهر از برش؛ متن = ق، ل^۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۵-س: کمانی ۱۶-ل، ق، ک، س^۲ (نیز ل، ن، آ، ب): <ی>؛ متن = س، ل^۲ (نیز ل، ن، لی، و): ق^۲ این بیت را ندارد ۱۷-س، ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): <و>؛ متن = ق (نیز ل، ن، پ) ۱۸-ل، ل^۲ (نیز ل، ن، آ): چون آب خون؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق^۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: ذکر صاحب الکتاب ایضا آن بهرام خرج یوما الی الصید فانفرد من أصحابه فرأی ثعبانا عظیما کانه سیر ضار فی رأسه شعر طویل بطول قدّه، وله ثدیان کنذی النساء، فوتر قوسه و رماه بنشابة أصابت رأسه فسقط ۱۹-ق: خنجرش ۲۰-س: دن؛ ق: تن؛ ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): برو سینه؛ متن = ل، ل^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۲۱-لی: افکنده؛ ل: آورده؛ ب پس از این بیت افزوده است:

برون کرد مر مرده را از برش که هرگز مبادا سرش با برش

وُزان^۳ زهر شد چشم بهرام تار^۴
 به خواب و به آب آرزومند شاه
 به هامون سوی در^۷ سرایی رسید
 ز بهرام خسرو پوشید^۹ روی
 دهید^{۱۰}؟ ار^{۱۱} نه بایا^{۱۲} گذشتن به رنج^{۱۳}!
 تو این^{۱۵} خانه چون^{۱۶} خانه‌ی خویش دارا!
 زن میزبان^{۱۸} شوی را پیش^{۱۹} خواند،
 چو شانه نداری، ه مویین^{۲۰} دوال^{۲۱}!
 ز^{۲۴} پیش اندرون ردت و خانه برفت^{۲۵}،
 به بهرام بر آبرین کرد یاد!
 همی در^{۲۷} نهان سوی را بر^{۲۸} شمرد،

بر آن^۱ مرد بگریست بسیار^۲ زار
 ۶۸۰ همی راند^۵ پویان و پیچان^۶ به راه
 چنین تا به آبادجایی رسید
 زنی دید بر گفت^۸ او بر سبوی
 بدو گفت بهرام کایدر سپنج
 چنین^{۱۴} گفت زن کای نبرده سوار
 ۶۸۵ چو پاسخ شنید اسپ در خانه^{۱۷} راند
 بدو گفت: گاه آر و اسپش بمال
 خود^{۲۲} آمد به جایی^{۲۳} که بودش نهفت
 حصیری بگسترده و بالش^{۲۶} نهاد
 سوی خانه‌ی آب شد، آب برد

۱- (لی: بدان) ۲- (نیز و): بسیار بگریست: (ق: آ. ب: بگریست بهرام: ل: آ: بهرام بگریست): دن = س-س = س^۲ (نیز لن، لی، پ، لن، آ، ا)
 ۲- (ق: آ: ازان) ۴- چشم او سوگوار: متن = چهارده دستنویس دیگر: بنداری: فنزل علیه ر شق بالخنجر صدره فاذا برجل شاب فی
 جوفه قد ابتلعه. فرق له قلب بهرام حتی بکی. فأظلمت عینه من بخار سمه: س، ک، س، آ، لی، لی، ب، آ، پس از این بیت افزوده‌اند:

که هرگز مبادا برش با سرش

برون کرد مر مرده را از برش

ق، ک، ل، آ، س، آ، ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب در اینجا افزوده‌اند:

می آورد و خوبا. (ق: کوشان و) پوشیده‌رای
 (ک، ل، آ، لی، ل، آ، ب: ب بطسرای: و: پرده‌سرای)
 شد از میوه پیزها چون بهشت
 پرستنده با او یکی رهنمون
 بجوید دل مرد یردان پرست (و: مردم زیر دست)
 ازان دشت سوی دهی (ق: ره) رفت شاه
 ازین گونه تا روز برگشت گرم

وز آنجا بیامد به پرده‌سرای
 چو سی روز بگذشت از اردیبهشت
 چنان ساخت کاید بتور اندرون
 ببیند که اندر جهان داد هست
 ۵ بشگیر هر مزد خردادماه
 همی راند شب‌دیز را نرم نرم

۵- (لی: رفت) ۶- ل، ک، س، آ (نیز لن، لی، و، آ): حیران و پیچان: (ق: آ: پیچان و پویان: لن: آ: حیران و پیمان): متن = (ب: ل: آ این بیت را
 ندارد: ق در اینجا سرنویس دارد: داستان بهرام با زن روستایی و سخن گفتن ایشان ۷- ل: بنزد ل^۲ نیز ق: آ: بسوی: متن = س، ق، ک، س، آ
 (نیز لن، لی، ب) ۸- ل، ک، س، آ (نیز لن، لی، و، آ، ب): کف: متن = ل^۲ (نیز ق: آ، لن: آ) ۹- ق (نیر آ): بیچید: متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۱۰- ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): دهی: متن = ل، س، ق (نیز لن، ق: آ، لی، پ، لن، آ، ب) ۱۱- ک، س، آ (نیز ل، و، آ): گر: متن = ده دستنویس دیگر
 ۱۲- س (نیز لن): بیاند (حرف‌های یکم و چهارم بی نقطه): ق، ک، ل (نیز و): بیاید (حرف یکم بی نقطه): س، آ: پاند (حرف‌های یکم و
 چهارم بی نقطه): (لی، پ، لن، آ: آ: بیاید: ل: آ: ساند (بی نقطه): ب: نیاید): متن = ل ۱۳- (ق: آ: نیابند خشتن برنج): بنداری: فرکب کما هو، و مضی
 حتی انتهى الی ضیعة. فرأی امرأة علی باب دار و بیدها جرة ترید الماء فغطت وجهها من بهرام. فقال لها بهم: هل عندکم من میت؟ ۱۴- (و: بدو)
 ۱۵- ک، س، آ (نیز ل، آ): چنین ۱۶- (ق: آ: را) ۱۷- (لی: را پیش) ۱۸- ل (مهربان) ۱۹- (لی: را سوی خویش: پ: شوی پیش (وزن ندارد))
 ۲۰- س، ق (نیز لن، ق: آ، پ، لن، آ، ب): پشمین: متن = ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، و، آ): مویین ۲۱- س، ق، ک، س، آ (نیز لن، ق: آ، ل، آ، ب): جوال: ل: چو گاه
 جو آید بکن در جوال: متن = ل (نیز لی) ۲۲- (ق: آ: جو) ۲۳- ل، آ: خانه ۲۴- س (نیز و، ب): به ۲۵- (رفت خانه برفت: لی: در در خانه رفت)
 ۲۶- (پ: لن: آ: بالین): بنداری: فقالت المرأة: الدار دارک فأنزل. فدخل بفرسه الدار. فدعت المرأة ب وجهها و قالت له: اربط فرسه و امسح
 ظهره و قدمه تبار. و دخلت مجلساً نه و کنته و فرشت حصیراً و وضعت مخدة ۲۷- (آ: بر) ۲۸- (س: سوی آن در): ل: آ این بیت را ندارد

۶۹۰ [که این پیر^۱ ابره نماند^۲ به جای^۳
 [نباشد چُنین کار، کار زنان
 بشد شاه^۹ بهرام و تن^{۱۰} را بشت
 بیامد نشست ز بر آن حصیر
 بیاورد چُنین^{۱۲} و بنهاد راست
 ۶۹۵ بخورد اندکی ناز^{۱۵} و نالان بخت
 چو از خواب بیدار شد، زن به شوی
 بره کشت باید تر کین^{۱۸} سوار
 که برز کیان^{۲۱} دارد و فر^{۲۲} ماه
 چُنین گفت با زن فرومایه^{۲۳} شوی
 ۷۰۰ نداری نمکسود^{۲۵} هیزم^{۲۶}، نه نان
 بره کشتی و خورد و رفت این سوار^{۲۸}
 زمستان و سرما د باد دمان^{۳۲}

هر آنگه^۴ که بیند^۵ کس اندر^۶ سرای!
 منم لشکری دار^۷ دندان^۸ کتان!
 کران ازدها بود ناتندرست
 به در خانه بر پای بد^{۱۱} مرد پیر
 برو تزه و سرکه^{۱۳} و تازه^{۱۴} ماست
 به دستار چینی رخ اندر نهفت
 همی گفت کای زُست^{۱۶} ناشسته روی^{۱۷}،
 بزرگست و از^{۱۹} تخمهی نامدار^{۲۰}،
 نماندهمی جز به بهرامشاه!
 که چندین چرا بایدت گفت و گوی^{۲۴}،
 چه سازی تو برگ چُنین میهمان^{۲۷}؟!
 تو شوهر^{۲۹} به انبویی^{۳۰} اندر گذار^{۳۱}!
 به پیش آمدت^{۳۳} یک زمان بی گمان^{۳۴}!

۱-ل: پیر و؛ ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، و)؛ (مرد؛ (ب: ای مرد)؛ متن = (پ) ۲- (ب: بمانده؛ ق: ای پیر ابره بمانده) ۳- (پ: پای) ۴- ک (نیز لی)؛ هرانکس ۵- (ق: آ: باشد) ۶- آ، س، ۲ (نیز ق: آ، پ، و، آ، ب)؛ کسی در؛ متن = ل، ک (نیز لی)؛ س، ق، ل، ل، آ، ل، ن، آ این بیت را ندارند
 ۷- ل: دارو؛ متن = ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل: لی، و، ب) ۸- (آ: دیدان؛ پ: لشکری راز خدمت) ۹- س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب)؛ شاد؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز ق: آ، لی، ل، آ، آ) ۱۰- س، ق، ل، آ <و> (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب)؛ و رخ؛ ک، س، ۲ (نیز لی <و> ل، آ، آ، و)؛ و دستش؛ متن = ل (نیز و)
 ۱۱- ک، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ بدر بود - پای آن؛ متن = ل، ل، آ (نیز پ)؛ س، ق، ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ این بیت را ندارند؛ در ل آت های این بیت پس و پیش شده اند؛ لی بیت ۶۹۱ بر پس این بیت آورده است ۱۲- ل، ق، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب)؛ خوانی؛ (ل: آ: چیزی؛ و: خانی؛ آ: چوین؛ لی: خوان چیز)؛ متن = س ۱۳- ک، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ سرکه و تزه ۱۴- س، ناز و؛ ق، س، ۲ (نیز ل، ن، ب)؛ نان و؛ متن = ل؛ بنداری؛ فدخل بهرام و تمدد مستريحاً مما عاناه بن مقاتلة الثعبان و قتله و ما خامر دماغه من روائح سمه. فقدمت المرأة ائيه طباق من خلاف عليه خل و بقل و لبن و خبز ۱۵- آ: تزه ۱۶- ل: رس (بی نقطه)؛ ق، ل، آ (نیز ل، ن، پ)؛ زشت؛ س (نیز ل، ن، آ)؛ ای زشت؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۷- (ق: آ: ناکس زشت؛ روی ل: آ: ناکس تیره خوی؛ ب: ناکس تیره روی)؛ ک، س، ۲ (نیز لی، و، آ)؛ ای ناکس تیره خوی؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ) ۱۸- (آ این ۱۹- ق، س، ۲ (نیز ل، ن، آ)؛ وز؛ (آ: و وز) ۲۰- ل، س، ق (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ)؛ شهریار؛ متن = ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ق: آ، لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ بنداری؛ فتدر ل منالقیمات و نام. فخلت المرأة بزوجهها و سارته و قالت: أيها القبيح الموسخ! إن هذا الفارس أمير كبير فاذبح له حملاً ۲۱- ک، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ تن سرکشان ۲۲- ق: روی؛ ل: فر کیان دارد و نور؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳- ل، ق، ل، آ (نیز ق: آ)؛ گرانمایه؛ متن = بی ده دستنویس دیگر ۲۴- ق (نیز لی)؛ گفتگوی ۲۵- ل: <و>؛ س (نیز ل، ن، آ، آ)؛ نمکسود؛ متن = ق، ک، س، ۲ (نیز ق: آ، ل، آ، پ، و، ب) ۲۶- (لی: نمکسود هرگز) ۲۷- س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ن، لی، ب)؛ نه شب دوک ریسی بیان (ق، ل، ن، پ، ل، ن، آ: همی چون) زنان؛ (ق: آ: نه شب دوک بستی تو همچون زنان)؛ متن = ل ۲۸- (لی: آن) ۲۹- ل، س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ن، پ، ب)؛ توشو خر؛ ق: تور و خر؛ (ل: آ: توشو خر) متن = (لی) ۳۰- ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ن، پ، ب)؛ ناسویی (بی نقطه)؛ س (نیز ل، آ)؛ باندویی (حرف ششم بی نقطه)؛ ق: ک؛ بانبویی؛ متن = (لی) ۳۱- (ق: آ: چه آید ترا زو درین ره گذر) ۳۲- ل: آ: خزان ۳۳- ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ب)؛ آیدت؛ متن = ل، س، ۲ ۳۴- ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، لی، ل، آ، و، ب)؛ بی گمان یک زمان؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز پ)؛ بنداری؛ فامتنع و تعلل بالفقر و العجز

همی گفت انباز و^۱ نشنید^۲ زن
 بره کشته شد هم به فرجام کار
 ۷۰۵ چو شد کشته، دیگی^۵ ترینه^۶ بیخت
 بیاورد چپین^{۱۰} بر شهریار
 یکی پای^{۱۲} بریان ببرد از^{۱۳} بره
 چو بهرام دست از خورشها بست
 چو شب کرد بر^{۱۷} آفتاب انجمن
 ۷۱۰ بدو گفت شاه^{۲۰}: ای زن کم سخن
 بدان تا به گفتار تو^{۲۲} می خوریم^{۲۳}
 بُد^{۲۶} داستان نیز کردم^{۲۷} یله
 زن^{۳۰} کم سخن گفت: آری^{۳۱} نکوست^{۳۲}
 بدو گفت بهرام کینست و^{۳۵} بس!
 که هم نیک پی^۳ بود و هم رایزن!^۴
 به گفتار آن زن ز بهر سوارا
 بُرید^۷ آتش^۸ از هیزم نیم سُخت^۹،
 برو خایه و تره^{۱۱} جو بیار
 همان^{۱۴} پخته چیری که بد یکسره
 همی بود بی خواب و^{۱۵} نا^{۱۶} تندرست
 کدویی^{۱۸} می و سنجد آورد زن^{۱۹}
 یکی داستان گون با من^{۲۱} کهن،
 ز دل رنج ندیده ها^{۲۴} بشکریم^{۲۵}!
 ازین شامت^{۲۸} آزای است ار^{۲۹} گله؟
 که آغاز هر کار و فرجام^{۳۳} ازوست^{۳۴}!
 ازو^{۳۶} دادجویی نینند^{۳۷} کس!

۱-ق: شوی و ۲-ق: بشنید؛ (پ: ب: بشنید) ۳-ل: ق (نیز آ): زن: ک: س^۲ (نیز لی: ل: و: ب) دل: متن = س: ل^۲ (نیز لن: ق: پ: لن^۲) ۴-ق: پاک تن: ل بیت های ۷۰۴-۷۰۵ را ندارد ۵-س: دیگر؛ (ب: دیگ): ک: س^۲ (نیز ل: و: آ): از آن گوشت نخستی: متن = ق: ل^۲ (نیز لن: ق: پ: لن^۲) ۶-ق: (ق: آ: هریسه) ۷-س (نیز لن: لن^۲): برید (فقط حرف آخر نقطه دارد): ی (نیز پ): ببرد ۸-س (نیز لن: آ: ب): آتش: (لن: آتش (حرف دوم بی نقطه)): متن = ق ۹-ل (ن: آ: نیک سخت): ق: رود و هیزم ریخت (- حرف دوم از واژه پین بی نقطه): ک: ل^۲ س^۲ (نیز ل: و: آ: ب): همی سوخت (س: آ: سوی: و: کرد) هیزم تمام (ل: آ: بمام) و بدخت (ق: آ: برداخت از آتش تروخت؟ (حرف دوم از واژه یکم نقطه ندارد): پ: ببرد آتش از جوی و هیزم ز جخت): متن = س (نیز لن: ل: لی: این بیت را ندارند ۱۰-ل (نیز ق: ل: آ: ک): چیزی: ق: ک (نیز لن: پ: و: لن: آ: ب): خوانی: ل: آ: س^۲: چنین؟ (آ: چوین): متن = س ۱۱-س (آ: تیر: و: لی: این بیت را ندارد ۱۲-ل: ناره (بی نقطه): ک: س^۲ (نیز ق: ل: لی: و: آ: ب): ران: متن = س: ل^۲ (نیز لن: پ: لن^۲) ۱۳-ک: س^۲ (نیز لی: ل: و: آ: ب): ببردش: ق: همان نان بریان ببرد و: متن = ل: س: ل^۲ (نیز لن: ق: پ: لن^۲) ۱۴-آ: (آ: همی) ۱۵-ق: ک (نیز لی): <و> ۱۶-ل: آ: بی خواب تا): بنداری: فلم تزل به حتی أجاب و ذبح له حملا كان فی بيته فطبخته و قدّمته اليه بالعشى فأكل بهرام و غسل يده و كان منكر البدين من أثر التعب ۱۷-ل: با: متن = چهارده دستویس دیگر ۱۸-ل: ل: آ: س^۲ (نیز ل: و: آ: کدوی: (لی: کدوی و): متن = ق: ک (نیز ق: پ: ب) ۱۹-س (نیز لن: لن^۲): بیاورد می یا یکی زود زن ۲۰-س: ل^۲ (نیز لن: لن^۲): شاه گفت: متن = یازده دستویس دیگر ۲۱-ب: (ب: ما) ۲۲-ب: (ب: یکی تا بدان گفتها) ۲۳-ک: س^۲ (نیز آ): خورم ۲۴-ل: آ: اندیشه را: (لی: اندیشه تا): ل: بمی درد و اندوه را: (نیز لن: آ: بمی درد و اندوه را: ق: بمی زین دل اندوه را: (پ: ب: می درد و اندوه را: لن: آ: همی بر دل اندوه را: آ: دل از رنج و اندیشه): متن = ک: س^۲ (نیز ل: و: ب) ۲۵-ک: س^۲ (نیز ل: و: آ: بشکریم: (لی: گستریم): ل: و: پاوند ندارند: بنداری: فقدمت اليه يقطينة فيها شرب مع قليل من الغبيراء برسم النقل فأخذ بهرام يشرب ثم قال للمرأة: حدثيني حتى أشرب على حديثك ۲۶-ل: س: ق: ل: آ: س^۲ (نیز لن: ب): بتو: متن = ک ۲۷-ل (ن: آ: کرده): ق: داستان تو (وزن ندارد) ۲۸-ل: ز بهرامت: ل: آ: (نیز ق: ل: آ: ک): ازین شاه: (آ: ازان شاه): متن = س: ق: ک: س^۲ (نیز لن: لی: پ: و: لن: آ: ب) ۲۹-ل (لی: لن: آ: آ: از): ۳۰-ب: (ب: سخن) ۳۱-ک: س^۲ (نیز لی: ل: آ: ک): کاری ۳۲-ل (لی: ب: رواست) ۳۳-ل: هر کار فرجام: س (نیز لن: ق: پ: لن^۲) <و>: آغاز و فرجام هر کار: متن = ک: ل: آ: س^۲ (نیز ل: و: آ) ۳۴-ل (لی: و: انجام از پادشاست: ب: و: انجام آن پادشاست): ق: این بیت را ندارد ۳۵-س: <و>: (ل: آ: اینست و: ب: چینیست و) ۳۶-س: ل^۲ (نیز لن: پ: لن^۲): وزو: ک: س^۲ (نیز لی: ل: و: آ: ب): و: گر: متن = ل (نیز ق: آ) ۳۷-ل: آ: نه بینی ز: (س (نیز لن: پ: لن^۲): و: خوبی نینند: ک: س^۲ (نیز لی: و: ب): جویی بیبی و: (س: آ: لی: و: ز): کس: (ق: آ: و: خوبی نینند: ل: آ: خواهی نیایی ز): متن = ل: ق: این بیت را ندارد

۷۱۵ زن برمنش^۱ گفت نای^۲ پاک‌رای^۳
 همیشه گذار^۵ سواران بود
 یکی نام دزدی نهاد بر کسی
 بکوشد^۹ ز بهر دره پنج^{۱۰} شش^{۱۱}
 زن پاکتن ر به^{۱۴} آلودگی
 ۷۲۰ زیانی بود کار نیاید به گنج
 پراندیشه شد زان^{۱۷} سخن شهریار
 چنین گفت پسر شه یزدان‌شناس
 درشتی کنم^{۲۱} زین سپس^{۲۲} ماه^{۲۳} چند
 برین تیره‌اندیشه^{۲۵} پیچان بخت

۷۲۵ بدانگه که خور^۲ جادر مشکبوی
 بیامد زن از خانه پا شوی گفت

بدرید و بر چرخ^{۲۹} بنمود روی
 که هرکاره و آتش آر^{۳۰} از نهفت^{۳۱}

۱-ک، س^۲ (نیز لی، ل، و، ب): نیکد، ۲-س (نیز لن، و، لن، آ): ای ۳-ل (و، نیک‌رای) ۴-ل: برین: (آ: درین): متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ل، ک: گزار: ق: همی ره گ از: متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-ل، ک، س، آ: وز: ل^۲ (نیز لی، ل، و، ب): و از: (ق: آ: شه): متن = س، ق (نیز لن، پ) ۷-ل: زان: ک (نیز لی): از: ل: آ: زین: س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): از: و: متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۸-ل: آ: بیند ۹-س، آ: بکوشش ۱۰-ل (ن، لن، آ: پنج و) ۱۱-ل: ز بهر درم گردش کینه کش: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲-س، ل، آ: تا چون کند: (ل: آ: تا خوش کند: لن: آ: تا خون کند): متن = ن، ک، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و، آ، ب) ۱۳-ب: نیز: لی: دل روز: ق: این بیت را ندارد ۱۴-ل (ن: ز) ۱۵-ل: آرد: (آ: نازد): متن = سیزده دستنویس دیگر: ق: این بیت را ندارد ۱۶-س، ک، ل، س، آ: از نیست: (ب: کس نیست: لی: که شاه جهاندار ازان نیست: متن = ل (نیز ق، آ، ل، آ، ب، لن، آ): ق: این بیت را ندارد: در ل^۲ لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۱۷-س (نیز لن، لن، آ): زین: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸-ق: بر ۱۹-ل، ق: زان: (ق: آ: زین: آ: بدان): متن = س، ل^۲ (نیز لن، پ، لن، آ) ۲۰-ل، ق، ل^۲ (نیز ق، آ): مایه کار: س: نابکار: (لن: بابدار: لن: مادکار (نقطه ندارد): آ: یادکار): ک: که شد نام او را بدین مایه کار: س^۲ (نیز لی، ل، و، ب): که شد نام و بد بدین (لی، و، ب: بدان) مایه کار (و: مایه کار (نقطه ندارد)): متن = (پ) ۲۱-ک: بود: ل: آ: کند ۲۲-ل: سخن: س (نیز لن، لن، آ): زان سپس: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳-ک، س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، و، آ): روز ۲۴-س: مهر و داد و گزند: ل: مهر داد و گزند: (ق: آ: داد و مهر ز گزند): ل: پیدا کند مهر داد و پسند: (لن: که مهرم پدید آید از هر گزند): متن = ق، ک، س، آ (نیز لی <از>، ل، پ، ب) ۲۵-ک، س، آ (نیز آ، ب) گونه زان‌دیشه: ل: شب تیره زان‌دیشه: س (نیز لن، لن، آ): چو براین هم اندیشه: ل: بدین نیز اندیشه: (لی، و: بدین گونه زان‌دیشه: پ: بدین تیره‌اندیشه: ل: بران گونه زان‌دیشه): متن = ق (نیز ق^۲ <بین>) ۲۶-ق: بدانگه ۲۷-پ: که هرکاره و آتش آر از نهفت: بندری: شه قال لها: کیف حالکم مع هذا السلطان؟ فقالت: انه لا جور علينا من الملك ولا حيف سوى انه يأخذ من كل جان يجنى خمسة دراهم. وليس منه تحامل علينا الا من هذه الجهة. فاستقل الملك ذلك المقدار وأضر الزيادة عليه: پس از این بنداری چند سطر ا منبعی غیر از شاهنامه ذکر می‌کند ۲۸-ل: شب: ک: وزانپس چو شب: ل، س، آ (نیز لی، ل، و، آ): وزانپس (ل: آ: زانپس) چو خور: متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب) ۲۹-ب: بدرید بر چرخ و: لن: بدریا و بر چرخ) ۳۰-س، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، ب): بیار: ق: هرگاه آتش آر: (لی: هر کار دانش بیار: آ: هرگاه آتش بیار): متن = ل (نیز لن، ل، و، لن، آ) ۳۱-پ: همه شب دلش باستم بود جفت: ک: ایر بیت را ندارد

نابید^۲ که بین. ورا آفتاب،
 - تو این کار^۴ هر ناره^۵ آسان مگیرا-
 فراوان گیا برد^۶ و بنهاد پیش
 به نام خداوند ی یار و جفت!
 دل میزبان جوان گشت پیر^۹!
 دل شاه گیتی دُر شد به رای^{۱۱}!
 دلش دوش بیجان شد اندر نهان!
 به فال بداندر چه جویی^{۱۴} همی؟
 مرا بیهده نیست این گفت و گوی^{۱۷}:
 ز گردون نتابد به بایست^{۱۸} ماه!
 نبوید^{۱۹} به نافه درون بوی^{۲۰} مشک!
 دل نرم چون سنگ^{۲۲} خارا شود!
 خردمند بگریزد و غم خورد^{۲۴}!
 هر آنکه که بیادگر گشت شاه!
 هم آبشخورش^{۲۷} نیز^{۲۸} بتر^{۲۹} نبود،
 دگرگونه شد رنگ و آزیر^{۳۲} ازوی^{۳۱}!

ز هرگونه تخم اندرافکن به^۱ آب
 کنون تا بدوشم من از^۳ گاو شیر،
 بیاورد گاو از چراگاه خویش
 ۷۳۰ به پستانش بر^۷ دست مالید و گفت:
 تهی دید^۸ پستان گاوش ز شیر
 چنین گفت با شوی کای کدخدای^{۱۰}
 ستمکاره شد شهریار جهان
 بدو گفت شوی^{۱۲}: از چه^{۱۳} گویی همی؟
 ۷۳۵ چنین گفت زن کای گرنامه^{۱۵} شوی^{۱۶}
 چو بیدادگر شد جهاندار شاه
 به پستان هادر شود شیر خشک!
 زیان در جهان^{۲۱} آشکارا شود!
 به دستان درون گور^{۲۳} مردم خورد!
 ۷۴۰ شود خایه در زیر مرغان تبا^{۲۵}
 چراگاه این گاو کمتر نبود^{۲۶}،
 به پستان چنین^{۳۰} خشک شد شیر ازوی^{۳۱}

۱- (ق. ۲. و. در) ۲- ق: کی باید ۳- ل: ازین؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴- ل: بار؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۵- ق: و هر کار ۶- (ل: بود) ۷- (ل: پستانشان) ۸- ل: بود؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹- ک. س. (نیز ل. و. آ. ب.) پاک زن گشت از آن درد پیر؛ (ل: پاک تن زن از آن درد پیر)؛ ل: رخ میزبان شد برنگ زری؛ متن = ل. س. ق. (نیز ل. ق. ب. ل. آ.)؛ بنداری. و لما أصبح أرادت المرأة أن تصلح له لبنية فقامت الي بقرة كانت لها لتحلبها فمسحت ضرعها فلم تدر و وجدت ضرعها خاليا من اللبن ۱۰- ل: (نیز و.)؛ <ی>؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱- ل: <ی>؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ و پساوند ندر ۲- ل: <ی>؛ (ل: شوی گفت)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳- (ل: چی: آ. که) ۱۴- (ب: پویی)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بندری؛ فقالت لزوجها: إن قلب السلطان قد تغير، و كأنه قد نوى سوءاً و أضمر ظنماً. فقال لها الزوج: ما هذا التطير؟ ۱۵- ک. س. (نیز ل. ل. آ. و. آ.) سرافراز ۱۶- (و: <ی>) ۱۷- (نیز ل. آ.) گفتگوی؛ (و: گفت و گو)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- (آ: بید بر بدیست: ب: نتابد بیایست از چرخ)؛ در پ لت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۹- (ق: آ: نباشد) ۲۰- س. (نیز ل. پ. ل. آ.)؛ نیز: ق- س. (نیز ل. و.) تازه؛ متن = ل. (نیز ق. ل. آ. ب.) ۲۱- ق: و بدی؛ (ق: آ. و فساد: ل. و ردبا)؛ ل. س. (نیز ل. ن.) زنی و ربی؛ س. ک. (نیز و.) زنا و ربا؛ ل. آ. زنا در ابا؛ (ل. آ. ل. ن.) ربی و زنی؛ پ: زنا و بدی؛ آ: زنی و زنی)؛ متن = (ب) ۲۲- ق: دن سنگ چون نرم ۲۳- ل. س. ک. ل. آ. س. (نیز ل. ن. آ. آ. گرت)؛ متن = (ب) ۲۴- ل. س. ک. ل. آ. س. (نیز ق. آ. و. آ. ب.) از بی خورد؛ متن = (ل. ل. ن. آ.)؛ ق: این بیت را ندارد؛ بنداری؛ فقالت: أما تعلم أن الملك إذا صار ظالماً جفت الألبان في الضروع، و لم يارج المسك في النوافج، و شاع الزنا و الربا في الخلق، و صارت القلوب قاسية كالحجر الصلد، و عانت الذئاب و ضريت بالإس، و تخوف ذو العقول من ذوی الغوایة و الجهل ۲۵- (ل: شاه) ۲۶- س. بود بود؛ ک: شود-شود؛ س. آ: بود-شود ۲۷- ل. ک. (نیز ق. ل. آ. آ.) آبش خورش؛ س. (نیز ل. ل. ن. آ.)؛ آب و خورش؛ س. آبش خورد؛ متن = ق. ل. (نیز پ. و. ب.) ۲۸- ک. س. (نیز ل. آ. و. آ.) هیچ ۲۹- (ق: آ: بس تر: ل. ب: بر تر: ل. آ: بی بر) ۳۰- س. چنان ۳۱- ل. ق. ک. ل. آ. س. (نیز و. آ. ل. ل. آ. و. آ. ب.)؛ او؛ س. (نیز پ. ل. ن. آ.)؛ اوی؛ متن = (ل. ن.) ۳۲- ق. ک. س. (نیز ل. و.) رنگ آزیر؛ (ق: آ: رنگ چون قیر؛ ل: رنگ آزیر؛ ب: ی و تدبیر)؛ متن = ل. س. ل. (نیز ل. ل. آ. آ. ب.)

چو شاه جهان ز سخن‌ها شنود^۲
 به یزدان چنین گفت کای کامگار^۴
 ۷۴۵ اگر تاب گیرد دژ من^۷ ز داد
 پشیمانی آمدش از اندیشه سود^۳
 توانا و دارنده^۵ روزگار^۶
 ازین^۸ پس مرا تخت^۹ شاهی مبادا

زن فرخ^{۱۰} پاک یزدان پرست
 به نام خداوند زردشت^{۱۲} - گفت -
 ز پستان^{۱۵} گاوش بیارید^{۱۶} شیر!
 تو بیداد را^{۱۹} کرده‌یی دادگر
 ۷۵۰ و زان^{۲۲} پس چنین گفت با^{۲۳} کدخدای
 تو با خنده و رامی^{۲۶} باش^{۲۷} ازین^{۲۸}
 دگرباره بر^{۱۱} گاو مالید دست
 که بیرون گذاری^{۱۳} نهان^{۱۴} از نهفت!
 زن میزبان^{۱۷} گفت کای^{۱۸} دستگیر،
 و گرنه نبودی و را^{۲۰} این^{۲۱} هنرا!
 که بیداد را داد^{۲۴} شد باز جای^{۲۵}!
 که بخشود بر ما جهان آفرین^{۲۹}!

به هرکاره^{۳۰} چود شیربا^{۳۱} پخته شد،
 به نزدیک مهمان شد این^{۳۳} پاکرای^{۳۴}
 نهاده برو^{۳۷} کاسنی شیربای^{۳۸}
 ۷۵۵ از آن^{۴۱} شیربا^{۴۲} شاه لختی بخورد
 زن و مرد ازان^{۳۲} کار بردخته شد،
 همی برد خوان از پیش^{۳۵} کدخدای^{۳۶}
 - چه نیکو^{۳۹} بدی، گر بدی زیربای^{۴۰} -!
 چنین گفت پس با زن زادمرد^{۴۳}،

۱-ل (نیز ق. آ. پ): این: ل: بهرامش، این: ک. س. آ (نیز لی. و): بهرام گور آن: (ل. آ. ب: بهرام گور این: آ: بهرام گور آن): متن = س. ق (نیز لن، لن آ) ۲- (لی: شنید) ۳- ک. س. آ (نیز لن: زود: ل. ق: ز اندیشه زود: (ب: از آن کار زود: لی: پشیمانی اندیشه آمد پدید): متن = س. ل. آ (نیز ق. آ. ل. آ) ۴- ل (نیز ق. آ. و. د): کردگار: متن = یازده دستنویس دیگر ۵- ل: داننده: متن = س. ک. ل. آ. س. آ (نیز لن، لی. پ. و. لن آ) ۶- ق (نیز ق. آ. ب): دانا و پروردگا: (ل. آ. آ: دازنده پروردگار): متن = ده دستنویس دیگر ۷- ق: دامن ۸- ق (نیز ق. آ): ازان ۹- (پ: تخم): بنداری: و لولا حدث حدث لما تغیر لین هذه البقرة الحلوبة. فلما سمع بهرام ذلك من المرأة ندم علی ما أضمر واستغاث فی سره الی الله تعالی و تاب عما عزم علیه ۱۰- (لن. پ: فرخ و) ۱۱- (لن: با) ۱۲- ل. س. آ: زد دست: (لی: زد دست و: و خورشید): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- (لی: تو آری) ۱۴- س (نیز لن، پ. لن آ): تو شیر: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵- ک: پستان و ۱۶- (پ. لن آ: پازید (حرف یکم بی نقطه)) ۱۷- (ب: یزدان چنین) ۱۸- ق (نیز لن آ): ای ۱۹- (ق. آ. لی: بیدادگر) ۲۰- (ق. آ: مرا) ۲۱- (لی: و را این نبودی) ۲۲- ل (نیز ق. آ. و): ازان: متن = س. ک. ل. آ. س. آ (نیز لن، لی. ل. آ. پ. لن آ. ب): ۲۳- (لی: کانی) ۲۴- ک. س. آ (نیز لن، ق. آ. لی. پ. لن آ): رای: س: دادار را رای: متن = ل. ل. آ (نیز ل. آ. و. آ. ب: ۲۵- (ل. آ: باز رای) ۲۶- (لی: آشتی) ۲۷- ک: ترا خنده و رامشی باد ۲۸- ل: زین: متن = س. ک. ل. آ. س. آ (نیز لن ب) ۲۹- ک. س. آ (نیز لن آ. و. آ. ب): بر ما بخشود جان آفرین: متن = ل. س. ل. آ (نیز لن، ق. آ. ب. لن آ): ق این بیت را ندارد: بنداری: ثم عادت المرأة الی البقرة تدمی الله تعالی. و مسحت ضرعها فدرت بلبین غزیر. ففرحت المرأة و قالت: إنيك يا مستغاث الخلق! قد قلبت الظالم عادلا حتى عاد لي ضرع هذه بقرة حافلا ۳۰- س. س. آ (نیز لی. آ. ب): هر کار ۳۱- ل: شیر ما: س (نیز و. ب): شیربا (تنها حرف یکم نقطه دارد) ۳۲- ک (نیز لی، لن آ): شیربا: پ: در شیر چون): متن = ل. آ. س. آ (نیز لن، ق. آ. ل. آ) ۳۳- ل: زان: (لی: ازین): متن = دوازده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد ۳۴- ل. ق (نیز لن، ق. آ. لن آ): آن: ک. س. آ (نیز ل. آ. و. آ. ب): بنزدیک بهرام شد: متن = س. ل. آ (نیز پ) ۳۴- ق: کدخدای ۳۵- ک. س. آ (نیز و. ب): بر پیش ۳۶- ق: پاکرای ۳۷- ل (نیز لی): بدو: س (نیز لن، لن آ): برش: متن = ق. س. آ (نیز ق. آ. ل. آ. پ. و. آ. ب) ۳۸- ل: شیربای: س. س. آ (نیز لن آ. ب): شیربای: متن = (آ) ۳۹- ک. س. آ (نیز آ): زینا ۴۰- ل: زیربای: س. ق. س. آ (نیز پ. و. لن آ. ب): زیربای: ک. ل. آ (نیز لن آ): زیربای: متن = (آ) ۴۱- س. آ: ازین ۴۲- ق: شادبا: (ل. آ: زیربای) ۴۳- ل: زادمرد: ق. س. آ (نیز لی. و): بای مرد: (ق. آ: زادمرد: آ: پاک مرد): س (نیز لن آ): گفت با زن بهرام مرد: (ب: گفت با زن که ای پای مرد): متن تصحیح قیاسی است

بیاویز^۱ جایی که باشد گذرا
 نباید که ز^۲ اد^۳ یابد گزند!
 همی کن بدین^۷ تازیانه نگاه!
 بیاویخت آن شیب شاخ^{۱۰} از درخت،
 پدید آمد از راه^{۱۲} بی مر سپاه،
 به بهرام بر^{۱۴} آفرین گسترید،
 برفتند و بردند یک یک^{۱۶} نماز!
 چنین چهره^{۱۹} جز از در^{۲۰} گاه نیست!
 دوان و نوان^{۲۲} با به نزدیک شاه
 جهاندار و^{۲۳} بد موبدان موبدا!
 زنی^{۲۶} بی نوا، شوی پالیزبان،
 هم از^{۲۸} شاه ما! پژوهش نبود^{۲۹}،
 بدین بی نوا میهن و مان^{۳۲} رسد^{۳۳}!
 ترا دادم این مرز و این بوم و^{۳۵} ده!

که این تازیانه به درگاه بر
 نگه کن یکی شاخ نرد^۲ بلند
 و زان پس^۴ بین تا که آید^۵ ز راه^۶
 خداوند خانه بنوید^۸ سخت^۹
 ۷۶۰ همی داشت آن^{۱۱} را زمانی نگاه،
 هر آنکس که این^{۱۳} تازیانه بدید
 پیاده همی^{۱۵} پیش شیب دراز
 زن و شوی گفت: این جز از^{۱۸} شاه نیست
 پر از شرم رفتند هر دو ز^{۲۱} راه
 ۷۶۵ که شاها، بزرگا، ردا، بخردا!
 بدین خانه^{۲۴} درویش بُد میزبان^{۲۵}
 بدین بندگی نیز کوشش نبود^{۲۷}
 که چون او^{۳۰} بدین جای مهمان رسد^{۳۱}
 بدو گفت بهرام کای^{۳۴} روزبه

۱- (ق: ۲، بر آویز) ۲- ل. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ل. ۲، و. ب): شاخ بر در: س (نیز ل. ل. ۲): شاخ بر تر: ق شاخ برز: (ق: ۲، شاخ دیر و: آ، شاخ
 برد): متن = (پ) ۳- (ق: ۲، شاخ): بنداری: فحلبت و اصلحت لبنة و قدمتها الى ضيفها قطعاً متجباً من الحالة التي شاهدها. ثم قال
 للمرأة: خذى هذه السوط و علقها على قضيب من الشجرة التي على باب الدار ۴- (نیز ق: ۲، ل. ۲، و): ازان: متن = یازده دستنویس
 دیگر ۵- (ل: ۳، که آید بین تا) ۶- ق (نیز ق: ۲، ل. ل. ۲، و. ب): براه ۷- س (نیز ق: ۲): بدان ۸- ل. س. ن. س. ۲ (نیز ق: ۲): بنوید (حرف های
 یکم، دوم، و چهارم نقطه ندارند): ک: بمونید: ل ۲ (نیز پ- آ): بیونید: (ل. ل. ۲، ب: بیوسید: ل. ل. خوسید): متن تصحیح قیاسی است
 ۹- (ل. ل. تخت) ۱۰- ق، ک، س ۲ (نیز ل. ل. پ، آ): شاه: (ب: ساز): ل: شیبی ز شاخ: (ق: ۲، از زیر شاخ: ان: تازانه راه: ل. ل. ۲: زان سان که گفت):
 متن = س، ل ۲ (نیز ل. ل. ۲، و) ۱۱- (پ: همان داشت او) ۱۲- س، ق (نیز ق: ۲): دور: (آ: همی آمد از: نور): متن = یازده دستنویس دیگر
 ۱۳- س، س ۲ (نیز ل. ل. ب): آن: متن = ل ۱۴- ل: بیهرامشاه: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵- ل. ک. س ۲ (نیز ق: ۲، و. آ، ب): همه: متن =
 س، ق، ل ۲ (نیز ل. ل. ق، ل. ل. ۲، ل. ۲، و) ۱۶- ل. ک. ل. ۲، س ۲ (نیز ل. ل. آ، ب): پیشش: (و: یکسر): متن = ل. س، و (نیز ل. ل. ق، ل. ل. ۲، و. ب): بنداری: ففعلت
 فاذا بعكر بهرام مقبلين. فلما رأوا السوط نزلوا و قبلوا الأرض و اجتمعوا على باب الفلاح ۱۷- ل. ۲، س ۲ (نیز ل. ل. ۲، و. آ، ب): بز
 شوی گفت: ک: بز گفت شوی: متن = ل. س، ق (نیز ل. ل. ق، ل. ل. ۲، و. ب): ل. ۲ (نیز ل. ل. ۲): بجز: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹- (ل. ل. و:
 چهره) ۲۰- ل. س ۲ (نیز ق: ۲، و. آ، ب): در خور: متن = (ل. ل. ۲، و. آ، ب): ۲۱- (ق: ۲، براه) ۲۲- ل. س، و. ل ۲ (نیز ل. ل. ق، ل. ل. ۲، و. آ، ب): پیاده دوان: (ب:
 چنین تا): متن = ک، س ۲ (نیز ل. ل. آ، و. آ) ۲۳- (ل. ل. < و >) ۲۴- (ل. ل. خوان) ۲۵- ک: میهمان: (ق: ۲، بی زبان) ۲۶- س (نیز ق: ۲، ل. ل.): < ی >
 ۲۷- ل. ۲: بتری نیز پوشش نبود: (ل. ل. بتری آنک پوشش نبود: ب: بندگان نیز کوشش نبود: و: بدتر این آنک پوشش نبود: آ: بتری آنکه
 پوشش نمود): ل: بران بندگی نیز پوشش نمود: ک: بدترین آنک پوشش نبود: س ۲ (نیز ل. ل. ب): ب: بترین آنک پوشش نبود: متن = س،
 ق (نیز ل. ل. ق، ل. ل. ۲، و. آ، ب): ۲۸- ل. ق: همان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۹- ل: نمود: متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۰- ل. ق (نیز ق: ۲): تو:
 (و: او چون): متن = یازده دستنویس دیگر ۳۱- ل. س، ل ۲ (نیز ل. ل. آ): رسید: ک، س ۲: بود: (ق: ۲، بدین خانه موبد رسید: ل. ل. ب: بدین
 خانه مهمان رسید): متن = ق (نیز ل. ل.) ۳۲- ل: خانه و مان: ل: میهمان بان: (ل. ل. میهمان خان: ل. ل. میهن مان: آ: میمن و مان: ق: آ: بی بها
 میزبان خود: ب: خان بی میهن و مان): متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ل. ل. و. ل. ۲، ب) ۳۳- ل. س، ل ۲ (نیز ل. ل. آ، ب): رسید: ک، س ۲: بود: متن = ق
 (نیز ل. ل.) ۳۴- ل. ۲: مهمان که ای ۳۵- ق: < و >: ل: خوب: ک (نیز ق: ۲): بوم و این مرز و: متن = ده دستنویس دیگر: و این بیت را ندارد

۷۷۰ همیشه جز از میزبانی^۱ مکن!
 بگفت این و خندان^۳ بشد زان^۴ سرای
 برین^۶ گونه یکچند گیتی بخورد
 برین^۲ باش و پالیزبانی مکن!
 نشست از بر باره‌ی بادپای^۵!
 نه رزم و نه رایب^۷ به ننگ و نبرد!

گفتار اندر به زن کردن بهرام گور دختران برزین را^۸

۷۷۵ به روز سدیگر برون رفت شاه
 بزرگان ایران^{۱۰} ز بهر شکار
 ابا هر سوارن پرستنده سی
 پرستنده سیصد از^{۱۳} ایوان شاه
 به^{۱۵} دیا بیاراسته^{۱۶} ده^{۱۷} شتر^{۱۸}
 ده^{۲۱} استر^{۲۲} شستنگه شاه را
 به پیش اندرون ساخته^{۲۳} هفت پیل
 ابا لشکر و ساز^۹ نخچیرگاه
 به درگاه رفتند سیصد^{۱۱} سوار
 ز ترک و ز رومی و از^{۱۲} پارسی
 برفتند با^{۱۴} ساز نخچیرگاه
 رکیش^{۱۹} همه زَر و پالانش دَر^{۲۰}!
 به دیا بیاراسته گاه را
 بر او تخت پیروزه هم رنگ نیل

۱- (ل: آ: میهمانی) ۲- ق. ل: (نیز لی: بدن ۳- (ن: آ: آنکه) ۴- س: زین: (لی: در) ۵- ق: رهنمای: ک: س: ۲ (نیز لی: ل: آ: و): تیز پای: (آ: تیز پای): متن = ل: س: ل: (نیز لن: و: آ: پ: ب): بنداری: فعلت المرأة و صاحبها أنه الملك و عاذا الی ایوانه. و قبلا الأرض بین یدیه، و اعتذرا الیه برثائة حالهما و ضیق اذیهما. فقبل عذرهما و أحسن الیهما، و وهب لهما تلك الضیعة، و أوصاهما یاطعم الأضياف. و ركب مشرح الصدر مسرورا. و السلام: ل: ک: ل: آ: س: آ: ق: آ پس از این بیت افزوده‌اند:
 ل: ک: ل: آ: س: آ:

بشد زان ده بی‌نوا شهریار بیامد بایوان گوهرنگار

ق: آ: به مشکوی ز زین شد آنکه بخفت همه شب همی با بتان بود جفت

۶- ق: (نیز لی: بدن ۷- ک: س: ۲ (نیز ل: آ: و: آ: ب): کین و نه: ل: ل: (نیز لی: برزم و بیزم (لی: بکین) و به: متن = ق: س: ل: ن: ق: آ: پ: ل: ن: آ: این بیت را ندارند ۸- ل: داستان بهرام گور با برزین: س: بزَن کردن بهرام گور دختر برزین: ق: خواستن بهرام گور دختران برزین را بزنی: ک: رفتن بهرام بشکار و رسیدن ساغ برزین: س: آ: داستان بهرام با مرغ طغرای: متن = (گفتار اندر + پ): ل: آ: این داستان را ندارد: بنداری: حکایة آخری لبهرام مع برزین الجوهري: پیایی داستانها در بیشتر دستنویسها آشفتگی دارد: از پیایی دستنویسهای س: ل: ن: پ: ل: ن: آ: پیروی شد ۹- (لی: آ: ساز و): ن: این بیت را ندارد ۱۰- ق: لشکر ۱۱- ق: نهصد: و این بیت را ندارد ۱۲- ل: و ز: (ن: آ: ترکی و از رومی و): متن = یازده دستنویس دیگر: ل: ن: و این بیت را ندارند: بنداری: قال صاحب الكتاب: ثم بعد ثلاثة أيام نشط للصيد، و اجتمع علی بابہ ثلاثمائة فارس من اکابر فرس لیخرجوا فی خدمته، و مع کل واحد منهم ثلاثون غلاما ۱۳- ل: ق: ک: س: ۲ (نیز ق: آ: لی: پ: آ): ز: متن = س: (نیز لن: ل: آ: ن: ب) ۱۴- (لی: ابا لشکر و): و این بیت را ندارد ۱۵- ل: ز: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- (و: بیاراستند) ۱۷- ل: (نیز ل: آ): صد: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۸- (لی: پ: ستر (زیر حرف یکم سه نقطه)) ۱۹- ل: ک: س: ۲ (نیز لی: آ): رکابش: متن = (ل: ن: ق: آ) ۲۰- ل: ک: س: ۲ (نیز پ: ز: ز: (ل: ن: فر: آ: لی: بالان بزر: آ: بالاش زر): متن = س: ق: (نیز ق: آ: ل: و: ل: ن: آ): ب: این بیت را ندارد: بنداری: فخرج بهرام فی ثلاثمائة غلاما. فی عدد الصيد و أسابه. و أخرج عشرة نجب برحال مرصعة باللؤلؤ، و رُكب من الذهب، و هی مجللة بالذهب و الحریر ۲۱- ق: دو ۲۲- ل: ک: س: ۲ (نیز لن: ل: آ): اشتر: متن = (پ: آ): ب: این بیت را ندارد: بنداری: و عشرة بغال من المراكب الخاصة ۲۳- ل: ک: س: ۲ (نیز ق: آ: لی: ل: آ: و: ب): اندر آراسته: متن = س: ق: (نیز لن: پ: ل: ن: آ): در لی این بیت دو بیت پیش تر آمده است

۷۸۰ همه پایه‌ی تخت زر و بلور
 ابا^۲ هر یکی تیغ‌زن سی^۳ غلام
 صد استر^۴ هم^۵ از بهر رامشگران
 ابا بازداران صد و شست^۸ باز
 پس اندر یکی مرغ بودی سیاه
 ۷۸۵ سیاهی به چنگ^{۱۲} و به^{۱۳} متفاز زرد
 همی خواندندیش^{۱۶} طغری^{۱۷} به نام
 که خاقان چینش^{۲۱} فرستاده بود
 یکی طوق زرین زبرجدنگار،
 شتروار سیصد طرایف^{۲۵} ز^{۲۶} چین
 ۷۹۰ پس بازداران صد و شست^{۲۸} یوز
 بیاراسته طوق یوز از گهر^{۳۰}
 بیامد شهنشاه ازین^{۳۳} سان به دشت
 هر آن کس که بودند نخچیرجوی
 جهاندار بهرام هر هفت سال

نشستگه شاه بهرام گور^۱
 به زرین کمرها و زرین ستام
 همه^۶ بر سران افسران گران^۷
 دو صد چرخ^۹ و شاهین گردنفرز
 گرامی تر آن بود^{۱۱} بر چشم شاه
 چو زر درخشند بر^{۱۴} لاژورد^{۱۵}!
 دو^{۱۸} چشمش به رنگ^{۱۴} پراز خون دو^{۲۰} جام!
 دگر^{۲۲} تخت با تاج^{۲۳} بیجاده بود،
 چهل یاره و سی و شش^{۲۴} گوشوار،
 فرستاد و^{۲۷} یاقوت سیصد نگین-
 بردند با^{۲۹} شاه گیتی فروز
 بدوی^{۳۱} اندر فگذه زنجیر زر^{۳۲}
 همی تاجش^{۳۴} از شتری برگذشت^{۳۵}!
 سوی آب دریا^{۳۶} نهادند روی
 بدان آب رفتی به فرخنده فال

۱-ق^۲ این بیت را ندارد ۲-ک، س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): بران: متن = ل، س (نیز لن، پ، لن، آ): ب داری: مع ۳-ل: صد: متن = دوازده دستنویس دیگر: ق، ق^۲ این بیت را ندارند ۴-ل، ق (نیز لی، ل، و، آ): اشتر: متن = س، ک، س^۲ (نیز ن، ب، لن، آ، ب) ۵-ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، ل، آ، ب): بد: متن = ک (نیز لی) ۶-ق: همان ۷-ل (نیز پ، و): افسر از گوهرا: ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): بر بر همه افسر از گوهرا: متن = س، ق (نیز لن، لن، آ): ق^۲ این بیت را ندارد: بنداری: و عشرة بغال من المراكب الخاصة، وسبعة أفيال علی ظهورها تخوت فیروزجیه مع کل فیل ثلاثون فارسا بمناطق الذهب، و مائة بغل علیها المغانی و المسمعات ۸-لن، لی، و، آ، ب: شصت: ق^۲: هشت) ۹-س^۲ (نیز و، ب): چرخ: (لی، لن، آ، مرغ) ۱۰- (ب: از نور) ۱۱- (پ: در پیش) ۱۲-ک، س^۲ (نیز ل، آ، و، آ، ب): سیاهش دو چشم: (لی: سیاهش بچنگ): متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۱۳- (ب: دو) ۱۴-ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، ب): با ۱۵-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن-ل، آ، آ، ب): لاژورد: متن = ل (نیز پ، و، لن، آ) ۱۶-ل: خواندش شاه: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-ک: طغری: (پ: طغری: لن، آ، آ: طغرا) ۱۸-ک: چو ۱۹-ق: برنگ و بربر: (لن، آ: چه رنگ) (وزن ندارد) ۲۰- (ق: طبرخون دو: ل، آ: دو چشم پراز خون و دو لعل): بنداری: و خرجت البازداریه بمائة و ستین من الیزاة، و مائتین من الصقور و الشواہین یتلوها جارح أسود یسمى طغری، و هو اکرم الجوارح علی الملک. و کان سنجی الجسم ذهبی المخلب و المنسر ۲۱- (پ: بخسرو) ۲۲-ل، س، ق (نیز ن، ق، آ، پ، لن، آ، آ): یکی: (لی، ب: ابا): متن = ک، س^۲ (نیز ل، آ، و) ۲۳- (لن، آ: تاج و: لی، ب: تخت و با تاج و): بنداری: کان الخاقان ملک النصیب أهداه الی بهرام مع جملة من الهدایا و التحف و سائر ما یجلب من أرض الصين ۲۴- (ق، آ: دو: و: سه: لی، ب: یاقوت و دو): ل^۲ بیت ۵ ای ۷۸۷-۸۰۶ را ندارد: لت‌های این بیت در ل^۲ پس و پیش شده‌اند ۲۵-ق (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب): طرایف ۲۶- (آ: به) ۲۷-ل، س (نیز ل، آ، و، آ): <و>: ق، ک، س^۲ (نیز لی، ب): فرستاده: متن = (لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۲۸-ک، س^۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب): شصت ۲۹- (لن، آ: بر) ۳۰-ق (نیز لی، ب): یوزان گهر: (ق، آ: یوزان به زر): متن = ده دستنویس دیگر ۳۱-ل، ک، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): بدو: متن = (لن، لن، آ) ۳۲- (ق، آ: برو یافته گونه‌گونه گهر) ۳۳-ل (نیز لن، لی): زرین: (ل: ازان): متن = ده دستنویس دیگر ۳۴- (آ: تاخت) ۳۵- (لی: درگذشت ل^۲: بدشتی که بر پیش آهوگذشت) ۳۶- (لی، ب: باب و بدریا)

۷۹۵ چو لشکر به نزدیک دریا رسید،
 بزد طبل و طبری^۲ شد اندر هوا
 زبون بود چنانکه او را^۳ کلنگ
 کلنگی به چنگ آمدش بردمید
 بیزید برسان تیر از کمان
 ۸۰۰ دل شاه گشت از پریدنش تنگ
 بشد تازنان بر تنی چند شاه
 یکی باغ پیش بدرآمد^{۱۴} فراخ
 چو بهرام گو: اندرآمد به باغ
 میان^{۱۷} گلستا، یکی آبگیر،
 ۸۰۵ زمینش به دیا بیاراسته،
 سه دختر بر او^{۲۰} نشسته چو عاج،
 به رخ چون بنار و به بالا بلند،
 یکی جام بر دست هر یک^{۲۳} بلور؛
 ز دیدارشان چشم او^{۲۵} خیره^{۲۶} گشت^{۲۷}!

شهنشاه دریا پر از مرغ^۱ دید،
 شکیا بند مرغ فرمانروا!
 شکاری چو نخچیر بود، او^۴ پلنگ^۵!
 سرانجام گشت از هوا^۶ ناپدید
 یکی^۷ بازدار از^۸ پس اندر^۹ دمان
 همی تاخت از پس^{۱۰} بر آوای^{۱۱} زنگ^{۱۲}
 همی بود^{۱۳} لشکر به نخچیرگاه
 برآورده از گوشه‌ی باغ کاخ
 یکی جای دید از پیش^{۱۵} تنگ^{۱۶} راغ،
 به لب بر^{۱۸} نشسته یکی مرد پیر،
 همه باغ پر بنده^{۱۹} و خواسته،
 نهاده به سر بر^{۲۱} ز پیروزه تاج،
 به ابرو کمان و به گیسو کمند^{۲۲}،
 بدیشان^{۲۴} نگه کرد بهرام گور،
 ز بازار^{۲۸} طغری^{۲۹} دلش تیره^{۳۰} گشت^{۲۷}!

۱-س (نیز لن، لی، لن، آ): موج؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ و وراء هؤلاء الفقهاء دون بمائة و ستين فهدا بسلاسل الذهب و الأطواق المرصعة بالجوهر. فلما صاروا إلى متصيدهم صادفوا طيرا كثيرا فانتبهج الملك لذلك وتهلل وجهه ۲-ل (نیز لن، آ): و طغری؛ (ق، آ، و، آ: و طغرل)؛ متن = س، ق، و، ک، د، و، ل (نیز لن، و، ل، آ، ب، ب) ۳-ل (لی، از) ۴-ک، س، آ: و یوزو؛ (ق، آ: او بد؛ لی، بود از؛ ب: شکارش چو نخچیر بود و) ۵-س (نیز لن، پ، لن، آ): نهنگ؛ متن = ده دستنویس دیگر ۶-ل، جهان؛ (لن، لن، آ: در هوا)؛ س: شد هم در هوا (وزن ندارد)؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز ق، آ، و، آ، ب)؛ بنداری؛ و أرسل طغری فی الهواء فرمی عده من الطيور. ثم رأى طغری کرکيا فقصده و طلبه و أبعده حتى غاب من عن الملك؛ درل، س، ق، لن، ق، آ، ب، لن، آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند؛ بیایی است‌ها = ک، س، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب، ۷-ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ همان ۸-ق (آ: آب دار از؛ لی، ل، آ، و، ب: بازداران) ۹-ق (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ): او ۱۰-ک، پی؛ س، آ، وی؛ (لی، ب: با او؛ و با وی) ۱۱-ل (نیز ب): با او؛ س (نیز و): با او؛ (آ: بر آواز)؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۱۲-لی (برای درنگ) ۱۳-س: برد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ درل، س، ق، لن، ق، آ، ب، لن، آ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است؛ در ق‌لت‌های این بیت پس - پیش شده‌اند؛ س در اینجا سرنویس دارد؛ داستان بهرام گور با مرغ طغری و برزین ۱۴-ق (آ: آمد اندر)؛ بنداری؛ فتبعه بعض البازدا، یة، و تبعه الملك أيضا فی عده من خواصه علی حس صوت الجرس الذي كان فی رجله. و بقى العسکر فی المتصيد. فعرض للملك بان فيه قصر ۱۵-ل (نیز ق، آ): برش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ل، س (نیز ب، لن، آ): تند؛ (لن، بند؛ و: چند)؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، ب) ۱۷-ل (لن: بسان) ۱۸-ل، برو بر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹-ل: دیه؛ ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ، ب): جامه؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ)؛ بنداری؛ ممالیک و جوازی ۲۰-ک، س، آ (نیز و، آ): برو بر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-ل (لن، ب، لن، آ: بسر بر نهاد)؛ بنداری؛ فدخله فرأی فيه ممالیک و جوازی و إذا بشیخ قاعد عند حوض ماء و عنده ثلاث بنات كالأقمار الطلع، علی رء و سهن تجان من انفیروزج ۲۲-ل بیت‌های ۸۰۷-۸۲۵ را ندارد؛ ل بیت ۸۱۰ را پس از این بیت آورده است ۲۳-ق (آ: دیگر) ۲۴-ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): دریشان؛ (لن، پ: بایشان)؛ متن = ل، س، ق (نیز ق، آ، لن، آ) ۲۵-ق (آ: دیدار او چشمشان) ۲۶-لی (تیره) ۲۷-ل (نیز ق، آ): شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۸-ل، ق (نیز لن، ق، آ، لن، آ): ز بازار؛ متن = س، ک، س، آ (نیز لی، و، آ، ب) ۲۹-ق (آ: طغرل؛ طغری) ۳۰-س، آ (نیز لی): خیره

۸۱۰ جو دهقان پرمایه^۱ او را بدید
 خردمندپیری^۲ و بُرزین به نام
 برفت از لب^۳ حوض بُرزین چو باد
 چُنین^۴ گفت کای شاه خورشیدچهر
 نیارمَت گفتن که ایدر بایست
 ۸۱۵ سر و نام^۵ بُرزین برآید به ماه
 به بُرزین چُنین گفت شاه جهان
 دلم گشت از این^۶ مرغ گیرنده تنگ
 چُنین پاسخ آورد بُرزین به شاه
 ابا زنگ زرین تنش همچو^۷ قیر،
 ۸۲۰ بیامد بر آن^۸ گوزبن بر نشست،
 هم آنکه یکی بنده را گفت شاه
 بشد بنده چون باد^۹ و آواز داد
 که طغری^{۱۰} به شاخی بر^{۱۱} آویخته‌ست

رخ او شد ز بزم^{۱۲} چون شنبلید!
 دل او شد از شاه^{۱۳} ناشادکام!
 بر شاه شد، خاک را بوسه داد،
 به کام تو زاناد^{۱۴} گردان^{۱۵} سپهر!
 بدین مرز من با^{۱۶} سواری دویست،
 اگر شاد^{۱۷} گردد بدین^{۱۸} باغ شاه!^{۱۹}
 که امروز طغری^{۲۰} شد^{۲۱} از ما^{۲۲} نهان،
 که مرغان چو نخچیر بود^{۲۳}، او پلنگ!^{۲۴}
 که اکنون یکی مرغ دیدم سیاه،
 همان چنگ و منقار^{۲۵} او چون زریر،
 به^{۲۶} بخت تو آید هم اکنون^{۲۷} به دست!
 که رو^{۲۸} گوزبن^{۲۹} سراسر نگاه!
 که همواره شاه جهان شاد باد^{۳۰}،
 کنون بازدارش بگیرد^{۳۱} به دست!

۱-ق: نگه کرد و ۲-ک.س ۲ (نیز لی.ل.و.آ.ب): ز بیمش دورخ گشت؛ متن = ل.س.ق (نیز لن.ن.پ.لن.آ) ۳- (لی.و.آ.ب: مردی)
 ۴-ک.س ۴ (نیز لی.ل.و.آ.ب): دلش گشت از آن کار (لی: مرد)؛ متن = ل.س.ق (نیز ق.آ) ۵-ق: بس شادکام؛ (ق.آ: بدرام رام؛ ب: برفت از بر
 حوض و کردش سلام)؛ س.لن.لن.آ این بیت را ندارند ۶-ل.س (نیز لن.لی.لن.آ): بر: متن = ق.ک.س ۲ (نیز ق.آ.ل.و.آ.ب)؛ ب این بیت
 را ندارد؛ بنداری: علی يد كل واحدة منهم جام من البور مملوء بسلاف كذوب البلخس. فوثب الـدهقان، وكان يسمي برزین، فجاء و
 قبل الأرض بين يدي الملك ۷-س (نیز لن.لن.آ): بدو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۸-ل تراباد؛ س.ک.س ۲ (نیز لن.لی.ب): گرداد؛
 (ق.آ: دلت باد)؛ متن = ق.۹-ق: یزدان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-ق: مرزبا تو ۱۱-ل سر م؛ (ب: سر بخت: ب: بر و نام)؛ متن =
 یازده دستنویس دیگر ۱۲-ل: شاه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-س.آ: برین؛ (ل.آ.ب: درین) ۱۴- (ق.آ: شاد) ۱۵- (ق.آ: طغرل؛
 لن.آ.آ: طغرا) ۱۶- (لی.ب: که طغری شد امروز) ۱۷-ل (نیز لی.ل.و.آ.ب): من؛ (ق.نیز ق.آ): ز ما شد؛ متن = س.ک.س ۲ (نیز لن.پ.و.لن.آ)؛
 بنداری: قد غاب عنا ۱۸-ل.ک.ق.س ۲ (نیز ق.آ.لی.ل.و.آ.ب): آن؛ متن = س (نیز لن.پ.لن.آ) ۱۹-ل ق (نیز ل.آ.ب): بد؛ متن = س.ک.س ۲
 (نیز لن.لی.پ.آ) ۲۰- (لن.آ: نهنگ؛ ق.آ: همی تاختم پس بر آوای زنگ) ۲۱- (ق.آ: و رنگش جو)؛ ک.س ۲ (نیز آ.ب): بر و زنگ زرین و
 تن همچو؛ (لی.ل.آ: بر او زنگ زرین و هم رنگ)؛ متن = ل.س.ق (نیز لن.پ.لن.آ) ۲۲- (لی: مرغ چنآل)؛ و این بیت را ندارد ۲۳-ک.س ۲
 (نیز لی.آ.ب): بدان ۲۴- (ب: جوزبن برآ: کوزبن بر؛ ق.آ: کوی زرین) ۲۵- (ق.آ: ز) ۲۶-ل: بیابان هم اکنون بیخت؛ (ب: هم اکنون
 بیخت تو آید)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: ودعاه و سأله أن يشرفه وينزل عنده فقال الملك: إن طغری قد غاب عنا، وقد
 ضقت ذرعاً لذلك. فقال: إنى قد رأيت الساعة طائراً سوداً كالقار أصفر المخلب والمقار قد وقع على هذه الشجرة. و سيؤخذ بعادة
 الملك ۲۷-ق (نیز لن.لن.آ): شو؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸- (لی: را)؛ (ق.نیز لن.لن.آ): گوز را کن؛ (ق.آ: کوی زرین)؛ ل.آ.ب
 بیت‌های ۸۲۱-۸۲۳ را ندارند ۲۹- (لی: شاه)؛ ل: چو شاه (وزن ندارد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰-ق: باد شاد؛ (لی: ب: شاه
 جهان جاودان شاد باد؛ آ: شاه جهان باد همواره شاد)؛ متن = س.ک.س ۲ (نیز لن.ق.آ.و.لن.آ) ۳۱- (ق.آ: طغری: لن.آ: طغرا) ۳۲-ک.س ۲ (نیز
 لی.و.ب): در؛ متن = ل.س.ق (نیز لن.ق.آ) ۳۳-ک.س ۲ (نیز لی.و.آ): نشاند؛ (ب: نشانش)؛ بندری: فر بهرام غلاماً فصعد الشجرة فنأدى
 وبشر الملك بأنه وجده قد نضب وتعلق ببعض أغصان الشجرة فر بهرام

چو طغری^۱ پدید آمد آن^۲ پیر گفت
 ۸۲۵ پی میزبان بر تو^۳ فرخنده باد،
 بدین^۴ شادی اکذین یکی^۵ جام خواه!
 شهنشاہ گیتی بر آن^۶ آنگیر
 بیامد هم آن^۷ آناه دستور او^۸
 بیاورد پر می یکی زرد^۹ جام^{۱۰}
 ۸۳۰ و زان^{۱۱} پس بیورد جامی^{۱۲} بلور
 جهاندار چون دید^{۱۳} بستد نید
 چو بُرزین چنان^{۱۴} دید برگشت شاد
 چو شد مست بُرزین، بدان^{۱۵} دختران
 بدین^{۱۶} باغ بهرام شاه آمده است
 ۸۳۵ هلا چامه پیش ور^{۱۷} ی چامه گوی^{۱۸}!
 برفتند هر سه به نزدیک شاه
 یکی پای کوب^{۱۹} و دگر چنگزن،

که ای بر زمین شاه بی یار و جفت،
 همه تاجداران تو را بنده باد،
 چو آرام دل یافتی کام خواه!
 فرود آمد و شاد برگشت^{۲۰} پیر!
 همان خیل داران^{۲۱} و گنجور او^{۲۲}
 نخستین ز شاه جهان برد نام^{۲۳}
 نهادند^{۲۴} بر دست بهرام گور
 وز^{۲۵} اندازهی خط^{۲۶} برتر^{۲۷} کشید
 بیامد به هر جای خمی^{۲۸} نهاد
 چُنین گفت کای پرهنر کهتران^{۲۹}،
 نه گردنکشی زان^{۳۰} سپاه آمده است،
 تو چنگ آور ای دختر^{۳۱} ماهروی^{۳۲}!
 نهاده به سر بر^{۳۳} ز گوهر کلاه،
 سدیگر خوش آواز^{۳۴} بربطشکن^{۳۵}،

۱- (ق: طغرل) ۲- (لی: بدید آن یمان ۳- (نیز ق: ۲) مرزبان بر تو: ک (نیز آ): میزبان تو: متن = س، ق، س ۲ (نیز لن، لی- لن، آ، ب)
 ۴- (لن، ل، آ: برین) ۵- ک، س ۲ (نیز ی، و، آ، ب): می و: (ل: شادمانی می و): متن = ل، س، ق (نیز ق، آ، ب، لن، آ): ل بیت های ۸۲۶-۸۴۴ را
 ندارد ۶- (لی، پ، لن، آ: آ: بدان) ۷- ل، ک، س ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب): شادمان گشت: س (نیز لن): شادتر گشت: متن = ق (نیز پ، لن، آ)
 ۸- ل، ق، ک (نیز ق، آ، ل، آ، ب): او: متن = س، س ۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۹- ل: گنج داران: ق: خیل بازان: ک، س ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب):
 نام داران: متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، ن، آ) ۱۰- (لن: زرد): ل، ک، س ۲ (نیز ل، آ، و، آ): برزین می سرخ و: (لی: ززین می سرخ و: ب: ززین می
 و سرخ): متن = س، ق (نیز لن، پ) ۱۱- (ق: برزین یکی جام زرد) ۱۲- (ق: یاد کرد): ل، ک، س ۲ پس از این بیت افزوده اند:

بیاورد خوان و خورش ساختند چو از خوردن نان پیرداختند

۱۳- ل، ک: ازان: متن = دوازده دستبیس دیگر ۱۴- (نیز ق، آ، لن، آ): جام ۱۵- (ق: نهادش): ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

نیایش گرفت ایزد پاک را همان آتش و آب و هم خاک را

۱۶- ل: بهرام: متن = سیزده دستبیس دیگر ۱۷- ل: از: (ق: آ: بر): متن = دوازده دستبیس دیگر ۱۸- (ق: آ: برد (نقطه ندارد): آ: گاه)
 ۱۹- (لی: فراتر): بنداری: و لما جی: به قدم برزین فهناه سروره و سألہ أن یقیم فی ضیافته و یشرّب عنده بقیة یومه. فأجابہ بہرام الی
 ذلک فأصلح له مجلسا شایها ۲۰- س ۲ (نیز و، ب): چنین ۲۱- ل: چیزی (حرف یکم بی نقطه): ق: به حاحین (؟): ک، س ۲ (نیز لی، ل، آ،
 و، آ، ب): بز می: (ق: زمین را ببوس و بر سر): متن = س (نیز لن، پ، لن، آ) ۲۲- ل: و آن: ق: بآن: ک، س ۲: بدین: (ق: آن: ل: بران: ل: آ: برش):
 متن = س (نیز لن، لی، پ، و، آ، ب) ۲۳- ل: بر خورد مهتران: س (نیز لن): پر گهر کهتران: ق: پرهنر اختران: متن = ک، س ۲ (نیز ق، آ، ب) ۲۴- ق:
 درین ۲۵- ل: با: (ق: نیز ل، آ): از: (ق: زین): متن = ده دستبیس دیگر ۲۶- ل: جام پیش آوری جام گوی: (ق: آ: جام پیش آوری بارنگ و
 بوی: ل: آ: جام پیش آوری جامه گوی: لن: آ: جام پیش آور جامه گوی (وزن ندارد)): متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، پ، و، آ: ی: ب)
 ۲۷- (ق: آ: پرهنر) ۲۸- (آ: ماهرو) ۲۹- ل: نهادند بر سر: متن = سیزده دستبیس دیگر ۳۰- (آ: باب کوب) ۳۱- ک، س ۲ (نیز ل، و، آ، ب):
 (لی: آورد): متن = ل، س، ق (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۳۲- ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): لشکرشکن: متن = ک، س ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب):
 بنداری: و قال لبناہ الثلاث: إن ضیفا لنا اللیلۃ أکرم الأضیاف. وأمرهن أن یحضرن عنده و یطین قلبه. و کانت الواحدۃ منهن مغنیة طیبة
 الصوت، و الأخری رقاصۃ، و الثالثۃ جنکیة

بدآواز^۱ ایشان شهنشاه جام
 بدو گفت کین دختران کی اند^۲؟
 ۸۴۰ چنین گفت بُرزین^۵ که ای شهریار
 چنان^۷ دان که این دختران^۸ مند،
 یکی چامه گوی^{۱۰} و یکی^{۱۱} چنگزن،
 ز چیزی مرا نیست شاها کمی
 سه دختر^{۱۶} بکردار خرم بهار
 ۸۴۵ بدان^{۱۸} چامه زن^{۱۹} گفت کای^{۲۰} ماه روی
 بتان ناوهی چنگ^{۲۲} برساختند
 نخستین شهنشاه را چامه^{۲۳} گوی
 نمائی^{۲۵} مگر بر فلک ماه را!
 به دیدار ماه و به بالای^{۲۸} ساج!
 ۸۵۰ خُتک آنک^{۲۹} شبگیر بیندُت روی!
 میان تنگ چون شیر و^{۳۱} بازو ستر^{۳۲}!
 به گلنار مانده می چهر تو!
 دلت همچو دریا و رایت چو^{۳۶} ابرا!

ز باده تهی کرد و شد^۲ شادکام!
 که با تو بدین شادکامی^۴ زیند؟
 میناد بی تو کسی^۶ روزگار،
 پسندیده و دلبران^۹ مند،
 سیم^{۱۲} پای کوبد^{۱۳} شکن بر شکن^{۱۴}!
 درم هست و دینا و باغ و زمی^{۱۵}،
 بدین^{۱۷} سان که بینده می شهریار!
 پرداز دل، چامی شاه گوی^{۲۱}!
 یکایک دل از غم پیرداختند
 چنین گفت کای خسرو ماه روی^{۲۴}،
 نشایی^{۲۶} مگر خسروی^{۲۷} گاه را!
 بنازد به تو تخت شاهی و تاج!
 خُتک آنک^{۳۰} یابد ز موی تو بوی!
 همی فر^{۳۳} تاج برآید به ابرا!
 به^{۳۴} شادی بخندد^{۳۵} دل از مهر تو!
 شکارت نینم هم جز هزبر^{۳۷}!

۱-ل (نیز لی): باوازا؛ س: بدیدار؛ ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، آ، پ، و، آ، ب): بر آواز؛ (لن: بنوشید از؛ لن^۲: چر بستد از)؛ متن تصحیح قیاسی است
 ۲-س: بخورد و ازیشان بید؛ (لن: ز باده بتخت کنی؛ لن^۲: زبان کرد گویا و دل)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳-س، ک، س^۴ (نیز ق^۲، آ، ب): که اند؛ متن = ل، ق (نیز لن) ۴-ل، س، ق (نیز پ، ب): شادمانی؛ متن = ک، س^۲ (نیز لن-ل^۲، و، لن^۲، آ) ۵-ق: بهرام گفتا ۶-ک، س^۲: چشم تو بد؛ (لی، و، آ، ب: چشمت بد)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق^۲، ل^۲، آ، پ، لن^۲) ۷-ل، لن، لی، ل^۲، ب: چنین) ۸-ل: دلبران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-ل: دختران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ بنداری: فحضرن عنده و أخذن فی أشغالهن و أخذ هو یشرِب حتى امتلاً طرباً. ثم سأل برزین عنهن فقال: إنهن بناتی و إماؤک ۱۰-ل: جام کوب؛ (ق^۲: جام گوی)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-س، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، آ، ب): دگر؛ متن = ل (نیز لن) ۱۲-س، ق، ک، س^۲ (نیز ق^۲، آ، ب): سوم؛ (ل^۲، لن^۲، آ، ب: سیوم؛ و یکی)؛ متن = ل (نیز لن) ۱۳-ق^۲: پای کوب) ۱۴-ل: سه دیگر خوش آواز بریط شکن) ۱۵-ل: این بیت را ندارد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ل (نیز لن^۲): چهارم؛ (ل^۲: سدیگر)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷-ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، آ، ب: برزین؛ متن = ل، س، ق (نیز لی، پ، و، لن^۲) ۱۸-ل (ل^۲، آ، پ، ب: بدین) ۱۹-ل: جام زن؛ ق: چنگ زن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-س (نیز لن، لن^۲): ایا؛ ق (نیز و): ای؛ متن = ل، ک، س^۲ (نیز لی، ل^۲، آ، پ، ب: آ) ۲۱-آ: شاجوی (وزن ندارد)؛ ل^۲: بیت های ۸۴۳-۸۴۵ را ندارد؛ ق^۲: بیت های ۸۴۴-۸۴۵ را ندارد ۲۲-ل، ک، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): چامه و چنگ؛ س: چامه بر سنگ؛ (لن، لن^۲: چامه بر چنگ)؛ متن = ق ۲۳-ل: جام؛ ق: به شاه آن مه چامه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-ق^۲: دادجوی) ۲۵-س: ندانی ۲۶-ق^۲: بشاهی) ۲۷-ل: بشادی همان خسرو؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸-ل: ماهی و بالای؛ ک، س^۲ (نیز لی، ل^۲، و، آ، ب): ماهی بیالای؛ متن = س، ق (نیز لن، ق^۲، ل^۲، آ، پ، لن^۲) ۲۹-ل (ل^۲، لن^۲، آ، ب: آنکه) ۳۰-ل (ل^۲، لن^۲): آنکه؛ لی، ب: بیت های ۸۵۰-۸۵۱ را ندارند ۳۱-ل (ل^۲: چون هر دو) ۳۲-س، ک، س^۲ (نیز لن، ق^۲، ل^۲، و، لن^۲، آ): سطر؛ متن = ل، ق (نیز پ) ۳۳-ک، س^۲ (نیز ل^۲، و، آ): نور ۳۴-س (نیز لن): ز ۳۵-ک، س^۲ (نیز آ): بخندد ز شادی؛ (ل^۲: و بخندد بشادی)؛ ق، لی، ب: این بیت را ندارند ۳۶-ق^۲: کف همچو پ، و: دست چو) ۳۷-ل (لی، ب: هزبر)؛ ک: مگر شیر و ببر؛ (پ: شکار نمند، پلنگ و هزبر)؛ ق: این بیت را ندارد

همی موی کای^۱ به پیکان تیر!
 ۸۵۵ سپاهی که بند کمند تو را،
 بدزد دل و سوز جنگ آوران
 چن آن چامه^۲ بشنید بهرام گور
 بدو گفت شه: ی سرافرازمرد
 نیابی تو داداد بهتر ز من
 ۸۶۰ به من ده تو ایر هر سه دخترت را!
 بدو گفت بُرزن که ای شهریار
 که یارست پنداشت این در نهان!^{۱۱}
 مرا گر پذیری^{۱۴} به سان رهی
 پرستش کنم تاج و تخت تو را
 ۸۶۵ همان^{۱۹} این سه دختر پرستنده اند^{۲۰}
 پرستندگانِ پسندیده شاه^{۲۱}

همی آب گردد ز داد تو شیر!
 همان بازوی زورمند^۲ تو را،
 وگر چند باشد سپاهی^۳ گران!
 بخورد آن گرانسنگ^۵ جام بلور^۶
 چشیده ز گیتی بسی گرم و سرد،
 گو و شهریار و سر^۷ انجمن^۸،
 به کیوان برافراز^۹ افسرت^{۱۰} را!
 به تو شاد بادا می و میگسار،
 که را بُد^{۱۲} چنین زهره خود از مهان^{۱۳}؟
 که بیرستم^{۱۵} این^{۱۶} تخت^{۱۷} شاهنشهی،
 همان فرّ و اورند^{۱۸} و بخت تو را!
 به پیش تو بر پای چون بنده اند!
 بر آن سان^{۲۲} که اندر پذیری^{۲۳} سه ماه،

۱-ل. ق (نیز ق ۲، پ، و، ل، ن، آ): مو شکافی: متن = س، ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، ب) ۲-ل (شیرمند): برخی از دستنویسهای فرعی در این جا سرنویس دارند ۳-ب: سپاه: بنداری: فاستظرفهنّ الملک و استملحهنّ فأشار برزین علی المغنیه بان تغنی بما فیہ مدح بهرام و صفته. فغنت بما یقرب عناه من قول بعض الشعراء فی المأمون (در این جا پنج بیت از یکی از مداخل مأمون عباسی نقل می کند) ۴-ل: چو از جام: ق، ک، س، آ (نیز ل، ب): چو آن چامه: (ق، آ: چو این چامه): متن = س (نیز ل) ۵-ق: گران رطل ۶-ل، ب: بدلش اندرافتاد از آن چامه شور: ل، ب پس از این بیت افزوده اند:

بخور آن گرانسنگ جام بلور
 شهشاه با داد و با فرّ و زور

ق در این جا سرنویس دارد: خواستن بهرام گور دختران برزین را بزنی ۷-ل، س (نیز ل، ب): گو شهریاران سر: ق: شه شهریاران سر: ک، س، آ (نیز ل، ل، و، آ، ب): سر ز مدارن هر (و: بهر: ب: سر): متن = (ل، ن) ۸-ق: سر شهریاران لشکرشکن (۹-ل، ک، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب): برافرازم: متن = (ل، و، آ، ب، و) ۱۰-ل (نیز ق، آ): اخترت: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-آ: جهان: ل: گفت این خود اندر جهان: س (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ): گفتن خود اندر جهان: ق: گفت این خود اندر نهان: متن = ک، س، آ (نیز ل، ل، و، ب) ۱۲-ل، ک، س، آ (نیز ل، پ، و، آ): که دارد: متن = ب، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ) ۱۳-ل (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، ن، آ): اندر نهان: ق، ک، س، آ (نیز ل، ن، آ): اندر جهان: (ل، ب: کرا زهره باشد چنین در جهان): متن = س: بنداری: فلما سمع بهرام ذنک شرب علی صوتها جانا کبیرا کان علی کفه ثم أقبل علی برزین وقال: أیها الرجل الجواد! إنک لا نجد ختنا مثلی فزوجهن منی. فقال برزین: من یتجاسر علی أن یخطر بیانه ما ذکره الملک: س، آ این بیت را پس از بیت ۸۵۹ آورده است: س: در این جا سرنویس دارد: بزنی کردن بهرام گور دختر برزین را ۱۴-ب: برگزیدی) ۱۵-ق: بر بستم (حرف یکم بی نقطه) ۶-س، ق (نیز ل، آ، ب، ل، ن، آ): آن: متن = ل، ک، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، و، آ، ب) ۱۷-و: فرّ) ۱۸-ل، س، آ (نیز ق، آ، پ، آ): اورنگ: (ب: همان تخت و اورنگ): متن = س، ق، ک (نیز ل، و، ل، ن، آ): ل: بیت های ۸۶۳-۸۸۲ را ندارد ۱۹-س (نیز ل، ن، آ): مرا: (ق، آ: ترا): متن = ل، ق، ک، س، آ (نیز ل، پ، و، آ) ۲۰-ب: که پوشیده اند: ل: مران هر سه دختر که پوشیده اند) ۲۱-ل، ق (نیز ل، ن، ق، آ، و، آ، ب): پرستندگان را پسندید شاه: س، ک، س، آ (نیز ل، پ، ل، ن، آ): پرستدگان را پرستید شاه: متن = (ل، ن) ۲۲-ل (نیز ل، و): بدانسان: ک، س، آ (نیز ب): بدینسان: (ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب: برینسان): متن = س، ق (نیز ل، ن، ق، آ) ۲۳-ل: ایدر بدیدش: س (نیز پ، ل، ن، آ): ایدر بدید این: ق: آمد بدیدی: ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، ب): ایدر بدیدی: (ل: از دور دید آن: ق، آ: از دور دیدی): متن = (و)

سزاوار تختند . زیبای تاج!^۱
 بد و نیک با شهریار جهان:^۲
 از^۵ افگندنی، هم^۶ پراگندنی،
 به ایوان من بنده گر بیش نیست،
 کزان دختران شاد باشد به بخت!^۹
 ز^{۱۱} چیزی که داری، تو اندر^{۱۲} نهفت،
 تو با جام می سوی رامش گرای!
 به راه^{۱۶} گیومرت^{۱۱} و جمشیدشاه،
 همان^{۱۹} هر سه زناه به رای^{۲۰} تواند!
 فرانک دگر بد^{۲۲}، سیوم^{۲۳} شنلید،
 ز بانوزنان نیز^{۲۵} بگزیدشان؟
 پسندید چون دید^{۲۷} بهرامشاه!
 بیارد ز لشکر یکی نامدار

به بالای ساجند و هم رنگ عاج
 بگویم^۲ کنون هرچ^۳ هستم نهان
 ز پوشیدنی، هم ز گستردنی،
 ۸۷۰ همانا شتروار^۷ باشد دوست
 همان یاره و طوق با^۸ تاج و تخت
 ز بُرزین بختید بهرام و^{۱۰} گفت:
 بمان تا بیاشد هم آنجا^{۱۳} به جای
 بدو گفت پیر^{۱۴}: این سه دختر^{۱۵} چوماه
 ۸۷۵ تو را دادم و خاک پای^{۱۸} تواند
 مهین دخت را^{۲۱} نام ماه آفرید
 پسندیدشان^{۲۴} شاه چون دیدشان؟
 به بُرزین چنین گفت کین هر سه^{۲۶} ماه
 بفرمود تا مهد زرین چهار^{۲۸}

۱-ق این بیت را ندارد؛ ل پس از این بیت افزوده است:

پس آنگاه گفتش بهرام پیر که ای شاه دشمن کثر و شیرگیر

۲- (لی، ب: بکوشم) ۳- (نیز، ل، ق: آ): آنچه: ق، ک، س: ۲ (نیز، لی، ل، و، آ، ب): هرچه: (پ، ل، آ: آنچه: متن = ل ۴- ک، س: ۲ (نیز، لی، ل، و، آ، ب): فرستم بانوان شاه جهان ۵- ل، س، ق (نیز، ل، ب): ز: متن = ک، س: ۲ ۶- ل، ک، س: ۲ (نیز، لی، ل، و، آ، ب): و: (ق، آ، و، وز): ق: نیز با آن (وزن ندارد): متن = س (نیز، ل، پ، ل، آ، آ): ۷- ل، س: ۲ (نیز، آ): شتریار: متن = یازده دستنویس دیگر ۸- ل، و، هم: ق: هم از یاره و طوق و هم: متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- ل: را بود نیک بخت: س، ق، ک، س: ۲ (نیز، ل، ق، آ، لی، و، ب): ناد باشند سخت: (ل، آ: شاد باشند بیخت: ل، آ: کزین دختران شاد باشند بخت): متن = (پ، آ): ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

فدای بی شاه نیک اخترست اگر گنج و تاجت و سر دخترت

۱۰- (آ: ح) ۱۱- ل، س، ک، س: ۲ (نیز، ل، و، آ، ب): که: متن = ق (نیز، ل، آ) ۱۲- (لی، ب: داری بید) ۱۳- ک، س: ۲ (نیز، لی، ل، و، آ، ب): بماند هم ایدر: (و: بماند هم آنجا: آ: بماند ایدر): متن = ل، س، ق (نیز، ل، ق، آ، پ، ل، آ) ۱۴- ل: پیر گفت: ک، س: ۲ بدین گفت پیر: (لی، ب: چنین گفت پیر): متن = س، ق (نیز، ل، ق، آ: پیر: ل، آ) ۱۵- ق، س: ۲ دخت ۱۶- س (نیز، ل، لی، پ، ل، آ): بای: ق: بدین: (ق: آ: برسم): متن = ل، ک، س: ۲ (نیز، ل، و، آ، ب) ۱۷- ل (نیز، لی، ب): فریدون: س (نیز، ل): کیومرث (حرف آخری نقطه: ق، ک، س: ۲ (نیز، ق، آ، ل، آ): کیومرث: متن تصحیح قیاسی است: بنداری: و انا اصغر خدمک، و اینهن تراب قدمک، و قدوهبتهن لک علی رسم: کیومرث و اوشهنج ۱۸- (ل، آ: کوی) ۱۹- ل: همه: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰- ل، ک، س: ۲ (نیز، ل، و، ب): برای: (ل، آ: بیوی: آ: برداده رای): متن تصحیح قیاسی است ۲۱- ل: دخترم: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲- ل: دوم و: ک، س: ۲ (نیز، ق، آ، لی، ل، و، آ، ب): دود بد: (لی، آ: فرانک دوم (وزن ندارد): لی: و دانک دوم بد): متن = س، ق (نیز، ل، پ، ل، آ) ۲۳- س، ق: سوم: ک، س: ۲ (نیز، ق، آ): سوم: (ل، ب، ل، و، آ، ب): متن = ل (نیز، لی، ل، و، آ، ب) ۲۴- (ق، آ: پسندیده) ۲۵- ک، س: ۲ (نیز، ل، آ): هم از بانوان باز: (لی، و، ب: هم از بانوان نیز: ل، آ: بر بانوان نیز) ۲۶- (لی، ب: بدو گفت این هر سه دختر جو) ۲۷- (ل، آ: پسندیده آمد به: آ: پسندیده چون دید) ۲۸- س: نگار: ق: سه جاز: متن = دوازده دستنویس دیگر

۸۸۰ چو هر سه مه^۱ اندر عماری نشست^۲
 به گرد بتن بر^۵ همی راندند
 به مشکوی زرین^۶ شدند این^۷ سه ماه
 [یکی بنده نازانه‌ی شاه را
 [سپه را ز^{۱۰} ساز گردنکشان
 ۸۸۵ [چو دیدی کسی شاخ شیب^{۱۲} دراز
 همی بود بهرام تا کشت مست^{۱۵}
 بیامد به مشکوی زرین خویش
 چو آمد یکی^۸ هفته آنجا بیود
 ز رومی همان^۳ خادم آورد شست^۴،
 بر ایشان همی آفرین خواندند!
 همی بود تا مست برگشت^۸ شاه
 ببرد و بیاراست درگاه را^۹
 جز آن^{۱۱} تازیانه نبودی نشان
 دوان^{۱۳} پیش رفتی و بردی^{۱۴} نماز
 چو خرم شد اندر^{۱۶} عماری نشست
 سوی خانه‌ی عنبرآگین خویش^{۱۷}
 بسی خورد و بخشید چیزی که بود^{۱۹}

گفتار اندر داستان بهرام گور با ماهیار گوهر فروش^{۲۰}

به هشتم بیامد به دشت شکار
 ۸۹۰ همه دشت یکسر پر از گور دید
 دو زاغ کمان^{۲۳} را به زه بر نهاد
 خود و^{۲۱} روزبه با سواری هزار
 ز ترکش^{۲۲} کمان کیی برکشید،
 ز یزدان پیروزگر^{۲۴} کرد یاد!

۱-س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): بت، متن: ل، ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۲- (ق، آ: نشاند) ۳-س، آ: همی ۴-س، آ (نیز ب): شست؛ س (نیز لن، پ، ل، ن، آ): چهل خادم بت پست؛ ق: چهل خادم اوردست (تنها حرف پین نقطه دارد)؛ (ق، آ: چهل خادمان را بخواند؛ لی: همان آوریدند شست)؛ متن = ل، ن (نیز ل، آ، و، آ) ۵- (ق، آ: پ، در)؛ متن = س، ک، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب)؛ ل، ق این بیت را ندارند ۶-ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، ب): خسرو ۷-ق (نیز و): آن؛ (پ: زرین این هر) ۸-ل، س (نیز لن، ق، آ، ل، ن، آ): ترگشت؛ (و: برگس (بی نقطه))؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز ل، پ، آ، ب)؛ ل پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت برزین که ای شهریار
 جهانیان را دانا و نیزه گذار
 یکی بندهم تا زیم شاه را
 نیایش کنم خاک درگاه را

۹-ق بیت‌های ۸۸۵، ۸۸۳ را ندارد بنداری نیز گویا آنها را نداشته؛ ل آ بیت‌های ۸۸۷، ۸۸۳ را ندارد ۱۰-ل: سپهدار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱-ل: جز از؛ (ق، آ، و، آ: حزین؛ لی: چو این)؛ متن = س، ک، س، آ (نیز لن، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۱۲- (لی: بت)؛ ک، س، آ (نیز ل، آ، ب): دیدند آن شاخ و شیب؛ (و: دیدندی آن ساخت و شیب)؛ متن = ل، س (نیز لن، پ، ل، ن، آ) ۱۳-ل: ورا؛ (ل، ن: روان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴- (ل، آ، پ: بردش) ۱۵- (لی: مت گشت) ۱۶-ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): شد مت هم در (ب: اندر) ۱۷-بنداری: فأمر فجاءوا بمهود أربعة من الذهب، ففعدت العرائس الثلاث في ثلاثة منها و حملن إلى دار الملك. و أقام هو يشرب حتى اجتمعت أصحابه على باب برزین ففعد فی المهد الرابع و هو سكران و عادالی ایوانه ۱۸-س (نیز لن، ل، ن، آ): بیک؛ ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): فزوتتر زیک؛ (ق، آ: برآمد یکی)؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ق، آ، پ) ۱۹-ل: و شادی نمود؛ س، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، و، آ، ب): و گفت و شنود؛ ل، آ: و چندی ستود؛ (لی: و سیار گفت و شنود؛ ل، آ: و بخشود و گفت و شنود)؛ متن = ق ۲۰-ل: داستان گوهر فروش با بهرام گور؛ ک: رفتن بهرام بشکار و کشت گور نر و ماده؛ ل، آ: قصه بهرام با گوهر فروش؛ س، آ: داستان بهرام با گوهر فروش؛ متن = [گفتار اندر +] س، ق؛ در س این سرنویس ۲۵ بیت سپس تر آمده است: بنداری این داستان را ندارد و به جای آن اندرزی خطاب به سلطان محمود دارد ۲۱-ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ، ب: آبا؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ل، ن، آ) ۲۲-ل: قربان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، آ این بیت را ندارد ۲۳-س، ک (نیز لن، ل، آ، ب): زاغ؛ ل، آ: همانکه کمان؛ س، آ: چو زاغ سیه؛ متن = ل، ق (نیز ق، آ، لی) ۲۴- (ل، آ: نیکی دهش)

ز گُشنی^۱ به روی اندرآورده روی^۲
 ز خونشان شده لعل روی زمین
 به^۵ مُستی جدا شد یکی از دگر^۶
 یکی ماده را اندرآورد زیر
 بخندید چون دید و^{۱۰} شد^{۱۱} شادمان
 گذر کرد بر نور پیکان و پر
 دل لشکر ز زخم او برفروخت
 بر آن شهریار^۳ آفرین گسترد،
 همه روزگارن تو^{۱۴} سور بادا!
 که هم^{۱۵} شاه و هم خسرو و هم گوی!
 یکی بیشه پیش اندرآمد به راه^{۱۷}،
 کمان را به زه کرد و اندرکشید،
 گذر کرد با پَر و پیکان^{۲۰} به خاک^{۲۱}!
 بر شیر با گُردرانش بیست^{۲۴}!
 بند تیز^{۲۶} پیکن او گز بود
 که ای ناموشهریار زمین^{۲۸}،
 چو تو شاه بر گاه^{۳۰} گردنکشان!

بهاران و گوران شده جفت جوی
 همی پوست کند^۳ این از آن، آن ازین
 همی بود بهرام تا^۴ گور نر
 ۸۹۵ چو پیروز شد^۷ نَرَه گور^۸ دلیر
 به زه داشت بهرام^۹ جنگی کمان
 بزد تیر بر پشت آن گور نر
 نر و ماده هر دو به هم بر^{۱۲} بدوخت
 ز لشکر هر آنکس که آن زخم دید
 ۹۰۰ که چشم بد از فر تو دور بادا!
 به مردی تو اندر زمانه نوی
 و زانجا برانگیخت شبرنگ شاه^{۱۶}
 دو شیر ژبان پیش آن بیشه دید
 بزد تیر بر^{۱۸} سینهی شیر چاک^{۱۹}
 ۹۰۵ بر ماده شد تیز^{۲۲} بگشاد شست^{۲۳}
 چُنین گفت کین^{۲۵} تیر بی پر بود
 سپاهش همه^{۲۷} خواندند آفرین
 ندید و نبیند کس اندر^{۲۹} جهان

۱-ل: کشتن؛ س: ک (نیز لن، ق: ۲، و): کشی؛ ل: ۲ (نیز لن، آ: ب): کشی؛ س: ۲ (نیز لی، پ): ز گُشنی؛ متن = ق (نیز ل: ۲) - ۲-لی: بر آورده رو اندروی؛ آ: برو اندرآورده (رو) - ۳-لی: و: گوشت؛ ل: ۲: چو پیوست گور - ۴-پ: تا آن چندان) - ۵-ک، س: ۲ (نیز لی، ل: ۲، و، آ: ب): ز - ۶-ک، س: ۲ (نیز لی، ل: ۲، آ): زان دگر؛ ل: یک از یکدگر؛ ل: ۲: گشت از یکدگر؛ متن = س، ق (نیز لن، ق: ۲، پ، و، لن، آ: ب) - ۷-ل: بیرون شدن؛ متن = یازده دستنویس دیگر - ۸-ق: ۲: گوری؛ س، لن، لن: ۲ این بیت را ندارند - ۹-ل: بهرامان (و: ن ندارد) - ۱۰-ق (نیز لی، لن، آ): < و؛ ل: گور شد؛ ل: ۲: روز و؛ س: ۲: و چون دید؛ متن = س، ک (نیز لن، ل: ۲، پ، و، آ: ب) - ۱۱-ق: ۲: چون دیدن (ان) - ۱۲-ل، ق: س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، ل: ۲، و، آ: ب): زا هر دو بر هم؛ متن = س (نیز لن، پ، لن، آ) - ۱۳-س: ۲ (نیز ل: ۲، آ: ب): شاخ و یال؛ (و: تاج و یال؛ لن: ۲: ابر شهریار)؛ متن = ل-ل: ۲ (نیز لن، ق: ۲، لی، پ): در لالت های این بیت پس و پیش شده اند - ۱۴-ک، س: ۲ (نیز آ): روزگار تو چون؛ (ق: ۲: روزگاران با)؛ متن = یازده دستنویس دیگر - ۱۵-لن: همان) - ۱۶-ل، ل: ۲: راه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر - ۱۷-لی: در آمد (راه)؛ ل: ۲: بدیدش یکی بیشه تنگ راه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر - ۱۸-لن، لن، آ: تیر و شد؛ ک، س: ۲ (نیز ب): بزد بر سر و؛ ل: ۲ (نیز لی، و، آ): بزد بر برو؛ متن = ل، س، ق - ۱۹-ق: ۲: نر) - ۲۰-ق: ازو تیر و پیکان؛ ک (نیز لن، لی، ل: ۲، ب): تا پر و پیکان؛ (پ: پیکان و پرتا؛ و: با تیر پیکان)؛ متن = ل، س، ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، آ: ب) - ۲۱-ق: تیرش ز پیکان و پر) - ۲۲-س (نیز ق: ۲، پ، و، ب): تیز و - ۲۳-ل، س (نیز لن، ق: ۲، لن، آ: ب): دست؛ متن = ق، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز لی، ل: ۲، پ، و) - ۲۴-و، آ: بخت؛ ک، س: ۲ (نیز ق: ۲، لی، ل: ۲): تاگردانش (س: ۲: گردانش) بخت؛ ب: تاگرده گاهش بخت؛ متن = ل، س، ق، ل: ۲ (نیز لن، پ، لن، آ) - ۲۵-ل: کان؛ متن = س، ک، ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، پ، لن، آ: ب) - ۲۶-ل: ۲: تنها حرف پسین نقطه دارد؛ س (نیز لن، آ: ب): تیر؛ ک، س: ۲ (نیز ل: ۲): تیرو؛ (ق: ۲: برو؛ آ: پرو؛ پ: بتدیر)؛ متن = لن، ق: لی، و این بیت را ندارند - ۲۷-ل (نیز ل: ۳): همی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر - ۲۸-ق: گرین - ۲۹-ل، ل: ۲ (نیز پ): کسی در؛ متن = دوازده دستنویس دیگر - ۳۰-ل، س، ق، ل: ۲ (نیز لن، ق: ۲، لن، آ): تخت؛ متن = ک، س: ۲ (نیز لی، ل: ۲، و، آ: ب)

چو با تیر بر پیزا شیر افگنی
 ۹۱۰ بدان مرغزار ندرون راند شاه
 یکی بیشه‌یی دید^۵ پر گوسپند^۶
 یکی سرشبان دید بهرام را^۸
 بدو گفت بهرم کین گوسپند^{۱۲}
 بدو سرشبان گفت کای^{۱۶} نامدار^{۱۷}
 ۹۱۵ همین^{۱۹} گوسپندان^{۲۰} گوهرفروش
 توانگر^{۲۳} خداوند این گوسپند^{۲۴}
 به خروار با^{۲۷} نامور گوهرست
 ندارد جز از^{۲۹} دختری^{۳۰} چنگزن
 نخواهد^{۳۳} جزا دست دختر نید
 ۹۲۰ اگر نیستی دد بهرامشاه
 شهنشاه گیتی نموند^{۳۷} به^{۳۸} زر

پی کوه خارا ز بن برکنی^۱
 ز لشکر هرانکس که بد نیکخواه^۴
 شبانان^۷ گریزان ز بیم گزند
 نبودش^۹ ز بیم دد^{۱۰} آرام را^{۱۱}
 که آرد^{۱۳} بدین جای^{۱۴} ناسودمند^{۱۵}؟
 ز گیتی من آیم^{۱۸} بدین مرغزار
 به دشت^{۲۱} اندر آوردم^{۲۲} از کوه دوش
 نیچند^{۲۵} همی از نهیب^{۲۶} گزند
 همان زر و سیمت و هم زیورست^{۲۸}
 سر جعد زلفش^{۳۱} شکن بر^{۳۲} شکن
 کسی مردم^{۳۴} پیر ازین^{۳۵} سان ندید!
 مر او را کجا ماندی^{۳۶} دستگاه؟
 همان موبدش نیست بیدادگر،

۱-ل.س.ک.ل.آ.س.۲ (نیز ق.آ.لی.۳.و.ن.آ.آ): پر تو؛ متن = (لن.پ.ب) ۲-ل.۳: برزم ازدهای دئیر افگنی؛ ب: همان ازدهای دلیر افگنی؛ ق این بیت را ندارد؛ ب پس از این بیت افزوده است:

پی کوه خارا ز بن برکنی بگاهی که از دست گرز افگنی

۳-ل.۲: رفت؛ س.۲: اندران راند ۴-آ: همه بیشه پیش اندر آمد براه) ۵-ل.ک.ل.آ.س.۲ (نیز ق.۲-و.ب): بیشه دیدند؛ متن = س.ق (نیز لن.ل.ن.آ.آ) ۶-ل.س.ق.س.۲ (نیز و.آ.لی.پ.و.ل.ن.آ.ب): گوسفند؛ متن = ل.۲ (نیز لن.ل.آ.آ) ۷-ب: شبانان؛ لن.۲: شتابان) ۸-ل.۳: بهرامشاه؛ لن: بود بهرام را؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۹-ب: نجشش) ۱۰-و: رها کرده از بیم) ۱۱-ل.۳: آرامگاه؛ ل.ق.ل.۲ (نیز ق.آ): بر او دید از پی نام را؛ متن = ۵ دستنویس دیگر ۱۲-ل.ق.س.۲ (نیز ق.آ.لی.پ.و.ل.ن.آ.ب): گوسفند؛ متن = س.ک.ل.۲ (نیز لن.ل.آ.آ) ۱۳-ق.س.۲ (نیز ق.۲-و.آ.آ): دارد؛ ب: چناری؛ متن = س (نیز لن.ل.ن.۲) ۱۴-ق.آ: برین بوم؛ ب: برین جای) ۱۵-ل: کی بیچدهمی از نهیب گزند؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-س.ک (نیز لن): ای ۱۷-ل: شهریار؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ل: آم؛ لن: آم (نقطه ندارد)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ س در این جا سنویس دارند: داستان بهرام گور با ماهیار گوهر فروش ۱۹-ل.۱: همی ۲۰-ل.ق.ک.س.۲ (نیز ق.۲-ب): گوسفندان؛ متن = س.ل.۲ (نیز لن) ۲۱-س (نیز لن): شب؛ لن: شبیب؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ل: آورده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳-س (نیز لن): توانگر ۲۴-ک.س.۲ (نیز ق.۲-ب): گوسفند؛ متن = س.ق.ل.۲ (نیز لن) ۲۵-س.ل.۲ (نیز لن.ب): سجد (حرف های یکم، دوم و سوم بی نقطه)؛ ل.۲-آ: به بیچد؛ متن = ق.ک (نیز ق.آ.لی) ۲۶-ق.ک.ل.۲ (نیز ق.آ.لی.ب): نهیب و؛ س.۲: بر نهیب؛ متن = س (نیز لن.ل.آ.آ)؛ ل این بیت را ندارد ۲۷-ق: بخروارها ۲۸-ب: گوهرست) ۲۹-ب: بجز) ۳۰-ل.ن.۲: دختر) ۳۱-س (نیز ب.و.آ): جعد و زلفش؛ ک.ل.آ.س.۲ (نیز لن.لی.ل.ن.آ.ب): سر و جعد و زلفش؛ متن = ل (نیز ق.آ) ۳۲-ق.آ: در؛ ق.ک.س.۲ (نیز لن.لی.ل.ن.آ.ب.ن.آ.آ.ب): سراسر؛ متن = ل.س.ل.۲ (نیز و) ۳۳-ک.س.۲ (نیز لی.و.آ.ب): نگیرد؛ متن = ل.س.ق.ل.۲ (نیز لن.ق.آ.ل.ن.۲) ۳۴-ل.ن.۲ (د-تر) ۳۵-س.ل.۲ (نیز لن.ل.پ.آ.ب): ازان؛ س.۲ (نیز لی): زین؛ متن = ل (نیز ق.آ.و.ل.ن.۲) ۳۶-ق.آ: آمدی؛ ل.۲: ماندی آن؛ ب: ماندی بن؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ب این بیت را ندارد ۳۷-ل.س.ک.ل.۲.س.۲ (نیز لن.و.آ): نگوید؛ ق.آ: نگیردش؛ ل.۳: مکرید (۴)؛ پ.ن.آ: کوشد؛ لی: بگوید بذر؛ متن = ق ۳۸-و: ز؛ ب این بیت را ندارد؛ ک.س.۲.لی.و.آ.ب پس از این بیت افزوده اند:

پس آنکه شبان گفت کی اب: گوید ای نامدار دئیر و خردمند و گرد و سوار

که او را خدای جهان باد^۱ پست!
 تبه شد به پیمان^۲ مردی^۴ دلیر
 سواری سرفراز با بار هفت^۶
 پدیدار کن! راه^۸ بر ما^۸ مپوش!^۹
 رهی^{۱۱} تازه پیش اندرآیدت نو^{۱۲}
 به نزدیکی کاخ^{۱۴} بهرامشاه
 به جشن آید این^{۱۵} مرد بادستگاه
 به گوش آیدت نوش و آوای^{۱۸} چنگ

یکی^{۱۹} جامه‌ی خسروآرای^{۲۰} خواست^{۲۱}
 همانا پر از^{۲۳} رزو بُد^{۲۴} سرش!

که اکنون شود شاه ایران^{۲۶} به ده،
 همه^{۲۸} سوی گفزار^{۲۹} دارید گوش:
 نهد بی‌گمان بر سرش^{۳۱} تاج زر،
 وگر در^{۳۲} شبستان بُرزین برد

نگویی مرا کین ددان را که کشت؟
 بدو گفت بهرام کین^۲ هر دو شیر
 چو شیران جنگی بکشت او^۵ برفت
 ۹۲۵ کجا باشد ایوان گوهرفروش؟
 بدو سرشبان گفت: از ایدر^{۱۱} برو
 به شهر اندرآید از آن^{۱۳} جایگاه
 چو گردون بپوشد حریر سیاه
 گر ایدونک باشدت^{۱۶} لختی^{۱۷} درنگ

۹۳۰ چو بشنید بهرام بالای خواست
 جدا شد ز دستور و از^{۲۲} لشکرش

چنین گفت با مهتران^{۲۵} روزبه
 بگوید در^{۲۷} خان گوهرفروش
 بخواهد مر آن دخت را^{۳۰} از پدر
 ۹۳۵ و زانجا به مشکوی زرین برد

۱- (لی: بود) ۲- ک: کان ۳- ک: س ۴- (نیز ل: ل. پ. و. آ): ز پیکان: ل ۵- (نیز لی: لی. ن: آ): ز پیکار: متن = ل. س. ق. (نیز ق ۲) ۶- ل: (نیز ق ۲. پ. آ): <ی>: (ب: بدست سواری): متن = ده دستنویس دیگر ۵- ل: (نیز ق ۲. پ. و. آ): متن = دوازده دستنویس دیگر ۶- (لی: با یال و کفت): ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

وزان پس چنین گفت با سرشبان
 شدی ایمن از رنج شیران نر
 که این جای بانی تو روز و شبان
 بیاش اندرین سرز، انده مخور

۷- ل: راز و؛ س: س ۸- (نیز ل: ل. پ. و. آ): راه و؛ متن = ق. ک. ل ۹- (نیز لی: و) ۸- ق. ک. ل ۱۰- (نیز لی: ل. پ. و. آ): ز ایدر: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۱- ل: س ۱۲- (نیز لی: و. آ): دهی: متن = (ل: ق. آ. ل. ن: آ): ۱۳- (ل: ی. و. ب): اندر آید بنو ۱۴- (ل: ی. و. ب): آید آواز از آن: (ل: ق: آ): آواز از آن: لی: آید او هم از آن: و: آید او روز از آن: ل: اندرون دارد او: آ: آواز او را از آن: متن = ن ۱۵- ق: قصر: ک: س ۱۶- (نیز لی: ل. پ. و. آ): تخت: متن = ل. س. ل ۱۷- (نیز ل: ل. پ. و. آ): ب این بیت را ندارد ۱۸- (ل: ی. و. ب): آ: (آ: اندر این): متن = س. ک. س ۱۹- (نیز ل: ل. پ. و. آ): در ل: این بیت بابت سپین پس و پیش شده است ۲۰- ل: باشدش: متن = س. س ۲۱- (نیز ل: آ) ۲۲- (ب: لختی بدانجا) ۲۳- (ل: ق. آ. ل. ن: آ): آواز: ل: نوش آواز: (ب: بانگ و آوای): متن = س. س ۲۴- (نیز ل: ل. پ. و. آ): همان ۲۵- (ل: آ: آلی): ل: خسروی آرای (وزن ندارد): متن = س. س ۲۶- (نیز ل: ل. پ. و. آ): (ب: ب) ۲۷- (ل: مغفر خسروی را بخواست) ۲۸- ل: ق. ک. س ۲۹- (نیز ل: ل. پ. و. آ): وز: متن = س. ل ۳۰- (نیز ق ۲. و. آ. ب) ۳۱- (لی: بدان) ۳۲- ق. ک. ل: (نیز لی: ل. پ. و. آ): بند: ل: آرزوی شد: س (نیز ل: ل. ن: آ): پر آزار شد ز و؛ س: آ: پر آرزو شد: متن = ل (نیز ق ۲) ۳۳- ل: ک. س ۳۴- (نیز لی: و. آ. ب): موبدان: ل: با موبدان: (ل: با نامور): متن = س. ق (نیز ل: ل. ن: آ): ق ۳۵- (ل: ی. و. آ): گیتی: متن = ل. س. ق. ل ۳۶- (نیز ل: ل. پ. و. آ): نشیند بدان: متن = س. س ۳۷- (نیز ل: ل. ن: آ): آ: ب ۳۸- ل: همی ۳۹- (و. ب: آواز): ل: این بیت را ندارد ۴۰- (آ: دختران): ل: همان دخترش: متن = سیزده دستنویس دیگر ۴۱- ق: بر سرش بی گمان ۴۲- (ل: بر): ل: این بیت را ندارند

نیابدهمی سیری از خفت و خیز^۱
 شبستان مر او را فزون از صدست
 کنون نهصد^۵ و سی تن از دختران^۶
 شمردهست خادم به مشکوی شاه
 ۹۴۰ همی باز خواهد ز هر مرز و بوم
 دریغ این^{۱۱} برو دفت^{۱۲} و بالای اوی^{۱۳}!
 نیند چنو^{۱۷} کس به دبدار^{۱۸} و زور^{۱۹}!
 تبه گردد از خفت و خیز زنان^{۲۱}
 کند دیده تاریک، و رخساره^{۲۴} زرد
 ۹۴۵ ز بوی زنان موی گردد سپید^{۲۸}
 جوان را^{۳۱} شود^{۳۲} گوز^{۳۳} بالای راست
 به یک ماه^{۳۴} یک، باز^{۳۵} از آمیختن^{۳۶}
 همین مایه^{۳۹} از بهر فرزند را
 چو افزون کنی^{۴۲} کاهش افزون کند^{۴۳}

شب تیره زو^۲ جفت گیرد گریز
 شهنشاه^۳ ازین باره^۴ باشد بدست!
 همه بر سران افسران گران^۷،
 کریشان کسی^۸ نیست بی دستگاه!
 به سالی بریشان شود^۹ باز روم!^{۱۰}
 دریغ این^{۱۴} رخ گیتی^{۱۵} آرای اوی^{۱۶}!
 به یک تیر بر هم بدوزد دو گور!
 بزودی شود سست^{۲۲} چون بی تنان^{۲۳}!
 به تن سست^{۲۵} گردد، به لب^{۲۶} لاژورد^{۲۷}!
 سپیدی^{۲۹} کند زین^{۳۰} جهان ناامید!
 ز کار زنان چندگونه بلاست!
 گر افزون بود^{۳۷}، خون بود^{۳۸} ریختن!
 بیاید^{۴۰} جوان^{۴۱} خردمند را!
 ز سستی تن^{۴۴} مرد بی خون کند^{۴۵}!

۱- (آ: نیابدهمی سیر از خفت خیز) ۲- (ل: تیره و) ۳- ک، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، ا): جهاندار ۴- س، ک، س، ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ا): گونه؛ ل: زین سان که؛ ل: از زین که؛ (ا: ب: زین گونه): متن = ق ۵- (لی: زن صد) ۶- ل، ل، ا: زن از مهتران: متن = سیزده دستویس دیگر
 ۷- ل: افر گوهران؛ (ق: آ: افر از گوهرن)؛ ک (نیز ل، ا، و، آ، ب): بسر بر همه افر از گوهران؛ س: آ: بسر بر همه گوهر از افسران؛ (لی: بسر بر همه افر بی کران)؛ متن: س، ق، ل، ۲ (نیز لن، پ، لن، آ): ل پس از این بیت افزوده است:

ایا یاره . تاج و با تخت زر درفشان ز دیبای رومی کهر

۸- ل، ق (نیز ق، آ، پ): یکی؛ متن = یازده دستویس دیگر ۹- ل: رود؛ (پ: پریشان شود؛ و، ب: بدیشان شود؛ لی: بدینسان بسالی شود)؛ متن = س، ق، ک، س، ۲ (نیز لن، ل، آ، لو، آ، ا): ۱۰- (ق: آ: بدیشان مقرر شود بازگون)؛ ل این بیت را ندارد ۱۱- ل، ق، س، ۲ (نیز ق، ل، آ، لن، آ): آن؛ متن = س، ک (نیز لن، لی، پ، و) ۱۲- ل، س، ق (نیز لن): کف؛ ک، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، ب): یال؛ (ق: آ: همه زور)؛ متن = (پ، لن، آ) ۱۳- ل: شاه؛ س، ق، ک، س، ۲ (نیز ق، ل، آ، و، ب): آ: دریغ آن رخ گیتی آرای تو)؛ متن = (لن، لی، پ، لن، آ) ۱۴- ل، ق (نیز ق، ل، آ، و، لن، آ): آن؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز لن، لی، پ، ب) ۱۵- ل، ن، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): مجلس؛ متن = ک، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، ب) ۱۶- ل، ک، س، ۲ (نیز ق، ل، آ، و، ب): او؛ (ب: تو (پساوند ندارد): آ: دریغ آن بی ویال و بالای تو)؛ ل این بیت را ندارد ۱۷- ل (نیز ل، آ، پ): چو او ۱۸- ل: بیالای؛ س، ق (نیز لن، لی، پ، لن، آ): بیالاک، س، ۲ (نیز و، آ): کس او را بدیدار؛ متن = ل (نیز ق، ل، آ، ا، ب) ۱۹- (آ: کور) ۲۰- ل: <و> ۲۱- ل: زبان ۲۲- (ق: آ: نیست) ۲۳- ل، ل، ۲ (نیز ق، آ): پرنیان؛ ق: ایزل؛ (لی: بیگمان؛ پ: بدتنان)؛ متن = س، ک، س، ۲ (نیز لن، و، ب) ۲۴- ک: <ه> ۲۵- ک، س، آ: پست ۲۶- س، ق (نیز لن، پ، لن، آ): رخ؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۷- س، ق، س، ۲ (نیز لن، ل، آ، و، ب): لاچورد؛ متن = ل، ک، ل (نیز پ، و، لن، آ) ۲۸- (لی، پ، و، لن، آ: سفید) ۲۹- (لی، پ، و، لن، آ: سفیدی) ۳۰- ل: در؛ (لی، ل، آ، و، ب: از)؛ متن = ده دستویس دیگر ۳۱- س (نیز لن، آ): چو چوگان؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۲- (ق: آ: کند) ۳۳- (آ: کز) ۳۴- ل، ل، آ: سال ۳۵- س: بیک بار یک ماه؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۶- ل (نیز ق، آ): بار آمیختن؛ (ل: آ: از آویختن)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۷- ک، س، ۲ (نیز لی، آ): کند؛ (ل، آ، پ، و: کنی)؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز لن، و، آ، لن، آ، ب) ۳۸- (آ: کند) ۳۹- ل: بار؛ ق: ماده؛ ل: آ: باره؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۴۰- (ب: نیابد) ۴۱- (ل: دلیر) ۴۲- ل، ل، آ: کند ۴۳- س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): بود؛ ل: آ: شود ۴۴- (ق: آ: پ: دل) ۴۵- ل: آ: شود؛ (ق: آ: پ: بود)؛ س (نیز لن، آ): ز بستر دل مرد پر خون برد؛ متن = ل، ک، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): ق این بیت را ندارد

۹۵۰ برفتند گویان^۱ به ایوان شاه،
 شب تیره گون^۲ رفت بهرام گور
 بشد شاه تا خان^۳ گوهر فروش
 همی تاخت گنگون^۴ بر آواز^۵ چنگ
 بزد حلقه را بر در و باز خواست
 ۹۵۵ پرستنده بی مهربان^۶ گفت: کیست؟
 چنین داد پاسخ که شبگیر^۷ شاه
 بلنگید^۸ در زیر من بارگی
 چنین اسپ^۹ و زرین^{۱۰} ستامی^{۱۱} به کوی^{۱۲}
 بیامد کنیزک به دهقان بگفت
 ۹۶۰ همی گوید اسپ^{۱۳} به زرین ستام
 چنین داد پاسخ که بگشای در!
 کنیزک^{۱۴} دوان رفت^{۱۵} و بگشاد در
 چو شاه اندر آمد^{۱۶} چنان^{۱۷} جای دید،
 چنین گفت کای^{۱۸} دادگر یک خدای
 ۹۶۵ مبادا جز از داد^{۱۹} آیین من!
 همه کار^{۲۰} و کردار من^{۲۱} داد باد!

چو خورشید بر چرخ^۲ گم کرد^۳ راه،
 پرستنده یک تن^۴ ز بهر ستور،
 چو آواز چنگ اندر آمد به گوش،
 سوی خان ازارگان بی درنگ!
 خداوند خورشید را یار خواست!
 زدن در شب تیر^۵ از بهر چیست؟
 بیامد سوی دشت^۶ نخچیرگاه،
 ازو^۷ بازگشتم به بیچارگی^۸
 بدزدد کسی مر شوم چاره جوی!
 که مردی همی خواهد از ما^۹ نهفت،
 بدزدند ازیدر^{۱۰} شود کار خام!
 تو مهمان ندیددستی ایدر مگر^{۱۱}؟
 به بهرام گفت: اندر آیی ای پسر!
 پرستنده هر جی بر پای دید،
 به خوبی^{۱۲} توی^{۱۳} بنده را^{۱۴} رهنمای!
 مباد از و^{۱۵} گرد کشی^{۱۶} دین^{۱۷} من!
 دل زیردستان به من^{۱۸} شاد باد^{۱۹}!

۱-ق (نیز پ): پویان؛ (آ: پویا)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، ب، ل، ن): یکی گفت خورشید؛ متن = ک، س، آ (نیز ل، ل، و، آ، ب) ۳-ق: شد به؛ (پ: کرده) ۴-ل، ل، ل، آ: چون؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ک: سر؛ (ق: آ، با او)؛ در ق این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۶-س، آ (نیز ق، آ، ل): خوان؛ در ل، ق، ک، ل، آ، س، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب، ل، های این بیت پس و پیش شده اند؛ در ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۷-ل: باره؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۸-ل (ن: آ، ب: آوای)؛ ق، ل، آ (نیز ل): به آوای؛ (ل: آ: به آواز)؛ متن = ل، س، ک، س، آ (نیز ل، ق، آ، ب، و، آ) ۹-ک، س، آ (بیر ل آ، ب): مهرکان؛ (آ: بهرکان؟)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-و: زدن شب در خانه) ۱۱-ق: زنده چنین داد پاسخ که ۱۲-ق: سوی دشت آمد به ۱۳-پ: پلنگینه) ۱۴-ق: ازان ۱۵-س، آ: ز بیچارگی؛ (ل، پ، ب: بازماندم یک بارگی) ۱۶-ل، ل، آ، س، آ <و> (نیز ق، آ، و، آ، ب): ست و ۱۷-س، ک (نیز ل، آ، ل، و، ب): زین و؛ متن = ل، ق، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، ب) ۱۸-ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ، ب): ستام؛ (ل: لکم) ۱۹-پ: بروی) ۲۰-ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): من ۲۱-ق: آ: اسیم) ۲۲-ق: ازینسان؛ ک، س، آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): و ایدر؛ (ق: آ: وزیر) ۲۳-ل (نیز ق، آ): بهرام گفت اندر آیی ای پسر؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴-ب: کنیزی) ۲۵-ل (ل: روان گشت)؛ ل، ق، آ این بیت را ندارند، اما ل دوم آن را به جای ل دوم بیت پیشین آورده اند ۲۶-ل، آ: اندرون شد ۲۷-آ: چنین) ۲۸-س (نیز ل، ل، ن، آ): ای؛ (ل، و، ب: کز) ۲۹-س، آ (نیز و، آ): بنیکی ۳۰-س، س، آ (نیز ل، ق، آ، ل، آ): تویی؛ متن = ل، آ، ل، آ، مر مرا؛ ل، ب: بخوام که باشد مرا)؛ ب پس از این بیت افزوده است:

که اویت خود داور و داد رای بنیکی بود سده را رهنمای

۳۲-پ: بجز داد)؛ ل: جهان شد پراز داد و ۳۳-ل، ک (نیز ل): مبادا؛ متن = س، ل، آ، س، آ (نیز ل، و، آ، ل، آ، ب) ۳۴-ق: مبادا از و کز ری ره و ۳۵-ل، آ: کین ۳۶-ل (ن: آ: داد) ۳۷-و: ما) ۳۸-ل (نیز پ): ما؛ (آ، ب: ز ما)؛ س: زیردستان من؛ ک، ل، س، آ (نیز ل، و): زیردستان ما؛ متن = ق (نیز ل، ق، آ، ل، ن، آ) ۳۹-ل: شاد شاد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، آ این بیت را ندارد

پس از مرگ روشن بود^۴ جای^۵ من!
 بمانند^۷ با ناله^۸ چنگ و نوش!^۹
 ز در دختر میزبان را بدید
 بیامد خم آورد بالای راست
 درست آمدی ای سرافراز و شاد!^{۱۲}
 ز دیدار^{۱۴} او میزبان^{۱۵} گشت شاد
 برو خوردنی‌ها از آن سان که بود^{۱۷}
 بفرمود تا اسپ او را بیست
 یکی جای دیگر^{۲۱} برداختند^{۲۲}
 نهادند و بنشست نزدیک شاه
 به بهرام گفت: ای گو مرزبان^{۲۷}،
 بیمارز بر^{۳۱} رای گستاخ^{۳۲} من!
 چو یابی چنین^{۳۳} تازه‌رخ^{۳۴} میزبان،
 دل ناسپاسان بود بر هراس!

گر^۱ افزون شود^۲ دانش و رای^۳ من
 همه زبردستان چو^۶ گوهرفروش
 چو آمد در ایوان و در خم^{۱۰} رسید^{۱۱}
 ۹۷۰ چو دهقان و را دد بر پای خواست
 بدو گفت: شب بر تو فرخنده باد!
 نهالی بیفگند و مسند^{۱۳} نهاد
 گر انمایه‌خوانی بیاورد زود^{۱۶}
 بیامد یکی درد مهتر^{۱۸} پرست
 ۹۷۵ پرستنده را^{۱۹} نیز خوان ساختند^{۲۰}
 همان^{۲۳} میزبان^{۲۴} را یکی زیرگاه^{۲۵}
 به پوزش بیاراست پس میزبان^{۲۶}
 توی^{۲۸} میزبان^{۲۹} اندرین کاخ^{۳۰} من
 بدو گفت بهرام: تیره‌شبان
 ۹۸۰ به یزدان نباید بدن^{۳۵} ناسپاس!

۱-ل.س: که؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ل: بود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳-ل: دین؛ س.ق.ک.س ۴-ل: (نیز ل.ن.ق.آ.لی.پ.ن.آ.ب.)؛ داد؛ متن = ل.۴-ل.۴-س.آ. (نیز پ.آ.ب.)؛ شود؛ متن = س.ق.ک. (نیز ل.ن.ق.آ.لی.ن.آ.و) ۵-س.ق.ک.س.آ. (نیز ل.ن.ق.آ.لی.پ.ن.آ.ب.)؛ یاد؛ ل: جهان‌بین؛ متن = ل.۲ (نیز و)؛ ل.۳ این بیت را ندارد ۶-ل.س.ل.۲ (نیز ق.آ.ل.ن.آ.): <چو>؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷-ل.ک. (نیز ق.آ.): بماندند؛ س.آ. (نیز ل.ل.و.آ.ب.)؛ بماناد؛ ل.آ. ستاندند؛ متن = س.ق. (نیز ل.ن.پ.ل.ن.آ.) ۸-ل.س.ک.س.آ. (نیز ل.ن.آ.ب.)؛ ناله و؛ متن = ق.ل.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.و) ۹-ل.س.س.س.آ. (نیز ل.ل.آ.): جوش؛ (ب: باخروش؛ پ: بی ناله و بی خروش)؛ متن = ق.ک.ل.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.و.ل.ن.آ.آ.) ۱۰-ل: به ایوان و درمی؛ س.س.آ. (نیز ل.ل.ب.)؛ بیالای ایوان؛ ق.ک: به ایوان پنجم؛ (پ: شهنشه بیالای ایوان)؛ متن = ل.۱۱-ق.آ. بایوان چنان چون سزید ۱۲-ل.ل.۲ (نیز ل.ن.ق.آ.ب.ل.ن.آ.): همه بدسگالان ترابنده (ق.آ.کنده)؛ باد؛ س.آ. (نیز ل.ل.آ.): <و>؛ متن = (ل.آ.و.ب) ۱۳-ک: پشٹی؛ (پ: بالش) ۱۴-س.آ. (نیز ل.ل.و.آ.ب.)؛ بدیدار ۱۵-ق.آ. بهرام یل ۱۶-س.ق.ک. (نیز ل.ن.): زرد ۱۷-س.ق.ک. (نیز ل.ن.ل.ن.آ.): نهاده برو (ق.آ.بدو) خوردنیهای سرد (ل.ن.آ.سود)؛ ل.آ.س.آ. (نیز ق.آ.ل.ل.و.آ.ب.)؛ نهاده برو (ل.ب.بدو) خوردنیها که بود؛ (پ: نهاده برو خوردنی آنچه بود)؛ متن = ل.۱۸-پ: خسرو ۱۹-ل.و. پرستندگان ۲۰-ل.ق.ل. (نیز آ.ب.): خواستند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-ق: خرم؛ ک. (نیز آ.): جام دیگر؛ (پ: خوان دیگر) ۲۲-ل.ق.ل.آ. بیاراستند؛ (ق.آ. بشاختند)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ل.آ. همی ۲۴-ق.آ. مرزبان ۲۵-ک.ل.آ. جایگاه ۲۶-س.آ. (نیز ل.ل.و.آ.ب.)؛ یکسر زبان؛ (ق.آ.لب میزبان) ۲۷-ل. (ل.ی. مهربان؛ ل.آ. میزبان) ۲۸-س.س.آ. (نیز ل.ن.ب.)؛ تویی؛ متن = ل.۲۹-ل.ق.ل. (نیز ل.ن.): میهمان؛ س. مهربان؛ س.آ. (نیز ق.آ.ل.ی.)؛ مرزبان؛ متن = ک. (نیز ل.آ.ب) ۳۰-ل: خان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۱-س.ک.ل.آ.س.آ. (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ی.پ.ل.ن.آ.ب.): بیامیز با؛ (ل.آ.و.آ. برآمیز با)؛ متن = ۳۲-ل: فدای تو باد اتن و جان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۳-س. (نیز ل.ن.ل.ن.آ.): سالی حو (بی نقطه)؛ ل.ل.آ. که یابد چنین؛ ق. نیامه چو تو؛ ک. نیابی چنین؛ (ق.آ. نیامه چنین؛ پ: بیابی چنین)؛ متن = س.آ. (نیز ل.ل.و.آ.ب) ۳۴-ل: تازه روی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۵-ل.آ. بیاید برین؛ ق.آ. یزدان نباید شدن)؛ درل.س.آ. این بیت بابیت سپسین پس و پیش شده است؛ س.ل.ن.ق.آ.پ.پس ز این بیت افزوده‌اند:

شب تیره و ناله خسروی
 چو از خواب بیدار گردی بگاه
 چو گشتی ز می سیر (ق.آ. مت: پ. سست) پس (ق.آ. تا) نغوی
 بمی تاخت (پ: یاخت) باید بر آیین (ق.آ. بآیین) شاه

به خوان^۱ خوش آرام باید گرفت! / چونان خورده شد، جام باید گرفت!

کنیزک ببرد آبدستان^۲ و تشت^۳ / ز دیدار مهمان^۴ همی خیره گشت!
 چو شد دست شسته، می و جام خواست / به می رامش جا،^۵ و آرام خواست!
 بیاورد جامی کنیزک^۶ نبید / می سرخ، جام از گل^۷ شنبلید!
 ۹۸۵ بیازید^۸ دهقان به جام^۹ از نخست / بخورد^{۱۰} و به مُشک و گلابش بشت!
 به بهرام داد آن دلارای^{۱۱} جام / بدو گفت: میخوره را چیست نام؟
 هم اکنون بدین^{۱۲} با تو پیمان کنم / به بهرام شامت گروگان کنم!
 فراوان بختید ازو^{۱۳} شهریار / بدو گفت: نام گُشسپ سوارا!
 من ایدر بدآوای^{۱۴} چنگ آمدم / نه از بهر جام و^{۱۵} درنگ آمدم!
 ۹۹۰ بدو میزبان گفت کین^{۱۶} دخترم / همی^{۱۷} باسماں اندرآرد^{۱۸} سرم!
 همو^{۱۹} می گسارست و هم^{۲۰} چنگزن / همو چامه^{۲۱} کویست و بشکک شکن^{۲۲}
 -دلارام را^{۲۳} آرزو^{۲۴} نام بود / همو غمگسار^{۲۵} دلارام^{۲۶} بود-
 به سرو سهی گفت: بردار چنگ! / به پیش گُشسپ آن با بوی و رنگ^{۲۷}!
 بیامد بر پادشا چنگزن / خرامان بسان بُنی^{۲۸} نارون^{۲۹}!
 ۹۹۵ به بهرام گفت: ای گزیده سوار، / به هر چیز مانده‌ی شهریار،
 چنان دانک^{۳۰} این خانه‌ی^{۳۱} سور تست / پدر میزبانست^{۳۲} گنجور تست،

۱-س: خواب؛ ل: این بیت را ندارد ۲-س: (نیز ق: آ): آب و دستار و ۳-س: ق: ک، س: (نیز: ن، ل، پ، و، ن، آ، ب): طشت؛ متن = ل، ل: (نیز آ): در ل: این بیت ناخواناست؛ در پ: این بیت پس از بیت ۹۸۵ آمده است ۴-ل: (ن: آ: بهرام) ۵-س: (نیز: ن، ق: آ، ل، و، آ): و نام؛ (ب: و کام): ل، س: (نیز: ل، ن، آ): می و رامش و نام؛ ل: همی رامش و نام و؛ (پ: همی رامش و کاه؛ متن = ق: ک: این بیت را ندارد ۶-ل، ل: (نیز: پ: ح): کنیزک بیاورد جامی؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۷-ل: و جام و گل و؛ س: ل: (نیز: ن، ق: آ، ل، و): و جام از گل و؛ ک: و دسته گل و؛ ل: (آ: و جام می و؛ ل: سرخ فام از گل و شنبلید)؛ متن = ق: س: (نیز: پ، ب) ۸-ل: (بیاورد؛ ل: بیازست) ۹-ل: (بخان) ۱۰-ق: بعود؛ در س: آ، ل، و، آ: ب: ل: تهای این بیت پس و پیش شده اند ۱۱-ق: ک، س: (نیز: ن، ق: آ، ل، پ، و، ن، آ، ب): دلارام؛ متن = ل، س: ل: (نیز: ل، آ) ۱۲-ک: یکی؛ (ق: آ: همی) ۱۳-ل: زو؛ (ق: آ: ازان)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۴-ل، ک، س: (نیز: ل، ن، ب): باوای؛ س: ل: باوای؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۵-ل: جای؛ س: (نیز: ن، ل، ن): کام و؛ ل: جای و؛ (ق: آ: جنگ و)؛ متن = ق: ک، س: (نیز: ل، و، آ، ب) ۱۶-ق: (آ: ازین؛ ل: این) ۱۷-ل: همان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ق: (آ: آید) ۱۹-ق: (آ: که هم) ۲۰-پ: ب: میگسار و همو) ۲۱-س: آ: جام؛ ل: همان جام؛ (ق: آ: همی چامه)؛ متن = ق: ل: (نیز: پ، ب) ۲۲-ل، ق: ل: (نیز: پ، ب): لشکر شکن؛ (ق: آ: بر انجمن)؛ س: ک: (نیز: ن، و، آ): خرامان بسان بنی (ک، ل، ن: یکی؛ آ: تنی نارون)؛ (ل: ل، آ: خرامان چو سرو سهی بر چمن؛ ل: آ: خرامان بسان یکی رودن)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۳-ل: (و از) (وزن ندارد) ل: آ، س: (نیز: ل): دلارای را ۲۴-ل: آرزوی ۲۵-ق: (و: ل، س: آ: میگسار و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶-ق: (نیز ق: آ): دل تجاه؛ ک: این بیت را ندارد؛ پایایی بیت های ۹۷۸-۹۸۰ در س: آ، ل، ل، و، ب: آشفنگی دارد ۲۷-ک: این بیت را ندارد ۲۸-ل: یکی؛ (ب: کل) ۲۹-س: آ: بت برهمن؛ (ق: آ: سهیل یمن)؛ س: و خندان چو گل در چمن؛ (آ: چو سرو سهی بر چمن)؛ متن = ق: (نیز: ن، پ، ل، آ: ل: خوانا نیست؛ ک، ل، ل، آ: و این بیت را ندارند ۳۰-ل، س: ق: ل، آ، س: (نیز: ل، آ): دان که؛ ک: چنین دان که؛ متن = (ب) ۳۱-ل: خانه بر متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۲-ل: (ن: آ: و)؛ ک: بدو میزبانست و؛ (ق: آ: ل: میزبان دخت)

شبان سیه بر تو فرخنده باد!
 بدو گفت: بشیر و بردار چنگ!
 شود ماهیار امب ایدر^۳ جوان
 ۱۰۰۰ زن چنگزن چنگ در^۵ بر گرفت
 دگر چامه‌ی^۷ بب خود ماهیار
 [چورود و^۹ بریشم^۱ سخن گوی گشت^{۱۱}
] پدر را^{۱۳} چنین گفت کای ماهیار
 چو کافور گرد دل^{۱۵} سرخ موی^{۱۶}
 ۱۰۰۵ همیشه بداندیش^{۱۸} آزرده باد!
 توی چون فرید بن زاده^{۲۰} خوی^{۲۱}!
 ز^{۲۴} مهمان چنان^{۲۵} شاد گردی^{۲۶} که شاه
 چن این^{۲۸} گفته بد^{۲۹} سوی مهمان گذشت.
 به مهمان چنین گشت کای شاهفش^{۳۲}
 ۱۰۱۰ کسی کو ندیده‌ست بهرام را
 نگه کرد باید ه روی تو بس

سرت برتر از ابر بارنده^۱ باد!
 یکی چامه^۲ باید مرا بی‌درنگ!
 گروگان کند^۴ پیش مهمان روان!
 نخستین خروش مغان درگرفت^۶!
 [تو گفتی بنالدهمی چنگ زار!^۸]
 همه خانه از می^{۱۲} سمن‌بوی گشت^{۱۱}!
 چو سرو سهی بر لب جویبار!^{۱۴}
 زبان گرم‌گوی^{۱۷} و دل آرم‌جوی!
 به دانش روان تو پرورده^{۱۹} باد!
 منم چون پرستار^{۲۲}، نام آرزوی^{۲۳}!
 به جنگ‌اندرون چیره^{۲۷} بیند سپاه!
 ابا چامه و چنگ^{۳۰} نالان گذشت^{۳۱}،
 بلنداختر و یک‌دل^{۳۳} و کینه‌کش^{۳۴}،
 -خنیده^{۳۵} سوار دلارام را،
 جز او را نمائی ز لشکر^{۳۶} به کس^{۳۷}!

۱- (آ: برنده؛ ل: بدانش روان تو پرورده؛ ۲- ل. س. آ: جام؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل: بیت‌های ۹۹۸-۱۰۰۱ را ندارد؛ ۳- ل. ل. آ. س. آ (نیز آ): ایدر امشب؛ (پ: اندرین شب)؛ متن = س. ق. ک (نیز ل. ن. ق. آ. لی. و. ل. ن. آ. ب)؛ ۴- (ب: کنم)؛ ۵- ق. ک (نیز پ. ب): را؛ (ق. آ. لی. و. ل. ن. آ. ب): متن = ل. س. ل. س. ل. آ. س. آ (نیز ل. ن. لی. و. ب): برگرفت؛ (ق. آ: خروشدن اندر)؛ متن = ل. ق. ک (نیز پ)؛ ۷- ل. س. آ: جام را؛ متن = س. ل. آ. س. آ (نیز ل. ن. لی. و. ب. پ. ب)؛ ۸- س. ق (نیز ل. ن. لی. و. ب. پ. ب): چو سرو سهی بر لب جویبار؛ متن = ل. ک. ل. آ. س. آ؛ ق. آ این بیت را ندارد؛ ۹- ل. ق. س. آ (نیز لی: <و>؛ ک: روی؛ متن = (ب)؛ ۱۰- (ق. آ: آن ماه زرین)؛ ۱۱- ق: شد؛ ۱۲- ل. س. آ (نیز ق. آ): روی؛ (لی: جامه می)؛ متن = ق. ک (نیز ب؛ س. ل. آ. ل. ن. آ. آ این بیت را ندارند؛ ۱۳- (لی: پس)؛ ۱۴- (لی: ب: تو گفتی بنالدهمی چنگ زار)؛ متن = ل. ق. ک. س. آ (نیز ق. آ): ل. ن. آ. ل. آ این بیت را ندارند؛ ۱۵- س (نیز ب): گرد گل؛ ق: برگرد گل؛ ک: کردی گل؛ ل: کرده سر؛ (نیز لی. و. آ: کرده گل)؛ متن = ل. س. آ (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ)؛ ۱۶- س. آ (نیز و): روی؛ (لی: ب: بوی)؛ ل. آ: مشکبوی؛ ۱۷- ک: تو گرم و؛ (ق. آ: چرب‌گوی)؛ ل. آ این بیت را ندارد؛ ۱۰- ل. آ بداندیش؛ (آ: بد آید پس)؛ ۱۹- ل: روانش پیورده؛ ل. آ: روانت پیورده (وزن ندارد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ل. آ این بیت را ندارد، امالت دوم را به جای لت دوم بیت ۹۹۷ آورده است؛ ق. آ پس از این بیت افزوده است:

رخ بدسگالان تو زرد باد روان بداندیش پر درد باد

۲۰- ل: خوب فرزندی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ۲۱- س (نیز ل. ن. ق. آ: حی)؛ ل. آ: آزرده‌خوی؛ ۲۲- (ل. ن. آ: شبستان)؛ س (نیز ل. ن. ق. آ: شبستان)؛ ل. آ. س. آ (نیز ل. آ. پ. آ): پرستار و؛ (ق. آ: پرستنده)؛ متن = ل. ق. ک (نیز لی. و. ب)؛ ۲۳- س (نیز ل. ن. ق. آ: حی)؛ ۲۴- ق (نیز پ. ب): به؛ ۲۵- (ب: چنین)؛ ۲۶- ل. س. س. آ (نیز ل. ن. لی. و. ب. آ. و. آ. ب: یاد کردی؛ ق. آ: چنان شاد چنان (وزن ندارد))؛ متن = ق. ک. ل. آ (نیز پ)؛ ۲۷- ک: سیره؛ ل. آ (نیز لی. و. ل. ن. آ. آ): -چیره؛ ۲۸- ل. س. آ (نیز ق. آ. ب): چو این؛ متن = (ل. ن)؛ ۲۹- ل. س. آ (نیز ل. ن. آ. و. ب): شد؛ متن = (ب)؛ ۳۰- ل: چنگ و؛ متن = ل. آ. س. آ. س. ک (نیز ل. ن. ق. آ. ل. آ. ل. ن. آ. ب): ز مهمان سوی میهن و مان گذشت؛ ق. ز مهمان سوی میهمان برگذشت؛ (لی: ز مهمان سوی پهن‌خان درگذشت؛ آ: ز مهمان سوی میمن و مان گذشت)؛ ۳۲- ک: وش؛ (ل. ن. آ: من)؛ ۳۳- ق: پردل؛ ۳۴- (ل. ن. آ: ماه من)؛ ۳۵- س (نیز ل. ن. ب. ل. ن. آ: ستوده)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ۳۶- ک: بلشکر؛ ۳۷- (ب: نمائی دگر هیچ کس)

میانست چو غروست و بالا چو^۱ سرو
 به دل نزه شیری^۲ به تن زنده پیل^۳
 رخانت به گنار^۴ ماند درست^۵
 ۱۰۱۵ دو بازو بگردار ران هیون
 به زنج آفریند فلک^{۱۱} چون تو مرد
 تن آرزو^{۱۴} خاک پای تو بادا!
 جهاندار از آن جامه و چنگ اوی^{۱۶}
 بر او بر^{۱۹} ازان^{۲۰} گونه شد مبتلا
 ۱۰۲۰ چو در پیش او مست شد ماهیار^{۲۲}
 که دختر به من ده به آیین^{۲۴} دین
 چنین گفت با آرزو^{۲۵} ماهیار
 نگه کن بدو^{۲۸} تا پسند آیدت؟
 چنین گفت با ماهیار آرزوی^{۳۰}
 خرامان شده سرو همچون تذرو!
 به ناورد^۴ خشت^۵ افگنی بر دو میل!
 چه گویی^۸ به می برگ گل را که شست^۹؟
 ز پای^{۱۱} اندر آری که بیستون!
 ندیدم^{۱۲} بسان تو اندر^{۱۳} نبرد!
 همه ساله زنده^{۱۱} به رای تو بادا!
 ز دیدار و بنا^{۱۷} و فرهنگ^{۱۸} اوی^{۱۶}،
 که گفتی دلت گشت کنج^{۲۱} بلا!
 چنین گفت با میزبان شهریار^{۲۳}،
 چو خواهی که یابی به داد آفرین!
 کزین^{۲۶} شیردل چند خواهی^{۲۷} نثار؟
 بر او شوی^{۲۹} سودمند آیدت؟
 که ای پیر^{۳۱} آزاده^{۳۲} نیکخوی^{۳۰}،

۱-ق (نیز آ): بالات؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲-ل (نیز ل آ): شیر و یک: شیر نژی: ق آ: شیر شززه؛ متن = س، ق، ل، آ، س، آ (نیز ل، پ، و، ل، آ، ب) ۳-س (نیز ب): زنده پیل: (لن: بدل زنده شیری و بشن نزه پیل (وزن ندارد) ۴-س، ک، ل، آ، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، ب): باورد؛ متن = ل، ق (نیز ل آ) ۵-ل، ق، آ، ل، آ، س، ب) ۶-ل (آ: گلزار؛ پ: گلبرگ) ۷-ل، آ: همی ۸-ق: نگویی: (ق، آ، ل، آ، ب: تو گویی؛ لی: تو گفتی؛ پ: آ که گویی) ۹-ق: آ: که می برفشاند همی؛ لی، ل، آ: همی برگل و لانه دست؛ پ: بمی برگ گل را نشست؛ و، آ: بمی برگل و لانه شست؛ لن، آ: بمی برگ گل را نشست؛ ب: بمی هر دو گل را نشست؛ متن = ل، س، ک، ل، آ (نیز لن) ۱۰-ل: پیا؛ ق-س، آ (نیز ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب): پیا؛ متن = س (نیز لن، پ، لن، آ) ۱۱-ل، ل، آ: تو آنی کجا چشم کن: ق آ: یارد بگیتی فلک؛ متن = س، ق، ک، س، آ (نیز لن، لی، لن، آ، ب) ۱۲-ق: نباشد؛ (ب: نیم) ۱۳-ل، ل، آ: ندید و نبیند؛ متن = س، ک، س، آ (نیز لن، ق، آ، ل، ل، آ، ب: این بیت را ندارند؛ و به جای این بیت افزوده است:

برنجد اگر با تو جوید نبرد سپهر بلند ای گ شیرمرد

ق آ پس از این بیت افزوده است:

ترا زوی چون لاله اندر سمن نباشد بیالات سو چمن

۱۴-ل، آ، س، آ (نیز لن): آرزوی؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۵-س (نیز لن، پ، لن، آ): زندگانی؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۶-ل، س، ق، س، آ (نیز ق، آ، پ، آ، ب): او؛ ک: وی؛ متن = ل (نیز لن، و، لن، آ) ۱۷-س (نیز و): بالا و دیدار ۱۸-ل، ق، ک (نیز و، ب): آهنگ؛ متن = ده دستویس دیگر؛ برخی از دستویسها در این جا سرنویس دارند؛ ق: بزنی خواسن بیزم آرزو دختر ماهیار را ۱۹-ل: بدو بر) ۲۰-س-س، آ (نیز ل، پ، آ، ب): بران؛ (لن، لی، و، لن، آ: بدان؛ متن = ل (نیز ق) ۲۱-ک: کوه؛ ق آ پس از این بیت افزوده است:

بهرج آزمودش فزون بود دخت دل شاه در کار او پیش سخت

۲۲-ل، ل، آ، و، آ، ب: شهریار) ۲۳-ل، ل، آ، و، آ، ب: نامدار؛ ق آ: کزین شیردل چند خواهی نثار ۲۴-س-س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، لن، آ): آیین و؛ متن = ل (نیز و، ب): ق آ این بیت را ندارد ۲۵-ل (نیز لی): آرزوی؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۶-ل: ازین؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۷-ک: جوئی؛ ق آ این بیت را ندارد ۲۸-ق: برو؛ (ق آ: آرزو) ۲۹-لی: شوی بر (وزن ندارد)؛ ل: براسودگی؛ ک: تراسوی او؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۰-س، ک، ل، آ، س، آ (نیز لن، لی، ل، آ، پ، آ): آ؛ متن = ل (نیز و، آ، و، ن، آ، ب) ۳۱-ل، ل، آ، س، آ (نیز ب): باب؛ (آ: سرو)؛ متن = س، ک، ل، آ (نیز لن-ل، و، لن، آ، ب) ۳۲-ل، ل، آ: آزاده و؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ ق بیت های ۱۰۲۴-۱۰۲۶ را ندارد

همالم^۱ گُشپ سوارست و^۲ بس!
 نگوید^۵ به بهرام کز راه برَد؟
 به بهرام گفت: ای سوار نبرد،
 همان دانش و کوشش^۹ و رای اوی^۸
 ازو آگهی بهترست، ار^{۱۱} نشست؟
 به گفت من آرای^{۱۴} کم پیش نیست!
 فزون آید از بدره^{۱۶} شهریار!
 مکن سرسری، امشب آرام گیر،
 به ویژه زنی^{۱۹} کو بود ارجمند،
 سر نامداران برآید^{۲۰} ز خواب،
 شکیادل و چیزخواننده را،
 نه آیین^{۲۱} شاه آفریدون بود!
 زدن فال در راه داور بد^{۲۳} است!
 تو این^{۲۴} فال بد تا توانی مزن!
 پسندی تو او را^{۲۸} به دیدار^{۲۹} و خوی^{۳۰}؟
 به چشم سر از دور چون دیدمش^{۳۳}!

۱۰۲۵ مرا گر همی داد خواهی به کس
 که باشد که بیند^۱ بدین^۴ گونه مرد،
 به گفتار دختر بسنده نکرد^۶
 به ژرفی نگه کن سراپای^۷ اوی^۸
 نگه کن به دل^{۱۰} تا پسند تو هست؟
 ۱۰۳۰ برین^{۱۲} نیکوی^{۱۳} نیز درویش نیست
 اگر بشمری^{۱۵} کوهر ماهیار
 گر او را^{۱۷} همی بایدت، جام گیر!
 به مستی بزرگن نبستند بند^{۱۸}
 بمان تا برآر. سپهر آفتاب
 ۱۰۳۵ بیاریم پیران داننده را
 شب تیره از رسم بیرون بود
 بدو^{۲۲} گفت بهرم کین بیهدهست
 پسند منست امشب این چنگزن
 پدر^{۲۵} گفت با دستر: ی^{۲۶} آرزوی^{۲۷}
 ۱۰۴۰ بدو گفت: آری،^{۳۱} پسندیدمش^{۳۲}

۱- (ل. آ: همانا) ۲- (لی: سوار گشپست ۳- (ق: آ: بیند) ۴- س: آ (نیز ق: آ: ب): برین ۵- س: ک، س: آ (نیز ل: ق: آ: لی، ل: ن: آ): بگوید: متن = ل: آ (نیز ل: آ: پ، و، آ: ب): ل: به - نای بین بیت افزوده است:

تو گوین به بهرام ماندهمی چو جانست با او نشستن دمی

۶- س: آ: پسندیده کرد ۷- ل: آ (نیز ل: ق: آ: ل، و، ل: ن: آ): سرو پای: (آ: برو پای): متن = ل: ک (نیز ق: آ: لی، پ: آ) ۸- ل: ل- ل: آ (نیز ق: آ: لی، ل: ن: آ): آ: او: متن = (ل: ن: آ: پ، و) ۹- س: (ن: ل: ن: ب، ل: ن: آ): کوشش و دانش: ب این بیت را ندارد: س: آ خوانا نیست ۱۰- ل: (نیز ل: آ): بدو: س: آ (نیز و): بین: (لی: آ: بدین): متن = س: ل (نیز ل: ق: آ: پ، ل: ن: آ) ۱۱- ل: (آ: از: ق: آ: مهترست از): ب این بیت را ندارد ۱۲- ق: ل: آ (نیز ل: ق: آ: لی، پ: ب): بدین: متن = ل: س، ک، س: آ (نزل ۱۳- ل: س، ک، ل: س: آ (نیز ل: ل: ن: آ، و: ب): نیکویی: متن = ق: (نیز ق: آ: پ) ۱۴- ل: از رای: س: ک (نیز ل: ن: لی، ب): بگفتن مرارای: ب: بگفتن مر او را (وزن ندارد): (ق: آ: ز گفتن مرارای): متن = ل: آ: س: آ ناخواناست: در ل: آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۵- ل: بشمر: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶- (ل: آ: گوهر) ۱۷- (و: اگر او: آ: که او را): در س: ل: ن: ق: آ، پ، ل: آلت های این بیت پس و پیش شده: متن = ل: ق: س: آ (نیز ل: ل: و، آ: ب) ۱۸- (ق: آ: نجسند بند: ل: ن: نوشتند بند) ۱۹- ل: س: آ (نیز پ): کسی: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۰- ک: بر آرد ۲۱- (آ: بآیین) ۲۲- ل: آ: س: آ: چنین: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۳- ل: آ: بدر او راه بد: س: (نیز ل: ن: ل: ن: آ): در راه و رای بد: ق: در رای و راه بد: ک: در رای دام و دد: (ق: آ: در راه دیو: ل: آ: در راه داد و دد: پ: بدر او راه دده: و، آ: ب: در راه دام و دده): متن = (لی: آ: خوانا نیست ۲۴- (ل: آ: تواس) ۲۵- س: (نیز ل: ن: آ): بدو: متن = ق: ک، ل: آ (نیز ل: ل: ن: آ، پ، ل: ن: آ: ب) ۲۶- ل: چنین گفت با: خترس: (ق: آ: و: بدختر چنین گفت کای) ۲۷- س: ک (نیز ل: ن: آ): <ی>: (آ: آن آرزو: ب: با دختر ماهروی) ۲۸- ل: ق: ل: آ (نیز ق: آ: لی، ل: و، آ: ب): پسندیدی او را: متن = س: ک (نیز ل: ن: آ) ۲۹- ل: بگفتار: (ق: آ: بآیین): متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- س: ک (نیز ل: ن: آ): <ی>: (پ: گزیدی پسندی تو او را بشوی): این بیت در س: آ خوانا نیست ۳۱- (ق: آ: کاری) ۳۲- ل: آ: پسندیده ام: متن = س: ق: ک، س: آ (نیز ل: ن: ب) ۳۳- ل: آ: دیده ام: ل: بجان و بدل هست چون دیده ام: (نیز آ): بچشم و سر از دور چون دیدمش: (ق: آ: همان دم که از دور می دیدمش): متن = س: ک، س: آ (نیز ل: ن: لی، ب): برخی از دستنویس های فرعی در این جاسرنویس دارند

نه گردون^۲ به کینست^۳ به ماهیار!
چنان دان که^۵ اندر نهفت وی بی!
چو شب روز شد کارها^۸ گشت راست،
سرای^{۱۰} همه نفته بُد چارسوی^۹
همی ساخت^{۱۲} تار گُشپ سوار
یکی^{۱۳} را بنز از پس^{۱۴} گوسپند^{۱۵}،
بره نیز پیورده باید^{۱۷}، سره،
همی باش بیش گُشپ سوار^{۱۹}،
چنان کن که بویا^{۲۱} بود جای خواب،
نتابد می بین پیر^{۲۳} گوهر فروش!
تن آسانی از رنج تن^{۲۵} برگزید^{۲۶}!

بکن کار، از آن پس^۱ به یزدان سپار!
بدو گفت کاکنون^۴ تو جفت وی بی
پدر^۶ داد و^۷ بهرام گورش بخواست
سوی حجره ی خویش رفت آرزوی^۹
۱۰۴۵ پیامد به جای^{۱۱} دگر ماهیار
پرستنده را گفت: درها ببند
نیاید که آرند^{۱۶} خوان بی بره
چو بیدار گردد فقاغ و یخ آ^{۱۸}
یکی جام کافور بر با^{۲۰} گلاب
۱۰۵۰ من از جام می همچنانم^{۲۲} که دوش
بگفت این و چادر به سر در^{۲۴} کشید

زمین شد بکرار دریای عاج^{۲۹}،
بیاویخت ز پرده ی^{۳۱} ماهیار

چو خورشید تابنده بنمود^{۲۷} تاج^{۲۸}
پرستنده تازانه ی^{۳۰} شهریار

۱-ل: زان پس؛ س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ): وزان پس؛ (ب: و کرده): متن = ق-س^۲ (نیز ل^۲ ۲-ک: او خود ۳-ل: ل: بجنگت: متن = سیزده دستویس دیگر: برخی از دستویس ها در این جا سرنویس دارند: س: بزن کردن به م دختر ماهیار گوهر فروش را ۴-ل، ق-س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): اکنون: متن = س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۵-ب: دانک) ۶-ل: س (نیز لن، لی، ب): بدو: متن = ق، ک، ل: (نیز ق^۲) ۷-ک: < ۸-ل: شد روز شد کار او: متن = چهارده دستویس دیگر: ل^۲ پس از این بی، افزوده است:

چو شب روز شد بنده شهریار پیامد پگاه ز در ماهیار

۹-س: ک (نیز لن، آ، ب): < ی> ۱۰-ل: س: سرایش: (ب: سراسر): متن = دوازده دستویس دیگر ۱۱-ک: ل: (نیز ق، آ، لی، پ): بجایی ۱۲-ق: (آ: خوار): درس^۲ این بیت خوانا نیست ۱۳-س: ق، س: (نیز لن، لی، ب): کسی: متن = ل: ک (نیز ق^۲) ۱۴-ل: پ: (بازان سوی: لی: بیار از پس: لن: آ: باز از سوی) ۱۵-ل: س: ک (نیز ق، آ، لی، ل، و، ب): گوسفند: متن = ق، س: (نیز لن، ب): ل: آیت های ۱۰۴۶-۱۰۴۸ را ندارد ۱۶-ک: آرید ۱۷-ل: (لی، آ: باشد) ۱۸-ل: فقاغ آ و یخ: ک: دماغ و یخ آب (حرف دوم واژه کم بر نقطه): متن = دوازده دستویس دیگر ۱۹-ک: دار پیش گُشپ این شراب: ل: یکی چون که دارد چنین مرد یخ (حرف یکم واژه سین و نقطه): متن = دوازده دستویس دیگر ۲۰-س (نیز لن، ل، آ، لن، آ): پیر: (لی: پیر کن: آ: پیرنا): ک: پیر کن ز مشک و: (ق: آ: عنبر بیربا): متن = ل، ل: (نیز پ، و، ب) ۲۱-ک: پیرپا: (ق: آ: با تولی: با بو): این بیت درس^۲ خوانا نیست: در ق^۲ آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۲۲-و: (آ: خود چنانم) ۲۳-ل: پی از مرد: (لی: پی این پیر: ل: بران پیر: آ: می این نیز): ک: نتاود می این پیر: (ق: آ: نباید می باین پیر (و: ن: ند: د)): متن = ل، آ، س: (نیز لن، پ، و، لن، آ، ب): (ق این بیت را ندارد ۲۴-ل: بر: متن = س-ل: (نیز لن-ب): این لت درس^۲ خوانا نیست ۲۵-ل: چراغ، س، ک، ل، آ، س: (نیز لن، ق، آ، ل-آ، ب): و خواب را: ق: همان جامه خواب: متن = (لی) ۲۶-ق: بر کشید: ل: در بر کشید: ل: در بر کشید: متن = دوازده دستویس دیگر ۲۷-ل، ل، آ، س: (نیز آ): بغراخت: (لی، ل، آ، و، ب: بغروخت): متن = س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۸-ل: (آ: زاغ) ۲۹-ق: ک (نیز لن-ل، و، لن، آ، ب): تابنده عاج: (ب: رخشنده عاج: آ: روشن چراغ): متن = ل، س، ل، آ، س: ۳۰-ک: پرستنده: ل: بود ۳۱-ل: خانه: س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): درگه: متن = ک، ل: (نیز لی، ل، و، ب): (ق این بیت را ندارد: درس^۲ این بیت خوانا نیست: در س، ک، لن، لی-ب این بیت پس از بیت ۱۰۳۸ آمده است

بیامد سپردار و زوپین‌کشان^۱
 ۱۰۵۵ سپه انجمن شد به درگاه بر
 هر آنکس که تازانه دانست باز
 چو دربان بدید آن سپاه گران
 بیامد سر خفته^۲ بیدار کرد^۳
 بدو گفت: برخیز و بگشای دست
 ۱۰۶۰ که شاه جهازست مهمان تو
 یکایک دل^۴ مرد گوهرفروش
 بدو گفت کین را چه^۵ گویی همی؟
 همان چون ز گونده بشنید مست^۶
 به^۷ دربان برآشفست و گفت: این سخن
 ۱۰۶۵ پرستنده گفت: ی جهاندیده^۸ مرد
 سپاهست^۹ چندان به درگاه تو
 هر آنکس که آید به درگاه فراز
 بیامد پرستنده هنگام^{۱۰} روز
 یکی تازیانه به زر تافته^{۱۱}

بجستند از آن تازیانه^{۱۲} نشان
 چنان هم کجا^{۱۳} بر در شاه بر
 برفتند و بردند پیشش نماز
 کمردار^{۱۴} بسیار و زوپین‌وران^{۱۵}.
 همان از پی خواب بیکار کرد^{۱۶}.
 نه هنگام خوابست و جای نشست،
 بدین بی‌نوا میهن و^{۱۷} مان تو!
 ز گفتار دربان^{۱۸} برآمد^{۱۹} به جوش!
 پی شهریار از چه^{۲۰} جویی همی؟
 خروشان از آن جامه^{۲۱} بر پای جست^{۲۲}.
 نگوید خردمندمرد کهن!
 ترا بر زمین^{۲۳} شاه ایران که کرد؟!
 که گر بگذری^{۲۴} تنگ شد راه تو!
 برند آن^{۲۵} پلاس کهن^{۲۶} را نماز!
 که پیدا نبد نوز^{۲۷} گیتی‌فروز،
 به هر جای گوهر برو^{۲۸} بافته.

۱- (ق: ۲: سپه همچو رود روان): ل، ج، ل، ۲: سپه راز سالار گردنکشان؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، لی، ب) - ۲: ل، زان تازیانه؛ ق: بجز تازیانه نبود؛ ل: ۲: جز از تازیانه نبود؛ (ازین پایه بند؟ (وزن ندارد))؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، لی، ب)؛ ق: ل، ۲: پس از این بیت، بیت ۸۸۵ را افزوده اند - ۳: ل، ک (نیز ل، ن، ق، لی) کجا هم چنان؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ در س ۲ این بیت بایست سپین پس و پیش شده است - ۴: س (نیز ق، ۲: پ، ل، ن، ۲: آ): سپردار؛ متن = ده دستنویس دیگر - ۵: ک: گران؛ (ق: ۲: نیزه‌وران)؛ ق: و زوپین‌وران بی‌کران؛ متن = دوازده دستنویس دیگر - ۶: ل، ۲: خواب) - ۷: س، ۲: بر خفته برسان گرد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر - ۸: ک: بیدار کرد؛ ل، س، ۲: سر پیر از (س: ۲: ازان) خواب بیدار کرد؛ (ق: ۲: سر خفته را پر ز تیمار کرد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر - ۹: ل، ل، ۲: خانه و؛ (لی: میهن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر - ۱۰: ل، ۲: ز دل؛ (ق: ۲: بدو؛ ل، ۲: دگر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر - ۱۱: ک: مهمان - ۱۲: (پ: درآمد) - ۱۳: س (نیز ل، ن، ۲: پ، ل، ن، ۲: آ): از چه؛ ل، ۲: با که؛ (ق: ۲: لی، و، آ: از که)؛ ق: ک: این از که؛ (ب: این را چه)؛ متن = ل، س، ۲ - ۱۴: ل، ۲: که؛ ل، ک: شهریاران چه؛ (لی: دل شهریاران چه)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: ۲: پس از این بیت افزوده است:

بدو گفت درگاه پر لشکرست ز گردان ایران فراوان پرست

۱۵- س (نیز ل، ن، ۲: آ): راست؛ متن = س، ک، ل، ۲: س (نیز ق، ۲: و، آ، ب) - ۱۶: ل، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲: و، آ): جای؛ (ب: خروشان شد از جای و)؛ متن = س، ل، ۲ (نیز ل، ن، ق، ۲: پ، ل، ن، ۲: آ) - ۱۷: س (نیز ل، ن، ۲: آ): خاست؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق: این بیت را ندارد - ۱۸: ل، ک، ل، ۲: س (نیز ق، ۲: و، ب): ز؛ (آ: ز دربان)؛ متن = س، ل، ن، ۲: آ؛ (ق: این بیت را ندارد - ۱۹: (ق: ۲: خردمند؛ آ: جواندیده) - ۲۰: ق، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲: و): جهان؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ د: ل، ۲: ات‌های این بیت پس و پیش شده اند - ۲۱: (ق: ۲: که هستند) - ۲۲: ل، ۲: نگذری؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، این بیت را ندارد - ۲۳: س، ۲: این - ۲۴: (ل، ۲: آ: سیه)؛ ل، ق: این بیت را ندارند - ۲۵: (ل، ۲: انجام) - ۲۶: ل، س، ۲ (نیز ل، لی، ل، ۲: و، آ، ب): هور؛ ق: ک، ل، ۲ (نیز ل، ل، ۲: آ): عور؛ (ق: ۲: چو بیدانند هور)؛ متن = (پ) - ۲۷: س، ل، ۲: س، ۲ (نیز ق، ۲: پ، آ): بافته؛ ق: زر تافته؛ (ل، ن، برو تافته)؛ متن = ل، ک (نیز و، ل، ۲: ب) - ۲۸: س، ۲: درو؛ ل، ۲: بدان؛ (لی: بدو)

بران^۳ سو^۴ که باشد گذرگاه ما^۵،
به می^۷ نیز^۸ ناتندرستی مکن!^۹
بیچید بیارمرد کهن،
چرا گشتم^{۱۱} و دخترم می پرست؟

بدو گفت کای^{۱۳} ماه آزاده خوی^{۱۴}،
بیامد سوی خان گوهرفروش
عنان تافته ست از کهن دز به راه
بنه بر سر افسر، خان هم که^{۱۹} دوش،
سه یاقوت سرخ از در شهریار^{۲۳}!
دوتاهی^{۲۶} برو، ست کرده به کش،
ورا چون ردان^{۲۹} و تن خویش دارا
سخن ها به زرم و با شرم^{۳۱} گوی^{۳۲}!
به جای برستنده بنشاندم!
که اندر تنم پره باد^{۳۶} استخوان!

۱۰۷۰ بیاویخت از پیش^۱ درگاه ما^۲
کنون کار بر ساز و سستی^۶ مکن!
ز دربان چو بشنید یکسر سخن^{۱۰}
که من دوش پیش شهنشاه مست

بیامد سوی حجره ی آرزوی^{۱۲}
۱۰۷۵ شهنشاه بهرام بود^{۱۵} آنک^{۱۶} دوش
همی آمد از دشت نخچیرگاه
کنون خیز و^{۱۷} دیبای رومی^{۱۸} بیوش
نثارش کن^{۲۰} از^{۲۱} گوهر شاهوار^{۲۲}
چو بینی^{۲۴} رخ شاه خورشیدفش^{۲۵}
۱۰۸۰ مبین^{۲۷} مر ورا^{۲۸} چشم در پیش دارا
چو پرسدت با او^{۳۰} سخن نرم گوی!
من اکنون نیایم، مگر^{۳۳} خواندم
بسان همالان^{۳۴} نشستم^{۳۵} به خوان

۱-ق: بر سوی ۲-ک: شاه ۳-ل.ل.س ۴-س ۵-نیز ق ۶-لی.ل.و.ب: بدان: متن = س.ق.ک (نیز لن، و) ۴-ل.س: سر: (لی.ل.ب: جا) ۵-ک: ماه ۶-ک (نیز و): تندی: ل: آ: منی: متن = دوازده دستنویس دیگر ۷-ک: یکی: (پ: ز می: آ بمن) ۸- (ق: آ: هیچ) ۹-ل.ل.ز: بخت بلندی تو پستی مکن: (و: که تندی نزدیک ز مرد کهن): متن = دوازده دستنویس دیگر: ل این بیت را ندارد ۱۰- (ل.ل.آ: مرد کهن: ق: آ: ازین سان سخن) ۱۱-ل: بودم: متن = سیزده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد ۱۲-س.ک.ل.آ: (نیز لن.آ): <ی> ۱۳-س (نیز لن.ل.آ): ایا: ق.ک.ل.آ (نیز ل.آ.پ.ب): ای: متن = ل.س ۱۴-ل.ل.آ: جو: س.ک (نیز لن.آ.آ: خو ۱۵-س.ق (نیز لن.لی.ل.آ.ل.آ.ب): بد: متن = ل.ک.ل.س ۱۶-ل.ل.آ.پ.ب.و.آ) ۱۷-ل.ل.آ: آنکه) ۱۸-ل.ل.ق.ک (نیز لن.آ): چینی: متن = ده دستنویس دیگر ۱۹-ل.ل.آ: این بیت را ندارد ۲۰- (پ: نزاری بر: آ: نیازش کن) ۲۱- (ب: آن) ۲۲-ک: بپایش کن از زرو گوهر نثار ۲۳-ل: شاهوار: متن = سیزده دستنویس دیگر: ل این بیت را ندارد: ق آ پس از این بیت افزوده است

بدو داد و گفتا بر شاه رو برو آفرین کنن نمی نو بنو

۲۴-ق: پیش ۲۵- (لن: آ: وش) ۲۶-ل.س.ل.آ (نیز لن.ق.آ.لی.پ.و): دوتایی (حرف پنجم بی نقطه): (لن.آ.ب: دوتایی): متن = ق.ک.س.آ: ل این بیت را ندارد ۲۷-ل.ک (نیز آ): بین: متن = ق.ل.س ۲۸-س (نیز لن.ل.آ.و.ب): مر او را بین: (ق.آ.پ: مر او را مبین: ل.آ: مران و (وزن ندارد)) ۲۹-س: دو چشم ۳۰-س.ل.آ (نیز لن.ق.آ.پ.ل.آ): وی ۳۱-س.آ (نیز لن.ل.آ.و.ب): با آرام و با شرم: ل: سخن های با شرم و با زرم: س: ستمها با زرم و با شرم: (آ: سخنهای با آرامش و شرم): متن = ق.ن.ل.آ (نیز لن.پ.ل.آ): ق آ پس از این بیت افزوده است:

که من دوش چون او بیامد ز در بدان فر و بر و جان یال و بر
همی ایدر او را چو بنشاختم بنزدیک او گردنم افراختم

۳۲-ق: آ: بدو هر چه گونی با زرم جوی) ۳۳-ل.ک: بیایم اگر: (آ: بیایم مگر): متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۴-ل.آ: همالی ۳۵- (لن: آ: نشینم) ۳۶-ل.ل.آ (نیز پ.ل.آ): خردک (نیز لن): نان مباد: ق: بادا تم را ابی: (ق: آ: جنبان مباد: به تن: متن = س.ل.س.آ (نیز لن.لی.ل.آ.و.آ.ب)

به می^۱ نیز گساخ گشتم به شاه! به پیر و جوان از می^۲ آید گناه!

که بیدار شد شاه نوشه روان^۳
به باغ اندر آمد سر و تن بشت،
ز^۴ یزدان دلی پر ز^۵ امید شد!
یکی جام می خواست^۶ از می پرست
بفرمودشان بازگشتن به راه^{۱۱}
همی بودش از آرزوی آرزوی^{۱۴}
پرستار^{۱۷} با تاج^{۱۸} و با گوشوار
بخندید ازو^{۲۲} شاه و برگشت شاد^{۲۳}
مرا مست کردی و بگذاشتی؟
نثار زنان بهر دیگر کس است!
ز زخم^{۲۷} سر نیزه و رام^{۲۸} شاه^{۲۹}!
کجا شد که ما^{۳۲} مست گشتیم^{۳۳} دوش؟
همی از دل^{۳۴} شاه خیره بماند!

۱۰۸۵ هم آنکه یکی بنده آمد دوان
چو بیدار گشت^۴ ایمن و^۵ تندرست
نیایش کنان پیش خورشید شد
و زانجا بیامد به جای نشست
چو از کهتران^۹ آگهی یافت^{۱۰} شاه
۱۰۹۰ بفرمود تا پیش رفت^{۱۲} آرزوی^{۱۳}
برفت آرزو^{۱۵} به می^{۱۶} و با نثار
دوتاهی^{۱۹} شد و بی^{۲۰} بسین بوس^{۲۱} داد
بدو گفت شاه: این کجا داشتی؟
همان چامه^{۲۴} و چنگ ما را بس است!
۱۰۹۵ بیار آنک^{۲۵} گفت^{۲۶} ز نخچیرگاه
و زان^{۳۰} پس بدو رفت^{۳۱}: گوهر فروش
چو بشنید دخت بیدار را بخواند

۱-ل.ل.آ: که من: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-(لی: من): ب این بیت را ندارد ۳-ل.س.س.آ (نیز ق.آ.لی.پ.ب): روشن روان: ق (نیز لن): نوشین روان: (ل.آ: شهریار جهنم): متن = ک.ل.آ: در ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴-ل.ل.ش: متن = س-ل.آ (نیز لن.پ.ل.ن.آ) ۵-س.آ (نیز لی.ل.آ.و.آ.ب): چو از خواب بیدار شد: (ق.آ: ازان پس همی) ۶-ق: به ۷-ب: <ز>: س.آ (نیز ق.آ): دلش پر ز ۸-(ق.آ: جست) ۹-س.آ (نیز ل.آ.و.آ): لشکرش ۱۰-(لی: ب: لشکر آگاهی آمد به) ۱۱-س.ک (نیز پ.ل.ن.آ): بفرمود تا باز گردد ز (ک: به) راه: س.آ (نیز لن.ل.آ.و.آ.ب): بفرمود تا باز گردد سپاه: متن = ل.ل.آ: ق.بیت های ۱۰۸۹-۱۰۹۵ را ندارد ۱۲-ل.ل. رفت پیش: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-س.ک.ل.آ.س.آ (نیز لن.ق.آ.ل.آ.ل.ن.آ): <هی>: متن = ل (نیز لی.پ.و.ب) ۱۴-س.ل.آ (نیز لن.ق.آ.پ.ل.ن.آ): آرزو آرزو: ک: بودش از آرزو: س.آ (نیز ل.آ.و.آ.ب): دلش بود پر آرزو ز آرزو (و.ب: ز آرزوی): (لی: همی ز آرزو بود پر آرزوی): متن = ل ۱۵-ل (نیز لن آرزوی ۱۶-(ق.آ: بشد آرزو پیش شه) ۱۷-ل.ل.آ (نیز و.ب: پرستنده: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ک: چنگ: (ب: شاخ) ۱۹-س.ک.ل.آ (نیز لن.ل.آ.پ.و.): دوتایی (حرف پنجم بر نظفه): (ل.ن.آ.آ: دوتایی): متن = س.آ ۲۰-(ق.آ: شدند و.لی: ب: بیامد همی بر): ل: دوتا گشت و نذر: متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-س.ک.ل.آ (نیز لن.لی.پ.ل.ن.آ): بوسه: متن = ل.س.آ (نیز ق.آ.ل.آ.و.آ.ب) ۲۲-ل.س.س.آ (نیز لن.و.ل.ن.آ): زو: متن = ک.ل.آ (نیز ق.آ.پ.ب) ۲۳-س.آ (نیز لی.ل.آ.و.ب): شاه: (ب: شاه و) دل کرد شاد: (آ: شاه دل کرد یاد): ق.آ پس از این ست افزوده است:

همان سر-باقر را پیش شاه فروریخت و برگشت رخشنده ماه

۲۴-س.آ: خانه ۲۵-س (نیز لن.ق.آ): نج: ک.س.آ (نیز ل.آ.پ.و.آ): آنچه: متن = ل.ل.آ (نیز لی.ب) ۲۶-س.آ: کردی ۲۷-(لی: رزم: ب: ررام): ل.ک: رزم و: متن = س.ل.س.آ (نیز لن.ق.آ.ل.آ.پ.و.آ) ۲۸-ل.ل.ک.ل.آ (نیز لی.ب): زخم: (ق.آ.پ: رزم): متن = س.آ (نیز و) ۲۹-س (نیز لن): و رزمگاه: (ل.آ: نیزه پادشاه: آ: نیزه: ب: ام و کاه): ق.ل.ن.آ این بیت را ندارند ۳۰-ل (نیز ق.آ): ازان: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۱-(آ.ب: بگفتا که): س.آ: پیرسید پس کار ۳۲-ق: چوما: ک: که مان: (آ: که تا) ۳۳-ک: کردید ۳۴-ق: رخ

به پیش شهنشه^۲ خورشیدفش
 بزرگا، سترگا، گوا، موبدا!^۴
 به هر جای بر ناج^۵ نام تو بادا!
 نباید گزیدن جر از^۷ خامشی!
 گمانم^۹ که دوانه^{۱۰} پنداریم!
 درخشان^{۱۱} کنی روزماه^{۱۲} مرا!
 شهنشاهم^{۱۵} از بردمان^{۱۶} نشمرد!
 خردمند چیزی نائیرد^{۱۸} به دست!
 نباید که بیند^{۲۱} ز من^{۲۲} رنگ و بوی!
 همی ز آرزوی^{۲۴} ایر سخن نشنوی!^{۲۵}
 بگوید همان^{۲۸} چاه^{۲۹} بی انجمن!^{۳۰}
 بی^{۳۱} روز نآمده^{۳۲} نشمریم!^{۳۲}
 بیاورد خون و بیاراست^{۳۶} کار^{۳۷}
 بیاوردشان مرد پاکیزه رای
 ز مهمان بیکر^{۴۰} پرچین بروی!^{۴۱}
 ستاره پدید آید از^{۴۴} گرد ماه

بیامد پدر^۱ دست کرده به کش
 بدو گفت: شاها، ردا^۳، بخردا!
 ۱۱۰۰ همه ساله گیتی به کام تو بادا!
 کسی کو خورد داروی بیهشی^۶
 ز نادانی آمد^۸ گنه کاریم
 سزد گر بیخشی گناه مرا!
 منم بر درت بنده^{۱۳} بی خرد^{۱۴}
 ۱۱۰۵ چنین داد پاسخ که از^{۱۷} مرد مست
 کسی را که می انده آرد^{۱۹} به روی^{۲۰}
 به مستی ندیدم ز تو بدخوی^{۲۳}
 تو پوزش بدان^{۲۶} کن که تا^{۲۷} چنگزن
 بگوید یکی تا بدان می خوریم
 ۱۱۱۰ زمین^{۳۳} بوسه^{۳۴} داد آن زمان^{۳۵} ماهیار
 بزرگان که بودند بر در سرای^{۳۸}
 سوی حجره ی خویش رفت آرزوی^{۳۹}
 همی^{۴۲} بود تا چرخ پوشد^{۴۳} سیاه

۱-ق: برش ۲-س ۳- (نیز لی، ل، آ، ب): جهاندار ۳- (ق: آ، ب): گوا ۴- ل، ل، آ: مهتر: آ (نیز ق: ل، آ، ب): ردا موبدا: ک: گوا زیرکا مهتر: ا
 (پ: گوا داد پرور ردا): متن = س، ق، س ۵- (نیز لن، لی، و، لن، آ، ب) ۵- ک: کام و: متن = س، ق، س ۶- (نیز لن، ب): ل، ل، آ: این بیت را ندارند
 ۶- ل: خرد دزد و باهشی: متن = چهارده دستنویس دیگر ۷- ک: به از: ل: گزیدنش جر: (و، ب: بیاید گزیدن در): متن = یازده
 دستنویس دیگر ۸- (ق: آ: اندر: آ: آید) ۹- (و: برانم) ۱۰- ق: کی مانم گنه کار ۱۱- ل: درفشاد: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- س،
 ق، س ۱۳- (نیز ق: آ، لی، ل، و، لن، آ، ب): تیره ماه: ک: (نیز لن، ب، پ): روی ماه: ل: روز و ماه: متن = ۱۳- (ب: بنده بردت) ۱۴- ق: کم خرد:
 (پ: پر خرد) ۱۵- (لن: آ: شهنشاه) ۱۶- ل: بخردان: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷- س ۱۸- ل، ل، آ: پاسخش داد کر ۱۸- ل، آ،
 س ۱۹- (نیز لی، ل، آ): نگیرد خردمند چیزی ۲۰- (لی: آید): ک: اندر آید ۲۰- (ل: آ: حی) < ۲۱- ل: بلد: متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۲۲- (ل، آ: من): در ق: آ: این بیت پس از بیت ۱۱۰۳ آمده است ۲۳- ل، س، ل، آ: (نیز لن، لی، ل، و، لن، ب): خوبی: متن = ل، ق، ک: (نیز ق: آ،
 پ، آ) ۲۴- ل، ل، آ: س ۲۵- (نیز لن، لی، پ، ب): < حی > ۲۵- ل، س، ل، آ: (نیز و، ب): بشنوی (حرف یکم سی نقله): ک: س ۲۶- (نیز لن، ل، پ، لن، آ، ب):
 بشنوی: (ق: آ: ز من زشت گفتن تو خود نشنوی): متن = ق (نیز لی، آ) ۲۶- ل: بران: متن = س، س ۲۷- (آ: با: ب: پوزش کن
 که در (وزن ندارد)) ۲۸- (ق: آ: همه) ۲۹- ل، س، ک: (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ): لانه: ل: لابه: متن = ق، س ۳۰- ل، س، ک: (نیز
 لن، ق، آ، ب، لن، آ): اندر سمن: ق: ل: اندر سخن: متن = س ۳۱- (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۳۱- ل: بدو: ل: آ: س ۳۲- (نیز لی، ل، و، آ، ب): غم: متن = ق
 (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۳۲- س: همی ز آرزو این سخن بشنویم: ک: این بیت را ندارد ۳۳- ل، آ: زمی ۳۴- ق: بوس ۳۵- س ۳۶- (نیز لی، ل، و، آ، ب):
 (ب: را ببوسید پس: متن = ل، س، ک، ل، آ: (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۳۶- ل، ک، س ۳۷- (ل: بیاراست: (ل: ب: بیاراست خون و
 بر آراست): متن = س، ق، ل، آ: (نیز لن، لی، لن، آ) ۳۷- (ق: آ:ومی و میگاز) ۳۸- ل: (نیز ق: آ): بیان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۹- س،
 ق، ک: (نیز ق: آ، ب): < حی > ۴۰- ل، ل، آ: (نیز لن، ل، و، آ، ب): بیگانه: متن = (پ، لن، آ) ۴۱- س، ق، ک: نیز آ: < حی >: (ق: آ: چین زد بروی: ل، آ، و،
 لن، آ، ب: چین در بروی): س: نباید که بیند زمی رنگ و بوی: متن = ل، ل، آ: (نیز لن، لی، پ) ۴۲- (لی: نشین) ۴۳- ق: ک: بر شد ۴۴- ق: آمد
 و: ک: آمده: س ۴۵- (نیز لی، ل، آ): آید و: متن = ل، س، ل، آ: (نیز لن، ق، آ، ب)

چونان خورده شد^۱، آرزو^۲ را بخواند
 ۱۱۱۵ بفرمود تا جنگ برداشت^۴ ماه
 چنین گفت کاز شهریار دلیر
 توی^۹ شاه پیریز^{۱۰} لشکرشکن
 به بالای تو بر زمین شاه نیست!
 سپاهی که پند سپاه ترا،
 ۱۱۲۰ بدر دل و مغزتان از^{۱۴} نهیب!
 هم آنکه چن^{۱۵} ا باده خرم شدند
 بیامد بر^{۱۸} پادشا روزبه
 عماری بیامد^{۲۰} خادم چهل
 رخ رومیان همچو دیبای روم
 ۱۱۲۵ بشد^{۲۵} آرزو^{۲۶} تا^{۲۷} مشکوی شاه
 بیامد شهنشاه^{۲۹} روزبه
 [همی راند گویان^{۳۱} مشکوی خویش

به کرسی زریبکرش برنشاند^۳
 بران^۵ چامه^۶ کز پیش فرمود^۷ شاه
 که بگذارد از نام تو بیشه^۸ شیر،
 همان^{۱۱} روی چون لاله اندر سمن^{۱۲}!
 به دیدار تو باسما^{۱۳} ماه نیست!
 به جنگ اندر آوردگاه ترا،
 بلندی ندانند باز از نشیب!
 ز خردک^{۱۶} به جام^{۱۷} دمام شدند،
 گزیدند جایی مر او را به ده^{۱۹}،
 همه ماه روی^{۲۱} و همه^{۲۲} دلگسل!
 ازیشان^{۲۳} همی تازه شد مرز و^{۲۴} بوم!
 ز گوهر به سر بر نهاده^{۲۸} کلاه
 گشاده دل و شاد از ایوان^{۳۰} مه
 به سوی^{۳۲} بتان سمن بوی^{۳۳} خویش]

۱- (پ: بود) ۲- ل: آرزوی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳- (لی: درنشاند) ۴- ق: بگرفت ۵- ل، ق، س^۲ (نیز لی، و، ب): بدان؛
 (ق: آ: ازان: آ: بدین)؛ متن = س، ک، ل^۲ (نیز لی، پ، ل، ن^۲) ۶- ل: جام؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- ک: چامه کش بفرمود؛ ل^۲ این بیت
 را ندارد ۸- (آ: نزه) ۹- س-س^۲ (نیز ل-ن-ن^۲، ب): تویی؛ (آ: تو (وزن ندارد))؛ متن = ل ۱۰- ل (نیز ل^۲): پیروز و؛ متن = سیزده
 دستنویس دیگر ۱۱- س، ق، س^۲ (نیز ن-ب: ترا: ک: مرا؛ متن = ل، ل^۲ ۱۲- ل، ق، ل^۲ (نیز ل^۲، و، ب): چمن؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز ل، ق، آ،
 لی، پ، ل، ن^۲) ۱۳- ل، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب): برفلک؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، ل^۲) ۱۴- (لی: در) ۱۵- ل-س^۲ (نیز لی-ب): چو؛ (ق: آ،
 که)؛ متن = (لن) ۱۶- ک: گفتن ۱۷- (و: آ: کرجک سام (واژه دوم بی نقطه)) ۱۸- (لی: چنین گفت با) ۱۹- (ق: آ: چنان چون بود از در شاه
 مه؛ لی: کزیدر بجایی مرو تا بده) ۲۰- ق، ک: (نیز لی، ل، آ): <و>؛ ل: بفرمود بهرام؛ متن = س، ل^۲ (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، ن^۲، ب) ۲۱- ل: چهره؛
 (ق: آ: بسی ماه روی)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲- (ق: آ: بسی) ۲۳- ق: زرخشان؛ س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): کزیشان ۲۴- ل (نیز لی):
 <و>؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵- س^۲ (نیز ل^۲، و): برفت ۲۶- ل: آرزوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷- (ل: ب: سوی)
 ۲۸- ل: نهاده بسر برز گوهر؛ (ق: آ: بس بر نهاده ز گوهر)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده
 است:

همی خورد با خویرویان خویش
 همی بود با غمگاران خویش
 بشادی همی خورز و ذوهم شاد باش (۱)
 ز دست زبان بد آزاد باش
 چو نیکی کنی تن نیکی بری
 بماند ز تو نام چون بگذری
 چنان چون بخوردست بهرام نوش
 بخور شاد و از غم برآور تو جوش
 کتون زین سس ساز نخجیرگاه
 بگویم که کردست بهرام شاه

۲۹- (ل: بر پادشا) ۳۰- ل: بایوان؛ س، ن^۲ (نیز لی): ز ایوان؛ (و: از ایران: آ: دل شاه از ایران و)؛ متن = ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن^۲، ب): ک، ل^۲
 این بیت را ندارند ۳۱- ل، ل^۲ (نیز ق، آ): <ن>؛ (و: پویان)؛ متن = ل، س^۲ (نیز لی، ل، آ، پ، ب) ۳۲- س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): پیش ۳۳- ل: آ:
 سخنگوی؛ س، ک، ل، ن^۲ این بیت را دارند.

گفتار اندر داستان بهرام‌گور با فرشیدورد

بخفت^۲ آن شب و^۳ بامداد پگاه
 همه^۴ راه و بیراه لشکر گذشت
 ۱۱۳۰ سراپرده و خیمه‌ها ساختند
 کسی را نیامد^۸ بر آن^۹ دشت خواب
 بیابان همه^{۱۱} آتش افروختند
 برفتند بسیار^{۱۴} مردم ز شهر
 همی بود^{۱۷} چندی خرید و فروخت
 ۱۱۳۵ خریدی همی^{۱۹} مرد بازارگان
 ز نخچیر دشت و ز مرغان^{۲۲} آب
 که بردی به خروار با^{۲۴} خان خویش
 چو ماهی برآمد شتاب^{۲۷} آمدش
 بیاورد لشکر ز^{۲۹} نخچیرگاه
 ۱۱۴۰ همی رفت لشکر بگردار گرد
 یکی شارستان^{۳۲} پیشش^{۳۳} آمد به^{۳۴} راه
 بفرمود تا لشکرش^{۳۶} با بنه

بیامد سوی دشت نخچیرگاه
 چنان شد که یک ماه ماند^۵ به دشت^۶!
 ز نخچیر دشتی برداختند^۷!
 می و گوشت^{۱۰} نخچیر و چنگ و ریاب!
 تر و^{۱۲} خشک هزم همی^{۱۳} سوختند
 کسی کش ز دینز^{۱۵} بایست^{۱۶} بهر
 بیابان ز^{۱۸} لشکر همی برفروخت!
 ده آهو و کوری بها^{۲۰} چارگان^{۲۱}
 همی یافت خراهنه چندان^{۲۳} کباب،
 بر^{۲۵} کودک خرد^{۲۶} و مهمان خویش!
 همی با بتان^{۲۸} رای خواب آمدش
 ز گرد سواران ندیدند راه!
 چنین^{۳۰} تا رخ یوز شد لائورد^{۳۱}
 پر از^{۳۵} برزن و کوی و بازارگاه
 گذارند و^{۳۷} ماند کسی^{۳۸} یک تنه

۱-س: داستان بهرام گور با فرشیدورد روستائی (۱۶ بیت سپس تر): ق: رفتن بهرام بشکار دشت کرمان: ک، س، آ: رفتن بهرام بشکارگاه
 و دشت کرمان: متن = [گفتار اندر+] ل، ل، ۲- (لی: بیود) ۳- ک: چو بهرام از ۴- ق: همی ۵- ل: نیز ق (۲): ماند او: س، آ (نیز لی، ل، ۳، و،
 آ): باشد: (ق: آ: چنان هم که یک ماه ماند او): متن = س، ل، آ (نیز لن، پ) ۶- ق: اندر گذشت: ک: دانه نگشت: (لن: آ: نامد ز دشت: ب:
 لشکر گذشت): در ل^۲ ت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۷- پ پس از این بیت افزوده‌است

همه دشت پر آهو و گور بود گرفتی شکار نک را زور بود

۸- (آ: نیاید) ۹- ق: ک (نیز لی، ب): بدان ۱۰- س، ک، س، آ (نیز ق، آ، لن، آ، ب): گوشت و ۱۱- لن، س: نمی: متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۱۲- س، ل، آ (نیز لن): برو: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۳- لن: بسی: متن = سیزده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۱۴- س، آ (نیز
 ل، و، آ، ب): فراوان برفتند: (لی: وزان پس برفتند): متن = ل- ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۱۵- لن: ستار ۱۶- ق: کوز دینار میخواست
 ۱۷- لن: بود و: (ب: رفت): متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸- س، س، آ: و ۱۹- ک، س، آ (نیز ق، آ، لن، آ): همه: س، ل، آ (نیز لن، پ، ب)
 ۲۰- س، آ: بهر ۲۱- (لن: بهارگان (وزن ندارد): ق: آ: بهار ایگان: لن، آ، ب: دینارگان): لن: آ: فروختی یی بدوکان و سکان: متن = س، ک، س، آ
 (نیز لی، پ، و، آ، ب): ل، ق این بیت را ندارند ۲۲- (ق: آ: مرغان بر) ۲۳- (ق: آ، ب: چندی: لن: آ: خراهندگان هر): ک: خواست خواهند
 چندی: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۴- ل، ک، س، آ (نیز لن، لی، و، ب): تا: (ق: آ: زی): متن = ل، آ (نیز لن، آ) ۲۵- ک: برد: ل، آ (نیز و):
 سوی ۲۶- (پ: خرد فرزند) ۲۷- ل، آ: شتاب ۲۸- س (نیز پ، لن، آ): زنان: (لن: تازنان) ۲۹- س (نیز لن، آ): به: لن آ بیت‌های ۱۱۳۹-۱۱۴۳ را
 ندارد ۳۰- س (نیز لن، پ، و): همی: متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- س، س، آ (نیز لن، ل، آ، ب): لا جور: متن = ل (نیز پ، و) ۳۲- ق، ل، آ (نیز
 لی، ل، آ، پ، ب): شارسان ۳۳- (ل، آ: پیش) ۳۴- ل، آ: بز: (لی: دو) ۳۵- ک: بران ۳۶- س، آ: لشکری ۳۷- س: گذارنده ۳۸- لن: خود او: ق: تنی:
 (ق: آ: به ره): س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): برفتند و ماند او چنان (لی: آنچه بد): متن = س، ک، ل، آ (نیز لن، پ)

پس^۲ اندرکشید و همی راند^۳ راست^۴
 بیامد خداوند و بردش نماز
 میان ده این جای^۹ ویران چراست^{۱۰}؟
 همین^{۱۱} بخت بد رهنمای منست!
 نه دانش، نه مردی^{۱۵}، نه پای^{۱۶} و نه پرا
 برین^{۱۷} خانه نفرین به از آفرین!
 جهاندار^{۲۰} را ست شد دست و پای!
 یکی طاق بر پای و^{۲۴} جایی^{۲۵} بلند
 فراز آور^{۲۶} ای مرد مهمان^{۲۷} پرست!
 به^{۲۹} خیره چرا خندی ای مرزبان^{۳۰}
 مگر مرد مهمان ستودی مرا
 نه پوشیدنی و نه گستردنی
 که ایدر همه کارها^{۳۵} بی نواست
 که تا برنشینم برو^{۳۷} اندکی^{۳۸}!
 همانا ترا شیر مرغ آرزوست!

پرسید تا خان منتر^۱ کجاست؟
 شکسته دری^۵ دد پهن و دراز
 ۱۱۴۵ پرسید کین خان^۶ ویران^۷ کراست^۸؟
 خداوند گفت: ین سرای منست
 نه کارستم^{۱۲} ایدر، نه پوشش^{۱۳}، نه خور^{۱۴}
 مرا دیدی، اکون سرایم بین!
 بر اسپ^{۱۸} اندرآم، بدید آن^{۱۹} سرای
 ۱۱۵۰ همه^{۲۱} خانه^{۲۲} سرکین بد از گوسپند^{۲۳}
 بدو گفت: چیزن ز بهر نشست
 چنین داد پاسخ که بر میزبان^{۲۸}
 گر افگندنی هیچ^{۳۱} بودی مرا
 نه افگندنی هست^{۳۲} و نه خوردنی
 ۱۱۵۵ به جای^{۳۳} دگر خاه جویی سزاست^{۳۴}
 ورا^{۳۶} گفت: بالکن گه کن یکی
 بدو^{۳۹} گفت: ایدر^{۴۰} نه جی^{۴۱} آهوست^{۴۲}

- ۱-ل-۲ (نیز، ل، ق، آ، پ): مهترده؛ م-ن = س (نیز، ل، آ، و، آ، ب) ۲-ل-ک، ل (نیز، ق، آ، پ): سر ۳-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز، ل، ق، آ، ل، پ، و، آ، ب): رفت؛ متن = ک ۴- (ل، آ، ب، خ، و، آ، س): در ل^۲ تهای این بیت پس و پیش شده اند؛ برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند ۵- (آ، ذی، ب، شکفی سیری (وزن ندارد))؛ ل^۲ این بیت را ندارد؛ در ل^۲ تهای این بیت پس و پیش شده اند ۶-س (نیز، ل، پ، ل، ن، آ): جای؛ س؛ آ: خانه؛ ق؛ آ: خوان؛ آ، ب: بدو گفت کین خان؛ متن = ل، ق، ک (نیز، ل، آ، و) ۷- (ل، آ، ب): ویران ۸-س؛ آ: کجاست ۹-س (نیز، ق، آ): خان ۱۰-س، س، آ: کراست ۱۱-ک (نیز، ق، آ): همی؛ ل؛ آ: همان؛ س؛ آ (نیز، ل، آ، و، آ، ب): چنین؛ (لی: چنان)؛ متن = ل، س، ق (نیز، ل، پ، ل، ن، آ) ۱۲-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز، ل، و، آ، ب): گاوستم؛ (ل، ن، آ: کاستم (حرف سوم بی نقطه))؛ متن = ک ۱۳- (ق؛ آ: کوشش) ۱۴-ل-ل-۲ (نیز، ق، آ، ل، پ، آ): خر؛ متن = س، س، آ (نیز، ل، آ، و، ل، آ، ب) ۱۵-س (نیز، ل، ل، ن، آ): مردی نه دانش؛ س؛ آ (نیز، ل، ل، آ، و، آ): نیرو نه مردی؛ (ب: مردن نه نیرو)؛ متن = ل-ل-۲ (نیز، ق، آ، پ) ۱۶-ل (نیز، پ، آ): <حی> ۱۷-ل، س، ق (نیز، ل، و، ب): بدین؛ (ل، آ: بران)؛ متن = ک، ل، آ، س (نیز، ل، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۱۸-ل (نیز، پ، آ): زاسب؛ س؛ آ (نیز، ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب): زاسب؛ متن = س-ل-۲ (نیز، ل، ل، ن، آ) ۱۹-ل-۲: اندرون شد میان ۲۰-س-ل-۲ (نیز، ل، ق، آ، پ، ل، ن، آ): جهانجوی؛ س؛ آ (نیز، ل، ل، آ، و، آ، ب): شهشاه؛ متن = ل ۲۱-س: همان ۲۲- (لی: کاخ) ۲۳-ل-ک، س؛ آ (نیز، ق، آ، ل، ب، ب): گوسفند؛ متن = ل (نیز، ل، ل، آ) ۲۴-ق، ل (نیز، ل، ق، آ، پ، آ): <و>؛ ل: پایا ۲۵-س؛ آ (نیز، ل، و، آ، ب): کاخی؛ (ل، آ: گاهی) ۲۶-ب: بیابرتو ۲۷- (ق؛ آ: یزدان)؛ ک این بیت را ندارد ۲۸-س؛ آ (نیز، ل، ل، آ، و، ب): بدو میزبان؛ (آ: بدو میزبان) ۲۹-س؛ آ (نیز، ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب): که ۳۰- (لی: مهربان) ۳۱-ل-۲: چیز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۲-ک (نیز، ل، آ): است ۳۳-س؛ آ (نیز، ل، ل، آ، ب): جایی ۳۴-ل، ک (نیز، آ): رواست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۵- (ل، ن، آ: کار او) ۳۶-ق، س؛ آ (نیز، ل، ل، آ، و، آ): بدو؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز، ل، ل، آ، و، ل، آ، ب) ۳۷-س؛ آ (نیز، ل، ل، آ، و، ل، آ، ب): بدو ۳۸- (لی: که برنشینم برو بر یکی (وزن ندارد)) ۳۹- (ل، ل، ن، آ: ورا) ۴۰-ک، ل (نیز، پ، آ): کایدر ۴۱-ق، و (نیز، ل، ق، آ، ل، پ، آ، ب): نخان؛ (و: نه جایی)؛ متن = ل، س، ک، ل (نیز، ل، ل، ن، آ) ۴۲-ل (نیز، و، ل، ن، آ): نکوست؛ ق (نیز، ل، ق، آ، ل، آ، ب، آ، ب): نهوست؛ ل؛ آ: آرزوست؛ (لی: نهوست)؛ متن = س، ک، س؛ آ خوانا نیست

پس آنگاه گفتش که^۱ شیر آر گرم^۲
 چُنین داد پاسخ که ایدون گمان
 ۱۱۶۰ اگر نان بُدی، در^۷ تنم جان بدی
 بدو گفت: اگر^{۱۰} نیست گوسپند^{۱۱}
 چُنین^{۱۲} داد پاسخ که شب تیره گشت^{۱۳}
 یکی خانه بگزین که باشد^{۱۴} پلاس،
 چه باشی بنزدیکی^{۱۷} شوربخت
 ۱۱۶۵ به زر تیغ داری به زر بر^{۱۹} رکیب^{۲۰}
 چو خانه برین^{۲۳} گونه ویران^{۲۴} بود
 بدو گفت: اگر^{۲۶} دزد شمشیر من
 کدیور^{۲۸} بدو گفت: ازین در^{۲۹} مرنج
 بدو گفت شاه: ^{۳۲} ای خردمند پیر
 ۱۱۷۰ چنان چون^{۳۵} کمانم^{۳۶} همی زاب^{۳۷} سرد
 کدیور^{۳۹} بدو گفت کین^{۴۰} آبگیر^{۴۱}
 بخور چند خواهی^{۴۳} و بردار نیز

۱-س، ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ): بدین (ق، ق، آ: بدان) میزبان گفت: ل (نیز ل، ن، آ): بدو میهمان (ل، ن، آ: میزبان) گفت: ل (ب، بدو گفت بهرام: ل، و، آ: بدو گفت خسرو که: ب، بدو گفت میهمان که): متن = ل ۲-ل (نیز ل، ن، آ): شیر از کرم ۳-س (نیز ل، ن، آ): گر ۴-ل، س، آ (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): بیابد ۵-ل (ن، آ، ب، گرم): س ۲ خوانان نیست ۶-ق (آ: همی: ل، چنین: ل، آ: گشتی از اول: آ: ازان): ک: خفتی برو: (ب: رفتی و خوردی برو): متن = س، ق، س، آ (نیز ل، ن، ل، و، ل، ن، آ، آ): ۷-ق: بر ۸-ل (آ: همانا که) ۹-ق: بر از ۱۰-ل، س، ق، س، آ (نیز ل، ن): گر: متن = ک، ل، آ (نیز ل، ب) ۱۱-ل، ک، س، آ (نیز ل، و، ب): گوسفند: متن = ل ۲ (نیز ل، ن، ل، آ، ب): ق ۲ این بیت را ندارد ۱۲-ک: بدو ۱۳-ل: شد: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۴-ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ق، آ): یابی: س، س ۲ (نیز ل، ن، ل، ل، ن، آ، ب): دارد: متن = آ ۱۵-ب (این): ۱۶-ل: خداوند خانه پذیرد ۱۷-ک: بنزدیک آن: س ۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): گردی بگرد یکی: متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن، ل، ن، آ، ب، ل، ن، آ): او ۱۹-س (نیز ل، آ): بزرین: ق-س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب): بزریر: متن = ل ۲۰-س، ک (نیز ل، ن، ر، ک، آ، ب): ۲۱-ل (ب: ابا): ۲۲-ک: از دزد یابی: س ۲ (نیز ل، ل، آ، ب): که از دزدت آید: (آ: که از دزدت آرد): متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ): ل، س ۲ پس از این بیت افزوده اند:
 ز یزدان بترس و ز من دور باش
 بهر کار چون من تو رنجور باش
 ۲۳-ق، س ۲ (نیز ل، ب، آ): بدین ۲۴-ل (آ: بیزان) ۲۵-ل (آ: دو): ل: گردان و ۲۶-س، س، س ۲ (نیز ل، ن، ل، آ): گر ۲۷-ق (ل، آ، ب، نبودی کنون): ک این بیت را ندارد ۲۸-ق: گداخو: (ق: آ: دگر بس) ۲۹-ل، س ۲ (نیز ل، ن، آ): زین در: (ل، ب: ایدر): متن = س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ، ب): ۳۰-س (نیز ل، ن، ب، ل، ن، آ): ما ۳۱-ق (آ: نگیرد): ک این بیت را ندارد ۳۲-ب: بدو شاه گفت ۳۳-ل: پیشم همی: (ل، ب: به پیش من ای): متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۴-ق (نیز ل، ل، آ، ل، ن، آ): خیره خیر ۳۵-ک: کن ۳۶-ک: که منم ۳۷-ل، ک (نیز ق، آ): هم از آب: ق: یکی آب: س ۲: نان نیست آب آر: (ل، ل، آ، و، آ، ب: کمان من است آب): متن = س (نیز ل، ن، ب، ل، ن، آ) ۳۰-ق: گرد آزاده: (ل، ب: پیر آزاده: ل، و، آ، ب: پیر آزاده): س (نیز ل، ن، آ): بر من ایازاد: س ۲: ما را نوای نیک: (ب: بیخشایی از من تو ای زرد مرد): متن = ل، ک (نیز ق، آ): ل این بیت را ندارد ۳۹-ق: گداخو ۴۰-ق: آن: (ق: آ: این) ۴۱-ب (ب: کان را بگیر) ۴۲-ل: به پیش است کتر ز: متن = سیزده دستنویس دیگر: ل این بیت را ندارد ۴۳-ق (آ: هر چه داری) ۴۴-ل: داری: متن = سیزده دستنویس دیگر ۴۵-ل (نیز و): حیز (حرف های یکم و دوم بی نقطه): ق، ک، س ۲ (نیز ل، آ، آ): چیز: (ل، ن: حیز: ق، آ، ب: حیز: ل، ب، حیز: ل، ن، آ: حیز (نقطه ندارد): متن = س

ز پیری فرومانده از^۱ کارکرد؟
 نداری^۳، مکن جنگ با لشکری^۴!
 نه بوم و نه پوشش^۵، نه خواب و نه^۶ خورد!
 چرا نان نجویی^۸ بدین نام^۹ خویش؟
 سرآید مگر^{۱۱} بر من این روزگار^{۱۲}!
 نیایش^{۱۳} کنم پیش یزدان^{۱۴} خویش!
 که هرگز مبادت^{۱۶} مهی و بهی^{۱۷}!
 که بگریخت ز آواز^{۱۹} او شهریار!
 دمامم بیامد پس او^{۲۱} سپاه
 به پیش اندرآمد یکی^{۲۳} خارستان^{۲۲}
 ز لشکر بشد نزد^{۲۵} او شهریار
 که را دانی ای دشمن^{۲۷} خارستان^{۲۸}؟
 یکی آزر مرد^{۲۹} بی خواب و خورد!
 همان اشتر و اسب هم^{۳۲} زین شمار!
 که مه مغز بادش به تن در^{۳۴}، مه پوست!

همانا ندیدی تو درویش مرد
 چنین داد پاسخ که گر^۲ مهتری
 ۱۱۷۵ چه نامی؟ بدو گفت: فرشیدورد،
 بدو گفت بهرام: بی^۵ کام خویش
 کدیور بدو گفت: کز کردگار^{۱۱}
 ببینم مگر بی تو ویران خویش
 چرا آمدی در سرای تهی^{۱۵}؟
 ۱۱۸۰ بگفت این و بگریست چندان به زار^{۱۸}
 بخندید از آن^{۲۰} پیر و آمد به راه
 چو بیرون شد ز نامور شارستان^{۲۲}
 تبر داشت^{۲۴} مری، همی کند خار
 بدو گفت: مهتر بدین شارستان^{۲۶}
 ۱۱۸۵ چنین داد پاسخ نه فرشیدورد
 مگر^{۳۰} گوسپندش^{۳۱} بود صد هزار
 زمین پر ز آکنده^{۳۳} دینار اوست

- ۱- (لی:وز): ل این بیت را ندارد ۲-س^۲ نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): بدو گفت خسرو که گر (ل:آ، اگر) ۳-س: نیایی: ق: سانی (بی نقطه): ک:
 سانی (حرف های دوم و چهارم بی نقطه): س^۲ (نیز لن، پ): بیایی: (ق:آ: سانی (حرف های یکم و چهارم بی نقطه): لی: بایی: ل:آ: پایایی: پ: بیا
 و: لن: آ: درین ده: و، آ: سانی (تنها حرف یکم نقطه دارد): متن = ل، ل، آ، ۴-ل: آ: دوزی ۵- (ق:آ: لن: آ: کوشش نه) ۶-ل: آ: یکی آزر
 مرد بی خواب و ۷-ل: نا (نقطه ندا د): (و: خسرو که بی: ب: بدو گفت که با (وزن ندارد)): متن = س-س^۲ (نیز لن، ق:آ: لی، پ، لن، آ، آ)
 ۸-ک: بجرمی (تنها حرف دوم نقطه دارد): (لی: نخوردی، و، ب: نخری: ق:آ: نام خری): متن = ل، ل، آ، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ) ۹-س (نیز
 آ): نیایش کنم پیش یزدان: ق، ل این بیت را ندارند ۱۰-ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ، ب): پروردگار: (و: بدر روزگار): متن = ل ۱۱-ک:
 سرآرد همی: ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، لن، آ، ب): سرآرد مگر (ل:آ: یکی): متن = ل ۱۲- (و: کردگار: ب: آن روزگار): س، ق، آ این بیت را
 ندارند ۱۳- (پ: ستایش) ۱۴-ل: آ: این توان خان: س، ق، آ این بیت را ندارند: در ل ت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۵-ل: آ: مهی:
 (لن: بهی) ۱۶-ل: آ: نیینی: ک، س^۲ نیز لی، ل، آ، ب): ندیدی: متن = س (نیز لن، پ، و، لن، آ) ۱۷-ل: (نیز پ، و، لن، آ): مهی و بهی: متن = س،
 ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب): ق، ف، آ این بیت را ندارند ۱۸-ل: آ (نیز ق:آ: ل): چندی بزار: (آ، ب: چندین بزار): ک: چندان بگریست
 زار (وزن ندارد): متن = ل، س، ق، س^۲ (نیز لن، لی، پ، و، لن، آ) ۱۹-ق، ک (نیز لن، آ، ب): از آواز: متن = ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز لن، و، آ) ۲۰-ل:
 زان: (و: زو: ب: چو برگشت از آن) متن = ق، س^۲ (نیز ق:آ: لی، پ، آ، ب) ۲۱- (لی: وی: آ: بی وی): س، لن، ل، آ، لن، آ این بیت را ندارند
 ۲۲-ق، ل، آ (نیز لی، ل، آ، ب): شارسان-حارسان: متن = ل، س، ک، س^۲ (نیز لن، ق:آ: و، لن، آ، آ) ۲۳- (آ: کردانی ای مهتر) ۲۴-س^۲ (نیز لی،
 ل، آ، و، ب): تیردار: متن = س-ل (نیز لن، ق:آ: پ) ۲۵- (ق:آ: پیش): ل، لن، آ، آ بیت های ۱۱۸۳-۱۱۸۴ را ندارند ۲۶-ق، ل، آ (نیز لی، ل، آ، ب،
 ب): شارسان ۲۷- (ب: مهتر) ۲۸-ق، ل، آ (نیز لی، ل، آ، ب): خارسان: (ق:آ: که دار تو دشمن ازین راستان): برخی از دستنویسها در این
 جا سرنویس دارند: س: داستان بهرم گور با مرد خارکن ۲۹- (ق:آ: آرزو مرد: ل: آ: آرزو مند): ل، ل، آ: بماند (ل: آ: بمانده) همه ساله:
 متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ-ب) ۳۰- (ب: که از) ۳۱-ل، ق، س^۲ (نیز ق:آ: لی، پ-ب): گوسفندش: متن = س، ک، ل، آ (نیز لن، ل، آ)
 ۳۲-ل: اسب و اشتر بود: س، ک، ل، آ (نیز لن، لن، آ، آ): اشتر و اسب هم: متن = ق، س^۲ (نیز لن، ق:آ: ل، آ، پ، و، ب) ۳۳-ک: را پراکنده: (ل: آ: پر ز
 آکنده: ق: آ: زمین پراکنده) ۳۴-ل (نیز لن، آ): بر: ک: بتش و: س^۲ (نیز ق:آ: لی، ل، آ، و، آ، ب): بگیتی مه: متن = س، ق، ل، آ (نیز لن، پ)

نه فرزند و^۲ خوش و نه بار^۳ و بنه^۴!
 یکی خانه پوند^۵، کند^۷ پرگهر!
 خود او ناد ارن خورد با^۱ پیر!
 ازویست^{۱۲} هم بر تن او^{۱۳} ستم!
 که ار^{۱۶} گوسپندش^{۱۷} ندانی^{۱۸} شمار،
 شمارش به گفتن کجا یارد^{۲۲} اوی^{۲۱}؟
 از آن^{۲۴} خواسته کس نداند شمار!
 بدو گفت کانون^{۲۱} شدی^{۲۸} ارجمند^{۲۹}!
 بیامد^{۳۱} یکی مرد دانا به راه،
 سواری^{۳۳} دبیر^{۲۴} و دلارام^{۳۵} بود،
 گزین کرده^{۳۸} شایسته مردان کار،
 برایشان^{۴۰} که دانست کردن شمار،
 همی خار چیدن^{۴۴}، کنون زر دروا!

شکم گرسنه، کالبد^۱ برهنه،
 اگر کشتمندش^۵ فروشد، به زر
 ۱۱۹۰ شبانش^۸ همی^۹ گوشت جوشد به شیر
 دو جامه ندیده است^{۱۱} هرگز بهم
 چنین گفت با خارزن^{۱۴} شهریار^{۱۵}
 بدانی^{۱۹} هم آن تا^{۲۰} کجا دارد اوی^{۲۱}؟
 چنین گفت کای^{۲۳} رزم دیده سوار
 ۱۱۹۵ بدین^{۲۵} خارزن^{۲۶} داد دینار چند
 بفرمود تا از^{۳۰} میان سپاه
 کجا نام آن مرد بهرام^{۳۲} بود
 فرستاد^{۳۶} با نامور صد^{۳۷} سوار
 دبیری نگه کرد^{۳۹} پرهیزگار
 ۱۲۰۰ بدین^{۴۱} خارزن^{۴۲} گفت: ازیدر^{۴۳} برو!

۱-ل: مانده تن؛ (ق: باشد و تن (وزن ندارد))؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-ل: <و>؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳-ک: (نیز ل: ۲)؛ یار ۴-ب: (ب: بخیل همی بر زمین یک تنه)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

یکی شربت آب از کنی خواستار نیایی از برد ناسازگار

۵-ل: (لی: گوسفندان) ۶-س: بومس: ک: کوشد؛ س^۲ (نیز ل: لی-ب): بومش؛ (ق: خانه نو: متن = ل، ق، ل، ۲، ۷-ب: شود) ۸-ل: میانش؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۹-ل: (ل: ۲، پ: همه) ۱۰-ل: ۲ یا ۱۱-ل: (ن: ۲: پوشید) ۱۲-ل: (لی: کزویست) ۱۳-س: ۲ (نیز لی، و، آ): وی ۱۴-ق، ل: ۲: خارکن: ک: خارکش؛ (ق: ۲: آ: خارزن: لی: احوال او): متن = ل، س، س، ۲ (نیز ل، ل، ۲، ل، ۱۵-ب: پیرسد بهرام از آن استوار) ۱۶-ل: گر: س-س ۲ (نیز ل-پ، ل، آ، ب): از: متن = (و) ۱۷-ل، ق، ک، س ۲ (نیز ق، ۲، لی، ب، ب): گوسفندش: متن = س، ل، ۲ (نیز ل، ل، ۲) ۱۸-ق: بدانی؛ (ل: ۲، و: بدانی (حرف یکم بی نقطه)) ۱۹-ل، ق، ک، س ۲ (نیز ل: ۲: بدانی (حرف یکم بی نقطه)): ل ۲ (نیز ق، ل، ۲، پ، و، ب): ندانی؛ متن = س (نیز ل: ۲) ۲۰-ل، ل: ۲: همانا: ق، س ۲ (نیز ق، ل، ۲، و، ب): همی تا: متن = س، ک (نیز ل، پ، ل، ۲) ۲۱-ل، ک، ل، ۲ (نیز ل، ۲، و، ب): او؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ل، ق، ۲، پ، ل، ۲) ۲۲-ل: (ل: ۲: که یارد): ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ل، پ): سو گفت کی یارد: ک: بیگ گفت کی دارد (واژه یکم بی نقطه)، س ۲ (نیز و): ترا گفت کی یارد: (ق: ۲: که گیرد بنزدیک (پساوند ندارد)): متن = ل، لی، آ، بیت های ۱۱۹۳-۱۱۹۴ را ندارند ۲۳-ب: (با) ۲۴-ل: (ل: ۲: ازین: ب: کزان) ۲۵-ل، ق، ل، ۲ (نیز لی، و، ب): بدان: متن = س، ک، س ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۲، پ، ل، ۲، آ): بیاید؛ متن = خارکن: ک: خارکش؛ (آ: جارزن) ۲۷-س (نیز ل، ق، ۲، و، ل، ۲): اکنون؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-س، ق، ک، س ۲ (نیز ل، ق، ۲، پ، و، آ، ب): شوی؛ (ل: ۲: شویی): متن = ل، ل، ۲ (نیز ق، ل، ۲) ۲۹-س: بی گزند ۳۰-ق: (در) ۳۱-ل، س (نیز ق، ۲، لی، ل، ۲، ل، ۲، آ): بیاید؛ متن = ق-س ۲ (نیز ل، پ، و، ب) ۳۲-س (نیز ل، پ، ل، ۲): بهروز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳-س (نیز ل، پ، ل، ۲): سوار؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۴-ل، س، ک، ل، ۲: دبیر؛ متن = س ۲ (نیز ل-ب) ۳۵-س (نیز ل، پ، ل، ۲): دلفروز؛ ق این بیت را ندارد ۳۶-ک: فرستاده ۳۷-ل، ل، ۲: سی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۸-س-س ۲ (نیز ل-ب): کرد؛ متن = ل: در: س ۲، لی-و، آ، ب: الت های این بیت پس و پیش شده اند ۳۹-ل، ل، ۲: گزین کرد؛ (آ: نگه دارو): متن = ق، ک، س ۲ (نیز ق، ۲، و، ب) ۴۰-ل، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لی-و: بدان سان): (ق: آ، ب: بران سان): متن = ق؛ س، ل، ۲ این بیت را ندارند ۴۱-ل، ق، ک، ل، ۲ (نیز ق، ل، ۲، ل، ۲، آ، ب): بدان: متن = س، س، ۲ (نیز ل، ل، ۲، پ، و، آ، ب) ۴۲-ق: خارکن: ک: خارکش؛ ل: آ: جارزن ۴۳-ل، ک (نیز ل: ۲): زایدرد؛ س ۲ (نیز لی، و، آ، ب): با او؛ (ق: اکنون): متن = س، ل، ۲ (نیز ل، پ، ل، ۲) ۴۴-ل: کندی؛ س، ق (نیز ل: ۲): چینی؛ ک، ل، ۲، س ۲ (نیز پ، و، آ): جستی؛ (لی: ب: جستی؛ ل: آ: جستی (حرف یکم: هم خ و هم ج نوشته است)): متن = (ق: ل، ۲)

ازان^۱ خواسته صد یکی^۲ مر تراست^۳
 دل افروز بُد زم ین^۶ خارزن^۷
 گرنامه‌ی اسپی بد داد و گفت:
 دل افروز بُد^{۱۱}، گیتی افروز شد^{۱۲}!
 ۱۲۰۵ بیورد لشکر به کوه و به دشت
 شتر بود بر دشت^{۱۶} ده^{۱۷} کاروان
 ز گاوانِ ورزا و گاوان^{۱۹} شیر،
 همه دشت و^{۲۱} کوه و بیابان کُنام
 بیابان سراسر همه کنده سُم
 ۱۲۱۰ ز پینو^{۲۴} و از ترف^{۲۵} سیصد هزار^{۲۶}

بدین مردمان^۴ راه^۵ بنمای راست^۳!
 گرازنده^۸ مردی به نیروی تن^۹!
 که با باد باید که^{۱۰} گردی تو جفت!
 چن آمد^{۱۳} بدان کار^{۱۴} پیروز شد^{۱۲}!
 همی گوسپند^{۱۵} از عدد برگذشت!
 به هر کاروان بر یکی^{۱۸} ساروان،
 ز پشم شتر، چرخ‌های^{۲۰} پنی،
 کس او را به گیتی ندانست نام،
 همان^{۲۲} روغن گاو در سُم به خُم^{۲۳}،
 شتروار^{۲۷} بود اندر آن کوهسار^{۲۸}!

گفتار اندر نامه فرستادن بهرام هور بنزد بهرام گور^{۲۹}

یکی نامه بنیشت^{۳۰} بهرام هور
 نخست آفرین کرد بر کردگار
 بنزد شهنشاه بهرام گور
 که اویست پیروز و^{۳۱} پروردگار^{۳۲}

۱- (ن: ازو) ۲- ل. ۲ (نیز ل. ۳. ب): د: یکی: ق: شد یکی: متن = س، ک، س^۲ (نیز ل. ق، آ، لی، پ، ل. ۲. آ) ۳- ق: مر ترا را ۴- س^۲ (نیز لی، ل. ۳. و، آ. ب): مرزبان: متن = ل. ۲ (نیز ل. ق، آ، پ، ل. ۲) ۵- س: رای ۶- ل. ق- س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، آ): آن: (ب: او): متن = س (نیز ل. ل. ۲. ب. ل. ۲) ۷- ق (نیز لی): خارکن ۸- ک: یز ق (آ): گذارنده: ل (نیز ل. ن. ۲): گزارنده: (لی: بر آورنده): متن = س، ق، س^۲ (نیز ل. آ، پ، و، آ. ب) ۹- س (نیز ل. ن. ۲): قوی بدین ق: بیرو و تن: متن = ل. ک، ل. ۲. س^۲ (نیز ق، آ، و، آ. ب) ۱۰- ل: باید که با باد ۱۱- س^۲ (نیز لی، ل. ۲. و، آ. ب): هم ۱۲- ل. ۲. س^۲ (نیز ق، آ، لی، ن. ۲. و، آ. ب): گشت: متن = ل. ک (نیز ل. ن. ب، ل. ۲) ۱۳- ل. ۲. س^۲ (نیز ق، آ. ب): چو آمد: متن = (ل. ن) ۱۴- ل. س (نیز ل. ن. ۲): بدرگاه: (ب: یامد بدان کار): متن = ده دستویس دیگر ۱۵- ل. ق- س^۲ (نیز ق، آ، لی، پ. ب): گوسپند: متن = س (نیز ل. ل. ۲) ۱۶- ل. س، ل. ۲. س^۲ (نیز ل. ل. ۲. و. ب): بر کوه: ق: در کوه: متن = ک (نیز پ) ۱۷- ق- س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل. ۲. و، آ. ب): صد ۱۸- ل. ۲: کاروانی مکن ۱۹- ل. (نیز لی): وز (ل. و): روز کاران: س، ق، ل. ۲. س^۲ (نیز ل. ن. ق، ل. ۲. ب، ل. ۲. آ. ب): ورز و ز گاوان: (و: کار و ز گاوان): ک: بگاوان ورزان و گاوان: متن تصحیح نیاسی است ۲۰- ل. س: پشم و ز روغن ز کشک و: س، ق، ک (نیز ل. ن. ق، آ، پ، ل. ۲): پشم و شتروارهای پنی: (لی: چرخ شتر چ خه ن): متن = ل. ۲ (نیز ل. ۲. و، آ. ب) ۲۱- ل. (نیز آ): < >: متن = سیزده دستویس دیگر ۲۲- ل. (لی، ل. ۲: همه) ۲۳- ل. ل. ۲. آ: بسیار خم: (لی: کرده خم: پ: بودش بخم: و: در خم بسم): متن = ق، ک، س^۲ (نیز ق، آ، ل. ۲. آ، ب): س، ل. ن. ۲ این بیت را ندارند: در ق، ک، پ، ل. ت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۲۴- ل. س، ل. ۲. س^۲ (نیز ل. ن. ق، آ، ل. ۲. آ، ب): ز شیراز: (آ: ز شیر): متن = ک ۲۵- ل: و ز برف (واژه پسین نقده نند): س: برف (حرف یکم بی نقطه): ل. ۲ (نیز آ): و ز برف: س^۲ (نیز ل. ن): و ز ترف: متن = ک (نیز ق، آ، ل. ۲. ب، و، ب) ۲۶- (ل. ن. ۲: شهر و صد هزار) ۲۷- س^۲ (نیز ل. آ، ب): شتر بار ۲۸- ل. ک: بد بربل جویبار: س، ل. ۲ (نیز ل. ن. ق، آ، ب): بد بار بر جویبار: (ل. ۲: بد روغو و جز و نار): متن = س^۲ (نیز ل. ۲. و، آ. ب): ق، لی این بیت را ندارند ۲۹- ل: نامه نوشتن بهرام پیش بهرام گور: ق: نامه بهرام هور به شاه بهرام نور و پاسخ او: ل. ۲: نامه نوشتن بهرام هور بنزد بهرام گور: متن = [گفتار اندر +] س، ک، س^۲ در این جا سرنویس ندارند ۳۰- ل: یوست: س- ل. ۲ (نیز ل. ل. ۲. و. ب): بنوشت: متن = س^۲ (نیز پ) ۳۱- ق (نیز پ، ب): < >: (لی: معبود): متن = یازده دستویس دیگر ۳۲- ل. ۲ (نیز ق، آ): به روزگار

دگر آفرین بر شهنشاه^۱ کرد^۲
 چنین گفت کای شهریار جهان
 ۱۲۱۵ کز^۶ اندازه دادت همی بگذرد^۷
 همه کار گیتی بدان اندازه^{۱۰} به!
 یکی گم شده نام فرشیدورد
 ندانست کس نام او در جهان
 نه خسروشناس^{۱۵} و نه یزدان^{۱۶} شناس
 ۱۲۲۰ چنین خواسته گستریده^{۱۸} جهان
 به بیداد مانده می داد شاه
 همی نسخت^{۲۳} گنج این خواسته^{۲۴}
 دبیران بیگانه^{۲۷} را خواندیم^{۲۸}
 شمارش^{۳۱} پدیدار نامد هنوز^{۳۲}
 که^۳ از رنجها دست کوتاه^۴ کرد!
 ز تو شاد یکم^۵ کهان و مهان،
 ازین^۸ خامشی گنج^۹ کیفر برد،
 دل شاه^{۱۱} از اندازه^{۱۲} تازه به!
 نه در بزمگاه^{۱۳} و نه اندر نبرد،
 میان کهان و میان مهان^{۱۴}،
 ندانست کردن^{۱۶} چیزی سپاس^{۱۷}،
 تهی دست، بر^{۱۹} غم نشسته نهان^{۲۰}،
 منه تند^{۲۱} گفتار من بر^{۲۲} گناه!
 سیوم^{۲۵} سال^{۲۶} ! گردد^{۲۶} آراسته!
 برین^{۲۹} کوه^{۳۰} باد^{۳۰} بنشانندیم^{۲۸}،
 نیسنده^{۳۳} را پشت برگشت^{۳۴} کوز^{۳۵}!

۱-ل: جهاندار: ل: جهان خونه (۹): متن = س، ق، ک، ی (نیز لن-ب) ۲-س: آ: کرد بر شهریار (پسوند ندارد) ۳- (پ: کش) ۴-ل: کیش و بدی نگونسار (وزن ندارد): متن = چهارده دستنویس دیگر: ق: آ پس از این بیت افزوده است:

خداوند فر و خداوند برز خداوند شمشیر و گوپال و گرز

۵-س: آ: ماند: (لی، ل، آ، و، آ، ب: شادمانه): متن = ل-ل-آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۶-ک، س: آ نیز آ: گر: (ق: آ: بر: پ: از) ۷-س: آ: بگذرد (بی نقطه) ۸-س (نیز لن، لن، آ): وزین: ل: آ: ازان: س: آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب): بدین: متن = ل، ق، ک (نیز پ) ۹-ک: هیچ: ق: آ پس از این بیت افزوده است:

بدان شهریارا و آگاه باش فروزنده لشکر گاه باش

۱۰-ل، س، س: آ (نیز لن، پ، ب): باندازه: ق، ک، ل: آ (نیز ق، آ، ل، آ): بر اندازه: متن تصحیح قیاسی است ۱۱-ک (نیز لن): شاد ۱۲-ل: ز اندیشه: س، س: آ (نیز لن، پ، و): اندر زها: ق: اندازه بر: ل: آ (نیز پ): اندر ز ما: (آ: اندازه): متن = ک (نیز ق، آ، ل، آ، لن، آ): لی این بیت را ندارد ۱۳-ک: رزمگاه ۱۴-ق: بنزد مهان: (ل: آ: مهان و میان کهان) ۱۵-ل: پرست: (لن: آ: یزدان پرست: آ: اخترشناس: لن: ز خسروشناس): متن = ده دستنویس دیگر ۱۶- (لن: ز یزدان: لن: آ: نه خسرو) ۱۷- (ل: آ: قیاس): ل: آ بیت های ۱۱۹-۱۲۲۰ را ندارد: س، لن، لن: آ بیت های ۱۲۱۹-۱۲۲۰ را سه بیت سپس تر آورده اند ۱۸-ل، س، ق، س: آ (نیز لن-ب): گتر در: متن = ک ۱۹-ل، س، ق: (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و): دست و بر: ک: دست و از: (لن: آ: دست و پر: ب: دست پر): متن = س: آ (نیز لن، لی، آ) ۲۰-س، ق، س: آ (نیز ل، آ، پ، و): مهان: (لی: نشیند همان: آ: نشست مهان): متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، لن، آ، ب) ۲۱-ل، ک (نیز لن، ق، آ): بند: س: بند و: (لن: آ: > < بند و): ل: آ: به بند: (لی: همه تند): متن = ق، س: آ (نیز لی، ل، آ، و، ب) ۲۲-ق (نیز و): بر من: متن = دوازده دستنویس دیگر: ب این بیت را ندارد ۲۳-س: آ: نسخت: (و: نسخه): متن = (لی، ل، آ، آ، ب) ۲۴- (ل: آ: آراسته): ل، س، ک، ل: آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): بی افکن یکی شنج ازین (ل، ق: آ: زین) خواسته: ق: پی افکن از این گنج یک خواسته ۲۵-س، ق، س: آ: سوم: ک (نیز لن، لن، آ): سیم: (پ: ششم): متن = ل، ل: آ (نیز لی، ل، آ، و، ب) ۲۶- (لی: آن گردد: ل: آ: گردد بر: و، ب: برگردد: آ: گردد از: ق: آ: خزینه ازین گردد) ۲۷- و: بی کار: ۲۸-ل: خواندم-بنشاندم: (لن: خوانده ایم-بنشانده ایم): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹-س، ق: (نیز لن، لی، لن، آ، ب): بدین ۳۰- (پ: البرز: آ: گونه آباد): ق: آ این بیت را ندارد ۳۱-س: آ: شمار: (و: شماری) ۳۲-ک: ناید هنوز: (ق: آ: بدیده نیامد ستور) ۳۳-ل، س، ق، س: آ (نیز لن-ل، آ، و، ب): نویسنده: متن = ک (نیز پ) ۳۴- (لن، پ: گشت) ۳۵-ل (نیز ق، آ، ل، آ، لن، آ): کوز: متن = یازده دستنویس دیگر

۱۲۲۵ چنین گفت گوینده کاندرا^۱ زمین
 برین^۴ کوهسارم دو^۵ دیده به راه
 [ز من^۸ باد بر شاه ایران درود!
 هیونی برافگند پویان به راه
 چو آن نامه برخواند بهرام گور
 ۱۲۳۰ دژم گشت و دیده پر از آب کرد
 بفرمود تا پیش از شد دبیر
 نخست آفرین کرد بر کردگار
 خداوند دانایی^{۱۶} و فرهی
 نبشت^{۱۸} آنک^{۱۹} گر دادگر بودمی
 ۱۲۳۵ نیاورد گرد این^{۲۳} ز دزدی و^{۲۴} خون
 همین^{۲۶} بُد که این مرد بُد^{۲۷} ناسپاس
 یکی پاسبان بُد برین^{۲۸} خواسته
 بر آن^{۳۱} دشت چه گور و چه^{۳۲} گوسپند^{۳۳}

وُرا زر^۲ و گوهر فزونست ازین^۳!
 بدان تا چه فرمان دهد^۶ پیشگاه^۷!
 همان^۹ زنده تا نام تارست و بود^{۱۰}!
 بدان^{۱۱} تا برد نامه نزدیک شاه^{۱۲}
 به دلش اندرافتاد ازان نامه^{۱۳} شور
 بروهای جنگی پر از تاب کرد
 قلم خواست رومی و چینی^{۱۴} حریر
 خداوند^{۱۵} پیروز پروردگار^{۱۵}،
 خداوند^{۱۷} دیهیم^{۱۷} شاهنشهی،
 همین^{۲۰} مرد را نیز^{۲۱} نپسودمی^{۲۲}!
 بُد هم کسی را به بد^{۲۵} رهنمون!
 ز یزدان نبودش به دل در هراس!
 دل و جان از^{۲۹} افزون شده^{۳۰} کاسته
 چو باشد به^{۳۴} بیکار و^{۳۵} ناسودمند!

۱-س: اندر ۲- (لی: دز) ۳- ل (نیز ل، ل): زمین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴- س (نیز ل، ل، ل): بران: ق (نیز ل، ل): بدین: ک: درین ۵- (ل: حو (بی نقطه)) ۶- ق، ک، س ۷- (نیز ل، ل، پ، و، آ، ب): فرمایدم؛ متن = ل، س (نیز ل، ل، ق، آ، ل، ل) ۷- ل (نیز ل): رسد نامه نزدیک شاه؛ ق ۸- این بیت را ندارد ۸- س ۹- (نیز ل، ل، و، آ، ب): ما ۹- س ۱۰- (نیز و، آ، ب): بتن: (پ: بمان) ۱۰- (ب: نامدارست و بود): ق، ل، ل، ل ۱۱- بیت‌های ۱۲۲۷-۱۲۲۸ را ندارد ۱- س ۱۲- (نیز ق، آ): بران ۱۲- س: چه فرمان دهد پیشگاه ۱۳- ل: زان نامه: ل: ازان کار: (لی: زان کار)؛ ق: ازان نامه افتاد در دلش؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ برخی از دستنویس‌ها در این جا سرنویس دارند: س: پاسخ نامه بهرام هور از نزد بهرام گور ۱۴- ق: هندی و چینی: ل: چینی و رومی ۱۵- ل، س: «و» ق «و» ک (نیز ل، ل، پ): و به روزگار: ل: روزی ده کامکار؛ ق: آ: دانا و به روزگار: ب: نیکی و پروردگر: لی: کزویست پیروزی روزگار): متن = س ۱۶- (نیز ل، ل، و، ل، آ): ل: آ: پس از این بیت افزوده است:

خداوند دانایی و راستی ز ما دور باذا کم و کاستی

۱۶- (و: پیروزی) ۱۷- ل (نیز ق، آ، ل، آ): دیهیم و ۱۸- س (نیز ل، ل، ل): بگفت: ق، ل: نوشت؛ متن = ل، ک (نیز پ) ۱۹- ل، ل، ل: آن که: ق، ک (نیز پ، ل، ل): این که: س ۲۰- (نیز ق، آ، ب): بیشنی که: (لی: ل، و: نوشتی که: آ: بمستی که): متن = س (نیز ل، ل): ۲۰- ق: همان: ل: (نیز و): مرین: س ۲۱- (نیز ل، ل، آ، ب): من این: (پ: چنین): متن = ل، س، ک (نیز ل، ل، ق، آ، ل، ل) ۲۱- ل، ل، ل: رنج: س ۲۲- (نیز ل، ل، آ): زود: (ب: زور: ق، آ، پ، و: مرزانی: متن = س، ق، ک (نیز ل، ل، ل، آ) ۲۲- ل، ل، ل: ننمودمی (ل، آ، ب: بسودمی): متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- ق: او: ک: کس دین ۲۴- (و: بلزدی و: ل: نه: یزد کرد این نه دزدی نه) ۲۵- ل: ز گیتی بید: (ق: نباشم کسی را بید): س ۲۶- (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): نه کس را بید بود خود: متن = س- ل ۲۷- (نیز ل، ل، پ، ل، ل، آ) ۲۶- س- س ۲۸- (نیز ل، ل، آ، و، ب): همان: متن = ل (نیز پ) ۲۷- (ب: شد): س ۲۸- (نیز ل، ل، و، آ): بود کین مرد شد (ی: بد) ۲۸- ق، ک، س ۲۹- (نیز ق، آ، ب، آ، ب): بدین ۲۹- ل، س ۳۰- (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): ز: (ق: آ: بر): ک: جانش: ق: جانش ز: متن = س، ل (نیز ل، ل، ب، ل، ل، آ) ۳۰- ل، س (نیز ل، ل، آ، پ، ل، ل، آ): شدن: (ق: آ: روان: لی: بود: آ: شود: ب: بدن): متن = ق، ک، ل، آ، س ۳۱- (نیز و) ۳۱- ل (نیز آ): بدن: ق: ک (نیز ل، ل، آ، ب): بدان: (پ: ابر): متن = س، ل، آ، س ۳۲- (نیز ل، ل، آ، و، ل، ل، آ، س، ل، آ، س ۳۲- (نیز ل، ل، آ، پ، و، ل، ل، آ): گرگ و چه: ق: ک: هم گرگ و هم: متن = (لی، ل، آ، ب) ۳۳- ل- ک (نیز ل، ل، ب): گوسفند: متن = ل، آ، س ۳۴- ق، ل، آ، س ۳۴- (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و، ب) باشند: متن = ل، س، ک (نیز ل، ل، ل، آ، آ): ک: «و»

کزو^۲ خورد و پوشش^۳ نیاید به چنگ!
 نبندیم دل در^۴ سرای سپنج!
 همان ایرج و سلم و تور از^۵ مهان!
 جزین نامداران که داریم^۶ یاد!
 نبد دادگر، ناجوانمرد^۷ بود^۸!
 بدین^۹ با خداونا^{۱۰} پیکار نیست!
 ببخش^{۱۱} و مهر سون یک موی دست!
 گر از^{۱۲} بد همی دیر یابد جواز،
 به چشم گرانمایگن^{۱۳} خوار گشت،
 کنون ماند^{۱۴} با دره و با باد^{۱۵} سرد،
 به بازارگانی کش یار نیست،
 پدر مرده و عانده^{۱۶} بی زر و سیم،
 که کاری ندانند^{۱۷} و بی کوشش اند،
 برافروز^{۱۸} جان^{۱۹} روان کاسته!
 ز گنج نهاده نوی^{۲۰} بی نیاز^{۲۱}!

به زیر زمین در^۱ چه گوهر چه سنگ
 ۱۲۴۰ نسازیم از آن^۲ رنج بنیاد^۳ گنج
 فریدون نه پیداست اندر جهان
 همان جم و کاووس تا^۴ کیقباد
 پدرم، آنک ازو دل^۵ پر از درد بود^۶
 کسی زین^۷ بزرگان پدیدار نیست
 ۱۲۴۵ تو آن^۸ خواسته گرد کن هرچ^۹ هست
 کسی را که پوشیده دارد نیاز
 همان نیز پیری^{۱۰} که بی کار گشت
 دگر هرک را چیز^{۱۱} بود و بخورد
 کسی را که فامست و^{۱۲} دینار^{۱۳} نیست
 ۱۲۵۰ دگر کودکانی که بینی یتیم
 زنانی که بی شوی و بی پوشش اند
 بریشان^{۱۴} ببخش این^{۱۵} همه خواسته
 تو با آنک رفتی سوی گنج باز^{۱۶}

۱-ل: ۲-ب: (ب: چو زو) ۳-ق: ک: < > و بخشش ۴- (لی: پ: ازین) ۵-ک: بنیاد و ۶-ا: ۲: نندم دل اندر) ۷-ک: توژ از: س: ق: س ۲ (نیز لن، و: لن، ۲: ب:): تور و سلم از: (ل: ۲: تور و سلم از میان): متن = ل: ۲: (نیز ق: ۲: لی: ب: آ) ۸-ل: ۲: با: س: ق: ک: (نیز لن، لن: ۲): شاه پیروز تا: س ۲ (نیز ل: ۲: پ: و: آ: ب:): هم از شاه شاپور تا: (ق: ۲: همان شاه کاوس تا: لی: همان شاه شاپور تا): متن = ل: ۹-ل: ۲: (نیز لی): دارم به: (ب: بزرگان پیشین که داریم) ۱۰-ل: ۱- (نیز ل: ۲: پ: و: آ): آنک (آ: آنکه) زودل: ک: (نیز لن، لی: لن: ۲): نک او دل: ل: ۲: آنک دل زو: (ق: ۲: آن کزو دل): متن = س: س: س ۲ (نیز ب) ۱۱-ق: آن سرافراز کی یزدگرد: (ل: ۲: آنک زودل پر از: ب: د) ۱۲-ل: ۲: (ل: ۲: مردم آزار: ب: داد اگر ناجوانمرد) ۱۳-ق: خواسته گرد کرد ۱۴-ق: (نیز ق: ۲): زان: (لی: گزین) ۱۵-ل: ۱-ل: ۱۵: بدن: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۶-ق: ۲: جهاندار) ۱۷- (لی: از) ۱۸-س: س: س ۲ (نیز ق: ۲: ب:): هر چه: متن = ل: (نیز لن) ۱۹-س: س: س ۲ (نیز لن، ل: ۲: آ): ببخش: (ق: ۲: بترس): متن = ل: (نیز لی، پ: و: لن، ۲: ب:): ق: ۲: پس از این بیت افزوده است:

ببخش و مگیرش ازان اندکی میاور تو در دین یزدان شکی

۲۰-ل: س ۲ (نیز لن، ق: لن، ۲): که از: (ل: ۲: و: راز): متن = (پ: و: آ: ب:): لی: بیت های ۱۲۴۶-۱۲۴۷ را ندارد ۲۱-ل: ۱-ل: ۲: تیز بری (۹): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-س ۲ (نیز ل: ۲: و: آ: ب:): و دل مردمان ۲۳-ل: چیزیش: متن = س: ن: ل: ۲: س ۲ (نیز لن، ل: ۲: ب: ۲۴-س ۲ (نیز ل: ۲: و: آ: ب:): بماندست ۲۵-ل: ۲: باد و باروی: پ: بیچش و باد): ق: ۲: لی: این بیت را ندارد ۲۶-ل: ۲: (نیز لن، لن: ۲): نامست: (لی: و: ب: و: امت): متن = س ۲ (نیز آ) ۲۷- (و: تیمار): ق: ۲: این بیت را ندارد: در ل: ۲: های بین بیت پس و پیش شده اند ۲۸-س: ق: ک: (نیز لن، پ: لن، ۲): نیشنان: ل: ۲: (نیز لی): او مانده: متن = ل: س ۲ (نیز ق: ۲: ل: ۲: و: آ: ب) ۲۹-ک: مدارند ۳۰- (لی: و: ب: بدیشان) ۳۱-ق: س ۲ (نیز ق: ۲: لی: ل: ۲: و: آ: ب): آن ۳۲-ل: ۲: برافراز: س ۲ (نیز لی، ل: ۲: و: آ: ب): بیفزای: (ق: ۲: برافزای): متن = س: ق: ک: (نیز لن، پ: لن، ۲) ۳۳-ل: (نیز ق: ۲: و: آ: ب): جان و: س ۲ (نیز ل: ۲: آ: ب): جان از: (لی: جان اندرون): متن = س: ل: ۲: (نیز لن، پ: لن، ۲) ۳۴-ل: ۲: یاد: س ۲ (نیز لی، ل: ۲: و: آ: ب): شهر باز: متن = س: ل: ۲: (نیز لن، ق: ۲: پ: لن، ۲) ۳۵-س: (نیز لن، پ: لن، ۲): شدی: س: ۲: توی: متن = ق: ک: ل: ۲: (نیز ق: ۲: لی، ل: ۲: و: آ: ب) ۳۶-ل: همه داد و پرهیزکاریت باد

نهان کرده دینار فرشیدورد
 ۱۲۵۵ مر او را چه دینار و کوهر، چه خاک
 سپهر گراینده^۵ یز تو بادا!
 نهادند بر زمه بر مهر شاه
 بدان پیر مان^۱ تا نماند^۲ به دردا!
 که بایش^۳ کردن همی در^۴ مغاک!
 همان^۶ داد و پرهیز کار تو بادا!
 فرستاده برگشت و آمد^۷ به راه

نفتار اندر رفتن بهرام گور به شکار بیابان جز^۸

بفرمود تا تخت شاهنشهی
 به فرمان ببرند پیروزه تخت
 ۱۲۶۰ می و جام بردند و رامشگران
 چنین گفت با رایزین^{۱۰} شهریار
 به دخمه درون پسر^{۱۱} که تنها شویم^{۱۲}،
 همه^{۱۵} بستر مرگ^{۱۶} دیوانها!
 ز شاه و ز درویش هر کو بمرد
 ۱۲۶۵ به گیتی ستایش بماندت بس^{۲۰}
 به باغ بهار اندر آرد زهی
 نهادند زیر گلفشان درخت
 به پالیز رفتند با^۹ مهتران
 که خرم به مردم بود روزگارا!
 اگر^{۱۳} چند بر برز^{۱۴} بالا شویم^{۱۲}،
 به پای^{۱۷} آورد کاخ و ایوانها^{۱۸}!
 ابا خویشان نام نیکی^{۱۹} ببرد!
 که تاج و کمر خود نماند به کس^{۲۱}!

۱- (ل: ۳: ده): ل: بدو مان همی: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- س، ق، ک، س (نیز: ل، ل، پ، ل، ن، آ): نباشد: متن = ل، ل، آ (نیز: ق، آ، و، ب) ۳- ل: چو بایست: ق، ل، آ، س (یز، و، ا، ب): چو بایش: ک (نیز: ل): چه بایش: متن = س (نیز: ل، ق، آ، ن، آ) ۴- (ل: چو باید همه گوهر اند: پ: چو باید همی کرده: ش: در) ۵- س، ق، ک (نیز: ل، ن، آ): گذارنده: (پ: گرازنده): متن = ل، ل، آ، س (نیز: ق، ل، ل، و، آ، ب) ۶- ل (نیز: ب): همه: متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- ک: فرستاده داد و آید: برخی از دستنویسها در این جا سرنویس دارند: ق: سخن گفتن بهرام گور با بزرگان اران ۸- همه دستنویسها این سرنویس را ۲۰ تا ۳۷ بیت سپس تر آورده اند: ل: رفتن بهرام گور بنخجیر: س: رفتن بهرام گور بشکار شیر بیابان جز: ک: رفتن بهرام بشکارگاه شیر و گور: س: رفتن بهرام گور بشکار شیر با جز: متن = ق: ل: این سرنویس را ندارد: بنداری در اینجا: حکایه آخری له فی وصف خروجه الی متصیده فی صحراء جز ۹- ق: آن: بنداری: قال صاحب الكتاب: و أمر بهرام دت يوم بأن یخرج تخته الی بستانه. فأخرجوا تخته انقیروزجی، و نصیوه له تحت أشجار الورد، و أحضروا له الشراب و المغنی، و حضر الندماء و الخواص: ل: پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت با رایزن مهتران که خورم بوید از کران تا کران

۱۰- (ل: ۳: نامور) ۱۱- ل، ک، س (نیز: ل، ن، آ، ب): بس: متن = ل (نیز: آ) ۱۲- (ب: رویم-رویم) ۱۳- ق: وگر ۱۴- س (نیز: ل، ل، و، آ، ب): تند: ک: برزو: ل: در زیر و: ق: با برزو: (ق: آ: با برزو: ل: ن: آ: برترز): متن = س، ل (نیز: ل، ن، ب): در: س، ل، ن، آ: این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۱۵- س- س (نیز: ل، ل، آ، ب): همی: متن = ل (نیز: ق، ل، ل) ۱۶- (ل: آ: نام) ۱۷- (ل: بیاد) ۱۸- (ل: میدانها): ق: باغ و میدانها: بنداری: فقال للموبذ: إن الأمام لا نطیب إلا بالناس، و الشمول لا یشمول سروره إلا بشمائل الجلاس، و حبنا بوحدة القبر و حدة. و نحن لو سعدنا الی السماء سرفا: عزالم یکن لنا بعد من الهبوط بعد الصعود ۱۹- ل، ک، س (نیز: ل، و، آ، ب): نیکو: متن = س، ق، ل (نیز: ل، ق، آ، ل، پ، ل، ن، آ): ق: بیت ۲۶۱ را پس از این بیت آورده است: س، ل، ن، پ، ل، ن، آ: پس از این بیت افزوده اند:

زیانست رنجش همه هرج برد چو او مرد رنجش ابا او بمرد

۲۰- ل، ل، س، ک، ل، آ، س (نیز: ل، ل، ب: ز: آ، س، ل، ن، ل، ب: به) گیتی ستایش بما بر (س، س، آ، ل، ب: بماند) بس است: متن = (ق: ۲)

۲۱- ل، ل، س، ک، ل، آ، س (نیز: ل، ل، آ، ب: بهر: دیگر کس است): (ل: این تاج تو بهر دیگر کس است): متن = (ق: ۲): ق: این بیت را ندارد

چو خواهی که این^۱ خورده^۲ نگزایدت!
 بسی روز بر شادمانی^۴ گذشت
 غم^۶ روز^۷ مرگ اندرآید به دل!
 بیاید گستن^۹ ز شادی امید!
 به کافوربر تاج^{۱۱} ناخوب گشت!
 چو لختی شکست اندرآید^{۱۳} به یال^{۱۴}،
 نباشم ز کردار^{۱۵} او ناسپاس!
 ز تاجی که بُد^{۱۷} بهره^{۱۸} برداشتم،
 ز می جام زرّین نباید^{۲۰} تهی!
 شود آسمان همچو پشت پلنگ،
 می سرخ^{۲۳} چو غمگساری بود،
 زمین^{۲۴} سبزه^{۲۵} و آبها لاژورد^{۲۶}،
 به نخچیر باید شدن سوی جزا!
 که اندر^{۳۰} جهان، یادگاری کنیم!
 دل شیر نر گیرد و رنگ بیر!

بی آزاری و راستی بایدت
 کنون سال رفت از بر^۳ سی و هشت
 چو سال جوان برکشد^۵ بر چهل
 چو یک موی گردد به سر بر سپید^۸
 ۱۲۷۰ چو کافور شد مشک^{۱۰} معیوب گشت!
 همی بازی و بزم سازم^{۱۲} دو سال
 شوم پیش یزدان، پیوشم پلاس
 به شادی بسی روز بگذاشتم^{۱۶}
 کنون بر گل و نار و سب^{۱۹} و بهی
 ۱۲۷۵ چو بینم رخ سبب بیجاده رنگ
 برومند و^{۲۱} بویا^{۲۲} بهاری بود
 هوا راست گردد نه سرد و نه گرم
 چو با^{۲۷} مهرگانی^{۲۸} پیوشیم خز
 بران^{۲۹} دشت نخچیر کاری کنیم
 ۱۲۸۰ کنون گردن گور گردد ستر^{۳۱}

۱-ل: آن ۲-ک (نیز ل، ب): خورد؛ (ق: کرده)؛ متن = س، ل، س، ۲ (نیز ل، ل، پ، آ): ل، ق این بیت را ندارند ۳-س، س، ۲ (نیز ل، ب): سال من رفت بر؛ متن = (ل) ۴-ق: روزها شاد و خرم؛ متن = سبزه دستنویس دیگر: ل این بیت را ندارد؛ ب بیت ۱۲۶۷ را پس از این بیت آورده است ۵-ل: جوانان کشد؛ متن = سبزه دستنویس دیگر ۶-ل، س، ق (نیز ل، و، آ): غم و؛ متن = ک، ل، ۲ (نیز ل، ق، ل، ۲، ب، ل، ن، ۲) ۷-ق: زور؛ ب این بیت را ندارد ۸-ل، س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ق، ل، ۲، ل، ن، ۲، آ): سفید؛ متن = ق (نیز ل، ب، و، ب) ۹-ک، س، ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب): بریدن؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ل، ق، ل، ۲، ب، ل، ن، ۲)؛ بنداری: و قد بعثت اذن من السن ثمانیا و ثلاثین. و اذا بلغ عمر الشاب الأربعین دخل قلبه هم الممات، و بدأ شمل سروره بالشتات ۱۰-س، ل، ۲ (نیز ق، ۲: مشک و؛ (پ: موی)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۱-ل: مشک)؛ درق آلت‌های این بیت پس و پیش شده اند ۱۲-ل: بردناری آلت تا؛ س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ل، آ): بزم و بازی کنم تا؛ ل: بر؛ متن = (ق) ۱۳-ق: آمد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ل: مال؛ ق، ب این بیت را ندارند ۱۵-ل: گفتار؛ ل: بکردار؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد ۱۶-ق (نیز ل، و، آ): بگذشتیم ۱۷-ل: بادی که بد؛ س (نیز ل، ب): تاج و جهان؛ ک، س، ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب): تاج کنی؛ (ل: کام جهان)؛ متن = ل، ۲ ۱۸-ق: تاج کنی اج؛ ق این بیت را ندارد ۱۹-س، ک، س، ۲ (نیز ب): سبب و نار ۲۰-ل، ل، ۲ (نیز ب): ندارم؛ (ل: سالد (نقظه ندارد)؛ ل: نیاید)؛ متن = س، و، ک، س، ۲ (نیز ل، ب، آ)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فلتنهز فرصة الأطراب و نهتیل غرة الشباب، و لایخلوا جامنا من الشراب ۲۱-س، ۲ (نیز ل، ل، و، ب): <و>؛ متن = ل (نیز ق، ۲، ب) ۲۲-ک، س، ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب): بوی ۲۳-ک، س، ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب): نعل؛ بنداری: و اصفرت وجنات التفاح فی عذب الأغصان، و نهذ الرمان خیرئ الجلباب و صار منها الفصون كالکواعب الأتراب. و بدأ وجه السفرجل فی الخمار المخمل ۲۴-ل: زمی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۵-س، ل، ۲ (نیز ل، ق، ل، ۲، ب، ل، ن، ۲)؛ نیره؛ متن = ل، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب) ۲۶-س، ق، ک، س، ۲ (نیز ل، ل، آ، ب): لا جوردد؛ متن = ل، ل، ۲ (نیز ب، و، ل، ن، ۲)؛ بنداری: و داد الماء فی لون اللآزورد و صفاء السججل ۲۷-ل: بر؛ ک، ل، ۲ (نیز ل، ل، آ، ب): ما؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸-ل: مهرکاری؛ و، ل، آ: مه بانی)؛ بنداری: فأقام بهرام علی ذلک الی أن دخل وقت المهرجان و رقت أرواح الزاح فی أشباح الدنان ۲۹-ل، ق (نیز ل، ل، ۲، ب): بدان؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۰-ل: کزان در؛ ۳۱-س، ک، ل، ۲ (نیز ل، ل، و، ب): سطر؛ متن = ل، ق (نیز ق، ۲، ب)؛ بنداری: و کت لحم البعفور و علبت اجسام الفور

سگ و یوز با چرخ^۱ و شاهین و باز
که آن^۴ جای گورست^۵ و تیر و کمان؛
بیابان که من دیده‌ام زیر جز
بدان^۸ جایگه نیز یابیم شیر^۹

نباید^۲ کشیدن به راه^۳ دراز،
نیاسیم از^۶ تاختن یک زمان!
شده چون نی^۷ نیزه^۷ بالای گز،
شکاری بود گر^{۱۰}، بمانیم دیر!

۱۲۸۵ همی بود تا ابر شهریوری^{۱۱}
ز هر کشوری^{۱۴} لشکری جنگجوی
ازیشان گزین کرد^{۱۶} گردنکشان
بیاورد لشکر به دشت شکار
ببردند^{۱۹} خرگاه و پرده‌سرای
۱۲۹۰ همه^{۲۲} زبردستان^{۲۳} پیش سپاه
بدان تا نهند از بر^{۲۸} چاه چرخ
پس اندر ز لشکر^{۳۲} همی راند^{۳۳} شاه
بیابان سراسر بر ز گور دید

برآمد^{۱۲} جهان شد پر از لشکری^{۱۳}
سوی شاه^{۱۵} ایران نهادند روی
کسی کو ز نخچیر داند^{۱۷} نشان
سواران شمشیرزن ده هزار^{۱۸}
همان^{۲۰} خیمه و آخر^{۲۱} چارپای
برفتند و^{۲۴} هر جای^{۲۵} کنند^{۲۶} چاه^{۲۷}
کنند^{۲۹} از بر چرخ^{۳۰} چینی‌سرخ^{۳۱}
خود و ویژگیان تا به نخچیرگاه^{۳۴}
همه^{۳۵} بیشه از شیر پر شور دید!

۱-س.ق.ل^۲ (نیز.لی.ل.آ.ب): چرخ: متن = ل.ک.س^۲ (نیز.لن.ق.آ.پ-آ) ۲-ل.س.س^۲ (نیز.لی.و.آ.ب): بیاید: ق.ک.ل^۲ (نیز.لن.ق.آ):
نباید (حرف یکم بی نقطه): متن = لن^۲ ۳-ق: براهی: (ل.آ.پرنج) ۴-ل.ل.آ: همان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۵-ل: گزست:
متن = چهارده دستنویس دیگر ۶-ن: نیاسیم بی: متن = چهارده دستنویس دیگر ۷-ل.س (نیز.لن.لن.آ): بن نیزه: ل.آ.نی و نیزه: (ق.آ):
ز می تیره: ک.س^۲ (نیز.ل.و.آ.ب): همچو ده نیزه: (لی: همچو ده تیر): متن = ق (نیز پ) ۸-ل (نیز ق.آ): بران: س (نیز.لن.لن.آ): بدین:
ک.س^۲ (نیز.ل.و.آ.ب): دران: متن = ل (نیز.لی.پ) ۹-س: باشیم دیر: (لن.آ: باشیم سیر) ۱۰-ک.س^۲ (نیز.لی.ل.و.آ.ب): شکار افکنیم
از (س.آ: افکنم گر: آ.گر): متن = ل.س.ل^۲ (نیز.لن.ق.آ.پ.لن.آ): ق این بیت را ندارد ۱۱-ل: نو شود داوری ۱۲-س (نیز.لن.ق.آ.لن.آ):
بیامد ۱۳-ق: داوری ۱۴-ل: گوشه‌ی: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۵-ل.س.ک (نیز.ق.آ.و): شهر: متن = ق.ل.آ.س^۲ (نیز.لن.لی.ل.آ.
پ.لن.آ.آ.ب) ۱۶-لی: همان روز بهرام و (و) ۱۷-ل.ک.ل.آ.س^۲ (نیز.ل.آ.و.ب): دارد: (لی: دادی): متن = س (نیز.لن.پ): ق این بیت را
ندارد: ب پس از این بیت افزوده است:

برفتند یکسر بدرگاه شاه ابا آلت و ساز نخچیرگاه

۱۸-ل.ق (نیز.و): سی هزار: (ب: صد هزار): متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری: فاختار عشرة آلاف فارس و صار بهم الی صحراء جز
و آجامها و غیاضها. و کانت مأوی السباع و الوحوش ۱۹-لی: بنزدیک) ۲۰-ق: هم از ۲۱-ل.س^۲ (نیز.لی.ل.آ.پ.لن.آ.ب): آخر و: (ق.آ):
همه آلت و آخر و: متن = س.ل^۲ (نیز.لن.و.آ) ۲۲-ق (نیز.ل.آ): همان ۲۳-ل.ل.آ (نیز.ق.آ.ل.آ.و): به: متن = ده دستنویس دیگر ۲۴-ل.ق.
س^۲ (نیز.ق.آ.لی): < و >: متن = س.ک.ل^۲ (نیز.لن.ل.آ) ۲۵-س.آ: هر جای و ۲۶-ل (آ: کردند): ک (نیز.ب): کنند هر جای ۲۷-ق: آ: هر
جای گویان براه: لی: یکسر بنزدیک شاه) ۲۸-س: بن ۲۹-ل.ق: کشند: (لن: کند: لن: گشاد): متن = س (نیز.ق.آ) ۳۰-س (نیز.لن): از در
چاه: (ق.آ: از بر چرخ بر (وزن ندارد: لن.آ: ز در شاه): متن = ل.ق ۳۱-س (نیز.لن.لن.آ): چندی بکرخ: ق: چندی سطرخ: ک.س^۲ (نیز.لی.
پ.و.آ.ب): که لشکر از آن آب یابند برخ: متن = ل.ل.آ.ل.آ این بیت را ندارند ۳۲-ل.ق.س^۲ (نیز.ق.آ.ب): لشکر اندر: متن = س (نیز
لن) ۳۳-ل: تاخت: س.ق (نیز.لن.ل.پ.لن.آ): رفت: متن = ک.ل.آ.س^۲ (نیز.لی.و.آ.ب) ۳۴-ب: و سران سپاه: در لی لت‌های این بیت
پس و پیش شده اند ۳۵-ق.ک.س^۲ نیز ق.آ.ل.آ.و.آ.ب): همان: متن = ل.س.ل^۲ (نیز.لن.لی.پ.لن.آ)

که از شیر^۲ بر خاک^۳ چندان پی^۴ است،
 بخسیم^۵ شادان^۶، و تندرست!
 چو رخشان شود تاج^۸ گیتی فروز،
 همان ازدهای دلیر افکنیم!
 خدنگ مرا گور^۹ گردد رهی!
 سوی بیشه رفتا، شاه و سپاه^{۱۱}
 دلاور^{۱۳} شده^{۱۴}، خرده از گور سیر^{۱۵}!
 که تیر و کمان دارم و دستبرد^{۱۷}،
 بدان تا نخوان. مرا^{۱۹} نادلیر!
 به اسپ نبرد اندر آورد پای
 ز بالا دو دست^{۲۲} اندر آورد راست
 بزد پاشنه مرد^{۲۵} نخچیر^{۲۶} جوی^{۲۴}
 سبک جفت او جست راه گریز^{۲۷}
 دل نزه شیران پر از بیم کرد^{۲۹}
 همی^{۳۰} جفت او بچه پرورد^{۳۱} زیر
 سر شیر نر کرد دور^{۳۳} از تنش

چنین گفت کامشب شکار می است^۱
 ۱۲۹۵ که فردا نباید مرا شیر^۵ جست
 کنون می گساریم تا چاک^۷ روز
 نخستین به شمشر شیر افکنیم
 چو این بیشه از شیر گردد تهی
 بود^{۱۰} آن شب و بامداد پگاه
 ۱۳۰۰ هم آنگاه بیرون^{۱۲} خرامید شیر
 به باران^{۱۶} چنین گفت بهرام گرد
 ولیکن به شمشر یازم^{۱۸} به شیر
 پوشید ترکرده^{۲۰} پشمین قبای
 چو شیر^{۲۱} ازدها دید، بر پای خاست
 ۱۳۰۵ همی خواست زد بر سر^{۲۳} اسپ اوی^{۲۴}
 بزد بر سر شیر شمشر تیز
 ز سر تا به پایش^{۲۸} به دو نیم کرد^{۲۹}
 بیامد دگر شیر، غران دلیر
 بزد خنجری شاه^{۳۲} بر گردنش

۱-ق (نیز ق^۲، لی، ب): منت: ل: آ: وی است: (لن: من است): ل: کاینجا شکار منت: متن = ب، ک، س، آ (نیز ل^۲-آ) ۲-ب: (ب: گور)
 ۳-س: آ: برخاش ۴-ل: چندین پی: ق: باز من: ل: آ: چندی پی: (لن: در بیشه پیرامن: ق: آ: کنون کشتن شیر کار من): متن = س، ک، س، آ
 (نیز لی، ب) ۵-ب: (ب: گور): ل: بیایست نخچیر: (لی: یک امشب بیاید مرا شیر): متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-ل: ک، س، آ (نیز لن،
 لی، ل، آ، پ، و): بخسید: ل: آ (نیز ب): بجنید: (ق: آ: بختند: آ: نخستند): متن = (لن: آ): بنداری: سترج: در ل: آلت های این بیت پس و
 پیش شده اند ۷-ل: آ: چاج: لن: آ: پاک) ۸-ل: (نیز ق^۲، و): هور: ق: چرخ: (لی: چاک: ب: پدید آید ز چرخ): متن = س، ک، ل، آ، س، آ (نیز
 لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۹-س (نیز لن، لن، آ): ترا گردن: ق: فزاک مرا (۹): ک، س، آ (نیز لی، و، آ، ب): بدانگه: را: متن = ل، ل، آ (نیز ق^۲) ۱۰-ک، س، آ
 (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): بشد ۱۱-لی: بیشه شیر رفتند ز راه) ۱۲-لی: هم آنگه به بیرون: ب: هه: نگه که بیرون) ۱۳-ک، س، آ: دل او
 ۱۴-ق: آ: شد و: لی، و، ب: دل او شد از) ۱۵-ل: آ: دل او شد خورم از گور و شیر: بنداری: فلما نزل بها قال: نستريح الليلة ونركب غداو
 نفتح بصيد السباع. فاذا اخلصنا الأجمة منها اشتغلنا بصيد حمر الوحش. فلما أصبح صار بعسكره الى أجمة من الطرفاء هناك. فلما توغلتها
 خرج اليه سبع عظيم ۱۶-لی، ب: بلشکر) ۱۷-ل: دست و برد: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ل: (لن: آ، ب: نازم) ۱۹-س (نیز لن، ب،
 لن، آ): نخوانندمان: ق: نخوانند مارا: (ق: آ: نخواند کم): متن = ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۲۰-س (نیز لن، لن، آ): نوکرده: (لی: تن
 کرد: آ: برکرده): متن = ده دستنویس دیگر ۲۱-لی: آن ازدها) ۲۲-ق: آ: بالای دست) ۲۳-ا: سرو) ۲۴-ق: (نیز آ): <ی> ۲۵-ل: (لن: گرد:
 و: شیر) ۲۶-س: دیهیم: بنداری: فقال لأصحابه: إني لأرديه بالنشاب، وإنما أقتله بالسيف حتى لا أنسب إلى الجبن. فلبس قباء مبلولا
 من الصوف، وركل فرسه نحوه. فلما قرب منه انتصب السبع وهم أن ينشب برائه في نحر فرسه ۲۷-ق: آ: این بیت را ندارد ۲۸-ل: ل، ق،
 ک، س، آ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، آ، ب): میانش: (لی: بخنجر میانش): متن = س، ل، آ (نیز لن، آ): بنداری: فنقاه بسيفه وقده من رأسه الى منتهى
 ذنبه بنصفين ۲۹-ب: گشت) ۳۰-لی: و: همان) ۳۱-ک، س، آ (نیز ق^۲، لی، ل، آ، و، آ، ب): پرورده: متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، پ، لن، آ)
 ۳۲-ل: نیز: ک، س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): شاه شمشر: متن = س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۳۳-ل: ک: ه: شد: ق: (نیز ق^۲، لی، ل، آ، و، ب): دور
 کرد: متن = س، ک، ل، آ، س، آ (نیز لن، ب): بنداری: فخرجت لبوة نثر، و تارت نحو بهرام فتلقها وأان بخنجره رأسها من جسدھا

۱۳۱۰ یکی^۱ گفت کان^۲ شاه خورشید چهر
 همه بیشه شیرند^۳ با بیچگان
 کنون باید آیر بودن ز شیر^۴
 سه فرسنگ بائی بن بیشه هست^۵
 جهان^۱ هم زگردد ز شیران تهی
 ۱۳۱۵ چو بنشست بر تخت شاه^{۱۱} از نخست
 کنون شهریارن ایران^{۱۳} تراست
 بدو گفت شاه: ای خردمند پیر
 سواران گردنکش اندر زمان^{۱۶}
 اگر داد مردی بخواهیم داد
 ۱۳۲۰ بدو گفت موبد که گر ده^{۲۰} سوار
 نبودی به روم و به جین تاج و تخت
 که چشم بد ز فر^{۲۴} تو دور باد!
 به پرده سرای^{۲۶} آمد از بیشه^{۲۷} شاه
 همی خواند لشکر بر او^{۲۹} آفرین
 ۱۳۲۵ به خرگاه^{۳۰} شد چون سپه بازگشت

نداری همی بر تن خویش مهر؟
 همه^۴ بیچگان شیر مادر مکان^۵،
 که در مهرگان^۷ بچه دارد به^۸ زیر
 به یک سال اگر شیر گیری به دست،
 تو چندین چرا رنج بر تن نهی؟
 به پیمان جز از جنگ^{۱۲} شیران نجست،
 به گور آمدی^{۱۴} جنگ شیران چراست؟
 به شبگیر فردا من و گور و^{۱۵} تیرا
 نگردند^{۱۷} نامی^{۱۸} به تیر و کمان!
 به^{۱۹} گوپال و شمشیر گیریم یاد!
 بدی مر ترا چون تو در^{۲۱} کارزار،
 به دریا کشیدی خردمند^{۲۲} رخت^{۲۳}!
 نشست تو در گلشن و^{۲۵} سور باد!
 ابا موبد و پهلوان^{۲۸} سپاه
 که بی تو مبادا کلاه و نگین!
 پشت از خوی آن پهلوی یال و دست^{۳۱}

۱- (لی: بدو) ۲- (ن: ای) ۳- (ب: سیر) ۴- (و: همان) ۵- (لی: شیر نر مادگان) ۶- (ن: دلیر: س) (نیز: ن: ل: ن: آ): بچه باید ربودن ز شیر: متن = ده دستنویس دیگر ۷- ل: ل: ل: آ: مهرجان: (ق: آ: یکی مهرگان): متن = یازده دستنویس دیگر ۸- س: ک: س: آ: (نیز: لی: ل: آ، و: ب): دارند: متن = ل: ل: آ: (نیز: ل: ق: آ: ب): ق: این بیت را ندارد: بنداری: فقال له بعض من معه: أيها الملك! إن هذا الفصل فصل الخريف، وقت تمر آساد الغريف. وإن هذه الأغصان مملوءة بضواري اللبوث مع الأشبال ۹- ل: (نیز: و: ب): است: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰- ک: س: آ: (نیز: لی: ل: آ: و: آ: ب): زین: متن = ل: س: ق: ل: آ: (نیز: ن: ق: آ: ب: ن: آ) ۱۱- (ق: آ: شیر) ۱۲- ک: س: آ: (نیز: ل: آ: و: ب): رزم: (لی: چو آزمون): ق: این بیت را ندارد: در ک: س: آ: ل: آ: و: آ: ب: این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۱۳- ل: بایران: س) (نیز: ب): کیهان: ق: گیتی: ک: ل: آ: (نیز: ق: آ: لی: ب): بگینی: س: آ: (نیز: آ): ز گیتی: (ن: و: ایران: ل: آ: و: گیتی): متن = (و) ۱۴- ک: س: آ: (نیز: ل: آ: و: آ): بگوزان شدی: (لی: بگوز آمدن) ۱۵- س: (نیز: لی: گرز و: ل: آ: مکن گور) ۱۶- س: و: گردنکشان و گوزان: (ن: ل: آ: و: گردنکشان دمان) ۱۷- ل: نکردند (حرف یکم بی نقطه): ق: ل: آ: (نیز: ق: آ: لی: ب): بگردند: متن = س: ک: س: آ: (نیز: ن: ل: آ: آ) ۱۸- ق: ل: آ: (نیز: ق: آ: لی: با: من: در ل: آ: ت: های این بیت پس و پیش شده اند ۱۹- ک: س: آ: (نیز: ق: آ: و: آ: ب): ز: متن = ل: س: ق: ل: آ: (نیز: ن: ل: آ): بنداری: و طول هذه الأجمة ثلاثة فراسخ، ولا تقدر أن تفنى سباعها ولو أقت غيها سنة كاملة. فلا تتعین نفسک. ولم نخرج إلا على عزيمة صيد الوحوش. فما بالك تجهد نفسك في صيد الأسود؟ فقال: أن قدر لضواري السباع عند رجال الحروب؟ ۲۰- س: (نیز: ن: ل: آ): یک: ل: آ: (نیز: ب): دو: ل: که مرد: متن = ق: ک: س: آ: (نیز: ق: آ: و: آ) ۲۱- (ق: آ: همچو تو در صف): ل: نه بیند چو تو گردد در ۲۲- ک: س: آ: (نیز: لی: ل: آ: و: آ: ب): هنرمند ۲۳- (ل: آ: بخت): متن = س: ق: ل: آ: (نیز: ن: ق: آ: ب: ن: آ): ل: این بیت را ندارد ۲۴- (ل: آ: روی) ۲۵- ک: س: آ: (نیز: ل: آ: پ: آ): < و: ب: بر گلشن) ۲۶- ل: (نیز: لی: ب: آ): < متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷- ق: پیش ۲۸- ق: پهلوان و: (و: موبدان و یلان) ۲۹- ک: ل: آ: (نیز: لی: بدو: ل: این بیت را ندارد ۳۰- (ل: از اجایگه) ۳۱- (ن: ل: آ: پشت: ب: خسروی یال و دست): ل: آ: ز دادنش (ل: آ: رادیش) گیتی پر آواز گشت: ک: س: آ: (نیز: لی: ل: آ: و: آ: ب): با رامش و بزم هنباز گشت: (ق: آ: نشست از بر تخت نیزه بدست): متن = س: ق: جای این ل: را سفید گذاشته است: بنداری: ثم إنا انصرف ونزل فی سراقه وغسل عنه ما ترشش علیه من دم السبع

ز^۲ خرگاه نو برپراگند^۳ خار^۴
 بگسترده مشک از بر جای خواب
 برو کاسه بآرایش^۵ چین نهاد
 هم از^۸ خوردنی ه که بد یکسره^۹
 بفرمود جامی بزرگ^{۱۰} از بلور،
 نهد بر تفت دادگر^{۱۱} شهریار
 که برنا شد از بخت^{۱۳} او مرد^{۱۴} پیر،
 -اگر کهتری را خرد اندر خوریم-
 جز او را جهاندا گیتی^{۱۷} مخوان!
 به ایران و ویران^{۱۹} شد این^{۲۰} مرزو بوم،
 چو^{۲۳} سی و شش از شهریاران بکشت،
 همه روی گیتی پر از کین اوست!
 بر اوست نفرین ز جویای^{۲۶} کین!
 ز من در میان کهان و مهان^{۲۸}!
 خوش آواز و از^{۳۱} نامداران سری،
 همی^{۳۳} برخروشد به بیراه و راه^{۳۴}،
 گر^{۳۶} از گوهر و زر و دیبا و خز^{۳۷}،

یکی دانشی مهربان^۱ پیشکار
 نهادند کافور و مشک و گلاب
 همه خیمه‌ها خوان^۵ زرین نهاد
 بیاراست سالار خوان^۷ از^۷ بره
 ۱۳۳۰ چو نان خورده شد، شاه بهرام گور
 که آرد پریچره‌ی میگسار
 چنین گفت: کین پادشاه^{۱۲} اردشیر
 سر مایه او بود^{۱۵}، ما کهتریم
 به رزم و به بزم^{۱۶} و به رای و به خوان
 ۱۳۳۵ بدانگه^{۱۸} که اسکندر آمد ز روم
 کجا^{۲۱} ناجوانمرد بود و^{۲۲} درشت
 لب خسروان پر ز نفرین^{۲۴} اوست
 چو بر آفریدون^{۲۵} کنند آفرین
 مبادا جز از نیکوی^{۲۷} در جهان
 ۱۳۴۰ بیارید^{۲۹} - گفتا^{۳۰} - منادی‌گری
 بگردد^{۳۲} سراسر به گرد سپاه
 بگوید که در شهر برفوه و^{۳۵} جز

۱-ل (نیز لی، ل): مرزبان، ک: س: آ: مهربان کاشتی: (ق: آ: دانشی داشتی): متن = س: ق (نیز لن، پ-ب) ۲-ل، س: ق (نیز لن، ل): به؛
 متن = ک: س: آ (نیز لی، و، آ، ب) ۳-ک، س: آ (نیز لی، ل، و، ل، آ، ب): دور کردند: (پ: او بر پراگند): متن = ل، س: ق (نیز لن) ۴- (آ: تو دور
 کردند بار: ق: آ: بیاراست تخت از در شهریار): ل: آ: این بیت را ندارد ۵- (لی: تخت) ۶-ل، ل: آ: (نیز لن، ق، آ، ل): آرایش: ق: بر کاسه؛
 ک: س: آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): برو ساز و آرایش: متن = س: ۷- (لن: <از>: لی: با) ۸-ل، ل: آ: همه: ق (نیز ق): همان، ک: س: آ (نیز لی، ل، و،
 آ): وزان: (ب: بران): متن = س: (نیز لن، پ، ل، آ) ۹-ک، س: آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): خوردنی‌های نغز و سر: بنداری: فوضع سالار الخوان موائد
 الذهب من أول السراق الی آخره ۱۰- (ل: آ: بزر) ۱۱-ک، س: آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): نامور: متن = نه دستنویس دیگر ۱۲-س: آ (نیز ل، آ، پ،
 لن): <ه>: ل: کان شهریار: ل: کان پادشاه: (ق: آ: لی: کای پادشاه: ب: کای پادشاه): متن = س: ک (نیز لن، و، آ) ۱۳-ک، س: آ (نیز لی، ل، و، آ،
 ب): داد: متن = ل، س: ل: آ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۱۴-ل، ل: آ: بخت: متن = بازده دستنویس دیگر: ق: بیت‌های ۱۳۲۲-۱۳۲۹ را ندارد
 ۱۵-ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ، پ، لن، آ، ب): بود و: ک: س: آ (نیز لی، و، آ): که سرمایه او بود: متن = س: ل: آ (نیز لن) ۱۶-س: (نیز لن، لن، آ): بیزم و برزم
 ۱۷- (ق: آ: ایران: ل: آ: گفتی) ۱۸-س: آ: زانگه ۱۹-ک (نیز آ): بیران ۲۰-س: ل: آ (نیز لن، لی، ل، آ): ۲۱-س: ک، س: آ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): گر
 او: ل: آ (نیز و، آ): که او: متن = ل: ۲۲-ل: آ: بود خودرای و مردی ۲۳-س: ک، س: آ (نیز لن، ب): که: متن = ل: ل: آ: چو خون ریختن راه
 و آیین ۲۵-ل، ل: آ: کجا بر فریدون: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۶- (آ: جویان: لی: برو جای: ق: آ: نغزین و دلپاهه): ل: آ: دلی نیست از وی
 پراز درد و ۲۷-ل، س: ک، ل، س: آ (نیز لن، لی، ل، و، لن، آ، ب): نیکویی: متن = (ق: آ، پ، آ) ۲۸-ک، س: آ: مهان و کهان ۲۹- (آ: بیارند) ۳۰-ل، ک،
 ل، آ: س: آ (نیز ق، آ، لی، ل، و، آ): گویا: ق: بفرمود گویا: متن = س: (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۳۱-س: آ: نیز ل: آ: (آ: وز: ق: آ: آواز از: متن = ل، ک، ل، آ
 (نیز لن، و، ب) ۳۲-ل، ل، ک، ل، س: آ (نیز ق، آ، و، آ، ب): که گردد: متن = س: ق (نیز لن، لن، آ) ۳۳-ک، س: آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): یکی ۳۴-ک، س: آ
 (نیز لی، ل، آ): به بیگاه و گاه ۳۵-ل: برکوی در شهر: ق: در شهر و برکوی و: (لی: بر شهر و برکوی): متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۶-ل:
 که از: متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۷-ک، س: آ (نیز ل، و، آ): ز خز و بز: (پ: دینار و خز: لی: گوهر و خز و از بز و جز)

چنین^۱ تا به خاشاک ناچیز و پست^۲
 بر^۵ اسپش نشانم ز بس^۶ کرده روی
 ۱۳۴۵ دو پایش بیندند^۸ در زیر^۹ اسپ
 نیایش کند^{۱۲} پیش آتش^{۱۳} به خاک^{۱۴}
 بدانکس^{۱۸} دهم چیز^{۱۹} را که چیز
 وگر^{۲۲} اسپ در کشته‌زاری^{۲۳} کند
 ز زندان نیابد به سالی رها
 ۱۳۵۰ همان رنجگی بس کزین دشت^{۲۹} بهر

برفتند بازارگانان شهر^{۳۲}
 بیابان چو بازار چین شد ز بار
 ز جز و ز برقوه^{۳۳} مردم دو بهر
 بدان سو^{۳۴} که بُد لشکر^{۳۵} شهریار

۱-س (نیز، ن، پ، ل، ن، آ): جز این ۲-ناحر همت (واژه یکم بی نقطه): (ق: آ: و چیزی که هست): ک، س، آ (نیز، ل، آ، و، آ): تا بخارا و تا چین و بست: (ب: ز شهر بخارا و ز چین و بست): متن = س، ق (نیز، ن، پ، ل، ن، آ) ۳- (ل، ل، آ، آ، ب: نیارد: و، ل، ن، آ: نیازد) ۴- (ق: آ: سوی آن چیز دست): ل: نیارد کسی ناسزوار جت ۵- (ل: بی) ۶- (پ: سیه) ۷- ل: پر خاشجوی: متن = چهارده دستنویس دیگر ۸- ک، س، آ (نیز، ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب: بیندیم: ل: آ: بیندند ۹- ل: آ: زین: ک: بر زیر ۱۰- (ل، ل، آ: فرستیم) ۱۱- س، ل، آ (نیز، ن، پ، ل، ن، آ): پیش: ق: در پیش: ک، س، آ (نیز، ل، ل، آ، و، آ، ب: بدیک: متن = ل (نیز، ق، آ) ۱۲- (ل، ل، و، آ، ب: کنم: ل: ستایش کنم) ۱۳- (پ: آذر) ۱۴- (ق: آ: یزدان بخاک: و: یزدان پاک) ۱۵- (ل، ل، آ، و، آ، ب: کنم) ۱۶- ق: نزد ۱۷- (و: پیش آتش بخاک) ۱۸- ق: بانکس ۱۹- ل: آ: آنرا ۲۰- ل: رنج او دید: ل: آ (نیز: آ): تیرگی دید (آ: کرد): (ل، و: خیرتی کرد): متن = س، ق، ک، س، آ (نیز، ن، ل، آ، پ، ل، ن، آ) ۲۱- (ق: آ: بستد از خود بود یک پیش: ب: ازو چیرگی کرد و بستد بنیز) ۲۲- س (نیز، ل، ن، آ): اگر ۲۳- ل، ل، آ، س، آ (نیز، ق، آ، پ، آ، ب): کشت زاری: متن = س، ق، ک (نیز، ن، ل، ل، آ، و، ل، ن، آ) ۲۴- ک، ل، آ، س، آ (نیز، ق، آ، ل، و، آ، ب: گر ۲۵- ل: آ: زی: (ل، ن، آ: در) ۲۶- ق، ک، س، آ (نیز، ن، ل، آ، ل، ن، آ، ب): سواری ۲۷- ل، ق، ل، آ (نیز، ل، آ، و، آ): گر: س (نیز، ن، ل، ن، آ، ب): یا: ک: و: گر متن = (ل، پ) ۲۸- (ق: آ: دگر او نگیرد به پیشم) ۲۹- (ل، ن: شهر): ل: رنج مابس گزیدست: (ل، آ، و، آ، ب: رنج مابس کزین دشت: ق: آ: هسی رنج یابد ز مادست: ب: رنجش بس کزین دشت (وزن ندارد)): متن = س، ک، ل، آ، س، آ ۳۰- س: سام سارید (نقطه ندارد): ک: باید سازید (واژه یکم حرف یکم و واژه دوم حرف یکم و دوم بی نقطه): ل: آ: سایم نیارند (واژه یکم حرف های یکم و دوم بی نقطه): س (نیز، ل، آ): بیاید بتازید: (ل، ن: نیام بتازید: ب: نیاند و تازید (حرف چهارم واژه اول بی نقطه): و: نیابد نیازید: ل، ن، آ: بارم یارند (واژه یک حرف دوم و واژه دوم حرف یکم بی نقطه): آ: بیاید نیارند: ب: باند سارید (واژه یکم حرف های دوم و چهارم و واژه دوم حرف های یکم و دوم بی نقطه)): متن = ل، آ: بایم و آزرده گردند شهر (واژه یکم حرف های دوم و چهارم بی نقطه): س (نیز، ل، ن): برفتند بازارگانان شهر: متن تصحیح قیاسی است: ق، ل، این بیت را ندارند: در، س، ل، ن، آ: لت دوم این بیت به جای لت یکم بیت سپین آمده است ۳۲- (ب: دو بهر) ۳۳- ق، س، آ (نیز، آ، ب): ابرقوه: متن = ده دستنویس دیگر: ل، این بیت را ندارد ۳۴- ل: بران سو: ک، س، آ (نیز، ل، و، آ، ب: ازان سو: (ل: ازان پس): متن = س، ق، ل، آ (نیز، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۳۵- ک، س، آ (نیز، ل، آ، و، آ، ب): نامور: متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز، ن، ق، آ، ل، پ، ل، ن، آ): بنداری: و لما علم أهل مدينة جز و برقویه بنزول الملك فی تلك الصحراء خرج أهل الأسواق منهم بیضانهم و أمتعتهم، و أفموا فی تلك الصحراء أسواقا عظيمة تشتمل علی طرائف كأسواق بلاد الصين فی المواسم: برخی از دستنویسها در این جا سه نویس دارند: س: رفتن بهرام گور با ایرانیان بشکار گور: ق: هنر نمودن بهرام در شکارگاه و حلقه کردن در گوش گور

جهاندار شد سوی نخچیر گور
 پس لشکر اندر همی رفت^۳ شاه
 بمالد، گشاید باندام^۵ شست^۶،
 که از سینه پیکانش آید^۷ برون!
 نگه کن بدین^۹ لشکر نامدار^{۱۰}،
 بداندیش، گر^{۱۲} مرد نیکی^{۱۳} گمان؟!
 که جاوید بادا سر و افسرت!
 از آن خسروی و بالای^{۱۸} بُرز،
 به تیر و کمان بر^{۲۰} شود دست نرم^{۲۱}!
 گر او بگسلد^{۲۳} زیر، بهرام کیست^{۲۴}؟!

دگر روز چون تاج بفروخت هور
 کمانها^۱ به زه برنهاده سپاه^۲
 ۱۳۵۵ چنین گفت: کان کو^۴ کمان را به دست
 نباید زدن تیر جز بر سرون
 یکی پهلوان گفت کای شهریار^۸
 که با کیست زین^{۱۱} گونه تیر و کمان
 مگر باشد این از گشاد برت
 ۱۳۶۰ چوتو^{۱۴} تیر^{۱۵} گیری^{۱۶} و شمشیر^{۱۷} و گرز
 همی^{۱۹} لشکر از شاه دارند شرم
 چنین داد پاسخ که این^{۲۲} ایزدیت

چو نزدیک شد با یکی نزه گور^{۲۷}،
 بر گور نر تا^{۳۱} سرونش^{۳۱} بخت^{۳۲}!
 برفتند کردار زرین کمر^{۳۳}،
 یکایک بر او^{۳۴} آفرین خواندند!
 به بالای آن^{۳۶} گور شد ناپیدا!

برانگیخت شبدیز^{۲۵} بهرام گور^{۲۶}
 چو آمدش هنگام^{۲۸}، بگشاد شست^{۲۹}
 ۱۳۶۵ هم آنگاه گور اندر آمد به سر
 شگفت اندر آن زخم او ماندند
 کسی^{۳۵} پر و پیکان تیرش ندید

۱-ل-۲ (نیز لن، لی، و، آ): کمانرا؛ متن = س ۲ (نیز ق ۲، ل، پ، ن، آ، ب) ۲-ل، ق: سیاه؛ متن = سیزد دستنویس دیگر ۳-س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): رانده؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-ل، س ۲ (نیز لی): هر کو؛ ق: کوکان؛ (ل) کو آن؛ لن آن کو؛ آ: کان کان؛ متن = س، ک، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، و، ب) ۵-ل، ل، آ: باندازه؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۶-ل (لی: دست) ۷-آ: آر.؛ بنداری: و لماکان الغدر کب بهرام فی عسکره لصید حمر الوحش فقال: من أراد أن یرمی بعفورا فلا یرمینہ إلا فی کفله، و لیفخذ سهم. حتی یخرج نصله من صدره ۸-ق: نامدار ۹-س، ل، آ (نیز لن): که زین؛ (لن: آ: درین)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰-ق (نیز آ: بی شمار ۱۱-ق: این؛ (ب: ازین)؛ (لی، ل، آ، لن: آ: تا کیست زین) ۱۲-س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): یا؛ متن = ل، س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۱۳-ل (لی: نیکو) ۱۴-ل (آ: تو گر) ۱۵-ک، س، آ (نیز و، آ، ب): شیر ۱۶-ل، آ: شیر کردی ۱۷-ل (لی: شیر گیری بشمشیر) ۱۸-ک (نیز ق، آ): بالا و: (د: یال و بالای) ۱۹-ل (نیز ق، آ، پ، آ): همه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰-ل (ن: گر)؛ ل: ز تیر و کمانشان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ل، آ: گرم ۲۲-ق: آن؛ ک، س، آ (نیز لی، ل، و، آ): پاسخ آورد کین؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ، ب) ۲۳-ل: کزو بگذری؛ سو (نیز پ، لن، آ): چو او بگسلد؛ ل: کزو بگسلد؛ (لن: چنو بگسلد)؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، و، آ، ب) ۲۴-ل، س، ق، ل، آ (نیز و: چیت؛ متن = ک، س، آ (نیز لن، پ، لن، آ، ب)؛ بنداری: فقال له پهلوان عسکره: أيها الملک! من یقدر علی هذه الرمیة سواک؟ فقال: إن تلك نوة ألهیة. و من بهرام لولا حول الله و قوته؟ ۲۵-ک، ل، آ، س، آ (نیز لی، ل، و، آ): شیرنگ ۲۶-ل: را؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۷-ل: همی تیز کرد او دل رام را؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸-ق (آ: بهرام)؛ ل: بیامد بهنگام ۲۹-ک (نیز آ): دست ۳۰-ق-س، آ (نیز لن، پ، و، آ): با ۳۱-ق (آ: گور تا با سرینش؛ ب: گور تا بر سرونش) ۳۲-ق (نیز لن، لن، آ): بیست؛ ل: گور را با سرونش بیست؛ متن = س، ک، ل، آ، س، آ (نیز لی، و، آ) ۳۳-ک، س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): پر خاشختر؛ متن = س، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ)؛ ل: این بیت را ندارد ۳۴-لی: بدو؛ ب: بهرام بر؛ بنداری: ثم إنه أثار فرسه را کضا خلف یعفور، و رماه فی کفله بنشابة خرجت من صدره فرکب ذلك الیعفور. دعه. فاجتمع علیه الفرسان یقضون العجب من تلك الرمیة ۳۵-ل، ل، آ، س، آ (نیز ق، آ، و، آ، ب): که کس؛ متن = س، ق، ک (نیز لن) ۳۶-ک، س، آ: در اندام او؛ (لی، ل، و، آ): در اندام آن؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، پ، ب)؛ لن آ این بیت را ندارد

سواران جنگی و مردان کین
بدو پهلوان گفت کای شهریار
۱۳۷۰ سواری تو و همه بر خریم^۴
بدو گفت شاه: این به^۷ تیر منست
که را پشت و یار^۸ جهاندار نیست
برانگیخت آن بازکش را^{۱۰} ز جای
یکی گور پیش مدت، ماده بود^{۱۳}
۱۳۷۵ یکی تیغ زد بر میانش سوار
رسیدند نزدیک او مهتران^{۱۷}
چُن آن^{۱۸} زخم دیدند بمیان^{۱۹} گور
میناد چشم بد این^{۲۲} شاه را!
سر مهتران^{۲۴} جهان زیر اوست!
۱۳۸۰ سپاه از پس ندر^{۲۶} همی تاختند

سراسر بر او^۱ خواندند آفرین!
میناد چشم بدت روز کار!^۳
هم از خروران^۵ در هنر کمترین!^۶
که پیروزگر دستگیر منست!
ازو خوارتر در جهان خوار^۹ نیست!
تو گفستی شد آن باره^{۱۱} پیران همای!^{۱۲}
بچه از پیش او^{۱۴} رفته، یازنده بود^{۱۵}،
به دو نیم^{۱۶} شد گور ناپایدار!
سرافراز و شمشیرزن کهنران^{۱۷}
هنرمند^{۲۰} گفت: اینت شمشیر و زور!^{۲۱}
نماند مگر^{۲۳} بر فلک ماه را!
فلک زیر پیکان و^{۲۵} شمشیر اوست!
بیابان ز گوران بپرداختند

۱-ق: بدو ۲-ک، س ۳-ا (نیز لی، ل، و، ا): نیدند سر بر زمین؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، ب): ل ۲ این بیت را ندارد؛ لن ۲ لت دوم این بیت را به جای لت دوم بیت ۱۳۶۶ آورده است ۳-س-س ۴ (نیز لن-ب): چشمت بد روزگار؛ متن = ل ۴-ل: آ: تویی ماهمه بر خریم؛ (و: و ما خود همه بر خریم؛ ب: بزرگی تو و ماهمه کهتریم): ل: سواریت زبید که ما چون خریم؛ متن = یازده دستویس دیگر ۵-ق (نیز ل ۳): خروران؛ ل: همه از خروان؛ متن = س، ک، ل، آ، س ۴ (نیز لن، ق، آ، پ، آ) ۶-ل: همه از خروان و از هنر کمترین؛ ب: بدین کهتری از کسان مهتریم) ۷-ک: گفت بهراه ۸-ل ۲: بازو ۹-ل، ن، ل، ن، آ: زار؛ ل: کمتر اندر جهان خوار؛ ق: زارتر در جهان زار؛ متن = ده دستویس دیگر؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فقال: إن الله هو الذي خصني بهذه القوة. و من لم يكن معه عناية من الحق فلا أهون منه بين الخلق ۱۰-ل: <را> (وزن ندارد)؛ ک، س ۲ (نیز لی، ل، و، ا): بارگی؛ متن = س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب): اسب؛ ک، س ۳: از آرد باره؛ متن = ل (نیز لی، ل، و، ا) ۱۲-ق: پیران ز جای) ۱۳-س (نیز لن، ل، ن، آ): مانده شد؛ ک، ل، آ، س ۲ (نیز ق، آ، لی، و، ا): مانده بود؛ ق (نیز د، ا): آمدش مانده؛ متن = ل (نیز ل ۲): این واژه در پ خوانا نیست ۱۴-ل، ق (نیز ب): بچه پیش ازو؛ س، ک، س ۲ (نیز لن-ل، و، ب): بچه پیش او؛ متن = ل ۱۵-ک، ل، آ، س ۲ (نیز لی، و، ا): و رانده بود؛ س: رفت یازنده شد؛ ق (نیز ب): رفته یا مانده؛ ق: او مانده بود؛ ل ۲: و ماند بودن، لن ۲: رفت و تازنده شد؛ پ: مانده و رانده بود؛ متن = ل ۱۶-س (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): نیمه؛ ل ۲: پاره؛ متن = ل، ق، ک، س ۲ (نیز لی، ل، و، ا، ب) ۱۷-ق: کهنران-مهتران ۱۸-ل، ق، ک، س ۲ (نیز ق، آ، و، آ، ب): چون آن؛ س، ل ۲ (نیز لن، ل، ن، آ): چنان؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۹-ل، ق، ک، ل ۲ (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): بر ماده؛ (لی: زدشاه بر ماده)؛ متن = س (نیز لن، ل، ن، آ) ۲۰-ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): خردمند متن = ک، س ۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۲۱-س: آ: و گور؛ ق: گفتار زهی زخم و زور ۲۲-ک، س ۲ (نیز ل ۲، پ، آ): بدان ۲۳-ل: بجز؛ (ل: نمائی مگر)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۴-ک، س ۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): خروان؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، و) ۲۵-ل: <و> ۲۶-س (نیز لن، پ، ل، ن، آ): او؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ بنداری: ثم ركض خلف يعفور آخر فوسطه بالسيف. و تراكفت الفرسان خلف البعير حتى رموا منها ملء ذلك الفضاء حتى كأنهم أخلوا تلك الأرض منها؛ ق، ک، س، آ، لی، و، ا، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بفرمود تا حلقه زر کنند
همان بز - داغ سیصد گله
بران حلقه‌ها نام او برکنند
دراغند در گوش گور یله
رها کردش از پی نام را
همان از پی شادی و کام را

که یک تن مباد بدین^۱ پهن^۲ دشت،
بدیشان^۳ دهید این^۴ همه رایگان!

ببردند بسیار^۶ دیبا^۷ و خز^۸
نخواهند، اگر^{۱۱} چندشان بود تاو
وگر نانش^{۱۳} از کوشش خویش بود،
بسی نیز با تخت و افسر شدند!

به یک^{۱۵} هفته بز شادمان با^{۱۶} سپاه
پیاده شدند. بر او^{۱۷} سپاه
خردمند و^{۱۸} درویش^{۱۹} جوینده بی،
به یزدان پناهد از^{۲۱} بندگان!
وگر^{۲۱} نیستش بهره از گنج ما،
مگر بر شما نو کند^{۲۳} روزگار!
همان^{۲۶} کو جوانست و^{۲۵} ناتندرست^{۲۷}،
شده است از بد^{۳۰} فام خواهان^{۳۱} ستوه،
از آن^{۳۴} کس که دارد نخواهند چیز^{۳۵}،

یکی مرد بر گرد لشکر بگشت:
که گوری فروشد به بازارگان

ز برقوه با^۵ نامداران جز
بپذرفت^۹ و فرمود تا باژ و ساو
۱۳۸۵ از آن^{۱۱} شهرها هرک^{۱۲} درویش بود
ز بخشیدن او^{۱۴} توانگر شدند

به شهر اندرآمد ز نخچیرگاه
به میدان بُدی بیشتر بارگاه
برفتی خوش آواز گوینده بی
۱۳۹۰ بگفتی که ای دادخواهندگان
کسی کو نخفته است با رنج ما
به میدان خرامید تا^{۲۲} شهریار
دگر هرک^{۲۴} بیرست و^{۲۵} بیکار و^{۲۵} سست
وگر^{۲۸} فام^{۲۹} دارد کسی زین گروه،
۱۳۹۵ وگر^{۳۲} بی پدر کودکانند نیز^{۳۳}

۱-ق.ک.ل.۲ (نیز.ق.۲.لی.پ.ب): مباد اندرین؛ (ل.آ.مبادا ازین): متن = ل.۲- (لی.بوم): س این بیت را ندارد ۳-ک.س.۲ (نیز.ق.پ.ل.۲.آ): بایشان ۴-ق.آن: س.لی این بیت را ندارند ۵-س (نیز.پ): نا (بدون نقطه) - ق (نیز.ق.تا): (لی.و.آ.ب.و.از): ل.ل.آ: برکوی با: (ق.۲.برقوی تا): ک (نیز.ل.۲): برقوی و از: س.آ.برقوی وز: متن = (ل.۲) ۶-ک.س.۲ (نیز.لی.ل.۲.و.آ): هرگونه: متن = ل.س.ق.ل.۲ (نیز.ق.۲.پ.ل.۲) ۷-ل.س.ق (نیز.لی): دینار: متن = ک.ل.آ.س.۲ (نیز.ق.ل.۲.آ) ۸- (ب.هرگونه خز و بز) ۹-ل.س.ل.آ.س.۲ (نیز.ق.۲): بذرفت (حرف یکم بی نقطه): ق.ک (نیز.لی.پ.و): پذیرفت: متن = (ل.۲.ل.آ.ب) ۱۰-ق.گر: بنداری: فامر الملک بتفریقها علی الحاضرین من السوقية والتجار من أهل المدینتین. ثم إن اکابر جز. و برقویه حاء و حضرة بهرام بهدایا من الخز و الدیاج و غیرهما قبلها الملک منهم، و امر یاسقاط الخراج عن المدینتین ۱۱-س.بدان: ق.ک.س.۲ (نیز.لی.و.آ.ب): دران: (ل.ل.پ.ل.آ.و.زان): متن = ل.ل.۲ (نیز.ق.۲) ۱۲-س-س.۲ (نیز.ق.۲.لی.پ.آ): هرکه: (ل.۲.ب.شهر هرکس که): متن = ل.۱۳-ک.س.۲ (نیز.ق.۲.لی.ل.آ.و.آ.ب): خوردش: متن = ل.س.ق.ل.۲ (نیز.ق.پ.ل.۲) ۱۴-ک.س.۲ (نیز.ل.۲.و.آ): وی: متن = ده دستویس دیگر ۱۵-ک.س.۲ (نیز.ل.۲.پ.آ): یکی: متن = ده دستویس دیگر ۱۶- (ب.زو شاد شهر و: ب.هفته شادمان با) ۱۷-ک.س.۲ (نیز.لی.ل.۲.و.آ.ب): به پیش (لی.آ.چه): ل.ل.آ این بیت را ندارند ۱۸-ک.س.۲ (نیز.ق.لی): <و>: متن = یازده دستویس دیگر ۱۹-ق.پر دا ۲۰-ق.ای ۲۱-س (نیز.ق.ل.۲): اگر: متن = دوازده دستویس دیگر ۲۲-ل.ک.ل.۲ (نیز.ق.ل.۲.آ.آ): با: س.نا (نقطه ندارد): متن = ق.س.۲ (نیز.لی.و.ب) ۲۳-ک.س.۲ (نیز.لی.آ): همه بر شما نو کند: (ل.۲.ب.همی بر شما نو کند: و همه نو کند بر شما) ۲۴-س-س.۲ (نیز.لی.ب): هرکه: (ق.آ.هر چه): متن = ل.۲۵- (لی.<و>) ۲۶-ق.همو ۲۷- (آ.با تندرست) ۲۸-ک.س.۲ (نیز.و): اگر: متن = دوازده دستویس دیگر ۲۹-ل.ک (نیز.ق.۲.لی.پ.و.ل.آ.ب): و ام: (آ.نام): متن = ل.۲.س.۲ (نیز.ق.ل.۲) ۳۰-ک.س.آ.پی: (ل.آ.<بد> (وزن ندارد): ۲۱-ل.س.ک (نیز.ق.۲.لی.ل.آ.و.ل.آ.ب): و ام خواهان: ل.۲ (نیز.ب): و ام داران: (آ.نام خواهان): ق.اوز خواهندگانش: متن = س.۲ (نیز.لی) ۳۲- (ق.آ.اگر) ۳۳- (ل.کودکانست نیز: ب.کودک آید بنیز) ۳۴-ک.س.۲ (نیز.لی.ل.۲.و.آ.ب): کزان: متن = ل.س.ق.ل.۲ (نیز.ق.۲.پ.ل.۲) ۳۵- (ق.آ.نیز): ق.کخواهند یابند چیز: بنداری. ثم کشف عن أحوال الرعية بها و عن أهل البيوتات و المتسترین منهم بملابس القنوع بفرق لمیهم أموالا و افرة حتی أغناهم أجمعین

بود مام^۱ کودک نهفته نیاز
 وگر^۴ مایه داری توانگر بمرد
 کند کارداری^۸ بدان^۹ چیز رای^{۱۰}
 سخن زین نشان کس مدارید راز^{۱۴}
 ۱۴۰۰ توانگر کنم مرد درویش را!
 بتوزیم فام^{۱۸} کسی کش^{۱۹} درم
 دگر هرک^{۲۳} درد^{۲۴} نهفته نیاز
 گر^{۲۷} از کارداری بود^{۲۸} رنج نیز
 کنم زنده بر دار بیداد را
 ۱۴۰۵ گشادند ازان پس^{۳۱} در گنج باز
 ز نخچیرگه سیری بغداد رفت
 برفتند گردنکشان پیش اوی^{۳۴}
 همی دارد آن تنگی^۲ خویش راز^۳
 بدین^۵ مرز ازو^۶ کودکان ماند^۷ خرد،
 ندارد^{۱۱} به دل شرم و ترس^{۱۲} خدای^{۱۳}،
 که از رازداران نیم^{۱۵} بی نیاز^{۱۶}!
 به دین^{۱۷} آورم جان بدکیش را!
 نباشد^{۲۰}، دل خویش دارد^{۲۱} به غم^{۲۲}!
 بروبر گشایم^{۲۵} در گنج باز^{۲۶}!
 که او از پدرمرده بی خواست^{۲۹} چیز،
 که آزرده او^{۳۰} مرد آزاد را!
 توانگر شدند آنک^{۳۲} بودش^{۳۳} نیاز
 خرد یافته با دلی شاد رفت!
 ز بیگانه و^{۳۵} آنک بُد^{۳۶} خویش اوی^{۳۴}

۱-ق: مام و؛ (ن، ق، آ، و، آ، ب: نام) ۲. (ب: سختی) ۳-ل، ق، ل، آ: بدو (ل: برو) برگشایم (ق: هم او را گشایم) در گنج باز: متن = یازده دستویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد؛ ل، ل، آ پس از این بیت افزوده اند:

گر از کارداری بود رنج نیز که او از پدرمرده خواست چیز

۴- (ق: آ، اگر) ۵-ق: درین ۶-س، ک، س، آ، بو، ل، آ: او؛ (ق: آ، و، مر: ل، آ: و زو)؛ متن = ل، ق (نیز ب) ۷- (ب: بود؛ لی، ب: زن و کودکانش بماندند)؛ لی این بیت را ندارد ۸-ل: گنه کار دارد؛ (آ: گنه کار داری)؛ متن = س، ق، ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، ل، آ، ب) ۹-س: بدین ۱۰-ل: <ی>؛ (ب: در آن چیز رای) ۱۱- (ق: نه آید) ۱۲-ل: بیم، ک (نیز ل، آ، ب): ترس از؛ (ق: آ، ترس و شرم)؛ متن = س، ق، س، آ (نیز ل، آ، پ، و، آ) ۱۳-ل: <ی>؛ ل، آ، ل، لی این بیت را ندارد ۱۴- (ق: آ، باز) ۱۵-ل، س، ق (نیز ق، آ، ب): منم؛ (لی: دادداران نیم)؛ متن = ک، س، آ (نیز و-ب) ۱۶- (ل: آ، گشایم بروبر در گنج باز)؛ ل، آ، لی این بیت را ندارند؛ ک پس از این بیت افزوده است:

مرو را زان کار بی غم کنیم فزون شادی و اندهش کم کنیم

۱۷-ل: پدید؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ ل، آ این بیت را ندارد؛ در ل، ن، ل، ت، های این بیت پس و پیش شده اند ۱۸-ق (نیز ق، آ، ب، و، ل، آ، ب): وام ۱۹-ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): و ۲۰-ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): ندارد ۲۱- (ق: آ، خویشتن را) ۲۲- (ب: دارد دژم)؛ ل، آ، لی این بیت را ندارند ۲۳-س، ق، ک (نیز ل، آ، ب: هر کس)؛ (ق: آ، هر که)؛ متن = ل ۲۴- (آ، ب: باشد) ۲۵-ک، س، آ (نیز آ): گشایم بروبر؛ متن = س، ق (نیز ل، ق، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۲۶-ل: همی درد از تنگی خویش راز؛ (ل: آ، که از رازداران نیم بی نیاز)؛ ل، آ، لی این بیت را ندارند؛ ل، س، آ پس از این بیت افزوده اند:

مرو را زان کار بی غم کنیم فزون شادی و اندهش کم کنیم

۲۷-ق: ور؛ س (نیز ل، ن، آ): چو ۲۸ ل: کارداران ما؛ س (نیز ل، آ، پ، و): کارداران بود؛ متن = ق، ک (نیز ق، آ، لی، آ، ب) ۲۹-ل: میخواست؛ (ب: خواهند هم از پدرمرده)؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ ل، آ بیت های ۱۴۰۳-۱۴۰۵ را ندارد ۳۰-ک، س، آ (نیز ل، آ): وی؛ س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ، ب): آزار داد؛ (لی: زیاد وی؛ آ: آزرده وی)؛ متن = ل ۳۱-ل: زان پس؛ ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): آنگه؛ متن = س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ب، و، ل، آ، ب) ۳۲- (ب: آنکه)؛ ل، ک، س، آ (نیز ل، آ، و، ل، آ): شد آنکس که؛ متن = س، ق (نیز ل، ن، ب) ۳۳- (لی: بد در نیاز) ۳۴-ل، ق، س، آ (نیز آ، ب): <ی>؛ متن = س، ک (ب: ل، ن، آ) ۳۵- (ق: آ، بیگانگان) ۳۶-ک، س، آ (نیز ل، آ، ب): هر که بد؛ (و: مردم)؛ س (نیز ل، ن، پ، ل، آ): وانکس که بد؛ متن = ل، ق، (نیز ق، آ)

بیامد به^۱ کاخ دلارای^۲ شاه^۳
پرستندگان، مشک^۴ و می خواستند،
ز بیگانه یوان^۷ پرداختند،
هوا را همی اد گفتمی^۹ درود!
بپردند^{۱۱} تا دل ندارد نژند
در گنج بگشاده^{۱۳} روز و شبان^{۱۴}
به سر برنهاد آن کیی^{۱۶} تاج فخر
بتان را ز گنج درم^{۱۸} ساز کرد
نبودش، نه زیر اندرون^{۱۹} تخت عاج،
برآشفت و ز^{۲۲} روزبه لب مکید^{۲۳}!
بدیشان^{۲۵} دهم، چون بیاری به در^{۲۶}!
ز^{۲۷} گنج سپهان و ری^{۲۸} بار خواه^{۲۹}!
نه از اختر^{۳۲} شاه ایران بود!

بفرمود تا بازگردد سپاه
شبهستان برزین^۴ بیاراستند^۵
۱۴۱۰ بتان چامه و چنگ برساختند
ز رود و می و نای و بانگ^۸ سرود
به هر شب ز هر حجره یی^{۱۰} دستبند
دو^{۱۲} هفته همی بود دل شادمان
درم داد و آمد به شهر سطر^{۱۵}
۱۴۱۵ شبهستان خرداد در^{۱۷} باز کرد
به مشکوی زرین هر آنکس که تاج
از آن^{۲۰} شاه ایران فراوان زکید^{۲۱}
بدو گفت: من باز روم و خزر^{۲۴}
هم اکنون به خروار دینار خواه!
۱۴۲۰ شبهستان کزین^{۳۰} گونه ویران^{۳۱} بود

۱- (ق: ۲) ز: ۲- (لی: دلفروز) ۳- (ب: خرامان سوی بزمگاه) ۴- ل، ک، س ۲ (نیز لی- و، آ) زرین: (لن: ۲: بزین): متن = س، ق (نیز لن، ق: ۲) ب) ۵- (پ: بیاراستند) ۶- ل: رود؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷- (ب: مردم)؛ دل ۳ تهای این بیت پس و پیش شده اند ۸- س، ک، س ۲ (نیز لی، ل، و، آ)؛ بانگ نای و: (ق: ۲: بانگ چنگ و)؛ ل: رود می و بانگ رود؛ متن = ق (نیز لن، پ، ل، و، آ) ب) ۹- (پ، و: گیتی) ۱۰- ل: یک؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱- (و، ب: برفتند) ۱۲- س ۲: تو ۱۳- ل، س، و (نیز لن، ق: ۲، لن: ۲)؛ بگشاده: متن = (پ) ۱۴- ق: روزی همان ک، س ۲ (نیز لی، ل، و، آ)؛ گشاده در گنج او هر زمان ۱۵- ل، ق، ک، س ۲ (نیز لن، لی، و، لن: ۲)؛ سطر: (ل: ۳: بشهر اسطر)؛ متن = س (نیز ق: ۲، پ، آ) ۱۶- ل: کیان؛ ق: نهاده کیی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- ل: خرداد را؛ (لن، لن: ۲: خرداد در)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- ق: دگر؛ (ل: ز گنج و درم) ۱۹- ل: بزیر اندرو؛ ک: نبود و ز ر اندرش؛ س ۲ (نیز ل، و، آ)؛ نبود بزیر اندرش؛ (ق: ۲: نبودش زیر اندرون؛ و: نبود و بزیر اندرش)؛ متن = س، ق (نیز لن، پ، لن: ۲)؛ ل: لی این بیت را ندارند ۲۰- س ۲: دل ۲۱- ل: کزید؛ ق: خلید؛ (ل: شکید؛ لن: ۲: رمید)؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز لن، ق: ۲، پ، و، آ) ب) ۲۲- ق، ک، س ۲ (نیز لن، پ، لن: ۲)؛ وز ۲۳- (پ، لن: ۲: گزید)؛ ل: و روز بهی برگزید؛ (ق: ۲: از خشم و لب را گزید)؛ متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ل، و، آ)؛ ل: لی این بیت را ندارند؛ بنداری: ثم انه ارتحل من ذلك المتصيد، و سار نحو بغداد، و اقام مقدار اسبوعین بین نسانه و جوریه بیا علی جملة السرور و النشاط، ثم سار منها الی اصطخر دار الملک و مطلع التاج و مستقر التخت فدخل حجر نسانه بها و تفقد هن، فمن صادف منهن غیر معتصبه بالتاج قاعدة علی التخت العاج امر بذلك لها و اتفاق الخزان علیها؛ ق: ۲ پس از این بیت افزوده است

بگنجور فرمود پس شهریار
چرا شد شبهستان بچشم تو خوار

۲۴- (ق: ۲: ایوان و خر) ۲۵- (ق: ۲: بایشان) ۲۶- س، ق (نیز لن، ق: ۲، لن: ۲)؛ بیر: (ق: ۲: تا بیارد بیر؛ پ: چون نیاری بیر)؛ متن = ل، ک، س ۲ (نیز ل، و، آ) ب) ۲۷- س ۲: تو ۲۸- ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق: ۲، پ، لن: ۲)؛ ری و اصفهان: (ب: صفاهان و ری)؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، و، آ) ب) ۲۹- ل، س: باز خواه؛ (لن، آ: یار خواه؛ ق: ۲، لن: ۲)؛ ب: باز خواه؛ متن = ق، ک، ل، آ، س ۲ (نیز ل، و، آ)؛ ل: لی این بیت را ندارد؛ بنداری: و قال للقائم بأمرهن: إنا قد جعلنا خراج الروم و الخزر برسم حُجر اصطخر، فان لم يكفهن ذلك فاستدع أحمد - اللدائير من إصبهان و الری ۳۰- ل (نیز پ، لن: ۲)؛ برین: س، ق (نیز لن، ق: ۲)؛ بدین: ل: ازین؛ متن = ک، س ۲ (نیز ل، و، آ) ب) ۳۱- (آ: بیر)؛ ۳۲- ل، ک، س ۲ (نیز ل، و، آ)؛ نه اندر خور؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، ق: ۲، پ، لن: ۲)؛ ل: لی این بیت را ندارد

ز هر^۱ کشوری باز^۲ نو خواستند
 زمین^۳ را به دیا بیاراستند!
 برین^۴ گونه یک چند گیتی بخورد
 نه رزم و نه رنج و نه^۵ ننگ و نبرد!

۱-س. ۲. به هر (لی: تاج) ۳-ل: زمی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق این بیت را ندارد؛ ب پس از این بیت افزوده است (۶۵۹-۶۷۳):

کنون ای خدمت دانش‌پذیر	اگر بایدت یک سخن یادگیر
بخیلی مکن هیچ اگر مردمی	ممان تا کم از تو کند مردمی
بموبد چنیر گفت از آن پس که شاه	چو کار جهان را ندارد نگاه
چه داند به مردم کدامست که	چگونه شناسد کهان را ز مه
۵ بهار آمد و شد جهان چون بهشت	بخاک سیه بر فلک لاله کشت
همه مرزه پر ز نخجیر گشت	بجوی آنها چون می و شیر گشت
گرازدن نور و آهو به شیخ	کشیدند بر سبزه هر جای نخ
همه جوپاران پر از مشکدم	بان گل تازه شد می بخم
بگفتند به شاه بهرام گور	که شد دیر هنگام نخجیر گور
۱۰ چنین داد پاسخ که مردی هزار	گزین کرد باید ز لشکر سوار
بیازید با خویستن یوز و باز	همان چرخ و شاهین گردنفرز
از آنجا سوی تور باید شدن	به نخجیر و یک ماه آنجا بدن
سوی تور شد شاه نخجیرجوی	جهان‌دیده یکسر پر از گفتگوی
ز گور و غره و ز آهو جهان	پیرداختند آن دلاورمهان
۱۵ سدیگر چو بفروخت خورشید تاج	زمین زرد شد کوه دریای علاج
سپهد به نخجیر شد بی سپاه	یکی ازدها دید خفته به راه
سوی دشت شد شهریار دلیر	یکی ازدها دید غران چو شیر

۴- (لی: پ: بدین) ۵-س (نیز لن، ق: ۲، لن: ۲، بزم و نه؛ ق: رای بی؛ ل: ۳، و، آ: ب، کین و نه؛ ل: بزم و برزم و به؛ لی: برزم و بکین و به؛ پ: برزم و بزم و)؛ متن = ک، س: ۲، ل: ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: قال: و بقی بهرام کذلک مدّة من الزمان لا یشتغل إلا باللّه و الطرب و الصید و الطرد. و إنما سمی بهرام جور لم یزمته صید حمر الوحوش. و اسم حمار الوحش فی لسان الفرس کور. فقبل له بهرام کور من أجل ذلك. و عربته العرب فقالوا بهرام -سور: دستنویسهای ک، س: ۲، ل: ۳، و، آ: بیت ۱۴۲۲. رایک بار هم در پایان داستان «بهرام و زن پالیزبان» آورده‌اند (۷۷۲)؛ ق: ۲، ل: ۲، پ: پس از این بیت افزوده‌اند:

ق: نبودى بچ بزه و رای شکار	چه اندر نهفت و چه اندر سکار (۴)
چوسی رو بگذست از اردیبهشت	شد از میوه پالیزها چو بهشت
بشگیر هرز خردادماه	از آن دشت سوی رهی رفت شاه
ببند که اندر جهان داد هست	بجوید دل مرد یزدان‌پرست
ل: ۳: همی بود یکچند با مهتران	می روشن و جنم و رامشگران
بهار آمد و شد جهان چون بهشت	ز خاک سیه بر فلک لاله کشت
پ: شکار و میش کار بودی و بس	همه شادیش یار بودی و بس

دستنویسهای ل، ق-س: ۲، لی: ل، ۳، و، داستانهای «بهرام و بازرگان بخیل» و «بهرام و زن پالیزبان»، و دستنویس ب تنها داستان «بهرام و زن پالیزبان» را در اینجا آورده‌اند؛ در پایی داستانها از س، لن، ق: ۲، پ، لن: ۲، بنداری و دستنویس حاشیه ظفرنامه پیروی شد

گفتار اندر تاختن آوردن لشکر چین و روم بر بهرامشاه^۱

پس^۲ آگاهی آمد به هند و به روم
که بهرام را دل به بازیست و^۳ بس
۱۴۲۵ طلایه نه و دیدبان^۵ نیز نه!
به بازی همی بگذراند^۸ جهان!

به ترک و به چین و به آبادبوم،
کسی را ز گیتی ندارد^۴ به کس!
به مرز^۶ اندرون پهلوان^۷ نیز نه!
نداردهمی^۹ آشکار و نهان!

ز چین و حتن^{۱۰} لشکری برگزید،
کسی را نیامد ز بهرام یاد!
همه کشور روم لشکر گرفت!
ز ترک و ز چین^{۱۳} و ز آبادبوم^{۱۴}،
ز چین و حتن لشکر^{۱۶} آمد پدید،
ز ایران و از^{۱۸} نامداران^{۱۹} نو،
پراز خشم و پیار^{۲۱} و شور آمدند!
که بخت فیروزان^{۲۳} بنمود پشت!
ترا دل به بازی و بزم اندرست!

چو خاقان چین این^{۱۱} سخن‌ها شنید
درم داد و سر سوی ایران نهاد
و زان روی^{۱۲} قیصر سپه برگرفت
۱۴۳۰ به ایران چو آگاهی آمد ز روم
که قیصر سپه کرد و اندرکشید^{۱۵}
به ایران^{۱۷} هر آنکس که بُد پیشرو
همه^{۲۰} پیش بهرام گور آمدند
بگفتند با شاه چندی^{۲۲} درشت
۱۴۳۵ سر مرزجویان^{۲۴} به رزم اندرست

۱- داستان بهرام گور با خاقان چین: ق: خروج لشکر هند و روم و چین بر بهرام و تدبیر او: ن: لشکر کشیدن خاقان چین بایران؛
ل: آگه شدن خاقان چین از کار بهرام: س: بیرون آمدن لشکر روم و چین: متن: س: بنداری: ذک: قصه قیصر الروم و خاقان الصين مع
بهرام ۲- س: ۲: چو ۳- ل، ق: ل (نیز لن-ب): < و: متن: س، ک، س: ۴- ق: ندانند: ل: ندارد: ز گیتی: ک (نیز لی، ل، آ، آ): به گیتی ندارد؛
متن: ل، س، س: ۵- ل، ق: آ، پ، و، لن، آ، ب) ۵- ل، ق: ک، ل (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ، ب): دیدند: متن: س، س، س: ۶- (نیز ل، آ، آ): ۶- (ن: بزم)
۷- ق: ک، س: ۷- (نیز ل، آ، و، آ، ب): مرزبان: (لی: دیده‌بان): متن: ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، لن، آ): ب این بیت را ندارد: لی، ب پس از این بیت
افزوده‌اند:

شب و روز با یوز و بازی (لی: خوب رویان) به هم همی بگذراند بهر بیش و کم

۸- (ق: آ: همی بگذراند بیازی) ۹- ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، ل، آ، لن، آ): نداندهمی: ق: نمی‌دانند: متن: ک، س، س: ۲ (نیز لی، آ، ب): بنداری: قال
صاحب‌الکتاب: ثم تواترت الأخبار واستفاضت فی بلاد الروم و الهند و ممالک الترمک و الصين یقال بهرام بکلته علی اللعب و اللهب،
و اشتغاله بذلک عن الخلق، و اهماله لأمر الجیش، و أنه لا یهمه ترتیب الجند فلیس علی بابہ پهلوان و لا طلایع و لا دیدبان ۱۰- س: ۲ (نیز
لن، ب): آن ۱۱- (آ: حبش) ۱۲- ل: سوی: متن: چهارده دستنویس دیگر: بنداری: فجمع الخاقان - تذکره عسکرا عظیما، و أقبل طامعا
فی ممالک ایران، و حشد قیصر أيضا و أقبل من الجانب الآخر فی جنوده قاصدا للتوغل علی بلاد ایران أيضا ۱۳- ل، س، ق: ل (نیز لن،
پ، لن، آ): هند و ز چین: (ق: آ: چین و ز هند): متن: ک، س: ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۴- (پ: ز هر مرز و بوم) ۱۵- ل، س، ق: ل (نیز لن، ق، آ، پ،
و، لن، آ): لشکر کشید: (ب: سپه را همی در کشید): متن: ک، س: ۲ (نیز لی، ل، آ، آ) ۱۶- (ق: آ، ب: دشمن: ۱۷- س، ق: ل (نیز لن، ق، آ): از ایران؛
(پ، لن، آ، ب: ز ایران): متن: ل، ک، س: ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ) ۱۸- ل، ق: (نیز لن): و ز: متن: س (نی، ب، ل، آ) ۱۹- ک، س: ۲ (نیز لی < و، آ، و، آ،
ب): کهن پهلوان و دلیران: ل (نیز ق، آ): کهن مرد یا از دلیران ۲۰- (لن، آ: همی) ۲۱- ق: تیما ۲۲- ت (نیز ل، آ): چندین ۲۳- ک، س: ۲ (نیز
لی، ل، آ، و، آ، ب): فروزنده: متن: ل، س، ق: ل (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۲۴- ل: رزم جویان: ک، س: ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): شهر یازان: متن =
س، ق: (نیز لن، پ، لن، آ): ل این بیت را ندارد

به چشم تو خورست تخت و کلاه^۱
 چنین داد پاسح جهاندارشاه
 که دادار گیجان^۵ مرا یاورست
 به نیروی آن^۷ پادشاه بزرگ
 ۱۴۴۰ به بخت^{۱۱} و سپه و ه شمشیر و گنج
 همی کرد بازی^{۱۲} بدان^{۱۳} هم نشان
 همی^{۱۵} گفت هر کس کزین^{۱۶} پادشا
 دل شاه بهرام بیدار بود
 همی ساختی نار لشکر نهان
 ۱۴۴۵ همه شهر^{۱۹} ایراد ز نارش به^{۲۰} بیم^{۲۱}
 همه گشته^{۲۶} ندید از آن^{۲۷} شهریار
 پس آگاهی آمد به بهرامشاه
 جهاندار گسته ز پیش خواند

همان شهر^۲ ایران و گنج و سپاه^۳
 بدان مرزبانان جوینده^۴ راه،
 که از دانش برتران^۶ برترست!
 من^۸ ایران نگه دارم از چنگ^۹ گرگ!
 ز کشور بگردانم^{۱۱} این درد و رنج!
 و زو^{۱۴} پر ز خون دیده‌ی سرکشان!
 بیچند دل مردم پارسا!
 و زان^{۱۷} آگهی پر ز تیمار بود!
 ندانست رازش کس^{۱۸} اندر جهان!
 از^{۲۲} اندیشگان^{۲۳} دل شده به^{۲۴} دو نیم^{۲۵}!
 تن و^{۲۸} کدخدایی گرفتند خوار^{۲۹}!
 که آمد ز چین اندر^{۳۰} ایران سپاه
 ز خاقان چین چند با او^{۳۱} براند،

۱-ل.س.ق. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب): گنج و سپاه: (ق: گنج و کلاه): متن = ک.ل.آ.س. (نیز.لی.ل.و.آ) ۲-ل.س.ق. تاج: س.ق. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب): تخت: ک.س. (نیز.لی.ل.آ.آ): مرز (و: همه مرز): متن = ل. (نیز.ق: ۲) ۳-ق: تاج و سپاه: ل. هم تخت و گاه: س.ق. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب): هم تاج و گاه: متن = ک.ل.آ.س. (نیز.لی.ل.و.آ): بنداری: فلما تناهی الخیر بذلک ائی أرض ایران اجتمع الأكابر و الأمراء و الأعیان و القواد، و دخلوا علی بهرام و عنفه و سیروه، و أخبروه بامتداد الأطماع الی ممانکه ۴-ل.س.ق. ل. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب): موبدان نماینده: ک.س. (نیز.لی.ل.آ.آ): متران نماینده: متن = (و) ۵-ک.س. (نیز.لی.ل.و.آ): دارای گیتی: ل. (نیز.ق: ۲): دارای گیتی: (پ: دادار گیتی): متن = ل.س.ق. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب) ۶-ل. (مهران: (و: کر اندیشه برتران) ۷-ق.ک.ل. (نیز.ق: ۲.لی.ل.و.آ): پیروزی: س. (پیروزی این: (ب: پیروزی آن) متن = ل.س. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب) ۸-ل. (نیز.ق: ۲.ن.آ): که: متن = س.ک.ل.آ.س. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب) ۹-ل. که ایران نگه دارد از چنگ: ق: نگه دارم ایران ز چنگال: (پ: رمه گوش دارم ز چنگال): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰-ک.س. (نیز.لی.ل.و.آ): برنج: ل. (بخت: متن = ل.س.ق. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب) ۱۱-ل. از ایران بگرداند: متن = چهارده دستنویس دیگر: بنداری: فقال لهم بهرام: إن الله ناصري و أنا بحول الله و قوته و نصرته حافظ لایران و ذائد عنها كل مکره و سأصرف شرم عن هذا الإقليم بالمال و الجیش و السعاد و السیف ۱۲-ک.س. (نیز.لی.ل.و.آ.ب): رامش: متن = ل.س.ق. ل. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب) ۱۳-س.ل. (نیز.آ.ب): برین: ک.س. (نیز.ق: ۲.ل.آ.پ.و): بران: (لی: بدین): متن = ل.ق. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب) ۱۴-ک.س. (نیز.ق: ۲.و.آ): وزان: متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ق: بسی ۱۶-س. (نیز.لی): که این: (ب: هر کسی را ازین): متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷-ل. ازین: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ق: س. (نیز.لی.ل.و.آ): کس رازش: متن = ل.س. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب): بنداری: و استمر فی ظاهر الأمر علی لهوه و لعبه کما کان. فایس من منکه الإیرانیون و کادوا ی تلفون من الجزع و الأسف علیه. و هو فی السر یهین امر عسکره، و یستعد بحیث لا یطلع علیه أحد ۱۹-ل. (مرز) ۲۰-ک.س. (نیز.لی.و.آ.ب): پر از ترس و: متن = ل.س.ق. ل. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب) ۲۱-ق: یتیم: ل. (پر از ترس بود ۲۲-ن. (نیز.پ): ز: (ن.ق: ۲.وز) ۲۳-ک.س. (نیز.لی.ل.و.آ): وز اندیشه ها: متن = ل.س.ق. ل. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب) ۲۴-ق: س. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب): بر: (ق: گشته دلشان) ۲۵-ل. (دل شده پر ز دود) ۲۶-ک.س. (نیز.لی.ل.و.آ.ب): مرز: ل. (شهر: متن = ل.س.ق. (نیز.ن.پ.ن.آ.ب.و.ل.آ) ۲۷-ل. زان: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸-ل. ق. (نیز.آ): برو: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-آ: بار: ق: بگردند خوار) ۳۰-ل. (ن: آ: تابه): ق. این بیت را ندارد ۳۱-ق: آ: باوی

کجا^۱ پهلوان بود و دستور بود
 ۱۴۵۰ دگر مهرپروز بنداد را^۳
 چو پیروز بهرام^۶ بهرامیان
 یکی شاه گیلان^۹، یکی^{۱۰} شاه ری
 دگر دادبرزین رزم آزمای
 بیاورد^{۱۳} چون قارن^{۱۴} برزمهر^{۱۵}
 ۱۴۵۵ گزین کرد از^{۱۷} ایرانیان شش^{۱۸} هزار
 برادرش را داد تخت و کلاه
 خردمند نرسی^{۲۱} آزاد^{۲۱} چهر
 و زان جایگه لشکر اندر کشید
 چن^{۲۶} از پارس لشکر فراوان نبرد
 ۱۴۶۰ که از جنگ^{۲۹} بگریخت بهرامشاه
 چو رزم آمدی، پیش او سور^۲ بود!
 سیوم^۴ مهربرین خرد را^۵
 خزوران^۷ رهم با اندیان^۸
 که بفشاردندی گه جنگ^{۱۱} پی
 کجا زاولستان^{۱۲} بدو بُد به پای
 دگر دادبرزین آرتنگ^{۱۶} چهر
 خردمند و^{۱۹} شایسته‌ی کارزار
 که تا گنج و لشکرش دارد^{۲۰} نگاه
 همش فرّ و دین بود و^{۲۲} هم داد و^{۲۳} مهر
 سوی آذربادگان^{۲۴} برکشید^{۲۵}
 چنین^{۲۷} بود نزد^{۲۸} بزرگان و خرد،
 و زان^{۳۰} سوی آذر کشیده‌ست^{۳۱} راه

۱-ک (نیز ب): که او؛ س^۲ (نیز لی، ل، و، آ): که هم ۲-ل-س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن، آ: پیش رنجور؛ (ب: پیش دیجور؛ ب: پیش گنجور)؛ متن = (لی)؛ بنداری: فجاء الخیر بهرام بدخول الخاقان الی ممالک ایران. فاستحضر بهلوانه گتھم، و هو قائد جیسه و دستور ملکه و متولی حله و عقده، ففاوضه فی أمر الخاقان فیما أقدم علیه ۳-ل، ل، آ: به زاد را؛ س، ق (نیز ل، آ): بنداد را (حرف یکم بی نقطه)؛ ک، س^۲ (نیز ق، آ، و، ب، و، آ): و خرد را؛ (ب: بنداد بود؛ لی: میر پیروز خرداد را؛ آ: یکم مهر پیروز خرداد بود)؛ متن = (لن، ب) ۴-ک، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، و، آ): دگر ۵- (ب: بود)؛ ک، س^۲ (نیز ق، آ، ل، و، ب): و فرهاد را (آ: و فرهاد بود؛ لی: شیر برزین فرهاد را)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، لن، آ) ۶-ل-ک (نیز لن، لی، ل، پ، ب): بهرام پیروز؛ ل، س^۲ (نیز ق، آ: بهرام و پیروز؛ (و، آ: پیروز و بهرام)؛ متن = (لن، آ) ۷-ل: خزروان؛ ق: خزروان و؛ س، ک، س^۲ (نیز لن، ق، ل، آ، پ، و، آ، ب): خزروان و؛ ل، آ: خروزان و؛ (لی: خراوران؛ لن، آ: خروزان و)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸- (لی: اندهان)؛ ک: رهام و با اندیان ۹-ل: ایران؛ متن: چهارده دستنویس دیگر ۱۰-ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، ب): دگر؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۱۱-ک، ل (نیز و، آ): رزم؛ ل: که بودند در رای هشیار؛ (ل، آ: بیفشاردندی گه رزم)؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، ب) ۱۲-س (نیز لی-لن، آ، ب): ز بستان؛ ق: این بیت را ندارد ۱۳-ل: ساوید (تنها حرف پسین نقطه دارد)؛ ق: نیاوند؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ل: قارن و؛ (ب: هم قارن)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵- (لن، آ: آرز مهر) ۱۶- (لن، ق، آ: آرتنگ؛ لی: آرتنگ؛ آ: آرتنگ)؛ س^۲ (نیز لی-لن، آ، ب): آیز بیت را ندارد ۱۷-ل: ز؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸-ل: سی هزار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹-ق: (و، ب، آ، ل، و، آ، ب): هنرمند و ۲۰-ل: لشکر بدارد؛ ک، س^۲ (نیز لی، ل، و، ب): کشورش دارد؛ (ق، آ: لشکر و گنج دارد؛ و: تاج و کشورش دارد: آ: با تاج و لشکر بدارد)؛ متن = س، ق، ل (نیز لن، پ، لن، آ): بنداری؛ و استدعی وجوه قواده و اعیان امرائه، و انتخاب من خلص عم کره و المذكورین منهم ستة آلاف فارس، و سلم التاج و النخت الی اخیه نرسی بن یزدجرد ۲۱-ق، ل (نیز آ): آزاده؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ل (نیز لن، لن، آ): (و، آ): که هم فرّ و دینست و) ۲۳-س: رای و؛ (لن، آ: بود هم آزاد)؛ ک، س^۲ (نیز لی، ل، و، ب): که هم فرّ و دین داشت و؛ متن = ل، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ب، آ): برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند؛ س: مکر کردن بهرام و تاختن بردن رزم خاقان چین ۲۴-ک: آباگان ۲۵- (و، لن، آ، ب: درکشید) ۲۶-ل-س^۲ (نیز ق، آ، ب): چو؛ متن = (لن، ب، چنان) ۲۸-ل: رای؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-ک، س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): رزم؛ (لی: از روم)؛ متن = ل، س، ق، ل (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۳۰-س-س (نیز لن، ق، آ، لی، پ، آ، ب): و را؛ متن = ل (نیز ل، و، لن، آ) ۳۱-س-س (نیز لن، ب): آذر گشپت؛ متن = ل: بنداری؛ و کان صاحب دین و روعه و عدلته و رافقه، و رکب فیهم و أخذ فی طریق آذربيجان فحسب الناس أنه قد هرب، حیث لم یستصحب من العسکر إلا ذلک المقنار نیر

چو بهرام رخ^۱ سوی آذر^۲ نهاد
 به کاخیش^۵ نرسی فرود^۶ آورد
 [نشستند با زنی زن بخردان
]همی گفت هر کس که بهرام تخت
 ۱۴۶۵ سوی موبدان، یزد آمد سپاه^۹
 که^{۱۱} بر ما همی گنج^{۱۲} پیراگند^{۱۳}
 به هر جای جن^{۱۵} برفشانند^{۱۶} همی
 پراگند شهری و هم^{۱۹} لشکری
 [کنون ما ندایم ازو^{۲۲} آگهی
 ۱۴۷۰ وُزان^{۲۵} پس چو گفتارها شد کهن
 کز^{۲۷} ایران یک مرد با آفرین

فرستادهی قیصر آمد^۳ چو باد^۴
 گرانمایه جایی چنان چون سزید!
 بنزدیک نرسی همه موبدان^۷
 رها کرد و بر ما بشورید بخت^۸
 به آگاه بودن^{۱۰} ز بهرامشاه
 چرا هم ز لشکر نه گنج^{۱۴} آگند؟
 هم ارج جوانی^{۱۷} نداند^{۱۸} همی
 همی جست^{۲۰} هر کس ره مهتری^{۲۱}
 به ما بازگردد بدی، ار^{۲۳} بهی^{۲۴}
 بر آن^{۲۶} برنهادند یکسر سخن،
 فرستند نزدیک^{۲۸} خاقان چین،

۱-ک، ل، آ: سر ۲-ل: دریا؛ متن = بهارد: دستویس دیگر؛ ق در اینجا سرنویس دارد: آمدن رسول قیصر زومی بایران ۳-ک، س، آ
 (نیز ل، آ: ۱): آمدن قیصر؛ ل: رسولی ز قیصر بیامد؛ س، ق، ل، آ (نیز ل، پ، ب، ن، آ: ب): رسولی بیامد ز قیصر؛ متن = (و) ۴-ق، آ: رسولی
 بیامد ز قیصر نژاد) ۵-ل، آ (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ، ب): به کاخش چو ۶-ک، س، آ: به کاخش چو نرسی فراز؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، پ،
 ن، آ) ۷-در ل، آ: تهای این بیت پس و بیش شده است؛ متن = ل: س، ق، ک، س، آ، ن، ب این بیت را ندارند؛ ک، س، آ، ق، آ، ل، آ، و، آ، ب به
 جای این بیت آورده اند.

بیامد همان موبد موبدان سپاهی ز گردان و ز بخردان

۸-متن = ک، س، آ (نیز ل، آ، و، آ، ب): ل، س، ق، ل، ن، ق، آ، ب، ن، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: قال: ولما سار بهرام وصل رسول قیصر ملک
 الروم فأنزله نرسی فی موضع یلیق به. نه ان الایرانیین اجتماعوا علی موبد الموبدان، وأخذوا یسفهون رأی بهرام فیماکان علیه من قبل
 من التغافل والانکباب علی اللهو و التسله فی أمر العذو حتی صاروا عرضة لثتلف: ل، آ، ل، آ، و، آ، ب، آ، ل، آ، و، آ، ب، آ آورده اند:
 سراسر سخنان بد از شهریار که دادش (ل: داد او) بیاد از (ل: آن) همه روزگار

۹-س، آ (نیز ل، آ): ز راه؛ ل: شد سپاه؛ ل: موبد موبدان سپاه؛ متن = س، ق (نیز ل، پ، ب، ن، آ: ب) ۱۰-س، آ: کردن؛ ل: دادن؛ ک، ل، آ، و، آ این بیت
 را ندارند؛ در س، آ، ل، آ این بیت نمی بیش تر آمده است؛ ق، آ به جای این بیت آورده است:

بیامد همان موبد موبدان سپاهی ز لشکر همه بخردان

۱۱-ک، س، آ (نیز ل، ب): چو ۱۲-آ (و: رنج) ۱۳-ق، ک (نیز ل، و): پیراگند؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ن، آ: آ) ۱۴-ق، آ: ز گنج؛ ل، آ:
 برنج؛ ب پس از این بیت افزوده است:

که گر ما همی گنج پیراکنیم چرا هم ز لشکر بگنج آگنیم

۱۵-ل، س، ز: (ل: خون؛ ل: آ: بهر جای که؛ متن = ق، ک، س، آ (نیز ل، و، آ) ۱۶-ب: بهر جای برمی فشانند) ۱۷-ق: همی ارج شاهی؛ ک،
 س، آ (نیز ل، آ، و، آ، ب): خود ارج خوانی؛ ل: همی ارج خوانی؛ متن = ل، س (نیز ل، پ) ۱۸-ل، ن: بدانند؛ ق، آ: هم از رخ جوانی نماند)
 ۱۹-ل: پراکنده شد شهری و؛ ل، آ: پراکنده شهری و هم؛ متن = ک، س، آ (نیز ل، ب) ۲۰-ل، آ: که جویند ۲۱-ل، ن، ق، آ، ل، آ: بهتری؛ س، ق
 این بیت را ندارند؛ در و این بیت ۴ بیت پیش تر آمده است ۲۲-ل، ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، آ، و، آ): زو ندایم ما؛ متن = (ب) ۲۳-ک، ل، آ، س، آ
 (نیز و، ب): و؛ (ل: مهی و)؛ متن = ل، آ: بهی و مهی؛ آ: بدی و مهی؛ س، ق، ل، ن، ق، آ، ب، ن، آ این بیت را ندارند؛ برخی از
 دستویسهای فرعی در اینجا س نویس دارند ۲۵-ل: از آن؛ متن = ق-س، آ (نیز ل، ب) ۲۶-ل: برین؛ (ل: بدان)؛ متن = دوازده
 دستویس دیگر؛ س این بیت را ندارد ۲۷-ل، ن، آ: که) ۲۸-س (نیز ل): فرستد بنزدیک؛ متن = سیزده دستویس دیگر

که پیشین ازین^۱ غارت و تاختن
مگر بوم ایران بماند به جای
چنین گفت نرسی^۴ که این روی نیست!
۱۴۷۵ سلیحست^۶ و گنجست^۷ و مردان^۷ مرد
چه^۸ نویدی آمد^۹ ز بهرام شاه،
که^{۱۱} اندیشه هاتان چنین گشت^{۱۲} بد؟
شنیدند ایرانیان این^{۱۴} سخن
که بهرام ازیدر^{۱۶} سپاهی نبرد
۱۴۸۰ چو خاقان به ایران شتابد^{۱۸} به جنگ
سپاهی و نرسی^{۲۰} نماند به جای
همی^{۲۲} چاره سازیم تا جای^{۲۳} ما
یکی موبدی بود نامش همای^{۲۵}
و^{۲۸} برگزیدند ایرانیان
۱۴۸۵ نبشتند^{۳۰} پس نامه‌یی بنده وار^{۳۱}

ز هر گونه‌یی باید^۲ انداختن،
چن^۳ از خانه آواره شد کدخدای!
مرین آب را در جهان^۵ جوی نیست!
کز آتش به -نجر برآرند گرد!
کجا^{۱۱} رفت با خوارمایه سپاه،
چو اندیشه‌ی بد کتی^{۱۳}، بد رسد!
یکی کژپاسخ^{۱۵} فگندند بن،
که ما را به غم دل نباید سپرد!^{۱۷}
نماند برین بزم و بر^{۱۹} بوی و رنگ!
بکوبند بر خیره ما را به^{۲۱} پای!
بماند، ز بن^{۲۴} نگسلد پای ما!
خردمند^{۲۶} و با انش و پاک‌رای^{۲۷}،
که آن چاره را تنگ بندد^{۲۹} میان!
از ایرانیان نزد^{۳۲} آن شهریار

۱-س، ک، س^۲ (نیز ل، ل، ل، پ، ل، آ، ب): پیش از بد و: ل: کجا پیشش و: (ق: که پیش آورد): که چند از بد و: متن = ل ۲-ل (نیز ل): ز هرگونه باید: متن = دوازده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد ۳-ل، س، ک، ل، س^۴ (نیز ق ۲-ب): چو: متن = (ل): ق این بیت را ندارد ۴-آ: موبد) ۵-ل (راه در) ۶-س (نیز ل): سلاح است ۷-س: اسبست ۸-ل، س، ک، ل، س^۹ (نیز ق ۲، ل، ل، و-ب): چو: متن = ق (نیز ل، پ) ۹-ل (نیز ل): آید ۱۰-س، ک، ل، س^{۱۱} (نیز ل، ق، ل، ل، و-ب) کتی: ق (نیز پ): گرو: متن = ل ۱۱-ل (ق: کز: ل: چو) ۱۲-ل (ل: بود) ۱۳-ل (از اندیشه بد همی): ل: ل آبه جای این بیت آورده اند:

گر اندیشه بد کتی بد رسد چه باید (ل: که بد) باهاان چنین گشت بد

۱۴-س، ق (نیز ل، ل، پ): آن: متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ل (نیز ق ۲): پاسخ کز: ک، س^۲ (نیز ل، و، آ): پاسخ نو: (ل: نغز پاسخ: ب: باز پاسخ): متن = س، ق، ل (نیز ل) ۱۶-ل: زایدتر: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷-ل ۱۸-س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ل، آ): خرامند: (ل: بیاید): ل: بیاید بایران: متن = ک، س^۲ (نیز ل، و، آ، ب) ۱۹-ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ل، آ): برین: ق (بدین) بوم ما: متن = ک، س^۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب) ۲۰-ل، س، ق، ل (نیز ق ۲، ل، ل، و، آ): شهری: (ب: برو بوم ایران) متن = ل، س، ق (نیز ل، پ، ل، ل، آ) ۲۱-ب: ما را بخیره به: ق: بکوبندمان خیره در زیر: پ پس از این بیت افزوده است:

چنین گفت نرسی که این روی نیست جهان داور پاک با ما یکیت

۲۲-ل: یکی: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳-ل: جان (!): س^۲: چاره ساز تا: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۴-ل، س، ک (نیز ق ۲، ل، آ): تن: ل: تن بن (هم بالای حرف یکم و هم زیر آن نقطه گذاشته است): ق: برین: متر = س (نیز ل، پ، و، ل، آ، ب) ۲۵-ل: <ی>: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۶-ل: هنرمند: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷-ق، ک، س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): رهنمای: ل (نیز پ): خود و نامداران پاکیزه رای: متن = ل، س (نیز ل، ق، آ، ل، ل، آ): برخی از دستنویسهای فرعی در اینجا سرنویس دارند ۲۸-ک، س^۲ (نیز ل، ل، آ، ب): مرو را گزیدند: متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ق، آ، پ، و، ل، آ) ۲۹-ک، س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): سخت: ل: تنگ شد در: متن = ل، س، ق (نیز ل، ق، آ، ل، پ، ل، آ) ۳۰-ل، ق، ک، س^۲ (نیز و، ل، آ): نوشتند: متن = س، س^۲ (نیز ل، و، آ، ب) ۳۱-س^۲ (نیز ل، ل، آ): پندوار ۳۲-ل: از ایران بنزدیک: متن = چهارده دستنویس دیگر: برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند: ق: نامه ایرانیان بنزد خاقان چین بنهار: ل: فرستادن ایرانیان رسول پیش خاقان

به فرمان و رایت سر^۱ افکنده‌ییم!
فرستیم با پوزش و آفرین^۳!
که با جنگ^۵ ترکان^۶ نداریم تاوا!
خود و نامداران پاکیزه‌رای^۹،
دل شاه توران^{۱۰} بدان گشت شادا!
کز ایران بشد^{۱۲} تازنان بی سپاه^{۱۳}،
دل و جان خاقان^{۱۵} چو گل برشکفت!
که کردیم بر چرخ گردنده^{۱۶} زین!
مگر ما^{۱۹} به رای و به هوش^{۲۰} و درنگ!
درم داد چینی و دینار داد^{۲۱}
که با جان پاکان^{۲۳} خرد باد جفت!
که گفت این فرستاده‌ی راستان^{۲۷}
کنم زوی کشور چو پز تذرؤ!
ابا آب شیر اندرآزم به جوی!
همان هدیه و ساو شیران^{۳۱} رسد^{۳۲}!

سر نامه گفتند: ما بنده‌ییم
ز چیزی که باند به^۲ ایران‌زمین
همان نیز با هدیه‌ها^۴ باژ و ساو
بیامد از^۷ ایرن خجسته‌های^۸
۱۴۹۰ پیام بزرگان به خاقان بداد
و زان جستن^{۱۱} تیز بهرام‌شاه
به پیش گرانمیه^{۱۴} خاقان بگفت
به ترکان چنین گفت خاقان چین
کی^{۱۷} آورد بی جنگ^{۱۸} ایران به جنگ؟
۱۴۹۵ فرستاده را عزیز بسیار داد
یکی پاسخ نامه بنیشت^{۲۲} و گفت
بدین^{۲۴} باژ^{۲۵} گشتم^{۲۶} همداستان
چو من با سپاه اندرآیم^{۲۸} به مرو
به داد و به رای و به رنگ^{۲۹} و به بوی
۱۵۰۰ بیاشیم تا باژ یران رسد^{۳۰}

- ۱-ک، س^۲ (نیز لی): دل؛ متن = دو یه دستویس دیگر ۲-ل: بر؛ س (نیز لن): از؛ ق: یابیم؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳-ل: نزدیک خاقان چین؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۴-ل (نیز و، ب): هدیه و؛ ل: چون هدیه؛ متن = یازده دستویس دیگر ۵-ک، س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): رزم؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۶-ق: توران؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ بنداری: و قالوا بعد أن هرب بهرام فالرأى أن نکاتب الخاقان و نلتزم له الخراج حتى تسلّم البلاد و العباد. فمنعهم نرسی من ذلك فخالفوه و کتبا إلی الخاقان کتاب ذوی عجز و ضراعة و سأنوه ألا يتوغل بلادهم و دیارهم حتى يلتزموا له الخراج و يحملوا الیه الإتاوة ۷-ل، ق-س^۲ (نیز ق، و، ب): ز؛ متن = س (نیز ل، و، لن، آ) ۸-ل: <ی>؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۹-ل: ایران‌سرا؛ ل: خردمند و با دانش و پاکرای؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۰-ل، ق، ل^۲ (نیز ب): ترکان؛ (لی: رخ شاه ترکان)؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۱-ک، ل، س^۲ (نیز لن، و، ب): جنبش؛ (آ: پس چنین)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ ۱۲-ل (نیز لی): کریزان بشد؛ ک، س^۲ (نیز ب): کریزان که شد؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، و، آ) ۱۳-ل، س (نیز ق، آ، لی، ب، و، آ): با سپاه؛ ق: تابراه؛ متن = ک، ل، س^۲ (نیز لن، ل، ب): لن^۲ این بیت را ندارد ۱۴-ک، س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): سرافراز؛ متن = س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب) ۱۵-ل (لی: رخ شاه ترکان)؛ لن^۲ این بیت را ندارد ۱۶-و: بستیم بر چرخ گردنده؛ ل: که ما بر نهادیم بر چرخ؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ لن^۲ این بیت را ندارد ۱۷-ل (آ: چو) ۱۸-ل (لی: رنج) ۱۹-ق: من ۲۰-ق، ک، س^۲ (نیز ق، آ، لی، ل، و، آ): بوش و برای؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، ب، لن، آ، ب): بنداری: و أرسلوا الیه الکتاب علی ید موبذ یسمى هُمای. فلما وصل إلى الخاقان کاد أن یضی من الفرح و السرور، و قال لأمرأ الترتک: من قدر أن یملک بلاد ایران بغیر قتال سوائی؟ فقد ملکتها. و ذلك بالرأى و العقل و التزدة و ترفق ۲۱-و: دل شاه توران از آن گشت شادا؛ س در اینجا سرنویس دارد: پاسخ نامه ایرانیان از نزد خاقان چین ۲۲-ل-ل (نیز ل، و، ب): بنوشت؛ متن = س^۲ (نیز ب) ۲۳-ک، س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): مردم؛ (و: مغز مردم)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۲۴-ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، لن، آ): بدان؛ متن = ک، س^۲ (نیز لی، و، آ، ب) ۲۵-ل-ل (نیز لن، ل، لن، آ، ب): باژ؛ متن = س^۲ (نیز ب، و) ۲۶-ک (نیز لن، آ): گشتم و ۲۷-ب: فرستاده مر داستان ۲۸-ب: چو با من سپاه اندرآید ۲۹-ل، ل، س^۲ (نیز ل، لن، آ): برای و بداد و برنگ؛ (لی: ز آذر برنگ و برای)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ب، و، آ، ب) ۳۰-آ: بود؛ لی: بار ایران رسد ۳۱-ق: (نیز ساو دلیران)؛ ک <و>، س^۲ <و> (نیز لی، ل، و، آ، ب) <و>: ز مرز دلیران و شیران؛ متن = ل، ق، ل^۲ (نیز لن، ب، لن، آ) ۳۲-ل (آ: بود)؛ س: ز خاقان بگفت آنچه گفت و شنید

نخواهم که رنج آید از لشکرم!
 ز خاقان بگفت آنج دید و شنید
 جهان شد ز گرد سواران سیاه!
 کسی را نیامد ز بهرام یاد!^۵
 کسی را نبرد جی آرام و خواب!^۷
 طلایه نه بر^۹ دنت و نه جُلجُله!^{۱۱}
 شب و روز^{۱۳} ایدن نشسته ز جنگ!^{۱۴}
 ز دیر آمدن^{۱۶} دل پر از^{۱۷} خشم داشت!
 همه کار خاآن^{۱۹} نگه دار بود
 به بزم و نه می روز نگذاشتی^{۲۰}
 که خاقان به عروست و چندان سپاه^{۲۳}،
 همه^{۲۵} بی بند هر یکی^{۲۶} با^{۲۷} دو اسپ،
 شب و روز تازان و پویان^{۳۰} به راه!

به مرو آیم و زاسترا^۱ نگذریم^۲
 فرستاده تازان به ایران رسید
 به مرو اندر آورد خاقان سپاه
 چو آسوده شد سر به خوردن^۴ نهاد
 ۱۵۰۵ به مرو اندر از^۶ بانگ چنگ و ریاب
 سپاهش همه باره^۸ کرده یله
 شکار^{۱۱} و می و مجلس و بانگ^{۱۲} چنگ
 همی^{۱۵} باز ایرانیان چشم داشت
 وُزان^{۱۸} روی بهرام بیدار بود
 ۱۵۱۰ شب و روز کار آگهان داشتی
 چو^{۲۱} آگاهی آمد به بهرامشاه^{۲۲}
 بیاورد لشکر ز^{۲۴} آذرگشپ
 قبا^{۲۸} جوشن و ترگ^{۲۹} زومی کلاه

۱- (ن: راست بر: ل: آ: بیشتر؛ و: راست تر: ل: آ: بمرو اندر آسوده تر)؛ متن = ل، ک، ل، آ، س، آ (یز ق، آ، پ، آ، ب) ۲- ل (نیز پ، ل، ن: آ): بگذریم؛ س، ق، ل، ی، این بیت را ندارند؛ بنداری: فخلع علی الموبذ، وأجاب عن الکتاب، وقال: نفاق. اجترینا منکم بأداء الخراج، وأنا صائر إلى مرو مقیم فیها إلى أن یصل ما التزمتم به من الخراج ۳- ک، س، آ (نیز ل، ی، ب): آنچه ۴- ق، آ: سوی بحران نهاد (واژه دوم بی نقطه) ۵- (و: کسی را نبرد جای بیداد و داد) ۶- ل (نیز ق، آ): اندرون؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- (آ: نیامد سر اندر به)؛ و این بیت را ندارد ۸- س (نیز ل، ن، ل، ن: آ): سپه راهمه دست؛ ق، ل، آ (نیز پ): سپه راهمه دشت؛ ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، ل، ی، و، آ، ب): سپه را بران (ق، آ، ل، ی، ب: بدان) دشت؛ متن = ل ۹- ل، ق، ل، آ (نیز ل، آ): در؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۰- ل: راجله (ق، آ، ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن: آ): زلزله؛ ک: جنگله (ق، آ: ل: راجله؛ س، آ (نیز ل، ی، و، آ): مشعله؛ (ب: مشغله)؛ ق: نه و ایمن از ولوله؛ (ل: آ: نه؛ دیده بان برگله)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۱- (ل: آ: سپاه) ۱۲- (پ: نای و) ۱۳- س (نیز ل، ن، ل، ن: آ): بروز و شب ۱۴- (پ: بروز و شب ایمن از کار)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل از اینجا سرنویس دارد: اندر تاختن بهرامشاه بر سر خاقان چین ۱۵- (ل: آ: هم: ل، ن): ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، ی، ل، و، آ، ب): همی دیر شد؛ (آ: همی در شدن)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن: آ) ۱۷- (و: زان بدل)؛ بنداری: فانصرف الرسول ونزل الخاقان فی عساکره علی ظاهر مرو، وأقام بها مستریحاً من التعب و مستروحاً إلى اللهو و اللعب و منتظراً وصول راج ایران الیه: برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند؛ س، آ: رفتن بهرام بتاختن خاقان چین ۱۸- (ل، آ، ل، ن: آ، ب: وزین؛ و: زان) ۹- ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن: آ): سپه راز دشمن؛ س، آ (نیز ل، ی، ل، آ، آ): همی کار خاقان؛ متن = ک (نیز و)؛ بنداری: و أما بهرام فانه کان متیظاً فی أمره. و کان قد فرّق الجواسیس و العیون حتی یخبروه بحال الخاقان ۲۰- ل، آ (نیز ل، ی، و، ل، ن، آ، آ): بگذاشتی؛ ل: سپه راز دشمن نهان داشتی؛ (ق، آ: همان با می و رود بگذاشتی)؛ متن = س، ق، ک، س، آ (نیز ل، ن، ل، ن: آ، ب): برخی از دستنویسهای فرعی در اینجا سرنویس دارند ۲۱- ک، س، آ (نیز ل، ی، ل، و، آ، آ، ب): پس ۲۲- ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، ی، ل، و، آ، ب): بهرام گور؛ متن = ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ، آ، آ، ب): بی جنگ و شور؛ (ق، آ: بی شو و شور) ۲۴- (ل: ی، جو) ۲۵- ک، س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، آ، ب): همی؛ ل، آ (نیز پ: همان؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، ل، ی، و) ۲۶- س (نیز ل، ن، ق، آ): هر کسی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷- (ل، ن، ل، و، آ، ب): بنداری: فلما علمه بنزو، علی مرو أمر أصحابه الذین کانوا معه فلبسوا السلاح، و جنب کل واحد منهم فرسین ۲۸- (پ: ابا) ۲۹- (ل، ی، پ، و، آ، ترگ و) ۳۰- ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ب): چون باد تازان؛ س، آ: پویان و تازان؛ (ل، ن: آ: چو باد پویان (وزن ندارد))؛ متن = ک (نیز ل، ی، ل، و، آ، ب): برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند؛ ک: آمدن بهرام بچنگ خاقان و گرفتن خاقان؛ ل: اندر تاختن بهرامشاه بر سر خاقان چین؛ س، آ: رفتن بهرام به تاختن خاقان چین

همی راند^۱ لشکر^۲ چو از کوه سیل^۳
 ۱۵۱۵ از^۴ آمل بیامد، به گرگان کشید^۵
 ز گرگان بیامد به شهر نسا^۶
 به کوه و بیابان و بیراه رفت
 به روزاندرون^{۱۲} دبدبان^{۱۳} داشتی
 برین^{۱۴} سان بیامد^{۱۵} به نزدیک مرو
 ۱۵۲۰ نوندی بیامد^{۱۶} ز کارآگهان
 به تدبیر نخچیر کشمیهن^{۲۲} است
 چو بهرام بشنید^{۲۵} از آن^{۲۶} شاد گشت^{۲۷}
 برآسود روزی^{۲۹} بر آن^{۳۰} رزمگاه^{۳۱}
 به آمل گذشت از ره^۴ اردبیل^۵،
 همی^۸ درد و رنج بزرگان کشید!،
 یکی رهنمون پیش پر کیمیا^{۱۰}،
 شب تاز تا روز بیگاه تفت^{۱۱}!
 به تیره شبان^{۱۴} پاسبان^{۱۵} داشتی،
 نبرد بران گونه^{۱۸} بران^{۱۹} تذر و!،
 که دورست خاقان ز کار جهان^{۲۱}!
 که دستورش انگرم^{۲۳} آهرمن است^{۲۴}!
 همه رنجها بر تنش^{۲۸} باد گشت^{۲۷}!
 چن^{۳۲} آسوده برگشت شاه^{۳۳} و سپاه،

۱-ل. ق: رفت؛ ک. ل. آ. س. ۲ (نیز ق. ۲ لی. و. آ. ب.): تاخت؛ متن = س (نیز ل. ن. ل. ۲) - ل. ۲. ق (نیز ب.): تازان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر
 ۳- (لی: کشید) ۴- ل. ک. س. ۲ (نیز ق. - و. آ. ب.): در: ل. آ: کشید از در: ق: او همی از در (وزن ندارد)؛ متن = س (نیز ل. ن. ل. ۲)؛ بنداری: طریق
 اردبیل ۵- (ل. ن. ق. آ. ب. ل. ن. آ: اردویا؛ لی: رده بیل (پساوند ندارد)) ۶- ل. س. ل. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ب. و.): ز: متن = ق. ک. س. ۲ (نیز لی. ل. ن. آ. ب.)
 ۷- ق. ل. ۲ (نیز و.): رسید ۸- ۲ (نیز ق. آ. لی.): همه ۹- (ل. ن. آ: نسا) ۱۰- ل. س. ک. س. ۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب.): او پاسا؛ ق. ل. آ: او از نسا؛
 (ل. ن. او از نسا؛ ق. آ: او از نسا؛ ل. ن. آ: او از نسا؛ پ: یکی رهبری پیش در از نسا)؛ متن = ل: برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند:
 س: شیخون آوردن بهرام بر سر خاقان و گرفتار شدن خاقان؛ ق: تاختن بهرام بر خاقان و گرفتاری خاقان و زنهاری ترکان ۱۱- ل. س. ک. ل. آ. س.
 س ۲ (نیز ل. ن. ب.): تیره تا روز بیگاه رفت: ل. ن. بروز و شب گاه و بیگاه رفت؛ متن = ق: بنداری: فسار بهمن من آذربجان سالکا طریق اردبیل
 الی آمل و منها الی جرجان و منها الی مدینه نسا، و بین یدیه دلیل خربت یسلک به شعاب النجبال و مخارمها و عوادل الطرق و مجاهلها
 ۱۲- ل. آ: کوه اندرون؛ س ۲ (نیز لی. ل. آ. و.): همه روزها؛ (ب: همه روز را)؛ متن = ل- ک (نیز ل. ن. ق. آ. ب. ل. ن. آ) ۱۳- ل. ک. ل. آ. س. ۲ (نیز
 ل. ن. ب.): دیده بان؛ ق: پاسبان؛ متن = س ۱۴- (ب: شب تیره را) ۱۵- ق: پهلوان ۱۶- ل. ل. آ. ل. ۲ (نیز لی. ل. و.): بدین سان؛ متن = یازده دستنویس
 دیگر ۱۷- ل. آ: ره بیامد؛ ک. س. ۲ (نیز ق. آ. ب. ل. آ. و. آ. ب.): گونه آمد؛ متن = ل. س. ق (نیز ل. ن. ب. ل. ن. آ) ۱۸- ل. ک. ل. آ. ل. ۲ (نیز لی. ل. ن. آ): بدان گونه؛ ق:
 بدانسان نیزید؛ ل. آ: نبرد بران کوه؛ ق. آ: نبرد بران گونه؛ پ: نبرد بران گونه)؛ متن = س. س. ۲ (نیز ل. ن. ل. آ. و. ب.) ۱۹- ل. آ: تازان) ۲۰- ک. س.
 س ۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب.): رسیدش؛ آ: نماندی بیامد؛ متن = ل. س. ق (نیز ل. ن. ق. آ. ب. ل. ن. آ) ۲۱- ل. که خاقان شب و روز بی اندهان؛ متن =
 چهارده دستنویس دیگر ۲۲- (ق. آ: کس میهن؛ لی: کش میمن) ۲۳- ل. از کهل؛ س (نیز ل. ن. ب. ل. ن. آ): شب و روز دستورش؛ ق: نهنگام
 دستور؛ متن = ک. س. ۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب. ل. ک. (نیز و. ل. ن. آ): اهریمنست؛ ل. آ: اهریمن ریمست؛ ق: آ: اهریمن ریمست؛ ب: نه
 هنگامه شورش خاطرست (!)؛ متن = س. ق. س. ۲ (نیز ل. ن. لی. ل. آ. ب. آ): بنداری: فطار علی هذه النصفه بقوادم ان ركض حتى قرب من
 مرو. فأتاه فارس من جواسیسه وأجبره من الخاقان ركب للصيدانی كشمیهن و هو فی جف من أصحابه بلا عده ولا سلاح ۲۵- ک. س.
 س ۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب.): بشنید بهرام؛ متن = ل. س. ق. ل. ۲ (نیز ل. ن. ق. آ. ب. ل. ن. آ) ۲۶- ل. زان؛ (ب: ازو)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر
 ۲۷- ل. شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸- ل. (نیز ق. آ. ب.): بردش؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹- ل. روی (وزن ندارد)؛
 ل. آ (نیز ق. آ): بیاسود روزی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- ل. ک. ل. آ. س. ۲ (نیز لی. ل. و. آ. ب.): بدان؛ (ل. ن. آ: دران)؛ متن = س. ق (نیز ل. ن.
 ق. آ. ل. آ. ب.) ۳۱- ل. آ (نیز و. آ. ب.): - ایگه؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲- ل. س. ۲ (نیز ق. آ. ب.): چو؛ متن = (ل. ن. آ) ۳۳- ل. (نیز ق. آ):
 آسوده تر گشت شاه؛ س < و >، ق. ل. آ. س. ۲ (نیز ل. ن. ل. آ. ب. ل. ن. آ): آسوده گشت (س. ل. آ: شد) اسب و شاه؛ ک (نیز لی. ل. و. آ. ب.): آسوده شد
 شاه و اسب؛ متن تصحیح قیاسی است؛ نی پس از این بیت افزوده است:

بزد کوس و نسکر همه بر نشانند
 بخورشید بر گرد لشکر فشانند
 بیامد دهان تا بنزدیک مرو
 بسان یه شیر بر پشت غرو

به کشمیهن^۱ آمد به هنگام روز
 ۱۵۲۵ همه گوش^۳ پر ناله^۴ بوق شد^۵
 دهاده برآمد ز^۷ نخچیرگاه
 بدرید از^۹ آواز گوش هزبر
 چو خاقان ز نخچیر بیدار شد
 چنان شد ز خون خاک^{۱۳} آوردگاه
 ۱۵۳۰ چو سیصد تن از نامداران چین
 سپهد ز کشمیهن^{۱۷} آمد به مرو
 به مرو اندر از چینیان^{۱۹} کس^{۲۰} نماند!
 هر آنکس کزیشان^{۲۳} گریزان برفت
 برین^{۲۶} سان همی راند^{۲۷} فرسنگ سی
 ۱۵۳۵ چو برگشت و آمد به نخچیرگاه
 ز پیروزی چین چو^{۳۰} سر بر^{۳۱} فراخت
 کجا^{۳۲} داد بر نیک و بد دستگاه

که^۲ برزد سر ز کوه گیتی فروز،
 همه چشم^۶ بر ننگ منجوق شد^۵!
 پر آواز شد گوش شاه^۸ و سپاه!
 تو گفתי همی ژاله بارید^{۱۰} ابر!
 بدست^{۱۱} خزوران^{۱۲} گرفتار شد
 که^{۱۴} گفתי همی تیر بارید^{۱۵} ماه!
 گرفته بیستند^{۱۶} بر پشت زین،
 شد از تاختن با نپایان چو^{۱۸} غرو!
 بکشتند و از^{۲۱} جنگیان بس^{۲۲} نماند!
 پس اندر همی تاخت^{۲۴} بهرام و^{۲۵} تفت!
 پس پشت او^{۲۶} قارن^{۲۷} پارسی
 بیخشید چیز نسان^{۲۹} بر سپاه
 همه کامگاری ز یزدان شناخت،
 که دارنده^{۳۳} آفتابست و ماه!

۱- (لی: بکستین) ۲- ق. ل. ۲ (نیز ق. ۲. لی): چو: متن = یازده دستنویس دیگر ۳- ق. (نیز ق. ۲ کوه ۴- لی: همه کوس با ناله و)
 ۵- (لی: پ. بود-بود) ۶- ل. ۶ (دشت) ۷- (لی: به) ۸- ل. ۸ (او) ۹- ل. ۹ (ق. ل. ۲: ز: متن = دوازده دستنویس
 دیگر ۱۰- ق. س. ۲ (نیز ق. ۲. لی. ل. ۲. و. آ. ب.): بارد ز: متن = س (نیز ل. ن. پ. ل. ۲): بنداری: فام-ء. یرام سروراً بما سمع، و نزل و استراح
 فی یومه ذلک و أراح ثم ركب فی عسکره و سار تحت ظل اللیل فاصدا فصد الخاقان حتی دجم ملیه و علی أصحابه فی ذلک المتصد
 فلم یحسوا إلا بأصوات البوقات، و اصطفاق الأعلام و اثرایات، و صلیل الأسیاف فی الجمحم و لهامات ۱۱- ک (نیز ل. ۲): بدشت
 ۱۲- ل. ق. (نیز ل. ۲): خزوران: (لی: خراوران: ل. ۲: جزوران): متن = س. ک. ل. ۲. س. ۲ (نیز ل. ن. پ. ب): و این بیت را ندارد: بنداری: فأسر
 الخاقان رجل یقال له خزوران: در ق. لی این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۱۳- لی: دشت) ۱۴- (ل. ۲: تو) ۱۵- ل. (نیز ل. ۲،
 پ. ب): بارد ز: متن = ده دستنویس دیگر: س. ۲ این بیت را ندارد ۱۶- ل. ق. (نیز ل. ن.): گرفتند: بیستند: متن = یازده دستنویس دیگر: س. ۲
 این بیت را ندارد: بنداری: و عملت أسیوف فی الخاقانیة حتی تلاطمت أمواج الدماء فی ذلک القضاء، و أتى القتل و الأسر علیهم
 أجمعین: ل. ۲ پس از این بیت و و. ب. پس از بیت ۱۵۲۶ افزوده اند:

چو خاقان چینی گرفتار شد ازان خواب آند: بدار شد

۱۷- (لی: کشمیر: ل. ۲: کشمیهن) ۱۸- ل. ۱۸: چار پایان چو: (ق. ۲: شاه برسان): متن = دوازده دستنویس دیگر: س. ۲ این بیت را ندارد ۱۹- ق.
 جنگیان ۲۰- س. (نیز ل. ن. ۲: بس): (ق. ۲: اندرون چینیان بس) ۲۱- ل. س. ک. (نیز ل. ن. ق. ۲. ل. ۲: رز: متن = ق. ل. ۲ (نیز ل. ۲. و. آ.) ۲۲- ق. ۲،
 ل. ۲. ب. کس): ق. بندگان بس: (لی: و جز خورد کرکس): درس آیت های ۱۵۳۲-۱۵۴۲ بر میاتور رفته اند ۲۳- (لی: پ. کز ایران)
 ۲۴- ق. رفت: ل. ۲: راند ۲۵- س. ل. ۲ (نیز ل. ن. لی. پ. ب.): < > (ق. ۲: پس اندرش بهرام چون) ۲۶- (لی: بدین: ل. ۲: بران) ۲۷- س. (نیز ل. ن. ل. ۲: تاخت: ق. ک. (نیز ق. ۲. و. آ. ب.): رفت: متن = ل. ل. ۲. ۲۸- (و. پشتشان) ۲۹- (ل. ۲: بس خواسته بر):
 بنداری: فعطف بهرام عنانه الی مرو فدخلها و أخلاها عن اشرک فقتل بعضهم و أسر بعضهم، و هرب الباقون فاتبع أثرهم حتی سار
 ثلاثین فرسخاً ۳۰- ک. این چو: ل. ۲: خویش: (ل. ۲: خود چو: ل. ۲. ب. به پیروزی چین چو): متن = ل. س. ق. (نیز ل. ن. لی. پ. و. آ.) ۳۱- ق. ۲:
 شاه چین سر) ۳۲- س. ل. ۲ (نیز ل. ن. ب.): که او: متن = ل. ۳۳- ق. گذارنده

چن^۲ آسوده شد شاه و جنگی^۳ ستور،
دلش رای رزم بخارا گزید^۵
ز نخچیر و بازی جهانجوی شد
گذر کرد بر آب و ریگ فرب
بینداخت^۸ پیراهن لاژورد^۹،
جهانجوی بگذشت بر مای و^{۱۲} مرغ
به بوم و به کشت^{۱۴} آتش اندرزند!
پدر بر پسر^{۱۵} بر همی راه جُست!
ز پیران^{۱۷} و خنجرگزاران^{۱۸} تو،
پیاده، پر از خون دل و^{۱۹} خاکسار^{۲۰}!
بر آزادگان جهان مهتر!
ز عهد^{۲۵} جهاندار بیزار شد^{۲۴}،
نه خوب آید از نامداران^{۲۷} ستیز!
سر بی گناهان بریدن چراست^{۳۰}؟!
به رزم اندر افگندگان تویم!
به دست خرد چشم خشمش^{۳۲} بدوخت!

بیاسود^۱ در مرو بهرام گور
روانش ستیز^۴ مدارا گزید^۵
۱۵۴۰ به یک روز و یک شب به آموی شد
بیامد از^۶ آموی^۱ یک پاس شب
چو خورشید ربی هوا کرد زرد
زمانه شد از گرد^۱ چون پر^{۱۱} چرخ^{۱۱}
همه لشکر ترک بر هم زدند^{۱۳}
۱۵۴۵ ستاره همی دمن ماه جُست!
ز ترکان^{۱۶} هرآنکس که بُد پیش رو
همه پیش بهام رفتند خوار
که شاه، بزرگا^{۲۱}، بلنداختر!
گر ایدونک^{۲۲} خاذان کنهکار^{۲۳} شد^{۲۴}،
۱۵۵۰ تو خون سر بی گناهان^{۲۶} مریز!
گر از ما همی^{۲۸} با: خوهی رواست^{۲۹}!
همه مرد و ن بندگان تویم!
دل شاه بهرام از^{۳۱} ایشان بسوخت

۱- (ن: آ: بر آسود) ۲- ل- ل- ۲- ل- ۲- (نیز ق: ۱- ب: چو: متن = (ن: ۳- (ن: آ: و خیل و): برخی از دستنویسهای فرعی در اینجا سرنویس دارند ۴- ل- س- ق- ل- ۲- (نیز ل: ن: ق: ۲- ب: ن: آ: ب): ز تیزی روانش: متن = ک (نیز ل: ل: ۳- و: آ) ۵- (ن: ق: ۲- ل: آ: گرفت- گرفت) ۶- ل- ک (نیز ق: ۲- و: آ: ب): ز: آ: به: متن = س (نیز ل: ن: آ) ۷- ل- ۲- آ: آموی و: بنداری: ثم عاد و نزل فی مخیم الخاقان، و امر بجمع الغنائم ففرقتها علی عسکره. ثم لما استراح واستراح أصحابه ركب و سار بهم فی یوم و لیلۃ الی اقل الشط. و لما أصبح من انغد عبر الماء: ک در اینجا سرنویس دارد: رفتن بهرام بتوران: مین و زنهار خواستن ۸- ک (نیز ل: ل: ۳- و: آ): بدرید: متن = س- ق- ل- ۲- (نیز ل: ن: ق: ۲- ل: ن: آ: ب): ق این بیت را ندارد ۹- س- ق- ل- ۲- (نیز ل: ل- ۳- و: ب): لاجورد: متن = ل- ک (نیز پ) ۱۰- (ل: درد) ۱۱- (و: آ: مرغ: ن: آ: زرع) ۱۲- ل- ل- ۲- س: آ: < و: س: ق: (نیز ل: آ): ما: و: ک (نیز ب: ای: ل: آ: ب: و: نوی: نقطه ندارد): ل: آ: چون با و: متن = (ن: ق: ۲- پ: آ) ۱۳- (پ: < بر: > ل: آ: ترک لشکر به هم برزدند (پ وزن ن دارد) ۱۴- ل- دشت: س- ل- آ: بیر: (ن: ق: ۲- پ: ل: آ: و: برش): متن = ک- س: آ (نیز ل: ل: ۳- و: آ: ب): ل: آ در اینجا سرنویس دارد: تاختن بهرام بر سر برکان بخارا ۱۵- س: پدر: ق: ۲- پس از این بیت افزوده است:

ستاره دمی نامن اندر کشید
شده روز روشن ز شب ناپدید

۱۶- س: آ: بزرگان ۱۷- (ق: آ: گردان: ل: آ: دلیان) ۱۸- ک: گذاران ۱۹- ل: < و: س: ل- ۲- س: آ (نیز ق: ۲- ل: ۳- و: آ): و: دل: متن = ق: ک (نیز ل: پ، و: ب) ۲۰- (ق: آ: سوگوار) ۲۱- ل- زد: و: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲- (ل: آ: اگر ایدونکه) ۲۳- س (نیز ل: ن: ق: ۲- ل: ۳- و: ب): گرفتار: متن = ل- ق- س: آ (نیز ل: و: آ) ۲۴- ل- گشت: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۵- (ن: آ: غمها): ل- ک- س: آ پس از این بیت افزوده اند:

بدست گرفتار شد بی گمان
چو بشکت پیمان شاه جهان (ک- س: آ: و: بد بدنهان)

۲۶- ق- ک- س: آ (نیز ل: ل: ۳- و: ب): نام: اران: متن = ل- س- ل- ۲- آ (نیز ل: ن: ق: ۲- پ: ل: ۳- و: آ) ۲۷- ق- ک (نیز ق: ۲): شهریاران: (آ: پادشاهان): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۸- (ق: آ: یابی) ۲۹- (ب: سزاست) ۳۰- (ل: آ: خطاست: پ: بریدن سر نامداران چراست) ۳۱- ل- ز: (ن: آ: بر): متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱- س: روشن: ک- س: آ (نیز ل: ل: ۳- و: آ): کینه: متن = ل- ق- ل- ۲ (نیز ل: ن: ق: ۲- پ: ل: ۳- و: ب)

ز خون ریختن دست گردان بیست^۱
 ۱۵۵۵ چو مهر جهاندار پیوسته شد،
 بر شاه شد مهتر مهتران^۳
 ازان^۵ کار چون کام^۶ او شد روا
 چو برگشت و آمد به شهر^۹ فرب
 برآسود^{۱۲} یک هفته، لشکر نراند^{۱۳}
 ۱۵۶۰ برآورد میلی ز سنگ و گرج^{۱۵}
 نبود^{۱۸} گذر جز به فرمان شاه
 به لشکر یکی مرد بُد شهر^{۲۰} نام
 مر او^{۲۳} را به توران زمین شاه کرد
 چو شهر^{۲۴} از بر تخت سیمین^{۲۵} نشست
 ۱۵۶۵ همان^{۲۶} تاج زرین به سر بر نهاد^{۲۷}

پر اندیشه شد شاه یزدان پرست!
 دل مرد آشفته آهسته^۲ شد،
 بپذرفت هر سال باژی^۴ گران
 ابا^۷ باز بستد ز ترکان نوا^۸
 بی آژنگ^{۱۰} رخسار و پر^{۱۱} خنده لب،
 ز چین مهتران را همه پیش^{۱۴} خواند
 که کس را به ایران^۱ ز ترک^{۱۷} و خلج،
 همان^{۱۹} نیز جیحین میانجی به راه
 خردمند و^{۲۱} با گوهر و نام^{۲۲} و کام،
 سر تخت او افسر ماه کرد!
 کمر بر میان بست و بگشاد دست
 همه شهر^{۲۸} تورا، بدو گشت شاد

گفتار اندر نامه‌ی بهرام گور به نرسی^{۲۹}

چو شد کار توران زمین ساخته
 بفرمود تا پیش او شد دبیر
 دل شاه از^{۳۰} ندیشه^{۳۱} پرداخته،
 قلم خواست تا مشک و^{۳۲} چینی حریر

۱-س: دست کردند بست؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-ق: آهسته آشفته ۳-ک، س: آ. - سروان؛ (و: سرور مهتران؛ ل: ل. آ: آ: شهر شد مهتر و (ل: آ: <و>) سروان) ۴-ل (نیز ق: ل، ل: ل: آ: <ی>؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و توغل فی اطراف ممالک توران یقتلهم و یأسرهم حتی اجتمع أمراء الترك و من بقی من قوادهم و أعیانهم، راست نوالیه و الترمواله الخراج. فتعطف علیهم و عفا عنهم و أجابهم الی ما التمسوا ۵-ل: ازین؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۶-ق: کار) ۷-س: س: آ (نیز ل: ب): بس از؛ متن = ل، ل: آ: ۸-ل (ل: آ: روا) ۹-ق: آ: بنزد) ۱۰-ل: س: آ (نیز ل: ل: آ: و، آ: ب): پر از آژنگ؛ ل: آ: بر آژنگ؛ متن = ۱۱-ق: رخساره پر؛ (ل: رخساره و) ۱۲-ق: آ: پ: برآسود و) ۱۳-ل: ق: س: آ (نیز ل: ب: ل: آ: ب: برآ: س (نیز و: آ): براند (بی نقطه)؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۴-س: ق (نیز ل: ب: ل: آ): بر خویش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۵-ل: س: ق: ل: آ (نیز ل: ب): ز گج؛ متن = ک، س: آ ۱۶-س (نیز ل: ل: آ): از ایران و؛ س: آ: ایران و؛ ک (نیز ل: آ): ز ایران و؛ (آ: ب: ز ایران ز): متن = ل: ق: ل: آ (نیز ب: و) ۱۷-ق: آ: کز ایرانیان تا بروم و؛ ل: ز ترکان و کرد و) ۱۸-ل: نباشد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۹-ل: (ل: میان) ۲۰-ل: س: آ (نیز ل: ل: آ: ب): شمر؛ آ: شمس نام؛ متن = تصحیح قیاسی است ۲۱-ک: ل: آ (نیز ل: ق: ل: آ: آ): <و> ۲۲-ل: رای؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۳-ق: همو ۲۴-س: س: آ (نیز ل: ب): شمر؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵-ک: س: آ (نیز ل: ل: آ: و، آ: ب): زرین متن = س: ق: ل: آ (نیز ل: ق: آ: ب: ل: آ)؛ ل این بیت را ندارد ۲۶-س: آ (نیز ل: ل): همه ۲۷-ل: ز زینش بر سر نهاد؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸-ک: س: آ (نیز ل: ل: آ: و، آ: ب): مرز؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: و أقام أسبوعین ثم انصرف وراءه حتی وصل الی فربر فبنی هناك می: و جعله واسطة بین ممالک الترك و الفرس، و جعل جیحون أيضا فیصلا بین المملکتین. و كان فیهم رجل یسمى شمرا فقلده ممالک توران. فسار الیها و لبس تاجها و تسنم تختها ۲۹-س: فتح نامه بهرام گور بنزد برادرش نرسی: ق: نامه بهرام گور بنوسی برادرش و پاسخ او به شاه: ک: ناه نوشتن بهرام برادر نرسی و آگاه کردن از حال او را؛ ل: آ: فتح نامه بهرام گور از چین و ماچین نزد نرسی: س: نامه نوشتن بهرام برادرش؛ متن = [گفتار اندر +] ل: ۳۰-ل: ز؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۱-ب: ازان کار) ۳۲-ک: س: آ: <و>؛ پ: ل: این بیت را ندارد

به نرسی یکی نامه فرمود^۱ شاه
 سر نامه کرد^۲ آفرین مِهان^۴
 ۱۵۷۰ خداوند پیروزی و دستگاه،
 خداوند گزنده جرخ بلند،
 بزرگی و خردی به پیمان^۹ اوست!
 نیشتم^{۱۱} یکی^{۱۲} نامه از مرز چین
 به نزد بزرگان ایرانیان
 ۱۵۷۵ هر آنکس که از رزم خاقان ندید
 سپه بود چندانک^{۱۶} گفتی^{۱۷} سپهر
 همه مرز^{۱۹} شد ممجر دریای خون
 به رزم اندرون او گرفتار شد
 کنون بسته آوردمش بر هیون
 ۱۵۸۰ همه گردن سردهشان گشت^{۲۴} نرم
 پذیرفت^{۲۶} باز آک^{۲۷} بدخواه بود
 کنون از پس نامه من با سپاه
 ز پیکار ترکان و کار^۲ سپاه
 ازین بنده^۵ بر کردگار جهان:
 خداوند بهرام و کیوان^۶ و ماه،
 خداوند ارمیده^۷ خاک نژند^۸،
 همه بودنی زیر فرمان^{۱۰} اوست!
 به نزد برادر به ایران زمین،
 نیشتم^{۱۳} همین^{۱۴} نامه بر پرنیان،
 ازین جنگجویان بیاید^{۱۵} شنید!
 ز گردش به قیر اندر اندود^{۱۸} چهره!
 سر تخت^{۲۰} بیدادگر شد^{۲۱} نگون!
 و زو^{۲۲} چرخ گردنده بیزار شد!
 جگر خسته و دیدگان پر ز خون^{۲۳}!
 زبان چرب و دلاها پر از خون گرم^{۲۵}!
 به راه آمدند آنک^{۲۸} بی راه^{۲۹} بود!
 بیایم به کام^{۳۰} دل نیکخواه!

۱-س، ق، ک (نیز لن، لی، ل، و، لن، آ، ا): بنیست: س^۲ (نیز پ): بنیست: متن = ل، ل، آ (نیز ق، آ، ب) ۲- (لی: گنج و ب: کار بزرگان و کار)
 ۳-س، ق (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): بود: متن = ل، ک، ل، آ، س^۴ (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۴-ل، ق، ل، آ، س^۴ (نیز لی، ل، و، لن، آ): نهان: س، ک (نیز لن):
 بهان: متن = (ق، آ، پ، آ، ب) ۵-س: کین بنده: ک، س^۶ (نیز لی، و، آ، ب): ز بهرام: متن = ل، ق، ل، آ (نیز لن، ق، آ، ل، پ، لن، آ) ۶-س، ک (نیز لن،
 ق، آ، لن، آ): کیوان و بهرام: (ب: کیوان و - برشید) ۷-ل، س^۸ (نیز لن، ل، آ، پ، آ): ارمیده: س: ارمیده: ق: ارمیده (وزن ندارد): ک: ارمیده
 (وزن ندارد): ل: آرام: (ق: آ: این تیره: و نژنده: لن، آ: دارنده): متن = (ب) ۸- (لی: دانایی از جمند) ۹-ق، ک، س^{۱۰} (نیز ق، آ، لی، ل، و، آ،
 ب): بفرمان: متن = ل، س، ل، آ (نیز لن، پ، لن، آ) ۱۰-ق، ک، س^{۱۱} (نیز ق، آ، لی، و، آ، ب): پیمان: متن = ل، س، ل، آ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ) ۱۱-ل، ک،
 ل، آ، س^{۱۲} (نیز ق، آ، لی، ل، و، لن، آ): نیشتم: متن = س، ق (نیز لن، پ، ب) ۱۲-ک (نیز و، آ، ب): من این: س^{۱۳} این بیت را ندارد ۱۳-ل، ق، س^{۱۴}
 (نیز ق، آ، لی، ل، و، لن، آ): نوشتیم: متن = س، نیز لن، پ، آ، ب) ۱۴-ل: دگر: ک، س^{۱۵} (نیز ق، آ، ل، و، آ، ب): من این: (لی: بدین): متن = س، ق، ل، آ
 (نیز لن، پ، لن، آ) ۱۵-ق: رزمجویان بیایدن: آ: نامداران بیاید: (ل: بیاید ازین نامداران): متن = دوازده دستنویس دیگر: بنداری: قال: و
 لما فرغ من ذلك كتب الي اخيه نرسی بر زودجر در کتاب الفتح يذكر فيه ما يسه الله له ويقول في كتابه بعد حمد الله وثناء عليه: من
 لم يشاهد وقعة الخاقان فليسمعها ممن شهدها ۱۶-ق، ل، آ (نیز ل، آ، ب، لن، آ، ا): چندانکه ۱۷- (ل، آ): گویی
 ۱۸- (ق، آ، ل، آ): آورد: لی، پ، لن، آ: آلود: ل: نغیر اندر آورد: بنداری: انه كان من جموعه و عساكره في سواد سد ما بين الأفقين بالعجاج
 الأكلر حتى كان السماء طليت بانقار من لقع المثار ۱۹-ق، س، آ: مرو: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-س، آ: مرد: (لی، ل، آ، لن، آ، ا):
 بخت) ۲۱-ل: بیدار گشته: (ب: آن، جور: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۲-ق: زوی: (ق، آ، ل، و، آ، ب): این بیت را ندارد: در ق، آ این
 بیت، دو بیت سپس تر آمده است ۲۳-پ: این بیت را ندارد ۲۴- (لی: بود: آ: کرد) ۲۵- (و: پر اوئی نرم) ۲۶-س، آ: پذیرفت ۲۷- (ل، آ، پ،
 لن، آ، ا): آنکه) ۲۸- (ل، آ، پ، لن، آ، ا): آتاه: ق، ک (نیز ق، آ، ب): آمد آنکس که: ل، آ: آمدست آنکه: متن = ل، س، س، آ (نیز لن، لی، و، ب) ۲۹-ک:
 بد راه: ل، آ: گمراه ۳۰- (ق، آ: یکایک ه): متن = چهارده دستنویس دیگر: بنداری: و كان مصيره نبي الأخرة و مصير ذلك الجيش اللهم
 الى الأسر و الكسر. فهاهو مربوط عسى قتب عار، و أنا قادم به عليكم على أثر هذا الكتاب

هیونان کفک افگن بادپای^۲ برفتند چون ابر^۳ غران ز جای^۴!

چُن آن نامه نزدیک^۵ نرسی رسید
 ۱۵۸۵ بشد موبد موبدان^۷ پیش اوی^۸
 به شادی از ایران برآمد^{۱۰} خروش

دل^{۱۲} نامداران ز تشویر شاه
 به پوزش به نزدیک نرسی^{۱۴} شدند
 که^{۱۶} اندیشه‌ی کز و^{۱۷} فرمان دیو
 ۱۵۹۰ بدان^{۱۹} مایه لشکر که بردی^{۲۰} گمان
 شگفتیست این کز گمان بگذرد^{۲۱}
 چو پاسخ شود^{۲۳} نامه بر خوب و زشت
 که گر^{۲۷} چند رفت از بزرگان گناه
 پذیرفت^{۲۸} نرسی که ایدون کنم

همی بود پیچان ز بهر^{۱۳} گناه!
 ز گردان فزون از مدد و سی^{۱۵} شدند،
 ببرد دل از^{۱۸} راه گیهان خدیو!
 که یزدان گشاد در آسمان؟!
 هم از رای دانا و^{۲۲} مرد خردا
 همین^{۲۴} پوزش^{۲۵} ما بیاید نبشت^{۲۶}!
 بیخشد مگر نامبردارشاه!
 که کین از دل شاه بیرون کنم!

۱-ل: کفل؛ (ق: ل، ن: آ، کف: ب: هیونی کفک) ۲- (لی: نیکخواه) ۳-ک، س: آ (نیز لی، ل: آ، و: آ، ب: ر: عد؛ (ب: یاد)؛ متن = ل، س، ق، ل: آ (نیز لن، ق: آ، لن: آ) ۴- (لی: ازان جایگاه) ۵-ل، ق-س: آ (نیز ق: آ-ب)؛ چو نامه بنزدیک؛ س: نیز لو: آ)؛ چو آن نامه نزدیک؛ متن = (لن) ۶- (ق: آ: پهلوان) ۷-س: موبدان موبدان ۸-ق، ل: آ (نیز آ)؛ او ۹-ق <ی>، ل: آ <ی> (نیز ن: ب، ن: آ)؛ خویش اوی: (لی: نیکخوی)؛ بنداری: و نفذ الكتاب علی ایدی النجائین. فلما وصل الی اخیه نرسی کاد یطیر فرحا و سرورا. ف جاء موبد الموبدان فی جمیع اکابر الفرس ۱۰-ل (نیز ب)؛ برآمد ز ایران: ق، ل: آ (نیز لی)؛ از (ل: آ: ز) ایوان برآمد؛ ک، س: آ (نیز ق: آ، لی، و: آ، ب)؛ ز شادی به کیوان برآمد؛ متن = س (نیز لن، لن: آ) ۱۱-ل، ل: آ؛ هر یک: (ل: آ: جمله: ب: هر سو)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲-ق: ل و ۱۳-ک، س: آ (نیز ق: آ، لی، ل: آ، و: آ، ب)؛ بیم: متن = ل، س، ق، ل: آ (نیز لن، ب، لن: آ)؛ ب پس از این بیت افزوده است:

پیوزش بنزدیک نرسی رسید ز شادی دل پادشا بردمید

۱۴-ل، س، ق، ل: آ (نیز لن، ق: آ، ب، لن: آ)؛ موبد: متن = ک، س: آ (نیز لی، ل: آ، و: آ، ب)؛ بنداری: نرسی ۱۵-ل: همه دل هراسان ز هر بد: س: بر پادشاهی ز هر بد: ق: بر پهلوانان بخرد؛ (لن، لن: آ: بر پادشای به و بد: ق: کزان نیکخواهی دمی ب: ب: همه راه جویان ز بخرد)؛ متن = ک، س: آ (نیز لی، ل: آ، و: آ، ب) ۱۶-ل، ق، ل: آ، س: آ (نیز آ)؛ کز: متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ل، س، ق: آ (نیز لن، ق: آ، ب، لن: آ)؛ ز: (و: کج ز)؛ متن = ک، س: آ (نیز لی، ل: آ، و: آ، ب) ۱۸- (ق: آ: ببرد از دلم) ۱۹-ق: بران ۲۰-ل، ل: آ (نیز لی)؛ بردان: ق: بردان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۱-ل-ل: آ (نیز ق: آ، و: لن: آ)؛ بگذرد (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = س: آ (نیز لن، لی، ل: آ، ب، آ، ب) ۲۲-ل: نادان و؛ س (نیز لن، لن: آ)؛ داننده: (لی، و: ب: راه دانا و)؛ متن = ق-س: آ (نیز ق: آ، ل: آ، ب) ۲۳-ک، س: آ (نیز لی، ل: آ، و: آ، ب)؛ کنی: متر: ل، س، ق، ل: آ (نیز لن، ق: آ، ب، لن: آ) ۲۴-ک، س: آ (نیز لی، ل: آ، و: آ، ب)؛ همی: متن = ل، س، ق، ل: آ (نیز لن، ق: آ، ب، لن: آ) ۲۵- (لی: ب: پاسخ) ۲۶-ل، س، ق، ل: آ (نیز ل، و: لن: آ)؛ نوشت: متن = ک، س: آ (نیز لن، ق: آ، لی، ب، ب) ۲۷-س، ق، ل: آ (نیز لن، ب، لن: آ)؛ وگر: ک، س: آ (نیز ق: آ، لی، ل: آ، و: آ، ب)؛ اگر: متن = ل: بنداری: فاطهروا السرور و الاستبشار بما آتاهم من ذلک الخبر المبهج و هم خجلون مما بدر منهم من مکة الہ الناقان. فسألوا نرسی ان یکاتب بهرام فی حقهم و یسأئنه ان یعفو عنهم ۲۸-ق، ل: آ (نیز ب)؛ پذیرفت؛ متن = یازده دستنویس دیگر: ن: آ بیت‌های ۱۵۹۴-۱۵۹۷ را ندارد؛ برخی از دستنویسها در این جا سرنویس دارند: س: پاسخ نامه بهرام گور از نزد نرسی پیوزش از رلیان

۱۵۹۵ پس^۱ آن نامه را زود پاسخ نبشت^۲
 که^۳ ایرانیان از پی^۴ درد و رنج،
 گرفتند خاقان چین را^۵ پناه
 نه از دشمنی بُد. نه از رنج و^۷ کین!
 یکی موبدی^{۱۱} نام او برزمهر^{۱۱}
 ۱۶۰۰ بیامد به نزدیک شاه جهان
 ز گفتار او شاه خشنود گشت

[نهاد اندران مرز آتشکده
 چغانی و چگلی^{۱۷} و بلخی^{۱۸} ردان^{۱۹}
 برفتند با باز و برسم به دست
 ۱۶۰۵ همان نیز هر سال با باز و ساو
 چو شد ساخته کار^{۲۴} آتشکده
 بیامد سوی آذربادگان
 پرستش کنان^{۲۹} پیش^{۳۰} آذر شدند^{۳۱}

همان^{۱۶} جای نوروز و جشن سده
 بخاری^{۲۰} و از^{۲۱} غرچگان^{۲۲} موبدان،
 نیایش کنان پیش آتش پرست^{۲۳}!
 به درگه شدی^{۲۴}، هرک^{۲۵} بودیش تاو
 همان جای نوروز و جشن^{۲۷} سده،
 خود و نامداران و^{۲۸} آزادگان
 همه^{۳۲} موبدان دست بر سر^{۳۳} شدند^{۳۱}

۱-ل (نیز ل^۲): مر ۲-ل، س، ک، ل (نیز ل، ن، ل، و، ب): نوشت: متن = ق، س^۲ (نیز ق^۲، پ، آ): ق^۲ بیت ۱۵۹۸ را پس از این بیت آورده است ۳-ق: هم ۴-ل (لی: پس) ۵-ب: بخرد (?) ۶-ل: <از>: متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-ل، ل، آ: درد و: ک، س^۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): بهر: (ق^۲: که از رنج و): متن = س، ق (نیز ل، ن، پ، ل، ن) ۸-ک، س^۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): که بر (لی: از): متن = ل، س، ق، ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن) ۹-س: بودی کسی آفرین: ق، ک، س^۲ (نیز ل، ن، ب): بودی کسی را گزین: متن = ل، ل، آ ۱۰-ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ق^۲، ل، ل، آ، پ، و، آ، ب): مهتری: متن = س، ق (نیز ل، ن، ل، ن): بنداری: موبداً ۱۱-ل (ن: آ: پرز مهر) ۱۲-ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): بدان: متن = س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن) ۱۳-ل (نیز ل، ن، پ): راه: (ل، ن: آ: شاد): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-س (نیز ل، ن، ل، ن): پردها ۱۵-ک: آتشی: ل: چنین رفتن: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶-ل (ل: همه): متن تصحیح قیاسی است: ل، س، آ، ل، ن، ق، آ، ل، پ، ب: این بیت را ندارند ۱۷-س، ک، س^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ل، ن): و ختی: (لی، ب: بلخی: آ: خیلی): متن = ل ۱۸-ل (لی: شنکی: ب: ختلی) ۱۹-ق (آ: سران) ۲۰-ل (ل: بخارا) ۲۱-ل، س^۲ (نیز آ): ز: متن = ده دستنویس دیگر ۲۲-ق (آ: چرغکان): ق، ل، آ، این بیت را ندارند ۲۳-ک (نیز ل، آ، و): ایزدپرست: س^۲ (نیز ق، آ، ل، ن): آذرگشپ: (آ، ب: یزدان رست): متن = ل، س، ل، آ (نیز ل، ن، پ): ق، ل، این بیت را ندارند: ل پس از این بیت افزوده است:

کی ما شاه با یکسره بنده ایم همان باز را گردن افکنده ایم

۲۴-ل: بدی: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ل، پ، ب): هر که: متن = ل، ق، ل، آ، این بیت را ندارند: بنداری: و ندبوا للذک موبداً یسمی برزمهر. فلما وصل الکتاب الیه شفیع آخاه، و عفا عنهم و قبل معاذیرهم. ثم آتته اکابر ممالک توران بما التزموا له من الخراج کل سنة ۲۶-ل (ل: آ: پیش) ۲۷-ق (آ: و آن جای بروز و جای: ل: همه جای نوروز و جشن): ق، این بیت را ندارد ۲۸-ل: <و>: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-ل، ل، آ: پرستنده گان: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۰-ق (نیز ب): نزد ۳۱-ل، آ: بدند ۳۲-ل (لی، ل، ن: آ: همان) ۳۳-ل (لی، پ، ل، آ: بر: ل، آ: پس از این بیت افزوده است:

یکی گنج را در گشادند باز ازان گنج کاورده بود از فراز

و ز آتشکده روی بنهاد نیز^۳
 که شاهنشهان^۵ ر بدو^۶ بود فخر!
 که بر^{۱۰} پشت پیلان^{۱۱} همی راند^{۱۲} پیش^{۱۳}،
 درم بود از آن گج و^{۱۵} دینار بود
 همی نام بردین^{۱۸} بنداوسی^{۱۹}
 بگسترده^{۲۱} شادن بر او ریخت^{۲۲} سیم
 رباطی که از کاردانا^{۲۵} شنید،
 وگر نانش^{۲۷} ز کیشش خویش بود،
 زن بیوه و کودکان یتیم،
 فروماند و از^{۳۱} ریز^{۳۲} ننگ و نبرد،
 توانگر نکردی ازو هیچ یاد،
 همی داشت سرویسی خویش راز،
 نبد^{۳۶} شاه روزی ز بخشش^{۳۷} دژم!

پرستندگان^۱ را ببخشید چیز
 ۱۶۱۰ خرامان بیامد به شهر سطر^۴
 پُرآگنده^۷ از^۸ چرم گاوان^۹ میش
 هزار و صد و شست قنطار^{۱۴} بود
 که بر^{۱۶} پهلوی موبد^{۱۷} پارسی
 بیاورد پس مشکهای^{۲۰} آدیم
 ۱۶۱۵ به زهر هر آن پل^{۲۳} که ویران^{۲۴} بدید
 ز^{۲۶} گیتی دگر هر که درویش بود
 سدیگر به کپان^{۲۸} بسختید^{۲۹} سیم-
 چهارم هر آن پیر^{۳۰} کز کارکرد
 به پنجم هر آنکس که بد با نژاد
 ۱۶۲۰ ششم هر که آمد^{۳۳} ز راه دراز
 بر ایشان^{۳۴} ببخشید گنجی^{۳۵} درم

- ۱- (ل: آ: همه بندگان) ۲- (ق: آ: بر) ۳- ل: ل: آ: نیز (حرف یکم بی نقطه): س: ن: (حرف دود بی نقطه): ق: ن: (حرف سوم بی نقطه):
 س: آ: (نیز لی: ل: آ: آ: تیز: متن = ک: (نیز لن: ق: آ: پ: و: لن: آ) ۴- ل: ق: ک: س: آ: (نیز لن: لی: پ: و: لن: آ: ب: عطر: متن = س: ل: آ: (نیز ق: ل: آ: آ)
 ۵- (ل: آ: آزادگان) ۶- ل: ل: آ: س: آ: (نیز لن: ل: آ: پ: بدن: متن = س: ق: ک: (نیز ق: آ: لی: و: ب) ۷- س: ۱: پرستنده: متن = دوازده دستویس
 دیگر ۸- ک: س: آ: (نیز ق: آ: لی: و: آن: متن = س: ق: ل: آ: (نیز لن: ل: آ: لن: آ: آ: ب: ل: بیت های ۱۶۱۰ ۱۶۳۳ را ندارد ۹- س: س: آ: (نیز ق: آ:
 ل: و: ب: گاوان و: لی: گنج گاوان و: پ: چرم تن گاو): متن = (لن) ۱۰- ل: آ: ابر ۱۱- (ل: آ: اینان) ۱۲- ک: س: آ: (نیز و: داد: ق: آ: پ: برد)
 ۱۳- (ل: آ: خیش) ۱۴- س: ک: ل: آ: س: آ: (نیز و: قنطار: لی: و: طار: بی نقطه): آ: نظاره: متن = ق: نیز لن: ق: آ: ل: آ: پ: لن: آ: ب: ۱۵- ک: س: آ: پنج
 و: س: < و: (نیز لن: < و: لی: و: لن: آ: از و پنج و (واژه یکم بی نقطه): ل: آ: از و چند و (ق: آ: از و نیز و ل: آ: پ: بود و هم گنج: آ: بود و از گنج
 و): متن = ق: (نیز ب: بنداری: فانصرف عند ذلک متوجها نحو اصطخر و بین یدیه ألف و مائة و ستون قنطاراً من الدرهم و الدنانیر فی
 جلود البقر علی ظهور الفیلة ۱۶- ق: در ۱۷- ل: آ: یکی موبدی نامور ۱۸- ک: س: آ: راندیش: ل: آ: و: خواندندیش: ل: آ: کجنا نام او بود:
 متن = س: ق: (نیز لن: ق: آ: لی: پ: لن: آ: ب) ۱۹- س: بنداوسی (حرف یکم بی نقطه): ق: (نیز ب: بندوسی (حرف یکم بی نقطه): ک: س: آ:
 بندارسی: (ق: آ: سل سک اوسی (بی نقطه): لن: آ: بنداوسی (بی نقطه): آ: بیداوسی): ل: آ: کجنا نام او بود بیدارسی: (لی: که خواندیش
 دینار هر یک زسی): متن = (لن: ل: آ: پ: و) ۲۰- (ق: آ: نطعهای) ۲۱- س: ل: آ: (نیز لن: لی: و: و: آ: بکستر: و: متن = ق: ک: س: آ: (نیز ق: ل: لن: آ: ب)
 ۲۲- (ق: آ: بزر و به: لی: بدو تخت: آ: درو تخت و) ۲۳- (آ: ده: لی: همان بلکه) ۲۴- (آ: بیرن) ۲۵- ک: س: آ: (نیز ق: آ: لی: و: آ: کارداران:
 متن = س: ق: ل: آ: (نیز لن: ل: آ: پ: لن: آ: ب) ۲۶- ل: آ: به ۲۷- ق: بخشش (حرف یکم بی نقطه): ک: س: آ: (نیز لی: ل: آ: و: آ: ب): خوردش: متن =
 س: ق: ل: آ: (نیز لن: ق: آ: پ: لن: آ: ب: بنداری: و لما حصل فی دار ملکه أمر بیط النطوع و إفراغ تک الاموال علیها. و أمر بصرفها فی عمارة
 القناطر و الربط و الخانات و اتفاقها علی الفقراء الذین معاشهم من کد ایدیم: ق: بیت های ۱۶۱۶ ۱۶۱۹ ۱۶۲۱ را پس از بیت ۱۶۲۱ آورده
 است ۲۸- س: ق: ک: س: آ: (نیز ق: آ: و: آ: ب: بقبان: ل: آ: بینکان: متن = (لن: لن: آ) ۲۹- ل: آ: (نیز ب: ببخید ۳۰- (ق: آ: نیز) ۳۱- س: س: آ: < و:
 (نیز ب: < و: > و: ۳۲- ق: روی ک: س: آ: (نیز لی: ل: آ: آ: ب: رزم و: و: بزم و): متن = س: ل: آ: (نیز لن: ق: آ: پ: لن: آ) ۳۳- ک: آ: ۳۴- (لن: لی: و:
 ب: بدیشان) ۳۵- س: چندی: (لن: لن: آ: چندین): متن = یازده دستویس دیگر ۳۶- ک: س: آ: (نیز لی: ل: آ: آ: ب: نشد: متن = س: ل: آ: (نیز
 لن: ق: آ: پ: و: لن: آ) ۳۷- ل: آ: هیچ روز او ز گیتی

غنیمت همه^۱ بخش^۲ لشکر نهاد
 بفرمود پس تاج خاقان چین
 گهرها که بود اسیر او^۷ آزده^۸
 ۱۶۲۵ به در^{۱۰} و به کوهر بیاراستند
 و زان جایگه شد سوی^{۱۱} طیسفون^{۱۲}
 پذیره شدندش همه مهتران^{۱۴}
 چو نرسی بدید آن سر و تاج شاه
 پیاده شد و برد پیشش نماز
 ۱۶۳۰ بفرمود بهرام نا برنشست
 بیامد نشست ز بر تخت زر
 ببخشید گنجی به مرد^{۱۸} نیاز
 زمانه پر از راش^{۱۹} و داد شد!
 ز هر کشوری رنج و غم دور کرد!
 ۱۶۳۵ بدان^{۲۲} سور^{۲۳} هر کس که بشتافتند^{۲۴}
 نیامدش آگدن^۳ گنج یاد!
 که^۴ پیش آورد مردم^۵ پاکدین^۶
 بکنند و^۹ دیوار آتشکده،
 سر تخت آذر بیاراستند!
 که نرسی بُد و موبد^{۱۳} رهنمون
 بزرگان ایران و گنداوران
 درفش دلا فروز و چندان سپاه،
 بزرگان و هم موبد سرفراز^{۱۵}
 همی راند و دستش گرفته^{۱۶} به دست
 بزرگان به^{۱۷} پیش اندرون با کمر
 در تنگ زندان گشادند باز
 دل غمگنان^{۲۰} از غم آزاد شد!
 ز بهر بزرگان^{۲۱} یکی سور کرد!
 همه خلعت^{۲۵} مهتری یافتند^{۲۶}!

گفتار اندر نامه نوشتن بهرام به مهتران و باز آگندن^{۲۷}

سیوم^{۲۸} روز زم ردان ساختند نیسنده^{۲۹} را^{۳۰} پیش بنشاختند

۱-ق: همی ۲-س. ق. ل. آ. س. (نیز ن. ب. ل. ن. آ. ب): بهر: متن = ک (نیز و. آ) ۳-س. ق (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ن. آ. ب): از آگندن: ل. آ. زاکندن: متن = ک، س. آ (نیز ل. ی. آ): بنداری: و بلی زامل و الأیتام، و علی المشایخ الطاعین فی الأستان الذین عجزوا عن المکاسب، و علی أهل البیوتات، و علی عابری السبیل: تم أمر تفریق المغانم علی الجنود و العساكر ۴-(ب: به) ۵-ق: موبد ۶-ل. آ: نیکدین: (ق. آ. ل. ن. آ: پاکدین) ۷-(و: بودی بدو) ۸-(ب: آزده) ۹-ک، س. آ (نیز ل. ی.): <>: ق بیت های ۱۶۲۴-۱۶۲۵ و ل آ بیت های ۱۶۲۴-۱۶۳۳ را ندارند ۱۰-س (نیز ل. ن. پ. ل. ن. آ): زر: متن = ک، س. آ (نیز ق. آ. ل. ی. ل. آ. و. آ): بنداری: ثم أمر بإحضار تاج الخاقان فقلعوا جواهره و رصعوا بها حیطان بیت النار ۱۱-(ل. ی. بر) ۱۲-ق: طیسفون) ۱۳-س: موبد و: ک، س. آ (نیز ق. آ. ل. ی. ل. آ. و. آ. ب): بدش موبد و: (پ: بدو بودبا): متن = (ل. ن) ۱۴-(آ. ب: موبدان) ۱۵-ق: ر مساز: بنداری: ولما فرغ من ذلك كله سار نحو طیسفون فتلقاه أخوه و موبد لموبدان و سائر من كان بهما من الموابذة و الأمراء و الأكابر. فله أشرب علیهم تاجه ترجلوا له و وضعوا ووجهه نه علی الأرض: در ک این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۱۶-س. ق (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ی. پ. ن. آ. ب): گرفت آن زمان دست او را: ک (نیز ل. آ. و. آ): همی زند دستش گرفته: متن = س. آ ۱۷-(ل. ی: بزرگانش) ۱۸-(ل. ن: مردم): س. آ. ل. ی. ن. بیت را ندارند: در ق آلت های این بیت پس و پیش شده اند ۱۹-(ق. آ. و: دانش) ۲۰-ک (نیز ل. آ. آ): مردمان: ق. س. آ. ق. ل. ی. این بیت را ندارند ۲۱-ق: بزرگی: ل آ بیت های ۱۶۳۴-۱۶۴۵ و س. آ. ل. ی. ۱۶۳۴ را ندارند ۲۲-س: وزان: (ل. ن. ق. آ. ل. آ. ل. ن. آ: بران) ۲۳-(ل. ی: بدانسوز) ۲۴-ن. ب. فتی: (ل. ی: بشتافت نیز: ب: بشتافت نیز): متن = یازده دستویس دیگر ۲۵-س. ق. ک (نیز ل. ن. ل. آ. ل. ن. آ): خلعت و: متن = ل (نیز پ. و. آ) ۲۶-ل: یافتی: (ل. ی: ب: داد و چیز): متن = یازده دستویس دیگر: بنداری: ثم دخل ایوانه و جلس علی تخت من الذهب و عمل فيه دعوة لأکبر المسائلک و أمراء البلاد الذین کانوا فی حضرته فخلع علیهم أجمعین ۲۷-ل: نامه بهرام گور به کارداران خود: س. آ: رفتن بهرام به طیسفون: متن = [افتار اندر +] ک: س. ق. ل. آ. این سر نویس را ندارند ۲۸-س. ق. س. آ (نیز ق. آ. ل. آ. ب): سوم: (ل. ن. آ: سیم): متن = ل. ک (نیز ل. ن. ل. ی. و. آ. ب) ۲۹-ل. ک (نیز ل. ن. ل. آ. و. ل. ن. آ. ب): نویسنده: متن = س. آ (نیز پ. آ) ۳۰-س (نیز ل. ن. ل. ن. آ): در

یکی نامه فرمود با داد و مهر
 بر آن کو^۲ روان را به دانش^۳ بست^۴
 به رنج تن از سردمی مایه^۵ کرد
 خرد جست و^۶ با مرد دانا بساخت
 نیاید^۹، نکوید^{۱۰} در بدخوی^{۱۱}!
 سرافراز^{۱۳} جنگ سواران من^{۱۲}،
 وگر کشته، افکنده ر خاک^{۱۷} خوار^{۱۸}!
 دل غمگنان ساد بی غم^{۱۹} کنیدا!
 بی آزاری و داد جوید و بس^{۲۱}!
 سر^{۲۴} راستی را بهانه منم^{۲۵}!
 هم^{۲۷} آهنگ^{۲۸} بین^{۲۹} نامدار انجمن^{۲۹}،
 شدند آنک^{۳۱} بدخوایه^{۳۲} نیکخواه!
 جهاندار^{۳۳} با تاج و تخت و نگین،

به می خوردن اندر چو بگشاد چهر
 سر نامه کرد آفرین از نخست
 خرد بر دل خویش پیرایه کرد
 ۱۶۴۰ همه نیکویها ز یزدان شناخت
 بدانید کز^۷ داد جز نیکوی^۸
 هرانکس که از کارداران من^{۱۲}،
 بنالدا^{۱۴}، نیند جز از^{۱۵} چاه و دار^{۱۶}!
 بکوشید تا رنجها کم کنید
 ۱۶۴۵ که گیتی نه باید، نه ماند^{۲۰} به کس
 برین گفته هاب^{۲۲} نشانه منم^{۲۳}!
 که چندان^{۲۶} سپه کرد آهنگ من
 ازیدر برفتم به اندک^{۳۰} سپاه
 یکی نامداری چو خاقان چین

۱-ل.س.ق (نیز ل.ن.ق.آ.لی.ل.ن.آ.ب): بنوشت؛ (پ: بنیشت)؛ متن = ک.س.آ (نیز ل.و.آ)؛ بنداری. و-أ- ضر الکاتب وأمره ۲-ک: بدان کان؛
 (لن: برانک او؛ ق.آ.و.ب: بدان کو) ۳-ل: بشادی؛ متن = س.ک.س.آ (نیز ل.ن.ب) ۴-ق: ره راستی را بجست ۵-ق: پایه؛ ل.ن.آ: پایه؛ لی:
 از تن مرد پی دایه؛ ب: از تن مردمی مایه) ۶-ق (نیز ل.آ): <و>؛ ل: جست؛ متن = س.ک.س.آ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ.ب)؛ پ پس از این
 بیت افزوده است:

ز دل کینه و بدخویی دور کرد خرد را به هر کر دستور کرد

۷-س (نیز ل.ن.پ): بدانند که از؛ (ق.آ.و.ل.ن.آ: بدانند که از)؛ متن = ل.ک.س.آ (نیز ل.ل.آ.آ.ب ۸-ل.س.ک.س.آ (نیز ل.ن.آ): نیکویی؛
 متن = (آ.ب) ۹-ل.لی.ل.آ: نیاید) ۱۰-ل.لی.ل.آ: بگوید) ۱۱-ل.س.ک.س.آ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.آ.پ.و): ب.خویی؛ (لی: ایمنی؛ ل.ن.آ: بخردی)؛
 متن = (آ.ب)؛ ق این بیت را ندارد ۱۲-ل: ما؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-ل.س (نیز ل.ن.پ.ل.ن.آ): سرافراز و؛ ک (نیز ل.ل.آ.و.ب): ز مردان و؛ س.آ (نیز آ): ز مردان؛ متن = ق (نیز ق.آ) ۱۴-ل.ک (نیز ل.آ): سالد (بی نقفه)؛ س.آ: بماند؛ (ل.آ: بناند (حرف چهارم
 بی نقطه))؛ متن = (ل.ن.ق.آ.پ.ب) ۱۵-ل.س: بجز؛ (و: نیند جز)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-ل.آ: دار و چاه) ۱۷-ک: راه؛ س.آ: چاه؛
 ل: بر خاک و افکنده ۱۸-ق.آ: وگر کینه دارند بر خاک راه؛ لی این بیت را ندارد ۱۹-س.ک.س.آ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.و.ل.ن.آ): خرم؛ متن =
 ل.ق (نیز ل.پ.ب) ۲۰-ل: فراوان نماند؛ س.ق <و> (نیز ل.پ.ل.ن.آ.ب): نماند و نماند؛ (ل.ن: هم نا نماند؛ و.آ: نماند نیاید)؛ ک: نیکی
 نماند نیاید؛ س.آ: نه گیتی نماند نیاید؛ متن = (ق.آ.ل.آ) ۲۱-ق (نیز ل.ن.ب): جوید بس؛ (لی: جوید پس)؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ و
 پس از این بیت افزوده است:

بدین گیتی اندر نکوهش کنید همه کارها را بزوهش کنید

۲۲-ل.ک.س.آ (نیز ق.آ.لی.ل.ل.آ.و.آ.ب): بدین گیتی اندر؛ متن = س.ق (نیز ل.ن.پ.ل.ن.آ) ۲۳-ق: نشانی ز من ۲۴-ل.ن.آ: سوی) ۲۵-ق: همان
 جنگ این نامدار انجمن؛ ل.آ بیت های ۱۶۴۶-۱۷۳۰ را ندارد ۲۶-ل.آ: چندین)؛ س.آ: نه چندان؛ متن = یازده دستنویس دیگر
 ۲۷-س.آ: نه ۲۸-ق.آ: آن) ۲۹-ل.آ: نامداران من)؛ ق این بیت را ندارد ۳۰-ل.ن.آ: بچندین) ۳۱-ل.آ.پ: آنکه)؛ ق: شد آنکس که؛ (ل.ن.آ:
 شد آنکه (وزن ندارد))؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۲-ب: بدخوید و) ۳۳-س.آ (نیز ل.ل.و.آ): جهانجوی؛ ک (نیز ب): جهانجوی و؛
 متن = ل.س.ق (نیز ل.ن.ق.آ.پ.ل.ن.آ)

۱۶۵۰ به دست مراندر گرفتار شد
 مرا کرد پیروز یزدان پاک
 جز از بندگی پیتهی من مبادا!
 نخواهم خراج ز جهان هفت سال
 به هر کارداری و خودکامه‌یی
 ۱۶۵۵ که با ۷ زیردستان جز از رسم و ۸ داد
 هر آنکس که دریش باشد به ۱۳ شهر
 فرستید ۱۵ نزدیک ما ۱۶ نامشان
 دگر هرک ۱۹ باشند مرد ۲۰ نژاد
 هم از گنج ما بی‌نیازی دهید ۲۳
 ۱۶۶۰ کسی را که فامس ۲۴ دستش تهیست
 هم از گنج مشان بتوزید فام ۲۷
 ز یزدان بخوانید ۳۰ تا همچنین
 بدین مهر ما ۳۲ شادمانی کنید ۳۳!

سر تخت ۱ ترکان نگونسار شد!
 سر دشمنان اندر آمد به ۲ خاک!
 جز از راست ۴ اندیشه‌ی من مبادا!
 اگر زیردستی بود، گر ۵ همال!
 نبستم به هر ۶ پهلوی نامه‌یی،
 نراند ۹ و از ۱۰ بد ۱۱ نگیرند ۱۲ یادا
 که از روز شادی نیابند ۱۴ بهر،
 برآریم ۱۷ از آن ۱۸ آرزو کامشان!
 که گیرند ۲۱ از رفتن چیز ۲۲ یاد،
 خردمند را سرفرازی دهید ۲۳!
 به هر جای ۲۵ بی ارج و بی ۲۶ فرهیست،
 به دیوان‌هاشان ۲۸ نیسید ۲۹ نام!
 دل ما بدارد به آیین و ۳۱ دین!
 بر آن ۳۴ کهتران مهربانی کنید ۳۳!

- ۱-ل: بحث (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): ق (نیز پ): بخت یک (نیز آ): بخت (حرف یکم بی نقطه): س آ: بحث (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه): (ب: بحث (بی نقطه)): متن = س (نیز ل-ل، و، ل، آ) ۲- (و، آرم به): ل: رفت در زیر: متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- (پ: بجز) ۴- ق: راستی (وزن ندارد): (پ: داد: و، نیک): متن = یازده دستنویس دیگر ۵- س (نیز ل، ل، آ): یا: ق: مگر آنک گوید که هستم: متن = یازده دستنویس دیگر ۶- ل (نیز ق، آ، لی، و، آ، نوشتند بر: س (نیز ل، پ): نوشتیم بر: ق: نوشتیم بهر: س آ (نیز آ، ب): نوشتند بر: (ل، آ: نوشتیم ابر): متن تصحیح قیاسی است: بندای: و ما کان الیوم الثالث جنس بهم فی مجلس الأئس و أحضر الکاتب و أمره أن یکتب الی أطراف البلاد و جمیع أقالیم المملکة باسقاط الخراج عن أهلها سبع سنین شکرًا لما من الله به علیه حين أظفره، مع ضعفه و قلة عدده، بعدد مثل الخاقان فی قوته و شوکه و کثرة عدده و عدده: برخی از دستنویسهای فرعی در اینجا سرنویس دارند ۷- ل: از: (ل، تا): متن = دوازده دستنویس دیگر ۸- ق: رزم و: ک، س آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب: راه: ق آ: بیم و): متن = ل، س (نیز ل، پ، ل، آ) ۹- ق: مرانید: ق آ: نرانید: پ: ندارد: ۱۰- س، ق، ک، س آ (نیز ل، ل): وز ۱۱- ق: کیر: (لی در) ۱۲- ک، س آ (نیز ل، آ، و، آ، ب): نراند: (لی: مرانید): متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، ق، آ، پ، ل، آ) ۱۳- ق: ز ۱۴- ق: نباشدش ۱۵- ک: فرستد: س آ: فراید (حرف‌های یکم و چهارم بی نقطه) ۱۶- س، ق (نیز ل، ل، ق، آ، ل، آ): من: (پ: فرستد بنزدیک ما): متن = ل، ک، س آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۷- ق آ: برارید: لی: برانیم ۱۸- ل: زان: (لی: آ: ازین): متن = یازده دستنویس دیگر ۱۹- س، ق (نیز ل، ل، لی، پ، ل، آ، ب): هر کی، ک، س آ (نیز ل، آ، و، آ): هر چه: (ق آ: که هر کس که): متن = ل، ۲۰- ک، س آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، ب): مردم: ل: هستند پهلوی: ق: باشد مرا و را: متن = س (نیز ل، ل، پ، ل، آ، و، آ) ۲۱- س، ق (نیز ل، ل، پ، ل، آ، ب): همی گیرد: ک، س آ (نیز ل، آ، و، آ): که گیرد هم ۲۲- ق آ: همی کرد از رفتن رنج لی: همی کرد از رفتن چیز: متن = ل، ۲۳- ق: دهیم ۲۴- ل: نامست: ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، ب): وامست: متن = س، ک، س آ (نیز ل، ل، پ، آ) ۲۵- ل: کا: متن = میزده دستنویس دیگر ۲۶- ق: کم: (ق آ: بی راه و بی): ل: این بیت را ندارد ۲۷- (ل، و، زام: ب: کام: لی، ل آ: بدوزند و ام ۲۸- ک، س آ (نیز ل، آ، و، آ): بدیوانشان در: متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، ق، آ، لی، پ، ب) ۲۹- ل، ک، س آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): نویسد: متن = (پ): ل: این بیت را ندارد ۳۰- س (نیز ل، ل): بخوایم: ل (نیز آ): نخواهد (حرف‌های یکم و ششم بی نقطه): متن = ق، ک، س آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، پ، و، ب) ۳۱- ل (نیز ق، آ، پ، و): <و>: متن = س، ق، ک، س آ (نیز ل، ل، آ، و، آ): ل: این بیت را ندارد ۳۲- س (نیز ل، ل، لی، پ، ل، آ، ب): عهد ما: ک: مهربانی (وزن ندارد): س آ: مهربان: (آ: مرزبان): متن = ل، ق (نیز ق، آ، ل، آ، و) ۳۳- ل، س، ق (نیز ل، ل، آ): کنند: متن = ک، س آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، ب) ۳۴- س (نیز ل، ل، پ، ل، آ): ابر: (ق آ: لی: بدان): متن = ل، ق، ک، س آ (نیز ل، آ، و، آ، ب)

همان^۱ بندگان را مدارید خوار
 ۱۶۶۵ کسی کثر بود پایه‌ی سنگیان^۳
 به دانش روان را توانگر کنید^۵
 ز چیز کسان دور دارید دست!
 ز سوگند پیمانها^۸ مشکند!
 به یزدان پناهید و فرمان کنید!
 ۱۶۷۰ مجوید آزار همسایگان
 هر آنکس که ناچیز بُد، چیره^{۱۶} گشت
 بزرگش مخوانید^{۱۸} کان برتری^{۱۹}
 ز درویش چیزی مدارید باز^{۲۱}
 به پاکان^{۲۳} گرایید و نیکی کنید!
 ۱۶۷۵ هر آن کارکو^{۲۴} دورگشت^{۲۵} از بسند^{۲۶}
 ز دارنده^{۲۹} بر جان آنکس درود
 چو اندر نوردید^{۳۰} رخشان^{۳۱} حریر
 به عنوانش بر^{۳۳} شاه گیتی نشست^{۳۴}
 خداوند بخشایش^{۳۷} و فرّ و زور
 که هستند^۲ هم بنده‌ی کردگارا!
 دهد کودکان را^۱ به فرهنگیان!
 خرد را ز بُز^۶ بر سر افسر کنید^۵
 بی آزار باشید و^۷ یزدان پرست!
 پی و شاخ^۹ بیوز بد^{۱۰} بر کنید!^{۱۱}
 روانها^{۱۲} به مهرش^{۱۳} گروگان کنید!
 به کار^{۱۴} بزرگان و پرمایگان!^{۱۵}
 و زاندازه‌ی کهری^{۱۷} برگذشت،
 سبک باز گردد سوی کمتری!^{۲۰}
 هر آنکس که هست،^{۲۲} از شما بی‌نیاز!
 دل و پشت خداهندگان مشکند!
 بدان کار^{۲۷} نزدیک باشد^{۲۸} گزند!
 که از مردمی باشدش تار و بود!
 سر خامه^{۳۲} را کرد مُشکین دبیر،
 دل و داد^{۳۵} و دنده^{۳۶} خوب و زشت،
 شهنشاه بخشنده^{۳۸} بهرام گور

۱- (آ: همه) ۲- (لی: هسید) ۳- س. ق. (نیز، ل. ن. ق. آ. ب.): مایه و سنگ آن؛ ک. س. ۲ (نیز، ل. آ. و. ب.): مایه سنگیان؛ متن = ل ۴- ق: کودک خود؛ (و: سپارد پسر را؛ ب. پسر را سپارد)؛ لی این بیت را ندارد ۵- (ل. ن: کند) ۶- ل. ز قن: س (نیز ق آ): ازین ک. س. ۲ (نیز لی- و، آ. ب.): ز دین: متن = (ل. ن. ل. ن. آ): ق این بیت را ندارد ۷- (لی: < و >)؛ س. ق. بیت‌های ۱۶۶۷-۱۶۶۸ را ندارد ۸- ل. (نیز ب.): بکوشید و پیمان ما؛ س. ۲ (نیز و، آ): بسوگند پیمان ما؛ (لی، ل. آ. ب.): بسوگند پیمانها؛ متن = ک (نیز، ل. ن. ق. آ. ل. ن. آ) ۹- ک. س. ۲ (نیز لی، آ. ب.): شاخ و؛ ل (نیز، ل. ن. ب. < و >)؛ ل. ن. آ < و >؛ و بیخ و؛ متن = (ق آ. ل. آ. و) ۱۰- (آ: پیوندها) ۱۱- (ق آ: برکشید) ۱۲- ل. (نیز ب.): روان را؛ ک (نیز ل آ. و، آ): زبانها؛ س. آ: زبانترا؛ متن = س (نیز، ل. ن. ق. آ. ل. آ. ب) ۱۳- ک. س. ۲ (نیز ل آ. و، آ): شکرش؛ متن = ل، س (نیز، ل. ن. ق. آ. ب. ل. ن. آ. ب)؛ ق، لی این بیت را ندارند؛ در س، ل. ن. ق آ این بیت بایست سپین پس و پیش شده است؛ در ل. ن آ این بیت دوبست پس تر آمده است ۱۴- ل. هم آن؛ س (نیز، ل. ن. ق. آ. ل. آ. ب. ل. ن. آ < و >)؛ چه آن؛ ک (نیز لی): بکاو؛ متن = س ۲ (نیز و، آ. ب) ۱۵- (و، آ. ب): آزادگان؛ ب: بزرگان چه کم مایگان؛ ق این بیت را ندارد ۱۶- س، ک. س. ۲ (نیز، ل. ن. لی- ب): چیز؛ (ق آ: هران ناسزائی که ناچیز)؛ متن = ل ۱۷- ک. س. ۲ (نیز ق آ. ل. آ. و، آ): برتری؛ (لی: مهتری)؛ متن = ل، س (نیز، ل. ن. ب. ل. ن. آ): ق این بیت را ندارد ۱۸- (و: مدانید) ۱۹- (پ: بهتری؛ ل. ن. آ: سروری) ۲۰- ل. ک. س. ۲ (نیز ق آ. ل. ل. آ. و، ب): کهری؛ متن = س (نیز، ل. ن. ب)؛ ق این بیت را ندارد ۲۱- (و: خوار (پساوند ندارد)) ۲۲- (لی: ند)؛ د: ق این بیت پس از بیت ۱۶۶۵ آمده است ۲۳- (و: بپاکی)؛ لی این بیت را دوبار آورده است ۲۴- (ل. آ. آ. ب: کان)؛ ل، س، ک (نیز، ل. ن. ق. آ. ب. و، ل. ن. آ): چیز کان؛ متن = س ۲ (نیز لی) ۲۵- س ۲ (نیز آ): شد ۲۶- ل، س، ک (نیز، ل. ن. ل. آ. ل. ن. آ): بسند (حرف یکم بی نقطه)؛ (ب: گزند)؛ متن = (پ. آ) ۲۷- ل، س، ک (نیز، ل. ن. ق. آ. ب. ل. ن. آ): چیز؛ متن = س ۲ (نیز لی، ل. آ. و، آ. ب) ۲۸- (ق آ: گشت آن؛ لی: ماشد)؛ ق این بیت را ندارد؛ در ل آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۹- (لی: ب. ما باد) ۳۰- ل، ک (نیز، ل. ن. ق. آ. ل. ل. پ. ل. ن. آ. ب): نوشتند؛ متن = س ۲ (نیز ل آ. و، آ) ۳۱- ل: چینی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۲- ق (نیز لی، و، ل. ن. آ. ب): نامه ۳۳- (ق آ: عنوان برش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۴- ق (نیز، ل. ن. آ. و، ل. ن. آ. ب): نوشت؛ متن = س، ک، س ۲ (نیز، پ. آ) ۳۵- س، ق: دل را؛ ک: دل و رای؛ (ل. ن. ق. آ. ل. آ. ب. و، ب: دل داد)؛ متن = س ۲ (نیز لی، ل. ن. آ) ۳۶- ق آ: دارنده؛ لی، ل. ن. آ: خواننده؛ ل این بیت را ندارد ۳۷- ق: بخشنده ۳۸- ق: آفاق

۱۶۸۰ سوی مرزبانان، و^۱ فرمانبران
 به هر سو نوند و^۲ سوار و هیون
 چن این نامه آمد^۵ به هر کشوری،
 همی گفت هر کس نه یزدان سپاس
 زن و مرد و کودک به هامون شدند
 ۱۶۸۵ همی خواندند آفرین مهان^۹
 و زان^{۱۲} پس ه خوردن بیاراستند
 یکی^{۱۳} نیمه از روز خوردن بدی
 همی نو به هر^۱ بامدادی^{۱۷} پگاه^{۱۸}
 که هر کس که دزد^{۱۹} خورید و دهید!
 ۱۶۹۰ کسی کش نیازست آید^{۲۱} به گنج
 سه من^{۲۴} تافته بادهی^{۲۵} سالخورد
 جهانی به رامس نهادند روی^{۲۹}
 چنان شد^{۳۱} که ا. بید سرخ^{۳۲} افسری
 یکی شاخ نرگس به تاهی^{۳۴} درم

خردمند و^۲ دانا و جنگی سران
 همی رفت با نامه^۴ رهنمون
 به هر نامداری و هر مهتری،
 که هست این^۶ جهاندار یزدان^۷ شناس!
 ز^۸ هر کشور از خانه بیرون شدند،
 بران^{۱۰} دادگر شهریار جهان^{۱۱}!
 می و رود و رامشگران خواستند
 دگر نیمه زو^{۱۴} کار^{۱۵} کردن بدی
 خروشی بدی پیش درگاه شاه،
 سپاسی ز خوردن به خود^{۲۰} برنهد!
 ستاند ز گنج^{۲۲} دزم^{۲۳} سخته^{۲۳} پنج،
 به^{۲۶} رنگ گل نار، اگر^{۲۷} زر زرد^{۲۸}!
 پر آواز میخواره شد شهر^{۳۰} و کوی^{۲۹}!
 ز دینار را^{۳۳} خواستندی کری!
 خریدی^{۳۵} کسی، زان نگشتی^{۳۶} دزم!

۱-ل (نیز لن): <و> (و: زیردستان و: ق: سر مرزبانان و): متن = س. ک. س. ۲ (نیز لی. ل. ب. پ. ل. آ. آ. ب) ۲-س (نیز لن. ب): <و>؛ ق این بیت را ندارد ۳-ق (نیز آ): نوندی ۴-ل: نامور: (پ. و: نامه و: ل: رفت و با نامه و): متن = ده دستنویس دیگر ۵-ل. ق: چو آن نامه آمد: ک. س. ۲ (نیز ق. آ. ل. آ-آ): چو این نامه آمد: (لی. ب: بیردند نامه): متن = س (نیز لن) ۶-ک: که هستی ۷-لی: نیکی:؛ س بیت های ۱۶۸۳-۱۶۸۴ را ندارد ۸-ل. ک (نزل. آ. پ. ل. ن. آ): به: متن = ق. س. ۲ (نیز لن. ق. آ. لی. و. آ. ب) ۹-س: بهان (حرف یکم بی نقطه): ق. س. ۲ (نیز ق. آ. ل. آ. ل. ن. آ): بهان: (لن: بن: ل. بر مهان: ک: در نهان: متن = (لی. ب. و. ب) ۱۰-ق. ک (نیز لی. ب): بدان ۱۱-ل. آ: بهان:؛ س. آ: کردگار جهان: بنداری: فلما بلغتهم کتبه نامت فیهم مواسم الفرح و الطرب، و خرجوا الی الصحراء بالنساء و الرجال و الصغار و الکبار، و رفعوا أصواتهم بالدعاء لبهرام و لئنائه علیه ۱۲-س (نیز ق. آ): از ان ۱۳-س. ق. ک (نیز لن. ق. آ. پ. ل. ن. آ): به یک: متن = ل. س. ۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب) ۱۴-س. ۲ (نیز ل. آ. آ. ب): در: ق. آ. لی. و: از:؛ ق: نیمه: متن = ل. س. ک (نیز لن. پ. ل. ن. آ) ۱۵-لی: روز) ۱۶-ق: به نو: س. ۲ (نیز ل. آ. آ): ز هر: (لی. ب: بود هر: و نیز هر): متن = ل. س. ک (نیز لن. ق. آ. پ. ل. ن. آ) ۱۷-ل: نامداری: ق. ک. س. آ: بامداد: متن = س (نیز لن. ب) ۱۸-ل: سپاه: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۹-ک: همی چون: (ق: آ: هر آنکس که دارد) ۲۰-س. ق. ک. س. ۲ (نیز لن. ق. آ. لی. ب. ل. ن. آ. آ. ب): بما: (ل. آ. و: بمن): متن = ل ۲۱-ق. آ. ل. ل. و. آ. ب: کو ندارد بیاید) ۲۲-ق: رنج: ک. س. ۲ (نیز و. ب): گنجی: متن = ل. س (نیز لن. پ. ل. ن. آ. آ) ۲۳-ل. آ: خسته) ۲۴-ک: می ۲۵-ق: باده باده: ک: یافته باده: س. ۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب): باده تافته: (ق: آ: سه باده همی تافته): متن = ل (نیز لن. پ. ل. ن. آ) ۲۶-و: (جو) ۲۷-ق: ب (لن. ب. ل. ن. آ: یا): ل: و با: ک: و یا: متن = س. ۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب) ۲۸-ل: رنگ زرد: ق (نیز لن. پ. ل. ن. آ): زرد زرد: (ق: آ: گل و تازه خوش بوی و زرد): متن = ک. س. ۲ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب): س بیت های ۱۶۹۱-۱۶۹۲ را ندارد ۲۹-آ: (آ: <ی>) ۳۰-ق: آ: بام) ۳۱-ل. ک: بد: متن = ن. س. ۲ (نیز لن. ب) ۳۲-ل: بید و گل: (ق: آ: گنج سرخ): متن = س. ک. س. ۲ (نیز لن. لی. ب) ۳۳-ل. س. ۲ (نیز لن. پ. ل. ن. آ. آ. ب): ز دیدار: او: ک: ز دیدار را: (و: ز دیدار را): متن تصحیح قیاسی است: ق بیت های ۱۶۹۳-۱۶۹۴ را ندارد: بنداری: ثم اشتغلوا بالشرب و اللهب حتى صار لا یقدر علی قضیب من الخلاف بدینار ۳۴-ل. س: بتای: (لن. ق: آ: بتای (حرف چهارم بی نقطه)):؛ ک: بهاش:؛ س. ۲ (نیز لی. ل. و. آ. ب): بها یک: (پ: به یک تا: لن. آ: به چندین: لی: بیک شاخ نرگس بها یک): متن تصحیح قیاسی است: بنداری: طاقه نرجس در ره (و: یادداشت ها) ۳۵-و: (و: بدادی) ۳۶-ب: زو نگشتی: ق: آ: نگشتی کسی زان)

۱۶۹۵ ز شادی^۱ جوان شد دل مرد پیر
جهانجوی^۳ کرد از جهاندار یاد
به چشمه‌ندرون^۲ آب‌ها گشت شیرا
که^۴ یکسر جهان دید^۵ از آنگونه^۶ شادا!
کز ایدر برو با نگین و کلاه^۸،
دل زبردستان ما^{۱۰} شاد دارا!
میابیز چنگ اندرین^{۱۲} رهگذر^{۱۳}!
چو مرد^{۱۵} برهنه، ز باد خزان!
گرانمایه گنجی بپرداختند!
سر تخت خورشید^{۱۷} گاه^{۱۸} تو بادا!
تن آسان خراسان به چنگ آمدش^{۱۹}!

به نرسی چنین گفت یک روز شاه^۷
خراسان ترا دادم، آباد دارا!
نگر تا نباشی جز از^{۱۱} دادگرا!
۱۷۰۰ پدر گر بدی جُست^{۱۴}، پیچید از آن
بفرمود تا خلعتش^{۱۶} ساختند
بدو گفت: یزدان پناه تو بادا!
به رفتن دو هفته درنگ آمدش

گفتار اندر آمدن رسول قیصر بنزد بهرام و سؤالها^{۲۰}

چو نرسی بشد هفته‌یی برگذشت،
۱۷۰۵ بفرمود تا موبد موبدان
بدو گفت: شد کار قیصر دراز
چه مردست و^{۲۵} اندر خرد تا کجاست؟
دل شاه از اندیشه^{۲۱} پردخته^{۲۲} گشت،
برفت و بیاورد چندی^{۲۳} ردان
رسولش همی^{۲۴} دیر یابد جواز
که دارد روان از خرد^{۲۶} پشت راست!

۱-ق: بشادی ۲-ک.س. ۳- (نیز لن.ب): بچشمه درون: متن تصحیح قیاسی است؛ (ب.د.د.د.د.ها): بنداری: فعم الأمان و الأمان و طابت القلوب حتی عادت المشایخ کالثبانیان ۳-س. ۴- (نیز لی.ل.آ.و.آ.ب): شهنشا: متن = ل.ک. نیز لن.ق.آ.پ.لن. ۴- (لی.ب.چو) ۵- (ل.آ. شد) ۶-ل (نیز لی): زانگونه: متن = دوازده دستنویس دیگر: برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند: س. دادن بهرام منشور خراسان بپدرش نرسی ۷-ق: گفت پیروزگر ۸- (لی: تا نگین و کلاه): ق: که روزی خراسان یکی برگذر ۹-ل.س.ک (نیز لن.ق.آ.لی.پ.لن.آ): کن: متن = س. ۱۰- (نیز لی.ل.آ.و.آ.ب) ۱۰-ل (نیز ق.آ): به ما: متن = بازده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد ۱۱-ل: بجز: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۲- (ق.آ: اندران): ل: میازید چنگ اندرین: (لی.و.آ.ب.س.د.تا. بازی بدین: ل.آ: نگر تا نیازی بدین): متن = س.ق.ک (نیز لن.پ.لن.آ) ۱۳- (آ: ره کمر): س.آ در فیلمی که نزد منست خوانا نیست ۱۴-س. ۱۵-ل (نیز لن.ق.آ.لی.پ.و.آ.ب): کرد: ل: کرد بیداد و: متن = س.ک (نیز لن.آ) ۱۵-ل: مردی: متن = ده دستنویس دیگر: ق.ل.ل.آ.ین بیت را ندارند ۱۶-ک: خلعتی ۱۷-ق: رخننده: (آ: بخت خورشید) ۱۸- (ب: جای) ۱۹- در ق.لت‌های این بیت پس و پیش شده اند: بنداری: ثم انه ولی آخاه نرسی بلاد خراسان، و عقد نه علیها فصار انیها بعدا سبوعین ۲۰-س (پس از بیت ۱۷۳۶): پیغام فرستادن قیصر بنزد بهرام گور: ق: رای زدن بهرام در کار رسول قیصر و آمدن رسول: ک: مسئلها پرسیدن رسول قیصر از موبد موبدان: ل. ۲۱- (پس از بیت ۱۷۳۲): سوال کردن رسول قیصر و جواب او: س. ۲ (پس از بیت ۱۷۲۶): مسأله پرسیدن رسول قیصر از بهرام: متن = [گفتار اندر + لن.آ]: ل.لن.آ سرنویس ندارند ۲۱-ل (نیز لی): زاندیشه: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۲-ق (نیز ق.آ.و.آ): پردخت: ب.ر فیلمی که نزد منست خوانا نیست ۲۳- (پ: چندین: ب: چندان): ق: در اینجا سرنویس دارد: رای زدن بهرام در کار رسول قیصر و آمدن رسول ۲۴- (لی.ل.آ.و.آ): همی مرد او: س.آ در اینجا در فیلمی که نزد منست ناخواناست ۲۵-ق: <>: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶- (لی: و خرد: ق: آ: خرد از روان): ق: کی داند روان خرد: متن = یازده دستنویس دیگر: بنداری: ثم قال لموبد الموبدان: قد ط... عنانا مقام رسول صاحب الروم، و سأله عنه وعن حاله و مرتبه فی العلم و المعقل

بدو گفت موبد کانوشه بدی^۱ یکی مرد^۳ پیوست با رای^۴ و شرم
 ۱۷۱۰ کسی کش فلاطین بدهست^۷ اوستاد
 یکی برمنش بود کاملد^۸ ز روم
 بیژمرد چون مرز^{۱۰} در ماه دی^{۱۱}
 همه کهترانش^{۱۳} بکردار میش
 به کندی و تند^{۱۷} به ما ننگرید^{۱۸}
 ۱۷۱۵ به موبد چنین گفت بهرام گور
 مرا گر جهاندار پیروز^{۲۱} کرد
 یکی قیصر روه قیصر^{۲۳} نژاد
 بزرگست و از^{۲۵} سلم دارد نژاد

جهاندار^۲ با فرهی ایزدی،
 سخن گفتنش چرب^۵ و آواز^۶ نرم،
 خردمند و با دانش و با نژاد!
 کنون خیره گشت اندرین مرز و^۹ بوم!
 تنش سست^{۱۲} و رخساره^{۱۳} هم رنگ نی^{۱۴}!
 که روز شکارش سگ آید به^{۱۶} پیش!
 وزین^{۱۹} مرز کس را به کس نشمیرد^{۲۰}!
 که یزدان دهد فرّ و دیهیم و زور،
 شب تیره بر بخت من^{۲۲} روز کرد،
 فریدون ورا تاج بر سر نهاد^{۲۴}،
 ز شاهان فزون تر به رسم و به داد^{۲۶}،

۱- (لی، ب، بزی): ل: انوشه بدی؛ سر، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ق، ل، و، لن، آ): که نوشه بدی؛ متن = (پ) ۲- ل: جهاندار و؛ س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): همه ساله؛ متن = س، ق، ک، (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۳- (ق: آ: یکی گفت) ۴- (ب: فر) ۵- س، ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ، ب): خوب؛ (لی: گفتن خوب؛ ل: گفتن چرب؛ و: همی گفتنش خوب)؛ متن = ل، ک، ۶- ق، س^۲ (نیز لن، ق، آ، لی، و، لن، آ): آوای؛ متن = ل، س، ک (نیز ل، آ، ب، آ، ب) ۷- س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): بود؛ (ق: فلاطوس بود)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ب، لن، آ): بنداری؛ فقال الموبد: إنه رجل طاعن فی السنّ ذو رأی و حیاء و منطق حسن و صوت لین. و کیف یکون من أستاذة أفلاطون الحکیم: ل بیت های ۱۷۱۰-۱۷۱۱ را ندارد ۸- ک: بد که آمد ۹- (لن: < >) ۱۰- ل: لاله؛ ک، س^۲ (نیز لی، لن، آ): ماه؛ (ب: برگ)؛ متن = س، ق (نیز لن، ق، آ، ل، و، آ < >، ب) ۱۱- س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): تیر؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۱۲- ل: خشک؛ (آ: زرد)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- (لن، و، لن، آ: رخسار) ۱۴- س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): قیر؛ ق: آ پس از این بیت افزوده است:

هم از قیصر روم دارد نژاد بزرگست و از سلم دارد نژاد

۱۵- (ل: گوهرانش) ۱۶- س (نیز لی، لن، آ: شکاری سگ آیدش؛ ک (نیز لی، آ): روزی شکار (لی: شکاری) سگ آید به؛ ق: روز آشکار اشک ریزد به؛ متن = ل (نیز ل، آ، ب، و، آ): ق: آ این بیت را ندارد ۱۷- ک (نیز ب): بلندی و تند^{۱۷}؛ س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، آ): بتندی و تیزی؛ (ل: آ: ز تند^{۱۷} و تیزی)؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، ب، لن، آ) ۱۸- س، ک، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و، آ): ننگرد؛ ق (نیز ب): ننگرند؛ (لن: ننگرند؛ ب: بنگرد؛ لی: همی ننگرد)؛ متن = ل (نیز لن، آ) ۱۹- س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ب): ازین؛ متن = ل ۲۰- س، ک، س^۲ (نیز ق، آ، و، آ): شمرد؛ ق (نیز لن، ب): شمرد؛ متن = ل (نیز لن، آ) ۲۱- (ب: فریز) ۲۲- (لی: و بخت من)؛ س^۲ (نیز ل، آ): تیره بخت مرا؛ (و: تیره بخت من)؛ متن = ل، ک (نیز لن، ب، لن، آ، ب)؛ ق: آ بیت های ۷۱۵-۱۷۱۶ را ندارد؛ ب پس از این بیت افزوده است:

همانکس که هست او شهنشاہ روم خداوند و فرمانده مرز و بوم

۲۳- (لی، ل، آ، و: همی قیصر روم دارد؛ آ: هم از قیصر روم دارد) ۲۴- ق، ک: سخن گوی و گفتار دارد بیاد؛ (لی: سخن گفته دانسته دارد بیاد؛ ل، آ: سخن داند و گفته دارد بیاد؛ و سخن راند و گفته آرد بداد)؛ متن = ل، س (نیز لن، ب، لن، آ، ب): این بیت در فیلم س^۲ که نزد منست ناخواناست؛ ق: آ به جای این بیت ورده ست:

سخن گوی و گفتار دارد بیاد فریدون ورا تاج بر سر نهاد

در س، لن، ب، و، لن، آ این بیت بابت سپس پس و پیش شده است ۲۵- ل، ق (نیز لن، لن، آ): وز؛ (آ: ووز)؛ متن = س، ک، س^۲ (نیز لی، و، ب) ۲۶- س (نیز لن، لن، آ): سخن گوی و گفتار در بیاد؛ ق: که تاج فریدون بسر بر نهاد؛ ک: فریدون ورا تاج بر سر نهاد؛ س^۲ (نیز لی، ل، و، آ): که تاجش فریدون بسر بر نهاد؛ (ب: همه روم بکسر بدویدند شاد؛ ب: فزون داند و گفته دارد بیاد)؛ متن = ل، ق: آ این بیت را ندارد؛ در س، آ، لی، ل، آ، آ این بیت بابت سپس پس و پیش شده است

چو خاقان نیام-^۱ به دیوانگی!
سخن تا چه گوید که آید^۲ به کار^۳؟
ز مردم نیم^۴ در جهان بی‌نیاز!
دگر بزم و^۵ آیین و راه^۶ آورد،
بزرگ آنک^۷ با نامداران بساخت!
که شادان بدی^۸ تا بگردد سپهر!

کنون مردمی کرد و فرزانی
۱۷۲۰ ورا پیش خوانیم^۱ هنگام بار
وُزان پس^۲ به خوبی فرستش^۳ باز
یکی رزم جوید، سپاه آورد
مرا ارج^۴ این زان^۵ ببايد شناخت
یکی^۶ آفرین کرد موبد به مهر

زیانه^{۱۶} برآمد ر خم^{۱۷} سپهر،
بر آن^{۱۸} نامور بگاهش^{۱۹} نشاند!
فرستاده را خوند^{۲۰} پیش مهان
سخن‌گوی و^{۲۱} دانش و یادگیر،
بر تخت شاهی به زانو نشست

۱۷۲۵ دگر روز چون تاج بنمود مهر^{۱۵}
سپهد فرستاده^{۱۶} را پیش خواند
چو بنشست^{۱۷} بیدار شاه جهان
بیامد جهان‌دیده دانای پیر
به کش کرده دست و سر افکنده پست

۱- (لی، ل، آ، و، ب: نیامد چو خاقان؛ آ: بیامد چو خاقان)؛ متن = ل-ک، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ)؛ بنداری: فقال بهرام: إن قیصر ملک کبیر
أصیل یتمی الی سلم الذی توجه أفریدون. وما أساء الأدب کما فعل الخاقان ۲- (ل، آ: وزانیش بخوانیم) ۳- (لی، ل، آ، و، آ، ب: چه آرد)
۴- (آ: بیار؛ ق: هر چه گوید نکو گوش دار) ۵- (پ: از آریس) ۶- (لی: پرسمش) ۷- (س: نیز ل، ن): نهام؛ (ل، آ: کنم)؛ س، آ: قیصر نیم؛
متن = ده دستویس دیگر؛ بنداری: فینقی أن نحضره غدا، ونحسن اثیه ونرذه الی صاحبه علی - حلة التوقیر والاحترام ۸- ق: <و>؛
(پ: یکی بزم و) ۹- ل-ک (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): ز زمین کلاه؛ متن = س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۰- س (نیز ل، ن، آ): ارزا؛ متن = یازده
دستویس دیگر ۱۱- ل: ایشان؛ (ق، آ، لی، و، آ، ب: ازینسان؛ ل، آ: آن زین)؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ)؛ س، آ در فیلم ناخواناست
۱۲- (ل، ن، آ: آنکه)؛ س، آ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): خنک هر که؛ متن = ل-ک (نیز ل، ن، ق، آ، پ)؛ برخی از دستویسهای فرعی در اینجا سرنویس
دارند ۱۳- ل، س، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، و، ب): برو؛ (نیز لی، پ): بدو؛ متن = ق ۱۴- (ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، و، آ، ب: بزی؛ لی: شادی بزی)؛ س، آ،
ق، آ- و، ب پس از این بیت افزوده‌اند:

نگوید زبانت جز از بهتری (ق: راستی) که بادات بر بهتران مهتری
(ق: نخواهد دنت نژی و کاستی)

۱۵- ق (نیز لی، ب): چهر؛ متن = س، آ (نیز ق، آ، ل، آ، پ، و) ۱۶- ق، س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ): زمانه؛ متن = (د، و، ب) ۱۷- س، آ (نیز ل، آ، و، ب): بخم؛
متن = ق (نیز ق، آ، لی، ب)؛ ل، س، ک، ل، ن، آ، آ این بیت را ندارند؛ بنداری: ثم لما طلعت الشمس من اذوم الثانی: ق، آ پس از این بیت افزوده
است:

سرافراز بهرام شاه جهان فرستاده را خواند پیش مهان

۱۸- (لی، ل، آ، و، آ، ب: فرستاده روم) ۱۹- (لی: بدان) ۲۰- ل (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): پیشگاهش؛ (پ: بر نامور تخت عاجش)؛ متن = س، ق، ک
(نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ)؛ بیت‌های ۱۷۲۶-۱۷۲۷ در فیلمی که از س، آ نزد منست خوانا نیستند ۲۱- ل، س (نیز ل، ن، آ، ب): بشنید؛ متن = ک (نیز
ل، آ) ۲۲- ک: خواست؛ (ل، آ: فرستاده بشاند)؛ ق، آ، لی، پ، و، آ این بیت را ندارند ۲۳- (ل، آ، ب: <و>)؛ برخی از دستویس‌ها در اینجا
سرنویس دارند؛ س، آ: مساله پرسیدن رسول قیصر از بهرام

۱۷۳۰ پیرسید بهرام^۱ و بنواختش
بدو گفت کایدز^۲ بماندی تو دیر
ما رزم خاقان: ز تو بازداشت
کنون روزگار تو^۳ تازه گشت^۴
سخن هرچ^۵ گوی^۶ پاسخ دهیم^۷

۱۷۳۵ فرستاده‌ی پیر کرد^{۱۲} آفرین
هر آن پادشاه^{۱۴} که دارد خرد
به یزدان^{۱۶} خردمند^{۱۷} نزدیک‌تر!
تو بر مهتران جهان مهتری
زبان^{۲۲} ترازوست و گفتن^{۲۳} گهر

بر تخت پیروزه^۲ بنواختش
ز دیدار این مرز ما گشته^۴ سیر
به گیتی مرا همچو انباز داشت!
ترا بودن ایدر بی‌اندازه گشت
و^{۱۰} زاواز تو روز^{۱۱} فرخ نهیم^۹!

که بی تو مبادا زمان و زمین^{۱۳}!
ز گفت خردمند رامش^{۱۵} برد!
بداندیش^{۱۸} را روز تاریک^{۱۹} ترا
که هم مهتر و شاه و هم^{۲۰} بهتری^{۲۱}!
گهر ساخته هرگز که بیند^{۲۴} به زر؟!!

۱- (آ: بسیار) ۲- (پ: نزدیک)، بنداری: ستحضر الرسول فدخل علی الملک واضعاً إحدى يديه علی الأخرى فجلس عند التخت جاثياً علی ركبتيه. فأكرمه بهرام وسأته وقربه من مجلسه وأقعده علی تخت الفيروزج: ق ۲، ل ۳ پس از این بیت افزوده‌اند:

ق ۲: پیرسید ازو شاه و دانا بگفت
پراکنده گشتند از آن بارگاه
فرستاد برگشت و شد باز جای
دگر ریز چون برمد آفتاب
۵ نشست از ترگاه شاه جهان
بیامد فرستاده قیصران
جهاندا بهرام کو را بدید

ل ۳: بدو گت بدر بماندی دراز
ز روم و ز قیصر شدی بی‌نیاز

۳- ق ۱ (نیز ل ۲): ایدر: (ل ۲: مگر انک بدر) ۴- ل: ناگشته؛ س ۲ (نیز ق ۱، ل ۳، و، آ، ب): گشتی تو؛ (ل ۱: مرزبان گشته؛ ب: مرد گشتی تو)؛ متن = س ۱- (نیز ل ۲، ب): ل در اینجا سرنویس دارد: سوال کردن رسول قیصر و جواب او ۵- ل: نوم؛ س (نیز ل ۲، ب): کار ما جملگی؛ (ل: کام ما جملگی؛ ق ۲: روزگارم بتو؛ ل ۳، و، آ: روزگارم ز تو)؛ متن = ق ۱- س ۲ (نیز ب) ۶- ل: شد؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۷- س ۱- س ۲ (نیز ق ۲، ب): هرچه؛ متن = ل (نیز ل ۸: گویید ۹: ک: دهم-نهم ۱۰- (ل ۳، ب، و: ح) ۱۱- س ۲ (نیز ل ۳، و، آ): رای؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال له: قد طال مقامك هاهنا، ولا شك أنك ملئت هذه الديار، وقد شغلنا عنك محاربة الخاقان. وقد ذكرناك بأن، و علمنا بتأخرک، ونحن الآن مجيئون عن رسائلک و صارفون لک ۱۲- (ل: گشت) ۱۳- (ق ۲: کلاه و نگین)؛ بنداری: فثنی علیه الرسول و دعا له و قال: لا خلا منک المكان و الزمان، و دام لک الملک و السلطان؛ ی بیت‌های ۱۷۳۵-۱۷۳۶ را ندارد ۱۴- (ل ۳، و، آ: شهریار؛ ب: همی پادشاهی) ۱۵- ل ۱: دانش ۱۶- ک: بمردان ۱۷- (آ: هنرمند) ۱۸- ک: پیر اندیشه ۱۹- (ل: نزدیک)؛ ق ۱: بی‌نیاز را ندارند ۲۰- ل ۲: هم شاه و هم مهتر؛ (ق ۲، ل: مهتری شاه و هم) ۲۱- ک: برتری ۲۲- (ل: زفانت) ۲۳- (ل: دانش؛ ل: ترازو و گفتن) ۲۴- ل: بندد؛ (ق ۲، ل: ب: نه بیند)؛ س ۲: سفته هرگز که بینی؛ متن = ده دستنویس دیگر؛ این بیت در ل ۱، س ۲، ق ۲، ل ۳، پ ۱، س ۲، آ ۱، ۱۷۴۰ آمده است؛ در پیاپی بیت‌ها از س، ق، ک، ل، ل، ل، آ پیروی شد

۱۷۴۰ ترا دانش و رای و هوش^۱ است و فر
نژاد و^۵ خرد هست و پاکیزه‌رای
اگرچه^۸ فرستاده‌ی قیصرم
درودی رسانم ز قیصر به شاه
و دیگر که فرمود^{۱۲} تا هفت^{۱۳} چیز
۱۷۴۵ بدو گفت شاه این^{۱۴} سخن‌ها بگوی^{۱۵}

بفرمود تا^{۱۶} موبد موبدان
لب شاه از آواز پرسنده^{۱۹} مرد
که تا چیست این در نهان هفت^{۲۰} چیز

بشد موبد و هر که دانا بدند
۱۷۵۰ سخنگوی^{۲۲} بگشاد بند^{۲۳} از نهفت
به موبد چنین گفت کای رهنمون
دگر^{۲۷} آنک^{۲۸} بیرونش خوانی‌همی

۱-ل: هوش و داد؛ ل. ۲. س. ۲ (نیز پ): هوش و رای؛ متن = س. ق. (نیز ل. ۲. و. ب) ۲-ل. س. ق. ل. س. ۲ (نیز ل. ق. ۲. ل. ۲. ب): بر آیین؛
(لی: بآیین)؛ متن تصحیح قیاسی است ۳-ق: ترا دولت ای شاه ۴-ل (۲): فیروزگر)؛ ک این بیت ندارد؛ س در اینجا سرنویس دارد:
پیغام فرستادن قیصر بنزد بهرام گور ۵-ل. ل. ۲: همان؛ س. س. ۲ (نیز ل. ق. ۲. لی. پ. ل. ۲. آ. ب): ترا خد؛ ق: ترا چون؛ (و: چو فرو)؛ متن =
(ل ۲) ۶-ل (نیز ل. ۲): بر؛ متن = س. ق. ل. ۲ (نیز ل. پ) ۷-س. ق. ل. ۲ (نیز ل. ل. ۲. ب): تویی؛ س. ۲ (نیز ق. ۲. لی. ل. ۲. و. آ. ب): تویی بر کیان
(لی: تمام؛ ب: مهان) جهان؛ متن = ل. ل. ل. ۲. س. ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

که جاوید بادی تن و جان درست

میناد گردون (س گیتی) میان تو ست

ل ۲: همان شاه هر مرز و هر بوم و رست

۸-ل (ن: اگر من) ۹-ق (۲): چاکران ترا ۱۰-س ۲ (نیز لی. ل. ۲. و. آ): کهرتم؛ متن = ده دستویس دیگر ۱۱-ل (لی: بادا) ۱۲-ق. ک: بفرمود
۱۳-ق: چند؛ برخی از دستویس‌ها در اینجا سرنویس دارند؛ در حاشیه بنداری: سؤال رسول قیصر عن سبعة اشیاء ۱۴-ق. ل. ۲ (نیز
ق. ۲): آن؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۵-ل (لی: سخن خود مگوی) ۱۶-ل (ن: با) ۱۷-ق. ل. ۲. س ۲ (نیز لی. ل. ۲. آ. ب): تیز؛ ک: زود؛
متن = ل. س (نیز ل. ق. ۲. پ. و. ل. ۲) ۱۸-ل: مهتران و ردان؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ بنداری: نال: انا و ان کنت رسول قیصر فانی
خادم لعید الملک. و انما ارسلنی قیصر لأبلغ الملک سلامه و أسأل علماء حضرته عن سبعة اشیاء فأرجع بجوابها الیه. فاستحضر
الملک موبد الموبدان و سائر الحکماء و العلماء ۱۹-ل ۲: و آن پرستنده؛ متن = س. ق. ک. س. ۲ (نیز ل. ب): ل بیت‌های ۱۷۴۸-۱۷۴۷ را
ندارد ۲۰-ق: اندر نهان چند؛ ک. ل. ۲ (نیز ق. ۲): اندر جهان هفت؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۱-س ۲ (نیز ل. ق. ۲. لی. پ. ل. ۲. آ. ب):
پرسید خواهد بنیز؛ ل. ۲: همان نیز پرسنده خواهند نیز؛ متن = (و): برخی از دستویس‌ها در اینجا سرنویس دارند؛ ک: مثلها
پرسیدن رسول قیصر از موبد موبدان ۲۲-ل (آ: سخور چو) ۲۳-ل. ک (نیز لی): راز؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۴-ل (و: برومی)
۲۵-ل (ن. آ. آنکه؛ ب: چیزی که؛ لی: که چیز آنکه) ۲۶-ل. ق. ک (نیز لی. و. آ): همی؛ س. پین؛ س. ۲ (نیز ق. ۲): خواهی همی ز؛ ل. ۲. آ:
خوانی همی ز؛ ل. ۲: میخوانیش؛ ب: خواهی همی؛ متن = ل. ۲ (نیز ل. پ)؛ برخی از دستویس‌ها در اینجا سرنویس دارند؛ ل: پاسخ
دادن موبد رسول قیصر را؛ س: پاسخ دادن موبد موبدان فرستاده قیصر را؛ ق. ک. ل. ۲. س ۲ این سرنویس را ندارند ۲۷-ل ۲ (نیز پ): اگر؛
س. ۲: وگر؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۸-ل (پ. و. آ. آنکه) ۲۹-ق: نام؛ (ب: جزان نیز) ۳۰-ل (ن: نامیش دانی)

زبر چیست ای مهتر و زیر چیست؟
چه چیز آنک^۲ نامش فراوان بود؟
همان بی‌کرانه چه و دیر چیست^۱؟
مر او را به هر جای فرمان بود؟

۱۷۵۵ چنین گفت موبد به فرزانه‌مرد
مر این را که گفی نه پاسخ^۴ یک‌بیت
برون آسمان، اندرونش^۷ هواست
همان بی‌کران از جهان^۹ ایزدست
زبر^{۱۲} چون بهشت و دوزخ به زیر
۱۷۶۰ دگر آنک^{۱۴} بسیار نامش بود
خرد، دارد از پیر بسیار^{۱۶} نام
یکی مهر خواند و^{۱۸} دیگر وفا^{۱۹}
زبان‌آوری راستی خواندش
گهی بردبار و گهی رازدار

که مشتاب و از^۳ راه دانش مگرد!
سخن در برون و درون^۵ اندکیست^۶.
زبر فر^۸ یزدان فرمانرواست!
کز و^{۱۰} تاب‌گیری به دانش بد است!^{۱۱}
بد آن را که باشد به یزدان^{۱۳} دلیر!
رونده به هر جای^{۱۵} کامش بود:
رساند خرد پارسا^{۱۷} را به کام!
خرد دور شد، درد ماند به جا^{۲۰}!
بلنداختری^{۲۱} زیرکی^{۲۲} دانش^{۲۳}!
که باشد سخن نزد تو استوار^{۲۴}!

۱-س،ق،ک (نیز و): خوار کیست: س^۲ ایز ق^۳ ل^۴ ل^۵ ل^۶ ل^۷ ل^۸ ب^۹ ب: خوار چیست (!): ل^۲: که و دیر چیست: (لن چی و خوار چیست (!): ب: بی‌کران چیز و هم‌خوار کیست): متن = ل-۲- (ل^۳، پ^۴، ل^۵، ا: آنکه): متن = ل، س، ل، س، ل، س^۲ (نیز لن، ق^۳، ل^۴، و، ب): بنداری: فادی الرسول رساله قیصر ثم سأل الم بّدو قال: أخبرني ما الداخل وما الخارج؟ و ما العالی وما اناسفل؟ و ما الئیء الذى ماله نهاية؟ و ما الجواهر الذى هو فى ذاته واحد له أسماء متعدّدة؟ و ما الئیء السهل الذى يتصعبه الخلق: ق این بیت را ندارد: ک، ق^۳ به جای این بیت آورده‌اند:

بگیتی چه = یز آنک نامش بیست بلندى و پیروزی هر کیست

۳-ل، س، ق (نیز لن): وز: متن = یا بده دستویس دیگر: س، لن، پ، لن، ب، لن، ب، پس از این بیت افزوده‌اند:

پس آنکه (ل^۳، وزانپس) بدو گفت کای هوشیار جواب سخن سر بسر (ق^۳: یک بیک) گوش‌دار

۴-ل، س^۲ (نیز ق^۳، ل^۴، ل^۵، و، آ، و، ب): تو پاسخ: (لن: پاسخ: لن^۲: که پاسخ): ل، ق: مر این (ق: زین) که گفستی تو پاسخ: س، ک: مر این که گفستی نه پاسخ: متن = (پ) ۵-ل نیز ق^۳، ل^۴، ب: در درون و برون: ک: اندرون و برون: متن = س، ق، ل، س^۲ (نیز لن، ل^۴، و، لن^۲) ۶-س^۲: در یک‌بیت ۷-ل: و در نش: (ق^۳: اندرون): متن = سیزده دستویس دیگر ۸-ل: امر ۹-ل (نیز ق^۳، و): در جهان: (پ: دانش): متن = یازده دستویس دیگر ۱۰-ل: اگر: (و: از و): متن = س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۱-ک: بست: (ل^۳: جهانرا بدست): ل^۴: چنان کن که باشی و ایزدپرست ۱۲-س، ک، ل، س^۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب): برین: متن = ل، ق (نیز ق^۳، ل^۴، و، آ) ۱۳-ق: بایزد (بالای سطر به خط اصلی تصحیح کرده: یزدان): بنداری: فقال الموبّد: الداخل هو الهواء، والخارج هو الفلك، و العالی هو الجنة، و السافل هو النار، و الئیء الذى لا نهاية له هو علم الله تعالى ۱۴-ل (نیز ل^۳، پ، لن، آ): آنکه: (آ: دلیر آنکه): متن = ده دستویس دیگر ۱۵- (آ: کار) ۱۶-س^۲ (نیز ق^۳، ل^۴، و: هشیار: (آ: و رای هشیار و): متن = ل-ل^۳ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۱۷-ل، س، ق، ل (نیز ق^۳، و، آ): پادشا: متن = س، ک (نیز لن، ل^۴، ل^۵، و، آ، ب) ۱۸-س، ق، ک، س^۲ (نیز لن، ل^۴، آ): خواندش و: (نیز ق^۳، ل^۴، و، لن^۲): خواندش: متن = ل ۱۹- (ل^۳: وفای) ۲۰-ق، ل، ل (نیز لن، ق^۳، ل^۴): و جفا: (ل^۳: بجای): ل: دور ماند جفا: س: دور ماند از جفا: (پ: ماند درد و جفا: ل: باشد که ماند بجای: ب: ماند ز درد و جفا): متن = س^۲ (نیز و): این لت در آ خوانا نیست ۲۱-س (نیز ل: جو): اختر و ۲۲-س^۲ (نیز ل^۳، و، آ): مردمی ۲۳-ک: خواندش ۲۴-ل: پایدار: متن = چهارده دستویس دیگر

از^۲ اندازه‌ها کام او^۳ بگذرد!
 خرد بر همه نیکوی‌ها سرست!
 که چشم^۵ سر ما نبیند^۶ نهان!
 به هر دانش از^۸ کرده‌ی کردگار،
 که بینا شمارش بگوید^{۱۱} که چند
 کسی را بدو ره^{۱۲} آهنگ نیست،
 همان گردش روزگار وُرا
 نماند^{۱۷} شگفت اندر او تیزویر^{۱۸}
 ازین خوارتر^{۲۰} چیست ای شادمان^{۲۱}؟
 فراخست راز^{۲۲} جهان آفرین!

۱۷۶۵ پراکنده این است نام^۱ خرد
 تو چیزی مدان کز خرد برترست
 خرد جوید آکنده راز^۴ جهان
 دگر آنک نزد^۷ جهاندار خوار
 ستاره‌ست^۹ رخشان ز^{۱۰} چرخ بلند
 ۱۷۷۰ بلندآسمان را که فرسنگ نیست
 همی^{۱۳} خوار گیری شمار^{۱۴} وُرا
 کسی کو نبیند^{۱۵} ز پرتاب^{۱۶} تیر
 ستاره همی بشمرد^{۱۹} زآسمان
 من این دانم، ار هست^{۲۲} پاسخ جزین

زمین بوس کرد^۴، آفرین گسترید^{۲۵}!
 ز یزدان برین بر فزونی مخواه!
 سر^{۲۶} سرکشان زیر پیمان تست!
 ندارد جهان چون تو شاهی به یاد^{۲۹}!

۱۷۷۵ سخندان قیصر جو پاسخ شنید
 به بهرام گفت: ای جهاندار شاه
 که گیتی سراسر به فرمان تست
 پسند^{۲۷} بزرگان فرخ^{۲۸} نژاد

۱- (ل: نام و) ۲- ل: ز: س^۲ (نیز لی، ل: آ، و، آ): وز ۳- ل: (نیز ب): نام او: س^۲ (نیز لی، ل: آ، و، آ): این نام او: (و: این نام می) ۴- ل: افکنده راز: ک: چون پراکنده راز: ل: آ: بیند آکنده گرد: متن = دوازده دستویس دیگر ۵- (آ: چشم و) ۶- ق: مایه بیند: ل: س، آ (نیز لن: آ): مایه بیند: متن = یازده دستویس دیگر: بنداری: و الجوهر المتحد ذوالأسماء المتعددة هو العنل فاء يعبر عنه بالحلم و الوفاء و النطق و السعادة و حفظ الأسرار و التؤدة و السكون و ليس في الوجود جوهر أنفس منه. فانه مثل الرأس سائر المحاسن كالبدن ۷- ل: ق: (نیز پ): دارد: (ل: آ، آنکه نزد): متن = س، ک، ل: س، آ (نیز لن: ل، و، ب) ۸- ک: دانشی ۹- ل: ق، ک، س، آ (نیز ق: آ، لی، آ): ستارست: متن = س، ل: آ (نیز لن: پ، و، لن: آ، ب) ۱۰- س: رخشان و ۱۱- ل: نداند: ک، س، آ (نیز پ، آ): نگوید: متن = د، دستویس دیگر ۱۲- ل: ق، س، آ (نیز ق: آ، لی، آ): راه و: ل: آ: یکی را برو راه و: (ل: آ: که می داند و راه: لن: آ: بسیر اندر و راه): متن = س، ک (نیز لن: پ، و، ب) ۱۳- (ب: همان) ۱۴- (لی: سپاه): متن = دوازده دستویس دیگر: ق: این بیت را ندارد ۱۵- ل: س، س، آ: بیند (حرف یکم بی نقطه): ک، ل: آ (نیز ق: آ، و، آ): به بیند: س، آ (نیز پ، و، آ، ب): کسی گر بیند (آ: بیند (حرف یکم بی نقطه)): متن = (لن، لن: آ) ۱۶- س، آ (نیز ل: آ، و، آ): پیرتاب: متن = ده دستویس دیگر ۱۷- ل: س (نیز لن): مانند (حرف یکم بی نقطه): ک، ل: آ، س، آ (نیز ق: آ، ل: آ، ب): بماند: متن تصحیح قیاسی است ۱۸- س، آ: پیرپیر (حرف‌های یکم و چهارم بی نقطه): (ق: آ: پیرسر (فقط حرف دوم نقطه دارد): ل: آ: پیرپیر: پ: تیز پیر): متن = ل، س، ک، ل: آ (نیز لن: لی، و، ب): ق: لی این بیت را ندارند ۱۹- س، ک، ل: آ، س، آ (نیز لن: ق، آ، ل: آ، ب): بشمرد: متن = ل، ۲۰- ل: ک: خوبتر: متن = یازده دستویس دیگر ۲۱- (پ: کاردان): متن = دوازده دستویس دیگر: ق: لی این بیت را ندارند: بنداری: و هو الذی يتغفل إلى ضائر الأسرار انثی لا تدرکها الأبصار. و السهل المستصعب هو علم النجوم. فإن صاحبه يعلم أسرار الفلك، و يسهل عليه معرفة طول الفلك و عرضه و مسافة ما بين السماء و الأرض ۲۲- (ق: آ: از هر چه) ۲۳- ل: رای: ک: راه: متن = سیزده دستویس دیگر ۲۴- (لی: بوسه داد) ۲۵- ل: س، ک (نیز لن: ق، آ، پ، لن: آ): را بیوسید و فرمان گزید: ق: سخن را پسندید و پاسخ گزید: متن = س، آ (نیز ل: آ، و، آ، ب): بنداری: فهذا جواب ما سألت عندي، و الله أعلم بما وراء ذلك. فقبل الرسول عند ذلك الأرض بين يدي اله ک ۲۶- س، آ (نیز لی، ل: آ، و، آ، ب): دل ۲۷- ل: س، آ (نیز لن: ق، آ، لن: آ، ب): پسند: (پ: پسند از): متن = (لی، ل: آ، و، آ) ۲۸- ل: آ: خسر: ۲۹- ک: بداد

به دانش فروزست و^۳ از بخردان!
به^۵ دانایی او^۶ سراینده‌اند!^۷
به دلشاندرون^۸ روشنایی فرود!
همان جامه و اسپ و بسیار چیز
سوی خانه رفت از در^{۱۱} شهریار

همان^۱ نیز دستورت^۲ از موبدان
۱۷۸۰ همه فیلسوفان، و^۴را^۴ بنده‌اند
چو بهرام بشنید شادی نمود
به موبد درم دد^۹ ده بدره نیز
فرستاده‌ی قیصر نامدار

شهنشاه بر تخت زرین نشست
خردیافته موبد پرهتر^{۱۲}
سخن‌ها ز هر گونه^{۱۴} کردند یاد
که ای مرد هشیار^{۱۵} بی یار و^{۱۶} جفت،
که بر کرده‌ی او^{۱۹} بیاید گریست؟
که از کردنش^{۲۰} مرد گردد بلند؟

چو خورشید بر چرخ بنمود دست^{۱۱}
۱۷۸۵ فرستاده‌ی قیصر آمد به در
به پیش شهنشاه^{۱۳} رفتند شاد
فرستاده را موبد شاه گفت
ز گیتی^{۱۷} زیان‌نارتر کار^{۱۸} چیست
چه دانی تو ندر جهان سودمند

همیشه بزرگ و توانا بود!
به هر نیکی‌یی ناسزاوار^{۲۳} ترا!

۱۷۹۰ فرستاده گفت آنک^{۲۱} دانا بود
تن مرد نادان^{۲۲} گل خوارتر

۱- (ل: ۲؛ چنان: ۲- (ق: ۲؛ دستور: ۲- ل: ۳، ن: ۳، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲؛ متن = س: ۳، ک: ۲ (نیز ل: ۲، ن: ۲، ب: ۲؛ و این بیت را ندارد ۴- (لی: و: ترا) ۵- ل: ۲، ن: ۲، ل: ۲، و: آ، ب: ۲؛ متن = ل: ۲، ن: ۲، ق: ۲، ل: ۲، ن: ۲، ب: ۲، ل: ۲، آ: ۲؛ وی: (لی: و: تو)؛ متن = ل: ۳، ق: ۱، ل: ۲ (نیز ب: ۷- ل: ۳، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲، و: ب: ۲؛ سرافکنده‌اند: متن = س: ۳، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ب: ۲) ۸- (ل: ۲؛ بدل اندرش)؛ بنداری: و قال: لا تطلب فوق ما أعطيت من الجلالة والسيادة. و كما أنك منک الملوك والسلاطين فوزیرک منک العلماء و الحکماء فی جمیع الأقالیم. فهو ال- و جمیع الفلاسفة کالعیده. فسر الملک و استبشر؛ س: ۲، ق: ۲، ل: ۲، و: آ، ب: ۲ پس از این بیت افزوده‌اند: فرستاده را چیز بسیار داد درم ددش از گنج (ق: ۲؛ دد گنجی: لی: و هم تیغ) و دیار داد بنداری: ثم أمر للرسول بعشر بدر ثياب و خیل و أحسن الیه و بالغ فی إكرامه ۹- ل: ۳، س: ۲، ل: ۲، ن: ۲؛ متن = ق: ۳، ل: ۳، س: ۲ پس از این بیت افزوده‌اند:

وز (س: ۲) آنجا خرامان بیامد بدر خرد یافته موبد پرهتر

۱۰- ل: ۳، ق: ۳، س: ۲ (نیز ق: ۲)؛ از بر: متن = س: ۳، ل: ۲ (نیز ل: ۲، ن: ۲، ب: ۲، ل: ۲؛ و: آ، ب: ۲؛ این بیت را ندارند ۱۱- (لی: پشت (!))؛ در لی: و این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است: ق: در اینجا سرنویس دارد: سوال موبد بهرام از فرستاده قیصر و عجز او ۱۲- ل: گهر؛ (لی: ب: نیک‌فر)؛ س: ۲؛ چنان چون بود مردم پرهتر: متن = یازده دستنویس دیگر: در ل: ۲، ق: ۲، ل: ۲، و: آ، ب: ۲؛ این بیت پس از بیت ۱۷۸۲ آمده است ۱۳- س: ۲ (نیز ل: ۲، آ: ۲، ب: ۲)؛ جهاناناره: متن = ده دستنویس دیگر ۱۴- (لی: ب: سخنهای دیرینه: آ: سخن را ز هر گونه)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقام الرسول بعاد إلى منزله. و لما كان الیوم الثانی حضر مجلس بهرام و حضر الموبد و أخذوا بأطراف الحدیث ۱۵- ل: ۲؛ هشیار و ۱۶- ل: ۲ (ل: ۲، آ: ۲)؛ با رای و: (ق: ۲؛ لی: بیدار: و با داد: ب: بیدار هشیار)؛ برخی از دستنویس‌ها در اینجا سرنویس دارند: ک: مساله پرسیمان موبد از رسول ۱۷- ق: ۲، ل: ۲، س: ۲ (نیز ق: ۲، ل: ۲)؛ بگیتی: متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- (لی: رای) ۱۹- س: ۳، س: ۲ (نیز ل: ۲، ب: ۲)؛ آن: متر = ل: درک این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۲۰- ل: ۳، س: ۲؛ کردش (؟)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱- ل: ۲ (نیز ب: ۲، ن: ۲، آ: ۲)؛ آنکه ۲۲- (ل: ۲؛ دانا) ۲۳- ل: نازکی بر سزاوار (واژه‌های یکم و دوم نقطه ندارند)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر

شنیدی^۳ مگر پاسخ راستان^۴
 بیندیش و^۵ ماهی به خشکی مبر!^۶
 سخن‌ها ز دانا توان^۸ یاد کرد،
 که از دانش افزون شود^{۱۱} آبروی!
 کز اندیشه یاف. نگرده^{۱۲} سخن!
 چنان دان که مرگش زیانکارتر!
 چوراند^{۱۵} بد: نیک، تن^{۱۶} مرگ^{۱۷} راست!
 خرد را مینجی کن اندر میان!^{۱۹}
 سخن‌های او سودمند آمدش
 بدو^{۲۰} گفت: نرخنده ایران زمین،
 چو موبد برابر^{۲۱} نشیندهمی!

ز نادان و دانا^۱ زدی^۲ داستان
 بدو گفت موبد که نیکو نگر
 فرستاده گفت: ای پسندیده^۷ مرد
 ۱۷۹۵ تو این گر^۹ دگرگونه دانی^{۱۰} بگوی!
 بدو گفت موبد که اندیشه کن
 ز گیتی هر آنکو^{۱۳} بی‌آزارتر
 به مرگ بدان شاد باشی^{۱۴} رواست
 ازین سودمندی بود، زان^{۱۸} زیان
 ۱۸۰۰ چو بشنید رومی، پسند آمدش
 بخندید و بر شاه کرد آفرین
 که تخت شهنشاه بیندهمی

۱-ق-س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب): دانا و نادان؛ متن = ل، س (نیز ل، ن، آ) ۲-ک: زدن ۳-(لی: شنودی) ۴-ق: داستان؛ بنداری: فقال الموبد: أخبرني أيها الحكيم عن أضر شيء تُمرى عليه الجفون، و عن أنفع شيء تُقر به العيون. فقال الرسول: أما الأول فهو العلم، وأما الثاني فهو الجهل ۵-س، ل (نیز ل، ن، آ): معانیش؛ س^۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ): معانی چو؛ (ق^۲، ب: براندیش و؛ ب: به اندیش): متن = ل، ق، ک ۶-آ: دوسر؛ ب: نگر؛ ل^۲: ماهی خشکی بتر) ۷-ق: سخنگوی ۸-(و: همی)؛ ل، ق، ک، س^۲ (نیز ل، ل، آ، پ، آ، ب): دانش توان؛ ل^۲ (نیز ل، ن، آ): سخن‌های دانا؛ متن = س (نیز ل، ن، ق، آ) ۹-ق: را؛ س^۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): گرین را؛ متن = س، ک، ل^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۱۰-(لی: دانش؛ ل^۲: داری) ۱۱-(ل^۲: بود؛ لی: امروز شد)؛ بنداری: فقال الموبد: أنعمت الفکر فيه وأجب نصب، ولا تظن أن السمک یصاد علی التراب. فقال الرسول: هذا هو الذي عندي من الجواب. فان كان عندک غیره فهات ۱۲-ل: یاریب آورد؛ س-س^۲ (نیز پ): بافر گردد؛ (ل^۲: بافر دارد؛ ق^۲: بافر گردد؛ ل^۲: بافر مکررد (واژه دوم بی نقطه)؛ و، آ: ناور مکررد (بی نقطه)؛ ب: ورت گردد؛ متن = (ل^۲: لی این بیت را ندارد ۱۳-(ق^۲: هرانکس)؛ لی این بیت را ندارد ۱۴-ک (نیز آ): بودن؛ س^۲ (نیز ل، آ، ب: گری؛ و: گردد؛ ل^۲: کسان شاد باشی)؛ متن = ل، س، ق، ل^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ) ۱۵-ل، ل، ک، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ن، آ، آ): زاید؛ س: حوراند (بی نقطه)؛ (ق^۲: ب: زیدر): متن تصحیح قیاسی است ۱۶-ک، س^۲ (نیز ل، آ، و): تن مرد بد؛ (ل، ن، آ): تن مرد مرد؛ ق^۲: زین مرد بد؛ پ، آ: زین مرد بد؛ ب: تن مرد خود؛ ق: سزای تن مرد بد؛ متن = ل، ل^۲ ۱۷-س: تن مردم پاک؛ لی این بیت را ندارد ۱۸-ل: گر؛ ل^۲: توزین سودمندی زان با؛ (و، آ: سودمندی و زان پر؛ ق^۲: ازین سودمندی از آن مر؛ ل^۲: زان سودمندی و زین)؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، ب، ل، آ، ب) ۱۹-(آ: جهان)؛ لی این بیت را ندارد؛ فیلم س^۲ در اینجا ناخواناست؛ بنداری: فقال: اعلم أن کل من هو أقل أذى فموتة أكثر ضیرا، و من هو أكثر شراً فموتة أوفر خیراً. فهذا یضرو ذاک یتفیع. و العقل یفرق بین الحائنین و یجمع؛ ک، ق^۲ پس از این بیت با اختلافات جزئی افزوده‌اند:

چنین دان که آن موبدان و ردان	هم آن دادگر پاندل بخردان
همان پارسایان نیکی گمان	که بودند از غاز تا این زمان
اگر زنده آید بگیتی درون	بگیتی مرا و را رهنمون
جهان یکسر آباد گشتی ز داد	نکردی کس ر رنج بی‌داد یاد
۵ ور آیدونک از بدگهر مردمان	که بدخواه بودند و هم بدگمان
گذر یافتندی ز چنگال مرگ	ازین تیزدم آژدماگیر کرگ
بدین سان جهان پاک ویران شدی	همان اورمزد نو ویران شدی

۲۰-(لی، ل، آ، و، آ، ب: همی) ۲۱-ل، ل، س، ل، آ، س^۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب): برو بر؛ (ق: نیز ل^۲): بر او؛ (لی: بدو بر)؛ ک: چو بیند برو بر؛ متن =

به موبد ز هر مهتری بگذری!^۱
 که دستور تو بر جهان^۴ پادشاست!
 دلش تازه شد چون گل اندر بهار!

به دانش جهان را بلندافسری
 اگر باز خواهی^۲ ز فیصر سزاست^۳
 ۱۸۰۵ ز گفتار او نباد شد شهریار

شب آمد، برآمد^۵ درفش سیاه
 به عنبر بیالود خورشید زوی
 سر خفته از خواب بیدار کرد
 سر شاه گیتی سبک شد^۹ ز خواب
 نشست از بر تخت خود^{۱۲} شهریار
 فرستاده را پیش او خواستند
 ز دینار گنجی که بردند^{۱۴} نام
 فزون گشت از^{۱۶} اندیشه‌ی نیزویر^{۱۷}

برون شد فرستاده از پیش شاه
 پدید آمد آن چادر مشکبوی^۶
 شکیا نبد^۷ گنبد تیزگرد
 درفشی بزد^۸ چشمه‌ی آفتاب
 ۱۸۱۰ در بار^{۱۱} بگنناد سالار بار^{۱۱}
 بفرمود تا خلعت آراستند
 ز سیمین و زرین و سپ^{۱۳} و ستام
 ز دیبا^{۱۵} و گوهر، ز مشک و عبیر

دلش گشت پیچان ز کار^{۲۱} سپاه
 بشد با یکی نامدارانجمن
 ابر^{۲۳} پهلوانان پرخاشخر
 گرنامه را^{۲۴} کشور و تاج^{۲۵} و گاه

چُن^{۱۸} از رای^{۱۹} ره می پرداخت^{۲۰} شاه
 ۱۸۱۵ بفرمود تا موبد^{۲۲} رایزن
 بیخشید روی زمین سربسر
 درم داد و اسپ و نگین و کلاه

۱-ل.س (نیز، ل.ن. آ): برتری؛ ک. (ب.پ): مهتری؛ ل.آ.ل.۲ (نیز، ل.آ.ل.۲.ب): ز هر موبدی برتری؛ (و: ز موبد بهر دانشی برتری؛ آ: ز موبد بهر موبدی برتری)؛ متن = و: ل.ی. ن. بیت را ندارد ۲-س (نیز، ل.ن. آ): گیری؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ل.ق.ک (نیز، پ.ب): رواست؛ متن = ده دستنویس دیگر ۴-س (نیز، ل.ن. آ): در جهان؛ س.۲ (نیز، ل.آ.و.آ): بر خرد؛ متن = ل.ق.س.۲ (نیز، ل.ی.پ.ب)؛ در پ پس از این بیت یک برگ سبذ مانده است ۵-ل.ی. در آمد؛ برخی از دستنویس‌های فرعی در این جا سرنویس دارند ۶-ل. مشک‌روی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-ق.نه بر؛ برخی از دستنویس‌ها در این جا سرنویس دارند؛ س.۲: خلعت فرستاده بهرام رسول قیصر را ۸-ق.آ. بزر) ۹-س.۲ (نیز، ق.آ.ل.ی.۲.و.آ.ب): بر آمد؛ متن = ل.آ.ل.۲ (نیز، ل.ن.پ.ل.ن. آ) ۱۰-ل.ن. دگر بار) ۱۱-ک.سالی دو بار ۱۲-س.س.۲ (نیز، ل.ن.ق.آ.ل.۲.و.ب): نحت زر؛ (ل.ی. تخت بر)؛ متن = ل.بنداری: فارتضی الرسول ذلک و دعا للملک و اثنی علیه و علی الوزير بمحضر منه، و قام و داد ائی منزله. و لما أصبح الملک من الیوم الثالث قعد فی مکانه ۱۳-ل. زرین کلاه؛ ق.ک: شمشیر زرین و اسپ؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ک: گزیدند؛ (ل.آ. بردند)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۵-ل.ک.ل.آ.۲ (نیز، ل.ن.آ.ل.ن. آ): دینار؛ متن = س.ق.س.۲ (نیز و آ.ب. ۱۶-ل.نیز، ق.آ.ل.ن. آ): ز: ق. شد ز: ک. تر: ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ق. تیزبیر؛ ل.س.۲ (نیز، ل.ن.آ.و.ب): مرد پیر؛ (آ: دانش مرد پیر)؛ متن = ل.س.ک.ق در اینجا سرنویس دارد: تدبیر فرمودن بهرام گور در معموری مملکت؛ ق.۲ پس از بیت ۱۸۱۳ افزوده است

برین گانه گنجی برو برشمرد فرستاده رفت و جهانی ببرد

۱۸-ل.س.۲ (نیز، ق.آ.ل.ی.۲.و.ب): -نو؛ متن = (ل.ن) ۱۹-ل.ق.س.۲ (نیز، ل.ی.ل.آ.و.آ.ب): کار؛ ک. راه؛ متن = س.ل.۲ (نیز، ل.ن.ق.آ.ل.ن. آ) ۲۰-ل.ق. بردخت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۱-ق. بکار ۲۲-س.ل.۲ (نیز، ل.ن.ق.آ.ل.ی.ل.ن. آ): موبدی؛ ق.س.۲ (نیز، ل.آ.و.آ.ب): موبد؛ متن = ل.ک. ۲۳-س (نیز، ل.ن. آ): برین؛ ل.س.۲ (نیز، ل.آ.و.آ.ب): بران؛ (ق.آ.ل.ی. بدان)؛ متن = ل.ق.ک. ۲۴-ق.آ. (<) ۲۵-ق. نام

و زو^۲ شادمانه کیهان و مهان
 به نادادن چیر و گفتار سرد
 که ای پرهیز پاکدل^۵ بخردان،
 ز کردار^۸ شاهن بیداد^۹ و دادا
 تهی ماند تن را ز آرام^{۱۱} و ناز^{۱۲}!
 دل نیک مردان به دو نیم بود^{۱۵}!
 کسی را نبد کوشش ایزدی^{۱۷}!
 پر از غم دل مردم پارسا!
 بریده دل از رس^{۲۰} گیهان خدیوا!
 در دانش و کوشش^{۲۳} بخردی^{۲۴}،
 و زو ویژه پیدا شود^{۲۷} کز و راست^{۲۸}!
 نبد پاک و دنا و یزدان پرست،
 که روشن دلش زنگ^{۳۱} آهو^{۳۲} گرفت!

پر از آشتی^۱ کرد یکسر جهان
 هر آنکس که بیداد^۳ بُد، دور کرد
 ۱۸۲۰ و زان^۴ پس چنین گفت با موبدان
 جهان را ز^۶ هر گونه دارید^۷ یاد
 بسی دست بیداد شاه دراز^{۱۰}
 جهان از بداندیش در^{۱۳} بیم بود^{۱۴}
 همه دست برده^{۱۶} به کار بدی
 ۱۸۲۵ نبد بر زن و زاده^{۱۸} کس پادشا
 به هر جای گستردن دست^{۱۹} دیو
 سر^{۲۱} نیکویها و دست بدی^{۲۲}
 همه پاک در^{۲۵} گردن پادشاست^{۲۶}
 پدر گر^{۲۹} به بیداد^{۳۰} یازید دست
 ۱۸۳۰ مدارید کردار او بس شگفت

۱-س-۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۳، و-ب): راستی؛ (لی: بدان راستی): متن = ل ۲- (ق ۲، ل ۳، ا: از) ۳ (لی: ناجس): بنداری: و امر یا حضار الرسول فخلع علیه وأعضاء جملة من انقائس و الرغائب، وأذن له فی الإنصراف، ثم نظر فی أمر الأسکر فأمر الوزير ففرق الممالک علی الإصبهذیة، و عین لكل إقليم بهنونا، و لكل مدينة و الیا، بعد أن فرق علیهم خزائن الأمیر و الأسلحة و أمرهم بالعدل و الإنصاف و نفی أهل الجور و الإعتصاف: در لن ۲ این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۴-ق ۲، ل ۵- (ازان) ۵-ل ۲ (نیز ق ۲): پاکدل پرهیز ۶-ل ۲ (نیز لی): جهاندار؛ متن = یازده دستویس دیگر ۷- (ق ۲): کردند ۸-ک: بکردار ۹-س: بیداد: ق: ز بیداد: (لی: نه به بیداد هم بالا و هم زیر حرف یکم نقطه گذاشته): و-ب: و بیداد: (متن = ل، ک، ل ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۳، ا: ا): س ۲ در اینجا ناخواناست ۱۰-ق، ک: شاهان دراز: س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲ <ز>، ل ۳، و-ب): شاهان ز بیداد و آرز: (ب: شاهان ز بیداد بز): متن = ل ۱۱-س، ل ۲، س ۲ (نیز لن، و، لن ۲، ب): و هم تن از (لن، و-ب: ز) آرام و: ک: و تن نیز ز آرم: (ل ۲: هم تن ز آرم و): ق: ماندن تن ز آرام و: (آ: و هم دل ز آرم و): متن = ل ۱۲- (ق: یاد: آ: ناز): لی این بیت را ندارد: بنداری: و قال: إنا متقلدون لأمر الرعیة، و من الملوك یشأ الزیغ و الفساد و العدل و السداد ۱۳-ق، ک، س ۲ (نیز لی): پیر: ل ۲، بی: (ق ۲، با): متن = ل، س (نیز لن، ل ۲-ب) ۱۴-ل ۲: کید ۵- (لی: کرد (پاوند ندارد)) ۱۶-ل (نیز ق ۲): کرده: متن = دوازده دستویس دیگر ۱۷-س ۲ (نیز لی): در دانش و کوشش و بخردی: ل ۲ پس از این بیت افزوده است:

همه راه دیوان گرفته بدست
 دل و جان مردم از اندازه پست
 همه زبردستان برنج اندرون
 زبردست را بر بدی رهنمون

۱۸- (ل ۳، و، آ: بچه): ل: مرد آزاده: متن = س-ل ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۳، ا: ل، ب): س ۲ این بیت را ندارد ۱۰-ل ۲: گسترده بد دست: (ق ۲): گسترده شد دست: (لی: ل ۳، و، آ: ب: گسترده چنگال): متن = ل-ک (نیز لن، ل ۲) ۲۰-ل: بیم: (ق ۲: شد) ترس: متن = یازده دستویس دیگر: س ۲ این بیت را ندارد ۲۱- (لن ۲: همه) ۲۲-ل: دودست بدیست: (ق ۲: زد دست بدی): متن = یازده دستویس دیگر ۲۳-س-ل ۲ (نیز لن، ل ۲): کوشش و: (ق ۲: کوشش و دانش): متن = ل (نیز لی، و-ب) ۲۴-ل: بخردیست: (لن ۲: ا: بدی): متن = یازده دستویس دیگر: س ۲ این بیت را ندارد اما ل ۲ دوم آن را به جای ل ۲ دوم بیت ۱۸۱۳ آورده است ۲۵-ل ۲: بر ۲۶- (لن ۲: پارساست) ۲۷- (لی، ل ۳، و، آ: نیز پیدا شود): ل: که پیدا شود زو همه: متن = س، ق، ل ۲، س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۳، ا: ب) ۲۸- (ب: کاست): ک بیت های ۱۸۱۷، ۱۸۱۸ را ندارد ۲۹-ل ۲: کو ۳۰- (آ: گرید (وزن ندارد)) ۳۱-ل ۲ (نیز لن، ل ۳، ا: ل، ب): رنگ: (و، آ: رنگ (بی نقطه)): متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز ق ۲) ۳۲-ل: آتش: ل، ک، ل ۲، س ۲ (نیز لن-ل ۳، ل ۳، ا: ل، ب): آهن: س، ق: آهر: متن = (و، آ: ب)

بینید تا جم و کاوس شاه
 پدر همچنان ره ایشان بجست^۲
 همه زیردستانش پیچان شدند
 کنون رفت او^۷. نام بد ماند پس^۸
 ۱۸۳۵ ز ما باد بر جان او^{۱۰} آفرین
 کنون تا نشست بر^{۱۳} گاه او^{۱۴}
 همی خواهم از کردگار جهان
 که با زیردستان مدارا کنیم^{۱۷}
 که با خاک چو جفت گردد^{۱۸} تم
 ۱۸۴۰ شما^{۲۰} همچنین چادر^{۲۱} راستی
 که جز مرگ را کس^{۲۳} ز مادر نژاد
 بکردار شیرست نهنگ او^{۲۶}
 همان شیر دینده را بشکرد
 کجا آن سر تاج^{۳۰} شاهنشهان!
 ۱۸۴۵ کجا آن سوران^{۳۳} گردنکشان

چه کردند کز دیو جستند راه!
 بدآب^۳ خرد جان^۴ تیره نشست^۵
 فراوان ز تندیش^۶ بیجان شدند!
 همی آفرینی نیابد^۹ ز کس!
 مبادا که پیچد روانش^{۱۱} ز کین^{۱۲}!
 به مینو کشد بی گمان^{۱۵} راه او^{۱۴}!
 که نیرو دهد آشکار^{۱۶} و نهان،
 ز خاک سیه مشک سارا کنیم^{۱۷}
 نگیرد^{۱۹} ستم دیده بی دامن!
 پیوشید و^{۲۲} شسته دل از کاستی!
 ز دهقان و^{۲۴} تازی و رومی^{۲۵} نژاد!
 نیچد کسی گردن^{۲۷} از چنگ او^{۲۶}!
 به خواری^{۲۸} تن ازدها بسپرد^{۲۹}!
 کجا آن بزرگان و^{۳۱} فرخ مهان^{۳۲}!
 کریشان نبینم^{۳۴} به گیتی^{۳۵} نشان^{۳۶}!

۱- (آ: نه بیند که تا)؛ بنداری: وإن كان أبونا من قبل بسط فيكم يد الظلم، و عدل عن طريق العلم و عبودية الحق فلا تعجبوا من ذلك، وانظروا ماذا صنع جم و كاوس من قبله و ما أذاعه إلا الشيطان كما أذاعهما ۲- (لی: و) نحت (حرف دوم بی نقطه)؛ (ب: نجست)
 ۳- ل، س، ق، ل، س، ۲، س، ۲ (نیز ل- ل، و، ب)؛ ب: ک؛ بر آب؛ متن تصحیح قیاسی است ۴- (و: زوی: آ: راه)؛ ۵- ل، س، ل، س، ۲، س، ۲ (نیز و، ل، ن، ۲)؛ شست (حرف یکم بی نقطه)؛ (ق: لی: بنشت)؛ متن = ق، ک (نیز ل، ن، ل، آ، ب)؛ واژه آخر در آخوانا نیست ۶- (ق: از اندوه؛ لی: ب: از اندازه؛ ل، آ: از اندازه؛ و: زانده)؛ ق: ز فرس رسیدنش ۷- ل، ک، ل، آ (نیز و، آ)؛ و: زو؛ س، ق، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب)؛ ازو؛ متن = (ل، آ)
 ۸- ل، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، ن، آ، ب)؛ ماند و بس؛ س، ق (نیز ل، ن، آ)؛ ماند بس؛ متن تصحیح قیاسی است ۹- (لی: نیابد)؛ ل: آفرین او نیابد؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۰- ل، آ: وی ۱۱- ک: روانت ۱۲- ل، ک: به کین؛ (و: ز دین؛ آ: بدین)؛ متن = س، ق، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، لی، ل، ن، آ، ب)؛ ل: این بیت را ندارد ۱۳- س، ق (نیز ل، ن، آ)؛ نشتم ابر (ق: بر)؛ (لی: نشیم بر)؛ ل: بر نشتم بر؛ ک، س، ۲ (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ)؛ ما نشتم بر؛ ل: نشتم کنون زیر؛ متن = (ب)؛ بنداری: منذ قعدت ۱۴- ل، ق، ک، ل، آ (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ، ب)؛ او؛ متن = س، س، ۲ (نیز ل، ن، لی، ل، ن، آ) ۱۵- ق: کشیم از بدی ۱۶- (ق: آشکار) ۱۷- ل، آ (نیز لی)؛ کنم؛ بنداری: فعلینا الآن أن ندعو و نستغفرله. و أنا منذ قعدت فی مكانه من الملك أسأل الله تعالی أن یقزینی علی مداراة الرعیة و معاملتهم بالحسنى و المعدلة ۱۸- (ل، ن، آ: گیرد) ۱۹- (لی: بگیرد)؛ بنداری: حتی اذا و ارانی التراب، و ضمیرنی الصفائح لم یتثبت بذلی مظلوم، و لم یثمت بی مظلم مهموم ۲۰- ک: مرا ۲۱- (لی: دامن) ۲۲- ل، ق (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، ب)؛ < و >؛ متن = س، ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ن) ۲۳- ل: که جاوید کس را؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۴- ل، س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، آ)؛ < و >؛ متن = ک، ل، آ (نیز لی، و، ل، ن، آ، ب)؛ این واژه در آخوانا نیست ۲۵- ل: خسرو ۲۶- ل، ل، آ، س، ۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب)؛ او؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، و، ب)؛ ز دامش؛ (لی: ز رامش)؛ متن = ل، ۲۹- س (نیز و، ل، ن، آ)؛ نگذرد (حرف یکم بی نقطه)؛ ک، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، ب)؛ نگذرد؛ (لی: بشمرد)؛ متن = ل (نیز آ)؛ درس آ این واژه ناخواناست؛ ق این بیت را ندارد ۳۰- س، س، ۲ (نیز ل، ن، آ، و، ب)؛ سر و تاج؛ متن = ل، ۳۱- ل: < و >؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۲- ق: کریشان نبینی بگیتی نشان ۳۳- س، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، ل، ن، آ، ب)؛ سوران و؛ متن = ل، ک، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ) ۳۴- (لی: نه بینی) ۳۵- ک: بچ لی؛ س: بگیتی نبینم ۳۶- (ل: بدی شاد جان مهان)؛ ق، و، آ این بیت را ندارند

کجا آن پریچه‌رگان جهان
 هر آنکس که رخ زیر چادر نهفت
 همه دست پاکی و نیکی^۴ بریم!
 به یزدان^۶ دارنده^۷ کو داد فر،
 ۱۸۵۰ که گر کارداری^۸ به یک مشت خاک
 اگر نه^{۱۱} بدآتش^{۱۲} بسوزم^{۱۳} تنش
 وگر^{۱۵} درگذشته^{۱۶} زشب^{۱۷} چند^{۱۸} پاس
 به تاوانش^{۲۰} دیبا فرستم^{۲۱} ز گنج
 وگر گوسپندی^{۲۳} برند^{۲۴} از رمه
 ۱۸۵۵ یکی اسپ پرمایه تاوان دهم
 چو با دشمنم^{۲۶} کارزاری بود
 فرستمش یک ساله^{۲۹} گنجی^{۳۰} درم
 ز دادار دارید^{۳۲} یکسر^{۳۳} سپاس
 به آب و به آتش^{۳۶} میازید دست
 ۱۸۶۰ مریزید هم خونِ گاوِانِ ورز^{۳۹}
 ز پیری مگر^{۴۱} گاو بیکار گشت^{۴۲}

کریشان بدی شاد جان^۱ مهان!^۲
 چنان دان که گشتست با خاک^۳ جفت!
 جهان را به تَر دار بد نسپریم!^۵
 به تاج و به تخت و نژاد و گهر،
 زیان جوید^۹ اندر بلند و^{۱۰} مفاک،
 کنم بر سر دار پیراهنش!^{۱۴}
 بدزدد ز درویش دزدی^{۱۹} پلاس،
 بشویم دل غمناکان را ز رنج!^{۲۲}
 به تیره شب و^{۲۵} روزگار دمه،
 مبادا که بر ری سپاسی نهم!
 وزان^{۲۷} جنگ^{۲۸} خسته سواری بود،
 نداریم^{۳۱} فرزنا او را دژم!
 که اویست^{۳۴} جاوید^{۳۵} نیکی شناس!
 مگر هیرید مرد^{۳۷} آتش پرست!^{۳۸}
 که تنگیست از^{۴۰} گاو کشتن به مرز،
 به چشم خداوند نمود^{۴۳} خوار گشت!^{۴۴}

۱-ل: جای (حرف سوم بی نقطه) ۲-ق: بریشان نمائند آشکار و نهان؛ ل: آ، و، آ این بیت را ندارند ۳-ق: (نیز لی، ل، آ، و)؛ با خاک گشتست؛ ب: چنانکه با خاک گشتست؛ متن = ده دستویس دیگر ۴-لی: (نیکی) ۵-ل: شمریم؛ (لن: شمریم)؛ متن = دوازده دستویس دیگر؛ بنداری؛ و اما انتم فعلیکم آن تذرعاً بملابس السداد، و أن تطهروا قلوبکم عن فساد. ثم قال: و تعالوا حتی نجهد فی الحسنی و الطهاره، و لا نقترف فی هذه الدنيا الغداره ما یورث الندامة و یعقب الخسارة ۶-س: (نیز لن، ل، آ)؛ بفرمان؛ س: آ: بدادار؛ متن = ده دستویس دیگر ۷-آ: داننده ۸-آ: هر چه دارد ۹-ق: آ: دارد ۱۰-س: (نیز لی: با بدی؛ ل: آ: نشیب و) ۱۱-ل: هم آنجا؛ ق: ابرنی؛ س: آ: وگر نه؛ متن = س، ک، (نیز لن، ق، آ، و، ب) ۱۲-ل، س، ک، س، آ: (نیز لن، ق، آ، و، ب)؛ باتش؛ ق: براتش؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳-ل: آ: بسوزم بسوزنده آتش؛ (لی: من او را بسوزم باتش) ۱۴-س: آ: (نیز لی، ن، آ، و، ب)؛ بر کردنش؛ متن = ل-ل: آ: (نیز لن، ق، آ، و، ب)؛ بنداری؛ ثم انی اقم اولاً بالواهب الخلاق، و ثانیاً بالتاج و التخت و مکارم الاخلاق أنه إن ظلم أحد من عمالی أحداً من رعیتی، و لوفی کف من تراب، أحرقته بالنار أو صلبته عرضه للأبصار و عبرة للنظار ۱۵-س: آ: اگر ۱۶-لی: آ، ب: برگزیده؛ لن: آ: شب گذشته ۱۷-س: آ: شبی ۱۸-ک: چار ۱۹-ل: حندی (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۰-ل: آ: بنادانش ۲۱-ق: آ، لی، ل، آ، و، ب: دینار بخشم ۲۲-آ: برنج ۲۳-ل، ق، ک، س، آ: (نیز ق، آ، و، ب)؛ گوسفندی؛ متن = س، ل: آ: (نیز لن) ۲۴-ل: آ: برید؛ (لن: برد) ۲۵-ل: (لن: <و>)؛ ق: آ: تیره شبان ۲۶-ل: آ: ابا دشمن از ۲۷-ق: گر از ۲۸-لی، ل، آ، و، ب: رزم ۲۹-ل: آ: هر سال؛ (لی: یکسال) ۳۰-ل: زرزو؛ س: آ: (نیز آ <و>)؛ گنج و؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۱-لی: (بر آریم) ۳۲-س، ک: یزق؛ آ، لی، ب: دارنده؛ س: آ: (نیز ل، آ، و، ب)؛ دارای دارنده؛ متن = س، ق، ل: آ: (نیز لن، ل، آ) ۳۳-س: آ: (نیز لی، ل، آ، و، ب)؛ دارم ۳۴-لی: (لن: آ: و) ۳۵-ق: یکتا و؛ (آ: جاوید و) ۳۶-ل: آ: بنانش ۳۷-ل: (لن: مرز) ۳۸-لی، ل، آ، و، ب: یزدان پرست ۳۹-ق: گاوِانِ بمرز ۴۰-ل: در؛ س: آ: (یزق؛ آ، لی، ل، آ، و، ب)؛ تنگی بود؛ (لن: آ: نیگست از)؛ متن = س-ل: آ: (نیز لن) ۴۱-ق: آ: سر ۴۲-ل: شد؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ بنداری؛ و أنه إن سرق فی اللیل مسح من فقیر عوضه ثوباً من حریر، و لو ذهب شاة من قطع عوضت صاحبها فرسا بلا من و لا أذی. و أضر فی تذکیرهم و نصحبهم حتی قال: و لا تذبحوا ذکور الثیران التي تصلح للحراثة و لا إناثها ذوات الألبان الغزیرة ۴۳-ک: وی

نباید ز بُن^۱ کشت گاو زهی^۲ که از مرز^۳ بیرون شود فریبهی^۴!
 همه رای با مرد دانا زنید از^۵ اندیشهی دیو باشید دور!
 اگر خواهی از زبردستان خراج اگر بدکش بُد پدر یزدگرد^۶
 همه دل ز کردار او^۷ خوش کنیدا! بیخشد مگر کدگارش گناه
 کسی کو جوانست^۸، شادی کنیدا! ۱۸۷۰ به پیری به زشتی^۹ بیازید^{۱۰} دست!
 گنه کار یزدان^{۱۱} مباشید هیچ! چو خشنود گردیدر ما دادگر^{۱۲}
 دل زبردستان ما^{۱۳} شاد بادا! سر سرکشان از غم آزاد^{۱۴} بادا!
 شنیدند و^{۱۵} کردند نیکی^{۱۶} نگاه، همه نامداران چو^{۱۷} گفتار^{۱۸} شاه

۱- (لی: بده) ۲- ل، س، ل، س، ۲ (نیز: ق، آ، لی، و-ب): زهی: متن = ق، ک (نیز: ل، ن، ۲) ۳- ل: مرد: متن = سیزده دستویس دیگر
 ۴- ل-س ۲ (نیز: ل-ل، ۲، و-ب): فرهی: متن = (آ) ۵- (ل: ۳: مردمان جوان) ۶- ل: ۶- ل: ۷- ل-ک (نیز: ل، ن، ۲): گه: متن = ل، س، ۲ (نیز: ق، ۲،
 لی، ل، ۳، و، آ، ب): بنداری: ولا تشاو- وا غیر اهل العلم، ولا تکرروا قلوب الأیام. و تباعدوا عن وساوس الشیطان، و تجنبوا اللهو و
 المرح عند محاربة العدو ۸- ک: تخت: تخت: بنداری: ثم انی بریء من التخت و التاج إن طالبت أحدا من الرعیة بالخراج ۹- (لی:
 بدهنر یزدگرد): ل: بدکش بد پذیر: زگرد: متن = دوازده دستویس دیگر ۱۰- س-س ۲ (نیز: ل، ن، ۲، و، ل، ن، ۲): آن: (ل: آ، این): متن = (لی،
 ب) ۱۱- ق: یاد کردیم گرد: ک: شاد کردیم گرد: ل: به سد ز پاداش ما روی زرد (واژه دوم بی نقطه): متن = یازده دستویس دیگر
 ۱۲- (ل، ۳، و، ما): ل: گفتار ما: ق: گفتار او: متن = ده دستویس دیگر ۱۳- ل: بی آزاری: متن = سیزده دستویس دیگر ۱۴- س-۲: یکسو:
 متن = سیزده دستویس دیگر: در این ست بابت سپین پس و پیش شده است: بنداری: وإن یکن أبی أوسعکم جورا و ظلما فهأنا
 موسعکم إحسانا و عدلا. فطیبا فوبکم علیه فلعل الله یهب نه ذنوبه و یخرجه من ناره الی جته: این بخش در ل آشفنگی دارد
 ۱۵- س ۲ (نیز: ل، ۲، و، آ، ب): جوانید: من = ل، س، ک، ل ۲ (نیز: ل، ن، ۲، ق، آ، ل، ن، ۲) ۱۶- (ل: ۲: شب و روز خوبی و رادی کنیدا) ۱۷- ل-۲: بشادی: (ق، ۲،
 لی، ل، ۳، و، آ، ب: بمتی): ک: بتیزی: زشتی: متن = ل، س، س، ۲ (نیز: ل، ن، ۲) ۱۸- س: سازید: ل ۲ (نیز: ب): میارید ۱۹- (ل: آ، نیز): ل: که
 همواره رسوا بود پیر: متن = س، ک، ل ۲ (نیز: ل، ن، ۲، ق، آ، ل، ن، ۲) ۲۰- س ۲ (نیز: ل، ل، ۳، و، آ، ب): پیر باده پرست: ق این بیت را ندارد: بنداری: و من
 کان متکم مرتدیا بفضاض الشبار، فلیحسب ذلذل الأطراب، ولا یمدن ذو المشیب یدالی الخنا و القبیح. فقیح بمن جله الشیب
 منادمة الشبار علی الشراب ۲۱- (لی: گنه کار بودن) ۲۲- س ۲ (نیز: و، ب): به نیکی به آید: (لی: به نیکی براید: ل: ۲: برفتن به آید: آ: به
 تنگی نه اندر: ل: ۲: چو پیری در آب: به رفتن): متن = ل-ل ۲ (نیز: ل، ن، ۲، ق، آ) ۲۳- ل: ق: کردگار: متن = دوازده دستویس دیگر ۲۴- ل: ۲:
 هستی و زور: (ل، ن، ۲، ق، آ، لی: هستی و روز: آ: غم و هستی و روز): متن = س، ق، ک، س ۲ (نیز: ل، ن، ۲، ب) ۲۵- ل: ک، ل ۲ (نیز: لی، ب): میر: ق:
 بهستی غم و روز فردا مدار: متن = س، س، ۲ (نیز: ل، ن، ۲، ق، آ، و، ل، ن، ۲): آ: ل این بیت را ندارد ۲۶- ل: به ما: متن = سیزده دستویس دیگر
 ۲۷- ک: آباد ۲۸- ل (نیز: ق، آ): ز: متن = دوازده دستویس دیگر ۲۹- (ق: آ: کردار) ۳۰- ل: ۳۰- ل: ۳۱- س-ل ۲ (نیز: ل، ن، ۲، ق، آ، ل، ن، ۲
 <نیکو>: نیکو: س ۲ (نیز: ل، ل، ۳، و، آ، ب) گردان: متن = ل

۱۸۷۵ همه دیده کردند پیشتر^۱ بر آب
خروشان برو^۴ آفرین خواندند!

وزیر خردمند بر پای خاست
جهان از بداندیش بی بیم گشت
مگر نامور شنگل^۹ هندوان
۱۸۸۰ ز هندوستان تا در^{۱۱} مرز چین
به ایران همی^{۱۴} دست یازد به بد
تو شاهی و شنگل نگهبان هند
براندیش^{۱۷} و تدبیر این^{۱۸} بازجوی
چو بشنید شاه این^{۲۱}، پراندیشه شد^{۲۲}
۱۸۸۵ چنین گفت کین کار^{۲۳} من در نهان
به تنها بینم سپاه ورا
شوم پیش او چون فرستادگان^{۲۵}

چنین گفت نای داور^۶ داد و راست^۷،
وزین مرزه^۸ رنج و سختی گذشت،
که از داد پیمیده دارد^{۱۰} روان،
ز دزدی^{۱۲} بر آشوب دارد^{۱۳} زمین،
بدین^{۱۵} کار تیمار داری^{۱۶} سزد!
چرا باز خواهد ز چین و ز سند؟!
نباید که ناخوبی^{۱۹} آید^{۲۰} به روی!
جهان پیش و چرن یکی بیشه شد^{۲۲}
بسازم، نگویم ه کس در جهان
همان رسم شامی^{۲۴} و گاه ورا
نگویم به ایران^{۲۶} و آزادگان^{۲۷}

۱-س.ق.ک.س^۲ (نیز لن.ل.آ.و.ب): بکسر: متن = ل.ل.آ.۲-س.آ.دانش و؛ (ق.آ.بادانش و): ۱-آ.شاد برد آتش؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳-ق: نیک یاب ۴- (لی: بدو) ۵-ل.آ.شهریار زمین: س^۲ (نیز لی.ل.آ.آ.ب): خسرو داد و دین: (ق.آ.و. خسرو پاکدین): متن = ل.ک (نیز لن.ل.ن.آ): بنداری: قال: فأنثی عند ذلك عليه السامعون. ودعاه الامراء الحاضرین. و سألوا الله ثبات ملكه و دوام دولته: ل^۲ در این جا سرنویس دارد: شنیدن بهرام صفت بیداد شنگل و رفتن بآیین رسولان ۶-ل: خسرو متن = سیزده دستنویس دیگر ۷-س (نیز لن): پاک راست: ق.ک.س^۲ (نیز لی.ل.آ.و.ل.ن.آ.ب): داد راست: متن = ل.ل.آ. (نیز ق.آ.آ.۸-س^۲ (نیز لی.ل.آ.و.ب): مرز ما: (آ.وزان مرز ما): متن = ل.ل.آ. (نیز لن.ق.آ.ل.ن.آ) ۹-ل.ق.ک.ل.آ. (نیز لن.و.ل.ن.آ): شنگل از: متن = س.س.آ. (نیز ق.آ.لی.ل.آ.آ.ب) ۱۰-ک: گردد ۱۱-ک.ل.آ.س^۲ (نیز ق.آ.و.آ.ب): سر: متن = ل.س.ق (نیز لن.ل.آ.ل.ن.آ) ۱۲-س.ل.آ.س^۲ (نیز ل.ق.آ.و.ب): دزدان: ق: بدزدی: متن = ل.ک ۱۳-ل: گردد: متن = دوازده دستنویس دیگر: لی: این بیت را ندارد: بنداری: ثم قام الوزير و قال: أيها الملك! إن العالم قد خلا ممن يتازع في الملك و قد دخل الملوك تحت الطاعة سوى شنگل ملك الهند فإنه يعيث في بلاد الهند الی حدود الصين ۱۴- (لی: همه) ۱۵- (ب: برین) ۱۶-ل: داستان کار سازی: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-س^۲ (نیز ل.و.آ.آ.بندیش: متن = ده دستنویس دیگر ۱۸-ل (نیز ب): آن: س^۲ (نیز ل.آ.آ.و.آ.ب): و این کار را: متن = س.ل.آ. (نیز لن.ق.آ.لی.و.ل.ن.آ) ۱۹-ک بی سوبی ۲۰-س^۲ (نیز لی.ب): آرد: ل.س^۲ پس از این بیت افزوده اند:

گر او (س.آ.برو) بوم ایران بگیرد بدست
پدید آید اندر جهان بت پرست

۲۱-ل.س^۲ (نیز لن.لی.ل.آ.و.آ.ب): آن: متن = (ق.آ.ل.ن.آ) ۲۲-ق.س^۲ (نیز ل.و.آ.آ.گشت: متن = ل.س (نیز لن.ق.آ.لی.ل.ن.آ.ب) ۲۳- (آ: گفت کاری): بنداری: و اذا كنت ملك الأرض فلائی معنى يطلب هو خراج الصين؟ فلینظر الملك، فی هذا الأمر و لیتمس وجه التدبیر فيه. فسکت ثم قال نلوزیر: انی سأدیر هذا الأمر فی السر، و أکفی ما یهم منه إن شاء الله تعالی ۲۴-س^۲ (نیز ل.و.آ.ب): هم آیین شاهی: (لی: هم آیین شاهان): در لی این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۲۵- (ب: فرستاد) ۲-ق: در ایران: (و: بگردان) ۲۷-ل.ق. ل.آ.س^۲ (نیز ل.آ.آ.بازادگان: (ب: بازادگان): متن = س.ک (نیز لن.ق.آ.لی.و.ل.ن.آ): برخی از دستنویسها در این جا سرنویس دارند: س: نامه نوشتن بهرام گور بنزد شنگل هند: ق: نامه بهرام گور بشنگل هند

گفتار اندر رفتن بهرام گور به رسولی بر سنگل هند^۱

بشد پاک دستور^۲ او^۲ دبیر^۳
 بگفتند هر گونه از^۴ بیش و کم
 ۱۸۹۰ یکی نامه بنوشت^۷ بر پند و رای
 سر نامه کرد از نخست آفرین^۹
 خداوند هست و خداوند نیست
 ز چیزی کجا او دهد بنده را
 فزون از خرد نست^{۱۳} اندر جهان
 ۱۸۹۵ هر آنکس که او^{۱۶} شاد^{۱۷} شد^{۱۸} از خرد
 پشیمان نشد هرک^{۲۰} نیکی گزید
 رهاند خرد مدد را از^{۲۳} بلا
 نخستین نشان خرد^{۲۵} آن بود
 بداند^{۲۹} تن خویش را در نهان^{۳۰}
 ۱۹۰۰ خرد افسر شهریاران بود
 جزو هر کسی آنک^۴ بُد ناگزیر^۵
 ببردند قرطاس و مُشک و قلم
 پر از دانش و^۸ آفرین خدای
 ز یزدان بر آنکس که جست آفرین^{۱۱}
 همه چیز جفتست و ایزد^{۱۱} یکیست!
 پرستنده‌ی تاج و دارنده^{۱۲} را
 فروزنده‌ی^{۱۴} کهتران و مهان^{۱۵}!
 جهان را به کردار بد نسپرد^{۱۹}!
 که بد زآب^{۲۱} دانش نیارد مزید^{۲۲}!
 مبادا کسی در^{۲۴} بلا مبتلا!
 که از بد^{۲۶} همه ساله^{۲۷} ترسان^{۲۸} بود!
 به چشم خرد جست راز جهان^{۳۱}!
 همان^{۳۲} زیور نامداران بود!

۱-س: رفتن بهرام گور یزد سنگل هند: ق رفتن بهرام گور بناشناخت برسالت نزد سنگل هند و احوال بهرام در هندوستان: ک: شدن بهرام گور به هندوستان: ل: رفتن بهرام - بین رسولان پیش سنگل: س: رفتن بهرام برسولی نزد سنگل هند: متن = [گفتار اندر+] ل: بنداری: ذکر قصة شكّل ملك الهند مع بهرام جور و ما انتهى اليه أمرهما؛ این سرنویس در دستنویسهای س، ق، ل، س، آ، از ۲۰ بیت تا ۴۰ بیت سپس تر آمده است ۲-س ل، س، آ (نیز ل-ل، و، آ): او یا؛ (لی: پسندید دستور او یا): متن = ل، ک (نیز ل-ل، و، آ): جزان نیز (ب): وزیر: ق: دستور او ناگزیر ۴- ل، و، نیز هر کس): س، ک، ل، آ (نیز ل، لی، ل، آ، ب): جزین نیز هر کس که: س، آ (نیز ق، آ): جزان نیز هر کس: متن = ل ۵-ق: ابا چند مردم زینا و پیر ۶-س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): داز: متن = ل-ل، آ (نیز ل، ق، آ، ل، و، آ): جزان نیز (ل، و، آ، ب): فرمود ۸-س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): خوبی و: (ق: آ: داد و پر): بنداری: قال صاحب الكتاب: ثم إن بهرام استحضر الكتاب و الوزير و خلابهما، و كتب الي شكّل كتابا مشحونا بالعلوم و الحكم ۹-ل، آ: آفرین از نخست ۱۰-ل: فرمانش جست ۱۱-ق: جفتند یزدان: ک، ل، آ (نیز ب): جفتند و ایزد متن = ده دستنویس دیگر: بنداری: قافتح الكتاب بحمد الله و الثناء عليه و قال: الحمد لله هورب ماكان و لم يكن، الموصوف بالأحابة في القدم، الذي خلق من كل شيء زوجين ۱۲-س، آ (نیز لی، ل، آ): تاج دارنده: س-ل، آ (نیز ل، ق، آ، ل، و، آ، ب): و تاج دارنده: (و: یا تاج دارنده: متن = ل ۱۳-آ: نیز) ۱۴-ق: آ: فروزیدن) ۱۵-لی: کهتر و مهتران) ۱۶-ک، ل، آ: وی ۱۷-و: شاه) ۱۸-س-ل، آ (نیز ل، ق، آ، ل، و، آ): گشت: متن = ل، س، آ (نیز لی، ل، و، آ، ب) ۱۹-ل، آ (نیز ب): نشمرد: س، آ: ببرد ۲۰-س-س، آ (نیز ل-ل، و، آ، ب): هر که: متن = ل ۲۱-ل، آ، س، آ (نیز لی، و، آ، ب): بداب: ق: بدزون: ک: بدراز: (ل: آ: بر آ، ب): متن = س (نیز ل، ل، آ): ۲۲-ق: چشید: ک: نباید مزید: (ق: آ: سرانجا و آغاز گیتی بدید) ۲۳-ل: ز: (ب: خردمند را از): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۴-س، ق، ک، س، آ (نیز ل، ل، و، آ، ب): بر: متن = ل، ل، آ (نیز ق، آ، لی، و): بنداری: الذي أجل مواهبه للخلق و أجلاها و أظهرها عليهم و أبهاها العقل المنوة بذكر من اتصف به من الصغار و الكبار في جميع الجهات و الأقطار ۲۵-ق: خرد را نخستین نشان: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۶-س، آ (نیز لی، ل، و، آ): کز یزد ۲۷-ل، آ: سال) ۲۸-ق: همان دیور ادام دادان: (ق: آ: همان زیور نامداران) ۲۹-ل، آ: بدادن: و: بدارد) ۳۰-لی: راز جهان) ۳۱-و: نهان: لی: چیست راز جهان: ق، آ: این بیت را ندارند: س، آ در این جا ناخواناست ۳۲-لی: همه: ب: همی: ق، آ: این بیت را ندارند

بداند بد و نیک مرد خرد
 تو اندازه‌ی خود ندانی همی
 اگر تاجدار^۵ زمانه منم،
 تو شاهی کنی، کی^۷ بود راستی؟
 ۱۹۰۵ نه آیین شاهان بود تاختن
 نیای تو ما را پرستنده بود
 کس^{۱۱} از ما نبودند^{۱۲} همداستان
 نگه کن کنون روز^{۱۳} خاقان چین
 به تاراج داد آنک^{۱۴} آورده بود
 ۱۹۱۰ چنین^{۱۶} هم همی بینم آیین تو
 مرا ساز جنگست^{۲۰} و هم خواسته
 ترا با دلیران^{۲۳} من پای نیست!
 تو اندر گمانی ز نیروی^{۲۴} خویش
 فرستادم اینک فرستاده‌یی

بکوشد ز داد^۱ و بیچد ز^۲ بدا
 روانرا به خون درنشانی^۴ همی!
 به خوبی و بشتی^۶ بهانه منم،
 پدید آید ز در سوی^۸ کاستی!
 چنین با بدان-یشگان^۹ ساختن!
 پدر پیش ساها، ما^{۱۰} بنده بود،
 که دیر مدی باز هندوستان،
 که از چیر بیمد به ایران زمین،
 بیچید از آن^{۱۵} بد که خود کرده بود،
 همان^{۱۷} پیچش^{۱۸} فره و^{۱۹} دین تو!
 همان^{۲۱} لشکر^{۲۲} یکدل آراسته
 به هنداندرون لشکر آرای نیست!
 همی پیش^{۲۵} دریا ری جوی^{۲۶} خویش!
 سخنگوی و^{۲۷} با دانش آزاده‌یی،

۱. ک. س. ۲ (نیز لن. س. ۲): بداد؛ ق: نکوشد بیداد؛ متن = ل. س. ل. ۲ (نیز آ) ۲-ل: نه بیچد ز ارژنه. کم بی نقطه؛ ق: و بیچد ز؛ ک: بیچد ز؛ (ل. ۲): بیچد به؛ متن = ل. س. ل. ۲ س. ۲ (نیز لن. ق. ۲، لی. پ. آ)؛ ب این بیت را ندارد؛ بنداری: و وزن آه زاته الدالة علیه أن يكون المتصف به عن التورط في مصارع الشر متحرزا، و بین مائه و علیه بنظره ممیزا. و هو تاج علی رؤس الملوك، و كالتیة علی معاضف السلاطین
 ۳-ل: نوازنده؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۴-ل: بخومی سمائی (تنها حرف دوم از زه با هم و حرف چهارم از واژه دوم نقطه دارند)؛ متن = س. س. ۲ (نیز لن. ب) ۵-ل: تاج دارد) ۶-ب: بزشتی و خوبی) ۷-ق: کز؛ ب (کم) ۸-س. ک. ل. ۲ (نیز لن. لی. ل. ۲، و. آ. ب): سوی؛ متن = ل. ق. (نیز ق. ۲، ب. لن. ۲)؛ س. ۲ در این جا ناخواناست ۹-ق: اندیشهها؛ (لن. ۲) یا اندیشگان؛ س. ۲: از اندیشه بدل؛ (لی. ل. ۲، و. آ. ب): نه اندیشه بدل؛ بنداری: ثم انک یا منک الهند! غیر عارف بقدرک، متجاوز بطورک. و اذا كنت انا سلطان الزمان و المتولى للخیر و الشر فی جمیع البلدان فتصدیک لادعاء الملك يعرضك ثلوار و الهلك ۱۰-ک: من ۱۱-س (نیز لن، لن. ۲): کی ۱۲-ل: نبود (وزن ندارد)؛ ق: بیت های ۱۹۰۷-۱۹۱۰ را ندارد؛ بنداری: و قد كان ابوك و جدك خادمین من تعبدین لنا، و لم یكن احد من اسلافنا یرضی بابطاء خراج الهند و تأخره عن وقته المعین ۱۳- (و: سرانجام) ۱۴-ل: و، ب: آنچه: لن. آنکه) ۱۵-ل. س. زان: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ک. ل. ۲ س. ۲ (نیز لن. ب): چنان؛ متن = ل. س. ۱۷-س (نیز لن، لن. ۲): هم بز؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ل. ک. (نیز ق. ۲): بخشش و (حرف یکم بی نقطه)؛ س: بیچش و (آ: بخش و (وزن ندارد))؛ متن = لن. ۲ س. ۲ (نیز لن، لی. لن. ۲، ب) ۱۹-ل. ک. ل. ۲، س. ۲ (نیز لن. لن. ۲، ب): < متن = س (نیز آ) ۲۰- (و. آ: رزمست) ۲۱-س (نیز لن، لن. ۲): هم ۲۲-س (نیز لن، لن. ۲): لشکر؛ ق (نیز ق. ۲): لشکری؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳-ق: دلیری ۲۴-ق (نیز ب): بنیروی ۲۵-س (نیز س. ل. ۲، و. آ): سوی ۲۶-س. آ: جان؛ بنداری: و اراک قد اغتررت بشدة ظهرك فصرت تباری البحر الزاخر بنهرک. فاعتبر بیوم الخاقان و ساحل مآبه. و ما اراک الا صالیا بجمره؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

چو آیم ز ایران سو تو دمان

بترسم کزین بد سر آری جهان

براندیش و این کار بهتر بین

بچشمم ز زن کمتری روز کین

۲۷-ق. آ: < متن = ل. ۲: سخنگو و؛ س. ۲ (نیز لی. ل. ۲، و. آ. ب. و. آ): خردمند و؛ متن = ل. ک (نیز لن، پ. لن. ۲)

۱۹۱۵ اگر باز بفرست، آخر^۲ چنگ را^۳ به بی^۴ دانشی سخت کن جنگ را^۵!
 ز ما باد بر جان آنکس درود که داد و^۶ خرد باشدش تار و پود!
 چو مشک^۷ از نسیم هوا خشک گشت^۸ نویسنده^۹ آن نامه اندر نوشت^{۱۰}،
 به عنوانش بنیشت^{۱۱} شاه: از مهست^{۱۲} جهاندار بهرام یزدان پرست^{۱۳}،
 که تاج کیی^{۱۴} یافت از یزدگرد به خرداد^{۱۵} ماه اندرون روز ارد^{۱۶}،
 ۱۹۲۰ سپهدار مرز^{۱۷} و نگهدار بوم^{۱۸} ستاندهی باز سقلاب^{۱۹} و روم،
 به نزدیک شنگ سپهدار^{۲۰} هند ز دریای قنوج تا مرز^{۲۱} سند!
 چو بنهاد بر نامبر مهر شاه بر آراست^{۲۲} با^{۲۳} ساز نخچیرگاه
 به لشکر ز رازش^{۲۴} کس آگاه نه^{۲۵} جز از نامدارانش همراه نه^{۲۶}،
 بیامد^{۲۷} بدینسان^{۲۸} به هندوستان گذشت از بر^{۲۹} آب^{۳۰} جادوستان
 ۱۹۲۵ چو نزدیک ایوان^{۳۱} شنگل رسید در و^{۳۲} پرده و^{۳۳} بارگاهش بدید

۱-ل.ق (نیز ب): بفرستی؛ (آ: فرست (وزن ندارد))؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲-س (نیز لن): یا؛ ق (نیز ب): از؛ ک: وگر؛ متن = ل.۲، س ۲ (نیز ق ۲-لن ۲) ۳-ل: از حث ما (بی نقطه)؛ س-س ۲ (نیز لن-ب): جنگ را؛ متن تصحیح قیاسی است ۴-ل.۲: همی ۵-ل: جنگ ما؛ س-س ۲ (نیز لن، لی، ۳، ب، لن ۲، آ، ب): تنگ را؛ متن = (ق ۲، و) ۶-ق: دارد؛ بنداری: و الآن فقد نقلت الیک رسولا ذادب و عقل و کلام فصل. فوطن نفسک علی آداء الخراج، ولا تعص أطراف الزجاج، أو تشرم للکفاح وإشراع الأسته و الرماح. والسلام ۷-س ۲ (نیز ل ۲، و، آ): خط ۸-ل (لی شد: ل، س: آ: گشت خشک؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-س-س ۲ (نیز لن-ل ۲، و-ب): نویسنده؛ متن = (پ) ۱۰-ل: را در بنیشت؛ (ق: آ: مرنامه را در نوشت؛ لی: را نامه اندر نوشت)؛ ل: نوشتند و بروی پراکند مشک؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ س ۲ پساونا ندارد ۱۱-س-ل ۲ (نیز لن، ق، آ، ب): بنوشت؛ (لی، ل ۲، و، آ: برزد)؛ متن = (پ) ۱۲-س (نیز لن): شاه مهست؛ ق: شه برترست؛ ک: شاه از مهست؛ ل: شاه مه است؛ (ق: آ: مرد دیر؛ لی، ل ۲، و، آ: < و شاه و مهست)؛ ل: نام بهرام کرد؛ (لن ۲: نامه شاه بست؛ ب: که شاه و مهست؛ متن = (پ)؛ این لت درس ۲ خوانا نیست ۱۳-ل: که دادش سر هر بدی رام کرد؛ (ق: آ: ز شاه جهان خسرو تیزویر)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

سرا را زیروز با زوردست جهاندار بهرام یزدان پرست

۱۴-ل: کیان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ک: مرداد ۱۶-ق: آ: و سپندار وارد)؛ لی این بیت را ندارد ۱۷-ک: مرد؛ (آ: مهر) ۱۸-و: روم؛ ب: نگهبان بوم) ۱۹-ق: ستانان هری و بغداد ۲۰-ل: نگهبان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ل: آ: پیش؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: فطوی الکاتب الکتاب، و کتب عینی عنوانه: من بهرام مک العالم الی شکل قائد جیوش نهند من أرض قنوج الی حد السند ۲۲-ق: بیاراست ۲۳-ل: بر؛ متن = نهاده دستنویس دیگر ۲۴-ل: کارش؛ (ق: آ: ز لشکر بزرگانش)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-س (پ: نی)؛ ل: ق: آگه نبود؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶-س (پ: نی)؛ ل: ق: همزه نبود؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ لی این بیت را ندارد ۲۷-س ۲ (نیز لی، و، آ، ب): در آید ۲۸-ق: ک (نیز ق ۲): برینسان؛ (و: بد انسان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۹-س، ل ۲، س ۲ (نیز لن-ب): لب؛ متن = ل، ق، ک ۳۰-س (پ: مرز)؛ بنداری: و ختمه و تجهیز للصدید مظهراته خارج الی بعض متصداته کاتما سره إلا عن جماعة من تقاته. و توجه نحو الهند. و سر قاصدا قصدتک البلاد الی أن وصل الی النبحر فعبره ۳۱-س ۲ (نیز لی، ل ۲، و، آ، ب): درگاه ۳۲-ل (نیز ق ۲): < و >؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۳-و، آ: < و >؛ لی: بازه و)

به دربر فراواز سلیح و^۳ نوا
خروشیدن زنگ با کزّه‌نای^۴
دلش را بدانایشه^۷ اندر نشانده^۸
نیوشنده^{۱۰} و پایکاران^{۱۱} اوی^۹،
فرستاده آمد^{۱۲} بدین بارگاه
ز پرده دوان^{۱۳} تا بر^{۱۴} شهریار
به ارجش^{۱۵} ز درگاه بگذاشتند
یکی خانه^{۱۶} دد آسمانش بلور
نشانده به هر جی چندی^{۱۹} گوهر
نهاده به سربر ز گوهر کلاه
پسر پیش^{۲۱} تخت ایستاده به پای
ورا دید با تاج بر تخت ناز^{۲۳}

برآورده‌یی بود^۱ سر در^۲ هوا
سواران و پیلان به دربر به پای
شگفتی بدان^۵ بارگه در^۶ بماند
چنین گفت با پرده‌داران اوی^۹،
۱۹۳۰ که از نزد پیروزبهرامشاه
هم اندر زمان رفت سالار بار
بفرمود تا پرده برداشتند
خرامان همی رفت بهرام گور
ازارش^{۱۷} همه سیم و پیکرش زر^{۱۸}
۱۹۳۵ برادرش را دید بر زیرگاه^{۲۰}
نشسته به نزدیک او رهنمای
چُن^{۲۲} آمد به نزدیک شنگل فراز

۱-س، ق، س ۲ (نیز ل ۳، پ، و، آ): دید: (ق ۲: برآورده بود: لی: برآورده بودی): متن = ل، ک، ل ۲ (ن، ل، ن، آ، ب) ۲- (ل، ن، آ: بر) ۳- س، ک
(نیز لی <و>): سلاح و: متن = دوازده دستنویس دیگر: در س ۲، ل ۳، و، آ این بیت سه بیت سپس تر آمده است ۴- ل، س: کرنای: س ۲
(نیز ل ۳، و، آ): و هندی درای: متن = ق، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، لی، پ، ل، ن، آ، ب): در س ۲، و، آ این بیت سه بیت سپس تر آمده است ۵- ل ۲ (نیز
ل ۳): دران ۶- ل: بر: متن = چهارده دستنویس دیگر ۷- س-س ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل ۲- ل، ن، آ، ب: بان یشه: لی: از اندیشه: آ: بد اندیشه):
متن تصحیح قیاسی است ۸- (آ: در نشانده): ل: دولشکر باندیشه اندر بماند: متن = سیزده دستنویس دیگر: در س ۲، ل ۲، آ این بیت سه
بیت سپس تر آمده است ۹- ل، ق-س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل ۲، و-ب): او: متن = س (نیز ل، ن، پ) ۱۰- ل، ق، ک (نیز ق ۲): پرستنده: س: بنوشنده: ل ۲:
بوشیده (حرف یکم بی نقطه): (ل ۲، و، آ: نیوشیده: ل، ن، آ، ب: به پوشنده) متن = س ۲ (نیز ل، ن، لی، پ: بنداری: صاحب الباب) نسخه بدل:
حاج الباب) ۱۱- ق: رازداران: (ل، ن، آ: پای داران: ق ۲: پاک کاران: ب: کارداران): متن = ده دستنویس دیگر: در ل ۲، آ این بیت پس از
بیت ۱۹۲۶ آمده است ۱۲- ق: فرستاده‌ام من: ک: فرستیده‌ام من: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳- ل (نیز و): درون: متن = سیزده
دستنویس دیگر ۱۴- ک (نیز ل ۳، پ، و): در: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۵- س (نیز ل، ن، آ: با: زش: متن = دوازده دستنویس دیگر:
بنداری: و وصل الی باب شکل فأعجبه مارأی علی بابه من الروعة و المهابة و الفيلة و الأسلحة فأخبر صاحب الباب أنه رسول الملك بهرام
الی تلك الحضرة. فأنهی حاله انی شکل فرفعت الحجب دونه فی الحال ۱۶- س، ک (نیز ل، ن، آ: ل، آ: جای: متن = ده دستنویس دیگر
۱۷- (ل، ن، آ: ازاره ش) ۱۸- (ب: پیکر بزر): ق، ل ۲ <و> (نیز لی، و): و پیکر زرز: متن = ده دستنویس دیگر ۱۹- ق (نیز ب): چندین: س ۲: زهر
گونه چندی: (لی: زهر گونه در و، و، آ، ب: زهر گونه دروی): متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ): ل ۲ پس از این بیت افزوده است:
همه بندگان با کمرهای زر
نشانده زهر گونه در وی گهر

۲۰- (لی: پیشگاه): ک، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۳، و، آ، ب): در زیرگاه: (ق ۲: نیز در زیرگاه): متن = ل، س (نیز ن، پ، ل، ن، آ): ق، ل ۲ این بیت را ندارند:
این بیت در ل با بیت سپسین پس و پیش شده است ۲۱- س: پشت: ل: پس پشت: متن = یازده دستنویس دیگر: ق، ل ۲ این بیت را
ندارند: بنداری: فدخل فرأی دارا عتبتها من انبلور، و حیطانها من الذهب و الفضة، مرصعة باله واهر. و رأی دون انتخت أخوا الملك
علی رأسه قلنسوة مرصعة بالجوهر، و عنده الوزیر، و علی رأسهما الممالیک و الخدم ۲۲- ل-س ۲ (نیز ق ۲-ب): چو: متن =
(ل، ن) ۲۳- ق: پیکر گراز: ل ۲ (نیز ب): بر تخت با تاج ناز: (ق ۲: بر تخت با فز و ناز: لی: بر تخت بر نش نماز): متن = ده دستنویس دیگر:
ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

زبان تیز بگشاد پیش سپاه که پیغام دارم ز بهرام شاه

همه^۱ پایه‌ی تخت زرین^۲ بلور
 بر تخت شد شاه و^۴ بردش نماز
 ۱۹۴۰ زبان تیز بگشاد و گفت: از مهست^۶
 یکی نامه داره بر شاه هند
 چو آواز بهرام بشنید^{۱۱} شاه
 بر آن زر کسبش^{۱۳} بنشانند
 چو بنشست^{۱۴} بگشاد لب را^{۱۵} ز بند
 ۱۹۴۵ زبان برگشایم چو فرمان دهی
 بدو گفت سنگل که برگوی هین
 چنین گفت کان شاه^{۱۸} خسرو نژاد
 مهست آن سرافراز و پدرام شهر^{۲۱}
 بزرگان همه باژدار وی اند!
 ۱۹۵۰ چو شمشیر خواه^{۲۴} به رزم اندرون
 به بخشش چو اپری بود^{۲۶} دربار^{۲۷}!
 پیامی رسانم سوی^{۳۰} شاه هند
 نشسته برو^۳ شاه با فر و زور
 همی بود پیشش زمانی^۵ دراز
 جهاندار^۷ بهرام یزدان پرست،
 نبشته^۸ خط^۹ پهلوی^{۱۰} بر پرند!
 بفرمود زرین یکی زیرگاه^{۱۲}
 ز درگاه یارانش را خواندند
 چنین^{۱۶} گفت کای شهریار بلند،
 که بی تو مبادا بهی و مهی^{۱۷}!
 که گوینده یابد ز چرخ آفرین!
 که چون او^{۱۹} به گیتی ز مادر نژاد^{۲۰}،
 که با داد او زهر شد پای زهر^{۲۲}!
 به نخچیر شیران شکار وی اند^{۲۳}!
 بیابان شود ویژه^{۲۵} دریای خون!
 بود^{۲۸} پیش او گنج^{۲۹} دینار خوار!
 همان پهلوی نامه‌یی^{۳۱} بر پرند

۱-ل: همان ۲-ل. س. س. ۲ (نیز لی. ۳. و. ب. ۲): زر و ق: کرده: متن = ک (نیز لن. پ. لن. ۲) ۳- (لی: بدو): ق این بیت را ندارد ۴-س: شاد ۵-ق: زمانی بر تخت بودش: ق. لی این بیت را ندارند: بنداری: ثم رأی شکل قاعدا علی تخت من الذهب قوائمه من البلور. فدنا و قبل الأرض و مثل قائماً زمناً ضیلاً ۶- (ل: ۳): او مهست: لی: گفتا که هست: ل: چنین گفت زان کو ز شاهان مهست: متن = یازده دستنویس دیگر ۷- (ب: سرافراز): ق این بیت را ندارد ۸-ل. ل. ۲ (نیز لی): نوشته: متن = دوازده دستنویس دیگر ۹-ل. ل. ۲. س. ۲ (نیز لن. ق. لی. پ. لن. ۲): خط: متن = س. ق. ک (نیز ل. ۲. و. آ. ب) ۱۰- (پ: هندوی: و: هندویی): متن = سیزده دستنویس دیگر: بنداری: ثم قال بلسان ذلق فی مضما. الیاز منطلق: ابی رسول ملک العالم بهرام الی ملک الهند. و معنی منه الیه کتاب محرر علی الحریر بالخط الفهلوی ۱۱- (آ: دادش ز بهرام) ۱۲-ک. س. ۲ (نیز ب): پیشگاه: ل. ۲ پس از این بیت افزوده است:

نهادند - چون گفته شد شاه زود همه زیرگاهش زر نابود

۱۳-ل (نیز ق. ۲. پ): کرسی زرش: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۴-ل. ل. ۲: بنهاد: (ق: بنشست و) ۱۵- (لی. ل. ۲. و. آ. ب: رازش) ۱۶- (ل. ۲: بدو) ۱۷-س (نیز ب. و. لن. ۲): مهی و بهی: متن = ل. ق. ک. ل. ۲ (نیز لن. ل. ۲. ب): آ بیت‌های ۱۹۴۵-۱۹۴۶ را ندارد: س. ۲ در این جا ناخواناست ۱۸-ل: کز شاه: ق: که بهرام: ک. ل. ۲ (نیز لی. ل. ۲. لن. ۲. آ): کی شاه: (ق: همان شاه پیروز): متن = س. س. ۲ (نیز لن. پ. و. ب) ۱۹-ک: تو ۲۰-ل: ماد نژاد (وزن ندارد): س. ۲ (نیز لی. ل. ۲. و. آ): از داد دارد جهان سخت شاد: متن = س. ق. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲. ب. لن. ۲) ۲۱-ل: بر روی دهر: س (نیز لن. لی. آ): سرافراز پدرام شهر: (ب: سرافراز بهرام شهر: ق: و سرافراز بر مرز و شهر): ک: بهت از سرافراز بی رام شهر: متن = ل. ۲۲-ک: با زود: ق: بن بیت را ندارد ۲۳-بیت‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۰ را ندارد ۲۴-س. ۲ (نیز لی. ل. ۲. ب): گیرد: (آ: گیرم): متن = ل. ل. ۲ (نیز لن. ق. ۲. پ. لن. ۲) ۲۵-ل. ک. س. ۲ (نیز لن. ق. ۲. پ. و. لن. ۲): همچو: متن = ل. ۲ (نیز لی. ل. ۲. آ. ب) ۲۶-س. ک (نیز لن. ق. ۲. لن. ۲): شود: ل. ۲: نخستین چو این بود ۲۷- (لی: در بهار: آ: چو این بهاری بود در بهار (وزن ندارد)) ۲۸-ق. ل. ۲: شود ۲۹-ل. ۲ (نیز لی. آ. ب): گنج و ۳۰-ک: بر: ق: فرست: زی ۳۱-ل: پهلوان نامه: (ق: نامه پهلوی): ل. ۲: همه نامه پهلوی: متن = دوازده دستنویس دیگر: س. ۲ در این جا سرنویس دارد: جواب داد - سنگل بهرام را

شگفتی بماند اندر آن^۱ نامدار
 رخ تاجور^۳ گشت همچون زریر^۴
 به گفتار مستاب و تندی مکن!
 چنان هم نماد^۸ همی راه تو!
 نباشم^{۱۰} ز دُوینده همداستان!
 وگر شهر و کشور^{۱۲} سپردن به رنج؟!
 وگر^{۱۴} خاک و مر همچو دریای آب!
 نه با^{۱۶} آسمان جمت کس نام و ننگ!
 که گیرد ترا برد داننده خوار!
 ز شاهی^{۱۹} شمار ز یافته^{۲۰} بهرا!
 نیاکان بدو^{۲۲} دیچ نابرده دست!
 چو گنجور ما برگشاید^{۲۴} گره،
 اگر^{۲۶} زنده پینش^{۲۱} تواند^{۲۸} کشید!
 ستاره شود پیش چشم تو خوار!
 همان زنده پیلان^{۳۰} و گاه مرا^{۳۳}!
 بود کس که نتواند مرا شهریار!

چو بشنید، شد نامه را خواستار
 چو آن نامه بر خواند فرخ^۲ دبیر
 ۱۹۵۵ بدو گفت کای^۵ مرد چیره^۶ سخن
 بزرگی نماید^۷ همی شاه تو
 کسی^۹ باز خواهد ز هندوستان
 به لشکر همی گوید این، گر به^{۱۱} گنج؟
 کلنگاند^{۱۳} شاهان و من چون عقاب!
 ۱۹۶۰ کسی با ستاره نکوشد^{۱۵} به جنگ!
 هنر بهتر از گفتن نابکار^{۱۷}
 نه مردی، نه دانش، نه کشور^{۱۸}، نه شهر
 نهفته همه بوم^{۲۱} گنج من است
 در^{۲۳} گنج برگستان و زره
 ۱۹۶۵ به پیلانش باید^{۲۵} کشیدن کلید
 وگر^{۲۹} گیرم^{۳۰} از تیغ و جوشن^{۳۱} شمار
 زمین برتابد سپاه مرا
 هزار ار^{۳۴} به هندی زنی در^{۳۵} هزار

۱-ک: اندرین: (آ: بماند بدان): بنداری: فلما سمع باسم بهرام أمر فنصبوا له كرسيا من الذهب وأجلسوه عليه وأمر حاجب بابيه بإدخال أصحابه. قال: فلما استوى على الكرسي شرع في وصف بهرام و تفخيم شأنه و تعظيم أمره. فطب شكل منه كتابه فأعطاه إياه ۲-ل: مرد: متن = چهارده دستنویس دیگر ۳-ل: آ: نامور ۴-ق (نیز ق ۲): هم رنگ قیر ۵-س (نیز ل، ن، آ): ای ۶-ل، س (نیز ل، ن، ق ۲): حیره (حرف یکم بی نقطه): ل، آ، س ۲ (نیز ل، ن، آ): خیره: متن = ق، ک (نیز ل، س، ب): بنداری: فلما دیرئ منه تمر و استشاط و قال: أيها الرجل الفصیح ۷- (ل، ن، آ، ب: نماند) ۸-ل (نیز ب): نماند: ق این بیت را ندارد ۹-س: آ: همی ۱۰-ل: نماند: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱-س، ق (نیز ل، ن، ق، آ، بی، پ، ل، ن، آ): یا به: ک: یا ز: متن = ل، ل، آ، س ۲ (نیز ل، آ، و، آ، ب) ۱۲-ل (نیز ب) لشکر: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۳-ک: که کبک اند ۱۴-س-ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ): و یا: (لی: دگر): متن = ل، س ۲ (نیز ل، آ، پ، و، آ، ب): بنداری: إن صاحبک یدل علینا بملکه فیسونا أداء الخراج الیه. و من یستطیع أن یطلب الخراج من الهند؛ إن الملوک کاللقالق و کالینیم کالعقاب. و هم کالتراب و أنا البحر ذو العباب ۱۵-ق (آ، آ: بکوشد): س: آ: یکی با ستاره بکوشد ۱۶-ق (آ: بر) ۱۷-ق: مرد گویا کار: آ: گوهر نابکار: س: آ (نیز ق، آ، بی، ل، آ، و، آ، ب): گوهر نامدار: متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ): ب پس از این بیت افزوده است:

که گنگی به از گفتن نابکار
 که گیرد ترا مرد دادنده خوار

۱۸-ق: نکشور ندانش ۱۹-ق (نیز ق ۲): مردی ۲۰-ل: زبانست (حرف دوم بی نقطه): س، ل، آ، س ۲ (نیز ل، آ، ل، ن، آ): زبانست: ک (نیز ل، بی، پ، و، ب): زبانست: متن = ق (نیز ق ۲) ۲۱-ل: بوم و: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-س ۲ (نیز ل، بی، ل، آ، ب، آ، ب): بدان ۲۳- (ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب: دگر) ۲۴-س ۲ (نیز ل، و، آ): زو گشاید: (ق: آن گشاید: لی: کو گشاید): متن = ل، ل، آ ۲ (نیز ل، ن، س، ل، ن، آ، ب) ۲۵- (و: اند (بی نقطه)): ک: پیلان باید ۲۶-ل، ک: وگر: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷-س (نیز ب): زنده پیلش ۲۸-ق: پیلان: بی ۲۹-س (نیز ق ۲): اگر: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۰-ل (نیز لی): گیری: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱-ک: دشمن ۳۲-س: س: زنده پیلان ۳۳-ل: ورا: (ل) ۳۴-ک (نیز ل، ن، آ): هزاران ۳۵-س: آ: هزاران بهندی بهندی: ل: بهند اندر از خسروان ده: متن = ده دستنویس: بی: تر: لی این بیت را ندارد: بنداری: إن لی تحت الأرض من تکنوز ما إن مفاتیحه لتنوء بالفیلة، ولی من الجنود ما لا یستقل بهم ظهر الألسن - حتی إنهم یزیدون علی ألف ألف

همه^۱ کوه و دریا و گردر^۲ مراست
 ۱۹۷۰ همان چشمه‌ی عبر و عود و^۴ مشک
 دگر^۶ داروی^۷ مردم دردمند
 همه بوم ما را ازینسان^{۱۱} پُرت
 چو هشتاد^{۱۲} شایند^{۱۳} با تاج^{۱۴} زر
 همه بوم را گر^{۱۷} دریاست راه^{۱۸}
 ۱۹۷۵ ز قنوج تا مرز ایران زمین^{۲۳}
 بزرگان همه زیر دست من اند!
 به هند و به چین^{۲۶} و ختن^{۲۷} پاسبان
 همه تاج ما را ستایند اند!
 به مشکوی من دخت فغفور^{۳۱} چین
 ۱۹۸۰ پسر دارم از وی یکی شیردل
 ز هنگام کاوسر و از^{۳۳} کیقباد

به من دارد اکنون^۳ جهان پشت راست!
 وگر زنج^۵ کافور ناگشته خشک،
 به روی زمین هر که^۸ گردد نژند^۹،
 اگر رستی است، اگر^{۱۱} گوهرست!
 به فرمان من^{۱۵} تنگ بسته^{۱۶} کمر!
 نسازد^{۱۹} برین^{۲۰} خاک بر^{۲۱} دیوگاه^{۲۲}!
 رُو ازو ز سقلاب تا مرز چین^{۲۴}،
 به بیچارگی^{۲۵} درپرست من اند!
 نرانند جز^{۲۸} نام من^{۲۹} بر زبان!
 پرستدگی را^{۳۰} فزاینده اند!
 مرا خواند اندر جهان آفرین!
 که بتاند از کُه^{۳۲} به شمشیر دل!
 ازین بوم و بر کس نکرده ست^{۳۴} یاد!

۱-ل، ق، ک، ل (نیز ق، آ، پ): همان: متن = س، س، آ (نیز ل، ل، ل، و-ب) ۲-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ن، آ): دریای گوهر: ک: دریا و گوهر؛
 متن = (ب) ۳-ک: آری: بنداری: و می بخار اللالی و جبال الجواهر ۴-ل (نیز ل، ل): عود و عنبر و (وزن ندارد): (و: عود و عنبر چو)
 ۵-ل: رغ (۹): ق: رنج: س، ک، ل (نیز ل، ن، ن، آ): در کنج: س، آ: وگر نیز: (ق، آ): وگر کنج: ل، ب: همان نیز: ل، و، آ: دگر نیز: پ: دگر ریح):
 متن تصحیح قیاسی است ۶-ل، ن، آ، و: وگر) ۷-ک: دل جادوی: (ق، آ: ز کردار وی) ۸-ل: هرک: ق: هر چه: متن = سیزده دستویس
 دیگر ۹-ق: بلند: (ق، آ: بینی نژند: آ: باشد نژند) ۱۰-ل، س، ق، ل، آ (نیز ل، ن، آ): بدینسان: (ق، آ: بدیشان: ل، ب: بایران: ب: برینسان): ک:
 همان بوم ما را برینسان: متن = س (نیز ل، آ، پ، و، آ) ۱۱-ل، س، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب): زرو و سیمت و گر: ق، س (نیز پ): زرو و
 سیمت اگر: ک: زرو و شمشیر و گ: (ل، سیم و زروست و گر: آ: اگر راستی است اگر): متن = (ل، و) ۱۲-بنداری: سبعون: متن = همه
 دستویها ۱۳-س (نیز ل، ل، و، آ، و، ب): ساهست: متن = ل-ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۱۴-ل (ق، آ: تخت) ۱۵-ل: <من> (وزن ندارد): س،
 ق، ک (نیز ل، ل، پ): ما: متن = ل، آ، ن (نیز ق، آ، ل، و-ب) ۱۶-ق: بسته یکسر: س (نیز ل، ل، آ، آ، ب): سخت بسته: متن = ل، س، ک، ل، آ
 (نیز ل، ن، ق، آ، پ، و، ل، ن، آ) ۱۷-ل، س، ل (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ): همان بوم را کوه و: س (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): همه مرز را کوه و: متن = ل
 ۱۸-ل (و: گاه) ۱۹-ل، س (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ، ب): نیابد: متن = ل، آ، س (نیز ق، آ، ل، ل، و، آ) ۲۰-ل (نیز ل، ل، ب): بدین: متن = س، ل، آ، س (نیز ل، ن،
 ق، آ، ل، آ) ۲۱-ل، ل، آ: بوم و بر ۲۲-ل، س، س، آ (نیز ق، آ، ل، ل، و، آ، ب): راه: متن = ل (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ): ق، ک: این بیت را ندارند ۲۳-ل:
 دریای چین: متن = سیزده دستویس دیگر ۲۴-ل: ز سقلاب تا پیش ایران زمین: س (نیز ل، ن): وزو تا بسقلاب و (ل، ن: <و>) تا پیش
 چین: ق: وزان روی سقلاب تا مرز چین: س (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): ز روس (ل، روم) و ز سقلاب تا مرز چین: (پ: وزو تا بسقلاب و
 دریای چین): متن = ل (نیز ق، آ): این بیت را ندارد ۲۵-ل (آ: بیچارگی همه (وزن ندارد)): بنداری: و حوالی و فی خدمتی سبعون
 ملکا هم آریاب المناطق و أصحاب الأضاق. وإن الأکابر من حد قنوج الی حد ایران الی أرض الصین و سقلاب کلهم عبدة بابی، و
 أسراء امری و نهی ۲۶-س (نیز ل، ل، آ، و): بچین و به هند ۲۷-ل (آ: <ختن> (وزن ندارد)) ۲۸-س، ق، ل، آ، س (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ):
 نرانند بجز: ک: نرانند مگر: متن = ل (ب: پ، ب) ۲۹-س (نیز و، ل، آ): ما: متن = دو دوازده دستویس دیگر ۳۰-س، آ: ما ۳۱-ل (ق، آ: دختر شاه)
 ۳۲-ل (ن: کوه: ق، آ: وی): س (نیز ل، ل، آ، و، آ: که از پیل جوید: ب: که از شیر جوید): متن = ل-ل (نیز پ، ل، ن، آ) ۳۳-ل، ل، آ (نیز ل، ل، ل، ل، آ،
 پ، ل، آ، آ، ب): تا: س، آ: بهنگام کاوسر و ز: متن = (ق، آ، و) ۳۴-ل، آ: نکرند

ز لشکر^۲ که خواند مرا شهریار!
 کریشان کسی را به من^۴ راه نیست!
 که در هند^۷ بر پای پیش منند،
 ز آورد^۹ ایشان بخایند^{۱۰} چنگ!
 که کشتی به نندی فرستاده را،
 شدی^{۱۵} مویدهگر بر تو پیراهنت^{۱۶}!

اگر مهتری، کام کز^{۱۸} مخر^{۱۹}!
 که از^{۲۱} بخردی راه^{۲۱} کز^{۲۳} مجوی^{۲۴}!
 که داری وُر^{۲۵} کامران بر^{۲۶} سخن،
 یکی بر یکی زان ما^{۲۸} بگذرد،
 که نزدیک بخرد سخن خوار نیست^{۲۹}!
 کسی کو گزاید به گرز گران،
 که با یک تن^{۳۳} کند کارزار!
 چو پیدا شد^{۳۴} ردی و ارز تو!

همان نامبردار^۱ سیصد هزار
 ز پیوستگانم^۳ هزار و دوست
 همه^۵ زاد بر زاد^۶ خویش منند
 ۱۹۸۵ که در بیشه^۸ شیران به هنگام جنگ
 گر آیین بُدی هیچ^{۱۱} آزاده^{۱۲} را
 سرت را^{۱۳} جدا کردمی از تن^{۱۴}

بدو گفت بهرام کای تاجدار^{۱۷}
 مرا شاه من گفت کو^{۲۰} را بگوی
 ۱۹۹۰ ز درگه دو دانا پدیدار کن
 گر ایدونک ازیشان^{۲۷} به رای و خرد
 مرا نیز با مرز تو کار نیست
 وگر نه^{۳۰} ز مردان^{۳۱} جنگ آوران
 گزین کن ز هندوستان صد سوار^{۳۲}
 ۱۹۹۵ نخواهیم باز اندرین^{۳۴} مرز تو

۱-ل: نامداران چو: (ق: نامدارند: ل: نامدار (وزن ندارد)): متن = دوازده دستنویس دیگر: ۲- (لی، ب: بود کس) ۳- (پ: پیوستگان چون: ل: پیوستگانم) ۴- ک: یکی را به من: س: ۲ (نیز لی، ل، و، آ): همی بر زمین (ل: ل، ق: آ: همان) ۶- ق: زاده: ک (نیز ب): زاده بر زاده: متن = دوازده دستنویس دیگر ۷- س: ۲ (نیز لی، ل، آ، ا): گه رزم: (و: که در رزه: متن = ده دستنویس دیگر ۸- ل: پیش ۹- ق، س: ۲ (نیز ل، لی، ب): از آواز: ک (نیز ق: ۲): باورد: متن = ل، س، ل، ۱۰- ل: بخاید دو: متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱- ق: شاه: (ل: بود هیچ) ۱۲- (ب: اندازه) ۱۳- (ق: سر تو) ۱۴- (لی: برت) ۱۵- (ل: شده) ۱۶- (لی: برست افسرت): بنداری: و وزاء ستوری ابنة بغبور ملك الصين، ولى منها ولد يشق قلب الأسد فى العرين. ولو قتل أحد من الملوک أحد من الرسل لأبنت الساعة رأسک من جسدک و نقتع غلة الأرض من دمک ۱۷- ل، ل: نامدار: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۸- ل: ۲ (نیز ق: ۲): تندی: متن = ل-ک (نیز ل، ب، ل، آ، ب) ۱۹- س: ۲ (نیز لی، ل، و، آ): تخم تندی مکار ۲۰- ق، ک (نیز ل، ل، آ، ا): او: ل، س: ۲ (نیز لی، ل، و، آ): گفت بهرام کو: متن = ل، س (نیز ل، ب، ب) ۲۱- ل، س، ق، ل، س: ۲ (نیز ل، ق، لی، و، ل، آ، ا): که گر: (ل: ب: اگر: ب: تو گر: متن = ک ۲۲- س (نیز ل، ل، آ، ا): تندی: (پ: دیوان) ۲۴- (ل، ل، آ، ل، ن: آ: موی): بنداری: فقال الرسول: أيها الملك! خفض غليك. إن سله ابني أمرني أن أقول لك: إن كنت عاقلا فلا تعدل عن طريق السداد ۲۵- ل، ل، آ، س: ۲ (نیز لی، ل، و، آ): زبان آور و: ک (نیز ق: ۲، ب، ب): ک دانی ورا: متن = س، ق (نیز ل، ل، آ، ب) ۲۶- س (نیز و، ل، آ، ب): در: ل: پر: متن = ده دستنویس دیگر ۲۷- ل (نیز ل، ل، آ، ب): زیشان: س، ک، س (نیز ق: ۲، و، ب): ایشان: (لی، ل، آ، ا): گر ایدونکه ایشان: متن = ق، ل، آ (نیز ل، ب، ل، آ): برردان درم: ق: یکی سران هر دو بر (واژه دوم بی نقطه): ک: یکی از بزرگان درم: ل: ز دانستن و رای ما: س: ۲ (نیز لی، ل، و، آ): یکی پیش این (ل: ازین) مرز من: (ق: بدانایی از ما همی: ب: یکی بر در آن درم): متن = ل ۲۹- ک: ترا کار نیست ۳۰- ق: نی ۳۱- س، ق (نیز لی، ل، و، ل، آ، ا): مردان: ب: متر = ل، ک، ل، آ، س: ۲ (نیز ل، ق، آ، ب، ب) ۳۲- ک: هزار: ل: سه هزار ۳۳- س، ل (نیز ل، آ، ا): از ما: س: یک از ما (وزن ندارد): ل: صد تن از ما: متن = ق، ک (نیز ب) ۳۴- ک (نیز ل، ل، آ، ا): اندران: (آ: اندرون): ل: ما باز از: ق: بازی ازین: متن = س، ل، آ، س: ۲ (نیز لی، ل، آ، ب): بنداری: و احترمانه فارس من آسار فرسانک و اعیان قوادک. فان استطاعوا مقاومة فارس واحدا من رجالي فمالي معک کلام و لا بینی و بینک حصاء. و إن کان غیر ذلک فلا تلور رأسک عن الطاعة، و التزم الخراج لمن هو أعلى منك جلاله و نباهه: در ل: آلت های این بیت پس و پیش منند: ل: آلت پس از این بیت افزوده است: ز گنج آن به آید که پیراکنند نه در زیر خا که آکنند

چو بشنید شنگ، ه بهرام گفت
 زمانی فرود آی و بگشای بند
 یکی خرم ایران برداختند
 بیاسود^۴ بهراه تا نیمروز
 ۲۰۰۰ چو در پیش^۷ سنگل نهادند خوان
 کز ایران فرستاده‌ی خسروست
 کسی را که با اوست هم زین نشان
 بشد تیز بهرام و^{۱۰} بر خوان نشست
 چو نان خورده شد، مجلس آراستند
 ۲۰۰۵ همی بوی مشک آمد، از خوردنی!

که رای تو با مردمی نیست^۱ جفت!
 چه گویی سخن‌های ناسودمند؟!
 همه هرچه^۲ بایست^۳ بر ساختند
 چو بر چرخ^۵ شد تاج^۶ گیتی فروز،
 کسی^۸ را فرستاد کو را^۹ بخوان،
 سخنگوی و هم کامگاری^{۱۰} نوشت!
 بیاور به خوان^{۱۱} رسولان^{۱۲} نشان!
 به نان^{۱۴} دست بگشاد و^{۱۵} لب را بیست
 نوازنده‌ی رود و می خواستند
 همان زیر^{۱۶} زربفت گسترده‌ی!

گفتار اندر هنر نمودن بهرام گور پیش شنگل^{۱۷}

بزرگان چن^{۱۸} از باد، خرم شدند،
 دو تن را فرمود زورآزمای
 برفتند شایسته مردان کار
 همی زور کرد از برین، این بران^{۲۴}

ز^{۱۹} تیمار نابوده بی غم^{۲۰} شدند،
 به کشتی که دارند^{۲۱} با دیو^{۲۲} پای
 بیستندشان بر میان‌ها ازار^{۲۳}
 گرازان و پیچان^{۲۵} دو مرد گران^{۲۶}

۱-ل (نیز ق^۲): بود ۲-ل: هرچ^۳ بر^۴ (ب-لی، ل، آ، ا): درو هر چه؛ (ق^۲: بره هر چه)؛ متن = س-ل-آ (نیز لن، پ، ل، ن، آ، ب) ۳- (و: چنان چون بیایست) ۴-س (نیز لن، آ): رآسود ۵-ل، س، ق، ل، آ، س (نیز لن-ب): اوج؛ متن = ی ۶-س (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): هور؛ س، س، آ، ل-ب پس از این بیت افزوده‌اند:

بیاراست بزمی بفرمان اس^۲: در ایوان شاه در ایوان پرستنده نیکخواه

۷- (لی: نزدیک)؛ ل، آ، س (نیز ل، آ، ب: بنزدیک؛ متن = ل-ی (نیز لن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۸-س: یکی ۹-س (نیز لن، ن، آ): کین را؛ (ق^۲: بسالار خوان گفت کورا)؛ متن = ی یده دستنویس دیگر ۱۰-ل: <ی>؛ س، ق، و < (نیز لن، ن، آ)؛ و اندر مکان: ی؛ و از نامداران؛ (پ: و ایدر بکار؛ ق^۲: و در کامکاری)؛ س (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): بزرگست و در کامکاری؛ متن = ل ۱۱- (ق^۲: بخوان و بجای) ۱۲- (پ: دلیران)؛ بنداری: فقال له شنگل: انز و اسرح ساعة فانزلوه فی ایوان یلیق بملته. فلما انتصف النهار و جلس شنگل للطعام استحضر الرسول ۱۳-س (نیز لن، لی، آ): <و>؛ متر = دوازده دستنویس دیگر ۱۴- (لی: بدان) ۱۵- (لی: <و>)؛ ق^۲: گشاده میان و دو) ۱۶-ق: همه خانه؛ (ل: همه زیر)؛ ق^۲ این بیت اند ۱۷-س: کشتی گرفتن بهرام گور در پیش شنگل هند؛ ق: کشتی گرفتن بهرام نزد شنگل و پرسیدن شنگل از بهرام نژاد او را؛ ۱۸-ل: زور آزمودن بهرام در پیش شنگل؛ ل: کشتی گرفتن بهرام گور با پهلوان شنگل؛ متن = [گفتار اندر+]؛ ل؛ س این سرنویس را ندارد ۱۸-ل-س (نیز ق^۲-ب): چو؛ متن = (لن) ۱۹-س (نیز لن): به ۲۰- (لی: ب: ز خوردک بجام دمام)؛ ک این بیت را دو بیت پس تر آورد، اس ۲۱- (ل: گیرند) ۲۲-ق: گذارند بر جای؛ ل (نیز ق^۲): با دیو دارند؛ (آ: با دیو آرند)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فجاً و جلس مجلس الرسل من السماط. فلما طعموا جلسوا مجلس الشراب. فلما دارت الکؤوس و طابت النفوس أمر شنگل مصارعین قویین أن يتصارعا بین یدیه ۲۳-لی این بیت را ندارد ۲۴-ق: ک (نیز ب): این بران آن برین؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- (ب: نا ان) ۲۶-ق: ی؛ گزین؛ س (نیز لی، و، آ، ب): جوان؛ متن = ل، س، ل (نیز لن، ق، آ، ل، ن، آ)؛ در لی لت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند

به مغزش^۱ نید اندرافگند شور^۲،
 بفرمای تا من بینم ازار
 نه اندر جوانی و مستی^۵ شوم
 چو زیر آوری، خون ایشان بریز!
 به مردی خم آورد بالای^۷ راست،
 چو شیری که یابد به گور^{۱۰} زیان،
 بگفت^{۱۲} و بنمود^{۱۱} رنگ رخانش^{۱۴}!
 از آن^{۱۵} برزبالا و ن زور و^{۱۶} گفت!
 ورا از مهان نیز^{۱۸} برتر نشاندا!
 برفتند از^{۲۱} ایوان گوهرنگار
 ز خوردن برآید^{۲۳} برنا و پیر

۲۰۱۰ چو برداشت بهرام جام بلور
 به سنگل چنین گفت کای شهریار
 چو^۳ با زورمندان^۴ به کشتی شوم
 بخندید^۶ سنگل، بدو گفت: خیز!
 چو بشید بهرام، بر پای خاست
 ۲۰۱۵ کسی را که^۸ بگرفت ازیشان^۹ میان
 همی بر زمین زد چنانک استخوانش^{۱۱}
 بدو مانده بُد سنگل اندر شگفت
 به هندی همی^{۱۷} نام یزدان بخواند
 چو گشتند مست از^{۱۹} می خوشگوار^{۲۰}
 ۲۰۲۰ چو گردون بپوشید تای^{۲۲} حریر

فروزنده بر^{۲۴} چرخ بنمود روی،

چو زرین شد آن چادر مشکبوی

۱- (ب: بمغز) ۲- ل: آ: بمرز نید اندرافگند بوز ۳- س: آ (نیز ل: آ، و، آ): که؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴- (پ، آ: زورمندی) ۵- ق: بستنی؛ (پ: مستی)؛ س: آ (نیز ق: آ، ل: آ، و، آ، ب): خرابی و مستی؛ (لی: خرابی و مستی)؛ متن = ل، ن، ک، ل، آ (نیز ل، ن، آ): بنداری: فأخذ يتصارعان لا يغلِب أحدهما الآخر. فلما رأى ذلك بهرام وقد دار فى رأسه السكر قام وخدمه وادتاذن الملك فى مصارعتهما ۶- (ب: بفرمود) ۷- (آ: بالآ و) ۸- (ق: آ: یکی را چو) ۹- ل: زیشان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۰- (س: نیز ل، ن، ق: آ، ل، ن، آ): بگوزی؛ س: آ (نیز ل، آ، و، آ): همی بر زمین زد چو شیر؛ متن = ل، ق، ک، ل، آ (نیز ب، ب) ۱۱- ل، س، ق، ل، آ (نیز ق: آ، پ، ل، ن، آ > ش): چنان کاستخوانش؛ ک: که از استخوانش؛ س: آ (نیز ل، آ، و، آ، ب): چنانش بز در زمین کاستخوانش (لی، ل، آ، و، ب: استخوان)؛ متن = (ل، ن) ۱۲- ل، ق، س: آ (نیز ق: آ، ل، آ): شکست؛ متن = س، ک، ل، آ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ) ۱۳- ق: بگردید؛ (ل: آ: بیالود) ۱۴- (ل: آ، ل، ن، آ: رخان، لی، و، ب: بریزید و هم در زمان داد جان)؛ ل: آ، ب پس از این بیت افزوده اند:

ل: آ: هماورد دیگر چو دید آنچنان رخس گشت از بیم جون زعفران

ب: چو شد گرم در سینه خوشگوار چهل تن فکند و مردان کار

۱۵- ق: ل، آ: بدان؛ ک: بران؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۶- (ل، ن: < و >)؛ ل: آ: زور و بالا و آن ساخ و س: آ (نیز ق: آ، ل، آ، و، آ): برزو بالا و آن یال و؛ لی: بیت های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ را ندارد ۱۷- س: آ (نیز ل: آ، و، آ): بسی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۸- (ل، ن: جمله)؛ ل: س: آ (نیز ل، ن، ق: آ، پ، و، آ، ب): چهل مرد؛ متن = (ل: آ): لی این بیت را ندارد؛ بنداری: فضحک و اذن له فوثب و نجزه و شد علیه الأزارار فأنشب برائنه فى أحد المتصارعين و رفعه فى الهواء ثم ضرب به الأرض حتى تكسر فقار ظهره. فتعجب سنكا من ذلك و سمي الله تعانى بلسانه ۱۹- (لی: شد گرم در سر) ۲۰- ق: غمگسار ۲۱- ل: ز: متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ق: آ: پس از این بیت افزوده است:

بآرام که رفت سنگل ز مر (؟) دل و دیده برگشت از ناه کر (؟)

۲۲- ل: چینی؛ س: س: آ (نیز ل، ن، لی، و، آ، ب): مشکین؛ (ل، ن: آ: گردون)؛ متن = (ق: آ) ۲۳- ک: نیاسود؛ (پ: بیاسود)؛ (ل، ن: آ: ز گردون براسود)؛ در لی: لتهای این بیت پس و پیش شده اند؛ ب پس از این بیت افزوده است:

سوی خواب کردن نهادند سر چه شاه و چه گردن پ خاش خیر

۲۴- (ل: آ: از؛ لی، و، آ: فروزنده)

شه هندوان بارهیی^۱ برنشست
 بردند با شاه تیر و کمان
 به بهرام فرمید تا برنشست
 ۲۰۲۵ به سنگل چنین گفت کای شهریار^۷
 همی تیر^{۱۰} و چونان کنند^{۱۱} آرزوی^{۱۲}
 چنین گفت شنگ که تیر و کمان
 تو با شاخ و یای برافراز^{۱۷} دست
 کمان را به زه کرد بهرام گور^{۱۹}
 ۲۰۳۰ خدنگی پیوست^{۲۲} و بگشاد دست^{۲۳}
 گرفتند یکسر بر او^{۲۷} آفرین
 ز بهرام^{۲۹} سنگل شد اندر گمان
 نماندهمی این فرستاده را
 اگر خویش^{۳۴} شاهدست. اگر^{۳۵} مهترست
 ۲۰۳۵ بخندید و^{۳۷} بهرم^{۳۸} گفت شاه

به میدان گرازید^۲ چوگان^۳ به دست
 همی تاخت بر^۴ آرزو یک زمان
 کمان کیانی گرفته^۵ به دست
 از ایران بسی اند^۸ با من سوار^۹
 چه^{۱۳} فرمان دهد شاه آزاده خوی^{۱۴}؟
 ستون^{۱۵} سواری^{۱۶} بود بی گمان.
 به زه کن کمان را و بگشای شست^{۱۸}!
 برانگیخت نغز آن تکاور^{۲۰} ستور^{۲۱}،
 نشانه به یک چوبه^{۲۴} برهم^{۲۵} شکست^{۲۶}!
 سواران میدان و مردان^{۲۸} کین!
 که این فرّ و این برز^{۳۰} و تیر و کمان،
 نه هندی^{۳۱} نه ترک^{۳۲} نه آزاده^{۳۳} را!
 برادرش خوانم هم اندر خورست^{۳۶}!
 که ای پرهز^{۳۹} باگهر^{۳۹} پیشگاه،

۱-ل: باره را؛ متن = چهارده دستوس دیگر ۲-ل (نیز ق ۲-و، آ، ب): خرامید؛ متن = س. ق (نیز ل ن ۲) ۳-ک: ابا ریدکان صراحی؛ ل ۲، س ۲ (نیز ل ن): کمان کیانی گرفته ۴-ک: یا ل ۲، س ۲، ل ن، ق ۲ این بیت را ندارند ۵-ک: بمیدان کران بود چوگان؛ ل ۲، س ۲، ل ن، ق ۲ این بیت را ندارند ۶-ق: آ: چنین گفت بهرم ۷-و، ب: نامدار؛ ل ۲: بهرام گور ۸-س، س ۸-س ۲ (نیز ل ن-ب): هست؛ ل: چنان دان که هستند؛ ل ۲: کز ایران بسی اند؛ متن = ق، ک ۹-ل: ابا من بزور ۱۰-ک: همه زور؛ (ق ۲، ل ۲، ل ۲: همه تیر) ۱۱-ل (ن ۲: کند) ۱۲-ک، س ۲ (نیز ل ن، ق ۲، ل ۲، پ-آ): <ی> ۱۳-ل، ق (نیز ق ۲، ل ۲): چو متن = ده دستویس دیگر ۱۴-س ۲ (نیز ل ن، ل ۲، پ، ل ۲، آ): <ی> ۱۵-ل (ن: بسودن؛ ل ن: نشان) ۱۶-ل، ق، س ۲ (نیز ق ۲-و، آ، ب): سوا ان؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ل ن، ل ۲) ۱۷-ل (نیز ل ن، پ): بیفراز؛ ق: و با زور؛ ل (ن: و بفراز)؛ ک (نیز ق ۲): و با یال بفراز؛ متن = س، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۲، ل ۲، و، آ، ب) ۱۸-ل ۲، س ۲ (نیز ل ۲، آ): دست؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۹-ل، ق، ک (نیز ق ۲): گرد؛ متن = س، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۲، ل ۲، پ) ۲۰-س ۲ (نیز ل ۲، و، آ، ب): دلاور؛ ل ۲ (نیز ل ۲): غران دلاور؛ ل (ن: برانگیخته آن تکاور)؛ متن = س (نیز ل ن، پ) ۲۱-ل، ق، ک (نیز ق ۲): شانزده سب تکاور سپرد؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۲-ل ۲ (نیز ل ن، ق ۲، ل ۲، پ، ل ۲، آ): یکی تیر بگرفت؛ متن = س ۲ (نیز ل ۲، و، ب) ۲۳-ل، ک، ل ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، و، ب): شست؛ متن = س، ق، س ۲ (نیز ل ن، پ) ۲۴-ل (ل ۲، آ: چوب؛ ل ۲: حربه) ۲۵-ل (ن، ل ۲: در هم؛ ق ۲: در چوب بهم بر) ۲۶-ق: کمان کیان گرفته بدست؛ بنداری: ثم دخل الليل وانصرفوا. ولما كان الغد ركب الى الميدان فحضر الرسول واشدوا في المراماة فتناول بهرام قوسه و رمى البرجاس فرماه برمیه واحده الى الأرض ۲۷-ل (ل ۲، پ: بدو) ۲۸-ک: گردان؛ ق: مردان و گردان؛ ل (ن: و پیلان و مردان؛ آ: و میدان و مردان) ۲۹-ل (آ: ز بهرام و) ۳۰-س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، و، آ، ب): زور؛ ل: فرّه برز؛ متن = س ۲ (نیز ل ن، پ، ل ۲) ۳۱-ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل ن-ل ۲، و، آ، ب): هند؛ متن = ل، س، ک (نیز پ، ل ۲) ۳۲-ل، ق: ترکی؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳۳-ک: ترک و فرستاده ۳۴-ق: خود که ۳۵-ل: گر؛ ق، ک (نیز ل ن ۲): و گر؛ متن = یازده دستویس دیگر ۳۶-ق: آ: همی در خورست؛ ل ۲، پ، ب: خوانیم هم در خورست؛ و: اگر خوانم اندر خورست ۳۷-ق، س ۲ (نیز ق ۲، ل ۲، و، آ): <و>؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ل ن، پ، ل ۲، ب) ۳۸-ل: بخندید بهرام زان؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۳۹-س ۲ (نیز و، ب): نامور؛ س (نیز ل ن ۲): باهنر پرگهر؛ ق (نیز ل ن، پ): باگهر پرهز؛ ل (ل ۲، آ: نامور پرهز؛ ل ۲: که یا پرهز نامور)؛ متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ق ۲)

بدین پیچش^۲ و زور و^۳ تیر و کمان،
 نباشی مگر نامداری^۴ دلیر!
 فرستادگان را مکن نام سِند!^۵
 برادرش خوانیم^۶، باشد گناه
 نه دانش پژوهم. نه فرزانهام^۸
 نباید که دریابم^۹ خشم شاه!
 که با تو هنوزست ما را^{۱۰} سَخُن!
 که رفتن به زودی نباشد^{۱۱} صواب!
 چو پخته نخواهی، می خام^{۱۲} گیر!
 ز بهرام با و سَخُن چند^{۱۴} راند
 که با تو سَخُن نارم^{۱۸} اندر نهفت:
 گر از پهلوان نام^{۱۹} او بیش نیست،
 ز قَنوج رفتن ترا روی نیست!

برادر توی^۱ شاه را بی گمان
 که فرّ کیان داری و زور شیر
 بدو گفت بهرام کای شاه هند
 نه از تخمهی یزدگردم، نه شاه
 ۲۰۴۰ از^۷ ایران یکی مرد بیگانهام
 مرا بازگردان که دورست راه
 بدو گفت سنگل که تندی مکن
 نبایدت کردن به رفتن شتاب
 بر ما بیاش و دل آرام^{۱۲} گیر
 ۲۰۴۵ پس^{۱۴} آنگاه دستور^{۱۵} را پیش خواند
 ازان^{۱۷} پس به فرزانهی خویش گفت
 گر این مرد بهرام را خویش نیست
 به چربی^{۲۰} بگویمش کایدرا^{۲۱} بایست

۱-س-س^۲ (نیز لن-ب): تویی: متن = ل ۲-ل: بخشش: ق: برین بخشش: ل: بدین کوشش: تن = س، ک، س^۲ (نیز لن، لی، پ-ب)
 ۳-س^۲ (نیز و، آ): <و>: (ق: آ: بدین کین و این زور و): ب بیت های ۲۰۳۳-۲۰۳۴ را پس از بن بیت تکرار کرده است ۴-پ، آ: <ی>: لی این بیت را ندارد: بنداری: قال: فلما رأى شكل تلك القوة والبالة والشدة استراب به فقال له: ما أراك إلا أبا بهرام. فان معك روعة الملوك وقوة الأسود ۵-ل: ناپسند: ق: شه بسند: ل: فرستاده را مکن نام سند: ۶-ن = دوازده دستویس دیگر ۶-س، س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): خوانی تو: متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۷-ل، س^۲ (نیز ق، آ، لی، و): ز: متن = س، ک، ل^۲ (نیز لن، ل، آ، پ، لن، آ): این واژه در ب ناخواناست ۸-ک: مردانهام: ق این بیت را ندارد ۹-ل، س، ق، ل^۲ (نیز لن، پ): یابد مرا: ک (نیز ق، آ): باشد مرا: (لن، آ): یابد مرا: ب: نیایدم که دریابدم (وزن ندارد): متن = س^۲ (نیز لی، ل، و، آ): بنداری: فقال: يا ماک الهند! انى رجل اجنبى، من أرض ایران فكيف يحل لك أن تنسبى الی من لا یجمع بینى و بینه نسب؟ فأذن لی فى الاصراف حتى لا أتعرض لسخط الملك بهرام ۱۰-ل، آ: دگر هست ما را: س^۲ (نیز ل، و، آ، ب): بسی هست ما را: (ق: آ: بسی است ما را): ق ما را هنوزست با تو: (لی: ما را بسی هست با تو: لن، آ): ما را بنریمت با تو: متن = ل، س، ک (نیز لن، پ): ک بیت های ۲۰۴۶-۲۰۴۸ را پس از این بیت آورده است ۱۱-س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): نیبیم: متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): ق، ک بیت های ۲۰۴۳-۲۰۴۵ را نذرند ۱۲-س، س^۲ (نیز لن، ل، آ): دلارام: متن = ل، ل^۲ (نیز ق، آ، لی، پ-ب) ۱۳-ل، آ: می و جام: س^۲ (نیز آ): همی خام: (لی: بخوای من و ج: م: ل: آ: بخوای همی خام): متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، و، لن، آ، ب): ل پس از این بیت افزوده است:

ز میدان چو برگشت و آمد براه فرود آمد و بازگشت آن سپاه

۱۴-لی، ل، و، آ، ب: هم) ۱۵-س: آ: همانگاه بهرام را ۱۶-س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): سخنها: ل: و: سخنها: متن = ل، س (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۱۷-س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): وزان: متن = س، ک، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۱۸-س^۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): که پنهان کن این راز: (آ: که پیدا کن این راز): متن = س، ک، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ): ل، لن این بیت را ندارند: ق به جای این بیت افزوده است:

به موبد چنین گفت سنگل که رو بچربی به پیش فرستاده شو

۱۹-ق، ک، س^۲ (نیز ق، آ، و، آ، ب): پهلوانان: متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن): لن این بیت را ندارد ۲۰-س، س^۲ (نیز لن-ل، و، آ، ب): بخوبی: متن = (پ) ۲۱-س، ک، ل، س^۲ (نیز لن-ب، آ، ب): بگویش که: متن = (و): لن این بیت ۲۰۴۸، ۲۰۴۹، ۲۰۵۳ را ندارند [چه گویی؟] دهد او تن^۲ اندر^۳ فریب؟ گر از گفت سن^۴ ز دل آرد نهیب؟]

تو آن^۵ گوی با او^۶ که اندر خورد^۷
 که پیش شه هند بفرودی^۹ آب!
 نگه داری آن رای باریک^{۱۱} اوی^{۱۲}،
 که پیش شه هندوان ارز تست^{۱۴}!
 نسیم گلان^{۱۶} آید از جویبار،
 ز قنوج بر نگذرد^{۱۷} نیکبخت!
 چو باشد درم، دل نباشد^{۱۹} به غم!
 بخندد، چو بیند همی چهر تو!
 چو روی اندر آری تو با او به روی^{۲۴}!
 که از نام گردد دل^{۲۶} شادکام-
 فروز گردد از فر او ارز^{۲۹} ما!
 بدین مرز با از ما سر کنیم^{۳۱}!

۲۰۵۰ [تو گویی مر و را نکوتر بود
 [بگویی-بدان ریز نآید^۸ صواب-
 [کنون گر بیاشی به نزدیک اوی^{۱۰}
 [هر آنجا که خوشتر همه مرز تست^{۱۳}
 به جایی که باشد همیشه بهار^{۱۵}
 ۲۰۵۵ به سالی دو برست بار درخت
 گهر هست و دینار و گنج^{۱۸} درم
 نوازنده شاهی که ز^{۲۰} مهر تو
 ازین گونه^{۲۱} چندا که دانی^{۲۲} بگوی^{۲۳}
 چو این گفته باشی، برشش ز^{۲۵} نام
 ۲۰۶۰ مگر^{۲۷} رام گردد بدین مرز^{۲۸} ما
 ورا زود سالار لشکر کنیم^{۳۰}

بگفت این به بهرام و بنمود راه

بیامد^{۳۲} جهاننده^{۳۳} دستور شاه

۱-س، ل^۲ (نیز، ل، ق، آ، ل، ن، آ، آ): چو ویی: متن = س^۲ (نیز، ل، و، ب) ۲- (لی: دل: و: نهاده او تن) ۳- (ق: مر او را همی با) ۴-س^۲ (نیز، ل، ل، آ، و، آ، ب): ز گفتار من: (ق: از کت من): متن = س، ل^۲ (نیز، ل، ب، ل، ن، آ) ۵-س^۲ (نیز، ق، آ، ل، ل، ل، آ، و، آ، ب): چنان: (ل، ن، آ: وزان): متن = س، ل^۲ (نیز، ل، ن) ۶-س، ل^۲ (نیز، ق، آ، ب، ل، ن، آ): وی: متن = س^۲ (نیز، ل، ل، ل، آ، و، آ، ب) ۷-س^۲ (نیز، ق، آ، ل، ل، ل، آ، و، آ، ب): درخور بود: متن = س، ل^۲ (نیز، ل، ن، ب، ل، ن، آ) ۸-س^۲ (نیز، ق، آ، ل، ل، ل، آ، و، آ، ب): روی کاید: (آ: گوی کاید): س، ل^۲ (نیز، ل، ن): بران رو که باشد: (ب: بران سان که باشد): متن = (ب) ۹- (لی: بفرودت: آ: نرود): دل: منت پیش بفرایند: متن = س، ل^۲ (نیز، ل، ن، ق، آ، ل، ن، آ، ب) ۱۰- (و، آ، ب: او): ل^۲: بگوگر باستی نزدیک من ۱۱- (ل: آ: ت: یک) ۱۲-ل^۲: من: (و، آ، ب: او) ۱۳-س، ل^۲ (نیز، ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ): ولایت تراست: متن = س^۲ (نیز، ل، ل، آ، و، آ، ب) ۱۴-س، ل^۲ (نیز، ن، ق، آ، ل، ن، آ): سپهداری و بارو (ق: تخت و: ل، ن، آ: باز): ملکت تراست: (ب: سپهداری و شیرمردیت خواست): متن = س^۲ (نیز، ل، ل، آ، و، آ، ب) ۱۵-ک: نگار ۱۶-ل: بهار: ل^۲ (نیز، ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب): گلاب: متن = س، ق، ک: (نیز، ل، ن، ل، آ، ب، ل، ن، آ) ۱۷-س^۲ (نیز، ل، ل، آ، و، آ، ب): کمر بگردد: (و: در نگذرد): متن = ل-ل^۲ (نیز، ل، ن، ب، ل، ن، آ): در ل-ل^۲ (نیز، ل، ن، ب، ل، ن، آ): این بیت پس از بیت ۲۰۵۷ آمده است: پایی بیت ها = س^۲ (نیز، ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب) ۱۸-س، ک، ل^۲ (نیز، ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب): گنج و: (ب: چندی: ب: دنیا و گنج و): متن = ل، ق، س^۲ (نیز، ل، ن، و) ۱۹-آ: نذر: ۲۰-س: آن ۲۱-س، ل^۲ (نیز، ل، ن، ل، آ، ب): باب: متن = (ب) ۲۲-س، ل^۲ (نیز، ل، ن، ب، ل، ن، آ): هر چند خواهی: (ق: ب: چند ز تو ای: ل، آ، هر چند دانی): متن = (لی، و) ۲۳- (لی، و، آ، ب: ح: <) ۲۴- (ق: اوی به روی: ل، ل، آ، و، آ، ب: با او تو روی اندر آری برو (ل: اوی): متن = س، ل^۲ (نیز، ل، ن، ب، ل، ن، آ): ل، ق، ک، س^۲ این بیت را نذرند: بنداری: فقال له شکل: لا تعجل فإن لنا بعد معك كلاما. ثم إذ خلا بوزيره و قال له: إن لم يكن هذا الرجل من أقارب بهرام و ليس إلا فارسا من فرسانه فاحتل عليه و اخذعه عن معاودة تلک البلاد: دل: در این جا سرنویس دارد: فرستادن بیغام شنگل بنزد بهرام گور ۲۵- (ل: آ: تو) ۲۶-س^۲ (نیز، ل، آ، و، آ، ب): روان ۲۷-ک: اگر ۲۸-ل^۲ مهر ۲۹-ل^۲ مهر او فر: (لی: فرو از رزم) ۳۰-ق، ل^۲: کتم ۳۱-ل^۲: کتم: و با سر کنیم: ق: برین مرز و لشکرش مهتر کنیم: س^۲ (نیز، ل، ل، آ، و، آ، ب): بدین مرزها سر بر سر کنیم: (ق: و زابو بزرگان جو افسر کنیم): متن = ل، س (نیز، ل، ن، ب، ل، ن، آ): بنداری: وعده من با ل جميل فلعلک تصرفه عن الانصراف. فانا نجعله سالار جنودنا و بهلوان جیوشنا فنبلغ به کل مأمول، و ندرک به کل مطلوب ۳۲-ک: نده (حرف های یکم و دوم بی نقطه) ۳۳- (ب: جهاندار)

که بی نام پاسخ نبودی تمام^۲ -
 دگر شد که^۴ تا چون دهد پاسخش
 مرا در دو کشور^۵ مکن روی زرد!
 گر از نیستی چمد باشم به رنج!
 همان^۹ گردش^{۱۱} راه و^{۱۱} آیین ما!
 به برخاستن گم کند راه خویش!
 بد و نیک بر ما همی^{۱۵} بگذرد!
 که پشت زماه ب.و بود^{۱۷} راست؟!
 جهاندار کیخسرو و^{۱۹} کیقباد؟!
 جوان جهانجوی^{۲۱} خودکام را،
 به مردی^{۲۵} سرآرد^{۲۶} جهان بر سرم!
 به ایران کشد خاک^{۲۷} جادوستان!
 ببیند مرا^{۲۸} شاه پیروزگر
 چنین خواندم خسرو و^{۳۱} باب و مام
 که من دیر ماندم به شهر کسان-

ز بهرام از آن پس^۱ پرسید نام
 چو بشنید بهرام، رنگ^۳ رخس
 ۲۰۶۵ به فرجام گفت: ای^۵ سخنگوی مرد
 من از شاه ایران نیچم^۷ به گنج^۸
 جزین باشد آرایش دین ما
 هر آنکس که پیچد سر از شاه^{۱۲} خویش
 فرونی نجست آنک^{۱۳} بودش^{۱۴} خرد
 ۲۰۷۰ خداوند تاج آفریدون^{۱۶} کجاست
 کجا آن^{۱۸} بزرگان خسرو نژاد؟!
 دگر آنک^{۲۰} دانی تو^{۲۱} بهرام را
 اگر^{۲۳} من ز فرمان او^{۲۴} بگذرم
 نماند بر و بوم هندوستان
 ۲۰۷۵ همان به که من بازگردم به در
 گر از نام پرسیم^{۲۹} برزوی^{۳۰} نام
 همه پاسخ من به شنگل رسان!

۱-ل: زان پس؛ (پ: آنکه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲- (لی: نمودی تمام؛ پ: نبودش تمام؛ ل: از نام میخواست کایدش کام)؛
 بنداری: فاجتمع به الوزیر و فاوضه فیما أشار به علیه الملك، و أخذ یقتل منه فی الذروة و تغارب، و یعارض عقله بالفت فی عقد
 سحره ۳-ک: رنگین ۴-ل: (نیز ق: آ)؛ گشت ۵- (آ: این) ۶-ق: گیتی ۷-س: (نیز لی، ل: آ، و، آ، ب)؛ نگردهم؛ متن = ل-ل: (نیز لن، ق: آ،
 پ، لن: آ) ۸- (ب: رنج) ۹-ل: هم از؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ق: آ، لی، پ، لن: آ، ب) ۱۰-س، ق (نیز لن: آ)؛ گردش و؛ (لن: کرش و)؛ ک: کز
 روش؛ ل: آ: نه ایدون بود؛ س: (نیز ل: آ، آ)؛ روش نیز هم؛ (و: نباشد چنین)؛ متن = ل (نیز ق: آ، لی، پ، ب) ۱۱-س: آ: < و: ل: ق: رای و؛
 متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال له بهرام: إنه عز المرام. و معاذ الله أن أصرف وجهی عن ملک ایران طامعا فی مال أو طامحا
 الی مال، و ان كان حالی بسبب الفقر بحال. و غیر هذا هو السانع فی دینا و الموافق لرسمنا؛ آیت ۱۲-س: (نیز لن: آ)؛ راه؛ پ: از اینجا
 یک برگ سفید گذاشته و صد بیتی ندارد ۱۳-ل: (نیز و، لن: آ)؛ آنکه ۱۴- (و، لن: آ، آ: دارد) ۱۵-س: (نیز لی، ل: آ، و، آ، ب)؛ که بر مابد و
 نیک هم؛ متن = ل-ل: (نیز لن، ق: آ، لن: آ)؛ بنداری: فإن کل من بزوی وجهه عن خدمة مالکة و یوعا عن مناهج دینه و مسالکة ۱۶-ل:
 گیتی فریدون؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-س: (نیز ل: آ، و، آ)؛ گشت؛ لی: این بیت را ندارد؛ ک: بیت های ۲۰۷۰-۲۰۷۱؛ رادو بیت
 سپس تر آورده است ۱۸- (آ: این) ۱۹-ل: < و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ لی: این بیت را ندارد ۲۰- (لن: آ، آ: آنکه) ۲۱-ل: داند
 (نقطه ندارد)؛ (ق: آ: داری تو؛ لی: دانی که)؛ متن = س-س: (نیز لن، ل: آ، و، ب) ۲۲-ل: جهاندار پیروز؛ س: سوار جهانجوی؛ ق: دلیر
 جهاندار؛ ک: شناسی جهاندار؛ (آ: جوان و جهانجوی و؛ ب: شهنشاه باداد)؛ متن = ل: آ، س: (نیز لن-س: آ، و، لن: آ) ۲۳-ل: آ، س: (نیز لی، ل: آ،
 و، آ، ب)؛ که گر؛ متن = ل-ک (نیز لن، ق: آ، لن: آ) ۲۴- (ب: زمانی ازو) ۲۵- (ق: آ: بمن بر) ۲۶- (آ: بر سر آرد بر (وزن ندارد))
 ۲۷- (آ: خاک) (وزن ندارد) ۲۸-س: (نیز لن، لن: آ)؛ بسند مرا؛ (ق: آ: بیچد ز من)؛ متن = ن-ق-س: (نیز لن، ل: آ، و، ب)؛ لی: این بیت را
 ندارد؛ بنداری: و ایضا فإنه لا یخفی علیک أن بهرام إن بلغه ذلك عنی اغتاظ و قصد هذه الممدک ذخربها و لم یبق منها اثر. فالأولی بی
 و بکم أن أنصرف الیه. فیلغ هذا الجواب الی شکل و حصل لی إذنا فی الانصراف ۲۹-ق، ک، س: (نیز لی، ل: آ، و، آ، ب)؛ اگر (ب: گراز) نام
 پرسی تو؛ متن = ل-س، ل: (نیز لن، ق: آ، لن: آ) ۳۰-ل: آ: برزوست ۳۱-ل، س، ق، ل: آ، س: (نیز لن، ق: آ، و، ب)؛ شاه و هم؛ (لی: شاه را)؛
 متن = ک

چو دستور بنسید. پاسخ ببرد
 ز^۲ پاسخ پرآزنگ^۳ شد روی شاه
 ۲۰۸۰ یکی چاره سازم کنون^۶ من^۷ که روز
 شنیده همه^۱ پیش او برشمرد
 چنین گفت: اگر^۴ دور ماند ز راه^۵،
 سرآرم^۸ برین^۹ مرد لشکر^{۱۰} فروزا!

گف نار اندر کشتن بهرام گور کرگ را در هندوستان^{۱۱}

یکی کرگ بود در آن شهر^{۱۲} شاه
 از آن^{۱۵} بیشه گریختی شیر نر
 یکایک همه هند^۷ ازو^{۱۸} بر^{۱۹} خروش
 به بهرام گفت: ای پسندیده مرد
 ۲۰۸۵ به نزدیک این^۲ کرگ باید شدن
 اگر زو نهی گرد^{۲۵} این بوم و بر
 یکی دست باشدت نزدیک^{۲۷} من،
 که جاوید در کور هند و چین^{۲۹}
 ز بالای او^{۱۳} بسته بر باد^{۱۴} راه!
 همان ز آسمان^{۱۶} کرگس تیزپرا!
 از آواز او کر شدی^{۲۰} تیزگوش!
 برآید به^{۲۱} دست تو این کار کرد!
 همی^{۲۳} چرم او را به تیر آزدن^{۲۴}!
 به فر تو ای مرد^{۲۶} پیروزگر،
 چه نزدیک این^{۲۸} نامدارانجمن،
 کند هر کسی بر تو بر^{۳۰} آفرین^{۳۱}!

۱-ل: سخن؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲- (لن، آ، ب: به) ۳- (لی: ارزنگ: آ از رنگ) ۴- س، ک، ل، ۲ (نیز لن، لی، لن، آ): کو: ق: کز: س^۲ (نیز ل، آ، و، آ، ب): گر: متن = ل ۵- ق دیر ماندن براه: (ق: آ: بدو گفت من دور ماندم ز راه) ۶- س: ترا: (لن، لن، آ: برو) ۷- (ق، آ، لی: من اکنون) ۸- ل، ک، س، ۲ (نیز لن، لی، و، لن، آ): سرآید: (آ: سراندر): متن = ل (نیز ل، آ، ب) ۹- ل، س، ل، ۲ (نیز لن، ق، آ، لن، آ، ب): بدین: (لی: بدان: آ: تن): متن = ق، ک، س، ۲ (نیز ل، آ، و) ۱۰- ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ل، آ، و، آ، ب): گیتی: ک: مرز لشکر: (لی: گرد گیتی): متن = ل، س، ق (نیز لن، ق، آ، لن، آ): بنداری: فانصرف الدستور، و سرد جواب بهرام علی صاحبه، فعظم ذلك عليه وقال: سأدبر أمرا يعقل ظل هذا الرجل الشجاع ويخني عليه ۱۱- ل، س: کشتن بهرام گور کرگ را به (س: در) هندوستان: ق: جنگ بهرام با کرگ در هندوستان بحکم شاه شنگل؛ س: آ: رزم بهرام با کرگ و کشتن بهرام کرگ را: متن = [گفتار اندر +] ل، ک، در این جا سر نویس ندارد ۱۲- ک (نیز ق، آ، ل، آ، و، آ، ب): مرز: (لی: بد اندران مرز): متن = ل، س، ق، ل، ۲، س، ۱ (نیز لن، لن، آ) ۱۳- س (نیز لن، لن، آ): بیالاتی آن: (لی: ز بالا بدو) ۱۴- (ق، آ: بناد بر بسته) ۱۵- (آ: از این) ۱۶- ل، ل، ۲، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب): هم از: (لن، آ: همی باسمان): متن = س، ق، ک (نیز لن) ۱۷- (ق، آ، لی: مرز): س، ۲ (نیز ل، آ، و، آ، ب): سراسر همه مرز: متن = ل- ل (نیز لن، لن، آ) ۱۸- (لی: او) ۱۹- س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، ل، آ، و، آ، ب): در: (لن، آ: بر): متن = ل، ق (نیز ق، آ، لی) ۲۰- (ل، آ: شده): بنداری: قال: وكان في بعض غياض فتوح كركدن عظيم كاد يسد بطوله و عظمه على الرياح طريق الهبوب، هائل يفتر منه الأسد في الخيس، ويخشاها النسر الطائر فر الجزر وكانت الهنود من هذا الحيوان في نعب وعناء عظيم ۲۱- ق: ز: ل، ۲ پس از این بیت افزوده است:

یکی بینه نزدیک شهر منست
 کران بیشه اندیشه بهر منست
 یکی کک در وی بسان نهنگ
 بدرد دل شیر و چنگ پلنگ

۲۲- ل، س، ک، ل، ۲ (نیز لن- ل، آ، و- ب) آن: متن = ق، س، ۲ ۲۳- ل، س، ک، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و- ب): همه: (ق، آ: همان): متن = ق، ۲۴- ک: آزدن ۲۵- س، ق، ل، ۲، س، ۲ (نیز لن، و، آ، ل، آ، و- ب): مگر زو برآساید: ک: ازو گر برآساید: (لی: مگر برهد از کرگ): متن = ل ۲۶- ک: شاه ۲۷- ک (نیز ل، آ): باشد نزدیک: ق: شدت دست نزدیک: متن = یازده دستویس دیگر ۲۸- (لی: آن): ق: همان نزد این: متن = دوازده دستویس دیگر ۲۹- ل: هندوان: من = سیزده دستویس دیگر ۳۰- ک: زان: س، ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ): بر تو بر هر کسی: ق: ببینی ز هر کس بتو: متن = س، ل، ۲ (نیز لن، لن، آ، ب) ۳۱- ل: بود زنده نام تو تا جاودان: بنداری: فقال لبهرام: انی آرید ان تکفی اهل هذه البلاد شر هذا الحيوان، و اذا فعلت ذلك فقد أسدت آلبايدالا تنسی أبدا

که با من نباید یکی^۲ رهنمای،
 بینی به خون غرقه^۴ پیراهنش^۵!
 که او را^۶ نشیمن بدانست و^۷ جای
 بدان^۹ بیشه‌ی کبگ^{۱۰} ریزنده^{۱۱} خون
 ز بالا و پنهان^{۱۴} اندام اوی^{۱۵}
 خرامان بدان بیشه‌ی کرگ تفت^{۱۸}
 به پیگار آن خرگ بسته میان
 ز هنگش^{۲۲} همی پست^{۲۳} شد بوم^{۲۴} اوی-
 ز مردی همی گذرانی^{۲۵} سخن!
 و گرچه^{۲۷} دلیرند ناهان^{۲۸} به جنگ!
 بدین جنگ دستوری شاه^{۳۰} نیست!
 اگر بشنود، نبرد^{۳۲} گاه^{۳۳} من!
 مرا گر به هندستان داد خاک،

بدو گفت بهرام پاکیزه‌رای
 ۲۰۹۰ چو بینم^۳ به نیروی یزدان تنش
 بدو داد شنگل یکی رهنمای
 همی رفت با نیک‌دل^۸ رهنمون
 همی گفت چندی^{۱۱} از^{۱۲} آرام اوی^{۱۳}
 چو بنمود، برگشت و^{۱۶} بهرام رفت^{۱۷}
 ۲۰۹۵ پس پشت او چند از ایرانیان^{۱۹}
 چن^{۲۰} از دور دیدند خرطوم اوی^{۲۱}
 بدو هر کسی گفت: شاها مکن
 نکرده‌ست کس جنگ با کوه سنگ^{۲۶}
 به شنگل چنین گوی کین راه^{۲۹} نیست
 ۲۱۰۰ به فرمان کنم جنگ تا^{۳۱} شاه من
 چنین داد پاسخ که یزدان پاک

۱-ک: بیاید؛ ل: آ؛ ناید (حرف دوم بی نقطه) ۲-(ب: کسی) ۳-(لی، ب: هم اکنون: ۴-ل: آ؛ کشته ۵-(ل: آ؛ پیرامش) ۶-ق: آن ۷-(آ: ب: <و>)؛ ل: آ؛ این بیت را ندارد ۸-ل: آ؛ بدو داد شنگل یکی ۹-ل: آ؛ دران: (ل: آ؛ بران) ۱-س: آ (نیز لی، ل: آ، و، آ: ب): دل پرز؛ متن = ل-ل: آ (نیز لن، ق: آ، لن: آ) ۱۱-ل: لن، لن: آ؛ چندین ۱۲-ل: ل، ل: آ، س: آ (نیز ق: آ، لی، ل: آ، و، آ: ب: از: مان = س، س: ک (نیز لن، لن: آ) ۱۳-ل: س، ک (نیز ل، آ، و، آ: ب): او؛ کوی؛ متن = ل: آ، س: آ (نیز لن، ق: آ، لن: آ) ۱۴-س: آ؛ پنهان ۱۵-ل: س، ل: آ؛ متن = ک، ل: آ، س: آ (نیز لن، ق: آ، لی، و، لن: آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۶-ل: (نیز ق: آ، لن: آ)؛ بنمود و برگشت و: ل: آ (نیز آ): بنمود و برگشت؛ متن = س، ق، ک، <و> (نیز لن، و، ب) ۱۷-(آ: تفت)؛ س: آ؛ بنمود بهرام برگشت و رفت؛ (لی: بهرام بنمود و برگشت و رفت: ل: آ؛ چو بشنید بهرام برگشت و رفت) ۱۸-(آ: رفت)؛ بنداری: فقال بهرام: دلونی علیه فانی اذا رأیته کفیتکم شره بحول الله و قوته. فعین له شکل من یدله علی الکرکدن. فرکب بهرام فیمن کان معه من أصحابه، و تقدّمهم حتی انتهوا الی تلك الغیضة ۱۹-ق: نیز آ): زایرانیان ۲۰-ل: ق، س: آ (نیز ق: آ، لی، ل: آ، و، ب): چو؛ متن = س (نیز لن) ۲۱-ل: ل-ل: آ (نیز ق: آ، لی، ل: آ، و، آ: ب): او؛ متن = س: آ (نیز لن، لن: آ) ۲۲-ک: هر کس ۲۳-(لی: کشت) ۲۴-(ق: آ، موم) ۲۵-ل: بگذرد این: (ب: بمردی همی بگذرانی)؛ متن = دوازده دستریس دیگر ۲۶-ل: س، ک، ل: آ (نیز لی، لن: آ): کوه و سنگ: س: آ (نیز ق: آ، ل: آ، و، آ): کوه کک؛ متن = ق (نیز لن، ب) ۲۷-ق، س: آ (نیز لی، ل: آ، و، آ): آ؛ چه؛ متن = ل، س، ک، ل: آ (نیز لن، ق: آ، لن: آ، ب) ۲۸-ل: دلیرست خسرو؛ ل: آ، س: آ (نیز ق: آ، لی، ل: آ، و، آ: ب): دلیری تو شاها؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، لن: آ): در ولت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۲۹-س (نیز ب): رای؛ س: آ (نیز لی): گفت کین راه ۳۰-س: رای؛ ب: پساوند: ندا: ۳۱-س (نیز ق: آ): نا (بی نقطه)؛ ل: آ؛ ای؛ س: آ (نیز لی، ل: آ، و، آ: ب): اگر؛ (لن: آ؛ یا)؛ متن = ک (نیز لن) ۳۲-س (نیز لن، و، ب): بسرد: (حرف یکم بی نقطه)؛ س: آ؛ بسرد: (ق: آ؛ بترد: لی: نیز بر)؛ ک: بشنوم بسرد: (حرف یکم از واژه دوم بی نقطه)؛ ل: آ؛ که گر بشنود سترد: (و: همی بشنود سترد (واژه پسین بی نقطه)؛ آ: که چون بشنود بسپرد (حرف یکم از واژه پسین بی نقطه))؛ متن = (لن: آ) ۳۳-ل: آ؛ همی بشنود بسپرد (چاه)؛ ل: ق این بیت را ندارند؛ بنداری: فلما رأى الایرانیون ذلك الحيوان العظيم أشاروا علی بهرام بالأی عرض نفسه للبلاد، و ينصرف عنه و يتمسک عند شکل ببعض المعاذیر

به جای دگر مرگ من چون بود؟
 کمان را به زه کرد مرد جوان
 بیامد دمان^۴ تا به نزدیک کرگ
 ۲۱۰۵ کمان کیانی نرفته به چنگ
 همی^۹ تیر بارید همچون نگرگ
 چو دانست کو را سر آمد زمان
 سر کرگ را پست^{۱۳} برید و گفت:
 که او داد چندین مرز^{۱۴} فرّ و زور^{۱۵}
 ۲۱۱۰ بفرمود تا گاو و^{۱۶} گردون برند
 ببردند و^{۱۹} چون دید سنگل ز دور
 چو بر تخت بنشست پرمایه شاه^{۲۲}
 همی کرد هر کس برو^{۲۵} آفرین
 کز انداز اندیشه^۲ بیرون بود!
 -تو گفتمی همی خوار گیرد روان^۳!
 پر از خشم سر، دل^۵ نهاده به مرگ^۶،
 ز ترکش برآورده^۷ تیر^۸ خدنگ،
 برین^{۱۰} هم نشان تا^{۱۱} غمی گشت^{۱۲} کرگ!
 برآهخت خنجر به جای کمان،
 به نام خداوند بی یار و جفت،
 به فرمان او تا بد از چرخ هور
 سر^{۱۷} کرگ از آن بیشه^{۱۸} بیرون برند
 به دیبا بیاراست^{۲۰} ایوان^{۲۱} سور
 نشانند^{۲۳} بهرام را^{۲۴} پیش گاه
 بزرگان هند و سواران چین^{۲۶}

۱-ق،ک،س^۲ (نیز ل،لی،لن،آ،ب): بجایی: متن = ل،س،ل^۲ (نیز ل،ن،ق،آ،ل،و) ۲-ل: که اندیشه ز اندازه: س،ک (نیز ل،ن،لی،لن،آ،ب): که اندازه ز اندیشه: ق: کز اندیشه ز اندازه: ل،س،آ^۲ (نیز ل،آ): کز اندازه اندیشه: (ق: از اندازه اندیشه): متن تصحیح قیاسی است: ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

کسی را که باشد نژادش ز خاک
 اگر باز گردد بدو بر چه پاک
 شما غم مدیریت ای سروران
 سر آرم من این کرگ بد را روان

۳-ل،آ^۲ (نیز ل،ن،ق،آ،ل،ن،آ): گیرد اوی روان (ق: آ: توان): متن = ل،ک،س^۲ (نیز ل،لی،ل،و،آ،ب) ۴-ل،ک (نیز و): دوان: متن = یازده دستنویس دیگر ۵-س،ق،ک (نیز ل،لی،ق،آ،ل،آ،ل،ن،آ): خشم دل سر: متن = ل،س،آ^۲ (نیز ل،لی،و،آ،ب) ۶-ل،آ: گشته ز کرگ سترگ ۷-ل،س،ک،ل،آ^۲ (نیز ل،ن،ل،آ،و،لن،آ،ب): <ه>: متن = ق (نیز آ) ۸-س (نیز ل،ن،لی،و): تیری: متن = ده دستنویس دیگر ۹-س^۲ (نیز ل،آ،و،آ،ب): برو: (لی: بدو) ۱۰-ق: بدان ک (نیز و^۲): بدین: متن = ل،س،ل^۲ (نیز ل،ن،ل،ن،آ) ۱۱-س^۲ (نیز ل،و،ب): دمام همی تا: (لی: دمام همانا) ۱۲-ل،س^۲ (نیز لی): غمین: و: تا بیفکند: ل،آ: تا بدست: (آ: دمام تا همی کشت (وزن ندارد)): متن = س،ک (نیز ل،ن،ق،آ،ل،و،لن،آ،ب): ق^۲ پس از این بیت افزوده است

یکی تیر زد بر کمرگاه اوی
 که تیره شد اندر زمان ماه اوی

۱۳-ل،راست: متن = سیزده دستنویز دیگر ۱۴-ل،و،ما را چنین: آ: چندین مراداد او) ۱۵-ب: داد ما را فر و برز و زور: ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

ببردند ندان کرگ و برفت
 سوی کاخ سنگل گرازید تفت

۱۶-ل،ل،آ^۲ (نیز ل،لی،ل،آ): <و>: متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ق: تن ۱۸-ل (نیز ق^۲): زان بیشه: ق: از بیشه: (لن: از اندیشه): متن = ده دستنویس دیگر: بنداری: فلم یقبل و رتر دسه و بادر الیه و رشقه بالسهام حتی أضعفه واستل خنجره و قطع رأسه مستعینا بالله وحده. فأمر بأن يحمل رأسه على العجل الميبدن سنگل ۱۹-ل،ل،س^۲ (نیز ق^۲،لی،ل،آ،ل،ن،آ،ب): <و>: متن = س،ق،ک (نیز ل،ن،و) ۲۰-ل،لی: بیاراست آنگاه) ۲۱-س^۲ (نیز ل،ن،آ،ل،ایوان و): متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲-ق: نشست از بر تخت بر شاه هند ۲۳-س (نیز ل،ن): نشانید: ل،آ: نهادند: (و: ببردند): متر = ده دستنویس دیگر ۲۴-ک: در: ل،آ: <را> (وزن ندارد): متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵-ک (نیز ل،لی،ل،آ): بدو: متن = یازده دستنویس دیگر ۲۶-س^۲ (نیز ل،لی،ل،و،آ،ب): دئیران چین: ق: و شیران و مردان کین: متن = ل،س،ک،ل،آ^۲ (نیز ل،ن،ق،آ،ل،ن)

برفتند هر مهتری با نثار
 ۲۱۱۵ کسی^۲ را سزای^۳ تو کردار نیست!
 به بهرام گفتند کای نامدار^۱
 به کردار تو ره^۴ دیدار نیست!
 ازو شاد سنگل گه^۵ و گه به غم^۶
 گهی تازه روی و زمانی^۷ دژم^۸

گفتار اندر کشتن بهرام ازدها را به هندوستان^۹

یکی^{۱۰} ازدها بود بر خشک و^{۱۱} آب
 همی در کشیدی به دم^{۱۳} زنده^{۱۴} پیل
 چنین گفت سنگل به یاران خویش
 ۲۱۲۰ که من زین فرستاده‌ی شیرمرد^{۱۸}
 مرا پشت بودی، گر^{۲۰} ایدر بدی
 گر^{۲۲} از نزد ما سوی ایران شود
 چو کهنتر چنین باشد و مهتر اوی^{۲۴}
 همه شب همی کار او ساختم^{۲۶}
 به دریا بدی گاه و گه بافتاب^{۱۲}
 و زو^{۱۵} خاستی^{۱۶} موج دریای نیل!
 بدان تیزهش رزداران^{۱۷} خویش،
 گهی شادمانه، گهی پر ز درد^{۱۹}
 به قنوج بر کشوری^{۲۱} سر بدی
 ز بهرام قنوج ویران^{۲۳} شود
 نماند برین بوه ما^{۲۵} رنگ و بوی^{۲۴}
 یکی چاره‌ی دیگر انداختم^{۲۷}

۱-س: شهریار؛ (ق: آی نامدار) ۲-ل: که ما ۳-ل: (ز رای) ۴-ل: ماه؛ س: (نیز لی، ل، و، ا، ب)؛ نه کار تراره؛ متن = س-ل-۲ (نیز لن، ق، ل، ن، ۲)؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

چو تو کس بمردی نباشد شگفت
 ز دیدارت اندازد بایا گرفت
 برین نیز یکچند بگذشت روز
 همی داشت بهرام را دل فروز

۵-ل، ق، ک، س: (نیز ق، ل، ل، ا، ب)؛ شادمان سنگل: ل: (نیز و)؛ ازان شادمان سنگل: متن = س (نیز لن، ل، ن، ۲)؛ ۶-ل: بدرد؛ (و: بغم)؛ ل، ق: دل به غم؛ ک: او بغم؛ (ب: هم بغم)؛ متن = س، س: (نیز لن-ل، ل، ا، ن، ۲)؛ ۷-س: (نیز ق، ل، ل، و، آ: بودی زمانی؛ ل: بود و زمانی؛ ب: بودی و گاهی)؛ متن = ل-ک (نیز لن، ل، ن، ۲)؛ ۸-ل: یکی روی گلگون یکی روی زرد؛ بنداری: فاذسرف و قد طنت أرجاء المدینة بما تیسر علی ید بهرام من قتل ذلک الشیطان الصائل و الشعبان الهائل. فدخل علی سنکل فأنشی علیہ الملوک و الأمراء، و سنکل مسرور من وجه مهموم من آخر ۹-ل: کشتن بهرام گور ازدها بهندوستان؛ س: کشتن بهرام گور ازدها در هندوستان؛ ق: جنگ بهرام گور در هند با ازدها بحکم سنگل؛ س: جنگ بهرام گور با ازدها؛ ک: این سرنویس را ندارد؛ متن = [اختار بدر +] ل: در همه دستنویس‌ها این سرنویس ده بیست بیت سپس تر آمده است ۱۰-ل: (لی: کهی) ۱۱-ل: (ق: لی: < >)؛ ق: نزدیک ۱۲-ل: (نیز ق: آ)؛ گاه بر آفتاب؛ س، ق، ک: (نیز لن، ل، ن، ۲)؛ گاه در آفتاب؛ س: (نیز لی، ل، و، آ، ب)؛ گهی گاه در آفتاب؛ متن = ل-۱۳-ل: (ب: ۱۴-س: < >)؛ ۱۵-ک: ازو ۱۶-ل: (آ: خاستی) ۱۷-ک: نامداران؛ (ق: آ: برهنر نامداران)؛ ل: ایران برهنر نامداران ۱۸-ق: دل ۱۹-ق: سیردل؛ ل: وی زرد)؛ ۲۰-ک: از ۲۱-س: (نیز لن، ل، ن، ۲)؛ کشورم؛ س: (نیز لی، ل، و، آ، ب)؛ لشکرم؛ متن = ل، ق، ک، ل: (نیز ق، ل، ن، ۲)؛ ۲۲-ق: ور ۲۳-ل: (آ: بیران)؛ ۲۴-ق، ل: (نیز آ، ب)؛ < >؛ بنداری: فخلا بأصحابه و قال: قد أخذتني الفكرة بسبب هذا الرسول. فإنه إذا عاد الی بلاد ایران له نسلم من عاديته و معرفته. و نواقم عندنا لا نخذناه لنا ظهیر و نصیر، و جعلناه بهنونا کبیرا ۲۵-ل: (با: س: و بر: س: (نیز و)؛ درز ما؛ ل: ل، ا، ب: بدین مرز ما؛ آ: بهندوستان)؛ متن = ل، ق، ک، (نیز لن، ل، ن، ۲)؛ ۲۶-س: (نیز لی، ل، و، آ، ب)؛ ساختند؛ (ل: ساخیم)؛ متن = ل-ل: (نیز ق، ل، ب، ل، ن، ۲)؛ ۲۷-س: (نیز لی، ل، و، آ، ب)؛ انداختند؛ (ل: انداخیم)؛ س: ل، ل، و، آ، ب: پس از این بیت افزوده شد (لی: ب: بیت دوم را ندارند)؛

یکی ازدها بود دیگر بکوه
 شده روی کشور - نگش ستوه
 چنین گفت گور از جزین چاره نیست
 که چون ازدها بیج نیره نیست

۲۱۲۵ فرستمش -گفت- سوی^۱ ازدها
 نباشم نکوهیده از^۳ کار اوی^۴
 بگفت این^۷ و برام را پیش خواند
 بدو^{۱۰} گفت: زدان پاک آفرین^{۱۱}
 که هندوستان را^{۱۴} بشویی^{۱۶} ز بد
 ۲۱۳۰ یکی کار پیش است با درد و رنج
 چن آن^{۱۸} کرده اشی زمانی میای^{۱۹}
 به سنگل چنین پاسخ آورد شاه^{۲۱}
 ز فرمان تو نگذرم یک زمان
 بدو گفت سنگل ک چندین^{۲۵} بلاست^{۲۶}
 ۲۱۳۵ به خشکی و^{۳۰} دریا همی بگذرد
 توانی^{۳۲} مگر چاره بی ساختن

کزو بی گمانی^۲ نیابد رها
 چو^۵ با ازدها بود پیکار اوی^۶
 بسی داستان دلیران^۸ براند^۹
 ترا ایدر آورد^{۱۲} از^{۱۳} ایران زمین^{۱۴}،
 چنان کز ره^{۱۷} نامداران سزدا
 به آغاز رنج و به فرجام گنج!
 به خشنودی من برو^{۲۰} باز جای!
 که از رای تو بگذری^{۲۲} نیست راه^{۲۳}!
 مگر بد بود گردش آسمان^{۲۴}!
 برین^{۲۷} بوم ما بر^{۲۸} یکی ازدهاست^{۲۹}،
 نهنگ دم آهنج را^{۳۱} بشکرد!
 ازو^{۳۳} کشور هند پرداختن

۱-ل: فردا بر؛ س، ق، ک، س^۲ (نیز ان-ب: نزدیک آن؛ متن = ل^۲ ۲-ل: گمان هم؛ ل^۲: کزو بیگمان (وزن ندارد))؛ بنداری؛ و قد
 أفكرت البارحة في أمره فرأيت أن أتره بقتل الثعبان الفلاني و كان في تلك الناحية ثعبان كان يأوي تارة إلى البحر و أونة إلى البر، أعظم
 ما يكون من الثعابين. و بلغ من ضارته أنه كان يلتهم الزنديل قال: و اذا تصدى لمقاتلة هذا الثعبان أهلکه لا محالة ۳-ل: نکوهیده؛
 متن = چهارده دستویس دیگر ۴ ل، ق: نیز ل^۲، و، آ: او؛ متن = ده دستویس دیگر ۵- (ق: آ: که) ۶-ل، ق، ک: خود شود جنگجوی؛
 س، س^۲ (نیز ل^۲، و، آ، ب): گردد او جنگجوی؛ (لن، ق، آ، پ، ل^۲: او شود جنگجوی؛ ل^۲: سازد او جنگجوی)؛ متن = ل^۲: ق: آ: پس از این بیت
 افزوده است:

چه گید ای نامور مهتران پسندیده رای مرا ای سران

۷- (ق: آ: فرستاد) ۸- (ق: آ: دلیری) ۹- (ل: آ: ب: بخواند)؛ بنداری؛ و بلغت الغرض فيه من غير أن أدم بقتل رسول عند الملوك. ثم
 استحضر بهرام و قال معه في حديث الرحولية و الشجاعة و البسالة ۱۰- (و: چنین) ۱۱- س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، و، آ، ب): داد آفرین؛ ل^۲: بر
 کردگار آفرین؛ (ل^۲: نزد آن پاک دین (وزن ندارد))؛ متن = ل-ک (نیز ل^۲، پ) ۱۲-ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲، و): که او مر ترا براند؛ (آ: بدان مر
 ترا براند)؛ متن = ل-ک (نیز ل^۲، ل^۲، و، آ، ب) ۱۳-ل، ق (نیز ل^۲، آ): ز؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۴- (پ: بهر این؛ آ: ایدر زمین)
 ۱۵- (ل: آ: هندوستانی) ۱۶- (پ: بشاید) ۱۷- (ل^۲: کن که از) ۱۸-ل، س، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، آ، ب): چو این؛ ق: چو آن؛ متن = (لن) ۱۹-س:
 سای (بی نقطه)؛ (ل^۲: بیای؛ ل^۲: ب: خشک دی من زمانی بیای) ۲۰-ل^۲ (نیز ق^۲): بشو؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ بنداری؛ ثم قال:
 إن الله تعالى إنما جاء بك إلى هذه الديار لتخلص أهلها من الشر. و قد بقي أمر آخر أعظم من الأول. و اذا كفتنا ذلك فلک أن تثنی
 عنانک، و ترجع إلى بلادک مشکور عالی لاسم ۲۱-س^۲ (نیز ل^۲): گفت بهرامشاه؛ (ل: آ، و، آ، ب: گفت پیروزشاه) ۲۲-ل، س (نیز ل^۲، ق، آ،
 پ، و، ل^۲، آ، ب): بگذرم؛ (آ: بگذرد؛ ل^۲: گر از رای تو بگذرم)؛ متن = ک، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، ل^۲) ۲۳-ق: جز رای تو نیست ما را پناه ۲۴-س^۲
 (نیز ل^۲، ل^۲، و، آ): و گر بود خواهد هم ایدر زمان؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۵-س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، و، آ): ما را؛ متن = ده دستویس دیگر
 ۲۶-ل: آ: بلا ۲۷-ل، ق، ک: بدین؛ س^۲ (نیز ل^۲، ل^۲، و، آ، ب): که بر؛ متن = س، ل^۲ (نیز ل^۲، ق، آ، ب، ل^۲) ۲۸-ل، ق: در؛ ک: در؛ ل: آ: هست از؛ متن =
 یازده دستویس دیگر ۲۹-ل: آ: ازدها ۳۰- (ق: آ: ز) ۳۱-ل، ق: دماهنگ را؛ (آ: دم آهنج را؛ ب: دژم راهمی؛ ل^۲: نهنگ دم آنج را)؛ متن = ده
 دستویس دیگر ۳۲-ک: تو دانی؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۳۳-ل^۲ (نیز ل^۲، آ، ب): و زو؛ متن = دوازده دستویس دیگر

به ایران بری^۱ باژ هندوستان
همان^۴ هدیه‌ی هند با باژ نیز^۵
بدو گفت بهرام کای پادشا
به فرمان^۹ دازنده یزدان پاک
نمایم یکی تا^{۱۰} نشیمن کجاست

فرستاد شنگل یکی راهجوی^{۱۲}
همی رفت^{۱۴} با نامور سی^{۱۵} سوار
همی تاخت تا پیش دریا رسید
۲۱۴۵ بدید آن تن و^{۱۸} پیچش و خشم اوی^{۱۹}
بزرگان ایران خروشان شدند
به بهرام گفتند کای شهریار
بدین^{۲۴} بد مده شهر^{۲۵} ایران به باد!
به ایرانیان گفت بهرام گرد^{۲۸}
۲۱۵۰ مرا گر زمانه بدین ازدهاست

که آن ازدها را نماید بدوی^{۱۳}
از^{۱۶} ایران بزرگان^{۱۷} خنجرگزار
به تاریکی آن ازدها را بدید
همی آتش افروخت از چشم اوی^{۱۹}
و زان^{۲۰} ازدها تیز^{۲۱} جوشان شدند
تو^{۲۲} این را چن آن^{۲۳} کرگ پیشین مدارا!
مکن دشمنت را بدین^{۲۶} بوم^{۲۷} شادا!
که تن^{۲۹} را به دادار باید سپردا!
به مردی فزونی گیرد^{۳۰}، نه کاست!

۱-س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): کشی؛ متن = ل-ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن) ۲-ل: باشد؛ س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): گردند؛ متن = س-ل^۲ (نیز لن، ق، آ، پ، لن) ۳-ل: بدین داستان؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال: ابنى ممثلا لامرك - سير خارج عن حكمك. فذكر له حال ذلك الثعبان وما يعانیه الناس من أذيته. وسأله أن يقصده فيكفهم شره، وينفى عن أرض الهند بعتره - ضره ۴-س^۲ (نیز ل، آ، ب): بسی؛ لی، ب: همه) ۵-لن: و چیز: ل-سند با باز نیست) ۶-ل: خود؛ س^۲ (نیز ل، آ، ب): ز مشک و: متن = ل-ک (نیز لن، ق، آ، ب): لی، لن، آ-ل (نیز ق، آ، ب): و عنبر؛ ق: ز مشک و: متن = س، ک، ل، آ، س^۲ (نیز لن، ل، آ، ب): پ این بیت را ندرد؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

بایران ترا نام ازین بر شود همانا که با ابر هدیر شود

۸-ل، ق (نیز و، آ): شاه و: متن = یازده دستنویس دیگر ۹-س^۲ (نیز لی، ل، آ، ب): نیروی؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۰-ل، ک، س^۲ (نیز لن، ب): ندانم که او را؛ متن = ل-۱۱-ق-س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، ب): بما؛ (و، آ، مرا)؛ متن = ل، س، نیز ق^۱، پ، لن، آ)؛ بنداری: فتقبل ذلك وسأل أن ينفذ معه من يدله على مكانه ۱۲-آ: <ی>؛ ق: کارجوی ۱۳-آ: <ی>؛ ق: باوی؛ در ق^۱ این بیت با بیت سپسین پس و پیش شده است ۱۴-ق: راند) ۱۵-ل-س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): صد ۱۶-ل-ز: ۱۷-ل (نیز و): سواران؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل، س، ق، ل، آ، ق، ل، آ، و، لن، آ، ب سرنویس کشتن ازدها را در اینجا آورده اند؛ لن، ب هشت نه بیتی سپس تر؛ س^۲، ی، آ در آنجا که در این تصحیح آمده است؛ و بیت ۲۱۴۴ را ندارد ۱۸-پ: همه؛ لی: بدیدند آن) ۱۹-ق، ک، ل (نیز آ، ب): <ی>؛ متن = س، س^۲ (نیز لن-ل، آ): ل این بیت را ندارند؛ بنداری: فركب في فرسانه الثلاثين الذين صحبوه من إيران، و الدليل يقدمهم حتى انتهى إلى الساحل. فرأى ذلك الثعبان و عظمه، و شاهد تعيظه و نمره، و رأى حدقيه تستمران استعار الجحيم ۲۰-ق (نیز لن): زان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۱-ل، ق-س^۲: نیز (حرف یکم بی نقطه)؛ س: تیر؛ (ق^۱ و، نیز؛ لی، لن، آ، نیز؛ پ، ب: تیز و)؛ متن = (لن-ل) ۲۲-ل (نیز آ، مر) ۲۳-ل، س، ق، س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، ب): چو آن ک (نیز لن، ق، آ، ب): چنان؛ ل: آ؛ چنین؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۴-ق، ل: برین ۲۵-ق: ملک ۲۶-و: برین) ۲۷-ل: کار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۲۸-ق: گور) ۲۹-ل: این؛ س، ل، آ، س^۲ (نیز لن-آ): جان؛ متن = ق، ک (نیز ب)؛ ق^۲ پساوند ندارد ۳۰-ق: نگرده؛ و: زمانه فزونی نگیرد)؛ بنداری: فضح الايرانيون عن ذلك و قالوا: أياها الملك! لا تلق بيدك إلى التهلكه، و أبى على الملك و المملكة. فلم يقبل و تشر كأمدا أصبح للبدیه نافضا، و قال الله خر حافظا

کمان را به زه کرد و بگزید تیر^۱
 بران^۳ ازدها تیرباران گرفت
 به پولاد پیکان دهانش بدوخت^۵
 دگر چارچوبه بزد بر سرش
 ۲۱۵۵ تن ازدها گشت ز آن^۹ تیر^{۱۰} سست
 سبک^{۱۳} تیغ بهرگون برکشید
 به تیغ و تبرزین بزد^{۱۵} گردنش
 به گردون سرش^{۱۷} سوی^{۱۸} شنگل کشید
 برآمد ز هندوستان آفرین
 ۲۱۶۰ که زاید از آن^{۲۲} خاک چونین سوار
 بدین^{۲۳} برز^{۲۴} بالا و این شاخ و یال^{۲۵}

که پیکانش را داده بُد زهر و^۲ شیر،
 چپ و راست جنگ^۴ سواران گرفت!
 همی خار^۶ از زهر^۷ او برفروخت!
 فروریخت با زهر خون^۸ از برش
 همی^{۱۱} خاک را خون و^{۱۲} زهرش بشست
 به تندی دل^{۱۴} ازدها بردرید
 به خاک اندرافگند پیچان^{۱۶} تنش
 چو شاه آن^{۱۹} سر^{۲۰} ازدها را بدید،
 ز دادار بر بوم^{۲۱} ایران زمین!
 که با ازدها سازد او کارزار!
 نباشد جز از^{۲۶} شهریارش همال!

۱- (ب: کرد گرد دلیر) ۲- ک، س، ۲ (ن: ل، ق، ۲، و، ب): <و>: (لی: آب): متن = ل، س، ق، س، ۲ (نیز ل، ۳، پ، ل، ۲، آ): بنداری: و وتر قوسه، و
 انتخب عدۀ سهام مسقیة النصال بلمین و السم، و اقبل علی الثعبان ۳- ک (نیز لی، ل، ۲): بدان ۴- س: بهر سو کمین ۵- (آ: بسوخت):
 ق: ۲: پیکان پولاد کاش بدوخت) ۶- ل، س، ل، ۲: خار: (ل، ن، ق، ۲، ل، ۳، پ، ل، ۲، آ: خاور): ق (نیز لی، ب): همه خاور: متن = ک، س، ۲ (نیز و)
 ۷- ک (نیز لی، و): زخم: ل: زان زهر: متن = یازده دستویس دیگر ۸- (لی: باخون زهر): س ۲ این بیت را ندارد ۹- ل (نیز ق، ۲، لی): زان:
 متن = دوازده دستویس دیگر ۱۰- (آ: تیرها (وزن ندارد)) ۱۱- س، ق، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، و، آ، ب): همه: (ق: ۲: همان): متن = ل، ک،
 ل ۲ (نیز ل، ب، ل، ۲) ۱۲- ل (نیز لی): <و>: متن = سیزده دستویس دیگر: بنداری: فرشفه بتلک انسهام حتی خاط ما بین فکیه. ثم رمی
 رأسه بأربعة أسهم آخر فقر قها فيه، ی افوقها، فأفرغ الثعبان بحرامن الدم والسم علی ساحل ذلک الخضم: پ پس از این بیت افزوده
 است:

جو پهلو تن زدها سست دید همی خواست از تن سرش را برید

۱۳- ل: یکی: (و: همان): متن = دوازده دستویس دیگر ۱۴- (پ: تن): ل ۲ این بیت را ندارد ۱۵- ق: بزد تیغ و بیرید پس ۱۶- ل: بیجان
 (حرف های یکم و سوم نقطه ندارند: س: نیز ق ۲): سجان (حرف های یکم و دوم بی نقطه): ق: لوزان: ک (نیز پ): بی جان: س ۲ (نیز لی، ل، ۳،
 و، آ، ب): جنگی: متن = ل ۲ (نیز ل، ل، ۲): ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

جو از زدها گشت پرداخته به پیش جهاندار شد ساخته
 همی گفت کای داور داد و پاک تو کردی چنین ازدها را هلاک
 اگر نه ترا عود این دستگاه تویی بندگان را ز هر بد نگاه
 از آنجا یامد سوی شاه هند سوی نامور لشکر آرای هند
 ۵ چو پردخه شد شاه ازان کارزار بفرمان دادار پروردگار
 بفرمود تا گاو و گردون برند ز بیشه تنش را به هامون برند

۱۷- (ل، ل، ۲، ب: تنش) ۱۸- ک: پیش (پ: بزد) ۱۹- س، ق، س، ۲ (نیز لی، ل، ۲، و، آ، ب): شنگل: متن = ل، ک، ل ۲ (نیز ل، ق، ۲، پ، ل، ۲) ۲۰- (ل، ل، ۲،
 تن) ۲۱- س ۲ (نیز لی، ل، ۲، و، آ، ب): س: ۲۲- ل، ق، ل، ۲، س ۲ (نیز ل، ق، ۲، ل، ۳، پ، و، ب): بران: ک (نیز ل، ۲): بدان: متن = س (نیز لی): بنداری: و
 لما رأه قد أنخه بالجراح استل السبب و نذره و ضربه حتی أبان رأسه. فأمر فحمل عنی العجل نئی میدان الملك فانتشرت البشائر و
 التهانی فی الهنود لمقتله، وأطلقوا أستنهه بالدعاء و الثناء للرسول و مرسله ۲۳- ل، ق، ک (نیز ق، ۲، ب): برین: متن = ده دستویس دیگر
 ۲۴- ک، س ۲ (نیز ل، ۲، آ): برز و ۲۵- لی: یال و شاخ (بساوند ندارد) ۲۶- ق: جزو: (پ: بجز)

همی شاد سنگل دل^۱ پر ز درد
شب آمد بیاورد فرزانه را^۴
چنین^۸ گفت کین مرد بهرامشاه
همی داشت^۲ از کار او^۳ روی زرد!
همان^۵ مردم^۶ خویش و بیگانه را^۷
بدین زور و این شاخ و این^۹ دستگاه،

۱-ل: همان شاه سنگل دلی؛ س-س^۲ (نیز ل، ق، آ، لی، پ-ب): همه شاد و سنگل دلی؛ م- = (۲، ۳) - (لی، ل، ن، آ: بود) ۳-ل-آ: وی؛ بنداری: و شکل یتهلل تارة مظهرًا لفسرور، و يستهل اونة مضمرًا اللهموم: ک، ق، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

چو از هر دری چاره شد ساخته
یکی چاره‌یی ساخت سنگل دگر
بفرمود تا مجلی شاهوار
نشست از بر تخت با هندوان
۵ ددی بود برسان شیر ژیان
سبموی و بر قد (ق: آ: روی و بینی) و لپاش زرد
دو بازوش برسان زان هیون (ق: آ: شیر ژیان)
کجا شیرکی بدی نام اوی
کنیزک بد او را یکی خوبروی
۱۰ بفرمود تا پس ورا خواندند
نگه کرد پس شیرکی ز دور
برآشف و آهنگ بهرام کرد
برآویخت با شیرکی ز کین
یکی دشنه از موزه بیرون کشید
۱۵ کرا یار باشد جهان کردگار
نه از دیو و شیر و نه از زنده‌پیل
چو سنگل بدید آن، غمی گشت سخت
چرا کشتی او را ددی بی زبان
بدو گفت بهرام در دین ما
۲۰ که هر کس که سوی تو یازد بجنگ
تو با او نتابی بیند اندرون
گر ایدونک خونت شود ریخته
وگر این که او بود مهتر بدی
چو آهنگ کردی سوی من بکین
۲۵ چو بشنید این گشت سنگل خموش
به می خوردن اندر دلی پر ز غم
همه هند شادان و سنگل دژم

۴- (آ: فرزانه) ۵-س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): بسی؛ متن = ل-ل^۲ (نیز ل، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۶- (و، مردنی) ۷- (آ: مرد و خویش و بیگانه (وزن ندارد)) ۸- (ل، ن، آ: همی) ۹-س^۲ (نیز لی، و، آ): یال و این؛ (ل، ن، آ: برز و این؛ ب: یال و بدین)؛ ن: آن شاخ و این؛ (ل، آ: فر و این یال و این؛ پ: شاخ و این زور و این)؛ متن = ل، ق، ک، ل^۲ (نیز ل، ق، آ)

۲۱۶۵ نباشد همی ایدر نزا^۱ هیچ روی
گر از نزد ما او به^۲ ایران شود،
سپاه مرا سست، خواند^۳ به کار
سرافراز گردد مگر^۴ دشمنم
نهانش همی^۵ برد خواهم تباہ!
۲۱۷۰ بدو گفت فرزنه کای^۶ شهریار
فرستادهی شهریاران کشی^۷
کس اندیشه زین گونه^۸ هرگز نکرد
بر مهتران^۹ زنت نامی بود
همان که^{۱۰} بیاید از ایران^{۱۱} سپاه
۲۱۷۵ نماند کس از ما برین بوم و رُست^{۱۲}
رهاندهی^{۱۳} ماست از^{۱۴} ازدها
برین^{۱۵} بوم ما زدها کشت و کرگ
چو بشنید شنگل سخن^{۱۶}، تیره^{۱۷} گشت^{۱۸}

ز هر گونه^۱ آمیختم رنگ و بوی-
به نزدیک شاه دلیران شود،
به هندوستان نیست-گوید^۲-سوار!
فرستاده را سر ز تن^۳ برکنم،
چه بینید^۴ این^۵ راه؟ چه دانید^۶ راه؟
دلت را بدین کار^۷ رنجه مدار!
به غمری^۸ برد راه^۹ و بی دانشی^{۱۰}!
به راه چنین رای^{۱۱} هرگز^{۱۲} مگرد!
سپهد به مردم^{۱۳} گرامی بود!
یکی تاجداری چو بهرامشاه^{۱۴}،
ز نیکی^{۱۵} نباید^{۱۶} ترا دست شست^{۱۷}!
نه کشتن بود رنج او را بها!
به تن^{۱۸} زندگانی فزایش، نه مرگ!
ز گفتار فرزنانگان خیره^{۱۹} گشت^{۲۰}

۱-ک: اندران؛ (لن: ۲: اندرو) ۲-ق: دگرگونه ۳-(پ: سوی) ۴-ق: داند ۵-(آ: گویی) ۶-س ۲ (نیز ل: ۲، آ: ب): بدین؛ (ق: ۲: همی)
۷-(ب: بیخ و بن)؛ لی این بیت را ندارد ۸-(لی: نهانش من) ۹-س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ق: ۲-ب): بینید و؛ ق: گوید و؛ متن = ل (نیز لن)
۱۰-(لن: وین) ۱۱-ک (نیز ق: ۲): دانید؛ (لی: بندید) ۱۲-س، ل ۲ (نیز لن، ق: ۲، و، لن: ۲): ای؛ ک: فرزانه؛ متن = ل، ق، س ۲ (نیز لی، و، آ: ب)
۱۳-ل-ک (نیز لن، ق: ۲، پ، لن: ۲): بدین گونه؛ متن = ل، س ۲ (نیز لی، ل، و، آ: ب) ۱۴-ق: کسی ۱۵-ک (نیز آ: ب): بغمزی؛ (پ: بکزی)
۱۶-ک: بود راه؛ ل: ۲: نهد این؛ س ۲ (نیز ل، و، آ: ب): کشید این؛ (ق: ۲: زیشی کند این؛ لی: بغمری کشد این)؛ متن = ل، س (نیز لن، لن: ۲)
۱۷-ق: نکشست هر چند کیش بی ۱۸-ل، س ۲ (نیز لی، ل، و، آ: ب): این گونه اندیشه؛ متن = ل-ک (نیز لن، ق: ۲، پ، لن: ۲) ۱۹-ل (نیز
لی): راه؛ ق: برای و چنین راه؛ (پ، و، لن: ۲: بگرد چنین رای)؛ متن = س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لن-ل، آ: ب) ۲۰-س ۲ (نیز و، آ: ب): دیگر ۲۱-ل (۲: مردمان)؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۲-ک: مردی؛ ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

تو نیز کار هرگز مبادا کنی بن و بیخ هندوستان برکنی

۲۳-ل: پس آنکه؛ ق: وزانپس؛ (لی: هانان)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۴-ل-س ۲ (نیز ق: ۲، پ، و، آ: ب): ز ایران؛ (لی: کز ایران بیاید؛ ل: ۲، آ: ب)
ز ایران بیاید؛ متن = س (نیز لن، لن: ۲، ب) ۲۵-ق: ز شیران براه؛ ک: چو ابر سپاه ۲۶-س ۲ (نیز لی، ل، و، آ: ب): بدین مرزو بوم؛ ل: ز ما کس
بدینجا درست؛ ل: به ما زنده بر بوم و رُست؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ق: ۲، پ، لن: ۲) ۲۷-ل: ۲: گیتی ۲۸-ل، س: ساید (حرف های یکم و دوم
بی نقطه)؛ ق، ک (نیز ق: ۲): ساید (حرف دوم بی نقطه)؛ ل: ۲: ساید (حرف یکم بی نقطه)؛ (لن: ساید (نقطه ندارد))؛ متن = (پ، لن: ۲)
۲۹-س ۲ (نیز لی، ل، و، آ: ب): بود خان مرد سرافراز شوم ۳۰-ل (نیز آ): رهانیده؛ متن = س، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز لن-ل، آ: ب) ۳۱-ک: ماست او
ز؛ (ب: ماست زو)؛ ق: رهانید ما؛ ل: از آن ۳۲-ل، س ۲ (نیز ق: ۲، لی، و، آ: ب): بدین؛ متن = س-ل ۲ (نیز لن، ل، پ، لن: ۲) ۳۳-(آ: بدین)
۳۴-س ۲ (نیز لی، ل، آ: ب): دلش؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق: ۲، پ، لن: ۲، و) ۳۵-(پ، و، خیره) ۳۶-ل: شد؛ متن = سیزده دستویس دیگر
۳۷-(پ، و، تیره)؛ ق این بیت را ندارد؛ بنداری: فاستشار وزیر و اصحاب رایه فی اغتیاله حتی یسلم من شره و ضره فلم یستصوبواریه،
و منعه من ذلك، و اشاروا علیه بان یزید فی الإحسان الیه و الإفضال علیه مجازاة له علی حسن صنیعه و جمیل فعله

گفتار اندر به زن کردن بهرام گور دختر شنگل را^۱

بود آن شب و بامداد بگاه
 ۲۱۸۰ به تنها تن^۳ خویش^۴ بی انجمن
 به بهرام گفت ای دلارای^۵ مرد
 به تو^۶ داد خواهم همی دخترم
 چو این کرده باشم، بر من^۷ بایست
 ترا بر^۸ سپه کامگاری دهم
 ۲۱۸۵ فروماند بهرام و اندیشه کرد
 چنین گفت پس کین سخن تنگ^۹ نیست^{۱۰}
 و دیگر که جان^{۱۱} بر سر آرم بدین^{۱۲}
 که ایدر بدین^{۱۳} سان بماندیم دیر
 به شنگل چنین گفت^{۱۴}: فرمان^{۱۵} کنم!

فرستاد کس نزد^{۱۶} بهرامشاه
 نه دستور بدیش و^{۱۷} نه رایزن
 توانگر شدی^{۱۸}، گرد بیخی مگرد!
 ز گفتار^{۱۹} کرار باشد^{۲۰} برم!
 کز^{۲۱} ایدر گذشتن^{۲۲} ترا^{۲۳} روی نیست!
 به هندوستان^{۲۴} شهریاری^{۲۵} دهم!
 ز تخت^{۲۶} و نژاد و ز ننگ و نبرد،
 چو شنگل خُسر^{۲۷} بشدم، ننگ^{۲۸} نیست^{۲۹}!
 بینم مگر^{۳۰} خاک ایران زمین،
 بر آویخت بر^{۳۱} دام روباه شیرا
 ز گفتارت^{۳۲} زایش جان کنم!

۱-س: بز کردن بهرام گور دختر شنگل هند را؛ ق: زن کردن بهرام گور دختر شنگل را؛ س: بزنی کردن بهرام گور دختر شنگل را؛ متن تصحیح قیاسی است؛ ل، ل^۲ این سرنویس را ندارند. ۲-س، ۲ (نیز لی، ل، آ، ب، و، آ، ب)؛ و آورد؛ متن = ل-ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۳-ک: بر ۴-ق (خویش و) ۵-ل، آ، س ۲ (نیز لی، پ)؛ <و>: بنده ای: فبات تلك الليلة ساهرا يفكر في أمره. فلما أصبح وحضره برزوية أي بهرام، وكان قد تسمى عندهم بهذا الاسم، خلا به في مجلس لم يحضره وزير ولا دستور ۶-و: سرافراز ۷-ق (شوی) ۸-ک، س ۲ (نیز ق، آ، ب، و، آ، ب)؛ ترا؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز لن، لن، آ) ۹-س، ک (نیز ل، ل، آ، ب)؛ گفتار و؛ ق: بگفتار و؛ متن = ل، ل، آ، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، و) ۱۰-ق: باشی؛ س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب، و، آ، ب)؛ یابی؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ)؛ پ پس از این بیت افزوده است:

چو داماد من باشی ای روزبه شوی بر همه مهتران بر تو مه

۱۱-س ۲ (نیز لی، ل، آ)؛ به پیشم ۱۲-ق (نیز ق، آ)؛ از ۱۳-س ۲ (نیز لی، ل، آ)؛ بر رفتن؛ (و، ب: ز قنوج رفتن) ۱۴-ل، آ: شدن بر ترا؛ ک این بیت را ندارد ۱۵-س (نیز لن، لن، آ)؛ با؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ک: ز هندوستان؛ س ۲ (نیز ل، آ، ب، و، آ)؛ بهند اندرون؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۷-ل، آ: کاویاری؛ بنداری؛ و أخذ یلاطفه و یخادعه و یسأله أن یقیم عنده علی أنه یخیره بین بناته و یزوجه منهن من آزاد و یملکه البلاد ۱۸-ل: بخت (حرف های یکم و دوم بی نقطه)؛ س، ک، ل، آ: بخت (حرف یکم بی نقطه)؛ س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب)؛ نام؛ (و: تاج؛ لن، آ: بخت)؛ متن = ق (نیز لن، ق، آ، ب) ۱۹-س (نیز لن، لن، آ)؛ ننگ؛ ک (نیز آ)؛ جنگ؛ س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب، و، آ، ب)؛ بادل کزین ننگ (آ: جنگ)؛ (ق: گفت کاندرا سخن جنگ)؛ ل: ابا خویشتن گفت کین جنگ؛ متن = ق (نیز پ) ۲۰-ل: نیست سنگ (حرف یکم از واژه دوم بی نقطه) ۲۱-ک: خسو؛ (لن، آ: چنین) ۲۲-س ۲ (نیز لی، و)؛ جنگ؛ (لی: خسروم شنگل بود جنگ) متن = س، ق، س ۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، و، آ، ب) ۲۳-ل، ل، آ: بز پیوند شنگل مرانیست ننگ ۲۴-ل: کجا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵-ل، س: برین؛ (ق، آ، ل، و، ازین)؛ متن = ق-س ۲ (نیز لن، پ، لن، آ، ب) ۲۶-س: برین؛ لی بیت های ۲۱۸۶-۲۱۸۷ را ندارد ۲۷-ک (نیز ل، آ)؛ برین ۲۸-ل (نیز ب)؛ با؛ ق: در آویخت بر؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فلم یزل به حتی أجاب، و قال فی نفسه لا عار فی مساهرة ملک الهند. و نعلی أنجو بهذه الحباله من هذه البلاد و أعاد بلاد الفرس سالما. فقد وقعت معه وقوع الأسد الأغلب بحیة الثلب ۲۹-ل: چنین داد پاسخ که؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۰-ل ۲ (نیز ق، آ)؛ پیمان؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۱-س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب)؛ فرمانت؛ ق: پس از این بیت افزوده است:

بریدن ز شه زین نشان چاره نیست وزین بر سرم هیچ بیغاره نیست

۲۱۹۰ ولیکن ز^۱ دخر یکی برگزین
 ز گفتار او شد سد شاه هند
 سه دختر بیام^۶ چو خرم بهار
 به بهرام گور آن زمان گفت: زو^۸!
 بشد تیز بهرام و ایوان^۹ بدید
 ۲۱۹۵ چو خرم بهاری^{۱۲} سپینود^{۱۳} نام
 بدو داد شنگ سپینود^{۱۶} را
 یکی گنج پماید^{۱۸} برگزید
 بیاورد یاران بهرام را
 درم داد^{۲۱} و دینار^{۲۲} و هر گونه چیز
 ۲۲۰۰ بیاراست ایون گوهرنگار
 خرامان بدان^{۲۴} بزدگاه^{۲۵} آمدند
 بودند یک هفته با می به دست
 سپینود^{۲۷} با ماه بهرام گور
 چو زین^{۲۹} آگهی شد به فغفور چین
 که با فر^{۳۰} مردی از^{۳۱} ایران زمین،

۱-ل: تو از هر سه؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-ق: گویش؛ ک: که بینش خواستن (وزن ندارد)؛ (ق: آ: خوانم برو روز و شب)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳-ک: برآراست ۴-آ: ایران) ۵-ک: چو ۶-ق: بیاورد ۷-ل: بارایش؛ س، ک، ل (نیز ل: ق، آ، پ، ل: آ): بارایش و؛ ق، س، آ <و> (نیز ل: ل، آ <و>، آ، ب): بر آرایش و؛ (و: بر آرایش و)؛ متن تصحیح قیاسی است ۸-ق: گفت آن زمان کو برو؛ آ: گفت آن گهی خیز و ر ۹-ل: او را؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۰-ل: (لی: وزان) ۱۱-ق: خوبرویان ۱۲-ل: (بهار و) ۱۳-ل: (لی: شینود؛ ب: بهار سینوی) ۱۴-ل: <و>؛ ل: آ: شهر و ۱۵-ل: (نیز ل: ب): نام و کام؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: قال: فزین شکل بناته الثلاث و أمر فأقادت نل واحدة منهن فی زیتها و حللها فی ایوان. فدخل بهرام علیهن و اختار منهن واحدة كالروضة الناضرة تسمى سینود ۱۶-ل: (لی: شینود؛ ب: سینوی) ۱۷-ل: (ن: آ: سروشی (وزن ندارد)) ۱۸-ل: آ: برمایه را؛ پ این بیت را ندارد ۱۹-ل: (نیز ق: آ): زب و؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-ل: س: با نام؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ق: آ پس از این بیت افزوده است:

هم از بهر بهرام پیروزه تاج بیاراست با نامور تخت عاج

۲۱-ق: آ: (درمها) ۲۲-ل: آ: دیبا ۲۳-، (ن: ق: آ، و): هم از؛ ل: بیت های ۲۱۹۹-۲۲۰۰ را ندارد؛ بنداری: فزوجه شکل اباها بعد آن اعطاها کنز و افر الوفه مملوءا بالمال الدثر. م أحتر أصحاب بهرام الذین كانوا فی خدمته من ایران. و فرقی علیهم أموالا کثیرة و جواهر نفیة ۲۴-ل: بران؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۵-ق، ک، س، آ (نیز ل: ب، و، آ): بازگاه؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ل: ق، آ، ل، آ، ب): ل در اینجا سرنویس دارد: فرستادن شکل بهرام کور بهند (!) ۲۶-ل: (ب: جای) ۲۷-ل: (لی: شینود؛ آ: شینود) ۲۸-ق: گشته؛ بنداری: ثم أمر فزین ایوانه المرصع بالجواهر، و دعا اکبر قنوج و عمل دعوة عظیمة، و أقام أسبوعا علی جملة السور و الثراح، و نمازج بهرام و صاحبته تمازج صفو الماء و الثراح: برخی از دستنویسها در اینجا سرنویس دارند؛ س: نامه فرستادن فغفور چین نزد بهرام گور؛ ک: نامه فغفور چین نزدیک بهرام گور؛ بنداری: نامه فغفور به بهرام را ندارد ۲۹-س: آ: وزین ۳۰-ل: (ن: آ: فرو) ۳۱-ل: ق-س، آ (نیز ل: ب، و، آ، ب): ز؛ ل: آ: (به)؛ متن = س (نیز ل: ق، ل، ن: آ: در ل: آ: این بیت بایست سپین پس و پیش شده است

۲۲۰۵ به نزدیک سنگل فرستاده بود
 بدو داد سنگل یکی دخترش
 یکی نامه نزدیک بهرامشاه
 به عنوان بر: از شهریار جهان
 به نزد فرستاده‌ی پارسی
 ۲۲۱۰ دگر^{۱۱} گفت کآمد^{۱۲} به ما^{۱۳} آگهی
 خردمندی و مردی و^{۱۴} رای تو
 کجا کرگ و آن^{۱۷} نامدار^{۱۸} ازدها^{۱۹}
 به تو داد^{۲۲} دختر که پیوند ماست
 سر خویش را^{۲۵} بردی اندر^{۲۶} هوا
 ۲۲۱۵ به ایران بزرگیست زین^{۲۸} شاه را
 به دستوری شاه در^{۳۰} برگرفت

همانا کز^۱ ایراد نه همزاده^۲ بود!
 که بر ماه ساید^۳ همی^۴ افرش!
 نشست^۵ آر^۶ جهاندار بادستگاه^۷
 سر نامداران^۸ و تاج^۹ مهان،
 که آمد به قوج^{۱۰} با یار سی
 ز تو نامور مرد با فرهی،
 فشرده^{۱۵} به هر جای بر^{۱۶} پای تو،
 ز شمشیر تیزت نیامد^{۲۰} رها^{۲۱}!
 که هندوستان پان^{۲۳} او را بهاست^{۲۴}!
 به پیوند این^{۲۷} شاه فرمانروا!
 کجا کهرش افر^{۲۹} ماه را
 به^{۳۱} قنوج شد باز^{۳۲} درخور^{۳۳} گرفت!

۱-ل.ق.ک (نیز ق.۲.و): ز؛ متن = س (نیز ل.ن.۲) - ۲-ل (نیز ل.ن.پ.و): تهم زاده؛ س (نیز ل.۲): نیم زاده (واژه یکم نقطه ندارد)؛ ق: وی
 آزاده؛ ک (نیز ق.۲): بهم زاده؛ س (نیز آ): ز ایران زمین بود و آزاده؛ ل.ی.ب: از ایران زمین بود آزاده؛ ل.۲: ز ایران یکی مرد آزاده؛ متن
 تصحیح قیاسی است؛ ل.۲ بیت های ۲۲۰۵-۲۲۰۷ را ندارد؛ ک پس از این بیت افزوده است:

بهند اندرون چند کار بزرگ
 برآمد بمردی و نیروی و بخت
 که بر دست آن سیر مرد سترگ
 نزید برو بر مگر تاج و تخت

۳-ق (نیز ق.۲): شاید ۴- (و از دختران او بدی)؛ ق.۲ پس از این بیت افزوده است:

چنان چون بیایست بر ساختند
 همه کار و کردار او همچنین
 زمانی ز شادی نپرداختند
 بگفتند در پیش خاقان چین
 عجب مانند خاقان ز کردار او
 شدش آرزومند دیدار او

۵-ل.ق (نیز ق.۲.ل.و): نوشت؛ متن = س.ک.س (نیز ل.ن.لی.پ.ل.ن.آ.ب) - ۶- (آ: این)؛ ۷-: پیشگاه ۸-ک: تاج داران ۹-ل: شاه؛
 متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۰- (ل.ن.ق.۲.ل.ن.آ: ز قنوج؛ آ: بدین مرز) ۱۱-ق (نیز آ): بدو ۱۲-: آمد ۱۳- (ق.۲: بمن) ۱۴-ق: مردمی؛
 (و.آ: دانش و) ۱۵-ق-س (نیز ل.ن.ب): فشردن؛ متن = ل.س ۱۶-س (نیز ق.۲.لی.ل.آ.ب): نایبگه؛ متن = ل.ل (نیز ل.ن.پ.و.ل.ن.۲)
 ۱۷- (پ: این) ۱۸-ل.ل.آ: نامور؛ س (نیز ل.لی.ل.و.آ.ب): بی بها؛ متن = س.ق.ک (نیز ل.ن.ب.ل.ن.۲) ۱۹- (ق.۲: ازدهای بزرگ) ۲۰- (ل.۲.آ:
 نیابد) ۲۱- (ق.۲: تو نامدار سترگ) ۲۲-س (نیز ل.۲.و.آ): ترا داد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۳-ل.س (نیز ل.ن.ب): خاک؛ متن
 تصحیح قیاسی است ۲۴- (ق.۲: این پادشاست)؛ ق.۲ پس از این بیت افزوده است:

تبه گشت گیتی ازو شد رها
 نباشد ز دست تو اینها شگفت
 جهانی به فریاد بد زاردها
 که از دست نداده باید گرفت
 سزوار دهبیه و تاج و کلاه
 که سنگل که هست او جهاندار شاه

۲۵- (پ: خویشتن) ۲۶-س (نیز ل.۲.و.آ): برده ای بر؛ ق: بایوان خویشت نشاید؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۷-ل.س (نیز ل.لی.ل.و.آ،
 ب): آن؛ متن = ل.ک (نیز ل.ن.ق.۲.پ.ل.ن.۲) ۲۸-ل.س.ل.س (نیز ل.ن.و.ل.ن.آ): این؛ ک: بود؛ ل.۳: آن؛ ب: ازین؛ ل.ی: بزرگت ازین؛ متن =
 (ق.۲.پ) ۲۹- (ل.ن.آ: افر و)؛ ق: این بیت را ندارد ۳۰- (ل.ن.ره) ۳۱- (ق.۲: ز) ۳۲-ل.س: سیر و درج؛ ناز (نقطه ندارد)؛ ل.۲: باز؛ س (۲
 نیز ق.۲.پ.ب): یار؛ (ل.ن.آ: ماه؛ آ: باز)؛ متن = ک ۳۳-ل.ل (نیز و): دیگر؛ (ل.ن.ل.آ.ب در ر): متن = س.ک.س (نیز ق.۲.لی.پ.آ)؛
 ق این بیت را ندارد

بدین^۳ مرز چندانک^۴ خواهی بیای^۵!
روان را ز رای تو جوشن^۶ کنیم!
زمانی نگویم بر من^۸ بیای!
خود و نامدارانت^{۱۰} آراسته^{۱۱}!
چو^{۱۴} با شاه^{۱۵} ایران مرا جنگ نیست!
چو خواهی که برداری^{۱۸} ایدر میای^{۱۹}!

کنون رنج بردا^۱ ز ایدر بیای^۲
به دیدار تو چشم روشن کنیم
چو خواهی که ز ایدر^۷ شوی باز جای
۲۲۲۰ برو شاد با خلعت و خواسته^۹
تو را آمدن نزد^۲ من^{۱۳} ننگ نیست
مکن سستی از مدن^{۱۶} هیچ رای^{۱۷}

به دلش اندرافتاد^{۲۱} از آن^{۲۲} نامه^{۲۳} شور
به پالیز کین بر^{۲۷} درختی بکشت!
دو چشمت جز از^{۳۰} کشور چین ندید!
نبستی^{۳۲} «سرافراز و تاج^{۳۳} مهان»،
بزرگی نو را^{۳۵} نخوانم^{۳۶} کهن!
جز او^{۳۸} در زمانه ندانیم^{۳۹} کس!
چن او^{۴۰} پادشا کس ندارد به یاد!

چو نامه بیامد به^{۲۰} بهرام گور
نبینده^{۲۴} را خواند و^{۲۵} پاسخ نبشت^{۲۶}
۲۲۲۵ سر نامه گفت: آج^{۲۸} گفתי رسید^{۲۹}
به عنوان بر: «ا. پادشاه^{۳۱} جهان»
جز آن بُد^{۳۴} که گفתי سراسر سخن
شهنشاه بهرام گزیرست و^{۳۷} بس!
به مردی و دانش به فرّ و نژاد

۱-ق: بگذار ۲-ق (نیز لی): <ی>: ک: میای: (ل: خیز ایدر آی): متن = ده دستویس دیگر ۳-ق: برین ۴- (پ: لن: آ): چندانکه (۵-ق (نیز لی): <ی>: ل: باید سا (وژة دوم بی نقطه): متن = دوازده دستویس دیگر ۶-س: ۲ (نیز ق: آ): روشن: ک: چو خواهی ز تو روز گلشن: متن = س: ل: ۲ (نیز لن: لو: ب): ل: ق: بیت‌های ۲۲۱۸-۲۲۱۹ را ندارند ۷-ل: ۲ (نیز ق: آ: پ: و: آ: ب): کز ایدر: س: ۲ (نیز لن: لن: آ): که زیدر: (لی: کزیدر): متن = س: ک: (نیز ل: آ): ک: (نیز پ): ما: ل: آ: س: ۲ (نیز لی: ل: و: آ): نگویم که ایدر زمانی: (ق: آ): نگویم زمانی که ایدر: ب: نگویم کایدر زمانی: متن: س: (نیز لن: لن: آ): ۹-ق: آراسته ۱۰-ل: س: ک: س: ۲ (نیز لن: لی: ل: آ: و: ب): نامداران: متن = ل: ۲ (نیز پ) ۱۱-ق: ابا خواسته: ق: ۲ بیت‌های ۲۲۲۰-۲۲۲۲ را ندارد ۱۲-ل: پیش: متن = سیزده دستویس دیگر ۱۳-ک: ما ۱۴- (و: آ: ب): که (که) ۱۵-ل: آ: شهر ۱۶-ق: ک: (نیز لن: ل: پ: لن: آ): سست ازین (ک: زین): متن = ل: س: ل: آ: س: ۲ (نیز لی: و: آ: ب) ۱۷-ل: آ: جای ۱۸-ل: ک: (نیز لن: پ: ب): برگردی: متن = ل: آ: س: ۲ (نیز و: آ) ۱۹-ل: آ: میای ۲۰-س: ۲ (نیز ل: آ): بر خواند آن نامه: (و: آن نامه بر خواند) ۲۱- (لن: لن: آ): آمد) ۲۲-ل: (نیز لی: آ): زان: متن = یازده دستویس دیگر ۲۳-ک: س: آ: کار: (آ: گونه): ق: از آن نامه در دلش افتاد: متن = یازده دستویس دیگر ۲۴-ل: س: ق: ل: ۲ (نیز ق: آ: لی: ل: آ: و: ل: آ: ب): نویسنده: متن = ک: س: ۲ (نیز لن: پ: آ) ۲۵-ل: ق: ک: ل: ۲ (نیز لن: ق: آ: پ: لن: آ): بر خواند و: (لی: و: آ: ب): متن = س: س: ۲ (نیز ل: آ: و: آ: و: ب) ۲۶-ل: ل: ۲ (نیز ق: آ: ل: و: لن: آ: ب): نوشت: ق: نامه نوشت: متن = س: ک: س: ۲ (نیز لن: لی: پ: آ) ۲۷-ق: س: ۲ (نیز لن: ب): کینه: متن = ل: س: ۲۸-ک: ل: ۲ (نیز ل: آ: ب): آنچه: متن = ل: س: ق: س: ۲ (نیز لن: ق: آ: لی) ۲۹-ل: آ: کردی پدید ۳۰-ک: چون: ل: س: ل: آ: س: ۲ (نیز لن: ب): تیر جز: متن = ق: ۳۱-ل: آ: پادشای: س: ۲ (نیز لی: و: آ: ب): متن = ل: ک: (نیز لن: ق: آ: لن: آ) ۳۲-ل: ل: نوشتی: س: آ: نیسی: (ق: آ: لی: ل: و: ب: نویسی: لن: آ: به پیشی): متن = س: ک: (نیز لن: پ: آ) ۳۳-ک: سرافراز تاج: (ل: آ: سرافراز فرخ): ق: سرافراز شاهی و تاج ۳۴-ق: جزین بدک: همان بد: س: ۲ (نیز لی: ل: آ: و: ب): جزانست: (ق: آ: جز اینست: ب: جنان بد: آ: چنانست): متن = ل: س: ل: ۲ (نیز لن: لن: آ) ۳۵-ک: (نیز لی: ق: آ: پ: لن: آ): بزرگی ترامن: س: ۲ (نیز ل: آ: و: آ: ب): بزرگان نورا: (لی: بزرگان توران): متن = ل: س: ل: ۲ ۳۶-ک: (نیز ق: آ: لی: آ): نخوانم: متن = یازده دستویس دیگر ۳۷- (لن: لی: پ: ب: <و>) ۳۸-ل: چنول: آ: چو او: متن = دوازده دستویس دیگر ۳۹-ق: ندارد شیر ژبانر: به (وزن ندارد) ۴۰-س: جزو: ک: ل: آ: چو او: متن = ده دستویس دیگر: ق: بیت‌های ۲۲۲۰-۲۲۲۲ را ندارد: لی: این بیت را ندارد

۲۲۳۰ جهاندار^۱ پیروزگر خوانمش^۲!
 دگر آنک^۶ گفتی^۷ که من کرده‌ام
 همان^۸ اختر شاه بهرام بود
 هنر نیز زایرانیان^{۱۰} است و بس!
 همه یکدلانند و^{۱۳} یزدان‌شناس^{۱۴}
 ۲۲۳۵ دگر آنک^{۱۹} دختر به من^{۲۰} داد شاه
 یکی پادشا بود^{۲۳} شنگل بزرگ
 چو با من سزا دید^{۲۵} پیوند خویش
 دگر آنک^{۲۸} گفتی که خیز^{۲۹} ایدر آی^{۳۰}
 مرا شاه ایران^{۳۲} فرستد به هند
 ۲۲۴۰ نباشد ز من بنده^{۳۴} همداستان
 دگر آنک^{۳۶} گفتی^{۳۷} که با خواسته
 مرا کرد یزدان از آن^{۳۹} بی‌نیاز
 ز^{۴۱} بهرام دارم به بخشش سپاس^{۴۲}

ز شاهان^۳ سرافرازتر^۴ دانش^۵!
 به هندوستان رنج‌ها برده‌ام،
 که با فر و اویند^۹ و با نام بود!
 نذارند کرگ^{۱۱} زیان را به کس^{۱۲}!
 به نیکی^{۱۵} نذارند^{۱۷} از^{۱۷} اختر سپاس^{۱۸}!
 به مردی گرفتم من این^{۲۱} پیشگاه^{۲۲}!
 به مردی همی‌راند با^{۲۴} میش گرگ!
 به من داد^{۲۶} شایسته^{۲۷} فرزند خویش!
 به هر نیکی‌یی باشمت^{۳۱} رهنمای،
 به چین آیه از بهر چینی^{۳۳} برند،
 که رانم برین^{۳۵} گونه بر داستان!
 ازیدر^{۳۸} فرستمت آراسته،
 به چیز کسان دست بردن فراز^{۴۰}!
 نیایش^{۴۳} کنم روز و شب در^{۴۴} سه پاس!

۱-س. آ. جهاندار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲-ل. س. ک. ل. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) خواندش؛ (لی: دانش)؛ متن = س. آ. (نیز ل. آ. و. آ. ب.) ۳-س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.) ز هر کس؛ متن = ل. س. ک. ل. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) ۴-آ. (سزاوارتر) ۵-ل. خواندش؛ س. ک. ل. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.)؛ دانش؛ متن = س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.)؛ در لی پیاوند تکرار شده است ۶-س. آ. آنچه؛ (لی: پ. ل. ن. آ. آنکه؛ ل. آ. و. آ. آنچه) ۷-ل. (ن: گفت کاری) ۸-ل. آ. س. آ. (نیز ق. آ. و. آ. ب.) هم از؛ (ل. ن. آ. همه)؛ متن = ل. س. ک. (نیز ل. ن. آ. ل. آ. س. آ. (نیز ق. آ. ل. ل. و. آ. ب.)؛ اورنگ؛ متن = ل. س. ک. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) ۱۰-س. ک. ل. آ. س. آ. (نیز ل. ن. ب.) نزد ایرانیان؛ متن = ل. آ. ک. کرگ و؛ (ق. آ. پ. ب. شیر)؛ متن = ل. س. ل. آ. س. آ. (نیز ل. ن. و. آ. ب.) ۱۲-ل. (ن: بدارند کرگ زیانرا مگس) ۱۳-ک. ل. آ. (نیز ق. آ. ل. ل. و. آ. ب.)؛ <و>؛ متن = ل. س. ق. س. آ. (نیز ل. ن. پ. ل. ن. آ.) ۱۴-ق. لشکرشکن ۱۵-ق. آ. بگیتی ۱۶-ل. (لی: بدارند) ۱۷-ل. آ. (نیز ل. ل. پ.)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸-ق. محن ۱۹-ل. آ. پ. ل. ن. آ. آنکه) ۲۰-س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.)؛ مرا؛ متن = ل. ل. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) ۲۱-ل. چنین؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-ل. آ. س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.)؛ پایگاه؛ (آ: بارگاه) ۲۳-ق. پادشاه بود؛ س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.)؛ پادشاهت؛ متن = ل. س. ل. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) ۲۴-ل. آرد از؛ س. ل. آ. س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.)؛ راند از؛ ک. در د از؛ (ق. آ. ل. و. آ. داند از)؛ متن = ق. (نیز پ) ۲۵-آ. (س. آ. س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.)؛ مراد داد ۲۷-ل. آ. (فرزانه) ۲۸-ل. آ. پ. ل. ن. آ. آنکه ۲۹-ق. گفتی بیا ۳۰-ل. (لی: تو گویی که برخیز و ایدر بیای (لی: نیای)) ۳۱-ل. نیکی بیاشم ترا؛ س. آ. (نیز ل. و. ب.)؛ که بر نیکیی باشمت؛ (ل. آ. که در نیکیی باشمت؛ آ: که بر نیکیی ساخت)؛ متن = س. ل. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) ۳۲-ل. (لی: و. آ. ب. گیتی) ۳۳-و. رومی ۳۴-ق. آ. شاه؛ آ. (نیز ل. ل. آ. بدین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۶-ل. آ. آنکه) ۳۷-ل. (لی: گویی)؛ ک. (نیز ق. آ. و. آ. ب.)؛ آن؛ ک. این) نبستی؛ متن = ل. س. ل. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.) ۳۸-ل. س. ک. ل. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ل. و. آ. ب.)؛ بایران؛ متن = س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.)؛ ق. بیت‌های ۲۲۴۰-۲۲۴۱ راندارد ۳۹-ل. (لی: ل. و. آ. ب. ازین)؛ س. آ. ایزد ازین؛ متن = ل. س. ک. ل. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) ۴۰-ل. س. ک. ل. آ. (نیز ل. ن. ق. آ. ل. ل. و. آ. ب.)؛ کردن دراز؛ (پ. ل. آ. کرده دراز)؛ متن = س. آ. (نیز ل. ل. و. آ. ب.) ۴۱-ق. به ۴۲-ب. سپاه ۴۳-ق. ستایش ۴۴-ل. (ل. ن. آ. هر)؛ س. ل. آ. و. هر شب؛ (ل. آ. و. در شب)؛ ک. (نیز ل. ل. روز در شب؛ متن = ل. ق. س. آ. (نیز ق. آ. پ. آ. ب.)؛ در کلت‌های این بیست و پیش شده‌اند

چهارم سخن گر ستودی^۲ مرا
 ۲۲۴۵ پذیرفتم این^۶ از نوی^۷ شاه چین^۸
 ز یزدان ترا ماد چندان درود
 بر آن^{۱۲} نامه نهاد مهر^{۱۳} نگین
 هنر^۳ زانچ^۴ بُد بر فردی^۵ مرا،
 بگویم با^۹ شاه ایران زمین^{۱۰}
 که آنرا نداند^{۱۱} فلک تار و پودا!
 فرستاد پاسخ سوی شاه^{۱۴} چین

نفتار اندر باز آمدن بهرام گور از هندوستان^{۱۵}

چو بهرام با دخت سنگل بساخت^{۱۶}
 شب و روز گریان^{۱۷} بُد از مهر اوی^{۱۸}
 ۲۲۵۰ چن^{۲۱} از مهرشان^{۲۲} سنگل^{۲۳} آگاه شد
 نشستند یگروز شادان^{۲۴} به هم
 سپینود^{۲۶} را گفت بهرامشاه
 یکی راز خواهم ممی با تو گفت
 همی رفت خواهم ر هندوستان
 ۲۲۵۵ برم مر^{۳۱} ترا نز با خویشان^{۳۲}
 زن او را همی شاه گیتی شناخت
 نهاده دو چشم اندر آن^{۱۹} چهر اوی^{۲۰}
 ز بدها گمانیش کوتاه شد
 همی رفت هرگونه از^{۲۵} بیش و کم
 که دانم که هستی مرا نیکخواه،
 چنان کن^{۲۷} که مانی^{۲۸} سخن در نهفت،
 تو باشی بدین^{۲۹} کار^{۳۰} همداستان؟
 نباید که داند کسی زانجمن^{۳۳}!

۱- (ق: ۲؛ کم: پ؛ که چندی) ۲- ق، ک (نیز لی): شودی؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳- ک: هنوز؛ (ق: ۲، و: سخن) ۴- س: انج؛ ک (نیز لن: ۲): آنچه؛ س ۲ (نیز لی، و، ب: زانک؛ پ: زانچه)؛ ق: مرارنج؛ (ل: ۲، بر هنر)؛ متن = ل، ل (نیز لن، ق: ۲) ۵- ل: بر تر فردی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۶- س (نیز لن، لی، ب): آن ۷- ک: آن از بی؛ ق، ل، ۲، س ۲ <من> (نیز ق: ۲)؛ از تو من ای؛ متن = ل ۸- (و: از تو ای شیرفش) ۹- س، ق، ل ۲ (نیز لن، ب، ل، ۲، بگویم ابا؛ س ۲ (نیز لی، ل، ۲، و، آ، ب): بگویم بر؛ (ق: ۲، بگویمت با)؛ متن = ل، ک ۱۰- (و: شاه با دستکش)؛ در ل این بیت با بیت ۳۰ پس و پیش شده است ۱۱- س، س ۲ (نیز لن): ندارد؛ ق: نیابد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۲- ق (نیز لی): بدان ۱۳- س، ل، س ۲ (نیز لی، ل، ۲، ل، ۲، آ): مهر؛ متن = ل، ق، ک (نیز لن، ق: ۲، ب، و، ل، ۲) ۱۴- ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ل، ۲): بر شاه؛ س: نزدیک سالار؛ س ۲ (نیز لی، ل، ۲، ب، و، آ، ب): نامه بر شاه؛ (ق: ۲، آنرا بر) ۱۵- س (بیت و پنج بیت پس تر): گریختن بهرام با سپینود از هندوستان و آمدن بایران؛ ق، ل ۲ <سپینود>: راز گفتن بهرام گور با سپینود دختر سنگل؛ س ۲: رفتن بهرام با سپینود به ایران؛ ک در این جا سرنویس ندارد؛ متن = [گفتار اندر+] ل ۱۶- (آ: رادخت سنگل شناخت) ۱۷- ل: نازان (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸- ل، ق، ل ۲ (نیز ل، ل، ۲، و، ب): او؛ ک: بهرا؛ متن = س، س ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل، ۲، ل، ۲، آ): دو دیده بران (آ: بدان)؛ (لی: دو دیده پر از؛ و: دو دیده نهاده -ان)؛ متن = ل-ل ۲ (نیز لن، ق: ۲، ب، ل، ۲) ۲۰- ل، ق، ک، ل ۲ (نیز لی، ل، ۲، و، ب): او؛ متن = س، س ۲ (نیز لن، ق: ۲، ب): بنداری؛ و تغفل حب: کل منهما فی قلب صاحبه لا سیماینة الملک فانها اتخذت وجه بهرام مرآة تطالعها سرا و چهار، و تبکی من فرط شفها لیللا و نهارا ۲- ل-س ۲ (نیز ق: ۲-ب): چو؛ متن = (لن) ۲۲- س، ل ۲ (نیز لن، ب، ل، ۲): مهر او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- (لی: شاه) ۲۴- (ق: ۲، شاهن) ۲۵- ل: هر کو از (وزن ندارد)؛ (و: هرگونه)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۶- (لی: شینود) ۲۷- (ق: ۲، دان) ۲۸- ل-س ۲ (نیز ق: ۲، و، آ، ب): مانند؛ متن = (لن، لن، ۲): بنداری؛ فاتفق أنهما اجتماعا ذات یوم فی بعض مجالسهما فتجاذبا أطراف الحدیث فقال لها بهرام: إنی أعلم أنك لی محبة ناصحة. و إنی مفض انیک بسر فکونی له کاتمة ۲۹- ک (نیز ل: ۲): برین؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۰- (ق: ۲، راز) ۳۱- س، ق، ل ۲ (نیز لن، لی، ب، ل، ۲): من؛ ک: بیارم؛ متن = س ۲ (نیز ق: ۲، ل، ۲، و، آ، ب) ۳۲- ل: به تنها بگویم ترا یک سخن؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۳۳- ل، ک، ل، ۲، س ۲ (نیز ق: ۲، لی، ل، ۲، و، آ، ب): کس از انجمن؛ متن = س، ق (نیز لن، ب، لن) ۲

همم^۳ کردگار جهان یاورست!
 به خوبی خرد^۴ رهنمای آیدت،
 پدر پیش تختت به زانو بود!
 بهی جوی و از^۸ راه دانش مگرد،
 بیچد، نه بیزاره^{۱۰} از جان^{۱۱} تو!
 کزو شوی همواره خندان^{۱۴} بود!
 وزین راز^{۱۶} مگشان بر^{۱۷} کس^{۱۸} سخن!
 بسازم^{۲۱}، اگر بشدم^{۲۲} یار بخت:
 که سازد پدرم اندر آن بیشه^{۲۴} سور
 نشانند^{۲۶} حای^{۲۷} بت^{۲۸} آرای را
 که پیش بت اندر^{۳۱} بیاید گریست
 به قنوج در سو و شور آن^{۳۲} بود
 بی بی^{۳۵} را نشانند^{۳۶} بران^{۳۷} بیشه راه^{۳۸}

به^۱ ایران مرا کار ازین^۲ بهترست
 به رفتن گر ایدونک^۴ رای^۵ آیدت
 به هر جای نام تو بانو بود
 سپینود^۷ گفت: ای سرافرازمرد
 ۲۲۶۰ اگر پاک‌جانم ز پیمان^۹ تو
 بهین^{۱۲} زنان^{۱۳} جهان آن بود
 بدو گفت بهرام: پس^{۱۵} چاره کن!
 سپینود^{۱۹} گفت: ای سزاوار^{۲۰} تخت
 یکی جشنگاهست از^{۲۳} ایدر نه دور
 ۲۲۶۵ که دارند فرخ^{۲۵} مر آن جای را
 بود تا بدان^{۲۹} بیشه^{۳۰} فرسنگ بیست
 بدان جای نخچیر گوران بود
 شود شاه و لشکر بدان^{۳۳} جشنگاه^{۳۴}

۱-ک: در ۲-ل، ق، ک: زین؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳-ق، س ۲ (نیز لی، ل، و، آ، ب): عراق (نیز ق ۲): همان؛ متن = ل، س، ک (نیز لن، پ، ن، آ)؛ بنداری: ابی عازم عنی مفارقة بلاد الهند، و اريد ان توافيني على ذلك لأحملك الى ملك الممالک. فان امری هنالك أعلى وأرفع، و ملكی ثم أفسح وأوسع ۴-ل: اگر ایدونکه: لی: بزودی گر ایدون که) ۵-ک یاد ۶-س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب): مرا؛ متن = ده دستویس دیگر ۷-ل ۲ (نیز لی): شینود ۸-ق (نیز لن، لی): وز؛ س ۲ (نیز آ): و وز؛ ل: تو؛ خیه از؛ متن = س، ل ۲ (نیز ق ۲، ل، آ، ن، آ)؛ ک: ب این بیت را ندارند؛ در ل این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۹-ل: تيمرد: ل: فرمان؛ س ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ): گفتار؛ متن = س، ک (نیز لن، ق، آ، پ، ن، آ) ۱۰-ل: (آ: ببرد نیچم) ۱۱-س ۲ (نیز لی، و): نه بیچم من از کرد: (ل: نه بیچم سراز کار): متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، ن، آ)؛ ق: ب این بیت را ندارند ۱۲-س: بهی ۱۳-ل: (لی: زنان در؛ پ: زمان از) ۱۴-س ۲ (نیز و، آ): شادان؛ متن = ده دستویس دیگر؛ ک: ب این بیت را ندارند؛ بنداری: و ستصيرين سيدة النساء حتى يصير أبوك من خدمك، و يقبل مواطی قدمك. فقالت له: أيها السيد انهما! امض لما رأيت فاني لأخالقك. و خير النساء من كان زوجها عنهار صيا، حکمه فيها ماضيا ۱۵-س ۲ (نیز لی): اکنون یکی: (ل، آ: اکنون یکی) ۱۶-ق: (روی: لی: ازین راز) ۱۷-ک، ل، آ، س ۲ (نیز ق ۲، لی، ل، آ، و): با؛ متن = ل، س، ق (نیز لن، پ، ن، آ، آ) ۱۸-ل: (آ: من)؛ ب این بیت را ندارد ۱۹-ل: (لی: شینود) ۲۰-ل: (سرافراز) ۲۱-ق (نیز ق ۲، ب: بسا یم؛ ک: بسارم؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۲-ق: باشدت؛ متن = چهارده دستویس دیگر؛ بنداری: و أنا بربة من حباك إن خرجت من امرک. فأشار عليها بهرام عند ذلك بالاحتیال في الفرار. فقالت: سأدبر ذلك إن ساعدتني السعادة؛ در ک این بیت چهار بیت پیش آمده است ۲۳-ل (نیز لی): ز؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۲۴-ق: (آ: جشن)؛ ک: سازند بزم اندران بیشه؛ ق: گیرد پدر بر دران بیشه؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۵-ل: آ: دارد بفرخ ۲۶-ل، ق: ستانید؛ ل: همانست؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۷-س: (نیز پ): جایی؛ س ۲ (نیز ل، آ، و، آ، ب): آنجا؛ متن = ل، ق، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، ن، آ) ۲۸-ل: (لی: آن جانب)؛ ق: این بیت را ندارد ۲۹-ل: بران؛ س ۲ (نیز ق ۲، ل، آ، و): بر؛ (لی: آ: در)؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، پ، ن، آ، ب) ۳۰-ل: آ: تا به بیشه ز ۳۱-ک، ل، آ: ایدر ۳۲-س، ق: <و>؛ س، آ: و سوزان؛ ل: عود سوزان؛ ق: آ: سوزاران؛ لی: سوز شیران؛ ل: آ: سوزشان آن)؛ ک: همان جای بزندان پرستان؛ متن = ل ۲ (نیز لن، پ، ب) ۳۳-ل: (آ: بدین) ۳۴-ل: جایگاه؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۳۵-ل: کی سی (بی نقطه)؛ ک: بتی؛ ل ۲ (نیز ق ۲، ن، آ): تنی؛ س ۲ (نیز ل، آ، و، آ، ب): بدن؛ (لی: کسی)؛ متن = س، ق (نیز لن، پ، ب) ۳۶-ل: ره نماند (بی نقطه)؛ س ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): نباشد؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق، آ، پ، ن، آ) ۳۷-س، ک، ل، آ، س ۲ (نیز لن، ق، آ، لی، پ، ن، آ): بدان؛ (ل، آ، و، آ، ب: دران)؛ متن = ل ۳۸-ق: ابر شهر و گاه

اگر رفت خواهی، بدین چاره^۱ رو^۲
 ۲۲۷۰ از^۴ امروز^۵ بشکب تا پنج^۶ روز
 چو از^۸ شهر بیرون شود^۹ شهریار
 ز گفتار زن^{۱۱} گشت بهرام شاد

[چو بنمود خورشید بر چرخ^{۱۲} دست
 نشست از بر باره بهرامشاه^{۱۴}
 شب تیره بار غریبان بیست^{۱۳}
 همی راند^{۱۵} با ساز نخچیرگاه^{۱۶}]

۱-ل، ۲: بدانجای؛ س (نیز ل، ن، ۲: بدان چاره؛ ک (نیز پ): بدان گاه؛ س (نیز ل، ۳): برین چاره؛ (ق: ازیدر چو خواهی بدان چاره): متن = (لی، و، آ، ب): ق این بیت را ندارد. ۲-ل، ۳: شو، ۳-ک، س (نیز لی، ل، ۳، و): جشن تو؛ (ق: بر شاه؛ ل، ۲: عیش و نو): س (نیز آ، ب): و جشن تو؛ ل: باش و سال تو؛ متن = ل (نیز ل، پ): بنداری؛ اعلم أنه جرت العادة بخروج الهنود إلى متعبد لهم لزيارة أصنام فيه. وهو على عشرين فرسخا من هذه المدينة. فإذا صار الملك إلى ذلك المتعبد فانتبه الفرصة إن عزم ۴-ل (نیز ق، ۲): ز؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۵-ل (نیز ق، ۲ < و >): اکنون تو (ق، ۲ وزن ندارد) ۶-ل: نیم روز؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۷-س (نیز لی، ل، ۳، و، آ): هور؛ متن = ده دستویس دیگر ۸- (ق، ۲: که؛ لی، ل، ۳، و، آ: ازین)؛ متن = ده دستویس دیگر ۹-ل، ق، ل (نیز ب): رود؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۰-س (نیز لی < و >، و، آ): بر آرای و؛ متن = یازده دستویس دیگر؛ س، ۲، لی، ل، ۳، و، آ: پس از این بیت افزوده اند (ل، ۲، و، آ، ۶ را ندارند):

با مادر خایش چاره ساز
 که چو شاه شگل سوی جشنگاه
 بگوید که بزوی شد دردمند
 زن این بند بنهد با مادرش
 ۵ همی بود تا نازه شد جشنگاه
 چو برخاست شگل که آید بدشت
 بیوزش همی دید ای شهریار
 چو ناتن درش بود جشنگاه
 بدو گفت شگل که این س (ق: آن) خود مباد
 ۱۰ ز قنوج شبیر شگل برفت
 چو شب تیره شد، ز بهرام گفت
 چنان کن که او خود نداندت راز
 شود خواستار آید از نزد شاه
 که بپوش پذیرد شه هوشمند
 چو بشید این مادر از دخترش،
 گرانمایگان برگرفتند راه
 زنش گفت: بزوی بیمار گشت
 دلت را بمن هیچ رنجه مدار
 دژم باشد و داند این مایه شاه
 که نالان بود، آرد از جشن یاد
 با هندوان زوی بنهاد نقت
 که آمد که رفتن ای نیک جفت

۱۱-ل، او؛ متن = چهارده دستویس دیگر. ۱۲-ق (نیز ق، ۲): بر چرخ خورشید؛ ل، ۲: خورشید بنمود بر چرخ؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۳- (ق: رخ را بناخن بخت)؛ لی این بیت را ندارد ۱۴-ل: بهرام گور؛ (لی: بهرام شاد)؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۱۵- (ن: آ: زنت) ۱۶-ل: نخچیر گور؛ (لی: بخت اندر اندیشه تا بامداد)؛ متن = سیزده دستویس دیگر؛ بنداری: وقد بقی الی خروج الملك نيه حسة أيام. قال: ففرح بهرام بذلك. ولم أصبح من غده ركب علی عزم الصيد؛ س، ۲، لی، و، آ، ب: پس از این بیت افزوده اند:

همی زیر لب نام یزدان بخواند
 کمندی بفرآک و گزنی بدست
 هم آنکه سپید را برنشاند
 پیوشید خفتن و خود برنشست

پس پس از بیت ۲۲۷۴ افزوده است

همی خواست رفتن پیچ پیچ (وزن ندارد) بجر فکر ایران نیامدش هیچ

۲۲۷۵ [به زن گفت: برساز و با کس مگوی
 بیامد چو نزدیک دریا^۳ رسید
 [که بازارگانان ایران بدند
 چو بازارگان روی بهرام دید
 نفرمودشان برد پیش^۶ نماز^۷
 ۲۲۸۰ [به بازارگان گفت: لب را ببند
 [گر این^{۱۱} راز در هند پیدا شود
 [گشاده بر آن^{۱۳} کار کو لب^{۱۴} بیست
 [زبان شما را به سوگند سخت
 [بگویند^{۱۷} کز پاک برتر^{۱۸} خدای
 ۲۲۸۵ [اگر هرگز از^{۲۱} رای^{۲۲} بهرامشاه
 [چو سوگند شد^{۲۵} خورده و^{۲۶} ساخته
 [بدیشان^{۲۹} چنین گفت پس شهریار^{۳۰}
 نهادیم هر دو سوی^۱ راه^۲ روی
 به ره چند بازارگانان^۴ بدید
 بدآب^۵ و به ششکی دلیران بدند
 شهنشاه لب را به دندان گزید
 ز نادان^۸ سخن را همی داشت راز^۹
 کزین سودمندی و هم^{۱۰} با گزند!
 ز خون خاک ایرن چو^{۱۲} دریا شود!
 زبان بسته باید^۵، گشاده دو دست!
 ببندیم تا بازیابیم تخت^{۱۶}!
 بریدیم و^{۱۹} بسیم با دیو رای^{۲۰}،
 بیچیم^{۲۳} و داریم بد را^{۲۴} نگاه!
 دل شاه از آن^۲ رنج^{۲۸} پرداخته،
 که نزد شما از من این^{۳۱} زینهار،

۱-س^۲ (نیز ق^۲، ب^۲)، بران: (لی، آ: بدان: و: برین) ۲- (ق^۲: رای): در س^۲، لی، ل^۲، و، آ این بیت ۲۲۷۱ آمده است: ل، ل^۲، س^۲، ل^۲ پس از این بیت افزوده اند:

هرآنکس که بودند از ایرانیان (ل: بود ایرانیان) بر رفتن بیستند با او (ل: وی) میان

۳- ل: بر راه ایران: س^۲ (نیز لی، ل^۲، و، آ، ب): همی راند تا پیش دریا: متن = س-ل^۲ (نیز لن، ق^۲، پ، ل^۲): بنداری: فحاء الی الساحل
 ۴- (لی: بازارگان را): ل، ق، ل^۲، س^۲ (نیز لن، ل^۲، پ، ل^۲): بار بازارگانان: س: بار بازارگان را: ک: بار بازارگانان: (ق^۲: بره برش بازارگانی: آ: بره بر چو بازارگانان): متن = (و، ب) ۵- ل، ک، ل^۲، س^۲ (نیز ق^۲، و، آ، ب): به آب: (لن: در ب: ل^۲: بر آب): متن تصحیح قیاسی است: س، ق این بیت را ندارند ۶- ل، س، س^۲ (نیز لن، پ، و، ب): نفرمود بردن به پیش: ک: (نیز ق^۲: لی، ل^۲): نفرمود بردن به (ق^۲: از): پیش: (ل^۲: نفرمود بردن به پیش): ل^۲: نفرمودشان بر پیش (وزن ندارد): متن تصحیح قیاسی است ۷- (ق^۲: نیاز) ۸- ل: زن این: س^۲ (نیز لی، ل^۲، و، آ، ب): ازیشان: (ق^۲: زیاران): متن = ل، س، ک، ل^۲ (نیز لن، پ، ل^۲): ۹- ل: باز متن سیزده دستنویس دیگر: ق این بیت را ندارد ۱۰- س^۲ (نیز لی > و، ل <): سودمندید و هم: (ق^۲: ب، و، آ: سودمندیم و هم: ب: سودمندیم و زان): ق این بیت را ندارد ۱۱- ل^۲ (نیز لی، آ): که این ۱۲- (ق^۲: این همچو) ۱۳- ک: (نیز و، آ): بدان: (لن: آ: ترآن): ل^۲: س^۲ (نیز ق^۲: لی، ل^۲): گشاید بران (ق^۲: لی: بدان): (ب: گشاید بدو): متن = ل، س (نیز لن، پ) ۱۴- ق: گشاده تر آنکس که لب را داد: (ق^۲: دارد): ک: بست باید: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۶- ل (نیز لن، آ): تحت (حرف های یکم و دوم بی نقطه): س: رخت: ک: (نیز ق^۲: لی، ل^۲): بخت: س: تحت (حرف های یکم و دوم بی نقطه): (و: بخت (حرف یکم بی نقطه)): متن = ق، ل^۲ (نیز ل^۲: پ، ب) ۱۷- ک: بگویم ۱۸- ل: بردن: س^۲ (نیز ق^۲: ب، و): و برتر: متن = س، ک، ل^۲ (نیز لن، لی، ل^۲، ل^۲، آ، ب) ۱۹- (آ: براندیم): ک: ندیدیم و ۲۰- (لن: آ: بی): این بیت را ندارد ۲۱- (پ: این: آ: که ما هرگز): ل: که هرگز ازان: ک: وگر هرگز از: ل^۲: که گر هرگز از: (لی، ل^۲: و، ب): که ما هرگز از: متن = س، س^۲ (نیز لن، ق^۲: ل^۲): ۲۲- ک، س^۲ (نیز پ): راز: (ب: راه: آ: آزار) ۲۳- ل^۲ (نیز لی، ل^۲: آ، ب): بیچیم: متن = س، ک، س^۲ (نیز لن، ل^۲: و، ل^۲): ۲۴- س^۲ (نیز لی، ل^۲: و، ب): رازش: (آ: آزش: پ: گشاییم و داریم چون جان): متن = ل، س، ک، ل^۲ (نیز لن، ق^۲: ل^۲): ق این بیت را ندارد ۲۵- س: سوگندشان ۲۶- ق: هم خورده شد ۲۷- ل: زان: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۸- ک: (نیز ل^۲): کار: متن = سه: ده دستنویس دیگر ۲۹- ک، س^۲ (نیز ق^۲: آ): بایشان ۳۰- ق: نامدار: ک: رازدار ۳۱- ق: (نیز پ): راز من: ک: راز شما نزد ما: متن = دو: از: ده: س: س: س: دیگر

[بدارید^۱ و با جان برابر کنید
 [گر از من شو- تخت^۳ پرداخته
 ۲۲۹۰ [نه بازارگان ماند- ایدر، نه شاه
 [چو زان گونه دیدند گفتار او^۷
 [که جان بزرگان^{۱۰} فدای تو باد!
 [اگر هیچ^{۱۴} را تر پیدا شود
 [که یارد^{۱۶} بدین^{۱۷} گونه^{۱۸} اندیشه کرد
 ۲۲۹۵ [چو بشنید شاه ابن^{۲۱} گرفت آفرین
 [همی رفت پیچان^۳ به یوان^{۲۴} خویش
 همی بود تا تازه شد جشنگاه
 چو خواهید کز پندم^۲ افسر کنید!
 سپاه آید از هر سوی^۴ ساخته^۵،
 نه دهقان، نه لشکر، نه تخت^۶ و کلاه!
 برفتند غلطان^۸ پر از^۹ آب زوی^۷،
 جوانی^{۱۱} و شاهی^{۱۲} زدای^{۱۳} تو باد!
 ز خون کشور^{۱۵} ما چو دریا شود!
 مگر^{۱۹} بخت را گوید: از راه برد^{۲۰}!
 بر آن نامداران با فر^{۲۲} و دین^{۲۱}!
 به یزدان سپرده تن و جان خویش
 گر نمایگان برگرفتند راه^{۲۵}

۱- (ن: بیارید) ۲- (ل: با بندم) ۳- س ۱۲ (ن: ل، و، آ، ب): مرز: (ق: دشت): متن = ل-ک (نیز: ن، پ، ل، ن) ۴- س، ک، س ۲ (نیز: ن، ل، و، آ، ب): سویی: متن = ل، ق (نیز: ق، ل، آ) ۵- (آ: تاخته): ل ۲ این بیت را ندارد ۶- ل ۶: تاج: بنداری: فرای جماعه من تجار فارس فحلفهم و افضی اليهم بسره، و واطادم على ان يخرج و يركب بأصحابه سفنهم و مراکبهم، و وعدهم و منا هم ۷- ق (نیز: ل، آ): <ی> ۸- ل: یکسر؛ س، ک (نیز: ن، ل، ن): غان و: ق: پیچان و: س ۲ (نیز: ل، ل، و، آ، ب): گریان: (ق: پویان: پ: غلطان و): متن = ل ۹- س، ق، ک (نیز: ن، پ، ل، ن، آ، ب): <از>: متن = ل، ل، س ۲ (نیز: ق، ل، ل، و، آ) ۱۰- ل ۱۰: و روانها: ق: جای بزرگان ۱۱- ق، ک: بزرگی ۱۲- ق (نیز: ق، آ): شادی ۱۳- (ق: آ: برای) ۱۴- س، ک، س ۲ (نیز: ل، ل، ل، ن، آ، ب): گنج: ق: چند: متن = ل، ل ۲ (نیز: ق، آ، پ، و) ۱۵- ک: کوره ۱۶- (ق: آ: داند) ۱۷- ک، س ۲ (نیز: ق، ل، آ): بریر: (و: ندان) ۱۸- س: گفته: (ل: کوه) ۱۹- ک: مرا ۲۰- ل: از ره بگرد: ک: ان راه برد: ل: بخت گویدش کز راه برد: س ۲ (نیز: ل، و، آ، ب): گویدش بخت کز راه برد: (ق: آ: اگر بخت گویدش که راد مرد (!): ل: مگر گویدش لخت گرز نبرد): متن = س، ق (نیز: ن، پ، ل، ن، آ) ۲۱- ل- ل- س ۲ (نیز: ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ): آن: متن = س ۲ (نیز: ل، ل، و، آ، ب) ۲۲- ک (نیز: آ): با آفرین: س ۲ (نیز: ل، و، ب): پاکیزه دین: (ق: آ: با مهر و کین) متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز: ن، ل، ل، پ، ل، ن، آ): ق ۲ پس از این بیت افزوده است:

بسی ناد بازارگانرا درم بدان تا نگوید بکس بیش و کم
 وزانجای برکاشت تازی نوند فروماند از کار چرخ بلند

۲۳- س ۲ (نیز: ل، ل، آ، ب): نازان: (و: نازان احرف یکم بی نقطه): متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز: ن، پ، ل، ن، آ) ۲۴- (ل: آ: بایران: ق: آ این بیت را ندارند: ل، ل، آ پس از این بیت و س ۲ پس بیت ۲۲۷۱ افزوده اند:

بدانگه که بهرام شد سوی شاه (ل: آ: راه)
 ابا مادر خویشتن چاره ساز (ل: آ: بساز)
 که چون شاه شگل سوی جشنگاه
 بگوید که بروی شد دردمند
 چنین گفت بازن که ای نیکخواه (ل: آ: دخت شاه)
 چنان کو درستی نداندت راز (ل: آ: راز)
 س: آ: کن که او خود بداندت راز
 شود خواستار آید از نزد شاه
 بپذیردش پوزش (س: آ: که پوزش پذیرد)
 شه هوشمند (ل: آ: سودمند)

ل، ل، س ۲ (پس از بیت ۲۲۷۱): ل:

زن این بند بنهد با مادرش چو بشنید پس (س: آ: این) مادر از دخترش

۲۵- ق: بشگل چنین گفت بهرامشاه متن = سیزده دستنویس دیگر: ل ۲ این بیت را ندارد: این بیت در س ۲ پس از ۲۲۷۱ و در ق، ل، ل، و، آ، ب پس از ۲۲۷۵ آمده است: پس از این بیت افزوده است:

که دخت تو بیمار گشتست دوش ندارد بدل در همی زای و هوش

زنش گفت: برزوی بیمار گشت،
 تو دل را^۳ به^۴ من ایچ^۵ رنجه مدارا!
 دژم باشد و داند این مایه شاه!
 که نالان بود. آید از^۹ جشن یاد!^{۱۰}
 ابا هندوان^{۱۲} روی بنهاد و^{۱۳} تفت!
 که آمد گ رختن ای نیک جفت!
 همی پهلوی^{۱۶} نام یزدان بخواند
 کمندی به فتراک و گرزوی به دست^{۱۷}
 به رفتن بیستد با او^{۱۹} میان
 چن^{۲۱} ایرانیان ر همه خفته^{۲۲} دید،

چو برداشت^۱ شنگل که آید^۲ به دشت
 به پوزش همی گوید ای شهریار
 ۲۳۰۰ چو نا^۶ تن درستی بود بزمگاه
 به زن^۷ گفت شنگل که این^۸ خود مباد
 ز قنوج شبگیر شنگل^{۱۱} برفت
 چو شب تیره شد شاه^{۱۴} بهرام گفت
 بیامد^{۱۵} سپینود را برنشانند
 ۲۳۰۵ پیوشید خفتان و خود برنشست
 [هر آنکس که بودند از^{۱۸} ایرانیان
 همی راند^{۲۰} تا پیش دریا رسید

۱-ل.س (نیز ل.ن. ق. ل. آ. پ.): بر ساخت: ل. آ. س. آ. (نیز ل.ی. و. ب.): برخاست: متن = ک ۲- (ن.ی. از بدر): ق این بیت را ندارد: درس. آ. ق. آ. ل. ل. آ. و. ب. بیت های ۲۳۰۷-۲۲۹۸ بیستی پیش تر آمده است و آشفنگی دارد ۳-س. آ. (نیز ل.ی. ل. آ. و. آ. ب.): دلت را: (ق. آ. که دل را) ۴- (آ. ز) ۵-ل. س. ک. ل. آ. س. آ. (نیز ل.ن. ل. آ. ب.): هیچ: متن = (آ) ۶-ل. (نیز و): نا (بی تقفه): س. ک. (نیز ل.ی. ل. ن. آ.): با: (ق. آ. بی): متن = ل. آ. س. آ. (نیز ل.ن. ل. آ. پ. آ. ب.): ق این بیت را ندارد: بنداری: ثم عاد الی ایوانه مستعیذا بالله عثلی نه. فلما دنا عید الهنود و استعد الملك للخروج تمارض بهرام فصار ت زوجته ائی ابیها و قالت: إنه مریض و هو یعتذر الیک عن تأخره عن خدمتک: ق آ پس از این بیت افزوده است:

دگر نیز داماد گوید همی رخس را بخوناب شوید همی
 که دخترت بیمار گشت دوش (وزن ندارد) ندارد بدل در همی زای و هوش

۷-ق. س. آ. (نیز ل.ی. ل. آ. و. آ. ب.): بدو: متن = ل. س. ک. ل. آ. (نیز ل.ن. پ. ل. ن. آ.) ۸-س. آ. آن ۹. ل.ی. بدر از: ل. ل. آ. (نیز ل.ن. پ. ل. ن. آ.): بیمار باشد کند: (آ. ب. نادان بود آرد از): متن = س. آ. (نیز ل. آ. و) ۱۰- (ل.ی. جشنگاه): ق آ این بیت ندارد ۱۱-ک. لشکر: (ل.ی. چو شنگل بشگیر از آنجا) ۱۲-ک. بهندوستان ۱۳-س. س. آ. (نیز ل.ن. ل.ی. و. ب.): < متن = ل. (نیز ل. آ. پ. ق. آ. این بیت را ندارد ۱۴-س. آ. (نیز ل.ی. ل. آ. و. آ. ب.): زن به: متن = ل. ل. آ. (نیز ل.ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.): ل. ل. آ. و. آ. ب. یکی دو بیت از بیت های ۲۲۷۲-۲۲۷۴ را پس از این بیت هم آورده اند ۱۵-ل. آ. از آنجا: س. آ. (نیز ل.ی. ل. آ. و. آ. ب.): همانگه: متن = ل. ک. (نیز ل.ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.) ۱۶-س. آ. (نیز ل.ی. ل. آ. و. آ. ب.): زیر لب: متن = ل. ل. آ. (نیز ل.ن. ق. آ. پ. ل. ن. آ.): درس. آ. ل.ی. و. آ. ب. بیت های ۲۳۰۸-۲۳۰۹ پس از بیت ۲۲۷۴ آمده اند: ق و برخی از دستنویسهای فرعی سرنویس بازگشتن بهرام به ایران را پس از این بیت آورده اند ۱۷-ب این بیت را ندارد ۱۸-ل. که بود: (ل.): متن = ل. آ. س. آ. (نیز ل. آ.) ۱۹-ل. آ. وی: (ل. آ. بیستد با او): متن = ل. س. آ. س. ق. ک. ل. ن. ق. آ. ل.ی. پ. ب این بیت را ندارند: ل. ل. آ. س. آ. ل. آ. این بیت پس از بیت ۲۲۷۵ آمده است: بنداری: فقیل عذره و قال: اذا کان به عارض فالأولی أن یلازم بیته و لا یتعب نفسه. و رکب شنگل خارجا ائی ذلک الهیکل. فلما جن الليل قال بهرام نصاحته: هذا أوان النجاء فاعزمی. فرکب فی أصحابه و رکبت هی معه: در ل. ل. آ. س. آ. این بیت پس از بیت ۲۲۷۵ آمده است: در پیاپی بیت ها از بنداری و ل پیروی شد ۲۰- (ل.ی. ل. آ. و. آ. ب. تا: ت.) ۲-ل. ک. (نیز ق. آ. پ. ل. ن. آ.): چو: ل. آ. س. آ. (نیز ل.ی. ل. آ. و. آ. ب.): مر: متن = (ل. ن) ۲۲-ق. شاد: ق آ پس از این بیت افزوده است:

برایشان یکی بانگ برزد درشت
 کتون موج دریا برآید همی
 که خاک آنکس کم حایند پشت
 پس اندر مرا نثار آید همی
 دگرگونه اندیشه افگند بن
 چو ملاح بشنید از وی سخن

س در این جا سرنویس دارد: آمدن شنگل از دنبانه سپینود و بهرام گور

برانگیخت، کشتی ز زورق بساخت^۲ به خشکی رسیدند چون روز گشت
 ۲۳۱۰ سواری^۵ ز قَنُوج نازان^۶ برفت
 شنید این^۹ سخن سنگل از نیکخواه^{۱۰}
 بدین^{۱۳} گونه تا پیش^{۱۴} دریا رسید
 غمی^{۱۶} گشت و^{۱۷} بگذاشت^{۱۸} دریا به خشم
 تو با این فریبنده مرد دلیر
 ۲۳۱۵ که بی آگهی^{۲۱} من به ایران شوی^{۲۲}
 بینی کنون ز من زوپین من
 بدو گفت بهرام کای بدنشان
 به زورق سپینود را درنساخت^۳
 گه تابش^۴ گیتی افروز گشت
 به آگاهی^۷ رفتن^۸ شاه تفت
 چن^{۱۱} آتش همی تاخت از جشنگاه^{۱۲}
 سپینود و^{۱۵} بهرام یل را بدید،
 به فرزند گفت: ای بد^{۱۹} شوخ^{۲۰} چشم،
 ز دریا گذشتی بکردار شیر،
 ز مینوی خرم^{۲۳} به ویران^{۲۴} شوی^{۲۲}،
 چو ناگاه رفتی^{۲۵} ز بالین من!
 چرا تاختی باره^{۲۶} چون بی هشان؟

۱-ق: آن اسب و؛ س^۲ (نیز لی > و، ل > و، آ، ب): چون باد و؛ متن = ل، س، ک، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۲-س، ل، آ، س، آ (نیز لن-ب): براند؛ متن = ل، ق، ک ۳-س، س^۲ (نیز لن، ق، آ، ل، آ، ب، و، ب): درنشانده؛ ل^۲ (نیز لی، لن، آ، آ): برنشانده؛ متن = ل، ق، ک؛ درس، آ، لی، ل، آ، و؛ ب-لت‌های این بیت پس و پیش ندهاند ۴-ل: جهان پهلوان؛ ک: که تابش همی؛ ل^۲: که تابش بر؛ (ق: آ): که و دشت از و؛ لی: همی تابش؛ متن = س، ق، س^۲ (نیز لن، ل، آ، ب): بنداری: و توجهوا نحو الساحل طردا حتی اذا صاروا ائیه صادفوا التجار نیاما فایقظوهم ثم وثبوا الی السفن و الزواریق فرکبو و نه لهم العبور الی ذلک الجانب ۵-ل(آ، آ، سواران) ۶-ل^۲ (نیز ب): تابان ۷-ل(آ): باگاهی (از) ۸-س (نیز لن، لن، آ): نو سوی؛ (ب: لک: ق: آ): باگاه کردن سوی؛ ب: باگاه کردن بر؛ متن = ل، ق، س^۲ (نیز لی، و، آ): ل، ل، آ، س، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

که برزوی و یرانیان رفته‌اند همان دختر شاه را برده‌اند

برخی از دستویسها در این جا سه نویس دارند؛ ل^۲: آگاه شدن شکل از رفتن بهرام ۹-ق، ل، آ، آن؛ ک: شنیدی؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۰-ق (نیز ل^۲): شکل نیکخواه ۱۱-ل-س^۲ (نیز ق، آ، ب): چو؛ متن = (لن) ۱۲-ل-ک (نیز لن): بیامد ز (ک: به) نخجیرگاه؛ ل^۲ (نیز ب): بیامد از آن جشنگاه؛ (ق: آ): آمد بیامد ز نخجیرگاه؛ لی، ب: همیرفت از جشنگاه؛ لن^۲: برآمد ز نخجیرگاه؛ آ: همی ساخت از جشنگاه؛ متن = س (نیز ل، آ، و)؛ ل، ل، آ، س، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

همه لشکر خویش را برنشانده پس شاه بهرام لشکر براند

۱۳-س، ق، ل^۲ (نیز لن، ق، آ، لن، آ): بریز؛ متن = ل، ک (نیز ب) ۱۴-س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): چو سنگل بنزدیک ۱۵-ل (نیز آ): > و؛ (لی): سپینود و؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۱۶-ل(لی: غمین) ۱۷-ق: > و ۱۸-ق: بگذشت ۱۹-ل(لی، ل، آ، و، آ، ب): بدختر چنین گفت کای (لی: کین)؛ متن = ۲۰-ب: خم ب؛ ل، ل، آ: از آن سوی دریا چو برکرد؛ س^۲: بدان سوی دریا چو بگشاد؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ): ل، ل، آ، س، آ پس از این بیت افزوده‌اند:

بدیدش سپینود و بهرام را مرا آن مرد بی‌باک خودکام را

بدختر چنین نفت کای بدیزاد که چون تو ز تخم بزرگان مباد (س^۲ ندارد)

۲۱-ق، س^۲ (نیز ق، آ، و، ب): بی آگاهی^{۱۰} (آ: آگاهی)؛ ک: که با دانش؛ متن = ل، س، ل^۲ (نیز لن، لن، آ) ۲۲-س (نیز لن، لن، آ): شوی؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۳-س (نیز لن، پ، لن، آ): ازین مرز؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۴-ل: بدیوان؛ (آ: به بیران) ۲۵-ل، آ، س^۲ (نیز ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب): ناگه برفتی؛ متن = ل-ک (نیز لن، ب، لن، آ): بنداری؛ قال: فانتهی الخیر بذلک الی شکل فانصرف فی سرعة الریح و رکب آثار القوم حتی انتهی الی السحل فیکب بمن صحبه البحر، و عبر الی البر فصادف بهرام مع ابته فی أصحابه فصاح علیها من بعید و شتمها و غیرها بانخدائها لئلا یجها ۲۶-س-ل^۲ (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ): اسب؛ (و: نای (نقطه ندارد)؛ آ: تاختن باز)؛ متن = ل، س، آ (نیز لی، ل، آ، ب)

همانم^۱ که با باده و^۲ میگسار^۳!
 بود پیش من نمر از یک سوار!
 زره دار^۴ با خنجر پارسی،
 نمانم که ماند^۵ یکی را^۹ روان!
 دلیری و گردن^{۱۰} نشاید نهفت!
 بیفگندم و خویش و پیوند را،
 به سربر همی افسرت داشتم،
 مرا راستی بد، ترا کاستی،
 وفا را جفا کی شنیدی^{۱۴} سزا^{۱۵}!
 بداندیشه^{۱۷} من خردمند^{۱۸} بود،
 گماند که^{۲۰} شریری^{۲۱} شده است^{۱۹}!
 چو آری کند^{۲۲} رای او^{۲۳} نی بود!
 که از خون دل دایگان^{۲۶}ش^{۲۴} بشت،
 به پروردگار آماش^{۲۸} رای^{۲۹} جنگ!
 بداندیش و دسا^{۳۰} چون^{۳۱} خوانیم^{۳۱}!

مرا آزمودی گه کارزار
 تو دانی که^۴ از هندوان صد هزار
 ۲۳۲۰ چو من باشم و نامور یار سی^۵
 پر از خون کنم دیده^۷ هندوان
 بدانست سنگل که او راست گفت
 بدو^{۱۱} گفت سنگل که فرزند را
 ز دیده گرامی ترت داشتم
 ۲۳۲۵ ترا دادم آنرا که خود^{۱۲} خواستی^{۱۳}
 جفا برگزیدی به جای وفا
 چه گویم ترا کآنک^{۱۶} فرزند بود
 کنون چون دلاور سواری شده است^{۱۹}
 دل پارسی با وفا کی بود؟
 ۲۳۳۰ چن آن^{۲۴} بجهی شیر بودی درست^{۲۵}
 چو دندان^{۲۷} بر آورد و شد تیزچنگ
 بدو گفت بهرام: چون دانیم،

۱-س.ک.ل.س.۲ (نیز لن.ب): چنانم؛ ق: چنان هم؛ متن = ل.۲-س.ک: باده؛ ق: ابا باده و؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۳-ک:
 خوشگوار ۴-س.۲ (نیز ل.۳): همانا که؛ (آ: همانا گر)؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۵- (آ.ب: پارسی) ۶-س.۲: دار و ۷-ل. (نیز و):
 کشور؛ متن = سیزده دستویس دیگر ۸-ل.س.ک.ل.س.۲ (نیز لن.ق.آ.پ): باشد؛ متن = ق.۹-ل. کسی با؛ س: تنی با؛ (پ.لن.آ:
 یکی با)؛ س.۲ (نیز ل.ل.و.آ.ب): که یکتا بود با؛ متن = ق.ک.ل.۲ (نیز لن.ق.آ): بنداری؛ فلفل به نام مالک ترکض خلفی و قد جربتنی؟
 أما تعلم أن مائة ألف من الهندو عندي أقل من فارس فرد؟ فانی إذا كنت في ثلاثين فارسا من آس د فارس يكون جميع الهندو لنا فرائس
 ۱۰- (پ: مردی)؛ ل.۲ این بیت را ندارد ۱۱-ل.س.۲ (نیز ل.ل.و.ب): چنین؛ متن = ل.ک.نیز ل.ق.آ.پ) ۱۲-ل.آ: تو ۱۳- (آ: خاستی)
 ۱۴-ل. پسندی؛ ک (نیز پ): جزا کی شنیدی؛ (آ: جفا را شنیدی)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۵-س.ق.ل.س.۲ (نیز لن.ق.آ.ل.و.لن.آ:
 آ): جزا کی (نیز پ): جفا؛ متن = ل. (نیز ل.ب): بنداری؛ فلفلم شگل آنه لا يطبق مقاومته فلفلم مع من باب آخر، و جعل يعاتبه ويعيره و
 يقول: إني أترتك بولدي و قرة عيني على جميع الأجانب والأقارب، و جعلتك مثل سمعي و بصری فاعلمتني بالجفاء و لم أعاملك إلا
 بالوفاء ۱۶-ق.ک: آنک؛ (پ.لن.آ: کآنکه)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۷-ل.س.ک.ل.س.۲ (نیز لن.ل.ب): باندیشه؛ (ق: براندیشه)؛
 متن تصحیح قیاسی است ۱۸-ق: باندیشه ام پاک پیوند ۱۹-ک: بود ۲۰-ل.س: گمانم که ک: که ماند که؛ (ق: گمان بد که؛ ل: تو گفتی
 که؛ ل: گماندارد؛ پ.ب: تو گویی که؛ و: همانا که؛ آ: نماید که)؛ متن = ل.س.۲ (نیز لن.ل.آ) ۲۱-س.۲ (نیز ل.ل.و.آ): کامگاری؛ متن = ده
 دستویس دیگر؛ ق: بیت های ۲۳۲۸-۲۳۲۹ را ندارد ۲۲-س.س.۲ (نیز ق.آ.ل.ل.و.آ.ب): تنی؛ (ن.لن.آ: یاری کنی)؛ متن = ل.ک.ل.۲ (نیز
 پ) ۲۳-س.س.۲ (نیز ل.ل.و.آ.ب): پاسخش؛ متن = ل.ک.ل.۲ (نیز لن.ق.آ.پ.لن.آ): بنداری و لک: ماذا أقول لك و هذه التي هي ولدي، و
 كنت أحسبها عاقلة قد خرجت علي فارسا شجاعا حتى كأنها قد صارت شهريا؛ مطعا؛ غير أن فارسي لا يقول بالوفاء
 ۲۴-ل.س.ک (نیز لن.ق.آ.پ.لن.آ): چنان؛ ق.ل.آ: چو آن؛ س.۲ (نیز ل.ل.و.آ.ب): تو چون؛ متن = ل.س.۲ (نیز و.آ.ب): نخست؛ متن =
 یازده دستویس دیگر ۲۶-ل.آ: دایگانرا؛ س.۲ (نیز ل.آ): دایه وی؛ (ل: و دایه او را؛ ب: دایه او)؛ متن = ل.س.ق.ک (نیز لن.ق.آ.پ.لن.آ)
 ۲۷- (آ: دید آن) ۲۸-ل.آ: پروردگارش بود ۲۹- (آ: جای)؛ س: در این جا سرنویس دارد؛ ح: سنگل بهرام را و مقالات ایشان ۳۰-ک.
 ل.س.۲ (نیز لن.ل.آ): کی؛ (ل: می)؛ ق: فریبنده و بدنشان؛ متن = ل.س (نیز ق.آ.پ.و.ل.آ.ب) ۳۱- (لن: دانیم؛ ل: می خوانیم)

به رفتن نباشد^۱ مرا سرزنش
 شهنشاه ایران و نیران^۵ منم!
 ۲۳۳۵ ازین پس سزای^۷ تر نیکی کنم
 به ایران^۹ بجای^{۱۰} پدر دارم
 همان^{۱۱} دخترت شمع خاور^{۱۲} بود^{۱۳}
 ز گفتار او ماز. سنگل شگفت
 بزد اسپ و از^{۱۷} پیش چندان سپاه
 ۲۳۴۰ شهنشاه را شاد^{۱۹} در بر^{۲۰} گرفت
 به دیدار بهرام شد شادکام
 برآورد^{۲۲} بهرام راز از نهفت
 که کردار چون بود و اندیشه چون
 می‌بی^{۲۵} چند خوردند و برخاستند
 ۲۳۴۵ دو^{۲۷} شاه کت‌آری^{۲۸} یزدان پرست

چه خوانی^۲ مرا بددل و^۳ بدکنش^۴؟
 سپهدار^۶ و پشت دلیران منم!
 سر بدسگالت^۸ ز تن برکنم!
 هم از باز کشور نیازم!
 سر بانوان را^{۱۴} چو افسر بود^{۱۳}!
 ز سر شاره‌ی^{۱۵} هندوی^{۱۶} برگرفت،
 بیامد به پوزش^{۱۸} به نزدیک شاه،
 و زان گفته‌ها پوزش اندرگرفت
 بیاراست خوان و بیارود^{۲۱} جام
 سخن‌های ایران به سنگل بگفت^{۲۳}
 که بودم بدین^{۲۴} داستان رهنمون
 زبان‌ها^{۲۶} به پوزش بیاراستند
 وفا را پسودند بر دست^{۲۹} دست^{۳۰}،

۱- (آ: نباشد برفتن) ۲- ل. س. ک. ل. آ. بخوشی؛ (لن. پ. لن. آ: نخوانی؛ ق. آ. لی: جو خوانی)؛ متن = ق. س. آ (نیز ل. آ. ب)؛ (نیز ل. آ. ب)؛ دو دل و دی (نیز ق. آ. ل. آ)؛ د. دل: دل: آ: بدرگ و؛ متن = ل. ق. < > (نیز لی. پ. لن. آ) ۴- (و: که دورم زیغاره و سرزنش) ۵- ل (نیز ق. آ. لی. ب)؛ توران: ک: شیران: ل: پیر (حرف یکم بی نقطه)؛ س (نیز ل. آ. و)؛ توران و ایران؛ (لن: یوان و ایران!)؛ ق. س. آ (نیز و. آ): سپهدار ایران و توران: متن = (پ. لن. آ) ۶- ق. س. آ (نیز ل. آ. و. آ): شهنشاه؛ ق. آ پس از این بیت افزوده است:

بایران و توران منم شهریار نه بیند چو من نامور روزگار

۷- ق: جزای ۸- ل. آ (نیز لی. ب)؛ بدسگالت: متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال بهرام: مائک تعیرنی و هل عارفی أن یراجع الإنسان وطنه، و یعاود أهله و سکنه ثم قال: ألا اینی شاهنشاه ایران. و لت تری منی بعد هذا: إلا الجمیل و الاحسان ۹- (و: از ایران) ۱۰- ل. آ: یکی چون؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۱- ق. س. آ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب)؛ همین؛ متن = ل. س. ک. ل. آ (نیز لن. ق. آ. پ. لن. آ) ۱۲- س. آ: خانه (پساوند ندارد) ۱۳- ای: کنم) ۱۴- (ق: بانوان من) ۱۵- س: ساره ۱۶- (لی. و. لن. آ: هندویی؛ پ: هندوان)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ بنداری: و لاتخذنک وانا، و لا اکلک خراجا أبدا. و أصیر ابنتک سیده النساء فی تلك الأقطار و المخصوصة فیها بالشرف و الفخار. ففضی شکل العجب من تلك الحال، و رمی عن رأسه الشارة الهندیة ۱۷- ل. س. س. آ (نیز لن)؛ وز: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۸- (آ. ب)؛ پوزش بیامد: ل. آ در این جا سرنویس دارد: اندر شناختن سنگل بهرام گور را ۱۹- ل. آ: زود؛ (پ: شاه) ۲۰- س. آ (نیز ق. آ. لی. ل. آ. و. آ. ب)؛ اور: بیر: متن = ل. ل. آ (نیز لن. پ. لن. آ) ۲۱- س (نیز لن. لن. آ): بیاراست ۲۲- ل. آ: بیارود) ۲۳- ل: ایرانیان بازگفت؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۴- س. آ (نیز لن. آ): برین؛ بنداری: و خرج من بین أصحابه و رکض الی بهرام فنزل و اعتقه و اعتذر الیه. فأفضی بهرام یمه سره و أخبره بما قد جرى ذکرة فی مجلسه، و أنه السب الذی حملة علی مشاهده أمره بنفسه؛ س در این جا سرنویس دارد: باز من بهرام از هندوستان بایران زمین ۲۵- (لی: همی) ۲۶- ل. س. س. آ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب)؛ زبانرا؛ متن = ق. ک. ل. آ (نیز لن. ق. آ. پ. لن. آ) ۲۷- ق: چو ۲۸- ل. ل. آ (نیز ق. آ): دلاری؛ س < > ق. ک (نیز لن. پ. لن. آ) < >؛ تب آرای و؛ س. آ (نیز لی. ل. آ. و. آ. ب)؛ سرافراز؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۹- س. س. آ (نیز لن. لی. ب)؛ بادست؛ (ق: با هم دو)؛ متن = ل. ق. ک. ل. آ ۳۰- (آ: رس (پساوند ندارد))

کزین^۱ پس دل از راستی^۲ نشکنیم!^۳
 وفادار باشیم تا جاودان!
 سپینود^۵ را نیز^۶ بدرود کرد^۷
 سبک پشت بر یکدگر گاشتند
 ۲۳۵۰ یکی سوی خشک و^{۱۴} یکی^{۱۵} سوی آب
 همه بیخ کژی^۴ ز بن برکنیم!
 سخن بشنویم از لب بخردان!
 بر^۸ خویش تار و بریش^۹ بود کرد^{۱۰}!
 دل^{۱۱} کینه بر خاک^{۱۲} بگذاشتند!^{۱۳}
 برفتند شادان و دل^{۱۶} بر شتاب^{۱۷}!

گفتار اندر داد کردن بهرام گور^{۱۸}

چو آگاهی آمد به ایران که شاه
 بیستند آذین^{۲۰} به راه و به شهر^{۲۱}
 درم ریختند از کران تا کران
 چن^{۲۴} آگاه شد زان سخن^{۲۷} یزدگرد
 ۲۳۵۵ چو نرسی و چون^{۲۹} موبد موبدان
 بیامد ز قنوج خود با سپاه^{۱۹}
 همی هر کس از گام^{۲۲} برداشت بهر^{۲۳}!
 هم از^{۲۴} مشک و دینار و هم^{۲۵} زعفران
 سپاه پراکنده را کرد^{۲۸} گرد
 پذیره شدندش همه بخردان^{۳۰}

۱-ک: ازین ۲-س. ق. ک (نیز، ل. ق. ل. آ. ب. ل. ن. آ): دل راستی؛ متن = ل. ل. آ. س. آ (نیز، ل. و. آ. ب. ۳- ل. ن. آ: برکنیم؛ ب: بشکنیم) ۴-ل: همی بیخ شادی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ ق. آ پس از این بیت افزوده است:

ز چیزی کجا شاه را بود پیش فرستاد از اندازه هر چیز بیش

۵-ل: شینود) ۶- (و: زود) ۷-ق: در بر گرفت ۸- (ل. ل. ب. تن) ۹- (ل. آ. ب. تنش) ۱۰-ق: مانند، ز کردار گیتی شگفت؛ ق. آ پس از این بیت افزوده است:

فرماند شاه از چنان کار خام فروماند شاه از چنان کار خام
 نگه دار جان از چنین آرزوی که هر کس چو سنگ نیاورد بخوی
 بفرمود تا خون بیاراستند می و جام و میخورکان خواستند

۱۱-س. آ (نیز، ل. و. آ. ب. ب): بی؛ متن = ل. ل. آ (نیز، ل. ق. آ. ب. ل. ن. آ) ۱۲-ل: جای؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۳- (آ: نگذاشتند) ۱۴-ق. س. آ (نیز، ل. ب. ل. ن. آ): خشکی؛ (ق. آ: کشتی)؛ متن = ل. س. ک. ل. آ (نیز، ل. ل. و. ب. د. ا. ق. آ: ب: دگر) ۱۶-ل. س. ق (نیز، ل. ل. ن. آ. ب): شادان دل و؛ (ق. آ: شادان دلی)؛ متن = ک. ل. آ. س. آ (نیز آ) ۱۷-س: نر شتاب؛ ک (نیز، ل. ل. پ. ز. تاب: (ق. آ. ب. آ. ب: پر شتاب)؛ متن = ل. ق. ل. آ. س. آ (نیز، ل. ل. و. ل. ن. آ: بنداری؛ ثم إنه أمر باحضار الشراب، واجتماعا معا علی الشب ثم تعاهدا علی المصادقة و المصافاة و المظاهرة و الموالاة ثم ودع کل واحد منهما صاحبه و أخذ فی طریقہ ۱۸-س: باز آمدن بهرام از هندوستان بایران زمین؛ ق (کمی بالاتر): عذرخواهی سنگل از بهرام و بازگشتن بهرام بایران؛ ک (۱۳ بیت سپس تر): هفت داد بهرام گور؛ در این جا: باز آمدن بهرام گور از هندوستان بایران؛ آ: آگاهی یافتن ایرانیان از بهرام؛ ل. آ این سرنویس را ندارد؛ متن = [گفتار اندر +] ل ۱۹-س. آ (نیز، ل. ل. و. آ. ب): و برید راه ۲۰-ق. آ: آیین) ۲۱-ل. آ: بشهر اندرون؛ (ل. آ: بشهر و راه) ۲۲-ل: کار؛ س. آ (نیز، ل. ل. و. آ. ب): راه؛ متن = س. ق. ک (نیز، ل. ب. ل. ن. آ) ۲۳-ل: از دهن گرم و تیمار کرده برون؛ (ل. آ: هرانکس که بودند شاه و سپاه) ۲۴-س. آ (نیز، ل. ب. و. آ. ب): همان؛ (ل. آ: همه)؛ متن = ل. س. ق. ل. آ (نیز، ل. ق. آ. ل. ن. آ) ۲۵-س: دیبا و هم؛ ل. آ. س. آ (نیز، ق. آ. ل. ل. آ. ب): دینار با؛ (و: دینار بر)؛ متن = ل. ق (نیز، ل. ب. ل. ن. آ)؛ ک این بیت را ندارد؛ ب پس از این بیت افزوده است:

همه کس بشادی نهادند روی زبان شاه گوی و زبان شاه جوی

۲۶-ل. س. آ (نیز، ق. آ. ب): چو؛ متن = (ل. ن. آ) ۲۷-ل. ل. آ: پورا؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸- آ: آند آورد یک یک به) ۲۹-ق: آبا؛ ک. ل. آ (نیز، ق. آ): و هم؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۰-ق: پر از گرد رخسار و دل شادمان

چو بهرام را نید فرزند اوی^۱
 برادرش نرسی و موبد همان^۲
 چنان هم^۳ بیامد به ابوان خویش
 بیاسود^۴ چون کشت گیتی سیاه
 ۲۳۶۰ چو پیراهن شب بدزید روز
 شهنشاه بر تخت زرین نشست
 برفتند هر کس^۵ که بد مهتری
 جهاندار بر^۶ تخت بر پای خاست
 نخست از جهاد آفرین یاد^۷ کرد
 ۲۳۶۵ چنین گفت کز کردگار جهان^۸
 بترسید^۹ و او را ستایش کنیدا!
 که او داد^{۱۰} پروزی و دستگاه
 هر آنکس که خواهد^{۱۱} که یابد بهشت
 به داد و دهش تابد^{۱۲} و راستی!
 ۲۳۷۰ ز ما کس مباشد از ن^{۱۳} پس^{۱۴} به بیم^{۱۵}

پیاده^{۱۶} بمالید بر خاک روی^{۱۷}
 پر از گرد رخساره^{۱۸}، دل شادمان^{۱۹}
 به یزدان سپرده^{۲۰} تن^{۲۱} و جان خویش
 بکردار سیمین سپر^{۲۲} گشت ماه^{۲۳}
 پدید آمد آن شمع گیتی فروز،
 در بار بگشاد و لب را بیست
 خردمند و در پادشاهی سری
 بیاراست پاکیزه گفتار^{۲۴} راست
 ز فام^{۲۵} خرد گردن آزاد کرد
 شناسندهی آشکار و نهان^{۲۶}،
 شب تیره^{۲۷} پیشش^{۲۸} نیایش کنیدا!
 خداوند تابنده خورشید و^{۲۹} ماه^{۳۰}!
 مگردید^{۳۱} گرد^{۳۲} بد و کار زشت!
 بیچد دل از^{۳۳} کژی و کاستی!
 اگر کوه زر دارد و گنج^{۳۴} سیم^{۳۵}!

۱- (آ: <ی>) ۲- ل (نیز ق ۲، پ، و، ب: بیامد؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳- ق: هم موبدان؛ س ۲ (نیز ل ۳، و، آ، ب): با موبد موبدان؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن ۲) ۴- ل، س ۲ (نیز ل، ن، پ، ب): رخسار؛ متن = (ل ۲) ۵- ق: پذیره شدنش همه بخردان؛ ق ۲، ل، ی، این بیت را ندارند؛ بنداری؛ ثم إنه انتهى الخیر إلى بران باقیال بهرام فثروا علی المبشرین الثارات و عقدوا القباب و الأذینات فجمع یزدجرد بن بهرام العسکر، و خرج مع عمه نرسی و موبد الموبدان فاستقبلوه؛ پ پس از این بیت افزوده است:

ز شادی دل مردم روزگار
 همی تازه شد چون گل اندر بهار
 که آمد شهنشه سری تخت خویش
 دل خرم از فره و بخت خویش

۶- س ۲ (نیز ل ۳، و، آ): بدانسان؛ (لی: دانند؛ پ: پس آنکه؛ ب: برانسان)؛ متن = ل-ل ۲ (نیز ل، ن، ق، ل، ن ۲) ۷- (ق ۲: سپردش) ۸- (لی، ل ۳، و، آ: دل) ۹- س (نیز ل، ن): بیاسود؛ ل ۳ (رأسود)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۰- ق: بتی ۱۱- (لی: شاه) ۱۲- (و: هر جا)؛ لی این بیت را ندارد ۱۳- ق: در؛ (ل، ن، آ: از) ۱۴- ق: گفتار پاکیزه؛ ب: لب را بگفتار ۱۵- س: آفرین بر جهاندار ۱۶- ل، ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ل ۳- ل، ن، آ، ب): وام؛ (لی: دام)؛ متن = ل، س، ل ۳ (نیز آ)؛ ک در این جا سرنویس دارد: هفت داد بهرام گور ۱۷- ل: سپهر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸- ل: آشکارا و مر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۹- س: برستید؛ (ل، ن، آ: برسید) ۲۰- ل: و روز ۲۱- س ۲ (نیز ق ۲، ل، ل، آ، و، آ، ب): او را؛ متن = ل-ل ۲ (نیز ل، ن، پ، ل، ن ۲) ۲۲- س ۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): کزویست؛ متن = ل-ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن ۲) ۲۳- ک: خورشید و تابنده؛ (ب: کیوان رخورشید و) ۲۴- (ق: ناید (حرف یکم بی نقطه)) ۲۵- ک، ل، آ: نگردید ۲۶- ل، ق، س ۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ): نگردد بگرد؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۷- ل ۲ (نیز ق ۲): بید و با؛ س ۲: یابد و؛ (و: یازد و؛ آ: ناید (حرف یکم بی نقطه))؛ ل-ک (نیز ب، ل، ن، آ، ب): چو داد و دهش باشد و؛ متن = (ل ۲) ۲۸- ک: <از> (وزن ندارد)؛ ق: زد؛ ل ۲ (نیز ق ۲): به بیچد از؛ (پ: بیچد بدل؛ آ: نه بیچد دل از)؛ متن = ل، س، س ۲ (نیز ل ۲، و، ل، ن، آ، ب)؛ ل، ی، این بیت را ندارند ۲۹- ل، ق، ک: زین؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۳۰- س ۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): کنون؛ متن = ل-ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۳۱- (ق: غم) ۳۲- س ۲ (نیز ل، ل، ق، آ، و، آ، ب): کان؛ (ل: ارکان؛ ل، ن، آ: گنج و)؛ ق: کان زر دارد و کوه؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، پ) ۳۳- (ق: درم (وزن ندارد))

ز دل‌ها همه ترس^۱ بیرون کنید!
 کشاورز با^۴ مرد دهقان‌نژاد
 هر آنرا^۶ که ما تاج دادیم^۷ و تخت
 نکوشم^{۱۱} بدآگندن^{۱۲} گنج^{۱۳} من^{۱۴}!
 ۲۳۷۵ یکی گنج خواهم نهادن ز^{۱۷} داد
 برین^{۱۹} نیز اگر^{۲۰} خواست یزدان بود
 برین^{۲۲} نیکوی‌ها فزایش کنیم^{۲۳}!
 گر از لشکر و کارداران من^{۲۶}
 کسی رنج بگزید و^{۲۸} با من^{۲۹} نگفت^{۳۰}
 ۲۳۸۰ ورا از تن خویش باشد بزه
 منم پیش^{۳۶} یزدان ازو دادخواه
 شما را مگر^{۳۹} دیگرست آرزوی^{۴۰}
 بگوئید گستاخ با من سخن
 همه گوش دارید و فرمان کنید!

همه نیکوی‌ها^۲ به افزون^۳ کنید!
 یکی شد بر ما^۴ به هنگام داد!
 ز یزدان شناسید^۸ و از^۹ داد^{۱۰} بخت!
 نخواهم پراگندن^{۱۵} انجمن^{۱۶}!
 که باشد^{۱۸} رزتم پس از مرگ شاد!
 دل روشن از^{۲۱} بخت خندان بود،
 سوی بخت شاهان^{۲۱} نیایش^{۲۵} کنیم^{۲۳}!
 ز خویشان و^{۲۷} خنگی سواران من^{۲۶}!
 همی‌دارد آن^{۳۱} کژی اندر^{۳۲} نهفت،
 بزه گر^{۳۳} گزیند کسی بی^{۳۴} مزه^{۳۵}!
 که در چادر ابی^{۳۷} بنهفت^{۳۸} ماه!
 که هر کس دگرگو، باشد به خوی^{۴۰}،
 مگر نو کم^{۴۱} آرزوی^{۴۲} کهن!
 ازین پندم^{۴۳} آراش جان کنید^{۴۴}!

۱-ل: بیم؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲-ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، ل، آ، و)؛ نیکوئیاها؛ متن = س، ق (نیز ق، آ، لی، ب، ل، ن، آ، ب) ۳- (ل، ن، ب): برافزون؛ ل: نیایش بدارای بیچون؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۴- ل: گر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۵- (ب: شاد بر ما)؛ ل: بکوشید با ما؛ (آ: که باشد بر ما؛ ب: بر ما یکی شد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۶- س (نیز ل، د، ل، ن، آ)؛ کسی را؛ ک، س، آ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ هر آنکس؛ ل: آ: هر آنکه؛ متن = ل ۷- ل، آ (نیز ل، آ)؛ داریم ۸- ل: سبایم؛ ل: آ: شناسیم؛ (لی: ستاند)؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۹- ل، س، آ (نیز ل، ن، آ)؛ وز؛ (لی: نه از)؛ متن = س، ک، ل، آ (نیز ل، ل، آ، ب، و، ب ۱۰- ل، س، ل، آ، س، آ (نیز ل، ن، پ، آ، ب)؛ داد و؛ متن = ک (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، ل، ن، آ)؛ ق این بیت را ندارد ۱۱- ک: نکوشم (حرف چهارم بی نقطه)؛ ل: نکوشیم؛ س: نکوشم (حرف چهارم بی نقطه)؛ (ق: نخواهم؛ لی: نپویم؛ ب: بکوشید)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ل، آ، آ) ۱۲- ل، ق، س، آ (نیز ق، آ، و، آ، ب)؛ باکندن؛ س (نیز ل، ن، آ)؛ پراگندن؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۳- (ب: گنج و) ۱۴- (ق: گنج خویش) ۱۵- ل، ن، ل، آ)؛ پراکنده کرد؛ متن = س، س، آ (نیز لی، ب) ۱۶- (ق: که گیتی نیز زده همه رنج خویش) ۱۷- (ل، ن، آ، به) ۱۸- ک: ماند ۱۹- س، آ (نیز آ)؛ بدین؛ (لی: باین؛ ل: بران)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۰- ل، ق، ل، آ (نیز ق، آ، لی)؛ گر؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۱- ک، ق، ک (نیز ل، ن، آ، و، ل، ن، آ)؛ همیشه دل و؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۲- ق (نیز لی، آ)؛ بدین؛ (ل، آ، ل، ن، آ)؛ بران)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۳- ک: نیم ۲۴- ل، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ)؛ نیک‌بختی؛ ل، آ، س، آ: تخت شاهان (حرف یکم از واژه یک بی نقطه)؛ (لی: تخت خندان؛ ل: بخت، خوبی؛ و، آ، ب: تخت شاهان)؛ متن تصحیح قیاسی است ۲۵- س، ل، آ (نیز ل، ن، ق، آ، و، ب)؛ نمایش؛ درس این واژه پاک شده است؛ متن = ل (نیز لی، ل، آ، ب) ۲۶- (ب: ما)؛ ل: آ: تاجداران من ۲۷- ق، س، آ (نیز ل، آ، و، آ)؛ خویش و ز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۸- س، آ <ب> (نیز ل، آ، و، آ)؛ رنج‌آید و ۲۹- س، آ (نیز ل، ن، آ)؛ کس؛ ک: ما؛ گ متن = دوازده دستنویس دیگر ۳۰- (لی: بگفت) ۳۱- ق، ل، آ: (ل، ن، آ: داشت ن) ۳۲- (لی: ب: این راستی را) ۳۳- س، ک، ل، آ، س، آ (نیز ل، ن، ق، آ، ل، آ، آ)؛ کی؛ (لی: ب: بزرگی)؛ متن = ل، ق ۳۴- س، آ (نیز ق، آ، ب)؛ بر؛ (لی: بزرگی نه بیند کسی بر؛ ب: بزرگی نبیند کسی بی) ۳۵- (ب: مژه) ۳۶- ق: نزد؛ ل: همه پیش ۳۷- س، آ (نیز ل، آ، و، آ، ب)؛ پرده میغ؛ (لی: پرده میغ)؛ متن = ل، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ) ۳۸- ل، آ: مهر نهفت ۳۹- (ق، آ، لی، و، آ، ب: اگر) ۴۰- س، ق، ک (نیز ق، آ، ب، ل، ن، آ)؛ <ی>؛ ل: آ بیت‌های ۲۳۸۲-۲۳۸۴ را ندارد ۴۱- ق، ک، س، آ (نیز ب، ل، ن، آ)؛ نو کنیم؛ (ق: بشکنید)؛ متن = ل، س، ل، آ (نیز ل، ن، لی، و، آ، ب) ۴۲- (ب: روزگا)؛ ل، پند؛ (و: ز پند من)؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۴۴- س، آ: کنیم (پساوند ندارد)؛ درس این بیت بابت سپین پس و پس شد؛ است

۲۳۸۵ بگفت این و بنشت بر تخت^۱ شاد^۲
 بزرگان بر او ساختند^۴ آفرین
 چو دانا بود شاه^۶ و پیروزبخت
 ترا مردی و دانش^۸ و فرهی
 بزرگی و هم گوهر^{۱۰} و هم^{۱۱} نژاد
 ۲۳۹۰ کنون آفرین تر ند^{۱۳} ناگزیر
 هم آزادی تو^{۱۵} به یزدان کنیم^{۱۶}!
 برین^{۱۸} تخت ارزانیست^{۱۹} شاه^{۲۰}
 همی^{۲۲} مردگان^{۲۳} را بری^{۲۴} ز خاک
 خداوند دارنده یار تو باد!
 ۲۳۹۵ برفتد بآرامش^{۲۷} از پیش تخت
 نشست آن زمان شاه و سکر بر اسپ^{۳۰}
 بسی^{۳۱} زر^{۳۲} و گهره درویش داد
 پرستندهی آتش^{۳۷} زردهشت
 سپنود^{۴۰} را پیش^{۴۱} و برد^{۴۲} شاه

کلاه بزرگی^۳ به سر برنهاد
 که بی تو مبادا کلاه و نگین^۵!
 بنازد بدو^۷ کشور و تاج و تخت!
 فزون آمد از بخت^۹ شاهنشهی!
 چو تو^{۱۲} شاه گیتی ندارد به یاد!
 به ما هر که^{۱۴} هستیم برنا و پیرا!
 دگر^{۱۷} پیش آزادمردان کنیم^{۱۶}!
 به داد و به پیروزی^{۲۱} و دستگاه!
 به داد و به بخشش^{۲۵} به گفتار پاک!
 سر اختر اندر^{۲۶} کنار تو باد!
 بزرگان^{۲۸} فرزانهی^{۲۹} نیکبخت
 بیامد سوی خان آذرگشپ
 نیاز آنک^{۳۳} بنهفت^{۳۴} ازو^{۳۵} بیش داد^{۳۶}
 همی رفت با باژ و برسم^{۳۸} به مشت^{۳۹}
 بیاموختش دین^{۴۳} و آیین و راه

۱-ق.ل.س.آ (نیز ق.آ.لی.ل.آ.و.ب.ب.ر.تخت.بنشت: متن = ل.س.ک (نیز ل.ن.پ) ۲-ل.داد: متن = چهارده دستنویس دیگر ۳-ل.کیانی: متن = چهارده دستنویس دیگر: ساری: فعاد بهرام الی ایوانه و مستقر عزه و سلطانه، و اقام ینبی و یامر و یعطی و یمنع ۴-ل.ک.ل.آ.س.آ (نیز ق.آ.ب.): خواندند: متن = س.ق (نیز ل.ن) ۵-ب: زمان و زمین ۶-س.آ (نیز ق.آ.لی.و.آ.ب.): <و>: س (نیز ل.ن): شادو: متن = ل.ق.ک.ل.آ (نیز ل.آ.پ.ل.ن.آ.۷-ل.آ (نیز پ.): برو ۸-ل.آ (نیز پ.ب.): دانش و مردی و: (ق.آ: هر دو دانش ابا) ۹-ل.س.س.آ: تحب (تنها حرف یکم نقطه دارد): ل.ق.آ (نیز ل.لی.ل.آ.پ.ل.ن.آ.۱۰-ل.ل.آ: دانش: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-ل.ن.آ.با) ۱۲-ل.ق.آ.آ.ب: چنو (ل.ن: بحب بی نقطه)): متن تصحیح قیاس است ۱۰-ل.ل.آ: دانش: متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۱-ل.ن.آ.با) ۱۲-ل.ق.آ.آ.ب: چنو) ۱۳-ل.س.ل.س.آ (نیز آ): بر تو شد: ق.نو شد: متن = یازده دستنویس دیگر ۱۴-ل.ز ما بر که: س-س.آ (نیز ل.ن.پ.ل.ن.آ.آ.ب.): بما بر که: متن = (ل.آ.و.): در ق.آ این بیت سپین پس و پیش شده است ۱۵-س.آ (نیز و.آ): از تو: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-ل.آ: کنم ۱۷-ق.و.گر: س.آ (نیز ل.لی.ل.آ.آ.ب.): هم از: (پ.و.همان): متن = ل.س.ک.ل.آ (نیز ل.ن.ق.آ.ل.ن.آ) ۱۸-س.آ (نیز ل.آ.آ): بدین: (لی.بدان): متن = ل.ک (نیز ل.ن.پ.و.ل.ن.آ.ب) ۱۹-ل.بخت ارزانی آنت (حرف یکم از واژه یکم بی نقطه): س.س.آ (نیز ل.ن.پ.و.ل.ن.آ): از ارزانیانست: (ب: تخت ما ارزانیانست و ن ندارد)): متن = ق.ک (نیز ل.لی.ل.آ.آ) ۲۰-ل.آ: نه بیند جو تو شاه این تخت و گاه: (ق.آ: که چون تو ندیدیم بر گاه شاه) ۲۱-ل.ن.ب.ه.پیروزی) ۲۲-ل.همه: متن = س-س.آ (نیز ل.ل.آ.ب) ۲۳-س: مردمان ۲۴-ق: براری: ک: نوازی ۲۵-س: ز ق.آ.لی این بیت را نداری: ۲۶-ک (نیز ل.ن.ل.ن.آ): اختران در: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۷-س.آ (نیز ل.لی.ل.آ.و.آ): شادی: متن = ده دستنویس دیگر ۲۸-ل.بزرگان و: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-ل.ن.ق.آ.پ.فرزانه و) ۳۰-ل.آ (نیز ل.ن.ل.ن.آ): به اسب ۳۱-س (نیز ل.ن.ل.ن.آ): همی: متن = ده ازده دستنویس دیگر ۳۲-ق.آ: در) ۳۳-ل.آ (نیز پ.ل.ن.آ.آ: آنکه) ۳۴-ل.ل.نیز ق.آ: نهفت (حرف های یکم و دوم بی نقطه): س.س.آ نهفت (حرف یکم بی نقطه): (ل.آ.پ.و.نهفت): ق: سپنود هندی: متن = ک.ل.آ (نیز ل.ن.لی.ل.ن.آ.آ.ب) ۳۵-ک: (وزن ندارد) ۳۶-س.آ: باد ۳۷-پ: آذر) ۳۸-ق.آ: او و برسم: لی: زندانست: ب: زند و است: ل.آ: باژ برسم) ۳۹-ک: بنشت: (ل.ن: بدست (پساوند ندارد): ن.آ: سوی کشت) ۴۰-ل.لی: سپنود) ۴۱-ب: نژاد) ۴۲-ق.آ: پیش آورد) ۴۳-ل.لی: ب.رسم: ل.آ.بیت های ۲۳۹۹-۲۴۰۰ را ندارد

۲۴۰۰ بشتش^۱ به دین به و^۲ آب^۳ پاک
 و زو^۴ دور شد گرد زنگار پاک^۵
 در تنگ زندان‌ها باز کرد
 به هر کس^۶ در دادن آغاز کرد

گفتار اندر آمدن سَنگَل به ایران زمین^۷

پس آگاه شد سنگل از کار شاه
 به دیدار^{۱۱} ایران بدش آرزوی^{۱۲}
 فرستاد هندی^{۱۵} فرستاده‌یی
 یکی عهد نو خواست از^{۱۷} شهریار
 به نوی^{۲۰} جهاندار عهدی نبشت^{۲۱}
 یکی پهلوی‌نامه از^{۲۳} خط شاه
 فرستاده چون نزد سنگل رسید
 ز هندوستان ساز رفتن گرفت
 بیامد به درگاه او هفت^{۲۷} شاه
 یکی شاه کابل، دگر^{۳۰} سِندشاه^{۳۱}
 دگر شاه مندل^{۳۴} که بُد نامدار^{۳۵}
 ز دختر که نند^۸ شاه را^۹ پیشگاه^{۱۰}
 بر دختر و^{۱۳} شاه آزاده‌خوی^{۱۴}
 سخن‌گوی مردی و^{۱۶} آزاده‌یی
 که دارد^{۱۸} به خان‌اندرون^{۱۹} یادگار
 چو خورشید تابان به باغ^{۲۲} بهشت!
 فرستاده^{۲۴} زرد و بنمود راه
 سپهدار قَنوج خطش^{۲۵} بدید،
 ز خویشان چینی^{۲۶} نهفتن گرفت
 که آیند^{۲۸} بزاران^{۲۹} سَنگَل به راه:
 دگر شاه سَندل^{۳۲} بشد با سپاه^{۳۳}
 همان شاه^{۳۶} خندل^{۳۱} که بُد^{۳۸} کامگار،

۱- (لی: نشتش) ۲- ک: بدین گونه از: س: آ: بدین ره و ۳- ق: تنش را بدان آب شستند ۴- ل: س: ق: از: متن = یازده دستنویس دیگر
 ۵- ل: ک: س: آ: (نیز ل: پ: آ): گرد و زنگار و خاک: (ن: گرد زنگار و خاک: ق: آ: گرد زنگار و خاک: ل: و: ن: آ: گرد زنگار خاک): متن = (ب)
 ۶- ل: بهرسو: متن = چهارده دستنویس دیگر ۷- ل: آمدن شاه هند پیش بهرام گور: س: آمدن سنگل بایران بدیدن بهرام و سپنود: ق:
 آمدن سنگل بایران بعد از خواهی بهرام و دیدن دختر: ل: آمدن سنگل بدیدار بهرام گور: ب: دختر خود: س: آ: این سرنویس را ندارد:
 متن = [گفتار اندر+] ک: در بیشتر دستنویسها این سرنویس کمی سپس تر یا پیش تر آمده است: ۸- س: (نیز ل: پ: ن: آ): بد: متن =
 یازده دستنویس دیگر ۹- (لی: ب: مرورا) ۱۰- (ق: آ: نیکخواه) ۱۱- (آ: سوری شهر) ۱۲- س: ق: ک: (ب: ق: آ: پ: ن: آ): <ی>: متن = ل: س: آ
 (نیز ل: ل: آ: و: آ: ب) ۱۳- ل: (نیز و: ن: آ: آ): <و>: متن = س: ک: س: آ: (نیز ل: پ: ب) ۱۴- ق: بدیدار دختر مه خوب روی: ل: آ: این بیت را
 ندارد ۱۵- ق: هندو ۱۶- ق: <و> (نیز ل: ب): سخنگوی و بینادل: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۷- ل: آ: با ۱۸- (لی: ل: آ: ب: باشد)
 ۱۹- س: ل: آ: (نیز ل: ق: آ: پ: ن: آ): بخانه درون: س: آ: (نیز ل: ل: آ: و: آ: ب): بکاخ اندرش: متن = ل: ۲۰- ک: س: آ: (نیز ل: ن: ب): بنوی: متن =
 ل: ۲۱- ل: ق: ل: آ: (نیز ق: آ: ل: آ: ن: آ): نوشت: متن = س: ک: س: آ: (نیز ل: ل: آ: ب) ۲۲- ل: آ: بخرد ۲۳- (ق: آ: نامه پهلوی) ۲۴- ک: ل: آ: (نیز
 ل: آ: فرستاد و: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۵- (ن: پ: ن: آ: خط را): متن = یازده دستنویس دیگر: ل: آ: بیت‌های ۲۴۰۸-۲۴۰۹ را
 ندارد ۲۶- ق: هندی: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۷- ق: پنج: ل: آ: با پنج: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۸- (ق: آ: باشد) ۲۹- ق: ل: آ:
 س: آ: (نیز ق: آ: و: آ: ب): با شاه: ک: برزای: متن = ل: س: (نیز ل: ن: آ) ۳۰- (لی: و: آ: ب: یکی) ۳۱- ل: ک: (نیز ل: ن: آ): هندشاه: س: س: آ: (نیز
 ل: ن: و: آ: ب): شاه هند: (لی: شاه سند): متن = ل: ۳۲- ل: (نیز ل: آ): سندان: ک: سندک: ل: آ: جندل: (ن: سندان: ق: آ: مندل): متن = س: س: آ
 (نیز ل: آ) ۳۳- س: س: آ: (نیز و: آ: ب): بدو شاه سند: (ن: ق: آ: ل: آ): دگر شاه سند: ل: یکی شاه مندل با و شاه هند: پ: یکی شده دلیل یکی
 شاه سند (حرف دوم از واژه سوم بی نقطه): ب: یکی شاه سندان بدو شاه هند: متن = ل: ق: ک: ل: آ: (نیز ل: آ) ۳۴- س: آ: مبدل: (ق: آ: آ:
 سندان) ۳۵- ل: یادگار ۳۶- ل: نیز: (ق: آ: دگر شاه): متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۷- ل: آ: صندل ۳۸- س: آ: (نیز ل: ب: آ: گوی: (ق: آ: ل: آ: پ:
 و: گو): متن = ل: ل: آ: (نیز ل: ن: آ: آ): ک: پس از این بیت افزوده است:

دو شاه دگر هر دو تن نامور که از کشور و خنج پیروزگر

دگر شاه کشیر با دستگاه^۱.
 ابا زنده پیلان^۳ زنگ و^۴ درای
 ۲۴۱۵ همه نامجوی و همه تاجدار!^۴
 همه ویژه با گوهر و سیم و زرا
 به دیبا بیارسته پشت پیل
 ابا هدیه‌ی شاه^{۱۰} چندان^{۱۴} نثار^{۱۵}

دگر مولتان شاه با فر و جاه^۲
 یکی چتر هر یک^۵ به سربر به پای
 همه پاک^۷ با طوق و با گوشوارا!
 یکی چتر از پر^۸ طاوس نر^۹
 همی تافت^{۱۰} آن^{۱۱} لشکر از چند^{۱۲} میل!
 که دینار شد خوار بر شهریار!^{۱۶}

همی راند^{۱۷} منزل به منزل سپاه^{۱۸}
 ۲۴۲۰ بزرگان همه نهر^{۲۱} برخاستند^{۲۲}
 بیامد شهنشاه نا نهروان^{۲۴}
 دو شاه گرنامه‌ی دو^{۲۶} نیک‌ساز^{۲۷}

چو از آمدنشان شد آگاه^{۱۹} شاه^{۲۰}،
 پذیره شده را بیاراستند^{۲۳}
 -خرد پیر و بیدار و دولت جوان^{۲۵}!-
 رسیدند پس یک به دیگر فراز

۱- (ق: آ: خواری چو شیر) ۲- (ق: آ: که جز او نید نامداری دلیر): ل. ق. ک. ل. این بیت را ندارند: در آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند ۳- س (نیز ب): <ه> ۴- ل. آ: <و>: (ق: آ: هندی) ۵- ل. ل. آ: هندی: س: آ: هر کس: متن = یازده دستنویس دیگر: لی به جای این بیت آورده است:

دگر مولتان شاه با فر و جای ابا زنده پیلان و زنگ و درای

۶- ل. ق. ل. آ: نامدار: متن = یازده دستنویس دیگر ۷- س: آ (نیز ل. آ. و. آ. ب): شاه: لی به جای این بیت آورده است:

یکی چتر هندی بسر بر پای همه نامجوی و همه نامدار

۸- ل. ک. ل. آ: <ز> (نیز ل. لی. لن. آ. ب): هندی ز: س: آ (نیز ل. آ): هندی به: (و: هندی چو: ق: آ: ابا چتر هندی و): متن = (پ) ۹- س: پر: ل. آ (نیز ب): بر: بنداری: ثم ان شکل ندیم غیبه بعد مدّة من الزمان لزيارة ابته فی ملوک الهند و هیاتهم الرائعة: در س آلت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند: لن. لی. لن. آ. ب. س از این بیت افزوده‌اند:

لن. لن. آ: همه پاتک با شکر و ساز راه همه نامداران با فر و گاه

لی. ب: شه هنروان شنگل تاجدار همی راند با خسرو شهریار

۱۰- ا (نیز ق: آ): رفت: (ل. آ. لن. آ: تاخت): متن = ل. ک. ل. آ. س: آ (نیز ل. لی. پ. و. آ. ب) ۱۱- ل. ل. آ. س: آ (نیز لی. ل. و. آ. ب): از: متن = ق. ک. (نیز ل. ق. آ. ب. لن. آ) ۱۲- (ق: آ: هفت: لی: از چند: ل. و. آ. ب: آن چند): متن = ل. ق. س: آ (نیز ل. پ. لن. آ): س بیت‌های ۲۴۱۷-۲۴۳۳ را ندارد ۱۳- ق. ک. ل. آ (نیز ل. لی. پ. لن. آ. ب. شاه و: (و: موبدشاه): متن = ل. س: آ (نیز ق. ل. آ. ب) ۱۴- ق: چندی ۱۵- (لی: سوار: ب: سپاه) ۱۶- (ب: در شهر و راه) ۱۷- ل. آ. س: آ (نیز لی. لی. ل. آ. و. ب): رفت: متن = ل. ق. (نیز ق. آ. ب) ۱۸- (ق: آ. ب: براه): ک: چندین شاه شنگل ابا هفت شاه ۱۹- (پ: آمدن آگهی یافت): ل: ان آگهی یافت بهرام: متن = ل. آ. س: آ (نیز ل. ل. آ. و. ب) ۲۰- ک: همی راند منزل به منزل براه: ک پس از این بیت افزوده است:

چو نزدیک بران فراز آمدند بچندان گرنامه‌ی ساز آمدند

چو از آمدنشان شد آگاه شاه بیاراست لشکر برین سان سپاه

۲۱- ل: زهر شهر: ق. ل. آ. س: آ (نیز ل. ق. آ. لی. و. لن. آ. ب): بزرگان هر شهر: متن = ک (نیز ل. آ) ۲۲- (آ: همه شهرها ساختند) ۲۳- س: آ: همی ساختند: (ل. لن. آ. و. آ: همی تاختند) ۲۴- ق: جهروان (?): (ق: آ: بهروان: آ: با شهروان): بنداری: فاستقبله بهرام و تلقاه الی النهروان ۲۵- ل: خردمند و بیدار و روشن روان: متن = دوازده دستنویس دیگر: لی این بیت را ندارد ۲۶- ل. ک. ل. آ (نیز ل. آ): گرنامه‌ی و: ق. س: آ (نیز ل. ق. آ. لی. و. ب): گرنامه‌ی: متن = (پ) ۲۷- س: آ (نیز ل. لن): سرفراز

که با^۲ پوزش^۳ و با^۴ درود آمدند
 دو شاه سرفراز با تاج و فر^۶
 جهانی^۹ سراسر پر از گفت و گوی^{۱۰}!
 همی رفت^{۱۲} هر گینه از بیش و کم
 همان بیهرشکر نامدار

به نزدیکی اندر^۱ فرود آمدند
 گرفتند مر یکدگر با به بر^۵
 پیاده شده^۷ لشکر از هر دو زوی^۸
 دو شاه دو کشور^{۱۱} رسیده به هم
 به زین برنشستند^{۱۳} هر دو سوار

برو جامه‌هی بدآیین^{۱۵} نهاد
 برو بره^{۱۷} و مرغ^{۱۸} بریان نهاد
 همه جامه‌گوی^{۲۰} از کران تا کران!
 بیاراست پر بزی رنگ و نگار^{۲۲}!
 بهشتی شده کخ و گاه^{۲۵} و سرای^{۲۴}!
 طبق‌های زرین و زرین‌خنور^{۲۸}!
 به پای^{۳۱} اندرون کفش گوهرنگار!
 به^{۳۳} می خوردن ندیشه اندرگرفت،

بدایوانها^{۱۴} تخت زرین نهاد
 به یک^{۱۶} تیرپرتاب‌بر خوان نهاد
 ۲۴۳۰ می آورد بر خوان و^{۱۹} رامشگران
 چونان خورده شد، مجلس شاهوار^{۲۱}
 پرستندگان ایستاده^{۲۳} به پای^{۲۴}
 همه جامه‌ی می^{۲۶} سراسر^{۲۷} بلور
 ز زر^{۲۹} افسران^{۳۰} بر سر میگسار
 ۲۴۳۵ فروماند از آن کاخ^{۳۲} سنگل شگفت

۱-ق: هم: ل: ایذر: متن = دوازده دستنویس دیگر ۲-ق: چو با: (لن، ق: ۲، لن: ۲، ابا): متن = ده دستنویس دیگر ۳-(پ: رامش) ۴-ق: پر ۵-ق: ک (نیز ق: ۲، ل: ۲)، کنار: (پ: هر یک دگر را بیر: لن: ۲: مر هر یکی را بیر): متن = ل، ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، لی، و، آ، ب) ۶-ق (نیز ل: ۲): دو تاجدار: ک (نیز ق: ۲): دو نامدار: (لی: <و>، آ: سرفراز و دو تاجور): متن = ل، ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، پ، و، ن، آ، ب) ۷-ک: بید: ل: ۲: شد این: س: ۲ (نیز لی، ل: ۲، و، آ، ب): شد آن: متن = ل، ق (نیز لن، ق: ۲، پ، لن: ۲) ۸-(آ: حی <) ۹-(لن: ۲: جین ش) ۱۰-ق: گفتگوی: (آ: گفت و گو) ۱۱-ل: لشکر: ل: ۲: و دو کشور: متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۲-(لی، ب: گفت) ۱۳-ق: ۲: نهاد، (وزن ندارد): این بیت در ق: ۲ پنج بیت پس تر آمده است ۱۴-ل، ق: ک، س: ۲ (نیز لن-ل: ۲، و-ب): بایوانها: ل: ۲: بایوانها: (پ: در یوانه): متن تصحیح قیاسی است ۱۵-ل، ق: ک (نیز ق: ۲): جامه خسروآیین: ل: ۲: جامه‌های بآیین: س: ۲ (نیز لن، لی، ل: ۲، ب): جامه‌های بآیین: (پ: جامها خسروآیین: و، لن: ۲: جامه‌های نوآیین: آ: همان جامه‌های بآیین): متن تصحیح قیاسی است ۱۶-ک (نیز ل: ۲): یکی ۱۷-ل: بر بره: ه: (واژه دوم بی نقطه): ک: بزیر بره: ل: ۲ (نیز لن، لی، ب): بره بر بره: س: ۲ (نیز ل: ۲): بر بره و (وزن ندارد): (ق: همه بره و: آ: بره بره: ل: ۲): متن = (پ، و، لن: ۲) ۱۸-(لن، ق: ۲، لی: مرغ و): ق: این بیت را ندارد: در لنت‌های این بیت پس و پیش شده‌اند: ق: ۲ پس از این بیت افزوده است:

در ایوان چو خوانرا بیاراستند از ایران سران را خواستند

۱۹-ل: و بر خواند: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۰-ل: جام برد: ق: ل: ۲ (نیز ق: ۲، ب): جام: ل: ۲: جام بود: س: ۲ (نیز لن، لی، ل: ۲، لن: ۲، آ، ب): جامه بود: متن = (و) ۲۱-س: ۲ (نیز لن-ل: ۲، و-ب): آراستند: متن = ل، ق: ک، ل: ۲ (نیز پ) ۲۲-س: ۲ (نیز لن، لی، ل: ۲، و-ب): می و رود و رامشگران خواستند: (ق: ۲: از ایران سران را همی خواستند): متن = ل، ق: ک، ل: ۲ (نیز ب: بنداری: و دخل به الی ایوانه علی جمله الإعظام والإکرام، فمدوا سماءا متدا الی غنوة سهم، فلما طعموا تحولوا الی مجلس الشرب ۲۳-س: ۲ (نیز لن، ل: ۲، و، لن: ۲، آ: <و>) و غلامان ۲۴-ل: <حی>: متن = سیزده دستنویس دیگر ۲۵-(لی: باغ): س: ۲ (نیز لن، ق: ۲، ل: ۲، و، لن: ۲، آ: گاه و کاخ ۲۶-ل: آلت: (ق: ۲: جام پر می: پ: جام باده): متن = ق: ک، ل: ۲ ۲۷-س: ۲ (نیز لن، لی، ل: ۲، و-ب): جام می بود یکر ۲۸-ل: ایو (و) ز مشک و بخور: ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، لی، ل: ۲، لن: ۲، ب): و مشک و بخور: (ق: ۲: بکردار هور: آ: و مشکین بخور): متن = ق: ک (نیز پ) ۲۹-(و: آ: بزر) ۳۰-ل: ل: ۲، س: ۲ (نیز لن-ل: ۲، و-ب): افسری: متن = ق: ک (نیز پ) ۳۱-ل: بیا: متن = سیزده دستنویس دیگر: س: بیت‌های ۴۳۴-۴۵۲ را ندارد ۳۲-ل: زان کاخ: ق: ل: ۲، س: ۲ (نیز لن، لن: ۲، آ): از کاخ: ک: زان کار: (ق: ۲: از آن (وزن ندارد)): متن = (لی، و، ب) ۳۳-ل: ز

که می^۳ بوی مشک آید از دوستان!^۴
 که با دخترم راه دیدار ساز!
 پدر را گذارند نزدیک ماه^۶
 سرایی^۷ دگر دید چون^۸ نوبهار!
 نشسته به آرام با فز و^{۱۰} تاج،
 رخان را به رخسار او برنهاد
 همان با^{۱۴} پدر دختر ماهروی^{۱۵}
 از آن کاخ و^{۱۶} ایوان و جای نشست!
 برستی^{۱۹} ز خان^{۲۰} بت آرای^{۲۱} زشت!
 اگر بدره^{۲۳} و تاج، اگر پرده^{۲۴} بود،
 شد آن خرم ایوان چو باغ^{۲۵} بهار!
 کس^{۲۹} آن را نیارست^{۳۰} کردن^{۳۱} بها!
 همی کرد مرد اندر^{۳۳} ایوان نگاه^{۳۴}
 پرستار او خوابگاهی^{۳۵} گزید
 ستاره برو بر چو^{۳۸} پشبت پلنگ،

که تا^۱ این بهشتت. اگر^۲ بوستان!
 چنین گفت با شاه ایران به راز
 بفرمود تا خدیمان سیاه^۵
 همی رفت با خدیمان نامدار
 ۲۴۴۰ چو دخترش را دید^۹ بر تخت عاج
 بیامد پدر بر سرش^{۱۱} بوسه داد
 پدر زار بگریست از^{۱۲} مهر اوی^{۱۳}
 همی دست برسود سنگل به دست
 سپینود^{۱۷} را گفت کزینت^{۱۸} بهشت!
 ۲۴۴۵ همان هدیه‌ها را^۲ نه آورده بود
 بدو داد با هدیه‌ی شهریار
 همه^{۲۶} گوهر و جامه^{۲۷} و تاج‌ها^{۲۸}
 و زان جایگه شد^۳ به نزدیک شاه
 بزرگان چو خرم شدند از نبید
 ۲۴۵۰ چو پیدا شد آن^{۳۶} چاد مشک^{۳۷} رنگ

۱-ل (نیز لن ۲): یا ۲-ل، ق، ک، ل (یز لی، و، ب): یا؛ (آ: گر: ق: که یا این بهشت یا): متن = س ۲ (نیز لن، ل، ن ۲) ۳-ل، ق، ک، ل (نیز) ۴-ل، ق، ل، ی، پ، آ، ب): همی؛ س ۲ (نیز آ): که هم؛ متن = (لن، ل، آ، و، لن ۲) ۴-ق (آ: گلستان) ۵-ل، آ: ساه (نقطه ندارد): (لن، آ، ب: سپاه): متن = ده دستویس دیگر ۶-ک (ل: آ): شاه ۷-ل، ک (نیز لن ۲): سرای: متن = ق، ل، آ، س ۲ (نیز لن، و، آ، ب) ۸- (لن، ل، آ، و، لن ۲): همچون؛ ب: گزیدند همچون) ۹-ن: <دید> (وزن ندارد) ۱۰-س ۲ (نیز لن، ل، ی، ل، آ، و، ب): بسر برنهادند؛ بیجاده (و: پیروزه) تاج ۱۱-س ۲ (نیز لن، ل، آ، و، آ): پدر زانید؛ متن = ل، ق، ک، ل (نیز ق، ل، ی، لن، آ، ب): ب این بیت را ندارد؛ بنداری: فتعجب شکل من حسن مجلسه و رونق ملکه و بهانه. ثم انه استأذن فی الدخول علی ابنته فتقدمه الخدم فدخل علیها فصادفها فی ایوانها فاعده علی تخت العاج معتصبه بالتاج فسر بها و بسعها بها - وجها ۱۲-س ۲: بر ۱۳-ق (نیز آ، ب): <ی> ۱۴-ل، ق، س ۲ (نیز لی، پ، و، آ، ب): بر: (ل: آ: همی بر): متن = (لن، ق، ل، ن ۲) ۱۵-ق: خور و زاب، و، آ: <ی>، ب: <ی>: خویروی) ۱۶-لی: <و>: ق: تاج (و) ۱۷-لی: شینود) ۱۸-ل: خرم؛ ق، ک (نیز لن، ق، ل، آ، و، لن ۲): اینست؛ متن = ل، آ، س ۲ (نیز لی، آ، ب) ۱۹-لی: برستم) ۲۰-ل، ق، ک، س ۲ (نیز لن، ل، ی، و، آ، ب): کاخ؛ (ق: آ: کاخ و؛ لن: آ: جای): متن = ل ۲۱-س ۲ (نیز لن، ل، آ، و، آ): بدو جای؛ (لن: آ: بدو کاخ): متن = ل، ق، ک، ل (نیز ق، ل، ی، پ، ب) ۲۲-لی: هدیه را؛ پ: هدیه‌هایی؛ (و: باز کشور): ل: آ: پس از هدیه‌هایی؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۳-ل: آ: برده؛ (ق: آ: بنده) ۲۴-ل (نیز لن، ل، ی، و، ب): برده؛ ل، ق، ک (نیز ق، ل، ن، آ، و، آ): وگر برده؛ متن = س ۲۵-ق (آ: بسان) ۲۶-لی: همان) ۲۷-س ۲ (نیز ق، آ): جامه و گوهر ۲۸- (لن، ل، آ، و، لن ۲): تاج با جامها) ۲۹-ل: آ: که آنرا؛ آ: کسی را ۳۰-لن، ل، آ، ب: ندانست): متن = ل، آ، س ۲ (نیز آ) ۳۱-ل: آ: کس را؛ (ل، ق، ک این بیت را ندارند ۳۲-لی: ب: وزانجا بیامد) ۳۳-ل: آ: سرکه به ۳۴-س ۲ (نیز لن، ل، آ، و، لن، آ، ب): ز شادی شده رای او باده خواه: (لی: ز شادی شده رای او دادخواه: آ: ز شادی شده روی او هچو...ه) ۳۵-پ: خوابگاهی؛ بنداری: ثم عاد الی مجلس بهرام و اندفع معه فی الشرب. ولما ثمل قام الی موضع هیئ نه لنومه: ل، س ۲-س از این بیت افزوده‌اند:

سوی خو نگه رفتن آراستند ز هر گونه‌یی جامها خواستند

۳۶-ل: این: ک: بیدار شد؛ متن = ق، س ۲ (نیز لن، ب) ۳۷-ق: سنگ (؟) ۳۸-ک (نیز پ): همچو؛ س ۲ (نیز لی، ل، آ، ب): زد چو؛ (لن، ل، آ: برآمد چو؛ و: برون زد چو): متن = ل، ق (س: ق، آ): ل این بیت را ندارد

همه بآرزو^۳ دست کرده به کش!
 که خورشید خوانی مرا و^۶ را به نام،
 بگسترد بر^۹ دشت یاقوت زرد،
 شهنشاه هندوستان را ببرد^{۱۱}

گزیدند^۱ میخوارگان خواب^۲ خوش
 چنین تا پدید آمد آن^۴ زر^۵ جام
 بینداخت آن^۷ چادر لاژورد^۸
 به نخچیر شد شاه بهرام گرد^{۱۰}

خجسته پی ز بزمساز^{۱۲} آمدند
 همی راند^{۱۴} با خسرو شهریار^{۱۵}
 زمانی نبود^{۱۷} ز بهرام^{۱۸} دور
 بر دختر خویش^{۲۰} رفت آن^{۲۱} زمان
 ز مشک سیه سوده^{۲۴} انقاس^{۲۵} خواست
 پر از داد^{۲۹} مانده^{۳۰} پهلوی^{۳۱}
 بر آن^{۳۲} کوهن^{۳۳} ز نژندی^{۳۴} بشت

۲۴۵۵ چو از دشت نخچیر باز آمدند
 [شه هندوان شنگل تاجدار^{۱۳}
 چنین هم به کوی و به نخچیر و سور^{۱۶}
 بیامد ز میدان تیر و^{۱۹} کمان
 قلم خواست از ترک و^{۲۲} فرطاس^{۲۳} خواست
 ۲۴۶۰ یکی خط^{۲۶} بنبشت^{۲۷} بر هندوی^{۲۸}
 سر عهد کرد آفرین از نخست

۱-ل: بکردند؛ ق-س^۲ (نیز لی، و، آ، ب): کشیدند؛ متن = (لن، ق، ل، آ، پ، لن، آ) ۲-۲ (لی: آب)؛ ل: ۲. م: خواره از خواب ۳-ل، ک (نیز ق، آ، پ): ناز را؛ ل: آ. بار را؛ س^۲ (نیز لن، لی، ل، آ، و، ب): پرستندگان؛ متن = ق ۴-۴ (ل: آ. این) ۵-۵، ل، ق، ا، آ، س^۲ (نیز لن-ب): زرد؛ متن = ک ۶-لی: آن؛ ق، ک (نیز ق، آ): تو او؛ متن = ده دستنویس دیگر ۷-۷ (پ: شب) ۸-ق-س^۲ (نیز لن-ل، آ، ب): لاچورد؛ متن = ل (نیز پ، و، لن، آ) ۹-س^۲ (نیز ق، آ): در؛ س این بیت را ندارد؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

همان چرخ و ناهب گردن فراز	سوی دشت نخچیر با یوز و باز
همی یک دو مه روز ایشان گذشت	بنخچیر گوران و آهو بدشت
ندیدند ازیشان کس را بغم	زمانی نکردند دلرا دژم
بآهنگ یوز و بنخیر و باغ	همه روز بودند بر دشت و زاغ
چو از دشت نخچیر بشتافتند	۵ سر ماه را روی برتافتند
نیرتافت یک روز از شاه روی	بمیدان و مجلس بیزم و بکوی
شه هندوان راه را کرد ساز	برین روزگاری برآمد دراز

۱۰- (لن: گور) ۱۱- (لن: برستور)؛ س، ق این بیت را ندارند ۱۲- (و: رودساز) ۱۳- (ل: نامدا) ۱۴- (لی: بود) ۱۵- س^۲ (نیز لی): تاجدار؛ متن = س (نیز لن، ل، آ، لن، آ، ب): ل، ق، ک، ل، آ، ق این بیت را ندارد؛ در س^۲، لن، ل، آ، ب این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۱۶- (لن: شور)؛ ل: آ. کوه و بنخچیر سور؛ (ق: آ. بنخچیر و کوی و سور)؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۱۷- ل: آ. نبود^۲ زمانی ۱۸- س^۲ (نیز لن، لی، و، ب): نبود از (لن: آن) جهاندار؛ (ل: آ. نبدیک زمان از جهاندار)؛ متن = ل، ق، ک (نیز پ)؛ س این بیت را ندارد ۱۹- ل، ل ۲۰- (نیز ق، آ): چو تیر از؛ س^۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب): ز میدان بیامد چو تیر از؛ متن = س، ق، ک (نیز لن، و، لن، آ) ۲۰- س (نیز لن، پ، لن، آ): شاه ۲۱- ل، آ، س^۲ <شد> (نیز ب): شد در؛ (لی: ل، آ، و، آ. خورشید در)؛ متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، پ، لن، آ) ۲۲- (پ: آن شاه و) ۲۳- (لی: از مشک دینار) ۲۴- س^۲ آ: بوده؛ (ق: آ. بر سر: آ. توده) ۲۵- (لی: برابر (حرف سوم بی نقطه)) ۲۶- س^۲ آ: نیر ل، آ، و، آ): عهد؛ متن = ق، ک، ل (نیز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۷- ق، ک، ل (نیز لن-ل، آ، و، ب): بنوشت؛ متن = س^۲ (نیز پ) ۲۸- (لن، ل، آ، و، هندوی؛ ق: آ، لی، ب: پهلوی؛ لن: آ، و، هندوی)؛ متن = ق-س^۲ (نیز پ، آ) ۲۹- (ق: آ، لی، ب: داد و) ۳۰- س^۲ (نیز ل، آ، و، آ): همچون خط ۳۱- (ق: آ. هندوی؛ لی، ب: خسروی)؛ ل، س این بیت را ندارند؛ برخی از دستنویس ها در این جا سرنویس دارند؛ ل: عهد بستن بهرام - شنگل هند؛ س: بازگشتن شنگل از ایران و رفتن به هندوستان؛ ق، ک، ل، آ، س^۲ این سرنویس را ندارند ۳۲- ل (نیز ق، آ، لی، آ): بدان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۳- (ق: آ. دو چشم) ۳۴- ق، ل (نیز ق، آ): آ. بدیها؛ س^۲ آ: پلیدی؛ متن = ده دستنویس دیگر

بگسترد پاکی و هم^۱ راستی
 سپینود را جفت^۳ بهرامشاه
 شهنشاه تا جاودن زنده باد!
 ۲۴۶۵ چو من بگذرم زین سپنجی سرای
 ز فرمان این^۱ تجور مگذرید
 سپارید گنجم^۱ به بهرامشاه
 سپینود^{۱۴} را داد منشور هند

سوی دیو^۲ شد کژی و کاستی
 سپردم بدین^۴ نامور پیشگاه^۵
 بزرگان همه پیش او^۶ بنده باد!
 به قنوج بهرامشاهست^۷ رای
 تن مرده را پیش^۹ آتش^{۱۰} برید
 همان کشور و تاج و گاه^{۱۲} و سپاه^{۱۳}
 نبشته^{۱۵} خطی^{۱۶} هندوی^{۱۷} بر پرند
 به ایران^{۱۸} همی‌ود سنگل دو ماه
 ۲۴۷۰ به دستوری باگستن به جای^{۲۱}
 بدان^{۲۳} شد نهنشاه همداستان
 ز چیزی که باسد^{۲۵} به ایران زمین
 ز دینار^{۲۶} و از^{۲۷} گوهر و سیم و زر^{۲۸}
 ز دیا^{۳۲} و از^{۳۳} جامه‌ی ناپسود

۱-ل.ق (نیز ق^۲): هم پاکی و؛ س^۲ نیز ل.و.آ: نیکی و هم؛ متن = س.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.لی.پ.ن.آ.ب) ۲-ل.ی: دیر؛ ق: سودیو؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

که من بنا ده دد و آیین و دین نه از راه خشم و نه از راه کین

۳-ل.ی.ب: سپینود (لی: شینود) ر گفت ۴-ل.ی.ب: بدو ۵-ک: بارگاه ۶-ل.ی: وی؛ ق: آ: گیتی ورا؛ در ل.ی.ب این بیت سه بیت سپس تر آمده است ۷-ق.ل^۲ (نیز ن.و.ل.ن.آ): شاهست و؛ متن = ده دستنویس دیگر ۸-س.ک (نیز ل.ن.ق.آ.پ.ن.آ): آن: آ: او؛ ل.آ: بز پیمان این؛ متن = ل.ق.س^۲ (نیز ل.ی.و.آ.ب) ۹-ل.ل.آ: سوی؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۰-ق.آ: ل.ی: آذر ۱۱-ق (نیز پ): گنجی ۱۲-س (نیز ل.ن): گاه و تاج؛ س^۲ (نیز ب): کاخ و تاج؛ (و: کاخ و گنج؛ ق: آ: همه کشور و تاج و گنج)؛ متن = ل.ک.ل^۲ (نیز ل.ن^۲) ۱۳-ل.ی: کاخ و هم تختگاه؛ ل.آ: کاخ و ملک و سراسر؛ (پسوند ندارد)؛ ق: پ این بیت را ندارند؛ بنداری: و لما أصبح ركب بهرام معه و خرج به الی الصيد ثم لماعاد دخل علی ابته و كتب لبهرام هدا عنی ممالک الهند، و فوض الیه فیہ ملکها من بعده، و جعله وارث کنوزها و قائد جنودها ۱۴-ل.ی: شینود ۱۵-ل.ک.ل^۲ (نیز و): نوشته؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-س (نیز ل.ی.ل.آ.آ.ب): خط ۱۷-س^۲ (نیز ل.ن.لی.ل.آ.و.ل.ن.آ): هندویی؛ (ب: پهلوی) ۱۸-ل.ن.ل.ن.آ: بایون ۱۹-ل.آ: بر ۲۰-ق: آ: مهتر نیکخواه ۲۱-ل.ح: متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۲-ل.ی.ب: پاکیزه ۲۳-ل.ن.آ: بران ۲۴-ل: علف ساخت تا مرز ۲۵-ق: بودی ۲۶-ل: دیا ۲۷-ل.س.ق.س^۲ (نیز ل.ن.پ.و.ل.ن.آ): وز؛ متن = ک.ل^۲ (نیز ق^۲.ل.ی.ل.آ.ب) ۲۸-ل: وهر ناهوار؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۲۹-س (نیز ل.ن.پ.ن.آ): تخت؛ س^۲ (نیز ل.ی.ل.آ.و.آ.ب): تاج؛ متن = ل.ق.ک.ل^۲ (نیز ق^۲ ۳۰-ل: خود؛ س^۲ (نیز ل.ی): طوق؛ ل.و.آ.ب: تخت؛ متن = س.ل.آ (نیز ل.ن.ق.آ.پ.ن.آ) ۳۱-ق: آ: گهر؛ ل: کمر بی شمار؛ متن = سیده دستنویس دیگر؛ در ل^۳ های این بیت پس و پیش شده اند؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

ز دیا و روسی همه ز رنگار ز پیروزه و جامه شاهوار

۳۲-ل.ل.آ.س^۲ (نیز ل.آ.ب.آ): دینار؛ متن = س.ق.ک (نیز ل.ن.لی.و.ل.ن.آ.ب) ۳۳-ق (نیز پ.آ): وز؛ س^۲ آ: وز؛ ق: آ: ز هر گونه؛ متن = س.ک.ل^۲ (نیز ل.ن.لی.ل.آ.و.ل.ن.آ.ب): بنداری؛ ثم أقام فی ضیافة بهرام شهرین فعزم عنی معاودة بلاده. فقدّم الیه بهرام من الذهب و النفضة و الجواهر و سائر النفائس و الذخائر الخبئ و الأسلحة ما خرج عن حدّ الحصر؛ ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

همه پیش سنگل فرستاد شاه همان هر چه بایست از ساز راه

۲۴۷۵ بداندازه^۱ یارانش را همچنین
گسی کردشان شاد و خود با سپاه^۴
نبد هم^۶ بدین^۷ هدیه^۸ همداستان
بیاراست اسپان و دبیای^۲ چین^۳
سه منزل همی رند^۵ با او به راه
علف ساخت^۹ : مرز^{۱۱} هندوستان

گفتار اندر بخشیدن بهرام گور خراج جهان را^{۱۱}

چو باز آمد از راه بهرامشاه
ز مرگ و ز روز بد^{۱۴} اندیشه کرد
۲۴۸۰ بفرمود تا پیش او شد دبیر
همی خواست تا گنجها^{۱۶} بنگرد^{۱۷}
که با او^{۲۱} ستاره شمر گفته بود
که باشد ترا زندگانی^{۲۲} سه بیست
همی گفت: شادی کنم بیست سال
۲۴۸۵ دگر بیست از داد و بخشش جهان
به آرام بنسب، بر^{۱۲} پیشگاه^{۱۳}
دلش گشت پر درد و رخساره زرد
سرافراز موبد که بودش وزیر^{۱۵}
زر^{۱۸} و گوهر و جامه ها^{۱۹} بشمرد^{۲۰}
ز گفتار ایشان برآشفته بود،
چهارم ز مرگت^{۲۳} بیاید گریست!
که دارم^{۲۴} به رفتن ز گیتی^{۲۵} همال^{۲۶}
کنم راست با آشکاره^{۲۷} نهان

۱-ل.س (نیز لی.آ): باندازه؛ ق-س^۲ (نیز لن.ق.آ.ل.آ.ل.ن.آ.ب): براندازه؛ متن تصحیح قیاسی است ۲-ل.س^۲ (نیز ق.آ.لی.ل.آ.و.آ.ب): بدبیای؛ (لی.ب: ایشان بدبیای): ک: بیارای اسپان بدبیای؛ متن = س.ق (نیز لن.پ.ل.ن.آ) ۳-ل.آ: دبا و اسپان زین ۴-ل.س.ل.س.ل.س.آ.س^۲ (نیز لن.ق.آ.لی.پ.ب): خشنود شاه؛ ق: شادان و خشنود شاه؛ (ل.آ: شاه خشنود و شاه): متن = ۵-ق.ک.ل.آ: رفت؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۶-ق.س^۲ (نیز لی.و.ب): نشد هم؛ ل: آ: نبوده؛ (ل.آ: بشد بر؛ آ: نشد بر): متن = ل.س.ک (نیز لن.پ.ل.ن.آ) ۷-س.ک.س.آ^۲ (نیز لن.پ.ل.ن.آ.ب): برین؛ ق: بدان؛ (ل.آ: همین؛ و: بران): متن = ل.ل.آ^۲ (نیز لی) ۸-ل.ق: برین هم نبد نیز) ۹-ل.س: داد؛ متن = ق.ک.س^۲ (نیز لن.ب) ۱۰-ل.آ: بشد شگل از سوی؛ بنداری؛ و اکرم کل من صبه من الملوک علی تفاوت طبقاتهم و اختلاف مراتبهم بأنواع من المبار و الصلات. فارتحل شکل. و شیعه بهرام ثلاث مراحل ثم ودعه وانصرف بعد ان امر باعداد العلوفا و النفقات لجنوده و لمن معه فی سائر طریقہ الی حد انهند ۱۱-س: داد دادن بهرام گور و خراج بخشیدن؛ س: آ: بخشیدن بهرام خراج ولایتها؛ متن = [گفتار اندر+]؛ ق: ل.ک.ل.آ این سرنویس را ندارند ۱۲-ل.آ^۲ (نیز ق.آ.ل.و.ل.ن.آ.ب): در ۱۳-ل.ی: و به داد یکسر با سپاه) ۱۴-ل.آ: بد روزش؛ و این بیت را ندارد ۱۵-ل.و: قلم خواست قرطاس و مشک و عبیر؛ و پس از این بیت افزود: است

سرافراز موبد که بودش وزیر ابا موبد موبدان اردشیر

۱۶-ل: گنج را؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۷-ق: بنگرند ۱۸-ل.آ^۲ (نیز ق.آ): همان ۱۹-ل.آ: گوهر گنجها ۲۰-ق: بشمردند؛ س: آ: بشکرد؛ بنداری؛ فامر عند انتهائه الی هذا المنتهی أن یحصی الموجود فی خزائنه من الأموال الجواهر و الثیاب و سائر الأمتعة و الأقمشة ۲۱-س.س^۲ (نیز لن.لی.ب): او را؛ متن = ل.ق.ک.ل.آ^۲ (نیز ق.آ)؛ در پ این بیت دو بیت سپس تر آمده است ۲۲-ل.آ: ز آباد شاهی) ۲۳-ل: بمرگت؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری؛ قال صاحب الکتاب: ثم إن بهرام أحدته لفكرة فی عاقبة أمره و انتهاء عمره. و کان قد أخبره المنجمون أنه یملک ثلاث عشرینات من السنین، و فی عشر السبعین یکور انتها أمره و انقراض عمره ۲۴-ل: گذارم؛ متن = س.س.ک.ل.آ.س^۲ (نیز لن.ب) ۲۵-ل.آ^۲ (نیز ق.آ): بگیتی؛ س (نیز لن.ل.آ.و.آ.ب): ز گیتی برفتن؛ س.س^۲؛ ز رفتن بگیتی؛ (لی: بگیتی ز رفتن؛ لن: آ: بگیتی برفتن)؛ متن = ک (نیز پ) ۲۶-ق: می رفت باید بهر نوع و حال ۲۷-ل.ل.ن.ل.ن.آ: آشکار؛ و: س.ک.ل.آ^۲ (نیز ق.آ.ب): آشکارا؛ س: آ: دل آشکار و؛ (لی.ل.آ.و.آ.ب: راز دل آشکار و)؛ متن = ق

نمانم که ویران بود^۱ گوشه‌یی
 سیوم^۳ بیست بر پیش یزدان به پای^۴
 ستاره شمر شست^۵ و سه سال گفت
 ز گفت ستاره نمر جست گنج^۸
 ۲۴۹۰ خنک مرد بی رنج^{۱۰} پرهیزگار
 چو گنجور بشنید^{۱۱} شد سوی^{۱۳} گنج
 بسختی چنین^{۱۵} روزگاری، ببرد
 چو دستور او برگرفت آن^{۱۸} شمار
 بدو^{۲۰} گفت: تا بیست و سه سال نیز
 ۲۴۹۵ ز خورد و ز بخشش گرفتم شمار
 فرستاده‌یی نیز نآید^{۲۳} برت
 بدین سال^{۲۶} گج نو آراسته‌ست
 چو بشنید بهرم^{۲۹} اندیشه کرد

بیابد ز من هر کسی^۲ توشه‌یی
 بیاشم مگر باشدم رهنمای^۴
 شمار سه سالش^۶ بد اندر^۷ نهفت
 -وگر نه نبودش خود از آز رنج^۹
 به ویژه کسی کو بود شهریار^{۱۱}!
 به کار شمردن همی^{۱۴} برد رنج
 همه^{۱۶} پیش دستور^{۱۷} او برشمرد
 پر اندیشه آمد بر شهریار^{۱۹}
 همانا نیازت نیاید^{۲۱} به چیز
 درم‌های این^{۲۲} لشکر نامدار
 ز شاهان و از^{۲۴} نامور کشورت^{۲۵}،
 که پر^{۲۷} زرو سیمست^{۲۸} و پر^{۲۷} خواسته‌ست
 ز دانش^{۳۰} غم نارسیده نخورد^{۳۱}

۱-ل (نیز لن، و، لن، آ): شود؛ س: کنه (آ: -ران بود)؛ متن = ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ق، ۲-پ، ب) ۲- (لی: هیچ کس)؛ ق این بیت را ندارد ۳-ق (نیز ق، ۲-پ)؛ سوم؛ ک (نیز لن، لن، آ: سیمه)؛ (و: شوم)؛ متن = ل، س، ل، آ، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، ب) ۴-ل: <ی> متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: فقال حين اخبر بذلك: أخذ في اللهو واللعب عشرين سنة، وفي العشرين الثاني اشتغل بعمارة العالم وإسداء النعم والإحسان إلى الرعية. وفي العشرين الثالثة أقوم بين يدي ربي واشتغل بعبادته وأسأله هدايتي ۵-ک (نیز لن، لن، آ): بیست؛ س: ۲ (نیز ل، پ، و، آ، ب)؛ شصت؛ متن = ل، س، ق، ل، ۲ (نیز ق، آ، لی) ۶-ق، س، آ، ۷-س، آ: بماندش؛ (ل: بمانده؛ و: بماند؛ آ: نماند) ۸-ل، آ: رنج؛ س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ دید رنج؛ لن، آ: خسته گنج)؛ متن = ل-ک (نیز لن، ق، آ، پ) ۹-ل (نیز ق، آ): گنج رنج؛ ق: آزرم و رنج؛ ک: آواز رنج؛ (لن، لن، آ: آزار و رنج)؛ س (نیز پ، ب): بکار شمردن همی برد رنج؛ ل، آ: وگرچه بیودش خود از س (بی نقطه) بکنج؛ س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ): وگر چند بودش بخروار گنج؛ متن تصحیح قیاسی است ۱۰-ل (نیز لن): رنج؛ و: متن = ک، ل، آ، س، ۲ (نیز ق، آ، لی، ل، آ، و، لن، آ) ۱۱-ل، آ، س، ۲ (نیز لی، و، آ): تاجدار؛ س، ق، ب، ب این بیت را ندارند ۱۲-ل، آ، س، ۲: بشنید گنجور؛ ک: ازان پس چو دستور ۱۳-ل: پیش؛ متن = ک، ل، آ، س، ۲ (نیز لن-ل، و، ل، آ، آ) ۱۴- (و: نمی)؛ س، ق، ب، ب این بیت را ندارند ۱۵-ل، س، ق: چنان؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۶-س، ک، ل، آ (نیز لن، ق، آ، لن، آ): دکبر؛ ق (نیز پ): سخن؛ متن = ل، س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب) ۱۷- (لی: گنجور؛ ق: آ: کس بدستور)؛ بنداری: فاشتغل كتاب الخزائن و حافظتها؛ القوام بها بوزنها وإحصانها يفرغون وسعهم و طاقتهم حتى فرغوا من ذلك في مدة مديدة. فأعلموا الوزير ۱۸- (آ: ار) ۱۹-ل، آ: دردهای این لشکر نامدار؛ متن = سیزده دستنویس دیگر؛ ک پس از این بیت افزوده است:

پیر اندیشه آمد بر شهریار ز جود و ز بخشش گرفته شمار

۲۰-س، ۲: همی ۲۱- (لن: نیامد؛ و، لن، آ: نیامد)؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ل این بیت را ندارد ۲۲- (ق، آ: آن)؛ ل، ک، لی این بیت را ندارند ۲۳- (ق، آ: فرستاده ترک آید لی: و ستاده پیر کاید) ۲۴-ل، ق (نیز لن، لن، آ): وز زس، آ: ووز؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۵- (ق، آ، ل، آ، پ: لشکرت) ۲۶-ق: برین گون، (ل، آ: برین سال) ۲۷-س، ۲ (نیز لی، ل، آ، و، آ، ب)؛ که هم ۲۸-ک: شمیر؛ (ق، آ: دزو سیمست)؛ ل، آ: همه پر ز سیمست؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فحضر عند الملك وقال: إن خزائنك تحتوي على نفقتك و نفقة عساكرک و جنودک و حاشيتک و خدمک و سائر ما يحتاج اليه من الصلات و الخلع و سائر ما تهدبه الي المنوك من الهدايا و التحف و غير ذلك مدة ثلاث و عشرين سنة ۲۹-ل (نیز ق، آ): بهرام؛ و: متن = سیزده دستنویس دیگر ۳۰-ل: کی دانش؛ س (نیز آ): روانش؛ ق: بدانش؛ (لن، آ: ز دامن)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۱- (لی: بخورد)

که^۱ گیتی سه روست چون بنگری!
 نباشیم از^۲ تندیشه^۳ امروز کوز^۴!
 نخواهم ز گیتی^۸ ازین پس^۹ خراج^{۱۰}!
 نخواهند^{۱۲} نیز از کهان و مهان^{۱۳}!
 سر خفته ر - عواب بیدار کرد -
 نیاید ز بیکارن^{۱۵} افکاری بی^{۱۶}!
 ز پوشیدنی^{۱۸} تر ز^{۱۹} گستردنی،
 که نیک و بد ر من نباید نهفت!
 نخواهید^{۲۴} چیزی^{۲۰}، کرانجی^{۲۶} بوید^{۲۷}!
 ز بدها نمائیم^{۲۹} کونه کنیدا
 نماند ایچ^{۳۱} نیک و بد اندر نهان^{۳۲}!
 ز هر کشوری امه^{۳۵} پیوسته شد،

بدو گفت: کوتاه شد داوری
 ۲۵۰۰ چو دی رفت و فردا نیامد هنوز
 چو بخشیدنی^۵ باشد و^۶ تخت و تاج^۷
 بفرمود پس تا خراج^{۱۱} جهان
 به هر شهر مردی پدیدار کرد
 بدان تا نجویند بیکاری بی^{۱۴}
 ۲۵۰۵ ز گنج آنچ^{۱۷} بایستشان خوردنی
 بدین^{۲۰} پرخرد^{۲۱} موبدان داد و^{۲۲} گفت
 میان سخن‌ها میانجی بوید^{۲۳}
 مرا از به و بتر^{۲۸} آگه کنید
 پراکنده شد موبدان در^{۳۰} جهان
 ۲۵۱۰ برآن^{۳۳} بخردان^{۳۴} کارها بسته شد

۱- (آ: ز) ۲- ل: ز؛ ل: آ؛ نباشد ز؛ س: آ (نیز ل: آ، آ): نباشم ز؛ (و: بیاشیم از)؛ متن = س، ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، پ، ل، ن، آ) ۳- (لی، ب: سزدگر نباشیم) ۴- س: آ (نیز ل: آ، ل، ن، آ): کوز؛ بنداری: فقال بهرام: انا قد نظرنا فوجدنا الدنيا لا تعدو اياما ثلاثة وهي اليوم وامسه وغده. فامس قدمضى، والغد لم يأت بعد، وليس في الیدسوی اليوم. فیسغی أن تنتهز الفرصة فيه ۵- (ل: بخودنی) ۶- س: (نیز ل، ن، ل، ن، آ): باشد این ۷- ل: آ (نیز ق، آ، و، ل، ن، آ): عاج: ل: تاج و تخت؛ متن = ده دستویس دیگر ۸- ک، ل، آ، س: آ (بیز لی ل: آ، آ): ز گیتی نخواهم؛ (ق، آ، پ، و: ز گیتی نخواهیم)؛ متن = ل، س، ق (نیز ل، ن، آ) ۹- (ب: ازین پس نخواهم ز گیتی) ۱۰- ل: رین؛ رخت؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۱۱- س: س: آ (نیز ق، آ، ل، ل، آ، آ، ب): خراج از؛ ک: تا پس خراج؛ متن = ل، ق، ل، آ (نیز ل، ن، پ، و، ن، آ) ۱۲- (آ: نخواهید) ۱۳- س: آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): آشکار و نهان؛ ب: این بیت را دو بار آورده است ۱۴- ل: سکار نیز (واژه یکم و حرف یکم از واژه دوم بی نقطه)؛ ل: آ (نیز ق، آ، ل، ل، و، آ، ب): بیکار بد؛ س: آ: کردار بد؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ) ۱۵- ل: سکار (بی نقطه)؛ س: سکانه (حرف‌های یکم و دوم بی نقطه)؛ ل: آ: سکار او (حرف دوم از واژه یکم بی نقطه)؛ (ل: بیگانه)؛ س: آ (نیز ق، آ، ل، ل، و، آ، ب): نیاید (لی، آ: نیامد) ز بیکار جز؛ (ل: آ: نیاید ز بیگانه)؛ متن = ک (نیز پ) ۱۶- ل: افکار نیز؛ ل: آ، س: آ (نیز ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب) تاربا؛ متن = س، ک (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ)؛ ق: این بیت را ندارد ۱۷- س، ق، ک (نیز ل، ل، آ، و، ب): آنچه؛ متن = ل، ل، آ، س: آ (نیز ل، ن، ق، آ، پ) ۱۸- ل: نوشیدنی؛ س، ق (نیز ل، ن): پوشیدنی (حرف یکم بی نقطه)؛ متن = یازده دستویس دیگر ۱۹- س، ک، ل، آ (نیز پ، ل، ن، آ): یاز؛ ق (ل: آ، ل، آ): هم ز؛ س: آ (نیز ل، ل، و، آ، ب): و ز؛ (ل: بازو)؛ متن = ل، آ، ق، ل، آ، س: آ (نیز ل، ن، ل، ل، آ، و، ل، ن، آ): بدان؛ متن = ل، س، ک (نیز ق، آ، پ، آ، ب) ۲۱- س: آ (نیز ق، آ، ل، ل، آ، و، آ، ب): پیر هنر؛ متن = س، ل، آ (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن، آ): موبد شاه؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۲- ل: موبد شاه؛ متن = چهارده دستویس دیگر ۲۳- ل، ک، ل، آ: بود؛ آ: نیاید؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۴- ل، ک: نخواهند؛ ق (نیز پ، ل، ن، آ): نخواهید؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۵- ل، ب: چیزی و ۲۶- ل، س، ک، س: آ (نیز ل، ل، آ، و، ل، ن، آ): کوانجی؛ ق: کی رنجی؛ (لی، ب: کرانجی؛ پ: گوانجی)؛ متن = (ق، آ) ۲۷- ل، ک: بود؛ ل: چیزی و بد مشوید؛ متن = دوازده دستویس دیگر ۲۸- ق، ک (نیز ق، آ، ل، ب): بد و نیک؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۹- ق: نمائیش؛ بنداری: و تونی بنان نخفف عن الرعية فأسقط خراج الدنيا وأمر بالآبطالب فی جميع ممالکة أحد بکلفة ولا مؤونة فیرق موايد و نقت فی جميع أقطارها، و أمرهم ألا یخلوا أحدًا بمس أحدًا بسوء، وأنهم إن حدثت أحداث أنهوه إلیه ۳۰- ل، ق، س: آ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): موبد ندر؛ متن = س (نیز ل، ن، آ) ۳۱- ل: ایچ (بی نقطه)؛ ل: آ، س: آ (نیز آ): ایچ (حرف دوم بی نقطه)؛ (ق: ایچ)؛ متن = ک (نیز ل، ن، ل، ل، آ، پ، ل، ن، آ، ب): جهان؛ س (نیز و): جوانان بدانند (و ندانند) ارج مهان ۳۲- ل، ق، ل، آ (نیز ل، ل، آ، و، ل، ن، آ): بدان؛ متن = ل، ک، س: آ (نیز ل، ن، ل، آ، و، آ، ب) ۳۳- ل: پر خرد؛ متن = ق، س: آ (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ، آ، ب) ۳۵- (ل: نام)؛ س: و نیز بیت را ندارند

که از داد و بیکاری^۱ و خواسته
 ز بس جنگ و خون ریختن در جهان
 دل آکنده گردد چون را^۳ به^۴ چیز
 برین^۸ گونه چون نامه^۹ پیوسته^{۱۰} شد
 ۲۵۱۵ ز هر^{۱۱} کشور^{۱۲} کارداری گزید
 هم از گنج^{۱۵} بد پوش^{۱۶} و خوردشان^{۱۷}
 که شش^{۲۰} ماه دیوان بیاراستی^{۲۱}
 نهادی بر آن سیم نام خراج
 به شش ماه بست، به شش باز داد
 ۲۵۲۰ بدان^{۲۶} چاره تا^{۲۷} مرد بیکار^{۲۸} خون
 و زان^{۳۱} پس نیشند^{۳۲} کاراگهان
 که هر کش^{۳۵} دره بد^{۳۶}، خراجش نبود
 ز پری^{۳۸} به کبی^{۳۹} نهادند روی
 چن آن^{۴۳} نامه برخواند بهرام گور

خرد شد به مغز اندرون کاسته!
 جوانان ندارند^۲ ارج مهان!
 نه اندیشد از^۵ شاه و موبد^۶ بنیز^۷!
 ز خون ریختن شاه دلخسته شد
 پر از داد و دانش^{۱۳} چنان^{۱۴} چون سزید
 ز بخشیدن و^{۱۸} بازگسترده^{۱۹}
 و زان^{۲۲} زیرستان درم خواستی^{۲۱}
 به دیوان ستاننده^{۲۳} با فر و تاج
 نبود^{۲۴} ستاننده زان سیم^{۲۵} شاد
 نریزد^{۲۹}، نباشد به بد^{۳۰} رهنمون
 که^{۳۳} از داد و از^{۳۴} ایمنی در جهان،
 به سرش اندرون داوری^{۳۷} ها افزود^{۳۷}
 پر از رنج^{۴۰} گشتند و^{۴۱} پر خاشجوی^{۴۲}
 به دلش^{۴۴} اندر افتاد از آن^{۴۵} کار^{۴۶} شور

- ۱- (ق: ۲؛ بیدادی)؛ س، و این بیت را ندارند؛ ب بیت ۲۵۱۵ را پس از این بیت آورده است ۲- ل، ک (نیز ل، ن، آ)؛ بدانند (حرف یکم بی نقطه)؛ ق، س ۲ (نیز ل، پ، و، ب)؛ بدانند (آ؛ بدانند)؛ متن = ل ۲ (نیز ق ۲، ل، آ)؛ س، و این بیت را ندارند، امالت دوم آنرا به جای لت دوم بیت ۲۵۰۹ آورده اند؛ در لی این بیت با بیت سپین پس و پیش شده است ۳- (لی: جهانرا) ۴- ق: ۵- ل: نه بیند هم از: س ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب)؛ نیندیشد از: (ن: آ؛ نه؛ اندیشه ز)؛ متن = س-ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، پ) ۶- ک: پیوند ۷- (ل، و، ل، ن، آ؛ موبدش نیز) ۸- (لی: بدین) ۹- (و: نامه چون نامه) ۱۰- ک: بدشته ۱۱- ل: بهر؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۲- س (نیز ل، ن، آ)؛ گوشه؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۱۳- (ق: بران کارداران: آ؛ پر داد و دانش) ۱۴- (ل: جهان) ۱۵- ل: خورد ۱۶- (ق: کوشش) ۱۷- (و: خوردنی) ۱۸- ل (نیز ق: ۲)؛ پوشیدن و؛ ک: ل ۲؛ بخشیدن: س ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب)؛ پوشیدنی؛ متن = س (نیز ل، ن، ب، ل، ن، آ) ۱۹- ل-ل ۲، س ۲ (نیز ل، ل، آ)؛ یا ز گسترده: (و: بازگسترده)؛ ق: ۲ ناز و گسترده: ق: ز خوردن همان نیز گسترده: متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، ب، ل، ن، آ، ب) ۲۰- ل-ل ۲، س ۲ (نیز ق ۲، ل، ل، و، آ، ب)؛ بشر؛ متن = ل-ک (نیز ل، ن، ب، ل، ن، آ) ۲۱- س (نیز ل، ن، آ)؛ بیاراستم-خواستم ۲۲- (ق: از آن) ۲۳- ل-ل ۲؛ نشاننده؛ (ق: ۲؛ بیدار آن شاه: آ؛ ز دیوان ستاننده)؛ لی این بیت را ندارد ۲۴- (آ؛ نباشد) ۲۵- س ۲ (نیز ل، و، ب)؛ از سیم؛ (آ؛ از بیم؛ لی: ستاننده سیم)؛ متن = ل، س، ق، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، ل، ل، و، آ، ب)؛ ک بیت های ۲۵۱۹-۲۵۲۰ را ندارد ۲۶- (ب: بدین) ۲۷- (ق: بدان کار تا؛ لی: بدین گونه تا؛ آ؛ بدین چارها) ۲۸- (نیز و)؛ بیکار و؛ متن = دوازده دستنویس دیگر ۲۹- (ل، ن، آ؛ بریزد) ۳۰- (ق: بدان) ۳۱- ک (نیز ق ۲، و)؛ از آن؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۳۲- ل، ل-ل ۲ (نیز ل، و)؛ نوشتند؛ متن = ده دستنویس دیگر ۳۳- (آ؛ کر) ۳۴- ل، س ۲ (نیز ل، ن، آ)؛ وز؛ متن = یازده دستنویس دیگر؛ ق بیت های ۲۵۲۱-۲۵۲۸ را ندارد ۳۵- ک: هر کو؛ س ۲ (نیز ق ۲، ل)؛ هر کس؛ ل ۲ (نیز ل، ن)؛ کسی کش؛ (ل: ز هر کش)؛ متن = ل، س (نیز پ، ب) ۳۶- ک: درمی ۳۷- (لی: بسر اندرون داوریها نمود) ۳۸- ل، ک: نری (بی نقطه)؛ س، ل ۲ (نیز ل، ن، ق: ۲)؛ بری؛ س ۲ (نیز ل، ل، و، آ، ب)؛ بشی؛ پ: تیزی؛ متن = (ل، ن) ۳۹- ک: بگردی ۴۰- س ۲ (نیز ل، ل، و، آ)؛ خشم؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ، ب) ۴۱- ل، س ۲ (نیز ق ۲، ل، ل، آ)؛ < متن = س، ک، ل ۲ (نیز ل، ن، ب، ل) ۴۲- (ب: بر خاک روی) ۴۳- ل، س، ل، آ، س ۲ (نیز ق ۲، ل، ل، و، آ، ب)؛ چو آن؛ (پ: چو این)؛ (ل: چنان)؛ متن = (ل، ن) ۴۴- (ب: برش) ۴۵- ل (نیز ل)؛ زان؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۴۶- س ۲ (نیز ل، ل، و، آ)؛ نامه؛ آ؛ مایه؛ ب: رنگ)؛ متن = ل، س، ل ۲ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، ل، ن، آ)؛ ک این بیت را ندارد

پر از داد دلشان^۲ چنان چون سزید
 ز یزدان نیکی دهش کرد یاد
 گر^۷ آرند کژی به کار^۸ اندرون،
 بدان تا شود هر کسی^{۱۱} چاره جوی
 یکی نامه فرمود پس شهریار
 کجا او پراکنده بُد^{۱۳} در جهان،
 که آرد^{۱۴} برین^{۱۵} پادشاهی گزند؟
 نگردد کسی گره آیین و راه^{۱۹}
 به هر سو گیا رست و^{۲۲} بی کار مرز^{۲۳}
 گیارسته^{۲۵} از^{۲۶} دشت و از^{۲۷} کشته زار^{۲۸}
 که بالا گیرد^{۳۰} - نرخ^{۳۱} گیتی فروز،

ز هر کشوری مرزبانان^۱ گزید
 به^۳ درگاه یک ساله^۴ روزی بداد
 بفرمود کان را^۵ که ریزند^۶ خون
 برانید^۹ فرمان یزدان بر او^{۱۰}
 برآمد برین بر بسی روزگار
 ۲۵۳۰ سوی راست گویان و^{۱۲} کارا گهان
 که اندر جهان چیست ناسودمند
 نبشتند^{۱۶} پاسخ^{۱۷} که از داد شاه^{۱۸}
 بشد رای و اندیشه^{۲۰} کشت و^{۲۱} ورز
 پراکنده بینیم^{۲۴} گاوان کار
 ۲۵۳۵ چنین داد پاسخ که تا^{۲۹} نیم روز

۱-ل (نیز ل ن آ): مرزبانی: س (نیز لی ل آ ب): نامداری: (ق آ: مهربانان): متن = س. ک. ل (نیز ل ن پ) ۲-۲ ل (نیز لی ب): داد و دانش: متن = ده دستویس دیگر: و این بیت را ندارد ۳-ک: ز ۴- (لی آ: سال): ک: یک روزه ۵-س (نیز لی ل آ ب): و آ ب): کانه ۶-ل: ریزند (حرف چهارم بی نقطه): (ق آ: ریزید: آ: ریزند (تنها حرف سوم نقطه دارد): ل ن آ: کاترا بریزد): متن = ده دستویس دیگر ۷-ل: ور ۸-ک (نیز ل ن پ): ل ن آ): بداد: متن = ده دستویس دیگر ۹-ل. س (نیز لی ل آ): برانند: ک براسا (تنها حرف یکم نقطه دارد): ل آ): برابید (حرف چهارم بی نقطه): س (نیز پ ب): برانند (حرف پنجم بی نقطه): (ل ن ق آ: بر سذ (- حرف های چهارم و پنجم بی نقطه): متن = (و ل ن آ) ۱۰- (پ بدوی) ۱۱- (ق آ: هر کسی تا شود): بنداری: قال: فمضت علی ذلک مدّة و رفعت الکلف من الناس فاستغوا فطفوا فأخذوا فی سفک الدماء. فأعلموا الملک بذلك فأمر حينئذ بوضع دیوان الخراج سنة أشهر فی کل سنة و بأن تقام حدود الله تعالی علی من سفک دما أو جنی جنایة و خرج فی کل اقلیم ثقیة من ثقاته ۱۲- (لی: بدان راست گویان: ن ب: بر راست گویان و) ۱۳- (ل آ): شد) ۱۴-ک (نیز ق آ: لی): آید ۱۵-س-س (نیز ل ن پ-آ ب): بدین: متن = ل (نیز و ل ن آ) ۱۶-ل (نیز و ل ن آ): نوشتند: متن = یازده دستویس دیگر ۱۷-ک (نیز ق آ): نامه ۱۸-س (نیز ل آ و آ): پادشاه: (لی <ه> ب: ای پادشاه ۱۹-ک: گاه: ق: آن دین و راه ۲۰-ل: رای اندیشه و: متن = چهارده دستویس دیگر ۲۱-ل. ل. ل. س (نیز ل ن لی <و> ل. ل. آ) ۲۲-ک: که دانست: (ب: که یارست): ل: کشوری راست: متن = س. ق <و> ل. ل. س (نیز ل ن لی <و> ل. ل. آ) ۲۳- (لی: و مرز): ق: یکباره مرز: ک: پکار و مرز (حرف یکم بی نقطه): س (نیز ل آ): بی کاو ارزد: و آ بی کار و ارزد: ب: بی گاو مرز: ق آ: که مردم ز ورزش همی گیرد ارزد): متن = ل. س. ل (نیز ل ن پ. ل ن آ): ل آ پس از این بیت افزوده است:

دگر نیمه از خواب و آسایش است وگر خوردن و کوه و رایش است

۲۴- (لی: شد جمله) ۲۵-ل. س (نیز آ): رست: متن = س. ک (نیز ل ن لی-ل ن آ ب) ۲۶-س (نیز لی ل آ و آ ب): بر: متن = ل. س. ک (نیز ل ن پ. ل ن آ) ۲۷-ل. س: وز: س (نیز لی و آ ب): و بر: متن = ک (نیز ل ن پ. ل ن آ) ۲۸-ل. ک (نیز ل ن آ): کتت زار: (ل آ: و برگشته کار؟): متن = س. س (نیز ل ن لی. پ. و آ ب): ق. ل. ق آ: این بیت را ندارند: بنداری: فمضت علی ذلک مدّة أخرى من الزمان. ثم بانه کتب الی أصحاب أخباره و ثقاته علی بلادده و رعیته و قال: أخبرونی هل یجرى فی الممالک شیء یضر بالمُلک؟ فکجا ابائه و قالوا: أیها الملک! قد بطل الحرث و الزرع و فسدت الأراضي بسبب ذلک ۲۹- (آ: گه؟): ق: پاسخ آورد تا ۳۰- (و: کشت: بی: ب: فرورد از) ۳۱- (پ: مهر): ل. ک: کند تاج: ق. س (نیز ل آ): کند هور: متن = س (نیز ل ن ل ن آ): ب پس از این بیت افزوده است:

شوند از پی کار هر کس بروز که بالا کند هر گیتی فروز

نبايد كس آسود از^۱ كشت و^۲ ورز
 كه بي كاري اب^۵ بي دانشيست
 ورا^۷ داد بايد دو و^۸ چاردانگ
 كسي كو ندارد^{۱۰} برو^{۱۱} تخم^{۱۲} و گاو
 ۲۵۴۰ به چربي^{۱۴} نوا كز^{۱۵} مر^{۱۶} او را ز گنج^{۱۷}
 گر^{۲۱} ايدونك^{۲۲} باشد. زيان از هوا
 چو جايي بپوشا^{۲۳} زمين^{۲۴} را ملخ
 تو از^{۲۸} گنج تاون او^{۲۹} بازده
 وگر بر زمين ورزگاهي^{۳۱} بود
 ۲۵۴۵ كه ناكشته^{۳۳} باشد به گرد^{۳۴} جهان
 كسي كو بدين^{۳۵} بيكار^{۳۷} منست
 ز بي ورز^۳ مردم^۴ مجويد^۴ ارزا!
 به بي دانشان^۶ بر^۶ ببايد گريست!
 چو شد^۹ گرسنه تا نبايد به بانگ!
 تو با او به تندي و زفتي^{۱۳} مكاو،
 كس^{۱۸} از نستي تا نباشد^{۱۹} به رنج^{۲۰}!
 -نباشد كسي بر هوا پادشا!
 برد^{۲۵} سبزي^{۲۶} كشتمندان به^{۲۷} شخ،
 به ك شور ز^{۳۰} فرموده آواز ده:
 -مگر زان برومند^{۳۲} راهي بود،
 زمين^{۳۵} فرومايگان و مهان،
 اگر^{۳۸} ويژه پروردگار منست،

۱-س، ك (نيز لن، لن، آ): آسوده از؛ الی: بر سود از؛ ق: كي آسایش از؛ س^۲ (نيز ل، آ، پ، و، آ، ب): ببايد بر آسودن از ۲-ل: <و>: س (نيز لن، آ): كار ورز؛ (لن: كار و ورز): متن = ق، ك، س^۲ (نيز ل، و، آ، ب) ۳-ل، ك (نيز لن، ل، آ): بی ارز؛ (لی، ب: بيكار): متن = س^۲ (نيز و، آ) ۴-س، ق (نيز پ، لن، آ): كه مردم ز ورزش همی گرد؛ ل، ق^۲ اين بيت را ندارد؛ س، ق، لن، آ پس از اين بيت افزوده اند:
 دگر نيمه يا خواب آسایش است وگر خوردن و كام و آرایش است
 كسي كه باساید از كشت و ورز ز بی ارز مردم مجويد ارز (ق ندارد)
 ۵-پ: او را؛ ل: بيكار مردم؛ (آ: بر كار و را): ل، آ: چو بی كاری او؛ (لن، آ: ز بی كاری او): متن = س، ك، س^۲ (نيز لن، لی، ل، و، ب) ۶-ك: دانشی؛ ق این بيت را ندارد؛ س، ل، ل، و، آ، ب پس از این بيت افزوده اند (بيت دوم تنها در لی، ب):
 دگر نيمه يا خوب و آسایش است شب خوردن و كام و آرایش است
 كسي كو باساید از كشت و ورز ز بيكار مردم مجويد ارز
 ۷-ل، آ (نيز ل، آ، ب): بدو ۸-ك: درم؛ (آ: ده و) ۹-لن، آ: شود؛ ق این بيت را ندارد ۱۰-ق: آ: نيابد) ۱۱-س^۲ (نيز لی، ل، و، آ، ب): همی؛ متن = ل، ك (نيز لن، پ، لن، آ) ۱۲-ل، آ: بز و ميش ۱۳-ق: كزای ۱۴-ل، ك، س^۲ (نيز ق، آ، و، آ، ب): بخوبی؛ متن = (لن، لن، آ) ۱۵-ل، آ: توان كن) ۱۶-س، ك (نيز لن، ق، آ، ب، لن، آ: تو؛ متن = ل، ق، س^۲ (نيز لی، ل، و، آ، ب) ۱۷-ل: بگنج؛ س: آ: ز جنگ؛ متن = دوازده دستويس ديگر ۱۸-لی، ل، و، آ، ب: كه) ۱۹-ل (نيز آ، و، آ: نيابد؛ (آ: نباشدت): متن = س، ك، س^۲ (نيز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ، ب) ۲۰-آ: نباشدت رنج): ق: كه از نستي كس نيابد رنج؛ ل، آ اين بيت را ندارد؛ بنداری: فكذب إلى كل واحد منهم كتابا يأمره فيه بالزام الرعية الحرث و الزرع، و من لم يكن له بالحراثة و الزراعة يدان فليأون من حاصل ائديوان و أموال السلطان حتى تنتظم أحوالهم و تصلح أمورهم ۲۱-ق: ور ۲۲-ل، آ (نيز لی، ل، آ، ب): ايدون كه؛ متن = يا: ده دستويس ديگر ۲۳-ق: بجايي كه يابد؛ ل، آ: چو جايي بيرد (?): متن = سيزده دستويس ديگر ۲۴-ل، آ (نيز لن، آ): زمی؛ متن = ل، ك، س^۲ (نيز لن، و، آ، ب) ۲۵-ق: دهد؛ ل، آ: برو؛ (ل، آ، ب): متن = يازده دستويس ديگر ۲۶-ل، ك (نيز ل، آ): سبزي و؛ متن = دوازده دستويس ديگر ۲۷-ل، آ: ز ۲۸-آ: پر از) ۲۹-س، ك، ل، آ (نيز لن، پ، لن، آ، ب): آن؛ ق: اين؛ متن = ل، س، آ (نيز ق، آ، لی، ل، و، آ، ب) ۳۰-آ: بكشورت) ۳۱-ل، ك، ل، آ، س^۲ (نيز ل، آ، و، آ): كوركاهي؛ (ق: آ: اگر بر زمين شوره گاهي): متن = س (نيز لن، لی، پ، لن، آ، ب) ۳۲-ل، ك، ل، آ (نيز ل، و، آ) وگر ابرومند؛ (ق: آ: و يا نابرومند؛ لی: وگر يا برومند؛ ب: وگر يا برومند): متن = س (نيز لن، پ، لن، آ): ق بيت های ۲۵۴۷-۲۵۴۴ را ندارد ۳۳-و، آ: تا كشت؛ ب: ناكرده) ۳۴-ق: آ: بكار) ۳۵-س^۲ (نيز ق، آ، لی، ل، و، آ، ب): مرز؛ متن = ل، س، ك، ل، آ (نيز لن، پ، لن، آ) ۳۶-ل، ك، ل، آ، س^۲ (نيز ل، آ، ب): برين؛ (پ: بيد)؛ س (نيز لن، لن، آ): راکه وی؛ (ق: آ: كسي را بدین؛ لی، ب: هر آنكو بدین): متن = ل، س^۲ (نيز ل، آ، ب): برين كاريار؛ (و: درين كاريار): متن = ل، س، ك، ل، آ (نيز لن، ق، آ، لی، پ، لن، آ) ۳۸-ل، س، آ (نيز ق، آ، لی، ل، و، آ، ب): وگر؛ متن = س، ك، ل، آ (نيز ل، و، آ، ب)

کتم زنده در گور^۱ جایی^۲ که هست مبادش نشیم و مبادش نشست!
 نهادند بر نامه بر مهر شاه هیونی برافکند هر سو به راه

گفتار اندر آوردن لوریان از هندوستان^۴

از آن^۵ پس به هر موبدی^۶ نامه^۷ کرد
 ۲۵۵۰ پرسیدشان گفت^۸: بی^{۱۱} رنج کیست؟
 ز کار جهان یکسر آگه کنید!
 بیامدش پاسخ^{۱۳} ز هر موبدی^{۱۴}
 که آباد بینیم روی زمین^{۱۷}
 مگر مرد درویش ناسیم دار^{۲۱}
 ۲۵۵۵ که چون می گسارد^{۲۴} توانگر همی
 بدآواز^{۲۵} رامشگران می خورند^{۲۶}
 تهی دست بی رود و گل^{۳۰} می خورد^{۳۱}
 به جایی^۸ که درویش بد جامه^۹ کرد
 به هر جای درویش و بی گنج کیست^{۱۲}؟
 دلم را سوی روشنی ره کنید!
 ز هر کارداری^{۱۵} و هر بخردی^{۱۶}
 ز^{۱۸} هر جای^{۱۹} پیوسته گشت^{۲۰} آفرین،
 که نالد^{۲۲} همی ز^{۲۳} بد روزگار،
 به سر بر ز گل دارد افسر همی،
 چو ما^{۲۷} مردمان رابه^{۲۸} کس مشمرند^{۲۹}،
 توانگر همانا ندارد خرد^{۳۲}!

۱- (پ: خاک) ۲-س ۲ (نیز ل ۲، و، آ): گورش آنجا؛ (لی: نیابدش کشتن بدان جا؛ ب: بیابدش کشتن هر آنجا)؛ متن = ل، س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق ۲، پ، لن ۲) ۳-ل: نشیمن؛ (ق ۲: گذشت و؛ پ: مباداش پوشش)؛ متن = یازده دستنویس دیونو؛ بنداری: و إن أصاب أرضا جائحة سماوية فليعوض أربابها ما كان يرجي منها حصوله لهم، ومن حصل الخزانة. فانظمت أمور الممالک، واتسقت و دزت أخلاف الخیرات و تحفلت ۴- بیشتر دستنویس ها چندیتی پس از این سرنویس دارند؛ س: نامه بهرام بنزد شنگل هند و خواستن لوریان؛ ق: نامه بهرام بشنگل بطلب لوریان مطرب؛ ک: سبب آوردن لولیان بخیناگری؛ ل ۲: اندر فرستادن بهرام گور پیش شنگل؛ متن = [گفتار اندر+]؛ س ۲ این سرنویس را ندارد ۵-س ۵-س ۲ (نیز لن، لی-ب): وزان؛ متن = ل (نیز ق ۲) ۶-ل: بهر-بو یکی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۷- (لی: نام) ۸-ق: بهر جا؛ (پ: کسی را) ۹-ل ۲ (نیز ق ۲، آ): خامه؛ (لی: جام) ۱۰-ل: پرسید هر جا که؛ ق، س ۲ (نیز ل ۲، و، آ): پرسید از ایشان که؛ متن = س، ک، ل ۲ (نیز لن، ق ۲، پ، لن ۲) ۱۱-ل ۲: بر؛ (لی: ب: همان تا بداند که با) ۱۲-ک (نیز ل ۲): نیست؛ ل ۲: بی رنج نیست؛ بنداری: ومضت علی ذلك مدة أخرى من الزمان. ثم كتب إليهم الملك وقال: أخبروني عن أحد ال رعية حتى إذا وقفنا على خلل في أمورهم تلافيناها و تداركناها ۱۳-ق: همی پاسخ آمد؛ (ل ۲: نیامدش پاسخ) ۱۴-ل، ق: کشوری؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۵-ل-ل ۲ (نیز لن، ق ۲، پ، لن ۲): نامداری؛ (لن ۲: بامدادی)؛ متن = س ۲ (نیز لی، ل ۲، و، آ، ب) ۱۶-ل، ق: مهتری؛ متن = سیزده دستنویس دیگر ۱۷-ل: زمی؛ متن = چهارده دستنویس دیگر ۱۸-ل-ک (نیز لن، ق ۲، پ، لن ۲): به؛ متن = ل ۲، س ۲ (نیز لی، ل ۲، و، آ، ب) ۱۹-ق: شهر ۲۰-ل، ق: (نیز و): شد؛ متن = دوازده دستنویس دیگر؛ بنداری: فكتبوا و قالوا: قد انتظمت أمور العالم، واستوسقت أحول العیة، و عمت العمارة جميع البلاد، و شمل الأمن و الراحة جميع العباد ۲۱-ل-ل ۲ (نیز لن، ق ۲، پ، لن ۲): کز شهریار؛ س ۲ (نیز لی، ل ۲): ناسیم دار؛ (و: ناسم دار (بی نقطه)؛ آ: باشیم و دار)؛ متن = (ب) ۲۲-ل-ل ۲ (نیز لن، ق ۲، لی، پ، لن ۲): بنالد؛ متن = س ۲ (نیز ل ۲، و، آ، ب) ۲۳-س، ق، ک (نیز لن، پ، لن ۲): وز؛ متن = ل، ل ۲، س ۲ (نیز ل ۲، و، آ، ب) ۲۴- (لی: ب: خورد بر) ۲۵-ل (نیز لی): باواز؛ س ۲ (نیز لن، ق ۲، ل ۲، و، آ، ب): برآواز؛ متن = تصحیح قیاسی است ۲۶-ق، ل ۲ (نیز ق ۲، پ): خورد؛ متن = یازده دستنویس دیگر ۲۷-س: ما (بی نقطه)؛ (لی: نا) ۲۸-پ: درویش مردم به) ۲۹- (لن ۲، پ: نشمرد)؛ ق، ل ۲: توانگر همانا که دارد (ل ۲: ندارد) خرد ۳۰- (ل ۲، و، ب: بی رودگان) ۳۱- (و، ب: میخورند) ۳۲-س ۲ (نیز ل ۲، و، آ، ب): همی جان و دل پرورد (ل ۲: پرورند)؛ بنداری: سوی أهل الثروة إذا حضر و امجالس الأئس و العرب یلبسون أكالیل الورد و الريحان، و یشربون علی أصوات القیان و أغارید المسمعات الحسان. و من عداهم من المقلین یشربون بلاغ، و هم من ذلك فی تعب و عناء

هیونی برافگند پویان به^۳ راه،
چنین گفت کای شاه فریادرس^۴،
نر و ماده بر^۷ زخم بربط سوار^۸!

بخندید از آن^۱ نامه بسیار^۲ شاه
به نزدیک شئبل فرستاد کس
از آن لوریان^۵ بگزین دو هزار^۶

بفرمود تا برگشادند راه^{۱۱}
ز لوری^۹ همی ساخت برزیگری^{۱۳}
بدیشان سپرد آنک^{۱۴} بد پایکار^{۱۵}
ز گندم کند تخم و آرد به بر^{۱۸}
و را رایگانی^{۱۹} کند کهتری
بیامد سر سال^{۲۲} رخساره زرد

چو لوری^۹ بیامد به نزدیک^{۱۰} شاه
به هر یک^{۱۲} یکو گاو داد و خری
همان نیز خریار گندم هزار
بدان تا بورزد^{۱۶} گاو و به^{۱۷} خر
۲۵۶۵ کند پیش درویش رامشگری
بشد لوری^{۲۰} و گا- و^{۲۱} گندم بخورد

۱-ل: زان؛ متن = س-ل ۲ (نیز ل، ق، پ، ل، ن ۲) ۲-ل: بیدار؛ س ۲ (نیز ل ۳، و، آ): فراوان بخندید از آن نامه؛ (لی: چو برخواند آن نامه بهرام)؛ متن = س-ل ۲ (نیز ل، ق، آ، ب، ل، ن ۲) ۳-ل: بفرمود تا برگرفتند ۴-س ۲ (نیز ل، ل، آ، و، آ، ب): با دسترس؛ متن = ل-ل ۲ (نیز ل، ق، آ، ب، ل، ن ۲) ۵-آ: کوریان) ۶-ل، ن، ق، ل ۲، س ۲ (نیز ل، ل، ن، آ، ب): ده هزار؛ متن = ک: بنداری: ألفی نفس ۷-ق: مها ابر (واژه یکم بی نقطه)؛ س ۲: برومند بر؛ (آ: بزیر، بم و: متن = یازده دستویس دیگر ۸-لی: چو بگزید شنگل از آن ده هزار)؛ ل، س ۲ پس از این بیت افزوده اند:

بایران فرستش که رامشگری
چو برخواند آن نامه (س ۲: نامه برخواند) شنگل تمام
بایران فرستاد نزدیک شاه

س-ل ۲، ل-ب این بیت‌ها را ندارند. اما گویا بنداری آنها را داشته بوده است: فضحک بهرام من ذلک فکتب الی شنگل ملک الهند رسالة أن یتتخب من الهنود ألفی نفس من الذکور و الإناث، من المخصوصین بحسن الصوت و جودة الصنعة فی الغناء، و ینفذهم الیه. فامتثل شکل أمره و نفذهم الیه ک، ق ۲ پس از این بیت افزوده اند:

که آوازشان (ق ۲: وز آواز او) رامش جان بود
کنی روشن این رای تاریک ما
ز لوری کجا شاه فرموده بود
که بر زخم و دستان بلدندی سوار
که استاد بر زخم و دستان بود
سزد گر فرستی بنزدیک ما
همانگاه شنگل گزین کرد زود
زن و مرد ازیشان ده و دو هزار

ق ۲ چند بیت سست الحاقی از ک بی‌تر دارد؛ لی، ب پس از این بیت افزوده اند:

نر و ماده بر زخم بربط سوار
ب: چو بگزید شنگل زین ده هزار
بدیشان سپرد آنک بد پایکار (لی: باید بکار)

۹-آ: کوری) ۱۰-ل: بدرگاه؛ متن = بهارده دستویس دیگر ۱۱-ل: بدان نامبردار فرخنده گاه ۱۲-ل: بهر کس ۱۳-س، ل، آ، س ۲ (نیز ل-ل ۳، و-ب): دهقان سری؛ متن = ق، ک (نیز پ) ۱۴-ل (آ، ب، ل، ن ۲، آ: آنکه بد) ۱۵-ل، ک، ل (نیز ل ۳): پایدار؛ س: پیشکار؛ (ق ۲: نامدار؛ آ: نایکار)؛ (لی، ب: بریشان بی‌شید پس شهریار)؛ متن = ق، س ۲ (نیز ل، ن، پ، و، ل، ن ۲)؛ بنداری: فلما حصلوا عند بهرام أمر بان یعطی کل واحد منهم بقرة و حمارا، و فرز، علیهم ألف حمل من القمح برسم البذر ۱۶-لی، ب: بکار) ۱۷-ک: بورزید او گاو و ۱۸-ق: آردش بخورد؛ ک: آید بپر ۱۹-ل، ق: -تو آزادگان را؛ س (نیز ل، ل، ن ۲): ور آزادگانرا؛ متن = ده دستویس دیگر ۲۰-آ: کوری) ۲۱-ل، ق (نیز ل، ن): <و>؛ متن = یازده دستویس دیگر ۲۲-ک: بر شاه؛ ل ۲ این بیت را ندارد؛ بنداری: و فرقههم فی القرى و الضیاع لیزرعوا و یحرقوا و یغنوا فقراءها بغير اجرة و کلفه، فلما حصل البذر فی ایدیهم اکلوه، و ذبحوا البقر

بدو گفت شاه: این نه کار تو بود
 خری ماند اکنون بنه برنهد
 کنون^۴ لوری^۵ از پاک‌گفتار اوی^۶
 ۲۵۷۰ سگ و^۷ کبک بفرود بر^۸ گفت شاه^۹
 پراگندن تخم و کشت^۱ و درود!
 بسازید رود^۲ و بریشم دهید^۳!
 همی‌گردد اندر جهان چاره‌جوی^۴!
 به دزدی^{۱۱} شب و روز پویان^{۱۲} به راه

گفتار اندر سپری شدن روزگار شاه بهرام^{۱۲}

برین^{۱۳} ساز همی‌خورد^{۱۴} شست^{۱۵} و سه سال
 سر سال بُد^{۱۶} پیش او شد^{۱۷} دبیر
 که شد گنج شاه بزرگان^{۱۹} تهی
 هر آنکس که دارد روانش خرد
 ۲۵۷۵ چنین داد پاسخ که گیتی مساز^{۲۱}
 جهان را بدان بازهل^{۲۳} کافرید
 کس اندر زماه نبودش همال!
 خردمند موبد^{۱۸} که بودش وزیر،
 کنون آمدم تا چه فرمان دهی؟
 به سالی حراجی وُرا نشکرد^{۲۰}!
 که گشتیم ازین^{۲۲} ساختن بی‌نیاز!
 سر^{۲۴} گردنب آفرینش بدید^{۲۵}!

۱-س: آ: کشت و تخم ۲-س: آ (نیز لی، و، آ): نای: (ل: آ: ساوید نای؛ ب: بسازیم نای) ۳-ق: تیا (؟): (لی: زیند؛ آ: نهید) ۴-ل: آ: بشد
 ۵- (آ: کوری) ۶-ق (نیز، و، ل، ن، آ): (ی: <در ل این بیت دو بیت پیشتر آمده است ۷- (ن: آ: سبک) ۸-ل: آ: فرموده بد؛ (ق: آ: فرمود
 و بر): ق: سبک کیل (؟) بفرود از: متن = ل، س، ک (نیز ل، ن، پ، ل، ن، آ) ۹-س: آ (نیز لی، ل، و، آ، ب): از آن گفتن خسرو نیکخواه ۱۰-س، ق، ک،
 ل: آ (نیز ل، ن، آ): ز دزدی؛ (ق: آ: ز دردش): متن = س: آ (نیز لی، ل، آ، ب) ۱۱- (آ: بودن): ل: شب و روز پویان بدزدی؛ (و: شب و روز
 پویان بدندی): بنداری: و حملوا رحالهم علی الحُمُر و تفرقوا فی البلاد، و اشتغلوا بالتلصص و الاثهاب و التخطف، و تاسلوا. و هم
 إلى الآن موجودون فی أقطار الأرض ذات الطول و العرض. و هم جیل یسمون اللوریه. و هم اللزط و العشریه و لهم انتشار فی کل
 صوب؛ ک، ق: آ پس از این بیت افزوده‌اند:

ک: شهنشا بهرام آزادمرد ابا داد و با نام و با دار و برد

ق: آ: از آن گفتن خسرو نیکخواه ز دزدی شب و روز پویان براه

۱۲-س: سپری شدن روزگار بهرام گور؛ ک: اندرز کردن بهرام پسر خویش را بزد جرد؛ س: آ: سپری شدن روزگار بهرام گور و آغاز
 داستان بزد کرد؛ متن = (و): ل، ق، ل، آ، ل، ن، ق، آ، لی، آ، ب این سرنویس را ندارند ۱۳-س: آ (نیز ق: آ، لی، پ، آ): بدین؛ (ل: آ: بران) ۱۴- (ق: آ:
 رفت): ل: آ: برین گونه می خورد ۱۵-ک، س: آ (نیز پ، و، ب): شصت؛ متن = ده دستنویس دیگر ۱۶-ل، ل، آ: در؛ س (نیز لی، ل، و، ل، ن، آ):
 شد؛ ق: نو؛ متن = س: آ (نیز ل، ن، ق، آ، ب، آ، ب) ۱۷-ک: نزدیک او شد؛ (ل: آ: پیشش آمد ۱۸- ل: موبدش؛ ک: بودش؛ متن = سیزده
 دستنویس دیگر ۱۹-ک: شد گنج شاهها بزرگا؛ متن = چهارده دستنویس دیگر؛ بنداری: قال: لم یبق بهرام بقی علی ذلک علی تخت الملک
 و سریر السلطنة ینهی و یأمر إلى أن مضت له ثلاث و ستون سنة. فجاءه الخازن و أعلمه خلو الخزان و عدم وجود النفقات
 ۲۰- (لی، آ: بشکرد): س: همی‌ننگرد؛ ق، ک (نیز ل، ن، ق، آ، ب): بما ننگرد؛ (ل: آ: بما بسپرد): ل: آ: بما خراجی بما ننگرد؛ ل: بمال کسان از
 بنه ننگرد؛ متن = س: آ (نیز ل، و، ب) ۲۱- (لی: مبارز؛ ب: مباد؛ ق: آ: تنگی مساز؛ آ: تندی مساز؛ س: ان خود مساز؛ ل: پاسخ آورد کین خود
 مباد؛ متن = ق-س: آ (نیز ل، ن، آ-ل، ن، آ) ۲۲-ل: هتیم زین؛ ق، ل، آ، س: آ (نیز ل، و، آ): هتیم زین؛ ب: (نیز ق: آ): هتیم ازین؛ متن = س (نیز
 ل، ن، لی، پ، ل، ن، آ، ب) ۲۳-ل: کن؛ ق: باو هل که او؛ (ل: آ: بآن باز هل؛ و، ب: بدو باز هل)؛ متن = ده دستنویس دیگر ۲۴-س (نیز ل، ن، آ): سر و؛
 (ل: ن، برو)؛ متن = ل، ق، ک ۲۵-ل: آ: کزو آمد این آفرینش پدید؛ س: آ (نیز لی، و، آ، ب): وزو مداین آفرینش پدید؛ (ق: آ: که کس گردش
 آفرینش ندید؛ ل: آ: وزو آید این چرخ گردان پدید؛ ب: همو خود کند آفرینش پدید)

همی بگذرد چرخ ؛ یزدان^۱ به جای^۲ به نیکی^۳ مرا و ترا^۴ رهنمای!

بخت آن شب و بامداد پگاه
گروهی که بایست کردند^۶ گرد
۲۵۸۰ به^۷ پیش بزرگان بدو داد تاج^۸
پرستیدن ایزد آمدش رای
گرفتند ز کردار گیتی^{۱۳} شتاب؛
چو بنمود دست^{۱۵} آفتاب از نشیب^{۱۶}
که شاه جهان، برنخیزدهمی
۲۵۸۵ بیامد بنزد پدو یزدگرد
وُرا دید پزمرده رنگ رخان^{۲۰}

چنین بود تا بود این^{۲۳} بود روز
بترسد دل سنگ بر آهن^{۲۷} ز مرگ
تو دل^{۲۴} را به آرز^{۲۵} فزونی^{۲۶} مسوز!
هم ایدر ترا^{۲۸} ساختن نیست برگ^{۲۹}!

۱- (ل: ۲: چرخ گردان) ۲- (لن: ۲: بپای ۳: ک: بگیتی ۴- (نیز ل: ۳): ترا و مرا: متن = سیزده دستویس دیگر ۵- (ق: ۲: بدرگاه او شد سراسر) ۶- ق: کردندش: ل: بیت‌های ۲۵۷۹-۲۵۸۱ را ندارد ۷- (ق: ۲: ز) ۸- (ل: ۳: تاج داد) ۹- ل: افسرو: ق: یاره هم طوق و هم: (ب: زرین و هم): متن = ده دستویس دیگر ۱۰- (ل: ۳: یاره عاج داد): در ق این بیت بایست سپین پس و پیش شده است ۱۱- ل: پیردخت: س^۲ (نیز ل: ۳: و، آ، ب): رها کرد تخت و پیردخت (ل: پیردخت): متن = س، ق، ک (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۱۲- ل: جا: متن = سیزده دستویس دیگر: بنداری: فبات تلک لیلۃ متفکرا، ولما أصبح جلس علی تخته و حضرته الملوک و الأمراء و انقواد فاستدعی ولده یزدجرد، و عهد الیه و أعطاه التاج و النخت. و اعتزل و عزم علی التخلی للضاعه و العباده: ق^۲ پس از این بیت افزوده است:

برین نیز = ندی برآمد جهان یقین یافت چیزی که بودش گمان

۱۳- س^۲ (نیز ل: ۳: و، آ): گرفته بگردا، نیکی: متن = ل، س، ک، ل^۲ (نیز لن، ب، لن، آ، ب) ۱۴- (ل: ۳: شد تیره شد: ب: شد تیره شب: ب: شب شده می): ق، ق^۲ این بیت را ندارند ۱۵- س، ک، ل^۲ (نیز ق، آ، و، آ): شب: (ل: برگشته بد: ب: برگشته شد): متن = ل (نیز لن، ب، لن، آ) ۱۶- (آ: نهیب) ۱۷- (ل: موبد از شاه): ق: بیت‌های ۲۵۸۳-۲۵۸۴ را ندارد ۱۸- ل: از گرانی: (ل: از گرانی): ل: کز گرانی: متن = دو اوده دستویس دیگر: بنداری: ولما أمسى من لیته و نام فی فراشه قضی نجه و مضی لسیله ساترا و جهه بطرف لحافه و لم یعلم بموته أحد ۱۹- ک: سبرد: ل: ۳: آ: فسرده: متن = دو زده دستویس دیگر: ل: این بیت را پس از بیت ۲۵۸۲ آورده است ۲۰- س: آ: رخانش ۲۱- (و: در) ۲۲- س: آ: جاننش ۲۳- ک: (نیز ل: ۳: < > بود و این بود تا: ق: چنینست تا بود این: ل: ۳: س^۲ (نیز ق، آ، ب، و، آ، ب): چنینست و این بود تا: متن = ل، س (نیز لن، لن، آ) ۲۴- س^۲ (نیز ل: ۳: و، آ، ب): متن = ل، ل (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۲۵- ل، س، ق، ل: ۳: س^۲ (نیز ل: ۳: و، ب): آرز و: ک: بآب: متن = (لن، ق، آ، ب) ۲۶- ل: ۳: نیز آ: فسونی ۲۷- س^۲ (نیز ل: ۳: و، آ، ب): دن و سنگ و آهن بترسد: متن = ل، ل (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۲۸- ل: ۳: همی از ترا: س^۲ (نیز ل: ۳: و، آ): پس ایدر ترا: (ب: پس ایدر ترا): متن = ل، ک (نیز لن، ق، آ، ب، لن، آ) ۲۹- (آ: ترک): بنداری: فلما أصبحوا و استبطوا قیامه جاءه بلده یزدجرد فآلقى عنه حاشیه لحافه فصادفه میتا، و کذا کانت الأيام و کذا تکون، فلا یکن منک الیها سکون و لا رکون، إن الحجره و الحدید لیفزعان من الموت، و یترعجان لهذا الصوت

بی آزاری^۱ و مردمی بایدت^۲ گذشته چو^۳ خواهی که^۴ نگزایدت^۵!
 ۲۵۹۰ همی^۶ نو کنم بخشش و داد اوی^۷
 کنون گر کند مغزم^{۱۰} اندیشه گرد

۱- (لی، ب: همه خوبی) ۲- ل: آ: آیدت ۳- س: آ: (نیز و، آ، ب): چه ۴- ق: بخوبی که: س: آ: (نیز ی، و، آ): خوانی که: (ل: آ: جوانی چو)
 ۵- ل، س، ق: (نیز و، آ، ب): نگزایدت (حرف یکم بی نقطه): س: آ: (نیز لی، ل: آ): بگزایدت: (ق: آ: بیفایدت): ی: که آزار یک روز بگزایدت
 (حرف یکم از واژه آخر بی نقطه): متن = ل: آ: (نیز لن، پ، لن، آ): بنداری: فعلیک بالعدل و الا-سان و إفاضة الأمن و الأمان إن أردت
 السلامة من عذاب القيامة: ق، آ: پس از این بیت افزوده‌اند:

ق: هم آنگاه شه زاده شد یزدگرد
 سپاه پراکند: ز کرد گرد
 ق: آ: بشد شاه بهرام با یال و برز
 نباشد بر ایوان چنا، دست و گرز
 نبود و نباشد چنو نیز شاه
 خدایا روانش بنوی از گناه
 به مینو روانش پر از نور دار
 همه ساله جانش بد دور دار
 چهل روز سوگ پدر داشت شاه
 برفتند لشکر کود و سپاه
 تو گفتی که حشش ز گیتی ببرد
 نه زهره، نه کیان، نه تخت و کلاه
 دروغ آن بلندختر دست و گرز
 ز روم و ز چین او ستد ساو و باج
 چه سود آمدش مردن جنگ و تاب
 همیدون برو داغ و درد اندکیست
 چو در پادشاهی نمائی دراز
 فراوان جهانن حاملده گوش
 بماند ازو هم سرانجام نیک
 بنزدیک یزدن بود شهره‌یی
 بدوزخ فرستادهام بار و رخت
 سراسیمه از هر دو برسان مت
 ۵ چو در دخمه رفت آن شهنشاه گرد
 نه بیند چو او شاه خورشید و ماه
 دروغ آن کئی فر و آن چهر و برز
 بدو بود آراسته تخت و تاج
 چنان شد که درویش بی نان و آب
 چو کم‌توشه با او برفتن یکیست
 چه باید همی پادشاهی و ناز
 خنک مرد درویش با دین و هوش
 که چون بگذرد زین جهان نام نیک
 بدان گیتی او را بود بهره‌یی
 ۱۰ نه چون من بود خوار و برگشته بخت
 نه امید عقبی نه دنیا بدست

۶- ک: کنون ۷- ل، ک: او: ل: آ: را: (آ: تو): متن = س، س: آ: (نیز لن، لی-لن، آ، ب) ۸- س، ل، آ: س: آ: (نیز لن، لی-ب): گیرم: ل: مبادا که گیرد؛
 متن = ک ۹- ل، ک: او: ل: آ: را: (آ: تو): ق، آ: این بیت را ندارند: ل، و پس از این بیت افزوده‌اند:

ل: ورا دخمه ساختند شاهوار
 ابا مرگ او خلق شد سوگوار
 و: اگر شهریارست اگر زیردست
 بدین روز مکتس بیاید نشست
 نیابد گذر کس برین تیغ مرگ
 چو باد خزانست و ما همچو برگ
 نماند بگیتی کسی پایدار
 اگر بنده باشی و گر شهریار
 بماتم بیوشید لشکر کیود
 تو گفتی که بهرا هرگز نبود

۱۰- (لن: کنم مغزم: لن: آ: کنم مغز و): ل: کنون بر سخن مغزم: متن = س، ک، ل، آ: س: آ: (نیز ق: آ: و، ب): ق این بیت را ندارد

فہرست دہا

فہرست نام کسان

۱۶۲. ۶۴ پ، ۱۷۰، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۳ پ،
 ۱۸۵، ۱۸۵ پ، ۱۸۷، ۱۸۹ پ، ۱۹۴ پ، ۱۹۵،
 ۱۹۹ پ، ۲۰۰، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۱۹ پ، ۲۲۳،
 ۲۳۰ پ، ۲۳۶، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۸۹،
 ۲۹۱، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۱۲ پ، ۳۱۵، ۳۲۹،
 ۳۳۳ پ، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۴۳، ۳۴۶، ۳۴۹، ۳۶۴،
 ۳۶۷، ۳۷۲، ۳۷۳ پ، ۳۷۹، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۹۱،
 ۴۰۴، ۴۰۷، ۴۰۸ پ، ۴۱۲، ۴۱۵، ۴۱۸ پ،
 ۴۳۱، ۴۳۴، ۴۳۶، ۴۳۹، ۴۴۰ پ، ۴۵۱، ۴۶۹،
 ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۱۳ پ، ۵۱۶، ۵۹۰،
 ۵۹۹، ۶۰۹، ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۲۷، ۶۳۶ پ، ۶۳۷،
 ۶۴۴، ۶۴۵ پ، ۶۴۹، ۶۵۹، ۶۷۳، ۶۸۴، ۷۰۲،
 ۷۲۹، ۷۳۴، ۷۴۵ پ، ۷۴۹، ۷۵۲، ۷۵۸، ۷۶۵،
 ۷۶۹ پ، ۷۸۱، ۷۸۱ پ اردشیر ۵ پ،
 ۱۹ پ، ۲۴، ۲۷، ۳۱، ۳۶، ۳۶ پ، ۴۸ پ، ۵۱،
 ۵۴، ۵۷، ۶۹ پ، ۷۲ پ، ۷۷، ۱۰۴ پ،
 ۱۱۸ پ، ۱۲۰، ۱۲۴، ۱۲۴، ۱۳۰، ۱۳۳، ۱۵۲،
 ۱۵۹، ۱۶۹، ۱۷۵ پ، ۱۸۸، ۱۹۵ پ، ۲۲۴،
 ۲۴۱، ۲۴۶، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۶۲ پ،
 ۲۷۸، ۲۹۵، ۳۱۵ پ، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۸ پ،
 ۳۴۰ پ، ۳۶۱، ۳۷۹ پ، ۳۸۶، ۳۸۹ پ،
 ۳۹۵ پ، ۴۲۹ پ، ۴۵۸، ۵۰۲، ۵۳۷، ۵۴۷ پ،
 ۶۵۳ پ شاپور ۳۴، ۳۹ پ، ۵۰، ۵۹، ۶۱، ۷۹،
 ۹۲ پ، ۱۱۱، ۱۱۸ پ اورمزد ۲۵ یزدگرد

آباء - شاپور ذوالاکناف ۲۱۰
 آذر - اسکندر ۶۳۱ پ
 آرزو - بہرام گور ۹۹۲، ۱۰۰۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸ پ،
 ۱۰۲۲، ۱۰۲۴، ۱۰۳۹، ۱۰۴۴، ۱۰۷۴،
 ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۱۰۷، ۱۱۰۹ پ، ۱۱۱۲،
 ۱۱۲۵، ۱۱۱۴
 آرزوی - آرزو
 آرش - اشکانیان ۶۸، ۷۶ پ، ۴۴۱
 آزادہ - یزدگرد بڑہ گر ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۹۳
 آژنگ چہر - دادبرزین
 آفریدون - اشکانیان ۵۲ بہرام گور ۵۷۹، ۵۹۲،
 ۲۰۷۰، ۱۳۳۸، ۱۰۳۶
 آہرمن - اسکندر ۳۸۷، ۴۹۹ اشکانیان ۶۸۲
 آبراء - شاپور ذوالاکناف ۲۱۰
 ابراہیم (نیز - براہیم) - اسکندر ۶۳۱، ۶۳۲ پ،
 ۶۴۲، ۶۳۳
 ابرہام - براہام
 ابوالقاسم - اشکانیان ۲۵ شاپور ۱۰ پ بہرام شاپور
 ۲۹ پ
 ارجش - اسکندر ۱۸۸۸ پ اشکانیان ۷۶ پ
 اردشیر ۱ (پسر اسفندیار) - اشکانیان ۱۲۷، ۱۳۷
 اردشیر ۲ (نیز - اردشیر بابکان، بابکان
 اردشیر) - اشکانیان ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۵۲،

۸۶۸، ۹۰۰، ۹۲۲، ۹۹۰، ۱۲۰۳ پ،
۱۳۹۸ پ، ۱۴۸۳ پ، ۱۵۰۸ پ، ۱۵۵۵ پ،
۱۵۵۹، ۱۸۴۶ پ اشکانیان ۳۵۱ شاپور
پ، ۳ پ، ۴ پ، ۶ پ شاپور
ذوالاکتاف ۴۹۲ بہرام گور ۱۳۳۵

اسماعیل - سماعیل

اشک (نیز - خسرو اشک) - اشکانیان ۷۴

اشکانیان - اشکانیان ۵۳ پ، ۶۴، ۷۵، ۷۸

افراسیاب - اسکندر ۱۷۰۴ اشکانیان ۶۶۷

الان شاہ - یزدگرد بڑہ گر ۳۸۸

اندیان - بہرام گور ۱۴۵۱

انگرم آہرمن - بہرام گور ۱۵۲۱

انوشہ - نوشہ

اورمزد ۱ - اشکانیان ۷۶ اردشیر ۴۳۲ یزدگرد بڑہ گر

۲۴۵

اورمزد ۲ (پسر نرسی، نیز - اورمزد

بزرگ) - نرسی ۱۴، ۲۵ پ

اورمزد بزرگ - اورمزد بزرگ ۱ شاپور ذوالاکتاف

۲۸۷ پ

اورمزد شاپور (بنداری ہم اورمزد و ہم ہرمز

دارد) - اردشیر ۱۰۵، ۱۱۸ پ، ۱۱۹، ۲۴۷،

۲۴۸، ۲۵۱، ۲۵۵ پ، ۲۵۸، ۲۶۲ پ، ۲۷۴،

۲۹۲، ۲۹۲ پ اورمزد ۱، ۳۰ پ، ۴۵ پ

اورمزد بہرام ۷ پ

اہرمن - اشکانیان ۴۳۵ پ شاپور ذوالاکتاف ۵۸۹

اہرمن - اسکندر ۳۸۷ پ اشکانیان ۶۸۲ پ

ایرج - شاپور ذوالاکتاف ۴۹۰ بہرام گور ۱۲۴۱

بابک - اشکانیان ۶۳ پ، ۸۱، ۸۳ پ، ۹۴، ۹۹، ۱۰۳،

۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۲ پ، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸،

۱۲۱ پ، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۵، ۱۵۱،

۱۵۸، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۹۹، ۲۳۲، ۳۴۴، ۳۵۹

بڑہ گر ۵۷۳ بہرام گور ۱۳۰۲

اردشیر ۲ (اردشیر نیکوکار) - شاپور ذوالاکتاف

۶۰۴ پ، ۶۰۵ پ، ۶۰۶، ۶۰۷ پ، ۶۰۸ پ،

۶۰۹، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۶۰ اردشیر نیکوکار ۱

اردشیر ۴ (موبدان موبد بہرام گور - بہرام گور

۲۴۸۰ پ

اردشیر بابکان - اشکانیان ۴۱۹ پ، ۴۴۰ پ اردشیر

۵۰۲ پ

اردوان - اشکانیان ۷۷، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۳، ۱۶۱،

۱۶۲ پ، ۱۶۳، ۱۶۴ پ، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۱،

۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۳، ۱۸۵ پ، ۱۸۹،

۱۹۴ پ، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۸،

۲۳۲ پ، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۳۸ پ، ۲۴۷، ۲۴۹،

۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۹ پ، ۲۷۰، ۲۸۰، ۲۹۹، ۳۰۲،

۳۰۳، ۳۱۷، ۳۲۵، ۳۳۰، ۳۳۳ پ، ۳۵۳، ۳۶۹،

۳۷۳ پ، ۳۷۴، ۳۸۸، ۳۹۸، ۳۹۸ پ، ۴۰۶،

۴۰۸ پ، ۴۱۲، ۴۱۹ پ، ۴۲۱، ۴۲۹، ۴۳۱،

۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۰ پ، ۴۴۷، ۴۵۳،

۴۹۳ پ، ۷۶۵ پ اردشیر ۱، ۱۵ پ، ۱۹ پ،

۳۳، ۳۶ پ، ۴۸، ۴۸ پ، ۷۴، ۱۰۰، ۱۴۵،

۶۴۷ پ

اردوان بزرگ - اشکانیان ۷۹

ارسطالیس (نیز - سطالیس) - اسکندر ۱۷۱۹،

۱۷۲۲، ۱۷۲۴ پ، ۱۸۴۸

اسرافیل - سرافیل

اسفندیار - اشکانیان ۱۲۸، ۳۵۳، ۷۰۰ - دشر ۲۴۶

اسکندر (نیز - سکندر) - اسکندر ۱۰، ۴۷ پ،

۳۰۸، ۳۰۵ پ، ۲۹۲، ۲۳۹، ۲۲۵، ۲۳۹،

۳۳۱، ۴۵۳ پ، ۴۶۲، ۵۰۳ پ، ۵۶۲، ۵۶۳،

۵۶۴، ۵۶۵ پ، ۵۷۰، ۵۸۰ پ، ۵۸۱ پ،

۵۹۵ پ، ۵۹۶ پ، ۶۰۸، ۶۱۳ پ، ۶۴۳ پ،

۶۴۵، ۶۷۸، ۶۹۱، ۷۱۶، ۷۳۱، ۷۷۹، ۸۴۶

ذوالاكتاف، ۲۲، ۱۱۳ یزدگرد بڑہ گر ۵۷۳
 بہرام ۲ (بہرام اورمزد)۔ اورمزد ۳۰، ۴۵، پ، ۸۶
 ۹۱ بہرام ورمزد، ۱، ۳۵، ۴۱
 بہرام ۳ (بہرام بہرام)۔ بہرام اورمزد ۲۶، ۳۵،
 ۴۰، پ، ۴۱ بہرام بہرام ۱
 بہرام ۴ (بہرام بھرامیان، نیز ے کرمانشہ)۔ بہرام
 بہرام ۲۵، ۲۷ بہرام بھرامیان ۱، ۱۰، ۱۳
 بہرام ۵ (بہرام شاور)۔ بہرام شاپور ۱
 بہرام ۶ (بہرام تور)۔ یزدگرد بڑہ گر ۳۳، ۶۰،
 ۷۳، پ، ۱۱، ۱۳، پ، ۱۰۰، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۳۱،
 ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۵۹، پ، ۱۶۰، ۱۶۴،
 ۱۶۵، پ، ۱۸۲، پ، ۱۸۳، ۱۹۴، ۱۹۶، پ،
 ۲۰۲، پ، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۶، ۲۱۹، ۲۲۰، پ،
 ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۴، پ، ۲۳۶، ۲۳۹، ۲۴۱،
 ۲۴۴، ۲۵۴، پ، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۴، پ، ۲۸۲،
 ۲۸۳، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۳، ۳۰۶، ۳۱۰،
 ۳۱۶، پ، ۳۸۲، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۲، ۴۱۶،
 ۴۴۹، پ، ۴۵۴، ۴۵۵، پ، ۴۵۶، ۴۶۰، ۴۷۱، پ،
 ۴۷۲، ۴۸۱، ۴۸۷، ۴۹۲، پ، ۴۹۵، ۵۱۷، ۵۱۹،
 ۵۲۳، ۵۲۶، ۵۳۱، ۵۳۳، پ، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۱،
 ۵۴۲، ۵۴۳، پ، ۵۴۴، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۷، پ،
 ۵۵۸، ۵۶۴، ۶۳۶، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۵۰، پ،
 ۶۵۱، پ، ۶۵۵، ۶۵۸، پ، ۶۶۰، ۶۶۶، ۶۶۷، پ،
 ۶۶۹، ۷۲، ۶۸۰، پ، بہرام گور ۸، ۱۸، ۲۴،
 ۲۵، پ، ۲۵، ۶۳، ۶۷، ۹۹، ۱۰۴، ۱۰۸، پ،
 ۱۲۹، پ، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، پ، ۱۴۶، پ،
 ۱۴۸، ۱۵۸، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸، پ، ۱۶۹،
 ۱۷۳، ۱۷۹، پ، ۱۸۳، پ، ۱۸۶، ۱۹۲، ۱۹۶، پ،
 ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۱۰، پ، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۱،
 ۲۲۵، ۲۳۱، پ، ۲۶۷، ۲۷۹، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۷،
 ۲۸۸، ۲۹۰، پ، ۲۹۳، ۳۱۷، پ، ۳۶۱، پ،
 ۳۷۰، ۳۸۶، ۴۲۱، ۴۵۳، پ، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۷۰،

۴۱۰
 بابکان۔ اشکانیان ۱۷۱ پ
 بابکان اردشیر۔ اشکانیان ۱۴۰
 بالمظفر۔ اشکانیان ۳۰
 برانوش (نیز ے نیانوش؛ بنداری برانوش
 دارد)۔ شاپور ۶۷، ۷۶، ۹۴، ۹۶،
 ۱۰۱۔ پ، ۱۰۴۔ پ، شاپور ذوالاكتاف ۴۷۶،
 ۴۷۸، پ، ۴۷۹، ۴۸۱، ۵۱۰، پ، ۵۱۳، ۵۲۰،
 ۵۲۳
 براہام۔ بہرام گور ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۸۴،
 ۱۸۸، ۱۹۰، ۱۹۴، ۱۹۶، پ، ۲۰۶، پ، ۲۱۸،
 ۲۲۸، ۲۳۱، پ، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۵۰،
 براہیم۔ اسکندر ۶۳۱، ۶۳۲، پ، ۶۳۳، پ، ۶۴۲،
 ۶۵۹۔ پ، بہرام گور ۳۶، پ، ۵۳
 برزمہر۔ بہرام گور ۱۴۵۴، ۱۵۹۹
 بروز (بہرام گور در ہندوستان)۔ بہرام گور
 ۲۰۷۶، ۲۲۷۱، پ، ۲۲۹۶، پ، ۲۲۹۸،
 ۲۳۱۰ پ
 برزین۔ بہرام گور ۸۰۱، پ، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۵، ۸۱۶،
 ۸۱۸، ۸۲۹، پ، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۴۰، ۸۵۷، پ،
 ۸۶۱، ۸۷۲، ۸۷۸، ۸۸۲، پ
 بروش۔ یزدگرد بڑہ گر ۳۵ پ
 برہمن۔ اسکندر ۱۰۵۸، ۱۰۷۶، ۱۰۸۳، پ، ۱۰۹۷،
 ۱۱۰۰، ۱۱۲۰
 بستر افگن۔ اسکندر ۱۶۹۹، پ، ۱۷۰۸، پ
 بستر انگل۔ اسکندر ۱۷۰۸، پ
 بُناک (نیز ے بناک، سباک، نیاک، نناک،
 نیاک)۔ اشکانیان ۳۷۶، ۳۸۳، ۳۸۷، ۴۰۳،
 ۴۴۷
 بنداد۔ بہرام گور ۱۴۵۰
 بنداہ (نیز ے بندام)۔ اسکندر ۱۶۵۹
 بہرام ۱۔ اشکانیان ۷۸ بہرام بھرامیان ۱۲ پ شاپور

۲۱۳۲ پ، ۲۱۳۹، ۲۱۴۷، ۲۱۴۹، ۲۱۶۲ پ،
 ۲۱۶۴، ۲۱۷۴، ۲۱۷۷ پ، ۲۱۷۹، ۲۱۸۱،
 ۲۱۸۵، ۲۱۹۳، ۲۱۹۴، ۲۱۹۸، ۲۲۰۱ پ،
 ۲۲۰۳، ۲۲۰۷، ۲۲۲۳، ۲۲۲۸، ۲۲۳۲،
 ۲۲۴۳، ۲۲۴۸، ۲۲۵۲، ۲۲۶۲، ۲۲۷۱ پ،
 ۲۲۷۲، ۲۲۷۴، ۲۲۷۸، ۲۲۸۵، ۲۲۹۶ پ،
 ۲۲۹۷ پ، ۲۳۰۳، ۲۳۰۴ پ، ۲۳۰۷ پ،
 ۲۳۱۰ پ، ۲۳۱۱ پ، ۲۳۱۳ پ، ۲۳۱۷، ۲۳۱۲،
 ۲۳۳۱ پ، ۲۳۳۲، ۲۳۳۷ پ، ۲۳۳۹ پ، ۲۳۴۱،
 ۲۳۴۲، ۲۳۴۳ پ، ۲۳۴۸ پ، ۲۳۵۶، ۲۳۶۴ پ،
 ۲۴۱۹ پ، ۲۴۵۴، ۲۴۵۷، ۲۴۶۰ پ، ۲۴۶۳،
 ۲۴۶۵، ۲۴۶۷، ۲۴۷۸، ۲۴۹۸، ۲۵۲۴،
 ۲۵۵۸ پ، ۲۵۷۰ پ، ۲۵۸۹ پ، ۲۵۹۰ پ

بہرام ہور - بہرام گور ۱۱۹۷، ۱۲۱۱، ۱۲۲۹ پ

بہرامیان - اشکانیان ۵۳ نرسی ۱۷ بہرام گور ۱۴۵۱

بہروز - بہرام گور ۱۱۹۷ پ

بہزاد - بہرام گور ۱۴۵۰ پ

بہمن^۱ (پسر اردوان) - اشکانیان ۳۳۶ پ، ۳۷۳ پ،

۳۷۴، ۳۷۸، ۳۹۸، ۳۹۸ پ، ۴۰۰ پ، ۴۰۶،

۴۰۸، ۴۰۸ پ، ۴۱۰ اردشیر ۱۹، ۳۵

بہمن^۲ - اورمزد ۳۰ پ

بہمن^۳ (پسر اسفندیار) - اشکانیان ۱۲۷ اردشیر

۲۲۸

بیژن - اشکانیان ۷۵

بیقظون (نیز ← بیقظون) - اسکندر ۷۳۰، ۷۴۰،

۷۴۲، ۷۴۴، ۷۵۱، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۶۸،

۸۳۱، ۸۴۲، ۸۷۳، ۸۹۶، ۱۰۱۵

بیقظون - اسکندر ۸۷۳ پ، ۸۹۶ پ، ۱۰۱۵ پ

بیورد - یزدگرد بڑہ گر ۳۸۱

پارس - یزدگرد بڑہ گر ۳۸۱

پارس مرزبان - یزدگرد بڑہ گر ۳۷۴

۴۷۴، ۴۷۵، ۴۸۱، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۳ پ، ۴۹۳،
 ۵۱۰، ۵۱۴، ۵۲۰، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۳۲، ۵۵۴ پ،
 ۵۷۶ پ، ۵۷۷، ۶۱۴، ۶۱۹، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۶،
 ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۶۱ پ، ۶۶۶، ۶۷۹، ۶۸۰ پ،
 ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۸، ۶۹۲، ۶۹۸، ۷۰۱، ۷۱۲ پ،
 ۷۱۴، ۷۱۴ پ، ۷۵۳ پ، ۷۶۱، ۷۶۹، ۷۸۰،
 ۷۹۴، ۸۰۱ پ، ۸۰۳، ۸۰۸، ۸۳۰، ۸۳۱ پ،
 ۸۳۴، ۸۴۰ پ، ۸۵۷، ۸۶۷ پ، ۸۷۲، ۸۷۸،
 ۸۸۶، ۸۹۴، ۸۹۶، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴ پ، ۹۲۰،
 ۹۲۳، ۹۲۷، ۹۳۰، ۹۳۰، ۹۶۱ پ، ۹۶۲،
 ۹۷۲ پ، ۹۷۷، ۹۸۶، ۹۸۶، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۹۵،
 ۱۰۱۰، ۱۰۱۸ پ، ۱۰۲۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۷،
 ۱۰۴۱ پ، ۱۰۴۳، ۱۰۱۵، ۱۱۲۳ پ،
 ۱۱۲۵ پ، ۱۱۲۸ پ، ۱۱۷۶، ۱۱۸۴ پ،
 ۱۱۹۲ پ، ۱۲۱۱، ۱۲۲۹، ۱۲۲۹، ۱۲۵۷ پ، ۱۳۰۱،
 ۱۳۳۰، ۱۳۵۲ پ، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۶ پ،
 ۱۴۲۱ پ، ۱۴۲۲ پ، ۱۴۲۴، ۱۴۲۸، ۱۴۳۳،
 ۱۴۴۳، ۱۴۴۷، ۱۴۵۷ پ، ۱۴۶۰، ۱۴۶۱،
 ۱۴۶۴، ۱۴۶۵، ۱۴۷۷، ۱۴۷۹، ۱۴۹۱، ۱۵۰۴،
 ۱۵۰۷ پ، ۱۵۰۸ پ، ۱۵۰۹، ۱۵۱۱، ۱۵۱۳ پ،
 ۱۵۱۶ پ، ۱۵۲۱، ۱۵۳۸، ۱۵۳۳، ۱۵۴۴ پ،
 ۱۵۴۷، ۱۵۵۳، ۱۵۹۴ پ، ۱۶۳۰، ۱۶۷۹،
 ۱۶۹۶ پ، ۱۶۹۷ پ، ۱۷۰۵ پ، ۱۷۱۵،
 ۱۷۲۵ پ، ۱۷۲۸ پ، ۱۷۳۰، ۱۷۴۰ پ، ۱۷۷۶،
 ۱۷۸۱، ۱۷۸۴ پ، ۱۸۰۸ پ، ۱۸۱۳ پ،
 ۱۸۸۷ پ، ۱۹۱۸، ۱۹۳۰، ۱۹۳۷، ۱۹۳۳ پ،
 ۱۹۴۰، ۱۹۴۲، ۱۹۴۷ پ، ۱۹۴۸ پ،
 ۱۹۵۲ پ، ۱۹۸۸، ۱۹۸۹، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹،
 ۲۰۰۳، ۲۰۱۰، ۲۰۱۴، ۲۰۲۱، ۲۰۲۵ پ،
 ۲۰۲۹، ۲۰۳۲، ۲۰۳۵، ۲۰۳۸، ۲۰۴۵،
 ۲۰۴۷، ۲۰۵۸ پ، ۲۰۶۲، ۲۰۶۴، ۲۰۷۲،
 ۲۰۸۴، ۲۱۱۲، ۲۱۱۵ پ، ۲۱۲۲، ۲۱۲۷

- پروش - یزدگرد بزه گر ۳۵
 پشین - اشکانیان ۷۶ پ یزدگرد بزه گر ۶۳۸
 پیروز - یزدگرد بزه گر ۳۷۴ بهرام گور ۱۲۴۲ پ
 پیروز بهرام - بهرام گور ۱۴۵۱
 پیل گوش - اسکندر ۱۶۹۴ پ، ۱۶۹۹ پ
- تازی - یزدگرد بزه گر ۵۹، ۸۹، ۹۱، ۱۳۰، ۲۰۴، ۲۳۰، ۲۳۴، ۲۸۱، ۴۰۷، ۴۱۴، ۴۸۹، ۵۲۰، ۵۴۰، ۵۸۹، ۶۳۳ بهرام گور ۱۸۴۱، ۸۱
- تباک - اشکانیان ۳۷۶ پ، ۳۸۳ پ، ۳۸۷ پ، ۴۰۳ پ، ۴۴۷ پ
- ترک - بهرام گور ۱۵۱۶ پ، ۱۵۴۴، ۱۵۵۷، ۱۵۶۰، ۱۵۶۸، ۱۶۵۰، ۲۰۳۳، ۲۴۹۶ پ
- تور - شاپور ذوالاکتاف ۴۹۱ بهرام گور ۱۲۴۱
 تورگ - اسکندر ۶۲۲ پ
 توژ - تور
 تهمتن - اشکانیان ۳۸۰ پ
- جانلیق - اسکندر ۷۲۱ شاپور ذوالاکتاف ۲۷۶ پ
 جانوسپار - اسکندر ۵۵
 جم - اسکندر ۱۶۱۵ اشکانیان ۵۲ بهرام گور ۳۵۷، ۵۶۸، ۵۹۲، ۵۹۶، ۱۲۴۲، ۱۸۳۱
- جمشید (نیز - جم) - شاپور ۱۰۷ بهرام گور ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۹، ۵۷۱، ۸۷۴
- جانوی - یزدگرد بزه گر ۴۳۹، ۴۵۰، ۴۵۵، ۴۵۶ پ، ۴۶۳ پ، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۹۱، ۴۹۴ پ
 بهرام گور ۹۱، ۷۹، ۴۳
- جهود - بهرام گور ۱۲۱، ۱۲۸، ۱۷۹ پ، ۱۹۱، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۷، ۲۵۸
- حیی قتیب - بهرام گور ۶
- خاقان (نیز - ناقان چین) - بهرام گور ۱۴۸۰، ۱۴۹۰، ۱۴۹۱، ۱۵۰۲، ۱۵۰۳، ۱۵۰۹، ۱۵۱۱، ۱۵۱۳ پ، ۱۵۱۶ پ، ۱۵۲۰، ۱۵۲۸، ۱۵۳۰ پ، ۱۵۴۹، ۱۵۷۵، ۱۷۱۹، ۱۷۳۲، ۲۲۰۶ پ
- خاقان چین - بهرام گور ۱۴۲۷، ۱۴۴۸، ۱۴۵۷ پ، ۱۴۷۱، ۱۴۸۵ پ، ۱۴۸۷ پ، ۱۴۹۳، ۱۵۰۷ پ، ۱۵۰۸ پ، ۱۵۱۳ پ، ۱۵۹۷، ۱۶۲۳، ۱۶۱۹، ۱۹۰۸، ۲۲۰۶ پ
- خراد - اشکانیان ۴۳۳، ۴۴۰ پ اردشیر ۵۰۲ پ، ۵۰۳ بهرام گور ۱۴۵۰
- خزاعه - اسکندر ۶۴۱، ۶۵۰ پ، ۶۵۲، ۶۵۶ یزدگرد بزه گر ۴۲۲ پ
- خزوران - بهرام گور ۱۴۵۱، ۱۵۲۸
- خسرو - اشکانیان ۷۴، ۷۶، ۷۷ پ یزدگرد بزه گر ۳۹۶، ۴۰۱، ۶۳۸، ۶۴۱، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۷۶ بهرام گور ۸۳، ۸۴، ۴۵۸
- خسرو اشک - اسکندر ۱۸۸۸
- خضر - اسکندر ۱۳۵۱، ۱۳۶۸، ۱۳۷۰
 خلیج - بهرام گور ۱۵۶۰
- دادبرزین - بهرام گور ۱۴۵۴
- دارا - اسکندر ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۴۵، ۵۰، ۶۶، ۷۱، ۳۴۶ پ، ۴۸۰ پ، ۴۸۷، ۴۹۲، ۴۹۵، ۵۰۳ پ، ۵۱۹، ۵۳۶، ۵۴۹ پ، ۶۰۷ پ، ۷۰۰، ۷۰۶، ۷۱۴، ۷۵۷، ۹۵۴، ۱۲۴۸ پ، ۱۶۰۹، ۱۸۸۷
- اشکانیان ۸۷، ۳۴۵، ۳۵۲ پ شاپور ذوالاکتاف - ۴۹۲
- داراب - اسکندر ۲۸، ۳۱ پ، ۸۵۷، ۹۵۴، ۱۵۷۴، ۱۶۰۹، ۱۸۰۷ پ
- دارای داراب - اسکندر ۷۰۶ پ
- درخت گویا (نیز - گویا درخت، برگ

۲۳۰۸، ۲۳۱۲، ۲۳۱۳، ۲۳۴۸، ۲۳۹۷، پ
 ۲۳۹۹، ۲۴۴۴، ۲۴۶۳، ۲۴۶۸، پ
 سپینوی - سپینود
 ستاک - اشکانیان ۴۴۷ پ
 سرافیل - اسکندر ۱۳۹۸
 سروش - یزدگرد بزه گر ۳۵ پ
 سطاليس - ارسطاليس
 سعد - یزدگرد بزه گر ۱۵۸
 سکندر - اسکندر ۱، ۶۸، ۷۰، ۹۶، ۹۸، ۱۶۲، ۲۳۱،
 ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۵۳، پ، ۲۶۳، پ، ۲۶۴، ۲۶۷، پ،
 ۲۸۷، ۲۸۸، پ، ۳۰۰، ۳۲۱، ۳۴۷، ۳۶۴، ۳۶۵،
 ۳۶۹، ۳۹۴، ۴۰۸، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۳۳، ۴۳۴، پ،
 ۴۵۴، ۴۷۸، ۵۰۲، ۵۱۷، ۵۳۰، ۵۵۸، ۵۷۱،
 ۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۹۱، پ، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۹،
 ۶۰۸، ۶۱۳، ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۳۷، ۶۴۰، ۶۴۵،
 ۶۵۶، ۶۶۹، ۶۸۰-۶۸۲، ۶۹۰، ۷۱۶، پ،
 ۷۲۰، پ، ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۲۶، پ، ۷۲۸، ۷۴۳،
 ۷۵۴، ۷۵۱، پ، ۷۶۹، ۷۹۳، ۸۰۲، ۸۰۵، پ،
 ۸۰۶، ۸۰۹، ۸۲۱، ۸۲۳، ۸۲۸، ۸۳۳، ۸۳۸،
 ۸۴۳، ۸۴۷، ۸۵۱، ۸۷۸، ۸۷۹، پ، ۸۸۵، ۸۸۸،
 ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۵، ۹۱۴، ۹۱۷، ۹۱۹، ۹۳۳،
 ۹۵۵، ۹۵۷، ۹۶۰، ۱۰۱۸، ۱۰۲۳، ۱۰۲۶،
 ۱۰۳۳، ۱۰۳۸، ۱۰۶۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۶،
 ۱۰۸۲، ۱۱۴۰، ۱۱۴۲، ۱۱۴۸، ۱۱۷۰،
 ۱۱۷۸، ۱۱۸۸، ۱۱۹۲، ۱۱۹۶، ۱۲۰۴، پ،
 ۱۲۱۹، پ، ۱۲۲۸، ۱۲۲۸، ۱۲۸۴، ۱۳۰۵، ۱۳۲۲،
 ۱۳۲۴، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۴۱، ۱۳۴۳، پ،
 ۱۳۵۱، پ، ۱۳۵۸، ۱۳۷۰، پ، ۱۳۷۴، ۱۳۹۷،
 ۱۴۰۰، ۱۴۴۸، ۱۴۵۴، ۱۴۵۹، ۱۴۹۱،
 ۱۵۰۲، ۱۵۰۹، ۱۵۲۲، ۱۵۲۷، ۱۵۲۹،
 ۱۵۵۶، ۱۵۶۰، ۱۵۶۶، ۱۵۹۰، ۱۵۹۹، پ،
 ۱۶۰۱، ۱۶۲۰، ۱۶۳۵، ۱۶۳۶، ۱۶۴۰،

گویا) - اسکندر ۱۵۱۷، ۱۵۲۵، ۱۵۴۰
 دل افروز - بهرام گور ۱۲۰۲، ۱۲۰۴
 دهقان چاچ - اشکانیان ۶۷
 ذوالاکتاف - شاپور ذوالاکتاف ۱۱۱
 رای - شاپور ذوالاکتاف ۳۱۴ پ
 رخس - اشکانیان ۳۲۴ پ
 روح القدس - اسکندر ۹۶۶
 روزبه ۱ - بهرام بهرامیان ۹ بهرام گور ۲۱۸۲
 روزبه ۲ - (موبد بهرام گور) - بهرام گور ۳۸۷،
 ۴۰۰، ۴۰۲، ۴۲۰، ۴۲۵، ۴۴۵، ۸۸۹، ۹۳۲،
 ۱۱۲۲، ۱۱۲۶، ۱۴۱۷،
 روشنگ ۱ - اسکندر ۱۴، ۱۶، پ، ۲۴، ۳۱، ۴۷، پ،
 ۶۱، ۷۳، ۹۲، ۹۳، پ، ۷۷۷، ۱۸۱۶،
 روشنگ ۲ (دختر آسیابان) - بهرام گور ۴۷۲ پ
 رهام - بهرام گور ۱۴۵۱
 ریونیز - اشکانیان ۷۶ پ
 زرتشت - بهرام گور ۵۲ پ
 زردشت - شاپور ذوالاکتاف ۱۳، ۵۳۶ پ بهرام
 گور ۳۲، پ، ۳۶، پ، ۵۲، ۶۳، ۷۴۷،
 زردهشت - بهرام گور ۲۳۹۸
 زهیر - اسکندر ۱۸۸ پ
 ساسان - اشکانیان ۶۳، پ، ۸۳، پ، ۸۸، ۹۱، ۹۲،
 ۹۴، پ، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۲۶، ۶۷۳،
 ساسانیان - اشکانیان ۵۳، ۳۶۰، ۳۰۱،
 سامانیان - اشکانیان ۵۳
 سبک - اشکانیان ۳۷۶، پ، ۳۸۳، پ، ۳۸۷، پ، ۴۰۳، پ
 سیندار - بهرام گور ۱۹۱۹ پ
 سپینود - بهرام گور ۲۱۹۵، ۲۱۹۶، ۲۲۰۳، ۲۲۵۲،
 ۲۲۵۹، ۲۲۶۳، ۲۲۷۴، پ، ۲۳۰۱، ۲۳۰۷، پ،

۲۸۷، ۲۸۲، ۲۷۹، ۲۷۷، ۲۶۳، ۲۶۲، ۲۵۹،
 ۲۹۳، ۲۹۶، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۱۴،
 ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۵۱، ۳۵۹،
 ۳۷۰، ۳۷۸، ۳۸۳، ۳۸۶، ۴۰۶، ۴۱۸،
 ۴۲۳، ۴۳۱، ۴۴۵، ۴۵۹، ۴۶۲، ۴۶۳،
 ۴۷۸، ۵۰۵، ۵۱۰، ۵۱۹، ۵۲۹، ۵۳۴،
 ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۴، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۷،
 ۵۵۸، ۵۷۱، ۶۰۲، ۶۰۴، ۶۰۵،
 ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۶، ۶۱۶ اردشیر نیکوکار، ۹،
 شاہوی - اشکانیان، ۶۰۵، ۷۶۴ شاپور ذوالاکتاف

اب

شبدیز - بھراہ گو، ۵۷۳، ۶۴۶، ۶۷۹، ۱۳۶۳

شپینود - سینود

شداد عاد (نیز شادا) - اسکندر، ۱۴۸۳، ۱۴۹۱

شعیب - اسکندر، ۶۳۱

شنگان - یزدگرد زہ گر، ۳۸۸

شٹاس - شاپور ذوالاکتاف، ۲۰۹

شمر - شہر

شمیران شہ - یزدگرد زہ گر، ۵۷۵

شنبلید - بہرم گو، ۸۷۶

شنگل - بہرہ گو، ۱۸۸۲، ۱۸۸۷، ۱۹۲۱،

۱۹۲۵، ۱۹۳۷، ۱۹۴۶، ۱۹۵۲، ۱۹۹۶،

۲۰۰۰، ۲۰۱۱، ۲۰۱۳، ۲۰۱۷، ۲۰۱۹،

۲۰۲۵، ۲۰۲۷، ۲۰۳۲، ۲۰۴۲، ۲۰۴۶،

۲۰۵۸، ۲۰۷۷، ۲۰۹۱، ۲۰۹۲، ۲۰۹۹،

۲۱۰۹، ۲۱۱۱، ۲۱۱۶، ۲۱۱۹، ۲۱۳۲،

۲۱۳۴، ۲۱۴۲، ۲۱۵۸، ۲۱۶۲، ۲۱۷۷،

۲۱۷۸، ۲۱۸۰، ۲۱۸۹، ۲۱۹۶، ۲۱۹۷،

۲۲۰۱، ۲۲۰۵، ۲۲۰۶، ۲۲۱۳، ۲۲۳۶،

۲۲۴۸، ۲۲۵۰، ۲۲۷۱، ۲۲۹۶،

۲۲۹۷

شورگ - سورگ

۱۶۵۲، ۱۶۶۱، ۱۶۶۶، ۱۶۷۹، ۱۶۸۲،

۱۶۸۴، ۱۶۹۶، ۱۶۹۷، ۱۷۰۷، ۱۷۴۱،

۱۷۶۱، ۱۸۰۵، ۱۸۳۲، ۱۸۴۲، ۱۸۴۴، ۱۹۰۱،

اشکانیان، ۶۶، ۷۳، ۸۴، ۶۶۸

سلم - شاپور ذوالاکتاف، ۴۹۱، بہرام گور، ۱۲۴۱،

۱۷۱۳، ۱۷۱۸

سماعیل - اسکندر، ۶۳۱، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۵۵، ۶۵۸،

۶۵۹، ۶۶۸، ۶۷۴، ۱۰۴۷، ۱۰۹۱، ۱۱۱۲،

سورگ (بندازی شورگ دارد) - اسکندر، ۶۲۲،

۶۲۲، ۶۲۵

سوسنک - بہرام گور، ۴۷۲

سیمرغ - اشکانیان، ۳۲۴

شاپور ۱ - اشکانیان، ۷۴، بہرام بہرامیان، ۹، یزدگرد

بزہ گر، ۵۷۳، بہرام گور، ۱۲۴۲

شاپور ۲ (پسر اردشیر بابکان) - اردشیر، ۷۲، ۷۵،

۱۰۴، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۳۱، ۱۳۲،

۱۳۷، ۱۵۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۱۲،

۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۶،

۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۵،

۲۶۲، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۹۱،

۲۹۲، ۳۰، ۳۰، ۶۵۴، شاپور، ۵۸،

۶۱، ۶۳، ۷۱، ۷۹، ۸۵، ۹۲، ۹۳، ۱۰۳،

۱۰۵، ۹۷، ۱۰۱، ۱۱۸، اورمزد، ۲۵

شاپور ۳ (شاپور شاپور) - شاپور ذوالاکتاف، ۶۰۸

اردشیر نیکوکار، ۸، ۱۶، شاپور شاپور، ۱، ۳۰،

شاپور ذوالاکتاف - اورمزد بزرگ، ۳۳، ۳۴،

شاپور ذوالاکتاف، ۱۳، ۳۶، ۴۶، ۴۹، ۵۶،

۶۲، ۶۷، ۷۹، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۹۹، ۱۱۳،

۱۲۱، ۱۳۱، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۹،

۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۵،

۲۱۲، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۵۲،

شهر - بهرام گور ۱۵۶۲، ۱۵۶۴	۴۹۲ پ
شهرگیرا ^۱ (از مردان اسکندر) - اسکندر ۷۲۷،	علی - شاپور ۷
۷۵۰، ۷۴۴	عیسی - اسکندر ۱۸۸ پ
شهرگیرا ^۲ (از مردان اردشیر بابکن؛ نیز ←	
شیرگیر) - اشکانیان ۷۰۲، ۷۵۲، ۷۵۸، ۷۶۵،	غرچه - بهرام گور ۱۶۰۳
۷۶۹	غسانیان - شاپور ذوالاکتاف ۴۱، ۸۹ یزدگرد بزه گر
شیان - یزدگرد بزه گر ۴۲۲	۴۲۲
شیرکبی - بهرام گور ۲۱۶۲ پ	
شیرگیر - اشکانیان ۷۵۸ پ، ۷۶۹	فرانک - بهرام گور ۸۷۶
شهری (بنداری شهرویه دارد) - اشکانیان ۷۴ پ	فرشیدورد - بهرام گور ۱۱۷۵، ۱۱۸۵، ۱۲۱۷، ۱۲۵۴
شاپور ذوالاکتاف ۱	فرفر ← فرفر
شهری ← شهری	فرفر - اسکندر ۷۱۷ پ، ۷۲۴ پ، ۷۲۶ پ، ۷۴۸ پ
	فرمان - اسکندر ۷۱۷ پ، ۷۲۴ پ، ۷۲۶ پ، ۷۴۸ پ
	فرهاد - بهرام گور ۱۴۵۰ پ
ضحاک - اسکندر ۱۶۱۵ اشکانیان: ۵۲، ۵۴، ۶۶۶	فریان - اسکندر ۷۱۷ پ، ۷۲۴ پ، ۷۲۶ پ
	فریدون - اسکندر ۱۶۱۵ اشکانیان ۵۲ پ، ۵۵
طایر - شاپور ذوالاکتاف ۲۶، ۳۳، ۳۴، ۳۸ پ، ۴۱،	یزدگرد بزه گر ۵۹۹ بهرام گور ۳۵۷، ۵۸۰،
۴۲، ۶۲ پ، ۶۵، ۸۵، ۸۹، ۹۰، ۹۵ پ، ۹۷ پ،	۸۷۴ پ، ۱۰۰۶، ۱۰۴۱، ۱۲۱۷، ۱۷۱۸ پ
۹۹، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۶	فقفور (بنداری بغیور دارد) - اسکندر ۵۱۰،
طغری - بهرام گور ۷۸۶، ۷۹۶، ۸۰۱ پ، ۸۱۶	۱۵۵۵ پ، ۱۵۵۹، ۱۵۶۴، ۱۵۶۹، ۱۵۷۰ پ،
۸۲۳، ۸۲۴	۱۵۹۴، ۱۶۰۱، ۱۶۲۳، ۱۶۴۰، ۱۶۴۳، ۱۶۴۶
طورگ - اسکندر ۶۲۲ پ	شاپور ذوالاکتاف ۳۱۴ پ بهرام گور
طوس - اشکانیان ۷۶ پ	۱۹۷۹، ۲۲۰۳ پ، ۲۲۰۴
طهمورت - بهرام گور ۴۹	
طهمورث ← طهمورت	فور - اسکندر ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۷۳ پ، ۴۷۹، ۴۷۹ پ،
طینوش (بنداری طینوس هم دارد) - اسکندر	۴۸۱، ۴۸۶، ۴۸۷ پ، ۴۹۱ پ، ۵۰۳ پ، ۵۰۴،
۸۸۳، ۸۹۰ پ، ۹۰۰ پ، ۹۰۵، ۹۱۲، ۹۱۴،	۵۱۰، ۵۲۱، ۵۴۲، ۵۴۹ پ، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۷۹،
۹۱۷، ۹۲۸، ۹۳۴، ۹۴۱، ۹۵۱، ۱۰۱۹،	۵۸۰ پ، ۵۸۱ پ، ۵۸۲، ۵۸۷ پ، ۵۹۰،
۱۰۲۴، ۱۰۳۴، ۱۰۴۱، ۱۰۵۳، ۱۰۵۵ پ	۵۹۵ پ، ۵۹۸، ۶۰۰ پ، ۶۰۵ پ، ۶۰۶، ۶۰۸،
یزدگرد بزه گر ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۶۲	۶۱۰، ۶۱۴ پ، ۶۱۸، ۶۲۱ پ، ۶۲۵، ۶۳۹ پ،
	۷۰۰، ۷۰۶، ۸۵۵، ۸۸۴، ۸۸۶، ۹۱۰، ۹۵۴،
عجم - اشکانیان ۵۲	۱۵۷۳، ۱۶۰۹، ۱۶۵۷، ۱۸۸۸
عرب - اشکانیان ۵۲ یزدگرد بزه گر ۴۵۲، ۴۷۱ پ،	فلاطون - بهرام گور ۱۷۱۰

- فیدروس - اسکندر ۷۴۷ پ
 فیران - اسکندر ۷۱۷ پ
 فیلقوس (بنداری قیلقوس دارد) - اسکندر ۹۰ پ،
 ۸۳۷، ۷۷۹، ۷۳۱، ۴۹۱، ۴۸۶، ۴۶۲، ۳۰۸
 ۸۴۲، ۱۲۰۴ پ، ۱۷۷۹
 قارن - یزدگرد بزه گر ۳۷۳ بهرام گور ۱۴۵۴، ۱۵۳۴
 قارن پارسی - قارن
 قباد - اشکانیان ۴۷، ۷۴
 قحطان - اسکندر ۶۴۸، ۶۵۰ پ
 قدیب - اسکندر ۶۳۸ پ
 قرقار - اسکندر ۷۱۷ پ، ۷۴۸ پ
 قریان (نیز قریان، قرقار، فرناز، فریان؛ بنداری
 فیران دارد) - اسکندر ۷۱۸ پ، ۷۲۴ پ،
 ۱۸۷۸، ۱۶۰۹، ۱۵۷۴، ۷۷۸، ۷۴۷، ۷۲۶ پ
 قیدافه - اسکندر ۶۶۸ پ، ۶۷۲، ۶۸۱، ۶۸۳، ۶۹۲،
 ۷۰۳، ۷۱۶ پ، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۳۳ پ، ۷۳۸،
 ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۷۳، ۷۷۶، ۷۸۲، ۷۸۸، ۷۹۶،
 ۸۰۱، ۸۰۵ پ، ۸۰۷، ۸۱۱، ۸۱۸، ۸۳۱، ۸۳۵
 ۸۴۳، ۸۴۹، ۸۵۵، ۸۸۲، ۸۸۹، ۹۵۵، ۹۶۳،
 ۹۷۱، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۴۰، ۱۰۴۸، ۱۰۵۴
 قیدروش (نیز - فیدروس) - اسکندر ۷۱۶ پ،
 ۷۲۶، ۷۳۳، ۷۴۷، ۷۵۸، ۷۶۴، ۷۶۹، ۷۷۳،
 ۷۷۷، ۹۰۰ پ، ۱۰۳۷
 قیران (نیز - فرفر، فرمان، فریان، قرقار، قریان؛
 بنداری فیران دارد) - اسکندر ۷۱۸، ۷۲۴،
 ۷۲۶، ۷۳۳ پ
 قیصر - اسکندر ۹۰ پ، ۴۹۱، ۴۹۱ پ، ۵۰۹، ۵۲۵،
 ۵۳۸، ۶۱۲، ۶۲۱، ۶۶۰، ۶۶۶ پ، ۶۸۷، ۷۱۰،
 ۷۵۴، ۷۹۴، ۸۰۷، ۱۰۴۹، ۱۳۴۱ پ، ۱۳۷۸،
 ۱۳۹۱، ۱۳۹۵، ۱۵۶۷، ۱۶۴۶، ۱۷۰۷ پ،
 ۱۷۱۱، ۱۸۱۲ شاپور ۶۸، ۷۹، ۸۵ شاپور
- ذوالاکتاف، ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۶، ۱۵۹،
 ۱۶۱-۱۶۴، ۱۶۷، ۱۶۹ پ، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۸۳،
 ۱۸۴، ۱۹۹، ۲۵۴، ۲۷۲، ۲۷۸، ۳۱۴ پ، ۳۳۵،
 ۳۴۳، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۶۶، ۳۶۹، ۳۷۸، ۳۸۰،
 ۳۹۱، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۱۲، ۴۱۷، ۴۱۸ پ،
 ۴۲۱ پ، ۴۲۱، ۴۴۴، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۶۸، ۴۷۰،
 ۴۷۱، ۴۷۴ پ، ۴۷۷، ۴۸۰، ۴۹۴، ۵۰۴، ۵۰۵،
 ۵۱۰ پ، ۵۵۰، ۵۵۳ پ یزدگرد بزه گر
 ۲۹۲ پ، ۲۹۳ بهرام گور ۱۴۲۹، ۱۴۳۱،
 ۴۶۱، ۱۵۱۷، ۱۷۰۵ پ، ۱۷۰۶، ۱۷۱۳ پ،
 ۷۲۱ پ، ۱۷۲۸ پ، ۱۷۳۰ پ، ۱۷۳۱ پ،
 ۷۴۰ پ، ۱۷۴۲، ۱۷۴۳، ۱۷۴۸ پ، ۱۷۵۰،
 ۷۵۱ پ، ۱۷۷۵، ۱۷۸۳، ۱۷۸۴ پ، ۱۷۸۵،
 ۱۸۰۴، ۱۸۰۸ پ
 قیطون (بندری قیطون دارد) - اسکندر ۶۶۴ پ،
 ۶۶۶
 قیطون (نیز قطفون، قیطون) - اسکندر ۶۸۲، ۶۸۳
 کاوس - بهرام گور ۱۲۴۲، ۱۸۳۱، ۱۹۸۱
 گُرد - اشکانیان ۴۰۷، ۴۶۹، ۴۷۱، ۴۹۵، ۵۰۳، ۵۰۵،
 ۵۰۷ شاپور ذوالاکتاف ۲۷ بهرام گور
 ۵۶۰ پ
 کردسب - شاپور ۷ پ
 کردست - شاپور ۷ پ
 کرزاب - شاپور ۱۰ پ
 کرزاسب - شاپور ۷ پ
 کرزسپ (نیز - کردسب، کردست، کرزاب،
 کرزاسب، کرساب، کرشاسب،
 کوزسب - شاپور ۷۰
 کرساب - شاپور ۱۰ پ
 کرشاسب - شاپور ۷ پ
 کرمانشه - بهرام بزرگ ۲

- کسری - یزدگرد بزه گر ۱۵ پ
 کوری (نیز - لوری) - بهرا گور ۲۵۶۱ پ،
 ۲۵۶۲ پ، ۲۵۶۶ پ، ۲۵۶۹ پ
- کوزسب - شاپور ۷۰ پ
 کیان - اسکندر ۱۷۲۰، ۱۷۳۳، ۱۷۴۰، ۱۸۶۸
 اشکانیان ۷۵، ۱۶۱ پ، ۳۵۳ پ شاپور
 ۱۰۸ پ بهرام بهرام ۱ شاپور ذوالاکتاف
 ۴۲۹، ۴۷۴ پ، ۵۵۸ یزدگرد بزه گر ۹۱،
 ۴۳۲ پ، ۶۴۸ بهرام گور ۲۶ پ، ۵۶۵، ۶۹۸،
 ۱۴۱۴ پ، ۱۹۱۹، ۲۰۳۷
- کیخسرو - اسکندر ۱۷۰۵ بهرام ثور ۴۶ پ، ۲۰۷۱
 کید - اسکندر ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۵۹ پ، ۱۶۰،
 ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۴۸، ۲۵۳ پ، ۲۶۷ پ،
 ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۹۲ پ، ۳۰۰، ۳۰۵ پ،
 ۴۴۰ پ، ۴۴۵، ۴۵۰ پ، ۴۵۳، ۴۸۹،
 ۱۷۸۱ اردشیر ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۷، ۲۸۱
- کیروی - بهرام گور ۲۹۶، ۳۰۰، ۳۱۰، ۳۱۵، ۳۵۹ پ
 کیقباد - اشکانیان ۴۷ پ، ۵۹۱ پ بهرام گور ۵۸۰،
 ۱۲۴۲، ۱۹۸۱، ۲۰۷۱
- کیوان - اسکندر ۲۱۶
- گران خوار - اردشیر ۱۵۳
 گستهه - یزدگرد بزه گر ۳۷۳، ۶۵۱ بهرام گور ۱۴۴۸
 گشتاسپ - اشکانیان ۱۲۸ اردشیر ۳
 گشسپ^۱ - یزدگرد بزه گر ۳۷۳
 گشسپ^۲ (= بهرام گور) - بهرام گور ۹۸۸، ۹۹۳،
 ۱۰۲۵، ۱۰۴۵، ۱۰۴۸
- گشسپ دبیر - یزدگرد بزه گر ۳۷۷ بهرام گور ۸۹
 گلنار - اشکانیان ۲۱۵، ۲۱۹ پ، ۲۴۸ پ، ۲۴۲،
 ۲۴۴ پ، ۲۵۶ پ، ۲۵۷، ۲۷۱، ۲۸۱، ۲۸۷،
 ۳۱۵، ۳۰۷
- گودرز - اشکانیان ۷۵
- گوش بستر (نیز - بسترافگن، بسترانگل، پیل گوش،
 گوشوان، گوشور؛ بنداری بسترگوش
 دارد) - اسکندر ۱۶۹۹، ۱۷۰۷ پ، ۱۷۰۸
 گوشوان - اسکندر ۱۷۰۷ پ
 گوشور - اسکندر ۱۷۰۷
 گیومرت - اشکانیان ۴۶ بهرام گور ۸۷۴
- لنیک - بهرام گور ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۹ پ، ۱۳۱، ۱۳۳،
 ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۰ پ، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۲،
 ۱۵۷، ۱۵۸، ۲۳۱ پ، ۲۳۳، ۲۴۹
- لنیک آبکش - لنیک
 لوری - بهرام گور ۲۵۶۰-۲۵۶۲، ۲۵۶۶، ۲۵۶۹
- مالکه - شاپور ذوالاکتاف ۳۵، ۵۱، ۶۲ پ
 مانی - شاپور ذوالاکتاف ۵۶۹، ۵۷۳، ۵۷۹، ۵۹۴،
 ۵۹۵
- ماد آفرید - بهرام گور ۸۷۶
 ماهیار^۱ - اسکندر ۵۵
 ماهیار^۲ - بهرام گور ۵۹۰
 ماهیار^۳ - بهرام گور ۹۱۴ پ، ۹۹۹، ۱۰۰۱، ۱۰۰۳،
 ۱۰۱۸ پ، ۱۰۲۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲۴، ۱۰۳۱،
 ۱۰۴۱، ۱۰۴۳ پ، ۱۰۴۵، ۱۰۵۳، ۱۱۱۰
- محمد - اسکندر ۱۹۰۷ پ اشکانیان ۲۲ پ شاپور
 ۱۱۸، ۶ پ بهرام گور ۶۰۳ پ
 محمود - اشکانیان ۲۴، ۲۹ پ اردشیر ۴۲۲ پ
 شاپور ۱۰ پ، ۱۵ پ بهرام شاپور
 ۲۹ پ، ۳۲ پ بهرام گور ۸۸۹ پ
 مسیح - اسکندر ۱۶۴۱ شاپور ذوالاکتاف ۲۱۰ پ،
 ۴۷۲، ۴۷۴
- میحا - اسکندر ۳۵۱، ۸۷۹، ۹۶۴، ۱۶۴۲ پ شاپور
 ذوالاکتاف ۲۱۰، ۵۳۶، ۵۴۰
 مشکناز - بهرام گور ۴۷۲

یاجوج و ماجوج - اسکندر ۱۴۲۹، ۱۴۷۲	هرمز ۲ - بهرام گور ۳۵۶
یابس - یانس	هشیار - یزدگرد بزه گر ۳۶
یانس - شاپور ذوالاکتاف ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۶۲	هفتواد - اشکانیان ۵۱۳ پ، ۵۲۷، ۵۵۴، ۵۶۲، ۵۶۵
یانوش - یانس	۵۶۸، ۵۷۷، ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۲
یزدگرد (بزه گر) - بهرام شاپور ۲۳ پ یزدگرد	۶۰۱، ۶۰۴ پ، ۶۰۶، ۶۱۶، ۶۶۰، ۶۷۰، ۶۷۴
بزه گر ۱، ۴۲، ۵۷، ۶۶، ۷۳ پ، ۸۰، ۸۳ پ،	۶۷۹، ۷۴۵ پ، ۷۵۴، ۷۵۹، ۷۶۲ پ، ۷۶۳
۲۲۳، ۲۵۴ پ، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۴۱ پ، ۳۴۷،	های - بهرام گور ۱۴۸۳، ۱۴۸۹
۳۵۲ پ، ۳۵۷، ۳۷۲، ۳۷۶، ۵۴۹ بهرام گور	هیشوی - اشکانیان ۶۰۵ پ
۶۵، ۱۰۱، ۱۲۴۳ پ، ۱۸۶۶، ۱۹۱۹، ۲۰۳۹،	
۲۳۵۴، ۲۵۷۹، ۲۵۸۵، ۲۵۸۹ پ، ۲۵۹۱	یباک - اشکانیان ۳۷۶ پ

فهرست نام جای‌ها

اسفهان - اسکندر ۳۵ پ	آب حیوان (= چشمه حیوان؛ بنداری عین الحیاة دارد؛ نیز = حیوان) - اسکندر ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۹، ۱۳۵۳، ۱۳۶۰، ۱۳۶۷، ۱۴۱۵، ۱۳۷۱
اسکندری - سکندر ۱۸۴۲، ۱۸۴۳، ۱۸۴۴، ۱۸۴۶	آذر (نیز = آذربادگان) - بهرام گور ۱۴۶۰، ۱۴۶۱
اصطخر = اسطخر	آذربرزین - یزدگرد بزه‌گر ۴۹۲، ۴۹۴ پ
اصطخر - اسکندر ۹۷ پ اشکانیان ۸۱، ۳۳۶ پ، ۴۶۷ شاپور ذوالاکتاف ۲۳، ۴۰ پ، ۵۳۳، ۵۴۴ پ	آذرام خَرّاد (نیز = آتش خَرّاد) - اشکانیان ۳۹۳
اصفهان - اسکندر ۲۷ پ، ۳۹ پ، ۸۱ پ اشکانیان ۸۰ پ	آزرگشپ - اشکانیان ۱۰۵ اردشیر ۱۹۶ پ
التونیه - شاپور ۴، ۶۶، ۷۷، ۸۴، ۸۷	یزدگرد بزه‌گر ۱۴۴ بهرام گور ۲۶۴ پ، ۱۴۶۰ پ، ۱۵۱۲، ۱۶۰۴ پ
انبار - شاپور ۸۵، شاپور ذوالاکتاف ۵۶۴ پ	آذربادگان - بهرام گور ۱۴۵۸، ۱۶۰۷
اندلس - اسکندر ۶۶۱ پ، ۶۷۱، ۶۷۸، ۹۶۶	آمل - بهرام گور ۱۵۱۴، ۱۵۱۵
اورمزد اردشیر - ردشیر ۶۳۷	آموی - بهرام گور ۱۵۴۰، ۱۵۴۱
اهواز - شاپور ۸۷، شاپور ذوالاکتاف ۵۶۵ یزدگرد بزه‌گر ۲۶ پ	ابرقوه = برفوه
ایران - اسکندر ۲۵، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۳، ۱۰۳، ۱۶۲، ۲۳۱، ۲۳۳، ۵۳۴ پ، ۵۴۹ پ، ۶۰۱، ۷۹۴، ۸۳۴ پ، ۱۲۳۵، ۱۷۳۰، ۱۷۳۲، ۱۷۹۲	اردبیل - بهرام گور ۱۵۱۴
اشکانیان ۲۵۹، ۴۳۵ پ، ۴۸۴، ۴۹۶، ۶۴۷، ۶۷۵ اردشیر ۲۶، ۴۳، ۱۸۰، ۱۸۴، ۴۲۵	اروندروود - شاپور ذوالاکتاف ۸
	ارض نجف = نجف
	اسپهان - اسکندر ۲۷ (نیز = سپهان؛ بنداری اسپهان دارد)، ۳۹، ۸۱

بابل - اسکندر ۱۶۸۴، ۱۷۱۵، ۱۷۴۶، ۱۷۶۴، ۱۸۰۲	۵۱۷ بهرام بهرام ۷ پ شاپور - ذوالاکتاف
اشکانیان ۱۵۱ پ	۱۰۱، ۱۶۰، ۱۸۸ پ، ۱۸۰، ۱۹۰، ۱۹۱،
باختر - اسکندر ۱۴۲۱، ۱۵۷۵	۱۹۳-۱۹۵، ۱۹۷ پ، ۲۴۳، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۸۰،
باکونیه - شاپور ۸۴ پ	۳۲۵ پ، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۴، ۴۲۷،
باکونیه - شاپور ۸۷ پ	۴۳۲، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۵۰، ۴۸۶ پ، ۴۸۹، ۵۲۱،
بالونیه - شاپور ۷۷ پ، ۸۴ پ، ۸۷ پ	۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۴ پ شاپور شاپور ۱ بهرام
بحرین - شاپور ذوالاکتاف ۲۷	شاپور ۲۳ پ، ۲۹ پ یزدگرد - هگر ۲۵۱ پ،
بخارا - اشکانیان ۵۶۷ پ، ۵۷۰ پ بهرام گور	۳۱۴، ۳۷۰، ۳۷۵، ۳۸۴، ۳۸۸ پ، ۳۹۱،
۳۴۳ پ، ۱۵۳۹، ۱۵۴۴ پ، ۱۶۰۳ پ	۴۲۵ پ، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۰۲، ۴۵۱ پ، ۴۶۲،
برخورستان - شاپور ذوالاکتاف ۲۴۵	۴۷۵ پ، ۴۸۸، ۴۸۲، ۴۹۰ پ، ۴۹۰، ۴۹۲، ۴۹۰ پ،
برزخ سابور - شاپور ذوالاکتاف ۵۶۴ پ	۴۹۴ پ، ۵۱۵، ۵۲۰، ۵۳۵، ۵۴۰ پ، ۵۴۹،
برسوزیان - برخوردارستان	۵۷۹ پ، ۵۹۳، ۶۵۰ پ، ۶۸۰ پ بهرام گور
برقوه - بهرام گور ۱۳۴۲، ۱۳۵۱، ۱۳۸۳	۹۶، ۱۱۶، ۱۳۴، ۱۷۱، ۲۱۶، ۳۷۰ پ، ۴۲۸،
برقوی - برقوه	۶۵۳ پ، ۷۷۴، ۱۰۶۲ پ، ۱۰۶۵، ۱۱۲۶ پ،
برکه‌ی اردشیر - اردشیر ۶۳۹	۱۲۲۷، ۱۲۸۶، ۱۳۱۶، ۱۳۳۵، ۱۴۱۷،
بُست - اسکندر ۱۶۶۸ بهرام گور ۱۳۴۳ پ	۱۴۲۰، ۱۴۲۸، ۱۴۳۰، ۱۴۳۲، ۱۴۳۶،
بغداد - اردشیر ۱ یزدگرد بزه‌گر ۴۲۶ پ بهرام گور	۱۴۳۹، ۱۴۴۰ پ، ۱۴۴۵، ۱۴۴۷، ۱۴۵۲ پ،
۱۴۰۶، ۱۴۲۰ پ	۱۴۶۱ پ، ۱۴۷۱، ۱۴۷۳، ۱۴۸۰، ۱۴۸۱ پ،
بوم میشان (نیز بوم میسار، بوم میسان، بوم نیسار،	۱۴۸۷، ۱۴۸۹، ۱۴۹۱، ۱۴۹۴، ۱۵۰۰،
بوم نیسان) - اردشیر ۶۴۰، ۶۴۰ پ	۱۵۰۲، ۱۵۳۳ پ، ۵۶۰، ۱۵۱۳، ۱۵۸۶،
بیت‌الحرام (نیز - حرم) - اسکندر ۶۳۳، ۶۵۹	۱۶۲۷، ۱۸۰۱، ۱۸۸۱، ۱۸۸۴ پ، ۱۸۸۷ پ،
بیستون - شاپور ذوالاکتاف ۲۸ پ بهرام گور ۱۰۱۵	۱۹۰۸، ۱۹۱۳ پ، ۱۹۷۲ پ، ۱۹۱۵، ۲۰۰۱،
بیشه‌ی کوفه - یزدگرد بزه‌گر ۱۴۳	۲۰۲۵، ۲۰۴۰، ۲۰۶۶، ۲۰۷۴، ۲۱۲۲،
بیشه‌ی نارچین - بهرام گور ۲۷۷	۲۱۲۸، ۲۱۳۷، ۲۱۳۸ پ، ۲۱۶۳، ۲۱۴۶،
	۲۱۴۸، ۲۱۵۹، ۲۱۶۶، ۲۱۷۴، ۲۱۸۷،
	۲۲۰۴، ۲۲۰۵، ۲۲۱۵، ۲۲۲۱، ۲۲۳۹،
	۲۲۴۵، ۲۲۵۶، ۲۲۷۴ پ، ۲۳۷۶ پ، ۲۲۷۷،
	۲۲۸۱، ۲۲۹۶ پ، ۲۳۰۵ پ، ۲۳۱۵، ۲۳۳۴،
	۲۳۳۷ پ، ۲۳۴۲، ۲۳۴۳ پ، ۲۳۵۱، ۲۴۰۳،
	۲۴۱۹ پ، ۲۴۲۹، ۲۴۳۷، ۲۴۶۹، ۲۴۷۲،
	۲۵۶۰ پ
	ایران زمین - ایران
پارس - اشکانیان ۲۳۴۸، ۲۳۴۹، ۲۳۶، ۳۶۸، ۴۵۵،	
۵۱۸، ۶۴۹، ۷۷۵ اردشیر ۶۳۸ شاپور ۹۲	
شاپور ذوالاکتاف ۱۲۰، ۱۲۱ پ، ۵۳۳	
یزدگرد بزه‌گر ۶۶، ۳۶۶، ۳۷۲، ۳۸۴ پ،	
۳۹۲ بهرام گور ۱۴۵۹	
پالونیه - شاپور ۶۶ پ	
پسا - نسا	

چین - اسکندر ۰۳ پ، ۳۰۵، ۵۰۹، ۹۷۲، ۱۵۵۱،
 ۵۵۵ پ، ۱۵۵۹، ۱۵۶۹، ۱۵۷۲، ۱۵۹۴،
 ۵۹۷، ۱۵۹۹، ۱۶۳۴، ۱۶۴۴، ۱۷۳۱،
 ۱۷۸۹، ۱۷۰۲ اردشیر ۱۹۳، ۴۲۳، ۵۱۳
 شاپور ذوالاکتاف ۷۱، ۵۶۸، ۵۷۱ یزدگرد
 بزه گر ۵۸، ۴۲۹ بهرام گور ۵۰۵، ۵۷۲، ۷۸۷،
 ۷۸۹، ۱۲۲۱، ۱۳۲۸، ۱۳۴۳ پ، ۱۳۵۲،
 ۱۴۲۳، ۱۴۲۷، ۱۴۳۰، ۱۴۳۱، ۱۴۴۷،
 ۱۵۳۰، ۱۵۳۶، ۱۵۵۹، ۱۵۷۳، ۱۸۸۰،
 ۱۸۸۲، ۱۹۰۱، ۱۹۷۵، ۱۹۷۷، ۲۰۸۸،
 ۲۱۱۳، ۲۲۲۵، ۲۲۳۹، ۲۲۴۵، ۲۲۴۷، ۲۴۷۵
 حبش (نیز زمین حبش) - اسکندر ۱۱۶۵، ۱۱۷۳،
 ۱۵۷۰ پ، ۱۵۸۲، ۱۵۸۶، ۱۵۹۰
 حجاز - اسکندر ۶۳۰ پ، ۶۵۰ پ، ۶۵۷ شاپور
 ذوالاکتاف، ۳۸ پ، ۶۲ پ
 حرم (بیت الحرام کعبه، مسجد الحرام) - اسکندر
 ۶۳۰، ۳۲، ۶۳۳ پ، ۶۳۹ پ، ۶۵۳، ۶۶۷
 خان آذرگشپ - بهرام گور ۱۳۴۵، ۲۳۹۶
 خاور (نیز - زمیر خاور) - اسکندر ۱۱۳۴، ۱۴۲۱،
 ۱۵۷۵
 ختن - بهرام گور ۱۴۲۰، ۱۴۳۱، ۱۹۷۷
 خردادبرزین (آتسکده) - اشکانیان ۱۰۵ یزدگرد
 بزه گر ۲۲۴
 خراسان - بهرام گور ۱۶۹۸، ۱۷۰۳، ۱۶۹۶ پ،
 ۱۶۹۷ پ
 خرم (نیز بیسهی خرم، مرغزار خرم؛ بنداری جرم
 دارد) - اسکندر ۱۸۳۵، ۱۸۴۰
 خرم آباد - شاپور ذوالاکتاف ۵۶۱
 خرّه ی اردشیر - اشکانیان ۴۵۸، ۴۹۳، ۶۹۰، ۷۷۲
 اردشیر ۶۲۵

پل شوستر - شاپور ۹۷ پ، ۱۰۱ پ
 پیروز شاپور - شاپور ذوالاکتاف ۵۶۴
 تاکوبنه - شاپور ۶۴ پ، ۶۶ پ
 ترک - اسکندر ۱۷۳۱ اردشیر ۳۸۱، ۴۲۳ بهرام
 اورمزد ۴۰ پ شاپور ذوالاکتاف ۴۲۹،
 ۴۹۱ پ بهرام گور ۷۷۵، ۱۴۲۳، ۱۴۳۰،
 ۱۴۸۸، ۱۴۹۳، ۱۵۴۴ پ
 تور - بهرام گور ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۹ پ، ۱۴۲۱ پ
 توران - اسکندر ۱۰۳ پ، ۱۷۹۲ اشکانیان ۲۶ پ
 بهرام شاپور ۲۹ پ یزدگرد بزه گر ۴۲۲ پ
 بهرام گور ۱۴۸۸ پ، ۱۴۹۰، ۱۴۹۵ پ،
 ۱۵۴۱ پ، ۱۵۶۳، ۱۵۶۵، ۱۵۶۶، ۲۲۲۷ پ،
 ۲۳۳۴ پ
 جدّه - اسکندر ۶۶۲، ۶۶۵
 جز - شاپور ذوالاکتاف ۱۵۵ بهرام گور ۱۲۷۸،
 ۱۲۸۳، ۱۳۴۲، ۱۳۵۱، ۱۳۸۳
 جفوان (نیز حلوان، جعوان، خفوان، حفوان،
 خفران، حعوان) - اسکندر ۱۶۴۹، ۱۶۵۱،
 ۱۶۵۵
 جندشاپور - گندشاپور
 جندل - بهرام گور ۲۴۱۲
 جهرم (نیز - کهرم) - اسکندر ۶۳۷ اشکانیان ۳۷۷،
 ۳۷۹، ۶۲۲، ۶۲۵، ۶۹۴، ۶۹۷ پ اردشیر
 ۱۹۲ پ، ۱۹۵ یزدگرد بزه گر ۴۹۴، ۴۹۶، ۵۰۳
 جهره - اسکندر ۶۳۷ پ
 جیحون - بهرام گور ۱۵۶۱
 چاج - اشکانیان ۶۷
 چشمه ی سو - یزدگرد بزه گر ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۳۲،
 ۳۳۹، ۴۰۰ پ

- خزر - بهرام گور ۱۴۱۸
 خورسان - شاپور ۹۱
 خورشان - شاپور ۹۱
 خوزستان - شاپور ۹۱
 خوزیان (بنداری بلاد الخوز دارد) - شاپور ۹۱
 شاپور ذوالاكتاف ۲۴۵، ۳۲۷، ۵۵۹
- دریای پارس - اشکانیان ۵۱۸
 دریای چین - اسکندر ۱۱۷۵ اشکانیان ۵۸۴
 ۵۹۵ پ بهرام گور ۱۹۷۵ پ
 دریای سند - بهرام شاپور ۲۹ پ
 دریای شهد - شهد
 دریای قنوج - بهرام گور ۱۹۲۱
 دریای مصر - اسکندر ۶۵۳
 دریای نیل - اسکندر ۱۰۰۴ پ، ۱۵۹۲ اردشیر
 ۲۲۸، ۲۲۷ پ شاپور ذوالاكتاف ۲۶۹ پ
 دشت جز - جز
 دشت جهرم - بهرام گور ۲۴۲
 دشت سواران نیزه‌گزار - اسکندر ۱۸۳ یزدگرد
 بزه‌گر ۴۱۴
 دشت قرطان - یزدگرد بزه‌گر ۲۲۲ پ
 دشت کنعان - اسکندر ۴۹۱ پ
 دشت نخچیرگان - بهرام گور ۲۵۵
 دشت نیزه‌سواران - یزدگرد بزه‌گر ۳۶
 دشت نیزه‌وران - یزدگرد بزه‌گر ۴۵
 دیلم - اشکانیان ۴۱۷
 ذات‌المعاد - اسکندر ۱۴۹۱ پ
- رام اردشیر - اردشیر ۶۳۸، ۶۴۱ پ
 راه شهد - شهد
 روس - بهرام گور ۱۹۷۵ پ
- روم - اسکندر ۱۶۲، ۳۲۸، ۳۵۰، ۵۰۹، ۵۲۲
 ۵۳۳، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۶۲، ۶۰۱ پ
 ۶۰۵، ۷۹۴، ۸۳۲، ۹۹۰، ۱۲۳۳، ۱۲۳۷ پ
 ۱۲۳۹، ۱۲۴۹، ۱۲۷۷، ۱۵۰۹، ۱۵۱۶ پ
 ۱۵۳۸، ۱۵۴۱، ۱۵۶۸، ۱۶۰۶، ۱۷۱۸ پ
 ۱۷۳۲، ۱۷۴۰، ۱۷۷۰، ۱۷۷۴، ۱۷۷۸ پ
 ۱۸۰۲، ۱۸۱۰، ۱۸۴۶ پ اشکانیان ۷۳
 ۸۵، ۹۰ اردشیر ۱۹۳، ۳۸۱، ۴۲۳، ۴۳۹
 شاپور ۶۲، ۸۷، ۹۰ شاپور ذوالاكتاف ۱۳۹
 ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۶۶، ۱۸۸، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۲۵ پ
 ۲۲۷، ۲۸۱، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۲۵، ۴۲۶ پ
 ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۶۵ پ
 ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۸، ۴۸۱، ۴۸۹، ۴۹۲ پ
 ۴۹۵، ۴۹۶، ۵۱۴، ۵۲۰، ۵۳۰، ۵۳۴ پ
 ۵۴۴، ۵۵۱، ۵۵۴، ۵۶۲ یزدگرد بزه‌گر
 ۵۸، ۲۹۳، ۴۲۹، ۴۳۶، ۶۴۰ پ بهرام گور
 ۵۷۲، ۹۴۰، ۱۱۲۴، ۱۳۲۱، ۱۳۳۵، ۱۴۱۸ پ
 ۱۴۲۳، ۱۴۲۹، ۱۴۳۰، ۱۴۶۰، ۱۵۶۰ پ
 ۱۷۱۱، ۱۷۱۴، ۱۷۱۶، ۱۷۱۷ پ
 ۱۷۱۸، ۱۷۲۶، ۱۷۳۰، ۱۹۲۰ پ
 ۱۹۷۵ پ
- ری - اشکانیان ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۵۹، ۳۳۳، ۴۵۶
 بهرام گور ۱۴۱۹، ۱۴۵۲، ۱۹۲۰ پ
 ریگ‌فرب - بهرام گور ۱۵۴۱
- زابلستان (نیز - زاولستان) - اشکانیان ۲۶
 زاولستان - اشکانیان ۲۶ پ بهرام گور ۱۴۵۳
- سپاهان - بهرام گور ۱۴۱۹
 سپهان (نیز - اسپهان، سپاهان) - اشکانیان ۸۰
 ستاباد شاه اردشیر (نیز سناباد، سناباد، شتاپاد،
 شناباد) - اردشیر ۶۴۱، ۶۴۱ پ

شهر زنان - اسکندر ۱۳۱۸	سد اسکندری - اسکندر ۱۴۷۳، ۱۹۰۷
شهر زور - اسکندر ۱۸۸۸ اشکانیان ۴۶۲ پ،	سطخر - اسکندر ۹۳ پ اشکانیان ۳۴۴، ۳۷۳، ۴۰۸،
۴۶۶ پ، ۷۸۶ پ	۵۱۲، ۴۹۸، ۲۳۳ بهرام گور ۱۴۱۴، ۱۶۱۰
شهر فرب - فرب	سقلاب - اسکندر ۱۷۳۱ بهرام گور ۱۹۲۰، ۱۹۷۵
شهر گجاران - اشکانیان ۵۱۸، ۵۶۷، ۵۷۰	سند - اسکندر ۴۶۳ پ، ۵۱۰، ۷۰۶، ۸۵۷، ۹۵۴
شهر گور - اشکانیان ۴۵۸ پ، ۴۶۲، ۴۶۶، ۷۷۶	۱۶۵۵، ۱۶۵۶ بهرام گور ۱۸۸۲، ۱۹۲۱
شهر هروم - هروم	۲۴۱۱ پ، ۲۴۱۱
شهر یمن - یمن	سندل - بهرام گور ۲۴۱۱
شیراز - اشکانیان ۸	سو - چشمه‌ی سو
صبهان - اشکانیان ۸۰ پ	سوتان بغداد - یزدگرد بزه‌گر ۴۲۶ پ
صطخر - صطخر	سورسان - یزدگرد بزه‌گر ۱۰۹ پ، ۱۱۰ پ
سندل - سنال	سورستان - شاپور ذوالاکتاف ۱۰۹ پ، ۲۴۵، ۳۲۷
طراز - اردشیر ۱۹۳	سوریا - یزدگرد بزه‌گر ۱۱۰ پ
طوس - یزدگرد بزه‌گر ۳۲۱، ۳۶۲	سوریان - شاپور ذوالاکتاف ۳۲۷ پ یزدگرد بزه‌گر
طیسفون - اشکانیان ۷۷۸ شاپور ذوالاکتاف ۶،	۱۰۹ پ، ۱۱۰ پ
۲۶ پ، ۲۸، ۳۱، ۳۴۲، ۳۵۱، ۳۶۱، ۳۶۵	سیستان - یزدگرد بزه‌گر ۱۰۹ پ، ۱۱۰ پ
۳۹۸، ۴۲۶ بهرام گور ۱۶۲۶	شاپور کرد - شاپور ۸۸
طیسفون - طیسفون	شادروان شوشتر - شاپور ۹۷ پ
طیسفون - طیسفون	شام - شاپور ذوالاکتاف ۵۶۴
ظلمات - اسکندر ۳۵۱ پ	شستر - شاپور ۱۰۴ پ
عدن - یزدگرد بزه‌گر ۲۳۱	شورسان - شاپور ذوالاکتاف ۱۱۰ پ، ۲۴۵ پ،
عرب - شاپور ذوالاکتاف ۱۱۷، ۱۱۹ یزدگرد بزه‌گر	۳۲۷ پ
۲۵۴ پ، ۲۰۴ پ، ۲۸۴، ۳۰۳ پ	شورستان - شاپور ذوالاکتاف ۳۲۷ پ یزدگرد
عموریه - اسکندر ۷۱ شاپور ۶۴ پ، ۶۶ پ، ۷۷ پ،	بزه‌گر ۱۰۹، ۱۱۰، ۴۲۶
۸۴ پ، ۸۷ پ	شوشتر - شاپور ۹۷ پ
عهرم - اسکندر ۶۷ پ	شهد (نیز - دریای شهد، راه شهد) - یزدگرد بزه‌گر
فرات - اردشیر ۶۴۰	۳۳۲، ۳۳۷
	شهر ایران - ایران
	شهر برهمن - اسکندر ۱۰۵۶، ۱۱۳۶
	شهر جور - اشکانیان ۴۶۲ پ، ۴۶۶ پ، ۷۷۶ پ
	شهر روم - اسکندر ۲۵۵ پ

گوزبان - یزدگرد بزه‌گر ۳۷۴	فرب - بهرام گور ۱۵۵۸
گرگان - اشکانیان ۷۶ پ بهرام گور ۱۵۱۵، ۱۵۱۶	فردوس - اسکندر ۱۳۴۰
گندشاپور (بنداری جندیسابور دارد) - اردشیر	قادیسی (نیز - قادیسیه) - اسکندر ۶۳۷ شاپور
۱۵۷، ۶۳۶ پ	ذوالاکتاف ۲۷
گنگ - اسکندر ۶۸۷ پ	قادیسیه - قادیسی
گورخانه‌ی شداد عاد - اسکندر ۱۴۸۳ پ	قالونیه - شاپور ۶۴ پ، ۶۶ پ، ۷۱ پ، ۸۴ پ، ۸۷ پ
گیل (نیز - گیلان) - اشکانیان ۴۱۷	قالویه - شاپور ۸۴ پ، ۸۷ پ
گیلان - بهرام گور ۱۴۵۲	قلزم - بهرام شاپور ۲۹ پ
مای و مرغ - بهرام گور ۱۵۴۳	قنوج - اسکندر ۴۶۰ اشکانیان ۲۶ شاپور
مرو - بهرام گور ۱۴۹۸، ۱۵۰۱، ۱۵۰۳، ۱۵۰۵	ذوالاکتاف ۴۷۴ بهرام نور ۱۹۷۵، ۲۰۵۵
۱۵۱۱، ۱۵۱۹، ۱۵۲۳ پ، ۱۵۳۱، ۱۵۷۷ پ	۲۱۲۱، ۲۱۲۲، ۲۱۸۳، ۲۲۰۰، ۲۲۰۹
مسجد الحرام - حرم	۲۲۱۶، ۲۲۶۷، ۲۲۷۱، ۲۳۰۲، ۲۳۱۰
مصر - اسکندر ۵۳۴، ۵۴۶ پ، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۷۰	۲۳۵۱، ۲۴۰۸، ۲۴۶۵
۱۷۷۵، ۶۷۸	قیدافه - شاپور ۶۲، ۶۵
مغرب - اسکندر ۱۳۲۷	کابل - بهرام گور ۲۴۱۱
مکران - اسکندر ۱۷۹۲ اشکانیان ۵۸۴ یزدگرد	کابلستان (نیز - کاولستان) - اشکانیان ۲۶
بزه‌گر ۴۲۹، ۴۴۲ پ	کاولستان - اشکانیان ۲۶ پ
مکران زمین - مکران	کرمان - اشکانیان ۵۸۰، ۵۸۴ پ ۷۷۷
مکه - اسکندر ۶۳۸، ۶۴۰	کشمیر - بهرام گور ۲۴۱۳
مندل - بهرام گور ۲۴۱۲	کشمین - بهرام گور ۱۵۲۰، ۱۵۲۴، ۱۵۳۱
مولتان - بهرام گور ۲۴۱۳، ۲۴۱۴ پ	کشور خوزیان - اردشیر ۶۳۶
مهر (آتشکده) - اشکانیان ۱۰۵	کعبه - حرم
میلاب (تنهادر بنداری) - اسکندر ۲۳۴ پ، ۴۶۰ پ	کنام اسیران - شاپور ذوالاکتاف ۵۶۶
میلاب (نیز - شارستان میلاد؛ بنداری میلاب	کنک شاپور - گند شاپور
دارد) - اسکندر ۲۳۵، ۳۰۰ پ، ۳۲۱، ۴۵۱،	کورستان - شاپور ذوالاکتاف ۲۱۵ پ
۴۶۰	کوه گنگ - بهرام گور ۲۰۹۸
نجف - یزدگرد بزه‌گر ۴۲۶ پ	کهرم - اسکندر ۶۳۷ پ
نسا - بهرام گور ۱۵۱۶	کیش - شاپور ذوالاکتاف ۲۷ پ
نصیین - شاپور ذوالاکتاف ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۹ پ،	گجاران - شهر گجاران
۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۰ پ، ۵۴۴ پ	

۲۲۰۵ پ، ۲۲۳۹، ۲۲۸۱، ۲۴۱۱ پ،
۲۴۶۰ پ، ۲۴۶۰

هندوستان - سنکار ۱۰۹، ۳۳۱، ۴۲۴، ۴۴۰ پ،
۴۵۰ پ، ۵۴۵، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۲۲، ۱۷۸۴
اشکانیان ۴۴۴، ۹ اردشیر ۱۷، ۱۸ پ، ۱۹،
۲۳ بهرام گزر ۱۸۸۰، ۱۹۰۷، ۱۹۲۵، ۱۹۵۷،
۱۹۹۴، ۲۰۰۴، ۲۱۰۱، ۲۱۲۳ پ، ۲۱۲۹،
۲۱۳۷، ۲۱۰۹، ۲۱۶۷، ۲۱۷۳ پ، ۲۱۸۴،
۲۲۱۳، ۲۲۳۱، ۲۲۵۴، ۲۳۰۲ پ، ۲۳۴۳ پ،
۲۴۰۹، ۲۴۵۴، ۲۴۷۱، ۲۴۶۰ پ، ۲۴۷۷

یمن (نیز - شهر یمن) - اسکندر ۶۴۹، ۶۵۰ پ،
۶۵۳، ۶۵۷، ۱۶۶۹-۱۶۷۲، ۱۶۸۰، ۱۶۸۳
شاپور ذالاکتاف ۳۸ پ، ۴۵، ۴۶ پ
یزدگرد بزه‌گر ۸۳، ۸۷، ۱۶۲، ۲۱۷، ۲۲۹،
۲۳۱، ۲۵۴، ۳۰۳ پ، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۸۸، ۴۹۶
یونان - اسکندر ۱۸۱۶ پ

نهروان - بهرام گور ۲۴۲۱
نیران (نیز انیران) - یزدگرد بزه‌گر ۴۴۲ بهرام گور
۲۳۳۴

نیل - اسکندر ۳۷۴ پ بهرام شاپور ۲۹ پ
نیمروز - اسکندر ۱۶۶۸

هروم (نیز - شهر هروم) - اسکندر ۱۲۳۳، ۱۲۳۷،
۱۲۳۹، ۱۲۴۹، ۱۲۵۸، ۱۲۶۵، ۱۲۷۷، ۱۳۲۲
هند - اسکندر ۱۰۶، ۲۵۳ پ، ۲۹۹، ۳۰۱، ۴۳۳،
۴۶۳، ۵۱۰، ۵۷۰، ۵۸۰ پ، ۶۰۷، ۶۱۴،
۶۲۵ پ، ۸۵۷، ۹۵۴، ۱۶۵۶، ۱۷۳۱ اردشیر
۱۷۰، ۱۹۳، ۴۲۳، ۴۳۹، ۵۱۳ یزدگرد بزه‌گر
۵۸، ۷۰ پ، ۴۲۹، ۴۳۶ بهرام گور ۱۴۲۳،
۱۴۳۰ پ، ۱۸۸۲، ۱۸۸۷ پ، ۱۹۱۲، ۱۹۲۱،
۱۹۴۱، ۱۹۵۲، ۱۹۶۸ پ، ۱۹۷۷، ۱۹۸۴،
۲۰۳۳ پ، ۲۰۳۸، ۲۰۵۱، ۲۰۸۳، ۲۰۸۸،
۲۱۱۲ پ، ۲۱۱۳، ۲۱۳۶، ۲۱۳۸، ۲۱۳۹،
۲۱۵۷ پ، ۲۱۹۱، ۲۱۸۴ پ، ۲۲۰۱ پ